

الخصال الممدوحه و المذمومه «صفات پسندیده و نکوهیده»

نویسنده: محمد بن علی بن بابویه

«شیخ صدوق» رحمته الله

تذکر این کتاب توسط مؤسسه فرهنگی - اسلامی
شبكة الامامین الحسنین علیهم السلام به صورت
الکترونیکی برای مخاطبین گرامی منتشر شده
است. لازم به ذکر است تصحیح اشتباهات تایپی
احتمالی، روی این کتاب انجام گردیده است

مقدمة المؤلف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله الذى توحد بالوحدانية و تفرد بالإلهية و فطر العباد على معرفته و كل الألسن عن صفته و حجب الأبصار عن رؤيته الذى علا عن صفات المخلوقين و جل عن معانى المحدودين فلا مثل له فى الخلائق أجمعين و لا إله غيره لجميع العالمين. و أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له شهادة مقر بتوحيده راغب فى كرامته تائب من ذنوبه. و أشهد أن محمدا عبده و رسوله اصطفاه برسالته و أودعه معالم دينه و بعثه بكتابه حجة على عباده. و أشهد أن على بن أبى طالب وصيه و خير الخلق بعده و القائم بأمره و الداعى إلى سبيله و أنه أمير المؤمنين و سيد الوصيين و أولى الناس بالنبيين و أن زوجته فاطمة الزهراء سيدة نساء العالمين و أن الحسن و الحسين و الأئمة « التسعة » من ولده أئمة الهدى و أعلام التقى و حجج الله على أهل الدنيا و أشهد أن من تبعهم نجا و من تخلف عنهم هلك صلوات الله عليهم و على أرواحهم و أجسادهم و رحمة الله و بركاته. أما بعد فإنى وجدت مشايخى و أسلافي رحمة الله عليهم قد صنفوا فى فنون العلم كتباً و أغفلوا عن تصنيف كتاب يشتمل على الأعداد و الخصال المحمودة و المذمومة و وجدت فى تصنيفه نفعا كثيرا لطالب العلم و الراغب فى الخير فتقربت إلى الله جل اسمه بتصنيف هذا الكتاب طالبا لثوابه و راغبا فى الفوز برحمته و أرجو أن لا يخيبنى فيما أملته و رجوته منه بتطوله و منه إنَّه على كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

ترجمه مقدمه مؤلف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سپاس خدائی را که در تنهائی یکتاست و به پرستش یگانه، آب و گل بندگان را بشناسائی خود سرشت و زبانها در توصیفش کوتاه و دیده‌ها از دیدارش محجوب است خدائی که والاتر از صفات آفریدگان است و بالاتر از دسترس مغزهای کوچک آنان، نه مانندش در همه آفریدگان هست و نه معبودی جز او برای همه جهانیان. گواهی میدهم به یگانگی خداوند و بی‌نیازیش، و به این گواهی اقرار و اعتراف دارم و چشم امیدم به آستان کرم او است و از گناهان خودم پشیمان و گواهی میدهم که محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بنده و فرستاده او است که خدایش برسالت برگزید و دانستنیهای دین خود را بوی سپرد و او را با قرآن فرستاد تا معجزه‌اش بر بندگان باشد و گواهی میدهم که علی بن ابی طالب صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جانشین او است و بجز رسول خدا از همه مردم بهتر است بدستور الهی قیام کرد و مردم را براه حق خواند و امیر مؤمنان و سرور جانشینان و سزاوارتر از همه بر پیمبران او است و همسرش فاطمه زهرا سر آمد بانوان جهان است و حسن و حسین و نه تن امام که از فرزندان حسین هستند پیشوایان هدایت‌اند و نمونه‌های تقوی و حجت‌های خداوند بر اهل دنیا، و گواهی دهم که هر کس پیروی آنان کرد نجات یافت و آنکه از آنان بازماند تباه شد درودهای خداوندی و رحمت و برکاتش بر جسم و جان و روانشان باد.

اما بعد، با توجه باینکه اساتید و پیشینیانم (خدایشان بیامرزد) در رشته‌های علمی کتابهائی نگاشته‌اند ولی از نگارش

کتابی که شامل اعداد و شمارش کردارهای نیک و بد باشد غفلت داشته‌اند. و با توجه به اینکه نگارش کتابی چنین، از برای دانشجویان و نیکخواهان بسی سودمند است من این کتاب را تصنیف کردم و بدین وسیله به پیشگاه خداوند جل اسمه تقرب جسته در طلب پاداشی از اویم و خواهان نائل آمدن برحمتش و امیدوارم که با کرمش منتهی بر من نهاده و مأیوسم نفرماید که او بر هر چیز توانا است.

مقدمه مترجم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

از نخستین روزی که آفتاب وحی اسلام بر افق حجاز تابید و افکار مسلمانان با سخنان وحی پیغمبر گرامی آشنا گردید. اصحاب خاص رسول خدا ﷺ با بیداری و هشیاری مخصوصی در فراگرفتن وظایف دینی و دستورات الهی اهتمام مینمودند و بحکم ﴿ مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ ﴾ .

رفتار و کردار پیغمبر عزیز را مو به مو مورد توجه خود قرار میدادند تا مگر سرمشق زندگی آنان گردد و سعادت دنیا و آخرتشان را تامین نماید و بهمین منظور آنچه را که حاضرین محضر پیغمبر از گفتار و کردار پیشوای عظیم الشان خود فرا میگرفتند بغائبین میرساندند و بطور مسلم تحریص و ترغیب رسول اکرم ﷺ نیز در ضبط و حفظ مطالب و تبلیغ و توسعه مرام اسلام سهم عمده ای را داشت که میفرمود:

خداوند شاد و خرم فرماید بنده ای را که سخن مرا بشنود و نیکو فراگیرد و آنگاه آن را به گوش کسی که نشنیده است برساند که چه بسا حکمی از احکام دین بوسیله فردی بی سواد بدست دیگران میرسد و چه بسا فرد فهمیده و دانشمندی مطلبی از مطالب دین را بر کسی که فهمیده تر و دانشمندتر از اوست میرساند.

و در روایت دیگر فرمود: خداوند شاد و خرم فرماید کسی را که سخنی از ما بشنود و به همان کیفیت که شنیده است بازگو کند که بسا شود تبلیغ تبلیغ کننده ای از شنونده بهتر نگهدار سخن است و در روایت دیگر است که: باید هر آنکه حاضر است بر

کسی که غایب است برساند که بسا است شخصی حاضر بر کسی حدیث میرساند که از خود حاضر نگه دارتر است و در حدیث دیگر است: کسی که به امت من حدیثی را برساند که سنتی به آن بر پا گردد و پایه بدعتی بدان بشکند بهشت از برای او خواهد بود.

و در روایت دیگر است: کسی که دو حدیث یاد بگیرد که خود بدان بهره‌مند شود و یا دیگری را بیاموزد تا او از آن بهره‌مند گردد از عبادت شصت سال بهتر خواهد بود.

و از علی بن ابی طالب ع روایت است که فرمود: رسول خدا ص فرمود: بار الها رحمت خود را شامل حال جانشینان من بفرما بار الها رحمت خود را شامل حال جانشینان من بفرما، بار الها رحمت خود را شامل حال جانشینان من بفرما، عرض شد یا رسول الله جانشینان شما کیانند؟ فرمود آنان که پس از من بیایند و حدیث مرا روایت کنند معاویه بن عمّار گوید: به امام صادق ع عرض کردم: کسی که حدیث شما را روایت میکند و آن را در میان مردم پخش مینماید و دلهای آنان و دلهای شیعیان شما را با این کار محکم میکند و کسی که نمیکند ولی عابد است کدام یک از این دو برتر است؟ فرمود: آنکه حدیث ما را روایت میکند و دلهای شیعیان ما را بدین وسیله محکم میسازد از هزار عابد برتر است.

امام صادق ع فرمود: کسی که چهل حدیث از حدیثهای ما را حفظ کند خداوند بر روز قیامت او را عالمی فقیه مبعوث میکند.

علی بن حنظله گوید شنیدم امام صادق ع میفرمود: قدر و منزلت مردم را در نزد ما به میزان روایتشان از ما بشناسید.

گرد آوری حدیث رسول خدا ص هم چنان که به روایت حدیث دستور فرمود جمع

آوری آن را نیز دستور داد که از آن حضرت روایت کرده اند که فرمود: دانش را در بند کنید عرض شد: بند نمودن دانش چیست؟ فرمود: نگاشتن اش.

عبد الله بن عمر گوید: عرض کردم یا رسول الله دانش را به بند در آورم؟ فرمود: آری گفته شد ببند در آوردن دانش چیست؟ گفت نوشتن آن و در باب (کتابت العلم) از صحیح بخاری است که مردی یمنی حدیث رسول خدا ﷺ را شنید عرض کرد یا رسول الله برای من بنویس فرمود: برای فلانی (ابی شاة) بنویسید.

و روایت شده است که مردی از انصار در مجلس پیغمبر می‌نشست و از آن حضرت حدیث می‌شنید و حدیث پیغمبر او را خوش می‌آمد ولی حدیث را از یاد می‌برد شکایت فراموشی خود به نزد پیغمبر برد رسول خدا ﷺ اشاره بدست‌اش نموده فرمود: از دست راست خود کمک بگیر یعنی بنویس.

عمرو بن شعیب از پدرش و او از جدش نقل میکند که عرض کردم: یا رسول الله هر چرا که از تو می‌شنوم بنویسم؟ فرمود آری عرض کردم: چه خوشنود باشید چه خشمناک؟ فرمود آری زیرا که من در همه این حالات بجز حق نخواهم گفت.

جلوگیری از نگاشتن حدیث چنانچه گفتیم پیغمبر عظیم اسلام و پیشوایان دین بمنظور توسعه و پایداری تعلیمات مذهبی مسلمانان را بحفظ و نوشتن احادیث ترغیب و تحریص مینمودند ولی با کمال تأسف مسلمانان صدر اول بر خلاف این خواسته پیغمبر برای پیشرفت مقاصد سیاسی خود از نوشتن و نگهداری احادیث رسول خدا ﷺ جلوگیری نمودند و با این عمل بزرگترین ضربه را بر پیکر تعالیم عالیه دین وارد نمودند و

زیان‌هایی که از این راه متوجه جامعه اسلامی گردید و تحریفاتی که در اثر این کار در نقل احادیث روی داد بیش از حد بیان است و برای اینکه سرپوشی برای این جنایت داشته باشند دانسته و یا احتمالاً ندانسته روایاتی را از رسول خدا ﷺ دست آویز خود نمودند که در آن روایات رسول خدا ﷺ از نوشتن حدیث نهی فرموده است!! در صورتی که بنظر ما روایات مزبور در موارد خاصی وارد شده است و معانی روایات بفرض صدور، آن نیست که عامّه استفاده نموده‌اند اینک روایات:

۱ - روایتی است که احمد و مسلم و دارمی و ترمذی و نسائی از ابی سعید خدری نقل کرده‌اند که رسول خدا ﷺ فرمود:

لا تکتبوا عنی شیئا سوی القرآن فمن کتب عنی غیر القرآن فلیمحه:

بجز قرآن چیزی از من ننویسید و هر کس بجز قرآن نوشته است محو و نابودش سازد. این یکی از روایاتی است که عامّه برای عدم جواز کتابت حدیث بدان استدلال کرده‌اند.

ولی ظاهراً مقصود از این روایت این است که رسول خدا ﷺ دستور فرموده‌اند که اصحاب بهنگام نوشتن قرآن احادیثی را که بمناسبت از رسول خدا ﷺ در مورد آیات شنیده‌اند ننویسند و آنها را داخل در قرآن نکنند که مبدا تحریفی در کلام الهی روی دهد و کلماتی که جزو قرآن نیست از قرآن محسوب گردد نه اینکه از نوشتن مطلق حدیث نهی فرموده باشد.

و بنا بر این، روایت دیگر ابی سعید که دارمی نقل میکند:

انهم استأذنوا النبی ﷺ فی ان یکتبوا عنه فلم یأذن لهم (از رسول خدا ﷺ اجازه خواستند که از زبان او بنویسند

به آنان اجازه نفرمود) و نیز روایت دیگر او را که ترمذی از عطاء بن یسار نقل میکند.

ابی سعید گوید: استأذنا النبي ﷺ في الكتابة فلم يأذن لنا.

(ما از رسول خدا ﷺ اجازه نوشتن خواستیم و آن حضرت بما اجازه نفرمود) باید به همین معنا که نقل شده حمل نمائیم مخصوصا با توجه به اینکه آن روز عدد افراد با سواد در میان مسلمین بسیار اندک بود و کتاب وحی افراد معینی بودند و رسول خدا ﷺ نمیتوانست به هر کسی اجازه نوشتن بدهد. و هم چنین روایتی که ابن سعد نقل میکند که زید بن ثابت بر معاویة داخل شد و معاویة از زید حدیثی پرسید و کسی را دستور داد تا حدیث را بنویسد یزید بمعاویة گفت: رسول خدا ﷺ ما را دستور داده است که هیچ از حدیث او را ننویسیم. ظاهر این روایت این است که زید استنباط خود را نقل میکرده و خیال کرده است که رسول خدا ﷺ از نوشتن مطلق حدیث نهی فرموده است در صورتی که حقیقت غیر از این بوده است و چنانچه گفتیم زید متوجه نشده است.

۲ - حاکم بسند خود از عایشه نقل میکند که گفت پدرم از رسول خدا ﷺ پانصد حدیث جمع آوری نمود شبی که سر به بالین نهاد آرام نگرفت و همه شب در اضطراب و ناراحتی بود عایشه گوید مرا از این ناراحتی پدرم اندوه فراوانی بر دل نشست و پیش خود گفتم شاید عضوی از او بدرد آمده و یا خبر ناخوشی را شنیده است چون صبح شد بمن گفت: دخترم آن حدیث‌هایی را که در نزد تو است بیاور من آنها را آوردم او همه را سوزانید و گفت ترسیدم

که مبادا بمیرم و این احادیث در نزد تو بماند و در میان آنها حدیث‌هایی باشد که من از شخص مورد اطمینانی نقل کرده باشم ولی حدیث غیر از آن باشد که او بمن گفته است و آنگاه مسئولیت آن بگردن من بیفتد. این روایت را نیز در ردیف روایاتی که از نوشتن حدیث منع میکند!! ذکر کرده‌اند ولی بطوری که ملاحظه می‌شود به فرض صحّت روایت اوّلاً مضمون آن حکایت از عمل ابو بکر میکند نه اینکه روایتی از رسول خدا ﷺ باشد و ثانیاً در صورتی که عمل ابو بکر را توجیه کنیم باید بگوئیم که ناظر به روایاتی است که رسول خدا ﷺ فرموده است من کذب علی فهو فی النار : (هر کس که به من دروغ به بندد جایگاهش آتش است) و ابوبکر از ترس اینکه مبادا در میان احادیث حدیث دروغی باشد خوابش نمی‌برده!! و صبح، حدیثها را سوزانیده است و بلکه خود همین روایت میبایست در نظر عامّه دلیل بر جواز تدوین حدیث باشد زیرا ابو بکر پانصد حدیث بحسب این روایت جمع کرده بوده است مگر اینکه بگوئیم عمل او را نمیتوان دلیل بر جواز گرفت و در این صورت ذیل روایت که میگوید: ابو بکر احادیث را سوزانیده قابل استناد نبوده و از درجه اعتبار ساقط خواهد شد دقت شود.

۳ - ابن عبد البرّ حافظ و بیهقی در المدخل از عروة نقل میکنند که عمر خواست تا احکام و دستورات دینی را بنویسد از اصحاب رسول خدا ﷺ و سلّم در این باره نظر خواست.

در (روایت بیهقی است که با اصحاب رسول خدا ﷺ در این باره مشورت نمود) آنان نظر دادند که بنویسد عمر تا یکماه در این باره از خداوند طلب خیر مینمود!! تا اینکه يك روز صبح خداوند تصمیم در دل

عمر افکنند! و عمر گفت: همانا من میخواستم که احکام و دستورات دین را ننویسم ولی متذکر شدم که جمعی پیش از شما کتابهایی نوشتند و بر آن کتابها رو آوردند و کتاب خدا را ترک گفتند و من بخدا قسم کتاب خدا را هرگز بچیز دیگر در نیامیزم.

و در روایت بیهقی است که (لا ألبس کتاب الله بشيء أبدا) من کتاب خدا را هرگز بچیز دیگری مشتبه نسازم.

و یحیی بن جعدہ نیز روایت میکند که عمر بن خطاب خواست که سنت پیغمبر را بنویسد ولی بعدا تصمیم گرفت که ننویسد و به شهرها بخشنامه کرد که هر کس چیزی نزد او هست آن را بسوزاند. و ابن سعد از عبد الله بن علاء روایت میکند که از قاسم بن محمد درخواست کردم تا مگر حدیثهایی را بر من املاء کند او گفت: در زمان عمر بن الخطاب حدیثها فراوان گردید و مردم از هر سو احادیث را به نزد عمر آوردند همین که آنها را آوردند عمر دستور سوزاندن احادیث را داد و سپس گفت این هم همچون مثنات اهل کتاب مثنات دیگری است. راوی گوید قاسم بن محمد آن روز مرا از اینکه حدیثی بنگارم بازداشت. و بر این روایات نیز اولاً همان اشکالی که به روایت عایشه شد وارد است و آن اینکه عمل عمر قابل استناد نیست و ثانیاً را بیان میکند از قلم می‌اندازد ولی در عوض افسانه ساختگی سبائیّه را با آن تفصیل نقل میکند. چرا؟ برای اینکه آن افسانه بدین ابی ذر لطمه وارد آورده و او را مردی بیخرد معرفی میکند و در عین حال برای معاویه زمامدار قدرت وقت و بقیه رؤسای دولت نسبت بجنایاتی که کرده‌اند عذرهایی تراشیده است، و همین طور در بقیه موارد.

یعنی در هر جا که داستان راجع به يك صحابی فقیر از طرفی و یکی از گردن کلفت‌های قریش از طرف دیگر است مانند عمار و معاویه همین نقش را بازی کرده است و بهمین جهت است که طبری در نزد سنی‌ها امام المورّخین لقب یافته و تاریخش صحیح‌ترین تاریخهای اسلامی قلمداد شده است ابن اثیر در مقدمه تاریخش (الکامل) مینویسد:

.... نخست از تاریخ کبیری که امام ابو جعفر طبری تصنیفش کرده است شروع کردم زیرا آن تنها کتابی است که در نزد همه مورد اعتماد است و به هنگام اختلاف بدان مراجعه میکنند من نیز مطالبام را از آن گرفتم ...

تا آنجا که میگوید چون از این کار فارغ گشتم بقیّه تواریخ مشهور را گرفته و مطالعه نمودم و بر آنچه از تاریخ نقل کرده بودم چیزهایی را که در آن تاریخ نبود افزودم مگر مطالبی را که وابستگی به اصحاب رسول خدا ﷺ و سلم داشت که در این مورد بر آنچه ابو جعفر نقل کرده است چیزی نیفزودم بجز آنچه توضیح گفتار او باشد و یا نام کسی را تعیین نماید و یا مطلبی که در نقل آن به هیچ يك از صحابه طعن و انتقادی نباشد ...

با اینکه من هر چه نقل کرده‌ام از کتابهای تاریخی است که گفته شد و از کتابهای مشهور دانشمندان است که صدق گفتار و صحت تصنیفشان مسلم و معلوم است ...

ابن خلدون پس از بیان واگذاری امام حسن حکومت را بمعاویة میگوید: پایان آنچه درباره خلافت اسلامی نگاشته شد و آنچه در دوران خلافت اتفاق افتاد از ارتداد جمعی و فتوحات و جنگها و سپس اتفاق و اجتماع مسلمانان که من بطور

خلاصه برگزیده‌ها و کلیاتش را از کتاب محمد بن جریر طبری همان تاریخ کبیرش نگاشتم زیرا این کتاب از همه کتابهائی که ما در این موضوع دیده‌ایم بیشتر مورد اعتماد است و از طعن‌ها و شبهه‌هائی در بزرگان امت از برگزیدگان و عدول صحابه و تابعین شده است دورتر میباشد . . .

به دنباله همین سیاست حکومت قرشی بود که در کتب حدیث، رجال و غالب حدیثهائی را که متضمن فضائل اهل بیت است تضعیف نموده و راویان‌شان را جرح نموده‌اند هم چنان که در مقابل، راویان حدیثهائی را که مذمت قریش میکند جرح نمودند و در زیر لباس صحبت رسول خدا ﷺ عیوب و نقایص رجال بنی امیه را پوشانیدند و قواعدی برای تشخیص راوی ثقة از غیر ثقة وضع کردند مثلاً گفتند کسی که متهم به تشیع اهل بیت باشد نباید حدیث او را پذیرفت و شیعه در نزد آنان کسی است که قائل بتفضیل امیر المؤمنین بر سایر خلفاء باشد و روایت چنین کسی باید طرح شود همان طور که روایت رافضی باید طرح شود و رافضی کسی است که شیخین را رفض نماید و خلافت آنان را بر حق نداند. و روایت کسی که قائل به مخلوق بودن قرآن است باید طرح شود از این گونه قواعد برای توثیق و تضعیف راویان وضع کردند ولی با این حال محدثین، روایات این راویان را بطور کلی از کتابهای حدیث حذف نکردند.

در اواسط قرن سوم از هجرت بعضی از محدثین مانند بخاری متوفی (۲۵۶ ه) و مسلم متوفی (۲۶۱ ه) دست بتألیف کتاب حدیثی زدند و در آن کتابها بسیاری از این روایات که حکومت قرشی و قدرت وقت را خوش آیند نبود حذف گردید و روایاتی را که با قطع نظر از این قواعد مجعوله در موازین حجیت تمام بود و در کتابهای

گذشتگان و بزرگان‌شان مانند امام احمد بن حنبل (متوفی ۲۴۱ هـ) ثبت بود از این مجامع حدیث انداختند و خود را یکباره از مخالفت دستگاه دولتی آسوده نمودند.

چون چنین کردند و در کتابهایشان از چنان حدیثها خبری نبود آن کتابها به صحاح نامیده شد و در میان عامه رواج گرفت و دیگر کتابهای حدیث از رونق افتاد و بازارش کساد شد.

و در میان کتب صحاح نیز صحیح بخاری از همه صحیحتر گردید تا آنجا که گفتند پس از قرآن: کتاب الهی، کتابی صحیحتر از صحیح بخاری نیست! چرا؟ برای اینکه بیشتر از بقیه، مراعات همان قواعد را نموده.

برای اینکه از عمران بن حطان (متوفی ۸۴ هـ) خارجی مذهب که در باره عبد الرحمن بن ملجم و ضربتی که بفرق مبارک علی علیه السلام زد مدیحه‌سرائی میکند و میگوید:

يا ضربة من تقى ما اراد بها الا ليبلغ
من ذى العرش رضوانا انى لا ذكره يوما
فاحسبه اوفى البرية عند الله ميزانا آرى
بخارى از چنین کسی روایت میکند ولی از ششمین امام خاندان رسالت و حضرت صادق جعفر بن محمد علیه السلام حتی يك روایت هم برای نمونه در کتابش نمی‌آورد و ذهبی در تاریخ اسلام ج ۶ و ۴۶ در ترجمه امام صادق علیه السلام

میگوید که امام مالک متوفی (۲۷۹ هـ) صاحب کتاب الموطأ تا حکومت بنی امیة برپا بود از امام صادق روایتی نکرده است تا آنکه حکومت بنی امیة منقرض گردید و دولت بنی عباس روی کار آمد در ایام حکومت بنی عباس از امام صادق روایت کرده ولی نه ابتدائاً بلکه پس از آنکه روایتی را از جمعی اراذل و اوباش نقل میکرد آنگاه

میگفت جعفر بن محمد نیز این روایت را نقل کرده است.

این بود مختصری از مفصل و مشتی از خروار راجع به صحاح عامّة حال اگر بخواهیم آثار و تبعات التزام به صحت همه احادیثی را که در کتب صحاح نوشته شده است بیان کنیم مثنوی هفتاد من کاغذ شود و با وضع مقدمه سازگار نخواهد بود.

شیعه و حدیث و کتاب و اما شیعه در جمع و تدوین حدیث و نقل راهی استوارتر و صحیح تر دارد اولاً پیشوایان مذهب از روز نخست به عکس آنچه عامّة از روایات خود استنباط کرده اند شیعیان خود را تحریر و ترغیب به نوشتن و نگهداری احادیث میفرمودند و خودشان نیز عملاً در مقام تعلیم بودند گرچه بنا به قولی اولین کس در شیعه که احادیث را جمع کرد و هر یک را بترتیب در باب مخصوص بخود نوشت ابو رافع غلام و آزاد شده رسول خدا ﷺ بود که کتاب (السنن و الاحکام و القضا) را نوشت. ولی علامه فقید شیخ محمد حسین آل کاشف الغطاء در کتاب (المطالعات و المراجعات و الردود) میگوید: نخستین کسی که جمع آوری حدیث نمود پسر ابی رافع بود که کاتب امیر المؤمنین علی بن ابی طالب و خزانه دار آن حضرت در بیت المال بود، بلکه حق مطلب این است که نخستین کس در تدوین حدیث شخص امیر المؤمنین بود چنان که از خبر صحیفه در صحیح مسلم و صحیح بخاری و مسند احمد و دیگر کتب روایت عامّة استفاده می شود بخاری در کتاب علم از ابی جحیفه نقل میکند که به علی ع عرض کردم: آیا کتابی نزد شما هست؟ فرمود نه مگر کتاب خدا یا قدرت فهمی که به فرد مسلمانی عنایت شود یا آنچه در این صحیفه

است عرض کردم در این صحیفه چیست؟ فرمود: حکم عقل و آزاد نمودن اسیر و اینکه مسلمان بقصاص کشتن کافر کشته نمیشود. و در کتاب جهاد راوی میگوید: به علی علیه السلام عرض کردم آیا بجز آنچه در کتاب خدا است چیزی از وحی نزد شماست؟ فرمود نه سوگند بخدائی که دانه را شکافت و آدمی را آفرید غیر وحی در نظر من فقط فهمی است که خداوند در فهمیدن قرآن بکسی عطا فرموده باشد و آنچه در این صحیفه است. عرض کردم: در این صحیفه چیست؟ فرمود عقل و فکاک اسیر و مسلم را بقصاص کافر نکشتن.

و در باب حرم مدینه از کتاب حج از ابراهیم تیمی و او از پدرش نقل میکند که علی علیه السلام فرمود: در نزد ما بجز کتاب خدا و این صحیفه که از پیغمبر است چیزی نیست مدینه حرم است از عائر تا فلان جا کسی که در آن شهر آشوبی برپا کند و یا به آشوبگری جای دهد لعنت خدا و ملائکه و همه مردم بر او باد و هیچ صرف و عدلی از او پذیرفته نمیشود (فرمود:) ذمه همه مسلمانان یکی است کسی که با مسلمانی پیمان بشکند لعنت خدا و ملائکه و همه مردم بر او باد و هیچ صرف و عدلی از او پذیرفته نیست و کسی که بدون اجازه آقایان خود ولایت دیگری را بپذیرد لعنت خدا و ملائکه و همه مردم بر او باد ...

و بقیه روایاتی که از این صحیفه در ابواب مختلف صحیح بخاری و مسلم نقل شده است مانند کتاب جزیه و باب (اثم من عاهد ثم غدر و باب اثم من تبرأ من موالیه و باب کراهة التعمق و التنازع و الغلو فی الدین و در روایات ما نیز اثمه دین علیه السلام در موارد مختلف حکمی را از این صحیفه و یا کتاب دیگری از امیر المؤمنین بلفظ

(فی کتاب علی علیه السلام) بیان فرموده اند.

نجاشی در رجال خود ص ۲۷۹ ط ایران از عذافر صیرفی نقل میکند که با حکم بن عیینه خدمت امام باقر بودیم و حکم سؤالاتی از حضرت میکرد و امام باقر در پاسخ گوئی او بی‌میل بود تا آنکه در موردی اختلاف کردند امام باقر (به فرزندش) فرمود پسرم برخیز و کتاب علی را بیرون بیاور پس کتاب خطکشی شده بزرگی را بیرون آورد و باز کرده و مشغول مطالعه آن شد تا آنکه مسأله مورد بحث را در آورد.

پس امام باقر فرمود: اینک خطّ علی است و املاء رسول خدا ﷺ و روی به حکم کرده و فرمود: یا ابا محمد تو و سلمه و مقداد به هر سو که میخواهید از راست و چپ بروید بخدا قسم دانش را نزد کسی اطمینان بخش تر از نزد آنانی که جبرئیل به آنان فرود می‌آورد نخواهید یافت.

کلینی در کتاب الحجة کافی از بکر بن کرب صیرفی روایت میکند که گفت شنیدم امام صادق علیه السلام میفرمود: در نزد ما چیزی هست که با وجود آن نیازی به مردم نداریم و مردم بما بیازمنداند و همانا در نزد ما کتابی است که املاء رسول خدا ﷺ است و خطّ علی علیه السلام صحیفه‌ای است که هر حلال و حرام در آن ثبت است.

و از بعضی روایات استفاده می‌شود که امیر المؤمنین کتاب دیگری نیز بنام کتاب الفرائض داشته است چنانچه علی بن ابراهیم از پدرش و او از ابن فضال و محمد بن عیسی و یونس نقل میکنند که گفته‌اند همگی ما کتاب (الفرائض) را که از امیر المؤمنین علیه السلام بود بنظر مبارک ابی الحسن امام رضا رساندیم و فرمود: صحیح

است. و نیز در روایات متعددی است که پس از وفات رسول خدا ﷺ حزن و اندوه فراوانی بر دل فاطمه زهرا نشست و خداوند فرشته‌ای را مامور کرد تا با حضرتش انس بگیرد تا مگر اندوه فراق پدر را تخفیفی باشد فرشته آمد و برای فاطمه علیها السلام حدیث میگفت امیر المؤمنین علیه السلام آن حدیثها را ثبت میکرد تا آنکه کتابی شد که جزء مواریث ائمه علیهم السلام بود بنام مصحف فاطمه.

و فی درّ النظیم حدیث موسی بن سنان الجرجانی خالی سمعت امّ کلثوم بنت علی علیها السلام تقول انّ امیر المؤمنین لما ضربه ابن ملجم لعنه الله دعا ابنیه الحسن و الحسین علیهم السلام و اوصی الیهما و سلّم الی الحسن خاتمه و سلّم الیه ذّا الفقار و سلّم الیه الجفر الا بیض و الاحمر و سلّم الیه الجامعة و سلّم الیه مصحف فاطمة الخیر...

و روایتی را مرحوم محدث نوری از کتاب دلائل الامامة طبرسی مسندا از ابن مسعود نقل میکند که حدیثی مکتوب از رسول خدا ﷺ بفاطمه زهرا بارث رسیده بود میفرماید عجیب ترین روایتی است که در این مقام وارد شده است گرچه آن روایت در کافی نیز هست ولی اگر به همان لفظ باشد که طبری نقل کرده است واقعا عجیب مینماید. علاوه بر آنچه گفته شد ائمه علیهم السلام اهتمام شدیدی ابراز میکردند و اصحاب خود را توصیه میکردند که احادیث اهل بیت نوشته شود که بیشتر موجب حفظ حدیث و دوام و بقای آن است.

ابی بصیر میگوید: شنیدم امام صادق علیه السلام میفرمود بنویسید زیرا شما تا ننویسید نمیتوانید حفظ کنید عبید بن زراره گوید: امام صادق علیه السلام بمن فرمود کتابهای خود را نیکو نگهداری کنید که در آینده به آنها

نیازمند خواهید شد. مفضل بن عمر گوید: امام صادق بمن فرمود: بنویس و دانش خود را در میان برادرانت پخش کن و اگر مرگت فرا رسید کتابهای خود را در میان خانه خود به ارث بگذار (و از خانه بیرون مده) که روزگار سختی پیش خواهد آمد که در آن روزگار مردم جز کتابها انیس دیگری نخواهند داشت.

محمد بن داود از امام صادق روایتی در فضیلت زیارت امیر المؤمنین علیه السلام نقل میکند تا آنکه میگوید: حضرت فرمود: ای پسر داود این حدیث را با آب طلا بنویس و در روایات دیگر نیز این مضمون وارد شده است و این تفسیر کنایه از نهایت اعتناء و اهمیت به تدوین و حفظ حدیث میباشد.

علی بن اسباط در حدیث کنزی که از امام رضا در تفسیر آیه شریفه ﴿وَكَانَ مَحْتَهُ كَنْزٌ﴾ نقل میکند میگوید: عرض کردم: فدایت شوم میخواهم این حدیث را بنویسم میگوید: تا من این بگفتم بخدا قسم که امام رضا دست برد و دوات را برداشت تا جلو من بگذارد من دست حضرت را گرفتم و بوسیدم و دوات را از دست مبارکش گرفتم و حدیث را نوشتم ائمه دین و پیشوایان مذهب با این اهتمام شاگردان و پیروان مکتب تشیع را به جمع و تدوین حدیث تشویق و ترغیب نمودند و در هر فرصتی بنوشته‌های حدیثی که آنان تهیه و تنظیم میکردند رسیدگی نموده و صحت آن را امضاء و یا در صورتی که خطا و اشتباهی مشاهده میکردند تصحیح مینمودند. احمد بن ابی خلف گوید: بیمار بودم که امام باقر به عیادت من تشریف آورد در بالین من کتابی بود که اعمال شبانه روزی در آن نوشته شده بود حضرت باقر کتاب را برداشت (فجعل يتصفحہ ورقة ورقة) تمام صفحات کتاب را ورق ورق به دقت مطالعه

کرد حتی اُتی من اوّله إلی آخره تا آنکه از اول تا آخر کتاب از نظر مبارکش گذشت و میفرمود خدا یونس را بیامرزد خدا یونس را بیامرزد خدا یونس را بیامرزد.

محمّد بن ابـراهیم وراق از بورق بوشنجانی نقل میکند (و یاد آور شده است که بورق از شیعیان بود و معروف برآستی و شایستگی اخلاقی و پرهیزکاری و خیر بود) بورق میگوید به سامرا رفتم و کتابی که اعمال شبانه روز در آن نوشته شده بود با من بود بخدمت امام حسن عسکری علیه السلام رسیدم و آن کتاب را بحضرت نشان دادم و عرض کردم اگر موافقت بفرمائید استدعا دارم نگاهی به این کتاب بفرمائید و صفحه به صفحه از نظر مبارک بگذرد پس حضرت فرمود:

(هذا صحیح ینبغی أن یعمل به) این کتاب صحیح است و سزاوار است که مورد عمل قرار گیرد.

داود بن قاسم جعفری میگوید کتاب عمل شبانه روزی که یونس بن عبد الرحمن تألیف نموده بود بحضرت امام حسن عسکری برده حضرت کتاب را نگاه کرد و بهمه جای آن رسیدگی نمود آنگاه فرمود این دین من و دین همه پدران من است و همه آن چه در این کتاب است حق است.

و کتاب سلیم بن قیس عامری هلالی که بدست ابان بن اُبی عیاش رسید و او آن کتاب را در محضر امام زین العابدین قرائت کرد حضرت فرمود سلیم درست نوشته است و این حدیثی است که ما آن را میشناسیم.

نجاشی گفته است که کتاب، عبید الله بن علی حلبی بمحضر امام صادق عرضه شد حضرت پاره‌ای از آن را تصحیح فرمود و ضمناً کتاب را نیز پسندید.

این روایات نمونه‌ای بود از عنایتی که رهبران الهی شیعه به تألیف و تصنیف حدیث

داشتند و در نتیجه همین توجّه عدّه کثیری از شاگردان این مکتب کتابهائی در حدیث نوشتند که چهار صد جلد از آنها که به اصول اربعمائه خوانده می‌شود و مورد اعتماد و استفاده علماء و دانشمندان متقدّم شیعه قرار گرفت.

سپس محدّثین عالی مقام شیعه موفق شدند که کتابهای حدیث پر ارزشی جمع آوری نموده و در دسترس عموم قرار دهند و از جمله شیخ المتقدّمین و رئیس المحدّثین ابی جعفر محمّد بن یعقوب کلینی متوفی ۳۲۸ و یا ۳۲۹ ه است که کتاب بسیار نفیس و ارزنده کافی را تألیف فرمود و ابی جعفر محمّد بن علی بن الحسین بن بابویه متوفی ۳۸۱ که کتاب من لا یحضره الفقیه را تألیف کرد و ابی جعفر محمّد بن حسن طوسی متوفی ۴۶۰ که موفق به تألیف دو کتاب تهذیب الاحکام و استبصار گردید و این کتابها بنام کتب اربعه سرآمد کتابهای حدیث شیعه شد و آن اشتهاری را در نزد شیعه کسب نمود که صحیح بخاری و مسلم در نزد عامه. با این تفاوت که عامه بطوری که اشاره شد روایات صحیحین را در بست پذیرفته و حق هیچ گونه اعتراضی بخود در مورد آن روایات نمیدهند.

ولی شیعه با کمال احترامی که برای این چهار کتاب قائل است بخود حق میدهد که همان طور که در دلالت روایات حق اجتهاد و استنباط دارد و الزامی به تعبّد بآنچه دیگران از آن روایت فهمیده اند ندارد هم چنین نسبت بسند روایت حق رسیدگی و جرح و تعدیل دارد چه بسا روایتی که در این کتابهای مقدّس نوشته شده است ولی علماء شیعه و متخصصین در فن حدیث نسبت بصدور آن از معصوم تردید داشته و از درجه اعتبار ساقطش کرده اند.

و بعضی از علماء روایات کافی را طبق اصطلاح متأخرین تقسیم کرده و از مجموع روایات‌اش که در حدود شانزده هزار و دویست حدیث است فقط پنج هزار و هفتاد و دو حدیث را صحیح اصطلاحی دانسته و ۹۴۸۵ حدیث را ضعیف و ۱۴۴ حدیث حسن و ۱۱۷۸ حدیث موثق و ۳۰۲ حدیث را قوی شمرده است. و این امتیازی است مخصوص به دانشمندان شیعه هم چنان که این نیز افتخاری است از برای محدثین شیعه که هر چه بدست آنان از روایات رسیده است با کمال امانت در نقل در کتابهای حدیث ثبت کرده‌اند.

محدث عظیم الشأن مجلسی با کمال تخصص و اطلاعات وسیعی که داشته است و در کتاب نفیس مرآت العقول که شرح بر کتاب شریف کافی است تعداد قابل توجهی از روایات کافی را از حیث سند تضعیف و از اعتبار ساقط نموده خود کتاب بحار الانوار را در ۲۴ مجلد نگاشته و این ثروت عظیم علمی را از خود به یادگار گذاشته است و این نبوده مگر از نظر اینکه محدثین شیعه در مقام نقل حدیث بر خود لازم میدیدند که احادیث را بدون تصرف و دخالت ذوق و سلیقه خود و یا رعایت جانب قدرتهای وقت برای نسل آینده نگهداری کنند چه بسا روایتی امروز از حیث سند و یا متن در نظر ما اعتبار ندارد و فردا در نظر دانشمندان با کشف قواعد جدیدی اعتبار یابد و روایتی که از برای فقیه دیروز قابل استفاده نبود مورد استفاده فقیه امروز قرار گیرد.

و به عبارت دیگر همان طور که دانشمندان علوم مادی رشته‌های تخصصی دارند دانشمندان دینی نیز هر کدام در فنی از فنون علم دین متخصص‌اند.

مثلا بعضی محدث است یعنی متخصص در فن حدیث میباشد وظیفه چنین دانشمند این است

که حدیث را برحسب ذوق و سلیقه خاصی که دارد جمع و تدوین و تبویب نماید و محدث خوب و ما هر کسی است که در هر بابی از ابواب حدیث تمام روایات وارده در آن باب را جمع آوری نماید و هیچ روایتی را فرو گذار نکند.

و بعضی دیگر فقیه است و متخصص در فقه است او پس از آنکه مدتی به تحصیل علوم دینی اشتغال می یابد و قواعد دقیق و عمیق این علم را فرا گرفته و به درجه اجتهاد میرسد برای استنباط احکام شرعی به همین کتابهای حدیث مراجعه میکند و آنچه از میان این احادیث برای استنباط حکم مورد نظر مفید است از لحاظ اعتبار سند و دلالت متن و نداشتن معارض و بقیه قواعد فقهی استخراج میکند و مورد عمل قرار میدهد و هم چنین دانشمند فلسفی و یا کلامی و یا مفسر و یا غیر اینها.

به هر حال مراجعه به جامع حدیث وظیفه دانشمندان علوم اسلامی است و بس، آنهم نسبت به رشته تخصصی خودشان ولی متأسفانه گاهی مشاهده می شود که افرادی به کتابهای حدیث مانند بحار و غیره مراجعه نموده و هر روایتی را که میخواهد به دلخواه خود از آن کتاب انتخاب میکند و برای مقصدی که دارد بدان استدلال میکند بدون اینکه در فن حدیث شناسی و علم رجال و رواة و فهم قواعد حدیث از مجمل و مبین و خاص و عام و اطلاق و تقیید و غیره تخصص داشته باشد و در نتیجه دچار خطا و اشتباه در فهم حدیث میگردد.

از دانشمندان اسلامی که تخصص در علم حدیث داشتند، زحمت فراوانی را در حفظ و جمع آوری حدیث متحمل شده اند و در طول چندین قرن با کمال امانت ودایع خاندان رسالت را نگهداری نموده اند.

محدثین عالی مقام شیعه حتی در قرون
اخیره کتابهای ارزنده و پر بهائی در
حدیث تألیف نموده اند مانند ملا محسن فیض
متوفی ۱۰۹۱ هـ مؤلف کتاب وافی و محمد بن
الحسن الحرّ العاملی متوفی ۱۱۰۴ هـ مؤلف
کتاب وسائل الشیعه و رئیس المحدثین
مجلسی بزرگ محمد باقر مؤلف کتاب بحار
الانوار و سید عبد الله شبر متوفی ۱۳۴۶ مؤلف
جامع الاحکام و حاج میرزا حسین نوری صاحب
کتاب مستدرک الوسائل متوفی ۱۳۲۰ هـ و
محدث قمی حاج شیخ عباس مؤلف سفینه
البحار و دیگر دانشمندان عصر حاضر که هر
کدام در نشر اخبار و احادیث اهل بیت سهم
عمده ای را دارند فجزاهم الله عن اهل البيت
افضل الجزاء.

یکی از بزرگترین علماء اسلام و
پیش‌تازان علم حدیث شیخ جلیل اقدم ابی
جعفر محمد بن- علی بن الحسین بن بابویه
قمی مؤلف کتاب حاضر است که مختصری از
شرح حالش در این پیش‌گفتار نگاشته
می‌شود.

پدر صدوق پدر بزرگوارش شیخ اقدم ابو
الحسن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه
قمی است عالمی بود فقیه و محدثی جلیل
صاحب مقامات باهرة و درجات عالیه .
نامه ای از دربار امامت ابی محمد امام
حسن عسگری در باره او شرف صدور یافته
است که تیمنا و تبرکا نقل میکنیم

متن توقيع مبارك.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ
العالمين و العاقبة للموحدين و النار
للملحدين و لا عدوان إلا على الظالمين و لا
إله إلا الله أحسن الخالقين و الصلاة على خير
خلقه محمد و عترته الطاهرين.

أما بعد أوصيك يا شيخى و معتمدى و
فقيهى ابا الحسن على بن الحسين بن
بابويه القمى وفقك الله لمرضاته و جعل من
ولدىك اولادا صالحين برحمته بتقوى الله و
اقام الصلاة و ايتاء الزكاة فإنه لا تقبل
الصلاة من مانعى الزكاة و اوصيك بمغفرة
الذنوب و كظم الغيظ و صلة الرحم و مواساة
الاخوان و السعى فى حوائجهم فى العسر و
اليسر و الحلم عند الجهل و التفقه فى
الدين و التثبت فى الامور و التعهد
للقرآن و حسن الخلق و الامر بالمعروف و
النهى عن المنكر قال الله عز و جل لا خير فى
كثير من نجواهم إلا من أمر بصدقة أو
مغروف أو إصلاح بين الناس و اجتناب
الفواحش كلها و عليك بصلاة الليل فان
النبى صلى الله عليه و آله و سلم اوصى عليا عليه السلام فقال عليك بصلاة
الليل و من استخف بصلاة الليل فليس منّا
فاعمل بوصيتى و أمر جميع شيعتى بما
أمرتك به حتى يعملوا عليه و عليك بالصبر
و انتظار الفرج فان النبى صلى الله عليه و آله و سلم قال افضل
اعمال امتى انتظار الفرج و لا تزال
شيعتنا فى حزن حتى يظهر لى الذى بشر
به النبى صلى الله عليه و آله و سلم حيث قال انه يملأ الارض
قسطا و عدلا كما ملئت ظلما و جورا فاصبر
يا شيخى و معتمدى ابا الحسن و أمر جميع
شيعتى بالصبر فان الارض لله يورثها من يشاء
و العاقبة للمتقين و السلام عليك و على
جميع شيعتنا و رحمة الله و بركاته و حسبنا
الله و نعم الوكيل نعم المولى و نعم النصير
(انتهى).

دقت در مضمون این نامه مبارك و القابى كه از ناحیه مقدسه نسبت به این عالم جلیل شرف صدور یافته ما را از هر تعریف و توصیفی درباره ایشان بی‌نیاز می‌سازد كسى كه امام علیه السلام به او كلمات شیخ من و معتمد من و فقیه من خطاب می‌فرماید و در باره اش دعا می‌فرماید كه خداوند او را به آنچه رضای او در آن است موفق بدارد و به او فرزندان صالح عنایت فرماید و مخصوصاً جمله‌ای كه متضمن دعای فرزند است بسیار جالب است زیرا با توجه به روایاتی كه در باره فرزند صالح رسیده است و اینکه چون فرزند آدم بمیرد پرونده عملش در دنیا راکد و بایگانی می‌شود مگر از سه ناحیه كه یکی از آنها فرزند صالح است و خیرات و بركات دعا و استغفاری كه فرزند از برای پدر میکند پس از مرگ پدر نیز ضمیمه پرونده اعمال او میگردد چون شیخ ما را فرزندى نشده بود و از طرفى سنش در حدودى بود كه عادتاً در آن اوان انعقاد نطفه مشكل مینمود چنانچه خداوند از زبان همسر حضرت ابراهیم نقل می‌فرماید ﴿أَأَلِدُ وَأَنَا عَجُوزٌ وَهَذَا بَعْلِي شَيْخًا﴾ پیری شیخ صدوق و نازائی همسرش كه دختر محمد بن موسى بن بابویه و عموزاده وی بود مجموعاً نهال یأس و ناامیدی را در دل او كاشته بود تا آنجا كه در زمان غیبت صغری بسفراء حضرت ولی عصر متوسل میشده و استدعا می‌كرده كه حاجت او را بخدمت حضرتش عرضه بدارند از این رو امام حسن عسکری علیه السلام نیز به این خواسته باطنی این مرد بزرگوار توجه خاصی مبذول و دعای مزبور را در باره اش فرمودند علی بن بابویه بواسطه مقام معنوی همواره مورد عنایت اولیاء حق بوده است:

شیخ در کتاب (الغیبة) از عده‌ای نقل میکند که حسین بن علی بن بابویه گفت سالی پدرم میخواست به حج برود نامه‌ای بخدمت شیخ ابو القاسم حسین بن روح نایب خاص امام زمان نوشت و از او اجازه خواست در جوابی که از ناحیه حسین بن روح رسید مرقوم شده بود امسال به حج مرو پدرم دوباره معروض داشت که نذر واجب بر ذمّه دارم باز میتوانم به حج نروم؟ جواب آمد اگر ناچار باید بروی پس با آخرین قافله حرکت کن و پدرم امثال کرد و با آخرین قافله به حج رفت و از قضا چنین شد که قافله‌های پیشین همگی گرفتار و اهل قافله کشته شدند و پدرم که در آخرین قافله بود جان به سلامت برد.

ولادت صدوق شخصیت

و نبوغ شیخ ما را بسیاری از عوامل عادی و غیر عادی تشکیل میدهد که شاید یکی از مهم‌ترین اسباب غیر عادی آن همان باشد که به سبب دعاء امام علیه السلام متولد شده است و حضرتش نسبت به شایستگی و توفیق و فقاہت و برکتش عنایتی مخصوص در دعا داشته است:

شیخ طوسی و شیخ ابو العباس نجاشی و خود صدوق رحمته الله روایت کرده اند که پدر صدوق به خدمت نایب خاص حضرت ولی عصر عجل که در بغداد بود نامه‌ای نوشت و در نامه تقاضا کرده بود که از حضرت امام زمان استدعا کند که دعائی بکند تا مگر خداوند فرزندی به او عنایت فرماید.

و نیز هنگامی که خودش به بغداد آمد و بخدمت شیخ ابوالقاسم روحی و نوبختی که سفیران حضرت بودند رسید شفاها تقاضا کرد که خواسته‌اش را به عرض برسانند و نیز از محمد بن علی الاسود تقاضا کرد که به

نوبختی یادآوری نماید که عرض حاجت را فراموش نکند و خوشبختانه پاسخ همه تقاضاها مثبت بود و با عبارات مختلف به اولاد صالح بشارت میدادند در بعضی از جوابها فرمودند: که تو را از همسر قبلی فرزندی نخواهد شد ولی در آینده نزدیکی مالک کنیزی از اهل دیلم میشوی که دو فرزند فقیه از او تو را روزی خواهد شد (انک لا ترزق من هذه و ستملك جاریة دیلمیة ترزق منها ولدین فقیهین)

و در بعض دیگر است که: ما در باره تقاضای تو دعا کردیم و به همین زودی دو پسر نیکو تو را روزی خواهد شد.

(قد دعونا لك بذلك و سترزق ولدین ذکرین خیرین) و در بعضی دیگر است که برای او فرزند مبارکی متولد خواهد شد که خداوند بدین وسیله به او نفع خواهد رسانید و پس از او نیز فرزندان دیگر متولد خواهد شد آنه سیولد له ولد مبارک ینفعه الله به و بعده اولاد ...

و به این کیفیت شیخ بزرگوار پدر صدوق علیه السلام به آرزوی دیرین خود نائل آمد و خداوند فرزندان به او عنایت فرمود اولین فرزندش از همان کنیزی بود که امام علیه السلام به او وعده داده بود بنام محمد بن علی الصدوق علیه السلام و شاید انتخاب نام محمد برای اولین فرزندش اشاره ای باشد به همین موهبت و اینکه او به برکت دعای امام عصر عج متولد شده است و تاریخ تولد به سال ۳۰۵ بود که سال وفات سمری نایب خاص امام و اولین سال سفارت حسین بن روح رضوان الله علیهم اجمعین بود و بنا به گفته بعضی سال ۳۰۶ بوده است.

و همان طور که وجود طبیعی شیخ صدوق به برکت دعای امام علیه السلام بوده است یقیناً دعای مستجاب آن حضرت در تکوین شخصیت روحی و

معنوی او نیز تأثیر بسزائی داشته است و لذا بیشتر افرادی که با امتیازات روحی شیخ آشنا بودند همه آن امتیازات را از اثر دعای معصوم میدانستند.

ابن سوره میگوید (هر وقت ابو جعفر و ابو عبد الله الحسین دو فرزندان علی بن الحسین چیزی روایت می‌کردند مردم از حافظه آنان در شگفت میشدند و خطاب به آنان میگفتند: این امتیاز مخصوص شما دو نفر است و از برکت دعائی است که امام علیه السلام در باره شما فرموده است و این مطلب زبان زد همه مردم قم بود).

شیخ صدوق رحمته الله خود گوید: (ابو جعفر محمد بن الاسود رحمته الله که میدید من به مجلس شیخ ما محمد بن الحسن بن احمد بن الولید رفت و آمد دارم و علاقه فراوانی بکتابهای علم و حفظ مطالب علمی ابراز میکنم مکرر بمن میگفت: این چنین علاقه و رغبت از تو بفرآگرفتن دانش عجیب نیست با توجه به اینکه تو بدعای امام عجل الله فرجه متولد شده ای).

شیخ صدوق رحمته الله خود نیز به این موهبت افتخار میکرد و میگفت (أنا ولدت بدعوة صاحب الامر عج) من به دعای حضرت صاحب الامر متولد شده ام.

و ابو العباس بن نوح گوید: ابو عبد الله بن سوره حفظه الله بمن گفت: که ابی الحسن بن بابویه را سه فرزند است دو تن بنام محمد و حسین که هر دو فقیه‌اند و در حفظ مهارت کامل دارند آنچنان که حفظ آنان را هیچ کس از اهل قم ندارد و برادر سوم که برادر وسطی است بنام حسن میباشد و او را دانش و فقهی نیست ولی بعبادت و زهد مشغول است و آمیزش با مردم ندارد.

و به هر حال ولادت میمون و مبارکی که بدعای امام عصر (عج) صورت پذیرد و پیوست

بخیر و برکت و فقه باشد دعائی که از بارگاه عزت الهی محجوب نیست و به هدف اجابت مقرون است البته باید این چنین شخصیت بارزی را تحویل اجتماع بدهد.

محیط تربیتی صدوق شیخ رحمته الله

صدوق رحمته الله دوران کودکی را در دامن پدرش ابو الحسن علی بن بابویه گذرانید پدری که شیخ القمّیین و فقیه شهر بود آن چنان در علم و زهد شهرت داشت که انگشت نمای خاص و عام و معروف به ورع و تقوی بود. شیعیان برای فرا گرفتن احکام دین خود از همه جا به او روی می‌آوردند و تا آنجا که فتاوی او در نظر علماء و دانشمندان در ردیف اخبار و احادیث ائمه طاهرین شمرده میشد محدّث قمی رحمته الله در الکنی و اللقب میگوید: بنا بر آنچه از کتاب ذکری شیخ ما: شهید رحمته الله نقل شده است اصحاب و طایفه امامیه چون در باره موضوعی روایت و نصّی از ائمه دین علیهم السلام نداشتند نظر بوثوق و اعتمادی که به ابن بابویه داشتند فتاوی او را از رساله اش بجای روایات اخذ میکردند و نیز از ابن ندیم نقل میکند که میگوید: خط شیخ صدوق را در پشت جزوه ای دیدم که نوشته بود: من بفلان، فرزند فلان اجازه دادم که کتابهای پدرم علی بن الحسین را روایت کند و شماره آن کتابها بالغ بدویست جلد است، و بسی جای تأسف است که از این همه ثروت علمی چیزی در دست نیست بجز نام چند کتابی که نجاشی و شیخ طوسی در فهرستشان از آنها نام می‌برند و تقریباً بیست جلد کتاب است و از آن بیست جلد هم فقط کتاب الاخوان که بمصادقة الاخوان معروف است در دست باقی مانده است.

شیخ ما در سایه این چنین پدری تربیت یافت و در اندک زمانی نمونه کاملی از حفظ و ذکاوت گردید به مجالس درس شیوخ حاضر میشد و از آنان روایت میکرد و زبان زد همه مردم بود جوان نوری بود که درس محمد بن الحسن بن احمد بن الولید که یکی از بزرگان دانشمندان عصر بود حاضر میشد و متجاوز از بیست سال تحت تربیت و رعایت پدرش بود.

اساتید شیخ صدوق

در قرن چهارم از هجرت حوزه های علمی مهمی در بلاد ممالک اسلامی تشکیل شده بود و آن قرن با داشتن علماء و دانشمندان دینی دارای امتیاز خاصی است و شاید یکی از جهاتی که موجب این امتیاز گردیده علاقه مندی دولت های وقت به علوم دینی و تشویق علم و دانش بوده است که الناس علی دین ملوکهم . در مصر حکومت به دست فاطمیین بود که برنامه دولتشان ترویج از رجال دین و علم بود و امروز دانشگاه الازهر را نمونه ای از عظمت علمی آن روز مصر توان شمرد.

در موصل و نصیبین و حلب و شام، آل حمدان زمامدار مسلمانان بودند که خود، مردان شعر و ادب و نویسندگان نامی بودند، در ایران سلطنت با دیلمیان و آل بویه بود که اکثر رجال دولت و فرمانداران از دانشمندان و شخصیت های علمی و ادبی تشکیل میشد و مخصوصاً در دوران سلطنت آل بویه دانشمندان موقعیت و احترام خاصی در اجتماع داشتند و در اثر همین اهتمام و احترام، حوزه های علمی متعددی در شهرهای ری و قم و خراسان و نیشابور و اصفهان تشکیل یافت و هم چنین کشور عراق بواسطه زمامداران صالح عده

بی‌شماری از دانشمندان را در شهرهای بغداد و کوفه و بصره و واسط تربیت کرد. شیخ صدوق رحمته الله در مجلس درس بسیاری از دانشمندان این عصر حاضر و از آنان استفاده علمی نموده است که عدد آنان بنا به نقل بعضی از ترجمه نویسان به ۲۱۱ نفر می‌رسد.

مؤلفات شیخ صدوق رحمته الله

از شیخ آثار علمی زیادی بجای ماند که شاید از همه آنها يك کتابخانه‌ای تشکیل یابد مترجمین نوشته‌اند که مؤلفات شیخ از سیصد کتاب متجاوز بود که در علوم مختلف نوشته شده بود در یکی از سفرها که بشهر ایلاق (یکی از شهرهای ما وراء النهر) کرده است با شریف ابی عبد الله محمد بن الحسن معروف به نعمت ملاقاتی کرده که در آن ملاقات شریف مذکور بیشتر مصنفات شیخ را استنساخ نموده و همه را از او روایت کرده است و جمعا ۲۴۵ کتاب بوده و این ملاقات پیش از آن بوده که کتاب من لا یحضره الفقیه را بنویسد و پس از تألیف کتاب من لا یحضره الفقیه هم تقریبا پنجاه کتاب دیگر تألیف نموده است ولی با کمال تأسف از این همه ثروت علمی چند جلدی بیشتر در دست ما نیست که شاید کمتر از بیست جلد باشد و آنها بقرار ذیل است.

۱ - الاعتقادات:

این کتاب را شیخ روز جمعه دوازدهم ماه شعبان ۳۶۸ هـ در نیشابور املاء نموده و جهتش این بوده که علماء نیشابور در محضر شیخ گرد آمده و از او تقاضا نمودند که بطور اختصار دین امامیه را برای آنان بیان کند و شیخ طوسی در الفهرست ص ۱۸۵ این کتاب را (دین الامامیة) نامیده و ابن

شهر آشوب نیز به پیروی از شیخ کتاب
مذبور را به همین نام خوانده است.

۲ - الامالی:

مجموعه سخنرانیهای شیخ است در شهرهای
مختلف که اولین سخنرانی در روز جمعه ۱۸
رجب ۳۶۸ ه در ری بوده و مجلس بیست و
پنجم در شهر طوس (مشهد مقدس) روز جمعه
۱۷ ذی الحجة ۳۶۷ و هم چنین سخنرانی ۲۶
روز غدیر همان سال در مشهد بوده و
سخنرانی ۲۷ غره محرم ۳۶۸ پس از مراجعت
از مشهد و مجلس ۸۹ روز يكشنبه غره
شعبان ۳۶۸ در نیشابور در خانه سید یحیی
بن محمد علوی بوده و جلسه ۹۲ و ۹۳ در
نیشابور و هكذا و کتاب، ترجمه‌های متعددی
شده و بچاپ رسیده است.

۳ - التوحید :

که مکرر در ایران و بمبئی و نجف طبع
شده و دانشمندان اسلامی شرحهای متعددی بر
آن نوشته‌اند.

۴ - ثواب الاعمال

۵ - عقاب الاعمال

۶ - صفات الشيعة

۷ - علل الشرائع

۸ - عيون اخبار الرضا

۹ - فضایل رجب

۱۰ - فضایل شعبان

۱۱ - فضایل رمضان

۱۲ - فضائل الشيعة

۱۳ - کمال الدین و تمام النعمة که

اکمال الدین و اتمام النعمة اش نیز

میگویند

۱۴ - مصادقة الاخوان

۱۵ - المقنع

۱۶ - من لا يحضره الفقيه

۱۷ - الهداية

۱۸ - الخصال:

کتابی که در دسترس خوانندگان گذاشته می‌شود کتابی است که صفات نیک و بد را به حسب ترتیب شماره و هم چنین روایاتی را که متضمّن عددی است بترتیب جمع آوری نموده است گرچه پاره‌ای از روایات غیر معتبره هم در خلال آنها دیده می‌شود ولی بطوری که اشاره شد مصنفین شیعه از نظر حفظ امانت در نقل روایات را در کتب روایتی بدون دخل و تصرف نقل کرده‌اند و تشخیص صحیح از سقیم به عهده خواننده و متخصص علمی که می‌خواهد از روایات وارده در آن باب استفاده نماید واگذار نموده‌اند با دقتی که در ترجمه کتاب مزبور شده است و اکنون از طبع خارج می‌شود امید است مورد پسند و رضایت ارباب فضل گردد و از اشتباهاتی که احتمالاً در ترجمه و یا تصحیح روی داده باشد چشم پوشی نمایند.

وفات و محل دفن شیخ

شیخ صدوق رحمته الله پس از زحمات فوق العاده ای که در ترویج و نشر اخبار و آثار اهل بیت علیهم السلام متحمل گردید و کتابهائی که تألیف فرمود آخرین ورق عمر او در سال ۳۸۱ در شهر ری برگشت و با برگشتن این ورق کتاب عمر او نیز به پایان رسید و در نزدیکی مزار مقدّس حضرت عبد العظیم بخاک سپرده شد رضوان الله تعالی علیه.

در پایان این مقدمه مناسب مینماید که از مساعی جمیله مؤسسه انتشارات علمیّه اسلامیّه در نشر کتب علمی و آثار اهل بیت عصمت و طهارت کوشا هستند سپاسگزاری نموده و موفقیت این مؤسسه را بیش از پیش از خدای متعال مسألت نمایم.

سید احمد فهری زنجانی

باب الواحد (باب «يك»)

معناى يكتائى خداوند

١ - قَالَ الشَّيْخُ الْجَلِيلُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ
بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابُوَيْهِ
الْقُمِّيُّ الْفَقِيهُ مُصَنِّفُ هَذَا الْكِتَابِ أَدَامَ اللَّهُ
عِزَّهُ حَدَّثَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ
بْنِ إِسْحَاقَ الطَّالِقَانِي رَضِيَ اللَّهُ تَعَالَى عَنْهُ قَالَ
حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ سَعِيدِ بْنِ يَحْيَى الْبُرُورِيُّ قَالَ
حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ الْهَيْثَمِ الْبَلَدِيِّ قَالَ
حَدَّثَنَا أَبِي عَنِ الْمُعَافِيِّ بْنِ عِمْرَانَ عَنْ
إِسْرَائِيلَ عَنِ الْمِقْدَامِ بْنِ شَرِيحِ بْنِ هَانِي عَنِ
أَبِيهِ قَالَ إِنَّ أَعْرَابِيًّا قَامَ يَوْمَ الْجَمَلِ إِلَى
أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام فَقَالَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ
أَتَقُولُ إِنَّ اللَّهَ وَاحِدٌ قَالَ فَحَمَلَ النَّاسُ عَلَيْهِ وَ
قَالُوا يَا أَعْرَابِيُّ أَمَا تَرَى مَا فِيهِ أَمِيرُ
الْمُؤْمِنِينَ مِنْ تَقْسِمِ الْقَلْبِ فَقَالَ أَمِيرُ
الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام دَعَاؤُهُ فَإِنَّ الَّذِي يُرِيدُهُ الْأَعْرَابِيُّ
هُوَ الَّذِي يُرِيدُهُ مِنَ الْقَوْمِ ثُمَّ قَالَ يَا
أَعْرَابِيُّ إِنَّ الْقَوْلَ فِي أَنْ اللَّهَ وَاحِدٌ عَلَى أَرْبَعَةِ
أَقْسَامٍ فَوَجْهَانِ مِنْهَا لَا يَجُوزَانِ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ
جَلَّ وَ وَجْهَانِ يَثْبُتَانِ فِيهِ فَأَمَّا اللَّذَانِ لَا
يَجُوزَانِ عَلَيْهِ فَقَوْلُ الْقَائِلِ وَاحِدٌ يَقْصِدُ بِهِ
بَابَ الْأَعْدَادِ فَهَذَا مَا لَا يَجُوزُ لِأَنَّ مَا لَا ثَانِيَّ
لَهُ لَا يَدْخُلُ فِي بَابِ الْأَعْدَادِ أَمَا تَرَى أَنَّهُ
كَفَرَ مَنْ قَالَ إِنَّهُ ثَالِثٌ ثَلَاثَةً وَقَوْلُ الْقَائِلِ
هُوَ وَاحِدٌ مِنَ النَّاسِ يُرِيدُ بِهِ النَّوْعَ مِنَ
الْجِنْسِ فَهَذَا مَا لَا يَجُوزُ لِأَنَّهُ تَشْبِيهُ وَ جَلَّ
رَبُّنَا وَ تَعَالَى عَنِ ذَلِكَ وَ أَمَّا الْوَجْهَانِ
اللَّذَانِ يَثْبُتَانِ فِيهِ فَقَوْلُ الْقَائِلِ هُوَ وَاحِدٌ
لَيْسَ لَهُ فِي الْأَشْيَاءِ شِبْهُهُ كَذَلِكَ رَبُّنَا وَ قَوْلُ
الْقَائِلِ إِنَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَحَدِيٌّ الْمَعْنَى يَعْنِي بِهِ
أَنَّهُ لَا يَنْقَسِمُ فِي وُجُودٍ وَ لَا عَقْلٍ وَ لَا وَهْمٍ
كَذَلِكَ رَبُّنَا عَزَّ وَ جَلَّ تَرَكَ خَصْلَةَ مَوْجُودَةٍ
بِخَصْلَةِ مَوْجُودَةٍ

۱ - شیخ بزرگوار ابو جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه قمی فقیه مصنف این کتاب گوید:

روزی که جنگ جمل بپا بود عربی برخواست و روی به امیر المؤمنین کرده و گفت: یا امیر المؤمنین تو قائل به یکتائی خدا هستی؟ مردم - از هر سو بر او تاختند که چه هنگام این سخن بود؟ مگر نه بینی که امیر المؤمنین پریشان خاطر است امیر المؤمنین فرمود: دست از او بردارید که خواسته این عرب همان است که ما بر سر آن با این مردم می‌جنگیم سپس فرمود: ای مرد عرب این گفتار: که خدا یکی است دو صورت‌اش بر خدا روا نیست و دو دیگر روا است اما آن دو که روا نیست:

۱ - کسی بگوید خدا یکی است و مقصودش یکی از لحاظ عدد - يك دانه - باشد زیرا آنچه دومی ندارد به شماره نیاید مگر نه بینی آن که گفت: خدا سومی از سه موجود است، کافر شد؟.

۲ - کسی بگوید: خدا یکی است و مقصودش نوعی از جنس باشد این هم روا نیست زیرا تشبیه خدا است و پروردگار ما والاتر و بالاتر از این است که شبیه و مانند داشته باشد، و اما آن دو که گفتنش روا است:

۱ - کسی گوید خدا یکی است یعنی بی‌مانند است آری خدای ما چنین است.

۲ - کسی گوید خدای عزّ و جلّ یکتا است و یگانه یعنی ترکیبی در ذاتش نیست و قابل پخش با جزاء نیست نه در خارج و نه در عقل و نه در خیال، آری خدای ما - عزّ و جلّ - چنین است.

گذشت از يك كار بخاطر يك وعده

۲ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَيْسَى عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةَ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مُسْلِمِ السَّكُونِيِّ عَنْ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِمَنْ تَرَكَ شَهْوَةً حَاضِرَةً لِمَوْعُودٍ لَمْ يَرَهُ

۲ - رسول خدا ﷺ فرمود: خوشا بحال کسی که از دلخواه آماده خویش بخاطر وعده ای نادیده دست بدارد.

يك نوع ستم خصله من الجور

۳ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجُبَّارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيْعٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ مِنَ الْجَوْرِ قَوْلُ الرَّاِكِبِ لِلرَّاجِلِ الطَّرِيقَ خصله من حب الدين

۳ - امام صادق علیه السلام فرمود: این، خود ستمی است که سواره به پیاده بگوید: راه بگشا.

يك رشته از علاقه به دين

۴ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الصَّلْتِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ رَبْعِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ فَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ مِنْ حُبِّ الرَّجُلِ دِينَهُ حُبُّهُ إِخْوَانَهُ

۴ - امام صادق علیه السلام فرمود: دوست داشتن برادران دینی رشته ای است از علاقمندی شخص به دین خود.

پنج پاداش به يك كار خصله واحده به خمس خصال

ه - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ
الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ
الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى
عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ فَضَّالٍ عَنِ عَاصِمِ بْنِ
حُمَيْدٍ عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ الْحَدَّاءِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام
قَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ بِجَلَالِي وَجَمَالِي وَ
بِهَائِي وَعَلَائِي وَارْتِفَاعِي لَا يُؤْتِرُ عَبْدٌ هَوَايَ
عَلَى هَوَاهُ إِلَّا جَعَلْتُ غِنَاهُ فِي نَفْسِهِ وَهَمَّهُ فِي
آخِرَتِهِ وَكَفَفْتُ عَنْهُ ضِيَعَتَهُ وَضَمَنْتُ السَّمَاوَاتِ
وَ الْأَرْضَ رِزْقَهُ وَ كُنْتُ لَهُ مِنْ وَرَاءِ تِجَارَةِ كُلِّ
تَاجِرٍ

ه - امام باقر عليه السلام فرمود: خدای عز و جل
میفرماید: به جلال و جمال و بهاء و والائی
و برتری ام سوگند بنده ای که خواسته مرا
بر خواسته خویش مقدم بدارد به پاداش،
دلش را بی نیاز سازم و تمام همتش را در
کار آخرتاش قرار دهم و نگهدار دارائی او
باشم و آسمانها و زمین را ضامن روزی اش
گردانم و خودم در تجارت هر تاجری به نفع
او پشتیبانی خواهم کرد.

پاداشی بکاری خصله بخصله

۶ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ يَحْيَى
الْعَطَّارُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ عَبْدِ
اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ
الْمُغِيرَةِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ أَبِي زِيَادٍ السَّكُونِيِّ
عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ
عَلِيِّ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَنْ طَلَبَ رِضَى
النَّاسِ بَسَخَطِ اللَّهِ جَعَلَ اللَّهُ حَامِدَهُ مِنَ النَّاسِ ذَامًّا
۶ - رسول خدا صلی اللہ علیہ وسلم فرمود: هر کس بواسطه
عملی که باعث خشم خدا است رضایت مردم را
جلب کند خداوند، ستاینده او را بدگوش
سازد.

یک خوی نجات بخش خصله منجیة

۷ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكَّلِ
رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى
الْعَطَّارُ عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ إِسْحَاقَ التَّاجِرِ عَنْ
عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ
إِسْمَاعِيلَ بْنِ أَبِي زِيَادٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرَ
بْنَ مُحَمَّدٍ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيِّ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ
اللَّهِ ص مَنْ تَمَنَّى شَيْئًا وَهُوَ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ رِضَى لَمْ
يَخْرُجْ مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى يُعْطَاهُ

۷ - امام صادق عليه السلام فرمود: هر کس، چیزی
را که مورد رضای خدای عز و جل است آرزو
کند از دنیا بیرون نرود تا به آرزویش
برسد.

۸ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ
الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ
اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ
عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ بِإِسْنَادِهِ يَرْفَعُهُ إِلَى النَّبِيِّ
ص قَالَ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَا ابْنَ آدَمَ
أَطْعِنِي فِيمَا أَمَرْتُكَ وَ لَا تَعْلَمْنِي مَا يُضْلِحُكَ
۸ - رسول خدا صلی اللہ علیہ وسلم فرمود: خدای تعالی
فرماید: ای فرزند آدم در هر چه به تو

امر کرده ام فرمانبر من باش و آنچه را که صلاح تو در آن است بمن می آموز.

برترین قسمت دین خصله هی افضل الدین

۹ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَيْمُونٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَفْضَلُ دِينِكُمُ الْوَرَعُ وَجَلَّ مِنْ فَضْلِ الْعِبَادَةِ

۹ - رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: خداوند برتری دانش را دوست تر دارد تا برتری از جنبه پرستش و برترین قسمت دین پرهیز از گناه است،

شایسته ترین پیوست میان خصلتی با خصلت دیگر

ما جمع شيء إلى شيء أفضل من خصلة إلى خصلة

۱۰ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ قَالَ حَدَّثَنِي إِبْرَاهِيمُ بْنُ هَاشِمٍ قَالَ حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ أَبِي الْحُسَيْنِ الْفَارِسِيِّ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ جَعْفَرِ الْجَعْفَرِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا جُمِعَ شَيْءٌ إِلَى شَيْءٍ أَفْضَلَ مِنْ حِلْمٍ إِلَى عِلْمٍ

۱۰ - رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: بهتر از پیوستگی هر چیزی به چیز دیگر پیوند بردباری است به دانش.

۱۱ - أَخْبَرَنَا سُلَيْمَانُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ أَيُّوبَ اللَّخْمِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ الْوَهَّابِ بْنُ خَرَّاجَةَ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو كُرَيْبٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ حَفْصِ الْعَبْسِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا

الْحَسَنُ بْنُ الْحُسَيْنِ الْعَلَوِيُّ عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ
 بْنِ زَيْدٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ
 عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ
 عَلِيٍّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ
 اللَّهِ ص وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ مَا جُمِعَ شَيْءٌ إِلَى
 شَيْءٍ أَفْضَلَ مِنْ حِلْمٍ إِلَى عِلْمٍ

۱۱ - رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: بخدائی
 که جانم بدست او است بهتر از پیوستگی هر
 چیزی بچیز دیگر پیوند بردباری است به
 دانش.

شرافت دنیا و آخرت در يك خصلت است

خصلة فيها شرف الدنيا و الآخرة
 ۱۲ - عَلِيٌّ بْنُ أَبِي حَمَزَةَ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ
 عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ
 قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مُجَالَسَةُ أَهْلِ الدِّينِ شَرَفُ
 الدُّنْيَا وَ الآخِرَةِ

۱۲ - امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: رسول خدا
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: همنشینی با اهل دین باعث
 آبرومندی است در دنیا و آخرت.

دانشمندتر از همه کسی است که خصلتی را
 بر خصلتی دیگر بیفزاید أعلم الناس من
 جمع خصلة إلى خصلة

۱۳ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
 أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ
 عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ سَيْفِ
 عَنْ أَخِيهِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ
 أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ سِئِلَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ
 أَعْلَمِ النَّاسِ قَالَ مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَى
 عِلْمِهِ

۱۳ - امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: از امیر
 المؤمنین پرسیدند دانشمندتر از همه
 کیست؟ فرمود:

کسی که دانش مردم را بر دانش خویش
 بیفزاید.

يك چیز حقیقت نیک بختی است و یک چیز حقیقت بدبختی

حقیقة السعادة واحدة و حقیقة الشقاء واحدة

۱۴ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوِيهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنِي عَمِّي مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي الْقَاسِمِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ وَهْبِ بْنِ وَهْبٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي إِسْحَاقَ أَنَّهُ قَالَ حَقِيقَةُ السَّعَادَةِ أَنْ يَخْتِمَ الرَّجُلُ عَمَلَهُ بِالسَّعَادَةِ وَ حَقِيقَةُ الشَّقَاءِ أَنْ يَخْتِمَ الْمَرْءُ عَمَلَهُ بِالشَّقَاءِ

۱۴ - علی علیه السلام فرمود: حقیقتا خوشبختی از آن کسی است که آخر کار سعادت‌مند باشد و حقیقتا بدبخت آنکه در آخر کار شقاوت بار آورد.

پاداش و کیفر مردم در یک چیز است

يثاب الناس أو يعاقبون بخصلة
۱۵ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى بْنِ عَمْرَانَ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ السَّنْدِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مَهْزَمِ الْأَسَدِيِّ عَنْ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ علیه السلام قَالَ إِنَّ لِسَانَ ابْنِ آدَمَ يُشْرِفُ كُلَّ يَوْمٍ عَلَى جَوَارِحِهِ فَيَقُولُ كَيْفَ أَصْبَحْتُمْ فَيَقُولُونَ بِخَيْرٍ إِنْ تَرَكْتَنَا وَ يَقُولُونَ اللَّهُ اللَّهُ فِينَا وَ يُنَاشِدُونَهُ وَ يَقُولُونَ إِنَّمَا نُنَابُ بِكَ وَ نُعَاقِبُ بِكَ

۱۵ - امام سجاد علیه السلام فرمود: زبان آدمیزاد همه روزه رو به دیگر اعضاء نموده و میگوید: حال شما چطور است؟ در جوابش گویند: اگر تو ما را بحال خود واگذاری خوب است و میگویند: خدا را در باره ما (منظور بدار) و زبان را سوگند میدهند و میگویند: پاداش و کیفر ما فقط بخاطر تو است.

برترین جهاد يك چيز است

خصله هي افضل الجهاد

١٦ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنِي عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الْجَمِيرِيِّ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ قَالَ سُئِلَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عليه السلام عَنِ الْحَدِيثِ الَّذِي جَاءَ عَنِ النَّبِيِّ ص أَنَّ أَفْضَلَ الْجِهَادِ كَلِمَةٌ عَدَلٍ عِنْدَ إِمَامٍ جَائِرٍ مَا مَعْنَاهُ قَالَ هَذَا هَذَا عَلَى أَنْ يَأْمُرَهُ بِقَدْرِ مَعْرِفَتِهِ وَ هُوَ مَعَ ذَلِكَ يَقْبَلُ مِنْهُ وَ إِلَّا فَلَا

١٦ - مسعدة بن صدقه گوید: امام صادق را پرسیدند معنای این روایت که از پیغمبر نقل شده چیست؟! (برترین جهاد، سخن بجائی است که نزد پیشوائی ستمگر گفته آید)، فرمود معنایش اینکه: اگر میدانند سخنش پذیرفته است به مقدار فهمش او را دستور دهد- و راهنمائی کند- و الا سخنی نگوید.

سخت ترین چیزی که خودداری از آن به يك چيز است

أشد الأشياء خصلة لا تتقى إلا بترك خصلة
١٧ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الصَّلْتِ قَالَ حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيُّ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ لِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ يَا مُعَلِّمَ الْخَيْرِ أَعْلِمْنَا أَيُّ الْأَشْيَاءِ أَشَدُّ فَقَالَ أَشَدُّ الْأَشْيَاءِ غَضَبُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ قَالُوا فَبِمَ يُتَّقَى غَضَبُ اللَّهِ قَالَ بَأَنْ لَا تَغْضَبُوا قَالُوا وَ مَا بَدَأَ الْغَضَبِ قَالَ الْكِبْرُ وَ التَّجَبُّرُ وَ مَحَقَرَةُ النَّاسِ

١٧ - امام صادق عليه السلام فرمود: حواریون به عیسی بن مریم گفتند ای آموزگار خیر ما را بیاموز که سخت تر از هر چیز چیست؟

فرمود: سخت تر از هر چیز، خشم خدای عز و جلّ است، گفتند: به چه وسیله میتوان از خشم خداوند در امان بود؟ فرمود: به اینکه خشمناک نشوید گفتند: سرچشمه خشم چیست؟ فرمود:
خود فروشی و گردن فرازی و مردم را کوچک شمردن.

کاری که مؤمن را آبرو دهد و کاری که عزتش بخشد

شرف المؤمن فی خصلة و عزه فی خصلة
۱۸ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ أَبِي جَعْفَرِ الْكُمَيْدَانِيِّ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ أَحْمَدَ بْنَ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ شَرَفُ الْمُؤْمِنِ صَلَاتُهُ بِاللَّيْلِ وَ عِزُّهُ كَفُّ الْأَذَى عَنِ النَّاسِ

۱۸ - امام صادق عليه السلام فرمود: شرافت مؤمن در این است که به شب نماز گذارد و عزتش در اینکه از آزار مردم خودداری کند.

۱۹ حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ أَبِي جَعْفَرِ الْكُمَيْدَانِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنَ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لَجَبْرَائِيلَ عِظْنِي فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ عِشْ مَا شِئْتَ فَإِنَّكَ مَيِّتٌ وَ أَحْيِبْ مَا شِئْتَ فَإِنَّكَ مُقَارِقُهُ وَ اَعْمَلْ مَا شِئْتَ فَإِنَّكَ مُلَاقِيهِ شَرَفُ الْمُؤْمِنِ صَلَاتُهُ بِاللَّيْلِ وَ عِزُّهُ كَفُّهُ عَنِ أَعْرَاضِ النَّاسِ

۱۹ - امام صادق عليه السلام فرمود رسول خدا صلی الله علیه و آله به جبرئیل فرمود: مرا اندرزی بنمما، عرض کرد:

یا محمد هر چه خواهی زندگی کن که عاقبت خواهی مرد و هر چه را خواهی دوستش

بدار که آخر کار از آن جدا خواهی شد و هر چه خواهی بکن که به کرده خویش خواهی رسید شرافت مؤمن در این است که شب نماز گذارد و عزتش در اینکه از ریختن آبروی مردم خودداری کند.

۲۰ - حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَسَدِ الْأَسَدِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ جَرِيرٍ وَ الْحَسَنُ بْنُ عُزْوَةَ وَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ الْوَهْبِيُّ قَالُوا حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ حُمَيْدٍ قَالَ حَدَّثَنَا زَافِرُ بْنُ سُلَيْمَانَ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عِيْنَةَ عَنْ أَبِي حَازِمٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ سَعْدٍ قَالَ جَاءَ جَبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى النَّبِيِّ ص فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ عِشْ مَا شِئْتَ فَإِنَّكَ مَيِّتٌ وَ أَحِبِّ مَا شِئْتَ فَإِنَّكَ مُفَارِقُهُ وَ اَعْمَلْ مَا شِئْتَ فَإِنَّكَ مَجْزِيٌّ بِهِ وَ اَعْلَمْ أَنَّ شَرَفَ الرَّجُلِ قِيَامُهُ بِاللَّيْلِ وَ عِزُّهُ اسْتِغْنَاؤُهُ عَنِ النَّاسِ

۲۰ - سهل بن سعد گوید: جبرئیل به حضور پیغمبر رسید: و عرض کرد: یا محمد ﷺ هر چه زندگی کنی آخر کار خواهی مرد و هر چه را دوست بداری عاقبت فراقش را خواهی دید و هر چه کردارت باشد بسزایش خواهی رسید و بدان که شرافت مرد در این است که در دل شب به عبادت برخیزد و عزتش در اینکه از مردم بی‌نیاز باشد.

۲۱ - حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَسَدِ الْأَسَدِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا عُمَرُ بْنُ أَبِي عِيْلَانَ الثَّقَفِيُّ وَ عِيْسَى بْنُ سُلَيْمَانَ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ الْقُرَشِيُّ قَالَا حَدَّثَنَا أَبُو إِبْرَاهِيمَ التَّرْجَمَانِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ سَعِيدٍ الْجُرْجَانِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا نَهْشَلُ بْنُ سَعِيدٍ عَنِ الضَّحَّاكِ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص أَشْرَافُ أُمَّتِي حَمَلَةُ الْقُرْآنِ وَ أَصْحَابُ اللَّيْلِ

۲۱ - رسول خدا ﷺ فرمود: طبقه شرافتمند امت من حافظین قرآنند و شب زنده داران.

کلید همه بديها يك خصلت است

مفتاح كل شر خصلة

۲۲ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكَّلِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ السَّعْدَآبَادِيُّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ دَاوُدَ بْنِ فَرْقِدٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام الْعَضْبُ مِفْتَاحُ كُلِّ شَرٍّ

۲۲ - امام صادق عليه السلام فرمود: خشم کلید همه بديها است.

نمونه‌ای از عدالت

خصلة من العدل

۲۳ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدِ الْبَرْقِيِّ عَنْ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدِ الْجَوْهَرِيِّ عَنْ حَبِيبِ الْخَثْعَمِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ أَحِبُّوا لِلنَّاسِ مَا تُحِبُّونَ لِأَنْفُسِكُمْ

۲۳ - امام صادق عليه السلام فرمود: آنچه بر خود می‌پسندید به دیگران نیز همان پسندید.

صاحب يك صفت لياقت قضاوت در اجتماع را

دارد

خصلة من فعلها رضى بها حكما

۲۴ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوِيهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنِي عَمِّي مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي الْقَاسِمِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ مَنْ أَنْصَفَ النَّاسَ مِنْ نَفْسِهِ رَضِيَ بِهِ حَكْمًا لِغَيْرِهِ

۲۴ - امام صادق عليه السلام فرمود: کسی که در مورد خویشان با مردم به انصاف رفتار کند

در باره دیگران نیز با انصاف قضاوت خواهد کرد.

کمترین حق مؤمن بر برادرش يك خصلت است

أدنى حق المؤمن على أخيه خصلة
٢٥ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ
الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ
الْحَسَنِ الصَّقَّارُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى
عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانَ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ
سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مَا أَدْنَى حَقِّ الْمُؤْمِنِ عَلَى
أَخِيهِ قَالَ أَنْ لَا يَسْتَأْثِرَ عَلَيْهِ بِمَا هُوَ أَحْوَجُ
إِلَيْهِ مِنْهُ

٢٥ - از امام صادق عليه السلام پرسیدند: کمترین
حقی که مؤمن بر برادر خود دارد چیست؟
فرمود:

به چیزی که او نیازمندتر است خود را
نیازمند نبیند.

يك وسیله تقرب بخدای عز و جل التقرب
إلى الله عز و جل بخصلة

٢٦ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكَّلِ رَضِيَ
اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الْجَمِيلِيِّ
عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ
مَحْبُوبٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ
اللَّهِ عليه السلام تَقَرَّبُوا إِلَى اللَّهِ تَعَالَى بِمُؤَاسَاةِ إِخْوَانِكُمْ

٢٦- امام صادق عليه السلام فرمود: همدردی با
برادران خود را وسیله تقرب بخدای تعالی
قرار دهید.

سخت ترین آزمایش خدا بندگان را با یک خصلت است

ما بلا الله العباد بشيء أشد عليهم من
خصلة

۲۷ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوَيْهِ رَضِيَ
الله عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنِي عَمِّي مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي الْقَاسِمِ
عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللهِ الْبَرْقِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ
عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ
عَبْدِ الْعَزِيزِ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ
الله عليه السلام قَالَ مَا بَلَا اللهُ الْعِبَادَ بِشَيْءٍ أَشَدَّ عَلَيْهِمْ
مِنْ إِخْرَاجِ الدَّرْهَمِ

۲۷ - امام صادق عليه السلام فرمود: سخت ترین
آزمایش خداوند از نظر بندگان، پول دادن
است.

میوه نهال نیکوکاری ثمره المعروف خصله

۲۸ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدِ
الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ خَلْفِ بْنِ حَمَادٍ عَنْ مُوسَى
بْنِ بَكْرِ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ حُمْرَانَ بْنِ أَعْيَنَ عَنْ
أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ لِكُلِّ شَيْءٍ ثَمْرَةٌ
وَ ثَمْرَةُ الْمَعْرُوفِ تَعْجِيلُ السَّرَّاجِ «السَّرَّاجِ»

۲۸ - امام باقر عليه السلام فرمود: هر چیز را
میوه ایست و میوه نیکوکاری چراغ را زود
وقت روشن کردن است.

یک خو ایمان را استوار و خوی دیگر از دلش بیرون کند

خصلة تثبت الإيمان في العبد و خصلة
تخرجه منه

۲۹ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ
يَحْيَى بْنِ عِمْرَانَ الْأَشْعَرِيِّ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو عَبْدِ
الله الرَّازِيُّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ سَلِيمَانَ بْنِ رُشَيْدٍ عَنْ
مُوسَى بْنِ سَلَامٍ عَنْ أَبَانَ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ

اللَّهِ ﷺ قَالَ قُلْتُ مَا الَّذِي يُثْبِتُ الْإِيمَانَ فِي الْعَبْدِ قَالَ الَّذِي يُثْبِتُهُ فِيهِ الْوَرَعُ وَالَّذِي يُخْرِجُهُ مِنْهُ الطَّمَعُ

۲۹ - ابان بن سويد گوید: امام صادق عليه السلام را گفتم: آنچه ايمان را در دل بنده استوار ميسازد چيست؟ فرمود: آنچه ايمان را در او پا برجا ميکند پرهيز از گناه است و آنچه آن را از دل او بيرون ميکند: طمع است.

يك رفتار شكوه مؤمن را ميبرد

خصلة تذهب ببهاء المؤمن

۳۰ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوِيهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى بْنِ عَمْرَانَ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى بْنِ عُبَيْدٍ عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ

الدَّهْقَانِ عَنْ دُرُسْتِ بْنِ أَبِي مَنْصُورِ الْوَاسِطِيِّ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ ﷺ قَالَ سُرْعَةُ الْمَشْيِ تَذْهَبُ بِبَهَاءِ الْمُؤْمِنِ

بر ليس فوکه بر و عقوق ليس فوکه عقوق
۳۰- امام رضا عليه السلام فرمود: تندروی شکوه مؤمن را ميبرد.

(کار نيکی که برتر از آن نيست و ناسپاسی که بالاتر از آن نباشد)

۳۱ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّقَّارُ عَنْ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنْ أَبِي هَمَّامِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ هَمَّامٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدِ بْنِ عَزْوَانَ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مُسْلِمِ السَّكُونِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ ﷺ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ قَتَلَ الرَّجُلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَرًّا وَجَلًّا فَإِذَا قَتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَيْسَ فَوْقَهُ بَرٌّ وَفَوْقَ كُلِّ بَرٍّ عَقُوقٌ حَتَّى يُقْتَلَ الرَّجُلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ

أَحَدَ وَالِدَيْهِ فَإِذَا قَتَلَ أَحَدَهُمَا فَلَيْسَ فَوْقَهُ
عُقُوبٌ

۳۱ - امام باقر علیه السلام فرمود: از هر کار نیک نیکوترش هست تا آنکه مرد در راه خدا کشته شود، هنگامی که در راه خدا کشته شد دیگر نیکوتر از آن کاری نیست و از هر ناسپاسی بالاترش هست تا آنکه مرد یکی از پدر و مادر خویش را بکشد هنگامی که یکی از آنان را کشت دیگر بالاتر از آن ناسپاسی نیست.

تضمین بی‌نیازی با انجام يك كار

مضمون لمن عمل خصلة أن لا يفتقر
۳۲ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ
عَلِيِّ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عُمَرَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ
بْنِ أَيُّوبَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مَيْمُونٍ قَالَ سَمِعْتُ
أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ ضَمِنْتُ لِمَنْ اقْتَصَدَ أَنْ لَا
يَفْتَقِرَ

۳۲ - ابراهیم بن میمون گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که میفرمود: به ضمانت من، هر که میانہ روی پیشه کند نیازمند نگردد.

جوانمردی خاندان پیغمبر ﷺ

مروءة أهل البيت ﷺ خصلة

۳۳ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ
الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ
الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنِ الْهَيْثَمِ بْنِ أَبِي مَسْرُوقٍ
النَّهْدِيِّ عَنِ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ
حَرِيْزٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ﷺ
يَقُولُ إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ مُرُوءَتِنَا الْعَفْوُ عَمَّنْ
ظَلَمْنَا

۳۳ - زرارة گوید: شنیدم امام صادق
ﷺ میفرمود: جوانمردی ما خاندان چنین
است که هر که بر ما ستم کند او را
میبخشیم .

نمونه ای از جوانمردی خصلة من المروءة

۳۴ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوِيهِ رَضِيَ
اللَّهُ عَنْهُ عَنْ عَمِّهِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي الْقَاسِمِ عَنْ
أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ
مِهْرَانَ عَنْ صَالِحِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبَ
عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ﷺ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مِنْ
الْمُرُوءَةِ اسْتِصْلَاحُ الْمَالِ

۳۴ - رسول خدا ﷺ فرمود: مال
صالح بدست آوردن از جوانمردی است.

کاری که از ثروتمند خوش آیند نیست

خصله مکروهه للرجل السري
۳۵ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ
الْوَلِيدِ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ
الصَّفَّارُ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي
عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ قَالَ رَأَى أَبُو عَبْدِ
اللَّهِ عليه السلام بِالْمَدِينَةِ وَ أَنَا أَحْمِلُ بَقْلًا فَقَالَ إِنَّهُ
يُكْرَهُ لِلرَّجُلِ السَّرِيِّ أَنْ يَحْمِلَ الشَّيْءَ الدَّنِيَّ
فِيُجْتَرَأَ عَلَيْهِ

۳۵ - معاوية وهب گوید: امام صادق عليه السلام
در مدینه مرا دید که بار سبزی با خود
داشتم فرمود:
خوش آیند نیست که شخص ثروتمند چیز پست
را خود بردارد که باعث جرات مردم بر او
خواهد بود.

کاری که خداوند آن را دوست میدارد و کاری که دشمنش میدارد

خصله يحبها الله و خصله يبغضها عز و جل
۳۶ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي
الْخَطَّابِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشِيرِ الْبَجَلِيِّ عَنْ دَاوُدَ
الرَّقِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ إِنَّ الْقَصْدَ أَمْرٌ
يُحِبُّهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ إِنَّ السَّرْفَ
أَمْرٌ يُبْغِضُهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ حَتَّى طَرَحَكَ النَّوَاةُ
فَإِنَّهَا تَصْلُحُ لِشَيْءٍ وَ حَتَّى صَبَّكَ فَضَلَ شَرَابِكَ

۳۶ - امام صادق فرمود: میانه روی کاری
است که خدایش دوست میدارد و زیاده روی
کاری است که خدا را ناخوش آید حتی اگر
هسته خرما را که ممکن است روزی بکار آید
دور افکنی و پس مانده آبی را که آشامیده
ای بر زمین بریزی.

هر کس دارای يك خصلت باشد سپاسگزاری نکرده است

خصلة من احتملها لم يشكر النعمة
۳۷ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوَيْهِ رَحِمَهُ
اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنِي عَمِّي مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي الْقَاسِمِ عَنْ
أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ
حَسَّانَ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ مَنْ
اِحْتَمَلَ الْجَفَاءَ لَمْ يَشْكُرِ النِّعْمَةَ
۳۷ - امام صادق عليه السلام فرمود: هر کس که
جفا و بدخوئی را تحمل کند سپاسگزار
نمیباشد

شرح:

ظاهراً مقصود این است که حسن تأثیر از
بدخوئی و سپاسگزاری از احترام یکی است و
کسی که فاقد این حس باشد در هر دو مورد
متأثر نخواهد بود مانند کسی که بوی بد
را احساس نکند بوی خوش را نیز احساس
نخواهد کرد و مؤید این معنا تعبیری است
که در روایت ۳۸ است.

کسی که برای يك خصلت خشمگین نگردد از يك خصلت نیز سپاسگزار نخواهد بود

من لم تغضبه خصلة لم يشكر خصلة
۳۸ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى
الْعَطَّارُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ
أَحْمَدَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ السِّيَّارِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ
أَسْبَاطٍ يَرْفَعُهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ مَنْ لَمْ
تُغْضِبْهُ الْجَفْوَةُ لَمْ يَشْكُرِ «يُشْكِرُ النِّعْمَةَ»
۳۸ - امام صادق عليه السلام فرمود: کسی که جفا
و بدخوئی او را خشمگین نسازد از نعمت
نیز سپاسگزارى نکند.

نمونه‌ای از فروتنی

خصله من التواضع
۳۹ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ
الْبَرْقِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنْ عُثْمَانَ
بْنِ عِيْسَى عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ
اللَّهِ عليه السلام قَالَ مِنَ التَّوَّاضِعِ أَنْ تُسَلَّمَ عَلَى مَنْ لَقِيتَ
۳۹ - امام صادق عليه السلام فرمود: نمونه‌ای از
فروتنی این است که به هر کس رسیدی سلام اش
کنی.

صفتی که نزدیک به کفر است و صفتی که نزدیک است از تقدیر جلوگیری کند

خصله كادت أن تكون كفرا و خصله كادت
أن تغلب القدر
۴۰ - حَدَّثَنَا حَمْرَةُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ
جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ
بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام يَقُمُ فِي رَجَبِ سَنَةِ
تِسْعِ وَ ثَلَاثِينَ وَ ثَلَاثِمِائَةٍ قَالَ أَخْبَرَنِي عَلِيُّ
بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ
الْمُعْبِرَةِ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ
أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيٍّ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ
ص كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا وَ كَادَ الْحَسَدُ
أَنْ يَغْلِبَ الْقَدَرَ
۴۰ - رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: نزدیک است که
فقر و تنگدستی به کفر انجامد و نزدیک
است که حسد بر تقدیر پیروز شود.

شرح:

«کاد الفقر ان يكون كفرا اشاره بشدت
فشار احتیاج و تنگدستی است که امکان
دارد پایه ایمان اشخاص کم طاقت را
متزلزل نموده و منجر به کفر شود و «کاد
الحسد ان يغلب القدر اشاره بشدت تأثیر
حسد در سرنوشت اشخاص است که حسود برای

رسیدن به آرزوی خود و سلب نعمت از محسود تا آنجا که توانائی دارد فعالیت میکند و از آلودن خود به هر جنایتی فروگذار نشود و اگر در این کار کامیاب شود گوئی سرنوشت محسود را تغییر داده است. و توان گفت که مقصود تاثیر حسد در سرنوشت حسود است مثلا تقدیر چنین بوده است که او عمری دراز با آسایش و فراغت خاطر زندگی کند ولی حسدش او را آن چنان در رنج و شکنجه اندازد که نعمت آسایش و فراغ از او سلب شده و بهره اش از زندگی، مرگی تدریجی و عمری کوتاه گردد.

کاری که پیشینیان را نابود ساخت

خصلة أهلكت القرون الأولى
 ٤١ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَّاءِ عَنِ أَبِي الْحَسَنِ الْحَدَّاءِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ لِأَبِي الْعَبَّاسِ الْبَقْبَاقِ مَا مَنَعَكَ مِنَ الْحَجِّ قَالَ كَفَالَةٌ كَفَلْتُ بِهَا قَالَ مَا لَكَ وَ الْكَفَالَاتُ أَمْ مَا عَلِمْتَ أَنَّ الْكَفَالَةَ هِيَ الَّتِي أَهْلَكْتَ الْقُرُونَ الْأُولَى

٤١ - ابی الحسن حذاء گوید: شنیدم که امام صادق عليه السلام به ابی العباس بقباق میفرمود: چرا به حج نرفتی؟ عرض کرد: کفالتی بر عهده دارم که انجام آن مانع این سفر است فرمود: ترا با کفالتها چکار؟

مگر ندانسته ای که کفالت همان است که ملل پیشین را نابود ساخته است.

کشته شدن در راه خدا کفاره همه گناهان است مگر يك چیز که کفاره اش فقط یکی از سه چیز است كل ذنب يكفره القتل فی سبیل

الله عز و جل إلا خصلة فإنها لا يكفرها إلا
إحدى ثلاث خصال

٤٢ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ
الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ
الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنِ
الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ حَنَانِ بْنِ سَدِيرٍ عَنِ أَبِيهِ
عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ كُلُّ ذَنْبٍ يُكْفِّرُهُ الْقَتْلُ
فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَّا الدَّيْنَ فَإِنَّهُ لَا
كَفَّارَةَ لَهُ إِلَّا آدَاؤُهُ أَوْ يَقْضِي صَاحِبُهُ أَوْ
يَعْفُو الَّذِي لَهُ الْحَقُّ

٤٢ - امام باقر فرمود: كفاره هر گناهی
کشته شدن در راه خدا است به جز بدهکاری
که كفاره اش منحصر است در اینکه: یا خود
بدهکار آن را بپردازد و یا رفیقش از
جانب او پرداخت کند و یا طلبکار از حق
خود بگذرد.

هدیه ای که خداوند فقط بر محمد ﷺ و امتش فرستاد نه بر امتهای پیشین

إن الله تبارك و تعالی اهدى إلى محمد ص و
إلى أمته هدية لم يهداها إلى أحد من الأمم
٤٣ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ
النُّوفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ
أَبِيهِ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ
تَعَالَى أَهْدَى إِلَيَّ وَ إِلَى أُمَّتِي هَدِيَّةً لَمْ
يُهْدِهَا إِلَى أَحَدٍ مِنَ الْأُمَمِ كَرَامَةً مِنَ اللَّهِ لَنَا
قَالُوا وَ مَا ذَلِكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ الْإِفْطَارُ فِي
السَّعْرِ وَ التَّقْصِيرُ فِي الصَّلَاةِ فَمَنْ لَمْ يَفْعَلْ
ذَلِكَ فَقَدْ رَدَّ عَلَى اللَّهِ عِزًّا وَ جَلَّ هَدِيَّتُهُ

٤٣ - رسول خدا ﷺ فرمود: خدای تبارک و
تعالی بمنظور احترام از ما هدیه ای بمن و
امت فرستاد که به هیچ یک از امتها
نفرستاده است عرض کردند: آن هدیه چیست
یا رسول الله؟ فرمود: در حال سفر روزه
خوردن و نماز را شکسته گزاردن و هر کس
چنین نکند هدیه خدای عز و جل را باز
داده است

هر که بافزایش خیر خانه اش علاقمند است
چون بر غذا می نشیند باید یک کار انجام
دهد من أحب أن یكثر خیر بیده فلیفعل
خصلة عند حضور طعامه

٤٤ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوِيهِ رَضِيَ اللَّهُ
عَنْهُ عَنْ عَمِّهِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي الْقَاسِمِ عَنْ مُحَمَّدِ
بْنِ عِيْسَى عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ
بْنِ رَاشِدٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ
آبَائِهِ عليهم السلام قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام مَنْ سَرَّهُ
أَنْ يَكْثَرَ خَيْرُ بَيْتِهِ فَلْيَتَوَضَّأْ عِنْدَ حُضُورِ
طَعَامِهِ

٤٤ - امیر المؤمنین عليه السلام فرمود: هر کس
به فراوانی خیر و برکت خانه اش دلشاد و

مسرور است چون غذایش آماده گردد وضو بسازد (و با وضو از غذا استفاده نماید).

خدای تعالی چون بنده‌ای را دوست بدارد توجه خاصی به او فرماید و چون توجه فرماید یکی از سه چیز به او تحفه دهد إن الله تبارك و تعالی إذا أحب عبدا نظر إليه فإذا نظر إليه أتخفه من ثلاثة بواحدة

۴۵ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ السُّنْدِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ النَّضْرِ الْخَزَّازِ عَنْ عَمْرِو بْنِ شَمْرِ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِذَا أَحَبَّ اللَّهُ عَبْدًا نَظَرَ إِلَيْهِ فَإِذَا نَظَرَ إِلَيْهِ أَتَخَفَهُ مِنْ ثَلَاثَةٍ بِوَاحِدَةٍ إِمَّا صُدَاعٍ وَ إِمَّا حُمَّى وَ إِمَّا رَمَدٍ

۴۵ - امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: چون خداوند بنده‌ای را دوست بدارد مورد توجهش قرار دهد و چون به او توجه فرمود یکی از سه چیز را به وی تحفه فرستد: یا سردرد و یا تب و یا چشم درد.

روز قیامت شب وصال متقین است

القیامة عرس المتقین

٤٦ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكَّلِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْقَاشَانِيِّ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ الْجَعْفَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ الْقِيَامَةُ عُرْسُ الْمُتَّقِينَ

٤٦ - امام صادق عليه السلام فرمود: روز قیامت برای پرهیزکاران جشن عروسی است.

کاری که بخاطر آن مرگ ناخوش آید ٤٧
حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ الْكُوفِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي جَدِّي الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عَنْ جَدِّهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عليه السلام قَالَ أَتَى النَّبِيَّ ص رَجُلٌ فَقَالَ لَهُ مَا لِي لَا أَحِبُّ الْمَوْتَ فَقَالَ لَهُ أَلَا لَكَ مَا قَالَ نَعَمْ قَالَ فَقَدِمْتَهُ قَالَ لَا قَالَ فَمِنْ تَمَّ لَا تُحِبُّ الْمَوْتَ

٤٧ - امام باقر عليه السلام فرمود: مردی نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: چرا من مرگ را دوست ندارم. فرمود: ثروتی داری؟ عرض کرد: بلی، فرمود: پیشاپیش فرستاده ای؟ عرض کرد: نه.

فرمود: به همین جهت مرگ را دوست نمیداری.

کاری که بزدش شبیه است خصله تشبه زدها

٤٨ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمْرَةَ بْنِ حُمْرَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ لَمْ يَخْلُقِ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ يَقِينًا لَا شَكَّ فِيهِ أَشْبَهَ بِشَكِّ لَا يَقِينَ فِيهِ مِنَ الْمَوْتِ

۴۸ - امام صادق علیه السلام فرمود: خدای تعالی یقینی خالی از شك را شبیه‌تر از مرگ به شکی خالی از یقین نیافریده است.

شرح:

با اینکه همه را یقین است که خواهند مرد ولی در مقام عمل طوری رفتار میکنند که گویی یقین بمرگ ندارند و همه در شك‌اند.

بدترین مردم کسانی هستند که از ترس يك چیز به آنان احترام بشود

شرار الناس الذين يكرمون مخافة خصلة

فيهم

۴۹ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي الْحُسَيْنُ بْنُ يَزِيدَ النَّوْفَلِيُّ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ أَبِي زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَنِ عَلِيِّ عليه السلام عَنِ النَّبِيِّ ص أَنَّهُ قَالَ أَلَا إِنَّ شِرَارَ أُمَّتِي الَّذِينَ يُكْرَمُونَ مَخَافَةَ شَرِّهِمْ أَلَا وَ مَنْ أَكْرَمَهُ النَّاسُ اتَّقَاءَ شَرِّهِ فَلَيْسَ مِنِّي

۴۹ - رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هان، که تحقیقا بدکارترین افراد امت من کسانی هستند که از بیم شرشان محترمند، هان، کسی که مردم محترمش دارند تا از شر او در امان باشند از امت من نیست.

زهد در دنیا يك چیز بیش نیست و سپاس هر نعمتی یکی بیش نه

خصله هی الزهد فی الدنیا و خصله هی
شکر کل نعمه

۵۰ - حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ
رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ
أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ بَعْضِ النَّوْفَلِيِّينَ وَ مُحَمَّدِ
بْنِ سَنَانَ رَفَعَهُ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام قَالَ
كُونُوا عَلَى قَبُولِ الْعَمَلِ أَشَدَّ عِنَايَةً مِنْكُمْ
عَلَى الْعَمَلِ الزَّهْدُ فِي الدُّنْيَا قِصْرُ الْأَمَلِ وَ
شُكْرُ كُلِّ نِعْمَةٍ الْوَرَعُ عَمَّا حَرَّمَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مَنْ
أَسْخَطَ بَدَنَهُ أَرْضَى رَبَّهُ وَ مَنْ لَمْ يُسْخَطْ بَدَنَهُ
عَصَى رَبَّهُ

۵۰ - امیر المؤمنین عليه السلام فرمود: به
پذیرش کار بیشتر عنایت بورزید تا اصل
کار، کوتاهی آرزو (نشانه) بی رغبتی به
دنیا است و سپاس هر نعمت اجتناب از
محرمات الهی (عز و جل) هر که جسم خویشتن
ناشاد سازد خدای را شاد کند. و آنکه بدن
خویش ناشاد نسازد به معصیت خدا گرفتار
آید.

هیچ چیز از زبان سزاوارتر نیست که زندانش بطول انجامد

ما شيء أحق بطول السجن من اللسان
۵۱ - حَدَّثَنَا حَمْرَةَ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ
الْعَلَوِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ أَخْبَرَنِي عَلِيُّ بْنُ
إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ
زِيَادِ بْنِ مَرْوَانَ الْقَنْدِيِّ عَنْ أَبِي وَكَيْعٍ عَنْ
أَبِي إِسْحَاقَ عَنِ الْحَارِثِ قَالَ سَمِعْتُ أَمِيرَ
الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام يَقُولُ مَا مِنْ شَيْءٍ أَحَقَّ بِطُولِ
السِّجْنِ مِنَ اللِّسَانِ

۵۱ - حارث گوید: شنیدم امیر المؤمنین
عليه السلام می فرمود: به حبس طولانی هیچ چیز
سزاوارتر از زبان نیست.

هر کس آرزوی دراز کند بد کردار می‌شود

من أطال أمله ساء عمله

۵۲ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنْ أَبِي هَمَّامِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ هَمَّامٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدِ بْنِ غَزْوَانَ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ آبَائِهِ عَنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالٍ قَالَ مَنْ أَطَالَ أَمَلَهُ سَاءَ عَمَلُهُ

۵۲ - علی بن ابی طالب فرمود: هر که آرزوی دراز کند بد کردار می‌شود.

مرد مسلمان تا خاموش است نیکوکار نوشته می‌شود

لا يزال الرجل المسلم يكتب محسنا ما دام ساكتا

۵۳ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُوسَى بْنِ عُمَرَ عَنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ رَبَاطٍ عَنْ بَعْضِ رِجَالِهِ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لَا يَزَالُ الْعَبْدُ الْمُؤْمِنُ يُكْتَبُ مُحْسِنًا مَا دَامَ سَاكِتًا فَإِذَا تَكَلَّمَ كُتِبَ مُحْسِنًا أَوْ مُسِيئًا

۵۳ - امام صادق علیه السلام فرمود: بنده مؤمن تا خاموش است نیکوکار نوشته می‌شود چون به سخن درآید یا نیکوکار است یا گنهگار.

هر کس يك کار انجام دهد خداوند او را از وحشت روز قیامت در امان دارد

خصلة من فعلها آمنه الله عز و جل من فزع يوم القيامة

۵۴ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ حَمْرَةَ بْنِ يَعْلَى يَرْفَعُهُ بِإِسْنَادِهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَنْ مَقَتَ نَفْسَهُ دُونَ مَقَتِ النَّاسِ آمَنَهُ اللَّهُ مِنْ فَزَعِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ

۵۴ - رسول خدا ﷺ فرمود: هر که بر خود بد بین باشد نه بر مردم (و عیب خویشتن بیند نه عیب دیگران) خداوند از وحشت روز قیامت آسوده خاطرش سازد.

يك چیز در پیکر عقل بجای سر او است

رأس العقل خصلة

۵۵ - أَخْبَرَنَا سُلَيْمَانُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ أَيُّوبَ اللَّخْمِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ الْوَهَّابِ بْنُ خَرَّاجَةَ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو كُرَيْبٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ حَفْصِ الْعَبْسِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ الْحُسَيْنِ الْعَلَوِيُّ عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ بْنِ زَيْدٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَأْسُ الْعَقْلِ بَعْدَ الْإِيمَانِ بِاللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ التَّحَبُّبُ إِلَى النَّاسِ

۵۵ - رسول خدا ﷺ فرمود: پس از ایمان بخدا، طرح دوستی با مردم ریختن بجای سر است در پیکر عقل.

پرهیزکارتر و عابدتر و زاهدتر و کوشاترین مردم

أورع الناس و أعبد الناس و أزهد الناس و أشد الناس اجتهادا

۵۶ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوِيهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنْ عَمِّهِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي الْقَاسِمِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي شُعَيْبٍ يَرْفَعُهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ أَوْرَعُ النَّاسِ مَنْ وَقَفَ عِنْدَ الشُّبْهَةِ أَعْبَدُ النَّاسِ مَنْ أَقَامَ الْفَرَائِضَ أَزْهَدُ النَّاسِ مَنْ تَرَكَ الْحَرَامَ أَشَدُّ النَّاسِ اجْتِهَاداً مَنْ تَرَكَ الدُّنُوبَ

۵۶ - امام صادق عليه السلام فرمود:

پرهیزکارترین مردم کسی است که به کار شبهه ناک اقدام نکند و عابدتر آنکه واجبات را بپا دارد و زاهدتر کسی است که

کار حرام نکند و کوشاتر از همه آنکه یکباره گناهان را ترك گوید.

توبه پشیمانی است و بس

کفی بالندم توبه

۵۷ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَلِيِّ الْجَهْضَمِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ كَفَى بِالنَّدَمِ تَوْبَةً

۵۷ - امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: توبه پشیمانی است و بس.

آنکه بیش از خوراک خویش از دنیا برگیرد

من أصاب من الدنيا فوق قوته

۵۸ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ رَبَاطٍ رَفَعَهُ قَالَ شَكَأَ رَجُلٌ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْحَاجَةَ فَقَالَ لَهُ ااعْلَمْ أَنَّ كُلَّ شَيْءٍ تُصِيبُهُ مِنَ الدُّنْيَا فَوْقَ قُوَّتِكَ فَإِنَّمَا أَنْتَ فِيهِ خَازِنٌ لِعَيْرِكَ

۵۸ - راوی گوید: شخصی شکایت نزد امیر المؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ برد که نیازمند فرمود: همین قدر بدان که هر چه از مال دنیا زیاده بر خوراک خود بدست آوری برای دیگران میاندوزی.

يك وصيت قابل توجه

الوصية بخصلة

۵۹ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ السَّعْدَابَادِيُّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ دُرُسْتِ بْنِ أَبِي مَنْصُورٍ عَنْ عَيْسَى بْنِ بَشِيرٍ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ الثَّمَالِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ

لَمَّا حَضَرَتْ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ عليه السلام الْوَفَاةَ ضَمَّنِي
إِلَى صَدْرِهِ ثُمَّ قَالَ يَا بُنَيَّ أَوْصِيكَ بِمَا
أَوْصَانِي بِهِ أَبِي عليه السلام حِينَ حَضَرْتَهُ الْوَفَاةَ وَ بِمَا
ذَكَرَ أَنَّ أَبَاهُ أَوْصَاهُ بِهِ يَا بُنَيَّ إِيَّاكَ وَ ظَلَمَ
مَنْ لَا يَجِدُ عَلَيْكَ نَاصِرًا إِلَّا اللَّهَ

۵۹ - امام باقر عليه السلام فرمود: پدرم در حال
احتضار مرا به سینه گرفت و فرمود:
فرزندم آنچه را که پدرم در ساعت آخر
عمرش بر من وصیت کرد و یادآور شد که او
را نیز پدرش همین وصیت کرده است به تو
وصیت میکنم: فرزندم مبادا بر کسی که بجز
خدا یار و یابوری ندارد ستم کنی.

اثر منفی يك صفت و اثر مثبت صفت ديگر

خصله نافية و خصله مثبتة

۶۰ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو سَعِيدٍ
الْأَدْمِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ الْحُسَيْنِ
الْلُّؤْلُؤِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ حُذَيْفَةَ بْنِ
مَنْصُورٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ إِنَّ
قَوْمًا مِنْ قُرَيْشٍ قَلَّتْ مُدَارَاتُهُمْ لِلنَّاسِ فَتَنُّوْا
مِنْ قُرَيْشٍ وَ أَيَّمُ اللَّهُ مَا كَانَ بِأَحْسَابِهِمْ بَأْسٌ وَ
إِنَّ قَوْمًا مِنْ غَيْرِهِمْ حَسَنَتْ مُدَارَاتُهُمْ فَالْحَقُّوْا
بِالْبَيْتِ الرَّفِيعِ قَالَ ثُمَّ قَالَ مَنْ كَفَّ يَدَهُ عَنِ
النَّاسِ فَإِنَّمَا يَكْفُ عَنْهُمْ يَدًا وَاحِدَةً وَ يَكْفُونَ
عَنْهُ أَيَادِي كَثِيرَةً

۶۰ - حذیفه بن منصور گوید: شنیدم امام
صادق عليه السلام میفرمود: افرادی از قریش که با
مردم سازش کمتری داشتند از انتساب به
قریش رانده شدند در صورتی که بخدا قسم
افراد با شخصیتی بودند و جمعی از دیگران
که حسن سلوک داشتند به این خاندان بلند
پایه پیوستند راوی گوید: سپس امام
فرمود: هر که دست از آزار مردم بدارد يك
دست از آنان باز داشته ولی دیگران

متقابلا دست‌های بسیاری از آزار او باز داشته‌اند.

صفتی بر اهل دنیا سنگین است و صفت دیگر سبک

خصلة ثقلت على أهل الدنيا و خصلة خفت عليهم

٦١ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحَجَّالِ عَنْ عَلَاءٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام يَقُولُ إِنَّ الْخَيْرَ ثَقُلَ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا عَلَى قَدْرِ ثِقَلِهِ فِي مَوَازِينِهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ إِنَّ الشَّرَّ خَفَّ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا عَلَى قَدْرِ خِفَّتِهِ فِي مَوَازِينِهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

٦١ - محمد بن مسلم گوید: شنیدم امام باقر عليه السلام میفرمود: کار خیر به همان اندازه که در میزان روز قیامت سنگین است بر مردم دنیا پرست سنگین آید و کار بد را دنیا پرستان به مقدار سبکی‌اش در میزان روز قیامت سبک شمارند

شخصیت و بزرگواری و عمل و پرستش، هر يك بچیزی بستگی کامل دارد

لا حسب إلا بخصلة و لا كرم إلا بخصلة و لا عمل إلا بخصلة و لا عبادة إلا بخصلة

٦٢ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكَّلِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الْجَمِيرِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مَالِكِ بْنِ عَطِيَّةَ عَنِ أَبِي حَمْرَةَ الثَّمَالِيِّ عَنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليهما السلام قَالَ لَا حَسَبَ لِقُرَشِيٍّ وَ لَا لِعَرَبِيٍّ إِلَّا بِتَوَاضِعٍ وَ لَا كَرَمٍ إِلَّا بِتَقْوَى وَ لَا عَمَلَ إِلَّا بِنِيَّةٍ أَلَا وَ إِنَّ أَبْغَضَ النَّاسِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مَنْ يَتَّقِدِي بِسُنَّةِ إِمَامٍ وَ لَا يَتَّقِدِي بِأَعْمَالِهِ

۶۲ - علی بن حسین علیه السلام فرمود: شخصیت هر فردی چه از نژاد قریش و چه عرب فقط با فروتنی است و بزرگواریش با پرهیزکاری و عملش با نیت و پرستشاش با دانستن احکام و آداب عبادت بستگی کامل دارد هان که ناخوش‌آیندترین افراد بخدا کسی است که خود را پیرو دستورات پیشوائی بداند ولی رفتار او را نداشته باشد.

یک کار و چهار فائده

خصله تنفع فی أربعة أشياء
 ۶۳ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانَ عَنْ حَمَادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ الْكُحْلُ يُنِيْتُ الشَّعْرَ وَ يُجَفِّفُ الدَّمْعَةَ وَ يُعَذِّبُ الرَّيِّقَ وَ يَجْلُو الْبَصَرَ
 ۶۳ - امام صادق علیه السلام فرمود: سرمه، موی را میرویانند و ریزش اشک از چشم را میخشکاند و آب دهن را گوارا سازد و دیده را روشنایی بخشد.

خدا که بنده‌ای را دوست بدارد ببلای بزرگ گرفتارش کند إذا أحب الله عز و جل عبدا ابتلاه بعظیم البلاء
 ۶۴ حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ قَالَ حَدَّثَنِي سَهْلُ بْنُ زِيَادِ الْأَدَمِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ الْحُسَيْنِ الْوَلَوِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانَ عَنْ زَيْدِ أَبِي أَسَامَةَ الشَّحَامِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِنَّ عَظِيمَ الْبَلَاءِ يُكَافَأُ بِهِ عَظِيمَ الْجَزَاءِ وَ إِذَا أَحَبَّ اللَّهُ عَبْدًا ابْتَلَاهُ بِعَظِيمِ الْبَلَاءِ فَمَنْ رَضِيَ فَلَهُ الرِّضَا عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ مَنْ سَخِطَ الْبَلَاءُ فَلَهُ السَّخَطُ

۶۴- رسول خدا ﷺ فرمود: ابتلای بزرگ در عوض، پاداش بزرگ دارد و چون خداوند بنده‌ای را دوست بدارد به بلای بزرگش گرفتار کند آنگاه هر که خوشنود گردد خدا نیز به پاداش از وی خوشنود است و هر که بلا را ناخوش دارد دچار غضب الهی گردد.

کاری که شخص را مبتلا به بواسیر کند

خصله تورث الباسور

۶۵ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوَيْهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو سَعِيدٍ الْأَدْمِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ الْحُسَيْنِ اللَّوْلُؤِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدِ بْنِ غَزْوَانَ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ أَبِي زِيَادٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ طُولُ الْجُلُوسِ عَلَى الْخَلَاءِ يُورِثُ الْبَاسُورَ

۶۵ - امیر المؤمنین عليه السلام فرمود: در مستراح زیاد معطل شدن بواسیر می‌آورد.

دستی که انگشتر آهن به انگشت دارد پاکیزه نگردد ما طهرت کف فیها خاتم من حدید

۶۶ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ السَّرِيِّ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَا طَهَّرْتُ كَفًّا فِيهَا خَاتَمٌ مِنْ حَدِيدٍ

۶۶ - رسول خدا ﷺ فرمود: دستی که انگشتر آهنی به انگشت دارد پاکیزه نگردد.

هر که پیش از سلام دادن شروع بسخن کند جوابش ندهید

من بدأ بالكلام قبل السلام فلا تجيبوه

۶۷ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنِ الْخُسَيْنِ بْنِ يَزِيدَ النَّوْفَلِيِّ عَنِ إِسْمَاعِيلِ بْنِ أَبِي زِيَادٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ آبَائِهِ عليهم السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَنْ بَدَأَ بِالْكَلامِ قَبْلَ السَّلَامِ فَلَا تُجِيبُوهُ - وَ قَالَ عليه السلام لَا تَدْعُ إِلَى طَعَامِكَ أَحَدًا حَتَّى يُسَلِّمَ

۶۷ - رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هر که پیش از سلام دادن شروع بسخن کند پاسخش ندهید و فرمود: هیچ کس را تا سلام نداده بخوردن غذا دعوت مکن.

کاری که هر کس انجام دهد یا برایش انجام دهند از دین محمد بیرون است

خصله من فعلها أو فعلت له برئ من دین محمد صلی الله علیه و آله و سلم

۶۸ حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ مَنْ تَكَهَّنَ أَوْ تَكَهَّنَ لَهُ فَقَدْ بَرَّئَ مِنْ دِينِ مُحَمَّدٍ ص قُلْتُ فَالْقِافَةُ قَالَ مَا أَحِبُّ أَنْ تَأْتِيَهُمْ وَ قَلَّ مَا يَقُولُونَ شَيْئًا إِلَّا كَانَ قَرِيبًا مِمَّا يَقُولُونَ وَ قَالَ الْقِافَةُ فَضْلُهُ مِنَ النُّبُوَّةِ ذَهَبَتْ فِي النَّاسِ

۶۸ - امام صادق عليه السلام فرمود: هر کس کهانت کند یا دیگری در باره اش کهانت کند (و او بر آن اعتقاد بنهد) از دین محمد بیرون شده است گفتم: قیافه شناسی چطور؟ فرمود دوست ندارم که با قیافه شناسان رفت و آمد داشته باشی و کمتر اتفاق می افتد که چیزی بگویند مگر اینکه تقریباً همان طور می شود فرمود: قیافه شناسی باقیمانده ایست از پیغمبری که بدست مردم افتاده است. شرح:

در بعضی از نسخه‌ها بجای (قل) قیل است و بنا بر آن مقتضای روایت چنین است که گرچه گفته شده است که هر چه آنان میگویند تقریباً همان طور می‌شود و احتمال می‌رود که کلمه (قیل) از صدوق علیه السلام باشد.

از مثل‌های پیغمبران بجز يك کلمه باقی نمانده است ما بقى من أمثال الأنبياء إلا كلمة

٦٩ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْجَهْمِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ عليه السلام قَالَ مَا بَقِيَ مِنْ أَمْثَالِ الْأَنْبِيَاءِ إِلَّا كَلِمَةٌ إِذَا لَمْ تَسْتَحْيِ فَأَعْمَلْ مَا شِئْتَ وَ قَالَ أَمَا إِنَّهَا فِي بَنِي أُمِّيَّةَ

٦٩ - موسی بن جعفر علیه السلام فرمود: از مثل‌های پیغمبران بجز این يك کلمه باقی نمانده است:

چنانچه شرم نداری هر چه خواهی بکن و فرمود: این مثل در باره بنی امیه است.

چون خدا در باره بنده اش نیکی بخواهد

هر چه زودتر در دنیا مجازاتش فرماید و اگر اراده بدی فرماید کیفرش را بتأخیر اندازد إذا أراد الله تبارك و تعالی بعبد خيراً عجل عقوبته فى الدنيا و إذا أراد به سوءاً أخر عقوبته

٧٠ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ السَّرِيِّ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِعَبْدٍ خَيْرًا عَجَّلَ عُقُوبَتَهُ فِي الدُّنْيَا وَ إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِعَبْدٍ

سُوءاً أَمْسَكَ عَلَيْهِ ذُنُوبُهُ حَتَّى يُوَافِيَ بِهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ

۷۰ - امام صادق عليه السلام فرمود: چون خدا اراده خوب در باره بنده اش کند هر چه زودتر در دنیا مجازاتش فرماید و چون اراده بد در باره اش نماید گناهان او را نگاه میدارد تا روز قیامت به کیفر گناهانش برساند.

شکیبائی بر دشمنان نعمت

الصبر على أعداء النعم
۷۱ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي يَعْقُوبُ بْنُ يَزِيدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ عَنْ مُعَاذِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ اصْبِرْ عَلَى أَعْدَاءِ النِّعَمِ فَإِنَّكَ لَنْ تُكَافِيَ مَنْ عَصَى اللَّهَ فِيكَ بِأَفْضَلٍ مِنْ أَنْ تُطِيعَ اللَّهَ فِيهِ
۷۱ - امام صادق عليه السلام فرمود: بر دشمنان نعمت - افراد حسود - شکیبا باش که بهترین تلافی گناه آنان در باره تو: با حسادتشان اطاعت تو است خداوند را در باره آنان به صبر.

پیغمبر و علی بن ابی طالب از میوه یک درختند

خلق النبي صلى الله عليه وآله و علی بن ابی طالب عليه السلام من شجرة واحدة
۷۲ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو سَعِيدٍ سَهْلُ بْنُ زِيَادِ الْأَدَمِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ الْحُسَيْنِ الْوَلَوِيُّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَفْصِ الْعَبْسِيِّ عَنِ الصَّلْتِ بْنِ الْعَلَاءِ عَنْ أَبِي الْحَزْوَرِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام
قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص خُلِقَ النَّاسُ مِنْ شَجَرٍ شَتَّى

وَ خُلِقْتُ أَنَا وَ ابْنُ أَبِي طَالِبٍ مِنْ شَجَرَةٍ
وَاحِدَةٍ أَصْلَى عَلَيَّ وَ فَرَعِي جَعْفَرٌ
۷۲ - رسول خدا ﷺ فرمود: مردم از
درختهای گوناگون آفریده شده‌اند ولی من و
فرزند ابی طالب از یک درخت آفریده شده‌ایم
ریشه من علی است و شاخه‌ام جعفر.

یک سپاس‌گزاری برای هر نعمت

شکر کل نعمه خصله
۷۳ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ مُحَمَّدِ
بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَطِيَّةَ عَنْ عُمَرَ بْنِ
يَزِيدَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ
شَكَرْتُ كُلَّ نِعْمَةٍ وَ إِنِّي عَظَمْتُ أَنْ تَحْمَدَ اللَّهُ عَزَّ وَ
جَلَّ

۷۳ - عمر بن یزید گفت: شنیدم امام
صادق علیه السلام می‌فرمود: سپاس‌گزاری هر نعمت هر
چند نعمت بزرگ باشد این است که خدای را -
عز و جل - حمد کنی.

دین یعنی محبت

الدین هو الحب
۷۴ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ
أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حُمُرَانَ عَنْ سَعِيدِ بْنِ
يَسَارٍ قَالَ قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام هَلِ الدِّينُ
إِلَّا الْحُبُّ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ قُلْ إِنْ كُنْتُمْ
تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ

۷۴ - سعید بن یسار گفت: امام صادق
علیه السلام بمن فرمود: مگر دین بجز محبت و دوستی
است؟ خدای عز و جل - می‌فرماید: بگو اگر
شما دوست دار خدائید پیرو من باشید تا
خداوند شما را دوست بدارد .

چون مؤمن با مؤمن دیگر مصافحه کند بدون گناه از يك ديگر جدا شوند المؤمن إذا صافح المؤمن تفرقا عن غير ذنب

۷۵ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَادِ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْمُخْتَارِ عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ الْحَذَاءِ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام إِنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا صَافَحَ الْمُؤْمِنَ تَفَرَّقَا عَنْ غَيْرِ ذَنْبٍ

۷۵ - امام باقر عليه السلام فرمود: همانا مؤمن که با مؤمن مصافحه میکند بدون گناه از هم جدا می شوند.

شرح:

یا، مقصود این است که بخاطر این محبت و دوستی خداوند گناهانشان را می‌آمرزد یا آنکه مقصود گناه خاص است که عبارت از کدورت و کینه قلبی باشد.

مايه حيات قلب

خصلة تحيي القلوب

۷۶ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ خَطَّابِ بْنِ مَسْلَمَةَ عَنِ الْفَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ قَالَ لِي أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام يَا فَضِيلُ إِنَّ حَدِيثَنَا يُحْيِي الْقُلُوبَ

۷۶ - فضيل بن يسار گوید: امام باقر عليه السلام بمن فرمود: ای فضیل حدیث ما دلها را زنده میکند.

کاری که دستورات حجت‌های الهی را احیاء میکند

خصلة فيها حياة لأمر حجج الله عز و جل

٧٧ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ
بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ
مُحَمَّدِ بْنِ حُمْرَانَ عَنْ خَيْثَمَةَ قَالَ قَالَ لِي أَبُو
جَعْفَرٍ عليه السلام تَزَاوَرُوا فِي بُيُوتِكُمْ فَإِنَّ ذَلِكَ حَيَاةٌ
لِأَمْرِنَا رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْيَا أَمْرَنَا

٧٧ - خيتمه گفت امام باقر عليه السلام بمن
فرمود: بخانه های يك ديگر رفت و آمد
داشته باشید که این کار باعث حیات امر
ما است رحمت خدا بر بنده ای باد که امر
ما را احیاء کند. از برای چشم، روشنائی
بخش تر از يك چیز خدا نیافریده است ما
خلق الله عز و جل شیئا أقر للعين من خصلة

٧٨ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي الصُّهْبَانَ
عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ
مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ قَالَ
لِي يَا مُحَمَّدُ كَانَ أَبِي عليه السلام يَقُولُ يَا بُنَيَّ مَا
خَلَقَ اللَّهُ شَيْئًا أَقْرَ لِعَيْنِ أَبِيكَ مِنَ التَّقِيَّةِ

٧٨ - محمد بن مروان گوید: امام صادق
عليه السلام بمن فرمود: پدرم میفرمود: خداوند
روشنائی بخش تر از تقیه برای چشم پدرت
نیافریده است.

نه دهم دین در يك کار

تسعة أعشار الدين في خصلة

٧٩ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو سَعِيدٍ الْأَدَمِيُّ
قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ الْحُسَيْنِ اللَّؤْلُؤِيُّ عَنْ
ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جُنْدَبٍ عَنْ أَبِي
عُمَرَ الْعَجَمِيِّ قَالَ قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَا
أَبَا عُمَرَ إِنَّ تِسْعَةَ أَعْشَارِ الدِّينِ فِي التَّقِيَّةِ
وَ لَا دِينَ لِمَنْ لَا تَقِيَّةَ لَهُ وَ التَّقِيَّةُ فِي كُلِّ
شَيْءٍ إِلَّا فِي شُرْبِ النَّبِيذِ وَ الْمَسْحِ عَلَى
الْحَقَيْنِ

۷۹ - ابي عمر عجمی گوید: امام صادق
علیه السلام بمن فرمود: ای ابا عمر نه دهم دین
در تقیه است آنکه تقیه ندارد دین ندارد
و در هر کار تقیه راه دارد جز در
آشامیدن نبیذ و مسح کشیدن بر موزه.
شرح:

برای اینکه نیازی به تقیه در آیند و
مورد نیست زیرا اگر مراد از نبیذ مطلق
خمر باشد چنانچه معنی شده است پیدا است
که جای تقیه نیست چون به صریح آیه قرآن
حرام است و اگر مقصود شراب خاصی باشد
باز چون شافعی آن را حرام میدانند
میتواند باستناد گفته او آن را نیاشامد
و اما مسح بر خفین برای اینکه بنص آیه
قرآن حکم مسح برای پا است و بر خفین مسح
کردن بدعت روشنی است و علاوه بر این
میتواند کفشهای خود را بیرون آورده و
مسح بکشد و سپس موافق مذهب عامه پاهایش
را بشوید چنانچه از پاره ای از روایات
استفاده می شود. به وسایل ج ۱ ص ۶۵ باب
وجوب المسح علی الرجلین مراجعه شود.

آنکه بقضای الهی خوشنود است و آنکه از آن دلتنگ است

من رضی القضاء و من سخطه
۸۰ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا أَيُّوبُ بْنُ نُوحٍ عَنْ
مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ الْفَرَّاءِ عَنْ أَبِي عَبْدِ
اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ مَنْ رَضِيَ الْقَضَاءَ أَتَى
عَلَيْهِ الْقَضَاءُ وَ هُوَ مَا جُورٌ وَ مَنْ سَخَطَ الْقَضَاءَ
أَتَى عَلَيْهِ الْقَضَاءُ وَ أَحْبَطَ اللَّهُ أَجْرَهُ

۸۰ - امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: کسی که بقضای الهی راضی است قضای حق در باره او جاری شود و پاداش گیرد و آنکه از قضا دلتنگ باشد قضا بر او جاری شود و خداوند پاداش او را نیز ضایع فرماید.

شتران سرخ موی را در برابر يك حال نباید دوست داشت

خصلة لا يتحبب بها حمر النعم
۸۱ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي يَعْقُوبُ بْنُ يَزِيدَ
عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ خَلَادٍ عَنْ أَبِي جَمْرَةَ
الثَّمَالِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ مَا أَحَبُّ
أَنْ لِي بِذَلِّ نَفْسِي حُمْرَ النَّعْمِ وَ مَا تَجَرَّعْتُ
جُرْعَةً أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْ جُرْعَةٍ غَيْظٍ لَا أَكْفَى بِهَا
صَاحِبَهَا

۸۱ - امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: من دوست ندارم بجای حالت انکسار و فروتنی که مرا است شتران سرخ موی میداشتم و جرعه‌ای از گلو فرو نبرده‌ام که در کار من گواراتر باشد از جرعه خشمی که فرو برده و با صاحبش تلافی نکنم.

شرح:

احتمال می‌رود که معنای جمله اول چنین باشد: دوست ندارم که عزت‌نفسم را از دست

داده و ذلت نصیبم گردد هر چند بعوض
شتران سرخ مو نصیبم گردد و بعید نیست که
این معنا ظاهرتر باشد گرچه با جمله بعدی
مختصر منافاتی دارد، دقت شود.

يك كار روزى افزا

خصله تزييد فى الرزق
۸۲ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ
الْوَلِيدِ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ مَثِيلِ
الدَّقَاقُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ
عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي عَوْفٍ الْعَجَلِيِّ قَالَ
سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ الْوُضُوءُ قَبْلَ
الطَّعَامِ وَ بَعْدَهُ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ
۸۲ - ابى عوف عجلي گوید: شنیدم امام
صادق عليه السلام میفرمود: دست شستن (یا وضوء
گرفتن) پیش از غذا و بعد از آن روزی را
فراوان میسازد.

گناه نابخشودنى

خصله من الذنوب التي لا تغفر
۸۳ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ مُحَمَّدِ
بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَخِي الْفُضَيْلِ عَنِ الْفُضَيْلِ عَنِ
أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ مِنَ الذُّنُوبِ الَّتِي لَا تُغْفَرُ
قَوْلُ الرَّجُلِ يَا لَيْتَنِي لَا أُوَاخِذُ إِلَّا بِهَذَا
۸۳ - امام باقر عليه السلام فرمود: از گناهانی
که بخشوده نمیشود گفتن این سخن است: کاش
من جز به همین کار مواخذه نمیشدم.

شرح:

چون معنای این سخن کوچک شمردن آن گناه
و استخفاف عقاب الهی است.

کاری که خود نفاق آرد و دنباله اش تنگدستی

خصله تورث النفاق و تعقب الفقر
۸۴ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ مُحَمَّدِ
بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مِهْرَانَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ
بْنِ هَارُونَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ
الْغِنَاءُ يُورِثُ النِّفَاقَ وَ يُعْقِبُ الْفَقْرَ
۸۴ - حسن بن هارون گوید: شنیدم امام
صادق عليه السلام میفرمود: صدای طرب انگیز نفاق
آورد و آخر کار نیز به فقر و پریشانی
کشاند.

اولین تحفه مؤمن

أول ما يتحف به المؤمن خصلة
۸۵ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ
رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ
السَّعْدِ أَبَادِيٌّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ
عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ
عُثْمَانَ وَ ابْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ
عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ قُلْتُ لَهُ مَا أَوْلُ مَا
يُتْحَفُ بِهِ الْمُؤْمِنُ قَالَ يُغْفَرُ لِمَنْ تَبِعَ جَنَازَتَهُ
۸۵ - اسحاق بن عمار گوید: به امام صادق
عليه السلام عرض کردم: اولین تحفه ای که مؤمن را
دهند چیست؟ فرمود: هر که به دنباله
جنازه اش باشد آمرزیده گردد.

بنده ای که با نداشتن عمل صالح به یک کار آمرزیده شود

يغفر لعبد يوم القيامة ليست له حسنة
بخصلة
۸۶ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوِيٍّ رَضِيَ
اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنِي عَمِّي مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي الْقَاسِمِ
عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ

مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ يُؤْتَى بَعْدَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَيْسَتْ لَهُ حَسَنَةٌ فَيُقَالُ لَهُ اذْكُرْ أَوْ تَذَكَّرْ هَلْ لَكَ مِنْ حَسَنَةٍ قَالَ فَيَتَذَكَّرُ فَيَقُولُ يَا رَبِّ مَا لِي مِنْ حَسَنَةٍ إِلَّا أَنْ فُلَانًا عَبْدَكَ الْمُؤْمِنَ مَرَّ بِي فَطَلَبْتُ مِنْهُ مَاءً فَأَعْطَانِي مَاءً فَتَوَضَّأْتُ بِهِ وَصَلَّيْتُ لَكَ قَالَ فَيَقُولُ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَتَعَالَى قَدْ غَفَرْتُ لَكَ أَذْخِلُوا عَبْدِي الْجَنَّةَ

۸۶ - امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: بنده ای را که هیچ عمل صالح ندارد روز قیامت حاضر کنند پس به او گفته شود بگو یا بیاد بیاور آیا کار خوبی کرده ای؟ فرمود: پس از فکر بخاطر می آورد و عرض می کند پروردگارا من هیچ عمل صالح ندارم جز آنکه وقتی فلان بنده مؤمن تو بر من گذر کرد و من از وی آب خواستم او نیز بمن آب داد و من با آن آب وضو ساختم و نماز گزاردم خدای تبارک و تعالی میفرماید: آمرزیدمش بنده مرا به بهشت راه دهید

شرح:
احتمال می رود که این بنده تشنه بوده است و آب را جهت آشامیدن خواسته ولی عبادت حق و امتثال امر را بر لذت نفسانی ایثار نموده است لذا مستحق بهشت شده است ﴿وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ﴾ و یا اینکه چون ذلت سؤال را بخاطر پرستش خداوند تبارک و تعالی پذیرفته است پاداشی چنین به او داده می شود.

سرآمد گناهان

رأس كل خطيئة خصلة
۸۷ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ دُرُسْتِ بْنِ أَبِي مَنْصُورٍ عَنْ

رَجُلٍ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ

۸۷ - امام صادق عليه السلام فرمود: دل بستگی بدنیای سرآمد هر گناهی است.

منظره زشت بنده‌ای که با رسوائی داخل بهشت می‌شود

ما أقبح بالرجل أن يدخل الجنة و هو مهتوك الستر

۸۸ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ نُوحٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ سَعْدِ بْنِ أَبِي خَلْفٍ عَنْ نَجْمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ قَالَ لِي يَا نَجْمُ كُلُّكُمْ فِي الْجَنَّةِ مَعَنَا إِلَّا أَنَّهُ مَا أَقْبَحَ بِالرَّجُلِ مِنْكُمْ أَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ قَدْ هَتَكَ سِتْرَهُ وَ بَدَتْ عَوْرَتُهُ قَالَ قُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ وَ إِنَّ ذَلِكَ لَكَايِنُ قَالَ نَعَمْ إِنْ لَمْ يَحْفَظْ فَرْجَهُ وَ بَطْنَهُ

۸۸ - نجم گوید: امام باقر بمن فرمود: ای نجم همه شماها در بهشت با ما هستید جز اینکه برای بعضی از شما چقدر زشت است که به بهشت وارد شود در حالی که پرده آبرویش دریده گشته و عیبش نمایان است گوید: گفتمش من بفدایت مگر این چنین خواهد شد؟ فرمود: بلی اگر چنانچه دامن خود را (از آلودگی) و شکم خود را (از حرام) نگاه نداشته باشد.

کاری که صاحبش مستوجب رحمت خدا است

خصلة من فعلها استوجب رحمة الله عز و جل

۸۹ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ نُوحٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ مُدْرِكِ بْنِ الْهَرَّازِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَا مُدْرِكُ رَجِمُ اللَّهِ عَبْدًا اجْتَرَّ مَوَدَّةَ النَّاسِ إِلَى نَفْسِهِ فَحَدَّثَهُمْ بِمَا يَعْرِفُونَ وَ تَرَكَ مَا يُنْكِرُونَ

۸۹ - مدرک بن هزهاز گوید امام صادق
بمن فرمود ای مدرک رحمت خدا بر بنده ای
باد که بقدر فهم مردم سخن گوید و آنچه
را که باور ندارند نگوید و با این روش
محبت مردم را بخود جلب نماید.

کاری که خیر و برکت خانه را افزایش

خصله من فعلها کثر خیر بیه
۹۰ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى
الْعَطَّارُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي سَعِيدِ
الْأَدْمِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْحُسَيْنِ اللَّوْلُؤِيِّ عَنِ
مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدِ بْنِ غَزْوَانَ عَنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ
أَبِي زِيَادٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عليه السلام
قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام مَنْ أَرَادَ أَنْ
يَكْثَرَ خَيْرَ بَيْتِهِ فَلْيَغْسِلْ يَدَهُ قَبْلَ الْأَكْلِ
۹۰ - امیر المؤمنین عليه السلام فرمود: هر که
میخواهد خیر خانه اش فراوان شود پیش از
خوردن غذا دست خود را بشوید.

در باره کسی که تندرستی‌اش نمایان‌تر است تا بیماری‌اش

و خود را به چیزی معالجه کند و بمیرد
فی من ظهرت صحته علی سقمه فیعالج بشيء
فمات

۹۱ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ
النُّوفَلِيِّ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ أَبِي زِيَادٍ عَنْ أَبِي
عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ مَنْ ظَهَرَتْ صِحَّتُهُ عَلَى سَقْمِهِ
فِيَعَالِجْ بِشَيْءٍ فَمَاتَ فَأَنَا إِلَى اللَّهِ مِنْهُ بَرِيءٌ
۹۱ - امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: کسی که
تندرستی و توانائیش بیش از بیماری و
ناتوانی‌اش باشد و در اثر معالجه بچیزی
بمیرد من بسوی خداوند از او بیزارم.

مؤمن يك كار نکند

المؤمن مشغول عن خصلة
۹۲ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ يَحْيَى
الْعَطَّارُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَهْلِ بْنِ
زِيَادٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو نَصْرِ مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ بْنِ
عُقْبَةَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ ابْنِ أُخْتِ أَبِي مَالِكٍ
عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانَ عَنْ عَبْدِ الْوَاحِدِ بْنِ
الْمُخْتَارِ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ اللَّعْبِ
بِالشُّطْرَنْجِ فَقَالَ إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَمْشَغُولٌ عَنِ
اللَّعِبِ

۹۲ - عبد الواحد بن مختار گوید: از
امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ پرسیدم بازی شطرنج چگونه
است فرمود:

مؤمن مجال بازی کردن را ندارد.

هیچ چیز مانند یک خوی ایمان را پایمال نکند

ما محق الإیمان محق خصلة شيء
۹۳ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ
قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الْجَمِيرِيِّ قَالَ
حَدَّثَنِي هَارُونُ بْنُ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بِنِ صَدَقَةَ
عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ
اللَّهِ ص مَا مَحَقَّ الْإِيمَانَ مَحَقَّ الشُّخِّ شَيْءٌ ثُمَّ قَالَ
إِنَّ لِهَذَا الشُّخِّ دَبِيبًا كَدَبِيبِ النَّمْلِ وَ شُعْبًا
كَشُعْبِ الشُّرْكِ

۹۳ - رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: هیچ چیز
مانند بخل آمیخته به حرص ایمان را
لگدکوب نکند سپس فرمود: برای بخل جنبشی
است مانند جنبش مورچه و شعبه هائی است
مانند شعبه های شرک

شرح:

مقصود این است همان طور که حرکت مورچه
با دقت درک می شود درک موارد خفیه بخل
نیز احتیاج به دقت دارد و نظیر این
تعبیر در باب ریا نیز وارد شده است.

خوشبخت آنکه تا زنده است جانشین لایق پس از خود را ببیند

سعد امرؤ لم یمت حتی یری خلفه من
بعده

۹۴ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ قَالَ حَدَّثَنِي أَيُّوبُ بْنُ
نُوحٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرِ
الْوَاسِطِيِّ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ
عَلَيْهِ السَّلَامُ الرَّجُلُ يَقُولُ لِابْنِهِ أَوْ لِابْنَتِهِ بِأَبِي أَنْتَ وَ
أُمِّي أَوْ بِأَبَوَيَّ أَمْ تَرَى بِذَلِكَ بَأْسًا فَقَالَ إِنْ
كَانَ أَبَوَاهُ حَيَّيْنِ فَإِرَى ذَلِكَ عُقُوبًا وَإِنْ
كَانَا قَدْ مَاتَا فَلَا بَأْسَ قَالَ ثُمَّ قَالَ كَانَ
جَعْفَرٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ سَعِدَ امْرُؤٌ لَمْ يَمُتْ حَتَّى يَرَى
خَلْفَهُ مِنْ بَعْدِهِ وَقَدْ وَاللَّهِ أَرَانِي اللَّهُ خَلَفِي مِنْ
بَعْدِي

۹۴ - موسى بن بكر واسطی گوید: به موسی
بن جعفر علیه السلام عرض کردم: مردی به پسر یا
دخترش میگوید: پدرم بقرbant مادرم
بقرbant یا میگوید: پدر و مادرم بقرbant
بنظر شما اشکالی دارد؟ فرمود:

اگر پدر و مادرش زنده باشند بنظر من
حق ناشناسی است و اگر مرده باشند گفتن
این سخن عیبی ندارد راوی گوید: سپس امام
علیه السلام فرمود: امام صادق علیه السلام میفرمود:
خوشبخت آنکه تا نمرده است فرزند و
جانشین شایسته پس از خود را به بیند و
بخدا قسم که خداوند جانشین صالح مرا بمن
نشان داده است.

احترام مؤمن بیش از کعبه است

المؤمن أعظم حرمة من الكعبة
۹۵ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ حَمَّادِ

بْنِ عَيْسَى عَنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عُمَرَ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ
 عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ الْمُؤْمِنُ أَكْبَرُ حُرْمَةً مِنَ الْكَعْبَةِ
 ۹۵ - امام صادق عليه السلام فرمود: احترام مؤمن
 بیشتر از کعبه است.

**مؤمن را همین یاری خدا بس که به بیند
 دشمنش به گناه آلوده است**

حسب المؤمن من الله نصره أن يرى عدوه
 يعمل بمعاصي الله عز و جل
 ۹۶ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
 سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ نُوحٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ
 أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ قُتَيْبَةَ الْأَعَشَى عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام
 قَالَ حَسْبُ الْمُؤْمِنِ مِنَ اللَّهِ نُصْرَةً أَنْ يَرَى عَدُوَّهُ
 يَعْمَلُ بِمَعَاصِي اللَّهِ
 ۹۶ - امام صادق عليه السلام فرمود: مؤمن را همین
 یاری از خدا بس که به بیند دشمنش بگناه
 آلوده است.

هدیه، کینه را از دل میزداید

الهدية تذهب بالضغائن
 ۹۷ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى
 الْعَطَّارُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَهْلِ بْنِ
 زِيَادٍ قَالَ أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ سَعِيدٍ عَنْ
 إِسْمَاعِيلَ بْنِ أَبِي زِيَادٍ السَّكُونِيِّ عَنِ أَبِي عَبْدِ
 اللَّهِ عليه السلام قَالَ نِعْمَ الشَّيْءُ الْهَدِيَّةُ أَمَامَ الْحَاجَةِ وَ
 قَالَ تَهَادَوْا تَحَابُّوا فَإِنَّ الْهَدِيَّةَ تَذْهَبُ
 بِالضَّغَائِنِ
 ۹۷ - امام صادق عليه السلام فرمود: چه خوب است
 پیش از اظهار حاجت هدیه دادن و فرمود:
 به یکدیگر هدیه بدهید تا بهم دیگر محبت
 پیدا کنید که هدیه کینه را از دل
 میزداید.

خوشا بحال بنده گمنام

طوبی لعبد نومة

۹۸ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ صَفْوَانَ الْجَمَالِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ طُوبَى

لِعَبْدٍ نَوْمَةٍ عَرَفَ النَّاسَ فَصَاحِبَهُمْ بِيَدْنِهِ وَ لَمْ يُصَاحِبَهُمْ فِي أَعْمَالِهِمْ بِقَلْبِهِ فَعَرَفَهُمْ فِي الظَّاهِرِ وَ لَمْ يَعْرِفُوهُ فِي الْبَاطِنِ

۹۸ - امام صادق عليه السلام فرمود: خوشا بحال بنده گمنامی که مردم را شناخته باشد با جسمش همنشین آنان باشد ولی دلش با رفتار آنان همراه نباشد او مردم را در ظاهر شناخته و مردم از باطن او آگاه نباشند. مایه نیازمندی روز قیامت خصله تدع الرجل فقيرا يوم القيامة

۹۹ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَسَدِ الْأَسَدِيِّ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي أَيُّوبَ النَّهْرَوِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي جَعْفَرُ بْنُ سَنَيْدِ بْنِ دَاوُدَ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي قَالَ حَدَّثَنَا يُونُسُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ الْمُنْكَدِرِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله قَالَتْ أُمُّ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ لِسُلَيْمَانَ عليه السلام إِيَّاكَ وَ كَثْرَةَ النَّوْمِ بِاللَّيْلِ فَإِنَّ كَثْرَةَ النَّوْمِ بِاللَّيْلِ تَدْعُ الرَّجُلَ فَقِيرًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ

۹۹ - رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: مادر سلیمان بن داود بسلیمان گفت: مبادا شب زیاد بخوابی که به شب خواب زیاد کردن مایه نیازمندی و بیچارگی روز قیامت است.

سرشناسان اهل بهشت يك صنفاند

عرفاء أهل الجنة صنف

١٠٠ - حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ
 بِنِ عَلِيِّ بْنِ أَسَدِ الْأَسَدِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي وَ
 عَلِيُّ بْنُ الْعَبَّاسِ الْبَجَلِيُّ وَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ
 نَصْرِ الطُّوسِيِّ قَالُوا حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ
 الرَّحْمَنِ بْنِ عَزْوَانَ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو سِنَانَ
 الْعَابِدِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا صَفْوَانُ بْنُ سُلَيْمٍ عَنْ
 عَطَاءِ بْنِ يَسَارٍ عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْخُدْرِيِّ قَالَ
 قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص حَمَلَةُ الْقُرْآنِ عَرَفَاءُ أَهْلِ
 الْجَنَّةِ

١٠٠ - رسول خدا ﷺ فرمود: سرشناسان
 بهشتیان حافظین قرآنند.

رسول خدا ﷺ يك بار يك بار وضو میساخت
 تویاً رسول الله ص مرة مرة
 ١٠١ - حَدَّثَنَا أَبُو أَحْمَدَ مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ
 الْبُنْدَارِ الْفَرَّغَانِيُّ يَفَرَّغَانَةَ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو
 الْعَبَّاسِ الْحَمَّادِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو مُسْلِمٍ
 الْكَجِّيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَبْدِ الْوَهَّابِ
 قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّحِيمِ بْنُ زَيْدِ الْعَمِّيُّ عَنِ
 أَبِيهِ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ قُرَّةَ عَنْ ابْنِ عُمَرَ أَنَّ
 رَسُولَ اللَّهِ ص تَوَضَّأَ مَرَّةً مَرَّةً

١٠١ - ابن عمران گوید: رسول خدا
 ﷺ يك بار يك بار وضو میساخت.

بهترین خوی

أحسن الحسن خصلة

١٠٢ - حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ
 بِنِ أَحْمَدَ الْأَسْوَارِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو يُوسُفَ
 أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ قَيْسِ السَّجَزِيِّ الْمُدَّكَّرُ قَالَ
 حَدَّثَنِي أَبُو مُحَمَّدٍ عَبْدُ الْعَزِيزِ بْنُ عَلِيِّ
 السَّرْحَسِيِّ بِمَرْوِ الرُّودَ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو بَكْرٍ
 أَحْمَدُ بْنُ عَمْرَانَ الْبَغْدَادِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو
 الْحَسَنِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ قَالَ حَدَّثَنَا
 أَبُو الْحَسَنِ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ عَنْ الْحَسَنِ عَنِ
 الْحَسَنِ إِنَّ أَحْسَنَ الْحَسَنِ الْخُلُقِ الْحَسَنُ

فأما أبو الحسن الأول فمحمد بن عبد الرحيم التستري و أما أبو الحسن الثاني فعلى بن أحمد البصرى التمار و أما أبو الحسن الثالث فعلى بن محمد الواقدى و أما الحسن الأول فالحسن بن عرفة العبدى و أما الحسن الثاني فالحسن بن أبى الحسن البصرى و أما الحسن الثالث فالحسن بن على بن أبى طالب عليه السلام

۱۰۲ - احمد بن عمران بغدادى، از ابو الحسن و او از ابو الحسن و او از ابو الحسن و او از حسن و او از حسن و او از حسن روایت میکند که زیباتر از هر زیبا خلق زیبا است.

شرح سند:

ابو الحسن اولی محمد بن عبد الرحيم شوشترى و ابو الحسن دوم على بن احمد بصرى تمار و ابو الحسن سوم على بن محمد واقدى و حسن اولی حسن بن عرفة عبدى و حسن دوم حسن بن ابى الحسن بصرى و حسن سوم حسن بن على بن ابى طالب است.

پیغمبر دعای خود را به يك منظور ذخیره کرد

ترك النبي صلى الله عليه وآله دعوته لخصلة
۱۰۳ - أَخْبَرَنِي أَبُو الْحَسَنِ طَاهِرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ يُونُسَ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَثْمَانَ الْهَرَوِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ نَجْدَةَ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو بِيْشْرِ خَتْنُ الْمُقْرِئِ قَالَ حَدَّثَنَا مُعَمَّرُ بْنُ سُلَيْمَانَ قَالَ إِنِّي سَمِعْتُ أَنَسَ بْنَ مَالِكٍ يَقُولُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله لِكُلِّ نَبِيٍّ دَعْوَةٌ قَدْ دَعَا بِهَا وَ قَدْ سَأَلَ سُؤلاً وَ قَدْ خَبَأَتْ دَعْوَتِي لِشَفَاعَتِي لِأُمَّتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ

۱۰۳ - رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: هر پیغمبری دعای مخصوصی داشت که با آن خدا را خوانده و حاجت خود را درخواست کرد ولی

من دعایم را ذخیره کرده ام برای شفاعت
امت در روز قیامت.

بهترین عبادت يك خصلت است

و نیکوترین آئین یکی افضل العبادة
خصله و افضل الدین خصله
۱۰۴ - أَخْبَرَنِي الْخَلِيلُ بْنُ أَحْمَدَ قَالَ
أَخْبَرَنَا ابْنُ مَنِيْعٍ قَالَ حَدَّثَنَا هَارُونُ
بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا سُلَيْمَانُ بْنُ عَبْدِ
الرَّحْمَنِ الدَّمَشَقِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا خَالِدُ بْنُ أَبِي
خَالِدٍ الْأَزْرَقِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ وَ
أَظْنُهُ ابْنَ أَبِي لَيْلَى عَنْ نَافِعٍ عَنْ ابْنِ عُمَرَ
عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ أَنَّهُ قَالَ أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ
الْفِقْهُ وَ أَفْضَلُ الدِّينِ الْوَرَعُ
۱۰۴ - رسول خدا ﷺ فرمود: بهترین
عبادت فرا گرفتن احکام الهی است و
بهترین آئین تقوی و پاکدامنی

چیزی که خود، فراوان و عاملش کم است

شیء هو کثیر و فاعله قلیل
۱۰۵ - أَخْبَرَنِي الْخَلِيلُ بْنُ أَحْمَدَ قَالَ
أَخْبَرَنَا ابْنُ مَنِيْعٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ
عِمْرَانَ الْأَخْنَسِيُّ سَنَةَ ثَمَانٍ وَ عِشْرِينَ وَ فِيهَا
مَاتَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا خَالِدٍ الْأَحْمَرِيَّ يُحَدِّثُ عَنْ
إِسْمَاعِيلَ بْنِ أَبِي خَالِدٍ عَنْ عَطَاءِ بْنِ السَّائِبِ
عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو قَالَ قَالَ رَسُولُ
اللَّهِ ﷺ الْخَيْرُ كَثِيرٌ وَ فَاعِلُهُ قَلِيلٌ
۱۰۵ - رسول خدا ﷺ فرمود: کار خیر
فراوان است ولی عملکننده اش کم است.

نیمی از دین

خصله هی نصف الدین

۱۰۶ - أَخْبَرَنِي الْخَلِيلُ بْنُ أَحْمَدَ قَالَ حَدَّثَنَا ابْنُ مَنِيَعٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ عِيْسَى الْمَخْرَمِيُّ سَنَةَ إِحْدَى وَ ثَلَاثِينَ قَالَ حَدَّثَنَا خَلَادُ بْنُ عِيْسَى عَنْ ثَابِتٍ عَنْ أَنَسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ حُسْنُ الْخُلُقِ نِصْفُ الدِّينِ

۱۰۶ - رسول خدا ﷺ فرمود: خوش خلقی نیمی از دین است.

بهترین صفت مرد مسلمان

بهترین صفت مرد مسلمان افضل ما أعطى المسلم خصله

۱۰۷ - أَخْبَرَنِي الْخَلِيلُ بْنُ أَحْمَدَ قَالَ أَخْبَرَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ السَّرَّاجُ قَالَ حَدَّثَنَا يَعْقُوبُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ قَالَ حَدَّثَنَا وَكِيعٌ عَنْ مِسْعَرٍ وَ سُفْيَانَ عَنْ زِيَادِ بْنِ عَلَاقَةَ عَنْ أَسَامَةَ بْنِ شَرِيكٍ قَالَ قِيلَ لِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ مَا أَفْضَلُ مَا أُعْطِيَ الْمَرْءُ الْمُسْلِمُ قَالَ الْخُلُقُ الْحَسَنُ

۱۰۷ - اسامه بن شريك گوید: رسول خدا ﷺ را عرض کردند: بهترین صفتی که بمرد مسلمان داده شده چیست؟ فرمود: خوش خلقی.

پیغمبر و علی از يك نور آفریده شده اند خلق النبی و علی بن ابی طالب ﷺ من نور واحد

۱۰۸ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عُمَرَ الْخَافِظُ الْبَغْدَادِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الرَّازِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي قَالَ حَدَّثَنِي سَيِّدِي عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرِّضَا قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي جَعْفَرُ بْنُ

مُحَمَّدٍ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ قَالَ
 حَدَّثَنِي أَبِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي
 الْحُسَيْنُ قَالَ حَدَّثَنِي أَخِي الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ قَالَ
 حَدَّثَنِي أَبِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ
 رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ خُلِقْتُ أَنَا وَ عَلِيٌّ مِنْ نُورٍ وَاحِدٍ
 ۱۰۸- رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: من و
 علی از یک نور آفریده شده ایم .

شایستگی بنده در شایستگی یک عضو از بدن او است

صلاح العبد فی صلاح شيء من جسده
 ۱۰۹ - أَخْبَرَنِي الْخَلِيلُ بْنُ أَحْمَدَ قَالَ
 حَدَّثَنَا أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ إِبرَاهِيمَ الدَّيْبَلِيُّ
 قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا سُفْيَانُ عَنْ
 مُجَاهِدٍ قَالَ سَمِعْتُ الشَّعْبِيَّ يَقُولُ يَقُولُ سَمِعْتُ
 النُّعْمَانَ بْنَ بَشِيرٍ يَقُولُ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ
 يَقُولُ فِي الْإِنْسَانِ مُضَعَّةٌ إِذَا هِيَ سَلِمَتْ وَ صَحَّتْ
 سَلِمَ بِهَا سَائِرُ الْجَسَدِ فَإِذَا سَقَمَتْ سَقَمَ بِهَا
 سَائِرُ الْجَسَدِ وَ فَسَدَ وَ هِيَ الْقَلْبُ
 ۱۰۹ - نعمان بشیر گوید: شنیدم از رسول
 خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ که میفرمود: در بدن آدمی پاره
 گوشتی هست که اگر آن صحیح و سالم باشد
 سائر بدن نیز سالم و اگر آن بیمار باشد
 سائر بدن نیز بیمار و فاسد خواهد بود و
 آن قلب است.

شرح:

مقصود سلامتی جسمی و تندرستی ظاهری
 نیست بلکه چون قلب مرکز اراده و
 فرمانروای مطلق مملکت تن است و همه
 اعضاء و جوارح بفرمان اویند.
 لذا صلاح و فساد فرمانبر و وابسته بصلاح
 و فساد فرمانده است و همانند اجتماعات
 بشری است که الناس علی دین ملوکهم .

۱۱۰ - أَخْبَرَنِي الْخَلِيلُ بْنُ أَحْمَدَ قَالَ
 حَدَّثَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ السَّرَّاجُ قَالَ حَدَّثَنَا

قُتَيْبَةُ قَالَ حَدَّثَنَا رِشْدَيْنُ «رُشْدُ بْنُ سَعْدِ
الْمِصْرِيِّ أَبُو الْحَجَّاجِ قَالَ حَدَّثَنَا شَرَّاحِيلُ بْنُ
يَزِيدَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ وَ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَا
قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا طَابَ قَلْبُ الْمَرْءِ طَابَ
جَسَدُهُ وَ إِذَا خَبَثَ الْقَلْبُ خَبَثَ الْجَسَدُ

۱۱۰ - رسول خدا ﷺ فرمود: دل مرد که
پاک شد تنش نیز پاکیزه است و چون دلش
ناپاک باشد تنش نیز پلید و ناپاک خواهد
بود. مردی با یک خوی بهشتی شد دخل الرجل
الجنة بخصلة

۱۱۱ - أَخْبَرَنِي الْخَلِيلُ بْنُ أَحْمَدَ السَّجْزِيُّ
قَالَ أَخْبَرَنَا ابْنُ مُعَاذٍ قَالَ حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ
الْمَرْوَزِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ قَالَ أَخْبَرَنَا
يَحْيَى بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ سَمِعْتُ أَبِي يَقُولُ سَمِعْتُ
أَبَا هُرَيْرَةَ يَقُولُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ دَخَلَ عَبْدُ
الْجَنَّةِ يَغْضُنُ مِنْ شَوْكِ كَانِ عَلَى طَرِيقِ
الْمُسْلِمِينَ فَأَمَّاطَهُ عَنْهُ

شرح:

۱۱۱ - رسول خدا ﷺ فرمود: بنده ای
بهشتی گردید بخاطر برداشتن شاخه خاری از
سر راه مسلمانان.

کسی که به دو فائده دلخوش دارد

یک کار انجام دهد من سره خصلتان
فليستعمل خصلة

۱۱۲ - حَدَّثَنَا أَبُو أَحْمَدَ مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ
الْبُنْدَارِ الْفَرَعَانِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ
مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ جُمْهُورِ الْحَمَّادِيُّ قَالَ
حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ زَيْدِ
الصَّائِغِ الْمَكِّيِّ بِمَكَّةَ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ
شَيْبِ بْنِ أَخْبَرَنِي أَبِي عَنْ يُونُسَ عَنِ ابْنِ
شَهَابٍ عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ سَمِعْتُ النَّبِيَّ ﷺ
يَقُولُ مَنْ سَرَّهُ أَنْ يُبْسَطَ لَهُ فِي رِزْقِهِ وَ يُنْسَأَ
لَهُ فِي أَجَلِهِ فَلْيَصِلْ رَحِمَهُ

شرح:

۱۱۲ - انس بن مالك گوید: شنیدم پیغمبر میفرمود: هر که از وسعت روزی و طول عمر مسرور است صله رحم کند.

رسول خدا ﷺ در نمازش يك سلام میداد

كان رسول الله ﷺ يسلم تسليمة واحدة
۱۱۳ - حَدَّثَنَا أَبُو أَحْمَدَ مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ
الْبُنْدَارِ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو الْقَاسِمِ سَعِيدُ بْنُ
أَحْمَدَ بْنِ أَبِي سَالِمٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو زَكْرِيَّا
يَحْيَى بْنُ الْفَضْلِ الْوَرَّاقُ قَالَ حَدَّثَنَا إِسْحَاقُ
بْنُ إِبْرَاهِيمَ الْوَرَّاقُ السَّمَرْقَنْدِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا
سُلَيْمَانُ بْنُ سَلَمَةَ قَالَ حَدَّثَنَا بَقِيَّةُ بْنُ
الْوَلِيدِ عَنِ الزُّهْرِيِّ عَنِ أَنَسِ أَنَّ
رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ يُسَلِّمُ تَسْلِيمَةً وَاحِدَةً

شرح:

۱۱۳ - انس گوید: رسول خدا ﷺ چنین بود که به يك سلام نماز را تمام میکرد.

باب الاثنین (باب دوگانه)

خدای یکتا را به دو چیز باید شناخت
معرفة التوحید بخصلتین
۱ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ هَارُونَ الْقَامِيُّ وَ
جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مَسْرُورٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَا
حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ بْنِ بُطَّةَ قَالَ حَدَّثَنَا
أَحْمَدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ
مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ
أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ سَمِعْتُ أَبِي يُحَدِّثُ عَنْ أَبِيهِ
عليه السلام أَنْ رَجُلًا قَامَ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام فَقَالَ
لَهُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ بِمَا عَرَفْتُ رَبَّكَ قَالَ
يَفْسُخِ الْعَزْمَ وَ نَقُضِ الِهْمَ لَمَّا أَنْ هَمَمْتُ فَحَالَ
بَيْنِي وَ بَيْنَ هَمِّي وَ عَزَمْتُ فَخَالَفَ الْقَضَاءُ
عَزْمِي فَعَلِمْتُ أَنَّ الْمُدَبَّرَ غَيْرِي قَالَ فِيمَا ذَا
شَكَرْتُ نِعْمَاهُ قَالَ نَظَرْتُ إِلَى بَلَاءٍ قَدْ صَرَفَهُ
عَنِّي وَ أَبْلَى بِهِ غَيْرِي فَعَلِمْتُ أَنَّهُ قَدْ أَنْعَمَ
عَلَيَّ فَشَكَرْتُهُ قَالَ فِيمَا ذَا أَحْبَبْتُ لِقَاءَهُ قَالَ
لَمَّا رَأَيْتُهُ قَدْ اخْتَارَ لِي دِينَ مَلَائِكَتِهِ وَ
رُسُلِهِ وَ أَنْبِيَائِهِ عَلِمْتُ أَنَّ الَّذِي أَكْرَمَنِي
بِهَذَا لَيْسَ يَنْسَانِي فَأَحْبَبْتُ لِقَاءَهُ

۱ - امام صادق عليه السلام فرمود: از پدرم شنیدم
که از پدرش بازگو میکرد: که در محضر
امیر المؤمنین عليه السلام مردی برخواست و گفت:
یا امیر المؤمنین پروردگارت را بچه
وسیله شناختی؟ فرمود:

بوسیله به هم خوردن تصمیم و شکستن همت
که چون بکاری همت گماشتم میان من و کار
مورد علاقه ام فاصله ایجاد شد و چون تصمیم
گرفتم قضای الهی بر خلاف تصمیم من جاری
گردید دانستم که تدبیر دیگری در کار است
عرض کرد: بچه جهت نعمت‌های خداوند را
شکرگزاری؟ فرمود: در بلاهائی که از من
باز داشته و دیگری را به آن مبتلا ساخته
خوب دقت کردم دانستم که خداوند بر من
انعام فرموده سپاسگزارش گشتم، عرض کرد:
از چه رو خدا را دوست داری؟ فرمود: از

این رو که آئین فرشتگان و فرستادگان و پیغمبران خود را برای من برگزید دانستم کسی که مرا این چنین گرامی میدارد فراموشم نخواهد کرد و بهمین جهت دوستدار دیدارش گشتم.

پیغمبر فرمود: در دو کار دوست ندارم که هیچ کس با من شرکت کند قال النبی ﷺ خلتان لا أحب أن يشاركني فيهما أحد

۲ حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ آبَائِهِ عَنِ عَلِيِّ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ خَلَّتَانِ لَا أَحِبُّ أَنْ يُشَارِكَنِي فِيهِمَا أَحَدٌ وَضُؤِي فَإِنَّهُ مِنْ صَلَاتِي وَصَدَقْتِي فَإِنَّهَا مِنْ يَدِي إِلَى يَدِ السَّائِلِ فَإِنَّهَا تَقَعُ فِي يَدِ الرَّحْمَنِ

۲ - رسول خدا ﷺ فرمود: دو کار است که دوست ندارم هیچ کس در آن دو با من شرکت کند، یکی وضوی من است که جزئی است از نماز من، دوم صدقه من است که از دست خودم بدست گدا برسد زیرا صدقه بدست خدای رحمان میرسد.

دو غریب را نگهداری کنید

غریبتان فاحتملوهما

۳ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّقَّارُ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ أَبِيهِ عَنِ آبَائِهِ عَنِ عَلِيِّ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ غَرِيبَتَانِ فَاَحْتَمِلُوهُمَا كَلِمَةٌ حُكْمٌ مِنْ سَفِيهِه فَاَقْبَلُوهَا وَكَلِمَةٌ سَفَهٌ مِنْ حَكِيمٍ فَاَغْفِرُوهَا

۳ - رسول خدا ﷺ فرمود: از دو غریب نگهداری کنید: کلام حکمت آمیز را از سفیه بپذیرید و سخن سفیهانه را بر حکیم نگیرید.

فقط آنچه از پس و پیش بیرون می‌آید وضو را می‌شکند

لا ینقض الوضوء إلا ما خرج من الطرفين
۴ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى
عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ بْنِ الْبَرَنْطِيِّ قَالَ
حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ سَمَاعَةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ
عَنْ أَبِي بَصِيرٍ الْمُرَادِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ
سَأَلْتُهُ عَنِ الْجَامَةِ وَالْقِيَاءِ وَكُلِّ دَمٍ سَائِلٍ
فَقَالَ لَيْسَ فِيهِ وَضُوءٌ إِنَّمَا الْوُضُوءُ مِمَّا خَرَجَ
مِنْ طَرَفَيْكَ اللَّذَيْنِ أَنْعَمَ اللَّهُ بِهِمَا عَلَيْكَ

قال مصنف هذا الكتاب أدام الله عزه يعنى
من بول أو غائط أو ريح أو مني

۴ - ابی بصیر مرادی گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ پرسیدم حجامت کردن و قی کردن و خونهایی که از بدن بیرون می‌آید حکمش چیست؟ فرمود در این موارد وضو گرفتن لازم نیست وضو گرفتن فقط هنگامی است که از پیش و پس تو که خداوند انعامت فرموده است چیزی بیرون بیاید.

مصنف کتاب که عزتش مدام باد گوید:
مقصود ادرار یا مدفوع یا باد و یا منی است.

دو نعمت پنهان

عمتان مکفورتان

۵ - حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ عَلِيٍّ الْكُوفِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنِي جَدِّي الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةَ عَنْ جَدِّهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةَ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نِعْمَتَانِ مَكْفُورَتَانِ الْأَمْنُ وَالْعَافِيَةُ

۵ - رسول خدا ﷺ فرمود: ارزش دو نعمت از نظر مردم پوشیده است: امنیت و تندرستی.

وسیله آزمایش بیشتر مردم

خصلتان کثیر من الناس مفتون فیهما

۶ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ أَبِيهِ عَنِ آبَائِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ خَصَلَتَانِ كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ مَفْتُونٌ فِيهِمَا الصَّحَّةُ وَالْفَرَاغُ

۶ - رسول خدا ﷺ فرمود: بیشتر مردم در دو چیز مورد آزمایش‌اند: تندرستی و آسایش خاطر.

۷ - أَخْبَرَنِي الْخَلِيلُ بْنُ أَحْمَدَ قَالَ أَخْبَرَنَا أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ مُعَاذٍ قَالَ حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ الْحَسَنِ الْمَرْوَزِيُّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُبَارَكِ وَ الْقَضَلِ بْنِ مُوسَى قَالَا أَخْبَرَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ سَعِيدِ بْنِ أَبِي هِنْدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نِعْمَتَانِ مَفْتُونٌ فِيهِمَا كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ الْفَرَاغُ وَالصَّحَّةُ

۷ - رسول خدا ﷺ فرمود: بیشتر مردم در دو نعمت آزمایش شده‌اند آسایش و تندرستی.

بهترین عبادت، خاموشی و رفتن بخانه خدا است ما عبد الله عز و جل بشیء افضل من الصمت و المشی إلى بیته

۸ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ نُوحٍ عَنِ الرَّبِيعِ بْنِ مُحَمَّدِ الْمُسَلِّيِّ عَنْ أَبِي الرَّبِيعِ الشَّامِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ مَا عُبِدَ اللَّهُ بِشَيْءٍ أَفْضَلَ مِنْ الصَّمْتِ وَ الْمَشْيِ إِلَى بَيْتِهِ

۸ - امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: خداوند به عبادتی بهتر از خاموشی و رفتن بخانه اش پرستش نشده است

شرح:

ظاهر این است که مقصود تشریف به بیت الله و حج گزاردن است و احتمال می رود که مقصود مطلق مساجد باشد.

فقط دو نفر را امر به معروف باید کرد

يؤمر بالمعروف رجلان

۹ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ يَحْيَى الطَّوِيلِ الْبَصْرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِنَّمَا يُؤْمَرُ بِالْمَعْرُوفِ وَ يُنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ مُؤْمِنٌ فَيَتَّعِظُ أَوْ جَاهِلٌ فَيَتَّعَلَّمُ وَ أَمَّا صَاحِبُ سَوْطٍ وَ سَيْفٍ فَلَا

۹ - امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: امر به معروف و نهی از منکر فقط مؤمن را باید نمود تا پند گیرد و نادان را تا یاد گیرد نه آن را که تازیانه و شمشیر دارد.

شرح:

روایت در مقام بیان یکی از شرایط امر به معروف و نهی از منکر است که اگر شخص، خوف داشت صدمه ای به جانش میرسد و کشته می شود وظیفه امر به معروف و نهی از منکر ندارد.

دو بال کفر

للكفر جناحان
١٠ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكَّلِ رَضِيَ
اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ
مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى
عَنْ أَبِي الْعَبَّاسِ جَرِيرِ بْنِ الْبَجَلِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ
إِسْحَاقَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ لِلْكَفْرِ
جَنَاحَانِ بَنُو أُمَيَّةَ وَ آلُ الْمُهَلَّبِ
١٠- امام صادق عليه السلام فرمود: کفر دو بال
دارد بنو امیه و آل مهلب.

شرح:

آل مهلب جمعی از فرمانداران بنی امیه
و بنی العباس بودند و داستان‌های مفصلی
دارند، بطبری ج ٨ عليه السلام و ابن الاثیر ج
٤ عليه السلام ١٨٣ مراجعه شود.

خدای تعالی مردم روی زمین را به دو قسمت تقسیم فرموده است

قسم الله تبارك و تعالی أهل الأرض قسمین
١١ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ
الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ
الْحَسَنِ الصَّقَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ
الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ ظَرِيفِ بْنِ نَاصِحِ
عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ يَحْيَى قَالَ حَدَّثَنِي جَعْفَرُ بْنُ
مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله قَسَمَ اللَّهُ
تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَهْلَ الْأَرْضِ قِسْمَيْنِ فَجَعَلَنِي فِي
خَيْرِهِمَا ثُمَّ قَسَمَ النُّصْفَ الْأَخَرَ عَلَى ثَلَاثَةِ فِكُنْتِ
خَيْرَ الثَّلَاثَةِ ثُمَّ اخْتَارَ الْعَرَبَ مِنَ النَّاسِ ثُمَّ
اخْتَارَ قُرَيْشًا مِنَ الْعَرَبِ ثُمَّ اخْتَارَ بَنِي هَاشِمٍ
مِنْ قُرَيْشٍ ثُمَّ اخْتَارَ بَنِي عَبْدِ الْمُطَّلِبِ مِنْ بَنِي
هَاشِمٍ ثُمَّ اخْتَارَنِي مِنْ بَنِي عَبْدِ الْمُطَّلِبِ
١١ - رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: خدای تبارك و
تعالی مردم روی زمین را به دو قسمت
تقسیم فرمود و مرا در قسمت بهتر قرار

داد سپس آن نصف بهتر را بر سه قسمت کرد و من جزو بهترین قسمت از آن سه بودم سپس عرب را برگزید از میان مردم سپس قریش را از میان عرب برگزید سپس بنی هاشم را از قریش برگزید سپس بنی عبد المطلب را از بنی هاشم برگزید سپس مرا از بنی عبد المطلب برگزید.

صلاح و فساد امت وابسته بصلاح و فساد دو صنف است

صنفان من هذه الأمة إذا صلحا صلحت الأمة و إذا فسدا فسدت الأمة
 ۱۲ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدِ بْنِ عَزْوَانَ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ أَبِيهِ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله صِنْفَانِ مِنْ أُمَّتِي إِذَا صَلَحَا صَلَحَتْ أُمَّتِي وَ إِذَا فَسَدَا فَسَدَتْ أُمَّتِي قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَنْ هُمَا قَالَ الْفُقَهَاءُ وَ الْأَمْرَاءُ

۱۲ - رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: دو طایفه از این امت اگر صالح گشتند همه امتم صالح میگردد و اگر فاسد شدند همه امتم فاسد میشوند، عرض شد: یا رسول الله آن دو طایفه کدامند؟ فرمود: دانشمندان دینی و فرمانروایان- قوه مقننه و قوه مجریه-

در مورد دو ناتوان از خدا بپرهیزید

اتقوا الله في الضعيفين
 ۱۳ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنِ عَلِيِّ بْنِ السَّنْدِيِّ عَنِ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنِ سَمَاعَةَ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ اتَّقُوا

اللَّهِ فِي الضَّعِيفَيْنِ يَعْزِي بِذَلِكَ الْيَتِيمَ وَ
النِّسَاءَ

۱۳ - امام صادق عليه السلام فرمود: در مورد دو
ضعیف از خدا بپرهیزید: یتیم و زن

**پاداش کسی که از دو دختر یا دو خواهر
یا دو عمه یا دو خاله سرپرستی کند**

ثواب من عال ابنتين أو أختين أو
عمتين أو خاليتين

۱۴ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ
الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ
الْحَسَنِ الصَّفَّارُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَيْسَى بْنِ
عَبِيدٍ عَنْ زَكَرِيَّا الْمُؤْمِنِ رَفَعَهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ
اللَّهِ عليه السلام قَالَ مَنْ عَالَ ابْنَتَيْنِ أَوْ أُخْتَيْنِ أَوْ
عَمَّتَيْنِ أَوْ خَالَتَيْنِ حَبَّتَاهُ مِنَ النَّارِ

۱۴ - امام صادق عليه السلام فرمود: کسی که دو
دختر یا دو خواهر یا دو عمه یا دو خاله
را سرپرستی کند او را از آتش نگاه
میدارند.

دو نفر بوی بهشت را نمی‌یابند

لا يجد ريح الجنة رجلان

۱۵ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ
بْنِ السَّنْدِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ
فُضَيْلٍ عَنْ شُرَيْسِ الْوَابِشِيِّ عَنْ جَابِرِ عَنْ أَبِي
جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله إِنَّ الْجَنَّةَ لَيُوجَدُ
رِيحُهَا مِنْ مَسِيرَةِ خَمْسِمِائَةِ عَامٍ وَ لَا يَجِدُهَا
عَاقٌ وَ لَا دَيْوُثٌ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا الدَّيُوثُ
قَالَ الَّذِي تَرْنِي أَمْرَأَتُهُ وَ هُوَ يَعْلَمُ

۱۵ - رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: بوی بهشت از
پانصد سال راه به مشام میرسد ولی این
بوی را عاق پدر و مادر استشمام نمیکند و
نه دیوث، عرض شد: یا رسول الله دیوث کیست؟

فرمود آنکه زنش با اطلاع او هم بستر دیگری شود.

در باره شخص دو رو

ما جاء في ذي وجهين
١٦ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي الْجَوَّزَاءِ الْمُتَنَّبِهِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلْوَانَ عَنْ عَمْرٍو بْنِ خَالِدٍ عَنْ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَجِيءُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ذُو الْوَجْهَيْنِ ذَالِعاً لِسَانَهُ فِي قَفَاهُ وَ آخِرَ مِنْ قُدَامِهِ يَلْتَهَبَانِ نَاراً حَتَّى يَلْهَبَا جَسَدَهُ ثُمَّ يُقَالُ لَهُ هَذَا الَّذِي كَانَ فِي الدُّنْيَا ذَا وَجْهَيْنِ وَ ذَا لِسَانَيْنِ يُعْرَفُ بِذَلِكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

١٦ - رسول خدا ﷺ فرمود: شخص دو رو را روز قیامت می‌آورند با زبانی از پشت سر درآمده و زبانی از پیش رو که شعله آتش از هر دو زبانه میکشد تا همه بدنش را فرا میگیرد آنگاه عتابش کنند که این همان است که در دنیا دو رو و دو زبان بود و روز قیامت این چنین معرفی می‌شود.

١٧ - أَخْبَرَنِي الْخَلِيلُ بْنُ أَحْمَدَ قَالَ حَدَّثَنَا ابْنُ مَنِيعٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ بْنُ أَبِي شَيْبَةَ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو مُعَاوِيَةَ عَنِ الْأَعْمَشِ عَنْ أَبِي صَالِحٍ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِنَّ مِنْ شَرِّ النَّاسِ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ذَا الْوَجْهَيْنِ

١٧ - رسول خدا ﷺ فرمود: بدترین مردم نزد خدا در روز قیامت شخص دو رو است.

١٨ - أَخْبَرَنِي الْخَلِيلُ بْنُ أَحْمَدَ قَالَ حَدَّثَنَا ابْنُ مَنِيعٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ بْنُ أَبِي شَيْبَةَ قَالَ حَدَّثَنَا شَرِيكٌ عَنِ الرُّكَيْنِ عَنْ نَعِيمِ بْنِ حَنْظَلَةَ عَنْ عَمَّارٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ

اللَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ كَانَ لَهُ وَجْهَانِ فِي الدُّنْيَا كَانَ لَهُ
يَوْمَ الْقِيَامَةِ لِسَانَانِ مِنْ نَارٍ

۱۸ - رسول خدا ﷺ فرمود: هر که
در دنیا دو رو باشد روز قیامت دو زبان
آتشین خواهد داشت.

۱۹ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى
بْنِ عِمْرَانَ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ مُوسَى بْنِ عُمَرَ عَنِ ابْنِ
سِنَانٍ عَنْ عَوْنِ بْنِ مُعِينٍ بَيَّاعِ الْقَلَانِسِ عَنِ ابْنِ
أَبِي يَعْفُورٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ مَنْ
لَقِيَ الْمُؤْمِنِينَ بِوَجْهِهِ وَغَابَهُمْ بِوَجْهِهِ أَتَى يَوْمَ
الْقِيَامَةِ وَ لَهُ لِسَانَانِ مِنْ نَارٍ

۱۹ - امام صادق عليه السلام فرمود: کسی که با
مؤمنین در برخورد، با صورتی و در پشت سر
به صورتی دیگر باشد روز قیامت با دو
زبان آتشین محشور می‌شود.

۲۰ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ
الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ
الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي
الْخَطَّابِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ
مُسْكَانَ عَنْ دَاوُدَ بْنِ فَرْقِدٍ عَنْ أَبِي شَيْبَةَ
الزُّهْرِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ بَيَّسَ الْعَبْدُ عَبْدًا
يَكُونُ ذَا وَجْهَيْنِ وَ ذَا لِسَانَيْنِ يُطْرَى أَخَاهُ فِي
اللَّهِ شَاهِدًا وَ يَأْكُلُهُ غَائِبًا إِنْ أُعْطِيَ حَسَدَهُ وَ
إِنْ ابْتُلِيَ خَذَلَهُ

۲۰ - امام باقر عليه السلام فرمود: بد بنده
ایست بنده‌ای که دو رو و دو زبان باشد،
در پیش روی برادر دینیش چرب زبانی کند و
در پشت سرش بدگوئی، اگر برادرش به نعمتی
رسد بر وی رشک برد و اگر مبتلا گردد
یاری اش نکند.

مردم دو قسمند از یکی دیگران در راحت و دیگری خود در استراحت است

الناس اثنان واحد أراح و آخر استراح
٢١ - حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ
رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ
أَحْمَدَ بْنِ النَّضْرِ عَنْ عَمْرِو بْنِ شَمْرِ عَنْ جَابِرِ
عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ النَّاسُ اِثْنَانِ وَاحِدٌ أَرَاخُ وَ
آخَرُ اسْتَرَاخُ فَأَمَّا الَّذِي اسْتَرَاخَ فَالْمُؤْمِنُ
إِذَا مَاتَ اسْتَرَاخَ مِنَ الدُّنْيَا وَبَلَائِهَا وَ أَمَّا
الَّذِي أَرَاخَ فَالْكَافِرُ إِذَا مَاتَ أَرَاخَ الشَّجَرَ وَ
الدُّوَابَّ وَ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ

٢١ - رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: مردم دو
قسمند یکی راحتی می‌بخشد و دیگری راحت
می‌شود اما آنکه راحت می‌شود او مؤمن است
که وقتی مرد، از دنیا و بلاهایش راحت
می‌شود و آنکه راحتی می‌بخشد
او کافر است که وقتی مرد، درخت و
حیوانات و بسیاری از مردم را از شر خود
راحت میکند.

مردم دو قسمند: دانشمند و دانش آموز
الناس اثنان عالم و متعلم
٢٢ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوَيْهِ رَضِيَ اللَّهُ
عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنِي عَمِّي مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي الْقَاسِمِ
عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِيهِ
مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ رَفَعَهُ
إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ النَّاسُ اِثْنَانِ عَالِمٌ وَ
مُتَعَلِّمٌ وَ سَائِرُ النَّاسِ هَمَجٌ وَ الْهَمَجُ فِي
النَّارِ

٢٢ - امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: مردم دو
قسمند: دانشمند و دانش آموز و دیگران
مردمان فرومایه‌اند و فرومایه‌گان در
آتشند.

دو صفت یکی موجب فراموشی گناه است

و دیگری مایه قساوت قلب خصلتان
إحداهما تنسى الذنوب و الأخرى تقسى
القلوب

۲۳ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ يَحْيَى
الْعَطَّارُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ
الْحُسَيْنِ بْنِ إِسْحَاقَ التَّاجِرِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ
مَهْزِيَارٍ عَنْ فَضَالَةَ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ أَبِي زِيَادٍ
عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عليه السلام قَالَ أَوْحَى اللَّهُ
تَبَارَكَ وَ تَعَالَى إِلَى مُوسَى عليه السلام لَا تَفْرَحْ بِكَثْرَةِ
الْمَالِ وَ لَا تَدْعُ ذِكْرِي عَلَى كُلِّ حَالٍ فَإِنَّ كَثْرَةَ
الْمَالِ تُنْسِي الذُّنُوبَ وَ تَرُكُ ذِكْرِي يُقْسِي
الْقُلُوبَ

۲۳ - امام باقر عليه السلام فرمود: خدای تبارک
و تعالی به موسی عليه السلام وحی کرد که به
فراوانی مال شادی مکن و مرا در هیچ حال
از یاد مبر که زیادی ثروت فراموشی گناه
آورد و بیاد من نبودن، قساوت قلب.

دو چیز امان از جذام است

خصلتان امان من الجذام

۲۴ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ
رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ أَبِيهِ
إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ
حَفْصِ بْنِ الْبَخْتَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ
تَقْلِيمُ الْأَطْفَارِ وَ أَخْذُ الشَّارِبِ مِنْ جُمُعَةٍ إِلَى
جُمُعَةٍ أَمَانٌ مِنَ الْجُدَامِ

۲۴ - امام صادق عليه السلام فرمود: در هر روز
جمعه ناخن گرفتن و شارب زدن باعث ایمنی
از بیماری جذام است.

گرفتاری دو کار بزرگ

الشغل بالعظیمین

۲۵ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ إِسْحَاقَ التَّاجِرِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَّارَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ أَبِي زِيَادٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ أَبِيهِ عليه السلام قَالَ بَكَى أَبُو ذَرٍّ رَحِمَهُ اللَّهُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ حَتَّى اشْتَكَى بَصَرَهُ فَقِيلَ لَهُ يَا أَبَا ذَرٍّ لَوْ دَعَوْتَ اللَّهَ أَنْ يَشْفِيَ بَصَرَكَ فَقَالَ إِنِّي عَنْهُ لَمَشْغُولٌ وَمَا هُوَ مِنْ أَكْبَرِ هَمِّي قَالُوا وَمَا يَشْغُلُكَ عَنْهُ قَالَ الْعَظِيمَتَانِ الْجَنَّةُ وَالنَّارُ

۲۵ - امام باقر عليه السلام فرمود: ابی ذر- خدایش رحمت کند- آنقدر از ترس خدا گریه کرد که چشمهایش بدرد آمد، گفتندش چرا دعائی نکنی تا خداوند چشمهایت را شفا بخشد؟ گفت: گرفتاری، مجالم نمیدهد و اندوهی بزرگتر دارم. گفتندش: آن گرفتاری چیست؟ گفت: دو پیش آمد بزرگ، بهشت و دوزخ.

دنیا دو کلمه است و دو درهم

الدنيا كلمتان و درهمان

۲۶ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عليه السلام قَالَ قَامَ أَبُو ذَرٍّ رَحِمَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ عِنْدَ الْكَعْبَةِ فَقَالَ أَنَا جُنْدُبُ بْنُ سَكَنٍ فَاكْتَنَفَهُ النَّاسُ فَقَالَ لَوْ أَنَّ أَحَدَكُمْ أَرَادَ سَفَرًا لَاتَّخَذَ فِيهِ مِنَ الزَّادِ مَا يُصْلِحُهُ فَسَفَرُ يَوْمِ الْقِيَامَةِ أَوْ مَا تُرِيدُونَ فِيهِ مَا يُصْلِحُكُمْ فَقَامَ إِلَيْهِ رَجُلٌ فَقَالَ أَرَشَدْنَا فَقَالَ صُمْ يَوْمًا شَدِيدَ الْحَرِّ لِلنُّشُورِ وَ حُجَّ حِجَّةً لِعِظَائِمِ الْأُمُورِ وَ صَلَّى رَكَعَتَيْنِ فِي سَوَادِ اللَّيْلِ لَوْحِشَةِ الْقُبُورِ كَلِمَةً خَيْرَ تَقَوْلِهَا وَ كَلِمَةً شَرَّ تَسَكُّتِ عَنْهَا أَوْ صَدَقَةٌ مِنْكَ عَلَى مِسْكِينٍ لَعَلَّكَ تَنْجُو بِهَا يَا مُسْتَكِينُ مِنْ يَوْمٍ عَسِيرٍ اجْعَلِ الدُّنْيَا دِرْهَمَيْنِ دِرْهَمًا أَنْفَقْتَهُ عَلَى عِيَالِكَ وَ دِرْهَمًا قَدَّمْتَهُ لِآخِرَتِكَ وَ الثَّلَاثُ يَضُرُّ وَ لَا يَنْفَعُ فَلَا تُرِدْهُ اجْعَلِ الدُّنْيَا كَلِمَتَيْنِ كَلِمَةً فِي طَلَبِ الْحَلَالِ وَ كَلِمَةً لِلْآخِرَةِ وَ الثَّلَاثَةُ تَضُرُّ وَ لَا تَنْفَعُ لَا تُرِدْهَا ثُمَّ قَالَ قَتَلَنِي هُمُ يَوْمٌ لَا أُدْرِكُهُ

۲۶ - امام باقر عليه السلام فرمود: ابو ذر (خدایش رحمت کند) در کنار خانه کعبه بپا خواست و خود را معرفی کرده و گفت: من جندب فرزند سکن هستم، مردم اطرافش را گرفتند گفت: هر يك از شما كه بخواهد به سفری برود توشه راهی به قدر كفايت سفرش به همراه برמידارد برای سفر روز رستاخیز نمیخواهید توشه كافی برگیرید؟ مردی بپا خواست و گفتش: ما را در این كار راهنمایی كن، گفت:

برای رستاخیز روزی را در هوای بسیار گرم روزه بدار و برای كارهای مهم عمل حجی بجای آر، و برای نجات از وحشت قبر دو ركعت نماز در دل شب بگذار، سخنی كه خیر در آن است بگو و از حرفی كه شر

برخیزد خاموش باش یا بر مسکینی از مال خود صدقه‌ای ده شاید از روز سخت، ای بینوا نجاتت بخشد دنیا را بجای دو درهم گیر که يك درهمش را به عائله خود انفاق کنی و درهم دیگر را برای تأمین آخرت از پیش بفرستی و سومین درهم زیانت رساند و سودی ندارد از آن صرف نظر کن و دنیا را دو کلمه بدان يك کلمه در طلب روزی حلال و يك کلمه در تحصیل کار آخرت و سومی زیان دارد و سودی ندارد آن را مطلب، سپس گفت: غم و اندوه روزی که به آن نمیرسم - و در انتظارش هستم - مرا میکشد.

مرد تا دارای دو خصلت نباشد فقیه نگردد

لا یكون الرجل فقیها حتی یكون فیه خصلتان
 ۲۷ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ السِّنْدِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُوسَى بْنِ أَكْبِيلٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ لَا يَكُونُ الرَّجُلُ فَقِيهًا حَتَّى لَا يُبَالِيَ أَيَّ ثَوْبِيهِ ابْتَدَلَ وَ بِمَا سَدَّ فَوْرَةَ الْجُوعِ
 ۲۷ - امام صادق عليه السلام فرمود: کسی دانشمند دینی نگردد تا آنگاه که اعتنا نکند چه لباس بی‌ارزشی پوشیده و با چه غذائی جلو گرسنگی خود را بگیرد.

خیر زندگی فقط دو نفر است

لا خیر فی العیش إلا لرجلین
 ۲۸ - حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحَسَنِ الْكُوفِيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ أَبِيهِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةَ عَنْ السَّكُونِيِّ عَنْ جَعْفَرِ

بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ أَبِيهِ عَنِ آبَائِهِ عَنِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ
 قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لَا خَيْرَ فِي الْعَيْشِ إِلَّا لِرَجُلَيْنِ
 عَالِمٍ مُطَاعٍ أَوْ مُسْتَمَعٍ وَاعٍ
 ۲۸ - رسول خدا ﷺ فرمود: خیر در زندگی
 نیست مگر دو کسرا: دانشمندی که فرمانش
 برند یا دانش آموزی که گوش شنوا داشته
 باشد.

خیر دنیا را فقط دو کس دارد

لا خیر فی الدنيا إلا لأحد رجلین
 ۲۹ - حَدَّثَنَا أَبِي وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ
 عَنْهُمَا قَالَا حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْقَاسِمِ
 بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَصْبَهَانِيِّ عَنِ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ
 الْمِنْقَرِيِّ عَنِ حَفْصِ بْنِ غِيَاثِ النَّخَعِيِّ قَالَ قَالَ
 أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَا خَيْرَ فِي الدُّنْيَا إِلَّا لِأَحَدٍ
 رَجُلَيْنِ رَجُلٍ يَزِدَادُ فِي كُلِّ يَوْمٍ إِحْسَانًا وَ رَجُلٍ
 يَتَذَارِكُ ذَنْبَهُ بِالتَّوْبَةِ وَ أَنَّى لَهُ بِالتَّوْبَةِ وَ
 اللَّهُ لَوْ سَجَدَ حَتَّى يَنْقَطِعَ عُنُقُهُ مَا قَبِلَ اللَّهُ مِنْهُ
 إِلَّا بِوَلَايَتِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ

۲۹ - امام صادق علیه السلام فرمود: خیری در
 دنیا نیست مگر دو کسرا: یکی آنکه هر روز
 بر عمل نیکش بیفزاید و دیگری آنکه گناهش
 را با توبه جبران نماید و کجا جبران
 پذیر است؟ بخدا قسم اگر آنقدر سجده کند
 که گردنش از بدن جدا گردد خداوند و از
 او نپذیرد مگر آنکه ولایت ما اهل بیت را
 داشته باشد.

دانش بر دو نوع است

العلم علمان

۳۰ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوَيْهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ عَنْ حَكَمِ بْنِ بُهْلُولٍ عَنْ إِسْمَاعِيلِ بْنِ هَمَّامٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أَدِيْنَةَ عَنْ أَبَانَ بْنِ أَبِي عِيَّاشٍ عَنْ سُلَيْمِ بْنِ قَيْسِ الْهَلَالِيِّ قَالَ سَمِعْتُ عَلِيًّا عليه السلام يَقُولُ لِأَبِي الطُّفَيْلِ عَامِرِ بْنِ وَائِلَةَ الْكِنَانِيِّ يَا أَبَا الطُّفَيْلِ الْعِلْمُ الْعِلْمُ عِلْمَانِ عِلْمٌ لَا يَسْعُ النَّاسَ إِلَّا النَّظْرُ فِيهِ وَهُوَ صِبْغَةُ الْإِسْلَامِ وَ عِلْمٌ يَسْعُ النَّاسَ تَرَكَ النَّظْرَ فِيهِ وَهُوَ قُدْرَةُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ

۳۰ - سليم بن قيس هلالی گوید: شنیدم علی عليه السلام به ابی الطفیل عامر بن وائله کنانی میفرمود:

ای ابا طفیل علم دو قسم است: یکی علمی که مردم را چاره جز فرا گرفتنش نیست و آن احکام و رنگ ظاهر دین است و دیگر علمی که مردم در فرا گرفتنش مختارند و آن تامل و تفکر در قدرت خدای عز و جل است.

دو کار شگفت آور

خوردن روزی خداوند و ادعای خدائی
خصلتان عجیبتان اكل رزق الله و ادعاء الربوبية دون الله عز و جل

۳۱ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوَيْهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنِي عَمِّي مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي الْقَاسِمِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي زِيَادٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَهْبَطَ مَلَكًا إِلَى الْأَرْضِ

فَلَيْتَ فِيهَا ذَهْرًا طَوِيلًا ثُمَّ عَرَجَ إِلَى السَّمَاءِ
 فَقِيلَ لَهُ مَا رَأَيْتَ فَقَالَ رَأَيْتُ عَجَائِبَ كَثِيرَةً
 وَ أَعْجَبُ مَا رَأَيْتُ أَنِّي رَأَيْتُ عَبْدًا مُتَّقَلِبًا فِي
 نِعْمَتِكَ يَأْكُلُ رِزْقَكَ وَ يَدْعِي الرُّبُوبِيَّةَ فَعَجِبْتُ
 مِنْ جُرْأَتِهِ عَلَيَّ وَ مِنْ حِلْمِكَ عَنْهُ فَقَالَ اللَّهُ عَزَّ
 وَ جَلَّ فَمِنْ حِلْمِي عَجِبْتُ قَالَ نَعَمْ يَا رَبِّ قَالَ
 قَدْ أَمَهَلْتُهُ أَرْبَعِمِائَةَ سَنَةٍ لَا يَضْرِبُ عَلَيْهِ عِرْقٌ
 وَ لَا يُرِيدُ مِنَ الدُّنْيَا شَيْئًا إِلَّا نَالَهُ وَ لَا
 يَتَغَيَّرُ عَلَيْهِ فِيهَا مَطْعَمٌ وَ لَا مَشْرَبٌ

۳۱ - امام صادق عليه السلام فرمود: خدای تبارک و
 تعالی فرشته ای بر زمین فرو فرستاد و
 سالیانی دراز در زمین بود سپس به آسمان
 بالا رفت از وی سؤال شد چه دیدی؟ گفت:
 کارهای شگفت آور بسیاری دیدم و از همه
 شگفت انگیزتر اینکه: بنده ای را دیدم غرق
 نعمتهای تو، روزی تو میخورد و ادعای
 خدائی میکرد از جراتش بر تو و بردباری
 تو بر او شگفتم آمد خدای عز و جل فرمود:
 از بردباری من در شگفت شدی؟ عرض کرد:
 بلی، فرمود: چهار صد سال آن بنده را
 مهلت دادم تا آنجا که حتی رگی از رگهای
 بدنش بر زیان او نجنبید و هر چه از دنیا
 خواست دسترسی بر آن پیدا کرد و از هضم
 هیچ خوردنی و آشامیدنی زیانی ندید.

امر بمعروف و نهی از منکر دو آفریده خدای عز و جل هستند

الأمر بالمعروف و النهی عن المنکر
 خلقان من خلق الله عز و جل
 ۳۲ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
 مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ
 يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ بِإِسْنَادِهِ رَفَعَهُ إِلَى أَبِي
 جَعْفَرٍ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيُ
 عَنِ الْمُنْكَرِ خُلِقَانِ
 مِنْ خُلُقِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَمَنْ نَصَرَهُمَا أَعَزَّهُ اللَّهُ وَ
 مَنْ خَذَلَهُمَا خَذَلَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ

۳۲ - امام باقر علیه السلام فرمود: امر بمعروف و نهی از منکر دو آفریده خدای عز و جل هستند هر که آنان را یاری کند خداوند عزیزش سازد و هر که خارشان کند خدای خوار و ذلیلش گرداند.

شرح:

مخلوق بودن امر بمعروف و نهی از منکر شاید اشاره باشد به آنچه در علم عرفان و حکمت الهی ثابت شده است که از برای همه اعمال چه خوب و چه بد صورتهائی است ملکوتی و غیبی که در عالم برزخ و آخرت آدمی با همان صورتهای مانوس و محشور خواهد بود و روایات در این باب بسیار، و ظواهر بعضی از آیات نیز مفید این معنی است مانند وَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا.

﴿فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ﴾ و غیر این از آیات.

بیشتر عبادت ابی ذر دو چیز بود

کان أكثر عبادة أبي ذر رحمه الله خصلتين
 ۳۳ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ يَحْيَى بْنِ أَبِي عِمْرَانَ الْهَمْدَانِيِّ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَمَّنْ رَوَاهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ كَانَ أَكْثَرَ عِبَادَةِ أَبِي ذَرٍّ رَحْمَةً اللَّهُ عَلَيْهِ خَصَلَتَيْنِ التَّفَكُّرَ وَالْإِعْتِبَارَ

۳۳ - امام صادق علیه السلام فرمود: بیشتر عبادت ابی ذر- خدایش رحمت کند- تفکر و عبرت گرفتن بود.

زنی که در دنیا دو شوهر دیده است

در بهشت همسر کدام يك خواهد بود؟
المرأة يكون لها زوجان من أهل الجنة
لأيهما تكون في الجنة

۳۴ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُثَوِّكْلِ
رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ
هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُوسَى بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنِ
الْحَسَنِ عَنْ أَبِيهِ بِإِسْنَادِهِ رَفَعَهُ إِلَى رَسُولِ
اللَّهِ ﷺ أَنْ أُمَّ سَلَمَةَ قَالَتْ لَهُ يَا أَبَتِي أَنْتَ وَ أُمِّي
الْمَرْأَةُ يَكُونُ لَهَا زَوْجَانِ فَيَدْخُلَانِ
الْجَنَّةَ لِأَيِّهِمَا تَكُونُ فَقَالَ يَا أُمَّ سَلَمَةَ تَخَيَّرِ
أَحْسَنَهُمَا خُلُقًا وَ خَيْرَهُمَا لِأَهْلِيهِ يَا أُمَّ سَلَمَةَ
إِنَّ حُسْنَ الْخُلُقِ ذَهَبٌ بِخَيْرِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ

۳۴ - ام سلمه، رسول خدا ﷺ را عرض
کرد: پدر و مادرم بقربانیت زنی که دو
شوهر از او مرده است و هر دو در بهشتاند
به کدام يك تعلق خواهد داشت؟ فرمود: ای
ام سلمه: هر که را که خلقش بهتر و خیرش
به خانواده خود بیشتر بوده اختیار میکند
و حقیقت اینکه آدم خوش خلق خیر دنیا و
آخرت به همراه برده است.

دو دشمن در باره خدا

دشمنی با يك ديگر ورزیدند خَصْمَانِ
اِخْتَصَمُوا فِي رَبِّهِمْ
۳۵ - حَدَّثَنَا أَبُو مُحَمَّدٍ عَمَارُ بْنُ الْحُسَيْنِ
الْأُسْرُوشِيُّ «الْأُسْرُوشِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنِي
عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عِصْمَةَ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ
مُحَمَّدِ الطَّبْرِيِّ بِمَكَّةَ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ
بْنُ أَبِي شَجَاعٍ الْبَجَلِيُّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ
الْحَنْفِيِّ عَنْ يَحْيَى بْنِ هَاشِمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جَابِرٍ
عَنْ صَدَقَةَ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ
قُلْتُ لِلْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام يَا أَبَا
عَبْدِ اللَّهِ حَدَّثَنِي عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ هَذَانِ
خَصْمَانِ اِخْتَصَمُوا فِي رَبِّهِمْ قَالَ نَحْنُ وَبَنُو
أُمِّيَّةَ اِخْتَصَمْنَا فِي اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ قُلْنَا صَدَقَ اللَّهُ وَ
قَالُوا كَذَبَ اللَّهُ فَنَحْنُ وَ إِيَّاهُمْ الْخَصْمَانِ يَوْمَ
الْقِيَامَةِ

۳۵ - نضر بن مالك گوید: به حسین بن
علی بن ابی طالب عرض کردم: یا ابا عبد
الله اینکه خدا میفرماید: ﴿هَذَانِ خَصْمَانِ اِخْتَصَمُوا فِي

رَبِّهِمْ﴾: (اینان دو دشمنند که در مورد خدا
دشمنی کردند) مقصود چیست؟ فرمود: مقصود،
مائیم و بنی امیه که در باره خدای عز و
جل دشمنی کردیم ما گفتیم:

خدا راست فرمود، و آنان گفتند خدای
دروغ گفت، از این رو ما و آنان در روز
قیامت با يك ديگر دشمن خواهیم بود.

بخشندگی به دو معنی است

الجواد علی وجهین
۳۶ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ ابِرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ
أَحْمَدَ بْنِ سُلَيْمَانَ قَالَ سَأَلَ رَجُلٌ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام
وَ هُوَ فِي الطَّوَافِ فَقَالَ لَهُ أَخْبِرْنِي عَنْ
الْجَوَادِ فَقَالَ إِنَّ لِكَلَامِكَ وَجْهَيْنِ فَإِنْ كُنْتَ
تَسْأَلُ عَنِ الْمَخْلُوقِ فَإِنَّ الْجَوَادَ الَّذِي يُؤَدِّي
مَا افْتَرَضَ اللَّهُ جَلَّ وَ عَزَّ عَلَيْهِ وَ الْبَخِيلُ مَنْ
بَخَلَ بِمَا افْتَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ إِنْ كُنْتَ تَعْنِي
الْخَالِقَ فَهُوَ الْجَوَادُ إِنْ أُعْطِيَ وَ هُوَ الْجَوَادُ
إِنْ مَنَعَ لِأَنَّهُ إِنْ أُعْطِيَ عَبْدًا أُعْطَاهُ مَا لَيْسَ
لَهُ وَ إِنْ مَنَعَ مَنَعَ مَا لَيْسَ لَهُ

۳۶ - احمد بن سليمان گوید: مردی از
موسی بن جعفر عليه السلام که مشغول طواف بود
پرسید که معنای جواد را برای من شرح
دهید، حضرت او را فرمود: این سخن تو دو
معنی دارد اگر معنای جواد را نسبت به
مخلوق می‌پرسی هر کس آنچه را که خداوند
بر او واجب فرموده پرداخت او را جواد
گویند و اگر نپرداخت و بخل ورزید. بخیلش
خوانند و اگر مقصودت معنای جواد نسبت
بخالق است باید متوجه باشی که خداوند
اگر چیزی بکسی عطا فرماید و اگر عطا
نکند در هر دو صورت جواد است زیرا خدای
تعالی که به بنده ای عطائی فرماید چیزی
را که حق بنده نبوده عطا فرموده است و
اگر چیزی از او دریغ بدارد چیزی را که
حق بنده نبوده است دریغ فرموده است (و
نسبت بخل بحضرتش نتوان داد)

پول طلا و نقره هر دو کشنده اند

الدينار و الدرهم مهلكان
۳۷ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ زِيَادِ
بْنِ مَرْوَانَ عَنْ أَبِي وَكَيْعٍ عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ عَنِ
الْحَارِثِ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ
رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ الدِّينَارُ وَ الدَّرْهَمُ أَهْلَكَمَا مَنْ
كَانَ قَبْلَكُمْ وَ هُمَا مُهْلِكَاكُمْ
۳۷ - رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود پول طلا و نقره
پیشینیان شما را تباہ ساخت و شما را نیز
تباہ خواهند کرد.

طلا و نقره دو سنگاند که مسخ شده اند
الذهب و الفضة حجران ممسوخان
۳۸ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ
يَحْيَى بْنِ عِمْرَانَ يَرْفَعُ الْحَدِيثَ قَالَ الدَّهْبُ وَ
الْفِضَّةُ حَجْرَانِ مَمْسُوخَانِ فَمَنْ أَحَبَّهُمَا كَانَ
مَعَهُمَا

قال مصنف هذا الكتاب أدام الله عزه يعنى
بذلك من أحبهما حبا يمنع حق الله منهما
۳۸ - يحيى بن عمران از امام نقل
میکند: طلا و نقره دو سنگند که مسخ
شده اند هر کس دوستشان بدارد با آنها
محشور خواهد شد، مصنف این کتاب ادام الله
عزه فرماید: مقصود این است تا آن حد
دوست بدارد که دوستیش مانع از ادای حق
الهی گردد.

شرح:

طلا و نقره گرچه بظاهر زیبا و
فریبنده اند ولی چون باعث گمراهی بشر و
طغیان هستند در پیشگاه احدیت مبغوضاند و
مانند مسخ شده گان زشتند و پلید و در عالم
آخرت که هر کس با دوست خود محشور خواهد
شد دوستان طلا و نقره نیز با این دو

موجود مبخوض و پلید محشور شوند و در آشی که ﴿وَقُودَهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ﴾ جایگزین کردند.

پناهدگی از دو صفت

التعوذ من خصلتين

۳۹ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ يُونُسَ بْنِ الْحَارِثِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ يَزِيدَ عَنْ حَيَّوَةَ بْنِ شَرِيحٍ قَالَ حَدَّثَنَا سَالِمُ بْنُ عَيْلَانَ عَنْ دَرَّاجٍ عَنْ أَبِي الْهَيْثَمِ عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْخُدْرِيِّ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الْكُفْرِ وَاللَّذِينِ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَيْعِدُ الَّذِينَ بِالْكَفْرِ فَقَالَ ﷺ نَعَمْ

۳۹ - ابی سعید خدری گوید: شنیدم رسول خدا ﷺ را که میفرمود: پناه میبرم بخدا از کفر و بدهکاری عرض شد: یا رسول الله مگر بدهکاری با کفر برابر است؟ فرمود: بلی

دو صفت شیعه

فی الشيعة خصلتان

۴۰ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الْجَمِيرِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ الْخَطَّابِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَخْبُوبٍ عَنْ مَالِكِ بْنِ عَطِيَّةَ عَنْ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ وَدِدْتُ أَنْ أُنِّي افْتَدَيْتُ خَصْلَتَيْنِ فِي الشِّيْعَةِ لَنَا يَبْغُضُ لَحْمَ سَاعِدِي النَّزْقَ وَ قِلَّةَ الْكَيْثَمَانِ

۴۰ - امام زین العابدین علیهما السلام فرمود: کاش پاره ای از گوشت دستم فدای دو صفت برای شیعه میشد:

شتابزدگی به هنگام خشم و کم ظرفی در نگهداری راز.

دو شادی از برای روزه دار است

للسائم فرحتان

٤١ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوِيهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنْ عَمِّهِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي الْقَاسِمِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ رَجَالِهِ يَرْفَعُهُ إِلَى الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لِلصَّائِمِ فَرَحَتَانِ فَرَحَةٌ عِنْدَ إِفْطَارِهِ وَ فَرَحَةٌ عِنْدَ لِقَاءِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ

٤١ - امام صادق فرمود: روزه دار را دو شادی است یکی موقع افطار و دیگری بهنگام ملاقات خدای عز و جل.

٤٢ - حَدَّثَنَا أَبُو مُحَمَّدٍ عَبْدُوسُ بْنُ عَلِيٍّ بْنُ الْعَبَّاسِ الْجُرْجَانِيُّ بِسَمَرْقَنْدٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْقَاسِمِ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ يَعْقُوبَ بْنِ يُوسُفَ الرَّازِيَّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يُونُسَ الْكُذَيْمِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو غَامِرٍ قَالَ حَدَّثَنَا زَمْعَةُ عَنْ سَلْمَةَ عَنْ عِكْرِمَةَ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى كُلُّ عَمَلٍ ابْنِ آدَمَ هُوَ لَهُ غَيْرَ الصِّيَامِ هُوَ لِي وَ أَنَا أَجْزِي بِهِ وَ الصِّيَامُ جُنَّةٌ الْعَبْدِ الْمُؤْمِنِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَمَا يَقِي أَحَدَكُمْ سِلَاحُهُ فِي الدُّنْيَا وَ لَخُلُوفُ فَمِ الصَّائِمِ أَطْيَبُ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ رِيحِ الْمِسْكِ وَ الصَّائِمُ يَفْرَحُ بِفَرَحَتَيْنِ حِينَ يُفْطِرُ فَيَطْعَمُ وَ يَشْرَبُ وَ حِينَ يَلْقَانِي فَأَدْخِلُهُ الْجَنَّةَ

٤٢ - رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: خدای تبارک و تعالی فرماید: آدمی هر عملی انجام دهد از آن خودش است جز روزه که از آن من است و من خود پاداش آنم و روزه نگهدار بنده مؤمن است در روز قیامت همان طور که یکی از شما را در دنیا اسلحه اش نگهداری میکند، و بوی دهان روزه دار خدای را خوشتر آید از بوی مشک و روزه دار دو قسم شادی دارد یکی هنگام افطار که میخورد و می آشامد و دیگری موقع دیدار من که در بهشتش جای خواهم داد.

شرح:

نسبت دادن حضرت حق روزه را به خود از باب تشریف است مانند و طَهَّرَا بَيْتِي لِطَائِفِينَ . . و بوی دهان روزه دار بمثل مانند گرد و غبار لباس و خون و جراحت بدن سربازی است که از جبهه جنگ باز میگردد و در نظر فرمانده سپاه از نظافت و خود آرائی سرباز دیگر خوش‌آیندتر است.

در باره دو سوداگر راستگو و نیکوکار

و یا دروغگو و خائن ما جاء فی التاجرین إذا صدقا و برا و إذا کذبا و خانا

۴۳ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُثَوِّكِلِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ رَفَعَهُ إِلَى الْحُسَيْنِ بْنِ زَيْدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَنْ أَبِيهِ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ عَنِ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ عَلِيٍّ

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا التَّاجِرَانِ صَدَقَا وَ بَرَّا بُورِكَ لَهُمَا وَ إِذَا كَذَبَا وَ خَانَا لَمْ يُبَارَكْ لَهُمَا وَ هُمَا بِالْخِيَارِ مَا لَمْ يَفْتَرِقَا فَإِنْ اِخْتَلَفَا فَالْقَوْلُ قَوْلُ رَبِّ السَّلْعَةِ أَوْ يَتَّارَكَا

۴۳ - رسول خدا ﷺ فرمود: دو سوداگر اگر راستگو و نیکوکار باشند سودایشان از برای هر دو مبارك است و اگر دروغ گفتند و به یکدیگر خیانت کردند هیچ يك از آن معامله برکت نه بیند و تا موقعی که از هم جدا نشده‌اند میتوانند معامله را بهم بزنند و اگر اختلاف داشتند گفته، گفته، صاحب کالا است مگر اینکه دست از اختلاف بردارند،

شرح:

مقصود از اختلاف، اختلاف در فروش است اگر مشتری بگوید: جنس را بمن فروخته است

و صاحب کالا بگوید: نفروخته‌ام، و اختلاف در صحیح و عیب دار بودن است که مشتری ادعای معیوب بودن جنس را بکند، و اختلاف در غبن است که مشتری ادعای مغبون بودن بکند و اختلاف در رد ثمن است که مشتری بگوید: پول جنس را داده‌ام و فروشنده بگوید: نداده‌ای، در همه این موارد حق بجانب صاحب کالا و فروشنده است مگر اینکه اثبات شود بناحق بودنش.

دو چیز هر صبح و عصر خیر میدهند شیئان یروحان بخیر و یغدوان بخیر
 ۴۴ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ زِيَادِ بْنِ مَرْوَانَ الْقَنْدِيِّ عَنْ أَبِي وَكَيْعٍ عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ السَّيِّعِيِّ عَنِ الْحَارِثِ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَيْكُمْ بِالْغَنَمِ وَالْحَرْثِ فَإِنَّهُمَا يَرُوحَانِ بِخَيْرٍ وَ يَغْدُوانِ بِخَيْرٍ فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَأَيْنَ الْأَيْلِ قَالَ تِلْكَ أَعْنَانُ الشَّيَاطِينِ وَ يَأْتِيهَا خَيْرُهَا مِنْ الْجَانِبِ الْأَشْأَمِ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنْ سَمِعَ النَّاسُ بِذَلِكَ تَرَكَوْهَا فَقَالَ إِذَا لَا يَغْدُمُهَا الْأَشْقِيَاءُ الْفَجْرَةَ

۴۴ - رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: گله داری و کشاورزی را اهمیت دهید که هر صبح و شام از آنها خیر می‌بینید عرض شد: یا رسول الله شتر، چه؟ فرمود شتر داری زمامداری شیاطین است و خیر شتر از سوئی که شوم‌تر است بصاحبش میرسد، عرض شد: یا رسول الله اگر مردم این فرمایش شما را بشنوند دست از شتر داری بر می‌دارند فرمود: مردم بد عاقبت و بد کردار از شتر داری دست برنمی‌دارند.

شرح:

خیر شتر، سواری است و شیری که میدهد و هر دو را بایست از طرف چپ استفاده کرد

یعنی از طرف چپ بایستی سوار شد و از طرف چپ میبایست آن را دوشید و احتمال هست که اشاره باشد بروایت ابوالها خیر من البانها.

دو معامله ناپسند

بیعان مکروهان

٤٥ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ حَمَّادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ مُسْتَدًّا إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام أَنَّهُ كَرِهَ بَيْعَيْنِ اطْرَحَ وَ خُذَ مِنْ غَيْرِ تَقْلِيلٍ وَ شَرَى مَا لَمْ تَرَهُ

٤٥ - امام باقر عليه السلام دو قسم معامله را دوست نداشت یکی آنکه خریدار بفروشنده بگوید: پول را بینداز و جنس را برگیر بدون اینکه جنس را زیر و رو کرده و بررسی کند و دیگر خریدن جنسی که آن را ندیده باشی. دو دعا برای جنس خوب و دو دعا برای متاع بد فی الجید دعوتان و فی الردیء دعوتان

٤٦ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ مَرْوَكِ بْنِ عُبَيْدِ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ فِي الْجَيِّدِ دَعْوَتَانِ وَ فِي الرَّدِّيِّ دَعْوَتَانِ يُقَالُ لِصَاحِبِ الْجَيِّدِ بَارَكَ اللَّهُ فِيكَ وَ فِيْمَنْ بَاعَكَ وَ يُقَالُ لِصَاحِبِ الرَّدِّيِّ لَا بَارَكَ اللَّهُ فِيكَ وَ لَا فِيْمَنْ بَاعَكَ

٤٦ - امام صادق عليه السلام فرمود: در جنس خوب دو دعا می‌شود و در متاع بد دو دعا، برای صاحب کالای خوب گفته می‌شود: خداوند ترا و آن را که این کالا به تو فروخت برکت عطا فرماید و برای صاحب متاع بد گفته می‌شود: خداوند نه ترا برکت دهد و نه آن را که این جنس را به تو فروخت. هر که نصیحت

خدای را بپذیرد دو پاداش دارد من ناصح الله عز و جل أعطی خصلتین
 ٤٧ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكَّلِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنِي عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الْجَمِيرِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ مَا نَاصَحَ اللَّهُ عَبْدٌ مُسْلِمٌ فِي نَفْسِهِ فَأَعْطِيَ الْحَقَّ مِنْهَا وَ أَخَذَ الْحَقَّ لَهَا إِلَّا أُعْطِيَ خَصْلَتَيْنِ رِزْقاً مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ يَقْنَعُ بِهِ وَ رِضَى عَنِ اللَّهِ يُنْجِيهِ

٤٧ - معاوية بن وهب گوید: شنیدم امام صادق عليه السلام میفرمود: هیچ بنده مسلمانی خیر خواهی خدای را در باره خویش نپذیرفت: که حق دیگران را بدهد و حق خویشتن را بستاند مگر اینکه دو چیز به پاداش دریافت کرد یکی نصیبی از جانب خدا که به همان قناعت کند و دیگر خوشنودی الهی که باعث نجاتش گردد.

دو صفت علامت مؤمن واقعی است

دو صفت علامت مؤمن واقعی است من کان
 فيه خصلتان فهو مؤمن حقا

٤٨ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوِيهِ رَضِيَ
 اللَّهُ عَنْهُ عَنْ عَمِّهِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي الْقَاسِمِ عَنْ
 أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو الْقَاسِمِ
 عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ حَمَادٍ الْكُوفِيُّ عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ
 عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْغِفَارِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ
 إِبْرَاهِيمَ الْجَعْفَرِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ
 أَبِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ وَاسَى الْفَقِيرَ
 وَ أَنْصَفَ النَّاسَ مِنْ نَفْسِهِ فَذَلِكَ الْمُؤْمِنُ حَقًّا

٤٩ - وَ فِي خَبَرٍ آخَرَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ
 سَرَّتْهُ حَسَنَتُهُ وَ سَاءَتْهُ سَيِّئَتُهُ فَهُوَ مُؤْمِنٌ

٤٨ - رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: آنکه با فقیر
 همدردی کند و خود در باره مردم با انصاف
 باشد مؤمن واقعی خود، او است. ٤٩ - خبر
 دیگر - رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: هر که از
 کار نیک خود دلشاد و از کردار بدش
 اندوهناک باشد مؤمن او است.

صاحب دو صفت قابل معاشرت است و بدون
 آن باید دوری کرد، دوری، دوری، خصلتان
 من کانتا فيه و إلا فاعزب ثم اعزب ثم
 اعزب

٥٠ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى
 الْعَطَّارُ رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ
 بْنِ خَالِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ
 بْنِ سِنَانٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ عَنْ
 الْخَيْبَرِيِّ عَنْ يُونُسَ بْنِ ظَبْيَانَ وَ الْمُفَضَّلِ بْنِ
 عُمَرَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ خَصَلَتَانِ مَنْ
 كَانَتَا فِيهِ وَ إِلَّا فَاغْزَبْ ثُمَّ اغْزَبْ ثُمَّ اغْزَبْ
 قِيلَ وَ مَا هُمَا قَالَ الصَّلَاةُ فِي مَوَاقِيْتِهَا وَ
 الْمُحَافَظَةُ عَلَيْهَا وَ الْمُوَاسَاةُ

٥٠ - امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: هر که دو
 خصلت در وی باشد قابل معاشرت است و گر
 نه از او دوری کن دوری کن دوری، عرض شد:

آن دو صفت چیست؟ فرمود: یکی نمازها را به وقت خواندن و مواظبت به آن کردن و دیگر همدردی.

هر يك از دو چیز جلوتر افتاد عده طلاق تمام می‌شود امران ایهما سبق إلى المطلقة المسترابة بانث به

۵۱ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ الْبَزْطِيِّ عَنْ جَمِيلٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ أَمْرَانِ أَيُّهُمَا سَبَقَ إِلَيْهَا بَانَتْ بِهِ الْمُطَلَّقةُ الْمُسْتَرَابَةُ الَّتِي تَسْتَرِيْبُ الْحَيْضَ إِنْ مَرَّتْ بِهَا ثَلَاثَةَ أَشْهُرٍ بِيضٍ لَيْسَ بِهَا دَمٌ بَانَتْ بِهَا وَ إِنْ مَرَّتْ بِهَا ثَلَاثَ حَيْضٍ لَيْسَ بَيْنَ الْحَيْضَتَيْنِ ثَلَاثَةَ أَشْهُرٍ بَانَتْ بِالْحَيْضِ

۵۱ - امام باقر علیه السلام فرمود: دو چیز است که هر يك جلوتر اتفاق افتاد

مطلقه مسترابه : (زن جوانی که طلاق گرفته و چون عادت به حیض دیدن ندارد نمیداند حامله است یا نه) از عده خارج می‌شود: اول، سه ماه در پاکی بگذرد و خونی نه بیند دوم، سه حیض به بیند که میان دو حیض سه ماه فاصله نباشد حیض سوم را که دید از عده خارج می‌شود.

دو وسیله تقرب التقرّب إلى الله

عز و جل بخصلتین

۵۲ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوِيهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنْ عَمِّهِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي الْقَاسِمِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ يَزِيدَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْمَعْرُوفُ شَيْءٌ سِوَى الزَّكَاةِ فَتَقَرَّبُوا إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ بِالْيَمِينِ وَ صَلَةِ الرَّجِمِ

۵۲ - امام صادق علیه السلام فرمود: نیکی بجز زکات چیز دیگری است با احسان و صلہ رحم، خود را بخداوند نزدیک کنید.

دو چیز تنگدستی را برمی‌دارد و عمر را دراز میکند و از مرگ بد صاحبش را جلوگیری میکند خصلتان ینفیان الفقر و یزیدان فی العمر و یدفعان عن فاعلہما سبعین میثۃ سوء

۵ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ غَالِبٍ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ الْبِرُّ وَالصَّدَقَةُ يَنْفِيَانِ الْفَقْرَ وَ يَزِيدَانِ فِي الْعُمُرِ وَ يَدْفَعَانِ سَبْعِينَ مِئْتَةَ سُوءٍ

۵۳ - امام باقر علیه السلام فرمود: نیکوکاری و صدقه دادن تنگدستی را بر می‌دارد و عمر را طولانی میکند و از هفتاد قسم مرگ بد جلوگیری میکند.

دو قسم رفتار

السنة سنتان

۵۴ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنِ آبَائِهِ عَنْ عَلِيِّ علیه السلام أَنَّهُ قَالَ السُّنَّةُ سُنَّتَانِ سُنَّةٌ فِي فَرِيضَةٍ الْأَخْذُ بِهَا هُدَى وَ تَرْكُهَا ضَلَالَةٌ وَ سُنَّةٌ فِي غَيْرِ فَرِيضَةٍ الْأَخْذُ بِهَا فَضِيلَةٌ وَ تَرْكُهَا غَيْرُ خَطِيئَةٍ

۵۴ - امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: رفتار و روش رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم دو قسم است یک راه و رسمی که در واجبات داشت که با آن راه رفتن باعث هدایت است و ترکش موجب گمراهی است و روش دیگرش در غیر واجب است که با

آن طریق رفتار کردن فضیلتی است ولی ترکش
گناه نیست.

احسان فقط کسی را سزا است که صاحب دو خصلت باشد

لا تصلح الصنعة إلا عند ذي خصلتين
۵۵ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكَّلِ
رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ
الْجَمِيرِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ
الْحَسَنِ بْنِ مَخْبُوبٍ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ أَبِي
عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ لَا تَصْلُحُ الصَّنِيعَةُ إِلَّا عِنْدَ ذِي
حَسَبٍ أَوْ دِينٍ

۵۵ - امام صادق عليه السلام فرمود: رفتار خوب
جز با دو نفر صلاح نیست: آبرومند و یا
دیندار.

رفاقت برادرانه بر دو گونه است

الإخوان صنفان
۵۶ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ
بْنِ أَحْمَدَ الرَّازِيِّ عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ
إِسْمَاعِيلَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَفْصٍ عَنْ
يَعْقُوبَ بْنِ بَشِيرٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام
قَالَ قَامَ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام رَجُلٌ
بِالْبَصْرَةِ فَقَالَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَخِيرْنَا
عَنِ الْإِخْوَانِ قَالَ الْإِخْوَانُ صِنْفَانِ إِخْوَانُ الثَّقَةِ
وَ إِخْوَانُ الْمُكَاشَرَةِ فَأَمَّا إِخْوَانُ الثَّقَةِ فَهُمْ
الْكُفُّ وَ الْجَنَاحُ وَ الْأَهْلُ وَ الْمَالُ فَإِذَا كُنْتَ
مِنْ أَخِيكَ عَلَى حَدِّ الثَّقَةِ فَايْذُلْ لَهُ مَالَكَ وَ
بَدَنَكَ وَ صَافٍ مَنْ صَافَاهُ وَ عَادٍ مَنْ عَادَاهُ وَ
اَكْثَمُ سِرَّهُ وَ عَيْبَهُ وَ أَظْهَرُ مِنْهُ الْحُسْنَ وَ
اعْلَمْ أَيُّهَا السَّائِلُ أَنَّهُمْ أَقَلُّ مِنَ الْكَبِيرَةِ
الْأَحْمَرِ وَ أَمَّا إِخْوَانُ الْمُكَاشَرَةِ فَإِنَّكَ تُصِيبُ
مِنْهُمْ لَدَّتْكَ فَلَا تَقْطَعَنَّ ذَلِكَ مِنْهُمْ وَ لَا تَطْلُبَنَّ
مَا وَرَاءَ ذَلِكَ مِنْ ضَمِيرِهِمْ وَ ابْذُلْ لَهُمْ مَا
بَدَّلُوا لَكَ مِنْ طَلَاقَةِ الْوَجْهِ وَ حَلَاوَةِ اللِّسَانِ

۵۶ - امام باقر علیه السلام فرمود: مردی در بصره در حضور امیر المؤمنین بپا خواست و گفت: یا امیر المؤمنین درباره رفیقان برادروار بیانی بفرما، فرمود: برادران دو صنفاند یکی برادران مورد اعتماد و دیگر برادران ظاهر ساز اما برادران مورد اعتماد بمنزله دست و بال و خانواده و ثروت تو هستند اگر به برادرت اعتماد داری بنفع او از کمک مالی و بدنی دریغ مدار و با هر کس که با او صفا داشته باشد تو نیز با صفا باش و با هر که دشمنش بدارد دشمن باش، سر و عیبش را پرده پوشی کن و نیکوئیش را ظاهر ساز و دانسته باشد ای سائل که اینان از کبریت احمر نایاب ترند و اما برادران ظاهر ساز، از لذت معاشرت با آنان بهره‌مند خواهی شد و حتماً این رشته را از آنان مبر و بیش از این هم از درونشان توقع مدار و بهر مقدار که آنان با تو خوشرو و شیرین زبان باشند تو نیز چنان باش.

مردم بر دو نوع اند

الناس رجلان

۵۷ - حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ عَلِيٍّ الْكُوفِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ أَبِيهِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ صَالِحِ بْنِ سَعِيدِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي حَمَزَةَ الثَّمَالِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ النَّاسُ رَجُلَانِ مُؤْمِنٌ وَجَاهِلٌ فَلَا تُؤْذِي الْمُؤْمِنَ وَلَا تُجْهَلُ الْجَاهِلَ فَتَكُونُ مِثْلَهُ

۵۷ - امام باقر عليه السلام فرمود: مردم بر دو نوعند یکی با ایمان و دیگری نادان پس مؤمن را آزار مرسان و با نادان نادانی مکن که اگر چنین کنی تو نیز مانند او خواهی بود.

دو امیری که به حقیقت امیر نیستند
امیران و لیساً بأمیرین

۵۸ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بِإِسْنَادِهِ رَفَعَهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وسلم أَمِيرَانِ وَ لَيْسَا بِأَمِيرَيْنِ لَيْسَ لِمَنْ تَبِعَ جَنَازَةً أَنْ يَرْجِعَ حَتَّى تُدْفَنَ أَوْ يُؤْذَنَ لَهُ وَ رَجُلٌ يَحُجُّ مَعَ امْرَأَةٍ فَلَيْسَ لَهُ أَنْ يَنْفِرَ حَتَّى تَقْضِيَ نُسُكَهَا

۵۸ - رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم فرمود: دو امیرند که بحقیقت امیر نیستند: آنکه تشییع جنازه میکند حق ندارد از تشییع باز گردد تا جنازه به خاک سپرده شود یا اولیای میت به او اجازه بازگشت بدهند و مردمی که با زن به حج رفته باشد حق ندارد کوچ کند تا اعمال زن تمام شود.

مردم با دو چیز نمازشان را باطل میکنند

شیئان یفسد الناس بهما صلاتهم
 ۵۹ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
 سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى
 عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ ثَعْلَبَةَ بْنِ
 مَيْمُونٍ عَنْ مَيْسَرَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ شَيْئَانِ
 يُفْسِدُ النَّاسَ بِهِمَا صَلَاتَهُمْ قَوْلُ الرَّجُلِ تَبَارَكَ
 اسْمُكَ وَتَعَالَى جَدُّكَ وَ إِنَّمَا هُوَ شَيْءٌ قَالَتْهُ
 الْجِنُّ بِجَهَالَةٍ فَحَكَى اللَّهُ عَنْهُمْ وَ قَوْلُ الرَّجُلِ
 السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ
 ما من خطوة أحب إلى الله عز و جل من
 خطوتين و ما من جرعة أحب إلى الله من
 جرعتين و ما من قطرة أحب إلى الله عز و جل
 من قطرتين

۵۹ - امام باقر عليه السلام فرمود: دو چیز است
 که مردم با آن دو، نمازشان را باطل
 میکنند: یکی گفتن (تبارک اسمک و تعالی
 جدک) است که ﴿تَعَالَى جَدُّ رَبِّنَا﴾ گفتار جاهلانہ جن
 است و خداوند از آنان حکایت کرده است و
 دیگر گفتن السلام علينا و على عباد الله
 الصالحين است،

شرح:

مقصود، سلام گفتن قبل از تمام شدن تشهد
 است که عامه آن را قبل از تشهد میگویند.
 (محبوبترین قدم و جرعه و قطره: دو قدم
 و دو جرعه و دو قطره است)

۶۰ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
 سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى
 عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ
 عَنْ مَنْصُورِ بْنِ يُونُسَ عَنْ أَبِي حَمَزَةَ الثَّمَالِيِّ
 قَالَ سَمِعْتُ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ زَيْنَ الْعَابِدِينَ عليه السلام
 يَقُولُ مَا مِنْ خُطْوَةٍ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ
 خُطْوَتَيْنِ خُطْوَةٍ يَسُدُّ بِهَا الْمُؤْمِنُ صَفًّا فِي سَبِيلِ
 اللَّهِ وَ خُطْوَةٍ إِلَى ذِي رَحِمٍ قَاطِعٍ وَ مَا مِنْ جُرْعَةٍ

أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ جُرْعَتَيْنِ جُرْعَةَ غَيْظٍ رَدَّهَا مُؤْمِنٌ بِجِلْمٍ وَ جُرْعَةَ مُصِيبَةٍ رَدَّهَا مُؤْمِنٌ بِصَبْرٍ وَ مَا مِنْ قَطْرَةٍ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ قَطْرَتَيْنِ قَطْرَةَ دَمٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ قَطْرَةَ دَمْعَةٍ فِي سَوَادِ اللَّيْلِ لَا يُرِيدُ بِهَا عَبْدٌ إِلَّا اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ

۶۰ - ابی حمزه ثمالی گوید: شنیدم امام زین العابدین علیه السلام میفرمود: هیچ قدمی بسوی خداوند از دو قدم محبوبتر نیست قدمی که مؤمن برای صف بستن در جهاد بر میدارد و قدمی که برای آشتی با خویشاوند بر میدارد، و هیچ جرعه ای نزد خدا محبوبتر از دو جرعه نیست یکی جرعه خشمی که مؤمن با بردباری فرو میبرد و دیگر شربت مصیبتی که مؤمن با شکیبائی بنوشد و هیچ قطره ای نزد خداوند محبوبتر از دو قطره نیست یکی قطره خونی که در راه خدا ریخته شود و دیگر اشکی که در تاریکی شب فقط برای خدا از چشم بنده جاری شود

شیطان دو صفت را به نوح تذکر داد

خصلتان ذکرهما إبلیس لنوح ع
 ۶۱ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ سَيَابَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ لَمَّا هَبَطَ نُوحٌ عليه السلام مِنَ السَّفِينَةِ أَتَاهُ إِبْلِيسُ فَقَالَ لَهُ مَا فِي الْأَرْضِ رَجُلٌ أَعْظَمُ مِنِّي عَلَيَّ مِنْكَ دَعَوْتُ اللَّهَ عَلَى هَؤُلَاءِ الْفَسَاقِ فَأَرْحَتَنِي مِنْهُمْ أَ لَا أَعْلَمُكَ خَصْلَتَيْنِ إِيَّاكَ وَ الْجَسَدَ فَهُوَ الَّذِي عَمِلَ بِي مَا عَمِلَ وَ إِيَّاكَ وَ الْحِرْصَ فَهُوَ الَّذِي عَمِلَ بِآدَمَ مَا عَمِلَ

۶۱ - امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی که نوح از کشتی فرود آمد شیطان بنزدش آمده

و گفت: در روی زمین بزرگترین منت را تو بر من داری زیرا این بد کرداران را نفرین کردی و مرا از زحمت گمراه ساختنشان راحت کردی میخواهی دو نکته بیاموزمت؟: زنهار از حسد، که آن با من کرد آنچه کرد، و زنهار از حرص، که آن با آدم کرد آنچه کرد.

از دو چیز باید بیش از هر چیز بر مردم ترسید **أخوف ما يخاف علي الناس خصلتان**
 ٦٢ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ الْأَسَدِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عِمْرَانَ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو مُصْعَبٍ أَحْمَدُ بْنُ أَبِي بَكْرٍ الزُّهْرِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي عَلِيٍّ اللَّهْيِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْمُنْكَدِرِ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ **إِنَّ أَخَوْفَ مَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي الْهَوَى وَ طُولُ الْأَمَلِ أَمَا الْهَوَى فَإِنَّهُ يَصُدُّ عَنِ الْحَقِّ وَ أَمَا طُولُ الْأَمَلِ فَيُنْسِي الْأَخِرَةَ وَ هَذِهِ الدُّنْيَا قَدْ ارْتَحَلَتْ مُدْبِرَةً وَ هَذِهِ الْأَخِرَةُ قَدْ ارْتَحَلَتْ مُقْبِلَةً وَ لِكُلِّ وَاحِدَةٍ مِنْهُمَا بَنُونَ فَإِنْ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَكُونُوا مِنْ أَبْنَاءِ الْأَخِرَةِ وَ لَا تَكُونُوا مِنْ أَبْنَاءِ الدُّنْيَا فافْعَلُوا فَإِنَّكُمْ الْيَوْمَ فِي دَارِ عَمَلٍ وَ لَا حِسَابٍ وَ أَنْتُمْ غَدًا فِي دَارِ حِسَابٍ وَ لَا عَمَلٍ**

٦٢ - رسول خدا ﷺ فرمود: بیش از هر چیز بر امتم از هوای نفس و درازی آرزو می‌هراسم اما هوای نفس، از حق جلوگیری میکند و اما در ازای آرزو، آخرت را از یاد میبرد این دنیا است که پشت کرده و میرود و این آخرت است که روی شما می‌آید و برای هر يك از دنیا و آخرت فرزندان است اگر میتوانید خود را از فرزندان آخرت قرار دهید و از فرزندان دنیا نباشید همین کار کنید، که امروز در محیط عمل هستید و حسابی در کار نیست و فردا

روز حساب است و دیگر عملی از شما ساخته نیست.

۶۳ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ عُمَرَ بْنِ أَدِيْنَةَ عَنْ أَبَانَ بْنِ أَبِي عِيَّاشٍ عَنْ سُلَيْمِ بْنِ قَيْسِ الْهَلَالِيِّ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ فِي كَلَامٍ لَهُ الْعُلَمَاءُ رَجُلَانِ رَجُلٌ عَالِمٌ آخِذٌ بِعِلْمِهِ فَهَذَا نَاجٍ وَ رَجُلٌ عَالِمٌ تَارِكٌ لِعِلْمِهِ فَهَذَا هَالِكٌ وَ إِنَّ أَهْلَ النَّارِ لَيَتَأَذَوْنَ بِرِيحِ الْعَالِمِ التَّارِكِ لِعِلْمِهِ وَ إِنَّ أَشَدَّ أَهْلِ النَّارِ نَدَامَةً وَ حَسْرَةً رَجُلٌ دَعَا عَبْدًا إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَاسْتَجَابَ لَهُ وَ قِيلَ مِنْهُ وَ أَطَاعَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فَأَدْخَلَهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ وَ أَدْخَلَ الدَّاعِيَ النَّارَ بِتَرْكِهِ عِلْمَهُ وَ اتَّبَاعِهِ الْهَوَى ثُمَّ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَلَا إِنَّ أَخَوْفَ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ خَصَلْتَيْنِ اتَّبَاعُ الْهَوَى وَ طَوْلُ الْأَمَلِ أَمَّا اتَّبَاعُ الْهَوَى فَيَصُدُّ عَنِ الْحَقِّ وَ طَوْلُ الْأَمَلِ يُنْسِي الْأَخْرَةَ

۶۳ - امیر المؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ضمن کلامی فرمود: دانشمندان بر دو گروهند:

یکی دانشمندی که بعلم خود رفتار کند، این چنین مرد رستگار است و دیگری دانشمندی که علم خود را ترک گوید و این دانشمند در هلاکت است: همانا اهل جهنم از بوی عالم بی عمل در آزارند و همانا پشیمان تر و پر حسرت ترین اهل جهنم کسی است که بنده ای را بسوی خدای عز و جل خوانده و آن بنده دعوت او را اجابت نموده و سخن وی را پذیرفته و اطاعت خدا نموده است و در نتیجه، خداوند، او را به بهشت داخل کرده ولی خود آن دعوت کننده را بخاطر عمل نکردن بعلمش و پیروی از هوای نفساش به آتش انداخته است سپس امیر المؤمنین فرمود: همانا از دو خصلت بیش

از همه چیز بر شما هراسانم یکی پیروی از هوای نفس و دیگری درازی آرزو که پیروی هوای نفس از درك حقیقت جلوگیری است و درازی آرزو آخرت را از یاد شخص می‌برد.

۶۴ - حَدَّثَنَا أَبُو أَحْمَدَ مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الْبُنْدَارِ الشَّافِعِيُّ الْفَرَّغَانِيُّ بِفَرَّغَانَةَ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ الْحَمَّادِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الشَّافِعِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عَمِّي إِبْرَاهِيمُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي عَلِيٍّ اللَّهْبِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْمُنْكَدِرِ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِنَّ أَخَوْفَ مَا أَتَخَوَّفُ عَلَى أُمَّتِي الْهَوَى وَ طُولُ الْأَمَلِ أَمَّا الْهَوَى فَيَصُدُّ عَنِ الْحَقِّ وَ أَمَّا طُولُ الْأَمَلِ فَيُنْسِي الْأَخِرَةَ وَ هَذِهِ الدُّنْيَا مُرْتَجِلَةٌ ذَاهِبَةٌ وَ هَذِهِ الْأَخِرَةُ مُرْتَجِلَةٌ قَادِمَةٌ وَ لِكُلِّ وَاحِدَةٍ مِنْهُمَا بَنُونَ فَإِنْ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَكُونُوا مِنْ أَبْنَاءِ الْأَخِرَةِ وَ لَا تَكُونُوا مِنْ أَبْنَاءِ الدُّنْيَا فَافْعَلُوا فَإِنَّكُمْ الْيَوْمَ فِي دَارِ الْعَمَلِ وَ لَا حِسَابَ وَ أَنْتُمْ غَدًا فِي دَارِ الْحِسَابِ وَ لَا عَمَلَ

روایت ۶۴ ترجمه اش در روایت ۶۲ گفته شد.

از دو چیز جلوگیری شده است

النهي عن خصلتين

۶۵ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ أَحْمَدَ وَ عَبْدِ اللَّهِ ابْنَيْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ مُفْضِلِ بْنِ مَزِيدٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ أَنَّهُكَ عَنْ خَصْلَتَيْنِ فِيهِمَا هُلُكُ الرِّجَالِ أَنْ تَدِينَنَّ اللَّهُ بِالْبَاطِلِ وَ تُفْتِيَ النَّاسَ بِمَا لَا تَعْلَمُ

۶۵ - امام صادق عليه السلام به مفضل بن مزید فرمود: از دو چیزت باز میدارم که نابودی مردان جهان با آن دو انجام گرفته است،

یکی اینکه دین باطل گزینی و دیگر آنکه مردم را ندانسته فتوی دهی.

۶۶ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى بْنِ عُبَيْدٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِيَّاكَ وَ خَصَلْتَيْنِ فَفِيهِمَا هَلَكٌ مَنْ هَلَكَ إِيَّاكَ أَنْ تُفْتِيَ النَّاسَ بِرَأْيِكَ أَوْ تَدِينَنَّ بِمَا لَا تَعْلَمُ

۶۶ - عبد الرحمن بن حجاج گوید: امام صادق مرا فرمود: زنهار از دو چیز که هر که نابود گشته در آن دو مورد بوده است: زنهار که به رأی خود فتوی دهی یا ندانسته دینی را برگزینی

دو قسم آب دعوت نوح را نپذیرفتند

ماء ان لم يجيبا نوحا لما دعا المياہ
۶۷ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوِيهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنْ عَمِّهِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي الْقَاسِمِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَنَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ إِنَّ نُوحًا لَمَّا كَانَ أَيَّامَ الطُّوفَانِ دَعَا مِيَاةَ الْأَرْضِ فَأَجَابَتْهُ إِلَّا الْمَاءَ الْمُرَّ وَ مَاءَ الْكِبْرِيَّتِ

۶۷ - امام صادق عليه السلام فرمود: چون روزهای طوفان فرا رسید نوح عليه السلام آبهای روی زمین را بهمکاری دعوت کرد همه پذیرفتند جز آب تلخ و آب گوگرد.

ایمان گفتار است با کردار

الإيمان قول و عمل

۶۸ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مَعْقِلٍ الْقِرْمِيسِينِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ طَاهِرٍ قَالَ كُنْتُ وَاقِفًا عَلَى أَبِي وَ عِنْدَهُ

أَبُو الصَّلْتِ الْهَرَوِيُّ وَ إِسْحَاقُ بْنُ رَاهَوِيَةَ وَ
 أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ حَنْبَلٍ فَقَالَ أَبِي لِيُحَدِّثْنِي
 كُلَّ رَجُلٍ مِنْكُمْ بِحَدِيثٍ فَقَالَ أَبُو الصَّلْتِ
 الْهَرَوِيُّ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرِّضَا وَ كَانَ وَ
 اللَّهُ رَضَى كَمَا سُمِّيَ عَنْ أَبِيهِ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ عَنْ
 أَبِيهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ
 عَنْ أَبِيهِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ
 بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ
 اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ الْإِيمَانَ قَوْلٌ وَ عَمَلٌ فَلَمَّا خَرَجْنَا قَالَ
 أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ حَنْبَلٍ مَا هَذَا الْإِسْنَادُ
 فَقَالَ لَهُ أَبِي هَذَا سَعُوطُ الْمَجَانِينِ إِذَا سُعِطَ
 بِهِ الْمَجْنُونُ أَفَاقَ

۶۸ - محمد بن عبد الله بن طاهر گوید: نزد
 پدرم ایستاده بودم و ابو الصلت هروی و
 اسحق بن راهویه

و احمد بن محمد بن حنبل نیز حضور
 داشتند پدرم گفت: هر يك از شما حدیثی
 برای من نقل کند، ابو الصلت هروی گفت:
 علی بن موسی الرضا که بخدا قسم رضا و
 پسندیده بود و درست نامگذاری شده بود
 حدیث کرد مرا از پدرش موسی بن جعفر
عَلَيْهِ السَّلَامُ و او از پدرش جعفر بن محمد و او از
 پدرش محمد بن علی عَلَيْهِ السَّلَامُ و او از پدرش حسین
 بن علی عَلَيْهِ السَّلَامُ و او از پدرش علی عَلَيْهِ السَّلَامُ که علی
 گفت: رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: ایمان
 گفتار است با کردار، چون از نزد پدرم
 بیرون شدیم احمد بن محمد بن حنبل گفت:
 این سلسله سند چه بود؟ پدرم در جوابش
 گفت: این سند، داروی دیوانگان است که
 اگر دیوانه از آن استفاده کند دردش
 بدرمان خواهد رسید.

دو گرسنه‌ای که سیر نمی‌شوند

منهومان لا یشبعان

٦٩ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوِيهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي الْقَاسِمِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدِ الْبَرْقِيِّ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِهِ يَرْفَعُونَهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ مَنْهُومَانِ لَا يَشْبَعَانِ مَنْهُومُ عِلْمٍ وَ مَنْهُومُ مَالٍ
٦٩ - امام صادق عليه السلام فرمود: دو گرسنه هرگز سیر نمیشوند: گرسنه دانش و گرسنه ثروت

دو چیز از آثار ایمان واقعی است

خصلتان من حقيقة الإيمان
٧٠ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكَّلِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَسَّانِ الْوَاسِطِيِّ يَرْفَعُهُ إِلَى زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ إِنَّ مِنْ حَقِيقَةِ الْإِيمَانِ أَنْ تُؤْثِرَ الْحَقُّ وَ أَنْ ضُرَّكَ عَلَى الْبَاطِلِ وَ أَنْ نَفَعَكَ وَ أَنْ لَا يَجُوزَ مَنْطِقُكَ عِلْمَكَ
٧٠ - امام صادق عليه السلام فرمود: از آثار ایمان واقعی این است که حق را بر باطل مقدم بداری هر چند باطل بسودت باشد و گفتارت بیش از دانش نباشد.

جوانمردی بر دو گونه است

المروءة مروءتان
٧١ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام فِي وَصِيَّتِهِ لِابْنِهِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَنْفِيَّةِ وَ اعْلَمْ أَنَّ مُرُوءَةَ الْمَرْءِ الْمُسْلِمِ مُرُوءَتَانِ مُرُوءَةٌ فِي حَضْرٍ وَ مُرُوءَةٌ فِي سَفَرٍ فَأَمَّا مُرُوءَةٌ الْحَضْرِ فَقِرَاءَةُ الْقُرْآنِ وَ مُجَالَسَةُ الْعُلَمَاءِ وَ النَّظَرُ فِي الْفِقْهِ وَ

المُحَافَظَةُ عَلَى الصَّلَاةِ فِي الْجَمَاعَاتِ وَ أَمَّا
 مُرُوءَةُ السَّقَرِ فَبَدَلُ الزَّادِ وَ قِلَّةُ الْخِلَافِ عَلَى
 مَنْ صَحَبَكَ وَ كَثْرَةُ ذِكْرِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فِي كُلِّ
 مَصْعَدٍ وَ مَهَبَطٍ وَ نُزُولٍ وَ قِيَامٍ وَ قُعُودٍ
 ٧١ - امام صادق عليه السلام فرمود: امیر
 المؤمنین عليه السلام در وصیتی که بفرزندش محمد
 حنفیه کرد فرمود:

دانسته باش که جوانمردی مرد مسلمان بر
 دو گونه است یکی جوانمردی در شهر و دیار
 خود و دیگر، جوانمردی در سفر، اما
 مردانگی در دیار خود، قرآن خواندن و با
 دانشمندان نشستن و احکام دینی را فرا
 گرفتن و از نماز و اجتماعات مسلمین
 نگهداری نمودن است و اما مردانگی در
 سفر، توشه خود را در اختیار رفیقان
 گذاردن و با همراهان مخالفت نکردن و
 بیشتر بیاد خدا بودن است در فراز و نشیب
 و فرود آمدن و برخاستن و نشستن

دو خصلت از اقسام ستم است

خصلتان من الجفاء
 ٧٢ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
 عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ
 النُّوفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ
 أَبِيهِ عَنِ آبَائِهِ عَنِ عَلِيِّ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ
 اللَّهِ صلى الله عليه وآله وسلم الْبَوْلُ قَائِمًا مِنْ غَيْرِ عِلَّةٍ مِنَ الْجَفَاءِ
 وَ الْإِسْتِنْجَاءِ بِالْيَمِينِ مِنَ الْجَفَاءِ
 ٧٢ - رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم فرمود: بدون جهت
 ایستاده ادرار کردن از اقسام ستم است و
 با دست راست محل مدفوع را شستن جفا است

دو چیز جلب روزی میکند

خصلتان مجلبتان للرزق

۷۳ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى
 الْعَطَّارِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ مُحَمَّدِ
 بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى بْنِ عَبِيدٍ عَنْ
 مُحَمَّدِ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ أَبِي
 عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ غَسَلَ الْإِنَاءَ وَ كَسَحَ الْفِنَاءَ
 مَجْلَبَةً لِلرِّزْقِ

۷۳ - امام صادق عليه السلام فرمود: ظرف غذا را
 شستن و آستانه را جاروب کردن جلب روزی
 میکند.

حد متوسط دو مکروه میزان نفقه واجب
 است تجب النفقة على العيال بين
 المكروهين

۷۴ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
 أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ عَلِيِّ
 بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ سَعِيدٍ عَنْ
 بَعْضِ أَصْحَابِهِ قَالَ سَمِعْتُ الْعِيَّاشِيَّ وَ هُوَ يَقُولُ
 اسْتَأْذَنْتُ الرَّضَا عليه السلام فِي النَّفْقَةِ عَلَى الْعِيَالِ
 فَقَالَ بَيْنَ الْمَكْرُوهَيْنِ قَالَ فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ
 لَا وَاللَّهِ مَا أَعْرِفُ الْمَكْرُوهَيْنِ قَالَ فَقَالَ بَلَى
 يَرْحَمُكَ اللَّهُ أَمَا تَعْرِفُ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ كَرِهَ
 الْأَسْرَافَ وَ كَرِهَ الْإِقْتَارَ فَقَالَ وَ الَّذِينَ إِذَا
 أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَ لَمْ يَقْتُرُوا وَ كَانَ بَيْنَ
 ذَلِكَ قَوَامًا

۷۴ - راوی گوید: شنیدم عیاشی میگفت:
 از امام رضا عليه السلام اجازه خواستم و در باره
 خرج زن و بچه سؤال کردم فرمود: حد متوسط
 دو مکروه، گفتم قربانت کردم نه بخدا
 نمیدانم دو مکروه چیست؟

فرمود: آری خدایت رحمت کند مگر
 نمیدانی خدای عز و جل اسراف و سختگیری
 را ناخوش دارد و فرموده است کسانی که
 چون انفاق کنند نه اسراف ورزند و نه
 سختگیری کنند و میان این دو بحد اعتدال
 باشند.

دو رفتار به عوض دو رفتار

خصلتان بخصلتین

۷۵ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ رَبَاطٍ عَنْ أَبِي بَكْرِ الْحَضْرَمِيِّ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ بَرُّوا آبَاءَكُمْ يَبْرِكُمْ أَبْنَاؤُكُمْ وَ عَفُّوا عَنْ نِسَاءِ النَّاسِ تَعِفُّ نِسَاؤُكُمْ

۷۵ - امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: با پدران خود نیکی کنید تا به عوض، فرزندان شما با شما نیکی کنند و نسبت بزنان مردم پاکدامن باشید تا زنان خودتان پاکدامن بمانند.

حیاء بر دو قسم است

الحياء على وجهين

۷۶ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوِيهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنْ عَمِّهِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي الْقَاسِمِ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ الْحَيَاءُ عَلَى وَجْهَيْنِ فَمِنْهُ ضَعْفٌ وَ مِنْهُ قُوَّةٌ وَ إِسْلَامٌ وَ إِيمَانٌ

۷۶ - رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: حیاء بر دو قسم است یک قسم از حیاء ناشی از ناتوانی و زبونی است و یک قسم ناشی از توانائی و مسلمانی و با ایمانی است.

آنچه پدر را عاق فرزند میکند

ما يلزم الوالدين من عقوق الولد

۷۷ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ

النُّوفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ
 أَبِيهِ عَنِ آبَائِهِ عَنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ
 اللَّهِ ﷺ يَلْزَمُ الْوَالِدِينَ مِنَ الْعُقُوقِ لَوْلَدِهِمَا
 إِذَا كَانَ الْوَلَدُ صَالِحًا مَا يَلْزَمُ الْوَلَدَ لَهُمَا
 ٧٧ - رسول خدا ﷺ فرمود: همان طور که
 فرزند عاق پدر و مادر می‌شود پدر و مادر
 نیز عاق فرزند شایسته میشوند.

در بیان فرمایش رسول خدا ﷺ که من فرزند دو ذبیحم

قول النبی ﷺ أنا ابن الذبیحین
 ٧٨ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ الْقَطَّانِ قَالَ
 أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ سَعِيدِ الْكُوفِيِّ قَالَ
 حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ فَضَّالٍ عَنِ
 أَبِيهِ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى
 الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ مَعْنَى قَوْلِ النَّبِيِّ ﷺ أَنَا ابْنُ
 الذَّبِيحَيْنِ قَالَ يَعْنِي إِسْمَاعِيلَ بْنَ إِبرَاهِيمَ
 الْخَلِيلِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ عَبْدَ اللَّهِ بْنَ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ أُمَّ
 إِسْمَاعِيلَ فَهُوَ الْعُلَامُ الْحَلِيمُ الَّذِي بَشَّرَ اللَّهُ بِهِ
 إِبرَاهِيمَ فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ
 إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَا
 ذَا تَرَى قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ وَ لَمْ
 يَقُلْ لَهُ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا رَأَيْتَ سَتَجِدُنِي إِنْ
 شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ فَلَمَّا عَزَمَ عَلَيْهِ ذَبْحَهُ
 فَذَاهُ اللَّهُ بِذَبْحِ عَظِيمٍ يَكْبَشُ أَمْلَحَ يَأْكُلُ فِي
 سَوَادٍ وَ يَشْرَبُ فِي سَوَادٍ وَ يَنْظُرُ فِي سَوَادٍ وَ
 يَمْشِي فِي سَوَادٍ وَ يَبُولُ وَ يَبْعَرُ فِي سَوَادٍ وَ
 كَانَ يَرْتَعُ قَبْلَ ذَلِكَ فِي رِيَاضِ الْجَنَّةِ أَرْبَعِينَ
 عَامًا وَ مَا خَرَجَ مِنْ رَحِمِ أُنثَى وَ إِنَّمَا قَالَ اللَّهُ
 جَلَّ وَ عَزَّ لَهُ كُنْ فَكَانَ لِيَفِيدي بِهِ إِسْمَاعِيلَ
 فَكُلْ مَا يُذْبَحُ بِيَمِينِي فَهُوَ فِدْيَةٌ لِإِسْمَاعِيلَ إِلَى
 يَوْمِ الْقِيَامَةِ فَهَذَا أَحَدُ الذَّبِيحَيْنِ وَ أُمَّ
 الْآخَرَ فَإِنَّ عَبْدَ الْمُطَّلِبِ كَانَ تَعَلَّقَ بِحَلَقَةِ بَابِ
 الْكَعْبَةِ وَ دَعَا اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ يَرْزُقَهُ عَشْرَةَ
 بَنِينَ وَ نَذَرَ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ يَذْبَحَ وَاحِدًا

مِنْهُمْ مَتَى أَجَابُ اللَّهَ دَعْوَتَهُ فَلَمَّا بَلَغُوا عَشْرَةَ
 أَوْلَادٍ قَالَ قَدْ وَفَى اللَّهُ لِي فَلَأَفِينَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ
 فَأَدْخَلَ وُلْدَهُ الْكَعْبَةَ وَ أَسْهَمَ بَيْنَهُمْ فَخَرَجَ
 سَهُمُ عَبْدِ اللَّهِ أَبِي رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ كَانَ أَحَبَّ وُلْدِهِ
 إِلَيْهِ ثُمَّ أَجَالَهَا ثَانِيَةً فَخَرَجَ سَهُمُ عَبْدِ اللَّهِ ثُمَّ
 أَجَالَهَا ثَالِثَةً فَخَرَجَ سَهُمُ عَبْدِ اللَّهِ فَأَخَذَهُ وَ
 حَبَسَهُ وَ عَزَمَ عَلَى ذُبْحِهِ فَاجْتَمَعَتْ قُرَيْشٌ وَ
 مَنَعَتْهُ مِنْ ذَلِكَ وَ اجْتَمَعَ نِسَاءُ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ
 يَبْكِينَ وَ يَصْحَنْنَ فَقَالَتْ لَهُ ابْنَتُهُ عَاتِكَةُ يَا
 أَبَتَاهُ أَعْدِرْ فِيمَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ
 فِي قَتْلِ ابْنِكَ قَالَ فَكَيْفَ أَعْدِرُ يَا بِنْتِي فَإِنَّكَ
 مُبَارَكَةٌ قَالَتْ ااعْمِدْ إِلَى تِلْكَ السَّوَائِمِ الَّتِي
 لَكَ فِي الْحَرَمِ فَاضْرِبْ بِالْقِدَاحِ عَلَى ابْنِكَ وَ
 عَلَى الْإِبِلِ وَ أَعْطِ رَبَّكَ حَتَّى يَرْضَى فَبَعَثَ عَبْدُ
 الْمُطَّلِبِ إِلَى إِبِلِهِ فَأَحْضَرَهَا وَ عَزَلَ مِنْهَا
 عَشْرًا وَ ضَرَبَ السَّهَامَ فَخَرَجَ سَهُمُ عَبْدِ اللَّهِ فَمَا
 زَالَ يَزِيدُ عَشْرًا عَشْرًا حَتَّى بَلَغَتْ مِائَةً فَضَرَبَ
 فَخَرَجَ السَّهُمُ عَلَى الْإِبِلِ فَكَبَّرَتْ قُرَيْشٌ تَكْبِيرَةً
 ارْتَجَّتْ لَهَا جِبَالُ تِهَامَةَ فَقَالَ عَبْدُ الْمُطَّلِبِ لَا
 حَتَّى أَضْرِبَ بِالْقِدَاحِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ فَضَرَبَ ثَلَاثًا كُلَّ
 ذَلِكَ يَخْرُجُ السَّهُمُ عَلَى الْإِبِلِ فَلَمَّا كَانَ فِي
 الثَّالِثَةِ اجْتَدَبَهُ الرَّبِيعُ وَ أَبُو طَالِبٍ وَ
 إِخْوَانُهُ مِنْ تَحْتِ رِجْلَيْهِ فَحَمَلُوهُ وَ قَدِ انْسَلَخَتْ
 جِلْدُهُ حَذَاهُ الَّذِي كَانَ عَلَى الْأَرْضِ وَ أَقْبَلُوا
 يَرْفَعُونَهُ وَ يُقْبَلُونَهُ وَ يَمْسَحُونَ عَنْهُ التُّرَابَ
 وَ أَمَرَ عَبْدُ الْمُطَّلِبِ أَنْ تُنْحَرَ الْإِبِلُ بِالْحَزْوَرَةِ
 وَ لَا يُمْنَعَ أَحَدٌ مِنْهَا وَ كَانَتْ مِائَةً وَ كَانَتْ
 لِعَبْدِ الْمُطَّلِبِ خَمْسُ سُنَنِ أَجْرَاهَا اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ
 فِي الْإِسْلَامِ حَرَّمَ نِسَاءَ الْأَبَاءِ عَلَى الْأَبْنَاءِ وَ
 سَنَ الدِّيَةِ فِي الْقَتْلِ مِائَةً مِنَ الْإِبِلِ وَ كَانَ
 يَطُوفُ بِالْبَيْتِ سَبْعَةَ أَشْوَاطٍ وَ وَجَدَ كَنْزًا
 فَأَخْرَجَ مِنْهُ الْخُمْسَ وَ سَمَّى زَمْزَمَ لِمَا حَفَرَهَا
 سَقَايَةَ الْحَاجِّ وَ لَوْ لَا أَنَّ عَبْدَ الْمُطَّلِبِ كَانَ
 حُجَّةً وَ أَنَّ عَزَمَهُ عَلَى ذُبْحِ ابْنِهِ عَبْدِ اللَّهِ شَبِيهَهُ
 بِعَزْمِ إِبْرَاهِيمَ عَلَى ذُبْحِ ابْنِهِ إِسْمَاعِيلَ لَمَا
 افْتَخَرَ النَّبِيُّ ﷺ بِالْانْتِسَابِ إِلَيْهِمَا لِأَجْلِ

أَنْهُمَا الذَّبِيحَانِ فِي قَوْلِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَا ابْنُ
الذَّبِيحَيْنِ وَالْعِلَّةُ الَّتِي مِنْ أَجْلِهَا رَفَعُ اللَّهُ
عَزَّ وَجَلَّ الذَّبْحَ عَنْ إِسْمَاعِيلَ هِيَ الْعِلَّةُ الَّتِي
مِنْ أَجْلِهَا رَفَعُ الذَّبْحَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ وَ هِيَ كَوْنُ
النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَالْأَيْمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ فِي صُلَيْهِمَا فَيَبْرَكَةَ
النَّبِيِّ وَالْأَيْمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ رَفَعُ اللَّهُ الذَّبْحَ عَنْهُمَا فَلَمْ
تَجْرِ السُّنَّةُ فِي النَّاسِ بِقَتْلِ أَوْلَادِهِمْ وَ لَوْ لَا
ذَلِكَ لَوَجَبَ عَلَى النَّاسِ كُلِّ أَحْضَى التَّقَرُّبُ إِلَى
اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ بِقَتْلِ أَوْلَادِهِمْ وَ كُلُّ مَا يَتَقَرَّبُ
النَّاسُ بِهِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ أَضْحِيَّةٍ فَهُوَ
فِدَاءٌ إِسْمَاعِيلَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ

قال مصنف هذا الكتاب أدام الله عزه قد
اختلف الروايات في الذبيح فمنها ما ورد
بأنه إسماعيل ومنها ما ورد بأنه إسحاق
و لا سبيل إلى رد الأخبار متى صح طرقها و
كان الذبيح إسماعيل لكن إسحاق لما ولد
بعد ذلك تمنى أن يكون هو الذي أمر أبوه
بذبحه فكان يصبر لأمر الله و يسلم له كصبر
أخيه و تسليمه فينال بذلك درجته في
الثواب فعلم الله عز و جل ذلك من قلبه
فسماه الله عز و جل بين ملائكته ذبيحا
لتمنيه لذلك

وَ حَدَّثَنَا بِذَلِكَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْبَشَّارِيُّ
الْقَزْوِينِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا الْمُظْفَرُ بْنُ
أَحْمَدَ الْقَزْوِينِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ
الْكُوفِيِّ الْأَسَدِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ
الْبَرْمَكِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ ذَاهِرٍ عَنْ أَبِي قَتَادَةَ
الْحَرَّانِيِّ عَنْ وَكَيْعِ بْنِ الْجَرَّاحِ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ
مَهْرَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ
مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ قَوْلُ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَا ابْنُ الذَّبِيحَيْنِ
يُرِيدُ بِذَلِكَ الْعَمَّ لِأَنَّ الْعَمَّ قَدْ سَمَّاهُ اللَّهُ عَزَّ وَ
جَلَّ أَبَا فِي قَوْلِهِ أَمْ كُنْتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ حَضَرَ
يَعْقُوبَ الْمَوْتُ إِذْ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعْبُدُونَ مِنْ
بَعْدِي قَالُوا نَعْبُدُ إِلَهَكَ وَ إِلَهَ آبَائِكَ
إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ وَ إِسْحَاقَ وَ كَانَ
إِسْمَاعِيلُ عَمَّ يَعْقُوبُ فَسَمَّاهُ اللَّهُ فِي هَذَا الْمَوْضِعِ

أَبًا وَقَدْ قَالَ النَّبِيُّ ﷺ الْعَمُّ وَالِدٌ فَعَلَى هَذَا الْأَصْلِ أَيْضًا يَطْرُدُ قَوْلُ النَّبِيِّ ﷺ أَنَا ابْنُ الذَّبِيحَيْنِ أَحَدُهُمَا ذَبِيحٌ بِالْحَقِيقَةِ وَالْأُخْرُ ذَبِيحٌ بِالْمَجَازِ وَاسْتِحْقَاقُ الثَّوَابِ عَلَى النَّيَّةِ وَالتَّمَنَّى فَالنَّبِيُّ ﷺ هُوَ ابْنُ الذَّبِيحَيْنِ مِنْ وَجْهَيْنِ عَلَى مَا ذَكَرْنَاهُ وَ لِلذَّبْحِ الْعَظِيمِ وَجْهٌ آخَرُ

۷۸ - حسین بن علی بن فضال گوید: از امام رضا علیه السلام معنای فرمایش پیغمبر را که فرمود: من فرزند دو ذبیح پرسیدم فرمود: مقصود از دو ذبیح یکی اسماعیل فرزند ابراهیم خلیل است و دیگری عبد الله فرزند عبد المطلب، اما اسماعیل او همان بچه بردباری بود که خداوند بشارتش را بابراهیم داده بود هنگامی که به همراه فرزند بسعی بین صفا و مروه رسیدند ابراهیم بفرزندش گفت: پسر من در عالم خواب می بینم که ترا سر می برم نظر تو در این باره چیست؟ اسماعیل گفت: پدر مأموریت خود را انجام بده و نگفت: پدرم آنچه دیدی عمل کن، ان شاء الله مرا شکیبا خواهی یافت چون ابراهیم بسر بریدن فرزندش تصمیم گرفت خداوند بذبح عظیمی فدایش داد و آن گوسفند نری بود برنگ سپید و سیاه که دور از شهر و آبادی می چرید و آب می آشامید و راه میرفت و بول میکرد و پشکل میانداخت (و کسی تا آن روز آن را ندیده بود) و پیش از این چهل سال در باغهای بهشتی می چرید و از شکم ماده بیرون نیامده بود و خداوندش باراده خود آن را آفریده بود تا فدای اسماعیل اش گرداند و آنچه در منی ذبح بشود تا روز قیامت همه فدای اسماعیل است این یکی از دو ذبیح است و اما ذبیح دومی جریانش این بود که عبد المطلب حلقه کعبه را گرفت و از خداوند خواست که ده پسر باو عطا

فرماید و بمنظور استجابت این دعا نذر کرد که یکی از ده فرزند را ذبح کند چون شماره پسران بده رسید گفت: خداوند بوعده خود وفا کرد من نیز باید بنذر خویش وفا نمایم آنگاه فرزندان خود را بمیان خانه کعبه برد و قرعه بنامشان انداخت قرعه بنام عبد الله پدر رسول خدا ﷺ که محبوبترین فرزندان اش بود در آمد بار دوم قرعه ها را در هم آمیخت باز قرعه بنام عبد الله در آمد برای بار سوم قرعه کشید و قرعه بنام عبد الله در آمد عبد المطلب عبد الله را گرفته و نگاه داشت و تصمیم بر ذبح گرفت قریش اجتماع کرده و او را از ذبح عبد الله جلوگیری کردند و زنان خاندان عبد المطلب گرد آمده بگریه و شیون پرداختند عاتکه دختر عبد المطلب گفت: پدر جان در کشتن پسرت عذری میان خود و خداوند بیار، گفت: دخترم چه عذری بیاورم؟ بگو که دختر با برکتی هستی، گفت:

میان فرزندان و شترانی که در حرم داری قرعه بکش و آنقدر به پروردگارت عطا کن تا راضی شود عبد المطلب کس فرستاد و شتران را آوردند ده شتر کنار گذاشت و قرعه میان آن ده شتر و عبد الله زد قرعه بنام عبد الله در آمد عبد المطلب بر عدد شتران ده ده میافزود تا بصد رسید و قرعه بنام شتران بیرون آمد این وقت عبد المطلب تکبیر گفت و قریش تکبیری گفتند که کوههای مکه را لرزاند عبد المطلب گفت: تا سه بار قرعه بنام شتران بیرون نیاید نخواهم پذیرفت سپس سه بار دیگر قرعه زد و در هر سه بار قرعه به شتران اصابت میکرد و در بار سوم زبیر و ابو طالب و برادرانش عبد الله را از زیر پای عبد المطلب کشیده و بردند در حالی که پوست یکطرف صورت عبد الله که بر روی خاک گذاشته شده بود از گوشتش جدا شده بود

عبد الله را بر وی دست بلند کرده و میبوسیدند و خاک از سر و صورتش میزدودند، عبد المطلب دستور داد که شتران را در کشتارگاه نحر کنند و گوشتشان را بیدریغ در اختیار دیگران بگذارند و تعداد آنان صد شتر بود و عبد المطلب بنیاد پنج کار بنهاد که خدای عز و جل همه را در دین اسلام عملی ساخت زن پدر را بر پسر حرام کرد و دیه کشتن را صد شتر قرار داد و خانه کعبه را هفت دور طواف میکرد و گنجی یافت که خمس آن را در راه خدا داد و چاه زمزم را که برای آبیاری حاجیان حفر نمود زمزم نام نهاد و اگر نه چنین بود که عبد المطلب تصمیم قطعی گرفته بود بذبح فرزندش عبد الله، همان طور که ابراهیم بذبح فرزندش اسماعیل تصمیم گرفت رسول خدا ﷺ با انتساب به این دو بر خود نمی‌بالید که این دو هر دو ذبیح‌اند آنجا که فرمود من فرزند دو ذبیح هستم و بهمان جهت که خدای عز و جل حکم ذبح را از اسماعیل برداشت از عبد الله نیز برداشت که پیغمبر و ائمه دین در نسل این دو بودند و از برکت پیغمبر و ائمه، خداوند ذبح را از آن دو برداشت و از این رو بنا نشد که مردم فرزندانشان را سر ببرند و گرنه در هر عید اضحی بر مردم واجب بود که فرزندشان را قربانی کنند و هر چه مردم تا روز قیامت بعنوان قربانی بکشند فدای اسماعیل خواهد بود.

«کلام مصنف»

(مصنف این کتاب-) خدا عزتش را مستدام بدارد- گوید: در اینکه ذبیح کیست؟ روایات مختلف است در بعضی از روایات اسماعیل و در بعضی دیگر اسحق گفته شده است و اگر سند روایت درست باشد نمیتوان ردش نمود (و حتی الامکان باید معنای

موافقی در نظر گرفت (لذا در مورد تعیین ذبیح باید گفت:

که ذبیح اسماعیل بوده ولی چون اسحق که پس از او بدنیا آمد آرزو کرد که کاش پدرش به ذبح او مأمور میشد تا او نیز مانند برادرش اسماعیل صبر و تسلیم از خود نشان میداد و در اجر و پاداش هم پایه برادرش میشد خدای عز و جل که این نیت را دانست بواسطه همین آرزو او را در محیط فرشتگانش ذبیح نامید و این توجیه را محمد بن علی بشاری قزوینی حدیث نموده که امام صادق علیه السلام فرمود: پیغمبر که فرمود: من فرزند دو ذبیح مقصودش از آن دو یکی عمویش بود زیرا خدای عز و جل عمو را پدر نامیده آنجا که فرموده است (مگر شما حاضر بودید هنگامی که مرگ یعقوب فرا رسید و به فرزندان خود گفت: پس از مرگ من که را خواهید پرستید؟ گفتند: خدای تو و خدای پدرانت ابراهیم و اسماعیل و اسحق هم چنان معبود ما خواهد بود) با اینکه اسماعیل عموی یعقوب بود خداوند در این آیه پدرش خوانده است و پیغمبر نیز فرمود:

عمو بجای پدر است، بنا بر این، معنای گفته پیغمبر: که من فرزند دو ذبیح هستم درست است که یکی از آن دو، حقیقی بود و دیگری مجازی یعنی چون آرزوی ذبیح شدن را کرد بواسطه همین نیست مستحق ثواب گردید پس بنا بر آنچه گفته شد انا بن الذبیحین دو معنی دارد: (یکی آنکه دو ذبیح، اسماعیل و عبد الله باشد و دیگر آنکه مقصود از آن دو، اسماعیل و اسحق باشد بآن معنی که گفته شد) و برای ذبح عظیم معنای دیگری است که فضل بن شاذان گوید

۷۹ - حَدَّثَنَا عَبْدُ الْوَاحِدِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ وَسِ النَّيْسَابُورِيُّ الْعَطَّارُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ قُتَيْبَةَ النَّيْسَابُورِيُّ

عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ قَالَ سَمِعْتُ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ لَمَّا أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْ يَذْبَحَ مَكَانَ ابْنِهِ إِسْمَاعِيلَ الْكَبِشَ الَّذِي أَنْزَلَهُ عَلَيْهِ تَمَنَّى إِبْرَاهِيمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْ يَكُونَ قَدْ ذَبَحَ ابْنَهُ إِسْمَاعِيلَ بِيَدِهِ وَ أَنَّه لَمْ يُؤْمَرْ بِذَبْحِ الْكَبِشِ مَكَانَهُ لِيَرْجِعَ إِلَى قَلْبِهِ مَا يَرْجِعُ إِلَى قَلْبِ الْوَالِدِ الَّذِي يَذْبَحُ أَعَزُّ وُلْدِهِ عَلَيْهِ بِيَدِهِ فَيَسْتَحِقُّ بِذَلِكَ أَرْفَعَ دَرَجَاتِ أَهْلِ الثَّوَابِ عَلَى الْمَصَائِبِ فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ يَا إِبْرَاهِيمُ مَنْ أَحَبُّ خَلْقِي إِلَيْكَ فَقَالَ يَا رَبِّ مَا خَلَقْتَ خَلْقًا هُوَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ حَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَأَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَيْهِ أ فَهُوَ أَحَبُّ إِلَيْكَ أَمْ نَفْسُكَ قَالَ بَلْ هُوَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ نَفْسِي قَالَ فَوَلَدُهُ أَحَبُّ إِلَيْكَ أَمْ وُلْدُكَ قَالَ بَلْ وُلْدُهُ قَالَ فَذَبْحُ وُلْدِهِ ظُلْمًا عَلَى أَيْدِي أَعْدَائِهِ أَوْجَعُ لِقَلْبِكَ أَوْ ذَبْحُ وُلْدِكَ بِيَدِكَ فِي طَاعَتِي قَالَ يَا رَبِّ بَلْ ذَبْحُ وُلْدِهِ ظُلْمًا عَلَى أَيْدِي أَعْدَائِهِ أَوْجَعُ لِقَلْبِي قَالَ يَا إِبْرَاهِيمُ فَإِنَّ طَائِفَةً تَزْعُمُ أَنَّهَا مِنْ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ سَتَقْتُلُ الْحُسَيْنَ ابْنَهُ مِنْ بَعْدِهِ ظُلْمًا وَ عُدْوَانًا كَمَا يُذْبَحُ الْكَبِشُ وَ يَسْتَوْجِبُونَ بِذَلِكَ سَخَطِي فَجَزَعُ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِذَلِكَ وَ تَوَجَّعَ قَلْبُهُ وَ أَقْبَلَ يَبْكِي فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ يَا إِبْرَاهِيمُ قَدْ فَدَيْتَ جَزَعَكَ عَلَى ابْنِكَ إِسْمَاعِيلَ لَوْ ذَبَحْتَهُ بِيَدِكَ بِجَزَعِكَ عَلَى الْحُسَيْنِ وَ قَتْلِهِ وَ أَوْجَبْتُ لَكَ أَرْفَعَ دَرَجَاتِ أَهْلِ الثَّوَابِ عَلَى الْمَصَائِبِ وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ فَدَيْنَاهُ بِذَبْحِ عَظِيمٍ

۷۹ - شنیدم امام رضا عَلَيْهِ السَّلَامُ میفرمود: چون ابراهیم مأمور شد که بجای فرزندش گوسفندی را که خدا فرستاده بود ذبح کند آرزو کرد که کاش این فدا نمى آمد و فرزندش اسماعیل را بدست خود ذبح میکرد تا دلش مانند دل پدری که عزیزترین فرزند خود را بدست خود ذبح کند بدرد مى آمد و بواسطه آن مستحق بالاترین پایه ثواب مصیبتزدگان می گردید پس خدای عز و جل او

را وحی فرستاد که ای ابراهیم از همه خلق من که را بیشتر دوست داری؟ عرض کرد: پروردگارا آفریده ای نیافریده ای که من اش از حبیب تو محمد دوستر بدارم خداوند با و وحی کرد: او را دوستتر داری یا خود را؟ عرض کرد: او را از جان خود دوستتر دارم فرمود: فرزند او را دوستتر داری یا پسر خود را؟ عرض کرد: پسر او را، فرمود: سربریده شدن فرزند او بظلم بدست دشمنانش برای دل تو دردناکتر است یا اینکه فرزند خود را در راه اطاعت من بدست خودت ذبح کنی؟ عرض کرد:

پروردگارا سر بریده شدن فرزند او بظلم بدست دشمنانش دلم را بیشتر بدرد می آورد، فرمود: ای ابراهیم جمعی که خیال میکنند از امت محمد هستند حسین فرزند محمد را بظلم و دشمنی مانند گوسفند سر خواهند برید و باین کار مستوجب غضب من خواهند گردید ابراهیم چون این بشنید بی تابی نمود و دلش بدرد آمد و شروع بگریه کرد خدای عز و جل با و وحی کرد ای ابراهیم این گریه و زاری تو بر حسین و کشته شدن اش را فدای گریه و بی تابی بر پسر تو نمودم که بدست خودت سرش را می بریدی و بالاترین پایه ثواب بر مصیبت زدگان را بر تو واجب کردم و این است مقصود از آیه شریفه که خدا میفرماید: ذبح عظیم را فدای او کردیم.

دو چیز بر پا هستند و دو چیز روانند

و دو چیز بر خلاف هم اند و دو چیز دشمن هم اند شیئان قائمان و شیئان جاریان و شیئان مختلفان و شیئان متباغضان

۸۰ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ الطَّالِقَانِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ الْعَزِيزِ بْنُ يَحْيَى الْبَصْرِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ

بْنُ عَطِيَّةَ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَمْرٍو بْنِ سَعِيدِ الْبَصْرِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا هِشَامُ بْنُ جَعْفَرٍ عَنْ حَمَادٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سُلَيْمَانَ وَكَانَ قَارِئاً لِلْكِتَابِ قَالَ قَرَأْتُ فِي بَعْضِ كُتُبِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنَّ ذَا الْقَرْنَيْنِ لَمَّا فَرَعَ مِنْ عَمَلِ السِّدِّ انْطَلَقَ عَلَى وَجْهِهِ فَبَيَّنَّا هُوَ يَسِيرُ وَجُنُودُهُ إِذْ مَرَّ بِرَجُلٍ عَالِمٍ فَقَالَ لِيذَى الْقَرْنَيْنِ أَخَيْرَنِي عَنْ شَيْئَيْنِ مُنْذُ خَلَقَهُمَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ قَائِمِينَ وَ عَنْ شَيْئَيْنِ جَارِيَيْنِ وَ عَنْ شَيْئَيْنِ مُخْتَلِفَيْنِ وَ عَنْ شَيْئَيْنِ مُتَبَاغِضَيْنِ فَقَالَ لَهُ ذُو الْقَرْنَيْنِ أَمَّا الشَّيْئَانِ الْقَائِمَانِ فَالسَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ وَ أَمَّا الشَّيْئَانِ الْجَارِيَانِ فَالسَّمْسُ وَ الْقَمَرُ وَ أَمَّا الشَّيْئَانِ الْمُخْتَلِفَانِ فَاللَّيْلُ وَ النَّهَارُ وَ أَمَّا الشَّيْئَانِ الْمُتَبَاغِضَانِ فَالْمَوْتُ وَ الْحَيَاةُ قَالَ فَانْطَلَقَ فَإِنَّكَ عَالِمٌ

و الحديث طويل أخذنا منه موضع الحاجة و قد أخرجه تامة في كتاب النبوة

۸۰ - عبد الله بن سليمان که کتابهای بسیاری خوانده بود گوید: در بعضی از کتابهای آسمانی خواندم که چون ذو القرنین از کار ساختن سد فارغ شد راه خود پیش گرفت، در اثنای سیر با لشکریان بمرد دانشمندی گذر کرد که بذی القرنین گفت: مرا خبر ده از دو چیزی که از ابتداء خلقت تاکنون برپایند و از دو چیز که همواره روانند و از دو چیز که با هم اختلاف دارند و از دو چیز که با هم دشمناند ذو القرنین گفت: اما آن دو چیز بر پا آسمان و زمین است و دو چیز رونده خورشید و ماه و دو چیز مختلف شب و روز و دو چیز دشمن يك دیگر مرگ و زندگی است گفت: برو که تو مرد دانشمندی هستی روایت طولانی است آن مقدارش را که مورد نیاز بود نقل کردم و تمامش را در کتاب نبوت ضبط کرده ام.

پاداش آنکه دو مرتبه به حج برود

ثواب من حج حجتین
۸۱ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي
الْخَطَّابِ عَنِ الْحَجَّالِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ
صَفْوَانَ بْنِ مِهْرَانَ الْجَمَّالِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام
قَالَ مَنْ حَجَّ حَجَّتَيْنِ لَمْ يَزَلْ فِي خَيْرٍ حَتَّى يَمُوتَ
۸۱ - امام صادق عليه السلام فرمود: هر که دو
مرتبه به حج برود تا دم مرگ در خیر و برکت
خواهد بود.

حق گوئی در دو حال

قول الحق فی حالین
۸۲ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوِيهِ رَضِيَ
اللَّهُ عَنْهُ عَنْ عَمِّهِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي الْقَاسِمِ عَنْ
هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ جَعْفَرِ
بْنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام قَالَ قَالَ أَبِي عليه السلام قَالَ رَسُولُ
اللَّهِ صلى الله عليه وآله مَا أَنْفَقَ مُؤْمِنٌ مِنْ نَفَقَةٍ هِيَ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ
عَزَّ وَجَلَّ مِنْ قَوْلِ الْحَقِّ فِي الرِّضَا وَ الْعُضْبِ
۸۲ - رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: مؤمن هر چه
انفاق کند، نزد خداوند از حق گوئی در
حال رضا و خشم محبوبتر نیست.

کشته شدن بر دو قسم است و جنگیدن بر دو قسم

القتل قتلان و القتال قتالان
۸۳ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ
أَبِيهِ عَنِ وَهْبِ بْنِ وَهْبٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ
أَبِيهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ الْقَتْلُ قَتْلَانِ قَتْلُ كَفَّارَةٍ وَ
قَتْلُ دَرَجَةٍ وَ الْقِتَالُ قِتَالَانِ قِتَالُ الْفِئَةِ
الْكَافِرَةِ حَتَّى يُسْلِمُوا وَ قِتَالُ الْفِئَةِ
الْبَاغِيَةِ حَتَّى يَفِيئُوا

۸۳ - امام باقر علیه السلام فرمود: قتل بر دو قسم است: قتل کفاره و قتل درجه، و جنگیدن بر دو قسم است یکی جنگ با لشکر کفار تا مسلمان شوند و دیگر جنگ با مسلمانان یاغی تا از شورش باز گردند.

شرح:

ظاهراً مقصود از قتل کفاره و قتل درجه کشته شدن بقتل و کشته شدن بغیر آن است که مؤمن اگر بقتل کشته شود کفاره گناهش باشد و اگر بظلم و یا در جهاد شهید شود درجه اش نزد خدا بالا رود.

صاحب دو صفت را خداوند از آسمان و مردم از زمین دوست دارند

خصلتان من فعلهما أحبه الله عز و جل من السماء و أحبه الناس من الأرض

۸۴ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوِيهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْأَدْمِيِّ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ دَاوُدَ الْيَعْقُوبِيِّ عَنْ أَخِيهِ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ بِإِسْنَادِهِ رَفَعَهُ قَالَ قَالَ رَجُلٌ لِلنَّبِيِّ صلى الله عليه وآله وسلم يَا رَسُولَ اللَّهِ عَلَّمَنِي شَيْئًا إِذَا أَنَا فَعَلْتُهُ أَحَبَّنِي اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ وَ أَحَبَّنِي النَّاسُ مِنَ الْأَرْضِ فَقَالَ لَهُ ارْغَبْ فِيمَا عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ يُحِبُّكَ اللَّهُ وَ ازهد فيما عند الناس يُحِبُّكَ النَّاسُ

۸۴ - مردی به حضور پیغمبر عرضه داشت یا رسول الله مرا کاری بیاموز که چون آن کار کنم خداوند از آسمان دوستم بدارد و مردم از زمین، فرمود: به آنچه نزد خدا است چشم به دار تا خدایت دوست بدارد و از آنچه نزد مردم است چشم بپوش تا مردم دوستت بدارند.

رسول خدا ﷺ را دو انگشتر بود

كان لرسول الله ﷺ خاتمان

٨٥ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الرَّازِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُبَيْدِ اللَّهِ الْهَاشِمِيِّ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي الْبِلَادِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ كَانَ لِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ خَاتِمَانِ أَحَدُهُمَا عَلَيْهِ مَكْتُوبٌ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالْآخَرُ صَدَقُ اللَّهُ

٨٥ - امام صادق ﷺ فرمود: رسول خدا

ﷺ را دو انگشتر بود بر یکی

لا اله الا الله محمد رسول الله و بر دیگری
صدق الله

نوشته شده بود.

تحفه روزه دار

تحفة الصائم شئان

٨٦ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ السَّعْدَابَادِيُّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ عَبْدِ السَّلَامِ الْإِسْكَافِيِّ عَنْ عُمَيْرِ بْنِ مَأْمُونٍ وَكَانَتْ ابْنَتُهُ تَحْتَ الْحَسَنِ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ ﷺ قَالَ تُحْفَةُ الصَّائِمِ أَنْ يُدَهَّنَ لِحْيَتَهُ وَ يُجَمَّرَ ثَوْبَهُ وَ تُحْفَةُ الْمَرْأَةِ الصَّائِمَةِ أَنْ تَمْشُطَ رَأْسَهَا وَ تُجَمَّرَ ثَوْبَهَا

وَ كَانَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ إِذَا صَامَ يَتَطَيَّبُ بِالطَّيِّبِ وَ يَقُولُ الطَّيِّبُ تُحْفَةُ الصَّائِمِ

٨٦ - حسن بن علی ﷺ فرمود: تحفه روزه

دار این است که ریشش را عطر بزند و لباسش را بخور دهد و تحفه زن روزه دار اینکه سرش را شانه زند و لباسش را بخور دهد و حضرت ابا عبد الله حسین بن علی وقتی

روزه میگرفت با عطر خود را خوشبو میکرد
و میفرمود: تحفه روزه دار عطر است.

دو علامت رستاخیز تقوم الساعة عند ظهور
علامتین

۸۷ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ
الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ
الْحَسَنِ الصَّقَّارُ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنِ
الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ فَضَالٍ عَنِ ظَرِيفِ بْنِ نَاصِحٍ
عَنْ أَبِي الْحُصَيْنِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام
يَقُولُ سُئِلَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله عَنِ السَّاعَةِ فَقَالَ عِنْدَ
إِيمَانٍ بِالنُّجُومِ وَ تَكْذِيبِ بِالْقَدَرِ

۸۷ - امام صادق عليه السلام فرمود: رسول خدا
صلى الله عليه وآله را پرسیدند از قیامت، فرمود: هنگامی
است که مردم به پیشگوئی منجمین ایمان
آورند و تقدیرات الهی را دروغ پندارند.

صدقه بر سادات روا نبود جز در دو مورد

لا تحل الصدقة لبني هاشم إلا في وجهين
۸۸ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ يُونُسَ
بْنَ الْحَارِثِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ
الْعَرَزَمِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ
أَبِيهِ عليه السلام قَالَ لَا تَحِلُّ الصَّدَقَةُ لِبَنِي هَاشِمٍ إِلَّا
فِي وَجْهَيْنِ إِنْ كَانُوا عَطَّاشَى وَ أَصَابُوا مَاءً
فَشَرَبُوا وَ صَدَقَةٌ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ

۸۸ - امام باقر عليه السلام فرمود: بسادات صدقه
گرفتن حلال نیست مگر در دو مورد یکی آنکه
تشنه باشند و بر آبی برخوردار نموده و
بنوشند و دیگر صدقه خود سادات بر یک
دیگر.

مردم فرو مایه را دو کار است خصلتان
من فعلهما فهو سفلة

۸۹ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوِيهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنِ السَّيَّارِيِّ بِإِسْنَادِهِ يَرْفَعُهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ السَّفَلَةِ فَقَالَ مَنْ يَشْرَبُ الْخَمْرَ وَ يَضْرِبُ بِالطُّنْبُورِ

۸۹ - از امام صادق عليه السلام پرسیدند فرومایه کیست؟ فرمود: کسی که می نوشد و طنبور زند.

دو گناه یکی از دیگری سختتر

ذنبان أحدهما أشد من الآخر

۹۰ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكَّلِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى بْنِ عِمْرَانَ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الرَّازِيُّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ النُّعْمَانَ عَنِ أَسْبَاطِ بْنِ مُحَمَّدٍ بِإِسْنَادِهِ يَرْفَعُهُ إِلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله وسلم أَنَّهُ قَالَ الْغَيْبَةُ أَشَدُّ مِنَ الزَّانَا فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ لِمَ ذَلِكَ قَالَ صَاحِبُ الزَّانَا يَثُوبُ فَيَثُوبُ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ صَاحِبُ الْغَيْبَةِ يَثُوبُ فَلَا يَثُوبُ اللَّهُ عَلَيْهِ حَتَّى يَكُونَ صَاحِبُهُ الَّذِي يُجْلَهُ

۹۰ - رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم فرمود: غیبت کردن از زنا کردن سختتر است عرض شد: یا رسول الله برای چه؟ فرمود: آنکه زنا کند اگر توبه نماید خداوند توبه اش را می پذیرد ولی آنکه غیبت میکند اگر توبه کرد تا آن کس که از او بدگوئی شده از حق خود نگذرد خداوند توبه بدگو را نمی پذیرد.

دندان را با سعد شستن دو اثر دارد

اتخاذ السعد في الأسنان يورث خصلتين

۹۱ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ أَبِي الْجَوْزَاءِ الْمُتَنَّبِهِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ وَ أَبِي

الْخَزْرَجِ الْحَسَنِ بْنِ الزُّبَيْرِ قَالَ عَنْ فَضِيلِ بْنِ
عُثْمَانَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ اتَّخَذُوا
فِي أَسْنَانِكُمْ السُّعْدَ فَإِنَّهُ يُطَيِّبُ الْقَمَّ وَ يَزِيدُ
فِي الْجَمَاعِ

۹۱ - امام صادق عليه السلام فرمود: دندانهای
خود را با سعد شستشو دهید که دهن را
خوشبو و نیروی جنسی را زیاد میکند

اشنان خوردن دو خاصیت دارد

أَكَلَ الْأَشْنَانَ يورث خصلتين
۹۲ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ
أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الرَّازِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ
الْحَكَمِ بْنِ مِسْكِينَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام
يَقُولُ أَكَلُ الْأَشْنَانَ يُوهِنُ الرُّكْبَتَيْنِ وَ يُفْسِدُ
مَاءَ الظَّهْرِ

۹۲ - امام صادق عليه السلام فرمود: اشنان خوردن
زانوها را سست و منی را فاسد میکند.

دو طایفه از شفاعت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم محروم اند

رجلان لا تنالهما شفاعة النبي صلی الله علیه و آله و سلم
۹۳ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ
قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ
بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ بِإِسْنَادِهِ
يَرْفَعُهُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم أَنَّهُ قَالَ رَجُلَانِ لَا
تَنَالُهُمَا شَفَاعَتِي صَاحِبُ سُلْطَانٍ عَسُوفٌ عَشُومٌ وَ
غَالٍ فِي الدِّينِ مَارِقٌ

۹۳ - رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: شفاعت من
شامل حال دو نفر نمیشود کارمند فرماندار
ستمگر و کسی که در دین غلو کند که از
دین خارج است.

با دو چیز خلال کردن جذام می آورد

خلالان یهیجان عرق الجذام
۹۴ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ
بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الدَّهْقَانِ عَنْ دُرُسْتِ بْنِ أَبِي مَنْصُورٍ
عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام لَا
تَتَخَلَّلُوا بِعُودِ الرِّيحَانِ وَ لَا بِقَضِيبِ الرُّمَّانِ
فَإِنَّهُمَا يُهَيِّجَانِ عِرْقَ الْجَذَامِ
۹۴ - امام صادق عليه السلام فرمود: با شاخه
ریحان و چوب انار دندانها را خلال نکنید
که تولید جذام میکند.

دنیا و آخرت مانند دو کفه ترازو است

الدنيا و الآخرة ككفتي الميزان
۹۵ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ
الْأَصْبَهَانِيِّ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ الْمِنْقَرِيِّ عَنْ
سُفْيَانَ بْنِ عُيَيْنَةَ عَنِ الزُّهْرِيِّ قَالَ سَمِعْتُ عَلِيَّ
بْنَ الْحُسَيْنِ عليه السلام يَقُولُ مَنْ لَمْ يَتَعَزَّ بِعِزَاءِ اللَّهِ
تَقَطَّعَتْ نَفْسُهُ عَلَى الدُّنْيَا حَسْرَاتٍ وَ اللَّهُ مَا
الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةُ إِلَّا كَكِفَّتِي الْمِيزَانِ فَأَيُّهُمَا
رَجَحَ ذَهَبَ بِالْآخِرِ ثُمَّ تَلَا قَوْلَهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِذَا
وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ يَغْنَى الْقِيَامَةِ يَسْ لَوْفَعَتِهَا
كَادِبَةٌ خَافِضَةٌ خَفَضَتْ وَ اللَّهُ بِأَعْدَاءِ اللَّهِ إِلَى
النَّارِ رَافِعَةٌ رَفَعَتْ وَ اللَّهُ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ إِلَى
الْجَنَّةِ ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَى رَجُلٍ مِنْ جُلَسَائِهِ فَقَالَ
لَهُ اتَّقِ اللَّهَ وَ أَجْمِلْ فِي الطَّلِبِ وَ لَا تَطْلُبْ مَا
لَمْ يُخْلَقْ فَإِنْ مَنْ طَلَبَ مَا لَمْ يُخْلَقْ تَقَطَّعَتْ
نَفْسُهُ حَسْرَاتٍ وَ لَمْ يَنْزِلْ مَا طَلَبَ ثُمَّ قَالَ وَ
كَيْفَ يُنَالُ مَا لَمْ يُخْلَقْ فَقَالَ الرَّجُلُ وَ كَيْفَ
يُطْلَبُ مَا لَمْ يُخْلَقْ فَقَالَ مَنْ طَلَبَ الْغِنَى وَ
الْأَمْوَالَ وَ السَّعَةَ فِي الدُّنْيَا فَإِنَّمَا يَطْلُبُ
ذَلِكَ لِلرَّاحَةِ وَ الرَّاحَةَ لَمْ تُخْلَقْ فِي الدُّنْيَا
وَ لَا لِأَهْلِ الدُّنْيَا إِنَّمَا خُلِقَتِ الرَّاحَةُ فِي
الْجَنَّةِ وَ لِأَهْلِ الْجَنَّةِ وَ التَّعَبُ وَ النَّصَبُ خُلِقَا
فِي الدُّنْيَا وَ لِأَهْلِ الدُّنْيَا وَ مَا أُعْطِيَ أَحَدٌ

مِنْهَا جَفَنَةٌ إِلَّا أُعْطِيَ مِنَ الْجَرْصِ مِثْلَيْهَا وَ مَنْ
 أَصَابَ مِنَ الدُّنْيَا أَكْثَرَ كَانَ فِيهَا أَشَدَّ فَقْرًا
 لِأَنَّهُ يَفْتَقِرُ إِلَى النَّاسِ فِي حِفْظِ أَمْوَالِهِ وَ
 يَفْتَقِرُ إِلَى كُلِّ آلَةٍ مِنْ آلَاتِ الدُّنْيَا فَلَيْسَ فِي
 غِنَى الدُّنْيَا رَاحَةٌ وَ لَكِنَّ الشَّيْطَانَ يُوسَّسُ
 إِلَى ابْنِ آدَمَ أَنَّ لَهُ فِي جَمْعِ ذَلِكَ الْمَالِ
 رَاحَةٌ وَ إِنَّمَا يَسُوقُهُ إِلَى التَّعَبِ فِي الدُّنْيَا
 وَ الْحِسَابِ عَلَيْهِ فِي الْآخِرَةِ ثُمَّ قَالَ ﷺ كَلَّا مَا
 تَعَبَ

أُولِيَاءِ اللَّهِ فِي الدُّنْيَا لِلدُّنْيَا بَلْ تَعْبُوا
 فِي الدُّنْيَا لِلْآخِرَةِ ثُمَّ قَالَ أَلَا وَ مَنْ أَهْتَمَّ
 لِرِزْقِهِ كُتِبَ عَلَيْهِ خَطِيئَةٌ كَذَلِكَ قَالَ الْمَسِيحُ
 عِيسَى ﷺ لِلْحَوَارِيِّينَ إِنَّمَا الدُّنْيَا قَنْطَرَةٌ
 فَاغْبُرُوهَا وَ لَا تَعْمُرُوهَا

۹۵ - زهري گوید: شنیدم امام زین
 العابدین ﷺ میفرمود: هر که به وعده‌های
 خدا تسلی پیدا نکند دلش از حسرت‌های دنیا
 پاره پاره می‌شود بخدا قسم دنیا و آخرت
 مانند دو کفه ترازو است که هر کدام
 سنگین شود دیگری را سبک میکند سپس این
 آیات را قرائت فرمود: إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ
 ... روز قیامت که پیش آید و حتما پیش
 خواهد آمد روزی است که سرنگون‌کننده است
 و برتری آور، بخدا قسم دشمنان خدا را
 بآتش سرنگون میکند و بخدا قسم دوستان
 خدا را به بهشت بالا می‌برد سپس حضرت روی
 بیکی از اهل مجلس کرد و فرمود: از خدای
 به پرهیز و خواسته خود را از راه نیکو
 بدست آر و آنچه را که آفریده نشده مطلب
 که هر کس آفریده نشده را بطلبد دلش از
 حسرت پاره پاره می‌شود و بآنچه میجوید
 دسترسی پیدا نمی‌کند سپس فرمود چگونه
 بجیزی که آفریده نشده است دسترسی توان
 یافت! آن مرد گفت: چیزی که آفریده نشده
 است چگونه مطلوب واقع می‌شود؟ فرمود: کسی
 که بدنبال ثروت و اموال و وسعت در زندگی

دنیا می‌رود مقصودش آسایش است و آسایش در دنیا خلق نشده است و نه برای اهل دنیا، آسایش فقط در بهشت آفریده شده است و برای اهل بهشت، و ناراحتی و زحمت در دنیا آفریده شده‌اند و برای اهل دنیا، و هر کسی را يك كاسه از دنیا دادند و مقابل آن حرص باو دادند و هر که از دنیا بیشتر بدست آورد نیازمندی‌اش فزونتر خواهد بود زیرا در نگهداری ثروتش بمردم محتاج است و بهر وسیله‌ای از وسایل دنیوی احتیاج پیدا میکند پس در ثروت دنیا آسایش نباشد ولی شیطان در درون فرزند آدم وسوسه میکند که در جمع کردن مال آسایش است و حال آنکه او را در دنیا بناراحتی میکشاند و در آخرت بپای حساب، سپس فرمود: دوستان خدا هرگز زحمت دنیا را برای دنیا نکشیدند بلکه زحمت در دنیا را برای آخرت کشیدند سپس فرمود: هان، کسی که غم روزی خورد يك گناه بر او نوشته می‌شود عیسی مسیح بحواریین چنین گفت: که دنیا پلی بیش نیست از آن بگذرید و بآبادیش نپردازید.

دو دریا بهم برخوردند و بهم نیامیختند

﴿مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ﴾

۹۶ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَضْبَهَانِيِّ عَنِ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ الْمِنْقَرِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ سَعِيدٍ الْقَطَّانُ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ قَالَ عَلِيُّ وَفَاطِمَةُ عليهما السلام بَخْرَانِ مِنَ الْعِلْمِ عَمِيقَانِ لَا يَبْغِي أَحَدُهُمَا عَلَى صَاحِبِهِ يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللَّوْؤُ وَ الْمَرْجَانُ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ

۹۶ - يحيى بن سعيد قطان گوید: شنیدم امام صادق عليه السلام در تفسیر آیه شریفه: ﴿مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ﴾ میفرمود: علی و فاطمه دو دریای ژرفاند که هیچ کدام بر دیگری ستم نکند و لؤلؤ و مرجان یعنی حسن و حسین که از این دو دریا بیرون می‌آیند.

پیغمبر در میان امت دو چیز از خود به یادگار گذاشت

ترك النبي صلى الله عليه وآله في أمته أمرين
 ۹۷ - حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَعِيدٍ الْعَسْكَرِيُّ قَالَ أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ حَمْدَانَ الْقُشَيْرِيُّ قَالَ أَخْبَرَنَا الْمُغِيرَةُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ الْمُهَلَبِ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي قَالَ حَدَّثَنِي عَبْدُ اللَّهِ بْنُ دَاوُدَ عَنْ فَضِيلِ بْنِ مَرْزُوقٍ عَنْ عَطِيَّةِ الْعَوْفِيِّ عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْخُدْرِيِّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ أَمْرَيْنِ أَحَدُهُمَا أَطْوَلُ مِنَ الْآخِرِ كِتَابُ اللَّهِ حَبْلٌ مَمْدُودٌ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ وَعِثْرَتِي إِلَّا وَانَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ فَقُلْتُ لِأَبِي سَعِيدٍ مَنْ عِثْرَتُهُ قَالَ أَهْلُ بَيْتِهِ

۹۷ - رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: من دو چیز در میان شما پس از خود بجای میگذارم که یکی از آن دو دامنه‌دارتر از دیگری است یکی کتاب خدا است که رشته رابطی است بین آسمان و زمین و دیگر عترت من است، هان، که این دو از همدیگر جدا نشوند تا بحوض کوثر وارد شوند. راوی گوید: بابی سعید گفت: عترت پیغمبر کیانند؟ گفت: اهل خانه اش.

پرسش در باره ثقلین در روز قیامت
 السؤال عن الثقلين يوم القيامة
 ۹۸ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ

الْحَسَنِ الصَّقَّارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي
الْخَطَّابِ وَ يَعْقُوبَ بْنَ يَزِيدَ جَمِيعاً عَنْ مُحَمَّدِ
بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ مَعْرُوفِ
بْنِ خَرَبُودَ عَنْ أَبِي الطُّفَيْلِ عَامِرِ بْنِ وَائِلَةَ
عَنْ حُدَيْفَةَ بْنِ أَسِيدِ الْغِفَارِيِّ قَالَ لَمَّا رَجَعَ
رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مِنْ حِجَّةِ الْوَدَاعِ وَ نَحْنُ مَعَهُ أَقْبَلَ
حَتَّى انْتَهَى إِلَى الْجُحْفَةِ فَأَمَرَ أَصْحَابَهُ
بِالنُّزُولِ فَنَزَلَ الْقَوْمُ مَنَازِلَهُمْ ثُمَّ نُودِيَ
بِالصَّلَاةِ فَصَلَّى بِأَصْحَابِهِ رَكَعَتَيْنِ ثُمَّ أَقْبَلَ
بِوَجْهِهِ إِلَيْهِمْ فَقَالَ لَهُمْ إِنَّهُ قَدْ نَبَأَنِي
اللطيفُ الخبيرُ أَنِّي مَيِّتٌ وَ أَنْكُمْ مَيِّتُونَ وَ
كَأَنِّي قَدْ دُعِيتُ فَأَجِبْتُ وَ أَنِّي مَسْئُولٌ عَمَّا
أُرْسِلْتُ بِهِ إِلَيْكُمْ وَ عَمَّا خَلَفْتُ فِيكُمْ مِنْ كِتَابِ
اللَّهِ وَ حُجَّتِهِ وَ أَنْكُمْ مَسْئُولُونَ فَمَا أَنْتُمْ
قَائِلُونَ لِرَبِّكُمْ قَالُوا نَقُولُ قَدْ بَلَّغْتَ وَ نَصَحْتَ
وَ جَاهَدْتَ فَجَزَاكَ اللَّهُ عَنَّا أَفْضَلَ الْجَزَاءِ ثُمَّ قَالَ
لَهُمْ أَلَسْتُمْ تَشْهَدُونَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنِّي
رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ وَ أَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ وَ أَنَّ النَّارَ
حَقٌّ وَ أَنَّ الْبَعْثَ بَعْدَ الْمَوْتِ حَقٌّ فَقَالُوا نَشْهَدُ
بِذَلِكَ قَالَ اللَّهُمَّ اشْهَدْ عَلَيَّ مَا يَقُولُونَ أَلَا وَ
إِنِّي أَشْهَدُكُمْ أَنِّي أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ مَوْلَايَ وَ أَنَا
مَوْلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ أَنَا أَوْلَى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ
أَنْفُسِهِمْ فَهَلْ تَقْرُونَ لِي بِذَلِكَ وَ تَشْهَدُونَ لِي
بِهِ فَقَالُوا نَعَمْ نَشْهَدُ لَكَ بِذَلِكَ فَقَالَ أَلَا مَنْ
كُنْتُ مَوْلَاهُ فَإِنَّ عَلِيًّا مَوْلَاهُ وَ هُوَ هَذَا ثُمَّ أَخَذَ
بِيَدِ عَلِيِّ عليه السلام فَرَفَعَهَا مَعَ يَدِهِ حَتَّى بَدَتْ
أَبَاطُهُمَا ثُمَّ قَالَ اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ
مَنْ عَادَاهُ وَ انصُرْ مَنْ نصرَهُ وَ اخذْ مَنْ خذَلَهُ
أَلَا وَ إِنِّي فَرَطُكُمْ وَ أَنْتُمْ وَارِدُونَ عَلَيَّ الْحَوْضِ
حَوْضِي عَدَاً وَ هُوَ حَوْضٌ عَرْضُهُ مَا بَيْنَ بُصْرَى وَ
صَنْعَاءَ فِيهِ أَفْدَاخٌ مِنْ فِضَّةٍ عَدَدَ نُجُومِ السَّمَاءِ
أَلَا وَ إِنِّي سَائِلُكُمْ عَدَاً مَا ذَا صَنَعْتُمْ فِيَمَا
أَشْهَدْتُ اللَّهُ بِهِ عَلَيْكُمْ فِي يَوْمِكُمْ هَذَا إِذَا
وَرَدْتُمْ عَلَيَّ حَوْضِي وَ مَا ذَا صَنَعْتُمْ بِالثَّقَلَيْنِ
مَنْ بَعْدِي فَاَنْظُرُوا كَيْفَ تَكُونُونَ خَلَفْتُمُونِي
فِيهِمَا حِينَ تَلَقُونِي قَالُوا وَ مَا هَذَا

الثَّقَلَانِ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ أَمَّا الثَّقَلُ الْأَكْبَرُ فَكِتَابُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ سَبَبُ مَمْدُودٍ مِنَ اللَّهِ وَ مِنِّْي فِي أَيْدِيكُمْ طَرْفُهُ بِيَدِ اللَّهِ وَ الطَّرْفُ الْأَخْرُ بِأَيْدِيكُمْ فِيهِ عِلْمٌ مَا مَضَى وَ مَا بَقِيَ إِلَى أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ وَ أَمَّا الثَّقَلُ الْأَصْغَرُ فَهُوَ حَلِيفُ الْقُرْآنِ وَ هُوَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَ عَثْرَتُهُ عَلَيْهِ وَ إِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلِيَّ الْحَوْضَ قَالَ مَعْرُوفُ بْنُ خَرْبُودَ فَعَرَضْتُ هَذَا الْكَلَامَ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ فَقَالَ صَدَقَ أَبُو الطُّفَيْلِ رَحِمَهُ اللَّهُ هَذَا الْكَلَامُ وَجَدْنَاهُ فِي كِتَابِ عَلِيِّ عَلَيْهِ وَ عَرَفْنَاهُ وَ حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مَسْرُورٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَمِّهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكَّلِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ السَّعْدِآبَادِيُّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ مَعْرُوفِ بْنِ خَرْبُودَ عَنْ أَبِي الطُّفَيْلِ عَامِرِ بْنِ وَائِلَةَ عَنْ حُذَيْفَةَ بْنِ أَسِيدِ الْغِفَارِيِّ بِمِثْلِ هَذَا الْحَدِيثِ سِوَاءً

قال مصنف هذا الكتاب أدام الله عزه الأخبار في هذا المعنى كثيرة و قد أخرجتها في كتاب المعرفة في الفضائل

۹۸ - حذيفة بن اسيد غفاري گوید:

هنگامی که رسول خدا ﷺ از حجة الوداع بازمی‌گشت و ما نیز ملازم رکاب بودیم بجحفه رسید دستور فرمود همراهانش بار فرو گیرند مردم همان جا منزل گرفتند سپس به نماز دعوت شدند و دو رکعت نماز با اصحاب خواند پس از نماز روی به آنان نموده و فرمود:

خداوند لطیف و خیبر مرا آگاه فرمود که من بایستی از این دنیا رخت بریندم و شما نیز خواهید مرد گوئی می‌بینم که دعوت

شده ام و دعوت حق را اجابت کرده ام و البته نسبت بوظیفه رسالتی که بر شما داشتم و نسبت بکتاب خدا و حجت الهی که از خود بجای گذاشته ام مسئولیت دارم و شما نیز مسئولیت دارید، شما در باره این سؤال به پروردگار خود چه جواب خواهید داد؟ گفتند: خواهیم گفت: که تو رسالت خود را رساندی و خیر خواه ما بودی و در راه خدا جهاد کردی خداوند تو را بهترین پاداش عطا فرماید، سپس باصحاب فرمود: آیا شما بیگانگی خدا و رسالت من و حقانیت بهشت و دوزخ و روز رستاخیز گواهی می‌دهید؟ گفتند: همه را گواهی می‌دهیم فرمود: بار الها بگفتار اینان گواه باش، هان که من شما را گواه میگیرم که من شهادت می‌دهم بر اینکه خداوند مولای من است و من مولای هر مسلمانی هستم و من به مؤمنین از خودشان اولی‌ترم شما نیز این اقرار را دارید؟ و بنفع من چنین گواهی می‌دهید؟ گفتند: آری برای شما این چنین گواهی را می‌دهیم سپس فرمود: هان بهر که مولا منم علی است مولای او- و آن علی همین است سپس دست علی را گرفت و با دست خود آنقدر بالا برد که زیر بغل هر دو نمایان شد سپس فرمود: بار الها دوست بدار هر که را که دوست علی باشد و دشمن بدار هر که را که دشمن علی باشد یاری فرما آن را که یار او است و خوار گردان آن را که علی را خوار کند هان که من پیشرو شما هستم و شما فردای قیامت در کنار حوض: حوض اختصاصی من، بر من وارد خواهید شد حوضی است که بقدر فاصله بصری و صفاء پهناور است کاسه‌های نقره فام بشماره ستاره آسمانها در کنارش آماده است بدانید آن روز که شما در کنار حوض بمن رسیدید من از شما بازپرسی خواهم کرد که نسبت بآنچه امروز خدا را در آن باره بر شما شاهد

گرفتم چگونه رفتار نمودید و پس از من با دو امانت گرانبها چه عملی انجام دادید مراقب باشید که به هنگام دیدار من در باره نگهداری این دو امانت چه حالی خواهید داشت، عرض کردند: یا رسول الله آن دو امانت گرانبها چیست؟ فرمود: امانت گرانبها تر کتاب خدای عز و جل است وسیله ای در دست دارید که از طرف خدا و من کشیده شده است یکطرف آن بدست خداوند و طرف دیگرش بدست شما است دانستیهای گذشته و آینده تا روز قیامت در آن کتاب است و اما امانت کوچکتر پس او ملازم قرآن علی بن ابی طالب و خاندانش علیهم السلام میباشند و این دو امانت از یک دیگر جدا نخواهند شد تا در کنار حوض بر من درآیند: معروف بن خربوذ گوید: این روایت را بحضور امام باقر عرضه داشتم فرمود: ابو الطفول راست گفته است خدایش پیامرزد این حدیث را در کتاب علی علیه السلام ما یافته و شناخته ایم.

۹۸ - عین روایت ۹۷ با سندی دیگر.

کلام مصنف

(مصنف) این کتاب ادام الله عزه گوید: اخبار بسیاری در این باره رسیده است که من آنها را در کتاب (المعرفة) که در فضایل است نوشته ام.

حسن و حسین دو تعویذ داشتند

کان علی الحسن و الحسین علیهما السلام تعویذان

۹۹ - حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ الْحَسَنِ الْقَزْوِينِيُّ الْمَعْرُوفُ بِابْنِ مَقْبَرَةَ قَالَ أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْحَضْرَمِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ يَحْيَى الْأَحْوَلُ قَالَ حَدَّثَنَا خَلَادُ الْمُقَرِّي عَنْ قَيْسٍ عَنْ أَبِي الْخَصِينِ عَنْ يَحْيَى بْنِ وَثَابٍ عَنْ أَبِي عُمَرَ قَالَ كَانَ عَلَى الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ علیهما السلام تَعْوِيدَانِ حَشْوُهُمَا مِنْ زَعْبٍ جَنَاحِ جَبْرَائِيلَ ع

۹۹ - ابن عمر گوید: به همراه حسن و حسین دو تعویذ بود که میان آن ریزه‌های بال جبرئیل آکنده بود

دو راه‌پیما الیل و النهار

مطیتان

۱۰۰ - حَدَّثَنَا أَبُو أَحْمَدَ مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الْبُنْدَارِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو حَامِدٍ أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ الْهَرَوِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو حَفْصٍ عُمَرُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ نَصْرِ الْقَاضِي قَالَ حَدَّثَنَا مُؤَمَّلُ بْنُ إِهَابٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْمُغِيرَةِ الْمِصْرِيُّ عَنْ سُفْيَانَ الثَّوْرِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عِكْرِمَةَ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ صَالِحُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ مَطِيَّتَانِ

۱۰۰ - رسول خدا ﷺ فرمود: شب و روز دو راه‌پیما هستند- شرح: یعنی راه دنیا به آخرت با گذشت این دو بسر میرسد.

خدای عز و جل بدو نفر دو بال داده است که با فرشتگان بهشتی در پروازند رجلان جعل الله عز و جل لكل واحد منهما جناحين يطير بهما مع الملائكة في الجنة

۱۰۱ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ زِيَادٍ بْنُ جَعْفَرِ الْهَمْدَانِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى بْنِ عَبِيدٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنِ ابْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ثَابِتِ بْنِ أَبِي صَفِيَّةٍ قَالَ قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَحِمَ اللَّهُ الْعَبَّاسَ يَغْنِي ابْنَ عَلِيٍّ فَلَقَدْ آتَرَ وَ أَبْلَى وَ فَدَى أَخَاهُ بِنَفْسِهِ حَتَّى قُطِعَتْ يَدَاهُ فَأَبْدَلَهُ اللَّهُ بِهِمَا جَنَاحَيْنِ يَطِيرُ بِهِمَا مَعَ الْمَلَائِكَةِ فِي الْجَنَّةِ كَمَا جَعَلَ لِجَعْفَرِ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَ إِنَّ لِلْعَبَّاسِ عِنْدَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَمَنْزِلَةً يَغِيظُهُ بِهَا جَمِيعُ الشَّهَدَاءِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

و الحديث طويل أخذنا منه موضع الحاجة و قد أخرجته بتمامه مع ما رويته في

فضائل العباس بن علی علیه السلام فی کتاب مقتل
 الحسین بن علی ع
 ۱۰۱ - امام زین العابدین علیه السلام فرمود:
 خدای عباس را رحمت کند (مقصود آن حضرت
 عباس بن امیر المؤمنین بود) که از خود
 گذشته‌گی و فداکاری کرد تا آنجا که هر دو
 دستش بریده شد خدای تعالی بعوض آنها دو
 بال او را عطا فرمود که با فرشتگان بهشت
 در پرواز است چنانچه با جعفر بن ابی
 طالب هم چنین کرده بود و عباس را نزد
 خدای تعالی پایه‌ای است که همه شهیدان در
 روز قیامت آرزوی آن کنند،
 کلام مصنف

حدیث مفصل است، بقدر احتیاج از آن نقل
 کردیم و تمامی حدیث را با روایتهای
 دیگری که در فضایل عباس بن علی علیه السلام داشتم
 در کتاب: (مقتل حسین بن علی) نگاشته‌ام

دو چیز مردم را گمراه کرد

اثنان أهلکنا الناس
 ۱۰۲ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ
 الْقُضَاعِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ أَخْبَرَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ
 إِسْحَاقُ بْنُ الْعَبَّاسِ بْنِ إِسْحَاقَ بْنِ مُوسَى بْنِ
 جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ
 عَلِيٍّ علیه السلام قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام أَهْلَكَ
 النَّاسَ اثْنَانِ خَوْفُ الْفَقْرِ وَ طَلَبُ الْفَخْرِ
 ۱۰۲ - امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: دو چیز
 مردم را گمراه ساخت: هراس از نداری و
 بدنبال افتخارات دنیوی رفتن.

فرمایش امیر المؤمنین: که پشت مرا دو نفر شکست

قول امیر المؤمنین علیه السلام قطع ظهري رجلان

۱۰۳ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ هَارُونَ الْفَامِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ بْنِ بُطَّةَ الْمَعْرُوفُ بِمِيلٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيُّ عَنْ أَبِيهِ بِإِسْنَادِهِ يَرْفَعُهُ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ قَطَعَ ظَهْرِي رَجُلَانِ مِنَ الدُّنْيَا رَجُلٌ عَلِيمٌ اللِّسَانَ فَاسِقٌ وَ رَجُلٌ جَاهِلٌ الْقَلْبِ نَاسِكٌ هَذَا يَصُدُّ بِلِسَانِهِ عَنْ فِسْقِهِ وَ هَذَا يَنْسُكِهِ عَنْ جَهْلِهِ فَاتَّقُوا الْفَاسِقَ مِنَ الْعُلَمَاءِ وَ الْجَاهِلَ مِنَ الْمُتَعَبِّدِينَ أَوْلَيْكَ فِتْنَةٌ كُلُّ مَفْتُونٍ فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ يَا عَلِيُّ هَلَاكَ أُمَّتِي عَلَى يَدَيَّ كُلِّ مُنَافِقٍ عَلِيمِ اللِّسَانَ

۱۰۳ - امیر المؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: از مردم دنیا دو نفر پشت مرا شکست یکی مرد سخنور بد کردار و دیگر مرد نادان عابد که آن یکی بکمک زبان بر کارهای زشت خود پرده میکشد و این دیگری با عبادتش نادانی خویش را پنهان میکند از دانشمندان گنهکار و عبادتکنندگان نادان بهره‌ییزید که هم اینان باعث گمراهی گمراهان میباشند من از رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ شنیدم فرمود: یا علی گمراهی امت من بدست سخنوران منافق و دو رو است.

شخص حریص از دو خصلت محروم است و بدو خصلت پای بند

حرم الحریص خصلتین و لزمته خصلتان
 ۱۰۴ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ هَارُونَ الْفَامِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ بْنِ بُطَّةَ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيُّ عَنْ أَبِيهِ يَرْفَعُهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ حُرِمَ الْحَرِيصُ خَصْلَتَيْنِ وَ لَزِمَتْهُ خَصْلَتَانِ حُرِمَ الْقَنَاعَةَ فَافْتَقَدَ الرَّاحَةَ وَ حُرِمَ الرِّضَا فَافْتَقَدَ الْيَقِينَ
 ۱۰۴ - امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: شخص حریص از دو خصلت محروم است و بدو خصلت پای بند:

چون از قناعت محروم است راحتی را از دست داده و چون از رضا محروم است دارای یقین نیست.

رسول خدا ﷺ دو نماز را ترك نکرد

صلتان لم يتركهما رسول الله ص
 ۱۰۵ - أَخْبَرَنِي أَبُو الْقَاسِمِ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَحْمَدَ الْفَقِيهَ فِيمَا أَجَازَهُ لِي بِبَلِّحٍ قَالَ أَخْبَرَنَا عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ الْعَزِيزِ قَالَ حَدَّثَنَا عَمْرُو بْنُ عَوْنٍ قَالَ أَخْبَرَنَا خَلْفُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ الشَّيْبَانِيِّ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْأَسْوَدِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَائِشَةَ قَالَتْ صَلَاتَانِ لَمْ يَتْرُكْهُمَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ سِرًّا وَ عَلَانِيَةً رَكَعَتَيْنِ بَعْدَ الْعَصْرِ وَ رَكَعَتَيْنِ قَبْلَ الْفَجْرِ

۱۰۵ - عایشه گوید: دو نماز را رسول خدا ﷺ ترك نفرمودند نه در آشکارا و نه دور از چشم مردم یکی دو رکعت بعد از نماز عصر و آن دیگر دو رکعت پیش از نماز صبح

۱۰۶ - أَخْبَرَنِي أَبُو الْقَاسِمِ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَحْمَدَ قَالَ أَخْبَرَنَا عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ الْعَزِيزِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو نُعَيْمٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ الْوَاحِدِ بْنُ أَيْمَنَ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ عَائِشَةَ أَنَّهَا دَخَلَ عَلَيْهَا يَسْأَلُهَا عَنِ الرُّكَعَتَيْنِ بَعْدَ الْعَصْرِ قَالَتْ وَ الَّذِي ذَهَبَ بِنَفْسِهِ تَعْنِي رَسُولَ اللَّهِ ﷺ مَا تَرَكَهُمَا حَتَّى لَقِيَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ وَ حَتَّى ثَقُلَ عَنِ الصَّلَاةِ وَ كَانَ يُصَلِّي كَثِيرًا مِنْ صَلَاتِهِ وَ هُوَ قَاعِدٌ فَقُلْتُ إِنَّهُ لَمَّا وُلِّيَ عَمْرُ كَانَ يَنْهَى عَنْهُمَا قَالَتْ صَدَقْتَ وَ لَكِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ لَا يُصَلِّيهِمَا فِي الْمَسْجِدِ مَخَافَةَ أَنْ يَثْقُلَ عَلَى أُمَّتِهِ وَ كَانَ يُجِبُ مَا خَفَّفَ عَلَيْهِمْ

۱۰۶ - عبد الواحد بن ایمن گوید: پدرم گوید: که به نزد عایشه شدم تا از او بپرسم دو رکعت بعد از نماز عصر چه بوده است؟ عایشه گفت: بخدائی که روحش را

(مقصود عایشه پیغمبر بود) باز گرفت که پیغمبر آن دو رکعت نماز را ترك نکرد تا آنکه بیدار خداوند نائل گردید و تا آن هنگام که از نماز خواندن سنگین شد و در اثر بیماری بسیاری از نمازهای خود را نشسته میخواند، گفتم: عمر که بخلافت نشست این دو رکعت نماز را غدقن کرد، گفت: راست میگوئی ولی رسول خدا ﷺ چون از سنگینی بار امت میترسید و هر چه امت سبکبارتر رسول خدا ﷺ را خوشتر بود لذا این دو رکعت را در مسجد نمیخواند

۱۰۷ - حَدَّثَنَا أَبُو الْقَاسِمِ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَحْمَدَ قَالَ أَخْبَرَنَا يَعْقُوبُ بْنُ إِسْحَاقَ الْحَضْرَمِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَوْضِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا شُعْبَةُ عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ عَنْ مَسْرُوقٍ عَنْ عَائِشَةَ أَنَّهَا قَالَتْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عِنْدِي يُصَلِّي بَعْدَ الْعَصْرِ رَكَعَتَيْنِ
۱۰۷ - عایشه گوید: رسول خدا ﷺ نزد من که بود پس از عصر دو رکعت نماز میخواند.

نزد من که بود پس از عصر دو رکعت نماز میخواند.

۱۰۸ - أَخْبَرَنِي أَبُو الْقَاسِمِ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَحْمَدَ قَالَ أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ طَرْخَانَ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الصَّبَّاحِ الْعَطَّارُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ سِنَانَ يَعْزِي الْعُوقِيَّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو جَمْرَةَ عَنْ أَبِي بَكْرٍ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ قَيْسٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَنْ صَلَّى الْبَرْدَيْنِ دَخَلَ الْجَنَّةَ يَعْزِي بَعْدَ الْعَدَاةِ وَ بَعْدَ الْعَصْرِ

قال مصنف هذا الكتاب أدام الله عزه كان مرادى بإيراد هذه الأخبار الرد على المخالفين لأنهم لا يرون بعد الغداة و بعد العصر صلاة فأحببت أن أبين أنهم قد خالفوا النبي ﷺ فى قوله و فعله

۱۰۸ - رسول خدا ﷺ فرمود: کسی که صبح و شام نماز بخواند به بهشت خواهد رفت و مقصود آن حضرت بعد از صبح و بعد از عصر بود.

کلام مصنف

(مصنف این کتاب) (عزت‌ش پاینده باد)
گوید: غرضم از آوردن این روایات رد بر
مخالفین است چه، آنان پس از صبح و عصر
نماز را مشروع میدانند لذا علاقمند بودم
که روشن سازم آنان در گفتار و کردار با
پیغمبر مخالفت ورزیدند.

دو صنف را از اسلام بهره‌ای نیست

صنفان لا نصیب لهما فی الإسلام

۱۰۹ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ بَشَّارٍ
الْقَزْوِينِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا الْمُظْفَرُ بْنُ
أَحْمَدَ وَ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمَانَ قَالَ حَدَّثَنَا
عَلِيُّ بْنُ جَعْفَرِ الْبَغْدَادِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ
بْنِ مَالِكِ الْكُوفِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ عَلِيٍّ
بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرُ
بْنُ مُحَمَّدٍ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَدْنَى مَا يَخْرُجُ بِهِ الرَّجُلُ
مِنَ الْإِيمَانِ أَنْ يَجْلِسَ إِلَى غَالٍ فَيَسْتَمِعَ إِلَيْهِ
حَدِيثَهُ وَ يُصَدِّقَهُ عَلَى قَوْلِهِ إِنْ أَبِي حَدَّثَنِي عَنْ
أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ صِنْفَانِ مِنَ
أُمَّتِي لَا نَصِيبَ لَهُمَا فِي الْإِسْلَامِ الْغُلَاةُ وَ
الْقَدْرِيَّةُ

۱۰۹ - امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: کمترین
چیزی که شخصی را از حریم ایمان به در
آورد این است که نزد مرد غالی بنشیند و
بگفتارش گوش فرا داده و تصدیقش نماید که
پدرم از پدرش و او از جدش روایت
کرد که رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: دو طایفه
از امت مرا بهره‌ای از اسلام نیست: غالیان
و قدریه

۱۱۰ - أَخْبَرَنِي الْخَلِيلُ بْنُ أَحْمَدَ قَالَ
أَخْبَرَنَا ابْنُ مَنِيعٍ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ
عَرْفَةَ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ ثَابِتٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ
بْنِ أَبِي إِسْحَاقَ عَنِ ابْنِ أَبِي لَيْلَى عَنْ نَافِعِ
عَنِ ابْنِ عُمَرَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ صِنْفَانِ مِنَ

أُمَّتِي لَيْسَ لَهُمَا فِي الْإِسْلَامِ نَصِيبُ الْمُرْجِيَّةِ وَ
الْقَدْرِيَّةِ

۱۱۰ - رسول خدا ﷺ فرمود: دو طایفه از امت مرا بهره‌ای از اسلام نیست: مرجعه و قدریه شرح: غالی کسی است که امام یا پیغمبر را از حد عبودیت خارج نموده و برای آنان استقلالی در قدرت معتقد باشد و قدری کسی است که منکر اختیار باشد و همه امر را به جبر و تقدیر بداند و مرجئه گروهی است از معتزله که میان ایمان و کفر مرتبه‌ای دیگر قائلند و رسیدگی بحساب آن را موکول بعالم آخرت مینمایند.

با مردم دشمنی‌ورزیدن یکی از دو خصلت را در بر دارد

معاداة الرجال لا يخلو صاحبها من
خصلتين

۱۱۱ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ
الْوَلِيدِ السُّلَمِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْفَضْلِ مُحَمَّدُ
بْنُ أَحْمَدَ الْكَاتِبُ النَّيْسَابُورِيُّ بِإِسْنَادِهِ رَفَعَهُ
إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام

أَنَّهُ قَالَ لِبَنِيهِ يَا بَنِي إِيَّاكُمْ وَ مَعَادَاةَ
الرِّجَالِ فَإِنَّهُمْ لَا يَخْلُونَ مِنْ ضَرْبَيْنِ مِنْ عَاقِلٍ
يَمْكُرُ بِيَكُمْ أَوْ جَاهِلٍ يَعْجَلُ عَلَيْكُمْ وَ الْكَلَامُ
ذَكَرَ وَ الْجَوَابُ أَنْتَى فَإِذَا اجْتَمَعَ الزَّوْجَانِ
فَلَا بُدَّ مِنَ النَّتَاجِ ثُمَّ أَنْشَأَ يَقُولُ سَلِيمُ
الْعَرِضُ مَنْ حَذَرَ الْجَوَابَا وَ مَنْ هَابَ الرِّجَالَ
تَهَيَّبُوهُ وَ مَنْ دَارَى الرِّجَالَ فَقَدْ أَصَابَا وَ مَنْ
حَقَرَ الرِّجَالَ فَلَنْ يُهَابَا ۱۱۱ - امیر
المؤمنین عليه السلام فرمود: فرزندان من مبادا
با مردم ستیزه کنید که بیش از دو قسم
نیستند یا خردمندی است که با شما مکر و
حیله بکار برد و یا نادان است که هر چه
زودتر آسیب بر شما میرساند گفت و شنود
مانند نر و ماده‌اند که چون با هم جفت

شوند ناچار نتیجه‌ای خواهند داشت سپس دو بیت شعر بدین مضمون انشاء فرمود:

هر که از جواب گفتار خویش بهراسد
 آبروی خود را حفظ کرده است.

و هر کس با مردان مدارا کند به راه
 صواب رفته است.

و آنکه برای مردان احترام نگه دارد
 آنان نیز احترامش را نگه میدارند و آنکه
 آنان را کوچک شمرد بزرگی خویش را از
 دلهای آنان برده است.

آدمیزاده هر چه پیرتر شود دو صفت او
 جوانتر می‌شود یهرم ابن آدم و یشب منه
 اثنان

۱۱۲ حَدَّثَنَا أَبُو أَحْمَدَ مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ
 الْبُنْدَارِيُّ الْفَرَّغَانِيُّ بِفَرَّغَانَةَ قَالَ حَدَّثَنِي
 أَبُو الْقَاسِمِ سَعِيدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي سَالِمٍ
 قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو زَكْرِيَّا يَحْيَى بْنُ الْفَضْلِ
 الْوَرَّاقُ قَالَ حَدَّثَنِي قُتَيْبَةُ بْنُ سَعِيدٍ قَالَ
 حَدَّثَنَا أَبُو عَوَانَةَ عَنْ قَتَادَةَ عَنْ أَنَسٍ عَنِ
 النَّبِيِّ ﷺ قَالَ يَهْرَمُ ابْنُ آدَمَ وَ يَشْبُ مِنْهُ
 اثْنَانِ الْجَرِصُ عَلَى الْمَالِ وَالْجَرِصُ عَلَى الْعُمْرِ
 ۱۱۲ - رسول خدا ﷺ فرمود: آدمیزاده هر
 چه پیرتر شود دو صفت او جوانتر می‌شود:
 حرص بمال و حرص بزندگانی.

دو صفت است که هر يك دو اثر دارد

خصلتان تورث كل واحدة منهما خصلتين
 ۱۱۳ - أَخْبَرَنِي الْخَلِيلُ بْنُ أَحْمَدَ السَّجْزِيُّ
 قَالَ أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُعَاذٍ قَالَ حَدَّثَنَا
 الْحُسَيْنُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُبَارَكِ
 قَالَ أَخْبَرَنَا شُعْبَةُ بْنُ الْحَجَّاجِ عَنْ قَتَادَةَ عَنْ
 أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ قَالَ يَهْلِكُ أَوْ
 قَالَ يَهْرَمُ ابْنُ آدَمَ وَ يَبْقَى مِنْهُ اثْنَتَانِ
 الْجَرِصُ وَ الْأَمَلُ

۱۱۳ - انس بن مالک گوید: پیغمبر ﷺ فرمود: آدمیزاده می‌میرد (و یا فرمود: پیر می‌شود و دو چیز از او بجای می‌ماند: حرص و آرزو.

۱۱۴ - حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَسَدِ الْأَسَدِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الْعَامِرِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ عَيْسَى بْنِ عُبَيْدٍ قَالَ حَدَّثَنَا سُلَيْمَانُ بْنُ عَمْرٍو عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ أُمِّهِ فاطمة بنت الحسين عن أبيها عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله الرَّغْبَةُ فِي الدُّنْيَا تَكْثُرُ الِهِمَّ وَالْحُزْنَ وَالزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا يُرِيحُ الْقَلْبَ وَالْبَدَنَ

۱۱۴ - رسول خدا ﷺ فرمود: علاقمندی بدنی آشفته‌گی خاطر و اندوه آورد و بی‌علاقه‌گی بآن جسم و جان را راحتی می‌بخشد.

آدمیزاده دو صفت را خوش ندارد

خصلتان یکره‌ها ابن آدم
۱۱۵ - أَخْبَرَنِي الْخَلِيلُ بْنُ أَحْمَدَ قَالَ أَخْبَرَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ السَّرَّاجُ قَالَ حَدَّثَنَا قُتَيْبَةُ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ الْعَزِيزِ عَنْ عَمْرٍو بْنِ أَبِي عَمْرٍو عَنْ عَاصِمِ بْنِ عُمَرَ بْنِ قَتَادَةَ عَنْ مَحْمُودِ بْنِ لَبِيدٍ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله قَالَ شَيْئَانِ يَكْرَهُهُمَا ابْنُ آدَمَ يَكْرَهُهُ الْمَوْتُ وَالْمَوْتُ رَاحَةٌ لِلْمُؤْمِنِ مِنَ الْفِتْنَةِ وَ يَكْرَهُهُ قِلَّةُ الْمَالِ وَ قِلَّةُ الْمَالِ أَقْلٌ لِلْحِسَابِ

۱۱۵ - رسول خدا ﷺ و سلم فرمود: آدمیزاده دو چیز را ناخوش دارد یکی مرگ با اینکه راحتی مؤمن از گرفتاریها در مرگ است و آن دیگر کم ثروتی با اینکه ثروت کم حسابش نیز کمتر است.

رسول خدا ﷺ در دو مورد سکوتی داشت

كان لرسول الله ﷺ سكتتان

١١٦ - أَخْبَرَنِي الْقَاضِي أَبُو سَعِيدِ الْخَلِيلُ
بْنُ أَحْمَدَ السَّجْزِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ
حَمْدَانَ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو مَسْعُودٍ إِسْمَاعِيلُ بْنُ
مَسْعُودٍ قَالَ حَدَّثَنَا يَزِيدُ وَهُوَ ابْنُ زُرَيْعٍ قَالَ
حَدَّثَنَا سَعِيدٌ وَهُوَ ابْنُ أَبِي عَرُوبَةَ عَنْ قَتَادَةَ
عَنِ الْحَسَنِ أَنَّ سَمُرَةَ بْنَ جُنْدَبٍ وَعِمْرَانَ بْنَ
حُصَيْنٍ تَذَاكَرَا فَحَدَّثَ سَمُرَةُ أَنَّهُ حَفِظَ عَنْ رَسُولِ
اللَّهِ ﷺ سَكَّتَيْنِ سَكَّتَهُ إِذَا كَبَّرَ وَ سَكَّتَهُ إِذَا
فَرَعَ مِنْ قِرَاءَتِهِ عِنْدَ رُكُوعِهِ ثُمَّ إِنَّ قَتَادَةَ
ذَكَرَ السَّكَّتَةَ الْأَخِيرَةَ إِذَا فَرَعَ مِنْ قِرَاءَةِ غَيْرِ
الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَ لَا الضَّالِّينَ أَيَّ حَفِظَ ذَلِكَ
سَمُرَةُ وَ أَنْكَرَهُ عَلَيْهِ عِمْرَانُ بْنُ حُصَيْنٍ قَالَ
فَكَتَبْنَا فِي ذَلِكَ إِلَى أَبِي بَنٍ كَعْبٍ فَكَانَ فِي
كِتَابِهِ إِلَيْهِمَا أَوْ فِي رَدِّهِ عَلَيْهِمَا أَنَّ سَمُرَةَ
قَدْ حَفِظَ

قال مصنف هذا الكتاب أدام الله عزه إن
النبي ﷺ إنما سكت بعد القراءة لئلا يكون
التكبير موصولا بالقراءة و ليكون بين
القراءة و التكبير فصل و هذا يدل على
أنه لم يقل آمين بعد فاتحة الكتاب سرا و
لا جهرا لأن المتكلم سرا و علانية لا يكون
ساكتا و في ذلك حجة قوية للشريعة على
مخالفهم في قولهم آمين بعد الفاتحة و لا
قوة إلا بالله العلي العظيم

١١٦ - حسن گوید: سمره بن جندب و عمران
بن حصين با يك ديگر مذاكره حديث ميكردند
سمره گفت: كه بياد دارد رسول خدا
ﷺ در دو مورد مختصر سكوتى داشت يكى
هنگامى كه تكبير مىگفت و ديگر هنگامى كه
از قرائت فارغ شده و ميخواست بر كوع برود
(قتاده گفته است كه سكوت دومى بعد از
خواندن غير المغضوب عليهم و لا الضالين
بوده است يعنى روايت سمره را اين چنين
معنى نموده است) و بهر صورت عمران بن
حصين سكوت رسول خدا ﷺ را در اين دو

مورد انکار میکرد، گوید: موضوع اختلاف را به ابی بن کعب نوشتیم ابی در جواب آنان نوشت و یا پیام فرستاد که آنچه سمره بیاد دارد درست است.

کلام مصنف

(مصنف این کتاب) ادام الله عزه گوید: پیغمبر که پس از خواندن حمد سکوت میکرد باین جهت بوده است که تکبیر رکوع متصل بقرائت نشود و فاصله میان قرائت و تکبیر باشد و این دلیل است که پیغمبر پس از خواندن حمد آمین نگفته است نه آهسته و نه بلند زیرا اگر کسی سخن بگوید چه آهسته و چه بلند باو ساکت نمیتوان گفت (با توجه باینکه سمره گفته است که پیغمبر پس از حمد ساکت میشد) و این خود برای شیعه دلیل محکمی است در رد گفتار مخالفینشان که پس از خواندن حمد آمین میگویند و لا قوة الا بالله.

در هیچ مسلمانی دو خوی با هم جمع نشود

خصلتان لا یجتمعان فی مسلم

۱۱۷ - أَخْبَرَنِي الْخَلِيلُ بْنُ أَحْمَدَ قَالَ حَدَّثَنَا ابْنُ صَاعِدٍ قَالَ حَدَّثَنَا الْعَبَّاسُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَوْنُ بْنُ عُمَارَةَ الْعَنْزِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ سُلَيْمَانَ عَنْ مَالِكِ بْنِ دِينَارٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ غَالِبٍ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ خَصَلْتَانِ لَا تَجْتَمِعَانِ فِي مُسْلِمٍ الْبُخْلُ وَ سُوءُ الْخُلُقِ

۱۱۷ - رسول خدا ﷺ فرمود: در هیچ مسلمانی دو خوی با هم جمع نشود! بخل و بد اخلاقی.

در دل هیچ بنده ای دو خوی با هم جمع نگردد

خصلتان لا یجتمعان فی قلب عبد

۱۱۸ - أَخْبَرَنِي الْخَلِيلُ بْنُ أَحْمَدَ السَّجْزِيُّ قَالَ أَخْبَرَنَا ابْنُ صَاعِدٍ قَالَ حَدَّثَنَا إِسْحَاقُ بْنُ شَاهِينَ قَالَ حَدَّثَنَا خَالِدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا يَوْسُفُ بْنُ مُوسَى قَالَ حَدَّثَنَا جَرِيرٌ عَنْ سُهَيْلٍ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ أَبِي يَزِيدَ عَنِ الْقَعْقَاعِ بْنِ اللَّجْلَاجِ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ عَنِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ قَالَ لَا يَجْتَمِعُ الشُّحُّ وَالْإِيمَانُ فِي قَلْبِ عَبْدٍ أَبَدًا

۱۱۸ - رسول خدا ﷺ فرمود: هرگز در دل بنده ای بخل توأم با حرص با ایمان جمع نشوند.

رشک در دو مورد

لا حسد إلا فی اثنتين

۱۱۹ - أَخْبَرَنِي الْخَلِيلُ بْنُ أَحْمَدَ قَالَ أَخْبَرَنَا أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ الدِّيْبِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا سُفْيَانُ عَنِ الزُّهْرِيِّ عَنِ سَالِمٍ عَنِ أَبِيهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لَا حَسَدَ إِلَّا فِي اثْنَتَيْنِ رَجُلٍ آتَاهُ اللَّهُ مَالًا فَهُوَ يُنْفِقُ مِنْهُ آتَاءَ اللَّيْلِ وَ آتَاءَ النَّهَارِ وَ رَجُلٍ آتَاهُ اللَّهُ الْقُرْآنَ فَهُوَ يَقُومُ بِهِ آتَاءَ اللَّيْلِ وَ آتَاءَ النَّهَارِ

۱۱۹ - رسول خدا ﷺ فرمود: تنها

در دو مورد میبایست رشک برد یکی در باره مرد ثروتمندی که بشب و روز از ثروت خدادادی اش انفاق کند و دیگر در باره مردی که خدای تعالی توفیق فرا گرفتن قرآن او را عطا فرموده و شبانه روز بخواندن قرآن مشغول است.

پیغمبر ﷺ عقیل را از دو جهت دوست

داشت عله محبة النبی ﷺ لعقیل بن اَبی

طالب حبین

۱۲۰ - حَدَّثَنَا أَبُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى بْنِ الْحَسَنِ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ

الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ حَدَّثَنِي جَدِّي يَحْيَى بْنُ الْحَسَنِ قَالَ حَدَّثَنِي إِبْرَاهِيمُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ يُوسُفَ الْمَقْدِسِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ رُسْتَمَ عَنْ أَبِي حَمَزَةَ السَّكُونِيِّ عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ الْجَعْفِيِّ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ سَابِطٍ قَالَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ لِعَقِيلٍ إِنِّي لِأَحِبُّكَ يَا عَقِيلُ حُبِّينِ حُبًّا لَكَ وَحُبًّا لِحُبِّ أَبِي طَالِبٍ لَكَ

۱۲۰ - رسول خدا ﷺ به عقیل فرمود: ای عقیل من تو را از دو جهت دوست دارم یکی از جهت خودت و دیگر از این جهت که ابی طالب دوستت میداشت.

دو چیز که رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم را مسرور نمود امران سر بهما النبی

۱۲۱ - حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْعَلَوِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنِي جَدِّي قَالَ حَدَّثَنَا دَاوُدُ بْنُ الْقَاسِمِ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ زَيْدٍ قَالَ سَمِعْتُ جَمَاعَةً مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يَقُولُونَ إِنَّ جَعْفَرَ بْنَ أَبِي طَالِبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ لَمَّا قَدِمَ مِنْ أَرْضِ الْحَبَشَةِ وَكَانَ بِهَا مُهَاجِرًا وَذَلِكَ يَوْمَ فَتْحِ خَيْبَرَ قَامَ إِلَيْهِ النَّبِيُّ ﷺ فَقَبَّلَ بَيْنَ عَيْنَيْهِ ثُمَّ قَالَ مَا أَدْرِي بِأَيِّهِمَا أَنَا أَسْرُ بِقُدُومِ جَعْفَرٍ أَوْ بِفَتْحِ خَيْبَرَ

و قد أخرجت الأخبار التي رويتها في هذا المعنى في كتاب فضائل جعفر بن أبي طالب

ع

۱۲۱ - حسن بن زید گوید: از جمعی از خانواده ام شنیدم که میگفتند: روز فتح خیبر بود که جعفر ابن ابی طالب از مهاجرت بازگشت، پیغمبر از جای برخاست و پیشانی جعفر را بوسید. سپس فرمود ندانم بکدام یک از این دو خوشحالتتر باشم بآمدن جعفر یا فتح خیبر.

و من روایاتی را که در این باره رسیده
است در کتاب فضایل جعفر نقل کرده ام

پیغمبر ﷺ به هر يك از حسن و حسين دو صفت به ارث بخشید

نحل النبي ﷺ الحسن ﷺ و الحسين خصلتين
١٢٢ - حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى
الْعَلَوِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنِي جَدِّي قَالَ
حَدَّثَنَا الزُّبَيْرُ بْنُ أَبِي بَكْرٍ قَالَ حَدَّثَنِي
إِبْرَاهِيمُ بْنُ حَمْرَةَ الزُّبَيْرِيُّ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ
عَلِيِّ الرَّافِعِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ بِنْتِ أَبِي
رَافِعٍ قَالَتْ أَتَتْ فَاطِمَةَ بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ
بِابْنَيْهَا الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ ﷺ إِلَى رَسُولِ
اللَّهِ ﷺ فِي شَكْوَاهُ الَّذِي تُوفِّي فِيهِ فَقَالَتْ يَا
رَسُولَ اللَّهِ هَذَانِ ابْنَاكَ فَوَرَّثَهُمَا شَيْئًا قَالَ أُمَّ
الْحَسَنِ فَإِنَّ لَهُ هَيْبَتِي وَ سُودِي وَ أُمَّ
الْحُسَيْنِ فَإِنَّ لَهُ جُرَاتِي وَ جُودِي

١٢٢ - دختر ابی رافع گوید: در مرض موت
پیغمبر ﷺ فاطمه دختر رسول خدا ﷺ حسن
و حسین را بخدمت پدر آورده و عرض کرد یا
رسول الله اینان دو فرزند دلبنده شما هستند
چیزی بآنها باین دو مرحمت فرما.

فرمود: هیبت و بزرگواری خود را بحسن و
جرات و بخشش خود را بحسین واگذار نمودم.

کلام مترجم

«روایت ١٢٣ و ١٢٤ نیز بهمین مضمون است
با این تفاوت که در روایت ١٢٤ بجای
بزرگواری حلم و بجای جرات مهربانی گفته
شده است.»

١٢٣ - حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى
الْعَلَوِيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنِي جَدِّي قَالَ حَدَّثَنِي
مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْحَسَنِ
بْنِ مُحَمَّدٍ وَ حُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ بَنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي
رَافِعٍ قَالَ أَخْبَرَنِي أَبِي عَنْ شَيْخٍ مِنَ الْأَنْصَارِ
يَرْفَعُهُ إِلَى زَيْنَبِ بِنْتِ ابْنِ أَبِي رَافِعٍ عَنْ

أُمُّهَا قَالَتْ قَالَتْ قَالَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ يَا رَسُولَ اللَّهِ هَذَا ابْنُكَ فَأَنْحَلْهُمَا فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أُمُّ الْحَسَنِ فَأَنْحَلْتُهُ هَيْبَتِي وَ سُوْدُودِي وَ أُمُّ الْحُسَيْنِ فَأَنْحَلْتُهُ سَخَائِي وَ شَجَاعَتِي

١٢٤ - حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ يَحْيَى الْعَلَوِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنِي جَدِّي قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ سُلَيْمَانَ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ أُمُّ الْحَسَنِ فَأَنْحَلْتُهُ الْهَيْبَةَ وَ الْجَلْمَ وَ أُمُّ الْحُسَيْنِ فَأَنْحَلْتُهُ الْجُودَ وَ الرَّحْمَةَ

بجز دو کس نباید کسی پس از نماز عشا بیدار بماند

لا سمر بعد العشاء الآخرة إلا لأحد رجلين

١٢٥ - أَخْبَرَنِي الْخَلِيلُ بْنُ أَحْمَدَ قَالَ أَخْبَرَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ السَّرَّاجُ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَمَرَ قَالَ حَدَّثَنَا وَكَيْعُ بْنُ الْجَرَّاحِ عَنْ سُفْيَانَ عَنْ مَنْصُورٍ عَنْ خَيْثَمَةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ لَا سَمَرَ بَعْدَ الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ إِلَّا لِأَحَدٍ رَجُلَيْنِ مُصَلًّا أَوْ مُسَافِرٍ

١٢٥ - رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: یکی از دو کس را شاید که پس از نماز عشا بیدار بماند:

نماز گذار یا مسافر.

امت اسلامی به دو چیز بیشتر از هر چیز به آتش میروند و به دو چیز بیشتر به بهشت

أكثر ما يدخل به الأمة النار شيئان و أكثر ما يدخل به الجنة شيئان

١٢٦ - أَخْبَرَنِي الْخَلِيلُ بْنُ أَحْمَدَ قَالَ أَخْبَرَنَا ابْنُ مَعَاذٍ قَالَ حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ الْمَرْوَزِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ عُبَيْدٍ قَالَ حَدَّثَنَا دَاوُدُ الْأَوْدِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ إِنَّ أَوَّلَ مَا يُدْخَلُ بِهِ

النَّارُ مِنْ أُمَّتِي الْأَجُوفَانِ قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ
 وَمَا الْأَجُوفَانِ قَالَ الْفَرْجُ وَالْفَمُّ وَ أَكْثَرُ
 مَا يُدْخَلُ بِهِ الْجَنَّةُ تَقْوَى اللَّهِ وَ حُسْنُ الْخُلُقِ
 ۱۲۶ - رسول خدا ﷺ فرمود: نخستین
 چیزی که امت مرا جهنمی میکند دو چیز
 میان تهی است عرض کردند: یا رسول الله آن
 دو چیز میان تهی چیست؟ فرمود: فرج و شکم
 و بیشتر آنچه آنان را بهشتی میکند
 پرهیزکاری و خوش خلقی است.

خدای عز و جل دو ترس و دو آسودگی خاطر را به بنده اش يك جا ندهد

لا يجمع الله عز و جل على عبده خوفين و لا
 أمنين
 ۱۲۷ - أَخْبَرَنِي الْخَلِيلُ بْنُ أَحْمَدَ قَالَ
 أَخْبَرَنَا ابْنُ مَعَاذٍ قَالَ حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ
 الْمَرْوَزِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ قَالَ أَخْبَرَنَا ابْنُ
 عَوْنٍ عَنِ الْحَسَنِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ قَالَ اللَّهُ
 تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ عِزَّتِي وَ جَلَالِي لَا أَجْمَعُ عَلَى
 عَبْدِي خَوْفَيْنِ وَ لَا أَجْمَعُ لَهُ أَمْنَيْنِ فَإِذَا
 أَمِنِي فِي الدُّنْيَا أَخَفْتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ
 إِذَا خَافَنِي فِي الدُّنْيَا آمَنْتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ
 ۱۲۷ - حسن گوید: رسول خدا ﷺ فرمود:
 خدای تبارک و تعالی فرموده است: بعزت و
 جلالم قسم نه دو ترس را با هم به بنده ام
 خواهم داد و نه دو آرامش خواطر را، پس
 اگر در دنیا از من آسوده خاطر باشد به
 روز قیامتاش خواهم ترساند و اگر در دنیا
 از من بترسد بروز قیامت آسوده خواطرش
 خواهم داشت.

امت اسلامی را در اول دو چیز باعث صلاح
 بود و در آخر دو چیز موجب هلاکتش خواهد
 گشت صلاح اول هذه الأمة بخصلتين و هلاك
 آخرها بخصلتين

۱۲۸ - حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ
 بِنِ عَلِيِّ بْنِ أَسَدِ الْأَسَدِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ
 مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الْعَامِرِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا
 إِبْرَاهِيمُ بْنُ عَيْسَى بْنِ عَبْدِ السُّدُوسِيِّ قَالَ
 حَدَّثَنَا سُلَيْمَانُ بْنُ عَمْرٍو عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَسَنِ
 بْنِ حَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أُمِّهِ فَاطِمَةَ بِنْتِ الْحُسَيْنِ
 عَنْ أَبِيهَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ إِنَّ صَلَاحَ أَوَّلِ
 هَذِهِ الْأُمَّةِ بِالزُّهْدِ وَ الْيَقِينِ وَ هَلَكَ آخِرُهَا
 بِالشُّحِّ وَ الْأَمَلِ

۱۲۸- رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: صلاح این
 امت در اول باعراض از دنیا و یقین بآخرت
 بود و نابودی اش در پایان به بخل و آرزو
 است.

باب الثالثة (باب خصلتهای سه گانه)

سه طایفه را خداوند بدون رسیدگی بحسابشان به بهشت میبرد و سه طایفه دیگر را بدون حساب به دوزخ ثلاثه یدخلهم الله الجنة بغير حساب و ثلاثه یدخلهم الله النار بغير حساب

۱ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيُّ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنْ أَخِيهِ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ دُرُسْتَوَيْهِ عَنْ عَجْلَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ ثَلَاثَةٌ يُدْخِلُهُمُ اللَّهُ الْجَنَّةَ بغيرِ حِسَابٍ وَ ثَلَاثَةٌ يُدْخِلُهُمُ اللَّهُ النَّارَ بغيرِ حِسَابٍ فَأَمَّا الَّذِينَ يُدْخِلُهُمُ اللَّهُ الْجَنَّةَ بغيرِ حِسَابٍ فإِمَامٌ عَادِلٌ وَ تاجرٌ صدوقٌ وَ شيخٌ أفنى عُمُرَهُ فِي طَاعَةِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ أَمَّا الثَّلَاثَةُ الَّذِينَ يُدْخِلُهُمُ اللَّهُ النَّارَ بغيرِ حِسَابٍ فإِمَامٌ جَائِرٌ وَ تاجرٌ كذوبٌ وَ شيخٌ زانٌ

۱ - امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: سه طائفه را خداوند بدون حساب به بهشت میبرد و سه طائفه را بدون حساب بدوزخ آن سه که بدون حساب به بهشتشان میبرد یکی پیشوای عادل است و دیگر بازرگان راستگو سوم شخص سالمندی که عمر خود را در فرمانبرداری حق سپری کرده باشد و آن سه که بدون حساب بدوزخشان میبرد یکی پیشوای ستمکار است و دیگر بازرگان دروغگو و دیگر پیرمرد زناکار.

شرح-

ظاهراً مقصود از سوم نفر بهشتی این است که دوران پیری خود را مشغول بعبادت حق باشد که عبادت دوران پیری کفاره گذشته است و تقصیرات دوران پیری خود را مشغول بعبادت حق باشد که عبادت دوران پیری کفاره گذشته است و تقصیرات دوران جوانی را جبران میکند که إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ نه آنکه تمام عمر خود را تا

زمان پیری در اطاعت خداوند سپری کرده باشد زیرا در این صورت قسم دیگری در مقابل قسم اول نخواهد بود و هم چنین نفر سوم جهنمی که پیر زناکار است نیز بهمین معنی است که مقصود زناکار بودن در دوران پیری است هر چند دوران جوانی را با پاکدامنی گذرانده باشد.

خداوند مؤمن را در مورد سه چیز بازخواست نمیکند

ثلاثة أشياء لا يحاسب الله عز و جل عليهما المؤمن
 ٢ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ ابْنِ زِيَادٍ عَنِ الْخَلِيِّ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام ثَلَاثَةٌ أَشْيَاءُ لَا يُحَاسِبُ اللَّهُ عَلَيْهَا الْمُؤْمِنَ طَعَامٌ يَأْكُلُهُ وَ ثَوْبٌ يَلْبَسُهُ وَ زَوْجَةٌ صَالِحَةٌ تُعَاوَنُهُ وَ تُحْصِنُ فَرْجَهُ

٢ - امام صادق عليه السلام فرمود: سه چیز را خداوند از مؤمن بازخواست نمیکند. غذائی که خورده است و جامه‌ای که پوشیده است و همسر شایسته‌ای که کمک زندگی او بوده است و دامن شوهر خود را از آلودگی نگاه داشته است.

هر کس سه صفت و یا یکی از آن سه را داشته باشد در سایه عرش الهی خواهد بود

ثلاث خصال من كن فيه أو واحدة منهن كان في ظل عرش الله عز و جل

٣ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الصَّلْتِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ عَثْمَانَ بْنِ جَبَلَةَ عَنْ أَبِي حَمْرَةَ الثَّمَالِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ ثَلَاثُ خِصَالٍ مَنْ كُنَّ فِيهِ أَوْ وَاحِدَةٌ مِنْهُنَّ كَانَ فِي ظِلِّ عَرْشِي

لَهُ عَزٌّ وَ جَلٌّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ
 رَجُلٌ أُعْطِيَ النَّاسَ مِنْ نَفْسِهِ مَا هُوَ سَائِلُهُمْ
 لَهَا وَ رَجُلٌ لَمْ يُقَدِّمْ رَجُلًا وَ لَمْ يُؤَخَّرْ آخَرَ
 حَتَّى يَعْلَمَ أَنَّ ذَلِكَ لِلَّهِ فِيهِ رِضَى أَوْ سَخَطٌ وَ رَجُلٌ
 لَمْ يَعِبْ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ بَعِيْبٍ حَتَّى يَنْفِي ذَلِكَ
 الْعَيْبَ مِنْ نَفْسِهِ فَإِنَّهُ لَا يَنْفِي مِنْهَا عَيْبًا إِلَّا
 بَدَا لَهُ عَيْبٌ وَ كَفَى بِالْمَرْءِ شُغْلًا بِنَفْسِهِ عَنِ
 النَّاسِ

۳ - رسول خدا ﷺ فرمود: در هر کس سه
 صفت و یا یکی از آن سه باشد بروز قیامت
 که هیچ سایه‌ای جز سایه الهی نیست او در
 سایه عرش خدا خواهد بود: مردیکه رفتارش
 با دیگران آنچنان باشد که همان رفتار را
 نسبت بخود از دیگران انتظار دارد و مردی
 که تا رضا و خشم الهی را در کاری احراز
 نکرده گامی پس و پیش نهد و مردیکه تا
 عیبی را از خویشتن دور نساخته از برادرش
 در آن باره عیبجوئی ننماید و البته چنین
 است که هر عیبی را از خود دور بکند عیبی
 دیگر در خویشتن مشاهده خواهد نمود و هر
 کس بخویشتن پردازد مجال عیبجوئی دیگران
 را نخواهد داشت.

۴ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ يَحْيَى
 الْعَطَّارُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ
 اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ
 مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ حَدَّثَنَا الْخَضِرُ بْنُ مُسْلِمِ
 الصَّيْرَفِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ ثَلَاثَةٌ
 فِي ظِلِّ عَرْشِ اللَّهِ عَزٌّ وَ جَلٌّ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ
 رَجُلٌ أَنْصَفَ النَّاسَ مِنْ نَفْسِهِ وَ رَجُلٌ لَمْ يُقَدِّمْ
 رَجُلًا وَ لَمْ يُؤَخَّرْ آخَرَ حَتَّى يَعْلَمَ أَنَّ ذَلِكَ لِلَّهِ
 عَزٌّ وَ جَلٌّ رِضَى أَوْ سَخَطٌ وَ رَجُلٌ لَمْ يَعِبْ أَخَاهُ
 بَعِيْبٍ حَتَّى يَنْفِي ذَلِكَ الْعَيْبَ مِنْ نَفْسِهِ فَإِنَّهُ لَا
 يَنْفِي مِنْهَا عَيْبًا إِلَّا بَدَا لَهُ عَيْبٌ آخَرَ وَ كَفَى
 بِالْمَرْءِ شُغْلًا بِنَفْسِهِ عَنِ النَّاسِ

۴ - خضر بن مسلم صیرفی گوید: شنیدم از
 امام صادق عليه السلام که میفرمود: آن روزی که

سایه‌ای جز سایه عرش الهی نیست سه کس در آن سایه خواهند بود: مردیکه نسبت برفتار مردم با او منصفانه قضاوت کند و مردیکه تا رضا و خشم خداوند را در کاری نداند گامی پس و پیش نهد و مردیکه تا عیبی را از خویشتن دور نساخته است از برادرش در آن باره عیبجوئی نکند و البته هر عیبی را که از خود دور کند عیب دیگری خود نمائی خواهد نمود و هر کس بخویشتن بپردازد مجال عیبجوئی دیگران را نخواهد داشت.

سه کس روز قیامت از همه کس به خدا نزدیکتراند

ثلاثة أقرب الخلق إلى الله عز و جل يوم القيامة

ه - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ ثَلَاثَةٌ هُمْ أَقْرَبُ الْخَلْقِ إِلَى اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى يَفْرَغَ النَّاسُ مِنَ الْحِسَابِ رَجُلٌ لَمْ تَدْعُهُ قُدْرَتُهُ فِي حَالِ غَضَبِهِ إِلَى أَنْ يَجِيفَ عَلَى مَنْ تَحْتَ يَدَيْهِ وَ رَجُلٌ مَشَى بَيْنَ اثْنَيْنِ فَلَمْ يَمِلْ مَعَ أَحَدِهِمَا عَلَى الْأَخْرِ بِشَعِيرَةٍ وَ رَجُلٌ قَالَ الْحَقُّ فِيمَا لَهُ وَ عَلَيْهِ

ه - امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: سه کس در روز قیامت بیش از همه در جوار رحمت حق آرمیده‌اند تا مردم از حساب فارغ شوند: مردی که در حال خشم از قدرت خود بر علیه زیر دست استفاده نکند و مردیکه کار دو نفر بدست او بیفتد و دل بیکی ندهد که بر دیگری ضرر برساند و مردیکه در سود و زیان خود حق گو باشد.

بهنگام پیدایش سه چیز دعا مستجاب می‌شود عند وجود ثلاثة أشياء إجابة الدعاء
 ٦ حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ
 بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ إِسْحَاقَ
 التَّاجِرِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَدِيدٍ
 رَفَعَهُ إِلَيَّ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ إِذَا
 اقْشَعَرَ جِلْدُكَ وَ دَمَعَتْ عَيْنَاكَ وَ وَجِلَ قَلْبُكَ
 فَدُونَكَ دُونَكَ فَقَدْ قُصِدَ قُصْدُكَ

٦- امام صادق عليه السلام فرمود: هر وقت پوست
 بر تنت جمع شد و اشکت روان و دلت لرزان
 گردید آن حال را بگیر و از دست مده که
 حاجت مورد توجه حق قرار گرفته است.

تا سه خصلت در کسی نباشد مؤمن نیست

لا يكون المؤمن مؤمنا حتى يكون فيه ثلاث
 خصال

٧ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
 أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ
 قَالَ حَدَّثَنِي سَهْلُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ الْحَارِثِ بْنِ
 الدُّلْهَاتِ مَوْلَى الرُّضَا عليه السلام قَالَ سَمِعْتُ أَبَا
 الْحَسَنِ عليه السلام يَقُولُ لَا يَكُونُ الْمُؤْمِنُ مُؤْمِنًا حَتَّى
 يَكُونَ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ سُنَّةٌ مِنْ رَبِّهِ وَ سُنَّةٌ مِنْ
 نَبِيِّهِ وَ سُنَّةٌ مِنْ وَلِيِّهِ فَالْسُّنَّةُ مِنْ رَبِّهِ كِتْمَانُ
 سِرِّهِ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهَرُ
 عَلَى غَيْبِهِ أَحَدًا إِلَّا مَنْ ارْتَضَى مِنْ رَسُولٍ وَ
 أَمَّا السُّنَّةُ مِنْ نَبِيِّهِ صلى الله عليه وآله فَمُدَارَاةُ النَّاسِ فَإِنَّ
 اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَمَرَ نَبِيَّهِ صلى الله عليه وآله بِمُدَارَاةِ النَّاسِ
 فَقَالَ خُذِ الْعَفْوَ وَ أْمُرْ بِالْعُرْفِ وَ أَعْرِضْ عَنِ
 الْجَاهِلِينَ وَ أَمَّا السُّنَّةُ مِنْ وَلِيِّهِ فَالصَّبْرُ فِي
 الْبِأْسَاءِ وَ الضَّرَائِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ وَ
 الصَّابِرِينَ فِي الْبِأْسَاءِ وَ الضَّرَائِ

٧ - امام رضا عليه السلام فرمود: تا سه خصلت در
 مؤمن نباشد مؤمن واقعی نگردد يك راه و
 روش از پروردگارش و يك روش از پیغمبرش و
 يك روش از امامش روش الهی راز پوشیدن

است که خداوند فرموده است؛ خدا دانای غیب است و کسی را بر آن آگاه نگرداند مگر از پیغمبران آن را که از وی راضی باشد، و اما روشی که از پیغمبرش باید داشته باشد مدارا کردن با مردم است که خداوند عز و جل پیغمبر خود را بمدارا با مردم مأمور کرد و فرمود: گذشت داشته باش و مردم را به نیکی وادار و از نادانان روی بگردان و اما روشی که از امام اش باید داشته باشد شکیبائی در گرفتاری و سختی است که خدای عز و جل میفرماید آنان که در گرفتاریها و سختیها شکیبا هستند .

سه صفت در مؤمن دیده نمیشود

ثلاث خصال لا تكون في المؤمن
 ۸ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنِ النَّضْرِ بْنِ شَعَيْبٍ عَنِ الْحَارِثِيِّ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ أَبِيهِ عليه السلام قَالَ لَا يُؤْمِنُ رَجُلٌ فِيهِ الشُّحُّ وَالْحَسَدُ وَالْجُبْنُ وَلَا يَكُونُ الْمُؤْمِنُ جَبَانًا وَلَا حَرِيصًا وَلَا شَجِيحًا

۸ - امام باقر عليه السلام فرمود: مردی که دارای بخل و حسد و ترس باشد ایمان ندارد که مؤمن نه ترسو می‌شود و نه حریص و نه بخیل.

پیغمبر سه دعا کرد که دو دعا مستجاب گردید و یکی مستجاب نشد سأل النبی صلی الله علیه و آله ربه عز و جل ثلاث خصال فأعطاها اثنتين و منعه واحدة

۹ - أَخْبَرَنَا سُلَيْمَانُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ أَيُّوبَ اللَّخْمِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَثْمَانَ بْنِ أَبِي شَيْبَةَ قَالَ حَدَّثَنَا مِنْجَابُ بْنُ الْحَارِثِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو حَذِيفَةَ الثُّعَلِيُّ عَنِ زِيَادِ بْنِ عَلَاقَةَ عَنِ جَابِرِ بْنِ سَمُرَةَ السُّوَائِيِّ عَنِ عَلِيِّ بْنِ

أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ سَأَلْتُ رَبِّي تَبَارَكَ وَتَعَالَى ثَلَاثَ خِصَالٍ فَأَعْطَانِي اثْنَتَيْنِ وَ مَنَعَنِي وَاحِدَةً قُلْتُ يَا رَبِّ لَا تُهْلِكْ أُمَّتِي جُوعاً قَالَ لَكَ هَذِهِ قُلْتُ يَا رَبِّ لَا تُسَلِّطْ عَلَيْهِمْ عَدُوًّا مِنْ غَيْرِهِمْ يَغْنِي مِنْ الْمُشْرِكِينَ فَيَجْتَا حُوهُمْ قَالَ لَكَ ذَلِكَ قُلْتُ يَا رَبِّ لَا تَجْعَلَ بِأَسْهُمَ بَيْنَهُمْ فَمَنَعَنِي هَذِهِ

قال سليمان بن أحمد لا يروى هذا الحديث عن علي عَلَيْهِ السَّلَامُ إلا بهذا الإسناد تفرد به منجاب بن الحارث

۹ - رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: از خدای خود سه چیز خواستم که دو از آنها را بمن عطا فرمود و یکی را دریغ داشت یکی آنکه عرض کردم: پروردگارا امت مرا از گرسنگی ممیران فرمود: این خواسته‌ات رواست دیگر عرض کردم: پروردگارا بر آنان دشمن خارجی: مشرکین- مسلط مفرما که نابودشان سازد فرمود: این حاجتت نیز رواست عرض کردم: اینان را با یک دیگر دشمن مکن، این حاجت را برنیاورد، سلیمان بن احمد گفته است این حدیث از علی عَلَيْهِ السَّلَامُ فقط بهمین یک سند روایت شده است و منجاب بن حارث تنها کسی است که این حدیث را روایت نموده است .

سه چیز موجب بالا رفتن درجه است

و سه چیز باعث کفاره گناه و سه چیز کشنده و سه چیز نجات بخشانند ثلاث درجات و ثلاث كفارات و ثلاث موبقات و ثلاث منجیات
 ۱۰ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ هَارُونَ بْنِ الْجَهْمِ عَنْ ثَوِيرِ بْنِ أَبِي فَاخِتَةَ عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ الْمُفْضَلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ سَعْدِ بْنِ طَرِيفٍ عَنْ

أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ ثَلَاثٌ
 دَرَجَاتٌ وَ ثَلَاثٌ كَفَارَاتٌ وَ ثَلَاثٌ مُوبِقَاتٌ وَ ثَلَاثٌ
 مُنْجِيَاتٌ فَأَمَّا الدَّرَجَاتُ فَأَفْشَاءُ السَّلَامِ وَ
 إِطْعَامُ الطَّعَامِ وَ الصَّلَاةُ بِاللَّيْلِ وَ النَّاسُ
 نِيَامٌ وَ الْكَفَّارَاتُ إِسْبَاغُ الوُضُوءِ فِي
 السَّبْرَاتِ وَ الْمَشْيُ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ إِلَى
 الصَّلَوَاتِ وَ الْمُحَافَظَةُ عَلَى الْجَمَاعَاتِ وَ أَمَّا
 الثَّلَاثُ الْمُوبِقَاتُ فَشَحُّ مُطَاعٍ وَ هَوَى مُتَّبَعٍ وَ
 إِعْجَابُ الْمَرْءِ بِنَفْسِهِ وَ أَمَّا الْمُنْجِيَاتُ فَخَوْفُ
 اللَّهِ فِي السَّرِّ وَ الْعَلَانِيَةِ وَ الْقَصْدُ فِي الْغِنَى وَ
 الْفَقْرِ وَ كَلِمَةُ الْعَدْلِ فِي الرِّضَا وَ السَّخَطِ

۱۰ - امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: سه چیز باعث
 بالا رفتن درجه است و سه چیز موجب کفاره
 گناه و سه چیز کشنده است و سه چیز نجات
 بخش.

اما موجبات درجات: آشکار سلام دادن و
 اطعام کردن و در دل شب که مردم بخواباند
 نماز خواندن است و اما کفاره‌ها در هوای
 سرد وضوی کامل ساختن و برای ادای
 نمازهای شبانه روزی گام برداشتن و بنماز
 جماعت مواظبت نمودن میباشد.

و اما آن سه که کشنده است بخلی است که
 در وجود انسانی حاکم و فرمانروا باشد و
 هوای نفسی که از آن پیروی شود و خود
 پسندی است.

و اما چیزهای نجات بخش: در پنهان و
 آشکار از خداوند ترسیدن و در حال
 ثروتمندی و تهی دستی میانه‌روی کردن و در
 حال رضا و خشم سخن بعدالت گفتن است و
 روایت ۱۱ نیز بهمین مضمون است و روایت
 دیگری از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ رسیده است که من
 آن را در کتاب معانی الاخبار با سند نقل
 کرده‌ام و در آن روایت شح مطاع را که
 بمعنی بخل است به بدگمانی بخدای عز و جل
 معنا فرموده است.

شرح -

هر دو معنا یکی است زیرا منشأ بخل همان بدگمانی بخداوند است، دقت شود.

۱۱ - أَخْبَرَنِي الْخَلِيلُ بْنُ أَحْمَدَ السَّجْزِيُّ الْقَاضِي قَالَ أَخْبَرَنَا ابْنُ صَاعِدٍ قَالَ حَدَّثَنَا يُوسُفُ بْنُ مُوسَى الْقَطَّانُ وَ أَحْمَدُ بْنُ مَنْصُورِ بْنِ سَيَّارٍ قَالَا حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ يُونُسَ قَالَ حَدَّثَنَا أَيُّوبُ بْنُ عُثْبَةَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ بُكَيْرِ الْعَبْدِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا قَتَادَةُ عَنْ أَنَسٍ عَنِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ قَالَ ثَلَاثٌ مُهْلِكَاتٌ وَ ثَلَاثٌ مُنْجِيَاتٌ فَالْمُنْجِيَاتُ خَشْيَةُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فِي السِّرِّ وَ الْعَلَانِيَةِ وَ الْقَصْدُ فِي الْغِنَى وَ الْفَقْرُ وَ الْعَدْلُ فِي الرِّضَا وَ الْغَضَبُ وَ الثَّلَاثُ الْمُهْلِكَاتُ شَحُّ مُطَاعٍ وَ هَوَى مُتَّبَعٌ وَ إِعْجَابُ الْمَرْءِ بِنَفْسِهِ وَ قَدْ رُوِيَ حَدِيثٌ آخَرَ عَنِ الصَّادِقِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ الشَّحُّ الْمُطَاعُ سُوءٌ الظَّنُّ بِاللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ قَدْ أَخْرَجْتَهُ مَسْنَدًا فِي كِتَابِ مَعَانِي الْأَخْبَارِ

۱۲ - حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الشَّاهِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو حَامِدٍ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو يَزِيدٍ أَحْمَدُ بْنُ خَالِدِ الْخَالِدِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ صَالِحِ التَّمِيمِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي قَالَ حَدَّثَنَا أَنَسُ بْنُ مُحَمَّدٍ أَبُو مَالِكٍ عَنِ أَبِيهِ عَنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ أَبِيهِ عَنِ جَدِّهِ عَنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام عَنِ النَّبِيِّ ﷺ أَنَّهُ قَالَ فِي وَصِيَّتِهِ لَهُ يَا عَلِيُّ ثَلَاثٌ دَرَجَاتٌ وَ ثَلَاثٌ كَفَّارَاتٌ وَ ثَلَاثٌ مُهْلِكَاتٌ وَ ثَلَاثٌ مُنْجِيَاتٌ فَأَمَّا الدَّرَجَاتُ فَإِسْبَاغُ الوُضُوءِ فِي السَّبْرَاتِ وَ انْتِظَارُ الصَّلَاةِ بَعْدَ الصَّلَاةِ وَ الْمَشْيُ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ إِلَى الْجَمَاعَاتِ وَ أَمَّا الْكَفَّارَاتُ فَإِفْشَاءُ السَّلَامِ وَ إِطْعَامُ الطَّعَامِ وَ التَّهَجُّدُ بِاللَّيْلِ وَ النَّاسُ نِيَامٌ وَ أَمَّا الْمُهْلِكَاتُ فَشَحُّ مُطَاعٍ وَ هَوَى مُتَّبَعٌ وَ إِعْجَابُ الْمَرْءِ بِنَفْسِهِ وَ أَمَّا الْمُنْجِيَاتُ فَخَوْفُ اللَّهِ فِي السِّرِّ وَ الْعَلَانِيَةِ وَ الْقَصْدُ فِي الْغِنَى وَ الْفَقْرُ وَ كَلِمَةُ الْعَدْلِ فِي الرِّضَا وَ السَّخَطِ

وَ فِي حَدِيثٍ آخَرَ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ أَنَّهُ لَمَّا سُئِلَ فِي الْمِعْرَاجِ فِيمَا اخْتَصَمَ الْمَلَأُ الْأَعْلَى قَالَ فِي الدَّرَجَاتِ وَ الْكَفَّارَاتِ قَالَ فَنُودِيَثُ وَ مَا الدَّرَجَاتُ قُلْتُ إِسْبَاحُ الْوُضُوءِ فِي السَّبَرَاتِ وَ الْمَشْيُ إِلَى الْجَمَاعَاتِ وَ انْتِظَارُ الصَّلَاةِ بَعْدَ الصَّلَاةِ وَ وَلايَتِي وَ وَلايَةُ أَهْلِ بَيْتِي حَتَّى الْمَمَاتِ وَ الْحَدِيثُ طَوِيلٌ قَدْ أَخْرَجْتَهُ مَسْنَدًا عَلَى وَجْهِهِ فِي كِتَابِ إِثْبَاتِ الْمِعْرَاجِ

۱۲ - رسول خدا ﷺ در وصیتش به امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: یا علی سه چیز باعث درجه است و سه چیز کفاره گناه و سه چیز کشنده و سه چیز نجات بخش.

اما موجبات درجه: در هوای سرد وضوی کامل گرفتن، و پس از ادای نمازی بانتظار نماز دیگر بودن و در شبانه روز بنماز جماعت رفتن است.

و اما کفارات: آشکار سلام دادن و اطعام نمودن و نماز شب خواندن است، و اما کشنده‌ها: بخل فرمانروا در وجود انسانی و هوای نفس پیروی شده و خود پسندی است.

و اما نجات بخش‌ها: در پیدا و نهان از خدای ترسیدن و در حال بی‌نیازی و نیازمندی میانه‌رو بودن و در حال رضا و خشم به عدالت سخن گفتن است.

و در حدیث دیگر است که چون از پیغمبر در معراج سؤال شد که فرشتگان عالم بالا در چه باره گفتگو داشتند؟ جواب فرمود: در درجات و کفارات.

پیغمبر فرمود: آوازی بمن رسید که درجات چیست؟ گفتم: در هوای سرد وضوی کامل گرفتن و به نماز جماعت رفتن و پس از ادای نمازی بانتظار نماز دیگر بودن و دوستی من و خاندان من تا بهنگام مردن و روایت مفصل است و من آن را با سندش در جای خود در کتاب (اثبات معراج) نقل کرده‌ام.

۱۳ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوِيهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنِي عَمِّي مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي الْقَاسِمِ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ ثَلَاثٌ مُوبِقَاتٌ نَكَتُ الصَّفْقَةَ وَ تَرَكَ السُّنَّةَ وَ فِرَاقُ الْجَمَاعَةِ وَ ثَلَاثٌ مُنْجِيَاتٌ تَكْفُ لِسَانَكَ وَ تَبْكِي عَلَى خَطِيئَتِكَ وَ تَلْزَمُ بَيْتَكَ

۱۳ - رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: سه چیز هلاک کننده است: پیمان شکنی و ترک سنت پیغمبر و دوری از اجتماع مسلمانان و سه چیز نجات بخشانند زبان خود را نگاه بداری و بر گناهت بنالی و خانه نشین باشی.

پاداش سه صفت همسری با حور العین است

ثلاث من كن فيه زوجه الله من الحور العين
 ۱۴ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ثَلَاثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ زَوْجَةٌ لِلَّهِ مِنَ الْحُورِ الْعَيْنِ كَيْفَ يَشَاءُ كَظْمُ الْغَيْظِ وَ الصَّبْرُ عَلَى السُّيُوفِ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ رَجُلٌ أَشْرَفَ عَلَى مَالٍ حَرَامٍ فَتَرَكَهُ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ

۱۴ - امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: هر کس سه صفت داشته باشد خداوند به دلخواه او از حوریان بهشت همسرش میدهد: خشم فرو بردن و در برابر شمشیرها در راه خدا شکیبا بودن و آنکه به مال حرامی دست یابد و برای رضای خدای عز و جل از آن بگذرد.

سه طایفه اند که اگر ستم بر آنان نکنی آنان بر تو ستم خواهند کرد

ثلاثة إن لم تظلمهم ظلموك
١٥ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكَّلِ
رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ
الْجَمِيرِيِّ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ مُوسَى بْنِ
الْقَاسِمِ الْبَجَلِيِّ عَنْ ذَرِيحِ الْمُخَارِبِيِّ عَنْ أَبِي
عَبْدِ اللَّهِ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ ثَلَاثَةٌ
إِنْ لَمْ تَظْلِمُهُمْ ظَلَمُواكَ السَّفِيلَةَ وَ زَوْجَتَكَ وَ
خَادِمَكَ

١٥ - رسول خدا ﷺ فرمود: سه طایفه را
اگر ستم نکنی بر تو ستم کنند: فرومایگان
و همسرت و خدمتکارت

شرح:

توجیه روایت باین لفظ که نقل شد چنین
است: که این سه طایفه بواسطه نداشتن رشد
فکری از رفیق و مدارا سوء استفاده
میکنند، لذا بایستی تا حدود مشروع به
آنان سختگیری نمود ولی در روایت تحف
العقول و بحار حرف واو اضافه دارد
(ثلاثة و ان لم تظلمهم ظلموك)

یعنی سه طایفه بر تو ستم خواهند کرد
هر چند تو بر آنان ستمی روا نداری بنا
بر این احتیاجی بتوجیه روایت نیست.

سه کس نمیتواند حق خود را از سه کس بستاند

ثلاثة لا ينتصفون من ثلاثة
١٦ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوِيهِ رَحِمَهُ
اللَّهُ عَنْ عَمِّهِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي الْقَاسِمِ قَالَ حَدَّثَنِي
أَحْمَدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيُّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ
عُبَيْدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلْوَانَ عَنْ عَمْرِو بْنِ
ثَابِتٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ ابْنِهِ عَنِ عَلِيِّ بْنِ
قَالَ ثَلَاثَةٌ لَا يَنْتَصِفُونَ مِنْ ثَلَاثَةٍ شَرِيفٌ مِنْ
وَضِيْعٍ وَ حَلِيمٌ مِنْ سَفِيهِ وَ بَرٌّ مِنْ فَاجِرٍ
١٦ - رسول خدا ﷺ فرمود: سه کس
نمیتواند حق خود را از سه کس بستاند:
شریف از پست بردبار از سفیه، نیکوکار از
بدکردار.

بنده همواره با سه چیز روبرو است

ثلاث خصال العبد بينهن
١٧ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ
أَبِي الْقَاسِمِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ حَمَادٍ عَنْ أَبِي
عِمْرَانَ عَمْرِو بْنِ مُصْعَبٍ الْعَزْرَمِيِّ عَنْ أَبِي حَمْرَةَ
الثَّمَالِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام يَقُولُ الْعَبْدُ
بَيْنَ ثَلَاثَةِ بَلَاءٍ وَ قَضَاءٍ وَ نِعْمَةٍ فَعَلَيْهِ فِي
الْبَلَاءِ مِنَ اللَّهِ الصَّبْرُ فَرِيضَةٌ وَ عَلَيْهِ فِي
الْقَضَاءِ مِنَ اللَّهِ التَّسْلِيمُ فَرِيضَةٌ وَ عَلَيْهِ فِي
النُّعْمَةِ مِنَ اللَّهِ عَزٌّ وَ جَلُّ الشُّكْرِ فَرِيضَةٌ
١٧ - ابی حمزه گوید: شنیدم از امام
باقر علیه السلام که میفرمود: بنده با سه چیز
روبرو است بلا و قضا و نعمت در بلاى الهی
صبر بر او لازم است و در قضای الهی تسلیم
بر او واجب و در نعمتی که از خداوند به
او میرسد وظیفه اش شکرگزاری است.

سه کس سزاوار دلسوزی هستند

ثلاثة حق لهم أن يرحموا
١٨ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ
الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ
الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى
عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ
سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ إِنِّي لَأَرْحَمُ ثَلَاثَةً وَ
حَقٌّ لَهُمْ أَنْ يُرْحَمُوا عَزِيزٌ أَصَابَتْهُ مَذَلَّةٌ بَعْدَ
الْعِزِّ وَ غَنِيٌّ أَصَابَتْهُ حَاجَةٌ بَعْدَ الْغِنَى وَ
عَالِمٌ يَسْتَخْفُ بِهٖ أَهْلُهُ وَ الْجَهْلَةُ
١٨ - عبد الله بن سنان گوید: از امام
صادق عليه السلام شنیدم که میفرمود: مرا بر سه کس
ترحم آید و سزاوار ترحمند: عزیزی که پس
از عزت به خواری دچار آید و ثروتمندی که
پس از دوران بی‌نیازی نیازمند گردد و
دانشمندی که خاندانش و مردم نادان قدر
وی نشناسند.

سه کس را خدای عز و جل دشمن میدارد

ثلاثة يبغضهم الله عز و جل
١٩ - حَدَّثَنَا حَمَزَةُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ
الْعَلَوِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ أَخْبَرَنِي عَلِيُّ بْنُ
إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ
ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي
عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يُبْغِضُ الْغَنِيَّ
الظُّلُومَ وَ الشَّيْخَ الْفَاجِرَ وَ الصُّعْلُوكَ
الْمُخْتَالَ ثُمَّ قَالَ أَ تَدْرِي مَا الصُّعْلُوكُ
الْمُخْتَالُ قَالَ فَقُلْنَا الْقَلِيلُ الْمَالِ قَالَ لَا
هُوَ الَّذِي لَا يَتَّقِرُّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ بِشَيْءٍ مِنْ
مَالِهِ

١٩ - امام صادق عليه السلام فرمود: خدای عز و
جل شخص ثروتمند ستمگر، و پیر گنهکار و
درویش نیرنگ باز را دشمن میدارد، سپس
فرمود: میدانی درویش نیرنگ باز کیست؟
گوید: عرض کردیم: شخص بی‌بضاعت و تهی

دست؟ فرمود نه، او کسی است که از ثروت خود در راه خدا هیچ استفاده نکند.

در سه مورد دروغ گفتن زیبا است، و در سه مورد راست گفتن زشت است

و همنشینی با سه کس دل را می‌میراند
ثلاث یحسن فیهن الکذب و ثلاث یقبح فیهن الصدق و ثلاثة مجالستهم تمیت القلب
۲۰ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ أَبِي الْحُسَيْنِ بْنِ الْحَضْرَمِيِّ عَنْ مُوسَى بْنِ الْقَاسِمِ الْبَجَلِيِّ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْمُحَارِبِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ قَالَ قَالَ النَّبِيُّ ﷺ ثَلَاثٌ يَحْسُنُ فِيهِنَّ الْكُذْبُ الْمَكِيدَةُ فِي الْحَرْبِ وَ عِدَّتُكَ زَوْجَتَكَ وَ الْإِصْلَاحَ بَيْنَ النَّاسِ وَ ثَلَاثٌ يَقْبُحُ فِيهِمُ الصَّدْقُ النَّمِيمَةُ وَ إِخْبَارُكَ الرَّجُلَ عَنْ أَهْلِهِ بِمَا يَكْرَهُهُ وَ تَكْذِيبُكَ الرَّجُلَ عَنِ الْخَبَرِ قَالَ وَ ثَلَاثَةٌ مُجَالَسَتُهُمْ تُمِيتُ الْقَلْبَ مُجَالَسَةُ الْأَنْذَالِ وَ الْحَدِيثُ مَعَ النِّسَاءِ وَ مُجَالَسَةُ الْأَغْنِيَاءِ

۲۰ - رسول خدا ﷺ فرمود: در سه مورد دروغ گفتن زیبا است: در حيله جنگی و وعده‌ای که به همسر خویش بدهی و اصلاح میان مردم، و در سه مورد راستگویی زشت است: سخن چینی و از خانواده کسی به او خبر ناخوش بدهی و خبر دیگری را تکذیب کنی و فرمود: همنشینی سه کس دل را می‌میراند همنشینی پست فطرتان هم صحبتی با زنان و همنشینی با ثروتمندان.

سه چیز به پاداش سه چیز

ثلاث بثلاث

۲۱ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ قَالَ حَدَّثَنِي

مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ الرَّازِيِّ
عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ
مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ مَنْ صَدَقَ لِسَانُهُ
رَكَاعَةً وَعَمَلُهُ وَمَنْ حَسَنَتْ نِيَّتُهُ زَادَ اللَّهُ فِي رِزْقِهِ
وَمَنْ حَسَنَ بِرُّهُ بِأَهْلِهِ زَادَ اللَّهُ فِي عُمْرِهِ

۲۱ - امام صادق عليه السلام فرمود: هر که زبانش
راستگو باشد کردارش پاکیزه می‌گردد و هر
که نیتش نیکو باشد خداوند روزیش را
افزون فرماید و هر که با اهل و عیال
خویش کاملاً نیکوکار باشد خداوند به عمر
او بیفزاید.

سه چیز بسزای یکی

واحدة بثلاث

۲۲ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ
أَبِي سَعِيدِ الْأَدْمِيِّ عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ الْعَبْدِيِّ عَنْ
ابْنِ أَبِي يَعْفُورٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام
يَقُولُ مَنْ تَعَلَّقَ قَلْبُهُ بِالدُّنْيَا تَعَلَّقَ مِنْهَا
بِثَلَاثِ خِصَالٍ هُمْ لَا يَفْنَى وَ أَمَلٍ لَا يُدْرِكُ وَ
رَجَاءٍ لَا يُنَالُ

۲۲ - ابن ابی یعفور گوید: شنیدم امام
صادق عليه السلام می‌فرمود: هر که دل بدنیاء بندد
بسه چیز از آن گرفتار آید: اندوه
بی‌پایان، آرزوی ناکام، امید نافرجام

سه چیز نشانه پیری است

علامات الكبر ثلاث

۲۳ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ
الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ
الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ مُحَمَّدِ
بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ
عَنِ الصَّبَّاحِ مَوْلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ كُنْتُ مَعَ
أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَلَمَّا مَرَرْنَا بِأَحَدٍ قَالَ تَرَى

الثَّقَبَ الَّذِي فِيهِ قُلْتُ نَعَمْ قَالَ أَمَا أَنَا
فَلَسْتُ أَرَاهُ وَ عَلَامَةُ الْكِبَرِ ثَلَاثُ كِلَالُ الْبَصْرِ وَ
انْجِنَاءُ الظَّهْرِ وَ رِقَّةُ الْقَدَمِ

۲۳ - صباح آزادشده امام صادق عليه السلام گوید:
در خدمت امام صادق عليه السلام بودم از کنار کوه
احد که میگذشتیم فرمود: شکافی را که در
کوه است میبینی؟ عرض کردم: بلی، فرمود:
اما من که نمی‌بینم و نشانه پیری سه چیز
است کم سوئی چشم و خمیدگی پشت و ناتوانی
پا

سه چیز مخصوص پیغمبران است و فرزندان و پیروانشان

ثلاث خصال خص بها الأنبياء عليهم السلام و أولادهم و
أتباعهم

۲۴ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ مُوسَى
الْخَشَّابُ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ
عُثْمَانَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ
إِنَّ الْأَنْبِيَاءَ وَ أَوْلَادَ الْأَنْبِيَاءِ وَ أَتْبَاعَ
الْأَنْبِيَاءِ خُصُّوا بِثَلَاثِ خِصَالٍ السُّقْمِ فِي الْأَبْدَانِ
وَ خَوْفِ السُّلْطَانِ وَ الْفَقْرِ

۲۴ - موسی بن جعفر عليه السلام فرمود: بر راستی
که پیغمبران و فرزندانشان و پیروانشان
به سه چیز اختصاص یافتند: بیماری جسمی و
ترس از حکومت وقت و فقر و تهی دستی.

دشمنی خدای تبارک و تعالی در سه چیز است

ثلاث خصال فيهن المقت من الله تبارك و
تعالى

۲۵ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكَّلِ
رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى
الْعَطَّارُ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ قَالَ
حَدَّثَنِي مُوسَى بْنُ جَعْفَرِ الْبَغْدَادِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ

المُعَلَّى عَمَّنْ أَخْبَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ
ثَلَاثٌ فِيهِنَّ الْمَقْتُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ نَوْمٌ مِنْ غَيْرِ
سَهَرٍ وَ ضِحْكٌ مِنْ غَيْرِ عَجَبٍ وَ أَكْلٌ عَلَى الشَّبَعِ
٢٥ - امام صادق عليه السلام فرمود: سه چیز است
که دشمنی خداوند عز و جل در آنها است.
خواب تمام شب و خنده بدون جهت و خوردن
در حال سیری.

هدیه بر سه قسم است

الهدية على ثلاثة وجوه
٢٦ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوَيْهِ رَضِيَ
اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنِي عَمِّي مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي الْقَاسِمِ
عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ
الْعَبَّاسِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ
الْجَبَّارِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ
الْهَدِيَّةُ عَلَى ثَلَاثَةٍ وَجُوهٍ هَدِيَّةٌ مُكَافَأَةٌ وَ
هَدِيَّةٌ مُصَانَعَةٌ وَ هَدِيَّةٌ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ
٢٦ - امام صادق عليه السلام فرمود: هدیه بر سه
قسم است هدیه پاداش و هدیه رشوه و هدیه
برای خدای عز و جل

سه خصلت است که پیغمبر و کمتر از او از آنها خالی نیست

ثلاث خصال لم يعر منها نبى فمن دونه
٢٧ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ
جَمِيعاً عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى بْنِ عِمْرَانَ
الْأَشْعَرِيِّ بِإِسْنَادِهِ يَرْفَعُهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام
قَالَ ثَلَاثٌ لَمْ يَعْرِ مِنْهَا نَبِيٌّ فَمَنْ دُونَهُ
الطَّيْرَةُ وَ الْحَسَدُ وَ التَّفَكُّرُ فِي الْوَسْوَسةِ فِي
الْخَلْقِ

قال مصنف هذا الكتاب أدام الله عزه معنى
الطيرة فى هذا الموضع هو أن يتطير منهم
قومهم فأما هم عليه السلام فلا يتطيرون و ذلك كما
قال الله عز و جل عن قوم صالح قالوا اطَّيَّرْنَا

بِكَ وَ يَمَنُ مَعَكَ قَالَ طَائِرُكُمْ عِنْدَ اللَّهِ وَ كَمَا
قَالَ آخَرُونَ لِأَنْبِيَائِهِمْ ﷺ إِنَّا تَطَيَّرْنَا بِكُمْ
لَئِن لَّمْ تَنْتَهُوا لَنَرْجُمَنَّكُمْ الْآيَةَ وَ أَمَا
الْحَسَدُ فَإِنَّهُ فِي هَذَا الْمَوْضِعِ هُوَ أَنْ يَحْسَدُوا
لَا أَنَّهُمْ يَحْسَدُونَ غَيْرَهُمْ

وَ ذَلِكَ كَمَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَمْ يَحْسُدُونَ
النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا
آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ آتَيْنَاهُمْ
مُلْكًا عَظِيمًا وَ أَمَا التَّفَكُّرُ فِي الْوَسْوَسَةِ فِي
الْخَلْقِ فَهُوَ بِلِوَاهِمِ ﷺ بِأَهْلِ الْوَسْوَسَةِ لَا غَيْرَ
ذَلِكَ وَ ذَلِكَ كَمَا حَكَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَنْ
الْوَلِيدِ بْنِ الْمَغِيرَةِ الْمَخْزُومِيِّ إِنَّهُ فَكَّرَ وَ
قَدَّرَ فَقَتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ ثُمَّ قُتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ يَعْنِي
قَالَ لِلْقُرْآنِ إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ يُؤَثِّرُ إِنَّ هَذَا
إِلَّا قَوْلُ الْبَشَرِ

۲۷ - امام صادق ﷺ فرمود: سه چیز است
که پیغمبر و هر که کمتر از او است از
آنها برکنار نیست:
فال بد زدن، رشک بردن، و وسوسه آسا در
آفرینش اندیشیدن.
کلام مصنف

(مصنف این کتاب) ادام الله عزه گوید:
معنای فال بد زدن در این روایت این است
که دیگران در باره آنان فال بد زنند و
اما آنان ﷺ فال بد نزنند چنانچه خدای
عز و جل از زبان قوم صالح میفرماید
گفتند، با تو و پیروانت فال بد میزنیم.
صالح گفت: فال بد شما نزد خدا است و
چنانچه دیگران به پیمبرانانشان گفتند، ما
بشما فال بد میزنیم اگر از کار دعوت خود
دست باز ندارید ما سنگسارتان خواهیم
نمود و اما حسد. مقصود در اینجا آن است
که آنان در مورد رشک و حسد واقع میشوند
نه آنکه آنان بدیگران رشک میبرند چنانچه
خدای عز و جل میفرماید: مگر به مردم رشک
میبرند در آنچه خدا از فضل خود به آنان

داده است که ما به خاندان ابراهیم کتاب و حکمت دادیم و آنان را قدرت بزرگی عطا کردیم و اما تفکر وسوسه آسا در خلق. مقصود این است که انبیاء علیهم السلام گرفتار اهل وسوسه اند و جز این مقصود نیست چنانچه خداوند از حال ولید بن مغیره مخزومی بیان میکند که او فکر کرد و در دل خود خیالاتش را آماده نمود مرده باد که چگونه آماده نمود یعنی در باره قرآن گفت: که این همان جادوی آموخته شده است و گفتار بشری بیش نیست .

ریشه های کفر سه چیز است

أصول الكفر ثلاثة

۲۸ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّقَّارُ قَالَ حَدَّثَنِي الْعَبَّاسُ بْنُ مَعْرُوفٍ عَنْ بَكْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ أَصُولُ الْكُفْرِ ثَلَاثَةٌ الْجِرْصُ وَالْإِسْتِكْبَارُ وَالْحَسَدُ فَأَمَّا الْجِرْصُ فَآدَمُ حِينَ نُهِِيَ عَنِ الشَّجَرَةِ حَمَلَهُ الْجِرْصُ عَلَى أَنْ يَأْكُلَ مِنْهَا وَ أَمَّا الْإِسْتِكْبَارُ فَابْلِيسُ حِينَ أَمَرَ بِالسُّجُودِ فَأَبَى وَ أَمَّا الْحَسَدُ فَابْنَا آدَمَ حِينَ قَتَلَ أَحَدَهُمَا صَاحِبَهُ حَسَدًا

۲۸ - امام صادق عليه السلام فرمود: سه چیز ریشه های کفر است: حرص و خودبینی و حسد، اما حرص هنگامی که آدم از نزدیک شدن بدرخت نهی شد حرصش واداشت که از آن بخورد و اما خودبینی هنگامی که ابلیس دستور یافت سجده کند و نکرد از خودبینی بود و اما حسد پس دو فرزند آدم که یکی دیگری را کشت از روی حسد بود.

وام بر سه قسم است

الدين على ثلاثة وجوه
٢٩ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الرَّازِيِّ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ الْعَبَّاسِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ يَقْطِينٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ خَلْفِ بْنِ حَمَّادٍ عَنْ مُحَرَّرٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ الدِّينُ عَلَى ثَلَاثَةٍ وَجُوهٍ رَجُلٍ إِذَا كَانَ لَهُ فَانْظَرَ وَ إِذَا كَانَ عَلَيْهِ أُعْطِيَ وَ لَمْ يُمَاطِلْ فَذَلِكَ لَهُ وَ لَا عَلَيْهِ وَ رَجُلٍ إِذَا كَانَ لَهُ اسْتَوْفَى وَ إِنْ كَانَ عَلَيْهِ أُوفَى فَذَلِكَ لِأَنَّهُ وَ لَا عَلَيْهِ وَ رَجُلٍ إِذَا كَانَ لَهُ اسْتَوْفَى وَ إِذَا كَانَ عَلَيْهِ مَطَّلَ فَذَلِكَ عَلَيْهِ وَ لَا لَهُ

٢٩ - رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: وام بر سه قسم است: ١ - مردی که اگر بستانکار باشد مهلت دهد و اگر بدهکار باشد بدون تأخیر می پردازد- معامله قرضی با چنین کس- سودمند است و بی زیان ٢ - مردی که اگر بستانکار باشد طلب خود را بدون گذشت می ستاند و بدهی اش را- بدون- تأخیر- می پردازد- معامله با چنین کس- نه سود دارد نه زیان ٣ - مردی که بستانکاری اش را می ستاند و در بدهکاریش سهل انگار است معامله با چنین کس زیان بار است و بی سود.

اذن دخول سه بار است

وجوه الاستئذان ثلاثة
٣٠ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ عَمِّهِ يَعْقُوبَ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ الْإِسْتِئْذَانُ ثَلَاثَةٌ أَوْلَهُنَّ

يَسْمَعُونَ وَ الثَّانِيَةَ يَحْذَرُونَ وَ الثَّلَاثَةَ إِنْ شَاءُوا أَذْنُوا وَ إِنْ شَاءُوا لَمْ يَفْعَلُوا فَيَرْجِعُ الْمُسْتَأْذِنُ

۳۱ - امام صادق عليه السلام فرمود: اجازه ورود سه بار است که بار اول بشنوند و بار دوم خود را بپوشانند و بار سوم اگر خواستند اذن دخول بدهند و اگر خواستند اجازه ورود ندهند که در این صورت باید اجازه گیرنده باز گردد.

بر سه کس نباید سلام کرد ثلاثة لا يسلمون
۳۱ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكَّلِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الْجَمِيرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ بِإِسْنَادِهِ يَرْفَعُهُ إِلَى الصَّادِقِ عليه السلام قَالَ ثَلَاثَةٌ لَا يُسَلَّمُونَ الْمَاشِيَّ مَعَ جَنَازَةٍ وَ الْمَاشِيَّ إِلَى الْجُمُعَةِ وَ فِي بَيْتِ الْحَمَّامِ

۳۱ - امام صادق عليه السلام فرمود: بر سه کس نباید سلام کرد آن را که به دنبال جنازه است و آن را که بنماز جمعه میرود و آن را که در حمام است.

بهترین مردم سه طایفه اند

خير الناس ثلاثة

۳۲ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الْجَمِيرِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْفَضْلِ النَّوْفَلِيِّ عَنْ عَيْسَى بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْهَاشِمِيِّ عَنْ أَبِي خَالِدٍ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ رَجُلٍ عَنِ ابْنِ الْمُنْكَدِرِ بِإِسْنَادِهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله خَيْرُكُمْ مَنْ أَطْعَمَ الطَّعَامَ وَ أَفْشَى السَّلَامَ وَ صَلَّى وَ النَّاسُ نِيَامٌ

۳۲ - رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: بهترین شما کسی است که سفره بازی داشته باشد و بلند

سلام کند و (در دل شب) که مردم بخوابانند
نماز بگذارد.

سه چیز است که یکی نمودار ثروت است و
دیگری نمودار زیبائی و سومی دشمن را
خوار گرداند ثلاث خصال خصله منها تظهر
الغنى و خصله تظهر الجمال و خصله تكبت
الأعداء

۳۳ - حَدَّثَنَا حَمَزَةُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ أَحْمَدَ
الْعَلَوِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ أَخْبَرَنِي عَلِيُّ بْنُ
إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ
السَّكُونِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ
آبَائِهِ عَنْ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ الدُّهْنُ يُظْهِرُ الْغِنَى وَ
الثِّيَابُ تُظْهِرُ الْجَمَالَ وَ حُسْنُ الْمَلَكَةِ يَكْبِتُ
الأعداء

۳۳ - امیر المؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: عطر زدن
نمودار ثروت است و لباس خوب نمودار
زیبائی و خوش باطن بودن دشمن را بخاک
مذلت افکند.

سه چیز از روش پیمبران است

ثلاث من سنن المرسلین

۳۴ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ
الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ
الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى
عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ يَرْفَعُهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ
قَالَ ثَلَاثٌ مِنْ سُنَنِ الْمُرْسَلِينَ الْعِطْرُ وَ إِحْفَاءُ
الشَّعْرِ وَ كَثْرَةُ الطَّرِيقَةِ

۳۴ - امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: سه چیز از
سنت پیغمبران است: بوی خوش بکار بردن و
موی را کوتاه کردن و با همسر آمیزش جنسی
بسیار نمودن.

شرح:

دستوری که از پیغمبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رسیده باشد و
پیغمبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اهتمام داشته باشد که آن
دستور بصلاح اجتماع روش زندگی مردم قرار

بگیرد آن را سنت گویند اعم از اینکه پیغمبر خود نیز بآن دستور عمل کند یا بحسب مصالحی از عمل کردن بآن خودداری نماید بنا بر این منافات ندارد که بعضی از پیغمبران مانند حضرت یحیی و عیسی بن مریم از آمیزش با زنان خودداری نموده باشند.

سه چیز چشم را روشن میسازد

ثلاثة يجلين البصر
 ۳۵ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الدُّهْقَانِ عَنْ دُرُسْتِ بْنِ أَبِي مَنْصُورٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ عليه السلام قَالَ ثَلَاثَةٌ يَجْلِيْنَ الْبَصَرَ النَّظْرُ إِلَى الْخُضْرَةِ وَ النَّظْرُ إِلَى الْمَاءِ الْجَارِي وَ النَّظْرُ إِلَى الْوَجْهِ الْحَسَنِ

۳۵ - امام موسی بن جعفر علیه السلام فرمود: سه چیز چشم را روشن میگرداند به سبزه نگریستن و به آب روان نگاه کردن و روی زیبا دیدن.

صفات نیکو سه است

الخصال الجميلة ثلاث
 ۳۶ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ الْهَيْثَمِ بْنِ أَبِي مَسْرُوقٍ النَّهْدِيِّ عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ بْنِ عُمَرَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عُمَرَ الْحَلَبِيِّ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَيُّ الْخِصَالِ بِالْمَرْءِ أَجْمَلُ قَالَ عليه السلام وَقَارٌ بِلَا مَهَابَةٍ وَ سَمَاحٌ بِلَا طَلَبٍ مُكَافَأَةٌ وَ تَشَاغُلٌ بِغَيْرِ مَتَاعِ الدُّنْيَا

۳۶ - احمد بن عمر حلبی گوید: بامام صادق علیه السلام عرض کردم: زیباترین صفت در مرد چیست؟

فرمود: وقار بدون ترساندن و گذشت و جوانمردی بدون انتظار تلافی و سرگرمی به غیر لذائذ دنیوی

زیاده روی در سه چیز است

السرف فی ثلاث

۳۷ - حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى بْنِ عِمْرَانَ الْأَشْعَرِيُّ بِإِسْنَادِهِ يَرْفَعُهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ السَّرْفُ فِي ثَلَاثٍ ابْتِدَاؤُكَ ثَوْبَ صَوْنِكَ وَ الْقَاؤُكَ النَّوَى يَمِينًا وَ شِمَالًا وَ إِهْرَاقَكَ فَضْلَةَ الْمَاءِ وَ قَالَ لَيْسَ فِي الطَّعَامِ سَرْفٌ

۳۷ - امام صادق عليه السلام فرمود: در سه چیز اسراف است: جامه بهترت را لباس کار کنی و هسته خرما را به راست و چپ پیرانی و زیادی آب بر زمین بریزی و فرمود: در خوراکی اسراف نیست.

سه کس را رسول خدا صلی الله علیه و آله لعن فرمود

لعن رسول الله صلی الله علیه و آله ثلاثة

۳۸ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوِيهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى بْنِ عُبَيْدٍ عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الدَّهْقَانِ عَنْ دُرُسْتِ بْنِ أَبِي مَنْصُورٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ لَعَنَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله ثَلَاثَةَ الْأَكِلِ زَادَهُ وَحَدَهُ وَ الرَّاكِبِ فِي الْفَلَاةِ وَحَدَهُ وَ النَّائِمِ فِي بَيْتٍ وَحَدَهُ

۳۸ - امام هفتم عليه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله سه کس را لعن فرمود آنکه توشه راه خود را به تنهایی بخورد (نه با هم سفران) و آنکه به تنهایی سفر بیابان کند و آنکه در خانه ای تنها بخوابد.

مقامی در بهشت است که جز سه کس به آن نمیرسد

فی الجنة درجة لا ينالها إلا ثلاثة
٣٩ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ
الْوَلِيدِ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ
الصَّفَّارُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنِ
النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ زُرْعَةَ عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ
أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلوات الله وسلامه عليه إِنَّ فِي
الْجَنَّةِ دَرَجَةً لَا يَنَالُهَا إِلَّا إِمَامٌ عَادِلٌ أَوْ ذُو
رَحِمٍ وَصُولٍ أَوْ ذُو عِيَالٍ صَبُورٍ
٣٩ - رسول خدا صلوات الله وسلامه عليه فرمود: برآستی که در
بهشت مقامی است که بدان نائل نشود جز
پیشوای دادگر یا خویشاوند دلجو یا
عیالمند بردبار.

از سه کس قلم تکلیف برداشته شده است

رفع القلم عن ثلاثة
٤٠ - حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدِ السَّكُونِيِّ قَالَ
حَدَّثَنَا الْحَضْرَمِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا
إِبْرَاهِيمُ بْنُ أَبِي مُعَاوِيَةَ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي
عَنِ الْأَعْمَشِ عَنْ أَبِي ظَبْيَانَ قَالَ قَالَ أَبِي عُمَرُ
بِامْرَأَةٍ مَجْنُونَةٍ قَدْ فَجَرَتْ فَأَمَرَ بِرَجْمِهَا
فَمَرُّوا بِهَا عَلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام فَقَالَ
مَا هَذِهِ قَالُوا مَجْنُونَةٌ فَجَرَتْ فَأَمَرَ بِهَا عُمَرُ
أَنْ تُرْجَمَ فَقَالَ لَا تَعْجَلُوا فَأَتَى عُمَرَ فَقَالَ لَهُ
أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ الْقَلَمَ رُفِعَ عَنْ ثَلَاثَةٍ عَنْ
الصَّبِيِّ حَتَّى يَحْتَلِمَ وَ عَنِ الْمَجْنُونِ حَتَّى يُفِيَقَ
وَ عَنِ النَّائِمِ حَتَّى يَسْتَيْقِظَ
قال مصنف هذا الكتاب جاء هذا الحديث
هكذا و الأضرفى هذا قول أهل البيت عليهم السلام
المجنون إذا زنى حد و المجنونة إذا زنت
لا تحد لأن المجنون يأتي و المجنونة تؤتى

حدیث الثلاثة النفر الذین حلفوا باللات و العزی أن یقتلوا رسول الله ﷺ فنهض إليهم علی ع

٤٠ - ابو ظبیان گوید: زن دیوانه ای را نزد عمر آوردند که عمل منافی عفت کرده بود عمر دستور داد تا سنگسارش کنند مأمورین اجرا با زن گزارشان به علی ع افتاد فرمود: این زن را چه شده است؟ عرض کردند: دیوانه ای است که دامن آلوده و اینک عمر دستور سنگسارشدنش را صادر کرده است، فرمود: شتاب نکنید پس آن حضرت نزد عمر آمده و او را گفت: مگر ندانسته ای که قلم تکلیف از سه کس برداشته شده است از کودک تا از خود منی بیند و از دیوانه تا بخود آید و از خواب رفته تا بیدار گردد.

کلام مصنف

(مصنف این کتاب گوید:) این حدیث این چنین که نقل شد رسیده است ولی قاعده در این مورد فرمایش اهل بیت است که مرد دیوانه اگر زنا کند حد به او جاری می شود و زن دیوانه اگر زنا کند حد با او جاری نگردد زیرا مرد دیوانه عمل زنا را خود انجام میدهد ولی با زن دیوانه دیگری زنا میکند

داستان آن سه کس که به لات و عزی سوگند یاد کرده بودند

که رسول خدا ﷺ را بکشند و علی ع در برابر آنان برخاست ٤١ حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ مَعْقِلِ الْقَرْمِيسِينِيُّ عَنْ جَعْفَرِ الْوَرَّاقِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الْأَشْجُ عَنْ يَحْيَى بْنِ زَيْدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ع قَالَ خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ ذَاتَ يَوْمٍ وَ صَلَّى الْفَجْرَ ثُمَّ قَالَ مَعَاشِرَ النَّاسِ أَيُّكُمْ يَنْهَضُ إِلَى ثَلَاثَةِ

نَفَرَ قَدْ آلَوْا بِاللَّاتِ وَ الْعُزَّى لِيَقْتُلُونِي وَ
 قَدْ كَذَّبُوا وَ رَبِّ الْكَعْبَةِ فَأَحْجَمَ النَّاسُ وَ مَا
 تَكَلَّمَ أَحَدٌ فَقَالَ مَا أَحْسَبُ أَنْ عَلِيَّ بْنَ أَبِي
 طَالِبٍ فِيكُمْ فَقَامَ إِلَيْهِ عَامِرُ بْنُ قَتَادَةَ فَقَالَ
 إِنَّهُ وَعِكَ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ وَ لَمْ يَخْرُجْ يُصَلِّي
 مَعَكَ فَتَأَذَّنَ لِي أَنْ أَخْبِرَهُ فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ
 شَأْنُكَ فَمَضَى إِلَيْهِ فَأَخْبَرَهُ فَخَرَجَ أَمِيرُ
 الْمُؤْمِنِينَ ﷺ وَ كَانَتْ نَشْطٌ مِنْ عِقَالٍ وَ عَلَيْهِ
 إِزَارٌ قَدْ عَقَدَ طَرْفِيهِ

عَلَى رَقَبَتِهِ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا هَذَا
 الْخَبْرُ فَقَالَ هَذَا رَسُولُ رَبِّي يُخِيرُنِي عَنْ ثَلَاثَةِ
 نَفَرٍ قَدْ نَهَضُوا إِلَيَّ لِيَقْتُلُونِي وَ قَدْ كَذَّبُوا وَ
 رَبِّ الْكَعْبَةِ فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ أَنَا لَهُمْ
 سَرِيَّةٌ وَحَدِي هُوَ ذَا أَلْبَسُ عَلَيَّ ثِيَابِي فَقَالَ
 النَّبِيُّ ﷺ بَلْ هَذِهِ ثِيَابِي وَ هَذَا دِرْعِي وَ هَذَا
 سَيْفِي فَأَلْبَسَهُ وَ دَرَعَهُ وَ عَمَمَهُ وَ قَلَدَهُ وَ
 أَرْكَبَهُ فَرَسَهُ وَ خَرَجَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ فَمَكَثَ
 ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ لَا يَأْتِيهِ جِبْرَائِيلُ بِخَبْرِهِ وَ لَا خَبْرٍ
 مِنَ الْأَرْضِ فَأَقْبَلَتْ فَاطِمَةُ بِالْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ ﷺ

عَلَى وَرَكَيْتِهَا تَقُولُ أَوْشَكَ أَنْ يُؤْتِمَ هَذَيْنِ
 الْغُلَامَيْنِ فَأَسْبَلَ النَّبِيُّ ﷺ عَيْنَيْهِ يَبْكِي ثُمَّ
 قَالَ مَعَاشِرَ النَّاسِ مَنْ يَأْتِينِي بِخَبْرٍ عَلَيَّ
 أَبْشَرُهُ بِالْجَنَّةِ وَ افْتَرَقَ النَّاسُ فِي الطَّلَبِ
 لِعَظِيمِ مَا رَأَوْا بِالنَّبِيِّ ﷺ وَ أَقْبَلَ عَامِرُ بْنُ
 قَتَادَةَ يُبَشِّرُ بِعَلِيٍّ وَ دَخَلَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ
 وَ مَعَهُ أُسَيْرَانِ وَ رَأْسٌ وَ ثَلَاثَةُ أَبْعَرَةٍ وَ ثَلَاثَةُ
 أَفْرَاسٍ وَ هَبَطَ جِبْرَائِيلُ فَخَبَّرَ النَّبِيَّ ﷺ بِمَا
 كَانَ فِيهِ فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ ﷺ تَحِبُّ أَنْ أُخِيرَكَ
 بِمَا كُنْتَ فِيهِ يَا أَبَا الْحَسَنِ فَقَالَ
 الْمُنَافِقُونَ هُوَ مِنْذُ سَاعَةٍ قَدْ أَخَذَهُ الْمَخَاضُ وَ
 هُوَ السَّاعَةَ يُرِيدُ أَنْ يُحَدِّثَهُ فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ
 بَلْ تُحَدِّثُ أَنْتَ يَا أَبَا الْحَسَنِ لِتَكُونَ شَهِيداً
 عَلَى الْقَوْمِ فَقَالَ نَعَمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ لَمَّا صِرْتُ
 فِي الْوَادِي رَأَيْتُ هَؤُلَاءِ رُكْبَاناً عَلَى الْأَبَاعِرِ
 فَنَادُونِي مَنْ أَنْتَ فَقُلْتُ أَنَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي
 طَالِبٍ ابْنُ عَمِّ رَسُولِ اللَّهِ فَقَالُوا مَا نَعْرِفُكَ اللَّهُ مِنْ

رَسُولٍ سِوَاءِ عَلَيْنَا وَقَعْنَا عَلَيْكَ أَوْ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَشَدَّ عَلَيَّ هَذَا الْمَقْتُولُ وَ دَارَ بَيْنِي وَ بَيْنَهُ
ضَرْبَاتٌ وَ هَبَّتْ رِيحٌ حَمْرَاءٌ وَ سَمِعْتُ صَوْتَكَ فِيهَا
يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ أَنْتَ تَقُولُ قَدْ قَطَعْتُ لَكَ جِرْبَانَ
دِرْعِهِ فَاضْرِبْ حَبْلَ عَاتِقِهِ فَضَرْبُهُ فَلَمْ أَحْفِهِ
ثُمَّ هَبَّتْ رِيحٌ سَوْدَاءٌ سَمِعْتُ صَوْتَكَ فِيهَا يَا
رَسُولَ اللَّهِ وَ أَنْتَ تَقُولُ قَدْ قَلَّبْتُ لَكَ الدَّرْعَ عَنْ
فَخِذِهِ فَاضْرِبْ فَخِذَهُ فَضَرْبُهُ فَقَطَعْتُهُ وَ وَكَرْتُهُ
وَ قَطَعْتُ رَأْسَهُ وَ رَمَيْتُ بِهِ وَ أَخَذْتُ رَأْسَهُ وَ
قَالَ لِي هَذَانِ الرَّجُلَانِ بَلَّغْنَا أَنَّ مُحَمَّدًا رَفِيقٌ
شَفِيقٌ رَحِيمٌ فَاحْمِلْنَا إِلَيْهِ وَ لَا تُعَجِّلْ عَلَيْنَا
وَ صَاحِبُنَا كَانَ يُعَدُّ بِأَلْفِ فَارِسٍ فَقَالَ
النَّبِيُّ ﷺ أَمَا الصَّوْتُ الْأَوَّلُ الَّذِي حَكَ مَسَامِعَكَ
فَصَوْتُ جَبْرَائِيلَ وَ أَمَا صَوْتُ الْأَخْرِ فَصَوْتُ
مِيكَائِيلَ قَدِمَ إِلَيَّ أَحَدَ الرَّجُلَيْنِ فَقَدَّمَهُ
عَلَيَّ ﷺ فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ قُلْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ
أَشْهَدُ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ فَقَالَ لَنَنْقُلَ جَبْلَ أَبِي قُبَيْسٍ
أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَقُولَ هَذِهِ الْكَلِمَةَ فَقَالَ
أَخْرَهُ يَا أَبَا الْحَسَنِ وَ اضْرِبْ عُنُقَهُ فَضَرْبَ
عَلِيٍّ ﷺ عُنُقَهُ ثُمَّ قَالَ قَدِمَ الْأَخْرَ فَقَدِمَ فَقَالَ
قُلْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَشْهَدُ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ فَقَالَ
الْحَقْنِي بِصَاحِبِي قَالَ أَخْرَهُ يَا أَبَا الْحَسَنِ وَ
اضْرِبْ عُنُقَهُ فَأَخْرَهُ وَ قَامَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ
لِيَضْرِبَ عُنُقَهُ فَهَبَطَ جَبْرَائِيلُ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ
رَبَّكَ يُقْرِنُكَ السَّلَامَ وَ يَقُولُ لَكَ لَا تَقْتُلُهُ فَإِنَّهُ
حَسَنُ الْخَلْقِ سَخِيٌّ فِي قَوْمِهِ فَقَالَ الرَّجُلُ وَ هُوَ
تَحْتَ السَّيْفِ هَذَا رَسُولُ رَبِّكَ يُخَيْرُكَ قَالَ نَعَمْ
فَقَالَ وَ اللَّهُ مَا مَلَكَتْ دِرْهَمًا مَعَ أَخٍ لِي قَطُّ إِلَّا
أَنْفَقْتُهُ وَ لَا كَلَّمْتُ بِسُوءٍ مَعَ أَخٍ لِي وَ لَا قَطَيْتُ
وَجْهِي فِي الْجَدْبِ وَ أَنَا أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ
وَ أَنَّكَ رَسُولُ اللَّهِ فَقَالَ ﷺ هَذَا مِنْ جَرِّهِ حُسْنُ
خُلُقِهِ وَ سَخَاؤُهُ إِلَى جَنَاتِ النَّعِيمِ

٤١ - يحيى بن زيد گوید: رسول خدا
ﷺ روزی از خانه بیرون شد و نماز صبح
را گذارد سپس فرمود: مردم چه کسی از شما
بر میخیزد به مقابله با آن سه تن که به

لات و عزی سوگند یاد کرده اند تا مرا بکشند و به پروردگار کعبه سوگند که دروغ پنداشته اند مردم همگی چشم به یکدیگر دوختند و کسی را یارای سخن نبود فرمود: گمان ندارم علی در میان شما باشد عامر بن قتاده برخاست و عرض کرد: علی را امشب تب شدیدی عارض شده و به نماز شما حاضر نشده است اگر اجازه میفرمائید به او خبر دهم فرمود: خود دانی عامر روان شد و علی را خبر داد امیر المؤمنین علیه السلام مانند آنکه از بند رهائی یافته باشد از خانه بیرون شد و جامه ای بر تن داشت که از دو جانباش بر گردن گره زده بود و عرض کرد: یا رسول الله این خبر چیست؟ فرمود: اینک فرستاده پروردگار بمن خبر میدهد از سه کس که قیام کرده اند تا مرا بکشند و به پروردگار کعبه سوگند که دروغ پنداشته اند امیر المؤمنین علیه السلام عرض کرد: من يك تنه بر آنان خواهم زد همین قدر که لباس خود را بر تن بپوشم پیغمبر فرمود: نه همین لباس من و همین زره ام و همین شمشیرم حاضر است پس لباس بر تن علی پوشاند و زره بر قامتش آراست و عمامه بر سرش گذاشت و شمشیر بر کمرش بست و بر مرکب خویش سوارش فرمود و امیر المؤمنین از مدینه بیرون رفت سه روز گذشت که نه جبرئیل بر پیغمبر خبری آورد و نه از زمین خبری رسید فاطمه حسن و حسین را بر پشت گرفته نزد پیغمبر آمد و میگفت: نزدیک است که این دو پسر بچه یتیم گردند قطرات اشک از دیده گان پیغمبر جاری شد و گریه میکرد سپس فرمود: ای مردم هر کس مژده بازگشت علی را بیاورد بهشت را بمژدگانی باو خواهم داد مردم که پیغمبر را سخت پریشان دیدند برای جستجو به هر طرف پراکنده شدند عامر بن قتاده آمد و

بشارت ورود علی را داد امیر المؤمنین به همراه دو اسیر و یک سر بریده و سه شتر و سه اسب وارد شد جبرئیل فرود آمد و جریان را گزارش داد پیغمبر بعلی فرمود: ای ابو الحسن دوست داری که من سرگذشت تو را بگویم؟ منافقین گفتند او تا این ساعت گرفتار امواج غم و اندوه بود و اکنون میخواهد سرگذشت علی را بیان کند پیغمبر فرمود: نه یا ابا الحسن تو خود بیان کن تا این جمع از زبان خودت شنیده باشند عرض کرد: بلی یا رسول الله چون به وادی رسیدم این سه نفر را دیدم که بر شتران سوارند بانگ بر من زدند که کیستی؟ گفتم من علی بن ابی طالب عموزاده رسول خدایم گفتند: ما برای خدا فرستاده‌ای نمی‌شناسیم گرفتاری تو در دست ما با گرفتاری محمد یکسان است در این موقع صاحب این سر بریده بر من حمله کرد و زد و خوردی میان ما رد و بدل شد و باد سرخی وزیدن گرفت که صدای شما در آن میان بگوشم رسید و شما فرمودید گریبان زره‌اش را برای تو پاره کردم رگ شانه‌اش را بزن، زدم و کارگر نشد سپس باد سیاهی وزید که صدای تو را یا رسول الله در آن میان شنیدم که میفرمودی زره‌اش را برای تو از روی رانش بر کنار زدم بر رانش بزن پس من ضربتی برانش زدم که ران از بدن جدا شد و بر زمینش افکندم و سرش را بریدم. بدن بی‌سر را بدور انداخته و سرش را برگرفتم، این دو مرد بمن گفتند: ما شنیده‌ایم که محمد رفیق است و مهربان و دلسوز، ما را با خود به نزد او به بر و در کشتن ما شتاب مکن و این رفیق ما با هزار سوار برابر بود پس پیغمبر فرمود: اما آن صدای گوش خراش اولی صدای جبرئیل بود و اما آواز دیگر آواز میکائیل. یکی از دو مرد را پیش آر، علی یکی از آن دو را پیش کشید

پیغمبر فرمود: بگو لا اله الا الله و گواهی بده که من (محمد) رسول خدایم گفتم: کوه ابو قبیس را به دوش کشیدن دوستتر دارم تا گفتن این کلمه. فرمود: یا ابا الحسن این مرد را ببر و گردنش را بزن (پس علی علیه السلام گردنش را زد) سپس فرمود:

آن دیگر را پیش آر، پیش کشید، فرمود: بگو لا اله الا الله و گواهی ده که من فرستاده خدایم گفتم: مرا نیز بنزد رفیقم بفرست فرمود: یا ابا الحسن ببر و گردنش را بزن امیر المؤمنین علیه السلام از جای برخاست که گردنش را بزند جبرئیل فرود آمد و عرض کرد یا محمد پروردگارت سلام میرساند و میفرماید او را مکش که او در میان فامیل خود خوش اخلاق و سخی الطبع است آن مرد که زیر شمشیر بود عرض کرد این فرستاده پروردگار تو است که تو را خبر میدهد؟ فرمود: آری، گفتم: بخدا سوگند هرگز در زمینه کسی که با من برادروار بوده درهمی را مالک نشده ام مگر اینکه با او داده ام و با کسی که برادرانه با من دوست بوده سخن بد نگفتم و در قحطی و خشکسالی رو ترش نکرده ام:

و من گواهی میدهم که خدائی جز خدای یکتا نیست و تو فرستاده خداوندی رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

این شخص از اشخاصی است که خوش خلقی اش و سخاوت اش او را به باغهای پر نعمت بهشتی کشانید.

نیکی در حق برادران دینی و کوشش در انجام احتیاجات آنان سه نتیجه دارد

فی البر بالإخوان و السعی فی حوائجهم
ثلاث خصال

٤٢ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكَّلِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ قَالَ حَدَّثَنِي سَهْلُ بْنُ زِيَادِ الْأَدْمِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي رَجُلٌ وَ عُمَرُ بْنُ عَبْدِ الْعَزِيزِ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام خِيَارُكُمْ سُمَحَاؤُكُمْ وَ شِرَارُكُمْ بُخْلَاؤُكُمْ وَ مِنْ صَالِحِ الْأَعْمَالِ الْبِرُّ بِالْإِخْوَانِ وَ السَّعْيُ فِي حَوَائِجِهِمْ وَ فِي ذَلِكَ مَرَعَمَةٌ لِلشَّيْطَانِ وَ تَزْحُرُحُ عَنِ النَّيِّرَانِ وَ دُخُولُ الْجِنَانِ يَا جَمِيلُ أَخْبِرْ بِهِذَا الْحَدِيثِ عُرَّرَ أَصْحَابِكَ قَالَ فَقُلْتُ لَهُ جُعِلَتْ فِدَاكَ مَنْ عُرِّرَ أَصْحَابِي قَالَ هُمُ الْبَارُونَ بِالْإِخْوَانِ فِي الْعُسْرِ وَ الْيُسْرِ ثُمَّ قَالَ يَا جَمِيلُ أَمَا إِنَّ صَاحِبَ الْكَثِيرِ يَهُونُ عَلَيْهِ ذَلِكَ وَ قَدْ مَدَحَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ صَاحِبَ الْقَلِيلِ فَقَالَ وَ يُؤَثِّرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خِصَامَةٌ وَ مَنْ يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأَوْلِيكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

٤٢ - امام صادق عليه السلام فرمود: بهترین افراد شما افراد با گذشتانند و بدترین شما بخیلان شما هستند و از کارهای شایسته، نیکی در حق برادران و کوشش در انجام احتیاجات آنان است که نتیجه این کار دوری شیطان و برکنار شدن از آتش و وارد شدن به بهشت است ای جمیل این حدیث را برای اشراف اصحاب خود بیان کن گوید: عرض کردم فدایت شوم اشراف اصحاب من کیانند؟ فرمود آنانی که در حق برادران خود نیکی کنند بهنگام تنگی و گشایش سپس فرمود: ای جمیل نیکی در حق برادران بر افرادی که ثروتمند میباشند سهل است ولی خداوند بی‌بضاعتان را ستوده و فرموده است: دیگران را بر خویش مقدم میدارند هر چند خود در کمال احتیاج باشند و هر که

از بخل و حرص محفوظ بماند هم آنان
رستگارند .

النهي عن التغوط في ثلاثة مواضع در هر
جا نباید برای تخلی نشست
٤٣ حَدَّثَنَا حَمَزَةُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ أَحْمَدَ الْعَلَوِيُّ
رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ أَخْبَرَنِي عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ
هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الثَّوْقَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنِ
جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ آبَائِهِ عَنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ قَالَ نَهَى
رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَنْ يُتَغَوَّطَ عَلَى شَفِيرِ مَاءٍ يُسْتَعْدَبُ
مِنْهُ أَوْ نَهْرٍ يُسْتَعْدَبُ مِنْهُ أَوْ تَحْتَ شَجَرَةٍ
عَلَيْهَا ثَمَرُهَا

٤٣- علی بن ابی طالب فرمود: رسول خدا ﷺ از
نشستن برای تخلی در کنار چاه شیرین و
جوی آب شیرین که بمصرف آشامیدن میرسند و
زیر درخت میوه دار نهی فرمود.

رو به آفتاب بودن سه خاصیت بد دارد

فی استقبال الشمس ثلاث خصال ردية
٤٤ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ
قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الْجَمِيرِيِّ قَالَ
حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ عَيْسَى قَالَ حَدَّثَنِي
أَبُو يَحْيَى سُهَيْلُ بْنُ زِيَادٍ الْوَاسِطِيُّ بِإِسْنَادِهِ
يَرْفَعُهُ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لَا
تَسْتَقْبِلُوا الشَّمْسَ فَإِنَّهَا مَبْخَرَةٌ تُشْجِبُ اللَّوْنَ
وَ تُبْلِي الثُّوبَ وَ تُظْهِرُ الدَّاءَ الدَّفِينِ
٤٤ - امیر المؤمنین علی فرمود: رو به
آفتاب نکنید که در اثر حالت تبخیری
آفتاب، رنگ را تیره و لباس را پوسیده و
درد نهانی را تحریک و آشکار میکند.

سه چیز نشان شخص اسراف کار است
للمسرف ثلاث علامات

٤٥ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ يَحْيَى
الْعَطَّارُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ
أَحْمَدَ

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ
إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ
يَرْفَعُهُ إِلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليه السلام قَالَ قَالَ أَمِيرُ
الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام لَلْمُسْرِفِ ثَلَاثُ عَلَامَاتٍ يَأْكُلُ مَا
لَيْسَ لَهُ وَ يَلْبَسُ مَا لَيْسَ لَهُ وَ يَشْتَرِي مَا لَيْسَ
لَهُ

٤٥ - امير المؤمنين عليه السلام فرمود: شخص
اسراف کار سه نشان دارد: طعامی که در
خور او نیست میخورد و لباسی که در خور
او نیست میپوشد و متاعی که در خور او
نیست میخرد.

روز قیامت بجز سه چشم همه دیده‌ها گریان است

كل عين باكية يوم القيامة إلا ثلاث أعين
٤٦ - حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحَسَنِ
الْكُوفِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ
جَدِّهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنِ
جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ أَبِيهِ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ
اللَّهِ صلى الله عليه وآله كُلُّ عَيْنٍ بَاكِئَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا ثَلَاثَ
أَعْيُنٍ عَيْنُ بَكْتٍ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَ عَيْنُ غُضَّتْ عَنْ
مَحَارِمِ اللَّهِ وَ عَيْنُ بَاتَتْ سَاهِرَةً فِي سَبِيلِ اللَّهِ

٤٦- رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: هر چشمی
روز قیامت گریان است بجز سه چشم: چشمی
که از ترس خدا گریسته و چشمی که از
محرمات الهی دیده پوشی کرده و چشمی که
در راه خدا شب زنده دار بوده است.

همه خیر در سه چیز فراهم آمده است جمع
الخیر کله فی ثلاث خصال

٤٧ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكَّلِ
رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنِ
مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنِ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنِ

أَبِي أَيُّوبَ الْخَزَّازِ عَنِ أَبِي حَمَزَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ جُمِعَ الْخَيْرُ كُلُّهُ فِي ثَلَاثِ خِصَالٍ النَّظَرِ وَالسُّكُوتِ وَالْكَلامِ فَكُلُّ نَظَرٍ لَيْسَ فِيهِ اعْتِبَارٌ فَهُوَ سَهُوٌ وَكُلُّ سُكُوتٍ لَيْسَ فِيهِ فِكْرَةٌ فَهُوَ غَفْلَةٌ وَكُلُّ كَلَامٍ لَيْسَ فِيهِ ذِكْرٌ فَهُوَ لَعْوٌ فَطُوبَى لِمَنْ كَانَ نَظْرُهُ عِبْرَةً وَ سُكُوتُهُ فِكْرًا وَ كَلَامُهُ ذِكْرًا وَ بَكَى عَلَى خَطِيئَتِهِ وَ آمَنَ النَّاسُ شَرَّهُ

۴۷ - امیر المؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: همه خیر در سه چیز فراهم آمده است: نگاه کردن و خاموشی و سخن گفتن پس هر نگاهی که عبرت انگیز نباشد خطا است و هر خاموشی که بی‌تفکر باشد غفلت است و هر سخنی که خدا را بیاد نیارد بیهوده است خوشا بحال آن که نگاهش عبرت و خاموشی‌اش فکر و سخن‌اش ذکر باشد و بر گناه خود بگرید و مردم از شرش در امان باشند.

بر پشت چهار پا نباید سه نفر ردیف سوار شوند

النهی عن ارتداف ثلاثة نفر علی الدابة
 ۴۸ - حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ عَمِّهِ يَعْقُوبَ بْنِ سَالِمٍ يَرْفَعُ الْحَدِيثَ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي حَدِيثٍ طَوِيلٍ لَا يَرْتَدِفُ ثَلَاثَةٌ عَلَى دَابَّةٍ فَإِنَّ أَحَدَهُمْ مَلْعُونٌ وَ هُوَ الْمُقَدَّمُ

۴۸ - رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: سه نفر ردیف هم بر چهار پا سوار نشوند که یکی از آنان ملعون است: آنکه جلوتر سوار شده است.

شرح:

چون بیشتر چنین است که اولی دیگران را دعوت بر سوار شدن میکند و یا از این جهت

است غالباً نفر اول در سمت گردن حیوان است و خطر سقوط دارد.

رفقای مسافر بیمار باید سه روز از حرکت خودداری کنند

حق المسافر أن یقیم علیہ أصحابه إذا مرض ثلاثاً

٤٩ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا رَفَعُوا الْحَدِيثَ قَالَ حَقُّ الْمُسَافِرِ أَنْ يُقِيمَ عَلَيْهِ أَصْحَابُهُ إِذَا مَرِضَ ثَلَاثًا

٤٩ - امام عليه السلام فرمود: مسافر اگر بیمار شد حق دارد که رفقای سه روز بخاطر او حرکت نکنند

شرح:

شاید مراد این باشد: کسی که میخواهد به سفری برود اگر بیمار شد رفقای هم سفرش تا سه شب به انتظارش می ایستند و اگر بهبودی نیافت او را به خانواده اش سپرده و حرکت میکنند نه اینکه در سفر پس از سه روز انتظار او را در شهر غریب رها کرده و بروند.

کفش سیاه سه اثر بد دارد و کفش زرد سه اثر پسندیده

فی النعل السوداء ثلاث خصال ردية و فى الصفراء ثلاث خصال محمودة

٥٠ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ عَنْ مُوسَى بْنِ عُمَرَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَةَ عَنْ حَنَانِ بْنِ سَدِيرٍ قَالَ دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَ عَلَيَّ نَعْلٌ سَوْدَاءٌ فَقَالَ مَا لَكَ وَ لُبْسَ نَعْلٍ سَوْدَاءٍ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ فِيهَا ثَلَاثَ خِصَالٍ قَالَ قُلْتُ وَ مَا هِيَ جُعِلْتُ فِدَاكَ قَالَ تُضْعِفُ الْبَصَرَ وَ

تُرْخَى الذِّكْرَ وَ تُورَثُ الِهَمَّ وَ هِيَ مَعَ ذَلِكَ مِنْ لِبَاسِ الْجَبَّارِينَ عَلَيْكَ يَلْبَسُ نَعْلٌ صَفْرَاءُ فَإِنْ فِيهَا ثَلَاثُ خِصَالٍ قَالَ قُلْتُ وَ مَا هِيَ قَالَ تُجِدُّ الْبَصَرَ وَ تَشُدُّ الذِّكْرَ وَ تَنْفِي الِهَمَّ وَ هِيَ مَعَ ذَلِكَ مِنْ لِبَاسِ الْأَنْبِيَاءِ ع

۵۰ - حنان بن سدير گوید: به خدمت امام صادق عليه السلام رسیدم و نعلین سیاهی به پایم بود فرمود: ترا چه که کفش سیاه بپوشی؟ مگر ندانسته ای که سه خاصیت دارد گوید: عرض کردم: فدایت شوم آن سه خاصیت چیست؟ فرمود: چشم را کم سو میکند و آلت تناسل را سست میسازد و گرفتگی خاطر می آورد و گذشته از اینها لباس ستمگران است حتما کفش زرد بپوش که سه خاصیت در آن است گوید: عرض کردم: آن سه خاصیت کدام است؟ فرمود: چشم را تیز بین میکند و آلت تناسل را محکم میسازد و مسرت خاطر آورد و گذشته از اینها لباس پیمبران عليهم السلام است.

از کلاغ سه چیز را بیاموزید

تعلموا من الخراب ثلاث خصال
 ۵۱ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوِيهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنْ عَمِّهِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي الْقَاسِمِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْمَدِينِيِّ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ جَعْفَرِ الْجَعْفَرِيِّ عَنِ الرُّضَا عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيٍّ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله تَعَلَّمُوا مِنَ الْخُرَابِ خِصَالًا ثَلَاثًا اسْتِثَارَهُ بِالسَّفَادِ وَ بُكُورَهُ فِي طَلَبِ الرِّزْقِ وَ حَذْرَهُ

۵۱ - رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: از کلاغ سه عادت بیاموزید پنهان بودنش به هنگام جفت شدن و سحر خیزیش در طلب روزی و بیدار و هشیار بودنش.

سه چیز با سه چیز همراه است

ثلاثة تكون مع ثلاثة

۵۲ - حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ وَهْبِ الْبَغْدَادِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ الدُّهْقَانِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عُمَرَ الْحَلِيِّ عَنْ زَيْدِ الْقَتَّاتِ عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ مَعَ التَّثَبُّتِ تَكُونُ السَّلَامَةُ وَمَعَ الْعَجَلَةِ تَكُونُ النَّدَامَةُ وَمَنْ ابْتَدَأَ بِعَمَلٍ فِي غَيْرِ حِينِهِ

۵۲ - ابان بن تغلب گوید: شنیدم امام صادق عليه السلام میفرمود: به همراه تانی و مشورت سلامتی است و به دنبال شتابزدگی پشیمانی و هر که بی‌موقع کاری را شروع کند نتیجه اش نیز بی‌موقع خواهد بود

فال بد در سه چیز است

الشؤم في ثلاثة

۵۳ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوِيهِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادِ الْأَدَمِيِّ قَالَ حَدَّثَنِي عُثْمَانُ بْنُ عَيْسَى عَنْ خَالِدِ بْنِ نَجِيحٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ تَذَاكُرُوا الشُّؤْمَ عِنْدَهُ فَقَالَ الشُّؤْمُ فِي ثَلَاثَةٍ فِي الْمَرْأَةِ وَالِدَّابَّةِ وَالِدَّارِ فَأَمَّا شُّؤْمُ الْمَرْأَةِ فَكَثْرَةُ مَهْرِهَا وَعُقُوقُ زَوْجِهَا وَأَمَّا الدَّابَّةُ فَسَوْءُ خُلُقِهَا وَمَنْعُهَا ظَهْرَهَا وَأَمَّا الدَّارُ فَضِيقُ سَاحَتِهَا وَشَرُّ جِيرَانِهَا وَكَثْرَةُ غُيُوبِهَا

۵۳ - خالد بن نجیح گوید: در محضر امام صادق عليه السلام گفتگو در باره فال بد بود آن حضرت فرمود: فال بد در سه چیز است: در زن و در مرکب سواری و در خانه، اما بدفالی زن در این است که کابیناش زیاد و با شوهرش ناسازگار باشد و اما در مرکب

سواری بدخلقی و چموشی است و اما در خانه، تنگی فضای حیاط و بدی همسایگان و بسیاری عیوباش میباشد.

کسانی که تذکرات حق را فراموش کردند سه طایفه بودند

الذین نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ ثَلَاثَةٌ أَصْنَافٌ
 ٥٤ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
 مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ قَالَ
 حَدَّثَنِي عَمْرُو بْنُ عُثْمَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ
 الْمُعِيرَةِ عَنْ طَلْحَةَ الشَّامِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام
 فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ
 قَالَ كَانُوا ثَلَاثَةً أَصْنَافٍ صِنْفٌ ائْتَمَرُوا وَ
 أَمَرُوا فَتَنَجُوا وَ صِنْفٌ ائْتَمَرُوا وَ لَمْ يَأْمُرُوا
 فَمُسِخُوا ذُرّاً وَ صِنْفٌ لَمْ يَأْتَمِرُوا وَ لَمْ
 يَأْمُرُوا فَهَلَكُوا

٥٤ - امام باقر عليه السلام در شرح آیه ﴿فَلَمَّا نَسُوا مَا﴾

ذُكِّرُوا بِهِ فرمود: سه طائفه بودند: طائفه‌ای خود فرمان بردند و به دیگران نیز دستور دادند اینان نجات یافتند و طائفه‌ای خود فرمان بردند ولی به دیگران دستور ندادند اینان بصورت وز (مرغ آبی) مسخ شدند و طائفه‌ای نه خود فرمان بردند و نه دیگران را دستور دادند اینان نابود شدند.

شرح -

با تامل در روایت و ترجمه‌اش معلوم می‌شود که امام عليه السلام در مقام شرح آیه مبارکه حال سه دسته از مردم را بیان می‌فرمایند که دسته اول نجات یافته‌اند و دو دسته دیگر در اثر از یاد بردن تذکرات الهی معذب شده‌اند و بنا بر این فراموش‌کنندگان دو طایفه‌اند نه سه طایفه چنانچه مصنف ره در عنوان باب فرموده است.

سه کس در پناه خدای عز و جل باشند تا هنگامی که خداوند از حساب مردم فارغ شود
ثلاثة فی حرز الله عز و جل إلى أن يفرغ الله من الحساب

۵۵ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الرَّازِيُّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْحُسَيْنِ اللَّؤْلُؤِيِّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ يُوسُفَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ زِيَادِ الْعَطَّارِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام ثَلَاثَةٌ فِي حِرْزِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيَّ أَنْ يَفْرُغَ اللَّهُ مِنَ الْحِسَابِ رَجُلٌ لَمْ يَهَمْ بِزِنَا قَطُّ وَ رَجُلٌ لَمْ يَشِبْ مَالَهُ بَرَبًا قَطُّ وَ رَجُلٌ لَمْ يَسْعَ فِيهِمَا قَطُّ

۵۵ - امام صادق عليه السلام فرمود: سه کس در پناه خدای عز و جل باشند تا خداوند از حساب مردم فارغ شود: مردیکه هرگز زنا نکرده و مردیکه هرگز مالش را به ربا نیامیخته و مردی که در زنا و ربای دیگری هرگز کوششی نکرده است.

آن را که سه چیز نصیب گشته از سه چیز بی نصیب نمانده است من اعطی ثلاثة لم يحرم ثلاثة

۵۶ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ يَا مُعَاوِيَةَ مَنْ أُعْطِيَ ثَلَاثَةً لَمْ يُحْرَمْ ثَلَاثَةً مَنْ أُعْطِيَ الدُّعَاءَ أُعْطِيَ الْإِجَابَةَ وَ مَنْ أُعْطِيَ الشُّكْرَ أُعْطِيَ الزِّيَادَةَ وَ مَنْ أُعْطِيَ التَّوَكُّلَ أُعْطِيَ الْكِفَايَةَ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ فِي كِتَابِهِ وَ مَنْ يَتَّوَكَّلْ عَلَيَّ اللَّهُ فَهُوَ حَسْبُهُ وَ يَقُولُ لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَ يَقُولُ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ

۵۶ - امام صادق عليه السلام به معاویه بن عمار فرمود: ای معاویه آن را که سه چیز نصیب

گشته از سه چیز بی‌نصیب نمانده است هر که را توفیق دعا داده شده پذیرش نیز داده شده و هر که را توفیق سپاسگزاری نعمت داده شده افزایش نعمت نیز نصیب‌اش گشته است و آن را که توکل داده شده به انجام کارها نیز نائل آمده است که خدای عز و جل در قرآن‌اش می‌فرماید: هر که بر خدا توکل کند خدا او را بس است و می‌فرماید: اگر سپاسگزاری کردید بطور حتم نعمتم را بر شما افزون کنم و می‌فرماید: از من بخواهید تا خواسته شما را به نفع شما بپذیرم

مشورت با سه کس قدغن است

النهی عن مشاورة ثلاثة

۵۷ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكَّلِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ آدَمَ عَنْ أَبِيهِ بِإِسْنَادِهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَا عَلِيُّ لَا تُشَاوِرَنَّ جَبَانًا فَإِنَّهُ يُضَيِّقُ عَلَيْكَ الْمَخْرَجَ وَ لَا تُشَاوِرَنَّ الْبَخِيلَ فَإِنَّهُ يَقْصُرُ بِكَ عَنْ غَايَتِكَ وَ لَا تُشَاوِرَنَّ حَرِيصًا فَإِنَّهُ يُزِينُ لَكَ شَرَّهَا وَ اعْلَمْ يَا عَلِيُّ أَنَّ الْجُبْنَ وَ الْبُخْلَ وَ الْجِرْصَ غَرِيزَةٌ وَاحِدَةٌ يَجْمَعُهَا سُوءُ الظَّنِّ

۵۷ - رسول خدا ﷺ فرمود: یا علی، حتما

با آدم ترسو مشورت مکن که راه نجات را بر تو می‌بندد و با شخص بخیل مشورت مکن که تو را از مقصد باز میدارد و با حریص مشورت مکن که مفسد کار را در نظر تو جلوه‌گر سازد یا علی دانسته باش که ترس و بخل و حرص از یک سرشتند و منشأ آنها بدگمانی بخدا است

خرد بر سه جزء تقسیم شده است

قسم العقل على ثلاثة أجزاء
٥٨ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ
أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ بِإِسْنَادِهِ يَرْفَعُهُ قَالَ
رَسُولُ اللَّهِ ﷺ قَسِمَ الْعَقْلُ عَلَى ثَلَاثَةِ أَجْزَاءٍ فَمَنْ
كَانَتْ فِيهِ كَمَلٌ عَقْلُهُ وَ مَنْ لَمْ تَكُنْ فِيهِ فَلَا
عَقْلَ لَهُ حُسْنُ الْمَعْرِفَةِ بِاللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ حُسْنُ
الطَّاعَةِ لَهُ وَ حُسْنُ الْبَصِيرَةِ عَلَى أَمْرِهِ
٥٨ - رسول خدا ﷺ فرمود: خرد بر سه
جزء تقسیم شده است که هر کس آن را دارد
خردمند تمام است و هر که ندارد بی‌خرد
است: خدای عز و جل را نیکو شناختن و او
را نیکو فرمان بردن و بر قضای الهی نیکو
بردباری کردن.

در انتخاب یکی از سه خصلت به آدم اختیار داده شد

خير آدم ﷺ من ثلاث خصال واحدة
٥٩ - حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ
الْبَرْقِيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ أَحْمَدَ بْنِ
أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عَمْرٍو بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي
جَمِيلَةَ الْمُفَضَّلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ سَعْدِ بْنِ طَرِيفٍ عَنِ
الْأَضْبَعِ بْنِ نُبَاتَةَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ﷺ
قَالَ هَبَطَ جِبْرَائِيلُ ﷺ عَلَى آدَمَ ﷺ فَقَالَ يَا آدَمُ
إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَخَيِّرَكَ وَاحِدَةً مِنْ ثَلَاثٍ فَاخْتَرْ
وَاحِدَةً وَ دَعِ اثْنَتَيْنِ فَقَالَ لَهُ آدَمُ وَ مَا
الثَّلَاثُ يَا جِبْرَائِيلُ قَالَ الْعَقْلُ وَ الْحَيَاءُ وَ
الدِّينُ قَالَ آدَمُ فَإِنِّي قَدْ اخْتَرْتُ الْعَقْلَ فَقَالَ
جِبْرَائِيلُ لِلْحَيَاءِ وَ الدِّينِ انْصَرِفَا فَقَالَ يَا
جِبْرَائِيلُ إِنَّا أُمِرْنَا أَنْ نَكُونَ مَعَ الْعَقْلِ
حَيْثَمَا كَانَ قَالَ جِبْرَائِيلُ فَشَانِكَمَا وَ عَرَجَ
٥٩ - امير المؤمنين ﷺ فرمود: بر آدم
من فرود آمد و گفت: ای آدم من

مأمورم که انتخاب یکی از سه چیز را به اختیار تو بگذارم هر يك را خواهی برگزین و آن دو دیگر را رها کن آدم او را گفت: ای جبرئیل آن سه چیز چیست؟ گفت عقل و حیا و دین. آدم گفت: من عقل را برگزیدم جبرئیل به حیا و دین گفت: شما باز گردید گفتند: ای جبرئیل ما مأموریت داریم هر کجا که عقل باشد ما نیز همان جا باشیم جبرئیل گفت: پس بکار خود باشید و بالا رفت.

میزان سنجش عقل مرد سه چیز است

يعتبر عقل الرجل في ثلاث
 ٦٠ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوِيهِ رَضِيَ
 اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ
 مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ
 مُحَمَّدِ بْنِ بَشَّارٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ الدَّهْقَانِ عَنْ دُرُسْتِ
 بْنِ أَبِي مَنْصُورٍ عَنْ عَبْدِ الْأَعْلَى مَوْلَى آلِ سَامٍ
 عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ يُعْتَبَرُ عَقْلُ الرَّجُلِ فِي
 ثَلَاثٍ فِي طَوْلِ لِحْيَتِهِ وَ فِي نَقْشِ خَاتَمِهِ وَ فِي
 كُنْيَتِهِ

٦٠ - امام صادق عليه السلام فرمود: میزان سنجش عقل مرد سه چیز است: اندازه ریشاش و نقش نگیناش و کنیه اش.

شیعه بر سه قسم است

الشيعة ثلاث
 ٦١ - حَدَّثَنَا حَمَزَةُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ
 الْعَلَوِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ أَخْبَرَنِي عَلِيُّ بْنُ
 إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ
 خَالِدِ الْبَرْقِيِّ عَنْ خَلْفِ بْنِ حَمَادٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ
 بْنِ وَهَبٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام الشَّيْعَةُ ثَلَاثٌ
 مُجِبٌّ وَادٌّ فَهُوَ مِنَّا وَ مُتَزَيِّنٌ بَيْنَا وَ نَحْنُ زَيْنٌ

لِمَنْ تَزَيْنَ بَيْنَا وَ مُسْتَأْكِلُ بَيْنَا النَّاسَ وَ مَنْ
اسْتَأْكَلَ بَيْنَا افْتَقَرَ

۶۱ - امام صادق علیه السلام فرمود: شیعه بر سه
قسم است: دوست با محبت، او از ما است و
کسی که بستگی خویش را با ما وسیله حیثیت
اجتماعی خود کرده هر که چنین کند ما نیز
وسیله آبروی او میشویم و کسی که ما را
وسیله شکم‌چرانی خود کرده است هر که ما
را وسیله شکم‌چرانی کند گرفتار فقر
میگردد.

شیعه در سه چیز آزمایش می‌شود

امتحان الشيعة عند ثلاث

۶۲ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ يَحْيَى
الْعَطَّارُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ
أَحْمَدَ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنِ اللَّيْثِيِّ عَنِ
جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ علیه السلام قَالَ امْتَحِنُوا شِيعَتَنَا عِنْدَ
ثَلَاثٍ عِنْدَ مَوَاقِيتِ الصَّلَاةِ كَيْفَ مُحَافِظَتُهُمْ
عَلَيْهَا وَ عِنْدَ أَسْرَارِهِمْ كَيْفَ حِفْظُهُمْ لَهَا عِنْدَ
عَدُوِّنَا وَ إِلَى أَمْوَالِهِمْ كَيْفَ مُوَاسَاةَتُهُمْ
لِإِخْوَانِهِمْ فِيهَا

۶۲ - امام صادق علیه السلام فرمود: شیعیان ما
را در سه چیز آزمایش کنید: در اوقات
نماز که تا چه اندازه مراقبت آنها را
دارند و در اسرار مذهبی که چگونه آنها
را از دشمنان ما حفظ میکنند و در
ثروتشان که با برادران دینی خود تا چه
مقدار کمک و همراهی میکنند.

سه خصلت در هر کس باشد براستی ایمان خود را کامل کرده است

ثلاث خصال من کن فيه فقد استكمل الإيمان
 ٦٣ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
 مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ
 مُحَمَّدِ بْنِ حَسَّانَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَاصِمِ بْنِ
 حَفِيدٍ عَنْ صَالِحِ بْنِ مَيْثَمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام
 قَالَ ثَلَاثُ خِصَالٍ مَنْ كُنَّ فِيهِ اسْتَكْمَلَ خِصَالَ
 الْإِيمَانِ مَنْ صَبَرَ عَلَى الظُّلْمِ وَ كَظَمَ غَيْظَهُ وَ
 احْتَسَبَ وَ عَفَى وَ عَفَرَ كَانَ مِمَّنْ يُدْخِلُهُ اللَّهُ
 الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ وَ يُشَفِّعُهُ فِي مِثْلِ رَبِيعَةَ وَ
 مُضَرَ

٦٣ - امام صادق عليه السلام فرمود: سه خصلت در
 هر کس باشد آثار کامل ایمان را دارا
 است: آنکه در برابر ستم بردباری کند و
 خشم خود فرو خورده و بحساب خدا منظور
 بدارد، و گذشت و اغماض داشته باشد چنین
 کس از کسانی است که خداوندش بدون حساب
 وارد بهشت کند و شفاعتش را در باره
 جمعیتی بشماره عشیره ربیعیه و مضر
 بپذیرد.

٦٤ - حَدَّثَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ مُحَمَّدُ بْنُ
 إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ الطَّالِقَانِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ
 قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ جَرِيرِ الطَّبْرِيُّ قَالَ
 أَخْبَرَنَا أَبُو صَالِحِ الْكِنَانِيُّ عَنْ يَحْيَى بْنِ عَبْدِ
 الْحَمِيدِ الْجَمَّانِيِّ عَنْ شَرِيكِ عَنْ هِشَامِ بْنِ مُعَاذٍ
 قَالَ كُنْتُ جَلِيساً لِعُمَرَ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ حَيْثُ
 دَخَلَ الْمَدِينَةَ فَأَمَرَ مُنَادِيَهُ فَنَادَى مَنْ كَانَتْ
 لَهُ مَظْلَمَةٌ أَوْ ظَلَامَةٌ فَلْيَأْتِ الْبَابَ فَأَتَى مُحَمَّدُ
 بْنُ عَلِيٍّ يَعْنِي الْبَاقِرَ عليه السلام فَدَخَلَ إِلَيْهِ مَوْلَاهُ
 مُرَاجِمٌ فَقَالَ إِنَّ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ بِالْبَابِ فَقَالَ
 لَهُ أَدْخِلْهُ يَا مُرَاجِمُ قَالَ فَدَخَلَ وَ عَمْرُ يَمْسُحُ
 عَيْنَيْهِ مِنَ الدُّمُوعِ فَقَالَ لَهُ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَا
 أَبْكَاكَ يَا عَمْرُ فَقَالَ هِشَامُ أَبْكَاهُ كَذَا وَ كَذَا
 يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَقَالَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ يَا عَمْرُ

إِنَّمَا الدُّنْيَا سَوْقٌ مِنَ الْأَسْوَاقِ مِنْهَا خَرَجَ قَوْمٌ
 بِمَا يَنْفَعُهُمْ وَمِنْهَا خَرَجُوا بِمَا يَضُرُّهُمْ وَكَمْ
 مِنْ قَوْمٍ قَدْ ضَرَّهُمْ بِمِثْلِ الَّذِي أَصْبَحْنَا فِيهِ
 حَتَّى أَتَاهُمُ الْمَوْتُ فَاسْتَوْعَبُوا فَخَرَجُوا مِنْ
 الدُّنْيَا مَلُومِينَ لِمَا لَمْ يَأْخُذُوا لِمَا أَحَبُّوا
 مِنَ الْآخِرَةِ عُدَّةً وَ لَا مِمَّا كَرِهُوا جُنَّةً قَسَمَ مَا
 جَمَعُوا مَنْ لَا يَحْمَدُهُمْ وَ صَارُوا إِلَى مَنْ لَا
 يَغْذِرُهُمْ فَنَحْنُ وَ اللَّهُ مَحْقُوقُونَ أَنْ نَنْظُرَ إِلَى
 تِلْكَ الْأَعْمَالِ الَّتِي كُنَّا نَغْبِطُهُمْ بِهَا
 فَنُؤَافِقُهُمْ فِيهَا وَ نَنْظُرَ إِلَى تِلْكَ الْأَعْمَالِ
 الَّتِي كُنَّا نَتَخَوَّفُ عَلَيْهِمْ مِنْهَا فَكَفَّ عَنْهَا
 فَاتَّقِ اللَّهَ وَ اجْعَلْ فِي قَلْبِكَ اثْنَتَيْنِ تَنْظُرِ الَّذِي
 تُحِبُّ أَنْ يَكُونَ مَعَكَ إِذَا قَدِمْتَ عَلَى رَبِّكَ فَقَدِّمَهُ
 بَيْنَ يَدَيْكَ وَ تَنْظُرِ الَّذِي تَكْرَهُهُ أَنْ يَكُونَ مَعَكَ
 إِذَا قَدِمْتَ عَلَى رَبِّكَ فَابْتَغِ فِيهِ الْبَدَلَ وَ لَا
 تَذْهَبَنَّ إِلَى سَلْعَةٍ قَدْ بَارَتْ عَلَى مَنْ كَانَ قَبْلَكَ
 تَرْجُو أَنْ تَجُوزَ عَنْكَ وَ اتَّقِ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَا
 عُمَرُ وَ افْتَحِ الْأَبْوَابَ وَ سَهِّلِ الْحِجَابَ وَ انصُرِ
 الْمَظْلُومَ وَ رُدِّ الظَّالِمَ ثُمَّ قَالَ ثَلَاثَ مَنْ كُنَّ
 فِيهِ اسْتَكْمَلِ الْإِيمَانَ بِإِلَّهِ فَجَثَى عُمَرُ عَلَى
 رُكْبَتَيْهِ ثُمَّ قَالَ إِيهِ يَا أَهْلَ بَيْتِ النُّبُوَّةِ
 فَقَالَ نَعَمْ يَا عُمَرُ مَنْ إِذَا رَضِيَ لَمْ يُدْخِلْهُ
 رِضَاهُ فِي الْبَاطِلِ وَ إِذَا غَضِبَ لَمْ يُخْرِجْهُ غَضَبُهُ
 مِنَ الْحَقِّ وَ مَنْ إِذَا قَدَّرَ لَمْ يَتَنَاوَلَ مَا لَيْسَ
 لَهُ فِدَعًا عُمَرُ بِدَوَاةٍ وَ قِرْطَاسٍ وَ كَتَبَ بِسْمِ اللَّهِ
 الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ هَذَا مَا رَدَّ عُمَرُ بْنُ عَبْدِ
 الْعَزِيزِ ظُلَامَةَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ فَذَكَ

٦٤ - هشام بن معاذ گوید: عمر بن عبد
 العزیز که به مدینه وارد شد با منش
 همنشینی بوده به جارچی اش دستور داد و او
 اعلام کرد هر کس را ستمی رسید، و یا
 شکایتی از کسی دارد به دربار بیاید
 امام باقر تشریف آورد نوکر عمر: مزاحم
 وارد شد و گفت: که محمد بن علی علیه السلام بر
 در خانه است گفت:

به اندرونش راهنمایی کن گوید: امام
 هنگامی داخل شد که عمر اشک از چشمان خود

پاک میکرد محمد بن علی علیه السلام فرمود چرا گریه کرده ای؟ هشام گفت: یا ابن رسول الله جهت گریه اش چنین و چنان است فرمود: ای عمر برآستی که دنیا بازاری از بازارها است گروهی از این بازار بیرون شدند و متاعی سودمند تهیه کرده بودند و گروهی دیگر متاع زیان بخش، چه بسا مردمی که از کارهای روزمره ما زیانها دیدند تا مرگشان فرا رسید و ریشه کن شدند و سر افکنده از دنیا بیرون رفتند زیرا نه برای آنچه از آخرت دوست داشتند تهیه ای دیدند و نه از آنچه ناخوشاش داشتند سپری ساختند ثروتی را که اندوختند وارث حق شناس به قسمت برد و اینان خود به پیشگاه کسی حاضر شدند که عذرشان را نخواهد پذیرفت پس بخداوند سوگند که بر ما همین شایسته است که در اعمال رشگآور آنان موافقت نمائیم و در کرداری که از آن بر آنان میترسیم خودداری کنیم تو ای عمر تقوی را پیشه کن و دو چیز بخاطرت بسیار: نیکو بنگر، آنچه را که دوست داری به هنگام حضور در محضر پروردگار به همراه داشته باشی از پیش بفرست و درست نگاه کن آنچه را که ناخوش داری در آن محضر با تو باشد عوضش را تهیه کن و خیال مکن متاعی که برای پیشینیان تو کسادی ببار آورد از تو رواج خواهد شد از خداوند بپرهیز ای عمر و درها را به روی مردم باز کن و مردم را به آسانی بپذیر ستمدیده را یاری کن و ستمکار را از ستم بازدار سپس فرمود: سه چیز است که در هر کس باشد ایمانش بخداوند کامل است عمر بسر دو زانو نشست و گفت: بفرمائید ای خاندان پیغمبر، فرمود: آری ای عمر، کسی که چون خشنود گردد خوشنودیش او را به باطل نکشاند و چون خشمگین شود خشمش او را از حق بدر نبرد و کسی که چون قدرتی

بدست گرفت به آنچه از آن او نیست دست
 دراز نکند عمر دوات و کاغذی خواست و
 نوشت بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بموجب این
 نوشته. عمر بن عبد العزیز فدک را که
 مورد دعوی محمد بن علی بود باو باز
 گردانید.

۶۵ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكَّلِ
 رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنِي عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ
 الْجَمِيرِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى
 عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْخَرَّازِ
 عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ الْحَدَّاءِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ
 إِنَّمَا الْمُؤْمِنُ الَّذِي إِذَا رَضِيَ لَمْ يُدْخِلْهُ رِضَاهُ
 فِي إِثْمٍ وَلَا بَاطِلٍ وَإِذَا سَخِطَ لَمْ يُخْرِجْهُ
 سَخِطُهُ مِنْ قَوْلِ الْحَقِّ وَالْمُؤْمِنُ الَّذِي إِذَا قَدَرَ
 لَمْ تُخْرِجْهُ قُدْرَتُهُ إِلَى التَّعَدَى وَإِلَى مَا لَيْسَ
 لَهُ بِحَقِّ

۶۵- امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: مؤمن همان
 است که بهنگام خوشنودی، خوشنودیش بگناه
 و باطل آلوده اش نسازد و بهنگام خشم خشمش
 او را از گفتار حق بدر نبرد و مؤمن کسی
 است که چون قدرت یافت قدرتش او را از حد
 خود بیرون نبرده و جز بحق خویش دست
 درازی نکند.

حدیث ۶۶- و ۶۷ مضمونش با حدیث ۶۵
 تقریباً یکی است.

۶۶ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنِي
 مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الصَّلْتِ عَنْ أَحْمَدَ
 بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ
 فَضَّالٍ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ
 التَّمَالِيِّ عَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ أُمِّهِ فَاطِمَةَ
 بِنْتِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ أَبِيهَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ
 رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ثَلَاثُ خِصَالٍ مَنْ كُنَّ فِيهِ اسْتَكْمَلَ
 خِصَالَ الْإِيمَانِ الَّذِي إِذَا رَضِيَ لَمْ يُدْخِلْهُ رِضَاهُ
 فِي إِثْمٍ وَلَا بَاطِلٍ وَإِذَا غَضِبَ لَمْ يُخْرِجْهُ
 الْغَضَبُ مِنَ الْحَقِّ وَإِذَا قَدَرَ لَمْ يَتَّعَاطَ مَا
 لَيْسَ لَهُ

٦٧ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ
 قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ أَحْمَدَ
 بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ
 يَحْيَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانَ قَالَ ذَكَرَ رَجُلٌ
 الْمُؤْمِنَ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَقَالَ إِنَّمَا
 الْمُؤْمِنُ الَّذِي إِذَا سَخِطَ لَمْ يُخْرِجْهُ سَخِطُهُ مِنْ
 الْحَقِّ وَالْمُؤْمِنُ الَّذِي إِذَا رَضِيَ لَمْ يُدْخِلْهُ
 رِضَاهُ فِي بَاطِلٍ وَالْمُؤْمِنُ الَّذِي إِذَا قَدَرَ لَمْ
 يَتَّعَاطَ مَا لَيْسَ لَهُ بِنَفْسِهِ

خداوند عز و جل در روز قیامت با سه کس
 سخن نگوید و نگاهشان نکند و لیاقت شان
 نبخشد و به شکنجه دردناکی گرفتار خواهند
 بود ثلاثة لا يُكَلِّمُهُمُ اللهُ عز و جل يَوْمَ
 الْقِيَامَةِ ... وَ لَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ ... وَ لَا
 يُزَكِّيهِمْ وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

٦٨ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
 سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدِ الطَّيَالِسِيِّ
 قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ عَوْنٍ عَنْ ابْنِ أَبِي
 نَجْرَانَ التَّمِيمِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا عَاصِمُ بْنُ حُمَيْدٍ
 الْحَنَاطِيُّ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ
 اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ ثَلَاثَةٌ لَا يُكَلِّمُهُمُ اللهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ
 لَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ وَ لَا يُزَكِّيهِمْ وَ لَهُمْ عَذَابٌ
 أَلِيمٌ النَّاتِفُ شَيْبَهُ وَ النَّاكِحُ نَفْسَهُ وَ
 الْمَنكُوحُ فِي دُبُرِهِ

٦٨ - ابی بصیر گوید: شنیدم امام صادق
عليه السلام میفرمود: خدای عز و جل در روز قیامت
 با سه کس سخن نگوید و نگاهشان نکند و
 لیاقت شان نبخشد و به شکنجه دردناکی
 گرفتار خواهند بود آنکه ریش خود را بکند
 و آنکه از خود لذت جنسی ببرد (مقصود جلق
 زدن و استمناء است) و آنکه مورد لذت
 جنسی مردان (و جنس موافق) قرار گیرد.

٦٩ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
 سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِسْمَاعِيلَ الْأَشْعَرِيِّ
 قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ سِنَانَ عَنْ أَبِي مَالِكٍ

الْجَهَنِّيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ ثَلَاثَةٌ لَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَا يَزَكِّيهِمْ وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ مَن ادَّعَى إِمَامًا لَيْسَتْ إِمَامَتُهُ مِنْ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ مَن جَحَدَ إِمَامًا إِمَامَتُهُ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ مَن زَعَمَ أَنَّ لَهُمَا فِي الْإِسْلَامِ نَصِيبًا

۶۹ - مالك جهني گوید: شنیدم امام صادق میفرمود: خدای عز و جل در روز قیامت با سه کس سخن نگوید و نگاهشان نکند و لیاقت شان نبخشد و به شکنجه دردناکی گرفتار خواهند بود: طرفدار امامی که امامتش از طرف خدا نباشد و منکر امامی که امامتش از نزد خدا است و آنکه برای این دو نفر: (طرفدار و منکر) بهره از اسلام قائل شود.

۷۰ - حَدَّثَنَا أَبُو أَحْمَدَ الْقَاسِمُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِوَيْهِ السَّرَّاجُ الزَّاهِدُ الْهَمْدَانِيُّ بِهِمَذَانَ مُنْصَرَفَنَا مِنْ بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ سَنَةَ أَرْبَعٍ وَ خَمْسِينَ وَ ثَلَاثِمِائَةٍ قَالَ أَخْبَرَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ نَصْرِ بْنِ مَنْصُورِ الطُّوسِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عُثْمَانَ بْنِ كَرَامَةَ قَالَ حَدَّثَنَا عُبَيْدُ اللَّهِ بْنُ مُوسَى عَنْ شَيْبَانَ عَنِ الْأَعْمَشِ عَنْ أَبِي صَالِحٍ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله ثَلَاثَةٌ لَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ ... وَ لَا يُزَكِّيهِمْ وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ رَجُلٌ بَايَعَ إِمَامًا لَا يُبَايِعُهُ إِلَّا لِدُنْيَا إِنْ أُعْطَاهُ مِنْهَا مَا يُرِيدُ وَفَى لَهُ وَ إِلَّا كَفَّ وَ رَجُلٌ بَايَعَ رَجُلًا بِسُلْعَتِهِ بَعْدَ الْعَصْرِ فَحَلَفَ بِاللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ لَقَدْ أُعْطِيَ بِهَا كَذَا وَ كَذَا فَصَدَّقَهُ فَأَخَذَهَا وَ لَمْ يُعْطِ فِيهَا مَا قَالَ وَ رَجُلٌ عَلَى فَضْلِ مَاءٍ بِالْفَلَاحَةِ يَمْنَعُهُ ابْنُ السَّبِيلِ

۷۰ - رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: خدای عز و جل روز قیامت با سه کس سخن نگوید و نگاهشان نکند و لیاقتشان نبخشد و به شکنجه ای دردناک گرفتار خواهند بود: مردی که بیعت با امامی کند که بجز برای دنیا نظری

نداشته باشد که اگر خواسته‌اش را از دنیا به او داد به بیعتش وفادار است و گرنه دست از بیعت بر میدارد و مردی که پس از عصر متاعی بفروشد و بخدا سوگند یاد کند که این جنس را فلان مبلغ خریده‌ام و مشتری نیز تصدیقش نموده و آن متاع را بخرد ولی در حقیقت فروشنده آن متاع را به آن مبلغ نخریده باشد، و مردی که در بیابان آب زیادتر از مصرف خود داشته باشد و از رهگذر دریغ نماید.

شرح-

مقصود از بعد از عصر این است که هوا تاریک باشد و مشتری بدون دقت در جنس باعتماد گفته فروشنده و سوگندش جنس را بخرد.

مردم در سه جا از همه جاها بیشتر در وحشتند

أوحش ما يكون الخلق في ثلاثة مواطن
٧١ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ
قَالَ سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ حَمْرَةَ
الْأَشْعَرِيِّ قَالَ حَدَّثَنِي يَاسِرُ الْخَادِمُ قَالَ سَمِعْتُ
أَبَا الْحَسَنِ الرَّضَا عليه السلام يَقُولُ إِنَّ أَوْحَشَ مَا يَكُونُ
هَذَا الْخَلْقُ فِي ثَلَاثَةِ مَوَاطِنَ يَوْمَ يُوَلَدُ وَ
يَخْرُجُ مِنْ بَطْنِ أُمِّهِ فَيَرَى الدُّنْيَا وَ يَوْمَ يَمُوتُ
فَيَرَى الآخِرَةَ وَ أَهْلَهَا وَ يَوْمَ يُبْعَثُ فَيَرَى
أَحْكَامًا لَمْ يَرَهَا فِي دَارِ الدُّنْيَا وَ قَدْ سَلَّمَ
اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَى يَحْيَى فِي هَذِهِ الثَّلَاثَةِ
المَوَاطِنِ وَ آمَنَ رُوعَتَهُ فَقَالَ وَ سَلَامٌ عَلَيْهِ
يَوْمَ وُلِدَ وَ يَوْمَ يَمُوتُ وَ يَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا وَ قَدْ
سَلَّمَ عَيْسَى ابْنُ مَرْيَمَ عليه السلام عَلَى نَفْسِهِ فِي هَذِهِ
الثَّلَاثَةِ المَوَاطِنِ فَقَالَ وَ السَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ
وُلِدْتُ وَ يَوْمَ أَمُوتُ وَ يَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا

٧١ - ياسر خادم گوید: شنیدم از امام
رضا عليه السلام که میفرمود: این مردم در سه جا
از همه جا بیشتر وحشت زده اند روزی که
متولد می شود و از شکم مادر بیرون می آید
و چشم بر این دنیا میگشاید و روزی که
می میرد و آخرت و اهلش را می بیند و روزی
که برانگیخته می شود و مقرراتی را می بیند
که در دنیا ندیده بود و خدای عز و جل
یحیی را در همین سه جا سلامتی عنایت کرده
و وحشتاش را تامین کرده و فرموده است
سلام بر او باد روزی که متولد گردید و
روزی که می میرد و روزی که زنده
برانگیخته می شود و عیسی بن مریم برای
خود در این سه جا سلامتی درخواست کرده و
گفت: سلام بر من باد روزی که زائیده شوم
و روزی که خواهم مرد و روزی که زنده
برانگیخته خواهم گردید.

سه کس شریک ظلمند

الشركاء فى الظلم ثلاثة

۷۲ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ
الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ
الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنِ
مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ طَلْحَةَ بْنِ زَيْدٍ عَنِ جَعْفَرِ بْنِ
مُحَمَّدٍ عَنِ أَبِيهِ عَنِ جَدِّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ كَانَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ
يَقُولُ الْعَامِلُ بِالظُّلْمِ وَالْمُعِينُ عَلَيْهِ وَالرَّاضِي بِهِ شُرَكَاءُ ثَلَاثَةٌ

۷۲ - على عَلَيْهِ السَّلَامُ میفرمود: ستمکار و آنکه او
را یاری کند و آنکه راضی بر آن ستم باشد
هر سه با هم شریکند.

سخن چین سه نفر را قاتل است

الساعي قاتل ثلاثة

۷۳ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنِ
أَبِيهِ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عَمِيرٍ يَرْفَعُهُ إِلَيَّ
أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ السَّاعِي قَاتِلُ ثَلَاثَةٍ قَاتِلُ
نَفْسِهِ وَ قَاتِلُ مَنْ يَسْعَى بِهِ وَ قَاتِلُ مَنْ يَسْعَى
إِلَيْهِ

۷۳ - امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: سخن چین سه
نفر را قاتل است:

قاتل خویش و قاتل آنکه از او سخن چینی
نموده و قاتل کسی که نزد او سخن چینی
کرده است.

مؤمن سه مسکن دارد: زندان و پناهگاه و
اقامتگاه و کافر را نیز سه مسکن است.
للمؤمن ثلاثة مساكن سجن و حصن و مأوى و
للكافر ثلاثة مساكن

۷۴ - حَدَّثَنَا حَمْرَةَ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ
الْعَلَوِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ أَخْبَرَنِي عَلِيُّ بْنُ
إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنِ أَبِيهِ عَنِ عَمْرٍو بْنِ
عُثْمَانَ عَنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنِ أَبِي

الْحَسَنُ الْأَوَّلِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ الدُّنْيَا
سِجْنُ الْمُؤْمِنِ وَالْقَبْرُ حِصْنُهُ وَالْجَنَّةُ مَأْوَاهُ
وَالدُّنْيَا جَنَّةُ الْكَافِرِ وَالْقَبْرُ سِجْنُهُ وَالنَّارُ
مَأْوَاهُ

۷۴ - امام صادق عليه السلام فرمود: مؤمن را در
دنیا زندان است و قبر پناهگاه و بهشت
اقامتگاه، و کافر را دنیا بهشت است و
قبر زندان و دوزخ اقامتگاه.

خدای را سه روز است

أَيَّامَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ثَلَاثَةٌ
۷۵ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ يَحْيَى
الْعَطَّارُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ
اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي يَعْقُوبُ بْنُ يَزِيدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ
الْحَسَنِ الْمِيثَمِيِّ عَنْ مِثْنَى الْحَنَاطِ قَالَ سَمِعْتُ
أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام يَقُولُ أَيَّامُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ثَلَاثَةٌ
يَوْمَ يَقُومُ الْقَائِمُ وَ يَوْمَ الْكُرَّةِ وَ يَوْمَ
الْقِيَامَةِ

۷۵ - مثنی الحنات گوید: شنیدم از امام
باقر عليه السلام که میفرمود: روزهای خدای عز و
جل سه روز است روزی که حضرت قائم قیام
کند و روز رجعت و روز رستاخیز.

سه کس در روز قیامت شکنجه خواهند شد

ثَلَاثَةٌ يَعْذَبُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ
۷۶ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الْجَمِيرِيِّ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ
عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الْمِيثَمِيِّ عَنْ هِشَامِ بْنِ
أَحْمَرَ وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ
عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ ثَلَاثَةٌ
يُعَذَّبُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَنْ صَوَّرَ صُورَةً مِنْ
الْحَيَوَانَ يُعَذَّبُ حَتَّى يَنْفَخَ فِيهَا وَ لَيْسَ بِنَافِخٍ
فِيهَا وَ الْمُكَذَّبُ فِي مَنَامِهِ يُعَذَّبُ حَتَّى يَعْقِدَ
بَيْنَ شَعِيرَتَيْنِ وَ لَيْسَ بِيَعَاقِدٍ بَيْنَهُمَا وَ

الْمُسْتَمِعُ إِلَى حَدِيثِ قَوْمٍ وَ هُمْ لَهُ كَارِهُونَ
يُصَبُّ فِي أُذُنِهِ الْأَنْكُ وَ هُوَ الْأَسْرَبُ

۷۶ - محمد بن مروان گوید: شنیدم از
امام صادق علیه السلام میفرمود: سه کس در روز
رستاخیز شکنجه خواهند شد:

۱ - آنکه صورت حیوانی بسازد عذاب‌اش
کنند که در آن روح بدمد و نتواند دمید.

۲ - آنکه خواب دروغ بسازد عذاب‌اش کنند
که دو دانه جو را به یکدیگر گره بزند و
گره زدن نتواند.

۳ - گوش فرا دهنده به گفتگوی جمعی که
خوش ندارند به سخنانشان گوش فرا داده
شود بر گوش چنین کس سرب گداخته ریخته
می‌شود:

۷۷ - مضمونش با ۷۶ یکی است.

۷۷ - أَخْبَرَنِي الْخَلِيلُ بْنُ أَحْمَدَ قَالَ حَدَّثَنَا
أَبُو جَعْفَرٍ الدَّيْبَلِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ
قَالَ حَدَّثَنَا سُفْيَانُ عَنْ أَيُّوبَ السَّخْتِيَانِيِّ عَنْ
عِكْرَمَةَ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ
صَوَّرَ صُورَةَ عُدْبٍ وَ كُفِّ أَنْ يَنْفَخَ فِيهَا وَ لَيْسَ
بِفَاعِلٍ وَ مَنْ كَذَبَ فِي حُلْمِهِ عُدْبٌ وَ كُفِّ أَنْ
يَعْقِدَ بَيْنَ شَعِيرَتَيْنِ وَ لَيْسَ بِفَاعِلٍ وَ مَنْ
اسْتَمَعَ إِلَى حَدِيثِ قَوْمٍ وَ هُمْ لَهُ كَارِهُونَ يُصَبُّ
فِي أُذُنِهِ الْأَنْكُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ قَالَ
سُفْيَانُ الْأَنْكُ هُوَ الرَّصَاصُ

سه کار تکبر را می‌زداید

ثلاث خصال تبرئ من الكبر

۷۸ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ عَبْدِ
الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ يَرْفَعُهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ
اللَّهِ عليه السلام قَالَ مَنْ رَقَعَ جَيْبَهُ هَكَذَا وَ خَصَفَ نَعْلَهُ وَ
حَمَلَ سِلْعَتَهُ فَقَدْ آمِنَ مِنَ الْكِبَرِ

۷۸ - امام صادق علیه السلام فرمود: هر که
گریبان خود را (این چنین) وصله کند و

کفش خود را خود پینه زند و متاعش را بدوش خود بکشد از تکبر در امان است. شرح: در نسخه کافی روایت با سند دیگر نقل شده و کلمه (این چنین) ندارد.

امر بمعروف و نهی از منکر وظیفه کسی است که سه صفت در او باشد

يَأْمُرُ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ مَنْ كَانَتْ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ
 ٧٩ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ رَفَعَهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ إِنَّمَا يَأْمُرُ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ مَنْ كَانَتْ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ خِصَالِ عَامِلٍ بِيَمَانٍ يَأْمُرُ بِهِ وَتَارِكٍ لِمَا يَنْهَى عَنْهُ عَادِلٍ فِيمَا يَأْمُرُ عَادِلٍ فِيمَا يَنْهَى رَفِيقٍ فِيمَا يَنْهَى

٧٩ - امام صادق عليه السلام فرمود: به امر به معروف و نهی از منکر تنها کسی موظف است که دارای سه صفت باشد: به آنچه امر میکند خود عمل کند و از آنچه باز میدارد خود باز ایستد در امر و نهی اش به عدالت و مدارا رفتار کند.

سه کس نانجیب می شود

ثَلَاثَةٌ لَا يَنْجِبُونَ
 ٨٠ - حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْهَمْدَانِيِّ يَرْفَعُهُ إِلَى دَاوُدَ بْنِ فَرْقِدٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ أَوْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ ثَلَاثَةٌ لَا يَنْجِبُونَ أَعْوَرُ يَمِينٍ وَ أَرْزُقُ كَالْفَصِّ وَ مُوَلَّدُ السُّنْدِ

۸۰ - امام باقر یا امام صادق علیهما السلام فرمود: سه کس نانجیب می‌شود: آنکه چشم راستش کور باشد و آنکه آبی چشم مانند نگین باشد و آنکه زادگاهش سند باشد.

شرح -

مقصود از تشبیه به نگین از جهت رنگ نیست که علاوه بر تکرار آبی بودن رنگ نگین معلوم نیست بلکه ظاهر این است که از جهت شکل به نگین تشبیه شده و مقصود چشم آبی گرد و کوچک باشد و اللَّهُ الْعَالَمُ. و در بعضی از نسخه‌ها بجای سند سنه است و بنا بر این معنی روایت چنین است: کسی که يك سال در شکم مادر مانده باشد.

این عیب برای مرد بس که سه صفت در او باشد

کفی بالمرء عیبا أن یکون فیه ثلاث خصال

۸۱ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ زَيْدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله إِنَّ أَسْرَعَ الْخَيْرِ ثَوَاباً الْبِرُّ وَ إِنَّ أَسْرَعَ الشَّرِّ عِقَاباً الْبَغْيُ وَ كَفَى بِالْمَرْءِ عَيْباً أَنْ يَنْظَرَ مِنَ النَّاسِ إِلَى مَا يَغْمَى عَنْهُ مِنْ نَفْسِهِ وَ يُعَيِّرَ النَّاسَ بِمَا لَا يَسْتَطِيعُ تَرْكُهُ وَ يُؤْذِي جَلِيسَهُ بِمَا لَا يَغْنِيهِ

۸۱ - رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: کار خیری که هر چه زودتر پادشاهش میرسد احسان کردن است و کار بدی که هر چه زودتر کیفرش فرا رسد ستمکاری است و این عیب مرد را بس که از مردم آن عیب بیند که از دیدن آن در خویشتن کور است و مردم را

سرزنش کند بکاری که خود ترکش نتواند کرد، و بدون جهت همنشین خود را بیازارد.

هر که خاندان پیغمبر را دوست ندارد در سرشتش یکی از سه چیز هست من لم يحب عتره النبي ﷺ فهو لإحدى ثلاث

۸۲ - حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ أَبِي نَصْرِ بْنِ الْبَغْدَادِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرِ الْأَحْمَرِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ الْعَبَّاسِ بْنِ يَزِيدَ بْنِ جُبَيْرِ عَنْ دَاوُدَ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ أَبِي رَافِعٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَنْ لَمْ يُحِبَّ عِثْرَتِي فَهُوَ لِأَحَدِي ثَلَاثٍ إِمَّا مُنَافِقٌ وَإِمَّا لِرِزْيَةٍ وَإِمَّا امْرُؤٌ حَمَلَتْ بِهِ أُمُّهُ فِي غَيْرِ طَهْرٍ

۸۲ - رسول خدا ﷺ فرمود: آنکه خاندان مرا دوست ندارد سرشتش یکی از سه چیز است یا منافق است یا زنا زاده و یا کسی است که مادرش در حال ناپاکی به او آبستن شده است.

محبوبترین کار نزد خداوند سه چیز است

أحب الأمور إلى الله ثلاثة
۸۳ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَصْبَهَانِيِّ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ الْمِنْقَرِيِّ عَنْ سُفْيَانَ بْنِ عُيَيْنَةَ عَنِ الزُّهْرِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ كَانَ آخِرُ مَا أَوْصَى بِهِ الْخَضِرُ مُوسَى بْنَ عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْ قَالَ لَهُ لَا تُعَيِّرَنَّ أَحَدًا بِذَنْبٍ وَإِنَّ أَحَبَّ الْأُمُورِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ثَلَاثَةٌ الْقَصْدُ فِي الْجِدَّةِ وَالْعَفْوُ فِي الْمَقْدُورَةِ وَالرِّفْقُ بِعِبَادِ اللَّهِ وَ مَا رَفِقَ أَحَدٌ بِأَحَدٍ فِي الدُّنْيَا إِلَّا رَفِقَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ رَأْسُ الْحِكْمَةِ مَخَافَةُ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى
۸۳ - امام زین العابدین علی بن ابی طالب فرمود: آخرین سفارشی که خضر به موسی بن عمران

کرد این بود که او را گفت: حتما هیچ کس را به گناهی سرزنش مکن و راستی که محبوبترین کار نزد خداوند سه چیز است: میانه روی در حال توانگری، گذشت در حال قدرت، مدارا با بندگان خدا، و هیچ کس با کسی در دنیا مدارا نکند مگر آنکه خدای عز و جل در روز قیامت با او به مدارا رفتار کند و سر آمد حکمت ترس از خدای تبارک و تعالی است.

روز قیامت آتش با سه کس سخن میگوید

تکلم النار يوم القيامة ثلاثة
 ۸۴ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنْ أَبِي هَمَّامِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ هَمَّامٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدِ بْنِ غَزْوَانَ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ آبَائِهِ عَنِ عَلِيِّ بْنِ النَّبِيِّ عليه السلام قَالَ تَكَلَّمَ النَّارُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثَلَاثَةَ أَمْيِرًا وَ قَارِبًا وَ ذَا ثَرَوَةٍ مِنَ الْمَالِ فَتَقُولُ لِلْأَمْيِرِ يَا مَنْ وَهَبَ اللَّهُ لَهُ سُلْطَانًا فَلَمْ يَعْدِلْ فَتَزْدَرِدُهُ كَمَا يَزْدَرِدُ الطَّيْرُ حَبَّ السَّمْسِمِ وَ تَقُولُ لِلْقَارِبِ يَا مَنْ تَزَيَّنَ لِلنَّاسِ وَ بَارَزَ اللَّهُ بِالْمَعَاصِي فَتَزْدَرِدُهُ وَ تَقُولُ لِلْغَنِيِّ يَا مَنْ وَهَبَ اللَّهُ لَهُ دُنْيَا كَثِيرَةً وَاسِعَةً فَيَضَا وَ سَأَلَهُ الْفَقِيرُ الْيَسِيرَ قَرْضًا فَأَبَى إِلَّا بُخْلًا فَتَزْدَرِدُهُ

۸۴ - رسول اکرم عليه السلام فرمود: روز قیامت آتش با سه کس سخن گوید: فرماندار، و دانشمند دینی و ثروتمند به فرماندار گوید: ای آنکه خدایش قدرتی بخشید و او به عدالت رفتار نکرد سپس آتش او را آن چنان می بلعد که پرنده دانه سنجد را و به دانشمند دینی گوید ای آنکه به سالوس خود را در میان مردم بیاراست ولی بدون پروا با خدا نافرمانی کرد سپس او را ببلعد و

به ثروتمند گوید: ای آنکه خداوندش دنیای فزون با وسعت از فیض خود به او بخشید و چون تهی دستی مقدار ناچیزی بعنوان قرض از او خواست بخل ورزید و نداد سپس آتش او را بکام خود میکشد.

سه چیز کمر شکن

ثلاث قاصمات الظهر

۸۵ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنِ عَامِرِ بْنِ رَبَاحٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ الْوَلِيدِ عَنْ سَعْدِ الْأَسْكَافِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ ثَلَاثٌ قَاصِمَاتُ الظَّهْرِ رَجُلٌ اسْتَكْثَرَ عَمَلَهُ وَ نَسِيَ ذُنُوبَهُ وَ أُعْجِبَ بِرَأْيِهِ

۸۵ - امام باقر عليه السلام فرمود: سه چیز کمر شکن است مردی که عمل خود را زیاد پندارد و گناهان خود را فراموش کند و خود پسند باشد.

۸۶ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ قَالَ إِبْلِيسُ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ لَجُنُودِهِ إِذَا اسْتَمَكْنَتْ مِنْ ابْنِ آدَمَ فِي ثَلَاثٍ لَمْ أَبَالِ مَا عَمِلَ فَإِنَّهُ غَيْرُ مَقْبُولٍ مِنْهُ إِذَا اسْتَكْثَرَ عَمَلَهُ وَ نَسِيَ ذَنْبَهُ وَ دَخَلَهُ الْعُجْبُ

۸۶ - امام صادق عليه السلام فرمود: شیطان لعین به لشکر خود گفت: من اگر در سه مورد بر آدمیزاده دست یابم پس از آن هر عملی که بجا آورد خاطر پریشان نگردم که میدانم عملش پذیرفته نیست: هنگامی که عمل خود را زیاد پندارد و گناه خود را فراموش کند و خودپسندی در او راه یابد.

خداوند بر بندگان به سه نعمت منت نهاد
تطول الله عز و جل على عباده بثلاث
۸۷ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى
الْعَطَّارُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ
اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ مُحَمَّدِ
بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ
سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ
يَقُولُ إِنِّي تَطَوَّلْتُ عَلَى عِبَادِي بِثَلَاثِ أَلْقِيَتْ
عَلَيْهِمُ الرِّيحُ بَعْدَ الرُّوحِ وَ لَوْ لَا ذَلِكَ مَا
دَفَنَ حَمِيمٌ حَمِيمًا وَ أَلْقِيَتْ عَلَيْهِمُ السَّلْوَةَ
بَعْدَ الْمُصِيبَةِ وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَمْ يَتَّهَنَّ أَحَدٌ
مِنْهُمْ بِعَيْشِهِ وَ خَلَقْتُ هَذِهِ الدَّابَّةَ وَ سَلَّطْتُهَا
عَلَى الْجِنَّةِ وَ الشَّعِيرِ وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَكُنْرُهُمَا
مُلُوكُهُمْ كَمَا يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَ الْفِضَّةَ
۸۷ - امام صادق عليه السلام فرمود: خدای عز و
جل میفرماید: برآستی که بر بندگانم به
سه نعمت منت نهاده ام. بدنشان را پس از
بیرون شدن روح بد بو کردم و اگر این
نبود هیچ دوستی جنازه دوست خود را بخاک
نمی سپرد و پس از پیش آمد ناگوار
خرسندشان کردم و اگر این نبود زندگی در
کامشان تلخ بود و این جانور را (مقصود
کرم است) آفریدم و بر گندم و جو مسلطش
کردم و اگر نه چنین بود پادشاهانشان آن
را نیز مانند طلا و نقره می اندوختند.

بجز در سه مورد شبزنده داری روا نیست

لا سهر إلا فی ثلاث
۸۸ - حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ
الْكُوفِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ
عَنْ جَدِّهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنِ
جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ أَبِيهِ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ
اللَّهِ صلی الله علیه و آله لَا سَهْرَ إِلَّا فِي ثَلَاثٍ مُتَّهَجِدٍ بِالْقُرْآنِ أَوْ
فِي طَلَبِ الْعِلْمِ أَوْ عَرُوسٍ تُهْدَى إِلَى زَوْجِهَا

۸۸ - رسول خدا ﷺ فرمود: بجز در سه مورد شب‌زنده‌داری روا نیست: به قرآن خواندن در دل شب یا در طلب علم یا عروسی که به حجله برنند.

اگر سه چیز در آدمیزاد نبود هیچ چیزاش سرافکنده نمی‌ساخت

لو لا ثلاث فی ابن آدم ما طأطأ رأسه شیء

۸۹ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنِي عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لَوْ لَا ثَلَاثٌ فِي ابْنِ آدَمَ مَا طَأْطَأَ رَأْسَهُ شَيْءٌ الْمَرَضُ وَالْفَقْرُ وَالْمَوْتُ كُلُّهُمْ فِيهِ وَ إِنَّهُ مَعَهُنَّ لَوَثَابٌ

۸۹ - رسول خدا ﷺ فرمود: اگر سه چیز در آدمیزاد نبود هیچ چیزاش سرافکنده نمی‌ساخت بیماری و نیازمندی و مرگ و او با داشتن این سه چیز باز این همه پر جست و خیز است.

همه دستورات دین در سه چیز خلاصه می‌شود

جميع شرائع الدين ثلاثة أشياء
۹۰ - حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ الْكُوفِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي جَدِّي الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عَنْ عَمْرٍو بْنِ عَثْمَانَ الثَّقَفِيِّ عَنْ سَعِيدِ بْنِ شَرْحُبِيلَ عَنِ ابْنِ لَهْيَعَةَ عَنْ أَبِي مَالِكٍ قَالَ قُلْتُ لِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليه السلام أَخْبِرْنِي بِجَمِيعِ شَرَائِعِ الدِّينِ قَالَ قَوْلُ الْحَقِّ وَالْحُكْمُ بِالْعَدْلِ وَالْوَفَاءُ بِالْعَهْدِ

۹۰ - ابی مالک گوید: به امام زین العابدین عليه السلام عرض کردم: همه دستورات دین

را بمن بفرمائید فرمود: حقگوئی و قضاوت عادلانه. و انجام دادن تعهدات.

همه گرفتاریها در سه چیز است

الفتن ثلاث

۹۱ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكَّلِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ السَّعْدَآبَادِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ زِيَادِ بْنِ الْمُنْذِرِ عَنْ سَعْدِ بْنِ طَرِيفٍ عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام الْفِتْنُ ثَلَاثُ حُبِّ النِّسَاءِ وَ هُوَ سَيْفُ الشَّيْطَانِ وَ شَرْبُ الْخَمْرِ وَ هُوَ فَخُّ الشَّيْطَانِ وَ حُبُّ الدِّينَارِ وَ الدَّرْهَمِ وَ هُمْ سَهْمُ الشَّيْطَانِ فَمَنْ أَحَبَّ النِّسَاءَ لَمْ يَنْتَفِعْ بِعَيْشِهِ وَ مَنْ أَحَبَّ الْأَشْرِبَةَ حَرَمَتْ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَ مَنْ أَحَبَّ الدِّينَارَ وَ الدَّرْهَمَ فَهُوَ عَبْدُ الدُّنْيَا وَ قَالَ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ عليه السلام الدِّينَارُ دَاءٌ الدِّينِ وَ الْعَالِمُ طَبِيبُ الدِّينِ فَإِذَا رَأَيْتُمُ الطَّبِيبَ يَجْرُ الدَّاءَ إِلَى نَفْسِهِ فَاتَّهَمُوهُ وَ اعْلَمُوا أَنَّهُ غَيْرُ نَاصِحٍ لِغَيْرِهِ

۹۱ - امیر المؤمنین عليه السلام فرمود: همه گرفتاریها در سه چیز است زن دوستی که شمشیر شیطان است شرابخواری که دام شیطان است و پول دوستی که تیر شیطان است پس هر که زن دوست باشد از زندگانی بهره‌مند نشود و هر که میگسار باشد بهشت بر او حرام گردد و هر که پول دوست باشد بنده زر خرید دنیا است و فرمود: که عیسی بن مریم گفت: پول زر بیماری دین است و دانشمند دینی پزشک معالج و هر گاه دیدید پزشک خود را دردمند میسازد به او بدبین باشید و بدانید که خیر خواه دیگری نتواند بود.

مرد مسلمان را سه دوست است

للمرء المسلم ثلاثة أخلاء

۹۲ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الْجَمِيرِيِّ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ قَالَ قَالَ عَلِيُّ عليه السلام إِنَّ لِلْمَرْءِ الْمُسْلِمِ ثَلَاثَةَ أَخْلَاءَ فَخَلِيلٌ يَقُولُ أَنَا مَعَكَ حَيًّا وَ مَيِّتًا وَ هُوَ عَمَلُهُ وَ خَلِيلٌ يَقُولُ لَهُ أَنَا مَعَكَ إِلَى بَابِ قَبْرِكَ ثُمَّ أَخْلِيكَ وَ هُوَ وَلَدُهُ وَ خَلِيلٌ يَقُولُ لَهُ أَنَا مَعَكَ إِلَى أَنْ تَمُوتَ وَ هُوَ مَالُهُ فَإِذَا مَاتَ صَارَ لِلْوَارِثِ

۹۲ - امير المؤمنين عليه السلام فرمود: برآستی که مرد مسلمان را سه دوست است دوستی که میگوید:

من در زندگی و مرگ با تو همراهم و آن کردار او است و دوستی که میگوید: من تا لب گور به همراه تو هستم و سپس رهایت خواهم کرد و آن فرزندان اویند و دوستی که میگوید: من تا دم مرگ هستم و آن ثروت اوست که چون مرد مال وارث است.

۹۳ - حَدَّثَنَا أَبُو أَحْمَدَ الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَعِيدِ الْعَسْكَرِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ دُرَيْدٍ قَالَ أَخْبَرَنَا أَبُو حَاتِمٍ عَنِ الْعَبْسِيِّ يَعْنِي أَبُو «أَبَا مُحَمَّدٍ عُبَيْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ وَ أَخْبَرَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ شَيْبِ بْنِ الْبَصْرِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا زَكَرِيَّا بْنُ يَحْيَى الْمِنْقَرِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا الْعَلَاءُ بْنُ الْفَضْلِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ قَالَ قَالَ قَيْسُ بْنُ عَاصِمٍ وَفَدْتُ مَعَ جَمَاعَةٍ مِنْ بَنِي تَمِيمٍ إِلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله فَدَخَلْتُ وَ عِنْدَهُ الصَّلْصَالُ بْنُ الدَّهْمَسِ فَقُلْتُ يَا نَبِيَّ اللَّهُ عِظْنَا مَوْعِظَةً فَإِنَّا قَوْمٌ نَعْبُرُ فِي الْبَرِّيَّةِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله إِنَّ مَعَ الْعِزِّ ذُلًّا وَ إِنَّ مَعَ الْحَيَاةِ مَوْتًا وَ إِنَّ مَعَ الدُّنْيَا آخِرَةً وَ إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ حَسِيبًا وَ عَلَيَّ كُلُّ شَيْءٍ رَقِيبًا وَ إِنَّ لِكُلِّ حَسَنَةٍ ثَوَابًا وَ لِكُلِّ سَيِّئَةٍ عِقَابًا وَ لِكُلِّ أَجَلٍ كِتَابًا وَ إِنَّهُ لَا بُدَّ لَكَ يَا قَيْسُ مِنْ قَرِينٍ يُدْفَنُ مَعَكَ وَ هُوَ حَيٌّ وَ

تُذْفَنُ مَعَهُ وَ أَنْتَ مَيِّتٌ فَإِنْ كَانَ كَرِيمًا أَكْرَمَكَ
وَ إِنْ كَانَ لَئِيمًا أَسْلَمَكَ ثُمَّ لَا يُخْشَرُ إِلَّا مَعَكَ
وَ لَا تُبْعَثُ إِلَّا مَعَهُ وَ لَا تُسْأَلُ إِلَّا عَنْهُ فَلَا
تَجْعَلُهُ إِلَّا صَالِحًا فَإِنَّهُ إِنْ صَلَحَ أَنْسَتَ بِهِ وَ
إِنْ فَسَدَ لَا تَسْتَوْحِشُ إِلَّا مِنْهُ وَ هُوَ فِعْلُكَ فَقَالَ
يَا نَبِيَّ اللَّهِ أَحِبُّ أَنْ يَكُونَ هَذَا الْكَلَامُ فِي
أَبْيَاتٍ مِنَ الشَّعْرِ نَفْخَرُ بِهِ عَلَى مَنْ يَلِينَا مِنَ
الْعَرَبِ وَ نَدْخِرُهُ فَأَمَرَ النَّبِيُّ ﷺ مَنْ يَأْتِيهِ
بِحَسَّانِ بْنِ ثَابِتٍ قَالَ فَأَقْبَلْتُ أَفْكَرُ فِيمَا
أَشْبَهَ هَذِهِ الْعِظَةَ مِنَ الشَّعْرِ فَاسْتَتَبْتُ لِي
الْقَوْلُ قَبْلَ مَجِيءِ حَسَّانٍ فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ
قَدْ حَضَرْتَنِي أَبْيَاتٌ أَحْسَبُهَا تُوَافِقُ مَا تُرِيدُ
فَقُلْتُ تَخَيَّرَ خَلِيطًا مِنْ فِعَالِكَ إِنَّمَا وَ لَا بُدَّ
بَعْدَ الْمَوْتِ مِنْ أَنْ تُعِدَّهُ فَإِنْ كُنْتَ مَشْغُولًا
بِشَيْءٍ فَلَا تَكُنْ فَلَنْ يَصْحَبَ الْإِنْسَانَ مِنْ بَعْدِ
مَوْتِهِ إِلَّا إِنَّمَا الْإِنْسَانُ ضَيْفٌ لِأَهْلِهِ قَرِينٌ
الْفَتَى فِي الْقَبْرِ مَا كَانَ يَفْعَلُ لِيَوْمٍ يُنَادَى
الْمَرْءُ فِيهِ فَيُقِيلُ بِغَيْرِ الَّذِي يَرْضَى بِهِ اللَّهُ
تُشْغَلُ وَ مِنْ قَبْلِهِ إِلَّا الَّذِي كَانَ يَعْمَلُ يُقِيمُ
قَلِيلًا بَيْنَهُمْ ثُمَّ يَرْحَلُ ٩٣ - قيس بن عاصم
گوید: با گروهی از بنی تمیم به محضر
رسول خدا ﷺ شرفیاب شدم وقتی بحضور
رسیدم که صلصال بن دلہس نیز افتخار حضور
داشت عرض کردم: ای پیغمبر خدا ما را
موعظه ای بفرما که ما گروهی بیابان گردیم
(و نمیتوانیم زیاد به خدمت شما برسیم)
رسول خدا ﷺ فرمود: همانا که عزت را
خواری به همراه است و زندگانی را مرگ
قرین و دنیا را آخرتی است و برآستی که
برای هر چیز حسابگری هست و بر هر چیز
مراقبی، و هر کار خوبی را پاداشی است و
هر کار بدی را سزائی و هر پیش آمدی را
سرنوشتی است و به راستی که ای قیس به
ناچار بایستی همنشینی با تو دفن گردد که
زنده است و تو پس از مرگت با او در یک
گور خواهی بود پس اگر بزرگوار باشد با

تو بزرگواری کند و اگر فرومایه باشد تو را فروگذارد سپس او جز به همراه تو محشور نگردد و تو جز به همراه وی از قبر برنخیزی و بجز از ناحیه او مسئولیتی نداری پس همنشین شایسته‌ای برای خود انتخاب کن که اگر شایسته باشد با او مأنوس خواهی بود و اگر ناشایست باشد چیز او از هیچ چیز وحشت نخواهی کرد و آن کردار تو است. عرض کرد: ای پیغمبر خدا دوست میدارم که این فرمایش شما ضمن اشعاری به نظم درآید که باعث افتخار ما بر سایر قبایل عرب گردد و اندوخته ما باشد پیغمبر به کسی دستور فرمود تا حسان بن ثابت را حاضر کند گوید: من شروع کردم به فکر در سرودن اشعاری که شبیه به این موعظه باشد و پیش از آمدن حسان اشعار درست شد عرض کردم یا رسول الله اشعاری به ذهن من رسید که بگمانم خواسته شما را تأمین نماید پس گفتم:

(مضمون اشعار:)

ز کارهای خودت برگزین یکی همدم ز بعد مرگ تو را چاره از رفیقی نیست پس ای عزیز به هیچ از جهان مشغول که به هر آدمی از بعد مرگ و پیش از مرگ بنزد اهل و عیال آدمی بود بمثل که نیست یار، تو را کس بگور، جز کردار بروز حشر که خلق جهان شوند احضار بجز رضای خداوند عالم الا سرار نباشدی بجز از کرده‌ها مصاحب و یار چو میهمان که پس از اندکی ببندد بار شرح:

در بعضی از نسخ قبل از ابیات چنین است: فقلت لقیس بن عاصم و بنظر میرسد که همین صحیح تر باشد و ضمیر متکلم در فقلت با ضمیر متکلم در (فاقبلت افکر) به صلصال بن الدلهمس باز گردد که یکی از شعرا و حاضر در مجلس بوده است چنانچه در

صدر روایت اشاره شده است و مؤید این معنی اینکه اولاً اگر سراینده اشعار قیس بن عاصم باشد درخواستش از رسول خدا ﷺ که فرمایش حضرت به نظم در آید معنی ندارد بلکه همین گواه این است که قیس بن عاصم شعر سرودن نمیتوانسته است و ثانیاً دیلمی در ارشاد تصریح میکند که مردی در آن مجلس بود بنام صلصال و تا حسان حاضر شود اشعار مزبور را سرود

خداوند در باره علیؑ سه کلمه به پیغمبر فرموده است اوحی الله عز و جل إلی النبی ﷺ فی علیؑ ثلاث کلمات

۹۴ - حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ السَّكُونِيُّ الْمُرَكِّي بِالْكُوفَةِ سَنَةَ أَرْبَعٍ وَخَمْسِينَ وَثَلَاثِمِائَةٍ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْحَضْرَمِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا الْقَاسِمُ بْنُ زَكَرِيَّا بْنُ دِينَارٍ قَالَ حَدَّثَنَا إِسْحَاقُ بْنُ مَنْصُورٍ قَالَ حَدَّثَنَا جَعْفَرُ الْأَحْمَرُ عَنْ أُمِّ الصَّيْرِفِيِّ عَنْ أَبِي كَثِيرٍ الْأَنْصَارِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَسْعَدَ بْنِ زُرَّارَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَسْرَى بِي رَبِّي فَأَوْحَى إِلَيَّ فِي عَلِيِّؑ بِثَلَاثٍ إِنَّهُ إِمَامُ الْمُتَّقِينَ وَ سَيِّدُ الْمُؤْمِنِينَ وَ قَائِدُ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ

۹۴ - رسول خدا ﷺ فرمود: پروردگارم مرا به معراج برد و در باره علی سه جمله وحی فرمود:

همانا علی پیشوای پرهیزگاران و سرور مؤمنان و سالار مردان شریف و رو سفیدان است.

مردان سه قسمند

الرجال ثلاثة

۹۵ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ فَضَّالٍ عَنِ ثَعْلَبَةَ بْنِ مَيْمُونٍ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ الرَّجَالُ ثَلَاثَةٌ رَجُلٌ بِمَالِهِ وَ رَجُلٌ بِجَاهِهِ وَ رَجُلٌ بِلِسَانِهِ وَ هُوَ أَفْضَلُ الثَّلَاثَةِ

۹۵ - امام صادق عليه السلام فرمود: مردان سه قسم اند: آنکه مردانگی اش به دارائی او است و آنکه مردانگی اش به مقام و منصب او است و آنکه مردانگی اش به زبان او است و سومی برتر از همه است.

۹۶ - وَ بِهِذَا الْأَسْنَادِ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام الرَّجَالُ ثَلَاثَةٌ عَاقِلٌ وَ أَحْمَقٌ وَ فَاجِرٌ فَالْعَاقِلُ الَّذِي شَرِيعَتُهُ وَ الْجِلْمُ طَبِيعَتُهُ وَ الرَّأْيُ سَجِيَّتُهُ إِنْ سُئِلَ أَجَابَ وَ إِنْ تَكَلَّمَ أَصَابَ وَ إِنْ سَمِعَ وَعَى وَ إِنْ حَدَّثَ صَدَقَ وَ إِنْ اطْمَأَنَّ إِلَيْهِ أَحَدٌ وَفَى وَ الْأَحْمَقُ إِنْ اسْتُنِيَهُ بِجَمِيلٍ غَفَلَ وَ إِنْ اسْتُنْزَلَ عَنْ حَسَنِ نَزَلَ وَ إِنْ حُمِلَ عَلَى جَهْلٍ جَهَلَ وَ إِنْ حَدَّثَ كَذَبَ لَا يَفْقَهُ وَ إِنْ فُقِّهَ لَا يَتَّفَقُهُ وَ الْفَاجِرُ إِنْ انْتَمَنَتْهُ خَائِكَ وَ إِنْ صَاحَبَتْهُ شَائِكَ وَ إِنْ وَثِقَتْ بِهِ لَمْ يَنْصَحَكَ

۹۶ - امیر المؤمنین عليه السلام فرمود: مردان بر سه قسم اند: خردمند و احمق و بدکار خردمند رفتارش مطابق با دین است و بردباری در سرشت او است و تیزبینی خوی او اگر سخنی از او پرسند پاسخ گوید و چون بسخن درآید درست گوید و چون گوش فرا دهد ضبط نماید و چون خبر دهد راست گوید و چون کسی به او اطمینان کند وفا نماید و بیخرد را اگر بکار خوبی متنبه اش سازی از یاد ببرد و اگر از کار خوبی منصرفش کنی دست بردارد و اگر بر نادانی وادارش

کنند ندانسته وادار شود و اگر خبری دهد به دروغ گوید، او نفهمی است که اگر بفهمانندش باز نمی‌فهمد و بدکار را اگر امینش گردانی خیانت ورزد و اگر هم صحبتش شوی سرافکنده‌ات سازد و اگر به او اعتماد کنی بصلاح تو اقدام نکند.

پیشوائی را نشاید مگر کسی که سه صفت داشته باشد

الإمامة لا تصلح إلا لرجل فيه ثلاث خصال
 ۹۷ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ عَبْدِ الصَّمَدِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ حَنَّانِ بْنِ سَدِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عليه السلام قَالَ إِنَّ الْإِمَامَةَ لَا تَصْلُحُ إِلَّا لِرَجُلٍ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ وَرَعٌ يَحْجُرُهُ عَنْ الْمَخَارِمِ وَحِلْمٌ يَمْلِكُ بِهِ غَضَبَهُ وَحُسْنُ الْخِلَافَةِ عَلَى مَنْ وُلِيَ حَتَّى يَكُونَ لَهُ كَالْوَالِدِ الرَّجِيمِ

۹۷ - امام باقر عليه السلام فرمود: پیشوائی را نشاید مگر مردی که در او سه صفت باشد: ورعی که از محرماتش باز دارد و حلمی که از خشمش جلوگیری کند و به هر کس که تولیت یافت آن چنان خوش رفتاری کند که بجای پدری مهربان برای او باشد.

۹۸ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ الْبَزَنْطِيِّ قَالَ سَأَلَ أَبُو الْحَسَنِ عليه السلام الْإِمَامُ بِأَيِّ شَيْءٍ يُعْرَفُ بَعْدَ الْإِمَامِ قَالَ إِنَّ لِلْإِمَامِ عَلَامَاتٍ أَنْ يَكُونَ أَكْبَرَ وُلْدِ أَبِيهِ بَعْدَهُ وَ يَكُونَ فِيهِ الْفَضْلُ وَ إِذَا قَدِمَ الرِّكْبُ الْمَدِينَةَ قَالَ إِلَى مَنْ أَوْصَى فَلَنْ قَالُوا إِلَى فُلَانٍ وَ السَّلَاحُ فِينَا بِمَنْزِلَةِ التَّابُوتِ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ يَدُورُ مَعَ الْإِمَامِ حَيْثُ كَانَ

۹۸ - محمد بن ابی نصر بزنتی گوید: امام موسی بن جعفر را پرسیدند: پس از رحلت امامی امام دیگر به چه علامت شناخته می‌شود؟ فرمود: از برای امام علامتهائی است از جمله آنکه باید بزرگترین فرزند پدرش باشد و دارای فضیلت، و وصایت‌اش از جانب پدر آن چنان معروف و مشهور باشد که اگر سوار غریبی از خارج شهر برسد و از مردم بپرسد که امام چه کسی را وصی خود فرموده؟ همه بگویند فلانی را و سلاح رسول خدا ﷺ در میان ما بمنزله تابوت در میان بنی اسرائیل است که هر جا امام باشد سلاح نیز با او است.

۹۹ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُوسَى الْحَشَّابِ عَنْ يَزِيدَ بْنِ إِسْحَاقَ شَعْرٍ قَالَ حَدَّثَنِي هَارُونُ بْنُ حَمْرَةَ الْعَنْوِيُّ عَنْ عَبْدِ الْأَعْلَى بْنِ أَعِينٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا الْحُجَّةُ عَلَى الْمُدَّعِي لِهَذَا الْأَمْرِ بِغَيْرِ حَقِّ قَالَ ثَلَاثَةٌ مِنَ الْحُجَّةِ لَمْ يَجْتَمِعْنَ فِي رَجُلٍ إِلَّا كَانَ صَاحِبَ هَذَا الْأَمْرِ أَنْ يَكُونَ أَوْلَى النَّاسِ بِمَنْ قَبْلَهُ وَ يَكُونَ عِنْدَهُ سِلَاحُ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ يَكُونَ صَاحِبَ الْوَصِيَّةِ الظَّاهِرَةِ الَّذِي إِذَا قَدِمَتْ الْمَدِينَةَ سَأَلَتِ الْعَامَّةُ وَ الصَّبِيَّانَ إِلَى مَنْ أَوْصَى فَلَانٌ فَيَقُولُونَ إِلَى فَلَانٍ

۹۹ - عبد الاعلی بن اعین گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: آنکه بدون حق مدعی امامت است چه دلیل باید از او مطالبه شود؟ فرمود: سه دلیل است که در هر مردی جمع شود امام او است: برای رسیدگی به امور امام پیش از خود از همه مردم سزاوارتر باشد و سلاح رسول خدا صلی الله علیه و آله نزد او باشد و وصایت‌اش آن چنان آشکار باشد که اگر به شهر درآئی و از همه مردم و بچه‌های شهر بپرسی که امام پیشین که را وصی خود کرده است؟ همه بگویند فلانی را.

در باره کسی که سه بار حج رفته است

فیمن حج ثلاث حجج

۱۰۰ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى بْنِ عِمْرَانَ الْأَشْعَرِيُّ عَنِ السُّنْدِيِّ بْنِ الرَّبِيعِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْقَاسِمِ بْنِ فَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ عَنْ أَيْمَانَ بْنِ مُخْرَزٍ يَرْوِيهِ عَنِ الْقَاسِمِ وَابْنِ فَضَالٍ أَنَّ حَرِيزاً قَالَ مَنْ حَجَّ ثَلَاثَ سِنِينَ مُتَوَالِيَةً ثُمَّ حَجَّ أَوْ لَمْ يَحُجَّ فَهُوَ بِمَنْزِلَةِ مُدْمِنِ الْحَجِّ

قال مصنف هذا الكتاب أدام الله تأييده هذا الإسناد مضطرب و لم أغيره لأنه كان هكذا في نسختي و الحديث صحيح

۱۰۰ - حریز گوید: هر که سه سال پیاپی به حج رود و پس از آن خواه برود یا نرود او بمنزله کسی است که همه ساله به حج می‌رود.

(مصنف) این کتاب ادام الله تأییده گوید سند این حدیث آشفته است ولی چون در نسخه‌ای که من داشتم چنین بود تغییری در آن ندادم ولی متن حدیث، صحیح است.

۱۰۱ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنِ الْحَجَّالِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ صَفْوَانَ بْنِ مَهْرَانَ الْجَمَّالِ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ مَنْ حَجَّ ثَلَاثَ حَجَجٍ لَمْ يُصِبْهُ فَقْرٌ أَبَدًا

۱۰۱ - امام صادق عليه السلام فرمود: هر که سه بار به حج برود هرگز تهی دست نشود.

۱۰۲ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ وَ أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ جَمِيعاً قَالَا حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى بْنِ عِمْرَانَ الْأَشْعَرِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الرَّازِيُّ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ الْعَبَّاسِ عَنْ عَمْرٍو بْنِ سَعِيدٍ عَنِ عَيْسَى بْنِ حَمَزَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ أَيُّ

بَعِيرٍ حُجَّ عَلَيْهِ ثَلَاثَ سِنِينَ جُعِلَ مِنْ نَعَمِ الْجَنَّةِ
 وَ زُوِيَ سَبْعَ سِنِينَ
 ۱۰۲ - امام صادق عليه السلام فرمود: هر شتری که
 با او سه سال به حج رفته شده باشد از
 چهار پایان بهشتی می‌شود و در روایتی هفت
 سال.

در باره کسی که سه نفر مؤمن را به حج ببرد

فیمن حج بثلاثة نفر من المؤمنین
 ۱۰۳ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
 أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى
 بْنِ عِمْرَانَ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ عَنْ
 أَحْمَدَ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الدِّيلَمِيِّ
 مَوْلَى الرَّضَا قَالَ سَمِعْتُ الرَّضَا عليه السلام يَقُولُ مَنْ حَجَّ
 بِثَلَاثَةِ نَفَرٍ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَقَدْ اشْتَرَى نَفْسَهُ
 مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِالْثَمَنِ وَ لَمْ يَسْأَلْهُ مِنْ أَيْنَ
 كَسَبَ مَالَهُ مِنْ حَلَالٍ أَوْ حَرَامٍ
 ۱۰۳ - حسن بن علی دیلمی گوید: شنیدم
 امام رضا عليه السلام می‌فرمود: هر که سه نفر
 مؤمن را به حج ببرد جان خود را از خدای
 تعالی با پول خریده و خدای تعالی از او
 باز خواست نکند که مالش را از چه راهی
 بدست آورده است از حلال یا حرام .
 شرح-

ظاهراً مقصود همان مالی است که که در
 راه رساندن مؤمنین بمکه مصرف شده است.

پیراهن یوسف را سه آیت بود

كان في قميص يوسف عليه السلام ثلاث آيات
 ۱۰۴ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكَّلِ
 رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ
 السَّعْدِ أَبَا دِيٍّ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ
 الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ

هشام بن سالم عن أبي عبد الله عليه السلام قال كان في قميص يوسف عليه السلام ثلاث آيات في قوله عز وجل و جاؤ على قميصه بدم كذب و قوله عز وجل إن كان قميصه قد من قبل الآية و قوله اذهبوا بقميصي هذا الآية

۱۰۴ - امام صادق عليه السلام فرمود: پیراهن یوسف را سه آیت بود آنجا که خدا فرماید: پیراهنش را به خون دروغین آغشته بیاوردند و فرماید: اگر پیراهنش از جلو پاره شده باشد، و فرماید: این پیراهن مرا ببرید.

شرح:

علامتی که در پیراهن خون آلود بوده این بوده است که پیراهن سالم و بدون دریده‌گی بوده چنانچه در روایت است که وقتی یعقوب پیراهن را دید گفت: وه چه گرگ مهربانی بوده است که پیراهن یوسف را ندریده است و علامت پیراهن که در آیه دیگر است دریدگی از قسمت عقب پیراهن بوده که علامت فرار یوسف از دست زلیخا بوده است و آیت سوم بینا شدن چشم یعقوب بود که اطمینان پیدا کرد فرزندش زنده است.

ستم بر سه گونه است

الظلم ثلاثة

۱۰۵ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوِيهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنِي عَمِّي مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي الْقَاسِمِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ هَارُونَ بْنِ الْجَهْمِ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ سَعْدِ بْنِ طَرِيفٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ الظُّلْمُ ثَلَاثَةٌ ظُلْمٌ لَا يَغْفِرُهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَ ظُلْمٌ لَا يَغْفِرُهُ وَ ظُلْمٌ لَا يَدْعُهُ فَأَمَّا الظُّلْمُ الَّذِي لَا يَغْفِرُهُ فَالشَّرْكُ بِاللهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ أَمَّا الظُّلْمُ الَّذِي يَغْفِرُهُ اللهُ فَظُلْمُ الرَّجُلِ نَفْسَهُ فِيمَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ اللهِ عَزَّ وَ

جَلَّ وَ أَمَّا الظُّلْمُ الَّذِي لَا يَدْعُهُ فَالْمُدَايِنَةُ
بَيْنَ الْعِبَادِ

۱۰۵ - امام باقر عليه السلام فرمود: ستم بر سه
گونه است ستمی که خدای عز و جلاش
می‌آمرزد و ستمی که خدایش نیامرزد و ستمی
که خدا نادیده‌اش نه انگارد اما ستمی که
خدایش نمی‌آمرزد شریک قرار دادن از برای
خدا است و ستمی که خدایش بیامرزد ستمی
است که انسان میان خود و خدا بر خود روا
میدارد و اما ستمی که خدا نادیده‌اش
نگذارد حقوق بندگان خدا نسبت به یکدیگر
است.

هم بستری با زنان به سه راه حلال می‌شود

تحل الفروج بثلاثة وجوه
۱۰۶ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ
بْنِ هَاشِمٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنِ
النُّوفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ
أَبِيهِ عَنِ آبَائِهِ عليهم السلام قَالَ قَالَ أَمِيرُ
الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام تَحِلُّ الْفُرُوجُ بِثَلَاثَةِ وُجُوهِ نِكَاحٍ
بِمِيرَاثٍ وَ نِكَاحٍ بِمِلْكِ الْيَمِينِ وَ نِكَاحٍ بِلَا
مِيرَاثٍ

۱۰۶ - امیر المؤمنین عليه السلام فرمود: هم
بستری با زنان به سه راه حلال می‌شود.
همسری با عقدی که ارث آور است (عقد
دائم) همسری از راه کنیز گرفتن همسری با
عقدی که ارث نیاورد (عقد متعه).

برای همه مسلمانان امید نجات است جز برای یکی از سه تن

ترجى النجاة لجميع الأمة إلا لأحد ثلاثة
۱۰۷ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ
الْأَصْفَهَانِيِّ عَنِ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ الْمِنْقَرِيِّ عَنِ
حَفْصِ بْنِ غِيَاثِ النَّخَعِيِّ عَنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام

قَالَ إِنِّي لَأَرْجُو النِّجَاةَ لِهَذِهِ الْأُمَّةِ لِمَنْ عَرَفَ حَقَّنَا مِنْهُمْ إِلَّا لِأَحَدٍ ثَلَاثَةٍ صَاحِبِ سُلْطَانٍ جَائِرٍ وَ صَاحِبِ هَوَىٰ وَ الْفَاسِقِ الْمُعْلِنِ

۱۰۷ - امام صادق عليه السلام فرمود: من برای همه این امت که حق ما را بشناسند امید نجات دارم جز برای یکی از سه تن: همنشین پادشاه ستمگر و شخص هوا پرست و کسی که آشکارا گناه کند.

سخت ترین هنگام برای آدمی سه وقت است

أشد ساعات ابن آدم ثلاث ساعات
۱۰۸ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي الْقَاسِمُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّزَّاقِ عَنْ مَعْمَرٍ عَنِ الزُّهْرِيِّ قَالَ قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام أَشَدُّ سَاعَاتِ ابْنِ آدَمَ ثَلَاثُ سَاعَاتٍ السَّاعَةُ الَّتِي يُعَايِنُ فِيهَا مَلَكَ الْمَوْتِ وَ السَّاعَةُ الَّتِي يَقُومُ فِيهَا مِنْ قَبْرِهِ وَ السَّاعَةُ الَّتِي يَقِفُ فِيهَا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَىٰ فِيمَا إِلَى الْجَنَّةِ وَ إِمَّا إِلَى النَّارِ ثُمَّ قَالَ إِنْ نَجَوْتَ يَا ابْنَ آدَمَ عِنْدَ الْمَوْتِ فَأَنْتَ أَنْتَ وَ إِلَّا هَلَكْتَ وَ إِنْ نَجَوْتَ يَا ابْنَ آدَمَ حِينَ تُوَضَّعُ فِي قَبْرِكَ فَأَنْتَ أَنْتَ وَ إِلَّا هَلَكْتَ وَ إِنْ نَجَوْتَ حِينَ يُحْمَلُ النَّاسُ عَلَى الصَّرَاطِ فَأَنْتَ أَنْتَ وَ إِلَّا هَلَكْتَ وَ إِنْ نَجَوْتَ حِينَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ فَأَنْتَ أَنْتَ وَ إِلَّا هَلَكْتَ ثُمَّ تَلَا وَ مِنْ وَرَائِهِمْ بَرَزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ قَالَ هُوَ الْقَبْرُ وَ إِنْ لَهُمْ فِيهِ لَمَعِيشَةٌ ضَنْكًا وَ اللَّهُ إِنْ الْقَبْرَ لَرَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ أَوْ حُفْرَةٌ مِنْ حُفْرِ النَّارِ ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَيَّ رَجُلٍ مِنْ جُلَسَائِهِ فَقَالَ لَهُ لَقَدْ عَلِمَ سَاكِنُ السَّمَاءِ سَاكِنَ الْجَنَّةِ مِنْ سَاكِنِ النَّارِ فَأَيُّ الرَّجُلَيْنِ أَنْتَ وَ أَيُّ الدَّارَيْنِ دَارُكَ

۱۰۸ - امام سجاد عليه السلام فرمود: سخت ترین هنگام آدمیزاد سه وقت است: هنگامی که ملک الموت را می‌بیند و هنگامی که از گور

برخیزد و هنگامی که در پیشگاه الهی می‌ایستد که یا بهشتی شود و یا جهنمی، سپس فرمود: ای آدمیزاده اگر هنگام مرگ نجات یافتی شخصیت خود را احراز کرده‌ای و گر نه نابود گشته‌ای و اگر هنگامی که به خاکت بسپارند نجات یافتی خود را دریافته‌ای و گر نه نابود گشته‌ای و اگر هنگامی که مردم بر سر پل صراط درگذرند نجات یافتی تو شخصیتی داری و گر نه نابود گشته‌ای و اگر هنگامی که مردم در پیشگاه رب العالمین بپا خیزند نجات یافتی تو را مقامی است و گر نه نابودی سپس این آیه تلاوت فرمود از پس مرگشان عالم برزخ است تا روز رستاخیز ، و فرمود:

عالم برزخ همان عالم قبر است که به تنگنای زندگی دچارند بخدای سوگند که قبر یا گلستانی است از بوستان بهشتی یا گودالی است از گودالهای آتش سپس روی بر یکی از اهل مجلس کرده و به او فرمود: آنکه در آسمان است شخص بهشتی را از دوزخی میشناسد تو از کدامین هستی و خانه‌ات کدام يك از این دو خانه است؟

آدمیزاد هرگز کاری انجام نمیدهد که در نزد خدا از سه کار بزرگتر باشد

لن يعمل ابن آدم عملاً أعظم عند الله عز و جل من ثلاثة

۱۰۹ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ قَالَ سَمِعْتُ غَيْرَ وَاحِدٍ مِنْ أَصْحَابِنَا يَرَوِي عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَنْ يَعْمَلَ ابْنُ آدَمَ عَمَلًا أَكْبَرَ عِنْدَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى مِنْ رَجُلٍ قَتَلَ نَبِيًّا أَوْ إِمَامًا أَوْ هَدَمَ الْكَعْبَةَ الَّتِي

جَعَلَهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ قِبْلَةً لِعِبَادِهِ أَوْ أْفَرَعُ
 مَاءَهُ فِي امْرَأَةٍ حَرَامًا

۱۰۹ - رسول خدا ﷺ فرمود: آدمیزاد هرگز کاری نمیکند که در نزد خداوند بزرگتر از کار کسی باشد که پیغمبری یا امامی را بکشد یا کعبه‌ای را که خدای‌اش عز و جل قبله بندگان خود قرار داده ویران سازد و یا نطفه خود را از راه حرام در زنی بریزد.

مرد سفر نکند مگر در سه مورد

لا يظعن الرجل إلا في ثلاث

۱۱۰ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي الْقَاسِمُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ قَالَ أَخْبَرَنِي غَيْرُ وَاحِدٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ مَكْتُوبٌ فِي حِكْمَةِ آلِ دَاوُدَ عليه السلام لَا يَظْعَنُ الرَّجُلُ إِلَّا فِي ثَلَاثٍ زَادَ لِمَعَادٍ أَوْ مَرَمَةٍ لِمَعَاشٍ أَوْ لِدَّةٍ فِي غَيْرِ مُحَرَّمٍ ثُمَّ قَالَ مَنْ أَحَبَّ الْحَيَاةَ ذَلَّ

۱۱۰ - امام صادق عليه السلام فرمود: در حکمت آل داود ثبت است که مرد سفر نکند مگر در سه مورد: یا توشه آخرتش باشد یا اصلاح زندگی‌اش، یا لذت حلال، سپس فرمود: هر که به زندگی دل‌بند باشد خوار میگردد.

سه بستر لازم است

الفرش ثلاثة

۱۱۱ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ قَالَ حَدَّثَنِي حَمَادُ بْنُ عَيْسَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ نَظَرَ إِلَى فُرْشٍ فِي دَارِ رَجُلٍ فَقَالَ فِرَاشٌ لِلرَّجُلِ وَ فِرَاشٌ لِأَهْلِهِ وَ فِرَاشٌ لِضَيْفِهِ وَ الْفِرَاشُ الرَّابِعُ لِلشَّيْطَانِ

۱۱۱ - حماد بن عیسی گوید: امام صادق علیه السلام را بر بسترهایی در خانه مردی نظر افتاد فرمود:

بستری برای مرد خانه لازم است و بستری برای اهل خانه و بستری برای مهمان و بستر چهارم از آن شیطان است.

۱۱۲ - أَخْبَرَنِي الْخَلِيلُ بْنُ أَحْمَدَ السَّجَزِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عَمْرُ بْنُ حَفْصٍ قَالَ حَدَّثَنَا سُلَيْمَانُ بْنُ الْأَشْعَثِ قَالَ حَدَّثَنَا يَزِيدُ بْنُ خَالِدِ الرَّمْلِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا ابْنُ وَهْبٍ عَنْ أَبِي هَانِيٍّ عَنْ أَبِي عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْحَبَلِيِّ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ ذَكَرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْفُرْشَ فَقَالَ فِرَاشٌ لِلرَّجُلِ وَ فِرَاشٌ لِلْمَرْأَةِ وَ فِرَاشٌ لِلضَّيْفِ وَ الرَّابِعُ لِلشَّيْطَانِ

۱۱۲ - جابر بن عبد الله گوید: رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سخن از بستر میگفت فرمود: بستری از آن مرد و بستری از آن زن و بستری از آن مهمان است و چهارمی از آن شیطان است.

علامتهای سه گانه

العلامات الثلاث

۱۱۳ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي الْقَاسِمُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ قَالَ حَدَّثَنِي حَمَادُ بْنُ عَيْسَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ يَا بُنَيَّ لِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمَةٌ يُعْرَفُ بِهَا وَ يُشْهَدُ عَلَيْهَا وَ إِنَّ لِلدِّينِ ثَلَاثَ عِلْمَاتٍ الْعِلْمُ وَ الْإِيمَانُ وَ الْعَمَلُ بِهِ وَ لِلْإِيمَانِ ثَلَاثُ عِلْمَاتٍ الْإِيمَانُ بِاللَّهِ وَ كُتُبِهِ وَ رُسُلِهِ وَ لِلْعِلْمِ ثَلَاثُ عِلْمَاتٍ الْعِلْمُ بِاللَّهِ وَ بِمَا يُحِبُّ وَ بِمَا يَكْرَهُ وَ لِلْعَمَلِ ثَلَاثُ عِلْمَاتٍ الصَّلَاةُ وَ الصِّيَامُ وَ الزَّكَاةُ وَ لِلْمُتَكَلِّفِ ثَلَاثُ عِلْمَاتٍ يُنَازِعُ مَنْ فَوْقَهُ وَ يَقُولُ مَا لَا يَعْلَمُ وَ يَتَعَطَّى مَا لَا يَنَالُ وَ لِلظَّالِمِ ثَلَاثُ عِلْمَاتٍ يَظْلِمُ مَنْ فَوْقَهُ بِالْمَعْصِيَةِ وَ مَنْ دُونَهُ بِالْعُلْبَةِ وَ يُعِينُ

الظَّلْمَةَ وَ لِمُنَافِقٍ ثَلَاثُ عَلَامَاتٍ يُخَالِفُ لِسَانُهُ قَلْبَهُ وَ قَلْبُهُ فِعْلُهُ وَ عَلَانِيَتُهُ سَرِيرَتُهُ وَ لِلْأَثِمِ ثَلَاثُ عَلَامَاتٍ يَخُونُ وَ يَكْذِبُ وَ يُخَالِفُ مَا يَقُولُ وَ لِلْمُرَائِي ثَلَاثُ عَلَامَاتٍ يَكْسَلُ إِذَا كَانَ وَحْدَهُ وَ يَنْشَطُ إِذَا كَانَ النَّاسُ عِنْدَهُ وَ يَتَعَرَّضُ فِي كُلِّ أَمْرٍ لِمَحْمَدَةَ وَ لِحَاسِدِ ثَلَاثُ عَلَامَاتٍ يَغْتَابُ إِذَا غَابَ وَ يَتَمَلَّقُ إِذَا شَهِدَ وَ يَشْمَتُ بِالْمُصِيبَةِ وَ لِلْمُسْرِفِ ثَلَاثُ عَلَامَاتٍ يَشْتَرِي مَا لَيْسَ لَهُ وَ يَلْبَسُ مَا لَيْسَ لَهُ وَ يَأْكُلُ مَا لَيْسَ لَهُ وَ لِلْكَسَلَانِ ثَلَاثُ عَلَامَاتٍ يَتَوَانِي حَتَّى يُفَرِّطَ وَ يُفَرِّطُ حَتَّى يُضَيِّعَ وَ يُضَيِّعُ حَتَّى يَأْتِمَ وَ لِلْغَافِلِ ثَلَاثُ عَلَامَاتٍ السَّهُوُ وَ اللُّهُوُ وَ النَّسْيَانُ: قَالَ حَمَّادُ بْنُ عَيْسَى قَالَ أَبُو عَبِيدٍ رضي الله عنه وَ لِكُلِّ وَاحِدَةٍ مِنْ هَذِهِ الْعَلَامَاتِ شُعْبَةٌ يَبْلُغُ الْعِلْمُ بِهَا أَكْثَرَ مِنْ أَلْفِ بَابٍ وَ أَلْفِ بَابٍ وَ أَلْفِ بَابٍ فَكُنْ يَا حَمَّادُ طَالِبًا لِلْعِلْمِ فِي آتَاءِ اللَّيْلِ وَ أَطْرَافِ النَّهَارِ فَإِنْ أَرَدْتَ أَنْ تُقِرَّ عَيْنُكَ وَ تَنَالَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ فَاقْطَعْ الطَّمَعِ مِمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ وَ عُدَّ نَفْسَكَ فِي الْمَوْتَى وَ لَا تُحَدِّثَنَّ نَفْسَكَ أَنَّكَ فَوْقَ أَحَدٍ مِنَ النَّاسِ وَ اخْزُنْ لِسَانَكَ كَمَا تَخْزُنُ مَالَكَ

۱۱۳ - امام صادق رضي الله عنه فرمود: لقمان به فرزندش گفت: جان فرزند هر چیز را علامتی است که بدان شناخته گردد و گواه آن است دین را هم سه علامت است: دانش و ایمان و عمل به دین، و ایمان را سه علامت است ایمان به خدا و کتابهای آسمانی و پیغمبران خدا و دانشمند را سه علامت است: شناختن خدا و آنچه خدایش دوست دارد و آنچه خدا را ناخوش آید و رفتارکننده به دین را سه علامت است: نماز و روزه و زکات، و دانشمند نما را سه علامت است: با برتر از خود ستیزه کند و ندانسته چیزی گوید و به آنچه در دسترس او نیست دست طمع دراز کند، و ستمکار را سه علامت است: با

برتر از خود بنافرمانی ستم روا دارد و با زیر دست به تعدی و زور، و ستمکاران را یار و یاور است و منافق را سه علامت است: زبانش با دلش مخالف است و دلش با کردارش، و نهانش با آشکارش، و گنهکار را سه علامت است: خیانت بورزد و دروغ بگوید و بر خلاف گفته خود رفتار کند و ریاکار را سه علامت است هنگام تنهائی کسل است و چون مردم بنزدش باشند با نشاط است و به هر کاری دست بزند برای خوش آیند دیگران است، و حسود را سه علامت است: پشت سر بدگوئی کند و پیش رو تملق نماید و مصیبت زده را سرزنش کند، و ولخرج را سه علامت است: آنچه را که در خور او نیست میخرد و آنچه را که در خور او نیست میپوشد و آنچه را که در خور او نیست میخورد، و تنبل را سه علامت است: آن قدر کوتاهی کند تا سست گردد، و آنقدر سستی ورزد تا ضایع کند و آنقدر ضایع کند که گنهکار شود، و غافل را سه علامت است: اشتباه و بازی و فراموشی حماد بن عیسی گوید امام صادق علیه السلام فرمود: هر يك از این علامتها را رشته های مختلفی است که دانستن همه آنها بیش از هزار باب و هزار باب و هزار باب است ای حماد شبانه روز به دنبال دانش باش و اگر خواستی که چشمت روشن باشد و بخیر دنیا و آخرت بررسی طمع خود را از آنچه بدست مردم است ببر و خود را در ردیف مردگان بگذار و هرگز به خاطرت نگذرد که تو را بر يك نفر از مردم مزیتی است و زبان خویش در دهان نگهدار همان طور که مالت را نگه میداری.

خدای عز و جل بنده را در سه حال مختلف آفرید

خلق الله عز و جل العبد في ثلاثة أحوال من أمره

۱۱۴ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ قَالَ حَدَّثَنِي حَمَادُ بْنُ عَيْسَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام كَانَ فِيمَا وَعَظَ بِهِ لُقْمَانَ ابْنَهُ أَنْ قَالَ لَهُ يَا بُنَيَّ لِيَعْتَبِرَ مَنْ قَصَرَ يَقِينُهُ وَ ضَعُفَتْ نِيَّتُهُ فِي طَلَبِ الرِّزْقِ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى خَلَقَهُ فِي ثَلَاثَةِ أَحْوَالٍ مِنْ أَمْرِهِ وَ آتَاهُ رِزْقَهُ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ فِي وَاحِدَةٍ مِنْهَا كَسْبٌ وَ لَا حِيلَةٌ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى سَيَّرَ رِزْقَهُ فِي الْحَالِ الرَّابِعَةِ أَمَّا أَوَّلُ ذَلِكَ فَإِنَّهُ كَانَ فِي رَحِمِ أُمِّهِ يَرْزُقُهُ هُنَاكَ فِي قَرَارِ مَكِينٍ حَيْثُ لَا يُؤْذِيهِ حَرٌّ وَ لَا بَرْدٌ ثُمَّ أَخْرَجَهُ مِنْ ذَلِكَ وَ أَجْرَى لَهُ رِزْقًا مِنْ لَبَنِ أُمِّهِ يَكْفِيهِ بِهِ وَ يُرَبِّيهِ وَ يَنْعَشُهُ مِنْ غَيْرِ حَوْلٍ بِهِ وَ لَا قُوَّةٍ ثُمَّ فَطِمَ مِنْ ذَلِكَ فَأَجْرَى لَهُ رِزْقًا مِنْ كَسْبِ أَبِيهِ بِرَأْفَةٍ وَ رَحْمَةٍ لَهُ مِنْ قُلُوبِهِمَا لَا يَمْلِكَانِ غَيْرَ ذَلِكَ حَتَّى إِنَّهُمَا يُؤْثِرَانِهِ عَلَى أَنْفُسِهِمَا فِي أَحْوَالٍ كَثِيرَةٍ حَتَّى إِذَا كَبِرَ وَ عَقَلَ وَ اِكْتَسَبَ لِنَفْسِهِ ضَاقَ بِهِ أَمْرُهُ وَ ظَنَّ الظُّنُونَ بِرَبِّهِ

وَ جَحَدَ الْحُقُوقَ فِي مَالِهِ وَ قَتَرَ عَلَى نَفْسِهِ وَ عِيَالِهِ مَخَافَةَ إِقْتَارِ رِزْقٍ وَ سُوءِ يَقِينٍ بِالْخَلْفِ مِنَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى فِي الْعَاجِلِ وَ الْأَجَلِ فَيُنَسَّ الْعَبْدُ هَذَا يَا بُنَيَّ

۱۱۴ - امير المؤمنين عليه السلام فرمود: از جمله پندهائی که لقمان بر فرزندش میداد این بود: که گفتش جان فرزند آنکه در باره روزی پایه یقینش کوتاه و ایمانش ضعیف است باید قیاس کند که خدای تبارک و تعالی او را در سه حال مختلف آفرید و در همه روزیش را داد در صورتی که به هیچ یک از آن حالات نه کسبی داشت و نه راه

چاره‌ای و مسلماً خداوند در حالت چهارم نیز روزیش خواهد بخشید اولین حال شکم، مادر بود که خدایش در آن جایگاه محکم و محفوظ از گرما و سرما روزی رساند سپس از آن جایگاه بیرونش آورد و روزی او را از رهگذر شیر مادر که غذای کافی و پرورش ده و نیرو بخش بود تأمین نمود بی‌آنکه بنده تاب و توانی به چنین کار داشته باشد سپس از شیر بازگرفت و روزیش را از کسب پدر و مادرش تأمین فرمود و آن چنان دل پدر و مادر را نسبت به او مهربان و کانون محبت کرد که در این زمینه بی‌اختیار بودند تا آن حد که غالباً فرزند را بر خودشان مقدم می‌داشتند همین که بزرگ شد و عاقل شد و مشغول کسب گردید عرصه کار بر او تنگ شد و بخدا گمانهای بد برد و حقوق الهی را که در مالش بود انکار نمود و بر خود و عیال خود تنگ گرفت که مبادا روزیش کم شود و یا خداوند از وعده‌هایی که در دنیا و آخرت به او داده است مخالفت ورزد پسر جانم چه بد بنده‌ای است این چنین بنده.

مردم سه دسته‌اند

الناس ثلاثة

۱۱۵ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَّاءِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَائِدٍ عَنْ أَبِي خَدِيجَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ النَّاسُ يَعْدُونَ عَلَى ثَلَاثَةِ عَالِمٍ وَ مُتَعَلِّمٍ وَ عُثَاءٍ فَتُحْنُ الْعُلَمَاءُ وَ شَيْعَتُنَا الْمُتَعَلِّمُونَ وَ سَائِرُ النَّاسِ عُثَاءٌ

۱۱۵ - امام صادق عليه السلام فرمود: مردم روزگار بر سه دسته‌اند دانشمند و دانش‌جو و افراد بی‌خاصیت، دانشمندان مائیم و دانشجویان شیعیان ما و مردم بی‌خاصیت بقیه مردم.

۱۱۶ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
 سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ عَنِ
 الْحُسَيْنِ بْنِ سَيْفٍ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ أَبِي
 الْحَسَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ النَّاسُ ثَلَاثَةَ
 عَرَبِيٍّ وَ مَوْلَى وَ عِلْجٌ فَأَمَّا الْعَرَبُ فَذَحْنٌ وَ
 أَمَّا الْمَوْلَى فَمَنْ وَالَانَا وَ أَمَّا الْعِلْجُ فَمَنْ
 تَبَرَّأَ مِنَّا وَ نَاصَبَنَا

۱۱۶ - امام موسی بن جعفر علیه السلام فرمود:
 مردم سه دسته اند: نژاد عربی اصیل، و غلام
 و حیوان اما عرب ما هستیم و غلام و برده،
 کسی که ما را دوست بدارد و درازگوش،
 آنکه از ما بیزار باشد و با ما دشمنی
 کند،

شرح-

مسلمانان صدر اول اسلام که از بیت
 المال استفاده میکردند همه عرب بودند و
 پس از توسعه اسلام افرادی از غیر عرب که
 در میان مسلمانان بودند موالی نامیده
 میشدند چون میبایست خود را به یکی از
 قبایل عرب وابسته معرفی کند و تحت
 حمایت او باشند و به همین جهت موالی
 نامیده میشدند که بمعنی آزاد شده است و
 افراد غیر عرب را که مسلمان هم نبودند
 علج میگفتند علج در لغت بمعنای گور خور
 فربه است و نیز به معنای گبر عجمی که
 دین ندارد (منتهی الارب).

و شاید در معنای دوم از باب توهین
 استعمال شده باشد و بهر حال این طبقه
 بندی در تشکیلات حکومت بنی امیه و بنی
 عباس بود شاید روایت بر مبنای اصل دین و
 تقوی نظر به این طبقه بندی داشته و
 میفرماید مسلمانان طبقه اول مائیم و
 طبقه دوم دوستان مايند از هر نژاد که
 باشند چه عرب و چه عجم و طبقه سوم:
 (علج) دشمنان ما و ناصبیها هستند از هر

نژاد که باشند چه عرب و چه عجم إِنَّ
أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ.

۱۱۷ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ
الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ صَفْوَانَ
بْنِ يَحْيَى عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْخَزَّازِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ
مُسْلِمٍ وَغَيْرِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ قَالَ
رَسُولُ اللَّهِ صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم اغْدُ عَالِمًا أَوْ مُتَعَلِّمًا أَوْ أَحِبَّ
الْعُلَمَاءَ وَ لَا تَكُنْ رَابِعًا فَتَهْلِكَ بِبُغْضِهِمْ
۱۱۷ - رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم فرمود: به روزگار
یا دانشمند باش یا دانشجو و یا دوستدار
دانشمندان و چهارمین قسم مباش که دشمنی
دانشمندان باعث نابودی است.

در سه مورد هیچ کس معذور نیست

ثلاث خصال لا عذر فیها لأحد
۱۱۸ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنِي
عَلِيُّ بْنُ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ أَبِي جَعْفَرِ
الْكَمَيْدَانِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ
مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُصْعَبٍ
الْهَمْدَانِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ
ثَلَاثَةٌ لَا عُذْرَ لِأَحَدٍ فِيهَا أَدَاءُ الْأَمَانَةِ إِلَى
الْبِرِّ وَ الْفَاجِرِ وَ الْوَفَاءُ بِالْعَهْدِ لِلْبِرِّ وَ
الْفَاجِرِ وَ بِرُّ الْوَالِدَيْنِ بَرِّينَ كَانَا أَوْ
فَاجِرَيْنِ

۱۱۸ - حسین بن مصعب همدانی گوید: از
امام صادق شنیدم که میفرمود: در سه مورد
هیچ کس معذور نیست در پس دادن امانت به
صاحبش چه نیکوکار باشد و چه بد کردار،
در وفا کردن به عهد و پیمان، چه نسبت به
نیکوکار و چه نسبت به بدکردار و نیکی با
پدر و مادر، چه نیکوکار باشند و چه
بدکار

هر کس دارای سه خصلت باشد تا سزای
آنها را نبیند هرگز نخواهد مرد

ثلاث خصال لا يموت صاحبهن حتى يرى
وبالهن

۱۱۹ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكَّلِ
رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ
الْجَمِيرِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنِ
الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مَالِكِ بْنِ عَطِيَّةَ عَنْ أَبِي
عَبِيدَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ فِي كِتَابِ عليه السلام
ثَلَاثُ خِصَالٍ لَا يَمُوتُ صَاحِبُهُنَّ أَبَدًا حَتَّى يَرَى
وَبِالْهِنَّ الْبَغْيُ وَ قَطِيعَةُ الرَّحِمِ وَ الْيَمِينُ
الْكَاذِبَةُ يُبَارِزُ اللَّهُ بِهَا وَ إِنَّ أَعْجَلَ الطَّاعَةِ
ثَوَاباً لَصِلَةُ الرَّحِمِ وَ إِنَّ الْقَوْمَ لَيَكُونُونَ
فُجَّاراً فَيَتَوَاصِلُونَ فَتَنَمِي أَمْوَالُهُمْ وَ يَبْرُونَ
فَتَزْدَادُ أَعْمَارُهُمْ وَ إِنَّ الْيَمِينَ الْكَاذِبَةَ وَ
قَطِيعَةَ الرَّحِمِ لَتَذَرَانِ الدِّيَارَ بِلَاقِعٍ مِنْ
أَهْلِهَا وَ يُثْقِلَانِ الرَّحِمَ وَ إِنَّ ثَقُلَ الرَّحِمِ
انْقِطَاعُ النَّسْلِ

۱۱۹ - امام باقر عليه السلام فرمود: در کتاب
علی است که هر کس دارای سه خصلت باشد تا
سزای آنها را نبیند هرگز نخواهد مرد:
ستم و از خویشاوندان بریدن و قسم دروغ
خوردن که با خداوند جنگ کردن است و
براستی، طاعتی که هر چه زودتر پاداشش
میرسد پیوند با خویشان است و جمعی با
اینکه که گنهکار باشند چون صله رحم کنند
ثروتشان بیشتر گردد و چون احسان کنند
عمرهاشان زیاد شود و بر راستی که سوگند
دروغ و قطع رحم شهرها را خالی از سکنه
کند و رحم را سنگین سازد و همانا سنگینی
رحم بریده شدن نسل است.

سه چیز باعث کامل شدن مسلمان است

ثلاث بهن يكمل المسلم
١٢٠ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ
حَدَّثَنَا الْمُعَلَّى بْنُ مُحَمَّدٍ الْبَصْرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ
جُمُهورِ الْعَمِّيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشِيرِ الْبَجَلِيِّ عَنْ
أَبِي بَحْرٍ عَنْ شَرِيحِ الْهَمْدَانِيِّ عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ
السَّيِّعِيِّ عَنِ الْحَارِثِ الْأَعْوَرِ قَالَ
قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام ثَلَاثٌ بِهِنَّ يَكْمُلُ
الْمُسْلِمُ التَّفَقُّهُ فِي الدِّينِ وَ التَّقْدِيرُ فِي
الْمَعِيشَةِ وَ الصَّبْرُ عَلَى النُّوَابِ
١٢٠ - امير المؤمنين عليه السلام فرمود: سه چیز
باعث کامل شدن مسلمان است: احکام دین را
یاد گرفتن و در زندگی به اندازه رفتار
کردن و در پیش آمدهای ناگوار بردبار
بودن.

سفارشهای سه‌گانه‌ای که پیغمبر به امیر المؤمنین فرموده است

ما جاء على ثلاثة في وصية
النبي صلى الله عليه وآله لأمير المؤمنين ع
١٢١ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ
إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرَّارٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ
يَرْفَعُهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ كَانَ فِيهَا
أَوْصَى بِهِ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله عَلِيًّا ع
يَا عَلِيُّ أَنْهَكَ عَنْ ثَلَاثٍ خِصَالٍ عِظَامِ الْحَسَدِ
وَ الْجُرْصِ وَ الْكُذْبِ
يَا عَلِيُّ سَيِّدُ الْأَعْمَالِ ثَلَاثٌ خِصَالٍ إِنْصَافُكَ
النَّاسَ مِنْ نَفْسِكَ وَ مُوَاسَاةُ الْأَخِ فِي اللَّهِ عَزَّ وَ
جَلَّ وَ ذِكْرُ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى عَلَى كُلِّ حَالٍ
يَا عَلِيُّ ثَلَاثٌ فَرَحَاتٌ لِلْمُؤْمِنِ فِي الدُّنْيَا
لِقَاءِ الْإِخْوَانِ وَ الْإِفْطَارُ فِي الصِّيَامِ وَ
التَّهَجُّدُ مِنْ آخِرِ اللَّيْلِ

يَا عَلِيُّ ثَلَاثٌ مَنْ لَمْ تَكُنْ فِيهِ لَمْ يَقُمْ لَهُ
عَمَلٌ وَرَعٌ يَحْجُزُهُ عَنِ مَعَاصِي اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ خُلُقٌ
يُدَارِي بِهِ النَّاسَ وَ حِلْمٌ يَرُدُّ بِهِ جَهْلَ الْجَاهِلِ
يَا عَلِيُّ ثَلَاثٌ مِنْ حَقَائِقِ الْإِيمَانِ الْإِنْفَاقُ فِي
الْإِقْتَارِ وَ انْصَافُ النَّاسِ مِنْ نَفْسِكَ وَ بَذْلُ
الْعِلْمِ لِلْمُتَعَلِّمِ

يَا عَلِيُّ ثَلَاثٌ خِصَالٍ مِنْ مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ تُعْطَى
مَنْ حَرَمَكَ وَ تَصِلُ مَنْ قَطَعَكَ وَ تَغْفُو عَمَّنْ ظَلَمَكَ

۱۲۱ - امام صادق عليه السلام فرمود: پیغمبر
صلی الله علیه و آله ضمن سفارشهایش به علی علیه السلام فرمود:

یا علی تو را از سه صفت بزرگ باز
میدارم! رشک و آز و دروغ،

یا علی سر آمد کارهای نیک سه کار است:
در باره خود به مردم حق دادن، و با
برادر دینی یار و یاور بودن، و به هر
حالی بیاد خدای تبارک و تعالی بودن،

یا علی مؤمن در دنیا به سه چیز شاد
گردد: ملاقات برادران، و افطار ماه
رمضان، و عبادت آخر شب،

یا علی سه چیز در هر کس نباشد هیچ
عملش پایدار نیست: پاکدامنی به حدی که
تواند به گناه آلوده نشود، و خوش خلقی
تا آن حد که تواند با مردم سازش کند، و
بردباری به اندازه ای که رفتار جاهلانه
نادان را بخود نگیرد.

یا علی ایمان واقعی سر منشأ سه کار
است: بخشش به هنگام تنگدستی، و در باره
خود به مردم حق دادن، و دانش در اختیار
دانش جو گذاردن

یا علی سه صفت در شمار صفات پسندیده
است: آنکه تو را محروم کرده عطایش بخشی،
و با آن کسی که از تو بریده به پیوندی،
و از کسی که به تو ستم روا داشته
درگذری.

۱۲۲ - حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنُ
الشَّاهِ الْمَرْوَرُوذِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو حَامِدٍ

أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ الْحُسَيْنِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو
يَزِيدَ أَحْمَدُ بْنُ خَالِدِ الْخَالِدِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا
مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ صَالِحِ التَّمِيمِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا
أَبِي قَالَ حَدَّثَنِي أَنَسُ بْنُ مُحَمَّدٍ أَبُو مَالِكٍ عَنْ
أَبِيهِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ
عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ
فِي وَصِيَّتِهِ لَهُ

يَا عَلِيُّ ثَلَاثٌ مَنْ لَقِيَ اللَّهَ بِهِنَّ فَهُوَ مِنْ أَفْضَلِ
النَّاسِ مَنْ أَتَى اللَّهَ بِمَا افْتَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهِ فَهُوَ مِنْ
أَعْبِدِ النَّاسِ وَمَنْ وَرَعَ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ فَهُوَ مِنْ
أَوْرَعِ النَّاسِ وَمَنْ قَنَعَ بِمَا رَزَقَهُ اللَّهُ فَهُوَ مِنْ
أَعْنَى النَّاسِ

يَا عَلِيُّ ثَلَاثٌ لَا تُطِيقُهَا هَذِهِ الْأُمَّةُ
الْمُوَاسَاةُ لِلْأَخِ فِي مَالِهِ وَانْصَافُ النَّاسِ مِنْ
نَفْسِهِ وَذِكْرُ اللَّهِ عَلَى كُلِّ حَالٍ وَ لَيْسَ هُوَ سُبْحَانَ
اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ وَ
لَكِنْ إِذَا وَرَدَ عَلَى مَا يَحْرُمُ عَلَيْهِ خَافَ اللَّهُ عَزَّ
وَ جَلَّ عِنْدَهُ وَ تَرَكَهُ

يَا عَلِيُّ ثَلَاثَةٌ يُتَخَوَّفُ مِنْهُنَّ الْجُنُونُ التَّغَوُّطُ
بَيْنَ الْقُبُورِ وَ الْمَشْيُ فِي خُفٍّ وَاحِدٍ وَ الرَّجُلُ
يَنَامُ وَحَدَّهُ

يَا عَلِيُّ ثَلَاثَةٌ مُجَالَسَتُهُمْ تُمِيتُ الْقَلْبَ
مُجَالَسَةُ الْأَنْدَالِ وَ مُجَالَسَةُ الْأَغْنِيَاءِ
وَ الْحَدِيثُ مَعَ النِّسَاءِ

يَا عَلِيُّ ثَلَاثَةٌ يَزِدْنَ فِي الْجَفِظِ وَ يَذْهَبْنَ
السُّقْمَ اللَّبَانُ وَ السَّوَاكُ وَ قِرَاءَةُ الْقُرْآنِ
يَا عَلِيُّ ثَلَاثَةٌ مِنَ الْوَسْوَاسِ أَكَلُ الطَّيْنِ وَ
تَقْلِيمُ الْأَظْفَارِ بِالْأَسْنَانِ وَ أَكَلُ اللَّحْيَةِ
يَا عَلِيُّ أَنْهَاكَ عَنْ ثَلَاثِ خِصَالٍ الْحَسَدُ وَ
الْجِرْصُ وَ الْكِبْرُ

يَا عَلِيُّ ثَلَاثَةٌ يُقَسِّينَ الْقَلْبَ اسْتِمَاعُ اللَّهْوِ
وَ طَلْبُ الصَّيْدِ وَ إِثْيَانُ بَابِ السُّلْطَانِ
يَا عَلِيُّ الْعَيْشُ فِي ثَلَاثَةِ دَارٍ قَوْرَاءَ وَ
جَارِيَةٍ حَسَنَاءَ وَ فَرَسٍ قَبَاءَ

قال مصنف هذا الكتاب أدام الله عزه الفرس
القباء الضامر البطن يقال فرس أقب و

قباة لأن الفرس يذكر و يؤنث و يقال للأنثى
قباة لا غير

۱۲۲ - رسول خدا ﷺ در وصیتش به
علی فرمود:

یا علی هر کس با سه چیز خدای را ملاقات
کند از مردان با فضیلت بشمار آید: هر که
واجبات الهی را بجای آورد از عابدترین
مردمان است و هر که از محرمات الهی
اجتناب نماید از پرهیزکارترین اشخاص است
و هر کس بدان چه خدایش روزی معین کرده
بسازد از بی‌نیازترین مردم است.

یا علی این امت به سه چیز توانائی
ندارند با برادر دینی در دارائی خود یار
و غمخوار بودن، و در باره خویشتن بمردم
حق دادن، و به هر حالی بیاد خدا بودن، و
یاد خدا سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله
و الله اکبر گفتن نیست بلکه یاد خدا این
است که چون به حرامی برسد از خدای بترسد
و به آن حرام مرتکب نشود،

یا علی در سه کار بیم آن است که
دیوانگی آرد در گورستان تغوط کردن و با
یک لنگه کفش راه رفتن و مردیکه تنها
بخوابد،

یا علی همنشینی با سه گروه دل را
بمیراند: همنشینی پس فطرتان و همنشینی
ثروتمندان و همصحبتی زنان،

یا علی سه چیز قوه حافظه را بیفزاید و
بیماری را از تن به برد: کندر خوردن و
مسواک کردن و قرآن خواندن،

یا علی سه چیز از وسواس است گل خوردن
و ناخنها را به دندان چیدن و ریش را
جویدن،

یا علی از سه کار نهیت میکنم: رشگ و
آز و خودخواهی،

یا علی سه کار سنگین دلی آورد به آواز
لهو گوش فرا دادن به دنبال شکار رفتن و
به دربار پادشاه رفت و آمد کردن

یا علی لذت زندگی در سه چیز است خانه فراخ، کنیز زیبا، و اسب لاغر میان. مصنف این کتاب ادام الله عزه گوید: (در اصلی که روایت از آن نقل شد چنین نوشته است) فرس قباء یعنی اسب لاغر میان فرس اقب و قباء هر دو گفته می‌شود چون فرس در مورد اسب نر ماده هر دو گفته می‌شود ولی اگر مورد سخن مادیان باشد فقط باید قباء گفت.

در دعا به سه کس باید لفظ جمع گفته شود

ثلاثة يرد عليهم الدعاء بلفظ الجماعة
 ۱۲۳ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشِيرٍ عَنْ أَبِي عُيَيْنَةَ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ ثَلَاثَةٌ يُرَدُّ عَلَيْهِمُ الدُّعَاءُ جَمَاعَةً وَ إِنْ كَانُوا وَاحِدًا الرَّجُلُ يَعْطَسُ فَيَقَالُ لَهُ يَرْحَمُكَ اللَّهُ فَإِنْ مَعَهُ غَيْرُهُ وَ الرَّجُلُ يُسَلِّمُ عَلَى الرَّجُلِ فَيَقُولُ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ الرَّجُلُ يَدْعُو لِلرَّجُلِ فَيَقُولُ عَافَاكُمْ اللَّهُ

قال مصنف هذا الكتاب ادام الله عزه يقال للعاطس إذا كان مخالفا يرحمكما الله و المراد به الملكان الموكلان به فأما المؤمن فإنه يقال له يرحمكم الله إذا عطس
 ۱۲۳ - امام صادق عليه السلام فرمود: سه کس را باید دعا بلفظ جمع کرد گرچه يك نفر باشند مردیکه عطسه زند به او گفته شود يرحمكم الله زیرا دیگری نیز به همراه او هست و مردی که به مرد دیگر سلام کند میگوید السلام عليكم و مردی که برای مرد دیگر دعا کند میگوید عافاكم الله .
 کلام مصنف

مصنف این کتاب ادام^۲ الله عزه گوید (در نسخه اصل چنین است): که اگر عطسه‌کننده از مخالفین مذهب باشد باو باید گفت: یرحمکم الله و مقصود آن دو ملک مقرب باشد که گماشته اویند ولی بمؤمن هنگام عطسه باید گفت: یرحمکم الله

برای عطسه‌کننده تا سه بار باید دعا کرد

يسمت العاطس ثلاثا
 ۱۲۴ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ وَهْبِ بْنِ مُنْبِهِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ يُسَمَّتُ الْعَاطِسُ ثَلَاثًا فَمَا فَوْقَهَا فَهُوَ رِيحٌ

۱۲۴ - امیر المؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: عطسه‌کننده را سه بار باید دعا کرد و اگر از سه بار بیشتر عطسه زد آن باد است.
 ۱۲۵ - وَ فِي حَدِيثٍ آخَرَ أَنََّّهُ إِنْ زَادَ الْعَاطِسُ عَلَى ثَلَاثٍ قِيلَ لَهُ شَفَاكَ اللَّهُ لِأَنَّ ذَلِكَ مِنْ عِلَّةٍ

۱۲۵ - در حدیث دیگر است که اگر از سه بار بیشتر عطسه زد به او باید گفت: شفاك الله خدا شفایت بخشد زیرا منشأ عطسه زیاد، علتی است در مزاج.

سه صفت را خدای عز و جل نه در منافقی جمع میکند و نه در فاسقی

ثلاث خصال لا يجمعها الله عز و جل لمنافق و لا فاسق

۱۲۶ - حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ مَسْرُورٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ غَامِرٍ عَنْ عَمِّهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ غَامِرٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ

مَحْبُوبٍ عَنِ عَبَادِ بْنِ صُهَيْبٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ لَا يَجْمَعُ اللَّهُ لِمُنَافِقٍ وَلَا فَاسِقٍ حُسْنَ السَّمْتِ وَالْفِقْهَ وَحُسْنَ الْخُلُقِ أَبَدًا

۱۲۶ - عباد بن صهیب گوید: شنیدم از امام صادق عليه السلام که میفرمود: خداوند هرگز خوش رفتاری و خوش فهمی و خوش خلقی را نه در منافق جمع میکند و نه در فاسق.

سه کس از مهمانان خداوند هستند و زائر او و در پناه او

ثلاثة من أضياف الله عز وجل و زواره و فی کنفه

۱۲۷ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوِيهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنِي عَمِّي مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي الْقَاسِمِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبَادِ بْنِ صُهَيْبٍ قَالَ سَمِعْتُ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ عليه السلام يُحَدِّثُ قَالَ إِنَّ صَيْفَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ رَجُلٌ حَجَّ وَاعْتَمَرَ فَهُوَ ضَيْفُ اللَّهِ حَتَّى يَرْجِعَ إِلَى مَنْزِلِهِ وَرَجُلٌ كَانَ فِي صَلَاتِهِ فَهُوَ فِي كَنَفِ اللَّهِ حَتَّى يَنْصَرِفَ وَرَجُلٌ زَارَ أَخَاهُ الْمُؤْمِنَ فِي اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَهُوَ زَائِرُ اللَّهِ فِي عَاجِلِ ثَوَابِهِ وَخَزَائِنِ رَحْمَتِهِ

۱۲۷ - عباد بن صهیب گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که فرمود: مهمان خدای عز و جل:

مردی است که عمل حج و عمره را بجا آورد او مهمان خدا است تا به خانه خود باز گردد و مردی که در نماز است در پناه خدا است تا نماز را تمام کند و مردی که به دیدن برادر مؤمن خود برای رضای خدا عز و جل برود پاداش او در دنیا و بهره اش از گنجینه های رحمت الهی مانند کسی است که خدا را زیارت کند.

خریدار حیوان تا سه روز اختیار فسخ دارد

الشرط فی الحيوان ثلاثة أيام للمشتري
١٢٨ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى
عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ جَمِيلٍ عَنْ فُضَيْلِ بْنِ
يَسَارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ قُلْتُ لَهُ مَا
الشَّرْطُ فِي الْحَيَوَانِ قَالَ ثَلَاثَةٌ أَيَّامٍ لِلْمُشْتَرِي
قُلْتُ فَمَا الشَّرْطُ فِي غَيْرِ الْحَيَوَانِ قَالَ
الْبَيْعَانِ بِالْخِيَارِ مَا لَمْ يَفْتَرَقَا فَإِذَا
افْتَرَقَا فَلَا خِيَارَ بَعْدَ الرِّضَا مِنْهُمَا

١٢٨ - فضيل بن يسار گوید: امام صادق
را عرض کردم: در معامله حیوان شرط فسخ
معامله چیست؟ فرمود: سه روز خریدار
حیوان اختیار فسخ دارد عرض کردم در
معامله غیر حیوان چه؟ فرمود:

خریدار و فروشنده تا از هم جدا
نشده اند میتوانند معامله را فسخ کنند و
چون از يك ديگر جدا شدند پس از اينکه هر
دو راضی بوده اند نمیتواند معامله را بهم
بزنند.

خدای عز و جل در سه چیز بهیچ کس رخصت مخالفت نداده است

ثلاث لم يجعل الله عز و جل لأحد من الناس
فيهن رخصة

١٢٩ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الْجَمِيرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ
الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ
عَنْ مَالِكِ بْنِ عَطِيَّةَ عَنْ عُنْبَسَةَ بْنِ مُصْعَبٍ قَالَ
سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ ثَلَاثٌ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ
لِأَحَدٍ مِنَ النَّاسِ فِيهِنَّ رُخْصَةٌ بِرُّ الْوَالِدَيْنِ
بَرِّينَ كَانَا أَوْ فَاجِرِينَ وَوَفَاءُ بِالْعَهْدِ لِلْبَرِّ
وَ الْفَاجِرِ وَ آدَاءُ الْأَمَانَةِ إِلَى الْبَرِّ وَ
الْفَاجِرِ

۱۲۹ - عنبسة بن مصعب گوید: شنیدم از امام صادق که میفرمود: سه چیز است که خدا به هیچ کس اجازه مخالفت در آن نداده است نیکی در حق پدر و مادر: نیکوکار باشند یا بدکار، وفای بعهده برای نیکوکار و بدکردار، امانت را پس دادن به نیکوکار و بدکردار.

محرومیت از سه چیز شدیدترین گرفتاری مؤمن است

ما ابتلی المؤمن بشيء أشد عليه من ثلاث خصال يحرمها

۱۳۰ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ زَيْدِ الشَّحَّامِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مَا ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُ بِشَيْءٍ أَشَدَّ عَلَيْهِ مِنْ خِصَالٍ ثَلَاثٍ يُحْرَمُهَا قِيلَ وَ مَا هُنَّ قَالَ الْمُوَاسَاةُ فِي ذَاتِ يَدِهِ بِإِلَّهِ وَالْإِنْصَافُ مِنْ نَفْسِهِ وَ ذِكْرُ اللَّهِ كَثِيرًا أَمَا إِنِّي لَا أَقُولُ لَكُمْ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ وَ لَكِنَّ ذِكْرَ اللَّهِ عِنْدَ مَا أَحَلَّ لَهُ وَ ذِكْرَ اللَّهِ عِنْدَ مَا حَرَّمَ عَلَيْهِ

۱۳۰ - امام صادق عليه السلام فرمود: محرومیت از سه چیز سخت ترین ابتلای مؤمن است عرض شد: آن سه چیز چیست؟ فرمود: در راه خدا با آنچه در دست دارد با دیگران همدردی کردن و در باره خویشتن انصاف دادن و زیاد بیاد خدای بودن مقصود از این گفتار نه این است که شما ذکر سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر را زیاد تکرار کنید بلکه مقصودم بیاد خدا بودن است در آنچه برای او حلال بوده است و در آنچه بر او حرام فرموده.

اگر سه طایفه نبودند خداوند عذاب سختی بر بندگان فرو میفرستاد

لو لا ثلاث لصب الله العذاب على عباده صبا
۱۳۱ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ
قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ وَ أَحْمَدُ
بْنُ إِدْرِيسَ جَمِيعاً عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى
عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُضْعَبٍ
قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِنَّ اللَّهَ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَ
لَيْلَةٍ مَلَكًا يُنَادِي مَهْلًا مَهْلًا عِبَادَ اللَّهِ عَنْ
مَعْاصِي اللَّهِ فَلَوْ لَا بَهَائِمُ رُتِعَ وَ صَبِيَةٌ رُضِعَ وَ
شَيْوُخٌ رُكِعَ لَصَبَّ عَلَيْكُمْ الْعَذَابُ صَبًّا وَ تُرْضَوْنَ
بِهِ رَضًّا

۱۳۱ - امام صادق عليه السلام فرمود: خدای را
فرشته‌ای است که هر شبانه روزی فریاد
میزند: بندگان خدا در راه معصیت و
نافرمانی خدا قدری آهسته‌تر قدم بردارید
که اگر حیوانات چرنده و بچه‌های شیرخوار
و پیران قد خمیده نبودند آنچنان عذاب
سختی بر شما فرود می‌آید که در زیر شکنجه
آن نرم میشدید.

سه کس از رحمت خدا دورند

ثلاثة ملعونون
۱۳۲ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ
يَحْيَى بْنِ عِمْرَانَ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى
عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ النَّوْفَلِيِّ عَنِ الْحُسَيْنِ
بْنِ الْمُخْتَارِ بِإِسْنَادِهِ يَرْفَعُهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ
اللَّهِ صلى الله عليه وآله مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ أَكَمَهُ « كُمُهُ أَعْمَى عَنْ
وَلَايَةِ أَهْلِ بَيْتِي مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ عَبَدَ
الدِّينَارَ وَ الدَّرْهَمَ مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ نَكَحَ
بَهِيمَةً

۱۳۲ - رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: از رحمت خدا
دور است و دور، کسی که فردی را که در
فهم ولایت و دوستی خاندان من کور است

کورتراش نماید از رحمت خدا دور است و دور کسی که بنده زر و سیم باشد از رحمت خدا دور است و دور کسی که عمل جنسی را با چهار پائی انجام دهد.

حکیمان و دانشمندان چون به یکدیگر نامه مینوشتند فقط سه جمله مینوشتند و چهارم نداشت

انت الحكماء و الفقهاء إذا كاتب بعضهم بعضا كتبوا بثلاث ليس معهن رابعة
۱۳۳ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكَّلِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ أَبِيهِ عَنِ آبَائِهِ عَنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام قَالَ كَانَتْ الْفُقَهَاءُ وَالْحُكَمَاءُ إِذَا كَاتَبَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا كَتَبُوا ثَلَاثًا لَيْسَ مَعَهُنَّ رَابِعَةٌ مَنْ كَانَتْ الْأَخْرَهُ هَمَّتَهُ كَفَاهُ اللَّهُ هَمَّهُ مِنَ الدُّنْيَا وَمَنْ أَصْلَحَ سَرِيرَتَهُ أَصْلَحَ اللَّهُ عَلَانِيَتَهُ وَمَنْ أَصْلَحَ فِيمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَصْلَحَ اللَّهُ فِيمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ النَّاسِ

۱۳۳ - امیر المؤمنین عليه السلام فرمود: حکیمان و دانشمندان پیشین چون به یکدیگر نامه مینوشتند سه جمله مینوشتند که چهارمی نداشت: آنکه همتش را بکار آخرت گماشت خداوند کار دنیای او را کفایت میکند و آنکه باطن خود را اصلاح کند خداوند ظاهرش را اصلاح فرماید و آنکه کارهای میان خود و خدا را اصلاح کند خداوند کارهای میان او و مردم را اصلاح فرماید.

مؤمن با سه چیز خو نگیرد

المؤمن لا تكون سجيته ثلاث «ثلاثا»
۱۳۴ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْهَيْثَمِ بْنِ أَبِي مَسْرُوقٍ النَّهْدِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ عَلِيِّ بْنِ

رَبَابٍ عَنِ الْحَلِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَا تَكُونُ سَجِيئَتُهُ الْكَذِبَ وَالْبُخْلَ وَالْفُجُورَ وَ لَكِنْ رَبِّمَا أَلَمَ بِشَيْءٍ مِنْ هَذَا لَا يَدُومُ عَلَيْهِ فَقِيلَ لَهُ أَ فَيَزْنِي قَالَ نَعَمْ هُوَ مُفْتَنٌ تَوَابٌ وَ لَكِنْ لَا يُوَلَدُ لَهُ ابْنٌ مِنْ تِلْكَ النُّطْفَةِ

۱۳۴ - حلبی گوید: شنیدم از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ میفرمود: براستی که مؤمن با دروغ و بخل و ناپاکی خو نگیرد و لکن گاهی بیکی از اینها آلوده شود نه همیشه، به آن حضرت عرض شد: آیا مؤمن زنا هم میکند؟ فرمود: بلی به این کار مبتلا میگردد و توبه میکند ولی او را فرزندی از چنین نطفه متولد نمیشود.

هر کس چیزی از مال دنیای او از دستش برود سه پاداش دارد

ثلاث خصال لمن يؤخذ منه شيء من دنياه
قسرا

۱۳۵ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ إِنِّي أَعْطَيْتُ الدُّنْيَا بَيْنَ عِبَادِي قَيْضًا «فَيْضًا» فَمَنْ أَقْرَضَنِي مِنْهَا قَرْضًا أَعْطَيْتُهُ بِكُلِّ وَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ عَشْرًا إِلَى سَبْعِمِائَةٍ ضِعْفٍ وَ مَا شِئْتُ مِنْ ذَلِكَ وَ مَنْ لَمْ يُقْرِضْنِي مِنْهَا قَرْضًا فَأَخَذْتُ مِنْهُ قَسْرًا أَعْطَيْتُهُ ثَلَاثَ خِصَالٍ لَوْ أَعْطَيْتُ وَاحِدَةً مِنْهُنَّ مَلَائِكَتِي لَرَضُوا الصَّلَاةَ وَ الْهَدَايَةَ وَ الرَّحْمَةَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَ أَحَدَةٌ مِنَ الثَّلَاثِ وَ رَحْمَةٌ اثْنَتَيْنِ «اثْنَتَانِ وَ أُولَئِكَ

هُمُ الْمُهْتَدُونَ ثَلَاثَةٌ ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام
هَذَا لِمَنْ أَخَذَ اللَّهُ مِنْهُ شَيْئاً قَسْرًا

۱۳۵ - رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: خدای جل جلاله فرماید: من دنیا را در میان بندگان خود بی‌دریغ بخش کردم هر کس از این دنیا بمن وام بدهد يك بده تا به هفتصد برابر باز پس‌اش خواهم داد و هر قدر بیشتر که بخواهم و آنکه بمن وام ندهد و در راه من انفاق نکند ولی قهرا از دستش برود سه پاداش به او میدهم که اگر یکی از آنها را به فرشتگانم میدادم خوشنود میشدند: برکت و هدایت و رحمت که خدای عز و جل میفرماید کسانی که بهنگام فرا رسیدن مصیبت گویند: إِنِّي لِلَّهِ وَ إِنِّي إِلَيْهِ رَاجِعُونَ برکاتی از پروردگارشان بر آنان میرسد (یکی از سه پاداش) و رحمت شامل حالشان گردد این دومی و آنان هدایت یافته‌گانند (سومین پاداش) سپس امام صادق عليه السلام فرمود این پاداش‌ها برای کسی است که بر خلاف میل‌اش خداوند چیزی از او گرفته باشد. خدای عز و جل را بهشتی است که بجز سه کس دیگری را بدان راه نیست له عز و جل جنة لا يدخلها إلا ثلاثة

۱۳۶ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ قَيْسٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ جَنَّةٌ لَا يَدْخُلُهَا إِلَّا ثَلَاثَةٌ رَجُلٌ حَكَمَ فِي نَفْسِهِ بِالْحَقِّ وَ رَجُلٌ زَارَ أَخَاهُ الْمُؤْمِنَ فِي اللَّهِ وَ رَجُلٌ آثَرَ أَخَاهُ الْمُؤْمِنَ فِي اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ

۱۳۶ - امام باقر عليه السلام فرمود: خدای عز و جل را بهشتی است که بجز سه کس دیگری را بدان راه نیست: مردی که در باره خویشتن بحق قضاوت کند و مردی که از برادرش فقط برای رضای خدا دیدن کند و مردی که برادر دینی را بر خود مقدم بدارد.

سه خصلت در شیعه یافت نمیشود

ثلاث خصال لا تكون في الشيعة
١٣٧ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ
قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي الْحَسَنُ
بْنُ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ
بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ مَا كَانَ
فِي شِيعَتِنَا فَلَا يَكُونُ فِيهِمْ ثَلَاثَةٌ أَشْيَاءَ لَا
يَكُونُ فِيهِمْ مَنْ يَسْأَلُ بِكَفِّهِ وَ لَا يَكُونُ فِيهِمْ
بَخِيلٌ وَ لَا يَكُونُ فِيهِمْ مَنْ يُؤْتِي فِي دُبْرِهِ
١٣٧ - امام صادق عليه السلام فرمود: در شیعیان
ما هر چه باشد سه چیز در آنان نیست در
میانشان فقیری که دست گدائی بسوی این و
آن دراز کند نباشد و بخیل نباشد و کسی
که با او عمل لواط انجام دهند یافت
نشود.

سه کار از سختترین کارهای بندگان خدا است

ثلاث خصال من أشد ما عمل العباد
١٣٨ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوِيهِ رَضِيَ
اللَّهُ عَنْهُ عَنْ عَمِّهِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي الْقَاسِمِ عَنْ
أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ
عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ
عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ ثَلَاثٌ مِنْ
أَشَدِّ مَا عَمِلَ الْعِبَادُ أَنْصَافَ الْمُؤْمِنِ مِنْ نَفْسِهِ
وَ مُوَاسَاةَ الْمَرْءِ أَخَاهُ وَ ذِكْرَ اللَّهِ عَلَى كُلِّ حَالٍ
وَ هُوَ أَنْ يَذْكَرَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عِنْدَ الْمَعْصِيَةِ يَهُمُّ
بِهَا فَيَحْوُلُ ذِكْرَ اللَّهِ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ تِلْكَ الْمَعْصِيَةِ
وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا
مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ
مُبْصِرُونَ

١٣٨ - امام باقر عليه السلام فرمود: از
دشوարترین کارها که بندگان خدا انجام

می‌دهند سه کار است مرد مؤمن نسبت به مردم در باره خود انصاف دادن و با برادرش همدردی کردن و در هر حال بیاد خداوند بودن و آن چنین است که به هنگام تصمیم به گناه خدای عز و جل را بیاد آورد و یاد خدا میان او و گناه حائل گردد و این است مقصود از آیه شریفه که فرمود: پرهیزکاران چون با مأمورین شیطان برخورد کنند متذکر میشوند و همان دم چشم حقیقت بینشان باز میگردد.

۱۳۹ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ السَّعْدَآبَادِيُّ

عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ فَضَالٍ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ عَقْبَةَ عَنْ أَبِي الْجَارُودِ زِيَادِ بْنِ الْمُنْذِرِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ أَشَدُّ الْأَعْمَالِ ثَلَاثَةً أَنْصَافَ النَّاسِ مِنْ نَفْسِكَ حَتَّى لَا تَرْضَى لَهَا مِنْهُمْ بِشَيْءٍ إِلَّا رَضِيَتْ لَهُمْ مِنْهَا بِمِثْلِهِ وَ مُوَاسَاةَكَ الْأَخَ فِي الْمَالِ وَ ذَكَرَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ حَالٍ لَيْسَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ فَقَطْ وَ لَكِنْ إِذَا وَرَدَ عَلَيْكَ شَيْءٌ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ أَخَذْتَ بِهِ وَ إِذَا وَرَدَ عَلَيْكَ شَيْءٌ نَهَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَنْهُ تَرَكَتَهُ

۱۳۹ - امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: دشوارترین

کارها سه کار است: نسبت به مردم در باره خود انصاف دادن تا آنجا که بنفع خود به چیزی از مردم راضی نشوی مگر آنکه به همان مقدار بنفع مردم از خود راضی باشی و با برادر دینی در امور مالی همراهی کردن و در همه حال بیاد خداوند بودن مقصود از یاد خدای نه فقط گفتن سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر است بلکه چون امری از طرف خداوند به تو برسد فرمان بری و چون به چیزی بررسی که خداوند عز و جل از آن نهی فرموده ترکش نمایی.

گفتار شیطان به نوح علیه السلام که در سه هنگام بیاد من باش

قول إبليس لعنه الله لنوح علیه السلام اذكرني في
ثلاثة مواطن
١٤٠ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى
عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدِ الْبَرْقِيِّ عَنْ
أَحْمَدَ بْنِ النَّضْرِ عَنْ عَمْرِو بْنِ شَمْرٍ عَنْ جَابِرِ
عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ لَمَّا دَعَا نُوحٌ علیه السلام رَبَّهُ عَزَّ
وَ جَلَّ عَلَى قَوْمِهِ أَتَاهُ إِبْلِيسُ لَعَنَهُ اللَّهُ فَقَالَ
يَا نُوحُ إِنَّ لَكَ عِنْدِي يَدًا أُرِيدُ أَنْ أَكْفَيْتَكَ
عَلَيْهَا فَقَالَ نُوحٌ وَاللَّهِ إِنِّي لَبَغِيضٌ إِلَيْكَ أَنْ
يَكُونَ لَكَ عِنْدِي يَدٌ فَمَا هِيَ قَالَ بَلَى دَعَوْتُ اللَّهَ
عَلَى قَوْمِكَ فَأَغْرَقْتَهُمْ فَلَمْ يَبْقَ أَحَدٌ أَغْوِيهِ
فَأَنَا مُسْتَرِيحٌ حَتَّى يَنْشَأَ قَرْنٌ آخَرَ فَأَغْوِيهِمْ
فَقَالَ لَهُ نُوحٌ مَا الَّذِي تُرِيدُ أَنْ تُكَافِيَنِي بِهِ
قَالَ لَهُ اذْكُرْنِي فِي ثَلَاثَةِ مَوَاطِنَ فَإِنِّي أَقْرَبُ
مَا أَكُونُ إِلَى الْعَبْدِ إِذَا كَانَ فِي إِحْدَاهُنَّ
اذْكُرْنِي إِذَا غَضِبْتَ وَ اذْكُرْنِي إِذَا حَكَمْتَ بَيْنَ
اِثْنَيْنِ وَ اذْكُرْنِي إِذَا كُنْتَ مَعَ امْرَأَةٍ خَالِيًا
لَيْسَ مَعَكُمْ أَحَدٌ

١٤٠ - امام باقر علیه السلام فرمود: هنگامی که
نوح نزد پروردگار خود دست به دعا
برداشت و بر قوم خود نفرین کرد شیطان
(خدای لعنتش کند) به نزد نوح آمد و گفت:
ای نوح تو را بر من حقی است که میخواهم
تلافی اش کنم نوح گفت: بخدا قسم بر من بسی
ناگوار است که مرا بر تو حق نعمتی باشد
چه حقی به تو دارم؟ گفت: آری بقوم خود
نفرین کردی و همه را غرق نمودی و دیگر
کسی که من گمراهش کنم باقی نماند و هم
اکنون دوران استراحت من است تا نسل
دیگری بوجود آید و من گمراهشان نمایم
نوح به او گفت: آنچه میخواهی که به
پاداش این خدمت!! بدهی چیست؟ گفت: در سه
جا بیاد من باش که نزدیک ترین حالات من

به بنده خدا در یکی از این سه مورد است به هنگام خشمت بیاد من باش و هنگامی که میان دو نفر قضاوت کنی بیاد من باشد و هنگامی که با زنی به خلوت نشسته ای و هیچ کس دیگر با شما نیست بیاد من باش.

گفتار شیطان خدا لعنتش کند

هر چه مرا در باره آدمیزاد عاجز کند یکی از سه چیز هرگز عاجزم نخواهد کرد قول ابلیس لعنه الله ما أعياني في ابن آدم فلن يعينني منه واحدة من ثلاث ١٤٠ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدِ الْبَرْقِيِّ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْعَرَزَمِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ يَقُولُ ابْلِيسُ لَعْنَةُ اللَّهِ مَا أَعْيَانِي فِي ابْنِ آدَمَ فَلَنْ يُعِينَنِي مِنْهُ وَاحِدَةٌ مِنْ ثَلَاثٍ أَخَذُ مَالَ مِنْ غَيْرِ حِلِّهِ أَوْ مَنَعَهُ مِنْ حَقِّهِ أَوْ وَضَعَهُ فِي غَيْرِ وَجْهِهِ

١٤١ - امام صادق عليه السلام فرمود: ابلیس (خدا لعنتش کند) میگوید: هر چه مرا در باره آدمیزاد عاجز کند در گمراه کردنش با یکی از سه چیز هرگز عاجز نخواهم ماند: از راه غیر مشروع مال بدست آوردن یا حق مال را پرداخت نکردن یا در غیر محلش صرف کردن.

سه کار بر مردم طاقت فرسا است

ثلاث خصال لا يطيقهن الناس ١٤٢ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ دُرُسْتِ بْنِ أَبِي مَنصُورٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي يَعْفُورٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام ثَلَاثٌ لَا يُطِيقُهُنَّ النَّاسُ الصَّفْحُ

عَنِ النَّاسِ وَ مُوَاسَاةُ الْأَخِ أَخَاهُ فِي مَالِهِ وَ
ذَكَرَ اللَّهُ كَثِيرًا

۱۴۲ - امام صادق عليه السلام فرمود: سه کار بر
مردم طاقت فرسا است: گذشت از مردم و
همدردی برادر با برادر دینی در مال خود
و زیاد بیاد خدای بودن.

کار نیک شایستگی ندارد مگر با سه شرط

المعروف لا يصلح إلا بثلاث خصال
۱۴۳ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوَيْهِ رَضِيَ
اللَّهُ عَنْهُ عَنْ عَمِّهِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي الْقَاسِمِ عَنْ
أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعْدَانَ بْنِ
مُسْلِمٍ عَنْ حَاتِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ رَأَيْتُ
الْمَعْرُوفَ لَا يَصْلُحُ إِلَّا بِثَلَاثِ خِصَالٍ تَصْغِيرِهِ وَ
سَتْرِهِ وَ تَعْجِيلِهِ فَإِنَّكَ إِذَا صَعَّرْتَهُ عَظَمَتْهُ عِنْدَ
مَنْ تَصْنَعُهُ إِلَيْهِ وَ إِذَا سَتَّرْتَهُ تَمَمَّتْهُ وَ إِذَا
عَجَّلْتَهُ هَنَأَتْهُ وَ إِنْ كَانَ غَيْرُ ذَلِكَ مَحَقَّتْهُ وَ
نَكَدَتْهُ

۱۴۳ - امام صادق عليه السلام فرمود: به نظر من
کار نیک شایستگی پیدا نکند مگر با سه
شرط: کوچک شمردن آن کار و پنهان داشتن
آن و هر چه زودتر انجام دادنش که اگر
کوچکش شمردی در نظر آنکه کار نیک را
برای او انجام میدی بزرگش خواهی کرد و
اگر پنهانش داشتی تکمیلش خواهی نمود و
اگر هر چه زودتر انجام دادی گوارایش
خواهی کرد و اگر جز این باشد احسان خود
را پایمال و در کام او ناگوار کرده ای.

سه دست هست

الأيدي ثلاث

۱۴۴ - حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَعِيدٍ
الْعَسْكَرِيُّ قَالَ أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ الْعَزِيزِ
قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الرَّعْفَرَانِيُّ قَالَ
حَدَّثَنَا عُبَيْدَةُ بْنُ حُمَيْدٍ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو
الرَّعْرَاءِ عَنْ أَبِي الْأَخْوَصِ عَنْ أَبِيهِ مَالِكِ بْنِ

نَضَلَّةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ الْأَيْدِي ثَلَاثٌ فَيَدُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ الْعُلْيَا وَيَدُ الْمُعْطَى الَّتِي تَلِيهَا وَيَدُ السَّائِلِ السُّفْلَى فَأَعْطِ الْفَضْلَ وَلَا تُعْجِزْ نَفْسَكَ

۱۴۴ - رسول خدا ﷺ فرمود: سه دست هست: دست خدا که بالای او دستی نیست و دست بخشنده که زیر دست خدا است و دست سئوالکننده که زیر دست همه است پس زیادی از مال خود را بده و خویش را درمانده مکن.

شرح:

ظاهرا مقصود از دست سوم کسی است که ناچار به گدائی نباشد.

سه صفت دوست داشتنی

ثلاث خصال مستحبة

۱۴۵ - حَدَّثَنَا حَمْرَةُ بِنُ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ الْعَلَوِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ أَخْبَرَنِي عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَيْمُونِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ كُلُّ مَعْرُوفٍ صَدَقَةٌ وَالدَّالُّ عَلَى الْخَيْرِ كَفَاعِلِهِ وَاللَّهُ يُحِبُّ إِعَاثَةَ اللَّهْفَانِ

۱۴۵ - رسول خدا ﷺ فرمود: هر کار نیکی صدقه است و راهنمای خیر مانند کسی است که آن کار خیر را انجام داده است و خداوند دادرسی دادخواهان را دوست دارد.

بخشندگان سه اند

المعطون ثلاثة

۱۴۶ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي سَمَّانٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ شَهَابِ بْنِ عَبْدِ رَبِّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ الْمُعْطُونَ ثَلَاثَةٌ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ وَصَاحِبُ الْمَالِ وَالَّذِي يَجْرِي عَلَى يَدَيْهِ

۱۴۶ - امام صادق عليه السلام فرمود: بخشندگان سه اند: خدای رب العالمین و صاحب مال و آنکه این مال با دست او بخشیده شده.

بجز در سه مورد سؤال شایسته نیست

لا تصلح المسألة إلا في ثلاث

۱۴۷ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ خَلْفِ بْنِ حَمَّادٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أَبَانَ الْكَلْبِيِّ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ الْمُعْطُونَ ثَلَاثَةٌ اللَّهُ الْمُعْطَى وَالْمُعْطَى مِنْ مَالِهِ وَالسَّاعِي فِي ذَلِكَ مُعْطٍ

۱۴۷ - امام باقر عليه السلام فرمود: بخشندگان سه اند: خدای بخشنده و آنکه از مال خود میبخشد و آنکه در این زمینه کوشش و فعالیت میکند او نیز بخشنده است.

۱۴۸ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ عَبْدِ الْحَمِيدِ بْنِ عَوَّاصِ الطَّائِيِّ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام لَا تَصْلُحُ الْمَسْأَلَةُ إِلَّا فِي ثَلَاثٍ فِي دَمٍ مُنْقَطِعٍ أَوْ غُرْمٍ مُثْقَلٍ أَوْ حَاجَةٍ مُدْقِعَةٍ

١٤٨ - امام صادق عليه السلام فرمود: درخواست
بجز در سه مورد شایسته نیست در خون بها
یا وام سنگین و یا نیاز ذلت بار.

١٤٩ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ وَ سَهْلِ
بْنِ زِيَادِ الرَّازِيِّ عَنْ إِسْمَاعِيلِ بْنِ مَرَّارٍ وَ
عَبْدِ الْجَبَّارِ بْنِ الْمُبَارِكِ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ
الرَّحْمَنِ عَمَّنْ حَدَّثَهُ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ
اللَّهِ عليه السلام قَالَ إِنَّ رَجُلًا مَرَّ بِعُثْمَانَ بْنِ عَفَّانَ وَ هُوَ
قَاعِدٌ عَلَى بَابِ الْمَسْجِدِ فَسَأَلَهُ فَأَمَرَ لَهُ
بِخَمْسَةِ دَرَاهِمٍ فَقَالَ لَهُ الرَّجُلُ أَرَشَدْنِي فَقَالَ
لَهُ عُثْمَانُ دُونَكَ الْفِتْيَةُ الَّتِي تُرَى وَ أَوْمَأَ
بِيَدِهِ إِلَى نَاحِيَةِ مِنَ الْمَسْجِدِ فِيهَا الْحَسَنُ وَ
الْحُسَيْنُ وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ فَمَضَى الرَّجُلُ
نَحْوَهُمْ حَتَّى سَلَّمَ عَلَيْهِمْ وَ سَأَلَهُمْ فَقَالَ لَهُ
الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ عليهما السلام يَا هَذَا إِنَّ الْمَسْأَلَةَ لَا
تَجُلُّ إِلَّا فِي إِحْدَى ثَلَاثِ دَمٍ مُفْجِعٍ أَوْ دَيْنٍ مُقْرِحٍ
أَوْ فَقْرٍ مُدْقِعٍ فَفِي أَيِّهَا تَسْأَلُ فَقَالَ فِي
وَاحِدَةٍ مِنْ هَذِهِ الثَّلَاثِ فَأَمَرَ لَهُ الْحَسَنُ عليه السلام
بِخَمْسِينَ دِينَارًا وَ أَمَرَ لَهُ الْحُسَيْنُ عليه السلام بِتِسْعَةٍ
وَ أَرْبَعِينَ دِينَارًا وَ أَمَرَ لَهُ عَبْدِ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ
بِثَمَانِيَةٍ وَ أَرْبَعِينَ دِينَارًا فَانصَرَفَ الرَّجُلُ
فَمَرَّ بِعُثْمَانَ
فَقَالَ لَهُ مَا صَنَعْتَ فَقَالَ مَرَرْتُ بِكَ فَسَأَلْتُكَ
فَأَمَرْتَ لِي بِمَا أَمَرْتَ وَ لَمْ تَسْأَلْنِي فِيمَا
أَسَأَلُ وَ إِنَّ صَاحِبَ الْوَفْرَةِ لَمَّا سَأَلْتُهُ قَالَ لِي
يَا هَذَا فِيمَا تَسْأَلُ فَإِنَّ الْمَسْأَلَةَ لَا تَجُلُّ إِلَّا
فِي إِحْدَى ثَلَاثٍ فَأَخْبَرْتُهُ بِالْوَجْهِ الَّذِي أَسَأَلُهُ
مِنَ الثَّلَاثَةِ فَأَعْطَانِي خَمْسِينَ دِينَارًا وَ
أَعْطَانِي الثَّانِي تِسْعَةً وَ أَرْبَعِينَ دِينَارًا وَ
أَعْطَانِي الثَّلَاثُ ثَمَانِيَةَ وَ أَرْبَعِينَ دِينَارًا
فَقَالَ عُثْمَانُ وَ مَنْ لَكَ بِمِثْلِ هَؤُلَاءِ الْفِتْيَةِ
أَوْلَيْكَ فَطَمُوا الْعِلْمَ فَطَمًا وَ حَارُوا الْخَيْرَ وَ
الْحِكْمَةَ

قال مصنف هذا الكتاب رضى الله عنه معنى قوله فطموا العلم فطمأ أي قطعوه عن غيرهم قطعاً و جمعوه لأنفسهم جمعاً

۱۴۹ - امام صادق عليه السلام فرمود: عثمان بر در مسجد نشسته بود که مردی بر او گذر کرد و در خواستی نمود عثمان دستور داد پنج درهم به او بدهند آن مرد به عثمان گفت: مرا به کس دیگر راهنمایی کن عثمان گفت: برو نزد آن جوانمردانی که می‌بینی و با دست خود به يك طرف مسجد اشاره کرد که حسن و حسین و عبد الله بن جعفر آنجا نشسته بودند آن مرد بطرف آنان رفت تا نزدیک رسیده و سلام کرد و دست سؤال دراز نمود امام حسن و امام حسین علیهما السلام به او فرمودند: ای مرد بجز در یکی از سه مورد سؤال حرام است: خونبهای دردناک یا بدهی دل خراش و یا فقر ذلت بار، سؤال تو در کدام يك از این سه مورد است؟ عرض کرد: یکی از این سه، امام حسن دستور فرمود: پنجاه دینار به آن مرد بدهند و امام حسین دستور فرمود: چهل و نه دینار و عبد الله بن جعفر دستور چهل و هشت دینار را داد مرد در بازگشت بنزد عثمان آمد عثمان با او گفت: چه کردی؟ گفت نزد تو آمدم و درخواست کردم بمن آن دادی که میدانی و نه پرسیدی که گرفتاری من چیست ولی از آن صاحب گیسوان آویخته تا بناگوش چون درخواست کردم بمن فرمود: ای مرد برای چه سؤال میکنی؟ که سؤال بجز در یکی از سه مورد جایز نیست و من او را از جهت سؤال خود آگاه نمودم او بمن پنجاه دینار داد و دومی چهل و نه دینار و سومی چهل و هشت دینار عثمان گفت: کجا چنین جوانمردانی خواهی یافت؟ اینان از دانش بهره کافی دارند و خیر و حکمت را در بر دارند.

(مصنف این کتاب) عليه السلام گوید:

معنی فطموا العلم فطما این است که از دیگران بریده‌اند و همه را برای خود جمع نموده‌اند مترجم گوید: معنی فطام باز گرفتن بچه است از شیر و معنی فطموا العلم همان است که ترجمه شد یعنی همان طور که بچه پس از دو سال شیرخوارگی دیگر احتیاجی به خوردن شیر ندارد و مادرش او را از شیر باز میگیرد اینان نیز بقدر کفای از علم برخوردارند و از آن بازگرفته شده‌اند.

خدای عز و جل به سه چیز بر آدمیزاد منت نهاده است ثلاث خصال تطول الله بها عز و

جل علی ابن آدم

۱۵۰ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّقَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى الْعُبَيْدِيِّ عَنْ زَكَرِيَّا الْمُؤْمِنِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي نَعِيمٍ عَنْ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَقُولُ يَا ابْنَ آدَمَ تَطَوَّلْتُ عَلَيْكَ بِثَلَاثٍ سَتَرْتُ عَلَيْكَ مَا لَوْ يَعْلَمُ بِهِ أَهْلُكَ مَا وَارَوْكَ وَ أَوْسَعْتُ عَلَيْكَ فَاسْتَقْرَضْتُ مِنْكَ فَلَمْ تُقَدِّمْ خَيْرًا وَ جَعَلْتُ لَكَ نَظْرَةً عِنْدَ مَوْتِكَ فِي ثُلُثِكَ فَلَمْ تُقَدِّمْ خَيْرًا

۱۵۰ - امام باقر عليه السلام فرمود: خدای تبارک و تعالی میفرماید: ای آدمیزاده با سه چیز بر تو منت نهاده‌ام: کارهایی از تو پرده پوشی کردم که اگر خانواده تو از آن آگاه میشد پرده پوشی نمی‌کرد، و گشایش به تو دادم و از تو وام خواستم ولی چیزی پیش پای خود نفرستادی، و هنگام مرگ اختیار یک سوم دارائیت را به تو دادم ولی تو بکار خیری اقدام نمودی.

بنده خدا مشرک نمیشود تا یکی از سه کار را نکند

لا يكون العبد مشركا حتى يفعل إحدى
ثلاث خصال

١٥١ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ
الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ
الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُوسَى الْخَشَّابِ
عَنْ يَزِيدَ بْنِ إِسْحَاقَ شَعْرٍ عَنْ عَبَّاسِ بْنِ يَزِيدَ
عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ قُلْتُ إِنَّ هَؤُلَاءِ الْعَوَامَّ
يَزْعُمُونَ أَنَّ الشَّرْكَ أَخْفَى مِنْ ذَبِيبِ النَّمْلِ فِي
اللَّيْلَةِ الظُّلْمَاءِ عَلَى الْمِسْحِ الْأَسْوَدِ فَقَالَ لَا
يَكُونُ الْعَبْدُ

مُشْرِكًا حَتَّى يُصَلِّيَ لِغَيْرِ اللَّهِ أَوْ يَذْبَحَ لِغَيْرِ اللَّهِ
أَوْ يَدْعُو لِغَيْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ

١٥١ - عباس بن یزید گوید: به امام
صادق عرض کردم: این مردم عوام چنین گمان
دارند که شرک بخدا از جنبش مورچه در شب
تار بر سنگ سیاه ناپیداتر است فرمود:
بنده خدا مشرک نمیشود تا آنکه نماز برای
غیر خدا بگذارد یا ذبح گوسفند (عمل حج)
را برای غیر خدا انجام بدهد یا دعایش
برای غیر خدا باشد.

سه چیز به این امت از هر چیز کمتر داده شده است

لم تعط هذه الأمة أقل من ثلاث
١٥٢ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ
إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ
عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ قَالَ
رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله لَمْ تُعْطِ أُمَّتِي أَقْلَ مِنْ ثَلَاثَةٍ
الْجَمَالِ وَالصَّوْتِ الْحَسَنِ وَالْحِفْظِ

١٥٢ - رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: امت مرا از
سه چیز کمتر هیچ داده نشده است: زیبائی
و آواز خوب و قوه حافظه.
شرح:

شاید مقصود امت در زمان رسول خدا ﷺ و عربهای حجاز باشد.

آخرین درجه ابتلاء سه چیز است

جهد البلاء في ثلاثة
١٥٣ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النُّوفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ جَهْدُ الْبَلَاءِ أَنْ يُقَدَّمَ الرَّجُلُ فَيُضْرَبَ عُنُقُهُ صَبْرًا وَ الْأَسِيرُ مَا دَامَ فِي وَثَاقِ الْعَدُوِّ وَ الرَّجُلُ يَجِدُ عَلَى بَطْنِ امْرَأَتِهِ رَجُلًا

١٥٣ - رسول خدا ﷺ فرمود: آخرین درجه ابتلاء این است که مردی را دست و پای بسته پیش دارند و گردنش را بزنند، و اسیر مادامی که در بند دشمن است، و مرد بر روی سینه همسر خود مرد بیگانه ای را به بیند.

سه چیز در این امت مشروع نیست

ليس في هذه الأمة ثلاثة أشياء
١٥٤ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ أَبِي الْجَوَّارِ الْمُثَنَّبِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلْوَانَ عَنْ عَمْرٍو بْنِ خَالِدٍ عَنْ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لَيْسَ فِي أُمَّتِي رَهْبَانِيَّةٌ وَ لَا سِيَّاحَةٌ وَ لَا زَمٌّ يَغْنِي سَكُوتٌ

١٥٤ - رسول خدا ﷺ فرمود: در امت من نه رهبانیت مشروع است و نه آواره گی از وطن و نه خاموشی و مهر بر لب زدن.

شرح:

رهبانیت یعنی دیرنشینی و ترك دنیا که از بدعتهاي نصاری است و بر خلاف سنة الهی

است در بشر، از تمدن و اجتماع و ابقای نسل تا آنجا که بعضی از آنان خود را از مردی ساقط می‌کردند و زنجیر بگردن مینهادند و انواع ریاضت‌های طاقت فرسا داشتند و سیاحت بمعنای آواره‌گی از وطن و بیابان گردی است مانند مردمان چادرنشین و صحرا گرد که آنهم مخالف با تمدن بشری است و خاموشی هم اشاره به روزه خاموشی است که در بنی اسرائیل بوده است و رسول خدا ﷺ از آن نهی فرموده و فرمود:

لا صمت یوما الی اللیل یک روز از صبح تا شب خاموش نشستن و مهر بر لب زدن جایز نیست.

در خانه‌ای که سه چیز باشد فرشتگان به آن خانه در نیایند

لا تدخل الملائكة بیتا فیه ثلاثة أشياء
 ۱۵۵ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
 سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ نُوحٍ عَنْ صَفْوَانَ
 بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ
 مَرْوَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ
 اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ جِبْرَائِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَتَانِي فَقَالَ إِنَّا مَعْشَرَ
 الْمَلَائِكَةِ لَا نَدْخُلُ بَيْتًا فِيهِ كَلْبٌ وَ لَا تِمْتَالُ
 جَسَدٍ وَ لَا إِنَاءٌ يُبَالُ فِيهِ

۱۵۵ - رسول خدا ﷺ فرمود: جبرئیل نزد من آمده و گفت: ما گروه فرشتگان به خانه‌ای که سه چیز باشد و یا مجسمه پیکری باشد و یا ظرفی که در میان آن ادرار کنند باشد داخل نمیشویم

سه نفر در امر بمعروف و نهی از منکر شريك هم اند

ثلاثة يشتركون في الأمر بالمعروف و
النهي عن المنكر

١٥٦ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوِيهِ رَضِيَ
اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ
عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنِ أَبِي
عَبْدِ اللَّهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ
اللَّهِ ﷺ مَنْ أَمَرَ بِمَعْرُوفٍ أَوْ نَهَى عَنِ مُنْكَرٍ أَوْ
دَلَّ عَلَى خَيْرٍ أَوْ أَشَارَ بِهِ فَهُوَ شَرِيكٌ وَمَنْ
أَمَرَ بِسُوءٍ أَوْ دَلَّ عَلَيْهِ أَوْ أَشَارَ بِهِ فَهُوَ
شَرِيكٌ

١٥٦ - رسول خدا ﷺ فرمود: کسی که امر
به معروف یا نهی از منکر کند یا
راهنمایی به خیر کند یا در مقام مشورت
رأیش بطرف خیر باشد خود شريك آن کار خیر
است و هر کس بکار بد دستور دهد یا
راهنمایی کند و یا نظر مشورتی بد داشته
باشد خودش شريك خواهد بود.

خدای عز و جل به مؤمن سه خصلت عنایت فرموده است

أعطى الله عز و جل المؤمن ثلاث خصال
١٥٧ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ
رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ
بْنُ جَعْفَرِ الْجَمِيرِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ
عِيسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ
الْخَزَّازِ عَنْ عَبْدِ الْمُؤْمِنِ الْأَنْصَارِيِّ عَنْ أَبِي
جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَعْطَى الْمُؤْمِنَ
ثَلَاثَ خِصَالٍ الْعِزَّ فِي الدُّنْيَا فِي دِينِهِ وَ
الْفُلْجَ فِي الْآخِرَةِ وَ الْمَهَابَةَ فِي صُدُورِ
الْعَالَمِينَ

١٥٧ - امام باقر عليه السلام فرمود: براستی که
خدای عز و جل سه خصلت به مؤمن عطا
فرموده است:

آبروی دینی در دنیا و نجات در آخرت و
سهمناکی در دل جهانیان.

از سه کس بر دین باید ترسید

يحذر علي الدين ثلاثة
١٥٨ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى
عَنْ أَبِيهِ عَنِ حَمَادِ بْنِ عِيسَى عَنْ عُمَرَ بْنِ
أَذِينَةَ عَنْ أَبَانَ بْنِ أَبِي عِيَّاشٍ عَنْ سُلَيْمِ بْنِ
قَيْسِ الْهَلَالِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ
عَلِيًّا عليه السلام يَقُولُ اخْذَرُوا عَلِيَّ دِينِكُمْ ثَلَاثَةَ رَجُلًا
قَرَأَ الْقُرْآنَ حَتَّى إِذَا رَأَيْتَ عَلَيْهِ بِهِجْتَهُ
اخْتَرَطَ سَيْفَهُ عَلَى جَارِهِ وَ رَمَاهُ بِالشَّرِكِ فَقُلْتُ
يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَيُّهُمَا أَوْلَى بِالشَّرِكِ قَالَ
الرَّامِي وَ رَجُلًا اسْتَخَفَّنُهُ الْأَحَادِيثُ كُلَّمَا
أُحْدِثَتْ أَحْدُوثُهُ كَذَبَ مَدَّهَا بِأَطْوَلَ مِنْهَا وَ رَجُلًا
آتَاهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ سُلْطَانًا فَزَعَمَ أَنْ طَاعَتَهُ
طَاعَةُ اللَّهِ وَ مَعْصِيَتُهُ مَعْصِيَةُ اللَّهِ وَ كَذَبَ لِأَنَّهُ لَا
طَاعَةَ لِمَخْلُوقٍ فِي مَعْصِيَةِ الْخَالِقِ لَا يَنْبَغِي

لِلمَخْلُوقِ أَنْ يَكُونَ حُبُّهُ لِمَعْصِيَةِ اللَّهِ فَلَا طَاعَةَ فِي مَعْصِيَتِهِ وَ لَا طَاعَةَ لِمَنْ عَصَى اللَّهَ إِنَّمَا الطَّاعَةَ لِلَّهِ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِوَلَاةِ الْأَمْرِ وَ إِنَّمَا أَمْرُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ بِطَاعَةِ الرَّسُولِ لِأَنَّهُ مَعْصُومٌ مُطَهَّرٌ لَا يَأْمُرُ بِمَعْصِيَتِهِ وَ إِنَّمَا أَمْرٌ بِطَاعَةِ أَوْلَى الْأَمْرِ لِأَنَّهُمْ مَعْصُومُونَ مُطَهَّرُونَ لَا يَأْمُرُونَ بِمَعْصِيَتِهِ

۱۵۸ - سلیم بن قیس هلالی گوید: شنیدم امیر المؤمنین علی علیه السلام میفرمود: از سه کس بر دین خودتان بترسید! مردیکه قرآن را فرا گرفته (و به علوم قرآن آشنا شده است) همین که نشاط و خرمی بر چهره اش نشست (و موقعیت اجتماعی بدست آورد) شمشیرش را به روی همسایه خود کشیده و او را هدف تیر تهمت شرك قرار دهد گفتم: یا امیر المؤمنین کدامیک به شرك سزاوارترند؟ فرمود: آنکه تیر تهمت زده است، و مردیکه بازیچه جریانات روز گردد و هر افسانه دروغین که ساخته شود او دنباله اش را درازتر بکشد و مردیکه خدایش عز و جل قدرتی بدست او داده باشد و او گمان کند که فرمان برداری او فرمان بری از خدا است و سرپیچی از فرمانش سرپیچی از فرمان خدا در صورتی که چنین نیست زیرا در راه معصیت خدا از هیچ مخلوقی نباید اطاعت کرد و مخلوق را نزیبد که دلبنده گناه گردد پس نه در راه معصیت الهی باید از کسی فرمان برد و نه بفرمان شخص گنهکار بایستی در آمد و فقط میبایست از خداوند و پیغمبرش و جانشینان او فرمان برد و اینکه خداوند دستور فرموده است: فقط از دستورات پیغمبر اطاعت شود برای این است که پیغمبر معصوم است و پاک و به نافرمانی خداوند دستور نمیدهد و اینکه فقط به اطاعت جانشینان پیغمبر امر فرموده است برای این است که آنان نیز معصومند و پاک و امر بگناه نمیکنند.

سه پرسش مرد ترسا

از جعفر بن محمد عليه السلام سؤال الديرانى
جعفر بن محمد عليه السلام عن ثلاث خصال

١٥٩ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ
الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ
الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي
الْخَطَّابِ عَنِ الْحَكَمِ بْنِ مِسْكِينَ الثَّقَفِيِّ قَالَ
حَدَّثَنِي أَبُو سَعِيدٍ الْمُكَارِي عَنْ سَلْمَةَ بَيَّاعِ
الْجَوَارِي قَالَ سَأَلَنِي رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِنَا أَنْ
أَقُومَ لَهُ فِي بَيْدَرٍ وَ أَحْفَظُهُ فَكَانَ إِلَى جَانِبِي
دَيْرٌ فَكُنْتُ أَقُومُ إِذَا زَالَتِ الشَّمْسُ فَأَتَوْضَأُ وَ
أَصَلِّي فَنَادَانِي الدَّيْرَانِيُّ ذَاتَ يَوْمٍ فَقَالَ مَا
هَذِهِ الصَّلَاةُ الَّتِي تُصَلِّي فَمَا أَرَى أَحَدًا
يُصَلِّيهَا فَقُلْتُ أَخَذْنَاهَا عَنِ ابْنِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ
فَقَالَ وَ عَالِمٌ هُوَ فَقُلْتُ لَهُ نَعَمْ فَقَالَ سَلُهُ عَنْ
ثَلَاثِ خِصَالٍ عَنِ الْبَيْضِ أَيُّ شَيْءٍ يَحْرُمُ مِنْهُ وَ عَنِ
السَّمَكِ أَيُّ شَيْءٍ يَحْرُمُ مِنْهُ وَ عَنِ الطَّيْرِ أَيُّ
شَيْءٍ يَحْرُمُ مِنْهُ قَالَ فَحَجَجْتُ مِنْ سَنَّتِي فَدَخَلْتُ
عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَقُلْتُ لَهُ إِنَّ رَجُلًا سَأَلَنِي
أَنْ أَسْأَلَكَ عَنْ ثَلَاثِ خِصَالٍ قَالَ وَ مَا هِيَ قُلْتُ
قَالَ لِي سَلُهُ عَنِ الْبَيْضِ أَيُّ شَيْءٍ يَحْرُمُ مِنْهُ وَ
عَنِ السَّمَكِ أَيُّ شَيْءٍ يَحْرُمُ مِنْهُ وَ عَنِ الطَّيْرِ أَيُّ
شَيْءٍ يَحْرُمُ مِنْهُ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قُلْ لَهُ
أَمَّا الْبَيْضُ كُلُّ مَا لَمْ تَعْرِفْ رَأْسَهُ مِنْ أَسْتِهِ
فَلَا تَأْكُلْهُ وَ أَمَّا السَّمَكُ فَمَا لَمْ يَكُنْ لَهُ قِشْرٌ
فَلَا تَأْكُلْهُ وَ أَمَّا الطَّيْرُ فَمَا لَمْ تَكُنْ لَهُ
قَانِصَةٌ فَلَا تَأْكُلْهُ قَالَ فَرَجَعْتُ مِنْ مَكَّةَ فَخَرَجْتُ
إِلَى الدَّيْرَانِيِّ مُتَعَمِّدًا فَأَخْبَرْتُهُ بِمَا قَالَ
فَقَالَ هَذَا وَ اللَّهُ هُوَ نَبِيِّ أَوْ وَصِيِّ نَبِيِّ

قال مصنف هذا الكتاب رضى الله عنه يؤكل
من طير الماء ما كانت له قانصة أو صيصية
و يؤكل من طير البر ما دف و لا يؤكل ما
صف فإن كان الطير يصف و يدف و كان دفيفه

أكثر من صفيفه أكل و إن كان صفيفه أكثر
من دفيفه لم يؤكل

۱۵۹ - سلمه برده فروش گوید: یکی از
دوستانم از من خواهش کرد که بجای او در
خرمنگاهش بایستم و نگهبانی کنم در يك
طرف من کلیسائی بود هنگام ظهر که میشد
من بر میخواستم و وضو ساخته و نماز
میخواندم روزی مرد ترسائی مرا صدا زده و
گفت: این نمازی که میخوانی چیست؟ که من
هیچ کس را ندیدم چنین نمازی بخواند
گفتم: از پسر پیغمبر فرا گرفته ام گفت او
دانشمند است؟ گفتمش:

آری، گفت: سه چیز از او بپرس: از تخم
مرغها کدام حرام است و از ماهیان کدام
و از مرغان کدام؟ گوید: همان سال به حج
رفتم و بخدمت امام صادق علیه السلام رسیدم عرض
کردم: شخصی از من خواسته که از شما از
حکم سه چیز بپرسم فرمود چیست؟ گفتم: بمن
گفته است: بپرس که، چه تخم مرغی حرام
است و کدام ماهی حرام گوشت است و کدام
پرنده حرام گوشت؟ امام صادق علیه السلام فرمود:

به او بگو: اما تخم آنچه سرش را از
ته اش نتوانی تشخیص بدهی آن را مخور و
اما ماهی آنچه پوست (فلس) نداشته باشد
آن را مخور و اما پرنده، آنچه سنگدان
نداشته باشد آن را مخور، گوید: از مکه
بازگشتم و مخصوصا بنزد ترسا رفتم و
فرمایش حضرت را باو رساندم گفت: بخدا
قسم گوینده این سخن یا پیغمبر است و یا
جانشین پیغمبر.

کلام مصنف

(مصنف این کتاب گوید:) از پرندگان آبی
آنچه سنگدان و یا خار پا داشته باشد حلال
گوشت است و از پرندگان بیابان آنچه
هنگام پریدن بال زند حلال گوشت است و
آنچه بال زند حرام گوشت و اگر پرنده ای

به هر دو حال پرواز کند اگر بال زدنش بیشتر باشد حلال گوشت است و اگر بال نزدنش بیشتر باشد حرام گوشت، مترجم گوید: مشهور بین فقهاء این است که از مرغان آنچه بال زدنش بیشتر باشد و یا سنگدان و یا چینه‌دان و یا خارپا داشته باشد آن حلال گوشت است و فرقی میان مرغان آبی و بیابانی نگذاشته‌اند.

زمین به پروردگار خود ننالیده بمانند ناله‌اش از سه چیز

ما عجت الأرض إلی ربها عز و جل
 کعجیجها من ثلاثة
 ۱۶۰ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوِيهِ رَضِيَ
 اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ
 مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنِ
 الْحَسَنِ بْنِ أَبِي الْحَسَنِ الْفَارِسِيِّ عَنِ سُلَيْمَانَ
 بْنِ حَفْصِ الْبَصْرِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ
 قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا عَجَّت الْأَرْضُ إِلَى رَبِّهَا عَزَّ
 وَجَلَّ كَعَجِيجِهَا مِنْ ثَلَاثَةٍ مِنْ دَمٍ حَرَامٍ يُسْفِكُ
 عَلَيْهَا أَوْ اغْتِسَالٍ مِنْ زِنَا أَوْ النَّوْمِ عَلَيْهَا
 قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ

۱۶۰ - رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: زمین به پیشگاه پروردگار خود عز و جل ننالیده بمانند ناله‌اش از سه چیز از خونی که بناحق بر روی آن ریخته شود یا غسلی که از زنا بر روی آن انجام گیرد و یا خوابی که پیش از طلوع آفتاب بر روی آن واقع شود.

خداوند نگهبانی از سه کس را نمی‌پذیرد

ثلاثة لا يتقبل الله لهم بالحفظ
 ۱۶۱ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
 مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ
 مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ رَفَعَهُ إِلَى رَسُولِ

اللَّهُ ﷻ أَنَّهُ قَالَ ثَلَاثَةٌ لَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُمْ بِالْحِفْظِ رَجُلٌ نَزَلَ فِي بَيْتِ خَرِبٍ وَ رَجُلٌ صَلَّى عَلَى قَارِعَةِ الطَّرِيقِ وَ رَجُلٌ أَرْسَلَ رَاحِلَتَهُ وَ لَمْ يَسْتَوْثِقْ مِنْهَا

۱۶۱ - رسول خدا ﷺ فرمود: خدای عز و جل نگهبانی از سه کس را نمی‌پذیرد: مردیکه در خانه ویران منزل گیرد، و مردیکه در وسط جاده به نماز ایستد و مردیکه مرکب سواری خود را رها کند و آن را نه بندد

در روز قیامت سه کس از سایه عرش خدای عز و جل سایه‌بان دارند

ثلاثة يستظلون بظل عرش الله عز و جل يوم القيامة

۱۶۲ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ النَّهْيكِيِّ عَنِ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَخِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ ثَلَاثَةٌ يَسْتَظِلُّونَ بِظِلِّ عَرْشِ اللَّهِ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ رَجُلٌ زَوْجٌ أَخَاهُ الْمُسْلِمِ أَوْ أَخْدَمَهُ أَوْ كَتَمَ لَهُ سِرًّا

۱۶۲ - موسی بن جعفر عليه السلام فرمود: سه کس از سایه عرش خدای عز و جل سایه‌بان دارند در روزی که جز سایه عرش سایه‌ای نیست مردیکه برای برادر مسلمانش زن بگیرد و یا خدمتکار برایش تهیه کند و یا رازی از آن او را پنهان بدارد.

سه چیز شکایت به نزد خدای عز و جل برند

ثلاثة يشكون إلى الله عز و جل
١٦٣ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكَّلِ
رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى
الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُوسَى بْنِ عُمَرَ
وَ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ
ابْنِ فَضَالٍ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ
ثَلَاثَةٌ يَشْكُونَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مَسْجِدٌ خَرَابٌ لَا
يُصَلِّي فِيهِ أَهْلُهُ وَ عَالِمٌ بَيْنَ جُهَالٍ وَ مُصْحَفٌ
مُعَلَّقٌ قَدْ وَقَعَ عَلَيْهِ غُبَارٌ لَا يُقْرَأُ فِيهِ

١٦٣ - امام صادق عليه السلام فرمود: سه چیز
شکایت به نزد خدای عز و جل برند: مسجد
ویران که مردمش در آن نماز نمیخوانند و
دانشمند گرفتار در میان نادانان و قرآن
آویخته که گرد بر آن نشیند و کسی آن را
قرائت نکند.

شرح:

در محل خود ثابت شده است که آنچه در
عالم ملك است غیر از جنبه ملكی دارای
جنبه ملكوتی نیز هستند فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ
مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ که بآن جنبه دارای شعوری
مسانخ با عالم خود میباشد جمله ذرات
پیدا و نهان- با تو میگویند روزان و
شبان- ما سمیعیم و بصیریم و هشیم- با
شما نامحرمان ما خامشیم، بنا بر این،
شکایت مسجد و قرآن احتیاجی به تأویل و
ارتکاب مجاز ندارد.

دانشمندان علم قرآن سه قسمند

قراء القرآن ثلاثة

١٦٤ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ عُبَيْسِ بْنِ هِشَامِ النَّاشِرِيِّ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ قَرَأَ الْقُرْآنَ ثَلَاثَةَ رَجُلٍ قَرَأَ الْقُرْآنَ فَاتَّخَذَهُ بِضَاعَةً وَاسْتَدْرَجَ بِهِ الْمُلُوكَ وَاسْتَطَالَ بِهِ عَلَى النَّاسِ وَرَجُلٌ قَرَأَ الْقُرْآنَ فَحَفِظَ حُرُوفَهُ وَضَيَّعَ حُدُودَهُ وَرَجُلٌ قَرَأَ الْقُرْآنَ فَوَضَعَ دَوَاءَ الْقُرْآنِ عَلَى ذَاةِ قَلْبِهِ فَأَسْهَرَ بِهِ لَيْلَهُ وَأَظْمَأَ بِهِ نَهَارَهُ وَقَامَ بِهِ فِي مَسَاجِدِهِ وَتَجَافَى بِهِ عَنْ فِرَاشِهِ فَيَأُولَئِكَ يُدِيلُ اللَّهُ مِنَ الْأَعْدَاءِ وَبِأُولَئِكَ يُنَزِّلُ اللَّهُ الْغَيْثَ مِنَ السَّمَاءِ فَوَاللَّهِ هَؤُلَاءِ قَرَاءُ الْقُرْآنِ أَعَزُّ مِنَ الْكِبْرِيتِ الْأَحْمَرِ

١٦٤ - امام باقر عليه السلام فرمود: خوانندگان قرآن سه قسمند: مردیکه قرآن را خوانده و آن را سرمایه خود ساخته و به دین وسیله از دربار پادشاهان بهره‌مند شده و نخوت و گردن فرازی بر مردم نموده است، و مردیکه قرآن را خوانده و الفاظ آن را حفظ نموده ولی احکام قرآن را عمل ننموده است و مردیکه قرآن را خوانده و داروی قرآنی را بر درد دل خویش نهاده براهنمائی قرآن به شبها بیدار و بروزها تشنه و روزه دار، و در مسجدها بنماز برپا ایستاده و از بستر راحت کناره گرفته است خدای عزیز جبار بخاطر اینان بلا بگرداند و به اینان از دشمنان انتقام گیرد و باینان باران از آسمان فرود آورد بخدای سوگند این چنین قرآن‌خوانان از طلای ناب نایاب ترند.

١٦٥ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ زِيَادِ بْنِ جَعْفَرِ الْهَمْدَانِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ

إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ
 هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ
 قَالَ الْقُرَّاءُ ثَلَاثَةٌ قَارِئٌ قَرَأَ الْقُرْآنَ
 لِيَسْتَدِرَّ بِهِ الْمُلُوكَ وَ يَسْتَطِيلَ بِهِ عَلَى النَّاسِ
 فَذَاكَ مِنْ أَهْلِ النَّارِ وَ قَارِئٌ قَرَأَ الْقُرْآنَ
 فَحَفِظَ حُرُوفَهُ وَ ضَيَّعَ حُدُودَهُ فَذَاكَ مِنْ أَهْلِ
 النَّارِ وَ قَارِئٌ قَرَأَ الْقُرْآنَ فَاسْتَثَرَّ بِهِ تَحْتَ
 بُرْنَسِهِ فَهُوَ يَعْمَلُ بِمُحْكَمِهِ وَ يُؤْمِنُ بِمُتَشَابِهِهِ
 وَ يُقِيمُ فَرَائِضَهُ وَ يُجِلُّ حَلَالَهُ وَ يُحَرِّمُ حَرَامَهُ
 فَهَذَا مِنْ مَنْ يُنْقِذُهُ اللَّهُ مِنْ مَضَلَّاتِ الْفِتَنِ وَ هُوَ مِنْ
 أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ يَشْفَعُ فِي مَنْ شَاءَ

۱۶۵ - امام صادق علیه السلام فرمود: قاریان
 بر سه قسمند: یکی قرآن خواند تا بدان
 وسیله از دربار شاهان بهره گرفت و بر
 مردم گردن فرازی کند این چنین کس از اهل
 آتش است و دیگری قرآن خواند و الفاظش را
 حفظ نموده و باحکامش عمل نکند این نیز
 از دوزخیان است و سومی قرآن را خوانده و
 در مغز خود جایش داده به محکوماتش عمل
 نموده و به متشابهاتش ایمان دارد واجبات
 قرآن را برپا میدارد حلال آن را حلال و
 حرامش را حرام میداند این چنین کس از
 آنانی است که خدایش از فتنه‌های
 گمراه‌کننده نجاتش خواهد بخشید و او از
 بهشتیان است و در باره هر کس که بخواهد
 می‌تواند شفاعت کند.

بار سفر بستن جز برای سه مسجد جایز نیست

لا تشد الرحال إلا إلى ثلاثة مساجد
۱۶۶ - حَدَّثَنَا أَبِي وَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ
مَاجِيلَوِيهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَا حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ
يَحْيَى الْعَطَّارُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ
يَحْيَى بْنِ عِمْرَانَ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ
الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَ أَبِي الصَّخْرِ جَمِيعاً يَرْفَعَانِهِ
إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ لَا تُشَدُّ
الرَّحَالُ إِلَّا إِلَى ثَلَاثَةِ مَسَاجِدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ
وَ مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَ مَسْجِدِ الْكُوفَةِ

۱۶۶ - امیر المؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: بار
سفر بستن بجز برای سه مسجد جایز نیست
مسجد الحرام و مسجد پیغمبر و مسجد کوفه.

۱۶۷ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ زِيَادِ بْنِ جَعْفَرِ
الْهَمْدَانِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ
يَاسِرِ الْخَادِمِ قَالَ قَالَ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى
الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ لَا تُشَدُّ الرَّحَالُ إِلَى شَيْءٍ مِنَ الْقُبُورِ
إِلَّا إِلَى قُبُورِنَا أَلَا وَ إِنِّي لَمَقْتُولٌ بِالسَّمِّ
ظُلْمًا وَ مَدْفُونٌ فِي مَوْضِعٍ غُرْبَةٍ فَمَنْ شَدَّ رَحْلَهُ
إِلَى زِيَارَتِي اسْتَجِيبَ دُعَاؤُهُ وَ غُفِرَ لَهُ ذَنْبُهُ
۱۶۷ - امام علی بن موسی الرضا عَلَيْهِ السَّلَامُ

فرمود: برای زیارت هیچ قبری بار سفر
بستن نشاید جز بزیارت قبور ما، هان که
من با زهر ستم کشته خواهم شد و در جای
دور از وطن بخاک سپرده خواهم
گردید هر که برای زیارت من بار سفر به
بندد دعایش مستجاب است و گنااهش آمرزیده.

در فجل سه فایده هست

فی الفجل ثلاث خصال

۱۶۸ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ
الْبَرْقِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ
حَنَانِ بْنِ سَلِيرٍ قَالَ كُنْتُ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام
عَلَى الْمَائِدَةِ فَنَاوَلَنِي فُجْلَةً وَ قَالَ لِي يَا
حَنَانُ كُلِ الْفُجْلَ فَإِنَّ فِيهِ ثَلَاثَ خِصَالٍ وَرَقُّهُ
يَطْرُدُ الرِّيَّاحَ وَ لُبُّهُ يُسْرِبُ الْبَوْلَ وَ أَصُولُهُ
تَقْطَعُ الْبَلْغَمَ

۱۶۸ - حنان بن سدير گوید: با امام
صادق عليه السلام بر سر سفره ای بودم حضرت يك
دانه فجل بمن مرحمت کرد و فرمود: ای
حنان فجل بخور که در آن سه فایده هست
برگش بادهای مزاج را دور میسازد و مغزش
ادرار را روان میکند و ریشه اش بلغم را
می برد.

سه چیز بی زیان است

ثلاثة لا تضر

۱۶۹ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ يُونُسَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا
الْحَسَنِ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ عليه السلام يَقُولُ ثَلَاثَةٌ لَا تَضُرُّ
الْعَبْدَ الرَّازِقِيَّ وَ قَصَبُ السُّكَّرِ وَ الثُّفَّاحُ
الْبُنَّانِيُّ

۱۶۹ - منصور بن یونس گوید: از امام
موسی بن جعفر عليه السلام شنیدم که میفرمود: سه
چیز زیان ندارد: انگور رازقی و نیشکر و
سیب لبنانی.

هر کس سه عمل را ترک کند بضمانت پیغمبر سه خانه در بهشت دارد
 النبى ﷺ زعيم بثلاثة بيوت فى الجنة لمن
 ترك ثلاث خصال

۱۷۰ - أَخْبَرَنِي الْخَلِيلُ بْنُ أَحْمَدَ السَّجْزِيُّ
 قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ السَّرَّاجُ قَالَ حَدَّثَنَا
 قُتَيْبَةُ قَالَ حَدَّثَنَا قَزَعَةُ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ
 أَمِيَّةَ عَنْ جَبَلَةَ الْإِفْرِيقِيِّ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ
 أَنَا زَعِيمٌ بَيْتٍ فِي رَبْضِ الْجَنَّةِ وَ بَيْتٍ فِي
 وَسْطِ الْجَنَّةِ وَ بَيْتٍ فِي أَعْلَى الْجَنَّةِ لِمَنْ تَرَكَ
 الْمِرَاءَ وَ إِنْ كَانَ مُجْحَقًا وَ لِمَنْ تَرَكَ الْكَذِبَ وَ
 إِنْ كَانَ هَازِلًا وَ لِمَنْ حَسَنَ خُلُقَهُ

۱۷۰ - رسول خدا ﷺ فرمود: من ضامن يك
 خانه در کرانه بهشت و يك خانه در وسط آن
 و يك خانه در مرتبه بالای آنم برای کسی
 که کشمکش در سخن را ترک گوید گرچه حق با
 او باشد و برای کسی که دروغ را ترک کند
 گرچه بطور شوخی باشد و برای کسی که خوش
 اخلاق باشد.

امير المؤمنين عليه السلام بجنگ با سه گروه مأمور بود

أمر أمير المؤمنين عليه السلام بقتال ثلاث فرق
 ۱۷۱ - حَدَّثَنَا أَبُو سَعِيدٍ مُحَمَّدُ بْنُ الْفَضْلِ
 الْمُدَكَّرُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الرَّائِسَانِي
 «الْبَرَّاءُ وَ سَتَانِي قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ سَلَمَةَ قَالَ
 حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ بَشِيرٍ قَالَ حَدَّثَنَا فِطْرُ بْنُ
 خَلِيفَةَ عَنْ حَكِيمِ بْنِ جُبَيْرٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ قَالَ
 سَمِعْتُ عَلْقَمَةَ يَقُولُ سَمِعْتُ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام
 يَقُولُ أَمَرْتُ بِقِتَالِ النَّكَائِثِ وَ الْقَاسِطِينَ وَ
 الْمَارِقِينَ

قال مصنف هذا الكتاب رضى الله عنه
 الناكثون أصحاب الجمل و القاسطون أهل
 الشام و معاوية و المارقون أهل النهروان

و قد أخرجت كل ما رويته في هذا المعنى
 في كتاب وصف قتال الشراة المارقين
 ١٧١ - علقمه گوید: شنیدم امیر
 المؤمنین میفرمود: من مأموریت داشتم که
 با پیمان‌شکنان و ستمکاران و از دین
 بیرون روندگان جنگ کنم.
 (مصنف) این کتاب علیه السلام گوید:

پیمان‌شکنان لشکر جمل بودند و ستمکاران
 مردم شام و اطرافیان معاویه بودند و از
 دین بیرون روندگان، نهروانیان و روایاتی
 که به من در این باره رسیده است همه را
 در کتاب (وصف قتال الشراة المارقین) نقل
 کرده‌ام.

هر کس سه چیز نداشته باشد نه با خدا ارتباطی دارد و نه با پیغمبرش

ثلاث من لم تكن فيه فليس من الله عز و جل
 و لا من رسوله
 ١٧٢ - أَخْبَرَنِي سُلَيْمَانُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ أَيُّوبَ
 اللَّخْمِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ الْوَهَّابِ بْنُ خَرَّاجَةَ
 قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو كُرَيْبٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ
 جَعْفَرِ الْعَبْسِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ الْحُسَيْنِ
 الْعَلَوِيُّ عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ بْنِ زَيْدٍ عَنْ جَعْفَرِ
 بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي
 طَالِبٍ عليه السلام عَنِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله قَالَ ثَلَاثٌ مَنْ لَمْ تَكُنْ
 فِيهِ فَلَيْسَ مِنِّي وَ لَا مِنْ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ قِيلَ يَا
 رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا هُنَّ قَالَ حِلْمٌ
 يَرُدُّ بِهِ جَهْلَ الْجَاهِلِ وَ حُسْنَ خُلُقٍ يَعْيشُ بِهِ
 فِي النَّاسِ وَ وَرَعٌ يَحْجُزُهُ عَنِ مَعْاصِي اللَّهِ عَزَّ وَ
 جَلَّ

١٧٢ - رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: هر کس سه
 چیز نداشته باشد نه با من آشنا است و نه
 با خدای عز و جل، عرض شد: یا رسول الله آن
 سه چیز چیست؟ فرمود: بردباری تا آن حد
 که از رفتار جاهلانه نادان درگذرد و خلق
 خوشی تا آن اندازه که با آن در اجتماع

زندگی کند و پرهیزکاری تا آن پایه که او را از نافرمانی خدای عز و جل باز دارد.

سه چیز را باید برای خدا محترم شمرد

الله عز و جل حرمت ثلاث
۱۷۳ - أَخْبَرَنَا سُلَيْمَانُ بْنُ أَحْمَدَ اللَّخْمِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ عَثْمَانَ بْنِ صَالِحٍ وَ مُطَلَّبُ بْنُ شُعَيْبٍ الْأَزْدِيُّ وَ أَحْمَدُ بْنُ زُشَيْدٍ الْبَصْرِيُّونَ قَالُوا حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ حَمَادٍ عَنْ أَبِي حَازِمٍ الْمَدِينِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا عِمْرَانُ بْنُ عُمَرَ بْنِ سَعِيدِ بْنِ الْمُسَيَّبِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْخُدْرِيِّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِنْ لَلَّهِ حُرْمَاتٍ ثَلَاثٌ «ثَلَاثًا مَنْ حَفِظَهُنَّ حَفِظَ اللَّهُ لَهُ أَمْرَ دِينِهِ وَ دُنْيَاهُ وَ مَنْ لَمْ يَحْفَظْهُنَّ لَمْ يَحْفَظْ اللَّهُ لَهُ شَيْئًا حُرْمَةَ الْإِسْلَامِ وَ حُرْمَتِي وَ حُرْمَةَ عِثْرَتِي

۱۷۳ - رسول خدا ﷺ فرمود: براستی که سه چیز برای خدا محترمند هر کس احترام آنها را نگهدارد خداوند کار دین و دنیای او را محفوظ میدارد و هر کس احترام آنها را نگه ندارد خداوند هیچ از او نگهداری نکند: احترام اسلام است و احترام من و احترام خاندان من

۱۷۴ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنِ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ الثَّمَالِيِّ عَنْ عِكْرِمَةَ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ إِنْ لَلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ حُرْمَاتٍ ثَلَاثٌ «ثَلَاثًا لَيْسَ مِثْلَهُنَّ شَيْءٌ كِتَابُهُ وَ هُوَ نُورُهُ وَ حِكْمَتُهُ وَ بَيْتُهُ الَّذِي جَعَلَهُ لِلنَّاسِ قِبْلَةً لَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنْ أَحَدٍ وَجْهًا إِلَى غَيْرِهِ وَ عِثْرَةُ نَبِيِّكُمْ مُحَمَّدٍ ص

۱۷۴ - ابن عباس گوید: خدای را سه چیز محترم هست که هیچ مانندی ندارند: قرآن او که نور او است و حکمت او و خانه اش که آن را قبله مردم قرار داده و جز روی به

آن سو نمودن را از هیچ کس نه پذیرد و خاندان پیغمبر شما محمد است ﷺ .

آخرین درجه ایمان سه خصلت است

حقیقة الإیمان ثلاث خصال
۱۷۵ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيْعٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عُدَّافِرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ بَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ ذَاتَ يَوْمٍ فِي بَعْضِ أَسْفَارِهِ إِذْ لَقِيَهُ رَكْبٌ فَقَالُوا السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَالْتَفَتَ إِلَيْهِمْ فَقَالَ مَا أَنْتُمْ قَالُوا مُؤْمِنُونَ قَالَ فَمَا حَقِيقَةُ إِيْمَانِكُمْ قَالُوا الرِّضَا بِقَضَاءِ اللَّهِ وَ التَّسْلِيمِ لِأَمْرِ اللَّهِ وَ التَّفْوِيضِ إِلَى اللَّهِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ عَلَمَاءُ حُكَمَاءُ كَادُوا أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْحِكْمَةِ أَنْبِيَاءَ فَإِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ فَلَا تَبْنُوا مَا لَا تَسْكُنُونَ وَ لَا تَجْمَعُوا مَا لَا تَأْكُلُونَ وَ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ
۱۷۵ - امام باقر عليه السلام فرمود: روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله را در یکی از سفرهایش عده ای سوار ملاقات کرده و عرض کردند السلام عليك يا رسول الله حضرت به آنان التفات نموده و فرمود: شما چکاره اید؟ عرض کردند ما جمعی مؤمن هستیم فرمود: ایمان شما بکجا رسیده است عرض کردند: تا سر حد رضا به قضای الهی و تسلیم در مقابل امر خدا و واگذاری کارها بخدا فرمود: اینان دانشمندانی هستند واقع بین که نزدیک است از واقع بینی برتبه پیمبری نائل آیند و اگر شما در گفتار خود راستگو هستید خانه ای که نشیمن شما نیست نسازید و ثروتی را که نتوانیدش خورد نیندوزید و از خداوندی که بسوی او باز میگردید بپرهیزید.

آنکه عمل حج بجا می‌آورد بر سه وجه است

الحاج علی ثلاثة وجوه
۱۷۶ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى
عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ الْبَرْزَنْطِيِّ عَنْ
عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ وَ زُرَّارَةَ بْنِ
أَعْيَنَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ الْحَاجُّ عَلَى ثَلَاثَةِ
وُجُوهِ رَجُلٌ أَفْرَدَ الْحَجَّ بِسِيَاقِ الْهَدْيِ وَ رَجُلٌ
أَفْرَدَ الْحَجَّ وَ لَمْ يَسُقْ وَ رَجُلٌ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ
إِلَى الْحَجِّ

۱۷۶ - امام باقر عليه السلام فرمود: آنکه عمل حج
بجا می‌آورد بر سه وجه است: آنکه تنها
عمل حج بجا می‌آورد (بدون عمره) و قربانی
به همراه دارد (حج قرآن) و آنکه حج تنها
انجام میدهد بدون قربانی (حج افراد) و
آنکه اول عمره بجا می‌آورد سپس عمل حج را
(حج تمتع).

۱۷۷ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى
عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ الْبَرْزَنْطِيِّ عَنْ
مُفَضَّلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ جَابِرِ الْجُعْفِيِّ عَنْ أَبِي
جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله الْحَاجُّ ثَلَاثَةَ
فَأَفْضَلُهُمْ نَصِيبًا رَجُلٌ غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ
ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ وَ وَقَاهُ اللَّهُ عَذَابَ النَّارِ وَ
أَمَّا الَّذِي يَلِيهِ فَرَجُلٌ غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ
ذَنْبِهِ وَ يَسْتَأْنِفُ الْعَمَلَ فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُمْرِهِ وَ
أَمَّا الَّذِي يَلِيهِ فَرَجُلٌ حَفِظَ فِي أَهْلِهِ وَ مَالِهِ

۱۷۷ - رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: حاجیان سه
طبقه هستند بهره بیشتر را طبقه‌ای دارد
که گناهان گذشته و آینده‌شان آمرزیده شده
و خداوند از عذاب آتش محفوظشان خواهد
داشت و از این کمتر کسی است که گناهان
گذشته‌اش آمرزیده شده و در باقیمانده عمر
می‌بایست کار خود را از سر گیرد و کمترین
مرتبه، آنکه بهره‌اش از حج محفوظ ماندن
اهل و مالش باشد.

از سه خصلت نهی شده است

النهی عن ثلاث خصال

۱۷۸ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَادِ بْنِ عِيسَى عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام فِي وَصِيَّتِهِ لِابْنِهِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَنْفِيَّةِ إِيَّاكَ وَالْعُجْبَ وَ سُوءَ الْخُلُقِ وَ قِلَّةَ الصَّبْرِ فَإِنَّهُ لَا يَسْتَقِيمُ لَكَ عَلَى هَذِهِ الْخِصَالِ الثَّلَاثِ صَاحِبٌ وَ لَا يَزَالُ لَكَ عَلَيْهَا مِنَ النَّاسِ مُجَانِبٌ وَ أَلْزَمَ نَفْسَكَ التَّوَدُّدَ وَ صَبَّرَ عَلَى مَثُونَاتِ النَّاسِ نَفْسَكَ وَ ابْدُلْ لِصَدِيقِكَ نَفْسَكَ وَ مَالَكَ وَ لِمَعْرِفَتِكَ رِفْدَكَ وَ مَحْضَرَكَ وَ لِلْعَامَّةِ بِشْرَكَ وَ مَحَبَّتَكَ وَ لِعَدُوِّكَ عَدْلَكَ وَ انْصَافَكَ وَ اضْنَنْ بِدِينِكَ وَ عَرِضِكَ عَنْ كُلِّ أَحَدٍ فَإِنَّهُ أَسْلَمَ لِدِينِكَ وَ دُنْيَاكَ

۱۷۸ - امیر المؤمنین عليه السلام در وصیتش به فرزند خود محمد بن الحنفیة فرمود: از خود بینی و بد خلقی و کم صبری دور باش که اگر این سه خصلت را داشته باشی هیچ رفیقی با تو نیست و همواره مردم از تو کناره گیرند خود را به اظهار دوستی و اداری کن و بر زحمات مردم خویشتن را شکیبا ساز و جان و مالت را از دوستت و بخشش و دیدارت را از آشنایان و خوشروئی و محبتت را از عموم مردم و عدل و انصافت را از دشمنان دریغ مدار و از دست دادن دین و آبروی خود در باره هر کس که باشد بخل بورز که دین و دنیایت سالمتر خواهد بود.

سیاه پوشی پسندیده نیست بجز در سه چیز

يَكْرَهُ السَّوَادَ إِلَّا فِي ثَلَاثَةِ أَشْيَاءَ
١٧٩ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ يَحْيَى
الْعَطَّارُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى
عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ
الْبَرْقِيِّ بِإِسْنَادِهِ يَرْفَعُهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ
قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُكْرَهُ السَّوَادُ إِلَّا فِي
ثَلَاثَةِ الْعِمَامَةِ وَالْخُفِّ وَالْكِسَاءِ
١٧٩ - رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم فرمود:
سیاه پوشی خوب نیست بجز در سه چیز:
عمامه و کفش و عبا.

کسی که قصد زیارت خانه خدا دارد اگر
سه خصلت در او نباشد مورد اعتنا نمیشود
ما یعبأ بمن یؤم البیت إذا لم یکن فیہ
ثلاث خصال

١٨٠ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى
عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ الْبَرْنَطِيِّ قَالَ
حَدَّثَنِي مُفَضَّلُ بْنُ صَالِحٍ عَنْ مَيْسَرٍ عَنْ أَبِي
جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ مَا يُعْبَأُ بِمَنْ يَوْمُ هَذَا الْبَيْتِ
إِذَا لَمْ يَكُنْ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ وَرَعٌ يَحْجُرُهُ عَنْ
مَعَاصِي اللَّهِ تَعَالَى وَحِلْمٌ يَمْلِكُ بِهِ غَضَبَهُ وَحُسْنُ
الصَّحَابَةِ لِمَنْ صَحِبَهُ

١٨٠ - امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: کسی که قصد
این خانه را بکند اگر سه خصلت در او
نباشد اعتنائی با او نخواهد شد: پرهیزگاری
تا آن حد که از گناهان بازش بدارد و
بردباری تا آن پایه که بر خشم خود مسلط
باشد و خوش رفتاری با رفیق راهش.

پذیرائی از مهمان تا سه روز است

الضيافة ثلاثة أيام

۱۸۱ - حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى بْنِ عِمْرَانَ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الرَّازِيِّ عَنْ سَجَادَةَ وَاسْمُهُ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي عَثْمَانَ عَنْ وَاصِلٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الضِّيَافَةُ أَوْلَى يَوْمٍ حَقٌّ وَالثَّانِي وَالثَّلَاثُ وَ مَا بَعْدَ ذَلِكَ فَإِنَّهَا صَدَقَةٌ تَصَدَّقُ بِهَا عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَا يَنْزِلَنَّ أَحَدُكُمْ عَلَى أَخِيهِ حَتَّى يُوثِمَهُ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ كَيْفَ يُوثِمُهُ قَالَ حَتَّى لَا يَكُونَ عِنْدَهُ مَا يُنْفِقُ عَلَيْهِ

۱۸۱ - رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: پذیرائی از

مهمان روز اول حق اوست و روز دوم و سوم و اما پس از سه روز صدقه‌ای است که میزبان بمهمان میدهد سپس فرمود: هیچ کس از شما در منزل برادر خود آنقدر نماند که او را گنهکار پندارد عرض شد یا رسول الله چگونه گنهکارش می‌پندارد؟ فرمود این قدر میماند که میزبانش نمیتواند خرج او را تأمین نماید.

مرد مسلمان در سه چیز خیانت بدل خود

راه ندهد

ثلاث لا يغفل عليهن قلب امرئ مسلم

۱۸۲ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ الْبَرْزَنْطِيِّ عَنْ حَمَادِ بْنِ عَثْمَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي يَعْفُورٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ خَطَبَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ النَّاسَ بِمِنَى فِي حِجَّةِ الْوَدَاعِ فِي مَسْجِدِ الْخَيْفِ فَحَمِدَ اللَّهُ وَ أَثْنَى عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ نَضْرُ اللَّهُ عَبْدًا سَمِعَ مَقَالَتِي فَوَعَاَهَا ثُمَّ بَلَّغَهَا إِلَى مَنْ لَمْ يَسْمَعْهَا فَرُبَّ حَامِلٍ فِيقَهُ غَيْرُ فِقِيهِ وَ رُبَّ

حَامِلٍ فِيقَهُ إِلَى مَنْ هُوَ أَفْقَهُ مِنْهُ ثَلَاثٌ لَا يُغْلُ
عَلَيْهِنَّ قَلْبٌ أَمْرِي مُسْلِمٍ إِخْلَاصُ الْعَمَلِ لِلَّهِ وَ
النَّصِيحَةُ لِأُمَّةِ الْمُسْلِمِينَ وَ اللَّزُومُ
لِجَمَاعَتِهِمْ فَإِنَّ دَعْوَتَهُمْ مُحِيطَةٌ مِنْ وَرَائِهِمْ
الْمُسْلِمُونَ إِخْوَةٌ تَتَكَافَأُ دِمَاؤُهُمْ يَسْعَى
بِذِمَّتِهِمْ أَدْنَاهُمْ وَ هُمْ يَدُّ عَلَى مَنْ سِوَاهُمْ

۱۸۲ - امام صادق عليه السلام فرمود: رسول خدا
ﷺ در آخرین سفر حج در زمین منی خطبه ای
در مسجد خیف خواند و پس از حمد و ثنای
الهی فرمود: خداوند دلشاد کند بنده ای را
که سخن مرا بشنود و خوب بفهمد و سپس
بکسی که نشنیده برساند. چه بسا کسی که
مطلبی علمی را بدیگری میرساند ولی خود
از فهمش عاجز است و چه بسا کسی مطلبی
علمی را بدیگری که از خود بهتر میفهمد
میرساند.

سه چیز است که مرد مسلمان در آن خیانت به دل خود راه ندهد

: کار را فقط برای رضای خدا انجام
دادن و خیر خواهی در باره پیشوایان ملت
مسلمان کردن، و باجماع آنان پیوستن که
دعای خیرشان پشتیبان آنان خواهد بود
مسلمانان با یک دیگر برادرند و
خونهایشان برابر، و انجام تعهد
پائینترین فردشان بعهد همه مسلمانان
است و همه در مقابل اجنبی همدست
میباشند.

شرح -

در روایت کافی امام صادق جمله یسعی
بذمتم ادناهم را چنین معنی فرموده اند
که اگر مشرکی را یکی از افراد پائین
ارتش اسلام امان داد بر فرمانده لشکر لازم
است که به تعهد آن سرباز وفا نموده و
امان او را محترم شمارد.

گفتار پیغمبر: که بر حقانیت سه چیز سوگند یاد میکنم

قول النبي ﷺ ثلاث أقسم أنهن حق
١٨٣ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ
قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ
بْنِ عَيْسَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ الْحَجَّالِ عَنْ نَصْرِ
الْعَطَّارِ عَمَّنْ رَفَعَهُ بِإِسْنَادِهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ
اللَّهِ ﷺ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي تَالِبٍ ثَلَاثٌ أَقْسِمُ أَنَّهُنَّ حَقٌّ إِنَّكَ وَ
الْأَوْصِيَاءُ مِنْ بَعْدِكَ عُرْفَاءُ لَا يُعْرِفُ اللَّهُ إِلَّا
بِسَبِيلِ مَعْرِفَتِكُمْ وَ عُرْفَاءُ لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا
مَنْ عَرَفَكُمْ وَ عَرَفْتُمُوهُ وَ عُرْفَاءُ لَا يَدْخُلُ
النَّارَ إِلَّا مَنْ أَنْكَرَكُمْ وَ أَنْكَرْتُمُوهُ

١٨٣ - رسول خدا ﷺ به علی بن ابی طالب فرمود:
بر حقانیت سه چیز من سوگند یاد میکنم:
تو و جانشینان بعدی تو معرف خدائید که
خداوند بجز از راه معرفت شما شناخته
نشود و معرف بهشتیانید زیرا بجز کسی که
شما را بشناسد و شما او را بشناسید کسی
به بهشت نمیروود و معرف دوزخیانید زیرا
بجز کسی که شما را انکار کند و شمایش
انکار کنید کس بآتش دوزخ نمی افتد.

هیچ عملی پس از مرگ بدنبال شخص نمیروود مگر سه کار

ليس يتبع الرجل بعد موته إلا ثلاث خصال
١٨٤ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الْجَمِيرِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ
بْنِ عَيْسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَخْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ
رِثَابٍ عَنِ الْحَلِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ لَيْسَ
يَتَّبَعُ الرَّجُلَ بَعْدَ مَوْتِهِ مِنْ الْأَجْرِ إِلَّا ثَلَاثٌ
خِصَالٍ صَدَقَةٌ أَجْرَاهَا فِي حَيَاتِهِ فَهِيَ تَجْرِي بَعْدَ
مَوْتِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ صَدَقَةٌ مَوْقُوفَةٌ لَا
تُورَثُ أَوْ سُنَّةٌ هَدَى سَنَهَا فَكَانَ يَعْمَلُ بِهَا وَ
عَمِلَ مِنْ بَعْدِهِ غَيْرُهُ أَوْ وَلَدٌ صَالِحٌ يَسْتَغْفِرُ لَهُ

۱۸۴ - امام صادق علیه السلام فرمود: اجر و مزد هیچ عملی که پس از مرگ انجام می‌گیرد به انسان نمیرسد مگر سه کار: صدقه‌ای که در حال حیات جاری ساخته و آن پس از مرگ نیز تا روز قیامت جریان خواهد داشت و موقوفه‌ای که از خود بعنوان صدقه گذاشته و به ارثاش نبرند و دیگر رفتار هدایت بخشی که از خود بیادگار گذاشته هم خود به آن عمل می‌کرده و هم دیگری پس از وی، سوم فرزند شایسته‌ای که برایش طلب مغفرت و آمرزش کند.

خدای عز و جل سه دسته از مردم را در بهشتش جای نخواهد داد

لا یسکن الله عز و جل جنته ثلاثة اصناف
 ۱۸۵ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى بْنِ عِمْرَانَ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ زَيْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ مُنْذِرِ بْنِ يَزِيدٍ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو هَارُونَ الْمَكْفُوفُ قَالَ قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَا أَبَا هَارُونَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى آلَى عَلَي نَفْسِهِ أَنْ لَا يُجَاوِرَهُ خَائِنٌ قَالَ قُلْتُ وَ مَا الْخَائِنُ قَالَ مَنْ أَدْخَرَ عَنْ مُؤْمِنٍ دِرْهَمًا أَوْ حَبَسَ عَنْهُ شَيْئًا مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا قَالَ أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ غَضَبِ اللَّهِ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى آلَى عَلَي نَفْسِهِ أَنْ لَا يُسْكِنَ جَنَّتَهُ أَصْنَافًا ثَلَاثَةً رَادُّ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَوْ رَادُّ عَلَى إِمَامٍ هُدَى أَوْ مَنْ حَبَسَ حَقَّ أَمْرٍ مُؤْمِنٍ قَالَ قُلْتُ يُعْطِيهِ مِنْ فَضْلِ مَا يَمْلِكُ قَالَ يُعْطِيهِ مِنْ نَفْسِهِ وَ رُوحِهِ فَإِنْ بَخَلَ عَلَيْهِ مُسْلِمٌ بِنَفْسِهِ فَلَيْسَ مِنْهُ إِنَّمَا هُوَ شَرِكُ الشَّيْطَانِ

قال مصنف هذا الكتاب أدام الله تأييده الإعطاء من النفس و الروح إنما هو بذل الجاه له إذا احتاج إلى معاونته و هو السعى له في حوائجه

۱۸۵ - ابو هارون مکفوف گوید: امام صادق بمن فرمود: ای ابا هارون برآستی که خدای تبارک و تعالی بر خود لازم دانسته که خیانت کار در جوار رحمت الهی نیاساید گوید: عرض کردم: مقصود از خیانت کار کیست؟ فرمود: کسی که از مؤمنی يك درهم دریغ بدارد و یا چیزی از کار دنیا را از وی باز بدارد گوید: گفتم: بخدا پناه میبرم از خشم خدا فرمود: برآستی که خدای تبارک و تعالی بر خود لازم دانسته که سه دسته از مردم را در بهشت‌اش جای ندهد: آنکه حکم خدا را رد کند یا حکم پیشوای رهنما را، یا کسی که حق شخص مسلمانی را باز داشت کند گوید: گفتم: باید بمؤمن از زیادی دارائی داد؟

فرمود: از جان و روح باید داد و اگر مسلمانی جان خود را از مؤمن دریغ بدارد از طینت مؤمن خلق نشده است بلکه شیطان در او شریک بوده است.

(مصنف) این کتاب که خدا همیشه یاورش باد گوید:

مقصود از بذل جان و روح این است که از آبروی خود در صورتی که مؤمن نیازمند باشد بذل نماید و در رفع نیازمندیهایش کوشا باشد.

پدران بر سه گونه اند

الآباء ثلاثة

۱۸۶ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّقَّارُ قَالَ حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ ظَرِيفٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ الْآبَاءُ ثَلَاثَةٌ آدَمُ وَوَلَدٌ مُؤْمِنًا وَ الْجَانُّ وَوَلَدٌ مُؤْمِنًا وَ كَافِرًا وَ

إِبْلِيسُ وَلَدَ كَافِرًا وَ لَيْسَ فِيهِمْ نِتَاجٌ إِنَّمَا
يَبِيضُ وَ يُفْرِخُ وَ وُلْدُهُ ذُكُورٌ لَيْسَ فِيهِمْ إِنَاثٌ
۱۸۶ - امام صادق علیه السلام فرمود: پدران بر
سه گونه اند: آدم که فرزند مؤمن زاید و
جان که فرزند مؤمن و کافر آورد و ابلیس
که فرزندش کافر گردد و در میانشان
زائیدن نیست فقط تخم میگذارد و جوجه
بیرون می‌آورد و فرزندان همگی از جنس نر
میباشند و ماده در میانشان نیست.

مؤمن را سه خصلت داده شده است

أَعْطَى الْمُؤْمِنَ ثَلَاثَ خِصَالٍ
۱۸۷ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ
اللَّهِ الْبَرْقِيُّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ
عَنْ عَبْدِ الْمُؤْمِنِ الْأَنْصَارِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام
قَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَعْطَى الْمُؤْمِنَ ثَلَاثَ خِصَالٍ
الْعِزَّةَ فِي الدُّنْيَا وَ الْفَلَاحَ فِي الْآخِرَةِ وَ
الْمَهَابَةَ فِي صُدُورِ الظَّالِمِينَ ثُمَّ قَرَأَ وَ اللَّهُ
الْعِزَّةَ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ قَرَأَ قَدْ
أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ إِلَى قَوْلِهِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ
۱۸۷ - امام باقر علیه السلام فرمود: خدای عز و
جل مؤمن را سه خصلت عنایت فرموده است:
عزت در دنیا و رستگاری در آخرت و هیبت
در دل ستمکاران سپس این آیه را قرائت
فرمود که ﴿وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ﴾ عزت مخصوص
خدا است و مخصوص پیغمبر او است و مخصوص
مؤمنین است و نیز این آیات را خواند ﴿قَدْ
أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ﴾ مسلماً مؤمنان رستگار شدند تا
آنجا که میفرماید آنان در بهشت برای
همیشه و جاودان خواهند بود.

سه نفر از همه سزاوارترند که آرزوی سه چیز داشته باشند

أَحَقُّ النَّاسِ بِتَمَنِّي ثَلَاثَةَ أَشْيَاءَ ثَلَاثَةَ نَفَرٍ
١٨٨ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ
عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ ابْنِ مُسْكَانٍ
عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ إِنَّ أَحَقَّ النَّاسِ أَنْ
يَتَمَنَّى لِلنَّاسِ الْغِنَى الْبُخْلَاءُ لِأَنَّ النَّاسَ إِذَا
اسْتَعْنَوْا كَفُّوا عَنْ أَمْوَالِهِمْ وَ أَحَقُّ النَّاسِ أَنْ
يَتَمَنَّى لِلنَّاسِ الصَّلَاحَ أَهْلُ الْعُيُوبِ لِأَنَّ النَّاسَ
إِذَا صَلَحُوا كَفُّوا عَنْ تَتَبُعِ عُيُوبِ النَّاسِ وَ
أَحَقُّ النَّاسِ أَنْ يَتَمَنَّى لِلنَّاسِ الْجِلْمَ أَهْلُ
السَّفَةِ الَّذِينَ يَحْتَاجُونَ إِلَى أَنْ يُعْفَى عَنْ
سَفَهِهِمْ فَأَصْبَحَ أَهْلُ الْبُخْلِ يَتَمَنُّونَ فَقْرَ النَّاسِ
وَ أَصْبَحَ أَهْلُ الْعُيُوبِ يَتَمَنُّونَ مَعَايِبَ النَّاسِ وَ
أَصْبَحَ أَهْلُ السَّفَةِ يَتَمَنُّونَ سَفَةَ النَّاسِ وَ فِي
الْفَقْرِ الْحَاجَةُ إِلَى الْبَخِيلِ وَ فِي الْفَسَادِ
طَلَبُ عَوْرَةِ أَهْلِ الْعُيُوبِ وَ فِي السَّفَةِ
الْمُكَافَأَةُ بِالذُّنُوبِ

١٨٨ - امام صادق عليه السلام فرمود: براستی که
سزاوارترین مردم که برای مردم ثروت را
آرزو کند همانا بخیلانند زیرا اگر مردم
بی‌نیاز شدند طمع در مال بخیلان نکنند و
سزاوارترین مردم که آرزومند شایستگی
مردم باشد صاحبان عیب‌اند زیرا اگر مردم
شایسته شوند از رسیدگی بعیب‌های دیگران
خودداری میکنند و سزاوارترین مردم که
آرزوی حلم و بردباری دیگران داشته باشد
بی‌خردانی هستند که به گذشت دیگران از
بی‌خردی آنان نیازمندند ولی بر خلاف این
حقیقت بخیلان نیازمندی مردم را آرزو کنند
و صاحبان عیوب معیوب بودن دیگران را
آرزومندند و بی‌خردان بی‌خردی مردم را،
در صورتی که مردم بهنگام فقر احتیاج
بمال بخیل پیدا می‌نمایند و در حال فساد
به کارهای زشت پنهانی آلوده‌گان رسیده‌گی

کنند و در موقع بی‌خردی به مقام تلافی گناهان دیگران برآیند.

کارها بر سه گونه است

الأمور ثلاثة

۱۸۹ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ قَالَ حَدَّثَنِي الْحُسَيْنُ بْنُ إِسْحَاقَ التَّاجِرُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْحَارِثِ بْنِ الْأَحْوَلِ صَاحِبِ الطَّاقِ عَنْ جَمِيلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي حَدِيثٍ طَوِيلٍ الْأُمُورُ ثَلَاثَةٌ أَمْرٌ تَبَيَّنَ لَكَ رُشْدُهُ فَاتَّبِعْهُ وَ أَمْرٌ تَبَيَّنَ لَكَ غَيْبُهُ فَاجْتَنِبْهُ وَ أَمْرٌ اخْتَلَفَ فِيهِ فَرُدَّهُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ

۱۸۹ - رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ : ضمن حدیث مفصلی فرمود: کارها بر سه گونه است کاری که رستگاری در آن برای تو روشن است آن کار را دنبال کن و کاری که گمراهی در آن برای تو روشن است از آن دوری بجوی و کاری که در آن اختلاف شده است و روشن نیست آن را بخدای عز و جل بازش گردان.

دزدان بر سه گونه اند

السراق ثلاثة

۱۹۰ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الرَّازِيُّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ سُلَيْمَانَ بْنِ رُشَيْدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ يَقْطِينٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ كَثِيرِ بْنِ بَسَّامٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ السُّرَّاقُ ثَلَاثَةٌ مَانِعُ الزَّكَاةِ وَ مُسْتَجِلُّ مَهْوَرِ النِّسَاءِ وَ كَذَلِكُ مَنْ اسْتَدَانَ دَيْنًا وَ لَمْ يَنْوِ قِضَاءَهُ

۱۹۰ - امام صادق عليه السلام فرمود: دزدان بر سه گونه اند آنکه زکات ندهد و آنکه کابین زنان را برای خود حلال بداند و هم چنین کسی که وامی بگیرد قصد پرداخت آن را نداشته باشد.

فرشتگان بر سه طبقه اند

الملائكة على ثلاثة أصناف
 ۱۹۱ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ طَلْحَةَ بِإِسْنَادِهِ يَرْفَعُهُ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ الْمَلَائِكَةُ عَلَى ثَلَاثَةِ أَجْزَاءٍ فَجُزْءٌ لَهُمْ جَنَاحَانُ وَ جُزْءٌ لَهُمْ ثَلَاثَةُ أَجْنِحَةٍ وَ جُزْءٌ لَهُمْ أَرْبَعَةٌ أَجْنِحَةٍ
 ۱۹۱ - رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: فرشتگان بر سه گروه اند يك گروه را دو بال هست و يك گروه را سه بال و يك گروه را چهار بال.

جن بر سه گروه است و انسان بر سه گروه

الجن على ثلاثة أجزاء و الإنس على ثلاثة أجزاء
 ۱۹۲ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكَّلِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الْجَمِيرِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ الْجِنُّ عَلَى ثَلَاثَةِ أَجْزَاءٍ فَجُزْءٌ مَعَ الْمَلَائِكَةِ وَ جُزْءٌ يَطِيرُونَ فِي السَّمَاءِ وَ جُزْءٌ كِلَابٌ وَ حَيَاتٌ وَ الْإِنْسُ عَلَى ثَلَاثَةِ أَجْزَاءٍ فَجُزْءٌ تَحْتَ ظِلِّ الْعَرْشِ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ وَ جُزْءٌ عَلَيْهِمُ الْجَسَابُ وَ الْعَذَابُ وَ جُزْءٌ وَجُوهُهُمْ وَجُوهُ الْأَدَمِيِّينَ وَ قُلُوبُهُمْ قُلُوبُ الشَّيَاطِينِ
 ۱۹۲ - امام صادق عليه السلام فرمود: جن بر سه گروه است يك گروه با فرشتگان است و يك گروه در فضا به پروازند و يك گروه سگان

و مارانند و انسان بر سه گروه است يك گروه در زیر سایه عرش‌اند روزی که سایه‌ای بجز سایه عرش نیست و يك گروه را حساب و کیفری هست و يك گروه بصورت آدمی و باطنشان باطن شیطان‌ها است.

پشت سر سه کس نباید نماز جماعت خواند

ثلاثة لا یصلی خلفهم
 ۱۹۳ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
 سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى بْنِ عَبْدِ
 عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ يَقْطِينِ عَنْ عَمْرِو بْنِ
 إِبْرَاهِيمَ عَنْ خَلْفِ بْنِ حَمَادٍ عَنْ رَجُلٍ مِنْ
 أَصْحَابِنَا نَسِيَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ اسْمَهُ عَنْ أَبِي
 عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ ثَلَاثَةٌ لَا يُصَلِّي خَلْفَهُمُ الْمَجْهُولُ
 وَ الْعَالِي وَ إِنْ كَانَ يَقُولُ بِقَوْلِكَ وَ الْمَجَاهِرُ
 بِالْفِسْقِ وَ إِنْ كَانَ مُقْتَصِدًا

۱۹۳ - امام صادق عليه السلام فرمود: پشت سر سه کس نباید نماز جماعت خواند کسی که عقیده‌اش و مذهبش برای تو نامعلوم است و کسی که درباره ائمه غلو کند گرچه شیعه باشد و کسی که آشکارا به گناه مرتکب شود گرچه در عقیده‌اش میانه رو باشد.

شرح-

آنچه از مجموع روایات وارده در معنای غلو استفاده می‌شود و مطابق تحقیق است آن است که غلو عبارت است از اینکه شخص برای امام عليه السلام مقامی بالاتر از مقام عبودیت حق قائل گردد و در غیر این صورت یعنی با حفظ مقام عبودیت و مخلوقیت هر چند بصفات کمالیه در ائمه معتقد باشد و معرفت در باره آنان بیشتر پیدا کند تجلیلی است از مقام الوهیت که عظمت مقام خلیفه کاشف از عظمت مستخلف و تجلیل از نایب تجلیل از منوب عنه است نه توهین و تحقیر از او.

سه نخوردنی فربهی آورد و سه خوراکی لاغری

ثلاثة لا يؤكلن فيسمن و ثلاثة يؤكلن
فيهزلن

۱۹۴ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ
مُوسَى بْنِ عُمَرَ عَنْ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ
بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ ثَلَاثَةٌ يُسْمِنُ وَ
ثَلَاثَةٌ يُهْزِلُنَّ فَأَمَّا الَّتِي يُسْمِنُ فَأِدْمَانُ
الْحَمَّامِ وَ شَمُّ الرَّائِحَةِ الطَّيِّبَةِ وَ لُبْسُ
الثِّيَابِ اللَّيِّنَةِ وَ أَمَّا الَّتِي يُهْزِلُنَّ فَأِدْمَانُ
أَكْلِ الْبَيْضِ وَ السَّمَكِ وَ الطَّلَعِ

قال مصنف هذا الكتاب رضى الله عنه يعنى
بإدمان الحمام أن يدخله يوم و يوم لا
فإنه إن دخله كل يوم نقص من لحمه

۱۹۴ - امام صادق عليه السلام فرمود: سه چیز
فربهی آورد و سه چیز لاغری اما آن سه که
فربهی آورد همیشه به حمام رفتن و بوی
خوش بوئیدن و جامه نرم پوشیدن است و اما
آن سه که لاغر میسازد مداومت خوردن تخم
مرغ است و ماهی و گل درخت خرما.

مصنف این کتاب رضى الله عنه گوید:
مقصود امام از همیشه به حمام رفتن يك
روز در میان است که اگر کسی همه روزه به
حمام برود لاغر می شود.

همه قضاوتهای مسلمانان از سه مجرا است

جميع أحكام المسلمين تجرى على ثلاثة أوجه
۱۹۵ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ
اللَّهِ الْبَرْقِيُّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ
الْبَزْطِيِّ عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ أَبِي
أُوَيْسٍ عَنْ ضَمْرَةَ بْنِ أَبِي ضَمْرَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ
جَدِّهِ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام جَمِيعُ أَحْكَامِ
الْمُسْلِمِينَ تَجْرِي عَلَى ثَلَاثَةِ أَوْجُهٍ شَهَادَةٌ

عَادِلَةٌ أَوْ يَمِينٍ قَاطِعَةٍ أَوْ سُنَّةٍ جَارِيَةٍ مَعَ
أَثَمَةِ الْهُدَى

۱۹۵ - امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: همگی
مسلمانان از سه راه قضاوت میکنند گواهی
عادلانہ یا سوگند قطعی یا روشی کہ ائمہ
هدی است.

سه چیز قرین سه چیز است

ثلاثة مقرون بها ثلاثة

۱۹۶ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوَيْهِ رَضِيَ
اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ
اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنِ السَّيَّارِيِّ عَنِ الْخَارِثِ بْنِ دِلْهَاشٍ
عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا علیه السلام قَالَ إِنَّ اللَّهَ
عَزَّ وَجَلَّ أَمَرَ بِثَلَاثَةٍ مَقْرُونٍ بِهَا ثَلَاثَةٌ أُخْرَى
أَمَرَ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ فَمَنْ صَلَّى وَلَمْ يُزَكِّ
لَمْ تُقْبَلْ مِنْهُ صَلَاتُهُ وَ أَمَرَ بِالشُّكْرِ لَهُ وَ
لِلْوَالِدَيْنِ فَمَنْ لَمْ يَشْكُرْ وَالِدَيْهِ لَمْ يَشْكُرْ اللَّهَ
وَ أَمَرَ بِاتِّقَاءِ اللَّهِ وَ صَلَةِ الرَّحِمِ فَمَنْ لَمْ يَصِلْ
رَحِمَهُ لَمْ يَتَّقِ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ

۱۹۶ - امام رضا علیه السلام فرمود: خدای عز و
جل دستور سه چیز را به همراه دستور سه
چیز دیگر صادر فرموده است دستور نماز را
با زکات پس هر کس نماز بخواند و زکات
نپردازد نماز او پذیرفته نیست و به
سپاسگزاری از خود دستور فرموده با سپاس
از پدر مادر پس هر کس از پدر و مادر خود
سپاسگزار نباشد خدای را سپاسگزار نیست و
دستور فرموده است به تقوی از خدا و صلہ
رحم پس هر کس کہ صلہ رحم نکند از خداوند
پرهیز نکرده است.

شرح:

دستور شکرگزاری حضرت حق و پدر مادر در
سوره لقمان است ﴿وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَى
وَهْنٍ وَفِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ أَنْ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ﴾ .

و دستور بتقوی و صلہ رحم در سوره نساء
 است ﴿وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ﴾.

سه کس از خدای عز و جل خواهش میکنند و خداوند خواهش آنان رامی‌پذیرد

ثلاثة يشفعون إلى الله عز و جل فيشفعون
 ۱۹۷ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
 عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الْجَمِيرِيِّ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ
 عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ
 أَبِيهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ
 اللَّهِ ﷺ ثَلَاثَةٌ يَشْفَعُونَ إِلَيَّ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فَيُشَفَّعُونَ
 الْأَنْبِيَاءَ ثُمَّ الْعُلَمَاءَ ثُمَّ الشُّهَدَاءَ

۱۹۷ - رسول خدا ﷺ فرمود: سه کس از
 خدای عز و جل خواهش میکنند و خواهش آنان
 پذیرفته است: پیامبران و سپس دانشمندان و
 سپس شهیدان.

نخستین کسانی که قرعه بنامشان زده شد سه نفراند

أول من سوهم عليه ثلاثة
 ۱۹۸ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ هَارُونَ الْقَامِيُّ وَ
 جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مَسْرُورٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَا
 حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ بْنِ بُطَّةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ
 الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنِ
 حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنِ حَرِيْزِ عَمَّنْ أَخْبَرَهُ عَنْ أَبِي
 جَعْفَرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ أَوَّلُ مَنْ سُوِّهُمَ عَلَيْهِ مَرْيَمُ بِنْتُ
 عِمْرَانَ وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ مَا كُنْتِ
 لَدَيْهِمْ إِذْ يُلْقُونَ أَقْلَامَهُمْ أَيُّهُمْ يَكْفُلُ مَرْيَمَ وَ
 السَّهْمُ سِنَّةٌ ثُمَّ اسْتَهَمُوا فِي يُونُسَ لَمَّا رَكِبَ
 مَعَ الْقَوْمِ فَوَقَفَتِ السَّفِينَةُ فِي اللَّجَّةِ
 فَاسْتَهَمُوا فَوَقَعَ السَّهْمُ عَلَى يُونُسَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ
 قَالَ فَمَضَى يُونُسَ إِلَى صَدْرِ السَّفِينَةِ فَإِذَا
 الْحُوتُ فَاتِحٌ فَاهُ فَرَمَى بِنَفْسِهِ ثُمَّ كَانَ عَبْدُ
 الْمُطَّلِبِ وَ لِدَ لَهُ تِسْعَةٌ فَتَنَزَّرَ فِي الْعَاشِرِ إِنْ

يَرْزُقُهُ اللَّهُ غُلَامًا أَنْ يَذْبَحَهُ قَالَ فَلَمَّا وُلِدَ عَبْدُ اللَّهِ لَمْ يَكُنْ يَقْدِرُ أَنْ يَذْبَحَهُ وَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فِي صُلْبِهِ فَجَاءَ بَعْشَرٌ مِنَ الْإِبِلِ وَ سَاهَمَ عَلَيْهَا وَ عَلَى عَبْدِ اللَّهِ فَخَرَجَ السَّهَامُ عَلَى عَبْدِ اللَّهِ فَزَادَ عَشْرًا فَلَمْ تَزَلِ السَّهَامُ تَخْرُجُ عَلَى عَبْدِ اللَّهِ وَ يَزِيدُ عَشْرًا فَلَمَّا أَنْ بَلَغَتْ مِائَةَ خَرَجَتْ السَّهَامُ عَلَى الْإِبِلِ فَقَالَ عَبْدُ الْمُطَّلِبِ مَا أَنْصَفْتُ رَبِّي فَأَعَادَ السَّهَامَ ثَلَاثًا فَخَرَجَتْ عَلَى الْإِبِلِ فَقَالَ الْآنَ عَلِمْتُ أَنَّ رَبِّي قَدْ رَضِيَ فَنَحَرَهَا

۱۹۸ - امام باقر علیه السلام فرمود: نخستین کسی که قرعه بنامش زده شد مریم دختر عمران بود همان که خدای عز و جل فرماید: ای پیغمبر تو نزد آنان نبودی هنگامی که قلمهای خود را در آب می افکندند که کدام یک سرپرست مریم شوند و تیرهای قرعه شش عدد بود سپس در باره یونس قرعه زدند هنگامی که با گروهی سوار کشتی بود کشتی در گرداب ایستاد، آنان قرعه زدند قرعه سه بار بنام یونس افتاد فرمود یونس بطرف سینه کشتی آمد دید نهنگ دریا دهان خود را باز کرده او خود را به دهان ماهی افکند، سپس عبد المطلب بود که نه فرزند برای او متولد شد پس نذر کرد اگر فرزند دهمین پسر باشد قربانی اش- کند فرمود: چون عبد الله متولد شد با بودن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در صلب عبد الله نمیتوانست او را قربانی کند به همین جهت ده شتر آورد و قرعه بنام آن ده شتر و عبد الله زد قرعه بنام عبد الله در آمد پس ده شتر دیگر افزود و همین طور قرعه ها بنام عبد الله در می آمد و عبد المطلب هر نوبت ده شتر می افزود چون عدد شتران به صد رسید قرعه بنام شتران در آمد عبد المطلب گفت: با پروردگار خودم به انصاف رفتار نکردم قرعه ها را تا سه بار تکرار کرد و هر سه

نوبت قرعه بنام شتر بیرون می‌آمد پس عبد
المطلب گفت: الان دانستم که پروردگارم
راضی شد و شتران را نحر کرد.

در به سه خاصیت هست

السفرجل فيه ثلاث خصال

۱۹۹ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ
قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ
بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَصْرِيِّ عَنْ فَضَالَةَ
بْنِ أَيُّوبَ وَ وَهَبِ بْنِ حَفْصِ عَنْ شَهَابِ بْنِ عَبْدِ
رَبِّهِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ إِنَّ
الزُّبَيْرَ دَخَلَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَ بِيَدِهِ سَفَرَجَلَةٌ
فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَا زُبَيْرُ مَا هَذِهِ بِيَدِكَ
فَقَالَ لَهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ هَذِهِ سَفَرَجَلَةٌ فَقَالَ يَا
زُبَيْرُ كُلِّ السَّفَرَجَلِ فَإِنَّ فِيهِ ثَلَاثَ خِصَالٍ قَالَ وَ
مَا هِيَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ يُجْمُ الْفُؤَادَ وَ يُسْحَى
الْبَخِيلَ وَ يُشَجِّعُ الْجَبَانَ

قَالَ مُصَنِّفُ هَذَا الْكِتَابِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ سَمِعْتُ
شَيْخَنَا مُحَمَّدَ بْنَ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ يَرْوِي أَنَّ
الصَّادِقَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ مَا زَالَ الزُّبَيْرُ مِمَّا أَهْلُ
الْبَيْتِ حَتَّى أَدْرَكَ فَرْخَهُ فَتَهَاهُ عَنْ رَأْيِهِ

۱۹۹ - شهاب بن عبد ربه گوید: شنیدم
امام صادق میفرمود: که زبیر به نزد
پیغمبر آمد و بهی بدست داشت رسول خدایش
فرمود: ای زبیر این چیست که بدست داری؟
عرض نمود: یا رسول الله این يك دانه به است
فرمود: ای زبیر به بخور که در آن سه
خاصیت است عرض کرد: یا رسول الله آن خواص
چیست؟ فرمود: دل را شاد میکند و بخیل را
سخی طبع می‌سازد و ترسو را دلیر میکند.

مصنف این کتاب (رضی الله عنه) گوید:

از استاد خود محمد بن الحسن شنیدم که
از امام صادق روایت میکرد که فرمود:
زبیر از ما اهل بیت بود تا آنگاه که

جوجه اش (عبد الله) بزرگ شد و او را از عقیده اش منحرف ساخت.

در پیاز سه خاصیت هست

فی البصل ثلاث خصال

۲۰۰ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوِيهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيٍّ الْهَمْدَانِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْكِسَائِيِّ عَنْ مُيَسَّرِ بَيْاعِ الزُّطِّيِّ وَكَانَ خَالَهُ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ كُلُّوا الْبَصَلَ فَإِنَّ فِيهِ ثَلَاثَ خِصَالٍ يُطَيِّبُ النِّكْهَةَ وَ يَشُدُّ اللَّثَّةَ وَ يَزِيدُ فِي الْمَاءِ وَ الْجِمَاعِ

۲۰۰ - حسن بن علی کسائی از دائی خود میسر برده فروشی روایت میکند که گفت: شنیدم امام صادق میفرمود: پیاز بخورید که در آن سه خاصیت هست: دهن را خوش بو سازد و گوشت پای دندان را محکم نماید و نطفه و آمیزش جنسی را می افزاید.

بجز در سه مورد نباید افسون کرد

لا رقی إلا فی ثلاثة

۲۰۱ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّقَّارُ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ أَبِيهِ عليه السلام أَنَّ النَّبِيَّ صلى الله عليه وآله قَالَ لَا رُقَى إِلَّا فِي ثَلَاثَةٍ فِي حُمَةٍ أَوْ عَيْنٍ أَوْ دَمٍ لَا يَرْقَأُ

۲۰۱ - رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: بجز در سه مورد نباید افسون کرد در تب و چشم زخم و خونی که از جریان باز نایستد.

سه چیز از نشانه‌های فهم است

ثلاث خصال من علامات الفقه
۲۰۲ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
عَلِيُّ بْنُ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ أَبِي جَعْفَرِ
الْكَمَيْدَانِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ
أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ بْنِ الْبَزَنْطِيِّ قَالَ
قَالَ أَبُو الْحَسَنِ عليه السلام مِنْ عِلْمَاتِ الْفِقْهِ الْجِلْمُ وَ
الْعِلْمُ وَ الصَّمْتُ إِنَّ الصَّمْتَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ
الْحِكْمَةِ وَ إِنَّ الصَّمْتَ يُكْسِبُ الْمَحَبَّةَ وَ إِنَّهُ
دَلِيلٌ عَلَى كُلِّ خَيْرٍ

۲۰۲ - امام رضا عليه السلام فرمود: از نشانه‌های
فهم، بردباری است و دانش و خاموشی
براستی که خاموشی دری است از درهای حکمت
و خاموشی دوستی آرد و راهنمای هر خیر و
خوبی است.

سه چیز را نشاید دمید

يكره النفخ في ثلاثة أشياء
۲۰۳ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ الْهَيْثَمِ
الْعَجَلِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ
يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا الْقَطَّانُ قَالَ حَدَّثَنَا بَكْرُ بْنُ
عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَبِيبٍ عَنْ تَمِيمِ بْنِ بَهْلُولٍ عَنْ أَبِيهِ
عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُصْعَبٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام
يُكْرَهُ النَّفْخُ فِي الرُّقَى وَ الطَّعَامِ وَ مَوْضِعِ
السُّجُودِ

۲۰۳ - امام صادق عليه السلام فرمود: افسون و غذا
و محل سجده را دمیدن نشاید -

در هر کس سه صفت باشد جهنمی است

ثلاث خصال من كن فيه فهو في جهنم
۲۰۴ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ
قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ

أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى
عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ فُضَيْلٍ عَنِ
أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ ثَلَاثٌ إِذَا كُنَّ فِي الرَّجُلِ فَلَا
تَخْرُجُ أَنْ تَقُولَ إِنَّهُ فِي جَهَنَّمَ الْجَفَاءُ وَ
الْجُبْنُ وَ الْبُخْلُ وَ ثَلَاثٌ إِذَا كُنَّ فِي الْمَرْأَةِ
فَلَا تَخْرُجُ أَنْ تَقُولَ إِنَّهَا فِي جَهَنَّمَ الْبِدَاءُ وَ
الْخِيَلَاءُ وَ الْفَجْرُ

۲۰۴ - امام صادق عليه السلام فرمود: سه صفت در
هر مردی باشد بدون پروا به او بگو که
جهنمی است:

ستمکاری و ترس و بخل و سه صفت در هر
زنی باشد بدون پروا بگوش جهنمی است: بد
زبانی و خود خواهی و دامن آلوده‌گی.

هر کس از راه حرام مالی بدست بیاورد خداوند سه چیز بر او مسلط گرداند

من كسب مالا من غير حله سلط الله عليه
ثلاثة أشياء

۲۰۵ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ السَّعْدَانِيُّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ
أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ
أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ
لِلَّهِ عليه السلام قَالَ مَنْ كَسَبَ مَالًا مِنْ غَيْرِ حِلٍّ سَلَّطَ اللَّهُ
عَلَيْهِ الْيَنَاءَ وَ الْمَاءَ وَ الطِّينَ

۲۰۵ - امام صادق عليه السلام فرمود: هر کس مالی
از راه حرام بدست آورد خداوند بنائی و
آب و گل کاری را بر او مسلط می‌سازد.

آسایش مؤمن در سه چیز است

ثلاثة للمؤمن فيهن راحة
٢٠٦ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنِي
مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الصَّلْتِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ
بْنِ عَلِيٍّ بْنِ خَالِدٍ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ الْعَبَّاسِ عَنْ
سَعِيدِ بْنِ جَنَاحٍ عَنْ مُطَرِّفِ مَوْلَى مَعْنٍ عَنْ أَبِي
عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ ثَلَاثَةٌ لِلْمُؤْمِنِ فِيهِنَّ رَاحَةٌ دَارٌ
وَاسِعَةٌ تُوَارِي عَوْرَتَهُ وَ سُوءَ حَالِهِ مِنَ النَّاسِ
وَ امْرَأَةٌ صَالِحَةٌ تُعِينُهُ عَلَى أَمْرِ الدُّنْيَا وَ
الْآخِرَةِ وَ ابْنَةٌ أَوْ أُخْتُ يُخْرِجُهَا مِنْ مَنْزِلِهِ
بِمَوْتِ أَوْ بِنِّزْوِجٍ

٢٠٦ - امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: آسایش مؤمن
در سه چیز است خانه وسیعی که وضع
خانواده‌گی و بدحالی او را از مردم پنهان
دارد و همسر نیکوکاری که در کار دنیا و
آخرت یارش باشد و دختر و یا خواهری که
آنان را به مرگ یا ازدواج از خانه خود
بیرون کند.

از اسباب خوشبختی مرد این است که دارای سه چیز باشد

من سعادة المرء أن يكون له ثلاثة
أشياء
٢٠٧ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ السَّعْدَآبَادِيُّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ
مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدِ الْبَرْقِيِّ عَنْ عَثْمَانَ بْنِ عَيْسَى
عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ يَرْفَعُهُ إِلَى عَلِيٍّ بْنِ
الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ مِنْ سَعَادَةِ الْمَرْءِ أَنْ
يَكُونَ مَتَجَرُّهُ فِي بِلَادِهِ وَ يَكُونَ خُلْطَاؤُهُ
صَالِحِينَ وَ يَكُونَ لَهُ وُلْدٌ يَسْتَعِينُ بِهِمْ

٢٠٧ - امام زین العابدین عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: از
موجبات خوشبختی مرد این است که بازرگان
شهر و دیار خودش باشد و آمیزش با نیکان
نماید و فرزندان مددکار داشته باشد.

دعای سه نفر مستجاب نیست

دعای سه نفر مستجاب نیست ثلاثة لا
يستجاب لهم دعوة

۲۰۸ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى
عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ الْبَرْزَنْطِيِّ عَنْ
عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ الْوَلِيدِ بْنِ صَبِيحٍ عَنِ أَبِي
عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ كُنْتُ عِنْدَهُ وَ عِنْدَهُ جَفْنَةٌ مِنْ
رُطْبٍ فَجَاءَ سَائِلٌ فَأَعْطَاهُ ثُمَّ جَاءَ سَائِلٌ آخَرَ
فَأَعْطَاهُ ثُمَّ جَاءَ آخَرَ فَأَعْطَاهُ ثُمَّ جَاءَ آخَرَ
فَقَالَ وَسِعَ اللَّهُ عَلَيْكَ ثُمَّ قَالَ إِنَّ رَجُلًا لَوْ كَانَ
لَهُ مَالٌ يَبْلُغُ ثَلَاثِينَ أَوْ أَرْبَعِينَ أَلْفًا ثُمَّ
شَاءَ أَنْ لَا يَبْقَى مِنْهُ شَيْءٌ إِلَّا قَسَمَهُ فِي حَقِّ
فَعَلَّ فَيَبْقَى لَأَمَالٌ لَهُ فَيَكُونُ مِنَ الثَّلَاثَةِ
الَّذِينَ يُرَدُّ دُعَاؤُهُمْ عَلَيْهِمْ قَالَ قُلْتُ جُعِلْتُ
فِيكَ مَنْ هُمْ قَالَ رَجُلٌ رَزَقَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مَالًا
فَأَنْفَقَهُ فِي وُجُوهِهِ ثُمَّ قَالَ يَا رَبِّ ارزُقْنِي
فَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَوْ لَمْ أَرْزُقْكَ وَ رَجُلٌ دَعَا
عَلَى امْرَأَتِهِ وَ هُوَ ظَالِمٌ لَهَا فَيُقَالُ لَهُ أَلَمْ
أَجْعَلْ أَمْرَهَا بِيَدِكَ وَ رَجُلٌ جَلَسَ فِي بَيْتِهِ وَ
تَرَكَ الطَّلَبَ ثُمَّ يَقُولُ يَا رَبِّ ارزُقْنِي فَيَقُولُ اللَّهُ
عَزَّ وَ جَلَّ أَلَمْ أَجْعَلْ لَكَ السَّبِيلَ إِلَى الطَّلَبِ
لِلرِّزْقِ

۲۰۸ - ولید بن صبیح گوید: در محضر
امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ بودم و طبقی خرما نزد آن
حضرت بود گدائی آمد حضرتش خرما داد سپس
گدای دیگری رسید حضرت خرمایش داد سپس
گدای دیگر آمد به او هم خرما داد سپس
گدای دیگر آمد فرمود: خداوند گشایشی به
کارت دهد، سپس فرمود: اگر مردی سی هزار
و یا چهل هزار ثروت داشته باشد و بخواهد
همه ثروت خود را در راه حق تقسیم کند و
هیچ برای او نماند میتواند ولی بی چیز
میگردد و از آن سه گروهی می شود که
دعایشان بسوی خودشان باز پس آید گوید:
عرض کردم: قربانت شوم آنان کیانند؟

فرمود کسی که خداوند عز و جل ثروتی به او روزی فرماید و او همه را در راههای خیر به بخشد سپس دعا کند که بار الها روزیم بده، خدای عز و جلاش فرماید مگر روزیت نداده بودم؟ و مردیکه بر زنش ستم میکند و نفرینش مینماید به او گفته شود مگر اختیارش را بدست تو نسپرده بودم؟ و مردی که در خانه اش نشیند و دنبال کار و کاسبی نرود سپس دعا کند که پروردگارا روزیم را برسان خدای عز و جلاش فرماید: مگر راه دنبال روزی رفتن را برای تو قرار نداده ام.

شرح-

گرچه در همه نسخه های کتاب (و هو ظالم لها) است ولی ظاهر این است که (و هی ظالمة له) صحیح تر است یعنی زن بر مرد ستم کند و مرد به عوض اینکه او را طلاق دهد برای رهائی از ستم اش دست به نفرین بردارد.

(و بالجملة) گوئی روایت شریفه قاعده ای کلی بدست میدهد که استمداد از وسایل غیبی با دسترسی به وسائل طبیعی که خداوند در اختیار بشر قرار داده است اثری نخواهد داشت و این مطلب یکی از لطایف اسرار توحید است و فهم آن متوقف بر درك معنای توحید افعالی است (دقت شود).

روزه رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم هر ماهی سه روز بود

صيام السنة ثلاثة أيام من كل شهر
 ۲۰۹ - حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُوسَى رَضِيَ
 اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ
 الْكُوفِيُّ عَنْ مُوسَى بْنِ عَمْرَانَ النَّخَعِيِّ عَنْ عَمِّهِ
 الْحُسَيْنِ بْنِ يَزِيدَ النَّوْفَلِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي
 حَمْرَةَ عَنْ أَبِيهِ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَمَّا
 جَرَتْ بِهِ السُّنَّةُ فِي الصَّوْمِ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ قَالَ

ثَلَاثَةٌ أَيَّامٍ فِي كُلِّ شَهْرٍ خَمِيسٌ فِي الْعَشْرِ الْأَوَّلِ
وَأَرْبِعَاءُ فِي الْعَشْرِ الْأَوْسَطِ وَخَمِيسٌ فِي
الْعَشْرِ الْأَخِيرِ يَغْدِلُ صِيَامُهُنَّ صِيَامَ الدَّهْرِ
لِقَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ
أَمْثَالِهَا فَمَنْ لَمْ يَقْدِرْ عَلَيْهَا لَضَعْفٍ فَصَدَقَةٌ
دِرْهَمٍ أَفْضَلُ لَهُ مِنْ صِيَامِ يَوْمٍ

۲۰۹ - ابی حمزة گوید: از امام صادق
علیه السلام پرسیدم که روش رسول خدا ﷺ در روزه
چه بود؟ فرمود:

هر ماهی سه روز پنجشنبه دهه اول و
چهارشنبه دهه دوم و پنجشنبه دهه آخر و
روزه این سه روز معادل روزه تمام سال
است چون خدای عز و جل میفرماید هر کس
کار نیک انجام دهد ده برابر پاداش دارد
و هر کس بواسطه ناتوانی نتواند این
روزها را روزه بگیرد اگر یک درهم صدقه
بدهد اجرش بیشتر از یک روز روزه است.

سرگرمی مؤمن در سه چیز است

لَهُوُ الْمُؤْمِنِ فِي ثَلَاثَةِ أَشْيَاءَ
۲۱۰ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي حَمَادُ بْنُ يَعْلَى بْنُ
حَمَادٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَادِ بْنِ عِيسَى الْجُهَنِيِّ عَنْ
حَرِيْزِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ زُرَّارَةَ بْنِ أَعْيَنَ عَنْ أَبِي
جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لَهُوَ الْمُؤْمِنِ فِي ثَلَاثَةِ أَشْيَاءَ
الْتِمَتُّعُ بِالنِّسَاءِ وَ مَفَاكَهَةُ الْإِخْوَانِ وَ الصَّلَاةُ
بِاللَّيْلِ

۲۱۰ - امام باقر علیه السلام فرمود: سرگرمی
مؤمن در سه چیز است بهره برداری از زنان
و مزاح کردن با برادران و نماز شب.

هر کس سه خصلت دارا باشد مانند این است که همه خیر دنیا را دارا است

من اجتمعت له ثلاث خصال فکانما حیزت له الدنيا

۲۱۱ - حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَسَدِ الْأَسَدِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ سُلَيْمَانَ وَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدِ الْوَهْبِيُّ وَ أَحْمَدُ بْنُ عُمَيْرٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي أَيُّوبَ قَالُوا حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ بَشْرٍ بْنُ هَانِيٍّ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ عَمِّهِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي عَبْلَةَ عَنْ أُمِّ الدَّرْدَاءِ عَنْ أَبِي الدَّرْدَاءِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَنْ أَصْبَحَ مُعَافَى فِي جَسَدِهِ آمِنًا فِي سَرِيهِ عِنْدَهُ قُوَّةٌ يَوْمِهِ فَكَأَنَّمَا حِيزَتْ لَهُ الدُّنْيَا يَا ابْنَ خَثْعَمٍ يَكْفِيكَ مِنْهَا مَا سَدَّ جَوْعَتَكَ وَ وَارَى عَوْرَتَكَ فَإِنْ يَكُنْ بَيْتٌ يُكِنُّكَ فَذَلِكَ وَ إِنْ تَكُنْ دَابَّةٌ تَرْكَبُهَا فَبِخْ فَلَقِ الْخُبْزِ وَ مَاءِ الْجَرِّ وَ مَا بَعْدَ ذَلِكَ حِسَابٌ عَلَيْكَ أَوْ عَذَابٌ

۲۱۱ - رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: هر کس بدنش سالم و جانش در امان و خوراک روزانه را داشته باشد مانند این است که همه خیر دنیا را دارا است ای فرزند خثعم از دنیا به مقداری که جلو گرسنگی تو را بگیرد و بدنت را بپوشاند ترا کافی خواهد بود و اگر خانه ای برای سایه سر داشته باشی چه بهتر و اگر مرکبی برای سواریت باشد به به که خیر است و چه خیری و بیش از این حساب دارد یا شکنجه و عذاب (در حلال دنیا حساب است و در حرامش عذاب).
شرح:

در نسخه مکتبه الصدوق گوید: در روایت تصحیف شده است و از طبرانی نقل میکند که بجای (یا ابن خثعم) (بابن آدم جفینة یكفیک) است و جفینة بمعنای کاسه کوچک است و علنی هم برای این تصحیف ذکر میکند هر که خواهد مراجعه نماید:

رسول خدا ﷺ روز کندن خندق سه کلنگ زد و به هر کلنگی يك تكبير گفت

رب النبي ﷺ في الخندق بالمعول ثلاث
مرات و كبر ثلاث مرات

۲۱۲ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَحْمَدَ
بْنِ يُونُسَ اللَّيْثِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ
مُحَمَّدُ بْنُ الْفَرَجِ الشَّرُوطِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو
عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ يَزِيدَ بْنِ الْمُهَلَّبِ قَالَ حَدَّثَنَا
أَبُو سَفْيَانَ قَالَ حَدَّثَنِي عَوْفٌ عَنْ مَيْمُونٍ قَالَ
أَخْبَرَنِي الْبَرَاءُ بْنُ عَازِبٍ قَالَ لَمَّا أَمَرَ رَسُولُ
اللَّهِ ﷺ بِحَفْرِ الْخَنْدَقِ عَرَضَتْ لَهُ صَخْرَةٌ عَظِيمَةٌ
شَدِيدَةٌ فِي عَرْضِ الْخَنْدَقِ لَا تَأْخُذُ فِيهَا
الْمَعَاوِلُ فَجَاءَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فَلَمَّا رَأَاهَا وَضَعَ
ثَوْبَهُ فَأَخَذَ الْمِعْوَلَ وَقَالَ بِسْمِ اللَّهِ وَضَرَبَ
ضَرْبَةً فَكَسَرَ ثُلُثَهَا فَقَالَ اللَّهُ أَكْبَرُ أُعْطِيتُ
مَفَاتِيحَ الشَّامِ وَاللَّهُ إِنِّي لِأَبْصِرُ قُصُورَهَا الْحُمْرَ
السَّاعَةَ ثُمَّ ضَرَبَ الثَّانِيَةَ فَقَالَ بِسْمِ اللَّهِ فَفَلَقَ
ثُلُثًا آخَرَ فَقَالَ اللَّهُ أَكْبَرُ أُعْطِيتُ مَفَاتِيحَ فَارِسَ
وَاللَّهُ إِنِّي لِأَبْصِرُ قُصْرَ الْمَدَائِنِ الْأَبْيَضِ ثُمَّ ضَرَبَ
الثَّلَاثَةَ فَفَلَقَ بَقِيَّةَ الْحَجَرِ فَقَالَ اللَّهُ أَكْبَرُ
أُعْطِيتُ مَفَاتِيحَ الْيَمَنِ وَاللَّهُ إِنِّي لِأَبْصِرُ أَبْوَابَ
صَنْعَاءَ مِنْ مَكَانِي هَذَا

۲۱۲ - براء بن عازب گوید: چون رسول
خدا ﷺ دستور کندن خندق را صادر فرمود
سنگ بزرگ سختی پیدا شد که به پهنای خندق
بود و کلنگها در آن کارگر نبود پس رسول
خدا ﷺ تشریف آورد چون بر آن سنگش نظر
افتاد جامه خود از تن بگرفت و کلنگ را
برداشت و بسم الله گفته چنان محکم کلنگ

را زد که يك سوم سنگ شکست فرمود: الله
اکبر کلیدهای شام بمن داده شد و بخدا
قسم هم اکنون کاخهای سرخ فام شام را
می بینم سپس کلنگ دوم را زد و گفت: بسم

اللَّهُ يَكُ سَوْمٌ دِيْغَرُ اَزْ سَنَگِ شَكَافَتِ فَرْمُودِ اللّٰهَ اَكْبَرِ كَلِيْدَهَآيْ فَارَسِ بَهْ مِنْ دَاْدَهْ شَدْ. بَخْدَا كَهْ كَاخِ سَفِيْدِ مَدَايْنِ رَا مِيْبِيْنَمِ سِيْپِسِ كَلْنِگِ سَوْمِ رَا زَدْ وَ بَاقِيْمَاْنَدَهْ سَنَگِ بَشَكَافَتِ وَ فَرْمُود: اللّٰهَ اَكْبَرِ كَلِيْدَهَآيْ يَمِنْ بَهْ مِنْ دَاْدَهْ شَدْ بَخْدَا كَهْ اَزْ هَمِيْنِ جَا دَرَهَآيْ صَنْعَا (پَايْتَخْتِ يَمِنْ) رَا مِيْبِيْنَمِ .

محبوبترین کارها نزد خدای عز و جل سه چیز است

أَحْبَبُ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عِزٌّ وَ جَلٌّ ثَلَاثَةٌ
 ۲۱۳ - أَخْبَرَنِي الْخَلِيلُ بْنُ أَحْمَدَ السَّجْزِيُّ
 قَالَ أَخْبَرَنَا أَبُو الْقَاسِمِ الْبَغَوِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا
 عَلِيُّ يَعْنِي ابْنَ الْجَعْدِ قَالَ أَخْبَرَنَا شُعْبَةُ قَالَ
 أَخْبَرَنِي الْوَلِيدُ بْنُ الْعِزَّارِ بْنِ حُرَيْثٍ قَالَ
 سَمِعْتُ أَبَا عَمْرٍو الشَّيْبَانِيَّ قَالَ حَدَّثَنِي صَاحِبُ
 هَذِهِ الدَّارِ وَ أَشَارَ بِيَدِهِ إِلَى دَارِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ
 مَسْعُودٍ قَالَ سَأَلْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ أَيُّ الْأَعْمَالِ أَحَبُّ
 إِلَيَّ اللَّهُ عِزٌّ وَ جَلٌّ قَالَ الصَّلَاةُ لِيَوْقَتِهَا قُلْتُ ثُمَّ
 أَيُّ شَيْءٍ قَالَ يَرُّ الْوَالِدَيْنِ قُلْتُ ثُمَّ أَيُّ شَيْءٍ
 قَالَ الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عِزٌّ وَ جَلٌّ قَالَ
 فَحَدَّثَنِي بِهَذَا وَ لَوْ اسْتَرَدْتُه لَرَأَدَنِي

۲۱۳ - عبد الله بن مسعود گوید: از رسول خدا ﷺ پرسیدم کدام عمل نزد خدای عز و جل محبوبتر است فرمود: نماز را به وقتش خواندن عرض کردم: پس از آن چه چیز؟ فرمود نیکی در باره پدر و مادر عرض کردم پس از آن چه چیز؟ فرمود جهاد در راه خدای عز و جل.

ابن مسعود گوید: رسول خدا ﷺ همین را فرمود و اگر من بیشتر پرسیده بودم مسلم بیشتر میفرمود

ترسناکتر از هر چیز بر امت من سه چیز است

أشد ما يتخوف على أمتي ثلاثة أشياء
٢١٤ - حَدَّثَنَا أَبُو أَحْمَدَ الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ
اللَّهِ بْنِ سَعِيدِ الْعَسْكَرِيِّ قَالَ أَخْبَرَنَا أَبُو أَسِيدٍ
أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ أَسِيدِ الْأَصْبَهَانِيِّ قَالَ
حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ يَحْيَى الصُّوفِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا
أَبُو عَسَّانَ قَالَ حَدَّثَنَا مَسْعُودُ بْنُ سَعْدِ
الْجَعْفَرِيُّ وَكَانَ مِنْ خِيَارِ مَنْ أَدْرَكْنَا عَنْ
يَزِيدَ بْنِ أَبِي زِيَادٍ عَنْ مُجَاهِدٍ عَنِ ابْنِ عُمَرَ
قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَشَدُّ مَا يُتَخَوَّفُ عَلَى
أُمَّتِي ثَلَاثَةٌ زَلَّةٌ عَالِمٍ أَوْ جِدَالٌ مُنَافِقٍ
بِالْقُرْآنِ أَوْ دُنْيَا تَقْطَعُ رِقَابَكُمْ فَاتَّهَمُوهَا
عَلَى أَنْفُسِكُمْ

٢١٤ - رسول خدا ﷺ فرمود: ترسناکتر از
هر چیز بر امت من سه چیز است لغزش
دانشمند ندارم جز اینکه ای کاش سه کار
که از من سر زد سر نزده بود و سه کار را
که انجام ندادم ای کاش انجام داده بودم
و ای کاش سه چیز را از رسول خدا ﷺ یا
استدلال منافق با قرآن بر مدعای باطل خود
یا دنیائی که شما را تا سرحد مرگ ببرد
به دنیا در باره خود بدبین باشید.

کسی که خدا و روز قیامت را باور دارد سه کار نکند

مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَا
يَفْعَلُ ثَلَاثَةَ أَشْيَاءَ
٢١٥ - حَدَّثَنَا الْخَلِيلُ بْنُ أَحْمَدَ قَالَ
أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُعَاذٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ
خَشْرَمٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَيْسَى بْنُ يُونُسَ عَنْ أَبِي
مَعْمَرٍ عَنْ سَعِيدِ الْمَقْبُرِيِّ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ
قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ
الْآخِرِ فَلَا يَجْلِسُ عَلَى مَائِدَةٍ يُشْرَبُ عَلَيْهَا
الْخَمْرُ وَ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ
فَلَا يَدْخُلُ الْحَمَّامَ إِلَّا بِمَنْزَرٍ وَ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ
بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَا يَدْعُ حَلِيلَتَهُ تَخْرُجُ
إِلَى الْحَمَّامِ

٢١٥ - رسول خدا ﷺ فرمود: کسی که خدا
و روز قیامت را باور دارد سر سفره‌ای که
در آن میگساری شود نمی‌نشیند و کسی که
خدا و روز قیامت را باور دارد بی‌لنگ به
حمام نمی‌رود و کسی که خدا و روز قیامت
را باور دارد نمی‌گذارد همسرش به حمام
بیرون خانه رود.

بر این امت فقط از سه چیز باید ترسید

التخوف على الأمة من ثلاث خصال
٢١٦ - حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ
الْأَسْوَارِيُّ الْمُدَكَّرُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو يُوسُفَ أَحْمَدُ
بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ قَيْسِ السَّجْزِيِّ الْمُدَكَّرُ قَالَ حَدَّثَنَا
أَبُو يَعْقُوبَ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ خَشْرَمٍ قَالَ
أَخْبَرَنَا عَيْسَى عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ
كَعْبٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِنَّمَا اتَّخَوْفُ عَلَى
أُمَّتِي مِنْ بَعْدِي ثَلَاثُ خِصَالٍ أَنْ يَتَأَوَّلُوا
الْقُرْآنَ عَلَى غَيْرِ تَأْوِيلِهِ أَوْ يَتَّبِعُوا زَلَّةَ
الْعَالِمِ أَوْ يَظْهَرَ فِيهِمُ الْمَالُ حَتَّى يَطْغَوْا وَ
يَنْطَرُوا وَ سَأَنْبِتُكُمْ الْمَخْرَجَ مِنْ ذَلِكَ أَمَّا
الْقُرْآنُ فَاعْمَلُوا بِمُحْكَمِهِ وَ آمِنُوا بِمُتَشَابِهِهِ

وَأَمَّا الْعَالِمُ فَاَنْتَظِرُوا فَيَأْتِيهِ وَ لَا تَتَّبِعُوا
زَلَّتْهُ وَ أَمَّا الْمَالُ فَإِنَّ الْمَخْرَجَ مِنْهُ شُكْرُ
النُّعْمَةِ وَ أَدَاءُ حَقِّهِ

۲۱۶ - رسول خدا ﷺ فرمود: پس از مرگم فقط از سه چیز بر امتم می‌ترسم قرآن را تاویل کنند نه آنچنان که باید یا لغزش دانشمندی را پیروی کنند یا آنکه مال و ثروت در آنان تا آن اندازه شود که طغیان کنند و سرمست شوند و هم اکنون شما را از راه چاره این آگاه میکنم اما راجع به قرآن چاره این است که به محکمات و دستورات صریح عمل کنید و به متشابهات و آیاتی که مضمونش صریح نیست ایمان قلبی داشته باشید و اما راجع به دانشمند که لغزشی کرده منتظرش باشید تا از خطای خود باز گردد و از لغزش او پیروی نکنید و اما راجع به مال چاره اش سپاسگزاری نعمت و ادای حق مال است.

پیغمبر از دنیا سه چیز را دوست داشت

حبیب الی النبی ﷺ من الدنیا ثلاث
۲۱۷ - حَدَّثَنَا أَبُو أَحْمَدَ مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ
الْبُنْدَارِ الشَّافِعِيُّ بِفَرْعَانَةَ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو
الْعَبَّاسِ الْحَمَّادِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا صَالِحُ بْنُ مُحَمَّدٍ
الْبَغْدَادِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْجَعْدِ قَالَ
أَخْبَرَنَا سَلَامٌ أَبُو الْمُنْذِرِ قَالَ سَمِعْتُ ثَابِتَ
الْبُنَّانِيَّ وَ لَمْ أَسْمَعْ مِنْ غَيْرِهِ يُحَدِّثُ عَنْ أَنَسِ
بْنِ مَالِكٍ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ حُبُّبٌ إِلَيَّ مِنَ
الدُّنْيَا النِّسَاءُ وَ الطَّيِّبُ وَ قُرَّةُ عَيْنِي فِي
الصَّلَاةِ

۲۱۷ - رسول خدا ﷺ فرمود: از دنیا سه چیز به نظر من خوش آیند است زنان و عطر ولی روشنی چشم من در نماز است.

۲۱۸ - حَدَّثَنَا أَبُو عَلِيٍّ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنُ
مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ عَمْرٍو الْعَطَّارُ بِبَلَخٍ قَالَ
حَدَّثَنَا أَبُو مُصْعَبٍ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُصْعَبِ بْنِ

الْقَاسِمِ السُّلَمِيِّ بِتِرْمِذٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو مُحَمَّدٍ
أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْحَاقَ بْنِ هَارُونَ الْأَمَلِيِّ
بِأَمَلٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ غَالِبِ
الْبَصْرِيِّ الرَّاهِدُ بِبَغْدَادَ قَالَ حَدَّثَنَا يَسَارُ
مَوْلَى أَخِي أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ عَنْ أَنَسِ عَنِ
النَّبِيِّ ﷺ قَالَ حُبَّبَ إِلَيَّ مِنْ دُنْيَاكُمْ النِّسَاءُ
وَ الطَّيِّبُ وَ جُعِلَ قُرَّةُ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ

قال مصنف هذا الكتاب رضى الله عنه إن
الملحدین يتعلقون بهذا الخبر و يقولون
إنَّ النَّبِيَّ ﷺ قَالَ حُبَّبَ إِلَيَّ مِنْ دُنْيَاكُمْ
النِّسَاءُ وَ الطَّيِّبُ

و أراد أن يقول الثالث فندم و قال و
جُعِلَ قُرَّةُ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ وَ كَذَبُوا
لأنه ﷺ لم يكن مراده بهذا الخبر إلا
الصلاة وحدها لأنه ﷺ قال رَكَعَتَيْنِ يُصَلِّيهِمَا
الْمُتَزَوِّجُ أَفْضَلُ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ سَبْعِينَ رَكَعَةً
يُصَلِّيَهَا غَيْرُ مُتَزَوِّجٍ

و إنما حُبَّ اللهُ إِلَيْهِ النِّسَاءُ لِأَجْلِ الصَّلَاةِ وَ
هَذَا قَالَ رَكَعَتَيْنِ يُصَلِّيهِمَا مُتَعَطِّرٌ أَفْضَلُ مِنْ
سَبْعِينَ رَكَعَةً يُصَلِّيَهَا غَيْرُ مُتَعَطِّرٍ وَ دَدَّتْ أُنَى
تَرَكَتْهَا وَ ثَلَاثَ تَرَكَتْهَا وَ دَدَّتْ أُنَى فَعَلَّتْهَا وَ
ثَلَاثَ وَ دَدَّتْ أُنَى كُنْتُ وَ إِنَّمَا حُبَّ اللهُ إِلَيْهِ
الطَّيِّبُ أَيْضًا لِأَجْلِ الصَّلَاةِ ثُمَّ قَالَ ﷺ وَ جُعِلَ
قُرَّةُ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ

لأن الرجل لو تطيب و تزوج ثم لم يصل لم
يكن له فى التزويج و الطيب فضل و لا ثواب
٢١٨ - رسول خدا ﷺ فرمود: از دنیای
شما آنچه خوش آیند من است زنانند و عطر
ولى روشنى چشم در نماز قرار داده شده
است.

مصنف این کتاب (رضى الله عنه) گوید:
که افراد بی دین این خبر را دست آویز
نموده و میگویند که پیغمبر فرمود: از
دنیای شما سه چیز بنظر من جلوه‌گر شده
است زنان و بوی خوش و خواست که سومی را
بگویند پشیمان گشته و گفت: روشنى چشم من

در نماز قرار داده شده است ولی این بی دینان دروغ گفتند زیرا غرض اصلی پیغمبر از این خبر نبود مگر فقط نماز زیرا خودش فرمود دو رکعت نمازی که شخص زن دار بخواند برتر است نزد خداوند از هفتاد رکعت نماز شخصی که همسر نداشته باشد و خداوند که زنها را در نظر پیغمبر محبوب فرموده بود بخاطر نماز بود و هم چنین فرمود: دو رکعت نمازی که شخص خوش بو میخواند برتر است از هفتاد رکعت که بدون عطر خوانده شود پس عطر نیز بخاطر نماز محبوب نظر آن حضرت بوده است سپس فرمود: نور چشم من در نماز قرار داده شد زیرا اگر مردی خود را خوش بو کند و همسر اختیار کند ولی نماز نخواند او را در همسر گرفتن و عطر زدن هیچ فضیلت و پاداشی نخواهد بود.

امام صادق هیچ گاه فارغ از یکی از سه کار نبود

كان الصادق عليه السلام لا يخلو من إحدى ثلاث خصال
 ۲۱۹ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكَّلِ
 رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ
 السَّعْدِ أَبَا دِي عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ
 أَبِيهِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو أَحْمَدَ مُحَمَّدُ بْنُ زِيَادٍ
 الْأَزْدِيُّ قَالَ سَمِعْتُ مَالِكَ بْنَ أَنَسٍ فَقِيهَ
 الْمَدِينَةَ يَقُولُ كُنْتُ أَدْخُلُ عَلَى الصَّادِقِ جَعْفَرِ
 بْنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام فَيُقَدِّمُ لِي مِخْدَةً وَ يَعْرِفُ لِي قَدْرًا
 وَ يَقُولُ يَا مَالِكُ إِنِّي أَحْبَبْتُكَ فَكُنْتُ أُسْرُ بِذَلِكَ
 وَ أَحْمَدُ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ كَانَ عليه السلام لَا يَخْلُو مِنْ إِحْدَى
 ثَلَاثِ خِصَالٍ إِمَّا صَائِمًا وَ إِمَّا قَائِمًا وَ إِمَّا
 ذَاكِرًا وَ كَانَ مِنْ عُظَمَاءِ الْعُبَّادِ وَ أَكْبَارِ
 الزَّهَادِ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ وَ كَانَ
 كَثِيرَ الْحَدِيثِ طَيِّبَ الْمَجَالِسَةِ كَثِيرَ الْقَوَائِدِ
 فَإِذَا قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله أَخْضَرَ مَرَّةً وَ اصْفَرَ

أُخْرَى حَتَّى يُنْكِرَهُ مَنْ يَعْرِفُهُ وَ لَقَدْ حَجَّجْتُ مَعَهُ
سَنَةً فَلَمَّا اسْتَوَتْ بِهِ رَاحِلَتُهُ عِنْدَ الْأَحْرَامِ
كَانَ كُلَّمَا هَمَّ بِالتَّلْبِيَةِ انْقَطَعَ الصَّوْتُ فِي
حَلْقِهِ وَ كَادَ يَخِرُّ مِنْ رَاحِلَتِهِ فَقُلْتُ قُلْ يَا
ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَلَا بُدَّ لَكَ مِنْ أَنْ تَقُولَ فَقَالَ صَلَّى
يَا ابْنَ أَبِي عَامِرٍ كَيْفَ أَجَسُرُ أَنْ أَقُولَ لَبَّيْكَ
اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ وَ أَخْشَى أَنْ يَقُولَ عَزَّ وَ جَلَّ لِي لَا
لَبَّيْكَ وَ لَا سَعْدِيكَ

۲۱۹ - محمد بن زیاد گوید: از مالک بن
انس فقیه مدینه شنیدم که میگفت: من هر
وقت بخدمت امام صادق جعفر بن محمد
میرسیدم بمنظور احترام از من مخده و
بالش برای من پیش میداشت و میفرمود ای
مالک من تو را دوست میدارم و من از این
اظهار محبت مسرور میشدم و خدای را بر
این موهبت سپاسگزار میشدم و حضرتش هیچ
گاه فارغ از یکی از سه کار نبود یا روزه
دار بود و یا به نماز ایستاده بود و یا
مشغول ذکر خدا بود و آن حضرت از عباد
بزرگ و زهاد بزرگوار بود آنان که از
خدای عز و جل میترسند.

او سخنور و خوش مجلس بود و محضری پر
فیض داشت هر گاه که میگفت: رسول خدا
صَلَّى فرمود، رنگاش گاهی سبز میشد و گاهی
زرد به طوری که آشنایانش او را
نمیشناختند من سالی در خدمتش به حج رفتم
چون به وقت احرام بر مرکب خویش نشست هر
چه خواست تلبیه گوید صدا گلوگیرش میشد و
تلبیه گفتن نمیتوانست و نزدیک بود از
مرکب به روی زمین افتد عرض کردم: یا ابن
رسول الله تلبیه بگو که ناچار باید بگوئی
فرمود:

ای پسر ابی عامر چگونه جرات لبیک گفتن
داشته باشم در صورتی که میترسم خدای عز
و جل در جواب من بگوید لا لبیک و لا
سعدیک.

زائر حضرت رضا در سه مورد بهره‌مند می‌شود

ينتفع زائر الرضا عليه السلام في ثلاث مواطن
 ۲۲۰ - حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُوسَى رَضِيَ
 اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ
 الْكُوفِيُّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ صَالِحِ الرَّازِيِّ
 عَنْ حَمْدَانَ الدِّيَوَانِيِّ قَالَ قَالَ الرَّضَا عليه السلام مَنْ
 زَارَنِي عَلَى بُعْدِ ذَارِي أَتَيْتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ
 فِي ثَلَاثِ مَوَاطِنَ حَتَّى أَخْلَصَهُ مِنْ أَهْوَالِهَا إِذَا
 تَطَايَرَتِ الْكُتُبُ يَمِينًا وَ شِمَالًا وَ عِنْدَ الصَّرَاطِ
 وَ عِنْدَ الْمِيزَانِ

۲۲۰ - امام رضا عليه السلام فرمود: هر کس مرا در
 غربت زیارت کند من به روز قیامت در سه
 جا به نزد او خواهم آمد تا از ترسهای
 آنها نجاتش بخشم: هنگامی که نامه‌های
 اعمال مردم از راست و چپ پران شوند و در
 نزد صراط و در نزد میزان.

کارها بر سه حالتند

الأعمال على ثلاثة أحوال
 ۲۲۱ - حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ عَمْرٍو
 بْنُ عَلِيِّ الْبَصْرِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ
 بْنُ الْحَسَنِ بْنِ الْمِيثَمِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو
 الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ مَهْرَوَيْهِ الْقَزْوِينِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا
 أَبُو أَحْمَدَ الْغَازِي قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُوسَى
 الرَّضَا قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ قَالَ
 حَدَّثَنِي أَبِي جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي
 مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي عَلِيُّ بْنُ
 الْحُسَيْنِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ قَالَ
 سَمِعْتُ أَبِي عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام يَقُولُ الْأَعْمَالُ
 عَلَى ثَلَاثَةِ أَحْوَالٍ فَرَائِضٌ وَ فَضَائِلٌ وَ مَعَاصِي
 فَأَمَّا الْفَرَائِضُ فَيَأْمُرُ اللَّهُ وَ بَرَضَى اللَّهُ وَ يَقْضَاءُ
 اللَّهُ وَ تَقْدِيرُهُ وَ مَشِيئَتُهُ وَ عِلْمُهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ

أَمَّا الْفَضَائِلُ فَلَيْسَتْ بِأَمْرِ اللَّهِ وَ لَكِنْ بِرِضَى اللَّهِ
 وَ بِقَضَاءِ اللَّهِ وَ بِمَشِيئَةِ اللَّهِ وَ يَعْلَمُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ
 وَ أَمَّا الْمَعَاصِي فَلَيْسَتْ بِأَمْرِ اللَّهِ وَ لَكِنْ بِقَضَاءِ
 اللَّهِ وَ بِقَدْرِ اللَّهِ وَ بِمَشِيئَتِهِ وَ عِلْمِهِ ثُمَّ يُعَاقِبُ
 عَلَيْهَا

قال مصنف هذا الكتاب رضى الله عنه
 المعاصى بقضاء الله معناه بنهى الله لأن حكمه
 عز و جل فيها على عباده الانتهاء عنها و
 معنى قوله بقدر الله أى بعلم الله بمبلغها و
 مقدارها و معنى قوله و بمشيئته فإنه عز
 و جل شاء أن لا يمنع العاصى من المعاصى
 إلا بالزجر و القول و النهى و التحذير
 دون الجبر و المنع بالقوة و الدفع
 بالقدرة

۲۲۱ - حسين بن على عليه السلام فرمود: شنيدم
 پدرم امير المؤمنين ميفرمود: كارها بر
 سه حالتند واجبات و مستحبات و گناهان
 اما واجبات به امر خدا است و به رضای او
 و به حكم خدا و تقدير و خواست او است و
 بعلم او اما مستحبات پس به امر خداوند
 نيست ولى برضای خداست و بقضاء الهى است
 و بخواست او است و علم خداى عز و جل اما
 گناهان پس بامر خداوند نيست ولى بقضاء
 الهى است و تقدير خداوندى و بخواست و
 علمش و گنهكار را بكيفر خواهد رساند.
 (مصنف اين كتاب) (رضى الله عنه) گوید:

معناى اينكه گناهان به قضای الهى است
 اين است كه خداوند در مورد گناهان حكم
 فرموده است كه بندگان آن اعمال را
 مرتكب نشوند و معناى اينكه گناهان به
 تقدير الهى است اين است كه خداوند
 اندازه گناهان را ميداند كه هر كس تا چه
 حد گنهكار است و معناى اينكه گناهان
 بخواست خداوند است اين است كه خداوند
 خواسته است كه جلو گنهكار را از ارتكاب
 به گناه نگیرد و او را مجبور به ترك

گناه نکند بلکه فقط بگفتار و ترساندن او را از گناه باز دارد.

امام باقر علیه السلام فرزندش امام صادق را سه دستور داد و از سه کار نهی فرمود

أمر الباقر علیه السلام ابنه الصادق علیه السلام بثلاث و نهاه عن ثلاث

۲۲۲ - حَدَّثَنَا أَبُو أَحْمَدَ الْقَاسِمُ بْنُ مُحَمَّدٍ السَّرَاجُ الْهَمْدَانِيُّ بِهِمَا قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرٍ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ الضَّبِّيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ الْعَزِيزِ الدِّيْنَوْرِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عُبَيْدُ اللَّهِ بْنُ مُوسَى الْعَبْسِيُّ عَنْ سُفْيَانَ الثَّوْرِيِّ قَالَ لَقِيتُ الصَّادِقَ بْنَ الصَّادِقِ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ علیه السلام

فَقُلْتُ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ أَوْصِنِي فَقَالَ لِي يَا سُفْيَانُ لَا مُرُوءَةَ لِكُذُوبٍ وَلَا أَخَ لِمُلُوكٍ «لِمَلُولٍ وَلَا رَاحَةَ لِحَسُودٍ وَلَا سُؤْدَدَ لِسَيِّئِ الْخُلُقِ فَقُلْتُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ زِدْنِي فَقَالَ لِي يَا سُفْيَانُ ثِقْ بِاللَّهِ تَكُنْ مُؤْمِنًا وَ ارْضَ بِمَا قَسَمَ اللَّهُ لَكَ تَكُنْ غَنِيًّا وَ أَحْسِنْ مُجَاوَرَةَ مَنْ جَاوَرْتَهُ تَكُنْ مُسْلِمًا وَ لَا تَصْحَبِ الْفَاجِرَ فَيُعْلِمَكَ مِنْ فُجُورِهِ وَ شَاوِرْ فِي أَمْرِكَ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ فَقُلْتُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ زِدْنِي فَقَالَ لِي يَا سُفْيَانُ مَنْ أَرَادَ عِزًّا بِلَا عَشِيرَةٍ وَ غِنًى بِلَا مَالٍ وَ هَيْبَةً بِلَا سُلْطَانٍ فَلْيَنْقُلْ مِنْ ذَلِكَ مَعْصِيَةَ اللَّهِ إِلَى عِزِّ طَاعَتِهِ فَقُلْتُ زِدْنِي يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَقَالَ لِي يَا سُفْيَانُ أَمْرَنِي وَالْيَدِي علیه السلام بِثَلَاثٍ وَ نَهَانِي عَنْ ثَلَاثٍ فَكَانَ فِيمَا قَالَ لِي يَا بُنَيَّ مَنْ يَصْحَبِ صَاحِبَ السَّوْءِ لَا يَسْلَمُ وَ مَنْ يَدْخُلُ مَدَاجِلَ السَّوْءِ يُتَّهَمُ وَ مَنْ لَا يَمْلِكُ لِسَانَهُ يَنْدَمُ ثُمَّ أَنْشَدَنِي فَقَالَ علیه السلام عَوْدُ لِسَانِكَ قَوْلَ الْخَيْرِ تَحْظُ بِهِ مُوَكَّلٌ بِتَقَاضِي مَا سَنَنْتَ لَهُ إِنَّ اللِّسَانَ لِمَا عَوَدْتَ يَعْتَادُ فِي الْخَيْرِ وَ الشَّرِّ فَانظُرْ كَيْفَ تَعْتَادُ - ۲۲۲ -

سفيان ثوري گوید: به خدمت جعفر بن محمد علیه السلام: (آن راستگوی فرزند راستگو) رسيدم

عرض کردم: ای فرزند رسول خدا ﷺ مرا وصیتی بفرما، فرمود: ای سفیان دروغگو را مردانگی نباشد و شاهان برادری ندانند و حسود روی آسایش نه بیند و شخص بد اخلاق به مقام سیادت و آقائی نرسد عرض کردم: ای فرزند رسول خدا ﷺ بیشترم وصیت بفرما، فرمود: ای سفیان بخداوند اعتماد داشته باش تا مؤمن باشی و بآنچه خداوند نصیب فرموده راضی باش تا بی‌نیاز گردی و با هر که همسایه شدی همسایه نیکو باش تا مسلمان شوی با تبه‌کار همنشین مشو که از تبه‌کاریش تو را نیز بیاموزد و در کار خویش با کسانی مشورت کن که از خدای عز و جل بترسند عرض کردم: ای فرزند رسول خدا ﷺ بیشترم فرما آن حضرت مرا فرمود: ای سفیان هر کس که بخواهد با نداشتن فامیل بعزت برسد و با نداشتن ثروت بی‌نیاز گردد و با نداشتن قدرت در دلها هیبت بهمرساند میبایست از زیر بار ذلت گناه و نافرمانی خداوند بیرون آمده و تاج عزت فرمانبری خدای را بر سر نهاد عرض کردم: ای فرزند رسول خدا ﷺ بیشترم فرما، مرا فرمود ای سفیان پدرم مرا به سه چیز امر فرمود و از سه چیز نهی کرد و از جمله آنکه فرمود: فرزندم هر که با همنشین بد نشیند سالم نماند و هر کس در رهگذر بد قدم بردارد بد نام گردد و هر کس اختیار زبان خویش را نداشته باشد پشیمانی بیند سپس شعری بدین مضمون خواند که فرمود: زبانت را بگفتار نیک عادت بده تا از زبان بهره‌مند گردی که زبان را بهره‌مند عادتش دهی عادت پذیر است.

هر زبان مأمور است که هر طور تو برای او روش خیر یا شر معین کنی بپذیرد اکنون تو نیکو بنگر تا چگونه عادت داری.

هنگامی که امام قائم ظهور کند سه فرمان صادر فرماید که پیش از او هیچ کس چنین فرمانی نداده است. **إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ حَكْمَ بَثَلَاثٍ لَمْ يَحْكَمْ بِهَا أَحَدٌ قَبْلَهُ**

۲۲۳ - حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُوسَى رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا حَمَزَةُ بْنُ الْقَاسِمِ الْعَلَوِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرَانَ الْبَرْقِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْهَمْدَانِيُّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمَزَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ وَ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَا لَوْ قَدْ قَامَ الْقَائِمُ لَحَكَمَ بِثَلَاثٍ لَمْ يَحْكَمْ بِهَا أَحَدٌ قَبْلَهُ يَقْتُلُ الشَّيْخَ الزَّانِيَّ وَ يَقْتُلُ مَانِعَ الزَّكَاةِ وَ يُورِثُ الْأَخَ أَخَاهُ فِي الْأُظْلَةِ

۲۲۳ - علی بن ابی حمزه گوید: امام صادق و امام موسی بن جعفر فرمودند اگر امام قائم قیام کند سه فرمان دهد که هیچ کس پیش از او چنین فرمانی نداده است. پیرمرد زناکار را بکشد و آن را که زکاة ندهد بکشد و برادر را از برادر در (اظله) ارث میدهد.

شرح:

شاید مقصود از اظله عالم ذر باشد چنانچه در روایات از آن عالم بظلال و اظله تعبیر شده است و بنا بر این، معنای روایت چنین است که اشخاصی که در آن عالم با يك دیگر برادر بوده اند و خداوند در میان آنان برادری و محبت قرار داده است در زمان ظهور دولت مهدوی عَلَيْهِ السَّلَامُ از يك دیگر ارث میبرند و یا اینکه مقصود از اظله سایه های این عالم و کنایه از مسکن و خانه باشد یعنی از خانه برادر سهمی هم به برادر میدهد تا سایه سری داشته باشد.

فرمایش پیغمبر بسلمان که تو را بهنگام بیماری سه خصلت است

قول النبی ﷺ لسلمان الفارسی ره ان لك
فی علتك ثلاث خصال
۲۲۴ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الشَّاهِ قَالَ
حَدَّثَنَا أَبُو حَامِدٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو يَزِيدَ أَحْمَدُ
بْنُ خَالِدِ الْخَالِدِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ
بْنُ صَالِحِ التَّمِيمِيُّ عَنْ أَبِيهِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ
بْنُ حَاتِمِ الْقَطَّانُ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُمَرَ عَنْ جَعْفَرِ
بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي
طَالِبٍ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لِسَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ
رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ يَا سَلْمَانُ إِنَّ لَكَ فِي عِلَّتِكَ إِذَا
اغْتَلَّتْ ثَلَاثُ خِصَالٍ أَنْتَ مِنَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى
بِذِكْرٍ وَ دُعَاؤِكَ فِيهَا مُسْتَجَابٌ وَ لَا تَدْعُ الْعِلَّةَ
عَلَيْكَ ذَنْبًا إِلَّا حَطَّتْهُ مَتَّعَكَ اللَّهُ بِالْعَافِيَةِ إِلَى
انْقِضَاءِ أَجَلِكَ

۲۲۴ - علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود: رسول
خدا ﷺ بسلمان فارسی فرمود: ای
سلمان هر گاه که بیمار گردی تو را در آن
حال سه خصلت است: مورد توجه خاص خداوندی
و دعایت در آن حال مستجاب است و بیماری
گناهی برای تو باقی نمیگذارد و همه
گناهان تو میریزد خداوند تا پایان عمر
تو را از نعمت عافیت برخوردار فرماید.

گفتار عمر: که از سه کار پیش خدا توبه
کارم قول عمر أتوب إلي الله من ثلاث
۲۲۵ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْحَسَنِ الْمُؤَدَّبُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيٍّ
الْأَصْبَهَانِيِّ عَنْ إِبرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدِ الثَّقَفِيِّ قَالَ
أَخْبَرَنِي يَحْيَى بْنُ الْحَسَنِ بْنِ الْفَرَاتِ الْقَرَارُ
قَالَ حَدَّثَنَا هَارُونُ بْنُ عُبَيْدَةَ عَنْ يَحْيَى بْنِ
عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي
طَالِبٍ عليه السلام قَالَ قَالَ عُمَرُ حِينَ حَضَرَهُ الْمَوْتُ أَتُوبُ
إِلَى اللَّهِ مِنْ ثَلَاثٍ اغْتِصَابِي هَذَا الْأَمْرَ أَنَا وَ

أَبُو بَكْرٍ مِنْ دُونَ النَّاسِ وَ اسْتِخْلَافِي عَلَيْهِمْ وَ تَفْضِيلِي الْمُسْلِمِينَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ
 ۲۲۵ - يحيى بن عبد الله گوید: عمر به هنگام مرگ چنین گفت: که از سه کار بسوی خداوند توبه میکنم از اینکه من و ابو بکر این خلافت را بناحق از مردم گرفتیم و از اینکه پس از خود خلیفه برای مردم گماشتم و از اینکه پاره از مسلمانان را بر پاره دیگر برتری بخشیدم.
 شرح:

یکی از سنت‌های قطعی پیغمبر ﷺ این بود که غنائم و درآمد مسلمانان را بطور مساوی در میان آنان تقسیم میفرمود زیرا متعلق حق همه مسلمانان بود و ترجیح دادن یکی از مسلمانان مستلزم محرومیت دیگری بود بنا بر این در تقسیم فیء در غنائم همه مسلمانان بطور مساوی سهم میبردند و نخستین کسی که به تبعیض در این مورد رفتار نمود عمر بن الخطاب بود که چون بخلافت رسید سابقین را بر دیگران ترجیح داد و مهاجرین از قریش را بر دیگر مهاجرین تفضیل داد و مهاجرین را بر انصار و عرب را بر عجم و هم چنین دیگر تبعیضهایی که در تقسیم اموال بیت المال از او سر زد و در زمان ابی بکر عمر این پیشنهاد را بابی بکر نمود ولی او نپذیرفت و گفت: خداوند به چنین تبعیض دستور نفرموده است بلکه فرموده است ﴿إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ...﴾ تا آنکه خود بخلافت رسید و نظریه خود را عملی ساخت عثمان نیز پس از او همین رویه را به صورتی بدتر ادامه داد تا آنکه زمام خلافت بدست امیر المؤمنین افتاد مجدداً بسیره رسول خدا ﷺ بازگشت داستان حدیده محمّاه یکی از شواهد زنده مطلب است. ۲۲۶ حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْحَسَنِ

المُؤَدَّبُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيٍّ الْأَصْبَهَانِيِّ عَنْ
 إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ الثَّقَفِيِّ قَالَ حَدَّثَنِي
 الْمَسْعُودِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ حَمَادٍ
 الطَّائِيُّ عَنْ زِيَادِ بْنِ الْمُنْذِرِ عَنْ عَطِيَّةَ فِيمَا
 يَظُنُّ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ شَهِدْتُ عُمَرَ عِنْدَ
 مَوْتِهِ يَقُولُ أَتُوبُ إِلَى اللَّهِ مِنْ ثَلَاثٍ مِنْ رَدَى
 رَقِيقَ الْيَمَنِ وَ مِنْ رُجُوعِي عَنْ جَيْشِ أَسَامَةَ بَعْدَ
 أَنْ أَمَرَهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَلَيْنَا وَ مِنْ تَعَاقُدِنَا
 عَلَى أَهْلِ هَذَا الْبَيْتِ إِنْ قَبِضُ اللَّهُ رَسُولَهُ لَا
 نُؤَلِّي مِنْهُمْ أَحَدًا

۲۲۶ - جابر بن عبد الله گوید: من بهنگام
 مرگ عمر ببالینش بودم که میگفت: از سه
 کار بسوی خداوند توبه میکنم: از اینکه
 اسیران یمن را باز گرداندم و از اینکه
 از لشکر اسامه باز گشتم با اینکه رسول
 خدا ﷺ او را امیر لشکر کرده بود و لازم
 بود که ما در زیر پرچم او باشیم و از
 پیمانی که بر علیه این خاندان بستیم که
 پس از وفات رسول خدا ﷺ نگذاریم یکنفر
 از افراد این خانواده بر ما فرمانروائی
 کند

۲۲۷ - وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ
 مُحَمَّدٍ الثَّقَفِيِّ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ قَالَ
 حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ سُفْيَانَ عَنْ أَبِيهِ قَالَ
 حَدَّثَنِي فَضْلُ بْنُ الزُّبَيْرِ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو
 عُبَيْدَةَ الْحَدَّاءُ زِيَادُ بْنُ عَيْسَى قَالَ سَمِعْتُ أَبَا
 جَعْفَرٍ عليه السلام يَقُولُ لَمَّا حَضَرَ عُمَرَ الْمَوْتُ قَالَ أَتُوبُ
 إِلَى اللَّهِ مِنْ رُجُوعِي عَنْ جَيْشِ أَسَامَةَ وَ أَتُوبُ إِلَى
 اللَّهِ مِنْ عِتْقِي سَبِي الْيَمَنِ وَ أَتُوبُ إِلَى اللَّهِ مِنْ
 شَيْءٍ كُنَّا أَشْعَرْنَاهُ قُلُوبَنَا نَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ
 يَكْفِينَا ضَرَّهُ وَ إِنْ بَيْعَةَ أَبِي بَكْرٍ كَانَتْ فَلْتَةً

۲۲۷ - زیاد بن عیسی گوید: شنیدم از
 امام باقر علیه السلام که میفرمود عمر را چون
 مرگ فرا رسید گفت: توبه میکنم بسوی خدا
 از اینکه از لشکر اسامه باز گشتم و توبه
 میکنم بسوی خدا از اینکه اسیران یمن را

آزاد نمودم و توبه میکنم از تصمیمی که در دل‌های خود گرفتیم و از خداوند میخواهیم که ما را از زیان آن تصمیم نگاه دارد و براستی که بیعت ابی بکر کاری بود بی‌مشورت و ناگهانی.

گفتار ابی بکر

که اندوهی از دنیا بر دل ندارم جز اینکه ای کاش سه کار که از من سر زد سر نزده بود و سه کار را که انجام ندادم ای کاش انجام داده بودم و ای کاش سه چیز را از رسول خدا ﷺ پرسیده بودم قول ابی بکر لا آسی من الدنيا إلا علی ثلاث فعلتها وددت أني تركتها و ثلاث تركتها وددت أني فعلتها و ثلاث وددت أني كنت سألت عنها رسول الله ص

۲۲۸ - حَدَّثَنَا الْمُظَفَّرُ بْنُ جَعْفَرِ بْنِ الْمُظَفَّرِ الْعَلَوِيُّ السَّمَرْقَنْدِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مَسْعُودِ الْعِيَّاشِيِّ عَنْ أَبِيهِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ حَاتِمٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ حَمَّادٍ وَ سُلَيْمَانُ بْنُ مَعْبُدٍ قَالَا حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ صَالِحٍ قَالَ حَدَّثَنِي اللَّيْثُ بْنُ سَعْدٍ عَنْ عُلْوَانَ بْنِ دَاوُدَ بْنِ صَالِحٍ عَنْ صَالِحِ بْنِ كَيْسَانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ حُمَيْدٍ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ عَوْفٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ قَالَ أَبُو بَكْرٍ فِي مَرَضِهِ الَّذِي قَبِضَ فِيهِ أَمَا إِنِّي لَا آسِي مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا عَلَى ثَلَاثٍ فَعَلْتُهَا وَ وَدِدْتُ أَنِّي تَرَكَتُهَا وَ ثَلَاثٍ تَرَكَتُهَا وَ وَدِدْتُ أَنِّي فَعَلْتُهَا وَ ثَلَاثٍ وَدِدْتُ أَنِّي كُنْتُ سَأَلْتُ عَنْهُنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ أَمَا الَّتِي وَدِدْتُ أَنِّي تَرَكَتُهَا فَوَدِدْتُ أَنِّي لَمْ أَكُنْ كَشَفْتُ بَيْتَ فَاطِمَةَ وَ إِنْ كَانَ أُعْلِنَ عَلَيَّ الْحَرْبُ وَ وَدِدْتُ أَنِّي لَمْ أَكُنْ

أَحْرَقْتُ الْفُجَاءَةَ وَ أَنِّي قَتَلْتُهُ سَرِيحًا أَوْ أَطَلَقْتُهُ نَجِيحًا وَ وَدِدْتُ أَنِّي يَوْمَ سَقِيْفَةِ بَنِي سَاعِدَةَ كُنْتُ قَدَفْتُ الْأَمْرَ فِي عُنُقِ أَحَدِ الرَّجُلَيْنِ عُمَرَ أَوْ أَبِي عُبَيْدَةَ فَكَانَ أَمِيرًا وَ كُنْتُ

وَزَيْراً وَ أَمَّا الَّتِي تَرَكْتَهَا فَوَدِدْتُ أَنِّي
 فَعَلْتُهَا فَوَدِدْتُ أَنِّي يَوْمَ أَتَيْتُ بِالْأَشْعَثِ أَسِيرًا
 كُنْتُ ضَرْبَتْ عُنُقَهُ فَإِنَّهُ يُخَيِّلُ لِي أَنَّهُ لَمْ يَرِ
 صَاحِبَ شَرٍّ إِلَّا أَعَانَهُ وَ وَدِدْتُ أَنِّي حِينَ سَيَّرْتُ
 خَالِدًا إِلَى أَهْلِ الرِّدَّةِ كُنْتُ قَدِمْتُ إِلَى قَرِيْبَةٍ
 فَإِنْ ظَفِرَ الْمُسْلِمُونَ ظَفِرُوا وَ إِنْ هُزِمُوا كَيْدًا
 كُنْتُ بِيَصَدِّ لِقَاءٍ أَوْ مَدِدٍ وَ وَدِدْتُ أَنِّي كُنْتُ إِذْ
 وَجَّهْتُ خَالِدًا إِلَى الشَّامِ قَدَفْتُ الْمَشْرِقَ لِعَمَرَ
 بْنِ الْخَطَّابِ فَكُنْتُ بَسَطْتُ يَدِي يَمِينِي وَ شِمَالِي
 فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ أَمَّا الَّتِي وَدِدْتُ أَنِّي كُنْتُ سَأَلْتُ
 عَنْهُنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ فَوَدِدْتُ أَنِّي كُنْتُ سَأَلْتُهُ
 فَيَمَنْ هَذَا الْأَمْرُ فَلَمْ يُنَازِعْهُ أَهْلُهُ وَ وَدِدْتُ
 أَنِّي كُنْتُ سَأَلْتُهُ هَلْ لِلْأَنْصَارِ فِي هَذَا الْأَمْرِ
 نَصِيبٌ وَ وَدِدْتُ أَنِّي كُنْتُ سَأَلْتُهُ عَنْ مِيرَاثِ الْأَخِ
 وَ الْعَمِّ فَإِنْ فِي نَفْسِي مِنْهَا حَاجَةٌ

قال مصنف هذا الكتاب رضى الله عنه إن يوم
 غدیر خم لم يدع لأحد عذرا هكذا قالت سيده
 النسوان فاطمة عليها السلام لما منعت فذك و خاطبت
 الأنصار فقألوا يا بنت محمد لو سمعنا هذا
 الكلام منك قبل بيعتنا لأبى بكر ما عدلنا
 بعلبي أحدا فقالت و هل ترك أبى يوم غدیر
 خم لأحد عذرا

۲۲۸ - پدر عبد الرحمن بن عوف گوید:
 ابو بکر در همان بیماری که از دنیا رفت
 گفت:

آگاه باشید که من از دنیا هیچ اندوهی
 به دل ندارم جز اینکه ای کاش سه کاری را
 که کرده ام نمی‌کردم و سه کاری را که
 نکرده ام انجام میدادم و سه چیز که ای
 کاش از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیده بودم اما آن
 سه کار

که ای کاش نکرده بودم: ای کاش در خانه
 فاطمه را نمی‌گشودم هر چند با بسته بودنش
 کار به جنگ میکشید و ای کاش فجأة را
 به آتش نمیسوزاندم و او را به آسانی و
 نرمی کشته بودم یا پیروز و کامیاب رهایش

کرده بودم و ای کاش روز سقیفه من کار را به گردن یکی از دو نفر می انداختم: عمر یا ابو عبیده که یکی از آن دو فرمانروا میشد و من وزیر او میشدم و اما آن سه کار که نکردم و ای کاش انجام داده بودم: کاش روزی که اشعث را به حالت اسیری نزد من آوردند گردنش را زده بودم که بگمانم هر بد خواهی را می بیند به او کمک میدهد و ای کاش هنگامی که خالد را برای جنگ با مرتدین فرستادم خودم نیز به دهی در همان نواحی میرفتم و مسلط بر اوضاع بودم تا اگر مسلمانان پیروز میشدند که شده بودند و اگر نیرنگی بر آنان زده میشد که از پیروزی محروم میشدند در فکر چاره ای میبودم و کمکی به آنان میرساندم.

ای کاش هنگامی که خالد را به شام میفرستادم عمر بن الخطاب را نیز بطرف مشرق یعنی (عراق و ایران) میفرستادم که اگر در این دو جبهه جنگ را شروع کرده بودم هر دو دست راست و چپ خود را در راه خدا گشوده بودم.

و اما سه مطلبی که کاش از رسول خدا ﷺ پرسیده بودم اینکه کاش پرسیده بودم کار خلافت او با کیست؟ تا با کسی که شایسته این کار است بر سر خلافت منازعه و کشمکش نمیداشتیم.

ای کاش پرسیده بودم که آیا طایفه انصار هم از کار خلافت سهمی دارند؟ و ای کاش پرسیده بودم که برادر و عمو چگونه ارث می برند که در دلم به دانستن این حکم نیازمندم.

(مصنف این کتاب گوید:)

که جریان روز غدیر برای هیچ کس عذری باقی نگذاشت این سخن فاطمه زهرا علیها السلام سرور زنان است که چون از تصرف در فدک جلوگیری شد و حضرتش با انصار گفتگو فرمود گفتند:

ای دختر محمد اگر ما پیش از بیعت با ابی بکر این سخن را از تو می‌شنیدیم هرگز جز با علی با هیچ کس بیعت نمی‌کردیم فرمود: مگر پدرم روز غدیر خم برای کسی عذری باقی گذاشت؟

شرح: فجاءه بضم و مد بر وزن غرابه است و بعضی هم فجاءه بر وزن عمرة نوشته است و سرگذشت او که ابو بکر از سوزانیدش اظهار پشیمانی کرده است این است که او مردی بود بنام ایاس بن عبد الله بن عبد یاس لیل از قبیله بنی سلیم نزد ابی بکر آمده و گفت: من مسلمانم و می‌خواهم با مرتدین جهاد کنم بمن مرکب و اسلحه بده ابو بکر نیز او را مرکب و اسلحه داد فجاءه که اسلحه را گرفت از مدینه بیرون رفت و بر خلاف اظهاراتش به هر کس که میرسید از مسلمان و مرتد اموالش را ضبط میکرد و هر کس از دادن مالاش خودداری میکرد مورد حمله فجاءه قرار میگرفت چون به ابی بکر گزارش رسید به طریفة بن حجاز دستور کتبی داد که نظر به اینکه دشمن خدا فجاءه پیش من آمده و اظهار مسلمانی نمود و از من درخواست کرد که او را بمنظور جنگ با مرتدین از اسلام تقویت کنم من نیز او را سلاح و مرکب دادم اینک بمن خبر قطعی رسیده است که این دشمن خدا متعرض مردم است چه مسلمان و چه مرتد، اموالشان را ضبط میکند و هر کس از دادن مال سرپیچی میکند کشته میشود دستور این است که با تمام افراد نظامی مسلمان بر او بتاز تا آنکه او را بکشی و یا اسیر نموده نزد منش آوری طریفة به دستور ابی بکر بر او بتاخت فجاءه از میدان فرار نمود ولی طریفة او را تعقیب کرده و اسیرش نمود و به نزد ابی بکر فرستاد چون فجاءه نزد ابی بکر رسید ابو بکر دستور داد که در

مصلاى مدینه آتشی بر افروختند و فجاءة را دست بسته به میان آتش افکندند. و اما اشعث همان اشعث بن قیس کندی زندیق است که بواسطه سرکشی و سرپیچی از بیعت و ندادن زکات با لشکر اسلام جنگید و چون قشون اسلام آنان را تعقیب کرد به قلعه‌ای پناهنده شدند و چون کار بر آنان سخت شد اشعث برای هفتاد نفر امان گرفت و تسلیم شد اشعث هنگام شمردن هفتاد نفر خود را بشمار نیاورد ابو بکر گفت: خودت در قرار داد امان نیستی و تو را خواهم کشت او در جواب گفت: تو را به کاری راهنمایی کنم که از کشتنم بهتر باشد و آن اینکه مرا برای دشمنان خودت ذخیره کن ابو بکر از کشتنش صرف نظر کرد و خواهرش را به او تزویج نمود و بعد پشیمان شد.

گفتار عبد الله بن مسعود: دانشمندان روی زمین سه نفرند

قول عبد الله بن مسعود علماء الأرض ثلاثة
 ۲۲۹ - حَدَّثَنَا أَبُو الْقَاسِمِ الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ
 السُّكُونِيُّ الْمُرَكِّيُّ بِالْكُوفَةِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ
 بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْحَضْرَمِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ
 مَرْزُوقٍ قَالَ حَدَّثَنَا حُسَيْنٌ قَالَ حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ
 سَلَمَةَ بْنِ كَهَيْلٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي الزَّعْرَاءِ
 قَالَ قَالَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مَسْعُودٍ عُلَمَاءُ الْأَرْضِ ثَلَاثَةٌ
 عَالِمٌ بِالشَّامِ وَ عَالِمٌ بِالْحِجَازِ وَ عَالِمٌ
 بِالْعِرَاقِ أَمَّا عَالِمُ الشَّامِ فَأَبُو الدَّرْدَاءِ وَ
 أَمَّا عَالِمُ الْحِجَازِ فَهُوَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَ أَمَّا عَالِمُ
 الْعِرَاقِ فَهُوَ أَخٌ لَكُمْ بِالْكُوفَةِ وَ عَالِمُ الشَّامِ
 وَ عَالِمُ الْعِرَاقِ مُخْتَاَجَانِ إِلَى عَالِمِ الْحِجَازِ
 وَ عَالِمِ الْحِجَازِ
 لَا يَحْتَاجُ إِلَيْهِمَا

۲۲۹ - عبد الله بن مسعود گوید: دانشمندان روی زمین سه نفرند يك دانشمند در شام

است و دانشمند دیگر در حجاز و سومی در عراق اما دانشمند شام ابو الدرداء است. و اما دانشمند حجاز پس او علی است و اما دانشمند عراق یکی از برادران شما است که در کوفه است دانشمند شام و عراق به دانشمند حجاز نیازمند ولی دانشمند حجاز از آن دو بی‌نیاز است.

شرح:

مقصود عبد الله بن مسعود از دانشمند کوفه خودش میباشد چنانچه از شیرازی در طبقات الفقهاء نقل شده است که مسروق گفت: سرانجام دانش سه نفر را نصیب گردید دانشمندی را در مدینه و دانشمندی را در شام و دانشمندی را در عراق. دانشمند مدینه علی بن ابی طالب است و دانشمند عراق عبد الله بن مسعود و دانشمند شام ابو الدرداء هر گاه که این سه نفر بهم میرسیدند دانشمند عراق و شام از دانشمند مدینه سؤالات علمی مینمودند ولی دانشمند مدینه از آن دو سؤالی نمیکرد.

سه نفر حتی يك چشم بهم زدن به وحی الهی کافر نشدند

ثلاثة لم يكفروا بالوحي طرفة عين
 ۲۳۰ - حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ عَبْدِ
 الْوَهَّابِ الْأَصْبَهَانِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ
 الْفَضْلِ بْنِ الْمُغِيرَةَ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو نَصْرٍ
 مَنْصُورُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْأَصْبَهَانِيُّ قَالَ
 حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ
 هَارُونَ بْنِ حُمَيْدٍ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ
 الْمُغِيرَةَ الشَّهْرَزُورِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ
 الْحُسَيْنِ الْمَدَائِنِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا ابْنُ لَهَيْعَةَ عَنْ
 أَبِي الزُّبَيْرِ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ قَالَ
 رَسُولُ اللَّهِ ﷺ ثَلَاثَةٌ لَمْ يَكْفُرُوا بِالْوَحْيِ طَرْفَةَ
 عَيْنٍ مُؤْمِنٍ آلِ يَسَّ وَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ
 آسِيَةُ امْرَأَةُ فِرْعَوْنَ

۲۳۰ - رسول خدا ﷺ فرمود: سه نفر حتی يك چشم به هم زدن به وحی الهی كافر نشدند مؤمن آل یسن و علی بن ابی طالب و آسیه همسر فرعون.

پاداش کسی که سه دختر داشته باشد و بر آنان صبر کند

ثواب من کن له ثلاث بنات فصبر علیهن
 ۲۳۱ - حَدَّثَنَا أَبُو مُحَمَّدٍ مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الشَّافِعِيُّ الْفَرَعَانِيُّ بِفَرَعَانَةَ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ بْنِ الْأَشْعَثِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو حَاتِمٍ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي ابْنُ جُرَيْجٍ عَنْ أَبِي الزُّبَيْرِ عَنْ عُمَرَ بْنِ نُبَهَانَ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ عَنْ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ مَنْ كُنَّ لَهُ ثَلَاثُ بَنَاتٍ فَصَبَرَ عَلَى لَأَوَائِهِنَّ وَضَرَائِهِنَّ وَسَرَائِهِنَّ كُنَّ لَهُ حِجَابًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ

۲۳۱ - رسول خدا ﷺ فرمود: هر کس سه دختر داشته باشد و نگهداری و غم و شادی آنان را متحمل گردد در روز قیامت او را از آتش و عذاب محافظت خواهند نمود.

روز قیامت سه چیز به پیشگاه الهی شکایت خواهند نمود

ثلاثة يشكون إلى الله عز و جل يوم القيامة
 ۲۳۲ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عُمَرَ الْحَافِظُ الْبَغْدَادِيُّ الْمَعْرُوفُ بِالْجَعَابِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ بَشِيرٍ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ الزُّبَيْرِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ بْنُ عِيَّاشٍ عَنْ الْأَجَلَجِ عَنْ أَبِي الزُّبَيْرِ عَنْ جَابِرٍ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ يَجِيءُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثَلَاثَةٌ يَشْكُونَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ الْمُصْحَفُ وَ الْمَسْجِدُ وَ الْعِثْرَةُ يَقُولُ الْمُصْحَفُ يَا رَبِّ

حَرَّقُونِي وَ مَزَّقُونِي وَ يَقُولُ الْمَسْجِدُ يَا رَبِّ
عَطَّلُونِي وَ ضَيَّعُونِي وَ تَقُولُ الْعَثْرَةُ يَا رَبِّ
قَتَلُونَا وَ طَرَدُونَا وَ شَرَّدُونَا فَاجْتُوا
لِلرُّكَّتَيْنِ لِلْخُصُومَةِ فَيَقُولُ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ لِي
أَنَا أَوْلَى بِذَلِكَ

۲۳۲ - جابر گوید: شنیدم رسول خدا
ﷺ میفرمود: روز قیامت سه چیز به عرصه
محشر می‌آیند و شکایت می‌کنند قرآن و مسجد
و خاندان پیغمبر قرآن عرض حالش این است
که پروردگارا مرا بسوزاندند و پاره پاره
کردند و مسجد میگویند پروردگارا مرا
تعطیل کردند و حقم را ضایع ساختند.
عتره پیغمبر میگویند! پروردگارا ما را
کشتند و راندند و آواره کردند این هنگام
من به دو زانو می‌نشینم تا داد این سه را
از دشمنانشان بستانم خدای جل جلاله مرا
میفرماید: که به دادستانی این سه من خود
سزاوارترم.

از سه کس قلم تکلیف برداشته شده است

رفع القلم عن ثلاثة
۲۳۳ - حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ السَّكُونِيُّ
الْمُرَكِّيُّ بِالْكُوفَةِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ
الْحَضْرَمِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ أَبِي
مُعَاوِيَةَ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنِ الْأَعْمَشِ عَنِ أَبِي
ظَبْيَانَ قَالَ أَتَيْ عُمَرُ بِامْرَأَةٍ مَجْنُونَةٍ قَدْ
فَجَرَتْ فَأَمَرَ عُمَرُ بِرَجْمِهَا فَمَرُّوا بِهَا عَلَيَّ
عَلَيَّْ ﷺ فَقَالَ مَا هَذِهِ فَقَالُوا مَجْنُونَةٌ قَدْ
فَجَرَتْ فَأَمَرَ بِهَا عُمَرُ أَنْ تُرْجَمَ فَقَالَ لَا
تَعْجَلُوا فَأَتَى عُمَرَ فَقَالَ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ
الْقَلَمَ رُفِعَ عَنِ ثَلَاثَةٍ عَنِ الصَّبِيِّ حَتَّى يَحْتَلِمَ وَ
عَنِ الْمَجْنُونِ حَتَّى يُفِيقَ وَ عَنِ النَّائِمِ حَتَّى
يَسْتَيْقِظَ

قال مصنف هذا الكتاب رضى الله عنه جاء
هذا الحديث هكذا و الأصل فى هذا قول أهل

البیت علیه السلام إن المجنون إذا زنى حد و
المجنونة إذا زنت لم تحد لأن المجنون
يأتى و المجنونة تؤتى

۲۳۳ - ابی ظبیان گوید: زنی دیوانه را
که زنا داده بود به نزد عمر آوردند عمر
دستور داد تا سنگسارش کنند زن را که
برای اجرای حکم می‌بردند گذارشان به علی
علیه السلام افتاد فرمود: جریان چیست؟ گفتند زنی
است دیوانه که مرتکب زنا شده است و
اکنون عمر دستور سنگسارشده را صادر
کرده است فرمود:

شتاب نکنید آنگاه به نزد عمر آمد و
فرمود: مگر ندانسته‌ای که قلم تکلیف از
سه کس برداشته شده است از بچه تا شهوت
جنسی از او دفع شود و از دیوانه تا به
خود آید و از خواب رفته تا بیدار گردد
(مصنف این کتاب) گوید: این حدیث چنین
بیان کرده است ولی آنچه مسلم است گفتار
اهل بیت در این باره این است که اگر مرد
دیوانه زنا کرد حدش میزنند ولی اگر زن
دیوانه زنا داد حدش نزنند برای اینکه
مرد دیوانه خودش اقدام به این عمل
مینماید ولی زن دیوانه به این کار
واداشته می‌شود.

شرح-

مقصود از حد مرد دیوانه که مصنف
میفرماید تعزیر است نه حد شرعی: (رجم)
زیرا شرط تکلیف عقل است و حد بر مخالفت
تکلیف است و این روایت تکرار شده است
بشماره ۴۰ از همین باب مراجعه شود.

بخل منشأ سه خصلت نکوهیده است

الشح یولد ثلاث خصال مذمومة
۲۳۴ - حَدَّثَنَا الْخَلِيلُ بْنُ أَحْمَدَ قَالَ حَدَّثَنَا
ابْنُ صَاعِدٍ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ
عَرْفَةَ قَالَ حَدَّثَنَا عُمَرُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ أَبُو
حَفْصِ الْأَبَّارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جَعَادَةَ عَنْ بُكَيْرِ بْنِ
عَبْدِ اللَّهِ الْمَدَنِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو عَنِ
النَّبِيِّ ﷺ قَالَ إِيَّاكُمْ وَالشُّحَّ فَإِنَّمَا هَلَكَ مَنْ
كَانَ قَبْلَكُمْ بِالشُّحِّ أَمَرَهُمْ بِالْكَذِبِ فَكَذَّبُوا وَ
أَمَرَهُمْ بِالظُّلْمِ فَظَلَمُوا وَ أَمَرَهُمْ بِالْقَطِيعَةِ
فَقَطَعُوا

۲۳۴ - رسول خدا ﷺ فرمود: از بخل
کناره گیرید که پیشینیان شما بواسطه
همین بخل نابود شدند آنان را واداشت تا
دروغ گفتند و واداشت تا ستم کردند و
واداشت تا از خویشاوندان بریدند.

۲۳۵ - أَخْبَرَنِي الْخَلِيلُ بْنُ أَحْمَدَ قَالَ
أَخْبَرَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ السَّرَّاجُ قَالَ حَدَّثَنَا
قُتَيْبَةُ قَالَ حَدَّثَنَا بَكْرُ بْنُ عَجْلَانَ عَنْ سَعِيدِ
الْمَقْبُرِيِّ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ
إِيَّاكُمْ وَالْفُحْشَ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَا يُحِبُّ
الْفَاحِشَ الْمُتَفَحِّشَ وَ إِيَّاكُمْ وَ الظُّلْمَ فَإِنَّ
الظُّلْمَ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ الظُّلْمَاتُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ
إِيَّاكُمْ وَ الشُّحَّ فَإِنَّهُ دَعَا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ
حَتَّى سَفَكُوا دِمَاءَهُمْ وَ دَعَاَهُمْ حَتَّى قَطَعُوا
أَرْحَامَهُمْ وَ دَعَاَهُمْ حَتَّى انْتَهَكُوا وَ اسْتَحَلُّوا
مَحَارِمَهُمْ

۲۳۵ - رسول خدا ﷺ فرمود: از ناسزا
گفتن کناره گیرید که خدای عز و جل ناسزا
گوی بی‌آبرو را دوست ندارد و از ستم
کناره گیرید زیرا که ستم در پیشگاه الهی
باعث تیره‌گیهای روز قیامت گردد و از بخل
کناره گیرید که آن پیشینیان شما را
وادار کرد تا آنکه خون یک دیگر ریختند و
آنان را وادار کرد تا آنکه از

خویشاوندان خود بریدند و وادارشان کرد تا آنکه پرده شرم دریدند و تجاوز به فامیل نزدیک و محرم خود را بر خود روا دیدند.

آغاز کار پیغمبر از سه چیز شروع شد

بدء أمر النبي ﷺ من ثلاثة
 ۲۳۶ - حَدَّثَنَا أَبُو أَحْمَدَ مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ
 الْبُنْدَارِ الْفَقِيهَ بِأَخْسِيكَتْ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو
 الْعَبَّاسِ مُحَمَّدُ بْنُ جُمْهُورِ الْحَمَّادِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي
 أَبُو عَلِيٍّ صَالِحُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْبَغْدَادِيُّ بِبُخَارَا
 قَالَ حَدَّثَنَا سَعِيدُ بْنُ سُلَيْمَانَ وَ مُحَمَّدُ بْنُ
 بَكَّارٍ وَ إِسْمَاعِيلُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ قَالَ حَدَّثَنَا
 الْفَرَجُ بْنُ فَضَالَةَ عَنْ لُقْمَانَ بْنِ عَامِرٍ عَنْ أَبِي
 أَمَامَةَ قَالَ قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا كَانَ بَدْءُ
 أَمْرِكَ قَالَ دَعْوَةُ أَبِي إِبْرَاهِيمَ وَ بُشْرَى عَيْسَى
 ابْنِ مَرْيَمَ وَ رَأَتْ أُمِّي أَنَّهُ خَرَجَ مِنْهَا شَيْءٌ
 أَضَاءَتْ مِنْهُ قُصُورُ الشَّامِ

۲۳۶ - ابی امامة گوید: رسول خدا
 ﷺ را عرض کردم: یا رسول الله آغاز کار
 شما از چه شروع شد؟ فرمود: از دعای پدرم
 حضرت ابراهیم و مژده عیسی بن مریم و
 خوابی که مادرم دید که نوری از او بیرون
 آمد که بر کاخهای شام درخشیدن گرفت.

شرح:

به دعای ابراهیم اشاره شده است در آیه
 شریفه ﴿رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ...﴾
 البقرة: ۱۲۹ و بمژده عیسی بن مریم در
 آیه شریفه ﴿وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ﴾ سوره
 صف آیه ۶.

هر کس سه کار انجام دهد در سود و زیان مسلمانان شریک است

ثلاث خصال من فعلهن فله ما للمسلمین و
علیه ما علیهم

۲۳۷ - حَدَّثَنَا أَبُو أَحْمَدَ مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ
الْبُنْدَارِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ مُحَمَّدُ بْنُ
مُحَمَّدِ بْنِ جُمُهورِ الْحَمَّادِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا صَالِحُ
بْنُ مُحَمَّدِ الْبَغْدَادِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا الْعَبَّاسُ بْنُ
الْوَلِيدِ النَّرْسِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ
مَهْدِيٍّ قَالَ حَدَّثَنَا مَنْصُورُ بْنُ سَعْدٍ عَنْ مَيْمُونِ
بْنِ سِيَاهٍ عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ
اللَّهِ ﷺ مَنْ اسْتَقْبَلَ قِبَلَتَنَا وَ صَلَّى صَلَاتَنَا وَ
أَكَلَ ذَبِيحَتَنَا فَلَهُ مَا لَنَا وَ عَلَيْهِ مَا عَلَيْنَا
۲۳۷ - رسول خدا ﷺ فرمود: هر کس که رو

به قبله ما کند و نماز را به ترتیبی که
ما میخوانیم بخواند و از گوشت حیوانی که
ما سر بریده باشیم بخورد در سود و زیان
ما شریک خواهد بود.

سه چیز است که هر کدام، یک چهل و پنج از مقام پیغمبری است ثلاثة أشياء كل واحد منها جزء من خمسة و أربعين جزءا من النبوة

۲۳۸ حَدَّثَنَا أَبُو أَحْمَدَ مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الْبُنْدَارِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ الْحَمَّادِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا صَالِحُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْبَغْدَادِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ بَكَّارٍ قَالَ حَدَّثَنَا عُبَيْدَةُ بْنُ حُمَيْدٍ قَالَ حَدَّثَنَا قَابُوسُ بْنُ أَبِي ظَبْيَانَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ الْهَدْيُ الصَّالِحُ وَ السَّمْتُ الصَّالِحُ وَ الْإِقْتِصَادُ جُزْءٌ مِنْ خَمْسَةٍ وَ أَرْبَعِينَ جُزْءًا مِنَ النَّبُوءَةِ

۲۳۸ - رسول خدا ﷺ فرمود: رفتار شایسته و قیافه شایسته و میانه روی یک چهل و پنج از مقام نبوت است.

ایمان سه چیز است

الإيمان ثلاثة أشياء
۲۳۹ - حَدَّثَنَا أَبُو أَحْمَدَ مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الْبُنْدَارِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ الْحَمَّادِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عُمَرَ بْنِ مَنْصُورِ الْبَلْخِيِّ بِمَكَّةَ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو يُونُسَ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ يَزِيدَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْجُمَحِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ السَّلَامِ بْنُ صَالِحٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى عَنْ أَبِيهِ مَوْسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ الْإِيمَانُ مَعْرِفَةٌ بِالْقَلْبِ وَ إِقْرَارٌ بِاللِّسَانِ وَ عَمَلٌ بِالْأَرْكَانِ

۲۳۹ - رسول خدا ﷺ فرمود: حقیقت ایمان آنست که دل بشناسد و زبان اقرار و اعتراف کند و اعضاء تن به لوازم آن عمل کنند.

۲۴۰ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ
 الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ
 الْحَسَنِ الصَّقَّارُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى
 عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحِ الرَّازِيِّ عَنْ أَبِي الصَّلْتِ
 الْهَرَوِيِّ قَالَ سَأَلْتُ الرَّضَاءَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْإِيمَانِ فَقَالَ
 الْإِيمَانُ عَقْدٌ بِالْقَلْبِ وَ لَفْظٌ بِاللِّسَانِ وَ عَمَلٌ
 بِالْجَوَارِحِ لَا يَكُونُ الْإِيمَانُ إِلَّا هَكَذَا

۲۴۰ - ابی الصلت هروی گوید: از امام
 رضا پرسیدم حقیقت ایمان چیست؟ فرمود:
 عقیده ایست در دل و گفتاری در زبان و
 کرداری است با اعضا و جوارح بدن حقیقت
 ایمان نیست مگر این چنین.

۲۴۱ - أَخْبَرَنَا سُلَيْمَانُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ أَيُّوبَ
 اللَّخْمِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ الْعَزِيزِ وَ
 مُعَاذُ بْنُ الْمُثَنَّى قَالَا حَدَّثَنَا عَبْدُ السَّلَامِ بْنُ
 صَالِحِ الْهَرَوِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُوسَى
 الرَّضَا عَنْ أَبِيهِ مُوسَى عَنْ أَبِيهِ جَعْفَرِ بْنِ
 مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ
 بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ
 رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْإِيمَانُ مَعْرِفَةٌ بِالْقَلْبِ وَ إِقْرَارٌ
 بِاللِّسَانِ وَ عَمَلٌ بِالْأَرْكَانِ

۲۴۱ - امام هشتم از پدران بزرگوارش
 روایت فرموده است که رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود
 ایمان عبارت است از شناسائی دل و اقرار
 زبان و کردار اعضا و جوارح بدن.

۲۴۲ - حَدَّثَنَا حَمْرَةُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ
 الْعَلَوِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ
 عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ بَرَّازٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو أَحْمَدَ
 دَاوُدُ بْنُ سُلَيْمَانَ الْغَزَايَ قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ
 مُوسَى الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي مُوسَى
 بْنُ جَعْفَرٍ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ
 حَدَّثَنِي أَبِي مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْبَاقِرُ قَالَ حَدَّثَنِي
 أَبِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي الْحُسَيْنِ
 بْنُ عَلِيٍّ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي أَمِيرُ
 الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ
 اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ الْإِيمَانُ إِقْرَارٌ

بِاللِّسَانِ وَ مَعْرِفَةً بِالْقَلْبِ وَ عَمَلٌ بِالْأَرْكَانِ
 قال حمزة بن محمد رضي الله عنه و سمعت عبد
 الرحمن بن أبي حاتم يقول سمعت أبي يقول
 و قد روى هذا الحديث عن أبي الصلت
 الهروي عبد السلام بن صالح عن علي بن
 موسى الرضا عليه السلام بإسناد مثله قال
 أبو حاتم لو قرئ هذا الإسناد على مجنون
 لبرأ

۲۴۲ - رسول خدا ﷺ فرمود: ایمان یعنی
 اقرار زبان و شناسائی قلب و عمل اعضا
 بدن عبد السلام بن صالح این روایت را از
 ابو الصلت و او از امام هشتم و امام
 هشتم از پدرش و او از پدر بزرگ و همین
 طور تا میرسد به رسول خدا ﷺ روایت
 نموده است و ابو حاتم گفته است که اگر
 این سلسله سند بر دیوانه ای خوانده شود
 باعث بهبودی او می شود.

شرح:

حقیقت ایمان همان عقیده و باور کردن
 قلب است چنانچه در بقیه اخبار آمده است
 و مقصود در این چند روایت بیان مرتبه
 کامله از ایمان است که اثر معرفت از
 باطن بظاهر رسد و زبان و جوارح نیز با
 عقیده قلبی هم آهنگ باشند.

سه کس به بهشت میروند

ثلاثة لا يدخلون الجنة

۲۴۳ - حَدَّثَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ مُحَمَّدُ بْنُ
 إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ الطَّالِقَانِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ
 قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو مُحَمَّدٍ يَحْيَى بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ
 صَاعِدِ بِمَدِينَةِ السَّلَامِ قَالَ حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ
 جَمِيلٍ قَالَ حَدَّثَنَا مُعْتَمِرُ بْنُ سُلَيْمَانَ قَالَ
 قَرَأْتُ عَلَى فُضَيْلِ بْنِ مَيْسَرَةَ عَنْ أَبِي جَرِيرٍ أَنَّ
 أَبَا بُرْدَةَ حَدَّثَهُ عَنْ أَبِي مُوسَى الْأَشْعَرِيِّ قَالَ
 قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ ثَلَاثَةٌ لَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ مُدْمِنِينَ

خَمْرٍ وَ مُدْمِنٍ سِحْرٍ وَ قَطِيعٍ رَجِيمٍ وَ مَنْ مَاتَ
مُدْمِنًا سَقَاهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ نَهْرِ الْغُوطَةِ
قِيلَ وَ مَا نَهْرُ الْغُوطَةِ قَالَ نَهْرٌ يَجْرِي مِنْ
فُرُوجِ الْمُؤْمِسَاتِ يُؤْذِي أَهْلَ النَّارِ رِيحُهُنَّ

۲۴۳ - رسول خدا ﷺ فرمود: سه کس به
بهشت نروند دائم الخمر و کسی که همیشه
به سحر و جادو مشغول باشد و کسی که از
خویشان خود قطع رابطه کند و هر کس با
حالت دائم الخمری بمیرد خداوند از نهر
غوطه در گلویش ریزد عرض شد نهر غوطه
چیست؟ فرمود: از میان پاهای زنان ناپاک
و هرجائی جوئی روان می‌شود که بوی گندش
دوزخیان را آزار دهد.

۲۴۴ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ
أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانَ عَنْ بَعْضِ رَجَالِهِ عَنْ
أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ ثَلَاثَةٌ لَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ
السَّقَاكَ لِلدَّمِ وَ شَارِبُ الْخَمْرِ وَ مَشَاءُ بِنَمِيمَةٍ
۲۴۴ - امام صادق عليه السلام فرمود: سه کس به
بهشت نروند خونریز و شرابخوار و کسی که
رفتارش سخن چینی است.

در باره کسی که سه فرزند از دست داده باشد

فیمن مات له ثلاثة أولاد
۲۴۵ - أَخْبَرَنَا الْخَلِيلُ بْنُ أَحْمَدَ قَالَ
أَخْبَرَنَا الْمُخَلْدِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا يُونُسُ بْنُ عَبْدِ
الْأَعْلَى قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ وَهْبٍ قَالَ حَدَّثَنِي
عَمْرُو بْنُ الْحَارِثِ أَنَّ أَبَا عَشَانَةَ الْمَعَاوِرِيَّ
حَدَّثَهُ أَنَّهُ سَمِعَ عُقْبَةَ بْنَ عَامِرٍ يَقُولُ قَالَ
رَسُولُ اللَّهِ صلی اللہ علیہ وسلم مَنْ تَكَلَّمَ ثَلَاثَةً مِنْ صُلْبِهِ فَاحْتَسَبَهُمْ
عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ

۲۴۵ - رسول خدا ﷺ فرمود: کسی که داغ
مرگ سه فرزند خود را به بیند و آنان را
به حساب خدای عز و جل منظور بدارد و

بی‌تابی نکند بهشت رفتن برای او حتمی است.

ثواب سه کار: وضوی کامل گرفتن

سلام را آشکار کردن و پنهانی صدقه دادن
ثواب ثلاث خصال إسبغ الوضوء و إفشاء
السلام و صدقة السر

۲۴۶ - حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ عَمْرٍو
بْنِ عَلِيٍّ الْبَصْرِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَبْدُ
السَّلَامِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ هَارُونَ بْنِ الْفَضْلِ بْنِ
الْعَبَّاسِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْعَبَّاسِ بْنِ
عَبْدِ اللَّهِ الْمَأْمُونِ بْنِ هَارُونَ الرَّشِيدِ بْنِ مُوسَى
الْهَادِي بْنِ مُحَمَّدِ الْمَهْدِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْمَنْصُورِ
بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْعَبَّاسِ قَالَ
حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عُقْبَةَ الشَّيْبَانِيُّ
قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْقَاسِمِ الْخَضِرُ بْنُ أَبَانَ عَنْ
أَبِي هَدِيَّةٍ إِبرَاهِيمَ بْنِ هَدِيَّةِ الْبَصْرِيِّ عَنْ أَنَسِ
بْنِ مَالِكٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَوْمَ يَا أَنَسُ
أَسْبِغِ الْوُضُوءَ تَمُرٌ عَلَى الصَّرَاطِ مَرَّ السَّحَابِ
أَفْشِ السَّلَامَ يَكْثُرُ خَيْرٌ بِبَيْتِكَ أَكْثَرُ مِنْ صَدَقَةِ
السَّرِّ فَإِنَّهَا تُطْفِئُ غَضَبَ الرَّبِّ عَزَّ وَجَلَّ

۲۴۶ - انس بن مالک گوید: روزی رسول
خدا ﷺ فرمود: ای انس وضو را کامل بگیر
و آب را به همه اعضای وضوء برسان تا از
پل صراط همانند ابر بگذری و سلام را
آشکارا بگو تا خیر و برکت خانه است
زیاده شود و صدقه پنهانی بسیار بده که
صدقه به پنهانی دادن آتش خشم پروردگار
عز و جل را خاموش میکند

سه برادر بودند که هر يك با برادر بعدي ده سال فاصله داشت

سه برادر بودند که هر يك با برادر
بعدي ده سال فاصله داشت ثلاثة إخوة بين
كل واحد منهم و بين الذي يليه عشر سنين
٢٤٧ - حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ يَحْيَى
الْعَلَوِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنِي جَدِّي قَالَ
حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ حَدَّثَنَا ابْنُ أَبِي
السَّرِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا هِشَامُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ السَّائِبِ
عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي صَالِحٍ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ
كَانَ بَيْنَ طَالِبٍ وَ عَقِيلٍ عَشْرُ سِنِينَ وَ بَيْنَ
عَقِيلٍ وَ جَعْفَرٍ عَشْرُ سِنِينَ وَ بَيْنَ جَعْفَرٍ وَ
عَلِيِّ عليه السلام عَشْرُ سِنِينَ وَ كَانَ عَلِيُّ عليه السلام أَصْغَرَهُمْ
٢٤٧ - ابن عباس گوید: میان طالب و
عقیل ده سال و میان عقیل و جعفر ده سال
و میان جعفر و علی ده سال فاصله بود و
علی عليه السلام از همه برادرها کوچکتر بود.

پس از سه پیش آمد مردم مسلمان خوار شدند

ذل الناس بعد ثلاثة أشياء
٢٤٨ - حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ يَحْيَى
الْعَلَوِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنِي جَدِّي قَالَ
حَدَّثَنَا دَاوُدُ قَالَ حَدَّثَنَا عَيْسَى بْنُ عَبْدِ
الرَّحْمَنِ بْنِ صَالِحٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو مَالِكٍ
الْجَنْبِيُّ عَنْ عُمَرَ بْنِ بَشَرَ الهمداني قَالَ قُلْتُ
لِأَبِي إِسْحَاقَ مَتَى ذَلَّ النَّاسُ قَالَ حِينَ قُتِلَ
الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيِّ عليه السلام وَ ادَّعَى زِيَادٌ وَ قُتِلَ حُجْرُ
بْنِ عَدِيٍّ
٢٤٨ - عمر بن بشر همدانی گوید: ابی
اسحاق را گفتم: کی مردم خوار شدند؟ گفت:
هنگامی که حسین بن علی کشته شد و زیاد
را معاویة بن ابی سفیان برادر خویش
خواند و حجر بن عدی کشته شد.

شرح:

کشته شدن حسین بن علی علیه السلام بزرگترین مظهر حکومت دیکتاتوری بنی امیه و ایجاد محیط خفقان است و زیاد زنازاده بی‌پدر را معاویة که بنام خلافت بر مسند اسلام تکیه زده بود برادر خویش خواندن و این ننگ تاریخ را بخود گرفتن نشانه بی‌بند و باری و پا بند نبودن حکومت بنی امیه با اصول شرافت و فضیلت است و کشته شدن حجر بن عدی که از زهاد و ابدال و عباد عصر بود و در اثر مخالفت با حکومت زیاد در عراق بدست معاویة کشته شد بهترین شاهد بر کشتن فضیلت و تقوی در محیط حکومت بنی امیه است و پیدا است اجتماعی که این چنین حکومتی بر آنان مسلط گردد در چه پایه از ذلت و بدبختی بسر خواهد برد.

و اما داستان پیوستن زیاد بابی سفیان و اینکه معاویه او را بعنوان برادر خود به ابی سفیان نسبت داد بطور متواتر نقل شده و زبان زد همه است زیاد که کنیه اش ابو المغیره و مادرش: سمیه کنیز یکی از روستائیان فارس بود روستائی نامبرده بیمار شد و حرث بن کلدی را که طبیب ثقفی بود برای معالجه خود خواست و در نتیجه مداوای حرث حال مریض بهبودی یافت سمیه را بعوض این خدمت بدکتر معالج بخشید سمیه دو فرزند بنام نفع و نافع برای او آورد و سپس سمیه را حرث برای غلام رومی خود که نامش عبید بود تزویج نمود در این هنگام چنین اتفاق افتاد که ابو سفیان بطائف رفت و از ابی مریم سلولی میفروش درخواست کرد که زنی برای هم خوابه‌گی برای او بیاورد او هم سمیه را در آغوش ابی سفیان نهاد سمیه بار دار شد و زیاد را در حالی که همسر رسمی عبید بود بسال اول از هجرت بزاد هنگامی که رسول خدا

طائف را محاصره کرد نافع از طائف صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرار کرده به حضور پیغمبر رسید و رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آزادش فرمود و کنیه ابا بکره باو داد حرث چون این جریان بدید بنافع گفت تو فرزند منی که مبادا او نیز به نزد پیغمبر فرار کند و مانند برادرش آزاد شود و باین جهت بود که ابی بکره را مولی الرسول: (آزادشده پیغمبر) میگفتند و نافع را (ابن الحرث) و زیاد را (ابن عبید) میخواندند چون معاویه زیاد را بخود پیوست بتفصیلی که در تاریخ است پس از آن زیاد را زیاد بن ابی سفیان میگفتند این بود تا موقعی که دولت بنی امیه روی بزوال گذاشت و پس از سقوط دولت اموی زیاد را چون بی‌پدر بود (زیاد بن ابیه): فرزند پدرش میگفتند و یا به مادرش سمیه نسبت داده و زیاد بن سمیه اش میخواندند و زیاد پس از آنکه معاویه او را بخود ملحق نمود ضمن سخنرانی که در شام نمود گفت: عبید برای من پدر نیکوکاری بود و من از او سپاسگزارم (و ما کان عبید الا والداً مشکوراً) چنانچه یعقوبی در تاریخ خود ج ۲ و ۱۹۵ نقل کرده است.

سؤال کردن سه اثر دارد و بدترین مردم سه گروه اند

فی السؤال ثلاث خصال و شر الناس ثلاثة
 ۲۴۹ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الشَّاهِ قَالَ
 حَدَّثَنَا أَبُو حَامِدٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو يَزِيدَ أَحْمَدُ
 بْنُ خَالِدِ الْخَالِدِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ
 بْنُ صَالِحِ التَّمِيمِيِّ عَنْ أَبِيهِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ
 بْنُ حَاتِمِ الْقَطَّانِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَمْرٍو عَنْ جَعْفَرِ
 بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي
 طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِأَبِي ذَرٍّ رَحْمَةً لِّلَّهِ

عَلَيْهِ يَا أَبَا ذَرٍّ إِيَّاكَ وَالسُّؤَالَ فَإِنَّهُ ذُلُّ
 حَاضِرٌ وَفَقْرٌ تَتَعَجَّلُهُ وَفِيهِ حِسَابٌ طَوِيلٌ يَوْمَ
 الْقِيَامَةِ يَا أَبَا ذَرٍّ تَعْيِشُ وَحَدَّكَ وَتَمُوتُ
 وَحَدَّكَ وَتَدْخُلُ الْجَنَّةَ وَحَدَّكَ يَسْعَدُ بِكَ قَوْمٌ مِنْ
 أَهْلِ الْعِرَاقِ يَتَوَلَّوْنَ عُسْلَكَ وَتَجْهِيْزَكَ وَ دَفْنَكَ
 يَا أَبَا ذَرٍّ لَا تَسْأَلْ بِكَفِّكَ وَ إِنْ أَتَاكَ شَيْءٌ
 فَاقْبَلْهُ ثُمَّ قَالَ ﷺ لِأَصْحَابِهِ أَلَا أُخِيرُكُمْ
 بِشِرَارِكُمْ قَالُوا بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ
 الْمَشَاءُونَ بِالنَّمِيمَةِ الْمُفَرِّقُونَ بَيْنَ الْأَحْبَةِ
 الْبَاغُونَ لِلْبُرَاءِ الْعَيْبِ

۲۴۹ - علی بن ابی طالب ﷺ فرمود: رسول
 خدا ﷺ بابی در (خدایش رحمت کند)
 فرمود:

ای ابا ذر مبادا سؤال کنی که خواری و
 زبونی برای خویشتن آماده کنی و به
 تنگدستی و نیازمندی هر چه زودتر خواهی
 رسید و در روز رستاخیز دامنه حساب سؤال
 دراز است ای ابا ذر تو به تنهایی زندگی
 میکنی و به تنهایی خواهی مرد و به
 تنهایی وارد بهشت میشوی و جمعی از اهل
 عراق از برکات وجود تو سعادت‌مند میشوند
 آنان بدن تو را پس از مرگ بشویند و کفن
 کنند و بخاک بسپارند.

ای ابا ذر دست‌گدائی دراز مکن ولی اگر
 چیزی بتو رسید آن را بپذیر.

سپس رسول خدا ﷺ روی باصحاب کرد و
 فرمود: هان بگویم بشما که بدترین شما
 کیانند؟ عرض کردند: بفرمائید یا رسول
 الله، فرمود: آنان که برای سخن‌چینی قدم بر
 میدارند و میان دوستان جدائی میافکنند و
 برای افراد پاک دامن، عیب‌جوئی میکنند.

نکته

این سه صفت به مناسبت حال افرادی است
 که با ابا ذر دشمنی کردند که گزارش بد
 بر علیه او بعثمان دادند و در نتیجه
 تبعید ابا ذر او را از دوستانش و خاندان

پیغمبر جدا کردند و او را بتهمت آشوبگری و ایجاد فتنه تبعید نمودند.

دوری بیش از سه روز روا نیست

لا هجرة فوق ثلاث

۲۵۰ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الْبُنْدَارِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ الْحَمَّادِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الصَّائِعُ قَالَ حَدَّثَنَا الْقَعْنَبِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا ابْنُ أَبِي ذُنَيْبٍ عَنْ ابْنِ شَهَابٍ عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لَا يَجِلُّ لِلْمُسْلِمِ أَنْ يَهْجَرَ أَخَاهُ فَوْقَ ثَلَاثِ

۲۵۰ - رسول خدا ﷺ فرمود: برای مسلمان روز نیست که از برادر خویش بیش از سه روز کناره بگیرد.

۲۵۱ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ زِيَادِ بْنِ جَعْفَرِ الْهَمْدَانِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حُمْرَانَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي جَعْفَرِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ قَالَ مَا مِنْ مُؤْمِنِينَ اهْتَجَرَا فَوْقَ ثَلَاثِ إِلَّا وَبَرِئْتُ مِنْهُمَا فِي الثَّلَاثَةِ فَقِيلَ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ هَذَا حَالُ الظَّالِمِ فَمَا بَأْسُ الْمَظْلُومِ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا بَأْسُ الْمَظْلُومِ لَا يَصِيرُ إِلَى الظَّالِمِ فَيَقُولُ أَنَا الظَّالِمُ حَتَّى يَصْطَلِحَا

۲۵۱ - امام باقر علیه السلام فرمود: هر دو مؤمن که از يك ديگر بیش از سه روز قهر کنند من از آن دو به روز سوم بیزارم عرض شد: یا ابن رسول الله این سزای ستمکار است گناه مظلوم چیست که از او بیزار شوی؟ فرمود: چرا مظلوم به نزد ظالم نمی‌رود تا او را گوید: تقصیر با من بود و با هم آشتی کنند.

سه چیز اثر خوشبختی مسلمان است

ثلاثة من سعادة المسلم

٢٥٢ - أَخْبَرَنِي الْخَلِيلُ بْنُ أَحْمَدَ قَالَ
أَخْبَرَنِي ابْنُ خُزَيْمَةَ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو مُوسَى
قَالَ حَدَّثَنَا الضَّحَّاكُ بْنُ مَخْلَدٍ عَنْ سُفْيَانَ عَنْ
حَبِيبِ بْنِ جَمِيلٍ مَوْلَى عَبْدِ الْحَارِثِ عَنْ نَافِعِ
بْنِ عَبْدِ الْحَارِثِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مِنْ
سَعَادَةِ الْمُسْلِمِ سَعَةٌ الْمَسْكَنِ وَالْجَارُ الصَّالِحُ
وَالْمَرْكَبُ الْهَيَّءُ

٢٥٢ - رسول خدا ﷺ فرمود: اثر خوشبختی
مسلمان این است که خانه‌ای با وسعت و
همسایه‌ای شایسته و وسیله سواری آرام و
راهوار داشته باشد.

خدای عز و جل با سه کس سخن نگوید

ثلاثة لا يكلمهم الله عز و جل
٢٥٣ - أَخْبَرَنِي الْخَلِيلُ بْنُ أَحْمَدَ قَالَ
أَخْبَرَنَا ابْنُ خُزَيْمَةَ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو مُوسَى
قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّحْمَنِ قَالَ حَدَّثَنَا سُفْيَانُ
عَنِ الْأَعْمَشِ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ مُسَهَّرٍ عَنْ حَرِثَةَ بْنِ
الْحُرِّ عَنْ أَبِي ذَرٍّ عَنْ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ ثَلَاثَةٌ لَا
يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ الْمَنَّانُ الَّذِي لَا يُعْطَى شَيْئًا إِلَّا
بِمِئَةٍ وَالْمُسْبِلُ إِزَارَهُ وَالْمُنْفِقُ سِلْعَتَهُ
بِالْحَلْفِ الْفَاجِرِ

٢٥٣ - رسول خدا ﷺ فرمود: خداوند با
سه کس سخن نگوید: آنکه هیچ بی‌منت ندهد و
آنکه با تکبر دامن کشان راه برود و آنکه
کالای خود را با سوگند دروغ رواج دهد.

صدیقان سه کسانند

الصدیقون ثلاثة
٢٥٤ - أَخْبَرَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ إِسْمَاعِيلَ
قَالَ حَدَّثَنَا النُّعْمَانُ بْنُ أَبِي الدَّلْهَاتِ
الْبَلَدِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ
قَالَ حَدَّثَنَا عَبِيدُ اللَّهِ بْنُ مُوسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ
أَبِي لَيْلَى قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ الصَّدِيقُونَ
ثَلَاثَةٌ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَحَبِيبُ النَّجَّارُ وَ
مُؤْمِنُ آلِ فِرْعَوْنَ

٢٥٤ - رسول خدا ﷺ فرمود: صدیقان سه
کسانند علی بن ابی طالب و حبیب نجار و
مؤمن آل فرعون.

شرح:

حبیب نجار همان کسی است که خداوند در
باره اش فرموده است ﴿ وَجَاءَ رَجُلٌ مِنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ يَسْعَى ﴾ و
مؤمن آل فرعون حزقیل است.

ياران رقيم سه نفر بودند

أصحاب الرقيم ثلاثة

٢٥٥ - أَخْبَرَنِي الْخَلِيلُ بْنُ أَحْمَدَ قَالَ
أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِسْحَاقَ السَّرَّاجُ قَالَ حَدَّثَنَا
أَبُو هَمَّامٍ الْوَلِيدُ بْنُ شُجَاعِ السَّكُونِيُّ قَالَ
حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُسْهِرٍ قَالَ حَدَّثَنَا عُبَيْدُ اللَّهِ بْنُ
عُمَرَ عَنْ نَافِعٍ عَنِ ابْنِ عُمَرَ قَالَ قَالَ رَسُولُ
اللَّهِ ﷺ بَيْنَا ثَلَاثَةٌ نَفَرٍ فِيمَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ
يَمْشُونَ إِذْ أَصَابَهُمْ مَطَرٌ فَأَوْوَأُوا إِلَى غَارٍ
فَانْطَبَقَ عَلَيْهِمْ فَقَالَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ يَا هَؤُلَاءِ وَ
اللَّهُ مَا يُنْجِيكُمْ إِلَّا الصَّدَقُ فَلْيَدْعُ كُلُّ رَجُلٍ مِنْكُمْ
بِمَا يَعْلَمُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنَّهُ قَدْ صَدَقَ فِيهِ فَقَالَ
أَحَدُهُمُ اللَّهُمَّ إِنْ كُنْتُ تَعْلَمُ أَنَّهُ كَانَ لِي
أَجِيرٌ عَمِلَ لِي عَمَلًا عَلَيَّ فَرَّقَ مِنْ أَرْزُ فَدَهَبَ وَ
تَرَكَهُ فَرَزَعْتُهُ فَصَارَ مِنْ أَمْرِهِ أَنِّي اشْتَرَيْتُ مِنْ
ذَلِكَ الْفَرَقِ بَقْرًا ثُمَّ أَتَانِي فَطَلَبَ أَجْرَهُ فَقُلْتُ
اعْمِدْ إِلَى تِلْكَ الْبَقْرِ فَسُقْهَا فَقَالَ إِنَّمَا لِي
عِنْدَكَ فَرَقٌ مِنْ أَرْزُ فَقُلْتُ اعْمِدْ إِلَى تِلْكَ
الْبَقْرِ فَسُقْهَا فَإِنَّهَا مِنْ ذَلِكَ فَسَاقَهَا فَإِنْ
كُنْتُ تَعْلَمُ أَنِّي فَعَلْتُ ذَلِكَ مِنْ خَشْيَتِكَ فَفَرِّجْ
عَنَّا فَاِنْسَاحَتِ الصَّخْرَةُ عَنْهُمْ وَقَالَ الْآخَرُ
اللَّهُمَّ إِنْ كُنْتُ تَعْلَمُ أَنَّهُ كَانَ لِي أَبَوَانِ
شَيْخَانِ كَبِيرَانِ فَكُنْتُ آتِيَهُمَا كُلَّ لَيْلَةٍ بِلَبَنِ
غَنَمٍ لِي فَأَبْطَأَتْ عَلَيْهِمَا ذَاتَ لَيْلَةٍ فَأَتَيْتُهُمَا
وَ قَدْ رَقَدَا وَ أَهْلِي وَ عِيَالِي يَتَضَاغُونَ مِنْ
الْجُوعِ فَكُنْتُ لَا أَسْقِيهِمْ حَتَّى يَشْرَبَ أَبُوَايَ
فَكَرِهْتُ أَنْ أَوْقِظَهُمَا مِنْ رَقَدَتَيْهِمَا وَ كَرِهْتُ أَنْ
أَرْجِعَ فَيَسْتَيْقِظَا لِشْرَبِيهِمَا فَلَمْ أَزَلْ أَنْتَظِرُهُمَا
حَتَّى طَلَعَ الْفَجْرُ فَإِنْ كُنْتُ تَعْلَمُ أَنِّي فَعَلْتُ
ذَلِكَ مِنْ خَشْيَتِكَ فَفَرِّجْ عَنَّا فَاِنْسَاحَتِ عَنْهُمْ
الصَّخْرَةُ حَتَّى نَظَرُوا إِلَى السَّمَاءِ وَقَالَ الْآخَرُ
اللَّهُمَّ إِنْ كُنْتُ تَعْلَمُ أَنَّهُ كَانَتْ لِي ابْنَةٌ عَمٌّ
أَحَبَّ النَّاسِ إِلَيَّ وَ أَنِّي رَاوَدْتُهَا عَنْ نَفْسِهَا
فَأَبَتْ عَلَيَّ إِلَّا أَنْ آتِيَهَا بِمِائَةِ دِينَارٍ
فَطَلَبْتُهَا حَتَّى قَدَرْتُ عَلَيْهَا فَجِئْتُ بِهَا
فَدَفَعْتُهَا إِلَيْهَا فَأَمَكَّنْتَنِي مِنْ نَفْسِهَا فَلَمَّا

قَعَدْتُ بَيْنَ رِجْلَيْهَا قَالَتْ اتَّقِ اللَّهَ وَ لَا تَفْضُ
الْخَاتَمَ إِلَّا بِحَقِّهِ فَقُمْتُ عَنْهَا وَ تَرَكْتُ لَهَا
الْمِائَةَ فَإِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنِّي فَعَلْتُ ذَلِكَ مِنْ
خَشْيَتِكَ فَفَرِّجْ عَنَّا فَفَرَّجَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَنْهُمْ
فَخَرَجُوا

۲۵۵ - رسول خدا ﷺ فرمود: سه نفر از پیشینیان در حالی که با هم راه می‌پیمودند ناگهان باران درگرفت و آنان به غاری پناهنده شدند تصادفاً در غار (بواسطه ریزش) بسته شد.

یکی از آنان گفت: دوستان بخدا سوگند که بجز راستی هیچ باعث نجات شما از این گرفتاری نخواهد شد، پس هر يك از شما خدای را بخواند به آنچه خدای عز و جل میداند که او در گفتارش راستگو است پس یکی از آنان گفت: خدایا اگر آن‌گاهی که من مزدوری گرفتم که در مقابل يك پیمانہ برنج عملی برای من انجام داد.

پس از پایان کار مزدور رفت و مزدش نزد من ماند من آن برنج را کاشتم و از برداشت آن گاوی خریدم و پس از مدتی آن مزدور بازگشت و مزد خود را از من مطالبه نمود گفتم: این گاو را بگیر و با خود ببر گفت: من فقط يك پیمانہ برنج نزد تو دارم گفتم: این گاو را بگیر و با خود ببر که این از همان يك پیمانہ برنج است او نیز گاو را پیش انداخته و برد بار الها اگر آن‌گاهی که من این کار را از ترس تو انجام دادم گشایشی بکار ما بده، پس سنگ بکناری رفت.

دیگری گفت: بار الها اگر آن‌گاهی که مرا پدر و مادر پیری بود و من هر شب از شیر گوسفندانم بر ایشان می‌آوردم شبی دیر وقت رسیدم دیدم آنان را خواب رفته و فرزندان و عیال خودم از گرسنگی نالان بودند ولی تا پدر و مادرم شیر نمی‌آشامیدند من باهل و عیال خودم شیر

نمی‌دادم پس من خوش نداشتم که پدر و مادر را از خواب بیدار کنم و خوش نداشتم که باز گردهم تا مگر پدر و مادر از خواب بر میخیزند برای شیر خوردن مرا نه بینند. لذا تا سپیده دم در بالینشان منتظر ماندم، اگر آن‌گاهی که این کار را بخاطر ترس از تو انجام دادم گشایشی بماند مرحمت فرما.

سنگ آنقدر شکافت که آسمان را دیدند دیگری گفت: بار الها اگر آن‌گاهی که مرا دختر عمویی بود که از همه مردم بیشتر دوستش میداشتم و من از او کام دل خواستم او نپذیرفت مگر آنکه صد دینارش بدهم بدنبال صد دینار آنقدر تکاپو کردم تا بدست آوردم پولها را آورده و در دامنش ریختم او خود را در اختیار من گذاشت و چون بمیان دو پایش نشستم گفت: از خدا بترس و مهر بکارت مرا بناحق مشکن من بر خواستم و صد دینار را نیز باو واگذاشتم اگر آن‌گاهی که من این کار را از ترس تو انجام دادم گشایشی در کار ما ایجاد بفرما پس خداوند گشایش بآنان داد و بیرون شدند.

سه عمل نزد خداوند از هر کاری محبوبتر است

أحب الأعمال إلى الله عز و جل ثلاثة
 ۲۵۶ - أَخْبَرَنِي الْخَلِيلُ بْنُ أَحْمَدَ قَالَ
 أَخْبَرَنَا أَبُو الْقَاسِمِ الْبَغَوِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ
 يَعْنِي ابْنَ الْجَعْدِ قَالَ حَدَّثَنَا شُعْبَةُ قَالَ
 أَخْبَرَنَا الْوَلِيدُ بْنُ الْعِيزَارِ بْنِ حُرَيْثٍ قَالَ
 سَمِعْتُ أَبَا عَمْرٍو الشَّيْبَانِيَّ قَالَ حَدَّثَنِي عَبْدُ اللَّهِ
 بْنُ مَسْعُودٍ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ إِنَّ أَحَبَّ الْأَعْمَالِ إِلَى
 اللَّهِ الصَّلَاةَ وَالْيَزَادَ وَالْجِهَادَ

۲۵۶- رسول خدا ﷺ فرمود: براستی که محبوبترین کارها نزد خدا نماز است و احسان و جهاد

مردم سه دسته اند

الناس ثلاثة

۲۵۷ - حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنُ الشَّاهِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو إِسْحَاقَ الْخَوَّاصُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يُونُسَ الْكُدَيْمِيُّ عَنْ سُفْيَانَ بْنِ وَكَيْعٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سُفْيَانَ الثَّوْرِيِّ عَنْ مَنْصُورٍ عَنْ مُجَاهِدٍ عَنْ كُمَيْلِ بْنِ زِيَادٍ قَالَ خَرَجَ إِلَيَّ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام فَأَخَذَ بِيَدِي وَ أَخْرَجَنِي إِلَى الْجَبَّانِ وَ جَلَسَ وَ جَلَسْتُ ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ إِلَيَّ فَقَالَ يَا كُمَيْلُ احْفَظْ عَنِّي مَا أَقُولُ لَكَ النَّاسُ ثَلَاثَةٌ عَالِمٌ رَبَّانِيٌّ وَ مُتَعَلِّمٌ عَلَى سَبِيلِ نَجَاةٍ وَ هَمَجٌ رِعَاةٌ أَتْبَاعُ كُلِّ نَاعِقٍ يَمِيلُونَ مَعَ كُلِّ رِيحٍ لَمْ يَسْتَضِيئُوا بِنُورِ الْعِلْمِ وَ لَمْ يَلْجَأُوا إِلَى رُكْنٍ وَثِيقٍ يَا كُمَيْلُ الْعِلْمُ خَيْرٌ مِنَ الْمَالِ الْعِلْمُ يَحْرُسُكَ وَ أَنْتَ تَحْرُسُ الْمَالَ وَ الْمَالُ تَنْقُصُهُ النَّفَقَةُ وَ الْعِلْمُ يَزْكُو عَلَى الْإِنْفَاقِ يَا كُمَيْلُ مَحَبَّةُ الْعَالِمِ دِينَ يُدَانُ بِهِ تَكْسِبُهُ الطَّاعَةَ فِي حَيَاتِهِ وَ جَمِيلَ الْأُحْدُوثَةِ بَعْدَ وَفَاتِهِ فَمَنْفَعَةُ الْمَالِ تَزُولُ بِزَوَالِهِ يَا كُمَيْلُ مَاتَ خُزَّانُ الْأَمْوَالِ وَ هُمْ أَحْيَاءُ وَ الْعُلَمَاءُ بَاقُونَ مَا بَقِيَ الدَّهْرُ أَعْيَانُهُمْ مَفْقُودَةٌ وَ أَمْثَالُهُمْ فِي الْقُلُوبِ مَوْجُودَةٌ هَاهُ وَ إِنَّ هَاهُنَا وَ أَشَارَ بِيَدِهِ إِلَى صَدْرِهِ لَعَلِمَاءَ جَمًّا لَوْ أَصَبْتُ لَهُ حَمَلَةٌ بَلَى أَصَبْتُ لَقِينًا غَيْرَ مَأْمُونٍ يَسْتَعْمِلُ آلَةَ الدِّينِ فِي الدُّنْيَا وَ يَسْتَظْهَرُ بِحُجَجِ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَ بِنِعْمِهِ عَلَى عِبَادِهِ لِيَتَّخِذَهُ الضُّعْفَاءُ وَ لِيَجْعَلَ مِنْ دُونِ وَلِيِّ الْحَقِّ أَوْ مُنْقَاداً لِحَمَلَةِ الْعِلْمِ لَا بَصِيرَةَ لَهُ فِي أَحْنَابِهِ يُقَدِّحُ الشُّكَّ فِي قَلْبِهِ بِأَوَّلِ عَارِضٍ مِنْ شُبْهَةٍ إِلَّا لَا ذَا وَ لَا ذَاكَ فَمَنْهُومُ بِاللَّدَاتِ سَلِسُ الْقِيَادِ أَوْ مُغْرَى بِالْجَمْعِ وَ الْإِدْخَارِ لَيْسَا مِنْ رُعَاةِ الدِّينِ أَقْرَبُ شَبْهًا بِهِمَا

الْأَنْعَامِ السَّائِمَةَ كَذَلِكَ يَمُوتُ الْعِلْمُ بِمَوْتِ
 حَامِلِيهِ اللَّهُمَّ بَلَى لَا تَخْلُو الْأَرْضُ مِنْ قَائِمٍ
 بِحُجَّةٍ ظَاهِرٍ أَوْ خَافٍ مَغْمُورٍ لِنَلَّا تَبْطُلُ حُجْجُ اللَّهِ
 وَبَيِّنَاتُهُ وَكَمْ وَ أَيْنَ أَوْلِيكَ الْأَقْلُونَ عَدَدًا
 الْأَعْظُمُونَ خَطَرًا بِهِمْ يَحْفَظُ اللَّهُ حُجَّجَهُ حَتَّى
 يُودِعُوهَا نُظْرَاءَهُمْ وَ يَزْرَعُوهَا فِي قُلُوبِ
 أَشْبَاهِهِمْ هَجَمَ بِهِمُ الْعِلْمُ عَلَى حَقَائِقِ الْأُمُورِ
 فَبَاشَرُوا رُوحَ الْيَقِينِ وَ اسْتَلَانُوا مَا
 اسْتَوْعَرَهُ الْمُتَرْفُونَ وَ أَنْسُوا بِمَا اسْتَوْحَشَ
 مِنْهُ الْجَاهِلُونَ صَحِبُوا الدُّنْيَا بِأَبْدَانِ
 أَرْوَاحِهَا مُعَلَّقَةً بِالْمَحَلِّ الْأَعْلَى يَا كَمِيلُ
 أَوْلِيكَ خَلْفَاءُ اللَّهِ وَ الدُّعَاةُ إِلَى دِينِهِ هَائِي
 هَائِي شَوْقًا إِلَى رُؤْيَيْهِمْ وَ اسْتَغْفِرُ اللَّهَ لِي وَ
 لَكُمْ

قال مصنف هذا الكتاب رضى الله عنه قد
 رويت هذا الخبر من طرق كثيرة قد أخرجتها
 فى كتاب كمال الدين و تمام النعمة فى
 إثبات الغيبة و كشف الحيرة

۲۵۷ - كميل بن زياد گوید: على بن ابى
 طالب نزد من آمد و دست مرا گرفت و مرا
 با خود به صحرا برد چون به صحرا رسیدیم
 بر زمین نشست و من هم نشستم سپس سر بلند
 کرده و متوجه من شد و فرمود: ای کميل
 آنچه تو را میگویم بخاطر بسپار.

مردم سه دسته اند: دانشمند الهی و
 دانشجوئی که در راه رستگاری قدم
 برمیدارد و افراد ناکس و پست که دنبال
 هر آوازی روند و مانند پشه های ریز از هر
 طرف که باد بوزد به آن سو شوند نه از
 پرتو دانش تابشی گرفته و نه بر پایگاه
 استواری پناهنده شده اند ای کميل دانش از
 ثروت بهتر است که دانش نگهبان تو است
 ولی ثروت را باید تو نگهبان باشی ثروت
 را هر چه بیشتر خرج کنی کمتر گردد ولی
 دانش هر چه بیشتر خرج شود افزوده تر شود
 ای کميل دلبستگی به دانشمند حق ثابتی
 است بر دیگران که مورد بازخواست است

زیرا تا دانشمند زنده است راه و رسم بندگی را از او فرا میگیری و پس از مرگ نیز به نیکی‌اش یاد کنی ولی ثروت که از دست رفتنی است سودش نیز از دست خواهد رفت.

ای کمیل آنان که ثروتمندان و زنده، مردگانی هستند بصورت زنده ولی دانشمندان تا پایان روزگار پاینده‌اند خودشان از میان مردم بیرون میروند ولی جای خود را در دل‌های مردم از دست ندهند آه که اینجا (اشاره به سینه) آکنده از دانش است کاش شاگردانی که توانند این بار کشند به دست می‌آوردم.

آری شاگردی که نصیب من است اگر تیز هوش است امین نیست دستورات دینی را برای رسیدن به دنیا بکار می‌بندد از حجت‌های الهی به زیان خلق خدا استفاده میکند و از نعمت‌هایش به زیان بندگان او تا مردم ضعیف‌النفس در برابر امام برحق او را برگزینند یا شاگردی است که به دستورات استادان گردن می‌نهد ولی بینائی کامل در زنده نگه داشتن فرا گرفته‌های خود ندارد به اولین شبهه و اشکال که برمیخورد دچار تردید می‌شود هان که نه آن را خواهم و نه این را، که یکی مهار گسیخته ایست غرق در لذت حیوانی و دیگری مغرور به جمع کردن و ذخیره نمودن، هیچ یک نگهبان دین نیستند بلکه به چهارپایان چرنده بیشتر شبیه‌اند تا انسان.

آری این چنین می‌شود که با مرگ استادان، دانش نیز رخت از میان بر می‌بندد آری بار الها زمین خالی نمی‌ماند از حجتی که یا آشکارا به تبلیغ دین قیام کند و یا به پنهان و گمنامی تا مگر حجت‌های الهی و راهنمایان حق باطل نمانند ولی آنان چقدر اند؟ و کجایند؟

آنان بشمار بسی اندکند و بقدر و شخصیت بسیار بزرگ، که خداوند بوسیله آنان دلائل توحید و حق را نگهداری میکند تا به سمردانی همانند خود در شایستگی آن دلائل را بسپارند و در زمین دلہائی مانند دلہای خود آن تخمہای معرفت را بکارند این مردان حقیقت، به نیروی دانش، تا مغز جهان هستی پیشروی کرده اند و شاهد مقصود را در آغوش گرفته اند.

آنچه در نظر ناز پروردگان سخت و دشوار است در نظر اینان سهل و آسان است و با آنچه نادانان از آن گریزانند اینان مأنوس و دلخوشاند جسمشان در دنیا است ولی جانشان به عالم اعلی بستگی دارد ای کمیل آنان جانشینان خداوندند و مبلغین دین او.

آه آه که چقدر مشتاقم به دیدارشان و برای خود و شما از خداوند آمرزش میطلبم. (مصنف این کتاب) علیه السلام گوید:

این روایت را بسندهای متعدد در کتاب اکمال الدین و اتمام النعمة که در اثبات غیبة امام زمان و رفع نگرانی و تحیر نوشته ام نقل کرده ام.

یاد، از نوری که سه بخش شد

ذکر النور الذی جعل ثلاثة أثلاث
 ۲۵۸ - حَدَّثَنَا أَبُو عَلِيٍّ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنُ مُحَمَّدٍ الْعَطَّارُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْقَاسِمِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ زَيْدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَامِرِ النَّهَّائِيِّ عَنْ عَمْرِو بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُتَوَكِّلِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ عِيَّاضِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي رَافِعٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ أَبِي

أَيُّوبَ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لَمَّا خَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الْجَنَّةَ خَلَقَهَا مِنْ نُورِ الْعَرْشِ ثُمَّ أَخَذَ مِنْ ذَلِكَ النُّورِ فَقَذَفَهُ فَأَصَابَنِي ثُلُثُ النُّورِ وَ أَصَابَ فَاطِمَةَ ثُلُثُ النُّورِ وَ أَصَابَ عَلِيًّا وَ أَهْلَ بَيْتِهِ ثُلُثُ النُّورِ فَمَنْ أَصَابَهُ مِنْ ذَلِكَ النُّورِ اهْتَدَى إِلَى وَلايَةِ آلِ مُحَمَّدٍ وَ مَنْ لَمْ يُصِبْهُ مِنْ ذَلِكَ النُّورِ ضَلَّ عَنْ وَلايَةِ آلِ مُحَمَّدٍ

۲۵۸ - رسول خدا ﷺ فرمود: خدای عز و جل که بهشت را آفرید از نور عرش آفریدش سپس از آن نور برگرفت و پرتاب نمود یک سوم اش بمن رسید و یک سوم به فاطمه و یک سوم به علی و خاندانش پس هر کس را که از این نور نصیبی باشد بدوستی آل محمد رهنمون گردد و هر کس را بهره‌ای از این نور نباشد راه دوستی آل محمد را گم خواهد کرد.

مردم خدای را از سه رو می‌پرستند

الناس يعبدون الله عز و جل على ثلاثة أوجه

۲۵۹ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ السَّنَانِيُّ الْمُكْتَبِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ هَارُونَ الصُّوفِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عُبَيْدُ اللَّهِ بْنُ مُوسَى الْجَبَّالُ الطَّبْرِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ الْخَشَّابُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مِحْصَنٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ ظَبْيَانَ قَالَ قَالَ الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عليه السلام إِنَّ النَّاسَ يَعْبُدُونَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى ثَلَاثَةِ أَوْجِهٍ فَطَبَقَةُ يَعْبُدُونَهُ رَغْبَةً فِي ثَوَابِهِ فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْخُرَصَاءِ وَ هُوَ الطَّمَعُ وَ آخَرُونَ يَعْبُدُونَهُ فَرَقًا مِنَ النَّارِ فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْعَبِيدِ وَ هِيَ الرَّهْبَةُ وَ لَكِنِّي أَعْبُدُهُ حُبًّا لَهُ عَزَّ وَجَلَّ فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْكِرَامِ وَ هُوَ الْأَمْنُ لِقَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ هُمْ مِنْ فَرْعِ يَوْمِنِذِ آمِنُونَ وَ لِقَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ

فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرَ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ
 فَمَنْ أَحَبَّ اللَّهُ أَحَبَّهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَ مَنْ أَحَبَّهُ اللَّهُ
 عَزَّ وَجَلَّ كَانَ مِنَ الْأَمِينِينَ

۲۵۹ - امام صادق جعفر بن محمد علیه السلام

فرمود: براستی که مردم خدای عز و جل را از سه رو می‌پرستند گروهی از این رو که به پادشاهش چشم دارند این، پرستش آزمندان است و از روی طمع است و گروهی دیگر از این رو که از آتش می‌هراسند، و این، پرستش بندگان است و از روی هراس است ولی من از روی مهری که به او عز و جل دارم او را می‌پرستم و این، پرستش جوانمردان است و از روی آرامش خواطر است چون که خدای عز و جل میفرماید: اینان از هول و هراس در چنین روز هولناکی آسوده خاطراند و چون خدای عز و جل میفرماید: بگو: (ای پیغمبر) به اینان که اگر شما دوستدار خدائید از من پیروی کنید تا خدای دوستدار شما باشد و گناهان شما را بیامزد پس هر آنکه خدای را دوست بدارد خدایش دوست بدارد و هر که را خدا دوستش بدارد از خاطر آسودگان است.

امیر المؤمنین با میزبان خود سه شرط کرد

ضمن أمير المؤمنين علیه السلام من أضافه ثلاث خصال
 ۲۶۰ - حَدَّثَنَا أَبُو مَنْصُورٍ أَحْمَدُ بْنُ
 إِبْرَاهِيمَ الْجَوْزِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا زَيْدُ بْنُ مُحَمَّدٍ
 الْبَغْدَادِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْقَاسِمِ عَبْدِ اللَّهِ
 بْنُ أَحْمَدَ الطَّائِيُّ بِالْبَصْرَةِ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ
 بْنُ مُوسَى الرَّضَا عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيِّ
 بْنِ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام أَنَّهُ دَعَاهُ رَجُلٌ فَقَالَ لَهُ
 عَلِيُّ علیه السلام عَلَى أَنْ تَضْمَنَ لِي ثَلَاثَ خِصَالٍ قَالَ وَ مَا
 هِيَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ لَا تُدْخِلْ عَلَيْنَا
 شَيْئًا مِنْ خَارِجٍ وَ لَا تَدْخِرْ عَنِّي شَيْئًا فِي

الْبَيْتِ وَ لَا تُجِيفُ بِالْعِيَالِ قَالَ ذَلِكَ لَكَ
 فَأَجَابَهُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ع
 ۲۶۰ - امام رضا عليه السلام فرمود: مردی علی عليه السلام
 را دعوت کرد علی عليه السلام به او فرمود دعوتت
 را به سه شرط می‌پذیرم، عرض کرد: آن سه
 شرط چیست یا امیر المؤمنین؟ فرمود: از
 بیرون خانه هیچ برای ما تهیه نکنی و از
 آنچه در خانه داری هیچ دریغ نداری و بر
 اهل خانه ات تنگ نگیری، عرض کرد:
 پذیرفتم، علی بن ابی طالب نیز دعوت او
 را پذیرفت.

سه صفتی که در امیر المؤمنین عليه السلام بود

ثلاث كن في أمير المؤمنين
 ۲۶۱ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ
 الطَّالِقَانِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ
 عَلِيٍّ الْعَدَوِيُّ عَنْ عَبَّادِ بْنِ صُهَيْبِ بْنِ عَبَّادِ «بُنِ
 صُهَيْبٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام
 قَالَ سَأَلَ رَجُلٌ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام فَقَالَ لَهُ
 أَسَأَلُكَ عَنْ ثَلَاثٍ هُنَّ فِيكَ أَسَأَلُكَ عَنْ قِصْرِ خَلْقِكَ
 وَ عَنْ كِبَرِ بَطْنِكَ وَ عَنْ صَلَعِ رَأْسِكَ فَقَالَ أَمِيرُ
 الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَمْ
 يَخْلُقْنِي طَوِيلًا وَ لَمْ يَخْلُقْنِي قَصِيرًا وَ لَكِنِ
 خَلَقْنِي مُعْتَدِلًا أَضْرِبُ الْقَصِيرَ فَأَقْدُهُ وَ أَضْرِبُ
 الطَّوِيلَ فَأَقْطُهُ وَ أَمَّا كِبَرُ بَطْنِي فَإِنَّ رَسُولَ
 اللَّهِ صلى الله عليه وآله عَلَّمَنِي بَابًا مِنَ الْعِلْمِ فَفَتَحَ لِي ذَلِكَ
 الْبَابُ أَلْفَ بَابٍ فَازْدَحَمَ الْعِلْمُ فِي بَطْنِي
 فَتَفَجَّتْ عَنْهُ عُضْوِي وَ أَمَّا صَلَعُ رَأْسِي فَمِنْ
 إِذْمَانِ لُبْسِ الْبَيْضِ وَ مُجَالِدَةِ الْأَقْرَانِ

۲۶۱ - امام صادق عليه السلام فرمود: شخصی از
 امیر المؤمنین پرسید و گفت: مرا درباره
 سه چیز که تو را است پرسشی است، پرسش
 از کوتاهی قامتت و از بزرگی شکمت و از
 بی‌موئی جلو سرت میباشد امیر المؤمنین
 فرمود: که خدای تبارک و تعالی مرا نه

بلند قامت آفریده است و نه کوتاه قد، بلکه میان بالایم آفریده است تا دشمن کوتاه قد خود را با شمشیر از سر به دو نیم کنم و بلند قد را از میان، و اما بزرگی شکم از آن رو است که رسول خدا ﷺ دری از دانش برویم گشود که هزار در از آن بر من گشوده شد از فشرده گی دانش در اندروم شکم من بزرگ شد.

اما بی موئی جلو سرم از این رو است که همواره کلاه خود بر سر دارم و با قهرمانان در پیکارم

شرح:

تاثیر ملکات باطنی و حالات روحی در قیافه ظاهری جای انکار نیست.

لذا قیافه شناسان از اعضای ظاهری روحيات اشخاص را تشخیص میدهند و شاید بزرگ شدن شکم اثر زیادی علم در همگان و یا در بعضی بخصوص باشد و الله اعلم.

بریره: آزاد شده عایشه، مورد وضع و اجراء سه قانون عمومی گردید جرت فی بریره مولاة عائشة ثلاث من السنن

۲۶۲ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ أَحْمَدَ وَ عَبْدِ اللَّهِ ابْنِي مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ حَمَادِ بْنِ عَثْمَانَ النَّابِ عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ عَلِيٍّ الْحَلِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ ذَكَرَ أَنَّ بَرِيرَةَ كَانَتْ عِنْدَ زَوْجِ لَهَا وَ هِيَ مَمْلُوكَةٌ فَاشْتَرَتْهَا عَائِشَةُ فَأَعْتَقَتْهَا فَخَيْرَهَا رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله إِنْ شَاءَتْ أَنْ تَقِرَّ عِنْدَ زَوْجِهَا وَ إِنْ شَاءَتْ فَارْقَتْهُ وَ كَانَ مَوَالِيهَا الَّذِينَ بَاعَوْهَا قَبْدِ اشْتَرَطُوا عَلَى عَائِشَةَ أَنْ لَهُمْ وَاوْلَاءُهَا فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله الْوَالِئُ لِمَنْ أَعْتَقَ وَ صَدَّقَ عَلَيَّ بِرِيرَةَ بِلَحْمٍ فَأَهْدَتْهُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله فَحَلَقْتُهُ عَائِشَةُ وَ قَالَتْ إِنْ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله لَا يَأْكُلُ الصَّدَقَةَ فَجَاءَ

رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَ اللَّحْمُ مُعَلَّقٌ فَقَالَ مَا شَأْنُ هَذَا
اللَّحْمِ لَمْ يُطَبَّخْ قَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ صُدِّقَ بِهِ
عَلَى بَرِيرَةَ فَأَهْدَتْهُ لَنَا وَ أَنْتَ لَا تَأْكُلُ
الصَّدَقَةَ فَقَالَ هُوَ لَهَا صَدَقَةٌ وَ لَنَا هَدِيَّةٌ ثُمَّ
أَمَرَ بِطَبْخِهِ فَجَزَتْ فِيهَا ثَلَاثٌ مِنَ السُّنَنِ

۲۶۲ - امام صادق عليه السلام فرمود: بریرة
کنیزی بود شوهردار عایشه او را خرید و
آزادش نمود رسول خدا صلی الله علیه و آله بریرة را پس از
آزادی اختیار داد که اگر مایل است هم
چنان نزد شوهرش بماند و اگر نه از او
جدا شود (این یکی از دستورات سه‌گانه بود
که کنیز شوهر دار پس از آزاد شدن اختیار
فسخ عقد زوجیت قبلی را دارد) و دیگر
آنکه صاحبان اولیه بریره با عایشه شرط
کرده بودند که حق آزاد کردن بریرة با
آنان باشد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: حق آزاد کردن
مخصوص کسی است که بنده‌ای آزاد کند (این
دومین قانون اسلامی در جریان بریرة بود
حق آزاد کردن که در عرب (ولاء) اش نامند
از حقوقی بود که منشأ آثاری بود از جمله
آنکه اگر غلام یا کنیزی پس از آزاد شدن
بمیرد و فامیلی نداشته باشد که وارث او
گردد آنکه آزادش نموده وارث او خواهد
بود رسول خدا صلی الله علیه و آله در جریان بریره این
دستور الهی را وضع فرمود که حق ولاء
مخصوص کسی است که بنده‌ای را آزاد کرده
باشد و صاحبان غلامان و کنیزان نمیتوانند
هنگام فروش غلام و کنیز حق ولاء را بخود
اختصاص دهند، گوشتی به بریره صدقه دادند
بریره آن را به خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله هدیه
کرد عایشه آن گوشت را نه پخته از جایی
بیاویخت و گفت: که رسول خدا صلی الله علیه و آله صدقه
نمیخورد رسول خدا صلی الله علیه و آله تشریف آورد و گوشت
هم چنان آویزان بود فرمود: چرا از این

گوشت برای پخت استفاده نشده است؟ عایشه گفت:

یا رسول الله این گوشت را به بریره صدقه داده اند او نیز آن را بما هدیه نموده است در حالی که شما صدقه نمیخورید فرمود: آن گوشت بریره را صدقه است و ما را هدیه و دستور پخت آن را داد (این سومین قانون بود که هاشمی میتواند از صدقه ای که فقیر گرفته بعنوان هدیه استفاده کند) پس در باره بریره سه قانون وضع و اجراء گردید.

سه نفر به رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم دروغ می‌بستند ثلاثة كانوا يكذبون على رسول الله ص

٢٦٣ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ الطَّالِقَانِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ الْعَزِيزِ بْنُ يَحْيَى قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ زَكْرِيَّا قَالَ حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عُمَارَةَ عَنْ أَبِيهِ قَالَ سَمِعْتُ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ عليه السلام يَقُولُ ثَلَاثَةٌ كَانُوا يَكْذِبُونَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ أَبُو هُرَيْرَةَ وَ أَنَسُ بْنُ مَالِكٍ وَ امْرَأَةٌ

٢٦٣ - عمارة گوید: شنیدم امام صادق عليه السلام میفرمود: سه نفر بودند که کارشان دروغ بستن به رسول خدا صلی الله علیه وآله بود: ابو هریره و انس بن مالک و یک زن.

سه کس لعن شدند يك جلودار و يك راننده و يك سوار

ثلاثة ملعونون قائد و سائق و راكب
٢٦٤ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ الصَّقْرِ الصَّائِغُ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو حُصَيْنٍ مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادِ الرَّعْفَرَانِيِّ عَنْ أَبِي الْأَحْوَصِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ بْنُ أَبِي شَيْبَةَ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عَسَانَ قَالَ حَدَّثَنَا حُمَيْدُ بْنُ عَبْدِ

الرَّحْمَنِ قَالَ حَدَّثَنَا الْأَعْمَشُ عَنْ عَمْرِو بْنِ مُرَّةَ
عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَارِثِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَالِكِ
الزُّبَيْدِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو أَنَّ أَبَا سُفْيَانَ
رَكِبَ بَعِيرًا لَهُ وَ مُعَاوِيَةَ يَقُودُهُ وَ يَزِيدُ
يَسُوقُ بِهِ فَلَعَنَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ الرَّاكِبَ وَ الْقَائِدَ
وَ السَّائِقَ

۲۶۴ - عبد الله بن عمر گوید: ابوسفیان بر
شترش سوار بود معاویه مهار شتر میکشید و
یزید به دنبال، شتر را میراند پس رسول
خدا ﷺ سوار و جلو دار و راننده هر سه
را لعن فرمود.

شرح:

مقصود از یزید در این روایت برادر
بزرگ معاویه پسر ابو سفیان است.

سه کسانند که معلوم نیست گناه کدام يك بزرگتر است

ثلاثة لا أدري أيهم أعظم جرما
۲۶۵ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ السَّنَانِيُّ
الْمُكْتَبُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ
يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا الْقَطَّانُ عَنْ بَكْرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ
بْنِ حَبِيبٍ عَنْ تَمِيمِ بْنِ بُهْلُولٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ
عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْفَضْلِ الْهَاشِمِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ
قَالَ ثَلَاثَةٌ لَا أَدْرِي أَيُّهُمْ أَعْظَمُ جُرْمًا الَّذِي
يَمْشِي خَلْفَ جَنَازَةٍ فِي مُصِيبَةٍ غَيْرِهِ بَعِيرٍ رِذَاءٍ
أَوْ الَّذِي يَضْرِبُ يَدَهُ عَلَى فَخِذِهِ عِنْدَ الْمُصِيبَةِ
أَوْ الَّذِي يَقُولُ ارْفُقُوا بِهِ وَ تَرَحَّمُوا عَلَيْهِ
يَرْحَمُكُمْ اللَّهُ

۲۶۵ - امام صادق ﷺ فرمود: سه کسانند
که نمیدانم کدام يك گناهش بزرگتر است:
آنکه بی‌عبا دنبال جنازه دیگری میرود و
آنکه به هنگام مصیبت دست بر زانو میزند
و آنکه دنبال جنازه میگوید! با مرده
مدارا کنید و ترحم‌ش نمائید خدا به شما
رحم کند.

۲۶۶ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ أَبِيهِ عَنِ آبَائِهِ عَنِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ ثَلَاثَةٌ لَا أُدْرَى أَيُّهُمْ أَعْظَمُ جُرْمًا الَّذِي يَمْشِي مَعَ الْجَنَازَةِ بِغَيْرِ رِذَاءٍ وَ الَّذِي يَقُولُ ارْزُقُوا بِهِ وَ الَّذِي يَقُولُ اسْتَغْفِرُوا لَهُ غَفَرَ اللَّهُ لَكُمْ

۲۶۶ - رسول خدا ﷺ فرمود: سه کسانند که نمیدانم کدام یک گناهش بزرگتر است: آنکه به دنبال جنازه بی‌عبا میرود و آنکه میگوید: با مرده مدارا کنید و آنکه میگوید: برای مرده آمرزش بخواهید که خدا شما را بیامرزد.

شرح: بی‌عبا به دنبال جنازه رفتن که در این دو روایت نهی شده است از این جهت است که نباید بمنظور جلب توجه دیگران کسی خود را مصیبت زده قلمداد کند تا مگر با تعزیتی که او را گویند و انتسابش را بمرده گمان برند کسب موقعیت و شخصیتی بنمایند و این معنی از جمله (فی مصیبة غیره) بخوبی استفاده می‌شود.

و اما صاحب مصیبت اگر بدون عبا دنبال جنازه راه بیفتد اشکالی ندارد بلکه سزاوار چنین است.

زیرا امام صادق علیه السلام فرمود: سزاوار است که مصیبت زده عبا از دوش برگیرد تا مردم بشناسند صاحب عزا را.

و اما دست بر ران زدن که نهی شده است از این رو است که با مقام صبر و رضا در مصیبت منافات دارد چنانچه در روایتی امام صادق از رسول خدا ﷺ نقل میفرماید که فرمود:

مسلمان که به هنگام مصیبت دست بر ران خود زند پاداش مصیبت‌اش ضایع شود و اما گفتار: مرده را رحم کنید و برایش آمرزش

بخواهید ... شاید از این رو قدغن شده است که متضمن توهین و تحقیر مرده است گوئی گناهِش در نزد گوینده این سخن مسلم است که از دیگران درخواست میکند برای او طلب آمرزش نمایند و الله اعلم.

براء بن معرور انصاری مورد وضع و اجرای سه قانون عمومی گردید جرت فی البراء بن معرور الأنصاری ثلاث من السنن ۲۶۷ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ زِيَادٍ بْنُ جَعْفَرِ الْهَمْدَانِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَمْرِو بْنِ عَثْمَانَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُصْعَبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ جَرَّتْ فِي الْبِرَاءِ بْنِ مَعْرُورٍ الْأَنْصَارِيِّ ثَلَاثٌ مِنَ السُّنَنِ أَمَّا أَوْلَاهُنَّ فَإِنَّ النَّاسَ كَانُوا يَسْتَنْجُونَ بِالْأَحْجَارِ فَأَكَلَ الْبِرَاءُ بْنُ مَعْرُورٍ الدُّبَاءَ فَلَانَ بَطْنُهُ فَاسْتَنْجَى بِالْمَاءِ فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِيهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَ يُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ فَجَرَّتِ السُّنَّةُ فِي الْإِسْتِنْجَاءِ بِالْمَاءِ فَلَمَّا حَضَرَتْهُ الْوَفَاةُ كَانَ غَائِبًا عَنِ الْمَدِينَةِ فَأَمَرَ أَنْ يُحَوَّلَ وَجْهُهُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَ أَوْصَى بِالثُّلْثِ مِنْ مَالِهِ فَنَزَلَ الْكِتَابُ بِالْقِبْلَةِ وَ جَرَّتِ السُّنَّةُ بِالثُّلْثِ

۲۶۷ - امام صادق فرمود: درباره براء بن معرور انصاری سه قانون از قوانین عمومی اسلام وضع و اجراء گردید. اما اولی آن بود که مردم با سنگها محل مدفوع را پاک میکردند براء بن معرور گردویی خورد و لینت مزاج یافت و خود را با آب شست خدای عز و جل در باره او این آیه فرو فرستاد: ﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَ يُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ﴾:

(به راستی که خداوند آنان را که بسیار توبه میکنند دوست میدارد و آنان را که بسیار پاکیزه اند دوست میدارد) سپس این دستور بطور عموم اجراء گردید. (و دیگر آنکه) چون مرگ براء فرا رسید بیرون شهر

مدینه بود دستور داد که رویش را بسوی رسول خدا ﷺ برگردانند و وصیت کرد که يك سوم از دارائی‌اش را در راه خدا صرف کنند پس آیه قبله نازل شد و قانون جواز وصیت به ثلث بطور عموم وضع گردید.
شرح:

در روایت کافی و علل امام صادق میفرماید: که براء بن معرور تمیمی انصاری در مدینه بود و رسول خدا ﷺ در مکه چون هنگام مرگ براء فرا رسید مسلمانان هنوز بسوی بیت المقدس نماز میخواندند پس براء وصیت کرد که او را رو بسوی رسول خدا ﷺ دفن کنند که رو بقبله میشد و همین دستور بطور عموم وضع گردید. صفوان بن امیه جمعی مورد وضع و اجرای سه قانون عمومی گردید جرت فی صفوان بن امیه الجمعی ثلاث من السنن

۲۶۸ - قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ جَرَّتْ فِي صَفْوَانَ بْنِ أُمِيَّةَ الْجَمْعِيِّ ثَلَاثٌ مِنَ السُّنَنِ اسْتَعَارَ مِنْهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ سَبْعِينَ دِرْعًا حَطْمِيَّةً فَقَالَ أَعْضَبًا يَا مُحَمَّدُ قَالَ بَلْ عَارِيَّةٌ مُؤَدَّاهُ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَوْ قَبْلَ هِجْرَتِي فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ لَا هِجْرَةَ بَعْدَ الْفَتْحِ وَكَانَ رَاقِدًا فِي مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَتَحْتَ رَأْسِهِ رِذَاؤُهُ فَخَرَجَ يَبُولُ فَجَاءَ وَكَانَ سُرِقَ رِذَاؤُهُ فَقَالَ مَنْ ذَهَبَ بِي رِذَائِي وَخَرَجَ فِي طَلْبِهِ فَوَجَدَهُ فِي يَدِ رَجُلٍ فَرَفَعَهُ إِلَى النَّبِيِّ ﷺ فَقَالَ اقْطَعُوا يَدَهُ فَقَالَ أَ تَقْطَعُ يَدَهُ مِنْ أَجْلِ رِذَائِي يَا رَسُولَ اللَّهِ فَإِنَّا أَهْبُهُ لَهُ فَقَالَ أَلَا كَانَ هَذَا قَبْلَ أَنْ تَأْتِيَنِي بِهِ فَقَطَعْتَ يَدَهُ

لسعد بن معاذ ثلاثة مواقف في الإسلام لو كانت واحدة منهن لجميع الناس لاكتفوا بها فضلا

۲۶۸ - امام صادق عليه السلام فرمود: صفوان بن امیه جمعی مورد وضع و اجرای سه قانون عمومی گردید

۱ - رسول خدا ﷺ از صفوان هفتاد زره حطمی‌باف به عاریه خواست صفوان عرض کرد: یا محمد آیا می‌خواهی به زور از من بستانی؟ فرمود نه بلکه عاریه است و دوباره باز پس خواهم داد.

این يك قانون: که میتوان مالی را از کسی به عاریه گرفت و بدون اینکه بملك‌گیرنده داخل شود در آن تصرف نمود.

۲ - عرض کرد: یا رسول الله هجرت مرا از مکه به مدینه بپذیر (و مرا جزو مهاجرین بشمار) فرمود: پس از فتح مکه هجرت هیچ کس پذیرفته نیست (این قانون دوم که عنوان مهاجر مخصوص آنانی است که پیش از فتح مکه بمدینه مهاجرت کرده‌اند).

۳ - صفوان در مسجد رسول خدا ﷺ بخواب بود و عباى خود را به زیر سر نهاده بود از مسجد بیرون شد تا ادرار کند چون بازگشت عبايش دزدیده شده بود فریاد زد عباى مرا کی برد؟ و در جستجوی آن از مسجد بیرون شد عبا را در دست مردی یافت. دزد را بنزد پیغمبر کشاند، رسول خدا ﷺ فرمود دستش را ببرید صفوان گفت: یا رسول الله برای عباى من دست این مرد بریده شود؟ من عبا را باو بخشیدم.

فرمود: چرا پیش از آنکه بنزد منش آورند نه بخشیدی، پس دست دزد بریده شده (این قانون سوم بود که پس از صدور حکم از جنبه عمومی نباید حکم تعطیل شود گرچه مدعی از دعواى خصوصی خود صرف نظر نماید) (سعد بن معاذ را سه موقعیت در اسلام هست که اگر یکی از آنها همه مردم را بود برتریشان را کافی بود

دانشمندان سه دسته اند

حملة العلم على ثلاثة أصناف
٢٦٩ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكَّلِ
رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ
السَّعْدِ أَبَا دِي قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ
الْبَرْقِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي الْجَارُودِ
زِيَادِ بْنِ الْمُنْذِرِ عَنْ سَعِيدِ بْنِ عِلَاقَةَ قَالَ قَالَ
أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام طَلَبَةُ هَذَا الْعِلْمِ عَلَى
ثَلَاثَةِ أَصْنَافٍ أَلَا فَاعْرِفُوهُمْ بِصِفَاتِهِمْ وَ
أَعْيَانِهِمْ صِنْفٌ مِنْهُمْ يَتَعَلَّمُونَ لِلْمِرَاءِ وَ
الْجَهْلِ وَ صِنْفٌ مِنْهُمْ يَتَعَلَّمُونَ لِلِاسْتِطَالَةِ وَ
الْخُتْلِ وَ صِنْفٌ مِنْهُمْ يَتَعَلَّمُونَ لِلْفِقْهِ وَ الْعَقْلِ
فَأَمَّا صَاحِبُ الْمِرَاءِ وَ الْجَهْلِ تَرَاهُ مُؤْذِيًا
مُمَارِيًا لِلرَّجَالِ فِي أُنْدِيَةِ الْمَقَالِ وَ قَدْ
تَسَرَّبَلُ بِالتَّخْشَعِ وَ تَخْلَى مِنَ الْوَرَعِ فَدَقُّ اللَّهُ مِنْ
هَذَا حَيْرُومَهُ وَ قَطَعَ مِنْهُ حَيْشُومَهُ أَمَّا صَاحِبُ
الِاسْتِطَالَةِ وَ الْخُتْلِ فَإِنَّهُ يَسْتَطِيلُ عَلَى
أَشْبَاهِهِ مِنْ أَشْكَالِهِ وَ يَتَوَاضَعُ لِلْأَغْنِيَاءِ مِنْ
دُونِهِمْ فَهُوَ لِحُلُوانِهِمْ هَاضِمٌ وَ لِدِينِهِ حَاطِمٌ
فَاعْمَى اللَّهُ مِنْ هَذَا بَصَرَهُ وَ قَطَعَ مِنْ آثَارِ
الْعُلَمَاءِ أَثَرَهُ وَ أَمَّا صَاحِبُ الْفِقْهِ وَ الْعَقْلِ
تَرَاهُ ذَا كَأَبَةٍ وَ حُزْنٍ قَدْ قَامَ اللَّيْلُ فِي
حِنْدِسِهِ وَ قَدْ انْحَنَى فِي بُرْنُسِهِ يَعْْمَلُ وَ يَخْشَى
خَائِفًا وَجِلًّا مِنْ كُلِّ أَحَدٍ إِلَّا مِنْ كُلِّ فَقِيهِهِ مِنْ
إِخْوَانِهِ فَشَدَّ اللَّهُ مِنْ هَذَا أَرْكَانَهُ وَ أَعْطَاهُ يَوْمَ
الْقِيَامَةِ أَمَانَهُ

٢٦٩ - امير المؤمنين عليه السلام فرمود:
دانشجویان دینی سه دسته اند هان که آنان
را با علائم و مشخصات بشناسید دسته ای از
آنان دانش را بمنظور خود نمائی و
جهالتورزی می آموزند و دسته دیگر هدفشان
گردن فرازی و نیرنگ بازی است و يك دسته
برای فهمیدن و پابند بودن.

اما خودنما و جهالتورز را بینی که در
انجمن های سخن به آزار دیگران پردازد و
با مردم بجدال خیزد جامه خدا ترسی در بر

کرده ولی در دل پروائی از خدا ندارد خدا
سینه چنین دانشمندی را بشکند و بینی‌اش
را از بن بر کند.

و اما گردن فراز و دغل باز، بر همشکلان
خود کردن فرازد و در برابر ثروتمندان
دیگر فروتنی کند تا نعمت‌های شیرین آنان
خورد و دین خود را بشکند خدا دیده
بینائی چنین عالمی را کور فرماید و از
میان دانشمندان نام و نشانش بر کند.

و اما دانشمند فقیه و خردمند را بینی
که اندوهناک و شکسته خاطر در دل شبهای
تار بنماز بر خواسته و با شب کلاه مخصوص
عبادت کمر اطاعت در برابر حق خم نموده
با همه اطاعت و بندگی از خداوند هراسناک
است و جز با برادران دینی و فهمیده از
همه ترسناک و کناره گیر است خدای پایه
چنین دانشمندی را استوار کند و در روز
رستاخیز آسوده خاطرش فرماید.

هر کس با سه کس ستیزه کند خوار گردد

ثلاثة من عازهم ذل

۲۷۰ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ الْهَيْثَمِ الْعَجَلِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ أَحْمَدُ بْنُ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا الْقَطَّانُ قَالَ حَدَّثَنَا بَكْرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَبِيبٍ قَالَ حَدَّثَنَا تَمِيمُ بْنُ بَهْلُولٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْفَضْلِ الْهَاشِمِيِّ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام ثَلَاثَةٌ مَنْ عَاَزَهُمْ ذَلَّ الْوَالِدُ وَالسُّلْطَانُ وَالْغَرِيمُ

۲۷۰ - امام صادق عليه السلام فرمود: هر کس با سه کس ستیزه کند خوار گردد: پدر، و پادشاه، و طلبکار.

مردم در باره قضا و قدر سه نوع عقیده دارند

الناس في القدر على ثلاثة أوجه

۲۷۱ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ هَارُونَ الْقَامِيُّ وَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ مَسْرُورٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَا حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ بْنِ بُطَّةَ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّقَّارُ وَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ مَخْبُوبٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ عَنْ أَحْمَدَ بْنَ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى الْجُهَنِيِّ عَنْ حَرِيزِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ النَّاسُ فِي الْقَدْرِ عَلَى ثَلَاثَةِ أَوْجِهٍ رَجُلٌ يَزْعُمُ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَجْبَرَ النَّاسَ عَلَى الْمَعَاصِي فَهَذَا قَدْ ظَلَمَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِي حُكْمِهِ فَهُوَ كَافِرٌ وَ رَجُلٌ يَزْعُمُ أَنَّ الْأَمْرَ مَقْضٍ إِلَيْهِمْ فَهَذَا قَدْ وَهَّنَ اللَّهُ فِي سُلْطَانِهِ فَهُوَ كَافِرٌ وَ رَجُلٌ يَقُولُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ كَلَّفَ الْعِبَادَ مَا يُطِيقُونَ وَ لَمْ يُكَلِّفْهُمْ مَا لَا يُطِيقُونَ فَإِذَا أَحْسَنَ حَمْدَ اللَّهِ وَ إِذَا أَسَاءَ اسْتَغْفَرَ اللَّهُ فَهَذَا مُسْلِمٌ بَالِغٌ وَ اللَّهُ الْمُؤَفَّقُ

۲۷۱ - امام صادق عليه السلام فرمود: مردم در باره تقدیر سه نوع عقیده دارند یکی گمان کند که خدای عز و جل مردم را بگناه

مجبور نموده است این شخص بر خدا در حکمی که در باره کیفر گناه اجرا میفرماید ستم روا داشته و کافر است و کسی گمان کند که همه کارها بدست مردم سپرده شده است این شخص بمقام شامخ سلطنت الهی اهانت نموده و کافر است و کسی چنین عقیده دارد که خداوند بقدر طاقت بندگان تکلیف معین فرموده و آنچه را طاقت ندارند تکلیفشان نکرده است چون کار نیک انجام دهد خدای را سپاسگزار است و چون کار بد کند از خداوند آمرزش طلبد این شخص مسلمان کاملی است.

باب الأربعة (باب خصلتهای چهارگانه)

فرمایش پیغمبر که چهار کساند که خودم از آنان شفاعت خواهم نمود قول النبی ﷺ أربعة أنا الشفيع لهم يوم القيامة

۱ - حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْوَهَّابِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو نَصْرٍ مَنْصُورُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْأَصْبَهَانِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا دَاوُدُ بْنُ سُلَيْمَانَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَرْبَعَةٌ أَنَا الشَّفِيعُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَوْ أَتَوْنِي بِذُنُوبِ أَهْلِ الْأَرْضِ مُعِينٌ أَهْلَ بَيْتِي وَ الْقَاضِي لَهُمْ حَوَائِجَهُمْ عِنْدَ مَا اضْطُرُّوا إِلَيْهِ وَ الْمُجِبُّ لَهُمْ بِقَلْبِهِ وَ لِسَانِهِ وَ الدَّافِعُ عَنْهُمْ بِيَدِهِ

۱ - رسول خدا ﷺ فرمود: چهار کس را روز قیامت خودم شفاعت خواهم نمود هر چند با بار گناه مردم روی زمین به نزد من آیند: یاور خاندانم را و آن را که نیازمندی آنان را هنگامی که راه چاره بر آنان بسته باشد برطرف سازد و آن را که آنان را به دل و زبان دوست داشته باشد و آن را که با دست خویش از آنان دفاع نماید.

کیفر کسی که در چهار چیز همسر خود را اطاعت کند

عقوبة من أطاع امرأته في أربعة أشياء
٢ - حَدَّثَنَا أَبُو الْحُسَيْنِ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الشَّاهِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو حَامِدٍ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو يَزِيدَ أَحْمَدُ بْنُ خَالِدِ الْخَالِدِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ صَالِحِ التَّمِيمِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي قَالَ حَدَّثَنَا أَنَسُ بْنُ مُحَمَّدٍ أَبُو مَالِكٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام عَنِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله أَنَّهُ قَالَ فِي وَصِيَّتِهِ لَهَا يَا عَلِيُّ مَنْ أَطَاعَ امْرَأَتَهُ أَكْبَهُهُ اللَّهُ عَلَى وَجْهِهِ فِي النَّارِ فَقَالَ عَلِيُّ عليه السلام وَمَا تِلْكَ الطَّاعَةَ قَالَ يَأْذُنُ لَهَا فِي الذَّهَابِ إِلَى الْحَمَامَاتِ وَالْعُرْسَاتِ وَالنِّيَاحَاتِ وَ لُبْسِ الثِّيَابِ الرَّقَاقِ
٣ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنْ أَبِي هَمَّامٍ إِسْمَاعِيلَ بْنِ هَمَّامٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدِ بْنِ غَزْوَانَ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيِّ عليه السلام قَالَ مَنْ أَطَاعَ امْرَأَتَهُ فِي أَرْبَعَةِ أَشْيَاءَ أَكْبَهُهُ اللَّهُ عَلَى مَنْخَرِيهِ فِي النَّارِ قِيلَ وَمَا هِيَ قَالَ فِي الثِّيَابِ الرَّقَاقِ وَالْحَمَامَاتِ وَالْعُرْسَاتِ وَالنِّيَاحَاتِ

٢ - امير المؤمنين عليه السلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه وآله ضمن وصیت خود به من فرمود: یا علی هر که همسر خود را اطاعت کند خداوندش به رو در آتش افکند علی عليه السلام عرض کرد این اطاعت در چه موردی است؟

فرمود: به همسر خود اجازه بدهد که به حمامهای بیرون خانه و مجالس عروسی و مجالس نوحه سرائی برود و جامه های بدن نما بپوشد.

٣ - علی عليه السلام فرمود: هر کس در چهار چیز سر به فرمان همسر خود باشد خداوند به رو

در آتش‌اش افکند عرض شد: آن چهار چیز چیست؟ فرمود پوشیدن لباس‌های نازک و بدن نما و رفتن به حمامها و مجالس عروسی و نوحه‌سرائی.

تیر دعای چهار کس به خطا نرود

أربعة لا ترد لهم دعوة

٤ - حَدَّثَنَا أَبُو الْحُسَيْنِ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الشَّاهِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو حَامِدٍ أَحْمَدُ بْنُ الْحُسَيْنِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو يَزِيدَ أَحْمَدُ بْنُ خَالِدِ الْخَالِدِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ صَالِحِ التَّمِيمِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي قَالَ حَدَّثَنِي أَنَسُ بْنُ مُحَمَّدٍ أَبُو مَالِكٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ فِي وَصِيَّتِهِ لَهُ يَا عَلِيُّ أَرْبَعَةٌ لَا تُرَدُّ لَهُمْ دَعْوَةٌ إِمَامٌ عَادِلٌ وَوَالِدٌ لِوَلَدِهِ وَ الرَّجُلُ يَدْعُو لِأَخِيهِ بِظَهْرِ الْغَيْبِ وَ الْمَظْلُومُ يَقُولُ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ وَ عَزَّتْ عِزَّتِي وَ جَلَالِي لِأَنْتَصِرَنَّ لَكَ وَ لَوْ بَعْدَ حِينٍ

٤ - علی عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ضمن وصیتی به علی عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود یا علی چهار کس را دعا باز نگردد پیشوای عادل و دعای پدر درباره فرزند و دعای غایبانه شخص در باره برادر دینی و دعای ستمدیده، که خدا به ستمدیده میفرماید به عزت و جلال خودم سوگند بطور حتم و مسلم هر وقت شده انتقام تو را خواهم گرفت.

بایداری دین بوسیله چهار کس است

قوام الدین بأربعة

ه - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّقَّارُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قِيَامُ الدِّينِ بِأَرْبَعَةٍ بَعَالِمٍ نَاطِقٍ مُسْتَعْمِلٍ لَهُ وَ بَعْنِي لَا يَبْخُلُ بِفَضْلِهِ عَلَى أَهْلِ دِينِ اللَّهِ وَ بِفَقِيرٍ لَا يَبِيعُ آخِرَتَهُ بِدُنْيَاةٍ وَ بِجَاهِلٍ لَا يَتَكَبَّرُ عَنْ

طَلَبِ الْعِلْمِ فَإِذَا كَتَمَ الْعَالِمُ عِلْمَهُ وَ بَخَلَ
الْغَنِيَّ بِمَالِهِ وَ بَاعَ الْفَقِيرُ آخِرَتَهُ بِدُنْيَاهُ
وَ اسْتَكْبَرَ الْجَاهِلُ عَنِ طَلَبِ الْعِلْمِ رَجَعَتْ
الدُّنْيَا إِلَى وَرَائِهَا الْقَهْقَرَى فَلَا تُعْرَنُّكُمْ
كَثْرَةُ الْمَسَاجِدِ وَ أَجْسَادُ قَوْمٍ مُخْتَلِفَةٍ قِيلَ يَا
أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ كَيْفَ الْعَيْشُ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ
فَقَالَ خَالِطُوهُمْ بِالْبِرَّانِيَّةِ يَعْنِي فِي الظَّاهِرِ
وَ خَالِفُوهُمْ فِي الْبَاطِنِ لِمَرْءٍ مَا اكْتَسَبَ وَ
هُوَ مَعَ مَنْ أَحَبَّ وَ انْتَظِرُوا مَعَ ذَلِكَ الْفَرَجَ مِنْ
اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ

۵ - امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: دین با
چهار کس برپا است.

۱ - دانشمند گویا که به دانش خویش عمل
کند.

۲ - ثروتمندی که از ما زاد ثروتاش بر
اهل دین خدا دریغ نوزد و فقیری که
آخرتش را به دنیا بفروشد و نادانی که از
دانشجویی تکبر نکند پس هنگامی که
دانشمند دانش خویش را پنهان کند و
ثروتمند به مال خود بخل ورزد و فقیر
آخرتش را به دنیا بفروشد و نادان از
دانش طلبی تکبر نماید دنیا پس پس به عقب
باز گردد.

بنا بر این زیاد شدن مسجدها و مردمی
که در آنها رفت و آمد کنند شما را
نفریبد عرض شد: یا امیر المؤمنین در
چنین روزگاری وظیفه زندگی چیست؟ فرمود:
در ظاهر با آنان آمیزش داشته باشید ولی
در باطن با آنان مخالفت ورزید که هر کس
نتیجه کردار خود را خواهد برد و با هر
کس دوست باشد با او محشور خواهد بود و
با این حال به انتظار فرج از جانب
خداوند باشید.

خداوند کسی را که در چهار مورد سخت گیر نبود

آمرزید غفر الله عز و جل لرجل كان سهلا
في أربعة أحوال
٦ - حَدَّثَنَا أَبُو نَصْرٍ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ
تَمِيمِ السَّرْحَسِيِّ الْفَقِيهَ بِسَرْحَسَ قَالَ حَدَّثَنَا
أَبُو الْوَلِيدِ مُحَمَّدُ بْنُ إِدْرِيسَ الشَّامِيُّ قَالَ
حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدِ الرَّعْفَرَانِيِّ قَالَ
حَدَّثَنَا عَبْدُ الْوَهَّابِ بْنُ عَطَاءٍ قَالَ حَدَّثَنَا
إِسْرَائِيلُ بْنُ يُونُسَ عَنْ زَيْدِ بْنِ عَطَاءٍ بْنِ سَائِبٍ
عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْمُنْكَدِرِ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ
قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ غَفَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِرَجُلٍ
كَانَ مِنْ قَبْلِكُمْ كَانَ سَهْلًا إِذَا بَاعَ سَهْلًا إِذَا
اشْتَرَى سَهْلًا إِذَا قَضَى سَهْلًا إِذَا اقْتَضَى
٦- رسول خدا ﷺ فرمود: خدای عز و جل
مردی را از پیشینیان که در خرید و فروش
و داد و ستد سخت نمیگرفت آمرزید.
مطلوبات الناس فی الدنيا الفانیة
أربعة

خواستہ مردم در دنیای فانی چہار چیز است

٧ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْقَطَّانُ قَالَ
حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيِّ السُّكْرِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا
مُحَمَّدُ بْنُ زَكَرِيَّا الْجَوْهَرِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا جَعْفَرُ
بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عُمَارَةَ عَنْ أَبِيهِ قَالَ قَالَ
الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ
الدُّنْيَا الْفَانِيَّةُ أَرْبَعَةٌ الْغِنَى وَ الدَّعَةُ وَ
قِلَّةُ الْإِهْتِمَامِ وَ الْعِزُّ فَأَمَّا الْغِنَى فَمَوْجُودٌ
فِي الْقَنَاعَةِ فَمَنْ طَلَبَهُ فِي كَثْرَةِ الْمَالِ لَمْ
يَجِدْهُ وَ أَمَّا الدَّعَةُ فَمَوْجُودَةٌ فِي خِفَّةِ الْمَحْمِلِ
فَمَنْ طَلَبَهَا فِي ثِقَلِهِ لَمْ يَجِدْهَا وَ أَمَّا قِلَّةُ
الْإِهْتِمَامِ فَمَوْجُودَةٌ فِي قِلَّةِ الشُّغْلِ فَمَنْ طَلَبَهَا
مَعَ كَثْرَتِهِ لَمْ يَجِدْهَا وَ أَمَّا الْعِزُّ فَمَوْجُودٌ فِي

خِدْمَةُ الْخَالِقِ فَمَنْ طَلَبَهُ فِي خِدْمَةِ الْمَخْلُوقِ
لَمْ يَجِدْهُ

۷ - امام صادق عليه السلام فرمود: خواسته مردم در دنیای فانی چهار چیز است: بی‌نیازی و آسایش، و کمتر غمناک بودن و عزت، اما بی‌نیازی در قناعت است و هر کس آن را در زیادی ثروت بجوید نخواهد یافت و اما آسایش در سبکباری است و هر کس به زیر بار سنگین رود روی آسایش را نخواهد دید و اما کمتر غمناک بودن در کم شغلی و هر کس آن را در پر شغلی بجوید نخواهد یافت و اما عزت در فرمانبرداری آفریدگار است و هر کس آن را در فرمانبرداری آفریدگان بجوید نخواهد یافت.

**هیچ بنده‌ای ایمان نخواهد داشت تا آنکه
به چهار چیز عقیده‌مند باشد**

لا يؤمن عبد حتى يؤمن بأربعة
۸ - أَخْبَرَنِي الْخَلِيلُ بْنُ أَحْمَدَ السَّجْزِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْحَاقَ بْنِ حَزِيمَةَ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ حَجْرٍ قَالَ حَدَّثَنَا شَرِيكٌ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ الْمُعْتَمِرِ عَنْ رَبِيعِ بْنِ خِرَاشٍ عَنْ عَلِيِّ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله لَا يُؤْمِنُ عَبْدٌ حَتَّى يُؤْمِنَ بِأَرْبَعَةٍ حَتَّى يَشْهَدَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ بَعَثَنِي بِالْحَقِّ وَ حَتَّى يُؤْمِنَ بِالْبَعْثِ بَعْدَ الْمَوْتِ وَ حَتَّى يُؤْمِنَ بِالْقَدْرِ

۸ - رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: هیچ بنده‌ای ایمان نخواهد داشت تا آنکه به چهار چیز عقیده‌مند باشد:

گواهی دهد که جز خدای یگانه خدائی نیست و شریک ندارد و من فرستاده خداوندم که بحق مرا مبعوث فرموده و تا عقیده‌مند باشد به رستاخیز پس از مرگ و عقیده داشته باشد به تقدیرات الهی.

امیر المؤمنین را چهار انگشتر بود

كان لأمير المؤمنين عليه السلام أربعة خواتيم
٩ - حَدَّثَنَا أَبُو سَعِيدٍ مُحَمَّدُ بْنُ الْفَضْلِ بْنِ
مُحَمَّدِ بْنِ إِسْحَاقَ الْمُدَكَّرُ قَالَ أَخْبَرَنَا أَبُو
جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ سَعِيدٍ قَالَ حَدَّثَنَا
أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمِ بْنِ وَارَةَ الرَّازِيُّ
قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يُوسُفَ الْقَزِيَابِيُّ قَالَ
حَدَّثَنَا سُفْيَانُ الثُّورِيُّ عَنْ إِسْمَاعِيلَ السُّدِّيِّ عَنْ
عَبْدِ خَيْرٍ قَالَ كَانَ لِعَلِيِّ عليه السلام أَرْبَعَةَ خَوَاتِيمَ
يَتَخْتَمُ بِهَا يَاقُوتٌ لِنُبْلِهِ وَ فَيَرُوزُجٌ لِنُصْرَتِهِ
وَ الْحَدِيدُ الصِّينِيُّ لِقُوَّتِهِ وَ عَقِيْقٌ لِحِرْزِهِ وَ
كَانَ نَقْشُ الْيَاقُوتِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ
الْمُبِينُ وَ نَقْشُ الْفَيَرُوزِجِ اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ وَ
نَقْشُ الْحَدِيدِ الصِّينِيِّ الْعِزَّةُ لِلَّهِ جَمِيعاً وَ نَقْشُ
الْعَقِيْقِ ثَلَاثَةٌ أُسْطَرٌ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ
أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ

٩ - عبد خیر گوید: علی عليه السلام را چهار
انگشتر بود که به انگشت میگرد: یاقوت
بخاطر نجابت و بزرگواری خویش فیروزه به
منظور پیروزی خود، حدید چینی برای قوتش،
عقیق به جهت محفوظ ماندن و نقش یاقوت لا
اله الا الله الملك الحق المبين بود و نقش
فیروزه الله الملك الحق و نقش حدید چینی
العزة لله جميعاً و نقش عقیق در سه سطر ما
شاء الله، لا قوة الا بالله، استغفر الله.

چهار سوره پیغمبر را پیر کرد

أربع سور شابت النبی ص
۱۰ - حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَسَدِ الْأَسَدِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ زَيْدَانَ وَ عَلِيُّ بْنُ الْعَبَّاسِ الْبَجَلِيُّانِ قَالَا حَدَّثَنَا أَبُو كُرَيْبٍ قَالَ حَدَّثَنَا مُعَاوِيَةُ بْنُ هِشَامٍ قَالَ حَدَّثَنَا شَيْبَانُ عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ عَنْ عِكْرِمَةَ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ أَبُو بَكْرٍ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَسْرَعَ إِلَيْكَ الشَّيْبُ قَالَ شَيْبَتْنِي هُودُ وَالْوَأَقِعَةُ وَالْمُرْسَلَاتُ وَ عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ
۱۰ - ابن عباس گوید: ابو بکر عرض کرد: یا رسول الله چه زود سپید موی گشتی، فرمود: سوره های هود و الواقعة و مرسلات و عم يتساءلون يتساءلون موی مرا سپید کرد.

پیغمبر چهار بار عمره بجا آورد

پیغمبر چهار بار عمره بجا آورد اعتمر
النبي ﷺ أربع عمر
۱۱ - حَدَّثَنَا أَبُو أَحْمَدَ مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الْبُنْدَارُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ الْحَمَّادِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الشَّافِعِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عَمِّي قَالَ حَدَّثَنَا دَاوُدُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ عَمْرٍو عَنْ عِكْرِمَةَ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ اعْتَمَرَ أَرْبَعَ عُمَرَةَ الْحَدْيِيَّةِ وَ عُمَرَةَ الْقَضَاءِ مِنْ قَابِلٍ وَ الثَّلَاثَةَ مِنْ جِعْرَانَةَ وَ الرَّابِعَةَ الَّتِي مَعَ حِجَّتِهِ
۱۱ - ابن عباس گوید: پیغمبر چهار بار عمره بجا آورد عمره حادییه و عمره قضا در سال آینده و سومین عمره از جعرانه بود و چهارمین عمره اش با حجی بود که بجا آورد.

شرح:

رسول خدا ﷺ اولین بار از مسجد شجرة که ذو الحلیفه اش گویند احرام عمره بست و

چون به حدیبیه که نام چاهی است در نزدیکی مکه رسید مشرکین نگذاشتند آن حضرت داخل مکه شود و در نتیجه مصالحه بر این قرار گرفت که حضرت باز گردد و سال آینده بمکه داخل شود. طائف و در آنجا غنائم جنگ حنین را میان مسلمانان تقسیم فرمود و از همان جا احرام عمره بست و شبانه بمنظور انجام عمره داخل مکه شد.

امام با چهار خصلت شناخته می‌شود

يعرف الإمام بأربع خصال
 ۱۲ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْوَلِيدِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنِ الْحَارِثِ بْنِ الْمُغِيرَةِ النَّصْرِيِّ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام بِمَ يُعْرَفُ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ قَالَ بِالسَّكِينَةِ وَالْوَقَارِ وَالْعِلْمِ وَالْوَصِيَّةِ

۱۲ - حارث بن مغیره نصری گوید: به امام صادق عرض کردم این کار: (امامت) به چه شناخته می‌شود؟ فرمود: به آرامش دل و وقار و دانش و وصیت امام پیشین.

۱۳ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي الْجَارُودِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ قُلْتُ لَهُ جُعِلَتْ فِدَاكَ إِذَا مَضَى عَالِمُكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ فَيَأِي شَيْءٍ يَعْرِفُونَ مَنْ يَجِيءُ بَعْدَهُ قَالَ بِالْهُدَى وَالْإِطْرَاقِ وَالْإِقْرَارِ آلِ مُحَمَّدٍ لَهُ بِالْفَضْلِ وَ لَا يُسْأَلُ عَنْ شَيْءٍ مِمَّا بَيْنَ صَدَفَيْهَا إِلَّا أَجَابَ فِيهِ

۱۳ - ابی الجارود گوید: امام باقر را گفتم: فدایت شوم چون دانشمند خاندان شما از دنیا بگذرد جانشین وی به چه نشانه‌ای شناخته می‌شود؟ فرمود: به روش نیکو و رفتار سنگین و اعتراف آل محمد به برتری

او و پاسخ گو باشد به آنچه درد و جانب
او است (از دنیا و آخرت).

گفتار پیغمبر: با چهار چیز از پیغمبران دیگر برترم

قول النبی ﷺ فضلت بأربع
١٤ - حَدَّثَنَا أَبُو أَحْمَدَ مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ
الْبُنْدَارُ قَالَ حَدَّثَنَا مُجَاهِدُ بْنُ أَعْيَنَ أَبُو
الْحَجَّاجِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ بْنُ أَبِي الْعَوَّامِ
قَالَ حَدَّثَنَا يَزِيدُ قَالَ أَخْبَرَنَا سُلَيْمَانُ
التَّمِيمِيُّ عَنِ سَيَّارٍ عَنْ أَبِي أَمَامَةَ قَالَ قَالَ
رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فَضَلْتُ بِأَرْبَعٍ جُعِلَتْ لِأُمَّتِي الْأَرْضُ
مَسْجِدًا وَ طَهُورًا وَ أَيُّمَا رَجُلٍ مِنْ أُمَّتِي أَرَادَ
الصَّلَاةَ فَلَمْ يَجِدْ مَاءً وَ وَجَدَ الْأَرْضَ فَقَدْ جُعِلَتْ
لَهُ مَسْجِدًا وَ طَهُورًا وَ نُصِرْتُ بِالرُّغْبِ مَسِيرَةَ
شَهْرٍ يَسِيرٌ بَيْنَ يَدَيَّ وَ أَحِلَّتْ لِأُمَّتِي الْعَنَائِمُ وَ
أَرْسَلْتُ إِلَى النَّاسِ كَافَّةً

١٤ - رسول خدا ﷺ فرمود: با چهار چیز
از پیغمبران دیگر برترم.

١ - تمام روی زمین برای امت من
سجده گاه و پاک کننده است هر کس از امت من
که بخواهد نماز بگذارد و دسترسی به آب
نداشته باشد و خاک بیابد همان خاک برای
او سجده گاه و پاک کننده است.

٢ - هر کسی از من در دل دشمنانم بود که
به آن یاری می شدم و یک ماهه راه پیشاپیش
من میرفت.

٣ - فرآورده های میدان جنگ بر امت من
حلال شد.

٤ - و بر همه مردم مبعوث گشتم.
شرح:

امتهای پیشین اجازه نماز خواندن جز در
کلیساهای و معبدهاشان نداشتند لذا در
روایتی از رسول خدا ﷺ است که فرمود
خانه های خود را با تلاوت قرآن روشن و پر

نور سازید و مانند قبرستان تاریک‌اش نکنید هم چنان که یهود و نصاری کردند در کلیساهای خود نماز گزاردند و خانه‌های خود را تعطیل نمودند ... و امتهای پیشین را جهاد با کفار روا نبود و اگر هم جهاد میکردند حق استفاده از غنائم جنگی را نداشتند بلکه آنها را در یک جا جمع مینمودند و آتشی از جانب خداوند می‌رسید و آنها را میسوزاند ولی غنائم برای این امت حلال گردید، و غرض از مبعوث گشتن بر همه مردم تمام مردم زمان پیغمبر و مردمان زمانهای بعدی است تا روز قیامت که ملازم با خاتمیت است و گر نه بعضی از پیغمبران اولی العزم نیز بر همه مردم زمان خود تا زمان پیغمبر بعدی مبعوث بودند.

بهترین یاران سفر چهار نفر

و بهترین دسته قشون‌های اعزامی دسته چهار صد نفری است و بهترین لشکر، چهار هزار خیر الصحابة أربعة و خیر السرايا أربعمائة و خیر الجیوش أربعة آلاف
 ۱۵ حَدَّثَنَا أَبُو أَحْمَدَ الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَعِيدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ حَكِيمِ الْعَسْكَرِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو مَسْعُودٍ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَعِيدٍ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ سُلَيْمَانَ لُؤَيْنِ قَالَ حَدَّثَنَا حَبَّانُ بْنُ عَلِيٍّ عَنْ

عَقِيلِ عَنِ الزُّهْرِيِّ عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ خَيْرُ الصَّحَابَةِ أَرْبَعَةٌ وَ خَيْرُ السَّرَايَا أَرْبَعُمِائَةٍ وَ خَيْرُ الْجِيُوشِ أَرْبَعَةُ آلَافٍ وَ لَنْ يُهْزَمَ اثْنَا عَشَرَ أَلْفًا مِنْ قَلَّةٍ إِذَا صَبَرُوا وَ صَدَقُوا

۱۵ - رسول خدا ﷺ فرمود: بهترین یاران سفر چهار نفر و بهترین دسته قشون اعزامی دسته چهار صد نفری و بهترین لشکر چهار

هزار است و لشکر دوازده هزار نفری اگر پایداری کنند و صمیمی باشند از لحاظ افراد کم بود ندارند و هرگز شکست پذیر نخواهند بود.

آنکه از چهار چیز بهره‌مند است از چهار چیز بی‌بهره نیست

من أعطى أربعا لم يحرم أربعا
١٦ - حَدَّثَنَا أَبُو أَحْمَدَ الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْعَسْكَرِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْقَاسِمِ بَدْرُ بْنُ الْهَيْثَمِ الْقَاضِي قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُنْذِرِ الْكُوفِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ قَالَ قَالَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عليه السلام مَنْ أُعْطِيَ أَرْبَعًا لَمْ يُحْرَمْ أَرْبَعًا مَنْ أُعْطِيَ الدُّعَاءَ لَمْ يُحْرَمِ الإِجَابَةَ وَمَنْ أُعْطِيَ الإِسْتِغْفَارَ لَمْ يُحْرَمِ التَّوْبَةَ وَمَنْ أُعْطِيَ الشُّكْرَ لَمْ يُحْرَمِ الزِّيَادَةَ وَمَنْ أُعْطِيَ الصَّبْرَ لَمْ يُحْرَمِ الأَجْرَ

١٦ - امام صادق عليه السلام فرمود: هر کس از چهار چیز بهره‌مند است از چهار چیز بی‌بهره نیست آنکه از دعا بهره‌مند است از پذیرش بی‌بهره نیست و آنکه از استغفار بهره‌مند است از توبه محروم نگردد و آنکه را توفیق شکر نعمت داده شود از فزون گشتن نعمت بی‌بهره نماند و آن را که شکیبائی داده شده است از پاداش آن بی‌بهره نخواهد بود.

به چهار چیز شنوائی از همه آفرینش داده شده است

أربعة أشياء أعطيت سمع الخلائق
١٧ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ زِيَادِ بْنِ جَعْفَرِ الْهَمْدَانِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَائِدِ الأَحْمَسِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ

أَرْبَعَةٌ أُوتُوا سَمْعَ الْخَلَائِقِ النَّبِيِّ ﷺ وَ حُورِ
 الْعَيْنِ وَ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ فَمَا مِنْ عَبْدٍ يُصَلِّي
 عَلَى النَّبِيِّ ﷺ وَ يُسَلِّمُ عَلَيْهِ إِلَّا بَلَغَهُ ذَلِكَ وَ
 سَمِعَهُ وَ مَا مِنْ أَحَدٍ قَالَ اللَّهُمَّ زَوِّجْنِي مِنْ
 الْحُورِ الْعَيْنِ إِلَّا سَمِعَنَّهُ وَ قُلْنَا يَا رَبَّنَا إِنْ
 فُلَانًا قَدْ خَطَبَنَا إِلَيْكَ فَزَوِّجْنَا مِنْهُ وَ مَا مِنْ
 أَحَدٍ يَقُولُ اللَّهُمَّ أَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ إِلَّا قَالَتْ
 الْجَنَّةُ اللَّهُمَّ أَسْكِنُهُ فِيَّ وَ مَا مِنْ أَحَدٍ
 يَسْتَجِيرُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ إِلَّا قَالَتْ النَّارُ يَا
 رَبِّ اجْزِهِ مِنِّي

۱۷ - امام صادق عليه السلام فرمود: چهار چیز
 است که سخن همه مردم را می‌شنوند پیغمبر
 و حور العین و بهشت و دوزخ هیچ بنده‌ای
 نیست که بر پیغمبر درود بفرستد و سلام بر
 او کند مگر اینکه درود و سلام او را
 پیغمبر می‌شنود و هیچ کس نیست که بگوید
 بار الها مرا با حور العین همسر گردان
 مگر اینکه حور العین گفتار او را بشنوند
 و بگویند ای پروردگار ما فلانی از ما
 خواستگاری نمود ما را به همسری او درآور
 و هیچ کس نیست که بگوید بار الها مرا
 داخل بهشت بفرما مگر اینکه بهشت میگوید
 بار الها این گوینده را در من جایگزین
 فرما و هیچ کس نیست که از آتش دوزخ به
 خداوند پناه ببرد مگر اینکه آتش گوید
 پروردگارا او را از من پناه ده.

چهار کس را خداوند در روز قیامت نظر نکند

أَرْبَعَةٌ لَا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ
 ۱۸ - حَدَّثَنَا أَبُو أَحْمَدَ مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ
 الْبُنْدَارِ قَالَ حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ نُوحٍ
 قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَمْرٍو قَالَ حَدَّثَنَا يَزِيدُ
 بْنُ زُرَيْعٍ قَالَ حَدَّثَنَا بِيْشْرُ بْنُ نُمَيْرٍ عَنِ
 الْقَاسِمِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ أَبِي أَمَامَةَ قَالَ

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَرْبَعَةٌ لَا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَاقٌ وَ مَنَّانٌ وَ مُكَدَّبٌ بِالْقَدْرِ وَ مُذْمِنٌ حَمْرٍ

۱۸ - رسول خدا ﷺ فرمود: چهار کس را خداوند در روز قیامت نظر رحمت نکند: فرزند نافرمان پدر و مادر، منت گذار و کسی که تقدیرات خداوند دروغ پندارد و میگسار.

سواران روز رستاخیز چهارند

الركبان يوم القيامة أربعة
 ۱۹ - أَخْبَرَنِي أَبُو بَكْرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنُ إِسْمَاعِيلَ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو مُحَمَّدٍ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ زَيْدَانَ الْبَلْخِيُّ فِيمَا قَرَأَهُ عَلَيْهِ أَبُو الْعَبَّاسِ بْنُ عُقْدَةَ قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْمُثَنِّي قَالَ حَدَّثَنِي زَيْدُ بْنُ حُبَابٍ قَالَ حَدَّثَنِي عَبْدُ اللَّهِ بْنُ لَهِيْعَةَ قَالَ حَدَّثَنِي جَعْفَرُ بْنُ رَبِيعَةَ عَنْ عِكْرِمَةَ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَا فِي الْقِيَامَةِ رَاكِبٌ غَيْرُنَا وَ نَحْنُ أَرْبَعَةٌ فَقَامَ إِلَيْهِ الْعَبَّاسُ بْنُ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ فَقَالَ مَنْ هُمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ أَمَّا أَنَا فَعَلَى الْبُرَاقِ وَ وَجْهَهَا كَوَجْهِ الْإِنْسَانِ وَ خَدُّهَا كَخَدِّ الْقَرَسِ وَ عَرْفُهَا مِنْ لَوْلُوٍ مَسْمُوطٍ وَ أذْنَاهَا زَبْرَجِدَتَانِ خَضْرَاوَانِ وَ عَيْنَاهَا مِثْلُ كَوَكَبِ الزُّهْرَةِ تَتَوَقَّدَانِ مِثْلَ النُّجْمَيْنِ الْمُضِيئَيْنِ لَهَا شِعَاعٌ مِثْلُ شِعَاعِ الشَّمْسِ يَنْحَدِرُ مِنْ نَحْرِهَا الْجَمَانُ مَطْوِيَّةُ الْخَلْقِ طَوِيلَةُ الْيَدَيْنِ وَ الرَّجْلَيْنِ لَهَا نَفْسٌ كَنَفْسِ الْأَدْمِيِّينَ تَسْمَعُ الْكَلَامَ وَ تَفْهَمُهُ وَ هِيَ فَوْقَ الْجِمَارِ وَ دُونَ الْبَعْلِ قَالَ الْعَبَّاسُ وَ مَنْ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ ﷺ وَ أَخِي صَالِحٌ عَلَى نَاقَةِ اللَّهِ عَزْرٌ وَ جَلَّ الَّتِي عَقَرَهَا قَوْمُهُ قَالَ الْعَبَّاسُ وَ مَنْ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ وَ عَمِّي حَمْرَةٌ
 بْنُ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ أَسَدٌ لِلَّهِ وَ أَسَدُ رَسُولِهِ سَيِّدُ الشُّهَدَاءِ عَلِيُّ نَاقَتِي الْعَضْبَاءِ قَالَ الْعَبَّاسُ وَ مَنْ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ وَ أَخِي عَلِيُّ عَلَى نَاقَةٍ مِنْ

نُوقِ الْجَنَّةَ زِمَامُهَا مِنْ لَوْلُو رَطْبِ عَلِيَّهَا
 مَحْمَلٌ مِنْ يَاقُوتِ أَحْمَرَ قُضْبَانُهُ مِنَ الدَّرِّ
 الْأَبْيَضِ عَلَى رَأْسِهِ تَاجٌ مِنْ نُورِ عَلَيْهِ حُلَّتَانِ
 خَضْرَاوَانِ بِيَدِهِ لِيَوَاءِ الْحَمْدِ وَهُوَ يُنَادِي
 أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَنْ
 مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ فَيَقُولُ الْخَلَائِقُ مَا هَذَا إِلَّا
 نَبِيُّ مُرْسَلٌ أَوْ مَلَكٌ مُقَرَّبٌ فَيُنَادِي مُنَادٍ مِنْ
 بُطْنَانِ الْعَرْشِ لَيْسَ هَذَا مَلَكٌ مُقَرَّبٌ وَ لَا نَبِيُّ
 مُرْسَلٌ وَ لَا حَامِلُ عَرْشِ هَذَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ
 وَصِيُّ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ إِمَامُ الْمُتَّقِينَ وَ
 قَائِدُ الْعُرِّ الْمُحَجَّلِينَ

قال مصنف هذا الكتاب رضى الله عنه هذا
 حديث غريب لما فيه من ذكر البراق و وصفه
 و ذكر حمزة بن عبد المطلب

۱۹ - رسول خدا ﷺ فرمود: روز رستاخیز
 بجز ما کسی سواره نباشد و ما چهار کس
 هستیم، عباس بن عبد المطلب بپا خواست و
 عرض کرد: یا رسول الله آن چهار کس کیانند؟
 فرمود: اما من بر براق سوارم که صورتش
 چون انسان است و گونه اش مانند گونه اسب
 و یالش از مروارید به رشته آویخته و دو
 گوشش دو زبرجد سبز و دو چشمش مانند
 زهره که هم چون دو ستاره میدرخشند و
 مانند آفتاب پرتو میافکنند از بالای
 سینه اش (بجای عرق) مروارید غلطان است
 اندامش در هم پیچیده و دست و پایش بلند
 جانش چون جان آدمی سخن را می شنود و
 می فهمد از دراز گوش بزرگتر و از استر
 کوچکتر است، عباس عرض کرد: یا رسول الله
 دیگر کیست؟ فرمود: برادرم صالح سوار بر
 همان شتری که به قدرت خداوند خلق گردید
 و قومش آن را پی کردند. عباس عرض کرد:
 یا رسول الله دیگر کیست؟ فرمود عمویم حمزه
 بن عبد المطلب شیر خدا و شیر رسول خدا
 ﷺ سالار شهیدان بر شتر من که عضباء نام
 دارد سوار است، عباس عرض کرد: یا رسول

الله دیگر کیست؟ فرمود: برادرم علی بر شتری از شتران بهشتی که مهارش از مروارید تر و هودجی از یاقوت سرخ بر آن نهاده شده که چوبهای محمل از در سفید است بر سر علی علیه السلام تاجی از نور و بر تنش دو جامه سبز و به دستش پرچم حمد فریاد میزند: گواهی میدهم بر اینکه معبودی جز خدای یگانه بی‌انباز نیست و گواهی میدهم که محمد فرستاده خدا است پس مردم گویند این شخص جز پیغمبر مرسل و یا فرشته مقرب نباشد، از اندرون عرش سروشی رسد که این شخص نه فرشته مقرب است و نه پیغمبر مرسل و نه فرشته حامل عرش، این، علی بن ابی طالب است و وصی رسول پروردگار عالمیان و پیشوای مردم پرهیزکار و سالار دست و رو سفیدان.

(مصنف این کتاب گوید) ، این حدیث غریب است زیرا توصیف مخصوصی از براق کرده و حمزة بن عبد المطلب را در ردیف پیغمبر و علی شمرده است.

شرح:

حدیث غریب حدیثی را گویند که مطلبی بر خلاف قاعده در آن باشد.

۲۰ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَمَمِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ الْبَطَلِيِّ عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبِي الْمِقْدَامِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله ذَاتَ يَوْمٍ وَهُوَ آخِذٌ بِيَدِ عَلِيٍّ عليه السلام وَهُوَ يَقُولُ يَا مَعْشَرَ الْأَنْصَارِ يَا مَعْشَرَ بَنِي هَاشِمٍ يَا مَعْشَرَ بَنِي عَبْدِ الْمُطَّلِبِ أَنَا مُحَمَّدٌ أَنَا رَسُولُ اللَّهِ أَلَا إِنِّي خَلَقْتُ مِنْ طِينَةِ مَرْحُومَةٍ فِي أَرْبَعَةٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي أَنَا وَ عَلِيٌّ وَ حَمْزَةُ وَ جَعْفَرُ فَقَالَ قَائِلٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ هَؤُلَاءِ مَعَكَ رُكْبَانٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَقَالَ تَكَلَّتْكَ أُمُّكَ إِنَّهُ

لَنْ يَرْكَبَ يَوْمَئِذٍ إِلَّا أَرْبَعَةٌ أَنَا وَ عَلِيٌّ وَ
 فَاطِمَةُ وَ صَالِحٌ نَبِيُّ اللَّهِ فَأَمَّا أَنَا فَعَلَى
 الْبُرَاقِ وَ أَمَّا فَاطِمَةُ ابْنَتِي فَعَلَى نَاقَتِي
 الْعَضْبَاءِ وَ أَمَّا صَالِحٌ فَعَلَى نَاقَةِ اللَّهِ الَّتِي
 عُقِرَتْ وَ أَمَّا عَلِيٌّ فَعَلَى نَاقَةٍ مِنْ نُوقِ الْجَنَّةِ
 زَمَامُهَا مِنْ يَاقُوتٍ عَلَيْهِ حُلَّتَانِ خَضْرَاوَانِ
 فَيَقِفُ بَيْنَ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ وَ قَدْ أَلْجَمَ النَّاسُ
 مِنَ الْعَرَقِ يَوْمَئِذٍ فَتَهْبُ رِيحٌ مِنْ قِبَلِ الْعَرْشِ
 فَتَنْشَفُ عَنْهُمْ عَرَقُهُمْ فَيَقُولُ الْمَلَائِكَةُ وَ
 الْأَنْبِيَاءُ وَ الصَّادِقُونَ مَا هَذَا إِلَّا مَلَكٌ مُقَرَّبٌ
 أَوْ نَبِيٌّ مُرْسَلٌ فَيُنَادِي مُنَادٍ مَا هَذَا مَلَكٌ
 مُقَرَّبٌ وَ لَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ وَ لَكِنَّهُ عَلِيٌّ بِنُ أَبِي
 طَالِبٍ أَخُو رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ

۲۰ - ابن عباس گوید: روزی رسول خدا
 ﷺ دست علی را گرفته و بیرون آمد و همی
 گفت: ای گروه انصار ای گروه بنی هاشم ای
 گروه بنی عبد المطلب من محمد من رسول
 خدایم هان که من در جزو چهار نفر از
 افراد خانواده ام از سرشتی که انوار رحمت
 بر آن تابیده بود آفریده شدیم من و علی
 و حمزه و جعفر کسی گفت: یا رسول الله
 ﷺ اینانند که با تو در روز قیامت
 سوارانند فرمود:

مادرت به عزایت بنشیند همانا آن روز
 بجز چهار کس هرگز کسی سواره نباشد من و
 علی و فاطمه و صالح پیغمبر اما من سوار
 بر براقم و اما دخترم فاطمه بر شتری از
 شتران بهشتی که لجامش از یاقوت است و دو
 جامه سبز بر روی آن انداخته شده میان
 بهشت و دوزخ می ایستد روزی است که مردم
 تا دهان غرق در عرق هستند پس بادی از
 جانب عرش وزیدن گیرد که عرق مردم را خشک
 کند فرشتگان و پیغمبران و راستان گویند
 این بجز فرشته ای مقرب و یا پیغمبری مرسل
 نباشد پس آواز دهنده ای آواز دهد این نه
 فرشته مقرب است و نه پیغمبر مرسل بلکه

علی بن ابی طالب است که برادر رسول خدا
ﷺ است در دنیا و آخرت

چهار چیزی که پیره زال بنی اسرائیل از موسی خواست

أربع خصال سألت عجوزَ بنی اسرائیل موسی

ع

۲۱ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى
عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ فَضَالٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام
أَنَّهُ قَالَ اخْتَبَسَ الْقَمَرَ عَنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ
فَأَوْحَى اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ إِلَى مُوسَى عليه السلام أَنْ أَخْرِجْ
عِظَامَ يُوسُفَ مِنْ مِصْرَ وَ وَعَدَهُ طُلُوعَ الْقَمَرِ إِذَا
أَخْرَجَ عِظَامَهُ فَسَأَلَ مُوسَى عَمَّنْ يَعْلَمُ مَوْضِعَهُ
فَقِيلَ لَهُ هَاهُنَا عَجُوزٌ تَعْلَمُ عِلْمَهُ فَبَعَثَ
إِلَيْهَا فَآتِيَتْ بِعَجُوزٍ مُقَعَّدَةٍ عَمِيَاءَ فَقَالَ لَهَا
أَتَعْرِفِينَ مَوْضِعَ قَبْرِ يُوسُفَ قَالَتْ نَعَمْ قَالَ
فَأَخْبِرِينِي بِهِ قَالَتْ لَا حَتَّى تُعْطِيَنِي أَرْبَعَ
خِصَالٍ تُطَلِّقَ لِي رِجْلِي وَ تُعِيدَ إِلَيَّ شَبَابِي وَ
تُعِيدَ إِلَيَّ بَصْرِي وَ تَجْعَلَنِي مَعَكَ فِي الْجَنَّةِ
قَالَ فَكَبَّرَ ذَلِكَ عَلَى مُوسَى فَأَوْحَى اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ
إِلَيْهِ يَا مُوسَى أَعْطَاهَا مَا سَأَلْتَ فَإِنَّكَ إِنَّمَا
تُعْطِي عَلَيَّ فَفَعَلَ فَدَلَّتهُ عَلَيْهِ فَاسْتَخْرَجَهُ مِنْ
شَاطِئِ النَّيْلِ فِي صُنْدُوقٍ مَرْمَرٍ فَلَمَّا أَخْرَجَهُ
طَلَعَ الْقَمَرُ فَحَمَلَهُ إِلَى الشَّامِ فَلِذَلِكَ يَحْمِلُ
أَهْلُ الْكِتَابِ مَوْتَاهُمْ إِلَى الشَّامِ

۲۱ - امام هفتم عليه السلام فرمود: ماه بر بنی
اسرائیل طلوع نکرد خداوند جل جلاله به
موسی عليه السلام وحی کرد که میبایست استخوانهای
یوسف را از مصر بیرون کنی تا ماه برآید،
موسی چون خواست استخوانهای یوسف را
بیرون کند پرسید: کسی جای آن را میداند؟
گفتندش پیره زالی اینجا است که میداند
کس به دنبالش فرستاد، پیره زنی را
آوردند که زمین گیر و کور بود موسی گفتش

جای قبر یوسف را می‌شناسی گفت: آری فرمود: جایش را به من نشان بده گفت: نشانش ندهم تا چهار چیز مرا دهی پام را از زمین‌گیری رها کنی و جوانیم را بمن بازگردانی و چشمهایم بمن بازگردانی و مرا در بهشت با خودت هم‌نشین سازی امام هفتم فرمود: این خواسته‌ها بر موسی گران آمد خدای جل جلاله وحی‌اش فرستاد که ای موسی آنچه می‌خواهد او را بده که به عهده من می‌دهی موسی خواسته‌های او را انجام داد او نیز جای قبر یوسف را نشان داد پس موسی یوسف را از کنار رود نیل که در میان صندوقی از مرمر بود بیرون آورد چون او را بیرون آورد ماه برآمد پس جنازه یوسف را به شام برد و از این رو یهودان مردگان خویش را به شام می‌برند.

شرح:

شاید طلوع نکردن ماه به واسطه تراکم ابرها بوده که پس از بیرون آوردن استخوانهای یوسف ابرها برطرف شده و ماه در آمده است.

بهترین زنان بهشتی چهار کسند

أفضل نساء أهل الجنة أربع
٢٢ - أَخْبَرَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ إِسْمَاعِيلَ
قَالَ أَخْبَرَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ بْنُ مَنِيعٍ قَالَ
حَدَّثَنَا شَيْبَانُ بْنُ فَرُّوخَ قَالَ حَدَّثَنَا دَاوُدُ بْنُ
أَبِي الْفُرَاتِ قَالَ حَدَّثَنَا عَلْبَاءُ بْنُ أَحْمَرَ قَالَ
حَدَّثَنَا عِكْرِمَةُ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ خَطَّ رَسُولُ
اللَّهِ ﷺ أَرْبَعَ خِطَطٍ فِي الْأَرْضِ وَقَالَ أَ تَدْرُونَ مَا
هَذَا قُلْنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ فَقَالَ رَسُولُ
اللَّهِ ﷺ أَفْضَلُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ أَرْبَعُ خَدِيجَةَ
بِنْتُ خُوَيْلِدٍ وَفَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ وَمَرْيَمُ بِنْتُ
عِمْرَانَ وَآسِيَةُ بِنْتُ مُزَاحِمٍ امْرَأَةُ فِرْعَوْنَ

٢٢ - ابن عباس گوید: رسول خدا ﷺ چهار
خط بر زمین کشید و فرمود: میدانید این
خطها اشاره به چیست؟ عرض کردیم: خدا و
رسولش بهتر میدانند فرمود: یعنی بهترین
زنان بهشت چهار زنند: خدیجه دختر خویلد
و فاطمه دختر محمد و مریم دختر عمران و
آسیه دختر مزاحم زن فرعون.

٢٣ - أَخْبَرَنَا سُلَيْمَانُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ أَيُّوبَ
اللَّخْمِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ الْعَزِيزِ قَالَ
حَدَّثَنَا حَجَّاجُ بْنُ الْمِنْهَالِ قَالَ حَدَّثَنَا دَاوُدُ
بْنُ أَبِي الْفُرَاتِ الْكِنْدِيُّ عَنِ عَلْبَاءِ بْنِ أَحْمَرَ
عَنِ عِكْرِمَةَ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ خَطَّ رَسُولُ
اللَّهِ ﷺ أَرْبَعَ خِطَطٍ ثُمَّ قَالَ خَيْرُ نِسَاءِ الْجَنَّةِ مَرْيَمُ
بِنْتُ عِمْرَانَ وَخَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ وَفَاطِمَةُ
بِنْتُ مُحَمَّدٍ وَآسِيَةُ بِنْتُ مُزَاحِمٍ امْرَأَةُ فِرْعَوْنَ

٢٣ - ابن عباس گوید: رسول خدا ﷺ چهار
خط کشید سپس فرمود: بهترین زنان بهشتی
مریم دختر عمران است و خدیجه دختر خویلد
و فاطمه دختر محمد و آسیه دختر مزاحم زن
فرعون.

از چیزهای کمرشکن چهار چیز است

أربعة أشياء من قواصم الظهر
٢٤ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الشَّاهِ قَالَ
حَدَّثَنَا أَبُو حَامِدٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو يَزِيدَ قَالَ
حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ صَالِحِ التَّمِيمِيِّ عَنْ
أَبِيهِ قَالَ حَدَّثَنِي أَنَسُ بْنُ مُحَمَّدٍ أَبُو مَالِكٍ عَنْ
أَبِيهِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ
عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي
وَصِيَّتِهِ لِي يَا عَلِيُّ أَرْبَعَةٌ مِنْ قَوَاصِمِ الظُّهْرِ
إِمَامٌ يَعُصِي اللَّهَ وَ يُطَاعُ أَمْرُهُ وَ زَوْجَةٌ يَحْفَظُهَا
زَوْجُهَا وَ هِيَ تَحُونُهُ وَ فَقْرٌ لَا يَجِدُ صَاحِبَهُ لَهُ
مُدَاوِيئاً وَ جَارٌ سَوْءٍ فِي دَارِ مُقَامٍ

٢٤ - على عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ضمن
وصیتی که به من داشت فرمود: یا علی از
چیزهای کمر شکن چهار چیز است: پیشوائی
که خود نافرمانی خدا کند و دیگران
فرمانش برند زنی که شوهرش او را محافظت
نماید ولی او به شوهر خیانت کند و نیازی
که نیازمند برای رفع آن راه چاره ای
نیابد و همسایه بد در خانه ای که در آن
خانه ماندنی باشد.

خدای عز و جل از مقام الوهیت چهار بار به عالم پائین نگرست

الاطلاعات الأربعة من الله عز و جل إلى
الدنيا

٢٥ - حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ
الشَّاهِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو حَامِدٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو
يَزِيدَ أَحْمَدُ بْنُ خَالِدِ الْخَالِدِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا
مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ صَالِحِ التَّمِيمِيِّ عَنْ أَبِيهِ
قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ حَاتِمِ الْقَطَّانُ عَنْ حَمَّادِ
بْنِ عَمْرٍو عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ
عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام عَنِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله أَنَّهُ
قَالَ فِي وَصِيَّتِهِ لَهُ يَا عَلِيُّ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ
أَشْرَفَ عَلَيَّ الدُّنْيَا فَاخْتَارَنِي مِنْهَا عَلَيَّ رِجَالِ
الْعَالَمِينَ ثُمَّ أَطْلَعَ الثَّانِيَةَ فَاخْتَارَكَ عَلَيَّ
رِجَالِ الْعَالَمِينَ بَعْدِي ثُمَّ أَطْلَعَ الثَّلَاثَةَ
فَاخْتَارَ الْأُثْمَةَ مِنْ وُلْدِكَ عَلَيَّ رِجَالِ الْعَالَمِينَ
بَعْدَكَ ثُمَّ أَطْلَعَ الرَّابِعَةَ فَاخْتَارَ فَاطِمَةَ عَلَيَّ
نِسَاءِ الْعَالَمِينَ

٢٥ - علی بن ابی طالب عليه السلام فرمود: پیغمبر
صلى الله عليه وآله ضمن وصیته به او فرمود یا علی:
همانا که خدای عز و جل به دنیا نگرست و
مرا بر همه مردان جهان برگزید و دیگر
باره نگرست و تو را بر همه مردان جهان
برگزید سوم بار نگرست و امامان از
فرزندان ترا پس از تو بر همه مردان جهان
برگزید سپس بار چهارم نگرست و فاطمه را
بر زنان جهان برگزید.

گفتار پیغمبر ﷺ به علی علیه السلام که من در چهار مورد نام تو را قرین نام خود دیدم

قول النبی صلی الله علیه و آله لعلی علیه السلام انی رأیت اسمک مقروناً إلى اسمی فی أربعة مواطن
 ۲۶ - حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الشَّاهِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو حَامِدٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو يَزِيدَ أَحْمَدُ بْنُ خَالِدِ الْخَالِدِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ صَالِحِ التَّمِيمِيِّ عَنْ أَبِيهِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ حَاتِمِ الْقَطَّانُ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَمْرٍو عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام عَنِ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله أَنَّهُ قَالَ فِي وَصِيَّتِهِ لِي يَا عَلِيُّ إِنِّي رَأَيْتُ اسْمَكَ مَقْرُونًا بِاسْمِي فِي أَرْبَعَةِ مَوَاطِنَ فَأَنْسِتُ بِالنَّظَرِ إِلَيْهِ إِنِّي لَمَّا بَلَغْتَ بَيْتَ الْمَقْدِسِ فِي مِعْرَاجِي إِلَى السَّمَاءِ وَجَدْتُ عَلِيَّ صَخْرَتِهَا مَكْتُوبًا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ أَيَّدْتُهُ بِوَزِيرِهِ وَ نَصَرْتُهُ بِوَزِيرِهِ فَقُلْتُ لِحَبْرَتَيْلَ مَنْ وَزِيرِي فَقَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ فَلَمَّا انْتَهَيْتُ إِلَى سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى وَجَدْتُ مَكْتُوبًا عَلَيْهَا إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا وَحْدِي مُحَمَّدٌ صَفْوَتِي مِنْ خَلْقِي أَيَّدْتُهُ بِوَزِيرِهِ وَ نَصَرْتُهُ بِوَزِيرِهِ فَقُلْتُ لِحَبْرَتَيْلَ

مَنْ وَزِيرِي فَقَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ فَلَمَّا جَاوَزْتُ السِّدْرَةَ انْتَهَيْتُ إِلَى عَرْشِ رَبِّ الْعَالَمِينَ جِلَّ جَلَالُهُ فَوَجَدْتُ مَكْتُوبًا عَلَيَّ قَوَائِمِهِ أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا وَحْدِي مُحَمَّدٌ حَبِيبِي أَيَّدْتُهُ بِوَزِيرِهِ وَ نَصَرْتُهُ بِوَزِيرِهِ فَلَمَّا رَفَعْتُ رَأْسِي وَجَدْتُ عَلَى بُطْنَانِ الْعَرْشِ مَكْتُوبًا أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا وَحْدِي مُحَمَّدٌ عَبْدِي وَ رَسُولِي أَيَّدْتُهُ بِوَزِيرِهِ وَ نَصَرْتُهُ بِوَزِيرِهِ

۲۶ - علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود: پیغمبر صلی الله علیه و آله ضمن وصیتی به من فرمود: یا علی برستی که من نام تو را در چهار مورد با نام خود دیدم و به دیدن آن آرامش خاطر یافتم هنگامی که به معراج

آسمان میرفتم چون به بیت المقدس رسیدم بر سنگ آن نوشته یافتم لا اله الا الله محمد رسول الله چهار خصلت تو را دوست دارم با اینکه چهار خصلت را بر تو بخشیده ام) او را با وزیرش تایید نمودم و با وزیرش یاری کردم جبرئیل را گفتم: وزیر من کیست؟ گفت: علی بن ابی طالب و چون به سدره المنتهی رسیدم بر آن نوشته دیدم همانا منم خداوندی که معبودی بجز من یکتا نیست محمد از میان همه خلق برگزیده من است که او را با وزیرش تأیید و یاری نمودم جبرئیل را گفتم: وزیر من کیست؟ گفت علی بن ابی طالب چون از سدره گذشتم و به عرش پروردگار جهانیان جل جلاله رسیدم دیدم بر پایه های عرش نوشته است منم خداوند و بجز تنها خودم معبودی نیست محمد دوست من است او را با وزیرش تأیید و یاری نمودم چون سر برداشتم دیدم بر طاق عرش نوشته شده منم الله و جز من معبودی یکتا نیست محمد بنده من است و فرستاده من است که او را با وزیرش تأیید و یاری نمودم.

بار حدیث اهل بیت را جز چهار کس نتواند کشید

لا یحتمل حدیث اهل البیت علیهم السلام إلا أربعة
 ۲۷ - حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ سَفْيَانَ بْنِ يَعْقُوبَ بْنِ الْحَارِثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْهَمْدَانِيُّ فِي مَنْزِلِهِ بِالْكُوفَةِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ يَوْسُفَ الْأَزْدِيَّ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ بُرْزَجِ الْحَنَاطُ قَالَ حَدَّثَنَا عَمْرُو بْنُ الْيَسَعِ عَنْ شُعَيْبِ الْحَدَّادِ قَالَ سَمِعْتُ الصَّادِقَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ عليه السلام يَقُولُ إِنَّ حَدِيثَنَا صَعْبٌ مُسْتَضَعْبٌ لَا يَحْتَمِلُهُ إِلَّا مَلَكٌ مُقَرَّبٌ أَوْ نَبِيٌّ مُرْسَلٌ أَوْ عَبْدٌ أَمْتَحَنَ اللَّهُ قَلْبَهُ لِلْإِيمَانِ أَوْ مَدِينَةٌ حَصِينَةٌ قَالَ عَمْرُو فَقُلْتُ لِشُعَيْبِ يَا أَبَا الْحَسَنِ وَ أَيُّ شَيْءٍ

الْمَدِينَةُ الْحَصِينَةُ قَالَ فَقَالَ سَأَلْتُ الصَّادِقَ عَلَيْهِ السَّلَامُ
عَنْهَا فَقَالَ لِي الْقَلْبُ الْمُجْتَمِعُ

۲۷ - شعيب حداد گوید: شنیدم امام صادق جعفر بن محمد عَلَيْهِ السَّلَامُ میفرمود: حدیث ما دشوار است و دشواری آور و متحمل آن نگردد مگر فرشته مقرب درگاه الهی یا پیغمبر مرسل و یا بنده ای که خداوند دل او را با ایمان آزموده باشد یا مدینه حصینه: (شهر با برج و بارو) عمرو گوید به شعیب گفتم: مدینه حصینه چیست؟ گفت همین سؤال را از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ کردم به من فرمود مقصود دلی است که آشفته و پراکنده نباشد.

هر کس در معامله با مردم از سه خصلت دوری جوید

بر مردم است که چهار خصلت برای او قائل شوند من عامل الناس مجتنباً لثلاث خصال وجبت له عليهم أربع خصال
۲۸ - حَدَّثَنَا أَبُو مَنْصُورٍ أَحْمَدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ بَكْرٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو مُحَمَّدٍ زَيْدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْبَغْدَادِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْقَاسِمِ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَحْمَدَ بْنَ عَامِرِ بْنِ سُلَيْمَانَ الطَّائِيَّ بِالْبَصْرَةِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرِّضَا عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ عَامَلَ النَّاسَ فَلَمْ يَظْلِمْهُمْ وَحَدَّثَهُمْ فَلَمْ يَكْذِبْهُمْ وَوَعَدَهُمْ فَلَمْ يُخْلِفْهُمْ فَهُوَ مِنْ كَمَلَتْ مُرُوءَتُهُ وَظَهَرَتْ عَدَالَتُهُ وَوَجِبَتْ أَخُوَّتُهُ وَحَرُمَتْ غَيْبَتُهُ

۲۸ - رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: هر کس در معامله با مردم ستم بر آنان روا ندارد و در گفتارش با آنان دروغ نگوید و در وعده که بدهد مخالفت نکند از جوانمردان کامل است و عدالتش ظاهر و برادری با او بر دیگران واجب و بدگوئی در باره وی حرام است.

۲۹ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ أَبِي جَعْفَرِ الْكَمَيْدَانِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ ثَلَاثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ أُوجِبْنَ لَهُ أَرْبَعًا عَلَى النَّاسِ مَنْ إِذَا حَدَّثَهُمْ لَمْ يَكْذِبْهُمْ وَ إِذَا خَالَطَهُمْ لَمْ يَظْلِمْهُمْ وَ إِذَا وَعَدَهُمْ لَمْ يُخْلِفْهُمْ وَجَبَ أَنْ تَظْهَرَ فِي النَّاسِ عَدَالَتُهُ وَ تَظْهَرَ فِيهِمْ مُرُوءَتُهُ وَ أَنْ تَحْرَمَ عَلَيْهِمْ غَيْبَتُهُ وَ أَنْ تَجِبَ عَلَيْهِمْ أَخُوَّتُهُ

۲۹ - امام صادق عليه السلام فرمود: در هر کس سه خصلت باشد بر مردم است که چهار حق را در باره او مراعات کنند کسی که چون به مردم خبری دهد دروغ بر آنان نگوید و چون با مردم آمیزش کند ستم بر آنان ننماید و چون وعده بدهد خلاف وعده نکند واجب است که مردمان اش به عدالت و جوانمردی بشناسند و بدگوئی در باره اش بر مردم حرام است و برادری با او بر آنان لازم.

چند بیت شعری که شیطان در پاسخ دو بیت شعر آدم سروده است

ربع أبيات شعر لإبليس أجاب بها آدم عليه السلام عن بيتين

۳۰ - حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ عَمْرٍو بْنِ عَلِيٍّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْبَصْرِيُّ بِإِيْلَاقٍ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ جَبَلَةَ الْوَاعِظُ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو الْقَاسِمِ عَبْدِ اللَّهِ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَامِرِ الطَّائِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرَّضَا قَالَ حَدَّثَنَا مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ قَالَ حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ قَالَ حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام قَالَ كَانَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ بِالْكَوْفَةِ فِي الْجَامِعِ إِذْ قَامَ إِلَيْهِ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الشَّامِ

فَقَالَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ إِنِّي أَسْأَلُكَ عَنْ
 أَشْيَاءَ فَقَالَ سَلْ تَفَقَّهًا وَلَا تَسْأَلْ تَعَنُّتًا
 فَسَأَلَهُ عَنْ أَشْيَاءَ فَكَانَ فِيهَا سَأَلَهُ أَنْ قَالَ
 لَهُ أَخْبِرْنِي عَنْ أَوَّلِ مَنْ قَالَ الشَّعْرَ فَقَالَ آدَمُ
 فَقَالَ وَمَا كَانَ مِنْ شَعْرِهِ قَالَ لَمَّا أَنْزَلَ إِلَى
 الْأَرْضِ مِنَ السَّمَاءِ فَرَأَى ثُرْبَتَهَا وَسَعَتَهَا وَ
 هَوَاءَهَا وَ قَتَلَ قَابِيلُ هَابِيلَ فَقَالَ آدَمُ ع
 تَغَيَّرَتِ الْبِلَادُ وَ مَنْ عَلَيْهَا تَغَيَّرَ كُلُّ ذِي
 لَوْنٍ وَ طَعْمُ فَوْجِهِ الْأَرْضِ مُغَبَّرٌ قَيْحٌ وَ قَلَّ
 بَشَاشَةُ الْوَجْهِ الْمَلِيحِ فَأَجَابَهُ إِبْلِيسُ
 تَنَحَّ عَنِ الْبِلَادِ وَ سَاكِنِيهَا وَ كُنْتَ بِهَا وَ
 زَوْجُكَ فِي قَرَارٍ فَلَمْ تَنْفِكَ مِنْ كَيْدِي وَ مَكْرِي
 فَلَوْ لَا رَحْمَةُ الْجَبَّارِ أَضَحَّتْ فِيَّ فِي الْخُلْدِ
 ضَاقَ بِكَ الْفَسِيحُ وَ قَلْبُكَ مِنْ أَدَى الدُّنْيَا
 مُرِيحٌ إِلَيَّ أَنْ قَاتَكَ الثَّمَنُ الرَّبِيحُ بِكَفِّكَ مِنْ
 جَنَانِ الْخُلْدِ رِيحٌ ٣٠ - امام رضا عليه السلام

فرمود: علی بن ابی طالب علیه السلام در مسجد
 کوفه نشسته بود که مردی از اهل شام بپا
 خواست و گفت یا امیر المؤمنین مرا از تو
 سؤالی چند است فرمود: بمنظور فهمیدن
 بپرس نه به قصد زحمت دادن پس آن مرد
 شامی پرسشهایی نمود از جمله عرض کرد:
 بفرمائید بدانم نخستین کسی که شعر سرود
 که بود؟

فرمود: آدم، عرض کرد: شعرش چه بود؟
 فرمود چون آدم از آسمان به زمین فرود
 آمد و خاک و فضا و هوا و زمین را دید و
 قابیل هابیل را کشت آدم گفت:

(مضمون شعر) شهرها و مردمشان که تغییر
 کردند روی زمین را غبار و زشتی فرا گرفت
 رنگ و طعم همه چیز دگرگون گشته است و
 صورت نمکین کمتر گشاده روئی نشان میدهد
 ابلیس پاسخ را چنین داد:

از شهرها و ساکنینشان دوری جوی- که من
 بهشت را با آن همه وسعت بر تو تنگ کردم.

تو خود و همسرت در بهشت جای گزین بودی و از آزار دنیا در آسایش بسر می‌بردی ولی از مکر و حيله من دوری نتوانستی تا آنکه بهشت پر بها و پر سود را از دست دادی و اگر رحمت خدای جبار دستگیرت نبود بهشت جاودان همچون باد از گفت بیرون می‌شد.

خدای تبارك و تعالی چهار چیز را در چهار چیز پنهان نموده است

إن الله تبارك و تعالی أخفی أربعة فی أربعة

۳۱ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوِيهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَمِّي مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي الْقَاسِمِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدِ الْبَرْقِيِّ عَنْ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ عَنْ أَبِيهِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَخْفَى أَرْبَعَةً فِي أَرْبَعَةٍ رِضَاهُ فِي طَاعَتِهِ فَلَا تَسْتَصْغِرَنَّ شَيْئاً مِنْ طَاعَتِهِ فَرُبَّمَا وَافَقَ رِضَاهُ وَ أَنْتَ لَا تَعْلَمُ وَ أَخْفَى سَخَطُهُ فِي مَعْصِيَتِهِ فَلَا تَسْتَصْغِرَنَّ شَيْئاً مِنْ مَعْصِيَتِهِ فَرُبَّمَا وَافَقَ سَخَطُهُ مَعْصِيَتَهُ وَ أَنْتَ لَا تَعْلَمُ وَ أَخْفَى إِجَابَتَهُ فِي دَعْوَتِهِ فَلَا تَسْتَصْغِرَنَّ شَيْئاً مِنْ دُعَائِهِ فَرُبَّمَا وَافَقَ إِجَابَتَهُ وَ أَنْتَ لَا تَعْلَمُ وَ أَخْفَى وَلِيَّتَهُ فِي عِبَادِهِ فَلَا تَسْتَصْغِرَنَّ عَبْدًا مِنْ عِيْدِ اللَّهِ فَرُبَّمَا يَكُونُ وَلِيَّتَهُ وَ أَنْتَ لَا تَعْلَمُ

۳۱ - امیر المؤمنین عليه السلام فرمود: راستی که خدای تبارك و تعالی چهار چیز را در چهار چیز پنهان نموده خوشنودی خود را در میان طاعتها پس هیچ طاعتی را کوچک شمار که بسا خوشنودی خداوند در همان باشد و تو ندانی و خشم خود را در میان گناهان پنهان کرده پس هیچ گناهی را کوچک

مپندارد که شاید خشم خدا در همان باشد و تو ندانی و اجابت خویش را در میان دعاهایش پنهان نموده پس هیچ دعائی را کوچک مدار که بسا همان دعای مستجاب باشد و تو ندانی و ولی خود را در میان بندگان خود پنهان داشته پس بهیچ بنده‌ای از بندگان خدا با چشم حقارت منگر که شاید همان ولی خدا باشد و تو ندانی.

گفتار پیغمبر که چهار چیز را ناخوش ندارید که چهار فائده دارند

قول النبی ﷺ لا تکرهوا أربعة فإنها لأربعة

۳۲ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ زِيَادٍ بْنُ جَعْفَرِ
الْهَمْدَانِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ
إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي
عُمَيْرٍ عَنْ غِيَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ
مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي
رَسُولٍ ﷺ لَا تَكْرَهُوا أَرْبَعَةً فَإِنَّهَا لِأَرْبَعَةٍ لَا
تَكْرَهُوا الزُّكَّامَ فَإِنَّهُ أَمَانٌ مِنَ الْجُدَامِ وَ لَا
تَكْرَهُوا الدَّمَامِيلَ فَإِنَّهَا أَمَانٌ مِنَ الْبَرَصِ وَ لَا
تَكْرَهُوا الرَّمَدَ فَإِنَّهُ أَمَانٌ مِنَ الْعَمَى وَ لَا
تَكْرَهُوا السُّعَالَ فَإِنَّهُ أَمَانٌ مِنَ الْفَالِجِ

۳۲ - رسول خدا ﷺ فرمود: چهار چیز را ناخوش ندارید که چهار فایده دارند زکام را ناخوش ندارید که از بیماری خوره امانتان می‌بخشد و دملها را ناخوش ندارید که امان بخش از پیری است و چشم درد را ناخوش مدارید که از نابینائی امان است و سرفه را ناخوش مدارید که امان از فلج و سکتة ناقص است.

امیر المؤمنین را چهار منقبت بود که هیچ عربی نژاد پیش از او دارای آن منقبتها نبود

لأمیر المؤمنین عليه السلام أربع مناقب لم يسبقه
إليها عربي

۳۳ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ إِسْحَاقَ
الدَّيْنَوْرِيُّ الْقَاضِي قَالَ أَخْبَرَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ
الْحَمِيدِ الْقَرْغَانِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ بُدَيْلٍ
قَالَ حَدَّثَنَا مُفَضَّلُ بْنُ صَالِحِ الْأَسَدِيِّ عَنْ سَمَاءِ
بْنِ حَرْبٍ عَنْ عِكْرَمَةَ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ كَانَ
لِعَلِيِّ عليه السلام أَرْبَعُ مَنَاقِبَ لَمْ يَسْبِقْهُ إِلَيْهَا عَرَبِيٌّ
كَانَ أَوَّلَ مَنْ صَلَّى مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وسلم وَكَانَ صَاحِبَ
رَأْيَتِهِ فِي كُلِّ زَحْفٍ وَ انْهَزَمَ النَّاسُ يَوْمَ
الْمُهْرَاسِ وَ ثَبَّتَ وَ غَسَلَهُ وَ أَدْخَلَهُ قَبْرَهُ

۳۳ - ابن عباس گوید: علی را چهار
منقبت بود که پیش از او هیچ عربی را
نبود اولین فردی است که با رسول خدا
صلى الله عليه وآله وسلم نماز خواند و در همه جنگهای رسول
خدا صلى الله عليه وآله وسلم پرچمدار بود و در روز جنگ احد
همه فرار کردند و او پایداری کرد و
متصدی غسل و دفن رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم گردید.

۳۴ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ إِسْحَاقَ قَالَ
حَدَّثَنَا أَبُو مُحَمَّدٍ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ صَالِحِ الْبُخَّارِيُّ
قَالَ حَدَّثَنَا يَعْقُوبُ بْنُ حُمَيْدٍ بْنُ كَاسِبٍ قَالَ
حَدَّثَنَا سُفْيَانُ بْنُ عُيَيْنَةَ عَنْ أَبِي نَجِيحٍ عَنْ
أَبِيهِ عَنْ رَبِيعَةَ الْجَرَشِيِّ أَنَّهُ ذَكَرَ عَلِيًّا عليه السلام
عِنْدَ مُعَاوِيَةَ وَ عِنْدَهُ سَعْدُ بْنُ أَبِي وَقَّاصٍ فَقَالَ
لَهُ سَعْدُ تَذَكَّرُ عَلِيًّا أَمَا إِنَّ لَهُ مَنَاقِبَ أَرْبَعًا
«أَرْبَعًا لِأَنَّ تَكُونَ لِي وَاحِدَةً مِنْهَا أَحَبُّ إِلَيَّ
مِنْ كَذَا وَ كَذَا وَ ذَكَرَ حُمْرَ النَّعَمِ
قَوْلُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ لِأَعْطَيْنَ الرَّايَةَ عَدَاً وَ
قَوْلُهُ صلى الله عليه وآله وسلم أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلِهِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى وَ
قَوْلُهُ صلى الله عليه وآله وسلم مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيَ مَوْلَاهُ وَ نَسِيَ
سَعْدُ الرَّابِعَةَ

۳۴ - ربیعه جرشى گوید: در مجلس معاویه که سعد بن وقاص نیز حضور داشت نامی از علی برده شد سعد گفت: نام علی بردی، متوجه باش که چهار منقبت مخصوص او است که اگر یکی از آن چهار مرا بود دوستتر داشتم از چنین و چنان و نام شتران سرخ مو را برد یکی آنکه پیغمبر در باره او فرمود:

فردا پرچم را بدست کسی خواهم داد که خدا و رسول او را دوست دارد و خدا و پیغمبر نیز او را دوست دارند و دیگر گفتار پیغمبر در باره او که فرمود: تو از من بجای هارونی از موسی و فرموده آن حضرت بهر که مولا منم علی است مولای او و چهارم را سعد فراموش کرده بود.

گفتار معاویة باین عباس که من بخواطر چهار خصلت تو را دوست دارم با اینکه چهار خصلت را بر تو بخشیده ام قول معاویة لابن عباس إني لأحبك لخصال أربع مع مغفرتي لك خصالاً أربعا

۳ - حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُوسَى رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا الْقَطَّانُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو مُحَمَّدٍ بَكْرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَبِيبٍ قَالَ حَدَّثَنَا الْعَبَّاسُ بْنُ الْفَرَجِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو سَلَمَةَ الْغِفَارِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي عَبْدُ اللَّهِ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي فَرْوَةَ عَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ بْنِ مَرْوَانَ قَالَ كُنَّا عِنْدَ مُعَاوِيَةَ ذَاتَ يَوْمٍ وَقَدْ اجْتَمَعَ عِنْدَهُ جَمَاعَةٌ مِنْ قُرَيْشٍ وَفِيهِمْ عِدَّةٌ مِنْ بَنِي هَاشِمٍ فَقَالَ مُعَاوِيَةُ يَا بَنِي هَاشِمٍ بِمِ تَفْخَرُونَ عَلَيْنَا أَلَيْسَ الْأَبُ وَالْأُمُّ وَاحِدًا وَالِدَاؤُكَ وَالْمَوْلِدُ وَاحِدًا فَقَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ نَفْخَرُ عَلَيْكُمْ بِمَا أَصْبَحْتَ تَفْخَرُ بِهِ عَلَيَّ سَائِرِ قُرَيْشٍ وَتَفْخَرُ بِهِ قُرَيْشٌ عَلَيَّ سَائِرِ الْأَنْصَارِ وَتَفْخَرُ بِهِ الْأَنْصَارُ عَلَيَّ سَائِرِ الْعَرَبِ وَتَفْخَرُ بِهِ الْعَرَبُ عَلَيَّ سَائِرِ الْعَجَمِ بِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَبِمَا لَا تَسْتَطِيعُ لَهُ أَنْكَارًا وَلَا مِنْهُ فِرَارًا

فَقَالَ مُعَاوِيَةُ يَا ابْنَ عَبَّاسٍ لَقَدْ أُعْطِيتَ
لِسَانًا ذَلَقًا تَكَادُ تَغْلِبُ بِبَاطِلِكَ حَقَّ سِوَاكَ
فَقَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ مَهْ فَإِنَّ الْبَاطِلَ لَا يَغْلِبُ
الْحَقَّ وَ دَعَّ عَنْكَ الْحَسَدَ فَلَيْتَسَ الشُّعْرَاءُ الْحَسَدُ
فَقَالَ مُعَاوِيَةُ صَدَقْتَ أَمَّا وَاللَّهِ إِنِّي لِأَحِبُّكَ
لِخِصَالِ أَرْبَعٍ مَعَ مَغْفِرَتِي لَكَ خِصَالًا أَرْبَعًا
فَأَمَّا أَنِّي أَحِبُّكَ فَلِقَرَابَتِكَ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ
أَمَّا الثَّانِيَةُ فَإِنَّكَ رَجُلٌ مِنْ أَسْرَتِي وَ أَهْلُ
بَيْتِي وَ مِنْ مُصَاصِ عَبْدِ مَنَافٍ وَ أَمَّا الثَّلَاثَةُ
فَأَبِي كَانَ خِيَلًا لِأَبِيكَ وَ أَمَّا الرَّابِعَةُ فَإِنَّكَ
لِسَانٌ قُرَيْشٍ وَ زَعِيمُهَا وَ فَقِيهُهَا وَ أَمَّا
الْأَرْبَعُ الَّتِي غَفَرْتُ لَكَ فَعَدُوكَ عَلَيَّ بِصَفِيْنِ
فِيْمَنْ عَدَا وَ إِسَاءَتِكَ فِي خِيْلَانِ عَثْمَانَ فِيْمَنْ
أَسَاءَ وَ سَعِيْكَ عَلَيَّ عَائِشَةَ أُمَّ الْمُؤْمِنِيْنَ فِيْمَنْ
سَعَى وَ نَفِيْكَ عَنِّي زِيَادًا فِيْمَنْ نَفَى فَضْرِبْتُ
أَنْفَ هَذَا الْأَمْرِ وَ عَيْنَهُ حَتَّى اسْتَخْرَجْتُ عُذْرَكَ
مِنْ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ قَوْلِ الشُّعْرَاءِ أَمَّا مَا
وَافَقَ كِتَابَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَقَوْلُهُ خَلَطُوا عَمَلًا
صَالِحًا وَ آخَرَ سَيِّئًا وَ أَمَّا مَا قَالَتِ الشُّعْرَاءُ
فَقَوْلُ أَخِي بَنِي ذُبْيَانَ وَ لَسْتُ بِمُسْتَيِقٍ أَخًا لَا
تَلْمُهُ عَلَيَّ شَعَثٍ أَيُّ الرَّجَالِ الْمُهَذَّبِ فَاَعْلَمُ
أَنِّي قَدْ قَبِلْتُ فِيكَ الْأَرْبَعِ الْأُولَى وَ غَفَرْتُ لَكَ
الْأَرْبَعِ الْآخَرَى وَ كُنْتُ فِي ذَلِكَ كَمَا قَالَ الْأَوَّلُ
سَاقِبَلُ مِمَّنْ قَدْ أَحَبُّ جَمِيلُهُ وَ أَعْفِرُ مَا قَدْ
كَانَ مِنْ غَيْرِ ذَلِكَ ثُمَّ أَنْصَتَ فَتَكَلَّمَ ابْنُ عَبَّاسٍ
فَقَالَ بَعْدَ حَمْدِ اللَّهِ وَ الثَّنَاءِ عَلَيْهِ وَ أَمَّا مَا
ذَكَرْتَ أَنَّكَ تُحِبُّنِي لِقَرَابَتِي مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ
فَذَلِكَ الْوَاجِبُ عَلَيْكَ وَ عَلَيَّ كُلُّ مُسْلِمٍ آمَنَ بِاللَّهِ
وَ بِرَسُولِهِ لِأَنَّهُ الْأَجْرُ الَّذِي سَأَلَكُمْ رَسُولُ
اللَّهِ ﷺ عَلَيَّ مَا آتَاكُمْ بِهِ مِنْ الضِّيَاءِ وَ
الْبُرْهَانِ الْمُبِينِ فَقَالَ عَزَّ وَ جَلَّ قُلْ لَا
أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى
فَمَنْ لَمْ يُجِبْ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ إِلَى مَا سَأَلَهُ خَابَ وَ
خَزِيَ وَ كَيَا فِي جَهَنَّمَ وَ أَمَّا مَا ذَكَرْتَ أَنِّي
رَجُلٌ مِنْ أَسْرَتِكَ وَ أَهْلُ بَيْتِكَ فَذَلِكَ كَذَلِكَ وَ
إِنَّمَا أَرَدْتُ بِهِ صَلَاةَ الرَّحِمِ وَ لَعْمَرِي إِنَّكَ

الْيَوْمَ وَصُولُ مِمَّا قَدْ كَانَ مِنْكَ مِمَّا لَا تَثْرِيْبَ
عَلَيْكَ فِيهِ الْيَوْمَ وَ أَمَّا قَوْلُكَ إِنَّ أَبِي كَانَ
خَلًّا لِأَبِيكَ فَقَدْ كَانَ ذَلِكَ وَ قَدْ سَبَقَ فِيهِ قَوْلُ
الْأَوَّلِ سَأَحْفَظُ مَنْ آخَى أَبِي فِي حَيَاتِهِ وَ لَسْتُ
لِمَنْ لَا يَحْفَظُ الْعَهْدَ وَامِقًا وَ أَحْفَظُهُ مِنْ بَعْدِهِ
فِي الْأَقَارِبِ وَ لَا هُوَ عِنْدَ النَّائِبَاتِ بِصَاحِبٍ وَ
أَمَّا مَا ذَكَرْتَ مِنْ أَنِّي لِسَانُ قُرَيْشٍ وَ زَعِيمُهَا
وَ فَقِيهُهَا فَإِنِّي لَمْ أُعْطَ مِنْ ذَلِكَ شَيْئًا إِلَّا وَ
قَدْ أُوتِيْتَهُ غَيْرَ أَنَّكَ قَدْ أَبَيْتَ بِشَرَفِكَ وَ كَرَمِكَ
إِلَّا أَنْ تُفَضِّلَنِي وَ قَدْ سَبَقَ فِي ذَلِكَ قَوْلُ الْأَوَّلِ

وَ كُلُّ كَرِيمٍ لِيَلِكِرَامٍ مُفَضَّلٍ يَرَاهُ لَهُ أَهْلًا وَ
إِنْ كَانَ فَاضِلًا وَ أَمَّا مَا ذَكَرْتَ مِنْ عَدْوِي عَلَيْكَ
بِصَفِيْنٍ فَوَاللَّهِ لَوْ لَمْ أَفْعَلْ ذَلِكَ لَكُنْتُ مِنَ الْأُمِّ
الْعَالَمِيْنَ أَوْ كَانَتْ نَفْسُكَ تُحَدِّثُكَ يَا مُعَاوِيَةَ
أَنِّي أَخَذْتُ ابْنَ عَمِّي أَمِيرَ الْمُؤْمِنِيْنَ وَ سَيِّدَ
الْمُسْلِمِيْنَ وَ قَدْ حَشَدَ لَهُ الْمُهَاجِرُونَ وَ
الْأَنْصَارُ وَ الْمُصْطَفُونَ الْأَخْيَارُ وَ لِمَ يَا
مُعَاوِيَةَ أَ شَكُّ فِي دِيْنِي أَمْ حَيْرَةٌ فِي سَجِيَّتِي
أَمْ ضَنْ بِنَفْسِي وَ أَمَّا مَا ذَكَرْتَ مِنْ خِذْلَانِ
عُثْمَانَ فَقَدْ خَذَلَهُ مَنْ كَانَ أَمْسَ رَحِمًا بِهِ مِنِّي
وَ لِي فِي الْأَقْرَبِيْنَ وَ الْأَبْعَدِيْنَ أَسْوَةٌ وَ إِنِّي
لَمْ أُعِدْ عَلَيْهِ فِيْمَنْ عَدَا بَلْ كَفَفْتُ عَنْهُ كَمَا
كَفَّ أَهْلُ الْمُرُوءَاتِ وَ الْحَجِي وَ أَمَّا مَا ذَكَرْتَ
مِنْ سَعْيِي عَلَى عَائِشَةَ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَمَرَهَا أَنْ
تَقْرَ فِي بَيْتِهَا وَ تَحْتَجِبَ بِسِتْرِهَا فَلَمَّا كَشَفَتْ
جِلْبَابَ الْحَيَاءِ وَ خَالَفَتْ نِيَّتَهَا ﷺ وَسَعْنَا مَا
كَانَ مِنَّا إِلَيْهَا وَ أَمَّا مَا ذَكَرْتَ مِنْ نَفْسِي
زِيَادٍ فَإِنِّي لَمْ أَنْفِهِ بَلْ نَفَاهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذْ
قَالَ الْوَلَدُ لِلْفِرَاشِ وَ لِلْعَاهِرِ الْحَجْرُ وَ إِنِّي
مِنْ بَعْدِ هَذَا لِأَحِبُّ مَا سَرَّكَ فِي جَمِيْعِ أُمُورِكَ
فَتَكَلَّمْ عَمْرُو بْنُ الْعَاصِ فَقَالَ يَا أَمِيرَ
الْمُؤْمِنِيْنَ وَ اللَّهُ مَا أَحَبُّكَ سَاعَةً قَطُّ غَيْرَ أَنَّهُ
قَدْ أُعْطِيَ لِسَانًا ذَرَبًا فَقَلْبُهُ كَيْفَ شَاءَ وَ إِنْ
مَثَلَكَ وَ مَثَلَهُ كَمَا قَالَ الْأَوَّلُ وَ ذَكَرَ بَيْتَ شَعْرٍ
فَقَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ إِنْ عَمْرًا دَاخِلٌ بَيْنَ الْعَظْمِ وَ

اللَّحْمِ وَالْعَصَا وَاللَّحَاءِ وَقَدْ تَكَلَّمَ
فَلْيُسْتَمَعَ فَقَدْ وَافَقَ قَرْنًا أَمَّا وَاللَّهِ يَا عَمْرُو
إِنِّي لأُبْغِضُكَ فِي اللَّهِ وَمَا أَعْتَدُ مِنْهُ إِنَّكَ قُمْتَ
خَطِيبًا فَقُلْتَ أَنَا شَانِيٌّ مُحَمَّدٍ فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَ
جَلَّ إِنَّ شَانِيكَ هُوَ الْأَبْتَرُ فَأَنْتَ أَبْتَرُ الدِّينِ وَالْ
الدُّنْيَا وَأَنْتَ شَانِيٌّ مُحَمَّدٍ فِي الْجَاهِلِيَّةِ وَالْ
الإِسْلَامِ وَقَدْ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَا تَجِدُ
قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ
حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَقَدْ حَادَّتِ اللَّهُ وَرَسُولَهُ
قَدِيمًا وَحَدِيثًا وَلَقَدْ جَهَدْتَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ
جَهْدَكَ وَأَجَلَبْتَ عَلَيْهِ بِخَيْلِكَ وَرَجَلِكَ حَتَّى إِذَا
غَلَبَكَ اللَّهُ عَلَى أَمْرِكَ وَرَدَّ كَيْدَكَ فِي نَحْرِكَ وَ
أَوْهَنَ قُوَّتَكَ وَأكْذَبَ أَحْدُوثَتَكَ نَزَعْتَ وَأَنْتَ
حَسِيرٌ ثُمَّ كَيْدَتْ بِجَهْدِكَ لِعَدَاوَةِ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّهِ
مِنْ بَعْدِهِ لَيْسَ بِكَ فِي ذَلِكَ حُبٌّ مُعَاوِيَةَ وَلَا آلَ
مُعَاوِيَةَ إِلَّا الْعَدَاوَةَ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ
لِرَسُولِهِ ﷺ مَعَ بُغْضِكَ وَحَسَدِكَ الْقَدِيمِ لِأَبْنَاءِ
عَبْدِ مَنْفٍ وَمِثْلِكَ فِي ذَلِكَ كَمَا قَالَ الْأَوَّلُ
تَعَرَّضَ لِي عَمْرُو وَ عَمْرُو خَزَايَةَ فَمَا هُوَ لِي نِدٌّ
فَأَشْتَمَ عِرْضَهُ تَعَرَّضَ ضَبْعَ الْقَفْرِ لِلْأَسَدِ الْوَرْدِ وَ
لَا هُوَ لِي عَبْدٌ فَأَبْطِشْ بِالْعَبْدِ فَتَكَلَّمَ عَمْرُو بِنِ
الْعَاصِ فَقَطَعَ عَلَيْهِ مُعَاوِيَةَ وَقَالَ أَمَّا وَاللَّهِ
يَا عَمْرُو مَا أَنْتَ مِنْ رَجَالِهِ فَإِنْ شِئْتَ فَقُلْ وَ
إِنْ شِئْتَ فَدَعْ فَاعْتَنَمَهَا عَمْرُو وَ سَكَتَ فَقَالَ
ابْنُ عَبَّاسٍ دَعَاهُ يَا مُعَاوِيَةَ فَوَاللَّهِ لَأَسْمَنَّهُ
بِمَيْسَمٍ يَبْقَى عَلَيْهِ عَارُهُ وَ شَنَارُهُ إِلَى يَوْمِ
الْقِيَامَةِ تَتَحَدَّثُ بِهِ الْإِمَاءُ وَالْعَبِيدُ وَ
يُتَعَنَّى بِهِ فِي الْمَجَالِسِ وَ يُتَحَدَّثُ بِهِ فِي
الْمَحَافِلِ ثُمَّ قَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ يَا عَمْرُو وَ
ابْتَدَأَ فِي الْكَلَامِ فَمَدَّ مُعَاوِيَةَ يَدَهُ فَوَضَعَهَا
عَلَى فِي ابْنِ عَبَّاسٍ وَقَالَ لَهُ أَقْسَمْتُ عَلَيْكَ يَا
ابْنَ عَبَّاسٍ إِلَّا أَمْسَكْتَ وَ كَرِهَ أَنْ يَسْمَعَ أَهْلُ
الشَّامِ مَا يَقُولُ ابْنُ عَبَّاسٍ وَ كَانَ آخِرُ كَلَامِهِ
أَخْسَأَ أَيُّهَا الْعَبْدُ وَأَنْتَ مَذْمُومٌ وَ افْتَرَقُوا

۳۵ - عبد الملك بن مروان گوید: روزی
با جماعتی از قریش که چند تن از بنی
هاشم نیز حضور داشتند نزد معاویه بودیم

معاویه گفت ای بنی هاشم به چه بر ما می‌نازید مگر ما از یک پدر و مادر نیستیم و خانمان و زادگاهمان یکی نیست؟ ابن عباس گفت: ما به همان بر شما می‌نازیم که تو با آن بر دیگر افراد قریش می‌نازی و قریش با آن بر انصار می‌نازد و انصار بر دیگر قبایل عرب و عرب بر عجم، ما به رسول خدا ﷺ می‌نازیم و به آنچه نه آن را انکار توانی کرد و نه از آن گریز توانی نمود معاویه گفت:

ای ابن عباس راستی زبان برنده ای داری که باطل خود را بر حق دیگری چیره کنی ابن عباس گفت:

ساکت باش که باطل هرگز بر حق چیره نگردد و حسد را از خود دور ساز که حسد شیوه بسیار بدی است معاویه گفت: راست گفתי بخدا سوگند من برای چهار خصلت تو را دوست دارم و علاوه بر این از چهار خصلت دیگر تو صرف نظر میکنم اما جهت اینکه دوستت دارم چون از فامیل رسول خدائی و دوم اینکه از فامیل و خاندان خود من هستی و از نژاد عبد منافی و سوم اینکه پدرم با پدرت دوست بود و چهارم اینکه تو زبان گویای قریش و پیشوا و دانشمند این قبیله هستی و اما آن چهار چیز که نادیده گرفته‌ام یکی اینکه تو در صف آنانی بودی که در صفین با من مبارزه کردند دیگر اینکه تو نیز با بدکارانی که عثمان را خوار کردند همدست بودی و بد کردی دیگر اینکه با آنانی که بر زیان ام المؤمنین عایشه قدم برداشتند همگامی نمودی و دیگر اینکه زیاد را به برادری من نپذیرفتی و من در کار تو دقت فراوان کردم وزیر و روی آن را دیدم تا آنکه از کتاب خدای عز و جل و گفتار شعرا عذر تو را بدست آوردم اما عذری که موافق قرآن است این آیه است که خدای تعالی میفرماید

گروهی کارهای شایسته را با کارهای دیگر
ناشایست در هم آمیختند و اما آنچه
شاعران گفته‌اند گفتار شاعر ذبیانی است
که میگوید:

اگر بخواهی با مردان پاکی که هیچ نقطه
ضعف نداشته باشند آمیزش کنی هیچ معاشر و
برادری برای تو باقی نخواهد ماند.
رفیقی پاک و بی‌عیب بمانی بی‌رفیق از
ار بجـوئی عیبـجـوئی

بدان که آن چهار خصلت اولی را از تو
پذیرفته ام و از این چهار خصلت دیگر تو
چشم پوشی کرده ام و گفتار گوینده پیشین
را بکار بسته ام که گوید:

من کسی را که دوست دارم نیکی‌اش را
می‌پذیرم و از بدی او چشم پوشی کنم.
چو دل دادم بمهر نه بینم هیچ از او
خـو بـروئی غـیر از نـکوئی
معاویه به گفتار خود پایان داد و ابن
عباس شروع به سخن کرده و پس از ستایش
خدا و ثنای او گفت:

اما آنچه یاد آور شدی که مرا بخاطر
خویشی با رسول اکرم ﷺ دوست داری
وظیفه‌ای را انجام دادی که بر تو است و
هر مسلمانی که به خدا و رسولش ایمان
داشته باشد همین وظیفه را دارد زیرا
دوستی خویشان رسول خدا ﷺ پاداشی است
که رسول خدا ﷺ در عوض دین نورانی و
محکمی که برای شما آورده از شما درخواست
فرموده و خدای عز و جل در این باره
فرموده است بگو ای پیغمبر ﷺ که من
پاداشی از شما انتظار ندارم به جز دوستی
خویشاوندانم پس هر کس این خواسته رسول
ﷺ را انجام ندهد نومید و خوار است و
به دوزخ سرنگون خواهد گردید و اما آنچه
یاد آور شدی که من مردی از فامیل و

خاندان تو هستم هم چنان است که گفتی و تو با این دوستی منظورت صلہ رحم بود و به جان خودم سوگند که تو امروز نسبت به گذشته که دیگر جای ملامت آن نیست بیشتر صلہ رحم میکنی و اما آنچه گفتی که پدرم با پدرت دوست بود آن هم درست است و پیش از این شاعر در این باره گفته است:

رشته دوستی برادرم را تا زنده است با خود او و پس از مرگش با خویشان او نگاه خواهم داشت و بر کسی که پیمان شکن باشد و بهنگام سختی همنشین من نباشد اعتمادی نخواهم نمود.

و اما آنچه گفتی که من زبان گویا و رهبر و دانشمند قریشم همه اینها که مرا است تو را نیز هست ولی شرافت و بزرگواریات تو را واداشت که مرا بر خود برتری دهی و در این باره نیز پیش از تو شاعر گفته است:

هر آن کس که خود کریم و بزرگووار است کریمان را بر خود برتری دهد زیرا با اینکه خود مقامی والا دارد ولی درک میکند که کریمان شایستگی هر نوع برتری را دارند.

و اما آنچه گفتی که من در جنگ صفین شرکت کردم بخدا قسم اگر چنین نمیکردم از همه مردم پستتر بودم معاویه تو چه خیال میکنی؟ من پسر عمویم امیر مؤمنان و سرور اوصیای پیغمبران را رها کنم در حالی که همه مهاجرین و انصار و برگزیدگان از نیکان بگردش فراهم آمده بودند؟ ای معاویه چرا چنین کنم؟ مگر در دینم شکی داشتم و یا آنکه در ضمیرم سرگردانی و حیرتی بود و یا آنکه از کشته شدن دریغ میداشتم.

و اما آنچه در باره زبون کردن عثمان گفتی عثمان را آن کس زبون ساخت که فامیلیاش با عثمان نزدیکتر از من بود و

من به فامیل نزدیک و دور او تأسی کردم
من در صف آنانی که به او حمله کردند
نبودم بلکه همانند جوانمردان و فرزندان
دست از او باز داشتم.

و اما آنچه گفتم که من در راه مخالفت
با عایشه قدم برداشتم خدای تعالی به او
دستور داد که در خانه خود بنشیند و
پرده‌نشین باشد چون عایشه لباس حیا را بر
تن درید و بر خلاف دستور پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ
رفتار نمود بر ما روا بود آنچه با وی
کردیم.

و اما آنچه یاد آور شدی که من زیاد را
به برادری تو نه پذیرفتم نه من این کار
کردم بلکه رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ او را از تو نفی
کرده بود که فرموده بود فرزند از آن کسی
است که حق هم بستری با زن دارد و زنا
کار را پاداش سنگ است ولی با تمام این
حرفها من دوست دارم که تو همواره خرم و
شادان باشی عمرو بن عاص آغاز سخن کرده و
گفت: یا امیر المؤمنین به خدا قسم که او
یک لحظه تو را هرگز دوست نداشته است ولی
زبانی تیز دارد که به هر سوی بخواهد بر
میگرداند و مثل تو با او چنان است که
شاعر گفته است و یک بیت شعر خواند ابن
عباس گفت: عمرو عاص بی‌جهت خود را بمیان
استخوان و گوشت و مغز و پوست در آورد
ولی چون گفته است باید بشنود که با حریف
خود روبرو است بخدا قسم ای عمرو من برای
خدا شدیدا ترا دشمن میدارم و از این
دشمنی معذرت هم نمیخواهم تو همانی که
برای خطابه بپا خواستی و گفتمی من محمد
را دشمن میدارم خداوند این آیه را فرود
آورد که آنکه تو را دشمن بدارد خود زیان
کار است پس تو زیان کار دین و دنیائی و
توئی که در جاهلیت و اسلام بدخواه محمد
بودی و خدای تعالی فرموده است گروهی را

که بخدا و روز رستاخیز ایمان آورده باشند دوست دشمنان سرسخت خدا و رسول نخواهی یافت تو همان دشمن سر سخت خدا و رسول بودی از قدیم تا بامروز تا آنجا که میتوانستی به زیان رسول خدا ﷺ کوشش خود را بکار بردی و سواره و پیاده خود را بر زیان رسول خدا ﷺ فراهم آوردی تا آنگاه که خداوند تو را مغلوب کرد و مکر و حیل‌ها را گردنگیرت ساخت و نیرویت را سست و افسانه‌ها را دروغ و بی‌حقیقت پرداخت با کمال حسرت دست از مخالفت کشیدی ولی سپس با کمال کوشش حیل‌ها را در راه دشمنی خاندان پیغمبر او بکار بردی تو از دوستی معاویة و خاندان او بجزر دشمنی با خدای عز و جل و رسولش منظوری نداری با اینکه دشمنی و حسد دیرین تو با اولاد عبد مناف همچنان بر جا است و مثل تو در این باره همان است که شاعر گفته:

مرا طعنه زد عمرو و شد شرمسار نه
مانند اویم که نامش برم چو گفتار صحرا
بر شیر، خوار نه ام بنده تا جامه بر تن
درم عمرو عاص شروع بسخن کرد که معاویة
سخنش را بریده و گفت ای عمرو بخدا تو
مرد میدان او نیستی حال خود دانی که سخن
گوئی یا خموش باشی عمرو موقع را غنیمت
شمرده و خاموش گردید ابن عباس گفت: ای
معاویة عمرو را بحال خود گذار تا چنان
داغی بر او بزنم که تا روز قیامت ننگ آن
بر او بماند و تا روز قیامت زبان زد
کنیزان و بندگان باشد و سرود مجالس و
نقل محافل گردد سپس ابن عباس گفت: ای
عمرو و دهان بسخن باز کرد که معاویة دست
دراز نموده بر دهان ابن عباس نهاد و گفت
ای ابن عباس ترا سوگند میدهم که بس کن
چون خوش نداشت که اهل شام گفتار ابن

عباس را بشنوند و آخرین جمله ای که ابن عباس بعمر و گفت این بود که ای بنده نکوهیده دور شو این بگفت و از یک دیگر جدا شدند.

چهار صفت منشأ همه گناهان است

وجوه الذنوب أربعة

۳۶ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوِيهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ قَالَ مَا سَمِعْتُ وَ لَا اسْتَفَدْتُ مِنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ فِي طَوْلِ صُحْبَتِي لَهُ شَيْئاً أَحْسَنَ مِنْ هَذَا الْكَلَامِ فِي عِصْمَةِ الْإِمَامِ فَإِنِّي سَأَلْتُهُ يَوْمًا عَنِ الْإِمَامِ أَلَمْ يَكُنْ هُوَ مَعْصُومٌ فَقَالَ نَعَمْ فَقُلْتُ فَمَا صِفَةُ الْعِصْمَةِ فِيهِ وَ بِأَيِّ شَيْءٍ يُعْرَفُ فَقَالَ إِنَّ جَمِيعَ الذُّنُوبِ لَهَا أَرْبَعَةٌ أَوْجُهٌ لَا خَامِسَ لَهَا الْجِرْصُ وَ الْحَسَدُ وَ الْغَضَبُ وَ الشَّهْوَةُ فَهَذِهِ مَنْفِيَةٌ عَنْهُ لَا يَجُوزُ أَنْ يَكُونَ حَرِيصاً عَلَى هَذِهِ الدُّنْيَا وَ هِيَ تَحْتَ خَاتَمِهِ لِأَنَّهُ خَازِنُ الْمُسْلِمِينَ فَعَلَى مَا ذَا يَحْرِصُ وَ لَا يَجُوزُ أَنْ يَكُونَ حَسُوداً لِأَنَّ الْإِنْسَانَ إِنَّمَا يَحْسُدُ مَنْ فَوْقَهُ وَ لَيْسَ فَوْقَهُ أَحَدٌ فَكَيْفَ يَحْسُدُ مَنْ هُوَ دُونَهُ وَ لَا يَجُوزُ أَنْ يَغْضَبَ لِشَيْءٍ مِنْ أُمُورِ الدُّنْيَا إِلَّا أَنْ يَكُونَ غَضِيَّةً لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ قَدْ فَرَضَ عَلَيْهِ إِقَامَةَ الْحُدُودِ وَ أَنْ لَا تَأْخُذَهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ وَ لَا رَافَةٌ فِي دِينِهِ حَتَّى يُقِيمَ حُدُودَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لَا يَجُوزَ لَهُ أَنْ يَتَّبِعَ الشَّهَوَاتِ وَ يُؤْثِرَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ حَبَّبَ الْآخِرَةَ كَمَا حَبَّبَ إِلَيْنَا الدُّنْيَا فَهَوَ يَنْظُرُ إِلَى الْآخِرَةِ كَمَا نَنْظُرُ إِلَى الدُّنْيَا فَهَلْ رَأَيْتَ أَحَدًا تَرَكَ وَجْهًا حَسَنًا لِيُوجِهَ قَبِيحَ وَ طَعَامًا طَيِّبًا لِيَطْعَمَ مُرًّا وَ ثَوْبًا لِيُنَا لِيُثَوِّبَ خَشِنًا وَ نِعْمَةً دَائِمَةً بَاقِيَةً لِدُنْيَا زَائِلَةً فَانِيَّةً

۳۶ - محمد بن ابی عمیر گوید: در تمام دوران رفاقتم که با هشام بن حکم داشتم

سخنی بهتر و پر بهره‌تر از این سخن که در باره عصمت امام بود از او نشنیدم: روزی از او پرسیدم که آیا امام معصوم است؟ گفت: آری گفتم: نشانه عصمت در او چیست؟ و به چه بایدش شناخت؟ گفت: حقیقت اینکه همه گناهان چهار منشأ دارد و پنجم ندارد. آز، رشك، خشم، خواهش نفس، و هیچ يك از این‌ها در امام نیست امام را نشاید که بر این دنیا حریص باشد زیرا همه آن به زیر نگین او است که او خزانه‌دار مسلمانان است پس چرا حریص باشد و او را نشاید که رشك برد زیرا انسان فقط بر بالاتر از خود رشك می‌برد و کسی بالاتر از امام نیست پس چگونه روا است که بر زیر دست خود رشك برد و او را نشاید برای هیچ يك از کارهای دنیا خشمناك گردد مگر آنکه خشمش برای خدای عز و جل باشد زیرا خدای عز و جل اجرای احکام را بر او واجب کرده آن چنان که نه سرزنش کسی در او تأثیر کند و نه در اجرای احکام بر کسی مهربانی بی‌جا کند تا حدود خدای عز و جل را بپا دارد و او را نشاید که پیرو خواهشهای نفس بوده و دنیا را بر آخرت ترجیح دهد زیرا خداوند هم چنان که دنیا را در نظر ما محبوب کرده آخرت را در نظر امام محبوب ساخت امام آخرت را آنچنان می‌بیند که ما دنیا را می‌بینیم تو هرگز کسی را دیده‌ای که بخاطر زشت‌روئی از روی زیبائی بگذرد؟ و خوراك لذیذی را گذاشته بخوراك تلخ بپردازد؟ و جامه نرمی را گذاشته جامه زبر و درشت اختیار کند و از نعمت جاوید و پایان ناپذیر بخاطر دنیای زودگذر و ناپایدار بگذرد.

پاداش کسی که چهار بار حج بجا آورد

ثواب من حج أربع حجج
٣٧ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي
الْخَطَّابِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مَنْصُورِ بْنِ
حَازِمٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَمَّنْ حَجَّ أَرْبَعَ
حَجَجٍ مَا لَهُ مِنَ الثَّوَابِ قَالَ يَا مَنْصُورُ مَنْ حَجَّ
أَرْبَعَ حَجَجٍ لَمْ تُصِبهُ ضَعْفَةُ الْقَبْرِ أَبَدًا وَإِذَا
مَاتَ صَوَّرَ اللَّهُ الْحَجَّ الَّذِي حَجَّ فِي صُورَةٍ حَسَنَةٍ مِنْ
أَحْسَنِ مَا يَكُونُ مِنَ الصُّورِ بَيْنَ عَيْنَيْهِ تُصَلِّي
فِي جَوْفِ قَبْرِهِ حَتَّى يَبْعَثَهُ اللَّهُ مِنْ قَبْرِهِ وَ يَكُونُ
ثَوَابُ تِلْكَ الصَّلَاةِ لَهُ وَ اعْلَمْ أَنَّ صَلَاةً مِنْ تِلْكَ
الصَّلَاةِ تَعْدِلُ أَلْفَ رَكْعَةٍ مِنَ الصَّلَاةِ الْأَدْمِيَّةِ

٣٧ - منصور بن حازم گوید: از امام
صادق عليه السلام پرسیدم پاداش کسی که چهار بار
حج بجا آورده چیست؟ فرمود: ای منصور کسی
که چهار بار حج بجای آورد هرگز فشار قبر
نبیند، و هنگام مرگش خدای تعالی حج‌های
او را به زیباترین صورتی در برابر او در
آورد که تا روز رستاخیز در میان قبر
نماز گزارند و ثواب این نماز او را باشد
بدان که يك نماز از این نمازها با هزار
رکعت از نماز آدمیان برابر است.

چهار چیز در چهار مورد پذیرفته نیست

أربع لا يجزن في أربعة
٣٨ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ
عِيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ أَحْمَدَ بْنَ
مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ بْنِ بَزْطِيٍّ عَنْ أَبَانَ بْنِ
عُثْمَانَ الْأَحْمَرِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ أَرْبَعٌ لَا
يَجُزْنَ فِي أَرْبَعِ الْخِيَانَةِ وَالْعُلُوفِ وَالسَّرِقَةِ
وَالرِّبَا لَا يَجُزْنَ فِي حَجٍّ وَلَا عُمْرَةٍ وَلَا جِهَادٍ
وَلَا صَدَقَةٍ

٣٨ - امام صادق عليه السلام فرمود: چهار چیز در
چهار مورد پذیرفته نیست.
آنچه به خیانت در مال مردم یا خیانت
در غنیمت زیادی یا ربا بدست آید در راه
حج و عمره و جهاد و صدقه پذیرفته نخواهد
بود.

خوراکی که چهار خصلت را دارا باشد خوراك كامل است

الطعام إذا جمع أربع خصال فقد تم
٣٩ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكَّلِ
رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ
هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ
إِسْمَاعِيلَ بْنِ مُسْلِمِ السَّكُونِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ
مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيِّ عليه السلام قَالَ قَالَ
رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله إِذَا جُمِعَ لِلطَّعَامِ أَرْبَعُ خِصَالٍ فَقَدْ
تَمَّ إِذَا كَانَ مِنْ حَلَالٍ وَ كَثُرَتِ الْأَيْدِي عَلَيْهِ وَ
سُمِّيَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى فِي أَوَّلِهِ وَ حَمِيدٌ فِي
آخِرِهِ

٣٩ - رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: اگر در خوراك
چهار چیز فراهم آید کامل خواهد بود از
حلال باشد- دستهای زیادی در خوردن او
شرکت کند- با نام خدا آغاز شود و با حمد
او پایان پذیرد.

زنا زاده چهار نشانه دارد

لولد الزنا أربع علامات

٤٠ - حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ مَسْرُورٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ عَامِرٍ عَنْ عَمِّهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ مُخَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ قَالَ قَالَ الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنْ لَمْ يُبَالِ مَا قَالَ وَ مَا قِيلَ فِيهِ فَهُوَ شِرْكُ شَيْطَانٍ وَ مَنْ لَمْ يُبَالِ أَنْ يَرَاهُ النَّاسُ مُسِينًا فَهُوَ شِرْكُ شَيْطَانٍ وَ مَنْ اغْتَابَ أَخَاهُ الْمُؤْمِنَ مِنْ غَيْرِ تَرَةٍ بَيْنَهُمَا فَهُوَ شِرْكُ شَيْطَانٍ وَ مَنْ شَعَفَ بِمَحَبَّةِ الْحَرَامِ وَ شَهْوَةِ الزَّانَا فَهُوَ شِرْكُ شَيْطَانٍ ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ لَوْلِدِ الزَّانَا عَلَامَاتٍ أَحَدَهَا بُغْضُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ وَ ثَانِيهَا أَنَّهُ يَجُنُّ إِلَى الْحَرَامِ الَّذِي خُلِقَ مِنْهُ وَ ثَالِثُهَا الْإِسْتِخْفَافُ بِالذِّينِ وَ رَابِعُهَا سُوءُ الْمَحْضَرِ لِلنَّاسِ وَ لَا يُسِيءُ مَحْضَرِ إِخْوَانِهِ إِلَّا مَنْ وُلِدَ عَلَى غَيْرِ فِرَاشٍ أَبِيهِ أَوْ مَنْ حَمَلَتْ بِهِ أُمُّهُ فِي حَيْضِهَا

٤٠ - امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: هر کس از آنچه خود در باره دیگران بگوید و دیگران در باره وی گویند باکی نداشته باشد شیطان در سرشت او دست داشته است و کسی که از دیدار مردم اش در حال گناه باک نداشته باشد شیطان در سرشت او دست داشته است و کسی که بدون جهت از برادر مؤمن بدگویی کند شیطان در سرشت او دست داشته است و کسی که سخت علاقه مند به حرام باشد و مایل به زنا شیطان در سرشت او دست داشته است سپس فرمود: زنا زاده را نشانه‌هایی است یکی دشمنی با خاندان پیغمبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ دوم آنکه به زنا که خود از آن ساخته شده علاقه مند می‌باشد سوم دین را سبک شمردن چهارم بد زبان بودن در باره مردم و کسی در باره برادرش بد زبان نشود

مگر آنکه زنا زاده باشد و یا مادرش در حال حیض بار دارش شده باشد.

خدای عز و جل موسی را چهار سفارش فرمود

أوصى الله عز و جل موسى عليه السلام بأربعة أشياء
٤١ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ سَعِيدٍ الْقَطَّانُ قَالَ
حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ سَعِيدٍ الْقَطَّانُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ فَضَالٍ
عَنْ أَبِيهِ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ ثَابِتِ بْنِ
أَبِي صَفِيَّةَ عَنْ سَعْدِ الْخَفَّافِ عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ
ثُبَّاتَةَ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام قَالَ اللَّهُ
تَبَارَكَ وَتَعَالَى لِمُوسَى عليه السلام يَا مُوسَى احْفَظْ
وَصِيَّتِي لَكَ بِأَرْبَعَةِ أَشْيَاءَ أَوْلَهُنَّ مَا دُمْتَ لَا
تَرَى ذُنُوبَكَ تُغْفَرُ فَلَا تَشْتَغِلْ بِعُيُوبِ غَيْرِكَ وَ
الثَّانِيَةَ مَا دُمْتَ لَا تَرَى كُنُوزِي قَدْ نَفِدَتْ فَلَا
تَعْتَمَّ بِسَبَبِ رِزْقِكَ وَ الثَّلَاثَةَ مَا دُمْتَ لَا تَرَى
زَوَالَ مَلِكِي فَلَا تَرْجُ أَحَدًا غَيْرِي وَ الرَّابِعَةَ
مَا دُمْتَ لَا تَرَى الشَّيْطَانَ مَيِّتًا فَلَا تَأْمَنْ مَكْرَهُ
٤١ - امير المؤمنين عليه السلام فرمود خدای

تبارک و تعالی به موسی فرمود ای موسی
سفارش مرا در باره چهار چیز نگهدار اولش
آنکه تا گناهان خود را آمرزیده ندیده ای
به عیب دیگران نپرداز دوم تا پایان
یافتن خزینه های مرا ندیده ای غم روزی
خود مخور سوم تا زوال سلطنت مرا ندیده ای
به کسی جز من امیدوار مباش چهارم تا
شیطان را مرده ندیده ای از مکرش آسوده
خاطر مباش.

امیر المؤمنین عليه السلام هر وقت بجنگی اعزام
میشد چهار خصلت داشت کان لأمیر
المؤمنین عليه السلام إذا توجه فی سرية أربع خصال
٤٢ حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ
بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ

أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ الْمُفَضَّلِ
 بْنِ عُمَرَ عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ الْجُعْفِيِّ عَنْ أَبِي
 الزُّبَيْرِ الْمَكِّيِّ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ
 قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ مَا
 وَجَّهْتُ عَلِيًّا قَطُّ فِي سَرِيَّةٍ إِلَّا وَنَظَرْتُ إِلَيْهِ
 جَبْرَائِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي سَبْعِينَ أَلْفًا مِنَ الْمَلَائِكَةِ عَنْ
 يَمِينِهِ وَ إِلَى مِيكَائِيلَ عَنْ يَسَارِهِ فِي سَبْعِينَ
 أَلْفًا مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَ إِلَى مَلِكِ الْمَوْتِ أَمَامَهُ
 وَ إِلَى سَحَابَةٍ تُظِلُّهُ حَتَّى يُرْزَقَ حُسْنَ الظَّفَرِ
 ٤٢ - رسول خدا ﷺ فرمود: بخدائی كه
 جانم بدست قدرت او است على را هرگز به
 جبهه جنگى نفرستادم مگر آنكه ديدم
 جبرئيل با هفتاد هزار فرشته در سمت راست
 او و ميكائيل در سمت چپاش با هفتاد هزار
 فرشته و فرشته مرگ پيشاپيش او و ابرى بر
 سرش سايه افكن بود تا نيكوترين پيروى
 نصيبش گردد.

شگفت آور است کسی که از چهار چیز می‌هراسد چرا بچهار چیز پناهنده نمیشود

لعجب لمن يفزع من أربعة كيف لا يفزع
 إلى أربعة

٤٣ - حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ مَسْرُورٍ رَضِيَ
 اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ عَامِرِ
 عَنْ عَمِّهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي
 عَمِيرٍ قَالَ حَدَّثَنَا جَمَاعَةٌ مِنْ مَشَايخِنَا مِنْهُمْ
 أَبَانُ بْنُ عُثْمَانَ وَ هِشَامُ بْنُ سَالِمٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ
 حُمْرَانَ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ
 عَجِبْتُ لِمَنْ فَزِعَ مِنْ أَرْبَعٍ كَيْفَ لَا يَفْزَعُ إِلَى
 أَرْبَعٍ عَجِبْتُ لِمَنْ خَافَ كَيْفَ لَا يَفْزَعُ إِلَى قَوْلِهِ
 عَزَّ وَ جَلَّ حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ فَإِنِّي سَمِعْتُ
 اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ يَقُولُ بَعْقِيهَا فَاثْقَلُوا بِنِعْمَةٍ
 مِنَ اللَّهِ وَ فَضِّلْ لَمْ يَمَسَّهُمْ سُوءٌ وَ عَجِبْتُ لِمَنْ
 اغْتَمَّ كَيْفَ لَا يَفْزَعُ إِلَى قَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَّ لَا إِلَهَ
 إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ فَإِنِّي

سَمِعْتُ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ بِعَقِيهَا فَاسْتَجَبْنَا لَهُ
وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْعَمِّ وَ كَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ
وَ عَجِبْتُ لِمَنْ مَكَرَ بِهِ كَيْفَ لَا يَفْزَعُ إِلَى قَوْلِهِ
وَ أَفَوْضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ
فَإِنِّي سَمِعْتُ اللَّهَ جَلَّ وَ تَقَدَّسَ يَقُولُ بِعَقِيهَا
فَوْقَاهُ اللَّهُ سَيِّئَاتِ مَا مَكَرُوا وَ عَجِبْتُ لِمَنْ أَرَادَ
الدُّنْيَا وَ زِينَتَهَا كَيْفَ لَا يَفْزَعُ إِلَى قَوْلِهِ
تَبَارَكَ وَ تَعَالَى مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ
فَإِنِّي سَمِعْتُ اللَّهَ عَزَّ اسْمُهُ يَقُولُ بِعَقِيهَا إِنَّ تَرِنَ
أَنَا أَقَلَّ مِنْكَ مَالًا وَ وَلَدًا فَعَسَى رَبِّي أَنْ
يُؤْتِيَنِي خَيْرًا مِنْ جَنَّتِكَ وَ عَسَى مُوجِبَةٌ

چهار کس گواهی به ولایت امیر المؤمنین
را پنهان داشتند و خدا نفرین آن حضرت را
در باره آنان پذیرفت أربعة کتموا
الشهادة لأمير المؤمنين عليه السلام بالولاية
فاستجاب الله عز و جل دعاءه عليهم

۴۳ - امام صادق عليه السلام فرمود: شگفتم آید از
کسی که از چهار چیز می‌هراسد چرا بچهار
چیز پناهنده نمیشود: شگفتم از آنکه
میترسد چرا پناه نمی‌برد بفرموده خدای عز
و جل حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ خداوند ما را
بس است و چه وکیل خوبی است زیرا شنیدم
خدای جل جلاله بدنبال آن میفرماید:
بواسطه نعمت و فضلی که از طرف خداوند
شامل حالشان گردید باز گشتند و هیچ بدی
بآنان نرسید و شگفتم در کسی که اندوهناک
است چرا پناه نمی‌برد بفرموده خدای عز و
جل: لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ
الظَّالِمِينَ زیرا شنیدم خدای عز و جل به
دنبال آن میفرماید در خواستش را
برآوردیم و از اندوه نجاتش دادیم و
مؤمنین را هم چنین میرهانیم و در شگفتم
از کسی که حيله‌ای در باره او بکار رفته
چرا به فرموده خدای تعالی پناه نمی‌برد وَ
﴿أَفَوْضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ﴾: کار خود را بخدا

واگذار میکنیم که خداوند بحال بندگان
 بینا است) زیرا شنیدم خدای بزرگ و پاک
 به دنبالش می‌فرماید خداوند او را از
 بدیهائی که در باره او بحیله انجام داده
 بودند نگه داشت و در شگفتم از کسی که
 خواستار دنیا و آرایش آن است چرا
 پناهنده نمیشود بفرمایش خدای تبارک و
 تعالی ﴿مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ﴾ (آنچه خدا خواست
 همان است و نیروئی جز به یاری خداوند
 نیست) زیرا شنیدم خدای عز اسمه به دنبال
 آن میفرماید اگر چه مرا در مال و فرزندی
 از خودت کمتر می‌بینی ولی امید هست که
 پروردگار من بهتر از باغ تو مرا نصیب
 فرماید (و کلمه: عسی در این آیه به
 معنای امید تنها نیست بلکه بمعنای اثبات
 و تحقق یافتن است).

٤٤ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكَّلِ
 رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ
 السَّعْدَآبَادِيُّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ
 عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَنَانٍ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ
 عُمَرَ عَنْ أَبِي الْجَارُودِ زِيَادِ بْنِ الْمُنْذِرِ عَنْ
 جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ الْجَعْفِيِّ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ
 الْأَنْصَارِيِّ قَالَ خَطَبْنَا عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ
 فَحَمِدَ اللَّهُ وَ أَثْنَى عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ أَيُّهَا النَّاسُ
 إِنَّ قَدَامَ مِنْبَرِكُمْ هَذَا أَرْبَعَةٌ رَهْطٍ مِنْ أَصْحَابِ
 مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنْهُمْ أَنَسُ بْنُ مَالِكٍ وَ الْبَرَاءُ بْنُ
 عَازِبٍ وَ الْأَشْعَثُ بْنُ قَيْسِ الْكِنْدِيِّ وَ خَالِدُ بْنُ
 يَزِيدَ الْبَجَلِيِّ ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَيَّ أَنَسٌ فَقَالَ يَا
 أَنَسُ إِنْ كُنْتَ سَمِعْتَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ مَنْ كُنْتُ
 مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ ثُمَّ لَمْ تَشْهَدْ لِي الْيَوْمَ
 بِالْوَلَايَةِ فَلَا أَمَاتُكَ اللَّهُ حَتَّى يَبْتَلِيكَ بِبَرِّصٍ لَا
 تُعْطِيهِ الْعِمَامَةُ وَ أَمَا أَنْتَ يَا أَشْعَثُ فَإِنْ
 كُنْتَ سَمِعْتَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ
 فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ ثُمَّ لَمْ تَشْهَدْ لِي الْيَوْمَ
 بِالْوَلَايَةِ فَلَا أَمَاتُكَ اللَّهُ حَتَّى يَذْهَبَ بِكَرِيمَتِيكَ وَ

أَمَا أَنْتَ يَا خَالِدَ بْنَ يَزِيدَ فَإِنْ كُنْتَ سَمِعْتَ
 رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ
 مَوْلَاهُ اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ
 ثُمَّ لَمْ تَشْهَدْ لِي الْيَوْمَ بِالْوَلَايَةِ فَلَا أَمَاتَكَ اللَّهُ
 إِلَّا مَيْتَةً جَاهِلِيَّةً وَ أَمَا أَنْتَ يَا بَرَاءَ بْنَ
 عَازِبٍ فَإِنْ كُنْتَ سَمِعْتَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ مَنْ
 كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ
 وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ ثُمَّ لَمْ تَشْهَدْ لِي
 الْيَوْمَ بِالْوَلَايَةِ فَلَا أَمَاتَكَ اللَّهُ إِلَّا حَيْثُ هَاجَرْتُ
 مِنْهُ قَالَ جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيُّ وَاللَّهِ لَقَدْ
 رَأَيْتُ أَنَسَ بْنَ مَالِكٍ وَ قَدْ ابْتُلِيَ بِبَرَصٍ يُعْطِيهِ
 بِالْعِمَامَةِ فَمَا تَسْتُرُهُ وَ لَقَدْ رَأَيْتُ الْأَشْعَثَ بْنَ
 قَيْسٍ وَ قَدْ ذَهَبَتْ كَرِيمَتَاهُ وَ هُوَ يَقُولُ الْحَمْدُ
 لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ دُعَاءَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ
 أَبِي طَالِبٍ عَلِيٍّ بِالْعَمَى فِي الدُّنْيَا وَ لَمْ يَدْعُ
 عَلِيٍّ بِالْعَذَابِ فِي الْآخِرَةِ فَأَعَذَّبَ وَ أَمَا خَالِدُ
 بْنُ يَزِيدَ فَإِنَّهُ مَاتَ فَأَرَادَ أَهْلُهُ أَنْ يَدْفِنُوهُ
 وَ حُفِرَ لَهُ فِي مَنْزِلِهِ فَدْفِنَ فَسَمِعَتْ بِذَلِكَ كِنْدَةُ
 فَجَاءَتْ بِالْحَيْلِ وَ الْإِبِلِ فَعَقَرَتْهَا عَلِيٍّ
 بِأَبِ مَنْزِلِهِ فَمَاتَ مَيْتَةً جَاهِلِيَّةً وَ أَمَا
 الْبَرَاءُ بْنُ عَازِبٍ فَإِنَّهُ وَلَاهُ مُعَاوِيَةَ الْيَمَنَ
 فَمَاتَ بِهَا وَ مِنْهَا كَانَ هَاجِرًا

٤٤ - جابر بن عبد الله انصاری گوید: علی
 بن ابی طالب برای ما خطبه خواند پس خدای
 را ستود و بر او ثنا خواند سپس فرمود:
 ای مردم جلو همین منبر چهار گروه از
 یاران پیغمبر هستند که انس بن مالک و
 براء بن عازب و اشعث بن قیس کندی و خالد
 بن یزید بجلی از آن چهار گروه اند سپس
 روی به انس کرده و فرمود: ای انس اگر از
 رسول خدا ﷺ شنیدی که میفرمود به هر که
 مولا منم (این) علی است مولای او آنگاه
 امروز به جانشینی من گواهی ندهی از خدا
 میخواهم که تو را نکشد تا به بیماری
 پیسی آن چنان دچار شوی که عمامه آن را
 نپوشاند و اما تو ای اشعث اگر شنیدی از

رسول خدا ﷺ که میفرمود: به هر که مولا منم (این) علی است مولای او و آنگاه امروز به جانشینی من گواهی ندهی از خداوند میخوام که تو را نکشد تا هر دو چشمت را کور گرداند و اما تو ای خالد بن یزید اگر از رسول خدا ﷺ شنیدی که میفرمود به هر که مولا منم (این) علی است مولای او بار الها دوستدار آن باش که علی را دوست بدارد و دشمن آن کس که علی را دشمن بدارد آنگاه امروز به جانشینی من گواهی ندهی از خداوند خواستارم که تو را نکشد جز با مرگ دوران جاهلیت و اما تو ای براء بن عازب اگر شنیدی از رسول خدا ﷺ که میفرمود به هر که مولا (این) علی است مولای او بار الها دوستدار آن باش که علی را دوست بدارد و دشمن آن کس که علی را دشمن بدارد آنگاه امروز بجانشینی من گواهی ندهی از خداوند خواستارم که تو را نمیراند مگر همان جا که از آن مهاجرت کردی.

جابر بن عبد الله انصاری گوید: بخدا سوگند انس را دیدم دچار پیسی شده بود و میخواست با عمامه اش آن را بپوشاند ولی عمامه اش نمیپوشانید و اشعث بن قیس را دیدم که از هر دو چشم نابینا شده بود و او میگفت ستایش خدائی را سزا است که نفرین امیر المؤمنین علی بن ابی طالب را در باره کوری من در دنیا قرار داد و بمن نفرین عذاب آخرت نکرد که گرفتار عذاب میشدم و اما خالد بن یزید او مرد و خانواده اش که خواستند دفنش کنند در خانه خالد گورش را کردند و همان جا بخاکش سپردند قبيله کنده که این خبر را شنیدند با اسب و شتر آمدند و اسبان و شتران را بر در خانه خالد پی کردند تشریفات مرگ خالد به آئین زمان جاهلیت انجام گرفت و

اما براء بن عازب معاویه فرماندار یمن‌اش کرد و در یمن مرد و از همان جا مهاجرت کرده بود.

شرح

از این روایت معلوم می‌شود که مردن در سرزمینی که از آن مهاجرت شده است پسندیده نیست و همین طور هم هست روایت عیون نیز مؤید این معنا است که امام هشتم فرمود علی علیه السلام پس از مهاجرت از مکه تا به هنگام مرگ در مکه شبی را صبح نکرد راوی گوید عرض کردم: برای چه؟ فرمود دوست نداشت شب را در زمینی صبح کند که از آنجا مهاجرت کرده است نماز عصر را که در مکه میخواند از آنجا بیرون میشد و در جای دیگر شب را می‌ماند

آنچه موجب امان از چهار خصلت در دنیا است

و چهار کلمه برای آخرت ما فيه الأمان من أربع خصال في الدنيا و الكلمات الأربع لآخرة

٤٥ - حَدَّثَنَا أَبُو مُحَمَّدٍ عَبْدُوسُ بْنُ عَلِيٍّ بْنُ الْعَبَّاسِ الْجُرْجَانِيُّ بِسَمَرْقَنْدَ فِي مَنْزِلِهِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو مُحَمَّدٍ بُنْدَارُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَيْسَى قَالَ حَدَّثَنَا عَمَّارُ بْنُ رَجَاءٍ قَالَ حَدَّثَنَا دَاوُدُ بْنُ دَاوُدَ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو هُرْمُزٍ نَافِعُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْخُرَّاسَانِيُّ قَالَ سَمِعْتُ عَطَاءَ بْنَ أَبِي رَبَاحٍ يُحَدِّثُ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَدِمَ قَبِيصَةَ بْنُ مُخَارِقِ الْهَلَالِيِّ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَسَلَّمَ عَلَيْهِ وَ رَحَّبَ بِهِ ثُمَّ قَالَ مَا جَاءَ بِكَ يَا قَبِيصَةُ قَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ كَبِرْتُ سِنِّي وَ ضَعُفَتْ قُوَّتِي وَ هُنْتُ عَلَى أَهْلِي وَ عَجَزْتُ عَنْ أَشْيَاءٍ قَدْ كُنْتُ أَحْمِلُهَا فَعَلَّمَنِي كَلِمَاتٍ يَنْفَعُنِي اللَّهُ بِهِنَّ وَ أَوْجِزُ فَإِنِّي رَجُلٌ نَسِيٌّ فَقَالَ لَهُ كَيْفَ قُلْتَ يَا قَبِيصَةُ فَأَعَادَهُ ثُمَّ قَالَ لَهُ كَيْفَ قُلْتَ فَأَعَادَهُ ثُمَّ قَالَ لَهُ كَيْفَ قُلْتَ فَأَعَادَهُ فَقَالَ مَا بَقِيَ

حَوْلِكَ حَجْرٌ وَ لَا شَجَرٌ وَ لَا مَدْرٌ إِلَّا وَ قَدْ بَكَى
 رَحْمَةً لَكَ يَا قَبِيصَةَ اخْفِظْ عَنِّي أُمَّا لِدُنْيَاكَ
 فَقُلْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ إِذَا صَلَّيْتَ الْعَدَاةَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ
 بِحَمْدِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ وَ لَا حَوْلَ وَ
 لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ فَإِنَّكَ إِذَا قُلْتَهُنَّ أَمِنْتَ مِنْ
 عَمَى وَ جُدَامٍ وَ بَرَصٍ وَ فَالِجٍ وَ أُمَّا لِآخِرَتِكَ
 فَقُلِ اللَّهُمَّ اهْدِنِي مِنْ عِنْدِكَ وَ أَفِضْ عَلَيَّ مِنْ
 فَضْلِكَ وَ انشُرْ عَلَيَّ مِنْ رَحْمَتِكَ وَ أَنْزِلْ عَلَيَّ مِنْ
 بَرَكَاتِكَ قَالَ فَجَعَلَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَقُولُهُنَّ وَ
 قَبِيصَةُ يَعْقِدُ عَلَيْهِنَّ أَصَابِعَهُ فَقَالَ أَبُو بَكْرٍ وَ
 عُمَرُ إِنَّ خَالَكَ هَذَا يَا رَسُولَ اللَّهِ لَشَدَّ مَا عَقَدَ
 عَلَيْهِنَّ أَصَابِعَهُ يَعْنِي عَلَى الْكَلِمَاتِ الْأَرْبَعِ
 فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِنَّ وَافِي بِهِنَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ
 لَمْ يَدْعُهُنَّ مُتَعَمِّدًا فُتِّحَ لَهُ أَرْبَعَةُ أَبْوَابٍ
 مِنَ الْجَنَّةِ يَدْخُلُ مِنْ أَيِّهَا شَاءَ قَالَ نَافِعٌ
 فَحَدَّثْتُ بِهِذَا الْحَدِيثَ جَارًا لِي جَلِيصًا لِلْحَسَنِ
 فَحَدَّثَ بِهِ الْحَسَنُ فَقَالَ لَهُ ائْتِنِي بِهِ فَاتَّبَعْتُهُ
 فَسَأَلَنِي عَنِ الْحَدِيثِ فَحَدَّثْتُهُ فَقَالَ مَا أَعْلَى
 حَدِيثِكَ هَذَا يَا خُرَّاسَانِي عِنْدِي وَ أَرْخَصَهُ عِنْدَكَ
 وَ اللَّهُ لَقَدْ أَوْطَأَ رَجُلٌ رَا حِلَّتَهُ حَتَّى قَدِمَ عَلَيَّ
 صَاحِبِ الْحَدِيثِ وَ هُوَ وَالِي مِصْرَ فَقَالَ إِنِّي لَمْ
 آتِكَ لِشَيْءٍ مِمَّا فِي يَدِكَ ثُمَّ سَأَلَهُ عَنِ الْحَدِيثِ
 ثُمَّ انْصَرَفَ

٤٥ - عبد الله بن عباس گوید: قبیصه بن
 مخارق هلالی به خدمت رسول خدا ﷺ رسید
 سلام کرد رسول خدا ﷺ خوش آمدش گفت سپس
 فرمود: ای قبیصه برای چکار آمده ای؟
 عرض کرد یا رسول الله پیر و ناتوان شده ام و
 در نزد خانوادها ام خوار و زبون از
 کارهائی که پیشتر انجام میدادم باز
 مانده ام مرا چند کلمه بیاموز که بواسطه
 آنها خداوند مرا سودی دهد و مختصر و
 کوتاه باشد که من مردی هستم فراموش کار
 رسول خدا ﷺ فرمود: چه گفתי ای قبیصه؟
 قبیصه دوباره سخن خود را بازگو کرد باز
 فرمود: چه گفתי؟ بار سوم گفت باز فرمود:

چه گفتمی؟ برای چهارمین بار بازگو کرد، حضرت فرمود: هر چه سنگ و درخت و کلوخ در اطراف تو بودند بدلسوزی تو بگریه در آمدند، نیکو نگهدار آنچه را که میگویم اما برای دنیایت نماز بامداد را که خواندی سه بار بگو سبحان الله و بحمده سبحان الله العظيم و بحمده و لا حول و لا قوة الا بالله چون این کلمات را بگوئی از کوری و بیماری خوره و پیسی و زمین‌گیری در امان خواهی بود و اما برای آخرتت پس بگو اللهم اهدنی من عندك و افض علی من فضلك و انشر علی من رحمتك و أنزل علی من برکاتك . بار الها خودت مرا راهنمایی فرما و باران فضل و احسانت را بر من ببار و دامن رحمتت را بر من بگستر و از برکاتت بر من فرو فرست راوی گوید: رسول خدا ﷺ این کلمات را تکرار میکرد و قبیصه آنها را با انگشت می‌شمرد، ابو بکر و عمر عرض کردند: یا رسول الله این رفیق شما چه خوب با انگشتان خود این کلمات چهارگانه را می‌شمارد رسول خدا ﷺ فرمود: اگر روز قیامت با این کلمات وارد محشر شود و عمدا آنها را ترك نکرده باشد چهار در از بهشت بروی او باز شود تا از هر کدام که بخواهد داخل بهشت گردد.

نافع گوید: این حدیث به همسایه خود که همنشین حسن بصری بود بازگو کردم و او برای حسن بازگو کرده بود حسن او را گفته بود: که آن شخص را نزد من آور، من به نزد حسن رفتم، حدیث را از خود من پرسید و من بازگویش نمودم گفت: ای خراسانی چه پرارزش است این حدیث تو نزد من و چه ارزان است نزد خودت، بخدا قسم که مردی شتر خود را بزیر پا کشید تا نزد حدیث دانی که فرماندار مصر بود رسید و گفت: من بخواتر آنچه در دست تو است (از قدرت

و ثروت) نزد تو نیامده ام سپس حدیث را از او پرسید و بازگشت.

چهار چیز از وسوسه است

أربعة من الوسواس
٤٦ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الدَّهْقَانِ عَنْ دُرُسْتِ بْنِ أَبِي مَنْصُورِ الْوَاسِطِيِّ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوْلِيِّ عليه السلام قَالَ أَرْبَعَةٌ مِنَ الْوَسْوَسِ أَكَلُ الطَّيْنِ وَفَتْ الطَّيْنِ وَتَقْلِيمُ الْأَظْفَارِ بِالْأَسْنَانِ وَ أَكَلُ اللَّحْيَةِ
٤٦ - موسى بن جعفر عليه السلام فرمود: چهار چیز اثر وسوسه است گل خوردن و کلوخ شکستن و ناخنها به دندان چیدن و ریش جويدن.

چهار چیز از چهار چیز سیر نشوند

أربعة لا يشبعن من أربعة
٤٧ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّقَّارُ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَيْمُونِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ أَرْبَعَةٌ لَا يَشْبَعْنَ مِنَ أَرْبَعَةِ الْأَرْضِ مِنَ الْمَطَرِ وَالْعَيْنِ مِنَ النَّظْرِ وَالْأُنْثَى مِنَ الذَّكْرِ وَالْعَالِمُ مِنَ الْعِلْمِ
٤٧ - امام صادق عليه السلام فرمود: چهار چیز از چهار چیز سیر نگردند زمین از باران چشم از نگاه ماده از نر، دانشمند از دانش.
٤٨ - حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ عَمْرٍو الْبَصْرِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ جَبَلَةَ الْوَاعِظُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْقَاسِمِ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَامِرِ الطَّائِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرَّضَا قَالَ حَدَّثَنَا مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ قَالَ حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ

مُحَمَّدٍ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ قَالَ حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِلسَّامِيِّ الَّذِي سَأَلَهُ عَنِ الْمَسَائِلِ فِي جَامِعِ الْكُوفَةِ أَرْبَعَةٌ لَا يَشْبَعَنَّ مِنْ أَرْبَعَةٍ أَرْضٌ مِنْ مَطَرٍ وَ أَنْتَى مِنْ ذَكَرٍ وَ عَيْنٌ مِنْ نَظَرٍ وَ عَالِمٌ مِنْ عِلْمٍ ٤٨ - حسين بن علي عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: مردی از اهل شام در مسجد جامع کوفه سؤالاتی از امیر المؤمنین کرد حضرت ضمن پاسخ پرسشهای او فرمود: چهار چیز از چهار چیز سیر نشوند زمینی از بارانی و ماده‌ای از نری و چشمی از نگاهی و دانشمندی از دانشی.

شرح -

ترجمه روایت بدون تصرف در آن چنین است که گفته شد و ظاهراً مضمونش با روایت چهل و هفتم یکی باشد و مسامحه در نقل از راوی است.

هر کس چهار چیز را دارا باشد در بزرگترین نور الهی است

أربع خصال من كن فيه كان في نور الله الأعظم
 مَنْ كَانَتْ عِصْمَتُهُ أَمْرَهُ شَهَادَةً أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ وَ مَنْ إِذَا أَصَابَتْهُ مُصِيبَةٌ قَالَ إِنِّي لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ وَ مَنْ إِذَا أَصَابَ خَيْرًا قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ مَنْ إِذَا أَصَابَ خَطِيئَةً قَالَ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ

٤٩ - رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: در هر کس چهار چیز باشد در بزرگترین نور الهی است کسی که گواهی به یگانگی خدا و رسالت من او را در کارش نگهدار باشد و کسی که چون ناگواری بر او رسد بگوید ﴿إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾ ما از آن خدائیم و بسوی او باز خواهیم

گشت و کسی که چون خیری دریابد بگوید الحمد لله رب العالمین : ستایش مر خدای راست که پروردگار جهانیان است و کسی که چون گناهی از او سرزند بگوید استغفر الله و اتوب الیه از خدا آمرزش میخواهم و بسوی او باز گشت میکنم .

چهار خصلت هر که را باشد اسلامش کامل است

أربع خصال من کن فیه کمل إسلامه
 ۵۰ - حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ مَسْرُورٍ رَضِيَ
 اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَامِرٍ
 عَنْ عَمِّهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَامِرٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ
 عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ
 قَالَ قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ أَرْبَعٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ
 كَمَلَتْ إِسْلَامُهُ وَ مُحَصَّتْ عَنْهُ ذُنُوبُهُ وَ لَقِيَ رَبَّهُ
 عَزَّ وَ جَلَّ وَ هُوَ عَنْهُ رَاضٍ مَنْ وَفَى لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ
 بِمَا يَجْعَلُ عَلَى نَفْسِهِ لِلنَّاسِ وَ صَدَقَ لِسَانُهُ مَعَ
 النَّاسِ وَ اسْتَحْيَا مِنْ كُلِّ قَبِيحٍ عِنْدَ اللَّهِ وَ عِنْدَ
 النَّاسِ وَ حَسَنَ خُلُقَهُ مَعَ أَهْلِهِ

۵۰ - امام چهارم عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: چهار چیز است که هر کس را باشد اسلامش کامل و گناهانش پاک گردد و پروردگار عز و جل خود را ملاقات می‌کند در حالی که خدا از او خشنود است هر کس به آنچه به نفع مردم بر خویشان قرار داده برای خدا انجام دهد و زبانش با مردم راست باشد و از هر چه نزد خدا و نزد مردم زشت است شرم کند و با خانواده خود خوشرفتار باشد.

چهار کلمه حکمت

أربع کلمات حکم
 ۵۱ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
 مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ

يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ إِسْنَادِهِ
قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام لَيْسَ لِلْبَحْرِ جَارٌ وَ لَا
لِلْمَلِكِ صَدِيقٌ وَ لَا لِلْعَافِيَةِ ثَمَنٌ وَ كَمْ مِنْ
مُنْعَمٍ عَلَيْهِ وَ هُوَ لَا يَعْلَمُ

۵۱ - امام صادق عليه السلام فرمود: دریا همسایه
نپذیرد و پادشاه دوست نگه ندارد و تن
درستی را بهائی نیست و چه بسا نعمت
خواره ای که از نعمت بی‌خبر است.

شرح:

طغیان آب دریاها همواره باعث این است
که همسایه‌گانش طعمه امواج گردند و
پادشاه نیز به واسطه علاقه به تاج و تخت
در قید شرایط دوستی نمی‌باشد که الملك
عقیم.

چهار خصلت به چهار خانه در بهشت

أربع خصال بأربعة أبيات في الجنة
۵۲ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكَّلِ
رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى
الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ
عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ مَنْ
يُضْمَنُ لِي أَرْبَعَةَ بِأَرْبَعَةٍ أَبْيَاتٍ فِي الْجَنَّةِ مَنْ
أَنْفَقَ وَ لَمْ يَخَفْ فَقَرَأَ وَ أَنْصَفَ النَّاسَ مِنْ
نَفْسِهِ وَ أَفْشَى السَّلَامَ فِي الْعَالَمِ وَ تَرَكَ
الْمِرَاءَ وَ إِنْ كَانَ مُحِقًّا

۵۲ - امام صادق عليه السلام فرمود: کیست که
چهار چیز را تعهد کند تا من در عوض چهار
خانه در بهشت برای او تعهد کنم آنکه (در
راه خدا) خرج کند و از نادار شدن نهراسد
و به رفتار مردم در باره خود با دیده
انصاف بنگرد و سلام را در میان مردم جهان
آشکار کند و خودنمایی نکند هر چند حق به
جانب او باشد.

چهار خصلت در هر کس باشد خداوند خانه‌ای در بهشت برای او بسازد

ربع خصال من کن فيه بنى الله عز و جل له
بيتا فى الجنة

۵۳ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوِيهِ رَضِيَ
اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنِي عَمِّي مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي الْقَاسِمِ
عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ
مَخْيُوبٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي حَمَزَةَ
الثَّمَالِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ أَرْبَعٌ مَنْ كُنَّ
فِيهِ بَنَى اللَّهُ لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ مَنْ آوَى
الْيَتِيمَ وَ رَحِمَ الضَّعِيفَ وَ أَشْفَقَ عَلَى وَالِدَيْهِ
وَ رَفَقَ بِمَمْلُوكِهِ

۵۳ - امام باقر عليه السلام فرمود: چهار خصلت
در هر کس باشد خداوند خانه‌ای در بهشت
برای او بسازد کسی که یتیمی را نگهداری
کند و بر ناتوانی دلسوزی نماید و بر پدر
و مادر خود مهر ورزد و با بنده خود
مدارا کند.

هر که از چهار خصلت بر کنار باشد بهشت برای او است

من سلم من أربع خصال فله الجنة
۵۴ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ هَارُونَ الْقَاسِمِيُّ رَضِيَ
اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ قَالَ حَدَّثَنَا
مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ
هَاشِمٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ أَبِي الْحَسَنِ الْفَارِسِيِّ عَنْ
عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ
عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله مَنْ سَلِمَ
مِنْ أُمَّتِي مِنْ أَرْبَعٍ خِصَالٍ فَلَهُ الْجَنَّةُ مَنْ
الدُّخُولِ فِي الدُّنْيَا وَ اتَّبَاعِ الْهَوَى وَ شَهْوَةِ
الْبَطْنِ وَ شَهْوَةِ الْفَرْجِ وَ مَنْ سَلِمَ مِنْ نِسَاءٍ
أُمَّتِي مِنْ أَرْبَعٍ خِصَالٍ فَلَهَا الْجَنَّةُ إِذَا حَفِظَتْ
مَا بَيْنَ رِجْلَيْهَا وَ أَطَاعَتْ زَوْجَهَا وَ صَلَّتْ
خَمْسَهَا وَ صَامَتْ شَهْرَهَا

۵۴ - امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: از امت من هر کس که از چهار خصلت بر کنار است بهشت از آن او است.

از سرگرمی به دنیا و پیروی دلخواه و شهوت شکم و شهوت جنسی و هر کس از زنان امت از چهار خصلت بر کنار باشد بهشت از آن او است دامن خود را نگهدارد و از همسر خود فرمانبردار باشد و نماز پنجگانه را بخواند و ماه روزه را روزه بگیرد.

چهار کس را خداوند روز رستاخیز مورد نظر قرار دهد

أربعة ينظر الله عز و جل إليهم يوم القيامة
 ۵۵ - حَدَّثَنَا حَمْرَةُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ الْعَلَوِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ أَخْبَرَنِي عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عَيْسَى عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ أَرْبَعَةٌ يَنْظُرُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَنْ أَقَالَ نَادِمًا أَوْ أَغَاثَ لَهْفَانَ أَوْ أَعْتَقَ نَسَمَةً أَوْ زَوَّجَ عَرَبًا

۵۵ - امام صادق علیه السلام فرمود: چهار کس را خداوند روز رستاخیز مورد نظر قرار دهد آنکه معامله پشیمان از معامله را پس بگیرد یا بفریاد ستمدیده ای برسد یا بنده ای را آزاد کند یا جوان بی زنی را زن بدهد.

شیعه به چهار خصلت گرفتار نگردد

أربع خصال لا تبطلی الشيعة بها
 ۵۶ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ

الْبَرْقِيِّ عَنِ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ عَلِيِّ بْنِ
 أَصْبَاطٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ
 مَا ابْتَلَى اللَّهُ بِهِ شَيْعَتَنَا فَلَنْ يَبْتَلِيَهُمْ بِأَرْبَعٍ
 بَأَنَّ يَكُونُوا لِعَيْرِ رِشْدَةٍ أَوْ أَنْ يَسْأَلُوا
 بِأَكْفَهُمْ أَوْ أَنْ يُؤْتُوا فِي أَدْبَارِهِمْ أَوْ أَنْ
 يَكُونَ فِيهِمْ أَخْضَرُ أَرْزَقُ

۵۶ - امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: خداوند
 شیعیان ما را به هر چه گرفتار فرماید
 هرگز بچهار درد گرفتار نفرماید باینکه
 زنازاده باشند یا اینکه دست گدائی بسوی
 مردم دراز کنند یا با آنان عمل جنسی
 انجام داده شود یا گندمگون و چشم زاغ
 باشد.

چهار خصلت در هر کس باشد در پناه خدا است

أربع خصال من کن فيه كان في كنف الله عز
 و جل

۵۷ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ
 هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَيْمُونٍ
 عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ
 اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَرْبَعٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ نَشَرُ اللَّهِ عَلَيْهِ كَنَفَهُ وَ
 أَدْخَلَهُ الْجَنَّةَ فِي رَحْمَتِهِ حُسْنُ خُلُقٍ يَعْيشُ بِهِ
 فِي النَّاسِ وَ رِفْقٌ بِالْمَكْرُوبِ وَ شَفَقَةٌ عَلَى
 الْوَالِدَيْنِ وَ إِحْسَانٌ إِلَى الْمَمْلُوكِ

۵۷ - رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: چهار خصلت
 است که در هر کس باشد خداوند سایه حمایت
 خود را بر او افکند و در سایه رحمت خود
 او را به بهشت برد اخلاق خوشی که با آن
 در اجتماع زندگی کند و مدارا با مصیبت
 زده و مهربانی بر پدر و مادر و نیکی بر
 بنده زر خرید خود.

خداوند از هر چیز چهارش را برگزیده است

إن الله عز و جل اختار من كل شيء أربعة
 ٥٨ - حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ
 رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ
 بْنُ أَحْمَدَ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الرَّازِيُّ عَنِ
 الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي عُثْمَانَ عَنْ مُوسَى بْنِ
 بَكْرٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوْلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ
 اللَّهِ ﷺ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى اخْتَارَ مِنْ كُلِّ
 شَيْءٍ أَرْبَعَةً اخْتَارَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ جِبْرَائِيلَ وَ
 مِيكَائِيلَ وَ إِسْرَافِيلَ وَ مَلَكَ الْمَوْتِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ
 اخْتَارَ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ أَرْبَعَةً لِسَيِّفِ إِبْرَاهِيمَ وَ
 دَاوُدَ وَ مُوسَى وَ أَنَا وَ اخْتَارَ مِنَ الْبُيُوتَاتِ
 أَرْبَعَةً فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ
 إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ وَ
 اخْتَارَ مِنَ الْبُلْدَانِ أَرْبَعَةً فَقَالَ عَزَّ وَ جَلَّ وَ
 الثَّنِينَ وَ الزَّيْتُونَ وَ طُورَ سَيْنِينَ وَ هَذَا
 الْبَلَدُ الْأَمِينُ فَالْتَيْنِ الْمَدِينَةُ وَ الزَّيْتُونَ
 بَيْتُ الْمَقْدِسِ وَ طُورُ سَيْنِينَ الْكُوفَةُ وَ هَذَا
 الْبَلَدُ الْأَمِينُ مَكَّةُ وَ اخْتَارَ مِنَ النِّسَاءِ
 أَرْبَعًا مَرْيَمَ وَ آسِيَةَ وَ خَدِيجَةَ وَ فَاطِمَةَ وَ
 اخْتَارَ مِنَ الْحَجِّ أَرْبَعَةَ الثَّجَّ وَ الْعَجَّ وَ
 الْإِحْرَامَ وَ الطَّوَّافَ فَأَمَّا الثَّجُّ فَالْنَّحْرُ وَ
 الْعَجُّ ضَجِيحُ النَّاسِ بِالتَّلْبِيَةِ وَ اخْتَارَ مِنَ
 الْأَشْهُرِ أَرْبَعَةً رَجَبٌ « رَجَبًا وَ شَوَالٌ «شَوَّالًا وَ
 ذُو الْقَعْدَةِ « ذَا الْقَعْدَةَ وَ ذُو الْحِجَّةِ « ذَا
 الْحِجَّةِ وَ اخْتَارَ مِنَ الْأَيَّامِ أَرْبَعَةً يَوْمَ
 الْجُمُعَةِ وَ يَوْمَ الثَّرْوِيَةِ وَ يَوْمَ عَرَفَةَ وَ يَوْمَ
 النَّحْرِ

٥٨ (٥٧٠) - رسول خدا ﷺ فرمود: خدای
 تبارک و تعالی از هر چیز چهار شماره
 برگزید از فرشتگان جبرئیل و میکائیل و
 اسرافیل و فرشته مرگ (عزرائیل) را و از
 پیامبران چهار نفر برای مبارزه به وسیله
 شمشیر: ابراهیم و داود و موسی و من و از
 خاندانها چهار خاندان که فرمود: خداوند

آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان
 عمران را بر جهانیان برگزید و از شهرها
 چهار شهر برگزید و فرمود: سوگند به تین
 و زیتون و طور سنین و این بلد امین پس
 مقصود از تین مدینه است و از زیتون بیت
 المقدس و از طور سینین کوفه و از بلد
 امین مکه و از زنها چهار زن برگزید مریم
 و آسیه و خدیجه و فاطمه و از اعمال حج
 چهار عمل را برگزید قربانی کردن و صدا
 به لبیک بلند کردن و احرام و طواف و از
 ماهها چهار ماه که ماههای حرامند برگزید
 رجب و شوال و ذی قعدة و ذی الحجة و از
 روزها چهار روز برگزید روز جمعة و روز
 ترویة (هشتم ذی الحجة) و روز عرفة و روز
 عید قربان.

چهار خصلت غم انگیز

أربع خصال يتولد منها الغم
 ۵۹ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ
 قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ وَ أَحْمَدُ
 بْنُ إِدْرِيسَ جَمِيعاً عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى
 بْنِ عَمْرَانَ الْأَشْعَرِيِّ بِإِسْنَادِهِ يَرْفَعُهُ إِلَى أَبِي
 عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ اغْتَمَّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام يَوْمَ
 فَقَالَ مِنْ أَيْنَ أَتَيْتُ فَمَا أَعْلَمُ أَنِّي جَلَسْتُ عَلَى
 عَتَبَةِ بَابٍ وَ لَا شَقَقْتُ بَيْنَ غَنَمٍ وَ لَا لَيْسْتُ
 سَرَاوِيلِي مِنْ قِيَامٍ وَ لَا مَسَحْتُ يَدِي وَ وَجْهِي
 بِذَيْلِي

۵۹ - امام باقر عليه السلام فرمود: روزی امیر
 المؤمنین عليه السلام اندوهناک شد فرمود این
 اندوه از کجا بر دل من نشست؟ که بیاد
 ندارم نه بر آستانه خانه نشسته باشم و
 نه از میان گله گوسفند راه عبوری باز
 کرده باشم و نه پیراهنم را ایستاده
 پوشیده باشم و نه با دامن خود دست و
 رویم را خشک کرده باشم.

چهار خصلت همواره دامن گیر امت محمد است

أربع خصال لا تزال في أمة محمد ص
٦٠ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ أَبِي الْحُسَيْنِ الْفَارِسِيِّ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ حَفْصِ الْبَصْرِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ زَيْدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَرْبَعَةٌ لَا تَزَالُ فِي أُمَّتِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ الْفَخْرُ بِالْأَحْسَابِ وَالطَّعْنُ فِي الْأَنْسَابِ وَالِاسْتِسْقَاءُ بِالنُّجُومِ وَالنِّيَاحَةُ وَإِنَّ النَّايِحَةَ إِذَا لَمْ تَتُبْ قَبْلَ مَوْتِهَا تَقُومُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَعَلَيْهَا سَرْبَالٌ مِنْ قَطْرَانٍ وَدِرْعٌ مِنْ جَرَبٍ

٦٠ - رسول خدا ﷺ فرمود: چهار چیز تا روز قیامت دامن گیر امت من خواهد بود بواسطه فامیلها بر خود بالیدن و نژادها را لکه دار نمودن و عقیده بر اینکه باران بخاطر ستارگان میبارد و بر مردگان نوحه سرائی نمودن و زن نوحه سرا اگر پیش از مرگ توبه نکند روز رستاخیز سر از خاک بردارد همانند حیوان گر و جرب گرفته که قطران بر آن مالیده باشند.

پیریزی بدن بر چهار چیز است

بنی الجسد علی أربعة أشياء
٦١ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكَّلِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ دُرُسْتٍ عَنْ أَبِي الْأَصْبَغِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ بُنِيَ الْجَسَدُ عَلَى أَرْبَعَةِ أَشْيَاءَ عَلَى الرُّوحِ وَالْعَقْلِ وَالِدَّمِ وَالنَّفْسِ فَإِذَا خَرَجَ الرُّوحُ تَبِعَهُ الْعَقْلُ وَإِذَا

رَأَى الرُّوحَ شَيْئاً حَفِظَهُ عَلَيْهِ الْعَقْلُ وَ بَقِيَ
الدَّمُ وَ النَّفْسُ

٦١ - امام صادق عليه السلام فرمود: پی‌ریزی بدن
بر چهار چیز است: روان و خرد و خون و
تنفس، به هنگام خواب که روان از بدن
بیرون رود خرد نیز از آن پیروی کند و
چون روان چیزی به بیند خرد برایش
نگهداری کند ولی خون و نفس هم چنان در
بدن باقی میماند.

**پایداری انسان و بقایش به چهار چیز
است و آتش چهار قسم است**

قوام الإنسان و بقاؤه بأربعة و النيران
أربعة

٦٢ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ
قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ قَالَ
حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ
مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانَ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ عَنِ أَبِي
عَبْدِ اللَّهِ قَالَ قِوَامُ الْإِنْسَانِ وَ بَقَاؤُهُ بِأَرْبَعَةٍ
بِالنَّارِ وَ النُّورِ وَ الرِّيحِ وَ الْمَاءِ فَيَالنَّارَ
يَأْكُلُ وَ يَشْرَبُ وَ بِالنُّورِ يُبْصِرُ وَ يَعْقِلُ وَ
بِالرِّيحِ يَسْمَعُ وَ يَشْمُ وَ بِالمَاءِ يَجِدُ لَذَّةَ
الطَّعَامِ وَ الشَّرَابِ فَلَوْ لَا النَّارُ فِي مَعِدَتِهِ
لَمَا هَضَمَتِ الطَّعَامَ وَ الشَّرَابَ وَ لَوْ لَا أَنَّ
النُّورَ فِي بَصَرِهِ لَمَا أَبْصَرَ وَ لَا عَقْلَ وَ لَوْ لَا
الرِّيحَ لَمَا التَّهَيَّتْ نَارُ الْمَعِدَةِ وَ لَوْ لَا
المَاءَ لَمْ يَجِدْ لَذَّةَ الطَّعَامِ وَ الشَّرَابِ قَالَ وَ
سَأَلْتُهُ عَنِ النَّيِّرَانِ فَقَالَ النَّيِّرَانُ أَرْبَعَةٌ
نَّارٌ تَأْكُلُ وَ تَشْرَبُ وَ نَارٌ تَأْكُلُ وَ لَا تَشْرَبُ وَ
نَّارٌ تَشْرَبُ وَ لَا تَأْكُلُ وَ نَارٌ لَا تَأْكُلُ وَ لَا
تَشْرَبُ فَالنَّارُ الَّتِي تَأْكُلُ وَ تَشْرَبُ فَنَارُ ابْنِ
آدَمَ وَ جَمِيعِ الْحَيَوَانَ وَ الَّتِي تَأْكُلُ وَ لَا
تَشْرَبُ فَنَارُ الْوَقُودِ وَ الَّتِي تَشْرَبُ وَ لَا تَأْكُلُ
فَنَارُ الشَّجَرَةِ وَ الَّتِي لَا تَأْكُلُ وَ لَا تَشْرَبُ
فَنَارُ الْقَدَاحَةِ وَ الْحُبَابِ

۶۲ - امام صادق علیه السلام فرمود: پایداری انسان و بقایش به چهار چیز است: به آتش و نور و باد و آب، آدمی بوسیله باد و تموج هوا می‌شنود و میبوید و بوسیله آب (و رطوبت بدن و دهان) لذت خوردن و آشامیدن را می‌یابد، پس اگر حرارت در معده آدمی نباشد خوراکی و آشامیدنی را هضم نمیکرد و اگر روشنی در دیده او نبود نه می‌دید و نمی‌فهمید و اگر باد نبود آتش معده بر افروخته نمیشد و اگر آب نبود لذت خوراکی و آشامیدنی را نمی‌یافت.

راوی گوید: از حضرت پرسیدم از اقسام آتش فرمود: آتش بر چهار قسم است آتشی که میخورد و می‌آشامد و آتشی که میخورد ولی نمی‌آشامد و آتشی که می‌آشامد و نمی‌خورد و آتشی که نه می‌خورد و نه می‌آشامد اما آتشی که میخورد و می‌آشامد حرارت بدن آدمی و همه حیوانات است و آنکه میخورد و نمی‌آشامد آتش هیضم است و آتشی می‌آشامد و نمی‌خورد حرارت نباتی است که در درخت است و آتشی که نمی‌خورد و نمی‌آشامد آتش سنگ چخماق و حباحب است.

شرح -

مقصود از اینکه اگر باد نبود آتش معده افروخته نمیشد این است که آدمی بوسیله تنفس هوا اکسیژن را که سوخت بدن است از هوا میگیرد و حرارت بدن و معده از این راه تأمین می‌شود و مقصود از آتشی که میخورد و می‌آشامد حرارت بدن آدمی و حیوانات است که در اثر آن آدمی و حیوان نیازمند است بدل ما یتحلل را از غذا و آب تأمین کند و حباحب نام مرد بخیلی بوده است که از شدت بخل و بیم آنکه مبادا مهمان بر او وارد شود آتش نمی‌افروخت مگر بمقدار بسیار ضعیف و ناچیز نظیر آتشی که از سنگ چخماق بر می‌خیزد لذا بنام او مثل زده شد.

چهار خصلت دل را تباه سازند و ریشه نفاق را در دل برویانند

أربع خصال يفسدن القلب و ينبتن النفاق

٦٣ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ قَالَ رَوَى الْحَسَنُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي عُثْمَانَ عَنْ مُوسَى الْمَرْوَزِيِّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوْلِيِّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَرْبَعٌ يُفْسِدُنَ الْقَلْبَ وَ يُنْبِتُنَ النَّفَاقَ فِي الْقَلْبِ كَمَا يُنْبِتُ الْمَاءُ الشَّجَرَ اسْتِمَاعُ اللَّهْوِ وَ الْبَدَاءُ وَ إِثْيَانُ بَابِ السُّلْطَانِ وَ طَلَبُ الصَّيْدِ

٦٣ - رسول خدا ﷺ فرمود: چهار خصلت دل را تباه سازند و ریشه نفاق را در دل برویانند آن چنان که آب درخت را برویانند: بساز و آواز گوش فرا دادن و یاوه سرانی و بدربار شاه رفت و آمد نمودن و شکار کردن.

رسول خدا ﷺ چهار قبیله را دوست میداشت و چهار قبیله را دشمن

كان رسول الله ﷺ يحب أربع قبائل و يبغض أربع قبائل

٦٤ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَيْسَى بْنُ عَبْدِ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ جَعْفَرِ الْجَعْفَرِيِّ عَنِ الرَّضَا عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ يُحِبُّ أَرْبَعَ قَبَائِلَ كَانَ يُحِبُّ الْأَنْصَارَ وَ عَبْدَ الْقَيْسِ وَ أَسْلَمَ وَ بَنِي تَمِيمٍ وَ كَانَ يُبْغِضُ بَنِي أُمَيَّةَ وَ بَنِي حَنْظَلَةَ وَ بَنِي ثَقِيفٍ وَ بَنِي هَذِيلٍ وَ كَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ لَمْ تَلِدْنِي أُمِّي بَكْرِيَّةً وَ لَا ثَقَفِيَّةً وَ كَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ فِي كُلِّ حَيٍّ نَجِيبٌ إِلَّا فِي بَنِي أُمَيَّةَ

۶۴ - امام رضا علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چهار قبیله انصار و عبد قیس و اسلم و بنی تمیم را دوست میداشت و بنی امیه و بنی حنیف و ثقیف و بنی هذیل را دشمن میداشت و میفرمود مادر من نه بکری بوده و نه ثقفی و میفرمود: در هر قبیله ای افراد نجیب هست جز در بنی امیه.

چهار خصلت دل را میمیراند

أربع خصال یمتن القلب
 ۶۵ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الْجَمِيلِيِّ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بِنِ صَدَقَةَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم أَرْبَعٌ يُمِثِّنُ الْقَلْبَ الذَّنْبُ عَلَى الذَّنْبِ وَ كَثْرَةُ مُنَاقَشَةِ النِّسَاءِ يَعْزِي مُحَادَثَتَهُنَّ وَ مُمَارَاةُ الْأَحْمَقِ تَقُولُ وَ يَقُولُ وَ لَا يَرْجِعُ إِلَى خَيْرٍ أَبَدًا وَ مُجَالَسَةُ الْمَوْتَى فَقِيلَ لَهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَ مَا الْمَوْتَى قَالَ كُلُّ غَنِيٍّ مُتْرَفٍ

۶۵ - رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: چهار چیز دل را میمیراند گناه روی گناه، همصحبتی بسیار با زنان مجادله با احمق که هر چه گفتگو کنی حق را نپذیرد و هم نشینی مردگان، عرض شد یا رسول الله مقصود از مردگان چیست فرمود: هر آنکه ثروتمند باشد و ناز پرورد.

زمین از چهار نفر مؤمن تهی نگردد

لا تخلو الأرض من أربعة من المؤمنين
 ۶۶ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ خَالِدِ بْنِ نَجِيحٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عليه السلام قَالَ لَيْسَ تَخْلُو الْأَرْضُ مِنْ

أَرْبَعَةٍ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ قَدْ يَكُونُونَ أَكْثَرَ وَ لَا
يَكُونُونَ أَقَلَّ مِنْ أَرْبَعَةٍ وَ ذَلِكَ أَنَّ الْفُسْطَاطَ لَا
يَقُومُ إِلَّا بِأَرْبَعَةِ أَطْنَابٍ وَ الْعَمُودُ فِي وَسْطِهِ
٦٦ - امام پنجم یا ششم علیه السلام فرمود: زمین
از چهار تن مؤمن تهی نماند و گاهی هم
بیشتر باشند ولی از چهار تن کمتر نگردند
برای اینکه خیمه بر پا نمیشود جز با
چهار طناب و یک ستون وسطی-

شرح-

مقصود از ستون وسطی امام وقت است و از
مؤمنین پیروان خاص که بستگی کامل بحضرتش
دارند.

به چهار خصلت از علم طب بی‌نیاز بودن

أربع خصال یستغنی بها عن الطب
٦٧ - حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُوسَى رَضِيَ اللَّهُ
عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا
الْقَطَّانُ قَالَ حَدَّثَنَا بَكْرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَبِيبٍ
قَالَ حَدَّثَنَا عَثْمَانُ بْنُ عُبَيْدٍ قَالَ حَدَّثَنَا هُدْبَةُ
بْنُ خَالِدِ الْقَيْسِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا مُبَارَكُ بْنُ
فَضَالَةَ عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ قَالَ قَالَ أَمِيرُ
الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام لِلْحَسَنِ
ابْنِهِ علیه السلام يَا بُنَيَّ أَلَا أَعْلَمُكَ أَرْبَعَ خِصَالٍ
تَسْتَعْنِي بِهَا عَنِ الطَّبِّ فَقَالَ بَلَى يَا أَمِيرَ
الْمُؤْمِنِينَ قَالَ لَا تَجْلِسْ عَلَى الطَّعَامِ إِلَّا وَ
أَنْتَ جَائِعٌ وَ لَا تَقُمْ عَنِ الطَّعَامِ إِلَّا وَ أَنْتَ
تَشْتَهِيهِ وَ جَوْدِ الْمَضْغِ وَ إِذَا نِمْتَ فَاعْرِضْ
نَفْسَكَ عَلَى الْخَلَاءِ فَإِذَا اسْتَعْمَلْتَ هَذَا
اسْتَعْنَيْتَ عَنِ الطَّبِّ

٦٧ - امیر المؤمنین علی بن ابی طالب
بفرزندش حسن علیه السلام فرمود: فرزندانم چهار
خصلت تو را نیاموزم که بواسطه آنها از
علم طب بی‌نیاز گردی؟ عرض کرد: آری یا
امیر المؤمنین فرمود تا گرسنه نشده‌ای بر
سفره غذا منشین و تا هنوز میل بخوردن

داری از کنار غذا برخیز و کار جویدن را نیکو انجام بده و چون خواستی بخوابی برای قضای حاجت بمستراح برو که چون این چهار کنی از طب بی‌نیاز گردی.

مؤمن دارای چهار خصلت نگردد

أربع خصال لا تكون في مؤمن
 ٦٨ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ
 قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ أَحْمَدَ
 بْنِ مُحَمَّدٍ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الرَّازِيُّ عَنِ
 الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي عَثْمَانَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ
 أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ أَرْبَعُ خِصَالٍ
 لَا تَكُونُ فِي مُؤْمِنٍ لَا يَكُونُ مَجْنُونًا وَلَا يَسْأَلُ
 عَنْ أَبْوَابِ النَّاسِ وَلَا يُؤَلِّدُ مِنَ الزَّنا وَلَا
 يُنْكِحُ فِي دُبْرِهِ

٦٨ - امام صادق عليه السلام فرمود: مؤمن دارای چهار خصلت نگردد: دیوانه نشود از در خانه‌های مردم گدائی نکند و زنازاده نباشد و مفعول واقع نگردد.

خدای عز و جل از مؤمن به چهار چیز پیمان گرفته

أخذ الله عز و جل ميثاق المؤمن على أربعة
 ٦٩ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ
 الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ
 الْحَسَنِ الصَّقَّارُ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ مُحَمَّدِ
 بْنِ سِنَانَ يَرْفَعُهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ أَخَذَ
 اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مِيثَاقَ الْمُؤْمِنِ عَلَى أَنْ لَا يَقْبَلَ
 قَوْلَهُ وَلَا يُصَدِّقَ حَدِيثَهُ وَلَا يَنْتَصِفَ مِنْ عَدُوِّهِ
 وَلَا يَشْفِي غَيْظَهُ إِلَّا بِفَضِيحَةٍ نَفْسِهِ لِأَنَّ كُلَّ
 مُؤْمِنٍ مُلْجَمٌ

٦٩ - امام صادق عليه السلام فرمود: خدای عز و جل از مؤمن پیمان گرفته که گفتارش

پذیرفته نشود و سخنش را به او نکنند و انتقامش از دشمن گرفته نشود و درد دلش شفا نپذیرد مگر به رسوائی خود زیرا هر مؤمنی لجام بر دهان دارد.

مؤمن از چهار خصلت جدا نگردد

لا ینفک المؤمن من أربع خصال
 ۷۰ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَصْبَاطٍ عَنْ مَالِكِ بْنِ مِسْمَعٍ بْنِ مَالِكٍ عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ يَا سَمَاعَةُ لَا يَنْفَكُ الْمُؤْمِنُ مِنْ خِصَالٍ أَرْبَعٍ مِنْ جَارٍ يُؤْذِيهِ وَ شَيْطَانٍ يُغْوِيهِ وَ مُنَافِقٍ يَقْفُو أَثَرَهُ وَ مُؤْمِنٍ يَحْسُدُهُ ثُمَّ قَالَ يَا سَمَاعَةُ أَمَا إِنَّهُ أَشَدُّهُمْ عَلَيْهِ قُلْتُ كَيْفَ ذَلِكَ قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ فِيهِ الْقَوْلَ فَيُصَدِّقُ عَلَيْهِ

۷۰ - امام صادق عليه السلام به سماعه فرمود: ای سماعه مؤمن از چهار خصلت جدا نشود از همسایه ای که آزارش دهد و شیطانی که گمراهش کند و منافقی که به دنبال او باشد و کارهای او را بررسی کند و مؤمنی که بر او رشک برد سپس فرمود: ای سماعه این مؤمن حسود از همه بر او سخت تر است عرض کردم چگونه سخت تر است فرمود: برای اینکه هر چه در باره او از روی حسد بگویند مردم تصدیقش نمایند.

چهار چیز کیفر زودرس دارد

أربعة أسرع شيء عقوبة
 ۷۱ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ سَعِيدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ الْحُصَيْنِ عَنْ مُوسَى بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ عَنْ أَبِيهِ

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ أَرْبَعَةٌ أَسْرَعُ شَيْءٍ عُقُوبَةٌ رَجُلٌ أَحْسَنَتْ إِلَيْهِ وَ يُكَافِئُكَ بِالْإِحْسَانِ إِلَيْهِ إِسَاءَةٌ وَ رَجُلٌ لَا تَبْغِي عَلَيْهِ وَ هُوَ يَبْغِي عَلَيْكَ وَ رَجُلٌ عَاهَدْتَهُ عَلَى أَمْرٍ فَمِنْ أَمْرِكَ الْوَفَاءُ لَهُ وَ مِنْ أَمْرِهِ الْغَدْرُ بِكَ وَ رَجُلٌ يَصِلُ قَرَابَتَهُ وَ يَقْطَعُونَهُ

۷۱ - امام باقر عليه السلام فرمود: چهار چیز است که کیفری زودرس دارد مردیکه که در باره اش نیکی کنی و او ترا جزای بد دهد و مردیکه به او ستم نکرده او تو را ستم کند و مردیکه با او معاهده انجام کاری کنی تو در عهدت وفادار باشی و او با تو بحیله رفتار کند و مردیکه با خویشان خود صلح رحم میکند ولی خویشانش از او قطع میکنند.

۷۲ - حَدَّثَنَا أَبُو الْحُسَيْنِ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنُ الشَّاهِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو حَامِدٍ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو يَزِيدَ أَحْمَدُ بْنُ خَالِدِ الْخَالِدِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ صَالِحِ التَّمِيمِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي قَالَ حَدَّثَنَا أَنَسُ بْنُ مُحَمَّدٍ أَبُو مَالِكٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام عَنِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله أَنَّهُ قَالَ فِي وَصِيَّتِهِ لَهُ يَا عَلِيُّ أَرْبَعَةٌ أَسْرَعُ شَيْءٍ عُقُوبَةٌ رَجُلٌ أَحْسَنَتْ إِلَيْهِ فَكَافَأَكَ بِالْإِحْسَانِ إِلَيْهِ إِسَاءَةٌ وَ رَجُلٌ لَا تَبْغِي عَلَيْهِ وَ هُوَ يَبْغِي عَلَيْكَ وَ رَجُلٌ عَاهَدْتَهُ عَلَى أَمْرٍ فَوَفَيْتَ لَهُ وَ غَدَرَ بِكَ وَ رَجُلٌ وَصَلَ قَرَابَتَهُ فَقَطَعُوهُ ثُمَّ قَالَ عليه السلام يَا عَلِيُّ مَنْ اسْتَوَلَى عَلَيْهِ الضَّجْرُ رَحَلَتْ عَنْهُ الرَّاحَةُ

۷۲ - رسول خدا صلى الله عليه وآله ضمن وصیتی بعلی عليه السلام فرمود: یا علی: کیفر چهار چیز هر چه زودتر خواهد رسید مردی که تو او را نیکی کنی و او در عوض با تو بدی کند و مردی که تو بر او ستم نکنی و او تو را ستم کند و مردیکه با او معاهده کاری داشته باشی تو وفادارش باشی و او مکر و حیله

ورزد و مردیکه با خویشانش به پیوندد و آنان از او ببرند سپس فرمود یا علی هر کس که دل تنگی و بیقراری بر او چیره شود آسایش از دل او رخت بربندد.

یکی از چهار چیز به هر خانه داخل شود ویرانش سازد

أربعة لا تدخل واحدة منهن بيتا إلا خرب
٧٣ - حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ
رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ
أَحْمَدَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ
الْحُسَيْنِ بْنِ الْحُصَيْنِ عَنْ مُوسَى بْنِ الْقَاسِمِ
الْبَجَلِيِّ بِإِسْنَادِهِ يَرْفَعُهُ إِلَى عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ
أَرْبَعَةٌ لَا تَدْخُلُ وَاحِدَةً مِنْهُنَّ بَيْتًا إِلَّا خَرِبَ وَ
لَمْ يَغْمُرْ الْخِيَانَةَ وَالسَّرِقَةَ وَ شُرْبُ الْخَمْرِ وَ
الزَّنا

٧٣ - امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: چهار چیز است که یکی از آنها به هر خانه‌ای داخل شود ویرانش سازد و دیگر آباد نگردد: خیانت و دزدی و میخوارگی و زنا

چیزهایی که هر يك بر چهار پایه استوار است

الأشياء التي كل واحدة منها على أربعة
٧٤ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ
بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ وَ أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ
بْنِ فَضَالٍ جَمِيعاً عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنِ الْحَسَنِ
بْنِ زَيْدٍ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ سَالِمٍ عَنْ سَعْدِ
بْنِ طَرِيفٍ عَنِ الْأَضْبَعِ بْنِ نُبَاتَةَ قَالَ قَالَ أَمِيرُ
الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام الْإِيمَانُ عَلَى أَرْبَعِ دَعَائِمٍ عَلَى
الصَّبْرِ وَ الْيَقِينِ وَ الْعَدْلِ وَ الْجِهَادِ وَ
الصَّبْرِ عَلَى أَرْبَعِ شُعَبٍ عَلَى الشُّوقِ وَ الْإِشْفَاقِ
وَ الزَّهْدِ وَ التَّرَقُّبِ فَمَنْ اشْتَقَّ إِلَى الْجَنَّةِ

سَلَا عَنِ الشَّهَوَاتِ وَمَنْ أَشْفَقَ مِنَ النَّارِ رَجَعَ
عَنِ الْمُحَرَّمَاتِ وَمَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا تَهَاوَنَ
بِالْمُصِيبَاتِ وَمَنْ ارْتَقَبَ الْمَوْتَ سَارَعَ فِي
الْخَيْرَاتِ وَالْيَقِينُ عَلَى أَرْبَعِ شُعَبٍ عَلَى
تَبَصُّرَةِ الْفِطْنَةِ وَتَأْوُلِ الْحِكْمَةِ وَمَوْعِظَةِ
الْعِبْرَةِ وَ سُنَّةِ الْأَوَّلِينَ فَمَنْ تَبَصَّرَ فِي الْفِطْنَةِ
تَأْوَلَ الْحِكْمَةَ وَمَنْ تَأْوَلَ الْحِكْمَةَ عَرَفَ
الْعِبْرَةَ وَمَنْ عَرَفَ الْعِبْرَةَ فَكَانَ مَا عَاشَ فِي
الْأَوَّلِينَ وَالْعَدْلُ عَلَى أَرْبَعِ شُعَبٍ عَلَى غَايِصِ
الْفَهْمِ وَ غَمْرَةِ الْعِلْمِ وَ زَهْرَةِ الْحِكْمَةِ وَ
رَوْضَةِ الْجِلْمِ فَمَنْ فَهَمَ فَسَّرَ جُمَلَ الْعِلْمِ وَمَنْ
عَلِمَ شَرَحَ غَرَائِبَ الْحِكْمِ وَمَنْ كَانَ حَلِيمًا لَمْ
يُفْرِطْ فِي أَمْرٍ يَلِيْسُهُ فِي النَّاسِ وَالْجِهَادُ
عَلَى أَرْبَعِ شُعَبٍ عَلَى الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ
عَنِ الْمُنْكَرِ وَالصِّدْقِ فِي الْمَوَاطِنِ وَ شَرَّ أَنْ
الْفَاسِقِينَ فَمَنْ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ شَدَّ ظَهْرَ
الْمُؤْمِنِ وَمَنْ نَهَى عَنِ الْمُنْكَرِ أَرْغَمَ أَنْفَ
الْمُنَافِقِ وَمَنْ صَدَّقَ فِي الْمَوَاطِنِ قَضَى الَّذِي
عَلَيْهِ وَمَنْ شَتَّى الْفَاسِقِينَ وَ غَضِبَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ
غَضِبَ اللَّهُ لَهُ فَذَلِكَ الْإِيْمَانُ وَ دَعَائِمُهُ وَ شُعَبُهُ وَ
الْكُفْرُ عَلَى أَرْبَعِ دَعَائِمٍ عَلَى الْفِسْقِ وَالْعُتُوِّ
وَ الشُّكِّ وَ الشُّبْهَةِ وَ الْفِسْقُ عَلَى أَرْبَعِ شُعَبٍ
عَلَى الْجَفَاءِ وَ الْعَمَى وَ الْعَفْلَةِ وَ الْعُتُوِّ
فَمَنْ جَفَا حَقَرَ الْحَقَّ وَ مَقَتَ الْفُقَهَاءَ وَ أَصَرَ
عَلَى الْجَنِّثِ الْعَظِيمِ وَمَنْ عَمِيَ نَسِيَ الذِّكْرَ وَ
اتَّبَعَ الظَّنَّ وَ أَلْحَ عَلَيْهِ الشَّيْطَانُ وَمَنْ غَفَلَ
غَرَّتْهُ الْأَمَانِيُّ وَ أَخَذَتْهُ الْحَسْرَةُ إِذَا انْكَشَفَ
الْغِطَاءُ وَ بَدَا لَهُ مِنَ اللَّهِ مَا لَمْ يَكُنْ يَحْتَسِبُ وَ
مَنْ عَتَا عَنْ أَمْرِ اللَّهِ تَعَالَى اللَّهُ عَلَيْهِ ثُمَّ أَذَلَّهُ
بِسُلْطَانِهِ وَ صَعَّرَهُ بِجَلَالِهِ كَمَا فَرَطَ فِي جَنْبِهِ وَ
عَتَا عَنْ أَمْرِ رَبِّهِ الْكَرِيمِ وَ الْعُتُوِّ عَلَى أَرْبَعِ
شُعَبٍ عَلَى التَّعَمُّقِ وَ التَّنَازُعِ وَ الرِّيْغِ وَ

الشُّقَاقِ فَمَنْ
تَعَمَّقَ لَمْ يُنِبْ إِلَى الْحَقِّ وَ لَمْ يَزِدْ إِلَّا
غَرْقًا فِي الْعَمْرَاتِ فَلَمْ تُحْتَبَسْ عَنْهُ فِتْنَةٌ إِلَّا
عَشِيئَتُهُ أُخْرَى وَ انْخَرَقَ دِيئُهُ فَهُوَ يَهِيْمُ فِي
أَمْرِ مَرِيحٍ وَ مَنْ نَازَعَ وَ خَاصَمَ قَطَعَ بَيْنَهُمْ

الْفَشْلُ وَ ذَاقُوا وَبَالَ أَمْرِهِمْ وَ سَاءَتْ عِنْدَهُ
 الْحَسَنَةُ وَ حَسُنَتْ عِنْدَهُ السَّيِّئَةُ وَ مَنْ سَاءَتْ
 عَلَيْهِ الْحَسَنَةُ اعْوَرَّتْ عَلَيْهِ طُرُقُهُ وَ اغْتَرَضَ
 عَلَيْهِ أَمْرُهُ وَ ضَاقَ عَلَيْهِ مَخْرَجُهُ وَ حَرِيٌّ أَنْ
 تَرْجِعَ مِنْ دِينِهِ وَ يَتَّبِعَ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ
 وَ الشُّكُّ عَلَى أَرْبَعِ شُعَبٍ عَلَى الْهَوْلِ وَ الرَّيْبِ
 وَ التَّرَدُّدِ وَ الْإِسْتِسْلَامِ فَمَنْ جَعَلَ الْمِرَاءَ
 دَيْدِنًا لَمْ يُصِيحْ لَيْلُهُ فَيَأِيَّ آلَاءَ رَبِّكَ يَتَمَارَى
 الْمُتَمَارُونَ فَمَنْ هَالَهُ مَا بَيْنَ يَدَيْهِ نَكَمَ عَلَى
 عَقْبِيهِ وَ مَنْ تَرَدَّدَ فِي الرَّيْبِ سَبَقَهُ الْأَوْلُونَ وَ
 أَدْرَكَهُ الْآخِرُونَ وَ قَطَعَتْهُ سَنَابِكُ الشَّيَاطِينِ وَ
 مَنْ اسْتَسْلَمَ لِهَلَكَةِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ هَلَكَ
 فِيمَا بَيْنَهُمَا وَ مَنْ نَجَا فَيَالْيَقِينَ وَ الشُّبْهَةُ
 عَلَى أَرْبَعِ شُعَبٍ عَلَى الْأَعْجَابِ بِالزَّيْنَةِ وَ
 تَسْوِيلِ النَّفْسِ وَ تَأْوِيلِ الْفَرْجِ وَ تَلْبُسِ الْحَقِّ
 بِالْبَاطِلِ وَ ذَلِكَ بِأَنَّ الزَّيْنَةَ تُزِيلُ عَلَى
 الْبَيِّنَةِ وَ أَنَّ تَسْوِيلَ النَّفْسِ يُقْحَمُ عَلَى
 الشَّهْوَةِ وَ أَنَّ الْفَرْجَ يُمِيلُ مَيْلًا عَظِيمًا وَ أَنَّ
 التَّلْبُسَ ظَلَمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ فَذَلِكَ الْكُفْرُ
 وَ دَعَائِمُهُ وَ شُعْبُهُ وَ النِّفَاقُ عَلَى أَرْبَعِ
 دَعَائِمٍ عَلَى الْهَوَى وَ الْهُوَيْنَا وَ الْحَفِيظَةِ وَ
 الطَّمَعِ وَ الْهَوَى عَلَى أَرْبَعِ شُعَبٍ عَلَى الْبَغْيِ وَ
 الْعُدْوَانِ وَ الشَّهْوَةِ وَ الطُّغْيَانِ فَمَنْ بَغَى
 كَثُرَتْ عَوَائِلُهُ وَ عَلَاتُهُ وَ مَنْ اعْتَدَى لَمْ تُؤْمَنْ
 بَوَائِقُهُ وَ لَمْ يَسْلَمْ قَلْبُهُ وَ مَنْ لَمْ يَعْزِلْ
 نَفْسَهُ عَنِ الشَّهَوَاتِ خَاضَ فِي الْخَيْثَاتِ وَ مَنْ
 طَغَى ضَلَّ عَلَى غَيْرِ يَقِينٍ وَ لَا حُجَّةَ لَهُ وَ شُعْبُ
 الْهُوَيْنَا الْهَيْبَةُ وَ الْغِرَّةُ وَ الْمُمَاطَلَةُ وَ
 الْأَمَلُ وَ ذَلِكَ لِأَنَّ الْهَيْبَةَ تَرُدُّ عَلَى دِينِ الْحَقِّ
 وَ تُفَرِّطُ الْمُمَاطَلَةَ فِي الْعَمَلِ حَتَّى يَقْدَمَ الْأَجَلُ
 وَ لَوْ لَا الْأَمَلُ عَلِمَ الْإِنْسَانُ حَسَبَ مَا هُوَ فِيهِ وَ
 لَوْ عَلِمَ حَسَبَ مَا هُوَ فِيهِ مَاتَ مِنَ الْهَوْلِ وَ
 الْوَجَلِ وَ شُعْبُ الْحَفِيظَةِ الْكِبَرُ وَ الْفَخْرُ وَ
 الْحَمِيَّةُ وَ الْعَصِيَّةُ فَمَنْ اسْتَكْبَرَ أَذْبَرَ وَ مَنْ
 فَخَرَ فَجَرَ وَ مَنْ حَمَى أَضَرَ وَ مَنْ أَخَذْتَهُ
 الْعَصِيَّةُ جَارَ فَيَنْسُ الْأَمْرُ أَمْرَ بَيْنِ الْإِسْتِكْبَارِ
 وَ الْإِذْبَارِ وَ فُجُورٍ وَ جُورٍ وَ شُعْبُ الطَّمَعِ أَرْبَعُ

الْفَرْحُ وَالْمَرْحُ وَاللَّجَاجَةُ وَالتَّكَائُرُ
 فَالْفَرْحُ مَكْرُوهٌ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَالْمَرْحُ
 خَيْلًا وَاللَّجَاجَةُ بَلَاءٌ لِمَنْ اضْطَرَّتْهُ إِلَى
 حَبَائِلِ الْأَثَامِ وَالتَّكَائُرُ لَهْوٌ وَشُعْلٌ وَ
 اسْتَبْدَالُ الَّذِي هُوَ أَدْنَى بِالَّذِي هُوَ خَيْرٌ فَذَلِكَ
 النَّفَاقُ وَدَعَائِمُهُ وَشَعْبُهُ

۷۴ - امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: ایمان
 بر چهار ستون استوار است صبر و عدالت و
 یقین و جهاد، و صبر چهار شعبه دارد شوق
 و ترس و زهد و چشم داشت پس هر کس که شوق
 بهشت دارد خواسته‌های دل را فراموش کند و
 هر کس از آتش بترسد از کارهای حرام باز
 ماند و هر کس بدنیا دل نبندد ناگواریها
 را آسان شمرد و هر کس نگران مرگ باشد
 بکارهای خیر بشتابد و یقین چهار شعبه
 دارد بینائی در هوش، آشنائی به حکمت،
 پند گرفتن از موجبات پند، آگاهی از روش
 گذشتگان پس هر کس به تیز هوشی بینا گردد
 با حکمت آشنائی پیدا کند و هر کس با
 حکمت آشنا شد آثار عبرت انگیز را بشناسد
 و هر کس آثار عبرت انگیز را بشناسد روش
 گذشتگان را شناخته و کسی که روش گذشتگان
 را بشناسد گوئی در دوران آنان زیسته است
 و عدالت چهار شعبه دارد فهم عمیق و
 دریای دانش و گلستان حکمت و بوستان
 بردباری، هر کس نیکو بفهمد همگی دانش را
 تفسیر تواند و هر کس دانشمند باشد
 حکمتهای طرفه و دلنشین آغازد و هر کس
 نیکو بفهمد همگی دانش را تفسیر تواند و
 هر کس دانشمند باشد حکمتهای طرفه و
 دلنشین آغازد و هر کس دارای حکمت باشد
 زیاده روی در کار نکند و در میان مردم
 روش پسندیده‌ای خواهد داشت و جهاد چهار
 شعبه دارد: مردم را به نیکی واداشتن و
 از بدی باز داشتن و در میدان نبرد
 صادقانه جنگیدن و گنهکاران را دشمن
 داشتن پس کسی که مردم را به نیکی

و ا دارد پشت مؤمن را محکم ساخته و کسی که گنهکاران را دشمن بدارد برای خدا خشم نموده و کسی که بخاطر خدا خشم ورزد خداوند بخاطر او خشم می‌ورزد این بود ایمان و ستون‌ها و شعبه‌های آن. و کفر بر چهار ستون استوار است: گناه و سرکشی و شك و شبهه، و فسق بر چهار شعبه است: بدخوئی و کوری و غفلت و سرپیچی. هر آن کس که بد خواست حق را کوچک شمرد و دانشمندان دینی را دشمن دارد و بر گناه بزرگ اصرار ورزد و آن کس که چشم دلش کور گردد خدا را از یاد برد و پیرو گمان گردد و شیطان در کارهای او مداخله و پافشاری کند و کسی که غافل گردد آرزوها او را بفریبد و چون پرده برداشته شود حسرت گریبان‌اش گیرد و از جانب خداوند آن بیند که بحساب نمی‌آورد.

و کسی که از دستورات الهی سرپیچی کند خدایش بر سر این کار خوار و ذلیل فرماید سپس همان طور که او در جانبداری از حق کوتاهی کرده و از دستور پروردگار کریم سرپیچی نموده خداوند نیز به نیروی شاهانه خویش خوارش سازد و به بزرگی خود کوچکترش شمارد و سرکشی بر چهار شعبه است: خورده‌گیری و کشمکش. و بازگشت از حق، و تفرقه‌جوئی، کسی که خورده گیر باشد راه بحق پیدا نکند و هر چه تلاش کند بیشتر در امواج فتنه فرو رود و از موج فتنه‌ای رها نشده گرفتار موج دیگر گردد و شیرازه دینش از هم بگسلد و در کار آشفته خود سرگردان بماند و آن کس که بکشمکش و دشمنی پردازد ناتوانی رشته الفتش را با دیگران قطع کند و شربت ناگوار نکبت و بدبختی را در کارشان بچشند. نیکی در نزد او زشت نماید و بدی در نظرش نیکو جلوه کند و کسی که نیکی در نظرش زشت باشد راههای زندگی‌اش بهم درپیچد و کارش مشکل

گردد و راه خلاص بر او تنگ شود و چنین کس را سزا همان است که از راه دین باز گردد و راهی بجز از راه مؤمنان سپرد (و گرفتار شقاق و تفرقه‌جوئی شود) و شك بر چهار شعبه است: ترس، بد دلی، دو دلی و گردن نهادن پس هر کس که به خود نمائی خوگیرد شبی بآسایش صبح نکند خود نمایان بکدام يك از نعمتهای پروردگارت خود نمائی میکنند کسی که پیش آمدها او را بهراساند بازگشت به باطل کند و کسی که اراده ثابت نداشته باشد پیش روان کاروان حقیقت بر او پیشی گیرند و عقب افتادگان این قافله او را دریابند و در زیر سم ستوران اهریمنان خرد شود و کسی که برای هلاکت دنیا و آخرت خود را تسلیم نمود میان این دو به هلاکت رسد و آنکه نجات یافت بواسطه یقین بود و شبهه بر چهار شعبه است: به زینتهای دنیا بالیدن و خود را گول زدن و کارهای غلط را تأویل و تصحیح نمودن و باطل را لباس حق پوشاندن برای آنکه آرایش و زینتهای دنیوی آدمی را از تماشای چهره روشن حق باز میدارد و خود را فریب دادن او را در شهوتهای نفس فرو برد و راه کج پوئیدن شخص را از جاده حقیقت بسی بکنار برد و باطل را لباس حق پوشاندن تاریکیهائی است که بروی هم انباشته شده است این است کفر و ستونهای آن و شعبه‌هایش.

و نفاق بر چهار پایه استوار است: بر خواهش نفس و سهل انگاری و کینه‌ورزی و طمع، و خواهش نفس را چهار شعبه است: ستمگری و تجاوز و شهوترانی و سرکشی هر کس ستم کند ایمن نباشد و دلش آرام نگیرد و سختیها و رنجهای او فراوان گردد و آنکه تجاوز کند از عواقب وخیم ایمن نباشد و دلش آرام نگیرد و آنکه خود را از شهوت برکنار نکند به پلیدیها فرو رود

و آنکه سرکش باشد ندانسته گمراه گردد و دلیلی برایش نباشد و شعبه‌های سهل انگاری، ترسیدن از غیر خدا است و فریفته شدن و درنگ نمودن در ادای حقوق، و آرزو داشتن برای آنکه از غیر خدا ترسیدن موجب بازگشت از دین حق است و سهل انگاری در عمل تا آنکه مرگش فرا رسد و اگر آرزو نبود آدمی موقعیت خود را نیکو میدید و اگر بواقعیت خود آشنا میشد از ترس و وحشت میمرد و شعبه‌های کینه‌ورزی کبر است و فخر و ننگ داشتن و پشتیبانی از خویشاوند، کسی که کبر ورزد از حق رو گردان شود و کسی که فخر کند نابکار شود و آنکه از پذیرش حق ننگ داشته باشد بجان خود زیان زده است و هر کس را که پشتیبانی از خویشاوندان گریبان گیر شود ستم کند چه کار بدی است کاری که نتیجه اش کبرورزی و روگردانی از حق و نابکاری و ستم‌گری است و شعبه‌های طمع چهار است: شادی و سرمستی و ستیزه‌گری و فزون‌طلبی، شادی خدا را خوش آیند نیست و سرمستی تکبر و گردن‌فرازی است و ستیزه‌گری بلائی است که آدمی را بناچار گرفتار دامهای گناه میکند و فزون‌طلبی بازی و سرگرمی است و عوض کردن است آنچه را که پست است با آنچه نیکو است این است نفاق و ستون و شعبه‌های او.

نجده حروری نامه‌ای به ابن عباس نوشت و از او چهار چیز پرسید

کتب نجدة الحروری إلی ابن عباس یسأله عن أربعة أشياء
 ۷۵ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ أَحْمَدَ وَ عَبْدِ اللَّهِ ابْنَيْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَادِ بْنِ

عُثْمَانَ النَّابِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَلِيٍّ الْحَلِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِنَّ نَجْدَةَ الْحَرُورِيِّ كَتَبَتْ إِلَى ابْنِ عَبَّاسٍ يَسْأَلُهُ عَنْ أَرْبَعَةِ أَشْيَاءَ هَلْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَغْزُو بِالنِّسَاءِ وَ هَلْ كَانَ يَقْسِمُ لَهُنَّ شَيْئاً وَ عَنْ مَوْضِعِ الْخُمْسِ وَ عَنْ الْيَتِيمِ مَتَى يَنْقَطِعُ يُتْمُهُ وَ عَنْ قَتْلِ الذَّرَارِيِّ فَكَتَبَ إِلَيْهِ ابْنُ عَبَّاسٍ أَمَّا قَوْلُكَ فِي النِّسَاءِ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يُحْذِيهِنَّ وَ لَا يَقْسِمُ لَهُنَّ شَيْئاً وَ أَمَّا الْخُمْسُ فَإِنَّا نَزْعُمُ أَنَّهُ لَنَا وَ زَعَمَ قَوْمٌ أَنَّهُ لَيْسَ لَنَا فَصَبَرْنَا فَأَمَّا الْيَتِيمُ فَانْقِطَاعُ يُتْمِهِ أَشَدُّ وَ هُوَ الْإِحْتِلَامُ إِلَّا أَنْ لَا تُؤْنِسَ مِنْهُ رُشْداً فَيَكُونُ عِنْدَكَ سَفِيهاً أَوْ ضَعِيفاً فَيُمْسِكُ عَلَيْهِ وَ لِيئُهُ وَ أَمَّا الذَّرَارِيُّ فَلَمْ يَكُنِ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقْتُلُهَا وَ كَانَ الْخَضِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقْتُلُ كَافِرَهُمْ وَ يَتْرُكُ مُؤْمِنَهُمْ فَإِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ مِنْهُمْ مَا يَعْلَمُ الْخَضِرُ فَأَنْتَ أَعْلَمُ

۷۵ - امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: نجده حروری نامه ای به ابن عباس نوشت و از او چهار چیز پرسید:

آیا رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ زنها را به جبهه جنگ میبرد و از غنیمت جنگی سهمی به آنان می داد؟ و مصرف خمس چیست؟

و یتیم چه وقت یتیمی اش پایان می یابد؟ و کشتن کودکان کفار، ابن عباس در جوابش نوشت: اما پرسشات در باره زنان، رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ چیز اندکی به آنان می داد (یا آنکه به همراه خود بیرون می برد) و آنان را به کار می گماشت ولی سهمی از غنیمت به آنان نمی داد و اما خمس به عقیده ما آن از آن ما است و گروهی را اعتقاد این است که از آن ما نیست ما هم صبر کردیم و اما یتیم، پایان یتیمی اش به هنگام مردانگی است که علامتش احتلام است مگر آنکه رشد فکری در او نه بینی و او را احمق یا ضعیف العقل تشخیص دهی که باید ولی اش مال او را نگه داری کند و اما کودکان کفار را

پیغمبر نمی‌کشت و خضر عَلَيْهِ السَّلَامُ کودکانی را که می‌بایست کافر می‌شدند می‌کشت و کودکانی را که مؤمن شدنی بودند نمی‌کشت اگر تو نیز از دانش خضر بهره‌مند هستی و سرانجام آنان را میدانی وظیفه‌ات را خواهی شناخت.

شرح

در بعضی از نسخه‌ها (یخرج بهن) بجای یحدیهن است.

موی سپید پیری در چهار جا نشانه چهار چیز است

العلامات فی الشیب فی أربعة مواضع
٧٦ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيُّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْمَدِينِيِّ عَنْ سُلَيْمَانَ الْجَعْفَرِيِّ عَنِ الرَّضَا عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الشَّيْبُ فِي مُقَدِّمِ الرَّأْسِ يُمْنٌ وَ فِي الْعَارِضِينَ سَخَاءٌ وَ فِي الدَّوَائِبِ شَجَاعَةٌ وَ فِي الْقَفَا شُومٌ

٧٦ - رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: موی سپید پیری در جلوی سر نشانه میمنت است و در دو گونه صورت نشانه سخاوت و در گیسوان نشانه شجاعت و در پشت سر، شوم است.

مردم بر چهار قسم اند

الناس أربعة

٧٧ - حَدَّثَنِي أَبِي وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَا حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْهَيْثَمِ بْنِ أَبِي مَسْرُوقٍ النَّهْدِيِّ بِإِسْنَادِهِ يَرْفَعُهُ إِلَيَّ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ النَّاسُ أَرْبَعَةٌ فَمِنْهُمْ مَنْ لَهُ خُلُقٌ وَ لَا خَلَقَ لَهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ لَهُ خَلَقٌ وَ لَا خُلُقَ لَهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ لَهُ خَلَقٌ وَ خَلَقٌ فَذَلِكَ خَيْرُ النَّاسِ

٧٧ - حسن بن علی علیه السلام فرمود: مردم بر چهار قسم اند یک قسم اخلاق نیک دارند و بهره‌مند نیستند و قسم دیگر بهره‌مند و کامیاب‌اند ولی اخلاق خوب ندارند و قسمی نه اخلاق نیکو دارند و نه بهره‌مند هستند که بدترین مردم اینانند و قسمی اخلاق نیکو دارند و بهره‌مند نیز هستند و اینان بهترین مردم اند.

چهار انگشت فاصله میان حق و باطل است بین

الحق و الباطل أربع أصابع

٧٨ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ سَعِيدٍ عَنْ كَرَّامٍ عَنْ مُيَسَّرِ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ هُوَ يَقُولُ سُئِلَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَمْ بَيْنَ الْحَقِّ وَ الْبَاطِلِ فَقَالَ أَرْبَعُ أَصَابِعَ وَ وَضَعَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَدَهُ عَلَى أُذُنِهِ وَ عَيْنَيْهِ فَقَالَ مَا رَأَتْهُ عَيْنَاكَ فَهُوَ الْحَقُّ وَ مَا سَمِعَتْهُ أُذْنَاكَ فَكَثْرُهُ بَاطِلٌ

۷۸ - میسر بن عبد العزیز گوید: شنیدم امام باقر میفرمود که از امیر المؤمنین پرسش شد فاصله میان حق و باطل چه اندازه است فرمود: چهار انگشت و دست خود را میان گوش و دو چشم خود گذاشت و فرمود: آنچه چشمانت به بیند حق است و آنچه گوشت بشنود بیشترش باطل است.

گنج دو یتیم چهار جمله پند بود

کنز الیتیمین أربع کلمات
 ۷۹ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ الْحَمِيدِ الْعَطَّارُ قَالَ حَدَّثَنَا الْعَلَاءُ بْنُ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ الثَّقَفِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَكَانَ تَحْتَهُ كَنْزٌ لَهُمَا قَالَ وَ اللَّهُ مَا كَانَ مِنْ ذَهَبٍ وَ لَا فِضَّةٍ وَ مَا كَانَ إِلَّا لَوْحًا فِيهِ كَلِمَاتٌ أَرْبَعٌ إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا وَ مُحَمَّدٌ رَسُولِي عَجِبْتُ لِمَنْ أَيَقْنُ بِالْمَوْتِ كَيْفَ يَفْرَحُ قَلْبُهُ وَ عَجِبْتُ لِمَنْ أَيَقْنُ بِالْحِسَابِ كَيْفَ يَضْحَكُ سُنُّهُ وَ عَجِبْتُ لِمَنْ أَيَقْنُ بِالْقَدْرِ كَيْفَ يَسْتَبْطِئُ اللَّهُ فِي رِزْقِهِ وَ عَجِبْتُ لِمَنْ يَرَى النِّشْأَةَ الْأُولَى كَيْفَ يُنْكِرُ النِّشْأَةَ الْأُخْرَى
 ۷۹ - امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ در تفسیر آیه شریفه

و كان تحته كنز لهما (که خضر به موسی فرمود زیر این دیوار گنجی نهان است که مال دو کودک یتیم است) فرمود: بخدا سوگند که نه گنج طلا بود و نه نقره و فقط صفحه‌ای بود که چهار جمله بر آن نوشته بود: براستی که من همان خدائی هستم که جز من کسی سزاوار پرستش نیست و محمد فرستاده من است. در شگفتم از کسی که یقین به مرگ دارد چگونه دلش شادان است و شگفتم از کسی که یقین به حساب دارد چگونه لبش به خنده باز می‌شود؟ و شگفتم از کسی که به تقدیر الهی یقین دارد چگونه خدای را در روزی دادن سست می

انگارد؟ و در شگفتی از کسی که آفرینش دنیا را می‌بیند چگونه زنده شدن عالم آخرت را انکار دارد؟

بر چهار کس نباید سلام کرد

أربعة لا يسلم عليهم

۸۰ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى بْنِ عِمْرَانَ الْأَشْعَرِيِّ بِإِسْنَادِهِ رَفَعَهُ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنْ يُسَلَّمَ عَلَى أَرْبَعَةٍ عَلَى السُّكْرَانِ فِي سُكْرِهِ وَ عَلَى مَنْ يَعْمَلُ التَّمَاثِيلَ وَ عَلَى مَنْ يَلْعَبُ بِالنَّرْدِ وَ عَلَى مَنْ يَلْعَبُ بِالْأَرْبَعَةِ عَشَرَ وَ أَنَا أَزِيدُكُمْ الْخَامِسَةَ أَنهَاكُمْ أَنْ تُسَلِّمُوا عَلَى أَصْحَابِ الشُّطْرُنْجِ

۸۰ - امیر المؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود، رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قدغن فرمود که بر چهار کس سلام نشود: بر میخواره در حال مستی و بر مجسمه ساز و بر آنکه نرد می‌بازد و بر آنکه به بازی (چهارده) مشغول است و من برای شما پنجمین کس را می‌افزایم شما را نهی میکنم از سلام کردن بر شطرنج بازان.

چهار چیز که صورت آدمی را روشن سازد

أربعة يضمن الوجه

۸۱ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ حَمْدَانَ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ فَضَّالٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ الْأَدَمِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مَسْلَمَةَ عَنْ زِيَادِ بْنِ بُنْدَارَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَرْبَعٌ يُضْمَنُ الْوَجْهَ النَّظْرُ إِلَى الْوَجْهِ الْحَسَنِ وَ النَّظْرُ إِلَى الْمَاءِ وَ النَّظْرُ إِلَى الْخُضْرَةِ وَ الْكُحْلُ عِنْدَ النَّوْمِ

۸۱ - امام صادق علیه السلام فرمود: چهار چیز صورت آدمی را روشن نماید: نگاه کردن به صورت زیبا و نگاه کردن به آب روان و نگاه به سبزه و سرمه کشیدن به هنگام خواب.

محبوبترین هم سفر نزد خدا چهارند

أحب الصحابة إلى الله عز و جل أربعة
 ۸۲ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ يَحْيَى
 الْعَطَّارُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ
 اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ
 سَيْفٍ عَنْ أَخِيهِ عَلِيِّ بْنِ سَيْفٍ عَنْ أَبِيهِ سَيْفِ بْنِ
 عَمِيرَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُوسَى عَنْ رَجُلٍ مِنْ بَنِي
 نَوْفَلِ بْنِ الْمُطَّلِبِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام
 أَنَّهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم أَحَبُّ الصَّحَابَةِ إِلَى
 اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَرْبَعَةٌ وَ مَا زَادَ قَوْمٌ عَلَى سَبْعَةٍ
 إِلَّا زَادَ لِعَظْمِهِمْ

۸۲ - امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود محبوبترین هم سفران چهار نفرند و اگر همسفر بیش از هفت نفر شد جنجال و غوغایشان بیشتر خواهد شد.

به روز قیامت آتش بر چهار کس حرام است

تحرم النار على أربعة يوم القيامة
 ۸۳ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ
 الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ
 الْحَسَنِ الصَّقَّارُ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنِ
 سَعْدَانَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانَ عَنْ أَبِي
 عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم أَلَّا أُخِيرَكُمْ
 بِمَنْ تَحْرُمُ عَلَيْهِ النَّارُ غَدًا قِيلَ بَلَى يَا
 رَسُولَ اللَّهِ قَالَ الْهَيْنُ اللَّيْنُ الْقَرِيبُ السَّهْلُ
 ۸۳ - رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: شما را خبر
 ندهم که فردای قیامت آتش دوزخ بر کس

حرام است؟ عرض شد آری یا رسول الله فرمود به شخص فروتن و نرم و اجتماعی و سازگار.

چهار چیز است که اندکش نیز افزون است

أربعة القليل منها كثير
٨٤ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوِيهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى بْنِ عِمْرَانَ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ صَالِحٍ يَرْفَعُهُ بِإِسْنَادِهِ قَالَ أَرْبَعَةُ الْقَلِيلِ مِنْهَا كَثِيرُ النَّارِ الْقَلِيلُ مِنْهَا كَثِيرٌ وَ النَّوْمُ الْقَلِيلُ مِنْهُ كَثِيرٌ وَ الْمَرَضُ الْقَلِيلُ مِنْهُ كَثِيرٌ وَ الْعَدَاوَةُ الْقَلِيلُ مِنْهَا كَثِيرٌ
٨٤ - صالح گوید: امام عليه السلام فرمود چهار چیز است که اندکش نیز افزون است آتش که اندکی از آن زیاد است، و خواب، که اندکی از آن زیاد است و بیماری که اندکی از آن بسیار است، و دشمنی که اندکی از آن افزون است.

از چهار چیز هر چه زودتر باید بهره‌مند شد پیش از چهار چیز

المبادرة بأربع قبل أربع
٨٥ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي يَعْقُوبُ بْنُ يَزِيدَ عَنْ مُوسَى بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدِ بْنِ عَزْوَانَ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مُسْلِمِ السَّكُونِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيِّ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله بَادِرْ بِأَرْبَعٍ قَبْلَ أَرْبَعٍ بِشَبَابِكَ قَبْلَ هَرَمِكَ وَ صِحَّتِكَ قَبْلَ سَقَمِكَ وَ غِنَاكَ قَبْلَ فَقْرِكَ وَ حَيَاتِكَ قَبْلَ مَمَاتِكَ
٨٥ - رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: هر چه زودتر از چهار چیز بهره‌مند شو پیش از چهار چیز از جوانیت پیش از پیریت و از تندرستی از

پیش از بیماریت و از بی‌نیازیت پیش از نیازمندیت و از زندگانی‌ت پیش از مرگت.

۸۶ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الشَّاهِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو حَامِدٍ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو يَزِيدَ أَحْمَدُ بْنُ خَالِدِ الْخَالِدِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ صَالِحِ التَّمِيمِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي قَالَ حَدَّثَنِي أَنَسُ بْنُ مُحَمَّدٍ أَبُو مَالِكٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ فِي وَصِيَّتِهِ لَهُ يَا عَلِيُّ بَادِرْ بِأَرْبَعٍ قَبْلَ أَنْ يَرْبَعَ بِشَبَابِكَ قَبْلَ هَرَمِكَ وَ صِحَّتِكَ قَبْلَ سَقَمِكَ وَ غِنَاكَ قَبْلَ فَقْرِكَ وَ حَيَاتِكَ قَبْلَ مَوْتِكَ

۸۶ - رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ضمن وصی‌تی به علی عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود یا علی ... (مضمون حدیث ۸۵).

دانش همه مردم در چهار جمله است

علم الناس كلهم موجود في أربع
۸۷ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَضْبَهَانِيِّ عَنِ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ الْمِنْقَرِيِّ عَنِ سُفْيَانَ بْنِ عُيَيْنَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَقُولُ وَجَدْتُ عِلْمَ النَّاسِ كُلِّهِمْ فِي أَرْبَعٍ أَوْلَهَا أَنْ تَعْرِفَ رَبَّكَ وَ الثَّانِي أَنْ تَعْرِفَ مَا صَنَعَ بِكَ وَ الثَّالِثُ أَنْ تَعْرِفَ مَا أَرَادَ مِنْكَ وَ الرَّابِعُ أَنْ تَعْرِفَ مَا يُخْرِجُكَ مِنْ دِينِكَ

۸۷ - سفیان بن عیینہ گوید: شنیدم امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ می‌فرمود دانش همه مردم را در چهار جمله یافتیم اولش اینکه پروردگارت را بشناسی دوم اینکه بشناسی ترا چگونه ساخته است (معرفة النفس) سوم اینکه به وظائف خود آشنا شوی چهارم اینکه عوامل انحراف از دین را بشناسی.

در چهار مورد امت اسلام را حقی لازم آمده است

يلزم الحق للأمة في أربع
٨٨ - حَدَّثَنَا حَمْرَةُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ
الْعَلَوِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ أَخْبَرَنِي عَلِيُّ بْنُ
إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَعْبُدٍ
عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ
أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَلْزَمُ الْحَقُّ
لِأُمَّتِي فِي أَرْبَعٍ يُجِبُّونَ التَّائِبَ وَ يَرْحَمُونَ
الضَّعِيفَ وَ يُعَيِّنُونَ الْمُحْسِنَ وَ يَسْتَغْفِرُونَ
لِلْمُذْنِبِ

٨٨ - رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: امت مرا در
چهار مورد حقی ثابت و لازم است: توبه کار
را دوست بدارند. بر ناتوان دلسوزی کنند،
مددکار نیکوکار باشند، و برای گنهکار
آمزش بطلبند.

چهار قسم جهاد

الجهاد على أربعة أوجه
٨٩ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ
الْأَصْبَهَانِيِّ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ الْمِنْقَرِيِّ عَنْ
فُضَيْلِ بْنِ عِيَاضٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ سَأَلْتُهُ
عَنِ الْجِهَادِ أَسُنَّةٌ هُوَ أَمْ فَرِيضَةٌ فَقَالَ
الْجِهَادُ عَلَى أَرْبَعَةٍ أَوْجُهُ فَجِهَادَانِ فَرِضٌ وَ
جِهَادٌ سُنَّةٌ لَا يُقَامُ إِلَّا مَعَ فَرِضٍ وَ جِهَادٌ سُنَّةٌ
فَأَمَّا أَحَدُ الْقَرَضَيْنِ فَمُجَاهَدَةُ الرَّجُلِ نَفْسَهُ عَنْ
مَعَاصِي اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ هُوَ مِنْ أَعْظَمِ الْجِهَادِ وَ
مُجَاهَدَةُ الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ فَرِضٌ وَ
أَمَّا الْجِهَادُ الَّذِي هُوَ سُنَّةٌ لَا يُقَامُ إِلَّا مَعَ
فَرِضٍ فَإِنَّ مُجَاهَدَةَ الْعَدُوِّ فَرِضٌ عَلَى جَمِيعِ الْأُمَّةِ
وَ لَوْ تَرَكَوْا الْجِهَادَ لَأَتَاهُمُ الْعَذَابُ وَ هَذَا
هُوَ مِنْ عَذَابِ الْأُمَّةِ وَ هُوَ سُنَّةٌ عَلَى الْإِمَامِ أَنْ
يَأْتِيَ الْعَدُوَّ مَعَ الْأُمَّةِ فَيُجَاهِدَهُمْ وَ أَمَّا
الْجِهَادُ الَّذِي هُوَ سُنَّةٌ فَكُلُّ سُنَّةٍ أَقَامَهَا

الرَّجُلُ وَ جَاهِدَ فِي إِقَامَتِهَا وَ بُلُوغِهَا وَ إِحْيَائِهَا فَالْعَمَلُ وَ السَّعْيُ فِيهَا مِنْ أَفْضَلِ الْأَعْمَالِ لِأَنَّهُ إِحْيَاءُ سُنَّةِ قَالَ النَّبِيُّ ﷺ مَنْ سَنَّ سُنَّةً حَسَنَةً فَلَهُ أَجْرُهَا وَ أَجْرُ مَنْ عَمِلَ بِهَا مِنْ غَيْرِ أَنْ يَنْتَقِصَ مِنْ أَجُورِهِمْ شَيْءٌ

۸۹ - فضیل بن عیاض گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم که جهاد مستحب است یا واجب؟ فرمود:

جهاد چهار قسم است دو قسم آن واجب است و يك قسم مستحبی است که با واجب انجام میگیرد و يك قسم مستحب است یکی از آن دو قسم واجب این است که شخص با خود برای ترك گناهان مبارزه نماید که بزرگترین جهاد است و دیگر مبارزه با کفاری که همسایه سرحدی مسلمانانند واجب است و اما جهادی که مستحب است و باید با واجب انجام گیرد جنگ با دشمن است که بر همه افراد مسلمان واجب است و اگر آن را ترك گویند عذاب بر آنان فرود آید و همه اجتماع را فرا گیرد و بر امام مستحب است که در جبهه جنگ حاضر گردد و همراه مسلمانان بجنگد و اما جهادی که مستحب است هر کار نیکی است که شخص به انجام آن قیام کند و در انجام دادن و پایان رساندن آن و زنده کردن آن مبارزه کند کار و کوشش در راه این مبارزه از بهترین کارها است زیرا زنده کردن کار نیک است که پیغمبر فرمود: کسی که دستور نیکی را رواج دهد پاداش آن را میبرد و برابر پاداش هر کسی که به پیروی از او آن دستور را بکار برد نصیبش میشود بدون اینکه از پاداش پیروان چیزی کم شود.

برای بنده چهار چشم است

للعبد أربع أعين
٩٠ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ
الْأَصْبَهَانِيِّ عَنِ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ الْمِنْقَرِيِّ عَنِ
سُفْيَانَ بْنِ عُيَيْنَةَ عَنِ الزُّهْرِيِّ عَنِ عَلِيِّ بْنِ
الْحُسَيْنِ عليه السلام قَالَ فِي حَدِيثٍ طَوِيلٍ يَقُولُ فِيهِ أَلَا
إِنَّ لِلْعَبْدِ أَرْبَعَ أَعْيُنٍ عَيْنَانِ يُبْصِرُ بِهِمَا أَمْرَ
دِينِهِ وَ دُنْيَاهُ وَ عَيْنَانِ يُبْصِرُ بِهِمَا أَمْرَ
آخِرَتِهِ فَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِعَبْدٍ خَيْرًا فَتَحَّ لَهُ
الْعَيْنَيْنِ اللَّتَيْنِ فِي قَلْبِهِ فَأَبْصَرَ بِهِمَا
الْغَيْبَ فِي أَمْرِ آخِرَتِهِ وَ إِذَا أَرَادَ بِهِ غَيْرَ
ذَلِكَ تَرَكَ الْقَلْبَ بِمَا فِيهِ

٩٠ - علی بن الحسین عليه السلام ضمن حدیث مفصلی
فرمود: هان که بنده را چهار چشم باشد با
دو چشم کار دنیا و دین خود را بیند و با
دو چشم دیگر به کار آخرتاش نظر کند چون
خداوند اراده خیری در مورد بنده ای کند
آن دو چشمی را که در دلش هست می‌گشاید که
با چشم دل عالم غیب و کار آخرتش را بیند
و اگر اراده خیر نفرماید دل را بهمان
حال اولیه خود واگذارد.

چهار خصلت است که از هر چیز بهتر است

أربع خصال أفضل من كل شيء
٩١ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ
الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ
الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْقَاسَانِيِّ
عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَصْبَهَانِيِّ عَنِ سُلَيْمَانَ
بْنِ دَاوُدَ عَنِ سُفْيَانَ بْنِ نَجِيحٍ عَنِ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام
قَالَ قَالَ سُلَيْمَانُ بْنُ دَاوُدَ عليه السلام أَوْتِينَا مَا
أُوتِيَ النَّاسُ وَ مَا لَمْ يُؤْتُوا وَ عَلَّمْنَا مَا
عَلَّمَ النَّاسُ وَ مَا لَمْ يُعَلَّمُوا فَلَمْ نَجِدْ شَيْئًا
أَفْضَلَ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ فِي الْغَيْبِ وَ الْمَشْهَدِ وَ

الْقَصْدِ فِي الْغِنَى وَالْفَقْرِ وَكَلِمَةِ الْحَقِّ فِي الرِّضَا وَالْغَضَبِ وَالتَّضَرُّعِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي كُلِّ حَالٍ

۹۱ - امام باقر عليه السلام فرمود: سليمان بن داود فرمود که آنچه به مردم داده شد بما نیز داده شد به اضافه چیزی که به مردم داده نشد و آنچه مردم میدانند ما دانستیم به اضافه چیزی که مردم آن را ندانند با این حال نیافتیم چیزی را که بهتر باشد از ترس از خدا در پنهان و آشکار و از میانه روی در حال ثروتمندی و تهی دستی و حق گوئی در حال خشنودی و خشم و زاری بدرگاه حق در هر حال.

زنان چهار قسمند

النساء أربع

۹۲ - حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ الْكُوفِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ جَدِّهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ أَبِي زِيَادٍ السَّكُونِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيِّ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله النِّسَاءُ أَرْبَعٌ جَامِعٌ مُجْمَعٌ وَرَبِيعٌ مُرْبِعٌ وَكَرْبٌ مُقْمَعٌ وَغُلٌّ قَمْلٌ

قال مصنف هذا الكتاب رضى الله عنه جامع مجمع أى كثير الخير مخصبة و ربيع مربع التى فى حجرها ولد و فى بطنها آخر و كرب مقمع أى سيئة الخلق مع زوجها و غل قمل أى هى عند زوجها كالغل القمل و هو غل من جلد يقع فيه القمل فيأكله فلا يتهياً أن يحل منه شيء و هو مثل للعرب ۹۲ - رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: زنان چهار

قسمند

جامع مجمع و ربيع مربع و كرب مقمع و غل قمل.

(مصنف این کتاب گوید)

جامع مجمع یعنی پر خیر و پر روزی و ربیع و مربع زنی است که فرزندی در آغوش گیرد و فرزندی دیگرش در شکم باشد و کرب مقمع زنی است که با شوهرش بد اخلاقی کند و غل قمل زنی که مانند غل شپش‌دار کردن گیر مرد باشد عربها از پوست غلی می‌ساختند که شپش در آن می‌افتاد و گردن اسیر را می‌خورد و اسیر با دست بسته نمیتوانست گردن خود را بخارد لذا غل شپش دار مثلی است در میان عرب.

چهار چیز از روش پیغمبران مرسل است

أربع خصال من سنن المرسلین
۹۳ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكَّلِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْخَرَّازِ عَنْ طَلْحَةَ بْنِ زَيْدٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَرْبَعٌ مِنْ سُنَنِ الْمُرْسَلِينَ الْعِطْرُ وَ النَّسَاءُ وَ السُّوَاكُ وَ الْجِنَاءُ

۹۳ - رسول خدا ﷺ فرمود: چهار چیز از روش پیغمبران مرسل است: بوی خوش بکار بردن، آمیزش با زنان، مسواک کردن، حناء گذاشتن.

چهار کسانند که هیچ نمازی از آنان پذیرفته نیست

أربعة لا تقبل لهم صلاة
۹۴ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوِيهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنِي عَمِّي مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي الْقَاسِمِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنْ ابْنِ بَقَّاحٍ عَنْ زَكَرِيَّا بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي

عَبْدُ اللَّهِ ﷺ قَالَ أَرْبَعَةٌ لَا تُقْبَلُ لَهُمْ صَلَاةُ الْإِمَامِ الْجَائِرِ وَالرَّجُلُ يَوْمَ الْقَوْمِ وَهُمُ لَهُ كَارِهُونَ وَالْعَبْدُ الْأَيُّقُ مِنْ مَوَالِيهِ مِنْ غَيْرِ ضُرُورَةٍ وَالْمَرْأَةُ تَخْرُجُ مِنْ بَيْتِ زَوْجِهَا بَعِيرِ إِذْنِهِ

۹۴- امام صادق ﷺ فرمود: چهار کسانند که هیچ نمازی از آنان پذیرفته نیست: پیشوای ستمگر و مردی که پیشنماز جمعی شود که خوش نداشته باشند او پیشنمازشان باشد و بنده‌ای که نه از روی ناچاری از آقایان خود فرار کرده باشد و زنی که بی‌اجازه شوهرش از خانه شوهر بیرون برود.

چهار چیز که رواج یابد چهار چیز آشکار

شود إذا فشت أربعة ظهرت أربعة
 ۹۵ - حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحَسَنِ الْكُوفِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ حَسَّانَ عَنْ عَمِّهِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ كَثِيرٍ الْهَاشِمِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِذَا فَشَتْ أَرْبَعَةٌ ظَهَرَتْ أَرْبَعَةٌ إِذَا فَشَا الزَّانَا ظَهَرَتْ الزَّلَازِلُ وَ إِذَا أُمْسِكْتَ الزَّكَاةَ هَلَكَتِ الْمَاشِيَةُ وَ إِذَا جَارَ الْحَاكِمُ فِي الْقَضَاءِ أُمْسَكَتِ الْقَطْرُ مِنَ السَّمَاءِ وَ إِذَا خُفِرَتِ الدِّمَّةُ نُصِرَ الْمُشْرِكُونَ عَلَى الْمُسْلِمِينَ

۹۵ - امام صادق ﷺ فرمود: چهار چیز که رواج یابد چهار چیز آشکار شود چون زنا رواج گردد زمین لرزه پدید آید و چون از دادن زکات خودداری شود چهار پایمان بمیرند و چون قاضی حکم بنا حق دهد باران از آسمان نبارد و چون عهد و پیمان میان مسلمانان و مشرکان شکسته شود مشرکان بر مسلمانان پیروز گردند.

چهار چیز نشانه بدبختی است

أربع من علامات الشقاء
٩٦ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكَّلِ
رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ
الْحُسَيْنِ السَّعْدَآبَادِيُّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ
اللَّهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنِ جَعْفَرِ بْنِ
مُحَمَّدٍ عَنِ أَبِيهِ عَنِ آبَائِهِ عَنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ قَالَ قَالَ
رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مِنْ عَلَامَاتِ الشَّقَاءِ جُمُودُ الْعَيْنِ وَ
قَسْوَةُ الْقَلْبِ وَ شِدَّةُ الْجِرْصِ فِي طَلَبِ الرِّزْقِ وَ
الْإصرَارُ عَلَى الذَّنْبِ

٩٦ - رسول خدا ﷺ صلی‌السلام‌ع‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: از
نشانه‌های بدبختی گریان نبودن چشم است و
سختی قلب و حرص زیاد در طلب روزی و
اصرار بر گناه.

٩٧ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الشَّاهِ قَالَ
حَدَّثَنَا أَبُو حَامِدٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو يَزِيدَ قَالَ
حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ الصَّالِحِ التَّمِيمِيُّ
عَنِ أَبِيهِ قَالَ حَدَّثَنِي أَنَسُ بْنُ مُحَمَّدٍ أَبُو مَالِكٍ
عَنِ أَبِيهِ عَنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ أَبِيهِ عَنِ جَدِّهِ
عَنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ أَنَّهُ قَالَ يَا عَلِيُّ
أَرْبَعُ خِصَالٍ مِنَ الشَّقَاءِ جُمُودُ الْعَيْنِ وَ قَسَاوَةُ
الْقَلْبِ وَ بُعْدُ الْأَمَلِ وَ حُبُّ الْبَقَاءِ

٩٧ - رسول خدا ﷺ صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: یا
علی چهار خصلت از آثار بدبختی است خشکی
چشم و سختی دل و درازی آرزو و دل بستگی
به زندگانی دنیا.

خدای عز و جل گفتار خود را برای آدم در چهار کلمه خلاصه فرمود

جمع الله عز و جل الکلام لآدم ﷺ فی أربع کلمات

۹۸ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الصَّلْتِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَنَانَ عَنْ يُونُسَ بْنِ عِمْرَانَ عَنْ مَيْثَمِ بْنِ يَعْقُوبَ بْنِ شَعَيْبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى آدَمَ ﷺ أَنِّي سَأَجْمَعُ لَكَ الْكَلَامَ فِي أَرْبَعِ كَلِمَاتٍ قَالَ يَا رَبِّ وَ مَا هُنَّ قَالَ وَاحِدَةٌ لِي وَ وَاحِدَةٌ لَكَ وَ وَاحِدَةٌ فِيمَا بَيْنِي وَ بَيْنَكَ وَ وَاحِدَةٌ فِيمَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ النَّاسِ فَقَالَ يَا رَبِّ بَيْنَهُنَّ لِي حَتَّى أَعْلَمَهُنَّ فَقَالَ أَمَّا الَّتِي لِي فَتَعْبُدُنِي وَ لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا وَ أَمَّا الَّتِي لَكَ فَأَجْزِيكَ بِعَمَلِكَ أَحْوَجَ مَا تَكُونُ إِلَيْهِ وَ أَمَّا الَّتِي بَيْنِي وَ بَيْنَكَ فَعَلَيْكَ الدُّعَاءُ وَ عَلَيَّ الْإِجَابَةُ وَ أَمَّا الَّتِي بَيْنَكَ وَ بَيْنَ النَّاسِ فَتَرْضَى لِلنَّاسِ مَا تَرْضَاهُ لِنَفْسِكَ

۹۸ - امام صادق ﷺ فرمود: خدای عز و جل به آدم وحی فرمود که من سخن خود را برای تو در چهار کلمه خلاصه میکنم عرض کرده پروردگارا آن چهار کلمه کدام است فرمود: یکی راجع بمن است و یکی راجع به تو و یکی راجع به آنچه میان من و تو است و یکی راجع به آنچه میان تو و مردم است عرض کرد پروردگارا آنها را برای من بیان فرما تا فراگیرم فرمود: اما آنچه راجع بمن است این است که مرا بپرستی و هیچ شریک برای من ندانی و اما آنچه راجع به تو است آن است که کردار تو را پاداشی بخشم در حالی که سخت بدان نیازمند خواهی بود.

و اما آنچه راجع به فیما بین من و تو است این است که وظیفه تو خواستن است و

وظیفه من پذیرش درخواست و اما آنچه راجع به فیما بین تو و مردم است این است که برای مردم آن را خوش داشته باشی که برای خود همان را خوش داری

۹۹ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْقَطَّانُ وَ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ الْهَيْثَمِ الْعَجَلِيُّ وَ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ السَّنَانِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ قَالُوا حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا الْقَطَّانُ قَالَ حَدَّثَنَا مُوسَى بْنُ إِسْحَاقَ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو إِبْرَاهِيمَ التَّرْجَمَانِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا صَالِحُ بْنُ بَشِيرٍ أَبُو بَشِيرٍ الْمُرِّيُّ قَالَ سَمِعْتُ الْحَسَنَ يُحَدِّثُ عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فِيَمَا يَرَوِي عَنْ رَبِّهِ جَلَّ جَلَالُهُ أَنَّهُ قَالَ أَرْبَعُ خِصَالٍ وَاحِدَةٌ لِي وَ وَاحِدَةٌ لَكَ وَ وَاحِدَةٌ فِيمَا بَيْنِي وَ بَيْنَكَ وَ وَاحِدَةٌ فِيمَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ عِبَادِي فَأَمَّا الَّتِي لِي فَتَعْبُدُنِي وَ لَا تُشْرِكُ بِي شَيْئًا وَ أَمَّا الَّتِي لَكَ فَمَا عَمِلْتَ مِنْ خَيْرٍ جَزَيْتُكَ بِهِ وَ أَمَّا الَّتِي بَيْنِي وَ بَيْنَكَ فَمِنْكَ الدُّعَاءُ وَ عَلَيَّ الإِجَابَةُ وَ أَمَّا الَّتِي بَيْنَكَ وَ بَيْنَ عِبَادِي فَأَنْ تَرْضَى لَهُمْ مَا تَرْضَى لِنَفْسِكَ وَ لَمْ يَذْكَرْ آدَمَ فِي هَذَا الْحَدِيثِ

۹۹ - انس بن مالک گوید: رسول خدا ﷺ در ضمن روایتی که از پروردگار خود میکرد فرمود خداوند فرموده است که چهار خصلت است یکی راجع بمن و یکی راجع به تو و یکی راجع به آنچه میان من و تو است و یکی راجع به آنچه میان تو و بندگان من است اما آنچه راجع بمن است این که مرا بیگانگی بپرستی و اما آنچه راجع به تو است این که هر چه کار نیک انجام دهی پاداشت دهم و اما آنچه میان من و تو است این است که تو دعا کنی و من بپذیرم و اما آنچه میان تو و بندگان من است این است که از برای آنان به پسندی همان را که برای خود می پسندی و در این حدیث نامی از آدم برده نشده است.

چهار کس را نباید دوست گرفت و با آنان برادری کرد

النهی عن مصادقة أربعة و مؤاخاتهم
۱۰۰ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ
قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى
بْنِ عُبَيْدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يُوْسُفَ أَخِي أَحْمَدَ بْنِ
يُوْسُفَ بْنِ الْقَاسِمِ الْكَاتِبِ عَنْ حَنَّانِ بْنِ سَدِيرٍ
الصَّيْرَفِيِّ عَنْ سَدِيرِ الصَّيْرَفِيِّ قَالَ قَالَ أَبُو
جَعْفَرٍ عليه السلام لَا تُقَارِنْ وَلَا تُؤَاخِ أَرْبَعَةَ الْأَحْمَقِ وَ
الْبَخِيلِ وَ الْجَبَانَ وَ الْكُذَّابَ أَمَّا الْأَحْمَقُ
فَإِنَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَنْفَعَكَ فَيَضُرُّكَ وَ أَمَّا الْبَخِيلُ
فَإِنَّهُ يَأْخُذُ مِنْكَ وَ لَا يُعْطِيكَ وَ أَمَّا الْجَبَانُ
فَإِنَّهُ يَهْرُبُ عَنْكَ وَ عَنْ وَالِدَيْهِ وَ أَمَّا الْكُذَّابُ
فَإِنَّهُ يَصْدُقُ وَ لَا يُصَدَّقُ

۱۰۰ - امام باقر عليه السلام فرمود: به چهار کس
نزدیک مشو و با آنان برادری مکن احمق و
بخیل و ترسو و دروغگو که احمق میخواهد
برای تو سودمند باشد ولی به واسطه
نادانی زیانت میرساند و بخیل از تو
میگیرد و بتو نمیدهد و ترسو بهنگام نیاز
از کنار تو بگریزد و حتی از پدر و مادر
خود و اما دروغگو اگر راست هم بگوید
نتوان باور کرد.

در راه دانش چهار کس پاداش دارند

يُؤَجَّرُ فِي الْعِلْمِ أَرْبَعَةٌ
۱۰۱ - حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ
الْكُوفِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنِي جَدِّي الْحَسَنُ
بْنُ عَلِيٍّ عَنْ جَدِّهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ
السَّكُونِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عليه السلام قَالَ
الْعِلْمُ خَزَائِنٌ وَ الْمَفَاتِيحُ السُّؤَالُ فَاسْأَلُوا
يَرْحَمَكُمُ اللَّهُ فَإِنَّهُ يُؤَجِّرُ فِي الْعِلْمِ أَرْبَعَةَ
السَّائِلِ وَ الْمُتَكَلِّمِ وَ الْمُسْتَمِعِ وَ الْمُحِبِّ لَهُمْ

۱۰۱ - امام باقر علیه السلام فرمود: دانش گنجھائی است که کلید آنها پرسش است پس بپرسید رحمت خدا بر شما باد که در راه دانش چهار کس پاداش دارند پرسش کننده و پاسخ گوینده و شنونده و دوستدار هر سه.

در معامله چهار چیز نباید چکش کرد

لا یماکس فی أربعة أشياء
 ۱۰۲ - حَدَّثَنَا أَبِي وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَا حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ وَ أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ جَمِيعاً عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى بِإِسْنَادِهِ يَرْفَعُهُ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ لَا يُمَآكَسُ فِي أَرْبَعَةِ أَشْيَاءَ فِي الْأُضْحِيَّةِ وَ الْكَفَنِ وَ ثَمَنِ النَّسَمَةِ وَ الْكِرَى إِلَى مَكَّةَ

۱۰۲ - امام باقر علیه السلام فرمود: در بهای معامله چهار چیز نباید چکش کرد: قربانی و کفن و بهای زر خرید و کرایه راه مکه.

۱۰۳ - حَدَّثَنَا أَبُو الْحُسَيْنِ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الشَّاهِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو حَامِدٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو يَزِيدَ أَحْمَدُ بْنُ خَالِدِ الْخَالِدِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ صَالِحِ التَّمِيمِيِّ عَنْ أَبِيهِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ حَاتِمِ الْقَطَّانُ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَمْرٍو عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَلِيِّ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله يَا عَلِيُّ لَا تُمَآكَسُ فِي أَرْبَعَةِ أَشْيَاءَ فِي شِرَاءِ الْأُضْحِيَّةِ وَ الْكَفَنِ وَ النَّسَمَةِ وَ الْكِرَى إِلَى مَكَّةَ

۱۰۳ - رسول خدا صلى الله عليه وآله بعلى عليه السلام فرمود: یا علی در معامله چهار چیز چکش مکن در خرید قربانی و کفن و بنده و کرایه راه مکه.

تا يك سال، پيدایش چهار عیب در زر خرید اختیار فسخ در معامله می‌آورد

أربع خصال تحدث في الرقيق خيار سنة
١٠٤ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوَيْهِ رَضِيَ
اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ
قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى
قَالَ كَانَ ابْنُ فَضَالٍ يَزُورِي عَنْ أَبِي الْحَسَنِ
الثَّانِي عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي أَرْبَعَةِ أَشْيَاءَ خِيَارُ سَنَةِ
الْجُنُونِ وَالْجُدَامِ وَالْبَرَصِ وَالْقَرْنِ
١٠٤ - امام رضا عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: تا يك سال
پيدایش چهار عیب در زر خرید اختیار فسخ
در معامله می‌آورد. دیوانگی و بیماری
خوره و پیسی و قرن.
شرح-

قرن بر وزن فرس استخوانی است که در
عضو تناسلی زن می‌روید و مانع از عمل
زناشویی می‌گردد.

بهترین ثروت چهار چیز است

خير المال أربعة أشياء
١٠٥ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوَيْهِ رَضِيَ
اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ
قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ
هَاشِمٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ يَزِيدَ النَّوْفَلِيِّ عَنِ
إِسْمَاعِيلَ بْنِ مُسْلِمِ السَّكُونِيِّ عَنِ جَعْفَرِ بْنِ
مُحَمَّدٍ عَنِ أَبِيهِ عَنِ آبَائِهِ عَنِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ سَأَلَ
رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَيُّ الْمَالِ خَيْرٌ قَالَ زَرْعٌ زَرَعَهُ
صَاحِبُهُ وَ أَصْلَحَهُ وَ أَدَّى حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ قِيلَ
فَأَيُّ الْمَالِ بَعْدَ الزَّرْعِ خَيْرٌ قَالَ رَجُلٌ فِي
عَنْمِهِ قَدْ تَبِعَ بِهَا مَوَاضِعَ الْقَطْرِ يُقِيمُ الصَّلَاةَ
وَ يُؤْتِي الزَّكَاةَ قِيلَ فَأَيُّ الْمَالِ بَعْدَ الْعَنْمِ
خَيْرٌ قَالَ الْبَقْرُ تَغْدُو بِخَيْرٍ وَ تَرْوُحُ بِخَيْرٍ
قِيلَ فَأَيُّ الْمَالِ بَعْدَ الْبَقْرِ خَيْرٌ قَالَ
الرَّاسِيَاتُ فِي الْوَحْلِ وَ الْمُطْعِمَاتُ فِي الْمَحَلِّ

نِعْمَ الشَّيْءُ النَّخْلُ مَنْ بَاعَهُ فَإِنَّمَا ثَمَنُهُ
 بِمَنْزِلَةِ رَمَادٍ عَلَى رَأْسِ شَاهِقَةٍ اشْتَدَّتْ بِهِ
 الرِّيحُ فِي يَوْمٍ عَاصِفٍ إِلَّا أَنْ يُخْلِفَ مَكَانَهَا
 قَيْلٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَإِي الْمَالِ بَعْدَ النَّخْلِ خَيْرٌ
 فَسَكَتَ فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ فَأَيْنَ الْإِبِلُ قَالَ فِيهَا
 الشَّقَاءُ وَالْجَفَاءُ وَالْعَنَاءُ وَبُعْدُ الدَّارِ
 تَغْدُو مُدْبِرَةً وَتَرُوحُ مُدْبِرَةً لَا يَأْتِي خَيْرُهَا
 إِلَّا مِنْ جَانِبِهَا الْأَشَامُ أَمَا إِنَّهَا لَا تَعْدَمُ
 الْأَشْقِيَاءَ الْفَجْرَةَ

۱۰۵ - امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: از
 رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم سؤال شد: کدام ثروت بهتر
 است؟ فرمود:

زراعتی که صاحبش آن را بدست خود کشته
 و شایسته اش نموده و بهنگام درو زکات آن
 را پرداخته است عرض شد: پس از کشاورزی
 کدام ثروت بهتر است فرمود: گوسفند داری
 که خود گوسفندان را در چراگاههای باران
 گیر میچرانند و نماز میخوانند و زکات
 میدهد عرض شد پس از گوسفند کدام ثروت
 بهتر است؟ فرمود گاو که صبح و شام به
 صاحبش خیر میرساند و شیر میدهد عرض شد
 پس از گاو کدام دارائی بهتر است؟ فرمود
 درختانی که در گل استوار شده اند و در
 خشکسالان خوراک مردم را تأمین میکنند چه
 خوب چیزی است درخت خرما هر کس آن را
 بفروشد بهایش مانند خاکستری است که در
 قله بلندی باشد و در روز طوفانی تند
 بادی بر آن وزد مگر اینکه بجای آن درخت
 درخت دیگری بنشانند. عرض شد یا رسول الله پس
 از درخت خرما چه مالی بهتر است؟ حضرت
 سکوت فرمود مردی عرض کرد پس چرا در باره
 شتر چیزی نفرمودید؟

فرمود: بدبختی و بدخوئی و رنج و در به
 دری در شتر داری است که صبح و شام ادبار
 آورد و خیری ندهد مگر از آن سوی که

شوم‌تر است مردمان بدبخت تبه‌کار از آن دست برندارند.

۱۰۶ - حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُوسَى رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْكُوفِيُّ عَنْ صَالِحِ بْنِ أَبِي حَمَادٍ قَالَ حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ مِهْرَانَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ عَمْرِو بْنِ أَبِي الْمِقْدَامِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ أَبِيهِ عَنِ آبَائِهِ عَنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ الْغَنَمُ إِذَا أَقْبَلَتْ أَقْبَلَتْ وَ إِذَا أَدْبَرَتْ أَقْبَلَتْ وَ الْبَقَرُ إِذَا أَقْبَلَتْ أَقْبَلَتْ وَ إِذَا أَدْبَرَتْ أَدْبَرَتْ وَ الْإِبِلُ أَعْنَانُ الشَّيَاطِينِ إِذَا أَقْبَلَتْ أَدْبَرَتْ وَ إِذَا أَدْبَرَتْ أَدْبَرَتْ وَ لَا يَجِيءُ خَيْرُهَا إِلَّا مِنَ الْجَانِبِ الْأَشْأَمِ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَمَنْ يَتَّخِذُهَا بَعْدَ ذَلِكَ قَالَ فَإِنَّ الْأَشْقِيَاءَ الْفَجْرَةَ قَالَ صَالِحٌ وَ أَنْشَدَ إِسْمَاعِيلُ بْنُ مِهْرَانَ هِيَ الْمَالُ لَوْ لَا قِلَّةُ الْخَفِضِ حَوْلَهَا فَمَنْ شَاءَ دَارَاهَا وَ مَنْ شَاءَ بَاعَهَا ۱۰۶ - رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: گوسفند داری اگر رو آور شود که پیشرفت کار گوسفنددار است و اگر پشت کند باز پیشرفت دارد (و به هر حال زیانی برای صاحبش ندارد) و گاو داری اگر رو آور شود پیشرفت کار هست ولی اگر پشت کند ادبار برای صاحبش آورد و شترداری زمام شیاطین گرفتن است چون رو آور شود ادبار آورد و چون پشت کند ادبار آورد (و به هر حال جز زیان برای صاحبش ندارد) و خیری ندهد مگر از آن سوی که شوم‌تر است عرض شد یا رسول‌الله اگر چنین است چه کسی شترداری میکند؟ فرمود: بدبختان بدکار کجا رفته‌اند آنان هستند که شترداری کنند صالح گوید: اسماعیل بن مهران شعری بدین مضمون انشاد کرد شتر جزو اموال و ثروت دنیا است ولی باعث پستی و زبونی است هر کس بخواهد به پستی میسازد و هر که بخواهد آن را میفروشد و متاع دیگری تهیه میکند.

شرح:

مقصود از (جانب شوم‌تر) طرف چپ است لذا بدست چپ در لسان عرب شئومی گفته می‌شود و این در شتر از آن رو است که دوشیدن شیرش و سوارشدنش باید از طرف چپ انجام بگیرد و احتمال می‌رود اشاره باشد به روایت ابوالها خیر من البانها .

چهار نماز است که در هر ساعت می‌توان خواند

أربع صلوات يصلیها الرجل فی كل ساعة
۱۰۷ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ حَرِيْزٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام أَرْبَعُ صَلَوَاتٍ يُصَلِّيهَا الرَّجُلُ فِي كُلِّ سَاعَةٍ صَلَاةٌ فَاتَتْكَ فَمَتَى ذَكَرْتَهَا أَدَيْتَهَا وَ صَلَاةٌ رَكَعْتِي طَوَّافِ الْفَرِيضَةِ وَ صَلَاةُ الْكُسُوفِ وَ الصَّلَاةُ عَلَيَّ الْمَيِّتِ هَؤُلَاءِ يُصَلِّيَهُنَّ الرَّجُلُ فِي السَّاعَاتِ كُلِّهَا

۱۰۷ - امام باقر عليه السلام فرمود: چهار نماز است که شخص می‌تواند در همه وقت بخواند نماز قضا که هر وقت بیادت آمد میتوانی بخوانی و دو رکعت نماز طواف واجب و نماز گرفته شدن خورشید و نماز میت این نمازها را در همه وقت میتوان خواند. (شرح-) مقصود این است که این نمازها وقت معینی از شبانه روز ندارند و هر وقت سبب آنها موجود شد باید خوانده شود.

قاضیان چهار قسمند

القضاة أربعة

۱۰۸ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُثَوَكَّلِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ السَّعْدَانِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ

رَفَعَهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ الْقُضَاةُ أَرْبَعَةٌ
 قَاضٍ قَضَى بِالْحَقِّ وَهُوَ لَا يَعْلَمُ أَنَّهُ حَقٌّ فَهُوَ
 فِي النَّارِ وَ قَاضٍ قَضَى بِالْبَاطِلِ وَهُوَ لَا يَعْلَمُ
 أَنَّهُ بَاطِلٌ فَهُوَ فِي النَّارِ وَ قَاضٍ قَضَى
 بِالْبَاطِلِ وَهُوَ يَعْلَمُ أَنَّهُ بَاطِلٌ فَهُوَ فِي
 النَّارِ وَ قَاضٍ قَضَى بِالْحَقِّ وَهُوَ يَعْلَمُ أَنَّهُ حَقٌّ
 فَهُوَ فِي الْجَنَّةِ

۱۰۸ - امام صادق عليه السلام فرمود: قضاوت
 کنندگان چهار قسمند آنکه ندانسته حکم به
 حق میدهد در آتش است و آنکه ندانسته حکم
 باطل میدهد از اهل آتش است و آنکه
 ندانسته حکم باطل میدهد در آتش است و
 آنکه دانسته حکم حق میدهد اهل بهشت است.
 شرح -

مقصود این است که قاضی یا میدانند که
 حکم اش بر حق است و یا میدانند که حکمش بر
 باطل است و یا نمیدانند که حکمش حق است
 یا باطل و فقط در صورتی که میدانند بحق
 حکم میکند مسئول نیست اما در صورت دیگر
 مسئول است حتی در صورتی که با تردید
 بحکم تصادفاً جانب حق را گرفته باشد

مرد باید هزینه چهار نفر را به حکم اجبار پرداخت نماید

يجبر الرجل على نفقة أربعة
 ۱۰۹ - حَدَّثَنَا أَبِي وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَضِيَ
 اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَا حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ
 وَ أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ جَمِيعاً عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ
 عَنْ مُوسَى بْنِ عُمَرَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ
 حَرِيْزٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ قُلْتُ مَنْ الَّذِي
 أُجْبَرُ عَلَيْهِ وَ تَلَزَمُنِي نَفَقَتُهُ قَالَ الْوَالِدَانِ
 وَ الْوَلَدُ وَ الزَّوْجَةُ

۱۰۹ - حریز گوید: به امام صادق عليه السلام عرض
 کردم: کسی که مجبور هستم و باید هزینه اش

را بپردازم کیست؟ فرمود پدر و مادر و
فرزند و همسر.

پیغمبرانی که پادشاهان روی زمین بودند چهار نفرند

ملوك الأنبياء في الأرض أربعة
١١٠ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ
الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ
الْحَسَنِ الصَّقَّارُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ
الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَمَّنْ
ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ
تَعَالَى لَمْ يَبْعَثِ الْأَنْبِيَاءَ مُلُوكًا فِي الْأَرْضِ إِلَّا
أَرْبَعَةَ بَعْدَ نُوحٍ ذُو الْقَرْنَيْنِ وَ اسْمُهُ عِيَّاشُ وَ
دَاوُدُ وَ سُلَيْمَانُ وَ يُوسُفُ عليه السلام فَأَمَّا عِيَّاشُ فَمَلَكَ
مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ وَ أَمَّا دَاوُدُ فَمَلَكَ
مَا بَيْنَ الشَّامَاتِ إِلَى بِلَادِ إِصْطَخَرَ وَ كَذَلِكَ
كَانَ مُلْكُ سُلَيْمَانَ وَ أَمَّا يُوسُفُ فَمَلَكَ مِصْرَ وَ
بَرَارِيهَا وَ لَمْ يُجَاوِزْهَا إِلَى غَيْرِهَا

قال مصنف هذا الكتاب رضى الله عنه جاء
هذا الخبر هكذا و الصحيح الذى أعتقده فى
ذى القرنين أنه لم يكن نبيا و إنما كان
عبدا صالحا أحب الله فأحبه الله و نصح الله فنصحه
الله قال أمير المؤمنين عليه السلام و فيكم مثله و ذو
القرنين مَلِكٌ مبعوث و ليس برسول و لا نبى
كما كان طالوت مَلِكًا قال الله عز و جل وَ قَالَ
لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا وَ
قد يجوز أن يذكر فى جملة الأنبياء من ليس
بنبى كما يجوز أن يذكر فى جملة الملائكة
من ليس بِمَلِكٍ قال الله عز و جل ثناؤه وَ إِذْ
قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا
إِبْلِيسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ

١١٠ - امام باقر عليه السلام فرمود: خدای تعالی
پیغمبری نفرستاده که پادشاهی کند مگر
چهار نفر که همه پس از نوح مبعوث شده اند
ذو القرنین که نامش عیاش بود و داود و

سلیمان و یوسف اما عیاش که پادشاه میان مشرق تا مغرب بود و اما داود پادشاه میان شامات تا شهرهای اصطخر فارس گردید و کشور سلیمان نیز همین اندازه بود. اما یوسف پادشاه مصر و صحراهای مصر گردید و از آن حدود تجاوز نکرد. مصنف این کتاب (رضی الله عنه) گوید: این خبر چنین است که گفته شد ولی آنچه صحیح است و من در باره ذو القرنین معتقدم این است که پیغمبر نبوده و فقط بنده شایسته‌ای بوده است که خدای را دوست میداشته و خدا نیز او را دوست داشته است او در راه خدا خیرخواه بوده است خدای نیز خیر خواه او گشته که امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: مانند ذو القرنین در میان شما نیز هست و ذو القرنین پادشاهی بوده از طرف خداوند نه رسول بوده و نه نبی همانند طالوت که خداوند فرماید (پیغمبرشان به آنان گفت که خداوند طالوت را برای پادشاهی در میان شما برانگیخته) و گاهی روا باشد که در شمار پیغمبران نام کسی که پیغمبر نباشد برده شود چنانچه روا است در شمار فرشتگان از کسی که فرشته نیست نام برده شود خدای عز و جل ثنائه فرماید: هنگامی که به فرشتگان گفتیم بر آدم سجده کنید همگی سجده کردند بجز ابلیس که از طایفه جن بود.

در آفتاب چهار خاصیت است

فی الشمس أربع خصال

۱۱۱ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوِيهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ وَهْبِ الْبَغْدَادِيِّ عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُوسَى بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْمَرْوَزِيِّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فِي الشَّمْسِ أَرْبَعُ

خِصَالٌ تُغَيِّرُ اللَّوْنَ وَ تُنْتِنُ الرِّيحَ وَ تُخْلِقُ
 الثِّيَابَ وَ تُورِثُ الدَّاءَ
 ۱۱۱ - رسول خدا ﷺ فرمود: در آفتاب
 چهار خاصیت است رنگ را دگرگون سازد و
 بوی بد ایجاد نماید و جامه‌ها را
 می‌پوساند و بیماری آورد.

درمان چهارگانه

الدواء أربعة

۱۱۲ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ
 الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ
 الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنِ ابْنِ
 أَبِي عَمِيرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبَخْتَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ
 اللَّهِ عليه السلام قَالَ الدَّوَاءُ أَرْبَعَةٌ الْجَمَامَةُ وَ السُّعُوطُ
 وَ الْحُقْنَةُ وَ الْقَيْءُ

۱۱۲ - امام صادق عليه السلام فرمود: چهار درمان
 است: خون گرفتن با حجامت، و سعوطی که در
 بینی ریخته می‌شود، و اماله کردن، و قی
 نمودن.

چهار چیز مزاج را معتدل میسازد

أربعة يعدلن الطبائع

۱۱۳ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ
 قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ
 أَحْمَدَ عَنِ السِّيَّارِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَسْلَمَ عَنِ نُوحِ
 بْنِ شَعَيْبِ النَّيْسَابُورِيِّ عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ بْنِ
 الْمُهْتَدِيِّ يَرْفَعُهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ
 أَرْبَعَةٌ يُعَدِّلُنَ الطَّبَائِعَ الرُّمَّانُ السُّورَانِيُّ وَ
 الْبُسْرُ الْمَطْبُوحُ وَ الْبَنْفَسَجُ وَ الْهَنْدَبَاءُ

۱۱۳ - امام صادق عليه السلام فرمود: چهار چیز
 مزاج را معتدل سازد انار سورانی و کاسنی و
 نارس پخته و بنفشه و کاسنی.
 شرح -

سورانی نسبت‌اش به سوری است (بر وزن طوبی) محلی است در عراق مؤید این معنی روایتی است از امام صادق علیه السلام که فرموده اگر من در عراق بودم هر روز یک دانه انار سورانی می‌خوردم و یک بار آب تنی در آب فرات می‌کردم.

تره را چهار خاصیت است

فی الکراث أربع خصال
 ۱۱۴ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكَّلِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْهَمْدَانِيِّ عَنْ عُمَرَ بْنِ عَيْسَى عَنْ فُرَاتِ بْنِ أَحْنَفَ قَالَ سَأَلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الْكُرَاثِ فَقَالَ كُلُّهُ فَإِنَّ فِيهِ أَرْبَعٌ خِصَالٍ يُطَيَّبُ النَّكْهَةَ وَ يَطْرُدُ الرِّيَّاحَ وَ يَقْطَعُ الْبَوَاسِيرَ وَ هُوَ أَمَانٌ مِنَ الْجُدَامِ لِمَنْ أَدْمَنَ عَلَيْهِ
 ۱۱۴ - فرات بن احنف گوید: از امام صادق علیه السلام در باره تره سؤال شد فرمود: تره بخور که آن را چهار خاصیت است دهان را خوش بو سازد بادها را از بدن بیرون کند خون بواسیر را به بندد و آنکه به خوردنش مداومت کند از بیماری خوره در امان خواهد بود.

نشانه زیادی خون چهار چیز است

علامات الدم أربع
 ۱۱۵ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرَّارٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ عَلَامَاتُ الدَّمِ أَرْبَعٌ الْحِكَّةُ وَ الْبَثْرَةُ وَ النَّعَاسُ وَ الدُّورَانُ
 ۱۱۵ - امام موسی بن جعفر علیه السلام فرمود: نشانه زیادی خون چهار چیز است، خارش تن

و جوشهای جلدی و خواب آلود بودن و سرگیجه.

چهار نهر بهشتی است

أنهار من الجنة

۱۱۶ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ هَلَالٍ عَنْ عِيسَى بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْهَاشِمِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَرْبَعَةٌ أَنْهَارٌ مِنَ الْجَنَّةِ الْفُرَاتُ وَالنَّيْلُ وَسَيْحَانٌ وَجِيحَانٌ فَالْفُرَاتُ الْمَاءُ فِي الدُّنْيَا وَالْأَخِرَةِ وَالنَّيْلُ الْعَسَلُ وَسَيْحَانُ الْخَمْرُ وَجِيحَانُ اللَّبَنُ

۱۱۶ - رسول خدا ﷺ فرمود: چهار نهر از بهشت است: فرات و نیل و سیحان و جیحان فرات در دنیا و آخرت آب است و نیل نهر عسل است و سیحان نهر شراب است و جیحان نهر شیر.

شرح -

چون از همه نعم بهشتی صورتی در این عالم است بنا بر این شاید مقصود این باشد که صورت معنوی این نهرها در بهشت نهرهایی است که در روایت تعیین شده است.

چهار کنیه غدقن شده است

النهى عن أربع كنى

۱۱۷ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ نَهَى عَنْ أَرْبَعِ كُنَى عَنْ أَبِي عِيسَى وَ عَنْ أَبِي الْحَكَمِ وَ عَنْ أَبِي مَالِكٍ وَ عَنْ أَبِي الْقَاسِمِ إِذَا كَانَ الْإِسْمُ مُحَمَّدًا

۱۱۷ - امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: پیغمبر از چهار کنیه نهی فرموده است ابی عیسی و ابی الحکم و ابی مالک و از کنیه ابو القاسم اگر نامش محمد باشد.

بهترین نامها چهار و بدترین نامها چهار است

خیر الأسماء أربعة و شر الأسماء أربعة
 ۱۱۸ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ النَّضْرِ عَنْ عَمْرِو بْنِ شَمْرِ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم عَلَى مِنْبَرِهِ أَلَا إِنَّ خَيْرَ الْأَسْمَاءِ عَبْدُ اللَّهِ وَ عَبْدُ الرَّحْمَنِ وَ حَارِثَةُ وَ هَمَامٌ وَ شَرُّ الْأَسْمَاءِ ضِرَارٌ وَ مُرَّةٌ وَ حَرْبٌ وَ ظَالِمٌ
 ۱۱۸ - امام باقر علیه السلام فرماید: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بر فراز منبر فرمود: آگاه باشید بهترین نامها عبد الله است و عبد الرحمن و حارثه و همام و بدترین نامها ضرار است و مره و حرب و ظالم.

از چهار چیز و چهار ظرف نهی شده است

النهي عن أربعة أشياء و عن أربعة ظروف
 ۱۱۹ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ الْجَمِيرِيُّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ خَالِدِ بْنِ جَرِيرٍ عَنْ أَبِي الرَّبِيعِ الشَّامِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ سُئِلَ عَنْ الشُّطْرَنْجِ وَ النَّزْدِ قَالَ لَا تَقْرَبُوهُمَا قُلْتُ فَالْغِنَاءُ قَالَ لَا خَيْرَ فِيهِ لَا تَفْعَلُوا قُلْتُ فَالنَّبِيدُ قَالَ نَهَى رَسُولُ اللَّهِ عَنْ كُلِّ مُسْكِرٍ وَ كُلِّ مُسْكِرٍ حَرَامٌ قُلْتُ فَالظُّرُوفُ الَّتِي تُصْنَعُ فِيهَا قَالَ نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم عَنِ الدَّبَائِ وَ الْمُرْفَتِ وَ الْحَنْثَمِ وَ النَّقِيرِ قُلْتُ وَ مَا ذَاكَ قَالَ

الدَّبَاءُ الْقَرَعُ وَ الْمُزْفَتُ الدَّنَانُ وَ الْحَنْتَمُ
جِرَارُ الْأَزْنِ وَ النَّقِيرُ خَشْبَةٌ كَانَتْ أَهْلُ
الْجَاهِلِيَّةِ يَنْقُرُونَهَا حَتَّى يَصِيرَ لَهَا أَجْوَابٌ
يَنْبِذُونَ فِيهَا وَ قِيلَ إِنَّ الْحَنْتَمَ الْجِرَارُ
الْخَضْرُ

۱۱۹ - ابی الربیع شامی گوید: از امام
صادق علیه السلام در باره شطرنج و نرد سؤال شد
فرمود: به این دو نزدیک مشو گفتم ساز و
آواز چطور؟ فرمود: هیچ خوبی ندارد نکنید
گفتم: شراب خرما چطور؟ فرمود:

رسول خدا صلی الله علیه و آله نهی فرمود از هر
مستکننده ای و هر چه مستی آورد حرام است
گفتم: ظرفهایی که در آن شراب میسازند
چطور؟ فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله از دباء و
مزفت و حنتم و نقیر نهی فرموده است گفتم
معنای این نامها چیست فرمود: دباء یعنی
ظرفی از کدو و مزفت یعنی خم های قیر
اندود و حنتم بمعنای سبوه های چوبین
مخصوصی است و نقیر هم نام ظرف چوبین است
که مردم دوران جاهلیت آن از میان
میتراشیدند تا میان تهی میشد و خرما در
آن می ریختند و گفته شده است که حنتم به
معنای کوزه های سبز رنگ است.

دستور زیر خاک کردن چهار چیز

الأمر بدفن أربعة أشياء
۱۲۰ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ
أَبِي إِسْحَاقَ إِبرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ
الْحُسَيْنِ بْنِ زَيْدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ
أَبِي طَالِبٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيِّ عليه السلام قَالَ
أَمَرْنَا رَسُولُ اللَّهِ بِدَفْنِ أَرْبَعَةِ الشَّعْرِ وَ السِّنِّ وَ
الظُّفْرِ وَ الدَّمِّ

۱۲۰ - علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله به ما دستور داد که چهار چیز را زیر خاک کنیم موی و دندان و ناخن و خون.

چهار خصلت از اخلاق پیغمبران است

أربع خصال من أخلاق الأنبياء
۱۲۱ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَخْبُوبٍ عَنْ أَبَانَ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ إِنَّ الصَّبْرَ وَالْيَزْرَ وَالْجِلْمَ وَحُسْنَ الْخُلُقِ مِنْ أَخْلَاقِ الْأَنْبِيَاءِ
۱۲۱ - امام صادق علیه السلام فرمود: همانا شکیبائی و نیکوکاری و بدباری و خوشروئی از جمله اخلاق پیغمبران است.

بر چهار کس تمام خواندن نماز واجب است چه مسافر باشند چه حاضر

ربعة يجب عليهم التمام في سفر كانوا أو في حضر
۱۲۲ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ أَبِي جَعْفَرِ الْكُمَيْدَانِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ أَبِيهِ عَنْ حَمَادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيْزِ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ أَرْبَعَةٌ يَجِبُ عَلَيْهِمُ التَّمَامُ فِي سَفَرٍ كَانُوا أَوْ فِي حَضْرٍ الْمُكَارِي وَالْكَرِيُّ وَالْأَشْتَقَانُ وَالرَّاعِي لِأَنَّهُ عَمَلُهُمْ
قال مصنف هذا الكتاب:
الأشتقان البريد من مخزون علم الله عز وجل

۱۲۲ - امام باقر علیه السلام فرمود: بر چهار کس تمام خواندن نماز واجب است چه مسافر باشد چه حاضر آنکه چهار پا کرایه میدهد و آنکه خود را برای مسافرت به دیگران کرایه میدهد و پستی و چوپان.
(مصنف) این کتاب گوید

که اشتقان بمعنای پستیچی است.

از اسرار نهانی در گنجینه علم الهی نماز را در چهار جا تمام خواندن است

لإتمام فی أربعة مواطن
۱۲۳ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ
الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ
الْحَسَنِ الصَّقَّارُ قَالَ حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ
النُّعْمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ
مَهْزِيَّارٍ وَ أَبِي عَلِيِّ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ
عَيْسَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ مِنْ مَخْرُوجِ عِلْمِ اللَّهِ
عَزَّ وَ جَلَّ الْإِتْمَامُ فِي أَرْبَعَةِ مَوَاطِنَ حَرَمَ اللَّهُ عَزَّ
وَ جَلَّ وَ حَرَمَ رَسُولِهِ صلوات الله عليه وَ حَرَمَ أَمِيرَ
الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام وَ حَرَمَ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ ع
قال مصنف هذا الكتاب رضى الله عنه:

يعنى أن ينوى الإنسان فى حرمهم عليهم السلام مقام
عشرة أيام و يتم و لا ينوى مقام دون عشرة
أيام فيقصر و ليس ما يقوله غير أهل
الاستبصار بشيء أنه يتم فى هذه المواضع
على كل حال

۱۲۳ - امام صادق عليه السلام فرمود: از اسرار
پنهانی در گنجینه علم الهی تمام خواندن
نماز در چهار جا است حرم خدای عز و جل و
حرم رسول خدا صلوات الله عليه و حرم امیر المؤمنین و
حرم حسین بن علی عليه السلام .

(مصنف) این کتاب گوید:

مقصود این است که انسان در حرم این
بزرگواران نیت ماندن ده روز را کند و
نماز را تمام بخواند و از ده روز کمتر
قصد ماندن نداشته باشد تا نماز شکسته
بخواند و چنین نیست که بعضی ندانسته
گفته‌اند: که نماز را در این جایگاهها به
هر صورت باید تمام خواند.

عزایم: سوره هائی که سجده واجب در آنها است چهار سوره است

العزائم التي يسجد فيها أربع سور
 ١٢٤ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
 سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى
 عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ بْنِ الْبَرْزَنْطِيِّ عَنْ
 دَاوُدَ بْنِ سِرْحَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ إِنَّ
 الْعَزَائِمَ أَرْبَعٌ اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ وَ
 النُّجْمُ وَ تَنْزِيلُ السَّجْدَةِ وَ حم السَّجْدَةِ
 ١٢٤ - امام صادق عليه السلام فرمود: عزایم چهار
 سوره است سوره ﴿اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ﴾ و سوره
 انجم و سوره تنزیل سجده و سوره حم سجده.

روز رستاخیز هیچ بنده ای قدم از قدم بر ندارد تا از چهار چیز باز پرسى شود

لا تزول قدما عبد يوم القيامة حتى
 يسأل عن أربع
 ١٢٥ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيِّ
 الْأَسَدِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا رُقَيْئَةُ بِنْتُ إِسْحَاقَ بْنِ
 مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ
 بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام قَالَتْ حَدَّثَنِي أَبِي
 إِسْحَاقُ بْنُ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ
 أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ
 عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام قَالَ قَالَ
 رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله لَا تَزُولُ قَدَمَا عَبْدٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ
 حَتَّى يُسْأَلَ عَنْ أَرْبَعٍ عَنْ عُمُرِهِ فِيمَا أَفْتَاهُ وَ
 عَنْ شَبَابِهِ فِيمَا أَبْلَاهُ وَ عَنْ مَالِهِ مِنْ أَيْنَ
 اكْتَسَبَهُ وَ فِيمَا أَنْفَقَهُ وَ عَنْ حُبِّنَا أَهْلَ
 الْبَيْتِ
 ١٢٥ - رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم فرمود: روز
 رستاخیز هیچ بنده ای قدم از قدم بر ندارد
 تا از چهار چیز باز پرسى شود:

- ۱ - در چه کاری عمرش را گذرانده . ۲ -
 در چه راهی نوجوانی را از دست داده . ۳ -
 ثروتاش را از کجا آورده و به کجا داده .
 ۴ - از دوستی ما خاندان .

پیغمبر بدوستی چهار کس امر فرموده است

امر النبی ﷺ بحب أربعة
 ۱۲۶ - حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ الْحَسَنِ
 الْمَعْرُوفُ بِابْنِ مَقْبِرَةَ الْقَزْوِينِي قَالَ حَدَّثَنَا
 عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ وَاقِدٍ بِبَغْدَادَ
 قَالَ حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ مُوسَى قَالَ حَدَّثَنَا
 شَرِيكٌ عَنْ أَبِي رَبِيعَةَ الْإِيَادِيَّ عَنِ ابْنِ بُرَيْدَةَ
 عَنْ أَبِيهِ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ
 أَمَرَنِي بِحُبِّ أَرْبَعَةٍ فَقُلْنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ مَنْ هُمْ
 سَمَّهِمْ لَنَا فَقَالَ عَلِيُّ مِنْهُمْ وَ سَلْمَانُ وَ أَبُو
 ذَرٌّ وَ الْمُقَدَّادُ وَ أَمَرَنِي بِحُبِّهِمْ وَ أَخْبَرَنِي
 أَنَّهُ يُحِبُّهُمْ

۱۲۶ - بریده گوید: رسول خدا ﷺ فرمود:
 خدای عز و جل مرا فرمود که چهار نفر را
 دوست بدارم عرض کردیم یا رسول الله آنان
 کیانند نامشان را بفرمائید فرمود: علی
 یکی از آنان است و سلمان و ابو ذر و
 مقداد که خداوند مرا به دوستی اینان امر
 فرموده و مرا خبر داده که خداوند نیز
 اینان را دوست میدارد.

۱۲۷ - حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ
 الْأَشْثَانِيُّ الْعَدْلُ بِيَلْخِ قَالَ أَخْبَرَنِي جَدِّي قَالَ
 حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ نَصْرِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ
 سَعِيدٍ قَالَ أَخْبَرَنَا شَرِيكٌ عَنْ أَبِي رَبِيعَةَ
 الْإِيَادِيَّ عَنِ ابْنِ بُرَيْدَةَ عَنْ أَبِيهِ قَالَ قَالَ
 رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَمَرَنِي بِحُبِّ أَرْبَعَةٍ
 مِنْ أَصْحَابِي وَ أَخْبَرَنِي أَنَّهُ يُحِبُّهُمْ قُلْنَا يَا
 رَسُولَ اللَّهِ فَمَنْ هُمْ فَكُلْنَا نُحِبُّ أَنْ نَكُونَ مِنْهُمْ
 فَقَالَ أَلَا إِنَّ عَلِيًّا مِنْهُمْ ثُمَّ سَكَتَ ثُمَّ قَالَ أَلَا
 إِنَّ عَلِيًّا مِنْهُمْ وَ أَبُو ذَرٌّ وَ سَلْمَانَ الْفَارِسِيَّ
 وَ الْمُقَدَّادُ بْنَ الْأَسْوَدِ الْكِنْدِيَّ

۱۲۷ - بریده گوید: رسول خدا ﷺ فرمود: که خدای عز و جل مرا بدوستی چهار نفر از یارانم امر فرموده و مرا خبر داده که خداوند نیز آنان را دوست میدارد عرض کردیم یا رسول الله آنان کیانند که همه ما علاقه‌مندیم مگر از آن چهار نفر باشیم فرمود: هان که علی یکی از آنان است سپس خاموش شد و پس از اندکی فرمود: هان که علی یکی از آنان است و ابو ذر و سلمان فارسی و مقداد بن الاسود کندی.

نخستین گروه از چهار گروه که به بهشت میروند

أول أربعة يدخلون الجنة
 ۱۲۸ - حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ الْحَسَنِ الْقَزْوِينِيُّ قَالَ أَخْبَرَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ زَيْدَانَ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ حَدَّثَنَا حَسَنُ بْنُ حُسَيْنٍ قَالَ حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ مُسَاوِرٍ عَنْ أَبِي خَالِدٍ عَنْ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ قَالَ شَكَّوْتُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ حَسَدَ مَنْ يَحْسُدُنِي فَقَالَ يَا عَلِيُّ أَمَا تَرْضَى أَنْ أَوَّلَ أَرْبَعَةٍ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ أَنَا وَ أَنْتَ وَ ذَرَارِينَا خَلْفَ ظُهُورِنَا وَ شِيعَتُنَا عَنْ أَيْمَانِنَا وَ شَمَائِلِنَا
 ۱۲۸ - علی بن ابی طالب فرمود: به رسول خدا

از رشک حسودان خود گله کردم فرمود: یا علی آیا خشنود نیستی که تو نخستین از چهار گروه باشی که به بهشت میروند؟: من و تو، فرزندان ما در پشت سر ما و شیعیان ما از طرف راست و چپ ما.

چهار خصلت است که در هر کسی باشد منافق است

أربع من كن فيه فهو منافق
١٢٩ - حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَعِيدٍ
الْعَسْكَرِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ
الْوَلِيدِ الْعَدْلُ قَالَ حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ حَاتِمٍ
قَالَ حَدَّثَنَا يَزِيدُ بْنُ هَارُونَ قَالَ حَدَّثَنَا شُعْبَةُ
عَنِ الْأَعْمَشِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُرَّةَ عَنْ مَسْرُوقٍ عَنْ
عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ أَرْبَعٌ مَنْ
كُنَّ فِيهِ فَهُوَ مُنَافِقٌ وَإِنْ كَانَتْ فِيهِ وَاحِدَةٌ
مِنْهُنَّ كَانَتْ فِيهِ خِصْلَةٌ مِنَ النِّفَاقِ حَتَّى يَدَعَهَا
مَنْ إِذَا حَدَّثَ كَذَبَ وَإِذَا وَعَدَ أَخْلَفَ وَإِذَا
عَاهَدَ عَدَرَ وَإِذَا خَاصَمَ فَجَرَ

١٢٩ - رسول خدا ﷺ فرمود: چهار خصلت
است که در هر کس باشد منافق است و
چنانچه یکی از این خصلتها در کسی باشد
يك خصلت از نفاق در او است تا آنگاه که
آن خصلت را ترك گوید کسی که چون سخنی
گوید دروغ گوید و چون وعده دهد به وعده
خویش عمل نکند و چون پیمان بندد بمکر و
حيله بر سر پیمان نماند و چون با کسی در
افتد ناسزا گوید.

چهار نفر پادشاه همه روی زمین شدند دو مؤمن و دو کافر

ملك الأرض كلها أربعة مؤمنان و كافرين
١٣٠ - حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ
أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي
عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ
خَالِدٍ بِإِسْنَادِهِ رَفَعَهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ
مَلَكَ الْأَرْضَ كُلَّهَا أَرْبَعَةٌ مُؤْمِنَانِ وَ كَافِرَانِ
فَأَمَّا الْمُؤْمِنَانِ فَسُلَيْمَانُ بْنُ دَاوُدَ ﷺ وَ ذُو
الْقُرْنَيْنِ وَ الْكَافِرَانِ نُمْرُودُ وَ بُخْتَنَصْرُ وَ
اسْمُ ذِي الْقُرْنَيْنِ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ ضَحَّاكِ بْنِ مَعَدٍ

۱۳۰ - امام صادق عليه السلام فرمود: چهار کس پادشاه همه روی زمین شدند دو مؤمن و دو کافر، دو مؤمن سلیمان بن داود بود و ذو القرنین، و دو کافر نمرود بود و بخت نصر و نام ذو القرنین عبد الله بن ضحاک بن معد بود.

حدیث پیغمبر از چهار کس بدست مردم رسید که پنجمی ندارند

أتى الناس الحديث من رسول الله صلى الله عليه وآله من أربعة ليس لهم خامس
 ۱ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَمْرٍو الْيَمَانِيِّ وَ عُمَرَ بْنِ أَدِينَةَ عَنْ أَبَانَ بْنِ أَبِي عِيَّاشٍ عَنْ سُلَيْمِ بْنِ قَيْسِ الْهَلَالِيِّ قَالَ قُلْتُ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ إِنِّي سَمِعْتُ مِنْ سَلْمَانَ وَ الْمُقَدَّادِ وَ أَبِي ذَرٍّ شَيْئاً مِنْ تَفْسِيرِ الْقُرْآنِ وَ أَحَادِيثَ عَنْ نَبِيِّ اللَّهِ صلى الله عليه وآله غَيْرَ مَا فِي أَيْدِي النَّاسِ ثُمَّ سَمِعْتُ مِنْكَ تَصْدِيقَ مَا سَمِعْتُ مِنْهُمْ وَ رَأَيْتُ فِي أَيْدِي النَّاسِ أَشْيَاءَ كَثِيرَةً مِنْ تَفْسِيرِ الْقُرْآنِ وَ مِنَ الْأَحَادِيثِ عَنْ نَبِيِّ اللَّهِ صلى الله عليه وآله أَنْتُمْ تُخَالِفُونَهُمْ فِيهَا وَ تَزْعُمُونَ أَنَّ ذَلِكَ كُلَّهُ بَاطِلٌ أَمْ فَتَرَى النَّاسَ يَكْذِبُونَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله مُتَعَمِّدِينَ وَ يُفَسِّرُونَ الْقُرْآنَ بِآرَائِهِمْ قَالَ فَأَقْبَلَ عَلِيٌّ عليه السلام فَقَالَ قَدْ سَأَلْتُ فَافْتَحَ الْجَوَابَ إِنَّ فِي أَيْدِي النَّاسِ حَقًّا وَ بَاطِلًا وَ صِدْقًا وَ كَذِبًا وَ نَاسِخًا وَ مَنْسُوخًا وَ عَامًّا وَ خَاصًّا وَ مُحْكَمًا وَ مُتَشَابِهًا وَ حِفْظًا وَ وَهْمًا وَ قَدْ كُذِبَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله عَلَى عَهْدِهِ حَتَّى قَامَ خَطِيبًا فَقَالَ أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ كَثُرَتْ عَلَيَّ الْكَذَابَةُ فَمَنْ كَذَبَ عَلَيَّ مُتَعَمِّدًا فَلْيَتَّبِعُوا مَفْعَدَهُ مِنَ النَّارِ ثُمَّ كُذِبَ عَلَيْهِ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّمَا أَتَاكُمْ الْحَدِيثُ مِنْ أَرْبَعَةٍ لَيْسَ لَهُمْ خَامِسٌ رَجُلٌ مُنَافِقٌ يُظْهِرُ الْإِيمَانَ مُتَصَنِّعٌ

بِالْإِسْلَامِ لَا يَتَأَلَّمُ وَلَا يَتَحَرَّجُ أَنْ يَكْذِبَ عَلَى
 رَسُولِ اللَّهِ مُتَعَمِّدًا فَلَوْ عَلِمَ النَّاسُ أَنَّهُ مُنَافِقٌ
 كَذَّابٌ لَمْ يَقْبَلُوا مِنْهُ وَ لَمْ يُصَدِّقُوهُ وَ لَكِنَّهُمْ
 قَالُوا هَذَا قَدْ صَحِبَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ وَ رَأَاهُ وَ سَمِعَ
 مِنْهُ فَأَخَذُوا عَنْهُ وَ هُمْ لَا يَعْرِفُونَ حَالَهُ وَ قَدْ
 أَخْبَرَهُ اللَّهُ عَنِ الْمُنَافِقِينَ بِمَا أَخْبَرَهُ وَ وَصَفَهُمْ
 بِمَا وَصَفَهُمْ فَقَالَ عَزَّ وَ جَلَّ وَ إِذَا رَأَيْتَهُمْ
 تَعَجَّبَكَ أَجْسَامُهُمْ وَ إِنْ يَقُولُوا تَسْمَعُ لِقَوْلِهِمْ
 ثُمَّ بَقُوا بَعْدَهُ فَتَقَرَّبُوا إِلَى أَيْمَةِ الضَّلَالَةِ وَ
 الدُّعَاةِ إِلَى النَّارِ بِالزُّورِ وَ الكَذِبِ وَ
 البُهْتَانِ- فَوَلَوْهُمْ الأَعْمَالُ وَ حَمَلَوْهُمْ عَلَى
 رِقَابِ النَّاسِ وَ أَكَلُوا بِهِمُ الدُّنْيَا وَ إِنَّمَا
 النَّاسُ مَعَ المُلُوكِ وَ الدُّنْيَا إِلَّا مَنْ عَصَمَ اللَّهُ
 فَهَذَا أَحَدُ الأَرْبَعَةِ وَ رَجُلٌ سَمِعَ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ
 شَيْئًا لَمْ يَحْفَظْهُ عَلَى وَجْهِهِ وَ وَهَمَ فِيهِ وَ لَمْ
 يَتَعَمَّدْ كَذِبًا فَهُوَ فِي يَدِهِ يَقُولُ بِهِ وَ يَعْمَلُ
 بِهِ وَ يَزُويهِ وَ يَقُولُ أَنَا سَمِعْتُهُ مِنْ رَسُولِ
 اللَّهِ ﷺ فَلَوْ عَلِمَ المُسْلِمُونَ أَنَّهُ وَهَمَ لَمْ
 يَقْبَلُوهُ وَ لَوْ عَلِمَ هُوَ أَنَّهُ وَهَمَ لَرَفَضَهُ وَ رَجُلٌ
 ثَالِثٌ سَمِعَ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ شَيْئًا أَمَرَ بِهِ ثُمَّ
 نَهَى عَنْهُ وَ هُوَ لَا يَعْلَمُ أَوْ سَمِعَهُ يَنْهَى عَنْ
 شَيْءٍ ثُمَّ أَمَرَ بِهِ وَ هُوَ لَا يَعْلَمُ فَحَفِظَ مَنْسُوخَهُ
 وَ لَمْ يَحْفَظِ النَّاسِخَ فَلَوْ عَلِمَ أَنَّهُ مَنْسُوخٌ
 لَرَفَضَهُ وَ لَوْ عَلِمَ المُسْلِمُونَ أَنَّهُ مَنْسُوخٌ
 لَرَفَضُوهُ وَ آخِرُ رَابِعٍ لَمْ يَكْذِبْ عَلَى رَسُولِ
 اللَّهِ ﷺ مُبْغِضٌ لِكُذِبِ خَوْفًا مِنْ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ
 تَعْظِيمًا لِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ لَمْ يَسُهُ بَلْ حَفِظَ مَا سَمِعَ
 عَلَى وَجْهِهِ فَجَاءَ بِهِ كَمَا سَمِعَ لَمْ يَزِدْ فِيهِ وَ
 لَمْ يَنْقُصْ مِنْهُ وَ عَلِمَ النَّاسِخَ مِنَ الْمَنْسُوخِ
 فَعَمِلَ بِالنَّاسِخِ وَ رَفِضَ الْمَنْسُوخَ فَإِنَّ أَمْرَ
 النَّبِيِّ ﷺ مِثْلُ الْقُرْآنِ نَاسِخٌ وَ مَنْسُوخٌ وَ خَاصٌّ
 وَ عَامٌّ وَ مُحْكَمٌ وَ مُتَشَابِهٌ وَ قَدْ كَانَ يَكُونُ مِنْ
 رَسُولِ اللَّهِ ﷺ الكَلَامُ لَهُ وَجْهَانِ وَ كَلَامٌ عَامٌّ وَ
 كَلَامٌ خَاصٌّ مِثْلُ الْقُرْآنِ وَ قَدْ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ
 فِي كِتَابِهِ مَا آتَاكُمْ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ مَا
 نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا فَيَشْتَبِهُ عَلَى مَنْ لَمْ

يَعْرِفُ وَ لَمْ يَدْرِ مَا عَنَى اللَّهُ بِهِ وَ رَسُولُهُ ﷺ وَ
لَيْسَ كُلُّ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ يَسْأَلُهُ عَنِ الشَّيْءِ
فَيَفْهَمُ كَانَ مِنْهُمْ مَنْ يَسْأَلُهُ وَ لَا يَسْتَفْهَمُ حَتَّى
إِنْ كَانُوا لَيُحِبُّونَ أَنْ يَجِيءَ الْأَعْرَابِيُّ وَ
الطَّارِي فَيَسْأَلُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ حَتَّى يَسْمَعُوا وَ
كُنْتُ أَدْخُلُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ كُلَّ يَوْمٍ دَخَلَةٌ وَ
كُلَّ لَيْلَةٍ دَخَلَةٌ فَيُخْلِينِي فِيهَا أَدُورٌ مَعَهُ
حَيْثَمَا دَارَ وَ قَدْ عَلِمَ أَصْحَابُ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ أَنَّهُ
لَمْ يَصْنَعْ ذَلِكَ بِأَحَدٍ مِنَ النَّاسِ غَيْرِي فَزُبْمَا
كَانَ ذَلِكَ فِي بَيْتِي يَأْتِينِي رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَكْثَرَ ذَلِكَ
فِي بَيْتِي وَ كُنْتُ إِذَا دَخَلْتُ عَلَيْهِ بَعْضَ مَنَازِلِهِ
أَخْلَانِي وَ أَقَامَ عَنِّي نِسَاءً هُ فَلَا يَبْقَى عِنْدَهُ
أَحَدٌ غَيْرِي وَ إِذَا أَتَانِي لِلْخُلُوفَةِ مَعِيَ فِي
بَيْتِي لَمْ تَقُمْ عَنْهُ فَاطِمَةٌ وَ لَا أَحَدٌ مِنْ بَنِي وَ
كُنْتُ إِذَا سَأَلْتُهُ أَجَابَنِي وَ إِذَا سَكَتُ وَ فَنَيْتُ
مَسَائِلِي ابْتَدَأَنِي فَمَا نَزَلَتْ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ
آيَةٌ مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا أَقْرَأَنِيهَا وَ أَمْلَاهَا عَلَيَّ
فَكَتَبْتُهَا بِخَطِّي وَ عَلَّمَنِي تَأْوِيلَهَا وَ تَفْسِيرَهَا
وَ نَاسِخَهَا وَ مَنْسُوخَهَا وَ مُحْكَمَهَا وَ مُتَشَابِهَهَا
وَ خَاصَّهَا وَ عَامَّهَا وَ دَعَا اللَّهَ لِي أَنْ يُؤْتِيَنِي
فَهْمَهَا وَ حَفِظَهَا فَمَا نَسِيتُ آيَةً مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَ
لَا عِلْمًا أَمْلَاهُ عَلَيَّ وَ كَتَبْتُهُ مُنْذُ دَعَا اللَّهَ لِي
بِمَا دَعَا وَ مَا تَرَكَ شَيْئًا عَلَّمَهُ اللَّهُ مِنْ حَلَالٍ وَ
لَا حَرَامٍ وَ لَا أَمْرٍ وَ لَا نَهْيٍ كَانَ أَوْ يَكُونُ وَ لَا
كِتَابٍ مُنْزَلٍ عَلَى أَحَدٍ قَبْلَهُ فِي أَمْرٍ بِيَطَاعَةٍ أَوْ
نَهْيٍ عَنِ مَعْصِيَةٍ إِلَّا عَلَّمَنِيهِ وَ حَفِظْتُهُ فَلَمْ أَنْسَ
حَرْفًا وَاحِدًا ثُمَّ وَضَعَ ﷺ يَدَهُ عَلَى صَدْرِي وَ دَعَا
اللَّهَ لِي أَنْ يَمْلَأَ قَلْبِي عِلْمًا وَ فَهْمًا وَ حُكْمًا وَ
نُورًا فَقُلْتُ يَا نَبِيَّ اللَّهِ يَا أَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي إِنِّي
مُنْذُ دَعَوْتُ اللَّهَ لِي بِمَا دَعَوْتُ لَمْ أَنْسَ شَيْئًا وَ
لَمْ يَفُتْنِي شَيْءٌ لَمْ أَكُتِبْهُ أ فَتَتَخَوَّفُ عَلَيَّ
النُّسَيَانَ فِيمَا بَعْدُ فَقَالَ لَا لَسْتُ أَخَافُ عَلَيْكَ
النُّسَيَانَ وَ لَا الْجَهْلَ

۱۳۱ - سليم بن قيس هلالی گوید: به امير
المؤمنين عرض كردم يا امير المؤمنين من
از سلمان و ابى ذر و مقداد كمى از تفسير

قرآن و حدیث‌هایی از پیغمبر شنیده‌ام که بجز آن مطالبی است که در دست مردم است و آنچه را که از این سه نفر شنیده‌ام شما نیز تصدیق فرمودید ولی در دست مردم از تفسیر قرآن و احادیث پیغمبر خدا مطالب فراوانی است که شماها با آنان در آن گونه مطالب مخالفید و معتقدید که همه آن مطالب باطل و نادرست است آیا به نظر شما مردم عمداً به رسول خدا ﷺ دروغ می‌بندند و قرآن را از پیش خود تفسیر میکنند؟

راوی گوید: علی علیه السلام روی به من کرده فرمود: پرسیدی اکنون در پاسخش نیکو دقت کن همانا مطالبی که در دست مردم است آمیخته است درست و نادرست و راست و دروغ و ناسخ و منسوخ و عام و خاص و صریح و مجمل و محفوظ و مغلوط و در زمان حیات رسول خدا ﷺ آنقدر دروغ بر آن حضرت بستند که ایستاد و خطبه خواند و فرمود ای مردم دروغ‌گویان از زبان من فراوان شده‌اند هر کس عمداً از زبان من دروغ بسازد باید نشستگاه خود را از دوزخ برگزیند و پس از رحلت حضرتش نیز بر او دروغ بستند و حدیث بدست شما فقط از چهار کس رسیده که پنجمی ندارند.

اول از مرد منافقی که مؤمن نما است و مسلمان ساختگی، دروغ بستن عمدی به رسول خدا ﷺ را نه گناهی پندارد و نه از آن پروائی دارد و اگر مردم آگاه شوند که این مرد منافقی است دروغ پرداز سخنش را نپذیرند و گفتارش را تصدیق نکنند ولی میگویند این مرد همنشین رسول خدا ﷺ بوده است و او را دیده و از آن حضرت حدیث شنیده است از این رو حدیث را از او میگیرند بدون اینکه شناسائی در حقش داشته باشند و خداوند پیغمبر را از حال آنان آن طور که باید خبر داد و آن طور

که شاید توصیفشان کرد و فرمود چون آنان را بینی ظاهر فریبنده‌شان تو را خوش آید و اگر سخنی گویند گوش به سخنان فرا دهی همین منافقین بودند که پس از رحلت رسول خدا ﷺ زنده بودند و با سخنان کفر آمیز و دروغ و بهتان خود را بدربار پیشوایان گمراهی و رهبران دوزخ نزدیک کردند تا آنجا که پیشوایان زمام کارها را بدست همین مردم منافق سپردند و آنان را بر گردن مردم سوار کردند و به دستگیری آنان دنیا را بکام خود کشیدند و حقیقت مطلب جز این نیست که مردم تابع پادشاهان اند و دنیا طلب مگر کسی که خداوند او را نگهدارد این یکی از چهار کس بود.

دوم مردی است که چیزی از رسول خدا ﷺ شنیده است ولی آن طور که باید بخاطر نسپرده و به غلط و اشتباه دچار شده است نه اینکه عمدا دروغ گفته باشد و این کلام غلط را بدست گرفته قائل به آن است و مطابق آن عمل میکند و برای دیگران نیز روایت میکند و میگوید من خود از رسول خدا ﷺ چنین شنیدم و اگر مسلمانان بدانند که این مرد در گفتارش به اشتباه است از او نپذیرند و خود او نیز اگر به اشتباهش پی برد دست از آن بر میدارد.

سومین مرد کسی است که شنیده است از رسول خدا ﷺ که در باره چیزی دستوری داده است ولی ندانسته که سپس از آن نهی فرموده است یا شنیده است که از چیزی نهی فرموده ولی ندانسته که سپس بدان امر کرده است و در نتیجه، حکمی را که منسوخ و لغو شده بیاد دارد ولی حکمی را که ناسخ است بیاد ندارد و خود او اگر متوجه شود که این حکم از اعتبار افتاده است رهایش خواهد کرد و مسلمانان نیز اگر

می‌دانستند که حکمی است منسوخ رهایش
مینمودند.

چهارمین مرد، کسی است که به رسول خدا
ﷺ دروغ نه بزند و از ترس خدای عز و جل
و بزرگداشت رسول خدا ﷺ دشمن دروغ است
آنچه از رسول خدا ﷺ شنیده فراموش
نکرده بلکه نیکو بخاطرش سپرده است و
همان طور که شنیده بی‌کم و زیاد نقل
می‌کند و ناسخ را از منسوخ تمیز میدهد
به ناسخ عمل میکند و منسوخ را رها میکند
که دستورهای پیغمبر همانند قرآن است
ناسخ و منسوخ دارد خاص و عام دارد محکم
و متشابه دارد گاهی اتفاق می‌افتاد که
گفتار رسول خدا ﷺ دو پهلو بود و مانند
قرآن کلماتی داشت که برای همه بود و
کلماتی که برای عده‌ای مخصوص بود و
خداوند در قرآنش فرموده است آنچه رسول
بشما دستور داد بگیرید و از آنچه شما را
باز داشت باز ایستید از این جهت بر کسی
که معرفت ندارد و مقصود خدا و رسولش را
درک نمی‌کند امر مشتبه گردد و این چنین
نبود که هر کس از یاران رسول خدا
ﷺ که سؤالی داشت قدرت فهم نیز داشته
باشد.

در میان اصحاب افرادی بود که می‌پرسید
ولی در مقام فهم کلمات آن حضرت نبود تا
آنجا که دوست می‌داشتند يك عرب بیابانی و
از راه رسیده‌ای بیایید و از رسول خدا
ﷺ مطالبی بپرسد و آنان فقط مستمع
باشند آن من بودم که هر روز يك نوبت و
هر شب يك نوبت به حضور رسول خدا
ﷺ می‌رسیدم و آزادانه با آن حضرت بودم و
همه اصحاب رسول خدا ﷺ می‌دانستند که آن
حضرت بجز با من با هیچ کس از مردم این
گونه رفتار نمی‌کرد چه بسا که این مصاحبه
در خانه من انجام می‌گرفت و غالباً رسول

خدا ﷻ به خانه من تشریف می‌آورد و اگر من در پاره‌ای از منزل‌های آن حضرت به خدمتش می‌رسیدم خانه را برای من خلوت می‌فرمود و همسرهای خود را از خانه بیرون می‌فرستاد و جز من هیچ کس در خدمتش باقی نمی‌ماند ولی اگر آن حضرت برای مذاکرات خصوصی به خانه من تشریف می‌آورد نه فاطمه از خانه بیرون می‌رفت نه هیچ یک از فرزندان من آنگاه هر چه می‌پرسیدم پاسخ می‌داد و چون من خاموش می‌شدم و سؤالاتم پایان می‌یافت حضرتش آغاز سخن می‌فرمود این چنین بود که هیچ آیه‌ای از قرآن به رسول خدا ﷻ فرود نیامد مگر اینکه آن آیه را برای من خواند و دیکته فرمود تا من بخط خود آن را نوشتم و تأویل آیات و تفسیرش و ناسخش و منسوخش و محکمش و متشابهش و خاصش و عامش را به من یاد داد و از خداوند مسألت نمود که نیروی فهم و نگهداری آن دانش را بمن عطا فرماید و از وقتی که آن حضرت در باره من دعا فرمود. نه يك آیه از قرآن فراموشم شد و نه يك نکته از دانشهایی که برای من فراخوانده بود و من آن را نوشته بودم و از دانشی که خداوند پیغمبر را فریاد داده بود از حلال و حرام و امر و نهی از گذشته و آینده و کتابهایی که به پیغمبران پیشین فرود آمده بود در باره دستوری که باید بکار بست و یا گناهی که باید مرتکب نشد هیچ فروگذار نشد و همه را بمن یاد داد و خاطر نشانم فرمود و من حتی يك حرف آن را فراموش نکردم و پس از همه اینها دست مبارك را بر سینه من نهاد و دعا کرد که خداوند دل مرا از دانش و فهم و حکمت و روشنایی لبریز گرداند عرض کردم ای پیغمبر خدا پدر و مادرم بقربانت از آن هنگام که برای من آنچنان دعا فرموده‌ای هیچ چیز را

فراموش نکرده ام و اگر چیزی را ننوشته ام هنوز بیاد دارم ترس این هست که بعد از این فراموشی بر من عارض شود؟ فرمود: نه، من از بابت فراموشی و ناتوانی هیچ نگرانی در باره تو ندارم.

۱۳۲ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو سَعِيدٍ سَهْلُ بْنُ زِيَادٍ الْأَدْمِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي جَعْفَرُ بْنُ بَشَّارِ الْوَاسِطِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الدَّهْقَانِيُّ عَنْ دُرُسْتِ بْنِ أَبِي مَنْصُورِ الْوَاسِطِيِّ عَنْ عُمَرَ بْنِ أَدِيْنَةَ عَنْ زُرَّارَةَ بْنِ أَعْيَنَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام مَنْ صَنَعَ مِثْلَ مَا صُنِعَ إِلَيْهِ فَقَدْ كَافَأَ وَمَنْ أَوْضَعَفَ كَانَ شُكُوراً وَمَنْ شَكَرَ كَانَ كَرِيماً وَمَنْ عَلِمَ أَنَّ مَا صَنَعَ إِنَّمَا صَنَعَ لِنَفْسِهِ لَمْ يَسْتَبِطِ النَّاسَ فِي بَرِّهِمْ وَ لَمْ يَسْتَزِدَّهُمْ فِي مَوَدَّتِهِمْ فَلَا تَطْلُبَنَّ غَيْرَكَ شُكْرَ مَا أَتَيْتَهُ إِلَى نَفْسِكَ وَ وَقَيْتَ بِهِ عَرْضَكَ وَ اعْلَمْ أَنَّ طَالِبَ الْحَاجَةِ إِلَيْكَ لَمْ يُكْرَمْ وَجْهَهُ عَنْ وَجْهِكَ فَأَكْرَمْ وَجْهَكَ عَنْ رَدِّهِ

۱۳۲ - امیر المؤمنین عليه السلام فرمود: هر کس به اندازه آنچه در باره او نیکی شده است نیکی کند عوضی بیش نداده است و هر کس چند برابرش نیکی نمود سپاسگزاری کرده است و هر کس سپاسگزار باشد بزرگوار خواهد بود و هر کس بداند که هر چه کند بهره اش برای خود او است در نیکی بمردم مسامحه نکند و در برابر دوستی با مردم انتظار دوستی از آنان نخواهد داشت پس پاداش آنچه برای خود کرده و آبروی خود را بدان نگهداشته ای از دیگران مخواه و بدان که هر کس حاجتی نزد تو آورد تو را از خود آبرومندتر انگاشته تو نیز روی بزرگواری خود را از او برگردان.

۱۳۳ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ

الْحَسَنِ الصَّقَّارُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ
 بِنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ سُلَيْمِ
 مَوْلَى طَرْبَالٍ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ
 سَمِعْتُهُ يَقُولُ الدُّنْيَا دُولٌ فَمَا كَانَ لَكَ فِيهَا
 أَتَاكَ عَلَى ضَعْفِكَ وَ مَا كَانَ مِنْهَا عَلَيْكَ أَتَاكَ
 وَ لَمْ تَمْتَنِعْ مِنْهُ بِقُوَّةٍ ثُمَّ أَتْبَعَ هَذَا الْكَلَامَ
 بِأَنَّ قَالَ مَنْ يئِسَ مِمَّا فَاتَ أَرَاخَ بَدَنَهُ وَ مَنْ
 قَنِعَ بِمَا أُوتِيَ قَرَّتْ عَيْنُهُ

۱۳۳ - مردی گوید: از امام باقر عليه السلام
 شنیدم که میفرمود دنیا (خواه و ناخواه)
 در گردش است بهره‌ای که در دنیا داری تو
 را خواهد رسید هر چند سست و ناتوان باشی
 و زبانی که از دنیا تو را نصیب است
 دامنگیر تو خواهد گشت و نیرومند هم باشی
 نتوانی از آن جلوگیری شوی سپس بدنبال این
 سخن فرمود هر کس از آنچه از دست او بشد
 نومید گردد آسایش جسمی خود را بدست
 آورده و هر کس با آنچه او راست بسازد
 چشمش روشن خواهد شد.

۱۳۴ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
 سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ
 عَيْسَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ
 الْبَزَنْطِيِّ عَنْ رَجُلٍ مِنْ خَزَاعَةَ عَنْ أَسْلَمِيِّ عَنْ
 أَبِيهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ تَعَلَّمُوا الْعَرَبِيَّةَ
 فَإِنَّهَا كَلَامُ اللَّهِ الَّذِي تَكَلَّمُ بِهِ خَلْقَهُ وَ نَظَّفُوا
 الْمَاضِعِينَ وَ بَلَّغُوا بِالْخَوَاتِيمِ

قال محمد بن علي بن الحسين مصنف هذا
 الكتاب رضى الله عنه قد روى هذا الحديث أبو
 سعيد الأدمي و قال فى آخره بلعوا
 بالخواتيم أى اجعلوا الخواتيم فى آخر
 الأصابع و لا تجعلوها فى أطرافها فإنه
 يروى أنه من عمل قوم لوط

۱۳۴ - امام صادق عليه السلام فرمود: زبان عربی
 را یاد بگیرید که آن کلام خدا است و
 خداوند به آن زبان با بندگان خود سخن
 گفته است (مقصود قرآن است) و آرواره‌های

خود را با عربی به سخن در آورید و پایان کلمات را روشن ادا کنید.

محمد بن علی بن الحسین مصنف این کتاب گوید: ابو سعید آدمی همین حدیث را روایت کرده و در معنای جمله آخر: (و بلغو بالخواتیم) گفته است که انگشترها را که در دست می‌کنید در آخر انگشتان باشد نه در نیمه که روایت شده است انگشتر را در نیمه انگشتان نمودن از جمله کارهای قوم لوط بوده است

مردم در ماه رمضان از چهار چیز بی‌نیاز نیستند

أربع خصال لا غنى بالناس عنها فى شهر رمضان

۱۳۵ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْخَزَّازِ عَنْ أَبِي الْوَرْدِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ خَطَبَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ النَّاسَ فِي آخِرِ جُمُعَةٍ مِنْ شَعْبَانَ فَحَمِدَ اللَّهُ وَ أَثْنَى عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّهُ قَدْ أَظْلَكُمْ شَهْرٌ فِيهِ لَيْلَةٌ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ وَ هُوَ شَهْرُ رَمَضَانَ فَرَضَ اللَّهُ صِيَامَهُ وَ جَعَلَ قِيَامَ لَيْلَةٍ فِيهِ بِتَطَوُّعِ صَلَاةٍ كَمَنْ تَطَوَّعَ بِصَلَاةٍ سَبْعِينَ لَيْلَةً فِيمَا سِوَاهُ مِنَ الشُّهُورِ وَ جَعَلَ لِمَنْ تَطَوَّعَ فِيهِ بِخَصَلَةٍ مِنْ خِصَالِ الْخَيْرِ وَ الْبِرِّ كَأَجْرِ مَنْ أَدَّى فَرِيضَةً مِنْ فَرَائِضِ اللَّهِ وَ مَنْ أَدَّى فِيهِ فَرِيضَةً مِنْ فَرَائِضِ اللَّهِ كَانَ كَمَنْ أَدَّى فِيهِ سَبْعِينَ فَرِيضَةً فِيمَا سِوَاهُ وَ هُوَ شَهْرُ الصَّبْرِ وَ إِنَّ الصَّبْرَ ثَوَابُهُ الْجَنَّةُ وَ هُوَ شَهْرُ الْمُوَاسَاةِ وَ هُوَ شَهْرُ يَزِيدَ اللَّهُ فِيهِ فِي رِزْقِ الْمُؤْمِنِ وَ مَنْ فَطَرَ فِيهِ مُؤْمِنًا صَائِمًا كَانَ لَهُ بِذَلِكَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عِثْقٌ رَقَبَةٍ وَ مَغْفِرَةٌ لِذُنُوبِهِ فِيمَا مَضَى فَقِيلَ لَهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ لَيْسَ كُلُّنَا يَقْدِرُ عَلَى أَنْ يُفْطَرَ صَائِمًا فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى كَرِيمٌ يُعْطِي هَذَا الثَّوَابَ

مِنْكُمْ لِمَنْ لَا يَقْدِرُ إِلَّا عَلَى مَذْقَةِ مِزْنٍ لَيْسَ
 يُفْطِرُ بِهَا صَائِمًا أَوْ شَرِبَهُ مِنْ مَاءٍ عَذْبٍ أَوْ
 تَمِيرَاتٍ لَا يَقْدِرُ عَلَى أَكْثَرِ مِنْ ذَلِكَ وَ مَنْ خَفَّفَ
 فِيهِ عَنِ مَمْلُوكِهِ خَفَّفَ عَنْهُ حِسَابُهُ وَ هُوَ شَهْرٌ
 أَوَّلُهُ رَحْمَةٌ وَ وَسْطُهُ مَغْفِرَةٌ وَ آخِرُهُ إِجَابَةٌ وَ
 الْعِثْقُ مِنَ النَّارِ وَ لَا غِنَى بِكُمْ فِيهِ عَنِ أَرْبَعِ
 خِصَالٍ خَصَلْتَيْنِ تُرْضُونَ اللَّهَ بِهِمَا وَ خَصَلْتَيْنِ لَا
 غِنَى بِكُمْ عَنْهُمَا وَ أَمَّا اللَّتَانِ تُرْضُونَ اللَّهَ
 بِهِمَا فَشَهَادَةُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ
 وَ أَمَّا اللَّتَانِ لَا غِنَى بِكُمْ عَنْهُمَا فَتَسْأَلُونَ اللَّهَ
 فِيهِ حَوَائِجَكُمْ وَ الْجَنَّةَ وَ تَسْأَلُونَ
 اللَّهَ فِيهِ الْعَافِيَةَ وَ تَتَعَوَّذُونَ بِهِ مِنَ النَّارِ

۱۳۵- امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا:
 روز جمعه آخر ماه شعبان خطبه ای خواند
 سپاس خدای کرد و او را ستود سپس فرمود:
 ای مردم ماهی بر شما سایه افکنده است که
 در آن شبی است که از هزار ماه بهتر است
 و آن ماه رمضان است خداوند روزه آن ماه
 را بر شما واجب کرده و بیداری یک شب را
 با نمازهای مستحبی برابر با بیداری
 هفتاد شب به عبادت از ماه های دیگر قرار
 داده و برای کسی که در این ماه یک کار
 مستحبی از کارهای نیک را انجام دهد
 پاداش انجام یکی از واجبات را قرار داده
 و هر کس واجبی از واجبات الهی را در این
 ماه انجام دهد مانند کسی است که هفتاد
 واجب در دیگر ماهها انجام داده است ماه
 رمضان ماه صبر است و پاداش شکیبائی بهشت
 است ماه رمضان ماه همدردی است و ماهی
 است که خداوند روزی مؤمن را در آن ماه
 می افزاید و هر کس یک مؤمن روزه دار را
 افطار بدهد در نزد خداوند پاداش آزاد
 کردن بنده ای و آمرزش گناهان گذشته اش را
 دارد عرض شد یا رسول الله همه ما توانائی
 نداریم که روزه داری را افطار دهیم
 فرمود: خدای تبارک و تعالی کریم است
 همین پاداش را از شماها به کسی میدهد که

به بیش از يك شربت شیر توانائی نداشته باشد و با همان يك روزه داری را افطار بدهد و یا از يك شربت آب گوارا و یا چند دانه خرما بیش ندارد و هر کس در این ماه کار بنده خود را سبک گرداند خداوند کار حساب او را سبک گرداند و این ماهی است که آغازش رحمت است و وسطش آمرزش و پایانش پذیرش درخواست و آزادی از دوزخ و شما در این ماه از چهار خصلت بی‌نیاز نیستید که با دو خصلت آن خداوند را خوشنود سازید و بدو خصلت دیگر خودتان سخت نیازمندید اما آن دو خصلت که خدای را بدان خوشنود خواهید ساخت گواهی بر یگانگی خدا و رسالت من است و اما آن دو که سخت بدان نیازمندید این است که نیازمندیها و بهشت را در این ماه از خداوند در خواست کنید و از خداوند بخواهید که بشما سلامتی بدهد و در پناه خود از آتش و دوزخ نگاه دارد.

حیوانات چهار چیز را تمیز میدهند

لم تبهم البهائم عن أربعة
 ۱۳۶ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ
 الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ
 الْحَسَنِ الصَّقَّارُ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنِ
 الْحَسَنِ بْنِ مَخْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رَبَّابٍ عَنْ أَبِي
 حَمْرَةَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليهما السلام أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ
 مَا بُهِمَتِ الْبَهَائِمُ عَنْهُ فَلَمْ تُبْهِمَ عَنْ أَرْبَعَةٍ
 مَعْرِفَتِهَا بِالرَّبِّ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَ مَعْرِفَتِهَا
 بِالْمَوْتِ وَ مَعْرِفَتِهَا بِالْأُنْثَى مِنَ الذَّكَرِ وَ
 مَعْرِفَتِهَا بِالْمَرْعَى الْخَصْبِ

۱۳۶ - امام زین العابدین عليه السلام فرمود:

حیوانات هر چند بی‌تمیز باشند نسبت به چهار چیز بی‌تمیز نیستند شناسائیشان به پروردگار تبارک و تعالی و شناسائیشان به

مرگ و تشخیص ماده از نر و شناختنشان
چراگاه پر علف را.

خدای عز و جل اسب را از چهار چیز آفریده است

خلق الله عز و جل الخيل من أربعة أشياء
١٣٧ - حَدَّثَنَا أَبِي وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَضِيَ
اللهُ عَنْهُمَا قَالَا حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ وَ مُحَمَّدُ
بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ جَمِيعاً قَالَا حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ
أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ
عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِي خَالِدِ زَيْدِ بْنِ
مِهْرَانَ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنِ
الْحُسَيْنِ بْنِ زَيْدٍ قَالَ بَلَغَنِي أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ
خَلَقَ الْخَيْلَ مِنْ أَرْبَعَةِ أَشْيَاءَ مِنَ الْبَحْرِ
الْأَعْظَمِ الْمُحْدِقِ بِالدُّنْيَا وَ مِنَ النَّارِ وَ مِنَ
دُمُوعِ مَلَكٍ يُقَالُ لَهُ إِبْرَاهِيمُ وَ مِنْ بئرِ طَيْبَةَ
وَ الْحَدِيثِ طَوِيلٍ أَخَذْنَا مِنْهُ مَوْضِعَ الْحَاجَةِ

١٣٧ - حسین بن زید گوید: شنیده ام که
خدای عز و جل اسب را از چهار چیز آفریده
است از دنیای بزرگی که دور زمین را
گرفته و از آتش و از اشک چشم فرشته ای که
ابراهیم اش گویند و از چاه پاکیزه ای حدیث
طولانی است مورد نیاز را نقل کردیم.

شرح:

حدیث بودن این خبر معلوم نیست.

بادهای چهارگانه

الرياح الأربع

۱۳۸ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَخْبُوبٍ عَنِ عَلِيِّ بْنِ رَبَائٍ وَ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنِ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ع عَنِ الرِّيحِ الأَرْبَعِ الشَّمَالِ وَ الْجَنُوبِ وَ الدَّبُورِ وَ الصَّبَا وَ قُلْتُ لَهُ إِنَّ النَّاسَ يَذْكُرُونَ أَنَّ الشَّمَالَ مِنَ الْجَنَّةِ وَ الْجَنُوبَ مِنَ النَّارِ فَقَالَ إِنَّ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ جُنُوداً مِنْ رِيحٍ يُعَذِّبُ بِهَا مَنْ يَشَاءُ مِمَّنْ عَصَاهُ وَ لِكُلِّ رِيحٍ مِنْهَا مَلَكٌ مُوَكَّلٌ بِهَا فَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ يُعَذِّبَ قَوْماً بِنُوعٍ مِنَ الْعَذَابِ أَوْحَى إِلَى الْمَلَكِ المُوَكَّلِ بِذَلِكَ النُّوعِ مِنَ الرِّيحِ الَّتِي يُرِيدُ أَنْ يُعَذِّبَهُمْ بِهَا قَالَ فَأَمَرَهَا الْمَلَكُ فَتَهَيَّجُ كَمَا يَهَيَّجُ الأَسَدُ المُغْضَبُ وَ لِكُلِّ رِيحٍ مِنْهَا اسْمٌ أَمَا تَسْمَعُ قَوْلَهُ عَزَّ وَ جَلَّ كَذَبْتُ عَادٌ فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَ نُذِرُ وَ ذَكَرَ رِيحاً فِي العَذَابِ ثُمَّ قَالَ فَرِيحُ الشَّمَالِ وَ رِيحُ الصَّبَا وَ رِيحُ الْجَنُوبِ وَ رِيحُ الدَّبُورِ أَيْضاً تُضَافُ إِلَى المَلَائِكَةِ المُوَكَّلِينَ بِهَا

۱۳۸- ابی بصیر گوید: بادهای چهارگانه: شمال و جنوب و غربی و شرقی را از امام باقر پرسیدم و عرض کردم که مردم میگویند نسیم شمال از بهشت است و باد جنوب از دوزخ فرمود: خدای را عز و جل لشکرهای است از بادهای و هر کس از گنهکاران را که بخواهد با آن بادهای شکنجه میدهد و برای هر يك از آن بادهای فرشته‌ای گماشته شده است که چون خداوند بخواهد گروهی را بطوری عذاب کند به فرشته‌ای که بر آن طور از عذاب که می‌خواهد عذابشان کند گماشته شده است وحی میکند امام فرمود: فرشته بر آن باد دستور میدهد پس آن باد همچون شیری خشمناک می‌جنبد و هر بادی

نامی دارد مگر گفتار خدای عز و جل را نشنیده‌ای که میفرماید: قوم عاد تکذیب کردند پس عذاب من و ترسانندگان چگونه بودند؟ و بادهائی را در باره عذاب یاد کرد سپس فرمود باد شمال و باد صبا و باد جنوب و باد غربی بفرشتگانی که بر آنها گماشته شده‌اند منسوبند.

شرح :

استاد شعرانی در حاشیه شرح کافی بیانی دارد که معنایش چنین است: این حدیث که هم از حیث سند صحیح است و هم از نظر معنا به اعتبار نزدیک است ما را به ++طریقه ائمه علیهم السلام در این گونه مسائل طبیعی متوجه مینماید زیرا از سؤال سائل که میگوید: (مردم میگویند) پیدا است که ذهن مردم متوجه بسبب طبیعی بادهای بوده است که از کجا بوجود می‌آید و چرا بعضی از بادهای سرد است و پاره‌ای گرم و بیش از این برای آنان قابل فهم نبوده که نسیم شمال چون خنک است از بهشت است و باد جنوب چون گرم است از آتش برمیخیزد و امام علیه السلام در پاسخ می‌خواهد ذهن او را از تحقیق این جهت از امام منصرف نماید زیرا غرض از فرستادن پیغمبران و نازل کردن کتابهای آسمانی نه این است که امور طبیعی برای مردم کشف گردد.

زیرا اگر مقصود این بود بطور مسلم بسیاری از نیازمندیهای بشر را بیان می‌کردند از قبیل داروی بیماریها مانند سل و سرطان و خواص بقیه مرکبات و در قرآن نیز بعلت خسوف و کسوف مثلا مکرر اشاره میشد همان طور که زکاة و نماز و توحید خداوند و رسالت پیغمبران مکرر گفته شده است و همان طور که در روایات بطور متواتر موضوع امامت و ولایت و معاد و بهشت و دوزخ گفته شده است در باره گاو و ماهی که زمین بر پشت او قرار گرفته

است!! و یا اجزائی که آب را تشکیل میدهد و مانند اینها نیز بطور مکرر یاد آوری میشود با اینکه می‌بینیم این گونه چیزها نه در قرآن است و نه در سنت متواتر و اگر هست یا در بعضی از روایات ضعیفه نامعتبر وارد شده و یا طوری است که احتمال میرود راوی تحریف و یا سهو. نموده باشد در صورتی که بنای شارع مقدس بر این است که آنچه در نظر شارع اهمیت دارد و بایستی مردم آن را بدانند بوسیله امامان بلکه خود پیغمبر نیز آن مطلب را کاملاً ثابت و مسجل میکنند که نه جای تردیدی باشد و نه مجال تأویلی باری چون امام علیه السلام از سؤال سائل متوجه شد که مردم در مورد سؤال تمام توجه‌شان بجهت طبیعی است خواست که آنان را از این جهت منصرف نماید و بر حسب وظیفه روحانی‌اش کسی را که میخواهد در باره بادها نظری کند بجهت روحانی و معنوی بادها متوجه فرماید و کیفیت عبرت‌گرفتن و پند پذیرفتن را یاد دهد خواه از بهشت بوزد خواه از شام یا افریقا و یا یمن پس نخستین چیزی که می‌بایست متوجه بود این است که همه عوامل طبیعی در تحت اراده الهی مسخراند و خداوند بر هر يك فرشته‌ای گماشته است و این جسم ملکی در تحت نفوذ و قدرت آن مجرد ملکوتی است که از عوارض ماده و مادیات دور است چنانچه در محل خود ثابت شده است که ماده بصورت بر پا است و صورت بوسیله عقل مفارق بر پا است و نکته مهمی که در این حدیث است و پیدا است که حدیث صحیح است و از معصوم صادر شده است همین نکته است که گفته شد و در مرحله دوم لازم است که از عذابهای که بوسیله بادها بر امت‌های گذشته رسیده است آدمی عبرت بگیرد و منافی را که مترتب بر آنها است متوجه شود پس آنچه بر یکفرد مسلمان لازم است از

تفکر در امور طبیعیہ این سنخ جہات معنوی
و الہی آنہا است

مردم چہار صنفاںد

الناس علی أربعة أصناف
۱۳۹ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ عَبْدِ
الرَّحْمَنِ الْمُقْرِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عَمْرٍو مُحَمَّدُ
بْنُ جَعْفَرِ الْمُقْرِيُّ الْجُرْجَانِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو
بَكْرٍ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الْمُؤَصِّلِيُّ بِبَعْدَادَ قَالَ
حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَاصِمِ الطَّرِيفِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا
أَبُو زَيْدٍ عِيَّاشُ بْنُ زَيْدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ
الْكَحَّالُ مَوْلَى زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ قَالَ أَخْبَرَنِي زَيْدُ
بْنِ الْحَسَنِ قَالَ حَدَّثَنِي مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ عَنْ
أَبِيهِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام قَالَ النَّاسُ
عَلَى أَرْبَعَةٍ أَصْنَافٍ جَاهِلٌ مَتْرَدِيٌّ «مُتْرَدٌ مُعَانِقٌ
لِهَوَاهُ وَ عَابِدٌ مَتَقِيٌّ «مُتَقِيٌّ كَلَّمَا اِزْدَادَ
عِبَادَةً اِزْدَادَ كِبْرًا وَ عَالِمٌ يُرِيدُ أَنْ يُوْطَأَ
عُقْبَاهُ وَ يُحِبُّ مَحْمَدَةَ النَّاسِ وَ عَارِفٌ عَلِيٌّ
طَرِيقَ الْحَقِّ يُحِبُّ الْقِيَامَ بِهِ فَهُوَ عَاجِزٌ أَوْ
مَغْلُوبٌ فَهَذَا أَمْثَلُ أَهْلِ زَمَانِكَ وَ أَرْجَحُهُمْ عَقْلًا
۱۳۹ - امام صادق عليه السلام فرمود: مردم چہار
صنفاںد.

- ۱ - نادان ہلاک شدہ ہوا پرست.
- ۲ - عابد ریاکار و متقی نما کہ ہر چہ عبادت بیشتر کند تکبرش افزونتر شود.
- ۳ - دانشمندی کہ میخواہد بہ دنبالش راہ روند و دوست دارد کہ مردم ستایشاش کنند.
- ۴ - شناسای راہ حق کہ دوست دارد قیام بحق کند ولی ناتوان است یا شکست خوردہ این چنین شخص از ہمہ مردم زمان تو بہتر است و خردمندتر.

خواب بر چهار گونه است

النوم على أربعة وجوه
 ١٤٠ - حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ عَمْرٍو
 بِنِ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْبَصْرِيُّ بِإِيلَاقِ قَالَ حَدَّثَنَا
 أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ
 حَبَلَةَ الْوَاعِظُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْقَاسِمِ عَبْدِ اللَّهِ
 بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَامِرِ الطَّائِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ
 بْنُ مُوسَى الرِّضَا قَالَ حَدَّثَنَا مُوسَى بْنُ جَعْفَرِ
 قَالَ حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ
 بْنُ عَلِيٍّ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ قَالَ
 حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عليه السلام قَالَ كَانَ عَلِيُّ بْنُ
 أَبِي طَالِبٍ عليه السلام بِالْكُوفَةِ فِي الْجَامِعِ إِذْ قَامَ
 إِلَيْهِ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الشَّامِ فَسَأَلَهُ عَنْ مَسَائِلَ
 فَكَانَ فِيهَا سَأَلَهُ أَنْ قَالَ لَهُ أَخْبِرْنِي عَنْ
 النَّوْمِ عَلَى كَمْ وَجْهِ هُوَ فَقَالَ النَّوْمُ عَلَى
 أَرْبَعَةٍ أَوْجُهٍ الْأَنْبِيَاءُ عليهم السلام تَنَامُ عَلَى أَقْفِيَّتِهِمْ
 مُسْتَلْقِينَ وَ أَعْيُنُهُمْ لَا تَنَامُ مُتَوَقَّعَةً لِوَحْيِ اللَّهِ
 عَزَّ وَ جَلَّ وَ الْمُؤْمِنِينَ يَنَامُ عَلَى يَمِينِهِ مُسْتَقْبِلِ
 الْقِبْلَةِ وَ الْمُلُوكُ وَ أَبْنَاؤُهَا تَنَامُ عَلَى
 شَمَائِلِهَا لِيَسْتَمِرَّ وَ مَا يَأْكُلُونَ وَ إِبْلِيسُ وَ
 إِخْوَانُهُ وَ كُلُّ مَجْنُونٍ وَ ذُو عَاهَةٍ يَنَامُ عَلَى
 وَجْهِهِ مُنْبَطِحاً

١٤٠ - امام حسين عليه السلام فرمود: امير
 المؤمنین در مسجد کوفه بود که مردی از
 اهل شام بپا خواست و سؤالاتی نمود که از
 جمله این بود که عرض کرد بیان بفرمائید
 که خواب بر چند گونه است فرمود:

خواب بر چهار گونه است پیغمبران عليهم السلام بر
 پشت میخوابند و چشمشان نمیخوابد و به
 انتظار روحی الهی بیدار است و مؤمن
 بپهلوی راست میخوابد روی به قبله و
 پادشاهان و شاهزادگان به پهلوی چپ
 میخوابند تا عمل گوارش غذا بخوبی انجام
 گیرد و شیطان و برادرانش و هر دیوانه و
 هر بیماری برو میخوابد.

شیطان چهار بار ناله کرد

رن إبلیس لعنه الله أربع رنات
۱۴۱ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى
عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ فَضَالٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عُقْبَةَ
عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ رَنَّ
إِبْلِيسُ أَرْبَعَ رَنَاتٍ أَوْلَهُنَّ يَوْمَ لُعِنَ وَ حِينَ
أَهِيطُ إِلَى الْأَرْضِ وَ حِينَ بُعِثَ مُحَمَّدٌ صلى الله عليه وآله عَلَيَّ
حِينَ فَتْرَةَ مِنَ الرُّسُلِ وَ حِينَ أَنْزَلْتُ أُمَّ
الْكِتَابِ وَ نَخَرَ بَخْرَتَيْنِ حِينَ أَكَلَ آدَمُ مِنَ
الشَّجَرَةِ وَ حِينَ أَهِيطُ مِنَ الْجَنَّةِ

۱۴۱ - امام صادق عليه السلام فرمود: ابلیس چهار
بار ناله کرد اولین ناله اش روزی بود که
از رحمت خدا دور شد ۲ - هنگامی که به
زمین فرود شد ۳ - وقتی که محمد صلى الله عليه وآله به
هنگام خاموشی چراغ هدایت پیغمبران به
پیغمبری مبعوث گردید ۴ - موقعی که سوره
فاتحه بر پیغمبر صلى الله عليه وآله فرود آمد و دو بار
از شادی باد در بینی انداخت ۱ - هنگامی
که آدم بار درخت خورد ۲ - هنگامی که آدم
از بهشت فرود آمد.

چهار چیز به هدر میرود

أَرْبَعَةٌ يَذْهَبْنَ ضَيَاعاً
۱۴۲ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
عَلِيُّ بْنُ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ أَبِي جَعْفَرٍ
الْكَمَيْدَانِيُّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ
عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ بِإِسْنَادِهِ يَرْفَعُهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ
لِلَّهِ عليه السلام قَالَ أَرْبَعَةٌ يَذْهَبْنَ ضَيَاعاً الْبَذْرُ فِي
السَّبَخَةِ وَ السَّرَاجُ فِي الْقَمَرِ وَ الْأَكْلُ عَلَى
الشَّبَعِ وَ الْمَعْرُوفُ إِلَى مَنْ لَيْسَ بِأَهْلِهِ
۱۴۲ - امام صادق عليه السلام فرمود: چهار چیز به
هدر میرود تخم در شوره زار، و چراغ در

مهتاب، و خوردن بر سیری و نیکی به نااهل. ۱۴۳ - رسول خدا ﷺ ضمن وصیتش به امیر المؤمنین فرمود: یا علی چهار چیز است که هدر می‌شود خوردن سر سیری و چراغ در مهتاب و کشت در شوره‌زار و نیکی در نزد نااهل.

۱۴۳ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الشَّاهِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو حَامِدٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو يَزِيدَ أَحْمَدُ بْنُ خَالِدِ الْخَالِدِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ صَالِحِ التَّمِيمِيِّ عَنْ أَبِيهِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ حَاتِمِ الْقَطَّانُ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَمْرٍو عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام عَنِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله أَنَّهُ قَالَ فِي وَصِيَّتِهِ لَهُ يَا عَلِيُّ أَرْبَعَةٌ يَذْهَبْنَ ضَيَاعًا الْأَكْلُ بَعْدَ الشَّبَعِ وَالسَّرَاجُ فِي الْقَمَرِ وَالزَّرْعُ فِي السَّبْخَةِ وَالصَّنِيعَةُ عِنْدَ غَيْرِ أَهْلِهَا

۱۴۴ - امام صادق عليه السلام فرمود: چهار چیز بیهوده از دست میرود بذل محبت به بی‌وفا و نیکی نزد شخص ناسپاس و آموزش نزد کسی که گوش شنوا ندارد و رازی که بسپاری بر کسی که راز نگهدار نباشد.

۱۴۴ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّقَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى بْنِ عُبَيْدٍ عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الدَّهْقَانِ عَنْ دُرُسْتِ بْنِ أَبِي مَنْصُورِ الْوَاسِطِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ أَرْبَعَةٌ يَذْهَبْنَ ضَيَاعًا مَوَدَّةٌ تَمْنَحُهَا مَنْ لَا وِفَاءَ لَهُ وَ مَعْرُوفٌ عِنْدَ مَنْ لَا يَشْكُرُ لَهُ وَ عِلْمٌ عِنْدَ مَنْ لَا اسْتِمَاعَ لَهُ وَ سِرٌّ تُودِعُهُ عِنْدَ مَنْ لَا حَصَانَةَ لَهُ

فرمایش امام صادق که مسلمانان را چهار عید است قول الصادق عليه السلام للمسلمين أربعة أعياد

۱۴۵ - حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُوسَى رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ

الْكُوفِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي الْحُسَيْنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْأَشْعَرِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَيْسَى بْنُ عَبْدِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنِ الْمُفْضَلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام كَمْ لِلْمُسْلِمِينَ مِنْ عِيدٍ فَقَالَ أَرْبَعَةٌ أَعْيَادٍ قَالَ قُلْتُ قَدْ عَرَفْتُ الْعِيدَيْنِ وَالْجُمُعَةَ فَقَالَ لِي أَعْظَمُهَا وَ أَشْرَفُهَا يَوْمُ الثَّامِنِ عَشَرَ مِنْ ذِي الْحِجَّةِ وَ هُوَ الْيَوْمُ الَّذِي أَقَامَ فِيهِ رَسُولُ اللَّهِ صلوات الله وسلاماته عليه أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام وَ نَصَبَهُ لِلنَّاسِ عِلْمًا قَالَ قُلْتُ مَا يَجِبُ عَلَيْنَا فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ قَالَ يَجِبُ عَلَيْكُمْ صِيَامُهُ شُكْرًا لِلَّهِ وَ حَمْدًا لَهُ مَعَ أَنَّهُ أَهْلٌ أَنْ يُشَكَرَ كُلَّ سَاعَةٍ وَ كَذَلِكَ أَمَرَتِ الْأَنْبِيَاءُ أَوْصِيَاءَهَا أَنْ يَصُومُوا الْيَوْمَ الَّذِي يُقَامُ فِيهِ الْوَصِيُّ يَتَّخِذُونَهُ عِيدًا وَ مَنْ صَامَهُ كَانَ أَفْضَلَ مِنْ عَمَلِ سِتِّينَ سَنَةً

۱۴۵ - مفضل بن عمر گوید: بامام صادق عرض کردم مسلمانان را چند عید است؟ فرمود: چهار عید، عرض کردم: دو عید (فطر و قربان) را با روز جمعه میدانم بمن فرمود: بزرگترین و شریفترین عیدها روز هیجدهم از ماه ذی الحجة است همان روزی که رسول خدا صلوات الله وسلاماته عليه در آن روز امیر المؤمنین را بپا داشت و رهبر و راهنمایش ساخت، گوید: عرض کردم در چنین روزی ما را وظیفه چیست؟ فرمود: بر شما لازم است که آن روز را به شکرانه و ستایش خداوند روزه بگیرید با توجه باینکه خداوند همه وقت شایسته سپاسگزاری است چنانچه همه پیغمبران بجانشینان خود دستور دادند روزی را که جانشینشان رسماً معرفی شده است روزه بدارند و عیدش کنند و هر کس این روز را روزه بدارد ثوابش از عبادت شصت سال برتر است.

گفتار خدای عز و جل به ابراهیم علیه السلام

که چهار پرنده بگیر و سپس آنان را در
گرد خود قرار بده قول الله عز و جل
لِإِبْرَاهِيمَ علیه السلام فَخُذْ أَرْبَعَةً مِنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ
إِلَيْكَ الْآيَةَ

۱۴۶ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوِيهِ رَضِيَ
اللَّهُ عَنْهُ عَنْ عَمِّهِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي الْقَاسِمِ قَالَ
حَدَّثَنِي أَبُو سُمَيْنَةَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْكُوفِيُّ عَنْ
مُوسَى بْنِ سَعْدَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ
صَالِحِ بْنِ سَهْلِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ
وَ جَلَّ فَخُذْ أَرْبَعَةً مِنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ إِلَيْكَ ثُمَّ
اجْعَلْ عَلَى كُلِّ جَبَلٍ مِنْهُنَّ جُزْءًا الْآيَةَ قَالَ أَخَذَ
الْهُدْهُدَ وَالصُّرَدَ وَالطَّائِسَ وَالْغُرَابَ
فَدَبَّحَهُنَّ وَ عَزَلَ رُءُوسَهُنَّ ثُمَّ نَحَزَ أَبْدَانَهُمْ فِي
الْمُنْحَازِ بَرِيشَهُنَّ وَ لُحُومَهُنَّ وَ عِظَامَهُنَّ حَتَّى
اِخْتَلَطَتْ ثُمَّ جَزَّأَهُنَّ عَشْرَةَ أَجْزَاءٍ عَلَى عَشْرَةِ
أَجْبَلٍ ثُمَّ وَضَعَ عِنْدَهُ حَبًّا وَ مَاءً ثُمَّ جَعَلَ
مَنَاقِيرَهُنَّ بَيْنَ أَصَابِعِهِ ثُمَّ قَالَ انْتَيْنِ سَعِيًّا
بِإِذْنِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَتَطَايَرَ بَعْضُهَا إِلَى بَعْضِ
اللُّحُومِ وَ الرِّيشِ وَ الْعِظَامِ حَتَّى اسْتَوَتْ
الْأَبْدَانُ كَمَا كَانَتْ وَ جَاءَ كُلُّ بَدَنٍ حَتَّى التَّرَقُّ
بِرَقَبَتِهِ الَّتِي فِيهَا رَأْسُهُ وَ الْمِنْقَارُ فَخَلَّى
إِبْرَاهِيمُ عَنْ مَنَاقِيرِهِنَّ فَوَقَعْنَ وَ شَرِبْنَ مِنْ
ذَلِكَ الْمَاءِ وَ التَّقَطْنَ مِنْ ذَلِكَ الْحَبِّ ثُمَّ قُلْنَ
يَا نَبِيَّ اللَّهِ أَحْيَيْتَنَا أَحْيَاكَ اللَّهُ فَقَالَ إِبْرَاهِيمُ
بَلِ اللَّهُ يُحْيِي وَ يُمِيتُ فَهَذَا تَفْسِيرُ الظَّاهِرِ
قَالَ علیه السلام وَ تَفْسِيرُهُ فِي الْبَاطِنِ خُذْ أَرْبَعَةً مِنْ
يَحْتَمِلُ الْكَلَامَ فَاسْتَوِدِعَهُمْ عِلْمَكَ ثُمَّ ابْعَثْهُمْ
فِي أَطْرَافِ الْأَرْضِينَ حُجْجًا لَكَ عَلَى النَّاسِ وَ
إِذَا أَرَدْتَ أَنْ يَأْتُوكَ دَعْوَتَهُمْ بِالْأَسْمِ الْأَكْبَرِ
يَأْتُونَكَ سَعِيًّا بِإِذْنِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ

قَالَ مُصَنِّفُ هَذَا الْكِتَابِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ الَّذِي
عِنْدِي فِي ذَلِكَ أَنَّهُ علیه السلام أَمَرَ بِالْأَمْرَيْنِ جَمِيعًا وَ
رُوي أَنَّ الطُّيُورَ الَّتِي أَمَرَ بِأَخْذِهَا الطَّائِسُ وَ
النَّسْرُ وَ الدَّيْكَ وَ الْبَطُّ وَ سَمِعْتُ مُحَمَّدَ بْنَ

عَبْدُ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ طَيْفُورٍ يَقُولُ فِي قَوْلِ
 إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَى الْآيَةَ
 إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَمَرَ إِبْرَاهِيمَ أَنْ يَزُورَ عَبْدًا
 مِنْ عِبَادِهِ الصَّالِحِينَ فَرَارَهُ فَلَمَّا كَلَّمَهُ قَالَ
 إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فِي الدُّنْيَا عَبْدًا يُقَالُ
 لَهُ إِبْرَاهِيمُ اتَّخَذَهُ خَلِيلًا قَالَ إِبْرَاهِيمُ وَمَا
 عَلَامَةُ ذَلِكَ الْعَبْدِ قَالَ يُحْيِي لَهُ الْمَوْتَى فَوَقَّعَ
 لِإِبْرَاهِيمَ أَنَّهُ هُوَ فَسَأَلَهُ أَنْ يُحْيِيَ لَهُ الْمَوْتَى
 قَالَ أَوْ لَمْ تُؤْمِنَ قَالَ بَلَى وَ لَكِنْ لِيَطْمَئِنَّ
 قَلْبِي يَغْنَى عَلَيَّ الْخَلَّةُ وَ يُقَالُ إِنَّهُ أَرَادَ أَنْ
 يَكُونَ لَهُ فِي ذَلِكَ مُعْجَزَةٌ كَمَا كَانَتْ لِلرُّسُلِ وَ
 إِنَّ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ سَأَلَ رَبَّهُ أَنْ يُحْيِيَ لَهُ الْمَيِّتَ
 فَأَمَرَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يُمِيتَ لِأَجْلِهِ الْحَيَّ سَوَاءً
 بِسَوَاءٍ وَ هُوَ أَنَّهُ لَمَّا أَمَرَهُ بِذَبْحِ ابْنِهِ
 إِسْمَاعِيلَ وَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَمَرَ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ
 السَّلَامُ أَنْ يَذْبَحَ أَرْبَعَةَ

مِنَ الطَّيْرِ طَاوُسًا وَ نَسْرًا وَ دِيكًا وَ بَطْأً
 فَالطَّوُسُ يُرِيدُ بِهِ زِينَةُ الدُّنْيَا وَ النَّسْرُ
 يُرِيدُ بِهِ الْأَمَلُ الطَّوِيلُ وَ الْبَطْأُ يُرِيدُ بِهِ
 الْجِرْصُ وَ الدِّيكُ يُرِيدُ بِهِ الشَّهْوَةُ يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ
 وَجَلَّ إِنَّ أَحَبَّتْ أَنْ يَحْيِيَ قَلْبُكَ وَ يَطْمَئِنَّ مَعِيَ
 فَاخْرُجْ عَنْ هَذِهِ الْأَشْيَاءِ الْأَرْبَعَةَ فَإِنَّهُ إِذَا
 كَانَتْ هَذِهِ الْأَشْيَاءُ فِي قَلْبِ فَإِنَّهُ لَا يَطْمَئِنُّ
 مَعِيَ وَ سَأَلْتُهُ كَيْفَ قَالَ أَوْ لَمْ تُؤْمِنَ مَعَ
 عِلْمِهِ بِسِرِّهِ وَ حَالِهِ فَقَالَ إِنَّهُ لَمَّا قَالَ رَبِّ
 أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَى كَانَ ظَاهِرُ هَذِهِ
 اللَّفْظَةِ تَوْهِيمًا «تَوْهِيمٌ أَنَّهُ لَمْ يَكُنْ يَتَيَقَّنُ
 فَقَرَّرَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِسُؤَالِهِ عَنْهُ إِسْقَاطًا
 لِلتُّهْمَةِ عَنْهُ وَ تَنْزِيهَاً لَهُ مِنَ الشُّكِّ

۱۴۶ - امام صادق عليه السلام فرمود: بیان گفتار
 خدای عز و جل که فرمود: چهار پرندۀ برای
 خود بگیر و آنان را برگرد خود قرار بده
 و به هر کوهی پاره ای از آنان بگذار
 فرمود: ابراهیم، هدهد و صرد و طاوس و
 کلاغ را گرفت و سربرید و سرشان را به یک
 سو نهاد سپس پیکرشان را با پرها و گوشت

و استخوان در هاون کوبید تا بهم در آمیخت سپس آنها را ده قسمت کرد و بر ده کوه گذاشت سپس آب و دانه‌ای در کنار خود نهاد و نوک پرنده‌ها را بمیان انگشتان خود گرفت سپس گفت: باذن خدای عز و جل هر چه زودتر نزد من آئید گوشتها و پرها و استخوانها بسوی يك دیگر به پرش در آمدند تا پیکرها بصورت اولیه درست شد و هر پیکری آمده و بگردنی که سر و منقارش در آن بود چسبید ابراهیم نوک‌های پرنده‌ها را رها کرد پرنده‌ها بر کنار آب فرود آمدند و آب آشامیدند و دانه برچیدند سپس گفتند: ای پیغمبر خدا هم چنان که ما را زنده کردی خدای زنده‌ات نگهدارد ابراهیم فرمود: بلکه خداوند زنده میکند و میمیراند این تفسیر ظاهر آیه است امام علیه السلام فرمود: و تفسیر آیه از نظر باطن این است که چهار نفر از سخن‌سنجان را انتخاب کن و دانش خود را بآنان بیاموز و سپس آنان را بنمایندگی از طرف خود باطراف زمین بفرست و هر گاه خواستی که نزدت آیند بنام بزرگ خدا آنان را میخوانی که باذن خدا شتابان نزد تو خواهند آمد.

کلام مصنف

مصنف این کتاب گوید: بعقیده من در این باره آن حضرت بهر دو جهت مأمور بود و روایت شده است پرنده‌هایی که دستور گرفتندشان را داشت طاوس بود و کرکس و خروس و مرغابی و شنیدم از محمد بن عبد الله بن محمد بن طیفور در بیان گفتار ابراهیم که عرض کرد پروردگارا مرا بنما که مردگان را چگونه زنده میکنی میگفت که خدای عز و جل دستور داد که ابراهیم بنده‌ای از بندگان شایسته خدا را زیارت کند ابراهیم آن بنده را دید و چون با او سخن گفت ابراهیم را گفت که خدای تبارک و تعالی را بنده‌ای است که ابراهیمش خوانند

خداوند او را بدوستی خود مفتخر فرموده است.

ابراهیم گفت این بنده را نشان چیست؟ گفت: نشانه اش اینکه خداوند مرده را برای او زنده خواهد کرد ابراهیم را بخاطر رسید که آن بنده خود او است از این جهت از خداوند خواست که مرده را برای او زنده گرداند خدا فرمود: مگر زنده شدن مردگان را باور نداری؟ عرض کرد: چرا ولی برای اینکه دلم مطمئن گردد و مقصودش اطمینان بدوستی خداوند بود و گفته شده است که ابراهیم می‌خواست او نیز این معجزه را داشته باشد مانند سایر پیغمبران که معجزه داشتند و از خداوند خواست که مرده را برای او زنده کند خداوند بابراهیم دستور داد که در برابر این کرامت بایستی او نیز زنده‌ای را بکشد و این دستور همان هنگام بود که مأمور شد فرزندش اسماعیل را سر ببرد و خدای عز و جل بابراهیم دستور داد که چهار پرنده را سر ببرد طاوس و کرکس و خروس و مرغابی و غرض خداوند از طاوس آرایش دنیا بود و از کرکس مقصود آرزوی دراز و مرغابی کنایه از حرص و خروس اشاره به شهوت بود خدای عز و جل می‌فرمود اگر دوست داری که دلت زنده شود و آرام دلت من باشم از این چهار چیز بیرون شو که اگر این چیزها در دلی باشد آن دل بمن آرام نخواهد گرفت پرسیدم اش خداوند چرا فرمود: مگر باور نداری؟ با اینکه از حال و دلش آگاه بود گفت: چون ابراهیم گفت پروردگارا بمن بنما مردگان را چگونه زنده میکنی و ظاهر این گفتار، دیگران را بگمان می‌انداخت که ابراهیم یقین ندارد خداوند این پرسش را از او فرمود تا این تهمت از او بیفتد و دامن‌اش از آرایش بتردید پاک گردد.

چهار خصلت هر که را باشد خداوند دشمنش میدارد

أربع خصال يبغض الله عز و جل من كن فيه
١٤٧ - أَخْبَرَنِي الْخَلِيلُ بْنُ أَحْمَدَ السَّجَزِيُّ
الْقَاضِي قَالَ أَخْبَرَنَا ابْنُ صَاعِدٍ قَالَ حَدَّثَنَا
حَمَزَةُ بْنُ الْعَبَّاسِ الْمَرْوَزِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا يَحْيَى
بْنُ نَصْرٍ بِنِ حَاجِبٍ قَالَ حَدَّثَنَا وَرْقَاءُ بِنُ عُمَرَ
عَنِ الْأَعْمَشِ عَنْ أَبِي صَالِحٍ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ
قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يُبْغِضُ الْفَاحِشَ
الْبَذِيَّ السَّائِلَ الْمُلْحَفَ

١٤٧ - رسول خدا ﷺ فرمود: خدای عز و
جل شخص یاوه گوی هرزه درای گدای طبع پر
رو را دشمن میدارد.

باب الخمسة (باب خصلتهای پنجگانه)

پنج چیز است که در میزان عمل چه قدر سنگین اند

خمس ما أثقلهن في الميزان
١ - حَدَّثَنَا أَبُو أَحْمَدَ مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ
الْبُنْدَارُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ الْحَمَّادِيُّ
قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الصَّائِغُ قَالَ حَدَّثَنَا
عَمْرُو بْنُ سَهْلِ بْنِ زَنْجَلَةَ الرَّازِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا
الْوَلِيدُ بْنُ مُسْلِمٍ عَنِ الْأَوْزَاعِيِّ عَنْ أَبِي سَلَامٍ
الْأَسْوَدِ عَنْ أَبِي سَالِمٍ رَاعِي رَسُولِ اللَّهِ ﷺ أَنَّهُ
قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ خَمْسٌ مَا أَثْقَلَهُنَّ
فِي الْمِيزَانِ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ
إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ وَ الْوَلَدُ الصَّالِحُ يُتَوَفَّى
لِمُسْلِمٍ فَيَصِيرُ وَ يَحْتَسِبُ

١ - ابی سالم چوپان رسول خدا: گوید:
شنیدم از پیغمبر که میفرمود: پنج چیز
است که در میزان عمل چقدر سنگین اند گفتن
تسبیحات اربعه:

سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله
اکبر و فرزند شایسته ای که از مسلمانی
بمیرد و او در مرگ آن فرزند دامن صبر از
دست ندهد و بحساب خداوند منظور بدارد.

خداوند به یکی از پیغمبرانش در باره
پنج چیز به پنج عمل مختلف دستور فرموده
خمسه أشياء أمر الله عز و جل فيها نبيا من
أنبيائه بخمسة أشياء مختلفة

٢ - حَدَّثَنَا أَبُو الْفَضْلِ تَمِيمُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ
تَمِيمٍ الْقُرَشِيُّ الْجِيزِيُّ قَالَ أَخْبَرَنَا أَبُو عَلِيٍّ
أَحْمَدُ بْنُ عَلِيٍّ الْأَنْصَارِيُّ بَنِيْسَابُورَ قَالَ حَدَّثَنِي
أَبِي قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الصَّلْتِ عَبْدُ السَّلَامِ بْنُ
صَالِحِ الْهَرَوِيِّ قَالَ سَمِعْتُ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى
الرِّضَاءِ يَقُولُ أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيَّ مِنْ
أَنْبِيَائِهِ إِذَا أَصْبَحْتَ فَأَوَّلُ شَيْءٍ يَسْتَقِيلُكَ

فَكُلُّهُ وَ الثَّانِي فَاكْتُمُهُ وَ الثَّالِثُ فَاقْبَلُهُ وَ
الرَّابِعُ فَلَا تُؤْيِسُهُ وَ الخَامِسُ
فَاهْرُبْ مِنْهُ قَالَ فَلَمَّا أَصْبَحَ مَضَى فَاَسْتَقْبَلَهُ
جَبَلٌ أَسْوَدٌ عَظِيمٌ فَوَقَفَ فَقَالَ أَمْرِنِي رَبِّي عَزَّ وَ
جَلَّ أَنْ أَكُلَ هَذَا وَ بَقِيَ مُتَحَيِّرًا ثُمَّ رَجَعَ إِلَيَّ
نَفْسِهِ فَقَالَ إِنَّ رَبِّي جَلَّ جَلَالُهُ لَا يَأْمُرُنِي إِلَّا
بِمَا أُطِيقُ فَمَشَى إِلَيْهِ لِيَأْكُلَهُ فَلَمَّا دَنَا مِنْهُ
صَعَرَ حَتَّى انْتَهَى إِلَيْهِ فَوَجَدَهُ لُقْمَةً فَأَكَلَهَا
فَوَجَدَهَا أَطْيَبَ شَيْءٍ أَكَلَهُ ثُمَّ مَضَى فَوَجَدَ طَسْتًا
مِنْ ذَهَبٍ فَقَالَ أَمْرِنِي عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ أَكْتُمَ هَذَا
فَحَفَرَ

لَهُ وَ جَعَلَهُ فِيهِ وَ أَلْقَى عَلَيْهِ التُّرَابَ ثُمَّ
مَضَى فَالْتَفَتَ فَإِذَا الطَّسْتُ قَدْ ظَهَرَ فَقَالَ قَدْ
فَعَلْتُ مَا أَمْرِنِي رَبِّي عَزَّ وَ جَلَّ فَمَضَى فَإِذَا هُوَ
بِطَيْرٍ وَ خَلْفَهُ بَازِي فَطَافَ الطَّيْرُ حَوْلَهُ فَقَالَ
أَمْرِنِي رَبِّي عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ أَقْبَلَ هَذَا فَفَتَحَ كُمَّهُ
فَدَخَلَ الطَّيْرُ فِيهِ فَقَالَ لَهُ الْبَازِي أَخَذْتَ مِنِّي
صَيْدِي وَ أَنَا خَلْفُهُ مُنْذُ أَيَّامٍ فَقَالَ أَمْرِنِي
رَبِّي عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ لَا أُؤْيِسَ هَذَا فَقَطَعَ مِنْ فَخِذِهِ
قِطْعَةً فَأَلْقَاهَا إِلَيْهِ ثُمَّ مَضَى فَلَمَّا مَضَى فَإِذَا
هُوَ بِلَحْمٍ مَيْتَةٍ مُنْتِنٍ مَدُودٍ فَقَالَ أَمْرِنِي رَبِّي
عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ أَهْرُبَ مِنْ هَذَا فَهَرَبَ مِنْهُ وَ رَجَعَ
فَرَأَى فِي الْمَنَامِ كَأَنَّهُ قَدْ قِيلَ لَهُ إِنَّكَ قَدْ
فَعَلْتَ مَا أَمَرْتُ بِهِ فَهَلْ تَدْرِي مَاذَا كَانَ قَالَ
لَا قِيلَ لَهُ أَمَّا الْجَبَلُ فَهُوَ الْغَضْبُ إِنَّ الْعَبْدَ
إِذَا غَضِبَ لَمْ يَرَ نَفْسَهُ وَ جَهَلَ قَدْرَهُ مِنْ عِظَمِ
الْغَضْبِ فَإِذَا حَفِظَ نَفْسَهُ وَ عَرَفَ قَدْرَهُ وَ سَكَنَ
غَضْبُهُ كَانَتْ عَاقِبَتُهُ كَاللُّقْمَةِ الطَّيِّبَةِ الَّتِي
أَكَلْتَهَا وَ أَمَّا الطَّسْتُ فَهُوَ الْعَمَلُ الصَّالِحُ
إِذَا كَتَمَهُ الْعَبْدُ وَ أَخْفَاهُ أَبِي اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ
إِلَّا أَنْ يُظْهِرَهُ لِيُزَيِّنَهُ بِهِ مَعَ مَا يَدَّخِرُ لَهُ مِنْ
ثَوَابِ الْآخِرَةِ وَ أَمَّا الطَّيْرُ فَهُوَ الرَّجُلُ الَّذِي
يَأْتِيكَ بِنَصِيحَةٍ فَاقْبَلُهُ وَ اقْبَلْ نَصِيحَتَهُ وَ
أَمَّا الْبَازِي فَهُوَ الرَّجُلُ الَّذِي يَأْتِيكَ فِي
حَاجَةٍ فَلَا تُؤْيِسُهُ وَ أَمَّا اللَّحْمُ الْمُنْتِنُ فَهِيَ
الْغَيْبَةُ فَاهْرُبْ مِنْهَا

۲ - ابو الصلت هر وی گوید: شنیدم از امام رضا علیه السلام که میفرمود خداوند به یکی از پیغمبرانش وحی کرد که چون بامداد شود اول چیزی را که پیشت آمد بخور و دومی را پنهان کن و سومی را بپذیر و چهارمی را ناامید مکن و از پنجمی بگریز حضرت فرمود چون صبح شد پیغمبر به دنبال کار خود رفت کوه سیاه بزرگی پیشاش آمد ایستاده و با خود گفت پروردگار من عز و جل فرمود که این کوه را بخورم و به حیرت فرورفت سپس بخود آمده و گفت پروردگار من جل جلاله جز بر چیزی که توانائیش را داشته باشم فرمانم ندهد پس سوی آن کوه روان شد تا آن را بخورد هر چه نزدیکتر میشد کوچکتر مینمود تا بپای کوه رسید آن را لقمه غذایی یافت و خورد لذیذترین غذایی بود که در عمرش خورده بود سپس از آنجا گذشت و طشتی از طلا یافت با خود گفت پروردگار من عز و جل دستورم داده است که این را پنهان کنم پس گودالی برای طشت کند و طشت را در آن نهاد و خاک بر آن ریخت و روانه شد و چون باز پس نگریست دید که طشت پیدا است با خود گفت: من مأموریت خود را که از جانب پروردگار داشتم انجام دادم و روانه شد بناگاه پرنده ای دید که بازش بدنبال است پرنده بدور پیغمبر چرخیدن گرفت با خود گفت پروردگارم بمن دستور داد. که این را بپذیرم پس آستین خود را گشود و پرنده بدرون آستین رفت باز به پیغمبر عرض کرد شکار مرا که چند روز است بدنبال آنم از من گرفتی؟ پیغمبر با خود گفت:

پروردگار من مرا فرمان داد، که این را نومیکنم از ران خود پاره گوشتی برید و به پیش باز انداخت و روان شد که ناگاه گوشت مردار گنبدیده کرم افتاده ای دید و با خود گفت: که پروردگار من فرمانم داده

از این بگریزم پس از آن گریخت و بازگشت
 پس بخواب دید گوئی باو گفته شد که
 مأموریت خود را انجام دادی آیا میدانی
 چه بود؟ گفت نه، باو گفته شد اما کوه
 صورت خشم بود که بنده چون خشمناک گردد
 از عظمت خشم، خود را نبیند و قدر خود
 نشناسد و چون خویشتن داری کند و قدر خود
 بشناسد و آتش خشمش فرو نشیند سرانجامش
 مانند همان لقمه گوارا است که خوردی و
 اما طشت آن عمل شایسته است که چون
 بنده ای آن را بپوشاند و پنهانش کند
 خداوند نگذارد جز آنکه آشکارش سازد تا
 بنده را با آن بیاراید علاوه بر پاداش
 آخرت که برای او ذخیره فرموده است و اما
 پرنده مردیست که پندی برایت آورد او را
 و پندش را بپذیر و اما باز آن مردی است
 که از پی حاجتی بنزد تو آید نومیدش مکن
 و اما گوشت گندیده آن غیبت است از آن
 بگریز.

در شانه زدن پنج خاصیت است

فی المشط خمس خصال
 ۳ - حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ مَنْصُورٍ بْنُ أَحْمَدَ
 الْقَصَّارُ بِفَرْعَانَةَ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ
 مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ
 الْحَسَنِ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ
 بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَلِيِّ
 الْأَنْصَارِيِّ أَبُو عَلِيٍّ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ
 بْنِ خَالِدِ الْبَرْقِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيِّ
 بْنِ فَضَالٍ عَنْ ثَعْلَبَةَ بْنِ مَيْمُونٍ عَنْ عَبْدِ
 الرَّحْمَنِ بْنِ حَجَّاجٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِ اللَّهِ
 عَزَّ وَجَلَّ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ قَالَ
 الْمَشْطُ فَإِنَّ الْمَشْطَ يَجْلِبُ الرِّزْقَ وَ يُحَسِّنُ
 الشَّعْرَ وَ يُنَجِّزُ الْحَاجَةَ وَ يَزِيدُ فِي مَاءِ
 الصُّلْبِ وَ يَقْطَعُ الْبَلْغَمَ وَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

يُسْرَحُ تَحْتَ لِحْيَتِهِ أَرْبَعِينَ مَرَّةً وَ مِنْ فَوْقِهَا سَبْعَ مَرَّاتٍ وَ يَقُولُ إِنَّهُ يَزِيدُ فِي الدَّهْنِ وَ يَقَطَعُ الْبَلْغَمَ

۳ - امام صادق عليه السلام فرمود: در بیان آیه شریفه ﴿خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ﴾ (هر گاه بمسجد شوید خود را آرایش کنید) فرمود مقصود از آرایش شانه زدن است شانه زدن جلب روزی کند و موی را زیبا گرداند و حاجت روا سازد و منی را بیفزاید و بلغم را ببرد رسول خدا صلی الله علیه و آله را شیوه آن بود که زیر ریش خود را چهل بار شانه میزد و از بالای ریش هفت بار و میفرمود: که این چنین شانه زدن هوش را زیاد میکند و بلغم را می‌برد.

نشانه‌های ایمان پنج چیز است

علامات المؤمن خمس

۴ - حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ النُّضْرِ بْنِ سَمْعَانَ التَّمِيمِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْقَاسِمِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْمَكِّيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ «بُنِ عُمَرَ الْخِرَانِي عَنْ صَالِحِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَبِي عَثْمَانَ عَبْدِ بْنِ مَيْمُونِ السَّكُونِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَعْنٍ الْأَزْدِيِّ عَنْ عِمْرَانَ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ طَاوُسِ بْنِ الْيَمَانِ قَالَ سَمِعْتُ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ عليهما السلام يَقُولُ عَلَامَاتُ الْمُؤْمِنِ خَمْسٌ قُلْتُ وَ مَا هُنَّ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ قَالَ الْوَرَعُ فِي الْخُلُوعِ وَ الصَّدَقَةُ فِي الْقِلَّةِ وَ الصَّبْرُ عِنْدَ الْمُصِيبَةِ وَ الْجِلْمُ عِنْدَ الْغَضَبِ وَ الصَّدْقُ عِنْدَ الْخَوْفِ

۴ - طاوس یمانی گوید: شنیدم از امام زین العابدین عليه السلام که میفرمود نشانه‌های مؤمن پنج است عرض کردم یا ابن رسول الله آن پنج نشانه کدام است؟ فرمود پرهیزکاری در خلوت و صدقه دادن در تنگدستی و شکیبائی در ناگواری و بردباری در حال خشم و راست گفتن بهنگام ترس.

پنج چیز از پنج کس نشدنی است

خمس من خمسة محال

ه - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكَّلِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ السَّعْدَآبَادِيُّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِيهِ بِإِسْنَادِهِ يَرْفَعُهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ خَمْسٌ مِنْ خَمْسَةِ مُحَالٍ النَّصِيحَةُ مِنَ الْخَاسِدِ مُحَالٌ وَالشَّفَقَةُ مِنَ الْعَدُوِّ مُحَالٌ وَالْحُرْمَةُ مِنَ الْفَاسِقِ مُحَالٌ وَالْوَفَاءُ مِنَ الْمَرَأَةِ مُحَالٌ وَالْهَيْبَةُ مِنَ الْفَقِيرِ مُحَالٌ

ه - امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: پنج چیز از پنج کس نشدنی است اندرز از حسود نشدنی است مهربانی از دشمن نشدنی است. احترام از فاسق نشدنی است وفاء از زن نشدنی است. هیبت از فقیر نشدنی است.

پنج بجای پنجاه

خمس بخمسين

٦ - حَدَّثَنَا أَبُو أَحْمَدَ مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الْبُنْدَارِ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو الْقَاسِمِ سَعِيدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي سَالِمٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو زَكَرِيَّا يَحْيَى بْنُ الْفَضْلِ الْوَرَّاقُ قَالَ حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ مُوسَى قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّزَّاقِ قَالَ أَخْبَرَنَا مَعْمَرٌ عَنِ الزُّهْرِيِّ عَنْ أَنَسٍ قَالَ فَرَضَتْ عَلَيَّ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَيْلَةَ أُسْرِي بِهِ الصَّلَاةَ خَمْسِينَ ثُمَّ نُقِصَتْ فَجَعَلْتُ خَمْسًا ثُمَّ نُودِيَ يَا مُحَمَّدُ إِنَّهُ لَا يُبَدَّلُ الْقَوْلُ لَدَيَّ بِأَنَّ لَكَ بِهِدِهِ الْخَمْسَ خَمْسِينَ

٦ - انس گوید: شبی که رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به

معراج رفت پنجاه نماز بر پیغمبر واجب آمد سپس کم شد و پنج نماز مقرر گردید پس پیغمبر را آواز رسید که ای محمد گفته من تغییر نپذیرد همین نماز پنجگانه برای تو بجای پنجاه نماز محسوب میگردد.

۷ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الْجَمْفَرِيِّ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ حَكِيمٍ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَزْدِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لَمَّا خَفَّفَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حَتَّى صَارَتْ خَمْسَ صَلَوَاتٍ أَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ يَا مُحَمَّدُ خَمْسُ بِخَمْسِينَ

۷ - امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: چون خدای عز و جل تکلیف پیغمبر را به نماز سبک کرد تا آنکه نماز به پنج وقت رسید خدای به پیغمبر وحی فرمود: ای محمد پنجی است که بجای پنجاه است.

کلماتی که آدم از پروردگار دریافت نمود و خداوند توبه‌اش را پذیرفت پنج کلمه بود

الكلمات التي تلقاها آدم من ربه فتابَ عَلَيْهِ خَمْسَ

۸ - حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ الْفَضْلِ بْنُ الْعَبَّاسِ الْبَغْدَادِيُّ قَالَ قَرَأْتُ عَلِيَّ أَحْمَدَ بْنَ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمَانَ بْنِ الْحَارِثِ قُلْتُ حَدَّثَكُمْ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ خَلْفِ الْعَطَّارُ قَالَ حَدَّثَنَا حُسَيْنُ الْأَشْقَرُ قَالَ حَدَّثَنَا عَمْرُو بْنُ أَبِي الْمِقْدَامِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ سَأَلْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَلَقَّاها آدَمُ مِنْ رَبِّهِ فَتَابَ عَلَيْهِ قَالَ سَأَلَهُ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ إِلَّا ثَبَّتَ عَلِيٌّ فَتَابَ عَلَيْهِ

و قد أخرج ما رويته في هذا المعنى في تفسير القرآن

۸ - ابن عباس گوید: از پیغمبر پرسیدم کلماتی که آدم از پروردگار خود دریافت نمود و به برکت آن کلمات خداوند توبه آدم را پذیرفت چه بود؟

فرمود: از خداوند درخواست کرد که بار الها بحق محمد و علی و فاطمه و حسن و

حسین که توبه ام بپذیر و خداوند توبه اش را پذیرفت.

روایتی را که در این معنی بمن رسیده است در تفسیر قرآن گفته ام.

پنج خصلت که پیسی آورند

خمس خصال تورث البرص

۹ - حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ مَسْرُورٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ عَامِرٍ عَنْ عَمِّهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَامِرٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عَامِرٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو أَحْمَدَ مُحَمَّدُ بْنُ زِيَادٍ الْأَزْدِيُّ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ الْأَحْمَرِ عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبٍ عَنْ عِكْرِمَةَ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ خَمْسٌ خَصَالٌ تُورِثُ الْبَرَصَ النُّورَةَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَ يَوْمَ الْأَرْبَعَاءِ وَ التَّوَضُّؤُ وَ الْإِغْتِسَالُ بِالْمَاءِ الَّذِي تُسَخَّنُهُ الشَّمْسُ وَ الْأَكْلُ عَلَى الْجَنَابَةِ وَ غِشْيَانُ الْمَرْأَةِ فِي أَيَّامِ حَيْضِهَا وَ الْأَكْلُ عَلَى الشَّبَعِ

۹ - رسول خدا ﷺ فرمود: پنج خصلت اند که پیسی آورند روزهای جمعه و چهارشنبه نوره گذاشتن، با آبی که آفتاب گرمش نموده وضو ساختن و غسل نمودن، با حال جنابت غذا خوردن، با زن در ایام عادتش هم بستر شدن و در حال سیری غذا خوردن.

گفتار امام صادق: پنج چیز چنان است که من میگویم

قول الصادق عليه السلام خمس هن كما أقول

۱۰ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُوسَى بْنِ عَمْرٍ عَنْ أَبِي عَلِيِّ بْنِ رَاشِدٍ رَفَعَهُ إِلَى الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ خَمْسٌ هُنَّ كَمَا أَقُولُ لَيْسَتْ لِبَخِيلٍ رَاحَةٌ وَ لَا لِحَسُودٍ لَذَّةٌ وَ لَا

لملوك « لِمَمْلُوكٍ وَفَاءٌ وَ لَا لِكَذَّابٍ مُّرْوَعَةٌ وَ
لَا يَسُودُ سَفِيهَةٌ

۱۰ - امام صادق عليه السلام فرمود: پنج چیز
چنان است که من میگویم بخیل را آسایش
نیست و حسود را لذتی نیست و پادشاه را
وفا نباشد و دروغگو جوانمردی ندارد و کم
عقل به مهتری نرسد.

روش پیغمبران نسبت به سر پنج بود و نسبت به بدن پنج

خمس من السنن فی الرأس و خمس فی الجسد
۱۱ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ
الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ
الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ
الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ فَضَّالٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْجَهْمِ
قَالَ قَالَ أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ عليه السلام خَمْسٌ
مِنَ السُّنَنِ فِي الرَّأْسِ وَ خَمْسٌ فِي الْجَسَدِ فَأَمَّا
الَّتِي فِي الرَّأْسِ فَالْمَسْوَاكُ وَ أَخَذُ الشَّارِبِ وَ
فَرَقُّ الشَّعْرِ وَ الْمَضْمُضَةُ وَ الْإِسْتِنْشَاقُ وَ أَمَّا
الَّتِي فِي الْجَسَدِ فَالْخِتَانُ وَ حَلْقُ الْعَانَةِ وَ
نَتْفُ الْإِبْطَيْنِ وَ تَقْلِيمُ الْأُظْفَارِ وَ الْإِسْتِنْجَاءُ

۱۱ - موسی بن جعفر عليه السلام فرمود: از روش
پیغمبران پنج در سر است و پنج در بدن
آنچه در سر است مسواک کردن و شارب گرفتن
و موی سر را از میان دو نیم کردن دهن را
و بینی را با آب شستن و آنچه در تن است،
ختنه کردن موی زیر شکم تراشیدن و موی
زیر بغلها کندن و ناخنها را گرفتن و محل
بول و غایط را پاکیزه نمودن.

گفتار پیغمبر که پنج چیز را تا دم مرگ رها نکنم

قول النبی ﷺ خمس لا أدعهن حتى الممات
 ۱۲ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ
 رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ
 السَّعْدِ أَبَا دِي عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ
 أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ صَفْوَانَ بْنِ
 يَحْيَى جَمِيعاً عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُضْعَبٍ عَنْ أَبِي
 عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ سَمِعْتُ أَبِي يُحَدِّثُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ
 جَدِّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ خَمْسٌ لَا أَدْعُهُنَّ حَتَّى
 الْمَمَاتِ الْأَكْلُ عَلَى الْحَضِيضِ مَعَ الْعَيْدِ وَ
 رُكُوبِي الْجِمَارَ مُؤَكْفَأً وَ حَلَبَ الْعَنْزِ بِيَدِي وَ
 لُبْسُ الصُّوفِ وَ التَّسْلِيمُ عَلَى الصَّبْيَانِ لِتَكُونَ
 سُنَّةً مِنْ بَعْدِي

۱۲ - رسول خدا ﷺ فرمود: پنج چیز را
 تا دم مرگ رها نکنم با غلامان بر روی
 زمین غذا خوردن و بر دراز گوش پالان شده
 سوار شدن و با دست خویش شیر از پستان بز
 دوشیدن و لباس پشمینه به تن کردن و بر
 کودکان سلام نمودن تا این کارها پس از من
 روش همگانی گردد.

۱۳ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَمَرَ الْبَغْدَادِيُّ
 الْحَافِظُ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو الْقَاسِمِ إِسْحَاقُ بْنُ
 جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ
 بْنِ عَمَرَ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع قَالَ حَدَّثَنِي
 أَبِي جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ الْعَلَوِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ
 بْنُ مُحَمَّدِ الْعَلَوِيِّ الْمَعْرُوفُ بِالْمُشَلِّ قَالَ
 أَخْبَرَنِي سُلَيْمَانُ بْنُ مُحَمَّدِ الْقُرَشِيِّ عَنْ
 إِسْمَاعِيلَ بْنِ أَبِي زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ
 أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
 خَمْسٌ لَسْتُ بِتَارِكِهِنَّ حَتَّى الْمَمَاتِ لِبَاسُ الصُّوفِ
 وَ رُكُوبِي الْجِمَارَ مُؤَكْفَأً وَ أَكْلِي مَعَ الْعَيْدِ
 وَ خَصْفِي النَّعْلَ بِيَدِي وَ تَسْلِيمِي عَلَى الصَّبْيَانِ
 لِتَكُونَ سُنَّةً مِنْ بَعْدِي

۱۳ - رسول خدا ﷺ فرمود: پنج چیز را تا دم باز پسین ترك نکنم لباس پشمینه و سواری دراز گوش پالان شده و هم غذا شدن با غلامان و پاره دوزی کفش با دست خود و سلام دادن بر کودکان تا این کارها پس از من روش عمومی شود.

شومی برای مسافر در پنج چیز است

الشُّومُ لِلْمَسَافِرِ فِي خَمْسَةِ
 ۱۴ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ سُلَيْمَانَ الْجَعْفَرِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام يَقُولُ الشُّومُ فِي خَمْسَةِ لِلْمَسَافِرِ فِي طَرِيقِهِ الْغُرَابُ النَّاقِعُ عَنْ يَمِينِهِ وَ الْكَلْبُ النَّاشِرُ لِدَنْبِهِ وَ الدَّبُّ الْعَاوِي الَّذِي يَعْوِي فِي وَجْهِ الرَّجُلِ وَ هُوَ مُفْعَعٌ عَلَى دَنْبِهِ يَعْوِي ثُمَّ يَرْتَفِعُ ثُمَّ يَنْخَفِضُ ثَلَاثًا وَ الطَّبِيُّ السَّانِحُ عَنِ يَمِينِ إِلَى شِمَالٍ وَ الْبُومَةُ الصَّارِحَةُ وَ الْمَرْأَةُ الشَّمْطَاءُ تُلْقِي فَرْجُهَا وَ الْأَتَانُ الْعَضْبَاءُ يَعْنِي الْجَدْعَاءَ فَمَنْ أَوْجَسَ فِي نَفْسِهِ مِنْ ذَلِكَ شَيْئًا فَلْيَقُلْ اعْتَصَمْتُ بِكَ يَا رَبِّ مِنْ شَرِّ مَا أَجِدُ فِي نَفْسِي فَاعْصِمْنِي مِنْ ذَلِكَ

۱۴ - سلیمان جعفری گوید: از موسی بن جعفر شنیدم که میفرمود: پنج چیز بر سر راه مسافر میمنت ندارد کلاغی که از سمت راست مسافر بانگ برآورد و دمش را باز کرده باشد و گرگی که سر دم نشسته و نگاهش را بر مسافر دوخته تا سه بار زوزه بلند و کوتاه بکشد و آهوئی که از جانب راست هویدا شود و بجانب چپ برود و جغدی که ناله کند و زنی که موی سفید و سیاه دارد و فرجش در چشم انداز مسافر باشد و ماده الاغی که عضباء باشد هر کس از دیدن این چیزها بد دل شود بگوید پروردگارا از

شر این بد دلی که در خود می‌یابم بتو
پناهنده ام مرا از شر آن نگهداری فرما.

شرح -

عصباء حیوانی را گویند که گوش یا بینی
یا لب یا دست آن بریده باشد و ظاهر این
است که در آن زمان مردمان جاهل برخوردار
باین چیزها را بفال بد می‌گرفتند و روایت
بیان حال آنان میکند نه آنکه واقعا
تأثیری داشته باشد و دعای آخر روایت نیز
مؤید این معنا است و الله العالم.

پنج تن گریه فراوان داشتند

البكاءون خمسة

۱۵ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ
الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ
الْحَسَنِ الصَّفَّارُ قَالَ حَدَّثَنِي الْعَبَّاسُ بْنُ مَعْرُوفٍ
عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَهْلِ الْبَحْرَانِيِّ يَرْفَعُهُ إِلَى أَبِي
عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ الْبُكَاءُ وَنَ خَمْسَةَ آدَمَ وَ يَعْقُوبَ
وَ يُوسُفَ وَ فَاطِمَةَ بِنْتَ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيَّ بْنَ
الْحُسَيْنِ عليهما السلام فَأَمَّا آدَمُ فَبَكَى عَلَى الْجَنَّةِ حَتَّى
صَارَ فِي خَدَّيْهِ أَمْثَالُ الْأُودِيَةِ وَ أَمَّا يَعْقُوبُ
فَبَكَى عَلَى يُوسُفَ حَتَّى ذَهَبَ بَصَرُهُ وَ حَتَّى قِيلَ
لَهُ يَا لَهِ تَفْتَتُوا تَذْكُرُ يُوسُفَ حَتَّى تَكُونَ حَرَضًا
أَوْ تَكُونَ مِنَ الْهَالِكِينَ وَ أَمَّا يُوسُفَ فَبَكَى
عَلَى يَعْقُوبَ حَتَّى تَأْذَى بِهِ أَهْلُ السَّجْنِ فَقَالُوا
لَهُ إِمَّا أَنْ تَبْكِيَ اللَّيْلَ وَ تَسْكُتَ بِالنَّهَارِ وَ
إِمَّا أَنْ تَبْكِيَ النَّهَارَ وَ تَسْكُتَ بِاللَّيْلِ
فَصَالَحَهُمْ عَلَى وَاحِدٍ مِنْهُمَا أَمَّا فَاطِمَةُ فَبَكَتْ
عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صلوات الله وسلاماته عليه حَتَّى تَأْذَى بِهَا أَهْلُ الْمَدِينَةِ
فَقَالُوا لَهَا قَدْ آذَيْتَنَا بِكَثْرَةِ بُكَائِكَ فَكَانَتْ
تَخْرُجُ إِلَى الْمَقَابِرِ مَقَابِرِ الشَّهَدَاءِ فَتَبْكِي
حَتَّى تَقْضِيَ حَاجَتَهَا ثُمَّ تَنْصَرِفُ وَ أَمَّا عَلِيُّ بْنُ
الْحُسَيْنِ فَبَكَى عَلَى الْحُسَيْنِ عليهما السلام عِشْرِينَ سَنَةً أَوْ
أَرْبَعِينَ سَنَةً مَا وَضِعَ بَيْنَ يَدَيْهِ طَعَامٌ إِلَّا بَكَى
حَتَّى قَالَ لَهُ مَوْلَى لَهُ جُعِلَتْ فِدَاكَ يَا ابْنَ

رَسُولِ اللَّهِ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكَ أَنْ تَكُونَ مِنَ
الْهَالِكِينَ قَالَ إِنَّمَا أَشْكُوا بَثِّي وَحُزْنِي إِلَيَّ
اللَّهُ وَ أَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ إِنِّي مَا أَذْكَرُ
مَصْرَعَ بَنِي فَاطِمَةَ إِلَّا خَنَقْتَنِي لِذَلِكَ عِبْرَةٌ

۱۵ - امام صادق عليه السلام فرمود: پنج تن گریه
فراوان کردند آدم و یعقوب و یوسف و
فاطمه دختر محمد صلى الله عليه وآله و علی بن الحسین
عليه السلام اما آدم برای دوری از بهشت آن چنان
گریست که اثر اشک همچون رودخانه به
رخسارش نمایان شد و اما یعقوب بر فراق
یوسف به اندازه ای گریست که چشمش از دست
رفت و او را گفتند این چنین که تو
پیوسته بیاد یوسف هستی بخدا از بیماری
لاغر و نحیف گردی و یا خود را نابود
خواهی نمود.

اما یوسف از دوری یعقوب آن چنان گریست
که زندانیان ناراحت شدند و یوسف را
گفتند یا شب گریه کن و روز آرام باش و
یا روز گریه کن و شب آرام بگیر یوسف نیز
با پیشنهاد آنان ساخت که در یکی از
شبانه روز بگیرد و اما فاطمه برای رسول
خدا صلى الله عليه وآله به اندازه ای گریست که اهل
مدینه ناراحت شدند و به حضرتش عرض کردند
از بس گریستی ما را آزرده نمودی پس از
این تذکر فاطمه از مدینه بیرون میرفت و
در گورستان شهر هر چه میخواست گریه
میکرد و سپس باز میگشت و اما علی بن
الحسین بیست سال و یا چهل سال بر مصیبت
پدرش گریست هر چه خوراک به پیش آن حضرت
مینهادند میگریست تا آنکه یکی از غلامانش
عرض کرد یا بن رسول الله من بفدايت، میترسم
که شما خود را هلاک سازید.

فرمود: شکوه غم و اندوه فراوان خود را
فقط بنزد خداوند برم و من از جانب
خداوند چیزی می دانم که شما از آن آگاه
نیستید خاطره قتلگاه فرزندان فاطمه را

هر گاه که بیاد می‌آورم گریه راه گلویم را میگیرد.

گناهان بزرگ پنج گناه است

الكبائر خمس

۱۶ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّقَّارُ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ نُوحٍ وَ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ جَمِيعاً عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ وَجَدْنَا فِي كِتَابِ عَلِيِّ عليه السلام أَنَّ الْكَبَائِرَ خَمْسُ الشَّرْكَ بِاللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ عُقُوقُ الْوَالِدَيْنِ وَ أَكْلُ الرَّبَا بَعْدَ الْبَيْئَةِ وَ الْفِرَارُ مِنَ الرَّحْفِ وَ التَّعَرُّبُ بَعْدَ الْهَجْرَةِ

۱۶ - امام صادق عليه السلام فرمود: در کتاب علی عليه السلام یافتیم که گناهان کبیره پنج است: برای خدای عز و جل شریک قرار دادن و نافرمانی پدر و مادر و رباخواری پس از آنکه بداند حرام است و فرار از جنگ و بازگشت بمحیط کفر پس از مهاجرت بمحیط اسلام.

۱۷ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ الْعَبْدِيِّ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَّارَةَ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَخْبِرْنِي عَنِ الْكَبَائِرِ فَقَالَ هُنَّ خَمْسٌ وَ هُنَّ مِمَّا أَوْجَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْنَهُنَّ النَّارَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْماً إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَاراً وَ سَيَصْلُونَ سَعيراً وَ قَالَ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقَيْتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا زَحَفَا فَلَا تُولُوهُمُ الْأَدْبَارَ إِلَى آخِرِ الْآيَةِ وَ قَوْلُهُ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ ذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرَّبَا إِلَى آخِرِ الْآيَةِ وَ رَمَى الْمُحْصَنَاتِ الْغَافِلَاتِ وَ قَتَلَ الْمُؤْمِنِ مُتَعَمِّداً عَلَى دِينِهِ

۱۷ - عبید بن زرارہ: بہ امام صادق علیہ السلام عرض کردم از گناہان کبیرہ آگاہم بفرمائید فرمود:

آنها پنج گناہ اند و همانند کہ خدای عز و جل بہ کیفرشان آتش مقرر فرمودہ است خدای عز و جل فرمودہ است آنان کہ بہ ستم از ثروت یتیمان استفادہ میکنند فقط آتش بجان خود میکنند و بزودی بہ دوزخ خواهند رفت و فرمودہ ای کسانی کہ ایمان آورده اید هنگامی کہ در جبهہ جنگ با کفار برخوردید پشت بر جنگ نکنید تا آخر آیہ و فرمودہ خداوند ای کسانی کہ ایمان آورده اید از خداوند بپرهیزید و رباخواری را واگذارید تا آخر آیہ و زنان شوہر دار پاکدامن را متہم بہ زنا نمودن و شخص مؤمن را بخاطر دیناش از روی عمد کشتن.

پیغمبر با پنج شمشیر برانگیخته شد بعث

اللہ النبى صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم بخمسة أسیاف

۱۸ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي الْقَاسِمُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْأَصْبَهَانِيُّ عَنْ سَلِيمَانَ بْنِ دَاوُدَ الْمِنْقَرِيِّ عَنْ حَفْصِ بْنِ غِيَاثٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیہ السلام قَالَ قَالَ رَجُلٌ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیہ السلام عَنْ حُرُوبِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیہ السلام وَكَانَ السَّائِلُ مِنْ مُجِبِّينَا فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیہ السلام إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ بَعَثَ مُحَمَّدًا صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم بِخَمْسَةِ أَسْيَافٍ ثَلَاثَةٌ مِنْهَا شَاهِرَةٌ لَا تُغَمَدُ إِلَى أَنْ تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا وَ لَنْ تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ مِنْ مَغْرِبِهَا فَإِذَا طَلَعَتِ الشَّمْسُ مِنْ مَغْرِبِهَا آمَنَ النَّاسُ كُلُّهُمْ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ فَيَوْمَئِذٍ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا وَ سَيْفٌ مِنْهَا مَلْفُوفٌ وَ سَيْفٌ مِنْهَا مَعْمُودٌ سَلَّهُ إِلَى غَيْرِنَا وَ حُكْمُهُ إِلَيْنَا فَأَمَّا السُّيُوفُ الثَّلَاثَةُ الشَّاهِرَةُ فَسَيْفٌ عَلَيَّ مُشْرِكِي الْعَرَبِ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ

حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَخُذُوهُمْ وَاحْصُرُوهُمْ وَ
 اقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصِدٍ فَإِنْ تَابُوا يَعْنِي فَإِنْ
 آمَنُوا فَأِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ ... وَ أَقَامُوا
 الصَّلَاةَ وَ آتَوْا الزَّكَاةَ
 فَهَؤُلَاءِ لَا يُقْبَلُ مِنْهُمْ إِلَّا السَّيْفُ وَ الْقَتْلُ
 أَوْ الدُّخُولُ فِي الْإِسْلَامِ وَ مَا لَهُمْ فِيهِ وَ
 ذَرَارِيَّهُمْ سَبِيٌّ عَلَى مَا سَبَى رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فَإِنَّهُ
 سَبَى وَ عَقَا وَ قَبِلَ الْفِدَاءَ وَ السَّيْفُ الثَّانِي
 عَلَى أَهْلِ الذِّمَّةِ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ قَوْلُوا
 لِلنَّاسِ حُسْنًا نَزَلَتْ فِي أَهْلِ الذِّمَّةِ ثُمَّ نَسَخَهَا
 قَوْلُهُ قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ لَا
 بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ لَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَ
 رَسُولُهُ وَ لَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ
 أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَ
 هُمْ صَاغِرُونَ فَمَنْ كَانَ مِنْهُمْ فِي دَارِ الْإِسْلَامِ لَمْ
 يُقْبَلْ مِنْهُ إِلَّا الْجِزْيَةُ أَوْ الْقَتْلُ فَإِذَا قِيلُوا
 الْجِزْيَةَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ حَرَّمَ عَلَيْنَا سَبْيَهُمْ وَ
 حَرَّمَتْ أَمْوَالُهُمْ وَ حَلَّ لَنَا مُنَاكَحَتُهُمْ وَ مَنْ
 كَانَ مِنْهُمْ فِي دَارِ الْحَرْبِ حَلَّ لَنَا سَبْيَهُمْ وَ
 أَمْوَالَهُمْ وَ لَمْ يَجَلَّ لَنَا نِكَاحُهُمْ وَ لَمْ يُقْبَلْ
 مِنْهُمْ إِلَّا الْقَتْلُ أَوْ الدُّخُولُ فِي الْإِسْلَامِ وَ سَيْفٌ
 عَلَى مُشْرِكِي الْعَجَمِ يَعْنِي التُّرْكَ وَ الدَّيْلَمَ وَ
 الْخَزَرَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِي سُورَةِ الَّذِينَ
 كَفَرُوا فَإِذَا لَقِيْتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبُ
 الرِّقَابِ حَتَّى إِذَا أَتَخْتَمُوهُمْ فَشُدُّوا الْوَتَاقَ
 فَمَا مَنَا بَعْدُ وَ إِمَّا فِدَاءً يَعْنِي الْمُفَادَاةَ
 بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ أَهْلِ الْإِسْلَامِ فَهَؤُلَاءِ لَا يُقْبَلُ
 مِنْهُمْ إِلَّا الْقَتْلُ أَوْ الدُّخُولُ فِي الْإِسْلَامِ وَ لَا
 يَجَلُّ لَنَا نِكَاحُهُمْ مَا دَامُوا فِي دَارِ الْحَرْبِ وَ
 أَمَّا السَّيْفُ الْمَلْفُوفُ فَسَيْفٌ عَلَى أَهْلِ الْبَغْيِ وَ
 التَّأْوِيلُ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ إِنْ
 طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا
 بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَت إِحْدَاهُمَا عَلَى الْآخَرَى
 فَقاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ وَ
 لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
 إِنْ فِيكُمْ مَنْ يُقَاتِلُ بَعْدِي عَلَى التَّأْوِيلِ
 كَمَا قَاتَلْتُ عَلَى التَّنْزِيلِ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَنْ

هُوَ قَالَ خَاصِفُ النَّعْلِ يَعْنِي أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ
وَقَالَ عَمَّارُ بْنُ يَاسِرٍ قَاتَلْتُ تَحْتَ هَذِهِ
الرَّايَةَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ ثَلَاثًا وَ
هَذِهِ هِيَ وَ اللَّهِ الرَّايِعَةُ وَ اللَّهِ لَوْ ضَرَبُونَا حَتَّى
يَبْلُغُوا بِنَا السَّعْفَاتِ مِنْ هَجَرَ لَعَلِمْنَا أَنَّ
عَلَى الْحَقِّ وَ أَنَّهُمْ عَلَى الْبَاطِلِ وَ كَانَتْ
السَّيْرَةُ فِيهِمْ مِنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ مَا كَانَ مِنْ
رَسُولِ اللَّهِ فِي أَهْلِ مَكَّةَ يَوْمَ فَتْحِ مَكَّةَ فَإِنَّهُ لَمْ
يَسِبْ لَهُمْ ذُرِّيَّةً وَ قَالَ مَنْ أَغْلَقَ بَابَهُ وَ أَلْقَى
سَلَاحَهُ أَوْ دَخَلَ دَارَ أَبِي سُفْيَانَ فَهُوَ آمِنٌ وَ
كَذَلِكَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِيهِمْ يَوْمَ
الْبَصْرَةِ لَا تَسُبُّوا لَهُمْ ذُرِّيَّةً وَ لَا تُجْهِرُوا عَلَى
جَرِيحٍ وَ لَا تَتَّبِعُوا مُدْبِرًا وَ مَنْ أَغْلَقَ بَابَهُ وَ
أَلْقَى سَلَاحَهُ فَهُوَ آمِنٌ وَ أَمَّا السَّيْفُ الْمَعْمُودُ
فَالسَّيْفُ الَّذِي يُقَامُ بِهِ الْقِصَاصُ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ
جَلَّ النَّفْسُ بِالنَّفْسِ فَسَلِّهُ إِلَى أَوْلِيَاءِ
الْمَقْتُولِ وَ حُكْمُهُ إِلَيْنَا فَهَذِهِ السُّيُوفُ الَّتِي
بَعَثَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهَا نَبِيَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَمَنْ جَحَدَهَا أَوْ
جَحَدَ شَيْئًا مِنْهَا أَوْ مِنْ سَيْرِهَا وَ أَحْكَامِهَا
فَقَدْ كَفَرَ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ ص

۱۸ - حفص بن غياث گوید: شخصی از امام
صادق از جنگهای امیر المؤمنین پرسید و
سئوالکننده از دوستان ما بود امام صادق
او را فرمود: خدای عز و جل محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ را
با پنج شمشیر برانگیخت سه شمشیر از آن
شمشیرها برهنه و از غلاف کشیده است تا
جنگ پایان یابد و هرگز جنگ پایان نیابد
تا آفتاب از مغرب خود بتابد و چون آفتاب
از مغربش سر برآرد آن روز امنیت عمومی
بر همه مردم حکومت کند آن روز است که
ایمان کسی که از پیش ایمان نیاورده باشد
و یا از ایمانش بهره برداری نکرده است
سودی به حالش ندهد و يك شمشیر از آن
شمشیرها پیچیده است و یکی در نیام که
بروی دیگران کشیده می شود ولی حکمش بدست
ما است اما آن سه شمشیر کشیده شده:

یکی به روی مشرکین عرب بود که خداوند تبارک و تعالی فرمود مشرکان را هر جا یافتید بکشید و در بند کنید و محاصره‌شان کنید و همه جا در کمینگاه‌شان بنشینید اگر باز گشتند یعنی اگر ایمان آوردند برادران دینی شما خواهند بود و باید نماز بخوانند و زکات بدهند از این گروه جز تن بکشته شدن دادن و یا مسلمان شدن هیچ پذیرفته نیست ثروتشان مال مسلمانان است و فرزندانشان اسیر بهمان منوال که رسول خدا ﷺ اسیر کرد آن حضرت پاره‌ای را در اسارت نگه میداشت و از پاره‌ای در میگذشت و از بعضی فدا میگرفت و آزاد میکرد.

شمشیر دوم بروی اهل ذمه است خدای تعالی فرمود با مردم به نیکوئی سخن بگوئید این آیه در باره اهل ذمه فرود آمد ولی پس از چندی با آیه دیگر نسخ شد و آن این بود که فرمود با کسانی که ایمان بخدا و روز باز پسین ندارند و حرام خدا و رسولش را حرام نمیدانند و این حق را نمی‌پذیرند از آن گروه مردمی که آنان کتاب داده شد بجنگید تا از دست خود با خواری جزیه بدهند هر کس از آنان که در کشور اسلامی باشد جز به جزیه دادن و یا کشته شدن هیچ پذیرفته نیست اگر جزیه را بر خود پذیرفتند اسیر کردنشان بر ما حرام است و اموالشان محترم و زن گرفتن از آنان برای ما حلال و هر کس از آنان در کشوری باشد که با اسلام بجنگند اسیر کردنشان و تاراج اموالشان بر ما حلال است ولی زن گرفتن از آنان جایز نیست و بجز کشته شدن و یا مسلمان شدن هیچ از آنان پذیرفته نگردد.

شمشیر سوم به روی مشرکین عجم است که ترک و دیلم و خزر باشند، خدای عز و جل در سوره‌ای که با آیه الذین کفروا شروع

می‌شود (سوره محمد) فرموده است با کافران که برخوردید دستور، گردن زدن است تا آنجا که از پایشان در آورید و در بند محکشان کشید که یا منت بپذیرند و یا فداء دهند و آزاد گردند یعنی بمسلمانان بهای سر بدهند و از کشته شدن نجات یابند از اینان نیز جز کشته شدن و یا مسلمان شدن هیچ پذیرفته نگردد و تا در کشور کفر هستند زن گرفتن از آنان برای ما روا نیست.

و اما شمشیر چهارم که پیچیده است شمشیری است که بروی مردم ستمگر و ماجراجو کشیده شود خدای تبارک و تعالی میفرماید اگر دو گروه از مسلمانان با هم جنگیدند میانشان صلح بدهید و اگر یکی از این دو گروه بر دیگری ستم کرد و حاضر بصلح نشد با آن دسته ستمکار بجنگید تا بآنچه خداوند دستور داده باز گردد.

و چون این آیه فرود آمد رسول خدا ﷺ فرمود: در میان شما کسی هست که پس از من به حکم تاویل قرآن می‌جنگد چنانچه من به حکم ظاهر قرآن جنگیدم. عرض شد یا رسول الله آن شخص کیست؟ فرمود:

کسی که مشغول پاره‌دوزی کفش خویش است و مقصودش امیر المؤمنین علیه السلام بود.

و عمار یاسر (در جنگ صفین) گفت زیر همین پرچم در رکاب رسول خدا ﷺ و خاندانش سه بار جنگیده‌ام و بخدا قسم این چهارمین بار است بخدا سوگند اگر آن قدر شمشیر بر ما بزنند که ما را تا نخلستان هجر (شهری است در یمن) عقب برانند ما بهتر خواهیم دانست که ما بر حقیم و آنان بر باطل و روش امیر المؤمنین با دشمنان خود در جنگ همان روش رسول خدا ﷺ بوده در باره اهل مکه روزی که مکه را فتح فرمود که هیچ از فرزندان‌شان اسیر نگرفت

و فرمود هر کس در خانه‌اش را بست و اسلحه بر زمین گذاشت یا بمیان خانه ابی سفیان درآمد در امان است. امیر المؤمنین هم روز جنگ بصره بدشمنان خود چنین فرمود: فرزندی را از آنان به اسیری نگیرید و زخم‌داری را نکشید و فراری را تعقیب نکنید و هر کس در خانه‌اش را بست و اسلحه بر زمین انداخت در امان است.

و اما شمشیری که در نیام است شمشیری است که با آن حکم قصاص اجرا می‌شود خدای عز و جل فرموده است: قصاص جان بجان است اختیار کشیدن این شمشیر بدست اولیاء مقتول است ولی صدور حکمش بدست ما است.

این بود شمشیرهایی که خدای عز و جل پیغمبرش را با آنها بر انگیخت کسی که آنها را انکار کند و یا چیزی از روش و احکام آنها را انکار کند همانا بر قرآنی که خدا بر محمد فرو فرستاده کافر شده است.

دوستی پنج شرط دارد

حدود الصداقة خمسة

۱۹ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي الْهَيْثَمُ بْنُ أَبِي مَسْرُوقٍ النَّهْدِيُّ عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ بْنِ عُمَرَ الْوَاسِطِيِّ عَنْ أَبِي خَالِدٍ السَّجِسْتَانِيِّ عَنْ يَزِيدَ بْنِ خَالِدِ النَّيْسَابُورِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ الصَّدَاقَةُ مَحْدُودَةٌ فَمَنْ لَمْ تَكُنْ فِيهِ تِلْكَ الْحُدُودُ فَلَا تَنْسُبُهُ إِلَى كَمَالِ الصَّدَاقَةِ وَ مَنْ لَمْ يَكُنْ فِيهِ شَيْءٌ مِنْ تِلْكَ الْحُدُودِ فَلَا تَنْسُبُهُ إِلَى شَيْءٍ مِنْ الصَّدَاقَةِ أَوْلَهَا أَنْ يَكُونَ سَرِيرَتُهُ وَ عَلَانِيَتُهُ لَكَ وَاحِدَةً وَ الثَّانِيَةَ أَنْ يَرَى زَيْنَكَ زَيْنَهُ وَ شَيْنَكَ شَيْنَهُ وَ الثَّلَاثَةَ أَنْ لَا يُعَيِّرَهُ مَالٌ وَ لَا وِلَايَةٌ وَ الرَّابِعَةَ أَنْ لَا يَمْنَعَكَ شَيْئًا مِمَّا تَصِلُ إِلَيْهِ مَقْدَرَتُهُ وَ الْخَامِسَةَ أَنْ لَا يُسْلِمَكَ عِنْدَ التُّكْبَاتِ

۱۹ - امام صادق علیه السلام فرمود: دوستی را شرایطی است کسی که همه این شرایط در او نیست او را دوست کامل مشمار و کسی که هیچ يك از این شرایط در او نیست او را به هیچ مرتبه از دوستی نسبت مده، شرط اول آنکه پنهان و آشکارش برای تو یکی باشد.

دوم آنکه آراستگی تو را آراستگی خود بداند و سرافکنگی تو را سرافکنگی خودش.

سوم آنکه ثروت و مقام روحیه او را تغییر ندهد.

چهارم آنکه از آنچه در دسترس توانائی او است از تو دریغ ندارد و پنجم آنکه در سختیهای روزگار تو را رها نکند.

مؤمن در میان پنج نور میغلطد

المؤمن يتقلب في خمسة من النور
 ۲۰ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّقَّارُ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةَ عَنْ طَلْحَةَ بْنِ زَيْدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيِّ عليه السلام قَالَ الْمُؤْمِنُ يَتَقَلَّبُ فِي خَمْسَةِ مِنَ النُّورِ مَدْخَلُهُ نُورٌ وَ مَخْرَجُهُ نُورٌ وَ عِلْمُهُ نُورٌ وَ كَلَامُهُ نُورٌ وَ مَنْظَرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَى النُّورِ
 ۲۰ - امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: مؤمن در میان پنج نور میغلطد در آمدنش نور است و بیرون شدنش نور است و دانشش نور است و سخنش نور است و چشم اندازش در روز رستاخیز نور است.

پایه‌های اساسی کاخ اسلام پنج است

الدعائم التي بنى عليها الإسلام خمس
٢١ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ
قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ
بْنِ عَيْسَى عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ
يَقْطِينِ عَنِ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ وَجَعْفَرَ بْنِ
سُلَيْمَانَ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينِ عَنِ أَبِي حَمْرَةَ
الثَّمَالِيِّ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام
عَلَى خَمْسٍ إِقَامِ الصَّلَاةِ وَ إِيْتَاءِ الزَّكَاةِ وَ حِجِّ
الْبَيْتِ وَ صَوْمِ شَهْرِ رَمَضَانَ وَ الْوَلَايَةِ لَنَا أَهْلَ
الْبَيْتِ فَجَعَلَ فِي أَرْبَعٍ مِنْهَا رُحْصَةً وَ لَمْ يُجْعَلْ
فِي الْوَلَايَةِ رُحْصَةً مَنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ مَالٌ لَمْ يَكُنْ
عَلَيْهِ الزَّكَاةُ وَ مَنْ لَمْ يَكُنْ عِنْدَهُ مَالٌ فَلَيْسَ
عَلَيْهِ حِجٌّ وَ مَنْ كَانَ مَرِيضاً صَلَّى قَاعِداً وَ
أَفْطَرَ شَهْرَ رَمَضَانَ وَ الْوَلَايَةَ صَاحِبِحاً كَانَ أَوْ
مَرِيضاً أَوْ ذَا مَالٍ أَوْ لَا مَالٍ لَهُ فَهِيَ لِأَزْمَةٍ
وَاجِبَةٌ

٢١ - امام باقر عليه السلام فرمود: کاخ اسلام بر
پنج پایه اساسی استوار است، برپاداشتن
نماز، به مصرف رساندن زکات، حج خانه
کعبه، روزه ماه رمضان، دوستی ما خاندان،
در چهار قسمت از این احکام تخفیفی منظور
شده است ولی در دوستی ما تخفیفی نیست،
کسی که ثروت‌اش نباشد زکات بر او نیست و
کسی که هزینه موجود نداشته باشد حج بر
او واجب نیست کسی که بیمار باشد باید
نماز را نشسته بخواند و روزه ماه رمضان
را افطار کند ولی پا بند بودن بر ولایت.
تندرست و بیمار و ثروتمند و درویش را
لازم است.

مکه را پنج نام است

أَسْمَاءُ مَكَّةَ خَمْسَةً

٢٢ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ
عَيْسَى عَنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ

الْبَزَنْطِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَيُّمَنُ بْنُ مُحَرَّرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ
 أَسْمَاءُ مَكَّةَ خَمْسَةَ أُمِّ الْقُرَى وَ مَكَّةَ وَ بَكَّةَ وَ
 الْبَسَّاسَةَ كَانُوا إِذَا ظَلَمُوا بِهَا بَسَّتْهُمْ أَيُّ
 أَخْرَجَتْهُمْ وَ أَهْلَكَتْهُمْ وَ أُمُّ رُحْمٍ كَانُوا إِذَا
 لَزِمُوهَا رُحِمُوا

۲۲ - امام صادق عليه السلام فرمود: مکه را پنج
 نام است: ام القرى و مکه و بکه و بساسه
 (بساسه اش میگفتند برای اینکه) هر گاه آن
 جا ستم میگردند ستمگران را از خود بیرون
 می‌کرد و نابودشان مینمود و نام دیگرش ام
 رحم است چون هر گاه پای بند به این شهر
 میشدند مورد رحمت الهی می‌شدند.

خدای عز و جل بر بندگان در شبانه روز پنج نماز واجب فرموده است

فرض الله عز و جل على العباد في اليوم و
 الليلة خمس صلوات
 ۲۳ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
 سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ
 الْأَصْبَهَانِيِّ عَنِ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ الْمِنْقَرِيِّ قَالَ
 حَدَّثَنَا حَمَادُ بْنُ عِيسَى عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ
 إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ فَرَضَ عَلَيْكُمُ الصَّلَوَاتِ الْخَمْسَ
 فِي أَفْضَلِ السَّاعَاتِ فَعَلَيْكُمْ بِالدُّعَاءِ فِي
 أَدْبَارِ الصَّلَوَاتِ

۲۳ - امام صادق عليه السلام فرمود: خدای عز و
 جل نمازهای پنجگانه را در بهترین ساعت
 بر شما واجب فرموده است بر شما است که
 پس از نمازها از دعا غفلت نکنید.

افرادى كه پيغمبر را مسخره ميكردند پنج نفر بودند

المستهزءون بالنبي صلى الله عليه وآله وسلم خمسة
 ٢٤ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ زِيَادٍ بْنُ جَعْفَرٍ
 الهمداني رضي الله عنه قال حدثنا علي
 بن إبراهيم بن هاشم عن أبيه عن محمد
 بن أبي عمير عن أبان بن عثمان الأحمر
 رفعه قال المستهزءون برسول الله ﷺ خمسة
 الوليد بن المغيرة المخزومي و العاص بن
 وائل السهمي و الأسود بن عبد يغوث الزهري
 و الأسود بن المطيب و الحارث بن الطائلة
 الثقفي

٢٤ - ابان بن احمر گوید: کسانی که
 پیغمبر را مسخره میکردند پنج نفر بودند:
 ولید بن مغیره مخزومی. عاص بن وائل
 سهمی، اسود بن عبد یغوث زهری، اسود بن
 مطلب، حارث بن طلائطه ثقفی.

٢٥ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْقَطَّانُ قَالَ
 حَدَّثَنَا أَبُو الْقَاسِمِ عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ مُحَمَّدٍ
 الْحَسَنِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْعَيَّاسِ مُحَمَّدُ بْنُ
 عَلِيٍّ الْخَرَّاسَانِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو سَعِيدٍ سَهْلُ
 بْنُ صَالِحِ الْعَبَّاسِيُّ عَنْ أَبِيهِ وَ إِبْرَاهِيمَ بْنِ
 عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَيْلِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا مُوسَى بْنُ
 جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ
 بْنِ أَبِي طَالِبٍ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ
 قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ قَالَ حَدَّثَنِي
 أَبِي الْحُسَيْنِ بْنُ عَلِيٍّ عليه السلام أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام
 قَالَ لِيَهُودِيٍّ مِنْ يَهُودِ الشَّامِ وَ أَحْبَارِهِمْ
 فِيمَا أَجَابَهُ عَنْهُ مِنْ جَوَابِ مَسَائِلِهِ فَأَمَّا
 الْمُسْتَهْزِءُونَ فَقَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ إِنَّا
 كَفَيْنَاكَ الْمُسْتَهْزِئِينَ فَقَتَلُ اللَّهُ خَمْسَتَهُمْ قَدْ قَتَلَ
 كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ بَغِيرِ قِتْلَةٍ صَاحِبِهِ فِي يَوْمٍ
 وَاحِدٍ أَمَّا الْوَلِيدُ بْنُ الْمَغِيرَةِ فَإِنَّهُ مَرَّ
 بِنَيْلٍ لِرَجُلٍ مِنْ بَنِي خَزَاعَةَ قَدْ رَاشَهُ فِي
 الطَّرِيقِ فَأَصَابَتْهُ شَظِيَّةٌ مِنْهُ فَانْقَطَعَ أَكْحَلُهُ

حَتَّى أَدْمَاهُ فَمَاتَ وَ هُوَ يَقُولُ قَتَلَنِي رَبُّ مُحَمَّدٍ
 وَ أُمُّ الْعَاصِ بْنِ وَائِلِ السَّهْمِيِّ فَإِنَّهُ خَرَجَ فِي
 حَاجَةٍ لَهُ إِلَى كَدَاءَ فَتَدَهَّدَهُ تَحْتَهُ حَجْرٌ فَسَقَطَ
 فَتَقَطَّعَ قِطْعَةً قِطْعَةً فَمَاتَ وَ هُوَ يَقُولُ قَتَلَنِي
 رَبُّ مُحَمَّدٍ وَ أُمُّ الْأَسْوَدِ بْنِ عَبْدِ يَعُوْثٍ فَإِنَّهُ
 خَرَجَ يَسْتَقْبِلُ ابْنَهُ زَمْعَةَ وَ مَعَهُ غُلَامٌ لَهُ
 فَاسْتَظَلَّ بِشَجَرَةٍ تَحْتَ كَدَاءَ فَأَتَاهُ جَبْرَيْلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ
 فَأَخَذَ رَأْسَهُ فَتَنَطَّحَ بِهِ الشَّجَرَةَ فَقَالَ لِبُغْلَامِهِ
 اْمْنَعْ هَذَا عَنِّي فَقَالَ مَا أَرَى أَحَدًا يَصْنَعُ بِكَ
 شَيْئًا إِلَّا نَفْسُكَ فَقَتَلَهُ وَ هُوَ يَقُولُ قَتَلَنِي رَبُّ
 مُحَمَّدٍ: قال مصنف هذا الكتاب رضى الله عنه و
 يقال فى خبر آخر فى الأسود قول آخر يقال
 إن النبي صلى الله عليه وآله كان قد دعا عليه أن يعمي
 الله بصره و أن يثكله و لده فلما كان فى ذلك
 اليوم جاء حتى صار إلى كداء فاتاه
 جبرئيل عَلَيْهِ السَّلَامُ بورقة خضراء فضرب بها وجهه
 فعمي و بقي حتى أثكله الله عز و جل و لده
 يوم بدر ثم مات و أم الحارث بن الطلائع
 فإنه خرج من بيته فى السموم فتحول حبشياً
 فرجع إلى أهله فقال أنا الحارث فعضبوا
 عليه فقتلوه و هو يقول قتلنى ربُّ محمدٍ و
 أم الأسود بن المطيب فإنه أكل حوتاً
 مالحاً فأصابه غلبه العطش فلم يزل يشرب
 الماء حتى انشق بطنه فمات و هو يقول
 قتلنى ربُّ محمدٍ كل ذلك فى ساعة واحدة و
 ذلك أنهم كانوا بين يدي رسول الله صلى الله عليه وآله
 فقالوا له يا محمد ننتظر بك إلى الظهر
 فإن رجعت عن قولك و إلا قتلناك فدخل
 النبي صلى الله عليه وآله منزله فأغلق عليه بابهُ مغتماً
 بقولهم فاتاه جبرئيل عَلَيْهِ السَّلَامُ ساعة فقال له يا
 محمد السلام يُقرئك السلام و هو يقول فاصدع
 بما تؤمر يعنى أظهر أمرك لأهل مكة و ادع
 و أعرض عن المشركين قال يا جبرئيل كيف
 أصنع بالمستهزيين و ما أوعدوني قال له
 إننا كفيْنَاك المستهزيين قال يا جبرئيل

كَانُوا عِنْدِي السَّاعَةَ بَيْنَ يَدَيَّ فَقَالَ قَدْ
كُفَيْتَهُمْ فَأَظْهَرَ أَمْرَهُ عِنْدَ ذَلِكَ.

و الحدیث طویل أخذنا منه موضع الحاجة
و قد أخرجته بتمامه فی آخر الجزء الرابع
من کتاب النبوة

۲۵ - حسین بن علی علیه السلام فرمود: یکی از
دانشمندان یهودیان شام از امیر المؤمنین
پرسشهایی نمود حضرت در پاسخ یکی از
سؤالات او فرمود: اما آنان که مسخره
کردند خداوند در این باره به پیغمبر
فرمود: (ما بجای تو از مسخره کنندگان
دفاع کافی نمودیم) خداوند هر پنج نفرشان
را در یک روز کشت و کشتن هر یک بطور
مخصوص به خودش انجام گرفت.

اما ولید بن مغیره جریانش چنین بود که
مردی از قبیله خزاعه را در کنار راه دید
که برای تیرهای خود پره میساخت یکی از
پره‌های تیر برك دست ولید (که ظاهرا با
آن مرد همکاری میکرد) سخت برخورد بطوری
که رگ اصلی آن را برید و آن قدر خون از
رگش رفت تا مرد و او همی میگفت:
پروردگار محمد مرا کشت.

و اما عاص بن وائل سهمی: برای انجام
کاری به کدا (که کوهی است در ارتفاعات
مکه) رفت سنگی که روی آن نشسته بود از
زیرش غلطید و از کوه پرت شد و پاره پاره
شد و مرد و همی ناله می‌کرد که پروردگار
محمد مرا کشت.

و اما اسود بن عبد یغوث به همراه غلامش
به پیشواز فرزندش زمعه بیرون شد و زیر
درختی که در دامنه کوه کدا بود به سایه
نشست جبرئیل به نزد وی آمد و سر او را
گرفته و به درخت کوبید اسود به غلام خود
گفت مگذار این شخص با من چنین کند غلام
گفت: من کسی را جز تو نمی‌بینم که کاری
با تو کند آنقدر سر خود به درخت کوبید

که مرد و همی فریاد میکرد پروردگار محمد
مرا کشت.

(مصنف) این کتاب گوید:

در باره اسود قول دیگری نیز طبق خبر
دیگری گفته شده است و آن اینکه پیغمبر
به او نفرین کرد که خداوند چشمش را کور
کند و داغ فرزندش را به دلش نهد و آن
روز که به استقبال فرزند به کدا رفته
بود جبرئیل به نزدش آمد و برگ سبزی بر
روی او زد که کور شد و به همان حال ماند
تا روز بدر داغ فرزندش را دید و سپس
مرد.

و اما حارث بن طلائه از خانه اش بیرون
شد و باد گرمی میوزید چون بخانه بازگشت
مانند مرد حبشی سیاه شده بود و گفت من
حارث هستم خانواده او بر او خشمناك شدند
و او را کشتند و او همی فریاد میزد مرا
پروردگار محمد کشت.

و اما اسود بن حرث، ماهی شوری خورد و
تشنگی سختی او را گرفت که پیای آب
نوشید تا شکمش ترکید و مرد و همی میگفت
پروردگار محمد مرا کشت همه این پیش
آمدها در يك ساعت بوده و سببش این بود
که اینان در محضر رسول خدا ﷺ بودند به
حضرتش عرض کردند ای محمد تا ظهر مهلتت
میدهیم اگر از گفته خود باز گشتی که چه
بهرتر و گر نه تو را خواهیم کشت پیغمبر
به اندرون خانه اش رفت و در را بروی خود
بست و از گفته آنان سخت غمناك بود که
جبرئیل همان دم به نزد پیغمبر آمد و عرض
کرد یا محمد خدای سلام به تو سلام میرساند
و میفرماید مأموریت خود را آشکارا و
بی پروا انجام بده یعنی دعوت خود را بر
اهل مکه آشکار کن و از مشرکین روی
بگردان فرمود ای جبرئیل با آنان که مرا
بمسخره گرفته اند چه سازم که مرا تهدید
نموده اند جبرئیل عرض کرد، بجای تو کسانی

را که مسخره میکردند کفایت کردیم فرمود ای جبرئیل آنان در همین ساعت نزد من بودند عرض کرد من کفایتشان کردم در این هنگام پیغمبر بکار دعوت آشکارا قیام فرمود حدیث طولانی است آنچه مورد نیاز بود از حدیث نقل کردیم و تمامی آن را در آخر جزو چهارم از کتاب نبوت نقل کرده ام.

نماز بر جنازه را پنج تکبیر است

الصلاة على الميت خمس تكبيرات
 ۲۶ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّقَّارُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عُمَرَ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ الْخَضْرَمِيِّ عَنْ أَبِي بَكْرِ الْخَضْرَمِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ قَالَ لِي يَا أَبَا بَكْرٍ أَ تَدْرِي كَمْ الصَّلَاةُ عَلَى الْمَيِّتِ قُلْتُ لَا قَالَ خَمْسٌ تَكْبِيرَاتٍ أَ فَتَدْرِي مِنْ أَيْنَ أَخَذْتَ الْخُمْسُ قُلْتُ لَا قَالَ أَخَذْتَ الْخُمْسُ مِنْ خَمْسِ صَلَوَاتٍ مِنْ كُلِّ وَاحِدَةٍ تَكْبِيرَةً

۲۶ - ابی بکر حضر می‌گوید: امام باقر عليه السلام بمن فرمود ای ابا بکر آیا میدانی نماز میت چند تکبیر است؟ عرض کردم نه، فرمود: پنج تکبیر است آیا میدانی شماره پنج از کجا گرفته شده است؟ عرض کردم نه فرمود: از نمازهای پنجگانه گرفته شده است از هر نماز یک تکبیر.

۲۷ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى وَ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَمِيعًا عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ فَضَالٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ سُفْيَانَ بْنِ السَّمْطِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ إِنَّ آدَمَ عليه السلام اشْتَكَى فَاشْتَهَى فَاكِهَةً فَاكِهَةً فَاَنْطَلَقَ هِبَةً اللَّهُ يَطْلُبُ لَهُ فَاكِهَةً فَاَسْتَقْبَلَهُ جِبْرَائِيلُ فَقَالَ لَهُ أَيْنَ

تَذَهَبُ يَا هِبَةَ اللَّهِ فَقَالَ إِنَّ آدَمَ يَشْتَكِي وَ إِنَّهُ
 اشْتَهَى فَآكِهَةً قَالَ لَهُ فَارْجِعْ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ
 قَدْ قَبِضَ رُوحَهُ قَالَ فَارْجِعْ فَوَجَدَهُ قَدْ قَبِضَهُ اللَّهُ
 فَغَسَلَتْهُ الْمَلَائِكَةُ ثُمَّ وَضِعَ وَ أَمَرَ هِبَةَ اللَّهِ أَنْ
 يَتَّقَدَّمَ وَ يُصَلِّيَ عَلَيْهِ فَتَقَدَّمَ وَ صَلَّى عَلَيْهِ وَ
 الْمَلَائِكَةُ خَلْفَهُ وَ أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهِ أَنْ
 يُكَبِّرَ عَلَيْهِ خَمْسًا وَ أَنْ يَسَلَّهُ وَ أَنْ يُسَوِّيَ
 قَبْرَهُ ثُمَّ قَالَ هَكَذَا فَاصْنَعُوا بِمَوْتَاكُمْ

۲۷ - امام صادق عليه السلام فرمود: آدم عليه السلام

بیمار شد و دلش میوه ای خواست هبة الله
 (فرزندش) رفت تا میوه ای بدست آورد
 جبرئیل اش پیش آمد و گفتش ای هبة الله کجا
 میروی؟ گفت: آدم از درد مینالد و میل به
 میوه ای پیدا کرده است جبرئیل گفت: باز
 گرد که خدای عز و جل جان آدم را گرفت
 فرمود: بازگشت و دید خدا جانش را گرفته
 است فرشتگان اش شستند و جنازه اش بر زمین
 گذاشته شد و هبة الله مأمور شد که جلو
 بایستد و نماز بر او بخواند پس هبة الله
 پیشاپیش فرشتگان و فرشتگان به دنبالش بر
 آدم نماز خواندند و خدای عز و جل بر او
 وحی کرد که پنج تکبیر بر جنازه بگویند و
 از طرف پائین با مدارا به میان قبرش
 بگذارند و قبر را با زمین مسطح و مساوی
 نماید سپس فرمود شما نیز با مردگان خود
 این چنین رفتار کنید.

ترس از خدا بر پنج قسم است

أنواع الخوف خمسة

خوف و خشية و وجل و رهبة و هيبه
 فالخوف للعاصين و الخشية للعالمين و
 الوجع للمخبتين و الرهبة للعابدين و
 الهيبة للعارفين. أما الخوف فلأجل الذنوب
 قال الله عز و جل وَ لِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ
 وَ الْخَشْيَةَ لِأَجْلِ رُؤْيَا التَّقْصِيرِ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ
 جَلَّ إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ. وَ أَمَا

الوجل فلأجل ترك الخدمة قال الله عز و جل
 الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَّتْ قُلُوبُهُمْ .
 و الرهبة لرؤية التقصير قال الله عز و جل
 وَ يَدْعُونَنَا رَغَبًا وَ رَهَبًا . و الهيبة لأجل
 شهادة الحق عند كشف الأسرار أسرار
 العارفين قال الله عز و جل وَ يُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ
 يشير إلى هذا المعنى.

وَ رُوِيَ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ أَنَّهُ كَانَ إِذَا صَلَّى سَمِعَ
 لِيَصْدَرِهِ أَزِيْزٌ كَأَزِيْزِ الْمِرْجَلِ مِنَ الْهَيْبَةِ :
 حدثنا بذلك أبو محمد عبد الله بن حامد رفعه
 إلى بعض الصالحين ع

خوف و خشية و وجل و رهبة و هيبة
 گنهكاران را خوف است و دانشمندان را
 خشیت و فروتنان و شکسته دلان را وجل و
 عبادت پیشه‌گان را رهبت و مردان عارف را
 هیبت.

اما خوف که برای گناهان است خداوند
 فرماید کسی که از پروردگارش بترسد بهشت
 پاداش او است و اما خشية برای این است
 که خود را مقصر به بیند خداوند فرماید
 از میان بندگان خدا فقط بندگان دانشمند
 از خداوند به خشیت‌اند. و اما وجل برای
 این است که از خدمت باز مانده است خدای
 عز و جل فرماید آنانی که چون خدای
 بیادشان افتد دل‌هایشان میلرزد و رهبت
 برای این است که خود را مقصر می‌بینند
 خداوند عز و جل فرماید ما را از روی شوق
 و ترس می‌خوانند و هیبت برای این است که
 چون پرده از روی اسرار بر عارفان
 برداشته شود حق را به عیان بینند خدا که
 میفرماید خداوند شما را از خویش
 میترساند به این معنی اشاره فرماید و از
 پیغمبر روایت شده است که چون به نماز
 میایستاد از هیبت حق آواز جوشش سینه‌اش
 که همچون دیگ در جوش و خروش بود بگوش
 میرسید.

این روایت را ابو محمد عبد الله بن حامد
از بعضی از امامان برای ما نقل کرد،

پنج خصلت را خدای عز و جل و رسولش دوست دارند

خمس خصال یحبها الله عز و جل و رسوله ص
۲۹ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ
اللَّهِ الْبَرْقِيُّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ هِشَامِ بْنِ
سَالِمٍ عَنِ أَبِي عُبَيْدَةَ الْحَدَّاءِ عَنِ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام
قَالَ أَتَى النَّبِيَّ صلى الله عليه وآله بِأَسَارَى فَأَمَرَ بِقَتْلِهِمْ وَ
خَلَّى رَجُلًا مِنْ بَيْنِهِمْ فَقَالَ الرَّجُلُ يَا نَبِيَّ اللَّهُ
كَيْفَ أَطَلَقْتَ عَنِّي مِنْ بَيْنِهِمْ فَقَالَ أَخْبَرَنِي
جِبْرَائِيلُ عَنِ اللَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ أَنَّ فِيكَ خَمْسَ خِصَالٍ
يُحِبُّهَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ الْعَيْرَةَ الشَّدِيدَةَ عَلَى
حَرَمِكَ وَالسَّخَاءَ وَحُسْنَ الْخُلُقِ وَصِدْقَ اللِّسَانِ
وَ الشَّجَاعَةَ فَلَمَّا سَمِعَهَا الرَّجُلُ أَسْلَمَ وَحَسَنَ
إِسْلَامُهُ وَ قَاتَلَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله قِتَالًا شَدِيدًا
حَتَّى اسْتَشْهَدَ

۲۹ - امام باقر عليه السلام فرمود: اسیرانی چند
به نزد پیغمبر آوردند پیغمبر دستور
فرموده آنان را بکشند و مردی را از میان
آنان رها فرمود آن مرد عرض کرد ای
پیغمبر خدای برای چه مرا از میان اینان
رها فرمودی فرمود: جبرئیل مرا از جانب
خداوند خبر داد که تو را پنج خصلت است
خصلتهائی که خدا و رسولش آنها را دوست
میدارد نسبت به اهل و عیالت سخت
غیرتمندی و سخاوت و خوش خلقی و راستگوئی
و شجاعت داری چون آن مرد این سخن شنید
اسلام آورد و نیکو مسلمانی شد و در رکاب
رسول خدا صلى الله عليه وآله جنگ سختی نمود تا به درجه
شهادت رسید.

ثروت اندوخته نشود مگر با پنج خصلت

لا یجتمع المال إلا بخصال خمس
۳۰ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ هَارُونَ الْقَامِيُّ قَالَ
حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ بْنِ بُطَّةَ قَالَ حَدَّثَنَا
مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى
عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيْعٍ قَالَ سَمِعْتُ
الرَّضَاءَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ لَا يَجْتَمِعُ الْمَالُ إِلَّا بِخِصَالٍ
خَمْسٍ بِبُخْلِ شَدِيدٍ وَ أَمَلٍ طَوِيلٍ وَ حِرْصٍ غَالِبٍ وَ
قَطِيعَةٍ الرَّحِمِ وَ إِثَارِ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ
۳۰ - محمد بن اسماعیل بن بزیع گوید:
شنیدم از امام رضا عَلَيْهِ السَّلَامُ که میفرمود ثروت
اندوخته نشود مگر با پنج خصلت: بخلی
فراوان و آرزویی دراز و آزی زیاد از حد
و گسستن از خویشان و برگزیدن دنیا بر
آخرت.

پاداش کسی که پنج بار عمل حج بجا آورد

ثواب من حج خمس حجج
۳۱ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ
بْنُ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى بْنِ عِمْرَانَ الْأَشْعَرِيُّ قَالَ
حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْمُعَاذِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ
خَالِدِ الطَّيَالِسِيِّ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ أَبِي
بَكْرِ الْحَضْرَمِيِّ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا لِمَنْ
حَجَّ خَمْسَ حَجَجٍ قَالَ مَنْ حَجَّ خَمْسَ حَجَجٍ لَمْ يُعَذِّبْهُ
اللَّهُ أَبَدًا

۳۱ - ابی بکر حضر می‌گوید: به امام
صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ عرض کردم کسی که پنج بار عمل حج
بجا آورد چه پاداشی
دارد؟ فرمود کسی که پنج بار حج کند
خداوند هرگز عذابش نکند.

خدای عز و جل روز رستاخیز بر پنج طائفه حجت تمام کند

يحتج الله عز و جل يوم القيامة على خمسة
٣٢ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ
عَلِيِّ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ حَرِيزِ
عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ إِذَا كَانَ يَوْمُ
الْقِيَامَةِ احْتَجَّ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَيَّ خَمْسَةَ عَلَيَّ
الطُّفْلِ وَ الَّذِي مَاتَ بَيْنَ النَّبِيِّينَ وَ الَّذِي
أَذَرَكَ النَّبِيَّ وَ هُوَ لَا يَعْقِلُ وَ الْأَبْلَهَ وَ
الْمَجْنُونِ الَّذِي لَا يَعْقِلُ وَ الْأَصْمَ وَ الْأَبْكَمَ فَكُلُّ
وَاحِدٍ مِنْهُمْ يَحْتَجُّ عَلَيَّ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ قَالَ فَيَبْعَثُ
اللَّهُ عَلَيْهِمْ رَسُولًا فَيُوجِّحُ لَهُمْ نَارًا فَيَقُولُ لَهُمْ
رَبُّكُمْ يَا مُرْكُمُ أَنْ تَثْبُتُوا فِيهَا فَمَنْ وَثَبَ فِيهَا
كَانَتْ عَلَيْهِ بَرْدًا وَ سَلَامًا وَ مَنْ عَصَى سِيقَ إِلَيَّ
النَّارِ

قال مصنف هذا الكتاب رضى الله عنه إن
قوما من أصحاب الكلام ينكرون ذلك و
يقولون إنه لا يجوز أن يكون فى دار
الجزاء تكليف و دار الجزاء للمؤمنين
إنما هى الجنة و دار الجزاء للكافرين
إنما هى النار و إنما يكون هذا التكليف
من عند الله عز و جل لهم فى غير الجنة و
النار فلا يكون كلفهم فى دار الجزاء ثم
يصيرهم إلى الدار التى يستحقونها
بطاعتهم أو معصيتهم فلا وجه لإنكار ذلك و
لا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

٣٢ - امام باقر عليه السلام فرمود: چون روز
قيامت شود خداوند به پنج طائفه حجت را
تمام کند بر كودك و آنكه در فاصله دو
پيغمبر از دنيا رفته است (زمان فترت) و
كسى كه زمان پيغمبر را درك کرده ولى (در
اثر زيادى سن) شعور خود را از دست داده
و سفيه و ديوانه‌اى كه (در دوره سال)
عاقل نگردد و كر و لال كه هر يك از اينان
در پيشگاه الهى براى بي‌گناهى خود دليل

می‌آوردند آن حضرت فرمود که خداوند پیغمبری بر آنان مبعوث میفرماید آن پیغمبر آتشی برای آنان میفروزد و بآنان پیشنهاد میکند که به میان این آتش به جهید پس هر کس در آتش جهید آن آتش بر او سرد و سلامت گردد و هر کس سرپیچی نمود به دوزخ رانده شود.

(مصنف) این کتاب گوید:

طائفه از متکلمین این جریان را انکار کنند و میگویند که در عالم جزاء تکلیف نباید باشد به اینان باید گفت که عالم پاداش برای مؤمنین بهشت است و برای کافران دوزخ و این تکلیف که از طرف خداوند بر این گروه می‌شود نه در بهشت است و نه در جهنم پس در دار جزاء تکلیفی به آنان نکرده است بلکه پس از تکلیف با توجه بفرمانبری و سرپیچی‌شان آنان را بجائی می‌برد که سزاوار آن باشند. بنا بر این انکار این حدیث وجهی ندارد و لا قوة الا بالله.

خوردن پنج عضو گوسفند بد است
 يَكْرَهُ أَكْلَ خَمْسَةِ أَشْيَاءَ مِنَ الشَّاةِ
 ۳۳ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ
 قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ
 أَحْمَدَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ هَلَالٍ عَنْ عَيْسَى بْنِ عَبْدِ اللَّهِ
 الْهَاشِمِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ
 عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ قَالَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ يَكْرَهُ أَكْلَ
 خَمْسَةِ الطَّحَالِ وَالْقَضِيْبِ وَالْأُنْثِيَيْنِ وَالْحَيَاءِ وَآذَانَ الْقَلْبِ

۳۳ - امیر المؤمنین عليه السلام فرمود: رسول خدا ﷺ را خوردن پنج چیز (از گوسفند) خوش آیند نبود ۱ - سپرز ۲ - آلت نری - ۳ - خایه‌ها ۴ - فرج ۵ - و گوشه‌های دل.

هر کس یکی از پنج خصلت را نداشته باشد بهره فراوانی نخواهد داشت

خمس خصال من لم تكن فيه واحدة منهن
فليس فيه كثير مستمتع
۳۴ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ
قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الرَّازِيُّ عَنْ سَجَادَةَ عَنْ
دُرُسْتٍ عَنْ أَبِي خَالِدٍ السَّجِسْتَانِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ
اللَّهِ عليه السلام قَالَ خَمْسُ خِصَالٍ مَنْ لَمْ تَكُنْ فِيهِ خِصْلَةٌ
مِنْهَا فَلَيْسَ فِيهِ كَثِيرٌ مُسْتَمْتِعٌ أَوْلَاهَا الْوَفَاءُ
وَ الثَّانِيَةُ التَّدْبِيرُ وَ الثَّالِثَةُ الْحَيَاءُ وَ
الرَّابِعَةُ حُسْنُ الْخُلُقِ وَ الْخَامِسَةُ وَ هِيَ تَجْمَعُ
هَذِهِ الْخِصَالَ الْخُرَيْيَّةَ

۳۴ - امام صادق عليه السلام فرمود: پنج خصلت
است که در هر کس یکی از آن پنج نباشد
بهره فراوانی ندارد نخست وفا است دوم
تدبیر سوم حياء چهارم خوش خلقی پنجم که
جامع همه این صفات است آزادی است

۳۵ - وَ قَالَ عليه السلام خَمْسُ خِصَالٍ مَنْ فَقَدَ وَاحِدَةً
مِنْهُنَّ لَمْ يَزَلْ نَاقِصَ الْعَيْشِ زَائِلَ الْعَقْلِ
مَشْغُولَ الْقَلْبِ فَأَوْلَاهَا صِحَّةُ الْبَدَنِ وَ الثَّانِيَةُ
الْأَمْنُ وَ الثَّالِثَةُ السَّعَةُ فِي الرِّزْقِ وَ
الرَّابِعَةُ الْأَنْبِيَسُ الْمُوَافِقُ قُلْتُ وَ مَا الْأَنْبِيَسُ
الْمُوَافِقُ قَالَ الرِّزْقُ الصَّالِحُ وَ الْوَلَدُ
الصَّالِحُ وَ الْخَلِيْطُ الصَّالِحُ وَ الْخَامِسَةُ وَ هِيَ
تَجْمَعُ هَذِهِ الْخِصَالَ الدَّعَةَ

۳۵ - فرمود: پنج خصلت است که هر کس
یکی از آن پنج را نداشته باشد همیشه کار
زندگی اش ناتمام و عقلش از دست رفته و
خاطرش پریشان است.

نخست تندرستی دوم امنیت سوم وسعت روزی
چهارم همدم موافق عرض کردم همدم موافق
چیست فرمود همسر شایسته و فرزند شایسته
و همنشین شایسته پنجم که جامع همه این
خصلتها است آسایش است.

نماز را نباید دوباره خواند مگر در صورتی که یکی از پنج چیز کم داشته باشد

لا تعاد الصلاة إلا من خمسة

۳۶ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ حَمَادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ حَرِيْزٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ لَا تُعَادُ الصَّلَاةُ إِلَّا مِنْ خَمْسَةٍ الطَّهُّورِ وَالْوَقْتِ وَالْقِبْلَةِ وَالرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ ثُمَّ قَالَ عليه السلام الْقِرَاءَةُ سُنَّةٌ وَالتَّشَهُدُ سُنَّةٌ وَالتَّكْبِيرُ سُنَّةٌ وَلَا تَنْقُضُ السُّنَّةَ الْفَرِيضَةَ

۳۶ - امام صادق عليه السلام فرمود: نماز را نباید دوباره خواند مگر از پنج چیز کسری داشته باشد طهارت و وقت و قبله و رکوع و سجود و سپس فرمود حمد و سوره خواندن در نماز سنت است و تشهد سنت است و تکبیر سنت است و نباید فریضه سنت را در هم شکند.

(شرح)

سنت حکمی را گویند که از دستور پیغمبر استفاده شده باشد و فریضه حکمی است که از قرآن استفاده شود.

هیچ خصلتی کمتر از پنج خصلت قسمت بندگان نشده است لم يقسم بين العباد أقل من خمس خصال

۳۷ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عَيْسَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ لَمْ يُقْسَمَ بَيْنَ الْعِبَادِ أَقْلٌ مِنْ خَمْسِ الْيَقِينِ وَالْقَنُوعِ وَالصَّبْرِ وَالشُّكْرِ وَالَّذِي يَكْمُلُ لَهُ هَذَا كُلُّهُ الْعَقْلُ

۳۷ - امام صادق عليه السلام فرمود: در میان بندگان کمتر از پنج خصلت قسمت نشده است.

۱ - یقین ۲ - قناعت ۳ - شکیبائی ۴ -
شکرگزاری ۵ - و آنچه همه اینها را برای
انسان تکمیل میکند یعنی خرد.

شیطان ملعون در پنج کس راه چاره‌ای ندارد

خمسة أشياء ليس لإبليس لعنه الله فيهن
حيلة

۳۸ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ هَارُونَ الْقَامِيُّ رَضِيَ
اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ بْنِ بُطَّةَ
قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيُّ عَنْ
أَبِيهِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى يَرْفَعُهُ إِلَيَّ أَبِي
عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ قَالَ إِبْلِيسُ خَمْسَةَ أَشْيَاءَ
لَيْسَ لِي فِيهِنَّ حِيلَةٌ وَ سَائِرُ النَّاسِ فِي قَبْضَتِي
مَنْ اعْتَصَمَ بِاللَّهِ عَنْ نِيَّةٍ صَادِقَةٍ وَ اتَّكَلَّ عَلَيْهِ
فِي جَمِيعِ أُمُورِهِ وَ مَنْ كَثُرَ تَسْبِيحُهُ فِي لَيْلِهِ
وَ نَهَارِهِ وَ مَنْ رَضِيَ لِأَخِيهِ الْمُؤْمِنِ بِمَا يَرْضَاهُ
لِنَفْسِهِ وَ مَنْ لَمْ يَجْزَعْ عَلَى الْمُصِيبَةِ حِينَ
تُصِيبُهُ وَ مَنْ رَضِيَ بِمَا قَسَمَ اللَّهُ لَهُ وَ لَمْ يَهْتَمَّ
لِرِزْقِهِ

۳۸ - امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود شیطان گوید
که مرا به پنج کس راه چاره‌ای نیست ولی
دیگران در چنگ مانند کسی که با صدق نیت
پناهنده به خدا شود و در همه کارهایش
بخدا توکل کند و کسی که در شبانه روزش
فراوان تسبیح خدا را گوید و کسی که برای
برادر مؤمنش آنچه را پسندد که برای خود
می‌پسندد و کسی که به هنگام مصیبت بی‌تابی
نکند و کسی که خشنود باشد به آنچه
خداوند برای او قسمت فرموده و دیگر غم
روزی خویش نخورد

کسی که بازرگانی کند باید از پنج خصلت دوری کند

من اتجر فليجتنب خمس خصال
۳۹ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي إِبْرَاهِيمُ بْنُ هَاشِمٍ
عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ
أَبِيهِ عَنِ آبَائِهِ عَنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ
اللَّهِ ﷺ مَنْ بَاعَ وَ اشْتَرَى فَلْيَجْتَنِبْ خَمْسَ خِصَالٍ وَ
إِلَّا فَلَا يَبِيعَنَّ وَ لَا يَشْتَرِيَنَّ الرَّبَا وَ الْخَلْفَ وَ
كِتْمَانَ الْعَيْبِ وَ الْمَدْحَ إِذَا بَاعَ وَ الدَّمَ إِذَا
اشْتَرَى

۳۹ - رسول خدا ﷺ فرمود: هر که خرید و فروش کند باید از پنج خصلت اجتناب نماید و گر نه حتما نباید نه چیزی بفروشد و نه چیزی بخرد: ربا و سوگند و پوشاندن عیب جنس و ستایش جنس به هنگام فروش و بدگوئی از آن به هنگام خرید.
(شرح)

ربا: یعنی بر زیادتی فروختن دو چیز هم جنس که هر دو با کیل و یا وزن فروخته شود.

پنج چیز روزه را باطل میکند

خمسة أشياء تفسر الصائم
۴۰ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ
قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ أَحْمَدَ
بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ
خَالِدٍ بِإِسْنَادِهِ رَفَعَهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ
خَمْسَةٌ أَشْيَاءُ تُفْطِرُ الصَّائِمَ الْأَكْلُ وَ الشُّرْبُ وَ
الْجِمَاعُ وَ الْإِرْتِمَاسُ فِي الْمَاءِ وَ الْكَذِبُ عَلَى
اللَّهِ وَ عَلَى رَسُولِهِ وَ عَلَى الْأَئِمَّةِ

۴۰ - امام صادق علیه السلام فرمود: پنج چیز روزه روزه دار را باطل میکند: خوردن و آشامیدن و انجام امر جنسی و سر زير آب

فرو بردن و بر خدا و رسول و امامان دروغ بستن.

فرمایش علی علیه السلام که پنج چیز ویژه ما است

قول علی عليه السلام خصصنا بخمسة

٤٠ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ الطَّالِقَانِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو سَعِيدٍ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ الْعَدَوِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ خَلِيلَانَ بْنِ عَلِيٍّ الْعَبَّاسِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي خَلِيلَانَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ آبَائِهِ قَالَ قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام خُصِّصْنَا بِخَمْسَةِ بِفَصَاحَةٍ وَ صَبَاحَةٍ وَ سَمَاحَةٍ وَ نَجْدَةٍ وَ حُظُوةٍ عِنْدَ النِّسَاءِ ٤٠ - علی عليه السلام فرمود: پنج چیز ویژه ما است گفتار شیوا صورت زیبا جوانمردی و دلیری و بهره‌مندی از زنان.

پنج دسته با طبع آتشین آفریده شده‌اند

خمسة خلقوا ناریین

٤١ - حَدَّثَنَا أَبِي وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَا حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ وَ أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ جَمِيعاً عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى بْنِ عِمْرَانَ الْأَشْعَرِيِّ بِإِسْنَادِهِ رَفَعَهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ خَمْسَةَ خُلِقُوا نَارِيِّينَ الطَّوِيلُ الدَّاهِبُ وَ الْقَصِيرُ الْقَمِيءُ وَ الْأَزْرَقُ بِحُضْرَةٍ وَ الزَّائِدُ وَ النَّاقِصُ

٤١ - امام صادق عليه السلام فرمود: پنج دسته آتشین طبع آفریده شده‌اند شخص بسیار بلند قامت و کوتاه قد ریز اندام و چشم آبی سبزه رو و کسی که از خلقت اصلی عضوی زیاد و یا کم داشته باشد.

از پنج کس در هر حال باید اجتناب شود

خمسة يجتنبون على كل حال
٤٢ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوِيهِ رَضِيَ
اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ
مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ
سِنَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الدُّهْقَانِ عَنْ
دُرُسْتٍ عَنْ أَبِي إِسْرَاهِيمَ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ
اللَّهِ صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم خَمْسَةٌ يُجْتَنَّبُونَ عَلَى كُلِّ حَالٍ الْمَجْذُومُ وَالْأَبْرَصُ وَالْمَجْنُونُ وَالزَّانَا وَالْأَعْرَابِيُّ
٤٢ - رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم فرمود: از پنج کس در
هر حال باید اجتناب شود مبتلا به بیماری
خوره و دیوانه و زنا زاده و عرب
بیابانی.

دانش را پنج درجه است

درجات العلم خمسة
٤٣ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ
الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ
الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ
عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَيْمُونِ الْقَدَّاحِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ
مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عليه السلام قَالَ جَاءَ رَجُلٌ إِلَى
النَّبِيِّ صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا الْعِلْمُ قَالَ
الْإِنصَاتُ قَالَ ثُمَّ مَهْ قَالَ الْإِسْتِماعُ لَهُ قَالَ ثُمَّ
مَهْ قَالَ الْحِفْظُ لَهُ قَالَ ثُمَّ مَهْ قَالَ الْعَمَلُ بِهِ
قَالَ ثُمَّ مَهْ قَالَ ثُمَّ نَشْرُهُ
٤٣ - امام باقر عليه السلام فرمود: مردی بخدمت
پیغمبر رسید و عرضکرد یا رسول الله دانش
چیست؟

فرمود: خاموشی برای فرا گرفتنش عرض
کرد سپس چیست؟ فرمود: گوش فرا دادن برای
دانش عرض کرد سپس چیست؟ فرمود: بخاطر
سپردن عرضکرد سپس چیست؟ فرمود: عمل کردن
به آنچه فرا گرفته است عرضکرد: سپس
چیست؟ فرمود: سپس پخش کردن دانشی که فرا
گرفته است.

پنج کار و پیشه زشت و ناپسند است

خمس صناعات مکروهة

٤٤ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ الدُّهْقَانِ عَنْ دُرُسْتِ بْنِ إِسْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ ﷺ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَدْ عَلَّمْتُ ابْنِي هَذَا الْكِتَابَةَ فِي أَيِّ شَيْءٍ أَسْلِمَهُ قَالَ أَسْلِمَهُ لِلَّهِ أَبُوكَ وَ لَا تُسْلِمَهُ فِي خَمْسٍ لَا تُسْلِمُهُ سَبَاءً وَ لَا صَائِغًا وَ لَا قَصَابًا وَ لَا حَنَاطًا وَ لَا نَخَّاسًا فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا السَّبَاءُ فَقَالَ الَّذِي يَبِيعُ الْأَكْفَانَ وَ يَتَمَنَّى مَوْتَ أُمَّتِي وَ لَلْمَوْلُودِ مِنْ أُمَّتِي أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ وَ أَمَّا الصَّائِغُ فَإِنَّهُ يُعَالِجُ عَبْنَ أُمَّتِي وَ أَمَّا الْقَصَابُ فَإِنَّهُ يَذْبَحُ حَتَّى تَذْهَبَ الرَّحْمَةُ مِنْ قَلْبِهِ وَ أَمَّا الْحَنَاطُ فَإِنَّهُ يَحْتَكِرُ الطَّعَامَ عَلَى أُمَّتِي وَ لِأَنَّ يَلْقَى اللَّهَ الْعَبْدَ سَارِقًا أَحَبُّ إِلَيْهِ مِنْ أَنْ يَلْقَاهُ قَدِ احْتَكَرَ طَعَامًا أَرْبَعِينَ يَوْمًا وَ أَمَّا النَّخَّاسُ فَإِنَّهُ قَدْ أَتَانِي جِبْرَائِيلُ عليه السلام فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ شَرَّ أُمَّتِكَ الَّذِينَ يَبِيعُونَ النَّاسَ

٤٤ - موسى بن جعفر عليه السلام فرمود: مردی خدمت پیغمبر رسید عرضکرد یا رسول الله من به این فرزندم نوشتن را آموختم به چه کاری بگذارم فرمود: به هر کاری که خواهی اش و ادار، مرد محترم، ولی به پنج کارش مگذار سبأ و زرگر و قصاب و گندم فروش و بنده فروشش مکن عرضکرد: یا رسول الله سبأ کیست؟ فرمود: آنکه کفن فروشی کند و در آرزوی مرگ امت من است در صورتی که من یک نوزاد از امت خودم را دوست تر دارم از آنچه آفتاب بر آن میتابد و اما زرگر برای اینکه او همواره با زیان اتم دست به گریبان است و اما قصاب برای

اینکه آنقدر سر میبرد تا رحم از دلش
 می‌رود و اما گندم فروشی برای اینکه مواد
 خوراکی امت مرا انبار میکند و اگر
 بنده‌ای با دزد پیشه‌گی بمیرد بهتر است که
 با انبار داری چهل روز خوار و بار، و
 اما برده فروشی برای اینکه جبرئیل نزد
 من آمد و گفت یا محمد برآستی بدترین
 افراد امت تو برده فروشانند.

به پنج کس زکات نمیرسد

خمسة لا يعطون من الزكاة
 ٤٥ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ
 قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ
 بْنِ أَحْمَدَ عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ إِبرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ
 عَنْ أَبِي طَالِبٍ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الصَّلْتِ الْقُمِّيِّ عَنْ
 عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا يَرْفَعُونَهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام
 أَنَّهُ قَالَ خَمْسَةٌ لَا يُعْطَوْنَ مِنَ الزَّكَاةِ الْوَالِدُ وَ
 الْوَالِدَانِ وَ الْمَرْأَةُ وَ الْمَمْلُوكُ لِأَنَّهُ يُجْبَرُ
 الرَّجُلُ عَلَى النِّفْقَةِ عَلَيْهِمْ
 ٤٥ - امام صادق عليه السلام فرمود: به پنج کس
 زکات نرسد فرزند و پدر و مادر و همسر و
 بنده برای اینکه شخص بایستی مخارج اینان
 را به پردازد.

نماز جماعت با کمتر از پنج نفر صحیح نیست

لا يكون جماعة بأقل من خمسة
 ٤٦ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
 سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى
 عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ أَبِي نَصْرِ الْبَزَنْطِيِّ عَنْ
 عَاصِمِ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ الْحَنَاطِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ
 عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ لَا تَكُونُ جَمَاعَةٌ بِأَقْلٍ مِنْ
 خَمْسَةٍ

۴۶ - امام باقر علیه السلام فرمود: نماز جماعت با کمتر از پنج نفر صحیح نیست. (شرح-)

مقصود نماز جمعه است چنانچه در روایت دیگر تصریح شده است.

از میوه‌های بهشتی پنج میوه در دنیا است

خمس من فاكهة الجنة في الدنيا
۴۷ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ سُلَيْمَانَ الْكُوفِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى الطَّحَّانِ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ خَمْسٌ مِنَ فَاكِهَةِ الْجَنَّةِ فِي الدُّنْيَا الرُّمَّانُ الْإِمْلِيسِيُّ وَ التُّفَّاحُ وَ السَّقْرَجُلُ وَ الْعِنْبُ وَ الرُّطْبُ الْمُشَانُ

۴۷ - امام صادق علیه السلام فرمود: از میوه‌های بهشتی پنج نمونه در دنیا است انار دشتی و سیب و به و انگور و خرماي تازه مشان. (شرح-)

مشان نوعی است از بهترین نوع خرما

رسول خدا صلی الله علیه و آله پنج چیز را غدقن فرموده است

نهى رسول الله صلی الله علیه و آله عن خمسة أشياء
۴۸ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ وَ عَبْدِ اللَّهِ ابْنِي مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنِ الْحَلِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ قَالَ عَلِيٌّ عليه السلام نَهَانِي رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ لَا أَقُولُ نَهَاكُمْ عَنِ التَّخْتُمِ بِالذَّهَبِ وَ عَنِ ثِيَابِ الْقَسِيِّ وَ عَنِ مَيَاثِرِ الْأَرْجُوانِ وَ عَنِ الْمَلَاخِيفِ الْمُفْدَمَةِ وَ عَنِ الْقِرَاءَةِ وَ أَنَا رَاكِعٌ

قال مصنف هذا الكتاب رضى الله عنه ثياب القسى هي ثياب يؤتى بها من مصر يخالطها الحرير

٤٨ - امام صادق عليه السلام فرمود: على عليه السلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه وآله مرا نهی کرد (و نمی‌گویم شما را نهی کرد) از انگشتر طلا بدست کردن و از پوشیدن جامه‌های قسى و از زین پوش‌های سرخ رنگ و از روپوش‌های بسیار سرخ و از قرآن خواندن در حال رکوع. (مصنف) این کتاب گوید:

جامه‌های قسى جامه‌هائی است که از مصرش می‌آورند و مخلوط با حریر یافته شده است.

پنج چیز است که خداوند هیچ کس از آفریدگان را بر آن آگاه نکرده است

خمسة لم يطلع الله عليها أحدا من خلقه
٤٩ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ حَمَّادٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ أَبِي أَسَامَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ قَالَ لِي أَبِي أَلَا أُخْبِرُكَ بِخَمْسَةٍ لَمْ يُطْلَعْ اللَّهُ عَلَيْهَا أَحَدًا مِنْ خَلْقِهِ قُلْتُ بَلَى قَالَ إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَ يُنَزَّلُ الْغَيْثَ وَ يَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْحَامِ وَ مَا تَدْرِي نَفْسٌ مَاذَا تَكْسِبُ عَدَاً وَ مَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ

٤٩ - امام صادق عليه السلام فرمود: پدرم مرا فرمود: آیا تو را آگاه نکنم از پنج چیزی که خداوند هیچ يك از آفریدگان را بر آن آگاه نکرده است؟ گفتم: چرا، فرمود: بر راستی که آگاهی از روز رستاخیز فقط نزد خدا است و خداوند، باران فرود می‌آورد و آگاه است از آنچه در رحم مادران است و کس چه داند که فردا چکار خواهد کرد و کس

چه داند در چه سرزمینی خواهد مرد برآستی
که خداوند بسی دانا و آگاه هست.

کامل بودن دین مسلمان از پنج خصلت شناخته می‌شود

يعرف كمال دين المسلم بخمس خصال
٥٠ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكَّلِ
رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ
الْجَمِيرِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ
الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي وَوَلَادِ الْحَنَاطِ عَنْ
أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليهما السلام
يَقُولُ إِنَّ الْمَعْرِفَةَ بِكَمَالِ دِينِ الْمُسْلِمِ تَرْكُهُ
الْكَلَامَ فِيمَا لَا يَغْنِيهِ وَ قِلَّةَ الْمِرَاءِ وَ حِلْمَهُ
وَ صَبْرَهُ وَ حُسْنَ خُلُقِهِ

٥٠ - امام صادق عليه السلام فرمود: امام
زين العابدين عليه السلام همواره میفرمود: که
راه شناسائی به کمال دین مسلمان سخن
بیهوده نگفتن و در گفتار کمتر خود نمائی
کردن و بردباری و شکیبائی و خوش خلقی او
است.

پنج چیز است که خمس در آنها واجب است ما يجب فيه الخمس «خمس»

٥١ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ
مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَمَّارِ
بْنِ مَرْوَانَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَقُولُ فِيمَا
يُخْرَجُ مِنَ الْمَعَادِنِ وَ الْبَحْرِ وَ الْعَنِيمَةِ وَ
الْحَلَالِ الْمُخْتَلِطِ بِالْحَرَامِ إِذَا لَمْ يُعْرِفْ
صَاحِبَهُ وَ الْكُنُوزِ الْخُمْسُ

٥١ - عمار بن مروان گوید: شنیدم از
امام صادق که میفرمود: در آنچه از معدن
و یا دریا استخراج گردد و غنیمت جنگی و
مال حلالی که بمال کس دیگر از راه حرام

آمیخته شود و آن کس: (صاحب مال) شناخته نشود و در گنجها خمس دادن واجب است.

۵۲ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ يَزِيدَ النَّوْفَلِيِّ عَنِ الْيَعْقُوبِيِّ عَنِ عَيْسَى بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْعَلَوِيِّ عَنِ أَبِيهِ عَنِ جَدِّهِ عَنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام قَالَ إِنَّ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَمَّا حَرَّمَ عَلَيْنَا الصَّدَقَةَ أَنْزَلَ لَنَا الْخُمْسَ فَالْصَّدَقَةُ عَلَيْنَا حَرَامٌ وَالْخُمْسُ لَنَا فَرِيضَةٌ وَالْكَرَامَةُ لَنَا حَلَالٌ

۵۲ - امام صادق عليه السلام فرمود: براستی، آن خدائی که به جز او معبود برحقى نیست چون زکات گرفتن را بر ما روا نداشت آیه خمس را در باره ما فرو فرستاد پس زکات بر ما حرام است و خمس برای ما از طرف خداوند واجب شده است و گرفتن پیشکشی بر ما حلال است.

۵۳ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ زِيَادِ بْنِ جَعْفَرِ الْهَمْدَانِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنِ أَبِيهِ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ غَيْرِ وَاحِدٍ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ الْخُمْسُ عَلَى خَمْسَةِ أَشْيَاءَ عَلَى الْكُنُوزِ وَالْمَعَادِنِ وَالْعَوَاصِ وَالْغَنِيمَةِ وَنَسِيِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ الْخَامِسَ

قال مصنف هذا الكتاب رضى الله عنه أظن الخامس الذى نسيه ابن ابي عمير ما لا يرثه الرجل و هو يعلم أن فيه من الحلال و الحرام و لا يعرف أصحاب الحرام فيؤديه إليهم و لا يعرف الحرام بعينه فيجتنبه فيخرج منه الخمس

۵۳ - امام صادق عليه السلام فرمود: خمس بر پنج چیز است بر گنجها و كانها و آنچه به غواصی از دریا و یا به غنیمت از جنگ بدست آید و ابن ابی عمیر (که راوی خبر است) پنجمی را فراموش کرده بود.

(مصنف) این کتاب گوید: بگمانم پنجمی که ابن ابی عمیر فراموشش نموده مالی است که بشخصی بارث رسیده باشد و او میداند که در آن حلال و حرام بهم آمیخته است نه صاحب مال حرام را میشناسد و نه خود مال مشخص است تا از آن کناره گیرد که از چنین مالی باید خمس بپردازد.

پنج رود روی زمین را جبرئیل با پای خود کند

خمسة أنهار فى الأرض كراها جبرئيل عليه السلام
برجله

٥٤ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا يَعْقُوبُ بْنُ يَزِيدَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبَخْتَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ إِنَّ جَبْرَائِيلَ كَرَى بِرَجْلِهِ خَمْسَةَ أَنْهَارٍ وَ لِسَانَ الْمَاءِ يَتَّبِعُهُ الْفِرَاتُ وَ الدَّجْلَةُ وَ نَيْلُ مِصْرَ وَ مِهْرَانُ وَ نَهْرُ بَلْخِ فَمَا سَقَتْ أَوْ سَقِيَ مِنْهَا فَلِلْإِمَامِ وَ الْبَحْرُ الْمُطِيفُ بِالدُّنْيَا

٥٤ - امام صادق عليه السلام فرمود: جبرئیل با پای خود پنج رودخانه کند که دهانه آب بدنبال او کشیده میشود، فرات و دجله و نیل مصر و مهران ورود بلخ هر زمینی را که این رودها سیراب کنند و یا با آبگیری از این رودها سیراب شود و دریائی که گرداگرد جهان را فرا گرفته است از آن امام است.

از جانب پنج نفر يك گاو قربانی بس است

زیرا کسانی که در بنی اسرائیل دستور کشتن گاو یافتند پنج نفر بودند البقرة فی الأضحیة تجزی عن خمسة لأن الذین أمرهم الله عز و جل بذبح البقرة فی بنی اسرائیل كانوا خمسة

۵۵ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ السَّعْدَآبَادِيُّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَعْبُدٍ عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ قُلْتُ لَهُ عَنْ كَمْ تُجْزَى الْبَدَنَةُ قَالَ عَنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ قُلْتُ فَالْبَقَرَةُ قَالَ تُجْزَى عَنْ خَمْسَةٍ إِذَا كَانُوا يَأْكُلُونَ عَلَى مَائِدَةٍ وَاحِدَةٍ قُلْتُ كَيْفَ صَارَتْ الْبَدَنَةُ لَا تُجْزَى إِلَّا عَنْ وَاحِدٍ وَ الْبَقَرَةُ تُجْزَى عَنْ خَمْسَةٍ قَالَ لِأَنَّ الْبَدَنَةَ لَمْ يَكُنْ فِيهَا مِنْ الْعِلَّةِ مَا كَانَ فِي الْبَقَرَةِ إِنَّ الَّذِينَ أَمَرُوا قَوْمَ مُوسَى عليه السلام بِعِبَادَةِ الْعِجْلِ كَانُوا خَمْسَةَ أَنْفُسٍ وَ كَانُوا أَهْلَ بَيْتٍ يَأْكُلُونَ عَلَى خِوَانٍ وَاحِدٍ وَ هُمْ أَذِينُوهُ وَ أَخُوهُ مَبْذُوبُهُ وَ ابْنُ أَخِيهِ وَ ابْنَتُهُ وَ امْرَأَتُهُ وَ هُمُ الَّذِينَ ذَبَحُوا الْبَقَرَةَ الَّتِي أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِذَبْحِهَا

قال مصنف هذا الكتاب رضى الله عنه جاء هذا الحديث هكذا فأوردته لما فيه من ذكر الخمسة و الذى أفتى به فى البدنة أنها تجزى عن سبعة و كذلك البقرة تجزى عن سبعة متفرقين و ليست هذه الأخبار بمختلفة لأن ما تجزى عن سبعة تجزى عن واحد و تجزى عن خمسة أيضا و ليس فى هذا الحديث أن البدنة لا تجزى إلا عن واحد و لا فيه أن البقرة لا تجزى إلا عن خمسة

۵۵ - حسين بن خالد گوید: به امام موسى بن جعفر عرض کردم از جانب چند نفر يك شتر قربانی بس است؟ فرمود از جانب يك نفر عرض کردم بنا بر اين يك گاو هم از يك نفر؟ فرمود: از جانب پنج نفر كافی است بشرط اينكه همگی نان خور يك سفره

باشند عرضکردم چگونه است که يك شتر فقط از يك نفر کافی است ولی يك گاو از پنج نفر؟ فرمود: برای آنکه جهتی که در گاو هست در شتر نیست زیرا آنان که قوم موسی را به گوساله‌پرستی واداشتند پنج نفر بودند که همگی از يك خانواده و بر سر يك سفره می‌نشستند آنان اذینوه و برادرش مبدویه و پسر برادرش و دخترش و همسرش بودند و هم اینان بودند که گاوی را که خداوند دستور کشتنش را داده بود کشتند. (مصنف) این کتاب گوید:

در این حدیث چنین آمده است و من که آن را در این کتاب نوشتم برای اینست که در مضمونش کلمه پنج گفته شده است ولی فتوای من در باره شتر قربانی این است که يك شتر از جانب هفت نفر برای قربانی بس است و همچنین يك گاو از هفت نفر گرچه از خانواده‌های جداگانه باشند و این اخبار که مضمون‌های مختلف دارند در حقیقت اختلافی با يك دیگر ندارند زیرا آنچه از هفت تن کافی باشد از يك نفر هم کافی است و از پنج تن هم کافی است و مضمون روایت این نیست که يك شتر بیش از يك نفر را کافی نیست و یا این نیست که يك گاو بیش از پنج نفر را کافی نیست تا با يك دیگر اختلاف پیدا کنند (مترجم) گوید:

قاعدہ حمل ظاهر بر نص که فقها، فرموده‌اند در محل خود صحیح است ولی در خصوص این روایت درست نیاید چون جمله امام که فرمود شتر از يك نفر کافی است بدنبال سؤال راوی است که می‌پرسد از چند نفر کافی است و این چنین جمله را نتوان بر معنای نص دیگر حمل کرد مخصوصاً با ملاحظه اینکه راوی معنای ظاهر جمله را مجدداً بطور نص و صریح سؤال کرده که چگونه شتر از بیش از يك نفر کافی نیست و

امام بدون انکار فهم راوی علت را بیان فرموده است.

پیغمبر را پنج چیز عطا شده است که به هیچ کس پیش از او عطا نشده است أعطی النبی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خمسا لم يعطها أحد قبله

۵۶ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّقَّارُ وَ سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ جَمِيعاً عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى وَ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدِ الْبَرْقِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانَ عَنْ زِيَادِ بْنِ الْمُثَنِّرِ أَبِي الْجَارُودِ عَنْ سَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أُعْطِيَتْ خَمْساً لَمْ يُعْطَهَا أَحَدٌ قَبْلِي جُعِلَتْ لِي الْأَرْضُ مَسْجِداً وَ طَهُوراً وَ نُصِرْتُ بِالرُّغْدِ وَ أُحِلَّ لِي الْمَغْنَمُ وَ أُعْطِيَتْ جَوَامِعَ الْكَلِمِ وَ أُعْطِيَتْ الشَّفَاعَةَ

۵۶ - رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: پنج چیز بمن داده شده است که پیش از من به هیچ کس داده نشده است، روی زمین سجده‌گاه و پاک‌کننده برای من مقرر شده است و هراسی که از من به دل دشمن است یاور من گردید، و غنیمت بر من حلال شد و کلمات جامع و پر معنی بمن داده شد و شفاعت بمن عطا گردید.

خدای عز و جل به پیغمبرش پنج چیز عطا فرمود و به علی پنج چیز

أعطى الله عز و جل نبيه محمداً صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خمسا و أعطى علياً عَلِيّاً خمسا

۵۷ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُوسَى بْنِ هَارُونَ الْمُفْتِي قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْعَرَزَمِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا الْمُعَلَّى بْنُ هَلَالٍ عَنِ الْكَلْبِيِّ عَنْ أَبِي صَالِحٍ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ

سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ أُعْطَانِيُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ
 تَعَالَى خَمْسًا وَ أُعْطِيَ عَلِيًّا خَمْسًا أُعْطَانِي
 جَوَامِعَ الْكَلِمِ وَ أُعْطِيَ عَلِيًّا جَوَامِعَ الْعِلْمِ وَ
 جَعَلَنِي نَبِيًّا وَ جَعَلَهُ وَصِيًّا وَ أُعْطَانِي الْكَوْثَرَ
 وَ أُعْطَاهُ السُّلْسِيْلَ وَ أُعْطَانِي الْوَحْيَ وَ
 أُعْطَاهُ الْإِلْهَامَ وَ أُسْرَى بِي إِلَيْهِ وَ فَتَحَ لَهُ
 أَبْوَابَ السَّمَاوَاتِ وَ الْحُجُبَ حَتَّى نَظَرَ إِلَى مَا
 نَظَرْتُ إِلَيْهِ

و الحديث طويل أخذنا منه موضع الحاجة
 و قد أخرجته بتمامه في كتاب المعراج
 ٥٧ - ابن عباس گوید: شنیدم از پیغمبر
 که می فرمود: خدای تبارک و تعالی پنج چیز
 به من عطا فرمود و پنج چیز به علی علیه السلام
 گفتارهای پر مغز بمن عطا فرموده و دانش
 پر مغز به علی مرا پیغمبر قرار داد و او
 را جانشین، مرا کوثر داد، و او را
 سلسبیل به من وحی عنایت فرمود به او
 الهام مرا بعالم بالا برد و برای او
 درهای آسمانها را گشود و حجابها برداشت
 که هر چه من دیدم او هم دید حدیث طولانی
 است مورد نیازش نقل شد
 و تمام آن را در کتاب معراج آورده ام.

حیای واقعی از خداوند در پنج خصلت است
 حق الحیاء من الله عز و جل فی خمس خصال
 ٥٨ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوِيهِ رَضِيَ
 اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ
 عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَيْمُونِ الْقَدَّاحِ عَنْ
 جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيِّ علیه السلام
 قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ اسْتَحْيُوا مِنْ اللَّهِ حَقَّ
 الْحَيَاءِ قَالُوا وَ مَا نَفَعَلُ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ
 فَإِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ فَلَا يَبِيْتَنَّ أَحَدُكُمْ إِلَّا وَ
 أَجْلُهُ بَيْنَ عَيْنَيْهِ وَ لِيَحْفَظَ الرَّأْسَ وَ مَا وَعَى
 وَ الْبَطْنَ وَ مَا حَوَى وَ لِيَذْكَرَ الْقَبْرَ وَ الْيَلَى
 وَ مَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ فَلْيَدْعُ زِينَةَ الْحَيَاةِ
 الدُّنْيَا

۵۸ - رسول خدا ﷺ فرمود: از روی حقیقت از خداوند حیا کنید عرض کردند یا رسول الله چه کنیم؟ فرمود: اگر این کاره هستید پس حتماً نباید هیچ يك از شما بخواهد مگر آنکه آن خواب را پایان زندگی خود بداند و باید سر و قوایی را که در سر است (از چشم و گوش و زبان) نگاهدارد و اندرون شکم را از حرام خالی نگهدارد و قبر و پوسیدن در زیر خاک را فراموش نکند و هر که آخرت را بخواهد باید آرایش دنیا را رها کند.

خداوند به پیغمبرش در باره پنج کس اجازه شفاعت داده است

شفع الله عز و جل نبیه ﷺ فی خمسة
 ۵۹ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو مُحَمَّدٍ الْفَضْلُ الْيَمَانِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ جُمْهُورٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَدِيدٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ هَبْطَ جَبْرَائِيلُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَدْ شَفَعَكَ فِي خَمْسَةِ فِي بَطْنِ حَمَلِكَ وَ هِيَ آمِنَةٌ بِنْتُ وَهْبِ بْنِ عَبْدِ مَنَافٍ وَ فِي صُلْبِ أَنْزَلِكَ وَ هُوَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ وَ فِي حَجْرِ كَفَلِكَ وَ هُوَ عَبْدُ الْمُطَّلِبِ بْنِ هَاشِمٍ وَ فِي بَيْتِ آوَاكَ وَ هُوَ عَبْدُ مَنَافِ بْنِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ أَبُو طَالِبٍ وَ فِي أَخِ كَانَ لَكَ فِي الْجَاهِلِيَّةِ قَيْلٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَنْ هَذَا الْأَخُ فَقَالَ كَانَ أُنْسَى وَ كُنْتُ أُنْسُهُ وَ كَانَ سَخِيًّا يُطْعِمُ الطَّعَامَ

قال مصنف هذا الكتاب رضى الله عنه اسم هذا الأخ الجلاس بن علقمة

۵۹ - امام صادق ﷺ فرمود: جبرئیل به حضور پیغمبر فرود آمد و عرضکرد یا محمد براستی که خدای عز و جل در باره پنج کس

تو را اجازه شفاعت داده است در باره شکمی که تو را بار داشت که آمنه دختر وهب بن عبد المطلب بن هاشم بود و در باره پشتی که تو را فرود آورد که عبد الله بن عبد المطلب بود و در باره دامنی که نگهداری تو را بعهدہ گرفت و آن عبد المطلب بن هاشم بود و در باره خاندانی که تو را پناه داد و آن عبد مناف بن عبد المطلب بود یعنی ابو طالب و در باره کسی که در دوران جاهلیت برادر وار با تو بود عرض شد یا رسول الله او که بود؟ فرمود کسی بود که مرا با او انسی بود و او نیز به من دلبستگی داشت و مرد با سخاوتی بود و سفره گشاده ای داشت.

(مصنف) این کتاب گوید:

نام این برادر دوست آن حضرت جلاس بن علقمه بود.

فرمایش پیغمبر: هر کس برای من عهده دار پنج چیز شود

من هم برای او بهشت را تعهد میکنم
قول النبی ﷺ من یضمن لی خمسا أضمن له الجنة

۶۰ - حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ حَامِدِ الْبَلْخِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْفَضْلِ الْعَبَّاسُ بْنُ طَاهِرِ بْنِ طَاهِرِ بْنِ ظَهَيْرٍ وَكَانَ مِنَ الْأَفْاضِلِ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا النَّضْرُ بْنُ الْأَصْبَغِ بْنِ مَنْصُورِ الْبَغْدَادِيِّ الْمُقِيمُ بِبَلْخٍ قَالَ حَدَّثَنَا مُوسَى بْنُ هَلَالٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ حَسَّانَ عَنِ الْحَسَنِ عَنِ تَمِيمِ الدَّارِيِّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَنْ يَضْمَنُ لِي خَمْسًا أَضْمَنَ لَهُ الْجَنَّةَ قِيلَ وَمَا هِيَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ النَّصِيحَةُ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ النَّصِيحَةُ لِرَسُولِهِ وَ النَّصِيحَةُ لِكِتَابِ اللَّهِ وَ النَّصِيحَةُ لِدِينِ اللَّهِ وَ النَّصِيحَةُ لِحَمَاعَةِ الْمُسْلِمِينَ

۶۰ - رسول خدا ﷺ فرمود: هر کس برای من عهده دار پنج چیز شود من نیز برای او بهشت را تعهد میکنم عرض شد یا رسول الله آنها چیست؟ فرمود: خیر خواهی برای خدای عز و جل و خیر خواهی برای رسول خدا ﷺ و خیر خواهی برای کتاب خدا و خیر خواهی برای دین خدا و خیر خواهی برای اجتماع مسلمانان.

فرمایش پیغمبر: در باره علی علیه السلام پنج چیز به من عطا شده است

قول النبی ﷺ أعطیت فی علی خمساً
 ۶۱ - أَخْبَرَنِي أَبُو الْعَبَّاسِ الْفَضْلُ بْنُ الْفَضْلِ بْنِ الْعَبَّاسِ الْكِنْدِيُّ الْهَمْدَانِيُّ فِيمَا أَجَارَهُ لِي بِهِمَذَانَ سَنَةَ أَرْبَعٍ وَخَمْسِينَ وَثَلَاثِمِائَةٍ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الضَّحَّاكِ عَنْ مُجَالِدِ النَّبَّالِ قَالَ أَخْبَرَنَا سُلَيْمَانُ بْنُ فَرْخَانَ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَبِي سُلَيْمَانَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ قَالَ حَدَّثَنَا ابْنُ أَبِي سُلَيْمَانَ عَنْ عَطِيَّةَ عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْخَدْرِيِّ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ أُعْطِيْتُ فِي عَلِيٍّ خَمْسًا أَمَّا وَاحِدَةٌ فَيُورِي عَوْرَتِي وَ أَمَّا الثَّانِيَةُ فَيَقْضِي دَيْنِي وَ أَمَّا الثَّلَاثَةُ فَهُوَ مُتَّكًا لِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي طُولِ الْمَوْقِفِ وَ أَمَّا الرَّابِعَةُ فَهُوَ عَوْنِي عَلَيَّ عَقْرٍ حَوْضِي وَ أَمَّا الْخَامِسَةُ فَإِنِّي لَا أَخَافُ عَلَيْهِ أَنْ يَرْجِعَ كَافِرًا بَعْدَ إِيمَانٍ وَ لَا زَانِيًا بَعْدَ إِحْصَانٍ

۶۱ - رسول خدا ﷺ فرمود: در باره علی علیه السلام پنج چیز بمن عطا شده است یکی آنکه او مرا به خاک خواهد سپرد دوم آنکه قرض مرا ادا خواهد نمود سوم آنکه روز قیامت تکیه گاه من است تا روز بلند به پایان برسد چهارم در کنار حوض کوثر مددکار منست پنجم آنکه بر او نمیترسم که پس از

ایمان داشتن کافر شود و پس از پاکدامن بودن زنا کند.

خوشا به حال کسی که پنج خصلت در او باشد

طوبی لمن کان فیه خمس خصال
٦٢ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكَّلِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الْجَمِيرِيِّ عَنْ إِبرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَيْمُونٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ قَالَ قَالَ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ طُوبَى لِمَنْ كَانَ صَمْتُهُ فِكْرًا وَ نَظْرُهُ عَبْرًا وَ وَسِعَهُ بَيْتُهُ وَ بَكَى عَلَى خَطِيئَتِهِ وَ سَلِمَ النَّاسُ مِنْ يَدِهِ وَ لِسَانِهِ

٦٢ - عیسی بن مریم علیه السلام فرمود: خوشا بحال کسی که خاموشیش توأم با تفکر و نگاهش همراه با عبرت باشد و در خانه اش بنشیند و بر گناه خود بگریزد و مردم از دست و زبان او سالم بمانند.

پیرو جعفر بن محمد علیه السلام کسی است که پنج خصلت در او باشد

شیعة جعفر بن محمد علیه السلام من اجتمع فیه خمس خصال

٦٣ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِنَّمَا شِيعَةُ جَعْفَرٍ مَنْ عَفَّ بَطْنُهُ وَ فَرَّجُهُ وَ اشْتَدَّ جَهَادُهُ وَ عَمِلَ لِجَالِقِهِ وَ رَجَا ثَوَابَهُ وَ خَافَ عِقَابَهُ فَإِذَا رَأَيْتَ أَوْلِيكَ فَأَوْلِيكَ شِيعَةُ جَعْفَرٍ
و قد أخرجت ما رویته فی هذا المعنی فی کتاب صفات الشیعة

۶۳ - امام صادق علیه السلام فرمود: پیرو جعفر تنها کسی است که شکم و دامن خود را از حرام نگهدارد و بسیار کوشا باشد و برای آفریننده خودکار کند و به امید پاداش از او و ترسناک از کیفر او باشد چون چنین افراد را دیدی شیعیان جعفر آنانند-
کلام مصنف

روایاتی که در این معنی بمن رسیده است در کتاب صفات- الشيعة نقل کرده ام

پنج کس به بی‌خوابی دچاراند

خمسة لا ينامون

۶۴ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ الْبَغْدَادِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُرْوَةَ عَنْ شُعَيْبٍ عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ خَمْسَةٌ لَا يَنَامُونَ الْهَامُ بِدَمٍ يَسْفِكُهُ وَ ذُو الْمَالِ الْكَثِيرِ لَا أَمِينَ لَهُ وَ الْقَائِلُ فِي النَّاسِ الزُّورَ وَ الْبُهْتَانَ عَنْ عَرَضٍ مِنَ الدُّنْيَا يَنَالُهُ وَ الْمَأْخُودُ بِالْمَالِ الْكَثِيرِ وَ لَا مَالَ لَهُ وَ الْمُجِبُّ حَيِّباً يَتَوَقَّعُ فِرَاقَهُ

۶۴ - امام صادق علیه السلام فرمود: پنج کس دچار بی‌خوابی هستند کسی که آهنگ ریختن خونی کرده است و آنکه ثروت فراوانی دارد ولی نگهبان امینی برای ثروت خود ندارد و آنکه برای بدست آوردن حیثیت اجتماعی متوسل به دروغ و بهتان گردد و آنکه بدهی زیادی گردن‌گیرش شده است و مالی ندارد تا ادا کند و عاشقی که در معرض جدائی از معشوق خویش است.

در دوزخ آسیائی است که پنج کس را آرد میکنند

فی جهنم رحي تطحن خمسة
٦٥ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الْجَمِيرِيِّ قَالَ حَدَّثَنِي هَارُونُ
بْنُ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بِنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ
مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَنَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ
إِنَّ فِي جَهَنَّمَ رَحَى تَطْحَنُ خَمْسًا أَوْ فَلَ تَسْأَلُونَ
مَا طَخَنُهَا فَقِيلَ لَهُ فَمَا طَخَنُهَا يَا أَمِيرَ
الْمُؤْمِنِينَ قَالَ الْعُلَمَاءُ الْفَجْرَةَ وَالْقُرَاءَ
الْفُسْقَةَ وَالْجَبَابِرَةَ الظُّلْمَةَ وَالْوُزَرَءَ
الْخَوْنَةَ وَالْعُرَفَاءَ الْكَذْبَةَ وَإِنَّ فِي النَّارِ
لَمَدِينَةً يُقَالُ لَهَا الْحَصِينَةُ أَوْ فَلَ تَسْأَلُونَ
مَا فِيهَا فَقِيلَ وَمَا فِيهَا يَا أَمِيرَ
الْمُؤْمِنِينَ فَقَالَ فِيهَا أَيْدِي النَّاكِثِينَ

٦٥ - امیر المؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: بر راستی
که در دوزخ آسیائی است که پنج کس را آرد
میکنند از من نمی‌پرسید که آردش چیست؟ عرض
شد آردش چیست؟ یا امیر المؤمنین؟ فرمود:
دانشمندان بدکردار و سخنوران گنهکار و
زورداران ستمکار و وزیران خیانت‌کار و
عرفا و نمایندگان دروغ‌گفتار و راستی که
در دوزخ شهری است که آن را حصینه گویند
از من نمی‌پرسید در آن شهر چیست؟ عرض شد
یا امیر المؤمنین چه در آن است؟ فرمود
دستهای پیمان‌شکنان.

(شرح)

عرفا جمع عریف است نه عارف و عریف کسی
را گویند که از طرف جمعیت و قبیله‌ای در
دربار امیر باشد و معرف آنان و بازگوی
نیازمندیهای آنان گردد و اختصاص دست
بجهت آن است که بیعت با دست می‌شود.

غدقن از کشتن پنج حیوان و دستور کشتن پنج حیوان دیگر

النهی عن قتل خمسة و الأمر بقتل خمسة
 ٦٦ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
 سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ
 الْبَرْقِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْقَاشَانِيِّ عَنْ أَبِي
 أَيُّوبَ الْمَدِينِيِّ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ جَعْفَرِ الْجَعْفَرِيِّ
 عَنِ الرَّضَا عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّ رَسُولَ
 اللَّهِ ﷺ نَهَى عَنْ قَتْلِ خَمْسَةِ الصُّرَدِ الصُّوَامِ وَ
 الْهُدُودِ وَ النَّحْلَةِ وَ النَّمْلَةِ وَ الضَّفْدِعِ وَ
 أَمَرَ بِقَتْلِ خَمْسَةِ الْغُرَابِ وَ الْجِدَاةِ وَ الْحَيَّةِ
 وَ الْعَقْرَبِ وَ الْكَلْبِ الْعَقُورِ

قال مصنف هذا الكتاب رضى الله عنه هذا
 أمر إطلاق و رخصة لا أمر وجوب و فرض
 ٦٦ - على ﷺ فرمود: رسول خدا ﷺ کشتن
 پنج حیوان را غدقن فرمود هدهد و زنبور
 عسل و مورچه و قورباغه و دستور کشتن پنج
 حیوان را داد کلاغ و زغن و مار و عقرب و
 سگ گزنده .

(مصنف) این کتاب گوید:

این دستور متضمن اجازه کشتن است نه
 آنکه کشتن واجب باشد.

پنج کس از رحمت خدا دورند

خمسة ملعونون

٦٧ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ
 الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ
 الْحَسَنِ الصَّقَّارُ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنِ
 إِسْحَاقَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ نَصْرِ بْنِ قَابُوسَ قَالَ
 سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَقُولُ الْمُنْجِمُ مَلْعُونٌ وَ
 الْكَاهِنُ مَلْعُونٌ وَ السَّاحِرُ مَلْعُونٌ وَ الْمُغْنِيَّةُ
 مَلْعُونَةٌ وَ مَنْ آوَاهَا وَ أَكَلَ كَسْبَهَا مَلْعُونٌ وَ
 قَالَ ﷺ الْمُنْجِمُ كَالْكَاهِنِ وَ الْكَاهِنُ كَالسَّاحِرِ
 وَ السَّاحِرُ كَالْكَافِرِ وَ الْكَافِرُ فِي النَّارِ

قال مصنف هذا الكتاب رضى الله عنه المنجم
الملعون هو الذى يقول بقدم الفلك و لا
يقول بمفلكه و خالقه عز و جل

٦٧ - نصر بن قاموس گوید: شنیدم از
امام صادق میفرمود: ستاره شناس از رحمت
خدا دور است و پیش گو از رحمت خدا دور
است و جادوگر از رحمت خدا دور است و زن
آوازه خوان از رحمت خدا دور است و آن کس
که به زن آوازه خوان جای دهد و از مزد
کسب او بخورد از رحمت خدا دور است و
فرمود: ستاره شناس مانند پیش گو است و
پیش گو مانند جادوگر و جادوگر مانند
کافر و کافر جایش در دوزخ است.
(مصنف) این کتاب گوید:

منجمی که ملعون است آن ستاره شناسی است
که طبیعی باشد و به خدائی که آنها را
آفریده است معتقد نباشد.

روز عید قربان هیچ کاری بهتر از پنج کار نیست

ما من عمل يوم النحر أفضل من خمس
خصال

٦٨ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ السَّعْدَابَادِيُّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ
أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ
الْإِيَادِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ شَمْرِ
عَنْ أَبَانَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ
مَا مِنْ عَمَلٍ أَفْضَلَ يَوْمَ النَّحْرِ مِنْ دَمٍ مَسْفُوكٍ
أَوْ مَشْيٍ فِي بَرِّ الْوَالِدَيْنِ أَوْ ذِي رَحِمٍ قَاطِعٍ
يَأْخُذُ عَلَيْهِ بِالْفِضْلِ وَ يَبْدُوهُ بِالسَّلَامِ أَوْ رَجُلٍ
أَطْعَمَ مِنْ صَالِحِ نُسُكِهِ وَ دَعَا إِلَى بَقِيَّتِهَا
جِيرَانَهُ مِنَ الْيَتَامَى وَ أَهْلِ الْمَسْكَنَةِ وَ
الْمَمْلُوكِ وَ تَعَاهَدَ الْأَسْرَاءَ

٦٨ - امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: در روز عید
قربان هیچ کاری بهتر از این نیست که
خونی ریخته شود: (قربانی) و یا در راه

نیکوئی بر پدر و مادر قدم برداشته شود و یا از فامیلی که قطع رابطه نموده دلجوئی شود به کمک مالی از ما زاد زندگی و دلجوئی زبانی که بر او سلام کند. و یا کسی از قربانی خود بخورد و همسایگان یتیم و بی‌چیز و بنده را برای خوردن باقیمانده اش دعوت کند و کسی که به اسیران سرکشی نموده و به وضعشان رسیدگی نماید.

پنج خصلت در هر کس نباشد بهره فراوانی از او برده نشود

خمس خصال من عدمت فيه لم یکن فیه کثیر مستمتع
 ۶۹ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنِي سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ قُتَيْبَةَ الْبَصْرِيِّ عَنْ أَبِي خَالِدٍ الْعَجَمِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ خَمْسٌ مَنْ لَمْ تَكُنْ فِيهِ لَمْ يَكُنْ فِيهِ كَثِيرٌ مُسْتَمْتِعِ الدِّينِ وَ الْعَقْلِ وَ الْأَدَبِ وَ الْحُرِّيَّةِ وَ حُسْنِ الْخُلُقِ
 ۶۹ - امام صادق عليه السلام فرمود: پنج چیز است که در هر کس نباشد بهره فراوانی در او نیست دین و خرد و ادب و آزادگی و خوش خلقی.

در خروس سفید پنج خصلت است

فی الدیک الأبيض خمس خصال
 ۷۰ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ حَمَّوَيْهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى الْقَيْطِينِيِّ قَالَ قَالَ الرَّضَاءُ عليه السلام فِي الدَّيْكِ الْأَبْيَضِ خَمْسُ خِصَالٍ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ عليهم السلام مَعْرِفَتُهُ بِأَوْقَاتِ الصَّلَاةِ وَ الْعَيْرَةُ وَ السَّخَاءُ وَ الشَّجَاعَةُ وَ كَثْرَةُ الطَّرُوقَةِ

۷۰ - امام رضا علیه السلام فرمود: در خروس سفید پنج خصلت از خصلتهای پیغمبران است شناختنش وقت نماز را و غیرت و سخاوت و شجاعت و آمیزش جنسی فراوان.

دعای پنج نفر مستجاب نگردد

خمسة لا يستجاب لهم

۷۱ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكَّلِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيِّ الْكُوفِيِّ وَ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَمَّادِ الْحَارِثِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم خَمْسَةٌ لَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ رَجُلٌ جَعَلَ اللَّهُ بِيَدِهِ طَلَّاقَ امْرَأَتِهِ فَهِيَ تُؤْذِيهِ وَ عِنْدَهُ مَا يُعْطِيهَا وَ لَمْ يُخَلِّ سَبِيلَهَا وَ رَجُلٌ أَبَقَ مَمْلُوكُهُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَ لَمْ يَبْعُهُ وَ رَجُلٌ مَرَّ بِحَائِطِ مَائِلٍ وَ هُوَ يُقْبِلُ إِلَيْهِ وَ لَمْ يُسْرِعِ الْمَشْيَ حَتَّى سَقَطَ عَلَيْهِ وَ رَجُلٌ أَقْرَضَ رَجُلًا مَالًا فَلَمْ يَشْهَدْ عَلَيْهِ وَ رَجُلٌ جَلَسَ فِي بَيْتِهِ وَ قَالَ اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي وَ لَمْ يَطْلُبْ

۷۱ - رسول خدا صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم فرمود: پنج کس را دعا مستجاب نشود: مردیکه خداوند خداوند اختیار طلاق همسرش را بدست او سپرده است و همسرش به او آزار میدهد و با اینکه میتواند مخارج طلاق او را بدهد او را رها نکند و مردیکه بنده اش سه بار گریخته باشد و او را نفروشد و مردیکه از کنار دیوار شکسته ای بگذرد و با اینکه به بیند دیوار در حال فرو ریختن است تندتر نرود تا آنکه دیوار بر سرش فرو ریزد و مردیکه به کسی قرض بدهد و گواهی بر قرض نگیرد و مردیکه در خانه خود نشسته بگوید بار الها روزی مرا برسان و بدنبال روزی نرود (دعای اینان برای رفع این گرفتاریها مستجاب نیست.)

دستور اعتراف به بزرگواری خدای عز و جل در پنج جمله

الأمر بتمجید الله عز و جل فی خمس کلمات
 ٧٢ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوِيُّهُ رَضِيَ
 اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ
 مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ
 السِّيَّارِيِّ بِإِسْنَادِهِ رَفَعَهُ إِلَى أَبِي حَمْزَةَ
 الثَّمَالِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليه السلام قَالَ قُلْتُ
 قَوْلُكَ مَجْدُ وَاللَّهِ فِي خَمْسِ كَلِمَاتٍ مَا هِيَ قَالَ
 إِذَا قُلْتَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ رَفَعْتَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ
 تَعَالَى عَمَّا يَقُولُ الْعَادِلُونَ بِهِ فَإِذَا قُلْتَ لَا
 إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ فَهِيَ كَلِمَةُ الْإِخْلَاصِ
 الَّتِي لَا يَقُولُهَا عَبْدٌ إِلَّا أَعْتَقَهُ اللَّهُ مِنَ النَّارِ
 إِلَّا الْمُسْتَكْبِرِينَ وَالْجَبَّارِينَ وَمَنْ قَالَ لَا
 حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ فَوَضَّ الْأَمْرَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ
 جَلَّ وَمَنْ قَالَ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ فَلَيْسَ
 بِمُسْتَكْبِرٍ وَلَا جَبَّارٍ إِنَّ الْمُسْتَكْبِرَ الَّذِي يُصِرُّ
 عَلَى الذَّنْبِ الَّذِي قَدْ غَلَبَهُ هَوَاهُ فِيهِ وَ أَثَرَ
 دُنْيَاهُ عَلَى آخِرَتِهِ وَمَنْ قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ فَقَدْ
 أَدَّى شُكْرَ كُلِّ نِعْمَةٍ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَيْهِ

٧٢ - ابی حمزه ثمالی گوید: امام زین
 العابدین را عرض کردم پنج جمله ای را که
 فرمودید بزرگواری خداوند را در آنها ادا
 کنید چیست؟ فرمود چون سبحان الله و بحمده
 گوئی مقام خدای تبارک و تعالی را از
 آنچه بت پرستان قائلند بالاتر برده ای و
 چون لا اله الا الله وحده لا شریک له گوئی
 کلمه اخلاص را ادا کرده ای کلمه ای که بجز
 گردنکشان و ستمگران هیچ بنده ای آن را
 نگوید مگر آنکه خداوند از آتش دوزخش
 آزاد فرماید و کسی که بگوید لا حول و لا
 قوة الا بالله کار را بخدای عز و جل واگذار
 نموده است و کسی که بگوید استغفر الله و
 اتوب اليه نه گردنکش است و نه ستمگر
 زیرا گردنکش کسی است که اصرار بگناه
 ورزد کسی است که هوای نفساش بر او چیره

گشته و دنیای خود را بر آخرتش مقدم داشته باشد و کسی که بگوید الحمد لله از تمام نعمتهائی که خدای عز و جل باو عنایت فرموده سپاسگزاری کرده است.

پیغمبران اولو العزم پنج‌اند

أُولُوا الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ خَمْسَةٌ
 ۷۳ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ
 قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ
 الْحُسَيْنِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ أَبَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ
 أَوْزَمَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ الْكُوفِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ
 مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ أَبَانَ بْنِ عَثْمَانَ عَنْ
 إِسْمَاعِيلَ الْجَعْفِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ أُولُوا
 الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ خَمْسَةٌ نُوحٌ وَ إِبْرَاهِيمُ وَ
 مُوسَى وَ عِيسَى وَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ
 أَجْمَعِينَ

۷۳ - امام باقر عليه السلام فرمود: پیغمبران اولو العزم (که دین تازه آوردند) پنج کس بودند نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و محمد.

پنج کس را تا تغییر حالت نداده‌اند نباید دفن کرد

خَمْسَةٌ يَنْتَظِرُ بِهِمْ إِلَى أَنْ يَتَّغَيَّرُوا
 ۷۴ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
 سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى بْنِ عُبَيْدِ
 عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ
 عَبْدِ الْخَالِقِ ابْنِ أَخِي شَهَابِ بْنِ عَبْدِ رَبِّهِ قَالَ
 قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام خَمْسَةٌ يَنْتَظَرُ بِهِمْ إِلَى أَنْ
 يَتَّغَيَّرُوا الْغَرِيقُ وَ الْمَصْعُوقُ وَ الْمَبْطُوءُ وَ
 الْمَهْدُومُ وَ الْمُدْحَنُ

۷۴ - امام صادق عليه السلام فرمود: از دفن پنج کس باید دست نگاه داشت تا تغییر کنند آنکه در آب خفه شده و آنکه سخته کرده و

آنکه اسهال گرفته و آنکه زیر آوار مانده
و آنکه دود گرفتگی پیدا کرده است.

در کوفه پنج مسجد ملعون است و پنج مسجد فرخنده

خمسة مساجد بالكوفة ملعونة و خمسة
مباركة

٧٥ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ
قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ
أَحْمَدَ عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ إِبرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ
عَمْرِو بْنِ عُثْمَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عُدَايِرٍ عَنْ أَبِي
حَمْرَةَ الثَّمَالِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي
جَعْفَرٍ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ بِالْكُوفَةِ مَسَاجِدُ مَلْعُونَةٌ وَ
مَسَاجِدُ مُبَارَكَةٌ فَأَمَّا الْمُبَارَكَةُ فَمَسْجِدُ غَنِيٍّ وَ
اللَّهُ إِنْ قَبِلْتَهُ لَقَاسِطَةٌ وَ إِنْ طَيَّبْتَهُ لَطِيَّبَةٌ وَ
لَقَدْ بَنَاهُ رَجُلٌ مُؤْمِنٌ وَ لَا تَذْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّى
يَنْفَجِرَ عِنْدَهُ عَيْنَانِ وَ يَكُونُ فِيهِمَا جَنَّتَانِ وَ
أَهْلُهُ مَلْعُونُونَ وَ هُوَ مَسْلُوبٌ مِنْهُمْ وَ مَسْجِدُ
بَنِي ظَفَرٍ وَ مَسْجِدُ السَّهْلَةِ وَ مَسْجِدُ بِالْخَمْرَاءِ
وَ مَسْجِدُ جُعْفِيِّ - وَ لَيْسَ هُوَ مَسْجِدُهُمُ الْيَوْمَ وَ
يُقَالُ دُرسٌ وَ أَمَّا الْمَسَاجِدُ الْمَلْعُونَةُ فَمَسْجِدُ
ثَقِيفٍ وَ مَسْجِدُ الْأَشْعَثِ وَ مَسْجِدُ جَرِيرِ الْبَجَلِيِّ وَ
مَسْجِدُ سِمَاكِ وَ مَسْجِدُ بِالْخَمْرَاءِ بُنِيَ عَلَى قَبْرِ
فِرْعَوْنَ مِنَ الْفِرَاعِيَّةِ

٧٥ - امام باقر عليه السلام فرمود: در کوفه چند
مسجد ملعون هست و چند مسجد فرخنده آنها
که فرخنده اند یکی مسجد غنی است که بخدا
قسم قبله اش درست و خاکش پاکیزه است و
مرد با ایمانی آن را ساخته دنیا به
پایان نرسیده دو چشمه در کنار آن مسجد
بجوشد که در کنار هر يك باغی به عمل آید
ولی اهل آن مسجد از رحمت خدا دورند و
مسجد از دست آنان گرفته شود و دیگر مسجد
بنی ظفر و مسجد سهله و مسجد بالخمراء:
(مسجد یونس بن متی) و مسجد جعفی نه آن
مسجدی که امروزه در دست آنان است و

میگویند که این همان است ولی کهنه و مخروبه شده است و اما مسجدهای ملعون یکی مسجد ثقیف است و دیگر مسجد اشعث و مسجد جریر بجلی و مسجد سماک و مسجد بالخمراء که بر قبر پادشاه ستمگری از ستمگران ساخته شده است.

در پنج مسجد کوفه نباید نماز خواند

النهی عن الصلاة فی خمسة مساجد بالكوفة
 ٧٦ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
 سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي
 الْخَطَّابِ قَالَ حَدَّثَنِي صَفْوَانُ بْنُ يَحْيَى عَمَّنْ
 ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ إِنَّ أَمِيرَ
 الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام نَهَى عَنِ الصَّلَاةِ فِي خَمْسَةِ مَسَاجِدَ
 بِالْكُوفَةِ مَسْجِدِ الْأَشْعَثِ بْنِ قَيْسِ الْكِنْدِيِّ وَ
 مَسْجِدِ جَرِيرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْبَجَلِيِّ وَ مَسْجِدِ سَمَّاكِ
 بْنِ مَخْرَمَةَ وَ مَسْجِدِ شَبْثِ بْنِ رَبْعِيِّ وَ مَسْجِدِ تَيْمِ
 قَالَ وَ كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام إِذَا نَظَرَ إِلَى
 مَسْجِدِهِمْ قَالَ هَذِهِ بُقْعَةُ تَيْمٍ وَ مَعْنَاهُ أَنَّهُمْ
 قَعَدُوا عَنْهُ لَا يُصَلُّونَ مَعَهُ عَدَاوَةٌ لَهُ وَ بُغْضًا
 لِعَنْهُمْ اللَّهُ

٧٦ - امام صادق عليه السلام فرمود: امیر
 المؤمنین از نماز خواندن در پنج مسجد که
 در کوفه است نهی فرمود مسجد اشعث بن قیس
 کندی و مسجد جریر بن عبد الله بجلی و مسجد
 سماک بن مخرمه و مسجد شبث بن ربعی و
 مسجد تیم امام صادق فرموده: هر وقت امیر
 المؤمنین نگاهش به آن مسجد می افتاد
 میفرمود:

این چهار دیوار تیم است و غرض حضرت
 این بود که قبيله تیم از یاری آن حضرت
 دست کشیده بودند و از کینه ای که داشتند
 با حضرت نماز نمیخواندند (و این چهار
 دیوار را بعنوان مسجد ساخته بودند) خدای
 لعنتشان کند.

(شرح -)

شیث بن ربیع یربوعی کنیه اش ابو عبد القدوس بود و اذان گوی سجاج بود سپس اسلام آورد و سپس از آنانی بود که علیه عثمان قیام کرد و سپس از اصحاب علی شد و سپس از خوارج شد و سپس توبه کرد و بعد در صحرای کربلا در صف قاتلان حسین علیه السلام بود سپس از آنانی بود که بخونخواهی حسین علیه السلام برخواستند و به همراهی مختار بود و سپس رئیس شهربانی کوفه شد و سپس در کشتن مختار شرکت کرد و در حدود سال ۸۰ هجری وفات نمود و اگر گفته شود که این مسجدها را پس از امیر المؤمنین ساختند چگونه آن حضرت از نماز خواندن در آنها نهی فرموده است؟ گوئیم: اساس این مساجد در زمان حضرت امیر بوده ولی چون کهنه شده بود بعدها تجدید بنا شد چنانچه در خبر عیسی بن هشام از سالم از امام باقر علیه السلام تصریح شده است که فرمود: چهار مسجد در کوفه به شادباش کشتن حسین علیه السلام تجدید بنا شد مسجد الاشعث و مسجد جریر و مسجد سماک و مسجد شیث بن ربعی.

پنج کس بایستی نماز را در سفر تمام بخوانند

خمسة یجب علیهم التمام فی السفر
 ۷۷ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكَّلِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ السَّعْدَآبَادِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيُّ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عَمِيرٍ يَرْفَعُهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ خَمْسَةٌ يُتِمُّونَ فِي سَفَرٍ كَانُوا أَوْ فِي حَضَرٍ الْمُكَارِي وَ الْكَرِيُّ وَ الْأَشْتَقَانِ وَ هُوَ الْبَرِيدُ وَ الرَّاعِي وَ الْمَلَّاحُ لِأَنَّهُ عَمَلُهُمْ
 ۷۷ - امام صادق علیه السلام فرمود: پنج کس بایستی نماز را تمام بخوانند در سفر

- باشند یا در شهر خودشان ۱ - آنکه چارپا
کرایه میدهد.
- ۲ - کسی که خود را کرایه میدهد برای
راه‌پیمائی.
- ۳ - نامه رسان و قاصد.
- ۴ - چوپان - ۵ - کشتیبان برای اینکه کار
و پیشه اینان سفر است.

مرد میتواند به پنج عضو زن نامحرم نگاه کند

للرجل أن يرى من المرأة التي ليست له
بمحرم خمسة أشياء

۷۸ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ
الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ
الْحَسَنِ الصَّقَّارُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ مَرْوَةَ
بْنِ عَبِيدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام
قَالَ قُلْتُ لَهُ مَا لِلرَّجُلِ أَنْ يَرَى مِنَ الْمَرْأَةِ
إِذَا لَمْ يَكُنْ لَهَا بِمَحْرَمٍ قَالَ الْوَجْهَ وَ
الْكَفَّيْنِ وَ الْقَدَمَيْنِ

۷۸ - یکی از اصحاب ما گوید: به امام
صادق عليه السلام عرض کردم آنچه مرد میتواند از
زن نامحرم به بیند چیست؟ جواب فرمود:
صورت و دو دست و دو قدم.

درهای آسمان در پنج هنگام باز می‌شود
تفتح أبواب السماء في خمسة مواقيت

۷۹ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ
عِيْسَى عَنْ ابْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ
عَنْ أَبِي بَصِيرٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ
اللَّهِ عليه السلام قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّي عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام أَنَّ
أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام قَالَ فِيْمَا عَلَّمَ أَصْحَابَهُ
تُفْتَحُ أَبْوَابُ السَّمَاءِ فِي خَمْسَةِ مَوَاقِيْتٍ عِنْدَ
نُزُولِ الْعَيْثِ وَ عِنْدَ الزُّحْفِ وَ عِنْدَ الْأَذَانِ وَ

عِنْدَ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ وَ مَعَ زَوَالِ الشَّمْسِ وَ عِنْدَ
طُلُوعِ الْفَجْرِ

۷۹ - امام صادق عليه السلام فرمود: امیر
المؤمنین عليه السلام ضمن تعلیماتی که به یاران
میداد فرمود درهای آسمان در پنج هنگام
باز می شود هنگام آمدن باران و هنگام
جهاد با دشمنان و هنگام گفتن اذان و
موقع خواندن قرآن و اول ظهر و هنگام
دمیدن سپیده بامدادان.

بهشت شوق دیدار پنج کس را دارد الجنة

تشتاق إلى خمسة

۸۰ - حَدَّثَنَا الْقَاضِي مُحَمَّدُ بْنُ عَمَرَ بْنِ
مُحَمَّدِ بْنِ سَالِمِ بْنِ الْبَرَاءِ الْخَافِظُ الْبَغْدَادِيُّ
رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ
مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْعَبَّاسِ الرَّازِيِّ قَالَ حَدَّثَنِي
أَبِي قَالَ حَدَّثَنِي سَيِّدِي عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرَّضَا
عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ
بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ
عَلِيِّ عليه السلام قَالَ قَالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله وسلم الْجَنَّةُ تَشْتَقُ إِلَيْكَ
وَ إِلَى عَمَّارٍ وَ إِلَى سَلْمَانَ وَ أَبِي ذَرٍّ وَ
الْمِقْدَادِ

۸۰ - رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم به علی عليه السلام فرمود:
بهشت شوق دیدار تو را دارد و شوق دیدار
عمار و سلمان و ابی ذر و مقداد را.

پنج زن را در هر حال میتوان طلاق داد

خمس يطلقن على كل حال

۸۱ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ مُحَمَّدِ
بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَثْمَانَ عَنْ أَبِي
عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ خَمْسٌ يُطَلَّقْنَ عَلَى كُلِّ حَالٍ
الْحَامِلُ وَ الَّتِي قَدْ يئُسَتْ مِنَ الْمَحِيضِ وَ الَّتِي
لَمْ يُدْخَلْ بِهَا وَ الغَائِبُ عَنْهَا زَوْجُهَا وَ الَّتِي
لَمْ تَبْلُغِ الْمَحِيضَ

۸۱ - امام صادق علیه السلام فرمود: پنج زن را در هر حال میتوان طلاق داد زن آبستن و زن یائسه و زنی که شوهرش با او هم بستر نشده باشد و زنی که شوهرش غایب است و زنی که به حد بلوغ نرسیده باشد.

خروج امام قائم پنج علامت دارد

علامات خروج القائم علیه السلام خمس
 ۸۲ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنْ أَخِيهِ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَكِيمٍ عَنْ مَيْمُونِ الْبَانِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ خَمْسٌ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ خُرُوجُ الْيَمَانِيِّ وَالسُّفْيَانِيِّ وَالْمُنَادِي يُنَادِي مِنَ السَّمَاءِ وَخَسْفُ الْبَيْدَاءِ وَ قَتْلُ النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ

۸۲ - امام صادق علیه السلام فرمود: پنج حادثه پیش از ظهور امام قائم اتفاق می افتد ۱ - و ۲ - خروج یمانی و سفیانی ۳ - آواز دهنده ای از آسمان آواز دهد ۴ - فرورفتن زمین در بیداء (سرزمینی میان مکه و مدینه) ۵ - کشته شدن کسی که نفس زکیه اش گویند.

میان پنج طایفه از زنان و شوهرانشان حکم ملاءنة نیست لیس بین خمس من النساء و بین أزواجهن ملاءنة

۸۳ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي أَحْمَدُ وَ عَبْدِ اللَّهِ ابْنَا مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ يَزِيدِ التُّوفَلِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ دَاوُدَ الْيَعْقُوبِيِّ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ حَفْصِ الْبَصْرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ علیه السلام أَنَّ عَلِيًّا علیه السلام قَالَ لَيْسَ بَيْنَ خَمْسٍ مِنَ النِّسَاءِ وَ بَيْنَ أَزْوَاجِهِنَّ مَلَأَنَةٌ الْيَهُودِيَّةُ

تَكُونُ تَحْتَ الْمُسْلِمِ وَ النَّصْرَانِيَّةِ وَ الْأَمَّةِ
تَكُونَانِ تَحْتَ الْحُرِّ فَيَقْذِفُهُمَا وَ الْحُرَّةُ تَكُونُ
تَحْتَ الْعَبْدِ فَيَقْذِفُهَا وَ الْمَجْلُودُ فِي الْفِرْيَةِ
لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ وَ لَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً
أَبَدًا وَ الْخُرْسَاءُ لَيْسَ بَيْنَهَا وَ بَيْنَ زَوْجِهَا
لِعَانٌ إِنَّمَا اللَّعَانُ بِاللِّسَانِ

۸۳ - امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: میان
پنج طایفه از زنان و شوهرانشان حکم
ملاعنه نیست.

- ۱ - زن یهودی که شوهرش مسلمان باشد.
- ۲ - زن مسیحی و کنیز که شوهرشان
مسلمان و آزاد باشد و نسبت زنا به آنان
بدهد.
- ۳ - زن آزادی که همسر برده‌ای باشد و
برده زن خود را متهم به زنا کند.
- ۴ - مردیکه پیشتر برای متهم ساختن
دیگری با تازیانه حد بر او جاری شده
باشد که خدای عز و جل در باره‌اش
میفرماید هرگز گواهی آنان را نپذیرد.
- ۵ - زن گنگ که میان او و شوهرش نیز
لعان جاری نگردد و لعان فقط با زبان
است.

(شرح-)

موقعی که شوهری زن خود را متهم نمود و
گواه بر دعوی خود نداشت در محکمه شرع
مقرراتی اجرا می‌شود و زن و شوهر یک دیگر
را به ترتیب خاصی که در آیات الهی مقرر
است لعن میکند و سپس از یک دیگر جدا
میشوند اجراء این مقررات را ملاعنه و
لعان گویند.

و برای توضیح بیشتر به کتب فقهیه
مراجعه شود.

کلماتی که خداوند ابراهیم را با آنها آزمود

و ابراهیم آنها را به پایان رسانید
پنج کلمه بود الکلمات التي ابتلى
إبراهيم ربه بهن فأتتهن خمس
٨٤ - حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُوسَى رَضِيَ اللَّهُ
عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا حَمَزَةُ بْنُ الْقَاسِمِ الْعَلَوِيُّ
الْعَبَّاسِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مَالِكِ
الْكُوفِيِّ الْفَزَارِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ
الْحُسَيْنِ بْنِ زَيْدِ الزِّيَّاتِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ
زِيَادِ الْأَزْدِيِّ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ عَنِ الصَّادِقِ
جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام قَالَ سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ
جَلَّ وَ إِذِ ابْتَلَى إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ مَا
هَذِهِ الْكَلِمَاتُ قَالَ هِيَ الْكَلِمَاتُ الَّتِي تَلَقَّاهَا
آدَمُ مِنْ رَبِّهِ فَتَابَ عَلَيْهِ وَ هُوَ أَنَّهُ قَالَ يَا
رَبِّ أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ
الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ إِلَّا ثَبَّتْ عَلَيَّ فَتَابَ اللَّهُ عَلَيْهِ
إِنَّهُ هُوَ التَّوَابُ الرَّحِيمُ فَقُلْتُ لَهُ يَا ابْنَ
رَسُولِ اللَّهِ فَمَا يَعْنِي عَزَّ وَ جَلَّ بِقَوْلِهِ فَاتَّمَّهِنَّ
قَالَ يَعْنِي فَاتَّمَّهِنَّ إِلَى الْقَائِمِ عليه السلام اثْنَيْ عَشَرَ
إِمَامًا تِسْعَةً مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ قَالَ الْمُفَضَّلُ
فَقُلْتُ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَأَخْبِرْنِي عَنْ قَوْلِ اللَّهِ
عَزَّ وَ جَلَّ وَ جَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقْبِهِ قَالَ
يَعْنِي بِذَلِكَ الْإِمَامَةَ جَعَلَهَا اللَّهُ فِي عَقِبِ الْحُسَيْنِ
إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ قَالَ فَقُلْتُ لَهُ يَا ابْنَ
رَسُولِ اللَّهِ فَكَيْفَ صَارَتِ الْإِمَامَةُ فِي وُلْدِ الْحُسَيْنِ
دُونَ وُلْدِ الْحَسَنِ عليه السلام وَ هُمَا جَمِيعًا وَلَدَا رَسُولَ
اللَّهِ صلوات الله وسلاماته عليه وَ سَبَطَاهُ وَ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ
فَقَالَ عليه السلام إِنَّ مُوسَى وَ هَارُونَ كَانَا نَبِيِّينَ
مُرْسَلِينَ أَخَوَيْنِ فَجَعَلَ اللَّهُ النُّبُوَّةَ فِي صُلْبِ
هَارُونَ دُونَ صُلْبِ مُوسَى وَ لَمْ يَكُنْ لِأَحَدٍ أَنْ
يَقُولَ لِمَ فَعَلَ اللَّهُ ذَلِكَ وَ إِنَّ الْإِمَامَةَ خِلَافَةٌ مِنْ
اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ لَيْسَ لِأَحَدٍ أَنْ يَقُولَ لِمَ جَعَلَهَا اللَّهُ
فِي صُلْبِ الْحُسَيْنِ دُونَ صُلْبِ الْحَسَنِ لِأَنَّ اللَّهَ هُوَ

الْحَكِيمُ فِي أَفْعَالِهِ لَا يُسْئَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَ هُمْ
يُسْئَلُونَ وَ لِقَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ إِذْ
ابْتَلَى إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ وَجْهَهُ
آخِرٌ وَ مَا ذَكَرْنَاهُ أَضْلُهُ وَ الْإِبْتِلَاءُ عَلَى
ضَرْبَيْنِ أَحَدُهُمَا يَسْتَحِيلُ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ وَ
الْآخَرُ جَائِزٌ فَأَمَّا مَا يَسْتَحِيلُ فَهُوَ أَنْ يَخْتِيرَهُ
لِيَعْلَمَ مَا تَكْشِفُ الْأَيَّامُ عَنْهُ وَ هَذَا مَا لَا يَصِحُّ
لَهُ لِأَنَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَامُ الْغُيُوبِ وَ الضَّرْبُ الْآخَرُ
مِنَ الْإِبْتِلَاءِ أَنْ يَبْتَلِيَهُ حَتَّى يَضِيرَ فِيَمَا
يَبْتَلِيهِ بِهِ فَيَكُونَ مَا يُعْطِيهِ مِنَ الْعَطَاءِ عَلَى
سَبِيلِ الْإِسْتِحْقَاقِ وَ لِيَنْظُرَ إِلَيْهِ النَّاطِرُ
فَيَقْتَدِيَ بِهِ فَيَعْلَمَ مِنْ حِكْمَةِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَنَّهُ
لَمْ يَكِلْ أَسْبَابَ الْإِمَامَةِ إِلَّا إِلَى الْكَافِي
الْمُسْتَقِيلِ الَّذِي كَشَفَتْ الْأَيَّامُ عَنْهُ بِخَبْرِهِ فَأَمَّا
الْكَلِمَاتُ فَمِنْهَا مَا ذَكَرْنَاهُ وَ مِنْهَا الْيَقِينُ
وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ كَذَلِكَ نُرَى إِبْرَاهِيمَ
مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ لِيَكُونَ مِنَ
الْمُوقِنِينَ. وَ مِنْهَا الْمَعْرِفَةُ بِقَدَمِ بَارِيهِ وَ
تَوْحِيدِهِ وَ تَنْزِيهِهِ عَنِ التَّشْبِيهِ حِينَ نَظَرَ إِلَى
الْكُوكِبِ وَ الْقَمَرِ وَ الشَّمْسِ فَاسْتَدَلَّ بِأَقْوَلِ كُلِّ
وَاحِدٍ مِنْهَا عَلَى حَدِيثِهِ وَ بِحَدِيثِهِ عَلَى مُجْدِثِهِ
ثُمَّ عِلْمُهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِأَنَّ الْحُكْمَ بِالنَّجُومِ خَطَأً فِي
قَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَتَنَظَرَ نَظْرَةً فِي النَّجُومِ فَقَالَ
إِنِّي سَقِيمٌ وَ إِنَّمَا قَيَّدَهُ اللَّهُ سَبْحَانَ «سُبْحَانَهُ
بِالنَّظَرَةِ الْوَاحِدَةِ لِأَنَّ النَّظْرَةَ الْوَاحِدَةَ لَا
تُوجِبُ الْخَطَأَ إِلَّا بَعْدَ النَّظَرَةِ الثَّانِيَةِ بِدَلَالَةِ
قَوْلِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آَلِهِ وَسَلَّمَ لَمَّا قَالَ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا
عَلِيُّ أَوَّلُ النَّظَرَةِ لَكَ وَ الثَّانِيَةُ عَلَيْكَ لَا لَكَ
وَ مِنْهَا الشَّجَاعَةُ وَ قَدْ كَشَفَتْ الْأَيَّامُ عَنْهُ
بِدَلَالَةِ قَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَ قَوْمِهِ
مَا هَذِهِ التَّمَاثِيلُ الَّتِي أَنْتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ
قَالُوا وَجَدْنَا آبَاءَنَا لَهَا عَابِدِينَ قَالَ لَقَدْ
كُنْتُمْ أَنْتُمْ وَ آبَاؤُكُمْ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ قَالُوا أ
جِئْنَا بِالْحَقِّ أَمْ أَنْتَ مِنَ اللَّاعِبِينَ قَالَ بَلْ
رَبُّكُمْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ الَّذِي فَطَرَهُنَّ وَ
أَنَا عَلَى ذَلِكَ مِنَ الشَّاهِدِينَ وَ تَبَّ اللَّهُ لِأَكِيدَنَّ

أَصْنَامَكُمْ بَعْدَ أَنْ تَوَلَّوْا مُذْبِرِينَ فَجَعَلَهُمْ
جُذَاءً إِلَّا كَبِيرًا لَهُمْ لَعَلَّهُمْ إِلَيْهِ يَرْجِعُونَ
وَ مَقَاوِمَهُ الرَّجُلِ الْوَاحِدِ الْوَفَاءَ مِنْ أَعْدَاءِ
اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ تَمَامُ الشَّجَاعَةِ ثُمَّ الْجِلْمُ مُضْمَنٌ
مَعْنَاهُ فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَحَلِيمٌ
أَوَّاهٌ مُنِيبٌ ثُمَّ السَّخَاءُ وَ بَيَانُهُ فِي حَدِيثِ
ضَيْفِ إِبْرَاهِيمَ الْمُكْرَمِينَ ثُمَّ الْعُزْلَةَ عَنْ أَهْلِ
الْبَيْتِ وَ الْعَشِيرَةِ مُضْمَنٌ مَعْنَاهُ فِي قَوْلِهِ وَ
أَعْتَزَلَكُمْ وَ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ الْآيَةَ وَ
الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ بَيَانٌ
ذَلِكَ فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَّ يَا أَبَتِ لِمَ تَعْبُدُ مَا
لَا يَسْمَعُ وَ لَا يَبْصُرُ وَ لَا يُغْنِي عَنْكَ شَيْئًا يَا
أَبَتِ إِنِّي قَدْ جَاءَنِي مِنَ الْعِلْمِ مَا لَمْ يَأْتِكَ
فَاتَّبِعْنِي أَهْدِكَ صِرَاطًا سَوِيًّا يَا أَبَتِ لَا تَعْبُدِ
الشَّيْطَانَ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَنِ عَصِيًّا يَا
أَبَتِ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يَمَسَّكَ عَذَابٌ مِنَ الرَّحْمَنِ
فَتَكُونَ لِلشَّيْطَانِ وَلِيًّا وَ دَفَعَ السَّيِّئَةَ
بِالْحَسَنَةِ وَ ذَلِكَ لَمَّا قَالَ لَهُ أَبُوهُ أ رَاغِبُ
أَنْتَ عَنْ آلِهَتِي يَا إِبْرَاهِيمَ لَئِنْ لَمْ تَنْتَهَ
لَأَرْجِمَنَّكَ وَ اهْجُرْنِي مَلِيًّا فَقَالَ فِي جَوَابِ أَبِيهِ
سَأَسْتَغْفِرُ لَكَ رَبِّي إِنَّهُ كَانَ بِي حَفِيًّا وَ
التَّوَكُّلُ بَيَانٌ ذَلِكَ فِي قَوْلِهِ الَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ
يَهْدِينِ وَ الَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَ يَسْقِينِي وَ إِذَا
مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِي وَ الَّذِي يُمِيتُنِي ثُمَّ يُحْيِينِي
وَ الَّذِي أَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي يَوْمَ
الدِّينِ ثُمَّ الْحُكْمُ وَ الْإِنْتِمَاءُ إِلَى الصَّالِحِينَ
فِي قَوْلِهِ رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَ الْجِقْنِي
بِالصَّالِحِينَ يَعْزِي بِالصَّالِحِينَ الَّذِينَ لَا
يَحْكُمُونَ إِلَّا بِحُكْمِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لَا يَحْكُمُونَ
بِالْأَرَءِ وَ الْمَقَائِيصِ حَتَّى يَشْهَدَ لَهُ مَنْ يَكُونُ
بَعْدَهُ مِنَ الْحُجَجِ بِالصِّدْقِ بَيَانٌ ذَلِكَ فِي قَوْلِهِ
وَ اجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ أَرَادَ بِهِ
هَذِهِ الْأُمَّةَ الْقَاضِلَةَ فَأَجَابَهُ اللَّهُ وَ جَعَلَ لَهُ وَ
لِغَيْرِهِ مِنْ أَنْبِيَائِهِ لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ وَ
هُوَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ ذَلِكَ قَوْلُهُ عَزَّ وَ
جَلَّ وَ جَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا وَ الْمَحْنَةَ
فِي النَّفْسِ حِينَ جُعِلَ فِي الْمَنْجَنِيْقِ وَ قُذِفَ بِهِ

فِي النَّارِ ثُمَّ الْمِحْنَةُ فِي الْوَلَدِ حِينَ أَمَرَ
 بِذَبْحِ ابْنِهِ إِسْمَاعِيلَ ثُمَّ الْمِحْنَةُ بِالْأَهْلِ حِينَ
 خَلَصَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ حُرْمَتَهُ مِنْ عَزَاةِ الْقِبْطِيِّ
 الْمَذْكُورِ فِي هَذِهِ الْقِصَّةِ ثُمَّ الصَّبْرُ عَلَى سُوءِ
 خُلُقِ سَارَةَ ثُمَّ اسْتِقْصَارُ النَّفْسِ فِي الطَّاعَةِ فِي
 قَوْلِهِ وَ لَا تُخْزِنِي يَوْمَ يُبْعَثُونَ ثُمَّ
 النَّزَاهَةُ فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ مَا كَانَ
 إِبْرَاهِيمُ يَهُودِيًّا وَ لَا نَصْرَانِيًّا وَ لَكِنْ كَانَ
 حَنِيفًا مُسْلِمًا وَ مَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ثُمَّ
 الْجَمْعُ لِأَشْرَاطِ الْكَلِمَاتِ فِي قَوْلِهِ إِنْ صَلَاتِي وَ
 نُسُكِي وَ مَحْيَايَ وَ مَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا
 شَرِيكَ لَهُ وَ بِذَلِكَ أَمِرْتُ وَ أَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ
 فَقَدْ جُمِعَ فِي قَوْلِهِ مَحْيَايَ وَ مَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ
 الْعَالَمِينَ جَمِيعُ أَشْرَاطِ الطَّاعَاتِ كُلِّهَا حَتَّى لَا
 تَعْرَبَ عَنْهَا عَزَاةٌ وَ لَا تَغِيبَ عَنْ مَعَانِيهَا
 غَائِبَةٌ. ثُمَّ اسْتِجَابَةُ اللَّهِ دَعْوَتَهُ حِينَ قَالَ رَبِّ
 أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَى وَ هَذِهِ آيَةٌ مُتَشَابِهَةٌ
 مَعْنَاهَا أَنَّهُ سَأَلَ عَنِ الْكَيْفِيَّةِ وَ الْكَيْفِيَّةُ مِنْ
 فِعْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَتَى لَمْ يَعْلَمْهَا الْعَالِمُ لَمْ
 يَلْحَقْهُ عَيْبٌ وَ لَا عَرَضَ فِي تَوْحِيدِهِ نَقْصٌ فَقَالَ اللَّهُ
 عَزَّ وَجَلَّ أَوْ لَمْ تُؤْمِنْ قَالَ بَلَى هَذَا شَرْطُ
 عَامَّةٍ مَنْ آمَنَ بِهِ مَتَى سُئِلَ وَاحِدٌ مِنْهُمْ أَوْ
 لَمْ تُؤْمِنْ وَجَبَ أَنْ يَقُولَ بَلَى كَمَا قَالَ
 إِبْرَاهِيمُ وَ لَمَّا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِجَمِيعِ
 أَرْوَاحِ بَنِي آدَمَ أَ لَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَى
 قَالَ أَوَّلُ مَنْ قَالَ بَلَى مُحَمَّدٌ ﷺ فَصَارَ بِسَبْقِهِ
 إِلَى بَلَى سَيِّدَ الْأَوْلِيَيْنِ وَ الْأَخْرِيِّنَ وَ أَفْضَلَ
 النَّبِيِّينَ وَ الْمُرْسَلِينَ فَمَنْ لَمْ يُجِبْ عَنْ هَذِهِ
 الْمَسْأَلَةِ بِجَوَابِ إِبْرَاهِيمَ فَقَدْ رَغِبَ عَنْ مِلَّةِ
 قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَ مَنْ يَرْغَبُ عَنْ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ
 إِلَّا مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ ثُمَّ اصْطَفَاءُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ
 إِيَّاهُ فِي الدُّنْيَا ثُمَّ شَهَادَتُهُ لَهُ فِي الْعَاقِبَةِ
 أَنَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ لَقَدْ
 اصْطَفَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا وَ إِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ
 الصَّالِحِينَ وَ الصَّالِحُونَ هُمُ النَّبِيُّ وَ الْأَنْبِيَاءُ
 صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ الْأَخْذُونَ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَ
 جَلَّ أَمْرَهُ وَ نَهْيَهُ وَ الْمُتَمَسُّونَ لِلصَّلَاحِ مِنْ

عِنْدِهِ وَ الْمُجْتَنِبُونَ لِلرَّأْيِ وَ الْقِيَاسِ فِي
دِينِهِ فِي قَوْلِهِ إِذْ قَالَ لَهُ رَبُّهُ أَسْلِمَ قَالَ
أَسْلَمْتُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ ثُمَّ افْتَدَاءٌ مِنْ بَعْدِهِ
مِنَ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ وَصَّى
بِهَا إِبْرَاهِيمَ بَنِيهِ وَ يَعْقُوبَ يَا بَنِيَّ إِنَّ اللَّهَ
اصْطَفَى لَكُمْ الَّذِينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَ أَنْتُمْ
مُسْلِمُونَ وَ فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَّ لِنَبِيِّهِ ﷺ ثُمَّ
أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ أَنْ اتَّبِعْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا
وَ مَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَ فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَّ
مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمْ الْمُسْلِمِينَ مِنْ
قَبْلُ وَ أَشْرَاطُ كَلِمَاتِ الْإِمَامِ مَأْخُودَةٌ مِمَّا
تَحْتَاجُ إِلَيْهِ الْأُمَّةُ مِنْ جِهَتِهِ مِنْ مَصَالِحِ
الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ قَوْلُ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ مِنْ
ذُرِّيَّتِي مِنْ حَرْفٍ تَبْعِيضٍ لِيُعْلَمَ أَنَّ مِنَ الذَّرِّيَّةِ
مَنْ يَسْتَحِقُّ الْإِمَامَةَ وَ مِنْهُمْ مَنْ لَا يَسْتَحِقُّ
الْإِمَامَةَ هَذَا مِنْ جُمْلَةِ الْمُسْلِمِينَ وَ ذَلِكَ أَنَّهُ
يَسْتَحِيلُ أَنْ يَدْعُو إِبْرَاهِيمَ بِالْإِمَامَةِ لِلْكَافِرِ
أَوْ لِلْمُسْلِمِ الَّذِي لَيْسَ بِمَعْصُومٍ فَصَحَّ أَنْ بَابُ
التَّبْعِيضِ وَقَعَ عَلَى خَوَاصِّ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْخَوَاصُّ
إِنَّمَا صَارُوا خَوَاصًّا بِالْبُعْدِ عَنِ الْكُفْرِ ثُمَّ مَنْ
اجْتَنَبَ الْكِبَائِرَ صَارَ مِنْ جُمْلَةِ الْخَوَاصِّ أَخْصَّ
ثُمَّ الْمَعْصُومُ هُوَ الْخَاصُّ الْأَخْصُ وَ لَوْ كَانَ
لِلتَّخْصِيصِ سُورَةٌ أَرْبَى عَلَيْهِ لَجَعَلَ ذَلِكَ مِنْ
أَوْصَافِ الْإِمَامِ وَ قَدْ سَمَّى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَيْسَى مِنْ
ذُرِّيَّةِ إِبْرَاهِيمَ وَ كَانَ ابْنُ ابْنَتِهِ مِنْ بَعْدِهِ وَ
لِمَا صَحَّ أَنَّ ابْنَ الْبَيْتِ ذُرِّيَّةٌ وَ دَعَا إِبْرَاهِيمُ
لِذُرِّيَّتِهِ بِالْإِمَامَةِ وَجَبَ عَلَى مُحَمَّدٍ ﷺ الْاِقْتِدَاءُ
بِهِ فِي وَضْعِ الْإِمَامَةِ فِي الْمَعْصُومِينَ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ
حَذْوِ النَّعْلِ بِالنَّعْلِ بَعْدَ مَا أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ
إِلَيْهِ وَ حَكَّمَ عَلَيْهِ بِقَوْلِهِ ثُمَّ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ
أَنْ اتَّبِعْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا الْآيَةَ وَ لَوْ
خَالَفَ ذَلِكَ لَكَانَ دَاخِلًا فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ
مَنْ يَرْغَبُ عَنِ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ
جَلَّ نَبِيُّ اللَّهِ عَنِ ذَلِكَ وَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِنَّ
أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لِلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَ هَذَا

النَّبِيِّ وَالنَّبِيِّنَ آمَنُوا وَآمَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ
أَبُو ذَرِيَّةِ النَّبِيِّ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَوَضَعَ

الإمامة فيه وَوَضَعَهَا فِي ذُرِّيَّتِهِ الْمَعْصُومِينَ
وَ قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ
عَنِّي بِهِ أَنَّ الإِمَامَةَ لَا تَصْلُحُ لِمَنْ قَدْ عَبَدَ
صَنَمًا أَوْ وَثَنًا أَوْ أَشْرَكَ بِاللهِ طَرْفَةَ عَيْنٍ وَ إِنْ
أَسْلَمَ بَعْدَ ذَلِكَ وَ الظُّلْمُ وَضَعُ الشَّيْءِ فِي غَيْرِ
مَوْضِعِهِ وَ أَعْظَمُ الظُّلْمِ الشَّرْكَ قَالَ اللهُ عَزَّ وَجَلَّ
إِنَّ الشَّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ وَ كَذَلِكَ لَا تَصْلُحُ
الإِمَامَةُ لِمَنْ قَدْ ارْتَكَبَ مِنَ الْمَحَارِمِ شَيْئًا
صَغِيرًا كَانَ أَوْ كَبِيرًا وَ إِنْ تَابَ مِنْهُ بَعْدَ
ذَلِكَ وَ كَذَلِكَ لَا يُقِيمُ الْحَدَّ مَنْ فِي جَنْبِهِ حَدٌّ
فَإِذَا لَا يَكُونُ الإِمَامُ إِلَّا مَعْصُومًا وَ لَا تُعْلَمُ
عِصْمَتُهُ إِلَّا بِنَصِّ اللهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْهِ عَلَى لِسَانِ
نَبِيِّهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ لِأَنَّ العِصْمَةَ لَيْسَتْ فِي ظَاهِرِ الخَلْقَةِ
فَتَرَى كَالسَّوَادِ وَ الْبَيَاضِ وَ مَا أَشْبَهَ ذَلِكَ وَ
هِيَ مَغِيبَةٌ لَا تُعْرَفُ إِلَّا بِتَّعْرِيفِ عَلامِ العُيُوبِ
عَزَّ وَجَلَّ

۸۴ - مفضل بن عمر گوید: از امام صادق
عَلَيْهِمُ السَّلَامُ پرسیدم که خدای عز و جل در آیه
شریفه میفرماید:

هنگامی که ابراهیم را پروردگارش به
کلماتی آزمود آن کلمات کدامند؟ فرمود:
همان کلماتی است که آدم آنها را از
پروردگارش دریافت نمود و توبه‌اش پذیرفته
شد و آن اینکه عرضکرد پروردگارا بحق
محمد و علی و فاطمة و حسن و حسین از تو
مسألت دارم که توبه‌ام را به پذیری و
خداوند نیز توبه او را پذیرفت که او
توبه پذیر و مهربان است، عرضکردم یا ابن
رسول الله مقصود خداوند از اینکه میفرماید
ابراهیم کلمات را به پایان رسانید چیست؟
فرمود یعنی تا حضرت قائم تا پایان
دوازده امام که نه نفرشان از فرزندان
حسین‌اند خدا را قسم داد مفضل گوید:
عرضکردم اش یا ابن رسول الله مرا از معنای

فرمایش خدای عز و جل آگاه فرما که می‌فرماید (خداوند آن را در فرزندان ابراهیم کلمه‌ای پایدار مقرر فرمود).
فرمود مقصود امام است که خداوند آن را در فرزندان حسین تا روز قیامت مقرر فرمود:

مفضل گوید عرض کردم اش یا ابن رسول الله چگونه امامت در فرزندان حسین مقرر شد نه فرزندان حسن با اینکه هر دو فرزندان رسول خدایند و نواده‌گان پیغمبر و سرور جوانان بهشتی؟ فرمود: همانا موسی و هارون هر دو پیغمبر فرستاده شده از جانب خدا بودند و هر دو برادر يك ديگر ولي خداوند نبوت را در نژاد هرون قرار داد و نه نژاد موسی و کسی را نرسد که بگوید چرا خداوند این چنین کرد امامت نیز منصب جانشینی از جانب خدا است کسی را نرسد که بگوید چرا خداوند آن را در نژاد حسین قرار داد نه نژاد حسن زیرا خداوند تنها خود به حکومت کارهای خویش واقف است و مسئولیتی در کارهایش ندارد بلکه مردم مسئول کردارشان هستند و برای آیه شریفه ﴿وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ﴾ (که ترجمه اش گذشت) معنای دیگری هم هست ولی مطلب اساسی همان است که ما ذکر کردیم.

و آزمایش بر دو نوع است که یکی نسبت بخدا محال است و دیگری روا است اما آنچه که محال است این است که آزمایش کند تا بفهمد که گردش روزگار چگونه پرده از روی کار شخص مورد آزمایش بر میدارد این گونه آزمایش صحیح نیست زیرا خدای عز و جل به همه امور پنهانی کاملاً آگاه است و نوع دیگر از آزمایش این است که آزمایش میکند تا شخص در مورد آزمایش شکیباً باشد و پاداشی را که خداوند عطا می‌فرماید از راه استحقاق باشد و دیگری که او را

بنگرد در صبر و شکیبائی از او پیروی کند و معلوم گردد که خداوند از روی حکمت و مصلحت اسباب امامت را واگذار نکند مگر بکسی که با کفایت و با شخصیت باشد و پرونده سیاهی در زندگی نداشته باشد.

این بود معنای آزمایش و اما معنای کلمات یکی همان معنایی بود که گفتیم: و یکی از معانی آن یقین است و اشاره است بآیه شریفه که فرماید این چنین ملکوت آسمانها و زمین را بابراهیم وانمودیم تا از صاحبان یقین گردد و یکی از معانی آن شناسائی بازلت حضرت باری تعالی و یگانگی او است و دور ساختن ساحت مقدس از اینکه مانند ممکنات باشد.

هنگامی که ابراهیم به ستاره و ماه و خورشید خیره شد و از ناپدید شدن هر یک از آنان استدلال کرد که حادثند و از حدوث آنها متوجه شد که آفریننده ای دارند سپس ابراهیم متوجه شد که بمبنای ستاره شناسی حکم کردن خطا است آنجا که خدا فرماید: نگاهی به ستارگان کرد و گفت من بیمارم و اینکه خداوند نگاه ابراهیم را بیک بار مقید فرموده است از این جهت است که یک بار نگاه موجب گناه و خطا نیست بلکه نگاه دوم است که گناه شمرده شود بدلیل آنکه پیغمبر بامیر المؤمنین فرمود یا علی نگاه اول بسود تو است ولی نگاه دوم بزیان تو است (و چون ابراهیم یک بار نگاه کرده است استفاده می شود که نگاه کردن به ستارگان را بعنوان استدلال جایز نمیدانسته و اعتقادی به ستاره شناسی نداشته است).

و یکی از معانی آن شفاعت است که گذشت روزگار پرده از روی آن برداشت بدلیل فرموده خدای عز و جل که فرماید چون ابراهیم به پدرش و خویشانش گفت این پیکره ها چیست که شما شب و روز در پیشگاه

آنها پرستش دارید؟ گفتند ما پدران خود را نیز این چنین یافتیم که همین بتها را می‌پرستیدند فرمود حقیقتا که خود و پدرانتان در گمراهی آشکاری بوده‌اید گفتند حقیقتی را برای ما آورده ای یا ما را ببازی گرفته‌ای گفت بلکه پروردگار شما پروردگار آسمانها و زمین است همان خدائی که آسمان و زمین را آفرید و من خود یکی از گواهانم که بحقانیت این طلب گواهی میدهم و بخدا سوگند که پس از بازگشت شما تدبیری در باره بتهای شما خواهم اندیشید سپس همه بتها را قطعه قطعه کرد مگر بت بزرگشان را تا مگر بسوی او باز گردند پیدا است که ایستادگی يك تن در برابر هزاران تن از دشمنان خدای عز و جل کمال شجاعت است سپس بردباری آن حضرت که در گفتار خدای عز و جل باین معنی اشاره شده است (سوره هود آیه ۷۷) برآستی که ابراهیم برد بار و نالان و اهل توبه و انابه است.

سپس سخاوت آن جناب که در ضمن داستان مهمانان عزیز ابراهیم بیان شده است. سپس کناره‌جوئی‌اش از خاندان و قبیله که در (سوره مریم) آیه ۴۸) بآن معنا اشارت رفته است که میفرماید من از شما و از هر چه جز خدا می‌پرستید کناره خواهم گرفت و دیگر امر بمعروف و نهی از منکر که بیانش در آیه شریفه (۴۲- ۴۵) سوره ای پدر چرا چیزی را که ناشنوا و نابینا و بی‌فائده است می‌پرستی پدرم مرا دانشی عنایت شده است که ترا آن نیست از من پیروی کن تا تو را براه راست رهبری کنم پدرم شیطان را نپرست که شیطان در بارگاه خدای رحمان پرونده بسیار سیاهی دارد پدرم من میترسم که تازیانه عذاب خدای مهربان بر تو فرود آید و تو دوست و هم مسلک شیطان گردی، و دیگر کردار بد دیگری را با کار خوب پاسخ

گفتن، و این چنان بود که چون پدرش به او گفت ای ابراهیم مگر از خدایان من تو روی گردانی؟ اگر از این کار باز نایستی حتما سنگسارت میکنم دیگر نزد من مباش و دیر زمانی از من دور باش او در پاسخ پدرش فرمود من بهمین زودی آمرزش تو را از پروردگار خود خواهم خواست که میدانم او را با من نظر مهر و عطوفت است.

دیگر توکل آن جناب است و بیان این مطلب در آیه شریفه است که می‌فرماید خدائی که مرا آفریده است هم او راهنمای من است همان خدائی که مرا از گرسنگی و تشنگی نجات می‌بخشد و چون بیمار گردم شفایم دهد خدائی که مرا می‌میراند و سپس زنده‌ام میکند خدائی که چشم طمع من در روز جزا به آمرزش گناهم بسوی او است.

سپس منصب قضاوت و انتسابش به مردمان شایسته آنجا که عرض میکند پروردگارا بمن منصب قضاوت را ارزانی دار و مرا به شایستگان به پیوند.

مقصودش از شایستگان آنانی است که بجز بحکم خدا قضاوت نکنند و پایه قضاوت آنان نه آراء شخصی و نه قیاس‌های بی‌مورد است ابراهیم از خداوند این درخواست را بدین منظور کرد تا حجت‌های الهی که پس از او بیایند براستی او گواهی دهند چنانچه خود آن جناب بیان میکند که پروردگارا مقرر فرما که آیندگان را در باره من زبان بتصدیق باشد نه بانکار.

مقصودش از آیندگان این امت بود که خداوند دعایش را مستجاب کرد و برای او و دیگر پیغمبران زبان تصدیق در آیندگان مقرر فرمود و آن علی بن ابی طالب بود زیرا که خداوند فرماید علی را برای آن زبان تصدیق مقرر کردیم.

دیگر ابتلای جانی است هنگامی که حضرتش در منجنیق گذاشته شده و به آتش انداخته

شد سپس ابتلای در باره فرزندش که مأمور شد سر فرزندش اسماعیل را ببرد سپس ابتلای خانواده‌گی‌اش بود که خداوند همسرش را از دست عازة قبطی که در داستان گرفتاری ابراهیم نام او برده می‌شود رها کرده دیگر بردباری‌اش بکج خلقی همسرش سارة.

سپس مقصر شمردن خود را در فرمانبرداری حق که عرض میکنند مرا در روز رستاخیز رسوا مکن سپس پاکی عقیده آن حضرت که خدا فرماید ابراهیم نه یهودی بود نه نصرانی و لکن مسلمانی بود با اخلاص و از مشرکان نبود دیگر آنکه آن جناب همه شرائطی را که برای ابتلاء بکلمات الهی لازم بود در برداشت آنجا که فرماید براستی که نماز من و همه عبادت‌های من و زندگی و مرگم برای خدای پروردگار جهانیان است که شریکی ندارد و دستورم این است که چنین باشم و اولین مسلمانم، که در جمله (زندگی و مرگم برای خدای پروردگار جهانیان است) همگی شرایط همه عبادتها را يك جا فرموده است بطوری که کوچکترین چیز فرو گذار نشده و از معنای واقعی عبادت چیزی پنهان نمانده است.

دیگر آنکه خداوند دعای حضرتش را مستجاب کرد هنگامی که عرض کرد پروردگارا بر من بنما که مردگان را چگونه زنده خواهی کرد و معنای این آیه روشن نیست زیرا ابراهیم از چگونگی زنده کردن مردگان را چگونه زنده خواهی کرد و معنای این آیه روشن نیست زیرا ابراهیم از چگونگی زنده کردن مردگان سؤال نموده و مورد سؤال از کارهای اختصاصی خدای عز و جل است که اگر دانشمندی از آن اطلاع نداشته باشد نه عیبی دارد و نه در اساس یگانه‌پرستی‌اش خللی وارد آید لذا خدای عز و جل فرمود مگر ایمان نیاورده‌ای؟ عرض کرد: چرا و این چنین پاسخ بر هر فردی که

بخدا ایمان آورده باشد لازم است که هر گاه از یکی از آنان سؤال شود، مگر ایمان نیاورده‌ای باید بگوید: چرا، چنان که ابراهیم گفت و وقتی هم که خدا بهمه ارواح بنی آدم فرمود مگر من پروردگار شما نیستم؟ همه گفتند: چرا، و نخستین کسی که جواب مثبت داد محمد ﷺ بود و بخواطر همین پیشدستی در جواب بود که سرور اولین و آخرین گردید و از همه پیغمبران و مرسلین والاتر و بالاتر شد و آن کس که از این سؤال همانند ابراهیم پاسخ نگوید از ملت او روی گردان است و خدای عز و جل فرماید بجز آنکه جان خود را بهلاکت اندازد کسی از ملت ابراهیم روی گردان نشود.

سپس آنکه خدای عز و لاش در دنیا برگزید و سپس گواهی داد که در آخرت یکی از بندگان شایسته است آنجا که فرماید: براستی که ما ابراهیم را در دنیا برگزیدیم و همانا در آخرت از افراد شایسته است و شایستگان همان پیغمبر و امامان هستند که بامر و نهی خدای عز و جل عمل میکنند و شایستگی را در بندگی او میدانند و از پیروی رای و قیاس در دین خدا دوری مینمایند زیرا آنجا که خدا بابراهیم فرمود تسلیم باش عرض کرد در برابر پروردگار جهانیان سرتسلیم فرمود آوردم و دیگر آنکه پیغمبران پس از وی همگی از او پیروی کردند آنجا که فرماید (سوره بقره آیه ۱۳۲) ابراهیم به فرزندانش و هم چنین یعقوب بدان سفارش کرد ای فرزندان من براستی که خداوند برای شما این دین را برگزیده است حتما کاری کنید که جز بدین اسلام از دنیا نروید و در آیه شریفه سوره نحل ۱۲۲ فرمود به پیغمبرش سپس ما بتو وحی کردیم که از ملت ابراهیم پیروی کن که یگانه

پرست بود و از مشرکین نبود و در آیه شریفه (سوره حج آیه ۷۸) فرمود ملت پدر شما ابراهیم است او شما را از پیش مسلمان نامیده است و کلمات (بهمان معانی که ذکر شد) از این جهت در امامت شرط گردید که امت از نظر مصالح دنیا و آخرت بدانها نیازمند است و اینکه ابراهیم (پس از دریافت بشارت امامت خویش از خداوند تعالی) عرض کرد (و من ذریتی): (از نسل من نیز امام باشند) کلمه (من) به معنای (از) برای تبعیض بود تا معلوم شود که در میان افراد نسل کسانی خواهند بود که شایستگی امامت را خواهند داشت و کسانی که این شایستگی را نخواهند داشت گرچه مسلمان باشند و استفاده تبعیض از کلمه (من) برای این است که محال است ابراهیم دعا کند که کافر و یا مسلمانی که معصوم نیست به امامت برسد پس صحیح است که بگوئیم این خواسته برای بعضی از خواص مؤمنین است و خواص از این جهت مخصوص شدند که از راه کفر بدور هستند سپس آنان که از گناهان کبیره کناره گیرند از میان خاصان نیز مخصوصتراند و سپس معصوم (که هرگز گناه و خطا از او سر نزند) از میان این مخصوصان نیز مخصوصتر گشتند و اگر برای اختصاص به مقام امامت چهره‌ای زیباتر از این فرض میشد همان از شرایط امامت منظور میگردید.

(مطلب قابل توجه اینکه) خداوند حضرت عیسی را بنام ذریه و نسل ابراهیم نامیده است در صورتی که عیسی فرزند دختر ابراهیم بود حال که فرزند دختر را ذریه نامیدن صحیح است و ابراهیم برای ذریه خویش درخواست امامت نموده است بر محمد صلی الله علیه و آله و سلم واجب بود که پیرو ابراهیم گردد و امامت را در ذریه معصوم خود قرار بدهد تا پس از دریافت دستور پیروی از ابراهیم

که خداوند فرمود: (سپس ما به تو وحی کردیم که از ملت ابراهیم یگانه پرست پیروی کن) مو به مو این دستور را اجرا کرده باشد و اگر امامت را در ذریه معصوم خود قرار نمیداد با مخالفت این دستور در زمره کسانی بود که خداوند میفرماید (بجز کسانی که خود را بهلاکت اندازند چه کسی از ملت ابراهیم روی گردان می‌شود؟).

(و معاذُ الله) مقام پیغمبر خدا والاتر از این است که مشمول این آیه گردد که خداوند در باره او فرموده است (سوره آل عمران آیه ۶۷) وابسته ترین افراد به ابراهیم آنانند که پیرو او بودند و این پیغمبر است و مؤمنین هستند و امیر المؤمنین پدر بزرگوار ذریه پیغمبر است که امامت در او قرار داده شد به همان طور که در ذریه معصوم او قرار داده شد و اینکه خدای عز و جل فرمود (مردم ستمکار به مقام ولایت عهدی من نخواستند رسید) مقصود خداوند این است که شایسته مقام امامت آن کس نیست که بتی را و یا معبود غیر خدا را پرستیده باشد و یا يك چشم بر هم زدن برای خدا شريك قرار داده باشد گرچه پس از آن مسلمان شده باشد که ظلم آن است که چیزی را نه در جای خودش قرار دهی و بزرگترین ستم شريك دانستن برای خدا است که خداوند فرماید براستی که شرك ظلم بزرگی است و هم چنین شایسته امامت نیست کسی که مرتكب يك گناه بشود چه كوچك و چه بزرگ گرچه بعد از آن توبه کند و هم چنین کسی که خود حد بگردن دارد نمیتواند بر دیگری حد جاری کند بنا بر این جز معصوم کسی را نرسد که امام شود و راهی برای شناختن عصمت نیست جز آنکه خدای عز و جل از زبان پیغمبرش بیان بفرماید زیرا عصمت را از قیافه ظاهری نتوان شناخت چنانچه سفیدی و سیاهی و مانند آنها

شناخته شوند بلکه صفتی است پنهانی که جز
با تعریف خدائی که از همه پنهانی‌ها آگاه
است شناخته نشود.

امیر المؤمنین به فرمانداران حکومت خود پنج دستور کتبی داد

کتب امیر المؤمنین علیه السلام إلى عماله بخمس
خصال

۸۵ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوِيهِ رَضِيَ
اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ
قَالَ حَدَّثَنِي سَهْلُ بْنُ زِيَادٍ الْأَدْمِيُّ عَنْ يَعْقُوبَ
بْنِ يَزِيدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ النَّوْفَلِيِّ
رَفَعَهُ إِلَى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ أَنَّهُ ذَكَرَ عَنْ
آبَائِهِ عليهم السلام أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام كَتَبَ إِلَى
عَمَلِهِ أَدِقُوا أَقْلَامَكُمْ وَ قَارِبُوا بَيْنَ سَطُورِكُمْ
وَ احْذِفُوا عَنِّي فُضُولَكُمْ وَ اقْصِدُوا قَصْدَ
الْمَعَانِي وَ إِيَّاكُمْ وَ الْإِكْثَارَ فَإِنَّ أَمْوَالَ
الْمُسْلِمِينَ لَا تَحْتَمِلُ الْإِضْرَارَ

۸۵ - امام صادق عليه السلام فرمود: امیر
المؤمنین بفرمانداران حکومت خود نوشت که
قلم‌های خود را ریز بتراشید و فاصله
سطرها را کمتر کنید و جملات اضافی را حذف
کنید و اصل مطلب را به عبارت مختصر
بنویسید و مبادا قلم فرسائی کنید که به
بودجه ملت مسلمان نباید زیانی متوجه
شود.

پنج کار مطابق فطرت است

خمس من الفطرة

۸۶ - حَدَّثَنَا أَبُو أَحْمَدَ مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ
الْبُنْدَارُ قَالَ حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ نُوحٍ
قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو مُحَمَّدٍ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ
حَمَادٍ مِنْ أَهْلِ قَوْمَسَ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو مُحَمَّدٍ
الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ الْخُلَوَانِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا بِيْشْرُ بْنُ
عُمَرَ قَالَ حَدَّثَنَا مَالِكُ بْنُ أَنَسٍ عَنْ سَعِيدِ بْنِ
أَبِي سَعِيدِ الْمُقْبَرِيِّ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ
رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم خَمْسٌ مِنَ الْفِطْرَةِ تَقْلِيمُ الْأَطْفَارِ وَ

قَمُّ الشَّارِبِ وَ نَتْفُ الإِبْطِ وَ حَلْقُ العَانَةِ وَ
الإِخْتِثَانُ

۸۶ - رسول خدا ﷺ فرمود: پنج کار
مطابق فطرت است ناخن گرفتن و شارب چیدن
و موی زیر بغل ستردن و موهای زهار
تراشیدن و ختنه کردن.

پنج امتیاز که مخصوص امیر المؤمنین علیه السلام بود

خمس مناقب لأمیر المؤمنین ع
۸۷ - حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنُ بْنُ أَحْمَدَ
الْأَسْتَرَابَادِيُّ الْعَدْلُ بِبَلْخِ قَالَ أَخْبَرَنَا جَدِّي
قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ الْجُرْجَانِيُّ قَالَ
حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ أَبَانَ قَالَ حَدَّثَنَا زَافِرُ
بْنُ سُلَيْمَانَ عَنْ إِسْرَائِيلَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ شَرِيكٍ
الْعَامِرِيِّ عَنْ الْحَارِثِ بْنِ ثَعْلَبَةَ قَالَ قُلْتُ
لِسَعْدٍ أ شَهَدْتَ شَيْئًا مِنْ مَنَاقِبِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ
نَعَمْ شَهَدْتُ لَهُ أَرْبَعَ مَنَاقِبَ وَ الخَامِسَةَ قَدْ
شَهَدْتُهَا لِأَنِّي كُنْتُ لِي وَاحِدَةً مِنْهُمْ أَحَبُّ إِلَيَّ
مِنْ حُمْرِ النَّعَمِ بَعَثَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَبَا بَكْرٍ
بِبَرَاءةٍ ثُمَّ أَرْسَلَ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ فَأَخَذَهَا مِنْهُ فَرَجَعَ
أَبُو بَكْرٍ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَنْزَلَ فِيَّ شَيْءٌ
قَالَ لَا إِلَّا أَنَّهُ لَا يَبْلُغُ عَنِّي إِلَّا رَجُلٌ مِنِّي وَ
سَدَّ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَبْوَابًا كَانَتْ فِي الْمَسْجِدِ وَ
تَرَكَ بَابَ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالُوا سَدَدْتَ الْأَبْوَابَ وَ
تَرَكَتَ بَابَهُ فَقَالَ ﷺ مَا أَنَا سَدَدْتُهَا وَ لَا
أَنَا تَرَكَتُهُ قَالَ وَ بَعَثَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عُمَرَ بْنَ
الْخَطَّابِ وَ رَجُلًا آخَرَ إِلَى خَيْبَرَ فَرَجَعَا
مُنْهَزِمِينَ فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ لِأَعْطَيْنِ الرَّايَةَ عِدَا
رَجُلًا يُحِبُّ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ يُحِبُّهُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ فِي
ثَنَاءٍ كَثِيرٍ قَالَ فَتَعَرَّضَ لَهَا غَيْرُ وَاحِدٍ فَدَعَا
عَلِيًّا فَأَعْطَاهُ الرَّايَةَ فَلَمْ يَرْجِعْ حَتَّى فَتَحَ اللَّهُ
لَهُ وَ الرَّابِعَةَ يَوْمَ غَدِيرِ خَمٍّ أَخَذَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
بِيَدِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَرَفَعَهَا حَتَّى رَأَى بَيَاضَ آبَاطِهِمَا
فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ أ لَسْتُ أَوْلَى بِكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ

قَالُوا بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ فَمَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ
فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ وَ الْخَامِسَةُ خَلْفَهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فِي
أَهْلِهِ ثُمَّ لَحِقَ بِهِ فَقَالَ لَهُ أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ
هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي

۸۷ - حارث بن ثعلبة گوید: سعد را گفتم
از امتیازاتی که نصیب علی گشت چیزی را
شاهد بودی (و بچشم خود دیدی)؟ گفت آری
چهار منقبت او را شاهد بودم و پنجمی را
نیز شاهد بودم که اگر یکی از آن
امتیازات مرا بود دوست تر داشتم از
شتران سرخ موی.

۱ - رسول خدا ﷺ ابو بکر را مأمور
ابلاغ سوره برائت فرمود سپس علی را
فرستاد و علی آیات را از ابی بکر گرفت
وی بازگشت و عرض کرد یا رسول الله مگر در
باره من چیزی از عالم بالا نازل شد؟
فرمود:

نه جز اینکه این آیات را بایستی کسی
ابلاغ کند که از خود من باشد.

۲ - رسول خدا ﷺ در خانه‌ها را که به
مسجد باز میشد همه را بست و در خانه علی
را هم چنان باقی گذاشت عرض کردند همه
درها را بستی و در خانه علی را به حال
خود گذاشتی؟ فرمود: نه بستن آن درها از
ناحیه من بود و نه بازگذاشتن این (بلکه
هر دو بدستور خدا بود).

۳ - رسول خدا ﷺ عمر را با یک مرد
دیگر برای گشودن خیبر فرستاد و هر دو
شکست خورده باز گشتند پیغمبر فرمود فردا
پرچم را باید بدست کسی بدهم که خدا و
رسولش را دوست دارد و خدا و رسولش او را
دوست دارند و ستایش فراوانی فرمود گوید
چندین نفر خود را برای پرچمداری کاندید
کردند ولی پیغمبر علی را خواست و پرچم
را به دو سپرد و علی از میدان بازگشت
تا خداوند فتح و پیروزی را نصیبش فرمود.

چهارمین امتیاز در روز عید غدیر بود که رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم دست علی را گرفت و آنقدر بلند کرد که سفیدی زیر بغل‌های هر دو نمایان گردید و پیغمبر فرمود آیا من بشما از خود شما حکم فرماتر نیستم؟ گفتند چرا یا رسول الله فرمود بنا بر این بهر که مولا منم علی است مولای او.

پنجم اینکه رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم علی را برای خانواده خود جانشین کرد سپس علی به آن حضرت پیوست پیغمبرش فرمود نسبت تو بمن نسبت هرون است بموسی جز اینکه پس از من پیغمبری مبعوث نخواهد شد.

در پنج مورد بر قاضی لازم است که بر طبق ظاهر حکم کند

خمسة أشياء يجب الأخذ فيها على القاضى بظاهر الحكم

٨٨ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّقَّارُ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرِ الْمُقَرَّرِيِّ بِإِسْنَادِهِ رَفَعَهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام خَمْسَةٌ أَشْيَاءُ يَجِبُ عَلَى الْقَاضِي الْأَخْذَ فِيهَا بِظَاهِرِ الْحُكْمِ الْوَلَايَةِ وَالْمَنَاحِخِ وَالْمَوَارِيثِ وَالذَّبَائِحِ وَالشَّهَادَاتِ إِذَا كَانَ ظَاهِرُ الشُّهُودِ مَأْمُونًا جَازَتْ شَهَادَتُهُمْ وَلَا يُسْأَلُ عَنْ بَاطِنِهِمْ

٨٨ - امیر المؤمنین عليه السلام فرمود: پنج مورد است که بر قاضی لازم است در آن موارد بر طبق ظاهر قضیه حکم کند مورد ولایت و زناشویی وارث و کشتار حیوانات و مورد گواهی دادن که اگر گواهان به ظاهر مورد اعتماد باشند گواهی‌شان پذیرفته شود و نباید از باطن کارشان باز پرسى کرد.

پیش آهنگان پنج نفراند

السباق الخمسة

۸۹ - أَخْبَرَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ إِسْمَاعِيلَ قَالَ حَدَّثَنَا الْبَجِيرِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ حَرْبٍ الْوَاسِطِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي يَزِيدُ بْنُ هَارُونَ عَنْ أَبِي شَيْبَةَ قَالَ حَدَّثَنَا رَجُلٌ مِنْ هَمْدَانَ عَنْ أَبِيهِ قَالَ قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ السُّبَّاقُ خَمْسَةٌ فَأَنَا سَابِقُ الْعَرَبِ وَ سَلْمَانُ سَابِقُ فَارِسَ وَ صُهَيْبٌ سَابِقُ الرُّومِ وَ بِلَالٌ سَابِقُ الْحَبَشِ وَ خَبَّابٌ سَابِقُ النَّبْطِ

۸۹ - امیر المؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: پیش آهنگان پنج نفراند من پیش آهنگ عربیم و سلمان پیش آهنگ پارسیان و صهیب پیش آهنگ روم و بلال پیش آهنگ حبشه و خباب پیش آهنگ نبط! (طایفه ای که میان کوفه و بصره منزل داشتند).

عبد المطلب پنج رسم در زمان جاهلیت نهاد

که خدای عز و جل آن رسوم را در اسلام اجرا فرمود: سن عبد المطلب فی الجاهلیة خمس سنن اجراها الله عز و جل فی الإسلام

۹۰ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الشَّاهِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو حَامِدٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو يَزِيدَ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ صَالِحِ التَّمِيمِيِّ عَنْ أَبِيهِ قَالَ حَدَّثَنَا أَنَسُ بْنُ مُحَمَّدٍ أَبُو مَالِكٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ فِي الْجَاهِلِيَّةِ خَمْسَ سُنَنٍ أَجْرَاهَا اللَّهُ لَهُ فِي الْإِسْلَامِ حَرَمَ نِسَاءِ الْأَبَاءِ عَلَى الْأَبْنَاءِ فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لَا تَنْكِحُوا مَا نَكَحَ آبَاؤُكُمْ مِنَ النِّسَاءِ وَ وَجَدَ كَنْزًا فَأَخْرَجَ مِنْهُ الْخُمْسَ وَ تَصَدَّقَ بِهِ

فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ الْآيَةَ وَ لِمَا حَفَرَ زَمْزَمَ سَمَاهَا سِقَايَةَ الْحَاجِّ فَأَنْزَلَ اللَّهُ أَوْ جَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَ عِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ الْآيَةَ وَ سَنَّ فِي الْقَتْلِ مِائَةَ مِنَ الْإِبِلِ فَأَجْرِي اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ ذَلِكَ فِي الْإِسْلَامِ وَ لَمْ يَكُنْ لِبَطْوَافٍ عَدَدٌ عِنْدَ قُرَيْشٍ فَسَنَّ فِيهِمْ عَبْدُ الْمُطَّلِبِ سَبْعَةَ أَشْوَاطٍ فَأَجْرِي اللَّهُ ذَلِكَ فِي الْإِسْلَامِ يَا عَلِيُّ إِنَّ عَبْدَ الْمُطَّلِبِ كَانَ لَا يَسْتَقْسِمُ بِالْأَزْلَامِ وَ لَا يَعْبُدُ الْأَصْنَامَ وَ لَا يَأْكُلُ مَا ذُبِحَ عَلَى النُّصْبِ وَ يَقُولُ أَنَا عَلَى دِينِ أَبِي إِبْرَاهِيمَ

۹۰ - پیغمبر ﷺ ضمن وصیتی بعلی فرمود: یا علی راستی که عبد المطلب در زمان جاهلیت پنج رسم نهاد که خداوند آن رسوم را در اسلام اجرا فرمود:

۱ - زن پدر را بر پسر حرام کرد خداوند عز و جل در این باره آیه فرستاد که زنانی را که پدرانتان به همسری خود گرفته‌اند شما همسر خود نگیرید. ۲ - گنجی یافت پنج یک آن را کنار گذاشت و در راه خدا به دیگران داد خدای عز و جل در این باره آیه فرستاد (بدانید که هر چه به غنیمت بدست شما برسد پنج یک آن از آن خدا است (تا آخر آیه)).

۳ - چون چاه زمزم را کند آن را سقایه الحاج نامید خدای عز و جل آیه فرو فرستاد آیا سقایه حاج (سیراب کردن حاجیان) و آباد ساختن مسجد حرام را در ردیف ایمان بخدا و روز قیامت قرار می‌دهید؟ ۴- جریمه کشتن را صد شتر قرار داد خدای عز و جل همان را در اسلام اجرا فرمود:

۵ - برای طواف خانه خدا شماره معینی نزد قریش نبود عبد المطلب هفت بار گرد خانه گشتن را میان آنان رسم کرد و خداوند همان را در اسلام اجرا فرمود.

یا علی براستی که عبد المطلب نه بوسیله چوبه‌های قمار قرعه میزد و نه بتها را پرستش مینمود و نه از گوشت قربانی بتها میخورد و میگفت من پیرو دین پدرم ابراهیم هستم.

ولیمه فقط در پنج مورد است

لا ولیمة إلا فی خمس
 ۹۱ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوِيهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنِي عَمِّي مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي الْقَاسِمِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنْ سِجَادَةَ الْعَابِدِ وَاسْمُهُ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي عَثْمَانَ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرٍ قَالَ قَالَ أَبُو الْحَسَنِ الْأَوْلِيُّ عليه السلام قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله لَا وَلِيمَةَ إِلَّا فِي خَمْسٍ فِي عُرْسٍ أَوْ خُرْسٍ أَوْ عِدَارٍ أَوْ وَكَارٍ أَوْ رَكَازٍ فَأَمَّا الْعُرْسُ فَالتَّزْوِيجُ وَالْخُرْسُ النَّقَاسُ بِالْوَلَدِ وَالْعِدَارُ الْخِتَانُ وَالْوَكَارُ الرَّجُلُ يَشْتَرِي الدَّارَ وَالرَّكَازُ الَّذِي يَقْدَمُ مِنْ مَكَّةَ
 ۹۱ - رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: ولیمه فقط در پنج مورد است در جشن عروسی و در جشن ولادت در ختنه کردن و در خرید خانه در بازگشت از حج.

۹۲ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنُ الشَّاهِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو حَامِدٍ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو يَزِيدَ أَحْمَدُ بْنُ خَالِدِ الْخَالِدِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ صَالِحِ التَّمِيمِيِّ عَنْ أَبِيهِ قَالَ حَدَّثَنَا أَنَسُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام عَنْ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله أَنَّهُ قَالَ فِي وَصِيَّتِهِ لَهُ يَا عَلِيُّ لَا وَلِيمَةَ إِلَّا فِي خَمْسٍ فِي عُرْسٍ أَوْ خُرْسٍ أَوْ عِدَارٍ أَوْ وَكَارٍ أَوْ رَكَازٍ وَالْخُرْسُ النَّقَاسُ بِالْوَلَدِ وَالْعِدَارُ الْخِتَانُ وَالْوَكَارُ فِي شِرَاءِ الدَّارِ وَالرَّكَازُ الَّذِي يَقْدَمُ مِنْ مَكَّةَ

قال مصنف هذا الكتاب رضى الله عنه يقال للطعام الذى يدعى إليه الناس عند بناء الدار أو شرائها الوكيرة و الوكار منه و يقال للطعام الذى يتخذ للقادم من السفر النقيعة و الركاز الغنيمة كأنه يريد أن فى اتخاذ الطعام للقدوم من مكة غنيمة لصاحبه من الثواب الجزيل و منه قولُ النَّبِيِّ ﷺ الصَّوْمُ فِي الشَّتَاءِ الْغَنِيمَةُ الْبَارِدَةُ

۹۲ - رسول خدا ﷺ در ضمن وصیتش به امیر المؤمنین علیؑ فرمود: یا علی ولیمه فقط در پنج مورد

است موارد روایت ۹۱.

(مصنف-) این کتاب گوید

به غذائی که برای ساختمان خانه نو و یا خرید آن تهیه و مردم را دعوت میکنند عرب (وکیر) گوید و وکار که در روایت گفته شده است ریشه اش از آن است و غذائی که برای رسیدن مسافر تهیه می شود نقیعه گویند و رکاز بمعنای غنیمت است و اینکه در روایت بجای نقیعه رکاز گفته شده است باین مناسبت است که گوئی بستگان مسافر با تهیه غذا غنیمتی برای مسافر بدست می آورند که همان ثواب و پاداش باشد و فرمایش رسول خدا ﷺ نیز بهمین معنا است که فرمود روزه زمستان غنیمت سردی است.

رسول خدا ﷺ از پروردگار خود در باره علیؑ پنج چیز درخواست کرد

سأل رسول الله ﷺ ربه عز و جل فی علیؑ

خمس خصال

۹۳ - حَدَّثَنَا أَبُو مَنْصُورٍ أَحْمَدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ بَكْرٍ قَالَ حَدَّثَنَا زَيْدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْبَغْدَادِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْقَاسِمِ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَحْمَدَ الطَّائِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرَّضَا عَنْ

أَبِيهِ عَنِ آبَائِهِ عَنِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَا عَلِيُّ سَأَلْتُ رَبِّي فِيكَ خَمْسَ خِصَالٍ فَأَعْطَانِي أَمَّا أَوْلَاهَا فَسَأَلْتُ رَبِّي أَنْ أَكُونَ أَوَّلَ مَنْ تَنْشَقُّ عَنْهُ الْأَرْضُ وَ أَنْفُضَ التُّرَابَ عَنِ رَأْسِي وَ أَنْتَ مَعِيَ فَأَعْطَانِي وَ أَمَّا الثَّانِيَةَ فَسَأَلْتُ رَبِّي أَنْ يَقِفَنِي عِنْدَ كِفَّةِ الْمِيزَانِ وَ أَنْتَ مَعِيَ فَأَعْطَانِي وَ أَمَّا الثَّلَاثَةَ فَسَأَلْتُ رَبِّي أَنْ يَجْعَلَكَ فِي الْقِيَامَةِ صَاحِبَ لِيَوَائِي فَأَعْطَانِي وَ أَمَّا الرَّابِعَةَ فَسَأَلْتُ رَبِّي أَنْ يَسْقِيَ أُمَّتِي مِنْ حَوْضِي بِيَدِكَ فَأَعْطَانِي وَ أَمَّا الْخَامِسَةَ فَسَأَلْتُ رَبِّي أَنْ يَجْعَلَكَ قَائِدَ أُمَّتِي إِلَى الْجَنَّةِ فَأَعْطَانِي فَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَنَّ عَلَيَّ بِذَلِكَ

۹۳ - رسول خدا ﷺ به علی علیه السلام فرمود:
یا علی از پروردگار خود در باره تو پنج چیز درخواست کردم و بمن عطا فرمود:
نخستین درخواستم این بود که اولین کسی که از شکاف زمین بیرون شود و خاک از سر خود بیفشاند من باشم و تو نیز با من باشی خداوند این خواسته را بمن عطا فرمود.

دومین در خواستم از پروردگارم این بود که مرا اجازه دهد تا در کنار کفه ترازوی اعمال بایستم و تو نیز با من باشی و این درخواستم را نیز بمن عطا فرمود.
سومین درخواستم از پروردگارم این بود که تو را در روز رستاخیز پرچمدار من قرار دهد و درخواستم را بمن عطا فرمود.
چهارمین درخواستم از پروردگارم این بود که امت مرا با دست تو از حوض سیراب فرماید و درخواستم را بمن عطا فرمود.
پنجمین درخواستم از پروردگارم این بود که تو را پیشرو قافله امتم به بهشت قرار دهد و درخواستم را بمن عطا فرمود:

سپاس خدای را که با پذیرش این درخواستها بر من منت نهاد.

۹۴ - حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هِشَامِ الْمُكْتَبِ وَ أَحْمَدُ بْنُ زِيَادِ بْنِ جَعْفَرِ الْهَمْدَانِيِّ وَ عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْوَرَّاقُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ قَالُوا حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ يَاسِرِ الْخَادِمِ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرُّضَا عَنْ أَبِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله يَا عَلِيُّ إِنِّي سَأَلْتُ رَبِّي عَزَّ وَ جَلَّ فِيكَ خَمْسَ خِصَالٍ فَأَعْطَانِي أُمَّ أَوْلَهَا فَإِنِّي سَأَلْتُهُ أَنْ تَنْشُقَّ الْأَرْضَ عَنِّي فَانْقَضَ التُّرَابَ عَن رَأْسِي وَ أَنْتَ مَعِيَ فَأَعْطَانِي وَ أُمَّ الثَّانِيَةَ فَإِنِّي سَأَلْتُهُ أَنْ يَقْفِنِي عِنْدَ كِفَّةِ الْمِيزَانِ وَ أَنْتَ مَعِيَ فَأَعْطَانِي وَ أُمَّ الثَّلَاثَةَ فَسَأَلْتُ رَبِّي عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ يَجْعَلَكَ حَامِلًا

لِوَالِي وَ هُوَ لِوَالِي اللَّهِ الْأَكْبَرِ عَلَيْهِ مَكْتُوبٌ الْمُفْلِحُونَ الْفَائِزُونَ بِالْجَنَّةِ فَأَعْطَانِي وَ أُمَّ الرَّابِعَةَ فَإِنِّي سَأَلْتُهُ أَنْ يَسْقِيَ أُمَّتِي مِنْ حَوْضِي بِيَدِكَ فَأَعْطَانِي وَ أُمَّ الْخَامِسَةَ فَإِنِّي سَأَلْتُهُ أَنْ يَجْعَلَكَ قَائِدًا أُمَّتِي إِلَى الْجَنَّةِ فَأَعْطَانِي وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَنَّ عَلَيَّ بِهِ

۹۴ - رسول خدا صلى الله عليه وآله به علی عليه السلام فرمود:

مضمون روایت ۹۳ است با این تفاوت که در سومین درخواست: (پرچمداری علی) اضافه شده است: و آن بزرگترین پرچمهای الهی است که بدست تو است و بر آن نوشته شده است رستگاران کسانی هستند که به بهشت رسیده اند.

پنج موعظه است که اگر مردم در آن باره کوچ کنند مانند آنها را نیابند

مسه لو رحل الناس فيهن ما قدروا على مثلهن

٩٥ - حَدَّثَنَا أَبُو مَنْصُورٍ أَحْمَدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ قَالَ حَدَّثَنَا زَيْدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْبَغْدَادِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْقَاسِمِ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَحْمَدَ الطَّائِيَّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرِّضَا عَنْ أَبِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ خَمْسٌ لَوْ رَحَلْتُمْ فِيهِنَّ مَا قَدَرْتُمْ عَلَى مِثْلِهِنَّ لَا يَخَافُ عَبْدٌ إِلَّا ذَنْبَهُ وَ لَا يَرْجُو إِلَّا رَبَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لَا يَسْتَحْيِي الْجَاهِلُ إِذَا سُئِلَ عَمَّا لَا يَعْلَمُ أَنْ يَتَعَلَّمَ وَ لَا يَسْتَحْيِي أَحَدَكُمْ إِذَا سُئِلَ عَمَّا لَا يَعْلَمُ أَنْ يَقُولَ لَا أَعْلَمُ وَ الصَّبْرُ مِنَ الْإِيمَانِ بِمَنْزِلَةِ الرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ وَ لَا إِيْمَانُ لِمَنْ لَا صَبْرَ لَهُ

٩٥ - علی عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: پنج موعظه است که اگر در طلب آن از دیار خود کوچ کنید مانند آنها را نیابید بنده بجز از گناه خویش نترسد و جز به پروردگار خویش امید نه بندد و چیزی را که از نادان می‌پرسند و نمیدانند بدون خجالت آن را فرا بگیرد و شکیبائی برای پیکره ایمان همچون سر است برای بدن و کسی که شکیبائی ندارد ایمانش نیست.

٩٦ - حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ السَّكُونِيُّ بِالْكُوفَةِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْحَضْرَمِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا سَعِيدُ بْنُ عَمْرٍو الْأَشْعَثِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا سُفْيَانُ بْنُ عُيَيْنَةَ عَنِ السَّرِيِّ عَنِ الشَّعْبِيِّ قَالَ قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ خُذُوا عَنِّي كَلِمَاتٍ لَوْ رَكِبْتُمُ الْمَطِيَّ فَأَنْضَيْتُمُوهَا لَمْ تُصِيبُوا مِثْلَهِنَّ إِلَّا لَا يَرْجُو أَحَدٌ إِلَّا رَبَّهُ وَ لَا يَخَافَنَّ إِلَّا ذَنْبَهُ وَ لَا يَسْتَحْيِي الْعَالِمُ إِذَا لَمْ يَعْلَمْ أَنْ يَتَعَلَّمَ وَ لَا يَسْتَحْيِي إِذَا سُئِلَ عَمَّا لَا يَعْلَمُ أَنْ يَقُولَ اللَّهُ عَلَّمَ وَ اعْلَمُوا أَنَّ الصَّبْرَ مِنَ الْإِيمَانِ بِمَنْزِلَةِ الرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ وَ لَا خَيْرَ فِي جَسَدٍ لَا رَأْسَ لَهُ

۹۶ - علی علیه السلام فرمود: کلماتی از من فرا گیرید که اگر بر چهار پایان سوار شوید و در راه پیمائی آنها را از پای درآورید مانند آن کلمات را نخواهید یافت هان که هیچ کس جز به پروردگارش امید نه بندد و بجز از گناه خویش نهراسد و چون چیزی نداند از فرا گرفتنش خجالت نکشد و چون چیزی از او سؤال شد که نمیداند خجالت نکشد و بگوید خدا بهتر میداند و بدانید که شکیبائی برای پیکره ایمان همچون سر است برای بدن و بدنی که سر ندارد خیری در او نیست.

در روز جمعه پنج خصلت است

فی یوم الجمعة خمس خصال ۹۷ حَدَّثَنَا أَبُو مُحَمَّدٍ عَبْدُوسُ بْنُ عَلِيٍّ بْنُ الْعَبَّاسِ الْجَرْجَانِيُّ بِسَمْرَقَنْدَ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْقَاسِمِ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْحَاقَ الْمَعْرُوفِ بَابِنِ الشَّعَالِ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَارِثُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي أُسَامَةَ قَالَ حَدَّثَنِي يَحْيَى بْنُ أَبِي بُكَيْرٍ قَالَ حَدَّثَنَا زُهَيْرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَقِيلٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ يَزِيدَ عَنْ أَبِي لُبَابَةَ بْنِ عَبْدِ الْمُنْذِرِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله إِنَّ يَوْمَ الْجُمُعَةِ سَيِّدُ الْأَيَّامِ وَ أَعْظَمُ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ يَوْمِ الْأَضْحَى وَ يَوْمِ الْفِطْرِ فِيهِ خَمْسُ خِصَالٍ خَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِيهِ آدَمَ عليه السلام وَ أَهْبَطَ اللَّهُ فِيهِ آدَمَ إِلَى الْأَرْضِ وَ فِيهِ تَوَفَّى اللَّهُ آدَمَ وَ فِيهِ سَاعَةٌ لَا يَسْأَلُ اللَّهُ الْعَبْدُ فِيهَا شَيْئاً إِلَّا آتَاهُ مَا لَمْ يَسْأَلْ حَرَاماً وَ مَا مِنْ مَلَكٍ مُقَرَّبٍ وَ لَا سَمَاءٍ وَ لَا أَرْضٍ وَ لَا رِيَّاحٍ وَ لَا جِبَالٍ وَ لَا بَرٍّ وَ لَا بَحْرٍ إِلَّا وَ هُنَّ يَشْفِقْنَ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ أَنْ تَقُومَ فِيهِ السَّاعَةُ

۹۷ - رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: براستی که روز جمعه سر آمد روزها است و در پیشگاه الهی از روز عید قربان و عید ماه رمضان

والاثر است پنج خصلت در آن است خدای عز و جل آدم را آن روز آفرید و در آن روز آدم را بزمین فرود آورد و در آن روز جان آدم را گرفت و در آن روز ساعتی است که بنده در آن ساعت در خواستی از خدا نکند مگر آنکه خداوند درخواستش را باو میدهد تا آنجا که خواسته اش حرام نباشد و همه فرشتگان مقرب الهی و آسمانها و زمینها و بادهای و کوهها و بیابانها و دریاها روزها جمعه در هراسند از اینکه قیامت بر پا شود.

همسری با پنج طائفه از زنان ناروا است

کراهة التزویج بـخمس

۹۸ - حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ عَمْرٍو
 الْبَصْرِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ
 الْحَسَنِ بْنِ الْبُنْدَارِ التَّمِيمِيُّ الطَّبْرِيُّ
 بِأَسْفَرَايِينَ فِي الْجَامِعِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو نَصْرِ
 مُحَمَّدُ بْنُ يُوسُفَ الطُّوسِيُّ بِطَبْرَانَ قَالَ حَدَّثَنَا
 أَبِي قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ خَشْرَمِ الْمَرْوَزِيُّ قَالَ
 حَدَّثَنَا الْقَضُّ بْنُ مُوسَى السَّيْنَانِيُّ الْمَرْوَزِيُّ
 قَالَ قَالَ أَبُو حَنِيفَةَ النُّعْمَانُ بْنُ ثَابِتٍ
 أَفِيدَكَ حَدِيثًا طَرِيفًا لَمْ تَسْمَعْ أَطْرَفَ مِنْهُ قَالَ
 فَقُلْتُ نَعَمْ قَالَ أَبُو حَنِيفَةَ أَخْبَرَنِي حَمَادُ بْنُ
 أَبِي سُلَيْمَانَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ النَّخَعِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ
 بْنِ بَجِينَةَ عَنْ زَيْدِ بْنِ ثَابِتٍ قَالَ قَالَ لِي
 رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَا زَيْدُ تَزَوَّجْتَ قَالَ قُلْتُ لَا قَالَ
 تَزَوَّجْ تَسْتَعْفَ مَعَ عِفَّتِكَ وَ لَا تَزَوَّجَنَّ خَمْسًا قَالَ
 زَيْدُ مَنْ هُنَّ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لَا
 تَزَوَّجَنَّ شَهْبَرَةَ وَ لَا لَهْبَرَةَ وَ لَا نَهْبَرَةَ وَ لَا
 هَيْدَرَةَ وَ لَا لَفُوتًا فَقَالَ زَيْدُ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا
 عَرَفْتُ مِمَّا قُلْتَ شَيْئًا وَ إِنِّي بِأَمْرِهِنَّ لَجَاهِلٌ
 فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَلَسْتُمْ عَرَبًا أَمَا الشَّهْبَرَةُ
 فَالزَّرْقَاءُ الْبَدِيَّةُ وَ أَمَا اللَّهْبَرَةُ فَالطَّوِيلَةُ
 الْمَهْزُولَةُ وَ أَمَا النَّهْبَرَةُ فَالْقَصِيرَةُ

الدَّمِيمَةَ وَ أَمَّا الْهَيْدَرَةُ فَالْعَجُوزُ الْمُدِيرَةُ
 وَ أَمَّا اللَّفُوتُ فَذَاتُ الْوَلَدِ مِنْ غَيْرِكَ
 ۹۸ - فضل بن موسی گوید: ابو حنیفه مرا
 گفت حدیثی برایت بگویم که حدیث تازه و
 کم نظیرتر از آن نشنیده باشی گفتم آری
 بگو، گفت: زید بن ثابت گوید رسول خدا
 ﷺ به من فرمود: ای زید همسر گرفته ای؟
 گوید گفتم نه، فرمود: زن بگیر تا عفتی
 که داری محفوظ نگهداری ولی با پنج طائفه
 از زنان ازدواج مکن زید گفت: آن زنان
 کیانند؟ فرمود حتماً ازدواج مکن با شهبره
 و لهبره و نهبره و هیدره و لفوت زید عرض
 کرد یا رسول الله هیچ نفهمیدم چه فرمودید و
 معنای هیچ يك از این لغات را نمیدانم
 رسول خدا ﷺ فرمود مگر شما عرب نیستید؟
 اما شهبره زن آبی چشم بد زبان است و
 اما لهبره زن بلند بالای لاغر اندام و اما
 نهبره زن کوتاه قد بد سرشت و اما هیدره
 پیرزن گوژپشت و اما لفوت زنی است که از
 شوهر دیگر فرزند داشته باشد.

بهترین بندگان کسانی هستند که پنج خصلت بجای می آورند

خيار العباد الذين يفعلون خمس خصال
 ۹۹ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ
 الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ
 الْحَسَنِ الصَّقَّارُ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ أَبِي عَيْدٍ
 اللَّهُ الْبَرْقِيُّ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَهْرَانَ عَنْ سَيْفِ بْنِ
 عَمِيرَةَ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ جَعْفَرِ النَّخَعِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ
 بْنِ مُسْلِمٍ وَ غَيْرِهِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ
 الْبَاقِرِ عليه السلام قَالَ سُئِلَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وسلم عَنْ خِيَارِ
 الْعِبَادِ فَقَالَ الَّذِينَ إِذَا أَحْسَنُوا اسْتَبَشَرُوا
 وَ إِذَا أَسَاءُوا اسْتَغْفَرُوا وَ إِذَا أَعْطُوا
 شَكَرُوا وَ إِذَا ابْتُلُوا صَبَرُوا وَ إِذَا غَضِبُوا
 عَفَرُوا

۹۹ - امام باقر علیه السلام فرمود: از رسول خدا صلی الله علیه و آله سؤال شد از بهترین بندگان فرمود: کسانی هستند که چون نیکی کنند شاد گردند و چون بد کنند آمرزش بطلبند و چون چیزی به آنان داده شود سپاسگزار باشند و چون گرفتار شوند شکیبائی کنند و چون خشم گیرند گذشت کنند.

گفتار نیک پنج نتیجه دارد

فی القول الحسن خمس خصال
 ۱۰۰ - حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ زَيْدِ بْنِ الْعَبَّاسِ بْنِ الْوَلِيدِ الْبَزَّازُ بِالْكُوفَةِ قَالَ حَدَّثَنَا عَمِّي عَلِيُّ بْنُ الْعَبَّاسِ قَالَ حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ بَشْرِ بْنِ خَالِدِ الْعَبْدِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا عَمْرُو بْنُ خَالِدٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو حَمَزَةَ الثَّمَالِيُّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ علیه السلام قَالَ الْقَوْلُ الْحَسَنُ يُثْرِي الْمَالَ وَ يُنْمِي الرِّزْقَ وَ يُنْسِي فِي الْأَجَلِ وَ يُحَبِّبُ إِلَى الْأَهْلِ وَ يُدْخِلُ الْجَنَّةَ

۱۰۰ - امام زین العابدین علیه السلام فرمود: گفتار نیک ثروت را زیاد کند و روزی را افزون گرداند و مرگ را به تأخیر اندازد و صاحبش را نزد خانواده محبوب نماید و او را داخل بهشت گرداند.

امت پیغمبر را پنج چیز در ماه رمضان داده شده است که امت هیچ پیغمبری را داده نشده است أعطیت أمة محمد صلی الله علیه و آله فی شهر رمضان خمسا لم يعطهن أمة نبي قبله

۱۰۱ - حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ عَمْرٍو الْبَصْرِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْفَضْلِ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ حُمْدُونَ النَّسَائِيُّ بِهَا قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْأَزْدِيُّ بِبَغْدَادَ وَ كَانَ ثِقَةً قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ الْوَهَّابِ بْنِ عَطَاءٍ قَالَ حَدَّثَنَا هُشَيْمٌ عَنْ أَبِي الْحَوَارِيِّ زَيْدِ الْعَمِّيِّ عَنْ أَبِي نَضْرَةَ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ

النَّبِيِّ ﷺ قَالَ أُعْطِيَتْ أُمَّتِي فِي شَهْرِ رَمَضَانَ خَمْسًا لَمْ يُعْطَهُنَّ أُمَّةٌ نَبِيٌّ قَبْلِي أَمَّا وَاحِدَةٌ فَإِذَا كَانَ أَوَّلَ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ نَظَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِمْ وَ مَنْ نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْهِ لَمْ يُعَذِّبْهُ أَبَدًا وَ أَمَّا الثَّانِيَةُ فَإِنَّ خَلُوفَ أَفْوَاهِهِمْ حِينَ يُمَسُّونَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَطْيَبُ مِنْ رِيحِ الْمِسْكِ وَ أَمَّا الثَّلَاثَةُ فَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ يَسْتَغْفِرُونَ لَهُمْ فِي لَيْلِهِمْ وَ نَهَارِهِمْ وَ أَمَّا الرَّابِعَةُ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَأْمُرُ جَنَّتَهُ أَنْ اسْتَغْفِرَ وَ تَزِيَنِي لِعِبَادِي فَيُوشِكُ أَنْ يَذْهَبَ عَنْهُمْ نَصَبُ الدُّنْيَا وَ أَذَاهَا وَ يَصِيرُوا إِلَى جَنَّتِي وَ كَرَامَتِي وَ أَمَّا الْخَامِسَةُ فَإِذَا كَانَ آخِرَ لَيْلَةٍ غَفَرَ لَهُمْ جَمِيعًا فَقَالَ رَجُلٌ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ أَلَمْ تَرَ إِلَى الْعُمَّالِ إِذَا فَرَعُوا مِنْ أَعْمَالِهِمْ وَفُؤَا

۱۰۱ - رسول خدا ﷺ فرمود: پنج چیز به امت من در ماه رمضان عطا شده است که بامت هیچ پیغمبری پیش از من عطا نشده است یکی از آن پنج این است که چون شب اول ماه رمضان شود خدای عز و جل به آنان نظر کند و هر کس مورد توجه خدای شد هرگز او را عذاب نخواهد فرمود:

دوم آنکه بوی دهانشان بهنگام عصر نزد خدای عز و جل از مشک خوشبوتر باشد.
سوم آنکه فرشتگان شبانه روز برای آنان طلب آمرزش کنند.

چهارم آنکه خدای عز و جل بهشت را مأمور فرماید که برای بندگان آمرزش بطلب و خود را برای آنان بیارای تا مگر خستگی و آزار دنیا از جانشان بدر آید و به بهشت و پذیرائی من در آیند.

پنجم آنکه چون شب آخر فرا رسد همگی آنان آمرزیده شوند مردی عرضکرد یا رسول الله در شب قدر آمرزیده شوند؟ فرمود: کارگران را نه بینی که چون از کار فارغ شوند مزد خویش دریافت کنند.

روز قیامت پنج کس از پنج کس میگریزد

یفر یوم القیامة خمسة من خمسة
۱۰۲ - حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ عَمْرٍو
بْنِ عَلِيٍّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْبَصْرِيُّ بِإِیْلَاقٍ قَالَ حَدَّثَنَا
أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ
جَبَلَةَ الْوَاعِظُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْقَاسِمِ عَبْدِ اللَّهِ
بْنُ أَحْمَدَ الطَّائِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي قَالَ حَدَّثَنَا
عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرِّضَا قَالَ حَدَّثَنَا مُوسَى بْنُ
جَعْفَرٍ قَالَ حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ حَدَّثَنَا
مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ
قَالَ حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ كَانَ عَلِيُّ
بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالْكُوفَةِ فِي الْجَامِعِ إِذْ قَامَ
إِلَيْهِ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الشَّامِ فَسَأَلَهُ عَنْ مَسَائِلَ
فَكَانَ فِيمَا سَأَلَهُ أَنْ قَالَ أَخَيْرَنِي عَنْ قَوْلِ اللَّهِ
عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ وَ أُمِّهِ وَ
أَبِيهِ وَ صَاحِبَتِهِ وَ بَنِيهِ مَنْ هُمْ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ

قَابِيلُ يَفِرُّ مِنْ هَابِيلَ وَ الَّذِي يَفِرُّ مِنْ أُمِّهِ
مُوسَى وَ الَّذِي يَفِرُّ مِنْ أَبِيهِ إِبْرَاهِيمُ وَ الَّذِي
يَفِرُّ مِنْ صَاحِبَتِهِ لُوطٌ وَ الَّذِي يَفِرُّ مِنْ ابْنِهِ
نُوحٌ يَفِرُّ مِنْ ابْنِهِ كَنَعَانَ

قال مصنف هذا الكتاب رضى الله عنه إنما
يفر موسى من أمه خشية أن يكون قصر فيما
وجب عليه من حقها و إبراهيم إنما يفر من
الأب المربى المشرك لا من الأب الوالد و هو
تارخ

۱۰۲ - حسين بن على عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: امير
المؤمنين در مسجد كوفه بود كه ناگاه
مردى از اهل شام برخواست و پرسشهاى از
آن حضرت كرد و از جمله پرسشهايش اين بود
كه عرض كرد بيان فرمائيد در آيه شريفه
كه خدا ميفرمايد روزى كه مرد از برادر و
مادر و پدر و همسر و فرزندان خویش
ميگریزد اينان كيانند؟ فرمود قابيل از
هابيل ميگریزد و آنكه از مادرش ميگریزد
موسى است و آنكه از پدرش ميگریزد
ابراهيم است و آنكه از همسرش ميگریزد

لوط است و آنکه از پسرش میگریزد نوح است که از فرزندش کنعان میگریزد. (مصنف) این کتاب گوید:

موسی برای این جهت از مادرش میگریزد که میترسد مبادا نسبت به حقی که از مادر بر ذمه دارد کوتاهی کرده باشد و ابراهیم که از پدر میگریزد پدری است مشرک که او را تربیت کرده نه پدری که او را تولید نموده و نامش تاریخ بود.

پنج تن از پیغمبران به زبان عربی سخن گفتند

خمسة من الأنبياء عليهم السلام تكلموا بالعربية
١٠٣ - حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ عَمْرٍو
الْبَصْرِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ
لِلَّهِ الْوَاعِظُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْقَاسِمِ الطَّائِيُّ
قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُوسَى
الرِّضَا عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام قَالَ
كَانَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام بِالْكُوفَةِ فِي
الْجَامِعِ إِذْ قَامَ إِلَيْهِ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الشَّامِ
فَسَأَلَهُ عَنْ مَسَائِلَ فَكَانَ فِيهَا سَأَلَهُ أَنْ قَالَ
لَهُ أَخِيرَنِي عَنْ خَمْسَةٍ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ تَكَلَّمُوا
بِالْعَرَبِيَّةِ فَقَالَ هُودٌ وَصَالِحٌ وَشُعَيْبٌ وَ
إِسْمَاعِيلُ وَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ
١٠٣ - حسين بن علي عليه السلام فرماید: امیر
المؤمنین در مسجد کوفه بود که ناگاه
مردی از اهل شام برخواست و پرسشهایی از
آن حضرت نمود و از جمله پرسشها این بود
که عرض کرد مرا آگاه فرما از پنج تن از
پیغمبران که به زبان عربی سخن گفتند
فرمود هود و صالح و شعیب و اسماعیل و
محمد صلی الله علیه و آله و سلم بودند.

پنج تن از بدترین خلق خدای عز و جلاند

خمسة من شر خلق الله عز و جل
۱۰۴ - حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ مُوسَى
الدَّقَاقُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ
يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا الْقَطَّانُ قَالَ حَدَّثَنَا بَكْرُ بْنُ
عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَبِيبٍ قَالَ حَدَّثَنِي نُصَيْرُ بْنُ عُبَيْدٍ
قَالَ حَدَّثَنَا نَصْرُ بْنُ مُزَاحِمٍ الْمِنْقَرِيُّ قَالَ
حَدَّثَنِي يَحْيَى بْنُ يَعْلَى عَنْ يَحْيَى بْنِ سَلَمَةَ بْنِ
كُهَيْلٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَالِمِ بْنِ أَبِي الْجَعْدِ عَنْ
أَبِي حَرْبِ بْنِ أَبِي الْأَسْوَدِ عَنْ رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ
الشَّامِ عَنْ أَبِيهِ قَالَ سَمِعْتُ النَّبِيَّ ﷺ يَقُولُ
مِنْ شَرِّ خَلْقِ اللَّهِ خَمْسَةٌ ابْلِيسُ وَ ابْنُ آدَمَ الَّذِي
قَتَلَ أَخَاهُ وَ فِرْعَوْنُ ذُو الْأَوْتَادِ وَ رَجُلٌ مِنْ
بَنِي إِسْرَائِيلَ رَدَّهُمْ عَنْ دِينِهِمْ وَ رَجُلٌ مِنْ هَذِهِ
الْأُمَّةِ يُبَايِعُ عَلِيَّ كُفْرًا عِنْدَ بَابٍ لُدًّا قَالَ ثُمَّ
قَالَ إِنِّي لَمَّا رَأَيْتُ مَعَاوِيَةَ يُبَايِعُ عِنْدَ بَابِ
لُدٍّ ذَكَرْتُ قَوْلَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَلَجِئْتُ بِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَكُنْتُ
مَعَهُ

۱۰۴ - مردی از شام از پدرش نقل میکند:
شنیدم پیغمبر میفرمود: از بدترین خلق
خدا پنج تناند ابلیس و آن فرزند آدم که
برادرش را کشت و فرعون که برای شکنجه
مردم میخهائی ساخته بود و مردی از بنی-
اسرائیل که آنان را از دینشان
برگردانید و مردی از این امت که در نزد
باب (لد) او را بیعت به کفر کنند راوی
گوید هنگامی که دیدم معاویه را در نزد
باب لد بیعت میکنند بیاد فرمایش رسول
خدا ﷺ افتادم و به علی علیه السلام پیوستم و
ملازم خدمت او شدم.

باب الستة (باب خصلت‌های شگانه)

شش خصلت مخصوص این امت است

فی هذه الأمة ست خصال

۱ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الشَّاهِ أَبُو
الْحُسَيْنِ الْفَقِيهُ بِمَرَوْ الرُّوذِ قَالَ حَدَّثَنَا
إِبْرَاهِيمُ بْنُ عَبْدِ الرَّزَّاقِ أَبُو إِسْحَاقَ
الْأَنْطَاكِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ الْمُسْتَفَادِ قَالَ
حَدَّثَنَا يَزِيدُ بْنُ سَلَمَةَ التَّمِيمِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا
عَيْسَى بْنُ يُونُسَ عَنْ زَكَرِيَّا بْنِ أَبِي زَائِدَةَ عَنْ
زَائِدَةَ عَنْ زَادَانَ عَنْ زُرِّ بْنِ حُبَيْشٍ قَالَ سَمِعْتُ
مُحَمَّدَ بْنَ الْحَنْفِيَّةِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ يَقُولُ فِينَا سِتُّ
خِصَالٍ لَمْ تَكُنْ فِي أَحَدٍ مِمَّنْ كَانَ قَبْلَنَا وَ لَا
تَكُونُ فِي أَحَدٍ بَعْدَنَا مِنَّا مُحَمَّدٌ سَيِّدُ
الْمُرْسَلِينَ وَ عَلِيٌّ سَيِّدُ الْوَصِيِّينَ وَ حَمْزَةُ سَيِّدُ
الشُّهَدَاءِ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ
الْجَنَّةِ وَ جَعْفَرُ بْنُ أَبِي طَالِبٍ الْمُزَيْنُ
بِالْجَنَاحَيْنِ يَطِيرُ بِهِمَا فِي الْجَنَّةِ حَيْثُ يَشَاءُ
وَ مَهْدِيُّ هَذِهِ الْأُمَّةِ الَّذِي يُصَلِّي خَلْفَهُ عَيْسَى
ابْنُ مَرْيَمَ ع

۱ - محمد بن حنفیه گوید: شش خصلت
مخصوص ما است که در هیچ کس از پیشینیان
نبوده و در هیچ کس که پس از ما است
نخواهد بود: محمد بزرگترین پیغمبر مرسل
و علی سرور اوصیاء و حمزه سالار شهیدان و
حسن و حسین دو سید جوانان اهل بهشت و
جعفر بن ابی طالب که با دو بال زینت بخش
در بهشت به هر سوی که خواهد پرواز میکند
و مهدی این امت که عیسی بن مریم در پشت
سر او نماز خواهد خواند همگی از ما
هستند

زنا شش نکبت به بار آورد

فی الزنا ست خصال

۲ - أَخْبَرَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ الْفَضْلُ بْنُ الْفَضْلِ الْكِنْدِيُّ بِهَمْدَانٍ مُنْصَرَفِي مِنَ الْحَجِّ قَالَ أَخْبَرَنَا أَبُو الْحَسَنِ أَحْمَدُ بْنُ سَعِيدِ الدَّمَشْقِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا هِشَامُ بْنُ عَمَّارٍ قَالَ حَدَّثَنَا مَسْلَمَةُ بْنُ عَلِيٍّ عَنِ الْأَعْمَشِ عَنْ شَقِيقٍ عَنْ حُدَيْفَةَ بْنِ الْيَمَانِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَا مَعْشَرَ الْمُسْلِمِينَ إِيَّاكُمْ وَالزَّانَا فَإِنَّ فِيهِ سِتُّ خِصَالٍ ثَلَاثٌ فِي الدُّنْيَا وَثَلَاثٌ فِي الْآخِرَةِ فَأَمَّا الَّتِي فِي الدُّنْيَا فَإِنَّهُ يَذْهَبُ بِالْبَهَاءِ وَ يُورِثُ الْفَقْرَ وَ يَنْقُصُ الْعُمَرَ وَ أَمَّا الَّتِي فِي الْآخِرَةِ فَإِنَّهُ يُوجِبُ سَخَطَ الرَّبِّ وَ سُوءَ الْحِسَابِ وَ الْخُلُودَ فِي النَّارِ ثُمَّ قَالَ النَّبِيُّ ﷺ سَوَّلَتْ لَهُمْ أَنْفُسُهُمْ أَنْ سَخِطُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَ فِي الْعَذَابِ هُمْ خَالِدُونَ

۲ - رسول خدا ﷺ فرمود: ای گروه مسلمانان خود را از زنا دور نگه‌دارید که شش نکبت در آن است سه در دنیا و سه در آخرت اما آن سه که در دنیا است آبرو برد و تنگدستی آورد و عمر را کوتاه نماید و اما نکبت‌های آخرت: خشم خدا و سخت‌گیری در حساب و جاوید ماندن در آتش است سپس پیغمبر فرمود خشم خدای را بر آنان و عذاب جاوید را هوای نفس‌شان برای آنان بیاراست.

۳ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنُ الشَّاهِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو حَامِدٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو يَزِيدَ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ صَالِحِ التَّمِيمِيِّ عَنْ أَبِيهِ قَالَ حَدَّثَنَا أَنَسُ بْنُ مُحَمَّدٍ أَبُو مَالِكٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام عَنِ النَّبِيِّ ﷺ أَنَّهُ قَالَ فِي وَصِيَّتِهِ لَهُ يَا عَلِيُّ فِي الزَّانَا سِتُّ خِصَالٍ ثَلَاثٌ مِنْهَا فِي الدُّنْيَا وَ ثَلَاثٌ فِي الْآخِرَةِ فَأَمَّا الَّتِي فِي الدُّنْيَا فَيَذْهَبُ بِالْبَهَاءِ وَ يُعَجِّلُ

الْفَنَاءَ وَ يَقْطَعُ الرِّزْقَ وَ أَمَّا الَّتِي فِي
الْآخِرَةِ فَسُوءُ الْحِسَابِ وَ سَخَطُ الرَّحْمَنِ وَ
الْخُلُودُ فِي النَّارِ

۳ - رسول خدا ﷺ در وصیتش بعلی علیه السلام
فرمود: یا علی در زنا شش خصلت است سه در
دنیا و سه در آخرت اما آن چه در دنیا
است آبرو برد و زودتر نابود سازد و رشته
روزی ببرد و آنچه در آخرت است سختگیری
بهنگام حساب و خشم خدای رحمان و جاوید
ماندن در آتش.

۴ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوِيهِ رَضِيَ اللَّهُ
عَنْهُ عَنْ عَمِّهِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي الْقَاسِمِ عَنْ مُحَمَّدِ
بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ
مَيْمُونٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ لِلزَّانِي سِتُّ
خِصَالٍ ثَلَاثٌ فِي الدُّنْيَا وَ ثَلَاثٌ فِي الْآخِرَةِ فَأَمَّا
الَّتِي فِي الدُّنْيَا فَإِنَّهُ يَذْهَبُ بِنُورِ الْوَجْهِ وَ
يُورِثُ الْفَقْرَ وَ يُعَجِّلُ الْفَنَاءَ وَ أَمَّا الَّتِي فِي
الْآخِرَةِ فَسَخَطُ الرَّبِّ جَلَّ جَلَالُهُ وَ سُوءُ الْحِسَابِ وَ
الْخُلُودُ فِي النَّارِ

۴ - امام صادق عليه السلام فرمود: شش وبال
گردنگیر شخص زناکار است سه در دنیا و سه
در آخرت آنچه در دنیا است این است که
چهره را بی نور کند و تنگدستی آورد و شخص
را زودتر نابود سازد و آنچه در آخرت است
خشم پروردگار جل جلاله و سختگیری در حساب
و جاوید ماندن در آتش.

**فرمایش پیغمبر: شما انجام شش عمل را
برای من تعهد کنید تا من بهشت را برای
شما متعهد شوم**

قول النبی صلی الله علیه و آله و سلم تقبلوا لی بست خصال
أتقبل لكم بالجنة
۵ - حَدَّثَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ
بْنِ إِسْحَاقَ الطَّالِقَانِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
أَبُو جَعْفَرٍ أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ بْنِ بُهْلُولِ الْقَاضِي

فِي دَارِهِ بِمَدِينَةِ السَّلَامِ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ
 يَزِيدَ الصَّدَائِقِيُّ عَنْ أَبِي شَيْبَةَ عَنْ أَنَسِ بْنِ
 مَالِكٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ تَقَبَّلُوا لِي بِسِتِّ
 أَتَقَبَّلُ لَكُمْ بِالْجَنَّةِ إِذَا حَدَّثْتُمْ فَلَا تَكْذِبُوا وَ
 إِذَا وَعَدْتُمْ فَلَا تَخْلَفُوا وَ إِذَا أُؤْتِمِنْتُمْ فَلَا
 تَخُونُوا وَ غُضُّوا أَبْصَارَكُمْ وَ احْفَظُوا فُرُوجَكُمْ
 وَ كَفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَ أَلْسِنَتَكُمْ

۵ - رسول خدا ﷺ فرمود: شش عمل را
 برای من عهده دار شوید تا من بهشت را
 برای شما عهده دار شوم چون سخنی نقل
 کنید دروغ نگوئید و چون وعده دهید تخلف
 نکنید و چون بر چیزی امین شدید خیانت
 بامانت نکنید و چشمان خود را از نامحرم
 بپوشید و دامن خود را آلوده نکنید و دست
 و زبان خود را نگهدارید

هر کس شش عمل را انجام دهد به بهشت خواهد رفت

ست خصال من فعلهن دخل الجنة
 ۶ - حَدَّثَنَا أَبُو أَحْمَدَ مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ
 الْبُنْدَارِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ مُحَمَّدُ بْنُ
 مُحَمَّدِ بْنِ جُمْهُورِ الْحَمَّادِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا
 أَبُو عَلِيٍّ صَالِحُ بْنُ مُحَمَّدِ الْبَغْدَادِيِّ بِبُخَارَى
 قَالَ حَدَّثَنَا عَمْرُو بْنُ عَثْمَانَ بْنِ كَثِيرِ بْنِ
 دِينَارِ الْحِمَاصِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ عِيَّاشٍ
 عَنْ شَرْحِبِيلِ بْنِ مُسْلِمٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ قَالَا
 سَمِعْنَا أَبَا أَمَامَةَ يَقُولُ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ
 يَقُولُ أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّهُ لَا نِيَّيَ بَعْدِي وَ لَا أُمَّةَ
 بَعْدَكُمْ إِلَّا فَاغْبُدُوا رَبَّكُمْ وَ صَلُّوا خَمْسَكُمْ وَ
 صُومُوا شَهْرَكُمْ وَ حُجُّوا بَيْتَ رَبِّكُمْ وَ أَدُّوا
 زَكَاةَ أَمْوَالِكُمْ طَيِّبَةً بِهَا أَنْفُسُكُمْ وَ أَطِيعُوا
 وُلاةَ أَمْرِكُمْ تَدْخُلُوا جَنَّةَ رَبِّكُمْ

۶ - ابا امامه گوید: شنیدم از رسول
 خدا ﷺ که میفرمود: ای مردم نه پس از
 من پیغمبری هست و نه بعد از شما امتی

هان که پروردگار خود را پرستید و نمازهای پنجگانه را بجا آرید و ماه روزه را روزه بگیرید و حج خانه پروردگار خود را کنید زکاة مال خود را با میل و رغبت بپردازید از زمامداران امور دینی فرمان برداری کنید تا به بهشت پروردگار خود وارد شوید.

شش پیغمبر ﷺ هر کدام به دو نام

سنة من الأنبياء ﷺ لكل واحد منهم اسمان
 ٧ - حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ عَمْرٍو بْنِ عَلِيٍّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْبَصْرِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ جَبَلَةَ الْوَاعِظُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْقَاسِمِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ عَامِرِ الطَّائِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرِّضَا قَالَ حَدَّثَنَا مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ قَالَ حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ قَالَ حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ ﷺ قَالَ كَانَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ﷺ بِالْكُوفَةِ فِي الْجَامِعِ إِذْ قَامَ إِلَيْهِ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الشَّامِ فَسَأَلَهُ عَنْ مَسَائِلَ فَكَانَ فِيهَا سَأَلُهُ أَنْ قَالَ أَخْبِرْنِي عَنْ سِتَّةٍ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ لَهُمْ اسْمَانِ فَقَالَ يُوشَعُ بْنُ نُونٍ وَ هُوَ ذُو الْكِفْلِ وَ يَعْقُوبُ وَ هُوَ إِسْرَائِيلُ وَ الْخَضِرُ وَ هُوَ حَلْقِيَا وَ يُونُسُ وَ هُوَ ذُو النُّونِ وَ عِيسَى وَ هُوَ الْمَسِيحُ وَ مُحَمَّدٌ وَ هُوَ أَحْمَدُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ

٧ - حسین بن علی ﷺ فرمود: علی بن ابی طالب ﷺ در مسجد کوفه بود که ناگاه مردی از اهل شام برخواست و پرسشهایی کرد و از جمله آنها این بود که عرض کرد مرا آگاه فرما از شش پیغمبر که هر يك از آنان را دو نام بود فرمود: یوشع بن نون که نامش ذو الكفل بود و یعقوب که اسرئیل نام داشت و خضر که حلقیایش میخواندند و یونس

که ذو النون بود و عیسی که مسیح بود و محمد که نامش احمد بود صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ.

شش چیزاند که متولد شدند ولی نه از رحم مادر

سته لم یرکضوا فی رحم

۸ - حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ عَمْرٍو بْنِ عَلِيٍّ الْبَصْرِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ جَبَلَةَ الْوَاعِظُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْقَاسِمِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ عَامِرِ الطَّائِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرِّضَا قَالَ حَدَّثَنَا مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ قَالَ حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ قَالَ حَدَّثَنَا طَالِبُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ كَانَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالْكُوفَةِ فِي الْجَامِعِ إِذْ قَامَ إِلَيْهِ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الشَّامِ فَسَأَلَهُ عَنْ مَسَائِلَ فَكَانَ فِيمَا سَأَلَهُ أَنْ قَالَ لَهُ أَخْبِرْنِي عَنْ سِتَّةٍ لَمْ يَرْكُضُوا فِي رَحِمِ فَقَالَ آدَمُ وَ حَوَاءُ وَ كَبْشُ إِبْرَاهِيمَ وَ عَصَا مُوسَى وَ نَاقَةُ صَالِحٍ وَ الْخَفَّاشُ الَّذِي عَمَلَهُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ فَطَارَ بِإِذْنِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ

۸ - حسین بن علی عَلَيْهِ السَّلَامُ فرماید: امیر المؤمنین در مسجد کوفه بود که مردی از اهل شام برخواست و پرسشهایی کرد و از جمله اینکه عرض کرد مرا آگاه فرما از شش چیز که متولد شدند ولی نه از رحم مادر فرمود آدم بود و حواء و گوسفندی که برای ابراهیم آمد و عصای موسی (که ازدها شد) و ناقه صالح و شب پره ای که عیسی بن مریم اش ساخت و باذن خدای عز و جل پرگرفت.

مؤمن پس از مرگ هم از شش چیز بهره‌مند می‌شود

ست خصال ینتفع بها المؤمن بعد موته
۹ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَيْسَى بْنُ عَبْدِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ شُعَيْبِ بْنِ الصَّيْرَفِيِّ عَنِ الْهَيْثَمِ أَبِي كَثْمَسٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ سِتُّ خِصَالٍ يَنْتَفِعُ بِهَا الْمُؤْمِنُ بَعْدَ مَوْتِهِ وَلَدٌ صَالِحٌ يَسْتَعْفِرُ لَهُ وَ مِصْحَفٌ يَقْرَأُ فِيهِ وَ قَلِيبٌ يَحْفَرُهُ وَ عَرْسٌ يَغْرَسُهُ وَ صَدَقَةٌ مَاءٍ يُجْرِيهِ وَ سُنَّةٌ حَسَنَةٌ يُؤْخَذُ بِهَا بَعْدَهُ

۹ - امام صادق عليه السلام فرمود: شش چیز است که مؤمن پس از مرگ هم از آنها بهره‌مند می‌شود فرزند شایسته‌ای که برای پدر آمرزش بطلبد و قرآنی که از آن او باشد و مورد استفاده قرار گیرد و چاه آبی که می‌کند و درختی که مینشانند و چشمه آبی که در راه خدا جاری میکند و رویه نیکی که از او بیادگار مانده و دیگران از او اتخاذ کنند.

شش کلمه‌ای که بر در بهشت نوشته شده است

ست کلمات مکتوبة علی باب الجنة
۱۰ - حَدَّثَنَا أَبُو عَلِيٍّ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ عَمْرٍو الْعَطَّارُ بِيْلَخٍ وَ كَانَ جَدُّهُ عَلِيُّ بْنُ عَمْرٍو صَاحِبَ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدِ الْعَسْكَرِيِّ عليه السلام وَ هُوَ الَّذِي خَرَجَ عَلَيَّ يَدِهِ لَعْنُ فَارِسِ بْنِ حَاتِمِ بْنِ مَاهَوِيهِ قَالَ حَدَّثَنَا سُلَيْمَانُ بْنُ أَيُّوبَ الْمُطَّلِبِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدِ الْمِصْرِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُوسَى بْنُ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام قَالَ قَالَ

رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَذْخَلْتُ الْجَنَّةَ فَرَأَيْتُ عَلَى بَابِهَا
مَكْتُوباً بِالذَّهَبِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ حَبِيبُ اللَّهِ
عَلَيَّ وَلِيُّ اللَّهِ فَاطِمَةُ أُمَّةُ اللَّهِ الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ
صَفْوَةُ اللَّهِ عَلَى مُبْغِضِيهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ

۱۰ - رسول خدا ﷺ فرمود: به بهشت که
مرا بردند دیدم بر در آن نوشته اند بزرگ
معبود بحق بجز خدای یکتا نیست و محمد
دوست خدا است و علی ولی خدا و فاطمه
کنیز خدا است و حسن و حسین برگزیده خدا
و بر دشمنانشان لعنت خدای باد.

شش خصلت از آثار جوانمردی است

ست خصال من المروءة

۱۱ - حَدَّثَنَا أَبُو مَنْصُورٍ أَحْمَدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ
بْنِ بَكْرِ الْخُوزِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ زَيْدِ بْنِ
مُحَمَّدِ الْبَغْدَادِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْقَاسِمِ عَبْدُ
لِلَّهِ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَامِرِ بْنِ سُلَيْمَانَ الطَّائِيَّ
بِالْبَصْرَةِ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو
الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرِّضَا عَنْ أَبِيهِ عَنِ
آبَائِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ
رَسُولُ اللَّهِ ﷺ سِتُّ مِنَ الْمُرُوءَةِ ثَلَاثٌ مِنْهَا فِي
الْحَضَرِ وَ ثَلَاثٌ مِنْهَا فِي السَّفَرِ فَأَمَّا الَّتِي فِي
الْحَضَرِ فَتِلَاوَةُ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ عِمَارَةُ
مَسَاجِدِ اللَّهِ وَ اتِّخَاذُ الْإِخْوَانِ فِي اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ
أَمَّا الَّتِي فِي السَّفَرِ فَبَدْلُ الزَّادِ وَ حُسْنُ
الْخُلُقِ وَ الْمِرَاحُ فِي غَيْرِ الْمَعَاصِي

۱۱ - رسول خدا ﷺ فرمود: شش چیز از
آثار جوانمردی است سه از آن شش در وطن و
سه دیگر در سفر آن سه که در وطن است
قرآن خواندن و مسجدها را آباد نمودن و
برادران الهی داشتن و آن سه که در سفر
است از توشه سفر بهم سفران دادن و شش کس
را نشاید که امام جماعت شوند و شش عمل
در این امت از خوش خلق بودن و خالی از
گناه شوخی نمودن

خمس به شش قسمت میگردد

يقسم الخمس ستة أسهم

۱۲ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوِيهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي الْعَبَّاسِ عَنْ زَكَرِيَّا بْنِ مَالِكِ الْجُعْفِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ سَأَلَهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَى وَ الْيَتَامَى وَ الْمَسَاكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ قَالَ أَمَّا خُمُسُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَلِلرَّسُولِ يَضَعُهُ حَيْثُ يَشَاءُ وَ أَمَّا خُمُسُ الرَّسُولِ فَلِأَقْرَابِهِ وَ خُمُسُ ذَوِي الْقُرْبَى فَهُمْ أَقْرَبَاؤُهُ وَ الْيَتَامَى يَتَامَى أَهْلِ بَيْتِهِ فَجَعَلَ هَذِهِ الْأَرْبَعَةَ الْأَسْهُمَ فِيهِمْ وَ أَمَّا الْمَسَاكِينُ وَ ابْنَاءُ السَّبِيلِ فَقَدْ عَلِمْتَ أَنَّا لَا نَأْكُلُ الصَّدَقَةَ وَ لَا تَجِلُّ لَنَا فَهِيَ لِلْمَسَاكِينِ وَ ابْنَاءِ السَّبِيلِ

۱۲ - زكريا بن مالك گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ پرسیدم معنای این آیه را (سوره انفال آیه ۳۱) بدانید که چون غنیمت بدست شما برسد پنج یک آن از آن خدا است و از آن رسول و از آن خویشان پیغمبر و یتیمان و تهی دستان و آواره‌گان فرمود: اما سهم خداوند از خمس در اختیار پیغمبر است که هر جا خواهد مصرف میکند و اما سهم رسول از خمس از آن خویشان او است و سهم ذوی القربی که خویشان پیغمبرند با سهم یتیمان که مقصود یتیمان از خاندان پیغمبرند این چهار سهم مخصوص خاندان پیغمبر است و اما سهم تهی دستان و آواره‌گان میدانی که ما صدقه (زکات) نمیخوریم و بر ما حلال نیست (و در عین حال رعایت حال مساکین و تهی دستان نیز لازم است) لذا دو سهم از خمس مخصوص تهی دستان و آواره‌گان از سادات است.

شش چیز است که از اختیار بیرون است

سته أشياء ليس للعباد فيها صنع
١٣ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُوسَى
بْنِ جَعْفَرِ الْبَغْدَادِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْأَصْبَهَانِيِّ
عَنْ دُرُسْتِ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ
سِتَّةُ أَشْيَاءَ لَيْسَ لِلْعِبَادِ فِيهَا صُنْعُ الْمَعْرِفَةِ
وَ الْجَهْلُ وَ الرِّضَا وَ الْعَضْبُ وَ النَّوْمُ وَ
الْيَقَظَةُ

١٣ - امام صادق عليه السلام فرمود: شش چیز است
که از اختیار بندگان بیرون است. شناسائی
حق و نادانی و خشنودی و خشم و خواب و
بیداری.

خدای عز و جل شش طایفه را برای داشتن شش خصلت عذاب خواهد فرمود

إن الله عز و جل يعذب ستة بست خصال
١٤ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ
الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ
الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي
الْخَطَّابِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَسْلَمَ الْجَبَلِيِّ بِإِسْنَادِهِ
يَرْفَعُهُ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام قَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ
وَ جَلَّ يُعَذِّبُ سِتَّةَ بَسِئَةٍ الْعَرَبَ بِالْعَصَبِيَّةِ وَ
الدَّهَاقِنَةَ بِالْكِبَرِ وَ الْأَمْرَاءَ بِالْجَوْرِ وَ
الْفُقَهَاءَ بِالْحَسَدِ وَ الثُّجَّارَ بِالْخِيَانَةِ وَ أَهْلَ
الرُّسْتَقِ بِالْجَهْلِ

١٤ - امیر المؤمنین عليه السلام فرمود: خدای عز
و جل شش طایفه را برای داشتن شش خصلت
عذاب خواهد فرمود عرب را بسبب تکبر و
تعصبات نژادی و کدخدایان را بسبب تکبر و
فرمانداران را بخوابر ستم کردن و فقیهان
را بجهت حسد و بازرگانان را بواسطه
خیانت و روستائیان را بعلت نادانی.

شش خصلت در مؤمن نباشد

ست خصال لا تكون في المؤمن
١٥ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى
الْعَطَّارُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ
اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ
جَعْفَرِ بْنِ بَشِيرٍ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ
الْحَارِثِ بْنِ الْمُغِيرَةَ النَّضْرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ
اللَّهِ عليه السلام قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ سِتَّةٌ لَا تَكُونُ فِي
الْمُؤْمِنِ الْعُسْرُ وَ النُّكْدُ وَ اللِّجَاجَةُ وَ الْكَذِبُ
وَ الْحَسَدُ وَ الْبَغْيُ

١٥ - حارث بن مغیره گوید: شنیدم از
امام صادق عليه السلام که میفرمود شش خصلت در
مؤمن نمیباشد سختگیری و کارشکنی و
لجبازی و دروغگوئی و حسدورزی و ستمکاری.

شش کس را نباید سلام کرد

سته لا يسلم عليهم
١٦ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ
الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ
الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ بُنَانَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى
عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةَ عَنِ السَّكُونِيِّ
عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام قَالَ
سِتَّةٌ لَا يُسَلَّمُ عَلَيْهِمُ الْيَهُودِيُّ وَ النَّضْرَانِيُّ وَ
الْمَجُوسِيُّ وَ الرَّجُلُ عَلَى غَائِطِهِ وَ عَلَى مَوَائِدِ
الْخَمْرِ وَ عَلَى الشَّاعِرِ الَّذِي يَقْذِفُ الْمُحْصَنَاتِ
وَ عَلَى الْمُتَّفَكِّهِينَ بِسَبِّ الْأُمَّهَاتِ

١٦ - امام صادق عليه السلام از پدران بزرگوارش
نقل میفرماید: شش کس را نباید سلام کرد
یهودی و آتش پرست و مسیحی و کسی را که
بقضای حاجت نشسته است و یا بر سفره های
شراب است و شاعری را که به زنان پاکدامن
نسبت زنا میدهد و کسانی را که فکاهی و
شوخی آنان دشنام بر مادران يك دیگر است.

شش چیز عجیب

ست عجیبات

۱۷ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى بْنِ عِمْرَانَ الْأَشْعَرِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْحُسَيْنِ اللَّوْلُؤِيِّ عَنِ إِسْحَاقَ الضَّحَّاكِ عَنْ مُنْذِرِ الْجَوَّانِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ قَالَ سَلْمَانَ رَحِمَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ عَجِبْتُ بِسِتِّ ثَلَاثٍ أَضْحَكْتَنِي وَ ثَلَاثٍ أَبْكْتَنِي فَأَمَّا الَّتِي أَبْكْتَنِي فَفِرَاقُ الْأَحِبَّةِ مُحَمَّدٍ وَ حَزْبِهِ وَ هَوْلُ الْمُطَّلَعِ وَ الْوُقُوفُ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ أَمَّا الَّتِي أَضْحَكْتَنِي فَطَالِبُ الدُّنْيَا وَ الْمَوْتُ يَطْلُبُهُ وَ غَافِلٌ وَ لَيْسَ بِمَغْفُولٍ عَنْهُ وَ ضَاحِكٌ مِلءَ فِيهِ لَا يَدْرِي أَرْضَى اللَّهُ أَمْ سَخَطَ

۱۷ - امام صادق عليه السلام فرمود: سلمان خدایش رحمت کند گفته است از شش چیز در شگفتم بحدی که سه تایی آنها مرا می‌خندانند و سه دیگرم می‌گریانند اما آن سه که مرا به گریه آورد جدائی از دوستان یعنی محمد و طرفدارانش و هراس از روز آخرت و حضور در پیشگاه احدیت و اما آن سه که برای من خنده آور است حال کسی که او دنیا را می‌طلبد و مرگ او را و از خدا بی‌خبری که خداوند از او غافل نیست و آنکه بپری دهان می‌خندد و نمیداند که خداوند از او راضی است یا ناراضی.

دستور نکشتن شش حیوان

النهي عن قتل ستة

۱۸ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنِ ابْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ دَاوُدَ بْنِ كَثِيرِ الرَّقِّيِّ قَالَ بَيْنَمَا نَحْنُ قُعُودٌ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِذْ مَرَّ بِنَا رَجُلٌ بِيَدِهِ

خُطَافٌ مَذْبُوحٌ فَوُثِبَ إِلَيْهِ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام حَتَّى
أَخَذَهُ مِنْ يَدِهِ ثُمَّ دَحَى بِهِ الْأَرْضَ ثُمَّ قَالَ أ
عَالِمُكُمْ أَمَرَكُمْ بِهَذَا أَمْ فَقِيهُكُمْ لَقَدْ أَخْبَرَنِي
أَبِي عَنْ جَدِّي عليه السلام أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله نَهَى عَنْ قَتْلِ
سِتَّةِ النَّحْلَةِ وَ النَّمْلَةِ وَ الضَّفْدِيعِ وَ الصُّرْدِ وَ
الْهُدْهِدِ وَ الْخُطَافِ فَأَمَّا النَّحْلَةُ فَإِنَّهَا تَأْكُلُ
طَيْبًا وَ تَضَعُ طَيْبًا وَ هِيَ الَّتِي أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ
جَلَّ إِلَيْهَا لَيْسَتْ مِنَ الْجِنِّ وَ لَا مِنَ الْإِنْسِ وَ
أَمَّا النَّمْلَةُ فَإِنَّهُمْ قُحْطُوا عَلَى عَهْدِ سُلَيْمَانَ
بْنِ دَاوُدَ عليه السلام فَخَرَجُوا يَسْتَسْقُونَ فَإِذَا هُمْ بِنَمْلَةٍ
قَائِمَةٍ عَلَى رِجْلَيْهَا مَادَّةٌ يَدَهَا إِلَى السَّمَاءِ
وَ هِيَ تَقُولُ اللَّهُمَّ إِنَّا خَلَقْنَا مِنْ خَلْقِكَ لَا غِنَى
بِنَا عَنْ فَضْلِكَ فَارْزُقْنَا مِنْ عِنْدِكَ وَ لَا
تُؤَاخِذْنَا بِذُنُوبِ سَفَهَاءٍ وَ لِدِ آدَمَ فَقَالَ لَهُمْ
سُلَيْمَانُ ارْجِعُوا إِلَى مَنَازِلِكُمْ فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ
وَ تَعَالَى قَدْ سَقَاكُمْ بِدُعَاءِ غَيْرِكُمْ وَ أَمَّا
الضَّفْدِيعُ فَإِنَّهُ لَمَّا أَضْرَمَتِ النَّارُ عَلَى
إِبْرَاهِيمَ شَكَتْ هَوَامُّ الْأَرْضِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ
اسْتَأْذَنَتْهُ أَنْ تَصُبَّ عَلَيْهَا الْمَاءَ فَلَمْ يَأْذَنْ اللَّهُ
عَزَّ وَ جَلَّ لِشَيْءٍ مِنْهَا إِلَّا الضَّفْدِيعَ فَاحْتَرَقَ مِنْهُ
الثَّلَثَانُ وَ بَقِيَ مِنْهُ الثُّلُثُ وَ أَمَّا الْهُدْهُدُ
فَإِنَّهُ كَانَ دَلِيلَ سُلَيْمَانَ عليه السلام إِلَى مُلْكِ بِلْقَيْسَ وَ
أَمَّا الصُّرْدُ فَإِنَّهُ كَانَ دَلِيلَ آدَمَ عليه السلام مِنْ بِلَادِ
سَرَانْدِيْبَ إِلَى بِلَادِ جِدَّةَ شَهْرًا وَ أَمَّا الْخُطَافُ
فَإِنَّ دَوْرَانَهُ فِي السَّمَاءِ أَسْفَلَ لِمَا فَعَلَ بِأَهْلِ
بَيْتِ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله وَ تَسْبِيحُهُ قِرَاءَةُ الْحَمْدِ لِلَّهِ رَبِّ
الْعَالَمِينَ أَلَا تَرَوْنَهُ وَ هُوَ يَقُولُ وَ لَا
الضَّالِّينَ

۱۸ - داود بن كثير رقی گوید: در محضر
امام صادق عليه السلام نشسته بودیم در این میان
مردی با پرستویی سر بریده که بدست داشت
از کنار ما گذشت امام ششم از جا برجست
تا آن پرستو را از دست او گرفت و بزمین
پرتاب کرد سپس فرمود: دانشمند اجتماعی
شما این چنین دستور بشما داده یا
دانشمند دینی شما؟

پدرم از جدم بمن خبر داد که رسول خدا ﷺ دستور فرموده است شش حیوان را کسی نکشد زنبور عسل و مورچه و قورباغه و ورکاک (مرغی که گنجشک را شکار میکند) و هدهد و پرستو اما زنبور عسل برای آنکه غذای پاکیزه میخورد و غذای پاکیزه از خود بجای میگذارد و آن همان است که خدای عز و جل به او وحی کرد با اینکه نه از جن بوده و نه از انس، اما مورچه برای اینکه در زمان سلیمان بن داود سال قحطی شد و مردم از شهر بیرون آمده دست بدعا برداشتند و از خدا باران خواستند که ناگاه دیدند مورچه‌ای بر دو پای ایستاده و دستها را بسوی آسمان بلند کرده و میگوید بار الها ما مورچه‌گان نیز از آفریدگان تو هستیم و از فضل تو بی‌نیاز نیستیم روزی ما را از نزد خود برسان و ما را به کیفر گناهان بی‌خردان از فرزندان آدم گرفتار مکن سلیمان بمردم فرمود به خانه‌های خود بازگردید که خداوند بواسطه دعای دیگران بشما باران خواهد فرستاد، و اما قورباغه برای آنکه چون آتش برای سوزاندن ابراهیم برافروخته شد همه حشرات زمین بخداوند شکایت نمودند و اجازه خواستند که آب بر آن آتش بریزند و خدای عز و جل به هیچ یک از آنان اجازه نفرمود مگر به قورباغه که در راه انجام این وظیفه دو سوم از پیکر او سوخت و یک سوم اش باقی ماند و اما هدهد برای اینکه راهنمای سلیمان بود به کشور بلقیس و اما ورکاک برای اینکه او یک ماه راهنمای آدم بود از نواحی سرانندیب تا حوالی جده و اما پرستو برای اینکه از شدت تأثر بر ستمهایی که بر ما خاندان شد همیشه در فضا سرگردان است و تسبیحش خواندن سوره الحمد لله رب العالمین است متوجه نیستید که و لا الضالین میگوید؟

خدای عز و جل شش خصلت را برای پیغمبر

خود و جانشینان پیغمبر که فرزندان اویند و برای پیروان آنان روا ندانسته ست خصال کرهها الله عز و جل لنبیه ﷺ و الأوصیاء من ولده و أتباعهم ع

۱۹ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُوسَى الْخَشَّابِ عَنْ غِيَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ كَرِهَ لِي سِتَّ خِصَالٍ وَكَرِهَهُنَّ لِلْأَوْصِيَاءِ مِنْ وَلَدِي وَآتِبَاعِهِمْ مِنْ بَعْدِي الْعَبْتُ فِي الصَّلَاةِ وَالرَّفْتُ فِي الصَّوْمِ وَالْمَنْ بَعْدَ الصَّدَقَةِ وَائْتِيَانِ الْمَسْجِدِ جُنْبًا وَالتَّطَلُّعَ فِي الدُّورِ وَالضَّجْكَ بَيْنَ الْقُبُورِ

۱۹ - رسول خدا ﷺ فرمود: همانا خدای عز و جل شش خصلت را بر من روا ندانسته و همانها را برای جانشینان من از فرزندانم و برای پیروانشان روا نشمرد: بازی در حال نماز و جماع در حال روزه و منت نهادن پس از صدقه دادن و با حال جنابت بمسجد رفتن و بخانه‌های مردم سرکشی نمودن و در گورستان خندیدن

آئین آسان محمدی شش دستور اساسی دارد

المحمدية السمحة ست خصال
۲۰ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادِ الْأَدَمِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ الْمُفْضَلِ بْنِ عُمَرَ عَنْ يُونُسَ بْنِ ظَبْيَانَ قَالَ قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَا يُونُسُ اتَّقُوا اللَّهَ وَآمِنُوا بِرَسُولِهِ قَالَ قُلْتُ آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ فَقَالَ الْمُحَمَّدِيَّةُ السَّمْحَةُ إِقَامُ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءُ الزَّكَاةِ وَصِيَامُ شَهْرِ رَمَضَانَ وَحِجُّ الْبَيْتِ الْحَرَامِ وَالطَّاعَةُ لِلْإِمَامِ وَادَاءُ حُقُوقِ الْمُؤْمِنِينَ فَإِنَّ مَنْ حَبَسَ حَقَّ الْمُؤْمِنِ أَقَامَهُ اللَّهُ

يَوْمَ الْقِيَامَةِ خَمْسَمِائَةَ عَامٍ عَلَى رِجْلَيْهِ حَتَّى يَسِيلَ مِنْ عَرْقِهِ أَوْدِيَةٌ ثُمَّ يَنَادِي مُنَادٍ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ هَذَا الظَّالِمُ الَّذِي حُبِسَ عَنِ اللَّهِ حَقُّهُ قَالَ فَيُؤَبَّخُ أَرْبَعِينَ عَامًا ثُمَّ يُؤَمَّرُ بِهِ إِلَى نَارِ جَهَنَّمَ

۲۰ - یونس بن ظبیان گوید: امام ششم مرا فرمود ای یونس از خداوند بترسید و برسولش ایمان آورید گوید عرض کردم بخدا و رسولش ایمان آورده ایم فرمود آئین آسان محمدی شش چیز است بپاداشتن نماز پرداختن زکاة و روزه ماه رمضان و حج خانه کعبه و فرمان برداری از امام و پرداختن حقوقی که از مؤمن بر ذمه دارد که هر کس حقی را از مؤمن بر ذمه نگاه دارد خداوندش بروز قیامت پانصد سال بپای حساب نگاه میدارد تا از عرق او جویها روان گردد سپس منادی از جانب خدا ندا کند این همان ستمگری است که حق خدا را نگه داشته و نپرداخته است فرمود چهل سال سرزنش شود سپس دستور صادر گردد که بآتش دوزخ اش بیفکنید.

شش طائفة نانجیبانند

سته لا ینجبون

۲۱ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّقَّارُ قَالَ حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعِيدِ بْنِ جَنَاحٍ يَرْفَعُهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ سِتَّةٌ لَا يَنْجِبُونَ السَّنْدِيَّ وَالزَّنْجِيَّ وَالْثُرْكَيَّ وَالْكَرْدِيَّ وَالْخُوزِيَّ وَتَبَكَ الرَّيَّ

۲۱ - امام صادق عليه السلام فرمود: شش طائفة نجیب نباشند سندی و زنجی (گروهی از مردم سیاه پوست) و ترکی و کردی و خوزستانی و تهرانی خالص.
(شرح:)

روایت از لحاظ سند قابل اعتماد نیست و مرفوعه است و بفرض صدور شاید باهل زمان صدور نظر دارد که غالباً اهالی این شهرها کافر و مشرک بودند.

در شش صورت عزل روا است

لا بأس بالعزل فی ستة وجوه
 ۲۲ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ عَنْ يَعْقُوبَ الْجَعْفَرِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام يَقُولُ لَا بَأْسَ بِالْعَزْلِ فِي سِتَّةِ وُجُوهِ الْمَرْأَةِ الَّتِي أُيْقِنَتْ أَنَّهَا لَا تَلِدُ وَ الْمُسِنَّةَ وَ الْمَرْأَةَ السَّلِيْطَةَ وَ الْبَذِيَّةَ وَ الْمَرْأَةَ الَّتِي لَا تُرْضِعُ وَلَدَهَا وَ الْأُمَّةَ
 ۲۲ - يعقوب جعفری گوید: شنیدم از امام موسی بن جعفر عليه السلام که میفرمود در شش صورت عزل:

(بیرون ریختن نطفه بخارج از رحم) اشکالی ندارد: در صورتی که یقین داشته باشی زن نازا است یا سن زن زیاد باشد یا بی‌شرم باشد یا بد زبان باشد یا زنی که حاضر بشیر دادن بچه خود نباشد یا کنیز باشد.

احتکار در شش چیز است

الحكرة فی ستة أشياء
 ۲۳ - حَدَّثَنَا حَمَزَةُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ الْعَلَوِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ أَخْبَرَنِي عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ أَبِيهِ عَنِ آبَائِهِ عَنِ عَلِيِّ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله الْحُكْرَةُ فِي سِتَّةِ أَشْيَاءَ فِي الْجَنْطَةِ وَ الشَّعِيرِ وَ التَّمْرِ وَ الزَّبِيدِ وَ السَّمْنِ وَ الزَّيْتِ

۲۳ - رسول خدا ﷺ فرمود احتکار (انبار کردن آذوقه مردم) در شش چیز است در گندم و جو و خرما و کشمش و روغن حیوانی و روغن زیتون.

پناه بردن به خدا از شش چیز است

التعوذ من ست خصال
 ۲۴ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ الْبَغْدَادِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَعْبُدٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَتَعَوَّذُ فِي كُلِّ يَوْمٍ مِنْ سِتِّ خِصَالٍ مِنَ الشُّكِّ وَالشَّرْكِ وَالْحَمِيَّةِ وَالْغَضَبِ وَالْبَغْيِ وَالْحَسَدِ
 ۲۴ - امام صادق عليه السلام فرمود: رسول خدا ﷺ را عادت چنین بود که هر روز از شش چیز بخدا پناه می‌برد از شک و شرک و پابند بودن برسوم و عادات جاهلانه و خشم و ستم و رشک.

شش چیز حرام است

سته أشياء من السحت
 ۲۵ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُوسَى بْنِ عُمَرَ عَنْ ابْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ السَّكُونِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ السُّحْتُ ثَمَنُ الْمَيْتَةِ وَ ثَمَنُ الْكَلْبِ وَ ثَمَنُ الْخَمْرِ وَ مَهْرُ الْبَغِيِّ وَ الرِّشْوَةُ فِي الْحُكْمِ وَ أَجْرَةُ الْكَاهِنِ
 ۲۵ - امیر المؤمنین عليه السلام فرمود: بهای فروش مردار و سگ و شراب و کابین زنا و رشوه در مورد قضاوت و مزد پیشگوئی حرام است.

اولین بار که گناه در پیشگاه الهی انجام گرفت بخاطر شش چیز بود

أول ما عصى الله تبارك و تعالى به ست
خصال

۲۶ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى
عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنْ عَمَّارِ
بْنِ مَرْوَانَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام السُّحْتُ
أَنْوَاعٌ كَثِيرَةٌ مِنْهَا مَا أُصِيبَ مِنْ أَعْمَالِ
الْوَلَاةِ الظُّلْمَةِ وَ مِنْهَا أَجُورُ الْقُضَاةِ وَ أَجُورُ
الْفَوَاجِرِ وَ ثَمَنُ الخَمْرِ وَ النَّيِّدِ الْمُسْكَرِ وَ
الرِّبَا بَعْدَ الْبَيِّنَةِ فَأَمَّا الرِّشَا يَا عَمَّارُ فِي
الْأَحْكَامِ فَإِنَّ ذَلِكَ الْكُفْرُ بِاللهِ الْعَظِيمِ وَ
بِرَسُولِهِ

۲۶ - امام صادق عليه السلام فرمود: حرام انواع
فراوان دارد از جمله مالی است که از
کارمندی در دستگاه دولت و فرمانداران
ستمکار بدست می‌آید و از جمله مزد قاضیان
است و مزد زنان فاحشه و بهای شراب فروشی
و بهای نبیدی که مستی آورد و ربا خواری
پس از اینکه بفهمد حرام است ای عمار
(راوی حدیث است) اما رشوه گرفتن در
قضاوت‌ها بمنزله کافر شدن بخدای بزرگ و
رسول او است،

۲۷ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ
بْنِ مَعْبُدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ
سَنَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ
الله صلى الله عليه وآله أَوْلُ مَا عُصِيَ اللهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى بِسِتِّ
خِصَالٍ حُبُّ الدُّنْيَا وَ حُبُّ الرِّئَاسَةِ وَ حُبُّ
الطَّعَامِ وَ حُبُّ النِّسَاءِ وَ حُبُّ النَّوْمِ وَ حُبُّ
الرَّاحَةِ

۲۷ - رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: اولین بار که
در پیشگاه خدای تبارک و تعالی گناه
انجام گرفت بخاطر شش چیز بود دوستی

دنیا و دوستی ریاست و دوستی خوراک و دوستی زنان و دوستی خواب و دوستی آسایش.

چهار پایان شش حق بر ذمه صاحب خویش دارند

للدابة على صاحبها ست خصال
٢٨ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ
الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ
الْحَسَنِ الصَّقَّارُ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنِ
النُّوفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ
أَبِيهِ عَنِ آبَائِهِ عَنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ
قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ لِلدَّابَّةِ عَلَى صَاحِبِهَا سِتُّ
خِصَالٍ يَبْدَأُ بِعَلْفِهَا إِذَا نَزَلَ وَ يَعْزُضُ عَلَيْهَا
الْمَاءَ إِذَا مَرَّ بِهِ وَ لَا يَضْرِبُ وَجْهَهَا فَإِنَّهَا
تُسَبِّحُ بِحَمْدِ رَبِّهَا وَ لَا يَقِفُ عَلَى ظَهْرِهَا إِلَّا فِي
سَبِيلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لَا يُحْمَلُهَا فَوْقَ طَاقَتِهَا وَ
لَا يُكَلِّفُهَا مِنَ الْمَشْيِ إِلَّا مَا تُطِيقُ

٢٨ - رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: چهار پایان
را بر ذمه صاحبش شش حق است چون به منزل
رسید پیش از هر کار علوفه او را بدهد و
چون بر آبی میگذرد در خوردن آب آزادش
بگذارد و بر صورتش کتک نزند که به تسبیح
و ستایش پروردگار خویش مشغول است و بجز
در راه خدای عز و جل بر پشت حیوان درنگ
نکنند (یعنی هر وقت راه نمی‌پیماید پیاده
شود مگر در راه خدا) و پیش از توانائیش
بر او بار نهد و بیش از اندازه با او
راه‌پیمائی نکند؟

سلام دادن بر شش کس سزاوار نیست شش کس را نشاید

که امام جماعت شوند و شش عمل در این امت از اخلاق قوم لوط است سته لا ینبغی أن یسلم علیهم و سته لا ینبغی لهم أن یؤموا و سته أشياء فی هذه الأمة من أخلاق قوم لوط

۲ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَيْسَى عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنِ أَبِي جَمِيلَةَ عَنْ سَعْدِ بْنِ طَرِيفٍ عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ قَالَ سَمِعْتُ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ سِتَّةٌ لَا يَنْبَغِي أَنْ يُسَلَّمَ عَلَيْهِمْ وَ سِتَّةٌ لَا يَنْبَغِي لَهُمْ أَنْ يَأْمُرُوا بِهَا وَ سِتَّةٌ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ مِنْ أَخْلَاقِ قَوْمِ لُوطٍ فَأَمَّا الَّذِينَ لَا يَنْبَغِي أَنْ يُسَلَّمَ عَلَيْهِمْ - فَالْيَهُودُ وَ النَّصَارَى وَ أَصْحَابُ النَّرْدِ وَ الشَّطْرَنْجِ وَ أَصْحَابُ الْخَمْرِ وَ الْبَرْبَطِ وَ الطُّنْبُورِ وَ الْمُتَفَكِّهُونَ بِسَبِّ الْأُمَّهَاتِ وَ الشُّعْرَاءِ وَ أَمَّا الَّذِينَ لَا يَنْبَغِي أَنْ يَأْمُرُوا مِنَ النَّاسِ فَوَلَدُ الزَّانَا وَ الْمُرْتَدُّ وَ الْأَعْرَابِيُّ بَعْدَ الْهَجْرَةِ وَ شَارِبُ الْخَمْرِ وَ الْمَخْدُودُ وَ الْأَغْلَفُ وَ أَمَّا الَّتِي مِنْ أَخْلَاقِ قَوْمِ لُوطٍ فَالْجُلَاهِقُ وَ هُوَ الْبُنْدُقُ وَ الْحَذْفُ «الْحَذْفُ وَ مَضْعُ الْعِلْكِ وَ إِرْخَاءُ الْإِزَارِ خَيْلَاءَ وَ حَلُّ الْأُرْزَارِ مِنَ الْقَبَائِ وَ الْقَمِيصِ

۲۹ - اصبغ بن نباتة گوید: شنیدم از امیر المؤمنین که میفرمود: شش کس را نشاید سلام داد و شش کس را نشاید که امام جماعت گردند و شش عمل در این امت از اخلاق قوم لوط است اما آنان که سلام بر آنان نشاند.

- ۱ - یهودی و نصاری.
- ۲ - نرد و شطرنج بازان.
- ۳ - میگساران.
- ۴ - تار و تنبور زنان.

۵ - کسانی که شوخی‌هایشان فحش بر مادر يك ديگر است.

۶ - شاعران و اما آنان که امامت جماعت را نشایند زنا زاده و مرتد و عربی که پس از هجرت بشهر اسلام دوباره بیابان‌نشین گردد و میخواره و کسی که حد شرعی بر او جاری شده باشد و کسی که ختنه نشده باشد. و اما کارهایی که از اخلاق قوم لوط است بازی جلاهدق و سنگریزه بانگشتان پرتاب نمودن و علك جویدن و از روی تکبر دامن بر زمین کشیدن و بند قبا و دکمه پیراهن باز گذاشتن.

(شرح:)

۱ - جلاهدق يك نوع بازی است که گلوله از گل و مانند آن بسازند و بر يك ديگر پرتاب کنند ۲ - هر چیزی که جویده شود و از هم نپاشد آن را علك گویند مانند سقز و مصطکی و کندر و آدامس.

تفسیر کلماتی که الفبا را تشکیل میدهند

تفسیر کلمات هن اصل الهجاء
۳۰ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوِيهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ وَ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ زَيْدٍ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ سَالِمٍ رَفَعَهُ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام قَالَ قَالَ عَثْمَانُ بْنُ عَفَّانَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا تَفْسِيرُ أَبْجَدَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله تَعَلَّمُوا تَفْسِيرَ أَبْجَدَ فَإِنَّ فِيهِ الْأَعَاجِيبَ كُلَّهَا وَيُلُّ لِعَالِمٍ جَهْلَ تَفْسِيرِهِ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله مَا تَفْسِيرُ أَبْجَدَ قَالَ قَالَ أَمَّا الْأَلِفُ فَالْأَلِفُ اللَّهُ وَ حَرْفٌ مِنْ أَسْمَائِهِ وَ أَمَّا الْبَاءُ فَبِهَجْتِهِ اللَّهُ وَ أَمَّا الْجِيمُ فَجَنَّتُهُ اللَّهُ وَ جَمَالَ اللَّهُ وَ جَلَّالُ اللَّهُ وَ

أَمَّا الدَّالُّ فَدَيْنُ اللَّهِ وَ أَمَّا هَوُزٌ فَالْهَاءُ هَاءُ
الْهَآوِيَةِ فَوَيْلٌ لِمَنْ هَوَى فِي النَّارِ وَ أَمَّا
الْوَاوُ فَوَيْلٌ لِأَهْلِ النَّارِ وَ أَمَّا الرَّآيُ
فَزَاوِيَةٌ فِي جَهَنَّمَ نَعُودٌ بِأَللَّهِ مِمَّا فِي الزَّآوِيَةِ
يَعْنِي زَوَايَا جَهَنَّمَ وَ أَمَّا حَطَى فَالْحَاءُ حَطُوطٌ
الْخَطَايَا عَنِ الْمُسْتَغْفِرِينَ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَ
مَا نَزَلَ بِهِ جِبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَعَ الْمَلَائِكَةِ إِلَى مَطْلَعِ
الْفَجْرِ وَ أَمَّا الطَّاءُ فَطُوبَى لَهُمْ وَ حُسْنٌ مِ آبِ
وَ هِيَ شَجَرَةٌ غَرَسَهَا اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِيَدِهِ وَ نَفَخَ
فِيهَا مِنْ رُوحِهِ وَ إِنَّ أَعْصَانَهَا لَتُرى مِنْ وَرَاءِ
سُورِ الْجَنَّةِ تَنْبُتُ بِالْحَلِيِّ وَ الْحَلِي وَ الثَّمَارِ
مُتَدَلِّيَةٌ عَلَى أَفْوَاهِهِمْ وَ أَمَّا الْيَاءُ فَيَدُّ اللَّهُ
فَوْقَ خَلْقِهِ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ وَ
أَمَّا كَلَمَنْ فَالْكَافُ كَلَامٌ اللَّهُ تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ وَ
لَنْ تَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحِداً وَ أَمَّا اللَّامُ
فَالْمَامُ أَهْلُ الْجَنَّةِ بَيْنَهُمْ فِي الزِّيَارَةِ وَ
التَّحِيَّةِ وَ السَّلَامِ وَ تَلَاوُمِ أَهْلِ النَّارِ فِيمَا
بَيْنَهُمْ وَ أَمَّا الْمِيمُ فَمَلِكُ اللَّهِ الَّذِي لَا يَزُولُ وَ
دَوَامُ اللَّهِ الَّذِي لَا يَفْنَى وَ أَمَّا النُّونُ فَ ن وَ
الْقَلَمُ وَ مَا يَسْطُرُونَ فَالْقَلَمُ قَلَمٌ مِنْ نُورٍ وَ
كِتَابٌ مِنْ نُورٍ فِي لَوْحٍ مَحْفُوظٍ يَشْهَدُهُ
الْمُقَرَّبُونَ وَ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيداً أَمَّا سَعْفَصُ
فَالصَّادُ صَاعٌ بِصَاعٍ يَعْْنِي الْجَزَاءُ بِالْجَزَاءِ
كَمَا تَدِينُ تَدَانٌ إِنَّ اللَّهَ لَا يُرِيدُ ظُلماً لِلْعِبَادِ
وَ أَمَّا قَرَشْتُ يَعْْنِي قَرَشَهُمْ فَحَشَرَهُمْ وَ نَشَرَهُمْ
إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ فَ قَضَى بَيْنَهُمْ بِالْحَقِّ وَ هُمْ
لَا يُظْلَمُونَ

و قد أخرجت ما رويته في هذا المعنى في
تفسير حروف المعجم من كتاب معاني الأخبار
٣٠ - امير المؤمنين عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: عثمان
بن عفان برسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ عرض کرد یا رسول الله
تفسیر ابجد چیست؟ رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود:
تفسیر ابجد را بیاموزید که همه معانی
شگفت انگیز در آن است و وای بدان شمندی
که تفسیر ابجد را نداند.

عثمان عرضکرد یا رسول الله تفسیر ابجد چیست؟ فرمود الف اشاره به آلاء الهی است یعنی نعمتهای او و حرفی است از نامهای خداوند و باء اشاره است به بهجت و نشاط خداوند و جیم اشاره به جنت و جمال و جلال الهی است و دال اشاره بدین خدا است.

و اما کلمه هوز هاء اش رمزی است از هاویه و جهیم وای بحال کسی که در آتش فرود افتد و واو هوز یعنی وای بر اهل آتش و زاء هوز اشاره است به زاویه دوزخ که پناه بخدا می‌بریم از آنچه در زاویه دوزخ است.

و اما کلمه حطی حاء اش اشاره است به (حطوط) و ریزش گناهان از آنانی که در شب قدر استغفار میکنند همان شبی که جبرئیل با فرشتگان تا سپیده دم از آسمان بر زمین فرود می‌آیند.

و طاء اشاره به این است که طوبی از آن استغفارکنندگان در شب قدر است و سر انجام خوشی در انتظار آنان است و طوبی درختی است که خدای عز و جل با دست قدرت خویش آن را کاشته و از روح خود در آن دمیده است شاخه‌های این درخت از پشت دیوار بهشت به چشم می‌خورد با زیور و جامه‌های زینت بخش و میوه‌هایی باز و راست که در دسترس استفاده بهشتیان است.

و یاء اشاره بید الله است و همان نیرو و قدرتی است که خدا را بر آفریدگان است و خداوند پاک و برتر است از آنچه برای او شریک می‌پندارند.

و اما کلمن کاف اشاره به کلام خدا است نه در کلماتش تبدیلی است و نه هرگز به جز آستان حضرتش پناهی خواهی یافت و لام اشاره است بدید و بازدیدهای دوستانه اهل بهشت و سرزنش دوزخیان بر یک دیگر و میم اشارت بملك بی‌زوال خداوندی و پابندی و فنا ناپذیر است.

و اما نون اشاره است به نون و قلم و آنچه مینگارند قلم قلمی است از نور و کتابی است از نور در لوحی که محفوظ است و فرشتگان مقرب نزد آن حاضرند و گواه و همان تنها گواهی خداوند کافی است.

و اما سعفص صا دش اشاره باین است که صاعی به صاعی یعنی پاداش در مقابل پاداش است هر طور که با دیگران رفتار کنی و پاداش آنان دهی همان طور با تو رفتار شود و پاداشت داده شود که خداوند برای بندگان ستم روا ندارد.

و اما قرشت به دین معنی است که مردم را از اینجا و آنجا گرد آورد و زنده کند و در روز رستاخیز برای حساب وادارد و حکم دادگاه الهی مطابق حقیقت در باره آنان صادر شود و ستمی بر آنان نخواهد شد.

من آنچه در این خصوص در تفسیر حروف الفباء روایت داشتیم در کتاب معانی الاخبار یاد کردم.

دیوانه کسی است که شش خصلت در او باشد

المجنون من فیه ست خصال
۳۱ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي إِبرَاهِيمُ بْنُ هَاشِمٍ
عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحَسَنِ الْفَارِسِيِّ عَنْ سُلَيْمَانَ
بْنِ جَعْفَرِ الْجَعْفَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ
زَيْدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي
طَالِبٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ آبَائِهِ
عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ مَرَّ رَسُولُ
اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَى جَمَاعَةٍ فَقَالَ عَلَى مَا اجْتَمَعْتُمْ
قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ هَذَا مَجْنُونٌ يُضْرَعُ
فَاجْتَمَعْنَا عَلَيْهِ فَقَالَ لَيْسَ هَذَا بِمَجْنُونٍ وَ
لَكِنَّهُ الْمُبْتَلَى ثُمَّ قَالَ أَلَا أَخَيْرُكُمْ
بِالْمَجْنُونِ حَقُّ الْمَجْنُونِ قَالُوا بَلَى يَا رَسُولَ
اللَّهِ قَالَ إِنَّ الْمَجْنُونَ حَقُّ الْمَجْنُونِ الْمُتَبَخَّرُ

فِي مِشِيَّتِهِ النَّاطِرُ فِي عِطْفِيهِ الْمُحَرِّكَ جَنْبِيهِ
بِمَنْكِبِيهِ يَتَمَنَّى عَلَى اللَّهِ جَنَّتَهُ وَهُوَ يَعْصِيهِ
الَّذِي لَا يُؤْمَنُ شَرُّهُ وَلَا يُرْجَى خَيْرُهُ فَذَلِكَ
الْمَجْنُونُ وَ هَذَا الْمُبْتَلَى

۳۱ - امیر المؤمنین عليه السلام فرمود: رسول
خدا صلی الله علیه و آله بر جمعیتی میگذشت فرمود برای چه
اجتماع کرده اید؟

عرضکردند یا رسول الله اینک دیوانه ای است
که غش میکند و ما گرد او جمع شده ایم
فرمود غش کردن نه از دیوانگی است بلکه
یک نوع بیماری است سپس فرمود آیا شما را
از دیوانه بمعنای واقعی آگاه نکنم؟

عرضکردند چرا یا رسول الله فرمود برآستی
که دیوانه بمفهوم واقعی کسی است که
خرامان و با ناز راه رود و نگاه برآست و
چپ خود کند و پهلوهای خویش بهنگام راه
رفتن میجنباند با نگاهی که میکند از
خداوند آرزوی بهشت دارد نه از شرش ایمنی
هست و نه بخیرش امید چنان شخصی را باید
گفت: دیوانه و این را بیمار.

در شش نماز تکبیرات افتتاحیه و دعای توجه مستحب است

من السنة التوجه في ست صلوات
۳۲ - قال أبي رضي الله عنه في رسالته إلى
إن من السنة التوجه في ست صلوات و هي
أول ركعة من صلاة الليل و المفردة من
الوتر و أول ركعتي الزوال و أول ركعة من
ركعتي الإحرام و أول ركعة من نوافل
المغرب و أول ركعة من الفريضة

۳۲ - پدرم در رساله ای که به من داده
است گوید: مستحب است که در شش نماز
تکبیرات افتتاحیه و دعای توجه خواننده
شود نخستین رکعت از نماز شب و نماز یک
رکعتی وتر و رکعت اول از دو رکعت نافله
ظهر و رکعت اول از دو رکعت نماز احرام و

رکعت اول از نافله های مغرب و رکعت اول نماز واجب.

از تن شهید شش چیز باید کنده شود

و دیگر جامه هایش را نباید بکنند یَنْزَعُ عَنْ الشَّهِيدِ سِتَّةَ أَشْيَاءَ وَ يَتْرُكُ عَلَيْهِ مَا سَوَى ذَلِكَ

۳۳ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكَّلِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ السَّعْدَانِيُّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِي الْجَوَزَاءِ الْمُنْبَهِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلْوَانَ عَنْ عَمْرٍو بْنِ خَالِدٍ عَنْ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ يُنْزَعُ عَنِ الشَّهِيدِ الْقَرُورُ وَالْحُفُّ وَالْقَلَنْسُوتُ وَالْعِمَامَةُ وَالْمِنْطَقَةُ وَالسَّرَاوِيلُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ أَصَابَهُ دَمٌ فَيُتْرَكُ وَلَا يُتْرَكُ عَلَيْهِ شَيْءٌ مَعْقُودٌ إِلَّا حُلٌّ

۳۳ - امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: (برای دفن شهید) پوستین و چکمه و کلاه و عمامه و کمر بند و شلوار بایستی از تن شهید کنده شود و اگر شلوارش خون آلود باشد نیازی بدر آوردنش نیست و هر چیز که گره شده باشد گرهش را باز نموده و بخاکش میسپارند.

مردم شش گروه اند

الناس على ست فرق

۳۴ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوِيهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدِ الْأَهْوَازِيِّ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَادِ عَنِ الْحَلِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ النَّاسُ عَلَى سِتِّ فِرَقٍ مُسْتَضْعَفٍ وَ مُؤَلَّفٍ وَ مُرْجِيٍّ وَ مُعْتَرَفٍ بِدُنْيَاهِ وَ نَاصِبٍ وَ مُؤْمِنٍ

۳۴ - امام صادق علیه السلام فرمود: مردم شش گروه اند.

۱ - مستضعف: کسانی که رشد فکری برای تشخیص حق از باطل ندارند و دعوت حق بگوش آنان نرسیده است.

۲ - مؤلف: کسانی که در نتیجه مهربانی پیغمبر و یا مسلمانان علاقه مند بخدا و دین شده اند.

۳ - مرجی: کسانی در صف مسلمانان بوده اند ولی هنوز دلهای آنان از حقیقت ایمان با خبر نشده است و باین حال از دنیا رفته اند که نه مشرک بوده اند و نه مسلمان واقعی عاقبت کار چنین افراد با خدا است وَ آخِرُونَ مُرْجُونَ لِأَمْرِ اللَّهِ إِمَّا يُعَذِّبُهُمْ وَ إِمَّا يَتُوبُ عَلَيْهِمْ.

۴ - مسلمان گنهگار که بگناه خویش اقرار دارد ۵ - مسلمانی که آشکارا با خاندان پیغمبر دشمنی بورزد ۶ - مؤمن.

کسی که با کسی دوست است از انجام شش کار در باره او باید دوری کند

ن أحب رجلا فليجتنب معه خصال ست
۳۵ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الرَّازِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ نُوحٍ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ قَالَ الْحَارِثُ الْأَعْوَرُ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَنَا وَ اللَّهُ أَحِبُّكَ فَقَالَ لَهُ يَا حَارِثُ أَمَّا إِذَا أَحْبَبْتَنِي فَلَا تُخَاصِمْنِي وَ لَا تُلَاعِبْنِي وَ لَا تُجَارِينِي وَ لَا تُمَارِحْنِي وَ لَا تُوَاضِعْنِي وَ لَا تُرَافِعْنِي

۳۵ - امام صادق علیه السلام فرمود: حارث اعور به امیر المؤمنین عرض کرد یا امیر المؤمنین بخدا که من شما را دوست میدارم حضرت به او فرمود: ای حارث حال که مرا

دوست میداری پس با من دشمنی مکن و با من بازی مکن و مرا آزمایش مکن و با من شوخی مکن و مرا پست مکن و مرا از مقام خودم بالا مبر.

خدای عز و جل انگشتی به حضرت ابراهیم فرو فرستاد که شش حرف آن بر آن نوشته شده بود

أهبط الله عز و جل إلى إبراهيم عليه السلام خاتما
فيه ستة أحرف

٣٦ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ
بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ الصَّيْرَفِيِّ عَنْ
الْحُسَيْنِ بْنِ خَالِدٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ مُوسَى
بْنِ جَعْفَرٍ عليه السلام مَا كَانَ نَقْشَ خَاتَمِ آدَمَ فَقَالَ لَا
إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ هَبْطَ بِهِ آدَمُ مَعَهُ مِنَ
الْجَنَّةِ وَ إِنَّ نُوحًا عليه السلام لَمَّا رَكِبَ السَّفِينَةَ أَوْحَى
لِللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهِ يَا نُوحُ إِنَّ خَفِيَّتَ الْعَرَقِ
فَهَلَّلَنِي أَلْفًا ثُمَّ سَلَّنِي النِّجَاةَ أَنْجِكَ مِنَ
الْعَرَقِ وَ مَنْ آمَنَ مَعَكَ قَالَ فَلَمَّا اسْتَوَى نُوحٌ
وَ مَنْ مَعَهُ فِي السَّفِينَةِ وَ عَصَفَتْ عَلَيْهِمُ الرِّيحُ
فَلَمْ يَأْمَنْ نُوحٌ مِنَ الْعَرَقِ فَأَعْجَلَتْهُ الرِّيحُ
فَلَمْ يُدْرِكْ أَنْ يُهَلَّلَ أَلْفًا فَقَالَ بِالسُّرْيَانِيَّةِ
هَلُولِيَا أَلْفَا أَلْفَا يَا مَارِيَا أَتَقْنِي قَالَ
فَاسْتَوَى الْقَلْبُوسُ وَ اسْتَمَرَّتِ السَّفِينَةُ فَقَالَ
نُوحٌ عليه السلام إِنَّ كَلَامًا نَجَّانِي اللَّهُ بِهِ مِنَ الْعَرَقِ
لِحَقِيقٍ أَنْ لَا يُفَارِقَنِي فَنَقَشَ فِي خَاتَمِهِ لَا إِلَهَ
إِلَّا اللَّهُ أَلْفَ مَرَّةٍ يَا رَبِّ أَصْلِحْنِي وَ كَانَ نَقْشُ
خَاتَمِ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ عليه السلام سُبْحَانَ مَنْ أَلْجَمَ
الْجَنِّ بِكَلِمَاتِهِ وَ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ عليه السلام لَمَّا وُضِعَ فِي
الْمَنْجَنِيْقِ غَضِبَ جَبْرَائِيلُ عليه السلام فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ
إِلَيْهِ يَا جَبْرَائِيلُ مَا يُغْضِبُكَ قَالَ يَا رَبِّ
إِبْرَاهِيمُ خَلِيلُكَ لَيْسَ عَلَيَّ وَجْهَ الْأَرْضِ أَحَدٌ
يَعْبُدُكَ غَيْرَهُ سَلَطْتَ عَلَيْهِ عَدْوُكَ وَ عَدُوَّهُ فَأَوْحَى
لِللَّهِ إِلَيْهِ اسْكُتْ فَإِنَّمَا يَعْجَلُ الْعَبْدُ الَّذِي هُوَ

مِثْلِكَ يَخَافُ الْفَوْتَ فَأَمَّا أَنَا فَهَوَّ عِبْدِي آخِذُهُ
 إِذَا شِئْتُ قَالَ فَطَابَتْ نَفْسُ جِبْرِئِيلَ ثُمَّ التَّفَتَّ
 إِلَى إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ هَلْ لَكَ مِنْ حَاجَةٍ فَقَالَ
 أَمَّا إِلَيْكَ فَلَا فَأَهْبِطُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عِنْدَهَا
 خَاتَمًا فِيهِ سِتَّةُ أَحْرُفٍ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ
 رَسُولُ اللَّهِ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ فَوَضَّتْ أَمْرِي
 إِلَى اللَّهِ أَسْنَدْتُ ظَهْرِي إِلَى اللَّهِ حَسْبِيَ اللَّهُ قَالَ
 فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ بِأَنَّ
 تَخْتَمُ بِهِذَا الْخَاتَمِ فَإِنِّي أَجْعَلُ النَّارَ
 عَلَيْكَ بَرْدًا وَ سَلَامًا

۳۶ - حسین بن خالد گوید: بابی الحسن
 موسی بن جعفر علیه السلام عرض کردم نقش انگشتر
 آدم چه بود؟
 فرمود:

لا اله الا الله محمد رسول الله بود آدم آن را
 از بهشت به همراه خود آورده بود و چون
 نوح سوار کشتی میشد خدای عز و جل باو
 وحی کرد که ای نوح هر گاه از غرق شدن
 ترسیدی هزار بار لا اله الا الله بگو سپس
 نجات خویش را از من بخواه تا تو و کسانی
 را که بتو ایمان آورده اند از غرق شدن
 نجات بخشم فرمود چون نوح و همراهانش در
 کشتی نشستند بادی طوفانی وزیدن گرفت نوح
 را ایمنی از غرق شدن نماند تند باد
 آنقدر بنوح مهلت نداد که هزار بار لا اله
 الا الله بگوید بلغة سریانی گفت هلولیا الفا
 الفایا ماریان اتقن (یعنی خدا را
 بیگانگی یاد میکنم هزار بار هزار بار
 پروردگارا مرا اصلاح فرما) طناب کشتی از
 حرکت باز ایستاد و کشتی بدون اضطراب
 براه افتاد نوح گفت: راستی، کلامی را که
 خداوند بواسطه آن مرا از غرق شدن نجات
 بخشید سزاوار است که از خویشتن جدایش
 نکنم پس در انگشتر خود نقش کرد لا اله الا
 الله الف مرة یا رب اصلحنی) و نقش نگین
 سلیمان بن داود این بود:

(سبحان من الجم الجن بكلماته) یعنی منزه است خدائی که با کلمات خود جن را مهار کرده است و چون ابراهیم در میان منجنیق گذاشته شد جبرئیل خشمگین شد خدای عز و جل با و وحی کرد که ای جبرئیل سبب خشم تو چیست؟ عرض کرد پروردگارا ابراهیم دوست تو است و بر روی زمین کسی جز او نیست که تو را بپرستد دشمن خویش و او را بر وی مسلط فرمودی؟ خداوند با و وحی کرد که خاموش باش شتابزدگی فقط مخصوص بنده ای همچو تو است که میترسد زمام کار از دست او بیرون شود اما من، پس ابراهیم بنده من است هر گاه که بخواهم او را از دست دشمن بگیرم فرمود: جبرئیل را خاطر جمع شد و رو بابراهیم کرده و عرض کرد نیازی داری؟ فرمود بتو نه این هنگام خداوند انگشتی فرو فرستاد که شش جمله بر او نقش بود ۱- لا اله الا الله ۲- محمد رسول الله ۳- لا حول و لا قوة الا بالله ۴- فوضت امری الى الله ۵- اسندت ظهري الى الله ۶- حسبى الله (نیست معبود بحقی جز خدای یکتا و محمد فرستاده او است حرکت و نیروئی نیست مگر به نیروی خدا خود را بخدا واگذار نمودم خدای را پشتیبان خود نمودم خداوند مرا بس).

فرمود خدای عز و جل بابراهیم وحی فرمود که این انگشت را با انگشت خویش کن که من آتش را بر تو سرد و سلامت خواهم نمود.

خدای عز و جل شیعه را از شش خصلت

الشیعة من ست خصال
۳۷ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو سَعِيدٍ الْأَدْمِيُّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ السِّيَّارِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْخَزَّازِ عَمَّنْ أَخْبَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَعْفَى شِيعَتَنَا مِنْ سِتِّ خِصَالٍ مِنَ الْجُنُونِ وَالْجُدَامِ وَالْبَرَصِ وَالْأُبْنَةِ وَأَنْ يُوَلَدَ لَهُ مِنْ زَنَّا وَأَنْ يَسْأَلَ النَّاسَ بِكَفِّهِ

۳۷ - امام صادق عليه السلام فرمود: همانا خدای عز و جل شیعه ما را از شش پیش آمد به سلامت داشته است از دیوانگی و بیماری خوره و پیسی و بیماری ابنه و فرزند زنا آوردن و دست گدائی بسوی مردم دراز کردن.

۳۸ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى بْنِ عُبَيْدٍ عَنْ زُرْعَةَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْحَضْرَمِيِّ وَ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانَ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ أَلَا إِنَّ شِيعَتَنَا قَدْ أَعَادَهُمُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ سِتِّ مِنْ أَنْ يَطْمَعُوا طَمَعَ الْغُرَابِ أَوْ يَهْرُوا هَرِيرَ الْكِلَابِ أَوْ يُنْكَحُوا فِي أَذْبَارِهِمْ أَوْ يَلِدُوا مِنَ الزَّنَا أَوْ يُوَلَدَ لَهُمْ مِنَ الزَّنَا أَوْ يَتَّصَدَّقُوا عَلَى الْأَبْوَابِ

۳۸ - مفضل بن عمر گوید: شنیدم از امام صادق میفرمود: هان گه شیعیان ما را خداوند عز و جل از شش خصلت پناه داده است از اینکه همچون کلاغ طمعکار باشند یا هم چون سگ پارس کنند (و دامن هر رهگذری بدرند) و یا مفعول واقع شوند و یا اینکه فرزندی از زنا بیاورند و یا فرزندی از زنا تحویل بگیرند (یعنی نه زنا کنند و نه کسی با عیال آنان زنا کند) یا بر در خانه ها گدائی کنند.

امیر المؤمنین علیه السلام با مردم محاکمه کرد و
 با شش دلیل پیروز گردید خاصم امیر
 المؤمنین علیه السلام الناس بست خصال فخصمهم
 ۳۹ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ
 يُوسُفَ الْبَغْدَادِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْفَضْلِ
 الْأَهْوَازِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا بَكْرُ بْنُ أَحْمَدَ الْقَصْرِيِّ
 قَالَ حَدَّثَنَا زَيْدُ بْنُ مُوسَى قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي
 مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ
 أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ
 عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ
 أَبِي طَالِبٍ علیه السلام قَالَ خَرَجَ أَبُو بَكْرٍ وَ عُمَرُ وَ
 عَثْمَانُ وَ طَلْحَةُ وَ الزُّبَيْرُ وَ سَعْدُ وَ عَبْدُ
 الرَّحْمَنِ بْنُ عَوْفٍ وَ غَيْرُ وَاحِدٍ مِنَ الصَّحَابَةِ
 يَطْلُبُونَ النَّبِيَّ فِي بَيْتِ أُمِّ سَلَمَةَ فَوَجَدُونِي
 عَلَى الْبَابِ جَالِسًا فَسَأَلُونِي عَنْهُ
 فَقُلْتُ يَخْرُجُ السَّاعَةَ فَلَمْ يَلْبِثْ أَنْ خَرَجَ وَ
 ضَرَبَ بِيَدِهِ عَلَى ظَهْرِي فَقَالَ كَبَّرَ يَا ابْنَ أَبِي
 طَالِبٍ فَإِنَّكَ تُخَاصِمُ النَّاسَ بَعْدِي بِسِتِّ خِصَالٍ
 فَتَخْصِمُهُمْ لَيْسَتْ فِي قُرَيْشٍ مِنْهَا شَيْءٌ إِنَّكَ
 أَوْلَهُمْ إِيْمَانًا بِاللهِ وَ أَقْوَمُهُمْ بِأَمْرِ اللهِ عَزَّ وَ
 جَلَّ وَ أَوْفَاهُمْ بِعَهْدِ اللهِ وَ أَرْأَفُهُمْ بِالرَّعِيَّةِ وَ
 أَعْلَمُهُمْ بِالْقَضِيَّةِ وَ أَقْسَمُهُمْ بِالسُّوِيَّةِ وَ
 أَفْضَلُهُمْ عِنْدَ اللهِ عَزَّ وَ جَلَّ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ
 أَحْمَدَ الْبَغْدَادِي قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْفَضْلِ
 الْأَهْوَازِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا بَكْرُ بْنُ أَحْمَدَ الْقَصْرِيِّ
 قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو أَحْمَدَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ
 اللهِ بْنِ مُوسَى قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي
 مُوسَى عَنْ أَبِيهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ علیه السلام وَ سَأَلَ
 الْحَدِيثَ بِإِسْنَادِهِ مِثْلَهُ

۳۹ - امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: ابو بکر
 و عمر و عثمان و طلحة و زبیر و سعد و
 عبد الرحمن بن عوف و چند نفر دیگر از
 اصحاب بجستجوی پیغمبر که در خانه ام
 سلمه بود آمدند مرا دیدند که بر در خانه
 نشسته ام سراغ آن حضرت را از من گرفتند
 گفتم همین لحظه بیرون تشریف خواهد آورد

پیغمبر نیز بی‌درنگ تشریف آورد و دست بر پشت من زد و فرمود زنده و پاینده باشی ای پسر ابی طالب که تو پس از من با مردم محاکمه کنی و با شش دلیل بر آنان پیروز شوی که هیچ یک از آن شش دلیل را قریش ندارند و آن دلایلها این است که تو نخستین کس از آنان هستی که ایمان بخدا آورده‌ای و در اجرای دستورات از همه استوارتر و بر سر پیمان‌های خداوند از همه پایدارتر و به زبردستان از همه مهربانتر و در قضاوت از همه داناتر و در مراعات حق تساوی در تقسیم از همه دقیقتر و مقامت در پیشگاه الهی از همه والاتر است.

شش دعای نامستجاب

سته دعوتهم مردودة

٤٠ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ نُوحٍ عَنِ الرَّبِيعِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْمُسَلِّيِّ عَنْ عَبْدِ الْأَعْلَى عَنِ نَوْفٍ قَالَ بَتُّ لَيْلَةَ عِنْدَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَكَانَ يُصَلِّيَ اللَّيْلَ كُلَّهُ وَ يَخْرُجُ سَاعَةً بَعْدَ سَاعَةٍ فَيَنْظُرُ إِلَى السَّمَاءِ وَ يَتْلُو الْقُرْآنَ قَالَ فَمَرَّ بِي بَعْدَ هُدُوءٍ مِنَ اللَّيْلِ فَقَالَ يَا نَوْفُ أَرَأَيْتَ أَنْتَ أَمْ رَامِقٌ قُلْتُ بَلْ رَامِقٌ أَرَمُقُكَ يَبْصَرِي يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ يَا نَوْفُ طُوبَى لِمَنْ أَهْدَى فِي الدُّنْيَا وَ الرَّأْغِبِينَ فِي الْآخِرَةِ أُولَئِكَ الَّذِينَ اتَّخَذُوا الْأَرْضَ بَسَاطًا وَ ثَرَابَهَا فِرَاشًا وَ مَاءَهَا طِيبًا وَ الْقُرْآنَ دِثَارًا وَ الدُّعَاءَ شِعَارًا وَ قَرَضُوا مِنَ الدُّنْيَا تَقْرِيبًا عَلَى مِنْهَاجِ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ عَلَيْهَا السَّلَامُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَوْحَى إِلَى عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ عَلَيْهَا السَّلَامُ قُلْ لِلْمَلَأِ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا يَدْخُلُوا بَيْتًا مِنْ بُيُوتِي إِلَّا بِقُلُوبٍ طَاهِرَةٍ وَ أَبْصَارٍ خَاشِعَةٍ وَ أَكْفٍ نَقِيَّةٍ وَ قُلْ لَهُمْ اَعْلَمُوا أَنِّي غَيْرُ مُسْتَجِيبٍ لِأَحَدٍ مِنْكُمْ

دَعْوَةٌ وَ لِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِي قَبْلَهُ مَظْلِمَةٌ يَا نَوْفُ
 أَيَّاكَ أَنْ تَكُونَ عَشَّاراً أَوْ شَاعِراً أَوْ شَرْطِيّاً
 أَوْ عَرِيفاً أَوْ صَاحِبَ عَرْطَبَةٍ وَ هِيَ الطَّنْبُورُ أَوْ
 صَاحِبَ كُوبَةٍ وَ هُوَ الطَّبْلُ فَإِنَّ نَبِيَّ اللَّهِ ﷺ خَرَجَ
 ذَاتَ لَيْلَةٍ فَنَظَرَ إِلَى السَّمَاءِ فَقَالَ إِنَّهَا
 السَّاعَةُ الَّتِي لَا تُرَدُّ فِيهَا دَعْوَةٌ إِلَّا دَعْوَةُ
 عَرِيفٍ أَوْ دَعْوَةُ شَاعِرٍ أَوْ دَعْوَةُ عَاشِرٍ أَوْ شَرْطِيٍّ
 أَوْ صَاحِبِ عَرْطَبَةٍ أَوْ صَاحِبِ كُوبَةٍ

۴۰ - نوف گوید: شبی در خدمت امیر
 المؤمنین به سر بردم در تمام شب حضرتش
 مشغول نماز بود و ساعت بساعت بیرون
 می آمد و بآسمان نگاه میکرد و قرآن تلاوت
 میفرمود گوید چون پاسی از شب گذشت از
 کنار من بگذشت و فرمود ای نوف بخوابی یا
 بیدار؟ عرض کردم بیدارم و نگران شما یا
 امیر المؤمنین فرمود خوشا بحال کسانی که
 از دنیا روی برتافتند و بآخرت روی
 آوردند آنان اند که زمین را فرش زیر
 پایشان و خاک آن را رختخواب و بالششان و
 آب روی زمین را عطر و گلابشان انتخاب
 کردند جامه روئینشان قرآن و لباس تنشان
 دعا است از دنیا بریدند هم چنان که عیسی
 بن مریم برید خدای عز و جل بعیسی بن
 مریم وحی فرمود که بجامعه بنی اسرائیل
 بگو که نباید بهیچ یك از خانه های من
 داخل شوند مگر با دلھائی پاك و دیدگانی
 ترسناك و دستھائی نیالوده بگناه و آنان
 را بگو که من دعای هیچ کس از شما را
 مستجاب نکنم مادامی که یك نفر از
 مخلوقات مرا بر ذمه او حقی است ای نوف
 مبادا که باج بگیر و یا شاعر و یا عضو
 شهربانی و یا سر شمار و یا طنبورزن و یا
 طبلنواز باشی که پیغمبر خدا شبی بیرون
 آمد و بآسمان نگاه کرد و فرمود همان
 ساعتی است که هیچ دعائی بر نمیگردد مگر
 دعای سر شمار قومی و یا دعای شاعر و یا

دعای باج بگیر و یا طنبور زن و یا
طبلنواز.

شش طائفه گرفتار لعنت شده اند

سته ملعونون

۴۱ - حَدَّثَنَا حَمَزَةُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ أَحْمَدَ
الْعَلَوِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ
مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدِ الْهَمْدَانِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا يَحْيَى
بْنُ الْحَسَنِ بْنِ جَعْفَرٍ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ
مَيْمُونِ الْخَزَّازِ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مَيْمُونٍ
عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ عَلِيِّ بْنِ
الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سِتَّةٌ لَعَنَهُمُ اللَّهُ
وَ كُلُّ نَبِيٍّ مُجَابِ الزَّائِدِ فِي كِتَابِ اللَّهِ وَ
الْمُكَذِّبِ بِقَدْرِ اللَّهِ وَ التَّارِكِ لِسُنَّتِي وَ الْمُسْتَجِلِّ
مِنْ عِثْرَتِي مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَ الْمُنْتَسِلِّ بِالْجَبْرُوتِ
لِيُذِلَّ مَنْ أَعَزَّهُ اللَّهُ وَ يُعِزَّ مَنْ أَدَّلَّهُ اللَّهُ وَ
الْمُسْتَأْثِرِ بِفِيءِ الْمُسْلِمِينَ الْمُسْتَجِلِّ لَهُ

۴۱ - رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: شش طائفه به
لعنت خدا و لعنت هر پیغمبری که دعایش
مستجاب است گرفتارند کسی که بقرآن چیزی
از خود بیفزاید و کسی که دستورات مرا
ترک کند و کسی که حرمت خاندان مرا که
خدا لازمش دانسته نگه ندارد و کسی که از
سلطنت و قدرت خویش برای خواری عزیز کرده
خدا و یا عزت ذلیل شده خدا استفاده کند
و کسی که خود را در مصرف بیت المال بر
مسلمانان مقدم بر دیگران شمرده و آن را
حلال خود بداند.

شش چیز مایه کمال مرد است

کمال الرجل بست خصال
٤٢ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ الْوَلِيدِ
السُّلَمِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْفَضْلِ مُحَمَّدُ بْنُ
أَحْمَدَ الْكَاتِبُ النَّيْسَابُورِيُّ بِإِسْنَادِهِ يَرْفَعُهُ
إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ كَمَالُ الرَّجُلِ
بِسِتِّ خِصَالٍ بِأَصْغَرِيهِ وَأكْبَرِيهِ وَهَيْئَتِيهِ
فَأَمَّا أَصْغَرَاهُ فَقَلْبُهُ وَلِسَانُهُ إِنْ قَاتَلَ قَاتِلًا
بِحَيَّانٍ وَ إِنْ تَكَلَّمَ تَكَلَّمَ بِبَيَّانٍ وَ أَمَّا
أكْبَرَاهُ فَعَقْلُهُ وَ هِمَّتُهُ وَ أَمَّا هَيْئَتَاهُ فَمَالُهُ
وَ جَمَالُهُ

٤٢ - امیر المؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: شش چیز
مایه کمال مرد است دو از کوچکترین
عضوهایش و دو از بزرگترین قوایش و دو از
موجبات هیبتاش اما آن دو عضو کوچکتر دل
او است و زبان او که در میدان چنگ از
قدرت دل و در صحنه سخن از نیروی بیان
استفاده میکند و اما آن دو قوه بزرگتر،
عقل و همت او است و دو عامل هیبت بخش
ثروت و زیبائی او است.

طبقات ششگانه مردم

الناس على ست طبقات
٤٣ - حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مَسْرُورٍ رَضِيَ
اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ بْنِ بُطَّةَ
قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيُّ عَنْ
أَبِيهِ يَرْفَعُهُ إِلَى زُرَّارَةَ بْنِ أَوْفَى قَالَ دَخَلْتُ
عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فَقَالَ يَا زُرَّارَةُ
النَّاسُ فِي زَمَانِنَا عَلَى سِتِّ طَبَقَاتٍ أَسَدٍ وَ ذَنْبٍ
وَ ثَعْلَبٍ وَ كَلْبٍ وَ خِنْزِيرٍ وَ شَاةٍ فَأَمَّا الْأَسَدُ
فَمَلُوكُ الدُّنْيَا يُحِبُّ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ أَنْ يَغْلِبَ
وَ لَا يُغْلَبَ وَ أَمَّا الذَّنْبُ فَتُجَارِكُمْ يَذُمُونَ إِذَا
اشْتَرَوْا وَ يَمْدَحُونَ إِذَا بَاعُوا وَ أَمَّا الثَّعْلَبُ
فَهَؤُلَاءِ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ بِأَدْيَانِهِمْ وَ لَا يَكُونُ

فِي قُلُوبِهِمْ مَا يَصِفُونَ بِالْسِّنْتِهِمْ وَ أَمَّا
 الْكَلْبُ يَهْرُ عَلَى النَّاسِ بِلِسَانِهِ وَ يُكْرِمُهُ
 النَّاسُ مِنْ شَرِّ لِسَانِهِ وَ أَمَّا الْخَنْزِيرُ فَهَوَّلَاءِ
 الْمُخَنَّثُونَ وَ أَشْبَاهُهُمْ لَا يُدْعَوْنَ إِلَى فَاحِشَةٍ
 إِلَّا أَجَابُوا وَ أَمَّا الشَّاةُ فَالْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ
 تُجَزُّ شَعُورُهُمْ وَ يُؤْكَلُ لُحُومُهُمْ وَ يُكْسَرُ عَظْمُهُمْ
 فَكَيْفَ تَصْنَعُ الشَّاةُ بَيْنَ أَسَدٍ وَ ذَنْبٍ وَ تَعَلَبٍ وَ
 كَلْبٍ وَ خَنْزِيرٍ

۴۳ - زرارہ بن اوفی گوید: خدمت امام
 زین العابدین علیہ السلام رسیدم فرمود: ای زرارہ
 مردم زمان شش طبقه اند شیراند و گرگ و
 روباه و سگ و خوک و گوسفند اما شیر
 صفتان پادشاهان دنیا هستند که هر یک
 میخواهد او بر دیگران پیروز گردد نه
 دیگران بر او و اما گرگ طبیعت:
 بازرگانان شما هستند که بهنگام خرید کالا
 را نکوهش کنند و بهنگام فروش از کالا
 ستایش نمایند و اما روبه صفتان همین
 افراد عوام فریبند که از رهگذر دین نان
 میخورند و در دل آنچه را که بزبان توصیف
 میکند باور ندارند و اما سگ، همان فردی
 است که با سخن گفتن خود هم چون سگ بر
 مردم پارس میکند و بخواطر نیش زبان
 احترامی نزد مردم دارند و اما خوک همین
 نامردانند که بهر پلیدی تن در میدهند و
 اما گوسفند، مؤمنانی هستند که پشمهایشان
 را میکنند و گوشتهایشان را میخورند و
 استخوانشان را می شکنند و از گوسفندی که
 میان شیر و گرگ و روباه و سگ و خوک
 گرفتار است چه ساخته است؟

باب السبعة (باب خصلتهای هفتگانه)

به زیر خاک نمودن هفت چیز دستور داده شده است

رد الأمر بدفن سبعة أشياء
١ - حَدَّثَنَا أَبُو أَحْمَدَ مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ
الْبُنْدَارِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ مَسْعَدَةُ بْنُ
أَسْمَعَ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو حَامِدٍ أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ
الْهَرَوِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا الْفَضْلُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْهَرَوِيُّ
قَالَ حَدَّثَنَا مَالِكُ بْنُ سُلَيْمَانَ عَنْ دَاوُدَ بْنِ
عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ هِشَامِ بْنِ عُرْوَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ
عَائِشَةَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ يَأْمُرُ بِدَفْنِ سَبْعَةِ
أَشْيَاءَ مِنَ الْإِنْسَانِ الشَّعْرُ وَالظُّفْرُ وَالِدَّمُ وَالْخَيْضُ وَالْمَشِيمَةُ وَالسِّنُّ وَالْعَلَقَةُ

١ - عایشه گوید: رسول خدا ﷺ دستور میفرمود که هفت چیز از آدمی باید در خاک دفن شود: مو و ناخن و خون و خون حیض و جفتی که بهمراه نوزاد است و دندان و علقه.

(شرح:)

علقه خون بسته را گویند که نطفه پس از چهل روز در رحم بدان صورت تبدیل میگردد.

رسول خدا ﷺ هفت چیز را غدقن فرموده است و به هفت چیز دستور فرموده است نهی رسول الله ﷺ عن سبع و أمر بسبع

٢ - أَخْبَرَنِي الْخَلِيلُ بْنُ أَحْمَدَ السَّجْزِيُّ قَالَ
أَخْبَرَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ الثَّقَفِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا
مُحَمَّدُ بْنُ الصَّبَّاحِ قَالَ أَخْبَرَنَا جَرِيرٌ عَنْ أَبِي
إِسْحَاقَ الشَّيْبَانِيِّ عَنْ أَشْعَثِ بْنِ أَبِي الشَّعْثَاءِ
الْمُحَارِبِيِّ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ سُؤَيْدِ بْنِ مِقْرَنَ عَنْ
الْبَرَاءِ بْنِ عَازِبٍ قَالَ نَهَى رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَنْ
سَبْعٍ وَ أَمَرَ بِسَبْعٍ نَهَانَا أَنْ نَتَّخِثَ بِالذَّهَبِ وَ
عَنِ الشُّرْبِ فِي آئِيَةِ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ وَ قَالَ
مَنْ شَرِبَ فِيهَا فِي الدُّنْيَا لَمْ يَشْرَبْ فِيهَا فِي

الْأَخِرَةَ وَ عَنِ رُكُوبِ الْمِيَاثِرِ وَ عَنِ لُبْسِ الْقَسِيِّ
 وَ عَنِ لُبْسِ الْحَرِيرِ وَ الدَّيْبَاجِ وَ الإِسْتَبْرَقِ وَ
 أَمْرَنَا عَلَيْهِ السَّلَامُ بِاتِّبَاعِ الْجَنَائِزِ وَ عِيَادَةِ الْمَرِيضِ
 وَ تَسْمِيَةِ الْعَاطِسِ وَ نُصْرَةِ الْمَظْلُومِ وَ إِفْشَاءِ
 السَّلَامِ وَ إِجَابَةِ الدَّاعِي وَ إِبْرَارِ الْقَسَمِ قَالَ
 الخليل بن أحمد لعل الصواب إبرار المقسم
 ٢ - براء بن عازب گوید: رسول خدا
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ هفت چیز را غدقن فرموده است و به
 هفت چیز دستور فرمود بما غدقن فرموده که
 انگشتر طلا بدست کنیم و از ظرف طلا و نقره
 آب بیاشامیم و فرمود: که هر کس در دنیا
 در ظرف طلا و نقره آب بیاشامد از ظرفهای
 طلا و نقره عالم آخرت نخواهد نوشید و
 غدقن فرمود که بر زین ابریشمین سوار
 نشویم و جامه پرنیان و دیبا و اطلس
 نپوشیم و دستور فرمود که بدنبال جنازه‌ها
 و بالین بیمار حاضر شویم و عطسه‌کننده را
 دعا و ستمدیده را یاری کنیم و سلام را
 آشکار و دعوت بپذیریم و در سوگند راستگو
 باشیم خلیل بن احمد گفته است شاید بجای
 کلمه: (قسم) کلمه (مقسم) درست‌تر باشد
 بنا بر این معنی چنین می‌شود که در جای
 سوگند راستگو باشیم.

خوردن هفت عضو از گوسفند حرام است

حرم من الشاة سبعة أشياء
 ٣ - حَدَّثَنَا أَبُو الْحُسَيْنِ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ
 الشَّاهِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو حَامِدٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو
 يَزِيدَ أَحْمَدُ بْنُ خَالِدِ الْخَالِدِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا
 مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ صَالِحِ التَّمِيمِيِّ عَنِ أَبِيهِ
 قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ حَاتِمِ الْقَطَّانُ عَنْ حَمَّادِ
 بْنِ عَمْرٍو عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ
 عَنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ
 قَالَ فِي وَصِيَّتِهِ لَهُ يَا عَلِيُّ حُرِّمَ مِنَ الشَّاةِ

سَبْعَةَ أَشْيَاءَ الدَّمِّ وَ الْمَذَاكِيرُ وَ الْمَثَانَةَ وَ
النُّخَاعُ وَ الْعُدُدُ وَ الطَّحَالُ وَ الْمَرَارَةَ

۳ - رسول خدا ﷺ در ضمن وصیتش به علی
علیه السلام فرمود: یا علی خوردن هفت عضو از
گوسفند حرام است: خون و آلت تناسلی و
مثانه و مغز حرام که میان مهره های پشت
است و غده ها و سپرز و زهره .

۴ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ
مُحَمَّدِ بْنِ هَارُونَ عَنْ أَبِي يَحْيَى الْوَاسِطِيِّ
بِإِسْنَادِهِ رَفَعَهُ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ
مَرَّ بِالْقَصَابِينَ فَتَهَاظَهُمْ عَنْ بَيْعِ سَبْعَةِ أَشْيَاءَ
مِنَ الشَّاةِ نَهَاظَهُمْ عَنْ بَيْعِ الدَّمِّ وَ الْعُدُدِ وَ
آذَانَ الْفُؤَادِ وَ الطَّحَالِ وَ النُّخَاعِ وَ الْخُصْيِ
وَ الْقَضِيبِ فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ مِنَ الْقَصَابِينَ يَا
أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ مَا الْكَيْدُ وَ الطَّحَالُ إِلَّا
سَوَاءٌ فَقَالَ لَهُ كَذَبْتَ يَا لُكْعُ ائْتِنِي بِتَوْرَيْنِ
مِنْ مَاءٍ آتِكَ بِخِلَافٍ مَا بَيْنَهُمَا فَآتَيْ بِكَيْدٍ وَ
طِحَالٍ وَ تَوْرَيْنِ مِنْ مَاءٍ فَقَالَ امْرُسُ كُلِّ وَاحِدٍ
مِنْهُمَا فِي إِنَاءٍ عَلَى حَدِّ فَمَرَسَهُمَا جَمِيعاً كَمَا
أَمَرَ بِهِ فَانْقَبَضَتِ الْكَيْدُ وَ لَمْ يَخْرُجْ مِنْهُ شَيْءٌ
وَ لَمْ يَنْقَبِضِ الطَّحَالُ وَ خَرَجَ مَا فِيهِ كُلُّهُ وَ
كَانَ دَمًا كُلُّهُ وَ بَقِيَ جِلْدُهُ وَ عُرُوقُهُ فَقَالَ
هَذَا خِلَافٌ مَا بَيْنَهُمَا هَذَا لَحْمٌ وَ هَذَا دَمٌ

۴ - امیر المؤمنین علیہ السلام به قصابها گذر
کرد و فروش هفت چیز از گوسفند را بر
آنان غدقن فرمود غدقنشان فرمود که خون و
غده ها و گوشه های دل و سپرز و مغز حرام و
خایه و آلت تناسلی گوسفند را نفروشدند .
مردی از قصابها عرض کرد یا امیر
المؤمنین جگر سیاه و سپرز که فرقی با هم
ندارند .

فرمود: دروغ میگوئی ای دروغگو دو کاسه
آب بیاور تا فرق این دو را به تو
بنمایانم . آن مرد یک جگر سیاه و یک سپرز
و دو جام از آب آورد حضرت فرمود هر یک

از اینها را جداگانه در کاسه آب بمال آن مرد جگر سیاه و سپرز را طبق دستور آن حضرت مالش داد جگر در هم فشرده شد و چیزی از آن بیرون نیامد ولی سپرز در هم فشرده نشد و هر چه در آن بود بیرون آمد و همه خون بود و از سپرز فقط پوست و رگش بجا ماند حضرت فرمود تفاوت میان این دو همین است که این گوشت است و آن دیگری خون.

به پیغمبر در باره علی هفت خصلت داده شد

أعطى النبي ﷺ فى علي عليه السلام سبع خصال
 ه - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الشَّاهِ قَالَ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو حَامِدٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو يَزِيدَ أَحْمَدُ بْنُ خَالِدِ الْخَالِدِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ صَالِحِ التَّمِيمِيِّ عَنْ أَبِيهِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ حَاتِمِ الْقَطَّانُ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَمْرٍو عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ قَالَ فِي وَصِيَّتِهِ لَهْ يَا عَلِيُّ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَعْطَانِي فِيكَ سَبْعَ خِصَالٍ أَنْتَ أَوْلُ مَنْ يَنْشَقُّ عَنْهُ الْقَبْرُ مَعِيَ وَ أَنْتَ أَوْلُ مَنْ يَقِفُ عَلَى الصِّرَاطِ مَعِيَ وَ أَنْتَ أَوْلُ مَنْ يُكْسَى إِذَا كُسِيَتْ وَ يَحْيَا إِذَا حَيِيَتْ وَ أَنْتَ أَوْلُ مَنْ يَسْكُنُ مَعِيَ فِي عِلْيَيْنَ وَ أَنْتَ أَوْلُ مَنْ يَشْرَبُ مَعِيَ مِنَ الرَّحِيقِ الْمَخْتُومِ الَّذِي خَتَمَهُ مِسْكٌ

ه - رسول خدا ﷺ در ضمن وصیتش به علی علیه السلام فرمود: ای علی خدای تبارک و تعالی به من در باره تو هفت خصلت عطا فرموده است تو نخستین کسی هستی که قبرش شکافته می شود و همزمان با من سر از گور بر آوری و تو نخستین کسی هستی که به همراه من سر پل صراط بایستی و پس از آنکه من جامه بهشتی بپوشم تو نخستین کس باشی که جامه بر تن

کنی و پس از زنده شدن من نخستین فردی باشی که زنده گردی و نخستین کسی باشی که با من در علین جایگزین شوی و نخستین کسی باشی که با من از باده بی‌درد بهشتی که با مشک سر بمهر است بنوشی.

شرح -

هفت خصلت تمام نیست شاید سقط از راوی و یا از نسخه باشد.

فرمایش پیغمبر: خوشا بحال آن کس باز خوشا بحال آن کس «تا هفت بار که مرا ندیده بمن بگردد قول النبی ﷺ طوبی ثم طوبی سبع مرات لمن لم یرنی و آمن بی

۶ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الْبُنْدَارِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو جَعْفَرِ الْحَضْرَمِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا هُدْبَةُ بْنُ خَالِدٍ قَالَ حَدَّثَنَا هَمَّامُ بْنُ يَحْيَى قَالَ حَدَّثَنَا قَتَادَةُ عَنْ أَيْمَنَ عَنْ أَبِي أَمَامَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ طُوبَى لِمَنْ رَأَى وَ آمَنَ بِي طُوبَى ثُمَّ طُوبَى يَقُولُهَا سَبْعًا لِمَنْ لَمْ يَرِنِي وَ آمَنَ بِي

۶ - رسول خدا ﷺ فرمود: خوشا بحال کسی که مرا دید و بمن ایمان آورد و خوشا و دیگر بار خوشا (تا هفت بار فرمود خوشا) بحال کسی که مرا ندیده بمن گروید.

به روز قیامت هفت صنف در سایه عرش خدا باشند

سبعة في ظل عرش الله يوم القيامة

۷ - أَخْبَرَنَا الْخَلِيلُ بْنُ أَحْمَدَ قَالَ أَخْبَرَنَا ابْنُ مَنِيعٍ قَالَ حَدَّثَنَا مُصْعَبٌ قَالَ حَدَّثَنِي مَالِكٌ عَنْ أَبِي عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ حَفْصِ بْنِ عَاصِمٍ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ أَوْ عَنِ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ سَبْعَةٌ يُظِلُّهُمُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِي يَوْمٍ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ إِمَامٌ عَادِلٌ وَ شَابٌّ نَشَأَ فِي عِبَادَةِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ

رَجُلٌ قَلْبُهُ مُتَعَلِّقٌ بِالْمَسْجِدِ إِذَا خَرَجَ مِنْهُ حَتَّى
يَعُودَ إِلَيْهِ وَ رَجُلَانِ كَانَا فِي طَاعَةِ اللَّهِ عَزَّ وَ
جَلَّ فَاجْتَمَعَا عَلَى ذَلِكَ وَ تَفَرَّقَا وَ رَجُلٌ ذَكَرَ اللَّهُ
عَزَّ وَ جَلَّ خَالِيًا فَقَاضَتْ عَيْنَاهُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ عَزَّ
وَ جَلَّ وَ رَجُلٌ دَعَتْهُ امْرَأَةٌ ذَاتُ حَسَبٍ وَ جَمَالٍ
فَقَالَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ وَ رَجُلٌ تَصَدَّقَ
بِصَدَقَةٍ فَأَخْفَاهَا حَتَّى لَا تَعْلَمَ شِمَالُهُ مَا
يَتَصَدَّقُ بِيَمِينِهِ

۷ - رسول خدا ﷺ فرمود: خدای عز و جل هفت صنف را در سایه لطف خود جای دهد روزی که سایه ای بجز سایه لطفش نیست:

- ۱ - پیشوای دادگر.
- ۲ - جوانی که در عبادت و پرستش خدای عز و جل ببار آمده.
- ۳ - مردیکه چون از مسجد بیرون رود دلش در بند آن است تا باز گردد.
- ۴ - دو مرد خدا پرست که بمنظور خداپرستی گرد هم آیند و از هم جدا شوند.
- ۵ - مردیکه در جای خلوت بیاد خدای عز و جل بیفتد و از ترس خدای عز و جل اشک از دیدگانش جاری شود.
- ۶ - مردیکه زنی زیبا و آبرومند او را (بعمل جنسی) دعوت کند و مرد در پاسخ او بگوید که من از خدای عز و جل میترسم.
- ۷ - مردیکه صدقه ای بدهد و آن را چنان به پنهانی دهد که دست چپش از آنچه بدست راست صدقه میدهد خبردار نشود.

در کشمش هفت خاصیت است

فی الزبیب سبع خصال
۸ - حَدَّثَنَا الْمُظْفَرُ بْنُ جَعْفَرِ بْنِ الْمُظْفَرِ
الْعَلَوِيِّ الْعَمَرِيِّ السَّمَرْقَنْدِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ
حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مَسْعُودِ الْعِيَّاشِيِّ عَنْ
أَبِيهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ إِشْكِيبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ
الْكُوفِيِّ عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ الْأَسَدِيِّ عَنْ أَبِي بَكْرٍ
الْحَضْرَمِيِّ عَنْ سَلَمَةَ بْنِ كُهَيْلٍ رَفَعَهُ عَنِ ابْنِ

عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ سَبْعَةٌ فِي ظِلِّ عَرْشِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ إِمَامٌ عَادِلٌ وَ شَابٌّ نَشَأَ فِي عِبَادَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ رَجُلٌ تَصَدَّقَ بِيَمِينِهِ فَأَخْفَاهُ عَنْ شِمَالِهِ وَ رَجُلٌ ذَكَرَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَالِيًا فَفَاضَتْ عَيْنَاهُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ رَجُلٌ لَقِيَ أَخَاهُ الْمُؤْمِنَ فَقَالَ إِنِّي لِأَحِبُّكَ فِي اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ رَجُلٌ خَرَجَ مِنَ الْمَسْجِدِ وَ فِي نَيْتِهِ أَنْ يَرْجِعَ إِلَيْهِ وَ رَجُلٌ دَعَتْهُ امْرَأَةٌ ذَاتُ جَمَالٍ إِلَى نَفْسِهَا فَقَالَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ

۸ - رسول خدا ﷺ فرمود: هفت صنف در سایه عرش خدایند بروزی که سایه ای بجز سایه عرش نیست ۱ - پیشوای دادگر. و جوانی که در پرستش خداوند ببار آید و مردیکه با دست راستش صدقه دهد بطوری که از دست چپش پنهان بدارد. و مردیکه در جای خلوت خدای عز و جل را یاد کند و از ترس او دیدگانش اشک ریز شود و مردیکه برادر خود را ملاقات کند و باو بگوید من برای خدا تو را دوست میدارم و مردیکه از مسجد بیرون رود و بدل تصمیم بازگشت بمسجد داشته باشد و مردیکه زن زیبائی او را بخود خواند و او بپاسخ گوید. من از خدائی که پروردگار جهانیان است میترسم.

۹ - حَدَّثَنَا أَبُو مَنْصُورٍ أَحْمَدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ بَكْرِ الْخُوَزِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا زَيْدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْبَغْدَادِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْقَاسِمِ عَبْدِ اللَّهِ بْنُ أَحْمَدَ الطَّائِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرُّضَا عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَلَيْكُمْ بِالزَّبِيبِ فَإِنَّهُ يَكْشِفُ الْمِرَّةَ وَ يَذْهَبُ بِالْبَلْغَمِ وَ يَشُدُّ الْعَصَبَ وَ يَذْهَبُ بِالْإِعْيَاءِ وَ يُحَسِّنُ الْخُلُقَ وَ يُطَيِّبُ النَّفْسَ وَ يَذْهَبُ بِالْعَمِّ

۹ - رسول خدا ﷺ فرمود: به خوردن کشمش مواظبت داشته باشید که صفرا میبرد و بلغم میبرد و اعصاب را محکم سازد و رفع

خستگی کند و خوش خلقی آورد و نفس را خوش
بو کند و اندوه از دل بیرون کند.

هفت کوهی که در روز تجلی حق بر موسی پراکنده شدند

سبعة جبال تطایرت یوم موسی
۱۰ - حَدَّثَنَا أَبُو أَحْمَدَ الْقَاسِمُ بْنُ مُحَمَّدٍ
بْنِ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِوَيْهِ السَّرَّاجُ بِهَمْدَانَ قَالَ
حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ سَعِيدِ
الْبَزَّازُ قَالَ حَدَّثَنَا حَمِيدُ بْنُ زَنْجَوِيهِ قَالَ
حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ يُوسُفَ قَالَ حَدَّثَنِي خَالِدُ بْنُ
يَزِيدَ بْنِ صَبِيحٍ عَنْ طَلْحَةَ بْنِ عَمْرٍو الْحَضْرَمِيِّ
عَنْ عَطَاءِ بْنِ أَبِي رَبَاحٍ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ عَنِ
النَّبِيِّ ﷺ أَنَّهُ قَالَ مِنَ الْجِبَالِ الَّتِي تَطَّيَّرَتْ
يَوْمَ مُوسَى سَبْعَةٌ أَجْبُلٌ فَلَجَّ قَتْ بِالْحِجَازِ وَ
الْيَمَنِ مِنْهَا بِالْمَدِينَةِ أَحُدٌ وَ وِرْقَانٌ وَ بِمَكَّةَ
ثَوْرٌ وَ ثَبِيرٌ وَ حِرَاءٌ وَ بِالْيَمَنِ صَبْرٌ وَ حُضُورٌ
۱۰ - رسول خدا ﷺ فرمود: از کوههایی

که در روز (تجلی حق بر) موسی پراکنده
شدند هفت کوه است که بسرزمین حجاز و یمن
پیوستند آنچه از آنها در مدینه است کوه
احد و ورقان است و در مکه ثور و ثبیر و
حراء است و در یمن صبر و حضور است.

نام آسمانهای هفتگانه و رنگشان

أسماء السماوات السبع و ألوانها
۱۱ - حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ عَمْرٍو بْنُ
عَلِيٍّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْبَصْرِيُّ بِإِيلَاقٍ قَالَ حَدَّثَنَا
أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَةَ الْوَاعِظُ
قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْقَاسِمِ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ
عَامِرِ الطَّائِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي قَالَ حَدَّثَنَا
عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرُّضَا قَالَ حَدَّثَنَا مُوسَى بْنُ
جَعْفَرٍ قَالَ حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ حَدَّثَنَا
مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ

قَالَ حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عليه السلام قَالَ كَانَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ بِالْكُوفَةِ فِي الْجَامِعِ إِذْ قَامَ إِلَيْهِ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الشَّامِ فَسَأَلَهُ عَنْ مَسَائِلَ فَكَانَ فِيهَا مَا سَأَلَهُ أَنْ قَالَ لَهُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَخِيرَنِي عَنْ أَلْوَانِ السَّمَاوَاتِ وَ أَسْمَائِهَا فَقَالَ لَهُ إِنَّ اسْمَ السَّمَاءِ الدُّنْيَا رَفِيعٌ وَ هِيَ مِنْ مَاءٍ وَ دُخَانٍ وَ اسْمُ السَّمَاءِ الثَّانِيَةِ قَيْدُومٌ وَ هِيَ عَلَى لَوْنِ النُّحَاسِ وَ السَّمَاءِ الثَّلَاثَةِ اسْمُهَا الْمَارُومُ وَ هِيَ عَلَى لَوْنِ الشَّبِّهِ وَ السَّمَاءِ الرَّابِعَةِ اسْمُهَا أَرْقَلُونَ وَ هِيَ عَلَى لَوْنِ الْفِضَّةِ وَ السَّمَاءِ الْخَامِسَةِ اسْمُهَا هَيْفُونَ وَ هِيَ عَلَى لَوْنِ الذَّهَبِ وَ السَّمَاءِ السَّادِسَةِ اسْمُهَا عَرُوسٌ وَ هِيَ يَاقُوتَةٌ خَضْرَاءُ وَ السَّمَاءِ السَّابِعَةِ اسْمُهَا عَجْمَاءُ وَ هِيَ دُرَّةٌ بَيْضَاءُ

و الحديث طويل أخذنا منه موضع الحاجة

۱۱ - حسین بن علی عليه السلام فرمود: علی بن ابی طالب عليه السلام در مسجد جامع کوفه بود که مردی از اهل شام در برابرش بپاخواست و پرسشهایی از آن حضرت نمود و از آن جمله این بود که عرض کرد یا امیر المؤمنین مرا از رنگهای آسمانها و نامهایشان خبر ده حضرت باو فرمود: آسمان دنیا نامش رفیع است و از آب و دود آفریده شده است و آسمان دوم نامش قیدوم است که برنگ مس است و آسمان سوم نامش ماروم است که برنگ برنج است و آسمان چهارم نامش ارقلون و برنگ نقره است و آسمان پنجم نامش هیضمون (هیفون) و برنگ طلا است و آسمان ششم نامش عروس است و آن یاقوت سبزی است و آسمان هفتم نامش عجماء است و دری است سفید حدیث طولانی است مورد نیاز از آن را نقل کردیم.

شرح-

در سؤالات امتحانیه طرف سؤال ناچار است آنچه را که سائل نسبت بمورد سؤال معتقد

است بیان کند و در غیر این صورت نقض غرض لازم خواهد آمد بنا بر این بفرض صحت روایت و ثبوت خلاف مضمون روایت از نظر علمی شاید این روایت نیز چنین توجیهی بشود و الله العالم.

رسول خدا ﷺ به ابی ذر هفت چیز را سفارش فرمود

أوصى رسول الله ﷺ أبا ذر بسبع
 ١٢ - حَدَّثَنَا أَبُو عَلِيٍّ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْعَطَّارُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْفَقِيهُ وَ إِسْمَاعِيلُ وَ الْمَكِّيُّ وَ حَمْدَانُ قَالُوا حَدَّثَنَا الْمَكِّيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ قَالَ حَدَّثَنَا هِشَامُ بْنُ حَسَّانَ وَ الْحَسَنُ بْنُ دِينَارٍ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ وَاسِعٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الصَّامِتِ عَنْ أَبِي ذَرٍّ رَحْمَةً اللَّهُ عَلَيْهِ قَالَ أَوْصَانِي رَسُولُ اللَّهِ بِسَبْعٍ أَوْصَانِي أَنْ أَنْظُرَ إِلَيَّ مَنْ هُوَ دُونِي وَ لَا أَنْظُرَ إِلَيَّ مَنْ هُوَ فَوْقِي وَ أَوْصَانِي بِحُبِّ الْمَسَاكِينِ وَ الدُّنُوِّ مِنْهُمْ وَ أَوْصَانِي أَنْ أَقُولَ الْحَقَّ وَ إِنْ كَانَ مُرًّا وَ أَوْصَانِي أَنْ أَصِلَ رَجِيمِي وَ إِنْ أَدْبَرْتُ وَ أَوْصَانِي أَنْ لَا أَخَافَ فِي اللَّهِ لَوَمَةٍ لَأْتِمَّ وَ أَوْصَانِي أَنْ أَسْتَكْثِرَ مِنْ قَوْلٍ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ فَإِنَّهَا مِنْ كُنُوزِ الْجَنَّةِ حَدَّثَنَا أَبُو مُحَمَّدٍ مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الشَّافِعِيُّ بِفَرغانة قَالَ أَخْبَرْنَا مجاهد بن أعين قَالَ حَدَّثَنَا أبو يحيى عبد الصمد بن الفضل البلخي قَالَ حَدَّثَنَا مكي بن إبراهيم قَالَ حَدَّثَنَا هشام بن حسان و الحسن بن دينار عن محمد بن واسع عن عبد الله بن الصامت عن أبي ذر قال أوصاني رسول الله ﷺ بسبع و ذكر الحديث مثله سواء

١٢ - ابی ذر گوید: رسول خدا ﷺ به من هفت سفارش فرمود به من سفارش فرمود که به زیر دست خود نگاه کنم نه به بالا دست

خود و به من سفارش فرمود به دوستی اشخاص بی‌بضاعت و نزدیک شدن با آنان و به من سفارش فرمود که حقرا هر چند ناگوار و تلخ باشد بگویم و به من سفارش نمود که صله رحم خویش کنم هر چند او از من روگردان باشد و بمن سفارش فرمود که در راه خداوند از سرزنش کسی نترسم و بمن سفارش فرمود که: ذکر شریف لا حول و لا قوة الا بالله (العلی العظیم) را بسیار بگویم که از گنجینه‌های بهشتی است.

عبدالله بن صامت از ابی ذر نقل میکند که رسول خدا ﷺ بمن هفت سفارش فرمود و حدیث را آنچنان که گفته شد نقل کرده است.

هفت صفت در هر کس باشد ایمان حقیقی را به سر حد کمال رسانده است

سبعة من کن فیہ فقد استکمل حقیقة الإیمان

۱۳ - حَدَّثَنَا أَبُو الْحُسَيْنِ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنُ الشَّاهِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو حَامِدٍ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو يَزِيدَ أَحْمَدُ بْنُ خَالِدِ الْخَالِدِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ صَالِحِ التَّمِيمِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي قَالَ حَدَّثَنَا أَنَسُ بْنُ مُحَمَّدٍ أَبُو مَالِكٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام أَنَّ النَّبِيَّ صلى الله عليه وآله قَالَ فِي وَصِيَّتِهِ لَهُ يَا عَلِيُّ سَبْعَةٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ فَقَدْ اسْتَكْمَلَ حَقِيقَةَ الْإِيمَانِ وَ أَبْوَابُ الْجَنَّةِ مُفْتَحَةٌ لَهُ مَنْ أَسْبَغَ وُضُوءَهُ وَ أَحْسَنَ صَلَاتَهُ وَ أَدَّى زَكَاةَ مَالِهِ وَ كَفَّ غَضَبَهُ وَ سَجَنَ لِسَانَهُ وَ اسْتَغْفَرَ لِذَنْبِهِ وَ أَدَّى النَّصِيحَةَ لِأَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّهِ

۱۳ - امیر المؤمنین عليه السلام فرمود: پیغمبر صلى الله عليه وآله در ضمن وصیتی به علی فرمود یا علی هفت صفت است که در هر کس باشد ایمان

حقیقی را به سر حد کمال رسانده است و درها برویش باز است کسی که وضویش را بطور کامل بسازد و نمازش را نیکو بخواند و زکات مال خود را بدهد و خشمش را نگهدارد و زبان‌اش را در بند کند و برای گناهان خود طلب آمرزش نماید و برای خاندان پیغمبرش خیر خواه باشد.

کسی که ماه رمضان را روزه بدارد هفت خصلت برایش لازم می‌شود

من صام شهر رمضان وجبت له سبع خصال
 ۱۴ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوِيهِ رَضِيَ
 اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنِي عَمِّي مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي الْقَاسِمِ
 عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا
 عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ الرَّقِّيُّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَةَ
 عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ
 آبَائِهِ عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ
 عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام فِي حَدِيثٍ طَوِيلٍ يَقُولُ
 فِيهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله مَا مِنْ مُؤْمِنٍ يَصُومُ
 شَهْرَ رَمَضَانَ احْتِسَابًا إِلَّا أَوْجَبَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ
 تَعَالَى لَهُ سَبْعَ خِصَالٍ أَوْلَاهَا يَذُوبُ الْحَرَامُ مِنْ
 جَسَدِهِ وَ الثَّانِيَةَ يَقْرُبُ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ
 وَ الثَّلَاثَةَ قَدْ كَفَّرَ خَطِيئَةَ أَبِيهِ آدَمَ وَ
 الرَّابِعَةَ يُهَوِّنُ اللَّهُ عَلَيْهِ سَكَرَاتِ الْمَوْتِ وَ
 الْخَامِسَةَ أَمَانٌ مِنَ الْجُوعِ وَ الْعَطَشِ يَوْمَ
 الْقِيَامَةِ وَ السَّادِسَةَ يُطْعِمُهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ
 طَيِّبَاتِ الْجَنَّةِ وَ السَّابِعَةَ يُعْطِيهِ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ
 بَرَاءَةً مِنَ النَّارِ قَالَ صَدَقَتْ يَا مُحَمَّدُ

۱۴ - علی بن ابی طالب ضمن حدیث مفصلی
 فرماید: رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: هیچ مؤمنی
 نیست که ماه رمضان را فقط بحساب خدا
 روزه بگیرد مگر آنکه خدای تبارک و تعالی
 هفت صفت را برای او ثابت و لازم فرماید:
 نخستین صفت آنکه هر چه حرام در پیکرش
 باشد گداخته شود.

دوم: به رحمت خدای عز و جل نزدیک می‌شود.
 سوم: کفاره گناه پدرش آدم را پرداخت نموده است.
 چهارم: خداوند لحظات جان‌کندن را بر وی آسان گرداند.
 پنجم: از گرسنگی و تشنگی روز قیامت در امان خواهد بود.
 ششم: خدای عز و جل از خوراکیهای لذیذ بهشتی او را نصیب دهد.
 هفتم: خدای عز و جل بیزاری از آتش دوزخ باو عطا فرماید علی‌عرض کرد: ای محمد راست فرمودی.

عذاب هفت نفر به روز قیامت از همه مردم سخت‌تر است

سبعة من أشد الناس عذابا يوم القيامة
 ۱۵ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّقَّارُ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ حَنَانِ بْنِ سَدِيرٍ قَالَ حَدَّثَنِي رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ إِنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَذَاباً يَوْمَ الْقِيَامَةِ سَبْعَةٌ نَفَرٌ أَوْلَهُمْ ابْنُ آدَمَ الَّذِي قَتَلَ أَخَاهُ وَ نُمْرُودَ الَّذِي حَاجَّ إِبْرَاهِيمَ فِي رَبِّهِ وَ اثْنَانِ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ هُوَذَا قَوْمَهُمْ وَ نَصْرَاهُمْ وَ فِرْعَوْنَ الَّذِي قَالَ أَنَا رَبُّكُمْ الْأَعْلَى وَ اثْنَانِ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ

۱۵ - مردی از یاران امام صادق عليه السلام گوید: شنیدم امام صادق می‌فرمود: برآستی که هفت نفر به روز قیامت از همه مردم سخت‌تر در شکنجه خواهند بود اول آنان آن پسر آدم که برادرش را کشت و نمرودی که با حضرت ابراهیم در باره پروردگارش ستیزه‌جوئی نمود و دو تن از بنی اسرائیل که ملت خود را یهودی و نصرانی نمودند و فرعونی که

گفت: من پروردگار بلند مرتبه شما هستم و دو نفر از این امت.

تکبیرات اول نماز هفت است

تکبیرات الافتتاح سبع
۱۶ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْخَلِيجِيِّ عَنْ أَبِي عَلِيٍّ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ قَالَ سَأَلْتُ الرَّضَاءَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ تَكْبِيرَةِ الْإِفْتِتَاحِ فَقَالَ سَبْعٌ قُلْتُ رُوِيَ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ كَانَ يُكَبِّرُ وَاحِدَةً فَقَالَ إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ كَانَ يُكَبِّرُ وَاحِدَةً يَجْهَرُ بِهَا وَ يُسِرُّ سِتًّا

۱۶ - حسن بن راشد گوید: از امام رضا عَلَيْهِ السَّلَامُ تکبیرهای شروع به نماز را پرسیدم فرمود هفت است گفتم روایت شده است که پیغمبر يك مرتبه تکبیر میفرمود؟ فرمود: پیغمبر يك تکبیر را بلند میفرمود و شش تکبیر را آهسته.

۱۷ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ رَأَيْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَ سَمِعْتُهُ اسْتَفْتَحَ الصَّلَاةَ بِسَبْعِ تَكْبِيرَاتٍ وَ لَاءَ

۱۷ - زراره گوید: امام صادق را بچشم دیدم و بگوشم شنیدم که نماز را با هفت تکبیر پی در پی شروع فرمود:

۱۸ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَادِ بْنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِذَا كُنْتَ إِمَامًا فَإِنَّهُ يُجْزِيكَ أَنْ تُكَبِّرَ وَاحِدَةً وَ تُسِرَّ سِتًّا

۱۸ - امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: چون امام جماعت باشی تو را کافی است که يك تکبیر بلند بگویی و شش تکبیر را آهسته.

۱۹ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ حَرِيْزِ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ أَدْنَى مَا يُجْزَى مِنَ التَّكْبِيرِ فِي التَّوَجُّهِ إِلَى الصَّلَاةِ تَكْبِيرَةٌ وَاحِدَةٌ وَثَلَاثُ تَكْبِيرَاتٍ وَخَمْسٌ وَ سَبْعٌ أَفْضَلُ

و قد أخرجت علة السبع التكبيرات في الافتتاح في كتاب علل الشرائع و الأحكام و الأسباب

۱۹ - امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: به هنگام نماز کمترین شماره تکبیر که کافی است همان یک تکبیر است و سه تکبیر و پنج و هفت بهتر است و من در کتاب علل الشرائع و الاحکام و الاسباب جهت اینکه چرا در آغاز نماز هفت تکبیر گفته می‌شود بیان کرده ام .

سوره ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَقُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ﴾ در هفت مورد خوانده می‌شود قرأ ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَقُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ﴾

فی سبع مواطن
۲۰ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ نُوحٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةَ قَالَ حَدَّثَنَا مُعَاذُ بْنُ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لَا تَدْعُ أَنْ تَقْرَأَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَ قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ فِي سَبْعَةِ مَوَاطِنَ فِي الرَّكْعَتَيْنِ قَبْلَ الْفَجْرِ وَ رَكَعَتِي الْمَغْرِبِ وَ الرُّكُوعَيْنِ فِي أَوَّلِ صَلَاةِ اللَّيْلِ وَ رَكَعَتِي الْإِحْرَامِ وَ رَكَعَتِي الْفَجْرِ إِذَا أَصْبَحْتَ بِهَا وَ رَكَعَتِي الطَّوَافِ

قال مصنف هذا الكتاب رضى الله عنه الامر بقراءة هاتين السورتين في هذه ۲۰- امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: خواندن سوره قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَ قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ را در هفت جا از دست مده در دو رکعت پیش از نماز صبح و دو رکعت نافله ظهر و دو رکعت نافله پس

از نماز مغرب و دو رکعت اول نماز شب و دو رکعت نماز احرام و دو رکعت نماز صبح اگر موفق بادایش بشوی و دو رکعت نماز طواف مصنف این کتاب گوید دستوری که بخواندن این دو سوره در این هفت مورد رسیده است بعنوان استحباب است نه وجوب. (شرح-)

مقصود خواندن هر يك از این دو سوره در يك رکعت از نمازهای مذکور است و ظاهر این است که در رکعت اول خواندن قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ و در رکعت دوم قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ مستحب باشد.

دانشمندی به دنبال دانشمندی دیگر هفت صد فرسخ راه پیمود

بخاطر فرا گرفتن هفت کلمه السبع المواطن علی الاستحباب لا علی الوجوب تبع حکیم حکیم سبعمائة فرسخ فی سبع کلمات ۲۱ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الرَّازِيُّ عَنْ سَجَادَةَ وَ اسْمُهُ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي عَثْمَانَ وَ اسْمُ أَبِي عَثْمَانَ حَبِيبٌ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ تَبِعَ حَكِيمٌ حَكِيمًا سَبْعِمِائَةَ فَرَسَخٍ فِي سَبْعِ كَلِمَاتٍ فَلَمَّا لَحِقَ بِهِ قَالَ لَهُ يَا هَذَا مَا أَرْفَعُ مِنَ السَّمَاءِ وَ أَوْسَعُ مِنَ الْأَرْضِ وَ أَغْنَى مِنَ الْبَحْرِ وَ أَقْسَى مِنَ الْحَجَرِ وَ أَشَدُّ حَرَارَةً مِنَ النَّارِ وَ أَثْقَلُ مِنَ الْجِبَالِ الرَّاسِيَّاتِ فَقَالَ لَهُ يَا هَذَا الْحَقُّ أَرْفَعُ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْعَدْلُ أَوْسَعُ مِنَ الْأَرْضِ وَ غَنَى النَّفْسِ أَغْنَى مِنَ الْبَحْرِ وَ قَلْبُ الْكَافِرِ أَقْسَى مِنَ الْحَجَرِ وَ الْحَرِيصُ الْجَشِعُ أَشَدُّ حَرَارَةً مِنَ النَّارِ وَ الْيَأْسُ مِنَ رَوْحِ اللَّهِ أَشَدُّ بَرْدًا مِنَ الزَّمْهَرِيرِ وَ

الْبُهْتَانُ عَلَى الْبَرِيِّ أَثْقَلُ مِنَ الْجِبَالِ
الرَّاسِيَّاتِ

۲۱ - امام صادق عليه السلام فرمود: دانشمندی به دنبال دانشمندی دیگر هفتصد فرسخ راه پیمائی نمود تا مگر هفت کلمه از او فرا بگیرد چون به او رسید گفت: دانشمندا چیست که والاتر از آسمان است؟ و پهناورتر از زمین و بی‌نیازتر از دریا و سخت‌تر از سنگ و گرم‌تر از آتش و سردتر از زمهریر و سنگین‌تر از کوه‌های با عظمت، دانشمند در پاسخ گفت: ای فلان، مقام حقیقت والاتر از آسمان است و دادگری پهناورتر از زمین است و بی‌نیازی در جان آدمی از بی‌نیازی دریا بیشتر است و دل کافر از سنگ سخت‌تر است و حریص‌آزمند از آتش گرم‌تر است و از رحمت خداوند ناامید شدن از زمهریر سردتر و بر پاکدامن بهتان گفتن از کوه‌های استوار سنگین‌تر است.

هفت کس کارکردهای خود را تباه میکند

سبعة يفسدون أعمالهم
۲۲ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ قَالَ
حَدَّثَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الرَّازِيُّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ
بْنِ أَبِي عُثْمَانَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عُمَرَ الْجَلَّالِ عَنْ
يَحْيَى بْنِ عُمَرَ بْنِ الْحَلِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ
اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ سَبْعَةٌ يُفْسِدُونَ أَعْمَالَهُمُ الرَّجُلُ
الْحَلِيمُ ذُو الْعِلْمِ الْكَثِيرِ لَا يُعْرِفُ بِذَلِكَ وَ لَا
يُذَكِّرُ بِهِ وَ الْحَكِيمُ الَّذِي يُدِينُ مَالَهُ كُلَّ
كَاذِبٍ مُنْكَرٍ لِمَا يُؤْتِي إِلَيْهِ وَ الرَّجُلُ الَّذِي
يَأْمَنُ ذَا الْمَكْرِ وَ الْخِيَانَةَ وَ السَّيِّدُ الْفِظِ
الَّذِي لَا رَحْمَةَ لَهُ وَ الْأُمُّ الَّتِي لَا تَكْتُمُ عَنِ
الْوَلَدِ السَّرَّ وَ تُفْشِي عَلَيْهِ وَ السَّرِيعُ إِلَى
لَأِيْمَةِ إِخْوَانِهِ وَ الَّذِي لَا يَزَالُ يُجَادِلُ أَخَاهُ
مُخَاصِمًا لَهُ

۲۲ - حلبی گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که میفرمود هفت کس کارکردهای خود را تباه میکنند مرد بردباری که دارای دانش فراوانی باشد ولی کسی او را باین عنوان نشناسد و نامش بدان برده نشود و شخص صاحب حکمتی که اندوخته‌های حکمت خود را در دسترس هر دروغگوئی که هر چه باو برسد باور نمیدارد قرار دهد و مردیکه شخص حيله باز و خیانت پیشه را امین خود کند و آقائی که سنگدل و بیرحم باشد و مادری که راز فرزند را پنهان نگه ندارد و آن را فاش کند و کسی که شتابزده برادران خود را سرزنش نماید و کسی که همواره با برادر خود خصمانه ستیزه نماید.

سجده بر هفت استخوان واجب است

السجود علی سبعة أعظم
 ۲۳ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ السُّجُودُ عَلَى سَبْعَةِ أَعْظَمِ الْجَبْهَةِ وَالْكَفَّيْنِ وَالرُّكْبَتَيْنِ وَالْإِبْهَامَيْنِ وَتُرْغَمُ بِأَنْفِكَ أَمَّا الْفَرْصُ فَهَذِهِ السَّبْعَةُ وَأَمَّا الْإِرْغَامُ فَسُنَّةٌ

۲۳ - امام باقر علیه السلام فرمود: سجده بر هفت عضو واجب است پیشانی و دو کف دست و دو زانو و دو انگشت ابهام پا و بینی را به خاک بمال اما واجب همین هفت عضو است ولی بینی بخاک گذاشتن مستحب است.

رسول خدا ﷺ هفت کس را لعن فرموده است

لعن رسول الله ﷺ سبعة

٢٤ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ أَبِي الْقَاسِمِ الْكُوفِيِّ عَنْ عَبْدِ الْمُؤْمِنِ الْأَنْصَارِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنِّي لَعَنْتُ سَبْعَةَ لَعْنَهُمُ اللَّهُ وَكُلُّ نَبِيٍّ مُجَابٍ قَبْلِي فَقِيلَ وَمَنْ هُمْ فَقَالَ الزَّائِدُ فِي كِتَابِ اللَّهِ وَالْمُكَذِّبُ بِقَدْرِ اللَّهِ وَالْمُخَالِفُ لِسُنَّتِي وَالْمُسْتَجِلُّ مِنْ عِثْرَتِي مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَالْمُتَسَلِّطُ بِالْجَبْرِ لِيُعِزَّ مَنْ أَدَلَ اللَّهُ وَيُذِلَّ مَنْ أَعَزَّ اللَّهُ وَالْمُسْتَأْثِرُ عَلَيَّ الْمُسْلِمِينَ بِفَيْئِهِمْ مُسْتَجِلًّا لَهُ وَالْمُحَرَّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ

٢٤ - رسول خدا ﷺ فرمود: من هفت طایفه

را لعن کرده ام و خداوند و هر پیغمبر مستجاب الدعوة نیز لعنشان نموده اند عرض شد آنان کیانند؟ فرمود کسی که به کتاب خدا بیفزاید و کسی که تقدیرات الهی را دروغ پندارد و کسی که با روش من مخالفت ورزد و کسی که در باره اولاد من آنچه را که خداوند حرام فرموده است روا دارد و کسی که با توسل به زور بر مردم مسلط شود تا آن را که خداوند خوارش گردانیده عزیز کند و آن را که خدا عزیز نموده خوار گرداند و کسی که بیت المال مسلمانان را صرف منافع شخصی نموده و این عمل را روا دارد و کسی که حلال خداوند را حرام شمرد.

٢٥ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عُمَرَ الْحَافِظُ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ حَفْصِ الْخَثْعَمِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا ثَابِتُ بْنُ غَارِمِ السَّنْجَارِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ الْمَلِكِ بْنُ الْوَلِيدِ قَالَ حَدَّثَنَا عَمْرُو بْنُ عَبْدِ الْجَبَّارِ قَالَ حَدَّثَنِي عَبْدُ اللَّهِ بْنُ زِيَادٍ قَالَ أَخْبَرَنِي زَيْدُ بْنُ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

سَبْعَةٌ لَعَنَهُمُ اللَّهُ وَ كُلُّ نَبِيٍّ مُجَابِ الْمُعَيَّرِ
 لِكِتَابِ اللَّهِ وَ الْمُكَذِّبِ يَقْدِرُ اللَّهُ وَ الْمُبَدِّلِ سُنَّةَ
 رَسُولِ اللَّهِ وَ الْمُسْتَجِلِّ مِنْ عِثْرَتِي مَا حَرَّمَ اللَّهُ عَزَّ
 وَ جَلَّ وَ الْمُتَسَلِّطِ فِي سُلْطَانِهِ لِيُعْزَّ مَنْ أَدَّلَ اللَّهُ
 وَ يُذِلَّ مَنْ أَعَزَّ اللَّهُ وَ الْمُسْتَجِلِّ لِحُرْمِ اللَّهِ وَ
 الْمُتَكَبِّرِ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ

۲۵ - هفت طایفه را خداوند و هر پیغمبر
 مستجاب الدعوه ای لعن کرده است کسی که
 کتاب خدای را تغییر دهد و کسی که تقدیر
 خداوند را دروغ پندارد و کسی که راه و
 رسم رسول خدا ﷺ را تبدیل کند و کسی که
 در باره اولاد من آنچه را که خداوند حرام
 فرموده است حلال شمرد و کسی که حکومت بر
 مردم را بزور بدست آورد تا آن را که
 خداوند ذلیل نموده عزیز کند و آن را که
 خداوند عزیز فرموده ذلیل گرداند و کسی
 که محرمات الهی را حلال داند و کسی که از
 پرستش حق گردنکشی کند.

مؤمن را بر مؤمن هفت حق است

للمؤمن على المؤمن سبعة حقوق
 ۲۶ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
 سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنِ
 الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ فَضَّالٍ عَنِ ثَعْلَبَةَ بْنِ مَيْمُونٍ عَنِ
 بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنِ الْمُعَلِيِّ بْنِ خُنَيْسٍ قَالَ قُلْتُ
 لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مَا حَقُّ الْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ
 قَالَ سَبْعَةٌ حُقُوقٍ وَاجِبَاتٍ مَا فِيهَا حَقٌّ إِلَّا وَ
 هُوَ وَاجِبٌ عَلَيْهِ وَ إِنْ خَالَفَهُ خَرَجَ مِنْ وَآيَةِ اللَّهِ
 وَ تَرَكَ

طَاعَتَهُ وَ لَمْ يَكُنْ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فِيهِ نَصِيبٌ
 قَالَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ حَدَّثَنِي مَا هِيَ قَالَ وَيْحَكَ
 يَا مُعَلِيُّ إِنِّي شَفِيقٌ عَلَيْكَ أَخْشَى أَنْ تُضَيِّعَ وَ لَا
 تَحْفَظَ وَ تَعْلَمَ وَ لَا تَعْمَلْ قُلْتُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ
 قَالَ أَيْسَرُ مِنْهَا أَنْ تُحِبَّ لَهُ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ وَ
 تَكْرَهُ لَهُ مَا تَكْرَهُ لِنَفْسِكَ وَ الْحَقُّ الثَّانِي أَنْ
 تَمْشِيَ فِي حَاجَتِهِ وَ تَبْتَغِيَ رِضَاهُ وَ لَا تُخَالِفَ

قَوْلُهُ وَ الْحَقُّ الثَّلَاثُ أَنْ تَصِلَهُ بِنَفْسِكَ وَ
 مَالِكَ وَ يَدِكَ وَ رَجْلِكَ وَ لِسَانِكَ وَ الْحَقُّ
 الرَّابِعُ أَنْ تَكُونَ عَيْنُهُ وَ دَلِيلُهُ وَ مِرَاتَهُ وَ
 قَمِيصَهُ وَ الْحَقُّ الْخَامِسُ أَنْ لَا تَشْبَعَ وَ يَجُوعُ وَ
 لَا تَلْبَسَ وَ يَعْزَى وَ لَا تَرَوَى
 وَ يَظْمَأُ وَ الْحَقُّ السَّادِسُ أَنْ يَكُونَ لَكَ
 امْرَأَةٌ وَ خَادِمٌ وَ لَيْسَ لِأَخِيكَ امْرَأَةٌ وَ لَا خَادِمٌ
 أَنْ تَبْعَثَ خَادِمَكَ فَتَغْسَلَ ثِيَابَهُ وَ تَصْنَعَ طَعَامَهُ
 وَ تَمْهَدَ فِرَاشَهُ فَإِنَّ ذَلِكَ كُلَّهُ إِنَّمَا جُعِلَ بَيْنَكَ
 وَ بَيْنَهُ وَ الْحَقُّ السَّابِعُ أَنْ تُبِرَّ قَسَمَهُ وَ
 تُجِيبَ دَعْوَتَهُ وَ تَشْهَدَ جَنَازَتَهُ وَ تَعُودَهُ فِي
 مَرَضِهِ وَ تُشْخِصَ بَدَنَكَ فِي قَضَاءِ حَاجَتِهِ وَ لَا
 تُحَوِّجَهُ إِلَى أَنْ يَسْأَلَكَ وَ لَكِنْ تُبَادِرُ إِلَى
 قَضَاءِ حَوَائِجِهِ فَإِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ بِهِ وَصَلْتَ
 وَوَلَايَتَكَ بِوَلَايَتِهِ وَ وَوَلَايَتَهُ بِوَلَايَةِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ
 ٢٦ - معلى بن خنيس گوید: به امام صادق
 عرض کردم: مؤمن را بر مؤمن چه حقی
 است؟

فرمود: هفت حق واجب دارد که هر کدام
 به تنهایی بر او واجب است و اگر مخالفت
 آن کند از زیر فرمان الهی خارج شده و
 اطاعت او را گردن نهاده است و خدا را
 در او بهره ای نیست گوید: عرض کردم فدایت
 شوم بمن بفرمائید که آن حقوق چیست؟

فرمود: وای بر تو ای معلى من به تو
 مهربانم میترسم ضایع کنی و نگهداری نکنی
 و بدانی و بکار نبندی عرض کردم: توانائی
 به جز از خدا نیست.

فرمود: آسانترین حق از آنها اینست که
 آنچه برای خود دوست میداری برای او هم
 دوست بداری و آنچه برای خودت ناخوش داری
 برای او هم ناخوش بداری و حق دوم اینکه
 در رفع نیازمندی او قدم کوشش برداری و
 رضایت خواطرش فراهم سازی و بر خلاف
 گفته اش نکنی و حق سوم اینکه با جان و
 مال و پا و زبان پیوستگی خود را بر او
 ظاهر سازی و حق چهارم اینکه دیده بان و

راهنما و آئینه و پیراهن او باشی (همچون آئینه عیب نمای او باشی در نظر خودش و در عین حال همچون پیراهن عیب پوش باشی از نظر دیگران) و حق پنجم اینکه تو سیر نباشی و او گرسنه تو جامه پوش نباشی و او برهنه تو سیراب نباشی او تشنه و حق ششم اینکه اگر تو را کلفت و نوکری است و برادرت نه کلفت دارد و نه نوکر تو بایستی خدمتگزار خود را بفرستی تا جامه او را بشوید و غذایش را فراهم سازد و رختخوابش را پهن کند که همه این کارها باید مشترکاً میان تو و او انجام بگیرد و حق هفتم اینکه به سوگند او وفادار باشی و دعوتش را بپذیری و به دنبال جنازه اش باشی و در بیماری بعیادتش بروی و در موقع نیازمندیهای او بحال آماده باش در آئی که نیازی بدرخواست او نباشد بلکه پیش از درخواست او حاجتش را برآوری چون با او چنین کنی دوستی خود را به دوستی او و دوستی او را بدوستی خدای عز و جل پیوند نموده ای.

۲۷ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الْجَمِيرِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا هَارُونُ بْنُ مُسْلِمِ بْنِ سَعْدَانَ عَنْ مَسْعَدَةَ بِنِ صَدَقَةَ الرَّبَعِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام قَالَ لِلْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ سَبْعَةٌ حُقُوقٌ وَاجِبَةٌ لَهُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَاللَّهُ سَائِلُهُ عَمَّا صَنَعَ فِيهَا الْإِجْلَالُ لَهُ فِي عَيْنِهِ وَالْوُدُّ لَهُ فِي صَدْرِهِ وَالْمُؤَاسَاةُ لَهُ فِي مَالِهِ وَ أَنْ يُحِبَّ لَهُ مَا يُحِبُّ لِنَفْسِهِ وَ أَنْ يَحْرِمَ غَيْبَتَهُ وَ أَنْ يَعُودَهُ فِي مَرَضِهِ وَ يُشَيِّعَ جَنَازَتَهُ وَ لَا يَقُولَ فِيهِ بَعْدَ مَوْتِهِ إِلَّا خَيْرًا

۲۷ - امام صادق عليه السلام فرمود: مؤمن را بر مؤمن هفت حق است که از جانب خدای عز و جل بر او واجب شده و مؤمن نسبت بانجام این حقوق در پیشگاه الهی مسئولیت دارد.

- ۱ - بزرگداشت او در نظر خود.
- ۲ - دوستیش در دل خود.
- ۳ - گذشت مالی بنفع او.
- ۴ - آنچه را که برای خود می‌پسندد برای او نیز همان را به پسندد ۵- بدگویی در باره او روا ندارد.
- ۶ - بهنگام بیماری در بالینش حاضر شود و بدنبال جنازه اش باشد.
- ۷ - پس از مرگش جز بنیکی در باره او سخنی نگوید.

کافر با هفت روده میخورد

الكافر يأكل في سبعة أمعاء
 ۲۸ - حَدَّثَنَا بِدَلِكُ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنِ مَسْعَدَةَ عَنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام الْكَافِرُ يَأْكُلُ فِي سَبْعَةِ أَمْعَاءٍ

۲۸ - امام صادق عليه السلام فرمود: کافر با هفت روده میخورد.

۲۹ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله الْمُؤْمِنُ يَأْكُلُ فِي مِعَاءٍ وَاحِدٍ وَ الْكَافِرُ يَأْكُلُ فِي سَبْعَةِ أَمْعَاءٍ

۲۹ - رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: مؤمن با یک روده میخورد و کافر با هفت روده (شرح)

عدد هفت کنایه از زیادی حرص کافر است بخوردن.

مؤمن کسی است که مجموعه هفت خصلت باشد

المؤمن الذي يجتمع فيه سبع خصال
٣٠ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ
قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ
بْنِ يَحْيَى قَالَ حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ وَغَيْرُهُ
بِإِسْنَادِهِ رَفَعَاهُ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ
قَالَ الْمُؤْمِنُ مَنْ طَابَ مَكْسَبُهُ وَحَسَنَتْ خَلِيقَتُهُ
وَصَحَّتْ سَرِيرَتُهُ وَانْفَقَ الْقُضْلَ مِنْ مَالِهِ وَ
أَمْسَكَ الْقُضْلَ مِنْ كَلَامِهِ وَكَفَى النَّاسَ مِنْ شَرِّهِ
وَ أَنْصَفَ النَّاسَ مِنْ نَفْسِهِ

٣٠ - امير المؤمنين عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: مؤمن
کسی است که راه کسبش حلال و خلش نیکو و
باطنش سالم باشد زیادی ثروتش را به
دیگران به بخشد ولی زیادی سخنش را نگاه
بدارد و مردم را از شر خویشان نگهدارد و
به رفتار مردم در باره خویش با دیده
انصاف بنگرد.

مؤمن بر هفت درجه است

المؤمنون علي سبع درجات
٣١ - حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ
رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ
أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِيهِ يَرْفَعُهُ
إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ الْمُؤْمِنُونَ عَلَى سَبْعِ
دَرَجَاتٍ صَاحِبِ دَرَجَةٍ مِنْهُمْ فِي مَزِيدٍ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ
جَلَّ لَا يُخْرِجُهُ ذَلِكَ الْمَزِيدُ مِنْ دَرَجَتِهِ إِلَى
دَرَجَةٍ غَيْرِهِ وَ مِنْهُمْ شُهَدَاءُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَ
مِنْهُمْ النَّجَبَاءُ وَ مِنْهُمْ الْمُمْتَحَنَةُ وَ مِنْهُمْ
النُّجْدَاءُ وَ مِنْهُمْ أَهْلُ الصَّبْرِ وَ مِنْهُمْ أَهْلُ
التَّقْوَى وَ مِنْهُمْ أَهْلُ الْمَغْفِرَةِ

٣١ - مؤمنان بر هفت درجه اند و هر درجه
داری مورد عنایت بیشتری از خداوند هست
ولی عنایت، او را از درجه خود بدرجه
دیگری نمیرساند يك دسته از درجه داران

گواهان الهی هستند بر خلق و یک دسته
 نجایند و یک دسته آزمایش‌شدگانند و یک
 دسته دلیرانند و یک دسته شکیبایان و یک
 دسته پرهیزکاران و یک دسته
 آمرزیده‌شدگان:

شیرینی ایمان به هفت دل راه ندارد

لا يدخل حلاوة الإيمان قلوب سبعة
 ۳۲ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
 أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ
 عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مَنْصُورٍ عَنْ نَصْرِ الْكَوْسَجِ
 عَنْ مُطَرِّفِ مَوْلَى مَعْنٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لَا
 يَدْخُلُ حَلَاوَةَ الْإِيمَانِ قَلْبَ سِنْدِيَّ وَلَا زَنْجِيَّ وَلَا
 خُوزِيَّ وَلَا كُرْدِيَّ وَلَا بَرْبَرِيَّ وَلَا نَبِكِ الرَّيِّ وَلَا
 لَا مَنْ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ مِنَ الزَّنَا

۳۲ - امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: شیرینی
 ایمان دل سندی و زنجی و خوزستانی و کردی
 و بربری و مردم زمین پرنشیب و فراز زی و
 زنا زاده راه نمی‌یابد.

هفت دسته از دانشمندان در آتشند

سبعة من العلماء في النار
 ۳۳ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوِيهِ رَضِيَ
 اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ
 مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُوسَى الْخَشَّابِ
 عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مِهْرَانَ وَ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ
 فِيمَا أَعْلَمُ عَنْ بَعْضِ رَجَالِهِمَا قَالَ قَالَ أَبُو
 عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ مِنْ الْعُلَمَاءِ مَنْ يُجِبُّ أَنْ يَخْرُنَ
 عِلْمُهُ وَ لَا يُؤْخَذَ عَنْهُ فَذَلِكَ فِي الدَّرَكِ الْأَوَّلِ
 مِنَ النَّارِ وَ مِنْ الْعُلَمَاءِ مَنْ إِذَا وُعِظَ أَنْفَ وَ
 إِذَا وُعِظَ عَنَّفَ فَذَلِكَ فِي الدَّرَكِ الثَّانِي مِنَ
 النَّارِ وَ مِنْ الْعُلَمَاءِ مَنْ يَرَى أَنْ يَضَعَ الْعِلْمَ
 عِنْدَ ذَوِي الثَّرْوَةِ وَ الشَّرَفِ وَ لَا يَرَى لَهُ فِي
 الْمَسَاكِينِ وَضْعاً فَذَلِكَ فِي الدَّرَكِ الثَّلَاثِ مِنَ
 النَّارِ وَ مِنْ الْعُلَمَاءِ مَنْ يَذْهَبُ فِي عِلْمِهِ

مَذْهَبَ الْجَبَايِرَةِ وَ السَّلَاطِينَ فَإِنْ رُدَّ عَلَيْهِ شَيْءٌ مِنْ قَوْلِهِ أَوْ قُصِّرَ فِي شَيْءٍ مِنْ أَمْرِهِ غَضِبَ فَذَلِكَ فِي الدَّرَكِ الرَّابِعِ مِنَ النَّارِ وَ مِنَ الْعُلَمَاءِ مَنْ يَطْلُبُ أَحَادِيثَ الْيَهُودِ وَ النَّصَارَى لِيُغْزِرَ بِهِ وَ يُكْثِرَ بِهِ حَدِيثَهُ فَذَلِكَ فِي الدَّرَكِ الْخَامِسِ مِنَ النَّارِ وَ مِنَ الْعُلَمَاءِ مَنْ يَضَعُ نَفْسَهُ لِلْفُتْيَا وَ يَقُولُ سَلُونِي وَ لَعَلَّهُ لَا يُصِيبُ حَرْفًا وَاحِدًا وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُتَكَلِّفِينَ فَذَلِكَ فِي الدَّرَكِ السَّادِسِ مِنَ النَّارِ وَ مِنَ الْعُلَمَاءِ مَنْ يَتَّخِذُ عِلْمَهُ مُرُوءَةً وَ عَقْلًا فَذَلِكَ فِي الدَّرَكِ السَّابِعِ مِنَ النَّارِ

۳۳ - امام صادق عليه السلام فرمود: پاره‌ای از دانشمندان خواهان اندوختن دانشاند بدون اینکه به دیگران بیاموزند چنین دانشمندی در طبقه اول آتش جای دارد و پاره‌ای از دانشمندان چون دیگری پندش دهد نپذیرد و چون خود پند دهد سختگیر باشد چنین دانشمندی جایگاهش در طبقه دوم آتش است. و پاره‌ای از دانشمندان معتقد است که بایستی دانش را به ثروتمندان و طبقه اشراف آموخت و تهی‌دستان را از دانش محروم ساخت چنین دانشمند در طبقه سوم آتش خواهد بود.

و پاره‌ای از دانشمندان در بهره برداری از دانش روش زورگویان و پادشاهان را دارد که اگر به گفتارش اعتراضی بشود و یا از دستورش کوتاهی شود بخشم آید. این چنین دانشمند در طبقه چهارم از آتش است. و پاره‌ای از دانشمندان بدنبال سخنان یهود و نصاری در تکاپویند تا بدین وسیله بر دانش خویش بیفزایند و مطالب بیشتری فراهم آورد چنین دانشمند را در پنجمین طبقه آتش جایگاه است.

و پاره‌ای از دانشمندان در مسند فتوا می‌نشینند و به مردم می‌گویند وظایف خود را از من بپرسید و چه بسا يك کلمه را درست نفهمد خداوند افرادی را که بدون استحقاق

به مقامی تکیه میزنند دوست نمیدارد چنین دانشمندی در طبقه ششم آتش جای دارد و پاره‌ای از دانشمندان دانش خود را وسیله نمایش مردانگی و خردمندی قرار می‌دهد او را جایگاه در هفتمین طبقه دوزخ است.

هفت چیز جاندار که خدا آنها را آفریده ولی از شکم مادر بیرون نیامده‌اند

سبعة أشياء خلقها الله عز و جل لم تخرج من رحم

۳۴ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوِيهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنِ الْيَشْكُرِيِّ عَنِ أَبِي أَحْمَدَ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ الْأَزْدِيِّ عَنِ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنِ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبٍ عَنِ سُفْيَانَ بْنِ أَبِي لَيْلَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ فِي حَدِيثٍ طَوِيلٍ لَهُ مَعَ مَلِكِ الرُّومِ إِنَّ مَلِكَ الرُّومِ سَأَلَهُ فِيمَا سَأَلَهُ عَنِ سَبْعَةِ أَشْيَاءَ خَلَقَهَا اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَمْ تَخْرُجْ مِنْ رَحِمِ فَقَالَ آدَمُ وَ حَوَاءُ وَ كَبْشُ إِبْرَاهِيمَ وَ نَاقَةُ صَالِحٍ وَ حَيَّةُ الْجَنَّةِ وَ الْعُرَابُ الَّذِي بَعَثَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ وَ إِبْلِيسُ لَعَنَهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى

۳۴ - امام حسن عليه السلام ضمن حدیث مفصّلی که امام حسن را با پادشاه روم است فرمود: از جمله سؤالاتش از حضرت این بود که پرسید از هفت چیز (جاندار) یکه خدای عز و جل آنها را آفریده و از شکم مادر بیرون نیامده‌اند فرمود: آنان آدم است و حوا و گوسفند قربانی حضرت ابراهیم و ناقه حضرت صالح و مار بهشت و کلاغی که خدای عز و جل فرستادش تا زمین را بکند (و دفن نمودن هابیل را بقابیل بیاموزد) و ابلیس لعین.

خداوند اسلام را به هفت سهم قرار داده است

وضع الله تعالى الإسلام على سبعة أسهم
 ٣٥ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
 سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى
 عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَمَارِ بْنِ أَبِي الْأَخْوَصِ
 قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِنَّ عِنْدَنَا أَقْوَامًا
 يَقُولُونَ بِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام وَ يُفَضِّلُونَهُ عَلَى
 النَّاسِ كُلِّهِمْ وَ لَيْسَ يَصِفُونَ مَا نَصَفَ مِنْ فَضْلِكُمْ
 أَ نَتَوَلَّاهُمْ فَقَالَ لِي نَعَمْ فِي الْجُمْلَةِ أ لَيْسَ
 عِنْدَ اللَّهِ مَا لَمْ يَكُنْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ وَ لِرَسُولِ اللَّهِ
 عِنْدَ اللَّهِ مَا لَيْسَ لَنَا وَ عِنْدَنَا مَا لَيْسَ عِنْدَكُمْ
 وَ عِنْدَكُمْ مَا لَيْسَ عِنْدَ غَيْرِكُمْ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ
 تَعَالَى وَضَعَ الْإِسْلَامَ عَلَى سَبْعَةِ أَشْهُمٍ عَلَى
 الصَّبْرِ وَ الصَّدْقِ وَ الْيَقِينِ وَ الرِّضَا وَ
 الْوَفَاءِ وَ الْعِلْمِ وَ الْجَلْمِ ثُمَّ قَسَمَ ذَلِكَ بَيْنَ
 النَّاسِ فَمَنْ جَعَلَ فِيهِ هَذِهِ السَّبْعَةَ الْأَشْهُمَ فَهُوَ
 كَامِلٌ الْإِيمَانَ مُحْتَمِلٌ ثُمَّ قَسَمَ لِبَعْضِ النَّاسِ
 السَّهْمَ وَ لِبَعْضِ السَّهْمَيْنِ وَ لِبَعْضِ الثَّلَاثَةِ
 الْأَشْهُمِ وَ لِبَعْضِ الْأَرْبَعَةِ الْأَشْهُمِ وَ لِبَعْضِ
 الْخَمْسَةِ الْأَشْهُمِ وَ لِبَعْضِ السِّتَّةِ الْأَشْهُمِ وَ لِبَعْضِ
 السَّبْعَةِ الْأَشْهُمِ فَلَا تَحْمِلُوا عَلَى صَاحِبِ السَّهْمِ
 سَهْمَيْنِ وَ لَا عَلَى صَاحِبِ السَّهْمَيْنِ ثَلَاثَةَ أَشْهُمٍ وَ
 لَا عَلَى صَاحِبِ الثَّلَاثَةِ أَرْبَعَةَ أَشْهُمٍ وَ لَا عَلَى
 صَاحِبِ الْأَرْبَعَةِ خَمْسَةَ أَشْهُمٍ وَ لَا عَلَى صَاحِبِ
 الْخَمْسَةِ سِتَّةَ أَشْهُمٍ وَ لَا عَلَى صَاحِبِ السِّتَّةِ
 سَبْعَةَ أَشْهُمٍ فَتَثَقَّلُواهُمْ وَ تَنَفَّرُواهُمْ وَ لَكِنْ
 تَرَفَّقُوا بِهِمْ وَ سَهَّلُوا لَهُمُ الْمَدْخَلَ وَ سَأْضَرِبُ
 لَكَ مَثَلًا تَعْتِيرُ بِهِ إِنَّهُ كَانَ رَجُلٌ مُسْلِمٌ وَ كَانَ
 لَهُ جَارٌ كَافِرٌ وَ كَانَ الْكَافِرُ يُرَافِقُ الْمُؤْمِنَ
 فَأَحَبَّ الْمُؤْمِنَ لِلْكَافِرِ الْإِسْلَامَ وَ لَمْ يَزَلْ يُزَيِّنُ
 الْإِسْلَامَ وَ يُحِبِّبُهُ إِلَى الْكَافِرِ حَتَّى أَسْلَمَ فَغَدَا
 عَلَيْهِ الْمُؤْمِنُ فَاسْتَخْرَجَهُ مِنْ مَنْزِلِهِ فَذَهَبَ بِهِ
 إِلَى الْمَسْجِدِ لِيُصَلِّيَ مَعَهُ الْفَجْرَ فِي جَمَاعَةٍ
 فَلَمَّا صَلَّى قَالَ لَهُ لَوْ قَعَدْنَا نَذْكُرُ اللَّهَ عَزَّ وَ
 جَلَّ حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ فَقَعَدَ مَعَهُ فَقَالَ لَهُ لَوْ

تَعَلَّمَتِ الْقُرْآنَ إِلَى أَنْ تَزُولَ الشَّمْسُ وَ صُمَّتِ
 الْيَوْمَ كَانَ أَفْضَلَ فَقَعَدَ مَعَهُ وَ صَامَ حَتَّى صَلَّى
 الظُّهْرَ وَ العَصْرَ فَقَالَ لَوْ صَبَرْتُ حَتَّى تُصَلِّيَ
 المَغْرِبَ وَ العِشَاءَ الأَخِيرَةَ كَانَ أَفْضَلَ فَقَعَدَ
 مَعَهُ حَتَّى صَلَّى المَغْرِبَ وَ العِشَاءَ الأَخِيرَةَ ثُمَّ
 نَهَضَا وَ قَدْ بَلَغَ مَجْهُودُهُ وَ حَمَلَ عَلَيْهِ مَا لَا
 يُطِيقُ فَلَمَّا كَانَ مِنَ العَدِ عَدَا عَلَيْهِ وَ هُوَ
 يُرِيدُ بِهِ مِثْلَ مَا صَنَعَ بِالأَمْسِ فَدَقَّ عَلَيْهِ بَابُهُ
 ثُمَّ قَالَ لَهُ اخْرُجْ حَتَّى نَذْهَبَ إِلَى المَسْجِدِ
 فَأَجَابَهُ أَنْ انْصَرِفْ عَنِّي فَإِنَّ هَذَا دِينَ شَيْدٍ لَا
 أُطِيقُهُ فَلَا تَخْرَقُوا بِهِمْ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ إِمَارَةَ
 بَنِي أُمَيَّةَ كَانَتْ

بِالسَّيْفِ وَ العَسْفِ وَ الجَوْرِ وَ أَنْ إِمَارَتَنَا
 بِالرَّفْقِ وَ التَّأَلُّفِ وَ الوَقَارِ وَ التَّقِيَّةِ وَ
 حُسْنِ الخُلُطَةِ وَ الوَرَعِ وَ الإِجْتِهَادِ فَرَعَبُوا
 النَّاسَ فِي دِينِكُمْ وَ فِيمَا أَنْتُمْ فِيهِ

۳۵ - عمار بن ابی الاحوص گوید: بامام
 صادق علیه السلام عرض کردم: در نزد ما کسانی
 هستند که بخلافت امیر المؤمنین عقیده‌مند
 هستند و آن حضرت را بر همه مردم برتری
 می‌دهند ولی آن طوری که ما در باره فضیلت
 شماها معتقدیم معتقد نیستند آیا ما با
 آنان دوست صمیمی باشیم؟ فرمود آری اجمالا
 دوستشان داشته باشید مگر نه این است که
 در نزد خدای عز و جل چیزهایی است که نزد
 رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نیست و رسول الله را چیزهایی
 است که ما را نیست و در نزد چیزی است که
 شما آن را ندارید و شما چیزی دارید که
 دیگران ندارند خدای تبارک و تعالی اسلام
 را بر هفت سهم قرار داد بر شکیبائی و
 راستی و یقین و رضا و وفا و دانش و
 بردباری سپس آن را در میان مردم پخش
 فرمود پس هر کس که همه این هفت سهم را
 دارا شد ایمانش کامل و طاقت و تحمل دارد
 سپس به پاره‌ای از مردم يك سهم نصیب داد
 و پاره‌ای را دو سهم و پاره‌ای را سه سهم

و پاره‌ای را چهار سهم و پاره‌ای را پنج سهم و پاره‌ای را شش سهم و پاره‌ای را هفت سهم پس شما بآن کس که يك سهم از ایمان نصیب دارد وظیفه دو سهم بر او تحمل نکنید و آن را که دو سهم دارد بار سه سهم بر دوشش منهد و سه سهمی را چهار سهم تکلیف نکنید و از چهار سهمی انتظار وظیفه پنج سهم نداشته باشید و بر پنج سهمی شش سهم و بر شش سهمی هفت سهم تحمیل نکنید که بارشان را سنگین کنید و از دینشان برمانید و بجای این کار با آنان مدارا کنید و راه کار را بر آنان آسان کنید من اکنون برای تو مثلی می‌آورم که مایه عبرت تو باشد.

مرد مسلمانی بود که همسایه کافری داشت و با این مؤمن رفیق بود مؤمن علاقه‌مند شد که رفیق کافرش مسلمان گردد. لذا همواره اسلام را در نظر او جلوه میداد او را به دوستیش و امیداشت تا بالاخره اسلام آورد فردای صبح مؤمن بنزد او رفت و او را از خانه بدر آورد تا به مسجد روند و نماز بامداد را با جماعت بگذارند چون از نماز فارغ شد باو گفت: چه شود که همین جا بنشینیم و تا طلوع آفتاب مشغول ذکر خدای عز و جل باشیم او هم با مؤمن نشست پس از برآمدن آفتاب او را گفت اگر تا موقع ظهر بفرگرفتن قرآن مشغول شوی و امروزه را روزه بداری چه بهتر او هم نشست و روزه گرفت تا نماز ظهر و عصر را خواند باز باو گفت اگر تاملی کنی و یکباره نماز مغرب و عشا را بخوانی بسیار بهتر خواهد بود او هم نشست تا نماز مغرب و عشا را خواند سپس هر دو از جای برخاستند ولی تازه مسلمان را تاب و توانی نمانده و بیش از طاقت بار بر دوش او گذاشته شده بود چون فردای رسید باز اول وقت بدر خانه او رفت تا برنامه روز گذشته را

اجرا کند در را زد و گفت بفرمائید تا به اتفاق هم به مسجد رویم وی در پاسخ گفت دست از من بردار که این دین سخت است و من تاب آن را ندارم.

بنا بر این شما نیز به مردم فشار نیاورید مگر نمی‌دانی که فرمانروایی دولت بنی امیه بزور شمشیر و فشار و ستم بود ولی فرمانروایی ما با نرمی و مهربانی و متانت و تقیه و آمیزش نیکو و پاکدامنی و کوشش است پس کاری کنید که مردم بدین شما و مسلکی که دارید رغبت پیدا کنند.

هفت خصلتی که خداوند به پیغمبرش عطا فرموده است

سبع خصال أعطاه الله عز و جل نبیه ص
 ۳۶ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوِيُّهِ عَنْ
 عَمِّهِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي الْقَاسِمِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي
 عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ
 الْحُسَيْنِ الْبَرْقِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَةَ عَنْ
 الْحَسَنِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ
 بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام فِي حَدِيثٍ طَوِيلٍ قَالَ
 جَاءَ نَفَرٌ مِنَ الْيَهُودِ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وسلم فَسَأَلَهُ
 أَعْلَمُهُمْ عَنْ أَشْيَاءَ فَكَانَ فِيهَا سَأَلَهُ أَخِيرَنَا
 عَنْ سَبْعِ خِصَالٍ أَعْطَاكَ اللَّهُ مِنْ بَيْنِ النَّبِيِّينَ وَ
 أَعْطَى أُمَّتَكَ مِنْ بَيْنِ الْأُمَمِ فَقَالَ النَّبِيُّ
 أَعْطَانِي اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ وَ الْأَذَانَ
 وَ الْجَمَاعَةَ فِي الْمَسْجِدِ وَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَ
 الصَّلَاةَ عَلَى الْجَنَائِزِ وَ الْإِجْهَارَ فِي ثَلَاثِ
 صَلَوَاتٍ وَ الرُّخْصَةَ لِأُمَّتِي عِنْدَ الْأَمْرَاضِ وَ السَّفَرِ
 وَ الشَّقَاعَةَ لِأَصْحَابِ الْكِبَائِرِ مِنْ أُمَّتِي قَالَ
 الْيَهُودِيُّ صَدَقْتَ يَا مُحَمَّدُ فَمَا جَزَاءُ مَنْ قَرَأَ
 فَاتِحَةَ الْكِتَابِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وسلم مَنْ قَرَأَ
 فَاتِحَةَ الْكِتَابِ أَعْطَاهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِعَدَدِ كُلِّ
 آيَةٍ نَزَلَتْ مِنَ السَّمَاءِ ثَوَابَ تِلَاوَتِهَا وَ أَمَّا
 الْأَذَانُ فَإِنَّهُ يُخْشَرُ الْمُؤَذِّنُونَ مِنْ أُمَّتِي مَعَ

النَّبِيِّينَ وَ الصَّادِقِينَ وَ الشُّهَدَاءَ وَ
الصَّالِحِينَ وَ أَمَّا الْجَمَاعَةُ فَإِنَّ صُفُوفَ أُمَّتِي
فِي الْأَرْضِ كَصُفُوفِ الْمَلَائِكَةِ فِي السَّمَاءِ وَ
الرَّكْعَةُ فِي جَمَاعَةٍ أَرْبَعٌ وَ عِشْرُونَ رَكْعَةً كُلُّ
رَكْعَةٍ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ عِبَادَةِ أَرْبَعِينَ
سَنَةً وَ أَمَّا يَوْمُ الْجُمُعَةِ فَإِنَّ اللَّهَ يَجْمَعُ فِيهِ
الْأَوْلِيَيْنَ وَ الْآخِرِينَ لِحِسَابٍ فَمَا مِنْ مُؤْمِنٍ مَشَى
إِلَى الْجَمَاعَةِ إِلَّا خَفَّفَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَيْهِ
أَهْوَالَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ ثُمَّ يُجَازِيهِ الْجَنَّةَ وَ
أَمَّا الْإِجْهَارُ فَإِنَّهُ يَتَّبَعُهُ مِنْهُ لَهَبُ النَّارِ
بِقَدْرِ مَا يَبْلُغُ صَوْتُهُ وَ يَجُوزُ عَلَى الصِّرَاطِ وَ
يُعْطَى السَّرُورَ حَتَّى يَدْخُلَ الْجَنَّةَ وَ أَمَّا
السَّادِسُ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يُخَفِّفُ أَهْوَالَ يَوْمِ
الْقِيَامَةِ لِأُمَّتِي كَمَا ذَكَرَ اللَّهُ فِي الْقُرْآنِ وَ مَا
مِنْ مُؤْمِنٍ يُصَلِّيَ عَلَى الْجَنَائِزِ إِلَّا أُوجِبَ اللَّهُ لَهُ
الْجَنَّةَ إِلَّا أَنْ يَكُونَ مُنَافِقًا أَوْ عَاقًا وَ أَمَّا
شَفَاعَتِي فَمَنْ فِي أَصْحَابِ الْكِبَائِرِ مَا خَلَا أَهْلَ
الشُّرْكِ وَ الظُّلْمِ

قَالَ صَدَقْتَ يَا مُحَمَّدُ وَ أَنَا أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ
إِلَّا اللَّهُ وَ أَنْكَ عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ خَاتَمُ النَّبِيِّينَ وَ
إِمَامُ الْمُتَّقِينَ وَ رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ فَلَمَّا
أَسْلَمَ وَ حَسُنَ إِسْلَامُهُ أَخْرَجَ رَقًا أَبْيَضَ فِيهِ
جَمِيعُ مَا قَالَ النَّبِيُّ ﷺ وَ قَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ
الَّذِي بَعَثَكَ بِالْحَقِّ نَبِيًّا مَا اسْتَنْسَخْتُهَا إِلَّا
مِنَ الْأَلْوَاحِ الَّتِي كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لِمُوسَى بْنِ
عِمْرَانَ وَ لَقَدْ قَرَأْتُ فِي التَّوْرَةِ فَضْلَكَ حَتَّى
شَكَكْتُ فِيهِ يَا مُحَمَّدُ وَ لَقَدْ كُنْتُ أَمْحُو اسْمَكَ
مُنْذُ أَرْبَعِينَ سَنَةً مِنَ التَّوْرَةِ وَ كُلَّمَا مَحَوْتُهُ
وَجَدْتُهُ مُثَبَّتًا فِيهَا وَ لَقَدْ قَرَأْتُ فِي التَّوْرَةِ
أَنَّ هَذِهِ الْمَسَائِلَ لَا يُخْرِجُهَا عَيْرُكَ وَ أَنَّ فِي
السَّاعَةِ الَّتِي تَرُدُّ عَلَيْكَ فِيهَا هَذِهِ الْمَسَائِلُ
يَكُونُ جِبْرَائِيلُ عَنْ يَمِينِكَ وَ مِيكَائِيلُ عَنْ
يَسَارِكَ وَ وَصِيُّكَ بَيْنَ يَدَيْكَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
صَدَقْتَ هَذَا جِبْرَائِيلُ عَنْ يَمِينِي وَ مِيكَائِيلُ عَنْ
يَسَارِي وَ وَصِيِّي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ بَيْنَ يَدَيَّ
فَأَمَّنَ الْيَهُودِيُّ وَ حَسُنَ إِسْلَامُهُ

۳۶ - حسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام ضمن حدیث مفصلی فرمود: چند نفر یهودی بحضور پیغمبر آمدند و دانشمندتر آنان مطالبی از حضرت پرسید و از جمله سؤالات اینکه ما را از هفت خصلتی که خداوند از میان پیغمبران فقط به تو عطا کرده و از میان امتهما فقط بامت تو عطا فرموده آگاه فرما، پیغمبر فرمود: خداوند بمن سوره حمد و اذان و نماز جماعت در مسجد و روز جمعه و نماز بر جنازه و بلند خواندن در سه نماز و تخفیف در حال بیماریها و در سفر بامتم و شفاعت در باره گناهکارانی از امتم که بگناههای بزرگ آلوده شده اند عطا فرموده است.

یهودی گفت: راست فرمودی ای محمد اکنون بفرمائید که پاداش آنکه سوره حمد را بخواند چیست؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هر کس که سوره حمد را بخواند خداوند ثواب خواندن همه آیاتی را که از آسمان نازل شده باو عطا خواهد فرمود.

و اما پاداش اذان این است که اذان گویان امت من با پیغمبران و راستان و شهیدان و شایستگان محشور خواهد شد و اما نماز جماعت: همانا صفهای امت من که در روی زمین برای جماعت بسته شود مانند صفهای فرشتگان است در آسمان و یک رکعت با جماعت خواندن برابر است با بیست چهار رکعتی که هر رکعتش نزد خداوند از عبادت چهل سال محبوبتر باشد، و اما روز جمعه روزی است که خداوند خلق اولین و آخرین را برای رسیدگی بحسابشان گرد می آورد

و هیچ مؤمنی برای ادای نماز جماعت (در روز جمعه) قدم بر نمیدارد مگر آنکه خداوند وحشت‌های روز قیامت را بر او تخفیف میدهد و سپس بهشت را بپاداش عطا

فرمایید و اما نماز را بلند خواندن بهمان اندازه که صدایش میرسد زبانه آتش را از او دور میسازد و از صراط آسان میگذرد و دلش را شاد سازند تا به بهشت در آید و اما ششمی (تخفیف در حال بیماریهای و سفر) نمونه‌ای است از اینکه خداوند ترسهای روز قیامت را از امت تخفیف داده است چنانچه در قرآن فرموده است و هیچ مؤمنی بر جنازه‌ها نماز نمیخواند مگر اینکه خداوند بهشت را بر او واجب میکند بجز آنکه منافق باشد یا عاق پدر و مادر و یا شقی و اما شفاعت من در باره آنانی است که بگناهان بزرگ مرتکب شده‌اند بجز مشرکان و ستمکاران یهودی عرض کرد راست فرمودی ای محمد و من گواهی میدهم که معبود بحق بجز خداوند نیست و تو بنده و فرستاده او هستی که خاتم پیغمبرانی و پیشوای پرهیزکاران و فرستاده پروردگار عالمیان.

و پس از آنکه یهودی اسلام را پذیرفت و نیکو مسلمانی شد و برگ سفیدی بیرون آورد که همه این فرمایشات پیغمبر در آن نوشته شده بود و عرضکرد یا رسول الله بآن خدائی که تو را بحق برانگیخته است من این مطالب را فقط از الواحی که خداوند برای موسی بن عمران نوشته بود رونویسی کرده‌ام و من فضیلتی را که از تو در تورات خوانده‌ام تا آن پایه است که مرا بشك انداخت و من چهل سال است که نام تو را از توراة محو میکنم ولی هر چه محو میکنم باز آن را ثابت میبینم و من در توراة خوانده‌ام که جواب این سؤالات را بجز تو کسی نتواند گفت و بهنگامی که این سؤالات از تو خواهد شد جبرئیل بر سمت راست و میکائیل بر سمت چپ تو و جانشین تو در حضور تو خواهند بود رسول خدا ﷺ فرمود راست گفתי اینک جبرئیل است که بر سمت

راست من است و میکائیل بر سمت چپ من و وصیم علی بن ابی طالب در حضور من است پس یهودی ایمان آورد و مسلمانان نیکو گردید.

یک گاو و یک شتر قربانی از هفت نفر کافی است

البقرة و البدنة تجزيان عن سبعة نفر
۳۷ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ بُنَانِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الْبَقْرَةِ يُضْحَى بِهَا فَقَالَ تُجْزَى عَنْ سَبْعَةِ نَفَرٍ
۳۷ - یونس بن یعقوب گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: گاوی که قربانی شود حکمش چیست؟

فرمود از هفت نفر کافی است.
۳۸ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّقَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ وَهَيْبِ بْنِ حَفْصِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ الْبَقْرَةُ وَ الْبَدَنَةُ تُجْزِيَانِ عَنْ سَبْعَةٍ إِذَا اجْتَمَعُوا مِنْ أَهْلِ بَيْتٍ وَ مِنْ غَيْرِهِمْ

۳۸ - امام صادق عليه السلام فرمود: هفت نفر که با هم یک گاو و یا شتر قربانی کنند آنان را کافی است چه از یک خاندان باشند چه از خاندان دیگری

خورشید هفت طبقه است و ماه نیز هفت طبقه

الشمس سبعة أطباق و القمر سبعة أطباق
۳۹ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ

بْنِ أَحْمَدَ عَنْ عَيْسَى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَسَّانَ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ جُعِلَتْ فِدَاكَ لِأَيِّ شَيْءٍ صَارَتِ الشَّمْسُ أَشَدَّ حَرَارَةً مِنْ الْقَمَرِ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى خَلَقَ الشَّمْسَ مِنْ نُورِ النَّارِ وَصَفَوِ الْمَاءَ طَبَقًا مِنْ هَذَا وَطَبَقًا مِنْ هَذَا حَتَّى إِذَا كَانَتْ سَبْعَةَ أَطْبَاقٍ أَلْبَسَهَا لِبَاسًا مِنْ نَارٍ فَمِنْ ثَمَّ صَارَتْ أَشَدَّ حَرَارَةً مِنَ الْقَمَرِ فَقُلْتُ جُعِلَتْ فِدَاكَ فَالْقَمَرُ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى خَلَقَ الْقَمَرَ مِنْ نُورِ النَّارِ وَصَفَوِ الْمَاءَ طَبَقًا مِنْ هَذَا وَطَبَقًا مِنْ هَذَا حَتَّى إِذَا صَارَتْ سَبْعَةَ أَطْبَاقٍ أَلْبَسَهَا لِبَاسًا مِنْ مَاءٍ فَمِنْ ثَمَّ صَارَ الْقَمَرُ أَبْرَدَ مِنَ الشَّمْسِ

۳۹ - محمد بن مسلم گوید: بامام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ عرض کردم چرا گرمای خورشید بیشتر از ماه است؟

فرمود: خدای تبارک و تعالی خورشید را از نور آتش و خلاصه آب آفرید یک طبقه از این و یک طبقه از آن تا آنکه هفت طبقه شد پس پوششی آتشین بر او پوشانید از این رو گرمای آن بیشتر از ماه است عرض کردم من بفدایت ماه چگونه است؟ فرمود: خدای تبارک و تعالی ماه را از نور آتش و خلاصه آب آفرید یک طبقه از این و یک طبقه از آن تا هفت طبقه شد پس پوششی از آب بر آن پوشانید از این رو ماه خنک‌تر از آفتاب است.

دنیا هفت کشور است

الدنیا سبعة أقالیم
 ۴۰ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَيْسَى عَنْ أَبِي يَحْيَى الْوَاسِطِيِّ بِإِسْنَادِهِ رَفَعَهُ إِلَى الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ الدُّنْيَا سَبْعَةُ أَقَالِيمٍ يَأْجُوجُ

وَمَا جُوجُ وَ الرُّومُ وَ الصِّينُ وَ الزَّنْجُ وَ قَوْمُ
 مُوسَى وَ أَقَالِيمُ بَابِلَ
 ٤٠ - امام صادق عليه السلام فرمود: دنیا هفت
 کشور است.

١- یاجوج ٢- ماجوج ٣- روم ٤- چین ٥-
 زنگی ٦- یهود ٧- کشورهای بابل.

هفت مورد دعای مخصوصی ندارد

سبعة مواطن ليس فيها دعاء موقت
 ٤١ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
 أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ
 إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ
 بَزِيْعٍ بِإِسْنَادِهِ يَرْفَعُ الْحَدِيثَ إِلَى أَبِي
 جَعْفَرٍ عليه السلام فَقَالَ سَبْعَةٌ مَوَاطِنَ لَيْسَ فِيهَا دُعَاءٌ
 مُوقَّتٌ الصَّلَاةُ عَلَى الْجَنَازَةِ وَ الْقُنُوتُ وَ
 الْمُسْتَجَارُ وَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةُ وَ الْوُقُوفُ
 بِعَرَفَاتٍ وَ رَكَعَتَا الطَّوَافِ

٤١ - امام باقر عليه السلام فرمود: هفت مورد را
 دعای مخصوصی نیست.

١ - نماز میت ٢ - قنوت ٣ - مستجار ٤ -
 صفا ٥ - مروة ٦ - وقوف در عرفات ٧ - دو
 رکعت نماز طواف.
 (شرح:)

مستجار یکی از چهار گوشه خانه کعبه
 است.

هفت کس نباید قرآن بخوانند

سبعة لا يقرءون القرآن
 ٤٢ - حَدَّثَنَا حَمْرَةُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ
 الْعَلَوِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ أَخْبَرَنِي عَلِيُّ بْنُ
 إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ
 الْمُغِيرَةَ عَنِ السُّكُونِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ
 أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيِّ عليه السلام قَالَ سَبْعَةٌ
 لَا يَقْرَأُونَ الْقُرْآنَ الرَّكِيعُ وَ السَّاجِدُ وَ فِي

الْكَنِيفِ وَ فِي الْحَمَامِ وَ الْجُنُبِ وَ النُّفَسَاءِ وَ
الْحَائِضُ

قال مصنف هذا الكتاب رضى الله عنه هذا على الكراهة لا على النهى و ذلك لأن الجنب و الحائض مطلق لهما قراءة القرآن إلا العزائم الأربع و هى سجدة لقمان و حم السجدة و النجم إذا هوى و سورة اقرأ باسم ربك و قد جاء الإطلاق للرجل فى قراءة القرآن فى الحمام ما لم يرد به الصوت إذا كان عليه مئزر و أما الركوع و السجود فلا يقرأ فيهما لأن الموظف فيهما التسبيح إلا ما ورد فى صلاة الحاجة و أما الكنيف فيجب أن يمان القرآن من أن يقرأ فيه و أما النفساء فتجرى مجرى الحائض فى ذلك

٤٢ - امير المؤمنين عليه السلام فرمود: هفت کس نبايد قرآن بخوانند: در حال ركوع و در سجده و در مستراح و در حمام و شخص جنب و زن در حال نفاس و حيض.
(مصنف) اين كتاب رضى الله عنه گويد:
غرض از نهى در اين موارد كراهت است نه نهى حقيقى.

برای اینکه جنب و حائض را قرآن خواندن روا است بجز چهار سوره که عزائم نام دارند و آن چهار سوره:

الم که پس از سوره لقمان است و حم سجده و سوره النجم و سوره اقرأ باسم ربك میباشد و در روایتی نیز بمرد اجازه داده شده است که در حمام قرآن بخواند در صورتی که آوازه خوانی نکند و با لنگ باشد و اما در رکوع و سجود قرآن خواندن مکروه است برای اینکه در رکوع و سجود وظیفه تسبیح گفتن است مگر آن مقدار که در نماز حاجت رسیده است و اما مستراح، پس لازم است که از خواندن قرآن در آنجا خود داری شود و زن در حال نفاس همان حکم حال حیض را دارد.

قرآن بر هفت حرف نازل شده است

نزل القرآن على سبعة أحرف
 ٤٣ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ
 الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ
 الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنِ
 مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الصَّيْرَفِيِّ عَنِ حَمَادِ بْنِ عَثْمَانَ
 قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِنَّ الْأَحَادِيثَ تَخْتَلِفُ
 عِنْدَكُمْ قَالَ فَقَالَ إِنَّ الْقُرْآنَ نَزَلَ عَلَيَّ سَبْعَةَ
 أَحْرَفٍ وَ أَدْنَى مَا لِلْإِمَامِ أَنْ يُفْتِيَ عَلَيَّ سَبْعَةَ
 وَجُوهٍ ثُمَّ قَالَ هَذَا عَطَاؤُنَا فَامْنُنْ أَوْ أَمْسِكْ
 بِغَيْرِ حِسَابٍ

٤٣ - حماد بن عثمان گوید: به امام
 صادق عليه السلام عرض کردم روایت‌هایی که از شما
 بما میرسد مختلف است حماد گوید: امام
 فرمود قرآن بر هفت حرف نازل شده است و
 کمترین رخصتی که برای امام هست این است
 که به هفت صورت فتوی بدهد سپس فرمود این
 است عطای ما خواهی با بخشیدن آن ب دیگران
 منت بنه و خواهی دست باز دار که
 مسئولیتی متوجه تو نخواهد بود (آیه ۳۹
 سوره ص).

٤٤ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوِيهِ رَضِيَ
 اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنِ
 مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنِ أَحْمَدَ بْنِ هِلَالٍ عَنِ عَيْسَى بْنِ
 عَبْدِ اللَّهِ الْهَاشِمِيِّ عَنِ أَبِيهِ عَنِ آبَائِهِ عليهم السلام قَالَ
 قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وسلم أَتَانِي آتٍ مِنْ اللَّهِ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ
 عَزَّ وَ جَلَّ يَأْمُرُكَ أَنْ تَقْرَأَ الْقُرْآنَ عَلَيَّ حَرْفٍ
 وَاحِدٍ فَقُلْتُ يَا رَبِّ وَسَّعَ عَلَيَّ أُمَّتِي فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ
 عَزَّ وَ جَلَّ يَأْمُرُكَ أَنْ تَقْرَأَ الْقُرْآنَ عَلَيَّ حَرْفٍ
 وَاحِدٍ فَقُلْتُ يَا رَبِّ وَسَّعَ عَلَيَّ أُمَّتِي فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ
 عَزَّ وَ جَلَّ يَأْمُرُكَ أَنْ تَقْرَأَ الْقُرْآنَ عَلَيَّ حَرْفٍ
 وَاحِدٍ فَقُلْتُ يَا رَبِّ وَسَّعَ عَلَيَّ أُمَّتِي فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ
 يَأْمُرُكَ أَنْ تَقْرَأَ الْقُرْآنَ عَلَيَّ سَبْعَةَ أَحْرَفٍ

٤٤ - رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم فرمود: قاصدی از
 جانب خدای عز و جل نزد من آمد و گفت

خداوند تو را دستور میدهد که قرآن را بیک حرف بخوانی عرض کردم: پروردگارا امتم را در گشایش قرار بده قاصد دگر باره گفت: خدای عز و جل مقرر فرمودند که قرآن را به هفت حرف بخوانی.
(شرح:)

حرف بمعنای جهت و سمت نیز استعمال می‌شود مانند ﴿مُتَحَرِّفًا لِقِتَالٍ﴾ و ظاهراً غرض امام این است: همان طوری که قرآن را وجوه بسیاری است چنانچه در روایات از آن به حرف و بطن تعبیر شده است علم امام نیز که متخذ از مبدأ الهی است دارای وجوه متعددی است و بر طبق هر مبدئی میتواند فتوایی بدهد و حکم صادر فرماید چنانچه در روایت دوم نیز که رسول خدا ﷺ دعا کرده است و از خداوند گشایش برای امت درخواست نموده است از این رواست که هر قدر حکم قابل انعطاف باشد و وجوه متعدده داشته باشد مکلف با تطبیق آنچه برای حال او مناسبتر است در وسعت بیشتری خواهد بود و بنا بر این مقصود از قرائت قرآن در روایت ۴۵ بیان احکام الهی خواهد بود و الله العالم.

از روزی که خداوند زمین را آفریده هفت عالم در روی زمین آفریده است

خلق الله عز و جل فی الأرض منذ خلقها سبعة عالمین

۴۵ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّقَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ هِلَالٍ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام يَقُولُ لَقَدْ خَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي الْأَرْضِ مِنْذُ خَلَقَهَا سَبْعَةَ عَالَمِينَ لَيْسَ هُمْ وَوُلْدُ

آدَمَ خَلَقَهُمْ مِنْ أَدِيمِ الْأَرْضِ فَأَسْكَنَهُمْ فِيهَا
 وَاحِدًا بَعْدَ وَاحِدٍ مَعَ عَالَمِهِ ثُمَّ خَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَ
 جَلَّ آدَمَ أَبَا هَذَا الْبَشَرِ وَ خَلَقَ ذُرِّيَّتَهُ مِنْهُ وَ
 لَا وَاللَّهِ مَا خَلَّتِ الْجَنَّةُ مِنْ أَرْوَاحِ الْمُؤْمِنِينَ
 مُنْذُ خَلَقَهَا وَ لَا خَلَّتِ النَّارُ مِنْ أَرْوَاحِ
 الْكُفَّارِ وَ الْعُصَاةِ مُنْذُ خَلَقَهَا عَزَّ وَ جَلَّ
 لَعَلَّكُمْ تَرَوْنَ أَنَّهُ كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ صَيَّرَ اللَّهُ
 أَبْدَانِ أَهْلِ الْجَنَّةِ مَعَ أَرْوَاحِهِمْ فِي الْجَنَّةِ وَ
 صَيَّرَ أَبْدَانِ أَهْلِ النَّارِ مَعَ أَرْوَاحِهِمْ فِي
 النَّارِ أَنْ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَا يُعْبَدُ فِي بِلَادِهِ وَ لَا
 يَخْلُقُ خَلْقًا يَعْبُدُونَهُ وَ يُوحِّدُونَهُ وَ يُعْظَمُونَهُ
 بَلَى وَاللَّهِ لَيَخْلُقَنَّ اللَّهُ خَلْقًا مِنْ غَيْرِ فُجُولَةٍ وَ لَا
 إِنَاثٍ يَعْبُدُونَهُ وَ يُوحِّدُونَهُ وَ يُعْظَمُونَهُ وَ
 يَخْلُقُ لَهُمْ أَرْضًا تَحْمِلُهُمْ وَ سَمَاءً تُظِلُّهُمْ أ
 لَيْسَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ يَوْمَ تَبَدَّلَ الْأَرْضُ غَيْرَ
 الْأَرْضِ وَ السَّمَاوَاتِ وَقَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أ
 فَعَيَّنَا بِالْخَلْقِ الْأَوَّلِ بَلْ هُمْ فِي لَبْسٍ مِنْ خَلْقٍ
 جَدِيدٍ

ه ٤ - محمد بن مسلم گوید: از امام باقر
 عاقلی شنیدم که میفرمود: از هنگامی که
 خدای عز و جل زمین را آفریده است هفت
 طبقه دانشمند در روی زمین آفریده که از
 اولاد آدم نبودند بلکه همه را از روی
 زمین آفرید و هر طبقه را پس از طبقه
 دیگری در عصر خود در روی زمین جا داد.
 و سپس خداوند عز و جل آدم را که پدر
 همین بشر فعلی است آفرید و نژاد آدم را
 از او آفرید نه بخدا قسم تا خداوند بهشت
 را آفریده از ارواح مؤمنین خالی نبوده و
 تا دوزخ را خدای عز و جل آفریده است از
 ارواح کفار و گنهکاران خالی نمانده است
 شاید شما چنین می‌پندارید که چون روز
 قیامت فرا رسد و خداوند پیکرهای اهل
 بهشت را با روحشان در بهشت جای دهد و
 پیکرهای دوزخیان را به همراه روحشان در
 آتش بنشانند دیگر خدای عز و جل در معموره
 زمین پرستش نگردد و خداوند مردمی را که

او را پرستند و بیگانگی او را بشناسند و به بزرگی یادش کنند نخواهد آفرید؟ آری بخدا قسم حتما خداوند خلقی دیگر نه از رهگذر نر و ماده خواهد آفرید که او را پرستند و بیگانگی اش بشناسند و زمینی جداگانه برای آنان بیافریند که آنان بر روی آن قرار گیرند و آسمانی جدا که بر سرشان سایه افکند مگر خداوند نمیفرماید؟ (سوره ابراهیم آیه ۴۸) روزی که زمین زمین دیگری شود و آسمانها آسمانهای دیگر؟ و فرموده است: مگر ما از آفرینش نخستین عاجز ماندیم بلکه آنان نسبت به آفرینش تازه در اشتباهند (سوره ق آیه ۵۰)

در آسمانها و زمین چیزی وجود پیدا نمیکند مگر آنکه هفت سبب دارد

لا یكون فی السماوات و الأرض شیء إلا بسبعة
 ۴۶ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ ابِرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنْ زَكْرِيَّا بْنِ عِمْرَانَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوْلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لَا يَكُونُ شَيْءٌ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ إِلَّا بِسَبْعَةٍ بِقَضَاءٍ وَ قَدَرٍ وَ إِرَادَةٍ وَ مَشِيئَةٍ وَ كِتَابٍ وَ أَجَلٍ وَ إِذْنٍ فَمَنْ قَالَ غَيْرَ هَذَا فَقَدْ كَذَبَ عَلَى اللَّهِ أَوْ رَدَّ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ

۴۶ - امام موسی بن جعفر علیه السلام فرمود: در آسمانها و زمین چیزی بوجود نمی آید مگر بواسطه هفت چیز: قضا و قدر و اراده و مشیت و کتاب و زمان و اذن. (شرح:)

وقتی آدمی به وجدان خود مراجعه می کند می یابد که در کارهایی که انجام میدهد مراتب فوق موجود است فرض کنیم مهندسی می خواهد ساختمان بنا کند اولاً علم

اجمالی به ساختن بنائی در نفس او است که تعبیر از آن بقضا می‌شود و سپس علم تفصیلی پیدا می‌شود که این بنا چقدر مصالح ساختمانی از آهن و آجر و گچ و غیره لازم دارد که آن را قدر و تقدیر گوئیم یعنی اندازه گرفتن و سپس اراده ساختن میکند و بعد تصمیمی جدی میگیرد که مشیت و خواستن است و سپس آن اراده و مشیت در نفس او چنان ثابت می‌شود که دستور شروع بنائی را صادر میکند که تعبیر از آن به کتاب می‌شود و البته پس از این مراحل انجام آن عمل نیازمند بزمان است و صدور تدریجی که اجل و اذن تعبیر شده است بنا بر این شاید امام علیه السلام خواسته است تشریفات عالم آفرینش را برای تقریب ذهن شنونده این چنین بیان فرماید و شاید ترتیب هم منظور نظر امام علیه السلام نباشد و احتمال می‌رود که روایت نظر باعمال آدمی داشته باشد که انسان هر کاری را در آسمان و زمین (از راه مبالغه) انجام دهد لا محاله مسبوق باین مقدمات است و با اختیار کامل انجام داد و جبر و اضطراری در کار نیست و الله العالم.

نجاشی که مرد پیغمبر صلی الله علیه و آله هفت تکبیر بر او گفت

کبر النبی صلی الله علیه و آله علی النجاشی لما مات سبعا
 ٤٧ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ الْأَسْتَرَّابَادِيُّ
 رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنِي يُونُسُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ
 زِيَادٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ
 عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ
 عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا عَنْ أَبِيهِ مُوسَى بْنِ
 جَعْفَرٍ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيِّ عليه السلام قَالَ إِنَّ رَسُولَ
 اللَّهِ صلی الله علیه و آله لَمَّا أَتَاهُ جَبْرَائِيلُ بِنَعْيِ النَّجَاشِيِّ بَكَى

بُكَاءَ حَزِينٍ عَلَيْهِ وَ قَالَ إِنَّ أَخَاكُمْ أَصْحَمَةَ وَ هُوَ اسْمُ النَّجَاشِيِّ مَاتَ ثُمَّ حَرَجَ إِلَيَّ الْجَبَانَةَ وَ صَلَّى عَلَيْهِ وَ كَبَّرَ سَبْعًا فَخَفَضُ اللَّهُ لَهُ كُلَّ مُرْتَفِعٍ حَتَّى رَأَى جِنَازَتَهُ وَ هُوَ بِالْحَبَشَةِ

٤٧ - امير المؤمنين عليه السلام فرمود: هنگامی که جبرئیل بخدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رسید و خبر مرگ نجاشی را داد پیغمبر از شدت اندوه بر مرگ نجاشی گریست و باصحاب فرمود برادر شما: اضممه (که نام نجاشی بود) در گذشته است سپس به جبانة (محلّی بود در خارج شهر) بیرون شد و نماز بر او گذاشت و هفت تکبیر گفت و خداوند همه بلندی‌های زمین را برای پیغمبر پس و هموار فرمود تا جنازه نجاشی را که در حبشه بود بچشم دید.

چون خدا بر امتی خشم کند و عذاب بر آنان فرود نفرستد به هفت بلا مبتلاشان می‌کند

إِذَا غَضِبَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَى أُمَّةٍ وَ لَمْ يَنْزِلْ بِهَا الْعَذَابَ أَصَابَهَا بِسِيعَةِ أَشْيَاءَ

٤٨ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنْ رَجُلٍ عَنْ مَنْدَلِ بْنِ عَلِيٍّ الْعَنْزِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُطَرِّفٍ عَنْ مِسْمَعٍ عَنِ الْأَضْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ عَنْ عَلِيِّ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم إِذَا غَضِبَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَى أُمَّةٍ وَ لَمْ يُنْزِلْ بِهَا الْعَذَابَ غَلَّتْ أَسْعَارُهَا وَ قَصُرَتْ أَعْمَارُهَا وَ لَمْ تَرْبِحْ تُجَارُهَا وَ لَمْ تَزُكْ ثِمَارُهَا وَ لَمْ تَغْزُرْ أَنْهَارُهَا وَ حُيسَ عَنْهَا أَمْطَارُهَا وَ سُلِّطَ عَلَيْهَا أَشْرَارُهَا

٤٨ - رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: چون خداوند بر امتی خشم کند و عذاب بر آنان فرود نفرستد نرخهای آنان گران شود و عمرهای آنان کوتاه و بازرگانانشان بی‌سود و

میوه‌هاشان بی‌برکت شود و نهرهاشان کم آب و باران به موقع نیاید و بدخواه‌ترین افراد اجتماع بر آنان حکومت کند.

در زمان حیات پیغمبران در هفت مقام آزمایش فرمود

و پس از وفات دوستی پیغمبر و خاندانش در هفت جا سودمند خواهد بود حب النبی و أهل بیته علیهم السلام ینفع فی سبعة مواطن

۴۹ - حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَعِيدٍ الْعَسْكَرِيُّ قَالَ أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ حَمْدَانَ الْقَشِيرِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا الْمُغِيرَةُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ الْمُهَلَّبِ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ الْغَفَّارِ مُحَمَّدُ بْنُ بُكَيْرِ الْكِلَابِيِّ الْكُوفِيُّ عَنْ عَمْرِو بْنِ ثَابِتٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ علیهما السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله حُبِّي وَ حُبُّ أَهْلِ بَيْتِي نَافِعٌ فِي سَبْعَةِ مَوَاطِنَ أَهْوَالُهُنَّ عَظِيمَةٌ عِنْدَ الْوَفَاةِ وَ فِي الْقَبْرِ وَ عِنْدَ النَّشُورِ وَ عِنْدَ الْكِتَابِ وَ عِنْدَ الْحِسَابِ وَ عِنْدَ الْمِيزَانِ وَ عِنْدَ الصِّرَاطِ

۴۹ - رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: دوستی من و دوستی خاندان من در هفت جا که بسی هولناک است سودمند است: در دم جان سپردن و در میان گور و بهنگام رستاخیز و در موقع دریافت نامه عمل و بوقت حساب و در پای میزان و در گذشتن از صراط.

آنچه از طریق سنیان رسیده که زمین برای هفت کس آفریده شده است

ما روی من طریق العامة أن الأرض خلقت
لسبعة

۵۰ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عُمَرَ الْبَغْدَادِيُّ
الْحَافِظُ قَالَ حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنُ عَبْدِ
الْكَرِيمِ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي عَتَّابُ يَعْنِي
ابْنَ صُهَيْبٍ قَالَ حَدَّثَنَا عِيسَى بْنُ
عَبْدِ اللَّهِ الْعُمَرِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ أَبِيهِ
عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ خُلِقَتِ الْأَرْضُ لِسَبْعَةِ
بِهِمْ يُرْزَقُونَ وَ بِهِمْ يُمَطَّرُونَ وَ بِهِمْ يُنْصَرُونَ
أَبُو ذَرٍّ وَ سَلْمَانَ وَ الْمُقْدَادُ وَ عَمَّارٌ وَ
حُذَيْفَةُ وَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مَسْعُودٍ قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ أَنَا
إِمَامُهُمْ وَ هُمُ الَّذِينَ شَهِدُوا الصَّلَاةَ عَلَيَّ
فَاطِمَةَ ع

قال مصنف هذا الكتاب رضى الله عنه معنى
قوله خلقت الأرض لسبعة نفر ليس يعنى من
ابتدائها إلى انتهائها و إنما يعنى بذلك
أن الفائدة فى الأرض قدرت فى ذلك الوقت
لمن شهد الصلاة على فاطمة عَلَيْهَا السَّلَامُ و هذا خلق
تقدير لا خلق تكوين

۵۰ - على عَلَيْهَا السَّلَامُ فرمود: زمین برای هفت نفر
آفریده شده است دیگران بااحترام آنان
روزی بدست می آورند و باران بر آنان
می بارد و پیروزی بر دشمنان نصیبشان
میگردد ابو ذر است و سلمان و مقداد و
عمار بن یاسر و حذیفه و عبد الله بن مسعود
و من که پیشوای آنانم و آنان افرادی
هستند که بر جنازه فاطمه زهرا نماز
خواندند، مصنف این کتاب عَلَيْهَا السَّلَامُ گوید معنای
فرمایش حضرت که فرمود زمین برای هفت نفر
آفریده شده است نه این است که از آغاز
خلقت تا انجام بخواتر آنان بوده است
بلکه مقصود این است که بهره مندی از زمین
در آن عصر نصیب آنانی شد که بر جنازه

فاطمه زهرا نماز خواندند (و به عبارت دیگر) غرض از آفرینش در این مورد نصیب و قسمت است نه اصل پیدایش زمین. (شرح-)

بجز استبعادی که مصنف با توجیه فوق برفع آن پرداخته جهت دیگری هم در روایت هست که مورد اشکال است از جمله عبد الله بن مسعود را جزو این عده شمرده و حسنین و خواص افراد بنی هاشم را بحساب نیاورده است و چون روایت از طریق عامه روایت شده است نیازی برفع اشکال نیست.

دوزخ را هفت در است

للنار سبعة أبواب

۵۱ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ حَنْبَلٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ يَحْيَى بْنُ زَكَرِيَّا الْقَطَّانُ قَالَ حَدَّثَنَا بَكْرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَبِيبٍ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي بَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضِيلِ الرَّزْقِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ قَالَ لِلنَّارِ سَبْعَةُ أَبْوَابٍ بَابٌ يَدْخُلُ مِنْهُ فِرْعَوْنُ وَ هَامَانَ وَ قَارُونَ وَ بَابٌ يَدْخُلُ مِنْهُ الْمُشْرِكُونَ وَ الْكُفَّارُ مِمَّنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ طَرْفَةً عَيْنٍ وَ بَابٌ يَدْخُلُ مِنْهُ بَنُو أُمَيَّةَ هُوَ لَهُمْ خَاصَّةٌ لَا يُزَاحِمُهُمْ فِيهِ أَحَدٌ وَ هُوَ بَابٌ لَطْفِي وَ هُوَ بَابٌ سَقَرٌ وَ هُوَ بَابُ الْهَآوِيَةِ تَهْوَى بِهِمْ سَبْعِينَ خَرِيفاً وَ كَلَّمَا هَوَى بِهِمْ سَبْعِينَ خَرِيفاً فَآرَ بِهِمْ فَوْرَةً قَذَفَ بِهِمْ فِي أَعْلَاهَا سَبْعِينَ خَرِيفاً ثُمَّ تَهْوَى بِهِمْ كَذَلِكَ سَبْعِينَ خَرِيفاً فَلَا يَزَالُونَ هَكَذَا أَبَداً خَالِدِينَ مُخَلَّدِينَ وَ بَابٌ يَدْخُلُ مِنْهُ مُبَغِضُونَا وَ مُجَارِبُونَا وَ خَاذِلُونَا وَ إِنَّهُ لِأَعْظَمُ الْأَبْوَابِ وَ أَشَدُّهَا حَرًّا قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ الْفَضِيلِ الرَّزْقِيُّ فَقُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ أَلَيْسَ الْبَابُ الَّذِي ذَكَرْتَ عَنْ أَبِيكَ عَنْ جَدِّكَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ أَنَّهُ يَدْخُلُ مِنْهُ بَنُو أُمَيَّةَ يَدْخُلُهُ مَنْ مَاتَ مِنْهُمْ

عَلَى الشَّرِكِ أَوْ مَنْ أَدْرَكَ مِنْهُمْ الْإِسْلَامَ فَقَالَ لَا
 أُمَّ لَكَ أَلَمْ تَسْمَعَهُ يَقُولُ وَ بَابٌ يَدْخُلُ مِنْهُ
 الْمُشْرِكُونَ وَ الْكُفَّارُ فَهَذَا الْبَابُ يَدْخُلُ فِيهِ
 كُلُّ مُشْرِكٍ وَ كُلُّ كَافِرٍ لَا يُؤْمِنُ بِيَوْمِ الْحِسَابِ وَ
 هَذَا الْبَابُ الْأَخْرُ يَدْخُلُ مِنْهُ بَنُو أُمِّيَّةَ لِأَنَّهُ
 هُوَ لِأَبِي سُفْيَانَ وَ مُعَاوِيَةَ وَ آلِ مَرْوَانَ خَاصَّةً
 يَدْخُلُونَ مِنْ ذَلِكَ الْبَابِ فَتَحْطِمُهُمُ النَّارُ حَطْمًا
 لَا تَسْمَعُ لَهُمْ فِيهَا وَاعِيَةً وَ لَا يَحْيُونَ فِيهَا
 وَ لَا يَمُوتُونَ

۵۱ - امام صادق عليه السلام نقل فرمود: از پدرش
 و او از جدش: دوزخ را هفت در است دری که
 فرعون و هامان و قارون از آن در داخل
 میشوند و دری که مشرکین و کفار و کسی که
 یک چشم بهم زدن بخداوند ایمان نیاورده
 است از آن در داخل میشوند و دری که بنی
 امیه از آن داخل میشوند که این در مخصوص
 بنی امیه است و کسی با آنان مزاحمت نکند
 و آن در شعله‌ور و در آتشین و در فرو
 کشنده است که آنان را به مسافتی که در
 هفتاد خریف پیموده شود (هر خریف هشتاد
 سال است) به عمق خود فرو میکشد و هر بار
 که تا عمق هفتاد خریفی فرو رفتند آتش آن
 چنان جوش میزند که آنان را به ارتفاع
 هفتاد خریف به بالای دوزخ پرتاب میکند و
 باز تا عمق هفتاد خریفی فرو میکشد و
 آنان به همین منوال برای همیشه و
 جاویدان معذب هستند و دری دیگر هست که
 دشمنان ما و مبارزین ما و
 خوارکنندگان ما از آن در داخل میشوند و
 این در از همه درها بزرگتر و گرمایش
 بیشتر است.

محمد بن فضیل رزقی گوید به امام صادق
 عرض کردم دری را که از پدر و از جدت نقل
 فرمودی که بنی امیه از آن داخل میشوند
 آیا مخصوص افرادی از بنی امیه است که در
 حال شرك از دنیا رفته است یا کسیرا هم
 که زمان اسلام را درک کرده شامل است؟

فرمود: مادرت بمیرد مگر نشنیدی که جدم فرمود دوزخ را دری است که مشرکین و کفار از آن در داخل میشوند از این در همه مشرکین و همه افرادی که کافر باشند و بروز باز پسین ایمان نداشته باشند داخل خواهند شد ولی این در دیگر که بنی امیه از آن داخل می‌شود از این جهت است که مخصوص ابی سفیان و معاویه و آل مروان است لذا بنی امیه همگی از این در داخل میشوند و آتش دوزخ آن چنان آنان را در هم بشکند که فریادشان بگوش کسی نرسد نه زنده باشند و نه مرده.

(شرح-)

در آغاز حدیث هفت در برای دوزخ فرموده‌اند ولی چهار در بیشتر بیان فرموده‌اند، شاید سؤال راوی در اثنای فرمایش حضرت باعث قطع کلام و انصراف آن حضرت از بیان همه درها شده است و الله العالم.

علی علیه السلام با هفت خصلت که داشت به روز قیامت بر مردم حجت می‌آورد

یحاج علی علیه السلام الناس یوم القیامة بسبع خصال

۵۲ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْقَطَّانُ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا الْقَطَّانُ قَالَ حَدَّثَنَا بَكْرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَبِيبٍ قَالَ حَدَّثَنَا تَمِيمُ بْنُ بُهْلُولٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ الْأَسْوَدِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ مَعْمَرٍ عَنْ عَمَارِ بْنِ يَاسِرٍ وَ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله لِعَلِيِّ عليه السلام أَحَا جُكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَأَحَا جُكَ بِالنُّبُوَّةِ وَ ثَحَا جُ قَوْمَكَ فَتَحَا جُهُمْ بِسَبْعِ خِصَالٍ إِقَامِ الصَّلَاةِ وَ إِيتَاءِ الزَّكَاةِ وَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ الْعَدْلِ فِي الرِّعَايَةِ وَ الْقَسْمِ

بِالسَّوِيَّةِ وَالْأَخْذِ بِأَمْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَمَا مَا
 عَلِمْتَ يَا عَلِيُّ أَنْ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مُوَافِينَا يَوْمَ
 الْقِيَامَةِ فَيُدْعَى فَيُقَامُ عَنْ يَمِينِ الْعَرْشِ
 فَيُكْسَى كِسْوَةَ الْجَنَّةِ وَ يُحَلَّى مِنْ حُلِيِّهَا وَ
 يَسِيلُ لَهُ مِيزَابٌ مِنْ ذَهَبٍ مِنَ الْجَنَّةِ فَيَهَبُ مِنْ
 الْجَنَّةِ مَا هُوَ أَحْلَى مِنَ الشَّهْدِ وَ أْبْيَضُ مِنَ
 اللَّبَنِ وَ أَبْرَدُ مِنَ الثَّلْجِ وَ أَدْعَى أَنَا فَأَقَامُ
 عَنْ شِمَالِ الْعَرْشِ فَيَفْعَلُ بِي مِثْلُ ذَلِكَ ثُمَّ تَدْعَى
 أَنْتَ يَا عَلِيُّ فَيَفْعَلُ بِكَ مِثْلُ ذَلِكَ أَمَا تَرْضَى
 يَا عَلِيُّ أَنْ تَدْعَى إِذَا دُعِيتُ أَنَا وَ تُكْسَى إِذَا
 كُسِيتُ أَنَا وَ تُحَلَّى إِذَا حُلِيتُ أَنَا إِنَّ اللَّهَ عَزَّ
 ذِكْرُهُ أَمَرَنِي أَنْ أَدْنِيكَ فَلَا أَقْصِيكَ وَ أَعْلَمُكَ
 فَلَا أَجْفُوكَ وَ حَقًّا عَلَيْكَ أَنْ تَعِيَ وَ حَقًّا عَلَيَّ
 أَنْ أُطِيعَ رَبِّي تَبَارَكَ وَ تَعَالَى

۵۲ - رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به علی فرمود: من
 برای تو حجت می‌آورم و حجت من نبوت من است
 و تو برای ملت خویش حجت می‌آوری و حجت
 برای آنان هفت خصلت است:

بر پا داشتن نماز، پرداخت زکاة، به
 نیکی واداشتن و از بدی باز داشتن و
 دادپرووری در میان رعایا و بطور مساوی
 بیت المال را تقسیم نمودن و دستور خدای
 عز و جل را رها نکردن.

ای علی مگر نمیدانی که روز قیامت
 ابراهیم به نزد ما خواهد آمد و طبق
 دعوتی که می‌شود بر جانب راست عرش بر
 پایش میدارند جامه‌ای بهشتی بر تنش کنند
 و با زیور بهشتی‌اش بیارایند ناودانی
 زرین از بهشت برایش روان شود که آبی
 شیرین‌تر از عسل و سفیدتر از شیر و سردتر
 از یخ از آن فرو میریزد و من نیز دعوت
 شوم و بر جانب چپ عرش بر پایم دارند و
 رفتاری که با ابراهیم شد با من نیز همان
 کنند، سپس تو ای علی خوانده شوی و با تو
 نیز چنین کنند.

یا علی آیا راضی نیستی که همزمان با دعوت من تو نیز دعوت شوی و چون مرا بپوشانند تو را نیز بپوشانند و چون مرا بیارایند تو را نیز بیارایند که خدای عز و جل مرا دستور فرموده است که تو را بخود نزدیک کنم و از خودم دورت نسازم و بی‌دریغ تو را دانش بیاموزم و بر تو لازم است که نیکو فراگیری و بر من لازم است که فرمان پروردگارم تبارک و تعالی را گردن نهم.

۵۳ - حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُوسَى رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا حَمْرَةُ بْنُ الْقَاسِمِ الْعَلَوِيُّ الْعَبَّاسِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مَالِكِ الْكُوفِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ حُمَيْدٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَبْدِ الْقُدُوسِ قَالَ حَدَّثَنَا الْأَعْمَشُ عَنْ مُوسَى بْنِ طَرِيفٍ عَنْ عَيَّابَةَ بْنِ رَبِيعٍ قَالَ قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَحَا جُ النَّاسِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِسَبْعِ إِقَامِ الصَّلَاةِ وَ إِيتَاءِ الزَّكَاةِ وَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ الْقَسْمِ بِالسَّوِيَّةِ وَ الْعَدْلِ فِي الرِّعْيَةِ وَ إِقَامِ الْحُدُودِ

۵۳ - امیر المؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: روز قیامت با هفت دلیل با مردم احتجاج خواهم نمود: برپاداشتن نماز و پرداختن زکاة و امر به معروف و نهی از منکر و تقسیم عادلانه و دادگری نسبت به رعایا و برپاداشتن حدود احکام الهی.

۵۴ - حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ السَّكُونِيُّ الْمُزَكِّي الْكُوفِيُّ بِالْكُوفَةِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْحَضْرَمِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا خَلْفُ بْنُ خَالِدِ الْعَبْدِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا بَشْرُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ الْأَنْصَارِيُّ عَنْ ثَوْرِ بْنِ يَزِيدَ عَنْ خَالِدِ بْنِ مَعْدَانَ عَنْ مُعَاذِ بْنِ جَبَلٍ قَالَ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَخَاصِمُكَ بِالنُّبُوَّةِ وَ لَا نَبِيَّ بَعْدِي وَ تُخَاصِمُ النَّاسَ بِسَبْعِ وَ لَا يُحَاجُّكَ فِيهِنَّ أَحَدٌ مِنْ قَرِيْشٍ لِأَنَّكَ أَنْتَ أَوْلَهُمْ إِيمَانًا وَ أَوْفَاهُمْ

بِعَهْدِ اللَّهِ وَ أَقْوَمُهُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ وَ أَقْسَمُهُمْ
بِالسَّوِيَّةِ وَ أَعَدَّلُهُمْ فِي الرَّعِيَّةِ وَ أَبْصَرُهُمْ فِي
الْقَضِيَّةِ وَ أَعْظَمُهُمْ عِنْدَ اللَّهِ مَزِيَّةً

۵۴- معاذ بن جبل گوید: رسول خدا
ﷺ به علی عليه السلام فرمود: من مقام
نبوتی را که دارم برای تو دلیل خواهم
آورد که پیغمبری پس از من نخواهد بود و
تو نیز برای مردم هفت دلیل داری و هیچ
کس از قریش این چنین دلیل بر تو ندارد،
زیرا تو نخستین کسی بودی از آنان که
ایمان آوردی و به عهد الهی از همه آنان
باوفاتر و در انجام دستورات الهی از همه
پایدارتری و در تقسیم بیت المال از همه
بیشتر مساوات را در نظر میگیری و نسبت
برعیت عادلتر و در قضاوت از همه بیناتر
و مقامت در نزد خداوند از همه والاتر
است.

خواهران بهشتی هفت نفراند

الأخوات من أهل الجنة سبع
۵۵ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى
عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ بْنِ الْبَرَنْطِيِّ عَنْ
عَاصِمِ بْنِ حَمِيدٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام
قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ رَحِمَ اللَّهُ الْأَخَوَاتِ مِنْ أَهْلِ
الْجَنَّةِ فَسَمَاهُنَّ أَسْمَاءُ بِنْتُ عُمَيْسِ الْخَثْعَمِيَّةُ وَ
كَانَتْ تَحْتَ جَعْفَرِ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام وَ سَلَمَى بِنْتُ
عُمَيْسِ الْخَثْعَمِيَّةُ وَ كَانَتْ تَحْتَ حَمْزَةَ وَ حَمْسُ مِنْ
بَنِي هَلَالٍ مَيْمُونَةَ بِنْتُ الْحَارِثِ كَانَتْ تَحْتَ
النَّبِيِّ ﷺ وَ أُمُّ الْفَضْلِ عِنْدَ الْعَبَّاسِ اسْمُهَا
هِنْدُ وَ الْعُمَيْصَاءُ أُمُّ خَالِدِ بْنِ الْوَلِيدِ وَ عَرَّةُ
كَانَتْ فِي ثَقِيفٍ عِنْدَ الْحَجَّاجِ بْنِ غَلَاظٍ «عِلَاطٍ وَ
حَمِيدَةُ وَ لَمْ يَكُنْ لَهَا عَقِبٌ

۵۵ - ابی بصیر گوید شنیدم از امام باقر علیه السلام که میفرمود: رحمت خداوند شامل حال هفت خواهر بهشتی گردد.
 آنگاه آنان را چنین نام برد، اسماء دختر عمیس از قبیله خثعم که همسر جعفر بن ابی طالب بود و سلمی دختر عمیس از قبیله خثعم که همسر حمزة بود و پنج تن از طایفه بنی هلال یکی میمونه دختر حارث که همسر پیغمبر بود و دیگر ام فضل بنام هند همسر عباس و دیگر غمیصا مادر خالد بن ولید و دیگر عزت که در طایفه ثقیف و همسر حجاج بن غلاظ بود و دیگر حمیده که فرزندی نداشت.

گناهان بزرگ هفت است الكبائر سبع
 ۵۶ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا الْقَطَّانُ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا الْقَطَّانُ قَالَ حَدَّثَنِي حَبِيبُ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ حَسَّانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ كَثِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ إِنَّ الْكَبَائِرَ سَبْعٌ فِينَا نَزَلَتْ وَ مِنَّا اسْتُجِلَّتْ فَأَوْلُهَا الشَّرْكُ بِإِلَّهِ الْعَظِيمِ وَ قَتْلُ النَّفْسِ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ وَ أَكْلُ مَالِ الْيَتِيمِ وَ عُقُوقُ الْوَالِدَيْنِ وَ قَذْفُ الْمُحْصَنَاتِ وَ الْفِرَارُ مِنَ الرَّحْفِ وَ انْكَارُ حَقِّنَا وَ أَمَّا الشَّرْكُ بِإِلَّهِ فَقَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ فِينَا مَا أَنْزَلَ وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله فِينَا مَا قَالَ فَكَذَّبُوا اللَّهَ وَ كَذَّبُوا رَسُولَهُ فَأَشْرَكُوا بِاللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ أَمَّا قَتْلُ النَّفْسِ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ فَقَدْ قَتَلُوا الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ عليه السلام وَ أَصْحَابَهُ وَ أَمَّا أَكْلُ مَالِ الْيَتِيمِ فَقَدْ ذَهَبُوا بِفَيْئِنَا الَّتِي جَعَلَهُ اللَّهُ لَنَا فَأَعْطَوْهُ غَيْرَنَا وَ أَمَّا عُقُوقُ الْوَالِدَيْنِ فَقَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِي كِتَابِهِ النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَ أَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ فَعَقُّوا رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله فِي ذُرِّيَّتِهِ وَ عَقُّوا أُمَّهُمْ خَدِيجَةَ فِي ذُرِّيَّتِهَا وَ

أَمَّا قَذْفُ الْمُحْصَنَةِ فَقَدْ قَذَفُوا فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ عَلَى
 مَنَابِرِهِمْ وَ أَمَّا الْفِرَارُ مِنَ الزَّحْفِ فَقَدْ
 أَعْطَوْا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَيْعَتَهُمْ طَائِعِينَ
 غَيْرَ مُكْرَهِينَ فَفَرُّوا عَنْهُ وَ خَذَلُوهُ وَ أَمَّا
 إِنكَارُ حَقِّهَا فَهَذَا مِمَّا لَا يَتَنَزَّعُونَ فِيهِ

۵۶ - امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: گناهان بزرگ
 هفت گناه است که در باره ما از جانب
 خداوند رسید و همه آن گناهان را نسبت
 بما روا داشتند.

اولش برای خدای بزرگ شریک قرار دادن
 است و دیگر کشتن کسی که خداوند حرامش
 فرموده و خوردن مال یتیم و پدر و مادر
 را رنجاندن و به زنان پاک دامن نسبت
 ناروا دادن و از جبهه جنگ گریختن و حق
 خاندان را انکار نمودن.

اما شرك بخدا، خداوند در باره ما آنچه
 لازم بود آیاتی نازل فرمود و رسول خدا
صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در باره ما تذکرات

لازم را داد ولی این مردم خدا را تکذیب
 کردند و فرمایشات پیغمبر را دروغ
 پنداشتند و مشرک شدند، و اما آدم کشی که
 خداوندش حرام فرموده بود اینان حسین بن
 علی را با یارانش کشتند و اما خوردن مال
 یتیم سهم خمسی را که خداوند برای ما
 قرار داده بود از ما گرفتند و بدست
 دیگران سپردند و اما رنجاندن پدر و مادر
 خداوند در قرآن خود فرمود پیغمبر
 بمؤمنین از خودشان سزاوارتر است و
 همسران پیغمبر مادران مؤمنین محسوبند با
 این وصف نسبت به فرزندان رسول خدا
 مردم عاق پیغمبر شدند و نافرمانی
 مادرشان خدیجه را در باره فرزندان او
 نمودند و اما تهمت بزنان پاکدامن همانا
 فاطمه را بر فراز منبرهای خود ناسزا
 گفتند.

و اما فرار از جبهه جنگ اینان با کمال میل و بدون اینکه اجباری بر آنان شده باشد با امیر المؤمنین دست بیعت دادند سپس از گرد او پراکنده شدند و او را خوار شمردند.

و اما حق ما را انکار کردن خودشان نیز معترفند و اختلافی در این ندارند که انکار حق ما نمودند.

۵۷ - حَدَّثَنَا أَبُو نَصْرٍ مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحَسَنِ الدَّيْلَمِيُّ الْجَوْهَرِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ الْأَصَمُ قَالَ حَدَّثَنَا الرَّبِيعُ بْنُ سُلَيْمَانَ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ وَهَبٍ قَالَ أَخْبَرَنَا سُلَيْمَانُ بْنُ بِلَالٍ عَنْ ثَوْرِ بْنِ يَزِيدَ عَنْ أَبِي الْغَيْثِ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ اجْتَنِبُوا السَّبْعَ الْمُوبِقَاتِ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَا هُنَّ قَالَ الشِّرْكَ بِاللَّهِ وَالسَّخْرُ وَقَتْلُ النَّفْسِ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَ أَكْلُ الرِّبَا وَ أَكْلُ مَالِ الْيَتِيمِ وَ التَّوَلَّى يَوْمَ الرِّحْفِ وَ قَذْفُ الْمُحْصَنَاتِ الْغَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ

۵۷ - ابی هریره گوید: رسول خدا ﷺ فرمود از هفت گناه که موجب هلاکت است دوری کنید عرض شد یا رسول الله آن هفت گناه چیست؟ فرمود بخدا مشرک شدن و سحر نمودن و نفس محترمی را کشتن مگر آنکه بحق کشته شود و ربا خوردن و مال یتیم خوردن و روز جنگ پشت بمیدان کردن و زنان پاکدامن بیخبر و با ایمان را تهمت ناروا زدن

خدای عز و جل جانشینان پیغمبران را در زمان حیات پیغمبران در هفت مقام آزمایش فرمود

و پس از وفات پیغمبران در هفت مقام
امتحان الله عز و جل اوصیاء الأنبياء فی
حياة الأنبياء فی سبعة مواطن و بعد
وفاتهم فی سبعة مواطن

۵۸ - حَدَّثَنَا أَبِي وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ
عَنْهُمَا قَالَا حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ
قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ قَالَ
حَدَّثَنِي جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ النَّوْفَلِيُّ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ
يَزِيدٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ
مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ
بْنِ جَعْفَرِ بْنِ أَبِي طَالِبٍ قَالَ حَدَّثَنَا يَعْقُوبُ بْنُ
عَبْدِ اللَّهِ الْكُوفِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُوسَى بْنُ عُبَيْدَةَ
عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبِي الْمِقْدَامِ عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ عَنِ
الْحَارِثِ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَنْفِيَّةِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَ
عَمْرُو بْنُ أَبِي الْمِقْدَامِ عَنْ جَابِرِ الْجَعْفِيِّ عَنِ
أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ أَتَى رَأْسَ الْيَهُودِ عَلِيَّ بْنَ أَبِي
طَالِبٍ عليه السلام عِنْدَ مَنْصَرِفِهِ عَنْ وَقْعَةِ النَّهْرَوَانَ وَ
هُوَ جَالِسٌ فِي مَسْجِدِ الْكُوفَةِ فَقَالَ يَا أَمِيرَ
الْمُؤْمِنِينَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أَسْأَلَكَ عَنْ أَشْيَاءَ لَا
يَعْلَمُهَا إِلَّا نَبِيٌّ أَوْ وَصِيٌّ نَبِيٍّ قَالَ سَلْ عَمَّا
بَدَا لَكَ يَا أَخَا الْيَهُودِ قَالَ إِنَّا نَجِدُ فِي
الْكِتَابِ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ إِذَا بَعَثَ نَبِيًّا أَوْحَى
إِلَيْهِ أَنْ يَتَّخِذَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ مَنْ يَقُومُ بِأَمْرِ
أُمَّتِهِ مِنْ بَعْدِهِ وَ أَنْ يَعْهَدَ إِلَيْهِمْ فِيهِ عَهْدًا
يَحْتَذِي عَلَيْهِ وَ يَعْمَلُ بِهِ فِي أُمَّتِهِ مِنْ بَعْدِهِ وَ
أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَمْتَحِنُ الْأَوْصِيَاءَ فِي حَيَاةِ
الْأَنْبِيَاءِ وَ يَمْتَحِنُهُمْ بَعْدَ وَفَاتِهِمْ فَأَخْبِرُنِي
كَمْ يَمْتَحِنُ اللَّهُ الْأَوْصِيَاءَ فِي حَيَاةِ الْأَنْبِيَاءِ وَ
كَمْ يَمْتَحِنُهُمْ بَعْدَ وَفَاتِهِمْ مِنْ مَرَّةٍ وَ إِلَى مَا
يَصِيرُ آخِرُ أَمْرِ الْأَوْصِيَاءِ إِذَا رَضِيَ مَحْنَتَهُمْ
فَقَالَ لَهُ عَلِيُّ عليه السلام وَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ غَيْرُهُ الَّذِي
فَلَقَ الْبَحْرَ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ وَ أَنْزَلَ التَّوْرَةَ

عَلَى مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ لَئِنْ أَخْبَرْتُكَ بِحَقِّ عَمَّا تَسْأَلُ عَنْهُ
 لَتُثْقِرَنَّ بِهِ قَالَ نَعَمْ قَالَ وَ الَّذِي فَلَقَ الْبَحْرَ
 لِبَنِي إِسْرَائِيلَ وَ أَنْزَلَ التَّوْرَةَ عَلَى مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ
 لَئِنْ أَجَبْتُكَ لَتُسَلِّمَنَّ قَالَ نَعَمْ فَقَالَ لَهُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ
 إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَمْتَحِنُ الْأَوْصِيَاءَ فِي حَيَاةِ
 الْأَنْبِيَاءِ فِي سَبْعَةِ مَوَاطِنَ لِيَبْتَلِيَ طَاعَتَهُمْ
 فَإِذَا رَضِيَ طَاعَتَهُمْ وَ مِخْنَتَهُمْ أَمَرَ الْأَنْبِيَاءَ
 أَنْ يَتَّخِذُوهُمْ أَوْلِيَاءَ فِي حَيَاتِهِمْ وَ أَوْصِيَاءَ
 بَعْدَ وَفَاتِهِمْ وَ يَصِيرُ طَاعَةُ الْأَوْصِيَاءِ فِي
 أَعْنَاقِ الْأُمَّمِ مِمَّنْ يَقُولُ بِطَاعَةِ الْأَنْبِيَاءِ ثُمَّ
 يَمْتَحِنُ الْأَوْصِيَاءَ بَعْدَ وَفَاةِ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي
 سَبْعَةِ مَوَاطِنَ لِيَبْلُوَ صَبْرَهُمْ فَإِذَا رَضِيَ مِخْنَتَهُمْ
 خَتَمَ لَهُمُ بِالسَّعَادَةِ لِيُلْحِقَهُمْ بِالْأَنْبِيَاءِ وَ قَدْ
 أَكْمَلَ لَهُمُ السَّعَادَةَ قَالَ لَهُ رَأْسُ الْيَهُودِ
 صَدَقْتَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فَأَخْبِرْنِي كَمْ
 امْتَحَنَكَ اللَّهُ فِي حَيَاةِ مُحَمَّدٍ مِنْ مَرَّةٍ وَ كَمْ
 امْتَحَنَكَ بَعْدَ وَفَاتِهِ مِنْ مَرَّةٍ وَ إِلَى مَا يَصِيرُ
 آخِرُ أَمْرِكَ فَأَخَذَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِيَدِهِ وَ قَالَ انْهَضْ
 بِنَا أَنْبُتْكَ بِذَلِكَ فَقَامَ إِلَيْهِ جَمَاعَةٌ مِنْ
 أَصْحَابِهِ فَقَالُوا يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْبِئْنَا
 بِذَلِكَ مَعَهُ فَقَالَ إِنِّي أَخَافُ أَنْ لَا تَحْتَمِلَهُ
 قُلُوبُكُمْ قَالُوا وَ لِمَ ذَلِكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ
 قَالَ لِأُمُورٍ بَدَتْ لِي مِنْ كَثِيرٍ مِنْكُمْ فَقَامَ إِلَيْهِ
 الْأَشْتَرُ فَقَالَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْبِئْنَا
 بِذَلِكَ فَوَلَّى اللَّهُ إِنَّا لَنَعْلَمُ أَنَّ مَا عَلَيَّ ظَهَرَ
 الْأَرْضِ وَصِيَّ نَبِيِّ سِوَاكَ وَ إِنَّا لَنَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ لَا
 يَبْعَثُ بَعْدَ نَبِيِّنَا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نَبِيًّا سِوَاهُ وَ أَنَّ طَاعَتَكَ
 لَفِي أَعْنَاقِنَا مَوْصُولَةٌ بِطَاعَةِ نَبِيِّنَا فَجَلَسَ
 عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ أَقْبَلَ عَلَى الْيَهُودِيِّ فَقَالَ يَا أَخَا
 الْيَهُودِ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ امْتَحَنَنِي فِي حَيَاةِ
 نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فِي سَبْعَةِ مَوَاطِنَ فَوَجَدَنِي
 فِيهِنَّ مِنْ غَيْرِ تَزْكِيَةٍ لِنَفْسِي بِنِعْمَةِ اللَّهِ لَهُ
 مُطِيعاً قَالَ وَ فِيمَ وَ فِيمَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ
 قَالَ أَمَّا أَوْلَهُنَّ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَوْحَى إِلَيَّ
 نَبِيًّا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَ حَمَلَهُ الرِّسَالَةَ وَ أَنَا أَخَذْتُ أَهْلَ
 بَيْتِي سِنًا أَخْدُمُهُ فِي بَيْتِهِ وَ أَسْعَى فِي قَضَاءِ

بَيْنَ يَدَيْهِ فِي أَمْرِهِ فَدَعَا صَغِيرَ بَنِي عَبْدِ
الْمُطَّلِبِ وَ كَبِيرَهُمْ إِلَى شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا
اللَّهُ وَ أَنَّهُ رَسُولُ اللَّهِ فَامْتَنَعُوا مِنْ ذَلِكَ وَ
أَنْكَرُوهُ عَلَيْهِ وَ هَجَرُوهُ وَ نَابَدُوهُ وَ اعْتَرَلُوهُ
وَ اجْتَنَبُوهُ وَ سَائِرَ النَّاسِ مُقْصِينَ لَهُ وَ
مُخَالِفِينَ عَلَيْهِ قَدْ اسْتَعْظَمُوا مَا أَوْزَدَهُ
عَلَيْهِمْ مِمَّا لَمْ تَحْتَمِلْهُ قُلُوبُهُمْ وَ تُذْرِكُهُ
عُقُولُهُمْ فَأَجَبْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ وَحَدَى إِلَى مَا دَعَا
إِلَيْهِ مُسْرِعاً مُطِيعاً مُوقِناً لَمْ يَتَخَالَجْنِي فِي
ذَلِكَ شَكٌّ فَمَكَّنْنَا بِذَلِكَ ثَلَاثَ حِجَجٍ وَ مَا عَلَى
وَجْهِ الْأَرْضِ خَلْقٌ يُصَلِّي أَوْ يَشْهَدُ لِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ
بِمَا آتَاهُ اللَّهُ غَيْرِي وَ غَيْرَ ابْنَةِ خُوَيْلِدٍ رَحِمَهَا
اللَّهُ وَ قَدْ فَعَلَ ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَيَّ أَصْحَابِي فَقَالَ أ
لَيْسَ كَذَلِكَ قَالُوا بَلَى يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ
فَقَالَ ﷺ وَ أَمَّا الثَّانِيَّةُ يَا أَخَا الْيَهُودِ فَإِنَّ
قُرَيْشاً لَمْ تَزَلْ تَحْيَلُ الْأَرْءَاءَ وَ تَعْمَلُ الْحِيَلُ
فِي قَتْلِ النَّبِيِّ ﷺ حَتَّى كَانَ آخِرُ مَا اجْتَمَعَتْ
فِي ذَلِكَ يَوْمَ الدَّارِ دَارَ النَّدْوَةِ وَ ابْلِيسُ
الْمَلْعُونُ حَاضِرٌ فِي صُورَةٍ أَعْوَرَ ثَقِيفٍ فَلَمْ تَزَلْ
تَضْرِبُ أَمْرَهَا ظَهَرَ الْبَطْنِ حَتَّى اجْتَمَعَتْ آرَاؤُهَا
عَلَى أَنْ يَنْتَدِبَ مِنْ كُلِّ فِخْدٍ مِنْ قُرَيْشٍ رَجُلٌ ثُمَّ
يَأْخُذُ كُلُّ رَجُلٍ مِنْهُمْ سَيْفَهُ ثُمَّ يَأْتِي النَّبِيَّ ﷺ
وَ هُوَ نَائِمٌ عَلَى فِرَاشِهِ فَيَضْرِبُونَهُ «فَيَضْرِبُوهُ
جَمِيعاً بِأَسْيَافِهِمْ ضَرْبَةً رَجُلٍ وَاحِدٍ فَيَقْتُلُوهُ وَ
إِذَا قَتَلُوهُ مَنَعَتْ قُرَيْشٌ رِجَالَهَا وَ لَمْ تُسَلِّمَهَا
فَيَمْضِي دَمُهُ هَدِراً فَهَبَطَ جَبْرَائِيلُ ﷺ عَلَى
النَّبِيِّ ﷺ فَأَنْبَأَهُ بِذَلِكَ وَ أَخْبَرَهُ بِاللَّيْلَةِ
الَّتِي يَجْتَمِعُونَ فِيهَا وَ السَّاعَةَ الَّتِي يَأْتُونَ
فِرَاشَهُ فِيهَا وَ أَمْرَهُ بِالْخُرُوجِ فِي الْوَقْتِ
الَّذِي خَرَجَ فِيهِ إِلَى الْغَارِ فَأَخْبَرَنِي رَسُولُ
اللَّهِ ﷺ بِالْخَبَرِ وَ أَمَرَنِي أَنْ أَضْطَجِعَ فِي مَضْجَعِهِ
وَ أَقْبِيَهُ بِنَفْسِي فَأَسْرَعْتُ إِلَى ذَلِكَ مُطِيعاً لَهُ
مَسْرُوراً لِنَفْسِي بِأَنْ أَقْتُلَ دُونَهُ فَمَضَى ﷺ
لِوَجْهِهِ وَ اضْطَجَعْتُ فِي مَضْجَعِهِ وَ أَقْبَلْتُ رِجَالَ
قُرَيْشٍ مُوقِنَةً فِي أَنْفُسِهَا أَنْ تَقْتُلَ النَّبِيَّ ﷺ
فَلَمَّا اسْتَوَى بِي وَ بِهِمُ الْبَيْتُ الَّذِي أَنَا فِيهِ

نَاهَضْتُهُمْ بِسَيْفِي فَدَفَعْتُهُمْ عَن نَفْسِي بِمَا قَدْ
 عَلِمَهُ اللَّهُ وَ النَّاسُ ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَيْهِ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
 فَقَالَ أ لَيْسَ كَذَلِكَ قَالُوا بَلَى يَا أَمِيرَ
 الْمُؤْمِنِينَ فَقَالَ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَ أَمَا الثَّلَاثَةُ يَا أَخَا
 الْيَهُودِ فَإِنَّ ابْنِي رَبِيعَةَ وَ ابْنَ عُثْبَةَ كَانُوا
 فُرْسَانَ قَرِيشٍ دَعَوْا إِلَيَّ الْبِرَازِ يَوْمَ بَدْرٍ فَلَمْ
 يَبْرُزْ لَهُمْ خَلْقٌ مِّن قَرِيشٍ فَأَنْهَضْنِي رَسُولُ
 اللَّهِ ﷺ مَعَ صَاحِبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا وَ قَدْ فَعَلَ وَ
 أَنَا أَحَدْتُ أَصْحَابِي سِنًّا وَ أَقْلُهُمْ لِلْحَرْبِ
 تَجْرِبَةً فَقَتَلُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِيَدِي وَ لِيَدًا وَ شَيْبَةً
 سِوَى مَنْ قَتَلْتُ مِّن جَحَاجِحَةِ قَرِيشٍ فِي ذَلِكَ
 الْيَوْمِ وَ سِوَى مَنْ أَسْرَتُ وَ كَانَ مِنِّي أَكْثَرُ مِمَّا
 كَانَ مِّن أَصْحَابِي وَ اسْتَشْهَدَ ابْنُ عَمِّي فِي ذَلِكَ
 رَحْمَةً اللَّهُ عَلَيْهِ ثُمَّ التَفَّتْ إِلَيَّ أَصْحَابِي فَقَالَ أ
 لَيْسَ كَذَلِكَ قَالُوا بَلَى يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ
 فَقَالَ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَ أَمَا الرَّابِعَةُ يَا أَخَا الْيَهُودِ
 فَإِنَّ أَهْلَ مَكَّةَ أَقْبَلُوا إِلَيْنَا عَلَى بَكْرَةَ
 أَبِيهِمْ قَدْ اسْتَحَاشُوا مَنْ يَلِيهِمْ مِّن قَبَائِلِ
 الْعَرَبِ وَ قَرِيشٍ طَالِبِينَ بِنَارِ مُشْرِكِي قَرِيشٍ فِي
 يَوْمِ بَدْرٍ

فَهَبَطَ جَبْرَائِيلُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَى النَّبِيِّ ﷺ فَأَنْبَأَهُ
 بِذَلِكَ فَذَهَبَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَ عَسَكَرَ
 بِأَصْحَابِي فِي سَدِّ أَحَدٍ وَ أَقْبَلَ الْمُشْرِكُونَ
 إِلَيْنَا فَحَمَلُوا إِلَيْنَا حَمَلَةً رَجُلٍ وَاحِدٍ وَ
 اسْتَشْهَدَ مِّنَ الْمُسْلِمِينَ مَنْ اسْتَشْهَدَ وَ كَانَ مِمَّنْ
 بَقِيَ مِنَ الْهَزِيمَةِ وَ بَقِيَتْ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ
 مَضَى الْمُهَاجِرُونَ وَ الْأَنْصَارُ إِلَيَّ مَنَازِلَهُمْ مِّنَ
 الْمَدِينَةِ كُلُّ يَقُولُ قَتَلَ النَّبِيُّ ﷺ وَ قَتَلَ
 أَصْحَابُهُ ثُمَّ ضَرَبَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَجُوهَ الْمُشْرِكِينَ
 وَ قَدْ جُرِحَتْ بَيْنَ يَدَيَّ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ نَيْفًا وَ
 سَبْعِينَ جَرْحَةً مِنْهَا هَذِهِ وَ هَذِهِ ثُمَّ أَلْقَى عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
 رِدَاءَهُ وَ أَمَرَ يَدَهُ عَلَى جِرَاحَاتِهِ وَ كَانَ مِنِّي
 فِي ذَلِكَ مَا عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ ثَوَابُهُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ
 ثُمَّ التَفَّتْ إِلَيَّ أَصْحَابِي فَقَالَ أ لَيْسَ كَذَلِكَ
 قَالُوا بَلَى يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فَقَالَ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
 أَمَا الْخَامِسَةُ يَا أَخَا الْيَهُودِ فَإِنَّ قَرِيشًا وَ

الْعَرَبَ تَجَمَّعَتْ وَ عَقَدَتْ بَيْنَهَا عَقْدًا وَ مِيثَاقًا
لَا تَرْجِعُ مِنْ وَجْهَهَا حَتَّى تَقْتُلَ رَسُولَ اللَّهِ وَ
تَقْتُلْنَا مَعَهُ مَعَاشِرَ بَنِي عَبْدِ الْمُطَّلِبِ ثُمَّ
أَقْبَلَتْ بِحَدِّهَا وَ حَدِيدِهَا حَتَّى أَنَاخَتْ عَلَيْنَا
بِالْمَدِينَةِ وَ اثِقَةَ بِأَنْفُسِهَا فِيمَا تَوَجَّهَتْ لَهُ
فَهَبَطَ جَبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَأَنْبَأَهُ بِذَلِكَ
فَخَنَدَقَ عَلَى نَفْسِهِ وَ مَنْ مَعَهُ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَ
الْأَنْصَارِ فَقَدِمَتْ قُرَيْشٌ فَأَقَامَتْ عَلَى الْخَنَدَقِ
مُحَاصِرَةً لَنَا تَرَى فِي أَنْفُسِهَا الْقُوَّةَ وَ فِينَا
الضَّعْفَ تُرْعِدُ وَ تُبْرِقُ وَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَدْعُوهَا
إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ يُنَاشِدُهَا بِالْقَرَابَةِ وَ
الرَّحِمِ فَتَأْبَى وَ لَا يَزِيدُهَا ذَلِكَ إِلَّا عُتُوءًا وَ
فَارِسُهَا وَ فَارِسُ الْعَرَبِ يَوْمَئِذٍ عَمْرُو بْنُ عَبْدِ
وُدٍّ يَهْدِرُ كَالْبَعِيرِ الْمُغْتَلِمِ يَدْعُو إِلَى
الْيَرَّازِ وَ يَرْتَجِزُ وَ يَخْطُرُ بِرُمُجِهِ مَرَّةً وَ
بِسَيْفِهِ مَرَّةً لَا يُقْدِمُ عَلَيْهِ مُقْدِمٌ وَ لَا يَطْمَعُ
فِيهِ طَامِعٌ وَ لَا حَمِيَّةٌ تُهَيِّجُهُ وَ لَا بَصِيرَةٌ
تُشَجِّعُهُ فَأَنْهَضَنِي إِلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَ عَمَّمَنِي
بِيَدِهِ وَ أَعْطَانِي سَيْفَهُ هَذَا وَ ضَرَبَ بِيَدِهِ إِلَى
ذِي الْفَقَّارِ فَخَرَجْتُ إِلَيْهِ وَ نِسَاءُ أَهْلِ
الْمَدِينَةِ بَوَاكِ إِشْفَاقًا عَلَيَّ مِنْ ابْنِ عَبْدِ وُدٍّ
فَقَتَلَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِيَدِي وَ الْعَرَبُ لَا تَعْدِلُهَا
فَارِسًا غَيْرَهُ وَ ضَرَبَنِي هَذِهِ الضَّرْبَةَ
وَ أَوْمَأَ بِيَدِهِ إِلَى هَامَتِهِ فَهَزَمَ اللَّهُ قُرَيْشًا وَ
الْعَرَبَ بِذَلِكَ وَ بِمَا كَانَ مِنِّي فِيهِمْ مِنْ
النُّكَايَةِ ثُمَّ التَّفَتَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى أَصْحَابِهِ فَقَالَ أ
لَيْسَ كَذَلِكَ قَالُوا بَلَى يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ
فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ أَمَّا السَّادِسَةُ يَا أَخَا الْيَهُودِ
فَإِنَّا وَرَدْنَا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مَدِينَةَ أَصْحَابِكَ
خَيْبَرَ عَلَى رِجَالٍ مِنَ الْيَهُودِ وَ فُرْسَانِهَا مِنْ
قُرَيْشٍ وَ غَيْرِهَا فَتَلَقَّوْنَا بِأَمْثَالِ الْجِبَالِ مِنَ
الْخَيْلِ وَ الرِّجَالِ وَ السَّلَاحِ وَ هُمْ فِي أَمْنَعِ
دَارٍ وَ أَكْثَرِ عَدَدٍ كُلُّ يُنَادِي وَ يَدْعُو وَ يُبَادِرُ
إِلَى الْقِتَالِ فَلَمْ يَبْرُزْ إِلَيْهِمْ مِنْ أَصْحَابِي
أَحَدٌ إِلَّا قَتَلُوهُ حَتَّى إِذَا أَحْمَرَّتِ الْخَدَقُ وَ
دُعِيَتْ إِلَى التَّنْزَالِ وَ أَهَمَّتْ كُلُّ أَمْرِي نَفْسَهُ وَ

الْتَفَّتْ بَعْضُ أَصْحَابِي إِلَى بَعْضٍ وَ كُلُّ يَقُولُ يَا
أَبَا الْحَسَنِ انْهَضْ فَأَنْهَضْنِي رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِلَى
دَارِهِمْ فَلَمْ يَبْرُزْ إِلَيَّ مِنْهُمْ أَحَدٌ إِلَّا قَتَلْتُهُ وَ
لَا يَتُّبْتُ لِي فَارِسٌ إِلَّا طَحَنْتُهُ ثُمَّ شَدَدْتُ عَلَيْهِمْ
شِدَّةَ اللَّيْثِ عَلَيَّ فَرِيستِهِ حَتَّى أَدْخَلْتُهُمْ جَوْفَ
مَدِينَتِهِمْ مُسَدِّدًا عَلَيْهِمْ فَأَقْتَلَعْتُ بَابَ حِصْنِهِمْ
بِيَدِي حَتَّى دَخَلْتُ عَلَيْهِمْ مَدِينَتَهُمْ وَحَدِي أَقْتُلُ
مَنْ يَظْهَرُ فِيهَا مِنْ رَجَالِهَا وَ أَسِي مَنْ أَجِدُ
مِنْ نِسَائِهَا حَتَّى أَفْتَحَهَا «افْتَتَحْتُهَا وَحَدِي وَ
لَمْ يَكُنْ لِي فِيهَا مُعَاوَنٌ إِلَّا اللَّهُ وَحَدَهُ ثُمَّ
الْتَفَّتْ ﷺ إِلَى أَصْحَابِهِ فَقَالَ أَلَيْسَ كَذَلِكَ
قَالُوا بَلَى يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فَقَالَ ﷺ وَ
أَمَّا السَّابِغَةُ يَا أَخَا الْيَهُودِ فَإِنَّ رَسُولَ
اللَّهِ ﷺ لَمَّا تَوَجَّهَ لِفَتْحِ مَكَّةَ أَحَبَّ أَنْ يُعْذَرَ
إِلَيْهِمْ وَ يَدْعُوهُمْ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ آخِرًا كَمَا
دَعَاهُمْ أَوْلًا فَكَتَبَ إِلَيْهِمْ كِتَابًا يُحَذِّرُهُمْ فِيهِ
وَ يُنذِرُهُمْ عَذَابَ اللَّهِ وَ يَعِدُهُمُ الصَّفْحَ وَ يَمْتَنِيهِمْ
مَغْفِرَةً رَبِّهِمْ وَ نَسَخَ لَهُمْ فِي آخِرِهِ سُورَةَ
بِرَاءةٍ لِيَقْرَأَهَا عَلَيْهِمْ ثُمَّ عَرَضَ عَلَيَّ جَمِيعَ
أَصْحَابِهِ الْمُضِيِّ بِهِ فَكُلُّهُمْ يَرَى التَّثَاقُلَ فِيهِ
فَلَمَّا رَأَى ذَلِكَ نَدَبَ مِنْهُمْ رَجُلًا فَوَجَّهَهُ بِهِ
فَأَتَاهُ جَبْرِئِيلُ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ لَا يُؤَدَى عَنْكَ
إِلَّا أَنْتَ أَوْ رَجُلٌ مِنْكَ فَأَنْبَأَنِي رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
بِذَلِكَ وَ وَجَّهَنِي بِكِتَابِهِ وَ رَسَّالَتِهِ إِلَى أَهْلِ
مَكَّةَ فَأَتَيْتُ مَكَّةَ وَ أَهْلُهَا مَنْ قَدْ عَرَفْتُمْ لَيْسَ
مِنْهُمْ أَحَدٌ إِلَّا وَ لَوْ قَدَّرَ أَنْ يَضَعَ عَلَيَّ كُلَّ جَبَلٍ
مِنِّي إِرْبًا لَفَعَلَ وَ لَوْ أَنْ يَبْدُلَ فِي ذَلِكَ نَفْسَهُ
وَ أَهْلَهُ وَ وُلْدَهُ وَ مَالَهُ فَبَلَّغْتُهُمْ رَسَّالَةَ
النَّبِيِّ ﷺ وَ قَرَأْتُ عَلَيْهِمْ كِتَابَهُ فَكُلُّهُمْ
يَلْقَانِي بِالْتَّهْدِيدِ وَ الوَعِيدِ وَ يُبْدِي لِي
الْبِغْضَاءَ وَ يُظْهِرُ الشَّحْنَاءَ مِنْ رَجَالِهِمْ وَ
نِسَائِهِمْ فَكَانَ مِنِّي فِي ذَلِكَ مَا قَدْ رَأَيْتُمْ ثُمَّ
الْتَفَّتْ إِلَى أَصْحَابِهِ فَقَالَ أَلَيْسَ كَذَلِكَ قَالُوا
بَلَى يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فَقَالَ ﷺ يَا أَخَا
الْيَهُودِ هَذِهِ الْمَوَاطِنُ الَّتِي امْتَحَنَنِي فِيهِ
رَبِّي عَزَّ وَ جَلَّ مَعَ نَبِيِّهِ ﷺ فَوَجَدَنِي فِيهَا

كُلَّهَا بِمَنَّهُ مُطِيعاً لَيْسَ لِأَحَدٍ فِيهَا مِثْلُ الَّذِي
لِي وَ لَوْ شِئْتُ لَوَصَفْتُ ذَلِكَ وَ لَكِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ
نَهَى عَنِ التَّزْكِيَةِ فَقَالُوا يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ
صَدَقْتَ وَ اللَّهُ لَقَدْ أَعْطَاكَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ الْفَضِيلَةَ
بِالْقَرَابَةِ مِنْ نَبِيِّنَا ﷺ وَ أَسْعَدَكَ بِأَنْ جَعَلَكَ
أَخَاهُ تَنْزِيلُ مِنْهُ بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى وَ
فَضْلَكَ بِالْمَوَاقِفِ الَّتِي بَاشَرْتَهَا وَ الْأَهْوَالِ
الَّتِي رَكِبْتَهَا وَ ذَخَرَ لَكَ الَّذِي ذَكَرْتَ وَ أَكْثَرَ
مِنْهُ مِمَّا لَمْ تَذْكُرْهُ وَ مِمَّا لَيْسَ لِأَحَدٍ مِنْ
الْمُسْلِمِينَ مِثْلُهُ يَقُولُ ذَلِكَ مَنْ شَهِدَكَ مِنَّا مَعَ
نَبِيِّنَا ﷺ وَ مَنْ شَهِدَكَ بَعْدَهُ فَأَخِيرْنَا يَا
أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ مَا امْتَحَنَكَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِ
بَعْدَ نَبِيِّنَا ﷺ فَاحْتَمَلْتَهُ وَ صَبَرْتَ فَلَوْ شِئْنَا
أَنْ نَصِفَ ذَلِكَ لَوَصَفْنَاهُ عِلْماً مِنَّا بِهِ وَ ظُهُوراً
مِنَّا عَلَيْهِ إِلَّا أَنَا نُحِبُّ أَنْ نَسْمَعَ مِنْكَ ذَلِكَ
كَمَا سَمِعْنَا مِنْكَ مَا امْتَحَنَكَ اللَّهُ بِهِ فِي حَيَاتِهِ
فَأَطَعْتَهُ فِيهِ فَقَالَ ﷺ يَا أَخَا الْيَهُودِ إِنَّ اللَّهَ
عَزَّ وَ جَلَّ امْتَحَنَنِي بَعْدَ وَفَاةِ نَبِيِّهِ ﷺ فِي
سَبْعَةِ مَوَاطِنَ فَوَجَدَنِي فِيهِنَّ مِنْ غَيْرِ تَزْكِيَةٍ
لِنَفْسِي بِمَنِّهِ وَ نِعْمَتِهِ صَبُوراً وَ أَمَّا أَوْلَهُنَّ
يَا أَخَا الْيَهُودِ فَإِنَّهُ لَمْ يَكُنْ لِي خَاصَّةً دُونَ
الْمُسْلِمِينَ عَامَّةً أَحَدٌ آنَسُ بِهِ أَوْ اعْتَمِدُ عَلَيْهِ
أَوْ أَسْتَنِيماً إِلَيْهِ أَوْ أَتَقَرَّبُ بِهِ غَيْرَ رَسُولِ
اللَّهِ ﷺ هُوَ رَبَّانِي صَغِيرًا وَ بَوَّانِي كَبِيرًا وَ
كَفَانِي الْعَيْلَةَ وَ جَبَرَنِي مِنَ الْيُتْمِ وَ أَغْنَانِي
عَنِ الطَّلَبِ وَ وَقَانِي الْمَكْسَبَ وَ عَالَ لِي النَّفْسَ
وَ الْوَالِدَ وَ الْأَهْلَ هَذَا فِي تَصَارِيفِ أَمْرِ
الدُّنْيَا مَعَ مَا خَصَّنِي بِهِ مِنَ الدَّرَجَاتِ الَّتِي
قَادَتْنِي إِلَى مَعَالِي الْحَقِّ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ
فَتَنْزَلُ بِي مِنْ وَفَاةِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ مَا لَمْ أَكُنْ
أَظُنُّ الْجِبَالَ لَوْ حَمَلْتَهُ عَنُوءَةً كَانَتْ تَنْهَضُ بِهِ
فَرَأَيْتُ النَّاسَ مِنْ

أَهْلِ بَيْتِي مَا بَيْنَ جَارِعٍ لَا يَمْلِكُ جَزَعَهُ وَ لَا
يَضِيظُ نَفْسَهُ وَ لَا يَقْوَى عَلَى حَمَلِ فَادِحٍ مَا نَزَلَ
بِهِ قَدْ أَذْهَبَ الْجَزَعُ صَبْرَهُ وَ أَذْهَلَ عَقْلَهُ وَ
حَالَ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ الْقَهْمِ وَ الْإِفْهَامِ وَ الْقَوْلِ

وَالْإِسْمَاعِ وَ سَائِرِ النَّاسِ مِنْ غَيْرِ بَنِي عَبْدِ
الْمُطَّلِبِ بَيْنَ مُعَزِّ يَأْمُرُ بِالصَّبْرِ وَ بَيْنَ مُسَاعِدِ
بَاكٍ لِبُكَائِهِمْ جَاذِعٍ لِحَزَنِهِمْ وَ حَمَلْتُ نَفْسِي
عَلَى الصَّبْرِ عِنْدَ وَقَاتِهِ بِلُزُومِ الصَّمْتِ وَ
الِاشْتِغَالِ بِمَا أَمَرَنِي بِهِ مِنْ تَجْهِيزِهِ وَ
تَغْسِيلِهِ وَ تَحْنِيطِهِ وَ تَكْفِينِهِ وَ الصَّلَاةِ عَلَيْهِ
وَ وَضْعِهِ فِي حُفْرَتِهِ وَ جَمْعِ كِتَابِ اللَّهِ وَ عَهْدِهِ
إِلَى خَلْقِهِ لَا يَشْغَلُنِي عَنْ ذَلِكَ بَادِرٌ ذَمْعَةٌ وَ لَا
هَائِجٌ زَفْرَةٌ وَ لَا لَادِعٌ حُرْقَةٌ وَ لَا جَزِيلٌ مُصِيبَةٌ
حَتَّى أَدِّيتُ فِي ذَلِكَ الْحَقَّ الْوَاجِبَ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ
وَ لِرَسُولِهِ ﷺ عَلَيَّ وَ بَلَّغْتُ مِنْهُ الَّذِي أَمَرَنِي
بِهِ وَ احْتَمَلْتُهُ صَابِرًا مُحْتَسِبًا ثُمَّ التَفَتَ ﷺ
إِلَى أَصْحَابِهِ فَقَالَ أَلَيْسَ كَذَلِكَ قَالُوا بَلَى
يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فَقَالَ ﷺ وَ أَمَّا الثَّانِيَّةُ
يَا أَخَا الْيَهُودِ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ أَمَرَنِي فِي
حَيَاتِهِ عَلَى جَمِيعِ أُمَّتِهِ وَ أَخَذَ عَلَيَّ جَمِيعَ مَنْ
حَضَرَهُ مِنْهُمْ الْبَيْعَةَ وَ السَّمْعَ وَ الطَّاعَةَ لِأَمْرِي
وَ أَمْرِهِمْ أَنْ يُبَلِّغَ الشَّاهِدُ الْغَائِبَ ذَلِكَ فَكُنْتُ
الْمُؤَدِّيَ إِلَيْهِمْ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ أَمْرَهُ إِذَا
حَضَرْتُهُ وَ الْأَمِيرَ عَلَيَّ مَنْ حَضَرَنِي مِنْهُمْ إِذَا
فَارَقْتُهُ لَا تَخْتَلِجُ فِي نَفْسِي مُنَازَعَةٌ أَحَدٍ مِنْ
الْخَلْقِ لِي فِي شَيْءٍ مِنَ الْأَمْرِ فِي حَيَاةِ
النَّبِيِّ ﷺ وَ لَا بَعْدَ وَقَاتِهِ ثُمَّ أَمَرَ رَسُولُ
اللَّهِ ﷺ بِتَوْجِيهِ الْجَيْشِ الَّذِي وَجَّهَهُ مَعَ أُسَامَةَ
بْنِ زَيْدٍ عِنْدَ الَّذِي أَحَدَثَ اللَّهُ بِهِ مِنَ الْمَرَضِ
الَّذِي تَوَفَّاهُ فِيهِ فَلَمْ يَدْعِ النَّبِيَّ أَحَدًا مِنْ
أَفْنَاءِ الْعَرَبِ وَ لَا مِنْ الْأَوْسِ وَ الْخَزْرَجِ وَ
غَيْرِهِمْ مِنْ سَائِرِ النَّاسِ مِمَّنْ يَخَافُ عَلَيَّ نَقْضِهِ
وَ مُنَازَعَتِهِ وَ لَا أَحَدًا مِمَّنْ يَرَانِي بَعَيْنِ
الْبَغْضَاءِ مِمَّنْ قَدْ وَتَرْتُهُ بِقَتْلِ أَبِيهِ أَوْ أَخِيهِ
أَوْ حَمِيمِهِ إِلَّا وَجَّهَهُ فِي ذَلِكَ الْجَيْشِ وَ لَا مِنْ
الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ وَ الْمُسْلِمِينَ وَ غَيْرِهِمْ
وَ الْمُؤَلَّفَةَ قُلُوبَهُمْ وَ الْمُتَنَافِقِينَ لِتَضْفُو
قُلُوبُ مَنْ يَبْقَى مَعِيَ بِحَضْرَتِهِ وَ لِيَلَّا يَقُولَ
قَائِلٌ شَيْئًا مِمَّا أَكْرَهُهُ وَ لَا يَدْفَعُنِي دَافِعٌ مِنْ
الْوَلَايَةِ وَ الْقِيَامِ بِأَمْرِ رَعِيَّتِهِ مِنْ بَعْدِهِ ثُمَّ

كَانَ آخِرُ مَا تَكَلَّمَ بِهِ فِي شَيْءٍ مِنْ أَمْرِ أُمَّتِهِ
أَنْ يَمْضِيَ جَيْشُ أَسَامَةَ وَ لَا يَتَخَلَّفَ عَنْهُ أَحَدٌ
مِمَّنْ أَنهَضَ مَعَهُ وَ تَقَدَّمَ فِي ذَلِكَ أَشَدَّ التَّقَدُّمِ
وَ أَوْعَزَ فِيهِ أَبْلَغَ الْإِيْعَازِ وَ أَكَدَّ فِيهِ أَكْثَرَ
التَّأْكِيدِ فَلَمْ أَشْعُرْ بَعْدَ أَنْ قُبِضَ النَّبِيُّ ﷺ
إِلَّا بِرَجَالٍ مِنْ بَعَثِ أَسَامَةَ بْنِ زَيْدٍ وَ أَهْلِ
عَسْكَرِهِ قَدْ تَرَكُوا مَرَآكِزَهُمْ وَ أَخْلَوْا مَوَاضِعَهُمْ
وَ خَالَفُوا أَمْرَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فِيمَا أَنهَضَهُمْ لَهُ
وَ أَمَرَهُمْ بِهِ وَ تَقَدَّمَ إِلَيْهِمْ مِنْ مُلَازِمَةِ
أَمِيرِهِمْ وَ السَّيْرِ مَعَهُ تَحْتَ لِيَوَائِهِ حَتَّى يُنْفَذَ
لِوَجْهِهِ الَّذِي أَنْفَذَهُ إِلَيْهِ فَخَلَفُوا أَمِيرَهُمْ
مُقِيمًا فِي عَسْكَرِهِ وَ أَقْبَلُوا يَتَّبِادِرُونَ عَلَيَّ
الْخَيْلَ رَكْضًا إِلَى حَلِّ عُقْدَةٍ عَقَدَهَا اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ
لِي وَ لِرَسُولِهِ ﷺ فِي أَعْنَاقِهِمْ فَحَلُّوْهَا وَ عَهْدِ
عَاهِدُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ فَتَكَثَرُوا وَ عَقَدُوا لَأَنْفُسِهِمْ
عُقْدًا ضَجَّتْ بِهِيَ أَصْوَاتُهُمْ وَ اخْتَصَّتْ بِهِيَ آرَاؤُهُمْ
مِنْ غَيْرِ مُنَاطَرَةٍ لِأَحَدٍ مِمَّنَا بَنَى عَبْدُ الْمُطَّلِبِ
أَوْ مُشَارَكَةٍ فِي رَأْيٍ أَوْ اسْتِقَالَةٍ لِمَا فِي
أَعْنَاقِهِمْ مِنْ بَيْعَتِي فَعَلُوا ذَلِكَ وَ أَنَا بِرَسُولِ
اللَّهِ ﷺ مَشْغُولٌ وَ بِيَتْجَهِيْزِهِ عَنْ سَائِرِ الْأَشْيَاءِ
مَصْدُودٌ فَإِنَّهُ كَانَ أَهْمَهَا وَ أَحَقَّ مَا بُدِيَ بِهِ
مِنْهَا فَكَانَ هَذَا يَا أَخَا الْيَهُودِ أَقْرَحُ مَا
وَرَدَ عَلَيَّ قَلْبِي مَعَ الَّذِي أَنَا فِيهِ مِنْ عَظِيمِ
الرَّزِيَةِ وَ فَاجِعِ الْمُصِيبَةِ وَ فَقَدِ مَنْ لَا خَلْفَ
مِنْهُ إِلَّا اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى فَصَبَرْتُ عَلَيْهَا إِذَا
أَتَتْ بَعْدَ أَخْتِهَا عَلَيَّ تَقَارُبَهَا وَ سُرْعَةَ
اتِّصَالِهَا ثُمَّ التَّفَتُّنَ إِلَى أَصْحَابِهِ فَقَالَ أ
لَيْسَ كَذَلِكَ قَالُوا بَلَى يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ
فَقَالَ ﷺ وَ أَمَا الثَّالِثَةُ يَا أَخَا الْيَهُودِ فَإِنْ
الْقَائِمَ بَعْدَ النَّبِيِّ ﷺ كَانَ يَلْقَانِي مُعْتَذِرًا
فِي كُلِّ أَيَّامِهِ وَ يَلُومُ غَيْرَهُ مَا ارْتَكَبَهُ مِنْ
أَخْذِ حَقِّي وَ نَقْضِ بَيْعَتِي وَ يَسْأَلُنِي تَحْلِيلَهُ
فَكُنْتُ أَقُولُ تَنْقُضِي أَيَّامَهُ ثُمَّ يَرْجِعُ إِلَيَّ حَقِّي
الَّذِي جَعَلَهُ اللَّهُ لِي عَفْوًا هَنِيئًا مِنْ غَيْرِ أَنْ
أُحْدِثَ فِي الْإِسْلَامِ مَعَ حُدُوثِهِ وَ قُرْبِ عَهْدِهِ
بِالْجَاهِلِيَّةِ حَدَثًا فِي طَلَبِ حَقِّي بِمُنَازَعَةٍ

لَعَلَّ فُلَانًا يَقُولُ فِيهَا نَعَمْ وَ فُلَانًا يَقُولُ لَا
فَيَتَّوَلَّى ذَلِكَ مِنَ الْقَوْلِ إِلَى الْفِعْلِ وَ جَمَاعَةً
مِنْ خَوَاصِّ أَصْحَابِ مُحَمَّدٍ ﷺ أَعْرَفَهُمْ بِالنُّصْحِ لِلَّهِ
وَ لِرَسُولِهِ وَ لِكِتَابِهِ وَ دِينِهِ الْإِسْلَامِ يَأْتُونَ
عَوْدًا وَ بَدْءًا وَ عَلَانِيَةً وَ سِرًّا فَيَدْعُونِي إِلَى
أَخِذِ حَقِّي وَ يَبْذُلُونَ أَنْفُسَهُمْ فِي نَصْرَتِي
لِيُؤَدُّوا إِلَيَّ بِذَلِكَ بَيْعَتِي فِي أَعْنَاقِهِمْ فَأَقُولُ
رُؤْيِدًا وَ صَبْرًا قَلِيلًا لَعَلَّ اللَّهَ يَأْتِينِي بِذَلِكَ
عَفْوًا بِلَا مُنَازَعَةٍ وَ لَا إِزَاقَةَ الدَّمَاءِ فَقَدِ
ازْتَابَ كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ بَعْدَ وَفَاةِ النَّبِيِّ ﷺ
وَ طَمِعَ فِي الْأَمْرِ بَعْدَهُ مَنْ لَيْسَ لَهُ بِأَهْلٍ فَقَالَ
كُلُّ قَوْمٍ مِنَّا أَمِيرٌ وَ مَا طَمِعَ الْقَائِلُونَ فِي
ذَلِكَ إِلَّا لِيَتَنَاوَلَ غَيْرِي الْأَمْرَ فَلَمَّا دَنَتْ وَفَاةُ
الْقَائِمِ وَ انْقَضَتْ أَيَّامُهُ صَيَّرَ الْأَمْرَ بَعْدَهُ
لِصَاحِبِهِ فَكَانَتْ هَذِهِ أُخْتٌ أُخْتِهَا وَ مَحَلَّهَا مِنِّي
مِثْلَ مَحَلَّهَا وَ أَخَذَ مِنِّي مَا جَعَلَهُ اللَّهُ لِي
فَاجْتَمَعَ إِلَيَّ مِنْ أَصْحَابِ مُحَمَّدٍ ﷺ مِمَّنْ مَضَى وَ
مِمَّنْ بَقِيَ مِمَّنْ أَخَّرَهُ اللَّهُ مَنْ اجْتَمَعَ فَقَالُوا لِي
فِيهَا مِثْلَ الَّذِي قَالُوا فِي أُخْتِهَا فَلَمْ يَعْذُ
قَوْلِي الثَّانِي قَوْلِي الْأَوَّلِ صَبْرًا وَ احْتِسَابًا وَ
يَقِينًا وَ إِشْفَاقًا مِنْ أَنْ تَفْنَى عُصْبَةُ تَأَلَّفَهُمْ
رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بِاللَّيْنِ مَرَّةً وَ بِالشَّدَّةِ أُخْرَى وَ
بِالنُّذْرِ مَرَّةً وَ بِالسَّيْفِ أُخْرَى حَتَّى لَقَدْ كَانَ
مِنْ تَأَلَّفِهِ لَهُمْ أَنْ كَانَ النَّاسُ فِي الْكُرِّ وَ
الْفِرَارِ وَ الشُّبْعِ وَ الرِّيِّ وَ اللَّبَّاسِ وَ
الْوِطَاءِ وَ الدُّثَارِ وَ نَحْنُ أَهْلُ بَيْتِ مُحَمَّدٍ ﷺ
لَا سُقُوفَ لِبُيُوتِنَا وَ لَا أَبْوَابَ وَ لَا سُتُورَ إِلَّا
الْجَرَائِدُ وَ مَا أَشْبَهَهَا وَ لَا وَطَاءَ لَنَا وَ لَا
دِثَارَ عَلَيْنَا يَتَدَاوَلُ الثُّوبَ الْوَاحِدَ فِي
الصَّلَاةِ أَكْثَرْنَا وَ نَطْوِي
اللَّيَالِي وَ الْأَيَّامَ عَامَّتْنَا وَ رُبَّمَا أَتَانَا
الشَّيْءُ مِمَّا أَفَاءَهُ اللَّهُ عَلَيْنَا وَ صَيَّرَهُ لَنَا
خَاصَّةً دُونَ غَيْرِنَا وَ نَحْنُ عَلَى مَا وَصَفْتُ مِنْ
حَالِنَا فَيُؤْثِرُ بِهِ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَرْبَابَ النِّعَمِ وَ
الْأَمْوَالِ تَأَلَّفًا مِنْهُ لَهُمْ فَكُنْتُ أَحَقَّ مَنْ لَمْ
يُفَرِّقْ هَذِهِ الْعُصْبَةَ الَّتِي أَلْفَهَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَ

لَمْ يَحْمِلْهَا عَلَى الْخَطَّةِ الَّتِي لَا خَلَاصَ لَهَا
مِنْهَا دُونَ بُلُوغِهَا أَوْ فَنَاءِ آجَالِهَا لِأَنِّي لَوْ
نَصَبْتُ نَفْسِي فَدَعَوْتُهُمْ إِلَيَّ نُصْرَتِي كَانُوا مِنِّي
وَ فِي أَمْرِي عَلَى إِحْدَى مَنزِلَتَيْنِ إِمَّا مُتَّبِعِ
مُقَاتِلٍ وَ إِمَّا مَقْتُولٍ إِنْ لَمْ يَتَّبِعِ الْجَمِيعَ وَ
إِمَّا خَاذِلٍ يَكْفُرُ بِخِدْلَانِهِ إِنْ قَصَرَ فِي نُصْرَتِي
أَوْ أَمْسَكَ عَن طَاعَتِي وَ قَدْ عَلِمُ اللَّهُ أَنِّي مِنْهُ
بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِن مُوسَى يَحُلُّ بِهِ فِي مُخَالَفَتِي
وَ الْأَمْسَاكِ عَن نُصْرَتِي مَا أَحَلَّ قَوْمُ مُوسَى
بِأَنْفُسِهِمْ فِي مُخَالَفَةِ هَارُونَ وَ تَرْكِ طَاعَتِهِ وَ
رَأَيْتُ تَجْرُعَ الْغُصَصِ وَ رَدَّ أَنْفَاسِ الصُّعْدَاءِ وَ
لُزُومَ الصَّبْرِ حَتَّى يَفْتَحَ اللَّهُ أَوْ يَقْضِي بِمَا أَحَبَّ
أَزِيدَ لِي فِي حَظِّي وَ أَرْفَقَ بِالْعِصَابَةِ الَّتِي
وَصَفْتُ أَمْرَهُمْ وَ كَانَ أَمْرُ اللَّهِ قَدْرًا مَقْدُورًا وَ
لَوْ لَمْ أَتَّقِ هَذِهِ الْحَالَةَ يَا أَخَا الْيَهُودِ ثُمَّ
طَلَبْتُ حَقِّي لَكُنْتُ أَوْلَى مِمَّنْ طَلَبَهُ لِعِلْمِ مَنْ
مَضَى مِن أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ وَ مَنْ بَحَضَرْتِكَ مِنْهُمْ
بِأَنِّي كُنْتُ أَكْثَرَ عَدَدًا وَ أَعَزَّ عَشِيرَةً وَ أَمْنَعَ
رَجَالًا وَ أَطْوَعَ أَمْرًا وَ أَوْضَحَ حُجَّةً وَ أَكْثَرَ فِي
هَذَا الدِّينِ مَنَاقِبَ وَ آثَارًا لِسِوَايَ وَ
قَرَابَتِي وَ وَرَائَتِي فَضْلًا عَنِ اسْتِحْقَاقِي ذَلِكَ
بِالْوَصِيَّةِ الَّتِي لَا مَخْرَجَ لِلْعِبَادِ مِنْهَا وَ
الْبَيْعَةِ الْمُتَقَدِّمَةِ فِي أَعْنَاقِهِمْ مِمَّنْ تَنَاوَلَهَا
وَ قَدْ قَبِضَ مُحَمَّدٌ ﷺ وَ إِنْ وَايَةَ الْأُمَّةِ فِي يَدِهِ
وَ فِي بَيْتِهِ لَا فِي يَدِ الْأَوْلَى تَنَاوَلُوهَا وَ لَا
فِي بُيُوتِهِمْ وَ لِأَهْلِ بَيْتِهِ الَّذِينَ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْهُمْ
الرَّجْسَ وَ طَهَّرَهُمْ تَطْهِيرًا أَوْلَى بِالْأَمْرِ مِنْ

بَعْدَهُ مِنْ غَيْرِهِ فِي جَمِيعِ الْخِصَالِ ثُمَّ التَّفَتُّحُ

إِلَى أَصْحَابِهِ فَقَالَ أَلَيْسَ كَذَلِكَ قَالُوا بَلَى
يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فَقَالَ ﷺ وَ أَمَّا الرَّابِعَةُ
يَا أَخَا الْيَهُودِ فَإِنَّ الْقَائِمَ بَعْدَ صَاحِبِهِ كَانَ
يُشَاوِرُنِي فِي مَوَارِدِ الْأُمُورِ فَيُضِدِرُهَا عَن أَمْرِي
وَ يُتَنَاظِرُنِي فِي غَوَامِضِهَا فَيُضْيِئُهَا عَن رَأْيِي لَا
أَعْلَمُ أَحَدًا وَ لَا يَعْلَمُهُ أَصْحَابِي يُنَاطِرُهُ فِي
ذَلِكَ غَيْرِي وَ لَا يَطْمَعُ فِي الْأَمْرِ بَعْدَهُ سِوَايَ
فَلَمَّا أَنْ أَتَيْتُهُ

مَنْيَّتُهُ عَلَى فَجَاءَةٍ بِلَا مَرَضٍ كَانَ قَبْلَهُ وَ لَا
أَمْرٍ كَانَ أَمْضَاهُ فِي صِحَّةٍ مِنْ بَدَنِهِ لَمْ أَشْكُ
أَنِّي قَدْ اسْتُرْجِعْتُ حَقِّي فِي عَافِيَةٍ بِالْمَنْزِلَةِ
الَّتِي كُنْتُ أَطْلُبُهَا وَ الْعَاقِبَةِ الَّتِي كُنْتُ
أَلْتَمِسُهَا وَ أَنَّ اللَّهَ سَيَأْتِي بِذَلِكَ عَلَيَّ أَحْسَنَ مَا
رَجَوْتُ وَ أَفْضَلَ مَا أَمَلْتُ وَ كَانَ مِنْ فِعْلِهِ أَنْ
خَتَمَ أَمْرَهُ بِأَنْ سَمَّى قَوْمًا أَنَا سَادِسُهُمْ وَ لَمْ
يَسْتَوْنِي بِوَاحِدٍ مِنْهُمْ وَ لَا ذَكَرَ لِي حَالًا فِي
وَرَاثَةِ الرَّسُولِ وَ لَا قَرَابَةِ وَ لَا صَهْرٍ وَ لَا نَسَبٍ
وَ لَا لِوَاحِدٍ مِنْهُمْ مِثْلَ سَابِقَةٍ مِنْ سَوَابِقِي وَ لَا
أَثْرٍ مِنْ آثَارِي وَ صَيَّرَهَا شُورَى بَيْنَنَا وَ صَيَّرَ
ابْنَهُ فِيهَا حَاكِمًا عَلَيْنَا وَ أَمْرَهُ أَنْ يَضْرِبَ
أَعْنَاقَ النَّفَرِ السِّتَّةِ الَّذِينَ صَيَّرَ الْأَمْرَ فِيهِمْ
إِنْ لَمْ يُنْفِذُوا أَمْرَهُ وَ كَفَى بِالصَّبْرِ عَلَيَّ هَذَا
يَا أَخَا الْيَهُودِ صَبْرًا فَمَكَثَ الْقَوْمُ أَيَّامَهُمْ
كُلَّهَا كُلٌّ يَخْطُبُ لِنَفْسِهِ وَ أَنَا مُمَسِّكٌ عَنْ أَنْ
سَأَلُونِي عَنْ أَمْرِي فَتَاطَرْتُهُمْ فِي أَيَّامِي وَ
أَيَّامِهِمْ وَ آثَارِي وَ آثَارِهِمْ وَ أَوْضَحْتُ لَهُمْ مَا
لَمْ يَجْهَلُوهُ مِنْ وُجُوهِ اسْتِحْقَاقِي لَهَا دُونَهُمْ وَ
ذَكَرْتُهُمْ عَهْدَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ إِلَيْهِمْ وَ تَأَكِيدُ مَا
أَكَّدَهُ مِنَ الْبَيْعَةِ لِي فِي أَعْنَاقِهِمْ دَعَاؤُهُمْ حُبُّ
الْإِمَارَةِ وَ بَسْطُ الْأَيْدِي وَ الْأَلْسُنِ فِي الْأَمْرِ وَ
النَّهْيِ وَ الرُّكُونِ إِلَى الدُّنْيَا وَ الْإِقْتِدَاءِ
بِالْمَاضِينَ قَبْلَهُمْ إِلَى تَنَاوُلِ مَا لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ
لَهُمْ فَإِذَا خَلَوْتُ بِالْوَاحِدِ ذَكَرْتُهُ أَيَّامَ اللَّهِ وَ
حَدَرْتُهُ مَا هُوَ قَادِمٌ عَلَيَّ وَ صَائِرٌ إِلَيْهِ
الْتِمَسَ مِنِّي شَرْطًا أَنْ أَصَيِّرَهَا لَهُ بَعْدِي فَلَمَّا
لَمْ يَجِدُوا عِنْدِي إِلَّا الْمَخَجَّةَ الْبَيْضَاءَ وَ
الْحَمْلَ عَلَيَّ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ وَصِيَّةِ الرَّسُولِ
وَ إِعْطَاءِ كُلِّ امْرئٍ مِنْهُمْ مَا جَعَلَهُ اللَّهُ لَهُ وَ
مَنْعَهُ مَا لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ أَزَالَهَا عَنِّي إِلَيَّ
ابْنُ عَفَّانَ طَمَعًا فِي الشَّحِيحِ مَعَهُ فِيهَا وَ ابْنُ
عَفَّانَ رَجُلٌ لَمْ يَسْتَوِ بِهِ وَ بِوَاحِدٍ مِمَّنْ حَضَرَهُ
حَالٌ قَطُّ فَضْلًا عَمَّنْ دُونَهُمْ لَا يَبْدُرُ الَّتِي هِيَ
سَنَامٌ فَخْرِهِمْ وَ لَا غَيْرَهَا مِنَ الْمِآثِرِ الَّتِي
أَكْرَمَ اللَّهُ بِهَا رَسُولَهُ وَ مَنْ اخْتَصَّهُ مَعَهُ مِنْ أَهْلِ

بَيْتِهِ ﷺ ثُمَّ لَمْ أَعْلَمْ الْقَوْمَ أَمْسَوْا مِنْ يَوْمِهِمْ
ذَلِكَ حَتَّى ظَهَرَتْ نِدَامَتُهُمْ وَ نَكَصُوا عَلَيَّ
أَعْقَابِهِمْ وَ أَحَالَ بَعْضُهُمْ عَلَيَّ بَعْضُ كُلِّ يَلُومُ
نَفْسَهُ وَ يَلُومُ أَصْحَابَهُ ثُمَّ لَمْ تَطُلِ الْأَيَّامُ
بِالْمُسْتَبِيدِ بِالْأَمْرِ ابْنِ عَفَّانٍ حَتَّى أَكْفَرُوهُ وَ
تَبَرَّءُوا مِنْهُ وَ مَشَى إِلَيَّ أَصْحَابِهِ خَاصَّةً وَ
سَائِرِ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ عَامَّةً يَسْتَقِيلُهُمْ مِنْ
بَيْعَتِهِ وَ يَثُوبُ إِلَيَّ اللَّهُ مِنْ فِلْتَتِهِ فَكَانَتْ هَذِهِ
يَا أَخَا الْيَهُودِ أَكْبَرَ مِنْ أَخْتِيهَا وَ أَفْطَحَ وَ
أَحْرَى أَنْ لَا يُصْبِرَ عَلَيْهَا فَنَالَنِي مِنْهَا الَّذِي
لَا يَبْلُغُ وَصْفُهُ وَ لَا يُحَدُّ وَقْتُهُ وَ لَمْ يَكُنْ عِنْدِي
فِيهَا إِلَّا الصَّبْرُ عَلَيَّ مَا أَمْضُ وَ أَبْلُغُ مِنْهَا وَ
لَقَدْ أَتَانِي الْبَاقُونَ مِنَ السَّنَةِ مِنْ يَوْمِهِمْ كُلِّ
رَاجِعٍ عَمَّا كَانَ رَكِبَ مِنِّي يَسْأَلُنِي خَلَعَ ابْنِ
عَفَّانٍ وَ الْوُثُوبَ عَلَيْهِ وَ أَخَذَ حَقِّي وَ يُؤْتِينِي
صَفَقَتَهُ وَ بَيْعَتَهُ عَلَيَّ الْمَوْتُ تَحْتَ رَايَتِي أَوْ
يَرُدُّ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَيَّ حَقِّي فَوَ اللَّهُ يَا أَخَا
الْيَهُودِ مَا مَنَعَنِي مِنْهَا إِلَّا الَّذِي مَنَعَنِي مِنْ
أَخْتِيهَا قَبْلَهَا وَ رَأَيْتُ الْإِبْقَاءَ عَلَيَّ مِنْ بَقِي
مِنِ الطَّائِفَةِ أَبْهَجَ لِي وَ آنَسَ لِقَلْبِي مِنْ
فَنَائِبِهَا وَ عَلِمْتُ أَنِّي إِنْ حَمَلْتُهَا عَلَيَّ دَعْوَةَ
الْمَوْتُ رَكِبْتُهُ فَأَمَّا نَفْسِي فَقَدْ عَلِمَ مَنْ حَضَرَ
مِمَّنْ تَرَى وَ مَنْ غَابَ مِنْ أَصْحَابِ مُحَمَّدٍ ﷺ أَنْ
الْمَوْتُ عِنْدِي بِمَنْزِلَةِ الشَّرْبَةِ الْبَارِدَةِ فِي
الْيَوْمِ الشَّدِيدِ الْحَرِّ مِنْ ذِي الْعَطَشِ الصَّدَى وَ
لَقَدْ كُنْتُ عَاهَدْتُ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ وَ رَسُولَهُ ﷺ أَنَا
وَ عَمِّي حَمْرَةَ وَ أَخِي جَعْفَرُ وَ ابْنُ عَمِّي عُبَيْدَةَ
عَلَيَّ أَمْرٍ وَفِينَا بِهِ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لِرَسُولِهِ
فَتَقَدَّمَنِي أَصْحَابِي وَ تَخَلَّفْتُ بَعْدَهُمْ لِمَا أَرَادَ
اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فَأَنْزَلَ اللَّهُ فِينَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ
رِجَالًا صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ
قَضَى نَحْبَهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَ مَا بَدَّلُوا
تَبْدِيلًا حَمْرَةَ وَ جَعْفَرُ وَ عُبَيْدَةَ وَ أَنَا وَ اللَّهُ
الْمُنْتَظَرُ يَا أَخَا الْيَهُودِ وَ مَا بَدَّلْتُ تَبْدِيلًا
وَ مَا سَكَّنَنِي عَنِ ابْنِ عَفَّانٍ وَ حَثَّنِي عَلَيَّ
الْإِمْسَاكِ عَنْهُ إِلَّا أَنِّي عَرَفْتُ مِنْ أَخْلَاقِهِ فِيمَا

اخْتَبَرْتُ مِنْهُ بِمَا لَنْ يَدَعَهُ حَتَّى يَسْتَدْعِيَ
 الْأَبَاعِدَ إِلَى قَتْلِهِ وَخَلَعِهِ فَضُلًّا عَنِ الْأَقَارِبِ وَ
 أَنَا فِي عُرْلَةٍ فَصَبَرْتُ حَتَّى كَانَ ذَلِكَ لَمْ أَنْطِقْ
 فِيهِ بِحَرْفٍ مِنْ لَا وَ لَا نَعَمْ ثُمَّ أَتَانِي الْقَوْمُ وَ
 أَنَا عَلِيمٌ بِاللَّهِ كَارَهُ لِمَعْرِفَتِي بِمَا تَطَاعَمُوا بِهِ
 مِنْ اغْتِقَالِ الْأَمْوَالِ وَ الْمَرْحِ فِي الْأَرْضِ وَ
 عِلْمِهِمْ بِأَنَّ تِلْكَ لَيْسَتْ لَهُمْ عِنْدِي وَ شَدِيدُ
 عَادَةِ مُنْتَزَعَةٌ فَلَمَّا لَمْ يَجِدُوا عِنْدِي تَعَلَّلُوا
 الْأَعَالِيلَ ثُمَّ التَّفَتُّ عَلَيْهِ إِلَى أَصْحَابِهِ فَقَالَ أ
 لَيْسَ كَذَلِكَ فَقَالُوا بَلَى يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ
 فَقَالَ عَلَيْهِ وَ أَمَا الْخَامِسَةُ يَا أَخَا الْيَهُودِ فَإِنَّ
 الْمُتَابِعِينَ لِي لَمَّا لَمْ يَطْمَعُوا فِي تِلْكَ مِنِّي
 وَثَبُوا بِالْمَرْأَةِ عَلَيَّ وَ أَنَا وَلِيُّ أَمْرِهَا وَ
 الْوَصِيُّ عَلَيْهَا فَحَمَلُوهَا عَلَى الْجَمَلِ وَ شَدُّوهَا
 عَلَى الرَّحَالِ وَ أَقْبَلُوا بِهَا تَخِيْطُ الْفِيَّافِي وَ
 تَقَطَّعُ الْبِرَارِي وَ تَنْبِخُ عَلَيْهَا كِلَابُ الْحَوَاطِبِ وَ
 تَظْهَرُ لَهُمْ عِلَامَاتُ النَّدَمِ فِي كُلِّ سَاعَةٍ وَ عِنْدَ
 كُلِّ حَالٍ فِي عُضْبَةٍ قَدْ بَايَعُونِي ثَانِيَةً بَعْدَ
 بَيْعَتِهِمْ الْأُولَى فِي حَيَاةِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ حَتَّى أَتَتْ
 أَهْلَ بَلَدَةٍ قَصِيرَةٍ أَيْدِيهِمْ طَوِيلَةٌ لِحَاهُمْ
 قَلِيلَةٌ عَقُولُهُمْ عَازِبَةٌ آرَاؤُهُمْ وَ هُمْ جِيرَانُ
 بَدْوٍ وَ وُرَادُ بَحْرِ فَأَخْرَجَتْهُمْ يَخِيْطُونَ بِسُيُوفِهِمْ
 مِنْ غَيْرِ عِلْمٍ وَ يَزْمُونَ بِسَهَامِهِمْ بَغَيْرِ فَهْمٍ
 فَوَقَفْتُ مِنْ أَمْرِهِمْ عَلَى اثْنَتَيْنِ كِلْتَاهُمَا فِي
 مَحَلِّهِ الْمَكْرُوهِ مِمَّنْ إِنْ كَفَفْتُ لَمْ يَرْجِعْ وَ لَمْ
 يَعْقِلْ وَ إِنْ أَقَمْتُ كُنْتُ قَدْ صِرْتُ إِلَى الَّتِي
 كَرِهْتُ فَقَدَّمْتُ الْحُجَّةَ بِالْإِعْذَارِ وَ الْإِنذَارِ وَ
 دَعَوْتُ الْمَرْأَةَ إِلَى الرَّجُوعِ إِلَى بَيْتِهَا وَ
 الْقَوْمَ الَّذِينَ حَمَلُوهَا عَلَيَّ الْوَفَاءِ بِبَيْعَتِهِمْ
 لِي وَ التَّرْكِ لِنَقْضِهِمْ عَهْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فِيَّ وَ
 أَعْطَيْتُهُمْ مِنْ نَفْسِي كُلِّ الَّذِي قَدَرْتُ عَلَيْهِ وَ
 نَاطَرْتُ بَعْضَهُمْ فَرَجَعَ وَ ذَكَرْتُ فَذَكَرْتُ ثُمَّ أَقْبَلْتُ
 عَلَى النَّاسِ بِمِثْلِ ذَلِكَ فَلَمْ يَزِدَا دُوا إِلَّا جَهْلًا
 وَ تَمَادِيًا وَ غِيًّا فَلَمَّا أَبَوْا إِلَّا هِيَ رَكِبَتْهَا
 مِنْهُمْ فَكَانَتْ عَلَيْهِمُ الدَّبْرَةُ وَ بِهِمُ الْهَزِيمَةُ
 وَ لَهُمُ الْحَسْرَةُ وَ فِيهِمُ الْفَنَاءُ وَ الْقَتْلُ وَ

حَمَلْتُ نَفْسِي عَلَى الَّتِي لَمْ أَجِدْ مِنْهَا بُدْأً وَ
لَمْ يَسْعِنِي إِذْ فَعَلْتُ ذَلِكَ وَ أَظْهَرْتُهُ آخِرًا مِثْلَ
الَّذِي وَسَعِنِي مِنْهُ أَوْلًا مِنْ الإِغْضَاءِ وَ الإِمْسَاكِ
وَ رَأَيْتُنِي إِنْ أَمْسَكْتُ كُنْتُ مُعِينًا لَهُمْ عَلَى
بِإِمْسَاكِي عَلَى مَا صَارُوا إِلَيْهِ وَ طَمِعُوا فِيهِ
مِنْ تَنَاوُلِ الأَطْرَافِ وَ سَفْكِ الدِّمَاءِ وَ قَتْلِ
الرَّعِيَّةِ وَ تَحْكِيمِ النِّسَاءِ النُّوَاقِصِ العُقُولِ وَ
الْحُطُوطِ عَلَى كُلِّ حَالٍ كَعَادَةِ بَنِي الأَصْفَرِ وَ مَنْ
مَضَى مِنْ مُلُوكِ سَبَا وَ الأَمَمِ الخَالِيَةِ فَأَصِيرُ
إِلَى مَا كَرِهْتُ أَوْلًا وَ آخِرًا وَ قَدْ أَهْمَلْتُ
الْمَرْأَةَ وَ جُنْدَهَا يَفْعَلُونَ مَا وَصَفْتُ بَيْنَ
الْفَرِيقَيْنِ مِنَ النَّاسِ وَ لَمْ أَهْجِمْ عَلَى الأَمْرِ
إِلَّا بَعْدَ مَا قَدَّمْتُ وَ أَخَرْتُ وَ تَأْنَيْتُ وَ رَاجَعْتُ
وَ أَرْسَلْتُ وَ سَافَرْتُ وَ أَعْذَرْتُ وَ أَنْذَرْتُ وَ
أَعْطَيْتُ القَوْمَ كُلَّ شَيْءٍ يَلْتَمِسُوهُ بَعْدَ أَنْ عَرَضْتُ
عَلَيْهِمْ كُلَّ شَيْءٍ لَمْ يَلْتَمِسُوهُ فَلَمَّا أَبَوْا إِلَّا
تِلْكَ أَقْدَمْتُ عَلَيْهَا فَبَلَّغُ اللهُ بِي وَ بِهِمْ مَا
أَرَادَ وَ كَانَ لِي عَلَيْهِمْ بِمَا كَانَ مِنِّي إِلَيْهِمْ
شَهِيدًا ثُمَّ التَفْتُ إِلَى أَصْحَابِهِ فَقَالَ أَلَيْسَ
كَذَلِكَ قَالُوا بَلَى يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فَقَالَ

وَأَمَّا السَّادِسَةُ يَا أَخَا اليَهُودِ فَتَحْكِيمُهُمْ
الْحَكَمَيْنِ وَ مُحَارَبَةَ ابْنِ آكِلَةَ الأَكْبَادِ وَ هُوَ
طَلِيقٌ مُعَانِدٌ لَهِ اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لِرَسُولِهِ وَ
الْمُؤْمِنِينَ مُنْذُ بَعَثَ اللهُ مُحَمَّدًا إِلَى أَنْ فَتَحَ اللهُ
عَلَيْهِ مَكَّةَ عَنُودَةً فَأَخَذْتُ بَيْعَتَهُ وَ بَيْعَةَ أَبِيهِ
لِي مَعَهُ فِي ذَلِكَ اليَوْمِ وَ فِي ثَلَاثَةِ مَوَاطِنَ
بَعْدَهُ وَ أبُوهُ بِالأَمْسِ أَوَّلَ مَنْ سَلَّمَ عَلَيَّ بِإِمْرَةٍ
الْمُؤْمِنِينَ وَ جَعَلَ يَحْتَنِي عَلَى النُّهُوضِ فِي أَخْذِ
حَقِّي مِنَ المَاضِينَ قَبْلِي وَ يُجَدِّدُ لِي بَيْعَتَهُ
كُلَّمَا أَتَانِي وَ أَعْجَبُ العَجَبِ أَنَّهُ لَمَّا رَأَى
رَبِّي تَبَارَكَ وَ تَعَالَى قَدْ رَدَّ إِلَيَّ حَقِّي وَ أَقْرَبَ
فِي مَعْدِنِهِ وَ انْقَطَعَ طَمَعُهُ أَنْ يَصِيرَ فِي دِينِ اللهِ
رَابِعًا وَ فِي أَمَانَةٍ حُمَلْنَاهَا حَاكِمًا كَرَّ عَلَى
العَاصِي بِنِ العَاصِ فَاسْتَمَالَهُ فَمَالَ إِلَيْهِ ثُمَّ
أَقْبَلَ بِهِ بَعْدَ أَنْ أَطْمَعَهُ مِصْرَ وَ حَرَامَ عَلَيْهِ
أَنْ يَأْخُذَ مِنَ الفَيءِ دُونَ قِسْمِهِ دِرْهَمًا وَ حَرَامَ

عَلَى الرَّاعِي إِبْصَالُ دِرْهَمٍ إِلَيْهِ فَوَقَّ حَقَّهُ
فَأَقْبَلَ يَخْبِطُ الْبِلَادَ بِالظُّلْمِ وَ يَطْوُهَا بِالْعَشْمِ
فَمَنْ بَايَعَهُ أَرْضَاهُ وَ مَنْ خَالَفَهُ نَاوَاهُ ثُمَّ
تَوَجَّهَ إِلَيَّ نَاكِثًا عَلَيْنَا مُغِيرًا فِي الْبِلَادِ
شَرْقًا وَ غَرْبًا وَ يَمِينًا وَ شِمَالًا وَ الْأَنْبَاءُ
تَأْتِينِي وَ الْأَخْبَارُ تَرُدُّ عَلَيَّ بِذَلِكَ فَآتَانِي
أَعُورٌ ثَقِيفٍ فَأَشَارَ عَلَيَّ أَنْ أَوْلِيَهُ الْبِلَادَ
الَّتِي هُوَ بِهَا لِأَدَارِيهِ يَمَا أَوْلِيَهُ مِنْهَا وَ فِي
الَّذِي أَشَارَ بِهِ الرَّأْيُ
فِي أَمْرِ الدُّنْيَا لَوْ وَجَدْتُ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ
فِي تَوَلِيَّتِهِ لِي مَخْرَجًا وَ أَصَبْتُ لِنَفْسِي فِي ذَلِكَ
عُذْرًا فَأَعْلَمْتُ الرَّأْيَ فِي ذَلِكَ وَ شَاوَرْتُ مَنْ
أَثِقُ بِنصيحتِهِ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لِرَسُولِهِ ﷺ وَ لِي
وَ لِلْمُؤْمِنِينَ فَكَانَ رَأْيُهُ فِي ابْنِ أَكْلَةَ
الْأَكْبَادِ كَرَأْيِي يَنْهَانِي عَنِ تَوَلِيَّتِهِ وَ يُحَذِّرُنِي
أَنْ أَدْخِلَ فِي أَمْرِ الْمُسْلِمِينَ يَدَهُ وَ لَمْ يَكُنْ اللَّهُ
لِيْرَانِي أَتَّخِذُ الْمُضِلِّينَ عَضُدًا فَوَجَّهْتُ إِلَيْهِ
أَخَا بَجِيلَةَ مَرَّةً وَ أَخَا الْأَشْعَرِيِّينَ مَرَّةً كِلَاهُمَا
رَكَنَ إِلَى الدُّنْيَا وَ تَابَعَ هَوَاهُ فِيمَا أَرْضَاهُ
فَلَمَّا لَمْ أَرَهُ أَنْ يَزْدَادَ فِيمَا انْتَهَكَ مِنْ
مَحَارِمِ اللَّهِ إِلَّا تَمَادِيًا شَاوَرْتُ مَنْ مَعِيَ مِنْ
أَصْحَابِ مُحَمَّدٍ ﷺ الْبَدْرِيِّينَ وَ الَّذِينَ ارْتَضَى
لِللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَمْرَهُمْ وَ رَضِيَ عَنْهُمْ بَعْدَ بَيْعَتِهِمْ
وَ غَيْرَهُمْ مِنْ صُلَحَاءِ الْمُسْلِمِينَ وَ التَّابِعِينَ
فَكُلُّهُ يُوَافِقُ رَأْيَهُ رَأْيِي فِي غَزْوِهِ وَ مُحَارَبَتِهِ
وَ مَنْعِهِ مِمَّا نَالَتْ يَدُهُ وَ إِنِّي نَهَضْتُ إِلَيْهِ
بِأَصْحَابِي أَنْفِذُ إِلَيْهِ مِنْ كُلِّ مَوْضِعٍ كَثِيرًا وَ
أَوْجُهُ إِلَيْهِ رُسُلِي أَدْعُوهُ إِلَى الرُّجُوعِ عَمَّا هُوَ
فِيهِ وَ الدُّخُولِ فِيمَا فِيهِ النَّاسُ مَعِيَ فَكَتَبْتُ
يَتَحَكَّمُ عَلَيَّ وَ يَتَمَنَّى عَلَيَّ الْأَمَانِيَّ وَ يَشْتَرِطُ
عَلَيَّ شُرُوطًا لَا يَرْضَاهَا اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ رَسُولُهُ وَ
لَا الْمُسْلِمُونَ وَ يَشْتَرِطُ فِي بَعْضِهَا أَنْ أَدْفَعُ
إِلَيْهِ أَقْوَامًا مِنْ أَصْحَابِ مُحَمَّدٍ ﷺ أَبْرَارًا
فِيهِمْ عَمَّارُ بْنُ يَاسِرٍ وَ أَيْنٌ مِثْلُ عَمَّارٍ وَ اللَّهُ
لَقَدْ رَأَيْتُنَا مَعَ النَّبِيِّ ﷺ وَ مَا يُعَدُّ مِنَّا
خَمْسَةٌ إِلَّا كَانَ سَادِسَهُمْ وَ لَا أَرْبَعَةٌ إِلَّا كَانَ

خَامِسَهُمْ اشْتَرَطَ دَفْعَهُمْ إِلَيْهِ لِيَقْتُلَهُمْ وَ
يُصَلِّبَهُمْ وَ انْتَحَلَ دَمَ عَثْمَانَ وَ لَعَمَرُوَ اللَّهَ مَا
أَلَبَّ عَلَى عَثْمَانَ وَ لَا جَمَعَ النَّاسَ عَلَى قَتْلِهِ
إِلَّا هُوَ وَ أَشْبَاهُهُ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ أَغْصَانِ
الشَّجَرَةِ الْمَلْعُونَةِ فِي الْقُرْآنِ فَلَمَّا لَمْ أَجِبْ
إِلَى مَا اشْتَرَطَ مِنْ ذَلِكَ كَرَّ مُسْتَعْلِيًّا فِي نَفْسِهِ
بِطُغْيَانِهِ وَ بَغْيِهِ بِحَمِيرٍ لَا عُقُولَ لَهُمْ وَ لَا
بَصَائِرَ فَمَوَّهَ لَهُمْ أَمْرًا فَاتَّبَعُوهُ وَ أَعْطَاهُمْ
مِنَ الدُّنْيَا مَا أَمَالَهُمْ بِهِ إِلَيْهِ فَنَاجَزْنَاهُمْ
وَ حَاكَمْنَاهُمْ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ بَعْدَ الْإِعْذَارِ
وَ الْإِنذَارِ فَلَمَّا لَمْ يَزِدْهُ ذَلِكَ إِلَّا تَمَادِيًّا وَ
بَغْيًا لَقِينَاهُ بِعَادَةِ اللَّهِ الَّتِي عَوَّدْنَا مِنْ
النُّصْرِ عَلَى أَعْدَائِهِ وَ عَدُونَا وَ رَايَةَ رَسُولِ
اللَّهِ ﷺ بِأَيْدِينَا لَمْ يَزَلِ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى
يَفْعَلُ حِزْبَ الشَّيْطَانِ بِهَا حَتَّى يَقْضِيَ الْمَوْتَ
عَلَيْهِ وَ هُوَ مُعَلِّمٌ رَايَاتِ أَبِيهِ الَّتِي لَمْ أَزَلْ
أُقَاتِلُهَا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فِي كُلِّ الْمَوَاطِنِ فَلَمْ
يَجِدْ مِنَ الْمَوْتِ مَنْجَى إِلَّا الْهَرَبَ فَرَكِبَ فَرَسَهُ وَ
قَلَبَ رَايَتَهُ لَا يَدْرِي كَيْفَ يَحْتَالُ فَاسْتَعَانَ
بِرَأْيِ ابْنِ الْعَاصِ فَأَشَارَ عَلَيْهِ بِإِظْهَارِ
الْمَصَاحِفِ وَ رَفَعَهَا عَلَى الْأَعْلَامِ وَ الدُّعَاءِ إِلَى
مَا فِيهَا وَ قَالَ إِنَّ ابْنَ أَبِي طَالِبٍ وَ حِزْبَهُ
أَهْلُ بَصَائِرٍ وَ رَحْمَةٍ وَ ثَقِيًّا وَ قَدْ دَعَوَكَ إِلَيَّ
كِتَابَ اللَّهِ أَوْلَا وَ هُمْ مُجِيبُونَ إِلَيْهِ آخِرًا
فَأَطَاعَهُ فِيمَا أَشَارَ بِهِ عَلَيْهِ إِذْ رَأَى أَنَّهُ لَا
مَنْجَى لَهُ مِنَ الْقَتْلِ أَوْ الْهَرَبِ غَيْرُهُ فَرَفَعَ
الْمَصَاحِفَ يَدْعُو إِلَى مَا فِيهَا بِرِزْعِمِهِ فَمَالَتْ
إِلَى الْمَصَاحِفِ قُلُوبٌ وَ مَنْ بَقِيَ مِنْ أَصْحَابِي
بَعْدَ فَنَاءِ أَخْيَارِهِمْ وَ جَهْدِهِمْ فِي جِهَادِ أَعْدَاءِ
اللَّهِ وَ أَعْدَائِهِمْ عَلَى بَصَائِرِهِمْ وَ ظَنُّوا أَنَّ ابْنَ
آكِلَةَ الْأَكْبَادِ لَهُ الْوَفَاءُ بِمَا دَعَا إِلَيْهِ
فَأَصْعَعُوا إِلَى دَعْوَتِهِ وَ أَقْبَلُوا بِأَجْمَعِهِمْ فِي
إِجَابَتِهِ فَأَعْلَمْتُهُمْ أَنَّ ذَلِكَ مِنْهُ مَكْرٌ وَ مِنْ
ابْنِ الْعَاصِ مَعَهُ وَ أَنَّهُمَا إِلَى النُّكْثِ أَقْرَبُ
مِنْهُمَا إِلَى الْوَفَاءِ فَلَمْ يَقْبَلُوا قَوْلِي وَ لَمْ
يُطِيعُوا أَمْرِي وَ أَبَوْا إِلَّا إِجَابَتَهُ كَرِهْتُ أَمْ

هَوَيْتُ شَيْئًا أَوْ أَبِيْتُ حَتَّى أَخَذَ بَعْضُهُمْ يَقُولُ
لِبَعْضٍ إِنْ لَمْ يَفْعَلْ فَأَلْجُوهُ بِإِبْنِ عَفَّانٍ أَوْ
أَذْفَعُوهُ إِلَى ابْنِ هِنْدٍ بِرُمَّتِهِ فَجَهَدْتُ عَلِيمَ اللَّهِ
جَهْدِي وَلَمْ أَدْعُ غَلَّةً فِي نَفْسِي إِلَّا بَلَّغْتُهَا فِي
أَنْ يُخْلُونِي وَرَأَيْي فَلَمْ يَفْعَلُوا وَرَاوَدْتُهُمْ
عَلَى الصَّبْرِ عَلَى مِقْدَارِ فُوقِ النَّاقَةِ أَوْ
رَكُضَةِ الْفَرَسِ فَلَمْ يُجِيبُوا مَا خَلَا هَذَا الشَّيْخَ
وَ أَوْمَأَ بِيَدِهِ إِلَى الْأَشْتَرِ وَ عُضْبَةَ مِنْ أَهْلِ
بَيْتِي فَوَلَّى اللَّهُ مَا مَنَعَنِي أَنْ أَمْضِيَ عَلَى بَصِيرَتِي
إِلَّا مَخَافَةَ أَنْ يُقْتَلَ هَذَانِ وَ أَوْمَأَ بِيَدِهِ إِلَى
الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ عليهما السلام فَيَنْقَطِعَ نَسْلُ رَسُولِ
اللَّهِ صلوات الله وسلاماته عليه وَ ذُرِّيَّتُهُ مِنْ أُمَّتِهِ وَ مَخَافَةَ أَنْ يُقْتَلَ
هَذَا وَ هَذَا وَ أَوْمَأَ بِيَدِهِ إِلَى عَبْدِ اللَّهِ بْنِ
جَعْفَرٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَنَفِيَّةِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا
فَأِنِّي أَعْلَمُ لَوْ لَا مَكَانِي لَمْ يَقِفَا ذَلِكَ
الْمَوْقِفَ فَلِذَلِكَ صَبَرْتُ عَلَى مَا أَرَادَ الْقَوْمُ مَعَ
مَا سَبَقَ فِيهِ مِنْ عِلْمِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَلَمَّا رَفَعْنَا
عَنِ الْقَوْمِ سُيُوفَنَا تَحَكَّمُوا فِي الْأُمُورِ وَ
تَخَيَّرُوا الْأَحْكَامَ وَ الْأَرَءَاءَ وَ تَرَكَوْا الْمَصَاحِفَ
وَ مَا دَعَوْا إِلَيْهِ مِنْ حُكْمِ الْقُرْآنِ وَ مَا كُنْتُ
أَحْكَمُ فِي دِينِ اللَّهِ أَحَدًا إِذْ كَانَ التَّحْكِيمُ فِي
ذَلِكَ الْخَطَأِ الَّذِي لَا شَكَّ فِيهِ وَ لَا امْتِرَاءَ
فَلَمَّا أَبَوْا إِلَّا ذَلِكَ أَرَدْتُ أَنْ أَجْكَمَ رَجُلًا مِنْ
أَهْلِ بَيْتِي أَوْ رَجُلًا مِمَّنْ أَرْضَى رَأْيَهُ وَ عَقْلَهُ وَ
أَثِقُ بِنُصِيحَتِهِ وَ مَوَدَّتِهِ وَ دِينِهِ وَ أَقْبَلْتُ لَا
أَسْمَى أَحَدًا إِلَّا امْتَنَعَ مِنْهُ ابْنُ هِنْدٍ وَ لَا
أَدْعُوهُ إِلَى شَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ إِلَّا أَدْبَرَ عَنْهُ وَ
أَقْبَلَ ابْنَ هِنْدٍ يَسُومُنَا عَسْفًا وَ مَا ذَاكَ إِلَّا
بِاتِّبَاعِ أَصْحَابِي لَهُ عَلَى ذَلِكَ فَلَمَّا أَبَوْا إِلَّا
غَلَبَتِي عَلَى التَّحْكَمِ تَبَرَّأْتُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ
مِنْهُمْ وَ فَوَّضْتُ ذَلِكَ إِلَيْهِمْ فَقَلَدُوهُ امْرَأً
فَخَدَعَهُ ابْنُ الْعَاصِ خَدِيعَةً ظَهَرَتْ فِي شَرْقِ الْأَرْضِ
وَ غَرِبَهَا وَ أَظْهَرَ الْمَخْدُوعَ عَلَيْهَا نَدْمًا ثُمَّ
أَقْبَلَ عليهما السلام عَلَى أَصْحَابِهِ فَقَالَ أَلَيْسَ كَذَلِكَ
قَالُوا بَلَى يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فَقَالَ عليهما السلام وَ
أَمَّا السَّابِغَةُ يَا أَخَا الْيَهُودِ فَإِنَّ رَسُولَ

اللَّهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ عَهْدَ إِلَيَّ أَنْ أَقَاتِلَ فِي آخِرِ
 الزَّمَانِ مِنْ أَيَّامِي قَوْمًا مِنْ أَصْحَابِي يَصُومُونَ
 النَّهَارَ وَ يَقُومُونَ اللَّيْلَ وَ يَتْلُونَ الْكِتَابَ
 يَمْرُقُونَ بِخِلَافِهِمْ عَلَيَّ وَ مُحَارَبَتِهِمْ إِيَّايَ مِنْ
 الدِّينِ مُرُوقَ السَّهْمِ مِنَ الرَّمِيَّةِ فِيهِمْ ذُو
 الثَّدْيَةِ يُخْتَمُ لِي بِقَتْلِهِمْ بِالسَّعَادَةِ فَلَمَّا
 انصرفت إلى موضعي هذا يعنى بعد الحكمين
 أقبل بعض القوم على بعض باللائمة فيما
 صاروا إليه من تحكيم الحكمين فلم يجدوا
 لأنفسهم من ذلك مخرجاً إلا أن قالوا كان
 ينبغى لإميرنا أن لا يبايع من أخطأ و أن
 يقضي بحقيقة رأيه على قتل نفسه و قتل من
 خالفه منا فقد كفر بمتابعتيه إيانا و
 طاعته لنا في الخطأ و أحل لنا بذلك قتله
 و سفك دمه فتجمعوا على ذلك و خرجوا
 راكبين رؤوسهم ينادون بأعلى أصواتهم لا
 حكم إلا لله ثم تفرقوا فرقة بالنجيلة و
 أخرى بحروراء و أخرى راكبة رأسها تخيط
 الأرض شرقاً حتى عبرت دجلة فلم تمر بمسلم
 إلا امتحنته فمن تابعتها استحيته و من
 خالفها قتلته فخرجت إلى الأوليين واجدة
 بعد أخرى أذعوهن إلى طاعة الله عز و جل و
 الرجوع إليه فأبيا إلا السيف لا يقنعهما
 غير ذلك فلما أعييت الحيلة فيهما
 حاكمتهما إلى الله عز و جل فقتل الله هذه و
 هذه و كانوا يا أبا اليهود لو لا ما
 فعلوا لكانوا ركناً قوياً و سداً منيعاً
 فأبى الله إلا ما صاروا إليه ثم كتبت إلى
 الفرقة الثالثة و وجهت رُسُلي تترى و
 كانوا من جلة أصحابي و أهل التَّعبُدِ منهم
 و الزُّهدِ في الدنيا فأبت إلا اتباع أختيها
 و الإختداء على مثالهما و
 أسرعت في قتل من خالفها من المسلمين و
 تتابعت إلي الأخبار يفعلهم فخرجت حتى
 قطعت إليهم دجلة أوجه السفراء و النصحاء
 و أطلب العُتبي بجهدي بهذا مرة و بهذا
 مرة و أوما بيده إلى الأشتر و الأحنف بن

قَيْسٍ وَ سَعِيدِ بْنِ قَيْسِ الْأَرْحَبِيِّ وَ الْأَشْعَثِ بْنِ
 قَيْسِ الْكِنْدِيِّ فَلَمَّا أَبَوْا إِلَّا تِلْكَ رَكِبَتْهَا
 مِنْهُمْ فَكَتَلَهُمُ اللَّهُ يَا أَخَا الْيَهُودِ عَنْ آخِرِهِمْ وَ
 هُمْ أَرْبَعَةُ آلَافٍ أَوْ يَزِيدُونَ حَتَّى لَمْ يُفْلِتْ
 مِنْهُمْ مُخَبِّرٌ فَاسْتَخْرَجَتْ ذَا الثَّدْيَةِ مِنْ قَتْلَاهُمْ
 بِحَضْرَةِ مَنْ تَرَى لَهُ ثَدْيِي كَثْدِي الْمَرْأَةِ ثُمَّ
 التفت ﷺ إلى أصحابه فقال أليس كذلك
 قالوا بلى يا أمير المؤمنين - فقال ﷺ قد
 وقيت سبعا و سبعا يا أخا اليهود و بقيت
 الأخرى و أوشك بها فكان قد فبكي أصحاب
 علي ﷺ و بكى رأس اليهود و قالوا يا أمير
 المؤمنين أخبرنا بالأخرى فقال الأخرى أن
 تخضب هذه و أوما بيده إلى لحيته من هذه
 و أوما بيده إلى هامته قال و ارتفعت
 أصوات الناس في المسجد الجامع بالضجة و
 البكاء حتى لم يبق بالكوفة دار إلا خرج
 أهلها فرعا و أسلم رأس اليهود على يدي
 علي ﷺ من ساعته و لم يزل مقيما حتى قتل
 أمير المؤمنين ﷺ و أخذ ابن ملجم لعنه الله
 فأقبل رأس اليهود حتى وقف على الحسن ﷺ و
 الناس حوله و ابن ملجم لعنه الله بين يديه
 فقال له يا أبا محمد أقتله قتله الله فأبى
 رأيت في الكتيب التي أنزلت على موسى ﷺ أن
 هذا أعظم عند الله عز و جل جرما من ابن آدم
 قاتل أخيه و من القدار عاقير ناقة ثمود

۵۸ - امام باقر ﷺ فرمود: چون امیر
 المؤمنین از جنگ نهروان بازگشت در مسجد
 کوفه نشسته بود که رئیس یهودیان بحضورش
 آمد و عرض کرد یا امیر المؤمنین خبرهائی
 را میخواهم از شما بپرسم که جز پیغمبر و
 یا وصی پیغمبر کسی نتواند پاسخ آنها را
 بدهد حال چنانچه اجازه میفرمائید بپرسم
 و گر نه صرف نظر نمایم. فرمود: برادر
 یهودی هر چه میخواهی بپرس عرض کرد: ما
 در کتاب خود چنین یافته ایم که خدای عز و

جل چون پیغمبری برانگیزد با و وحی میفرماید که از میان افراد خاندان خود کسی را که بتواند پس از وی کار امت را بدست گیرد اختیار کند و از امت خود عهد و پیمان بگیرد که پس از او بر سر پیمان باشند و طبق عهدی که بسته اند رفتار کنند و خدای عز و جل جانشینان پیغمبر را در زمان حیات پیغمبران آزمایش میفرماید و پس از وفات پیغمبران نیز آزمایش میفرماید مرا آگاه بفرما که آزمایش جانشینان پیغمبران چند بار است و پس از وفاتشان چند بار و اگر جانشینان پیغمبران در آزمایش مورد رضایت خداوند شدند سرانجام کارشان بکجا خواهد کشید؟

حضرت فرمود: بحق خدائی که یکتا است و دریا را برای بنی اسرائیل شکافت و توراة و انجیل را بر موسی و عیسی فرو فرستاد اگر جواب سؤال تو را درست گفتم اعتراف خواهی کرد که درست میگویم؟

عرض کرد: آری. فرمود: بحق خدائی که دریا را برای بنی اسرائیل شکافت و توراة را بر موسی فرو فرستاد اگر پاسخ پرسش تو را گفتم اسلام را خواهی پذیرفت؟
عرض کرد: بلی.

علی علیه السلام فرمود: خدای عز و جل جانشینان پیغمبران را تا پیغمبران زنده اند در هفت مقام آزمایش میفرماید تا فرمانبرداری آنان را بیازماید و چون اطاعتشان و نتیجه آزمایششان رضایت بخش شد به پیغمبران دستور میدهد که تا زنده اند آنان را دوست خود گیرند و پس از مرگ هم جانشین خود قرار دهند و همه امتهایی را که اطاعت پیغمبر را لازم می‌شمرند بر اطاعت جانشینان الزام کنند.

سپس جانشینان را پس از آنکه پیغمبران بدرود حیات گفتند در هفت مقام آزمایش میفرماید تا پایه شکیبائی آنان را

بیازماید و چون آزمایش رضایت بخش شد سرانجام آنان را سعادت و نیک بختی قرار دهد تا با کمال خوشبختی به پیغمبران ملحقشان سازد.

رئیس یهودیان گفت: ای امیر مؤمنان درست فرمودی اکنون بفرما تا بدانم خداوند تو را در زمان حیات پیغمبر چند بار آزمایش فرمود و پس از وفات آن حضرت چند بار و سرانجام کار تو چه خواهد شد؟
علی علیه السلام دست یهودی را گرفته و فرمود: برخیز با هم برویم تا ترا از این موضوع آگاه کنم

جمعی از یاران علی نیز برخاستند و عرض کردند یا امیر المؤمنین ما را نیز در این افتخار با یهودی شریک فرمائید. فرمود: میترسم که دلهای شما تاب تحمل آن را نداشته باشد، عرض کردند: برای چه یا امیر المؤمنین؟ فرمود: بخواطر کارهائی که از بیشتر شماها سر زده است.

در زمان حیات پیغمبران در هفت مقام آزمایش فرمود و پس از وفات مالک اشتر برخاست و عرض کرد یا امیر المؤمنین ما را نیز آگاه بفرمائید که بخدا قسم ما بطور محقق میدانیم که در روی زمین بجز تو وصی پیغمبری وجود ندارد و ما را مسلم است که خداوند پس از پیغمبر پیغمبری دیگر نخواهد فرستاد و گردنهای ما برای فرمان تو و فرمان پیغمبر ما محمد بیک ریسمان اطاعت بسته شده است.

علی علیه السلام نشست و رو بیهودی کرده و فرمود: ای برادر یهود همانا خدای عز و جل در زمان حیات پیغمبر مرا در هفت مورد آزمایش فرمود: نه از باب خودستائی میگویم بلکه نعمتی از خداوند بود که در همه این موارد مرا فرمانبردار یافت، عرض

کرد در کدام و کدام مورد یا امیر المؤمنین؟ فرمود:

اما نخستین مورد آن بود که خداوند عز و جل پیغمبر ما را بمقام وحی آشنا فرمود و بار رسالت بر دوش او نهاد و من در آن وقت کم سن ترین افراد خانواده ام بودم که در خانه پیغمبر بخدمتش می‌پرداختم و کارهای آن حضرت را انجام میدادم پیغمبر کوچک و بزرگ خاندان عبد المطلب را خواست که بیگانگی خداوند و رسالت پیغمبر گواهی دهند همه از این گواهی خودداری نموده و پیشنهادش را انکار کردند و از او کناره گرفتند و او را رها نموده و ترکش نمودند و از وی دوری جستند و دیگر مردم نیز از آن حضرت دوری نموده و بر مخالفتش برخاستند که پیشنهاد حضرتش را چون تاب نمی‌آوردند و عقلهایشان درک نمیکرد بزرگ شمردند تنها من بودم که دعوت رسول خدا ﷺ را شتابانه اطاعت کردم و بدون اینکه شك و تردیدی بدل راه دهم یقین بر حق بودنش داشتم سه سال بهمین منوال بودیم و در روی زمین مخلوقی نبود که نماز بگذارد و احکام الهی را که به رسول خدا ﷺ رسیده بود به پذیرد بجز من و دختر خویلد که خدایش رحمت کند و حتما مشمول رحمت الهی است سپس رو بیاران فرموده پرسید مگر چنین نبود؟ همه عرض کردند چرا یا امیر المؤمنین چنین بود آنگاه فرمود:

اما مورد دوم ای برادر یهود قریش همیشه برای کشتن پیغمبر رأیها میدادند و حيله‌ها بکار میبردند تا آنکه در یوم الدار در آخرین جلسه‌ای که در دار الندوة نمودند و ابلیس ملعون که در قیافه مردی يك چشم از ثقیف:

(مغیره بن شعبه) در آن مجلس شرکت کرده بود پشت و روی کار را بدقت ملاحظه

میکردند تا آنکه باتفاق آراء تصمیم گرفتند که از هر تیره‌ای از قریش يك نفر نماینده دعوت شود و همگی با شمشیرهای کشیده بيك بار بر پیغمبر حمله کنند و خونس را بریزند و چون چنین کنند قریش بحمايت نمايندگان خود قاتلین را تسليم اولیاء مقتول کنند و در نتیجه خون پیغمبر پایمال شود چون این تصمیم را گرفتند جبرئیل فرود آمد و پیغمبر را از جریان آگاه کرد و شبی را که بنا بر اجتماع بود و ساعتی را که تصمیم داشتند بر بستر خواب پیغمبر حمله کنند خبر داد و دستور داد که در ساعت معینی بیرون شود و در غار پنهان گردد رسول خدا ﷺ مرا در جریان گذاشت و دستور فرمود که من در بستر او بخوابم و با این فداکاری جان او را نگهداری کنم من شتاب زده از فرمانش اطاعت نمودم و شاد و خرسند بودم که بجای پیغمبر کشته شوم پیغمبر براه خویش رفت و من در بستر او خوابیدم مردان قریش در حالی که پیش خود یقین داشتند که پیغمبر کشته خواهد شد روی بمن آوردند همین که بخانه من رسیدند با شمشیرم در برابر آنان مقاومت نمودم و آنان را از خود دور ساختم چنانچه خدا و مردم میدانند.

سپس روی بیاران کرده و فرمود: مگر نه چنین است؟ عرض کردند چرا، یا امیر المؤمنین سپس فرمود:

و اما سومین مورد ای برادر یهود آن بود که دو فرزند ربیعہ و پسر عتبہ که پهلوان قریش بودند در روز جنگ بدر برای خود مبارز طلبیدند و هیچ کس از قریش بمیدان مبارزه آنان قدم نگذاشت رسول خدا ﷺ مرا و دو رفیقم (حمزه و عبیده) را بجنگ آنان روانه کرد این مأموریت را هنگامی بمن ارجاع فرمود که من از همه

رفقایم در سن کوچکتر و در جنگ کم تجربه‌تر بودم خدای عز و جل بدست من ولید و شیبۀ را بکشت غیر از افسران درجه‌دار قریش که آن روز نتیجه کار من از همه رفقایم بیشتر بود و پسر عمویم (عبیدة بن حرث) در همان روز کشته شد خدایش رحمت کند.

سپس رو باصحاب خود کرده و فرمود: آیا این طور نبود؟ همه گفتند: چرا؟ یا امیر المؤمنین، سپس فرمود:

و اما چهارمین مورد، ای برادر یهود آن بود که مردم مکه تا آخرین نفر بر ما هجوم آورده و همگی قبائل عرب و قریش را که بفرمان‌شان بود بر ما شورانیدند تا خون مشرکین قریش را که بر روز بدر کشته شده بودند از ما بازستانند.

جبرئیل بر پیغمبر فرود آمد و از جریان آگاهش نمود، پیغمبر با افراد نظامی خود دره احد را سنگر ساخت.

مشرکین پیش آمدند و یکباره بر ما تاختند افرادی از مسلمانان کشته شد و آنان که زنده ماندند با شکست مواجه شدند، تنها من با رسول خدا ﷺ ماندم و مهاجر و انصار همه بخانه‌های خود در مدینه باز گشتند و هر کس میگفت پیغمبر و یارانش همگی کشته شدند.

سپس خدای عز و جل جلوی پیشرفت مشرکین را گرفت و من که در پیشاپیش رسول خدا ﷺ بودم هفتاد و چند زخم برداشتم که از جمله اینهاست:

در این موقع امیر المؤمنین ردای خود را بیفکند و دست بر جای زخمها کشیده و آنها را نشان داد و فرمود آن روز خدمتی از من سر زد که ان شاء الله پاداش خدمتم بر خدا است سپس روی باصحاب کرده و فرمود:

چنین نبود؟ عرض کردند: چرا یا امیر المؤمنین. سپس فرمود:

و اما مورد پنجم ای برادر یهود آن بود که قریش و عرب گرد هم آمده و با يك ديگر قرار داد و پیمان بستند که باز نگردند تا آنکه رسول خدا ﷺ را با همه افراد خاندان عبد المطلب که در خدمتش بودند بکشند.

سپس با شدت و ساز و برگ جنگ خود آمدند تا در مدینه نزدیک ما بار گرفتند و پیش خود اطمینان داشتند که به هدف خویش خواهند رسید.

جبرئیل عليه السلام فرود آمد و حضرتش را از جریان آگاه گردانید حضرت برگرد خود و مهاجر و انصار که در خدمتش بودند خندق زد قریش پیش آمده و گرداگرد خندق را اردو ساخته و ما را محاصره نمودند او خود را نیرومند و ما را ناتوان میدید رعد آسا میگرید و برق آسا میدرخشید رسول خدا ﷺ آنان را بسوی خدا میخواند و بخویشاوندی و رحم سوگندشان میداد و آنان از تسلیم شدن خودداری نمی نمودند و بیش از پیش سرکشی مینمودند قهرمان عرب و قریش آن روز عمرو بن عبد وّد بود که مانند شتر مست فریاد میکشید و مبارز می طلبید و رجز می خواند يك بار با نیزه خود اعلام خطر میکرد و بار دیگر با شمشیرش هیچ کس را نه جراتی بود که به مبارزه اش اقدام کند یا در وی طمعی به بندد و نه غیرتی که او را برانگیزد و نه بینشی که دل را قوی دارد رسول خدا ﷺ مرا برای مبارزه اش از جا بلند کرد و با دست مبارك خود عمامه بر سرم بست (این هنگام امیر المؤمنین دست بذوالفقار گرفته و فرمود) همین شمشیر را که تعلق بآن حضرت داشت بمن عطا فرمود من برای نبرد با عمرو بیرون شدم

در حالی که زنان مدینه را از نبرد با عمرو بر من دل می‌سوخت و اشک میریختند خدای عز و جل او را بدست من کشت با اینکه عرب را عقیده این بود که هیچ پهلوانی با عمرو برابری نتواند کرد در این وقت علی عَلَيْهِ السَّلَام با دست به فرق سر اشاره نموده و فرمود این ضربت را عمرو بر سر من زد خداوند در اثر این مبارزه و پیروزی من قریش و عرب را شکست داد. سپس روی بیاران کرده و فرمود، چنین نبود؟ گفتند: چرا، چنین بود یا امیر المؤمنین.

و اما در مورد ششم ای برادر یهود ما در رکاب رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به خیبر (شهرستان رفیقان تو) بر مردانی از یهود و پهلوانانی که از قریش و دیگران آنجا بودند تاختیم افراد دشمن از سواره نظام و پیاده که همه با ساز و برگ کامل مجهز بودند مانند کوههای محکم در برابر ما ایستادند دشمن با افراد زیادی که داشت در محکمترین جایگاهها سنگر گرفته بود هر يك از آنان فریاد میزد و مبارز می‌خواست و بر جنگ پیشدستی میکرد هیچ کس از همراهان من به نبرد آنان نرفت مگر اینکه او را کشتند تا آنکه چشمها چون کاسه خون شده و فریاد جنگ برخواست و هر کس به فکر جان خود بود همراهان من بیکدیگر متوجه شده و همه بیک زبان روی بمن کرده و میگفتند ای ابا الحسن ای ابا الحسن برخیز تا آنکه رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مرا فرمان داد که برخیزم و بر سنگر دشمن حمله کنم پس از صدور فرمان حمله هر کس با من روبرو شد او را کشتم و هر پهلوانی بر من حمله کرد خردش کردم سپس همچون شیری که شکار خود را بدرد آنان را از هم شکافتم و با فشار حمله مجبورشان کردم تا داخل

شهر عقبنشینی کنند پس در قلعه آنان را با دست خود از جای برکندم و یگه و تنها بمیان قلعه رفتم هر مردی که بیرون می‌آمد او را می‌کشتم و هر زنی را که میدیدم اسیرش میکردم تا آنکه به تنهائی فاتح و پیروز شدم و جز تنها خداوند کسی با من کمک نکرد.

سپس رو به اصحابش کرده و فرمود: مگر چنین نبود؟ عرض کردند: چرا، یا امیر المؤمنین.

و اما مورد هفتم ای برادر یهود هنگامی که رسول خدا ﷺ متوجه فتح مکه شد خواست که جای عذری برای آنان باقی نگذارد و برای آخرین بار آنان را بخدای عز و جل دعوت فرماید هم چنان که از روز نخست دعوت میفرمود نامه‌ای برای آنان نوشت و در نامه آنان را از مخالفت تهدید نموده و از عذاب الهی ترسانید وعده گذشت بآنان داد و به‌آمزش خداوند امیدوارشان کرد و در پایان نامه سوره برائت را برای آنان نوشت تا کسی برای آنان بخواند سپس بردن نامه را بهمه اصحاب پیشنهاد کرد همگی سر سنگین بودند رسول خدا ﷺ چون چنین دید مردی را فراخواند و نامه را بوسیله او فرستاد جبرئیل بخدمتش رسید و عرض کرد یا محمد جز خودت یا کسی که از خاندان تو باشد این مأموریت را انجام نتواند داد رسول خدا ﷺ مرا از این وحی آگاه فرمود و مرا با نامه و پیام بسوی مردم مکه روانه ساخت من بمکه رسیدم مردم مکه را شما خوب میشناسید يك نفر از آنان نبود مگر اینکه اگر میتوانست هر پاره از گوشت مرا بالای کوهی بگذارد میکرد گر چه این کار بقیمت از دست رفتن جان و خاندان و اولاد و مالش باشد من پیام رسول خدا ﷺ را بر آنان رسانیدم و نامه‌اش را بر

آنان خواندم همگی با تهدید و وعده‌های سخت بمن جواب دادند و خشم و کینه بر من ابراز میکردند و دیدید که من چه کردم سپس روی باصحاب کرده و فرمود: چنین نبود؟ همه گفتند: چرا یا امیر المؤمنین. پس فرمود ای برادر یهود اینها مواردی بود که پروردگار من در آنها مرا با پیغمبر خود آزمایش فرمود و در همه آن موارد با منتی که بر من دارد فرمانبردارم یافت و افتخاراتی که در این مواقع مرا نصیب گردید هیچ کس را نصیب نشد.

اگر میخواستم آن افتخارات را باز گو کنم میکردم ولی خدای عز و جل از خودستائی نهی فرموده است همه گفتند: بخدا قسم راست فرمودید زیرا خداوند عز و جل فضیلت خویش با پیغمبر ما را بتو عطا فرموده است و با برادری آن حضرت سعادت‌مندت فرمود همچون هرون به برادری موسی و در این موقعیت‌ها که تو قرار داشتی و هراس‌هایی که بجان خویش خریدی خداوند تو را برتری داد و بیش از آنکه خود بفرمائی خداوند در باره تو فرموده است که هیچ کس از مسلمانان چنین فضیلتی را ندارند آنان که تو را با پیغمبر ما و پس از وفات آن حضرت دیده‌اند همگی در باره تو بر این عقیدت‌اند اکنون بفرما بدانیم آزمایش‌هایی را که خداوند عز و جل پس از رحلت پیغمبر ما از تو کرد و تو تحمل نموده و شکیبا بودی و اگر بخواهیم ما خود توانیم شرحش دهیم که میدانیم و شاهد جریان بودیم ولی دوست داریم که همین را نیز از زبان خود شما بشنویم همان طور که آزمایش‌های دوران حیات رسول خدا ﷺ را شنیدیم و فرمانبرداری شما را دانستیم.

فرمود: ای برادر یهود خدای عز و جل پس از رحمت پیغمبرش در هفت مورد مرا آزمایش نمود

و بدون آنکه خودستائی نموده باشم از منت و نعمتی که بر من روا داشت مرا شکیبا یافت. اما مورد اول ای برادر یهود من از عموم مسلمانان با هیچ کس بطور خصوصی نه انسی داشتم و نه مورد اعتماد بود و نه مستقیماً همرازم بود و نه نزدیکش میرفتم جز رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که از کودکی مرا در دامن خود پروراند و در دورانی که بزرگ شدم مرا منزل و مأوا داد و مصارف مرا متحمل گردید و از یتیمی نجاتم بخشید با وجود حضرتش من از اینکه پی‌کاری گیرم و یا کسی نمایم بی‌نیاز بودم هزینه زندگی خودم و اولادم بعهدہ آن حضرت بود اینها بهره‌هایی بود که من از جهت دنیا از آن حضرت بهره‌مند شدم علاوه بر استفاده‌های معنوی که در جوار حضرتش مخصوص خودم بود و درجاتی نصیبم شد که بمقامات بلندی در درگاه خداوندی نائل آمدم چون رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم وفات کرد آن چنان غم و اندوه بر دل من فرو ریخت که اگر کوهها آن بار غم را بر دوش می‌گذاشتند گمان ندارم که میتوانستند کشید خانواده من که در این مصیبت سخت بی‌تابی میکردند و طاقت از دست داده بودند و خودداری نمیتوانستند و تاب کشیدن این بار گران را نداشتند دامن صبر از دستشان رفته و هوش از سرشان رمیده بود نه خود چیزی میفهمیدند و نه از دیگری سخنی می‌شنیدند و دیگران که از خانواده عبدالمطلب نبودند یا مصیبت‌زدگان را تسلیت میدادند و امر بصبر مینمودند و یا با هم ناله بودن و بی‌تابی کردن خاندان مصیبت زده را یاری میکردند تنها من بودم که در برابر

فاجعه فوت پیغمبر عنان صبر از دست ندادم و راه خویش در پیش گرفته بمأموریتی که داشتم در زمان حیات پیغمبران در هفت مقام آزمایش فرمود و پس از وفات پرداختم جنازه حضرتش را برداشتم و غسل دادم و حنوط کردم و کفن نموده و نماز بر آن خواندم و پیکرش را بخاک سپردم و به جمع نمودن قرآن و دستورات الهی نسبت بخلق سرگرم بودم نه ریزش اشک مرا از انجام این وظیفه بازداشت و نه ناله جان سوز و نه سوزش دل و نه بزرگی مصیبت تا آنکه حقی را که از خدای عز و جل و رسولش بر خود لازم میدیدم ادا کردم و مأموریتم را انجام دادم و با بردباری و دور اندیشی کامل متحمل وظیفه خود شدم.

سپس رو باصحاب کرده و فرمود: این طور نبود؟ هم گفتند: چرا یا امیر المؤمنین پس فرمود:

و اما مورد دوم ای برادر یهود رسول خدا ﷺ هنگامی که هنوز زنده بود ریاست همه امت را بمن واگذار نموده و از همه آنان که حضور داشتند بیعت گرفت که بدستورات من گوش فرا دهند و اوامر مرا گردن نهند و دستور داد که حاضرین بغایبین برسانند من بودم که تا در حضور رسول خدا ﷺ بودم دستورات آن حضرت را بدیگران ابلاغ مینمودم و چون بسفر میرفتم فرمانده افرادی بودم که در رکاب من بودند هرگز بخواطرم خطور نمیکرد که در دوران حیات رسول خدا ﷺ و پس از وفات آن حضرت کسی را در کوچکترین کاری یارای مخالفت با من باشد با این همه رسول خدا ﷺ دستور فرمود لشکری در رکاب اسامه بن زید ترتیب داده شود با اینکه بیماری مرگ گریبان آن حضرت را گرفته بود از عربزادگان و طائفه اوس و خزرج و دیگران

که بیم آن میرفت بیعت مرا بشکنند و با من به ستیزه برخیزند و یا بخوابند و یا من پدر و یا فرزند و یا فامیل و یا دوستش را کشته بودم با دیده دشمنی بمن نگاه میکرد کسی نماند مگر اینکه به همراه این لشکر کرد حتی از مهاجرین و انصار و مسلمانان دیگر که سست عقیده بودند و منافقین همه را بزیر پرچم اسامه کرد تا مگر يك دسته مردمان پاکدل در حضور آن حضرت بمانند و از کسی سخنی ناهنجار شنیده نشود و در خلافت و زمامداری رعیت پس از پیغمبر کسی را با من سر مخالفت نباشد.

سپس آخرین کلامی که در باره کار امت فرمود این بود که دستور داد لشکر اسامه حرکت کند و هیچ کس از افراد زیر پرچم حق بازگشت ندارد و دستور اکید در این باره صادر فرمود و تا آنجا که ممکن بود نسبت با اجرای این دستور تأکید فرمود.

ولی همین که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم وفات فرمود من ناگهان دیدم که عده ای از افراد زیر پرچم اسامه بن زید پادگان نظامی خود را ترک گفته و از محل خدمت سر باز زده و دستور رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم را که فرموده بود در رکاب فرمانده خودشان باشند و با پرچم او به هر جا که برود همراه باشند تا به مقصدی که در پیش دارند برسند زیر پا گذاشته اند فرمانده لشکر را در اردوگاه تنها گذاشته و سواره و شتابان بازگشته اند تا رشته بیعتی را که خدا و رسولش بگردن آنان بسته باز کنند و باز گردند و تا پیمانی را که با خدا و رسولش داشتند بشکنند و شکستند و با هو و جنجال و آراء خصوصی پیمانی برای خود بستند بدون اینکه با يك نفر از ما بنی عبد المطلب مشورتی بکنند و یا يك نفر از ما

رأى موافق داشته باشد و یا از من بخواهند تا بیعتی را که در گردن آنان دارم پردازم من که سرگرم تجهیز جنازه رسول خدا ﷺ بودم و از همه جا غافل، زیرا مهمتر از هر کاری در نظر من تجهیز رسول خدا ﷺ بود و زودتر از هر چیزی می‌بایست انجام پذیرد.

اینان از این فرصت استفاده نموده و نقشه خود را عملی نمودند ای برادر یهود در چنین موقعی که من بزیر بار مصیبتی بآن سنگینی و فاجعه‌ای بآن عظمت قرار داشتم و کسیرا از دست داده بودم که بجز خداوند هیچ چیز تسلی بخش دل غمدیده من نبود.

این گونه رفتار با من نمکی بود که بر زخم دل من پاشیده شد ولی من دامن صبر از دست ندادم

و بر این مصیبتی که بلافاصله و بدنبال گرفتاری پیش رسید شکیبا شدم. سپس روی باصحاب کرده فرمود: مگر چنین نبود؟ عرضکردند، چرا؟ یا امیر المؤمنین.

(و اما مورد سوم:) ای برادر یهود کسی که پس از پیغمبر برای خلافت بپا خواست همه روزه که مرا میدید از من عذر خواهی میکرد و بر خلاف آنچه حق مرا غصب کرده و بیعت مرا شکسته با من رفتار میکرد و از من حلالیت میخواست که او را بحل سازم من با خود میگفتم خلافت چند روزه او میگذرد و سپس حقی که خداوند برای من قرار داده است به آسانی بمن باز میگردد بدون اینکه در اسلام نو بنیاد و نزدیک بزمان جاهلیت حادثه ایجاد نموده و در مطالبه حق خویش نزاعی براه اندازم تا یکی بصدای من جواب مثبت دهد و دیگری پاسخ منفی و در نتیجه کار منازعه از گفتگو گذشته و بمرحله عمل درآید و مخصوصا که جمعی از خواص اصحاب

پیغمبر را که بخوبی میشناختم و خیر خواه خدا و رسول و قرآن و اسلام بودند پنهان و آشکار بنزد من در رفت و آمد بودند و مرا دعوت میکردند که حق خود را باز پس بگیرم و آمادگی خود را برای فداکاری در راه ادای بیعتی که از من بگردن آنان بود اعلام میکردند من میگفتم آرام باشید و اندکی صبر کنید شاید خداوند بدون جنگ و خونریزی و به آسانی حق از دست رفته مرا بمن باز گرداند که پس از وفات پیغمبر بسیاری از مردم به شك افتادند و افراد ناهلی بخلاف طمع بستند و هر قبیله ای میگفت که باید فرماندار از ما انتخاب شود و هدف مشترك همه این بود که زمام امر بدست من نباشد چون عمر زمامداری اولی به آخر رسید و مرگش فرا رسید زمام کار را پس از خود بدست رفیقش سپرد.

این هم مانند گذشته گرفتاری دیگری برای من شد و دوباره حقی که خداوند برای من قرار داده

بود از من گرفته شد. باز از اصحاب پیغمبر که بعضی از آنان هم اکنون زنده اند و بعضی مرده اند گرد من جمع شدند و همان را گفتند که در جریان مشابه قبلی گفته بودند و من نیز از گفتار پیشین خود تعدی نکردم و آنان را بصبر و آرامش و یقین دعوت کردم که میترسیدم مبادا اجتماعی تباه شود که رسول خدا ﷺ با سیاستی عمیق آن را تشکیل داده گاهی بنرمی و گاهی بدرستی و گاهی به بخشش و گاهی با شمشیر تا آنجا که مردم در حال حمله و گریز بودند و شکمهایشان سیر و سیرآب بودند همگی لباس و فرش و رو انداز داشتند ولی با خانواده پیغمبر در اطاقهای بیسقف زندگی میکردیم و در و پیکر خانه های ما از شاخه های خرما و مانند آن بود نه فرشی داشتیم و نه رو

اندازی بیشتر افراد خانواده فقط يك جامه داشتند که بنوبت از آن استفاده میکردند و غالباً شبها و روزها را با گرسنگی بسر می‌بردند و گاهی هم که از غنائم جنگی آنچه را خداوند مخصوص ما قرار داده بود و دیگری حق استفاده از آن را نداشت بدست ما رسید.

رسول خدا ﷺ ثروتمندان و ارباب نعمت را به منظور دلجوئی از آنان بر ما مقدم میداشت و خمسه را به آنان میداد يك چنین اجتماعی را که رسول خدا ﷺ با این خون دل فراهم آورد من از همه سزاوارتر بودم که نگذارم از هم بپاشد و براهی نکشانم که روی نجات نه بینند و تا پایان عمر گرفتار باشند و من اگر آن روز خود را کاندید خلافت میکردم و مردم را بیاری خویش نمیخواندم مردم در باره من یکی از دو کار را میکردند یا پیروی از من میکردند و با مخالفین میجنگیدند و اگر عده‌شان کم بود طبعاً کشته میشدند و یا مردمی از یاری من سرباز میزد و بواسطه سرباز زدن و تقصیر در یاری من و خودداری از اطاعت من کافر میشدند زیرا میدانست که موقعیت او و من مانند موقعیت هرون است و قوم موسی و چنانچه با من مخالفت بورزد و از یاری من خودداری کند با جان خود همان خواهد کرد که قوم موسی در اثر مخالفت با هرون و ترك اطاعت او بر خود روا داشتند دیدم چاره‌ای نیست بجز اینکه جام‌های غم و اندوه سرکشم و آه‌های سرد را در قفس سینه نگهدارم و دامن صبر و شکیب از دست ندهم تا موقعی که خداوند گشایشی عطا فرماید و یا هر طور که صلاح میدانم دادرسی فرماید که هم بهره و نصیب من در آن فزون‌تر و هم برای جامعه‌ای که توصیف حالشان را نمودم آسانتر و سهلتر باشد و

کاری را که خداوند مقدر فرماید همان خواهد شد.

ای برادر یهود اگر من ملاحظه این حالات را نمیکردم و حق خود را مطالبه مینمودم از دیگران شایسته‌تر بودم زیرا همه اصحاب رسول خدا ﷺ از گذشته‌گان و موجودین میدانند که مرا هم افراد بیشتر بود و هم طایفه‌ای عزیزتر و هم مردان هوادار زیادتر داشتم و هم دستوراتم بهتر اجرا میشد و هم دلیلم برای خلافت روشنتر و مناقب و آثارم در دین فزونتر از دیگران بود زیرا من خودداری سوابقی درخشان بودم و با رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم خویشاوندی نزدیک داشتم که بحکم وراثت شایسته‌گی این مقام را داشتم گذشته از اینکه به موجب وصیتی که هیچ کسی را قدرت مخالفت آن نیست و بیعتی که از من بگردن متصدیان خلافت بود تنها من مستحق جانشینی پیغمبر بودم.

روزی که پیغمبر از دنیا رفت زمام ولایت امت بدست او و در خاندان او بود نه بدست آنان که بدست گرفتند و نه در خاندانشان و بحقیقت خاندان پیغمبر که خداوند پلیدی را از آنان دور فرموده و پاک و پاکیزشان شناخته است پس از پیغمبر بهر مقامی از دیگران شایسته‌تر بودند.

سپس روی باصحاب کرده و فرموده: چنین نبود؟ همه گفتند! چرا یا امیر المؤمنین. (و اما مورد چهارم:) ای برادر یهود. کسی که پس از ابو بکر زمامدار شد در ورود و خروج همه کارها با من مشورت میکرد و طبق دستور من کارها را انجام میداد و در کارهای سخت از من نظر میخواست و بنظر من رفتار میکرد نه من کسی را سراغ دارم و نه اصحابم که بجز من در کارها با او مشورت کرده باشد و کسی

هم جز من در خلافت پس او طعمی نداشت چون مرگ ناگهانی او فرا رسید و بدون بیماری قبلی که بتواند تصمیمی در حال صحت بگیرد از دنیا رفت مرا یقین شد که حق خود را چنانچه دلم میخواست و در محیط آرام و بدون خونریزی بدست می‌آورم و دیگر پس از این خداوند بهترین امید و بالاترین ایده مرا پیش خواهد آورد ولی نتیجه کار دومی این شد که پرونده زندگانی‌ش موقعی بسته شد که عده‌ای را کاندید و نامزد خلافت کرد که من ششمین آن‌ها بودم و مرا با هیچ کدامشان برابر ندانست و همه حالات مرا از وراثت رسول خدا ﷺ و خویشاوندی و نسب و دامادی بدست فراموشی سپرد در صورتی که هیچ يك از آنان را نه یکی از سوابق من بود و نه اثری از آثار مرا داشتند خلافت را در میان ما بشوری واگذار نمود و فرزند خود را بر همه حاکم کرد و دستور داد که اگر طبق دستور او عمل نکردیم و مجلس شوری تشکیل ندادیم گردن هر شش نفر ما را بزند.

ای برادر یهود دانی که برای همین پیش آمد ناگوار چه اندازه صبر و تحمل لازم است؟

آنان چند روزی که بودند هر کس بنفع خویش شروع بفعالیت و سخنرانی نمودند. ولی من دست روی دست گذاشته و ساکت بودم و چون از من پرسیدند گذشته آنان و خودم را یاد آورشان شدم آثار خودم و آنان را گفتم و با اینکه خودشان میدانستند باز کاملاً روشن ساختم که من استحقاق خلافت را دارم نه آنان به پیمانی که رسول خدا ﷺ از آنان گرفته بود و رشته بیعتی را که بدست رسول خدا ﷺ در گردن آنان محکم بسته شده بود بیادشان آوردم ولی حب ریاست و تحصیل قدرت در امر

و نهی و دنیاطلبی و اقتداء بگذشتگان پیشین آنان را واداشت تا حقی را که خدا برای آنان ننهاده بود بدست گیرند و چون با یکی از آنان تنها میشدم روز بازپرسی خداوند را بیادش میاوردم و از انجام کاری که در دست اقدام داشت و سرنوشتی که برای خود تعیین میکرد بر حذر میداشتم او برای موافقت با من يك شرط میکرد و آن اینکه پس از خود خلافت را با او واگذار کنم چون دیدند که من جز در شاهراه هدایت قدم نمیزنم و بجز عمل کردن بکتاب خدای عز و جل و وصیت رسول حق و حقی را که خداوند برای هر فردی معین کرده بدست صاحبش سپردن و از حق دیگران بازش داشتن کاری از من ساخته نیست یکی از خود رأی‌ها و سرسخت‌های هیئت شش نفری تندی کرد و کار را از دست من گرفت و بطمع شرکت در بهره برداری از خلافت بدست ابن عفان سپرد و ابن عفان کسی بود که نه با او و نه با هیچ يك از حاضرین شوری از نظر اخلاقی مساوی نبود چه رسد به کمتر از آنان. نه در سرآمد فضیلت آنان که غزوه بدر بود و نه دیگر فضایل اخلاقی که خداوند پیغمبر و مخصوصین و خاندان پیغمبرش را بآن فضائل محترم و گرامی داشته بود و پس از همه این حرفها گمان ندارم که اصحاب شوری همان روز را بشب رساندند مگر اینکه از انتخابشان پشیمان شدند و عقب زدند و هر يك گناه را بگردن دیگری میگذاشت و در عین حال خود و دیگران را ملامت مینمود. در زمان حیات پیغمبران در هفت مقام آزمایش فرمود و پس از وفات سپس طولی نکشید که همان سرسختها در انتخاب ابن عفان او را کافر شمردند و از او بیزاری جستند عثمان بنزد دوستان صمیمی خود رفت و بدیگر اصحاب رسول خدا ﷺ مراجعه کرد و درخواست استعفا از بیعت خود نمود و از

آشوبی که بپا کرده بود اظهار پشیمانی می‌نمود.

ای برادر یهود این پیش آمد از پیش آمد قبلی سخت‌تر و دلخراش‌تر بود و بر بی‌تابی سزاوارتر من

از این جریان آنچنان ناراحت شدم که قابل توصیف نیست و اندازه‌ای ندارد ولی چاره‌ای جز صبر نداشتم که بگذارم و بگذرم. همان روز بیعت عثمان بقیه افراد هیئت شش نفری بمن مراجعه نمودند و از کاری که کرده بودند عذر خواستند و درخواست کردند که عثمان را خلع کنیم و علیه او قیام کنیم تا حق خود را بگیرم و در این باره دست بیعت بمن دادند که تا پای جان دادن در زیر پرچم من پایداری کنند یا کشته شوند و یا خدای عز و جل دوباره حق مرا بمن باز گرداند من آنان را برنگهای مختلف آزمایش مینمودم گاهی میگفتم باید سرها تراشیده شود و گاهی بجلسات سری دعوتشان میکردم و گاهی در محلهای مخصوص قرار ملاقات می‌گذاشتیم و در همه این موارد آنان بوعده خود وفا مینمودند ولی بخدا قسم ای برادر یهود مرا از شورش علیه عثمان همان جلوگیری کرد که از قیام علیه حکومت قبلی جلوگیری کرده بود و دیدم همین عده‌ای را که باقیمانده‌اند اگر نگهداری کنم بهتر است و آرامش خاطر را بیشتر فراهم خواهد نمود با اینکه میدانستم اگر آنان را بمرگ دعوت میکردم دعوت پذیرفته میشد و خودم هم که همه اصحاب پیغمبر از حاضرین و غائبین سابقه بحالم داشتند و میدانستند که مرگ در نزد من مانند آب سرد گوارائی است در روز بسیار گرم در کام تشنه جگر سوخته.

من همانم که عمویم حمزة و برادرم جعفر و پسر عمویم عبیده با خدا و رسولش بر سر

کاری عهدی بستیم که همه وفادار بودیم رفیقان من پیش افتادند و من بخواست خدای عز و جل عقب ماندم و خدای تعالی در باره ما نازل فرمود آیه شریفه: ﴿رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا﴾ (مردانی که برآستی با خدا عهد بستند بعضی از آنان در گذشت و بعضی در انتظار است ولی هیچ تغیر و تبدیلی در خود ندادند آنکه در گذشت حمزه و جعفر و عبیده بودند و من بخدا قسم همانم که منتظر هستم. ای برادر یهود هیچ تغیری در تصمیم خود راه ندادهام و جهت اینکه در برابر ابن عفان ساکت ماندم و آنچه مرا واداشت که از اقدام علیه او دست نگهدارم این بود که من در نتیجه آزمایشی که از او کرده بودم میدانستم اخلاقی که او را است او را رها نخواهد کرد تا مردمان دور را بکشتن و خلعش بکشاند تا چه رسد به نزدیکان و من در این جریانات برکناری باشم من صبر نمودم تا همین پیش بینی من واقع شد و من يك كلمه نفی و اثباتی در باره او نگفته بودم مردم پس از آنکه از کشتن او فارغ شدند بر من هجوم آوردند و خدا میداند که من مایل بخلافت نبودم چون میدانستم آنان طمع بسته‌اند که ثروت‌ها را در نزد خودشان متمرکز کنند و به خوشگذرانی عمری بگذرانند و با اینکه میدانستند هدف آنان از من تأمین نخواهد شد و بآنان سخت‌گیری خواهم کرد ولی عادت بشتاب کرده بودند و نمیتوانستند آرام باشند و چون مطامع خود را در نزد من ندیدند پس از بیعت شروع باشکال‌تراشی و بهانه‌جوئی نمودند سپس روی باصحاب نموده و فرمود مگر چنین نبود؟ عرض کردند: چرا یا امیر المؤمنین.

و اما مورد پنجم ای برادر یهود کسانی که با من بیعت کرده بودند چون دیدند مقاصد شخصی آنان بدست من انجام نمیشود بوسیله آن زن (عایشه) بر من شوریدند با اینکه از طرف پیغمبر کار آن زن بدست من سپرده شده بود و من وصی بر او بودم او را بر شتری سوار کردند و بر جهازش بستند و او را در بیابانهای بی‌آب و علف گرداندند سگهای حوآب (نام آبی است در راه مکه ببصره) بر او زوزه میکشیدند هر ساعتی که میگذشت و هر قدمی که بر میداشتند آثار و علائم پشیمانی بر آنان از خود نشان میداد در میان مردمی که پس از بیعت اولی که در زمان حیوة رسول خدا ﷺ با من کرده بودند و دوباره نیز با من بیعت کردند و او هم چنان بر مخالفت خود با من ادامه داد.

تا آنکه بر مردم شهرستانی وارد شد که دستهای کوتاه و ریشهای بلند و عقلهای کم و رایهای فاسد داشتند بیابان گرد و دریا نورد بودند این يك زن آنان را از شهر بیرون کشید ندانسته و دیوانه وار شمشیر آختند و نفهمیده تیرها پرتاب نمودند من در کار آنان میان دو مشکل قرار گرفتم که هیچ يك را دوست نداشتم اگر دست نگه می‌داشتم آنان از شورش باز نمیگشتند و بحکم عقل تسلیم نمی‌شدند و اگر ایستادگی میکردم کار بجائی میکشید که نمیخواستم.

لذا پیش از هر چیز حجت را بر آنان تمام کردم و آنان را تهدید نمودم و وعده دادم که عذرشان بپذیرم و بآن زن پیشنهاد کردم که بخانه‌اش باز گردد و مردمی را که در اطرافش بودند دعوت نمودم تا بیعتی را که با من دارند بپایان برسانند و پیمانی را که از خداوند در گردن آنان است نشکنند و تمام قدرت خود را بنفع آنان در اختیارشان گذاشتم با بعضی از آنان که

گفتگو کردم برگشت و حق را بیادش آوردم و متذکر شد (مقصود زبیر است).

سپس رو بمردم نموده و همان تذکرات را دادم ولی جز بر نادانی و سرکشی و گمراهی نیافزودند چون دیدم جز جنگ هیچ پیشنهادی را نمی‌پذیرند بر مرکب جنگ سوار شدم و گردش جنگ بزیان آنان بود شکست خوردند و حسرت بردند تلفات سنگین بر آنان وارد شد من بناچار بر این جنگ تن دادم زیرا اگر جنگ نمی‌کردم کاری را که در پایان جنگ نمودم و عفو و اغمازی که از خود نشان دادم پیش از جنگ نمیتوانستم بنمایم که اگر پیش از جنگ از آنان عفو و اغماض مینمودم در برنامه‌ای که داشتند (از گسترش شورش در نواحی کشور و ریختن خونها و کشتن رعایا و مانند رومیان و مردم یمن و ملت‌های منقرض شده حکومت را بدست زنان کم عقل و از هر جهت کم نصیب سپردن) من نیز در اجرای این برنامه بر آنان یاری نموده بودم و بجنگی که در ابتدا مایل نبودم عاقبت الامر دچار آن میشدم با این تفاوت که در این صورت زنی را با لشکرش باختیار خودش رها کرده بودم تا هر چه می‌خواهند از برنامه‌ای که گفتم در میان مردم اجراء کنند.

در عین حال باز من بی‌مقدمه دست بجنگ نزدم قبلا اتمام حجت نمودم و تا آنجا که ممکن بود کار جنگ را بتاخیر انداختم و مراجعاتی نمودم واسطه‌ها فرستادم و بسوی آنان سفر نمودم و عذرشان پذیرفتم تهدیدشان نمودم هر چه را که از من می‌خواستند متعهد شدم و هر چه را هم که نمی‌خواستند خودم پیشنهاد نمودم ولی چون به جز جنگ هوای دیگری در سر نداشتند بناچار جنگ کردم و خداوند آنچه‌ان که می‌خواست کار من و آنان را پایان داد و

بر آنچه میان من و آنان رفت خداوند شاهد و گواه بود.

سپس روی باصحاب کرده و فرمود مگر چنین نبود؟ عرض کردند چرا یا امیر المؤمنین. و اما مورد ششم ای برادر یهود انتخاب حکمین و نبرد با پسر هند جگر خوار بود این آزاد شده از روزی که خداوند محمد را به پیغمبری برانگیخت با خدا و رسولش و مؤمنین دشمن سرسخت بود تا آنکه خداوند مکه را بزور شمشیر مسلمانان فتح کرد همان روز از او و پدرش برای من بیعت گرفته شد و در سه مورد دیگر پس از آن روز و پدرش دیروز گذشته نخستین کسی بود که بعنوان امیر المؤمنین بر من سلام داد و مرا ترغیب میکرد که قیام کنم و حق خود را از خلفا گذشته بستانم هر وقت که نزد من می‌آمد تجدید بیعت میکرد و از همه شگفت‌آورتر اینکه چون معاویه دید که خدای من تبارک و تعالی حق از دست رفته مرا بمن باز گردانید و در جای خود قرار داد و از اینکه در دین خدا خلیفه چهارم شود و در امانتی که حمل آن بعهد ما است او حکومت کند طمعش برید بعمر و بن عاص روی آورد و از او دلجوئی کرد تا دل او متوجه معاویه شد و سپس بدستگیری او (پس از اینکه مصر را تیول او کرد در صورتی که اگر يك درهم بیش از سیم خود از بیت المال مسلمانها را برداشت میکرد بر او حرام بود و متصدی اموال حق نداشت يك درهم بیش از حق او را باو برساند) شهرهای اسلامی را لگد مال ستم کرد و پای مال بیدادگری هر کس دست بیعت باو داد او را از خود راضی کرد و هر کس مخالفت نمود تبعیدش کرد.

سپس با پیمان شکسته متوجه بمن شد در شرق و غرب و راست و چپ کشور آشوب بپا کرد اخبار بمن میرسید و گزارشات دریافت

میکردم تا آنکه مرد يك چشم ثقفی (مغیره بن شعبه) نزد من آمد و پیشنهاد کرد که معاویه را بر شهرستانهایی که در دست دارد استاندارش کنم و از نظر دنیا داری نظریه خوبی بود اگر پیش خداوند میتوانستم عذری بیاورم و خود را از مظالم استانداری او تبرئه کنم ولی در عین حال پیشنهاد مغیره را بدیگران اعلام نمودم و با افرادی که اطمینان داشتم نسبت بخدای عز و جل و پیغمبرش و نسبت بمن و مؤمنین خیرخواه اند مشورت نمودم و نظرشان را در باره پسر هند جگر خار خواستار شدم آنان نیز مرا از استاندار نمودن معاویه نهی کردند و با من در این جهت هم رأی بودند و مرا بر حذر میداشتند که مبادا دست او را در کار مسلمانان دخالت دهم و خداوند به بیند که من افراد گمراه کننده ای را برای خودیار و یاور گرفته ام يك بار برادر بجلی (جریر) را و بار دیگر برادر اشعری (ابو موسی) را نزد او فرستادم هر دو بدنیا دل بستند و تابع هوای نفس او شدند و او را از خود راضی نمودند.

و چون دیدم که هتك حرمت های الهی را بیش از پیش مرتکب می شود با افرادی که از اصحاب پیغمبر با من بودند مشورت نمودم همان افرادی که در بدر حضور داشتند و خداوند کارشان را پسندید و در بیعت رضوان شرکت کرده بودند و نیز با دیگر افراد شایسته مسلمان مشورت نمودم همگی با من هم رأی بودند که بایستی با معاویه جنگید و دستش را از حکومت کوتاه کرد من با یارانم برای جنگ با او قیام کردم و از همه جا با و نامه نوشتم و نماینده ها از جانب خود فرستادم و دعوتش کردم تا دست از کاری که میکند بردارد و مانند دیگر مردم با من بیعت کند.

در پاسخ نامه‌های من نامه‌هایی تحکم آمیز نوشت و آرزوهایی در باره من کرده و شروطی پیشنهاد کرده بود که نه خدا راضی بود و نه پیغمبرش و نه مسلمانان و در یکی از نامه‌ها پیشنهاد کرده بود که جمعی از نیکوترین اصحاب پیغمبر را که عمار بن یاسر جزو آنان بود (و کجا مانند عمار را توان یافت) بدست او بسپارم. بخدا قسم هر وقت که ماها پنج نفر گرد پیغمبر بودیم عمار نفر ششم بود و اگر چهار نفر بودیم عمار نفر پنجم بود معاویه در نامه‌اش بمن پیشنهاد کرده بود که چنین افرادی را باو بسپارم تا آنان را با دعای خون عثمان بکشد و بدار بزند در صورتی که بجان حق قسم مردم را بر عثمان جز معاویه کسی نشورانید و معاویه و همکارانش از خاندان بنی امیه یعنی شاخه‌های درختی که خداوند در قرآنش آن را درخت ملعون نامیده است بودند که مردم را بر کشتن عثمان فراخواندند.

به هر حال چون معاویه دید که من بشروط او جواب مثبت ندادم بر من هجوم آورد و در پیش وجدان خود باین سرکشی و ستمگری خویش می‌بالید و عده‌ای از مردم حیوان صفت را که نه عقل داشتند و نه دیده حق بین به دور خود جمع کرد و آنان را به اشتباه انداخت تا از او پیروی کردند از مال دنیا آنقدر بآنان داد که بسوی او گرائیدند.

تا برای جلوگیری از او مبارزه کردیم و بحکمیت خداوند تن دادیم و جای عذری برای آنان باقی نگذاشتیم و آنان را از عذاب الهی ترسانیدیم.

ولی او در مقابل این رفتار ما جز بر ستمگری خویش نیفزود با او جنگیدیم و خداوند مانند همیشه که ما را بر پیروزی بر دشمنان او و ما عادت داده بوده

پیروزی نصیب ما کرد پرچم رسول خدا ﷺ که همیشه خداوند حزب شیطان را بوسیله آن پرچم نابود کرده بود بدست ما بود ولی معاویه پرچم‌های پدر خود را که من همیشه در رکاب رسول خدا ﷺ با آن پرچمها در همه جا جنگیده بودم بدست داشت مرگ گریبان‌ش را گرفته بود و چاره‌ای جز فرار نداشت اسب خود را سوار شد و پرچم خود را سرنگون کرد و در کار خود درمانده بود که چه حيله‌ای بکار زند از رأی پسر عاص کمك خواست عمرو عاص نظر داد که قرآن را بیرون آورند و بر فراز پرچمها بزنند و مردم را بحکمی که قرآن کند دعوت نمایند و گفت فرزند ابو طالب و پیروانش دیندار و باقیمانده خاندان نبوتند اینان روز اول تو را بحکم قرآن دعوت نمودند و امروز نیز که آخر کار است حکمیت قرآن را از تو پذیرا خواهند بود.

معاویه که میدید جز کشته شدن و یا فرار چاره دیگری ندارد این رای عمرو عاص را بکار بست و قرآن را بر فراز پرچمها زد و بگمان خود بحکم قرآن دعوت نمود یاران من که نیکانشان در این جنگ دشمنان خدا شربت شهادت نوشیده بودند بحکم قرآن مایل شدند و گمان کردند که پسر هند جگرخوار بآنچه دعوت میکند وفا خواهد کرد لذا بدعوتش گوش فرا دادند و همگی پیشنهاد او را پذیرفتند من بآنان اعلام نمودم که این کار حيله‌ای است که معاویه و عمر و عاص بکار بسته‌اند و بعهد خود وفا نخواهند کرد گفته مرا نپذیرفتند و دستور مرا بکار نه بستند و اصرار داشتند که پیشنهاد او را بپذیرند چه مرا خوش آید چه نیاید من بخواهم یا نخواهم تا آنجا که بعضی از آنان بدیگری می‌گفت اگر علی با ما همکاری نکرد یا او را مانند

عثمان بکشید و یا خود و خاندانش را بدست معاویه بسپارید.

خدا میداند که نهایت کوشش را کردم و هر راهی که بخاطرم میرسید پیمودم تا مگر بگذارند من برای خود عمل کنم ولی نگذاشتند تا آنجا که از آنان بمقدار دوشیدن يك شتر و یا دویدن يك اسب مهلت خواستم ولی آنان نپذیرفتند مگر این شیخ و (با دست اشاره بمالك اشتر فرمود) و گروهی از خانواده خودم بخدا قسم از اجرای برنامه روشن خودم هیچ مانعی نداشتم جز اینکه ترسیدم این دو نفر گشته شوند (و با دست اشاره به حسن و حسین فرمود) که اگر این دو کشته می‌شدند نسل رسول خدا ﷺ و نژاد آن حضرت از پیروانش از امت قطع میشد و باز ترسیدم که این و این (و با دست اشاره به عبدالله بن جعفر و محمد بن حنفیه فرمود) کشته شوند زیرا من میدانستم که این دو فقط بخواب من در این جنگ شرکت کردند و اگر ملاحظه من نبود خود را در این خطر نمی‌انداختند باین جهت بخواسته مردم تن دادم و خدا نیز چنین خواسته بود.

همین که ما شمشیرهای خود را از آنان باز گرفتیم و جنگ متارکه شد بدخواه خود در کارها قضاوت کردند و هر حکمی و نظریه‌ای که خواستند اختیار نمودند و قرآن‌ها را پشت سر انداختند و از دعوتی که بحکم قرآن میکردند دست برداشتند.

من هرگز کسی را در دین خدای عز و جل حکم قرار نمیدادم زیرا بدون هیچ شك و تردیدی در این مورد حکم قرار دادن خطای محض بود ولی این مردم جز بر حکمیت راضی نبودند بناچار خواستم مردی از خاندان خودم و یا فردی را که از جهت هوش و عقل مورد رضایت من بود و از هر حیث خیرخواهی و دوستی و دینداری‌اش مورد اعتماد من

باشد حکم قرار دهم هر کس را نام بردم زاده هند نپذیرفت و هر حقی را پیشنهاد کردم او از آن روی گردان شد و به پشتیبانی اصحاب من ما را بیراهه میبرد. چون هیچ راهی جز قبول نمودن حکمیت برای من نگذاشتند بخدای عز و جل از آنان بیزاری جستم و انتخاب حکم را بخودشان واگذاشتم مردی را انتخاب کردند و عمرو عاص آن چنان او را با نیرنگ فریب داد که خاور و باختر از نیرنگش خبردار شدند و آنکه فریب خورده بود از پذیرفتن این حکمیت اظهار پشیمانی نمود سپس رو باصحاب نموده و فرمود: مگر چنین نبود؟ گفتند:

چرا یا امیر المؤمنین.

و اما مورد هفتم ای برادر یهود رسول خدا ﷺ از من پیمان گرفته بود که در روزهای آخر عمرم با جمعی از اصحابم بجنگم که روزها روزه دار و شبها شب زنده دارند و همگی قرآن خوان ولی بجهت مخالفتی که با من می‌کنند مانند تیری که از کمان میجهد از دین بیرون خواهند رفت (و ذو الثدیة) در میان آنان خواهد بود و با کشتن آنان سرانجام کار من بسعادت ختم خواهد شد چون پس از خاتمه کار حکمین بدینجا باز گشتم خود این مردم يك دیگر را بباد ملامت گرفتند که چرا کار را بحکمین واگذار نمودند.

ولی دیگر راه چاره‌ای نداشتند جز اینکه بگویند: امیر ما را نمی‌بایست که پیروی از کار خطای ما کند بلکه لازم بود که بر طبق رأی واقعی خود عمل نماید چه خود در این مبارزه کشته شود و چه مخالفینش و چون چنین نکرده و تابع ما شده و از ما که خطای ما مسلم‌اش بود پیروی کرده است کافر گردیده و اکنون کشتن او و ریختن خونسش برای ما حلال است همه باتفاق رأی بر این دادند و با سرعت هر چه بیشتر از

لشکر من بیرون رفتند و با صدای بلند فریاد می‌کشیدند (لا حکم الا لله): (قضایوت فقط مخصوص خداوند است) سپس دسته دسته بهر سو پراکنده شدند يك دسته آنان در نخيلة و دسته دیگر در حروراء علم مخالفت افراشتند و دسته دیگر به همان سرعت که بسوی مشرق میرفت از دجله گذشت بهر مسلمانی که رسیدند او را آزمایش نمودند اگر پیرو آنان شد از کشتن او صرف نظر نمودند و اگر مخالفت آنان کرد او را کشتند و خونش را ریختند. من به نزد دو دسته اول رفتم و یکی را پس از دیگری باطاعت خداوند و پیروی از حق و بازگشت بحق دعوت نمودم جز به جنگ به هیچ راضی نشدند و جز شمشیر هیچ بحالشان سودمند نبود چون راه چاره بر من بسته شد هر دو دسته را بحکم خداوند تسلیم نمودم و خداوند هر دو را نابود کرد.

ای برادر یهود اگر این کار نمی‌کردند و خود را نابود نمی‌نمودند چه پشتیبان نیرومند و چه سد محکمی از برای اسلام بودند ولی خداوند سرنوشتی جز این برای آنان نخواست.

سپس به دسته سوم نامه نوشتم و پی در پی نماینده‌های خود را بسوی آنان فرستادم نماینده‌هایی: از یاران خود و افرادی خداپرست و زاهد ولی این دسته نیز راهی بجز راه آن دو دسته نه پیمود و بدنبال آنان رفته شتابزده مسلمانانی را که مخالفشان بودند می‌کشتند گزارش این قتلها و جنایتها پی در پی بمن میرسید لذا من بر آنان تاختم و راه عبور از دجله را بروی آنان بستم باز هم نمایندگان خیر خواه بسوی آنان فرستادم و يك بار بتوسط این و بار دیگر به توسط این (با دست اشاره به مالك اشتر و احنف بن قیس و

سعید بن قیس ارحبی و اشعث بن قیس کندی فرمود) عذرپذیرشان شدم.

ولی چون غیر از جنگ چیزی نپذیرفتند با آنان جنگیدم تا آنکه همگی آنان را که چهار هزار بلکه بیشتر بودند تا نفر آخر ای برادر یهود خداوند کشت و يك نفر خبرگزار نیز جان سلامت نبرد سپس جنازه ذو الثدیة را (که پیغمبر خبر داده بود) در حضور همین اشخاص بیرون کشیدم که پستانی همچون پستان زن داشت.

سپس روی به اصحاب کرده فرمود مگر چنین نبود؟ گفتند چرا یا امیر المؤمنین پس آن حضرت فرمود: ای برادر یهود این هفت مورد و هفت موردی که من بعهد خود وفا نمودم و يك مورد دیگر مانده است و نزدیک است که وقت آن نیز فرا رسد اصحاب امیر المؤمنین و رأس الجالوت گریه کنان عرض کردند آن يك مورد را نیز بیان فرمائید فرمود: آن يك مورد این است که این (با دست اشاره به ریش مبارک فرمود) از خون این (با دست اشاره بفرق سر فرمود) رنگین شود.

راوی گوید صدای مردم در مسجد جامع بگریه و شیون بلند شد بطوری که از وحشت تمام مردم کوفه از میان خانه‌ها بیرون شتافتند و رأس الجالوت همان دم بدست علی علیه السلام مسلمان شد و در شهر کوفه هم چنان میزیست تا آنگاه که امیر المؤمنین کشته شد و ابن ملجم ملعون دستگیر گردید رأس الجالوت آمد تا در حضور امام حسن ایستاد و مردم آن حضرت را احاطه نموده و ابن ملجم را در مقابل امام حسن نگاه داشته بودند رأس الجالوت بامام حسن عرض کرد ای ابا محمد او را بکش که خدایش بکشد که من در کتابهائی که بحضرت موسی نازل شده دیده‌ام که گناه این مرد در پیشگاه خداوند از گناه پسر آدم که برادرش را

کشت و از گناه قدار که ناقه ثمود را پی کرد بیشتر است.

آنچه در باره روزهای هفته:

يَكُ شَنِبَهُ وَ دَوْشَنِبَهُ وَ سَهْشَنِبَهُ وَ
چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه و شنبه رسیده
است ما جاء في الأيام السبعة و أسمائها
الأحد و الإثنين و الثلاثاء و الأربعاء و
الخميس و الجمعة و السبت

۵۹ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ
إِسْحَاقَ الْأَشْعَرِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ حَبِيبِ
السَّجِسْتَانِيِّ

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَوْمُ
الْجُمُعَةِ يَوْمٌ عِبَادَةٌ فَتَعَبَّدُوا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَ
يَوْمُ السَّبْتِ لَيْلٌ مُحَمَّدٍ ﷺ وَ يَوْمُ الْأَحَدِ لِشِيعَتِهِمْ
وَ يَوْمُ الْإِثْنَيْنِ يَوْمُ بَنِي أُمَيَّةَ وَ يَوْمُ
الثَّلَاثِ يَوْمُ لَيْلٍ وَ يَوْمُ الْأَرْبَعَاءِ لِبَنِي
الْعَبَّاسِ وَ فَتَجَّهْمُ وَ يَوْمُ الْخَمِيسِ يَوْمٌ مُبَارَكٌ
بُورِكَ لِأُمَّتِي فِي بُكُورِهَا فِيهِ

۵۹ - رسول خدا ﷺ فرمود: روز جمعه روز
پرستش خدا است تا خدای عز و جل را در آن
روز عبادت کنید و روز شنبه از آن خاندان
پیغمبر است و روز يك شنبه از آن شیعیان
آل محمد است و روز دوشنبه روز بنی امیه
است و روز سه‌شنبه روزی است آسان و روز
چهارشنبه از آن بنی عباسی و روز پیروزی
آنان است و روز پنجشنبه روزی است که صبح
آن از برای امت من فرخنده است.

آنچه در باره روز يك شنبه و روزهای پس از آن رسیده است

ما جاء في الأحد و ما بعده
 ٦٠ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
 سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ الْحُسَيْنِ
 بْنُ سَعِيدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَسَدِ الْبَصْرِيِّ عَنِ
 الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَمَّنْ رَوَاهُ عَنْ خَلْفِ بْنِ حَمَادٍ
 عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ مَرَّ بِقَوْمٍ
 يَحْتَجِمُونَ فَقَالَ مَا كَانَ عَلَيْكُمْ لَوْ أَخْرَثُمُوهُ
 إِلَى عَشِيَّةِ الْأَحَدِ فَكَانَ يَكُونُ أَنْزَلَ لِلدَّاءِ
 ٦٠ - امام صادق عليه السلام را بر چند کس که
 حجامت میکردند گذر افتاد فرمود: چه میشد
 اگر حجامت را تا عصر يك شنبه به تأخیر
 می‌انداختید؟ که این کار درد را زودتر
 فرو می‌نشانند.

٦١ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
 مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ
 الْأَدْمِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ عَمْرُو بْنُ
 سُفْيَانَ الْجُرْجَانِيُّ رَفَعَ الْحَدِيثَ إِلَى أَبِي عَبْدِ
 اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ لِرَجُلٍ مِنْ مَوَالِيهِ يَا فُلَانُ مَا
 لَكَ لَمْ تَخْرُجْ قَالَ جُعِلْتُ فِدَاكَ الْيَوْمَ الْأَحَدُ
 قَالَ وَ مَا لِلْأَحَدِ قَالَ الرَّجُلُ لِلْحَدِيثِ الَّذِي
 جَاءَ عَنِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله أَنَّهُ قَالَ احْذَرُوا حَدَّ الْأَحَدِ
 فَإِنَّ لَهُ حَدًّا مِثْلَ حَدِّ السَّيْفِ قَالَ كَذَبُوا
 كَذَبُوا مَا قَالَ ذَلِكَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله فَإِنَّ الْأَحَدَ
 اسْمٌ مِنْ أَسْمَاءِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ قَالَ قُلْتُ جُعِلْتُ
 فِدَاكَ فَالْإِثْنَيْنِ قَالَ سُمِّيَ بِاسْمِهِمَا قَالَ الرَّجُلُ
 فَسُمِّيَ بِاسْمِهِمَا وَ لَمْ يَكُونَا فَقَالَ لَهُ أَبُو
 عَبْدِ اللَّهِ إِذَا حَدَّثْتَ فَافْهَمْ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ
 تَعَالَى قَدْ عَلِمَ الْيَوْمَ الَّذِي يُقْبَضُ فِيهِ
 نَبِيُّهُ صلى الله عليه وآله وَ الْيَوْمَ الَّذِي يُظْلَمُ فِيهِ وَ صَبِيُّهُ
 فَسَمَاهُ بِاسْمِهِمَا قَالَ قُلْتُ فَالْثَلَاثَاءِ قَالَ
 خُلِقَتْ يَوْمَ الثَّلَاثَاءِ النَّارُ وَ ذَلِكَ قَوْلُهُ
 تَعَالَى انْطَلِقُوا إِلَى مَا كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ

انْطَلِقُوا إِلَى ظِلِّ ذِي ثَلَاثِ شُعَبٍ لَا ظَلِيلٍ وَلَا يُغْنِي مِنَ الْهَدَبِ
 قَالَ قُلْتُ فَأَلْزُبِعَاءُ قَالَ بُنِيَتْ أَرْبَعَةٌ
 أَرْكَانِ النَّارِ يَوْمَ الْأَرْبِعَاءِ قَالَ قُلْتُ
 فَأَلْخَمِيسُ قَالَ خَلَقَ اللَّهُ الْجَنَّةَ يَوْمَ الْخَمِيسِ قَالَ
 قُلْتُ فَأَلْجُمُعَةُ قَالَ جَمَعَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الْخَلْقَ
 لَوْلَايَتِنَا يَوْمَ الْجُمُعَةِ قَالَ قُلْتُ فَالسَّبْتُ قَالَ
 سَبَّتِ الْمَلَائِكَةُ لِرَبِّهَا يَوْمَ السَّبْتِ فَوَجَدَتْهُ لَمْ
 يَزَلْ وَاحِدًا

۶۱ - عمرو بن سفيان جرجانی حدیث را به امام ششم رسانده که به یکی از دوستانش فرمود: فلانی چرا بیرون نرفته‌ای؟ عرض کرد: قربانت شوم امروز یکشنبه است فرمود: مگر یکشنبه چه عیبی دارد؟ عرض کرد: برای روایتی که از پیغمبر رسیده است که فرمود: از روز یکشنبه بترسید که دمی همچون دم شمشیر دارد فرمود: دروغ گفتند رسول خدا ﷺ چنین حدیثی نفرموده است زیرا احد نامی است از نامهای خدای عز و جل گوید: عرض کردم قربانت شوم دوشنبه چطور؟ فرمود: بنام آن دو نفر نامیده شده است عرض کرد: پیش از آن دو نفر بنام آنان نامیده شده است؟ امام صادق فرمود: حال که حدیثی برایت گفته شد درست بفهم چون خدای تبارک و تعالی روزی را که پیغمبرش در آن روز رحلت خواهد فرمود و وصی پیغمبر در آن روز مظلوم خواهد شد میدانست لذا آن را بنام آن دو نامید گوید: گفتم: سهشنبه چطور؟ فرمود روز سهشنبه دوزخ آفریده شده است و این است گفته خدای عز و جل (در سوره و المرسلات آیه ۲۹-۳۱) بروید بسوی آنچه دروغ‌اش می‌پنداشتید بروید در پناه سایه‌ای که سه‌شعبه دارد نه سایه‌گاه است و نه از زبانه آتش جلوگیری میکند گوید: گفتم: چهارشنبه چطور؟ فرمود: چهار رکن دوزخ در روز چهارشنبه بنا گذاشته شد

گوید گفتم: پنجشنبه چطور؟ فرمود خداوند بهشت را روز پنجشنبه آفرید گوید گفتم: جمعه چطور؟ فرمود: خدای عز و جل در روز جمعه جهان آفرینش را برای اعتراف بولایت ما جمع کرد گوید: گفتم: شنبه چطور؟ فرمود فرشتگان در روز شنبه متوجه شدند که خداوند همیشه یکتا بوده است.

۶۲ - حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ عَمْرِو بْنِ عَلِيٍّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْبَصْرِيُّ بِإِيلَاقٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ جَبَلَةَ الْوَاعِظُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْقَاسِمِ عَبْدِ اللَّهِ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَامِرِ الطَّائِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرِّضَا قَالَ حَدَّثَنِي مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ قَالَ حَدَّثَنِي جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ قَالَ حَدَّثَنِي الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمُ السَّبْتِ يَوْمٌ مَكْرٍ وَ خَدِيعَةٍ وَ يَوْمُ الْأَحَدِ يَوْمٌ غَرَسٍ وَ بِنَاءٍ وَ يَوْمُ الْإِثْنَيْنِ يَوْمٌ سَفَرٍ وَ طَلَبٍ وَ يَوْمُ الثَّلَاثَاءِ يَوْمٌ حَرْبٍ وَ دَمٍ وَ يَوْمُ الْأَرْبَعَاءِ يَوْمٌ شَوْمٍ فِيهِ يَتَطَيَّرُ النَّاسُ وَ يَوْمُ الْخَمِيسِ يَوْمٌ الدُّخُولِ عَلَى الْأَمْرَاءِ وَ قَضَاءِ الْحَوَائِجِ وَ يَوْمُ الْجُمُعَةِ يَوْمٌ خُطْبَةٍ وَ نِكَاحٍ

قال مصنف هذا الكتاب رضى الله عنه يوم الإثنين يوم سفر إلى موضع الاستسقاء و الطلب للمطر

۶۲ - امیر المؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: روز شنبه روز نیرنگ و فریب است و روز یکشنبه روز عروسی و ساختمان است و روز دوشنبه روز مسافرت و دنبال کاری رفتن است و روز سهشنبه روز جنگ و خونریزی است و روز چهارشنبه روز شومی است و مردم در آن روز فال بد میزنند و روز پنجشنبه روز رفتن نزد فرمانداران و برآمدن نیازمندیها است و روز جمعه روز خواستگاری و عقد زناشویی بستن است.

(مصنف) این کتاب گوید:
روز دوشنبه روز مسافرت به محل نماز
استسقاء و طلب باران است.

آنچه در باره روز دوشنبه رسیده است

ما جاء في يوم الإثنين
٦٣ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى
بْنِ عِمْرَانَ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ السَّنْدِيِّ عَنْ
مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ سَعِيدٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ
قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ احْتَجَمَ رَسُولُ
اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَوْمَ الْإِثْنَيْنِ وَ أُعْطِيَ الْحَجَامَ بُرّاً

٦٣ - یونس بن یعقوب گوید: شنیدم از
امام صادق که میفرمود رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در
روز دوشنبه حجامت کرد و به شخص
حجامتکننده گندم عطا فرمود

٦٤ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ
قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ قَالَ
حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ قَالَ حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ
الْحُسَيْنِ اللَّوْلُؤِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ وَ
أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ الْمِثْمِيِّ أَوْ أَحَدِهِمَا عَنْ
إِبْرَاهِيمَ بْنِ مِهْزَمٍ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ
اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَحْتَجِمُ يَوْمَ الْإِثْنَيْنِ
بَعْدَ الْعَصْرِ

٦٤ - امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: رسول خدا
حجامت را روز دوشنبه پس از عصر
میکرد.

٦٥ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي يَعْقُوبُ بْنُ يَزِيدَ وَ
مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ حَمَّادِ
بْنِ عِيسَى عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ
الْحَجَامَةُ يَوْمَ الْإِثْنَيْنِ مِنْ آخِرِ النَّهَارِ تَسْلُ
الدَّاءَ سَلًّا مِنَ الْبَدَنِ

۶۵ - امام صادق علیه السلام فرمود: در آخر وقت روز دوشنبه حجامت کردن درد را کاملاً از بدن بیرون میکشد.

۶۶ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى بْنِ عِمْرَانَ الْأَشْعَرِيُّ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنِ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ عُقْبَةَ بْنِ بَشِيرٍ الْأَزْدِيِّ قَالَ جِئْتُ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام يَوْمَ الْإِثْنَيْنِ فَقَالَ كُلْ فَقُلْتُ إِنِّي صَائِمٌ فَقَالَ وَكَيْفَ صُمْتَ قَالَ قُلْتُ لِأَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وُلِدَ فِيهِ فَقَالَ أَمَا مَا وُلِدَ فِيهِ فَلَا تَعْلَمُونَ وَ أَمَا مَا قُبِضَ فِيهِ فَتَنَعَمُ ثُمَّ قَالَ فَلَا تَصُمْ وَ لَا تُسَافِرُ فِيهِ

۶۶ - عقبه بن بشیر گوید: روز دوشنبه ای بخدمت امام باقر علیه السلام رسیدم (آن حضرت طعامی میل میفرمود بمن نیز پیشنهاد شرکت در غذا کرده) و فرمود: بخور عرض کردم من روزه دارم فرمود: چرا روزه گرفته ای؟ عرض کردم برای اینکه رسول خدا صلى الله عليه وآله در چنین روزی متولد شده است فرمود: شما روز ولادت آن حضرت را نمیدانید و روزی را میدانید که در آن روز وفات کرده است سپس فرمود در آن روز نه روزه بگیر و نه مسافرت کن.

۶۷ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ مُوسَى بْنِ الْقَاسِمِ الْبَجَلِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ جَاءَ رَجُلٌ إِلَى أَخِي مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ علیه السلام فَقَالَ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنِّي أَرِيدُ الْخُرُوجَ فَادْعُ لِي فَقَالَ وَ مَتَى تَخْرُجُ قَالَ يَوْمَ الْإِثْنَيْنِ فَقَالَ لَهُ وَ لِمَ تَخْرُجُ يَوْمَ الْإِثْنَيْنِ قَالَ أَطْلُبُ فِيهِ الْبَرَكَةَ لِأَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وُلِدَ يَوْمَ الْإِثْنَيْنِ فَقَالَ كَذَبُوا وَ لِدَ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَ مَا مِنْ يَوْمٍ أَعْظَمُ شَوْماً مِنْ يَوْمِ الْإِثْنَيْنِ يَوْمَ مَاتَ فِيهِ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَ انْقَطَعَ فِيهِ وَحْيُ السَّمَاءِ وَ ظَلِمْنَا فِيهِ حَقَّنَا

أَلَا أَدُلُّكَ عَلَى يَوْمٍ سَهْلٍ لَيِّنٍ أَلَا إِنَّ اللَّهَ
لِذَاؤُدَ عَلَيْهِ فِيهِ الْحَدِيدَ فَقَالَ الرَّجُلُ بَلَى جُعِلْتُ
فِيكَ فَقَالَ أَخْرُجْ يَوْمَ الثَّلَاثَاءِ

۶۷ - علی بن جعفر گوید: مردی بخدمت
برادرم موسی بن جعفر ع رسید و عرض کرد
قربانت شوم قصد مسافرتی دارم و استدعا
دارم که برای من دعا بفرمائید فرمود
مسافرتت چه روزی است عرض کرد روز
دوشنبه، فرمود روز دوشنبه چرا؟ عرض کرد
چون روز ولادت رسول خدا ص است میخواهم
برکت داشته باشد فرمود: دروغ میگویند
رسول خدا ص در روز جمعه متولد شده است
و هیچ روزی شومتر از روز دوشنبه نیست
روزی است که رسول خدا ص در آن روز از
دنیا رفته است و صدای وحی از خاندان ما
بریده شده است و حق ما را در آن روز از
ما غصب کرده اند.

اگر میخواهی تو را به روز سهل و نرمی
راهنمایی کنم؟ که خداوند در آن روز آهن
را برای داود نرم کرد عرض کرد چرا
قربانت شوم فرمود: سه‌شنبه مسافرت کن.

آنچه در باره روز سه‌شنبه رسیده است

ما جاء فی یوم الثلثاء
۶۸ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ
قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ
بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيُّ عَنْ أَبِي الْخَزْرَجِ عَنْ
سُلَيْمَانَ عَنْ أَبِي نَضْرَةَ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخَدْرِيِّ
قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَنْ اخْتَجَمَ يَوْمَ الثَّلَاثَاءِ
لِسَبْعِ عَشْرَةَ أَوْ تِسْعِ عَشْرَةَ أَوْ لِاحْدَى وَ عَشْرِينَ
مِنْ الشَّهْرِ كَانَتْ لَهُ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ مِنْ
أَدْوَاءِ السَّنَةِ كُلِّهَا وَ كَانَتْ لِمَا سِوَى ذَلِكَ
شِفَاءً مِنْ وَجَعِ الرَّأْسِ وَ الْأَصْرَاسِ وَ الْجُنُونِ وَ
الْجُدَامِ وَ الْبَرَصِ

۶۸ - رسول خدا ﷺ فرمود: هر کس روز سه‌شنبه هفدهم یا نوزدهم یا بیست و یکم ماه حجامت کند از همه بیماریهای آن سال شفا می‌یابد ولی در بقیه سه‌شنبه‌ها حجامت نمودن درمان درد سر و درد دندان و دیوانگی و پیزی و بیماری خوره میباشد.

۶۹ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَصْبَهَانِيِّ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ الْمِنْقَرِيِّ عَنْ حَفْصِ بْنِ غِيَاثِ النَّخَعِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ مَنْ كَانَ مُسَافِرًا فَلْيُسَافِرْ يَوْمَ السَّبْتِ فَلَوْ أَنَّ حَجْرًا زَالَ عَنْ حَجْرٍ يَوْمَ السَّبْتِ لَرَدَّهُ اللَّهُ إِلَى مَكَانِهِ وَ مَنْ تَعَدَّرَتْ عَلَيْهِ الْحَوَائِجُ فَلْيَلْتَمِسْ طَلَبَهَا يَوْمَ الثَّلَاثَاءِ فَإِنَّهُ الْيَوْمَ الَّذِي أَلَانَ اللَّهُ فِيهِ الْحَدِيدَ لِدَاوُدَ ع

۶۹ - امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس بخواهد سفر کند روز شنبه بمسافرت برود که اگر روز شنبه سنگی از سنگی کنده شود خداوند آن را بجای اولی خود باز میگرداند و هر کس که نیازمندیهایش با مشکلاتی برخورد کند روز سه‌شنبه بدنبال حاجتش رود زیرا روز سه‌شنبه همان روزی است که خداوند آهن را برای داود نرم کرد.

آنچه در باره روز چهارشنبه رسیده است
ما جاء في يوم الأربعاء

۷۰ - حَدَّثَنِي أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنِ بَعْضِ أَصْحَابِنَا قَالَ دَخَلْتُ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْعَسْكَرِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمَ الْأَرْبِعَاءِ وَ هُوَ يَحْتَجِمُ فَقُلْتُ لَهُ إِنَّ أَهْلَ الْحَرَمَيْنِ يَرُؤُونَ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ أَنَّهُ قَالَ مَنْ اخْتَجَمَ يَوْمَ الْأَرْبِعَاءِ فَأَصَابَهُ بَيَاضٌ فَلَا يَلُومَنَّ إِلَّا نَفْسَهُ فَقَالَ كَذَّبُوا إِنَّمَا يُصِيبُ ذَلِكَ مَنْ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ فِي

۷۰ - یعقوب بن یزید از یکی از اصحاب ما نقل میکند که گفت: روز چهارشنبه ای بحضور امام حسن عسگری رسیدم آن حضرت حجامت میکرد عرض کردم اهل حرمین (مکه و مدینه) از رسول خدا ﷺ روایت میکنند که فرموده است هر کس روز چهارشنبه حجامت کند و به بیماری پرسی مبتلا شود کسی را به جز خویشتن ملامت ننماید فرمود دروغ گفته اند به بیماری پرسی کسی مبتلا گردد که نطفه اش در ایام حیض مادرش بسته شده باشد.

۷۱ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّقَّارُ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ أَسْلَمَ قَالَ رَأَيْتُ أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ اخْتَجَمَ يَوْمَ الْأَرْبِعَاءِ وَهُوَ مَحْمُومٌ فَلَمْ تَثْرُكُهُ الْحُمَّى فَاخْتَجَمَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فَتَرَكَتُهُ الْحُمَّى

۷۱ - عبد الرحمن بن عمرو بن اسلم گوید: امام موسی بن جعفر عَلَيْهِ السَّلَامُ را دیدم که تبار بود و روز چهارشنبه حجامت کرد ولی تب قطع نشد تا اینکه روز جمعه حجامت کرد و تب حضرت برید.

۷۲ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى بْنِ عَمْرَانَ الْأَشْعَرِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا السِّيَّارِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ الدَّقَّاقِ الْبَغْدَادِيِّ قَالَ كَتَبْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ الثَّانِي عَلَيْهِ السَّلَامُ أَسْأَلُهُ عَنِ الْخُرُوجِ يَوْمَ الْأَرْبِعَاءِ لَا يَدُورُ فَكَتَبَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنْ خَرَجَ يَوْمَ الْأَرْبِعَاءِ لَا يَدُورُ خِلَافًا عَلَى أَهْلِ الطَّيْرَةِ وَقِي مِنْ كُلِّ آفَةٍ وَ عَوْفِي مِنْ كُلِّ ذَاةٍ وَ عَاهَةِ وَ قَضَى اللَّهُ لَهُ حَاجَتَهُ وَ كَتَبْتُ إِلَيْهِ مَرَّةً أُخْرَى أَسْأَلُهُ عَنِ الْجَمَامَةِ يَوْمَ الْأَرْبِعَاءِ لَا يَدُورُ

فَكَتَبَ ﷺ مَنِ احْتَجَمَ فِي يَوْمِ الْأَرْبِعَاءِ لَا يَدُورُ
خِلَافًا عَلَيَّ أَهْلَ الطَّيْرَةِ عُوْفِيَّ مِنْ كُلِّ آفَةٍ وَ
وُقْيِيَّ مِنْ كُلِّ عَاهَةٍ وَ لَمْ تَخْضَرْ مَحَاجِمُهُ

۷۲ - محمد بن أحمد بن دقاق بغدادی
گوید: نامه‌ای به حضور امام ابی الحسن
رضا علیه السلام نوشتم که از مسافرت در روز
چهارشنبه آخر ماه در نامه سؤال نموده
بودم حضرت در پاسخ نامه مرقوم فرمود:
بعکس آنچه مردمان فال بد زن گمان کنند
هر کس روز چهارشنبه آخر ماه مسافرت کند
از هر بلائی محفوظ و از هر بیماری و
ناراحتی در امان خواهد بود و خداوند
نیازمندی او را برآورد.

و بار دیگر ضمن نامه‌ای بحضورش از
حجامت نمودن در روز چهارشنبه آخر ماه
پرسیدم مرقوم فرمود: بعکس آنچه مردمان
فال بد زن برآیند هر کس روز چهارشنبه
حجامت کند از هر گونه آفتی سالم و از هر
ناراحتی محفوظ می‌ماند و محل حجامت‌اش
زودتر بهبودی مییابد.

۷۳ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ الْبَغْدَادِيُّ
الْوَرَّاقُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ جَعْفَرِ
بْنِ أَحْمَدَ بْنِ عَنبَسَةَ مَوْلَى الرَّشِيدِ قَالَ حَدَّثَنَا
دَارِمُ بْنُ قَبِيصَةَ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُوسَى
الرِّضَا قَالَ سَمِعْتُ أَبِي يُحَدِّثُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ
مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ
أَبِيهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي
طَالِبٍ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله آخِرُ أَرْبِعَاءٍ فِي
الشَّهْرِ يَوْمٌ نَحْسٍ مُسْتَمِرٌّ

۷۳ - رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: چهارشنبه آخر
ماه روز نحسی است.

۷۴ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ
عِيْسَى عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ عَنْ
أَبَانَ عَنْ أَبِي جَعْفَرِ الْأَحْوَلِ عَنْ بَشَّارِ بْنِ يَسَارِ

قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام لَأَيِّ شَيْءٍ يُصَامُ يَوْمُ الْأَرْبِعَاءِ قَالَ لِأَنَّ النَّارَ خُلِقَتْ يَوْمَ الْأَرْبِعَاءِ

۷۴ - بشار بن يسار گوید: امام صادق عليه السلام را عرض کردم در روز چهارشنبه چرا باید روزه گرفت فرمود: برای اینکه آتش در روز چهارشنبه آفریده شده است.

۷۵ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو سَعِيدٍ الْأَدْمِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانَ عَنْ حُدَيْفَةَ بْنِ مَنْصُورٍ قَالَ رَأَيْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ اخْتَجَمَ يَوْمَ الْأَرْبِعَاءِ بَعْدَ الْعَصْرِ

۷۵ - حذیفة بن منصور گوید: دیدم امام صادق عليه السلام را که روز چهارشنبه بعد از عصر حجامت فرمود:

۷۶ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عِمْرَانَ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام قَالَ تَوَقَّوْا الْحَجَامَةَ يَوْمَ الْأَرْبِعَاءِ وَ النَّوْرَةَ فَإِنَّ يَوْمَ الْأَرْبِعَاءِ يَوْمٌ نَحْسٌ مُسْتَمِرٌّ وَ فِيهِ خُلِقَتْ جَهَنَّمُ

۷۶ - امیر المؤمنین عليه السلام فرمود: از حجامت کردن و نوره کشیدن روز چهارشنبه خودداری کنید

که روز چهارشنبه روز نحس پایداری است و دوزخ در آن روز آفریده شده است.

۷۷ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى الْيَقْطِينِيِّ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام يَنْبَغِي لِلرَّجُلِ أَنْ يَتَوَقَّى النَّوْرَةَ يَوْمَ الْأَرْبِعَاءِ فَإِنَّهُ يَوْمٌ نَحْسٌ مُسْتَمِرٌّ

۷۷ - امیر المؤمنین علیه السلام فرمود سزاوار است که مرد از نوره کشیدن در روز چهارشنبه خودداری نماید که آن روز نحس پایداری است.

۷۸ - حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ عَمْرٍو بْنِ عَلِيٍّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْبَصْرِيُّ بِإِيْلَاقٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ جَبَلَةَ الْوَاعِظُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْقَاسِمِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ عَامِرِ الطَّائِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرَّضَا قَالَ حَدَّثَنَا مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ قَالَ حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ قَالَ حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ علیه السلام قَالَ قَامَ رَجُلٌ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام فِي الْجَامِعِ بِالْكُوفَةِ فَقَالَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَخِيرَنِي عَنْ يَوْمِ الْأَرْبِعَاءِ وَ التَّطْيِيرِ مِنْهُ وَ ثِقْلِهِ وَ أَيُّ الْأَرْبِعَاءِ هُوَ فَقَالَ علیه السلام آخِرُ أَرْبِعَاءٍ فِي الشَّهْرِ وَ هُوَ الْمَحَاقُ وَ فِيهِ قَتَلَ قَابِيْلُ هَابِيْلَ أَخَاهُ وَ يَوْمَ الْأَرْبِعَاءِ أَلْقَى إِبْرَاهِيْمُ علیه السلام فِي النَّارِ وَ يَوْمَ الْأَرْبِعَاءِ وَضَعُوا الْمَنْجْنِيْقَ وَ يَوْمَ الْأَرْبِعَاءِ غَرَقَ اللَّهُ فِرْعَوْنَ وَ يَوْمَ الْأَرْبِعَاءِ جَعَلَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَرْضَ قَوْمِ لُوطٍ عَلِيْهَا سَافِلَهَا وَ يَوْمَ الْأَرْبِعَاءِ أَرْسَلَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِيهِ الرِّيْحَ عَلَى قَوْمِ عَادٍ وَ يَوْمَ الْأَرْبِعَاءِ أَصْبَحَتْ كَالصَّرِيْمِ وَ يَوْمَ الْأَرْبِعَاءِ سَلَطَ اللَّهُ عَلَى نُمْرُودَ الْبَقَّةَ وَ يَوْمَ الْأَرْبِعَاءِ طَلَبَ فِرْعَوْنُ مُوسَى لِيَقْتُلَهُ وَ يَوْمَ الْأَرْبِعَاءِ حَرَّ عَلَيْهِمُ السَّقْفُ مِنْ فَوْقِهِمْ وَ يَوْمَ الْأَرْبِعَاءِ أَمَرَ فِرْعَوْنُ بِذَبْحِ الْغُلَمَانِ وَ يَوْمَ الْأَرْبِعَاءِ حُرِّبَ بَيْتُ الْمَقْدِسِ وَ يَوْمَ الْأَرْبِعَاءِ أَحْرَقَ مَسْجِدَ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ علیه السلام وَ إِصْطَخَرُ مِنْ كُورَةَ فَارِسَ وَ يَوْمَ الْأَرْبِعَاءِ قَتَلَ يَحْيَى بْنُ زَكَرِيَّا وَ يَوْمَ الْأَرْبِعَاءِ ظَلَّ قَوْمُ فِرْعَوْنَ أَوَّلَ الْعَذَابِ وَ يَوْمَ الْأَرْبِعَاءِ خَسَفَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِقَارُونَ وَ يَوْمَ الْأَرْبِعَاءِ ابْتَلَى اللَّهُ أَيُّوبَ علیه السلام بِذَهَابِ مَالِهِ وَ

وُلِدِهِ وَ يَوْمَ الْأَرْبِعَاءِ أُذْخِلَ يُوسُفُ السِّجْنَ وَ
يَوْمَ الْأَرْبِعَاءِ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَنَا دَمَّرْنَا هُمْ
وَ قَوْمَهُمْ أَجْمَعِينَ وَ يَوْمَ الْأَرْبِعَاءِ أَخَذَتْهُمْ
الصَّيْحَةُ وَ يَوْمَ الْأَرْبِعَاءِ عَقَرُوا النَّاقَةَ وَ
يَوْمَ الْأَرْبِعَاءِ أَمْطَرَ عَلَيْهِمْ حِجَارَةً مِنْ سِجِّيلٍ وَ
يَوْمَ الْأَرْبِعَاءِ شَجَّ النَّبِيُّ ﷺ وَ كَسِرَتْ رَبَاعِيَّتُهُ
وَ يَوْمَ الْأَرْبِعَاءِ أَخَذَتِ الْعَمَالِيْقُ التَّابُوتَ

قال مصنف هذا الكتاب رضى الله عنه من
اضطر إلى الخروج في سفر يوم الأربعاء أو
تبيع به الدم في يوم الأربعاء فجائز له
أن يسافر أو يحتجم فيه و لا يكون ذلك
شؤما عليه لا سيما إذا فعل ذلك خلافا على
أهل الطيرة و من استغنى عن الخروج فيه
أو عن إخراج الدم فالأولى أن يتوقى و لا
يسافر فيه و لا يحتجم

۷۸ - امير المؤمنين عليه السلام در مسجد كوفه
بود كه مردى بپا خواست و عرض كرد يا
امير المؤمنين مرا آگاه فرما كه چرا روز
چهارشنبه بفال بد گرفتته مى شود و آن را
روز سنگينى ميدانند و مقصود كدام
چهارشنبه است؟

فرمود: چهارشنبه آخر ماه كه محاق باشد
(يعنى شبها ماه پيدا نباشد) و در چنين
روزي قابيل برادر خود هابيل را كشت و
روز چهارشنبه ابراهيم در آتش افكنده شد
و در روز چهارشنبه منجنيق را نصب كردند
و روز چهارشنبه خداوند فرعون را غرق كرد
و روز چهارشنبه خداوند شهر قوم لوط را
زير و زبر كرد و در روز چهارشنبه خداوند
باد سوزناك را بر قوم عاد فرستاد و در
روز چهارشنبه باغهاى مردم صنعاء مانند
درختى كه خشكیده و بر زمين ريخته شده
باشد خشك گرديد و در روز چهارشنبه فرعون
دستور داد كه اگر موسى را بدست آورند
او را بکشند و روز چهارشنبه سقف بر سر
آنان فرود آمد و روز چهارشنبه فرعون

دستور داد که نوزادهای پسر را بکشند و روز چهارشنبه بیت المقدس ویران گردید و روز چهارشنبه مسجد سلیمان بن داود که در استخر از شهرستانهای استان فارس بود سوخت و روز چهارشنبه یحیی بن زکریا شهید شد و روز چهارشنبه اولین مرحله عذاب بر قوم فرعون سایه افکند و روز چهارشنبه خداوند قارون را بزمین فرو برد و روز چهارشنبه خداوند ایوب را بتلف شدن مال و فرزندان اش گرفتار کرد و روز چهارشنبه یوسف زندانی شد و روز چهارشنبه را خداوند فرموده است که ما آنان (قوم صالح) را همگی سرنگون کردیم و روز چهارشنبه ناقه صالح را پی کردند و روز چهارشنبه سنگ آسمانی از گل پخته بر سر آنان بارید و روز چهارشنبه پیشانی پیغمبر مجروح شد و دندانهای جلوی آن حضرت شکست و روز چهارشنبه عمالقه تابوت را از بنی اسرائیل گرفتند.

(مصنف) این کتاب گوید

کسی که ناگزیر است از مسافرت در روز چهارشنبه و یا روز چهارشنبه خورش به جوش آمده برای او رواست که مسافرت و یا حجامت کند و شومی از برای او ندارد مخصوصا هر گاه بقصد مخالفت با آنان که فال بد میزنند انجام بگیرد ولی آن کس از مسافرت در روز چهارشنبه و یا خون گرفتن بی‌نیاز است بهتر آن است که خودداری نموده و در آن روز نه مسافرت کند و نه حجامت.

آنچه در باره روز پنجشنبه رسیده است

ما جاء في يوم الخميس

٧٩ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا يَعْقُوبُ بْنُ يَزِيدَ عَنْ مَرْوَانَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ مُعْتَبِ بْنِ الْمُبَارَكِ قَالَ دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي يَوْمِ الْخَمِيسِ وَهُوَ يَحْتَجِمُ فَقُلْتُ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ أَتَحْتَجِمُ فِي يَوْمِ الْخَمِيسِ فَقَالَ نَعَمْ مَنْ كَانَ مِنْكُمْ مُحْتَجِمًا فَلْيَحْتَجِمِ فِي يَوْمِ الْخَمِيسِ فَإِنَّ عَشِيَّةَ كُلِّ جُمُعَةٍ يَبْتَدِرُ الدَّمُ فَرَقًا مِنَ الْقِيَامَةِ وَلَا يَرْجِعُ إِلَيَّ وَكَرِهَ إِلَيَّ غَدَاةَ الْخَمِيسِ ثُمَّ التَفَّتْ إِلَيَّ غَلَامِيهِ رَبِيحُ فَقَالَ يَا رَبِيحُ اشْدُدْ قَصَبَ الْمُلَازِمِ وَاجْعَلْ مَصَكَ رَحِيًّا وَاجْعَلْ شَرْطَكَ زَحْفًا وَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مَنْ احْتَجَمَ فِي آخِرِ خَمِيسٍ مِنَ الشَّهْرِ فِي أَوَّلِ النَّهَارِ سَلَّ مِنْهُ الدَّاءُ سَلًّا

٧٩ - معتب بن مبارک گوید: روز پنجشنبه ای بود که به خدمت امام صادق عليه السلام رسیدم و حضرتش حمامت میکرد. عرض کردم یا ابن رسول الله روز پنجشنبه حمامت میکنی؟ فرمود آری هر کس از شما که بخواهد حمامت کند بهتر است که روز پنجشنبه حمامت کند زیرا که در عصر هر جمعه خون بدن از ترس قیامت می‌جهد و تا صبح پنجشنبه بجایگاه خود باز نمی‌گردد. سپس رو بگلامش ذبیح کرده و فرمود ای ذبیح شاخ حمامت را محکم بچسبان و بآرامی بمک و تیغ را بچابکی بزن.

و امام صادق عليه السلام فرمود: هر کس در پنجشنبه آخر ماه اول روز حمامت کند ریشه بیماریها از تن او کنده می‌شود.

٨٠ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ

اللَّهُ ﷺ قَالَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَوَّلَ مَا بُعِثَ يَصُومُ حَتَّى يُقَالَ لَا يُفْطِرُ وَ يُفْطِرُ حَتَّى يُقَالَ لَا يَصُومُ ثُمَّ تَرَكَ ذَلِكَ وَ صَامَ يَوْمًا وَ تَرَكَ يَوْمًا وَ هُوَ صَوْمٌ دَاوُدَ ﷺ ثُمَّ تَرَكَ ذَلِكَ ثُمَّ قِيضَ وَ هُوَ يَصُومُ خَمِيسَيْنِ بَيْنَهُمَا أَرْبَعَاءُ

۸۰ - امام صادق ﷺ فرمود: رسول خدا ﷺ در آغاز بعثت چندان روزه می‌گرفت که در باره‌اش گفته میشد که افطار نخواهد کرد و افطار می‌فرمود چندان که گفته میشد دیگر روزه نخواهد گرفت.

سپس این شیوه را ترك فرمود و يك روز در میان روزه گرفت که روزه داری داود چنین بود سپس این را نیز ترك فرمود و تا پایان زندگی دو پنجشنبه را روزه می‌گرفت با چهارشنبه میان آن دو (شرح:)

مقصود پنجشنبه اول و پنجشنبه آخر ماه و چهارشنبه وسط ماه است چنانچه در روایات دیگر تصریح شده است.

۸۱ - وَ بِهِذَا الْإِسْنَادِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُؤَيْدٍ عَنِ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنِ الْأَحْوَلِ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ سُئِلَ عَنِ صَوْمِ خَمِيسَيْنِ بَيْنَهُمَا أَرْبَعَاءُ فَقَالَ أَمَّا الْخَمِيسُ فَيَوْمٌ تُعْرَضُ فِيهِ الْأَعْمَالُ وَ أَمَّا الْأَرْبَعَاءُ فَيَوْمٌ خُلِقَتْ فِيهِ النَّارُ وَ أَمَّا الصَّوْمُ فَجَنَّةٌ

۸۱ - امام صادق ﷺ فرمود: از رسول خدا ﷺ سؤال شد از روزه دو پنجشنبه با چهارشنبه وسط فرمود: اما روز پنجشنبه روزی است که عملها در آن عرضه می‌شود و اما روز چهارشنبه روزی است که آتش در آن روز آفریده شده است و اما روزه پس آن سیر است از آتش.

۸۲ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الرَّازِيُّ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عُقْبَةَ عَنِ زَكَرِيَّا عَنِ أَبِيهِ

عَنْ يَحْيَى قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مَنْ قَمَّ
أَظْفِيرَهُ يَوْمَ الْخَمِيسِ وَ تَرَكَ وَاحِدَةً لِيَوْمِ
الْجُمُعَةِ نَفَى اللَّهُ عَنْهُ الْفَقْرَ

۸۲ - امام صادق عليه السلام فرمود هر کس روز
پنجشنبه ناخنهایش را بگيرد و يك ناخن
برای روز جمعه بگذارد خداوند فقر را از
او دور فرماید.

آنچه در باره روز جمعه رسیده است ما
جاء فی يوم الجمعة

۸۳ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَيْسَى بْنُ
عُبَيْدٍ عَنْ زَكَرِيَّا الْمُؤْمِنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ رَبَاحِ
الْقَلَاءِ قَالَ رَأَيْتُ أَبَا إِبْرَاهِيمَ عليه السلام يَحْتَجِمُ يَوْمَ
الْجُمُعَةِ فَقُلْتُ جُعِلَتْ فِدَاكَ تَحْتَجِمُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ
قَالَ أَقْرَأَ آيَةَ الْكُرْسِيِّ فَإِذَا هَاجَ بِكَ الدَّمُ
لَيْلًا كَانَ أَوْ نَهَارًا فَاقْرَأْ آيَةَ الْكُرْسِيِّ وَ
اِحْتَجِمْ

۸۳ - محمد بن رباح قلاء گوید: موسی بن
جعفر عليه السلام را دیدم که روز جمعه حمامت
میکرد، عرض کردم: فدایت شوم روز جمعه
حمامت میکنی؟ فرمود: من آیه الکرسی را
میخوانم و تو نیز هر وقت که فشار خونت
بالا رفت چه روز باشد و چه شب آیه الکرسی
بخوان و حمامت کن

۸۴ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ الْبَغْدَادِيُّ
الْوَرَّاقُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ مَوْلَى
الرَّشِيدِ قَالَ حَدَّثَنَا دَارِمُ بْنُ قَبِيصَةَ قَالَ
حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرُّضَا قَالَ حَدَّثَنِي مُوسَى
بْنُ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ
مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ
أَبِيهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي
طَالِبٍ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله تَقُومُ السَّاعَةُ
يَوْمَ الْجُمُعَةِ بَيْنَ صَلَاةِ الظُّهْرِ وَ الْعَصْرِ

۸۴ - رسول خدا ﷺ فرمود: رستاخیز در روز جمعه میان نماز ظهر و عصر برپا خواهد شد.

۸۵ - وَ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَطْرَفُوا أَهَالِيَكُمْ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ بِشَيْءٍ مِّنَ الْفَاكِهَةِ وَاللَّحْمِ حَتَّى يَفْرَحُوا بِالْجُمُعَةِ وَ كَانِ النَّبِيُّ ﷺ إِذَا خَرَجَ فِي الصَّيْفِ مِنْ بَيْتِ خَرَجَ يَوْمَ الْخَمِيسِ وَ إِذَا أَرَادَ أَنْ يَدْخُلَ الْبَيْتَ فِي الشِّتَاءِ مِنَ الْبَرْدِ دَخَلَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَ قَدْ رُوِيَ أَنَّهُ كَانَ دُخُولُهُ وَ خُرُوجُهُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ

۸۵ - علی بن ابی طالب فرمود: رسول خدا ﷺ فرمود: در هر جمعه برای خانواده خود از میوه و گوشت چیزی تحفه ببرید تا بآمدن روز جمعه شادمان گردند و پیغمبر ﷺ چون در تابستان از اطاق بیرون می‌آمد روز پنجشنبه بیرون می‌آمد و چون میخواست که در زمستان از سرما باطاق برگردد روز جمعه برمیگشت و روایت شده که بیرون شدن حضرت و باز گشتنش در روز جمعه بوده است. (شرح:)

در بعضی از نسخه‌ها بجای (اطرفوا) اطرقتوا آمده است و بنا بر آن معنای روایت چنین می‌شود که هر شب جمعه برای خانواده از میوه و گوشت چیزی ببرید.

۸۶ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ أَبِي كَهْمَسٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ عَلَّمَنِي دُعَاءً أَسْتَنْزِلُ بِهِ الرِّزْقَ فَقَالَ لِي خُذْ مِنْ شَارِبِكَ وَ أَظْفَارِكَ وَ لِيَكُنْ ذَلِكَ فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ

۸۶ - ابی کهمس گوید: بامام صادق علی بن ابی طالب عرض کردم دعائی مرا بیاموز که بدان روزی فراخوانم بمن فرمود از زیادای سبیلت و

ناخنهايت را بچنين و اين در روز جمعه بايد باشد.

۸۷ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ عُتَيْبَةَ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْمَدِينِيِّ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ قَالَ تَقْلِيمُ الْأَظْفَارِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ يُؤْمِنُ مِنَ الْجُدَامِ وَالْبَرَصِ وَالْعَمَى وَإِنْ لَمْ يَخْتَجْ فَحُكَّهَا حَكًّا وَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مَنْ قَلَّمَ أَظْفَارَهُ وَقَصَّ شَارِبَهُ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ ثُمَّ قَالَ بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَعَلَى سُنَّةِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أُعْطِيَ بِكُلِّ قَلَامَةٍ وَجُرَازَةٍ عِنْتُ رَقَبَةٍ مِنْ وُلْدِ إِسْمَاعِيلَ

۸۷ - امام صادق عليه السلام فرمود: روز جمعه ناخنها را چیدن از بیماری خوره و پیسی و کوری ایمنی بخشد و اگر نیازی بچیدن نباشد بنحوی آن را بخراشد و امام صادق عليه السلام فرمود: هر کس که هر روز جمعه ناخنهايش را بچیند و شاربش را بزند و سپس بگوید:

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَ عَلَى سُنَّةِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ
(یعنی بنام خدا و بیاری خدا و براه و رسم محمد و آل محمد این کار را کردم)
بهر ریزه ناخن و مو ثواب آزاد کردن يك بنده از فرزندان اسماعیل با و داده می شود.

۸۸ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ حَسَّانَ الرَّازِيُّ عَنْ أَبِي مُحَمَّدِ الرَّازِيِّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ يَزِيدَ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ أَبِيهِ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله مَنْ قَلَّمَ أَظْفَارَهُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ أَخْرَجَ اللَّهُ مِنْ أَنْفَالِهِ الدَّاءَ وَ أَدْخَلَ فِيهِ الدَّوَاءَ وَ زُوِيَ أَنَّهُ لَا يُصِيبُهُ جُنُونٌ وَ لَا جُدَامٌ وَ لَا بَرَصٌ

۸۸ - امام صادق عليه السلام از پدرش: رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: کسی که ناخنهايش را روز جمعه

بچینند خداوند درد را از انگشتان او بیرون میکند و درمان بجای درد در آورد و روایت شده است که چنین کس به دیوانگی و بیماری خوره و پیسی گرفتار نگردد.

۸۹ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى بْنِ عِمْرَانَ الْأَشْعَرِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ عَنِ الْجَعْفَرِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام يَقُولُ قَلَمُوا أَظْفَارَكُمْ يَوْمَ الثَّلَاثَاءِ وَ اسْتَجْمُوا يَوْمَ الْأَرْبَعَاءِ وَ أَصِيبُوا مِنَ الْحَجَّامِ حَاجَتَكُمْ يَوْمَ الْخَمِيسِ وَ تَطَيَّبُوا بِأَطْيَبِ طَيِّبِكُمْ يَوْمَ الْجُمُعَةِ

۸۹ - جعفری گوید: شنیدم موسی بن جعفر عليه السلام میفرمود ناخنهایتان را روز سه‌شنبه بچینید و بر روز چهارشنبه بحمام بروید و اگر نیازی به حمام دارید روز پنجشنبه حمام کنید و با خوشبوترین عطرها خود روز جمعه معطر شوید.

۹۰ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ حَكِيمٍ عَنْ مُعَمَّرِ بْنِ خَلَادٍ عَنِ أَبِي الْحَسَنِ الرُّضَا عليه السلام قَالَ لَا يَنْبَغِي لِلرَّجُلِ أَنْ يَدَعَ الطَّيِّبَ فِي كُلِّ يَوْمٍ فَإِنْ لَمْ يَقْدِرْ عَلَيْهِ فَيَوْمٌ وَ يَوْمٌ لَا فَإِنْ لَمْ يَقْدِرْ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ وَ لَا يَدَعَ ذَلِكَ

۹۰ - امام رضا عليه السلام فرمود: برای مرد سزاوار نیست که هر روز عطر نزنند و اگر هر روز نتوانست یک روز در میان و اگر باز نتوانست در هر روز جمعه عطر نزنند و آن را ترک نکند.

۹۱ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْفَرَاتِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَطَرٍ عَنِ السَّكَنِ الْخَزَّازِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ

يَقُولُ لِلَّهِ حَقٌّ عَلَى كُلِّ مُحْتَلِمٍ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ أَخَذَ شَارِبَهُ وَ أَظْفَارَهُ وَ مَسَّ شَيْئاً مِنَ الطَّيِّبِ
 ۹۱ - سکن خزاز گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام میفرمود: خدا را بر هر مرد بالغ حقی است که در هر روز جمعه شارب و ناخنهایش را بچیند و مقداری عطر استعمال کند.
 (شرح-)

در بعض از نسخه های کافی بجای (محتلم) مسلم است

۹۲ - حَدَّثَنَا أَبُو عَلِيٍّ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ عَمْرِو الْعَطَّارُ الْقَزْوِينِيُّ بِبَلْخٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو مُصْعَبٍ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُصْعَبِ بْنِ الْقَاسِمِ السُّلَمِيُّ بِتَرْمِذٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو مُحَمَّدٍ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْحَاقَ بْنِ هَارُونَ الْأَمَلِيُّ بِأَمَلٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ غَالِبِ الْبَصْرِيِّ الزَّاهِدِ بِبَغْدَادٍ قَالَ حَدَّثَنَا دِينَارٌ مَوْلَى أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ عَنْ أَنَسِ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ إِنَّ لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ وَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ أَرْبَعٌ وَ عِشْرُونَ سَاعَةً لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فِي كُلِّ سَاعَةٍ سِتْمِائَةٌ أَلْفَ عَتِيقٍ مِنَ النَّارِ

۹۲ - رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: شب و روز جمعه ۲۴ ساعت است و خدا در هر ساعتی ششصد هزار نفر از آتش آزاد میفرماید.

۹۳ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ زِيَادٍ الْهَمْدَانِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ جَمِيعاً عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الرَّجُلِ يُرِيدُ أَنْ يَعْمَلَ شَيْئاً مِنَ الْخَيْرِ مِثْلَ الصَّدَقَةِ وَ الصَّوْمِ وَ نَحْوِ هَذَا قَالَ يُسْتَحَبُّ أَنْ يَكُونَ ذَلِكَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فَإِنَّ الْعَمَلَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ يُضَاعَفُ

۹۳ - امام صادق علیه السلام فرمود: در باره کسی که بخواهد کار نیکی از قبیل صدقه دادن و روزه گرفتن و مانند اینها انجام دهد فرمود مستحب است که این کار نیک در

روز جمعه انجام بگیرد زیرا پاداش کار در روز جمعه چند برابر است.

۹۴ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ زِيَادِ بْنِ جَعْفَرِ
الْهَمْدَانِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ
إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ
إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي الْبِلَادِ عَمَّنْ رَوَاهُ عَنْ أَبِي
عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ مَنْ أَنْشَدَ بَيْتَ شَعْرِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ
فَهُوَ حَظُّهُ مِنْ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
إِذَا رَأَيْتُمُ الشَّيْخَ يُحَدِّثُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ
بِأَحَادِيثِ الْجَاهِلِيَّةِ فَارْزُمُوا رَأْسَهُ وَ لَوْ
بِالْحَصَى

۹۴ - امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: کسی که یک
سطر شعر در روز جمعه بخواند بهره اش از
آن روز همان خواهد بود و رسول خدا
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: چون شیخی را دیدید که در روز
جمعه سخنان زمان جاهلیت را نقل میکند سرش
را بکوبید اگر چه با سنگریزه باشد.

۹۵ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ نُوحٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ
أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ
اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ مَنْ قَالَ فِي آخِرِ سَجْدَةٍ مِنَ النَّافِلَةِ
بَعْدَ الْمَغْرِبِ لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ وَإِنْ قَالَهُ كُلَّ
لَيْلَةٍ فَهُوَ أَفْضَلُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ
الْكَرِيمِ وَ اسْمِكَ الْعَظِيمِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ
وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَغْفِرَ لِي ذَنْبِي الْعَظِيمَ سَبْعَ
مَرَّاتٍ أَنْصَرَفَ وَ قَدْ غَفِرَ لَهُ قَالَ وَ قَالَ أَبُو
عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا كَانَتْ عَشِيَّةُ الْخَمِيسِ وَ لَيْلَةُ
الْجُمُعَةِ نَزَلَتْ مَلَائِكَةٌ مِنَ السَّمَاءِ مَعَهَا أَقْلَامُ
الذَّهَبِ وَ صُحُفُ الْفِضَّةِ لَا يَكْتُبُونَ عَشِيَّةَ الْخَمِيسِ
وَ لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ وَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ إِلَى أَنْ تَغِيبَ
الشَّمْسُ إِلَّا الصَّلَاةَ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَ يُكْرَهُ
السَّقَرُ وَ السَّعْيُ فِي الْحَوَائِجِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ
يُكْرَهُ مِنْ أَجْلِ الصَّلَاةِ فَأَمَّا بَعْدَ الصَّلَاةِ فَجَائِزٌ
يُتَبَرَّكُ بِهِ

۹۵ - امام صادق فرمود: کسی که در سجده
آخر نافله مغرب شب جمعه هفت بار بگوید و

اگر هر شب بگویند بهتر است (بار الها باحترام وجه کریم و نام بزرگت از تو درخواست میکنم که بر محمد و خاندانش درود بفرستی و گناه بزرگ مرا بیامرزی) تا نماز را تمام کند گنااهش آمرزیده شده است راوی گوید: امام صادق فرمود: چون عصر پنجشنبه و شب جمعه فرا میرسد فرشتگانی از آسمان فرود می‌آیند که قلمهای طلا و صفحه‌های نقره به‌مراه دارند و در عصر پنجشنبه و شب جمعه و روز جمعه تا غروب آفتاب نمی‌نویسند مگر صلوات بر پیغمبر را و سفر کردن و از پی‌کاری رفتن در روز جمعه خوب نیست، و خوب نبودنش بخاطر نماز جمعه است اما پس از خواندن نماز جائز است و مبارك.

۹۶ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَثْمَانَ الْخَزَّازِ أَنَّهُ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ قَالَ الصَّلَاةُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَالْإِنْتِشَارُ يَوْمَ السَّبْتِ وَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَفَّ لِلرَّجُلِ الْمُسْلِمِ أَنْ لَا يُفَرِّغَ نَفْسَهُ فِي الْأُسْبُوعِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ لِأَمْرِ دِينِهِ فَيَسْأَلُ عَنْهُ

۹۶ - ابی ایوب ابراهیم خزاز گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم که مقصود از گفته خدای عز و جل که میفرماید (چون نماز پایان یافت در زمین پراکنده شوید و از فضل خداوندی بدست آورید) چیست؟ فرمود: نماز در روز جمعه است و پراکنده شدن در روز شنبه و امام صادق علیه السلام فرمود بر مرد مسلمان ناپسند است که در هفته یک روز جمعه خود را برای کار دینش آماده نکند تا مسائل دینی فرا بگیرد.

آنچه در باره روز شنبه رسیده است

ما جاء في يوم السبت
٩٧ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ
الْأَصْبَهَانِيِّ عَنِ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ الْمِنْقَرِيِّ
عَنْ حَفْصِ بْنِ غِيَاثٍ النَّخَعِيِّ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام
قَالَ مَنْ كَانَ مُسَافِرًا فَلْيَسَافِرْ يَوْمَ السَّبْتِ
فَلَوْ أَنَّ حَجْرًا زَالَ عَنْ جَبَلٍ فِي يَوْمِ السَّبْتِ
لَرَدَّهُ اللَّهُ إِلَى مَكَانِهِ

٩٧ - امام صادق عليه السلام فرمود: هر که قصد
سفر دارد روز شنبه سفر کند که اگر سنگی
در روز شنبه از کوهی کنده شود خداوند آن
را بجای خودش بر میگرداند.

٩٨ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ الْبَغْدَادِيُّ
الْوَرَّاقُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ جَعْفَرِ
بْنِ أَحْمَدَ بْنِ عَنبَسَةَ مَوْلَى الرَّشِيدِ قَالَ حَدَّثَنَا
دَارِمُ بْنُ قَيْصَةَ وَتُعَيْمُ بْنُ صَالِحِ الطَّبْرِيِّ
قَالَا حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرُّضَا عَنْ أَبِيهِ
مُوسَى عَنْ أَبِيهِ جَعْفَرِ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ
عَلِيِّ عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي
طَالِبٍ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله اللَّهُمَّ بَارِكْ
لِأُمَّتِي فِي بُكُورِهَا يَوْمَ سَبْتِهَا وَخَمِيسِهَا

٩٨ - رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: بار الها
صبحهای شنبه و پنجشنبه را بر امت من
مبارک فرما.

٩٩ - وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ قَالَ قَالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله
بَاكِرُوا بِالْحَوَائِجِ فَإِنَّهَا مُيسَّرَةٌ وَ تَرَبُّوا
الْكِتَابَ فَإِنَّهُ أَنْجَحٌ لِلْحَاجَةِ وَ اطلُبُوا الْخَيْرَ
عِنْدَ حَسَنِ الْوُجُوهِ

٩٩ - رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: بدنبال
نیازمندی‌های خود بامدادان بروید که
آسان‌تر بدست می آید و نامه را خاک آلودش
کنید که حاجت بهتر روا می‌شود و خیر را
در نزد خوبرویان بجوئید.

(شرح:)

بعضی گفته است که مقصود از خاک پاشیدن برنامه این است که نوشته خشک شود و سیاه نشود زیرا در آن دوره خشک کن اختراع نشده بود. مترجم گوید ممکن است مقصود از این عمل تقویت جانب توکل و عدم اعتماد باسباب ظاهری باشد.

۱۰۰ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَسَّانَ عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ الرَّازِيِّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ يَزِيدَ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ قَلَّمَ أَظْفَارَهُ يَوْمَ السَّبْتِ وَ يَوْمَ الْخَمِيسِ وَ أَخَذَ مِنْ شَارِبِهِ عُوفِيٍّ مِنْ وَجَعِ الْأَضْرَاسِ وَ وَجَعِ الْعَيْنِ

۱۰۰ - رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: هر که روز شنبه و روز پنجشنبه ناخنهایش را بگیرد و از سبیلش بچیند از درد دندان و درد چشم سلامت ماند.

۱۰۱ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ السَّبْتُ لَنَا وَ الْأَحَدُ لِشِيعَتِنَا وَ الْاِثْنَيْنِ لِأَعْدَائِنَا وَ الثَّلَاثَاءُ لِبَنِي أُمَيَّةَ وَ الْأَرْبِعَاءُ يَوْمَ شَرْبِ الدَّوَاءِ وَ الْخَمِيسُ تُقْضَى فِيهِ الْحَوَائِجُ وَ الْجُمُعَةُ لِلتَّنْظُفِ وَ التَّطْيِيبِ وَ هُوَ عِيدُ الْمُسْلِمِينَ وَ هُوَ أَفْضَلُ مِنَ الْفِطْرِ وَ الْأُضْحَى وَ يَوْمُ الْغَدِيرِ أَفْضَلُ الْأَعْيَادِ وَ هُوَ ثَامِنَ عَشَرَ مِنْ ذِي الْحِجَّةِ وَ كَانَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَ يَخْرُجُ قَائِمُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَ يَقُومُ الْقِيَامَةَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَ مَا مِنْ عَمَلٍ يَوْمَ الْجُمُعَةِ أَفْضَلُ مِنَ الصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

۱۰۱ - امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: شنبه از آن ما است و یکشنبه از آن شیعیان ما و دوشنبه از آن دشمنان ما و سهشنبه از آن بنی امیه و چهارشنبه روز

آشامیدن دارو است و در روز پنجشنبه حاجت‌ها برآورده می‌شود و جمعه برای پاکیزه شدن و عطر زدن است و آن عید مسلمانان است و از عید فطر و قربان بهتر است و بهترین عیدها روز غدیر است که هیجدهم ماه ذی الحجة است (و اولین عید غدیر) با روز جمعه مصادف بود و قائم ما خاندان روز جمعه ظهور میکند و رستاخیز در روز جمعه بپا خواهد شد و هیچ کاری در روز جمعه بهتر از درود فرستادن بر محمد و آل او نیست.

معنای حدیثی که از پیغمبر روایت شده است که فرمود روزها را دشمن مدارید که روزها شما را دشمن خواهند داشت عنی الحدیث الذی روی عن النبی ﷺ قال لا تعادوا الأيام فتعاديكم

۱۰۲ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكَّلِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَحْمَدَ الْمُوصِلِيُّ عَنِ الصَّقْرِ بْنِ أَبِي دُلْفِ الْكَرْخِيِّ قَالَ لَمَّا حَمَلَ الْمُتَوَكَّلُ سَيِّدَنَا أَبَا الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ جِئْتُ أَسْأَلُ عَنْ خَبَرِهِ قَالَ فَنَظَرَ إِلَيَّ الرَّازِقِيُّ وَكَانَ حَاجِبًا لِلْمُتَوَكَّلِ فَأَمَرَ أَنْ أُدْخَلَ إِلَيْهِ فَأَدْخَلْتُ إِلَيْهِ فَقَالَ يَا صَقْرُ مَا شَأْنُكَ فَقُلْتُ خَيْرٌ أَيُّهَا الْأُسْتَاذُ فَقَالَ اقْعُدْ فَأَخَذَنِي مَا تَقَدَّمَ وَ مَا تَأَخَّرَ وَ قُلْتُ أَخْطَأْتُ فِي الْمَجِيءِ قَالَ فَوَحَى النَّاسَ عَنْهُ ثُمَّ قَالَ لِي مَا شَأْنُكَ وَ فِيمَ جِئْتُ قُلْتُ لِخَيْرٍ مَا فَقَالَ لَعَلَّكَ تَسْأَلُ عَنْ خَبَرِ مَوْلَاكَ فَقُلْتُ لَهُ وَ مَنْ مَوْلَايَ مَوْلَايَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ فَقَالَ اسْكُتْ مَوْلَاكَ هُوَ الْحَقُّ فَلَا تَحْتَشِمْنِي فَإِنِّي عَلَيَّ مَذْهَبِكَ فَقُلْتُ الْحَمْدُ لِلَّهِ قَالَ أَ تَحِبُّ أَنْ تَرَاهُ قُلْتُ نَعَمْ قَالَ اجْلِسْ حَتَّى يَخْرُجَ صَاحِبُ الْبَرِيدِ مِنْ عِنْدِهِ قَالَ فَجَلَسْتُ فَلَمَّا خَرَجَ قَالَ لِغُلَامٍ لَهُ خُذْ بِيَدِ الصَّقْرِ وَ ادْخُلْهُ إِلَى الْحُجْرَةِ الَّتِي فِيهِ

الْعَلَوِيُّ الْمَحْبُوسُ وَ خَلَّ بَيْنَهُ وَ بَيْنَهُ قَالَ
فَأَدْخَلَنِي إِلَى الْحُجْرَةِ الَّتِي فِيهِ الْعَلَوِيُّ
فَأَوْمَأَ إِلَيَّ بِبَيْتٍ فَدَخَلْتُ فَإِذَا عَالِيٌّ جَالِسٌ عَلَيَّ
صَدْرٍ حَصِيرٍ وَ بِيَدِهِ قَبْرٌ مَحْفُورٌ قَالَ فَسَلَّمْتُ
فَرَدَّ ثُمَّ أَمَرَنِي بِالْجُلُوسِ ثُمَّ قَالَ لِي يَا صَقْرُ
مَا أَتَى بِكَ قُلْتُ يَا سَيِّدِي جِئْتُ أَتَعْرِفُ خَبْرَكَ
قَالَ ثُمَّ نَظَرْتُ إِلَى الْقَبْرِ فَبَكَيْتُ فَنَظَرَ إِلَيَّ
فَقَالَ يَا صَقْرُ لَا عَلَيْكَ لَنْ يَصِلُوا إِلَيْنَا
بِسُوءِ الْآنَ فَقُلْتُ الْحَمْدُ لِلَّهِ ثُمَّ قُلْتُ يَا سَيِّدِي
حَدِيثٌ يُرْوَى عَنِ النَّبِيِّ ﷺ لَا أَعْرِفُ مَعْنَاهُ قَالَ
وَ مَا هُوَ فَقُلْتُ قَوْلُهُ لَا تُعَادُوا الْأَيَّامَ
فَتُعَادِيكُمْ مَا مَعْنَاهُ فَقَالَ نَعَمْ الْأَيَّامُ نَحْنُ
مَا قَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ فَالَسَّبْتُ اسْمُ
رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ الْأَخْدُ كِنَايَةٌ عَنِ أَمِيرِ
الْمُؤْمِنِينَ عَالِيٍّ وَ الْإِثْنَيْنِ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ
الْثَلَاثَاءِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ وَ
جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ وَ الْأَرْبَعَاءِ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ وَ
عَلِيَّ بْنَ مُوسَى وَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ وَ أَنَا وَ
الْخَمِيْسُ ابْنِي الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ وَ الْجُمُعَةُ ابْنُ
ابْنِي وَ إِلَيْهِ تَجْتَمِعُ عِصَابَةُ الْحَقِّ وَ هُوَ الَّذِي
يَمْلُؤُهَا قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مِلْتُمْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا
فَهَذَا مَعْنَى الْأَيَّامِ فَلَا تُعَادُوهُمْ فِي الدُّنْيَا
فَيُعَادُوكُمْ فِي الْآخِرَةِ ثُمَّ قَالَ عَالِيٌّ وَدَّعْ وَ اخْرُجْ
فَلَا آمَنُ عَلَيْكَ

قال مصنف هذا الكتاب رضى الله عنه الايام
ليست بأئمة و لكن كنى بها عَالِيٌّ عن الأئمة
لئلا يدرك معناه غير أهل الحق كما كنى الله
عز و جل ب الثَّيْنِ وَ الزُّيْتُونِ وَ طُورِ سَيْنِينَ
وَ هَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ وَ عَلَى وَ
الحسن و الحسين عَالِيٌّ وَ كما كنى عز و جل
بالنَّعَاجِ عَنِ النِّسَاءِ عَلَى قَوْلِ مَنْ رَوَى ذَلِكَ
فِي قِصَّةِ دَاوُدَ وَ الْخَصْمِينَ وَ كَمَا كَنَى بِالسَّيْرِ
فِي الْأَرْضِ عَنِ النَّظَرِ فِي الْقُرْآنِ
سُئِلَ الصَّادِقُ عَالِيٌّ عَنِ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أ وَ لَمْ
يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ قَالَ مَعْنَاهُ أ وَ لَمْ يَنْظُرُوا
فِي الْقُرْآنِ

و كما كنى عز و جل بالسر عن النكاح فى قوله عز و جل وَ لَكِنَّ لَّا تُوَاعِدُوهُنَّ سِرًّا و كما كنى عز و جل بأكل الطعام عن التغوط فقال فى عيسى و أمه كانا يَأْكُلَانِ الطَّعَامَ و معناه أَنهما كانا يتغوطان و كما كنى بالنحل عن رسول الله ﷺ فى قوله وَ أَوْحَى رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ و مثل هذا كثير

۱۰۲ - صقر بن ابى دلف كرخى گوید: هنگامی که متوکل عباسی امام هادی علیه السلام را از مدینه برد من آمدم تا خبری از حال حضرت بگیرم گوید: رازقی که دربان متوکل بود نگاهی بمن کرد و دستور داد تا مرا بنزد او ببرند همین که بردند بمن گفت: ای صقر چه کار داری؟ گفتم: ای استاد خیر است گفت: بنشین، من در گذشته و آینده ام ب فکر فرو رفتم و بخود گفتم در این آمدم اشتباه کردم گوید: او مردم را از خود دور کرد سپس بمن گفت: چه کار داری؟ و برای چه آمده ای؟ گفتم برای کار خیر مختصری گفت: شاید میخواهی از آقایت خبری بگیری، گفتمش: آقای من کیست؟

آقای من امیر المؤمنین است گفت: خاموش باش که آقای تو همان است که حقا آقا است از من مترس که من با تو هم عقیده ام گفتم: خدا را شکر، گفت: مایلی او را به بینی؟ گفتم: آری گفت: بنشین تا مأمور پست از نزد او بیرون آید، گوید: نشستم چون مأمور پست بیرون رفت بگلامی که داشت گفت دست صقر را بگیر و ببر به اطاقی که علوی زندانی در آنجا است و او را با وی تنها بگذار گوید مرا بآن حجره برد و باطاقی اشاره کرد من داخل شدم دیدم حضرت بر بوریائی نشسته و در برابر او گوری کنده شده است گوید: سلام دادم حضرت جواب فرمود و دستور داد که بنشینم سپس بمن فرمود: ای صقر برای چه آمده ای؟ عرض کردم

آقای من آمدم تا خبری از تو بدست آورم
گوید سپس نگاهم بقبر افتاد و گریستم
حضرت متوجه شد و فرمود: ای صقر نگران
مباش اکنون با ما بدی نتواند کرد.
گفتم: خدا را شکر سپس گفتم: ای آقای من
حدیثی از پیغمبر روایت می‌شود که معنایش
را نمی‌فهم فرمود: کدام است؟

عرض کردم: فرمایش آن حضرت: که روزها
را دشمن مدارید که روزها هم شما را دشمن
خواهند داشت چه معنا دارد؟ فرمود: آری
تا آسمان و زمین بر پا است مقصود از
روزها ما هستیم پس شنبه نام رسول خدا
ﷺ است و يك شنبه کنایه از امیر
المؤمنین علیه السلام است و دوشنبه حسن و حسین
است و سه‌شنبه علی بن الحسین و محمد بن
علی و جعفر بن محمد است و چهارشنبه،
موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن
علی و منم و پنجشنبه فرزندانم حسن بن علی
است و جمعه فرزندانم می‌باشد که جمعیت
حق خواه برگرد او گرد آیند و او است که
زمین را از عدل و داد پر خواهد کرد
همچنان که از ظلم و ستم پر شده باشد این
است معنی روزها با آنان در دنیا دشمنی
نورزید که در آخرت با شما دشمن بشوند
سپس فرمود: وداع کن و بیرون برو که در
امانت نمی‌بینم.

(مصنف) این کتاب رضی الله عنه گوید:
معنای حقیقی روزها امامان نیست بلکه
بطور کنایه گفته شده است تا نااهلان
بمعنایش متوجه نشوند هم چنان که خدای عز
و جل از پیغمبر و علی و حسن و حسین به
تین و زیتون و طور سینین و بلد امین
بطور کنایه نامبرده و از زنان به نعاج
(گوسفندان) تعبیر فرموده
بنا بر گفته آنکه در داستان داود و دو
نفر خصم این روایت را نموده است و هم

چنان که از دقت کردن در قرآن به سیر کردن در زمین کنایه آورده است که از امام صادق علیه السلام سؤال شد از معنای آیه ﴿أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ﴾ (مگر در زمین سیر نمیکنند؟) فرمود معنایش این است که مگر در قرآن دقت نمیکنند و هم چنان که خداوند عز و جل از زناشویی به (سر) کنایه آورده است آنجا که فرماید ﴿وَلَكِنْ لَا تُؤَاعِدُوهُنَّ سِرًّا﴾ یعنی با زنانی که در عده هستند و عده پنهانی مگذارید و چنانچه خدای عز و جل از نشستن بقضای حاجت به اکل طعام کنایه آورده و در باره عیسی و مادرش فرموده ﴿كَانَا يَأْكُلَانِ الطَّعَامَ﴾: (آنان غذا میخوردند) که معنایش این است که بقضای حاجت می‌نشستند و چنانچه از رسول خدا صلی الله علیه و آله به نحل (زنبور عسل) کنایه آورده آنجا که فرموده است وَ ﴿أَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى التَّحْلِ﴾ پروردگار تو به زنبور عسل وحی کرد و مانند این بسیار است.

آدم و حواء در بهشت هفت ساعت بودند تا آنکه خداوند آنان را بیرون کرد

كان لبث آدم و حواء عليهما السلام في الجنة حتى أخرجهما منها سبع ساعات
 ١٠٣ - حَدَّثَنَا أَبِي وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَا حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الْجَمِيرِيِّ قَالَا حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى وَ أَحْمَدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ قَالُوا حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ مَحْبُوبٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيِّ عليه السلام عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قَالَ إِنَّمَا كَانَ لَبْثُ آدَمَ وَ حَوَاءَ فِي الْجَنَّةِ حَتَّى أُخْرِجَا

مِنْهَا سَبْعَ سَاعَاتٍ مِنْ أَيَّامِ الدُّنْيَا حَتَّى
 أَهْبَطَهُمَا اللَّهُ مِنْ يَوْمِهَا ذَلِكَ
 ۱۰۳ - رسول خدا ﷺ فرمود: مدت اقامت
 آدم و حواء در بهشت تا آنگاه که بیرون
 رانده شدند فقط ۷ ساعت از روزهای دنیا
 بود که خداوند در همان روز اول آنان را
 به زمین فرود آورد.

در شیعه هفت خصلت هست

فی الشيعة سبع خصال
 ۱۰۴ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ
 الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ
 الْحَسَنِ الصَّقَّارُ قَالَ حَدَّثَنَا الْعَبَّاسُ بْنُ مَعْرُوفٍ
 عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ ظَرِيفِ بْنِ
 نَاصِحٍ عَنْ عَمْرٍو بْنِ أَبِي الْمِقْدَامِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ
 عَلِيِّ عليه السلام قَالَ إِنَّمَا كَانَتْ شِيعَةَ عَلِيِّ
 الْمُتَّبَاعُونَ فِي وَلايَتِنَا الْمُتَّخِابُونَ فِي
 مَوَدَّتِنَا الْمُتَّزَاوِرُونَ لِأَحْيَاءِ أَمْرِنَا إِنْ غَضِبُوا
 لَمْ يَظْلِمُوا وَ إِنْ رَضُوا لَمْ يُسْرِفُوا بَرَكَتٌ لِمَنْ
 جَاوَرُوا سَلِمَ لِمَنْ خَالَطُوا

و قد أخرجت ما رويته في هذا المعنى في
 كتاب صفات الشيعة

۱۰۴ - امام باقر عليه السلام فرمود: تنها شیعه
 علی است که در دوستی ما به یکدیگر بذل و
 بخشش دارند و در محبت ما همدیگر را دوست
 دارند و برای زنده ساختن امر ولایت به
 دیدن هم میروند اگر خشمناک شوند ستم
 نورزند و اگر راضی باشند زیاده روی
 نکنند با هر کس همسایه باشند اسباب برکت
 اویند و همزیستی مسالمت آمیز دارند.
 کلام مصنف

و من روایاتی که بهمین مضمون است در
 کتاب صفات الشيعة نقل کرده ام.

رسول خدا ﷺ در هفت مورد ابا سفیان را لعن کرد

لعن رسول الله ﷺ أبا سفیان فی سبعة مواطن
 ۱۰۵ - حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُوسَى رَضِيَ
 اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى الدَّقَّاقُ
 قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ دَاوُدَ الحَنْظَلِيُّ
 قَالَ حَدَّثَنَا الحُسَيْنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الجَعْفِيُّ عَنِ
 حَكَمِ بْنِ مِسْكِينَ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الجَارُودِ عَنِ
 أَبِي الطَّفَيْلِ عَامِرِ بْنِ وَائِلَةَ قَالَ إِنَّ رَسُولَ
 اللَّهِ ﷺ لَعَنَ أبا سَفْيَانَ فِي سَبْعَةِ مَوَاطِنَ فِي
 كُلِّهِنَّ لَا يَسْتَطِيعُ إِلَّا أَنْ يَلْعَنَهُ أَوْلَهُنَّ يَوْمَ
 لَعَنَهُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَهُوَ خَارِجٌ مِنْ مَكَّةَ إِلَى
 الْمَدِينَةِ مُهَاجِرًا وَ أَبُو سَفْيَانَ جَاءَ مِنْ
 الشَّامِ فَوَقَعَ فِيهِ أَبُو سَفْيَانَ يَسْبُهُ وَ يُوعِدُهُ
 وَ هَمَّ أَنْ يَبْطِشَ بِهِ فَمَرَقَهُ اللَّهُ عَنِ رَسُولِهِ وَ
 الثَّانِيَةَ يَوْمَ العَيْرِ إِذْ طَرَدَهَا لِيُخْرِزَهَا عَنِ
 رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَلَعَنَهُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الثَّلَاثَةَ
 يَوْمَ أُحُدٍ قَالَ أَبُو سَفْيَانَ اءَلُّ هَبْلُ فَقَالَ
 رَسُولُ اللَّهِ ﷺ اللَّهُ أَعْلَى وَ أَجَلُ فَقَالَ أَبُو سَفْيَانَ
 لَنَا عَزَى وَ لَا عَزَى لَكُمْ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ اللَّهُ
 مَوْلَانَا وَ لَا مَوْلَى لَكُمْ وَ الرَّابِعَةَ يَوْمَ
 الخَنْدَقِ يَوْمَ جَاءَ أَبُو سَفْيَانَ فِي جَمْعِ قَرِيشٍ
 فَرَدَّهُمُ اللَّهُ بِعَيْظِهِمْ لَمْ يَنَالُوا خَيْرًا وَ أَنْزَلَ اللَّهُ
 عَزَّ وَ جَلَّ فِي الْقُرْآنِ آيَتَيْنِ فِي سُورَةِ الْأَحْزَابِ
 فَسَمَى أبا سَفْيَانَ وَ أَصْحَابَهُ كُفَّارًا وَ مُعَاوِيَةَ
 مُشْرِكًا عَدُوًّا لِلَّهِ وَ لِرَسُولِهِ وَ الخَامِسَةَ يَوْمَ
 الخُدَيْبِيَّةِ وَ الهَدْيِ مَعْكَوْفًا أَنْ يَبْلُغَ مَجْلَهُ وَ
 صَدَّ مُشْرِكُو قَرِيشٍ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ عَنِ الْمَسْجِدِ
 الْحَرَامِ وَ صَدُّوا بُدْنَهُ أَنْ تَبْلُغَ الْمَنْحَرَ فَرَجَعَ
 رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لَمْ يَطْفُ بِالْكَعْبَةِ وَ لَمْ يَقْضِ نُسْكَهَ
 فَلَعَنَهُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ السَّادِسَةَ يَوْمَ الْأَحْزَابِ
 يَوْمَ جَاءَ أَبُو سَفْيَانَ بِجَمْعِ قَرِيشٍ وَ عَامِرُ بْنُ
 الطَّفَيْلِ بِجَمْعِ هَوَازِنَ وَ عُيَيْنَةُ بْنُ حِصْنٍ
 بِقَطْفَانَ «بِعَظْفَانَ وَ وَاعِدَ لَهُمْ قَرِيظَةَ وَ
 النَّضِيرُ أَنْ يَأْتُوهُمْ فَلَعَنَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ الْقَادَةَ
 وَ الْأَتْبَاعَ وَ قَالَ أَمَا الْأَتْبَاعُ فَلَا تُصِيبُ

اللَّعْنَةُ مُؤْمِنًا وَ أَمَّا الْقَادَةُ فَلَيْسَ فِيهِمْ
 مُؤْمِنٌ وَ لَا نَجِيبٌ وَ لَا نَاجٍ وَ السَّابِغَةُ يَوْمَ
 حَمَلُوا عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فِي الْعَقْبَةِ وَ هُمْ
 اثْنَا عَشَرَ رَجُلًا مِنْ بَنِي أُمَيَّةَ وَ خَمْسَةٌ مِنْ
 سَائِرِ النَّاسِ فَلَعَنَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَنْ عَلَى
 الْعَقْبَةِ غَيْرَ النَّبِيِّ ﷺ وَ نَاقَتِهِ وَ سَائِقِهِ وَ
 قَائِدِهِ

قال مصنف هذا الكتاب رضى الله عنه جاء
 هذا الخبر هكذا و الصحيح أن أصحاب
 العقبة كانوا أربعة عشر الحديث
 ١٠٥ - عامر بن واثلة گوید: همانا رسول
 خدا ﷺ در هفت مورد ابا سفیان را لعن
 کرد که در همه آنها چاره‌ای جز لعن او
 نداشت.

نخستین بار روزی بود که خدا و رسولش
 او را لعن کرد، رسول خدا ﷺ از مکه
 بقصد هجرت به مدینه بیرون شده بود ابو
 سفیان از شام باز میگشت ابو سفیان به آن
 حضرت دشنام دادن گرفت و وعده‌های ترس آور
 میداد و خواست که به حضرتش حمله کند
 خداوند او را از پیغمبر خود باز داشت.
 دومین بار روزی بود که میخواست
 کاروانی را با راندنش از رسول خدا
 ﷺ بازستاند که خدا و رسولش او را لعن
 کردند.

سومین مورد روز احد بود که ابو سفیان
 گفت: بت هبل سر فراز باد پس رسول خدا
 ﷺ فرمود خداوند بالاتر و والاتر است،
 ابو سفیان گفت: ما را بت عزی هست و شما
 عزی ندارید.

رسول خدا ﷺ فرمود: خداوند آقای ما
 است و شما آقا ندارید.

چهارمین بار، روز خندق بود روزی که
 ابو سفیان با انبوهی از قریش آمد و
 خداوند آنان را خشمناک باز گردانید و به
 چیزی نایل نشدند و خداوند عز و جل دو

آیه در سوره احزاب فرو فرستاد که ابا سفیان و یارانش را کفار نامید و معاویه مشرکی بود دشمن خدا و رسول.

و پنجمین بار روز حدیبیه بود که شتران قربانی را گذاشتند به جایگاه خویش برسند و مشرکین قریش رسول خدا ﷺ را از وارد شدن بمسجد الحرام مانع شدند و از ورود شتران قربانی به کشتارگاه جلوگیری کردند رسول خدا ﷺ طواف کعبه نکرده و اعمال حج را انجام نداده بازگشت آن روز ابو سفیان را خدا و رسولش لعن کرد.

ششمین بار روز احزاب بود روزی که ابو سفیان قریش را جمع میکرد و عامر بن طفیل قبیله هوازن را و عینه بن حفص طایفه غطفان را و قبیله های قریظه و نضیر هم و عده یاریشان داده بودند آن روز رسول خدا ﷺ امراء لشکر و نظامیان را لعن کرد و فرمود اما از نظامیان هر که ایمان بیاورد لعنت من او را فرا نخواهد گرفت و اما فرماندهان نه مؤمنی در میانشان هست و نه فرد نجیب و نه رستگار.

و هفتمین بار روزی بود که در عقبه به رسول خدا ﷺ حمله کردند و آنان دوازده تن از بنی امیه بودند

و پنج تن از دیگران و رسول خدا ﷺ هر که را که در عقبه بود لعن کرد بجز شتر خود و راننده شتر و جلودارش را

(مصنف) این کتاب گوید

در این خبر چنین آمده است ولی صحیحش آن است که اصحاب عقبه چهارده تن بودند.

صندوق‌های هفتگانه‌ای که در دوزخ است

الصناديق السبعة في النار
 ١٠٦- حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ
 الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ
 الْحَسَنِ الصَّقَّارُ قَالَ حَدَّثَنَا عَبَّادُ بْنُ سُلَيْمَانَ
 عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ أَبِيهِ سُلَيْمَانَ
 الدَّيْلَمِيِّ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارِ الصَّيْرَفِيِّ عَنْ
 أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي حَدِيثِ طَوِيلٍ
 يَقُولُ فِيهِ يَا إِسْحَاقُ إِنَّ فِي النَّارِ لَوَادِيًا
 يُقَالُ لَهُ سَقَرٌ لَمْ يَتَنَفَسْ مِنْهُ خَلْقُهُ اللَّهُ لَوْ أَدِنَ
 اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ فِي التَّنَفُّسِ بِقَدْرِ مِخِيطٍ لِأَحْرَقَ
 مَا عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ وَإِنَّ أَهْلَ النَّارِ
 لَيَتَعَوَّدُونَ مِنْ حَرِّ ذَلِكَ الْوَادِي وَنَتْنِهِ وَ
 قَدْرِهِ وَ مَا أَعَدَّ اللَّهُ فِيهِ لِأَهْلِهِ وَ إِنَّ فِي ذَلِكَ
 الْوَادِي لَجَبَلًا يَتَعَوَّدُ جَمِيعُ أَهْلِ ذَلِكَ الْوَادِي
 مِنْ حَرِّ ذَلِكَ

الْجَبَلِ وَ نَتْنِهِ وَ قَدْرِهِ وَ مَا أَعَدَّ اللَّهُ فِيهِ
 لِأَهْلِهِ وَ إِنَّ فِي ذَلِكَ الْجَبَلِ لَشُعْبًا يَتَعَوَّدُ
 جَمِيعُ أَهْلِ ذَلِكَ الْجَبَلِ مِنْ حَرِّ ذَلِكَ الشَّعْبِ وَ
 نَتْنِهِ وَ قَدْرِهِ وَ مَا أَعَدَّ اللَّهُ فِيهِ لِأَهْلِهِ وَ إِنَّ
 فِي ذَلِكَ الشَّعْبِ لِقَلْبِيْبًا يَتَعَوَّدُ أَهْلُ ذَلِكَ
 الشَّعْبِ مِنْ حَرِّ ذَلِكَ الْقَلْبِيْبِ وَ نَتْنِهِ وَ قَدْرِهِ وَ
 مَا أَعَدَّ اللَّهُ فِيهِ لِأَهْلِهِ وَ إِنَّ فِي ذَلِكَ الْقَلْبِيْبِ
 لَحِيَّةٌ يَتَعَوَّدُ جَمِيعُ أَهْلِ ذَلِكَ الْقَلْبِيْبِ مِنْ حُبْثِ
 تِلْكَ الْحِيَّةِ وَ نَتْنِهَا وَ قَدْرِهَا وَ مَا أَعَدَّ اللَّهُ
 فِي أَنْبِيَائِهَا مِنْ السَّمِّ لِأَهْلِهَا وَ إِنَّ فِي جَوْفِ
 تِلْكَ الْحِيَّةِ لَسَبْعَةٌ صَنَادِيْقٌ فِيهَا خَمْسَةٌ مِنْ
 الْأُمَّمِ السَّالِفَةِ وَ اثْنَانِ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ قَالَ
 قُلْتُ جُعِلَتْ فِدَاكَ وَ مَنْ الْخَمْسَةُ وَ مَنْ الْإِثْنَانِ
 قَالَ وَ أَمَّا الْخَمْسَةُ فَقَابِيْلُ الَّذِي قَتَلَ هَابِيْلَ
 وَ نُمْرُوْدُ الَّذِي حَاجَّ إِبْرَاهِيْمَ فِي رَبِّهِ فَ قَالَ
 أَنَا أَحْيِي وَ أَمِيْتُ وَ فِرْعَوْنُ الَّذِي قَالَ أَنَا
 رَبُّكُمْ الْأَعْلَى وَ يَهُودُ الَّذِي هَوَّدَ الْيَهُودَ وَ
 يُونُسُ الَّذِي نَصَرَ النَّصَارَى وَ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ
 أَعْرَابِيَّانِ

۱۰۶ - امام موسی بن جعفر علیه السلام ضمن روایت مفصلی که اسحاق بن عمار از آن حضرت نقل میکنند میفرماید: ای اسحاق در دوزخ بیابانی است که آن را سقر گویند از روزی که خدایش آفریده نفس نکشیده اگر خداوند اجازه اش فرماید که به اندازه سوزنی نفس بکشد آنچه را که در روی زمین است میسوزاند و دوزخیان از گرما و گند و کثافت این بیابان و عذابی که خداوند برای اهل آن بیابان آماده کرده پناهنده میشوند و در آن بیابان کوهی است که همه مردم این بیابان از گرما و گند و کثافت آن کوه و آنچه خداوند برای اهل آن کوه آماده کرده پناهنده میشوند و در آن کوه دره ای است که اهل آن کوه از حرارت و گند و کثافت آن دره و آنچه خداوند برای اهل آن آماده نموده است پناهنده میشوند و در آن دره چاهی است که اهل آن دره از سوزش و گند و کثافت آن چاه و آنچه خداوند برای اهل آن آماده کرده پناهنده میشوند و در آن چاه ماری است که همه اهل آن چاه از بدی و گند و کثافت آن مار و از زهری که خداوند برای اهل آن چاه در دندانهای آن مار آماده نموده است پناهنده میشوند و در شکم آن مار هفت صندوق است که پنج نفر از امتهای گذشته و دو نفر از این امت در میان آن صندوقها جای دارند.

راوی گوید: گفتم: قربانت شوم آن پنج نفر کیانند؟ و این دو کدام؟ فرمود: اما آن پنج تن قابیل است همان که هابیل را کشت و نمرود است همان که ابراهیم در باره پروردگارش محاجه نمود و گفت: منم که زنده میکنم و میمیرانم و فرعون است همان که گفت پروردگار برتر شما منم و یهود است همان که ملت یهود را بمذهب خود کشاند و یونس است همان که ملت مسیح را نصرانی کرد و از این امت دو تن عرب. ایوب

عَلَيْهِ هفت سال مبتلا شد و گناهی نداشت ابتهلى
 أَيُوبُ عَلَيْهِ سَبْعَ سِنِينَ بِلَا ذَنْبٍ
 ١٠٧ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
 سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ
 عَيْسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْخَزَّازِ عَنْ فَضْلِ
 الْأَشْعَرِيِّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْمُخْتَارِ عَنِ أَبِي
 بَصِيرٍ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ ابْتُلِيَ أَيُوبُ عَلَيْهِ
 سَبْعَ سِنِينَ بِلَا ذَنْبٍ

١٠٧ - امام صادق عَلَيْهِ فرمود: ايوب هفت
 سال بلا كشيد و گناهی نداشت.

١٠٨ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْقَطَّانُ قَالَ
 حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ السُّكَّرِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا
 مُحَمَّدُ بْنُ زَكَرِيَّا الْجَوْهَرِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا جَعْفَرُ
 بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عُمَارَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ
 مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِ قَالَ إِنَّ أَيُوبَ عَلَيْهِ ابْتُلِيَ مِنْ
 غَيْرِ ذَنْبٍ وَ إِنَّ الْأَنْبِيَاءَ لَا يُذْنِبُونَ لِأَنَّهُمْ
 مَعْصُومُونَ مُطَهَّرُونَ لَا يُذْنِبُونَ وَ لَا يَزِيغُونَ وَ لَا
 يَرْتَكِبُونَ ذَنْبًا صَغِيرًا وَ لَا كَبِيرًا وَ قَالَ عَلَيْهِ

إِنَّ أَيُوبَ عَلَيْهِ مَعَ جَمِيعِ مَا ابْتُلِيَ بِهِ لَمْ يُنْتَنَنَّ
 لَهُ رَائِحَةٌ وَ لَا قَبِيحَةٌ لَهُ صُورَةٌ وَ لَا خَرَجَتْ مِنْهُ
 مِدَّةٌ مِنْ دَمٍ وَ لَا قَيْحٌ وَ لَا اسْتَفْذَرَهُ أَحَدٌ رَأَاهُ
 وَ لَا اسْتَوْحَشَ مِنْهُ أَحَدٌ شَاهَدَهُ وَ لَا يُدَوِّدُ شَيْءٌ
 مِنْ جَسَدِهِ وَ هَكَذَا يَصْنَعُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِجَمِيعِ مَنْ
 يَبْتُلِيهِ مِنْ أَنْبِيَائِهِ وَ أَوْلِيَائِهِ الْمُكْرَمِينَ
 عَلَيْهِ وَ إِنَّمَا اجْتَنَبَهُ النَّاسُ لِفَقْرِهِ وَ ضَعْفِهِ
 فِي ظَاهِرِ أَمْرِهِ لِجَهْلِهِمْ بِمَا لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ
 تَعَالَى ذِكْرُهُ مِنَ التَّأْيِيدِ وَ الْفَرَجِ وَ قَدْ قَالَ
 النَّبِيُّ ﷺ أَكْبَرُ النَّاسِ بَلَاءً الْأَنْبِيَاءُ ثُمَّ
 الْأَمْثَلُ فَالْأَمْثَلُ وَ إِنَّمَا ابْتَلَاهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ
 بِالْبَلَاءِ الْعَظِيمِ الَّذِي يَهُونُ مَعَهُ عَلَى جَمِيعِ
 النَّاسِ لِيَنَلَّ يَدْعُوا لَهُ الرُّبُوبِيَّةَ إِذَا شَاهَدُوا
 مَا أَرَادَ اللَّهُ أَنْ يُوصِلَهُ إِلَيْهِ مِنْ عَظَائِمِ نِعَمِهِ
 مَتَى شَاهَدُوهُ لِيَسْتَدِلُّوا بِذَلِكَ عَلَى أَنَّ الثَّوَابَ
 مِنَ اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ عَلَى ضَرْبَيْنِ اسْتِحْقَاقٍ وَ
 اخْتِصَاصٍ وَ لِيَنَلَّ يَحْتَقِرُوا ضَعِيفًا لِيَضَعُفِهِ وَ لَا
 فَاقِرًا لِفَقْرِهِ وَ لَا مَرِيضًا لِمَرَضِهِ وَ لِيَعْلَمُوا

أَنَّهُ يُسْقِمُ مَنْ يَشَاءُ وَ يَشْفِي مَنْ يَشَاءُ مَتَى
 شَاءَ كَيْفَ شَاءَ بِأَيِّ سَبَبٍ شَاءَ وَ يَجْعَلُ ذَلِكَ
 عِبْرَةً لِمَنْ يَشَاءُ وَ شَقَاوَةً لِمَنْ يَشَاءُ وَ سَعَادَةً
 لِمَنْ يَشَاءُ وَ هُوَ فِي جَمِيعِ ذَلِكَ عَدْلٌ فِي قَضَائِهِ
 وَ حَكِيمٌ فِي أَفْعَالِهِ لَا يَفْعَلُ بِعِبَادِهِ إِلَّا
 الْأَصْلَحَ لَهُمْ وَ لَا قُوَّةَ لَهُمْ إِلَّا بِهِ

۱۰۸ - امام صادق عليه السلام از پدرش نقل فرمود:

که ایوب بی‌گناه بود و هفت سال مبتلا گردید، که پیغمبران گناه نکنند زیرا آنان معصوم‌اند و پاک‌نه گناه کنند و نه کجروی و پیرامون گناه نمی‌گردند چه گناه کوچک و چه بزرگ.

و فرمود: ایوب با آن همه گرفتاری که داشت بوی بد در او پیدا نشد و زشت روی نگردید و یک نوک قلم خون و چرک از او بیرون نیامد و هر که او را دید کثیفش نیافت و هر کس بنزدش رفت از او وحشت نکرد و هیچ جای بدنش کرم نگذاشت و خدای عز و جل با همه پیغمبران و دوستان عزیز خود که گرفتارشان فرماید این چنین کند و مردم که از ایوب کناره گرفتند فقط برای فقر و ناتوانی‌اش بود که بظاهر چنین مینمود و نمیدانستند که او در نزد پروردگارش که یادش بلند باد چه کمک و گشایشی نصیب دارد همانا که پیغمبر فرمود: بلاکش‌ترین مردم پیمبرانند و سپس هر کس که به آنان شبیه‌تر و شبیه‌تر باشد و خدای عز و جل که ایوب را بآن گرفتاری بزرگ گرفتار فرمود تا در چشم همه مردم خوار شد فقط برای این بود که چون از نعمت‌های بزرگ خدا که بخواست خداوند در دست او بود از او مشاهده کنند خدایش نه پندارند و متوجه شوند که گرفتاری ایوب دلیل آن است که پاداش خداوندی (که یادش بلند باد) بر دو قسم است یکی بطور استحقاق و دیگر از راه اختصاص و تفضل و نیز بدانند که هیچ ناتوانی را چون

ناتوان است و هیچ بینوائی را چون بینوا است و هیچ بیماری را چون بیمار است نباید کوچک و ناچیز شمرد و بدانند که خداوند هر کس را که بخواهد بیمار کند و هر کس را هر وقت و بهر کیفیت و بهر سببی که بخواهد شفا بخشد و این پیش آمدها را برای هر که بخواهد باعث عبرت و برای هر که بخواهد سبب نیک بختی قرار دهد و خدا در همه این موارد قضاوتش عادلانه و کارهایش حکیمانه است و بجز آنچه بصلاح حال بندگان نزدیکتر است انجام ندهد و بندگان حضرتش هیچ توانائی مگر از جانب او ندارند.

فرشتگان بر هفت صنفند و حجابها هفتند

الملائكة على سبعة أصناف و الحجب سبعة
 ۱۰۹ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْقَطَّانُ قَالَ حَدَّثَنَا
 حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ زَكَرِيَّا الْقَطَّانُ قَالَ حَدَّثَنَا
 بَكْرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَبِيبٍ عَنْ تَمِيمِ بْنِ بُهْلُولٍ
 عَنْ نَصْرِ بْنِ مُزَاحِمِ الْمِنْقَرِيِّ عَنْ عَمْرِ بْنِ سَعْدٍ
 عَنْ أَبِي مِخْنَفِ لُوطِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَبِي مَنْصُورٍ
 عَنْ زَيْدِ بْنِ وَهْبٍ قَالَ سُئِلَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ
 عَنْ قُدْرَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ جَلَّتْ عَظَمَتُهُ فَقَامَ خَطِيبًا
 فَحَمِدَ اللَّهَ وَ أَثْنَى عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ
 تَعَالَى مَلَائِكَةً لَوْ أَنَّ مَلَكًا مِنْهُمْ هَبَطَ إِلَى
 الْأَرْضِ مَا وَسَعَتْهُ لِعَظَمِ خَلْقِهِ وَ كَثْرَةِ أَجْنَحَتِهِ
 وَ مِنْهُمْ مَنْ لَوْ كُفِّتِ الْجِنَّ وَ الْإِنْسُ عَلَى أَنْ
 يَصِفُوهُ مَا وَصَفُوهُ لِبُعْدِ مَا بَيْنَ مَقَاصِلِهِ وَ
 حُسْنِ تَرْكِيبِ صُورَتِهِ وَ كَيْفِ يُوَصَّفُ مِنْ مَلَائِكَتِهِ
 مِنْ سَبْعِمِائَةِ عَامٍ مَا بَيْنَ مَنْكَبَيْهِ وَ شَحْمَةِ
 أُذُنَيْهِ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَسُدُّ الْأَفُقَ بِجَنَاحِ مِنْ
 أَجْنَحَتِهِ دُونَ عَظَمِ بَدَنِهِ وَ مِنْهُمْ مَنْ
 السَّمَاوَاتِ إِلَى حُجْرَتِهِ وَ مِنْهُمْ مَنْ قَدَّمَهُ عَلَى
 غَيْرِ قَرَارٍ فِي جَوْ الْهَوَاءِ الْأَسْفَلِ وَ الْأَرْضُونَ
 إِلَى رُكْبَتَيْهِ وَ مِنْهُمْ مَنْ لَوْ أَلْقِيَ فِي نُقْرَةٍ
 إِبْهَامِهِ جَمِيعُ الْمِيَاهِ لَوْسَعَتْهَا وَ مِنْهُمْ مَنْ

لَوْ أَلْقَيْتِ السُّفُنُ فِي دُمُوعِ عَيْنَيْهِ لَجَرَتْ دَهْرُ
الدَّاهِرِينَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ وَ
سُئِلَ عَلَيْهِ عَنِ الْحُجْبِ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْحُجْبُ سَبْعَةٌ غَلِظَ كُلُّ
حِجَابٍ مِنْهَا مَسِيرَهُ خَمْسِمِائَةَ عَامٍ وَ بَيْنَ كُلِّ
حِجَابَيْنِ مَسِيرَهُ خَمْسِمِائَةَ عَامٍ وَ الْحِجَابُ
الثَّانِي سَبْعُونَ حِجَابًا بَيْنَ كُلِّ حِجَابَيْنِ مَسِيرَهُ
خَمْسِمِائَةَ عَامٍ وَ طَوْلُهُ خَمْسِمِائَةَ عَامٍ حِجَبَةٌ كُلُّ
حِجَابٍ مِنْهَا سَبْعُونَ أَلْفَ مَلِكٍ قُوَّةُ كُلِّ مَلِكٍ
مِنْهُمْ قُوَّةُ الثَّقَلَيْنِ مِنْهَا ظِلْمَةٌ وَ مِنْهَا نُورٌ
وَ مِنْهَا نَارٌ وَ مِنْهَا دُخَانٌ وَ مِنْهَا سَحَابٌ وَ
مِنْهَا بَرْقٌ وَ مِنْهَا مَطَرٌ وَ مِنْهَا رَعْدٌ وَ مِنْهَا
ضَوْءٌ وَ مِنْهَا رَمْلٌ وَ مِنْهَا جِبَلٌ وَ مِنْهَا عَجَاجٌ
وَ مِنْهَا مَاءٌ وَ مِنْهَا أَنْهَارٌ وَ هِيَ حُجْبٌ
مُخْتَلِفَةٌ غَلِظَ كُلُّ حِجَابٍ مَسِيرَهُ سَبْعِينَ أَلْفَ عَامٍ
ثُمَّ سَرَادِقَاتُ الْجَلَالِ وَ هِيَ سِتُّونَ سَرَادِقًا فِي
كُلِّ سَرَادِقٍ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلِكٍ بَيْنَ كُلِّ سَرَادِقٍ وَ
سَرَادِقِ مَسِيرَهُ خَمْسِمِائَةَ عَامٍ ثُمَّ سَرَادِقُ الْعِزِّ
ثُمَّ سَرَادِقُ الْكِبْرِيَاءِ ثُمَّ سَرَادِقُ الْعِظَمَةِ ثُمَّ
سَرَادِقُ الْقُدْسِ ثُمَّ سَرَادِقُ الْجَبْرُوتِ ثُمَّ سَرَادِقُ
الْفَخْرِ ثُمَّ سَرَادِقُ النُّورِ الْأَبْيَضِ ثُمَّ سَرَادِقُ
الْوَحْدَانِيَّةِ وَ هُوَ مَسِيرَهُ سَبْعِينَ أَلْفَ عَامٍ فِي
سَبْعِينَ أَلْفَ عَامٍ ثُمَّ الْحِجَابُ الْأَعْلَى وَ انْقَضَى
كَلَامُهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ سَكَتَ فَقَالَ لَهُ عُمَرُ لَا بَقِيَتْ لِيَوْمٍ لَا
أَرَاكَ فِيهِ يَا أَبَا الْحَسَنِ

قال مصنف هذا الكتاب رضى الله عنه ليست
هذه الحجب مضروبة على الله عز و جل تعالى الله
عن ذلك لأنه لا يوصف بمكان ولكنها مضروبة
على العظمة العليا من خلقه التى لا يقدر
قدرها غيره تبارك و تعالى

۱۰۹ - زيد بن وهب گوید: از امیر
المؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ سؤال شد که در باره توانائی
خداوند عز و جل (که عظمتش پرشکوهتر باد)
بیانى بفرمایند حضرت به سخن رانى ایستاد
و خدای را سپاس گفت و او را ستایش کرد
سپس فرمود: خدای تبارک و تعالی را
فرشتگانی است که اگر فرشته‌ای از آنان به

زمین فرود آید زمین گنجایش او را ندارد که مخلوقی است بس بزرگ و پر بال و پر و بعضی از آن فرشتگان را اگر به جن و انس تکلیف کنند تا به توصیفش پردازند نتوانند از بس بزرگ اندام و خوش ترکیب است و چگونه توصیف توان کرد از فرشتگان فرشته‌ای را که فاصله میان دو شانه او و نرمی دو گوشش هفتصد سال راه است و از فرشتگان هستند که نه با اندام بزرگش بلکه با یک بال از بالهایش همه افق را میپوشاند و بعضی از آنان چنان است که آسمانها تا بالای ران او است و بعضی از آنان هست که پایش بدون پایگاه در عمق هوای زیرین است و همه طبقات زمین تا زانوی او است و بعضی از آنان هست که اگر همه آبها را بگودی پشت انگشت ابهامش بریزند گنجایش دارد و بعضی از آنان هست که اگر کشتیها را در اشک دیدگانش بیندازند سالهای دراز سیر میکنند پس مبارك است خداوندی که بهترین آفریننده‌ها را است و از آن حضرت سؤال شد که در باره حجابها بیان فرمایند فرمود: حجابها هفتند که غلیظی هر حجاب پانصد سال راه است و فاصله میان هر دو حجاب پانصد سال راه است و حجاب دوم هفتاد حجاب است که میان هر دو حجاب پانصد سال راه است و طول هر حجاب پانصد سال راه است هر حجابی را هفتاد هزار فرشته پرده دار است که نیروی هر فرشته‌ای از آنان بقدر نیروی جن و انس است بعضی از حجابها تاریکی است و پاره‌ای نور و بعضی آتش است و بعضی دود و بعضی ابر است و بعضی برق و بعضی باران است و بعضی رعد و بعضی روشنائی است و بعضی ریگ و بعضی کوه است و بعضی غبار و بعضی آب است و بعضی نهرها و آنها حجابهای گوناگونی هستند که درشتی هر حجابی هفتاد هزار سال راه است، سپس سرا

پرده‌های جلال است و آنها شصت سرا پرده است که در هر سرا پرده‌ای هفتاد هزار فرشته است فاصله میان هر سرا پرده و سرا پرده دیگر پانصد سال راه است سپس سرا پرده عزت است سپس سرا پرده کبریا است سپس سرا پرده عظمت است سپس سرا پرده قدس است سپس سرا پرده جبروت است سپس سرا پرده فخر است سپس سرا پرده نور سفید سپس سرا پرده یگانگی که هفتاد هزار سال در هفتاد هزار سال راه است سپس حجاب اعلی است در اینجا سخن حضرت بپایان رسید و خاموش شد عمر بآن حضرت عرض کرد ای ابا الحسن يك روز بی‌دیدار تو زنده نباشم .
(مصنف) این کتاب گوید:

این حجابها بر ذات خدای عز و جل زده نشده است که خداوند برتر از این است و خداوند را مکانی نیست و لیکن این حجابها بر بزرگترین مخلوق خداوندی زده شده است که اندازه عظمت آن مخلوق را بجز حضرت‌اش تبارك و تعالی کس نمیداند.

امیر المؤمنین علی علیه السلام هفت سال پیش از مردم نماز خواند

صلى أمير المؤمنين علي بن أبي طالب عليه السلام قبل الناس بسبع سنين
 ۱۱۰ - حَدَّثَنَا أَبُو أَحْمَدَ مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ
 الْبُنْدَارُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ مَسْعَدَةُ بْنُ
 أَسْمَعَ قَالَ حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ إِسْحَاقَ
 الزُّهْرِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عُبَيْدُ اللَّهِ بْنُ مُوسَى قَالَ
 أَخْبَرَنَا إِسْرَائِيلُ عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ عَنِ الْمِنْهَالِ
 بْنِ عَمْرٍو عَنْ عَبَادِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ عَلِيِّ عليه السلام أَنَّهُ
 قَالَ أَنَا عَبْدُ اللَّهِ وَ أَخُو رَسُولِهِ وَ أَنَا الصَّدِيقُ
 الْأَكْبَرُ لَا يَقُولُهَا بَعْدِي إِلَّا كَذَابٌ صَلَّيْتُ قَبْلَ
 النَّاسِ بِسَبْعِ سِنِينَ

۱۱۰ - علی علیه السلام فرمود: منم بنده خدا و برادر رسول خدا صلی الله علیه و آله و منم بزرگترین تصدیق‌کننده پیغمبر هیچ کس پس از من چنین سخن نگوید جز آنکه دروغ باشد من هفت سال پیش از مردم نماز خواندم.

شیطان بر هفت تن از غالیان فرود آید

تنزلت الشیاطین علی سبعة من الغلاة
 ۱۱۱ - أبی وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَا حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ وَ أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ جَمِيعاً عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى بْنِ عِمْرَانَ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ فَضَالٍ عَنْ دَاوُدَ بْنِ أَبِي يَزِيدَ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَّ هَلْ أَنْبَيْتُكُمْ عَلَى مَنْ تَنْزَلُ الشَّيَاطِينُ تَنْزَلُ عَلَى كُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ قَالَ هُمْ سَبْعَةٌ الْمُغِيرَةُ وَ بُنَانُ وَ صَائِدُ وَ حَمَزَةُ بْنُ عُمَارَةَ الْبَرْبَرِيُّ وَ الْحَارِثُ الشَّامِيُّ وَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْحَارِثِ وَ أَبُو الْخَطَّابِ

۱۱۱ - امام صادق علیه السلام فرمود در بیان آیه شریفه ۲۲۲-۲۲۳ سوره شعراء: (شما را آگاه کنم که شیطان‌ها بر چه کسی فرود می‌آیند؟ بر هر کس که بهتان زیاد بزند و بسیار مرتکب گناه گردد فرود می‌آیند) فرمود: آنان هفت نفر بودند: مغیره و بنان و صائد و حمزه بن عماره بربری و حارث شامی و عبد الله بن حارث و ابو الخطاب.

جبرئیل از طرف خداوند جل جلاله خبر آورد که به پیروان علی علیه السلام و دوستانش هفت خصلت داده شده است. خبر جبرئیل علیه السلام عن الله جل جلاله آنکه قد اعطی شیعة علی بن أبی طالب علیه السلام و محبیه سبع خصال

۱۱۲ - حَدَّثَنَا أَبُو مُحَمَّدٍ عَمَّارُ بْنُ الْحُسَيْنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عِصْمَةَ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ الطَّبْرِيِّ بِمَكَّةَ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ اللَّيْثِ الرَّازِي عَنْ شَيْبَانَ بْنِ فَرُوحِ الْأُبُلِيِّ عَنْ هَمَّامِ بْنِ يَحْيَى عَنْ الْقَاسِمِ بْنِ عَبْدِ الْوَاحِدِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَقِيلٍ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ كُنْتُ ذَاتَ يَوْمٍ عِنْدَ النَّبِيِّ إِذْ أَقْبَلَ بِوَجْهِهِ عَلَيَّ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ أَلَا أَبَشْرُكَ يَا أَبَا الْحَسَنِ قَالَ بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ هَذَا جَبْرَائِيلُ يُخَيِّرُنِي عَنِ اللَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ أَنَّهُ قَدْ أَعْطَى شَيْعَتَكَ وَ مُجْبِيكَ سَبْعَ خِصَالٍ الرَّفْقَ عِنْدَ الْمَوْتِ وَ الْأُنْسَ عِنْدَ الْوَحْشَةِ وَ النُّورَ عِنْدَ الظُّلْمَةِ وَ الْأَمْنَ عِنْدَ الْفَزَعِ وَ الْقِسْطَ عِنْدَ الْمِيزَانِ وَ الْجَوَازَ عَلَى الصِّرَاطِ وَ دُخُولَ الْجَنَّةِ قَبْلَ النَّاسِ نُورُهُمْ يَسْعَى بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ بِأَيْمَانِهِمْ

۱۱۲ - جابر بن عبد الله انصاری گوید: روزی نزد پیغمبر بودم که روی خود بعلی بن ابی طالب

کرد و فرمود: ای ابا الحسن مژدهات ندهم؟ عرض کرد: بفرماید یا رسول الله، فرمود: اینک جبرئیل است که بمن از جانب خداوند جل جلاله خبر آورده است که پیروان و دوستان تو را هفت خصلت داده شده است: خوش رفتاری و نرمش بهنگام مرگ و آرامش دل بهنگام وحشت و نور در تاریکی و ایمنی در موقع ترس و برابری در میزان عمل و گذشتن از صراط و پیش از مردم به بهشت داخل شدن در حالی که نور آنان در پیشاپیش و در سمت راست آنان میشتابد.

کسی که روایت کرده است که اهل بیتی که آیه تطهیر

در باره آنان فرود آمد هفت نفرند من
روی آن اهل البيت الذين نزلت فيهم آية
التطهير سبعة ع
۱۱۳ - أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ
بْنُ الْحَسَنِ الْمُؤَدَّبُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيِّ
الْأَصْبَهَانِيِّ عَنْ إِبرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ الثَّقَفِيِّ قَالَ
أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبرَاهِيمَ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ
الْجَبَّارِ بْنُ الْعَبَّاسِ الْهَمْدَانِيُّ عَنْ عَمَّارِ بْنِ
مُعَاوِيَةَ الدُّهْنِيِّ عَنْ عَمْرَةَ بِنْتِ أَفْعَى قَالَتْ
سَمِعْتُ أُمَّ سَلَمَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا تَقُولُ نَزَلَتْ هَذِهِ
الآيَةُ فِي بَيْتِي إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ
الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً قَالَتْ وَ
فِي الْبَيْتِ سَبْعَةٌ رَسُولُ اللَّهِ وَ جِبْرَائِيلُ وَ
مِيكَائِيلُ وَ عَلِيٌّ وَ فَاطِمَةُ وَ الْحَسَنُ وَ
الْحُسَيْنُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَتْ وَ أَنَا عَلَى الْبَابِ فَقُلْتُ يَا
رَسُولَ اللَّهِ أَلَسْتُ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ قَالَ إِنَّكَ مِنْ
أَزْوَاجِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَ مَا قَالَ إِنَّكَ مِنْ أَهْلِ
الْبَيْتِ

قال مصنف هذا الكتاب رضى الله عنه هذا
حديث غريب لا أعرفه إلا بهذا الطريق و
المعروف أن اهل البيت الذين نزلت فيهم
آية التطهير خمسة و سادسهم جبرئيل ع

۱۱۳ - عمره دختر افعى گوید: از ام
سلمة رضى الله عنها شنيدم که ميگفت: اين
آيه در خانه من فرود آمد: (خداوند
ميخواهد که پليدى را فقط از شما که اهل
اين خانه ايد بزدايد و شما را پاک و
پاکيزه گرداند) گفت: هنگام فرود آمدن
اين آيه هفت نفر در ميان خانه بودند:
رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و جبرئيل و ميکائيل و على
و فاطمة و حسن و حسين صلوات الله عليهم ام
السلمة گفت: من بر در خانه بودم که عرض

کردم یا رسول الله مگر من از اهل این خانه
نیستم؟ فرمود: تو از همسران پیغمبری و
نفرمود که تو از اهل این خانه ای
کلام مصنف

مصنف این کتاب رضی الله عنه گوید. این
حدیث غریبی است و جز باین سند آن را
ندیده ایم و معروف این است که اهل بیته
که آیه تطهیر در باره شان فرود آمد پنج
نفرند و ششمین نفرشان جبرئیل است.

هفت کس نباید نماز را شکسته بخوانند

سبعة لا يقصرون الصلاة

۱۱۴ - حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ
عَلِيٍّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةَ الْكُوفِيُّ رَضِيَ اللَّهُ
عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنِي جَدِّي الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عَنْ جَدِّهِ
عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةَ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ أَبِي
زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عليه السلام قَالَ
سَبْعَةٌ لَا يُقْصِرُونَ الصَّلَاةَ الْجَابِيَةَ الَّذِي يَدُورُ
فِي جَبَايَتِهِ وَ الْأَمِيرُ الَّذِي يَدُورُ فِي إِمَارَتِهِ
وَ التَّاجِرُ الَّذِي يَدُورُ فِي تِجَارَتِهِ مِنْ سُوقٍ
إِلَى سُوقٍ وَ الرَّاعِي وَ الْبَدَوِيُّ الَّذِي يَطْلُبُ
مَوَاضِعَ الْقَطْرِ وَ مَنْبِتَ الشَّجَرِ وَ الرَّجُلُ الَّذِي
يَطْلُبُ الصَّيْدَ يُرِيدُ بِهِ لَهْوَ الدُّنْيَا وَ
الْمُحَارِبُ الَّذِي يَقْطَعُ السَّبِيلَ

۱۱۴ - امام باقر عليه السلام فرمود: هفت کس
نباید نماز را شکسته بخوانند: آنکه برای
جمع آوری زکات میرود و فرماندهی که در
حوزه فرماندهی خود در گشت است و
بازرگانی که برای تجارتش از بازاری
ببازاری میرود و دوره گردی میکند و
چوپان و بیابان گردی که بدنبال آب و
گیاه در گردش است و مردیکه برای بازی و
تفریح بشکار میرود و راهزن خونخوار.

هر حق بر هفت عضو پخش شده است

الذکر مقسوم علی سبعة أعضاء
اللِّسَانُ وَ الرُّوحُ وَ النَّفْسُ وَ الْعَقْلُ وَ
المَعْرِفَةُ وَ السِّرُّ وَ الْقَلْبُ وَ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهَا
يَحْتَاجُ إِلَى الاسْتِقَامَةِ فَأَمَّا اسْتِقَامَةُ اللِّسَانِ
فَصِدْقُ الْاِقْرَارِ وَ اسْتِقَامَةُ الرُّوحِ صِدْقُ
الاسْتِغْفَارِ وَ اسْتِقَامَةُ الْقَلْبِ صِدْقُ الْاِعْتِدَارِ وَ
اسْتِقَامَةُ الْعَقْلِ صِدْقُ الْاِعْتِبَارِ وَ اسْتِقَامَةُ
المَعْرِفَةِ صِدْقُ الْاِفْتِخَارِ وَ اسْتِقَامَةُ السِّرِّ
السُّرُورُ بِعَالَمِ الْأَسْرَارِ وَ اسْتِقَامَةُ الْقَلْبِ
صِدْقُ الْيَقِينِ وَ مَعْرِفَةُ الْجَبَّارِ فِذِكْرِ اللِّسَانِ
الْحَمْدُ وَ الثَّنَاءُ وَ ذِكْرُ النَّفْسِ الْجَهْدُ وَ
الْعَنَاءُ وَ ذِكْرُ الرُّوحِ الْخَوْفُ وَ الرَّجَاءُ وَ
ذِكْرُ الْقَلْبِ الصِّدْقُ وَ الصِّفَاءُ وَ ذِكْرُ الْعَقْلِ
التَّعْظِيمُ وَ الْحَيَاءُ وَ ذِكْرُ الْمَعْرِفَةِ التَّسْلِيمُ
وَ الرِّضَا وَ ذِكْرُ السِّرِّ عَلَى رُؤْيَةِ اللِّقَاءِ
حَدَّثَنَا بِذَلِكَ أَبُو مُحَمَّدٍ بَنُ عَبْدِ اللَّهِ بَنُ حَامِدٍ
رَفَعَهُ إِلَى بَعْضِ الصَّالِحِينَ ع

زبان و روح و نفس و خرد و معرفت و
باطن و قلب و هر يك از اينها به استقامت
و درستی نیازمند است درستی زبان باين
است که براستی اقرار کند و درستی روح با
راستی در استغفار است و درستی قلب با
راستی در پوزش طلبیدن است و درستی خرد
با راستی در عبرت گرفتن است و درستی
معرفت با راستی در سرافرازی است و درستی
باطن با شادی بجهان اسرار است و درستی
قلب با راستی در يقين و شناسائی خدای
جبار است پس ذکر زبان سپاس و ستایش است
و ذکر نفس کوشش نمودن و رنج کشیدن است و
ذکر روح بيم و امید است و ذکر دل راستی
و صفا است و ذکر خرد بزرگداشت خدا و شرم
کردن از اوست و ذکر معرفت سر سپردن و
راضی بودن است و ذکر باطن بر مشاهده
لقای حق است اين روايت را ابو محمد عبد

الله حامد با حذف سند از یکی از صالحین نقل کرده است.

سخن مترجم

مترجم گوید روایت فوق از جهت سند و متن مورد اعتراض و اشکال است.

رسول خدا ﷺ را هفت فرزند بود

كان لرسول الله ﷺ سبعة أولاد

۱۱۵ - حَدَّثَنَا أَبِي وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَا حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ وُلِدَ لِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ مِنْ خَدِيجَةَ الْقَاسِمِ وَ الطَّاهِرِ وَ هُوَ عَبْدُ اللَّهِ وَ أُمُّ كَلْثُومِ وَ رُقِيَّةُ وَ زَيْنَبُ وَ فَاطِمَةُ وَ تَزَوَّجَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَاطِمَةَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ تَزَوَّجَ أَبُو الْعَاصِ بْنُ الرَّبِيعِ وَ هُوَ رَجُلٌ مِنْ بَنِي أُمَيَّةَ زَيْنَبَ وَ تَزَوَّجَ عُثْمَانُ بْنُ عَفَّانٍ أُمَّ كَلْثُومِ فَمَاتَتْ وَ لَمْ يَدْخُلْ بِهَا فَلَمَّا سَارُوا إِلَى بَدْرٍ زَوَّجَهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ رُقِيَّةَ وَ وُلِدَ لِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ إِبْرَاهِيمُ مِنْ مَارِيَةَ الْقِبْطِيَّةِ وَ هِيَ أُمُّ إِبْرَاهِيمَ أُمُّ وَلَدٍ

۱۱۵ - امام صادق عليه السلام فرمود: فرزندان رسول خدا ﷺ از خدیجه قاسم بود و طاهر که همان عبد الله است و ام کلثوم و رقیه و زینب و فاطمه، که علی بن ابی طالب علیه السلام فاطمه را به همسری گرفت و ابو العاص بن ربیع که مردی از بنی امیه بود زینب را تزویج نمود و عثمان بن عفان ام کلثوم را بزنی گرفت ولی پیش از زناشویی ام کلثوم وفات نمود و چون بجنگ بدر رفتند رسول خدا ﷺ رقیه را بعثمان تزویج فرمود و فرزندی هم از رسول خدا ﷺ بنام ابراهیم بود که مادرش ماریه قبطیه ام ولد بود.

۱۱۶ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ
 بْنِ خَالِدٍ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو عَلِيٍّ الْوَاسِطِيُّ عَنْ
 عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عِصْمَةَ عَنْ يَحْيَى بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عَمْرِو
 بْنِ أَبِي الْمِقْدَامِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ
 قَالَ دَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْزِلَهُ فَإِذَا عَائِشَةُ
 مُقْبِلَةٌ عَلَى فَاطِمَةَ تُصَايْحُهَا وَهِيَ تَقُولُ وَاللَّهِ
 يَا بِنْتَ خَدِيجَةَ مَا تَرَيْنِ إِلَّا أَنْ لِأَمِّكَ عَلَيْنَا
 فَضْلاً وَ أَيْ فَضْلٍ كَانَ لَهَا عَلَيْنَا مَا هِيَ إِلَّا
 كَبَعْضِنَا فَسَمِعَ مَقَالَتَهَا فَاطِمَةُ فَلَمَّا رَأَتْ
 فَاطِمَةَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بَكَتْ فَقَالَ لَهَا مَا يُبْكِيكِ
 يَا بِنْتَ مُحَمَّدٍ قَالَتْ ذَكَرْتُ أُمَّي فَتَنَقَّصْتُهَا
 فَبَكَيْتُ فَغَضِبَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ثُمَّ قَالَ مَهْ يَا
 حُمَيْرَاءُ فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بَارَكَ فِي
 الْوَلَدِ الْوَدُودِ وَ إِنَّ خَدِيجَةَ رَحِمَهَا اللَّهُ وَلَدَتْ
 مِنِّي طَاهِراً وَ هُوَ عَبْدُ اللَّهِ وَ هُوَ الْمُطَهَّرُ وَ
 وَلَدَتْ مِنِّي الْقَاسِمَ وَ فَاطِمَةَ وَ رُقِيَّةَ وَ أُمَّ
 كُلْثُومَ وَ زَيْنَبَ وَ أَنْتِ مِمَّنْ أَعْقَمَ اللَّهُ رَحِمَهُ فَلَمْ
 تَلِدِي شَيْئاً

۱۱۶ - امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: رسول خدا
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به خانه خود وارد شد دید عایشه بروی
 فاطمه زهرا فریاد میکشد و میگوید: بخدا
 قسم ای دختر خدیجه تو چنین می‌پنداری که
 مادرت را بر ما برتری بود؟

چه برتری بر ما داشت جز اینکه او هم
 مانند یکی از ما بود فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ که این
 سخنان می‌شنید چون چشمش به رسول خدا
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ افتاد گریه کرد رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به
 فاطمه فرمود ای دختر محمد چرا گریه
 میکنی؟ عرض کرد: عایشه نام مادرم را برد
 و نکوهشاش کرد و من از این رو گریه
 میکنم.

رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خشمناک شد و فرمود:
 ای حمیرا خاموش باش که خدای تبارک و
 تعالی زن زاینده و مهربان را مبارک
 گردانیده است خدیجه که خدایش رحمت کند
 از من فرزندانی آورد یکی طاهر که نام

دیگرش عبد الله بود و مطهر و فرزندان دیگرش
از من قاسم بود و فاطمة و رقیة و ام
کلثوم و زینب ولی تو از زنهایی هستی که
خداوند نازایش فرموده و فرزندی
نیآورده ای.

باب الثمانیه (باب خصلت‌های هشتگانه)

شایسته است که هشت خصلت در مؤمن باشد

۱ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ غَالِبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ يَنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يَكُونَ فِيهِ ثَمَانُ خِصَالٍ وَقُورٌ عِنْدَ الْهَزَاهِزِ صَبُورٌ عِنْدَ الْبَلَاءِ شَكُورٌ عِنْدَ الرَّخَاءِ قَانِعٌ بِمَا رَزَقَهُ اللَّهُ لَا يَظْلِمُ الْأَعْدَاءَ وَلَا يَتَحَامَلُ لِلأَصْدِقَاءِ بَدَنُهُ مِنْهُ فِي تَعَبٍ وَ النَّاسُ مِنْهُ فِي رَاحَةٍ إِنَّ الْعِلْمَ خَلِيلُ الْمُؤْمِنِ وَ الْجَلْمَ وَ زِيرُهُ وَ الصَّبْرَ أَمِيرُ جُنُودِهِ وَ الرَّفْقَ أَخُوهُ وَ اللَّيْنَ وَ الْوَدَّةَ

۱ - امام صادق عليه السلام فرمود: مؤمن را شاید که دارای هشت خصلت باشد در گرفتاریهای تکان دهنده با وقار و سنگین باشد و در بلا شکیبا و در خوشی سپاسگزار و به آنچه خداوند روزی‌اش فرماید قناعت کند و به دشمنان ستم نکند و سربار دوستان نگردد. تن خویش را به رنج اندازد و مردم از او در آسایش باشند همانا که دانش دوست مؤمن است و بردباری وزیر اوست و شکیبائی فرمانده لشکر وجود او و مدارا کردن برادر او و نرمش پدر او است.

۲ - حَدَّثَنَا أَبُو الْحُسَيْنِ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الشَّاهِ الْفَقِيهِ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو حَامِدٍ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ خَالِدِ الْخَالِدِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو يَزِيدَ أَحْمَدُ بْنُ خَالِدِ الْخَالِدِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ صَالِحِ التَّمِيمِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ حَاتِمِ الْقَطَّانِ عَنْ حَمَادِ بْنِ عَمْرٍو عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام عَنِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله أَنَّهُ قَالَ فِي وَصِيَّتِهِ لَهُ يَا عَلِيُّ يَنْبَغِي أَنْ يَكُونَ فِي الْمُؤْمِنِ ثَمَانُ خِصَالٍ وَقَارٌ

عِنْدَ الْهَزَاهِزِ وَ صَبْرٌ عِنْدَ الْبَلَاءِ وَ شُكْرٌ عِنْدَ
الرِّخَاءِ وَ قُنُوعٌ بِمَا رَزَقَهُ اللَّهُ لَا يَظْلِمُ الْأَعْدَاءَ
وَ لَا يَتَحَامَلُ لِلأَصْدِقَاءِ بَدَنُهُ مِنْهُ فِي تَعَدٍ وَ
النَّاسُ مِنْهُ فِي رَاحَةٍ

۲ - رسول خدا ﷺ ضمن سفارشی که بعلی
علیه السلام میفرمود فرمود: ای علی سزاوار است که
در مؤمن هشت خصلت باشد سنگینی بهنگام
پیش آمدهای سخت و لرزاننده، و شکیبائی
در بلا و سپاسگزاری در خوشی و بآنچه
خدایش نصیب فرماید قانع باشد و
بدشمنان اش ستم نکند و سربار دوستانش
نگردد تن خود را برنج اندازد و مردم او
در آسایش باشند.

(شرح-)

ممکن است معنای لا يتحامل للاصدقاء این
باشد که بخواطر دوستان خود بدیگران
تحمیل و تعدی نمیکند و یا اینکه مقصود
این باشد که بخواطر دوستان متحمل وزر و
وبال نگردد مانند اینکه شهادت بر خلافی
بخواطر دوستی بنفع دوست بدهد.

نماز هشت طایفه پذیرفته نمیشود

ثمانية لا تقبل لهم صلاة

۳ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ
جَمِيعاً عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى بْنِ عِمْرَانَ
الْأَشْعَرِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ بِإِسْنَادِهِ
رَفَعَهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ
اللَّهِ ﷺ ثَمَانِيَةٌ لَا يَقْبَلُ اللَّهُ لَهُمْ صَلَاةَ الْعَبْدِ
الْأَبْقَى حَتَّى يَرْجِعَ إِلَى مَوْلَاهُ وَ النَّاشِزَةُ عَنْ
رُؤُوسِهَا وَ هُوَ عَلَيْهَا سَاخِطٌ وَ مَانِعُ الرِّكَاتِ وَ
تَارِكُ الْوُضُوءِ وَ الْجَارِيَةُ الْمُدْرِكَةُ تُصَلِّي
بِغَيْرِ خِمَارٍ وَ إِمَامٌ قَوْمٍ يُصَلِّي بِهِمْ وَ هُمْ لَهُ
كَارِهُونَ وَ الزَّبِينُ قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا

الزَّبِينُ قَالَ الَّذِي يُدَافِعُ الْغَائِطَ وَ الْبَوْلَ وَ
السُّكْرَانَ فَهَؤُلَاءِ ثَمَانِيَةٌ لَا تُقْبَلُ مِنْهُمْ صَلَاةٌ
۳ - رسول خدا ﷺ فرمود: هشت طایفه اند
که خداوند نماز آنان را نمی‌پذیرد بنده ای
که گریخته باشد تا نزد آقای خود باز
گردد و زنی که به شوهر خود تمکین نکند و
شوهر از او ناراضی باشد و کسی که زکات
نپردازد و آنکه وضو نسازد و دختر بالغی
که بی‌روپوش نماز بخواند و امام جماعتی
که مأمومینش امامت او را ناخوش بدانند و
زبین، عرض کردند یا رسول الله زبین چیست؟
فرمود: کسی که احتیاج به دفع بول و
غایط داشته باشد و خودداری نماید و دیگر
مست که از این هشت طایفه نماز پذیرفته
نمیشود.

حاملین عرش هشتند

حملة العرش ثمانية
۴ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ
الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ
اللَّهِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَصْبَهَانِيِّ عَنِ سُلَيْمَانَ
بْنِ دَاوُدَ الْمِنْقَرِيِّ عَنِ حَفْصِ بْنِ غِيَاثِ النَّخَعِيِّ
قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَقُولُ إِنَّ حَمَلَةَ الْعَرْشِ
ثَمَانِيَةٌ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ ثَمَانِيَةٌ أَعْيُنِ كُلِّ
عَيْنٍ طَبَاقُ الدُّنْيَا

۴ - حفص بن غیاث نخعی گوید: از امام
صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود حاملین عرش
هشت‌اند و هر یک را هشت چشم است و هر
چشمی برابر دنیا است.

۵ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ
الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ
الْحَسَنِ الصَّقَّارُ مُرْسَلًا قَالَ قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام إِنَّ
حَمَلَةَ الْعَرْشِ ثَمَانِيَةٌ أَحَدُهُمْ عَلَى صُورَةِ ابْنِ
آدَمَ يَسْتَرْزِقُ اللَّهُ لِوَلَدِ آدَمَ وَ الثَّانِي عَلَى

صُورَةَ الدَّيِّكِ يَسْتَرْزِقُ اللَّهُ لِلطَّيْرِ وَ الثَّالِثُ عَلَى
صُورَةَ الأَسَدِ يَسْتَرْزِقُ اللَّهُ لِلسَّبَاعِ وَ الرَّابِعُ عَلَى
صُورَةَ الثَّوْرِ يَسْتَرْزِقُ اللَّهُ لِلبَهَائِمِ وَ نَكَسَ
الثَّوْرُ رَأْسَهُ مُنْذُ عَبَدَ بَنُو إِسْرَائِيلَ العِجْلَ
فَإِذَا كَانَ يَوْمُ القِيَامَةِ صَارُوا ثَمَانِيَةً

ه - امام صادق عليه السلام فرمود: همانا حاملین
عرش هشتانند یکی بصورت آدمیزاد است که از
خداوند برای فرزندان آدم روزی در
خواست میکند و دومی بشکل خروس است و از
خداوند برای پرندگان روزی درخواست میکند
و سومی مانند شیر است که برای درندگان
از خدا روزی میخواهد و چهارمی هم چون
گاو است که برای چهار پایان از خدا روزی
میطلبد و از روزی که بنی اسرائیل گوساله
پرست شدند این گاو سر بزیر و خجلت زده
است و چون روز قیامت فرا رسد حاملین عرش
هشت می‌شوند.

بهشت را هشت در است

للجنة ثمانية أبواب

٦ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ القَطَّانُ قَالَ
حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا القَطَّانُ قَالَ
حَدَّثَنَا بَكْرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَبِيبٍ قَالَ حَدَّثَنَا
مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا

عَلِيُّ بْنُ الْحَكَمِ عَنْ أَبَانَ بْنِ عَثْمَانَ عَنْ
مُحَمَّدِ بْنِ الفُضَيْلِ الرَّزْقِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ
أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَلِيِّ عليه السلام قَالَ إِنَّ لِلجَنَّةِ
ثَمَانِيَةَ أَبْوَابٍ بَابٌ يَدْخُلُ مِنْهُ النَّبِيُّونَ وَ
الصُّدِّيْقُونَ وَ بَابٌ يَدْخُلُ مِنْهُ الشُّهَدَاءُ وَ
الصَّالِحُونَ وَ خَمْسَةٌ أَبْوَابٍ يَدْخُلُ مِنْهَا شِيعَتُنَا
وَ مُجِبُونَا فَلَا أَرَأَى وَاقِفًا عَلَى الصِّرَاطِ أَدْعُو
وَ أَقُولُ رَبِّ سَلِّمْ شِيعَتِي وَ مُجِبِّي وَ أَنْصَارِي وَ
مَنْ تَوَلَّانِي فِي دَارِ الدُّنْيَا فَإِذَا التُّدَاءُ مِنْ
بُطْنَانَ العَرْشِ قَدْ أُجِيبَتْ دَعْوَتُكَ وَ شَفَعْتَ فِي
شِيعَتِكَ وَ يُشَفِّعُ كُلُّ رَجُلٍ مِنْ شِيعَتِي وَ مَنْ
تَوَلَّانِي وَ نَصَرَنِي وَ حَارَبَ مَنْ حَارَبَنِي بِفِعْلٍ أَوْ

قَوْلٍ فِي سَبْعِينَ أَلْفَ مِنْ جِيرَانِهِ وَ أَقْرَبَائِهِ وَ
 بَابٍ يَدْخُلُ مِنْهُ سَائِرُ الْمُسْلِمِينَ مِمَّنْ شَهِدَ أَنْ
 لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ لَمْ يَكُنْ فِي قَلْبِهِ مِقْدَارُ ذَرَّةٍ
 مِنْ بُغْضِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ

۶ - علی علیه السلام فرمود: همانا که از برای
 بهشت هشت در است از يك درش پیغمبران و
 صدیقان داخل شوند و از يکدر شهیدان و
 افراد شایسته داخل شوند و از پنج درش
 شیعیان و دوستان ما داخل شوند و من هم
 چنان بر پل صراط ایستاده ام و درخواست
 میکنم و میگویم پروردگارا شیعه من و
 دوست من و یاران من و هر که را که در
 دار دنیا مرا بولایت پذیرفته است سالم
 بدار که ناگاه آوازی از مرکز عرش میرسد
 که درخواست تو باجابت رسید و شفاعت تو
 در باره شیعهات پذیرفته شد و از شیعیان
 من کسی که مرا بولایت شناخته و یاری من
 نموده و با دشمنان جنگنده من جنگیده چه
 برفتار و چه بگفتار هر يك نفر از آنان
 در باره هفتاد هزار نفر از همسایگان و
 خویشاوندان خود شفاعت میکند و از يك در
 سایر مسلمانان که شهادت بر یگانگی خدای
 یکتا بدهند و در دلشان ذره از دشمنی ما
 خاندان نباشد داخل میشوند.

۷ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
 سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ
 الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ النَّضْرِ الْخَزَّازِ
 عَنْ عَمْرِو بْنِ شَمْرِ عَنْ جَابِرِ الْجَعْفِيِّ عَنْ أَبِي
 جَعْفَرٍ قَالَ أَحْسِنُوا الظَّنَّ بِاللَّهِ وَ اعْلَمُوا أَنَّ
 لِلْجَنَّةِ ثَمَانِيَةَ أَبْوَابٍ عَرِضُ كُلِّ بَابٍ مِنْهَا
 مَسِيرَةُ أَرْبَعِينَ سَنَةً

۷ - امام باقر علیه السلام فرمود: بخداوند
 خوشبین باشید و بدانید که بهشت را هشت
 در است که پهنای هر در چهل سال راه است.

سقف خانه نباید از هشت ذراع بیشتر باشد لا يجوز أن يكون سمك البيت فوق ثمانية أذرع

۸ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوِيهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى بْنِ عَمْرَانَ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ الْأَنْصَارِيِّ عَنْ ابْنِ بَنِي عُثْمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ شَكَا إِلَيْهِ رَجُلٌ عَبَثَ أَهْلَ الْأَرْضِ بِأَهْلِ بَيْتِهِ وَبِعِيَالِهِ فَقَالَ كَمْ سَمَكُ بَيْتِكَ قَالَ عَشْرَةٌ أَذْرَعٌ فَقَالَ أَذْرَعٌ ثَمَانِيَّةٌ أَذْرَعٌ كَمَا تَدُورُ وَ أَكْثَبٌ عَلَيْهِ آيَةُ الْكُرْسِيِّ فَإِنَّ كُلَّ بَيْتٍ سَمَكُهُ أَكْثَرُ مِنْ ثَمَانِيَّةِ أَذْرَعٍ فَهُوَ مُحْتَضَرٌ يَحْضُرُهُ الْجِنُّ وَ يَسْكُونُهُ

۸ - ابان بن عثمان گوید: مردی بخدمت امام صادق عليه السلام شکایت آورد که جنیان با خانواده و عیالات من بازی میکنند، حضرت فرمود سقف اطاق چه اندازه است؟ گفت: ده ذراع، فرمود اطاق را بارتفاع هشت ذراع اندازه بگیر و آیه الکرسی را بر دور آن بنویس زیرا هر اطاقی که سقفش از ذراع بیشتر باشد محل حضور جنیان و نشیمنگاه آنان می‌شود.

هشت طایفه است که از مردم نیستند

ثمانية ليسوا من الناس
 ۹ - حَدَّثَنَا أَبِي وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَا حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ وَ أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ جَمِيعاً قَالَا حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى بْنِ عَمْرَانَ الْأَشْعَرِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي بَعْضُ أَصْحَابِنَا يَعْنِي جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدِ بْنِ عُبَيْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي يَحْيَى الْوَاسِطِيِّ عَمَّنْ ذَكَرَهُ أَنَّهُ قَالَ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أ تَرَى هَذَا الْخَلْقَ كُلَّهُ مِنَ النَّاسِ فَقَالَ الْقَ مِنْهُمْ التَّارِكُ لِلسَّوَالِكِ وَ الْمُتَرَبِّعُ فِي مَوْضِعِ الضِّيقِ وَ الدَّاخِلُ فِيمَا لَا يَغْنِيهِ وَ

الْمُمَارِي فِيمَا لَا عِلْمَ لَهُ وَ الْمُتَمَرِّضَ مِنْ غَيْرِ
 عِلَّةٍ وَ الْمُتَشَعَّثَ مِنْ غَيْرِ مُصِيبَةٍ وَ الْمُخَالِفَ
 عَلَى أَصْحَابِهِ فِي الْحَقِّ وَ قَدْ اتَّفَقُوا عَلَيْهِ وَ
 الْمُفْتَخِرَ يَفْتَخِرُ بِآبَائِهِ وَ هُوَ خَلُوٌّ مِنْ صَالِحِ
 أَعْمَالِهِمْ فَهُوَ بِمَنْزِلَةِ الْخَلْنَجِ يُقْشَرُ لِحَاءٍ عَنْ
 لِحَاءٍ حَتَّى يُوْصَلَ إِلَى جَوْهَرِيَّتِهِ وَ هُوَ كَمَا قَالَ
 اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِنَّهُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ
 سَبِيلًا

۹ - راوی به امام صادق علیه السلام عرض کرد:
 شما همه این خلق را از مردم می‌پندارید؟
 فرمود: (هشت طایفه) از اینان را دور
 بینداز از آنکه مسواک نکند و آنکه در
 مجلس تنگ چهار زانو بشیند و آنکه در کار
 بیهوده دخالت کند و آنکه در باره چیزی
 که نمیداند اظهار فضل و دانش نماید و
 آنکه بدون بیماری خود را بیمار نشان دهد
 و آنکه مصیبت ندیده عزا دار گردد و آنکه
 با یاران خود در مطلب حقی که مورد اتفاق
 آنان است مخالفت ورزد و آنکه بپدران خود
 ببالد با اینکه از کارهای شایسته آنان
 بی‌بهره باشد چنین کس هم چون گیاه خلنج
 است که پوستهای روئین‌اش کنده شود و
 عاقبت جوهر ذاتش آشکار گردد و او همان
 است که خدای عز و جل فرموده است آنان
 چهار پایانی بیش نیستند بلکه
 گمراه‌تراند.

**کسی که به مسجدها رفت و آمد داشته
 باشد به یکی از هشت خصلت میرسد**

من اختلف إلى المسجد أصاب إحدى ثمان
 خصال

۱۰ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
 سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ مُحَمَّدِ
 بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ
 عَنْ سَعْدِ الْإِسْكَافِيِّ عَنْ زِيَادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ أَبِي
 الْجَارُودِ عَنْ الْأَضْبَعِيِّ بْنِ ثَبَاتَةَ عَنْ أَمِيرِ

المؤمنين عليه السلام قال كان يقول من اختلف إلى
المساجد أصاب إحدى الثمان أخطأ مستقداً
في الله أو علماً مستظرفاً أو آية محكمة أو
رحمة منتظرة أو كلمة تردده عن ردى أو
يسمع كلمة تدله على هدى أو يترك ذنباً
خشية أو حياءً

۱۰ - اصبح بن نباته گوید: امیر
المؤمنين عليه السلام میفرماید کسی که به مسجدها
رفت و آمد داشته باشد بیکی از هشت خصلت
میرسد بهره‌مندی از برادری دینی و یا
دانشی نیکو و یا نشانه محکمی از
نشانه‌های حق و یا رحمتی که بانتظار وی
بوده و یا سخنی که او را از هلاکتی نجات
بخشد و یا مطلبی که او را براه نجات
رهبری کند و یا گناهی را ترک نماید از
ترس خدا و یا از روی شرم و حیا.

۱۱ - أخبرني إبراهيم بن محمد بن حمزة
بن عماره الحافظ فيما كتب إلي قال حدثني
حسين بن عبد الله قال حدثنا موسى بن مروان
قال حدثنا مروان بن معاوية عن سعد بن
طريف عن عمير بن مأمون قال سمعت الحسن
بن علي عليه السلام يقول سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله يقول من
أدمن الاختلاف إلى المساجد أصاب إحدى
الثمان أخطأ مستقداً في الله عز وجل أو
علماً مستظرفاً أو كلمة تدله على هدى أو
أخرى تصرفه عن الردى أو رحمة منتظرة أو
ترك الذنب حياءً أو خشيةً

۱۱ - عمير بن مأمون گوید: شنیدم از
امام حسن عليه السلام که میفرمود شنیدم رسول خدا
صلى الله عليه وآله میفرمود کسی که همواره بمسجدها رفت
و آمد داشته باشد هشت بهره را خواهد
برد.

بهره‌مندی از برادر دینی یا دانشی مورد
پسند یا سخنی که او را به نجات رهبری
کند و یا سخن دیگری که او را از هلاکت
باز دارد و یا رحمتی که بانتظارش بوده

است و یا ترک گناهی از روی شرم و یا ترس.

(شرح-:)

دو فایده از فایده‌های رفت و آمد مسجد در این روایت گفته نشده است و شاید از راوی فراموش شده و یا از قلم نویسنده افتاده است.

هشت طایفه‌اند که اگر توهین به آنان شد نباید بجز خود دیگری را ملامت کند

ثَمَانِيَةٌ إِنْ أَهَيْنُوا فَلَا يَلُومُوا إِلَّا
أَنْفُسَهُمْ

۱۲ - حَدَّثَنَا أَبُو الْحُسَيْنِ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنُ
الشَّاهِ الْفَقِيهَ يَمْرُو الرُّوْذِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو
حَامِدٍ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْحُسَيْنِ
قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو يَزِيدَ أَحْمَدُ بْنُ خَالِدِ
الْخَالِدِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ صَالِحِ
الْتَّمِيمِيِّ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ
بْنُ حَاتِمِ الْقَطَّانِ عَنْ حَمَادِ بْنِ عَمْرٍو عَنْ جَعْفَرِ
بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ

عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ فِي وَصِيَّتِهِ لَهُ يَا عَلِيُّ
ثَمَانِيَةٌ إِنْ أَهَيْنُوا فَلَا يَلُومُوا إِلَّا أَنْفُسَهُمْ
الذَّاهِبُ إِلَى مَائِدَةٍ لَمْ يُدْعَ إِلَيْهَا وَ
الْمُتَأَمِّرُ عَلَى رَبِّ الْبَيْتِ وَ طَالِبُ الْخَيْرِ مِنْ
أَعْدَائِهِ وَ طَالِبُ الْفَضْلِ مِنَ اللَّئَامِ وَ الدَّاخِلُ
بَيْنَ اثْنَيْنِ فِي سِرِّ لَهُمْ لَمْ يُدْخِلَاهُ فِيهِ وَ
الْمُسْتَخْفُ بِالسُّلْطَانِ وَ الْجَالِسُ فِي مَجْلِسٍ لَيْسَ
لَهُ بِأَهْلٍ وَ الْمُقْبِلُ بِالْحَدِيثِ عَلَى مَنْ لَا يَسْمَعُ
مِنْهُ

۱۲ - رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ضمن سفارشی بعلی عَلَيْهِ السَّلَامُ

فرمود: ای علی هشت فرقه‌اند که اگر مورد توهین شدند بجز خود دیگری را نباید ملامت کنند کسی که بر سر سفره‌ای ناخوانده بنشیند و مهمانی که بصاحبخانه دستور بدهد و کسی که از دشمنان خود امید خیری

داشته باشد و کسی که از افراد پست فطرت
بخششی خواستار شود و کسی که ناخوانده بر
از میان دو کس مداخله نماید و کسی که
پادشاه را سبک شمارد و کسی که در
جایگاهی که شایستگی آن را ندارد بنشیند
و کسی که سخن بگوید با آن کس که گوش
شنوایی از او را ندارد.

مسجدها را از هشت چیز باید دور داشت

تجنب المساجد ثمانية أشياء
۱۳ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ
الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ
الْحَسَنِ الصَّقَّارُ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُوسَى الْخَشَّابِ
عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ بَعْضِ رِجَالِهِ قَالَ قَالَ
أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام جَنَّبُوا مَسَاجِدَكُمْ الشَّرَاءَ وَ
الْبَيْعَ وَ الْمَجَانِينَ وَ الصَّبِيَّانَ
وَ الضَّالَّةَ وَ الْأَحْكَامَ وَ الْخُدُودَ وَ رَفَعَ
الصَّوْتِ

۱۳ - امام صادق عليه السلام فرمود: مسجدهای خود
را دور بداریید از خرید و فروش و
دیوانگان و کودکان و جستن گمشده و قضاوت
و اجراء حدود و فریاد کشیدن.

ایمان هشت خصلت است

الإيمان ثمان خصال
۱۴ - حَدَّثَنِي أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ
مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ
أَبِي بصيرٍ قَالَ كُنْتُ عِنْدَ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام فَقَالَ
لَهُ رَجُلٌ أَصْلَحَكَ اللَّهُ إِنَّ بِيَالْكُوفَةَ قَوْمًا يَقُولُونَ
مَقَالَةَ يَنْسُبُونَهَا إِلَيْكَ فَقَالَ وَ مَا هِيَ قَالَ
يَقُولُونَ الْإِيمَانَ غَيْرَ الْإِسْلَامِ فَقَالَ أَبُو
جَعْفَرٍ عليه السلام نَعَمْ فَقَالَ الرَّجُلُ صِفْهُ لِي قَالَ مَنْ
شَهِدَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وسلم

وَ أَقْرَبِمَا جَاءَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَ أَقَامَ الصَّلَاةَ وَ
 آتَى الزَّكَاةَ وَ صَامَ شَهْرَ رَمَضَانَ وَ حَجَّ الْبَيْتَ
 فَهُوَ مُسْلِمٌ قُلْتُ فَأَلَيْمَانُ قَالَ مَنْ شَهِدَ أَنْ لَا
 إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ وَ أَقْرَبِمَا
 جَاءَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَ أَقَامَ الصَّلَاةَ وَ آتَى الزَّكَاةَ
 وَ صَامَ شَهْرَ رَمَضَانَ وَ حَجَّ الْبَيْتَ وَ لَمْ يَلْقَ اللَّهَ
 بِذَنْبٍ أَوْعَدَ عَلَيْهِ النَّارَ فَهُوَ مُؤْمِنٌ قَالَ أَبُو
 بَصِيرٍ جُعِلْتُ فِدَاكَ وَ أَيْنَا لَمْ يَلْقَ اللَّهَ بِذَنْبٍ
 أَوْعَدَ عَلَيْهِ النَّارَ فَقَالَ لَيْسَ هُوَ حَيْثُ تَذْهَبُ
 إِنَّمَا هُوَ لَمْ يَلْقَ اللَّهَ بِذَنْبٍ أَوْعَدَ عَلَيْهِ النَّارَ
 وَ لَمْ يَثْبُ مِنْهُ

۱۴ - ابی بصیر گوید: حضور امام باقر
علیه السلام بودم که مردی بحضرتش عرضکرد اصلحک
 الله در کوفه مردمی هستند و سخنی دارند که
 از زبان شما نقل میکنند فرمود: چه
 میگویند؟ عرضکرد: میگویند:

که ایمان غیر از اسلام است امام باقر
علیه السلام فرمود: آری چنین است آن مرد عرضکرد:
 از برای من بیان بفرمائید فرمود: کسی که
 گواهی دهد بر اینکه خدائی بجز الله تبارک و
 تعالی نیست و محمد فرستاده او است و
 بآنچه پیغمبر از طرف خداوند آورده است
 اقرار و اعتراف داشته باشد و نماز
 بگذارد و زکاة بپردازد و ماه رمضان را
 روزه بدارد و حج خانه خدا برود چنین
 کسی مسلمان است من عرض کردم: پس ایمان
 چیست؟

فرمود: کسی که گواهی دهد که خدائی بجز
 ذات خداوندی نیست و محمد فرستاده خدا
 است و بآنچه پیغمبر از جانب خداوند
 آورده اقرار داشته باشد و نماز گذارد و
 زکاة به بپردازد و ماه رمضان را روزه
 بدارد و به حج خانه خدا برود و خدای را
 ملاقات نکند با گناهی که خداوند بیم آتش
 دوزخ بآن گناه داده باشد چنین کس مؤمن
 است.

ابو بصیر عرض کرد: قربانت شوم کدامیک از ما با گناهی که بیم آتش بآن داده نشده باشد خداوند را ملاقات نکرده ایم؟ فرمود: آنچنان نیست که تو خیال کردی مقصود این است که خداوند را ملاقات نکند با گناهی که خدا وعده آتش بآن گناه داده و در حالی که این شخص از آن گناه که مرتکب شده است توبه نکرده باشد.

گناهان بزرگ هشت است

الکبائر ثمان

۱۵ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ وَ أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَا حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنِ الْحَكَمِ بْنِ مَسْكِينِ الثَّقَفِيِّ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ ظَرِيفٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ قُلْتُ لَهُ جُعِلَتْ فِدَاكَ مَا لَنَا نَشْهَدُ عَلَى مَنْ خَالَفَنَا بِالْكَفْرِ وَ بِالنَّارِ وَ لَا نَشْهَدُ لِأَنْفُسِنَا وَ لِأَصْحَابِنَا أَنْهُمْ فِي الْجَنَّةِ قَالَ مِنْ ضَعْفِكُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ فِيكُمْ شَيْءٌ مِنَ الْكَبَائِرِ فَاشْهَدُوا أَنْكُمْ فِي الْجَنَّةِ قُلْتُ فَأَيُّ شَيْءٍ الْكَبَائِرُ جُعِلَتْ فِدَاكَ قَالَ أَكْبَرُ الْكَبَائِرِ الشِّرْكَ وَ عُقُوقُ الْوَالِدَيْنِ وَ التَّعَرُّبُ بَعْدَ الْهَجْرَةِ وَ قَذْفُ الْمُحْصَنَةِ وَ الْفِرَارُ مِنَ الزَّحْفِ وَ أَكْلُ مَالِ الْيَتِيمِ ظُلْمًا وَ الرَّبَا بَعْدَ الْبَيْئَةِ وَ قَتْلُ الْمُؤْمِنِ فَقُلْتُ لَهُ الزُّنَا وَ السَّرِقَةُ فَقَالَ لَيْسَا مِنْ ذَلِكَ

قال مصنف هذا الكتاب رضى الله عنه الأخبار فى الكبائر ليست بمختلفة و إن

كان بعضها ورد بأنها خمس و بعضها بسبع و بعضها بثمان و بعضها بأكثر لأن كل ذنب بعد الشرك كبير بالإضافة إلى ما هو أصغر منه و كل صغير من الذنوب كبير بالإضافة إلى ما هو أصغر منه و كل كبير صغير بالإضافة إلى الشرك بالله العظيم

۱۵ - محمد بن مسلم گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: قربانت شوم چرا در باره

مخالفین خود گواهی می‌دهیم که آنان کافرند و اهل آتش ولی در باره خود و هم‌کیشان خود گواهی نمی‌دهیم که اهل بهشتیم؟ فرمود: از ضعف ایمان شما است اگر شما هیچ يك از گناهان کبیره را مرتکب نشده باشید گواهی بدهید که اهل بهشتید عرض کردم قربانت شوم گناهان بزرگ کدامند؟ فرمود از همه آنها بزرگتر شرك است و ناراضی کردن پدر و مادر، و پس از هجرت به مدینه عرب بیابانی شدن و به زن پاکدامن نسبت زنا دادن و از جبهه جنگ فرار کردن و مال یتیم را به ستم خوردن و دانسته ربا خوردن و مؤمن را کشتن به حضرت عرض کردم زنا و دزدی چطور؟ فرمود: از این گروه گناهان نیستند.
(مصنف) این کتاب گوید:

اخباری که گناهان کبیره را شمرده گرچه در بعضی پنج گناه و در بعضی هفت و در پاره‌ای هشت و در پاره‌ای بیشتر گفته شده است ولی در حقیقت اختلافی با هم ندارند زیرا پس از شرك بخدا هر گناهی را که معصیت کبیره گفته شده است نسبت بگناهی است که از آن کوچکتر است و بنا بر این معصیت صغیره نیز نسبت بکوچکتر از خود کبیره است و هر معصیت کبیره نسبت بشرك صغیره است.
(شرح:)

نظریه مصنف در باره اخباری که متعرض شماره گناهان کبیره است گرچه ممکن است فی حد نفسه مطلب صحیحی باشد ولی برای رفع اختلاف اخبار کافی نیست زیرا مرجع این نظریه بانکار معصیت کبیره است بجز شرك و یا انکار معصیت صغیره و بنا بر این وجهی برای شمارش آنها در اخبار باقی نمی‌ماند و حق این است که بگوئیم میزان در کبیره بودن معصیت و ترتیب آثار خاصه بآن این است که در قرآن کریم و یا سنت

قطعی پیغمبر وعده آتش به مرتکب آن داده شده باشد چنانچه در همین روایت اشاره بآن شده است و در عین حال خود معاصی کبیره دارای مراتبی است که اگر در روایتی پاره از آن ذکر نشده بدین منظور بوده است که اهمیت‌اش باندازه گناهان کبیره دیگر نبوده و یا اثر خاصی که در آن روایت بیان شده مترتب بر آن گناه نبوده چنانچه در همین روایت که زنا و دزدی را در ردیف معاصی کبیره ذکر فرموده‌اند شاید از این جهت باشد که جزو اکبر کبائر نیستند و روایت در مقام شماره بزرگترین گناهان کبیره است و یا اینکه در شهادت به دخول بهشت تأثیری ندارند و الله العالم.

برای علی علیه السلام هشت خصلت هست

لعلی علیه السلام ثمان خصال

۱۶ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ الطَّالِقَانِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو سَعِيدٍ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ الْعَدَوِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عَمْرُ بْنُ الْمُخْتَارِ قَالَ حَدَّثَنَا يَحْيَى الْجَمَّانِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا قَيْسُ بْنُ الرَّبِيعِ عَنِ الْأَعْمَشِ عَنْ عَبَايَةَ بْنِ رَبِيعٍ الْأَسَدِيِّ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ مَرَضَ مَرَضَةً فَأَتَتْهُ فَاطِمَةُ علیها السلام تَعُودُهُ وَهُوَ نَاقٍ مِنْ مَرَضِهِ فَلَمَّا رَأَتْ مَا بِرَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم مِنَ الْجَهْدِ وَالضَّعْفِ خَنَقَتْهَا الْعَبْرَةُ حَتَّى جَرَتْ دَمْعَتُهَا عَلَى خَدِّهَا فَقَالَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله و سلم لَهَا يَا فَاطِمَةُ إِنَّ اللَّهَ جَلَّ ذِكْرُهُ أَطَّلَعَ عَلَى الْأَرْضِ أَطْلَاعَةً فَاخْتَارَ مِنْهَا أَبَاكَ وَ أَطَّلَعَ ثَانِيَةً فَاخْتَارَ مِنْهَا بَعْلَكَ فَأَوْحَى إِلَيَّ فَأَنْكَحْتُكَ أَمَا عَلِمْتَ يَا فَاطِمَةُ أَنَّ لِكِرَامَةِ اللَّهِ إِيَّاكَ زَوْجَكَ أَقْدَمَهُمْ سَلْمًا وَ أَعْظَمَهُمْ حِلْمًا وَ أَكْثَرَهُمْ عِلْمًا قَالَ فَسَرَّتْ بِذَلِكَ فَاطِمَةُ وَ اسْتَبَشَّرَتْ بِمَا قَالَ لَهَا رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم فَأَرَادَ

رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَنْ يَزِيدَهَا مَزِيدَ الْخَيْرِ كُلُّهُ مِنْ
الَّذِي قَسَمَهُ اللَّهُ لَهُ وَ لِمُحَمَّدٍ ﷺ وَ آلِ مُحَمَّدٍ
فَقَالَ عَائِشَةُ يَا فَاطِمَةُ لِعَلِّيَّ عَائِشَةُ ثَمَانُ خِصَالٍ إِيْمَانُهُ
بِاللَّهِ وَ بِرَسُولِهِ وَ عِلْمُهُ وَ حِكْمَتُهُ وَ زَوْجَتُهُ وَ
سِبْطَاهُ حَسَنٌ وَ حُسَيْنٌ وَ أَمْرُهُ بِالْمَعْرُوفِ وَ
نَهْيُهُ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ قِضَاؤُهُ بِكِتَابِ اللَّهِ يَا
فَاطِمَةُ إِنَّا أَهْلُ بَيْتٍ أُعْطِينَا سَبْعَ خِصَالٍ لَمْ
يُعْطَهَا أَحَدٌ مِنَ الْأَوْلِيَيْنِ قَبْلَنَا وَ لَا يُدْرِكُهَا
أَحَدٌ مِنَ الْآخِرِينَ بَعْدَنَا نَبِيُّنَا خَيْرُ الْأَنْبِيَاءِ
وَ هُوَ أَبُوكَ وَ وَصِيُّنَا خَيْرُ الْأَوْصِيَاءِ وَ هُوَ
بِعَلِّكَ وَ شَهِدْنَا سَيِّدَ الشُّهَدَاءِ وَ هُوَ حَمْرَةٌ عَمُّ
أَبِيكَ وَ مِنَّا مَنْ لَهُ جَنَاحَانِ يَطِيرُ بِهِمَا فِي
الْجَنَّةِ وَ هُوَ جَعْفَرٌ وَ مِنَّا سِبْطًا هَذِهِ الْأُمَّةِ وَ
هُمَا ابْنَاكَ

۱۶ - ابو ایوب انصاری گوید: رسول خدا
ﷺ را مرضی روی داد فاطمة عَائِشَةُ به نزدش
بعیادت آمد حال رسول خدا ﷺ سنگین بود
فاطمه عَائِشَةُ که سختی بیماری و ناتوانی
رسول خدا ﷺ را دید گریه گلوگیرش شد و
اشک بر صورتاش روان گشت پیغمبر ﷺ
بفاطمه فرمود: ای فاطمة خداوند جل ذکره
اطلاع کامل بر زمین یافت و از روی زمین
پدر تو را برگزید و دومین بار اطلاع یافت
و شوهر تو را از آن برگزید پس از آن بمن
وحی فرمود و من تو را بهمسری علی در
آوردم ای فاطمة مگر نمیدانی که چون تو
در نزد خدا گرامی بودی خداوند تو را با
کسی همسر کرد که پیش از همه مسلمان شد و
بردباری اش از همه بزرگتر و دانش اش از
همه فزونتر بود راوی گوید: فاطمة باین
سخن شاد شد و اثر شادی از فرمایش رسول
خدا ﷺ در چهره اش نمایان شد رسول خدا
ﷺ خواست فاطمه را از خیر فراوانی
که خداوند بعلی و بمحمد و آل محمد نصیب
فرموده است بیشتر آگاه فرماید لذا فرمود
فاطمه جان علی را هشت خصلت است ایمانش

بخدا و رسول او و علم و دانش و حکمتش و همسرش و دو فرزندش حسن و حسین و امر به معروفش و نهی از منکرش و قضاوتش از روی کتاب خدا ای فاطمه ما خاندانی هستیم که هفت خصلت بما داده شده و به هیچ کس از آنان که پیش از ما بودند داده نشده و يك نفر از آنان که پس از ما خواهند آمد بدانها نخواهد رسید: پیغمبر ما بهترین پیمبران است که پدر تو است و وصی ما نیکوترین اوصیا است که شوهر تو است و شهید ما سرور شهیدان است که حمزة عموی پدر تو است و از ما است کسی که دو بال دارد و با آن دو در بهشت پرواز میکند که جعفر است و از ما است دو سبط این امت که آنان فرزندان تو میباشند.

باب التسعة (باب خصلتهای نه گانه)

نه خصلتی که خداوند به پیغمبر ﷺ خود
محمد عطا فرموده است
تسع خصال أعطاها الله عز و جل نبیه محمد

ص

۱ - حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ مَنْصُورٍ الْقَصَّارُ
قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ بْنُ
مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ
الْحَسَنِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام
قَالَ حَدَّثَنَا سُلَيْمَانُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الدَّمَشْقِيُّ
قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ أَبَانَ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ
الْعَزِيزِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مُوسَى بْنِ عُبَيْدَةَ عَنْ عَبْدِ
اللَّهِ بْنِ دِينَارٍ عَنْ أُمِّ هَانِيٍّ بِنْتِ أَبِي طَالِبٍ
قَالَتْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَظْهَرَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ
تَعَالَى الْإِسْلَامَ عَلَيَّ يَدِي وَ أَنْزَلَ الْفُرْقَانَ عَلَيَّ
وَ فَتَحَ الْكَعْبَةَ عَلَيَّ يَدِي وَ فَضَّلَنِي عَلَى جَمِيعِ
خَلْقِهِ وَ جَعَلَنِي فِي الدُّنْيَا سَيِّدَ وُلْدِ آدَمَ وَ
فِي الْآخِرَةِ زَيْنَ الْقِيَامَةِ وَ حَرَّمَ دُخُولَ الْجَنَّةِ
عَلَى الْأَنْبِيَاءِ حَتَّى أُدْخِلَهَا أَنَا وَ حَرَّمَهَا عَلَى
أُمَّهِمْ حَتَّى تَدْخُلَهَا أُمَّتِي وَ جَعَلَ الْخِلَافَةَ فِي
أَهْلِ بَيْتِي مِنْ بَعْدِي إِلَى النَّفْخِ فِي الصُّورِ
فَمَنْ كَفَرَ بِمَا أَقُولُ فَقَدْ كَفَرَ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ

۱ - رسول خدا ﷺ فرمود: خدای تبارک و
تعالی اسلام را بدست من آشکار فرمود و
قرآن را بر من فرود فرستاد و کعبه را
بدست من گشود و مرا بر همه آفریدگان
برتری بخشید و مرا در دنیا سرور فرزندان
آدم کرد و در آخرت زینت بخش عرصه قیامت
و داخل شدن به بهشت را بر پیغمبران قدغن
فرمود تا هنگامی که من داخل شوم و بهشت
را بر امتهای پیغمبران قدغن فرمود تا
هنگامی که امت من داخل بهشت بشوند و
جانشینی مرا پس از من تا هنگام دمیدن
صور در خاندان من قرار داد، پس هر کس

بآنچه میگویم کافر گردد بخدای بزرگ کافر شده است.

به شیعیان و دوستان علی نه چیز داده شده است

أعطى شيعة على عليه السلام و محبوه تسع خصال
٢ - حَدَّثَنَا عَمَّارُ بْنُ الْحُسَيْنِ الْأَسْرُوشَنِيُّ رَضِيَ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ عِصْمَةَ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الطَّبْرِيُّ بِمَكَّةَ قَالَ حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ اللَّيْثِ الرَّازِيُّ عَنْ شَيْبَانَ بْنِ فَرُوحِ الْأُبُلِيِّ عَنْ هَمَّامِ بْنِ يَحْيَى عَنْ الْقَاسِمِ بْنِ عَبْدِ الْوَاحِدِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَقِيلٍ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ كُنْتُ ذَاتَ يَوْمٍ عِنْدَ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله إِذْ أَقْبَلَ بِوَجْهِهِ عَلَيَّ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام فَقَالَ أَلَا أَبَشَّرَكَ يَا أَبَا الْحَسَنِ فَقَالَ بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ هَذَا جِبْرَائِيلُ يُخِيرُنِي عَنْ اللَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ أَنَّهُ قَدْ أَعْطَى شِيعَتَكَ وَ مُحِبِّيكَ تِسْعَ خِصَالٍ الرَّفْقَ عِنْدَ الْمَوْتِ وَ الْأُنْسَ عِنْدَ الْوَحْشَةِ وَ النُّورَ عِنْدَ الظُّلْمَةِ وَ الْأَمْنَ عِنْدَ الْفَزَعِ وَ الْقِسْطَ عِنْدَ الْمِيزَانِ وَ الْجَوَازَ عَلَيَّ الصِّرَاطِ وَ دُخُولَ الْجَنَّةِ قَبْلَ سَائِرِ النَّاسِ نُورَهُمْ يَسْعَى بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ بِأَيْمَانِهِمْ

٢ - جابر بن عبد الله انصاری گوید: روزی در حضور پیغمبر بودم که روی مبارک بعلی بن ابی طالب کرد و فرمود: یا ابا الحسن مژدهات ندهم؟ عرض کرد: بفرمائید یا رسول الله فرمود: اینک جبرئیل از جانب خدای جل جلاله مرا خبر میدهد که خداوند به شیعیان و دوستان تو نه چیز عطا فرموده است آسانی به هنگام مرگ و آرامش خاطر به هنگام وحشتناکی و روشنی در تاریکی و ایمنی در وقت هراس و برابری در سنجش اعمال و گذشتن از صراط و پیش از دیگر مردم به بهشت داخل شدن در حالی که

نورشان در پیشاپیش و سمت راست آنان
میشتابد.

(شرح:)

در این روایت هفت چیز بیان شده است و
در باب خصلتهای هفتگانه همین روایت
گذشت.

فاطمه علیها السلام را در نزد خداوند نه نام است

لفاطمه علیها السلام بنت محمد صلی الله علیه و آله عند الله عز و جل
تسعة أسماء

۳ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكَّلِ
رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ
السَّعْدَآبَادِيُّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ
قَالَ حَدَّثَنِي عَبْدُ الْعَظِيمِ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْحَسَنِيُّ
رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ
يُونُسَ عَنْ يُونُسَ بْنِ ظَبْيَانَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ
لِلَّهِ علیها السلام لِفَاطِمَةَ علیها السلام تِسْعَةَ أَسْمَاءَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ
فَاطِمَةَ وَ الصَّدِيقَةَ وَ الْمُبَارَكَةَ وَ الطَّاهِرَةَ وَ
الرَّكِيَّةَ وَ الرَّاضِيَةَ وَ الْمَرْضِيَّةَ وَ الْمُحَدَّثَةَ وَ
الزَّهْرَاءَ ثُمَّ قَالَ علیها السلام أ تَدْرِي أَيُّ شَيْءٍ تَفْسِيرُ
فَاطِمَةَ قُلْتُ أَخْبِرْنِي يَا سَيِّدِي قَالَ فَطَمَتُ مِنْ
الشَّرِّ قَالَ ثُمَّ قَالَ لَوْ لَا أَنَّ أَمِيرَ
الْمُؤْمِنِينَ علیها السلام تَزَوَّجَهَا لَمَا كَانَ لَهَا كُفُوٌ إِلَيَّ
يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ آدَمُ فَمَنْ دُونَهُ
۳ - امام صادق علیها السلام فرمود: فاطمه را در
نزد خدا نه نام است.

فاطمه و صدیقه و مبارکه و طاهره و
زکیه و راضیه و مرضیه و محدثه و زهرا
سپس فرمود: میدانی تفسیر فاطمه چیست؟
عرض کردم: آقای من بفرمائید فرمود: از
بدی باز گرفته شده است راوی گوید:

سپس فرمود: اگر امیر المؤمنین اش به
همسری نگرفته بود در روی زمین تا روز
قیامت از آدم و دیگران همسری برای او
وجود نداشت.

خدای عز و جل بامیر المؤمنین نه چیز عطا فرموده است که پیش از او بجز به محمد ﷺ به هیچ کس عطا نفرموده است اعطی الله عز و جل امیر المؤمنین ﷺ تسعة أشياء لم يعطها أحد قبله سوى محمد ص

٤ - أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنُ سَعِيدٍ قَالَ حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ وَ أَحْمَدُ بْنُ زَكْرِيَّا عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ نَعِيمٍ عَنْ يَزْدَادَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَمَّنْ حَدَّثَهُ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ وَ اللَّهُ لَقَدْ أَعْطَانِي اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى تِسْعَةَ أَشْيَاءَ لَمْ يُعْطَهَا أَحَدًا قَبْلِي خَلَا النَّبِيُّ ﷺ لَقَدْ فَتِحَتْ لِي السُّبُلُ وَ عَلَّمْتُ الْأَنْسَابَ وَ أَجْرَى لِي السَّحَابَ وَ عَلَّمْتُ الْمَنَائِمَا وَ الْبَلَايَا وَ فَضَّلَ الْخُطَابَ وَ لَقَدْ نَظَرْتُ فِي الْمَلَكُوتِ بِإِذْنِ رَبِّي فَمَا غَابَ عَنِّي مَا كَانَ قَبْلِي وَ مَا يَأْتِي بَعْدِي وَ إِنْ بِوَلَايَتِي أَكْمَلُ اللَّهُ لِهَذِهِ الْأُمَّةِ دِينَهُمْ وَ أَتَمَّ عَلَيْهِمُ النَّعَمَ وَ رَضِيَ إِسْلَامَهُمْ إِذْ يَقُولُ يَوْمَ الْوَلَايَةِ لِمُحَمَّدٍ ﷺ يَا مُحَمَّدُ أَخَيْرُهُمْ أَنِّي أَكْمَلْتُ لَهُمُ الْيَوْمَ دِينَهُمْ وَ رَضِيْتُ لَهُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْهِمْ نِعْمَتِي كُلَّ ذَلِكَ مِنْ مَنِّ اللَّهِ عَلَيَّ فَلَهُ الْحَمْدُ

٤ - یزداد بن ابراهیم از یکی از شیعیان نقل میکند: که شنیدم امام صادق ﷺ میفرمود:

امیر المؤمنین ﷺ فرمود: بخدا قسم که خدای تبارک و تعالی نه چیز بمن عطا فرموده است که پیش از من جز به پیغمبر به هیچ کس عطا نفرموده است راهها بروی من باز است و نژادها را میدانم حرکت ابرها بدست من است آمار مرگها و گرفتاریها و حکمهای قطعی در نزد من است و با اجازه پروردگارم بباطن جهان دست یافتم و هر چه پیش از من بوده است و

آنچه پس از من خواهد آمد از دیده من پنهان نیست و با دوستی و ولایت من خداوند دین این امت را کامل کرد و نعمت‌ها را بر آنان تمام و اسلام‌شان را پسندید زیرا که بروز غدیر بمحمد فرمود: ای محمد باینان خبر بده که من امروز دین‌شان را برای آنان کامل نمودم و اسلام را برای آنان دین پسندیدم و نعمتم را بر آنان تمام کردم همه این‌ها منتهی است که خداوند بر من نهاده است و ستایش او را سزا است و بس.

به پیغمبر در باره علی نه چیز داده شد

أعطى النبي ﷺ فى على تسع خصال
 ه - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ الْكَرْخِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي حَمْرَةَ الثَّمَالِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَطِيَّةَ عَنْ عَطِيَّةَ عَنْ زَيْدِ بْنِ أَرْقَمَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لِعَلِيِّ ع أُعْطِيتُ فِيكَ يَا عَلِيُّ تِسْعَ خِصَالٍ ثَلَاثٌ فِي الدُّنْيَا وَ ثَلَاثٌ فِي الْآخِرَةِ وَ اثْنَتَانِ لَكَ وَ وَاحِدَةٌ أَخَافُهَا عَلَيْكَ فَأَمَّا الثَّلَاثَةُ الَّتِي فِي الدُّنْيَا فَإِنَّكَ وَصِيِّي وَ خَلِيفَتِي فِي أَهْلِي وَ قَاضِي دِينِي وَ أَمَّا الثَّلَاثُ الَّتِي فِي الْآخِرَةِ فَإِنِّي أُعْطِي لِوَاءِ الْحَمْدِ فَأَجْعَلُهُ فِي يَدِكَ وَ أَدَمُ وَ ذُرِّيَّتُهُ تَحْتَ لِوَائِي وَ تُعِينُنِي عَلَي مَفَاتِيحِ الْجَنَّةِ وَ أَحْكُمُكَ فِي شَفَاعَتِي لِمَنْ أَحْبَبْتَ وَ أَمَّا الثَّلَاثَانِ لَكَ فَإِنَّكَ لَنْ تَرْجِعَ بَعْدِي كَافِرًا وَ لَا ضَالًّا وَ أَمَّا الَّتِي أَخَافُهَا عَلَيْكَ فَعَدْرَةُ قُرَيْشٍ بِكَ بَعْدِي يَا عَلِيُّ
 ه - رسول خدا ﷺ به علی ع فرمود: یا علی در باره تو نه خصلت بمن داده شده است سه در دنیا و سه در آخرت و دو بسود تو و یکی از آن را بر تو بیمناکم اما آن سه که در دنیا است این است که تو وصی

منی و جانشین منی در خاندان من و پرداختکننده وام منی و اما آن سه که در آخرت است این است که پرچم حمد بمن داده می‌شود و من آن را بدست تو می‌سپارم که آدم و همه فرزندان او بزیر همان پرچم من خواهند بود و تو در کلیدهای بهشت مرا یاری خواهی نمود و شفاعت خودم را بتو واگذار خواهم نمود که هر که را خواسته باشی شفاعت کنی و اما آن دو که بسود تو است این است که پس از من تو نه کافر خواهی شد و نه گمراه و اما آن چه بر تو بیمناکم این است که پس از من قریش نیرنگی با تو کنند.

۶ - حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ يَحْيَى الْبَجَلِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو زُرْعَةَ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْقَاسِمِ قَالَ حَدَّثَنَا قُطُنُ بْنُ نُسَيْرٍ قَالَ حَدَّثَنَا جَعْفَرُ قَالَ حَدَّثَنَا يَعْقُوبُ بْنُ الْفَضْلِ عَنْ شَرِيكَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْمُرْنِيِّ عَنْ أَبِيهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أُعْطِيَتْ فِي عَلِيٍّ تِسْعَ خِصَالٍ ثَلَاثًا فِي الدُّنْيَا وَ ثَلَاثًا فِي الْآخِرَةِ وَ اثْنَتَيْنِ أَرْجُوهُمَا لَهُ وَ وَاحِدَةً أَخَافُهَا عَلَيْهِ وَ أُمَّا الثَّلَاثَةَ الَّتِي فِي الدُّنْيَا فَسَاتِرُ عَوْرَتِي وَ الْقَائِمُ بِأَمْرِ أَهْلِ بَيْتِي وَ وَصِيٌّ فِي أَهْلِي وَ أُمَّا الثَّلَاثَةَ الَّتِي فِي الْآخِرَةِ فَإِنِّي أُعْطِي لِيَوْمِ الْحَمْدِ فَأُعْطِيهِ يَحْمِلُهُ وَ أَتَكِي عَلَيْهِ عِنْدَ قِيَامِ الشَّفَاعَةِ وَ يُعِينُنِي عَلَى مَفَاتِيحِ الْجَنَّةِ أُمَّا الْإِثْنَتَانِ اللَّتَانِ أَرْجُوهُمَا لَهُ فَإِنَّهُ لَا يَرْجِعُ بَعْدِي كَافِرًا وَ لَا ضَالًّا وَ أُمَّا الْوَاحِدَةَ الَّتِي أَخَافُهَا عَلَيْهِ فَعَدْرُ قُرَيْشٍ بَعْدِي

۶ - رسول خدا ﷺ فرمود: در باره علی علیه السلام سه چیز به من داده شد سه در دنیا و سه در آخرت و دو تا که امیدوارم بآن دو نائل شود و یکی که بر او بیمناکم اما آن سه که در دنیا است نگهدار آبروی من است

و کارهای خاندان من بعهدہ او است و در میان خاندان من وصی من است و اما آن سه که در آخرت است: پرچم حمد بمن داده می‌شود و من باو میدهم تا پرچمداری کند و بهنگام شفاعت نقطه اتکاء من او است و در کلیدهای بهشتی بمن یاری میکند و اما آن دو که امیدوارم بآن دو نائل شود علی عَلَيْهِ السَّلَامُ پس از من کافر و گمراه نگردد و اما آن يك که بر او بیمناکم نیرنگی است که قریش پس از من با وی خواهد نمود.

نه چیز است که هر يك آفتی دارد

تسعة أشياء لها تسع آفات
 ٧ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
 سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الْجَمِيرِيِّ
 جَمِيعاً عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بِنِ
 صَدَقَةَ الرَّبَعِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ
 أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آفَةُ
 الْحَدِيثِ الْكُذْبُ وَ آفَةُ الْعِلْمِ النَّسْيَانُ وَ آفَةُ
 الْجِلْمِ السَّقَّةُ وَ آفَةُ الْعِبَادَةِ الْفَثْرَةُ وَ آفَةُ
 الظَّرْفِ الصَّلْفُ وَ آفَةُ الشَّجَاعَةِ الْبَغْيُ وَ آفَةُ
 السَّخَاءِ الْمَنُّ وَ آفَةُ الْجَمَالِ الْخِيَلَاءُ وَ آفَةُ
 الْحَسْبِ الْفَخْرُ

٧ - رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: گفتار را دروغ
 آفت است و دانش را فراموشی و بردباری را
 سفاقت و عبادت را خستگی و زیرکی را خود
 نمائی و دلیری را ستم کردن و بخشش را
 منت نهادن و زیبائی را خودپرستی و مقام
 را بخود بالیدن.

در خرماى برنى نه خاصيت است

فى التمر البرنى تسع خصال
۸ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو سَعِيدٍ الْأَدْمِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الزِّيَّاتِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَيْنَمَا نَحْنُ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذْ وَرَدَ عَلَيْهِ وَفَدُ عَبْدُ الْقَيْسِ فَسَلَّمُوا ثُمَّ وَضَعُوا بَيْنَ يَدَيْهِ جُلَّةً تَمْرٍ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَمْ هَدِيَّةٌ قَالُوا بَلْ هِيَ هَدِيَّةٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ أَيُّ تَمْرَاتِكُمْ هَذِهِ قَالُوا الْبَرْنِيُّ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي تَمْرَتِكُمْ هَذِهِ تِسْعُ خِصَالٍ إِنَّ هَذَا جِبْرَائِيلُ يُخْبِرُنِي أَنَّ فِيهِ تِسْعُ خِصَالٍ يُطَيِّبُ النَّكْهَةَ وَ يُطَيِّبُ الْمَعِدَةَ وَ يَهْضِمُ الطَّعَامَ وَ يَزِيدُ فِي السَّمْعِ وَ الْبَصَرِ وَ يُقَوِّى الظَّهْرَ وَ يُخْبِلُ الشَّيْطَانَ وَ يُقَرِّبُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ يُبَاعِدُ مِنَ الشَّيْطَانِ

۸ - امير المؤمنين عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: در آن میان که نزد رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بودیم بناگاه نمایندگان عبد القیس وارد شدند و سلام عرضکردند و سپس يك جلد خرما خدمت حضرت نهادند: رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: زکات است یا هدیه؟ عرضکردند هدیه است یا رسول الله فرمود: این خرما از چه نوع خرماهای شما است؟

عرضکردند برنی: فرمود: در این نوع خرما نه خاصیت است اینک جبرئیل که مرا خبر میدهد که در آن نه خاصیت است دهن را خوش بو میکند و معده را پاک میسازد و غذا را تحلیل میبرد شنوائی و بینائی را میفزاید کمر را نیرو میبخشد و شیطان را از اندوه دیوانه میکند و موجب قرب به بارگاه الهی است و باعث دوری از شیطان است

نه چیز از این امت برداشته شده است

رفع عن هذه الأمة تسعة أشياء
٩ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ يَحْيَى
الْعَطَّارُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ
اللَّهِ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ
حَرِيْزِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ
رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ رُفِعَ عَنْ أُمَّتِي تِسْعَةٌ الْخَطَأُ وَ
النَّسْيَانُ وَ مَا أُكْرِهُوا عَلَيْهِ وَ مَا لَا يَعْلَمُونَ
وَ مَا لَا يُطِيقُونَ وَ مَا اضْطُرُّوا إِلَيْهِ وَ الْحَسَدُ
وَ الطَّيْرَةُ وَ التَّفَكُّرُ فِي الْوَسْوَسةِ فِي الْخَلْقِ
مَا لَمْ يَنْطِقْ بِشَفَقَةٍ

٩ - رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: نه چیز از امت
من برداشته شده است خطا و فراموشی و
آنچه با اکراه انجام دهند و آنچه
ندانسته بکنند و آنچه طاقت فرسا است و
آنچه بدان ناچارند و حسد و فال بد و
افکاری که ناشی از وسوسه در جهان آفرینش
است تا بزبان نیاورده است.
(شرح-:)

مقصود این است که در شش مورد اول اگر
کاری از کسی سرزد مسئولیتی متوجه و نیست
و این روایت را حدیث رفع گویند و
دانشمندان شیعه در شرح آن داد سخن
داده اند و فقهاء رضوان الله عليهم در ابواب
مختلفه فقه بیک يك از فقرات آن استناد
فرموده اند.

از نه چیز نهی شده است

النهي عن تسعة أشياء
١٠ - أَخْبَرَنِي أَبُو إِسْحَاقَ إِبرَاهِيمُ بْنُ
مُحَمَّدِ بْنِ حَمْرَةَ بْنِ عُمَارَةَ الْحَافِظُ فِيمَا كَتَبَ
إِلَيَّ قَالَ حَدَّثَنِي سَالِمُ بْنُ سَالِمٍ وَ أَبُو عَرُوبَةَ
قَالَا حَدَّثَنَا أَبُو الْخَطَّابِ قَالَ حَدَّثَنَا هَارُونُ
بْنُ مُسْلِمٍ قَالَ حَدَّثَنَا الْقَاسِمُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ
الْأَنْصَارِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ

الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ قَالَ لِمَا افْتَتَحَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ خَيْبَرَ دَعَا بِقَوْسِهِ فَاتَّكَأَ عَلَى سَيْتِهَا ثُمَّ حَمِدَ اللَّهَ وَ أَثْنَى عَلَيْهِ وَ ذَكَرَ مَا فَتَحَ اللَّهُ لَهُ وَ نَصَرَهُ بِهِ وَ نَهَى عَنْ خِصَالٍ تِسْعَةٍ عَنْ مَهْرِ الْبَغِيِّ وَ عَنْ كَسْبِ الدَّابَّةِ يَعْنِي عَسَبَ الْفَحْلِ وَ عَنْ خَاتَمِ الذَّهَبِ وَ عَنْ ثَمَنِ الْكَلْبِ وَ عَنْ مِثَاقِ الْأَرْجَوَانِ قَالَ أَبُو عَرُوبَةَ عَنْ مِثَاقِ الْحُمْرِ وَ عَنْ لَبُوسِ ثِيَابِ الْقَسِيِّ وَ هِيَ ثِيَابُ تُنْسَجُ بِالشَّامِ وَ عَنْ أَكْلِ لُحُومِ السَّبَاعِ وَ عَنْ صَرْفِ الذَّهَبِ بِالذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ بِالْفِضَّةِ بَيْنَهُمَا فَضْلٌ وَ عَنْ النَّظْرِ فِي النُّجُومِ

۱۰ - حسین بن علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله که خیبر را گشود کمان خود را خواست و بر دسته آن تکیه کرد سپس حمد خدای را نمود و ستایشش فرمود و این فتح و پیروزی را که خداوند نصیبش فرموده بود یادآوری نمود و از نه چیز نهی فرمود. از مزد زنان آلوده دامان و از راه جفتگیری چهارپایان کاسبی نمودن یعنی بابت جهانیدن نر بر ماده‌ای مزد گرفتن و از انگشتر طلا و از بهای سگ و از زینهای رنگین (و ابو عرب به گفته است): از بالشهای سرخ رنگ که بر زین اسب نهند و از جامه‌های قیمتی و آن جامه‌هایی بوده که در شام بافته می‌شده است و از خوردن گوشت درندگان و از فروش طلا به طلا و نقره به نقره که یکی از دیگری زیاده‌تر باشد و از ستاره‌شناسی.

به گناهکار نه ساعت مهلت داده می‌شود

يُؤْجَلُ الْمَذْنِبُ تِسْعَ سَاعَاتٍ
 ۱۱ - حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدٍ
 الْهَاشِمِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا فُرَاتُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ
 فُرَاتٍ الْكُوفِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ ظَهِيرٍ قَالَ

حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ الْعَبْدِيُّ الْمَعْرُوفُ بِابْنِ الْقَارِي قَالَ حَدَّثَنَا سَهْلُ بْنُ عَبْدِ الْوَهَّابِ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ الْقُدُّوسِ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ إِذَا هَمَّ الْعَبْدُ بِحَسَنَةٍ كَتَبَتْ لَهُ حَسَنَةٌ فَإِذَا عَمِلَهَا كُتِبَتْ لَهُ عَشْرَ حَسَنَاتٍ وَإِذَا هَمَّ بِسَيِّئَةٍ لَمْ تُكْتَبْ عَلَيْهِ فَإِذَا عَمِلَهَا أُجِّلَ تِسْعَ سَاعَاتٍ فَإِنْ نَدِمَ عَلَيْهَا وَاسْتَغْفَرَ وَتَابَ لَمْ يُكْتَبْ عَلَيْهِ وَ إِنْ لَمْ يَنْدَمْ وَ لَمْ يَتُبْ مِنْهَا كُتِبَتْ عَلَيْهِ سَيِّئَةٌ وَاحِدَةٌ

۱۱ - امام صادق عليه السلام فرمود: بنده ای که قصد انجام کار نیک کند یک حسنه در نامه عمل او نوشته می‌شود و اگر انجامش داد ده حسنه برایش نوشته می‌شود و اگر قصد کار بد کند گناهی بر او ننویسند و اگر آن گناه را انجام داد نه ساعت مهلت دارد که اگر پشیمان شد و استغفار کرد و بازگشت نمود نوشته نمی‌شود و اگر پشیمان نشد و از گناهش توبه نکرد (فقط) یک گناه بر او نوشته می‌شود.

امامان از فرزندان حسین عليه السلام نه نفراند

الأئمة من ولد الحسين بن علي تسعة عليهم السلام

۱۲ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ سَعِيدِ بْنِ غَزْوَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ تَكُونُ تِسْعَةُ أئِمَّةٍ بَعْدَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام تَسَعُهُمْ قَائِمُهُمْ

۱۲ - امام باقر عليه السلام فرمود: پس از حسین نه امام خواهد بود که نهمینشان قائم آنان است.

پیغمبر ﷺ در حال وفات نه زن داشت

قبض النبی ﷺ عن تسع نسوة

۱۳ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ الطَّالِقَانِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ السُّكْرِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ زَكَرِيَّا الْجَوْهَرِيُّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَمَّارَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ تَزَوَّجَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بِخَمْسَ عَشْرَةَ امْرَأَةً وَ دَخَلَ بِثَلَاثَ عَشْرَةَ مِنْهُنَّ وَ قَبِضَ عَنْ تِسْعٍ فَأَمَّا اللَّتَانِ لَمْ يَدْخُلْ بِهِمَا فَعَمْرَةٌ وَ السَّنَى وَ أَمَّا الثَّلَاثُ عَشْرَةَ اللَّاتِي دَخَلَ بِهِنَّ فَأُولَهُنَّ خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ ثُمَّ سَوْدَةُ «سَوْدَةُ بِنْتُ زَمْعَةَ ثُمَّ أُمُّ سَلَمَةَ وَ اسْمُهَا هِنْدُ بِنْتُ أَبِي أُمَيَّةَ ثُمَّ أُمُّ عَبْدِ اللَّهِ عَائِشَةُ بِنْتُ أَبِي بَكْرٍ ثُمَّ حَفْصَةُ بِنْتُ عُمَرَ ثُمَّ زَيْنَبُ بِنْتُ خَزِيمَةَ بِنْتُ الْحَارِثِ أُمُّ الْمَسَاكِينِ ثُمَّ زَيْنَبُ بِنْتُ جَحْشٍ ثُمَّ أُمُّ حَبِيبَةَ رَمْلَةَ بِنْتُ أَبِي سُفْيَانَ ثُمَّ مَيْمُونَةَ بِنْتُ الْحَارِثِ ثُمَّ زَيْنَبُ بِنْتُ عُمَيْسٍ ثُمَّ جُوَيْرِيَةَ بِنْتُ الْحَارِثِ ثُمَّ صَفِيَّةُ بِنْتُ حَيٍّ بْنِ أَخْطَبٍ وَ اللَّتِي وَهَبَتْ نَفْسَهَا لِلنَّبِيِّ ﷺ خَوْلَةُ بِنْتُ حَكِيمِ السُّلَمِيِّ وَ كَانَ لَهُ سُرَيَّتَانِ يَقْسِمُ لَهُمَا مَعَ أَزْوَاجِهِ مَارِيَةَ وَ رَيْحَانَةَ الْخَنْدِيفِيَّةَ وَ التَّسْعُ اللَّاتِي قَبِضَ عَنْهُنَّ عَائِشَةُ وَ حَفْصَةُ وَ أُمُّ سَلَمَةَ وَ زَيْنَبُ بِنْتُ جَحْشٍ وَ مَيْمُونَةَ بِنْتُ الْحَارِثِ وَ أُمُّ حَبِيبَةَ بِنْتُ أَبِي سُفْيَانَ وَ صَفِيَّةُ بِنْتُ حَيٍّ بْنِ أَخْطَبٍ وَ جُوَيْرِيَةَ بِنْتُ الْحَارِثِ وَ سَوْرَةَ «سَوْدَةُ بِنْتُ زَمْعَةَ وَ أَفْضَلُهُنَّ خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ ثُمَّ أُمُّ سَلَمَةَ بِنْتُ الْحَارِثِ

۱۳ - ابی عبد الله جعفر بن محمد الصادق علیه السلام فرمود: رسول خدا ﷺ پانزده همسر اختیار فرمود و با سیزده تن از آنان همبستر شد و در حال وفات نه زن داشت اما آن دو زن که با آنان همبستر نشده عمرة بود و سنی و اما آن سیزده زن که با آنان هم بستر شد نخستین زن خدیجه دختر خویلد بود سپس سوره دختر زمعه سپس ام سلمه که

نامش هند بود دختر ابی امیه سپس ام عبد
 لله عایشه دختر ابی بکر سپس حفصه دختر عمر
 سپس زینب دختر خزیمه بن حارث ام
 المساکین سپس زینب دختر جحش سپس ام
 حبیبه رمله دختر ابی سفیان سپس میمونه
 دختر حارث سپس زینب دختر عمیس سپس
 جویریة دختر حارث سپس صفیة دختر حی بن
 اخطب و زنی که خودش را به پیغمبر بخشید
 بنام خوله دختر حارث و پیغمبر دو کنیز
 هم داشت که با زنهاى خود آن دو را هم
 قسمت کرده بود: ماریه و ریحانه خندفیه و
 آن نه زنی که در حال وفات پیغمبر بودند
 عایشه بود و حفصه و ام سلمه و زینب دختر
 جحش و میمونه دختر حارث و ام حبیبه دختر
 ابی سفیان و صفیة دختر حی بن اخطب و
 جویریة دختر حارث و سوره دختر زمعه و از
 همه زنان برتر خدیجه دختر خویلد بود سپس
 ام سلمه دختر حارث.

نه کلمه‌ای که امیر المؤمنین علیه السلام فرمود

: تسع کلمات تکلم بهن امیر المؤمنین ع
 ۱۴ - حَدَّثَنَا أَبُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنُ بْنُ حَمْرَةَ
 الْعَلَوِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنِي يُوسُفُ بْنُ
 مُحَمَّدٍ الطَّبْرِيُّ عَنْ سَهْلِ أَبِي عُمَرَ قَالَ حَدَّثَنَا
 وَكَيْعٌ عَنْ زَكَرِيَّا بْنِ أَبِي زَائِدَةَ عَنْ عَامِرِ
 الشَّعْبِيِّ قَالَ تَكَلَّمَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام بِتِسْعِ
 كَلِمَاتٍ ارْتَجَلَهُنَّ ارْتِجَالًا فَقَانَ عُيُونُ الْبَلَاغَةِ
 وَ أَيَّتْمَنَ جَوَاهِرَ الْحِكْمَةِ وَ قَطَعْنَ جَمِيعَ الْأَنَامِ
 عَنِ اللَّحَاقِ بِوَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ ثَلَاثٌ مِنْهَا فِي
 الْمُنَاجَاةِ وَ ثَلَاثٌ مِنْهَا فِي الْحِكْمَةِ وَ ثَلَاثٌ
 مِنْهَا فِي الْأَدَبِ فَأَمَّا اللَّاتِي فِي الْمُنَاجَاةِ
 فَقَالَ إِلَهِي كَفَى لِي عِزًّا أَنْ أَكُونَ لَكَ عَبْدًا وَ
 كَفَى بِي فَخْرًا أَنْ تَكُونَ لِي رَبًّا أَنْتَ كَمَا أَحِبُّ
 فَاجْعَلْنِي كَمَا تُحِبُّ وَ أَمَّا اللَّاتِي فِي الْحِكْمَةِ
 فَقَالَ قِيمَةُ كُلِّ امْرِيٍّ مَا يُحْسِنُهُ وَ مَا هَلَكَ
 امْرُؤٌ عَرَفَ قَدْرَهُ وَ الْمَرْءُ مَخْبُوءٌ تَحْتَ لِسَانِهِ

وَأَمَّا اللَّاتِي فِي الْأَدَبِ فَقَالَ امْنُنْ عَلَيَّ مَنْ
شئتَ تَكُنْ أَمِيرَهُ وَ احْتَجَّ إِلَيَّ مَنْ شئتَ تَكُنْ
أَسِيرَهُ وَ اسْتَعْنِ عَمَّنْ شئتَ تَكُنْ نَظِيرَهُ

۱۴ - عامر شعبی گوید: امیر المؤمنین بدون هیچ پیش بینی قبلی نه جمله فرمود که چشمهای بلاغت را از خیره‌گی کور کرد و جواهر حکمت را یتیم کرده و دست همه مردم را از اینکه بتوانند یکی از این جمله‌ها را ادا کنند کوتاه کرده است سه جمله از آنها در راز و نیاز است و سه جمله در حکمت و سه جمله در ادب معاشرت اما آن سه جمله که در مناجات است این است که عرضکرد: خدای من مرا همین عزت بس که تو را بنده باشم و همین سربلندی‌ام بس که تو پروردگار من باشی تو آن چنانی که من دوست دارم مرا نیز آنچنان کن که تو دوست داری.

و اما آن سه جمله که در حکمت است این است که فرمود: ارزش هر کس به همان است که آن را نیکو بسازد و آنکه قدر خویش بدانست از هلاکت برست و مرد در زیر زبان خود نهفته است.

و اما آن سه که در ادب معاشرت است این است که فرمود: بهر کس که می‌خواهی (با احسان و نیکی) منت بگذار تا سرورش باشی، و به هر کس که خواهی نیازمند باش تا به اسیری‌اش در آئی و از هر کس که خواهی بی‌نیاز باش تا با او هم‌تراز گردی.

اندازه بالغ شدن زن نه سال است

حد بلوغ المرأة تسع سنين
۱۵ حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ
عِيسَى عَنْ أَبِيهِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُوسَى
بْنِ بَكْرِ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ لَا
تَدْخُلُ بِالْجَارِيَةِ حَتَّى يَتِمَّ لَهَا تِسْعُ سِنِينَ أَوْ

عَشْرُ سِنِينَ وَ قَالَ أَنَا سَمِعْتُهُ يَقُولُ تِسْعُ أَوْ
عَشْرُ

١٦ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ
الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ
الْحَسَنِ الصَّقَّارُ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ مُحَمَّدِ
بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ
عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَلِيٍّ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ
اللَّهِ عليه السلام قَالَ مَنْ وَطِئَ امْرَأَتَهُ قَبْلَ تِسْعِ سِنِينَ
فَأَصَابَهَا عَيْبٌ فَهُوَ ضَامِنٌ

١٦ - امام صادق عليه السلام فرمود: آن کس که با
همسر خود پیش از نه سالگی عمل جنسی
انجام دهد و از این کار عیبی در او پدید
آید ضامن است.

١٧ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ
بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام
قَالَ حَدُّ بُلُوغِ الْمَرْأَةِ تِسْعُ سِنِينَ

١٧ - امام صادق عليه السلام فرمود: اندازه بالغ
شدن زن نه سال است.

زنی که از شوهر خود نه بار طلاق عده دار گرفته باشد

برای همیشه به آن شوهر حرام می‌شود
المطلقة للعدة لا تحلل لزوجها بعد تسع
تطبيقات أبدا

١٨ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ
الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ
الْحَسَنِ الصَّقَّارُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى
عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدِ الْبَرْقِيِّ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ
مُحَمَّدِ الْجَوْهَرِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ أَبِي
بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ سَأَلْتُهُ عَنِ الْتِي
تُطَلَّقُ ثُمَّ تُرَاجَعُ ثُمَّ تُطَلَّقُ قَالَ لَا تَحِلُّ لَهُ حَتَّى
تَنْكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ وَ الْتِي يُطَلِّقُهَا الرَّجُلُ
ثَلَاثًا فَيَتَزَوَّجُهَا رَجُلٌ آخَرَ فَيُطَلِّقُهَا عَلَى
السَّنَةِ ثُمَّ تَرْجِعُ إِلَى زَوْجِهَا الْأَوَّلِ فَيُطَلِّقُهَا

ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَ تَنْكِحُ زَوْجاً غَيْرَهُ فَيُطَلِّقُهَا ثُمَّ
تَرْجِعُ إِلَى زَوْجِهَا الْأَوَّلِ فَيُطَلِّقُهَا ثَلَاثَ مَرَّاتٍ
عَلَى السُّنَّةِ ثُمَّ تَنْكِحُ فَتِلْكَ الَّتِي لَا تَحِلُّ لَهُ
أَبَدًا وَ الْمَلَاعَنَةُ لَا تَحِلُّ لَهُ أَبَدًا

۱۸ - ابی بصیر گوید: از امام صادق
علیه السلام پرسیدم از حکم زنی که طلاق داده شود
و سپس رجوع شود سپس طلاق و سپس رجوع و
سپس طلاق داده شود فرمود برای شوهرش حلال
نیست تا شوهر دیگری اختیاری کند و زنی
را که سه بار مردی طلاقش دهد و مرد دیگری
با او ازدواج میکند و طبق دستور شرع
پیغمبر طلاقش میدهد سپس بشوهر اولی خود
باز میگردد و شوهر اولی او را سه بار
دیگر طلاق میدهد و با شوهر دیگر زناشوئی
میکند و طلاقش میدهد سپس بشوهر اولی خود
باز میگردد و شوهر اولی سه بار دیگر طبق
سنت پیغمبر طلاقش میدهد هر کس با آن زن
ازدواج کند برای شوهر اولی خود هرگز حلال
نخواهد شد و زنی هم که با او ملاعنة شده
باشد برای شوهرش هرگز حلال نیست.
(شرح:)

شرط حرمت ابدی، وقوع نهمین طلاق است نه
ازدواج بعد از آن چنانچه ظاهر روایت
است.

زکات بر نه چیز است

الزكاة على تسعة أشياء
۱۹ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ
الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ
يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى بْنِ
عِمْرَانَ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ مُوسَى بْنِ عُمَرَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ
سِنَانَ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْقَمَّاطِ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ
أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ وَضَعَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ الزَّكَاةَ
عَلَى تِسْعَةٍ وَ عَفَا عَمَّا سِوَى ذَلِكَ الْجَنْطَةِ وَ
الشَّعِيرِ وَ التَّمْرِ وَ الزَّبِيدِ وَ الدَّهَبِ وَ
الْفِضَّةِ وَ الْبَقَرِ وَ الْغَنَمِ وَ الْإِبِلِ فَقَالَ

السَّائِلُ فَالذُّرَّةُ فَغَضِبَ ثُمَّ قَالَ كَانَ وَاللَّهِ عَلَيَّ
عَهْدَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ السَّمَّاسِمُ وَالذُّرَّةُ وَالذُّخْنُ
وَ جَمِيعُ ذَلِكَ فَقِيلَ إِنَّهُمْ يَقُولُونَ لَمْ يَكُنْ ذَلِكَ
عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ إِنَّمَا وَضَعَ عَلَى
التَّسْعَةِ

لِمَا لَمْ يَكُنْ بِحَضْرَتِهِ غَيْرُ ذَلِكَ فَغَضِبَ وَ قَالَ
كَذَّبُوا فَهَلْ يَكُونُ الْعَفْوُ إِلَّا عَن شَيْءٍ قَدْ كَانَ
وَ لَا وَاللَّهِ مَا أَعْرَفُ شَيْئًا عَلَيْهِ الزَّكَاةُ غَيْرَ
هَذَا فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَ مَنْ شَاءَ فَلْيَكْفُرْ

۱۹ - امام صادق فرمود: رسول خدا
ﷺ زکات را بر نه چیز قرار داد و هر چه
را جز نه چیز بود بخشید: گندم و جو و
خرما و کشمش و طلا و نقره و گاو و گوسفند
و شتر. سائل عرض کرد پس ذرت چطور؟ حضرت
خشمناک شد سپس فرمود: بخدا که در زمان
پیغمبر کنجد و ذرت و ارزن و همه اینها
بوده است عرض شد که آنان میگویند: در
زمان پیغمبر این چیزها نبود و چون بجز
همان نه چیز چیز دیگری نبود رسول خدا
ﷺ زکاة را بر آنها قرار داد حضرت
خشمناک شد و فرمود دروغ میگویند مگر
بخشودگی بجز از چیزی است که موجود باشد؟
نه بخدا من بجز اینها چیزی را نمیشناسم
که زکاة بر آن باشد هر کس میخواهد
بپذیرد و هر که میخواهد کافر شود.

۲۰ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى
عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ بْنِ الْبَرَنْطِيِّ عَنْ
جَمِيلٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ فِي كَيْفِ الزَّكَاةِ
فَقَالَ فِي تِسْعَةِ أَشْيَاءَ وَضَعَهَا رَسُولُ
اللَّهِ ﷺ وَ عَفَا عَمَّا سِوَى ذَلِكَ فَقَالَ
الطَّيَّارُ إِنَّ عِنْدَنَا حَبًّا يُقَالُ لَهُ الْأَرَزُّ فَقَالَ
لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ وَ عِنْدَنَا أَيْضًا حَبٌّ كَثِيرٌ
فَقَالَ لَهُ عَلَيْهِ شَيْءٌ قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكَ إِنَّ
رَسُولَ اللَّهِ ﷺ عَفَا عَمَّا سِوَى ذَلِكَ مِنْهَا الذَّهَبُ وَ
الْفِضَّةُ وَ ثَلَاثَةٌ مِنَ الْحَيَوَانَ الْإِبِلِ وَ الْغَنَمِ وَ

الْبَقَرِ وَ مِمَّا أَنْبَتَتِ الْأَرْضُ الْجِنْتَ وَ الشَّعِيرُ
وَ الزَّبِيْبُ وَ التَّمْرُ

۲۰ - جمیل گوید از امام صادق علیه السلام

پرسیدم: زکات در چند چیز است؟ فرمود: در
نه چیز رسول خدا صلی الله علیه و آله زکات قرار داد و از
غیر آن نه چیز عفو فرمود، طیار عرض کرد
در سرزمین‌های ما دانه‌ای کاشته می‌شود که
برنجش مینامند امام صادق فرمود: در
زمینهای ما نیز دانه‌های بسیاری کشاورزی
می‌شود عرض کرد بر آن دانه‌ها زکاتی هست؟
فرمود: مگر نگفتمت که رسول خدا صلی الله علیه و آله از
غیر این نه چیز عفو فرموده است طلا و
نقره از آن نه چیز است و سه نوع از
حیوانات است شتر و گوسفند و گاو و از
روئیدنیهای زمین گندم و جو و کشمش و
خرما است.

حکم نماز جمعه از نه نفر برداشته شده

است وضعت الجمعة عن تسعة

۲۱ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ
الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ
الْحَسَنِ الصَّقَّارُ قَالَ حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ
عَيْسَى عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ وَ
الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ حَرِيْزِ
عَنْ زُرَّارَةَ بْنِ أَعْيَنَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ
إِنَّمَا فَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ الْجُمُعَةِ إِلَى
الْجُمُعَةِ خَمْسًا وَ ثَلَاثِينَ صَلَاةً فِيهَا صَلَاةٌ وَاحِدَةٌ
فَرَضَهَا اللَّهُ فِي جَمَاعَةٍ وَ هِيَ الْجُمُعَةُ وَ وَضَعَهَا
عَنْ تِسْعَةٍ عَنِ الصَّغِيرِ وَ الْكَبِيرِ وَ الْمَجْنُونِ وَ
الْمُسَافِرِ وَ الْعَبْدِ وَ الْمَرْأَةِ وَ الْمَرِيضِ وَ
الْأَعْمَى وَ مَنْ كَانَ عَلَى رَأْسِ فَرْسَخَيْنِ وَ
الْقِرَاءَةُ فِيهَا جِهَارٌ وَ الْغُسْلُ فِيهَا وَاجِبٌ وَ
عَلَى الْإِمَامِ فِيهَا قُنُوتَانِ قُنُوتٌ فِي الرُّكْعَةِ
الْأُولَى قَبْلَ الرُّكُوعِ وَ فِي الثَّانِيَةِ بَعْدَ
الرُّكُوعِ

۲۱ - امام باقر علیه السلام فرمود: خدای عز و جل از هر جمعه تا جمعه دیگری سی و پنج نماز واجب فرموده است و در میان این سی و پنج نماز يك نماز هست که خداوند واجب فرموده است با جماعت خوانده شود و آن نماز جمعه است و از چند نفر ساقط است از طفل نابالغ و شخص سالخورده و دیوانه و مسافر و بنده و زن و بیمار و کور و آنکه اقلا در دو فرسخی از محل نماز جمعه باشد و در نماز جمعه حمد و سوره بایستی بلند خوانده شود و غسل هم در آن واجب است و بر امام است که در نماز جمعه دو قنوت بگیرد یکی در رکعت اول پیش از رکوع و دیگری در رکعت دوم پس از رکوع.

نه چیز فراموشی آورد

تسعة أشياء تورث النسيان
 ۲۲ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الدَّهْقَانِيِّ عَنْ دُرِّسْتِ بْنِ أَبِي مَنْصُورٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ عليه السلام قَالَ تِسْعَةٌ يُورِثَنَّ النَّسْيَانَ أَكْلُ التُّفَّاحِ يَعْني

الْجَامِضَ وَ الْكُرْبُرَةَ وَ الْجُبْنَ وَ أَكْلُ سُورِ الْفَارِ وَ الْبَوْلُ فِي الْمَاءِ الْوَاقِفِ وَ قِرَاءَةُ كِتَابَةِ الْقُبُورِ وَ الْمَشْيُ بَيْنَ امْرَأَتَيْنِ وَ طَرْحُ الْقَمَلَةِ وَ الْجِجَامَةُ فِي النَّقْرَةِ

۲۲ - امام موسی بن جعفر علیه السلام فرمود: نه چیز است که فراموشی آورد: خوردن سیب و مقصود حضرت سیب ترش بوده و گشنیز و پنیر و خوردن نیم خورده موش و در آبی که جریان ندارد بول نمودن و نوشته سنگهای قبر را خواندن و در میان دو زن راه رفتن و شیش را نکشته دور انداختن و از گودی پس گردن حجامت نمودن.

۲۳ - حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الشَّاهِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو حَامِدٍ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو يَزِيدَ أَحْمَدُ بْنُ خَالِدِ الْخَالِدِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ صَالِحِ التَّمِيمِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي قَالَ حَدَّثَنَا أَنَسُ بْنُ مُحَمَّدٍ أَبُو مَالِكٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ فِي وَصِيَّتِهِ لَهُ يَا عَلِيُّ تِسْعَةٌ أَشْيَاءَ يُورِثُنَ النَّسِيَانَ أَكْلُ التُّفَّاحِ الْجَامِضِ وَ أَكْلُ الْكُزْبُرَةِ وَ الْجُبْنِ وَ سُورِ الْفَأْرَةِ وَ قِرَاءَةُ كِتَابَةِ الْقُبُورِ وَ الْمَشْيُ بَيْنَ امْرَأَتَيْنِ وَ طَرْحُ الْقَمَلَةِ وَ الْحِجَامَةُ فِي الثُّقْرَةِ وَ الْبَوْلُ فِي الْمَاءِ الرَّائِدِ

۲۳ - رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وسلم ضمن وصیتی بعلی عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: یا علی نه چیز است که فراموشی آورند خوردن سیب ترش و گشنیز و پنیر و نیم خورده موش و خواندن نوشتته های گورستان و میان دو زن راه رفتن و شپش را دور انداختن و از گودی پس گردن حجامت گرفتن و در آبی که روان نباشد بول نمودن.

بیان نه معجزه ای که که خدای عز و جل به موسی عطا کرد

ذکر التسع الآيات التي أعطى الله عز و جل موسی ع

۲۴ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو إِسْحَاقَ وَ لَقْبُهُ يَزِيدُ بْنُ إِسْحَاقَ شَعْرًا قَالَ حَدَّثَنِي هَارُونُ بْنُ حَمْرَةَ الْعَنَوِيُّ الصَّيْرَفِيُّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ سَأَلْتُهُ عَنِ التَّسْعِ الْآيَاتِ الَّتِي أُوتِيَ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ الْجَرَادُ وَ الْقُمَّلُ وَ الضَّفَادِعُ وَ

الدَّمُ وَ الطُّوفَانُ وَ الْبَحْرُ وَ الْحَجْرُ وَ الْعَصَا
وَ يَدُهُ

۲۴ - هارون بن حمزه غنوی صیرفی گوید:
از امام صادق علیه السلام پرسیدم از نه معجزه ای
که به موسی داده شد فرمود: ملخ و شپش و
قورباغه و خون (که از آسمان بارید) و
طوفان و دریا (که شکافته شد) و سنگ (که
عصایش را بر آن زد و دوازده چشمه از آن
جوشید) و عصا (که اژدها شد و دستش (که
همچون ماه میدرخشید).

۲۵ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ
عِيْسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ
النُّعْمَانِ عَنِ سَلَامِ بْنِ الْمُسْتَنِيرِ
عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لَقَدْ
آتَيْنَا مُوسَى تِسْعَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ قَالَ الطُّوفَانُ
وَ الْجَرَادُ وَ الْقُمَّلُ وَ الضَّفَادِعُ وَ الدَّمُ وَ
الْحَجْرُ وَ الْبَحْرُ وَ الْعَصَا وَ يَدُهُ

۲۵ - امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه مبارکه
که خداوند عز و جل میفرماید (ما به موسی
نه معجزه روشن و آشکار دادیم فرمود:
طوفان بود و ملخ و شپش و قورباغه و خون
و سنگ و دریا و عصا و دستش.

آنانی که در خدمت امام قائم خواهند بود

تا شماره ای که معین است همگی گرد
آیند از نه قبیله اند الذین یقبلون مع
القائم عليه السلام إلى أن یجتمع له العدد یكونون
من تسعة أحياء

۲۶ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا يَعْقُوبُ بْنُ يَزِيدَ
عَنْ مُصْعَبِ بْنِ يَزِيدَ عَنِ الْعَوَّامِ بْنِ الزُّبَيْرِ
قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يُقْبَلُ الْقَائِمُ عليه السلام فِي
خَمْسَةِ وَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا مِنْ تِسْعَةِ أَحْيَاءٍ مِنْ حَيِّ

رَجُلٌ وَ مِنْ حَيِّ رَجُلَانِ وَ مِنْ حَيِّ ثَلَاثَةٌ وَ مِنْ حَيِّ
 أَرْبَعَةٌ وَ مِنْ حَيِّ خَمْسَةٌ وَ مِنْ حَيِّ سِتَّةٌ وَ مِنْ حَيِّ
 سَبْعَةٌ وَ مِنْ حَيِّ ثَمَانِيَةٌ وَ مِنْ حَيِّ تِسْعَةٌ وَ لَا
 يَزَالُ كَذَلِكَ حَتَّى يَجْتَمِعَ لَهُ الْعَدَدُ

۲۶ - امام صادق عليه السلام فرمود: امام قائم با
 چهل و پنج نفر از نه قبیله تشریف می‌آورد
 از قبیله‌ای يك مرد و از قبیله‌ای دو مرد
 و از قبیله‌ای سه مرد و از قبیله‌ای چهار
 مرد و از قبیله‌ای پنج مرد و از قبیله‌ای
 شش مرد و از قبیله‌ای هفت مرد و از
 قبیله‌ای هشت مرد و از قبیله‌ای نه مرد و
 بهمین ترتیب می‌آیند تا شماره لازم گرد
 آیند.

(شرح:)

ظاهراً جمله (و بهمین ترتیب می‌آیند) از
 راوی باشد و زاید است زیرا عدد چهل و
 پنج در جمله (و از قبیله‌ای نه مرد)
 تکمیل می‌شود.

و ممکن است جمله و لا يزال كذلك بمعنای
 (بهمین حال هستند) ترجمه شود و بنا بر
 این مقصود از اجتماع عدد اجتماع شماره
 سیصد و سیزده می‌شود که در اخبار دیگر
 است و پیش تکمیل این عدد دست باقدا می
 نمیزنند و الله العالم.

باب العشرة (باب دهگانه)

اسامى پیامبر ﷺ أسماء النبی ﷺ عشرة
 ١ - حَدَّثَنَا أَبُو الْحُسَيْنِ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ
 الشَّاهِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرٍ مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ
 بْنِ أَحْمَدَ الْبَغْدَادِيُّ بِأَمَدٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي
 قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ السُّخْتِ قَالَ أَخْبَرَنَا
 مُحَمَّدُ بْنُ أَسْوَدَ الْوَرَّاقُ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ سَلِيمَانَ
 عَنْ أَبِي الْبَخْتَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ
 بْنِ الْمُنْكَدِرِ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ قَالَ
 رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَنَا أَشْبَهُ النَّاسِ بِآدَمَ وَ
 إِبْرَاهِيمَ أَشْبَهُ النَّاسِ بِي خَلْقُهُ وَ خَلْقُهُ وَ
 سَمَانِيَّ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ فَوْقِ عَرْشِهِ عَشْرَةَ أَسْمَاءٍ
 وَ بَيْنَ اللَّهِ وَصَفِي وَ بَشَّرَ بِي عَلَى لِسَانِ كُلِّ رَسُولٍ
 بَعَثَهُ إِلَى قَوْمِهِ وَ سَمَانِي وَ نَشَرَ فِي التَّوْرَةِ
 اسْمِي وَ بَتَّ ذَكَرِي فِي أَهْلِ التَّوْرَةِ وَ الْإِنْجِيلِ
 وَ عَلَّمَنِي كِتَابَهُ وَ رَفَعَنِي فِي سَمَائِهِ وَ شَقَّ لِي
 اسْمًا مِنْ أَسْمَائِهِ فَسَمَانِي مُحَمَّدًا وَ هُوَ مُحَمَّدٌ
 وَ أَخْرَجَنِي فِي خَيْرِ قَرْنٍ مِنْ أُمَّتِي وَ جَعَلَ اسْمِي
 فِي التَّوْرَةِ أَحِيدَ وَ هُوَ مِنَ التَّوْحِيدِ وَ
 فَيَا التَّوْحِيدِ حَرَّمَ أَجْسَادَ أُمَّتِي عَلَى النَّارِ وَ
 سَمَانِي فِي الْإِنْجِيلِ أَحْمَدَ فَأَنَا مُحَمَّدٌ فِي أَهْلِ
 السَّمَاءِ وَ جَعَلَ أُمَّتِي الْحَامِدِينَ وَ جَعَلَ اسْمِي
 فِي الزَّبُورِ مَاحَ مَحَا اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِي مِنَ الْأَرْضِ
 عِبَادَةَ الْأَوْثَانِ وَ جَعَلَ اسْمِي فِي الْقُرْآنِ
 مُحَمَّدًا فَأَنَا مُحَمَّدٌ فِي جَمِيعِ الْقِيَامَةِ فِي
 فَضْلِ الْقَضَاءِ لَا يَشْفَعُ أَحَدٌ غَيْرِي وَ سَمَانِي فِي
 الْقِيَامَةِ حَاشِرًا يُحْشَرُ النَّاسُ عَلَى قِدَمِي وَ
 سَمَانِي الْمَوْقِفِ أَوْقِفَ النَّاسَ بَيْنَ يَدَيَّ اللَّهُ جَلَّ
 جَلَالُهُ وَ سَمَانِي الْعَاقِبِ أَنَا عَقِبُ النَّبِيِّينَ
 لَيْسَ بَعْدِي رَسُولٌ وَ جَعَلَنِي رَسُولَ الرَّحْمَةِ وَ
 رَسُولَ التَّوْبَةِ وَ رَسُولَ الْمَلَا حِمِ وَ الْمُقَفِّي
 قَفِيَّتِ النَّبِيِّينَ جَمَاعَةً وَ أَنَا الْقِيَمُ الْكَامِلُ
 الْجَامِعُ وَ مَنْ عَلَيَّ رَبِّي وَ قَالَ يَا مُحَمَّدُ صَلَّى
 اللَّهُ عَلَيْكَ قَدْ أَرْسَلْتُ كُلَّ رَسُولٍ إِلَيَّ أُمَّتِهِ
 بِلِسَانِهَا وَ أَرْسَلْتُكَ إِلَيَّ كُلِّ أَحْمَرَ وَ أَسْوَدَ مِنْ
 خَلْقِي وَ نَصَرْتُكَ بِالرُّغْبِ الَّذِي لَمْ أَنْصُرْ بِهِ

أَحَدًا وَ أَحَلَلْتُ لَكَ الْغَنِيمَةَ وَ لَمْ تَجِلْ لِأَحَدٍ قَبْلَكَ وَ أَعْطَيْتُ لَكَ وَ لِأُمَّتِكَ كَنْزاً مِنْ كُنُوزِ عَرْشِي فَاتِحَةَ الْكِتَابِ وَ خَاتِمَةَ سُورَةِ الْبَقَرَةِ وَ جَعَلْتُ لَكَ وَ لِأُمَّتِكَ الْأَرْضَ كُلَّهَا مَسْجِداً وَ ثَرَابَهَا طَهُوراً وَ أَعْطَيْتُ لَكَ وَ لِأُمَّتِكَ التَّكْيِيرَ وَ قَرَنْتُ ذِكْرَكَ بِذِكْرِي حَتَّى لَا يَذْكُرَنِي أَحَدٌ مِنْ أُمَّتِكَ إِلَّا ذَكَرَكَ مَعَ ذِكْرِي طُوبَى لَكَ يَا مُحَمَّدٌ وَ لِأُمَّتِكَ

۱ - رسول خدا ﷺ فرمود: من از همه کس بآدم شبیه‌ترم و ابراهیم از نظر قیافه و اخلاق از همه کس بیشتر بمن شبیه است و خدای عز و جل از عالم بالاتر از عرش مراده نام گذاشته است و هر پیغمبری را که بقومش فرستاده بزبان او توصیف مرا فرموده و مژده آن مرا داده است و مرا بنام یاد فرموده و در توریة نام مرا منتشر ساخته.

و در میان اهل توریة و انجیل یاد مرا پراکنده نموده است و کتاب خود را بمن آموخته و مرا بآسمانش بالا برده و از ریشه نامهای خود نامی برای من باز گرفته است که مرا محمد نامیده و او محمود است و مرا در بهترین زمانهای امتم بدنیا آورد و مرا در توریة احید نامید (که از توحید ریشه میگیرد) و بتوحید بدنهای امت مرا به آتش دوزخ حرام فرمود و مرا در انجیل احمد نامید پس منم محمود در میان اهل آسمانها و امتم را حامدان قرار داد و نام مرا در زبور (ماح) قرار داد که خدای عز و جل بواسطه من پرستش بتهای را از روی زمین بزود و نام مرا در قرآن، محمد قرار داد پس منم محمود در مجمع قیامت آنجا که حکم نهائی صادر شود که کسی بجز من شفاعت نکند و مرا در قیامت حاشر نامید که پس از قدم نهادن من بعرضه محشر مردم محشور شوند و مرا موقف نامید که من مردم را در پیشگاه الهی جل جلاله

بپا دارم و مرا عاقب نامید که بعد از همه پیغمبران آمدم و پس از من پیغمبری نخواهد بود و مرا پیغمبر رحمت و پیغمبر توبه و پیغمبر مزد قرار داد و نام دیگرم مقفی است که به پیرو همه پیغمبران آمدم و منم قیم کامل جامع که پروردگار من بر من منت نهاد و فرمود ای محمد رحمت خدا بر تو باد من همه پیغمبران را بر امتی که همزبانش بود فرستادم ولی تو را بر همه مخلوق خودم از سرخ و سیاه مبعوث کردم و با رعبی تو را یاری کردم که هیچ کس را این چنین یاری نکرده بودم و فرآورده های جنگی را بر تو حلال نمودم و برای هیچ کس پیش از تو حلال نبود.

و سوره فاتحة الكتاب و آیات آخر سوره بقره را که گنجی از گنجهای عرشم بود بتو و امت تو دادم و همه روی زمین را سجده گاه تو و امت و خاک آن را بجای آب قرار دادم و یاد تو را قرین یاد خود نمودم تا آنجا که هیچ کس از امت تو مرا یاد نکند مگر آنکه یاد تو بهمراه یاد من باشد ای محمد خوشا بر حال تو و بر حال امت

۲ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ فَضَالٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنِ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ إِنَّ لِرَسُولِ اللَّهِ عليه السلام عَشْرَةَ أَسْمَاءٍ خَمْسَةٌ مِنْهَا فِي الْقُرْآنِ وَ خَمْسَةٌ لَيْسَتْ فِي الْقُرْآنِ فَأَمَّا الَّتِي فِي الْقُرْآنِ فَ مُحَمَّدٌ عليه السلام وَ أَحْمَدُ وَ عَبْدُ اللَّهِ وَ يَسُّ وَ نَ وَ أَمَّا الَّتِي لَيْسَتْ فِي الْقُرْآنِ فَالْفَاتِحُ وَ الْخَاتِمُ وَ الْكَافِي وَ الْمُقْفَى وَ الْحَاشِرُ

۲ - امام باقر عليه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را ده نام است پنج نام از آنها در قرآن است و پنج دیگر در قرآن نیست اما نامهایی که در قرآن است محمد و احمد و

عبد الله و يس و نون است و اما نامهای كه
در قرآن نيست فاتح است و خاتم و كافي و
مقفي و حاشر.

رفت و آمد به در خانه‌ها بخاطر ده چیز شايسته است

ينبغي أن يكون الاختلاف إلى الأبواب
لعشرة أوجه
٣ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْقَطَّانُ قَالَ
حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدِ الْهَمْدَانِيُّ
قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ فَضَالٍ عَنْ أَبِيهِ
عَنْ مَرْوَانَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ ثَابِتِ بْنِ أَبِي صَفِيَّةَ
عَنْ سَعْدِ الْخَفَّافِ عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ قَالَ
قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام كَانَتْ الْحُكَمَاءُ فِيمَا
مَضَى مِنَ الدَّهْرِ تَقُولُ يَنْبَغِي أَنْ يَكُونَ الْإِخْتِلَافُ
إِلَى الْأَبْوَابِ لِعَشْرَةِ أَوْجِهٍ أَوْلَاهَا بَيْتُ اللَّهِ عَزَّ وَ
جَلَّ لِقَضَاءِ نُسُكِهِ وَ الْقِيَامِ بِحَقِّهِ وَ آدَاءِ
فَرُضِهِ وَ الثَّنَائِي أَبْوَابِ الْمُلُوكِ الَّذِينَ
طَاعَتْهُمْ مُتَّصِلَةً بِطَاعَةِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ حَقُّهُمْ
وَاجِبٌ وَ نَفْعُهُمْ عَظِيمٌ وَ ضَرُّهُمْ شَدِيدٌ وَ الثَّلَاثُ
أَبْوَابُ الْعُلَمَاءِ الَّذِينَ يُسْتَفَادُ مِنْهُمْ عِلْمُ
الدُّنْيَا وَ الدُّنْيَا وَ الرَّابِعُ أَبْوَابُ أَهْلِ
الْجُودِ وَ الْبَذْلِ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ
الْتِمَاسَ الْحَمْدِ وَ رَجَاءَ الْآخِرَةِ وَ الْخَامِسُ
أَبْوَابُ السُّقَّهَاءِ الَّذِينَ يُحْتَاجُ إِلَيْهِمْ فِي
الْحَوَادِثِ وَ يُفْزَعُ إِلَيْهِمْ فِي الْحَوَائِجِ وَ
السَّادِسُ أَبْوَابُ مَنْ يُتَّقَرَّبُ إِلَيْهِ مِنَ الْأَشْرَافِ
لِالْتِمَاسِ الْهَبَةِ وَ الْمُرُوءَةِ وَ الْحَاجَةِ وَ
السَّابِعُ أَبْوَابُ مَنْ يُرْتَجَى عِنْدَهُمُ النِّفْعُ فِي
الرَّأْيِ وَ الْمَشُورَةِ وَ تَقْوِيَةِ الْحَزْمِ وَ أَخْذِ
الْأُهْبَةِ لِمَا يُحْتَاجُ إِلَيْهِ وَ الثَّمَانِي أَبْوَابُ
الْإِخْوَانِ لِمَا يَجِبُ مِنْ مَوَاصِلَتِهِمْ وَ يَلْزَمُ مِنْ
حُقُوقِهِمْ وَ التَّاسِعُ أَبْوَابُ الْأَعْدَاءِ الَّتِي تَسْكُنُ
بِالْمُدَارَاةِ غَوَائِلُهُمْ وَ يُدْفَعُ بِالْحَيْلِ وَ
الرَّفْقِ وَ اللَّطْفِ وَ الرِّيَازَةِ عَدَاوَتُهُمْ وَ

الْعَاشِرُ أَبُوَابٍ مَنْ يُنْتَفَعُ بِغَشِيَانِهِمْ وَ
 يُسْتَفَادُ مِنْهُمْ حَسَنُ الْأَدَبِ وَ يُؤْنَسُ بِمُحَادَثَتِهِمْ
 ۳ - امیر المؤمنین علیه السلام فرمود حکیمان در
 روزگاران گذشته میگفتند که رفت و آمد
 بدر خانه‌ها برای ده چیز شایسته است.
 اولش خانه خدای عز و جل است که باید
 برای ادای مناسک حج و قیام بحق الهی و
 بجای آوردن فریضه دینی باشد.
 دوم در بـاره پادشاهانی کـه
 فرمانبرداریشان بفرمانبرداری خدا پیوند
 است و حقشان واجب و سودشان بزرگ و
 زیانشان سخت است.
 سوم در خانه دانشمندانی که دانش دین و
 دنیا از آنان استفاده می‌شود.
 چهارم در خانه اهل جود و بخشش که
 اموال خود را برای نیکنامی و امید پاداش
 در عالم آخرت ب دیگران میدهند.
 پنجم در خانه کم‌خردانی که در پیش
 آمدها نیاز بآنان افتد و در نیازمندیها
 بآنان پناه برده شود.
 ششم در خانه اشرافی که مرد مرا بآنان
 راه است تا از بخشش و مردانگی. و رفع
 نیازشان برخوردار شوند.
 هفتم در خانه آنان که امید می‌رود که
 رأی و مشورت آنان سودمند باشد و هوش
 آدمی را نیرومند نموده و ساز و برگ مورد
 نیاز بدست آید.
 هشتم در خانه برادران دینی تا پیوستگی
 را که با آنان واجب است انجام داده و
 حقی را که از آنان لازم است ادا نماید.
 نهم در خانه دشمنانی که با مدارا
 نمودن ناراحتی‌های آنان آرامش یافته و با
 تدبیر و مهربانی و
 ملامت و رفت و آمد دشمنی‌شان برطرف
 میگردد.

دهم در خانه کسانی که همنشینی آنان
سودمند بوده و ادب نیکو استفاده گردد و
گفتگو با ایشان دلنشین باشد.

خدای تبارک و تعالی خرد را با ده چیز
نیرو بخشید إن الله تبارک و تعالی قوی
العقل بعشرة أشياء

٤ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ
الْمَرْوَزِيُّ الْمُقَرِّيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عَمْرٍو مُحَمَّدُ
بْنُ جَعْفَرِ الْمُقَرِّيِّ الْجُرْجَانِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو
بَكْرٍ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الْمَوْصِلِيُّ بِبَعْدَادَ قَالَ
حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَاصِمِ الطَّرِيفِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا
أَبُو زَيْدٍ عِيَّاشُ بْنُ يَزِيدَ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ
الْكَحَّالِ مَوْلَى زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ قَالَ أَخْبَرَنَا يَزِيدُ
بْنُ الْحَسَنِ قَالَ حَدَّثَنِي مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ عَنْ
أَبِيهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ
عَنْ أَبِيهِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ
بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٍّ بْنِ
أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ
جَلَّ خَلَقَ الْعَقْلَ مِنْ نُورٍ مَخْزُونٍ مَكْنُونٍ فِي
سَابِقِ عِلْمِهِ الَّتِي لَمْ يَطَّلِعْ عَلَيْهِ نَبِيٌّ مُرْسَلٌ وَ
لَا مَلَكٌ مُقَرَّبٌ فَجَعَلَ الْعِلْمَ نَفْسَهُ وَ الْفَهْمَ
رُوحَهُ وَ الزُّهْدَ رَأْسَهُ وَ الْحَيَاءَ عَيْنَيْهِ وَ
الْحِكْمَةَ لِسَانَهُ وَ الرَّأْفَةَ هَمَّهُ وَ الرَّحْمَةَ
قَلْبَهُ ثُمَّ حَشَاهُ وَ قَوَّاهُ بِعَشْرَةِ أَشْيَاءَ
بِالْيَقِينِ وَ الْإِيمَانِ وَ الصِّدْقِ وَ السَّكِينَةِ وَ
الْإِخْلَاصِ وَ الرَّفْقِ وَ الْعَطِيَّةِ وَ الْقَنُوعِ وَ
التَّسْلِيمِ وَ الشُّكْرِ ثُمَّ قَالَ عَزَّ وَ جَلَّ أَدْبَرَ
فَأَدْبَرَ ثُمَّ قَالَ لَهُ أَقِيلْ فَأَقْبَلَ ثُمَّ قَالَ لَهُ
تَكَلَّمْ فَقَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَيْسَ لَهُ ضِدٌّ وَ لَا
نِدٌّ وَ لَا شَبِيهٌ وَ لَا كُفُوٌ وَ لَا عَدِيلٌ وَ لَا مِثْلٌ
الَّذِي كُلُّ شَيْءٍ لِعَظَمَتِهِ خَاضِعٌ ذَلِيلٌ فَقَالَ الرَّبُّ
تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ عَزَّتِي وَ جَلَالِي مَا خَلَقْتُ
خَلْقًا أَحْسَنَ مِنْكَ وَ لَا أَطْوَعَ لِي مِنْكَ وَ لَا أَرْفَعُ
مِنْكَ وَ لَا أَشْرَفَ مِنْكَ وَ لَا أَعَزَّ مِنْكَ بِكَ أَوْ أَحَدٌ
وَ بِكَ أُعْطِيَ وَ بِكَ أُوحِدُ وَ بِكَ أُعْبَدُ وَ بِكَ
أُدْعَى وَ بِكَ أُرْتَجَى وَ بِكَ أُبْتَغَى وَ بِكَ أَخَافُ وَ

بِكَ أُحْذَرُ وَ بِكَ الثَّوَابُ وَ بِكَ الْعِقَابُ فَخَرَّ
 الْعَقْلُ عِنْدَ ذَلِكَ سَاجِدًا فَكَانَ فِي سُجُودِهِ أَلْفَ
 عَامٍ فَقَالَ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى ازْفَعُ رَأْسَكَ
 وَ سَلَّ تُعْطَ وَ اشفَعُ تُشَفَّعُ فَرَفَعَ الْعَقْلُ رَأْسَهُ
 فَقَالَ إِلَهِي أَسْأَلُكَ أَنْ تُشَفَّعَنِي فِيْمَنْ خَلَقْتَنِي
 فِيهِ فَقَالَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ لِمَلَائِكَتِهِ أَشْهَدُكُمْ أَنِّي
 قَدْ شَفَّعْتُهُ فِيْمَنْ خَلَقْتُهُ فِيهِ

۴ - رسول خدا ﷺ فرمود: براستی که
 خدای عز و جل عقل را از نوری که در
 گنجینه علم پیشین‌اش نهان بود و هیچ
 پیغمبر مرسل و فرشته مقرب‌ی از آن آگاه
 نبود بیافرید و دانش را نفس او قرار داد
 و فهم را روان او و زهد را سر او و حیاء
 را دو چشمان او و حکمت را زبان او و
 مهربانی را همت او و دلسوزی را قلب او و
 سپس میان او را آکنده از ده چیز نمود و
 بآنان نیرومندش را ساخت با یقین و ایمان
 و راستی و آرامش و اخلاص و سازش و بخشش و
 قناعت و سرسپردگی و سپاسگزاری و سپس
 خدای عز و جل او را فرمود: پس برو پس
 رفت سپس او را فرمود پیش‌بیا پیش آمد
 سپس باو فرمود سخن بگو گفت: ستایش خدای
 را که نه ضدی دارد و نه همتائی و نه
 مانندی و نه هم‌سری و نه هم‌ترازی و نه
 مثلی خدائی که همه چیز در برابر
 بزرگواری‌اش سرافکنده و خوار است.

پس پروردگار تبارک و تعالی فرمود بعزت
 و جلالم سوگند که زیباتر و فرمانبردارتر
 و والاتر و شریفتر و عزیزتر از تو
 آفریده‌ای را نیافریده‌ام بواسطه تو
 مؤاخذه کنم و عطا نمایم و بیگانگی
 شناخته شوم و پرستیده‌گردم و خوانده شوم
 و مورد امیدواری باشم و خواسته شوم و
 بواسطه تو از من بترسند و برحذر باشند و
 پاداش و شکنجه بواسطه تو باشد.

در این هنگام عقل بسجده در افتاد و هزار سال در سجده بود پس خدای تبارک و تعالی فرمود:

سر خویش بردار و هر چه خواهی سؤال کن تا بتو داده شود و شفاعت کن تا پذیرفته گردد عقل سرش را برداشت و عرض کرد بار الها از تو سؤال میکنم که شفاعت مرا در باره خردمندان بپذیری پس خدای جل جلاله بفرشتگان اش فرمود شما را گواه میگیرم که من شفاعت او را در باره هر کس که عقل را در او آفریده ام پذیرفتم.

باید امام ده خصلت داشته باشد

عشر خصال من صفات الإمام عليه السلام

ه - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ الْهَيْثَمِ الْعَجَلِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا الْقَطَّانُ قَالَ حَدَّثَنَا بَكْرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَبِيبٍ قَالَ حَدَّثَنَا تَمِيمُ بْنُ بُهْلُولٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو مُعَاوِيَةَ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ مَهْرَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرَ بْنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام قَالَ عَشْرُ خِصَالٍ مِنْ صِفَاتِ الْإِمَامِ الْعِصْمَةُ وَالنُّصُوصُ وَ أَنْ يَكُونَ أَعْلَمَ النَّاسِ وَ أَتَقَاهُمْ لِلَّهِ وَ أَعْلَمَهُمْ بِكِتَابِ اللَّهِ وَ أَنْ يَكُونَ صَاحِبَ الْوَصِيَّةِ وَ الظَّاهِرَةِ وَ يَكُونَ لَهُ الْمُعْجِزُ وَ الدَّلِيلُ وَ تَنَامَ عَيْنُهُ وَ لَا يَنَامَ قَلْبُهُ وَ لَا يَكُونُ لَهُ فَيءٌ وَ يَرَى مِنْ خَلْفِهِ كَمَا يَرَى مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ قَالَ مُصَنِّفُ هَذَا الْكِتَابِ رَحِمَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ مَعْجَزُ الْإِمَامِ وَ دَلِيلُهُ فِي الْعِلْمِ وَ اسْتِجَابَةُ الدَّعْوَةِ فَأَمَّا إِخْبَارُهُ بِالْحَوَادِثِ الَّتِي تَحْدُثُ قَبْلَ حَدُوثِهَا فَذَلِكَ بِعَهْدِ مَعْهُودِ إِلَيْهِ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وسلم وَ إِنَّمَا لَا يَكُونُ لَهُ فَيءٌ لِأَنَّهُ مَخْلُوقٌ مِنْ نُورِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ أَمَّا رُؤْيَتُهُ مِنْ خَلْفِهِ كَمَا يَرَى مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ فَذَلِكَ بِمَا أُوتِيَ مِنَ التَّوَسُّمِ وَ التَّفْرِسِ فِي الْأَشْيَاءِ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِمُتَوَسِّمِينَ

- ۵ - امام صادق عليه السلام فرمود: ده خصلت است که امام عليه السلام دارا است.
- ۱ - از خطا و گناه معصوم بودن.
 - ۲ - تصریح بنام او از پیغمبر رسیدن.
 - ۳ - باید از همه مردم دانشمندتر باشد.
 - ۴ - و از همه کس پرهیزکارتر باشد.
 - ۵ - باید به تفسیر قرآن از همه داناتر باشد.
 - ۶ - امام پیشین آشکارا او را وصی خود قرار داده باشد.
 - ۷ - معجزه و دلیل داشته باشد.
 - ۸ - چشمش میخوابد ولی دلش بیدار است.
 - ۹ - سایه ندارد.
 - ۱۰ - از پشت سرش مانند پیش رومی بیند.
- (مصنف) این کتاب گوید:
- معجزه و دلیل امام همان دانش و مستجاب شدن دعای او است و اما از پیش آمدها که پیش از وقوع خبر میدهد بواسطه اخباری است که از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم باو رسیده است و اینکه سایه ندارد چون از نور خدای عز و جل آفریده شده است .
- و اما از پشت سر مانند پیش رو دیدن بواسطه هوش و فراستی است که در درك اشیاء دارد خداوند عز و جل میفرماید: برآستی که در این خبر برای هوشمندان نشانه‌هایی است (سوره حجر آیه ۷۵) .

علی عليه السلام را از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ده خصلت نصیب بود

كانت لعلی عليه السلام من رسول صلی الله علیه و آله و سلم عشر خصال

۶ - حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الْمَعْرُوفُ بِابْنِ مَقْبَرَةَ الْقَرْوِينِي قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ الْمُؤَمَّلِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ خَلْفِ الْعَطَّارِ قَالَ حَدَّثَنَا عَمْرُو بْنُ خَالِدٍ عَنِ زَيْدِ

بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَلِيٍّ قَالَ قَالَ أَمِيرُ
 الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٍّ كَانَ لِي مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَشْرُ خِصَالٍ
 مَا أَحَبُّ أَنْ لِي بِأَحَدَاهُنَّ مَا طَلَعَتْ عَلَيْهِ
 الشَّمْسُ قَالَ لِي أَنْتَ أَحْيَى فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ
 وَ أَقْرَبُ الْخَلَائِقِ مِنِّي فِي الْمَوْقِفِ وَ أَنْتَ
 الْوَزِيرُ وَ الْوَصِيُّ وَ الْخَلِيفَةُ فِي الْأَهْلِ وَ
 الْمَالِ وَ أَنْتَ آخِذٌ لِوَائِي فِي الدُّنْيَا وَ
 الْآخِرَةِ وَلِيُّكَ وَلِيِّي وَ وَلِيِّي وَلِيُّ اللَّهِ وَ عَدُوُّكَ
 عَدُوِّي وَ عَدُوِّي عَدُوُّ اللَّهِ

۶ - امیر المؤمنین عَلِيٍّ فرمود: مرا از
 رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ده خصلت نصیب گردید که
 دوست ندارم بجای یکی از آنها آنچه آفتاب
 بر آن میتابد از آن من می‌بود.

۱ - و ۲ - مرا فرمود که تو در دنیا و
 آخرت برادر منی.

۳ - در روز قیامت از همه مردم بمن
 نزدیکتری.

۴ و ۵ - تو وزیر و وصی منی.

۶ - نسبت بخاندان و دارائی من جانشین
 منی.

۷ - در دنیا و آخرت پرچم من بدست تو
 است.

۹ - دوست تو دوست من و دوست من دوست
 خدا است.

۱۰ - دشمن تو دشمن من و دشمن من دشمن
 خدا است.

۷ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوِيهِ رَضِيَ اللَّهُ
 عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي الْقَاسِمِ عَنْ
 مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا نَصْرُ بْنُ
 مُزَاحِمِ الْمِنْقَرِيِّ عَنْ أَبِي خَالِدٍ عَنْ زَيْدِ بْنِ
 عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيٍّ عَلِيٍّ قَالَ
 كَانَ لِي عَشْرٌ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَمْ يُعْطَهُنَّ أَحَدٌ
 قَبْلِي وَ لَا يُعْطَاهُنَّ أَحَدٌ بَعْدِي قَالَ لِي يَا عَلِيُّ
 أَنْتَ أَحْيَى فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ أَنْتَ أَقْرَبُ
 النَّاسِ مِنِّي مَوْقِفًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ مَنْزِلِي وَ
 مَنْزِلِكَ فِي الْجَنَّةِ مُتَوَاجِهَيْنِ كَمَنْزِلِ الْأَخْوَيْنِ وَ

أَنْتَ الْوَصِيُّ وَ أَنْتَ الْوَلِيُّ وَ أَنْتَ الْوَزِيرُ وَ
عَدُوُّكَ عَدُوِّي وَ عَدُوِّي عَدُوُّ اللَّهِ وَ وَلِيُّكَ وَلِيُّي وَ
وَلِيُّي وَلِيُّ اللَّهِ

۷ - علی علیه السلام فرمود: مرا از رسول خدا
صلی الله علیه و آله و سلم ده چیز است که به هیچ کس پیش از من
و نه بعد از من آنها داده نشده است.
بمن فرموده: یا علی برادر من در دنیا
و آخرت توئی و تو در روز قیامت از همه
بمن نزدیکتری خانه من و تو در بهشت
مانند خانه دو برادر روبروی هم است توئی
وصی توئی ولی توئی وزیر دشمن تو دشمن من
و دشمن من دشمن خدا است دوست تو دوست من
و دوست من دوست خدا است .

۸ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ الصَّقَرِ
الصَّائِغُ بِالرِّيِّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ
بْنِ بَسَّامٍ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ خَالِدِ بْنِ
إِبْرَاهِيمَ قَالَ حَدَّثَنِي إِسْمَاعِيلُ بْنُ مُوسَى
الثَّقَفِيُّ قَالَ أَخْبَرَنِي عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ
أَبِيهِ عَنْ عَمْرٍو بْنِ شَمْرٍ عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ عَنْ
مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ عَنْ أَبِيهِ عَنِ جَدِّهِ علیه السلام
قَالَ قَالَ عَلِيُّ علیه السلام كَانَ لِي مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم عَشْرُ
خِصَالٍ مَا يَسُرُّنِي بِأَحَدَاهُنَّ مَا طَلَعَتْ عَلَيْهِ
الشَّمْسُ وَ مَا غَرَبَتْ فَقَالَ لَهُ بَعْضُ أَصْحَابِيهِ
بَيْنَهَا لَنَا يَا عَلِيُّ قَالَ علیه السلام سَمِعْتُ رَسُولَ
اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم يَقُولُ يَا عَلِيُّ أَنْتَ الْوَصِيُّ وَ أَنْتَ
الْوَزِيرُ وَ أَنْتَ الْخَلِيفَةُ فِي الْأَهْلِ وَ الْمَالِ وَ
وَلِيُّكَ وَ لِيَّي وَ عَدُوُّكَ عَدُوِّي وَ أَنْتَ سَيِّدُ
الْمُسْلِمِينَ مِنْ بَعْدِي وَ أَنْتَ أَخِي وَ أَنْتَ أَقْرَبُ
الْخَلَائِقِ مِنِّي فِي الْمَوْقِفِ وَ أَنْتَ صَاحِبُ لِيوَائِي
فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ

۸ - علی علیه السلام فرمود: مرا از رسول خدا
صلی الله علیه و آله و سلم ده خصلت نصیب است که اگر آنچه آفتاب
بر او طلوع و غروب میکند بجای یکی از
آنها بودی خوشحال نمیشدم یکی از اصحابش
عرض کرد آن ده چیز را برای ما بیان

بفرما فرمود: شنیدم رسول خدا ﷺ میفرمود:

یا علی توئی وصی و توئی وزیر و توئی جانشین در خاندان و دارائی من و دوست تو دوست من است و دشمن تو دشمن من است و تو پس از من سرور مسلمانانی و تو برادر منی و در قیامت از همه خلائق بمن نزدیکتری و تو در دنیا و آخرت پرچمدار منی.

۹ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ بْنِ سَعْدٍ عَنْ بَكْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَزْدِيِّ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ لِي مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ عَشْرٌ مَا يَسْرُنِي بِالْوَأْحِدَةِ مِنْهُنَّ مَا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ قَالَ أَنْتَ أَخِي فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ أَنْتَ أَقْرَبُ النَّاسِ مِنِّي مَوْقِفًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ مَنْزِلُكَ تُجَاهَ مَنْزِلِي فِي الْجَنَّةِ كَمَا يَتَوَاجَهُ الْأَخْوَانُ فِي اللَّهِ وَ أَنْتَ صَاحِبُ لِي وَائِي فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ أَنْتَ وَصِيِّي وَ وَارِثِي وَ خَلِيفَتِي فِي الْأَهْلِ وَ الْمَالِ وَ الْمُسْلِمِينَ فِي كُلِّ غَيْبَةٍ شَفَاعَتُكَ شَفَاعَتِي وَ وَلِيُّكَ وَ لِيِّي وَ وَلِيُّ اللَّهِ وَ عَدُوُّكَ عَدُوِّي وَ عَدُوِّي عَدُوُّ اللَّهِ

۹ - امیر المؤمنین فرمود: مرا از رسول خدا ﷺ ده چیز است که اگر آنچه آفتاب بر آن میتابد بجای یکی از آنها از آن من بودی خوشحال نبودم که فرمود: تو در دنیا و آخرت برادر منی، ایستگاه تو در روز قیامت از همه مردم بمن نزدیکتر است منزل تو در بهشت روبروی منزل من است همچنان که برادران الهی روبروی هم خواهند بود و تو در دنیا و آخرت پرچمدار منی و تو وصی منی و وارث منی و نسبت بخاندان و ثروت من و همه مسلمانان آنگاه که من نباشم تو جانشین منی شفاعت تو شفاعت من است و دوست تو دوست من و دوست من دوست خدا است

و دشمن تو دشمن من و دشمن من دشمن خدا
است.

مژده بر شيعيان و ياران علي به ده خصلت

بشارة شيعة علي عليه السلام و انصاره بعشر خصال
١٠ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ الْقَطَّانُ وَ
أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ الْهَيْثَمِ الْعَجَلِيُّ وَ عَلِيُّ بْنُ
أَحْمَدَ بْنِ مُوسَى وَ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ السَّنَانِيُّ وَ
الْحُسَيْنُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ هِشَامِ
الْمُكْتَبِيِّ وَ عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْوَرَّاقُ رَضِيَ اللَّهُ
عَنْهُمْ قَالُوا حَدَّثَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ أَحْمَدُ بْنُ
يَحْيَى بْنُ زَكَرِيَّا الْقَطَّانُ عَنْ بَكْرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ
بْنِ حَيِّبٍ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ زَكَرِيَّا قَالَ
حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الضَّحَّاكِ قَالَ حَدَّثَنَا زَيْدُ بْنُ
مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ أَبِيهِ
عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي
طَالِبٍ عليه السلام وَ حَدَّثَنَا بَكْرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَيِّبٍ
قَالَ حَدَّثَنَا تَمِيمُ بْنُ بُهْلُولٍ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ
بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْمَخْزُومِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا
الْحُسَيْنُ بْنُ زَيْدٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ
مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ

أَبِيهِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام
قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله يَا عَلِيُّ بَشِّرْ شِيعَتَكَ وَ
أَنْصَارَكَ بِخِصَالٍ عَشْرٍ أَوْلَاهَا طَيْبُ الْمَوْلِدِ وَ
ثَانِيهَا حُسْنُ إِيمَانِهِمْ بِاللهِ وَ ثَالِثُهَا حُبُّ اللهِ
عَزَّ وَ جَلَّ لَهُمْ وَ رَابِعُهَا الْفُسْحَةُ فِي قُبُورِهِمْ
وَ خَامِسُهَا النُّورُ عَلَى الصِّرَاطِ بَيْنَ أَعْيُنِهِمْ وَ
سَادِسُهَا نَزْعُ الْفَقْرِ مِنْ بَيْنِ أَعْيُنِهِمْ وَ غَنِي
قُلُوبِهِمْ وَ سَابِعُهَا الْمَقْتُ مِنَ اللهِ عَزَّ وَ جَلَّ
لِأَعْدَائِهِمْ وَ ثَامِنُهَا الْأَمْنُ مِنَ الْجُدَامِ وَ
الْبَرَصِ وَ الْجُنُونِ يَا عَلِيُّ وَ تَاسِعُهَا انْحِطَاطُ
الدُّنُوبِ وَ السَّيِّئَاتِ عَنْهُمْ وَ عَاشِرُهَا هُمْ مَعِيَ
فِي الْجَنَّةِ وَ أَنَا مَعَهُمْ

۱۰ - رسول خدا ﷺ فرمود: یا علی شیعیان و یاران را بده خصلت مژده بده: اولش حلال زادگی، دوم اش نیکوئی ایمانشان بخدا.

سوم اش دوستی خداوند عز و جل آنان را. چهارم اش گشایش در قبر آنان. پنجم اش روشنی در برابر چشمهایشان بر صراط.

ششم اش ریشه کن شدن نیازمندی از پیش چشمشان و بی‌نیازی دل‌هایشان. هفتم اش دشمنی خدا با دشمنانشان. هشتم اش ایمنی از بیماری خوره و پیسی و دیوانگی.

یا علی نهم اش ریزش گناهان و بدیها از آنان. دهم اش آنان در بهشت با من هستند و من با آنان.

ده خصلت از اخلاق ستوده

عشر خصال من المکارم

۱۱ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الْجَمِيرِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُوسَى عَنْ يَزِيدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَطِيَّةَ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ قَالَ الْمَكَارِمُ عَشْرٌ فَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَكُونَ فِيكَ فَلْتَكُنْ فَإِنَّهَا تَكُونُ فِي الرَّجُلِ وَ لَا تَكُونُ فِي وَلَدِهِ وَ تَكُونُ فِي وَلَدِهِ وَ لَا تَكُونُ فِي أَبِيهِ وَ تَكُونُ فِي الْعَبْدِ وَ لَا تَكُونُ فِي الْحُرِّ صِدْقُ الْبَاسِ وَ صِدْقُ اللِّسَانِ وَ أَدَاءُ الْأَمَانَةِ وَ صِلَةُ الرَّحِمِ وَ إِقْرَاءُ الضَّيْفِ وَ إِطْعَامُ السَّائِلِ وَ الْمُكَافَأَةُ عَلَى الصَّنَائِعِ وَ التَّدْمُّمُ لِلجَارِ وَ التَّدْمُّمُ لِلصَّاحِبِ وَ رَأْسُهُنَّ الْحَيَاءُ

۱۱ - امام صادق عليه السلام فرمود: اخلاق ستوده ده تا است اگر توانی که آنها را در خود فراهم آوری باید چنین باشی که آنها گاهی

در خود مرد هست و در فرزندش نیست و در فرزندش هست و در پدر همین فرزند نیست و در بنده باشد و در آزاد نباشد و آن ده خصلت شجاعت واقعی است و راستی زبان و ادای امانت و پیوستگی با خویشان و مهمان‌نوازی و غذا دادن بگدا و پاداش کارهای نیک دیگران و حمایت از همسایه و حمایت از رفیق و سرآمد همه آنها حیا است.

۱۲ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ أَحْمَدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عَيْسَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى خَصَّ رَسُولَهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ فَاْمْتَحِنُوا أَنْفُسَكُمْ فَإِنْ كَانَتْ فِيكُمْ فَأَحْمَدُوا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَارْغَبُوا إِلَيْهِ فِي الزِّيَادَةِ مِنْهَا فَذَكَرَهَا عَشْرَةَ الْيَقِينِ وَ الْقِنَاعَةَ وَ الصَّبْرَ وَ الشُّكْرَ وَ الرِّضَا وَ حُسْنَ الْخُلُقِ وَ السَّخَاءَ وَ الْغَيْرَةَ وَ الشُّجَاعَةَ وَ الْمُرُوَّةَ

۱۲ - امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: همانا خدای تبارک و تعالی پیغمبر خود را بااخلاق ستوده مخصوص فرمود: شما خود را بیازمائید اگر آن اخلاق در شما بود خدای عز و جل را بستائید و از خداوند بخواهید که آن اخلاق در شما فزون‌تر گردد سپس آنها را ده شمرد یقین و قناعت و بردباری و سپاس‌گزاری و رضا و خوش رفتاری و دست‌بخشنده و غیرت و شجاعت و جوانمردی.

قیامت برپا نشود تا ده نشانه بوجود آید

لا تقوم الساعة حتى تكون عشر آيات
١٣ - عَنْ أَبِي الطُّفَيْلِ عَنْ حُذَيْفَةَ بْنِ أَسِيدٍ
قَالَ اطَّلَعَ عَلَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مِنْ غُرْفَةٍ لَهُ وَ
نَحْنُ نَتَذَكَّرُ السَّاعَةَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لَا تَقُومُ
السَّاعَةُ حَتَّى تَكُونَ عَشْرُ آيَاتٍ الدَّجَالُ وَ
الدُّخَانُ وَ طُلُوعُ الشَّمْسِ مِنْ مَغْرِبِهَا وَ ذَابَّةُ
الْأَرْضِ وَ يَأْجُوجُ وَ مَاجُوجُ وَ ثَلَاثُ حُسُوفٍ حَسَفُ
بِالْمَشْرِقِ وَ حَسَفُ بِالْمَغْرِبِ وَ حَسَفُ بِجَزِيرَةِ
العَرَبِ وَ نَارٌ تَخْرُجُ مِنْ قَعْرِ عَدْنٍ تَسُوقُ النَّاسَ
إِلَى المَحْشَرِ تَنْزِلُ مَعَهُمْ إِذَا نَزَلُوا وَ ثَقِيلٌ
مَعَهُمْ إِذَا قَالُوا

١٣ - حذیفه بن اسید گوید: رسول خدا
از غرفه خود بر ما سر کشید و ما در
باره قیامت گفتگو میکردیم رسول خدا
فرمود قیامت برپا نشود تا ده نشانه
بوجود آید: دجال و دود و سر برآوردن
آفتاب از مغرب و پیدایش جنبنده ای مخصوص
در زمین و یاجوج و ماجوج و سه حادثه فرو
رفتن زمین یکی در مشرق و دیگری در مغرب
و دیگری در جزیره العرب و آتشی که از دل
عدن سرکشد و مردم را به صحرای قیامت
براند هر جا فرود آیند آن نیز بهمراهشان
فرود آید و هر جا در میان روز استراحت
کنند آن نیز با آنان استراحت کند.

ده خصلت است که خداوند آنها را برای پیغمبرش ﷺ و خاندان او فراهم آورده

عشر خصال جمعها الله عز و جل لنبیه و اهل بیته ص

۱۴ - حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُوسَى رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا حَمْرَةُ بْنُ الْقَاسِمِ الْعَلَوِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ بْنِ بَسَّامٍ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ خَالِدِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ السَّعْدِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْيَمَانِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْعَبَّاسِ الْمُقَرِّيُّ قَالَ حَدَّثَنَا حَمَادُ بْنُ عَمْرٍو النَّصِيبِيُّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بُرْقَانَ عَنْ مَيْمُونِ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَامَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فِينَا خَطِيبًا فَقَالَ فِي آخِرِ خُطْبَتِهِ جَمَعَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَنَا عَشْرَ خِصَالٍ لَمْ يَجْمَعْهَا لِأَحَدٍ قَبْلَنَا وَ لَا تَكُونُ فِي أَحَدٍ غَيْرِنَا فِينَا الْحُكْمُ وَ الْجَلْمُ وَ الْعِلْمُ وَ النَّبُوَّةُ وَ السَّمَاحَةُ وَ الشَّجَاعَةُ وَ الْقَصْدُ وَ الصِّدْقُ وَ الطُّهُورُ وَ الْعِفَافُ وَ نَحْنُ كَلِمَةُ التَّقْوَى وَ سَبِيلُ الْهُدَى وَ الْمَثَلُ الْأَعْلَى وَ الْحُجَّةُ الْعُظْمَى وَ الْعُرْوَةُ الْوُثْقَى وَ الْحَبْلُ الْمَتِينُ وَ نَحْنُ الَّذِينَ أَمَرَ اللَّهُ لَنَا بِالْمَوَدَّةِ فَمَا ذَا بَعْدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ فَأَنَّى تُصْرَفُونَ

۱۴ - عبد الله بن عباس گوید: رسول خدا ﷺ در میان ما برای سخنرانی بپا خواست و در پایان سخنرانی اش فرمود: خدای عز و جل ده خصلت را برای ما فراهم آورده که نه پیش از ما برای کسی فراهم آورده و نه در کسی بجز ما فراهم آیند ویژه ما است قضاوت و بردباری و دانش و پیغمبری و گذشت و شجاعت و میانه روی و راستی و پاکیزگی و عفت و مائیم نمونه پرهیزگاری و راه هدایت و برترین نمونه الهی و بزرگترین حجت خداوندی و دست آویز مورد اطمینان و ریسمان محکم و مائیم کسانی که خداوند بدوستی ما دستور فرموده است.

پس گذشته از حق بجز گمراهی چه میماند؟
پس بکجا رو میکنید؟

هر کس با ده خصلت خدا را ملاقات کند به بهشت داخل می‌شود

عشر خصال من لقی الله عز و جل بهن دخل
الجنة

۱۵ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ
الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ
الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنِ
سَعْدَانَ بْنِ مُسْلِمٍ وَ اسْمُهُ عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنِ
مُسْلِمٍ عَنِ الْفَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ عَنِ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام
قَالَ عَشْرٌ مَنْ لَقِيَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِنَّ دَخَلَ الْجَنَّةَ
شَهَادَةً أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ
اللَّهِ صلى الله عليه وآله وسلم وَ الْإِقْرَارُ بِمَا جَاءَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ
وَ إِقَامُ الصَّلَاةِ وَ إِيْتَاءُ الزَّكَاةِ وَ صَوْمُ شَهْرِ
رَمَضَانَ وَ حُجُّ الْبَيْتِ وَ الْوَلَايَةُ لِأَوْلِيَاءِ اللَّهِ وَ
الْبِرَاءَةُ مِنْ أَعْدَاءِ اللَّهِ وَ اجْتِنَابُ كُلِّ مُسْكِرٍ

۱۵ - امام باقر عليه السلام فرمود: ده چیز است
که هر کس با آنها خدا را ملاقات کند به
بهشت داخل می‌شود گواهی بر اینکه خدائی
بجز خداوند نیست و اینکه محمد صلى الله عليه وآله وسلم
فرستاده خدا است و اقرار بر آنچه از نزد
خدای عز و جل آورده است و بر پا داشتن
نماز و پرداخت زکاة و روزه ماه رمضان و
حج خانه خدا و دوستی با دوستان خدا و
بیزاری از دشمنان خدا و کناره‌گیری از هر
چه مستی آورد.

۱۶ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ
الطَّالِقَانِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
أَبُو سَعِيدٍ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيِّ الْعَدَوِيِّ قَالَ
حَدَّثَنَا صُهَيْبُ بْنُ عَبَّادٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي عَنِ
جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ أَبِيهِ عَنِ جَدِّهِ عليه السلام قَالَ عَشْرٌ
مَنْ لَقِيَ اللَّهَ بِهِنَّ دَخَلَ الْجَنَّةَ شَهَادَةً أَنْ لَا إِلَهَ
إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وسلم وَ الْإِقْرَارُ بِمَا

جَاءَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَ إِقَامُ الصَّلَاةِ وَ إِيتَاءُ
الزَّكَاةِ وَ حِجُّ الْبَيْتِ وَ صَوْمُ شَهْرِ رَمَضَانَ وَ
الْوَلَايَةُ لِأَوْلِيَاءِ اللَّهِ وَ الْبِرَاءَةُ مِنْ أَعْدَائِهِ اللَّهُ وَ
اجْتِنَابُ كُلِّ مُسْكِرٍ

۱۶ - امام جعفر صادق عليه السلام فرمود: ده چیز
است که هر کس خدا را با آنها ملاقات کند
به بهشت میرود . . عین مضمون روایت ۱۵ .

مؤمن خردمند نگردد تا ده خصلت در او نباشد

لا يكون المؤمن عاقلا حتى يكون فيه عشر
خصال

۱۷ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ هِلَالٍ عَنْ أُمِّيَّةَ بِنِ
عَلِيٍّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةَ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ
خَالِدٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلوات الله عليه لَمْ
يُعْبَدِ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِشَيْءٍ أَفْضَلَ مِنَ الْعَقْلِ وَ لَا
يَكُونُ الْمُؤْمِنُ عَاقِلًا حَتَّى يَجْتَمِعَ فِيهِ عَشْرُ
خِصَالٍ الْخَيْرِ مِنْهُ مَأْمُولٌ وَ الشَّرُّ مِنْهُ مَأْمُونٌ
يَسْتَكْثِرُ قَلِيلَ الْخَيْرِ مِنْ غَيْرِهِ وَ يَسْتَقِيلُ كَثِيرَ
الْخَيْرِ مِنْ نَفْسِهِ وَ لَا يَسَامُ مِنْ طَلَبِ الْعِلْمِ
طَوْلَ عُمُرِهِ وَ لَا يَتَبَرَّمُ بِطُلَّابِ الْحَوَائِجِ قَبْلَهُ
الذُّلُّ أَحَبُّ إِلَيْهِ مِنَ الْعِزِّ وَ الْفَقْرُ أَحَبُّ إِلَيْهِ
مِنَ الْغِنَى نَصِيبُهُ مِنَ الدُّنْيَا الْقَوْتُ وَ
الْعَاشِرَةُ وَ مَا الْعَاشِرَةُ لَا يَرَى أَحَدًا إِلَّا قَالَ
هُوَ خَيْرٌ مِنِّي وَ أَتَقَى إِنَّمَا النَّاسُ رَجُلَانِ فَرَجُلٌ
هُوَ خَيْرٌ مِنْهُ وَ أَتَقَى وَ آخَرُ هُوَ شَرٌّ مِنْهُ وَ
أَذْنَى فَإِذَا رَأَى مَنْ هُوَ خَيْرٌ مِنْهُ وَ أَتَقَى
تَوَاضَعَ لَهُ لِيَلْحَقَ بِهِ وَ إِذَا لَقِيَ الَّذِي هُوَ شَرٌّ
مِنْهُ وَ أَذْنَى قَالَ عَسَى خَيْرٌ هَذَا بَاطِنٌ وَ شَرُّهُ
ظَاهِرٌ وَ عَسَى أَنْ يُخْتَمَ لَهُ بِخَيْرٍ فَإِذَا فَعَلَ
ذَلِكَ فَقَدْ عَلَا مَجْدُهُ وَ سَادَ أَهْلَ زَمَانِهِ

۱۷ - رسول خدا صلوات الله عليه فرمود: خدای عز و جل
بچیزی که نیکوتر از عقل باشد پرستش نشده
است و مؤمن خردمند نگردد تا آنگاه که ده

خصلت در او گردد آید: به نیکی او امیدواری باشد و از شر او ایمنی کمترین خوبی دیگران را بسیار شمارد و خوبی فراوان خود را اندک بیند در همه عمر خود از دانش‌جوئی خسته نگردد و از مراجعه نیازمندان بنزد او سنگین دل نشود خواری را از سربلندی و و تنگدستی را از ثروتمندی دوست‌تر دارد و بهره‌اش از دنیا همان خوراک روزانه باشد و دهم چه دهی؟: کسی را نه بیند مگر آنکه با خود گوید: که از من بهتر و پرهیزکارتر است که مردم دو قسم بیشتر نیستند مردمی که واقعا از او بهتر و پرهیزکارتر است و قسم دیگری که از او بدتر و پست‌تر است پس چون کسی را بیند که از او بهتر است و پرهیزکارتر برای او فروتنی کند تا مگر بمقام او برسد و چون کسی را که بدتر و پست‌تر از او است ملاقات کند گوید: نیکی این شخص در نهان است و بدی‌اش در عیان و شاید فرجام کارش خیر باشد پس چون چنین کرد بزرگواری‌اش والاتر شود و بر اهل زمان خود سرور گردد.

ده چیز از گوسفند را نباید خورد

لا یؤکل من الشاة عشرة أشياء
 ۱۸ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ يَحْيَى
 الْعَطَّارُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ مُحَمَّدِ
 بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى بْنِ عِمْرَانَ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ
 يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ بَعْضِ
 أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ لَا يُؤْكَلُ مِنَ
 الشَّاةِ عَشْرَةٌ أَشْيَاءَ الْقَرِثُ وَ الدَّمُ وَ الطَّحَالُ
 وَ النَّخَاعُ وَ الخَدُّ وَ الْقَضِيبُ وَ الْأُنْثِيَيْنِ وَ
 الرَّجِيمِ وَ الْحَيَاءِ وَ الْأَوْدَاجِ
 أَوْ قَالَ الْعُرُوقِ

۱۸ - امام صادق عليه السلام فرمود: ده چیز از گوسفند را نباید خورد: سرگین و خون و

سپرز و مغز حرام (که میان استخوان پشت است) و غده‌ها و آلت نری و خایه‌ها و تخمدان و فرج و شاه رگها و یا فرمود: رگها.

ده چیز از مردار پاک است

عشرة أشياء من الميتة ذكية
 ۱۹ - حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ يَرْفَعُهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ عَشْرَةٌ أَشْيَاءٌ مِنَ الْمَيْتَةِ ذَكِيَّةٌ الْعَظْمُ وَالشَّعْرُ وَالصُّوفُ وَالرَّيْشُ وَالْقَرْنُ وَالْحَافِرُ وَالْبَيْضُ وَالْإِنْفَحَةُ وَاللَّبَنُ وَالسُّنُّ

۱۹ - امام صادق عليه السلام فرمود: ده چیز از مردار پاک است: استخوان و مو و پشم و پر و شاخ و سم و تخم و شیردان و شیر دندان.

طمع ده کس در ده خصلت بی‌جا است

لا يطمعن عشرة في عشر خصال
 ۲۰ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الرَّازِيُّ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي عُثْمَانَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عُمَرَ الْخَلَّالِ عَنْ يَحْيَى بْنِ عِمْرَانَ الْخَلِّيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَقُولُ لَا يَطْمَعَنَّ ذُو الْكِبَرِ فِي الثَّنَاءِ الْحَسَنِ وَ لَا الْخَبُّ فِي كَثْرَةِ الصَّدِيقِ وَ لَا السَّيِّئُ الْأَدَبِ فِي الشَّرَفِ وَ لَا الْبَخِيلُ فِي صَلَةِ الرَّحِمِ وَ لَا الْمُسْتَهْزِئُ بِالنَّاسِ فِي صِدْقِ الْمَوَدَّةِ وَ لَا الْقَلِيلُ الْفِقْهِ فِي الْقَضَاءِ وَ لَا الْمُغْتَابُ فِي السَّلَامَةِ وَ لَا الْحَسُودُ فِي رَاحَةِ الْقَلْبِ وَ لَا الْمُعَاقِبُ عَلَى

الذَّنْبِ الصَّغِيرِ فِي السُّؤْدُدِ وَ لَا الْقَلِيلِ
 التَّجْرِبَةِ الْمُعْجَبِ بِرَأْيِهِ فِي رِئَاسَةِ
 ٢٠ - يحيى بن عمران حلبى گوید: از
 امام صادق عليه السلام شنیدم که میفرمود: خود
 فروش نباید طمع در خوشنامی بندد و نه
 شخص نیرنگ باز در فراوانی دوستان و نه
 بی ادب در شرافت و نه بخیل در پیوند
 خویشاوندی و نه مسخره گو در دوستی درست و
 نه کم اطلاع از احکام دین در قضاوت و نه
 غیبت کننده در سالم ماندن از تعرض مردم و
 نه حسود در آسایش خاطر و نه کسی که
 بگناه كوچك كیفر میدهد در آقائی و نه کم
 تجربه ای که رأی خود را می‌پسندد در
 ریاست.

ده جا نباید نماز خواند

عشرة مواضع لا یصلی فیها
 ٢١ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
 سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ
 الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَضْلِ عَمَّنْ
 حَدَّثَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ قَالَ عَشْرَةٌ مَوَاضِعَ لَا
 يُصَلِّي فِيهَا الطَّيْنُ وَالْمَاءُ وَالْحَمَامُ وَ
 مَسَانَ الطَّرِيقِ وَ قَرَى النَّمْلِ وَ مَعَاظِنُ الْإِبِلِ وَ
 مَجْرَى الْمَاءِ وَ السَّبْحَةُ وَ التَّلْجُ وَ وَادِي
 ضَجْنَانَ

قال مصنف هذا الكتاب رضى الله عنه هذه
 المواضع لا يصلی فیها الإنسان فی حال
 الاختیار فإذا حصل فی الماء و الطین و
 اضطر إلى الصلاة فيه فإنه یصلی إیماء و
 یكون ركوعه أخفض من سجوده و أما الطریق
 فإنه لا بأس بأن یصلی على الظواهر التي
 بین الجواد فأما على الجواد فلا یصلی و
 أما الحمام فإنه لا یصلی فيه على كل حال
 فأما مسلخ الحمام فلا بأس بالصلاة فيه لأنه
 ليس بحمام و أما قرى النمل فلا یصلی فیها
 لأنه لا يتمكن من الصلاة لكثرة ما يدب عليه

من النمل فيؤذيه و يشغله عن الصلاة و أما معاطن الإبل فلا يصلي فيها إلا إذا خاف على متاعه الضيعة فلا بأس حينئذ بالصلاة فيها و أما مرايض الغنم فلا بأس بالصلاة فيها و أما مجرى الماء فلا يصلي فيه على كل حال لأنه لا يؤمن أن يجرى الماء إليه و هو في صلاته و أما السبخة فإنه لا يصلي فيها نبي و لا وصى نبي و أما غيرهما فإنه متى دق مكان سجوده حتى تتمكن الجبهة فيه مستوية في سجوده فلا بأس و أما الثلج فمتى اضطر الإنسان إلى الصلاة عليه فإنه يدق موضع جبهته حتى يستوى عليه في سجوده و أما وادي ضجنان و جميع الأودية فلا تجوز الصلاة فيها لأنها مأوى الحيات و الشياطين

٢١ - امام صادق عليه السلام فرمود: ده جا هست كه نبايد در آنها نماز خواند: گل و آب و حمام و جاده عمومي و بر لانه مورچه و در خوابگاه شتران و در مجرای آب و در شوره زار و برف و در بیابان ضجنان. (مصنف) این کتاب گوید:

در این جاها انسان در حال اختیار نباید نماز بخواند ولی اگر ناچار شد که در آب و گل نماز بخواند باید با اشاره سر نماز بخواند و اشاره اش در رکوع کمتر از سجودش باشد و اما جاده اشکال ندارد که بر کناره آن نماز بخواند. و اما در خود جاده نباید نماز خوانده شود.

و اما در حمام هیچ وقت نباید نماز خواند ولی در رخت کن آن عیبی ندارد زیرا آن جا حمام نیست.

و اما بر لانه مورچه نباید نماز خواند زیرا از بس مورچه آنجا در حرکت است و نمازگزار را

آزار رسانده و از نماز بازش میدارند همیشه آنجا نماز خواند و اما در خوابگاه شتر نباید نماز خواند مگر هنگامی که از متاع و جنس خود بترسد که

از دست برود که در این صورت عیبی ندارد همان جا نماز بخواند. و اما در آغل گوسفندان نماز خواندن عیبی ندارد و اما در مجرای آب نباید هیچ وقت نماز خواند زیرا احتمال می‌رود در حالی که نمازگزار در نماز است آب بیاید و او را فراگیرد. و اما در شوره‌زار فقط پیغمبر و جانشین آن نباید نماز بخواند و اما دیگران اگر سجده‌گاه را بکوبند که همه پیشانی در سجده بر زمین باشد عیبی ندارد. و اما برف هر گاه آدمی ناچار شد که بر آن نماز بخواند سجده‌گاه را میکوبد که پیشانی بر آن قرار گیرد و اما در بیابان ضجنان و همه بیابانها نماز خواندن جایز نیست زیرا جای مارها و شیطان‌ها است.

ده کس به بهشت میروند

عشرة لا يدخلون الجنة
 ۲۲ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
 عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ
 الْحُسَيْنِ بْنِ الْحَسَنِ الْفَارِسِيِّ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ
 حَفْصِ الْبَصْرِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحُسَيْنِ
 بْنِ زَيْدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ
 أَبِي طَالِبٍ عليه السلام عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ
 آبَائِهِ عَنْ عَلِيِّ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله إِنَّ اللَّهَ
 عَزَّ وَجَلَّ لَمَّا خَلَقَ الْجَنَّةَ خَلَقَهَا مِنْ لَيْنَتَيْنِ
 لَيْنَةٍ مِنْ ذَهَبٍ وَ لَيْنَةٍ مِنْ فِضَّةٍ وَ جَعَلَ
 حَيْطَانَهَا الْيَاقُوتَ وَ سَقَفَهَا الزَّبْرَجَدَ وَ
 حَصْبَاءَهَا اللُّؤْلُؤَ وَ ثَرَابَهَا الزَّعْفَرَانَ وَ
 الْمِسْكَ الْأَذْفَرَ فَقَالَ لَهَا تَكَلَّمِي فَقَالَتْ لَا إِلَهَ
 إِلَّا أَنْتَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ قَدْ سَعِدَ مَنْ يَدْخُلُنِي
 فَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ بِعِزَّتِي وَ عَظَمَتِي وَ جَلَالِي وَ
 ارْتِفَاعِي لَا يَدْخُلُهَا مُدْمِنٌ خَمْرٍ وَ لَا سَكِيرٌ وَ لَا
 قَتَاتٌ وَ هُوَ النَّمَامُ وَ لَا دَيْوُوتٌ وَ هُوَ
 الْقُلُطْبَانُ وَ لَا قَلَاعٌ وَ هُوَ الشَّرْطِيُّ وَ لَا زَنُوقٌ

وَ هُوَ الْخُنْثَى وَ لَا خَيْوْفٌ وَ هُوَ النَّبَّاشُ وَ لَا عَشَّارٌ وَ لَا قَاطِعٌ رَجِمٌ وَ لَا قَدْرِيٌّ

۲۲ - رسول خدا ﷺ فرمود: خدای عز و جل بهشت را که آفرید از دو نوع خشت آفرید یک خشت طلا و یک خشت نقره و دیوارهایش را یاقوت و طاقش را از زبرجد و سنگریزه اش را لؤلؤ و خاکش را زعفران و مشک خوشبو قرار داد سپس بآن فرمود که سخن بگوی عرض کرد خدائی نیست بجز تو خدای زنده و پایدار و سعادت‌مند آن کس که در من جای دارد پس خدای عز و جل فرمود: بعزت و بزرگی و شکوه و بلندی مقام سوگند که به بهشت داخل نمیشود دائم الخمر و نه خود فروش و نه سخن چین و نه بی‌غیرت در باره همسر و نه مأمور شهربانی و نه خنثی و نه کفن دزد و نه مأمور وصول عوارض و مالیات و نه کسی که پیوند خویشاوندی را بریده و نه آنکه بکیش قدریه باشد.

۲۳ - حَدَّثَنَا أَبِي وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَا حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ جَمِيعاً عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى بْنِ عِمْرَانَ الْأَشْعَرِيِّ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادٍ لَهُ يَرْفَعُهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ مُدْمِنٌ خَمْرٍ وَ لَا سَكَّيرٌ وَ لَا عَاقٌ وَ لَا شَدِيدُ السَّوَادِ وَ لَا دَيْوُوتٌ وَ لَا قَلَاعٌ وَ هُوَ الشُّرْطِيُّ وَ لَا زَنْبُوقٌ وَ هُوَ الْخُنْثَى وَ لَا خَيْوْفٌ وَ هُوَ النَّبَّاشُ وَ لَا عَشَّارٌ وَ لَا قَاطِعٌ رَجِمٌ وَ لَا قَدْرِيٌّ

قال مصنف هذا الكتاب رضى الله عنه يعنى بشديد السواد الذى لا يبيض شيء من شعر رأسه و لا من شعر لحيته مع كبر السن و يسمى الغربيب

۲۳ - رسول خدا ﷺ فرمود: به بهشت نمیروند دائم الخمر و نه خود فروش و نه حق ناشناس پدر و مادر و نه سخت سیاه رنگ و نه بی‌غیرت در باره همسر و نه مأمور

شهربانی و نه خنثی و نه کفن دزد و نه گمرکچی و قاطع رحم و نه قدری.
 (مصنف) این کتاب گوید: مقصود از سخت سیاه رنگ کسی است که هیچ از سر و مویش سفید نگردد هر چند پیر شود و چنین کسی را غرایب نامند.
 (شرح:)

ظاهراً مقصود از خنثی مخنث است یعنی مردیکه با او عمل جنسی انجام داده شود.

سلامتی ده جزء است

العافية عشرة أجزاء

۲۴ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّقَّارُ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ الْمَعْرُوفِ عَنِ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ بِإِسْنَادِهِ يَرْفَعُهُ قَالَ يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ تَكُونُ الْعَافِيَةُ فِيهِ عَشْرَةَ أَجْزَاءٍ تِسْعَةٌ مِنْهَا فِي اعْتِرَالِ النَّاسِ وَوَاحِدَةٌ فِي الصَّمْتِ

۲۴ - علی بن مهزیار به سند خود نقل میکند که فرمود: روزگاری برای مردم پیش آید که سلامتی در آن روز ده جزء باشد نه جزء آن در کناره‌گیری از مردم و یک جزء در خاموشی می‌باشد.

ده طائفه خود و دیگران را گرفتار می‌سازند

عشرة يفتنون أنفسهم و غيرهم

۲۵ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي وَ سَعِيدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَا حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيُّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي عُثْمَانَ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ أَبِيهِ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَشْرَةٌ يُفْتَنُونَ أَنْفُسَهُمْ وَ غَيْرَهُمْ ذُو الْعِلْمِ الْقَلِيلِ

يَتَكَلَّفُ أَنْ يُعَلِّمَ النَّاسَ كَثِيرًا وَ الرَّجُلُ
 الْخَلِيمُ ذُو الْعِلْمِ الْكَثِيرِ لَيْسَ بِذِي فِطْنَةٍ وَ
 الَّذِي يَطْلُبُ مَا لَا يُدْرِكُ وَ لَا يَنْبَغِي لَهُ وَ
 الْكَادُ غَيْرُ الْمُتَّيِّدِ وَ الْمُتَّيِّدُ الَّذِي لَيْسَ لَهُ
 مَعَ تُوَدَّتِهِ عِلْمٌ وَ عَالِمٌ غَيْرُ مُرِيدٍ لِلصَّلَاحِ وَ
 مُرِيدٌ لِلصَّلَاحِ وَ لَيْسَ بِعَالِمٍ وَ الْعَالِمُ يُحِبُّ
 الدُّنْيَا وَ الرَّحِيمُ بِالنَّاسِ يَبْخُلُ بِمَا عِنْدَهُ وَ
 طَالِبُ الْعِلْمِ يُجَادِلُ فِيهِ مَنْ هُوَ أَعْلَمُ فَإِذَا
 عَلَّمَهُ لَمْ يَقْبَلْ مِنْهُ

۲۵ - امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: ده
 طائفة خود و دیگران را گرفتار می‌سازند
 آنکه اندک دانشی دارد و میخواهد بمردم
 دانش فراوان بیاموزد و مرد بردباری که
 دانشاش بسیار است ولی باهوش نیست و آنکه
 بدنبال چیزی می‌رود که بدستش نخواهد رسید
 و شایستگی آن را نیز ندارد و زحمت کش
 بی‌حوصله و پر حوصله بی‌دانش و دانشمندی
 که نظر اصلاحی ندارد و صلاح اندیشی که
 دانش ندارد و دانشمند دنیا دوست و آنکه
 بمردم دلسوز است ولی از آنچه خود دارد
 بخل می‌ورزد و از کیسه دیگران می‌بخشد و
 دانش آموزی که با دانشمندتر از خود
 ستیزه کند و چون مطلبی او را بیاموزد از
 او نپذیرد.

بی رغبتی به دنیا ده جزء دارد

الزهد عشرة أجزاء

۲۶ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
 سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ
 الْأَصْبَهَانِيِّ عَنِ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ الْمِنْقَرِيِّ عَنِ
 عَلِيِّ بْنِ هَاشِمِ بْنِ الْبَرِيدِ عَنِ أَبِيهِ عَنِ عَلِيِّ
 بْنِ الْحُسَيْنِ علیه السلام أَنَّهُ جَاءَ إِلَيْهِ رَجُلٌ فَسَأَلَهُ
 فَقَالَ لَهُ مَا الزُّهْدُ فَقَالَ الزُّهْدُ عَشْرَةٌ أَجْزَاءُ
 فَأَعْلَى دَرَجَاتِ الزُّهْدِ أَدْنَى دَرَجَاتِ الْوَرَعِ وَ
 أَعْلَى دَرَجَاتِ الْوَرَعِ أَدْنَى دَرَجَاتِ الْيَقِينِ وَ
 أَعْلَى دَرَجَاتِ الْيَقِينِ أَدْنَى دَرَجَاتِ الرِّضَا وَ

إِنَّ الزُّهْدَ فِي آيَةٍ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ لِكَيْلَا تَأْسُوا عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَ لَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ

۲۶ - مردی به نزد امام زین العابدین علیه السلام آمد و پرسشی نمود، عرض کرد: حقیقت زهد چیست؟ فرمود زهد ده جزء دارد بالاترین درجات زهد کمترین درجات پرهیزکاری است و بالاترین درجات پرهیزکاری کمترین درجات یقین است و بالاترین درجات یقین کمترین درجات رضا است و همانا حقیقت زهد در يك آیه از قرآن بیان شده است سوره حدید آیه ۲۳: تا بر آنچه از دست شما رفته است تأسف نخورید و بآنچه بدست شما رسید دل شاد نباشید.

ده قسم کنیز بر آقای خود حرام است

تحریم من الإمام عشرة
 ۲۷ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الْجَمِيرِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا هَارُونُ بْنُ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بِنِ زِيَادٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام تَحْرُمُ مِنَ الْإِمَاءِ عَشْرَةٌ لَا تَجْمَعُ بَيْنَ الْأُمِّ وَ الْبِنْتِ وَ لَا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ وَ لَا أُمَّتِكَ وَ هِيَ حَامِلٌ مِنْ غَيْرِكَ حَتَّى تَضَعَ وَ لَا أُمَّتِكَ وَ لَهَا زَوْجٌ وَ لَا أُمَّتِكَ وَ هِيَ أَخْتُكَ مِنْ الرِّضَاعَةِ وَ لَا أُمَّتِكَ وَ هِيَ حَائِضٌ حَتَّى تَطْهَرَ وَ لَا أُمَّتِكَ وَ هِيَ رَضِيعَتُكَ وَ لَا أُمَّتِكَ وَ لَكَ فِيهَا شَرِيكٌ

۲۷ - امام صادق علیه السلام فرمود: ده قسم کنیز حرام است: با مادر و دختر با هم نمیتوانی ازدواج کنی و نه با دو خواهر و نه با کنیزی که از دیگری بار دارد تا آنگاه که بزاید و نه با کنیز خودت که شوهر دارد و با کنیزت که خواهر رضاعی تو است و نه با کنیزت که عمه رضاعی تو است

و نه با کنیزت که در حال حیض است تا پاک شود و نه با کنیزت که خواهر شیرخواره تو است و همسرت با و شیر داده است و نه با کنیزت که در آن شریک داشته باشی.

میل زناشویی ده جزء است

الشهوة عشر أجزاء

۲۸ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانَ عَنْ أَبِي خَالِدِ الْقَمَاطِ عَنْ ضُرَيْسِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ رضي الله عنه قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى جَعَلَ الشَّهْوَةَ عَشْرَةَ أَجْزَاءٍ تِسْعَةٌ مِنْهَا فِي النِّسَاءِ وَوَاحِدَةٌ فِي الرِّجَالِ وَ لَوْ لَا مَا جَعَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِيهِنَّ مِنْ أَجْزَاءِ الْحَيَاءِ عَلَى قَدْرِ أَجْزَاءِ الشَّهْوَةِ لَكَانَ لِكُلِّ رَجُلٍ تِسْعُ نِسْوَةٍ مُتَعَلِّقَاتٍ بِهِ

۲۸ - امام صادق رضي الله عنه فرمود: همانا خدای تبارک و تعالی میل زناشویی را ده سهم قرار داده است که ۹ سهم آن در زن است و یک سهم در مردان و اگر نبود آن مقدار حیا که خدای عز و جل بمقدار شهوت در زنان قرار داده بهر مردی نه زن در می‌آویخت.

حیاء ده جزء است

الحياء عشرة أجزاء

۲۹ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى بْنِ عِمْرَانَ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَغَيْرِهِ بِإِسْنَادِهِ يَرْفَعُهُ إِلَى الصَّادِقِ رضي الله عنه أَنَّهُ قَالَ قَالَ الْحَيَاءُ عَلَى عَشْرَةِ أَجْزَاءٍ تِسْعَةٌ فِي النِّسَاءِ وَوَاحِدَةٌ فِي الرِّجَالِ فَإِذَا حَاضَتِ الْجَارِيَةُ ذَهَبَ جُزْءٌ مِنْ حَيَائِهَا فَإِذَا تَزَوَّجَتْ ذَهَبَ جُزْءٌ فَإِذَا افْتُرِعَتْ ذَهَبَ جُزْءٌ

فَإِذَا وَلَدَتْ ذَهَبَ جُزْءٌ وَ بَقِيَ لَهَا خَمْسَةُ أَجْزَاءٍ
فَإِنْ فَجَرَتْ ذَهَبَ حَيَاؤُهَا كُلُّهُ وَ إِنْ عَفَّتْ بَقِيَ
لَهَا خَمْسَةُ أَجْزَاءٍ

۲۹ - امام صادق عليه السلام فرمود: حياء ده سهم است ۹ سهم در زنان است و يك سهم در مردان و چون دوشیزه خون حیض دید يك سهم از حیاى او میرود و چون شوهر کند يك سهم برود و چون بکارتاش از دست رفت يك سهم حیا از او برود.
و چون فرزند آورد يك سهم برود و پنج سهم برای او باقی میماند پس اگر دامن بناپاکی آلود همه حیايش از دست برود و اگر عفت ورزید پنج سهم از حیا برایش میماند.

خوابگاه پسر بچه‌ها را در ده سالگی باید از زنان جدا کرد

يفرق بين الصبيان و النساء فى المضاجع لعشر سنين
۳۰ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّقَّارُ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَيْمُونِ الْقَدَّاحِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام قَالَ يُفْرَقُ بَيْنَ الصَّبْيَانِ وَ النِّسَاءِ فِي الْمَضَاجِعِ إِذَا بَلَغُوا عَشْرَ سِنِينَ
۳۰ - امام صادق عليه السلام از زبان پدرانش نقل فرمود: که بستر خواب بچه‌ها که بده سال رسیده‌اند می‌بایست از زنان جدا شود.

يك زن بردبارى ده مرد را دارد

للمرأة صبر عشرة رجال
۳۱ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الْجَمِيرِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا هَارُونُ

بُنْ مُسْلِمٍ عَنِ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ عَنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ أَبِيهِ عليه السلام قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى جَعَلَ لِلْمَرْأَةِ صَبْرَ عَشْرَةِ رِجَالٍ فَإِذَا حَمَلَتْ زَادَهَا قُوَّةَ صَبْرِ عَشْرَةِ رِجَالٍ أُخْرَى

۳۲ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ جَعَلَ لِلْمَرْأَةِ صَبْرَ عَشْرَةِ رِجَالٍ فَإِذَا هَاجَتْ كَانَ لَهَا قُوَّةَ عَشْرَةِ رِجَالٍ

۳۱ - امام باقر عليه السلام فرمود: همانا خدای تبارک و تعالی در یک زن بردباری ده مرد را قرار داده است و چون باردار شود نیروی بردباری ده مرد دیگر را بر او بیفزاید. ۳۲- اسحاق بن عمار گوید: شنیدم امام صادق عليه السلام میفرمود: که خدای عز و جل برای زن بردباری ده مرد را قرار داده است و چون بهیجان آید نیروی ده مرد را دارا می‌شود.

ده چیز است که یکی از دیگری سختتر است

عشرة أشياء بعضها أشد من بعض
 ۳۳ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ قَيْسٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ بَيْنَمَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام فِي الرَّحْبَةِ وَالنَّاسُ عَلَيْهِ مُتْرَاكِمُونَ فَمِنْ بَيْنِ مُسْتَفْتٍ وَ مِنْ بَيْنِ مُسْتَعْدٍ إِذْ قَامَ إِلَيْهِ رَجُلٌ فَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ فَنَظَرَ إِلَيْهِ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام بَعَيْنَيْهِ هَاتِيكَ الْعَظِيمَتَيْنِ ثُمَّ قَالَ وَ عَلَيْكَ السَّلَامُ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ مَنْ أَنْتَ فَقَالَ أَنَا رَجُلٌ مِنْ رَعِيَّتِكَ وَ أَهْلِ بِلَادِكَ قَالَ مَا أَنْتَ مِنْ رَعِيَّتِي وَ أَهْلِ

بِلَادِي وَ لَوْ سَلَّمْتَ عَلَيَّ يَوْمًا وَاحِدًا مَا خَفَيْتَ
عَلَيَّ فَقَالَ الْأَمَانُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فَقَالَ
أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام هَلْ أَحَدَّثْتَ فِي مِصْرِي هَذَا
حَدَّثًا مُنْذُ دَخَلْتَهُ قَالَ لَا قَالَ فَلَعَلَّكَ مِنْ رِجَالِ
الْحَرْبِ قَالَ نَعَمْ قَالَ إِذَا وَضَعْتَ الْحَرْبُ
أَوْزَارَهَا فَلَا بَأْسَ قَالَ أَنَا رَجُلٌ بَعَثَنِي إِلَيْكَ
مُعَاوِيَةُ مُتَغَفِّلًا لَكَ أَسَأَلُكَ عَنْ شَيْءٍ بَعَثَ فِيهِ
ابْنُ الْأَصْفَرِ وَ قَالَ لَهُ إِنْ كُنْتَ أَنْتَ أَحَقُّ بِهَذَا
الْأَمْرِ وَ الْخَلِيفَةَ بَعْدَ مُحَمَّدٍ فَأَجِبْنِي عَمَّا
أَسَأَلُكَ فَإِنَّكَ إِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ اتَّبَعْتُكَ وَ أَبْعَثُ
إِلَيْكَ بِالْجَائِزَةِ فَلَمْ يَكُنْ عِنْدَهُ جَوَابٌ وَ قَدْ
أَقْلَقَهُ ذَلِكَ فَبَعَثَنِي إِلَيْكَ لِأَسْأَلَكَ عَنْهَا فَقَالَ
أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام قَاتَلَ اللَّهُ ابْنَ آكِلَةِ الْأَكْبَادِ
مَا أَظْلَهُ وَ أَعْمَاهُ وَ مَنْ مَعَهُ وَ اللَّهُ لَقَدْ أَعْتَقَ
جَارِيَةً فَمَا أَحْسَنَ أَنْ يَتَزَوَّجَ بِهَا حَكَمُ اللَّهِ بَيْنِي
وَ بَيْنَ هَذِهِ الْأُمَّةِ قَطَعُوا رَحِمِي وَ أَضَاعُوا
أَيَّامِي وَ دَفَعُوا حَقِّي وَ صَعَّرُوا عَظِيمَ مَنْزِلَتِي
وَ أَجْمَعُوا عَلَيَّ مُنَارَعَتِي عَلَيَّ بِالْحَسَنِ وَ
الْحُسَيْنِ وَ مُحَمَّدٍ فَأَحْضَرُوا فَقَالَ يَا شَامِي
هَذَا ابْنُ رَسُولِ اللَّهِ وَ هَذَا ابْنِي فَاسْأَلْ
أَيُّهُمُ أَحَبُّتَ فَقَالَ أَسْأَلُ ذَا الْوَفْرَةِ يَعْنِي
الْحَسَنَ عليه السلام وَ كَانَ صَبِيًّا فَقَالَ لَهُ الْحَسَنُ عليه السلام سَلْنِي
عَمَّا بَدَا لَكَ فَقَالَ الشَّامِي كَمْ بَيْنَ الْحَقِّ وَ
الْبَاطِلِ وَ كَمْ بَيْنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ كَمْ بَيْنَ
الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ وَ مَا قَوْسُ قُرْخٍ وَ مَا
الْعَيْنُ الَّتِي تَأْوِي إِلَيْهَا أَرْوَاحُ الْمُشْرِكِينَ وَ
مَا الْعَيْنُ الَّتِي تَأْوِي إِلَيْهَا أَرْوَاحُ
الْمُؤْمِنِينَ وَ مَا الْمُؤْنِثُ وَ مَا عَشْرَةُ أَشْيَاءَ

بَعْضُهَا أَشَدُّ مِنْ بَعْضٍ فَقَالَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عليه السلام
بَيْنَ الْحَقِّ وَ الْبَاطِلِ أَرْبَعُ أَصَابِعٍ فَمَا رَأَيْتَهُ
بِعَيْنِكَ فَهُوَ الْحَقُّ وَ قَدْ تَسْمَعُ بِأَذْنِكَ بَاطِلًا
كَثِيرًا قَالَ الشَّامِي صَدَقْتَ قَالَ وَ بَيْنَ السَّمَاءِ
وَ الْأَرْضِ دَعْوَةُ الْمَظْلُومِ وَ مَدُّ الْبَصْرِ فَمَنْ قَالَ
لَكَ غَيْرَ هَذَا فَكَذَّبَهُ قَالَ صَدَقْتَ يَا ابْنَ رَسُولِ
اللَّهِ قَالَ وَ بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ مَسِيرَةُ يَوْمٍ
لِلشَّمْسِ تَنْظُرُ إِلَيْهَا حِينَ تَطْلُعُ مِنْ مَشْرِقِهَا وَ

حِينَ تَغِيبُ مِنْ مَغْرِبِهَا قَالَ الشَّامِيُّ صَدَقْتَ فَمَا قَوْسُ قُزَحَ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَيَحَكَ لَا تَقُلْ قَوْسُ قُزَحَ فَإِنَّ قُزَحَ اسْمُ شَيْطَانٍ وَهُوَ قَوْسُ اللَّهِ وَ عَلَامَةُ الْخُصْبِ وَ أَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ مِنَ الْعَرْقِ وَ أَمَّا الْعَيْنُ الَّتِي تَأْوِي إِلَيْهَا أَرْوَاحُ الْمُشْرِكِينَ فَهِيَ عَيْنٌ يُقَالُ لَهَا بَرَهُوتٌ وَ أَمَّا الْعَيْنُ الَّتِي تَأْوِي إِلَيْهَا أَرْوَاحُ الْمُؤْمِنِينَ وَ هِيَ عَيْنٌ يُقَالُ لَهَا سَلْمَى وَ أَمَّا الْمُؤَنَّثُ فَهُوَ الَّذِي لَا يُدْرَى أَ ذَكَرَ هُوَ أَمْ أَنْثَى فَإِنَّهُ يُنْتَظَرُ بِهِ فَإِنْ كَانَ ذَكَرًا اِحْتَلَمَ وَ إِنْ كَانَتْ أَنْثَى حَاضَتْ وَ بَدَأَ ثَدْيُهَا وَ إِلَّا قِيلَ لَهُ بُلْ عَلَى الْحَائِطِ فَإِنْ أَصَابَ بَوْلُهُ الْحَائِطَ فَهُوَ ذَكَرٌ وَ إِنْ انْتَكَصَ بَوْلُهُ كَمَا انْتَكَصَ بَوْلُ الْبَعِيرِ فَهِيَ أَمْرَأَةٌ وَ أَمَّا عَشْرَةٌ أَشْيَاءَ بَعْضُهَا أَشَدُّ مِنْ بَعْضٍ فَأَشَدُّ شَيْءٍ خَلَقَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ الْحَجَرُ وَ أَشَدُّ مِنَ الْحَجَرِ الْحَدِيدُ الَّذِي يُقَطَّعُ بِهِ الْحَجَرُ وَ أَشَدُّ مِنَ الْحَدِيدِ النَّارُ تُذِيبُ الْحَدِيدَ وَ أَشَدُّ مِنَ النَّارِ الْمَاءُ يُطْفِئُ النَّارَ وَ أَشَدُّ مِنَ الْمَاءِ السَّحَابُ يَحْمِلُ الْمَاءَ وَ أَشَدُّ مِنَ السَّحَابِ الرِّيحُ تَحْمِلُ السَّحَابَ وَ أَشَدُّ مِنَ الرِّيحِ الْمَلِكُ الَّذِي يُرْسِلُهَا وَ أَشَدُّ مِنَ الْمَلِكِ مَلِكُ الْمَوْتِ الَّذِي يُمِيتُ الْمَلِكَ وَ أَشَدُّ مِنَ مَلِكِ الْمَوْتِ الْمَوْتُ الَّذِي يُمِيتُ مَلِكَ الْمَوْتِ وَ أَشَدُّ مِنَ الْمَوْتِ أَمْرُ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ يُمِيتُ الْمَوْتَ فَقَالَ الشَّامِيُّ أَشْهَدُ أَنَّكَ ابْنُ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ حَقًّا وَ أَنَّ عَلِيًّا أَوْلَى بِالْأَمْرِ مِنْ مُعَاوِيَةَ ثُمَّ كَتَبَ هَذِهِ الْجَوَابَاتِ وَ ذَهَبَ بِهَا إِلَى مُعَاوِيَةَ فَبَعَثَهَا مُعَاوِيَةَ إِلَى ابْنِ الْأَصْفَرِ فَكَتَبَ إِلَيْهِ ابْنُ الْأَصْفَرِ يَا مُعَاوِيَةَ لِمَ تُكَلِّمُنِي بِغَيْرِ كَلَامِكَ وَ تُجِيبُنِي بِغَيْرِ جَوَابِكَ أَقْسِمُ بِالْمَسِيحِ مَا هَذَا جَوَابُكَ وَ مَا هُوَ إِلَّا مِنْ مَعْدِنِ النُّبُوَّةِ وَ مَوْضِعِ الرِّسَالَةِ وَ أَمَّا أَنْتَ فَلَوْ سَأَلْتَنِي دِرْهَمًا مَا أُعْطَيْتُكَ

۳۳ - امام باقر عليه السلام فرمود: در آن میان که امیر المؤمنین در رحبه بود و مردم گرداگرد او را گرفته بودند بعضی فتوی

می‌پرسید و بعضی دادرسی میخواست مردی
برخواست و عرض کرد سلام بر تو ای امیر
المؤمنین و رحمت و برکات خدا بر تو باد
امیر المؤمنین با همان دو چشمان درشت‌اش
نگاهی باو کرد و سپس فرمود:

و عليك السلام و رحمة الله و برکاته تو
کیستی؟ عرض کرد من مردی از رعیت و افراد
کشور تو هستم فرمود: تو از رعیت من و
افراد کشور من نیستی، که اگر یک روز هم
بمن سلام داده بودی از نظر من پنهان
نمیماند عرض کرد یا امیر المؤمنین از
حضرت خواستار امانم امیر المؤمنین
فرمود: مگر از هنگامی که باین شهر
آمده‌ای کار تازه‌ای انجام داده‌ای؟ عرض
کرد نه، فرمود: شاید از افرادی هستی که
با ما سر جنگ دارند عرض کرد: بلی:
فرمود: آنگاه که آتش جنگ فرو نشیند عیب
ندارد عرض کرد:

من مردی هستم که معاویه مرا بطور
ناشناس به نزد شما فرستاده است تا مطلبی
را که (ابن الاصر) پادشاه روم نزد
معاویه فرستاده است از شما بپرسم.

و باو گفته است که اگر پس از محمد
برای زمامداری و جانشینی تو شایسته‌تری
باید بآنچه از تو می‌پرسم پاسخ بگوئی و
اگر چنین کنی و پاسخ بگوئی من پیرو تو
خواهم شد و جایزه‌ای برای تو خواهم
فرستاد و چون معاویه جوابی نداشت و از
این بابت پریشان خاطر بود مرا نزد تو
فرستاد تا از تو بپرسم.

امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: خدا فرزند هند
جگر خوار را بکشد تا چه قدر خود و
همراهانش گمراه و کورند بخدا قسم کنیزی
را آزاد کرد و درست نمیدانست چگونه با
او ازدواج بکند خداوند میان من و این
امت حکم فرماید که رابطه خویشاوندی مرا
بریدند و روزهای پر افتخار مرا از میان

بردند و حق مرا از من باز داشتند و مقام
والای مرا کوچک شمردند و همگی با من
بستیزه برخاستند حسن و حسین و محمد را
نزد من حاضر کنید آنان حاضر شدند.

پس فرمود: ای مرد شامی اینان دو فرزند
رسول خدا ﷺ هستند و این یکی فرزند من
است از هر يك که دوست میداری بپرس عرض
کرد از این پسر که گیسوان بلند دارد
میپرسم و مقصودش حسن ع بود که آن هنگام
پسر بچه‌ای بود حسن ع با و فرمود: هر چه
خواهی بپرس. شامی گفت میان حق و باطل چه
قدر فاصله است؟

و فاصله میان آسمان و زمین چه اندازه
است؟ و میان مشرق و مغرب چه اندازه است؟
و قوس و قزح چیست؟

و چشمه‌ای که ارواح مشرکین در آن منزل
گزینند کدام است؟ و چشمه‌ای که ارواح
مؤمنین در آن مأوی گیرند کدام؟ و مؤنث
چیست؟ و ده چیزی که یکی از دیگری سخت‌تر
است چیست؟ حسن بن علی ع فرمود:

میان حق و باطل چهار انگشت فاصله است
پس آنچه با چشمت دیدی حق است ولی گاهی
با دو گوشت بسیار باطل میشنوی شامی گفت:
راست فرمودی.

حضرت ع فرمود: فاصله میان آسمان و
زمین باندازه يك دعای ستمدیده است و يك
چشم انداز و هر کس جز این‌تو را گوید
دروغش پندارد.

عرض کرد: درست فرمودی ای فرزند رسول
خدا ﷺ و سلم فرمود: میان خاور و باختر به
اندازه گردش يك روزه آفتاب است از آنجا
که به هنگام سرزدن آفتاب می‌بینی تا آنجا
که به هنگام غروب.

شامی گفت: راست فرمودی قوس قزح چیست؟
حضرت فرمود: وای بر تو قوس قزح مگو که
قزح نام شیطان است آن قوس الله است و نشانه

فراوانی نعمت و ایمنی مردم آن سرزمین از غرق شدن است و اما چشمه‌ای که ارواح مشرکان در آن جای دارند چشمه‌ای است که به آن برهوت گفته می‌شود و چشمه‌ای که روان‌های مؤمنان را جایگاه است چشمه‌ای است که سلمی نام دارد و اما مؤنث آن است که معلوم نباشد نر است یا ماده (خنثی) انتظارش میدارند تا بالغ شود اگر مرد باشد محتلم خواهد شد و اگر زن باشد خون حیض می‌بیند و پستانهایش برآمدگی پیدا میکند و اگر این علامتها پدید نیامد دستورش میدهند تا بر دیواری بول کند اگر ادرارش بر دیوار رسید نر است و اگر مانند ادرار شتر واپس ریخت زن است.

و اما ده چیزی که بعضی از بعض دیگر سختتر است، سختتر چیزی که خداوندش آفریده است سنگ است و سختتر از سنگ آهن است که با آن سنگ بریده می‌شود و از آهن سختتر آتش است که آهن را می‌گدازد و از آتش سختتر آب است که آتش را خاموش میکند و از آب سختتر ابر است که آب را با خود میکشد و سختتر از ابر باد است که ابر را بهر طرف می‌برد و سختتر از باد فرشته‌ای است که باد را می‌فرستد و سختتر از فرشته عزرائیل است که فرشته را می‌میراند و سختتر از فرشته مرگ خود مرگ است که ملک الموت را میکشد و سختتر از مرگ فرمان پروردگار عالمیان است که مرگ را هم نابود می‌سازد. شامی گفت: گواهی میدهم که تو بحقیقت فرزند رسول خدائی و علی علیه السلام بخلافت از معاویه سزاوارتر است.

سپس همین جوابها را نوشته و بنزد معاویه برد و معاویه هم برای پادشاه روم فرستاد پادشاه روم به معاویه نوشت ای معاویه چرا با سخن دیگران با من سخن می‌گوئی و پاسخی که از خودت نیست بمن میدهی؟

بعيسى مسيح سوگند كه اين پاسخ از تو
 نيست و بجز از كان نبوت و خاندان رسالت
 بيرون نيامده است و تو اگر از من يك
 درهم تقاضا كنى بتو نميدهم.

٣٤ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
 مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ
 أَحْمَدَ قَالَ حَدَّثَنَا هَارُونُ بْنُ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ
 بْنِ صَدَقَةَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّ
 النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَا خَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ خَلْقًا إِلَّا
 وَقَدْ أَمَرَ عَلَيْهِ آخَرَ يَغْلِبُهُ بِهِ وَذَلِكَ أَنَّ اللَّهَ
 تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمَّا خَلَقَ الْيَحَارَ فَخَرَّتْ وَ
 رَخَرَتْ وَقَالَتْ أَيُّ شَيْءٍ يَغْلِبُنِي فَخَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَ
 جَلَّ الْفُلْكَ فَأَذَارَهَا بِهِ وَذَلَّلَهَا ثُمَّ إِنَّ الْأَرْضَ
 فَخَرَّتْ وَقَالَتْ أَيُّ شَيْءٍ يَغْلِبُنِي فَخَلَقَ اللَّهُ
 الْجِبَالَ فَأَثْبَتَهَا فِي ظَهْرِهَا أَوْتَادًا مَنَعَهَا
 أَنْ تَمِيدَ بِمَا عَلَيْهَا فَذَلَّتْ الْأَرْضُ وَاسْتَقَرَّتْ
 ثُمَّ إِنَّ الْجِبَالَ فَخَرَّتْ عَلَى الْأَرْضِ فَشَمَخَتْ وَ
 اسْتَطَالَتْ وَقَالَتْ أَيُّ شَيْءٍ يَغْلِبُنِي فَخَلَقَ اللَّهُ
 الْحَدِيدَ فَقَطَعَهَا فَقَرَّتْ الْجِبَالَ وَذَلَّتْ ثُمَّ إِنَّ
 الْحَدِيدَ فَخَرَ عَلَى الْجِبَالَ وَقَالَ أَيُّ شَيْءٍ
 يَغْلِبُنِي فَخَلَقَ اللَّهُ النَّارَ فَأَذَابَتْ الْحَدِيدَ فَذَلَّ
 الْحَدِيدَ ثُمَّ إِنَّ النَّارَ زَفَرَتْ وَشَهَقَتْ وَفَخَرَّتْ
 وَقَالَتْ أَيُّ شَيْءٍ يَغْلِبُنِي فَخَلَقَ اللَّهُ الْمَاءَ
 فَأَطْفَأَهَا فَذَلَّتْ ثُمَّ إِنَّ الْمَاءَ فَخَرَ وَرَخَرَ وَ
 قَالَ أَيُّ شَيْءٍ يَغْلِبُنِي فَخَلَقَ اللَّهُ الرِّيحَ فَحَرَكَتْ
 أَمْوَاجَهُ وَ أَثَارَتْ مَا فِي قَعْرِهِ وَ حَبَسَهُ عَنْ
 مَجَارِيهِ فَذَلَّ الْمَاءَ ثُمَّ إِنَّ الرِّيحَ فَخَرَّتْ وَ
 عَصَفَتْ وَ أَرْخَتْ أَذْيَالَهَا وَقَالَتْ أَيُّ شَيْءٍ
 يَغْلِبُنِي فَخَلَقَ الْإِنْسَانَ فَاحْتَالَ وَ اتَّخَذَ مَا
 يَسْتَتِرُ بِهِ مِنَ الرِّيحِ وَ غَيْرِهَا فَذَلَّتْ الرِّيحُ
 ثُمَّ الْإِنْسَانُ طَعَى وَ قَالَ مَنْ أَشَدُّ مِنِّي قُوَّةً
 فَخَلَقَ لَهُ الْمَوْتَ فَقَهَرَهُ فَذَلَّ الْإِنْسَانَ ثُمَّ إِنَّ
 الْمَوْتَ فَخَرَ فِي نَفْسِهِ فَقَالَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ لَا
 تَفْخَرْ فَإِنِّي ذَا بِيْكَ بَيْنَ الْفَرِيقَيْنِ أَهْلِ الْجَنَّةِ
 وَ النَّارِ ثُمَّ لَا أَحْيِيكَ أَبَدًا فَذَلَّ وَ خَافَ

۳۴ - رسول خدا ﷺ فرمود: خدای عز و جل آفریده‌ای را نیافرید مگر اینکه دیگری را بر آن فرمانروائی بخشید تا آن را سرکوب کند و این چنان بود که خدای تبارک و تعالی چون دریاها را آفرید بخود بالید و جوشید و گفت: چه چیز بر من چیره می‌شود؟ خدای عز و جل چرخ را آفرید و بر گرداگرد آن کشید و دریاها را زبون ساخت.

سپس زمین بر خود بالید و گفت: چه چیزی بر من پیروز می‌گردد؟ خداوند کوهها را آفرید و بر پشت زمین مانند میخ کوبید و گذاشت آنچه را که بر پشت خود دارد بلرزاند پس زمین زبون شد و آرام گرفت.

سپس کوهها بر زمین بالید و سرکشید و گردن فرازی کرد و گفت: چه چیز بر من پیروز می‌گردد؟

خداوند آهن را آفرید که کوه را برید پس کوهها قرار گرفتند و زبون شدند.

سپس آهن بر کوهها بالید و گفت: چه چیز بر من پیروز می‌شود؟ پس خداوند آتش را آفرید که آهن را گداخت و زبون شد. سپس آتش شعله گرفت و زبانه کشید و بر خود بالید و گفت: چه چیز بر من چیره می‌شود؟ خداوند آب را آفرید تا آتش را خاموش کرد و زبون شد.

سپس آب بالید و خروشید و گفت چه چیز بر من پیروز می‌گردد؟ پس خداوند باد را آفرید تا موجهای آب را حرکت داد و آنچه در تک آن بود پراکند و از جریانش بازداشت پس آب زبون گشت.

سپس باد بالید و وزید و دامن بگسترده و گفت: چه چیز بر من پیروز می‌شود؟ پس انسان را آفرید تا چاره‌ای اندیشید و چیزی بر خود گرفت که از باد و جز آن خود را پوشانید پس باد زبون شد.

سپس انسان سرکشی کرد و گفت: چه کسی از من تواناتر است پس خداوند مرگ را آفرید که بر انسان چیره شد و انسان زبون گشت. سپس مرگ بر خویشان بالید خدای جل جلاله فرمود: بر خود مبال که من در میان دو گروه بهشتیان و دوزخیان تو را سر خواهم برید و سپس هرگز زنده ات نخواهم کرد پس مرگ زبون شد و ترسید.

در خربزه ده خاصیت فراهم آمده است

فی البطیخ عشر خصال مجتمعة
 ۳۵ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ كَلُّوا الْبُطَيْخَ فَإِنَّ فِيهِ عَشْرَ خِصَالٍ مُجْتَمِعَةٍ هُوَ شَحْمَةٌ الْأَرْضِ لَا دَاءَ فِيهِ وَلَا غَائِلَةٌ وَهُوَ طَعَامٌ وَهُوَ شَرَابٌ وَهُوَ فَاكِهَةٌ وَهُوَ رِيحَانٌ وَهُوَ أَشْنَانٌ وَهُوَ أَدَمٌ وَيزِيدُ فِي الْبَاهِ وَيَغْسِلُ الْمَثَانَةَ وَيُدِرُّ الْبَوْلَ

۳۵ - امام صادق عليه السلام فرمود: خربزه بخورید که در آن ده خاصیت فراهم آمده است پیه زمین است نه درد دارد و نه زیان هم خوراک است و هم نوشیدنی (هم غذاست و هم آب) هم میوه است و هم گیاه خوشبو و پاک‌کننده چرک و خورش نان است و نیروی جنسی را زیاد میکند و مثانه را شستشو میدهد و ادرار را روان میسازد.

۳۶ - وَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ زِيَادٍ بْنُ جَعْفَرِ الْهَمْدَانِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ عَمْرِو بْنِ عُثْمَانَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ يَحْيَى بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مِثْلَهُ

وَ فِي حَدِيثٍ آخَرَ وَ يُذِيبُ الْحَصَى فِي
الْمَثَانَةِ وَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَأْكُلُ الْبَيْطِخَ
بِالرُّطْبِ

وَ فِي خَبَرٍ آخَرَ كَانَ ﷺ يَأْكُلُ الْخَزِيرَ بِالسُّكَّرِ
وَ قَالَ الصَّادِقُ ﷺ أَكُلُ الْبَيْطِخِ عَلَى الرَّيْقِ
يُورِثُ الْفَالِجَ وَ أَكُلُ التَّمْرِ الْبَرْنِيَّ عَلَى
الرَّيْقِ يُورِثُ الْفَالِجَ

۳۶ - در روایت دیگر است که خربزه سنگ
مثانه را آب میکند و رسول خدا ﷺ خربزه
را با رطب میل میفرمود و در روایت دیگر
است که آن حضرت خربزه را با شکر میخورد
و امام صادق ﷺ فرمود: ناشتا خربزه
خوردن فلج می آورد و خرمای برنی را ناشتا
خوردن باعث فلج شدن است.

نشاط در ده چیز است

النشوة في عشرة أشياء
۳۷ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ
يَحْيَى بْنِ عِمْرَانَ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى
عَنْ رَجُلٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ
قَالَ النَّشْوَةُ فِي عَشْرَةِ أَشْيَاءَ الْمَشْيُ وَ
الرُّكُوبُ وَ الْإِرْتِمَاسُ فِي الْمَاءِ وَ النَّظَرُ إِلَى
الْخَضِرَةِ وَ الْأَكْلُ وَ الشُّرْبُ وَ النَّظَرُ إِلَى
الْمَرْأَةِ الْحَسَنَاءِ وَ الْجَمَاعِ وَ السَّوَاكُ وَ
مُحَادَثَةُ الرَّجَالِ

۳۷ - امام صادق ﷺ فرمود: نشاط در ده
چیز است: راه رفتن. سواری. غوطه خوردن
در آب بسبزه نگاه کردن. خوردن و
آشامیدن. بزن زیبا نگاه کردن. عمل جنسی.
مسواک کردن. همصحبتی با مردان.

۳۸ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ
الطَّالِقَانِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو سَعِيدٍ
الْحَسَنُ بْنُ عَلِيِّ الْعَدَوِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا صُهَيْبُ بْنُ
عَبَّادٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ

أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ النَّشْوَةُ فِي عَشْرِ أَشْيَاءَ فِي الْمَشْيِ وَالرُّكُوبِ وَالْإِزْتِمَاسِ فِي الْمَاءِ وَالنَّظَرِ إِلَى الْخَضِرَةِ وَالْأَكْلِ وَالشُّرْبِ وَالْجَمَاعِ وَالسَّوَاكِ وَغَسْلِ الرَّأْسِ بِالْخَطْمِيِّ وَالنَّظَرِ إِلَى الْمَرْأَةِ الْحَسَنَاءِ وَ مُحَادَثَةِ الرَّجَالِ

۳۸ - امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: نشاط در ده چیز است. راه رفتن سواری و غوطه خوردن در آب و نگاه کردن به سبزه. خوردن و آشامیدن. عمل جنسی. مسواک کردن سر را با خطمی شستن، بزن زیبا نگاه کردن. با مردان هم صحبت شدن.

نماز بر ده قسم است

الصلاة على عشرة أوجه
 ۳۹ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ حَرِيْزِ بْنِ زُرَّارَةَ بْنِ أَعْيَنَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ فَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الصَّلَاةَ وَ سَنَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَى عَشْرَةِ أَوْجُهٍ صَلَاةَ الْخَضِرِ وَ السَّفَرِ وَ صَلَاةَ الْخَوْفِ عَلَى ثَلَاثَةِ أَوْجُهٍ وَ صَلَاةَ الْكُسُوفِ لِلشَّمْسِ وَ الْقَمَرِ وَ صَلَاةَ الْعِيدَيْنِ وَ صَلَاةَ الْإِسْتِسْقَاءِ وَ الصَّلَاةَ عَلَى الْمَيِّتِ

۳۹ - امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: خدای عز و جل نماز را واجب کرد و رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آن را ده قسم فرمود نماز حضر نماز سفر نماز خوف بر سه وجه و نماز گرفتار آفتاب و ماه و نماز عید فطر و عید قربان و نماز طلب باران و نماز میت.

(شرح:)

متن روایت مغشوش است زیرا اگر مورد سنت را فريضة الله بدانيم نماز استسقاء كه مستحب است زايد است و اگر اعم بدانيم وجهی برای اختصاص نماز استسقاء از بقیه

نمازهای مستحبی نیست علاوه بر اینکه تصویر ده وجه تکلف زیادی لازم دارد.

شیعه دارای ده خصلت است

فی الشيعة عشر خصال
٤٠ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَيْسَى عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ الْأَنْصَارِيِّ عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبِي الْمِقْدَامِ عَنْ أَبِيهِ قَالَ قَالَ لِي أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام يَا أَبَا الْمِقْدَامِ إِنَّمَا شِيعَةٌ عَلَيَّ عليه السلام الشَّاحِبُونَ النَّاحِلُونَ الذَّابِلُونَ ذَابِلَةٌ شِفَاهُهُمْ خَمِيصَةٌ بُطُونُهُمْ مُتَغَيَّرَةٌ أَلْوَانُهُمْ مُصْفَرَةٌ وَجُوهُهُمْ إِذَا جَنَّهُمُ اللَّيْلُ اتَّخَذُوا الْأَرْضَ فِرَاشًا وَاسْتَقْبَلُوا الْأَرْضَ بِجِبَاهِهِمْ كَثِيرٌ سَجُودُهُمْ كَثِيرَةٌ دُمُوعُهُمْ كَثِيرٌ دُعَاؤُهُمْ كَثِيرٌ بُكَاءُهُمْ يَفْرَحُ النَّاسُ وَهُمْ يَحْزَنُونَ

٤٠ - ابی مقدم گوید: امام باقر مرا فرمود: ای ابا مقدم شیعه علی عليه السلام فقط افرادی هستند که رنگ رخسارشان دگرگون شده و اندامشان لاغر گشته و خشکیده و لبهایشان خشک و شکمهایشان خالی است و رنگشان پریده و صورتشان زرد است چون تاریکی شب آنان را فرا گیرد زمین را بستر گیرند و پیشانی بر زمین نهند سجده ها کنند و اشگها بریزند بسیار دعا کنند و بسیار بگیرند مردم شادی کنند و آنان غمگینند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله در باره می ده کس را لعن کرد

لعن رسول الله صلی الله علیه و آله في الخمر عشرة
٤١ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ

الْحَسَنُ الصَّقَّارُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ
 الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ النَّضْرِ الْخَزَّازِ
 عَنْ عَمْرِو بْنِ شَمْرٍ عَنْ جَابِرِ الْجَعْفِيِّ عَنْ أَبِي
 جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لَعَنَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي الْخَمْرِ عَشْرَةَ
 غَارِسَهَا وَ حَارِسَهَا وَ عَاصِرَهَا وَ شَارِبَهَا وَ
 سَاقِيَهَا وَ حَامِلَهَا وَ الْمَحْمُولَةَ إِلَيْهِ وَ
 بَائِعَهَا وَ مُشْتَرِيَهَا وَ آكَلَ ثَمَنَهَا

۴۱ - امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: رسول خدا
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در باره می ده کس را لعن کرد آنکه
 درخت آن را

بکارد و آنکه نگهبانش باشد و آنکه
 انگورش را بفشرد و آنکه بیاشامد و آنکه
 ساقی گردد و آنکه تحویل بدهد و آنکه
 تحویل گیرد و آنکه بفروشد و آنکه بخرد و
 آنکه بهایش را تصرف کند.

پاداش کسی که ده ماه رمضان روزه بگیرد

ثواب من صام عشرة أشهر من رمضان
 ۴۲ - حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ
 الْفَرَجِ الْمُؤَدَّنُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ
 بْنُ الْحُسَيْنِ الْكَرْخِيُّ قَالَ سَمِعْتُ الْحَسَنَ بْنَ
 عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ لِرَجُلٍ فِي دَارِهِ يَا أَبَا هَارُونَ
 مَنْ صَامَ عَشْرَةَ أَشْهُرٍ رَمَضَانَ مُتَوَالِيَاتٍ دَخَلَ
 الْجَنَّةَ

۴۲ - محمد بن حسین کرخی گوید: شنیدم
 امام حسن عسگری در خانه خود بمردی
 میفرمود:

ای ابا هرون کسی که ده ماه رمضان پی
 در پی (ده سال) روزه بگیرد ببهشت میرود.

پاداش کسی که ده حج انجام دهد

ثواب من حج عشر حجج
 ۴۳ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
 أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى

بْنِ عِمْرَانَ الْأَشْعَرِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى
 الْمُعَاذِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدِ الطَّيَالِسِيِّ عَنْ
 سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ أَبِي بَكْرِ الْحَضْرَمِيِّ قَالَ
 قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مَنْ حَجَّ عَشْرَ حَجَجٍ لَمْ
 يُحَاسِبْهُ اللَّهُ أَبَدًا

۴۳ - امام صادق عليه السلام فرمود: کسی که ده
 بار عمل حج بجا آورد خداوند هرگز بحساب
 او رسیدگی نفرماید.

برکت ده جزء است

البركة عشرة أجزاء

۴۴ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
 مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ
 يَحْيَى بْنِ عِمْرَانَ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ
 الْحُسَيْنِ بْنِ يَزِيدَ عَنْ سُفْيَانَ الْجَرِيرِيِّ عَنْ عَبْدِ
 الْمُؤْمِنِ الْأَنْصَارِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ قَالَ
 رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله الْبَرَكَهُ عَشْرَةٌ أَجْزَاءٌ تِسْعَةٌ
 أَغْشَارُهَا فِي التَّجَارَةِ وَ الْعَشْرُ الْبَاقِي فِي
 الْجُلُودِ

قال مصنف هذا الكتاب رضى الله عنه يعنى
 بالجلود الغنم و تصديق ذلك ما روي عن
 النبي ص: أَنَّهُ قَالَ تِسْعَةٌ أَغْشَارِ الرِّزْقِ فِي
 التَّجَارَةِ وَ الْجُزْءُ الْبَاقِي فِي
 السَّابِيَاءِ يَعْنِي الْغَنَمَ

۴۴ - رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: برکت ده جزء
 است نه دهم آن در بازرگانی است و يك دهم
 باقیمانده در پوستها.

(مصنف) این کتاب رضى الله عنه گوید:
 مقصود حضرت از پوستها گوسفند است و
 گواه این سخن روایتی است از پیغمبر
صلى الله عليه وآله که فرمود: نه دهم روزی در بازرگانی
 است و يك جزء باقیمانده در گوسفند است.
 (شرح -)

مجلسی رحمته اللہ علیہ فرموده است شاید مقصود از پوستها در روایت اولی حیواناتی باشند که پوستشان مورد استفاده است.

۴۵ - حَدَّثَنَا بِدَلِكِ أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْقَطَّانُ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا الْقَطَّانُ قَالَ حَدَّثَنَا بَكْرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَبِيبٍ قَالَ حَدَّثَنَا تَمِيمُ بْنُ بَهْلُولٍ قَالَ حَدَّثَنَا سَعِيدُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْمَخْزُومِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ زَيْدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام عَنِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله وسلم أَنَّهُ قَالَ تِسْعَةٌ أَغْشَارِ الرَّزْقِ فِي التَّجَارَةِ وَ الْجُزْءِ الْبَاقِي فِي السَّابِيَاءِ يَعْنِي الْغَنَمَ

۴۵ - رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم فرمود: نه دهم روزی در بازرگانی است و یک جزء باقیمانده در سابیاء است یعنی گوسفند.

نزدیک شدن رستاخیز را ده علامت است

عشر آیات بین یدی الساعة

۴۶ - حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَعِيدٍ الْعَسْكَرِيُّ قَالَ أَخْبَرَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ حَكِيمٍ الْقَاضِي قَالَ حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ شَاكِرٍ قَالَ حَدَّثَنَا إِسْحَاقُ بْنُ حَمْرَةَ الْبُخَارِيُّ وَعَمِّي قَالَا حَدَّثَنَا عَيْسَى بْنُ مُوسَى غُنْجَارٌ عَنْ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ رَقَبَةَ وَ هُوَ ابْنُ مَصْقَلَةَ الشَّيْبَانِيُّ عَنِ الْحَكَمِ بْنِ عَتِيبَةَ عَمَّنْ سَمِعَ حُدَيْفَةَ بْنَ أَسِيدٍ يَقُولُ سَمِعْتُ النَّبِيَّ صلى الله عليه وآله وسلم يَقُولُ عَشْرُ آيَاتٍ بَيْنَ يَدَيِ السَّاعَةِ خَمْسٌ بِالْمَشْرِقِ وَ خَمْسٌ بِالْمَغْرِبِ فَذَكَرَ الدَّابَّةَ وَ الدَّجَالَ وَ طُلُوعَ الشَّمْسِ مِنْ مَغْرِبِهَا وَ عَيْسَى ابْنَ مَرْيَمَ عليه السلام وَ يَأْجُوجَ وَ مَاْجُوجَ وَ أَنَّهُ يَغْلِبُهُمْ وَ يُغْرِقُهُمْ فِي الْبَحْرِ وَ لَمْ يَذْكَرْ تَمَامَ الْآيَاتِ

٤٦ - حذيفة بن اسيد گوید: شنیدم پیغمبر ﷺ میفرمود: ده علامت است که در نزدیکی رستاخیز است پنج علامت در خاور و پنج در باختر پس این آیات را بیان فرمود: جنبنده مخصوصی در روی زمین، دجال، سرزدن آفتاب از باختر و (فرود آمدن) عیسی بن مریم و یاجوج و ماجوج که عیسی بر یاجوج ماجوج پیروز گردد و آنان را در دریا غرق کند و همه ده علامت را بیان فرمود.

سازمان اسلام بر ده بخش است

بنی الإسلام علی عشرة أسهم
 ٤٧ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدِ الْبَرْقِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى عَشْرَةِ أَهْمٍ عَلَى شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ هِيَ الْمِلَّةُ وَ الصَّلَاةُ وَ هِيَ الْفَرِيضَةُ وَ الصَّوْمُ وَ هُوَ الْجَنَّةُ وَ الزَّكَاةُ وَ هِيَ الطُّهْرُ وَ الْحَجُّ وَ هِيَ الشَّرِيعَةُ وَ الْجِهَادُ وَ هُوَ الْعَزْوُ وَ الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَ هُوَ الْوَفَاءُ وَ النَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ هُوَ الْحُجَّةُ وَ الْجَمَاعَةُ وَ هِيَ الْأَلْفَةُ وَ الْعِصْمَةُ وَ هِيَ الطَّاعَةُ

٤٧ - رسول خدا ﷺ فرمود: سازمان اسلام بر ده بخش است بر گواهی دادن بیگانگی خداوند که اصل ملیت مسلمانان است و نماز که فريضة است و روزه که سپر است و زکاة که پاکیزگی جان است و حج که راه بندگی است و جهاد که پیکار با دشمن است و امر بمعروف که شرط وفا در دوستی است و نهی از منکر که اتمام حجت بر دیگری است و جماعت که موجب دوستی است و خویشتن داری از گناه که پایه فرمانبرداری است.

ایمان ده درجه است

الإيمان عشر درجات

٤٨ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ
قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ
أَحْمَدَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الرَّازِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ
عَلِيِّ بْنِ أَبِي عُثْمَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَمَّادِ
الْخَزَّازِ عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ الْقَرَّاطِيِّ قَالَ قَالَ
لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَا عَبْدَ الْعَزِيزِ إِنَّ الْإِيمَانَ
عَشْرُ دَرَجَاتٍ بِمَنْزِلَةِ السُّلْمِ يُصْعَدُ مِنْهُ مِرْقَاةٌ
بَعْدَ الْمِرْقَاةِ فَلَا تَقُولَنَّ صَاحِبُ الْوَاحِدِ لِصَاحِبِ
الْإِثْنَيْنِ لَسْتُ عَلَى شَيْءٍ حَتَّى يَنْتَهِيَ إِلَيَّ
الْعَاشِرَةَ وَ لَا تُسْقِطَنَّ مَنْ هُوَ دُونَكَ فَيُسْقِطَنَّكَ
الَّذِي هُوَ فَوْقَكَ فَإِذَا رَأَيْتَ مَنْ هُوَ أَسْفَلَ مِنْكَ
فَارْفَعَهُ إِلَيْكَ بِرَفْقٍ وَ لَا تَحْمِلَنَّ عَلَيْهِ مَا لَا
يُطِيقُ فَتَكْسِرَهُ فَإِنَّهُ مَنْ كَسَرَ مُؤْمِنًا فَعَلَيْهِ
جِبْرُهُ وَ كَانَ الْمِقْدَادُ فِي الثَّامِنَةِ وَ أَبُو ذَرٍّ
فِي التَّاسِعَةِ وَ سَلْمَانَ فِي الْعَاشِرَةِ

٤٨ - عبد العزيز قرطبي گوید: امام
صادق عليه السلام بمن فرمود: ای عبد العزيز
براستی که ایمان ده درجه است بمانند
نردبان که می‌بایست پله پله از آن بالا
رفت پس کسی که دارای یک درجه از ایمان
است به آنکه دارای دو درجه است نباید
بگوید تو را ایمانی نیست و همین طور
(دومی بسومی) تا بدهمی برسد و آن را که
در درجه پائین از تو است نباید ساقط از
ایمانش پنداری (که اگر چنین باشد) آنکه
در درجه بالاتر از تو است می‌بایست تو را
ساقط پندارد.

بلکه پائین‌تر از خود را که دیدی با
مهربانی بدرجه خودت برسان و آنچه را که
توانایش را

ندارد بر او بار مکن که کمرش خواهد
شکست و حقا کسی که دل مؤمنی را بشکند بر
او لازم است که جبران‌اش کند و بهبودش

سازد و مقدار در درجه هشتم بود و ابو ذر در نهم و سلمان در دهم.

٤٩ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُعَاوِيَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَمَّادِ أَخِي يُوسُفَ بْنِ حَمَّادِ الْخِرَازِيِّ عَنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ الْقَرَّاطِيِّ قَالَ دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَذَكَرْتُ لَهُ شَيْئاً مِنْ أَمْرِ الشَّيْعَةِ وَ مِنْ أَقَاوِيلِهِمْ فَقَالَ يَا عَبْدَ الْعَزِيزِ الْإِيمَانُ عَشْرُ دَرَجَاتٍ بِمَنْزِلَةِ السُّلْمِ لَهُ عَشْرُ مَرَاقِي وَ تُرْتَقَى مِنْهُ مِرْقَاةٌ بَعْدَ مِرْقَاةٍ فَلَا يَقُولَنَّ صَاحِبُ الْوَاحِدَةِ لِصَاحِبِ الثَّانِيَةِ لَسْتُ عَلَى شَيْءٍ وَ لَا يَقُولَنَّ صَاحِبُ الثَّانِيَةِ لِصَاحِبِ الثَّلَاثَةِ لَسْتُ عَلَى شَيْءٍ حَتَّى انْتَهَى إِلَى الْعَاشِرَةِ قَالَ وَ كَانَ سَلْمَانُ فِي الْعَاشِرَةِ وَ أَبُو ذَرٌّ فِي الثَّاسِعَةِ وَ الْمُقَدَّادُ فِي الثَّمَانَةِ يَا عَبْدَ الْعَزِيزِ لَا تُسْقِطْ مَنْ هُوَ دُونَكَ فَيُسْقِطَكَ مَنْ هُوَ فَوْقَكَ إِذَا رَأَيْتَ الَّذِي هُوَ دُونَكَ فَقَدَرْتَ أَنْ تَرْفَعَهُ إِلَى دَرَجَتِكَ رَفْعاً رَفِيقاً فَافْعَلْ وَ لَا تَحْمِلَنَّ عَلَيْهِ مَا لَا يُطِيقُهُ فَتَكْسِرَهُ فَإِنَّهُ مَنْ كَسَرَ مُؤْمِناً فَعَلَيْهِ جَبْرُهُ لِأَنَّكَ إِذَا ذَهَبْتَ تَحْمِلُ الْقَصِيلَ حَمْلَ الْبَازِلِ فَسَخَّتُهُ

٤٩ - عبد العزيز قرطبي گوید: خدمت امام صادق عليه السلام رسیدم و پاره ای از کار و گفتار شیعیان بعرض رساندم فرمود: ای عبد العزيز ایمان مانند نردبانی که ده پله داشته باشد ده درجه دارد که میبایست پله پله از آن بالا روی پس آنکه دارای يك درجه است نبایست به آنکه در درجه دوم است بگوید تو ایمان درستی نداری و آنکه در دومی است بآن که در سومی است نباید بگوید تو ایمان نداری و همین طور تا برسد بدهمی و فرمود: که سلمان در درجه دهم بود و ابو ذر در درجه نهم و مقدار در هشتم.

ای عبد العزیز آنکه را که از تو پائین‌تر است ساقط می‌پندار که (اگر چنین باشد) آنکه در درجه بالاتر از تو است باید تو را ساقط از ایمان پندارد هر گاه کسی را که از تو پائین‌تر است دیدی و توانستی او را با نرمی بدرجه خویش بالا ببری همین کار بکن و (مراقب باش) که چیز طاقت فرسایی بر او بار نکنی که (کمرش را) خواهی شکست.

و برآستی کسی که دل مؤمنی را بشکند بر او لازم است که جبران‌ش کند زیرا اگر تو بار شتر نه ساله را به شتری که تازه از شیر باز گرفته شده بنهی کمرش را خواهی شکست.

پاداش کسی که ده سال برای رضای خدا اذان بگوید

ثواب من أذن عشر سنين محتسبا
 ۵۰ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنْ مُضْعَبِ بْنِ سَلَامِ التَّمِيمِيِّ عَنْ سَعْدِ بْنِ طَرِيفٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ مَنْ أَذَّنْ عَشْرَ سِنِينَ مُحْتَسِبًا يَغْفِرُ اللَّهُ لَهُ مَدَّ بَصْرِهِ وَ مَدَّ صَوْتَهُ فِي السَّمَاءِ وَ يُصَدِّقُهُ كُلُّ رَطْبٍ وَ يَابِسٍ سَمِعَهُ وَ لَهُ مِنْ كُلِّ مَنْ يُصَلِّيَ مَعَهُ فِي مَسْجِدِهِ سَهْمٌ وَ لَهُ مِنْ كُلِّ مَنْ يُصَلِّيَ بِصَوْتِهِ حَسَنَةٌ

۵۰ - امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: کسی که ده سال برای رضای خدا اذان بگوید خداوند تا آنجا که چشمش در فضا دید دارد و آوازش بآنجا میرسد او را می‌آمزد و هر خشک و تری که آوازش را بشنود او را تصدیق می‌کند و از هر کس که با او در مسجدش نماز بخواند سهمی دارد و از هر کس که بآواز اذان او نماز بخواند يك حسنة پاداش دارد.

در مسواک ده فایده است

فی السواک عشر خصال

۵۱ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْحُسَيْنِ اللَّوْلُوبِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ يُونُسَ عَنْ مُعَاذِ الْجَوْهَرِيِّ عَنْ عَمْرِو بْنِ جُمَيْعٍ بِإِسْنَادِهِ رَفَعَهُ إِلَى النَّبِيِّ ﷺ قَالَ السُّوَاكُ فِيهِ عَشْرُ خِصَالٍ مَطَهَّرَةٌ لِلْفَمِ مَرْضَاةٌ لِلرَّبِّ يُضَاعِفُ الْحَسَنَاتِ سَبْعِينَ ضِعْفًا وَ هُوَ مِنَ السُّنَّةِ وَ يَذْهَبُ الْحَفَرَ وَ يُبَيِّضُ الْأَسْنَانَ وَ يَشُدُّ اللَّتَّةَ وَ يَقْطَعُ الْبَلْغَمَ وَ يَذْهَبُ بِغِشَاوَةِ الْبَصَرِ وَ يُشْهِى الطَّعَامَ

۵۱ - رسول خدا ﷺ فرمود: در مسواک ده فایده است: پاک‌کننده دهان است و موجب رضای پروردگار و پاداش‌های نیک را هفتاد برابر کند و از سنت پیغمبر است و زردی دندان را بزدايد و دندانش را سفید کند و لثه را محکم سازد و بلغم را ببرد و تاریکی را از چشم بردارد و اشتهای خوراک آورد.

نشانه‌های قیامت ده است

آیات الساعة عشر

۵۲ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْوَرَّاقُ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْفَرَجِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ بَيَانَ الْمُقَرِّيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ سَابِقٍ قَالَ حَدَّثَنَا زَائِدَةُ عَنِ الْأَعْمَشِ قَالَ حَدَّثَنَا فَرَاتُ الْقَزَّازُ عَنْ أَبِي الطُّفَيْلِ عَامِرِ بْنِ وَائِلَةَ عَنْ حُدَيْفَةَ بْنِ أَسِيدِ الْغِفَارِيِّ قَالَ كُنَّا جُلُوسًا فِي الْمَدِينَةِ فِي ظِلِّ حَائِطٍ قَالَ وَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فِي عُرْفَةٍ فَاطَّلَعَ عَلَيْنَا فَقَالَ فِيمَ أَنْتُمْ فَقُلْنَا نَتَحَدَّثُ قَالَ عَمَّ ذَا قُلْنَا عَنِ السَّاعَةِ فَقَالَ إِنَّكُمْ لَا تَرَوْنَ السَّاعَةَ حَتَّى تَرَوْنَ قَبْلَهَا

عَشْرَ آيَاتٍ طُلُوعَ الشَّمْسِ مِنْ مَغْرِبِهَا وَ الدَّجَالَ
 وَ ذَابَّةَ الْأَرْضِ وَ ثَلَاثَةَ خُسُوفٍ فِي الْأَرْضِ خَسْفٌ
 بِالْمَشْرِقِ وَ خَسْفٌ بِالْمَغْرِبِ وَ خَسْفٌ بِجَزِيرَةِ
 الْعَرَبِ وَ خُرُوجَ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ عليه السلام وَ خُرُوجَ
 يَأْجُوجَ وَ مَاجُوجَ وَ تَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ نَارٌ
 تَخْرُجُ مِنَ الْيَمَنِ مِنْ قَعْرِ الْأَرْضِ لَا تَدَعُ خَلْفَهَا
 أَحَدًا تَسُوقُ النَّاسَ إِلَى الْمَحْشَرِ كُلَّمَا قَامُوا
 قَامَتْ لَهُمْ تَسُوقُهُمْ إِلَى الْمَحْشَرِ

۵۲ - حذيفة بن اسيد غفاري گوید: بسايه
 ديواری در مدينه نشسته بوديم و رسول خدا
صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم در غرفه ای

تشریف داشت نظرش بما افتاد و فرمود:
 در چه کارید؟

عرض کردیم صحبت میکنیم فرمود: از چه؟
 عرض کردیم از قیامت فرمود: شما قیامت را
 نخواهید دید تا آنکه پیش از آن ده نشانه
 به بینید سرزدن آفتاب را از مغربش و
 دجال را و جنبنده مخصوصی را بر روی زمین
 و سه فرو رفتن را در زمین:

یکی در خاور و یکی در باختر و یکی در
 جزیره العرب و خروج عیسی بن مریم و خروج
 یاجوج و ماجوج را و در پایان عمر دنیا
 آتشی از درون زمین در یمن بیرون می آید
 که هیچ کس را پشت سر خود نمیگذارد و
 مردم را بصرای محشر میراند هر جا که از
 رفتار بایستند آتش هم می ایستد و آنان را
 به محشر میراند.

رسول خدا صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم در شبانه روزی ده طواف هفت شوطی بجا می آورد

كان رسول الله صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم يطوف بالليل و النهار
 عشرة أسباع

۵۳ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
 سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي إِبْرَاهِيمُ بْنُ
 مَهْزِيَارٍ عَنْ أَخِيهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ

عَنْ صَفْوَانَ وَ الْقَاسِمِ عَنِ الْكَاهِلِيِّ عَنِ أَبِي
الْفَرَجِ قَالَ سَأَلَ أَبَانَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَمَا كَانَ
لِرَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله طَوَافٌ يُعْرَفُ بِهِ قَالَ كَانَ رَسُولُ
اللَّهِ صلى الله عليه وآله يَطُوفُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ عَشْرَةَ أَسْبَاعٍ ثَلَاثَةَ
أَوَّلِ النَّهَارِ وَثَلَاثَةَ آخِرِ اللَّيْلِ وَ اثْنَيْنِ
إِذَا أَصْبَحَ وَ اثْنَيْنِ بَعْدَ الظُّهْرِ وَ كَانَ فِيمَا
بَيْنَ ذَلِكَ رَاحَتُهُ

۵۳ - ابی فرج گوید: ابان از امام صادق عليه السلام پرسید: رسول خدا صلى الله عليه وآله را طواف مخصوصی بود؟

فرمود: رسول خدا صلى الله عليه وآله در شبانه روزی ده طواف هفت شوطی بجا می‌آورد سه طواف در اول روز و سه طواف در آخر شب و دو طواف در بامداد و دو طواف بعد از ظهر و در این میانه استراحت می‌فرمود.

در باره کسی که با زنی در يك روز ماه رمضان ده بار عمل جنسی انجام دهد

فیمن واقع امرأة فی يوم من شهر رمضان
عشر مرات
۵۴ - حَدَّثَنَا أَبُو طَالِبٍ الْمُظَفَّرُ بْنُ جَعْفَرِ
بْنِ الْمُظَفَّرِ الْعَلَوِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مَسْعُودٍ عَنْ أَبِيهِ أَبِي
النُّضْرِ مُحَمَّدِ بْنِ مَسْعُودِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيَّاشِ
الْعِيَّاشِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ أَحْمَدَ قَالَ
حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ شَجَاعٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ
عُثْمَانَ عَنْ حُمَيْدِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ
بْنِ صَالِحٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْفَتْحِ بْنِ يَزِيدَ
الْجُرْجَانِيِّ أَنَّهُ كَتَبَ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام سَأَلَهُ
عَنْ رَجُلٍ وَاقِعَ امْرَأَةً فِي شَهْرِ رَمَضَانَ مِنْ حِلٍّ
أَوْ حَرَامٍ عَشْرَ مَرَّاتٍ قَالَ عَلَيْهِ عَشْرُ كَفَّارَاتٍ
لِكُلِّ مَرَّةٍ كَفَّارَةٌ قَالَ فَإِنْ أَكَلَ أَوْ شَرِبَ
فَكَفَّارَةٌ يَوْمٍ وَاحِدٍ

۵۴ - فتح بن یزید جرجانی نامه ای بحضرت موسی بن جعفر علیه السلام نوشت در نامه پرسیده بود از

حکم مردیکه با زنی در ماه رمضان چه حلال و چه حرام ده بار عمل جنسی انجام داده است حضرت فرمود: ده كفاره بر او لازم می‌آید برای هر بار يك كفاره و فرمود: اگر (چند بار در يك روز) بخورد یا بیاشامد فقط كفاره يك روز بر او لازم است.

ده سخن پند آمیز

عشر کلمات عظات

۵۵ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّقَّارُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ ابَانَ بْنِ عَثْمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ جَاءَ إِلَيْهِ رَجُلٌ فَقَالَ لَهُ بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي عِظْنِي مَوْعِظَةً فَقَالَ عليه السلام إِنْ كَانَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى قَدْ تَكْفَلَ بِالرِّزْقِ فَأَهْتِمَامُكَ لِمَا ذَا وَ إِنْ كَانَ الرِّزْقُ مَقْسُومًا فَالْحِرْصُ لِمَا ذَا وَ إِنْ كَانَ الْحِسَابُ حَقًّا فَالْجَمْعُ لِمَا ذَا وَ إِنْ كَانَ الْخَلْفُ مِنَ اللَّهِ حَقًّا فَالْبُخْلُ لِمَا ذَا وَ إِنْ كَانَتِ الْعُقُوبَةُ مِنَ النَّارِ فَالْمَعْصِيَةُ لِمَا ذَا وَ إِنْ كَانَ الْمَوْتُ حَقًّا فَالْفَرَحُ لِمَا ذَا وَ إِنْ كَانَ الْعَرَضُ عَلَى اللَّهِ حَقًّا فَالْمَكْرُ لِمَا ذَا وَ إِنْ كَانَ الْمَمَرُ عَلَى الصِّرَاطِ حَقًّا فَالْعُجْبُ لِمَا ذَا وَ إِنْ كَانَ كُلُّ شَيْءٍ بِقَضَاءٍ وَ قَدَرٍ فَالْحُزْنُ لِمَا ذَا وَ إِنْ كَانَتِ الدُّنْيَا فَانِيَةً فَالطُّمَأْنِينَةُ إِلَيْهَا لِمَا ذَا

۵۵ - ابان بن عثمان گوید: مردی بخدمت امام صادق علیه السلام آمد و عرض کرد پدر و مادرم به قربانت مرا پندی ده حضرت فرمود: اگر خدای تبارک و تعالی عهده دار روزی است

پس برای چه غم روزی می‌خورند؟ و اگر روزی قسمت شده است چرا باید حرص ورزید؟ و اگر حساب حق است جمع مال چرا؟ و اگر عوض آنچه در راه خدا داده شود حق است بخل‌ورزیدن برای چه؟ و اگر کیفری از آتش هست گناه چرا؟ و اگر مرگ حق است شادی برای چه؟ و اگر نمایان بودن کارها بر خداوند حق است حيله و مکر برای چیست؟ و اگر گذشتن بر صراط حق است بخود بالیدن برای چه؟ و اگر همه چیز بقضا و قدر الهی است اندوه برای چیست؟ و اگر دنیا فانی است دلبستگی بآن برای چیست؟

ده طایفه از این امت بخدای بزرگ کافر هستند

كفر بالله العظيم من هذه الأمة عشرة
 ۵۶ - حَدَّثَنَا أَبُو الْحُسَيْنِ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنُ الشَّاهِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو حَامِدٍ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو يَزِيدَ أَحْمَدُ بْنُ خَالِدِ الْخَالِدِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ صَالِحِ التَّمِيمِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي قَالَ حَدَّثَنَا أَنَسُ بْنُ مُحَمَّدٍ أَبُو مَالِكٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ

عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ فِي وَصِيَّتِهِ لَهُ يَا عَلِيُّ كَفَرَ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ عَشْرَةٌ الْقَتْلُ وَالسَّاحِرُ وَالذُّيُوثُ وَنَاكِحُ امْرَأَةٍ حَرَامًا فِي دُبُرِهَا وَنَاكِحُ الْبَهِيمَةِ وَمَنْ نَكَحَ ذَاتَ مَحْرَمٍ مِنْهُ وَالسَّاعِي فِي الْفِتْنَةِ وَالْبَائِعُ السَّلَاحَ مِنْ أَهْلِ الْحَرْبِ وَمَانِعُ الزَّكَاةِ وَمَنْ وَجَدَ سَعَةً فَمَاتَ وَ لَمْ يَحُجَّ

۵۶ - رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ضمن وصیبتی به علی عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: ای علی از این امت ده طایفه بخدای بزرگ کافر هستند: آدم کش و جادوگر و دیوث و کسی که با زنی بحرام عمل جنسی

را از پس انجام دهد و کسی که حیوانی را
 وطی کند و کسی که با محرم فامیلی خود هم
 بستر گردد و کسی که فتنه انگیزد و کسی
 که بدشمنان محارب مسلمانان اسلحه بفروشد
 و کسی که زکاة نهد و کسی که وسعت مالی
 داشته باشد و حج نکرده بمیرد.

تیرهای قمار که مردم دوران جاهلیت با آنها تقسیم میکردند ده بود

الأزلام التي كان أهل الجاهلية
 يستقسمون بها عشرة

٥٧ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ زِيَادٍ بْنُ جَعْفَرِ
 الْهَمْدَانِيِّ وَ الْحُسَيْنِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَحْمَدَ
 بْنِ هِشَامِ بْنِ الْمُؤَدَّبِ وَ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ
 الْوَرَّاقِ وَ حَمْرَةَ بْنَ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنَ جَعْفَرِ
 بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ زَيْدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ
 بْنِ أَيْ طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالُوا حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ
 إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ سَنَةَ سَبْعٍ وَ ثَلَاثِمِائَةٍ قَالَ
 حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ أَبِي أَحْمَدَ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادِ
 الْأَزْدِيِّ وَ أَحْمَدَ بْنَ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ
 الْبَزَنْطِيِّ جَمِيعاً عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ الْأَحْمَرِ
 عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبَ عَنْ أَبِي جَعْفَرِ مُحَمَّدِ بْنِ
 عَلِيِّ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَّ
 حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ الْمَيْتَةُ وَ الدَّمُ وَ لَحْمُ الْخِنْزِيرِ
 الْآيَةَ قَالَ الْمَيْتَةُ وَ الدَّمُ وَ لَحْمُ الْخِنْزِيرِ
 مَعْرُوفٌ وَ مَا أَهْلٌ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ يَعْنِي مَا ذَبِحَ
 لِلْأَصْنَامِ وَ أَمَّا الْمُنْخَنِقَةُ فَإِنَّ الْمَجُوسَ كَانُوا
 لَا يَأْكُلُونَ الدَّبَائِحَ وَ يَأْكُلُونَ الْمَيْتَةَ وَ
 كَانُوا يَخْنُقُونَ الْبَقَرَ وَ الْعَنَمَ فَإِذَا اخْتَنِقَتْ
 وَ مَاتَتْ أَكَلُوهَا وَ الْمُتَرَدِّيَّةُ كَانُوا يَشُدُّونَ
 أَعْيُنَهَا وَ يُلْقُونَهَا مِنْ السَّطْحِ فَإِذَا مَاتَتْ
 أَكَلُوهَا وَ النَّطِيحَةُ كَانُوا يُنَاطِحُونَ بِالْكَبَاشِ
 فَإِذَا مَاتَتْ أَحَدَهَا أَكَلُوهَا وَ مَا أَكَلَ السَّبْعُ
 إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ فَكَانُوا يَأْكُلُونَ مَا يَقْتُلُهُ
 الدَّبُّ وَ الْأَسَدُ فَحَرَّمَ اللَّهُ ذَلِكَ وَ مَا ذَبِحَ عَلَى
 النَّصْبِ كَانُوا يَذْبَحُونَ لِبُيُوتِ النَّيْرَانِ وَ

قُرَيْشٌ كَانُوا يَعْبُدُونَ الشَّجَرَ وَالصَّخْرَ
فَيَذَبُحُونَ لَهُمَا وَ أَنْ تَسْتَقْسِمُوا بِالْأَزْلَامِ ذَلِكَ
فِسْقٌ قَالَ كَانُوا يَعْبُدُونَ إِلَى الْجَزُورِ
فَيَجْزُونَهُ عَشْرَةَ أَجْزَاءٍ ثُمَّ يَجْتَمِعُونَ عَلَيْهِ
فَيُخْرِجُونَ السَّهَامَ وَيَدْفَعُونَهَا إِلَى رَجُلٍ وَ
السَّهَامُ عَشْرَةُ سَبْعَةٍ لَهَا أَنْصِبَاءٌ وَ ثَلَاثَةٌ لَأَنْصِبَاءٍ لَهَا فَالَّتِي لَهَا أَنْصِبَاءٌ الْفَدُ وَ
التَّوَامُ وَ الْمُسَيْلُ وَ النَّافِيسُ وَ الْجِلْسُ وَ
الرَّقِيبُ وَ الْمُعَلَى وَ الْفَدُ لَهُ سَهْمٌ وَ التَّوَامُ
لَهُ سَهْمَانِ وَ الْمُسَيْلُ لَهُ ثَلَاثَةٌ أَسْهُمٌ وَ
النَّافِيسُ لَهُ أَرْبَعَةٌ أَسْهُمٌ وَ الْجِلْسُ لَهُ خَمْسَةٌ
أَسْهُمٌ وَ الرَّقِيبُ لَهُ سِتَّةٌ أَسْهُمٌ وَ الْمُعَلَى لَهُ
سَبْعَةٌ أَسْهُمٌ وَ الَّتِي لَأَنْصِبَاءٍ لَهَا السَّفِيحُ وَ
الْمَنِيحُ وَ الْوَعْدُ وَ ثَمَنُ الْجَزُورِ عَلَى مَنْ لَا
يُخْرِجُ لَهُ مِنَ الْأَنْصِبَاءِ شَيْءٌ وَ هُوَ الْقِمَارُ
فَحَرَّمَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ

۵۷ - امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه مبارکه
که خداوند میفرماید مردار و خون و گوشت
خوک بر شما حرام شده است فرمود: مردار و
خون و گوشت خوک که معروف است و اما آنچه
برای غیر خدا کشته شود حیوانی است که
برای بتها قربانی شود و اما منخنقة: آن
است که مجوس را عادت بر این بود که
حیوان سربریده نمیخوردند و مردار
میخوردند و گاو و گوسفند را خفه میکردند
و چون خفه میشد و میمرد آن را میخوردند
و معنای (متردیة) اینکه مجوس چشمهای
حیوان را میبستند و از پشت بام اش
می افکندند و چون به این ترتیب میمرد آن
را میخوردند و معنای (نطیحة) اینکه
گوسفندها را شاخ بشاخ هم می انداختند و
چون یکی در این میان میمرد آن را
میخوردند و معنای (مَا أَكَلَ السَّبْعُ إِلَّا مَا
ذَكَيْتُمْ) اینکه آنچه را که

گرگ و شیرشان میکشت میخوردند و خداوند
حرامش کرد و معنای (مَا ذُبِحَ عَلَى النُّصَبِ)
اینکه مجوس برای آتشکده ها قربانی

می‌کردند و قریش هم که درخت و سنگ می‌پرستیدند برای آن دو قربانی می‌کردند و معنای ﴿وَأَنْ تَسْتَفْسِمُوا بِالْأَزْلَامِ﴾ این است که شتری را می‌کشتند و آن را ده بخش می‌کردند سپس گرد هم آمده و تیرها را بیرون آورده و هر يك از تیرها را بیکی میدادند عدد تیرها ده بود که هفت عدد از آنها سهم بر بود و سه عدد بی‌سهم تیرهایی که سهم‌بر بودند بنام فذ و توأم و مسبل و نافس و حلس و رقیب و معلى بودند که فذ يك سهم داشت و توأم دو سهم و مسبل سه سهم و نافس چهار سهم و حلس پنج سهم و رقیب شش سهم و معلى هفت سهم و تیرهایی که سهم‌بر نبود بنام سفیح و منیح و وغد بودند و بهای شتر بعهدہ کسی بود که از تیرهای سهم‌بر بنام او در نیامده باشد و این نحو تقسیم قمارى بود که خدای عز و جل آن را حرام فرمود.

(شرح:)

بنا بر این روایت ده جزء کردن شتر چنانچه در اول روایت است وجهی ندارد بلکه می‌بایست به بیست و هشت جزء قسمت شود.

آنچه بر هر مسلمانی لازم است که همه روزه پیش از سرزدن آفتاب ده بار بخواند و پیش از غروب هم ده بار ما فرض علی کل مسلم أن یقولہ کل یوم قبل طلوع الشمس عشر مرات و قبل غروبها عشر مرات

۵۸ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْقَطَّانُ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا الْقَطَّانُ عَنْ بَكْرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَبِيبٍ قَالَ حَدَّثَنَا تَمِيمُ بْنُ بَهْلُولٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ الْفَضْلِ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ سَبَّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَ قَبْلَ غُرُوبِهَا فَقَالَ فَرِيضَةُ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ أَنْ يَقُولَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ عَشْرَ مَرَّاتٍ وَ قَبْلَ

عُرُوبِهَا عَشْرَ مَرَّاتٍ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ قَالَ فَقُلْتُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ يُمِيتُ وَ يُحْيِي فَقَالَ يَا هَذَا لَا شَكَّ فِي أَنْ اللَّهَ يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ يُمِيتُ وَ يُحْيِي وَ لَكِنْ قُلْ كَمَا أَقُولُ

۵۸ - اسماعیل بن فضل گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم از معنای آیه مبارکه که خدای عز و جل میفرماید: «بستایش پروردگارت تسبیح گو باش پیش از سرزدن آفتاب و پیش از غروب کردنش فرمود: لازم است بر هر فرد مسلمان که پیش از سرزدن آفتاب ده بار و پیش از غروبش ده بار بگوید

لا اله الا الله وحده لا شريك له له الملك و له الحمد يحيى و يميت و هو حى لا يموت بيده الخير و هو على كل شيء قدير. گوید: من گفتم لا اله الا الله وحده لا شريك له له الملك و له الحمد يحيى و يميت و يميت و يحيى فرمود: ای فلانی در اینکه خدای تعالی زنده میکند و میمیراند و میمیراند و زنده میکند شکی نیست ولی چنانچه من میگویم بگو. شرح:-

مقصود حضرت تعبد بدستوراتی است که از شرع مقدس میرسد و میبایست بدون دخل و تصرف در آنها عمل کرد.

پسران عبد المطلب ده تن بودند

و عباس بنو عبد المطلب عشرة و العباس ۵۹ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ زِيَادٍ بْنُ جَعْفَرٍ الْهَمْدَانِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ الْأَحْمَرِ قَالَ

سَمِعْتُ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ يُحَدِّثُ عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ
 سَمِعْتُ جَابِرَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيَّ يَقُولُ سُئِلَ
 رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنْ وُلْدِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ فَقَالَ عَشْرَةٌ
 وَ الْعَبَّاسُ

قال مصنف هذا الكتاب رضى الله عنه و هم
 عبد الله و أبو طالب و الزبير و حمزة و
 الحارث و هو أسنهم و الغيداق و المقوم و
 حجل و عبد العزى و هو أبو لهب و ضرار و
 العباس و من الناس من يقول إن المقوم هو
 حجل. و لعبد المطلب عشرة أسماء تعرفه
 بها العرب و ملوك القياصرة و ملوك العجم
 و ملوك الحبشة فمن أسمائه عامر و شيبه
 الحمد و سيد البطحاء و ساقى الحجيج و
 ساقى المغيث و غيث الورى فى العام الجذب
 و أبو السادة العشرة و عبد المطلب و
 حافر زمزم و ليس ذلك لمن تقدمه

۵۹ - ابان بن عثمان احمر گوید شنیدم
 که امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ از پدرش نقل میفرمود: و
 آن حضرت از جابر بن عبد الله انصاری که
 میگفت از رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پرسیدند عبد
 المطلب را چند پسر بود فرمود: ده تن بود
 و عباس.

(مصنف) این کتاب صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ گوید:

آنان عبد الله و ابو طالب و زبير و حمزه
 و حارث که از همه بزرگتر بود و غيداق و
 مقوم و حجل و عبد العزى که همان ابو لهب
 است و ضرار و عباس بودند و بعضی از مردم
 برآند که مقوم همان حجل است و عبد
 المطلب را ده نام بود که عرب و پادشان
 روم و پادشان عجم و پادشان حبشه او را
 بآن نامها می شناختند و از جمله نامهای
 او عامر بود: آبادکننده و شيبه الحمد:
 چون مویی سپید بر پیشانی داشت و نیکو
 خصال بود و سيد البطحاء: آقا و بزرگ مکه
 و ساقى الحجيج: ساقى حاجيان و ساقى
 المغيث: ساقى پناه آورنده و غيث الورى

فی العام الجذب: پناه مردم در خشکسالی و
ابو السادة العشرة: پدر ده آقا و عبد
المطلب، و حافر زمزم: احداثکننده چاه
زمزم و این چنین نامها برای هیچ يك از
پیشینیانش نبود.

أبواب الأحد عشر (بابهای یازده گانه)

نامهای یازده ستاره‌ای که یوسف آنها را در خواب دید

که با خورشید و ماه با و سجده میکنند
أَسْمَاءُ الْكَوَاكِبِ الْأَحَدِ عَشَرَ الَّتِي رَأَاهَا
يُوسُفُ عليه السلام فِي الْمَنَامِ لَهُ سَاجِدِينَ مَعَ الشَّمْسِ وَ
القَمَرِ

۱ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى بْنِ
عِمْرَانَ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ رَجُلٍ عَنْ
سُلَيْمَانَ بْنِ زِيَادِ الْمِنْقَرِيِّ عَنْ عَمْرِو بْنِ شَمْرِ
عَنْ إِسْمَاعِيلِ السُّدِّيِّ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ سَابِطِ
الْقُرَشِيِّ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ فِي قَوْلِ
اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ حِكَايَةَ عَنْ يُوسُفَ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ
عَشَرَ كَوْكَبًا وَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي
سَاجِدِينَ فَقَالَ فِي تَسْمِيَةِ النُّجُومِ وَ هُوَ
الطَّارِقُ وَ جَرَبَانُ وَ الدِّيَالُ وَ ذُو الْكَنْفَانِ وَ
ذُو الْقَرْعِ وَ قَابِسُ وَ وَثَابُ وَ عَمُودَانُ وَ فَيْلِقُ
وَ مُصْبِحُ وَ الضَّرُوحُ وَ الضِّيَاءُ وَ النُّورُ يَعْنِي
الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ وَ كُلُّ هَذِهِ الْكَوَاكِبِ مُحِيطَةٌ
بِالسَّمَاءِ

۱ - جابر بن عبد الله انصاری در معنی آیه
مبارکه که خدای عز و جل از زبان یوسف
بیان میفرماید:

که من یازده ستاره را با خورشید و ماه
دیدم که بمن سجده میکنند گوید: نام آن
ستاره‌گان: طارق بود و جریان و ذیال و ذو
الکنفان و ذو القرع و قابس و وثاب و
عمودان و فیلق و مصبح و ضروح (و ضیاء و
نور) یعنی خورشید و ماه و همه این
ستاره‌گان را دید که اطراف آسمان را فرا
گرفته اند.

۲ - حَدَّثَنَا أَبُو مُحَمَّدٍ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ حَامِدٍ قَالَ
 أَخْبَرَنَا أَبُو بَكْرِ مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ قَالَ حَدَّثَنَا
 ابْنُ عَرَفَةَ يَغْنِي الْحَسَنُ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَكَمُ بْنُ
 ظَهْرٍ عَنِ السُّدِّيِّ عَنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ سَابِطِ
 الْقُرَشِيِّ عَنِ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ أَتَى
 النَّبِيَّ ﷺ رَجُلٌ مِنَ الْيَهُودِ يُقَالُ لَهُ بُسْتَانُ
 الْيَهُودِيِّ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ أَخْبِرْنِي عَنِ الْكَوَاكِبِ
 الَّتِي رَأَاهَا يُوسُفُ ﷺ أَنَّهَا سَاجِدَةٌ مَا أَسْمَاؤُهَا
 فَلَمْ يُجِبْهُ نَبِيُّ اللَّهِ ﷺ يَوْمَئِذٍ فِي شَيْءٍ وَ نَزَلَ
 جِبْرَائِيلُ ﷺ بَعْدُ فَأَخْبَرَ النَّبِيَّ ﷺ بِأَسْمَائِهَا
 قَالَ فَبَعَثَ نَبِيُّ اللَّهِ ﷺ إِلَى بُسْتَانَ فَلَمَّا أَنْ
 جَاءَهُ قَالَ النَّبِيُّ ﷺ هَلْ أَنْتَ تُسَلِّمُ إِنْ
 أَخْبَرْتُكَ بِأَسْمَائِهَا قَالَ فَقَالَ لَهُ نَعَمْ فَقَالَ
 لَهُ النَّبِيُّ

ص جَرَبَانُ وَ الطَّارِقُ وَ الـذِّيَالُ وَ ذُو
 الْكَنْفَانِ وَ قَابِسُ وَ وَثَابُ وَ عَمُودَانُ وَ
 الْفَيْلِقُ وَ الْمُصْبِحُ وَ الضَّرُوحُ وَ ذُو الْقَرْعِ وَ
 الضِّيَاءُ وَ النُّورُ رَأَاهَا فِي أَفْقِ السَّمَاءِ
 سَاجِدَةٌ لَهُ فَلَمَّا قَصَّهَا يُوسُفُ ﷺ عَلَى يَعْقُوبَ ﷺ
 قَالَ يَعْقُوبُ هَذَا أَمْرٌ مُتَشَتَّتٌ يَجْمَعُهُ اللَّهُ عَزَّ وَ
 جَلَّ بَعْدُ قَالَ فَقَالَ بُسْتَانُ وَ اللَّهُ إِنْ هَذِهِ
 لِأَسْمَاؤُهَا

۲ - جابر بن عبد الله گوید: مردی از یهود
 که او را بستان یهودی میگفتند خدمت
 پیغمبر آمد و عرض کرد: ای محمد بگو
 بدانم ستارگانی که یوسف آنها را دید که
 سجده میکنند نامشان چیست آن روز رسول
 خدا ﷺ هیچ پاسخی باو نداد و بعد
 جبرئیل فرود آمد و پیغمبر را از نامهای
 ستارگان آگاه کرد.

جابر گوید پیغمبر خدا پیام فرستاد و
 بستان آمد و فرمود اگر من نامهای
 ستارگان را برای تو بگویم اسلام را خواهی
 پذیرفت؟ عرض کرد: آری پیغمبر باو فرمود:
 جریان است و طارق و ذیال و ذو الکنفان و
 قابس و وثاب و عمودان و فیلق و مصبح و

ضروح و ذو القرع و ضیاء و نور که یوسف دید این ستارگان در اطراف آسمان او را سجده میکنند و چون جریان را برای یعقوب نقل کرد یعقوب گفت این کار پراکنده ای است که خداوند پس از مدتی آن را جمع خواهد فرمود.

جابر گوید: بستان گفت: بخدا نامهای آن ستارگان همین است.

نامهای زمزم یازده است

أسماء زمزم أحد عشر
 ۳ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ بْنِ الْبَزَنْطِيِّ عَنْ أَيْمَنَ بْنِ مُحَرَّرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ أَسْمَاءُ زَمْزَمَ رَكْضَةُ جَبْرَائِيلَ وَ حَفِيرَةُ إِسْمَاعِيلَ وَ حَفِيرَةُ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ وَ زَمْزَمُ وَ بَرَّةُ وَ الْمَضْمُونَةُ وَ الرَّوَاءُ وَ شَبْعَةُ وَ طَعَامٌ وَ مَطْعَمٌ وَ شِفَاءٌ سَقْمٍ

۳ - امام صادق عليه السلام فرمود: نامهای زمزم چنین است: رکزه جبرئیل: (جای پای جبرئیل) حفیره اسماعیل: (چاه کوچک اسماعیل) حفیره عبد المطلب: (چاه کوچک عبد المطلب) زمزم: (چون در موقع پیدایش آن مادر اسماعیل خاک در اطراف آب جمع کرد و بزبان عربی گفت زمزم یعنی بایست بایست) و برة: (نیکی دهنده) و مضمونة: (خدا نگهدار آن است) و رواء: (سیرابکننده) و شبعه (سیرکننده) و طعام: (خوراک) و مطعم: (حاجیان در کنار آن غذا میخورند) و شفاء سقم: (درمان درد).

أبواب الاثنى عشر (بابهاى) دوازده گانه)

باب يكم تا دوازدهم

باب الواحد إلى اثنى عشر
١ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ
يَحْيَى بْنِ عِمْرَانَ الْأَشْعَرِيِّ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو عَبْدِ
اللَّهِ الرَّازِيُّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عِيسَى بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ
عِيسَى بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْمُحَمَّديِّ مِنْ وَلَدِ مُحَمَّدِ ابْنِ
الْحَنَفِيَّةِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جَابِرٍ عَنْ عَطَاءٍ عَنْ
طَاوُسٍ قَالَ أَتَى قَوْمٌ مِنَ الْيَهُودِ عُمَرَ بْنَ
الْخَطَّابِ وَهُوَ يَوْمئِذٍ وَالِ عَلَى النَّاسِ فَقَالُوا
أَنْتَ وَالِىَ هَذَا الْأَمْرِ بَعْدَ نَبِيِّكُمْ وَقَدْ
أَتَيْنَاكَ نَسْأَلُكَ عَنْ أَشْيَاءَ إِنْ أَنْتَ أَخْبَرْتَنَا
بِهَا آمَنَّا وَصَدَّقْنَا وَاتَّبَعْنَاكَ فَقَالَ عُمَرُ
سَلُّوا عَمَّا بَدَا لَكُمْ قَالُوا أَخْبِرْنَا عَنْ أَقْفَالِ
السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَ مَفَاتِيحِهَا وَ أَخْبِرْنَا عَنْ
قَبْرِ سَارِ بِصَاحِبِهِ وَ أَخْبِرْنَا عَمَّنْ أَنْذَرَ قَوْمَهُ
لَيْسَ مِنَ الْجِنِّ وَ لَا مِنَ الْإِنْسِ وَ أَخْبِرْنَا عَنْ
مَوْضِعِ طَلَعَتْ فِيهِ الشَّمْسُ وَ لَمْ تَعُدْ إِلَيْهِ وَ
أَخْبِرْنَا عَنْ خَمْسَةِ لَمْ يُخْلَقُوا فِي الْأَرْحَامِ عَنْ
وَاحِدٍ وَ اثْنَيْنِ وَ ثَلَاثَةٍ وَ أَرْبَعَةٍ وَ خَمْسَةٍ وَ
سِتَّةٍ وَ سَبْعَةٍ وَ عَنْ ثَمَانِيَةٍ وَ تِسْعَةٍ وَ عَشْرَةٍ وَ
حَادِي عَشَرَ وَ ثَانِي عَشَرَ قَالَ فَأَطْرَقَ عُمَرُ سَاعَةً
ثُمَّ فَتَحَ عَيْنَيْهِ ثُمَّ قَالَ سَأَلْتُمْ عُمَرَ بْنَ
الْخَطَّابِ عَمَّا لَيْسَ لَهُ بِهِ عِلْمٌ وَ لَكِنَّ ابْنَ عَمِّ
رَسُولِ اللَّهِ ﷺ يُخَيْرُكُمْ بِمَا سَأَلْتُمُونِي عَنْهُ
فَأَرْسَلَ إِلَيْهِ فَدَعَاهُ فَلَمَّا أَتَاهُ قَالَ لَهُ يَا
أَبَا الْحَسَنِ إِنْ مَعَاشِرَ الْيَهُودِ سَأَلُونِي عَنْ
أَشْيَاءَ لَمْ أَجِبْهُمْ فِيهَا بِشَيْءٍ وَ قَدْ ضَمِنُوا لِي
إِنْ أَخْبَرْتُهُمْ أَنْ يُؤْمِنُوا بِالنَّبِيِّ ﷺ فَقَالَ
لَهُمْ عَلَيَّ يَا مَعْشَرَ الْيَهُودِ أَعْرَضُوا عَلَيَّ
مَسْأَلَكُمْ فَقَالُوا لَهُ مِثْلَ مَا قَالُوا لِعُمَرَ
فَقَالَ لَهُمْ عَلَيَّ أَ تُرِيدُونَ أَنْ تَسْأَلُوا عَنْ شَيْءٍ

سَوَى هَذَا قَالُوا لَا يَا أَبَا شَبْرَ وَ شَبِيرٍ فَقَالَ
لَهُ عَلِيٌّ أَمَّا أَقْفَالُ السَّمَاوَاتِ فَالشَّرْكَ بِاللهِ وَ
مَفَاتِيحُهَا قَوْلُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَ أَمَّا القَبْرُ
الَّذِي سَارَ بِصَاحِبِهِ فَالْحُوتُ
سَارَ بِيُونُسَ فِي بَطْنِهِ البَحَارِ السَّبْعَةَ وَ
أَمَّا الَّذِي أَنْذَرَ قَوْمَهُ لَيْسَ مِنَ الْجِنِّ وَ لَا مِنَ
الْإِنْسِ فَتِلْكَ نَمْلَةٌ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ عليه السلام أَمَّا
المَوْضِعُ الَّذِي طَلَعَتْ فِيهِ الشَّمْسُ فَلَمْ تَعُدْ
إِلَيْهِ فَذَلِكَ البَحْرُ الَّذِي أَنْجَى اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ
فِيهِ مُوسَى عليه السلام وَ غَرَّقَ فِيهِ فِرْعَوْنَ وَ أَصْحَابَهُ وَ
أَمَّا الخَمْسَةُ الَّذِينَ لَمْ يُخْلَقُوا فِي الأَرْحَامِ
فآدَمُ وَ حَوَاءُ وَ عَصَا مُوسَى وَ نَاقَةَ صَالِحٍ وَ
كَبْشُ إِبرَاهِيمَ عليه السلام وَ أَمَّا الوَاحِدُ فُاللهُ الوَاحِدُ
لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَمَّا الإِثْنَانِ فَآدَمُ وَ حَوَاءُ وَ
أَمَّا الثَّلَاثَةُ فَجَبْرَائِيلُ وَ مِيكَائِيلُ وَ إِسْرَافِيلُ
وَ أَمَّا الأَرْبَعَةُ فَالتُّورَةُ وَ الإنجِيلُ وَ
الزُّبُورُ وَ الفُرْقَانُ وَ أَمَّا الخَمْسُ فَخَمْسُ
صَلَوَاتٍ مَفْرُوضَاتٍ عَلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله وَ أَمَّا السِّتَّةُ
فَقَوْلُ اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لَقَدْ خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَ
الأَرْضِ وَ مَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَ أَمَّا
السَّبْعَةُ فَقَوْلُ اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ بَنَيْنَا فَوْقَكُمْ
سَبْعاً شِدَاداً وَ أَمَّا الثَّمَانِيَّةُ فَقَوْلُ اللهُ عَزَّ وَ
جَلَّ وَ يَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمَانِيَّةً وَ
أَمَّا التَّسْعَةُ فَالآيَاتُ المُنزَلَاتُ عَلَى مُوسَى بْنِ
عِمْرَانَ عليه السلام وَ أَمَّا العَشْرَةُ فَقَوْلُ اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ
وَاعَدْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَ أَتَمَمْنَا بِعَشْرِ
وَ أَمَّا الحَادِي عَشَرَ فَقَوْلُ يُوسُفَ لِأَبِيهِ إِنِّي
رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَباً وَ أَمَّا الإِثْنَا عَشَرَ
فَقَوْلُ اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ لِمُوسَى عليه السلام اضْرِبْ بِعَصَاكَ
الحَجَرَ فَانفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْناً قَالِ
فَأَقْبَلَ اليَهُودُ يَقُولُونَ نَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ
وَ أَنْ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله وَ أَنْكَ ابْنُ عَمِّ رَسُولِ
اللهِ صلى الله عليه وآله ثُمَّ أَقْبَلُوا عَلَى عَمْرٍ فَقَالُوا نَشْهَدُ أَنْ
هَذَا أَخُو رَسُولِ اللهِ صلى الله عليه وآله وَ اللهُ إِنَّهُ أَحَقُّ بِهَذَا
المَقَامِ مِنْكَ وَ أَسْلَمَ مَنْ كَانَ مَعَهُمْ وَ حَسَنَ
إِسْلَامُهُمْ

۱ - طاوس گوید: جمعی از یهود ایام حکومت عمر بن خطاب نزد او آمدند و گفتند: پس از پیغمبر شما تو زمام این کار را بدست گرفته‌ای و ما آمده ایم بنزد تو تا چیزهایی از تو بپرسیم که اگر به سؤالات ما پاسخ صحیح دادی ایمان آورده و تصدیق نموده و پیرو تو باشیم عمر گفت: هر چه می‌خواهید بپرسید گفتند: از قفل‌های هفت آسمان و کلیدهایش ما را خبر ده و از قبری که با صاحب‌اش گردش میکرد ما را آگاه کن و از کسی که بطایفه خود اعلام خطر کرد ولی نه از جن بود و نه از بشر ما را آگاه کن و از جایی که آفتاب بجز يك بار بآن نتابیده ما را آگاه کن و از پنج جانداري که در رحم آفریده نشده‌اند ما را آگاه کن و از يك و دو تا و سه تا و چهار تا و پنج تا و شش تا و هفت تا و از هشت تا و نه تا و ده تا و یازده تا و دوازده تا.

گوید: عمر مدتی سر بزیر افکند سپس چشم‌های خود را گشود و سپس گفت: از عمر بن الخطاب چیزی پرسیدید که نمیداند ولی پسر عموی رسول خدا ﷺ پاسخ شما را بسؤالاتی که از من کردید خواهد داد.

پس آنگاه کس بنزد علی عليه السلام فرستاد و او را دعوت کرد چون تشریف آورد عرض کرد ای ابا الحسن گروه یهودیان از من چیزهایی پرسیده‌اند که من بهیچ يك نتوانسته‌ام پاسخ بدهم و برای من بعهده گرفتند که اگر بسؤالاتشان پاسخ دهم به پیغمبر ایمان بیاورند. پس علی عليه السلام بآنان فرمود: بجز آنچه از عمر پرسیده‌اید سؤال دیگری هم دارید؟ عرض کردند نه ای پدر شیر و شبیر.

پس علی عليه السلام بآنان فرمود: اما قفل آسمانها پس شريك برای خداوند قرار دادن است و کلیدهایش گفتن لا اله الا الله و اما

قبری که با صاحبش گردش میکرد ماهی‌ای بود که یونس را در شکم خود در هفت دریا گردش داد.

و اما آنکه بقوم خود اعلام خطر کرد و نه از جن بود و نه از بشر همان مورچه سلیمان بن داود بود و اما آنجائی که آفتاب يك بار بآن تابید همان دریائی بود که خدای عز و جل موسی را از آن نجات بخشید و فرعون و یارانش را در آن غرق کرد.

و اما پنج جانداری که در رحم‌ها آفریده نشده‌اند آدم است و حوا و عصای موسی و شتر صالح پیغمبر و گوسفند حضرت ابراهیم. و اما یکتا خدای یکتای بی‌انباز است و اما دو تا آدم و حوا است و اما سه تا جبرئیل و میکائیل و اسرافیل است و اما چهار تا توریة و انجیل و زبور و قرآن است و اما پنج تا پنج نماز شبانه روزی است که بر پیغمبر واجب شده است و اما شش تا فرموده خدای عز و جل است که ما آسمانها و زمین و آنچه را که در میان آنها است در شش روز آفریدیم و اما هفت تا فرموده خدای عز و جل است که ما بالای سر شما هفت آسمان استوار ساخته‌ایم و اما هشت تا، فرموده خدای عز و جل است که فرمود: در این روز (روز قیامت) عرش پروردگارت را هشت تن حمل میکنند و اما نه تا معجزه‌هائی بود که بموسی بن عمران داده شده بود و اما ده تا فرموده خدای عز و جل است که ما سی شب بموسی وعده دادیم و بده شب تمامترش نمودیم و اما یازده تا گفتار یوسف است به پدرش که من یازده ستاره بخواب دیدم و اما دوازده تا فرموده خدای عز و جل است بموسی که عصای خود را بر سنگ بزن پس از آن دوازده چشمه آب شکافته شد.

راوی گوید: یهودیان شروع کردند و گفتند که گواهی می‌دهیم که خدائی بجز الله نیست و محمد رسول خدا ﷺ است و تو پسر عموی رسول خدائی سپس رو بعمر کرده و گفتند گواهی می‌دهیم که این شخص برادر رسول خدا ﷺ است و بخدا قسم که او باین مقام خلافت از تو سزاوارتر است و هر کس که به‌مراه آنان بود اسلام آورد و همگی مسلمانان شایسته‌ای شدند.

بدترین خلق اولین و آخرین دوازده نفرند

شر الأولین و الآخِرین اثنا عشر
 ۲ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ سَعِيدٍ
 الْهَاشِمِيُّ الْكُوفِيُّ بِالْكُوفَةِ قَالَ حَدَّثَنَا فِرَاتُ
 بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ فِرَاتِ الْكُوفِيِّ قَالَ حَدَّثَنِي
 عُيَيْدُ بْنُ كَثِيرٍ قَالَ حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ الْحَسَنِ وَ
 عَبَّادُ بْنُ يَعْقُوبَ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْجَنَيْدِ قَالُوا
 حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْمَسْعُودِيُّ قَالَ
 حَدَّثَنِي الْحَارِثُ بْنُ حَصِيرَةَ عَنِ الصَّخْرِ بْنِ
 الْحَكَمِ الْفَرَارِيِّ عَنِ حَيَّانِ بْنِ الْحَارِثِ الْأَزْدِيِّ
 عَنِ الرَّبِيعِ بْنِ جَمِيلِ الضَّبِّيِّ عَنِ مَالِكِ بْنِ
 ضَمْرَةَ الرَّوَّاسِيِّ قَالَ لَمَّا سِيرَ أَبُو ذَرٍّ رَحِمَهُ اللَّهُ
 اجْتَمَعَ هُوَ وَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام وَ الْمِقْدَادُ
 بْنُ الْأَسْوَدِ وَ عَمَّارُ بْنُ يَاسِرٍ وَ حُدَيْفَةُ بْنُ
 الْيَمَانَ وَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مَسْعُودٍ فَقَالَ أَبُو ذَرٍّ
 رَحِمَهُ اللَّهُ حَدَّثُوا حَدِيثًا نَذَرْتُ بِهِ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم وَ
 نَشَّهْتُ لَهُ وَ نَدَعُو لَهُ وَ نَصَدَّقُهُ بِالتَّوْحِيدِ
 فَقَالَ عَلِيُّ عليه السلام مَا هَذَا زَمَانَ حَدِيثِي قَالُوا
 صَدَقْتَ فَقَالَ حَدَّثَنَا يَا حُدَيْفَةُ فَقَالَ لَقَدْ
 عَلِمْتُمْ أَنِّي سَأَلْتُ الْمُعْضَلَاتِ وَ خُبِرْتُهُنَّ لَمْ
 أَسْأَلْ عَنْ غَيْرِهَا قَالَ حَدَّثَنَا يَا ابْنَ مَسْعُودٍ
 قَالَ لَقَدْ عَلِمْتُمْ أَنِّي قَرَأْتُ الْقُرْآنَ لَمْ أَسْأَلْ
 عَنْ غَيْرِهِ وَ لَكِنَ أَنْتُمْ أَصْحَابُ الْأَحَادِيثِ قَالُوا
 صَدَقْتَ قَالَ حَدَّثَنَا يَا مِقْدَادُ قَالَ لَقَدْ عَلِمْتُمْ
 أَنِّي إِنَّمَا كُنْتُ صَاحِبَ السَّيْفِ لَا أَسْأَلُ عَنْ غَيْرِهِ
 وَ لَكِنَ أَنْتُمْ أَصْحَابُ الْأَحَادِيثِ قَالُوا صَدَقْتَ
 فَقَالَ حَدَّثَنَا يَا عَمَّارُ قَالَ قَدْ عَلِمْتُمْ أَنِّي
 رَجُلٌ نَسِيٌّ إِلَّا أَنْ أَدَّكَرَ فَأَدَّكَرَ فَقَالَ أَبُو ذَرٍّ
 رَحِمَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ أَنَا أَحَدْتُكُمْ بِحَدِيثٍ قَدْ
 سَمِعْتُمُوهُ وَ مَنْ سَمِعَهُ مِنْكُمْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم أ
 لَسْتُمْ تَشْهَدُونَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنْ مُحَمَّدًا
 رَسُولُ اللَّهِ وَ أَنْ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَ
 أَنْ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ وَ أَنْ الْبَعْثَ حَقٌّ وَ
 أَنْ الْجَنَّةَ حَقٌّ وَ النَّارَ حَقٌّ قَالُوا نَشَّهْتُ قَالَ

وَأَنَا مَعَكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ ثُمَّ قَالَ أَلَسْتُمْ
تَشْهَدُونَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ شَرُّ الْأَوْلِيَيْنِ وَالْأَخْرِيَيْنِ
الْأَخْرِيَيْنِ اثْنَا عَشَرَ سِتَّةً مِنَ الْأَوْلِيَيْنِ وَسِتَّةً مِنَ
الْأَخْرِيَيْنِ ثُمَّ سَمَى السِتَّةَ مِنَ الْأَوْلِيَيْنِ ابْنَ آدَمَ
الَّذِي قَتَلَ أَخَاهُ وَفِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَقَارُونَ
وَالسَّامِرِيَّ وَالدَّجَالَ اسْمُهُ فِي الْأَوْلِيَيْنِ وَ
يَخْرُجُ فِي الْأَخْرِيَيْنِ وَ أَمَّا السِتَّةُ مِنَ الْأَخْرِيَيْنِ
فَالْعَجَلُ وَ هُوَ نَعْتَلُ وَ فِرْعَوْنُ وَ هُوَ مُعَاوِيَةُ وَ
هَامَانُ هَذِهِ الْأُمَّةُ وَ هُوَ زِيَادٌ وَ قَارُونُهَا وَ
هُوَ سَعِيدٌ وَ السَّامِرِيُّ وَ هُوَ أَبُو مُوسَى عَبْدُ اللَّهِ
بْنُ قَيْسٍ لِأَنَّهُ قَالَ كَمَا قَالَ سَامِرِيُّ قَوْمَ مُوسَى
لَا مِيسَاسَ أَيَّ لَا قِتَالَ وَ الْأَبْتَرُ وَ هُوَ عَمْرُو بْنُ
الْعَاصِ أَ فَتَشْهَدُونَ عَلَيَّ ذَلِكَ قَالُوا نَعَمْ قَالَ
وَ أَنَا عَلَيَّ ذَلِكَ مِنَ الشَّاهِدِينَ ثُمَّ قَالَ أَلَسْتُمْ
تَشْهَدُونَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ إِنَّ أُمَّتِي
تَرِدُ عَلَيَّ الْحَوْضَ عَلَيَّ خَمْسَ رَايَاتٍ أَوْلَاهَا رَايَةُ
الْعَجَلِ فَأَقُومُ فَأَخُذُ بِيَدِهِ فَإِذَا أَخَذَتْ بِيَدِهِ
اسْوَدَّ وَجْهُهُ وَ رَجَفَتْ قَدَمَاهُ وَ خَفَقَتْ أَحْشَاؤُهُ وَ
مَنْ فَعَلَ فِعْلَهُ يَتَّبِعُهُ فَأَقُولُ بِمَاذَا
خَلَفْتُمُونِي فِي الثَّقَلَيْنِ مِنْ بَعْدِي فَيَقُولُونَ
كَذَبْنَا الْأَكْبَرَ وَ مَرَقْنَاهُ وَ اضْطَهَدْنَا الْأَصْغَرَ وَ
أَخَذْنَا حَقَّهُ فَأَقُولُ اسْلُكُوا ذَاتَ الشَّمَالِ
فَيَنْصَرِفُونَ ظِمَاءً مُظْمَيْنِ قَدْ اسْوَدَّتْ وُجُوهُهُمْ لَا
يُطْعَمُونَ مِنْهُ قَطْرَةً ثُمَّ تَرِدُ عَلَيَّ رَايَةُ فِرْعَوْنَ
أُمَّتِي وَ هُمْ أَكْثَرُ النَّاسِ وَ مِنْهُمْ الْمُبْهَرَجُونَ
قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا الْمُبْهَرَجُونَ بِهَرَجُوا
الطَّرِيقَ قَالَ ﷺ وَسَلَّمَ لَا وَ لَكِنْ بِهَرَجُوا دِينَهُمْ وَ
هُمْ الَّذِينَ يَغْضَبُونَ لِلدُّنْيَا وَ لَهَا يَرْضَوْنَ
فَأَقُومُ فَأَخُذُ بِيَدِ صَاحِبِهِمْ فَإِذَا أَخَذَتْ بِيَدِهِ
اسْوَدَّ وَجْهُهُ وَ رَجَفَتْ قَدَمَاهُ وَ خَفَقَتْ أَحْشَاؤُهُ وَ
مَنْ فَعَلَ فِعْلَهُ يَتَّبِعُهُ فَأَقُولُ بِمَا خَلَفْتُمُونِي
فِي الثَّقَلَيْنِ بَعْدِي فَيَقُولُونَ كَذَبْنَا الْأَكْبَرَ وَ
مَرَقْنَاهُ وَ قَاتَلْنَا الْأَصْغَرَ فَتَقْتُلْنَاهُ فَأَقُولُ
اسْلُكُوا سَبِيلَ أَصْحَابِكُمْ فَيَنْصَرِفُونَ ظِمَاءً
مُظْمَيْنِ مُسْوَدَّةً وَ وُجُوهُهُمْ لَا يَطْعَمُونَ مِنْهُ قَطْرَةً
قَالَ ثُمَّ تَرِدُ عَلَيَّ رَايَةُ هَامَانَ أُمَّتِي فَأَقُومُ

فَأَخَذَ بِيَدِهِ فَإِذَا أَخَذَتْ بِيَدِهِ اسْوَدَّ وَجْهُهُ وَ رَجَفَتْ قَدَمَاهُ وَ خَفَقَتْ أَحْشَاؤُهُ وَ مَنْ فَعَلَ فِعْلَهُ يَتَّبَعُهُ فَأَقُولُ بِمَاذَا خَلَفْتُمُونِي فِي الثَّقَلَيْنِ بَعْدِي فَيَقُولُونَ كَذَبْنَا الْأَكْبَرَ وَ مَزَقْنَا وَ خَذَلْنَا الْأَصْغَرَ وَ عَصَيْنَاهُ فَأَقُولُ اسْلُكُوا سَبِيلَ أَصْحَابِكُمْ فَيَنْصَرِفُونَ ظِمَاءً مُظْمِئِينَ مُسْوَدَّةً وَجُوهَهُمْ لَا يَطْعَمُونَ مِنْهُ قَطْرَةً ثُمَّ تَرِدُ عَلَيَّ رَايَةَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ قَيْسٍ وَ هُوَ إِمَامُ خَمْسِينَ أَلْفًا «أَلْفًا مِنْ أُمَّتِي فَأَقُومُ فَأَخَذَ بِيَدِهِ فَإِذَا أَخَذَتْ بِيَدِهِ اسْوَدَّ وَجْهُهُ وَ رَجَفَتْ قَدَمَاهُ وَ خَفَقَتْ أَحْشَاؤُهُ وَ مَنْ فَعَلَ فِعْلَهُ يَتَّبَعُهُ فَأَقُولُ بِمَا خَلَفْتُمُونِي فِي الثَّقَلَيْنِ بَعْدِي فَيَقُولُونَ كَذَبْنَا الْأَكْبَرَ وَ عَصَيْنَاهُ وَ خَذَلْنَا الْأَصْغَرَ وَ عَدَلْنَا عَنْهُ فَأَقُولُ اسْلُكُوا سَبِيلَ أَصْحَابِكُمْ فَيَنْصَرِفُونَ ظِمَاءً مُظْمِئِينَ مُسْوَدَّةً وَجُوهَهُمْ لَا يَطْعَمُونَ مِنْهُ قَطْرَةً ثُمَّ تَرِدُ عَلَيَّ الْمُخَدَجُ بِرَايَتِهِ فَأَخَذَ بِيَدِهِ فَإِذَا أَخَذَتْ بِيَدِهِ اسْوَدَّ وَجْهُهُ وَ رَجَفَتْ قَدَمَاهُ وَ خَفَقَتْ أَحْشَاؤُهُ وَ مَنْ فَعَلَ فِعْلَهُ يَتَّبَعُهُ فَأَقُولُ بِمَا خَلَفْتُمُونِي فِي

الثَّقَلَيْنِ بَعْدِي

فَيَقُولُونَ كَذَبْنَا الْأَكْبَرَ وَ عَصَيْنَاهُ وَ قَاتَلْنَا الْأَصْغَرَ وَ قَتَلْنَا فَأَقُولُ اسْلُكُوا سَبِيلَ أَصْحَابِكُمْ فَيَنْصَرِفُونَ ظِمَاءً مُظْمِئِينَ مُسْوَدَّةً وَجُوهَهُمْ لَا يَطْعَمُونَ مِنْهُ قَطْرَةً ثُمَّ تَرِدُ عَلَيَّ رَايَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ إِمَامِ الْمُتَّقِينَ وَ قَائِدِ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ فَأَقُومُ فَأَخَذَ بِيَدِهِ فَإِذَا أَخَذَتْ بِيَدِهِ ابْيَضَّ وَجْهُهُ وَ وَجُوهُ أَصْحَابِهِ فَأَقُولُ بِمَا خَلَفْتُمُونِي فِي الثَّقَلَيْنِ مِنْ بَعْدِي قَالَ فَيَقُولُونَ اتَّبَعْنَا الْأَكْبَرَ وَ صَدَقْنَا وَ وَارَزْنَا الْأَصْغَرَ وَ نَصَرْنَا وَ قَاتَلْنَا مَعَهُ فَأَقُولُ رُدُّوا رِوَاءَ مَرْوِيِّينَ فَيَشْرَبُونَ شَرْبَةً لَا يَظْمَأُونَ بَعْدَهَا أَبَدًا وَجْهُ إِمَامِهِمْ كَالشَّمْسِ الطَّالِعَةِ وَ وَجُوهُ أَصْحَابِهِ كَالْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ وَ كَأَضْوَاءِ نَجْمٍ فِي السَّمَاءِ ثُمَّ قَالَ أَلَسْتُمْ تَشْهَدُونَ عَلَيَّ ذَلِكَ قَالُوا نَعَمْ قَالَ وَ أَنَا عَلَيَّ ذَلِكَ مِنَ الشَّاهِدِينَ قَالَ يَحْيَى وَ قَالَ عَبَادُ اشْهَدُوا عَلَيَّ بِهَذَا عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ

أَبَا عَبْدِ الرَّحْمَنِ حَدَّثَنَا بِهَذَا وَقَالَ أَبُو عَبْدِ الرَّحْمَنِ اشْهَدُوا عَلَيَّ بِهَذَا عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنَّ الْحَارِثَ بْنَ حَصِيرَةَ حَدَّثَنِي بِهَذَا وَقَالَ الْحَارِثُ اشْهَدُوا عَلَيَّ بِهَذَا عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنَّ صَخْرَ بْنَ الْحَكَمِ حَدَّثَنِي بِهَذَا وَقَالَ صَخْرُ بْنُ الْحَكَمِ اشْهَدُوا عَلَيَّ هَذَا عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنَّ حَيَّانَ حَدَّثَنِي بِهَذَا وَقَالَ حَيَّانُ اشْهَدُوا عَلَيَّ بِهَذَا عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنَّ الرَّبِيعَ بْنَ جَمِيلٍ حَدَّثَنِي بِهَذَا وَقَالَ الرَّبِيعُ اشْهَدُوا عَلَيَّ بِهَذَا عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنَّ مَالِكَ بْنَ ضَمْرَةَ حَدَّثَنِي بِهَذَا وَقَالَ مَالِكُ بْنُ ضَمْرَةَ اشْهَدُوا عَلَيَّ بِهَذَا عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنَّ أَبَا ذَرٍّ الْغِفَارِيَّ حَدَّثَنِي بِهَذَا وَقَالَ أَبُو ذَرٍّ مِثْلَ ذَلِكَ وَقَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ حَدَّثَنِي بِهِ جِبْرِئِيلُ عَنِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى

۲ - مالک بن حمزه رؤاسی گوید: هنگام تبعید ابو ذر (خدای رحمتش کند) او و علی بن ابی طالب علیه السلام و مقداد بن اسود و عمار بن یاسر و حذیفه بن یمان و عبد الله بن مسعود گرد هم آمدند ابو ذر گفت:

حدیثی بگوئید که به یاد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم باشم و بره سالتش گواهی دهیم و دعایش کنیم و بیگانگی خداوند تصدیقش نمائیم.

علی علیه السلام فرمود: هنگام حدیث گفتن من که نیست همه گفتند: راست میگوئی به حذیفه گفت:

تو از برای ما حدیث بگو گفت: شما میدانید که من همواره از کارهای پیچیده و مشکل پرسش شده ام و خبر داده ام و بجز آنها را نباید از من پرسید به ابن مسعود گفت: تو برای ما حدیث بگو گفت: میدانید که من قاری قرآنم و جز آن را نباید از من پرسید اصحاب حدیث شما هستند گفتند: راست گفتمی گفت: مقداد تو حدیث بگو گفت: شما میدانید که من شمشیر زن هستم و از

جز آن پرسش نشوم و لیکن شما هستید که حدیث‌ها دانید گفتند: راست گفتی گفت: عمار تو حدیث بگو گفت: شما میدانید که من مردی هستم فراموشکار تا چیزی بیادم نیاورند بیادش نمی‌افتم (ابو ذر خدایش رحمت کند) گفت من خود حدیثی برای شما بگویم که شما آن را شنیده‌اید و دیگران هم از شما شنیده‌اند که از پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نقل کرده‌اید مگر شما گواهی نمیدهید که خدائی بجز خدای یکتا نیست و محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرستاده او است و روز قیامت بدون تردید فرا خواهد رسید و خداوند مردگان را زنده خواهد کرد و زنده شدن مردگان حق است و بهشت حق است و دوزخ حق است همه گفتند بر همه اینها گواهی می‌دهیم ابو ذر گفت: من هم با شما گواهی می‌دهم سپس گفت: مگر شما گواهی نمیدهید که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: بدترین خلق اولین و آخرین دوازده نفرند شش نفر از اولین و شش نفر از آخرین سپس شش نفر از پیشینیان را نام برد: پسر آدم که برادرش را کشت و فرعون و هامان و قارون و سامری و دجال که نامش در ردیف پیشینیان است ولی در آخر الزمان بیرون خواهد آمد و اما آن شش نفر که از آخرین‌اند گوساله که نعثل است (عثمان)، و فرعون که معاویه باشد و هامان این امت که زیاد است و قارون این امت که سعید بن عاص است و سامری که ابو موسی اشعری عبد الله بن قیس است زیرا او نیز مانند سامری قوم موسی گفت لا مساس یعنی نباید جنگید و ابتر است (دم بریده) که عمرو عاص باشد. آیا شما به این که گفتم گواهی می‌دهید گفتند آری گفت من نیز بر آن گواهم. سپس گفت آیا شما گواهی نمیدهید که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود امت من با پنج پرچم در کنار حوض کوثر بر من وارد

میشوند. اولین پرچم، پرچم همان گوساله است که من از جا بر خیزم و دست او را میگیرم و همین که دستش را گرفتم چهره اش سیاه شده قدم‌هایش بلرزد و دلش تپیدن گیرد و هر که با او همکاری داشته نیز چنین گردد پس می‌گوییم پس از من با دو امانت گرانبه‌ایم چه کردید؟. می‌گویند امانت بزرگتر را (قرآن) دروغ پنداشتیم و پاره پاره کردیم و کوچکتر را (اهل بیت) خانه‌نشین نموده و حقش را غصب کردیم، می‌گوییم راه چپ را بپیمائید تشنه و رو سیاه بدون اینکه يك قطره از آب بچشند باز می‌گردند سپس پرچم فرعون این امت بر من وارد می‌شود و اکثریت مردم زیر آن پرچم‌اند، و افرادی که مهمل و به هدر شده‌اند با این پرچم‌ند. عرض شد یا رسول الله^ﷺ به هدرشدگان کیانند، آیا در مسافرتی راه به هدر رفته‌اند؟ فرمود نه، بلکه دینشان را به هدر داده‌اند آنان کسانی هستند که بخاطر دنیا خشمناک میشوند و بخاطر همان شادان، پس من بر می‌خیزم و دست پرچمدارشان را می‌گیرم همین که دستش را گرفتم چهره اش سیاه می‌شود و پاهایش می‌لرزد و اندرونش می‌طپد و همکارانش نیز چنین میشوند پس می‌گوییم پس از من با ثقلین چه کردید؟ می‌گویند بزرگتر را دروغ شمردیم و پاره پاره‌اش نمودیم و با کوچکترین جنگیدیم و او را کشتیم من می‌گوییم از راه رفیقان خود بروید پس تشنه و رو سیاه باز می‌گردند و قطره‌ای از آن نمی‌چشند. فرمود:

سپس پرچم همامان امت من بر من وارد می‌شود من بر می‌خیزم و دستش را می‌گیرم همین که دستش را گرفتم چهره اش سیاه و پاهایش می‌لرزد و دلش تپیدن گیرد و همکارانش نیز چنین شوند من می‌گوییم پس از من باد و امانت گرانبه‌ای من چه کردید؟

میگویند بزرگتر را دروغ شمردیم و پاره کردیم و کوچکتر را خوار کردیم و فرمانشان نبردیم پس من میگویم راه رفیقان خود را در پیش گیرید تشنه و خسته و رو سیاه باز می‌کردند و قطره‌ای از آن آب نمی‌چشند.

سپس پرچم عبد الله بن قیس که پیشوای پنجاه هزار از امت من است بر من وارد می‌شود پس بر خیزم و دستش را بگیرم همین که دستش را گرفتم چهره اش سیاه شود و قدمهایش بلرزد و دلش بطپد و پیروانش نیز این چنین شوند من میگویم پس از من با دو امانت گرانبهای من چه کردید؟

می‌گویند: بزرگتر را تکذیب کردیم و فرمانش نبردیم و کوچکتر را یاری نکردیم و دیگری بجای او برگزیدیم من می‌گویم راه رفیقان خود در پیش گیرید پس خسته و تشنه با روی سیاه بر می‌گردند در حالی که يك قطره از آن نچشیده باشند.

سپس آن شل با پرچم خود بر من وارد می‌شود پس دستش را می‌گیرم چون دستش را گرفتم چهره اش سیاه و قدمهایش لرزان و دلش می‌تپد و پیروانش نیز این چنین شوند پس گویم با دو امانت گرانبهای من پس از من چه کردید؟ می‌گویند بزرگتر را دروغ شمردیم و فرمانش نبردیم و با کوچکتر جنگیدیم و او را کشتیم من می‌گویم راه رفیقان خود در پیش گیرید پس تشنه و خسته با روی سیاه بازمی‌گردند و يك قطره از آن آب نمی‌چشند.

سپس پرچم امیر مؤمنان و پیشوای پرهیزکاران و زمامدار دست و رو سفیدان بر من وارد می‌شود من بپاخیزم و دستش را بگیرم همین که دستش را گرفتم چهره خود و یارانش سفید شود من می‌گویم پس از من با دو امانت گرانبها چه کردید؟ می‌گویند از بزرگتر پیروی کردیم و تصدیقش نمودیم و

کوچکتر را مددکار و یاور بودیم و همراه او جنگیدیم من گویم سیراب و شاداب باز گردید پس بیاشامند آنچنان که هرگز تشنه نشوند و چهره پیشوایشان مانند آفتاب تابان و چهره‌های یارانش مانند ماه شب چهارده و ستاره‌های فروزان آسمان باشد.

سپس فرمود شما به (این گفتار من گواهی می‌دهید؟ گفتند آری فرمود من هم بر این از گواهانم یحیی و عباد هر يك گفت نزد خدا گواه باشید که ابو عبد الرحمن این حدیث را برای ما گفت و ابو عبد الرحمن گفت نزد خدا بر من گواه باشید که حارث بن حصیره این حدیث را برای من گفت و حارث گفت نزد خدا بر من گواه باشید که صخر ابن حکم این حدیث را برای من گفت صخر ابن حکم گفت نزد خدا بر من گواه باشید که حیان این حدیث را برای من گفت و حیان گفت نزد خدا بر من گواه باشید که ربیع ابن جمیل این حدیث را برای من گفت و ربیع گفت نزد خدا بر من گواه باشید که مالک ابن ضمیره این حدیث را برای من گفت و مالک ابن ضمیره گفت نزد خدا این گواهی را بدهید که ابا ذر غفاری این حدیث را برای من گفت و ابو ذر هم مانند این سخن بگفت و اضافه کرد که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: این حدیث را جبرئیل برای من از خدای تبارک و تعالی بیان کرد.

راه شناختن نیم روز در هر ماه از ماه‌های دوازده‌گانه رومی

معرفة زوال الشمس في كل شهر من
الشهور الاثني عشر الرومية
۳ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ
بْنِ يَحْيَى بْنِ عِمْرَانَ الْأَشْعَرِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي
الْحَسَنُ بْنُ مُوسَى الْحَشَابُ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ إِسْحَاقَ
الْتَّمِيمِيِّ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ أَخِي الضَّبِّيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ
بْنِ سِنَانَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ تَزُولُ
الشمسُ فِي النُّصْفِ مِنْ حَزِيرَانَ عَلَى نِصْفِ قَدَمٍ وَ
فِي النُّصْفِ مِنْ تَمُوزَ عَلَى قَدَمٍ وَ نِصْفِ وَ فِي
النُّصْفِ مِنْ آبِ عَلَى قَدَمَيْنِ وَ نِصْفِ وَ فِي النُّصْفِ
مِنْ أَيْلُولَ عَلَى ثَلَاثَةِ وَ نِصْفِ وَ فِي النُّصْفِ مِنْ
تِشْرِينَ الْأَوَّلِ عَلَى خَمْسَةِ وَ نِصْفِ وَ فِي النُّصْفِ
مِنْ تِشْرِينَ الْآخِرِ عَلَى سَبْعَةِ وَ نِصْفِ وَ فِي
النُّصْفِ مِنْ كَانُونَ الْأَوَّلِ عَلَى تِسْعَةِ وَ نِصْفِ وَ
فِي النُّصْفِ مِنْ كَانُونَ الْآخِرِ عَلَى سَبْعَةِ وَ نِصْفِ
وَ فِي النُّصْفِ مِنْ شَبَاطَ عَلَى خَمْسَةِ أَقْدَامٍ وَ
نِصْفِ وَ فِي النُّصْفِ مِنْ آذَارَ عَلَى ثَلَاثَةِ وَ نِصْفِ
وَ فِي النُّصْفِ مِنْ نَيْسَانَ عَلَى قَدَمَيْنِ وَ نِصْفِ وَ
فِي النُّصْفِ مِنْ أَيَّارَ عَلَى قَدَمٍ وَ نِصْفِ وَ فِي
النُّصْفِ مِنْ حَزِيرَانَ عَلَى نِصْفِ قَدَمٍ

۳ - عبد الله بن سنان گوید: شنیدم امام
صادق عليه السلام می‌فرمود: در نیمه ماه حزیران
نیم قدم که سایه افتاد نیم روز می‌شود و
در نیمه ماه تموز یک قدم و نیم و نیمه
ماه آب دو قدم و نیم و در نیمه ماه
ایلول سه قدم و نیم و در نیمه تشرین اول
پنج پا و نیم و در نیمه تشرین دوم هفت
قدم و نیم و در نیمه کانون اول نه پا و
نیم و در نیمه کانون دوم هفت پا و نیم و
در نیمه ماه شباط پنج پا و نیم و در
نیمه ماه آذار سه پا و نیم و در نیمه
نیسان دو قدم و نیم و در نیمه ایار یک
قدم و نیم و در نیمه حزیران نیم پا.

شرح:
 برای اطلاع از شرح مفصل این حدیث شریف
 بحاشیه وافیه ج ۲ جزء اول عَلَيْهِ السَّلَامُ ۴۵ چاپ
 مکتبه اسلامیة مراجعه شود.

دوازده نفر بودند که نشستن ابی بکر را بر مسند خلافت

و پیش افتادنش را از علی بن ابی طالب
 نپذیرفتند الذین أنکروا علی ابی بکر
 جلوسه فی الخلافة و تقدمه علی بن ابی
 طالب عَلَيْهِ السَّلَامُ اثنا عشر

۴ - حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ
 أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي
 عَنْ جَدِّهِ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ قَالَ
 حَدَّثَنِي النَّهْيكِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو مُحَمَّدٍ خَلْفُ
 بْنِ سَالِمٍ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ قَالَ
 حَدَّثَنَا شُعْبَةُ عَنْ عَثْمَانَ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ زَيْدِ
 بْنِ وَهْبٍ قَالَ كَانَ الَّذِينَ أَنْكَرُوا عَلِيَّ ابْنَ
 بَكْرٍ جُلُوسَهُ فِي الْخِلافةِ وَ تَقَدَّمَهُ عَلِيَّ بْنَ
 أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ اثْنَيْ عَشَرَ رَجُلًا مِنْ الْمُهاجِرِينَ وَ
 الْأَنْصَارِ وَ كَانَ مِنْ الْمُهاجِرِينَ خَالِدُ بْنُ سَعِيدِ
 بْنِ الْعَاصِ وَ الْمُقَدَّادُ بْنُ الْأَسْوَدِ وَ أَبِي بْنُ
 كَعْبٍ وَ عَمَّارُ بْنُ يَاسِرٍ وَ أَبُو ذَرَّ الْغِفَّارِيُّ وَ
 سَلْمَانُ الْفَارِسِيُّ وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنُ مَسْعُودٍ وَ بُرَيْدَةُ
 الْأَسْلَمِيُّ وَ كَانَ مِنَ الْأَنْصَارِ خُرَيْمَةُ بْنُ ثَابِتِ
 ذُو الشَّهَادَتَيْنِ وَ سَهْلُ بْنُ حَنَيْفٍ وَ أَبُو أَيُّوبَ
 الْأَنْصَارِيُّ وَ أَبُو الْهَيْثَمِ بْنِ التَّيْهَانِ وَ
 غَيْرُهُمْ فَلَمَّا صَعِدَ الْمِنْبَرَ تَشَاوَرُوا بَيْنَهُمْ فِي
 أَمْرِهِ فَقَالَ بَعْضُهُمْ هَلَّا نَأْتِيهِ فَنُنزِلُهُ عَنْ
 مِنبَرِ رَسُولِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ قَالَ آخَرُونَ إِنْ فَعَلْتُمْ
 ذَلِكَ أَعَنْتُمْ عَلِيَّ أَنْفُسَكُمْ وَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ
 لَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَ لَكِنْ

امضوا بنا إلى علي بن أبي طالب عَلَيْهِ السَّلَامُ
 نَسْتَشِيرُهُ وَ نَسْتَطِيعُ أَمْرَهُ فَأَتَوْا عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ
 فَقَالُوا يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ضَيَّعْتَ نَفْسَكَ وَ

تَرَكْتَ حَقًّا أَنْتَ أَوْلَىٰ بِهِ وَ قَدْ أَرَدْنَا أَنْ
نَأْتِيَ الرَّجُلَ فَنُنزِلَهُ عَنْ مَنبَرِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ
فَإِنَّ الْحَقَّ حَقُّكَ وَ أَنْتَ أَوْلَىٰ بِالْأَمْرِ مِنْهُ
فَكَرِهْنَا أَنْ نُنزِلَهُ مِنْ دُونِ مُشَاوَرَتِكَ فَقَالَ
لَهُمْ عَلِيُّ ﷺ لَوْ فَعَلْتُمْ ذَلِكَ مَا كُنْتُمْ إِلَّا حَرْبًا
لَهُمْ وَ لَا كُنْتُمْ إِلَّا كَالْكُحْلِ فِي الْعَيْنِ أَوْ
كَالْمِلْحِ فِي الزَّادِ وَ قَدْ اتَّفَقْتَ عَلَيْهِ الْأُمَّةُ
التَّارِكَةُ لِقَوْلِ نَبِيِّهَا وَ الكَاذِبَةُ عَلَيَّ رَبِّهَا
وَ لَقَدْ شَاوَرْتُ فِي ذَلِكَ أَهْلَ بَيْتِي فَأَبَوْا إِلَّا
السُّكُوتَ لِمَا تَعْلَمُونَ مِنْ وَغْرِ صُدُورِ الْقَوْمِ وَ
بُغْضِهِمْ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لِأَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّهِ ﷺ وَ
إِنَّهُمْ يُطَالِبُونَ بِثَارَاتِ الْجَاهِلِيَّةِ وَ اللَّهُ لَوْ
فَعَلْتُمْ ذَلِكَ لَشَهَرُوا سُيُوفَهُمْ مُسْتَعِدِّينَ لِلْحَرْبِ
وَ الْقِتَالِ كَمَا فَعَلُوا ذَلِكَ حَتَّى قَهَرُونِي وَ
غَلَبُونِي عَلَيَّ نَفْسِي وَ لَبَّبُونِي وَ قَالُوا لِي
بَايِعْ وَ إِلَّا قَتَلْنَاكَ فَلَمْ أَجِدْ حِيلَةً إِلَّا أَنْ
أَدْفَعُ الْقَوْمَ عَنْ نَفْسِي وَ ذَاكَ أَنِّي ذَكَرْتُ قَوْلَ
رَسُولِ اللَّهِ ﷺ يَا عَلِيُّ إِنَّ الْقَوْمَ نَقَضُوا أَمْرَكَ وَ
اسْتَبَدُّوا بِهَا دُونَكَ وَ عَصَوْنِي فِيكَ فَعَلَيْكَ
بِالصَّبْرِ حَتَّى يَنْزِلَ الْأَمْرُ أَلَا وَ إِنَّهُمْ سَيَغْدِرُونَ
بِكَ لَا مَحَالَةَ فَلَا تَجْعَلْ لَهُمْ سَبِيلًا إِلَىٰ إِذْلَالِكَ
وَ سَفْكِ دَمِكَ فَإِنَّ الْأُمَّةَ سَتَغْدِرُ بِكَ بَعْدِي كَذَلِكَ
أَخْبَرَنِي جِبْرَائِيلُ ﷺ عَنْ رَبِّي تَبَارَكَ وَ تَعَالَىٰ وَ
لَكِنْ ائْتُوا الرَّجُلَ فَأَخِيرُوهُ بِمَا سَمِعْتُمْ مِنْ
نَبِيِّكُمْ وَ لَا تَجْعَلُوهُ فِي الشُّبْهَةِ مِنْ أَمْرِهِ
لِيَكُونَ ذَلِكَ أَعْظَمَ لِلْحُجَّةِ عَلَيْهِ وَ أَزِيدَ وَ
أَبْلَغَ فِي عُقُوبَتِهِ إِذَا أَتَىٰ رَبَّهُ وَ قَدْ عَصَىٰ
نَبِيَّهُ وَ خَالَفَ أَمْرَهُ قَالَ فَاَنْطَلَقُوا حَتَّى حَفُوا
بِمَنبَرِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ يَوْمَ جُمُعَةٍ فَقَالُوا
لِلْمُهَاجِرِينَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ بَدَأَ بِكُمْ فِي
الْقُرْآنِ فَقَالَ لَقَدْ تَابَ اللَّهُ عَلَيَّ النَّبِيِّ وَ
الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ فِيكُمْ بَدَأَ وَ كَانَ أَوَّلُ
مَنْ بَدَأَ وَ قَامَ خَالِدُ بْنُ سَعِيدِ بْنِ الْعَاصِ
بِإِذْلَالِهِ بِنَبِيِّ أُمِّيَّةٍ فَقَالَ يَا أَبَا بَكْرٍ اتَّقِ اللَّهَ
فَقَدْ عَلِمْتَ مَا تَقَدَّمَ لِعَلِيِّ ﷺ مِنْ رَسُولِ
اللَّهِ ﷺ أَلَا تَعْلَمُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ لَنَا وَ

نَحْنُ مُحْتَوِشُوهُ فِي يَوْمِ بَنِي قُرَيْظَةَ وَ قَدْ أَقْبَلَ
عَلَى رِجَالِ مِثْنَا ذَوِي قَدَرٍ فَقَالَ يَا مَعْشَرَ
الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ أَوْصِيكُمْ بِوَصِيَّةٍ
فَاحْفَظُوهَا وَ إِنِّي مُؤَدِّ إِلَيْكُمْ أَمْرًا فَاقْبَلُوهُ
أَلَا إِنَّ عَلِيًّا أَمِيرُكُمْ مِنْ بَعْدِي وَ خَلِيفَتِي
فِيكُمْ أَوْصَانِي بِذَلِكَ رَبِّي وَ إِنَّكُمْ إِنْ لَمْ
تَحْفَظُوا وَصِيَّتِي فِيهِ وَ تَتَوَوَّوهُ وَ تَنْصُرُوهُ
اِخْتَلَفْتُمْ فِي أَحْكَامِكُمْ وَ اضْطَرَبَ عَلَيْكُمْ أَمْرٌ
دِينِكُمْ وَ وَلِيَّ عَلَيْكُمْ الْأَمْرَ شَرَارُكُمْ أَلَا وَ إِنَّ
أَهْلَ بَيْتِي هُمُ الْوَارِثُونَ أَمْرِي الْقَائِلُونَ
بِأَمْرِ أُمَّتِي اللَّهُمَّ فَمَنْ حَفِظَ فِيهِمْ وَصِيَّتِي
فَاحْشُرْهُ فِي زُمْرَتِي وَ اجْعَلْ لَهُ مِنْ مِرَافِقَتِي
نَصِيبًا يُدْرِكُ بِهِ فَوْزَ الْآخِرَةِ اللَّهُمَّ وَ مَنْ
أَسَاءَ خِلَافَتِي فِي أَهْلِ بَيْتِي فَاحْرِمْنَاهُ الْجَنَّةَ
الَّتِي عَرَضُهَا السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ فَقَالَ لَهُ عُمَرُ
بْنُ الْخَطَّابِ اسْكُتْ يَا خَالِدُ فَلَسْتُ مِنْ أَهْلِ
الْمَشُورَةِ وَ لَا مِمَّنْ يُرْضَى بِقَوْلِهِ فَقَالَ خَالِدُ
بَلْ اسْكُتْ أَنْتَ يَا ابْنَ الْخَطَّابِ فَوَ اللَّهُ إِنَّكَ
لَتَعْلَمُ أَنَّكَ تَنْطِقُ بِغَيْرِ لِسَانِكَ وَ تَعْتَصِمُ بِغَيْرِ
أَرْكَانِكَ وَ اللَّهُ إِنْ قَرِيشًا لَتَعْلَمُ أَنَّي أَعْلَاهَا
حَسَبًا وَ أَقْوَاهَا أَذْبَابًا وَ أَجْمَلَهَا ذِكْرًا وَ
أَقْلَهَا غَنِيًّا مِنْ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ إِنَّكَ الْأَمْهَأُ
حَسَبًا وَ أَقْلَهَا عَدَدًا وَ أَخْمَلَهَا ذِكْرًا وَ
أَقْلَهَا مِنْ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ مِنْ رَسُولِهِ وَ إِنَّكَ
لَجَبَانٌ عِنْدَ الْحَرْبِ بَخِيلٌ فِي الْجَدْبِ لئِمٌّ
الْعُنْصُرُ مَا لَكَ فِي قُرَيْشٍ مَفْخَرٌ قَالَ فَاسْكُتْهُ
خَالِدٌ فَجَلَسَ ثُمَّ قَامَ أَبُو ذَرٍّ رَحِمَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ
فَقَالَ بَعْدَ أَنْ حَمِدَ اللَّهَ وَ أَثْنَى عَلَيْهِ أَمَا بَعْدُ
يَا مَعْشَرَ الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ لَقَدْ عَلِمْتُمْ وَ
عَلِمَ خِيَارُكُمْ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ الْأَمْرُ
لِعَلِيِّ عليه السلام بَعْدِي ثُمَّ لِلْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ عليهما السلام ثُمَّ فِي
أَهْلِ بَيْتِي مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ فَاطَّرَحْتُمْ قَوْلَ
نَبِيِّكُمْ وَ تَنَاسَيْتُمْ مَا أَوْعَزَ إِلَيْكُمْ وَ اتَّبَعْتُمْ
الدُّنْيَا وَ تَرَكْتُمْ نَعِيمَ الْآخِرَةِ الْبَاقِيَةَ الَّتِي
لَا تُهْدَمُ بُنْيَانُهَا وَ لَا يَزُولُ نَعِيمُهَا وَ لَا
يَحْزَنُ أَهْلُهَا وَ لَا يَمُوتُ سُكَّانُهَا وَ كَذَلِكَ الْأُمَّمُ

الَّتِي كَفَرْتَ بَعْدَ أَنْبِيَائِهَا بُدِّلَتْ وَ غَيَّرْتَ
فَحَادَيْتُمُوهَا حَذْوَ الْقُدَّةِ بِالْقُدَّةِ وَ النَّعْلِ
بِالنَّعْلِ فَعَمَّا قَلِيلٍ تَذُوقُونَ وَبَالَ أَمْرِكُمْ وَ
مَا اللَّهُ بِظَلَامٍ لِلْعَبِيدِ ثُمَّ قَالَ ثُمَّ قَامَ سَلْمَانَ
الْفَارِسِيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ فَقَالَ يَا أَبَا بَكْرٍ إِلَى مَنْ
تَسْتَنِدُ أَمْرَكَ إِذَا نَزَلَ بِكَ الْقَضَاءُ وَ إِلَى مَنْ
تَفْرَعُ إِذَا سُئِلْتَ عَمَّا لَا تَعْلَمُ وَ فِي الْقَوْمِ مَنْ
هُوَ أَعْلَمُ مِنْكَ وَ أَكْثَرُ فِي الْخَيْرِ أَعْلَامًا وَ
مَنَاقِبَ مِنْكَ وَ أَقْرَبُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ قَرَابَةً وَ
قِدْمَةً فِي حَيَاتِهِ قَدْ أَوْعَزَ إِلَيْكُمْ فَتَرَكْتُمْ
قَوْلَهُ وَ تَنَاسَيْتُمْ وَصِيَّتَهُ فَعَمَّا قَلِيلٍ يَصُفُّوا
لَكُمْ الْأَمْرَ حِينَ تَزُورُوا الْقُبُورَ وَ قَدْ أَثْقَلْتَ
ظَهْرَكَ مِنَ الْأَوْزَارِ لَوْ حُمِلْتَ إِلَى قَبْرِكَ لَقَدِمْتَ
عَلَى مَا قَدَّمْتَ فَلَوْ رَاجَعْتَ إِلَى الْحَقِّ وَ أَنْصَفْتَ
أَهْلَهُ لَكَانَ ذَلِكَ نَجَاةً لَكَ يَوْمَ تَحْتَاجُ إِلَى
عَمَلِكَ وَ تَفْرُدُ فِي حُفْرَتِكَ بِذُنُوبِكَ عَمَّا أَنْتَ لَهُ
فَاعِلٌ وَ قَدْ سَمِعْتَ كَمَا سَمِعْنَا وَ رَأَيْتَ كَمَا
رَأَيْنَا فَلَمْ يُرَوْعَكَ ذَلِكَ عَمَّا أَنْتَ لَهُ فَاعِلٌ
فَاللَّهُ اللَّهُ فِي نَفْسِكَ فَقَدْ أَعْذَرَ مَنْ أَنْذَرَ ثُمَّ قَامَ
الْمِقْدَادُ بْنُ الْأَسْوَدِ رَحِمَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ فَقَالَ يَا
أَبَا بَكْرٍ ارْبَعْ عَلَى نَفْسِكَ

وَ قِسْ شِبْرَكَ بِفِثْرِكَ وَ الْزِمْ بَيْتَكَ وَ ابْنِكِ
عَلَى خَطِيئَتِكَ فَإِنَّ ذَلِكَ أَسْلَمٌ لَكَ فِي حَيَاتِكَ وَ
مَمَاتِكَ وَ رُدَّ هَذَا الْأَمْرَ إِلَى حَيْثُ جَعَلَهُ اللَّهُ عَزَّ
وَ جَلَّ وَ رَسُولُهُ وَ لَا تَرْكَنْ إِلَى الدُّنْيَا وَ لَا
يَعْرَنُكَ مَنْ قَدْ تَرَى مِنْ أَوْعَادِهَا فَعَمَّا قَلِيلٍ
تَضْمَجُلُ عَنْكَ دُنْيَاكَ ثُمَّ تَصِيرُ إِلَى رَبِّكَ فَيَجْزِيكَ
بِعَمَلِكَ وَ قَدْ عَلِمْتَ أَنَّ هَذَا الْأَمْرَ لِعَلِيِّ ع وَ
هُوَ صَاحِبُهُ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ قَدْ نَصَحْتِكَ إِنْ
قَبِلْتَ نُصَحِي ثُمَّ قَامَ بُرَيْدَةُ الْأَسْلَمِيُّ فَقَالَ يَا
أَبَا بَكْرٍ نَسِيتَ أَمْ تَنَاسَيْتَ أَمْ خَادَعْتَكَ نَفْسُكَ
أَمْ تَذْكُرُ إِذْ أَمَرْنَا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ فَسَلَّمْنَا
عَلَى عَلِيِّ بِإِمْرَةِ الْمُؤْمِنِينَ وَ نَبِينَا ع بَيْنَ
أَظْهَرِنَا فَاتَّقِ اللَّهَ رَبَّكَ وَ أَدْرِكْ نَفْسَكَ قَبْلَ أَنْ لَا
تُذْرِكَهَا وَ أَنْقِذْهَا مِنْ هَلَكَتِهَا وَ دَعِ هَذَا
الْأَمْرَ وَ وَكَلَّهُ إِلَى مَنْ هُوَ أَحَقُّ بِهِ مِنْكَ وَ لَا

تَمَادٍ فِي غَيْكَ وَ ارْجِعْ وَ أَنْتَ تَسْتَطِيعُ الرُّجُوعَ
فَقَدْ نَصَحْتُكَ نُصْحِي وَ بَدَلْتُ لَكَ مَا عِنْدِي فَإِنْ
قَبِلْتَ وَفَّقْتَ وَ رَشَدْتَ ثُمَّ قَامَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مَسْعُودٍ
فَقَالَ يَا مَعْشَرَ قُرَيْشٍ قَدْ عَلِمْتُمْ وَ عَلِمَ
خِيَارُكُمْ أَنَّ أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكُمْ ﷺ أَقْرَبُ إِلَى
رَسُولِ اللَّهِ ﷺ مِنْكُمْ وَ إِنْ كُنْتُمْ إِنَّمَا تَدْعُونَ
هَذَا الْأَمْرَ بِقَرَابَةِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ تَقُولُونَ إِنَّ
السَّابِقَةَ لَنَا فَأَهْلُ نَبِيِّكُمْ أَقْرَبُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ
مِنْكُمْ وَ أَقْدَمُ سَابِقَةَ مِنْكُمْ وَ عَلِيٌّ بْنُ أَبِي
طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ بَعْدَ نَبِيِّكُمْ فَأَعْطُوهُ
مَا جَعَلَهُ اللَّهُ لَهُ وَ لَا تَزْتَدُوا عَلَيَّ أَغْيَابَكُمْ
فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ ثُمَّ قَامَ عَمَّارُ بْنُ يَاسِرٍ
فَقَالَ يَا أَبَا بَكْرٍ لَا تَجْعَلْ لِنَفْسِكَ حَقًّا جَعَلَهُ
اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لِغَيْرِكَ وَ لَا تَكُنْ أَوَّلَ مَنْ عَصَى
رَسُولَ اللَّهِ ﷺ وَ خَالَفَهُ فِي أَهْلِ بَيْتِهِ وَ ارْزُدِ
الْحَقَّ إِلَى أَهْلِهِ تَخِفْ ظَهْرَكَ وَ تَقِلْ وِزْرَكَ وَ
تَلْقَى رَسُولَ اللَّهِ ﷺ وَ هُوَ عَنكَ رَاضٍ ثُمَّ تَصِيرُ
إِلَى الرَّحْمَنِ فَيُحَاسِبُكَ بِعَمَلِكَ وَ يَسْأَلُكَ عَمَّا
فَعَلْتَ ثُمَّ قَامَ حَزِيمَةُ بْنُ ثَابِتٍ ذُو الشَّهَادَتَيْنِ
فَقَالَ يَا أَبَا بَكْرٍ أَلَسْتَ تَعْلَمُ أَنَّ رَسُولَ
اللَّهِ ﷺ قَبِلَ شَهَادَتِي وَحْدِي وَ لَمْ يُرِدْ مَعِيَ غَيْرِي
قَالَ نَعَمْ قَالَ فَأَشْهَدُ بِاللَّهِ أَنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ
اللَّهِ ﷺ يَقُولُ أَهْلُ بَيْتِي يَفْرُقُونَ بَيْنَ الْحَقِّ وَ
الْبَاطِلِ وَ هُمْ الْأَيُّمَةُ الَّذِينَ يُقْتَدَى بِهِمْ
ثُمَّ قَامَ أَبُو الْهَيْثَمِ بْنُ التَّيْهَانِ فَقَالَ يَا
أَبَا بَكْرٍ أَنَا أَشْهَدُ عَلَى النَّبِيِّ ﷺ أَنَّهُ أَقَامَ
عَلَيًّا فَقَالَتِ الْأَنْصَارُ مَا أَقَامَهُ إِلَّا لِلْخِلَافَةِ وَ
قَالَ بَعْضُهُمْ مَا أَقَامَهُ إِلَّا لِيَعْلَمَ النَّاسُ أَنَّهُ
وَلِيُّ مَنْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَوْلَاهُ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنْ أَهْلَ
بَيْتِي نَجُومُ أَهْلِ الْأَرْضِ فَقَدَّمُوهُمْ وَ لَا تَقَدِّمُوهُمْ
ثُمَّ قَامَ سَهْلُ بْنُ حَنِيفٍ فَقَالَ أَشْهَدُ أَنِّي سَمِعْتُ
رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ عَلَيَّ الْمُنْبَرِ إِمَامُكُمْ مِنْ
بَعْدِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ هُوَ أَنْصَحُ النَّاسِ
لِأُمَّتِي ثُمَّ قَامَ أَبُو أَيُّوبَ الْأَنْصَارِيُّ فَقَالَ
اتَّقُوا اللَّهَ فِي أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكُمْ وَ رُدُّوا هَذَا
الْأَمْرَ إِلَيْهِمْ فَقَدْ سَمِعْتُمْ كَمَا سَمِعْنَا فِي مَقَامِ

بَعْدَ مَقَامٍ مِنْ نَبِيِّ اللَّهِ ﷺ أَنَّهُمْ أَوْلَىٰ بِهِ مِنْكُمْ
ثُمَّ جَلَسَ ثُمَّ قَامَ زَيْدُ بْنُ وَهَبٍ فَتَكَلَّمَ وَقَامَ
جَمَاعَةٌ مِنْ بَعْدِهِ فَتَكَلَّمُوا بِنَحْوِ هَذَا فَأَخْبَرَ
الثَّقَّةُ مِنْ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ أَنَّ أَبَا بَكْرٍ
جَلَسَ فِي بَيْتِهِ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ فَلَمَّا كَانَ الْيَوْمَ
الثَّلَاثِ أَتَاهُ عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ وَ طَلْحَةُ وَ
الرُّبَيْرُ وَ عُثْمَانُ بْنُ عَفَّانَ وَ عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ
عَوْفٍ وَ سَعْدُ بْنُ أَبِي وَقَّاصٍ وَ أَبُو عُبَيْدَةَ بْنُ
الْجَرَّاحِ مَعَ كُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ عَشْرَةٌ رِجَالٍ مِنْ
عَشَائِرِهِمْ شَاهِرِينَ السُّيُوفِ فَأَخْرَجُوهُ مِنْ مَنْزِلِهِ
وَ عَلَا الْمِنْبَرَ وَقَالَ قَائِلٌ مِنْهُمْ وَاللَّهِ لَأَنْ
عَادَ مِنْكُمْ أَحَدٌ فَتَكَلَّمَ بِمِثْلِ الَّذِي تَكَلَّمَ بِهِ
لَنَمْلَأَنَّ أَسْيَافَنَا مِنْهُ فَجَلَسُوا فِي مَنْازِلِهِمْ وَ
لَمْ تَرْجَمْهُ: يَتَكَلَّمُ أَحَدٌ بَعْدَ ذَلِكَ أَخْرَجَ اللَّهُ عَزَّ
وَ جَلَّ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ اثْنَيْ عَشَرَ سَبْطًا وَ
نَشَرَ مِنَ الْحَسَنِ وَ

٤ - زيد بن وهب گوید: آنان که با
نشستن ابی بکر در مسند خلافت و پیش
افتادنش از علی بن ابی طالب مخالفت
کردند از مهاجرین و انصار دوازده مرد
بودند، از مهاجرین خالد بن سعید بن
العاص بود و مقداد بن الاسود و ابی بن
کعب و عمار بن یاسر و ابو ذر غفاری و
سلمان فارسی و عبد الله بن مسعود و بریده
اسلمی، و از انصار خزیمه بن ثابت ذو
الشهادتین بود و سهل بن حنیف و ابو ایوب
انصاری و ابو الهیثم بن التیهان و
دیگران نیز بودند همین که ابو بکر بر
منبر شد اینان با یک دیگر مشورت کردند
بعضیشان گفت چرا نرویم تا از منبر رسول
خدایش فرود آوریم؟ و دیگران گفتند اگر
چنین کنید خود را بزحمت می اندازید و
خدای عز و جل می فرماید خود را با دست
خود بهلاکت نیندازید بهتر اینکه همگی
بنزد علی بن ابی طالب برویم و در این
باره با او مشورت نموده و دستور از او

بگیریم همگی بخدمت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ آمدند و عرضکردند یا امیر المؤمنین خود را ضایع فرمودی و حق را که تو سزاوارتر بآن بودی رها کردی ما تصمیم داشتیم که نزد این مرد: (ابو بکر) برویم و او را از منبر رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پائین بکشیم که این حق متعلق بتو است و تو بخلافت سزاوارتر از اوئی و خوش نداشتیم که بی مشورت شما او را از منبر پائین بکشیم.

علی عَلَيْهِ السَّلَامُ به آنان فرمود: اگر این کار کرده بودید چاره از جنگ با آنان نداشتید و آنگاه از سرمه‌ای در چشم و نمکی در توشه راه بیش نبودید زیرا این مردمی که گفتار پیغمبر خود را رها کرده و بر پروردگار خود دروغ بسته‌اند همگی در اطراف او هستند و من خود در این باره با افراد خاندان خودم مشورت کردم بجز سکوت چاره‌ای ندیدند زیرا میدانید که سینه‌های این مردم از کینه و بغض خدای عز و جل و خاندان پیغمبرش آکنده است و هنوز خونهایی را که در دوران جاهلیت ریخته شده مطالبه می‌کنند بخدا اگر این کار کرده بودید شمشیرهایشان را از نیام می‌کشیدند و آماده جنگ و کشتار بودند همچنان که با من همین کار کردند و بزور و قلدری بر من چیره شدند و گریبان مرا گرفته و کشیدند و بمن گفتند بیعت کن و گرنه تو را خواهیم کشت و مرا چاره‌ای نبود بجز اینکه این مردم را از خود دور برانم زیرا بیاد فرمایش رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ افتادم که فرمود یا علی این مردم کار تو را در هم شکستند و خلافت را از تو بردند و نافرمانی مرا در باره تو نمودند تو باید دامن شکیب از دست ندهی تا امر خداوند نازل گردد به هوش باش که اینان بطور حتم با تو مکر بکار برند تو نباید

برای خواری خود و ریخته شدن خونت راهی جلوی پای آنان بگذاری که امت پس از من با تو مکر خواهند کرد جبرئیل از پروردگار من مرا این چنین خبر داده است ولی شماها به نزد این مرد بروید و آنچه را که از پیغمبر خودتان شنیده اید با او بگوئید و نگذارید راه شبه‌ای در کارش بماند در این کار هم حجت بر او تمامتر است و هم به هنگام ملاقات پروردگارش بکیفر کردار خود هر چه زودتر میرسد که پیغمبرش را نافرمانی نموده و مخالف دستور او رفتار نموده است.

دوازده گروه بیرون آورد و از حسن و حسین علیهما السلام دوازده نواده راوی گوید: از خدمت امیر المؤمنین آمدند و روز جمعه همگی در اطراف منبر پیغمبر نشستند آنگاه به مهاجرین گفتند که خداوند عز و جل در قرآن نام شما را جلوتر آورده و فرموده است که: مسلماً خداوند توبه پیغمبر و مهاجرین و انصار را پذیرفت پس نام شما را پیش از انصار آورده است (بنا بر این حق تقدم در سخن با شما است). نخستین کسی که برخاست و آغاز سخن کرد خالد بن سعید بن عاص بود که بطایفه خود: بنی امیه می‌نازید و گفت ای ابا بکر از خداوند بپرهیز که مسلماً از آنچه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در باره علی علیه السلام پیش از این فرموده است نیکو آگاهی آیا نمیدانی که در روز جنگ با بنی قریظه آنگاه که همه ما اطراف آن حضرت را گرفته بودیم آن حضرت بعهده‌ای از مردان با شخصیت ما متوجه شده و فرمود: ای گروه مهاجرین و انصار سفارشی بشما دارم در نگهداریش بکوشید و دستوری بشما میدهم که آن را بپذیرید آگاه باشید که علی پس از من فرمانده شما است و جانشین من در میان شما است این سفارش را

پروردگار من بمن فرموده است و اگر شما این سفارش مرا در باره علی نگهداری نکنید و او را پشتیبانی و یاری نکنید در احکام خود اختلاف خواهید نمود و کار دین شما بر شما آشفته شود و بدترین شما زمام کار شما را بدست گیرد آگاه باشید که تنها خاندان من وارث کار منند که کار امت مرا بیان خواهند نمود بار الها هر کس که سفارش مرا در باره آنان نگهداری کند او را با گروه من محشورش فرما و از رفاقت من آنچنان نصیبی عطایش فرما که خیر آخرت را دریابد بار الها هر کس در باره جانشینی من با خاندان من بد رفتاری کرد او را از بهشتی که پهنایش به وسعت آسمانها و زمین است بی نصیب گردان.

عمر بن خطاب بخالد گفت: ساکت باش ای خالد که تو نه صلاح اندیشی داری و نه سخنت را کسی خوش دارد خالد گفت خودت خاموش باش ای پسر خطاب بخدا قسم تو خود بهتر میدانی که از زبان دیگری سخن میگوئی و دست بدامان دیگران زده ای بخدا قسم که قریش میدانند که من از همه با شخصیتتر و پر ادبتر و خوشنامترم و بخدا و رسولش از همه نیازمندترم ولی تو از لحاظ شخصیت از همه پست تری و افراد فامیلت از همه کمتر و از همه بی نام و نشان تر و در پیشگاه خدای عز و جل و پیغمبرش از همه کمتر و تو هستی که در جنگ ترسوئی و در خشک سالی بخیل و پست فطرتی و در میان طایفه قریش هیچ وسیله افتخاری نداری راوی گوید: خالد که عمر را خاموش ساخت برجای خود نشست.

سپس ابو ذر بپا خواست- خدایش رحمت کند- و پس از حمد و ستایش خدا گفت اما بعد ای گروه مهاجرین و انصار شما خوب میدانید و نیکان شما هم میدانند که رسول خدا ﷺ فرمود کار خلافت پس از من

تعلق به علی دارد و سپس متعلق بحسن و حسین است و سپس در خاندان من که از اولاد حسین باشند خواهد بود ولی شما فرمایش پیغمبر خود را دور انداختید و فرمانی را که بشما داده بود فراموش شده انگاشتید و پیرو دنیا شدید و نعمت‌های باقی آخرت را که اساسش ویرانی ندارد و نعمت‌اش را زوالی نیست و اهلش را حزنی بدل راه ندارد و ساکنین‌اش را مرگ‌گریبان نمیگیرد از دست دادید.

آری امت‌هایی که پس از پیامبرانشان کافر شدند این چنین بود که تبدیل و تغییر دادند و شما نیز با آنان گوش بگوش و پا بپا برابری گردید بهمین زودی گرانی کار و بار خود را احساس خواهید کرد و خداوند ببندگانش هرگز ستم روا ندارد.

راوی گفت: سپس سلمان فارسی بپا خواست (خدایش رحمت کند) و گفت ای ابا بکر اگر قضاوتی برای تو پیش آید کار خود را به پشت گرمی که انجام خواهی داد؟ و اگر از چیزی که نمیدانی مورد سؤال شوی بکه پناه خواهی برد؟ با اینکه در میان مردم کسی هست که از تو داناتر و نشانه‌های خوبی در او بیشتر و ستودگی‌هایش از تو فزونتر است و خویشاوندیش با رسول خدا ﷺ نزدیکتر و سابقه زندگی‌اش با رسول خدا ﷺ بیشتر است و رسول خدا ﷺ (در باره او) فرمانی بشما داد که فرمانش نبردید و سفارشش را فراموش شده انگاشتید بهمین زودی کار شما تصفیه می‌شود هنگامی که بگورستان بروید با پشت‌های سنگین از بار گناه آنگاه که بگورت‌برند بر کرداری که از پیش فرستاده‌ای وارد خواهی شد اگر بسوی حق باز می‌گشتی و با اهل حق بانصاف رفتار مینمودی برای روزی که نیازمند کردار خودت خواهی بود و در گودال قبرت با

گناهانی که از تو سرزده تنها بسر خواهی
برد راه نجاتی داشتی با اینکه تو نیز هم
چنان که ما شنیده‌ایم شنیده‌ای و همچنان
که ما دیده‌ایم دیده‌ای ولی با این همه
آنچه شنیده‌ای و دیده‌ای تو را از کاری که
میکنی باز نمیدارد خدا را خدا را بفکر
خود باش که هر آن کس که دیگری را (از
کاری که میکند) ترساند راه عذر را بر او
بسته است.

سپس مقداد بن اسود خدایش رحمت کند بپا
خواست و گفت: ای ابا بکر بجای خودت
بنشین و وجبت را با فاصله میان ابهام و
سبابه بسنج و در خانه خود بنشین و بر
گناه خود گریه کن که این کار در زندگی و
مرگت برای تو سالم‌تر است و این کار خلافت
را بجائی که خدای عز و جل و پیغمبرش
قرار داده است بازگردان و بدنیا دل میند
و مردم احمق و پست دنیا تو را نفریبند که
بهمین زودی دنیا نابود می‌شود و سپس
بنزد پروردگارت می‌روی و بر کاری که
کرده‌ای پاداشت می‌دهد تو خود میدانی که
این کار مخصوص علی است و او است که پس
از پیغمبر صاحب خلافت است اگر نصیحت مرا
بپذیری من حق نصیحت بجای آوردم.

سپس بریده اسلمی بپا خواست و گفت: ای
ابا بکر فراموش کرده‌ای یا خود را
بفراموشی زده‌ای! یا نفست با تو از راه
نیرنگ در آمده؟ بیاد نداری که رسول خدا
ﷺ ما را دستور فرمود و ما بعلی بعنوان
امیر المؤمنین سلام دادیم؟ این موقعی بود
که پیغمبر ما در میان ما بود حال از
پروردگارت بترس و خودت را دریاب پیش از
آنکه نتوانی‌اش دریابی و جان خود را از
گرداب هلاکت بیرون آر پیش از آنکه هلاک
شود و دست از این کار بردار و بآن کس که
از تو سزاوارتر است واگذار کن و بیش از
این در راه گمراهی خود گام بر مدار و تا

میتوانی بازگردی باز گرد که من پند خود را بتو دادم و از آنچه در نزدم بود از تو دریغ نداشتم اگر بپذیری توفیق شامل حالت گشته و راه رستگاری را پیموده‌ای. سپس عبد الله بن مسعود بپا خواست و گفت ای گروه خاندان قریش شما میدانید و نیکان شما هم میدانند که خاندان پیغمبر شما به رسول خدا ﷺ از شما نزدیک ترند اگر شما این کار خلافت را ببهانه خویشاوندی با پیغمبر ﷺ مدعی هستید و میگوئید ما پیش از دیگران به پیغمبر گرویدیم خاندان پیغمبر شما که برسول خدا ﷺ نزدیکتر و پیش از شما با او گرویده‌اند و علی بن ابی طالب پس از پیغمبر شما صاحب این کار است کاری را که خداوند برای او قرار داده بدست او بسپارید و بآئین عقب مانده خود بر نگردید که زیانکارانه باز خواهید گشت.

سپس عمار بن یاسر بپا خواست و گفت: ای ابا بکر حقی را که خداوند برای دیگری قرار داده بخودت اختصاص مده و نخستین کس مباش که با رسول خدا ﷺ در باره خانواده‌اش مخالفت کند و عصیان بورزد و حق را باهلش بازگردان تا پشتت از بار سبکتر و گناهت را کمتر کنی و رسول خدا ﷺ را ملاقات کنی

در حالی که از تو راضی باشد و سپس گزارش کارت به پیشگاه خدای رحمان برود و خداوند بحساب کارت رسیدگی فرماید و از آنچه کرده‌ای بپرسد.

سپس خزیمه بن ثابت ذو الشهادتین بپا خواست و گفت: ای ابا بکر مگر نمیدانی که رسول خدا ﷺ گواهی مرا بتنهاییم پذیرفت گفت: آری گفت: خدا را گواه میگیرم که خودم از رسول خدا ﷺ شنیدم فرمود:

خاندان من حق و باطل را از هم جدا میکنند و آنانند پیشوایانی که باید از آنان پیروی نمود.

سپس ابو الهیثم بن التیهان بپا خواست و گفت: ای ابا بکر من بر پیغمبر گواهی میدهم که او علی را بپا کرد و انصار گفتند بپایش بلند نکرد مگر برای خلافت و بعضی گفتند برای این بپایش بلند کرد که بمردم بفهماند که هر کسی را که پیغمبر سرپرستش بود سرپرستی او با علی نماید پس رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

خاندان من ستارگان فروزان روی زمینند آنان را به پیش اندازید و از آنان پیش نیفتید.

سپس سهل بن حنیف بپاخواست و گفت: گواهی میدهم که از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بر فراز منبر شنیدم که فرمود پیشوای شما پس از من علی بن ابی طالب است و او خیرخواهترین مردم است برای امت من.

سپس ابو ایوب انصاری بپا خواست و گفت: در باره خاندان پیغمبرتان از خدا بپرهیزید و این کار خلافت را بآنان باز پس دهید که در حقیقت بارها از پیغمبر خدا شنیدید چنان که ما شنیدیم که آنان بخلافت از شما سزاوارترند این بگفت و بنشست.

سپس زید بن وهب بپا خواست و سخن گفت و عده ای هم پس از او بپا خواستند و بهمین گونه سخن گفتند. از اصحاب رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ کسی که مورد اعتماد بود نقل کرد که ابی بکر سه روز در خانه نشست و چون روز سوم شد عمر بن الخطاب و طلحة و زبیر و عثمان بن عفان و عبد الرحمن بن عوف و سعد بن ابی وقاص و ابو عبیده جراح هر یک با ده نفر از فامیل خود با شمشیرهای برهنه نزد ابو بکر آمدند و او را از

خانه اش بیرون کشیدند و بر فراز منبرش کردند و یکی از آنان گفت: بخدا قسم اگر یکنفر از شما برگردد و همان گونه سخنان که گفته شد باز گوید او را طعمه شمشیرهای خود خواهیم نمود آنان نیز در خانه های خود نشستند و دیگر یکنفر از آنان حرفی نزد،

خدای عز و جل از نسل بنی اسرائیل دوازده گروه بیرون آورد

و از حسن و حسین علیهما السلام دوازده نواده فرزند منتشر فرمود الحسین علیه السلام اثنی عشر سبطا

ه - حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَعِيدِ الْعَسْكَرِيُّ قَالَ أَخْبَرَنَا أَبُو الْحُسَيْنِ النَّسَّابَةُ مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ التَّمِيمِيُّ السَّعْدِيُّ قَالَ أَخْبَرَنِي أَبُو الْفَضْلِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مَنْصُورٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو مُحْكَمٍ مُحَمَّدُ بْنُ هَاشِمِ السَّعْدِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عَبِيدُ اللَّهِ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ قَالَ قَالَ سَأَلْتُ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ علیه السلام عَمَّا يُقَالُ فِي بَنِي الْأَفْطَسِ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَخْرَجَ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَهُوَ يَعْقُوبُ بْنُ إِسْحَاقَ بْنَ إِبْرَاهِيمَ علیه السلام اثْنِي عَشَرَ سِبْطًا وَجَعَلَ فِيهِمُ النَّبُوَّةَ وَ الْكِتَابَ وَ نَشَرَ مِنَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ ابْنِي أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام مِنْ فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله اثْنِي عَشَرَ سِبْطًا ثُمَّ عَدَّ الْإِثْنِي عَشَرَ مِنْ وُلْدِ إِسْرَائِيلَ فَقَالَ زُوَيْلُ بْنُ يَعْقُوبَ وَ شَمْعُونُ بْنُ يَعْقُوبَ وَ يَهُودَا بْنُ يَعْقُوبَ وَ يَشَاجِرُ بْنُ يَعْقُوبَ وَ زِيلُونَ بْنُ يَعْقُوبَ وَ يُوسُفُ بْنُ يَعْقُوبَ وَ بَنِيَامِينَ بْنُ يَعْقُوبَ وَ نَفْتَالِي بْنُ يَعْقُوبَ وَ دَانَ بْنُ يَعْقُوبَ وَ سَقَطَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ «الْحُسَيْنِ النَّسَّابَةَ ثَلَاثَةً مِنْهُمْ ثُمَّ عَدَّ الْإِثْنِي عَشَرَ مِنْ وُلْدِ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ علیه السلام فَقَالَ أَمَّا الْحَسَنُ فَانْتَشَرَ مِنْ

سِتَّةِ أَبْطُنٍ وَ هُمْ بَنُو الْحَسَنِ بْنِ زَيْدِ بْنِ
 الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَ بَنُو عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ
 الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَ بَنُو إِبْرَاهِيمَ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ
 الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَ بَنُو دَاوُدَ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ
 الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَ بَنُو جَعْفَرِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ
 الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ فَعَقَبَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ مِنْ هَذِهِ
 السَّتَّةِ الْأَبْطُنِ ثُمَّ عَدَّ بَنِي الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ
 بَنُو مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ
 الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَطْنٌ وَ بَنُو عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْبَاهِرِ بْنِ
 عَلِيٍّ وَ بَنُو زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَ بَنُو
 الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ وَ بَنُو
 عُمَرَ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ وَ بَنُو عَلِيٍّ
 بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ فَهَؤُلَاءِ السَّتَّةُ
 الْأَبْطُنِ نَشَرَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ ع

ه - عبيد الله نواده امام حسن مجتبی

میگوید: از امام علی بن موسی الرضا از
 آنچه در باره بنی افسس گفته میشد پرسیدم
 فرمود خدای عز و جل از فرزندان اسرائیل
 که یعقوب بن اسحاق بن ابراهیم بود
 دوازده خانواده بیرون آورد و منصب
 پیغمبری و داشتن کتاب را در آنان قرار
 داد و از حسن و حسین که دو فرزندان امیر
 المؤمنین از فاطمه دختر رسول خدا
 بودند عَلَيْهِمَا السَّلَامُ دوازده نواده فرزند منتشر
 فرمود سپس حضرت دوازده فرزند اسرائیل را
 شماره کرد و فرمود روبیل بن یعقوب بود و
 شمعون بن یعقوب و یهود بن یعقوب و یساجر
 بن یعقوب و زیلون بن یعقوب و یوسف بن
 یعقوب و بنیامین بن یعقوب و نفتالی بن
 یعقوب و دان ابن یعقوب (و ابو الحسن
 نسابه که دومین نفر سند این حدیث است)
 نام سه نفر از این دوازده نفر را نگفته
 سپس دوازده نفر از نواده های حسن و حسین
 را بر شمرد و فرمود اما نواده های حسن
عَلَيْهِ السَّلَامُ از شش خانواده منتشر شد و اینان

عبارتند از اولاد حسن بن زید بن حسن بن علی و فرزندان عبد الله بن حسن بن حسن بن علی و فرزندان ابراهیم بن حسن بن حسن بن علی و اولاد داود بن حسن بن حسن بن علی و اولاد جعفر بن حسن بن حسن بن علی که نسل حسن بن علی علیه السلام از این شش خانواده میباشند سپس فرزندان حسین را شمرد و فرمود فرزندان محمد بن علی امام باقر فرزند علی بن الحسین یك خاندان و فرزندان عبد الله بن الباهر بن علی و فرزندان زید بن علی بن الحسین و فرزندان حسین بن علی بن الحسین بن علی و فرزندان عمر بن علی بن الحسین بن علی و فرزندان علی بن علی بن الحسین بن علی این شش خانواده را خدای عز و جل از حسین بن علی علیه السلام منتشر فرمود.

جانشینان و امام پس از پیغمبر دوازده نفر بودند

الخلفاء و الأئمة بعد النبی صلی الله علیه و آله اثنا

عشر ع

٦ - حَدَّثَنَا أَبُو عَلِيٍّ أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ عَبْدِ رَبِّهِ الْقَطَّانُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو يَزِيدَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى بْنِ خَالِدِ بْنِ يَزِيدَ الْمَرْوَزِيُّ بِالرِّيِّ فِي رَبِيعِ الْأَوَّلِ سَنَةَ اثْنَتَيْنِ وَ ثَلَاثِمِائَةٍ قَالَ حَدَّثَنَا إِسْحَاقُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ الْحَنْظَلِيُّ فِي سَنَةِ ثَمَانٍ وَ ثَلَاثِينَ وَ مِائَتَيْنِ وَ هُوَ الْمَعْرُوفُ بِإِسْحَاقَ بْنِ رَاهَوِيَةَ قَالَ حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ يَحْيَى قَالَ حَدَّثَنَا هُشَيْمٌ عَنْ مُجَالِدٍ عَنِ الشَّعْبِيِّ عَنْ مَسْرُوقٍ قَالَ بَيْنَا نَحْنُ عِنْدَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ نَعْرِضُ مَصَاحِفَنَا عَلَيْهِ إِذْ قَالَ لَهُ فَتَى شَابٌّ هَلْ عَهْدَ إِلَيْكُمْ نَبِيِّكُمْ صلی الله علیه و آله قَالَ أَنْكَ لِحَدِّثِ السَّنَّ وَ إِنَّ هَذَا شَيْءٌ مَا سَأَلَنِي عَنْهُ أَحَدٌ

قَبْلَكَ نَعْمَ عَهْدَ إِلَيْنَا نَبِيُّنَا ﷺ أَنَّهُ يَكُونُ
بَعْدَهُ اثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً بَعْدَ نُقَبَاءِ بَنِي
إِسْرَائِيلَ

۶ - مسروق گوید: در آن میان که ما نزد
عبد الله بن مسعود بودیم و قرآن‌های خود را
با و عرضه میکردیم ناگاه جوان نوری با و
گفت: آیا پیغمبر شما بشما عهدی سپرد که
پس از او جانشین آن حضرت چند نفر خواهند
بود؟ عبد الله بن مسعود گفت: تو با این سن
و سال کم پرسشی از من نمودی که پیش از
تو کسی چنین سؤالی از من نکرده است آری
پیغمبر ما بما عهدی سپرده است که پس از
آن حضرت دوازده خلیفه بشماره نقبای بنی
اسرائیل خواهند بود

۷ - حَدَّثَنَا أَبُو عَلِيٍّ أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ
الْقَطَّانُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ أَحْمَدُ بْنُ
مُحَمَّدِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي الرَّجَالِ الْبَغْدَادِيِّ
قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ دُوسِ الْخَرَّانِيِّ قَالَ
حَدَّثَنَا عَبْدُ الْغَفَّارِ بْنُ الْحَكَمِ قَالَ حَدَّثَنَا
مَنْصُورُ بْنُ أَبِي الْأَسْوَدِ عَنِ مُطَرِّفِ بْنِ الشَّعْبِيِّ
عَنْ عَمِّهِ قَيْسِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ كُنَّا جُلُوسًا فِي
حَلْقَةٍ فِيهَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مَسْعُودٍ فَجَاءَ أَعْرَابِيٌّ
فَقَالَ أَيُّكُمْ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مَسْعُودٍ فَقَالَ عَبْدُ اللَّهِ
أَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مَسْعُودٍ قَالَ هَلْ حَدَّثَكُمْ
نَبِيُّكُمْ ﷺ كَمَا يَكُونُ بَعْدَهُ مِنَ الْخُلَفَاءِ قَالَ
نَعْمَ اثْنَا عَشَرَ نُقَبَاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ

۷ - قیس بن عبد گوید: در حلقه صحبت
عبد الله بن مسعود نشسته بودیم که عربی
بیابانی آمد و گفت عبد الله بن مسعود کدام
یک از شما است؟ عبد الله گفت عبد الله بن
مسعود منم، گفت:

پیغمبر شما بشما خبر داد که پس از او
جانشینان او چند نفر خواهند بود؟ گفت:
آری دوازده نفر بشماره نقبای بنی
اسرائیل.

۸ - حَدَّثَنَا أَبُو الْقَاسِمِ عَتَّابُ بْنُ مُحَمَّدٍ
الْوَرَامِينِيُّ الْخَافِضُ قَالَ حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ
مُحَمَّدِ بْنِ صَاعِدٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ
الرَّحْمَنِ بْنِ الْفَضْلِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ
سَوَّارٍ

قَالَا حَدَّثَنَا عَبْدُ الْغَفَّارِ بْنُ الْحَكَمِ قَالَ
حَدَّثَنَا مَنْصُورُ بْنُ أَبِي الْأَسْوَدِ عَنِ مُطَرِّفٍ عَنِ
الشَّعْبِيِّ قَالَ عَتَّابُ بْنُ مُحَمَّدٍ وَ حَدَّثَنَا إِسْحَاقُ
بْنُ مُحَمَّدٍ الْأَنْمَاطِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا يُوسُفُ بْنُ مُوسَى
قَالَ حَدَّثَنَا جَرِيرٌ عَنِ أَشْعَثَ بْنِ سَوَّارٍ عَنِ
الشَّعْبِيِّ قَالَ عَتَّابُ بْنُ مُحَمَّدٍ وَ حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ
بْنُ مُحَمَّدٍ الْحَرَّانِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَيُّوبُ بْنُ مُحَمَّدٍ
الْوَزَّانُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعِيدُ بْنُ مَسْلَمَةَ قَالَ
حَدَّثَنَا أَشْعَثُ بْنُ سَوَّارٍ عَنِ الشَّعْبِيِّ كُلُّهُمْ
قَالُوا عَنْ عَمِّهِ قَيْسِ بْنِ عَبْدِ قَالَ أَبُو الْقَاسِمِ
عَتَّابُ وَ هَذَا حَدِيثُ مُطَرِّفٍ قَالَ كُنَّا جُلُوسًا فِي
الْمَسْجِدِ وَ مَعَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مَسْعُودٍ فَجَاءَ
أَعْرَابِيٌّ فَقَالَ فِيكُمْ عَبْدُ اللَّهِ قَالَ نَعَمْ أَنَا عَبْدُ
اللَّهِ فَمَا حَاجَتُكَ قَالَ يَا عَبْدُ اللَّهِ أَخْبَرَكَمُ
نَبِيُّكُمْ ﷺ كَمْ يَكُونُ فِيكُمْ مِنْ خَلِيفَةٍ قَالَ لَقَدْ
سَأَلْتَنِي عَنْ شَيْءٍ مَا سَأَلَنِي عَنْهُ أَحَدٌ مُنْذُ
قَدِمْتُ الْعِرَاقَ نَعَمْ اثْنَا عَشَرَ عِدَّةً نَقَبَاءِ بَنِي
إِسْرَائِيلَ قَالَ أَبُو عَرُوبَةَ فِي حَدِيثِهِ نَعَمْ عِدَّةً
نَقَبَاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَ قَالَ جَرِيرٌ عَنِ الْأَشْعَثِ
بْنِ مَسْعُودٍ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ الْخُلَفَاءُ بَعْدِي اثْنَا
عَشَرَ كَعَدَدِ نَقَبَاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ

۸ - شعبی از عمویش قیس بن عبد روایت
میکند (و ابو القاسم عتاب گفته است که
این روایت تازه‌گی دارد) ما در مسجد
نشسته بودیم و عبد الله بن مسعود نیز با ما
بود که عربی بیابانی آمد و گفت: عبد الله
بن مسعود میان شما است؟ گفت: آری من عبد
الله هستم چکار داری؟ گفت: ای عبد الله پیغمبر
شما بشما خبر داد که در میان شما چند
نفر خلیفه و جانشین خواهد بود؟ گفت:
پرسشی از من کردی که از وقتی که بعراق

آمده ام کسی از من چنین سؤالی نکرده بود
 آری دوازده نفر بشماره نقبای بنی
 اسرائیل و ابو عروبه همین روایت را نقل
 کرده و او چنین روایت نموده است: (آری
 بشماره نقیبهای بنی اسرائیل) و جریر از
 اشعث بن مسعود و او از پیغمبر روایت
 کرده که فرمود: جانشینان من پس از من
 دوازده نفراند مانند شماره نقیبان بنی
 اسرائیل.

۹ - حَدَّثَنَا عَتَّابُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْوَرَامِيُّ
 الْحَافِظُ قَالَ حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ صَاعِدٍ
 قَالَ حَدَّثَنَا يُونُسُ بْنُ مُوسَى قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ
 الرَّحْمَنِ بْنُ مَعْرَاءَ قَالَ حَدَّثَنَا مُجَالِدٌ عَنْ
 عَامِرٍ عَنْ مَسْرُوقٍ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدٌ وَحَدَّثَنَا
 مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ عَنْ حَفْصِ بْنِ حَمْرَةَ
 بْنِ عَوْنٍ عَنْ أَبِي أَسَامَةَ عَنْ مُجَالِدٍ قَالَ
 أَخْبَرَنَا عَامِرٌ عَنْ مَسْرُوقٍ قَالَ جَاءَ رَجُلٌ إِلَى
 ابْنِ مَسْعُودٍ قَالَ هَلْ حَدَّثَكُمْ نَبِيُّكُمْ ﷺ كَمْ
 يَكُونُ بَعْدَهُ مِنْ خَلِيفَةٍ فَقَالَ نَعَمْ مَا سَأَلَنِي
 عَنْهَا أَحَدٌ قَبْلَكَ وَ إِنَّكَ لِأَحَدُ الْقَوْمِ سِنًا
 قَالَ ﷺ يَكُونُ بَعْدِي عِدَّةٌ نَقَبَاءِ مُوسَى ع

۹ - مسروق گوید: مردی به نزد ابن
 مسعود آمد و گفت: آیا پیغمبر شما بشما
 خبر داده است که خلیفه بعد از او چند
 نفراند؟ گفت: آری کسی پیش از تو از من
 چنین پرسشی نکرده بود با اینکه تو از
 همه این مردم نورس تری آن حضرت فرمود:
 پس از من بشماره نقیبان موسی میباشند.

۱۰ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْقَطَّانُ قَالَ
 حَدَّثَنِي النُّعْمَانُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ نَعِيمِ الْوَاسِطِيِّ
 قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ سِنَانَ الْقَطَّانُ قَالَ
 حَدَّثَنَا أَبُو أَسَامَةَ قَالَ حَدَّثَنِي مُجَالِدٌ عَنْ
 عَامِرٍ عَنْ مَسْرُوقٍ قَالَ جَاءَ رَجُلٌ إِلَى عَبْدِ اللَّهِ بْنِ
 مَسْعُودٍ فَقَالَ يَا أَبَا عَبْدِ الرَّحْمَنِ هَلْ حَدَّثَكُمْ
 نَبِيُّكُمْ ﷺ كَمْ يَكُونُ بَعْدَهُ مِنَ الْخُلَفَاءِ قَالَ
 نَعَمْ وَ مَا سَأَلَنِي عَنْهُ أَحَدٌ قَبْلَكَ وَ إِنَّكَ لِأَحَدُ

الْقَوْمِ سِنًا نَعَمْ قَالَ يَكُونُ بَعْدِي عِدَّةٌ نُقَبَاءِ
مُوسَى ع

١١ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْقَطَّانُ قَالَ
حَدَّثَنِي النُّعْمَانُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ نَعِيمِ الْوَاسِطِيِّ
قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ سِنَانَ الْقَطَّانُ قَالَ
حَدَّثَنَا أَبُو أُسَامَةَ قَالَ حَدَّثَنِي مُجَالِدٌ عَنْ
عَامِرٍ عَنْ مَسْرُوقٍ قَالَ جَاءَ رَجُلٌ إِلَى عَبْدِ اللَّهِ بْنِ
مَسْعُودٍ فَقَالَ يَا أَبَا عَبْدِ الرَّحْمَنِ هَلْ حَدَّثَكُمْ
نَبِيُّكُمْ ﷺ كَمْ يَكُونُ بَعْدَهُ مِنَ الْخُلَفَاءِ فَقَالَ
نَعَمْ وَ مَا سَأَلَنِي أَحَدٌ قَبْلَكَ وَ إِنَّكَ لَأَحَدُ
الْقَوْمِ سِنًا نَعَمْ قَالَ يَكُونُ بَعْدِي عِدَّةٌ نُقَبَاءِ
مُوسَى ع

١٠ - مسروق گوید: مردی بنزد عبد الله بن
مسعود آمد و گفت ای ابا عبد الرحمن آیا
پیغمبر شما بشما خبر داد که جانشینان
بعد از او چند نفرند؟ گفت آری و کسی پیش
از تو از من در این باره سؤال نکرده است
با اینکه تو از همه این مردم جوانتری
آری فرمود: پس از من بشماره نقیبان موسی
خواهد بود.

١٢ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْقَطَّانُ قَالَ
حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرٍ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عُبَيْدِ
النَّيْسَابُورِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْقَاسِمِ هَارُونُ
بْنُ إِسْحَاقَ يَعْنِي الْهَمْدَانِيَّ قَالَ حَدَّثَنِي عَمِّي
إِبْرَاهِيمُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ زِيَادِ بْنِ عِلَاقَةَ وَ عُبَيْدِ
الْمَلِكِ بْنِ عُمَيْرٍ عَنْ جَابِرِ بْنِ سَمُرَةَ قَالَ كُنْتُ
مَعَ أَبِي عِنْدَ النَّبِيِّ ﷺ فَسَمِعْتُهُ يَقُولُ يَكُونُ
بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ أَمِيرًا ثُمَّ أَخْفَى صَوْتَهُ فَقُلْتُ
لِأَبِي مَا الَّذِي أَخْفَى رَسُولُ اللَّهِ ﷺ قَالَ قَالَ
كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ

١١ - عین مضمون روایت دهم است و فقط
کلمه (در این باره) ندارد.

١٣ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْقَطَّانُ قَالَ
حَدَّثَنَا أَبُو عَلِيٍّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ إِسْمَاعِيلَ
الْيَشْكُرِيُّ الْمَرْزُوقِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا سَهْلُ بْنُ عَمَّارٍ
النَّيْسَابُورِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عُمَرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ

رَزِينٍ قَالَ حَدَّثَنَا سُفْيَانُ عَنْ سَعِيدِ بْنِ عَمْرٍو
 بَنِ أَشْوَعٍ عَنِ الشَّعْبِيِّ عَنْ جَابِرِ بْنِ سَمُرَةَ قَالَ
 جِئْتُ مَعَ أَبِي إِلَى الْمَسْجِدِ وَرَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَخْطُبُ
 فَسَمِعْتُهُ يَقُولُ بَعْدَى اثْنَا عَشَرَ يَغْنِي أَمِيرًا
 ثُمَّ خَفَضَ مِنْ صَوْتِهِ فَلَمْ أَذِرْ مَا يَقُولُ فَقُلْتُ
 لِأَبِي مَا قَالَ فَقَالَ قَالَ كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ

۱۲ - جابر بن سمرة گوید: با پدرم خدمت
 پیغمبر بودم شنیدم که میفرمود پس از من
 دوازده فرماندار خواهد بود و سپس صدایش
 آهسته شد بپدرم گفتم چه بود که رسول خدا
 ﷺ آهسته فرمود؟ گفت:

فرمود: همه آن فرمانداران از خاندان
 قریشند.

۱۴ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْقَطَّانُ قَالَ
 حَدَّثَنَا أَبُو الْحُسَيْنِ طَاهِرُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ
 الْخَثْعَمِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو كُرَيْبٍ يَغْنِي مُحَمَّدَ
 بْنَ عَلَاءٍ الْهَمْدَانِيَّ قَالَ حَدَّثَنِي عَمِّي يَغْنِي ابْنَ
 عُبَيْدِ الطَّنَافِسِيِّ عَنْ سَمَاكِ بْنِ حَرْبٍ عَنْ جَابِرِ
 بْنِ سَمُرَةَ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ يَكُونُ
 بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ أَمِيرًا ثُمَّ تَكَلَّمَ فَخَفِيَ عَلَيَّ
 مَا قَالَ فَسَأَلْتُ أَبِي مَا الَّذِي قَالَ فَقَالَ قَالَ
 كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ

۱۴ - جابر بن سمرة گوید: شنیدم رسول
 خدا ﷺ میفرمود: (مضمون روایت ۱۲)

۱۵ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْقَطَّانُ قَالَ
 أَخْبَرَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ سَالِمٍ قَالَ حَدَّثَنَا
 مُحَمَّدُ بْنُ الْوَلِيدِ يَغْنِي الْبُسْرِيَّ قَالَ حَدَّثَنَا
 مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ يَغْنِي غَنْدَرَ قَالَ حَدَّثَنَا شُعْبَةُ
 عَنْ سَمَاكِ بْنِ حَرْبٍ قَالَ سَمِعْتُ جَابِرَ بْنَ سَمُرَةَ
 يَقُولُ سَمِعْتُ النَّبِيَّ ﷺ يَقُولُ يَكُونُ بَعْدِي اثْنَا
 عَشَرَ أَمِيرًا وَقَالَ كَلِمَةً لَمْ أَسْمَعْهَا فَقَالَ
 الْقَوْمُ قَالَ كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ

۱۵ - جابر بن سمرة گوید: شنیدم پیغمبر
 میفرمود: پس از من دوازده فرماندار
 خواهد بود و کلمه‌ای گفت که من نشنیدم

مردم گفتند فرمود: همه آنان از خاندان قریش‌اند.

۱۶ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْقَطَّانُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عَلِيٍّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ إِسْمَاعِيلَ الْمَرْوَزِيُّ بِالرِّيِّ قَالَ حَدَّثَنَا الْفَضْلُ بْنُ عَبْدِ الْجَبَّارِ الْمَرْوَزِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ يَعْنِي ابْنَ شَقِيقٍ قَالَ حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ وَاقِدٍ قَالَ حَدَّثَنِي سِمَاكُ بْنُ حَرْبٍ عَنْ جَابِرِ بْنِ سَمُرَةَ قَالَ أَتَيْتُ النَّبِيَّ ﷺ فَسَمِعْتُهُ يَقُولُ إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ لَنْ يَنْقُضِي حَتَّى يَمْلِكَ اثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً كُلُّهُمْ فَقَالَ قَالَ ﷺ كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ

۱۶ - جابر بن سمره گوید: بخدمت پیغمبر رسیدم و شنیدم میفرمود: این کار پایان نمیرسد تا آنکه دوازده تن جانشین مالک گردند و همه آنان ... سپس کلمه آهسته‌ای گفت که من نفهمیدم بپدرم گفتم: چه فرمود؟ گفت: فرمود: همه آنان از قریشند.

۱۷ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْقَطَّانُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ سَعْدَانَ بْنِ سَهْلٍ الْيَشْكُرِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْمُقْدَامِ قَالَ حَدَّثَنَا يَزِيدُ يَعْنِي ابْنَ زُرَيْعٍ قَالَ حَدَّثَنَا ابْنُ عَوْنٍ عَنِ الشَّعْبِيِّ عَنْ جَابِرِ بْنِ سَمُرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لَا يَزَالُ هَذَا الدِّينُ عَزِيزاً مَنِعاً يُنْصَرُونَ عَلَى مَنْ نَأَوْهُمْ إِلَى اثْنَيْ عَشَرَ خَلِيفَةً وَقَالَ كَلِمَةً أَصْمَنِيهَا النَّاسُ فَقُلْتُ لِأَبِي مَا الْكَلِمَةُ الَّتِي أَصْمَنِيهَا النَّاسُ فَقَالَ قَالَ ﷺ كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ

۱۷ - جابر بن سمره گوید: رسول خدا ﷺ فرمود: این دین همواره عزیز و استوار خواهد بود و بر هر کس که آهنگ زیان بر آنان کند پیروز میشوند تا دوازده جانشین و کلمه‌ای گفت که مردم نگذاشتند بشنوم بپدرم گفتم: کلمه‌ای که مردم نگذاشتند بشنوم چه بود؟ گفت: فرمود: همه آنان از قریشند.

۱۸ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْقَطَّانُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو مُحَمَّدٍ عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ أَبِي حَاتِمٍ قَالَ حَدَّثَنَا الْفَضْلُ بْنُ يَعْقُوبَ قَالَ حَدَّثَنَا الْهَيْثَمُ بْنُ كَمَيْلٍ قَالَ حَدَّثَنَا زُهَيْرٌ عَنْ زِيَادِ بْنِ خَيْثَمَةَ عَنْ سَعْدِ بْنِ قَيْسِ الْهَمْدَانِيِّ عَنْ جَابِرِ بْنِ سَمُرَةَ قَالَ قَالَ النَّبِيُّ ﷺ لَا تَزَالُ هَذِهِ الْأُمَّةُ مُسْتَقِيمًا أَمْرُهَا ظَاهِرَةٌ عَلَيَّ عَدُوُّهَا حَتَّى يَمْضِيَ اثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ فَأَتَيْتُهُ فِي مَنْزِلِهِ قُلْتُ ثُمَّ يَكُونُ مَاذَا قَالَ ثُمَّ الْهَرْجُ

۱۸ - جابر بن سمره گوید: پیغمبر فرمود: همواره کار این امت روبراه است و بر دشمنشان پیروزانند تا دوازده جانشین بگذرند که همه آنان از قریش باشند سپس در خانه حضرت بخدمتش رسیدم و عرض کردم:

پس از آن چه می‌شود؟ فرمود: آشوب.

۱۹ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْقَطَّانُ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ أَبِي حَاتِمٍ قَالَ حَدَّثَنَا الْعَلَاءُ بْنُ سَالِمٍ قَالَ حَدَّثَنَا يَزِيدُ بْنُ هَارُونَ قَالَ أَخْبَرَنَا شَرِيكُ عَنْ سِمَاكِ وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمِيرٍ وَ حُصَيْنِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ قَالُوا سَمِعْنَا جَابِرَ بْنَ سَمُرَةَ يَقُولُ دَخَلْتُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ مَعَ أَبِي فَقَالَ لَا تَزَالُ هَذِهِ الْأُمَّةُ صَالِحًا أَمْرُهَا ظَاهِرَةٌ عَلَيَّ عَدُوُّهَا حَتَّى يَمْضِيَ اثْنَا عَشَرَ مَلِكًا أَوْ قَالَ اثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً ثُمَّ قَالَ قَالَ كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ

۱۹ - جابر بن سمره گوید: بهمراه پدرم بخدمت رسول خدا ﷺ رسیدم فرمود: کار این امت همیشه رو بصلاح است و بر دشمنش پیروز است تا دوران دوازده پادشاه یا فرمود دوازده خلیفه بگذرد سپس کلمه‌ای فرمود که بر من مخفی ماند از پدرم پرسیدم گفت: فرمود: همگی از قریشند.

۲۰ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْقَطَّانُ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ أَبِي حَاتِمٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو سَعِيدٍ الْأَشْجُ قَالَ حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مَالِكِ بْنِ زَيْدِ الْهَمْدَانِيِّ قَالَ سَمِعْتُ زِيَادَ بْنَ عِلَاقَةَ وَ عَبْدِ الْمَلِكِ بْنَ عُمَيْرٍ يُحَدِّثَانِ عَنْ جَابِرِ بْنِ سَمُرَةَ قَالَ كُنْتُ مَعَ أَبِي عِنْدَ النَّبِيِّ ﷺ فَسَمِعْتُهُ يَقُولُ يَكُونُ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ أَمِيرًا ثُمَّ أَخْفَى صَوْتَهُ فَسَأَلْتُ أَبِي فَقَالَ قَالَ كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ

۲۰ - جابر بن سمرة گوید: با پدرم در محضر پیغمبر بودم و شنیدم که میفرمود پس از من دوازده امیر خواهد بود سپس صدایش را آهسته کرد از پدرم پرسیدم گفت فرمود همگی آنان از قریشند.

۲۱ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْقَطَّانُ قَالَ أَخْبَرَنَا أَبُو الْقَاسِمِ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ الْبَغَوِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْجَعْدِ قَالَ أَخْبَرَنَا زُهَيْرٌ عَنْ سِمَاكِ بْنِ حَرْبٍ وَ زِيَادِ بْنِ عِلَاقَةَ وَ حُصَيْنِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ كُلُّهُمْ عَنْ جَابِرِ بْنِ سَمُرَةَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ يَكُونُ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ أَمِيرًا غَيْرَ أَنْ قَالَ فِي حَدِيثِهِ ثُمَّ تَكَلَّمَ بِشَيْءٍ لَمْ أَفْهَمُهُ وَ قَالَ بَعْضُهُمْ فِي حَدِيثِهِ فَسَأَلْتُ أَبِي وَ قَالَ بَعْضُهُمْ فَسَأَلْتُ الْقَوْمَ فَقَالُوا قَالَ كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ

۲۱ - جابر سمرة گوید: رسول خدا ﷺ فرمود: پس از من دوازده امیر خواهد بود جز اینکه در حدیثاش گفته: سپس چیزی فرمود که من نفهمیدم و بعضی در حدیثی که از او کرده است گفته است که جابر گفت از پدرم پرسیدم و بعضی گفته است که گفت از مردم پرسیدم گفتند: فرمود: همگی آنان از قریشند.

۲۲ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْقَطَّانُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ سُلَيْمَانَ بْنِ الْأَشْعَثِ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ خَشْرَمٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَيْسَى بْنُ يُونُسَ عَنْ عِمْرَانَ يَعْنِي ابْنَ سُلَيْمَانَ عَنْ

الشَّعْبِيُّ عَنِ جَابِرِ بْنِ سَمُرَةَ قَالَ سَمِعْتُ النَّبِيَّ ﷺ يَقُولُ لَا يَزَالُ أَمْرُ هَذِهِ الْأُمَّةِ عَالِيًا عَلَى مَنْ نَاوَأَهَا حَتَّى تَمْلِكَ اثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً ثُمَّ قَالَ كَلِمَةً خَفِيَّةً لَمْ أَفْهَمْهَا فَسَأَلْتُ مَنْ هُوَ أَقْرَبُ إِلَيَّ النَّبِيِّ ﷺ مِنِّي فَقَالَ قَالَ كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ

۲۲ - جابر بن سمره گوید: شنیدم پیغمبر میفرمود کار این امت همیشه بر کسی که آهنگ زیانی بر او کند برتری دارد تا آنکه دوازده جانشین حکومت نمایند سپس کلمه آهسته ای فرمود که من آن را نفهمیدم از کسی که پیغمبر از من نزدیکتر بود پرسیدم گفت: فرمود: همه آنان از قریشند.

۲۳ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْقَطَّانُ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ أَبِي حَاتِمٍ قَالَ حَدَّثَنَا إِسْحَاقُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ أَبُو يَعْقُوبَ السَّمِينُ الْبَغَوِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا ابْنُ عَلِيَّةَ عَنِ ابْنِ عَوْنٍ عَنِ الشَّعْبِيِّ عَنِ جَابِرِ بْنِ سَمُرَةَ قَالَ كُنْتُ مَعَ أَبِي فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لَا يَزَالُ هَذَا الدِّينُ عَزِيزًا مَنِيْعًا سَنِيًّا يُنْصَرُونَ عَلَى مَنْ نَاوَأَهُمْ إِلَى اثْنَيْ عَشَرَ خَلِيفَةً ثُمَّ تَكَلَّمَ بِكَلِمَةٍ أَصْمَنِيهَا النَّاسُ فَقُلْتُ لِأَبِي مَا الْكَلِمَةُ الَّتِي أَصْمَنِيهَا النَّاسُ فَقَالَ قَالَ كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ

۲۳ - جابر بن سمره گوید: با پدرم بودم که رسول خدا ﷺ فرمود این دین همیشه عزیز و پایه بلند و درخشنده است و بر کسی که آهنگ زیانی بر آن داشته باشد پیروزند تا دوران دوازده خلیفه، سپس کلمه ای فرمود که مردم نگذاشتند آن را بشنوم به پدرم گفتم چه کلمه ای بود که مردم نگذاشتند آن را بشنوم گفت: فرمود: همه آنان از قریشند.

۲۴ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْقَطَّانُ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ أَبِي حَاتِمٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ سَلْمَةَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ النَّيْسَابُورِيُّ قَالَ

حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ مَنْصُورٍ قَالَ حَدَّثَنَا مُبَشَّرُ
 بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ رَزِينٍ قَالَ حَدَّثَنَا سُفْيَانُ بْنُ
 حُسَيْنٍ عَنْ سَعِيدِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ أَشْوَعٍ عَنْ عَامِرِ
 الشَّعْبِيِّ عَنْ جَابِرِ بْنِ سَمُرَةَ السَّوَائِيِّ قَالَ كُنْتُ
 مَعَ أَبِي فِي الْمَسْجِدِ وَرَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَخْطُبُ
 فَسَمِعْتُهُ يَقُولُ يَقُولُ يَكُونُ مِنْ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ
 أَمِيرًا ثُمَّ خَفَضَ مِنْ صَوْتِهِ فَلَمْ أَدْرِ مَا يَقُولُ
 فَقُلْتُ لِأَبِي مَا قَالَ فَقَالَ فَقَالَ قَالَ كُلُّهُمْ مِنْ
 قُرَيْشٍ

۲۴ - جابر بن سمره سوائی گوید: با
 پدرم در مسجد بودم و رسول خدا ﷺ خطبه
 میخواند شنیدم که میفرمود: پس از من
 دوازده امیر خواهد بود سپس صدایش را
 آهسته کرد و نفهمیدم چه میفرماید
 پدرم گفتم: چه فرمود؟ گفت فرمود: همه آنان از
 قریشند.

۲۵ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْقَطَّانُ قَالَ
 حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرٍ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ سُلَيْمَانَ بْنِ الْأَشْعَثِ
 قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ يُونُسَ بْنِ سَالِمِ السُّلَمِيِّ
 قَالَ حَدَّثَنَا عَمْرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ رَزِينٍ قَالَ
 حَدَّثَنَا سُفْيَانُ بْنُ حُسَيْنٍ عَنْ سَعِيدِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ
 أَشْوَعٍ عَنِ الشَّعْبِيِّ عَنْ جَابِرِ بْنِ سَمُرَةَ قَالَ كُنْتُ
 مَعَ أَبِي فِي الْمَسْجِدِ وَرَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَخْطُبُ
 فَسَمِعْتُهُ يَقُولُ يَقُولُ اثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً ثُمَّ خَفَضَ صَوْتَهُ
 فَلَمْ أَدْرِ مَا يَقُولُ فَقُلْتُ لِأَبِي مَا يَقُولُ فَقَالَ
 قَالَ كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ

۲۵ - جابر بن سمره گوید با پدرم در
 مسجد بودم و رسول خدا ﷺ خطبه میخواند
 شنیدم که میفرمود
 دوازده خلیفه سپس صدایش آهسته شد و
 نفهمیدم چه میفرمود پدرم گفتم چه
 میفرماید؟ گفت فرمود:
 همه آنان از قریشند.

۲۶ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْحَاقَ
 الْقَاضِي قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو يَعْلَى قَالَ حَدَّثَنَا
 عَلِيُّ بْنُ الْجَعْدِ قَالَ حَدَّثَنَا زُهَيْرٌ عَنْ زِيَادِ بْنِ

خَيْثَمَةَ عَنِ الْأَسْوَدِ بْنِ سَعِيدِ الْهَمْدَانِيِّ قَالَ
 سَمِعْتُ جَابِرَ بْنَ سَمُرَةَ يَقُولُ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ
 يَقُولُ يَكُونُ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً كُلُّهُمْ مِنْ
 قُرَيْشٍ فَلَمَّا رَجَعَ إِلَى مَنْزِلِهِ أَتَيْتُهُ فِيمَا
 بَيْنِي وَبَيْنَهُ وَ قُلْتُ ثُمَّ يَكُونُ مَاذَا قَالَ ثُمَّ
 يَكُونُ الْهَرْجُ

۲۶ - جابر بن سمرة گوید: شنیدم پیغمبر
 میفرمود: پس از من دوازده خلیفه خواهد
 بود که همگی از قریشند چون حضرت بخانه اش
 بازگشت بخدمتش رسیدم و در خانه من بودم
 و ایشان و عرض کردم سپس چه می‌شود؟ فرمود
 سپس فتنه و آشوب می‌شود.

۲۷ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ إِسْحَاقَ
 الْقَاضِي قَالَ أَخْبَرَنَا أَبُو خَلِيفَةَ قَالَ حَدَّثَنَا
 إِبْرَاهِيمُ بْنُ بَشَّارٍ قَالَ حَدَّثَنَا سُفْيَانُ عَنْ عَبْدِ
 الْمَلِكِ بْنِ عُمَيْرٍ أَنَّهُ سَمِعَ جَابِرَ بْنَ سَمُرَةَ
 يَقُولُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لَا يَزَالُ أَمْرُ النَّاسِ
 مَاضِيًا حَتَّى يَلِيَّ عَلَيْهِمُ اثْنَا عَشَرَ رَجُلًا ثُمَّ
 تَكَلَّمَ بِكَلِمَةٍ خَفِيَّتْ عَلَيَّ فَقُلْتُ لِأَبِي مَا قَالَ
 فَقَالَ قَالَ كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ

۲۷ - جابر بن سمرة گوید: رسول خدا
 ﷺ فرمود: کار مردم همیشه در پیشرفت
 است تا دوازده مرد زمام کار آنان را
 بدست بگیرند سپس کلمه‌ای فرمود که بر من
 پوشیده ماند بپدرم گفتم: چه فرمود؟ گفت
 فرمود: همه آنان از قریشند.

۲۸ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ إِسْحَاقَ
 الْقَاضِي قَالَ حَدَّثَنَا حَامِدُ بْنُ شُعَيْبِ الْبَلْخِيِّ
 قَالَ حَدَّثَنَا بَشِيرُ بْنُ الْوَلِيدِ الْكِنْدِيُّ قَالَ
 حَدَّثَنَا إِسْحَاقُ بْنُ يَحْيَى بْنِ طَلْحَةَ بْنِ عُبَيْدِ اللَّهِ
 عَنْ سَعِيدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ جَابِرِ بْنِ سَمُرَةَ عَنْ
 النَّبِيِّ ﷺ قَالَ لَا يَزَالُ هَذَا الدِّينُ صَالِحًا لَا
 يَضُرُّهُ مَنْ عَادَاهُ أَوْ مَنْ نَاوَاهُ حَتَّى يَكُونَ
 اثْنَا عَشَرَ أَمِيرًا كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ

۲۸ - جابر بن سمرة از پیغمبر روایت
 کند که فرمود: این دین همواره رو بصلاح و

شایستگی است دشمن یا هر کس که آهنگ زیان بخشی داشته باشد نتواند زیانی بآن برساند تا دوازده نفر فرمانروائی کنند که همه آنان از قریشند.

۲۹ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ إِسْحَاقَ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو بَكْرٍ بْنُ أَبِي زُوَادٍ «رَوَّادٍ قَالَ حَدَّثَنَا إِسْحَاقُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ شَاذَانَ قَالَ حَدَّثَنَا الْوَلِيدُ بْنُ هِشَامٍ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدٌ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ ذَكْوَانَ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ سِيرِينَ عَنْ جَابِرِ بْنِ سَمُرَةَ السُّوَائِيِّ قَالَ كُنْتُ عِنْدَ النَّبِيِّ ﷺ فَقَالَ يَلِي هَذَا الْأَمْرَ اثْنَا عَشَرَ قَالَ فَصَرَخَ النَّاسُ فَلَمْ أَسْمَعْ مَا قَالَ فَقُلْتُ لِأَبِي وَكَانَ أَقْرَبَ إِلَيَّ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ مِنِّي فَقُلْتُ مَا قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ قَالَ كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ وَكُلُّهُمْ لَا يُرَى مِثْلُهُ

۲۹ - جابر بن سمره سوائی گوید: نزد پیغمبر بودم فرمود: این کار را دوازده نفر بدست گیرند گوید: مردم فریاد کشیدند و من نشنیدم چه فرمود بپدرم که از من پیغمبر نزدیکتر بود گفتم رسول خدا ﷺ چه فرمود؟ گفت فرمود: همه آنان از قریشند و همگی بی‌مانداند.

۳۰ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ إِسْحَاقَ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو يَعْلَى الْمُوَصِّلِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرٍ بْنُ أَبِي شَيْبَةَ قَالَ حَدَّثَنَا حَاتِمُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْمُهَاجِرِ بْنِ مِسْمَارٍ عَنْ عَامِرِ بْنِ سَعْدٍ قَالَ كَتَبْتُ إِلَى جَابِرِ بْنِ سَمُرَةَ مَعَ غُلَامِي نَافِعٍ أَخْبَرَنِي بِشَيْءٍ سَمِعْتُهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَكَتَبْتُ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ يَوْمَ جُمُعَةٍ عَشِيَّةَ رَجْمِ الْأَسْلَمِيِّ لَا يَزَالُ الدِّينُ قَائِمًا حَتَّى تَقُومَ السَّاعَةُ وَيَكُونَ عَلَيْكُمْ اثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ

۳۰ - عامر بن سعد گوید: بوسیله غلامم نافع به جابر بن سمره نوشتم چیزی را که از رسول خدا ﷺ شنیده‌ای بمن خبر ده او

نوشت: شنیدم رسول خدا ﷺ روز جمعه عصر همان روزی که اسلمی سنگ باران شد میفرمود این دین تا قیامت برپا شود برپا خواهد بود و دوازده خلیفه بر شما خواهد بود که همگی از قریشند.

۳۱ - حَدَّثَنَا أَبُو عَلِيٍّ أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْقَطَّانُ الْمَعْرُوفُ بِابْنِ عَبْدِ رَبِّهِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ مُحَمَّدُ بْنُ قَارِنٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ الْهَسَنَجَانِيُّ قَالَ أَخْبَرَنَا سَهْلُ بْنُ بَكَّارٍ قَالَ حَدَّثَنَا حَمَّادٌ قَالَ حَدَّثَنَا يَعْلى بْنُ عَطَاءٍ عَنْ بُجَيْرِ بْنِ أَبِي بُجَيْرٍ عَنْ سَرْحِ الْبَرْمَكِيِّ قَالَ فِي الْكِتَابِ إِنَّ هَذِهِ الْأُمَّةَ فِيهِمْ اثْنَا عَشَرَ وَجَدُّهُمْ نَبِيُّهُمْ فَإِذَا وَفَّتِ الْعِدَّةُ طَعَوْا وَبَعَوْا فِي الْأَرْضِ وَكَانَ بَأْسُهُمْ بَيْنَهُمْ

۳۱ - سرح برمکی گوید: در کتاب است که

در میان این امت دوازده تن هستند که جدشان پیغمبرشان است و چون این عده تمام شود امت طغیان کند و در روی زمین ستم کنند و بجنگ داخلی گرفتار آیند.

۳۲ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْقَطَّانُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ قَارِنٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ الْهَسَنَجَانِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا سَدِيدٌ قَالَ حَدَّثَنِي يَحْيَى بْنُ أَبِي يُونُسَ قَالَ حَدَّثَنَا ابْنُ نَجْرَانَ أَنَّ أَبَا الْخَالِدِ حَدَّثَهُ وَحَلَفَ لَهُ عَلَيْهِ إِلَّا تَهْلِكُ هَذِهِ الْأُمَّةُ حَتَّى يَكُونَ فِيهَا اثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً كُلُّهُمْ يَعْمَلُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ

۳۲ - ابی نجران گوید: که ابا خالد

بقید قسم برای من نقل کرد که این امت نابود نشود تا آنکه دوازده خلیفه در آن باشد که همه براه راست رهبری کنند و بدین حق رفتار نمایند.

۳۳ - حَدَّثَنَا أَبُو الْقَاسِمِ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ الصَّائِعُ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ سَعِيدٍ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ زِيَادٍ قَالَ حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ الطَّيَّانُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو أَسَامَةَ قَالَ حَدَّثَنِي سُفْيَانُ عَنْ بُرَيْدٍ عَنْ مَكْحُولٍ

أَنَّهُ قِيلَ لَهُ إِنَّ النَّبِيَّ ﷺ قَالَ يَكُونُ بَعْدِي
 اثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً قَالَ نَعَمْ وَ ذَكَرَ لَفْظَةً أُخْرَى
 ۳۳ - برد گوید: که بمکحول گفته شد که
 پیغمبر فرموده است پس از من دوازده
 خلیفه خواهد بود؟ گفت آری و بلفظ دیگری
 هم روایت کرد

۳۴ - حَدَّثَنَا أَبُو الْقَاسِمِ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ
 قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ سَعِيدٍ قَالَ
 حَدَّثَنَا الْحَسَنُ عَنْ إِسْمَاعِيلَ الطَّيَّانِ قَالَ
 حَدَّثَنَا أَبُو أُسَامَةَ عَنْ ابْنِ مُبَارَكٍ عَنْ مَعْمَرِ
 عَمَّنْ سَمِعَ وَهَبَ بْنَ مُنَبِّهٍ يَقُولُ يَكُونُ بَعْدِي
 اثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً ثُمَّ يَكُونُ الْهَرَجُ ثُمَّ يَكُونُ
 كَذَا ثُمَّ يَكُونُ كَذَا وَ كَذَا

۳۴ - معمر از کسی که از وهب بن منبه
 شنیده است نقل میکند که میگفت: پس از من
 (مقصود پیغمبر است) دوازده خلیفه خواهد
 بود و سپس آشوب بر پا شود و سپس چنین
 شود و سپس چنین و چنان شود.

۳۵ - حَدَّثَنَا أَبُو الْقَاسِمِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو
 عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ قَالَ حَدَّثَنَا
 الْوَلِيدُ بْنُ مُسْلِمٍ قَالَ حَدَّثَنَا صَفْوَانُ بْنُ عَمْرٍو
 عَنْ شَرِيحِ بْنِ عَبْدِ عَن

عَمْرٍو الْبَكَّائِيَّ عَنْ كَعْبِ الْأَخْبَارِ قَالَ فِي
 الْخُلَفَاءِ هُمْ اثْنَا عَشَرَ فَإِذَا كَانَ عِنْدَ
 انْقِضَائِهِمْ وَ أَتَى طَبَقَةَ صَالِحَةٍ مَدَّ اللَّهُ لَهُمْ فِي
 الْعُمُرِ كَذَلِكَ وَعَدَّ اللَّهُ هَذِهِ الْأُمَّةَ ثُمَّ قَرَأَ وَعَدَّ
 اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
 لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ
 قَبْلِهِمْ قَالَ وَ كَذَلِكَ فَعَلَ اللَّهُ بِبَنِي إِسْرَائِيلَ وَ
 لَيَسْتَ بَعَزِيزٍ أَنْ تَجْمَعَ هَذِهِ الْأُمَّةَ يَوْمًا أَوْ
 نِصْفَ يَوْمٍ وَ إِنَّ يَوْمًا عِنْدَ رَبِّكَ كَأَلْفِ سَنَةٍ مِمَّا
 تَعُدُّونَ

۳۵ - کعب الاخبار در باره خلفاء گوید:
 آنان دوازده نفر میباشند همین که پایان
 رسیدند و طبقه شایسته‌ای روی کار آمد
 خداوند عمر آنان را طولانی کند که خداوند

به این امت این چنین وعده فرموده است سپس خواند (آیه ۲۴ سوره نور را):
 (خداوند بآنان که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام می‌دهند وعده فرموده است که حتماً و بطور مسلم آنان را خلیفه روی زمین قرار دهد همچنان که خلیفه قرار داد کسانی را که پیش از آنان بودند) و کعب گفت: خداوند با بنی اسرائیل این چنین کرد و کار دشواری نیست که این امت روزی را و یا نصف روزی را گرد هم آیند و با هم اتفاق داشته باشند و یک روز بنزد پروردگارت مانند هزار سال از سالهائی است که شماره میکنید.

۳۶ - حَدَّثَنَا أَبُو الْقَاسِمِ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْحُسَيْنِ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ يَحْيَى الْقَصْرَانِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عَلِيٍّ بَشْرُ بْنُ مُوسَى بْنِ صَالِحٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْوَلِيدِ خَلْفُ بْنُ الْوَلِيدِ الْجَوْهَرِيُّ عَنْ إِسْرَائِيلَ عَنْ سَمَاكِ قَالَ سَمِعْتُ جَابِرَ بْنَ سَمُرَةَ السُّوَائِيَّ يَقُولُ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ يَقُومُ مِنْ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ أَمِيرًا ثُمَّ تَكَلَّمَ بِكَلِمَةٍ لَمْ أَفْهَمْهَا فَسَأَلْتُ الْقَوْمَ فَقَالُوا قَالَ كَلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ

۳۶ - سماک گوید: شنیدم: از جابر بن سمره سوائی که میگفت: شنیدم رسول خدا ﷺ را که میفرمود

پس از من دوازده تن فرماندار بپا خیزد و سپس کلمه‌ای بر زبان آورد که من آن را نفهمیدم از مردم پرسیدم گفتند: فرمود: همه آنان از قریشند.

۳۷ - حَدَّثَنَا أَبُو الْقَاسِمِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْحُسَيْنِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عَلِيٍّ الْحُسَيْنُ بْنُ الْكُمَيْتِ بْنُ بُهْلُولِ الْمَوْصِلِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عَسَانُ بْنُ الرَّبِيعِ قَالَ حَدَّثَنَا سُلَيْمَانُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي عَمَرَ عَامِرِ الشَّعْبِيِّ عَنْ جَابِرٍ أَنَّهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لَا يَزَالُ أَمْرُ أُمَّتِي ظَاهِرًا حَتَّى يَمُضِيَ اثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ

۳۷ - جابر گوید: رسول خدا ﷺ فرمود
کار امت من همیشه در پیشرفت است تا
دوران دوازده جانشین بگذرد که همه آنان
از قریش باشند

۳۸ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي خَلْفٍ قَالَ حَدَّثَنِي
يَعْقُوبُ بْنُ يَزِيدَ عَنْ حَمَادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ
بْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبَ عَنْ سُلَيْمِ بْنِ
قَيْسِ الْهَلَالِيِّ عَنْ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ
دَخَلْتُ عَلَى النَّبِيِّ ﷺ وَ إِذَا الْحُسَيْنَ عَلَى
فَخَدْيِهِ وَ هُوَ يُقَبِّلُ عَيْنَيْهِ وَ يَلْتِمُ فَاَهُ وَ هُوَ
يَقُولُ أَنْتَ سَيِّدُ ابْنِ سَيِّدٍ أَنْتَ إِمَامُ ابْنِ إِمَامٍ
أَبُو الْأَيْمَةِ أَنْتَ حُجَّةُ ابْنِ حُجَّةٍ أَبُو حُجَجٍ تِسْعَةَ
مِنْ صُلْبِكَ تَأْسِعُهُمْ قَائِمُهُمْ

۳۸ - سلمان فارسی گوید: بخدمت پیغمبر
رسیدم در حالی که حسین علیه السلام بر دامنش بود
و آن حضرت دیدگان او را میبوسید و دهانش
را بوسه میداد و میفرمود تو آقایی و
فرزند آقایی تو پیشوا و فرزند پیشوا و
پدر پیشوایانی تو حجت و فرزند حجت و پدر
حجتهای نه‌گانه هستی که از پشت تو بیرون
آیند و نهم آنان قائم آنان است.

۳۹ - حَدَّثَنَا حَمَزَةُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ علیه السلام
قَالَ أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدِ الْكُوفِيِّ
مَوْلَى بَنِي هَاشِمٍ قَالَ أَخْبَرَنِي الْقَاسِمُ بْنُ
مُحَمَّدِ بْنِ حَمَادٍ قَالَ حَدَّثَنَا غِيَاثُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ
قَالَ حَدَّثَنَا حُسَيْنُ بْنُ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ جَعْفَرِ
بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيِّ علیه السلام قَالَ
قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَبْشَرُوا ثُمَّ أَبْشَرُوا ثَلَاثَ
مَرَّاتٍ إِنَّمَا مَثَلُ أُمَّتِي كَمَثَلِ غَيْثٍ لَا يُدْرَى
أَوَّلُهُ خَيْرٌ أَمْ آخِرُهُ إِنَّمَا مَثَلُ أُمَّتِي كَمَثَلِ
حَدِيقَةٍ أُطْعِمَ مِنْهَا فَوْجٌ عَامًّا ثُمَّ أُطْعِمَ مِنْهَا
فَوْجٌ عَامًّا لَعَلَّ آخِرَهَا فَوْجًا يَكُونُ أَعْرَضَهَا
بَحْرًا وَ أَعْمَقَهَا طُولًا وَ فَرْعًا وَ أَحْسَنَهَا جَنَى
وَ كَيْفَ تَهْلِكُ أُمَّةٌ أَنَا أَوْلُهَا وَ اثْنَا عَشَرَ مِنْ

بَعْدِي مِنَ السُّعْدَاءِ وَ أَوْلَى الْأَلْبَابِ وَ الْمَسِيحِ
عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ آخِرَهَا وَ لَكِنْ يَهْلِكُ بَيْنَ ذَلِكَ
نُتِجَ الْهَرْجُ لَيْسُوا مِنِّي وَ لَسْتُ مِنْهُمْ

۳۹ - رسول خدا ﷺ فرمود: مژده باد شما
را مژده باد شما را (تا سه بار) مثل امت
من مثل بارانی است که معلوم نیست آغازش
بهتر است یا پایانش مثل امت من مثل باغی
است دسته‌ای یک سال از آن باغ میوه خورند
و دسته‌ای سال دیگر و شاید دریای بهره
برداری دسته آخرین از دیگر دسته‌ها
پهناتر و طول و فرعش عمیق‌تر باشد و
میوه‌ای که از باغ بچینند بهتر باشد و
چگونه هلاک می‌شود امتی که من آغازش باشم.
و دوازده نفر پس از من از نیک بختان و
خردمندان و مسیح عیسی بن مریم پایانش
باشند ولی میان آغاز و انجام افرادی که
نتیجه فتنه و آشوب هستند هلاک خواهند شد
آنان از من نیستند و من از آنان نیستم.

۴۰ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي
الْخَطَّابِ عَنِ الْحَكَمِ بْنِ مِسْكِينَ الثَّقَفِيِّ عَنِ
صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لَمَّا
هَلَكَ أَبُو بَكْرٍ وَ اسْتَخْلَفَ عُمَرُ رَجَعَ عُمَرُ إِلَى
الْمَسْجِدِ فَقَعَدَ فَدَخَلَ عَلَيْهِ رَجُلٌ فَقَالَ يَا أَمِيرَ
الْمُؤْمِنِينَ إِنِّي رَجُلٌ مِنَ الْيَهُودِ وَ أَنَا
عَلَامَتُهُمْ وَ قَدْ أَرَدْتُ أَنْ أَسْأَلَكَ عَنْ مَسَائِلَ إِنْ
أَجَبْتَنِي فِيهَا أَسَلْتُكَ قَالَ مَا هِيَ قَالَ ثَلَاثٌ وَ
ثَلَاثٌ وَ وَاحِدَةٌ فَإِنْ شِئْتَ سَأَلْتُكَ وَ إِنْ كَانَ فِي
الْقَوْمِ أَحَدٌ أَعْلَمُ مِنْكَ فَأَرْشِدْنِي إِلَيْهِ قَالَ
عَلَيْكَ بِذَلِكَ الشَّابِّ يَعْنِي عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ
فَأَتَى عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ فَسَأَلَهُ فَقَالَ لَهُ لِمَ قُلْتَ ثَلَاثًا
وَ ثَلَاثًا وَ وَاحِدَةً أَلَا قُلْتَ سَبْعًا قَالَ إِنِّي
إِذَا لَجَاهِلٌ إِنْ لَمْ تُجِبْنِي فِي الثَّلَاثِ اكْتَفَيْتُ
قَالَ فَإِنْ أَجَبْتُكَ تُسَلِّمُ قَالَ نَعَمْ قَالَ سَلْ قَالَ
أَسَأَلُكَ عَنْ أَوَّلِ حَجَرٍ وُضِعَ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ وَ
أَوَّلِ عَيْنٍ نَبَعَتْ وَ أَوَّلِ شَجَرَةٍ نَبَتَتْ قَالَ يَا

يَهُودِيٍّ أَنْتُمْ تَقُولُونَ أَوَّلَ حَجَرٍ وُضِعَ عَلَيَّ وَجْهَ
الْأَرْضِ الَّذِي فِي بَيْتِ الْمَقْدِسِ وَ كَذَبْتُمْ هُوَ
الْحَجَرُ الَّذِي نَزَلَ بِهِ آدَمُ مِنَ الْجَنَّةِ قَالَ
صَدَقْتَ وَاللَّهِ إِنَّهُ لَيَخْطُ هَارُونَ وَ إِمْلَاءُ مُوسَى
قَالَ وَ أَنْتُمْ تَقُولُونَ إِنَّ أَوَّلَ عَيْنٍ تَبَعَتْ عَلَيَّ
وَجْهَ الْأَرْضِ الْعَيْنُ الَّتِي بَبَيْتِ الْمَقْدِسِ وَ
كَذَبْتُمْ هِيَ عَيْنُ الْحَيَاةِ الَّتِي غَسَلَ فِيهَا يُوْشَعَ
بْنُ نُونِ السَّمَكَةِ وَ هِيَ الْعَيْنُ الَّتِي شَرِبَ مِنْهَا
الْخَضِرُ وَ لَيْسَ يَشْرَبُ مِنْهَا أَحَدٌ إِلَّا حَيِّي قَالَ
صَدَقْتَ وَاللَّهِ إِنَّهُ لَيَخْطُ هَارُونَ وَ إِمْلَاءُ مُوسَى
قَالَ وَ أَنْتُمْ تَقُولُونَ أَوَّلَ شَجَرَةٍ نَبَتَتْ عَلَيَّ
وَجْهَ الْأَرْضِ الزَّيْتُونُ وَ كَذَبْتُمْ هِيَ الْعَجْوَةُ
الَّتِي نَزَلَ بِهَا آدَمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنَ الْجَنَّةِ مَعَهُ قَالَ
صَدَقْتَ وَاللَّهِ إِنَّهُ لَيَخْطُ هَارُونَ وَ إِمْلَاءُ مُوسَى
قَالَ وَ الثَّلَاثُ الْأُخْرَى كَمْ لِهَذِهِ الْأُمَّةِ مِنْ إِمَامٍ
هُدَى لَا يَضُرُّهُمْ مَنْ خَذَلَهُمْ قَالَ اثْنَا عَشَرَ
إِمَامًا قَالَ صَدَقْتَ وَاللَّهِ إِنَّهُ لَيَخْطُ هَارُونَ وَ
إِمْلَاءُ مُوسَى قَالَ فَأَيُّنَ

يَسْكُنُ نَبِيِّكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ قَالَ فِي أَعْلَاهَا
دَرَجَةٌ وَ أَشْرَفُهَا مَكَانًا فِي جَنَّةِ عَدْنٍ قَالَ
صَدَقْتَ وَاللَّهِ إِنَّهُ لَيَخْطُ هَارُونَ وَ إِمْلَاءُ مُوسَى ثُمَّ
قَالَ فَمَنْ يَنْزِلُ بَعْدَهُ فِي مَنْزِلِهِ قَالَ اثْنَا
عَشَرَ إِمَامًا قَالَ صَدَقْتَ وَاللَّهِ إِنَّهُ لَيَخْطُ هَارُونَ
وَ إِمْلَاءُ مُوسَى ثُمَّ قَالَ السَّابِعَةَ فَأَسْلَمَ كَمْ
يَعِيشُ وَصِيَّهُ بَعْدَهُ قَالَ ثَلَاثِينَ سَنَةً قَالَ ثُمَّ مَهْ
يَمُوتُ أَوْ يُقْتَلُ قَالَ يُقْتَلُ يُضْرَبُ عَلَيَّ قَرْنِهِ
فَتُخَضَّبُ لِحْيَتُهُ قَالَ صَدَقْتَ وَاللَّهِ إِنَّهُ لَيَخْطُ
هَارُونَ وَ إِمْلَاءُ مُوسَى وَ قَدْ أَخْرَجْتَ هَذَا
الْحَدِيثَ مِنْ طَرُقٍ فِي كِتَابِ الْأَوَائِلِ

٤٠ - امام صادق عليه السلام فرمود: چون ابو بکر
مرد و عمر را جانشین خود نمود عمر بمسجد
باز گشت و نشست مردی بر او در آمد و گفت
یا امیر المؤمنین من مردی از یهود و
دانشمند آنانم خواستم سؤالاتی از تو بکنم
چنانچه پاسخ آنها را دادی اسلام آورم.

عمر گفت سؤالات چیست؟ گفت سه سؤال و سه سؤال و يك سؤال اگر میخواهی بپرسم و اگر در میان این مردم کسی هست که از تو داناتر است مرا به او راهنمایی کن عمر گفت: این جوان را داشته باش و مقصودش علی بن ابی طالب بود آن مرد نزد علی آمد علی از او پرسید چرا گفתי سه سؤال و سه سؤال و يك سؤال دارم و چرا نگفتی هفت سؤال دارم گفت:

من که نمیدانم اگر سه پرسش اول را پاسخ ندادی بهمان اکتفا میکنم فرمود اگر پاسخ را دادم اسلام خواهی آورد؟ گفت: آری فرمود: بپرس، گفت: از تو میپرسم نخستین سنگی که بر روی زمین گذاشته شد کدام سنگ بود و نخستین چشمه‌ای که از زمین جوشید کدام و نخستین درختی که از زمین روئید کدام؟ فرمود: ای یهودی شما میگوئید که اولین سنگی که بر روی زمین گذاشته شد در بیت المقدس بود و دروغ پنداشته‌اید نخستین سنگ همان است که آدم با خود از بهشت آورد گفت: بخدا قسم درست گفתי این سخن با خط هارون و املاء موسی ثبت شده است.

فرمود: شما میگوئید نخستین چشمه‌ای که بر روی زمین جوشید همان چشمه‌ای است که در بیت المقدس است و دروغ پنداشته‌اید نخستین چشمه همان چشمه زندگی است که یوشع بن نون ماهی را در آن شستشو داد و همان چشمه‌ای است که خضر از آن آشامید و کسی از آن نمیخورد مگر اینکه زنده میماند گفت: درست گفתי بخدا قسم این سخن بخط هارون و املاء موسی ثبت است و فرمود شما میگوئید نخستین درختی که بر روی زمین روئید زیتون بود و دروغ پنداشته‌اید نخستین درخت، درخت خرماي عجوه است که آدم آن را با خود از بهشت آورد گفت درست

گفتی بخدا قسم که این بخت هارون و املاء موسی است.

یهودی گفت: آن سه سؤال دیگر: برای این امت چند نفر پیشوای هدایت هست که اگر کسی آنان را یاری نکند زیانی بر آنان نیست؟

فرمود: دوازده پیشوا گفت راست فرمودی بخدا که همین با خط هرون و املاء موسی ثبت است گفت: پیغمبر شما در چه مقامی از بهشت مسکن خواهد گرفت؟ فرمود در بالاترین درجه بهشت و شریفترین جای آن در بهشت عدن گفت درست فرمودی بخدا که این سخن با خط هرون و املاء موسی ثبت است.

سپس گفت: پس از اینکه پیغمبر بجایگاه خود در بهشت درآمد دیگر چه کسی در آن جایگاه خواهد بود؟ فرمود دوازده امام گفت: درست فرمودی بخدا که همین با خط هرون و املاء موسی ثبت است گفت سؤال هفتم و پس از این سؤال اسلام را خواهم پذیرفت: وصی پیغمبر چند سال زندگی خواهد کرد؟ فرمود: سی سال گفت پس از سی سال چه؟ میمیرد یا کشته می‌شود؟ فرمود: کشته می‌شود و ضربتی بر فرق سر او زده می‌شود که محاسنش با خون رنگین گردد گفت درست فرمودی بخدا که این با خط هرون و املاء موسی ثبت است و من این حدیث را به چند طریق در کتاب الاوائل نقل کرده‌ام.

٤١ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أَدِيْنَةَ عَنْ أَبَانَ بْنِ أَبِي عِيَّاشٍ عَنْ سُلَيْمِ بْنِ قَيْسِ الْهَلَالِيِّ وَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ وَ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمِ جَمِيعاً عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عُمَرَ الْيَمَانِيِّ عَنْ أَبَانَ بْنِ أَبِي عِيَّاشٍ عَنْ سُلَيْمِ بْنِ قَيْسِ الْهَلَالِيِّ قَالَ سَمِعْتُ عَبْدَ اللَّهِ بْنَ جَعْفَرِ

الطَّيَّارَ يَقُولُ كُنَّا عِنْدَ مُعَاوِيَةَ أَنَا وَ الْحَسَنُ
 وَ الْحُسَيْنُ وَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَبَّاسٍ وَ عُمَرُ بْنُ أَبِي
 سَلَمَةَ وَ أَسَامَةَ بْنُ زَيْدٍ فَجَرَى بَيْنِي وَ بَيْنَ
 مُعَاوِيَةَ كَلَامٌ فَقُلْتُ لِمُعَاوِيَةَ سَمِعْتُ رَسُولَ
 اللَّهِ ﷺ يَقُولُ أَنَا أَوْلَى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ
 ثُمَّ أَخِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ﷺ أَوْلَى
 بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ فَإِذَا اسْتَشْهَدَ عَلِيٌّ
 فَالْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ أَوْلَى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ
 ثُمَّ ابْنُهُ الْحُسَيْنُ بَعْدَ أَوْلَى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ
 أَنفُسِهِمْ فَإِذَا اسْتَشْهَدَ فَابْنُهُ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ
 الْأَكْبَرُ أَوْلَى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ ثُمَّ ابْنِي
 مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْبَاقِرُ أَوْلَى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ
 أَنفُسِهِمْ وَ سَتَدْرِكُهُ يَا حُسَيْنُ ثُمَّ تَكْمِلُهُ اثْنِي
 عَشَرَ إِمَامًا تِسْعَةٌ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ
 قَالَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ ثُمَّ اسْتَشْهَدَتْ الْحَسَنُ وَ
 الْحُسَيْنُ وَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَبَّاسٍ وَ عُمَرُ بْنُ أَبِي
 سَلَمَةَ وَ أَسَامَةَ بْنُ زَيْدٍ فَشَهِدُوا لِي عِنْدَ
 مُعَاوِيَةَ قَالَ سُلَيْمٌ بْنُ قَيْسِ الْهَلَالِيِّ وَ قَدْ
 سَمِعْتُ ذَلِكَ مِنْ سَلْمَانَ وَ أَبِي ذَرٍّ وَ الْمُقَدَّادِ وَ
 ذَكَرُوا أَنَّهُمْ سَمِعُوا ذَلِكَ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ص

٤١ - سليم بن قيس هلالی گوید: شنیدم
 عبد الله بن جعفر طیار میگفت من و حسن و
 حسین و عبد الله بن عباس و عمر بن ابی سلمة
 و اسامة بن زید در نزد معاویه بودیم
 میان من و معاویه گفتگوئی درگرفت من
 بمعاویه گفتم از رسول خدا ﷺ شنیدم
 که میفرمود من بمؤمنین از خودشان
 اولیترم سپس برادر من علی بن ابی طالب
 بمؤمنین از خود آنان سزاوارتر است و چون
 علی بدرجه شهادت برسد حسن بن علی
 بمؤمنین از خودشان اولیتر است.

سپس فرزند علی: حسین پس از حسن
 بمؤمنین از خودشان اولیتر است و چون
 حسین شهید گردد فرزندش علی بن الحسین
 بزرگترین فرزند حسین بمؤمنین از خودشان
 اولیتر است سپس فرزند من محمد بن علی

باقر به مؤمنین از خودشان اولی‌تر است ای حسین تو او را درك خواهی کرد سپس دوازده امام که نه نفر از فرزندان حسین میباشند امر امامت را کامل خواهند کرد عبد الله بن جعفر گوید: پس از این گفتار حسن و حسین و عبد الله بن عباس و عمر بن ابی سلمة و اسامة بن زید را بگواهی خواستم و همه در نزد معاویه بسخن من گواهی دادند سلیم بن قیس هلالی گوید من همین روایت را از سلمان و ابی ذر و مقداد شنیدم که آنان نیز از رسول خدا ﷺ شنیده بودند.

۴۲ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي الْجَارُودِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ

عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ دَخَلْتُ عَلَى فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ وَبَيْنَ يَدَيْهَا لَوْحٌ فِيهِ أَسْمَاءُ الْأَوْصِيَاءِ فَعَدَدْتُ اثْنَيْ عَشَرَ أَحَدُهُمُ الْقَائِمُ ثَلَاثَةٌ مِنْهُمْ مُحَمَّدٌ وَثَلَاثَةٌ مِنْهُمْ عَلِيٌّ

۴۲ - جابر بن عبد الله انصاری گوید: بخدمت فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ رسیدم صفحه‌ای در مقابل آن حضرت بود که نامهای اوصیاء در آن بود شمردم دوازده نفر بودند که یکی از آنان بنام قائم بود و سه نفر از آنان بنام محمد و سه نفر از آنان بنام علی

۴۳ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى بْنِ عُبَيْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ فَضِيلِ الصَّيْرَفِيِّ عَنْ أَبِي حَمْرَةَ الثَّمَالِيِّ عَنِ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَرْسَلَ مُحَمَّدًا عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَجَعَلَ مِنْ بَعْدِهِ اثْنَيْ عَشَرَ وَصِيًّا مِنْهُمْ مَنْ سَبَقَ وَ مِنْهُمْ مَنْ بَقِيَ وَ كُلُّ وَصِيٍّ جَرَتْ بِهِ سُنَّةٌ وَ الْأَوْصِيَاءُ الَّذِينَ مِنْ بَعْدِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى سُنَّةِ أَوْصِيَاءِ عَيْسَى وَ كَانُوا اثْنَيْ عَشَرَ وَ كَانَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى سُنَّةِ الْمَسِيحِ ع

۴۳ - امام باقر علیه السلام فرمود: خدای عز و جل محمد را بیغمبری برای جن و انس فرستاد و پس از او دوازده وصی قرار داد که بعضی از آنان از پیش گذشته‌اند و بعضی دیگر باقی است تا بیایند و هر وصی روشی را در میان مردم گذاشت و جانشینانی که پس از محمد بودند بروش جانشینان عیسی بودند که دوازده نفر بودند و امیر المؤمنین علیه السلام بروش مسیح علیه السلام بود. (شرح:)

ظاهراً مقصود از روش مسیح، شیوه زهد و اعراض آن حضرت از دنیا باشد.

۴۴ - حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ مَسْرُورٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَامِرِ الْأَشْعَرِيِّ عَنِ الْمُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدِ الْبَصْرِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَّاءِ عَنْ أَبِي بَنِي عُثْمَانَ عَنْ زُرَّارَةَ بْنِ أَعْيَنَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرَ علیه السلام يَقُولُ نَحْنُ اثْنَا عَشَرَ إِمَاماً مِنْهُمْ حَسَنٌ وَ حُسَيْنٌ ثُمَّ الْأَئِمَّةُ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ

۴۴ - زرارة بن اعین گوید: شنیدم امام باقر علیه السلام میفرمود: دوازده پیشوا هستیم که حسن و حسین از آن دوازده‌اند و سپس امامان از فرزندان حسین‌اند

۴۵ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوِيهِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنْ أَبِي طَالِبٍ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الصَّلْتِ الْقُمِّيِّ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عَيْسَى عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ قَالَ كُنْتُ أَنَا وَ أَبُو بَصِيرٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ عِمْرَانَ مَوْلَى أَبِي جَعْفَرَ علیه السلام فِي مَنْزِلِهِ فَقَالَ مُحَمَّدُ بْنُ عِمْرَانَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام يَقُولُ نَحْنُ اثْنَا عَشَرَ مُحَدَّثًا فَقَالَ لَهُ أَبُو بَصِيرٍ تَاللَّهِ لَقَدْ سَمِعْتُ ذَلِكَ مِنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فَحَلَفَهُ مَرَّةً أَوْ مَرَّتَيْنِ فَحَلَفَ أَنَّهُ قَدْ سَمِعَهُ فَقَالَ أَبُو بَصِيرٍ لَكِنِّي سَمِعْتُهُ مِنْ أَبِي جَعْفَرَ ع

۴۵ - سماعة بن مهران گوید: من و ابو بصیر و محمد بن عمران غلام آزادشده حضرت

باقر در منزل او بودیم که محمد بن عمران گفت: شنیدم امام صادق علیه السلام میفرمود ما دوازده تنیم که فرشته ما را خبر میدهد ابو بصیر او را گفت تو را بخدا تو این مطلب را از امام صادق شنیدی؟ یک بار و یاد و بار او را سوگند داد و او نیز سوگند یاد کرد که از امام صادق شنیده است پس ابو بصیر گفت: ولی من این مطلب را از امام باقر شنیده ام.

٤٦ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْقَطَّانُ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا الْقَطَّانُ قَالَ حَدَّثَنَا بَكْرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَبِيبٍ قَالَ حَدَّثَنَا تَمِيمُ بْنُ بُهْلُولٍ قَالَ حَدَّثَنِي عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَبِي الْهَدَيْلِ وَ سَأَلْتُهُ عَنِ الْإِمَامَةِ فِيمَنْ تَجِبُ وَ مَا عَلَامَةٌ مَنْ تَجِبُ لَهُ الْإِمَامَةُ فَقَالَ إِنَّ الدَّلِيلَ عَلَى ذَلِكَ وَ الْحُجَّةَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَ الْقَائِمَ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ وَ النَّاطِقَ بِالْقُرْآنِ وَ الْعَالِمَ بِالْأَحْكَامِ أَخُو نَبِيِّ اللَّهِ وَ خَلِيفَتُهُ عَلَى أُمَّتِهِ وَ وَصِيُّهُ عَلَيْهِمْ وَ وَلِيُّهُ الَّذِي كَانَ مِنْهُ بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى الْمَفْرُوضِ الطَّاعَةِ بِقَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ الْمَوْصُوفُ بِقَوْلِهِ إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ الْمَدْعُو إِلَيْهِ بِالْوَلَايَةِ الْمُثَبَّتْ لَهُ الْإِمَامَةُ يَوْمَ غَدِيرِ خَمٍّ بِقَوْلِ الرَّسُولِ صلى الله عليه وآله عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَلَسْتُ أَوْلَى بِكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ قَالُوا بَلَى قَالَ فَمَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ وَ انصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَ اخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ وَ أَعِنْ مَنْ أَعَانَهُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ إِمَامُ الْمُتَّقِينَ وَ قَائِدُ الْغُرِّ الْمُحْجَلِينَ وَ أَفْضَلُ الْوَصِيِّينَ وَ خَيْرُ الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَ بَعْدَهُ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ ثُمَّ الْحُسَيْنُ سِبْطَا رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَ ابْنَا خَيْرِ النَّسْوَانِ أَجْمَعِينَ ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ثُمَّ

مُحَمَّدٌ بْنُ عَلِيٍّ ثُمَّ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ ثُمَّ مُوسَى بْنُ
 جَعْفَرٍ ثُمَّ عَلِيٌّ بْنُ مُوسَى ثُمَّ مُحَمَّدٌ بْنُ عَلِيٍّ ثُمَّ
 عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ ثُمَّ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ ثُمَّ ابْنُ
 الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى يَوْمِنَا هَذَا وَاحِدًا بَعْدَ وَاحِدٍ وَ
 هُمْ عِتْرَةُ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ الْمَعْرُوفُونَ بِالْوَصِيَّةِ وَ
 الْإِمَامَةِ وَ لَا تَخْلُو الْأَرْضُ مِنْ حُجَّةٍ مِنْهُمْ فِي كُلِّ
 عَصْرٍ وَ زَمَانٍ وَ فِي كُلِّ وَقْتٍ وَ أَوَانٍ وَ هُمْ
 الْعُرْوَةُ الْوُثْقَى وَ أَيْمَةُ الْهُدَى وَ الْحُجَّةُ عَلَيَّ
 أَهْلِ الدُّنْيَا إِلَى أَنْ يَرِثُ اللَّهُ الْأَرْضَ وَ مَنْ
 عَلَيْهَا وَ كُلُّ مَنْ خَالَفَهُمْ ضَالٌّ مُضِلٌّ تَارِكٌ لِلْحَقِّ
 وَ الْهُدَى وَ هُمْ الْمُعَبَّرُونَ عَنِ الْقُرْآنِ وَ
 النَّاطِقُونَ عَنِ الرَّسُولِ وَ مَنْ مَاتَ لَا يَعْرِفُهُمْ
 مَاتَ مِيثَّةً جَاهِلِيَّةً وَ دِينُهُمُ الْوَرَعُ وَ الْعِفَّةُ
 وَ الصَّدَقُ وَ الصَّلَاحُ وَ الْاجْتِهَادُ وَ آدَاءُ
 الْأَمَانَةِ إِلَى الْبِرِّ وَ الْفَاجِرِ وَ طَوْلُ السُّجُودِ
 وَ قِيَامُ اللَّيْلِ وَ اجْتِنَابُ الْمَحَارِمِ وَ انْتِظَارُ
 الْفَرَجِ بِالصَّبْرِ وَ حُسْنُ الصُّحْبَةِ وَ حُسْنُ الْجَوَارِ
 ثُمَّ قَالَ تَمِيمٌ بْنُ بَهْلُولٍ حَدَّثَنِي أَبُو مُعَاوِيَةَ
 عَنِ الْأَعْمَشِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْإِمَامَةِ
 مِثْلَهُ سَوَاءً

٤٦ - تميم بن بهلول گوید: از عبد الله بن
 ابی الهذیل پرسیدم که امامت در چه کسی
 ثابت است؟ و نشانه کسی که امامت برای او
 واجب است چیست؟ گفت کسی که دلیل و
 راهنما بر این راه است و برای مؤمنین
 حجت است و بکارهای مسلمانان قیام کرد و
 گفتارش از قرآن بود و دانا باحکام الهی
 بود همان برادر پیغمبر خدا و جانشین او
 بر امتش و وصیش بر آنان و ولی او بود
 همان کسی که از پیغمبر بجای هرون از
 موسی بود و فرمان برای او بر همه لازم
 بود بنا بگفته خدای عز و جل: ای آنان که
 ایمان آورده اید خدا را فرمان برید و
 رسول را و زمامداران خود را فرمان برید
 و زمامدار را چنین توصیف فرموده: ولی
 شما فقط خدا است و پیغمبرش و آنان که

ایمان آورده‌اند آنان که نماز را برپا میدارند و زکات میدهند در حالی که رکوع میکنند یعنی همان کسی که در روز غدیر خم مردم بولایت او دعوت شدند و امامت از برای او ثابت گردید بگفته رسول از خدای عز و جل که فرموده آیا من بشما سزاوارتر از خودتان نیستم؟ گفتند: چرا: فرمود بهر که مولا منم علی است مولای او بار الها دوست بدار آن را که علی را دوست بدارد و دشمن بدار آن را که او را دشمن بدارد و یاری فرما آن را که علی را یاری کند و رها کن کسی را که علی را رها کند و کمک فرما کسی را که علی را کمک کند او علی بن ابی طالب است که امیر مؤمنان است و پیشرو دست و رو سفیدان و برترین جانشینان و پس از پیغمبر بهترین همه آفریدگان و پس از او حسن بن علی است و سپس حسین است که دو نواده رسول خدا ﷺ و دو فرزندان بهترین همه زنان هستند و سپس علی بن الحسین است و سپس محمد بن علی است و سپس جعفر بن محمد است و سپس موسی بن جعفر است و سپس علی بن موسی است و سپس محمد بن علی است و سپس علی بن محمد است و سپس فرزند امام حسن است تا بامروز یکی پس از دیگری است و آنان خاندان رسول‌اند که بوصایت و امامت شناخته شده‌اند.

در هیچ عصر و زمان و هیچ وقت و هنگام زمین از حجتی که از اینان است خالی نمی‌ماند و آنانند دست آویز محکم و پیشوایان راه حق و حجة بر مردم دنیا آنگاه که خداوند زمین و هر که را بر روی آن است وارث شود و هر کس با آنان مخالفت ورزد گمراه است و گمراه‌کننده و حق و راه حق را رها کرده است و آنانند که از قرآن سخن گویند و از زبان پیغمبر حرف میزنند و هر کس بمیرد و آنان را نشناخته باشد

بمرگ دوران جاهلیت مرده است دین آنان پرهیزگاری است و عفت و راستی و صلاح و کوشش و امانت را بر نیکوکار و بد کردار رد کردن و سجده‌های طولانی و شبزنده‌داری نمودن و از محرّمات دوری گزیدن و با بردباری بانتظار فرج بودن و همنشین خوب و همسایه نیکو بودن.

سپس تمیم بن بهلول گفت: ابو معاویه از اعمش و او از امام صادق علیه السلام در باره امامت همین مطلب را بی‌کم و زیاد برای من نقل کرد.

٤٧ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكَّلِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ الْعَبَّاسِ بْنِ الْحَرِيشِ الرَّازِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ الثَّانِي عليه السلام أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام قَالَ لِابْنِ عَبَّاسٍ إِنَّ لَيْلَةَ الْقَدْرِ فِي كُلِّ سَنَةٍ وَ إِنَّهُ يَنْزِلُ فِي تِلْكَ اللَّيْلَةِ أَمْرُ السَّنَةِ وَ لِذَلِكَ الْأَمْرُ وَ لَأَنَّ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم فَقَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ مَنْ هُمْ قَالَ أَنَا وَ أَحَدَ عَشَرَ مِنْ صُلَيْبِي أَيْمَّةٌ مُحَدَّثُونَ

٤٧ - امام جواد علیه السلام فرمود: که امیر المؤمنین بابن عباس فرمود. شب قدر در هر سالی هست و در آن شب دستور سالیانه فرود می‌آید و برای این دستور والیانی هستند که پس از رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم آن را دریافت می‌دارند ابن عباس گفت: آنان کیانند؟ فرمود منم و یازده نفر از نژاد من که امامانند و محدثان (شرح:)

محدث کسی است که بوسیله فرشته الهی از وقایع و اخبار آگاه شود.

٤٨ - وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم لِأَصْحَابِهِ آمِنُوا بِلَيْلَةِ الْقَدْرِ إِنَّهَا تَكُونُ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَ وُلْدِهِ الْأَحَدَ عَشَرَ مِنْ بَعْدِي

۴۸ - رسول خدا ﷺ فرمود: بشب قدر ایمان داشته باشید که آن پس از من بعلی بن ابی طالب و یازده فرزندان او اختصاص دارد.

۴۹ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوِيهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ الْكَلِينِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُوسَى الْخَشَابِ عَنِ عَلِيِّ بْنِ سَمَاعَةَ عَنِ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ رَبَاطٍ عَنِ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أُذَيْنَةَ عَنِ زُرَّارَةَ بْنِ أَعْيَنَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام يَقُولُ اثْنَا عَشَرَ إِمَامًا مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عليه السلام كُلُّهُمْ مُحَدَّثُونَ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صلوات الله وسلامه عليه وَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام مِنْهُمْ

۴۹ - زرارة بن اعین گوید: شنیدم امام باقر عليه السلام میفرمود دوازده تن از آل محمد همگی پس از پیغمبر محدث بودند که علی بن ابی طالب یکی از آنان بود.

۵۰ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنِ أَبِيهِ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنِ سَعِيدِ بْنِ عَزْوَانَ عَنِ أَبِي بَصِيرٍ عَنِ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ يَكُونُ تِسْعَةَ أَئِمَّةٍ بَعْدَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ تَأْسِعُهُمْ قَائِمُهُمْ ع

۵۰ - امام باقر عليه السلام فرمود: پس از حسین بن علی عليه السلام نه تن امام خواهد بود که نهمیشان قائم آنان است.

۵۱ - حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مَسْرُورٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَامِرِ الْأَشْعَرِيِّ عَنِ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدِ الْبَصْرِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَاءِ عَنِ أَبَانَ عَنِ زُرَّارَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام يَقُولُ اثْنَا عَشَرَ إِمَامًا مِنْهُمْ عَلِيُّ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ ثُمَّ الْأئِمَّةُ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ ع

و قد أخرجت ما رویته فی هذا المعنی فی کتاب کمال الدین و تمام النعمة فی إثبات الغيبة و كشف الحيرة

۵۱ - زرارة گوید: شنیدم امام باقر علیه السلام میفرمود دوازده تن امامند که علی و حسن و حسین از آنان هستند و سپس امامان از فرزندان حسین و من آنچه را که در این معنا روایت بمن رسیده است در کتاب کمال الدین و تمام النعمة که در اثبات غیبت و کشف حیرت تألیف نموده ام نقل کرده ام.

در مسواک دوازده خاصیت است

فی السواک اثنتا عشرة خصلة
 ۵۲ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى بْنِ عِمْرَانَ الْأَشْعَرِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْحُسَيْنِ اللَّوْثِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ يُوسُفَ عَنْ مُعَاذِ الْجَوْهَرِيِّ عَنْ عَمْرِو بْنِ جُمَيْعٍ يَرْفَعُهُ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ فِي السَّوَاكِ اثْنَتَا عَشْرَةَ خَصْلَةً مَطَهْرَةٌ لِلْفَمِ وَ مَرْضَاةٌ لِلرَّبِّ وَ يُبَيِّضُ الْأَسْنَانَ وَ يَذْهَبُ بِالْحَقْرِ وَ يُقِلُّ الْبَلْعَمَ وَ يُشْهِى الطَّعَامَ وَ يُضَاعِفُ الْحَسَنَاتِ وَ تُصَابُ بِهِ السُّنَّةُ وَ تَحْضُرُهُ الْمَلَائِكَةُ وَ يَشُدُّ اللَّثَّةَ وَ هُوَ يَمُرُّ بِطَرِيقَةِ الْقُرْآنِ وَ رَكَعَتَيْنِ «رَكَعَتَانِ بِسِوَاكِ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ سَبْعِينَ رَكَعَةً بِغَيْرِ سِوَاكِ

۵۲ - رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: در مسواک کردن دوازده خاصیت است: پاک‌کننده دهان است و موجب رضای خداوند و دندانها را سفید میکند و چرک دندان را میبرد و بلغم را میکاهد و خوراک را گوارا سازد و پاداش کارهای نیک را چند برابر نماید و به سنت پیغمبر رفتار شده است و فرشتگان بهنگام مسواک کردن حاضر شوند و لثه را محکم سازد و گذرگاهش از رهگذر قرآن است و دو رکعت با مسواک نماز گزاردن خدا را خوشتر آید از هفتاد رکعت بدون مسواک.

۵۳ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ الدَّهْقَانِ عَنْ دُرُسْتٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ فِي السَّوَاكِ اثْنَتَا عَشْرَةَ خَصْلَةً هُوَ مِنَ السُّنَّةِ وَ مَطَهْرَةٌ لِلْفَمِ وَ مَجْلَاةٌ لِلْبَصْرِ وَ يُرْضَى الرَّحْمَنُ وَ يُبَيِّضُ الْأَسْنَانَ وَ يَذْهَبُ بِالْحَفْرِ وَ يَشُدُّ اللَّثَّةَ وَ يُشْهِى الطَّعَامَ وَ يَذْهَبُ بِالْبَلْغَمِ وَ يَزِيدُ فِي الْجَفْظِ وَ يُضَاعَفُ بِهِ الْحَسَنَاتُ وَ تَفْرَحُ بِهِ الْمَلَائِكَةُ

۵۳ - امام صادق عليه السلام فرمود: در مسواک کردن دوازده خاصیت است: از روش پیغمبر است و پاک‌کننده دهان و روشنی بخش چشم و خدای رحمان را خوشنود سازد و دندانها را سفید کند و چرک دندان را ببرد و لثه را محکم کند و خوراک را گوارا مینماید و بلغم را میبرد و حافظه را زیاد کند و بکارهای نیک بخاطر مسواک چند برابر پاداش داده شود و فرشتگان با آن خوشحال شوند.

۵۴ - حَدَّثَنَا أَبُو الْحُسَيْنِ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الشَّاهِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو حَامِدٍ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو يَزِيدَ أَحْمَدُ بْنُ خَالِدِ الْخَالِدِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ صَالِحِ التَّمِيمِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي قَالَ حَدَّثَنِي أَنَسُ بْنُ مُحَمَّدٍ أَبُو مَالِكٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ أَنَّهُ قَالَ فِي وَصِيَّتِهِ لَهُ يَا عَلِيُّ السَّوَاكِ مِنَ السُّنَّةِ وَ هُوَ مَطَهْرَةٌ لِلْفَمِ وَ يَجْلُو الْبَصَرَ وَ يُرْضَى الرَّحْمَنُ وَ يُبَيِّضُ الْأَسْنَانَ وَ يَذْهَبُ بِالْحَفْرِ وَ يَشُدُّ اللَّثَّةَ وَ يُشْهِى الطَّعَامَ وَ يَذْهَبُ بِالْبَلْغَمِ وَ يَزِيدُ فِي الْجَفْظِ وَ يُضَاعَفُ بِهِ الْحَسَنَاتُ وَ تَفْرَحُ بِهِ الْمَلَائِكَةُ

۵۴ - رسول خدا ﷺ در وصیتی بعلی بن ابی طالب فرمود: یا علی مسواک کردن از شیوه من است و آن پاک‌کننده دهان است تا آخر روایت ۵۳ بیک مضمون است.

روایتی که حجابها دوازده است

حدیث الحجب اثنا عشر

۵۵ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ يَحْيَى بْنِ عَجَلَانَ الْمَرْوَزِيُّ الْمُقَرَّرِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ الْجُرْجَانِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرٍ عَبْدُ الصَّمَدِ بْنُ يَحْيَى الْوَاسِطِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيِّ الْمَدَنِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُبَارَكِ عَنْ سُفْيَانَ الثَّوْرِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ عَنْ سَنَةَ وَهُوَ يَقُولُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ وَفِي حِجَابِ الشَّفَاعَةِ أَلْفَ سَنَةٍ وَهُوَ يَقُولُ سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ ثُمَّ أَظْهَرَ عَزَّ وَجَلَّ اسْمَهُ عَلَى اللَّوْحِ وَكَانَ عَلَى اللَّوْحِ مُنُورًا أَرْبَعَةَ آلَافِ سَنَةٍ ثُمَّ أَظْهَرَهُ عَلَى الْعَرْشِ فَكَانَ عَلَى سَاقِ الْعَرْشِ مُثَبَّتًا سَبْعَةَ آلَافِ سَنَةٍ إِلَى أَنْ وَضَعَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي صُلْبِ آدَمَ ثُمَّ نَقَلَهُ مِنْ صُلْبِ آدَمَ إِلَى صُلْبِ نُوحٍ ثُمَّ جَعَلَ يُخْرِجُهُ مِنْ صُلْبِ إِلَى صُلْبِ حَتَّى أَخْرَجَهُ مِنْ صُلْبِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ فَأَكْرَمَهُ بِسِتِّ كَرَامَاتٍ أَلْبَسَهُ قَمِيصَ الرِّضَا وَرَدَّاهُ رَدَاءَ الْهَيْبَةِ وَتَوَجَّهَهُ تَاجَ الْهَدَايَةِ وَ أَلْبَسَهُ سَرَوِيلَ الْمَعْرِفَةِ وَ جَعَلَ تِكَّتَهُ تِكَّةَ الْمَحَبَّةِ يَشُدُّ بِهَا سَرَوِيلَهُ وَ جَعَلَ نَعْلَهُ الْخَوْفَ وَ نَآوَلَهُ عَصَا الْمَنْزِلَةِ ثُمَّ قَالَ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ يَا مُحَمَّدُ اذْهَبْ إِلَى النَّاسِ فَقُلْ لَهُمْ قُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَ كَانَ أَصْلُ ذَلِكَ الْقَمِيصِ فِي سِتَّةِ أَشْيَاءَ قَامَتْهُ مِنَ الْيَاقُوتِ وَ كُمَاهُ مِنَ اللُّؤْلُؤِ وَ دِخْرِيصُهُ مِنَ الْبِلُّورِ الْأَصْفَرِ وَ إِبْطَاهُ مِنَ الزَّبَرْجَدِ وَ جُرْبَانُهُ مِنَ الْمَرْجَانِ الْأَحْمَرِ وَ جَيْبُهُ مِنْ نُورِ الرَّبِّ جَلَّ

جَلَّالُهُ فَقِيلَ لِلَّهِ تَوْبَةَ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِذَلِكَ الْقَمِيصِ وَ
 رَدَّ خَاتَمَ سُلَيْمَانَ بِهِ وَ رَدَّ يُوسُفَ إِلَى يَعْقُوبَ
 بِهِ وَ نَجَّى يُونُسَ مِنْ بَطْنِ الْخُوتِ بِهِ وَ كَذَلِكَ
 سَائِرُ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِ السَّلَامُ نَجَّاهُمْ مِنَ الْمَحَنِّ بِهِ وَ لَمْ
 يَكُنْ ذَلِكَ الْقَمِيصُ إِلَّا قَمِيصَ مُحَمَّدٍ ص
 قال مصنف هذا الكتاب رضى الله عنه ارواح
 جميع الأئمة عَلَيْهِ السَّلَامُ و المؤمنین خلقت مع روح
 محمد ص

ه ه - امیر المؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: خدای
 تبارک و تعالی پیش از آنکه آسمانها و
 زمین و عرش و کرسی و لوح و قلم و بهشت و
 آتش را بیافریند و پیش از آنکه آدم و
 نوح و ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و
 یعقوب و موسی و عیسی و داود و سلیمان و
 هر کس را که در آیه مبارکه میفرماید (ما
 به ابراهیم، اسحاق و یعقوب را دادیم تا
 آنجا که فرماید آنان را براه راست رهبری
 نمودیم) و چهار صد و بیست و چهار هزار
 سال پیش از آنکه همه پیغمبران را
 بیافریند نور محمد را آفرید و خدای عز و
 جل با او دوازده حجاب آفرید حجاب قدرة و
 حجاب عظمت و حجاب منت و حجاب رحمت و
 حجاب سعادت و حجاب کرامت و حجاب منزلت و
 حجاب هدایت و حجاب نبوت و حجاب رفعت و
 حجاب هیبت و حجاب شفاعت.

سپس نور محمد را دوازده هزار سال در
 حجاب قدرت نگاه داشت که همی گفت منزّه
 است پروردگار والا مقام من و یازده هزار
 سال در حجاب عظمت نگهداشت که همی گفت
 منزّه و پاک است دانای راز نهان و ده
 هزار سال در حجاب منت نگهداشت که میگفت
 پاک و منزّه است خدائی که پاینده است و
 غفلت باو راه ندارد و در حجاب رحمت نه
 هزار سال نگهداشت که میگفت پاک و منزّه
 است خدای بلند پایه والا مقام و هشت هزار
 سال در حجاب سعادت نگهداشت که همی گفت:

پاك و منزه است خدائی كه پاينده است و اشتباهی برای او نیست و هفت هزار سال در حجاب كرامت نگهداشت كه همی گفت: پاك و منزه است خدائی كه بی‌نیاز است و نیازمند نگردد و شش هزار سال در حجاب منزلت نگاه داشت كه همی گفت: پاك و منزه است پروردگار من كه برتر است و بخشنده و پنج هزار سال در حجاب هدایت نگاه داشت كه همی گفت: پاك و منزه است پروردگار عرش بزرگ و چهار هزار سال در حجاب نبوت نگاهداشت كه همی گفت: پروردگار عزت از آنچه توصیفش می‌كنند منزه است و سه هزار سال در حجاب رفعت نگاه داشت كه همی گفت پاك و منزه است خدائی كه صاحب ملك و ملكوت است و دو هزار سال در حجاب هیبت نگاه داشت كه همی گفت پاك و منزه است ^{اللّه} و من بستایش او مشغولم و هزار سال در حجاب شفاعت نگاه داشت كه همی گفت پاك و منزه است پروردگار بزرگ من و من بستایش او مشغولم.

سپس خدای عز و جل نام او را بر لوح آشكار نمود و چهار هزار سال بر لوح میدرخشید و سپس آن را بر عرش آشكار نمود كه هفت هزار سال بر پایه عرش استوار بود تا آنكه خدای عز و جل آن را در پشت آدم قرار داد و سپس از پشت آدم به پشت نوح منتقلش فرمود و سپس هم چنان از پشتی به پشت دیگری بدر می آورد تا آنكه از پشت عبد الله بن عبد المطلباش بدر آورد پس با شش كرامت اكرامش فرمود: پیراهن رضا بر او پوشانید و ردای هیبت بر دوشش افكند و افسر هدایت بر سرش نهاد و شلووارهای معرفت بر او پوشانید و بند آن را بند محبت قرار داد كه هر چه محكمتر بسته شود و نعلیناش را خوف قرار داد و عصای منزلت بدستش داد.

سپس خدای عز و جل باو فرمود بسوی مردم برو و بآنان بگو که بگوئید: خدائی بجز خداوند نیست و محمد فرستاده او است و مواد اصلی این پیراهن از شش چیز بود بدنه اش از یاقوت بود و دو آستینش از لؤلؤ و لبه اش از بلور زرد و دو زیر بغلش از زبرجد و گریبانش از مرجان سرخ و یقه اش از نور پروردگار جل جلاله پس خداوند توبه آدم را بخاطر این پیراهن پذیرفت و انگشتر سلیمان را بخاطر آن باز گردانید و یوسف را بیعقوب بخاطر آن باز گردانید و یونس را از شکم ماهی بخاطر آن نجات بخشید.

هم چنین دیگر پیمبران را از گرفتاریها بخاطر آن نجات داد و این پیراهن نبود مگر پیراهن محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ کلام مصنف

مصنف این کتاب گوید: روان همه امامان و مؤمنین با روان محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آفریده شده اند.

(مترجم گوید:)

سند این روایت تا عبد الله مبارك همگی مجهولاند و ناشناس و روایت قابل اعتماد نیست.

پرهیزکاران را دوازده نشانه است

لأهل التقوى اثنتا عشرة علامة
 ٥٦ - حَدَّثَنَا أَبُو طَالِبٍ الْمُظْفَرُ بْنُ جَعْفَرِ بْنِ الْمُظْفَرِ الْعَلَوِيُّ الْمِصْرِيُّ السَّمَرْقَنْدِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مَسْعُودِ الْعِيَّاشِيِّ عَنْ أَبِيهِ أَبِي النَّضْرِ قَالَ حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ عَلِيٍّ قَالَ حَدَّثَنِي ابْنُ إِسْحَاقَ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ ابْنِ سِنَانٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ كَانَ أَمِيرٌ

الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ يَقُولُ إِنَّ لِأَهْلِ التَّقْوَى عَلامَاتٍ يُعْرَفُونَ بِهَا صِدْقَ الْحَدِيثِ وَ أَدَاءَ الْأَمَانَةِ وَ الْوَفَاءَ بِالْعَهْدِ وَ قِلَّةَ الْفُخْرِ وَ الْبُخْلِ وَ صِلَةَ الْأَرْحَامِ وَ رَحْمَةَ الضُّعْفَاءِ وَ قِلَّةَ الْمُؤَاتَاةِ لِلنِّسَاءِ وَ بَذْلَ الْمَعْرُوفِ وَ حُسْنَ الْخُلُقِ وَ سَعَةَ الْجِلْمِ وَ اتِّبَاعَ الْعِلْمِ فِيمَا يُقَرِّبُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ طُوبَى لَهُمْ وَ حُسْنَ مَآبٍ وَ طُوبَى شَجَرَةٍ فِي الْجَنَّةِ أَصْلُهَا فِي دَارِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَلَيْسَ مِنْ مُؤْمِنٍ إِلَّا وَ فِي دَارِهِ عُصْنٌ مِنْ أَغْصَانِهَا لَا يَنْوِي فِي قَلْبِهِ شَيْئًا إِلَّا أَتَاهُ ذَلِكَ الْعُصْنُ بِهِ وَ لَوْ أَنْ رَاكِبًا مُجِدًّا سَارَ فِي ظِلِّهَا مِائَةَ عَامٍ لَمْ يَخْرُجْ مِنْهَا وَ لَوْ أَنْ عَرَابًا طَارَ مِنْ أَصْلِهَا مَا بَلَغَ أَغْلَاهَا حَتَّى يَبْيَاضَ هَرَمًا إِلَّا فَفِي هَذَا فَارْعَبُوا إِنَّ الْمُؤْمِنَ مِنْ نَفْسِهِ فِي شُغْلِ وَ النَّاسُ مِنْهُ فِي رَاحَةٍ إِذَا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ فَرَشَ وَجْهَهُ وَ سَجَدَ لِلَّهِ تَعَالَى ذِكْرَهُ بِمَكَارِمِ بَدَنِهِ وَ يُنَاجِي الَّذِي خَلَقَهُ فِي فَكَاكِ رَقَبَتِهِ أَلَا فَهَكَذَا فَكُونُوا

۵۶ - امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود امیر المؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ میفرمود که پرهیزکاران را نشانه هائی است که با آنها شناخته می‌شوند: راستگوئی و امانت را پس دادن و پیمان را به پایان رساندن و کمتر فخر کردن و کمتر بخل ورزیدن و با خویشان پیوند نگستن و بر ناتوان دلسوزی نمودن و از زنان کمتر فرمان بردن و در کار نیک دست باز بودن و خوش خلقی و بسیار حلم ورزیدن و از دانستن آنچه بخدای عز و جل نزدیک میکند پیروی کردن طوبی از آن آنها است و سرانجام کارشان به نیکی است و طوبی درختی است در بهشت که ریشه‌اش در خانه رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ است و هیچ مؤمنی نیست مگر اینکه یک شاخه از شاخهای آن در خانه او است هر چه از دلش بگذراند آن شاخه همان بر را باو میدهد.

و چنانچه سواری تندرو دو سال در سایه آن راه پیماید از سایه اش بدر نخواهد رفت و چنانچه کلاغی از پایه او پرواز کند بر فراز آن نخواهد رسید تا آنکه از پیری سخت سفید گردد هان که بر چنین چیزی رغبت کنید براستی که مؤمن به خویشتن مشغول است و مردم از او در آسایشانند و چون تاریکی شب او را فرا گیرد روی خود بر زمین نهد و با عزیزترین اعضای بدنش خدای تعالی ذکره را سجده کند و با آن کسی که او را آفریده مناجات نماید، تا مگر او را از آتش آزاد فرماید هان که این چنین باشید.

به دوازده نفر نباید سلام کرد

لا یسلم علی اثنی عشر
 ۵۷ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوِيهِ رَضِيَ
 اللَّهُ عَنْهُ عَنْ عَمِّهِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي الْقَاسِمِ عَنْ
 هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ جَعْفَرِ
 بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عليه السلام قَالَ لَا تُسَلِّمُوا عَلَيَّ
 الْيَهُودِ وَ لَا عَلَيَّ النَّصَارَى وَ لَا عَلَيَّ الْمَجُوسِ
 وَ لَا عَلَيَّ عَبَدَةِ الْأَوْثَانِ وَ لَا عَلَيَّ مَوَائِدِ شُرْبِ
 الْخَمْرِ وَ لَا عَلَيَّ صَاحِبِ الشُّطْرَنْجِ وَ النَّرْدِ وَ لَا
 عَلَيَّ الْمُخَنَّثِ وَ لَا عَلَيَّ الشَّاعِرِ الَّذِي يَقْذِفُ
 الْمُحْصَنَاتِ وَ لَا عَلَيَّ الْمُصَلِّي وَ ذَلِكَ لِأَنَّ
 الْمُصَلِّيَ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يَرُدَّ السَّلَامَ لِأَنَّ
 التَّسْلِيمَ مِنَ الْمُسَلَّمِ تَطَوُّعٌ وَ الرَّدُّ عَلَيْهِ
 فَرِيضَةٌ وَ لَا عَلَيَّ آكِلِ الرِّبَا وَ لَا عَلَيَّ رَجُلٍ
 جَالِسٍ عَلَيَّ غَائِطٍ وَ لَا عَلَيَّ الَّذِي فِي الْحَمَّامِ وَ
 لَا عَلَيَّ الْفَاسِقِ الْمُعْلِنِ بِفِسْقِهِ

۵۷ - امام باقر عليه السلام فرمود: سلام نکنید بر
 یهودی و نه بر نصرانی و نه بر آتش پرست
 و نه بر بت پرستان و نه بر سر سفره شراب
 نشینان و نه بر شطرنج باز و نردباز و نه
 بر کسی که با او عمل لواط انجام میدهند
 و نه بر شاعری که زنه‌های پاکدامن را متهم

می‌سازند و نه بر نمازگزار و این بخاطر آن است که نمی‌تواند پاسخ سلام را بگوید زیرا اسلام دادن از سلام دهنده مستحب است و پاسخ بر نماز گزار واجب و سلام نکنید به رباخوار و نه بر کسی که بر قضای حاجت نشسته و به بر آنکه در حمام است و نه بر کسی که آشکارا گناه میکند.

جعفر بن ابی طالب که از حبشه بازگشت پیغمبر ﷺ دوازده گام به پیشواز او رفت

استقبل النبی ﷺ جعفر بن ابی طالب ع
 لما انصرف من الحبشة اثنتي عشرة خطوة
 ۵۸ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ الْمُفَسَّرُ
 الْمَعْرُوفُ بِأَبِي الْحَسَنِ الْجُرْجَانِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ
 قَالَ حَدَّثَنَا يُوسُفُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَبِيهِ
 عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ
 أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ الرُّضَا عَلِيِّ بْنِ
 مُوسَى عَنْ أَبِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ
 الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ
 عَلِيِّ الْبَاقِرِ عَنْ أَبِيهِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ عَلِيِّ بْنِ
 الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ
 عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ لَمَّا جَاءَهُ
 جَعْفَرُ بْنُ أَبِي طَالِبٍ مِنَ الْحَبَشَةِ قَامَ إِلَيْهِ وَ
 اسْتَقْبَلَهُ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ خُطْوَةً وَ عَانَقَهُ وَ قَبَّلَ
 مَا بَيْنَ عَيْنَيْهِ وَ بَكَى وَ قَالَ لَا أَدْرِي بِأَيِّهِمَا
 أَنَا أَشَدُّ سُرُورًا بِقُدُومِكَ يَا جَعْفَرُ أَمْ يَفْتَحُ اللَّهُ
 عَلَيَّ أَخِيكَ خَيْبَرَ وَ بَكَى فَرَحًا بِرُؤْيَيْتِهِ

۵۸ - امیر المؤمنین ع فرمود: جعفر بن ابی طالب که از حبشه بخدمت پیغمبر رسید پیغمبر برخاست و دوازده گام پیشوازش نمود و دست بگردنش انداخت و میان دو دیدگانش را بوسید و گریه کرد و فرمود ندانم بکدام يك این دو بیشتر شاد باشم بآمدن ای جعفر یا بگشایش خیبر که

خداوند بدست برادرت علی فتح فرمود و گریه حضرت از شادی دیدار جعفر بود.

دوازده کس در تابوت ته دوزخ جا دارند

فی التابوت الأسفل من النار اثنا عشر
۵۹ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ قَالَ حَدَّثَنِي الْحَكَمُ بْنُ مِسْكِينِ الثَّقَفِيُّ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ سَيَابَةَ عَنْ جَعِيدِ هَمْدَانَ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام إِنَّ فِي التَّابُوتِ الْأَسْفَلِ سِتَّةَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ سِتَّةَ مِنَ الْآخِرِينَ فَأَمَّا السُّتَّةُ مِنَ الْأَوَّلِينَ فَابْنُ آدَمَ قَاتِلُ أَخِيهِ وَ فِرْعَوْنُ الْفِرَاعِنَةُ وَ السَّامِرِيُّ وَ الدَّجَالُ كِتَابُهُ فِي الْأَوَّلِينَ وَ يَخْرُجُ فِي الْآخِرِينَ وَ هَامَانَ وَ قَارُونَ وَ السُّتَّةُ مِنَ الْآخِرِينَ فَنَعْتَلُ وَ مُعَاوِيَةَ وَ عَمْرُو بْنُ الْعَاصِ وَ أَبُو مُوسَى الْأَشْعَرِيُّ وَ نَسِيَ الْمُحَدِّثُ اثْنَيْنِ
۵۹ - امیر المؤمنین عليه السلام فرمود: در تابوت

ته دوزخ شش نفر از امتهای پیشین جا دارند و شش نفر از امت آخر زمان اما آن شش نفر که از پیشینیان اند فرزند آدم است که برادرش را کشت و فرعون فرعونها است و سامری است و دجال است که نامش در زمره پیشینیان است ولی در آخر الزمان خروج خواهد کرد و هامان است و قارون و شش نفر از امت آخر الزمان نعتل است (عثمان) و معاویه و عمرو بن العاص و ابو موسی اشعری است راوی این حدیث نام دو کس دیگر را فراموش کرده است.

در سفره دوازده خاصیت است

فی المائدة اثنتا عشرة خصلة

۶۰ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوَيْهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنْ عَمِّهِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي الْقَاسِمِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ الْكَرْخِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عليه السلام قَالَ قَالَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عليه السلام فِي الْمَائِدَةِ اثْنَتَا عَشْرَةَ خَصْلَةً يَجِبُ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ أَنْ يَعْرِفَهَا أَرْبَعٌ مِنْهَا فَرَضٌ وَ أَرْبَعٌ مِنْهَا سُنَّةٌ وَ أَرْبَعٌ مِنْهَا تَأْدِيبٌ فَأَمَّا الْفَرَضُ فَالْمَعْرِفَةُ وَ الرِّضَا وَ التَّسْمِيَةُ وَ الشُّكْرُ وَ أَمَّا السُّنَّةُ فَالْوُضُوءُ قَبْلَ الطَّعَامِ وَ الْجُلُوسُ عَلَى الْجَانِبِ الْأَيْسَرِ وَ الْأَكْلُ بِثَلَاثِ أَصَابِعٍ وَ لَعَقُ الْأَصَابِعِ وَ أَمَّا التَّأْدِيبُ فَالْأَكْلُ مِمَّا يَلِيكَ وَ تَصْغِيرُ اللَّقْمَةِ وَ الْمَضْغُ الشَّدِيدُ وَ قِلَّةُ النَّظَرِ فِي وُجُوهِ النَّاسِ

۶۰ - امام حسن عليه السلام فرمود: در سفره دوازده خاصیت است که بر هر فرد مسلمان لازم است که آنها را بشناسد شناسائی چهار خاصیت واجب است و چهار خاصیت مستحب و چهار دیگر از ادب اما واجب معرفت است (که نعمت دهنده را بشناسد) و راضی بودن به نعمتی که عطا فرموده است و بنام خدا شروع کردن و سپاسگزاری نمودن و اما مستحب پیش از خوراک دست شستن و بران چپ نشستن و با سه انگشت غذا خوردن و انگشتان را لیسیدن است و اما ادب سفره، خوردن از آنچه در جلو تو است (و بجای دیگر سفره دست درازی نکردن) و لقمه را کوچک برداشتن و لقمه را کاملاً جویدن و بروی دیگران کمتر نگاه کردن.

۶۱ حَدَّثَنَا أَبُو الْحُسَيْنِ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنُ الشَّاهِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو حَامِدٍ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ الْخَالِدِ الْخَالِدِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ صَالِحِ الثَّمِيمِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي

قَالَ حَدَّثَنَا أَنَسُ بْنُ مُحَمَّدٍ أَبُو مَالِكٍ عَنْ أَبِيهِ
عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَلِيِّ
بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ فِي
وَصِيَّتِهِ لَهُ يَا عَلِيُّ اثْنَتَا عَشْرَةَ خَصْلَةً يَنْبَغِي
لِلرَّجُلِ الْمُسْلِمِ أَنْ يَتَعَلَّمَهَا فِي الْمَائِدَةِ
أَرْبَعٌ مِنْهَا فَرِيضَةٌ وَ أَرْبَعٌ مِنْهَا سُنَّةٌ وَ أَرْبَعٌ
مِنْهَا آدَبٌ فَأَمَّا الْفَرِيضَةُ فَالْمَعْرِفَةُ بِمَا
يَأْكُلُ وَ التَّسْمِيَةُ وَ الشُّكْرُ وَ الرِّضَا وَ أَمَّا
السُّنَّةُ فَالْجُلُوسُ عَلَى الرَّجْلِ الْيُسْرَى وَ الْأَكْلُ
بِثَلَاثِ أَصَابِعٍ وَ أَنْ يَأْكُلَ مِمَّا يَلِيهِ وَ مَصُّ
الْأَصَابِعِ وَ أَمَّا الْآدَبُ فَتَصْغِيرُ اللَّقْمَةِ وَ
الْمَضْغُ الشَّدِيدُ وَ قِلَّةُ النَّظَرِ فِي وُجُوهِ النَّاسِ
وَ غَسْلُ الْيَدَيْنِ

٦١ - رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ضمن وصیته بامیر
المؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: یا علی دوازده خصلت
است که برای مرد مسلمان سزاوار است آنها
را برای سر سفره بیاموزد چهار خصلت از
آنها واجب است و چهار خصلت مستحب و چهار
خصلت ادب اما واجب شناسائی بنعمتی است
که میخورد و نام خدا بردن و سپاس او
بجای آوردن و بر آنچه عطا فرموده راضی
بودن است و اما مستحب بر پای چپ نشستن و
با سه انگشت غذا خوردن و از مقابل خودش
خوردن و انگشتان را لیسیدن است و اما
ادب، لقمه را کوچک گرفتن و کاملاً جویدن و
کمتر بروی مردم نگاه کردن و دستها را
شستن است

ماهها دوازده ماه است

الشهور اثنا عشر شهراً
٦٢ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ
الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَادِ بْنِ عَيْسَى عَنِ
الصَّبَّاحِ بْنِ سَيَابَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِنَّ اللَّهَ
عَزَّ وَ جَلَّ خَلَقَ الشُّهُورَ اثْنَيْ عَشَرَ شَهْرًا وَ هِيَ

ثَلَاثِمِائَةٍ وَ سِتُّونَ يَوْمًا فَحَجَرَ مِنْهَا سِتَّةَ أَيَّامٍ
خَلَقَ فِيهَا السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِينَ فَمِنْ ثَمَّ
تَقَاصَرَتِ الشُّهُورُ

٦٢ - امام باقر عليه السلام فرمود: همانا که
خدای عز و جل ماهها را دوازده ماه آفرید
که سیصد و شصت روز باشد و شش روز از
آنها را کنار گذاشت و در آن آسمانها و
زمینها را آفرید و از این رو ماهها از
سی کم میشوند.

٦٣ - حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَعِيدٍ
الْعَسْكَرِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْقَاسِمِ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ
مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْكَرِيمِ ابْنُ أَخِي أَبِي زُرْعَةَ
قَالَ حَدَّثَنَا ابْنُ عَوْنٍ قَالَ حَدَّثَنِي مَكِّيُّ بْنُ
إِبْرَاهِيمَ الْبَلْخِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُوسَى بْنُ عُبَيْدَةَ
عَنْ صَدَقَةَ بْنِ يَسَارٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمَرَ قَالَ
نَزَلَتْ هَذِهِ السُّورَةُ إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَ الْفَتْحُ
عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله فِي أَوْسَطِ أَيَّامِ التَّشْرِيقِ
فَعَرَفَ أَنَّهُ الْوَدَاعُ فَرَكِبَ رَاحِلَتَهُ الْعَضْبَاءَ
فَحَمِدَ اللَّهَ وَ أَثْنَى عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ يَا أَيُّهَا
النَّاسُ كُلُّ دَمٍ كَانَ فِي الْجَاهِلِيَّةِ فَهُوَ هَدْرٌ وَ
أَوَّلُ دَمٍ هُدِرَ دَمُ الْحَارِثِ بْنِ رَبِيعَةَ بْنِ
الْحَارِثِ كَانَ مُسْتَرْضِعاً فِي هُدَيْلٍ فَقَتَلَهُ بَنُو
اللَيْثِ أَوْ قَالَ كَانَ مُسْتَرْضِعاً فِي بَنِي لَيْثٍ
فَقَتَلَهُ هُدَيْلٌ وَ كُلُّ رَبٍّ كَانَ فِي الْجَاهِلِيَّةِ
فَمَوْضُوعٌ وَ أَوَّلُ رَبٍّ وَضِعَ رَبًّا

الْعَبَّاسِ بْنِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ
الزَّمَانَ قَدِ اسْتَدَارَ فَهُوَ الْيَوْمَ كَهَيْئَتِهِ يَوْمَ
خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِينَ وَ إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ
عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ
اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرْمٌ رَجَبٌ
مُضَرُّ الَّذِي بَيْنَ جُمَادَى وَ شَعْبَانَ وَ ذُو الْقَعْدَةِ
وَ ذُو الْحِجَّةِ وَ الْمُحَرَّمُ فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ
أَنْفُسَكُمْ فَإِنَّ النِّسْيَةَ زِيَادَةٌ فِي الْكُفْرِ يُضِلُّ
بِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا يُجْلُونَهُ عَامًا وَ يُحَرِّمُونَهُ
عَامًا لِيُؤَاطِئُوا عِدَّةَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَ كَانُوا
يُحَرِّمُونَ الْمُحَرَّمَّ عَامًا وَ يَسْتَحِلُّونَ صَفْرًا

وَيُحَرِّمُونَ صَفَرَ «صَفْرًا عَامًّا وَ يَسْتَجْلُونَ
الْمُحَرَّمَ أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ الشَّيْطَانَ قَدْ يَيْسَ أَنْ
يُعْبَدَ فِي بِلَادِكُمْ آخِرَ الْأَبَدِ وَ رَضِيَ مِنْكُمْ
بِمُحَقَّرَاتِ الْأَعْمَالِ أَيُّهَا النَّاسُ مَنْ كَانَتْ عِنْدَهُ
وَدِيعَةٌ فَلْيُؤَدِّهَا إِلَى مَنْ ائْتَمَنَهُ عَلَيْهَا أَيُّهَا
النَّاسُ إِنَّ النِّسَاءَ عِنْدَكُمْ عَوَانٍ لَا يَمْلِكْنَ
لِأَنْفُسِهِنَّ ضَرًّا وَ لَا نَفْعًا أَخَذْتُمُوهُنَّ بِأَمَانَةِ اللَّهِ
وَ اسْتَحْلَلْتُمْ فُرُوجَهُنَّ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ فَلَكُمْ عَلَيْهِنَّ
حَقٌّ وَ لَهُنَّ عَلَيْكُمْ حَقٌّ وَ مِنْ حَقِّكُمْ عَلَيْهِنَّ أَنْ لَا
يُوطِئْنَ فُرُشَكُمْ وَ لَا يَعْصِيَنَّكُمْ فِي مَعْرُوفٍ فَإِذَا
فَعَلْنَ ذَلِكَ فَلَهُنَّ رِزْقُهُنَّ وَ كِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ
وَ لَا تَضْرِبُوهُنَّ أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي قَدْ تَرَكْتُ
فِيكُمْ مَا إِنْ أَخَذْتُمْ بِهِ لَنْ تَضِلُّوا - كِتَابِ اللَّهِ
عَزَّ وَ جَلَّ فَاعْتَصِمُوا بِهِ يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَيُّ
يَوْمٍ هَذَا قَالُوا يَوْمٌ حَرَامٌ ثُمَّ قَالَ يَا أَيُّهَا
النَّاسُ فَأَيُّ شَهْرٍ هَذَا قَالُوا شَهْرٌ حَرَامٌ قَالَ
أَيُّهَا النَّاسُ أَيُّ بَلَدٍ هَذَا قَالُوا بَلَدٌ حَرَامٌ
قَالَ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ حَرَّمَ عَلَيْكُمْ دِمَاءَكُمْ وَ
أَمْوَالَكُمْ وَ أَعْرَاضَكُمْ كَحُرْمَةِ يَوْمِكُمْ هَذَا فِي
شَهْرِكُمْ هَذَا فِي بَلَدِكُمْ هَذَا إِلَى يَوْمٍ تَلْقَوْنَهُ
أَلَا فَلْيَبْلُغْ شَاهِدُكُمْ غَائِبَكُمْ لَا نِيَّ بَعْدِي وَ لَا
أُمَّةَ بَعْدَكُمْ ثُمَّ رَفَعَ يَدَيْهِ حَتَّى إِنَّهُ لَيُرَى
بَيَاضَ إِبْطِيهِ ث ٦٣ - عبد الله بن عمر گوید: این
سوره إذا جاء نصر الله و الفتح در وسط
روزهای تشریق (سیزدهم ماه) بر رسول خدا
ﷺ فرود آمد حضرت دانست که آخرین حج او
است پس بر شتر عضبایش سوار شد و حمد خدا
را بجا آورد و او را ستایش کرد و سپس
فرمود ای مردم هر خونی که در دوران
جاهلیت ریخته شده است بی ارزش است و
اولین خون بی ارزش خون حارث بن ربیع بن
حارث است که در جستجوی دایه میان قبیل
هذیل بود و قبیل بنو لیث (یا فرمود در
جستجوی دایه میان قبیل بنی لیث بود و
قبیل هذیل) او را گشت و هر ربائی که در
دوران جاهلیت بر ذمه مردم بود از ذمه
آنان برداشته شد و نخستین ربائی که

برداشته شد سود پول عباس بن عبد المطلب
 است ای مردم روزگار دوران خود را بپایان
 رسانیده و امروز مانند همان روزی است که
 خداوند آسمانهای و زمینها را آفرید و
 همانا که شماره ماهها در نزد خداوند
 دوازده ماه است که در کتاب الهی همان
 روزی که آسمانها و زمین را آفرید ثبت
 است چهار ماه از آنها ماه حرام است (که
 نباید در آنها جنگید) یکی رجب مضر است
 که میان جمادی و شعبان واقع است و دیگر
 ذو القعدة و ذو الحجه و محرم میباشد.
 در این ماهها بر جان خود ستم روا
 مدارید که از یاد بردن ماههای حرام
 پیشروی در کفر است که کافران بدین وسیله
 گمراهی ایجاد میکنند يك سال جنگ در ماه
 حرام را حلال می‌شمرند و يك سال حرام تا
 از این رهگذر ارزش شماره ماههائی را که
 خداوند حرام فرموده از میان ببرند آنان
 يك سال جنگ در ماه محرم را حرام
 میدانستند و جنگ در ماه صفر را حلال و يك
 سال جنگ در ماه صفر را حرام میدانستند و
 جنگ در ماه محرم را حلال ای مردم همانا
 که شیطان از اینکه در شهرهای شما پرستش
 شود تا پایان عمر دنیا ناامید شده است و
 از شما بکارهای کوچک (گناهان کوچک)
 دلخوش است ای مردم نزد هر کس امانتی
 باشد آن را بکسی که امینش دانسته باز
 گرداند ای مردم زنها در دست شما اسیرانی
 هستند که سود و زیانی را برای خویشتن
 مالك نیستند شما آنان را بعنوان يك
 امانت الهی دریافت نموده‌اید و بدستور
 الهی هم بستری با آنان را حلال کرده‌اید
 شما را بر آنان حقی است و آنان را بر
 شما حقی و از جمله حقهای شما بر آنان
 این است که دیگری را به بستر شما راه
 ندهند و در کار خوب نافرمانی شما را
 نکنند و چون چنین کنند حق خوراك و پوشش

متعارف خود را از شما بستانکارند و آنان را زنید ای مردم من در میان شما چیزی بجا گذاشتم که اگر دست بر آن زنید هرگز گمراه نخواهید شد و آن کتاب خدا است چنگ بر آن بزنیید ای مردم امروز چه روزی است؟ عرض کردند:

روز حرام سپس فرمود: ای مردم این ماه چه ماهی است؟ عرض کردند: ماه حرام فرمود: ای مردم این شهر چه شهری است؟ عرض کردند: شهر حرام فرمود: همانا خداوند ریختن خون‌های شما و بردن مال‌های شما و هتك آبروی شما را بر همدیگر حرام فرموده مانند حرمت امروز در این ماه شما و در این شهر شما تا روزی که او را ملاقات کنید هان که حاضرین شما می‌بایست بغائبین برسانند پس از من دیگر پیغمبری نیست و پس از شما امتی نخواهد بود سپس هر دو دست خود را آنقدر بلند کرد که سفیدی هر دو زیر بغل‌اش دیده شد و سپس فرمود: بار الها تو گواه باش که من مأموریت خود را ابلاغ کردم.
(شرح:)

مردم دوران جاهلیت را عادت چنین بود که هر سالی یازده روز حج را بتأخیر میانداختند که پس از گذشت سی و سه سال مجدداً ایام حج بماه ذی الحجة می‌افتاد و سالی که رسول خدا ﷺ به حج تشریف بردند ایام حج در ماه ذی الحجة بود و لذا فرمود:

ان الزمان قد استدار فهو اليوم
السيرة الحلبية ج ۳ ﷺ ۲۸۹
مُ قَالَ اللَّهُمَّ اشْهَدْ أَنِّي قَدْ بَلَغْتُ
٦٤ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوِيهِ رَضِيَ
اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ
عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عَمِيرٍ رَفَعَهُ إِلَى
أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِنَّ عِدَّةَ

الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ
يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ قَالَ الْمُحَرَّمُ وَالصَّفَرُ
وَرَبِيعُ الْأَوَّلِ وَرَبِيعُ الْآخِرِ وَجُمَادَى الْأُولَى وَجُمَادَى
الْآخِرَةَ وَالرَّجَبُ وَالشَّعْبَانُ وَذُو الْقَعْدَةِ وَذُو
الْحِجَّةِ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرْمٌ عِشْرُونَ مِنْ ذِي الْحِجَّةِ
وَالْمُحَرَّمِ وَالصَّفَرِ وَشَهْرُ رَبِيعِ الْأَوَّلِ وَالْعَشْرُ
مِنْ شَهْرِ رَبِيعِ الْآخِرِ

ترجمه

٦٤ - يوم خلق السموات و الارض (شماره
ماهها در نزد خداوند دوازده ماه است و
در کتاب الهی از روزی که خداوند آسمانها
و زمین را آفریده ثبت است). فرمود: محرم
است و صفر و ربیع الاول و ربیع الآخر و
جمادی الاولی و جمادی الآخره و رجب و
شعبان و ماه رمضان و شوال و ذی القعدة و
ذی الحجة چهار ماه از اینها حرام است:
بیست روز از ذی الحجة و محرم و صفر و
ماه ربیع الاول و ده روز از ربیع الثانی.
(شرح:)

این روایت گرچه مرفوعه است یعنی سند
روایت از آخر بامام متصل نیست ولی چون
از محمد بن ابی عمیر است و مرفوعه‌های
ابن ابی عمیر مورد پذیرش علماء حدیث است
لذا از لحاظ سند معتبر است ولی متن
روایت شاذ است و بر خلاف مشهور، و مشهور
در ماههای حرام همان است که در خطبه
رسول خدا ﷺ نیز اشاره شده است یعنی ذی
القعدة - و ذی الحجة و محرم و رجب.

شب دوازده ساعت است و هم چنین روز ساعات

اللیل اثنتا عشرة ساعة و ساعات النهار
كذلك

٦٥ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُثَوِّكْلِ
رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ
السَّعْدَآبَادِيُّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ
عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبَانَ عَنْ
أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ سَاعَاتُ اللَّيْلِ اثْنَتَا عَشْرَةَ
سَاعَةً وَ سَاعَاتُ النَّهَارِ اثْنَتَا عَشْرَةَ سَاعَةً وَ
أَفْضَلُ سَاعَاتِ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ أَوْقَاتُ الصَّلَاةِ
ثُمَّ قَالَ عليه السلام إِنَّهُ إِذَا زَالَتِ الشَّمْسُ فَتَحَّتْ أَبْوَابُ
السَّمَاءِ وَ هَبَّتِ الرِّيَّاحُ وَ نَظَرُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ
إِلَى خَلْقِهِ وَ إِنِّي لِأَحِبُّ أَنْ يَصْعَدَ لِي عِنْدَ ذَلِكَ
إِلَى السَّمَاءِ عَمَلٌ صَالِحٌ ثُمَّ قَالَ عَلَيْنَا
بِالدُّعَاءِ فِي أَدْبَارِ الصَّلَاةِ فَإِنَّهُ مُسْتَجَابٌ

٦٥ - امام صادق عليه السلام فرمود: ساعتهاى شب
دوازده ساعت است و ساعتهاى روز دوازده
ساعت و بهترين ساعتهاى شبانه روز وقتهاى
نماز است سپس فرمود: چون ظهر شود درهاى
آسمان گشوده گردد و بادها وزيدن گيرد و
خداى عز و جل به آفريدگان خود نظر عنايت
فرمايد و من دوست دارم كه در اين هنگام
كار شايسته اى براى من بآسمان بالا رود
سپس فرمود: بر شما باد كه بدنباله
نمازها دعا كنيد كه مستجاب خواهد بود.

٦٦ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ
يَحْيَى عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ
الْحَسَنِ بْنِ مَيْمُونٍ عَنْ أَبِي هَاشِمٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي
الْحَسَنِ الْمَاضِي عليه السلام لِمَ جُعِلَتِ الصَّلَاةُ الْفَرِيضَةُ وَ
السُّنَّةُ خَمْسِينَ رَكْعَةً لَا يُزَادُ فِيهَا وَ لَا يُنْقَصُ
مِنْهَا قَالَ إِنَّ سَاعَاتِ اللَّيْلِ اثْنَتَا عَشْرَةَ
سَاعَةً وَ فِيهَا بَيْنَ طُلُوعِ الْفَجْرِ إِلَى طُلُوعِ
الشَّمْسِ سَاعَةً وَ سَاعَاتِ النَّهَارِ اثْنَتَا عَشْرَةَ

سَاعَةٌ فَجَعَلَ لِكُلِّ سَاعَةٍ رَكَعَتَيْنِ وَ مَا بَيْنَ
غُرُوبِ الشَّمْسِ إِلَى سُقُوطِ الْقُرْصِ غَسَقٌ

٦٦ - ابی هاشم گوید: بامام علی النقی
عجل الله فرجه عرض کردم: چرا نمازهای واجب و
مستحبی شبانه روز پنجاه رکعت شد که نه
بر آنها زیاد توان کرد و نه از آنها کم،
فرمود: همانا ساعتهای شبانه دوازده ساعت
است و از طلوع سفیده صبح تا سر زدن
آفتاب هم يك ساعت است و ساعتهای روزانه
هم دوازده ساعت است از این جهت برای هر
ساعت دو رکعت نماز قرار داده شده است و
از غروب آفتاب در افق تا فرو رفتن قرص
آن غسق نامیده می‌شود.

٦٧ - حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَعِيدٍ
الْعَسْكَرِيُّ قَالَ أَخْبَرَنِي عَمِّي قَالَ أَخْبَرَنَا أَبُو
إِسْحَاقَ قَالَ أَمَلَى عَلَيْنَا ثَعْلَبُ سَاعَاتِ اللَّيْلِ
الْغَسَقِ وَالْفَحْمَةِ وَالْعَشْوَةِ وَالْهَدَاةَ وَالْجُنْحَ
وَالزُّلْفَةَ وَالسُّحْرَةَ وَالْبُهْرَةَ وَالسَّاعَاتِ
النَّهَارِ الرَّادِّ وَالشُّرُوقَ وَالْمُتَوَعَّعَ وَالْجُنُوحَ
وَالظُّهَيْرَةَ وَالْأَصِيلَ وَالطُّفَلَ

٦٧ - ابو اسحاق گوید: ثعلب (یکی از
دانشمندان لغت) ساعتهای شبانه را باین
نامها برای ما بیان کرد: غسق و فحمة و
عشوة و هدأة و جنح و هزیع و فقد و عقر و
زلفة و سحرة و بهره و ساعتهای روزانه را
راد و شروق و متوع و ترحل و دلوك و جنوح
و هجیر و ظهیرة و اصیل و طفل.

برجهای فلک دوازده است و بیابانها دوازده است

و دریاها دوازده است و جهانها دوازده
است البروج اثنا عشر و البر اثنا عشر و
البحور اثنا عشر و العوالم اثنا عشر

٦٨ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ السَّعْدِ أَبَادِيٌّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِيهِ وَغَيْرِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمَانَ الصَّنَعَانِيِّ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ الْفَضْلِ عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبَ قَالَ كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذْ دَخَلَ عَلَيْهِ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الْيَمَنِ فَسَلَّمَ عَلَيْهِ فَرَدَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَالَ لَهُ مَرْحَبًا بِكَ يَا سَعْدُ فَقَالَ لَهُ الرَّجُلُ بِهِذَا الْإِسْمَ سَمَّيْتَنِي أُمِّي وَمَا أَقَلَّ مَنْ يَعْرِفُنِي بِهِ فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ صَدَقْتَ يَا سَعْدُ الْمَوْلَى فَقَالَ الرَّجُلُ جَعَلْتُ فِدَاكَ بِهَذَا كُنْتُ أَلْقَبُ فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَا خَيْرَ فِي اللَّقَبِ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَقُولُ فِي كِتَابِهِ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْألقَابِ بِئْسَ الْإِسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ مَا صِنَاعَتُكَ يَا سَعْدُ فَقَالَ جَعَلْتُ فِدَاكَ إِنَّا مِنْ أَهْلِ بَيْتٍ نَنْظُرُ فِي النُّجُومِ لَا نَقُولُ إِنَّ بِيَالِيَمِنَ أَحَدًا أَعْلَمَ بِالنُّجُومِ مِنَّا فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَأَسْأَلُكَ فَقَالَ الْيَمَانِيُّ سَلْ عَمَّا أَحْبَبْتَ مِنَ النُّجُومِ فَأِنِّي أُجِيبُكَ عَنْ ذَلِكَ بِعِلْمٍ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَمْ ضَوْءُ الشَّمْسِ عَلَى ضَوْءِ الْقَمَرِ دَرَجَةٌ فَقَالَ الْيَمَانِيُّ لَا أَدْرِي فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ صَدَقْتَ فَكَمْ ضَوْءُ الْقَمَرِ عَلَى ضَوْءِ الزُّهْرَةِ دَرَجَةٌ فَقَالَ الْيَمَانِيُّ لَا أَدْرِي فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ صَدَقْتَ فَكَمْ ضَوْءُ الزُّهْرَةِ عَلَى ضَوْءِ الْمُشْتَرِيِّ دَرَجَةٌ فَقَالَ الْيَمَانِيُّ لَا أَدْرِي فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ صَدَقْتَ فَكَمْ ضَوْءُ الْمُشْتَرِيِّ عَلَى ضَوْءِ عَطَارِدِ دَرَجَةٌ فَقَالَ الْيَمَانِيُّ لَا أَدْرِي فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ صَدَقْتَ فَمَا اسْمُ النُّجْمِ الَّذِي إِذَا طَلَعَ هَاجَتِ الْبَقَرُ فَقَالَ الْيَمَانِيُّ لَا أَدْرِي فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ صَدَقْتَ فَمَا اسْمُ النُّجْمِ الَّذِي إِذَا طَلَعَ هَاجَتِ الْإِبِلُ فَقَالَ الْيَمَانِيُّ لَا أَدْرِي فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ صَدَقْتَ فَمَا اسْمُ النُّجْمِ الَّذِي إِذَا طَلَعَ هَاجَتِ الْكِلَابُ فَقَالَ الْيَمَانِيُّ لَا أَدْرِي فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ صَدَقْتَ فِي قَوْلِكَ لَا أَدْرِي فَمَا رُحِلُ

عِنْدَكُمْ فِي النُّجُومِ فَقَالَ الْيَمَانِيُّ نَجْمٌ نَحْسٌ
فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مَهْ لَا تَقُولَنَّ هَذَا
فَإِنَّهُ نَجْمٌ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَهُوَ نَجْمُ
الْأَوْصِيَاءِ عليه السلام وَهُوَ النُّجْمُ الثَّقِيبُ الَّذِي قَالَ اللَّهُ
عَزَّ وَجَلَّ فِي كِتَابِهِ فَقَالَ لَهُ الْيَمَانِيُّ فَمَا
يَعْنِي بِالثَّقِيبِ قَالَ إِنَّ مَطْلِعَهُ فِي السَّمَاءِ
السَّابِعَةِ وَ إِنَّهُ ثَقَبَ بِضَوْئِهِ حَتَّى أَضَاءَ فِي
السَّمَاءِ الدُّنْيَا فَمِنْ ثَمَّ سَمَّاهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ
النُّجْمَ الثَّقِيبَ يَا أَخَا الْيَمَنِ عِنْدَكُمْ عُلَمَاءُ
فَقَالَ الْيَمَانِيُّ نَعَمْ جُعِلَتْ فِدَاكَ إِنْ بِالْيَمَنِ
قَوْمًا لَيْسُوا كَأَحَدٍ مِنَ النَّاسِ فِي عِلْمِهِمْ فَقَالَ
أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَمَا يَبْلُغُ مِنْ عِلْمِ عَالِمِهِمْ
فَقَالَ لَهُ الْيَمَانِيُّ إِنْ عَالِمِهِمْ لَيَزْجُرُ الطَّيْرَ
وَ يَقْفُو الْأَثَرَ فِي السَّاعَةِ الْوَاحِدَةِ مَسِيرَةَ
شَهْرٍ لِلرَّاكِبِ الْمَجْدِّ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَإِنَّ
عَالِمَ الْمَدِينَةِ أَعْلَمُ مِنْ عَالِمِ الْيَمَنِ فَقَالَ
الْيَمَانِيُّ وَمَا بَلَغَ مِنْ عِلْمِ عَالِمِ الْمَدِينَةِ
فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عِلْمُ عَالِمِ الْمَدِينَةِ
يَنْتَهِي إِلَى حَيْثُ لَا يَقْفُو الْأَثَرَ وَ يَزْجُرُ الطَّيْرَ
وَ يَعْلَمُ مَا فِي اللَّحْظَةِ الْوَاحِدَةِ مَسِيرَةَ
الشَّمْسِ تَقْطَعُ اثْنَيْ عَشَرَ بُرْجًا وَ اثْنَيْ عَشَرَ
بَرًّا وَ اثْنَيْ عَشَرَ بَحْرًا وَ اثْنَيْ عَشَرَ عَالَمًا
قَالَ فَقَالَ لَهُ الْيَمَانِيُّ جُعِلَتْ فِدَاكَ مَا ظَنَنْتُ
أَنْ أَحَدًا يَعْلَمُ هَذَا أَوْ يَدْرِي مَا كُنْهُهُ قَالَ
ثُمَّ قَامَ الْيَمَانِيُّ فَخَرَجَ

٦٨ - ابان بن تغلب گوید: خدمت امام
صادق عليه السلام بودم که مردی از اهل یمن وارد
شد و بآن حضرت سلام کرد و حضرت جواب سلام
داد و فرمود: خوش آمدی ای سعد آن مرد
بحضرت عرض کرد مادرم مرا به این نام
نامیده است و کمتر کسی مرا به این نام
می شناسد ابی عبد الله عليه السلام باو فرمود: راست
میگویی ای سعد مولا آن مرد عرض کرد فدایت
شوم لقب من هم همین است.

ابی عبد الله عليه السلام باو فرمود: لقب گذاشتن
هیچ خوبی ندارد که خدای تبارک و تعالی

در قرآنش میفرماید: به همدیگر لقب مگذارید که پس از ایمان فاسق شدن بدنامی است.

ای سعد چه حرفه ای داری؟ عرض کرد فدایت شوم من از خاندانی هستم که ستاره شناسیم و عقیده نداریم که در یمن کسی باشد که بستاره شناسی از ما داناتر باشد امام علیه السلام باو فرمود: پس میتوانم از تو سؤال کنم؟ یمانی عرض کرد: در باره ستارگان هر چه دوست داری بپرس که پاسخ تو را دانسته خواهم گفت.

ابی عبد الله علیه السلام به او فرمود: آفتاب چند درجه بیش از ماه روشنی دارد یمانی عرض کرد! نمیدانم ابی عبد الله علیه السلام باو فرمود راست گفתי، روشنی ماه چند درجه بیش از زهره است؟ یمانی عرض کرد: نمیدانم ابی عبد الله علیه السلام به او فرمود راست گفתי، روشنی زهره چند درجه بیشتر از مشتری است؟ یمانی عرض کرد نمیدانم ابو عبد الله علیه السلام باو فرمود راست گفתי، نام آن ستاره ای که چون طلوع کند شهوت جنسی گاو تحریک می شود چیست؟ یمانی گفت نمیدانم ابی عبد الله علیه السلام باو فرمود راست گفתי: نام آن ستاره ای که چون برآید شهوت جنسی شتران تحریک می شود چیست؟ یمانی گفت نمیدانم ابی عبد الله علیه السلام باو فرمود راست گفתי نام آن ستاره ای که چون برآید سگها تحریک شوند چیست؟ یمانی گفت نمیدانم ابی عبد الله علیه السلام باو فرمود راست گفתי که نمیدانم زحل در نزد شما چگونه ستاره ای است؟ یمانی عرض کرد ستاره نحسی است.

ابی عبد الله علیه السلام باو فرمود آرام باش و چنین مگو که آن ستاره امیر المؤمنین است و ستاره اوصیا است و همان نجم ثاقبی است که خدای عز و جل در کتابش فرموده است.

یمانی بحضرت عرض کرد: معنای ثاقب چیست؟ فرمود: در آسمان هفتم طلوع میکند و نورش فضا را میشکافد تا آنکه در آسمان دنیا روشنی میدهد و از این رو خدای عز و جل ثاقبش نامید ای برادر یمنی در میان شما دانشمندان هستند؟ یمانی عرض کرد: آری فدایت شوم در یمن عده‌ای هستند که با هیچ کس در دانش برابری نکنند ابی عبد الله علیه السلام فرمود: دانشمندان تا چه پایه میدانند؟ یمانی عرض کرد:

توجهی ندارد ولی در يك لحظه گردش آفتاب را در دوازده برج و دوازده بیابان و دوازده دریا و دوازده عالم میدانند راوی گوید یمانی بحضرت عرض کرد: من بفدایت گمان ندارم که کسی این چنین دانشی داشته باشد و حقیقت آنچه را که میفرمائی درك نماید سپس یمانی برخاست و از مجلس آن حضرت بیرون شد.

(شرح:)

در میان اعراب علمی رواج داشت که از حرکت حیوانات و پرش پرنده‌گان پیش بینی‌هایی میکردند و تطیر که بمعنای فال بد زدن است از آن ریشه میگیرد مثلاً چنانچه پرنده از طرف راست انسانی می‌پرسد بطوری که بال چپ او محاذی دست راست آن شخص میشد آن را بارج میگفتند و بفال بد میگرفتند و اگر از طرف چپ انسانی می‌پرسید بطوری که بال راست وی محاذی دست چپ آدمی قرار میگرفت آن را سانح میگفتند و بفال نیک‌اش می‌گرفتند و عرب را در باره این علم اشعاری است و از جمله شعر کمیت است

و لا انا ممن یزجر الطیر همه أ صاح
غراب أم تعرض ثعلب

حديث دوازده درهمی که برای رسول خدا ﷺ هدیه آورده شد

حديث الدراهم الاثنى عشر التى اهديت
إلى رسول الله ص
٦٩ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ
بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبَانَ الْأَحْمَرِ عَنِ الصَّادِقِ
أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام قَالَ جَاءَ رَجُلٌ
إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَقَدْ بَلَى ثَوْبُهُ فَحَمَلَ إِلَيْهِ
اِثْنَيْ عَشَرَ دِرْهَمًا فَقَالَ عليه السلام يَا عَلِيُّ خُذْ هَذِهِ
الدَّرَاهِمَ فَاشْتَرِ لِي بِهَا ثَوْبًا أَلْبَسُهُ قَالَ
عَلِيُّ عليه السلام فَجِئْتُ إِلَى السُّوقِ فَاشْتَرَيْتُ لَهُ قَمِيصًا
بِاِثْنَيْ عَشَرَ دِرْهَمًا وَجِئْتُ بِهِ إِلَى رَسُولِ
اللَّهِ ﷺ فَنَظَرَ إِلَيْهِ فَقَالَ يَا عَلِيُّ غَيْرُ هَذَا أَحَبُّ
إِلَيَّ أَمْ تَرَى صَاحِبَهُ يُقِيلُنَا فَقُلْتُ لَا أَدْرِي
فَقَالَ انْظُرْ فَجِئْتُ إِلَى صَاحِبِهِ فَقُلْتُ إِنَّ رَسُولَ
اللَّهِ ﷺ قَدْ كَرِهَ هَذَا يُرِيدُ غَيْرَهُ فَأَقِيلْنَا فِيهِ
فَرَدَّ عَلَيَّ الدَّرَاهِمَ وَجِئْتُ بِهَا إِلَى رَسُولِ
اللَّهِ ﷺ فَمَشَى مَعَهُ إِلَى السُّوقِ لِيَبْتَاعَ قَمِيصًا
فَنَظَرَ إِلَى جَارِيَةٍ قَاعِدَةٍ عَلَى الطَّرِيقِ تَبْكِي
فَقَالَ لَهَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَمَا شَأْنُكَ قَالَتْ يَا
رَسُولَ اللَّهِ

إِنَّ أَهْلِي أَعْطَوْنِي أَرْبَعَةَ دَرَاهِمَ لِأَشْتَرِيَ لَهُمْ
حَاجَةً فَضَاعَتْ فَلَا أَجْسُرُ أَنْ أَرْجِعَ إِلَيْهِمْ
فَأَعْطَاهَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَرْبَعَةَ دَرَاهِمَ وَقَالَ
ارْجِعِي إِلَى أَهْلِكَ وَمَضَى رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِلَى
السُّوقِ فَاشْتَرَى قَمِيصًا بِأَرْبَعَةِ دَرَاهِمَ وَلَيْسَهُ
وَ حَمِيدٌ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فَرَأَى رَجُلًا عُرْيَانًا يَقُولُ
مَنْ كَسَانِي كَسَاهُ اللَّهُ مِنْ ثِيَابِ الْجَنَّةِ فَخَلَعَ
رَسُولُ اللَّهِ ﷺ قَمِيصَهُ الَّذِي اشْتَرَاهُ وَ كَسَاهُ
السَّائِلَ ثُمَّ رَجَعَ عليه السلام إِلَى السُّوقِ فَاشْتَرَى
بِأَرْبَعَةِ الَّتِي بَقِيَتْ قَمِيصًا آخَرَ فَلَيْسَهُ وَ
حَمِيدٌ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَ رَجَعَ إِلَى مَنْزِلِهِ فَإِذَا
الْجَارِيَةُ قَاعِدَةٌ عَلَى الطَّرِيقِ تَبْكِي فَقَالَ لَهَا
رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَا لَكَ لَا تَأْتِينَ أَهْلَكَ قَالَتْ يَا

رَسُولَ اللَّهِ إِنِّي قَدْ أَبْطَأْتُ عَلَيْهِمْ أَخَافُ أَنْ
يَضْرِبُونِي فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مُرَى بَيْنَ يَدَيَّ وَ
دَلِيْنِي عَلَى أَهْلِكَ وَ جَاءَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ حَتَّى وَقَفَ
عَلَى بَابِ دَارِهِمْ ثُمَّ قَالَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا
أَهْلَ الدَّارِ فَلَمْ يُجِيبُوهُ فَأَعَادَ السَّلَامَ فَلَمْ
يُجِيبُوهُ فَأَعَادَ السَّلَامَ فَقَالُوا وَ عَلَيْكَ السَّلَامُ
يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ فَقَالَ ﷺ مَا
لَكُمْ تَرَكَتُمْ إِجَابَتِي فِي أَوَّلِ السَّلَامِ وَ الثَّانِي
فَقَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ سَمِعْنَا كَلَامَكَ فَأَحْبَبْنَا أَنْ
نَسْتَكْثِرَ مِنْهُ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِنَّ هَذِهِ
الْجَارِيَةُ أَبْطَأَتْ عَلَيْكُمْ فَلَا تُؤْذُوهَا فَقَالُوا
يَا رَسُولَ اللَّهِ هِيَ حُرَّةٌ لِمَمْشَاكَ فَقَالَ رَسُولُ
اللَّهِ ﷺ الْحَمْدُ لِلَّهِ مَا رَأَيْتُ اثْنِي عَشَرَ دِرْهَمًا
أَعْظَمَ بَرَكَهً مِنْ هَذِهِ كَسَا اللَّهُ بِهَا عَارِيَيْنِ وَ
أَعْتَقَ نَسَمَةً

۶۹ - امام صادق عليه السلام فرمود: مردی بخدمت
رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید و جامه حضرت را کههنه
دید دوازده درهم خدمت آن حضرت آورد حضرت
بامیر المؤمنین فرمود یا علی این پولها
را دریافت کن و جامه ای از بهر من با آن
پولها بخر که بپوشم علی عليه السلام فرماید به
بازار آمدم و پیراهنی به دوازده درهم
خریدم بخدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله آوردم
حضرت نگاهی بآن کرد و فرمود یا علی عليه السلام
جامه غیر از این را دوستتر دارم به نظرت
صاحبش پس میگیرد؟ عرض کردم نمیدانم
فرمود ببین، من نزد صاحبش آمدم و گفتم
رسول خدا صلی الله علیه و آله را این جامه خوش آیند نیست
و جامه دیگری می خواهد این معامله ما را
فسخ کن او پولها را بمن پس داد من آنها
را بخدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله باز آوردم حضرت
بهمراه آن مرد ببازار رفت تا پیراهنی
خریداری کند کنیزی را دید در کنار راه
نشسته می گرید رسول خدا صلی الله علیه و آله به او فرمود
ترا چه شده است؟

عرض کرد یا رسول الله خانواده ام چهار درهم بمن دادند تا چیزی که مورد نیازشان بود برای آنان خریداری کنم و گم شد دیگر جرات بازگشتن بسوی آنان را ندارم رسول خدا ﷺ چهار درهم به کنیز داد و فرمود به خانواده خود برگردد و رسول خدا ﷺ به بازار رفت پیراهنی به چهار درهم خرید و آن را پوشید و خدای عز و جل را حمد گفت پس مرد برهنه‌ئی را دید که میگوید هر کس که مرا بپوشاند خدا از جامه‌های بهشتی با او بپوشاند رسول خدا ﷺ پیراهنی را که خریده بود از تن درآورد و به آن سائل پوشانید سپس ببازار بازگشت و با چهار درهم باقیمانده پیراهن دیگری خرید و آن را پوشید و حمد خدای عز و جل را بجای آورد و به سوی خانه‌اش بازگشت به همان کنیز برخورد که در کنار راه نشسته و گریه میکند رسول خدا ﷺ به او فرمود ترا چه شد که به خانواده خود نمی‌روی؟ عرض کرد یا رسول الله مرا دیر شده است و میترسم مرا به زنند رسول خدا ﷺ فرمود: پیشاپیش من راه برو و مرا به خانواده خود راهنمایی کن رسول خدا ﷺ آمد تا بر در خانه آنان ایستاد سپس فرمود: سلام بر شما ای اهل خانه پاسخ ندادند دوباره سلام داد پاسخ ندادند با رسوم سلام کرد گفتند؟ سلام بر تو باد یا رسول الله با رحمت و برکات خدا حضرت فرمود:

چرا در بار اول و دوم پاسخ مرا نگفتید عرض کردند: یا رسول الله سخن شما را شنیدیم دوست داشتیم که هر چه بیشتر شنویم رسول خدا ﷺ فرمود: این کنیز دیر کرده است آزارش نکنید عرض کردند: یا رسول الله به احترام تشریف‌فرمائی شما آن کنیز را آزاد کردیم رسول خدا ﷺ فرمود: حمد خدا

را که هیچ دوازده درهمی پر برکتر از این درهما ندریده ام که خداوند دو برهنه را با آن پوشانید و يك بنده را آزاد کرد.

نقیبان دوازده نفراند

النقباء اثنا عشر

٧٠ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ زِيَادٍ بْنُ جَعْفَرِ
 الْهَمْدَانِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ
 إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي
 عُمَيْرٍ وَ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ الْبَرْزَنْطِيِّ
 عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ الْأَحْمَرِ عَنْ جَمَاعَةٍ مَشِيخَةٍ
 قَالُوا اخْتَارَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مِنْ أُمَّتِهِ اثْنَيْ عَشَرَ
 نَقِيبًا أَشَارَ إِلَيْهِمْ جِبْرَائِيلُ وَ أَمَرَهُ
 بِاخْتِيَارِهِمْ كَعِدَّةِ نَقَبَاءِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ تِسْعَةٌ مِنْ
 الْخَزْرَجِ وَ ثَلَاثَةٌ مِنَ الْأَوْسِ فَمِنْ الْخَزْرَجِ أَسْعَدُ
 بْنُ زُرَّارَةَ وَ الْبِرَاءُ بْنُ

مَعْرُورٍ وَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَمْرٍو بْنِ حَرَامٍ وَ الْبِدْ
 جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ وَ رَافِعُ بْنُ مَالِكٍ وَ سَعْدُ بْنُ
 عَبَادَةَ وَ الْمُنْذِرُ بْنُ عَمْرٍو وَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ
 رِوَاحَةَ وَ سَعْدُ بْنُ الرَّبِيعِ وَ ابْنُ الْقَوَافِلِ
 عَبَادَةُ بْنُ الصَّامِتِ وَ مَعْنَى الْقَوَافِلِ الرَّجُلُ
 مِنَ الْعَرَبِ كَانَ إِذَا دَخَلَ يَثْرِبَ يَجِيءُ إِلَى رَجُلٍ
 مِنْ أَشْرَافِ الْخَزْرَجِ فَيَقُولُ أَجْرَنِي مَا دُمْتُ بِهَا
 مِنْ أَنْ أَظْلَمَ فَيَقُولُ قَوْلًا حَيْثُ شِئْتَ فَأَنْتَ فِي
 جِوَارِي فَلَا يَتَعَرَّضُ لَهُ أَحَدٌ وَ مِنَ الْأَوْسِ أَبُو
 الْهَيْثَمِ بْنُ التَّيْهَانِ وَ أَسِيدُ بْنُ حُضَيْرٍ وَ سَعْدُ
 بْنُ حَيْثَمَةَ

و قد أخرجت قصتهم في كتاب النبوة قال
 مصنف هذا الكتاب رضى الله عنه النقيب
 الرئيس من العرفاء و قد قيل إنه الضمين
 و قد قيل إنه الأمين و قد قيل إنه الشهيد
 على قومه و أصل النقيب فى اللغة من
 النقب و هو الثقب الواسع فليل نقيب
 القوم لأنه ينقب عن أحوالهم كما ينقب عن
 الأسرار و عن مكنون الإضمار. معنى قول الله

عز و جل و بَعَثْنَا مِنْهُمْ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا هُوَ أَنَّهُ أَخَذَ مِنْ كُلِّ سِبْطٍ مِنْهُمْ ضَمِينًا بِمَا عَقَدَ عَلَيْهِمْ مِنَ الْمِيثَاقِ فِي أَمْرِ دِينِهِمْ وَ قَدْ قِيلَ إِنَّهُمْ بَعَثُوا إِلَى الْجَبَارِينَ لِيَقْفُوا عَلَى أحوالِهِمْ وَ يَرْجِعُوا بِذَلِكَ إِلَى نَبِيِّهِمْ مُوسَى عليه السلام وَ رَجَعُوا يَنْهَوْنَ قَوْمَهُمْ عَنِ قِتَالِهِمْ لَمَّا رَأَوْا مِنْ شِدَّةِ بِأَسْهُمٍ وَ عَظَمِ خَلْقِهِمْ وَ الْقِصَّةَ مَعْرُوفَةً وَ كَانَ مَرَادُنَا ذِكْرَ مَعْنَى النَّقِيبِ فِي اللُّغَةِ وَ اللَّهُ الْمَوْفِقُ لِلصَّوَابِ

۷۰ - جماعتی از مشایخ گفته اند: رسول خدا صلی الله علیه و آله از میان امتش دوازده نقیب برگزید که جبرئیل آنان را تعیین کرده و دستور انتخابشان را داده بود بشماره نقیبان موسی نه تن از طایفه خزرج بودند اسعد بن زراره بود و براء بن معرور و عبد الله بن عمر و بن حرام پدر جابر بن عبد الله و رافع بن مالك و سعد بن عبادة و منذر بن عمرو و عبد الله بن رواحة و سعد بن ربیع و ابن القوافل عبادة بن صامت و معنای قوافل این است که چون مردی از عرب بمدینه وارد میشد بنزدیکی از اشراف خزرج می آمد و باو می گفت تا مدتی که من در این شهرم تو مرا پناه بده تا ستمی بر من نرود و او در جواب میگفت هر جا که میخواهی بار بینداز که تو در پناه من خواهی بود و دیگر کسی متعرض او نمیشد.

و از اوس ابو الهیثم بن التیهان بود و اسید بن حضیر و سعد بن خیثمة و من داستان آنان را در کتاب نبوت آورده ام.

(مصنف) این کتاب رضی الله عنه گوید:

نقیب، رئیس آمارگیران را گویند و گفته شده است که بمعنای ضامن است و گفته شده است که بمعنای امین است و گفته شده است که کسی است که بر قوم خود گواه باشد و ریشه نقیب در لغت از نقب است که بمعنای سوراخ گشاد است و بدان جهت کسی را نقیب

قومی می‌نامند که حالات آنان را مو شکافی میکند همچنان که از رازها و خاطرات نهفته مو شکافی می‌شود و معنای آیه شریفه که میفرماید (دوازده نقیب از آنان برانگیختیم) این است که خداوند از هر سبطی نسبت به پیمانی که در باره دین بسته بودند يك ضامن گرفت و گفته شده است که آنان بسوی ستمگران فرستاده شدند تا حالات آنان را بررسی نموده و به نزد پیغمبرشان موسی باز گردند و گزارش دهند آنان رفتند و باز گشتند و قوم خود را از جنگ با آنان باز میداشتند که نیرومندی و قهرمانی آنان را دیده بودند و داستان‌شان معروف است و مقصود ما گفتن معنای لغوی نقیب بود، خدا است که توفیق رسیدن بحقیقت را عنایت میفرماید).

(شرح:)

آنچه میان پرانتز نوشته شد در بعض نسخه‌ها نیست:

أبواب الثلاثة عشر (بابهاى سيزده گانه)

سيزده صنف حيوان نخست به صورت انسان
بوده اند

المسوخ ثلاثة عشر صنفا

١ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوِيهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ مُغِيرَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنِ جَدِّهِ عليه السلام قَالَ الْمُسُوخُ مِنْ بَنِي آدَمَ ثَلَاثَةٌ عَشَرَ صِنْفًا مِنْهُمْ الْقِرْدَةُ وَالْخَنَازِيرُ وَالْخُفَّاشُ وَالضَّبُّ وَالذَّبُّ وَالْفَيْلُ وَالِدُعْمُوصُ وَالْجَرِيثُ وَالْعَقْرَبُ وَسُهَيْلٌ وَالْقَنْفُذُ وَالزُّهْرَةُ وَالْعَنْكَبُوتُ فَأَمَّا الْقِرْدَةُ فَكَانُوا قَوْمًا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ كَانُوا يَنْزِلُونَ عَلَيَّ شَاطِئِ الْبَحْرِ اعْتَدُوا فِي السَّبْتِ فَصَادُوا الْجَيْتَانَ فَمَسَخَهُمُ اللَّهُ قِرْدَةً وَأَمَّا الْخَنَازِيرُ فَكَانُوا قَوْمًا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ دَعَا عَلَيْهِمْ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ عليه السلام فَمَسَخَهُمُ اللَّهُ خَنَازِيرَ وَأَمَّا الْخُفَّاشُ فَكَانَتْ امْرَأَةً مَعَ ظَنُرٍ لَهَا فَسَجَرَتْهَا فَمَسَخَهَا اللَّهُ خُفَّاشًا وَأَمَّا الضَّبُّ فَكَانَ أَعْرَابِيًّا بَدَوِيًّا لَا يَدْعُ عَنْ قَتْلِ مَنْ مَرَّ بِهِ مِنَ النَّاسِ فَمَسَخَهُ اللَّهُ ضَبًّا وَأَمَّا الذَّبُّ فَكَانَ رَجُلًا يَسْرِقُ الْحَاجَّ فَمَسَخَهُ اللَّهُ ذَبًّا وَأَمَّا الْفَيْلُ فَكَانَ رَجُلًا يَنْكِحُ الْبَهَائِمَ فَمَسَخَهُ اللَّهُ فَيْلًا وَأَمَّا الدُعْمُوصُ فَكَانَ رَجُلًا زَانِي الْفَرْجِ لَا يَدْعُ مِنْ شَيْءٍ فَمَسَخَهُ اللَّهُ دُعْمُوصًا وَأَمَّا الْجَرِيثُ فَكَانَ رَجُلًا نَمَامًا فَمَسَخَهُ اللَّهُ جَرِيثًا وَأَمَّا الْعَقْرَبُ فَكَانَ رَجُلًا هَمَّازًا لَمَّازًا فَمَسَخَهُ اللَّهُ عَقْرَبًا وَأَمَّا سُهَيْلٌ فَكَانَ رَجُلًا عَشَّارًا صَاحِبَ مِكَّاسٍ فَمَسَخَهُ اللَّهُ كَوْكَبًا وَأَمَّا الزُّهْرَةُ فَكَانَتْ امْرَأَةً فَتَنَّتْ هَارُوتَ وَ مَارُوتَ فَمَسَخَهَا اللَّهُ وَأَمَّا الْعَنْكَبُوتُ فَكَانَتْ امْرَأَةً سَيِّئَةَ الْخُلُقِ عَاصِيَةً لِرُؤُوسِهَا مُؤَلِّيَةً

عَنْهُ فَمَسَخَهَا اللَّهُ عَنْكَبُوتاً وَ أَمَّا الْقُنْفُذُ فَكَانَ رَجُلًا سَيِّئَ الْخُلُقِ فَمَسَخَهُ اللَّهُ قُنْفُذًا

۱ - امام صادق علیه السلام از پدرش و او از جدش نقل میفرماید: که حیواناتی که از صورت آدمیزاده برگشته‌اند سیزده صنفند و از جمله آنها میمون و خوک و شب پره و سوسمار و خرس و فیل و دموص و سگ ماهی و عقرب و سهیل و خارپشت و زهره و عنکبوت میباشد.

اما میمون جمعی از بنی اسرائیل بودند که در کنار دریا منزل داشتند و در روز شنبه تعدی کردند و ماهیان را به دام افکندند و خداوند آنان را بصورت میمون مسخ نمود و اما خوکها جمعی از بنی اسرائیل بودند که عیسی بن مریم در باره آنان نفرین کرد و خدا آنان را بصورت خوکها مسخ نمود و اما شب پره زنی بود که دایه خود را به بیگاری گرفت و خداوند او را بشکل شب پره درآورد.

و اما سوسمار عربی بود بیابانی که از کشتن هیچ رهگذری خودداری نمیکرد خدا او را بصورت سوسمار درآورد.

و اما خرس مردی بود که از حاجیان میدزدید و خداوند او را بصورت خرس مسخ کرد.

و اما فیل مردی بود که با چهارپایان عمل جنسی انجام میداد خدا بشکل فیل مسخش نمود.

و اما دموص مردی بود زناکار که از هیچ نمیگذشت خدا او را بصورت دموص درآورد.

و اما مار ماهی مردی بود سخن چین که خدا بصورت مار ماهیش کرد.

و اما عقرب مردی بود عیب بین و بد زبان که خدا بصورت عقربش درآورد.

و اما سهیل مردی بود باجگیر که باجگاه داشت و خدایش بصورت ستاره ای مسخش کرد.

و اما زهره زنى بود كه هاروت و ماروت را به فریفت و خدا مسخس نمود .
و اما عنكبوت زنى بود بد اخلاق كه شوهرش را نافرمانى مىكرد و از او روگردان بود و خدا بصورت عنكبوتش درآورد .

و اما خاریشت مردى بود بد اخلاق و خدا بصورت خاریشتش مسخ نمود .

۲ - حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ الْأَسْوَارِيُّ الْمُدَكَّرِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مَكِّيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ سَعْدَوَيْهِ الْبَرْدَعِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو مُحَمَّدٍ زَكْرِيَّا بْنُ يَحْيَى بْنِ عُبَيْدِ الْعَطَّارِ بِدِمْيَاطٍ قَالَ حَدَّثَنَا الْقَلَانِسِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ الْعَزِيزِ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْأَوْيسِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ جَعْفَرٍ عَنْ مُعْتَبِرِ مَوْلَى جَعْفَرٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ سَأَلْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ عَنِ الْمُسُوخِ فَقَالَ هُمْ ثَلَاثَةٌ عَشْرَ الْفَيْلِ وَ الدُّبُّ وَ الْخَنْزِيرُ وَ الْقِرْدُ وَ الْجَرِيثُ وَ الضُّبُّ وَ الْوَطْوَاطُ وَ الدُّعْمُوصُ وَ الْعَقْرَبُ وَ الْعَنْكَبُوتُ وَ الْأَرْزَبُ وَ سُهَيْلٌ وَ الزُّهْرَةُ فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا كَانَ سَبَبَ مَسْخِهِمْ فَقَالَ أَمَّا الْفَيْلُ فَكَانَ رَجُلًا لُوطِيًّا لَا يَدْعُ رَطْبًا وَ لَا يَابِسًا وَ أَمَّا الدُّبُّ فَكَانَ رَجُلًا مُؤَنَّثًا يَدْعُو الرِّجَالَ إِلَى نَفْسِهِ وَ أَمَّا الْخَنْزِيرُ فَكَانُوا قَوْمًا نَصَارِي سَأَلُوا رَبَّهُمْ أَنْزَالَ الْمَائِدَةَ عَلَيْهِمْ فَلَمَّا أَنْزَلَتْ عَلَيْهِمْ كَانُوا أَشَدَّ مَا كَانُوا كُفْرًا وَ أَشَدَّ تَكْذِيبًا وَ أَمَّا الْقِرْدَةُ فَقومٌ اعْتَدُوا فِي السَّيْتِ وَ أَمَّا الْجَرِيثُ فَكَانَ رَجُلًا دَيْووثًا يَدْعُو الرِّجَالَ إِلَى حَلِيلَتِهِ وَ أَمَّا الضُّبُّ فَكَانَ رَجُلًا أَعْرَابِيًّا يَسْرِقُ الْحَاجَّ بِمَحْجَنِهِ وَ أَمَّا الْوَطْوَاطُ فَكَانَ رَجُلًا يَسْرِقُ الثَّمَارَ مِنْ رُءُوسِ النَّخْلِ وَ أَمَّا الدُّعْمُوصُ فَكَانَ نَمَامًا يُفَرِّقُ بَيْنَ الْأَحِبَّةِ وَ أَمَّا الْعَقْرَبُ فَكَانَ رَجُلًا لَذَاعًا لَا يَسْلَمُ عَلَى لِسَانِهِ أَحَدٌ وَ أَمَّا الْعَنْكَبُوتُ فَكَانَتْ امْرَأَةً لَا تَحُونُ زَوْجَهَا وَ أَمَّا الْأَرْزَبُ فَكَانَتْ امْرَأَةً لَا

تَتَطَهَّرُ مِنْ حَيْضٍ وَ لَا غَيْرِهِ وَ أَمَّا سُهَيْلٌ فَكَانَ
عَشَاراً بِالْيَمَنِ وَ أَمَّا الزُّهْرَةُ فَكَانَتْ امْرَأَةً
نَضْرَانِيَّةً وَ كَانَتْ لِبَعْضِ مُلُوكِ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَ
هِيَ الَّتِي فُتِنَ بِهَا هَارُوتُ وَ مَارُوتُ وَ كَانَ
اسْمُهَا نَاهِيْلَ وَ النَّاسُ يَقُولُونَ نَاهِيْدَ

قال مصنف هذا الكتاب رضى الله عنه الناس
يغلطون فى الزهرة و سهيل فيقولون إنهما
نجمان و ليسا كما يقولون و لكنهما
دابتان من دواب البحر سميتا باسمى نجمين
فى السماء كما سميت بروج فى السماء
بأسماء حيوان فى الأرض مثل الحمل و الثور
و الجوزاء و السرطان و العقرب و الحوت و
الجدى و كذلك الزهرة و سهيل و إنما غلط
الناس فيهما دون غيرهما لتعذر مشاهدتهما
و النظر إليهما لأنهما دابتان فى البحر
المطيف بالدنيا بحيث لا تبلغه سفينة و لا
تعمل فيه حيلة و ما كان الله عز و جل ليمسح
العصاة أنوارا مضيئة يهتدى بها فى البر
و البحر ثم يبقيهما ما بقيت السماء و
الأرض و المسوخ لم تبق أكثر من ثلاثة أيام
حتى ماتت و لم تتوالد و هذه الحيوانات
التي تسمى المسوخ فالمسوخية لها اسم
مستعار مجازى بل هى مثل ما مسح الله عز و
جل على صورتها قوما عصوه و استحقوا
بعصيانهم تغيير ما بهم من نعمة و حرم الله
تبارك و تعالى لحومها لكيلا ينتفع بها و
لا يستخف بعقوبتها حكيت لى هذه الحكاية
عن أبى الحسين محمد بن جعفر الأسدى رضى
الله عنه

٢ - امير المؤمنين عليه السلام فرمايد: از رسول
خدا صلوات الله عليه مسخ شده گان را پرسيدم فرمود:
آنان سيزده اند:

فيل و خرس و خوك و ميمون و مار ماهى و
سوسمار و شب پره و دعموص و عقرب و
عنكبوت و خرگوش و سهيل و زهرة عرض شد يا

رسول الله سبب مسخ شدن اینان چه بوده؟
فرمود:

اما فیل مردی بود که لواط بسیار میکرد
و هیچ تر و خشکی را رها نمیکرد.
اما خرس مردی بود که شهوت زنانه در او
بود و مردها را برای انجام شهوت جنسی
بخود دعوت میکرد.

و اما خوکها جمعی از نصاری بودند که
از پروردگار خود درخواست نمودند تا
مائده آسمانی بر آنان فرو فرستاد و چون
فرود آمد در کفر و تکذیبی که داشتند
بیشتر پافشاری نمودند.

و اما میمونها جمعی بودند که در روز
شنبه تعدی کردند.

و اما مار ماهی مرد دیوئی بود که
مردان را به بستر همسر خود دعوت میکرد.

و اما سوسمار عربی بود بیابانی که با
عصای سر کج خود از حاجیان دزدی میکرد.

و اما دعووس سخن چینی بود که دوستان
را از هم جدا میکرد.

و اما عقرب مردی بود که زبان زننده‌ای
داشت و هیچ کس از زبان او سالم نمی‌ماند.

و اما عنکبوت زنی بود که بشوهر خود
خیانت میکرد.

و اما خرگوش زنی بود که از حیض و غیر
آن خود را پاک نمیکرد.

و اما سهیل باج‌گیری بود در یمن.

و اما زهرة زنی بود نصرانی که از آن
یکی از پادشاهان بنی اسرائیل بود و همان

زنی بود که هاروت و ماروت فریفته او
شدند و نامش ناهیل بود و مردم ناهیدش
گویند.

(مصنف) این کتاب گوید: مردم در باره
زهرة و سهیل بغلط میروند و میگویند که

آن دو دو ستاره هستند و چنین نیست که
میگویند بلکه حیوانی از حیوانات دریائی

هستند که بنام دو ستاره آسمانی نامیده

شده اند هم چنان که برجهای آسمان بنام
 حیوانات زمینی نامیده شده اند مانند حمل
 (بره) و ثور (گاو نر) و جوزاء و سرطان
 (خرچنگ) و عقرب (کژدم) و حوت (ماهی) و
 جدی (بزغاله) و زهرة و سهیل هم این
 چنینند و مردم از این رو در باره این دو
 حیوان باشتباه رفته اند که دیدن این دو
 برای مردم مشکل است و در اقیانوس محیط
 میباشند نه کشتی بآنها میرسد و نه
 تدبیری در بدست آوردن آنها بکار می آید و
 خدای عز و جل هرگز گناهکاران را بصورت
 نورهای درخشان مسخ نمیکند تا در بیابان
 و دریا وسیله راهنمایی شوند و سپس تا
 آسمان و زمین باقی است آن دو ستاره نیز
 باقی بمانند در صورتی که مسخ شده گان از
 سه روز بیشتر نمی مانند و پس از سه روز
 می میرند و نسلی از آنان باقی نمی ماند و
 این حیواناتی که مسخ شده گان نامیده
 میشوند این نام برای آنان نامی عاریه ای
 و مجازی است و اینها شبیه اند به آن
 حیواناتی که خدای عز و جل جمعی را که
 گناه کردند بصورت آنها مسخ کرد و در
 نتیجه گناه سزاوار شدند که نعمتشان
 تغییر یابد و گوشتشان را خدای تبارک
 حرام فرماید تا مورد استفاده واقع نشوند
 و کيفرشان سبک شمرده نشود این حکایت از
 ابی الحسین محمد بن جعفر اسدی رضی الله عنه
 برای من حکایت شده است.

(شرح:)

توجیه مزبور بر خلاف ظاهر روایت است و
 مخصوصا در روایت اول تصریح شده است که
 خداوند سهیل را بصورت ستاره ای مسخ کرد.

اندازه بالغ شدن پسر از سیزده سال است تا چهارده سال

الغلام ثلاث عشرة سنة إلى أربع عشرة سنة
 ۳ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
 سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى
 عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ بْنِ الْبَرْزَنْطِيِّ عَنْ
 أَبِي الْحُسَيْنِ الْخَادِمِ بَيْعِ اللُّؤْلُؤِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ
 بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ سَأَلَهُ أَبِي وَ
 أَنَا حَاضِرٌ عَنِ الْيَتِيمِ مَتَى يَجُوزُ أَمْرُهُ قَالَ
 حَتَّى يَبْلُغَ أَشَدَّهُ قَالَ وَ مَا أَشَدُّهُ قَالَ الْإِحْتِلَامُ
 قَالَ قُلْتُ قَدْ يَكُونُ الْغُلَامُ ابْنَ ثَمَانَ عَشْرَةَ
 سَنَةً أَوْ أَقَلَّ أَوْ أَكْثَرَ وَ لَا يَحْتَلِمُ قَالَ إِذَا
 بَلَغَ وَ كُتِبَ عَلَيْهِ الشَّيْءُ جَازَ أَمْرُهُ إِلَّا أَنْ
 يَكُونَ سَفِيهًا أَوْ ضَعِيفًا

۳ - عبد الله بن سنان گوید: من حاضر بودم
 که پدرم از امام صادق عليه السلام پرسید که چه
 وقت یتیم میتواند کاری را از نظر شرع
 انجام دهد؟ فرمود: تا به حد قوت و
 توانائی برسد عرضکرد توانائی اش چیست؟
 فرمود احتلام یعنی منی از او خارج شدن.
 گوید عرض کردم گاهی می شود که پسر تا
 هیجده سالگی یا کمتر و یا بیشتر محتلم
 نمیشود فرمود: وقتی بالغ شود و گناه و
 ثواب او نوشته شود کاری که میکند
 (معامله ای که انجام میدهد) شرعا جایز
 است مگر اینکه سفیه و یا از جنبه فکری
 ناتوان باشد.

۴ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
 مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ
 عَيْسَى عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَّاءِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ
 بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ إِذَا بَلَغَ
 الْغُلَامُ أَشَدَّهُ ثَلَاثَ عَشْرَةَ سَنَةً وَ دَخَلَ فِي الْأَرْبَعِ
 عَشْرَةَ سَنَةً وَجَبَ عَلَيْهِ مَا وَجَبَ عَلَى الْمُحْتَلِمِينَ
 احْتَلَمَ أَمْ لَمْ يَحْتَلِمْ وَ كُتِبَتْ عَلَيْهِ السَّيِّئَاتُ

وَ كُتِبَتْ لَهُ الْحَسَنَاتُ وَ جَارَ لَهُ كُلُّ شَيْءٍ مِنْ مَالِهِ إِلَّا أَنْ يَكُونَ ضَعِيفاً أَوْ سَفِيهاً

۴ - امام صادق عليه السلام فرمود: چون پسر بسر حد توانائی برسد که سیزده سال است و داخل در چهارده بشود آنچه بر اشخاصی که محتلم میشوند واجب است بر او نیز واجب است چه محتلم بشود و چه نشود و گناهانش نوشته می‌شود و کارهای نیکش ثبت می‌شود و در مالش هر گونه تصرف بکند جایز است مگر اینکه از جنبه فکری ناتوان باشد و یا سفیه.

(شرح:)

مشهور در میان اصحاب این است که پسر با تمام شدن پانزده سال تمام بالغ می‌شود و بعضی گفته است با تمام شدن چهارده سال محقق در شرایع فرماید: در روایت دیگر هست که چون پسر بسن ده سالگی رسید و در کارها بینا بود و یا قدش به اندازه پنج وجب شد وصیتش جایز است و حکم قصاص (در صورت ارتکاب جرم) بر او شامل است و حد کامل هم بر او جاری می‌شود.

سیزده خصلت از فضائل امیر المؤمنین

عليه السلام

ثلاث عشرة خصلة من فضائل أمير المؤمنين

ع

ه - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْحَسَنِ الْمُؤَدَّبُ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَلِيٍّ الْأَصْبَهَانِيُّ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ الثَّقَفِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُوسَى الْعَبْسِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ السُّلَمِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَقِيلٍ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ لَقَدْ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله يَقُولُ فِي عَلِيِّ عليه السلام خِصَالًا لَوْ كَانَتْ وَاحِدَةً مِنْهَا فِي جَمِيعِ النَّاسِ لَأَكْتَفَوْا بِهَا فَضْلاً

قَوْلُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ وَ
 قَوْلُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلِيٌّ مِنِّي كَهَارُونَ مِنْ مُوسَى وَ
 قَوْلُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلِيٌّ مِنِّي وَ أَنَا مِنْهُ وَ
 قَوْلُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلِيٌّ مِنِّي كَنَفْسِي طَاعَتُهُ طَاعَتِي وَ
 مَعْصِيَتُهُ مَعْصِيَتِي وَ قَوْلُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حَزْبُ عَلِيٍّ حَزْبُ
 اللَّهِ وَ سَلَّمَ عَلِيٌّ سَلَّمَ اللَّهُ وَ قَوْلُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَلِيٌّ عَلِيٌّ
 وَلِيٌّ اللَّهُ وَ عَدُوٌّ عَلِيٌّ عَدُوٌّ اللَّهُ وَ قَوْلُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
 حُجَّةُ اللَّهِ وَ خَلِيفَتُهُ عَلَيَّ عِبَادِهِ وَ
 قَوْلُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حُبُّ عَلِيٍّ إِيمَانٌ وَ بُغْضُهُ
 كُفْرٌ وَ قَوْلُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حِزْبُ عَلِيٍّ حِزْبُ اللَّهِ وَ حِزْبُ
 أَعْدَائِهِ حِزْبُ الشَّيْطَانِ وَ قَوْلُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلِيٌّ مَعَ
 الْحَقِّ وَ الْحَقُّ مَعَهُ لَا يَفْتَرِقَانِ حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ
 الْحَوْضَ وَ قَوْلُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلِيٌّ قَسِيمُ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ
 وَ قَوْلُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ فَارَقَ عَلِيًّا فَقَدْ فَارَقَنِي وَ مَنْ
 فَارَقَنِي فَقَدْ فَارَقَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ وَ قَوْلُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
 شِيَعَةُ عَلِيٍّ هُمُ الْفَائِزُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

ه - جابر بن عبد الله انصاری گوید:
 برآستی که از رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در باره علی
 عَلَيْهِ السَّلَامُ خصلت‌هایی شنیدم که اگر یکی از آنها
 در همه مردم بود بهمان برتری اکتفا
 میکردند از قبیل فرمایش آن حضرت:
 به هر که مولا منم علی است مولای او، و
 فرمایش دیگرش: علی از من بجای هارون است
 از موسی.

و فرمایش دیگرش: علی از من است و من
 از او و فرمایش دیگرش: علی از من مانند
 خود من است فرمانبری از او فرمانبری از
 من است و نافرمانی از دستور او نافرمانی
 از دستور من است و فرمایش دیگرش: جنگ
 علی جنگ خدا است و صلح علی صلح خدا و
 فرمایش دیگرش: دوست علی دوست خدا است و
 دشمن علی دشمن خدا است و فرمایش دیگرش:
 علی حجة خدا است و جانشین او است در
 میان بندگان و فرمایش دیگرش: دوستی علی
 را داشتن ایمان است و کینه او را بدل
 گرفتن کفر و فرمایش دیگرش: حزب علی حزب

خدا است و حزب دشمنان علی حزب شیطان است. و فرمایش دیگرش: علی با حق است و حق با علی است این دو از هم جدا نمیشوند تا در کنار حوض بر من وارد شوند و فرمایش دیگرش: علی پخش‌کننده بهشت و آتش است و فرمایش دیگرش: هر کس از علی جدا شود در حقیقت از من جدا شده است و هر کس از من جدا گردد در واقع از خدای عز و جل جدا شده است و فرمایش دیگرش: فقط پیروان علی در روز قیامت رستگارند.

(شرح:)

همه مضامین این روایت از طریق عامه بطور مستفیض رسیده است بکتاب: فضائل الخمسة من الصحاح الستة و دیگر کتابهای معتبر اهل سنت مراجعه شود.

أبواب الأربعة عشر (بابهای چهارده گانه)

در حنا گذاشتن چهارده خاصیت است

فی الخضاب أربع عشرة خصلة
۱ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى
الْعَطَّارُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ مُحَمَّدِ
بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى بْنِ عِمْرَانَ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ
إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ النَّهَّائِنِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ
عَلِيِّ الْبَغْدَادِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ
الْمُبَارَكِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ زَيْدٍ رَفَعَ الْحَدِيثَ إِلَى
رَسُولِ اللَّهِ ﷺ أَنَّهُ قَالَ دِرْهَمٌ فِي الْخِضَابِ أَفْضَلُ
مِنْ نَفَقَةِ أَلْفِ دِرْهَمٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَفِيهِ أَرْبَعُ
عَشْرَةَ خِصْلَةً يَطْرُدُ الرِّيحَ مِنَ الْأَذْنَيْنِ وَيَجْلُو
الْغِشَاوَةَ عَنِ الْبَصَرِ وَ يُلَيِّنُ الْخِيَاشِيمَ وَ
يُطَيِّبُ النِّكْهَةَ وَ يَشُدُّ اللَّثَّةَ وَ يَذْهَبُ بِالضُّنَى
وَ يُقِلُّ وَسْوَسةَ الشَّيْطَانِ وَ تَفْرَحُ بِهِ الْمَلَائِكَةُ
وَ يَسْتَبْشِرُ بِهِ الْمُؤْمِنُ وَ يَغِيظُ بِهِ الْكَافِرُ وَ
هُوَ زِينَةٌ وَ طَيْبٌ وَ بَرَاءَةٌ فِي قَبْرِهِ وَ يَسْتَحْيِي
مِنْهُ مُنْكَرٌ وَ نَكِيرٌ

۱ - رسول خدا ﷺ فرمود: يك درهم بخضاب
دادن از هزار درهم در راه خدا انفاق
کردن بهتر است و در خضاب کردن چهارده
خاصیت است.

باد را از دو گوش بیرون میراند چشم را
از تار شدن روشنی میبخشد و از خشکی نرمه
بینی جلوگیری میکند و دهن را خوشبو
میسازد و لثه دندان را محکم میکند و
لاغری را از بین میبرد و وسوسه شیطان را
کم میکند و فرشتگان را شاد مینماید و
مؤمن را خوشرو میکند و کافر را خشمناک
میگرداند و خضاب کردن خود آرایشی است و
هم بوی خوش و باعث دوری از شکنجه در قبر
است و منکر و نکیر از آن شرم میکنند.

۲ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الشَّاهِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو حَامِدٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو يَزِيدَ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ صَالِحِ التَّمِيمِيِّ عَنْ أَبِيهِ قَالَ حَدَّثَنَا أَنَسُ بْنُ مُحَمَّدٍ أَبُو مَالِكٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ فِي وَصِيَّتِهِ لَهُ يَا عَلِيُّ دِرْهَمٌ فِي الْخَضَابِ أَفْضَلُ مِنْ أَلْفِ دِرْهَمٍ يُنْفَقُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ فِيهِ أَرْبَعُ عَشْرَةَ حَصْلَةً يَطْرُدُ الرِّيحَ مِنَ الْأَذْنَيْنِ وَ يَجْلُو الْبَصَرَ وَ يُلِينُ الْخِيَاشِيمَ وَ يُطَيِّبُ النَّكْهَةَ وَ يَشُدُّ اللَّتَّةَ وَ يَذْهَبُ بِالضَّنَى وَ يُقِلُّ وَسْوَسةَ الشَّيْطَانِ وَ تَفْرَحُ بِهِ الْمَلَائِكَةُ وَ يَسْتَبْشِرُ بِهِ الْمُؤْمِنُ وَ يَغِيظُ بِهِ الْكَافِرُ وَ هُوَ زِينَةٌ وَ طَيْبٌ وَ يَسْتَحْيِي مِنْهُ مُنْكَرٌ وَ نَكِيرٌ وَ هُوَ بَرَاءَةٌ لَهُ فِي قَبْرِهِ

۲ - امير المؤمنين عَلَيْهِ السَّلَامُ از رسول خدا نقل میفرماید که در ضمن وصیتی به آن حضرت فرمود: یا علی یکدرهم بخضاب دادن از هزار درهم که در راه خدا داده شود بهتر است و مضمون حدیث یکم را تا آخر بیان فرمود با اختلافی در ترتیب.

۳ - حَدَّثَنَا أَبُو أَحْمَدَ مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الْبُنْدَارِ الشَّافِعِيُّ الْفَرْغَانِيُّ بِقَرْعَانَةَ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرٍ مَسْعَدَةُ بْنُ أَسْمَعَ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عَمْرٍو أَحْمَدُ بْنُ حَازِمِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ يُونُسَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ حَازِمِ أَبِي عَزْرَةَ الْغَفَارِيُّ صَاحِبُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ أَحْمَدُ أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ كُنَاسَةَ أَبُو يَحْيَى الْأَسَدِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا هِشَامُ بْنُ عُرْوَةَ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عُرْوَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ الزَّبِيرِ بْنِ الْعَوَّامِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ غَيَّرُوا الشَّيْبَ وَ لَا تَتَشَبَّهُوا بِالْيَهُودِ وَ النَّصَارَى

۳ - زبیر بن عوام گوید: رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود رنگ سفید پیری را تغییر دهید و خود را به یهود و نصاری شبیه نسازید.

٤ - حَدَّثَنَا أَبُو مُحَمَّدٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الشَّافِعِيُّ بِفَرَّغَانَةَ قَالَ أَخْبَرَنَا أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الْأَشْعَثُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو حَاتِمٍ مُحَمَّدُ بْنُ إِدْرِيسَ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ عَلْقَمَةَ عَنْ أَبِي سَلَمَةَ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ غَيَّرُوا الشَّيْبَ وَ لَا تَتَشَبَّهُوا بِالْيَهُودِ وَ النَّصَارَى

قال مصنف هذا الكتاب رضى الله عنه إنما أوردت هذين الخبرين فى الخضاب أحدهما عن الزبير و الآخر عن أبى هريرة لأن أهل النصب ينكرون على الشيعة استعمال الخضاب و لا يقدرّون على دفع ما يصح عنهما و فيهما حجة لنا عليهم

٤ - ابو هريره از رسول خدا ﷺ مضمون حديث سوم را نقل ميکند. (مصنف) اين کتاب رضى الله عنه گويد:

من اين دو خبر را يکى از زبير و ديگرى از ابى هريره بدين جهت آوردم که چون دشمنان اهل بيت خضاب گذاشتن شيعه را بدعت مي‌پندارند نتوانند روايت صحيحى را که از اين دو نفر نقل شد رد کنند و اين دو روايت حجتى براى ما است عليه آنان.

در چهارده جا غسل کردن لازم است

الغسل فى أربعة عشر موطناً
 ٥ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ بْنِ الْبَرْزَنْطِيِّ قَالَ حَدَّثَنِي عَبْدُ اللَّهِ بْنُ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِنَّ الْغُسْلَ فِي أَرْبَعَةِ عَشَرَ مَوْطِنًا غُسْلُ الْمَيِّتِ وَ غُسْلُ الْجُنُبِ وَ غُسْلُ مَنْ غَسَلَ الْمَيِّتَ وَ غُسْلُ الْجُمُعَةِ وَ الْعِيدَيْنِ وَ يَوْمَ عَرَفَةَ وَ غُسْلُ الْأَحْرَامِ وَ دُخُولِ الْكَعْبَةِ وَ دُخُولِ الْمَدِينَةِ وَ دُخُولِ الْحَرَمِ وَ الزِّيَارَةَ وَ لَيْلَةَ تِسْعِ عَشْرَةَ وَ

إِخْدَى وَ عِشْرِينَ وَ ثَلَاثٍ وَ عِشْرِينَ مِنْ شَهْرِ
رَمَضَانَ

۵ - امام صادق عليه السلام فرمود: غسل کردن در
چهارده جا لازم است غسل میت و غسل جنب و
غسل کسی که میت را غسل داده و غسل جمعه
و غسل دو عید (عید فطر و عید قربان) و
غسل روز عرفه و غسل احرام و داخل شدن
بخانه کعبه و داخل شدن بمدينة و داخل
شدن بحرم و غسل زیارت و غسل شبهای
نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سوم ماه
رمضان.

یاران عقبه چهارده نفر بودند

أصحاب العقبة أربعة عشر رجلا
۶ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ الْهَيْثَمِ
الْعَجَلِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ
يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا الْقَطَّانُ قَالَ حَدَّثَنَا بَكْرُ بْنُ
عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَبِيبٍ قَالَ حَدَّثَنَا تَمِيمُ بْنُ بَهْلُولٍ
عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْفَضْلِ الْهَاشِمِيِّ عَنْ
أَبِيهِ عَنْ زِيَادِ بْنِ الْمُنْذِرِ قَالَ حَدَّثَنِي جَمَاعَةٌ
مِنَ الْمَشِيخَةِ عَنْ حُذَيْفَةَ بْنِ الْيَمَانِ أَنَّهُ قَالَ
الَّذِينَ نَفَرُوا بِرَسُولِ اللَّهِ نَاقَتَهُ فِي مُنْصَرَفِهِ مِنْ
تَبُوكَ أَرْبَعَةَ عَشَرَ أَبُو الشُّرُورِ وَ أَبُو
الدَّوَاهِي وَ أَبُو الْمَعَازِفِ وَ أَبُوهُ وَ طَلْحَةُ وَ
سَعْدُ بْنُ أَبِي وَقَّاصٍ وَ أَبُو عَبِيدَةَ وَ أَبُو
الْأَعْوَرِ وَ الْمُغِيرَةُ وَ سَالِمُ مَوْلَى أَبِي حُذَيْفَةَ
وَ خَالِدُ بْنُ وَلِيدٍ وَ عَمْرُو بْنُ الْعَاصِ وَ أَبُو
مُوسَى الْأَشْعَرِيُّ وَ عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ عَوْفٍ وَ هُمُ
الَّذِينَ أَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِيهِمْ وَ هُمُ الْيَمَانِيُّ
لَمْ يَنَالُوا

۶ - حذيفة بن يمان گوید: آنان که
هنگام بازگشت از تبوک شتر رسول خدا
را رم دادند چهارده نفر بودند:

ابو الشرور و ابو الدواهی و ابو
المعازف و پدرش و طلحة و سعد بن ابی
وقاص و ابو عبیده و ابو الاعور و مغیره و

سالم غلام ابی حذیفه و خالد بن ولید و عمرو بن عاص و ابو موسی اشعری و عبد الرحمن بن عوف و آنان کسانی بودند که خداوند در باره آنان آیه شریفه را نازل کرد: تصمیمی گرفتند که بدان نرسیدند.
(شرح:)

داستان عقبه بطور اجمال این است که هنگام مراجعت رسول خدا ﷺ از غزوه تبوک جمعی از منافقین با یک دیگر همدست شدند که شتر پیغمبر را در عقبه رم دهند و آن حضرت را بکشند و جبرئیل آن حضرت از توطئه آنان آگاه کرد پس حضرت سوار شد و بدستور آن حضرت عمار یاسر مهار شتر را بدست گرفته و میکشید و حذیفه شتر را میراند و چون بعقبه رسیدند دستور فرمود تا کسی پیش از رسول خدا ﷺ از گردنه بالا نرود و خود حضرت بر عقبه شد و دید که منافقان سوار بر شتر و صورتهای خود را پیچیده اند تا شناخته نشوند پس حضرت بانگ بر ایشان زد و بنا بنقل کشاف حذیفه بانگ بر آنان زد که ای دشمنان خدا دور شوید و آنان روی بر تافته و فرار کردند پس پیغمبر بحذیفه فرمود: شناختی این جماعت را؟ عرض کرد چون چهره های خود را پوشیده بودند نشناختم پس پیغمبر نامهای ایشان را بر شمرد و فرمود این سخن با کس مگوی و از این رو حذیفه در میان اصحاب رسول خدا ﷺ بشناختن منافقین ممتاز بود و در باره او میگفتند صاحب السر الذی لا یعلمه غیره.

أبواب الخمسة عشر (بابهای خصلتهای پانزده گانه)

هر گاه امت مسلمان پانزده خصلت را
مرتکب شوند دچار بلا میشوند

إذا عملت الأمة خمس عشرة خصلة حل بها
البلاء

۱ - حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَعِيدٍ
الْعَسْكَرِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْبَزَّازُ
قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ إِبْرَاهِيمَ
الْعَطَّارُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الرَّبِيعِ سُلَيْمَانُ بْنُ
دَاوُدَ قَالَ حَدَّثَنَا فَرْجُ بْنُ فَضَالَةَ عَنْ يَحْيَى بْنِ
سَعِيدٍ عَنْ مُحَمَّدِ ابْنِ الْحَنْفِيَّةِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي
طَالِبٍ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله إِذَا عَمِلْتَ أُمَّتِي
خَمْسَ عَشْرَةَ خَصْلَةً حَلَّ بِهَا الْبَلَاءُ قِيلَ يَا رَسُولَ
اللَّهِ وَمَا هِيَ قَالَ إِذَا كَانَتْ الْمَغَانِمُ دُولًا وَ
الْأَمَانَةُ مَغْنَمًا وَ الزَّكَاةُ مَغْرَمًا وَ أَطَاعَ
الرَّجُلُ زَوْجَتَهُ وَ عَقَّ أُمَّهُ وَ بَرَّ صَدِيقَهُ وَ جَفَا
أَبَاهُ وَ كَانَ زَعِيمُ الْقَوْمِ أَرْدَلَهُمْ وَ أَكْرَمَهُ
الْقَوْمُ مَخَافَةَ شَرِّهِ وَ ارْتَفَعَتِ الْأَصْوَاتُ فِي
الْمَسَاجِدِ وَ لَيْسُوا بِالْحَرِيرِ وَ اتَّخَذُوا
الْقَيْنَاتِ وَ ضَرَبُوا بِالْمَعَازِفِ وَ لَعَنَ آخِرُ هَذِهِ
الْأُمَّةِ أَوْلَهَا فَلْيُرْتَقَبْ عِنْدَ ذَلِكَ الرِّيحِ
الْحَمْرَاءُ أَوْ الْخَسْفُ أَوْ الْمَسْحُ

۱ - رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: امت من هر گاه
پانزده خصلت را مرتکب شوند به بلا دچار
میشوند عرض شد یا رسول الله آن خصلتها
چیست؟ فرمود، هنگامی که درآمدها در دست
عده مخصوصی باشد و امانت را غنیمت شمرند
و زکاة دادن را زیان دانند و مرد بفرمان
همسرش باشد ولی با مادرش نافرمانی کند و
نسبت بدوستش نیکوکار باشد ولی نسبت
بپدرش جفاکار، پستترین افراد اجتماع بر
آنان ریاست و مردم از ترس احترامش کنند
آوازه‌های نامشروع در مسجدها بلند شود و

جامه حریر بپوشند و زنان آوازه خوان
استخدام کنند و موسیقی بنوازند و آخر
این امت اول آن را لعن کند در چنین
هنگام میبایست بانتظار باد سرخ بود و یا
فرو رفتن زمین و یا مسخ شدن مردم.
روایت دوم نیز بمضمون روایت یکم است.
(مصنف) این کتاب رضی الله عنه گوید:

مقصود حضرت از اینکه فرمود: آخر این
امت اولش را لعن می‌کند خوارج می‌باشند که
بعضی‌ها امیر المؤمنین علیه السلام: اولین
فرد مؤمن این امت بخدا و رسول را لعن
می‌کنند.
خاندان او را دوست نمیدارند و بلکه
کینه آنان را بدل داشته و با آنان
(شرح:)

ظاهراً هر دو روایت سقط داشته باشد.
۲ - حَدَّثَنَا أَبُو سَعِيدٍ مُحَمَّدُ بْنُ الْفَضْلِ بْنِ
مُحَمَّدِ بْنِ إِسْحَاقَ الْمُدَكَّرُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو
يَحْيَى الْبَزَّازُ النَّيْسَابُورِيُّ فِيمَا أَجَازَهُ لَنَا
قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ حُسَّامِ بْنِ عِمْرَانَ الْبَلْخِيُّ
قَالَ حَدَّثَنَا قُتَيْبَةُ بْنُ سَعِيدٍ قَالَ حَدَّثَنَا فَرَجُ
بْنُ فَضَالَةَ عَنْ يَحْيَى بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ
عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام قَالَ قَالَ
رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله إِذَا عَمِلَتْ أُمَّتِي خَمْسَ عَشْرَةَ خَصْلَةً
حَلَّ بِهَا الْبَلَاءُ قِيلَ وَمَا هِيَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ
إِذَا كَانَ الْمَغْنَمُ دُولًا وَالْأَمَانَةُ مَغْنَمًا وَالزَّكَاةُ
مَغْرَمًا وَأَطَاعَ الرَّجُلُ زَوْجَتَهُ وَعَقَّ
أُمَّهُ وَبَرَّ صَدِيقَهُ وَجَفَا أَبَاهُ وَارْتَفَعَتِ
الْأَصْوَاتُ فِي الْمَسَاجِدِ وَكَانَ زَعِيمُ الْقَوْمِ
أَرْدَلَهُمْ وَضَرَبُوا بِالْمَعَارِزِ وَلَعَنَ آخِرُ الْأُمَّةِ
أَوْلَهَا فَلْيَرْتَقِبُوا عِنْدَ ذَلِكَ رِيحًا حَمْرَاءَ أَوْ
خَسْفًا أَوْ مَسْخًا

قال مصنف هذا الكتاب رضى الله عنه يعنى
بقوله و لعن آخر هذه الأمة أولها الخوارج
الذين يلعنون أمير المؤمنين عليه السلام و هو أول
الأمة إيماناً بالله عز و جل و برسوله ص

پسر بچه را میان پانزده و

شانزده سالگی می‌بایست ادب روزه گرفتند
آموخت یؤدب الصبی علی الصوم ما بین خمس
عشرة سنة إلى ست عشرة سنة

۳ - حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ
عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةَ الْكُوفِيُّ رَضِيَ اللَّهُ
عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ أَبِيهِ
الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةَ
الْكُوفِيَّ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ عَامِرِ الْقَصْبَانِيِّ عَمَّنْ
ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ يُؤَدَّبُ الصَّبِيُّ عَلَى
الصَّوْمِ مَا بَيْنَ خَمْسَ عَشْرَةَ سَنَةً إِلَى سِتِّ عَشْرَةَ
سَنَةً

۳ - امام صادق عليه السلام فرمود: ادب روزه
گرفتند را به پسر بچه میان پانزده و
شانزده سالگی می‌بایست آموخت.

تکبیراتی که در منی روزهای تشریق گفته می‌شود پس از پانزده نماز است

التكبير في أيام التشریق بمنى في دبر
خمس عشرة صلاة

۴ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ
الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ
الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنْ عَلِيِّ
بْنِ مَهْزِيَارٍ عَنْ حَمَادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ حَرِيْزِ بْنِ
عَبْدِ اللَّهِ عَنْ زُرَّارَةَ بْنِ أَعْيَنَ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي
جَعْفَرٍ عليه السلام التَّكْبِيرُ أَيَّامَ التَّشْرِيقِ فِي دُبُرِ
الصَّلَوَاتِ قَالَ التَّكْبِيرُ بِمَنَى فِي دُبُرِ خَمْسِ
عَشْرَةَ صَلَاةً وَ بِالْأَمْصَارِ فِي دُبُرِ عَشْرِ صَلَوَاتٍ
أَوَّلُ التَّكْبِيرِ فِي دُبُرِ صَلَاةِ الظُّهْرِ يَوْمَ النَّحْرِ
تَقُولُ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ
اللَّهُ أَكْبَرُ وَ لِلَّهِ الْحَمْدُ اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا وَ
اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا رَزَقَنَا مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ وَ
إِنَّمَا جُعِلَ فِي سَائِرِ الْأَمْصَارِ فِي دُبُرِ عَشْرِ

صَلَوَاتِ التَّكْبِيرِ أَنَّهُ إِذَا نَفَرَ النَّاسُ فِي
النَّفْرِ الْأَوَّلِ أَمَسَكَ أَهْلُ الْأَمْصَارِ عَنِ التَّكْبِيرِ
وَكَبَّرَ أَهْلُ مَنَى مَا دَامُوا بِمَنَى إِلَى النَّفْرِ
الْأَخِيرِ

۴ - زرارة بن اعين گوید: بامام باقر
عَلَيْهِ السَّلَام عرض کردم روزهای تشریق (۱۱ و ۱۲ و ۱۳
ذی الحجة) پس از نمازها باید تکبیر گفت؟
فرمود: تکبیر در منی پس از پانزده نماز
است و در شهرهای دیگر پس از ده نماز که
نخستین تکبیر را از روز عید قربان بعد
از نماز ظهر شروع کرده و میگوئی (اللَّهُ اكْبَرُ
اللَّهُ اكْبَرُ لَا اِلهَ اِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ اكْبَرُ اللَّهُ اكْبَرُ وَ اللَّهُ
الحمد لله اكْبَرُ على ما هدانا وَ اللَّهُ اكْبَرُ على
ما رزقنا من بهيمة الانعام) و در سائر
شهرها بدین جهت تکبیرات پس از ده نماز
قرار داده شده است که چون مردم در کوچ
اول کوچکننده سائر شهرها تکبیر نگویند و
فقط اهل منی تا در منی هستند تا آخرین
کوچ تکبیر بگویند.

ه - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ إِسْحَاقَ
التَّاجِرِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَّارٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ
عِيسَى وَ فَضَالَةَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ
سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ التَّكْبِيرِ أَيَّامَ التَّشْرِيقِ
لِأَهْلِ الْأَمْصَارِ فَقَالَ يَوْمَ النَّحْرِ صَلَاةَ الظُّهْرِ
إِلَى انْقِضَاءِ عَشْرِ صَلَوَاتٍ وَ لِأَهْلِ مَنَى فِي خَمْسِ
عَشْرَةَ صَلَاةً فَإِنْ أَقَامَ إِلَى الظُّهْرِ وَ الْعَصْرِ
كَبَّرَ

ه - معاوية بن عمار گوید: از امام
صادق عَلَيْهِ السَّلَام پرسیدم از تکبیر روزهای تشریق
برای مردم شهرهای دیگر فرمود: از نماز
ظهر روز عید قربان است تا برگزاری ده
نماز و برای اهل منی در پانزده نماز است
و اگر تا ظهر و عصر هم در منی ماند باید
تکبیر را بگوید.
(شرح:)

احتمال می‌رود که مقصود از امصار در روایت افرادی باشند که در منی باشند ولی نه از برای انجام حج بلکه کارهای دیگری داشته باشند از قبیل فروش گوسفند و متاعهای دیگر که آنان باید در تعقیب ده نماز تکبیرات بگویند و خلاصه اینکه تکبیرات بدنبال پانزده نماز شعاری باشد مخصوص حاجیان تا بدین وسیله حاج از غیر حاج تمیز داده شود.

پاداش کسی که پانزده روز از ماه رجب را روزه بدارد

ثواب من صام خمسة عشر يوما من رجب
 ٦ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ
 الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ
 الْحَسَنِ الصَّفَّارُ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ
 عَيْسَى قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ
 الْبَزْطِيُّ عَنِ ابْنِ أَبِي عَثْمَانَ عَنْ كَثِيرِ
 النَّوَّاءِ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ إِنَّ نُوحًا عليه السلام رَكِبَ
 السَّفِينَةَ أَوَّلَ يَوْمٍ مِنْ رَجَبٍ فَأَمَرَ مَنْ كَانَ مَعَهُ
 أَنْ يَصُومُوا ذَلِكَ الْيَوْمَ وَقَالَ مَنْ صَامَ ذَلِكَ
 الْيَوْمَ تَبَاعَدَتِ النَّارُ عَنْهُ مَسِيرَةَ «عَشْرَةِ سَنَةٍ»
 فَمَنْ صَامَ سَبْعَةَ أَيَّامٍ أُغْلِقَتْ عَنْهُ أَبْوَابُ
 النَّارِ السَّبْعَةَ وَمَنْ صَامَ ثَمَانِيَةَ أَيَّامٍ
 فَتَحَتْ لَهُ أَبْوَابُ الْجَنَّةِ الثَّمَانِيَةَ وَمَنْ صَامَ
 خَمْسَةَ عَشَرَ يَوْمًا أُعْطِيَ مَسْأَلَتَهُ وَمَنْ زَادَ
 زَادَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَضِيَ
 اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَبْدِ
 الْعَزِيزِ بْنِ الْمُهْتَدِيِّ عَنْ سَيْفِ بْنِ الْمُبَارَكِ بْنِ
 يَزِيدَ مَوْلَى أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى عليه السلام عَنْ أَبِيهِ
 الْمُبَارَكِ عَنِ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ إِنَّ نُوحًا رَكِبَ
 السَّفِينَةَ أَوَّلَ يَوْمٍ مِنْ رَجَبٍ وَ ذَكَرَ الْحَدِيثَ
 مِثْلَهُ سِوَاءً

و قد أخرج ما رویته فی ثواب صوم رجب
 فی کتاب فضائل رجب

۶ - امام صادق علیه السلام فرمود: روزه اول ماه رجب بود که نوح سوار بر کشتی شد و دستور داد تا هر کس که به همراه او است آن روز را روزه بدارد و فرمود: هر کس آن روز را روزه بدارد آتش دوزخ از او بفاصله ده سال راه پیمائی از او دور می‌شود و هر کس هفت روزش را روزه بدارد درهای هفتگانه آتش بر او بسته می‌شود و هر کس هشت روز روزه بدارد درهای هشتگانه بهشت بروی او باز می‌شود و هر کس پانزده روز روزه بدارد هر چه سؤال کند باو عطا می‌شود و هر کس زیاده‌تر روزه بدارد خدای عز و جل نیز زیاده‌تر عطا می‌فرماید. از امام موسی بن جعفر نیز به همین مضمون روایت نقل شده است و من آنچه در زمینه ثواب روزه ماه رجب روایت بمن رسیده بود در کتاب فضایل رجب نقل کرده‌ام.

دستور شرعی در نوره کشیدن هر پانزده روز يك بار است

السنة في النورة في كل خمسة عشر يوماً
 ۷ حَدَّثَنَا أَبِي وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ
 بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَا حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ
 عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ
 بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ
 اللَّهِ عليه السلام قَالَ السُّنَّةُ فِي النُّورَةِ فِي كُلِّ خَمْسَةِ عَشَرَ
 يَوْمًا فَمَنْ أَتَتْ عَلَيْهِ إِحْدَى وَ عِشْرُونَ يَوْمًا
 فَلَيْسَتْ دِينَ «فَلَيْسَتْ دِينَ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ
 لَيْتَنُورَ وَ مَنْ أَتَتْ عَلَيْهِ أَرْبَعُونَ يَوْمًا وَ لَمْ
 يَتَنُورْ فَلَيْسَ بِمُؤْمِنٍ وَ لَا مُسْلِمٍ وَ لَا كَرَامَةٍ

۷ - امام صادق علیه السلام فرمود: دستور شرعی نوره کشیدن در هر پانزده روز میباشد و کسی که بیست و یک روز از نوره کشیدن او بگذرد اگر پول ندارد به عهده خدای عز و جل قرض کند و نوره بکشد و کسی که چهل

روز از او بگذرد و نوره نکشیده باشد نه
مؤمن است و نه مسلمان و هیچ احترامی
ندارد.

أبواب الستة عشر (بابهای شانزده گانه)

از جمله حقوق دانشمندان شانزده خصلت است

من حق العالم ست عشرة خصلة
١ - حَدَّثَنَا أَبُو الْقَاسِمِ الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدِ الْهَاشِمِيِّ الْكُوفِيُّ فِي مَسْجِدِهِ بِالْكُوفَةِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ الْقُطْفَانِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ هِشَامِ الْوَرَّاقُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ السَّدُوسِيِّ الْفَقِيهُ قَالَ حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ عَلْوَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام قَالَ إِنَّ مِنْ حَقِّ الْعَالِمِ أَنْ لَا تُكْثَرَ السُّؤَالَ عَلَيْهِ وَ لَا تُسَيِّقَهُ فِي الْجَوَابِ وَ لَا تُلِحَّ عَلَيْهِ إِذَا أَعْرَضَ وَ لَا تَأْخُذَ بِثَوْبِهِ إِذَا كَسَلَ وَ لَا تُشِيرَ إِلَيْهِ بِيَدِكَ وَ لَا تَغْمِزَهُ بَعَيْنِكَ وَ لَا تُسَارَهُ فِي مَجْلِسِهِ وَ لَا تَطْلُبَ عَوْرَاتِهِ وَ أَنْ لَا تَقُولَ قَالَ فُلَانٌ خِلَافَ قَوْلِكَ وَ لَا تُفْشِيَ لَهُ سِرًّا وَ لَا تَغْتَابَ عِنْدَهُ أَحَدًا وَ أَنْ تَحْفَظَ لَهُ شَاهِدًا وَ غَائِبًا وَ أَنْ تَعُمَّ الْقَوْمَ بِالسَّلَامِ وَ تَخْصَهُ بِالتَّحِيَّةِ وَ تَجْلِسَ بَيْنَ يَدَيْهِ وَ إِنْ كَانَتْ لَهُ حَاجَةٌ سَبَقَتْ الْقَوْمَ إِلَى خِدْمَتِهِ وَ لَا تَمَلَّ مِنْ طُولِ صُحْبَتِهِ فَإِنَّمَا هُوَ مِثْلُ النَّخْلَةِ فَإِن تَطَّرَ مَتَى تَسْقُطَ عَلَيْكَ مِنْهَا مَنَفَعَةٌ وَ الْعَالِمُ بِمَنْزِلَةِ الصَّائِمِ الْقَائِمِ الْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ إِذَا مَاتَ الْعَالِمُ انْتَلَمَ فِي الْإِسْلَامِ ثُلْمَةٌ لَا تُسَدُّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ إِنْ طَالِبَ الْعِلْمَ لِيُشَيِّعَهُ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ مِنْ مُقَرَّبِي السَّمَاءِ

١ - امير المؤمنين عليه السلام فرمود: از جمله حقوق دانشمندان این است که پرسشات را از او بسیار نکنی و اگر در پاسخ گفتن رو گردان باشد اصرار نوری و چون خسته شد دامنگیرش نباشی و با دستت با او اشاره

نکنی و با اشاره چشمت با او سخن نگوئی و در مجلس او با او محرمانه صحبت نکنی و بدنبال عیبهایش نباشی و نگوئی که فلانی بر خلاف گفته تو گفته است و راز او را فاش نکنی و غیبت هیچ کس بنزد او ننمائی و در روبرو و پشت سر نگهدار آبروی او باشی (و اگر با جمعی باشد) سلام را به همه بدهی و با او خصوصاً درود گوئی و در مقابل او بنشینی و اگر نیازی داشته باشد پیشتر از مردم به خدمتش بایستی و از طول صحبت او افسرده خاطر نگردی که او مانند درخت خرما است منتظر باش تا کی سودی از آن بر دامن تو بیفتد و دانشمند مقام کسی را دارد که روزها روزه دار و شبها بعبادت بر پا ایستد و در راه خدا جهاد نماید و چون دانشمند بمیرد رخنه‌ای در اسلام افتد که تا روز قیامت مسدود نگردد و برآستی که دانشجو را هفتاد هزار فرشته از فرشتگان مقرب آسمان تشییع میکنند.

شانزده خصلت است که تهی دستی آورد و

هفده خصلت روزی را فراوان سازد ست عشرة خصلة تورث الفقر و سبع عشرة خصلة تزيد في الرزق

۲ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوِيهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَمِّي مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي الْقَاسِمِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْقُرَشِيِّ الْكُوفِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو زِيَادٍ مُحَمَّدُ بْنُ زِيَادِ الْبَصْرِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْمَدَنِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا ثَابِتُ بْنُ أَبِي صَفِيَّةَ الثَّمَالِيُّ عَنْ ثَوْرِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ أَبِيهِ سَعِيدِ بْنِ عَلَاقَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام يَقُولُ تَرَكَ نَسَجَ الْعَنْكَبُوتِ فِي الْبَيْتِ يُورِثُ الْفَقْرَ وَ الْبَوْلُ فِي الْحَمَامِ يُورِثُ الْفَقْرَ وَ الْأَكْلُ عَلَى الْجَنَابَةِ يُورِثُ الْفَقْرَ وَ التَّخَلُّلُ بِالطَّرْفَاءِ يُورِثُ الْفَقْرَ وَ التَّمَشُّطُ مِنْ قِيَامِ يُورِثُ الْفَقْرَ وَ تَرَكَ الْقَمَامَةَ فِي الْبَيْتِ يُورِثُ الْفَقْرَ وَ

الْيَمِينُ الْفَاجِرَةُ تُورِثُ الْفَقْرَ وَ الزَّانَا يُورِثُ
الْفَقْرَ وَ إِظْهَارُ الْجَرْصِ يُورِثُ الْفَقْرَ وَ النَّوْمُ
بَيْنَ الْعِشَاءَيْنِ يُورِثُ الْفَقْرَ وَ النَّوْمُ قَبْلَ
طُلُوعِ الشَّمْسِ يُورِثُ الْفَقْرَ وَ تَرْكُ التَّقْدِيرِ فِي
الْمَعِيشَةِ يُورِثُ الْفَقْرَ وَ قَطِيعَةُ الرَّحِمِ يُورِثُ
الْفَقْرَ وَ اعْتِيَادُ الْكُذِبِ يُورِثُ الْفَقْرَ وَ كَثْرَةُ
الِاسْتِمَاعِ إِلَى الْغِنَاءِ يُورِثُ الْفَقْرَ وَ رُدُّ
السَّائِلِ الدَّكْرِ بِاللَّيْلِ يُورِثُ الْفَقْرَ ثُمَّ
قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَا أَنْبَأُكُمْ بَعْدَ ذَلِكَ بِمَا يَزِيدُ فِي
الرِّزْقِ قَالُوا بَلَى يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فَقَالَ
الْجَمْعُ بَيْنَ الصَّلَاتَيْنِ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ وَ
التَّعْقِيبُ بَعْدَ الْغَدَاةِ وَ بَعْدَ الْعَصْرِ يَزِيدُ فِي
الرِّزْقِ وَ صَلَّةُ الرَّحِمِ تَزِيدُ فِي الرِّزْقِ وَ كَسْحُ
الْفِنَاءِ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ وَ مُوَاسَاةُ الْأَخِ فِي اللَّهِ
عَزَّ وَ جَلَّ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ وَ الْبُكُورُ فِي طَلَبِ
الرِّزْقِ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ وَ الْإِسْتِعْفَارُ يَزِيدُ فِي
الرِّزْقِ وَ اسْتِعْمَالُ الْأَمَانَةِ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ وَ
قَوْلُ الْحَقِّ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ وَ إِجَابَةُ الْمُؤَدَّنِ
يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ وَ تَرْكُ الْكَلَامِ فِي الْخَلَاءِ
يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ وَ تَرْكُ الْجَرْصِ يَزِيدُ فِي
الرِّزْقِ وَ شُكْرُ الْمُنْعَمِ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ وَ
اجْتِنَابُ الْيَمِينِ الْكَاذِبَةِ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ وَ
الْوُضُوءُ قَبْلَ الطَّعَامِ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ وَ أَكْلُ
مَا يَسْقُطُ مِنَ الْجَوَانِ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ وَ مَنْ
سَبَّحَ اللَّهَ كُلَّ يَوْمٍ ثَلَاثِينَ مَرَّةً دَفَعُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ
عَنْهُ سَبْعِينَ نَوْعًا مِنَ الْبَلَاءِ أَيَسْرَهَا الْفَقْرُ

۲ - سعيد بن علاقہ گوید: شنیدم از امیر
المؤمنین علی بن ابی طالب عليه السلام کہ میفرمود
تار عنكبوت از خانه پاک نکردن تھی دستی
آورد و در حمام بول کردن تھی دستی آورد
و بحال جنابت غذا خوردن تھی دستی آورد و
با چوب گز خلال کردن تھی دستی آورد و
ایستاده شانہ زدن تھی دستی آورد و
خاکروبه از خانه بیرون نبردن تھی دستی
آورد و سوگند دروغ تھی دستی آورد و زنا
کردن تھی دستی آورد و حرص ورزیدن تھی

دستی آورد و پیش از سرزدن آفتاب بخواب رفتن تهی دستی آورد و در امر معاش اندازه نگه نداشتن تهی دستی آورد و از فامیل بریدن تهی دستی آورد و عادت بدروغ گفتن تهی دستی آورد و بساز و آواز فراوان گوش دادن تهی دستی آورد و گدای مرد را شبانه چیزی ندادن تهی دستی آورد. سپس فرمود: پس از این گفتار آیا شما را آگاه نکنم بآنچه روزی را فراوان میکند؟ عرض کردند: آری یا امیر المؤمنین فرمود: میان دو نماز جمع کردن روزی را زیاد میکند و پس از نماز صبح و نماز عصر تعقیب خواندن روزی را فراوان سازد و رفت و آمد خانوادگی روزی را زیاد میکند و رفتن آستانه خانه روزی را زیاد میکند و با برادر دینی همراهی کردن روزی را زیاد میکند و از خداوند آمرزش خواستن روزی را زیاد میکند و امانت‌ورزی روزی را زیاد میکند و سخن بحق گفتن روزی را زیاد میکند و به صدای اذان جواب گفتن روزی را زیاد می‌کند و سخن نگفتن در مستراح روزی را زیاد میکند و حرص نورزیدن روزی را زیاد می‌کند و سپاسگزاری صاحب نعمت روزی را زیاد می‌کند و از سوگند دروغ دوری جستن روزی را زیاد می‌کند و پیش از غذا دست شستن (یا وضو گرفتن) روزی را زیاد می‌کند و خوردن آنچه از سفره بیرون می‌افتد روزی را زیاد می‌کند و کسی که هر روز سی بار خدا را تسبیح بگوید خدای عز و جل هفتاد نوع از بلا را از او برگرداند که آسانترین‌اش تهی دستی است.

(شرح:)

جواب دادن باذان یعنی هر فصلی را که از اذان گو می‌شود باز گو نماید.

شانزده خصلت از دانش و واقع بینی است

ست عشرة خصلة من الحكم

۳ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ وَ أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ جَمِيعاً قَالَا حَدَّثَنَا أَبُو سَعِيدٍ سَهْلُ بْنُ زِيَادٍ الْأَدْمِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ زَيْدِ الزِّيَّاتِ عَنْ عَمْرِو بْنِ عُثْمَانَ الْخَزَّازِ عَنْ ثَابِتِ بْنِ دِينَارٍ عَنْ سَعْدِ بْنِ طَرِيفِ الْحَفَّافِ عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ قَالَ كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام يَقُولُ الصِّدْقُ أَمَانَةٌ وَ الْكَذِبُ خِيَانَةٌ وَ الْأَدَبُ رِئَاسَةٌ وَ الْحَزْمُ كِيَاسَةٌ وَ الشَّرْفُ مَنَوَاةٌ وَ الْقَصْدُ مَثْرَاةٌ وَ الْجِرْصُ مَفْقَرَةٌ وَ الدَّنَاءَةُ مَحْقَرَةٌ وَ السَّخَاءُ قُرْبَةٌ وَ اللُّؤْمُ عُرْبَةٌ وَ الرِّقَّةُ اسْتِكَانَةٌ وَ الْعَجْزُ مَهَانَةٌ وَ الْهَوَى مَيْلٌ وَ الْوَفَاءُ كَيْلٌ وَ الْعُجْبُ هَلَاكٌ وَ الصَّبْرُ مِلَاكٌ

۳ - اصبغ بن نباتة گوید: امیر المؤمنین عليه السلام مکرر میفرمود راست گفتن امانت است و دروغ گفتن خیانت و ادب داشتن سروری است و هشیاری زیرکی است و اسراف زیان آور است و میانه روی سبب ثروت و حرص باعث تهی دستی است و پستی موجب حقارت و سخاوت سبب نزدیک شدن به مردم است و پست فطرتی موجب دور افتادگی و دلسوزی فروتنی است و ناتوانائی زبونی و هواپرستی کجروی است و وفاداری سنجیدن است و خود بینی نابودی است و بردباری توانائی.

شانزده طایفه از امت محمد ﷺ خاندان او را دوست نمیدارند و

بلکه کینه آنان را به دل داشته و با
آنان دشمنی کنند سته عشر صنفا من أمة
محمد ﷺ لا يحبون أهل بيته و يبغضونهم و
يعادونهم

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْقَطَّانُ وَ عَلِيُّ بْنُ
أَحْمَدَ بْنِ مُوسَى رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَا حَدَّثَنَا
أَحْمَدُ بْنُ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا الْقَطَّانُ قَالَ حَدَّثَنَا
أَبُو بَكْرٍ بَكْرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَبِيبٍ قَالَ حَدَّثَنَا
تَمِيمُ بْنُ بَهْلُولٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو مُعَاوِيَةَ
الضَّرِيرُ عَنِ الْأَعْمَشِ عَنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ
بَكْرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَبِيبٍ وَ حَدَّثَنِي عَبْدُ اللَّهِ بْنُ
مُحَمَّدِ بْنِ نَاطُويَةَ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ
الْمُؤْمِنِ الزَّعْفَرَانِيُّ الْكُوفِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُسْلِمُ
بْنُ خَالِدِ الزَّنْجِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ
عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ بَكْرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ
حَبِيبٍ وَ حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ سِنَانَ قَالَ حَدَّثَنِي
أَبِي عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدِ الْبَرْقِيِّ عَنْ مُسْلِمِ بْنِ
خَالِدٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالُوا كُلُّهُمْ ثَلَاثَةٌ
عَشْرَ وَ قَالَ تَمِيمُ سِتَّةَ عَشَرَ صِنْفًا مِنْ أُمَّةِ
جَدِّي عَلَيْهِ السَّلَامُ لَا يُحِبُّونَنَا وَ لَا يُحَبِّبُونَنَا إِلَى
النَّاسِ وَ يُبْغِضُونَنَا وَ لَا يَتَوَلَّوْنَنَا وَ
يَخْدُلُونَنَا وَ يَخْدُلُونَ النَّاسَ عَنَّا فَهُمْ
أَعْدَاؤُنَا حَقًّا لَهُمْ نَارُ جَهَنَّمَ وَ لَهُمْ عَذَابُ
الْحَرِيقِ قَالَ قُلْتُ بَيْنَهُمْ لِي يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ
وَقَالَ اللَّهُ شَرَّهُمْ قَالَ الزَّائِدُ فِي خَلْقِهِ فَلَا تَرَى
أَحَدًا مِنَ النَّاسِ فِي خَلْقِهِ زِيَادَةً إِلَّا وَجَدْتَهُ
لَنَا مُنَاصِبًا وَ لَمْ تَجِدْهُ لَنَا مُوَالِيًا وَ
النَّاقِصُ الْخَلْقِ مِنَ الرِّجَالِ فَلَا تَرَى لِلَّهِ عَزَّ وَ
جَلَّ خَلْقًا نَاقِصَةَ الْخَلْقَةِ إِلَّا وَجَدْتَهُ فِي قَلْبِهِ
عَلَيْنَا غَلًّا وَ الْأَعْوَرُ بِالْيَمِينِ لِلْوَلَادَةِ فَلَا تَرَى
لِلَّهِ خَلْقًا وُلِدَ أَعْوَرَ الْيَمِينِ إِلَّا كَانَ لَنَا
مُحَارِبًا وَ لِأَعْدَائِنَا مُسَالِمًا وَ الْغَرِيبُ مِنَ
الرِّجَالِ فَلَا تَرَى لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ خَلْقًا غَرِيبًا وَ

هُوَ الَّذِي قَدْ طَالَ عُمُرُهُ فَلَمْ يَبْيِضْ شَعْرُهُ وَ
تَرَى لِحْيَتَهُ مِثْلَ حَنْكِ الْعُرَابِ إِلَّا كَانَ عَلَيْنَا
مَوْلِبًا وَ لِأَعْدَائِنَا مُكَاثِرًا وَ الْحُلُكُوكُ مِنْ

الرَّجَالِ فَلَا تَرَى
مِنْهُمْ أَحَدًا إِلَّا كَانَ لَنَا شَتْمًا وَ لِأَعْدَائِنَا
مَدَاحًا وَ الْأَقْرَعُ مِنَ الرَّجَالِ فَلَا تَرَى رَجُلًا بِهِ
قَرَعٌ إِلَّا وَجَدْتَهُ هَمَازًا لَمَّازًا مَشَاءً بِالنَّمِيمَةِ
عَلَيْنَا وَ الْمُفَقَّصُ بِالْخُضْرَةِ مِنَ الرَّجَالِ فَلَا
تَرَى مِنْهُمْ أَحَدًا وَ هُمْ كَثِيرُونَ إِلَّا وَجَدْتَهُ
يَلْقَانَا بِوَجْهِهِ وَ يَسْتَدْبِرُنَا بِآخِرِ يَبْتَغِي لَنَا
الْعَوَائِلَ وَ الْمَنْبُودُ مِنَ الرَّجَالِ فَلَا تَلْقَى
مِنْهُمْ أَحَدًا إِلَّا وَجَدْتَهُ لَنَا عَدُوًّا مُضِلًّا مُبِينًا
وَ الْأَبْرَصُ مِنَ الرَّجَالِ فَلَا تَلْقَى مِنْهُمْ أَحَدًا إِلَّا
وَجَدْتَهُ يَرْضُدُّ لَنَا الْمَرَاصِدَ وَ يَقْعُدُ لَنَا وَ
لِشِيعَتِنَا مَقْعَدًا لِيُضِلَّنَا بِرِزْعِمِهِ عَنِ سَوَاءِ
السَّبِيلِ وَ الْمَجْدُومُ وَ هُمْ حَصَبُ جَهَنَّمَ هُمْ لَهَا
وَارِدُونَ وَ الْمَنْكُوحُ فَلَا تَرَى مِنْهُمْ أَحَدًا إِلَّا
وَجَدْتَهُ يَتَغَنَّى بِهَجَائِنَا وَ يُؤَلِّبُ عَلَيْنَا وَ أَهْلُ
مَدِينَةِ ثُدَعَى سَجِسْتَانَ هُمْ لَنَا أَهْلُ عَدَاوَةٍ وَ
نَصَبٍ وَ هُمْ شَرُّ الْخَلْقِ وَ الْخَلِيقَةِ عَلَيْهِمْ مِنَ
الْعَذَابِ مَا عَلَى فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَ قَارُونَ وَ
أَهْلُ مَدِينَةِ ثُدَعَى الرَّيِّ هُمْ أَعْدَاءُ اللَّهِ وَ أَعْدَاءُ
رَسُولِهِ وَ أَعْدَاءُ أَهْلِ بَيْتِهِ يَرُونَ حَرْبَ أَهْلِ
بَيْتِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ جِهَادًا وَ مَالَهُمْ مَغْنَمًا فَلَهُمْ
عَذَابُ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ
لَهُمْ عَذَابٌ مُقِيمٌ وَ أَهْلُ مَدِينَةِ ثُدَعَى الْمَوْصِلِ
هُمُ شَرُّ مَنْ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ وَ أَهْلُ مَدِينَةِ تَسْمَى
الزُّورَاءِ تُبْنَى فِي آخِرِ الزَّمَانِ يَسْتَشْفُونَ
بِدِمَائِنَا وَ يَتَّقَرَّبُونَ بِبُغْضِنَا يُوَالُونَ فِي
عَدَاوَتِنَا وَ يَرُونَ حَرْبَنَا فَرَضًا وَ قِتَالَنَا
حَتْمًا يَا بُنَيَّ فَاحْذَرْ هَؤُلَاءِ ثُمَّ احْذَرْهُمْ فَإِنَّهُ
لَا يَخْلُو اثْنَانِ مِنْهُمْ بِأَحَدٍ مِنْ أَهْلِكَ إِلَّا هَمُّوا
بِقَتْلِهِ

و اللفظ للتميم من أول الحديث إلى
آخره

٤ - اعمش و مسلم بن خالد زنجي و محمد
بن خالد از مسلم بن خالد از امام صادق

عائش روایت کرده‌اند و همگی گفته‌اند سیزده صنف (ولی تمیم گفته شانزده صنف) از امت جد من ما را دوست نمیدارند و ما را در نظر مردم هم دوست داشتنی معرفی نمیکنند و بلکه کینه ما را در دل گرفته و از ما پیروی نمیکنند و مردم را از یاری ما باز میدارند، دشمنان واقعی ما آنانند و آتش دوزخ و شکنجه سوزان برای آنان آماده است گوید: عرض کردم: یا ابن رسول الله خداوند تو را از شر آنان نگهدارد برای من بیان فرما آنان کیانند؟ فرمود:

۱ - کسی که در اصل خلقت زیادتی داشته باشد یکنفر از مردم را که عضو زیادی در خلقت او باشد نمی‌بینی مگر اینکه برای ما دشمن آشکارش می‌یابی و او را دوست و پیرو ما نمی‌یابی.

۲ - از مردان آنکه ناقص الخلقه باشد که خدای عز و جل را آفریده‌ای که خلقت‌اش ناقص باشد نمی‌بینی مگر اینکه در دل او نسبت بما کینه‌هایی خواهی یافت.

۳ - کسی که چشم راست او کور مادر زاد باشد آفریده‌ای از خدا را که چشم راستش کور مادر زاد باشد نمی‌بینی مگر اینکه با ما در جنگ است و با دشمنان ما همدست.

۴ - مردان سیاه مو که آفریده سیاه موئی از خلق خدا را نمی‌بینی که عمرشان دراز شده و مویش سفید نگشته و ریش او مانند زیر گلوی کلاغ (سیاه) است مگر اینکه مردم را بر ما می‌شورانند و دشمن ما را زیاد می‌کند

۵ - مردان سخت سیاه رنگ، یکنفر از آنان را نمی‌بینی مگر اینکه همواره ما را دشنام دهد و دشمنان ما را ثنا گوید.

۶ - مردان کچل هیچ مرد کچلی را نمی‌بینی مگر آنکه نسبت به ما توهین آمیز و بد زبان است و بر زیان ما سخن چینی می‌کند.

۷ - مردان کبود چشم و چشم ریز هیچ یک از آنان را که بسیار هم هستند نمی‌بینی مگر اینکه می‌یابی که بر خوردشان با ما بروئی است و در پشت سر با ما روئی دیگر دارند و در پی ایجاد ناراحتی برای ما هستند.

مجلس منصور از طبیب هندی پرسید و او ندانست و حضرت پاسخ آنها را

۸ - مردان زنا زاده که کودک سر راهی بوده اند یکنفر از آنان را ملاقات نمی‌کنی مگر آنکه می‌یابی دشمن گمراه‌کننده آشکار ما است.

۹ - مردانی که بیماری پرسی دارند یکنفر از آنان را ملاقات نمی‌کنی مگر اینکه از برای ما در پی کمینگاهائی است و به کمین ما و شیعیان ما نشسته که بگمان خود ما را از راه راست گمراه کند.

۱۰ - مبتلایان به بیماری خوره که آنان سنگ دوزخند و بدوزخ باید بروند.

۱۱ - مردانی که با آنان عمل جنسی انجام داده می‌شود یکنفر از آنان را نمی‌بینی مگر اینکه آوازخوانی‌شان در بدگوئی از ما است و شوراندن مردم بر ما.

۱۲ - مردم شهری که سیستانش نامند آنان دشمن ما هستند و دشمن آشکار و آنان بدترین خلقاند عذابی که برای فرعون و هامان و قارون آماده است بر ایشان باد.

۱۳ - مردم شهری که ری گویند اش آنان دشمنان خدا و دشمنان رسول خدا ﷺ و دشمنان خاندان رسولند که جنگ با خاندان پیغمبر را جهاد میدانند و مالشان را غنیمت جنگی می‌شمارند عذاب رسوائی بر آنان باد در زندگی دنیا و در آخرت و برای آنان باد شکنجه‌ای جاوید. ۱۴ - مردم شهری که موصلش گویند بدترین مردم روی زمین‌اند.

۱۵ - مردم شهری که زوراء نام دارد و در آخر الزمان ساخته می‌شود با خون ما شفا میطلبند و با دشمنی ما به خدا تقرب میجویند در دشمنی ما پیگیرند و جنگ با ما را واجب و خونریزی ما را حتمی می‌شمارند ای فرزند از اینان بیمناک باش و بر حذر که دو نفر از آنان با هر يك از خانواده تو در جای خلوتی باشند قصد کشتن او را خواهند نمود (لفظ این روایت از اول تا آخر از تمیم است.)
(شرح:)

سند روایت ضعیف است زیرا عبد الله بن حبیب ضعیف است و جمعی از او بد گفته‌اند و عبد الله بن محمد بن ناطویة نیز مجهول است و شناخته نشده است و با احتمال قوی یکی از دشمنان اهل بیت بمنظور متنفر ساختن مردم از خاندان رسالت این روایت را جعل نموده است زیرا انتقاد باین شدت از افراد نامبرده شده که شماره‌شان نیز اندک نیست مسلماً اثر نامطلوبی در روحیه آنان خواهد داشت.

باب السبعة عشر (باب هفده)

غسل در هفده مورد است

الغسل في سبعة عشر موطننا
١ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ
بْنِ عَيْسَى عَنْ حَرِيْزِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ قَالَ مُحَمَّدُ
بْنُ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام الْغُسْلُ فِي سَبْعَةِ
عَشَرَ مَوْطِنًا لَيْلَةَ سَبْعِ عَشْرَةَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَ
هِيَ لَيْلَةُ التَّقَاءِ الْجَمْعَيْنِ لَيْلَةَ بَدْرِ وَ لَيْلَةَ
تِسْعِ عَشْرَةَ وَ فِيهَا يُكْتَبُ الْوَفْدُ وَفْدُ السَّنَةِ وَ
لَيْلَةَ إِحْدَى وَ عِشْرِينَ وَ هِيَ اللَّيْلَةُ الَّتِي مَاتَ
فِيهَا أَوْصِيَاءُ النَّبِيِّينَ عليهم السلام وَ فِيهَا رُفِعَ عَيْسَى
ابْنُ مَرْيَمَ وَ قُبِضَ مُوسَى عليه السلام وَ لَيْلَةَ ثَلَاثِ وَ
عِشْرِينَ يُرْجَى فِيهَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ وَ قَالَ عَبْدُ
الرَّحْمَنِ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَصْرِيُّ قَالَ لِي أَبُو
عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام اغْتَسَلْ فِي لَيْلَةِ أَرْبَعَةِ وَ عِشْرِينَ مَا
عَلَيْكَ أَنْ تَعْمَلَ فِي اللَّيْلَتَيْنِ جَمِيعًا رَجَعَ
الْحَدِيثُ إِلَى مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ فِي الْغُسْلِ وَ يَوْمِ
الْعِيدَيْنِ وَ إِذَا دَخَلْتَ الْحَرَمَيْنِ وَ يَوْمِ تَحْرِمٍ
وَ يَوْمِ الزِّيَارَةِ وَ يَوْمِ تَدْخُلُ الْبَيْتَ وَ يَوْمِ
التَّرْوِيَةِ وَ يَوْمِ عَرَفَةَ وَ غَسَلِ الْمَيْتَ وَ إِذَا
غَسَلْتَ مَيْتًا وَ كَفَنْتَهُ أَوْ مَسَسْتَهُ بَعْدَ مَا يَبْرُدُ
وَ يَوْمِ الْجُمُعَةِ وَ غَسَلِ الْكُسُوفِ إِذَا اخْتَرَقَ
الْقُرْصُ كُلَّهُ فَاسْتَيْقَظْتَ وَ لَمْ تُصَلِّ فَاغْتَسَلْ وَ
اقْضِ الصَّلَاةَ

١ - امام باقر عليه السلام فرمود: غسل در هفده
مورد است: شب هفدهم ماه رمضان همان شبی
که دو جمعیت: (لشکر اسلام و کفار قریش)
در شب بدر، بیکدیگر رسیدند و شب نوزدهم
که در آن شب واردین آن سال: (حاجیان)
نوشته می‌شود و شب بیست و یکم همان شبی
که جانشینان پیغمبران در آن شب از دنیا
رحلت کرده‌اند و عیسی بن مریم در آن شب
بعالم بالا برده شد و موسی جان سپرد و شب

بیست و سوم که امید است شب قدر باشد عبد الرحمن بن ابی عبد الله بصری گوید: امام صادق مرا فرمود: در شب بیست و چهارم نیز غسل کن زیرا زیانی بر تو ندارد که در هر دو شب غسل کنی بحديث محمد بن مسلم در باره غسل بازگشتیم- و روز دو عید! (عید فطر و عید قربان) و چون خواستی به حرمین (مکه و مدینه) داخل شوی و روزی که احرام می‌بندی و روزی که بخانه کعبه داخل میشوی و روز ترویة و روز عرفة و غسل میت و چون میتی را غسل دادی و کفن کردی یا او را پس از سرد شدن مس کردی و روز جمعه و غسل گرفته شدن آفتاب هنگامی که تمام قرص گرفته شود و از خواب بیدار شوی و نماز آیات نخوانده باشی غسل کن و قضای نماز را بخوان
(شرح:)

فقهاء رضوان الله علیهم فرموده اند هنگامی که تمام قرص آفتاب یا ماه گرفته شود و کسی عمدا نماز آیات را نخواند مستحب است که غسل نموده و قضای نماز را بخواند و در این فتوا بر طبق این روایت و امثال آن عمل کرده اند: غفاری- دقت شود: مترجم.

باب الثمانية عشر (باب هيجده گانه)

امير المؤمنين عليه السلام را هيجده مايه ناز و سرفرازی بود

لأمير المؤمنين عليه السلام ثمانی عشرة منقبة
۱ - حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْأَشْثَانِيُّ الرَّازِيُّ بِبَلْخٍ قَالَ أَخْبَرَنَا جَدِّي قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَفَّارٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ صَالِحِ الْمُقَرِّيِّ قَالَ حَدَّثَنَا إِسْرَائِيلُ عَنْ حَكِيمِ بْنِ جُبَيْرٍ عَنْ مُجَاهِدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ شَدَّادِ بْنِ الْهَادِ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ كَانَتْ لِعَلِيِّ عليه السلام ثَمَانِي عَشْرَةَ مَنقَبَةً لَوْ لَمْ يَكُنْ لَهُ إِلَّا وَاحِدَةٌ لَنَجَا وَ لَقَدْ كَانَتْ لَهُ ثَمَانِي عَشْرَةَ مَنقَبَةً لَمْ تَكُنْ لِأَحَدٍ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ

۱ - ابن عباس گوید: علی را هيجده مايه بزرگی بود که اگر جز یکی از آنها را نداشت نجات می یافت در حالی که (بجای یکی) هيجده مايه ناز و سروری داشت که در هيج يك از این امت نبود.

آنچه خدای عز و جل هيجده ساله را بدان سرزنش فرموده ما وبخ الله عز و جل به ابن ثمان عشرة سنة

۲ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيُّ بِإِسْنَادِهِ رَفَعَهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَوْ لَمْ نُعَمَّرْكُمْ مَا يَتَذَكَّرُ فِيهِ مَنْ تَذَكَّرَ قَالَ تَوْبِيخٌ لِابْنِ ثَمَانَ عَشْرَةَ سَنَةً

۲ - امام صادق عليه السلام در تفسیر آیه شریفه: (سوره فاطر- ۳۷) آیا به شما آنقدر عمر ندادیم که کسی که میخواست متذکر و متنبه شود می شد- فرمود: سرزنش است به هيجده ساله.

أبواب التسعة عشر (بابهای نوزده گانه)

نوزده جمله ای که هر کس آنها را بخواند از گرفتاری رهائی می یابد

تسعة عشر حرفاً فيها فرج للداعي بهن من الآفات

۱ - حَدَّثَنَا أَبُو أَحْمَدَ هَانِيُّ بْنُ مَحْمُودِ بْنِ هَانِيٍّ الْعَبْدِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الْقَادِرِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو مُحَمَّدٍ عَبْدِوَسُّ بْنُ مُحَمَّدِ الْبُلْغَاشَاذِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا مَنْصُورُ بْنُ أَسَدٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ أَخْبَرَنَا إِسْحَاقُ بْنُ يَحْيَى عَنْ خُصِيفِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ سَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ أَقْبَلَ عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَسَأَلَهُ شَيْئاً فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَا عَلِيُّ وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا مَا عِنْدِي قَلِيلٌ وَ لَا كَثِيرٌ وَ لَكِنِّي أَعْلَمُكَ شَيْئاً أَتَانِي بِهِ جِبْرَائِيلُ خَلِيلِي فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ هَذِهِ هَدِيَّةٌ لَكَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَكْرَمَكَ اللَّهُ بِهَا لَمْ يُعْطِهَا أَحَدًا قَبْلَكَ مِنْ الْأَنْبِيَاءِ وَ هِيَ تِسْعَةٌ عَشَرَ حَرْفًا لَا يَدْعُو بِهِنَّ مَلْهُوفٌ وَ لَا مَكْرُوبٌ وَ لَا مَحْزُونٌ وَ لَا مَغْمُومٌ وَ لَا عِنْدَ سَرَقٍ وَ لَا حَرَقٍ وَ لَا يَقُولُهُنَّ عَبْدٌ يَخَافُ سُلْطَانًا إِلَّا فَرَّجَ اللَّهُ عَنْهُ وَ هِيَ تِسْعَةٌ عَشَرَ حَرْفًا أَرْبَعَةٌ مِنْهَا مَكْتُوبَةٌ عَلَى جَبْهَةِ إِسْرَافِيلَ وَ أَرْبَعَةٌ مِنْهَا مَكْتُوبَةٌ عَلَى جَبْهَةِ مِيكَائِيلَ وَ أَرْبَعَةٌ مِنْهَا مَكْتُوبَةٌ حَوْلَ الْعَرْشِ وَ أَرْبَعَةٌ مِنْهَا مَكْتُوبَةٌ عَلَى جَبْهَةِ جِبْرَائِيلَ وَ ثَلَاثَةٌ مِنْهَا حَيْثُ شَاءَ اللَّهُ فَقَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَيْفَ نَدْعُو بِهِنَّ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ قُلْ يَا عِمَادَ مَنْ لَا عِمَادَ لَهُ وَ يَا ذُخْرَ مَنْ لَا ذُخْرَ لَهُ وَ يَا سَنَدَ مَنْ لَا سَنَدَ لَهُ وَ يَا حِرْزَ مَنْ لَا حِرْزَ لَهُ وَ يَا غِيَاثَ مَنْ لَا غِيَاثَ لَهُ وَ يَا كَرِيمَ الْعَفْوِ وَ يَا حَسَنَ الْبَلَاءِ وَ يَا عَظِيمَ الرَّجَاءِ وَ يَا عَوْنَ

الضُّعْفَاءِ وَ يَا مُنْقِذَ الْغَرْقَى وَ يَا مُنْجِي
 الْهَلْكَى يَا مُحْسِنُ يَا مُجْمِلُ يَا مُنْعِمُ يَا مُفْضِلُ
 أَنْتَ الَّذِي سَجَدَ لَكَ سَوَادُ اللَّيْلِ وَ نُورُ
 النَّهَارِ وَ ضَوْءُ الْقَمَرِ وَ شِعَاعُ الشَّمْسِ وَ دَوِيُّ
 الْمَاءِ وَ حَفِيفُ الشَّجَرِ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ أَنْتَ
 وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ ثُمَّ تَقُولُ اللَّهُمَّ افْعَلْ بِي
 كَذَا وَ كَذَا فَإِنَّكَ لَا تَقُومُ مِنْ مَجْلِسِكَ حَتَّى
 تُسْتَجَابَ لَكَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ- قال أحمد بن عبد الله
 قال أبو صالح لا تعلموا السفهاء ذلك

۱ - ابن عباس گوید: علی بن ابی طالب
 روی به پیغمبر آورد و چیزی از آن حضرت
 خواست پیغمبر باو فرمود: یا علی بآن که
 مرا پیغمبری بحق (برای مردم) فرستاد
 سوگند که نزد من هیچ از کم و بیش نیست
 ولی تو را چیزی می آموزم که دوست من
 جبرئیل برای من آورد و گفت یا محمد این
 هدیه ای است از نزد خدای عز و جل که تو
 را بآن گرامی داشته و به هیچ کس از
 پیغمبران پیشین این هدیه را نداد و آن
 نوزده جمله است که هر دلسوخته و هر
 مصیبت زده و هر اندوهناک و هر غمناک و
 هر کسی که در خطر دزد و آتش سوزی باشد
 آن ها را بخواند و هر بنده ای که از
 پادشاهی بترسد آن کلمات را بگوید خداوند
 برای او وسیله رهایی فراهم سازد و آن
 نوزده جمله است که چهار جمله آن بر
 پیشانی اسرافیل نوشته شده و چهار جمله اش
 بر پیشانی میکائیل و چهار جمله بر
 گرداگرد عرش و چهار جمله اش بر پیشانی
 جبرئیل و سه کلمه آن در جای که خدا
 خواسته است علی ابن ابی طالب عرض کرد:
 یا رسول الله چگونه آن ها را بخوانیم؟
 فرمود: بگو یا عماد من لا عماد له و یا
 ذخر من لا ذخر له و یا سند من لا سند له و
 یا حرز من لا حرز له و یا غیاث من لا غیاث
 له و یا کریم العفو و یا حسن البلاء و یا
 عظیم الرجاء و یا عون الضعفاء و یا منقذ

الفرقى و يا منجى الهلكى يا محسن يا
 مجمل يا منعم يا مفضل انت الذى سجد لك
 سواد الليل و نور النهار وضوء القمر و
 شعاع الشمس و دوى الماء و حفيف الشجر يا
 الله يا الله يا الله انت وحدك لا شريك لك سپس
 ميگوئى بار الها با من چنين و چنان بكن
 كه بطور مسلم از جاى خود برنخيزى تا
 اينكه دعای تو مستجاب شود ان شاء الله احمد
 بن عبد الله گوید: ابو صالح گفت: اين دعا
 را به نابخردان نياموزيد.

نوزده تکليف از زنان برداشته شده است

وضع عن النساء تسعة عشر شيئاً
 ٢ - حَدَّثَنَا أَبُو الْحُسَيْنِ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ
 الشَّاهِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو حَامِدٍ أَحْمَدُ بْنُ
 الْحُسَيْنِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو يَزِيدَ أَحْمَدُ بْنُ خَالِدِ
 الْخَالِدِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ صَالِحِ
 التَّمِيمِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي
 قَالَ حَدَّثَنِي أَنَسُ بْنُ مُحَمَّدٍ أَبُو مَالِكٍ عَنْ جَعْفَرِ
 بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ «أَبِي
 طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ» أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ قَالَ فِي وَصِيَّتِهِ لَهُ
 يَا عَلِيُّ لَيْسَ عَلَى النِّسَاءِ جُمُعَةٌ وَ لَا جَمَاعَةٌ وَ
 لَا أَذَانٌ وَ لَا إِقَامَةٌ وَ لَا عِيَادَةٌ مَرِيضٍ وَ لَا
 اثْبَاعُ جَنَازَةٍ وَ لَا هِرْوَالَةٌ بَيْنَ الصِّفَا وَ
 الْمَرْوَةِ وَ لَا اسْتِلَامُ الْحَجَرِ وَ لَا حَلْقٌ وَ لَا
 تَوَلَّى الْقَضَاءِ وَ لَا تُسْتَشَارُ وَ لَا تَذْبَحُ إِلَّا عِنْدَ
 الضَّرُورَةِ وَ لَا تَجْهَرُ بِالتَّلْيِيَةِ وَ لَا تُقِيمُ عِنْدَ
 قَبْرِ وَ لَا تَسْمَعُ الْخُطْبَةَ وَ لَا تَتَوَلَّى التَّزْوِيجَ
 وَ لَا تَخْرُجُ مِنْ بَيْتِ زَوْجِهَا إِلَّا بِإِذْنِهِ فَإِنْ
 خَرَجَتْ بِغَيْرِ إِذْنِهِ لَعَنَهَا اللَّهُ وَ جَبْرَائِيلُ وَ
 مِيكَائِيلُ وَ لَا تُعْطَى مِنْ بَيْتِ زَوْجِهَا شَيْئاً إِلَّا
 بِإِذْنِهِ وَ لَا تَبِيثُ وَ زَوْجُهَا عَلَيْهَا سَاخِطٌ وَ إِنْ
 كَانَ ظَالِمًا لَهَا

٢ - رسول خدا ﷺ ضمن وصيتى بامير
 المؤمنين عليه السلام فرمود يا على زنان را وظيفه
 نماز جمعه خواندن نيست و نه بنماز جماعت

رفتن و نه اذان گفتن و نه اقامه گفتن و نه عیادت بیمار و نه دنبال جنازه رفتن و نه در میان صفا و مروءة هرولتة کردن (دویدن) و نه حجر الاسود را لمس نمودن یا بوسیدن و نه سر تراشیدن و نه منصب قضاوت را متصدی شدن و نباید مورد مشورت قرار بگیرد و سر حیوانی را نباید ببرد مگر در حال ناچاری و لبیكهای احرام را نباید بلند بگوید و نباید نزد قبری بایستد و نباید خطبه را بشنود و نه کار ازدواج بدست گیرد و نباید از خانه شوهرش بیرون رود مگر با اجازه شوهر و چنانچه بی اجازه شوهرش بیرون رفت خدا و جبرئیل و میکائیل او را لعنت خواهند کرد و نباید از خانه شوهرش چیزی بکسی بدهد مگر با اجازه شوهر و شبی را سر ببالین نگذارد در حالی که شوهرش نسبت با او خشمگین باشد اگر چه شوهر به او ستم کرده باشد.

و او ندانست و حضرت پاسخ آنها را به طبیب گفت ذکر تسع عشرة مسألة سأل عنها الصادق عليه السلام الطیب الهندی فی مجلس المنصور

فلم يعلمها و أخبره الصادق عليه السلام بجوابها

۳ - حَدَّثَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ الطَّلَقَانِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو سَعِيدٍ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيِّ الْعَدَوِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا عَبَادُ بْنُ صُهَيْبٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنِ الرَّبِيعِ صَاحِبِ الْمَنْصُورِ قَالَ حَضَرَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ عليه السلام مَجْلِسَ الْمَنْصُورِ يَوْمًا وَ عِنْدَهُ رَجُلٌ مِنَ الْهِنْدِ يَقْرَأُ كَثَبَ الطَّبِّ فَجَعَلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عليه السلام يُنْصِتُ لِقِرَاءَتِهِ فَلَمَّا فَرَغَ الْهِنْدِيُّ قَالَ لَهُ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ أ تُرِيدُ مِمَّا مَعِيَ شَيْئًا قَالَ لَا فَإِنَّ مَا مَعِيَ خَيْرٌ مِمَّا مَعَكَ قَالَ وَ مَا هُوَ قَالَ أَدَاوِي الْخَارَ بِالْبَارِدِ وَ الْبَارِدَ بِالْخَارِ وَ الرُّطْبَ بِالْيَابِسِ وَ الْيَابِسَ بِالرُّطْبِ وَ أَرُدُّ الْأَمْرَ كُلَّهُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ أَسْتَغْمِلُ مَا قَالَهُ

رَسُولُهُ ﷺ وَ أَعْلَمُ أَنَّ الْمَعِدَةَ بَيْتُ الدَّاءِ وَ
الْجَمِيَّةُ هِيَ الدَّوَاءُ وَ أَعَوَّدُ الْبَدَنَ مَا اعْتَادَ
فَقَالَ الْهِنْدِيُّ وَ هَلِ الطَّبُّ إِلَّا هَذَا فَقَالَ
الصَّادِقُ عليه السلام أَ فَتَرَانِي عَنْ كُتُبِ الطَّبِّ أَخَذْتُ قَالَ
نَعَمْ قَالَ لَا وَ اللَّهُ مَا أَخَذْتُ إِلَّا عَنْ اللَّهِ سُبْحَانَهُ
فَأَخْبِرْنِي أَنَا أَعْلَمُ بِالطَّبِّ أَمْ أَنْتَ فَقَالَ
الْهِنْدِيُّ بَلْ أَنَا قَالَ الصَّادِقُ عليه السلام فَاسْأَلْكَ شَيْئًا
قَالَ سَلْ قَالَ عليه السلام أَخْبِرْنِي يَا هِنْدِيُّ لِمَ كَانَ فِي
الرَّأْسِ شُئُونَ قَالَ لَا أَعْلَمُ قَالَ فَلِمَ جُعِلَ
الشَّعْرُ عَلَيْهِ مِنْ فَوْقِهِ قَالَ لَا أَعْلَمُ قَالَ فَلِمَ
خَلَّتِ الْجَبْهَةُ مِنَ الشَّعْرِ قَالَ لَا أَعْلَمُ قَالَ فَلِمَ
كَانَ لَهَا تَخْطِيطٌ وَ أَسَارِيرٌ قَالَ لَا أَعْلَمُ قَالَ
فَلِمَ كَانَ الْحَاجِبَانِ مِنَ فَوْقِ الْعَيْنَيْنِ قَالَ لَا
أَعْلَمُ قَالَ فَلِمَ جُعِلَتِ الْعَيْنَانِ كَاللُّورَتَيْنِ
قَالَ لَا أَعْلَمُ قَالَ فَلِمَ جُعِلَ الْأَنْفُ فِيمَا
بَيْنَهُمَا قَالَ لَا أَعْلَمُ قَالَ وَ لِمَ كَانَ ثَقَبُ
الْأَنْفِ فِي أَسْفَلِهِ قَالَ لَا أَعْلَمُ قَالَ فَلِمَ جُعِلَتِ
الشَّقَّةُ وَ الشَّارِبُ مِنَ فَوْقِ الْفَمِ قَالَ لَا أَعْلَمُ
قَالَ فَلِمَ احْتَدَّ السِّنُّ وَ عَرَضَ الضَّرْسُ وَ طَالَ
النَّابُ قَالَ لَا أَعْلَمُ قَالَ فَلِمَ جُعِلَتِ اللَّحْيَةُ
لِلرِّجَالِ قَالَ لَا أَعْلَمُ قَالَ فَلِمَ خَلَّتِ الْكَفَّانِ
مِنَ الشَّعْرِ قَالَ لَا أَعْلَمُ قَالَ فَلِمَ خَلَا الظُّفْرُ وَ
الشَّعْرُ مِنَ الْحَيَاةِ قَالَ لَا أَعْلَمُ قَالَ فَلِمَ كَانَ
الْقَلْبُ كَحَبِّ الصَّنُوبَرِ قَالَ لَا أَعْلَمُ قَالَ فَلِمَ
كَانَتِ الرَّئِئَةُ قِطْعَتَيْنِ وَ جُعِلَ حَرَكَتُهَا فِي
مَوْضِعِهَا قَالَ لَا أَعْلَمُ قَالَ فَلِمَ كَانَتِ الْكَبِيدُ
حَدْبَاءً قَالَ لَا أَعْلَمُ قَالَ فَلِمَ كَانَتِ الْكُلْيَةُ
كَحَبِّ اللُّوبِيَا قَالَ لَا أَعْلَمُ قَالَ فَلِمَ جُعِلَ طِيُّ
الرُّكْبَتَيْنِ إِلَى خَلْفِ قَالَ لَا أَعْلَمُ قَالَ فَلِمَ
تَحَصَّرَتِ الْقَلَمَانِ قَالَ لَا أَعْلَمُ فَقَالَ الصَّادِقُ عليه السلام

لَكِنِّي أَعْلَمُ قَالَ فَاجِبٌ فَقَالَ الصَّادِقُ عليه السلام كَانَ
فِي الرَّأْسِ شُئُونَ لِأَنَّهُ الْمُجَوِّفُ إِذَا كَانَ بِلَا
فَضْلِ أَسْرَعَ إِلَيْهِ الصُّدَاعُ فَإِذَا جُعِلَ ذَا فَضُولٍ
كَانَ الصُّدَاعُ مِنْهُ أَبْعَدَ وَ جُعِلَ الشَّعْرُ مِنْ
فَوْقِهِ لِيُوصَلَ بِوُضُوءِهِ الْأَذْهَانَ إِلَى الدِّمَاغِ وَ
يَخْرُجُ بِأَطْرَافِهِ الْبُخَارَ مِنْهُ وَ يَرُدُّ الْحَرَ وَ

الْبَرْدِ الْوَارِدِينَ عَلَيْهِ وَ خَلَّتِ الْجَبْهَةُ مِنَ
الشَّعْرِ لِأَنَّهَا مَصْبُ النُّورِ إِلَى الْعَيْنَيْنِ وَ جُعِلَ
فِيهَا التَّخْطِيطُ وَ الْأَسَارِيرُ لِيُحْتَبَسَ الْعَرَقُ
الْوَارِدُ مِنَ الرَّأْسِ عَنِ الْعَيْنِ قَدْرَ مَا يُمِيطُهُ
الْإِنْسَانُ عَنِ نَفْسِهِ كَالْأَنْهَارِ فِي الْأَرْضِ الَّتِي
تُحْبَسُ الْمِيَاهُ وَ جُعِلَ الْحَاجِبَانِ مِنَ فَوْقِ
الْعَيْنَيْنِ لِيَرِدَ عَلَيْهِمَا مِنَ النُّورِ قَدْرَ
الْكِفَايَةِ أَلَا تَرَى يَا هِنْدِيُّ أَنَّ مَنْ غَلَبَهُ
النُّورُ جَعَلَ يَدُهُ عَلَى عَيْنَيْهِ لِيَرُدَّ عَلَيْهِمَا
قَدْرَ كِفَايَتِهِمَا مِنْهُ وَ جُعِلَ الْأَنْفُ فِيمَا
بَيْنَهُمَا لِيَقْسِمَ النُّورَ قِسْمَيْنِ إِلَى كُلِّ عَيْنٍ
سَوَاءً وَ كَانَتِ الْعَيْنُ كَاللُّوزَةِ لِيَجْرِيَ فِيهَا
الْمَيْلُ بِالذَّوَاءِ وَ يَخْرُجُ مِنْهَا الدَّاءُ وَ لَوْ
كَانَتْ مُرَبَّعَةً أَوْ مَدَوَّرَةً مَا جَرَى فِيهَا الْمَيْلُ
وَ مَا وَصَلَ إِلَيْهَا ذَوَاءٌ وَ لَا خَرَجَ مِنْهَا دَاءٌ وَ
جُعِلَ ثَقْبُ الْأَنْفِ فِي أَسْفَلِهِ لِيَنْزِلَ مِنْهُ الْأَذْوَاءُ
الْمُنْحَدِرَةُ مِنَ الدِّمَاجِ وَ يَصْعَدُ فِيهِ الْأَرَائِيخُ
إِلَى الْمَشَامِ وَ لَوْ كَانَ عَلَى أَعْلَاهُ لَمَا أَنْزَلَ
دَاءٌ وَ لَا وَجَدَ رَائِحَةً وَ جُعِلَ الشَّارِبُ وَ الشَّقَّةُ
فَوْقَ الْفَمِ لِيُحْتَبَسَ مَا يَنْزِلُ مِنَ الدِّمَاجِ عَنِ
الْفَمِ لِيَلَّا يَتَنَعَّصَ عَلَى الْإِنْسَانِ طَعَامُهُ وَ
شَرَابُهُ فَيُمِيطُهُ عَنِ نَفْسِهِ وَ جُعِلَتِ اللَّحْيَةُ
لِلرِّجَالِ لِيُسْتَعْنَى بِهَا عَنِ الْكَشْفِ فِي الْمَنْظَرِ
وَ يُعْلَمَ بِهَا الذَّكَرُ مِنَ الْأُنْثَى وَ جُعِلَ السِّنُّ
حَادًا لِأَنَّ بِهِ يَقَعُ الْمَضْغُ وَ جُعِلَ الضَّرْسُ عَرِيضًا
لِأَنَّ بِهِ يَقَعُ الطَّحْنُ وَ الْمَضْغُ وَ كَانَ النَّابُ
طَوِيلًا لِيَسْنِدَ الْأَضْرَاسَ وَ الْأَسْنَانَ كَالْأَسْطُوَانَةَ
فِي الْبِنَاءِ وَ خَلَا الْكَفَّانِ مِنَ الشَّعْرِ لِأَنَّ بِهِمَا
يَقَعُ اللَّمْسُ فَلَوْ كَانَ فِيهِمَا شَعْرٌ مَا دَرَى
الْإِنْسَانُ مَا يُقَابِلُهُ وَ يَلْمِسُهُ وَ خَلَا الشَّعْرُ وَ
الظُّفْرُ مِنَ الْحَيَاةِ لِأَنَّ طَوْلَهُمَا سَمَجٌ وَ قَصَّهُمَا
حَسَنٌ فَلَوْ كَانَ فِيهِمَا حَيَاةٌ لَأَلَمَ الْإِنْسَانُ
بِقَصَّهُمَا وَ كَانَ الْقَلْبُ كَحَبِّ الصَّنُوبَرِ لِأَنَّهُ
مُنْكَسٌ فَجُعِلَ رَأْسُهُ دَقِيقًا لِيَدْخُلَ فِي الرِّئَةِ
فَتَرَوَّحَ عَنْهُ بِبَرْدِهَا لِيَلَّا يَشِيْطُ الدِّمَاجُ بِحَرِّهِ
وَ جُعِلَتِ الرِّئَةُ قِطْعَتَيْنِ لِيَدْخُلَ بَيْنَ مَضَاغِطِهَا
فِيَتَرَوَّحَ عَنْهُ بِحَرَكَتِهَا وَ كَانَ الْكَبِدُ حَدْبَاءً

لِيَثْقَلَ الْمَعْدَةُ وَ يَقَعَ جَمِيعُهَا عَلَيْهَا
فَيَعْصِرَهَا لِيَخْرُجَ مَا فِيهَا مِنَ الْبُخَارِ وَ جُعِلَتْ
الْكُلْيَةُ كَحَبِّ اللُّوْيِيَا لِأَنَّ عَلَيْهَا مَصَبَّ الْمَنِيِّ
نُقْطَةً بَعْدَ نُقْطَةٍ فَلَوْ كَانَتْ مُرْبَعَةً أَوْ مُدَوَّرَةً
اِحْتَبَسَتْ النُّقْطَةُ الْأُولَى إِلَى الثَّانِيَةِ فَلَا
يَلْتَدُّ بِخُرُوجِهَا الْحَيُّ إِذِ الْمَنِيُّ يَنْزِلُ مِنْ
قَفَارِ الظَّهْرِ إِلَى الْكُلْيَةِ فَهِيَ كَالدُّودَةِ
تَنْقِيضٌ وَ تَنْبَسِطٌ تَرْمِيهِ أَوْلًا فَأَوْلًا إِلَى
الْمَثَانَةِ كَالْبُنْدُوقَةِ مِنَ الْقَوْسِ وَ جُعِلَ طَيُّ
الرُّكْبَةِ إِلَى خَلْفِ لِأَنَّ الْإِنْسَانَ يَمْشِي إِلَى بَيْنِ
يَدَيْهِ فَيَعْتَدِلُ الْحَرَكَاتُ وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَسَقَطَ فِي
الْمَشْيِ وَ جُعِلَتْ الْقَدَمُ مُخَصَّرَةً لِأَنَّ الْمَشْيَ إِذَا
وَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ جَمِيعُهُ ثَقُلَ كَثِقَلِ حَجَرِ الرَّحَى
فَإِذَا كَانَ عَلَى حَرْفِهِ رَفَعَهُ الصَّيِّ وَ إِذَا وَقَعَ
عَلَى وَجْهِهِ صَعَبَ نَقْلُهُ عَلَى الرَّجُلِ فَقَالَ لَهُ
الْهِنْدِيُّ مِنْ أَيِّنَ لَكَ هَذَا الْعِلْمُ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ
أَخَذْتُهُ عَنْ أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ عَنْ
جَبْرِئِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ جَلَّ جَلَالُهُ الَّذِي
خَلَقَ الْأَجْسَادَ وَ الْأَرْوَاحَ فَقَالَ الْهِنْدِيُّ صَدَقْتَ وَ
أَنَا أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ
اللَّهِ وَ عَبْدُهُ وَ أَنَّكَ أَعْلَمُ أَهْلَ زَمَانِكَ

۳ - ربیع نگهبان منصور گوید: روزی
امام صادق بمجلس منصور تشریف آورد و
مردی هندی که کتابهای طب را میخواند نزد
مأمون بود مدتی که آن مرد سرگرم خواندن
بود حضرت خاموش بود و گوش میداد چون
هندی از کار خواندن پرداخت بآن حضرت گفت
یا ابا عبد الله از آنچه با من است چیزی
میخواهی؟ فرمود: نه زیرا آنچه خود دارم
بهتر است از آنچه تو داری عرض کرد: آنچه
شما دارید چیست؟ فرمود: گرمی را با دوی
سرد و سردی را با داروی گرم و رطوبت را
با خشکی و خشکی را با رطوبت درمان می‌کنم
و همه کار را بخدای عز و جل باز
میگردانم و آنچه را که رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ
فرموده است بکار می‌بندم که فرمود: بدان

که معده جایگاه درد است و پرهیز درمان درد و آنچه را که بدن بآن عادت کرده بازش میدهم هندی عرض کرد: مگر طب جز این است؟

امام صادق علیه السلام فرمود تو پنداری که من از کتابهای طب این دستورات را فرا گرفته‌ام؟ عرض کرد: آری فرمود: نه بخدا فرا نگرفته‌ام مگر از خدای سبحان بگو بدانم من بعلم طب داناتم یا تو؟

خصلتهای پسندیده‌ای که امام زین العابدین علیه السلام بدانها ستوده هندی عرض کرد بلکه من. حضرت صادق فرمود: پس من چیزی از تو بپرسم؟ عرض کرد بپرس، فرمود: ای هندی بگو بدانم چرا در کاسه سر مرکز پیوند استخوانها هست؟ گفت نمیدانم فرمود: چرا موی سر بالای آن است؟ گفت: نمیدانم فرمود: چرا پیشانی مو ندارد؟ گفت نمیدانم: فرمود: چرا پیشانی چین و شکن دارد؟

گفت نمیدانم فرمود: چرا ابروان بالای دو چشم است؟ عرض کرد نمیدانم فرمود: چرا دو چشم همچون دو بادام است؟ گفت: نمیدانم فرمود: چرا بینی در میان دو چشم است؟ گفت نمیدانم فرمود: چرا سوراخ بینی در قسمت پائین آن است؟ گفت نمیدانم فرمود: چرا لب و سبیل بالای دهان است؟ گفت نمیدانم فرمود: چرا دندان جلو نازک است و دندان آسیا پهن و دندان ناب بلند؟ گفت: نمیدانم فرمود: چرا فقط مردها ریش دارند؟ گفت: نمیدانم فرمود: چرا دو کف دست مو ندارد؟ گفت نمیدانم فرمود: چرا ناخن و مو روح ندارد؟ گفت نمیدانم فرمود: چرا دل همچون دانه صنوبر است؟ گفت: نمیدانم فرمود: چرا شش دو قطعه است و در جای خودش حرکت می‌کند؟ گفت: نمیدانم فرمود: چرا سپرز میانش گود است؟ گفت:

نمیدانم فرمود: چرا کبید مانند دانه
 لوبیا است؟ گفت نمیدانم فرمود: چرا
 دو زانو به طرف پشت خم می‌شود؟ گفت
 نمیدانم فرمود: چرا کف پاها میان تهی
 هستند؟ گفت نمیدانم. امام صادق علیه السلام
 فرمود: ولی من همه را میدانم عرض کرد:
 پس پاسخ پرسشها را بفرمائید حضرت صادق
علیه السلام فرمود: کاسه سر مرکز پیوند استخوان
 دارد برای اینکه میان خالی است و اگر
 فاصله‌ای میان استخوانها نبود زودتر
 شکافته میشد و چون قطعه قطعه خلق گردد
 دیرتر شکافته می‌شود و مو بر فراز آن است
 برای اینکه از ریشه مو روغن‌ها بمغز برسد
 و از سر موها بخار بیرون رود و گرما و
 سرمائی را که بمغز وارد می‌شود باز
 گرداند و پیشانی مو ندارد برای اینکه
 رهگذر روشنائی چشم‌ها است و در پیشانی
 چین و شکن هست برای این است تا عرقی را
 که از سر بسوی چشم سرازیر است نگه دارد
 باندازه‌ای که آدمی بتواند آن را پاک کند
 مانند جویهائی که در زمین آب گیر روان
 است و دو ابرو و بر فراز دو دیده نهاده
 شد تا باندازه کفایت (نه بیشتر) نور
 بدانها برسد.

ای هندی نمی‌بینی کسیرا که چون روشنائی
 زیادی بر او میتابد دست خود را بر فراز
 دیدگان میگیرد تا روشنائی باندازه کافی
 بآنها برسد و بینی را در میان دو چشم
 قرار داد تا روشنائی را میان دو دیده
 بدو بخش مساوی قسمت کند و چشم مانند
 بادام شد تا میله دارو در آن گردش کند و
 بیماری از چشم بدر رود و اگر چهار گوش
 بود و یا گرد (دائره‌ای) دارو بهمه جای
 آن نمیرسد و بیماری از آن بیرون نمی‌شد
 و سوراخ بینی را در قسمت پائین آن قرار
 داد تا بیماریهائی که از مغز فرو میریزد

از آن بیرون شود و بوها از آن بمشام آدمی بالا رود و اگر سوراخ در قسمت بالای بینی بود بیماری از آن فرو نمی‌ریخت و بو را نیز درك نمی‌کرد و سبیل و لب را بر فراز دهن قرار داد تا آنچه را که از مغز فرو میریزد نگذارد بدهان برسد و غذای آدمی و نوشیدنی او ناگوار نشود و بتواند آن را از خود دور سازد و برای مردان ریش قرار داد تا در نخستین دیدار از کشف عورت بی‌نیاز باشد و مرد از زن تمیز داده شود و دندانهای جلو را نازک آفرید چون بوسیله آن جویدن انجام می‌گیرد و دندانهای کرسی را پهن قرار داد چون نرم کردن و جویدن با آنها انجام می‌گیرد و دندان نیش بلند شد تا همچون ستون ساختمان دندانهای جلو و کرسی را محکم نگهدارد و دو کف را بی‌مو قرار داد چون لمس با آنها انجام می‌گیرد و اگر مو در آنها بود آدمی آنچه را که با آن روبرو میشد و دست بر آن میکشید درك نمی‌کرد و مو و ناخن بی‌روح آفریده شدند چون بلند شدن آنها بد نما است و کوتاه کردنشان زیبا است و اگر روح داشتند آدمی هنگام کوتاه کردن آن احساس درد میکرد و دل مانند دانه صنوبر شد چون وارونه است و سرش باریک شده است تا در میان شش درآید و از خنکی ریه خنک شود و مغز از گرما نسوزد و شش دو قطعه قرار داده شد تا دل در میان آن درآید و از حرکت ریه خنک شود و کبد میان گود شد تا معده را سنگین کند و همه آن بر معده بیفتد و آن را فشار دهد و هر چه بخار در آن است بیرون آید و کبد مانند دانه لوبیا شد چون منی قطره قطره بر آن می‌چکد و اگر چهار گوش و یا گرد بود قطره اول در آن میماند تا دومی بر روی آن می‌چکد موجود زنده از بیرون آمدن منی لذت نمی‌برد زیرا منی از تهیگاه

پشت به کلیه فرو میریزد و کلیه در این حال مانند کرم جمع و باز می‌شود و یکی پس از دیگری قطره‌ها را همچون تیر از کمان به مثانه پرت میکند و تا شدن زانو بسمت عقب قرار داده شد زیرا آدمی که رو بجلو میرود حرکاتش هموار می‌شود و اگر زانو چنین نبود هنگام راه رفتن می‌افتاد و پاها را میان گود آفرید زیرا اگر در راه رفتن همه پا بر زمین میرسید مانند سنگ آسیا سنگین می‌شد که اگر سنگ آسیا بلبه روی زمین باشد بچه‌ای آن را بر می‌دارد و اگر برو بزمین افتد بر مرد نیز تکان دادنش دشوار است.

هندی بحضرت عرض کرد: این همه دانش برای تو از کجا است؟ فرمود از پدرانم گرفته‌ام و آنان از رسول خدا ﷺ و او از جبرئیل و او از خدای رب العالمین جل جلاله که تنها و جانها را آفرید گرفته است هندی گفت: راست فرمودی من گواهی میدهم که معبود بحقی بجز خداوند نیست و محمد فرستاده و بنده او است و تو دانشمندترین مردم زمان خودت می‌باشی.

أبواب العشرين و ما فوقه (بابهای خصلت‌های بیستگانه و بالاتر)

در دوستی خاندان پیغمبر ﷺ بیست خصلت
است

فی حب أهل البيت عليهم السلام عشرون خصلة
۱ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْفَضْلِ بْنِ زَيْدٍ وَهُوَ
الْجَلَّابُ الْهَمْدَانِيُّ بِهِمَدَانَ قَالَ حَدَّثَنَا
إِبْرَاهِيمُ بْنُ عُمَرُوسِ الْهَمْدَانِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا
الْحَسَنُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنْ سَعِيدِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ
أَبِيهِ عَنِ الْأَوْزَاعِيِّ عَنْ يَحْيَى بْنِ أَبِي كَثِيرٍ عَنْ
أَبِي سَلَمَةَ عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْخُدْرِيِّ قَالَ قَالَ
رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَنْ رَزَقَهُ اللَّهُ حُبَّ الْأَيْمَةِ مِنْ أَهْلِ
بَيْتِي فَقَدْ أَصَابَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَلَا
يَشْكُنُ أَحَدٌ أَنَّهُ فِي الْجَنَّةِ فَإِنَّ فِي حُبِّ أَهْلِ
بَيْتِي عَشْرُونَ «عِشْرِينَ خِصْلَةً عَشْرٌ مِنْهَا فِي
الدُّنْيَا وَعَشْرٌ مِنْهَا فِي الْآخِرَةِ أَمَّا الَّتِي فِي
الدُّنْيَا فَالزُّهْدُ وَالْحِرْصُ عَلَى الْعَمَلِ وَالْوَزَعُ فِي
الدِّينِ وَالرَّغْبَةُ فِي الْعِبَادَةِ وَالنُّوْبَةُ قَبْلَ الْمَوْتِ وَالنَّشَاطُ فِي قِيَامِ
اللَّيْلِ وَالْيَأْسُ مِمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ وَالْحِفْظُ لِأَمْرِ اللَّهِ وَنَهْيِهِ عَزَّ وَجَلَّ وَالنَّاسِغَةُ
بُغْضُ الدُّنْيَا وَالْعَاشِرَةُ السَّخَاءُ وَأَمَّا الَّتِي
فِي الْآخِرَةِ فَلَا يُنْشَرُ لَهُ دِيْوَانٌ وَلَا يُنْصَبُ لَهُ
مِيزَانٌ وَ يُعْطَى كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ وَ يُكْتَبُ لَهُ
بَرَاءَةٌ مِنَ النَّارِ وَ يَبْيِضُ وَجْهُهُ وَ يُكْسَى مِنْ
حُلْلِ الْجَنَّةِ وَ يَشْفَعُ فِي مَائَةٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ
يَنْظُرُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ بِالرَّحْمَةِ وَ يُتَوَجَّحُ مِنْ
تَيْجَانِ الْجَنَّةِ وَ الْعَاشِرَةُ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ بغيرِ
حِسَابٍ فَطُوبَى لِمُحِبِّي أَهْلِ بَيْتِي

۱ - رسول خدا ﷺ فرمود: هر کس را که
خداوند دوستی پیشوایان از خاندان مرا
نصیبش فرمود در حقیقت به خیر دنیا و
آخرت رسیده است پس هیچ کس تردیدی نداشته
باشد که او در بهشت است زیرا در دوستی

خاندان من بیست خصلت است ده از آنها در دنیا و ده از آنها در آخرت اما خصلتهائی که در دنیا است زهد است و حرص بعمل و پاک دامنی در دین و میل به پرستش خدا و توبه پیش از مرگ و شادمانی در شب زنده داری و نومییدی از آنچه در دست مردم است و نگهداری احترام امر و نهی خداوند عز و جل نهم کینه دنیا دهم سخاوت.

و اما آنچه در آخرت است دفتر حسابی برای او باز نشود و میزانی برای او بر پا نگردد و نامه او بدست راستش داده شود و فرمان بیزاری از آتش برای او نوشته شود و رویش سفید گردد و از جامه های بهشتی بر او پوشانیده شود و در باره صد نفر از خانواده خویش شفاعتش پذیرفته گردد و خدای عز و جل با نظر رحمت باو نظر فرماید و از تاج های بهشتی بر سرش گذاشته شود و دهم آنکه بدون حساب در بهشت درآید پس خوشا بحال دوستان خاندان من.

مؤمن را بر عهده خدای عز و جل بیست خصلت ثابت است

للمؤمن علی الله عز و جل عشرون خصلة
 ۲ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
 سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ
 الْبَرْقِيِّ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ
 مِهْرَانَ قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ
 اللَّهِ الْيَشْكُرِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْمُثَنَّى
 الْحَضْرَمِيُّ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ زَيْدٍ عَنْ جَابِرِ بْنِ
 يَزِيدَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لِلْمُؤْمِنِ عَلَى اللَّهِ عَزْ
 وَ جَلَّ عَشْرُونَ خِصْلَةً يَفِي لَهَا بِهَا عَلَى اللَّهِ تَبَارَكَ
 وَ تَعَالَى أَنْ لَا يَفْتَنَّهُ وَ لَا يُضِلَّهُ وَ لَهُ عَلَى اللَّهِ
 أَنْ لَا يُعْرِيَهُ وَ لَا يَجُوعَهُ وَ لَهُ عَلَى اللَّهِ أَنْ لَا
 يُشْمِتَ بِهِ عَدُوَّهُ وَ لَهُ عَلَى اللَّهِ أَنْ لَا يَخْذُلَهُ وَ
 يَعْزِلَهُ وَ لَهُ عَلَى اللَّهِ أَنْ لَا يَهْتِكَ سِتْرَهُ وَ لَهُ

عَلَى اللَّهِ أَنْ لَا يُمِيتَهُ غَرَقاً وَ لَا حَرَقاً وَ لَهُ
عَلَى اللَّهِ أَنْ لَا يَقَعَ عَلَى شَيْءٍ وَ لَا يَقَعَ عَلَيْهِ
شَيْءٌ وَ لَهُ عَلَى اللَّهِ أَنْ يَقِيَهُ مَكْرَ الْمَاكِرِينَ وَ
لَهُ عَلَى اللَّهِ أَنْ يُعِيدَهُ مِنْ سَطَوَاتِ الْجَبَّارِينَ وَ
لَهُ عَلَى اللَّهِ أَنْ يَجْعَلَهُ مَعَنَا فِي الدُّنْيَا وَ
الْآخِرَةِ وَ لَهُ عَلَى اللَّهِ أَنْ لَا يُسَلِّطَ عَلَيْهِ مِنْ
الْأَدْوَاءِ مَا يَشِينُ خَلْقَتَهُ وَ لَهُ عَلَى اللَّهِ أَنْ
يُعِيدَهُ مِنَ الْبَرَصِ وَ الْجُدَامِ وَ لَهُ عَلَى اللَّهِ أَنْ
لَا يُمِيتَهُ عَلَى كَبِيرَةٍ وَ لَهُ عَلَى اللَّهِ أَنْ لَا
يُنْسِيَهُ مُقَامَهُ فِي الْمَعَاصِي حَتَّى يُحْدِثَ تَوْبَةً وَ
لَهُ عَلَى اللَّهِ أَنْ لَا يَحْجُبَ عَنْهُ مَعْرِفَتَهُ بِحُجَّتِهِ وَ
لَهُ عَلَى اللَّهِ أَنْ لَا يُعَزِّزَ فِي قَلْبِهِ الْبَاطِلَ وَ لَهُ
عَلَى اللَّهِ أَنْ يَحْشُرَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ نُورَهُ يَسْعَى
بَيْنَ يَدَيْهِ وَ لَهُ عَلَى اللَّهِ أَنْ يُوفِّقَهُ لِكُلِّ خَيْرٍ وَ
لَهُ عَلَى اللَّهِ أَنْ لَا يُسَلِّطَ عَلَيْهِ عَدُوَّهُ فَيُذِلَّهُ وَ
لَهُ عَلَى اللَّهِ أَنْ يُخْتَمَ لَهُ بِالْأَمْنِ وَ الْإِيمَانِ وَ
يَجْعَلَهُ مَعَنَا فِي الرَّفِيقِ الْأَعْلَى هَذِهِ شَرَايِطُ اللَّهِ
عَزَّ وَ جَلَّ لِلْمُؤْمِنِينَ

۲ - امام باقر عليه السلام فرمود: مؤمن را بر
عهده خدای عز و جل بیست خصلت ثابت است
که خداوند به آنها وفا خواهد فرمود: بر
خدای تبارک و تعالی است که او را
آزمایشی گمراه کننده نفرماید و او را بر
خدا است که برهنه و گرسنه اش نگذارد و او
را بر خدا است که مورد سرزنش دشمنش قرار
ندهد و او را بر خدا است که خوار و
گوشه نشینش نسازد و او را بر خدا است که
پرده آبرویش را ندرد و او را بر خدا است
که با غرق شدن و سوختن جان او را نگیرد
و او را بر خدا است که بر چیز خطرناکی
نیفتد و چیز خطرناکی بر او نیفتد و او
را بر خدا است که از نیرنگ نیرنگ
بازان اش نگه دارد و او را بر خدا است که
از حمله های ستمگران اش پناه دهد و او را
بر خدا است که در دنیا و آخرت همنشین ما
قرارش دهد و او را بر خدا است که از
بیماری ها بآنچه صورت ظاهری او را بد نما

کند دچارش نسازد و او را بر خدا است که از بیماری پیسی و خوره پناه دهد و او را بر خدا است که در حال انجام گناه کبیره جانش را نستاند و او را بر خدا است که روزگار گنهکاریش را از یادش نبرد تا زود بزود توبه کند و او را بر خدا است که شناسائی حجت خدا را از او پنهان نکند و او را بر خدا است که باطل را در دل او عزیز نکند و او را بر خدا است که روز رستاخیز در حالی که نور ایمانش در پیشاپیش راهنمائیش میکند محشورش فرماید و او را بر خدا است که بهر کار خوبی توفیقهش عطا فرماید و او را بر خدا است که دشمنش را بر او مسلط نفرماید که او را خوار کند و او را بر خدا است که سرانجامش را با آسایش خواطر و ایمان بپایان برساند و او را در بهشت بلند پایه همنشین ما قرار دهد اینها است شرطهای خدای عز و جل برای مؤمنان.

پاداش کسی که بیست بار به حج رفته باشد

ثواب من حج عشرین حجة
 ۳ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
 أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ
 بْنُ يَحْيَى بْنِ عِمْرَانَ الْأَشْعَرِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ
 بْنُ يَحْيَى الْمُعَاذِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدِ
 الطَّيَالِسِيِّ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ أَبِي بَكْرٍ
 الْحَضْرَمِيِّ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مَنْ حَجَّ
 عَشْرِينَ حَجَّةً لَمْ يَرَ جَهَنَّمَ وَ لَمْ يَسْمَعْ شَهيقَهَا
 وَ لَا زَفِيرَهَا

۳ - امام صادق عليه السلام فرمود: کسی که بیست بار بحج رفته باشد نه دوزخ را می بیند و نه فریاد و آواز افروخته شدن آن را می شنود.

بيان بيست و سه خصلت از خصلتهاى
 پسندیده‌اى كه امام زين العابدين عليه السلام
 بدانها ستوده ميشد ذكر ثلاث و عشرين
 خصلة من الخصال المحموده التى وصف
 بها على بن الحسين زين العابدين ع
 ٤ - حَدَّثَنَا الْمُظْفَرُ بْنُ جَعْفَرِ بْنِ الْمُظْفَرِ
 بْنِ الْعَلَوِيِّ السَّمَرْقَنْدِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ حَدَّثَنَا
 جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مَسْعُودِ الْعِيَّاشِيِّ عَنْ أَبِيهِ
 قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدِ
 الطَّيَالِسِيِّ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادِ
 الْأَزْدِيِّ عَنْ حَمْرَةَ بْنِ حُمْرَانَ عَنْ أَبِيهِ حُمْرَانَ
 بْنِ أَعْيَنَ عَنْ أَبِي جَعْفَرِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ
 الْبَاقِرِ عليه السلام قَالَ كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليه السلام يُصَلِّي
 فِي الْيَوْمِ وَاللَّيْلَةِ أَلْفَ رُكْعَةٍ كَمَا كَانَ
 يَفْعَلُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام كَانَتْ لَهُ خَمْسُمِائَةَ
 نَخْلَةً فَكَانَ يُصَلِّي عِنْدَ كُلِّ نَخْلَةٍ رُكْعَتَيْنِ وَ
 كَانَ إِذَا قَامَ فِي صَلَاتِهِ غَشِيَ لَوْنَهُ لَوْنُ آخِرٍ وَ
 كَانَ قِيَامُهُ فِي صَلَاتِهِ قِيَامَ الْعَبْدِ الدَّلِيلِ
 بَيْنَ يَدَيِ الْمَلِكِ الْجَلِيلِ كَانَتْ أَعْضَاؤُهُ تَرْتَعِدُ
 مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ كَانَ يُصَلِّي صَلَاةَ مُوَدَّعٍ
 يَرَى أَنَّهُ لَا يُصَلِّي بَعْدَهَا أَبَدًا وَ لَقَدْ صَلَّى
 ذَاتَ يَوْمٍ فَسَقَطَ الرِّدَاءُ عَنْ أَحَدِ مَنْكِبَيْهِ فَلَمْ
 يُسَوِّهِ حَتَّى فَرَعَ مِنْ صَلَاتِهِ فَسَأَلَهُ بَعْضُ أَصْحَابِهِ
 عَنْ ذَلِكَ فَقَالَ وَيْحَكَ أ تَدْرِي بَيْنَ يَدَيِ مَنْ كُنْتُ
 إِنَّ الْعَبْدَ لَا يُقْبَلُ مِنْ صَلَاتِهِ إِلَّا مَا أَقْبَلَ
 عَلَيْهِ مِنْهَا بِقَلْبِهِ فَقَالَ الرَّجُلُ هَلَكْنَا فَقَالَ
 كَلَّا إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ مُتَّمُّ ذَلِكَ بِالنُّوَافِلِ وَ
 كَانَ عليه السلام لِيَخْرُجُ فِي اللَّيْلَةِ الظُّلْمَاءِ فَيَحْمِلُ
 الْجِرَابَ عَلَى ظَهْرِهِ وَ فِيهِ الصُّرَرُ مِنْ
 الدَّنَانِيرِ وَ الدَّرَاهِمِ وَ رُبَّمَا حَمَلَ عَلَى ظَهْرِهِ
 الطَّعَامَ أَوْ الْحَطَبَ حَتَّى يَأْتِيَ بَابًا بَابًا
 فَيَقْرَعُهُ ثُمَّ يُنَاوِلُ مَنْ يَخْرُجُ إِلَيْهِ وَ كَانَ
 يُعْطَى وَجْهَهُ إِذَا نَاوَلَ فَقِيرًا لِيَلَّا يَعْرِفَهُ
 فَلَمَّا تُوَفِّي عليه السلام فَقَدُوا ذَلِكَ فَعَلِمُوا أَنَّهُ كَانَ
 عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليه السلام وَ لَمَّا وُضِعَ عليه السلام عَلَى الْمُغْتَسَلِ
 نَظَرُوا إِلَى ظَهْرِهِ وَ عَلَيْهِ مِثْلُ رُكْبِ الْإِيلِ مِمَّا

كَانَ يَحْمِلُ عَلَى ظَهْرِهِ إِلَى مَنَازِلِ الْفُقَرَاءِ وَ
 الْمَسَاكِينِ وَ لَقَدْ خَرَجَ ذَاتَ يَوْمٍ وَ عَلَيْهِ مِطْرَفٌ
 خَزٌّ فَعَرَضَ لَهُ سَائِلٌ فَتَعَلَّقَ بِالْمِطْرَفِ فَمَضَى وَ
 تَرَكَهُ وَ كَانَ يَشْتَرِي الْخَزَّ فِي الشِّتَاءِ فَإِذَا
 جَاءَ الصَّيْفُ بَاعَهُ فَتَصَدَّقَ بِثَمَنِهِ وَ لَقَدْ نَظَرَ ﷺ
 يَوْمَ عَرَفَةَ إِلَى قَوْمٍ يَسْأَلُونَ النَّاسَ فَقَالَ
 وَيَحْكُمُ

أَ غَيْرَ اللَّهِ تَسْأَلُونَ فِي مِثْلِ هَذَا الْيَوْمِ إِنَّهُ
 لَيُرْجَى فِي هَذَا الْيَوْمِ لِمَا فِي بُطُونِ الْحَبَالِيِّ
 أَنْ يَكُونُوا سُعْدَاءَ وَ لَقَدْ كَانَ ﷺ يَأْبَى أَنْ
 يُؤَاكِلَ أُمَّهُ فَقِيلَ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ أَنْتَ
 أَبْرُ النَّاسِ وَ أَوْصَلَهُمْ لِلرَّحِمِ فَكَيْفَ لَا تُؤَاكِلُ
 أُمَّكَ فَقَالَ إِنِّي أَكْرَهُ أَنْ تَسِيَقَ يَدِي إِلَى مَا
 سَبَقَتْ عَيْنُهَا إِلَيْهِ وَ لَقَدْ قَالَ لَهُ ﷺ يَا
 ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِنِّي لِأَحِبُّكَ فِي اللَّهِ حُبًّا شَدِيدًا
 فَقَالَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَحَبَّ لَكَ وَ أَنْتَ
 لِي مُبْغِضٌ وَ لَقَدْ حَجَّ عَلَى نَاقَةٍ لَهُ عَشْرِينَ حِجَّةً
 فَمَا قَرَعَهَا بِسَوْطٍ فَلَمَّا تَوَفَّتْ أَمَرَ بِدَفْنِهَا
 لَيْلًا تَأْكُلُهَا السَّبَاعُ وَ لَقَدْ سئِلْتُ عَنْهُ مَوْلَاهُ
 لَهُ فَقَالَتْ أَطْنِبُ أَوْ أَخْتَصِرُ فَقِيلَ لَهَا بَلِ
 اخْتَصِرِي فَقَالَتْ مَا أَتَيْتُهُ بِطَعَامٍ نَهَارًا قَطُّ وَ
 مَا فَرَشْتُ لَهُ فِرَاشًا بَلِيلٍ قَطُّ وَ لَقَدْ انْتَهَى
 ذَاتَ يَوْمٍ إِلَى قَوْمٍ يَغْتَابُونَهُ فَوَقَفَ عَلَيْهِمْ
 فَقَالَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ فَعَفِّرُ اللَّهُ لِي وَ إِنْ
 كُنْتُمْ كَاذِبِينَ فَعَفِّرُ اللَّهُ لَكُمْ فَكَانَ ﷺ إِذَا جَاءَهُ
 طَالِبُ عِلْمٍ فَقَالَ مَرْحَبًا بِوَصِيَّةِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ ثُمَّ
 يَقُولُ إِنْ طَالِبَ الْعِلْمِ إِذَا خَرَجَ مِنْ مَنْزِلِهِ لَمْ
 يَضَعْ رِجْلَهُ عَلَى رَطْبٍ وَ لَا يَابِسٍ مِنَ الْأَرْضِ إِلَّا
 سَبَّحَتْ لَهُ إِلَى الْأَرْضِينَ السَّابِعَةَ وَ لَقَدْ كَانَ
 يَعُولُ مِائَةَ أَهْلِ بَيْتٍ مِنْ فُقَرَاءِ الْمَدِينَةِ وَ
 كَانَ يُعْجِبُهُ أَنْ يَحْضُرَ طَعَامَهُ الْيَتَامَى وَ
 الْأَضْرَاءَ وَ الرِّمْنَى وَ الْمَسَاكِينُ الَّذِينَ لَا
 حِيلَةَ لَهُمْ وَ كَانَ يُنَاوِلُهُمْ بِيَدِهِ وَ مَنْ كَانَ
 لَهُمْ مِنْهُمْ عِيَالٌ حَمَلَهُ إِلَى عِيَالِهِ مِنْ طَعَامِهِ
 وَ كَانَ لَا يَأْكُلُ طَعَامًا حَتَّى يَبْدَأَ فَيَتَصَدَّقَ
 بِمِثْلِهِ وَ لَقَدْ كَانَ يَسْقُطُ مِنْهُ كُلَّ سَنَةٍ سَبْعُ

ثَفِينَاتٍ مِنْ مَوَاضِعِ سُجُودِهِ لِكَثْرَةِ صَلَاتِهِ وَ كَانَ يَجْمَعُهَا فَلَمَّا مَاتَ دُفِنَتْ مَعَهُ وَ لَقَدْ كَانَ بَكَى عَلَى أَبِيهِ الْحُسَيْنِ عليه السلام عِشْرِينَ سَنَةً وَ مَا وَضِعَ بَيْنَ يَدَيْهِ طَعَامٌ إِلَّا بَكَى حَتَّى قَالَ لَهُ مَوْلَى لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ أَمَا آَنَ لِحُزْنِكَ أَنْ يَنْقُضِي فَقَالَ لَهُ وَيْحَكَ إِنْ يَعْقُوبَ النَّبِيُّ عليه السلام

كَانَ لَهُ اثْنَا عَشَرَ ابْنًا فَغَيَّبَ اللَّهُ عَنْهُ وَاحِدًا مِنْهُمْ فَأَبْيَضَتْ عَيْنَاهُ مِنْ كَثْرَةِ بُكَائِهِ عَلَيْهِ وَ شَابَ رَأْسُهُ مِنَ الْحُزْنِ وَ أَحْدَوْدَبَ ظَهْرُهُ مِنَ الْعَمِّ وَ كَانَ ابْنُهُ حَيًّا فِي الدُّنْيَا وَ أَنَا نَظَرْتُ إِلَى أَبِي وَ أَخِي وَ عَمِّي وَ سَبْعَةَ عَشَرَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي مَقْتُولِينَ حَوْلِي فَكَيْفَ يَنْقُضِي حُزْنِي

٤ - امام باقر عليه السلام فرمود: امام زین العابدین عليه السلام در شبانه روز هزار رکعت نماز میگذارد هم چنان که امیر المؤمنین عليه السلام میخواند و او را پانصد نخله خرما بود و نزد هر نخله دو رکعت نماز میخواند و چون بنماز می ایستاد رنگش دیگرگون میشد و همچون بنده ای ذلیل که در پیشگاه پادشاهی بزرگوار ایستاده باشد در نماز می ایستاد و اندامش از ترس خداوند عز و جل میلرزید و نمازش چنان بود که گوئی با نماز وداع میکند و دیگر هرگز نماز نخواهد خواند روزی نماز میخواند عبا از یک دوشاش افتاد حضرت آن را درست نکرد تا از نمازش فارغ شد بعضی از اصحابش در این باره از آن حضرت پرسید فرمود: وای بر تو آیا میدانی در پیشگاه چه کسی ایستاده بودم؟ همانا از نماز بنده پذیرفته نمیشود مگر همان قدر که به دل متوجه خدا بوده است آن مرد عرض کرد. بنا بر این ما هلاک شدیم فرمود: نه چنین است خدای عز و جل این کم بود را با نافله ها پر میکند و حضرتش در شبهای تار بیرون میرفت و کیسه های دینار و درهم بر دوش میکشید و گاهی خوراکی و یا هیزم بر پشت میگرفت تا آنکه یک یک در

خانه‌ها را میکوفت و آنچه را که بر دوش داشت بدست آن کس که در را میگشود میداد و هر گاه به فقیر چیزی میداد صورت خود را می‌پوشید که او را نشناسد و چون وفات کرد و این کار را از کسی ندیدند دانستند آنکه این کار میکرد علی بن الحسین علیه السلام بود و چون بدن شریف حضرت را بر غسلگاه گذاشتند پشت آن حضرت را مشاهده کردند که مانند زانوی شتر پینه بسته بود از بس که بخانه‌های فقراء و مساکین بار بدوش کشیده بود و روزی از خانه بیرون شد و دوش انداز خزی بدوش داشت گدائی بر سر راه آمد و بدوش انداز در آویخت حضرت بر راه افتاد و آن را بجای گذاشت و در فصل زمستان خز می‌خرید چون تابستان میرسید آن را میفروخت و بهایش را صدقه میداد و روز عرفه‌ای جمعی را دید که از مردم گدائی میکنند فرمود: وای بر شما آیا در چنین روزی از غیر خدا گدائی میکنید؟ در حالی که امید میرود در امروز پرتو سعادت به بچه‌های در رحم مادران نیز بتابد و چنین بود که از هم خوراک شدن با مادرش خود داری میفرمود بخدمتش عرض شد: ای پس پیغمبر شما که از همه مردم نیکوکارتر و از همه بیشتر صله رحم میکنید چرا با مادر خود هم خوراک نمیشوید؟ فرمود: خوش ندارم که مبادا پیش دستی کنم بخدائی که مادرم چشم بر او داشته است، مردی بآن حضرت عرض کرد: ای فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم برآستی که من تو را در راه خدا بسیار دوست دارم فرمود: بار الها من بتو پناهنده میشوم از اینکه دیگری بخاطر تو مرا دوست بدارد و تو مرا دشمن داشته باشی و آن حضرت ناچه‌ای داشت که بیست بار با آن بحج رفته بود و هرگز بآن تازیانه نزده بود و چون آن ناچه مرد دستور فرمود

به خاکش بسپارند تا درندگان آن را
 نخورند و کنیزی داشت که احوال آن حضرت
 را از او پرسیدند گفت سخن دراز گویم یا
 کوتاه گفته شد: کوتاه بگو گفت: هرگز
 بروز برای او غذا نیاوردم و هرگز بشب
 بستر برای او نگستردم روزی گذارشان
 بجمعی افتاد که نسبت بحضرتش بدگوئی
 میکردند نزد آنان ایستاد و فرمود: اگر
 در گفتار خود راست گوئید خداوند مرا
 بیامرزد و اگر دروغگو هستید خداوند شما
 را بیامرزد و از عادت حضرت این بود که
 چون دانش آموزی بخدمتش میرسید میفرمود:
 خوش آمدی ای سفارش شده رسول خدا ﷺ سپس
 میفرمود برآستی که چون دانش آموز از
 خانه خود بیرون می آید پای خود بر هیچ تر
 و خشکی از زمین نمیگذارد مگر آنکه تا
 هفتمین طبقه زمین برای او تسبیح میگویند
 و يك صد خانواده از فقیران مدینه را
 سرپرستی میفرمود و از اینکه یتیمان و
 بیچارگان و زمینگیرشده گان و تهی دستانی
 که راه چاره ندارند بر سر سفره او
 بنشینند خوشش می آمد و با دست خود لقمه
 برای آنان می گرفت و هر يك از آنان که
 عائله مند بود از غذای خود برای عائله اش
 می برد و غذائی نمی خورد تا آنکه اول
 مانند آن غذا را صدقه میداد و هر سال
 هفت پینه از هفت محل سجده او می افتاد از
 بس نماز میخواند و آن حضرت آن پینه ها را
 جمع آوری میفرمود و چون از دنیا رحلت
 فرمود آن پینه ها به همراه او بخاک سپرده
 شد و بر پدرش حسین علیه السلام بیست سال گریست و
 غذائی به پیش آن حضرت گذاشته نشد مگر
 آنکه گریست تا آنجا که غلامش عرض کرد ای
 فرزند رسول خدا ﷺ آیا روزگار اندوه تو
 بسر نیامد؟ فرمود: وای بر تو یعقوب
 پیغمبر دوازده پسر داشت و خداوند یکی از

آنان را از چشم او پنهان کرد یعقوب از بس بر او گریست دیدگانش کور و موی سرش از اندوه سفید گشت و پشتش از بار غم خمید و حال آنکه پسرش در دنیا زنده بود و من خودم دیدم که پدرم و برادرم و عمویم و هفده نفر از خاندانم کشته و در کنار من افتاده بودند پس چگونه روزگار اندوه من بسر آید؟

آنچه در باره شب بیست و یکم و بیست و سوم ماه رمضان رسیده است

ما جاء في ليلة إحدى و عشرين و ثلاث و عشرين من شهر رمضان
 ٥ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَادِ بْنِ عَثْمَانَ عَنْ فَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ كَانَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام إِذَا كَانَتْ لَيْلَةٌ إِحْدَى وَ عَشْرِينَ وَ ثَلَاثٍ وَ عَشْرِينَ أَخَذَ فِي الدُّعَاءِ حَتَّى يَزُولَ اللَّيْلُ فَإِذَا زَالَ اللَّيْلُ صَلَّى

٥ - فضیل بن یسار گوید: امام باقر علیه السلام را عادت این بود که چون شب بیست و یکم و بیست و سوم میشد بدعا میپرداخت تا نیمه شب و چون شب از نیمه میگذشت نماز میخواند

٦ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَبَانَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ سُلَيْمَانَ الْجَعْفَرِيِّ قَالَ قَالَ أَبُو الْحَسَنِ عليه السلام صَلَّى لَيْلَةَ إِحْدَى وَ عَشْرِينَ وَ لَيْلَةَ ثَلَاثٍ وَ عَشْرِينَ مِائَةَ رَكْعَةٍ تَقْرَأُ فِي كُلِّ رَكْعَةٍ الْحَمْدَ مَرَّةً وَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ عَشْرَ مَرَّاتٍ

٦ - سلیمان جعفری گوید: امام موسی بن جعفر فرمود: شب بیست و یکم و بیست و سوم

يك صد ركعت نماز بخوان در هر ركعت حمد يك بار و قل هو الله احد ده بار.

۷ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ عَنْ رِفَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ لَيْلَةُ الْقَدْرِ هِيَ أَوَّلُ السَّنَةِ وَ هِيَ آخِرُهَا

و اتفق مشايخنا رضى الله عنهم على أنها ليلة ثلاث و عشرين من شهر رمضان و الغسل فيها من أول الليل و هو يجرى إلى آخره

۸ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ حَسَّانَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ سَأَلْتُهُ عَنْ لَيْلَةِ الْقَدْرِ فَقَالَ التَّمِسُّهَا لَيْلَةٌ إِحْدَى وَ عِشْرِينَ وَ لَيْلَةٌ ثَلَاثٍ وَ عِشْرِينَ

۷ - امام صادق عليه السلام فرمود: شب قدر شب اول سال است و شب پايان سال استادان ما اتفاق دارند كه شب بيست و سوم از ماه رمضان شب قدر است و وقت غسل در آن شب از اول شب است و تا آخر شب وقت غسل باقى است. ۸- حسان بن مهران گويد: از امام صادق عليه السلام از شب قدر پرسيدم فرمود: در شب بيست و يكم و شب بيست و سوم آن را جستجو كن.

از بیست و چهار خصلت نهی شده است

النهی عن أربع و عشرين خصلة
٩ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ
الْحُسَيْنِ بْنِ الْحَسَنِ الْقَرَشِيِّ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ
حَفْصِ الْبَصْرِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ زَيْدِ
بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ
عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ آبَائِهِ عَنْ
عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ
كَرِهَ لَكُمْ أَيْتُهَا الْأُمَّةُ أَرْبَعًا وَ عَشْرِينَ خَصْلَةً
وَ نَهَاكُمْ عَنْهَا كَرِهَ لَكُمْ الْعَبَثُ فِي الصَّلَاةِ وَ
كَرِهَ الْمَنِّ فِي الصَّدَقَةِ وَ كَرِهَ الضَّحْكَ بَيْنَ
الْقُبُورِ وَ كَرِهَ التَّطَلُّعَ فِي الدُّورِ وَ كَرِهَ
النَّظَرَ إِلَى فُرُوجِ النِّسَاءِ وَ قَالَ يُورِثُ الْعَمَى
وَ كَرِهَ الْكَلَامَ عِنْدَ الْجَمَاعِ وَ قَالَ يُورِثُ
الْخَرَسَ يَعْنِي فِي الْوَلَدِ وَ كَرِهَ النَّوْمَ قَبْلَ
الْعِشَاءِ الْأَخِرَةِ وَ كَرِهَ الْحَدِيثَ بَعْدَ الْعِشَاءِ
الْأَخِرَةِ وَ كَرِهَ الْغُسْلَ تَحْتَ السَّمَاءِ بِغَيْرِ مِئْزَرٍ
وَ كَرِهَ الْمُجَامَعَةَ تَحْتَ السَّمَاءِ وَ كَرِهَ دُخُولَ
الْأَنْهَارِ إِلَّا بِمِئْزَرٍ وَ قَالَ فِي الْأَنْهَارِ عُمَارٌ وَ
سُكَّانٌ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَ كَرِهَ دُخُولَ الْحَمَامَاتِ إِلَّا
بِمِئْزَرٍ وَ كَرِهَ الْكَلَامَ بَيْنَ الْأَذَانِ وَ الْإِقَامَةِ
فِي صَلَاةِ الْعِدَاةِ حَتَّى تُقْضَى الصَّلَاةُ وَ كَرِهَ
رُكُوبَ الْبَحْرِ فِي هَيْجَانِهِ وَ كَرِهَ النَّوْمَ فِي
سَطْحٍ لَيْسَ بِمُحَجَّرٍ وَ قَالَ مَنْ نَامَ عَلَى سَطْحٍ غَيْرِ
ذِي مُحَجَّرٍ فَقَدْ بَرِئْتُ مِنْهُ الدَّمَةَ وَ كَرِهَ أَنْ
يَنَامَ الرَّجُلُ فِي بَيْتٍ وَحْدَهُ وَ كَرِهَ لِلرَّجُلِ أَنْ
يَغْشَى امْرَأَتَهُ وَ هِيَ حَائِضٌ فَإِنْ غَشِيَهَا فَخَرَجَ
الْوَلَدُ مَجْدُومًا أَوْ أَبْرَصَ فَلَا يَلُومَنَّ إِلَّا نَفْسَهُ
وَ كَرِهَ أَنْ يَغْشَى الرَّجُلُ امْرَأَتَهُ وَ قَدْ احْتَلَمَ
حَتَّى يَغْتَسِلَ مِنْ احْتِلَامِهِ الَّذِي رَأَى فَإِنْ فَعَلَ
فَخَرَجَ الْوَلَدُ مَجْدُومًا فَلَا يَلُومَنَّ إِلَّا نَفْسَهُ وَ
كَرِهَ أَنْ يُكَلِّمَ الرَّجُلُ مَجْدُومًا إِلَّا أَنْ يَكُونَ
بَيْنَهُ وَ بَيْنَ الْمَجْدُومِ قَدْرُ ذِرَاعٍ وَ قَالَ فِرٌّ
مِنَ الْمَجْدُومِ فِرَارَكَ مِنَ الْأَسَدِ وَ كَرِهَ الْبَوْلَ
عَلَى شَطِّ نَهْرٍ جَارِيٍّ «جَارٍ وَ كَرِهَ أَنْ يُحَدِّثَ

الرَّجُلُ تَحْتَ شَجَرَةٍ قَدْ أَيَّنَعَتْ يَغْنَى أَثْمَرَتْ وَ
كَرِهَ أَنْ يَتَنَعَلَ الرَّجُلُ وَ هُوَ قَائِمٌ وَ كَرِهَ أَنْ
يَدْخُلَ الرَّجُلُ الْبَيْتَ الْمُظْلِمَ إِلَّا أَنْ يَكُونَ بَيْنَ
يَدَيْهِ نَارٌ وَ كَرِهَ النَّفْخَ فِي مَوْضِعِ الصَّلَاةِ

۹ - رسول خدا ﷺ فرمود: ای امت براستی
که خدای عز و جل بیست و چهار خصلت را
برای شما خوش نداشته و شما را از آنها
نهی فرموده است بازی در نماز را برای
شما ناخوش داشته و منت نهادن در صدقه را
ناخوش داشته و خندیدن در گورستان را
ناخوش داشته و سرکشیدن و نگاه کردن
بخانه‌های مردم را ناخوش داشته و نگاه
کردن بعورت زنان: (همسران) را ناخوش
داشته و فرمود که (برای فرزند) کوری
آورد و سخن گفتن بهنگام آمیزش جنسی را
ناخوش داشته و فرمود که گنگی آورد یعنی
در فرزند و خواب پیش از نماز عشا را
ناخوش داشته و سخن گفتن پس از نماز عشا
را ناخوش داشته و بی‌لنگ در زیر آسمان
غسل کردن را ناخوش داشته و آمیزش جنسی
در زیر آسمان (جای بی‌سقف) را ناخوش
داشته و رفتن بمیان رودخانه را بی‌لنگ
ناخوش داشته و فرمود در رودخانه‌ها
آبادکنندگان و ساکنین از فرشتگان هستند
و بی‌لنگ بحمام‌ها رفتن را ناخوش داشته و
سخن گفتن میان اذان و اقامه را در نماز
صبح تا پایان یافتن نماز ناخوش داشته و
سوار شدن دریا را هنگام طوفان ناخوش
داشته و خواب در پشت بامی را که
گرداگردش دیوار نباشد ناخوش داشته و
فرمود: کسی که در پشت بام بی‌دیوار
بخوابد هیچ کس مسئول محافظت او نیست و
ناخوش داشته که مردی در خانه‌ای بتنهائی
بخوابد و ناخوش داشته که مردی با همسر
خود در حال حیض آمیزش جنسی کند که اگر
کرد و نوزادش با بیماری خوره و یا پیسی
بدنیا آمد بجز خود را سرزنش نکند و

ناخوش داشته که مرد پس از احتلام غسل نکرده با همسر خود آمیزش جنسی کند که اگر کرد و فرزندش دیوانه بدنیا آمد بجز خویشتن کسی را سرزنش نکند و ناخوش داشته که مرد با بیمار خوره دار سخن گوید مگر اینکه بقدر يك ذراع از هم دور باشند و فرمود از خوره دار بگریز چنانچه از شیر میگریزی و ناخوش داشته ادرار کردن بر کنار آب روان را و ناخوش داشته که شخص در زیر درخت میوه دار بقضای حاجت نشیند و ناخوش داشته که مرد ایستاده کفش بپا کند و ناخوش داشته که شخص بی آنکه جلو پایش روشن باشد بخانه تاریک درآید و دمیدن و فوت کردن جایگاه نماز را ناخوش داشته است.

نماز را به جماعت خواندن بیست و پنج درجه از خواندن به تنهایی بهتر است

صلاة الجماعة أفضل من صلاة الفرد بخمس
و عشرين درجة
۱۰ - أَخْبَرَنِي أَبُو الْقَاسِمِ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَحْمَدَ
الْفَقِيهَ بَبَلْخَ فِيمَا أَجَازَهُ لِي قَالَ حَدَّثَنَا
أَبُو حَرْبٍ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْيَدٍ عَنِ ابْنِ
أَبِي عَيْسَى الْخَافِظِ قَالَ أَخْبَرَنَا أَبُو الْقَاسِمِ
مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ قَالَ حَدَّثَنَا ابْنُ بُكَيْرٍ قَالَ
حَدَّثَنَا اللَّيْثُ عَنِ ابْنِ الْهَادِ عَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ
خَبَّابٍ عَنِ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ قَالَ إِنَّ رَسُولَ
اللَّهِ ﷺ قَالَ صَلَاةُ الْجَمَاعَةِ أَفْضَلُ مِنْ صَلَاةِ الْفَرْدِ
بِخَمْسٍ وَ عِشْرِينَ دَرَجَةً

: و قال أبو رضى الله عنه فى رسالته إلى
لصلاة الرجل فى جماعة على صلاة الرجل وحده
خمس و عشرين درجة فى الجنة
۱۰ - رسول خدا ﷺ فرمود: نماز را به
جماعت خواندن بیست و پنج درجه از خواندن
بتنهایی بهتر است.

و پدرم در رساله‌ای که بمن نوشته بود فرموده است: نماز مردی که بجماعت میخواندش از نماز مردی که بتنهائی میخواند بیست و پنج درجه در بهشت برتری دارد.

بیست و نه خصلت در نماز هست

فی الصلاة تسع و عشرون خصلة
 ۱۱ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ
 الطَّالِقَانِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ
 مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدٍ الْهَمْدَانِيُّ مَوْلَى بَنِي هَاشِمٍ
 قَالَ أَخْبَرَنَا الْمُنْذِرُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ حَدَّثَنَا
 جَعْفَرُ عَنْ أَبِيهِ الْأَحْمَرِ قَالَ حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ
 عَلْوَانَ عَنْ عَمْرٍو بْنِ ثَابِتٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ضَمْرَةَ
 بْنِ حَبِيبٍ قَالَ سُئِلَ النَّبِيُّ ﷺ عَنِ الصَّلَاةِ
 فَقَالَ عَلَيْهَا الصَّلَاةُ مِنْ شَرَائِعِ الدِّينِ وَ فِيهَا
 مَرْضَاةُ الرَّبِّ عَزَّ وَ جَلَّ وَ هِيَ مِنْهَاجُ الْأَنْبِيَاءِ
 وَ لِلْمُصَلِّي حُبُّ الْمَلَائِكَةِ وَ هُدَى وَ إِيْمَانٌ وَ
 نُورٌ الْمَعْرِفَةِ وَ بَرَكَتٌ فِي الرِّزْقِ وَ رَاحَةٌ
 لِلْبَدَنِ وَ كَرَاهَةٌ لِلشَّيْطَانِ وَ سِلَاحٌ عَلَى الْكَافِرِ
 وَ إِجَابَةٌ لِلدُّعَاءِ وَ قَبُولٌ لِلْأَعْمَالِ وَ زَادٌ
 لِلْمُؤْمِنِ مِنَ الدُّنْيَا إِلَى الْآخِرَةِ وَ شَفِيعٌ بَيْنَهُ
 وَ بَيْنَ مَلِكِ الْمَوْتِ وَ أَنْسٌ فِي قَبْرِهِ وَ فِرَاشٌ
 تَحْتَ جَنْبِهِ وَ جَوَابٌ لِمُنْكَرٍ وَ تَكْوِينٌ وَ تَكُونٌ
 صَلَاةُ الْعَبْدِ عِنْدَ الْمُحْشَرِ تَاجاً عَلَى رَأْسِهِ وَ
 نُوراً عَلَى وَجْهِهِ وَ لِبَاساً عَلَى بَدَنِهِ وَ سِتْراً
 بَيْنَهُ وَ بَيْنَ النَّارِ وَ حُجَّةٌ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ الرَّبِّ
 جَلَّ جَلَالُهُ وَ نَجَاةٌ لِبَدَنِهِ مِنَ النَّارِ وَ جَوَازاً
 عَلَى الصِّرَاطِ وَ مِفْتَاحاً لِلْجَنَّةِ وَ مُهُوراً لِحُورِ
 الْعَيْنِ وَ ثَمَناً لِلْجَنَّةِ بِالصَّلَاةِ يَبْلُغُ الْعَبْدُ
 إِلَى الدَّرَجَةِ الْعُلْيَا لِأَنَّ الصَّلَاةَ تَسْبِيحٌ وَ
 تَهْلِيلٌ وَ تَحْمِيدٌ وَ تَكْبِيرٌ وَ تَمْجِيدٌ وَ تَقْدِيسٌ
 وَ قَوْلٌ وَ دَعْوَةٌ

۱۱ - ضمرة بن حبيب گوید: از پیغمبر در باره نماز پرسش شد فرمود: نماز از راههای بندگی در دین است و رضای

پروردگار عز و جل در آن است و آن راه و رسم انبیاء است و نمازگزار را دوستی فرشتگان و هدایت و ایمان و روشنائی شناسائی حق و برکت در روزی و آسایش تن و ناخوشی شیطان و اسلحه علیه کافر و مستجاب شدن دعا و پذیرش اعمال نصیب می‌شود و توشه مؤمن در دنیا و آخرت و شفیع میان او و فرشته مرگ و آرام دلش در گور و بستر زیر پهلویش و پاسخ منکر و نکیر نماز است و در روز رستاخیز نماز بنده تاجی است بر سر او و نوری است بر روی او و جامه‌ای است بر تن او و پرده‌ای است میان او و آتش و حجتی است میان او و پروردگار جل جلاله و باعث رهایی تن او است از دوزخ و سبب گذشتن او است از پل صراط و کلید بهشت است و کابین حوریان بهشتی است و بهای بهشت است بنده بوسیله نماز به بالاترین درجه میرسد زیرا نماز یاد کردن خدا است به پاکی و یگانگی و سپاس و بزرگداشت و آقائی و پاکیزگی و گفتگو با خدا و دعا نمودن است.

بیست و نه خصلت در دانش است

فی العلم تسع و عشرون خصلة
 ۱۲ حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ
 بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى بْنِ عَبْدِ
 الْقَيْطِينِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا جَمَاعَةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا
 رَفَعُوهُ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ
 اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تَعَلَّمُوا الْعِلْمَ فَإِنَّ تَعَلُّمَهُ حَسَنَةٌ وَ
 مُدَارَسَتَهُ تَسْبِيحٌ وَ الْبَحْثُ عَنْهُ جِهَادٌ وَ
 تَعَلُّمُهُ مَنْ لَا يَعْلَمُهُ صَدَقَةٌ وَ بَذْلُهُ لِأَهْلِهِ
 قُرْبَةٌ لِأَنَّهُ مَعَالِمُ الْحَلَالِ وَ الْحَرَامِ وَ سَالِكُ
 بَطَالِيهِ سَبِيلِ الْجَنَّةِ وَ هُوَ أَنْبَسُ فِي الْوَحْشَةِ
 وَ صَاحِبٌ فِي الْوَحْدَةِ وَ دَلِيلٌ عَلَى السَّرَّاءِ وَ
 الضَّرَّاءِ وَ سِلَاحٌ عَلَى الْأَعْدَاءِ وَ زَيْنٌ لِلْأَخْلَاءِ
 يَرْفَعُ اللَّهُ بِهِ أَقْوَامًا يَجْعَلُهُمْ فِي الْخَيْرِ أُمَّةً

يُقْتَدَى بِهِمْ تَرْمَقُ أَعْمَالُهُمْ وَ تُقْتَبَسُ آثَارُهُمْ
 وَ تَرَعَّبُ الْمَلَائِكَةُ فِي خَلَّتِهِمْ يَمَسَّحُونَهُمْ فِي
 صَلَاتِهِمْ بِأَجْنِحَتِهِمْ وَ يَسْتَغْفِرُ لَهُمْ كُلَّ شَيْءٍ حَتَّى
 حَيْثَانَ الْبُحُورِ وَ هَوَامَّهَا وَ سِبَاعَ الْبَرِّ وَ
 أَنْعَامَهَا لِأَنَّ الْعِلْمَ حَيَاةُ الْقُلُوبِ وَ نُورُ
 الْأَبْصَارِ مِنَ الْعَمَى وَ قُوَّةُ الْأَيْدَانِ مِنَ الضَّعْفِ
 يُنْزِلُ اللَّهُ حَامِلَهُ مَنَازِلَ الْأَحْيَارِ وَ يَمُنِّحُهُ
 مَجَالِسَ الْأَبْرَارِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ بِالْعِلْمِ
 يُطَاعُ اللَّهُ وَ يُعْبَدُ وَ بِالْعِلْمِ يُعْرَفُ اللَّهُ وَ يُؤْخَذُ
 «يُؤْخَذُ وَ بِالْعِلْمِ تُوَصَّلُ الْأَرْحَامُ وَ بِهِ يُعْرَفُ
 الْحَلَالُ وَ الْحَرَامُ وَ الْعِلْمُ إِمَامُ الْعَمَلِ وَ
 الْعَمَلُ تَابِعُهُ يُلْهَمُهُ اللَّهُ السُّعْدَاءَ وَ يَحْرِمُهُ
 الْأَشْقِيَاءَ»

۱۲ - رسول خدا ﷺ فرمود: دانش
 پیاموزید که فرا گرفتن آن ثواب دارد و
 مذاکره علمی بجای تسبیح گفتن است و کاوش
 از دانش جهاد است و یاد دادنش بکسی که
 نمیداند صدقه است و آن را در دست دسترس
 اهلش قرار دادن سبب قرب الهی است زیرا
 آن سبب دانستن حلال و حرام است و دانش
 آموزش را براه بهشت میکشاند و دانش
 بهنگام وحشت آرام دل است و در تنهایی
 همدم و در شادی و سختی راهنما است و در
 برابر دشمنان سلاح است و بنزد دوستان
 زینت است خداوند بوسیله دانش افرادی را
 تا آنجا بلند پایه میکند که پیشوایان
 خیر میگردند و دیگران از آنان پیروی
 میکنند کارهای آنان را سرمشق خود قرار
 میدهند و از آثار آنان اقتباس میکنند و
 فرشتگان بدوستی آنان رغبت دارند بهنگام
 نمازشان بالهای خود را بآنان میمالند و
 همه چیز از برای آنان آمرزش میطلبند حتی
 ماهیان و جانوران دریا و درندگان بیابان
 و چهار پایان زیرا دانش سبب زنده شدن
 دلها است و روشنی بخش دیده ها است از
 کوری و نیرو بخش تنها است از ناتوانی
 خداوند دانشمند را بمنزلهای نیکان فرود

می‌آورد و همنشینی خوبان را در دنیا و آخرت با و ارزانی میدارد بواسطه دانش است که خداوند اطاعت و پرستش می‌شود و بسبب علم است که خداوند شناخته می‌شود و دریافت می‌گردد و بوسیله آن حلال و حرام شناخته می‌شود و دانش پیشوای عمل است و عمل پیروانش خداوند دانش را به نیکبختان الهام میکند و بدبختان را از آن محروم می‌سازد.

خصلتهائی که ابو ذر آنها را از رسول خدا ﷺ پرسید

الخصال التي سألت عنها أبو ذر رحمه الله رسول الله ص

۱۳ - حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنُ أَحْمَدَ الْأَسْوَارِيُّ الْمُدَكَّرُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو يُوسُفَ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ قَيْسِ السَّجْزِيِّ الْمُدَكَّرُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ عُمَرُ بْنُ حَفْصٍ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو مُحَمَّدٍ عُبَيْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ أَسَدِ بْنِ بَغْدَادَ قَالَ حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ أَبُو عَلِيٍّ قَالَ حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ سَعِيدِ الْبَصْرِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي ابْنُ جَرِيحٍ عَنْ عَطَاءٍ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ عُمَيْرِ اللَّيْثِيِّ عَنْ أَبِي ذَرٍّ رَحِمَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ قَالَ دَخَلْتُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَهُوَ جَالِسٌ فِي الْمَسْجِدِ وَحَدَّهُ فَاغْتَنَمْتُ خَلْوَتَهُ فَقَالَ لِي يَا أَبَا ذَرٍّ لِمَسْجِدِ تَجِيءُ قُلْتُ وَ مَا تَجِيئُهُ قَالَ رَكَعَتَانِ تَرَكَعُهُمَا فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّكَ أَمَرْتَنِي بِالصَّلَاةِ فَمَا الصَّلَاةُ قَالَ خَيْرٌ مَوْضُوعٍ فَمَنْ شَاءَ أَقَلَّ وَ مَنْ شَاءَ أَكْثَرَ قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَيُّ الْأَعْمَالِ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فَقَالَ إِيْمَانُ بِاللَّهِ وَ جِهَادٌ فِي سَبِيلِهِ قُلْتُ فَأَيُّ وَقْتٍ اللَّيْلِ أَفْضَلُ قَالَ جَوْفُ اللَّيْلِ الْغَابِرِ قُلْتُ فَأَيُّ الصَّلَاةِ أَفْضَلُ قَالَ طَوَّلُ الْقُنُوتِ قُلْتُ وَ أَيُّ الصَّدَقَةِ أَفْضَلُ قَالَ جُهْدٌ مِنْ مِقْلٍ إِلَى فَقِيرٍ ذِي سَنْ قُلْتُ مَا الصَّوْمُ قَالَ فَرَضٌ مَجْزِيٌّ وَ عِنْدَ اللَّهِ أَضْعَافٌ كَثِيرَةٌ قُلْتُ فَأَيُّ الرِّقَابِ أَفْضَلُ قَالَ

أَغْلَاهَا ثَمَنًا وَ أَنْفَسَهَا عِنْدَ أَهْلِهَا قُلْتُ فَأَيُّ
الْجِهَادِ أَفْضَلُ قَالَ مَنْ عَقَرَ جَوَادُهُ وَ أَهْرَيْقَ
دَمُهُ قُلْتُ فَأَيُّ آيَةٍ أَنْزَلَهَا اللَّهُ عَلَيْكَ أَعْظَمُ قَالَ
آيَةُ الْكُرْسِيِّ ثُمَّ قَالَ يَا أَبَا ذَرٍّ مَا
السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ فِي الْكُرْسِيِّ إِلَّا كَحَلْقَةِ
مُلْقَاةٍ فِي أَرْضِ فَلَاحٍ وَ فَضْلُ الْعَرْشِ عَلَى
الْكُرْسِيِّ كَفَضْلِ الْفَلَاحِ عَلَى تِلْكَ الْحَلْقَةِ قُلْتُ
يَا رَسُولَ اللَّهِ كَمْ النَّبِيُّونَ قَالَ مِائَةٌ أَلْفٍ وَ
أَرْبَعَةٌ وَ عَشْرُونَ أَلْفَ نَبِيٍّ قُلْتُ كَمْ الْمُرْسَلُونَ
مِنْهُمْ قَالَ ثَلَاثُمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةَ عَشَرَ جَمَاءَ
غَفِيرَاءَ قُلْتُ مَنْ كَانَ أَوَّلَ الْأَنْبِيَاءِ قَالَ آدَمُ
قُلْتُ وَ كَانَ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ مُرْسَلًا قَالَ نَعَمْ خَلَقَهُ
اللَّهُ بِيَدِهِ وَ نَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ ثُمَّ قَالَ ﷺ يَا
أَبَا ذَرٍّ أَرْبَعَةٌ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ سَرِيَانِيُّونَ آدَمُ وَ
شَيْثٌ وَ أَخْنُوخٌ وَ هُوَ إِدْرِيسُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ هُوَ أَوَّلُ مَنْ
خَطَّ بِالْقَلَمِ وَ نُوحٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ أَرْبَعَةٌ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ
مِنَ الْعَرَبِ هُودٌ وَ صَالِحٌ وَ شُعَيْبٌ وَ نَبِيُّكَ مُحَمَّدٌ
وَ أَوَّلُ نَبِيٍّ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ مُوسَى وَ آخِرُهُمْ
عِيسَى وَ سِتْمِائَةُ نَبِيٍّ قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ كَمْ
أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ قَالَ مِائَةٌ كِتَابٍ وَ أَرْبَعَةٌ
كُتِبَ أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَى شَيْثٍ خَمْسِينَ صَحِيفَةً وَ عَلَى
إِدْرِيسَ ثَلَاثِينَ صَحِيفَةً وَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ عَشْرِينَ
صَحِيفَةً وَ أَنْزَلَ التَّوْرَةَ وَ الْإِنْجِيلَ وَ الزَّبُورَ
وَ الْفُرْقَانَ قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَمَا كَانَتْ صُحُفُ
إِبْرَاهِيمَ قَالَ كَانَتْ أَمْثَالًا كُلُّهَا وَ كَانَ فِيهَا
أَيُّهَا الْمَلِكُ الْمُبْتَلَى الْمَعْرُورُ إِنِّي لَمِ
أَبْعَثَكَ لِتَجْمَعَ الدُّنْيَا بَعْضَهَا إِلَى بَعْضٍ وَ لَكِنْ
بِعَثْثِكَ لِتَرُدَّ عَنِّي دَعْوَةَ الْمَظْلُومِ فَإِنِّي لَا
أَرُدُّهَا وَ إِن كَانَتْ مِنْ كَافِرٍ وَ عَلَى الْعَاقِلِ
مَا لَمْ يَكُنْ مَغْلُوبًا عَلَى عَقْلِهِ أَنْ يَكُونَ لَهُ
سَاعَاتٌ سَاعَةٌ يُنَاجِي فِيهَا رَبَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ
سَاعَةٌ يُحَاسِبُ نَفْسَهُ وَ سَاعَةٌ يَتَّفَكَّرُ فِيهَا صَنَعَ
اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهِ وَ سَاعَةٌ يَخْلُو فِيهَا بِحِطِّ
نَفْسِهِ مِنَ الْحَلَالِ فَإِنَّ هَذِهِ السَّاعَةَ عَوْنٌ لِتِلْكَ
السَّاعَاتِ وَ اسْتِجْمَامٌ لِلْقُلُوبِ وَ تَوْزِيعٌ لَهَا وَ
عَلَى الْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ بِصِيرًا بِزَمَانِهِ مُقْبِلًا

عَلَى شَأْنِهِ حَافِظًا لِبِسَانِهِ فَإِنَّ مَنْ حَسَبَ كَلَامَهُ
 مِنْ عَمَلِهِ قَلَّ كَلَامُهُ إِلَّا فِيمَا يَعْزِيهِ وَ عَلَى
 الْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ طَالِبًا لِثَلَاثٍ مَرْمَةٍ لِمَعَاشٍ
 أَوْ تَزْوُدٍ لِمَعَادٍ أَوْ تَلَذُّذٍ فِي غَيْرِ مُحَرَّمٍ قُلْتُ
 يَا رَسُولَ اللَّهِ فَمَا كَانَتْ صُحُفُ مُوسَى قَالَ كَانَتْ
 عِبْرَانِيَّةً كُلُّهَا وَ فِيهَا عَجِبْتُ لِمَنْ أَيْقَنَ
 بِالْمَوْتِ كَيْفَ يَفْرَحُ وَ لِمَنْ أَيْقَنَ بِالنَّارِ لِمَ
 يَضْحَكُ وَ لِمَنْ يَرَى الدُّنْيَا وَ تَقَلَّبَهَا بِأَهْلِهَا
 لِمَ يَطْمَئِنُّ إِلَيْهَا وَ لِمَنْ يُؤْمِنُ بِالْقَدْرِ كَيْفَ
 يَنْصَبُ وَ لِمَنْ أَيْقَنَ بِالْحِسَابِ لِمَ لَا يَعْمَلُ قُلْتُ
 يَا رَسُولَ اللَّهِ هَلْ فِي أَيْدِينَا مِمَّا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ
 شَيْءٌ مِمَّا كَانَ فِي صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَى قَالَ
 يَا أَبَا ذَرٍّ أَقْرَأَ قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى وَ ذَكَرَ
 اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى بَلْ تُؤَثِّرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَ
 الْآخِرَةَ خَيْرٌ وَ أَبْقَى إِنَّ هَذَا لَفِي الصُّحُفِ
 الْأُولَى صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَى قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ
 أَوْصِنِي قَالَ أَوْصِيكَ بِتَقْوَى اللَّهِ فَإِنَّهُ رَأْسُ الْأَمْرِ
 كُلِّهِ قُلْتُ زِدْنِي قَالَ عَلَيْكَ بِتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ وَ
 ذِكْرِ اللَّهِ كَثِيرًا فَإِنَّهُ ذَكَرَ لَكَ فِي السَّمَاءِ وَ
 نُورٌ لَكَ فِي الْأَرْضِ قُلْتُ زِدْنِي قَالَ عَلَيْكَ بِطَوْلِ
 الصِّمْتِ فَإِنَّهُ مَطْرَدَةٌ لِلشَّيَاطِينِ وَ عَوْنٌ لَكَ عَلَى
 أَمْرِ دِينِكَ قُلْتُ زِدْنِي قَالَ إِيَّاكَ وَ كَثْرَةَ
 الضَّحِكِ فَإِنَّهُ يُمِيتُ الْقَلْبَ وَ يَذْهَبُ بِنُورِ
 الْوَجْهِ قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ زِدْنِي قَالَ انظُرْ إِلَى
 مَنْ هُوَ تَحْتِكَ وَ لَا تَنْظُرْ إِلَى مَنْ هُوَ فَوْقَكَ
 فَإِنَّهُ أَجْدَرُ أَنْ لَا تَزْدَرِي نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكَ قُلْتُ
 يَا رَسُولَ اللَّهِ زِدْنِي قَالَ صَلِّ قَرَابَتَكَ وَ إِنْ
 قَطَعُوكَ قُلْتُ زِدْنِي قَالَ أَحَبِّ الْمَسَاكِينِ وَ
 مُجَالَسَتِهِمْ قُلْتُ زِدْنِي قَالَ قَلِّ الْحَقَّ وَ إِنْ كَانَ
 مُرًّا قُلْتُ زِدْنِي قَالَ لَا تَخَفْ فِي اللَّهِ لَوْمَةً لَأَنَّهُ
 قُلْتُ زِدْنِي قَالَ لِيَحْجُزَكَ عَنِ النَّاسِ مَا تَعَلَّمَ
 مِنْ نَفْسِكَ وَ لَا تَجِدْ عَلَيْهِمْ فِيمَا تَأْتِي مِثْلَهُ
 ثُمَّ قَالَ كَفَى بِالْمَرْءِ عَيْبًا أَنْ يَكُونَ فِيهِ ثَلَاثُ
 خِصَالٍ يَعْرِفُ مِنَ النَّاسِ مَا يَجْهَلُ مِنْ نَفْسِهِ وَ
 يَسْتَحْيِي لَهُمْ مِمَّا هُوَ فِيهِ وَ يُؤْذِي جَلِيسَهُ بِمَا
 لَا يَعْنِيهِ ثُمَّ قَالَ ﷺ لَا عَقْلَ كَالْتَّذْيِيرِ وَ لَا
 وَرَعَ كَالْكَفِّ وَ لَا حَسَبَ كَالْحُسْنِ الْخَلْقِ

۱۳ - ابي ذر گوید: به خدمت رسول خدا ﷺ در حالى كه تنها در مسجد نشسته بود رسيدم خلوت با آن حضرت را غنيمت شمردم مرا فرمود: اى ابا ذر مسجد را تحيتى است عرض كردم تحيت آن چيست؟ فرمود دو ركعت نماز است كه بخوانى عرض كردم يا رسول الله شما مرا دستور نماز خواندن داديد نماز چيست؟

فرمود بهترين چيزى است كه وضع شده است هر كه خواست كمتر بخواند و هر كه خواست بيشتر عرض كردم يا رسول الله چه كارى نزد خداوند محبوبتر است؟ فرمود بخدا ايمان داشتن و جهاد در راه او نمودن عرض كردم چه وقت شب بهتر است؟ فرمود دل شب تار عرض كردم چه نمازى بهتر است؟ فرمود: نمازى كه قنوتش طولانى باشد عرض كردم كدام صدقه بهتر است؟ فرمود شخص بى بضاعت آنچه ميتواند بفقير پيرى بدهد عرض كردم روزه چيست؟ فرمود: فريضة اى است كه پاداش دارد و چندين برابر پاداشش نزد خدا است عرض كردم (براي آزاد كردن) كدام بنده بهتر است؟ فرمود: هر آنكه گران قيمتتر و بنزد خانواده اش گرانمايهتر باشد.

عرض كردم چه جهادى بهتر است؟ فرمود: آنكه اسبش در ميدان جنگ پى شود و (پياده) خونس ريخته شود عرض كردم: از آياتى كه خداوند بر تو فرستاده كداميك بزرگتر است؟ فرمود آية الكرسي.

سپس فرمود اى ابا ذر هفت آسمان در نزد كرسي مانند يك حلقه اى است كه در بيابانى افتاده باشد برترى عرش بر كرسي همچون برترى آن بيابان است بر آن حلقه عرض كردم يا رسول الله پيبران چند تن بودند؟ فرمود: يك صد و بيست و چهار هزار پيغمبر عرض كردم از اين عده چند تن پيغمبر مرسل بودند؟ فرمود:

سیصد و سیزده تن همگی بی‌کم و کاست عرض کردم نخستین پیغمبر که بود؟ فرمود: آدم عرض کردم از پیغمبران مرسل بود؟ فرمود آری خداوند بقدرت خویش او را آفرید و از روح خود در او دمید.

سپس حضرت فرمود: ای ابا ذر چهار تن از پیغمبران سریانی بودند: آدم و شیث و اخنوخ که همان ادریس است و ادریس نخستین کسی است که با قلم بنوشت و نوح و چهار تن از پیغمبران از عرب میباشند: هود و صالح و شعیب و پیغمبر تو محمد و نخستین پیغمبر بنی اسرائیل موسی بود و آخرین پیغمبرشان عیسی (و همگی) ششصد تن بودند عرض کردم یا رسول الله خداوند چند کتاب آسمانی فرو فرستاده؟ فرمود يك صد و چهار کتاب خداوند پنجاه کتاب بر شیث فرستاد و سی کتاب بر ادریس و بیست کتاب بر ابراهیم و تورات و انجیل و زبور و قرآن نیز فرو فرستاد عرض کردم یا رسول الله کتابهای ابراهیم چه بود؟ فرمود همه آنها داستان بود و از جمله آنها این مضمون بود: ای پادشاه گرفتار و مست باده غرور برآستی که من تو را بر نیانگیختم که دنیا را روی هم جمع کنی و لکن ترا برانگیختم تا نگذاری ستمدیده‌ای بدرگاه من بنالد که من دعای مظلوم را رد نکنم اگر چه کافر باشد بر خردمندی که زمام عقل از کفش بیرون نشده است لازم است وقتهایی برای خود قرار دهد وقتی را با پروردگار خود راز و نیاز کند و وقتی بحساب خود برسد و قسمتی از وقت خود را در آنچه خدای عز و جل با او رفتار کرده بیندیشد و قسمتی از وقت را برای بهره‌مندی از حلال برای خود آماده کند که این ساعت کمک ساعتهای دیگر است و باعث خرسندی خاطر و فراغت قلب و شخص خردمند می‌بایست بزمان خود بینا باشد و بخویشتن

بپردازد و زبان خود را نگهدارد که هر کس سخن گفتنش را از اعمال خود حساب کند گفتارش کم می‌شود مگر در آنچه برای او سودمند باشد و شخص خردمند را لازم است که جویای سه چیز باشد اصلاح زندگی و یا توشه‌گیری برای روز باز پسین و یا کامیابی از غیر حرام عرض کردم یا رسول الله کتابهای موسی چه بود؟ فرمود همه‌اش عبرت انگیز بود و در همان است: که در شگفتم از برای کسی که یقین بمرگ دارد چگونه شادی میکند؟ و برای کسی که یقین بدوزخ دارد چرا میخندد؟ و برای کسی که دنیا و زیر و رو شدن اهل دنیا را می‌بیند چرا بآن اطمینان میکند؟ و برای کسی که بتقدیر خداوند ایمان دارد چگونه خود را به زحمت میاندازد؟ و برای کسی که یقین به حساب دارد چرا کار نمی‌کند؟ عرض کردم یا رسول الله از مطالبی که در کتابهای ابراهیم و موسی بوده است آیا در قرآنی که خداوند به تو فرو فرستاده و در دست ما است چیزی هست؟ فرمود: ای ابا ذر بخوان این آیات را (الاعلی: ۱۴ - ۱۹) آنکه زکات داد و نام پروردگار را یاد کرد و نماز خواند حقیقتاً رستگار گردید ولی شما زندگی دنیا را مقدم میدارید در صورتی که عالم آخرت بهتر است و پاینده‌تر برآستی که این مطلب در کتابهای پیشین است یعنی کتابهای ابراهیم و موسی.

عرض کردم یا رسول الله سفارشی به من بفرما فرمود تو را بپرهیزگاری خداوند سفارش میکنم که سرآمد همه کارها است عرض کردم بیشتر بفرمائید فرمود بخواندن قرآن مواظبت کن و بسیار بیاد خدا باش که باعث یاد بود تو در آسمان و روشنائیات در زمین می‌گردد عرض کردم بیشتر بفرمائید فرمود: مواظبت کن بخاموشی طولانی که شیطانها را از تو میراند و بر کار دینت

یاوری کند عرض کردم بیشتر بفرمائید فرمود میباید بسیار بخندی که دل را میمیراند و روشنی رخسارت را میبرد عرض کردم یا رسول الله بیشتر بفرمائید فرمود: بزیر دست خود نگاه کن و به بالا دست خود نگاه مکن که بهترین وسیله است از برای اینکه نعمت خدا را خوار نبینی عرض کردم یا رسول الله بیشتر بفرما فرمود: با خویشان خود پیوند کن گرچه آنان از تو ببرند عرض کردم بیشتر بفرما فرمود: تهی دستان و همنشینی با آنان را دوست بدار عرض کردم بیشتر بفرمائید فرمود حق بگو گرچه تلخ باشد عرض کردم بیشتر بفرمائید فرمود در راه خدا از سرزنش ملامت گو مترس عرض کردم بیشتر بفرمائید فرمود: آنچه از خود میدانی بایستی تو را از عیبجوئی مردم باز دارد و آنچه از خودت مانند آن سر میزند بدیگران خشم مکن سپس فرمود: همین عیب برای مرد بس که سه خصلت در او باشد آنچه را که در خود او است و نمیداند در دیگران متوجه شود و آنچه را که خود دارد برای دیگران شرم آور بداند و بیهوده همنشین خود را بیازارد سپس فرمود هیچ عقلی هم چون تدبیر نیست و هیچ پرهیزکاری بمانند خویشان داری نیست و هیچ آبروئی هم چون خوش اخلاقی نیست.

أبواب الثلاثين و ما فوکه (بابهای سی و بالاتر)

از برای امام علیه السلام سی نشانه هست

لإمام عليه السلام ثلاثون علامة

١ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ الطَّالِقَانِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدِ الْكُوفِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا عليه السلام قَالَ لِلْإِمَامِ عَلَمَاتٌ يَكُونُ أَعْلَمَ النَّاسِ وَ أَحْكَمَ النَّاسِ وَ أَتْقَى النَّاسِ وَ أَحْلَمَ النَّاسِ وَ أَشَجَعَ النَّاسِ وَ أَسْخَى النَّاسِ وَ أَعْبَدَ النَّاسِ وَ يُوَلِّدُ مَخْتُوناً وَ يَكُونُ مُطَهَّراً وَ يَرَى مِنْ خَلْفِهِ كَمَا يَرَى مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ لَا يَكُونُ لَهُ ظِلٌّ وَ إِذَا وَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ مِنْ بَطْنِ أُمِّهِ وَقَعَ عَلَى رَاحَتَيْهِ رَافِعاً صَوْتَهُ بِالشَّهَادَةِ وَ لَا يَحْتَلِمُ وَ تَنَامُ عَيْنُهُ وَ لَا يَنَامُ قَلْبُهُ وَ يَكُونُ مُحَدَّثاً وَ يَسْتَوِي عَلَيْهِ دِرْعُ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَ لَا يُرَى لَهُ بَوْلٌ وَ لَا غَائِطٌ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ قَدْ وَكَّلَ الْأَرْضَ بِابْتِلَاعِ مَا يَخْرُجُ مِنْهُ وَ يَكُونُ لَهُ رَائِحَةٌ أَطْيَبُ مِنْ رَائِحَةِ الْمِسْكِ وَ يَكُونُ أَوْلَى النَّاسِ مِنْهُمْ بِأَنْفُسِهِمْ وَ أَشْفَقَ عَلَيْهِمْ مِنْ آبَائِهِمْ وَ أُمَّهَاتِهِمْ وَ يَكُونُ أَشَدَّ النَّاسِ تَوَاضِعاً لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ يَكُونُ آخِذَ النَّاسِ بِمَا يَأْمُرُهُمْ بِهِ وَ أَكْفَى النَّاسِ عَمَّا يَنْهَى عَنْهُ وَ يَكُونُ دُعَاؤُهُ مُسْتَجَاباً حَتَّى لَوْ أَنَّهُ دَعَا عَلَى صَخْرَةٍ لَأَنْشَقَّتْ نِصْفَيْنِ وَ يَكُونُ عِنْدَهُ سِلَاحُ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَ سَيْفُهُ ذُو الْفَقَارِ وَ يَكُونُ عِنْدَهُ صَحِيفَةٌ فِيهَا أَسْمَاءُ شِيعَتِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ صَحِيفَةٌ فِيهَا أَسْمَاءُ أَعْدَائِهِمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ يَكُونُ عِنْدَهُ الْجَامِعَةُ وَ هِيَ صَحِيفَةٌ طُولُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعاً فِيهَا جَمِيعُ مَا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ وَ لُدَّ آدَمَ وَ يَكُونُ عِنْدَهُ الْجَفْرُ الْأَكْبَرُ وَ الْأَصْغَرُ إِهَابُ مَا عِزَّ وَ إِهَابُ كَبِشَ فِيهِمَا جَمِيعُ الْعُلُومِ حَتَّى أَرْضُ الْخَدَشِ وَ حَتَّى الْجِلْدَةُ وَ

نَيْصُ الْجَلْدَةِ وَ ثُلُثُ الْجَلْدَةِ وَ يَكُونُ عِنْدَهُ
مُصْحَفٌ فَاطِمَةَ ع

۱ - امام رضا عليه السلام فرمود: امام را نشانه‌هایی است: دانشمندترین مردم میباشد و حکیم‌ترین مردم و پرهیزکارترین مردم و دلیرترین مردم و باسخت‌ترین مردم و پر عبادت‌ترین مردم و ختنه شده متولد می‌شود و پاکیزه میباشد و از پشت سرش همچون پیش رویش می‌بیند و سایه ندارد و چون از شکم مادر بر زمین می‌افتد دو کف دست بر زمین می‌نهد و صدا بشهادتین بلند میکند و محتلم نمیشود و دیده‌اش بخواب میرود ولی دلش بیدار است و فرشتگان با او سخن می‌گویند و زره رسول خدا صلى الله عليه وآله بر تن او راست آید و بول و غایطش دیده نشود زیرا خداوند عز و جل زمین را موظف فرموده است تا هر چه از امام بیرون می‌آید ببلعد بوئی خوشتر از بوی مشک دارد و امام بر مردم از خودشان بحکم فرمائی سزاوارتر است و از پدران و مادرانشان بر آنان مهربان‌تر و بیشتر از همه مردم در پیشگاه خدای عز و جل فروتن میباشد و بدستوراتی که بمردم میدهد خود از همه بهتر عمل میکند و از کارهائی که نهی میکند خودداریش از همه بیشتر میباشد و دعایش مستجاب است تا آنجا که اگر دعا بر سنگی کند به دو نیم شکافته می‌شود و اسلحه رسول خدا صلى الله عليه وآله و شمشیر ذو الفقارش نزد او است و بنزدش کتابی است که نامهای شیعیانش تا روز قیامت در آن است و کتابی که نامهای دشمنانش تا روز قیامت در آن ثبت است و جامعه نزد او است و آن طوماری است بدرازی هفتاد ذراع که همه نیازمندی‌های آدمیزاده در آن ثبت است و جعفر بزرگ و جعفر کوچک که در پوست بز و پوست قوچ است نزد او است و همه دانش‌ها

را در بردارند حتی زیان کرد خراشیدن تن و حتی حد زدن با تازیانه را و نصف حد و يك سوم حد با تازیانه را و مصحف فاطمة در نزد او میباشد.

۲ - وَ فِي حَدِيثٍ آخَرَ أَنَّ الْإِمَامَ مُؤَيَّدَ بِرُوحِ الْقُدُسِ وَ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عَمُودٌ مِنْ نُورٍ يَرَى فِيهِ أَعْمَالَ الْعِبَادِ وَ كُلَّمَا احتَاجَ إِلَيْهِ لِدَلَالَةٍ أَطَّلَعَ عَلَيْهِ

۲- در روایت دیگر است که امام علیه السلام بوسیله روح القدس یاری می‌شود و میان او و خداوند عز و- جل ستونی از نور هست که کارهای بندگان و همه نیازمندیها در آن از راهی که خود امام بر آن آگاه است دیده می‌شود.

۳ - وَ قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام يُنْسَطُ لَنَا فَنَعْلَمُ وَ يُقْبَضُ عَنَّا فَلَا نَعْلَمُ وَ الْإِمَامُ يُوَلَّدُ وَ يَلِدُ وَ يَصْحُ وَ يَمْرُضُ وَ يَأْكُلُ وَ يَشْرَبُ وَ يَبُولُ وَ يَتَغَوَّطُ وَ يَفْرَحُ وَ يَحْزَنُ وَ يَضْحَكُ وَ يَبْكِي وَ يَمُوتُ وَ يُقْبَرُ وَ يُزَادُ فَيَعْلَمُ وَ دَلَّائِهِ فِي خَصَلَتَيْنِ فِي الْعِلْمِ وَ اسْتِجَابَةِ الدَّعْوَةِ وَ كُلَّمَا أَخْبَرَ بِهِ مِنَ الْحَوَادِثِ الَّتِي تَحْدُثُ قَبْلَ كَوْنِهَا كَذَلِكَ بِيَعْهَدِ مَعْهُودٍ إِلَيْهِ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صلوات الله عليه وآله تَوَارَثَهُ مِنْ آبَائِهِ ع

و کون ذلك مما عهده إليه جبرئيل عن علام الغيوب و جميع الأئمة الأحد عشر بعد النبي صلوات الله عليه وآله قتلوا منهم بالسيف و هو أمير المؤمنين و الحسين علیه السلام و الباقر علیه السلام قتلوا بالسم و جرى ذلك عليهم على الحقيقة و الصحة لا كما يقوله الغلاة و المفوضة لعنهم الله بأنهم يقولون إنهم لم يقتلوا على الحقيقة و إنما شبه للناس أمرهم و كذبوا ما شبه أمر أحد من أنبياء الله و حججه على الناس إلا أمر عيسى ابن مريم علیه السلام وحده لأنه رفع من الأرض حيا و قبض روحه بين السماء و الأرض ثم رفع إلى السماء و رد عليه روحه و ذلك قول الله عز و

جل اذ قال الله يا عيسى اني متوفيك ورافعك الي و قال عز و جل حكاية عما يقول عيسى يوم القيامة و كنت عليهم شهيدا ما دمت فيهم فلما توفيتني كنت انت الرقيب عليهم و انت على كل شيء شهيد و يقول المتجاوزون للحد في امر الأئمة عليهم السلام انه إن جاز أن يشبه أمر عيسى للناس فلم لا يجوز أن يشبه أمرهم أيضا و الذي يجب أن يقال لهم إن عيسى هو مولود من غير أب فلم لا يجوز أن يكونوا مولودين من غير أب و إنهم لا يجسرون على إظهار مذهبهم لعنهم الله في ذلك و متى جاز أن يكون جميع أنبياء الله و حججه عليهم السلام مولودين من الآباء و الأمهات و كان عيسى من بينهم مولودا من غير أب جاز أن يشبه أمره للناس دون أمر غيره من الأنبياء و الحجج عليهم السلام كما جاز أن يولد من غير أب دونهم و إنما أراد الله عز و جل أن يجعل أمره آية و علامة ليعلم بذلك أن الله على كل شيء قدير

۳ - امام صادق عليه السلام فرمود: برای ما گشوده می‌شود و میدانیم و چون بسته می‌شود دیگر نمیدانیم و امام متولد می‌شود و فرزند برای او می‌شود و تندرست می‌گردد و بیمار می‌شود و می‌خورد و می‌آشامد و بول می‌کند و به قضای حاجت می‌نشیند و شادمان می‌گردد و غمناک می‌شود و می‌خندد و می‌گرید و می‌میرد و بخاک سپرده می‌شود و دانشش فزونتر می‌گردد و در نتیجه آن اطلاع حاصل می‌کند ولی نشانه امام در دو خصلت است در دانش و مستجاب شدن دعا و آنچه از پیش آمدها پیشاپیش خبر می‌دهد همان طور که از رسول خدا صلی الله علیه و آله به او رسیده است و از پدرانش به ارث برده است و به رسول خدا صلی الله علیه و آله به توسط جبرئیل از خداوندی که دانای غیبه‌ها است رسیده است و یازده امام پس از پیغمبر همگی کشته شدند بعضی از آنان با شمشیر

که امیر المؤمنین است و حسین علیه السلام و باقی با زهر کشته شدند و کشته شدنشان از روی حقیقت و درستی بود نه چنانچه غالیان و مفوضه (خدا لعنتشان کند) میگویند که آنها میگویند: امامان واقعا کشته نشده اند و بلکه مردم در باره آنان در اشتباه اند اینان دروغ میگویند کار هیچ يك از انبیای خدا و حجت‌های او بر مردم مشتبه نیست مگر کار عیسی بن مریم بتنهائی زیرا او از زمین به آسمان بالا رفت و زنده بود و جانش در میان آسمان و زمین گرفته شد.

و سپس به آسمان برده شد و روح به تن او بازگشت و این است معنی فرمایش خدای عز و جل (آل عمران آیه ۵۵) هنگامی که خدا فرمود ای عیسی من ترا می‌میرانم و بسوی خود بالا می‌آورم و خدای عز و جل از قول عیسی در روز قیامت حکایت می‌کند که عرض می‌کند من گواه آنان بودم تا در میانشان بودم و چون مرا میراندی تو خود مراقب آنان بودی و تو بر هر چیز گواهی. آنان که در باره امامان از حد گذشته اند میگویند که اگر بر کار عیسی روا است که مردم مشتبه بشوند چرا در کار امامان نیز اشتباه روا نباشد؟ آنچه لازم است به آنان گفته شود اینست که عیسی بدون پدر متولد شده است چرا روا نیست که امامان هم بدون پدر متولد بشوند؟ و آنان جرات اظهار چنین مذهبی را در این باره نخواهند داشت خدا لعنتشان کند و هر گاه روا باشد که همه پیغمبران خدا و حجت‌های او از پدران و مادران متولد شده باشند و فقط عیسی از میان آنان بدون پدر متولد شود روا است که فقط کار او بمردم مشتبه شود نه کار دیگری از پیغمبران و حجت‌های الهی هم چنان که متولد شدن بدون پدر فقط برای عیسی روا بود و خدای عز و جل

خواسته بود که کار او را نشانه و علامتی قرار دهد تا بدین وسیله دانسته شود که خداوند بر همه چیز توانا است.

ماه رمضان سی روز است و هرگز کمتر نمیشود

شهر رمضان ثلاثون یوما لا ینقص أبدا
 ۴ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
 سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الْجَمِيرِيِّ وَ
 مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ وَ أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ
 جَمِيعاً قَالُوا حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى
 وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ مُحَمَّدِ
 بْنِ سِنَانٍ عَنْ حُذَيْفَةَ بْنِ مَنْصُورٍ عَنْ مُعَاذِ بْنِ
 كَثِيرٍ وَ يُقَالُ لَهُ مُعَاذُ بْنُ مُسْلِمٍ الْهَرَاءِيُّ عَنْ
 أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ

شَهْرُ رَمَضَانَ ثَلَاثُونَ يَوْمًا لَا يَنْقُصُ وَ اللَّهُ أَبَدًا
 ۴ - امام صادق عليه السلام فرمود: ماه رمضان سی
 روز است و بخدا هرگز کمتر نمیشود.

۵ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوِيهِ رَضِيَ اللَّهُ
 عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ
 عَنْ أَبِيهِ عَنْ يَاسِرِ الْخَادِمِ قَالَ قُلْتُ لِلرَّضَا عليه السلام

هَلْ يَكُونُ شَهْرُ رَمَضَانَ تِسْعَةً وَ عَشْرِينَ يَوْمًا
 فَقَالَ إِنَّ شَهْرَ رَمَضَانَ لَا يَنْقُصُ عَنْ ثَلَاثِينَ يَوْمًا

۵ - یاسر خادم گوید به امام رضا عرض
 کردم ماه رمضان بیست و نه روز می‌شود؟
 فرمود به راستی که ماه رمضان از سی روز
 کمتر نمیشود.

۶ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوِيهِ رَضِيَ اللَّهُ
 عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنِي عَمِّي مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي الْقَاسِمِ
 عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِي
 الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ الرَّقِّيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ
 جَبَلَةَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَبْدِ
 اللَّهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي
 طَالِبٍ عليه السلام قَالَ جَاءَ نَفْرٌ مِنَ الْيَهُودِ إِلَى رَسُولِ
 اللَّهِ صلوات الله عليه وآله فَسَأَلَهُ أَعْلَمُهُمْ عَنْ مَسَائِلَ فَكَانَ فِيهَا

سَأَلَهُ أَنْ قَالَ لِأَيِّ شَيْءٍ فَرَضَ اللَّهُ الصَّوْمَ عَلَيَّ
 أُمَّتِكَ بِالنَّهَارِ ثَلَاثِينَ يَوْمًا وَفَرَضَ عَلَيَّ الْأُمَّمَ
 أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ إِنَّ آدَمَ لَمَّا
 أَكَلَ مِنَ الشَّجَرَةِ بَقِيَ فِي بَطْنِهِ ثَلَاثِينَ يَوْمًا
 فَفَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيَّ ذُرِّيَّتِهِ ثَلَاثِينَ يَوْمًا
 الْجُوعَ وَالْعَطَشَ وَالَّذِي يَأْكُلُونَهُ تَفَضَّلُ مِنَ اللَّهِ
 عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْهِمْ كَذَلِكَ كَانَ عَلَيَّ آدَمَ فَرَضَ اللَّهُ
 ذَلِكَ عَلَيَّ أُمَّتِي ثُمَّ تَلَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ هَذِهِ الْآيَةَ
 كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ
 قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ أَيَّامًا مَعْدُودَاتٍ قَالَ
 الْيَهُودِيُّ صَدَقْتَ يَا مُحَمَّدُ

۶ - امام حسن فرمود: چند تن از یهود
 به محضر رسول خدا ﷺ آمدند دانایان
 سؤالاتی از حضرت کرد و از جمله آنها این
 بود که عرض کرد به چه علت خداوند روزه
 گرفتن در روز را به امت تو سی روز واجب
 کرده است و بر دیگر امتها از این بیشتر
 واجب نموده؟

پیغمبر فرمود: چون آدم از آن درخت
 مخصوص خورد سی روز در شکمش ماند خداوند
 بر فرزنداناش گرسنگی و تشنگی را سی روز
 واجب کرد و آنچه در میان این سی روز
 میخورند تفضلی است از خداوند بر آنها و
 بر آدم هم سی روز روزه واجب بود و همان
 را خدا بر امت من واجب کرد سپس رسول خدا
 ﷺ این آیه را خواند (بقره آیه ۱۱۳)
 روزه بر شما نوشته شد هم چنان که بر
 پیشینیان شما نوشته شده بود تا تقوا
 پیشه کنید روزهای شماره شده ای است
 یهودی عرض کرد درست فرمودی ای محمد.

۷ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكَّلِ
 رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ
 الْكُوفِيُّ عَنْ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ النَّخَعِيِّ عَنْ عَمِّهِ
 الْحُسَيْنِ بْنِ يَزِيدِ النَّوْفَلِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَمْرَةَ
 عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنْ قَوْلِ

اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَ لِيَتَكْمَلُوا الْعِدَّةَ قَالَ ثَلَاثِينَ
يَوْمًا

۷ - ابی بصیر گوید از امام صادق معنای
این آیه را پرسیدم که میفرماید تا شماره
را کامل کنید فرمود سی روز است.

۸ - حَدَّثَنَا أَبِي وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ
الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَا حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ
عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ
عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيعٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ
يَعْقُوبَ بْنِ شُعَيْبٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام
أَنَّهُ قَالَ فِي حَدِيثٍ طَوِيلٍ شَهْرُ رَمَضَانَ ثَلَاثُونَ
يَوْمًا لِقَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ لِيَتَكْمَلُوا الْعِدَّةَ وَ
الْكَامِلَةُ التَّامَّةُ

۸ - امام صادق عليه السلام در ضمن حدیث طولانی
فرمود ماه رمضان سی روز است چون خدای عز
و جل میفرماید تا شماره را کامل فرمائید
و ماه کامل سی روز تمام است.

۹ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْقَطَّانُ قَالَ
حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا الْقَطَّانُ عَنْ
بَكْرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَبِيبٍ عَنْ تَمِيمِ بْنِ بُهْلُولٍ
قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو مُعَاوِيَةَ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ
مِهْرَانَ قَالَ سَمِعْتُ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ عليه السلام يَقُولُ وَ اللَّهُ
مَا كَلَّفَ اللَّهُ الْعِبَادَ إِلَّا دُونَ مَا يُطِيقُونَ إِنَّمَا
كَلَّفَهُمْ فِي الْيَوْمِ وَ اللَّيْلَةِ خَمْسَ صَلَوَاتٍ وَ
كَلَّفَهُمْ فِي كُلِّ أَلْفِ دِرْهَمٍ خَمْسَةَ وَ عِشْرِينَ
دِرْهَمًا وَ كَلَّفَهُمْ فِي السَّنَةِ صِيَامَ ثَلَاثِينَ يَوْمًا
وَ كَلَّفَهُمْ حِجَّةً وَاحِدَةً وَ هُمْ يُطِيقُونَ أَكْثَرَ مِنْ
ذَلِكَ

قال مصنف هذا الكتاب رضى الله عنه مذهب
خواص الشيعة و أهل الاستبصار منهم فى شهر
رمضان أنه لا ينقص عن ثلاثين يوما أبدا و
الأخبار فى ذلك موافقة للكتاب و مخالفة
للعمامة فمن ذهب من ضعفة الشيعة إلى
الأخبار التى وردت للتقية فى أنه ينقص و
يصيبه ما يصيبه الشهور من النقصان و

التمام اتقى كما تتقى العامة و لم يكلم
 إلا بما يكلم به العامة و لا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ
 ۹ - اسماعيل بن مهرا ن گوید شنیدم امام
 صادق میفرمود: بخدا قسم که خداوند به
 بندگان تکلیف نه فرموده مگر کمتر از
 آنچه را که توانائی آن دارند: در شبانه
 روزی فقط پنج نماز تکلیف کرده و در هر
 هزار درهم بیست و پنج درهم تکلیفشان
 نموده و در يك سال روزه سی روز را به
 آنان تکلیف نموده و يك بار حج (در تمام
 عمر) تکلیفشان نموده با اینکه آنان
 توانائی بیش از این را دارند.
 (مصنف) این کتاب گوید:

عقیده خواص شیعه و روشن بین از آنان
 در باره ماه رمضان اینست که هرگز از سی
 روز کمتر نمیشود و اخباری که در این
 باره هست با قرآن موافق و با مذهب سنیان
 مخالف است و از ضعفای شیعه آن کس که
 اخباری را که اخباری را که از راه تقیة
 در باره ماه رمضان رسیده است و اینکه
 آنهم مانند باقی ماهها سی کم و تمام
 میشود پذیرفته است تقیة نموده هم چنان
 که در دیگر موارد میبایست از عامة تقیة
 شود و جز بر مذهب آنان سخنی گفته نشود و
 توانائی نیست جز بوسیله خداوند

آنچه از عمل زناشوئی در کتاب و سنت
 حرام شده است سی و چهار صورت است الفروج
 المحرمة فی الکتاب و السنة علی أربعة و
 ثلاثین وجها

۱۰ - حَدَّثَنَا أَبُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنُ بْنُ حَمَزَةَ بْنِ
 عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ
 الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي
 طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَزْدَادَ قَالَ
 حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْكُوفِيُّ قَالَ
 حَدَّثَنَا أَبُو سَعِيدٍ سَهْلُ بْنُ صَالِحِ الْعَبَّاسِيُّ قَالَ
 حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَمْلِيُّ قَالَ

حَدَّثَنِي مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ جَعْفَرِ بْنِ
 مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ سُئِلَ أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ عَمَّا حَرَّمَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ
 مِنَ الْفُرُوجِ فِي الْقُرْآنِ وَ عَمَّا حَرَّمَهُ رَسُولُ
 اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي سُنَّتِهِ فَقَالَ الَّذِي حَرَّمَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ
 أَرْبَعَةٌ وَ ثَلَاثُونَ وَجْهًا سَبْعَةٌ عَشْرٌ فِي الْقُرْآنِ
 وَ سَبْعَةٌ عَشْرٌ فِي السُّنَّةِ فَأَمَّا الَّتِي فِي
 الْقُرْآنِ فَالزَّنا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَ لَا تَقْرَبُوا
 الزَّنى وَ نِكَاحِ امْرَأَةِ الْآبِ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَ
 لَا تَنْكِحُوا مَا نَكَحَ آبَاؤُكُمْ مِنَ النِّسَاءِ وَ
 أُمَّهَاتِكُمْ وَ بَنَاتِكُمْ وَ أَخَوَاتِكُمْ وَ عَمَّاتِكُمْ وَ
 خَالَاتِكُمْ وَ بَنَاتِ الْأَخِ وَ بَنَاتِ الْأُخْتِ وَ
 أُمَّهَاتِكُمُ اللَّاتِي أَرْضَعْنَكُمْ وَ أَخَوَاتِكُمْ مِنْ
 الرِّضَاعَةِ وَ أُمَّهَاتِ نِسَائِكُمْ وَ رَبَائِبِكُمُ اللَّاتِي
 فِي حُجُورِكُمْ مِنْ نِسَائِكُمُ اللَّاتِي دَخَلْتُمْ بِهِنَّ
 فَإِنْ لَمْ تَكُونُوا دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ
 وَ حَلَائِلُ أَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ أَصْلَابِكُمْ
 وَ أَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ
 وَ الْحَائِضُ حَتَّى تَطْهَرَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَ لَا
 تَقْرَبُواهُنَّ حَتَّى يَطْهُرْنَ وَ النِّكَاحِ فِي الْإِعْتِكَافِ
 قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَ لَا تَبَاشِرُوهُنَّ وَ أَنْتُمْ
 عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ وَ أَمَّا الَّتِي فِي السُّنَّةِ
 فَالْمُؤَاقَعَةُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ نَهَارًا وَ تَزْوِيجُ
 الْمُلَاعَنَةِ بَعْدَ اللَّعَانِ وَ التَّزْوِيجُ فِي الْعِدَّةِ
 وَ الْمُؤَاقَعَةُ فِي الْإِحْرَامِ وَ الْمُحْرِمُ يَتَزَوَّجُ أَوْ
 يُزَوَّجُ وَ الْمُظَاهِرُ قَبْلَ أَنْ يُكْفَرَ وَ تَزْوِيجُ
 الْمُشْرِكَةِ وَ تَزْوِيجُ الرَّجُلِ امْرَأَةً قَدْ طَلَّقَهَا
 لِئِدَّةٍ تِسْعَ تَطْلِيقَاتٍ وَ تَزْوِيجُ الْأُمَّةِ عَلَى
 الْحُرَّةِ وَ تَزْوِيجُ الذَّمِّيَّةِ عَلَى الْمُسْلِمَةِ وَ
 تَزْوِيجُ الْمَرْأَةِ عَلَى عَمَّتِهَا وَ خَالَتِهَا وَ
 تَزْوِيجُ الْأُمَّةِ مِنْ غَيْرِ إِذْنِ مَوْلَاهَا وَ تَزْوِيجُ
 الْأُمَّةِ عَلَى مَنْ يَقْدِرُ عَلَى تَزْوِيجِ الْحُرَّةِ وَ
 الْجَارِيَّةِ مِنَ السَّبْيِ قَبْلَ الْقِسْمَةِ وَ الْجَارِيَّةِ
 الْمُشْتَرَكَةِ وَ الْجَارِيَّةِ الْمُشْتَرَاةِ قَبْلَ أَنْ
 يَسْتَبْرِئَهَا وَ الْمُكَاتِبَةُ الَّتِي قَدْ آدَّتْ بَعْضَ
 الْمُكَاتِبَةِ

۱۰ - امام صادق علیه السلام فرمود: از پدرم سؤال شد از عمل زناشوئی که خدای عز و جل در قرآن حرام فرموده و آنچه را که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در سنت خود حرامش دانسته است فرمود: آنچه خدای عز و جل حرام اش فرموده سی و چهار صورت است که هفده صورت آن در قرآن است و هفده صورتش در سنت اما آنچه در قرآن است زنا است که خدای عز و جل فرموده است بزنا نزدیک نشوید و زناشوئی با زن پدر است که خدای عز و جل فرموده است با زنانی که پدرانتان همسری کرده اند همسری نکنید و مادران شما و دختران شما و خواهران شما و عمه های شما و خاله های شما و دختران برادر و دختران خواهر و مادرهایی که بشما شیر داده اند (مادر رضاعی) و خواهران رضاعی و مادر زنهای شما و دختران همسرهای شما که در دامن شما هستند از زنانی که با آنان هم بستر شده اید و اگر با آنان هم بستر نشده اید گناهی بر شما نیست و همسران پسران صلبی شما و اینکه دو خواهر را با هم بهمسری بگیرید مگر آنچه در گذشته گرفته اید و زن حائض تا از حیض پاک شود که خدای عز و جل میفرماید با زنان نزدیکی نکنید تا پاک شوند و در حال اعتکاف با همسر هم بستر شدن که خداوند میفرماید با همسران خود آمیزش نداشته باشید در حالی که میان مسجد به اعتکاف نشسته اید و اما آنچه در سنت است: روز ماه رمضان با همسر آمیزش نمودن و با زنی که با او مقررات ملاعنة انجام گرفته است ازدواج نمودن و با زنی که در عده دیگری است ازدواج نمودن و در حال احرام عمل جنسی انجام دادن و در حال احرام ازدواج کردن و یا با کسی که احرام بسته است طرف ازدواج شدن و زنی که مرد با اوظهار کرده پیش از آنکه کفارهظهار

را بدهد و زن مشرکه را تزویج کردن و زنی را که مردش نه بار با او طلاق عده دار داده باشد و ازدواج با کنیز بر سر زن آزاد و ازدواج با زن ذمیة بر سر زن مسلمان و ازدواج زن بر سر عمه و خاله اش و ازدواج کنیز بدون اجازه آقایش و ازدواج با کنیز از برای کسی که میتواند با زن آزاد ازدواج کند و کنیز اسیر پیش از تقسیم غنیمت و کنیزی که چند نفر در ملکیت او شریکند و کنیزی که خریداری شده است پیش از آنکه استبراء شود و کنیزی که با آقای خود قرار داد مکاتبه داشته و قسمتی از مال المکاتبه را ادا کرده باشد.

خدای تبارک و تعالی از جمعه تا جمعه دیگر سی و پنج نماز واجب کرده است

فرض الله تبارک و تعالی علی الناس من الجمعة إلى الجمعة خمسا و ثلاثین صلاة
 ۱۱ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ زِيَادٍ بْنُ جَعْفَرٍ
 الهمداني رضي الله عنه قال حدثنا علي بن
 إبراهيم بن هاشم عن أبيه عن حماد بن
 عيسى عن حريز عن زرارة عن أبي جعفر عليه السلام
 قال إنما فرض الله عز و جل من الجمعة إلى
 الجمعة خمسا و ثلاثين صلاة فيها صلاة واحدة
 فرضها الله في جماعة و هي الجمعة
 ۱۱ - امام باقر عليه السلام فرمود: خدای عز و جل
 از جمعه تا جمعه دیگر فقط سی و پنج نماز
 واجب فرموده است و در میان آنها يك نماز
 است که واجب است با جماعت خوانده شود و
 آن نماز جمعه است

أبواب الأربعين و ما فوقه (بابهای چهل و بالاتر)
 میگسار تا چهل روز نمازش پذیرفته نیست
 شارب الخمر لا تقبل صلاته أربعين يوما

۱ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ حُكَيْمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبَانَ بْنِ عَثْمَانَ عَنِ الْفُضَيْلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام يَقُولُ مَنْ شَرِبَ الْخَمْرَ فَسَكِرَ مِنْهَا لَمْ تُقْبَلْ صَلَاتُهُ أَرْبَعِينَ يَوْمًا فَإِنْ تَرَكَ الصَّلَاةَ فِي هَذِهِ الْأَيَّامِ ضُوعِفَ عَلَيْهِ الْعَذَابُ لِتَرْكِ الصَّلَاةِ

وَ فِي خَبَرٍ آخَرَ أَنَّ شَارِبَ الْخَمْرِ تَوَقَّفَ صَلَاتُهُ بَيْنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ فَإِذَا تَابَ رُدَّتْ عَلَيْهِ

۱ - فضیل بن یسار گوید: شنیدم امام باقر علیه السلام میفرمود: هر که می بنوشد و مست شود نمازش تا چهل روز پذیرفته نیست و اگر در این روزها نماز نخواند عذابش برای نماز نخواندن دو چندان می شود و در خبر دیگر فرمود: نماز میگسار میان آسمان و زمین بازداشت می شود چنانچه توبه کرد به او باز میگردد.

روزه بر چهل قسم است

الصوم على أربعين وجهاً

٢ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَصْفَهَانِيِّ عَنِ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ الْمِنْقَرِيِّ عَنِ سُوْيَانَ بْنِ عُيَيْنَةَ عَنِ الزُّهْرِيِّ قَالَ دَخَلْتُ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليهما السلام فَقَالَ لِي يَا زُهْرِيُّ مِنْ أَيْنَ جِئْتَ قُلْتَ مِنَ الْمَسْجِدِ قَالَ فِيمَ كُنْتُمْ قَالَ تَذَاكُرْنَا أَمْرَ الصَّوْمِ فَأَجْمَعَ رَأْيِي وَرَأْيُ أَصْحَابِي أَنَّهُ لَيْسَ مِنَ الصَّوْمِ شَيْءٌ وَاجِبٌ إِلَّا صَوْمُ شَهْرِ رَمَضَانَ فَقَالَ يَا زُهْرِيُّ لَيْسَ كَمَا قُلْتُمْ إِنْ الصَّوْمَ عَلَى أَرْبَعِينَ وَجْهًا فَعَشْرَةٌ أَوْجُهُ مِنْهَا وَاجِبَةٌ كَوْجُوبِ شَهْرِ رَمَضَانَ وَعَشْرَةٌ أَوْجُهُ مِنْهَا صِيَامُهُنَّ حَرَامٌ وَارْبَعَةٌ عَشْرٌ وَجْهًا مِنْهَا صَاحِبُهَا فِيهَا بِالْخِيَارِ إِنْ شَاءَ صَامَ وَ إِنْ شَاءَ أَفْطَرَ وَ صَوْمُ الْإِذْنِ عَلَى ثَلَاثَةِ أَوْجُهُ وَ صَوْمُ التَّأْدِيبِ وَ صَوْمُ الْإِبَاحَةِ وَ صَوْمُ السَّفَرِ وَ الْمَرَضِ قُلْتُ فَسَرَّهُنَّ لِي جُعِلَتْ فِدَاكَ قَالَ أَمَّا الْوَاجِبُ فَصِيَامُ شَهْرِ رَمَضَانَ وَ صِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ لِمَنْ أَفْطَرَ يَوْمًا مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ مُتَعَمِّدًا وَ صِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ فِي قَتْلِ الْخَطَا لِمَنْ لَمْ يَجِدِ الْعِتْقَ وَاجِبٌ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ مَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَاً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَ دِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَى أَهْلِهِ إِلَى قَوْلِهِ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ وَ صِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ فِي كَفَّارَةِ الظَّهَارِ لِمَنْ لَمْ يَجِدِ الْعِتْقَ وَاجِبٌ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ الَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا قَالُوا فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَا ذَلِكَ تُوَعِّظُونَ بِهِ وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَا وَ صِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي كَفَّارَةِ الْيَمِينِ وَاجِبٌ لِمَنْ لَمْ يَجِدِ الْإِطْعَامَ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ ذَلِكَ كَفَّارَةٌ أَيْمَانِكُمْ إِذَا حَلَفْتُمْ كُلُّ ذَلِكَ مُتَتَابِعٌ وَ لَيْسَ بِمُتَفَرِّقٍ وَ صِيَامُ أَدَى

الْحَلْقِ حَلَقِ الرَّأْسِ وَاجِبٌ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ
تَعَالَى فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ بِإِذَى مِنْ
رَأْسِهِ فَعِدْيَةٌ مِنْ صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٌ أَوْ نُسْكَ
صَاحِبُهَا فِيهَا بِالْخِيَارِ وَإِنْ صَامَ صَامَ ثَلَاثًا
وَ صَوْمٌ دَمِ الْمُتَعَةِ وَاجِبٌ لِمَنْ لَمْ يَجِدِ الْهَدْيَ
قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ
إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ فَمَنْ لَمْ
يَجِدْ فَصِيَامٌ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَ سَبْعَةَ إِذَا
رَجَعْتُمْ تِلْكَ عَشْرَةٌ كَامِلَةٌ وَ صَوْمٌ جَزَاءِ الصَّيْدِ
وَاجِبٌ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ مَنْ قَتَلَهُ
مِنْكُمْ مُتَعَمِّدًا فَجَزَاءٌ مِثْلُ مَا قَتَلَ مِنَ النَّعْمِ
يَحْكُمُ بِهِ ذَوَا عَدْلٍ مِنْكُمْ هَدِيًّا بِالْبَيْتِ الْكَعْبَةِ
أَوْ كَفَّارَةٌ طَعَامُ مَسَاكِينَ أَوْ عَدْلُ ذَلِكَ صِيَامًا
ثُمَّ قَالَ أَوْ تَذْرَى كَيْفَ يَكُونُ عَدْلُ ذَلِكَ صِيَامًا
يَا زُهْرِيُّ فَقُلْتُ لَا أَذْرَى قَالَ ثَقُومُ الصَّيْدِ
قِيَمَةٌ ثُمَّ تَفَضُّ تِلْكَ الْقِيَمَةَ عَلَى الْبُرِّ ثُمَّ
يُكَالُ ذَلِكَ الْبُرُّ أَصْوَاعًا فَيَصُومُ لِكُلِّ نِصْفِ صَاعٍ
يَوْمًا وَ صَوْمُ النَّذْرِ وَاجِبٌ وَ صَوْمُ الْإِعْتِكَافِ
وَاجِبٌ وَ أَمَّا الصَّوْمُ الْحَرَامُ فَصَوْمُ يَوْمِ الْفِطْرِ
وَ يَوْمِ الْأَضْحَى وَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ مِنْ أَيَّامِ
التَّشْرِيقِ وَ صَوْمُ يَوْمِ الشُّكِّ أَمْرًا بِهِ وَ
نُهْيًا عَنْهُ أَمْرًا أَنْ نَصُومَهُ مَعَ شَعْبَانَ وَ
نُهْيًا أَنْ يَنْقَرِدَ الرَّجُلُ بِصِيَامِهِ فِي الْيَوْمِ
الَّذِي يَشُكُّ فِيهِ النَّاسُ قُلْتُ جَعَلْتَ فِذَاكَ فَإِنْ
لَمْ يَكُنْ صَامَ مِنْ شَعْبَانَ شَيْئًا كَيْفَ يَصْنَعُ قَالَ
يَنْوِي لَيْلَةَ الشُّكِّ أَنَّهُ صَائِمٌ مِنْ شَعْبَانَ فَإِنْ
كَانَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ أَجْزَأَ عَنْهُ وَ إِنْ كَانَ مِنْ
شَعْبَانَ لَمْ يُضِرَّ قُلْتُ وَ كَيْفَ يُجْزَى صَوْمٌ تَطَوُّعٌ
عَنْ فَرِيضَةٍ فَقَالَ لَوْ أَنَّ رَجُلًا صَامَ يَوْمًا مِنْ
شَهْرِ رَمَضَانَ تَطَوُّعًا وَ هُوَ لَا يَذْرَى وَ لَا يَعْلَمُ
أَنَّهُ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ ثُمَّ عَلِمَ بَعْدَ ذَلِكَ أَجْزَأَ
عَنْهُ لِأَنَّ الْفَرِيضَةَ إِنَّمَا وَقَعَ عَلَى الْيَوْمِ بَعَيْنِهِ
وَ صَوْمُ الْوَصَالِ حَرَامٌ وَ صَوْمُ الصَّمْتِ حَرَامٌ وَ
صَوْمُ النَّذْرِ لِلْمَعْصِيَةِ حَرَامٌ وَ صَوْمُ الدَّهْرِ
حَرَامٌ وَ أَمَّا الصَّوْمُ الَّذِي صَاحِبُهُ فِيهِ
بِالْخِيَارِ فَصَوْمُ يَوْمِ الْجُمُعَةِ وَ الْخَمِيسِ وَ
الْإِثْنَيْنِ وَ صَوْمُ أَيَّامِ الْبَيْضِ وَ صَوْمُ سِتَّةِ أَيَّامٍ

مِنْ شَوَّالٍ بَعْدَ شَهْرِ رَمَضَانَ وَ يَوْمَ عَرَفَةَ وَ يَوْمَ
 عَاشُورَاءَ كُلُّ ذَلِكَ صَاحِبُهُ فِيهِ بِالْخِيَارِ إِنْ
 شَاءَ صَامَ وَ إِنْ شَاءَ أَفْطَرَ وَ أَمَّا صَوْمُ الْإِذْنِ
 فَإِنَّ الْمَرْأَةَ لَا تَصُومُ تَطَوُّعًا إِلَّا بِإِذْنِ زَوْجِهَا
 وَ الْعَبْدَ لَا يَصُومُ تَطَوُّعًا إِلَّا بِإِذْنِ سَيِّدِهِ وَ
 الضَّيْفَ لَا يَصُومُ تَطَوُّعًا إِلَّا بِإِذْنِ صَاحِبِهِ قَالَ
 رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فَمَنْ نَزَلَ عَلَى قَوْمٍ فَلَا يَصُومَنَّ
 تَطَوُّعًا إِلَّا بِإِذْنِهِمْ وَ أَمَّا صَوْمُ التَّأْدِيبِ فَإِنَّهُ
 يُؤْمَرُ الصَّيِّئُ إِذَا رَاهِقَ بِالصَّوْمِ تَأْدِيبًا وَ
 لَيْسَ بِفَرَضٍ وَ كَذَلِكَ مَنْ أَفْطَرَ لِعِلَّةٍ مِنْ أَوَّلِ
 النَّهَارِ ثُمَّ قَوِيَ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرٌ بِالْإِمْسَاكِ بَقِيَّةَ
 يَوْمِهِ تَأْدِيبًا وَ لَيْسَ بِفَرَضٍ وَ كَذَلِكَ الْمُسَافِرُ
 إِذَا أَكَلَ مِنْ أَوَّلِ النَّهَارِ ثُمَّ قَدِمَ أَهْلُهُ أَمَرَ
 بِالْإِمْسَاكِ بَقِيَّةَ يَوْمِهِ تَأْدِيبًا وَ لَيْسَ بِفَرَضٍ وَ
 أَمَّا صَوْمُ الْإِبَاحَةِ فَمَنْ أَكَلَ أَوْ شَرِبَ نَاسِيًا أَوْ
 تَقِيًّا مِنْ غَيْرِ تَعَمُّدٍ فَقَدْ أَبَاحَ اللَّهُ ذَلِكَ لَهُ وَ
 أَجْزَأَ عَنْهُ صَوْمُهُ وَ أَمَّا صَوْمُ السَّفَرِ وَ الْمَرَضِ
 فَإِنَّ الْعَامَّةَ اخْتَلَفَتْ فِيهِ فَقَالَ قَوْمٌ يَصُومُونَ وَ
 قَالَ قَوْمٌ لَا يَصُومُونَ وَ قَالَ قَوْمٌ إِنْ شَاءَ صَامَ وَ
 إِنْ شَاءَ أَفْطَرَ وَ أَمَّا نَحْنُ فَنَقُولُ يُفْطَرُ فِي
 الْحَالَيْنِ جَمِيعًا فَإِنْ صَامَ فِي السَّفَرِ أَوْ فِي
 حَالِ الْمَرَضِ فَعَلَيْهِ الْقَضَاءُ فِي ذَلِكَ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ
 وَ جَلَّ يَقُولُ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ عَلَى
 سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ

۲ - زهری گوید: به خدمت امام زین
 العابدین رسیدم به من فرمود ای زهری از
 کجا آمدی؟

عرض کردم: از مسجد فرمود: در باره چه
 گفتگو داشتید؟ عرض کردم: در باره روزه
 گفتگو کردیم و رأی من و یارانم همگی بر
 این شد که بجز روزه ماه رمضان روزه
 واجب نیست فرمود: ای زهری چنین نیست که
 شما گفتید روزه بر چهل قسم است ده قسم
 از آن واجب است هم چون وجوب روزه ماه
 رمضان و ده قسم از آنها روزه گرفتنش
 حرام است و چهارده قسم از آن صاحبش
 اختیار دارد اگر خواست روزه می‌گیرد و

اگر خواست افطار می‌کند و روزه اذن بر سه قسم است و روزه تأدیب و روزه سفر و بیماری عرض کردم: فدایت شوم اینها را برای من تفسیر کنید: فرمود:

اما واجب پس روزه ماه رمضان است و روزه دو ماه پی در پی از برای کسی که يك روز از ماه رمضان را عمداً افطار کرده باشد و روزه دو ماه پی در پی واجب است در مورد کسی که از روی خطا قتل کند و بنده‌ای را نیابد تا آزاد کند که خدای عز و جل میفرماید کسی که مؤمنی را از راه خطا بکشد باید يك بنده مؤمن آزاد کند و يك ديه به خاندان مقتول بدهد تا آنجا که میفرماید اگر نیابد دو ماه پی در پی روزه بگیرد.

(نساء - ۹۱) و دو ماه روزه پی در پی در کفاره ظهار واجب است به کسی که بنده آزاد کردن نتواند خدای تبارک و تعالی فرماید آنان که با زنهای خود ظهار کنند سپس از گفتار خود باز گردند باید پیش از آمیزش يك بنده آزاد کنند این دستور برای این است که شما پند بگیرید و خدا به آنچه می‌کنید آگاه است و هر کس نیابد دو ماه پی در پی روزه بر او واجب است پیش از آمیزش (سوره مجادله ۲ و ۳) و روزه سه روز در کفاره قسم واجب است کسی را که نتواند اطعام کند خدای تبارک و تعالی میفرماید کسی که نتواند اطعام نماید روزه سه روز بر او واجب است این کفاره قسم شما است هنگامی که سوگند بخورید (مائدة ۹۲) همه این روزه‌ها پی در پی است نه پراکنده.

و روزه سر تراشیدن در حال احرام واجب است که برای رفع آزار تراشیده باشد خدای تبارک و تعالی میفرماید اگر کسی از شما بیمار باشد یا از سرش در اذیت باشد فديه بدهد از روزه یا صدقه یا عبادت و صاحبش

(در برگزیدن یکی از این سه) اختیار دارد و اگر روزه بگیرد سه روز روزه میگیرد. و روزه بجای قربانی حج تمتع واجب است برای کسی که قربانی نیابد خدای تبارک و تعالی میفرماید کسی که از عمره تمتع به حج برود آنچه میسر است قربانی کند پس کسی که قربانی نیافت سه روز در حج روزه بگیرد و هفت روز هنگامی که به وطن باز گشتید و این ده روز تمام می‌شود (سورة نساء ۹۴).

و روزه كفاره شكار کردن در حال احرام واجب است خدای تبارک و تعالی میفرماید هر کس از شما از روی عمد شکاری را کشت همانند آن را از حیوانات اهلی كفاره دهد و دو نفر عادل از شما حکم آن باشند این قربانی باید در مکه باشد و یا به كفاره آن تهی دستان را اطعام کند یا برابر آن روزه بدارد (سورة مائدة ۹۵) سپس فرمود: ای زهري میدانى برابر آن روزه داشتن چگونه است؟ عرض کردم: نمیدانم فرمود: شكار را قیمت میکنند سپس بهاء آن را بگندم میدهند سپس آن گندم را پیمانه میکنند که چند صاع است برای هر نیم صاع يك روز روزه می‌گیرند. و روزه نذر واجب است و روزه اعتكاف واجب است.

و اما روزه حرام روزه روز فطر و روز قربان و سه روز از روزهای تشریق. (۱۱ و ۱۲ و ۱۳ ذی الحجة در منی) میباشد. و روزه روزی که مشكوك است (که آخر ماه شعبان است یا اول ماه رمضان) به روزه يوم الشك هم مأموریم و هم از روزه آن نهی شده ایم مأموریم باین معنی که آن روز را با شعبان روزه بداریم و نهی شده ایم بدین معنی که نباید کسی به تنهائی روزه بدارد روزی را که مردم در آن شك دارند عرض کردم:

فدايت شوم اگر از شعبان هيچ روزه نگرفته باشد چه کند؟ فرمود: آن شبي را که مشکوک است نيت روزه شعبان می‌کند و اگر در واقع از ماه رمضان باشد او را کافی است و اگر از شعبان باشد زيانی ندارد عرض کردم: روزه مستحبي چگونه از روزه واجب کفایت می‌کند؟ فرمود: اگر کسی يك روز از ماه رمضان را روزه بدارد و نداند که از ماه رمضان است و پس از روزه معلوم شود که ماه رمضان بوده کفایت میکند زیرا که روز معینی را که واجب بوده روزه گرفته است.

و روزه وصال حرام است و روزه سکوت حرام است و روزه نذر در معصیت حرام است و روزه عمرانه حرام است.

و اما روزه‌ای که صاحبش اختیار دارد: روزه روز جمعه و پنج شنبه و دوشنبه است و روزه ایام البیض (سیزده تا پانزده هر ماه) و روزه شش روز شوال پس از ماه رمضان و روزه روز عرفه و روز عاشورا است که در همه این موارد شخص اختیار دارد اگر خواست روزه بگیرد و اگر خواست افطار می‌کند.

و اما روزه اذن زن را روزه مستحبي جایز نیست مگر با اجازه شوهرش و بنده را روزه مستحبي جایز نیست مگر با اجازه آقايش و مهمان را روزه مستحبي جایز نیست مگر با اجازه میزبانش.

رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود کسی که بر قومی مهمان شد نباید روزه مستحبي بگیرد مگر با اجازه آنان و اما روزه تأديب: بچه که به سن بلوغ نزدیک شد بروزه گرفتن وادار می‌شود به منظور تأديب ولی واجب نیست و هم چنین کسی که اول روز به جهت بیماری افطار کند و بعد از افطار نیروی روزه گرفتن داشته باشد موظف است که به منظور تأديب باقی مانده روز را امساک

کند ولی واجب نیست و هم چنین مسافری که اول روز روزه را خورده باشد سپس به خانواده خود برسد باقی مانده آن روز را برای تأدیب مأمور به امساک است ولی واجب نیست.

و اما روزه اباحه کسی که از روی فراموشی بخورد یا بیاشامد یا بدون عمد قی کند خداوند این کار را برای او مباح کرده و روزه اش کافی است.

و اما روزه سفر و بیماری عامه در این باره اختلاف کرده اند جمعی گفته باید روزه بگیرد و جمعی گفته است نباید روزه بگیرد و جمعی گفته اگر خواست روزه میگیرد و اگر خواست افطار می‌کند اما ما می‌گوئیم در هر دو حال افطار می‌کند پس اگر در سفر در حال بیماری روزه داشت قضای آن روزه بر او واجب است زیرا خدای عز و جل می‌فرماید هر کس از شما بیمار باشد و یا در سفر باشد به همان شماره از روزهای دیگر روزه بدارد (سوره بقره ۱۸۷)

در باره کسی که چهل تن از برادران خود را پیش از خود دعا کند

و سپس خود را فیمن قدم اربعین رجلا من إخوانه فی دعائه ثم دعا لنفسه
۳ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّقَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَيْرٍ وَاحِدٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ مَنْ قَدَّمَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا مِنْ إِخْوَانِهِ فَدَعَا لَهُمْ ثُمَّ دَعَا لِنَفْسِهِ اسْتَجِيبَ لَهُ فِيهِمْ وَ فِي نَفْسِهِ

۳- امام صادق عليه السلام فرمود کسی که چهل تن از برادران خودش را پیش بیندازد و برای آنان دعا کند و سپس برای خود دعا نماید

دعای او در باره آنان و خودش مستجاب می‌شود.

در باره کسی که پس از مردنش چهل تن از مؤمنین به نیکی‌اش گواهی دهند

فیمن شهد له بعد موته أربعون رجلا من المؤمنین بالخير
٤ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ سِنَانٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ إِذَا مَاتَ الْمُؤْمِنُ فَحَضَرَ جِنَازَتَهُ أَرْبَعُونَ رَجُلًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَقَالُوا اللَّهُمَّ إِنَّا لَا نَعْلَمُ مِنْهُ إِلَّا خَيْرًا وَ أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنَّا قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى إِنِّي قَدْ أَجَزْتُ شَهَادَتَكُمْ وَ غَفَرْتُ لَهُ مَا عَلِمْتُ مِنْهُ مَا لَا تَعْلَمُونَ

٤ - امام صادق عليه السلام فرمود چون مؤمن بمیرد و چهل تن از مؤمنین بر جنازه او حاضر شوند و بگویند بار الها ما از او جز نیکی نمی‌دانیم و تو باو از ما دانا تری خدای تبارک و تعالی می‌فرماید من گواهی شما را گذراندم و آنچه را که من از او میدانم و شما نمی‌دانید آمرزیدم.

در نهی از نستردن موی زهار بیش از چهل روز

فی النهی عن ترك حلق العانة فوق
أربعین یوما
ه - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوِيهِ رَضِيَ اللَّهُ
عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنِي عَمِّي مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي الْقَاسِمِ
عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ
جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي
قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ
الْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَا يَتْرُكُ حَلْقَ عَانَتِهِ فَوْقَ
الْأَرْبَعِينَ فَإِنْ لَمْ يَجِدْ فَلْيَسْتَقْرِضْ بَعْدَ
الْأَرْبَعِينَ وَ لَا يُؤَخَّرْ

ه - رسول خدا ﷺ فرمود: هر که بخدا و
روز بازپسین ایمان دارد ستردن موی زهارش
را بیش از چهل روز ترك نکند و اگر تمکن
نداشت باید پس از چهل روز وام بگیرد و
تأخیر نیندازد.

زمین از ادرار شخص ختنه نشده تا چهل روز نجس میماند

الأرض تنجس من بول الأغلف أربعين صباحا
٦ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ
الْحُسَيْنِ بْنِ يَزِيدِ النُّوفَلِيِّ عَنْ إِسْمَاعِيلِ بْنِ
مُسْلِمِ السَّكُونِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ
عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي قَالِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
خَتْنُوا أَوْلَادَكُمْ يَوْمَ السَّابِعِ فَإِنَّهُ أَطْهَرُ وَ
أَطْيَبُ وَ أَسْرَعُ لِنَبَاتِ اللَّحْمِ فَإِنَّ الْأَرْضَ تَنْجَسُ
مِنْ بَوْلِ الْأَغْلَفِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا

٦ - رسول خدا ﷺ فرمود: فرزندان خود
را در روز هفتم ختنه کنید که پاکیزه تر
است و بهتر و زودتر گوشت می‌رویید زیرا
زمین از ادرار شخص ختنه نشده تا چهل روز
نجس میماند.

در باره کسی که کنیزی برای خود بگیرد و در هر چهل روز يك بار هم با او آمیزش جنسی نداشته باشد و کنیز بحرام آلوده شود فیمن اتخاذ جاریه فلم یأتها فی کل أربعین یوما ثم أتت محرما

۷ حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي يَعْقُوبُ بْنُ يَزِيدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْمُخْتَارِ بِإِسْنَادِهِ يَرْفَعُهُ إِلَى سَلْمَانَ رَحِمَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ أَنَّهُ قَالَ فِي حَدِيثٍ لَهُ مَنْ اتَّخَذَ جَارِيَةً فَلَمْ يَأْتِهَا فِي كُلِّ أَرْبَعِينَ يَوْمًا ثُمَّ أَتَتْ مُحْرَمًا كَانَ وَزُرُ ذَلِكَ عَلَيْهِ

۷ - سلمان رحمة الله عليه ضمن حدیثی گوید: کسی که کنیزی را بگیرد و در هر چهل روز يك بار هم با او آمیزش جنسی نداشته باشد و سپس آن کنیز بحرام آلوده شود گناه این حرام بگردن آن کس باشد.

۸ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّقَّارُ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ مَنْ اتَّخَذَ جَارِيَةً فَلَمْ يَأْتِهَا فِي كُلِّ أَرْبَعِينَ يَوْمًا كَانَ وَزُرُ ذَلِكَ عَلَيْهِ

۸ - امام صادق عليه السلام فرمود: مضمون حدیث هفتم .

دیه سگ شکاری چهل درهم است دیه کلب الصيد أربعون درهما

۹ حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيُّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ عَنْ عَبْدِ الْأَعْلَى بْنِ أَعْيَنٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ فِي كِتَابِ عَلِيِّ عليه السلام دِيَةُ كَلْبِ الصَّيْدِ أَرْبَعُونَ دِرْهَمًا

۹ - امام صادق عليه السلام فرمود: در کتاب علی عليه السلام نوشته است ديه سگ شکاری چهل درهم است.

۱۰ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنِ الْوَلِيدِ بْنِ صَيْحٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ دِيَّةُ كَلْبِ الصَّيْدِ السَّلُوقِيِّ أَرْبَعُونَ دِرْهَمًا مِمَّا أَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وسلم بِهِ لِبَنِي خُزَيْمَةَ

۱۰ - امام صادق عليه السلام فرمود: ديه سگ شکاری سلوقی چهل درهم است بمبنای دستوری که رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم به بنی خزیمه در این باره داد.

خدای تعالی به فرعون میان دو جمله اش چهل سال مهلت داد

أَمَلَى اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لِفِرْعَوْنَ بَيْنَ كَلِمَتَيْهِ أَرْبَعِينَ سَنَةً

۱۱ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ مَهْزِيَارَ عَنْ أَخِيهِ عَنِ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنْ عَيْسَى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ أَمَلَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِفِرْعَوْنَ مَا بَيْنَ الْكَلِمَتَيْنِ قَوْلُهُ أَنَا رَبُّكُمْ الْأَعْلَى وَ قَوْلُهُ مَا عَلِمْتُ لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرِي أَرْبَعِينَ سَنَةً ثُمَّ أَخَذَهُ اللَّهُ نَكَالَ الْآخِرَةِ وَالْأُولَى وَ كَانَ بَيْنَ أَنْ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِمُوسَى وَ هَارُونَ عليهما السلام قَدْ أُجِيبَتْ دَعْوَتُكُمَا وَ بَيْنَ أَنْ عَرَفَهُ اللَّهُ تَعَالَى الْإِجَابَةَ أَرْبَعِينَ سَنَةً ثُمَّ قَالَ قَالَ جِبْرِئِيلُ عليه السلام نَزَلْتُ رَبِّي فِي فِرْعَوْنَ مُنَازِلَةً شَدِيدَةً فَقُلْتُ يَا رَبِّ تَدْعُهُ وَ قَدْ قَالَ أَنَا رَبُّكُمْ الْأَعْلَى فَقَالَ إِنَّمَا يَقُولُ مِثْلَ هَذَا عَبْدٌ مِثْلَكَ

۱۱ - امام باقر علیه السلام فرمود: خدای عز و جل
 بفرعون در میان دو جمله اش یکی اینکه گفت
 (النازعات ۲۴) من پروردگار بلند مرتبه
 شما هستم و دیگر اینکه گفت: (القصص ۳۸)
 من بجز خودم خدائی برای شما نمیدانم،
 چهل سال مهلت داد و سپس او را بشکنجه آن
 دنیا و این دنیا گرفتار ساخت و از آن
 گاه که خدای عز و جل بموسی و هارون
 فرمود: دعای شما دو نفر مستجاب گردید تا
 روزی که خداوند اثر استجابت دعا را
 بموسی نشان داد چهل سال فاصله بود سپس
 فرمود: جبرئیل گفت: من با پروردگار خود
 در باره فرعون سخت در افتادم و عرض کردم
 پروردگارا با اینکه فرعون داد اَنَا رَبُّكُمْ
 الْأَعْلَى میدهد تو او را بحال خودش رها
 کرده ای؟ فرمود: چنین سخنی را بنده ای چون
 تو میگوید.

استغفاری که چهل گناه بزرگ به سبب آن
 آمرزیده شود استغفار یغفر به أربعون
 کبیره

۱۲ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوِيهِ رَضِيَ
 اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنِي عَمِّي مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي الْقَاسِمِ
 عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنِ الْحَسَنِ
 بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ
 اللَّهِ عليه السلام قَالَ مَا مِنْ مُؤْمِنٍ يَقْتَرِفُ فِي يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ
 أَرْبَعِينَ كَبِيرَةً فَيَقُولُ وَ هُوَ نَادِمٌ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ
 الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ بِدِيَعِ
 السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ وَ
 أَسْأَلُهُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيَّ إِلَّا عَفَرَهَا اللَّهُ لَهُ ثُمَّ قَالَ
 وَ لَا خَيْرَ فِيمَنْ يُقَارِفُ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ
 أَرْبَعِينَ كَبِيرَةً

۱۲- امام صادق علیه السلام فرمود: هر مؤمن که در
 شبانه روزی به چهل گناه بزرگ آلوده شود
 و با حالت پشیمانی بگوید استغفر الله الذي
 لا اله الا هو الحي القيوم بديع السموات و

الارض ذا الجلال و الاكرام و أسأله ان يتوب
 على ، خداوند او را می‌آمرزد سپس حضرت
 فرمود در کسی که شبانه روزی چهل گناه
 کبیره مرتکب شود خیری نیست.
 (شرح :)

در بعضی از نسخه‌ها اکثر من اربعین است
 یعنی کسی که شبانه روزی بیش از چهل گناه
 کبیره مرتکب شود خیری در او نیست و این
 بنظر مناسبتر است، دقت شود تا معلوم
 گردد

دو رحم تا چهل پشت به هم میرسد

الرحم تلتقی فی اربعین ابا
 ۱۳ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
 عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيُّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ
 بْنِ عَيْسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَائِ عَنِ أَبِي
 الْحَسَنِ الرِّضَا عَنِ أَبِيهِ عَنِ آبَائِهِ عَنِ عَلِيِّ عَلَيْهِ
 قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لَمَّا أُسْرِيَ بِي إِلَى
 السَّمَاءِ رَأَيْتُ رَحِمًا مُتَعَلِّقَةً بِالْعَرْشِ تَشْكُو
 رَحِمًا إِلَى رَبِّهَا فَقُلْتُ لَهَا كَمْ بَيْنَكَ وَ بَيْنَهَا
 مِنْ أَبْفَقَالَتْ نَلْتَقِي فِي أَرْبَعِينَ أَبًا

۱۳ - رسول خدا ﷺ فرمود مرا که
 به آسمان بردند رحمی را دیدم که به عرش
 الهی آویزان است و از رحمی به پروردگار
 خود شکایت میکند گفتمش میان تو و آن رحم
 چند پدر فاصله است؟ گفت در چهلمین پدر
 به هم میرسیم

چون حضرت قائم قیام کند خدای عز و جل نیروی هر يك مرد

از شیعه را به اندازه نیروی چهل مرد
قرار دهد إذا قام القائم علیه السلام جعل الله عز و
جل قوة الرجل من الشيعة قوة أربعين رجلا
۱ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ
الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ
الْحَسَنِ الصَّقَّارُ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ
بْنِ الْمُغِيرَةِ الْكُوفِيِّ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ عَامِرِ
الْقَصْبَانِيِّ عَنْ رَبِيعِ بْنِ مُحَمَّدِ الْمُسَلِّيِّ عَنِ
الْحَسَنِ بْنِ ثَوِيرِ بْنِ أَبِي فَاخِتَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ
عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ علیه السلام قَالَ إِذَا قَامَ قَائِمُنَا
أَذْهَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَنْ شِيعَتِنَا الْعَاهَةَ وَجَعَلَ
قُلُوبَهُمْ كَزُبُرِ الْحَدِيدِ وَجَعَلَ قُوَّةَ الرَّجُلِ
مِنْهُمْ قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا وَيَكُونُونَ حُكَّامَ الْأَرْضِ
وَ سَنَامَهَا

۱۴ - امام زين العابدين علیه السلام فرمود:
هنگامی که قائم ما قیام کند خدای عز و
جل از شیعه ما آفت را برطرف سازد و
دل‌هایشان را همچون پاره‌های آهن کند و
نیروی هر يك مرد از آنان را باندازه
نیروی چهل مرد قرار دهد و فرمانروایان و
بزرگان روی زمین خواهند بود.

در باره کسی که چهل حدیث نگهداری کند

فیمن حفظ أربعین حدیثا
۱۵ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ
الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ
الْحَسَنِ الصَّقَّارُ عَنِ عَلِيِّ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنِ عَبْدِ
اللَّهِ الدَّهْقَانِ قَالَ أَخْبَرَنِي مُوسَى بْنُ إِبْرَاهِيمَ
الْمَرْوَزِيُّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ علیه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ
اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم مَنْ حَفِظَ مِنْ أُمَّتِي أَرْبَعِينَ حَدِيثًا مِمَّا
يَحْتَاجُونَ إِلَيْهِ مِنْ أَمْرِ دِينِهِمْ بَعَثَهُ اللَّهُ يَوْمَ
الْقِيَامَةِ فَقِيهَا عَالِمًا

۱۵ - رسول خدا ﷺ فرمود: از افراد امت من هر کس که چهل حدیث از آنچه مردم در کار دینشان نیازمند بآن میباشند نگهداری کند خداوند بروز قیامت او را فقیهی دانشمند برانگیزد.

۱۶ - أَخْبَرَنِي أَبُو الْحَسَنِ طَاهِرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ يُونُسَ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عُثْمَانَ الْهَرَوِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَوَّارٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ حُجْرٍ السَّعْدِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا سَعِيدُ بْنُ نَجِيحٍ عَنِ ابْنِ جَرِيحٍ عَنِ عَطَاءِ بْنِ أَبِي رَبَاحٍ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ مَنْ حَفِظَ مِنْ أُمَّتِي أَرْبَعِينَ حَدِيثًا مِنَ السُّنَّةِ كُنْتُ لَهُ شَفِيعًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ

۱۶ - پیغمبر فرمود: هر که از امت من چهل حدیث از سنت نگهداری کند بروز قیامت من از او شفاعت خواهم کرد

۱۷ - أَخْبَرَنِي أَبُو الْحَسَنِ طَاهِرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ يُونُسَ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عُثْمَانَ الْهَرَوِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَوَّارٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَيْسَى بْنُ أَحْمَدَ الْعَسْقَلَانِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عَزْوَةُ بْنُ مَرْوَانَ الْبَرْقِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا رَبِيعُ بْنُ بَدْرِ عَنْ أَبَانَ عَنْ أَنَسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَنْ حَفِظَ عَنِّي مِنْ أُمَّتِي أَرْبَعِينَ حَدِيثًا فِي أَمْرِ دِينِهِ يُرِيدُ بِهِ وَجْهَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ الدَّارَ الْآخِرَةَ بَعَثَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَقِيهَا عَالِمًا

۱۷ - رسول خدا ﷺ فرمود: هر کس از امت من در باره دین چهل حدیث از من نگهداری کند و مقصودش رضای خدا و ثواب عالم آخرت باشد خداوند او را بروز قیامت فقیهی دانشمند مبعوث خواهد فرمود.

۱۸ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ الْهَيْثَمِ الْعَجَلِيُّ وَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدِ الصَّائِغِ وَ عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْوَرَّاقُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ قَالُوا حَدَّثَنَا حَمْرَةُ بْنُ الْقَاسِمِ الْعَلَوِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ مَثِيلٍ الدَّقَّاقُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلِيُّ

بْنُ مُحَمَّدٍ الشَّاذِي عَنْ عَلِيِّ بْنِ يُوسُفَ عَنْ حَنَانِ بْنِ سَدِيرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَقُولُ مَنْ حَفِظَ عَنَّا أَرْبَعِينَ حَدِيثًا مِنْ أَحَادِيثِنَا فِي الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ بَعَثَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَقِيهَاً عَالِماً وَ لَمْ يُعَذِّبْهُ

۱۸ - حنانة بن سدير گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام میفرمود: کسی که چهل حدیث از ما از حدیث‌هایی که ما در باره حلال و حرام گفته‌ایم نگهداری کند خداوند روز قیامت او را فقیهی دانشمند بر انگیزد و او را عذاب نفرماید.

۱۹ - حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُوسَى الدَّقَّاقُ وَ الْحُسَيْنُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ هِشَامِ الْمُكْتَبِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ السَّنَانِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ قَالُوا حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْأَسَدِيُّ الْكُوفِيُّ أَبُو الْحُسَيْنِ قَالَ حَدَّثَنَا مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ النَّخَعِيُّ عَنْ عَمِّهِ الْحُسَيْنِ بْنِ يَزِيدَ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ الْفَضْلِ الْهَاشِمِيِّ وَ إِسْمَاعِيلَ بْنِ أَبِي زِيَادٍ جَمِيعاً عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ قَالَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم أَوْصَى إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام وَ كَانَ فِيمَا أَوْصَى بِهِ أَنْ قَالَ لَهُ يَا عَلِيُّ مَنْ حَفِظَ مِنْ أُمَّتِي أَرْبَعِينَ حَدِيثًا يَطْلُبُ بِذَلِكَ وَجْهَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ الدَّارَ الْآخِرَةَ حَشْرَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَعَ النَّبِيِّينَ وَ الصَّادِقِينَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ وَ حَسَنَ أَوْلِيكَ رَفِيقاً فَقَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَخْبِرْنِي مَا هَذِهِ الْأَحَادِيثُ فَقَالَ أَنْ تُؤْمِنَ بِاللَّهِ وَحَدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ تَعْبُدَهُ وَ لَا تَعْبُدَ غَيْرَهُ وَ تُقِيمَ الصَّلَاةَ بِوُضُوءٍ سَابِغٍ فِي مَوَاقِيتِهَا وَ لَا تُؤَخَّرَهَا فَإِنْ فِي تَأْخِيرِهَا مِنْ غَيْرِ عِلَّةٍ غَضَبَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ تُؤَدِّيَ الزَّكَاةَ وَ تَصُومَ شَهْرَ رَمَضَانَ وَ تَحُجَّ الْبَيْتَ إِذَا كَانَ لَكَ مَالٌ وَ كُنْتَ مُسْتَطِيعاً وَ أَنْ لَا تَعُقَّ وَ إِيْدِيكَ وَ لَا تَأْكُلَ مَالَ الْيَتِيمِ ظُلْماً وَ لَا تَأْكُلَ الرِّبَا وَ لَا تَشْرَبَ الْخَمْرَ وَ لَا

شَيْئاً مِنَ الْأَشْرِبَةِ الْمُسْكِرَةِ وَ لَا تَزْنِي وَ لَا
 تَلُوطْ وَ لَا تَمْشِي بِالنَّمِيمَةِ وَ لَا تَخْلِفِ بِاللهِ
 كَاذِباً وَ لَا تَسْرِقْ وَ لَا تَشْهَدْ شَهَادَةَ الزُّورِ
 لِأَحَدٍ قَرِيباً كَانَ أَوْ بَعِيداً وَ أَنْ تَقْبَلَ الْحَقَّ
 مِنْ جَاءِ بِهِ صَغِيراً كَانَ أَوْ كَبِيراً وَ أَنْ لَا
 تَرْكُنَ إِلَى ظَالِمٍ وَ إِنْ كَانَ حَمِيماً قَرِيباً وَ
 أَنْ لَا تَعْمَلَ بِالْهَوَى وَ لَا تَقْذِفَ الْمُحْصَنَةَ وَ لَا
 تُرَائِي فَإِنَّ أَيْسَرَ الرِّيَاءِ شَرُّهُ بِاللهِ عَزَّ وَ جَلَّ
 وَ أَنْ لَا تَقُولَ لِقَصِيرٍ يَا قَصِيرٌ وَ لَا لِطَوِيلٍ يَا
 طَوِيلٌ تُرِيدُ بِذَلِكَ عَيْبَهُ وَ أَنْ لَا تَسْخَرَ مِنْ أَحَدٍ
 مِنْ خَلْقِ اللهِ وَ أَنْ تُصْبِرَ عَلَى الْبَلَاءِ وَ الْمُصِيبَةِ
 وَ أَنْ تَشْكُرَ نِعَمَ اللهِ الَّتِي أَنْعَمَ بِهَا عَلَيْكَ وَ
 أَنْ لَا تَأْمَنَ عِقَابَ اللهِ عَلَى ذَنْبٍ تُصِيبُهُ وَ أَنْ لَا
 تَقْنَطَ مِنْ رَحْمَةِ اللهِ وَ أَنْ تَتُوبَ إِلَى اللهِ عَزَّ وَ جَلَّ
 مِنْ ذُنُوبِكَ فَإِنَّ التَّائِبَ مِنْ ذُنُوبِهِ كَمَنْ لَا ذَنْبَ
 لَهُ وَ أَنْ لَا تُصِرَّ عَلَى الذُّنُوبِ مَعَ الْإِسْتِغْفَارِ
 فَتَكُونَ كَالْمُسْتَهْزِئِ بِاللهِ وَ آيَاتِهِ وَ رُسُلِهِ وَ
 أَنْ تَعْلَمَ أَنَّ مَا أَصَابَكَ

لَمْ يَكُنْ لِيُخْطِئَكَ وَ أَنْ مَا أَخْطَأَكَ لَمْ يَكُنْ
 لِيُصِيبَكَ وَ أَنْ لَا تَطْلُبَ سَخَطَ الْخَالِقِ بِرِضَا
 الْمَخْلُوقِ وَ أَنْ لَا تُؤْثِرَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ
 لِإِنَّ الدُّنْيَا فَانِيَةٌ وَ الْآخِرَةُ الْبَاقِيَةٌ وَ أَنْ لَا
 تَبْخَلَ عَلَى إِخْوَانِكَ بِمَا تَقْدِرُ عَلَيْهِ وَ أَنْ
 تَكُونَ سَرِيرَتَكَ كَعَلَانِيَّتِكَ وَ أَنْ لَا تَكُونَ عَلَانِيَّتَكَ
 حَسَنَةً وَ سَرِيرَتَكَ قَبِيحَةً فَإِنْ فَعَلْتَ ذَلِكَ كُنْتَ
 مِنَ الْمُنَافِقِينَ وَ أَنْ لَا تَكْذِبَ وَ أَنْ لَا تُخَالِطَ
 الْكَذَّابِينَ وَ أَنْ لَا تَغْضَبَ إِذَا سَمِعْتَ حَقّاً وَ أَنْ
 تُؤَدِّبَ نَفْسَكَ وَ أَهْلَكَ وَ وُلْدَكَ وَ جِيرَانَكَ عَلَى
 حَسَبِ الطَّاقَةِ وَ أَنْ تَعْمَلَ بِمَا عَلِمْتَ وَ لَا
 تُعَامِلَنَّ أَحَدًا مِنْ خَلْقِ اللهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَّا بِالْحَقِّ
 وَ أَنْ تَكُونَ سَهْلاً لِلْقَرِيبِ وَ الْبَعِيدِ وَ أَنْ لَا
 تَكُونَ جَبَّاراً عَنِيداً وَ أَنْ تُكْثِرَ مِنَ التَّسْبِيحِ
 وَ التَّهْلِيلِ وَ الدُّعَاءِ وَ ذِكْرِ الْمَوْتِ وَ مَا
 بَعْدَهُ مِنَ الْقِيَامَةِ وَ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ وَ أَنْ
 تُكْثِرَ مِنْ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ وَ تَعْمَلَ بِمَا فِيهِ وَ
 أَنْ تَسْتَعْنِمَ الْبِرَّ وَ الْكِرَامَةَ بِالْمُؤْمِنِينَ وَ
 الْمُؤْمِنَاتِ وَ أَنْ تَنْظُرَ إِلَى كُلِّ مَا لَا تَرْضَى

فَعَلَهُ لِنَفْسِكَ فَلَا تَفْعَلْهُ بِأَحَدٍ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ لَا تَمَلَّ مِنْ فِعْلِ الْخَيْرِ وَ أَنْ لَا تَثْقُلَ عَلَيَّ أَحَدٍ وَ أَنْ لَا تَمُنَّ عَلَيَّ أَحَدٍ إِذَا أَنْعَمْتَ عَلَيْهِ وَ أَنْ تَكُونَ الدُّنْيَا عِنْدَكَ سَجْنًا حَتَّى يَجْعَلَ اللَّهُ لَكَ جَنَّةً فَهَذِهِ أَرْبَعُونَ حَدِيثًا مِنْ اسْتِقَامَ عَلَيْهَا وَ حَفِظَهَا عَنِّي مِنْ أُمَّتِي دَخَلَ الْجَنَّةَ بِرَحْمَةِ اللَّهِ وَ كَانَ مِنْ أَفْضَلِ النَّاسِ وَ أَحَبَّهُمْ إِلَيَّ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بَعْدَ النَّبِيِّينَ وَ الْوَصِيِّينَ وَ حَشْرَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَعَ النَّبِيِّينَ وَ الصَّادِقِينَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ وَ حَسُنَ أَوْلِيكَ رَفِيقًا

۱۹ - حسین بن علی علیه السلام؟ فرمود: رسول خدا

صلوات الله وسلاماته امیر المؤمنین علی بن ابی طالب را وصیت فرمود و از جمله وصیتهایش این بود که با او فرمود: یا علی، کسی که از امت من چهل حدیث نگهداری کند و در این کار رضای خداوندی و پاداش عالم آخرت را خواسته باشد خداوند بروز قیامت او را با پیغمبران و راستان و شهیدان و بندگان شایسته محشور فرماید و اینان رفیقان خوبی هستند علی علیه السلام عرض کرد: یا رسول الله مرا خبر بده که این حدیثها چه باشند؟ فرمود: اینکه بخدای یگانه بی‌انبار ایمان بیاوری و او را بپرستی و و جز او را نپرستی و نماز را با وضوی کامل در وقتهای خودش بخوانی و تأخیرش میاندازی که بدون جهت نماز را تأخیر انداختن باعث خشم خدای عز و جل است زکات را بپردازی و ماه رمضان را روزه بگیری و اگر ثروتی داری و توانائی رفتن به مکه را داری حج خانه خدا را انجام دهی و پدر و مادر خود را ناراضی نکنی و مال یتیم را از راه ستم نخوری و ربا نخوری و می نوشی و نه هیچ از نوشابه‌هایی که مستی آورد، و زنا نکنی و لواط نکنی و در راه سخن چینی قدم بر نداری و بخدا سوگند دروغ یاد نکنی و دزدی نکنی و گواهی دروغین به هیچ کس از

خویش و بیگانه ندهی و حق را هر کس که برای تو آورد بپذیری آورنده كوچك باشد یا بزرگ و بهیچ ستمگری گرچه دوست نزدیک باشد اعتماد نکنی و هوا پرست نباشی و زن پاك دامن را متهم نسازی و ریا نورزی که کمترین ریا شرك بخدای عز و جل است و بمنظور عیبجوئی بشخص کوتاه نگوئی: ای کوتاه و بشخص بلند قامت نگوئی: ای دراز و هیچ يك از خلق خدا را مسخره نکنی و در گرفتاری و مصیبت شکیبا باشی و به نعمتهائی که خداوند به تو عطا فرموده سپاسگزار باشی و بواسطه گناهی که آلوده شده ای از عذاب خدا ایمن نباشی و از رحمت خداوند مأیوس نباشی و از گناهت بسوی خدای عز و جل توبه کنی که هر کس از گناهانش توبه کار گردد مانند کسی است که گناهی نکرده است و با اینکه از خداوند آمرزش میطلبی اصرار بر گناه نورزی که مانند کسی خواهی بود که بخدا و آیات خدا و پیغمبران خدا مسخره بکند و بدانی که آنچه که بر سرت آید خطا پذیر نبوده و آنچه بتو نرسید رسیدنی نبوده است و از پی کاری که رضای مخلوق در آن باشد ولی خشم خدای را برانگیزد نیروی و دنیا را بر آخرت مقدم نداری که دنیا گذران است و آخرت پاینده و از آنچه میتوانی نسبت ببرادرت بخل نورزی و باطنت مثل ظاهر است باشد نه آنکه ظاهر زیبا و باطنت زشت باشد که اگر خوش ظاهر و بد باطن باشی از منافقان خواهی بود و دروغ نگوئی و با دروغگویان میامیزی و چون حق بشنوی خشمناک نشوی و تا آنجا که میتوانی خود و خانواده و فرزندان و همسایگان را ادب کنی و آنچه را که میدانی بکار بندی و با هیچ يك از خلق خدای عز و جل جز بحق رفتار نکنی و نسبت بخویش و بیگانه سخت گیر نباشی و ستمگر و کینه‌توز نباشی و

بسیار بگوئی سبحان الله و لا اله الا الله و دعا فراوان کنی و بیاد مرگ و بعد از مرگ از قیامت و بهشت و دوزخ بسیار باشی و قرآن زیاد بخوانی و بآنچه در آن است عمل کنی و نیکوکاری و احترام نسبت بمرد و زن مؤمن را غنیمت بشماری و خوب دقت کنی هر چه را که برای خودت نمی‌پسندی در باره هیچ يك از مؤمنین انجام ندهی و از انجام کار نيك دلتنگ نباشی و بار دوش هیچ کس نگردی و چون بکسی نعمتی دادی منتش ننهی و دنیا در نزد تو همچون زندان باشد تا خداوند بهشتی را نصیبت فرماید این چهل حدیثی است که هر کس از امت من بر آنها پایدار باشد و آنها را نگهداری کند بحکم رحمت الهی به بهشت داخل می‌شود و از بهترین مردم است و پس از پیغمبران و اوصیاء پیغمبران محبوبترین افراد نزد خدا است و خداوند او را بروز قیامت با پیغمبران و صدیقان و شهیدان و شایستگان محشور خواهد فرمود و اینان رفیقان خوبی هستند.

حریم مسجد چهل ذراع است و

همسایگی تا چهل خانه از چهار طرف خانه حریم المسجد أربعون ذراعاً و الجوار أربعون داراً من أربعة جوانبها

۲۰ - حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ فَضَالٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عُقْبَةَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عُقْبَةَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ أَبِيهِ عَنِ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَرِيمُ الْمَسْجِدِ أَرْبَعُونَ ذِرَاعاً وَ الْجِوَارِ أَرْبَعُونَ دَاراً مِنْ أَرْبَعَةِ جَوَانِبِهَا

۲۰ - امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: حریم مسجد چهل ذراع است و همسایگی چهل خانه از چهار طرف یک خانه میباشد.

در باره کسی که چهل سال و بیشتر از عمرش بگذرد

فیمن عمر أربعین سنة فما فوقها
۲۱ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ الْمُقَرِّيِّ عَنْ يَحْيَى بْنِ الْمُبَارَكِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَةَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَنِ عَلِيِّ عليه السلام
قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله مَنْ عُمِرَ أَرْبَعِينَ سَنَةً سَلِمَ مِنَ الْأَنْوَاعِ الثَّلَاثَةِ مِنَ الْجُنُونِ وَالْجُدَامِ وَالْبَرَصِ وَمَنْ عُمِرَ خَمْسِينَ سَنَةً رَزَقَهُ اللَّهُ ^س الْإِنَابَةَ إِلَيْهِ وَمَنْ عُمِرَ سِتِّينَ سَنَةً هَوَّنَ اللَّهُ حِسَابَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَمَنْ عُمِرَ سَبْعِينَ سَنَةً كُتِبَتْ حَسَنَاتُهُ وَ لَمْ تُكْتَبْ سَيِّئَاتُهُ وَمَنْ عُمِرَ ثَمَانِينَ سَنَةً غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ وَ مَشَى عَلَى الْأَرْضِ مَغْفُوراً لَهُ وَ شَفَّعَ فِي أَهْلِ بَيْتِهِ

۲۱ - رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: کسی که چهل سال عمر کند از سه گونه بیماری سالم میماند: از دیوانگی و بیماری خوره و پیسی و کسی که پنجاه سال عمر کند خداوند بازگشت بسوی خدا را به او روزی فرماید و کسی که شصت سال عمر کند خداوند حساب او را به روز قیامت آسان فرماید و کسی که هفتاد سال عمر کند کارهای نیکش نوشته می شود ولی کارهای بدش نوشته نمیشود و کسی که هشتاد سال عمر کند آنچه از زمان پیشین و پسین گناه دارد خداوندش بیامرزد و آمرزیده شده بر زمین راه میرود و در باره خاندانش شفاعتش پذیرفته می شود.

۲۲ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي سَلَمَةُ بْنُ الْخَطَّابِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ عَبْدِ الْخَالِقِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ طَلْحَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَيُكْرِمُ ابْنَ الْأَرْبَعِينَ وَ يَسْتَحْيِي مِنَ ابْنِ الثَّمَانِينَ

۲۲ - امام صادق عليه السلام فرمود: همانا خدای عز و جل چهل ساله را محترم میدارد و از هشتاد ساله شرم مینماید (که او را عذاب فرماید).

۲۳ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ السُّنْدِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ دَاوُدَ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ سَيْفِ الثَّمَارِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِذَا بَلَغَ الْعَبْدُ ثَلَاثًا وَ ثَلَاثِينَ سَنَةً فَقَدْ بَلَغَ أَشَدَّهُ وَ إِذَا بَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً فَقَدْ بَلَغَ مُنْتَهَاهُ فَإِذَا ظَعَنَ فِي إِحْدَى وَ أَرْبَعِينَ فَهُوَ فِي النُّقْصَانِ وَ يَنْبَغِي لِصَاحِبِ الْخَمْسِينَ أَنْ يَكُونَ كَمَنْ كَانَ فِي النَّزْعِ

۲۳ - امام صادق عليه السلام فرمود: چون بنده ای بسی و سه سالگی رسید بکمال نیرو رسیده است و چون بچهل سال رسید بآخرین حد نیرو رسیده است و چون قدم به چهل سالگی نهاد در کم بود است و پنجاه ساله را سزد که مانند کسی باشد که در حال جان کندن است.

۲۴ - وَ بِهَذَا الْأَسْنَادِ عَنْ دَاوُدَ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ سَيْفِ بْنِ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِنَّ الْعَبْدَ لَفِي فُسْحَةٍ مِنْ أَمْرِهِ مَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ أَرْبَعِينَ سَنَةً فَإِذَا بَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى مَلَائِكَتِهِ أَنِّي قَدْ عَمَرْتُ عَبْدِي عُمُرًا وَ قَدْ طَالَ فَعَلَّطًا وَ شَدَّادًا وَ تَحَفَّظًا وَ اكْتَبَا عَلَيْهِ قَلِيلَ عَمَلِهِ وَ كَثِيرَهُ وَ صَغِيرَهُ وَ كَبِيرَهُ قَالَ وَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام إِذَا أَتَتْ عَلَى الْعَبْدِ أَرْبَعُونَ سَنَةً قِيلَ لَهُ خُذْ

حَذْرِكَ فَإِنَّكَ غَيْرُ مَعْدُورٍ وَ لَيْسَ ابْنُ أَرْبَعِينَ
سَنَةً أَحَقُّ بِالْعُذْرِ مِنْ ابْنِ عَشْرِينَ سَنَةً فَإِنْ
الَّذِي يَطْلُبُهُمَا وَاحِدٌ وَ لَيْسَ عَنْهُمَا بِرَاقِدٍ
فَاعْمَلْ لِمَا أَمَامَكَ مِنَ الْهَوْلِ وَ دَعْ عَنْكَ فُضُولَ
الْقَوْلِ

۲۴ - امام صادق عليه السلام فرمود: بنده در کار
خود تا به چهل سالگی برسد در وسعت و
گشایش است و چون به چهل سال رسید خدای
عز و جل بدو فرشته‌ای که گماشته بر اویند
وحی فرستد که من بنده‌ام را عمر درازی
دادم از این پس با او تندی کنید و سخت
بگیرید و او را خوب بپائید و کم و بیش و
خرد و کلان از کارهای او را بنویسید و
حضرت فرمود که امام باقر عليه السلام فرمود: چون
چهل سالگی بنده‌ای فرا رسد به او گفته
شود متوجه خود باش که دیگر عذری از تو
پذیرفته نیست و چهل ساله از بیست ساله
سزاوارتر نیست که عذرش در گناه پذیرفته
نشود زیرا آنچه هر دو را میجوید یکی است
و از آنان غافل نشده است (مقصود مرگ
است) پس بخاطر هراسی که در پیش داری کار
کن و گفتارهای بیهوده را رها کن.

۲۵ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ يَحْيَى
الْعَطَّارُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ مُحَمَّدِ
بْنِ أَحْمَدَ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنِ عَبْدِ
الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْقَاسِمِ
عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ
سَمِعْتُهُ يَقُولُ إِذَا بَلَغَ الْمَرْءُ أَرْبَعِينَ سَنَةً
آمَنَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مِنَ الْأَدْوَاءِ الثَّلَاثَةِ الْجُنُونِ
وَ الْجُدَامِ وَ الْبَرَصِ فَإِذَا بَلَغَ الْخَمْسِينَ خَفَّفَ
لَهُ اللَّهُ حِسَابَهُ فَإِذَا بَلَغَ السَّبْعِينَ رَزَقَهُ الْإِنَابَةَ
إِلَيْهِ فَإِذَا بَلَغَ السَّبْعِينَ أَحَبَّهُ أَهْلُ السَّمَاءِ
فَإِذَا بَلَغَ الثَّمَانِينَ أَمَرَ اللَّهُ بِإِثْبَاتِ حَسَنَاتِهِ
وَ إِقَاءِ سَيِّئَاتِهِ فَإِذَا بَلَغَ التَّسْعِينَ غَفَرَ اللَّهُ
لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ وَ كُتِبَ
أَسِيرٌ لِلَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ فِي حَدِيثٍ آخَرَ فَإِذَا بَلَغَ

الْمَائَةَ فَذَلِكَ أَزْدَلُ الْعُمُرِ وَرُويَ أَنَّ أَزْدَلَ
 الْعُمُرِ أَنْ يَكُونَ عَقْلُهُ عَقْلَ ابْنِ سَبْعِ سِنِينَ
 ۲۵ - علی بن مغیره گوید: شنیدم امام
 صادق علیه السلام میفرمود هنگامی که مردم به چهل
 سالگی میرسند خدایش از سه بیماری امانش
 دهد دیوانگی و خوره و پیسی و چون به
 پنجاه رسید خداوند حسابش را سبک گیرد و
 چون بشصت رسید خداوند بازگشت بسوی خدا
 را روزیش فرماید چون بر هفتاد رسید اهل
 آسمان او را دوست میدارند و چون به
 هشتاد رسید خداوند دستور میدهد تا
 کارهای نیکش را ثبت کنند و کارهای بدش
 را از قلم بیندازند و چون به نود رسید
 خداوند گناهان پیشین و پسین او را
 بیامزد و نامش در شمار اسیران خدا در
 زمین نوشته شود و در روایت دیگر است که
 چون بصد برسد به پست ترین مراحل سن
 رسیده است و روایت شده است که پست ترین
 مراحل عمر این است که عقلش همچو عقل
 کودک هفت ساله باشد.

۲۶ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
 سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ عَنْ عَلِيِّ
 بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ الْمُؤَدَّبِ عَنْ
 عَاصِمِ بْنِ حَمِيدٍ عَنْ خَالِدِ الْقَلَانِسِيِّ عَنْ أَبِي
 عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ يُؤْتَى بِالشَّيْخِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ
 فَيُدْفَعُ إِلَيْهِ كِتَابُهُ ظَاهِرُهُ مِمَّا يَلِي النَّاسَ لَا
 يَرَى إِلَّا مَسَاوِيَّ فَيَطْوُلُ ذَلِكَ عَلَيْهِ فَيَقُولُ يَا
 رَبِّ أَمْرُنِي إِلَى النَّارِ فَيَقُولُ الْجَبَّارُ جَلَّ
 جَلَالُهُ يَا شَيْخُ إِنِّي أَسْتَحْيِي أَنْ أَعَذِّبَكَ وَقَدْ
 كُنْتُ تُصَلِّي لِي فِي دَارِ الدُّنْيَا أَذْهَبُوا بِعَبْدِي
 إِلَى الْجَنَّةِ

۲۶ - امام صادق علیه السلام فرمود پیرمردی را
 روز قیامت بیاورند و نامه عملش را بدستش
 دهند بطوری که پشت نامه بسوی مردم باشد
 (چون بنامه بنگردد) جز بدی و گناه ننگرد
 و چون ببیند که (این رشته سر دراز دارد)

عرض کند پروردگارا آیا دستور بآتش شدنم را خواهی داد؟ خداوند جبار جل جلاله فرماید: ای پیر، من شرم دارم که تو را عذاب کنم با اینکه تو در دنیا برای من همواره نماز میخواندی بنده مرا به بهشت به برید (شرح:)

در نسخه مصححة ظاهرة مما يلى الناس است و چون علاوه بر اختلاف از جهت تذکیر و تأنیث در اسم و فعل معنای صحیح و لطیفی نداشت بنظر رسید که ظاهره (با ضمیر غایب) صحیحتر باشد لذا بهمین نحو ترجمه گردید.

۲۷ - حَدَّثَنَا أَبُو سَعِيدٍ مَحَمَّدُ بْنُ الْفَضْلِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْحَاقَ الْمُدَكَّرُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ الْأَصَمُّ قَالَ حَدَّثَنِي بَكْرُ بْنُ سَهْلِ الدَّمِيَّاطِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْمُهَاجِرِ رَبِيعُ التُّجِيبِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا ابْنُ وَهْبٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ مَيْسَرَةَ عَنْ زَيْدِ بْنِ أَسْلَمَ عَنْ أَنَسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَا مِنْ مُعَمَّرٍ يُعَمَّرُ أَرْبَعِينَ سَنَةً إِلَّا صَرَفَ اللَّهُ عَنْهُ ثَلَاثَةَ أَنْوَاعٍ مِنَ الْبَلَاءِ الْجُنُونِ وَالْجُدَامِ وَالْبَرَصِ فَإِذَا بَلَغَ الْخَمْسِينَ لَيْنَ اللَّهُ عَلَيْهِ حِسَابَهُ فَإِذَا بَلَغَ السُّتَيْنِ رَزَقَهُ اللَّهُ الْإِنَابَةَ إِلَيْهِ بِمَا يُجِبُّ وَيَرْضَى فَإِذَا بَلَغَ السَّبْعِينَ أَحَبَّهُ اللَّهُ وَ أَحَبَّهُ أَهْلُ السَّمَاءِ فَإِذَا بَلَغَ الثَّمَانِينَ قَبِلَ اللَّهُ حَسَنَاتِهِ وَ تَجَاوَزَ عَنْ سَيِّئَاتِهِ فَإِذَا بَلَغَ التِّسْعِينَ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ وَ سُمِّيَ أَسِيرَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ شُفِّعَ فِي أَهْلِ بَيْتِهِ

۲۷ - رسول خدا ﷺ فرمود: از افراد مسن کسی نیست که چهل سال سن داشته باشد مگر اینکه خداوند سه گونه بلاء را از او باز گرداند: دیوانگی و خوره و پیسی و چون به پنجاه رسد خداوند حساباش را بر او آسان فرماید و چون به شصت رسید خداوند بازگشت بسوی خدا را در آنچه دوست دارد و خوشنود

است روزیش فرماید و چون به هفتاد رسد خداوند دوستش دارد و اهل آسمان دوستش میدارند و چون به هشتاد رسید خداوند اعمال نیک او را بپذیرد و از کردارهای زشتش بگذرد و چون به نود رسید خداوند گناه پیشین و پسین او را بیامرزد و اسیر خدا در زمین نامیده شود و شفاعتش در باره خاندان خودش پذیرفته گردد

۲۸ - حَدَّثَنَا أَبُو أَحْمَدَ مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الْبُنْدَارِ الْفَقِيهُ بِفَرْعَانَةَ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ الْحَمَّادِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الصَّائِغُ الْمَكِّيُّ بِمَكَّةَ قَالَ حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ الْمُنْذِرِ الْجَزَامِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَا مِنْ عَبْدٍ يُعَمَّرُ فِي الْإِسْلَامِ أَرْبَعِينَ سَنَةً إِلَّا صَرَفَ اللَّهُ عَنْهُ ثَلَاثَةَ أَنْوَاعٍ مِنَ الْبَلَاءِ الْجُنُونِ وَالْجُدَامِ وَالْبَرَصَ فَإِذَا بَلَغَ الْخَمْسِينَ لَيِّنُ اللَّهُ عَلَيْهِ الْحِسَابَ فَإِذَا بَلَغَ السُّتَيْنِ رَزَقَهُ اللَّهُ الْإِنَابَةَ إِلَيْهِ بِمَا يُحِبُّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فَإِذَا بَلَغَ السَّبْعِينَ أَحَبَّهُ اللَّهُ وَ أَحَبَّهُ أَهْلُ السَّمَاءِ فَإِذَا بَلَغَ الثَّمَانِينَ قِيلَ لِلَّهِ حَسَنَاتِهِ وَ تَجَاوَزَ عَنْ سَيِّئَاتِهِ فَإِذَا بَلَغَ التِّسْعِينَ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ وَ سُمِّيَ أَسِيرَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ شَفَّعَ فِي أَهْلِ بَيْتِهِ

۲۸ - رسول خدا ﷺ فرمود: هیچ بنده ای نیست که چهل سال عمرش در دین اسلام بگذرد مگر اینکه خداوند سه گونه بلا را از او باز گرداند: دیوانگی و خوره و پیسی و چون به پنجاه رسید خداوند حساب را بر او آسان فرماید و چون به شصت رسید خداوند بازگشت بسوی او را در آنچه خدای عز و جل دوست دارد روزیش فرماید و چون به هفتاد رسید خدایش دوست میدارد و اهل آسمان دوستش میدارند و چون به هشتاد رسید

خداوند اعمال نیک او را بپذیرد و از کردارهای زشتش درگذرد و چون به نود رسید خداوند آنچه از گناه پیشین و پسین‌اش باشد بیامرزد و اسیر خدا در زمین نامیده شود و شفاعتش در باره خاندانش پذیرفته گردد.

پاداش کسی که چهار بار عمل حج انجام دهد

ثواب من حج أربعین حجة
 ۲۹ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ أَبِي جَعْفَرِ الْأَحْوَلِ عَنْ زَكَرِيَّا الْمُوَصَّلِيِّ كَوَكَبِ الدَّمِ قَالَ سَمِعْتُ الْعَبْدَ الصَّالِحَ عليه السلام يَقُولُ مَنْ حَجَّ أَرْبَعِينَ حِجَّةً قِيلَ لَهُ اشْفَعْ فِيمَنْ أَحَبَبْتَ وَ يُفْتَحُ لَهُ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ يَدْخُلُ مِنْهُ هُوَ وَ مَنْ يَشْفَعُ لَهُ
 ۲۹ - زکریای موصلی ملقب به کوکب الدم گوید: شنیدم از بنده شایسته خدا (امام موسی بن جعفر) عليه السلام که میفرمود کسی که چهار بار عمل حج انجام دهد باو گفته شود در باره هر کس که دوست داری شفاعت کن و دری از درهای بهشت برویش باز گردد که خود و هر کس که شفاعت‌اش را کرده از آن در داخل بهشت شوند.

امیر المؤمنین چهار و سه دلیل علیه ابی بکر اقامه کرد

احتجاج أمير المؤمنين عليه السلام على أبي بكر بثلاث و أربعين خصلة
 ۳۰ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْقَطَّانُ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو جَعْفَرِ مُحَمَّدُ بْنُ حَفْصِ الْخَثْعَمِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ الْوَاحِدِ قَالَ حَدَّثَنِي

أَحْمَدُ بْنُ التَّغْلِبِيِّ قَالَ حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ
الْحَمِيدِ قَالَ حَدَّثَنِي حَفْصُ بْنُ مَنْصُورِ الْعَطَّارُ
قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو سَعِيدٍ الْوَرَّاقُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ
جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لَمَّا
كَانَ مِنْ أَمْرِ أَبِي بَكْرٍ وَبَيْعَةِ النَّاسِ لَهُ وَ
فَعْلِهِمْ بِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا كَانَ لَمْ يَزَلْ
أَبُو بَكْرٍ يُظْهِرُ لَهُ الْإِنْبِسَاطَ وَ يَرَى مِنْهُ
انْقِبَاضًا فَكَبَّرَ ذَلِكَ عَلَى أَبِي بَكْرٍ فَأَحَبَّ
لِقَاءَهُ وَ اسْتِخْرَاجَ مَا عِنْدَهُ وَ الْمَعْذِرَةَ إِلَيْهِ
لِمَا اجْتَمَعَ النَّاسُ عَلَيْهِ وَ تَقْلِيدِهِمْ إِيَّاهُ
أَمْرَ الْأُمَّةِ وَ قِلَّةَ رَغْبَتِهِ فِي ذَلِكَ وَ زُهْدِهِ فِيهِ
أَتَاهُ فِي وَقْتِ غَفْلَةٍ وَ طَلَبَ مِنْهُ الْخَلْوَةَ وَ
قَالَ لَهُ وَ اللَّهُ يَا أَبَا الْحَسَنِ مَا كَانَ هَذَا
الْأَمْرُ مُوَاطَاةً مِنِّي وَ لَا رَغْبَةً فِيهَا وَقَعْتُ فِيهِ
وَ لَا حِرْصًا عَلَيْهِ وَ لَا ثِقَةً بِنَفْسِي فِيهَا تَحْتَاجُ
إِلَيْهِ الْأُمَّةُ وَ لَا قُوَّةَ لِي لِمَالٍ وَ لَا كَثْرَةَ
الْعَشِيرَةِ وَ لَا ابْتِرَازَ لَهُ دُونَ غَيْرِي فَمَا لَكَ
تُضْمِرُ عَلَيَّ مَا لَمْ أَسْتَحِقَّهُ مِنْكَ وَ تُظْهِرُ لِي
الْكِرَاهَةَ فِيمَا صِرْتُ إِلَيْهِ وَ تَنْظُرُ إِلَيَّ بِعَيْنِ
السَّامَةِ مِنِّي قَالَ فَقَالَ لَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَمَا حَمَلَكَ عَلَيْهِ
إِذَا لَمْ تَرْغَبْ فِيهِ وَ لَا حَرَصْتَ عَلَيْهِ وَ لَا وَثِقْتَ
بِنَفْسِكَ فِي الْقِيَامِ بِهِ وَ بِمَا يَحْتَاجُ مِنْكَ فِيهِ
فَقَالَ أَبُو بَكْرٍ حَدِيثُ سَمِعْتُهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ
إِنَّ اللَّهَ لَا يَجْمَعُ أُمَّتِي عَلَى ضَلَالٍ وَ لَمَّا رَأَيْتُ
اجْتِمَاعَهُمْ اتَّبَعْتُ حَدِيثَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَ أَحَلْتُ أَنْ
يَكُونَ اجْتِمَاعُهُمْ عَلَى خِلَافِ الْهُدَى وَ أُعْطِيَتْهُمْ
قَوْدَ الْإِجَابَةِ وَ لَوْ عَلِمْتُ أَنَّ أَحَدًا يَتَخَلَّفُ
لَا مَتْنَعْتُ قَالَ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَمَا مَا ذَكَرْتَ مِنْ
حَدِيثِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ إِنَّ اللَّهَ لَا يَجْمَعُ أُمَّتِي عَلَى ضَلَالٍ
أَفَكُنْتُ مِنَ الْأُمَّةِ أَوْ لَمْ أَكُنْ قَالَ بَلَى قَالَ وَ
كَذَلِكَ الْعَصَابَةُ الْمُؤْتَنِعَةُ عَلَيْكَ مِنْ سَلْمَانَ وَ
عَمَّارَ وَ أَبِي ذَرٍّ وَ الْمُقْدَادَ وَ ابْنَ عُبَادَةَ وَ
مَنْ مَعَهُ مِنَ الْأَنْصَارِ قَالَ كُلُّ مِنَ الْأُمَّةِ فَقَالَ
عَلَيْهِ السَّلَامُ فَكَيْفَ تَحْتَجُّ بِحَدِيثِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَ أَمْثَالُ
هَؤُلَاءِ قَدْ تَخَلَّفُوا عَنْكَ وَ لَيْسَ لِلْأُمَّةِ فِيهِمْ طَعْنٌ
وَ لَا فِي صُحْبَةِ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَ نَصِيحَتِهِ مِنْهُمْ

تَقْصِيرُ قَالَ مَا عَلِمْتُ بِتَخْلُفِهِمْ إِلَّا مِنْ بَعْدِ
إِبْرَامَ الْأَمْرِ وَ خِفْتُ أَنْ دَفَعْتُ عَنِّي الْأَمْرَ أَنْ
يَتَّفَقَمَ إِلَى أَنْ يَرْجِعَ النَّاسُ مُرْتَدِّينَ عَنِ
الدِّينِ وَ كَانَ مُمَارَسَتِكُمْ إِلَى أَنْ أَجَبْتُمْ أَهْوَنَ
مَثُونَةٍ عَلَى الدِّينِ وَ أَبْقَى لَهُ مِنْ ضَرْبِ النَّاسِ
بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ فَيَرْجِعُوا كُفَّاراً وَ عَلِمْتُ أَنَّكَ
لَسْتَ بِذَوْنِي فِي الْإِبْقَاءِ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى
أَذْيَانِهِمْ قَالَ عَلِيُّ عليه السلام أَجَلٌ وَ لَكِنْ أَخِيرَنِي عَنِ
الَّذِي يَسْتَحِقُّ هَذَا الْأَمْرَ بِمَا يَسْتَحِقُّهُ فَقَالَ
أَبُو بَكْرٍ بِالنَّصِيحَةِ وَ الْوَفَاءِ وَ رَفَعَ
الْمُدَاهَنَةَ وَ الْمُحَابَبَةَ وَ حُسْنَ السَّيْرَةِ وَ
إِظْهَارِ الْعَدْلِ وَ الْعِلْمِ بِالْكِتَابِ وَ السُّنَّةِ وَ
فَضْلِ الْخِطَابِ مَعَ الزُّهْدِ فِي الدُّنْيَا وَ قِلَّةِ
الرَّغْبَةِ فِيهَا وَ إِنْصَافِ الْمَظْلُومِ مِنَ الظَّالِمِ
الْقَرِيبِ وَ الْبَعِيدِ ثُمَّ سَكَتَ فَقَالَ عَلِيُّ عليه السلام
أَنْشُدْ يَا اللَّهُ يَا أَبَا بَكْرٍ أَوْ فِي نَفْسِكَ تَجِدُ هَذِهِ
الْخِصَالَ أَوْ فِي قَالَ بَلْ فِيكَ يَا أَبَا الْحَسَنِ
قَالَ أَنْشُدْ يَا اللَّهُ أَنَا الْمُجِيبُ لِرَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وسلم
قَبْلَ ذِكْرَانِ الْمُسْلِمِينَ أَمْ أَنْتَ قَالَ بَلْ أَنْتَ
قَالَ فَأَنْشُدْ يَا اللَّهُ أَنَا الْأَذَانُ لِأَهْلِ الْمَوْسِمِ وَ
لِجَمِيعِ الْأُمَّةِ بِسُورَةِ بَرَاءَةِ أَمْ أَنْتَ قَالَ بَلْ
أَنْتَ قَالَ فَأَنْشُدْ يَا اللَّهُ أَنَا وَقَيْتُ رَسُولَ
اللَّهِ صلى الله عليه وآله وسلم بِنَفْسِي يَوْمَ الْعَارِ أَمْ أَنْتَ قَالَ بَلْ أَنْتَ
قَالَ أَنْشُدْ يَا اللَّهُ أَلِي الْوَلَايَةَ مِنْ اللَّهِ مَعَ وَلايَةِ
رَسُولِ اللَّهِ فِي آيَةِ زَكَاةِ الْخَاتِمِ أَمْ لَكَ قَالَ
بَلْ لَكَ قَالَ أَنْشُدْ يَا اللَّهُ أَنَا الْمَوْلَى لَكَ وَ
لِكُلِّ مُسْلِمٍ بِحَدِيثِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله وسلم يَوْمَ الْعَدِيرِ أَمْ
أَنْتَ قَالَ بَلْ أَنْتَ قَالَ أَنْشُدْ يَا اللَّهُ أَلِي
الْوِزَارَةَ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وسلم وَ الْمَثَلُ مِنْ هَارُونَ
مِنْ مُوسَى أَمْ لَكَ قَالَ بَلْ لَكَ قَالَ فَأَنْشُدْ يَا اللَّهُ
أَبِي بَرَزٍ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وسلم وَ بِأَهْلِ بَيْتِي وَ وُلْدِي
فِي مُبَاهَلَةِ الْمُشْرِكِينَ مِنَ النَّصَارَى أَمْ بِكَ وَ
بِأَهْلِكَ وَ وُلْدِكَ قَالَ بِكُمْ قَالَ فَأَنْشُدْ يَا اللَّهُ أَلِي
وَ لِأَهْلِي وَ وُلْدِي آيَةَ التَّطْهِيرِ مِنَ الرَّجْسِ
أَمْ لَكَ وَ لِأَهْلِ بَيْتِكَ قَالَ بَلْ لَكَ وَ لِأَهْلِ بَيْتِكَ
قَالَ فَأَنْشُدْ يَا اللَّهُ أَنَا صَاحِبُ دَعْوَةِ رَسُولِ

اللَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَ أَهْلِي وَ وُلْدِي يَوْمَ الْكِسَاءِ اللَّهُمَّ
 هَؤُلَاءِ أَهْلِي إِلَيْكَ لَا إِلَى النَّارِ أَمْ أَنْتَ قَالَ
 بَلْ أَنْتَ وَ أَهْلُكَ وَ وُلْدُكَ قَالَ فَأَنْشُدُكَ بِاللَّهِ
 أَنَا صَاحِبُ الْآيَةِ يُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَ يَخَافُونَ
 يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا أَمْ أَنْتَ قَالَ بَلْ أَنْتَ
 قَالَ فَأَنْشُدُكَ بِاللَّهِ أَنْتَ الْفَتَى الَّذِي نُودِيَ مِنَ
 السَّمَاءِ لَا سَيْفَ إِلَّا ذُو الْفَقَارِ وَ لَا فَتَى إِلَّا
 عَلِيٌّ أَمْ أَنَا قَالَ بَلْ أَنْتَ قَالَ فَأَنْشُدُكَ بِاللَّهِ
 أَنْتَ الَّذِي رُدَّتْ لَهُ الشَّمْسُ لِيَوْمِ صَلَاتِهِ فَصَلَّاهَا
 ثُمَّ تَوَارَتْ أَمْ أَنَا قَالَ بَلْ أَنْتَ قَالَ فَأَنْشُدُكَ
 بِاللَّهِ أَنْتَ الَّذِي حَبَاكَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِرَأْيَتِهِ يَوْمَ
 خَيْبَرَ فَفَتَحَ اللَّهُ لَهُ أَمْ أَنَا قَالَ بَلْ أَنْتَ قَالَ
 فَأَنْشُدُكَ بِاللَّهِ أَنْتَ الَّذِي نَفَسْتَ عَن رَسُولِ
 اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كُرْبَتَهُ وَ عَن الْمُسْلِمِينَ بِقَتْلِ عَمْرٍو بْنِ
 عَبْدِ وَدٍّ أَمْ أَنَا قَالَ بَلْ أَنْتَ قَالَ فَأَنْشُدُكَ
 بِاللَّهِ أَنْتَ الَّذِي انْتَمَنَكَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَيَّ
 رَسَالَتِهِ إِلَى الْجِنِّ فَأَجَابَتْ أَمْ أَنَا قَالَ بَلْ
 أَنْتَ قَالَ أَنْشُدُكَ بِاللَّهِ أَنْتَ الَّذِي طَهَّرَكَ رَسُولُ
 اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنَ السَّفَاحِ مِنْ آدَمَ إِلَى أَبِيكَ بِقَوْلِهِ
 أَنَا وَ أَنْتَ مِنْ نِكَاحٍ لَا مِنْ سَفَاحٍ مِنْ آدَمَ إِلَى
 عَبْدِ الْمُطَّلِبِ أَمْ أَنَا قَالَ بَلْ أَنْتَ قَالَ
 فَأَنْشُدُكَ بِاللَّهِ أَنَا الَّذِي اخْتَارَنِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
 وَ زَوَّجَنِي ابْنَتَهُ فَاطِمَةَ وَ قَالَ اللَّهُ زَوْجَكَ أَمْ
 أَنْتَ قَالَ بَلْ أَنْتَ قَالَ فَأَنْشُدُكَ بِاللَّهِ أَنَا وَالِدُ
 الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ رِيحَانَتَيْهِ اللَّذَيْنِ قَالَ
 فِيهِمَا هَذَانِ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ
 أَبُوهُمَا خَيْرٌ مِنْهُمَا أَمْ أَنْتَ قَالَ بَلْ أَنْتَ قَالَ
 فَأَنْشُدُكَ بِاللَّهِ أَخُوكَ الْمُرَيَّنُ بِجَنَاحَيْنِ فِي
 الْجَنَّةِ لِيَطِيرَ بِهِمَا مَعَ الْمَلَائِكَةِ أَمْ أَخِي قَالَ
 بَلْ أَخُوكَ قَالَ فَأَنْشُدُكَ بِاللَّهِ أَنَا ضَمِنْتُ دِينَ
 رَسُولِ اللَّهِ وَ نَادَيْتُ فِي الْمَوْسِمِ بِإِنْجَارِ مَوْعِدِهِ
 أَمْ أَنْتَ قَالَ بَلْ أَنْتَ قَالَ فَأَنْشُدُكَ بِاللَّهِ أَنَا
 الَّذِي دَعَاهُ رَسُولُ اللَّهِ لِيَطِيرَ عِنْدَهُ يُرِيدُ أَكْلَهُ
 فَقَالَ اللَّهُمَّ انْتِنِي بِأَحَبِّ خَلْقِكَ إِلَيْكَ بَعْدِي
 أَمْ أَنْتَ قَالَ بَلْ أَنْتَ قَالَ فَأَنْشُدُكَ بِاللَّهِ أَنَا
 الَّذِي بَشَّرَنِي رَسُولُ اللَّهِ بِقِتَالِ النَّاكِثِينَ وَ

الْقَاسِطِينَ وَ الْمَارِقِينَ عَلَى تَأْوِيلِ الْقُرْآنِ
أَمْ أَنْتَ قَالٌ بَلْ أَنْتَ قَالٌ فَأَنْشُدْكَ بِاللَّهِ أَنَا
الَّذِي شَهِدْتُ آخِرَ كَلَامِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ وَلِيْتُ
عُسْلَهُ وَ دَفَنُهُ أَمْ أَنْتَ قَالٌ بَلْ أَنْتَ قَالٌ
فَأَنْشُدْكَ بِاللَّهِ أَنَا الَّذِي دَلَّ عَلَيْهِ رَسُولُ
اللَّهِ ﷺ بِعِلْمِ الْقَضَاءِ بِقَوْلِهِ عَلَيَّ أَقْضَاكُمْ أَمْ
أَنْتَ قَالٌ بَلْ أَنْتَ قَالٌ فَأَنْشُدْكَ بِاللَّهِ أَنَا الَّذِي
أَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَصْحَابَهُ بِالسَّلَامِ عَلَيْهِ
بِالْإِمْرَةِ فِي حَيَاتِهِ أَمْ أَنْتَ قَالٌ بَلْ أَنْتَ قَالٌ
فَأَنْشُدْكَ بِاللَّهِ أَنْتَ الَّذِي سَبَقَتْ لَهُ الْقَرَابَةُ مِنْ
رَسُولِ اللَّهِ ﷺ أَمْ أَنَا قَالٌ بَلْ أَنْتَ قَالٌ فَأَنْشُدْكَ
بِاللَّهِ أَنْتَ الَّذِي حَبَاكَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِدِينَارٍ عِنْدَ
حَاجَتِهِ وَ بَاعَكَ جَبْرَيْلُ وَ أَضْفَتَ مُحَمَّدًا ﷺ وَ
أَطْعَمَتْ وُلْدَهُ قَالَ فَبِكِي أَبُو بَكْرٍ وَ قَالَ بَلْ
أَنْتَ قَالٌ فَأَنْشُدْكَ بِاللَّهِ أَنْتَ الَّذِي حَمَلَكَ رَسُولُ
اللَّهِ ﷺ عَلَى كَتْفَيْهِ فِي طَرْحِ صَنْمِ الْكَعْبَةِ وَ
كَسَرَهُ حَتَّى لَوْ شَاءَ أَنْ يَنَالَ أَفْقَ السَّمَاءِ
لَنَالَهَا أَمْ أَنَا قَالٌ بَلْ أَنْتَ قَالٌ فَأَنْشُدْكَ
بِاللَّهِ أَنْتَ الَّذِي قَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَنْتَ صَاحِبُ
لِوَائِي فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ أَمْ أَنَا قَالٌ بَلْ
أَنْتَ قَالٌ فَأَنْشُدْكَ بِاللَّهِ أَنْتَ الَّذِي أَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ
بِفَتْحِ بَابِهِ فِي مَسْجِدِهِ حِينَ أَمَرَ بِسَدِّ جَمِيعِ
أَبْوَابِ أَصْحَابِهِ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ أَحَلَّ لَهُ فِيهِ
مَا أَحَلَّهُ اللَّهُ أَمْ أَنَا قَالٌ بَلْ أَنْتَ قَالٌ فَأَنْشُدْكَ
بِاللَّهِ أَنْتَ الَّذِي قَدَّمَ بَيْنَ يَدَيِ نَجْوَى رَسُولِ
اللَّهِ ﷺ صَدَقَةً فَنَاجَاهُ أَمْ أَنَا إِذَا عَاتَبَ اللَّهُ عَزَّ
وَ جَلَّ قَوْمًا فَقَالَ أَسْفَقْتُمْ أَنْ تُقَدِّمُوا بَيْنَ
يَدَيِ نَجْوَاكُمْ صَدَقَاتِ الْآيَةِ قَالَ بَلْ أَنْتَ قَالٌ
فَأَنْشُدْكَ بِاللَّهِ أَنْتَ الَّذِي قَالَ فِيهِ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
لِفَاطِمَةَ عَلِيٍّ زَوْجَتِكَ أَوَّلَ النَّاسِ إِيمَانًا وَ
أَرْجَحَهُمْ إِسْلَامًا فِي كَلَامِ لَهُ أَمْ أَنَا قَالٌ بَلْ
أَنْتَ فَلَمْ يَزَلْ عَلِيٌّ يَعُدُّ عَلَيْهِ مَنَاقِبَهُ الَّتِي جَعَلَ
اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ دُونَهُ وَ دُونَ غَيْرِهِ وَ يَقُولُ لَهُ
أَبُو بَكْرٍ يَلْ أَنْتَ قَالٌ فِيهِذَا وَ شَبَّهَهُ يُسْتَحَقُّ
الْقِيَامُ بِأُمُورِ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ ﷺ فَقَالَ لَهُ عَلِيُّ ﷺ
فَمَا الَّذِي عَزَّكَ عَنِ اللَّهِ وَ عَنِ رَسُولِهِ وَ عَنِ دِينِهِ

وَأَنْتَ خَلَوُ مِمَّا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ أَهْلُ دِينِهِ قَالَ
فَبَكَى أَبُو بَكْرٍ وَ قَالَ صَدَقْتَ يَا أَبَا الْحَسَنِ
أَنْظِرْنِي يَوْمِي هَذَا فَأَدْبَرُ مَا أَنَا فِيهِ وَ مَا
سَمِعْتُ مِنْكَ قَالَ فَقَالَ لَهُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَكَ ذَلِكَ يَا
أَبَا بَكْرٍ فَرَجَعَ مِنْ عِنْدِهِ وَ خَلَا بِنَفْسِهِ يَوْمَهُ وَ
لَمْ يَأْذَنْ لِأَحَدٍ إِلَى اللَّيْلِ وَ عُمَرُ يَتَرَدَّدُ فِي
النَّاسِ لِمَا بَلَغَهُ مِنْ خَلْوَتِهِ بِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَبَاتَ فِي
لَيْلَتِهِ فَرَأَى رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فِي مَنَامِهِ مُتَمَثِّلاً لَهُ
فِي مَجْلِسِهِ فَقَامَ إِلَيْهِ أَبُو بَكْرٍ لِيُسَلِّمَ عَلَيْهِ
فَوَلَّى وَجْهَهُ فَقَالَ أَبُو بَكْرٍ يَا رَسُولَ اللَّهِ هَلْ
أَمَرْتَ بِأَمْرٍ فَلَمْ أَفْعَلْ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أَرُدُّ
السَّلَامَ عَلَيْكَ وَ قَدْ عَادَيْتَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ
عَادَيْتَ مَنْ وَالَى اللَّهَ وَ رَسُولَهُ رُدَّ الْحَقُّ إِلَى
أَهْلِهِ قَالَ فَقُلْتُ مَنْ أَهْلُهُ قَالَ مَنْ عَاتَبَكَ
عَلَيْهِ وَ هُوَ عَلِيُّ قَالَ فَقَدْ رَدَدْتُ عَلَيْهِ يَا
رَسُولَ اللَّهِ بِأَمْرِكَ قَالَ فَأَصْبَحَ وَ بَكَى وَ قَالَ
لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ ابْسُطْ يَدَكَ فَبَايَعَهُ وَ سَلَّمَ إِلَيْهِ الْأَمْرَ
وَ قَالَ لَهُ أَخْرُجْ إِلَى مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَأَخِيرُ
النَّاسِ بِمَا رَأَيْتَ فِي لَيْلَتِي وَ مَا جَرَى بَيْنِي
وَ بَيْنَكَ فَأَخْرَجَ نَفْسِي مِنْ هَذَا الْأَمْرِ وَ أَسَلَّمَ
عَلَيْكَ بِالْأَمْرَةِ قَالَ فَقَالَ لَهُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ نَعَمْ فَخَرَجَ
مِنْ عِنْدِهِ مُتَغَيِّرًا لَوْنُهُ فَصَادَفَهُ عُمَرُ وَ هُوَ فِي
طَلْبِهِ فَقَالَ لَهُ مَا حَالُكَ يَا خَلِيفَةَ رَسُولِ اللَّهِ
فَأَخْبَرَهُ بِمَا كَانَ مِنْهُ وَ مَا رَأَى وَ مَا جَرَى
بَيْنَهُ وَ بَيْنَ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ لَهُ عُمَرُ أَنْشُدْكَ بِاللَّهِ
يَا خَلِيفَةَ رَسُولِ اللَّهِ أَنْ تَعْتَرَّ بِسِحْرِ بَنِي هَاشِمٍ
فَلَيْسَ هَذَا بِأَوَّلِ سِحْرِ مِنْهُمْ فَمَا زَالَ بِهِ حَتَّى
رَدَّهُ عَنْ رَأْيِهِ وَ صَرَفَهُ عَنْ عَزْمِهِ وَ رَغْبَتِهِ فِيمَا
هُوَ فِيهِ وَ أَمَرَهُ بِالثَّبَاتِ عَلَيْهِ وَ الْقِيَامِ بِهِ
قَالَ فَاتَى عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْمَسْجِدَ لِلْمِيعَادِ فَلَمْ يَرِ
فِيهِ مِنْهُمْ أَحَدًا فَأَحَسَّ بِالشَّرِّ مِنْهُمْ فَقَعَدَ إِلَى
قَبْرِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَمَرَّ بِهِ عُمَرُ فَقَالَ
يَا عَلِيُّ ذُونَ مَا تَرُومُ خَرِطُ الْقَتَادَ فَعَلِمَ
بِالْأَمْرِ وَ قَامَ وَ رَجَعَ إِلَى بَيْتِهِ

أمیر المؤمنین علیه السلام به این گونه خصلتها
در روز شوری بر مردم احتجاج کرد

۳۰ - امام صادق علیه السلام از پدرش و او از جدش
نقل میفرماید: چون در کار ابی بکر و
بیعت مردم بر او و کاری که با علی بن
ابی طالب کردند آنچه شدنی بود انجام
گرفت ابو بکر همواره به علی علیه السلام روی خوش
نشان می داد ولی از علی علیه السلام گرفتگی مشاهده
می نمود و این موضوع بر ابی بکر سنگین
بود.

لذا علاقه پیدا کرد که علی را ملاقات
کند و از نظر او اطلاع حاصل نماید و در
اینکه مردم جمع شدند و کار امت را بر
گردن او انداختند عذر خواهی کند و
کم علاقه و بی اعتنائی خود را بخلافت ابراز
نماید.

لذا بی خبر بخدمت آن حضرت آمد و اجازه
ملاقات خصوصی خواست و پس از شرفیابی عرض
کرد یا ابا الحسن بخدا قسم که برای این
کارها از طرف من زمینه سازی نشده بود و
من بکاری که گرفتار آن شدم مایل نبودم و
حرصی بآن نداشتم و اطمینانی بخود ندارم
که نیازمندی های امت را رفع نمایم و نه
نیروی مالی دارم و نه افراد خاندانم
زیاد است و نخواستم حقی را از دیگری سلب
کنم چرا تو از من چیزی را که مستحق اش
نیستم بدل گرفته ای؟ و در این کاری که
برای من روی داده از خود کراهت نشان
میدهی؟ و با چشم بد بینی بمن نگاه
میکنی؟ امام ششم علیه السلام فرمود حضرت باو
فرمود: اگر حرصی باین کار نداری و
بخویشتن اطمینانی نداری که بتوانی باین
امر قیام کنی و رفع نیازمندی های آن را
در خود نمی بینی برای چه زیر این بار
رفتی؟ ابو بکر گفت: بخاطر حدیثی که از

رسول خدا ﷺ شنیده بودم که خداوند نمیگذارد امت من بر گمراهی اتفاق و اجماع داشته باشند و چون دیدم همگی اجماع کرده‌اند از حدیث پیغمبر پیروی نمودم که اجتماعشان را بر خلاف راه هدایت محال میدیدم و زمام پذیرش خود را بدست آنان سپردم و اگر میدانستم که یکنفر مخالفت میکند از پذیرش این کار خودداری مینمودم حضرت فرمود: علی علیه السلام فرمود:

اما آنچه از پیغمبر نقل کردی که فرموده است (امت من بر گمراهی اتفاق و اجماع نکنند) من از افراد این امت بودم یا نبودم؟ گفت: بلی بودی فرمود: هم چنین آن عده‌ای که از بیعت تو خود-داری کردند مانند سلمان و عمار و ابی ذر و مقداد و ابن عباد و از طایفه انصار هر کس که با او بود از امت بودند یا نه؟ گفت: همگی از امت بودند علی علیه السلام فرمود: پس چگونه حدیث پیغمبر را دلیل می‌آوری؟ با اینکه این گونه افراد از بیعت تو خودداری نموده‌اند و در باره این افراد کسی را انتقادی نیست و در اینکه از اصحاب پیغمبر صلی الله علیه و آله بودند و خیر خواه او بودند کوتاهی نداشتند ابو بکر گفت: من از مخالفت اینان پس از اینکه کار خلافت استوار شد اطلاع پیدا کردم و ترسیدم اگر خلافت را از خود بازگردانم دشوارتر شود و مردم از دین برگردند و پیگیری شماها تا آنگاه که خلافت مرا بپذیرید برای دین آسان‌تر است و آن را بهتر نگهداری میکند تا اینکه مردم بجان يك دیگر بیفتند و همگی کافر شوند و میدانستم که علاقه تو نسبت بمردم و دینشان کمتر از من نیست علی علیه السلام فرمود:

آری چنین است ولی بگو بدانم کسی که خلافت را سزد بچه چیز شایستگی پیدا

میکند؟ ابو بکر گفت: بخیر خواهی و وفا و باید در کارها جدی باشد و بخشش بیجا نکند و خوش رفتار باشد و عدالت را آشکار کند و بقرآن و سنت و آئین و مقررات قضاوت دانا باشد و در عین حال نسبت بدنیا زاهد بوده بآن کم رغبت باشد و حق ستمدیده را از ستمگر بستاند چه دور باشد و چه نزدیک این بگفت و سپس خاموش شد علی ع فرمود: ای ابو بکر تو را بخدا سوگند میدهم این صفتها را در خودت میبینی یا در من؟ عرض کرد بلکه در شما میبینم ای ابا الحسن فرمود: تو را بخدا پیش از اینکه مسلمانان متوجه شوند من دعوت رسول خدا ص را پذیرفتم یا تو؟ عرض کرد بلکه تو فرمود: تو را بخدا قسم میدهم من بودم که بمردم موسم حج و بهمه مردم سوره برائت را اعلام نمودم یا تو؟ عرض کرد تو فرمود: تو را بخدا سوگند میدهم روزی که رسول خدا ص بخار تشریف برد من با فداکاری خودم رسول خدا ص را حفظ کردم یا تو؟ عرض کرد بلکه تو فرمود: تو را بخدا سوگند میدهم در آیه ای که در مورد خاتم بخشی نازل شد برای من ولایت از طرف خدا به همراه ولایت رسول خدا ص تعیین شد یا برای تو؟ عرض کرد بلکه برای تو فرمود: تو را بخدا من بحکم حدیث پیغمبر در روز غدیر مولای تو و همه مسلمانان هستم یا تو؟ عرض کرد بلکه تو فرمود: تو را بخدا منصب وزارت رسول خدا ص و منزلت هرون از موسی از آن من است یا از آن تو؟ عرض کرد بلکه از آن تو، فرمود: تو را بخدا آیا رسول خدا ص برای مباحله با مشرکین نصاری مرا و اهل خانه و فرزندان مرا بیرون برد یا تو را و اهل خانه تو و فرزندان تو را؟ عرض کرد بلکه شما را فرمود تو را بخدا آیه تطهیر از

پلیدی از آن من و خانواده ام و فرزندانم
 است یا از آن تو و خانواده ات؟ عرض کرد:
 بلکه از آن تو و خانواده تو است فرمود:
 تو را بخدا قسم میدهم رسول خدا ﷺ که
 در روز کساء دعا کرد و عرض کرد بار الها
 اینان خاندان من هستند رهسپار بسوی تو
 باشند نه بسوی آتش در باره من و خانواده
 و فرزندان من بود یا تو؟ عرض کرد بلکه
 تو فرمود: تو را بخدا صاحب آیه ای که خدا
 میفرماید: (بندر وفا میکنند و از روزی
 که شر خیز است میترسند) من هستم یا تو؟
 عرض کرد بلکه تو فرمود: تو را بخدا قسم
 میدهم توئی آن جوان مردیکه از آسمان در
 باره او گفته شد که شمشیری بجز ذو
 الفقار و جوانمردی بجز علی ع نیست یا
 منم؟ عرض کرد بلکه تو هستی فرمود: تو را
 بخدا سوگند میدهم توئی آن کس که آفتاب
 بهنگام نماز او بازگشت و او نمازش را
 خواند و سپس آفتاب غروب کرد یا منم؟ عرض
 کرد بلکه توئی فرمود: تو را بخدا قسم
 میدهم توئی آن کس که رسول خدا ﷺ پرچم
 خود را در روز خیبر بدست او داد و
 خداوند پیروزی نصیب او فرمود یا منم؟
 عرض کرد بلکه توئی فرمود: تو را بخدا
 قسم میدهم تو بودی که اندوه خاطر پیغمبر
 ﷺ و مسلمانان را با کشتن عمرو بن عبد
 ودّ برطرف کردی یا من بودم؟ عرض کرد بلکه
 تو بودی فرمود: تو را بخدا قسم میدهم تو
 بودی که رسول خدایت برای فرستادن بسوی
 جنیان امینش دانست و او هم پیشنهاد
 پیغمبر را پذیرفت یا من بودم؟ عرض کرد
 البته تو بودی فرمود: تو را بخدا قسم
 میدهم که رسول خدا ﷺ حلالزادگی او را
 از آدم تا پدرت با گفتار خود که فرمود:
 (من و تو از آدم تا عبدالمطلب
 حلالزاده ایم نه زنازاده) تصدیق فرمود تو

بودی یا من بودم؟ عرض کرد البته تو بودی فرمود: تو را بخدا قسم میدهم آن من بودم که رسول خدایم برگزید و دختر خود فاطمه را همسر من کرد و فرمود خداوند تو را همسر فاطمه کرد یا تو بودی؟ عرض کرد: البته تو بودی فرمود: تو را بخدا قسم میدهم پدر حسن و حسین که دو ریحان پیغمبر بودند و در باره‌شان فرمود: این دو تن دو سرور جوانان اهل بهشتند و پدر آنان از آنان بهتر است من هستم یا تو؟ عرض کرد: البته شما فرمود: تو را بخدا قسم میدهم برادر تو با دو بال زینت شده تا با آن دو بال در بهشت با فرشتگان پرواز نماید یا برادر من؟ عرض کرد البته برادر تو فرمود: تو را بخدا قسم میدهم من بدهی پیغمبر را بعهدہ گرفتم و در موسم حج اعلام کردم که وعده‌های پیغمبر را در سر رسید خواهم پرداخت یا تو؟

عرض کرد، البته تو فرمود: تو را بخدا قسم میدهم من بودم که رسول خدا ﷺ برای خوردن مرغی که در نزدش بود و میخواست آن را بخورد و عرض کرد بار الها از من که بگذرد دوست‌ترین خلق خودت را بنزد من برسان) یا تو بودی؟ عرض کرد: البته تو بودی فرمود: تو را بخدا قسم من بودم که رسول خدا ﷺ او را مژده داد که با ناکثین و قاسطین و مارقین بحکم تأویل قرآن جنگ خواهد کرد یا تو بودی؟

عرض کرد: البته تو بودی فرمود: تو را بخدا قسم من بودم که در آخرین لحظه عمر پیغمبر شاهد گفتارش بودم و بکار غسل و دفنش پرداختم یا تو بودی؟ عرض کرد: البته تو بودی فرمود تو را بخدا قسم میدهم آن که رسول خدا ﷺ بعلم قضاوت او مردم را راهنمایی کرد و فرمود (علی متخصص‌ترین شما در علم قضاوت است) من

بودم یا تو بودی؟ عرض کرد البته تو بودی فرمود: تو را بخدا قسم میدهم من بودم که رسول خدا ﷺ بیارانش دستور فرمود تا در حال حیات‌اش بعنوان امارت باو سلام دهند یا تو بودی؟ عرض کرد البته تو بودی فرمود: تو را بخدا قسم میدهم آن تو بودی که پیش از همه با رسول خدا ﷺ خویشاوندی داشت یا من بودم؟ عرض کرد: البته تو بودی فرمود: تو را بخدا قسم میدهم آن تو بودی که خدای عز و جل بهنگام نیاز یک دینار باو مرحمت فرمود و جبرئیل آن را بتو فروخت و تو محمد و فرزندان‌ش را طعام کردی؟ راوی گفت:

ابو بکر را گریه دست داد و عرض کرد: البته تو بودی فرمود: تو را بخدا قسم میدهم آن تو بودی که رسول خدا ﷺ برای پائین انداختن بت خانه کعبه و شکستن آن او را بدوش خود برگرفت و تا آنجا که اگر میخواست دست باطراف آسمان دراز کند دسترسی داشت یا من بودم؟ عرض کرد: البته تو بودی فرمود:

تو را بخدا قسم میدهم آن تو بودی که رسول خدا ﷺ باو فرمود: تو پرچمدار من در دنیا و آخرت هستی یا من بودم؟ عرض کرد البته تو بودی فرمود: تو را بخدا قسم میدهم آن تو بودی که هنگامی که رسول خدا ﷺ دستور فرمود؟ همگی اصحاب و خاندان آن حضرت درهاشان را که بر مسجد باز میشد به بندند و فقط در خانه او بمسجد باز باشد و آنچه که خداوند برای پیغمبر حلال فرموده بود پیغمبر نیز برای او حلال کرد یا من بودم؟ عرض کرد بلکه تو بودی فرمود: تو را بخدا قسم میدهم آن تو بودی که برای گفتگوی محرمانه با پیغمبر قبلا صدقه داد و سپس با آن حضرت بگفتگو پرداخت یا من بودم؟ آنگاه که خداوند

جمعی را مورد عتاب خود قرار داد و فرمود آیا دشواریتان بود که پیش از گفتگوی محرمانه صدقه‌ها بدهید؟ تا آخر آیه؟ عرض کرد البته تو بودی فرمود: تو را بخدا قسم میدهم آن تو بودی که رسول خدا ﷺ در باره اش ضمن کلامی به فاطمه علیها السلام فرمود: من تو را بکسی که پیش از همه ایمان آورد و اسلامش بر همه برتری داشت تزویج نمودم یا من بودم؟ عرض کرد البته تو بودی علی علیه السلام هم چنان مناقبی را که خدای عز و جل فقط برای او نه برای ابو بکر و نه برای غیر او قرار داده بود می‌شمرد و ابو بکر بآن حضرت عرض میکرد البته تو آنگاه فرمود: که باین گونه مناقب و مانند آنها شایستگی قیام بامور امت محمد پیدا می‌شود.

سپس علی علیه السلام به ابی بکر فرمود: پس چه چیز تو را از خدا و رسولش و از دین خدا فریفته است؟ با اینکه از آنچه اهل دین خدا به آن نیازمنداند تو تهی دست هستی؟ حضرت فرماید: ابو بکر گریه کرد و عرض کرد ای ابو الحسن راست فرمودی يك امروز را بمن مهلت بده تا تدبیری در کار خود و آنچه از تو شنیدم بیان‌دیشم. حضرت فرماید: علی علیه السلام فرمود ای ابا بکر این مهلت را داری ابو بکر از نزد علی علیه السلام باز گشت و آن روز را بتنهائی بسر برد و تا شب بهیچ کس اجازه ملاقات نداد و عمر که گزارش خلوت کردن ابو بکر را با علی شنیده بود در میان مردم در رفت و آمد بود ابو بکر آن شب را خوابید و رسول خدا ﷺ را بخواب دید که در مجلس خود نشسته ابو بکر برخاست تا بر آن حضرت سلام دهد حضرت روی خود را برگردانید ابو بکر عرض کرد: یا رسول الله آیا دستوری بمن فرموده ای که من امثال نکرده‌ام؟

رسول خدا ﷺ فرمود: من جواب سلام تو را بدهم و حال آنکه تو با خدا و رسولش دشمنی کردی؟ و با کسی که خدا و رسولش را دوست دارد دشمنی نمودی؟ حق را باهلش بازگردان گوید: عرض کردم:

اهل حق کیست؟ فرمود: همان کسی که بر تو در باره حق عتاب و تندی نمود و او همان علی است گوید:

عرض کردم یا رسول الله بر حسب دستور شما همین دم حق را باو باز پس دادم.

فرمود: ابو بکر آن شب را بصبح رسانید و صبح گریه کنان بعلی علیه السلام گفت دست خود را باز کن و بآن حضرت بیعت کرد و کار را بدست او سپرد و عرض کرد من بمسجد رسول خدا ﷺ می‌روم و آنچه را که در امشب دیدم و میان من و تو جریان پیدا کرد بمردم اعلام میکنم و خود را از زیر این بار بیرون می‌کشم و بر تو بعنوان امارت سلام می‌کنم.

حضرت فرماید علی علیه السلام به او فرمود: آری همین کار بکن، ابو بکر از نزد علی علیه السلام با رنگ پریده بیرون رفت و با عمر مصادف شد که به دنبال او می‌گشت گفت: ای خلیفه رسول خدا ﷺ حالت چطور است؟

ابو بکر جریان کار خود و خوابی را که دیده بود و آنچه را که میان او و علی علیه السلام گذشته بود برای عمر نقل کرد عمر گفت: ای خلیفه رسول خدا ﷺ تو را بخدا قسم میدهم که مبادا فریب جادوی بنی هاشم را بخوری که این اولین بار جادوگری آنان نیست و آنقدر از این گونه سخنان بگفت تا او را از رای خود منصرف کرد و از تصمیمی که داشت باز داشت و بر همان کاری که داشت ترغیب کرد که باید در این کار پایداری کنی و بر سر کار باشی.

راوی گوید: علی علیه السلام طبق وعده‌ای که با ابو بکر داشت بمسجد آمد ولی هیچ کس از آنان را ندید فهمید که پیش آمد بدی روی داده است در کنار قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بنشست عمر بر او گذر کرد و گفت ای علی خرط قتاد از آنچه تو می‌خواهی آسان‌تر است علی علیه السلام مطلب را فهمید و برخاست و بخانه خود بازگشت.

(شرح:) قتاد درختی است که خاردار و خرط قتاد بدان معنی است که کسی با کشیدن دست از بالای آن بپائین خارهای آن را بکند.

أمیر المؤمنین علیه السلام به این گونه خصلتها در روز شوری بر مردم احتجاج کرد

احتجاج أمیر المؤمنین علیه السلام بمثل هذه الخصال علی الناس یوم الشوری
 ۳۱ - حَدَّثَنَا أَبِي وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَا حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنِ الْحَكَمِ بْنِ مِسْكِينَ الثَّقَفِيِّ عَنِ أَبِي الْجَارُودِ وَ هِشَامِ أَبِي سَاسَانَ وَ أَبِي طَارِقِ السَّرَّاجِ عَنِ عَامِرِ بْنِ وَائِلَةَ قَالَ كُنْتُ فِي الْبَيْتِ يَوْمَ الشُّورَى فَسَمِعْتُ عَلِيًّا علیه السلام وَ هُوَ يَقُولُ اسْتَخْلَفَ النَّاسُ أَبَا بَكْرٍ وَ أَنَا وَ اللَّهُ أَحَقُّ بِالْأَمْرِ وَ أَوْلَى بِهِ مِنْهُ وَ اسْتَخْلَفَ أَبُو بَكْرٍ عُمَرَ وَ أَنَا وَ اللَّهُ أَحَقُّ بِالْأَمْرِ وَ أَوْلَى بِهِ مِنْهُ إِلَّا أَنَّ عُمَرَ جَعَلَنِي مَعَ خَمْسَةِ نَفَرٍ أَنَا سَادِسُهُمْ لَا يُعْرَفُ لَهُمْ عَلَيَّ فَضْلٌ وَ لَوْ أَشَاءُ لَأَحْتَجَجْتُ عَلَيْهِمْ بِمَا لَا يَسْتَطِيعُ عَرَبِيُّهُمْ وَ لَا عَجَمِيُّهُمْ الْمُعَاهِدُ مِنْهُمْ وَ الْمُشْرِكُ تَغْيِيرَ ذَلِكَ ثُمَّ قَالَ نَشَدْتُكُمْ بِاللَّهِ أَيُّهَا النَّفَرُ هَلْ فِيكُمْ أَحَدٌ وَحَدَّ اللَّهُ قَبْلِي قَالُوا اللَّهُمَّ لَا قَالَ نَشَدْتُكُمْ بِاللَّهِ هَلْ فِيكُمْ أَحَدٌ قَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم أَنْتَ مِثِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا

أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي غَيْرِي قَالُوا اللَّهُمَّ لَا قَالَ
نَشَدْتُمْ يَا اللَّهُ هَلْ فِيكُمْ أَحَدٌ سَاقَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ
لِرَبِّ الْعَالَمِينَ هَدِيًّا فَأَشْرَكَهُ فِيهِ غَيْرِي
قَالُوا اللَّهُمَّ لَا قَالَ نَشَدْتُمْ يَا اللَّهُ هَلْ فِيكُمْ
أَحَدٌ أَتَى رَسُولَ اللَّهِ ﷺ بِطَيْرٍ يَأْكُلُ مِنْهُ فَقَالَ
اللَّهُمَّ انْتِنِي بِأَحَبِّ خَلْقِكَ إِلَيْكَ يَأْكُلُ مَعِيَ مِنْ
هَذَا الطَّيْرِ فَجِئْتُهُ أَنَا غَيْرِي قَالُوا اللَّهُمَّ لَا
قَالَ نَشَدْتُمْ يَا اللَّهُ هَلْ فِيكُمْ أَحَدٌ قَالَ لَهُ رَسُولُ
اللَّهِ ﷺ حِينَ رَجَعَ عَمْرٌ يُجَبِّنُ أَصْحَابَهُ وَ يُجَبِّنُونَهُ
قَدْ رَدَّ رَايَةَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ مُنْهَزِمًا فَقَالَ لَهُ
رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لِأَعْطِيَنَّ الرَّايَةَ غَدًا رَجُلًا لَيْسَ
بِقَرَارٍ يُحِبُّهُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ يُحِبُّ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ لَا
يَرْجِعُ حَتَّى يَفْتَحَ اللَّهُ عَلَيْهِ فَلَمَّا أَصْبَحَ قَالَ
ادْعُوا لِي عَلِيًّا فَقَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ هُوَ رَمِدٌ
مَا يَطْرِفُ فَقَالَ جِيئُونِي بِهِ فَلَمَّا قُفِّتْ بَيْنَ
يَدَيْهِ تَفَلَّ فِي عَيْنِي وَ قَالَ اللَّهُمَّ أَذْهَبْ عَنْهُ
الْحَرَّ وَ الْبَرْدَ فَأَذْهَبَ اللَّهُ عَنِّي الْحَرَّ وَ الْبَرْدَ
إِلَى سَاعَتِي هَذِهِ وَ أَخَذْتُ الرَّايَةَ فَهَزِمَ اللَّهُ
الْمُشْرِكِينَ وَ أَظْفَرَنِي بِهِمْ غَيْرِي قَالُوا اللَّهُمَّ
لَا قَالَ نَشَدْتُمْ يَا اللَّهُ هَلْ فِيكُمْ أَحَدٌ لَهُ أَخٌ مِثْلُ
أَخِي جَعْفَرِ الْمُزَيْنِ بِالْجَنَاحِينَ فِي الْجَنَّةِ يَجُلُ
فِيهَا حَيْثُ يَشَاءُ غَيْرِي قَالُوا اللَّهُمَّ لَا قَالَ
نَشَدْتُمْ يَا اللَّهُ هَلْ فِيكُمْ أَحَدٌ لَهُ عَمٌّ مِثْلُ عَمِّي
حَمْزَةَ أَسَدِ اللَّهِ وَ أَسَدِ رَسُولِهِ وَ سَيِّدِ الشُّهَدَاءِ
غَيْرِي قَالُوا اللَّهُمَّ لَا قَالَ نَشَدْتُمْ يَا اللَّهُ هَلْ
فِيكُمْ أَحَدٌ لَهُ سِبْطَانٌ مِثْلُ سِبْطَايَ «سِبْطِي
الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ ابْنَيْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ سَيِّدِي
شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ غَيْرِي قَالُوا اللَّهُمَّ لَا قَالَ
نَشَدْتُمْ يَا اللَّهُ هَلْ فِيكُمْ أَحَدٌ لَهُ زَوْجَةٌ مِثْلُ
زَوْجَتِي فَاطِمَةَ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ بَضْعَةٌ مِنْهُ وَ
سَيِّدَةٌ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ غَيْرِي قَالُوا اللَّهُمَّ لَا
قَالَ نَشَدْتُمْ يَا اللَّهُ هَلْ فِيكُمْ أَحَدٌ قَالَ لَهُ رَسُولُ
اللَّهِ ﷺ مَنْ فَارَقَكَ فَارَقَنِي وَ مَنْ فَارَقَنِي فَارَقَ
اللَّهِ ﷺ غَيْرِي قَالُوا اللَّهُمَّ لَا قَالَ نَشَدْتُمْ يَا اللَّهُ هَلْ
فِيكُمْ أَحَدٌ قَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لَيَنْتَهِينَ بَنُو
وَلِيَعَةَ أَوْ لَأُبْعَثَنَّ إِلَيْهِمْ رَجُلًا كَنَفْسِي طَاعَتُهُ

كَطَاعَتِي وَ مَعْصِيَتَهُ كَمَعْصِيَتِي يَغْشَاهُمْ بِالسَّيْفِ
غَيْرِي قَالُوا اللَّهُمَّ لَا قَالَ نَشَدْتُمْ بِيَا اللَّهَ هَلْ
فِيكُمْ أَحَدٌ قَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَا مِنْ مُسْلِمٍ
وَصَلَ إِلَى قَلْبِهِ حُبِّي إِلَّا كَفَّرَ اللَّهُ عَنْهُ ذُنُوبَهُ وَ
مَنْ وَصَلَ حُبِّي إِلَى قَلْبِهِ فَقَدْ وَصَلَ حُبَّكَ إِلَى
قَلْبِهِ وَ كَذَبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ يُحِبُّنِي وَ يُبْغِضُكَ
غَيْرِي قَالُوا اللَّهُمَّ لَا قَالَ نَشَدْتُمْ بِيَا اللَّهَ هَلْ
فِيكُمْ أَحَدٌ قَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَنْتَ الْخَلِيفَةُ
فِي الْأَهْلِ وَ الْوَلَدِ وَ الْمُسْلِمِينَ فِي كُلِّ غَيْبَةٍ
عَدُوُّكَ عَدُوِّي وَ عَدُوِّي عَدُوُّ اللَّهِ وَ وَلِيُّكَ وَ لِيِّي وَ
وَلِيِّي وَلِيُّ اللَّهِ غَيْرِي قَالُوا اللَّهُمَّ لَا قَالَ
نَشَدْتُمْ بِيَا اللَّهَ هَلْ فِيكُمْ أَحَدٌ قَالَ لَهُ رَسُولُ
اللَّهِ ﷺ يَا عَلِيُّ مِنْ أَحَبِّكَ وَ وَالَاكَ سَبَقَتْ لَهُ
الرَّحْمَةُ وَ مَنْ أَبْغَضَكَ وَ عَادَاكَ سَبَقَتْ لَهُ
اللَّعْنَةُ فَقَالَتْ عَائِشَةُ يَا رَسُولَ اللَّهِ ادْعُ اللَّهَ لِي
وَ لِأَبِي لَا نَكُونُ مِمَّنْ يُبْغِضُهُ وَ يُعَادِيهِ
فَقَالَ ﷺ اسْكُتِي إِنْ كُنْتِ أَنْتِ وَ أَبُوكَ مِمَّنْ
يَتَوَلَّاهُ وَ يُحِبُّهُ فَقَدْ سَبَقَتْ لَكُمَا الرَّحْمَةُ وَ إِنْ
كُنْتُمَا مِمَّنْ يُبْغِضُهُ وَ يُعَادِيهِ فَقَدْ سَبَقَتْ لَكُمَا
اللَّعْنَةُ وَ لَقَدْ جِئْتِ أَنْتِ وَ أَبُوكَ إِنْ كَانَ
أَبُوكِ أَوْلَ مَنْ يَظْلِمُهُ وَ أَنْتِ أَوْلَ مَنْ يُقَاتِلُهُ
غَيْرِي قَالُوا اللَّهُمَّ لَا قَالَ نَشَدْتُمْ بِيَا اللَّهَ هَلْ
فِيكُمْ أَحَدٌ قَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مِثْلَ مَا قَالَ
لِي يَا عَلِيُّ أَنْتِ أَخِي وَ أَنَا أَخُوكِ فِي الدُّنْيَا
وَ الْآخِرَةِ وَ مَنْزِلُكَ مُوَاجِهَةٌ مَنْزِلِي كَمَا يَتَوَاجَهُ
الْإِخْوَانُ فِي الْخَلْدِ قَالُوا اللَّهُمَّ لَا قَالَ
نَشَدْتُمْ بِيَا اللَّهَ هَلْ فِيكُمْ أَحَدٌ قَالَ لَهُ رَسُولُ
اللَّهِ ﷺ يَا عَلِيُّ إِنْ اللَّهُ خَصَّكَ بِأَمْرٍ وَ أَعْطَاكَه لَيْسَ
مِنْ الْأَعْمَالِ شَيْءٌ أَحَبَّ إِلَيْهِ وَ لَا أَفْضَلَ مِنْهُ
عِنْدَهُ الرَّهْدُ فِي الدُّنْيَا فَلَيْسَ تَنَالُ مِنْهَا
شَيْئًا وَ لَا تَنَالُهُ مِنْكَ وَ هِيَ زِينَةُ الْأَبْرَارِ
عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَطُوبَى لِمَنْ
أَحَبَّكَ وَ صَدَّقَ عَلَيْكَ وَ وَيْلٌ لِمَنْ أَبْغَضَكَ وَ كَذَبَ
عَلَيْكَ غَيْرِي قَالُوا اللَّهُمَّ لَا قَالَ نَشَدْتُمْ بِيَا اللَّهَ
هَلْ فِيكُمْ أَحَدٌ بَعَثَهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لِيَجِيءَ
بِالْمَاءِ كَمَا بَعَثَنِي فَذَهَبْتُ حَتَّى حَمَلْتُ الْقِرْبَةَ

عَلَى ظَهْرِي وَ مَشَيْتُ بِهَا فَاسْتَقْبَلْتَنِي رِيحٌ
 فَرَدَّتْنِي حَتَّى أَجْلَسْتَنِي ثُمَّ قُمْتُ فَاسْتَقْبَلْتَنِي
 رِيحٌ فَرَدَّتْنِي حَتَّى أَجْلَسْتَنِي ثُمَّ قُمْتُ فَجِئْتُ إِلَى
 رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ لِي مَا حَبَسَكَ عَنِّي فَقَصَصْتُ
 عَلَيْهِ الْقِصَّةَ فَقَالَ قَدْ جَاءَنِي جَبْرَائِيلُ
 فَأَخْبَرَنِي أَنَّ الرِّيحَ الْأُولَى فَجَبْرَائِيلُ كَانَ فِي
 أَلْفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ يُسَلِّمُونَ عَلَيْكَ وَ أَنَّ
 الثَّانِيَةَ فَمِيكَائِيلُ جَاءَ فِي أَلْفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ
 يُسَلِّمُونَ عَلَيْكَ غَيْرِي قَالُوا اللَّهُمَّ لَا قَالَ
 نَشَدْتِكُمْ بِاللَّهِ هَلْ فِيكُمْ مَنْ قَالَ لَهُ جَبْرَائِيلُ يَا
 مُحَمَّدُ أ تَرَى هَذِهِ الْمُوَاسَاةَ مِنْ عَلَيَّ فَقَالَ
 رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِنَّهُ مِنِّي وَ أَنَا مِنْهُ
 فَقَالَ جَبْرَائِيلُ وَ أَنَا مِنْكُمْ غَيْرِي قَالُوا
 اللَّهُمَّ لَا قَالَ نَشَدْتِكُمْ بِاللَّهِ هَلْ فِيكُمْ أَحَدٌ كَانَ
 يَكْتُبُ لِرَسُولِ اللَّهِ كَمَا جَعَلْتُ أَكْتُبُ فَأَغْفَى رَسُولُ
 اللَّهِ ﷺ فَأَنَا أَرَى أَنَّهُ يُمَلِّي عَلَيَّ
 فَلَمَّا انْتَبَهَ قَالَ لَهُ يَا عَلِيُّ مَنْ أَمَلَى عَلَيْكَ
 مِنْ هَاهُنَا إِلَى هَاهُنَا فَقُلْتُ أَنْتَ يَا رَسُولَ اللَّهِ
 فَقَالَ لَا وَ لَكِنَّ جَبْرَائِيلَ أَمَلَاهُ عَلَيْكَ غَيْرِي
 قَالُوا اللَّهُمَّ لَا قَالَ نَشَدْتِكُمْ بِاللَّهِ هَلْ فِيكُمْ
 أَحَدٌ نَادَى لَهُ مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ لَا سَيْفٌ إِلَّا ذُو
 الْفَقَارِ وَ لَا فَتَى إِلَّا عَلِيُّ غَيْرِي قَالُوا اللَّهُمَّ
 لَا قَالَ نَشَدْتِكُمْ بِاللَّهِ هَلْ فِيكُمْ أَحَدٌ قَالَ لَهُ
 رَسُولُ اللَّهِ ﷺ كَمَا قَالَ لِي لَوْ لَا أَنْ أَخَافَ أَنْ لَا
 يَبْقَى أَحَدٌ إِلَّا قَبْضٌ مِنْ أَثَرِكَ قَبْضَةٌ يَطْلُبُ بِهَا
 الْبَرَكَةَ لِعَقِيبِهِ مِنْ بَعْدِهِ لَقُلْتُ فِيكَ قَوْلًا لَا
 يَبْقَى أَحَدٌ إِلَّا قَبْضٌ مِنْ أَثَرِكَ قَبْضَةٌ غَيْرِي
 فَقَالُوا اللَّهُمَّ لَا قَالَ نَشَدْتِكُمْ بِاللَّهِ هَلْ فِيكُمْ
 أَحَدٌ قَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ احْفَظِ الْبَابَ فَإِنْ
 زُوَّارًا مِنَ الْمَلَائِكَةِ يَزُورُونِي فَلَا تَأْذَنَ لِأَحَدٍ
 مِنْهُمْ فَجَاءَ عُمَرُ فَرَدَّدْتُهُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَ أَخْبَرْتُهُ
 أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ مُحْتَجَبٌ وَ عِنْدَهُ زُوَّارٌ مِنَ
 الْمَلَائِكَةِ وَ عِدَّتُهُمْ كَذَا وَ كَذَا ثُمَّ أَذْنَتْ لَهُ
 فَدَخَلَ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّي قَدْ جِئْتُكَ غَيْرَ
 مَرَّةٍ كُلِّ ذَلِكَ يَرُدُّنِي عَلَيَّ وَ يَقُولُ إِنَّ رَسُولَ
 اللَّهِ ﷺ مُحْتَجَبٌ وَ عِنْدَهُ زُوَّارٌ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَ

عَدَّتْهُمْ كَذًا وَ كَذًا فَكَيْفَ عَلِمَ بِالْعِدَّةِ أ
 عَايَنَهُمْ فَقَالَ لَهُ يَا عَلِيُّ قَدْ صَدَقَ كَيْفَ عَلِمْتَ
 بَعِدَتِهِمْ فَقُلْتُ اخْتَلَفْتُ عَلَيَّ التَّحِيَّاتُ وَ سَمِعْتُ
 الْأَصْوَاتَ فَأَحْصَيْتُ الْعَدَدَ قَالَ صَدَقْتَ فَإِنَّ فِيكَ
 سُنَّةٌ مِنْ أَحِي عَيْسَى فَخَرَجَ عَمْرُ وَ هُوَ يَقُولُ
 ضَرْبُهُ لِابْنِ مَرْيَمَ مَثَلًا فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ
 لَمَّا ضَرَبَ ابْنَ مَرْيَمَ مَثَلًا إِذَا قَوْمُكَ مِنْهُ
 يَصِدُّونَ قَالَ يَضِجُونَ وَ قَالُوا أ آلِهَتُنَا خَيْرٌ
 أَمْ هُوَ مَا ضَرَبُوهُ لَكَ إِلَّا جَدَلًا بَلْ هُمْ قَوْمٌ
 خَصِمُونَ إِنْ هُوَ إِلَّا عَبْدٌ أَنْعَمْنَا عَلَيْهِ وَ
 جَعَلْنَاهُ مَثَلًا لِبَنِي إِسْرَائِيلَ وَ لَوْ نَشَاءُ
 لَجَعَلْنَا مِنْكُمْ مَلَائِكَةً فِي الْأَرْضِ يَخْلِفُونَ غَيْرِي
 قَالُوا اللَّهُمَّ لَا قَالَ نَشَدْتُكُمْ يَا اللَّهُ هَلْ فِيكُمْ
 أَحَدٌ قَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ كَمَا قَالَ لِي إِنْ طُوبَى
 شَجْرَةٌ فِي الْجَنَّةِ أَصْلُهَا فِي دَارِ عَلِيٍّ لَيْسَ مِنْ
 مُؤْمِنٍ إِلَّا وَ فِي مَنْزِلِهِ عُصْنٌ مِنْ أَغْصَانِهَا غَيْرِي
 قَالُوا اللَّهُمَّ لَا قَالَ نَشَدْتُكُمْ يَا اللَّهُ هَلْ فِيكُمْ
 أَحَدٌ قَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ تُقَاتِلُ عَلَيَّ سُنَّتِي وَ
 تُبِرُّ ذِمَّتِي غَيْرِي قَالُوا اللَّهُمَّ لَا قَالَ نَشَدْتُكُمْ
 يَا اللَّهُ هَلْ فِيكُمْ أَحَدٌ قَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ تُقَاتِلُ
 النَّكِيثِينَ وَ الْقَاسِطِينَ وَ الْمَارِقِينَ غَيْرِي
 قَالُوا اللَّهُمَّ لَا قَالَ نَشَدْتُكُمْ يَا اللَّهُ هَلْ فِيكُمْ
 أَحَدٌ جَاءَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ رَأْسُهُ فِي حَجَرٍ
 جَبْرَيْلُ فَقَالَ لِي اذْنُ مِنْ ابْنِ عَمَّكَ فَأَنْتَ
 أَوْلَى بِهِ مِنِّي غَيْرِي قَالُوا اللَّهُمَّ لَا قَالَ
 نَشَدْتُكُمْ يَا اللَّهُ هَلْ فِيكُمْ أَحَدٌ وَضَعَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
 رَأْسَهُ فِي حَجَرِهِ حَتَّى غَابَتِ الشَّمْسُ وَ لَمْ يُصَلِّ
 الْعَصْرَ فَلَمَّا انْتَبَهَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ قَالَ يَا عَلِيُّ
 صَلَّيْتُ الْعَصْرَ قُلْتُ لَا فَدَعَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فَرَدَّتِ
 الشَّمْسُ بَيضَاءَ نَقِيَّةً فَصَلَّيْتُ ثُمَّ انْحَدَرْتُ غَيْرِي
 قَالُوا اللَّهُمَّ لَا قَالَ نَشَدْتُكُمْ يَا اللَّهُ هَلْ فِيكُمْ
 أَحَدٌ أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ رَسُولَهُ أَنْ يَبْعَثَ بَبْرَاءَةَ
 فَبَعَثَ بِهَا مَعَ أَبِي بَكْرٍ فَأَتَاهُ جَبْرَيْلُ فَقَالَ
 يَا مُحَمَّدُ إِنَّهُ لَا يُؤَدِّي عَنْكَ إِلَّا أَنْتَ أَوْ رَجُلٌ
 مِنْكَ فَبَعَثَنِي رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فَأَخَذْتُهَا مِنْ أَبِي
 بَكْرٍ فَمَضَيْتُ بِهَا وَ أَدَيْتُهَا عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ

أَثَبْتُ اللَّهَ عَلَى لِسَانِ رَسُولِهِ أَنِّي مِنْهُ غَيْرِي
قَالُوا اللَّهُمَّ لَا قَالَ نَشَدْتُمْ بِاللَّهِ هَلْ فِيكُمْ
أَحَدٌ قَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَنْتَ إِمَامٌ مَنْ
أَطَاعَنِي وَ نُورٌ أَوْلِيَائِي وَ الْكَلِمَةُ الَّتِي
الزَّمْتَهَا الْمُتَّقِينَ غَيْرِي قَالُوا اللَّهُمَّ لَا قَالَ
نَشَدْتُمْ بِاللَّهِ هَلْ فِيكُمْ أَحَدٌ قَالَ لَهُ رَسُولُ
اللَّهِ ﷺ مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَحْيَى حَيَاتِي وَ يَمُوتَ مَوْتِي
وَ يَسْكُنَ جَنَّتِي الَّتِي وَعَدَنِي رَبِّي جَنَاتِ عَدْنٍ
قَضِيبِ عَرْسَةِ اللَّهِ بِيَدِهِ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَكَانَ
فَلْيُؤَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام وَ ذُرِّيَّتَهُ مِنْ
بَعْدِهِ فَهُمْ الْأَيْمَةُ وَ هُمُ الْأَوْصِيَاءُ أَعْطَاهُمُ اللَّهُ
عِلْمِي وَ فَهْمِي لَا يُدْخِلُونَكُمْ فِي بَابِ ضَلَالٍ وَ لَا
يُخْرِجُونَكُمْ مِنْ بَابِ هُدًى لَا تَعْلَمُوهُمْ فَهُمْ أَعْلَمُ
مِنْكُمْ يَزُولُ الْحَقُّ مَعَهُمْ أَيُّنَمَا زَالُوا غَيْرِي
قَالُوا اللَّهُمَّ لَا قَالَ نَشَدْتُمْ بِاللَّهِ هَلْ فِيكُمْ
أَحَدٌ قَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ قَضَى فَاَنْقَضَى أَنَّهُ لَا
يُحِبُّكَ إِلَّا مُؤْمِنٌ وَ لَا يُبْغِضُكَ إِلَّا كَافِرٌ مُنَافِقٌ
غَيْرِي قَالُوا اللَّهُمَّ لَا قَالَ نَشَدْتُمْ بِاللَّهِ هَلْ
فِيكُمْ أَحَدٌ قَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مِثْلَ مَا قَالَ
لِي أَهْلُ وَ لَوَايَتِكَ يَخْرُجُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنْ
قُبُورِهِمْ عَلَى نُوقٍ بَيْضٍ شَرَاكُ نِعَالِهِمْ نُورٌ
يَتَلَأَلُ قَدْ سَهَلَتْ عَلَيْهِمُ الْمَوَارِدُ وَ فُرَجَّتْ عَنْهُمْ
الشَّدَائِدُ وَ أَعْطُوا الْأَمَانَ وَ انْقَطَعَتْ عَنْهُمْ
الْأَحْزَانُ حَتَّى يُنْطَلِقَ بِهِمْ إِلَى ظِلِّ عَرْشِ الرَّحْمَنِ
تُوضَعُ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ مَائِدَةٌ يَأْكُلُونَ مِنْهَا حَتَّى
يَفْرَغَ مِنَ الْحِسَابِ يَخَافُ النَّاسُ وَ لَا يَخَافُونَ وَ
يَحْزَنُ النَّاسُ وَ لَا يَحْزَنُونَ غَيْرِي قَالُوا اللَّهُمَّ
لَا قَالَ نَشَدْتُمْ بِاللَّهِ هَلْ فِيكُمْ أَحَدٌ قَالَ لَهُ
رَسُولُ اللَّهِ ﷺ حِينَ جَاءَ أَبُو بَكْرٍ يَخْطُبُ فَاطِمَةَ عليها السلام
فَأَبَى أَنْ يُزَوِّجَهُ وَ جَاءَ عُمَرُ يَخْطُبُهَا فَأَبَى أَنْ
يُزَوِّجَهُ فَخَطَبْتُ إِلَيْهِ فَزَوَّجَنِي فَجَاءَ أَبُو بَكْرٍ وَ
عُمَرُ فَقَالَا أَيْتُ أَنْ تُزَوِّجَنَا وَ زَوَّجْتَهُ فَقَالَ
رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَا مَنَعْتُمْكَمَا وَ زَوَّجْتَهُ بَلَى اللَّهُ
مَنَعَكُمْمَا وَ زَوَّجَهُ غَيْرِي قَالُوا اللَّهُمَّ لَا قَالَ
نَشَدْتُمْ بِاللَّهِ هَلْ سَمِعْتُمْ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ كُلُّ
سَبَبٍ وَ نَسَبٍ مُنْقَطِعٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا سَبَبِي وَ

نَسِي فَأَيُّ سَبَبٍ أَفْضَلُ مِنْ سَبَبِي وَ أَيُّ نَسَبٍ
أَفْضَلُ مِنْ نَسَبِي إِنَّ أَبِي وَ أَبَا رَسُولِ اللَّهِ لِأَخَوَانِ
وَ إِنَّ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ ابْنَيْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ
سَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ ابْنَيْ وَ فَاطِمَةَ بِنْتَ
رَسُولِ اللَّهِ ﷺ زَوْجَتِي سَيِّدَةَ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ
غَيْرِي قَالُوا اللَّهُمَّ لَا قَالَ نَشَدْتُكُمْ بِاللَّهِ هَلْ
فِيكُمْ أَحَدٌ قَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ
الْخَلْقَ فَفَرَّقَهُمْ فِرْقَتَيْنِ فَجَعَلَنِي مِنْ خَيْرِ
الْفِرْقَتَيْنِ ثُمَّ جَعَلَهُمْ شُعُوبًا فَجَعَلَنِي فِي خَيْرِ
شُعْبَةٍ ثُمَّ جَعَلَهُمْ قَبَائِلَ فَجَعَلَنِي فِي خَيْرِ
قَبِيلَةٍ ثُمَّ جَعَلَهُمْ بُيُوتًا فَجَعَلَنِي فِي خَيْرِ بَيْتٍ
ثُمَّ اخْتَارَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي أَنَا وَ عَلِيًّا وَ
جَعَفَرًا فَجَعَلَنِي خَيْرَهُمْ فَكُنْتُ نَائِمًا بَيْنَ ابْنِي
أَبِي طَالِبٍ فَجَاءَ جَبْرَائِيلُ وَ مَعَهُ مَلَكٌ فَقَالَ يَا
جَبْرَائِيلُ إِلَى أَيِّ هَؤُلَاءِ أُرْسِلْتُ فَقَالَ إِلَى هَذَا
ثُمَّ أَخَذَ بِيَدِي فَأَجْلَسَنِي غَيْرِي قَالُوا اللَّهُمَّ
لَا قَالَ نَشَدْتُكُمْ بِاللَّهِ هَلْ فِيكُمْ أَحَدٌ سَدَّ رَسُولُ
اللَّهِ ﷺ أَبْوَابَ الْمُسْلِمِينَ كُلَّهُمْ فِي الْمَسْجِدِ وَ
لَمْ يَسُدَّ بَابِي فَجَاءَهُ الْعَبَّاسُ وَ حَمْرَةَ وَ قَالَا
أَخْرَجْتَنَا وَ أَسْكَنْتَهُ فَقَالَ لَهُمَا مَا أَنَا
أَخْرَجْتُكُمْ وَ أَسْكَنْتَهُ بَلْ اللَّهُ أَخْرَجَكُمْ وَ أَسْكَنْتَهُ
إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَوْحَى إِلَيَّ أَخِي مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْ
اتَّخِذْ مَسْجِدًا طَهُورًا وَ أَسْكَنْهُ أَنْتَ وَ هَارُونَ وَ
ابْنَا هَارُونَ وَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَوْحَى إِلَيَّ أَنْ
اتَّخِذْ مَسْجِدًا طَهُورًا وَ أَسْكَنْهُ أَنْتَ وَ عَلِيٌّ وَ
ابْنَا عَلِيٍّ غَيْرِي فَقَالُوا اللَّهُمَّ لَا قَالَ
نَشَدْتُكُمْ بِاللَّهِ هَلْ فِيكُمْ أَحَدٌ قَالَ لَهُ رَسُولُ
اللَّهِ ﷺ الْحَقُّ مَعَ عَلِيٍّ وَ عَلِيٌّ مَعَ الْحَقِّ لَا

يَفْتَرِقَانِ حَتَّى يَرِدَا

عَلَى الْحَوْضِ غَيْرِي قَالُوا اللَّهُمَّ لَا قَالَ
نَشَدْتُكُمْ بِاللَّهِ هَلْ فِيكُمْ أَحَدٌ وَقَى رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
حَيْثُ جَاءَ الْمُشْرِكُونَ يُرِيدُونَ قَتْلَهُ فَاضْطَجَعْتُ
فِي مَضْجَعِهِ وَ ذَهَبَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ نَحْوَ الْعَارِ وَ
هُمْ يَرَوْنَ أَنِّي أَنَا هُوَ فَقَالُوا أَيْنَ ابْنُ عَمِّكَ
فَقُلْتُ لَا أَدْرِي فَضْرَبُونِي حَتَّى كَادُوا يَقْتُلُونِي
غَيْرِي قَالُوا اللَّهُمَّ لَا قَالَ نَشَدْتُكُمْ بِاللَّهِ هَلْ

فِيكُمْ أَحَدٌ قَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ كَمَا قَالَ لِي
إِنَّ اللَّهَ أَمَرَنِي بِوَلَايَةِ عَلِيٍّ فَوَلَايَتُهُ وَوَلَايَتِي وَ
وَلَايَتِي وَوَلَايَةَ رَبِّي عَهْدٌ عَهْدُهُ إِلَيَّ رَبِّي وَ
أَمَرَنِي أَنْ أَبْلَغَكُمْوَهُ فَهَلْ سَمِعْتُمْ قَالُوا نَعَمْ
قَدْ سَمِعْنَاهُ قَالَ أَمَا إِنْ فِيكُمْ مَنْ يَقُولُ قَدْ
سَمِعْتُ وَهُوَ يَحْمِلُ النَّاسَ عَلَى كَتْفِيهِ وَ
يُعَادِيهِ قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ أَخَيْرْنَا بِهِمْ قَالَ
أَمَا إِنْ رَبِّي قَدْ أَخْبَرَنِي بِهِمْ وَ أَمَرَنِي
بِالْإِعْرَاضِ عَنْهُمْ لِأَمْرٍ قَدْ سَبَقَ وَ إِنَّمَا يَكْتَفِي
أَحَدُكُمْ بِمَا يَجِدُ لِعَلِّيٍّ فِي قَلْبِهِ غَيْرِي قَالُوا
اللَّهُمَّ لَا قَالَ نَشَدْتُكُمْ بِاللَّهِ هَلْ فِيكُمْ أَحَدٌ قَتَلَ
مِنْ بَنِي عَبْدِ الدَّارِ تِسْعَةَ مَبَارِزَةٍ غَيْرِي كُلُّهُمْ
يَأْخُذُ اللُّوَاءَ ثُمَّ جَاءَ صُؤَابُ الْحَيْشِيِّ مَوْلَاهُمْ وَ
هُوَ يَقُولُ وَاللَّهِ لَا أَقْتُلُ بِسَادَتِي إِلَّا مُحَمَّدًا قَدْ
أَزْبَدَ شِدْقَاهُ وَ أَحْمَرَّتَا عَيْنَاهُ فَاتَّقَيْتُمُوهُ وَ
حُدْتُمْ عَنْهُ وَ خَرَجْتُ إِلَيْهِ فَلَمَّا أَقْبَلَ كَانَهُ
قُبَّةً مَبْنِيَّةً فَاخْتَلَفْتُ أَنَا وَ هُوَ ضَرْبَتَيْنِ
فَقَطَعْتُهُ بِنِصْفَيْنِ وَ بَقِيَتْ رِجْلَاهُ وَ عَجْرُهُ وَ
فَخِذُّهُ قَائِمَةٌ عَلَى الْأَرْضِ يَنْظُرُ إِلَيْهِ الْمُسْلِمُونَ
وَ يَضْحَكُونَ مِنْهُ غَيْرِي قَالُوا اللَّهُمَّ لَا قَالَ
نَشَدْتُكُمْ بِاللَّهِ هَلْ فِيكُمْ أَحَدٌ قَتَلَ مِنْ مُشْرِكِي
قُرَيْشٍ مِثْلَ قَتْلِي قَالُوا اللَّهُمَّ لَا قَالَ نَشَدْتُكُمْ
بِاللَّهِ هَلْ فِيكُمْ أَحَدٌ جَاءَ عَمْرُو بْنُ عَبْدِ وَدٍّ
يُنَادِي هَلْ مِنْ مَبَارِزٍ فَكُعْتُمْ عَنْهُ كُلُّكُمْ فَقُمْتُ
أَنَا فَقَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِلَى أَيِّنَ تَذْهَبُ
فَقُلْتُ أَقُومُ إِلَيَّ هَذَا الْفَاسِقُ فَقَالَ إِنَّهُ عَمْرُو
بْنُ عَبْدِ وَدٍّ فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ إِنْ كَانَ هُوَ
عَمْرُو بْنُ عَبْدِ وَدٍّ فَأَنَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ
فَأَعَادَ عَلِيٌّ ﷺ الْكَلَامَ وَ أَعَدْتُ عَلَيْهِ فَقَالَ
امْضِ عَلَيَّ اسْمِ اللَّهِ فَلَمَّا قَرُبْتُ مِنْهُ قَالَ مَنْ
الرَّجُلُ قُلْتُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ قَالَ كُفُوُ كَرِيمٍ
ارْجِعْ يَا ابْنَ أَخِي فَقَدْ كَانَ لِأَبِيكَ مَعِيَ صُحْبَةٌ
وَ مُحَادَثَةٌ فَأَنَا أَكْرَهُ
قَتْلَكَ فَقُلْتُ لَهُ يَا عَمْرُو إِنَّكَ قَدْ عَاهَدْتَ اللَّهَ
أَلَّا يُخَيِّرَكَ أَحَدٌ ثَلَاثَ خِصَالٍ إِلَّا اخْتَرْتَ إِحْدَاهُنَّ
فَقَالَ اعْرِضْ عَلَيَّ قُلْتُ تَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ

أَنْ مُحَمَّدًا رَسُولَ اللَّهِ وَ تُقِرُّ بِمَا جَاءَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ
 قَالَ هَاتِ غَيْرَ هَذِهِ قُلْتُ تَرْجِعُ مِنْ حَيْثُ جِئْتِ
 قَالَ وَاللَّهِ لَا تَحَدَّثِ نِسَاءً قُرَيْشٍ بِهَذَا أَنِّي رَجَعْتُ
 عَنْكَ فَقُلْتُ فَاَنْزِلْ فَأَقَاتِلِكَ قَالَ أَمَا هَذِهِ
 فَتَنَعَمْ فَنَزَلَ فَاخْتَلَفْتُ أَنَا وَ هُوَ ضَرْبَتَيْنِ
 فَأَصَابَ الْحَجْفَةَ وَ أَصَابَ السَّيْفُ رَأْسِي وَ ضَرْبَتُهُ
 ضَرْبَةٌ فَاَنْكَشَفَتْ رِجْلِيهِ فَقَتَلَهُ اللَّهُ عَلَيَّ يَدِي
 فَفِيكُمْ أَحَدٌ فَعَلَ هَذَا غَيْرِي قَالُوا اللَّهُمَّ لَا
 قَالَ نَشَدْتُكُمْ بِاللَّهِ هَلْ فِيكُمْ أَحَدٌ حِينَ جَاءَ
 مَرْحَبٌ وَ هُوَ يَقُولُ أَنَا الَّذِي سَمَّيْتَنِي أُمِّي مَرْحَبٌ
 شَاكَ السَّلَاحَ بَطُلٌ مُجْرَبٌ أَطَعَنُ أَحْيَانًا وَ حِينًا
 أَضْرَبُ

فَخَرَجْتُ إِلَيْهِ فَضَرْبَنِي وَ ضَرْبَتُهُ وَ عَلَيَّ رَأْسِهِ
 نَقِيرٌ مِنْ جَبَلٍ لَمْ تَكُنْ تَصْلُحُ عَلَيَّ رَأْسِهِ بِيَضَّةٍ
 مِنْ عِظْمِ رَأْسِهِ فَقَلَبْتُ النَّقِيرَ وَ وَصَلَ السَّيْفُ
 إِلَيَّ رَأْسِهِ فَقَتَلْتُهُ فَفِيكُمْ أَحَدٌ فَعَلَ هَذَا
 قَالُوا اللَّهُمَّ لَا قَالَ نَشَدْتُكُمْ بِاللَّهِ هَلْ فِيكُمْ
 أَحَدٌ أَنْزَلَ اللَّهُ فِيهِ آيَةَ التَّطْهِيرِ عَلَيَّ
 رَسُولِهِ ﷺ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ
 أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمُ تَطْهِيرًا فَآخَذَ رَسُولُ
 اللَّهِ ﷺ كِسَاءَ خَيْبَرِيًّا فَضَمَّنِي فِيهِ وَ فَاطِمَةَ ^ع وَ
 الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ ثُمَّ قَالَ يَا رَبِّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ
 بَيْتِي فَأَذْهِبْ عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَ طَهِّرْهُمْ تَطْهِيرًا
 قَالُوا اللَّهُمَّ لَا قَالَ نَشَدْتُكُمْ بِاللَّهِ هَلْ فِيكُمْ
 أَحَدٌ قَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَنَا سَيِّدُ وُلْدِ آدَمَ وَ
 أَنْتِ يَا عَلِيُّ سَيِّدُ الْعَرَبِ قَالُوا اللَّهُمَّ لَا قَالَ
 نَشَدْتُكُمْ بِاللَّهِ هَلْ فِيكُمْ أَحَدٌ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
 فِي الْمَسْجِدِ إِذْ نَظَرَ إِلَى شَيْءٍ يَنْزِلُ مِنْ
 السَّمَاءِ فَبَادَرَهُ وَ لَجِقَهُ أَصْحَابُهُ فَاَنْتَهَى إِلَى
 سُودَانَ أَرْبَعَةَ يَحْمِلُونَ سَرِيرًا فَقَالَ لَهُمْ ضَعُوا
 فَوَضَعُوا فَقَالَ اكْشِفُوا عَنْهُ فَكَشَفُوا فَاِذَا
 أَسْوَدٌ مُطَوَّقٌ بِالْحَدِيدِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَنْ
 هَذَا قَالُوا غُلَامٌ لِلرِّيَاحِيِّينَ كَانَ قَدْ أَبَقَ
 عَنْهُمْ خُبْنًا وَ فِسْقًا فَاَمْرُونَا أَنْ نَدْفِنَهُ فِي
 حَدِيدِهِ كَمَا هُوَ فَنَظَرْتُ إِلَيْهِ فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ

مَا رَأَى قَطُّ إِلَّا قَالَ أَنَا وَاللَّهِ أَحَبُّكَ وَاللَّهُ
مَا أَحَبُّكَ إِلَّا مُؤْمِنٌ وَلَا أَبْغَضَكَ إِلَّا كَافِرٌ فَقَالَ
رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَا عَلِيُّ لَقَدْ أَثَابَهُ اللَّهُ بِذَا هَذَا
سَبْعُونَ قَبِيلًا مِنَ الْمَلَائِكَةِ كُلُّ قَبِيلٍ عَلَى أَلْفِ
قَبِيلٍ قَدْ نَزَلُوا يُصَلُّونَ عَلَيْهِ فَكَرَّ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
حَدِيدَتُهُ وَصَلَّى عَلَيْهِ وَدَفَنَهُ قَالُوا اللَّهُمَّ لَا
قَالَ نَشَدْتُمْ بِاللَّهِ هَلْ فِيكُمْ أَحَدٌ قَالَ لَهُ رَسُولُ
اللَّهِ ﷺ مِثْلَ مَا قَالَ لِي أُذِنَ لِي الْبَارِحَةَ فِي
الدُّعَاءِ فَمَا سَأَلْتُ رَبِّي شَيْئًا إِلَّا أُعْطَانِيهِ وَ
مَا سَأَلْتُ لِنَفْسِي شَيْئًا إِلَّا سَأَلْتُ لَكَ مِثْلَهُ وَ
أَعْطَانِيهِ فَقُلْتُ الْحَمْدُ لِلَّهِ قَالُوا اللَّهُمَّ لَا قَالَ
نَشَدْتُمْ بِاللَّهِ هَلْ عَلِمْتُمْ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ بَعَثَ
خَالِدَ بْنَ الْوَلِيدِ إِلَى بَنِي جَدِيمَةَ فَفَعَلَ مَا
فَعَلَ فَصَعِدَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ الْمَنْبَرَ فَقَالَ اللَّهُمَّ
إِنِّي أَبْرَأُ إِلَيْكَ مِمَّا صَنَعَ خَالِدُ بْنُ الْوَلِيدِ
ثَلَاثَ مَرَّاتٍ ثُمَّ قَالَ أَذْهَبُ يَا عَلِيُّ فَذَهَبَتْ
فَوَدَيْتُهُمْ ثُمَّ نَاشَدْتُهُمْ بِاللَّهِ هَلْ بَقِيَ شَيْءٌ
فَقَالُوا إِذْ نَشَدْتَنَا بِاللَّهِ فَمِيلَعَةُ كِلَابِنَا وَ
عِقَالُ بَعِيرِنَا فَأَعْطَيْتُهُمَا لَهُمْ وَبَقِيَ مَعِيَ
ذَهَبٌ كَثِيرٌ فَأَعْطَيْتُهُمْ إِيَّاهُ وَ قُلْتُ هَذَا لِذِمَّةِ
رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ لِمَا تَعْلَمُونَ وَ لِمَا لَا تَعْلَمُونَ
وَ لِرِوَعَاتِ النِّسَاءِ وَ الصَّبِيَّانِ ثُمَّ جِئْتُ إِلَى
رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَأَخْبَرْتُهُ فَقَالَ وَاللَّهِ مَا يَسْرُنِي يَا
عَلِيُّ أَنْ لِي بِمَا صَنَعْتَ حُمْرَ النَّعَمِ قَالُوا
اللَّهُمَّ نَعَمْ قَالَ نَشَدْتُمْ بِاللَّهِ هَلْ سَمِعْتُمْ رَسُولَ
اللَّهِ ﷺ يَقُولُ يَا عَلِيُّ لَقَدْ عَرَضْتُ عَلَيَّ أُمَّتِي
الْبَارِحَةَ فَمَرَّ بِي أَصْحَابُ الرَّايَاتِ فَاسْتَغْفَرْتُ
لَكَ وَ لِشَيْعَتِكَ فَقَالُوا اللَّهُمَّ نَعَمْ قَالَ
نَشَدْتُمْ بِاللَّهِ هَلْ سَمِعْتُمْ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ يَا
أَبَا بَكْرٍ أَذْهَبُ فَاضْرِبْ عُنُقَ ذَلِكَ الرَّجُلِ الَّذِي
تَجِدُهُ فِي مَوْضِعِ كَذَا وَ كَذَا فَارْجِعْ فَقَالَ قَتَلْتَهُ
قَالَ لَا وَجَدْتُهُ يُصَلِّي قَالَ يَا عُمَرُ أَذْهَبُ
فَاقْتُلْهُ فَارْجِعْ فَقَالَ قَتَلْتَهُ قَالَ لَا وَجَدْتُهُ
يُصَلِّي فَقَالَ أَمْرُكُمْ بِقَتْلِهِ فَتَقُولَانِ وَجَدْنَاهُ
يُصَلِّي قَالَ يَا عَلِيُّ أَذْهَبُ فَاقْتُلْهُ فَلَمَّا مَضَيْتُ
قَالَ إِنَّ أَدْرَكَهُ قَتَلْتُهُ فَارْجَعْتُ فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ

لَمْ أَجِدْ أَحَدًا فَقَالَ صَدَقْتَ أَمَا إِنَّكَ لَوْ وَجَدْتَهُ
لَقَتَلْتَهُ قَالُوا اللَّهُمَّ نَعَمْ قَالَ نَشَدْتُكُمْ بِإِلَهِ
هَلْ فِيكُمْ أَحَدٌ قَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ كَمَا قَالَ
لِي إِنَّ وَلِيَّكَ فِي الْجَنَّةِ وَ عَدُوَّكَ فِي النَّارِ
قَالُوا اللَّهُمَّ لَا قَالَ نَشَدْتُكُمْ بِإِلَهِ هَلْ عَلِمْتُمْ
أَنَّ عَائِشَةَ قَالَتْ لِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ
لَيْسَ مِنْكَ وَ إِنَّهُ ابْنُ فُلَانِ الْقِبْطِيِّ قَالَ يَا
عَلِيُّ إِذْ هَبْ فَأَقْتُلْهُ فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِذَا
بَعَثْتَنِي أَكُونُ كَالْمِسْمَارِ الْمَحْمِيِّ فِي الْوَبْرِ
أَوْ أَتَثَبْتُ قَالَ لَا بَلْ تَثَبْتُ فَذَهَبْتُ فَلَمَّا نَظَرَ
إِلَيَّ اسْتَنَدَ إِلَى حَائِطٍ فَطَرَحَ نَفْسَهُ فِيهِ فَطَرَحْتُ
نَفْسِي عَلَى أَثَرِهِ فَصَعِدَ عَلَيَّ نَخْلٌ وَ صَعِدَتْ خَلْفَهُ
فَلَمَّا رَأَى قَدْ صَعِدْتُ رَمَى بِإِرَارِهِ فَإِذَا لَيْسَ
لَهُ شَيْءٌ مِمَّا يَكُونُ لِلرَّجَالِ فَجِئْتُ فَأَخْبَرْتُ
رَسُولَ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَرَفَ عَنَّا
السُّوءَ أَهْلَ الْبَيْتِ فَقَالُوا اللَّهُمَّ لَا فَقَالَ
اللَّهُمَّ اشْهَدْ

۳۱ - عامر بن واثلة گوید: روزی که
شوری برقرار بود من در همان خانه (محل
شوری) بودم شنیدم که علی علیه السلام میفرمود:
مردم ابو بکر را خلیفه نمودند و بخدا
قسم من شایسته‌تر و سزاوارتر بودم بخلافت
از او و عمر را ابو بکر خلیفه خود نمود
و بخدا قسم که من شایسته‌تر و سزاوارتر
باین کار بودم تا او (و اکنون که عمر از
دنیا رفته است) مرا با پنج نفر دیگر که
من ششمین نفر آنان میباشم کاندید خلافت
نموده است که هیچ فضیلتی آنان را بر من
نیست و اگر بخواهم آن چنان احتجاج بر
آنان کنم که عرب و عجم و معاهد و مشرک
نتوانند تغییرش دهند سپس فرمود: شما را
بخدا ای چند نفر (مقصود اصحاب شوری
است). آیا در میان شما کسی هست که پیش
از من خدا را بیکتائی پذیرفته باشد؟
گفتند بخدا که نه فرمود شما را بخدا آیا
در میان شما کسی هست که رسول خدا

ﷺ به او گفته باشد: تو از من بمنزله
 هارون از موسی هستی جز آنکه پس از من
 پیغمبری نیست؟ گفتند بخدا که نه فرمود
 شما را بخدا آیا در میان شما کسی هست که
 رسول خدا ﷺ و سلم در شترهای قربانی که برای
 پروردگار عالمیان بمکه برده است بجز من
 او را شریک کرده باشد؟ گفتند نه فرمود:
 شما را بخدا هنگامی که مرغ بریان را
 بنزد رسول خدا ﷺ آوردند تا از آن
 بخورد عرض کرد بار الها دوستترین خلق
 خودت را بر من برسان تا با من در خوردن
 این مرغ شریک شود و من آن هنگام بنزد
 رسول خدا ﷺ آمدم آیا در میان شما کسی
 هست که بجز من او هم آمده باشد؟
 گفتند بخدا که نه فرمود: شما را بخدا
 آیا در میان شما کسی هست (که هنگامی که
 عمر از میدان جنگ بازگشت و او یاران خود
 را ترسو میخواند و یاران او را ترسو
 میخواندند و پرچم رسول خدا ﷺ را شکست
 خورده باز گردانده بود که رسول خدا
 ﷺ به او فرمود حتما پرچم را بمردی
 خواهم داد که هرگز فرار نمیکند و خدا و
 رسولش او را دوست میدارند و او خدا و
 رسولش را دوست میدارد و باز نمیگردد تا
 اینکه خداوند فتح و پیروزی را بر او عطا
 فرماید و چون صبح شد فرمود علی را بنزد
 من بخوانید عرض کردند یا رسول الله او را
 چشم درد گرفته است بطوری که نمیتواند
 دیده بگشاید فرمود او را بنزد من آورید
 چون من در مقابل حضرتش ایستادم از آب
 دهن بمیان چشم من افکند و عرض کرد بار
 الها گرما و سرما را از او بر طرف ساز و
 تا این ساعت ببرکت دعای حضرت گرما و
 سرما از من برطرف شده است و من پرچم را
 گرفتم و خداوند مشرکین را شکست داد و
 مرا بر آنان پیروز فرمود) بجز من؟

گفتند: بخدا که نه فرمود شما را بخدا
آیا در میان شما کسی هست که برادری
مانند برادر من جعفر داشته باشد که با
دو بال زینت داده شده و در بهشت بهر جا
که بخواهد درآید بجز من؟ گفتند: بخدا که
نه فرمود: شما را بخدا آیا میان شما کسی
هست که بجز من عموی داشته باشد مانند
عموی من حمزه که شیر خدا و شیر رسول خدا
ﷺ و سرور شهیدان بود؟ گفتند: بخدا که
نه فرمود: شما را بخدا قسم میدهم آیا
میان شما بجز من کسی هست که او را دو
فرزند باشد همچون دو فرزندان من حسن و
حسین که فرزندان رسول خدا ﷺ میباشند و
دو آقای جوانان اهل بهشت هستند؟ گفتند:
بخدا که نه فرمود: شما را بخدا قسم
میدهم آیا میان شما بجز من کسی هست که
همسری مانند همسر من فاطمه دختر رسول
خدا ﷺ و پاره تن پیغمبر و بانوی زنان
بهشتی داشته باشد؟ گفتند: بخدا که نه
فرمود: شما را بخدا قسم میدهم آیا بجز
من در میان شما کسی هست که رسول خدا
ﷺ در باره او فرموده باشد: هر کس از
تو جدا شود از من جدا شده است و هر کس
از من جدا شود از خدا جدا شده است؟
گفتند: بخدا که نه فرمود: شما را بخدا
قسم میدهم آیا میان شما بجز من کسی هست
که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم نسبت باو
فرموده باشد قبيله ولیعه از مخالفت باز
ایستند و گر نه بطور حتم و مسلم مردی را
که مانند خود من است بسوی آنان خواهم
فرستاد که اطاعت او اطاعت من و سرپیچی
از فرمانش همچون سرپیچی از فرمان من است
و با شمشیر بر آنان فرود بیاید؟ گفتند:
بخدا که نه فرمود: شما را بخدا قسم
میدهم آیا بجز من در میان شما کسی هست
که رسول خدا ﷺ در باره او فرموده باشد

هیچ مسلمانی نیست که محبت من در دل او
رخنه کند مگر اینکه خداوند گناهان او را
بخشاید و هر کس که محبت من بدل او برسد
محبت تو نیز بدل او خواهد رسید و دروغ
میگوید کسی که گمان کرده مرا دوست
میدارد ولی تو را دشمن داشته باشد؟
گفتند: بخدا که نه فرمود: شما را بخدا
آیا بجز من در میان شما کسی هست؟ که
رسول خدا ﷺ با او فرموده باشد: تو
جانشین منی در میان خانواده و فرزندان
من و در میان مسلمانان در هر وقتی که من
غایب باشم و دشمن تو دشمن من است و دشمن
من دشمن خدا است و دوست تو دوست من است
و دوست من دوست خدا است؟ گفتند: بخدا که
نه فرمود: شما را بخدا قسم میدهم آیا
بجز من در میان شما کسی هست که رسول خدا
ﷺ در باره او فرموده باشد یا علی کسی
که تو را دوست بدارد و ولایت تو را داشته
باشد رحمت خدا از پیش شامل حال او شده
است و هر کس که تو را دشمن بدارد و با
تو ستیزه کند لعنت حق از پیش شامل او
است پس عایشه گفت یا رسول الله در باره من
و پدرم دعائی بفرما که ما از کسانی که
او را دشمن بدارد و با وی ستیزه کند
نباشیم آن حضرت فرمود: خاموش باش که اگر
تو و پدرت از کسانی باشید که ولایت او را
پذیرفته و او را دوست میدارند پس مسلم
خواهد بود که رحمت خدا از پیش شامل حال
شما بوده است و اگر شما دو تن از کسانی
باشید که او را دشمن میدارند و با وی
ستیزه میکنند پس مسلماً لعنت خدا از پیش
بر- شما بوده است و حقیقت این است تو و
پدرت از این عالم بنزد من خواهید آمد که
پدرت نخستین کس باشد که با او ستم کرده و
تو نخستین کس باشی که با او جنگ نموده
باشی گفتند بخدا که نه فرمود شما را

بخدا قسم آیا در میان شما جز من کسی هست که رسول خدا ﷺ در باره او فرموده باشد آنچه را که در باره من فرمود: که یا علی تو برادر منی و من برادر تو هستم در دنیا و آخرت و خانه تو در بهشت روبروی خانه من است همچنان که برادران با هم روبرو نشینند گفتند: بخدا که نه فرمود: شما را بخدا قسم میدهم آیا میان شما کسی که رسول خدا ﷺ با او فرموده باشد: یا علی براستی که خداوند تو را بچیزی مخصوص فرموده و آن را بتو عطا کرده است که هیچ کاری از کارها در نزد خداوند از آن بهتر و محبوبتر نیست و آن زهد در دنیا است که نه تو از دنیا چیزی بدست خواهی آورد و نه دنیا از تو بچیزی دست خواهد یافت و همین زهد است که بروز قیامت در نزد خداوند عز و جل زینت نیکوکاران است خوشا بحال آنکه تو را دوست بدارد و تو را تصدیق کند و وای بر کسی که تو را دشمن بدارد و مقام تو را تکذیب کند بجز من کسی هست؟ گفتند: بخدا که نه فرمود: شما را بخدا قسم میدهم آیا در میان شما بجز من کسی هست که رسول خدا ﷺ و سلم او را برای آوردن آب فرستاده باشد همان طور که مرا فرستاد و من رفتم تا آنکه مشک آب را بپشت گرفته و براه افتادم بادی از پیش روی من وزیدن گرفت و مرا باز گردانید تا آنکه بر زمین نشاند سپس برخاستم باز بادی بر روی من وزید که مرا باز گردانید تا آنکه بر زمین نشاند سپس برخاستم و بنزد رسول خدا ﷺ آمدم آن حضرت مرا فرمود: چرا دیر کردی؟ سرگذشت خود را بعرض رساندم فرمود جبرئیل بنزد من آمد و مرا خبر داد اما آن باد نخستین جبرئیل بود که با هزار فرشته بر تو سلام میکردند.

و اما باد دومی میکائیل بود که با هزار فرشته آمده بود تا بر تو سلام کنند؟ گفتند: بخدا که نه فرمود: شما را بخدا قسم میدهم آیا میان شما کسی هست بجز من که جبرئیل باو گفته باشد یا محمد آیا این همراهی علی را می‌بینی؟ پس رسول خدا ﷺ فرمود همانا او از من است و من از اویم و جبرئیل گفت: من هم از شما دو تن هستم، گفتند بخدا که نه فرمود: شما را بخدا قسم میدهم آیا در میان شما بجز من کسی هست که هم چون من نویسندگی رسول خدا ﷺ را بعهده بگیرد آن چنان که من بعهده گرفته بودم تا آنجا که وقتی رسول خدا ﷺ را خواب گرفت و من میدیدم که هم چنان حضرتش برای من املاء میکند و چون بیدار شد فرمود: یا علی از آنجا تا آنجا چه کسی برای تو املاء کرد؟ عرض کردم: تو یا رسول الله، فرمود: نه و لیکن جبرئیل برای تو املاء کرد گفتند بخدا که نه فرمود:

شما را بخدا قسم میدهم آیا میان شما کسی هست که آواز دهنده‌ای از آسمان آواز دهد که (شمشیر بجز تیغ ذو الفقار نیست و جوانمرد بجز علی علیه السلام نباشد) و مقصودش بجز من باشد؟ گفتند: بخدا که نه فرمود: شما را بخدا قسم میدهم آیا بجز من در میان شما کسی هست؟ که رسول خدا ﷺ به او فرموده باشد همان طور که بمن فرمود: اگر بیمناک نبودم که حتی یکنفر هم باقی نماند مگر اینکه مشتی از خاک پای تو را بمنظور برکت بازماندگان خود برگیرد سخنی در باره تو میگفتم که حتی یکنفر باقی نمی‌ماند مگر اینکه مشتی از خاک قدم تو را بر میداشت گفتند: بخدا که نه فرمود: شما را بخدا قسم میدهم آیا بجز من در میان شما کسی هست که رسول خدا ﷺ

در باره او فرموده باشد مواظب در خانه باش که از فرشتگان دسته زواری بزیارت من می آیند و بهیچ کس اجازه ورود مده پس عمر آمد و من سه بار او را بازگرداندم و گفتمش که رسول خدا ﷺ پرده نشین است و جمعی زوار از فرشتگان در محضرش هستند و شماره شان چنین و چنین است و سپس اجازه اش دادم عمر داخل شد و عرض کرد یا رسول الله من چندین بار آمدم و در هر بار علی ع مرا باز میگرداند و میگفت که رسول خدا ﷺ را نمیشود ملاقات کرد و جمعی زوار از فرشتگان در محضرش هستند که شماره شان چنین و چنان است علی از کجا شماره فرشتگان را دانست مگر آنان را دیده بود؟

آن حضرت به علی ع فرمود: یا علی عمر راست میگوید چگونه شماره فرشتگان را دانستی؟ عرض کردم خوش آمدهای مختلفی بر من گفته شد و صداها را شنیدم و از روی صداها عددشان را شمردم فرمود: راست گفתי زیرا از برادرم عیسی یک روشی در تو هست پس عمر برون شد و می گفت علی را بفرزند مریم مثل زد پس خدای عز و جل این آیه را فرو فرستاد: (سوره زخرف آیه ۵۷) چون پسر مریم مثل زده می شود ناگهان قوم تو از آن فریاد میکشند و گویند خدایان ما بهتر است یا او؟ این مثل را نزنند مگر از راه ستیزه بلکه آنان گروهی ستیزه جو هستند او نبود مگر بنده ای که ما بوی نعمت دادیم و اگر بخواهیم بجای شما فرشتگانی در زمین قرار می دهیم که جانشین شما باشند، گفتند: بخدا که نه فرمود: شما را بخدا آیا بجز من در میان شما کسی هست که رسول خدا ﷺ در باره او گفته باشد آنچه را که در باره من فرموده است: که طوبی درختی است در بهشت که ریشه اش در خانه

علی عَلَيْهِ السَّلَامُ است و هیچ مؤمنی نیست مگر آنکه
 شاخه‌ای از شاخه‌های آن در منزل اوست.
 گفتند: بخدا نه فرمود: شما را بخدا
 قسم آیا در میان شما کسی هست جز من که
 رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ باو فرموده باشد تو بر طبق
 سنت من جنگ خواهی کرد و ذمه مرا بری
 خواهی نمود گفتند بخدا نه فرمود شما را
 بخدا قسم می‌دهم آیا بجز من در میان شما
 کسی هست؟ که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ باو فرموده
 باشد تو با بیعت‌شکنان و تفرقه اندازان و
 از دین بیرون‌شده‌گان جنگ خواهی نمود
 گفتند: بخدا نه فرمود: شما را بخدا قسم
 میدهم آیا در میان شما بجز من کسی هست؟
 که بخدمت رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رسیده باشد در
 حالی که سر آن حضرت در دامن جبرئیل بود
 و جبرئیل بمن گفت نزدیک پسر عمت بیا که
 تو از من باو سزاوارتری گفتند: بخدا که
 نه فرمود: شما را بخدا قسم میدهم بجز من
 در میان شما کسی هست؟
 که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سر خود در دامن او
 گذاشته باشد تا آنکه آفتاب غروب کند و
 او نماز عصر را نخوانده باشد و همین که
 رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بیدار شد فرمود یا علی
 نماز عصر را خوانده‌ای؟
 عرض کردم نه پس رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دعا کرد
 تا آفتاب با درخشندگی و تابندگی بازگشت
 پس من نماز را خواندم سپس آفتاب بافق
 سرازیر شد گفتند بخدا که نه فرمود شما
 را بخدا قسم میدهم آیا بجز من در میان
 شما کسی هست که خدای عز و جل پیغمبرش را
 دستور فرموده باشد تا کسی را بمنظور
 رساندن سوره برائت بفرستد پس آن حضرت
 سوره را با ابی بکر فرستاد جبرئیل بخدمت
 آن حضرت رسید و عرض کرد یا محمد این
 پیام را از تو جز خودت یا مردی که از تو
 باشد نتواند رسانید پس رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مرا

فرستاد و سوره را از ابی بکر گرفتم و با خودم بردم و از جانب رسول خدا ﷺ آن را ادا کردم خداوند بزبان پیغمبرش ثابت کرد که من از او هستم گفتند بخدا که نه فرمود شما را بخدا قسم می‌دهم آیا بجز من در میان شما کسی هست که رسول خدا ﷺ به او فرموده باشد تو پیشوای کسی هستی که مرا اطاعت کند و روشنی دوستان منی و همان کلمه‌ای هستی که پرهیزکاران با آن ملازمند گفتند بخدا که نه فرمود شما را بخدا قسم می‌دهم آیا بجز من در میان شما کسی هست که رسول خدا ﷺ با او فرموده باشد هر کس خوشحال است که همچون من زندگی کند و همچون من بمیرد و در بهشتی که پروردگار من بمن وعده داده ساکن باشد همان بهشت عدنی که خداوند نهال آن را با دست خود کاشته و سپس باو فرمود بوجود بیا و آن موجود شد پس باید علی ابن ابی طالب و ذریه او را که پس از او هستند دوست بدارد که آنان پیشوایانند و جانشینان من فقط همان‌ها هستند خداوند علم و فهم مرا بآنان عطا نموده شما را از در گمراهی داخل نکنند و از در هدایت بیرون نبرند بآنان چیزی یاد ندهید که آنان از شما داناترند حق بهمراه آنان بهر جا که بروند می‌رود گفتند بخدا که نه فرمود شما را بخدا قسم می‌دهم که بجز من در میان شما کسی هست که رسول خدا ﷺ باو فرموده باشد حکمی است صادر شده و کاری است گذشته که ترا بجز مؤمن دوست نمی‌دارد و بجز کافر و منافق دشمنت نمیدارد گفتند بخدا که نه فرمود شما را بخدا قسم می‌دهم که بجز من در میان شما کسی هست که رسول خدا ﷺ باو فرموده باشد مانند آنچه را که بمن فرمود: دوستان تو روز قیامت از قبرهایشان خارج

می‌شوند که بر شترهای سفید سوارند و از بند نعلین‌هایشان نور می‌درخشد بهر جا به آسانی وارد شوند و سختی‌ها از آنان برداشته شده و امان به آنان داده شده و اندوه‌ها از آنان بریده شده تا آنکه بسایه عرش خدای رحمان در آیند سفره‌ای در جلو آنها گسترده شود که از آن سفره بخورند تا حساب سر آید مردم می‌ترسند ولی آنان نمی‌ترسند و مردم غمناکند ولی آنان اندوهی ندارند گفتند بخدا که نه فرمود شما را بخدا قسم میدهم آیا بجز من در میان شما کسی هست که رسول خدا ﷺ در باره او فرموده باشد هنگامی که ابو بکر آمد و فاطمه را خواستگاری نمود و رسول خدا ﷺ از تزویج فاطمه به ابو بکر خودداری کرد. سپس عمر بخواستگاری او آمد و رسول خدا ﷺ تزویجش نکرد پس من بخواستگاری نزد او شدم و بمن تزویج فرمود پس ابو بکر و عمر آمدند و گفتند ما را بهمسری فاطمه قبول نکردی او را قبول کردی؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود. نه من شما را مانع شدم و نه من علی را بهمسری فاطمه اختیار کردم بلکه خداوند شما را منع کرد و فاطمه را باو تزویج کرد گفتند بخدا که نه فرمود شما را بخدا قسم میدهم آیا شنیدید رسول خدا ﷺ میفرمود هر پیوند و نژادی در روز قیامت منقطع می‌شود مگر پیوست با من و نژاد من کدام پیوست از پیوست من بهتر است و کدام نژاد از نژاد من نیکوتر؟ همانا پدر من و پدر رسول خدا ﷺ دو برادر بودند و حسن و حسین که دو سرور جوانان اهل بهشتند دو فرزند منند و فاطمه دختر رسول خدا ﷺ که بانوی زنان بهشتی است همسر من است آیا جز من دیگری هست! گفتند نه فرمود شما را بخدا قسم میدهم آیا در

میان شما کسی هست که رسول خدا ﷺ به او فرموده باشد خداوند خلق را آفرید و آنها را دو دسته کرد و مرا در دسته بهتر قرار داد سپس آنها را چند شعبه کرد و مرا در بهترین شعبه ها قرار داد سپس آنها را چند قبیله کرد و مرا در بهترین قبیله ها قرار داد سپس آنها را چند خاندان نمود و مرا در بهترین خاندان ها قرار داد سپس از خاندان من مرا و علی را و جعفر را برگزید و مرا بهترین آنها قرار داد پس من در میان دو فرزند ابی طالب خوابیده بودم که جبرئیل آمد و فرشته ای بهمراه او بود جبرئیل گفت ای جبرئیل بکدام یک از اینان فرستاده شده ای؟ گفت باین سپس دست مرا گرفت و مرا نشانید گفتند بخدا که نه فرمود: شما را بخدا قسم میدهم آیا جز من در میان شما کسی هست که رسول خدا ﷺ چون درهای خانه های همه مسلمانان را که بمسجد باز میشد بست و در خانه مرا نه بست پس عباس و حمزه بخدمت آن حضرت آمدند و عرض کردند ما را بیرون کردی و او را در مسجد جا دادی! حضرت بآن دو فرمود نه من از پیش خود شما را بیرون کردم و او را جای دادم بلکه خداوند شما را بیرون کرد و او را جا داد همانا خدای عز و جل ببرادرم موسی وحی کرد که مسجد پاکیزه ای برگیر و خود و هارون و دو فرزند هارون در آن مسجد جای گیر و خدای عز و جل بمن وحی کرد که مسجد پاکیزه ای برگیر و تو و علی و دو فرزند علی در آن مسجد ساکن باش گفتند بخدا که نه فرمود: شما را بخدا قسم میدهم آیا بجز من در میان شما کسی هست که رسول خدا ﷺ با او فرموده باشد حق با علی است و علی با حق است این دو از هم جدا نمیشوند تا در کنار حوض بر من وارد شوند گفتند بخدا که نه فرمود شما

را بخدا قسم میدهم آیا بجز من در میان شما کسی هست که رسول خدا ﷺ را نگهداری کرده باشد هنگامی که مشرکین آمدند و میخواستند آن حضرت را بکشند پس من در بستر آن حضرت خوابیدم رسول خدا ﷺ بسوی غار رهسپار شد و آنان چنین می‌پنداشتند که من اویم پس گفتند پسر عمویت کجاست؟ گفتم نمیدانم پس آنقدر مرا زدند که نزدیک بود مرا بکشند گفتند بخدا که نه فرمود شما را بخدا قسم میدهم آیا بجز من در میان شما کسی هست که رسول خدا ﷺ باو فرموده باشد آنچنان که مرا فرمود.

همانا که خداوند مرا بدوستی علی امر فرموده پس دوستی او دوستی من است و دوستی من دوستی پروردگار من است این عهدی است که پروردگار من بمن سپرده و مرا دستور فرموده که آن را بشما ابلاغ کنم آیا شنیدید! گفتند آری شنیدیم فرمود هان در میان شما کسی هست که میگوید شنیدم ولی مردم را بدوش خود سوار کرده و با علی دشمنی خواهد کرد گفتند یا رسول الله ما را از آنان آگاه کن فرمود هان که پروردگار من مرا از آنان آگاه فرموده و بمن دستور فرموده است که از آنان رو بگردانم بحکم دستوری که از پیش صادر شده است فقط هر کدام از شما بآنچه در دل خود نسبت بعلی مییابد اکتفا کند) گفتند بخدا که نه فرمود شما را بخدا قسم میدهم آیا جز من در میان شما کسی هست که در میدان مبارزه نه تن از بنی عبد دار را بکشد که همه‌شان پرچم دار بودند و پس از کشتن آنان صواب حبشی که غلام آنان بود آمد و میگفت بخدا قسم به عوض آقایان خودم جز محمد را نخواهم کشت و کف بر لب آورده و هر دو چشمش سرخ شده بود شماها همه از او

ترسیدید و کناره گرفتید من بسوی او بیرون شدم همین که رو بمن کرد مانند گنبدی ساخته شده مینمود دو ضربت میان من و او رد و بدل شد و من او را از کمر دو نیم کردم و دو پای او همچنان بر زمین ایستاده بود و مسلمانان باو نگاه می‌کردند و به آن منظره می‌خندیدند گفتند بخدا که نه فرمود شما را بخدا قسم میدهم آیا بجز من در میان شما کسی هست که عمرو بن عبد ود آمده و فریاد میکشید آیا کسی هست بجز من بیاید همگی از او ترسیدید پس من برخاستم رسول خدا ﷺ بمن فرمود کجا میروی؟

عرض کردم بسوی این فاسق برخاستم فرمود او عمرو بن عبد ود است عرض کردم ای رسول خدا ﷺ اگر او عمرو بن عبد ود است من نیز علی ابن ابی طالب هستم حضرت سخنش را دوباره تکرار فرمود و من همان جواب را تکرار کردم فرمود برو بنام خدا همین که بنزدیک او رسیدم گفت ای مرد کیستی؟ گفتم علی ابن ابی طالب گفت هم نبرد بزرگواری هستی ای برادر زاده باز گرد که پدرت را با من حق صحبت و رفاقتی بود و من دوست ندارم ترا بکشم من باو گفتم ای عمرو تو با خدای خود عهد کرده‌ای اگر کسی سه کار بتو پیشنهاد کند تو یکی از آن سه کار را اختیار کنی گفت پیشنهاد کن. گفتم گواهی دهی که خدائی جز خدای یکتا نیست و محمد فرستاده اوست و بآنچه او از طرف خدا آورده اقرار داشته باشی گفت غیر از این را پیشنهاد کن گفتم از همان راهی که آمده‌ای باز گردی گفت بخدا قسم زنان قریش نباید این سخن را بگویند که من از مقابل تو گریختم گفتم پس پیاده شو تا من با تو بجزگم گفت اما این پیشنهاد را می‌پذیرم پس پیاده شد پس دو ضربت میان من و او رد

و بدل شد ضربت او بسپر خورد و شمشیر از سپر رد شده بر سر من رسید و من ضربتی به او زدم که هر دو پایش قطع شده پس خدا او را بدست من کشت در میان شما کسی هست که این کار را کرده باشد جز من؟ گفتند بخدا که نه فرمود: شما را بخدا قسم میدهم آیا در میان شما جز من کسی هست که هنگامی که مرحب آمد و میگفت من همانم که مادرم مرا مرحب نام گذارد- قهرمانی هستم سر تا پا غرق در اسلحه و تجربه آموخته- که گاهی با نیزه و گاهی با شمشیر می‌جنگم.

پس من بسوی او بیرون شدم ضربتی او بمن زد و ضربتی من باو زدم سنگی کنده شده بر سر داشت چون از بس سرش بزرگ بود کلاه خودی بر سر او جای نمی‌گرفت شمشیر من سنگ را از سر او انداخت و بر سر او رسید و من او را کشتم در میان شما کسی هست که چنین کاری کرده باشد؟

گفتند بخدا که نه فرمود شما را بخدا قسم میدهم آیا بجز من در میان شما کسی هست که خداوند آیه تطهیر را در شأن او فرو فرستاده باشد (خداوند خواسته است که پلیدی را فقط از شما خاندان ببرد و شما را کاملاً پاکیزه نماید سوره احزاب آیه ۲۳).

پس رسول خدا ﷺ عبای خیبری که داشت برگرفت و مرا و فاطمه و حسن و حسین را در زیر عبا جا داد سپس عرض کرد پروردگارا اینان خاندان من هستند پلیدی را از آنان ببر و آنان را کاملاً پاکیزه گردان گفتند بخدا که نه فرمود شما را بخدا قسم میدهم آیا بجز من در میان شما کسی هست که رسول خدا ﷺ در باره او فرموده باشد من سرور فرزندان آدم هستم و تو یا علی سرور عرب می‌باشی؟ گفتند بخدا که نه فرمود شما را بخدا قسم میدهم آیا

در میان شما بجز من کسی هست که پیغمبر
خدا در مسجد بود ناگهان دید چیزی از
آسمان فرود می‌آید شتابان بسوی او رفت و
اصحابش بدنبال حضرت پس بچهار سیاه
رسیدند که تابوتی را بدوش میکشیدند
بآنان فرمود بر زمین بگذارید و آنان
تابوت را بر زمین گذاشتند فرمود روی آن
را باز کنید باز کردند جنازه سیاهی که
آهنی بر دور گردن داشت در آن بود رسول
خدا ﷺ فرمود این کیست؟ گفتند غلامی است
از طایفه بنی ریح فرار کرده بود که
خبیث بود و فاسد بما دستور دادند که
جنازه او را با غلی که در گردن دارد دفن
کنیم من با و نگاه کردم و عرض کردم یا
رسول الله این غلام هر وقت مرا میدید میگفت
بخدا قسم من تو را دوست میدارم تو را
بجز مؤمن دوست نمی‌دارد و بجز کافر دشمن
نمی‌دارد پس رسول خدا ﷺ فرمود یا علی
همانا خداوند با و در مقابل این عقیده
پاداشی داد که اینک هفتاد گروه از
فرشتگان که هر گروهی هزار گروه است.
فرود آمدند و بر او نماز میخوانند پس
رسول خدا ﷺ آهنگ را از گردن او باز کرد
و بر او نماز خواند و بخاکش سپرد گفتند
بخدا که نه فرمود شما را بخدا قسم میدهم
آیا در میان شما بجز من کسی هست که رسول
خدا صلی الله علیه و آله وسلم با و گفته باشد همانند
آنچه در باره من فرمود که دیشب بر من
اجازه داده شد تا دعا کنم چیزی از
پروردگار خود نخواستم مگر اینکه بمن عطا
فرمود و هیچ برای خود نخواستم مگر اینکه
مانند آن را برای تو خواستم و خدا آن را
عطا فرمود) پس من گفتم سپاس خدا را
گفتند بخدا که نه فرمود شما را بخدا قسم
میدهم آیا میدانید که رسول خدا ﷺ خالد
بن ولید را میان قبیلہ بنی جذیمه فرستاد

پس با آنان کرد آنچه کرد پس رسول خدا ﷺ بر فراز منبر رفت و سه بار فرمود بار الها من از آنچه خالد کرده است بسوی تو بیزاری می‌جویم سپس فرمود یا علی تو برو من رفتم و دیه آنان را پرداخت نمودم سپس آنان را بخدا قسم دادم که آیا چیزی باقی مانده است؟ گفتند چون ما را بخدا قسم دادی کاسه‌های سگان ما و زانو بند شترانمان باقی مانده است من بهای آن را نیز پرداخت کردم باز طلای بسیاری با من باقی ماند که همه را بآنان دادم و گفتم این بخاطر آن میدهم که ذمه رسول خدا ﷺ بری گردد و بخاطر آنچه که میدانید و آنچه نمیدانید و بخاطر ترسی که زنان و کودکان را فرا گرفته است سپس آمدم بخدایت رسول خدا ﷺ و کار خود را گزارش دادم فرمود بخدا قسم ای علی اگر بعوض این کاری که کردی شتران سرخ مو نصیب من میشد من این چنین شادمان نمیشدم گفتند بخدا که نه فرمود شما را بخدا قسم میدهم آیا شنیدید که رسول خدا ﷺ می‌فرمود یا علی دیشب امتم را بر من نمایاندند و پرچم داران که از مقابل من گذشتند من برای تو و شیعیان تو طلب آمرزش کردم گفتند بخدا که شنیدیم فرمود شما را بخدا قسم میدهم آیا شنیدید رسول خدا ﷺ فرمود ای ابا بکر برو و مردی را که در فلان جا خواهی دید گردن بزن ابو بکر بازگشت رسول خدا ﷺ فرمود او را کشتی؟ عرض کرد دیدمش که در حال نماز است فرمود ای عمر برو و او را بکش عمر بازگشت حضرت فرمود او را کشتی؟ عرض کرد دیدمش که نماز میخواند فرمود من شما را دستور میدهم که او را بکشید و شما می‌گوئید او را در حال نماز دیدیم؟ فرمود یا علی برو و او را بکش چون من رفتم فرمود اگر او را بیابد

خواهد کشت من بازگشتم و گفتم یا رسول
الله کسی را نیافتم فرمود راست گفתי و اگر
تو او را مییافتی حتما او را می‌کشتی
گفتند بخدا که آری شنیدیم فرمود شما را
بخدا قسم میدهم آیا در میان شما بجز من
کسی هست که رسول خدا ﷺ در باره او
فرموده باشد هم چنان که در باره من
فرموده (براستی دوست تو در بهشت است و
دشمن تو در آتش)؟ گفتند بخدا که نه
فرمود شما را بخدا قسم میدهم آیا
میدانید که عایشه به رسول خدا ﷺ عرض
کرد که ابراهیم از تو نیست و همانا او
فرزند فلان بنده قبطی است رسول خدا
ﷺ بمن فرمود برو و او را بکش عرض کردم
یا رسول الله حال که مرا می‌فرستی (در اجرای
حکم) هم چون آهن گداخته در میان پشم
باشم یا آنکه بررسی کنم؟ فرمود نه بلکه
بررسی کن پس من رفتم همین که چشم او بمن
افتاد از دیوار باغی بالا گرفت و خود را
به میان باغ انداخت من نیز به دنبال او
خود را به باغ انداختم او بر فراز درخت
خرمائی رفت و من بدنبالش به درخت بالا
رفتم چون دید که من به درخت بالا رفتم
لنگی که به میان بسته بود باز کرد و
انداخت که بناگاه دیدم آلتی که مردان
راست او ندارد پس آمدم و به رسول خدا
ﷺ گزارش دادم فرمود سپاس خدا را که
تهمت ناروا از ما خاندان باز گردانید
گفتند بخدا که نه فرمود بار الها گواه
باش.

أبواب الخمسين و ما فوقه (بابهای پنجاه و بالاتر)

پنجاه حقی که حضرت علی بن الحسین سید
العابدین برای اصحاب خود نوشته است

الحقوق الخمسون التي كتب بها علي بن
الحسين سيد العابدين عليه السلام إلى بعض أصحابه
١ - حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُوسَى رَضِيَ اللَّهُ
عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْكُوفِيُّ
قَالَ حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مَالِكِ الْفَزَارِيِّ
قَالَ حَدَّثَنَا خَيْرَانُ بْنُ ذَاهِرٍ قَالَ حَدَّثَنِي أَحْمَدُ
بْنُ عَلِيٍّ بْنُ سُلَيْمَانَ الْجَبَلِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ
مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ فَضِيلٍ عَنْ أَبِي
حَمْرَةَ الثَّمَالِيِّ قَالَ هَذِهِ رِسَالَةٌ عَلِيٍّ بْنِ
الْحُسَيْنِ عليه السلام إِلَى بَعْضِ أَصْحَابِهِ اعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ
جَلَّ عَلَيْكَ حُقُوقًا مُحِيطَةً بِكَ فِي كُلِّ حَرَكَةٍ
تَحْرَكَتْهَا أَوْ سَكِنَتْهَا سَكَنْتَهَا أَوْ حَالَ حُلَّتْهَا أَوْ
مَنْزَلَتْ نَزَلَتْهَا أَوْ جَارَحَتْ قَلْبَتْهَا أَوْ آلَتْ
تَصَرَّفَتْ فِيهَا فَأَكْبَرُ حُقُوقِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى
عَلَيْكَ مَا أَوْجَبَ عَلَيْكَ لِنَفْسِهِ مِنْ حَقِّهِ الَّذِي هُوَ
أَصْلُ الْحُقُوقِ ثُمَّ مَا أَوْجَبَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَيْكَ
لِنَفْسِكَ مِنْ قَرْنِكَ إِلَى قَدَمِكَ عَلَى اخْتِلَافِ
جَوَارِحِكَ فَجَعَلَ عَزَّ وَ جَلَّ لِلِسَانِكَ عَلَيْكَ حَقًّا وَ
لِسَمْعِكَ عَلَيْكَ حَقًّا وَ لِبَصْرِكَ عَلَيْكَ حَقًّا وَ لِيَدِكَ
عَلَيْكَ حَقًّا وَ لِرِجْلِكَ عَلَيْكَ حَقًّا وَ لِبَطْنِكَ عَلَيْكَ
حَقًّا وَ لِفَرْجِكَ عَلَيْكَ حَقًّا فَهَذِهِ الْجَوَارِحُ
السَّبْعُ الَّتِي بِهَا تَكُونُ الْأَفْعَالُ ثُمَّ جَعَلَ عَزَّ وَ
جَلَّ لِأَفْعَالِكَ عَلَيْكَ حُقُوقًا فَجَعَلَ لِصَلَاتِكَ عَلَيْكَ
حَقًّا وَ لِصَوْمِكَ عَلَيْكَ حَقًّا وَ لِصَدَقَتِكَ عَلَيْكَ حَقًّا
وَ لِهَدْيِكَ عَلَيْكَ حَقًّا وَ لِأَفْعَالِكَ عَلَيْكَ حُقُوقًا
ثُمَّ يَخْرُجُ الْحُقُوقُ مِنْكَ إِلَى غَيْرِكَ مِنْ ذَوِي
الْحُقُوقِ الْوَاجِبَةِ عَلَيْكَ فَأَوْجِبُهَا عَلَيْكَ حُقُوقُ
أَيْمَتِكَ ثُمَّ حُقُوقُ رَعِيَّتِكَ ثُمَّ حُقُوقُ رَحِمِكَ فَهَذِهِ
حُقُوقُ تَتَشَعَّبُ مِنْهَا حُقُوقٌ فَحُقُوقُ أَيْمَتِكَ ثَلَاثَةٌ
أَوْجِبُهَا عَلَيْكَ حَقٌّ سَائِسِكَ بِالسُّلْطَانِ ثُمَّ حَقٌّ

سَائِسِكَ بِالْعِلْمِ ثُمَّ حَقُّ سَائِسِكَ بِالْمِلْكِ وَ كُلُّ
سَائِسِ إِمَامٍ وَ حُقُوقُ رَعِيَّتِكَ ثَلَاثَةٌ أَوْجِبُهَا
عَلَيْكَ حَقُّ رَعِيَّتِكَ بِالسُّلْطَانِ ثُمَّ حَقُّ رَعِيَّتِكَ
بِالْعِلْمِ فَإِنَّ الْجَاهِلَ رَعِيَّةُ الْعَالِمِ ثُمَّ حَقُّ
رَعِيَّتِكَ بِالْمِلْكِ مِنَ الْأَزْوَاجِ وَ مَا مَلَكَتِ
الْأَيْمَانُ وَ حُقُوقُ رَعِيَّتِكَ كَثِيرَةٌ مُتَّصِلَةٌ بِقَدْرِ
اتِّصَالِ الرَّجْمِ فِي الْقَرَابَةِ وَ أَوْجِبُهَا عَلَيْكَ
حَقُّ أُمَّكَ ثُمَّ حَقُّ أَبِيكَ ثُمَّ حَقُّ وَلَدِكَ ثُمَّ حَقُّ
أَخِيكَ ثُمَّ الْأَقْرَبُ فَالْأَقْرَبُ وَ الْأُولَى فَالْأُولَى ثُمَّ
حَقُّ مَوْلَاكَ الْمُتَنَعِمِ عَلَيْكَ ثُمَّ حَقُّ مَوْلَاكَ الْجَارِيَةِ
نِعْمَتُهُ عَلَيْكَ ثُمَّ حَقُّ ذَوِي الْمَعْرُوفِ لَدَيْكَ ثُمَّ
حَقُّ مُؤَدِّنِكَ لِصَلَاتِكَ ثُمَّ حَقُّ إِمَامِكَ فِي صَلَاتِكَ ثُمَّ
حَقُّ جَلِيسِكَ ثُمَّ حَقُّ جَارِكَ ثُمَّ حَقُّ صَاحِبِكَ ثُمَّ حَقُّ
شَرِيكَكَ ثُمَّ حَقُّ مَالِكَكَ ثُمَّ حَقُّ غَرِيمِكَ الَّذِي
تُطَالِبُهُ ثُمَّ حَقُّ غَرِيمِكَ الَّذِي يُطَالِبُكَ ثُمَّ حَقُّ
خَلِيطِكَ ثُمَّ حَقُّ خَصْمِكَ الْمُدَّعِي عَلَيْكَ ثُمَّ حَقُّ
خَصْمِكَ الَّذِي تَدَّعَى عَلَيْهِ ثُمَّ حَقُّ مُسْتَشِيرِكَ ثُمَّ
حَقُّ الْمَشِيرِ عَلَيْكَ ثُمَّ حَقُّ

مُسْتَنْصِحِكَ ثُمَّ حَقُّ النَّاصِحِ لَكَ ثُمَّ حَقُّ مَنْ هُوَ
أَكْبَرُ مِنْكَ ثُمَّ حَقُّ مَنْ هُوَ أَصْغَرُ مِنْكَ ثُمَّ حَقُّ
سَائِلِكَ ثُمَّ حَقُّ مَنْ سَأَلْتَهُ ثُمَّ حَقُّ مَنْ جَرَى لَكَ
عَلَى يَدَيْهِ مَسَاءَةٌ بِقَوْلٍ أَوْ فِعْلٍ عَنِ تَعَمُّدٍ مِنْهُ
أَوْ غَيْرِ تَعَمُّدٍ ثُمَّ حَقُّ أَهْلِ مِلَّتِكَ عَلَيْكَ ثُمَّ حَقُّ
أَهْلِ ذِمَّتِكَ ثُمَّ الْحُقُوقُ الْجَارِيَةُ بِقَدْرِ عِلَلِ
الْأَحْوَالِ وَ تَصَرُّفِ الْأَسْبَابِ فَطُوبَى لِمَنْ أَعَانَهُ اللَّهُ
عَلَى قَضَاءِ مَا أَوْجَبَ عَلَيْهِ مِنْ حُقُوقِهِ وَ وَفَّقَهُ
لِذَلِكَ وَ سَدَّدَهُ فَأَمَّا حَقُّ اللَّهِ الْأَكْبَرُ عَلَيْكَ فَإِنَّ
تَعَبُّدَهُ لَا تُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا فَإِذَا فَعَلْتَ بِالْإِخْلَاصِ
جَعَلَ لَكَ عَلَى نَفْسِهِ أَنْ يَكْفِيكَ أَمْرَ الدُّنْيَا وَ
الْآخِرَةِ وَ حَقُّ نَفْسِكَ عَلَيْكَ أَنْ تَسْتَعْمِلَهَا بِطَاعَةِ
اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ حَقُّ اللِّسَانِ إِكْرَامُهُ عَنِ الْخَنَى
وَ تَعْوِيدُهُ الْخَيْرَ وَ تَرْكُ الْفُضُولِ الَّتِي لَا
فَائِدَةَ لَهَا وَ الْبِرُّ بِالنَّاسِ وَ حُسْنُ الْقَوْلِ
فِيهِمْ وَ حَقُّ السَّمْعِ تَنْزِيهِهُ عَنِ سَمَاعِ الْغَيْبَةِ
وَ سَمَاعِ مَا لَا يَجِلُّ سَمَاعُهُ وَ حَقُّ الْبَصَرِ أَنْ
تَعْضَهُ عَمَّا لَا يَجِلُّ لَكَ وَ تَعْتِيرَ بِالنَّظَرِ بِهِ وَ
حَقُّ يَدِكَ أَنْ لَا تَبْسُطَهَا إِلَى مَا لَا يَجِلُّ لَكَ وَ

حَقُّ رَجُلَيْكَ أَنْ لَا تَمْشِيَ بِهِمَا إِلَى مَا لَا يَجِلُّ
 لَكَ فِيهِمَا تَقِفُ عَلَى الصِّرَاطِ فَانظُرْ أَنْ لَا تَزِلَّ
 بِكَ فَتَرْدَى فِي النَّارِ وَ حَقُّ بَطْنِكَ أَنْ لَا تَجْعَلَهُ
 وَعَاءً لِلْحَرَامِ وَ لَا تَزِيدَ عَلَى الشُّبْعِ وَ حَقُّ
 فَرْجِكَ أَنْ تُحْصِنَهُ عَنِ الرِّئَا وَ تَحْفَظَهُ مِنْ أَنْ
 يُنظَرَ إِلَيْهِ وَ حَقُّ الصَّلَاةِ أَنْ تَعْلَمَ أَنَّهَا
 وَفَادَةٌ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ أَنْتَ فِيهَا قَائِمًا
 بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَإِذَا عَلِمْتَ ذَلِكَ قُمْتَ
 مَقَامَ الْعَبْدِ الدَّلِيلِ الْحَقِيرِ الرَّاغِبِ الرَّاهِبِ
 الرَّاجِي الْخَائِفِ الْمُسْتَكِينِ الْمُتَضَرِّعِ الْمُعْظَمِ
 لِمَنْ كَانَ بَيْنَ يَدَيْهِ بِالسُّكُونِ وَ الْوَقَارِ وَ
 ثَقِيلِ عَلَيْهَا بِقَلْبِكَ وَ ثَقِيمَهَا بِحُدُودِهَا وَ
 حَقُوقِهَا وَ حَقُّ الْحَجِّ أَنْ تَعْلَمَ أَنَّهُ وَفَادَةٌ إِلَى
 رَبِّكَ وَ فِرَارٌ إِلَيْهِ مِنْ ذُنُوبِكَ وَ بِهِ قَبُولُ
 تَوْبَتِكَ وَ قَضَاءُ الْفَرَضِ الَّذِي أَوْجَبَهُ اللَّهُ عَلَيْكَ وَ
 حَقُّ الصَّوْمِ أَنْ تَعْلَمَ أَنَّهُ حِجَابٌ ضَرَبَهُ اللَّهُ عَلَى
 لِسَانِكَ وَ سَمْعِكَ وَ بَصَرِكَ وَ بَطْنِكَ وَ فَرْجِكَ
 لِيَسْتُرَكَ بِهِ مِنَ النَّارِ فَإِنْ تَرَكْتَ الصَّوْمَ خَرَقْتَ
 سِتْرَ اللَّهِ عَلَيْكَ وَ حَقُّ الصَّدَقَةِ أَنْ تَعْلَمَ أَنَّهَا
 ذُخْرُكَ عِنْدَ رَبِّكَ عَزَّ وَ جَلَّ وَ وَدِيعَتُكَ الَّتِي لَا
 تَحْتَاجُ إِلَى الْإِشْهَادِ عَلَيْهَا فَإِذَا عَلِمْتَ ذَلِكَ
 كُنْتَ بِمَا تَسْتَوِدُّهُ سِرًّا أَوْثَقَ مِنْكَ بِمَا
 تَسْتَوِدُّهُ عَلَانِيَةً وَ تَعْلَمَ أَنَّهَا تَدْفَعُ الْبَلَايَا
 وَ الْأَسْقَامَ عَنْكَ فِي الدُّنْيَا وَ تَدْفَعُ عَنْكَ
 النَّارَ فِي الْآخِرَةِ وَ حَقُّ الْهَدْيِ أَنْ تُرِيدَ بِهِ
 وَجْهَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لَا تُرِيدَ بِهِ خَلْقَهُ وَ لَا
 تُرِيدَ بِهِ إِلَّا التَّعَرُّضَ لِرَحْمَةِ اللَّهِ وَ نَجَاةَ رُوحِكَ
 يَوْمَ تَلْقَاهُ وَ حَقُّ السُّلْطَانِ أَنْ تَعْلَمَ أَنَّكَ
 جُعِلْتَ لَهُ فِتْنَةً وَ أَنَّهُ مُبْتَلَى فِيكَ بِمَا جَعَلَهُ
 اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ عَلَيْكَ مِنَ السُّلْطَانِ وَ أَنَّ عَلَيْكَ
 أَنْ لَا تَتَّعَرِّضَ لِسَخَطِهِ فَتُلْقَى بِيَدِكَ إِلَى
 التَّهْلُكَةِ وَ تَكُونَ شَرِيكًا لَهُ فِيمَا يَأْتِي إِلَيْكَ
 مِنْ سُوءٍ وَ حَقُّ سَائِسِكَ بِالْعِلْمِ التَّعْظِيمِ لَهُ وَ
 التَّوْقِيرِ لِمَجْلِسِهِ وَ حُسْنِ الْإِسْتِمَاعِ إِلَيْهِ وَ
 الْإِقْبَالِ عَلَيْهِ وَ أَنْ لَا تَرْفَعَ عَلَيْهِ صَوْتَكَ وَ أَنْ
 لَا تُجِيبَ أَحَدًا يَسْأَلُهُ عَنْ شَيْءٍ حَتَّى يَكُونَ هُوَ
 الَّذِي يُجِيبُ وَ لَا تُحَدِّثَ فِي مَجْلِسِهِ أَحَدًا وَ لَا

تَغْتَابَ عِنْدَهُ أَحَدًا وَ أَنْ تَدْفَعَ عَنْهُ إِذَا ذُكِرَ
عِنْدَكَ بِسُوءٍ وَ أَنْ تَسْتُرَ عُيُوبَهُ وَ تَظْهَرَ
مَنَاقِبَهُ وَ لَا تُجَالِسَ لَهُ عَدُوًّا وَ لَا تُعَادِيَ لَهُ
وَلِيًّا فَإِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ شَهِدَ لَكَ مَلَائِكَةُ اللَّهِ بِأَنَّكَ
قَصِدْتَهُ وَ تَعَلَّمْتَ عِلْمَهُ لِلَّهِ جَلَّ اسْمُهُ لَا لِلنَّاسِ وَ
أَمَّا حَقُّ سَائِسِكَ بِالْمِلْكِ فَإِنْ تُطِيعَهُ وَ لَا
تَعْصِيَهُ إِلَّا فِيمَا يُسَخِطُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فَإِنَّهُ لَا
طَاعَةَ لِمَخْلُوقٍ فِي مَعْصِيَةِ الْخَالِقِ وَ أَمَّا حَقُّ
رَعِيَّتِكَ بِالسُّلْطَانِ فَإِنْ تَعْلَمَ أَنَّهُمْ صَارُوا
رَعِيَّتَكَ لِضَعْفِهِمْ وَ قُوَّتِكَ فَيَجِبُ أَنْ تَعْدِلَ فِيهِمْ
وَ تَكُونَ لَهُمْ كَالْوَالِدِ الرَّحِيمِ وَ تَغْفِرَ لَهُمْ
جَهْلَهُمْ وَ لَا تُعَاجِلَهُمْ بِالْعُقُوبَةِ وَ تَشْكُرَ اللَّهَ عَزَّ
وَ جَلَّ عَلَى مَا آتَاكَ مِنَ الْقُوَّةِ عَلَيْهِمْ وَ أَمَّا
حَقُّ رَعِيَّتِكَ بِالْعِلْمِ فَإِنْ تَعْلَمَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ
إِنَّمَا جَعَلَكَ قَيِّمًا لَهُمْ فِيمَا آتَاكَ مِنَ الْعِلْمِ
وَ فَتَحَ لَكَ مِنْ خَزَائِنِهِ فَإِنْ أَحْسَنْتَ فِي تَعْلِيمِ
النَّاسِ وَ لَمْ تَخْرُقْ بِهِمْ وَ لَمْ تَضْجِرْ عَلَيْهِمْ
زَادَكَ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ إِنْ أَنْتَ مَنَعْتَ النَّاسَ
عِلْمَكَ أَوْ خَرَقْتَ بِهِمْ عِنْدَ طَلِبِهِمُ الْعِلْمَ مِنْكَ
كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ يَسْلُبَكَ الْعِلْمَ وَ
بِهَاءَهُ وَ يُسْقِطَ مِنَ الْقُلُوبِ مَحَلَّكَ وَ أَمَّا حَقُّ
الرَّوْجَةِ فَإِنْ تَعْلَمَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ جَعَلَهَا لَكَ
سَكْنًا وَ أُنْسًا فَتَعْلَمَ أَنَّ ذَلِكَ نِعْمَةٌ مِنَ اللَّهِ
عَلَيْكَ فَتُكْرِمُهَا وَ تَرْفُقُ بِهَا وَ إِنْ كَانَ حَقُّكَ
عَلَيْهَا أَوْجَبَ فَإِنْ لَهَا عَلَيْكَ أَنْ تَرْحَمَهَا لِأَنَّهَا
أَسِيرُكَ وَ تُطْعِمُهَا وَ تَكْسُوهَا فَإِذَا جَهِلْتَ عَفْوَتِ
عَنْهَا وَ أَمَّا حَقُّ مَمْلُوكِكَ فَإِنْ تَعْلَمَ أَنَّهُ خَلَقَ
رَبُّكَ وَ ابْنُ أَبِيكَ وَ أُمَّكَ وَ لَحْمُكَ وَ دَمُكَ لَمْ
تَمْلِكْهُ لِأَنَّكَ مَا صَنَعْتَهُ دُونَ اللَّهِ وَ لَا خَلَقْتَ شَيْئًا
مِنْ جَوَارِحِهِ وَ لَا أَخْرَجْتَ لَهُ رِزْقًا وَ لَكِنَّ اللَّهَ عَزَّ
وَ جَلَّ كَفَاكَ ذَلِكَ ثُمَّ سَخَّرَهُ لَكَ وَ ائْتَمَنَكَ عَلَيْهِ
وَ اسْتَوَدَعَكَ إِيَّاهُ لِيَحْفَظَ لَكَ مَا تَأْتِيهِ مِنْ
خَيْرٍ إِلَيْهِ فَاحْسِنُ إِلَيْهِ كَمَا أَحْسَنُ اللَّهُ إِلَيْكَ وَ
إِنْ كَرِهْتَهُ اسْتَبَدَلْتَ بِهِ وَ لَمْ تُعَدِّبْ خَلْقَ اللَّهِ عَزَّ
وَ جَلَّ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ وَ حَقُّ أُمَّكَ أَنْ تَعْلَمَ
أَنَّهَا حَمَلَتْكَ حَيْثُ لَا يَحْتَمِلُ أَحَدٌ أَحَدًا وَ
أَعْطَتْكَ مِنْ ثَمَرَةِ قَلْبِهَا مَا لَا يُعْطَى أَحَدٌ أَحَدًا

وَقَتِّكَ بِجَمِيعِ جَوَارِحِهَا وَ لَمْ تُبَالِ أَنْ تَجُوعَ
و تَطْعَمَكَ وَ تَعْطَشَ وَ تَسْقِيكَ وَ تَعْرِى وَ تَكْسُوكَ
وَ تَضْحَى وَ تُظَلِّكَ وَ تَهْجُرَ النَّوْمَ لِأَجْلِكَ وَ وَقَتِّكَ
الْحَرَّ وَ الْبَرْدَ لِتَكُونَ لَهَا فَإِنَّكَ لَا تُطِيقُ
شُكْرَهَا إِلَّا بِعَوْنِ اللَّهِ تَعَالَى وَ تَوْفِيقِهِ وَ أَمَّا
حَقُّ أَبِيكَ فَإِنَّ تَعْلَمَ أَنَّهَ أَصْلُكَ وَ أَنَّهُ لَوْلَاهُ
لَمْ تَكُنْ فَمَهْمَا رَأَيْتَ فِي نَفْسِكَ مِمَّا يُعْجِبُكَ
فَاعْلَمْ أَنَّ أَبَاكَ أَصْلُ النُّعْمَةِ عَلَيْكَ فِيهِ
فَاخْمَدِ اللَّهَ وَ اشْكُرْهُ عَلَى قَدْرِ ذَلِكَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا
بِاللَّهِ وَ أَمَّا حَقُّ وَلَدِكَ فَإِنَّ تَعْلَمَ أَنَّهُ مِنْكَ وَ
مُضَافٌ إِلَيْكَ فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا بِخَيْرِهِ وَ شَرِّهِ وَ
أَنَّكَ مَسْئُولٌ عَمَّا وُلِّيْتَهُ مِنْ حُسْنِ الْأَدَبِ وَ
الدَّلَالَةِ عَلَى رَبِّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ الْمَعُونَةِ لَهُ
عَلَى طَاعَتِهِ فَاَعْمَلْ فِي أَمْرِهِ عَمَلٌ مَنْ يَعْلَمُ
أَنَّهُ مُثَابٌّ عَلَى الْإِحْسَانِ إِلَيْهِ مُعَاقِبٌ عَلَى
الْإِسَاءَةِ إِلَيْهِ وَ أَمَّا حَقُّ أَخِيكَ فَإِنَّ تَعْلَمَ أَنَّهُ
يَدُكَ وَ عِزُّكَ وَ قُوَّتُكَ فَلَا تَتَّخِذْهُ سِلَاحًا عَلَى
مَعْصِيَةِ اللَّهِ وَ لَا عُدَّةً لِلظُّلْمِ لِخَلْقِ اللَّهِ وَ لَا تَدْعُ
نُصْرَتَهُ عَلَى عَدُوِّهِ وَ النَّصِيحَةَ لَهُ فَإِنَّ أَطَاعَ اللَّهَ
وَ إِلَّا فَلْيَكُنْ اللَّهُ أَكْرَمَ عَلَيْكَ مِنْهُ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا
بِاللَّهِ وَ أَمَّا حَقُّ مَوْلَاكَ الْمُنْعَمِ عَلَيْكَ فَإِنَّ تَعْلَمَ
أَنَّهُ أَنْفَقَ فِيكَ مَالَهُ وَ أَخْرَجَكَ مِنْ دُلِّ الرِّقِّ وَ
وَحْشَتِهِ إِلَى عِزِّ الْحُرِّيَّةِ وَ أَنْسَهَا فَأَطْلَقَكَ مِنْ
أَسْرِ الْمَلَكَةِ وَ فَكَّ عَنْكَ قَيْدَ الْعُبُودِيَّةِ وَ
أَخْرَجَكَ مِنَ السَّجْنِ وَ مَلَكَكَ نَفْسِكَ وَ فَرَّغَكَ
لِعِبَادَةِ رَبِّكَ وَ تَعْلَمَ أَنَّهُ أَوْلَى الْخَلْقِ بِكَ فِي
حَيَاتِكَ وَ مَوْتِكَ وَ أَنْ نُصْرَتَهُ عَلَيْكَ وَاجِبَةٌ
بِنَفْسِكَ وَ مَا أَحْتَاجَ إِلَيْهِ مِنْكَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا
بِاللَّهِ وَ أَمَّا حَقُّ مَوْلَاكَ الَّذِي أَنْعَمْتَ عَلَيْهِ فَإِنَّ
تَعْلَمَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ جَعَلَ عِثْقَكَ لَهُ وَسِيْلَةً
إِلَيْهِ وَ حِجَابًا لَكَ مِنَ النَّارِ وَ أَنْ ثَوَابَكَ فِي
الْعَاجِلِ مِيرَاثُهُ إِذَا لَمْ يَكُنْ لَهُ رَحِمٌ مُكَافَأَةٌ
بِمَا أَنْفَقْتَ مِنْ مَالِكَ وَ فِي الْأَجْلِ الْجَنَّةِ وَ
أَمَّا حَقُّ ذِي الْمَعْرُوفِ عَلَيْكَ فَإِنَّ تَشْكُرْهُ وَ
تَذْكُرْ مَعْرُوفَهُ وَ تُكْسِبُهُ الْمَقَالَةَ الْحَسَنَةَ وَ
تُخْلِصَ لَهُ الدُّعَاءَ فِيمَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَ
جَلَّ فَإِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ كُنْتَ قَدْ شَكَرْتَهُ سِرًّا وَ

عَلَانِيَةً ثُمَّ إِنْ قَدَرْتَ عَلَيَّ مُكَافَأَتِهِ يَوْمًا
 كَفَأْتَهُ وَ أَمَّا حَقُّ الْمُؤَدِّنِ أَنْ تَعْلَمَ أَنَّهُ
 مُذَكَّرٌ لَكَ رَبِّكَ عَزَّ وَ جَلَّ وَ ذَاعَ لَكَ إِلَى حَظِّكَ وَ
 عَوْنِكَ عَلَى قَضَاءِ فَرَضِ اللَّهِ عَلَيْكَ فَاشْكُرْهُ عَلَى
 ذَلِكَ شُكْرَكَ لِلْمُحْسِنِ إِلَيْكَ وَ أَمَّا حَقُّ إِمَامِكَ فِي
 صَلَاتِكَ فَإِنْ تَعْلَمَ أَنَّهُ قَدْ تَقَلَّدَ السَّفَارَةَ فِيمَا
 بَيْنَكَ وَ بَيْنَ رَبِّكَ عَزَّ وَ جَلَّ وَ تَكَلَّمَ عَنْكَ وَ لَمْ
 تَتَكَلَّمْ عَنْهُ وَ دَعَا لَكَ وَ لَمْ تَدْعُ لَهُ وَ كَفَاكَ
 هَوْلَ الْمَقَامِ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَإِنْ كَانَ
 بِهِ نَقْصٌ كَانَ بِهِ دُونُكَ وَ إِنْ كَانَ تَمَامًا كُنْتَ
 شَرِيكَهُ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ عَلَيْكَ فَضْلٌ فَوَقَى نَفْسَكَ
 بِنَفْسِهِ وَ صَلَاتِكَ بِصَلَاتِهِ فَتَشْكُرْ لَهُ عَلَى قَدْرِ
 ذَلِكَ وَ أَمَّا حَقُّ جَلِيسِكَ فَإِنْ تَلَيْنَ لَهُ جَانِبَكَ وَ
 تُنْصِفُهُ فِي مُجَازَاةِ اللَّفْظِ وَ لَا تَقُومَ مِنْ
 مَجْلِسِكَ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَ مَنْ يَجْلِسُ إِلَيْكَ يَجُوزُ لَهُ
 الْقِيَامُ عَنْكَ بِغَيْرِ إِذْنِكَ وَ تَنْسَى زَلَاتِهِ وَ
 تَحْفَظُ خَيْرَاتِهِ وَ لَا تُسْمِعُهُ إِلَّا خَيْرًا وَ أَمَّا حَقُّ
 جَارِكَ فَحِفْظُهُ غَائِبًا وَ إِكْرَامُهُ شَاهِدًا وَ
 نُصْرَتُهُ إِذَا كَانَ مَظْلُومًا وَ لَا تَتَّبِعْ لَهُ عَوْرَةَ
 فَإِنْ عَلِمْتَ عَلَيْهِ سُوءًا سَتَرْتَهُ عَلَيْهِ وَ إِنْ
 عَلِمْتَ أَنَّهُ يَقْبَلُ نَصِيحَتَكَ نَصَحْتَهُ فِيمَا بَيْنَكَ وَ
 بَيْنَهُ وَ لَا تُسَلِّمُهُ عِنْدَ شَدِيدَةٍ وَ ثَقِيلِ عَثْرَتِهِ
 وَ تَغْفِرْ ذَنْبَهُ وَ تُعَاشِرْهُ مُعَاشِرَةَ كَرِيمَةٍ وَ لَا
 قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ وَ أَمَّا حَقُّ الصَّاحِبِ فَإِنْ تَصَحَّبَهُ
 بِالْتَفَضُّلِ وَ الْأَنْصَافِ وَ ثُكْرِمَهُ كَمَا يُكْرِمُكَ وَ
 كُنْ عَلَيْهِ رَحْمَةً وَ لَا تَكُنْ عَلَيْهِ عَذَابًا وَ لَا
 قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ وَ أَمَّا حَقُّ الشَّرِيكِ فَإِنْ غَابَ
 كَفَيْتَهُ وَ إِنْ حَضَرَ رَعَيْتَهُ وَ لَا تَحْكُمُ دُونَ حُكْمِهِ
 وَ لَا تُعْمَلُ رَأْيِكَ دُونَ مُنَاطَرَتِهِ وَ تَحْفَظُ عَلَيْهِ
 مَالَهُ وَ لَا تَخُونُهُ فِيمَا عَزَّ أَوْ هَانَ مِنْ أَمْرِهِ
 فَإِنَّ يَدَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى عَلَى الشَّرِيكَيْنِ مَا
 لَمْ يَتَخَاوَنَا وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ وَ أَمَّا حَقُّ
 مَالِكَ فَإِنْ لَا تَأْخُذُهُ إِلَّا مِنْ جِلِّهِ وَ لَا تُنْفِقُهُ
 إِلَّا فِي وَجْهِهِ وَ لَا تُؤْثِرَ عَلَى نَفْسِكَ مَنْ لَا
 يَحْمَدُكَ فَاعْمَلْ فِيهِ بِطَاعَةِ رَبِّكَ وَ لَا تَبْخُلْ بِهِ
 فَتَبُوءَ بِالْحَسْرَةِ وَ النَّدَامَةِ مَعَ السَّعَةِ وَ لَا
 قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ وَ أَمَّا حَقُّ غَرِيمِكَ الَّذِي يُطَالِبُكَ

فَإِنْ كُنْتَ مُوسِرًا أَعْطَيْتَهُ وَ إِنْ كُنْتَ مُعْسِرًا
أَرْضَيْتَهُ بِحُسْنِ الْقَوْلِ وَ رَدَدْتَهُ عَن نَفْسِكَ رَدًّا
لَطِيفًا وَ حَقُّ الْخَلِيطِ أَنْ لَا تَعْرَهُ وَ لَا تَعُشَّهُ وَ
لَا تَخْدَعَهُ وَ تَتَّقِيَ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى فِي أَمْرِهِ
وَ حَقُّ الْخَصْمِ الْمُدْعَى عَلَيْكَ فَإِنْ كَانَ مَا يَدْعَى
عَلَيْكَ حَقًّا كُنْتَ شَاهِدَهُ عَلَى نَفْسِكَ وَ لَمْ تَظْلِمْهُ
وَ أَوْفَيْتَهُ حَقَّهُ وَ إِنْ كَانَ مَا يَدْعَى بِاطِّلًا
رَفَقْتَ بِهِ وَ لَمْ تَأْتِ فِي أَمْرِهِ غَيْرَ الرَّفْقِ وَ
لَمْ تُسْخِطْ رَبَّكَ فِي أَمْرِهِ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ وَ
حَقُّ خَصْمِكَ الَّذِي تَدْعَى عَلَيْهِ إِنْ كُنْتَ مُجْهَدًا فِي
دَعْوَتِكَ أَجْمَلْتَ مُقَاوَلَتَهُ وَ لَمْ تَجْهَدْ حَقَّهُ وَ إِنْ
كُنْتَ مُبْطِلًا فِي دَعْوَتِكَ اتَّقَيْتَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ وَ
تُبَّتْ إِلَيْهِ وَ تَرَكْتَ الدَّعْوَى وَ حَقُّ الْمُسْتَشِيرِ
إِنْ عَلِمْتَ أَنَّ لَهُ رَأْيًا أَشْرْتَ عَلَيْهِ وَ إِنْ لَمْ
تَعْلَمْ أَرْشَدْتَهُ إِلَى مَنْ يَعْلَمُ وَ حَقُّ الْمَشِيرِ
عَلَيْكَ أَنْ لَا تَتَّهَمَهُ فِيمَا لَا يُوَافِقُكَ مِنْ رَأْيِهِ
فَإِنْ وَافَقَكَ حَمِدْتَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ وَ حَقُّ الْمُسْتَنْصِحِ
أَنْ تُؤَدِّيَ إِلَيْهِ النَّصِيحَةَ وَ لِيَكُنْ مَبْذُوكًا
الرَّحْمَةَ لَهُ وَ الرَّفْقَ بِهِ وَ حَقُّ النَّاصِحِ أَنْ
ثَلِيْنُ لَهُ جَنَاحَكَ وَ تُضْغِي إِلَيْهِ بِسَمْعِكَ فَإِنْ
أَتَى الصَّوَابَ حَمِدْتَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ وَ إِنْ لَمْ
يُوَافِقْ رَحِمْتَهُ وَ لَمْ تَتَّهَمَهُ وَ عَلِمْتَ أَنَّهُ أَخْطَأَ
وَ لَمْ تُؤَاخِذْهُ بِذَلِكَ إِلَّا أَنْ يَكُونَ مُسْتَحِقًّا
لِلتَّهْمَةِ فَلَا تَغْبَأْ بِشَيْءٍ مِنْ أَمْرِهِ عَلَى حَالٍ وَ
لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ وَ حَقُّ الْكَبِيرِ تَوْقِيرُهُ لِسِنَّةٍ وَ
إِجْلَالُهُ لِتَقْدُمِهِ فِي الْإِسْلَامِ قَبْلَكَ وَ تَرْكُ
مُقَابَلَتِهِ عِنْدَ الْخِصَامِ وَ لَا تَسِيْقُهُ إِلَى طَرِيقٍ
وَ لَا تَتَّقَدَّمْهُ وَ لَا تَسْتَجْهَلْهُ وَ إِنْ جَهِلَ عَلَيْكَ
احْتَمَلْتَهُ وَ أَكْرَمْتَهُ لِحَقِّ الْإِسْلَامِ وَ حُرْمَتِهِ وَ
حَقُّ الصَّغِيرِ رَحْمَتُهُ فِي تَعْلِيمِهِ وَ الْعَفْوُ عَنْهُ
وَ السَّتْرُ عَلَيْهِ وَ الرَّفْقُ بِهِ وَ الْمَعُونَةُ لَهُ وَ
حَقُّ السَّائِلِ إِعْطَاؤُهُ عَلَى قَدْرِ حَاجَتِهِ وَ حَقُّ
الْمَسْئُولِ إِنْ أُعْطِيَ فَاقْبَلْ مِنْهُ بِالشُّكْرِ وَ
الْمَعْرِفَةِ بِفَضْلِهِ وَ إِنْ مَنَعَ فَاقْبَلْ عُذْرَهُ وَ حَقُّ

مَنْ سَرَّكَ اللَّهُ تَعَالَى ذِكْرُهُ أَنْ تَحْمَدَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ
أَوَّلًا ثُمَّ تَشْكُرَهُ وَ حَقُّ مَنْ أَسَاءَكَ أَنْ تَعْفُوَ عَنْهُ

وَاِنْ عَلِمْتَ اَنَّ الْعَفْوَ عَنْهُ يُضِرُّ اَنْتَصَرْتَ قَالَ
 اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَ لَمَنْ اَنْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ
 فَأُولَئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ وَ حَقُّ أَهْلِ مِلَّتِكَ
 إِضْمَارُ السَّلَامَةِ وَ الرَّحْمَةِ لَهُمْ وَ الرَّفْقُ
 بِمُسَيِّئِهِمْ وَ تَأْلُفُهُمْ وَ اسْتِصْلَاحُهُمْ وَ شُكْرُ
 مُحْسِنِهِمْ وَ كَفُّ الْأَدَى عَنْهُمْ وَ ثُجْبُ لَهُمْ مَا تُحِبُّ
 لِنَفْسِكَ وَ تَكْرَهُ لَهُمْ مَا تَكْرَهُ لِنَفْسِكَ وَ اَنْ
 تَكُونَ شَيْوُخُهُمْ بِمَنْزِلَةِ أَيْبِكَ وَ شِبَّانُهُمْ
 بِمَنْزِلَةِ إِخْوَتِكَ وَ عَجَائِزُهُمْ بِمَنْزِلَةِ أُمَّكَ وَ
 الصَّغَارُ بِمَنْزِلَةِ أَوْلَادِكَ وَ حَقُّ الدِّمَّةِ اَنْ تَقْبَلَ
 مِنْهُمْ مَا قَبِلَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لَا تَظْلِمَهُمْ مَا
 وَفَوَّ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِعَهْدِهِ

۱ - ابي حمزه ثمالی گوید: اين نامه
 على بن حسين است به يکى از اصحابش: بدان
 که خدای عز و جل را بر تو حقوقی است که
 در هر جنبشی که از تو سر میزند و هر
 آرامشی که داشته باشی و یا در هر حالی
 که باشی یا در هر منزلی که فرود آئی یا
 در هر عضوی که بگردانی یا در هر ابزاری
 که در آن تصرف کنی آن حقوق اطراف تو را
 فرا گرفته است بزرگترین حق خدای تبارک و
 تعالی بر تو همان است که برای خویش بر
 تو واجب کرده همان حقی که ریشه همه حقوق
 است سپس آنچه خدای عز و جل بر تو واجب
 کرده برای خودت از سر تا پایت با توجه
 به اعضای مختلفی که داری پس خدای عز و
 جل از برای زیانت بر تو حقی قرار داده و
 از برای گوشت بر تو حقی و از برای چشمت
 بر تو حقی و از برای دستت بر تو حقی و
 از برای پایت بر تو حقی و از برای شکمت
 بر تو حقی و از برای عضو جنسیات بر تو
 حقی که این هفت عضو همانها هستند که
 کارها با آنها انجام میگیرد سپس خدای عز
 و جل برای کارهایت بر تو حقوقی قرار
 داده پس از برای نمازت بر تو حقوقی قرار
 داده و از برای روزهات بر تو حقی و از
 برای صدقات بر تو حقی و از برای هدیهات

بر تو حقی و از برای کارهایت بر تو حقوقی قرار داده است سپس حقوقی که قرار داده است از خودت گذشته بدیگری از افرادی که حقوق واجبی بر تو دارند میرسد که از همه آنها واجبتر بر تو حقوق پیشوایان تو است سپس حقوق رعیت‌های تو است سپس حقوق خویشان تو اینها حقوقی هستند که حقوق دیگری از آنها شعبه میگیرد پس حقوق پیشوایان تو سه حق است و از همه واجبتر بر تو حق کسی است که با قدرت خود تو را اداره می‌کند سپس حق کسی که به تعلیم تو قیام می‌کند سپس حق کسی که امور ملکی تو را به عهده دارد و هر کسی که کاری به عهده بگیرد پیشوای آن کار است و حقوق رعیت تو سه است از همه واجبتر بر تو حق کسی است که از جنبه قدرت رعیت تو است سپس حق کسی که از نظر دانش رعیت تو است زیرا نادان رعیت دانشمند است سپس حق کسی که از جنبه ملکیت رعیت تو است چون همسران و کنیزان و غلامان و حقوق رعیت تو بسیار است و به هم پیوسته است هم چون پیوستگی خویشان در خویشاوندی و واجبترین حق خویشاوندان بر تو حق مادرت می‌باشد سپس حق پدرت سپس حق فرزندان سپس حق برادرت سپس حق هر که با تو نزدیکتر و سزاوارتر سپس آقای تو که بر تو نعمت داده سپس حق آقائی که اکنون به تو نعمت میدهد سپس حق کسی که کار نیکی نسبت بتو انجام داده سپس حق کسی که برای نماز تو اذان می‌گوید سپس حق پیشنماز تو سپس حق همنشین تو سپس حق همسایه تو سپس حق رفیق تو سپس حق شریک تو سپس حق دارائی تو سپس حق بدهکار تو که طلب خود را از او مطالبه می‌کند سپس حق بستانکار تو که از تو مطالبه بدهی تو را می‌کند سپس حق کسی که با او آمیزش و رفت و آمد داری سپس حق دشمنت که علیه تو ادعائی دارد سپس حق

دشمنت که تو علیه او ادعاء داری سپس حق کسی که با تو مشورت میکند سپس حق کسی که در مشورت تو رأی می‌دهد سپس حق کسی که از تو اندرز میگیرد سپس حق کسی که بتو اندرز میدهد سپس حق کسی که از تو بزرگتر است سپس حق کسی که از تو کوچکتر است سپس حق کسی که از تو سؤالی دارد سپس حق کسی که تو از او پرسشی داری سپس حق کسی که از ناحیه او نسبت به تو گفتار زشتی یا کردار بدی از روی عمد یا غیر عمد انجام گرفته است سپس حق هم مذهبانت سپس حق کفاری که در پناه تو هستند سپس حقوقی که به اندازه علت‌های مختلف و اسباب‌های گوناگون بوجود می‌آید پس خوشا بحال کسی که خداوند او را یاری کند تا حقوقی که بر او واجب کرده اداء کند و او را بر این کار توفیق بخشد و تأیید فرماید اما حق خدای بزرگ بر تو این است که او را بپرستی و هیچ شریکی برای او نگیری چون از روی خلوص چنین کردی خدا به عهده خود میگیرد که کار دنیا و آخرت تو را کفایت کند و حق جان خودت بر تو این است که او را در فرمانبری خدای عز و جل بکاربری و حق زبانت این است که آن را از فحش دادن گرامی داری و بسخن خوب عادت دهی و سخنان زیادی که سودی ندارد ترك گوئی و نسبت به مردم با زبان نیکوئی کنی و بخوبی آنان را یاد کنی و حق گوش این است که او را از غیبت و از شنیدن هر آنچه شنیدنش حلال نیست پاکیزه داری و حق چشم اینست که آن را از هر آنچه که برای تو حلال نیست بپوشانی و دیده عبرت بین داشته باشی و حق دستت این است که آن را بر چیزی که برای تو حلال نیست نگشایی و حق دو پایت این است که با آن دو به سوی چیزی که برای تو حلال نیست راه نپویی زیرا با آن دو به صراط خواهی ایستاد پس متوجه باش

که تو را نلغزاند که به آتش خواهی افتاد و حق شکمت این است که آن را جایگاه حرام نکنی و بر سیری نیفزایی و حق عضو جنسی تو این است که آن را از زنا نگاه بداری و از دیدگاه بپوشانی و حق نمازت این است که بدانی که آن به پیشگاه خدای عز و جل بار یافتن است و تو در نماز در مقابل خدای عز و جل ایستاده‌ای چون این را نیک دانستی همچون بنده خوار کوچک که رغبتمند و خوشحال و امیدوار و ترسناک و بیچاره و زاری کن باشد و آن را که در پیش او ایستاده بزرگ بداند بآرامش و وقار می‌ایستی و با تمام دل با او رو می‌آوری و نماز را با آداب و حقوقش بجای آوری و حق حج اینست که بدانی که آن بار یافتن بنزد پروردگار است و گریختن از گناهان بسوی اوست و باعث پذیرش توبه تو و انجام دادن فریضه‌ایست که خدا بر تو واجب کرده و حق روزه اینست که بدانی که آن پرده‌ایست خداوند بر زبان و چشم و گوش و شکم و دامن تو زده است تا تو را از آتش بپوشاند پس اگر روزه را ترک کردی پرده الهی را که بر تو کشیده است پاره نموده‌ای و حق صدقه این است که بدانی آن پس اندازی است از برای تو نزد خدا و امانتی است که نیازی بگواه گرفتن بر آن نداری چون این را نیکو بدانی بآنچه در پنهانی امانت می‌گذاری اطمینان خاطر بیشتر است از آنچه آشکارا بامانت بسپاری و باید بدانی که صدقه بلاها و دردها را در دنیا از تو دفع میکند و در آخرت آتش را از تو دور می‌سازد و حق قربانی اینست که مقصودت از آن رضای خدای عز و جل باشد و رضای مخلوق را در نظر نگیری و هیچ غرضی جز این که در معرض رحمت خدا قرار بگیری و جانانت در روز ملاقات خدا نجات پیدا کند نداشته باشی.

و حق سلطان اینست که بدانی که تو برای او وسیله آزمایشی قرار داده‌شده‌ای و او گرفتار تست برای این که خدای عز و جل او را بر تو حکومت بخشیده و بر تست که خود را در معرض خشم او قرار ندهی که با دست خود خود را به هلاکت انداخته و در آنچه از بدی نسبت به تو روا میدارد شریك خواهی بود و حق کسی که بتعلیم تو قیام می‌کند اینست که او را بزرگ بشماری و از برای مجلس او احترام قائل شوی و بسخنانش خوب گوش فرا دهی و روی بجانب او کنی و آوازت را بر او بلند نکنی و هیچ کس را که از او چیزی می‌پرسد پاسخ نگویی تا خود او پاسخ بگوید و در مجلس او با کسی صحبت نکنی و غیبت کسی را نزد او نکنی و چون بدی او را نزد تو گویند از او دفاع کنی و عیب‌های او را بپوشانی و نیکی‌هایش را آشکار کنی و با دشمن او همنشین نباشی و دوستش را دشمن ندانی چون این چنین کنی فرشتگان خداوند گواه تو هستند که تو برای رضای خدا او را قصد کرده‌ای و دانش او را فرا گرفته‌ای نه برای خاطر مردم و اما حق کسی که مالک تو است این است که او را فرمان بری و نافرمانی‌اش نکنی مگر در آنچه مورد خشم خدای عز و جل باشد زیرا هیچ مخلوقی را در موردی که معصیت خالق انجام می‌گیرد اطاعت نباید کرد.

و اما حق رعیتی که بر او سلطنت داری اینست که بدانی که آنان بخاطر ناتوانی که دارند و نیروئی که تو داری رعیت تو شده‌اند پس واجب است در آنان بعدل و داد رفتار کنی و از برای آنان هم چون پدری مهربان باشی و از نادانی آنان گذشت کنی و در کیفرشان شتاب نکنی و خدای عز و جل را بر این نیروئی که ترا بر آنان عطا فرموده سپاس‌گزار باشی.

و اما حق کسی که در دانش رعیت تو است اینست که بدانی که خدای عز و جل تو را سرپرست آنان کرده در آن دانشی که به تو داده و از گنجینه‌های خود بر روی تو گشوده است اگر در یاد دادن مردم نیکو رفتار کردی و با آنان کج رفتاری نمودی و سختگیری بر آنان نکردی خداوند از فضل خود بر تو خواهد افزود و اگر دانش خود از مردم منع کردی و یا چون از تو دانشی طلب نمودند کج رفتاری نمودی بر خدا لازم است که دانش و آبروی آن را از تو برگیرد و موقعیت ترا از دلها براندازد و اما حق همسر این است که بدانی که خدای عز و جل او را وسیله آرامش تن و دل قرار داده و بدانی که این نعمتی است از خداوند بر تو پس او را گرامی داری و با او به نرمی رفتار کنی گرچه حقی که ترا بر اوست واجبتر است ولی او را نیز برتوست که رحمتش آوری زیرا او اسیرتوست و باید خوراک و پوشاک او را بدهی و چون نادانی کرد او را ببخشی و اما حق بنده تو آن است که بدانی که او مخلوق پروردگار تو است و فرزند پدر و مادر تو است و گوشت و خونسش با تو یکی است بخاطر این او را مالک نشده‌ای که ساخته دست تو باشد نه دست خداوند و هیچ یک از اعضای او را تو نیافریده‌ای و روزی او را تو معین نمی‌کنی و لیکن خدای عز و جل است که روزی او را میدهد و سپس او را مسخر تو کرده و تو را امین دانسته و او را بدست تو سپرده است تا آنچه تو در باره او از نیکی انجام دهی برای تو نگهداری کند پس بر او نیکی و احسان کن همان طوری که خداوند بر تو نیکی و احسان کرده است و اگر او را خوش نداری عوضش کن و خلق خدای عز و جل را شکنجه نده و نیروئی نیست جز بکمک خدا و حق مادرت این است که بدانی که او ترا در

جایی متحمل شد که هیچ کس کسی را در آنجا متحمل نشود و از میوه دل خود بتو داده است آنچه را که هیچ کس بکسی نمیدهد و با تمام وجود خود تو را نگهداری کرده و اهمیتی نمیداد که خود گرسنه باشد ولی بتو خوراک بدهد و خود تشنه باشد ولی تو را سیراب کند و خودش برهنه باشد و تو را بپوشاند و خود در آفتاب نشیند و تو را در سایه جای دهد و بخاطر تو بیخوابی بکشد و تو را از گرما و سرما نگهداری کنند تا تو فرزند او باشی پس طاقت سپاسگزاری او را نداری مگر بکمک خدای تعالی و توفیق او و اما حق پدرت این است که بدانی او ریشه تو است و اگر او نبود تو نبود پس هر گاه در خودی چیزی دیدی که خوش آیند بود بدان که پدرت ریشه آن نعمت بر تو میباشد پس خدا را حمد کن و بهمین اندازه سپاس گوی او باش و توانائی نیست مگر بکمک خدا. و اما حق فرزندت این است که بدانی که او از تست و در نیکی و بدی عمر دنیا بستگی بتو دارد و تو مسئولیت آنچه را که از او بعهده گرفته‌ای داری تو باید او را نیکو ادب کنی و به پروردگار عز و جلش رهبری کنی و بر فرمانداری او یاریش نمائی پس در باره فرزند همچون کسی رفتار کن که بداند در نیکی بفرزند پاداش خواهد گرفت و در بد رفتاری با او بکیفر بد دچار خواهد شد. و اما حق برادرت این است که بدانی او دست تو و عزت تو و نیروی تو است پس او را نه برای نافرمانی خدا اسلحه خود بساز و نه برای ستم بخلق خدا کمک خویش بکن و یاری او را بر دشمنش و خیر اندیشی از برای او را از دست مده پس اگر فرمان خدا را برد چه بهتر و گر نه خداوند بر تو گرامی‌تر از او باشد و نیرویی جز بوسیله خدا نیست.

و اما حق آقائی که نعمت آزادی بتو ارزانی داشته اینست که بدانی که او از مال خود در باره تو خرج کرده و ترا از خواری و وحشت بندگی بآرامش خاطری که در آزادی است رسانده است پس تو را از اسارت ملك آزاد کرده و بند بندگی را از تو باز نموده و تو را از زندان بیرون آورده و تو را مالك خودت نموده و برای پرستش پروردگارت ترا آسوده خاطر ساخته است و باید بدانی که او در حال حیات و مرگ تو از همه خلق بتو سزاوارتر است و بر تو واجب است که او را با جان خودت و با هر چیزی که او از تو بآن نیازمند است یاری کنی و نیروئی نیست مگر از جانب خدا.

و اما حق بنده ای که تو نعمت آزادی باو بخشیده ائی اینست که بدانی خدای عز و جل آزادی او را وسیله ای از برای تو بسوی خودش و پرده ای برای تو از آتش قرار داده و پاداش تو در این دنیا اینست که اگر او خویشاوندی نداشته باشد بعوض مالی که برای او خرج کرده ای ارث او را خواهی برد و در آخرت پاداشت بهشت خواهد بود.

و اما حق کسی که در باره تو نیکی کرده اینست که سپاسگزار او بوده و بیاد نیکی او باشی و از برای او نام نیکی بدست آوری و بین خود و خدای عز و جل از روی خلوص دعایش کنی چون چنین کنی سپاسگزاری او را در پنهان و آشکار بجا آورده ای و پس از این همه اگر روزی توانائی عوض دادن باو را یافتی باو عوض بدهی.

و اما حق اذان گو اینست که بدانی که او ترا بیاد پروردگارت عز و جل می آورد و به بهره ای که داری دعوتت میکند و بر انجام وظیفه ای لازم که بر عهده تو است تو را یاری میکند.

پس او را هم چون کسی که بتو نیکی کرده باشد سپاسگزار باش.

و اما حق پیشوای تو در نماز اینست که بدانی که او نمایندگی میان تو و پروردگارت را بعهدہ گرفته و از جانب تو سخن گفته و تو از جانب وی سخن نگفته‌ای و او از برای تو دعا کرده است ولی تو از برای او دعا نکرده‌ای و هراس ایستادن در مقابل خدا را از تو کفایت نموده اگر برای آن نقصی باشد بعهدہ او است نه بعهدہ تو و اگر درست باشد تو شریک او بوده و او را بر تو زیادتی نخواهد بود. پس جان ترا با جان خود و نماز تو را با نماز خودش محافظت نموده از این رو باید به همین قدر سپاس گزارش باشی.

و اما حق همنشین تو اینست که با او نرمی کنی و در سخن گفتن بانصاف رفتار کنی و از جای خود بی‌اجازه او برنخیزی و کسی که در نزد تو بنشیند میتواند بدون اجازه تو برخیزد و باید لغزش‌های او را فراموش کنی و نیکی‌هایش را بیاد داشته باشی و جز خیر بگوشش نرسانی.

و اما حق همسایت اینست که در غیاب او را حفظ کنی و در حضور احترامش نهی و اگر ستمی بر او رفت یاریش کنی و عیبی را از او جستجو نکنی و اگر بکار بدی از او اطلاع پیدا کردی پرده پوشی کنی و اگر بدانی نصیحت تو را می‌پذیرد محرمانه نصیحتش کنی و در سختی او را رها نکنی و از لغزش او درگذری و گنااهش را ببخشی و با خوشی با او معاشرت کنی و نیروئی نیست مگر از جانب خدا.

و اما حق رفیق اینست که با او به تفضل و انصاف رفتار کنی و چنانچه او از تو احترام میکند تو او را احترام کنی و وجود تو از برای او سبب رحمت باشد نه باعث شکنجه و عذاب و نیروئی نیست مگر از جانب خدا.

و اما حق شريك اين است كه اگر غايب شد
كفايت او را بكني و اگر حاضر شد رعايتش
را نمائي و بدون حكم او حكمي نكني و
بي نظر او به رأيت عمل نكني و مالش را
برايش نگاه بداري و در كم و بيش كار او
خيانتش نكني كه دست خدای تبارك و تعالی
بر سر دو شريك هست مادامي كه بيكديگر
خيانت نكرده اند و نيروئي نيست مگر از
طرف خدا.

و اما حق مالت اينست كه بجز از حلال آن
را بدست نياري و جز در راه صحيح انفاقش
نكني و كسي را كه ناسپاس است بر خود
مقدم نداري و در آن بفرمان پروردگارت
رفتار كني و بخل بر مالت نورزي كه با
وجود گشايش در زندگي كه داشته اي حسرت و
پشيماني خواهي كشيد و نيروئي نيست جز
بوسيله خدا و اما بستانكارت كه مطالبه
بستانكاري خود را مي كند اين است كه اگر
داری باو بدهي و اگر تنگ دستی با گفتار
خوش او را راضی کنی و با نرمی او را از
خود رد کنی و حق معاشرت این است که او
را فریب ندهی و خيانتش نكني و نيرنگ
بكار نبری و از خدای تبارك و تعالی در
كار او بپرهیزی و حق دشمنت كه عليه تو
ادعا دارد اين است كه اگر آنچه ادعا
مي كند حق است خودت بر خودت گواه باشي و
بر او ستم نكني و حق او را تمام پردازي
و اگر آنچه ادعا مي كند باطل باشد با وي
مهرباني كني و جز مدارا در كارش هيچ
نكني و خدا را در كار او بغضب نياوري و
نيروئي نيست مگر بوسيله خدا و حق دشمنت
كه تو عليه او ادعا داري اينست كه اگر
در دعوايت بر حقي با وي نيكو گفتگو كني
و حق او را انكار نكني و اگر در ادعايت
بر باطلاي از خدای عز و جل بپرهیزی و
بسوی او توبه کنی و دعوا را ترك گوئی و
حق کسی که از تو مشورت می کند این است که

اگر نظری در باره او داری به او بگویی و اگر نه او را بکسی که میدانند راهنمایی کنی و حق کسی که تو با او مشورت می‌کنی اینست که او را در چیزی که با تو در رأی موافقت نکرد منهمش نکنی و اگر با تو موافق بود خدای عز و جل را ستایش کنی و حق کسی که از تو اندرزی می‌طلبد اینست که خیر خواهی را از او دریغ نداری و جز از راه مهربانی و مدارا قدم بر نداری و حق کسی که تو را نصیحت می‌کند این است که نسبت با او فروتنی کنی و گوش خود را به سخنش فرا دهی که اگر حق گوید خدای عز و جل را ستایش کنی و اگر موافق نگوید نسبت با او دلسوز باشی و او را متهمش نکنی و بدانی که خطا کرده است و باین خطا مؤاخذه اش نکنی مگر اینکه سزاوار اتهام باشد که بهیچ کار او در هیچ حالی نباید اعتنا بکنی و نیروئی نیست مگر با خدا و حق بزرگتر از تو اینست که به خاطراتش احترام کنی و بزرگش بداری که پیش از تو در مسلمان شدن حق تقدم دارد و با وی هنگام ستیزه ایستادگی نکنی و پیش از او براهی نروی و در راه رفتن از او پیشی نگیری و با او جهالت نورزی و اگر او جهالت ورزد متحملش باشی و احترامش کنی بخاطر حق و بخاطر احترامی که اسلام برای او قائل است و حق کوچکتر از تو اینست که در تعلیم او و گذشت از او و پرده پوشی بر او و مهربانی و کمك او دلسوزی نمایی و حق کسی که از تو چیزی بخواهد اینست که بقدر نیازش با او عطا کنی و حق کسی که از او چیزی خواسته ای این است که اگر داد با تشکر از او بپذیر و حق شناسی کن و اگر نداد عذرش را بپذیر و حق کسی که ترا برای خدای تعالی شاد کرده است اینست که اولاً خدای عز و جل را ستایش کنی سپس آن کس را سپاس‌گزار باشی و حق کسی که در

بارہ تو بدی کرده این است کہ از او درگذری و اگر بدانی کہ گذشت از او زیان دارد داد خود را از او بگیری کہ خدای تبارک و تعالی می‌فرماید کسی کہ پس از مظلوم شدن داد خود را بگیرد گناهی بر آنان نیست (سورہ شوری آیه ۴۱) و حق ہم کیشان تو این است کہ در دل سلامتی آنها را بخواهی و نسبت بہ آنان دلسوز باشی و با بدکارانشان مدارا کنی و انس بگیری و آنان را بسوی خیر و اصلاح بیاوری و از نیکوکارانشان سپاس‌گزاری کنی و آزارشان نرسانی و آنچه برای خود دوست میداری از برای آنان دوست بداری و آنچه برای خودت ناخوش داری برای آنان نیز خوش نداشته باشی و باید پیرانشان بجای پدر تو باشند و جوانانشان بجای برادرت و پیر زنانشان بجای مادرت و کودکانشان بجای فرزندان و حق کسانی کہ بآنان پناه دادی اینست کہ آنچه خدای عز و جل از آنان پذیرفته بپذیری و تا بعهدی کہ با خدای عز و جل بسته‌اند وفا دارند با آنان ستم نکنی.

پنجاه خصلت از صفات مؤمن است

خمسون خصله من صفات المؤمن
۲ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ وَ أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ جَمِيعاً قَالَا حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى بْنِ عِمْرَانَ الْأَشْعَرِيُّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ أَبِي سَلِيمَانَ الْجُلَوَانِيِّ أَوْ عَنْ رَجُلٍ عَنْهُ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ صِفَةُ الْمُؤْمِنِ قُوَّةٌ فِي دِينٍ وَ حَزْمٌ فِي لِينٍ وَ إِيمَانٌ فِي يَقِينٍ وَ حِرْصٌ فِي فِقْهِ وَ نَشَاطٌ فِي هُدًى وَ بِرٌّ فِي اسْتِقَامَةٍ وَ إِعْمَاضٌ عِنْدَ شَهْوَةٍ وَ عِلْمٌ فِي حِلْمٍ وَ شُكْرٌ فِي رِفْقٍ وَ سَخَاءٌ فِي حَقٍّ وَ قَصْدٌ فِي غَيْبٍ وَ تَجَمُّلٌ فِي فَاقَةٍ وَ عَفْوٌ فِي قُدْرَةٍ وَ طَاعَةٌ فِي نَصِيحَةٍ وَ وَرَعٌ فِي رَغْبَةٍ وَ حِرْصٌ فِي جِهَادٍ وَ صَلَاةٌ فِي شُغْلٍ وَ صَبْرٌ فِي شِدَّةٍ وَ فِي الْهَزَاهِزِ وَقُورٌ وَ فِي الْمَكَارِهِ صَبُورٌ وَ فِي الرَّخَاءِ شُكُورٌ لَا يَغْتَابُ وَ لَا يَتَكَبَّرُ وَ لَا يَبْغِي وَ إِن بَغِيَ عَلَيْهِ صَبْرٌ وَ لَا يَقْطَعُ الرَّحِمَ وَ لَيْسَ بِوَاهِنٍ وَ لَا فَظٌّ وَ لَا غَلِيظٌ وَ لَا يَسْبِقُهُ بَصْرُهُ وَ لَا يَفْضَحُهُ بَطْنُهُ وَ لَا يَغْلِبُهُ فَرْجُهُ وَ لَا يَحْسُدُ النَّاسَ وَ لَا يَفْتُرُ وَ لَا يُبَدِّرُ وَ لَا يُسْرِفُ بَلْ يَقْتَصِدُ يَنْصُرُ الْمَظْلُومَ وَ يَرْحَمُ الْمَسَاكِينَ نَفْسُهُ مِنْهُ فِي عَنَاءٍ وَ النَّاسُ مِنْهُ فِي رَاحَةٍ لَا يَرْغَبُ فِي عِزِّ الدُّنْيَا وَ لَا يَجْرَعُ مِنْ أَلْمِهَا لِلنَّاسِ هَمٌّ قَدْ أَقْبَلُوا عَلَيْهِ وَ لَهُ هَمٌّ قَدْ شَعَلَهُ لَا يُرَى فِي حِلْمِهِ نَقْصٌ وَ لَا فِي رَأْيِهِ وَهْنٌ وَ لَا فِي دِينِهِ ضِيَاعٌ يُرْشِدُ مَنْ اسْتَشَارَهُ وَ يُسَاعِدُ مَنْ سَاعَدَهُ وَ يَكْبِتُ عَنِ الْبَاطِلِ وَ الْخَنَى وَ الْجَهْلِ فَهَذِهِ صِفَةُ الْمُؤْمِنِ

۲ - امام صادق عليه السلام فرمود: صفت مؤمن این است در دین نیرومند است و در نرمی احتیاط کار و ایمانش بسر حد یقین است و در فهمیدن حریص و در هدایت با نشاط و در نیکی پایدار است و بهنگام شهوت چشم پوشی میکند دانشش آمیخته با بردباری است در موردی که با او مدارا شود سپاسگزار است

و نسبت به حق خودش سخاوتمند و در حال ثروتمندی میانه رو و در حال تنگدستی ظاهری آراسته دارد و در حال قدرت میبخشد و در مورد خیر اندیشی فرمانبردار است و رغبت بورع دارد و در جهاد حریص است و در حالی که مشغول کار است از نماز غفلت نمی‌کند و در مورد شدت بردبار است و در مقابل پیش آمدهای سخت با وقار است و در ناملایمات صبر فراوان دارد و در فراخی شکرگزار است نه غیبت میکند و نه تکبر می‌کند و نه ستم میکند و اگر بر او ستمی شد تحمل می‌کند قطع رحم نمی‌کند سست نمی‌باشد بد خلق و سنگدل نیست چشمش را در اختیار خود دارد و شکمش او را رسوا نمی‌کند مغلوب شهوت نمیشود بمردم حسد نمی‌ورزد افترا نمی‌بندد بیهوده خرج نمی‌کند و اسراف نمی‌کند. بلکه میانه‌رو است ستمدیده را یاری می‌کند و تهی‌دستان را دلسوزی می‌نماید بخاطر راحت مردم خود را زحمت می‌اندازد، بعزت دنیا رغبتی ندارد و از درد آن بی‌تابی نمی‌کند مردم را هوائی در سر است که دنبال آن هواها هستند و او را هوائی در سر است که بدان مشغول است در حلمش کمبودی بنظر نمی‌رسد و در رأیش سستی دیده نمی‌شود و دینش را ضایع نمی‌کند هر که با او مشورت کند او را راهنمایی می‌کند و هر که با او همدست باشد مساعدتش می‌کند و از باطل و دشنام دادن و نادانی‌گریزان است اینها صفت مؤمن است.

ثواب کسی که پنجاه بار عمل حج انجام داده باشد

ثواب من حج خمسين حجة

۳ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ سَيْفٍ عَنْ عَبْدِ الْمُؤْمِنِ عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ مَنْ حَجَّ خَمْسِينَ حَجَّةً بَنَى اللَّهُ لَهُ مَدِينَةً فِي جَنَّةٍ عَدْنٍ فِيهَا مِائَةٌ أَلْفٍ قَصْرٍ فِي كُلِّ قَصْرٍ حُورٌ مِنْ حُورِ الْعَيْنِ وَ أَلْفُ زَوْجَةٍ وَ يُجْعَلُ مِنْ رُفَقَاءِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فِي الْجَنَّةِ

۳ - هارون بن خارجه گوید: شنیدم امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ می‌فرمود: کسی که پنجاه حج بجا بیاورد خداوند در بهشت عدن شهری برای او می‌سازد که صد هزار کاخ دارد و در هر کاخی یک حور از حوریان بهشتی و هزار همسر باشد و در بهشت از رفیقان محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می‌گردد.

أبواب السبعين و ما فوقه (بابهای هفتاد و بیشتر)

هفتاد منقبت امیر المؤمنین عليه السلام داشت که

هیچ کدام از افراد ملت با او شریک نبودند لأمیر المؤمنین عليه السلام سبعون منقبة لم یشرکه فیها أحد من الأئمة

۱ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْقَطَّانُ وَ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ السَّنَانِيُّ وَ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الدَّقَّاقُ وَ الْحُسَيْنُ بْنُ إِبرَاهِيمَ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ هِشَامِ الْمُكْتَبِ وَ عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْوَرَّاقُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ قَالُوا حَدَّثَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ أَحْمَدُ بْنُ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا الْقَطَّانُ قَالَ حَدَّثَنَا بَكْرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَبِيبٍ قَالَ حَدَّثَنَا تَمِيمُ بْنُ بُهْلُولٍ قَالَ حَدَّثَنَا سُلَيْمَانُ بْنُ حَكِيمٍ عَنْ ثَوْرِ بْنِ يَزِيدَ عَنْ مَكْحُولٍ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام لَقَدْ عَلِمَ الْمُسْتَحْفَظُونَ مِنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله أَنَّهُ لَيْسَ فِيهِمْ رَجُلٌ لَهُ مَنَقَبَةٌ إِلَّا وَ قَدْ شَرِكْتُهُ فِيهَا وَ فَضَلْتُهُ وَ لِي سَبْعُونَ مَنَقَبَةً لَمْ يَشْرِكْنِي فِيهَا أَحَدٌ مِنْهُمْ قُلْتُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فَأَخْبِرْنِي بِهِنَّ فَقَالَ عليه السلام إِنَّ أَوَّلَ مَنَقَبَةٍ لِي أَنِّي لَمْ أَشْرِكْ بِاللَّهِ طَرْفَةَ عَيْنٍ وَ لَمْ أَعْبُدِ اللَّاتَ وَ الْعُزَّى وَ الثَّانِيَةَ أَنِّي لَمْ أَشْرَبِ الْخَمْرَ قَطُّ وَ الثَّلَاثَةَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله اسْتَوْهَبَنِي عَنْ أَبِي فِي صِبَائِي وَ كُنْتُ أَكِيلَهُ وَ شَرِيبَهُ وَ مُؤْنِسَهُ وَ مُحَدَّثَهُ وَ الرَّابِعَةَ أَنِّي أَوَّلُ النَّاسِ إِيمَانًا وَ إِسْلَامًا وَ الْخَامِسَةَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله قَالَ لِي يَا عَلِيُّ أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي وَ السَّادِسَةَ أَنِّي كُنْتُ آخِرَ النَّاسِ عَهْدًا بِرَسُولِ اللَّهِ وَ دَلِيلُهُ فِي حُفْرَتِهِ وَ السَّابِعَةَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله أَنَامَنِي عَلَى فِرَاشِهِ حَيْثُ ذَهَبَ إِلَى الْغَارِ وَ سَجَّانِي بِبُرْدِهِ فَلَمَّا جَاءَ الْمُشْرِكُونَ ظَنُّونِي مُحَمَّدًا صلى الله عليه وآله فَأَيْقَظُونِي وَ قَالُوا مَا فَعَلَ

صَاحِبُكَ فَقُلْتُ ذَهَبَ فِي حَاجَتِهِ فَقَالُوا لَوْ كَانَ
هَرَبَ لَهَرَبَ هَذَا مَعَهُ وَ أَمَّا الثَّامِنَةُ فَإِنَّ
رَسُولَ اللَّهِ ﷺ عَلَّمَنِي أَلْفَ بَابٍ مِنَ الْعِلْمِ يَفْتَحُ
كُلُّ بَابٍ أَلْفَ بَابٍ وَ لَمْ يُعَلِّمْ ذَلِكَ أَحَدًا غَيْرِي
وَ أَمَّا التَّاسِعَةُ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ لِي يَا
عَلِيُّ إِذَا حَشَرُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ الْأُولِينَ وَ الْآخِرِينَ
نُصِبَ لِي مِنْبَرٌ فَوْقَ مَنَابِرِ النَّبِيِّينَ وَ نُصِبَ لَكَ
مِنْبَرٌ فَوْقَ مَنَابِرِ الْوَصِيِّينَ فَتَرْتَقِي عَلَيْهِ وَ
أَمَّا

الْعَاشِرَةُ فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ يَا
عَلِيُّ لَا أُعْطَى فِي الْقِيَامَةِ إِلَّا سَأَلْتُ لَكَ مِثْلَهُ
وَ أَمَّا الْحَادِيَةَ عَشْرَةَ فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ
يَقُولُ يَا عَلِيُّ أَنْتَ أَخِي وَ أَنَا أَخُوكَ يَدُكَ فِي
يَدِي حَتَّى تَدْخُلَ الْجَنَّةَ وَ أَمَّا الثَّانِيَةَ عَشْرَةَ
فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ يَا عَلِيُّ مِثْلَكَ
فِي أُمَّتِي كَمِثْلِ سَفِينَةِ نُوحٍ مَنْ رَكِبَهَا نَجَا وَ
مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ وَ أَمَّا الثَّلَاثَةَ عَشْرَةَ
فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ عَمَّمَنِي بِعِمَامَةٍ نَفْسِهِ بِيَدِهِ وَ
دَعَا لِي بِبَدَعَوَاتِ النَّصْرِ عَلَيَّ أَعْدَاءَ اللَّهِ
فَهَزَمْتُهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ أَمَّا الرَّابِعَةَ
عَشْرَةَ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ أَمَرَنِي أَنْ أُمْسَحَ يَدِي
عَلَى ضَرْعِ شَاةٍ قَدْ يَبِسَ ضَرْعُهَا فَقُلْتُ يَا رَسُولَ
اللَّهِ بَلْ أُمْسَحُ أَنْتَ فَقَالَ يَا عَلِيُّ فِعْلُكَ فِعْلِي
فَمَسَحْتُ عَلَيْهَا يَدِي فَدَرَّ عَلَيَّ مِنْ لَبَنِهَا فَسَقَيْتُ
رَسُولَ اللَّهِ ﷺ شَرْبَةً ثُمَّ أَتَتْ عَجُوزَةٌ فَشَكَتِ الظَّمَّ
فَسَقَيْتُهَا فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِنِّي سَأَلْتُ اللَّهَ عَزَّ وَ
جَلَّ أَنْ يُبَارِكَ فِي يَدِكَ فَفَعَلَ وَ أَمَّا الْخَامِسَةَ
عَشْرَةَ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ أَوْصَى إِلَيَّ وَ قَالَ يَا
عَلِيُّ لَا يَلِيَّ غُسْلِي غَيْرُكَ وَ لَا يُوَارِي عَوْرَتِي
غَيْرُكَ فَإِنَّهُ إِنْ رَأَى أَحَدٌ عَوْرَتِي غَيْرُكَ تَفَقَّاتَ
عَيْنَاهُ فَقُلْتُ لَهُ كَيْفَ لِي بِتَقْلِيكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ
فَقَالَ إِنَّكَ سَتَعَانُ فَوَ اللَّهُ مَا أَرَدْتُ أَنْ أَقْلِبَ
عَضْوًا مِنْ أَعْضَائِهِ إِلَّا قَلْبَ لِي وَ أَمَّا السَّادِسَةَ
عَشْرَةَ فَإِنِّي أَرَدْتُ أَنْ أُجَرِّدَهُ فَنُودِيْتُ يَا وَصِيَّ
مُحَمَّدٍ لَا تُجَرِّدَهُ فَغَسَّلَهُ وَ الْقَمِيمُ عَلَيْهِ فَلَا وَ
اللَّهُ الَّذِي أَكْرَمَهُ بِالنُّبُوَّةِ وَ خَصَّهُ بِالرَّسَالَةِ مَا

رَأَيْتُ لَهُ عَوْرَةَ خَصْنِيَّ اللَّهُ بِذَلِكَ مِنْ بَيْنِ أَصْحَابِهِ
وَ أَمَّا السَّابِعَةَ عَشْرَةَ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ زَوَّجَنِي
فَاطِمَةَ وَ قَدْ كَانَ خَطْبَهَا أَبُو بَكْرٍ وَ عُمَرُ
فَزَوَّجَنِي اللَّهُ مِنْ فَوْقِ سَبْعِ سَمَاوَاتِهِ فَقَالَ رَسُولُ
اللَّهِ ﷺ هَنِيئًا لَكَ يَا عَلِيُّ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ
زَوَّجَكَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ هِيَ
بَضْعَةٌ مِنِّي فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَو لَسْتُ مِنْكَ
فَقَالَ بَلَى يَا عَلِيُّ وَ أَنْتَ مِنِّي وَ أَنَا مِنْكَ
كَيْمِينِي مِنْ شِمَالِي لَا أَسْتَغْنِي عَنْكَ فِي الدُّنْيَا
وَ الْآخِرَةِ وَ أَمَّا الثَّمَانِيَةَ عَشْرَةَ فَإِنَّ رَسُولَ
اللَّهِ ﷺ قَالَ لِي يَا عَلِيُّ أَنْتَ صَاحِبُ لِيوَاءِ الْحَمْدِ
فِي الْآخِرَةِ وَ أَنْتَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَقْرَبُ الْخَلَائِقِ
مِنِّي مَجْلِسًا يُبْسَطُ لِي وَ يُبْسَطُ لَكَ فَاكُونَ فِي
زُمرَةِ النَّبِيِّينَ وَ تَكُونَ فِي زُمرَةِ الْوَصِيِّينَ وَ
يُوضَعُ عَلَيَّ رَأْسُكَ تَاجُ النُّورِ وَ إِكْلِيلُ
الْكَرَامَةِ يَحْفُ بِكَ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ حَتَّى يَفْرَغَ
اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ حِسَابِ الْخَلَائِقِ وَ أَمَّا التَّاسِعَةَ
عَشْرَةَ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ سَتُقَاتِلُ النَّاكِثِينَ
وَ الْقَاسِطِينَ وَ الْمَارِقِينَ فَمَنْ قَاتَلَ مِنْهُمْ
فَإِنَّ لَكَ بِكُلِّ رَجُلٍ مِنْهُمْ شَفَاعَةٌ فِي مِائَةِ أَلْفِ
مِنْ شِيَعَتِكَ فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَمَنْ النَّاكِثُونَ
قَالَ طَلْحَةُ وَ الزُّبَيْرُ سَيِّبَايَعَانِكَ بِالْحِجَازِ وَ
يَنْكُثَانِكَ بِالْعِرَاقِ فَإِذَا فَعَلَا ذَلِكَ فَحَارِبُهُمَا
فَإِنَّ فِي قِتَالِهِمَا طَهَارَةً لِأَهْلِ الْأَرْضِ قُلْتُ فَمَنْ
الْقَاسِطُونَ قَالَ مُعَاوِيَةَ وَ أَصْحَابُهُ قُلْتُ فَمَنْ
الْمَارِقُونَ قَالَ أَصْحَابُ ذِي الثُّدَيَّةِ وَ هُمْ
يَمْرِقُونَ مِنَ الدِّينِ كَمَا يَمْرِقُ السَّهْمُ مِنَ
الرَّمِيَةِ فَاقْتُلْهُمْ فَإِنَّ فِي قَتْلِهِمْ فَرَجًا لِأَهْلِ
الْأَرْضِ وَ عَذَابًا مُعْجَلًا عَلَيْهِمْ وَ ذَخْرًا لَكَ عِنْدَ
اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ أَمَّا الْعِشْرُونَ
فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ لِي مِثْلَكَ فِي
أُمَّتِي مِثْلَ بَابِ حِطَّةٍ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ فَمَنْ
دَخَلَ فِي وَلايَتِكَ فَقَدْ دَخَلَ الْبَابَ كَمَا أَمَرَهُ اللَّهُ
عَزَّ وَ جَلَّ وَ أَمَّا الْحَادِيَةَ وَ الْعِشْرُونَ فَإِنِّي
سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ
عَلَيَّ بِأَبْهَاطِهَا وَ لَنْ تُدْخَلَ الْمَدِينَةَ إِلَّا مِنْ

بَابِهَا ثُمَّ قَالَ يَا عَلِيُّ إِنَّكَ سَتَرْعَى ذِمَّتِي وَ
تُقَاتِلُ عَلَيَّ سُنَّتِي وَ تَخَالِفُكَ أُمَّتِي وَ أُمَّا
التَّانِيَةَ وَ العِشْرُونَ فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ
اللَّهِ ﷺ يَقُولُ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى خَلَقَ ابْنِي
الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ مِنْ نُورٍ أَلْقَاهُ إِلَيْكَ وَ إِلَى
فَاطِمَةَ وَ هُمَا يَهْتَرَانِ كَمَا يَهْتَرُ الْقُرْطَانُ
إِذَا كَانَا فِي الْأَذْنَيْنِ وَ نُورُهُمَا مُتَضَاعِفٌ عَلَيَّ
نُورِ الشُّهَدَاءِ سَبْعِينَ أَلْفَ ضِعْفٍ يَا عَلِيُّ إِنَّ اللَّهَ
عَزَّ وَ جَلَّ قَدْ وَعَدَنِي أَنْ يُكْرِمَهُمَا كَرَامَةً لَا
يُكْرِمُ بِهَا أَحَدًا مَا خَلَا النَّبِيِّينَ وَ الْمُرْسَلِينَ
وَ أُمَّا التَّلَاثَةَ وَ العِشْرُونَ فَإِنَّ رَسُولَ
اللَّهِ ﷺ أَعْطَانِي خَاتَمَهُ فِي حَيَاتِهِ وَ دِرْعَهُ وَ
مِنْطَقَتَهُ وَ قَلْدَنِي سَيْفَهُ وَ أَصْحَابُهُ كُلُّهُمْ حُضُورٌ
وَ عَمِّي الْعَبَّاسُ حَاضِرٌ فَخَصَّنِي اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْهُ
بِذَلِكَ دُونَهُمْ وَ أُمَّا الرَّابِعَةَ وَ العِشْرُونَ فَإِنَّ
اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْزَلَ عَلَيَّ رَسُولِهِ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ
آمَنُوا إِذَا نَاجَيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ
نَجْوَاكُمْ صَدَقَةٌ فَكَانَ لِي دِينَارٌ فَبِعْتُهُ عَشْرَةَ
دَرَاهِمٍ فَكُنْتُ إِذَا نَاجَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ أَصْدَقُ
قَبْلَ ذَلِكَ بِدِرْهَمٍ وَ وَاللَّهُ مَا فَعَلَ هَذَا أَحَدٌ مِنْ
أَصْحَابِهِ قَبْلِي وَ لَا بَعْدِي فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أ
أَشْفَقْتُمْ أَنْ تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَاتٍ
فَإِذْ لَمْ تَفْعَلُوا وَ تَابَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ الْآيَةُ فَهَلْ
تَكُونُ التَّوْبَةُ إِلَّا مِنْ ذَنْبٍ كَانَ أُمَّا الْخَامِسَةَ
وَ العِشْرُونَ فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ
الْجَنَّةُ مُحَرَّمَةٌ عَلَيَّ الْأَنْبِيَاءِ حَتَّى أَدْخُلَهَا أَنَا
وَ هِيَ مُحَرَّمَةٌ عَلَيَّ الْأَوْصِيَاءِ حَتَّى تَدْخُلَهَا أَنْتَ
يَا عَلِيُّ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى بَشَّرَنِي فِيكَ
بِبُشْرَى لَمْ يُبَشِّرْ بِهَا نَبِيًّا قَبْلِي بَشَّرَنِي بِأَنَّكَ
سَيِّدُ الْأَوْصِيَاءِ وَ أَنَّ ابْنِيكَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ
سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ أُمَّا
السَّادِسَةَ وَ العِشْرُونَ فَإِنَّ جَعْفَرَ أَخِي الطَّيَّارُ
فِي الْجَنَّةِ مَعَ الْمَلَائِكَةِ الْمُزَيَّنِينَ بِالْجَنَاحِينَ
مِنْ دُرٍّ وَ يَاقُوتٍ وَ زَبَرْجَدٍ وَ أُمَّا السَّابِعَةَ وَ
العِشْرُونَ فَعَمِّي حَمْزَةٌ سَيِّدُ الشُّهَدَاءِ فِي الْجَنَّةِ
وَ أُمَّا التَّمَانِيَةَ وَ العِشْرُونَ فَإِنَّ رَسُولَ

اللَّهُ ﷻ قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَعَدَنِي فِيكَ
 وَعَدَا لَنْ يُخْلِفَهُ جَعَلَنِي نَبِيًّا وَ جَعَلَكَ وَصِيًّا وَ
 سَتَلَقِي مِنْ أُمَّتِي مِنْ بَعْدِي مَا لَقِيَ مُوسَى مِنْ
 فِرْعَوْنَ فَاصْبِرْ وَ احْتَسِبْ حَتَّى تَلْقَانِي فَأَوَالِي
 مَنْ وَالَاكَ وَ أَعَادِي مَنْ عَادَاكَ وَ أَمَّا التَّاسِعَةُ
 وَ الْعِشْرُونَ فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ يَا
 عَلِيُّ أَنْتَ صَاحِبُ الْحَوْضِ لَا يَمْلِكُهُ غَيْرُكَ وَ
 سَيَاتِيكَ قَوْمٌ فَيَسْتَسْقُونَكَ فَتَقُولُ لَا وَ لَا مِثْلَ
 ذَرَّةٍ فَيَنْصَرِفُونَ مُسَوَّدَةً وَجُوهُهُمْ وَ سَتَرْدُ عَلَيْكَ
 شَيْعَتِي وَ شَيْعَتِكَ فَتَقُولُ رُؤُؤَا رِوَاءَ مُرَوِّينَ
 فَيُرَوُّونَ مُبَيِّضَةً وَجُوهُهُمْ وَ أَمَّا الثَّلَاثُونَ فَإِنِّي
 سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ يُحْشَرُ أُمَّتِي يَوْمَ
 الْقِيَامَةِ عَلَى خَمْسِ رَايَاتٍ فَأَوَّلُ رَايَةٍ تَرِدُ
 عَلَيَّ رَايَةُ فِرْعَوْنَ هَذِهِ الْأُمَّةُ وَ هُوَ مُعَاوِيَةُ وَ
 الثَّانِيَةُ مَعَ سَامِرِيِّ هَذِهِ الْأُمَّةُ وَ هُوَ عَمْرُو بْنُ
 الْعَاصِ وَ الثَّلَاثَةُ مَعَ جَاثَلِيْقِ هَذِهِ الْأُمَّةُ وَ
 هُوَ أَبُو مُوسَى الْأَشْعَرِيُّ وَ الرَّابِعَةُ مَعَ أَبِي
 الْأَعْوَرِ السُّلَمِيِّ وَ أَمَّا الْخَامِسَةُ فَمَعَكَ يَا عَلِيُّ
 تَحْتَهَا الْمُؤْمِنُونَ وَ أَنْتَ إِمَامُهُمْ ثُمَّ يَقُولُ اللَّهُ
 تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لِلْأَرْبَعَةِ ارْجِعُوا وَرَاءَكُمْ
 فَالْتَمِسُوا نُورًا فَضْرَبَ بَيْنَهُمْ بِسُورٍ لَهُ بَابٌ
 بَاطِنُهُ فِيهِ الرَّحْمَةُ وَ هُمْ شَيْعَتِي وَ مَنْ وَالَانِي
 وَ قَاتَلَ مَعِيَ الْفِئْتَةَ الْبَاغِيَّةَ وَ النَّاكِبَةَ عَنِ
 الصِّرَاطِ وَ بَابُ الرَّحْمَةِ وَ هُمْ شَيْعَتِي فَيُنَادِي
 هَؤُلَاءِ أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ قَالُوا بَلَى وَ لَكِنَّا كُنَّا
 فَتَنَّاكُمْ أَنْفُسَكُمْ وَ تَرَبَّصْنَاكُمْ وَ ارْتَبْنَاكُمْ وَ غَرَّكُمْ
 الْأَمَانِي حَتَّى جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ وَ غَرَّكُمْ بِاللَّهِ الْعُرُورُ
 فَالْيَوْمَ لَا يُؤْخَذُ مِنْكُمْ فِدْيَةٌ وَ لَا مِنَ الَّذِينَ
 كَفَرُوا مَا وَأَكُمُ النَّارُ هِيَ مَوْلَاكُمْ وَ بِيئْسَ
 الْمَصِيرُ ثُمَّ تَرِدُ أُمَّتِي وَ شَيْعَتِي فَيُرَوُّونَ مِنْ
 حَوْضِ مُحَمَّدٍ ﷺ وَ بِيَدِي عَصَا عَوْسَجٍ أَطْرُدُ بِهَا
 أَعْدَائِي طَرْدَ غَرِيبَةِ الْإِبِلِ وَ أَمَّا الْحَادِيَةُ وَ
 الثَّلَاثُونَ فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ لَوْ لَا
 أَنْ يَقُولَ فِيكَ الْغَالُونَ مِنْ أُمَّتِي مَا قَالَتْ
 النَّصَارَى فِي عَيْسَى ابْنِ مَرْيَمَ لَقُلْتُ فِيكَ قَوْلًا
 لَا تَمُرُّ بِمَلَأٍ مِنَ النَّاسِ إِلَّا أَخَذُوا الثَّرَابَ مِنْ

تَحْتَ قَدَمَيْكَ يَسْتَشْفُونَ بِهِ وَ أَمَّا الثَّانِيَّةُ وَ
الثَّلَاثُونَ فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ إِنَّ اللَّهَ
تَبَارَكَ وَ تَعَالَى نَصَرَنِي بِالرُّعْبِ فَسَأَلْتُهُ أَنْ
يَنْصُرَكَ بِمِثْلِهِ فَجَعَلَ لَكَ مِنْ ذَلِكَ مِثْلَ الَّذِي
جَعَلَ لِي وَ أَمَّا الثَّالِثَةُ وَ الثَّلَاثُونَ فَإِنَّ
رَسُولَ اللَّهِ ﷺ التَّقَمَ أُذُنِي وَ عَلَّمَنِي مَا كَانَ وَ
مَا يَكُونُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ فَسَأَقِي اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ
ذَلِكَ إِلَيَّ عَلَى لِسَانِ نَبِيِّهِ ﷺ وَ أَمَّا الرَّابِعَةُ
وَ الثَّلَاثُونَ فَإِنَّ النَّصَارَى ادَّعَوْا أَمْرًا فَأَنْزَلَ
اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِيهِ فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا
جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ
أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ
أَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى
الْكَاذِبِينَ فَكَانَتْ نَفْسِي نَفْسَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ
النِّسَاءِ فَاطِمَةَ عليها السلام وَ الْأَبْنَاءِ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ
ثُمَّ نَدِمَ الْقَوْمُ فَسَأَلُوا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ الْأَعْقَاءَ
فَأَعْفَاهُمْ وَ الَّذِي أَنْزَلَ التَّوْرَةَ عَلَى مُوسَى وَ
الْفُرْقَانَ عَلَى مُحَمَّدٍ ﷺ لَوْ بَاهَلُونَا لَمْسُخُوا
قِرْدَةً وَ حَنَازِيرَ وَ أَمَّا الْخَامِسَةُ وَ الثَّلَاثُونَ
فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ وَجَّهَنِي يَوْمَ بَدْرٍ فَقَالَ ابْتِنِي
بِكَفِّ حَصِيَّاتٍ مَجْمُوعَةٍ فِي مَكَانٍ وَاحِدٍ فَأَخَذْتُهَا
ثُمَّ شَمِمْتُهَا فَإِذَا هِيَ طَيِّبَةٌ تَفُوحُ مِنْهَا رَائِحَةُ
الْمِسْكِ فَاتَيْتُهُ بِهَا فَرَمَيْ بِهَا وَجُوهَ
الْمُشْرِكِينَ وَ تِلْكَ الْحَصِيَّاتُ أَرْبَعٌ مِنْهَا كُنَّ مِنَ
الْفِرْدَوْسِ وَ حَصَاةٌ مِنَ الْمَشْرِقِ وَ حَصَاةٌ مِنَ
الْمَغْرِبِ وَ حَصَاةٌ مِنَ تَحْتِ الْعَرْشِ مَعَ كُلِّ حَصَاةٍ
مِائَةٌ أَلْفٍ مَلِكٍ مَدَدًا لَنَا لَمْ يُكْرِمُ اللَّهَ عَزَّ وَ
جَلَّ بِهَذِهِ الْفَضِيلَةَ أَحَدًا قَبْلُ وَ لَا بَعْدُ وَ أَمَّا
السَّادِسَةُ وَ الثَّلَاثُونَ فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ
يَقُولُ وَيْلٌ لِقَاتِلِكَ إِنَّهُ أَشَقَى مِنْ ثَمُودَ وَ مِنْ
عَاقِرِ النَّاقَةِ وَ إِنَّ عَرْشَ الرَّحْمَنِ لِيَهْتَرُ
لِقَتْلِكَ فَأَبْشُرْ يَا عَلِيُّ فَإِنَّكَ فِي زُمْرَةِ
الصَّادِقِينَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ وَ أَمَّا
السَّابِعَةُ وَ الثَّلَاثُونَ فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى
قَدْ خَصَّنِي مِنْ بَيْنِ أَصْحَابِ مُحَمَّدٍ ﷺ بِعِلْمِ
النَّاسِخِ وَ الْمَنْسُوحِ وَ الْمُحْكَمِ وَ الْمُتَشَابِهِ وَ

الْخَاصِّ وَالْعَامِّ وَ ذَلِكَ مِمَّا مَنَّ اللَّهُ بِهِ عَلَيَّ وَ
 عَلَيَّ رَسُولِهِ وَ قَالَ لِي الرَّسُولُ ﷺ يَا عَلِيُّ إِنَّ
 اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَمَرَنِي أَنْ أَدْنِيكَ وَ لَا أَقْصِيكَ وَ
 أَعْلَمَكَ وَ لَا أَجْفُوكَ وَ حَقُّ عَلَيَّ أَنْ أُطِيعَ رَبِّي وَ
 حَقُّ عَلَيَّ أَنْ تُعَيَّ وَ أَمَّا الثَّامِنَةُ وَ الثَّلَاثُونَ
 فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ بَعَثَنِي بَعْثًا وَ دَعَا لِي
 بِدَعَوَاتٍ وَ أَطْلَعَنِي عَلَيَّ مَا يَجْرِي بَعْدَهُ فَحَزِنَ
 لِذَلِكَ بَعْضُ أَصْحَابِهِ قَالَ لَوْ قَدَرَ مُحَمَّدٌ أَنْ
 يَجْعَلَ ابْنَ عَمِّهِ نَبِيًّا لَجَعَلَهُ فَشَرَّفَنِي اللَّهُ عَزَّ وَ
 جَلَّ بِالْإِطْلَاعِ عَلَيَّ ذَلِكَ عَلَيَّ لِسَانَ نَبِيِّهِ ﷺ وَ
 أَمَّا التَّاسِعَةُ وَ الثَّلَاثُونَ فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ
 اللَّهِ ﷺ يَقُولُ كَذَبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ يُحِبُّنِي وَ يُبْغِضُ
 عَلِيًّا لَا يَجْتَمِعُ حُبِّي وَ حُبُّهُ إِلَّا فِي قَلْبِ مُؤْمِنٍ
 إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ جَعَلَ أَهْلَ حُبِّي وَ حُبِّكَ يَا عَلِيُّ
 فِي أَوَّلِ زُمْرَةِ السَّابِقِينَ إِلَى الْجَنَّةِ وَ جَعَلَ
 أَهْلَ بُغْضِي وَ بُغْضِكَ فِي أَوَّلِ زُمْرَةِ الضَّالِّينَ مِنْ
 أُمَّتِي إِلَى النَّارِ وَ أَمَّا الْأَرْبَعُونَ فَإِنَّ رَسُولَ
 اللَّهِ ﷺ وَجَّهَنِي فِي بَعْضِ الْعَزَوَاتِ إِلَى رَكِيٍّ فَإِذَا
 لَيْسَ فِيهِ مَاءٌ فَرَجَعْتُ إِلَيْهِ فَأَخْبَرْتُهُ فَقَالَ أ
 فِيهِ طِينٌ قُلْتُ نَعَمْ فَقَالَ انْتِنِي مِنْهُ فَأَتَيْتُ
 مِنْهُ بَطِينٍ فَتَكَلَّمْتُ فِيهِ ثُمَّ قَالَ أَلْقِهِ فِي
 الرُّكِيِّ فَأَلْقَيْتُهُ فَإِذَا الْمَاءُ قَدْ نَبَعَ حَتَّى
 امْتَلَأَ جَوَانِبَ الرُّكِيِّ فَجِئْتُ إِلَيْهِ فَأَخْبَرْتُهُ
 فَقَالَ لِي وَفَّقْتَ يَا عَلِيُّ وَ بِيْرَكَّتِكَ نَبَعَ الْمَاءُ
 فَهَذِهِ

الْمُنْقَبَةُ خَاصَّةٌ بِي مِنْ دُونِ أَصْحَابِ
 النَّبِيِّ ﷺ وَ أَمَّا الْحَادِيَةُ وَ الْأَرْبَعُونَ فَإِنِّي
 سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ أَبْشِرْ يَا عَلِيُّ فَإِنَّ
 جَبْرئِيلَ أَتَانِي فَقَالَ لِي يَا مُحَمَّدُ إِنَّ اللَّهَ
 تَبَارَكَ وَ تَعَالَى نَظَرَ إِلَى أَصْحَابِكَ فَوَجَدَ ابْنَ
 عَمِّكَ وَ خَتَنَكَ عَلَيَّ ابْنَتِكَ فَاطِمَةَ خَيْرَ أَصْحَابِكَ
 فَجَعَلَهُ وَصِيكَ وَ الْمُؤَدِّيَ عَنكَ وَ أَمَّا الثَّانِيَةُ
 وَ الْأَرْبَعُونَ فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ أَبْشِرْ
 يَا عَلِيُّ فَإِنَّ مَنزِلَكَ فِي الْجَنَّةِ مُوَاجِهٌ مَنزِلِي
 وَ أَنْتَ مَعِي فِي الرَّفِيقِ الْأَعْلَى فِي أَعْلَى
 عِلِّيِّينَ قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ وَ مَا أَعْلَى عِلِّيُّونَ

فَقَالَ قُبَّةٌ مِنْ دُرَّةٍ بَيْضَاءَ لَهَا سَبْعُونَ أَلْفَ
مِضْرَاعٍ مَسْكَنٌ لِي وَ لَكَ يَا عَلِيُّ وَ أَمَّا
الثَّالِثَةُ وَ الْأَرْبَعُونَ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ إِنَّ
اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ رَسَخَ حُبِّي فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ وَ
كَذَلِكَ رَسَخَ حُبُّكَ يَا عَلِيُّ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ وَ
رَسَخَ بُغْضِي وَ بُغْضُكَ فِي قُلُوبِ الْمُنَافِقِينَ فَلَا
يُحِبُّكَ إِلَّا مُؤْمِنٌ تَقِيٌّ وَ لَا يُبْغِضُكَ إِلَّا مُنَافِقٌ
كَافِرٌ وَ أَمَّا الرَّابِعَةُ وَ الْأَرْبَعُونَ فَأِنِّي سَمِعْتُ
رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ لَنْ يُبْغِضَكَ مِنَ الْعَرَبِ إِلَّا
دَعِيٌّ وَ لَا مِنَ الْعَجَمِ إِلَّا شَقِيٌّ وَ لَا مِنَ النِّسَاءِ
إِلَّا سَلْقَلِيَّةٌ وَ أَمَّا الْخَامِسَةُ وَ الْأَرْبَعُونَ فَإِنَّ
رَسُولَ اللَّهِ ﷺ دَعَانِي وَ أَنَا رَمِدُ الْعَيْنِ فَتَفَلَّ
فِي عَيْنِي وَ قَالَ اللَّهُمَّ اجْعَلْ حَرَّهَا فِي بَرِّهَا
وَ بَرِّهَا فِي حَرِّهَا فَوَاللَّهِ مَا اشْتَكَّتْ عَيْنِي إِلَيَّ
هَذِهِ السَّاعَةَ وَ أَمَّا السَّادِسَةُ وَ الْأَرْبَعُونَ فَإِنَّ
رَسُولَ اللَّهِ ﷺ أَمَرَ أَصْحَابَهُ وَ عُمُومَتَهُ بِسَدِّ
الْأَبْوَابِ وَ فَتَحَ بَابِي بِأَمْرِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَلَيْسَ
لِأَحَدٍ مَنَقَبَةٌ مِثْلُ مَنَقَبَتِي وَ أَمَّا السَّابِعَةُ وَ
الْأَرْبَعُونَ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ أَمَرَنِي فِي وَصِيَّتِهِ
بِقَضَاءِ دِيُونِهِ وَ عِدَاتِهِ فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَدْ
عَلِمْتُ أَنَّهُ لَيْسَ عِنْدِي مَالٌ فَقَالَ سَيُعِينُكَ اللَّهُ
فَمَا أَرَدْتُ أَمْرًا مِنْ قَضَاءِ دِيُونِهِ وَ عِدَاتِهِ إِلَّا
يَسَّرَهُ اللَّهُ لِي حَتَّى قَضَيْتُ دِيُونَهُ وَ عِدَاتِهِ وَ
أَحْصَيْتُ ذَلِكَ فَبَلَغَ ثَمَانِينَ أَلْفًا وَ بَقِيَ بَقِيَّةٌ
أَوْصَيْتُ الْحَسَنَ أَنْ يَقْضِيَهَا وَ أَمَّا الثَّامِنَةُ وَ
الْأَرْبَعُونَ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ أَتَانِي فِي مَنْزِلِي وَ
لَمْ يَكُنْ طَعِمْنَا مِنْذُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فَقَالَ يَا عَلِيُّ
هَلْ عِنْدَكَ مِنْ شَيْءٍ فَقُلْتُ وَ الَّذِي أَكْرَمَكَ
بِالْكَرَامَةِ وَ اصْطَفَاكَ بِالرَّسَالَةِ مَا طَعِمْتُ وَ
زَوْجَتِي وَ ابْنَيَّ مِنْذُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فَقَالَ
النَّبِيُّ ﷺ يَا فَاطِمَةُ ادْخُلِي الْبَيْتَ وَ انظُرِي
هَلْ تَجِدِينَ شَيْئًا فَقَالَتْ خَرَجْتُ السَّاعَةَ فَقُلْتُ
يَا رَسُولَ اللَّهِ أَدْخُلْهُ أَنَا فَقَالَ ادْخُلِي بِاسْمِ اللَّهِ
فَدَخَلْتُ فَإِذَا أَنَا بِطَبَقٍ مَوْضُوعٍ عَلَيْهِ رُطْبٌ مِنْ
تَمْرٍ وَ جَفْنَةٌ مِنْ ثَرِيدٍ فَحَمَلْتُهَا إِلَيَّ رَسُولِ
اللَّهِ ﷺ فَقَالَ يَا عَلِيُّ رَأَيْتِ الرَّسُولَ الَّذِي حَمَلَ

هَذَا الطَّعَامَ فَقُلْتُ نَعَمْ فَقَالَ صِفْهُ لِي فَقُلْتُ
مِنْ بَيْنِ أَحْمَرَ وَ أَخْضَرَ وَ أَصْفَرَ فَقَالَ تِلْكَ خِطُّ
«خُطُوطٌ جَنَاحِ جَبْرَائِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مُكَلَّلَةٌ بِالذُّرِّ وَ
الْيَاقُوتِ فَأَكَلْنَا مِنَ الثَّرِيدِ حَتَّى شَبِعْنَا فَمَا
رُئِيَ إِلَّا خَدُّشُ أَيْدِينَا وَ أَصَابِعُنَا فَخَصَّنِي اللَّهُ عَزَّ
وَ جَلَّ بِذَلِكَ مِنْ بَيْنِ أَصْحَابِهِ وَ أَمَّا التَّاسِعَةُ
وَ الْأَرْبَعُونَ فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى خَصَّ
نَبِيَّهُ ﷺ بِالنُّبُوءَةِ وَ خَصَّنِي النَّبِيُّ ﷺ بِالْوَصِيَّةِ
فَمَنْ أَحَبَّنِي فَهُوَ سَعِيدٌ يُحْشَرُ فِي زُمْرَةِ
الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ أَمَّا الْخَمْسُونَ فَإِنَّ رَسُولَ
اللَّهِ ﷺ بَعَثَ بَبْرَاءَةَ مَعَ أَبِي بَكْرٍ فَلَمَّا مَضَى
أَتَى جَبْرَائِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ لَا يُودَى عَنْكَ
إِلَّا أَنْتَ أَوْ رَجُلٌ مِنْكَ فَوَجَّهَنِي عَلَي نَاقَتِهِ
الْعَضْبَاءِ فَلَجَفَّتْهُ بِيذِي الْخَلِيفَةَ فَأَخَذْتُهَا مِنْهُ
فَخَصَّنِي اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِذَلِكَ وَ أَمَّا الْحَادِيَةُ وَ
الْخَمْسُونَ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ أَقَامَنِي لِلنَّاسِ
كَافَّةً يَوْمَ غَدِيرِ خَمٍّ فَقَالَ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ
مَوْلَاهُ فَبُعْدًا وَ سُحْقًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ وَ أَمَّا
الثَّانِيَةُ وَ الْخَمْسُونَ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ يَا
عَلِيُّ أَلَا أَعَلَّمُكَ كَلِمَاتٍ عَلَّمَنِيهِنَّ جَبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ
فَقُلْتُ بَلَى قَالَ قُلْ يَا رَازِقَ الْمُقْلِينَ وَ يَا
رَاحِمَ الْمَسَاكِينَ وَ يَا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ وَ يَا
أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ وَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
أَرْحَمَنِي وَ ارزُقْنِي وَ أَمَّا الثَّلَاثَةُ وَ
الْخَمْسُونَ فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَنْ يَذْهَبَ
بِالدُّنْيَا حَتَّى يَقُومَ مِنَّا الْقَائِمُ يَقْتُلُ
مُبْغِضِينَ وَ لَا يَقْبَلُ الْجَزِيَّةَ وَ يَكْسِرُ الصَّلِيبَ
وَ الْأَصْنَامَ وَ يَضَعُ الْحَرْبَ أَوْزَارَهَا وَ يَدْعُو
إِلَى أَخْذِ الْمَالِ فَيَقْسِمُهُ بِالسُّوِيَّةِ وَ يَعْدِلُ فِي
الرَّعِيَّةِ وَ أَمَّا الرَّابِعَةُ وَ الْخَمْسُونَ فَإِنِّي
سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ يَا عَلِيُّ سَيَلَعَنَّكَ بَنُو
أُمِّيَّةٍ وَ يَرُدُّ عَلَيْهِمْ مَلِكٌ يَكُلُّ لَعْنَةَ أَلْفِ لَعْنَةٍ
فَإِذَا قَامَ الْقَائِمُ لَعَنَهُمْ أَرْبَعِينَ سَنَةً وَ أَمَّا
الْخَامِسَةُ وَ الْخَمْسُونَ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ لِي
سَيُفْتَنَنَّ فِيكَ طَوَائِفٌ مِنْ أُمَّتِي فَيَقُولُونَ إِنَّ
رَسُولَ اللَّهِ ﷺ لَمْ يُخَلَّفْ شَيْئًا فِيمَا ذَا أَوْصَى

عَلِيًّا أَوْ لَيْسَ كِتَابُ رَبِّي أَفْضَلَ الْأَشْيَاءِ بَعْدَ
اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ لَئِنْ لَمْ
تَجْمَعُهُ بِإِتْقَانٍ لَمْ يُجْمَعْ أَبَدًا فَخَصَّنِي اللَّهُ عَزَّ وَ
جَلَّ بِذَلِكَ مِنْ دُونَ الصَّحَابَةِ وَالْأُمَّةِ السَّادِسَةِ وَالْ
خَمْسُونَ فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى خَصَّنِي بِمَا
خَصَّ بِهِ أَوْلِيَاءَهُ وَأَهْلَ طَاعَتِهِ وَجَعَلَنِي وَارِثَ
مُحَمَّدٍ ﷺ فَمَنْ سَاءَ هُ سَاءَ هُ وَمَنْ سَرَّهُ سَرَّهُ وَ
أَوْمَأَ بِيَدِهِ نَحْوَ الْمَدِينَةِ وَالْأُمَّةِ السَّابِعَةِ وَالْ
خَمْسُونَ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ فِي بَعْضِ
الْعَزَوَاتِ فَقَدَّ الْمَاءَ فَقَالَ لِي يَا عَلِيُّ قُمْ
إِلَى هَذِهِ الصَّخْرَةِ وَقُلْ أَنَا رَسُولُ رَسُولِ اللَّهِ
أَنْفَجِرِي لِي مَاءً فَوَاللَّهِ الَّذِي أَكْرَمَهُ بِالنَّبُوءَةِ
لَقَدْ أَبْلَغْتَهَا الرِّسَالَةَ فَاطَّلَعَ مِنْهَا مِثْلُ ثَدْيِي
الْبَقَرِ فَسَالَ مِنْ كُلِّ ثَدْيِي مِنْهَا مَاءٌ فَلَمَّا
رَأَيْتُ ذَلِكَ أَسْرَعْتُ إِلَى النَّبِيِّ ﷺ فَأَخْبَرْتُهُ
فَقَالَ انْطَلِقْ يَا عَلِيُّ فَخُذْ مِنَ الْمَاءِ وَجَاءَ
الْقَوْمُ حَتَّى مَلَأُوا قِرْبَتَهُمْ وَإِذَا وَاتِهِمْ وَ
سَقَوْا دَوَابَّهُمْ وَشَرِبُوا وَتَوَضَّأُوا فَخَصَّنِي اللَّهُ
عَزَّ وَجَلَّ بِذَلِكَ مِنْ دُونَ الصَّحَابَةِ وَالْأُمَّةِ
الثَّامِنَةِ وَالْخَمْسُونَ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ أَمَرَنِي
فِي بَعْضِ عَزَوَاتِهِ وَقَدْ نَفِدَ الْمَاءُ فَقَالَ يَا
عَلِيُّ ائْتِنِي بِتُورٍ فَأَتَيْتُهُ بِهِ فَوَضَعَ يَدَهُ
الْيُمْنَى وَيَدِي مَعَهَا فِي التُّورِ فَقَالَ انْبِغْ
فَتَبَّعَ الْمَاءُ مِنْ بَيْنِ أَصَابِعِنَا وَالْأُمَّةِ
التَّاسِعَةِ وَالْخَمْسُونَ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ وَجَّهَنِي إِلَى
خَيْبَرَ فَلَمَّا أَتَيْتُهُ وَجَدْتُ الْبَابَ مُغْلَقًا
فَرَعَزَعْتُهُ شَدِيدًا فَقَلَعْتُهُ وَرَمَيْتُ بِهِ أَرْبَعِينَ
خُطْوَةً فَدَخَلْتُ فَبَرَزَ إِلَيَّ مَرْحَبًا فَحَمَلَ عَلَيَّ وَ
حَمَلْتُ عَلَيْهِ وَسَقَيْتُ الْأَرْضَ مِنْ دَمِهِ وَقَدْ كَانَ
وَجْهَهُ رَجُلَيْنِ مِنَ أَصْحَابِهِ فَرَجَعَا مُنْكَسِفَيْنِ وَ
أُمَّةِ السُّنُونِ فَإِنِّي قَتَلْتُ عَمْرُو بْنَ عَبْدِ وَدٍّ وَ
كَانَ يُعَدُّ بِأَلْفِ رَجُلٍ وَالْأُمَّةِ الْحَادِيَةَ وَالْ
السُّنُونِ فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ يَا عَلِيُّ
مِثْلَكَ فِي أُمَّتِي مِثْلُ قَلْبِ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ فَمَنْ أَحَبَّكَ
بِقَلْبِهِ فَكَأَنَّمَا قَرَأَ ثَلَاثَ الْقُرْآنِ وَمَنْ أَحَبَّكَ
بِقَلْبِهِ وَاعَانَكَ بِلِسَانِهِ فَكَأَنَّمَا قَرَأَ ثَلَاثِي

الْقُرْآنَ وَ مَنْ أَحَبَّكَ بِقَلْبِهِ وَ أَعَانَكَ بِلِسَانِهِ
وَ نَصَرَكَ بِيَدِهِ فَكَأَنَّمَا قَرَأَ الْقُرْآنَ كُلَّهُ وَ
أَمَّا الثَّانِيَّةُ وَ السُّتُونَ فَإِنِّي كُنْتُ مَعَ رَسُولِ
اللَّهِ ﷺ فِي جَمِيعِ الْمَوَاطِنِ وَ الْحُرُوبِ وَ كَانَتْ
رَأْيَتُهُ مَعِيَ وَ أَمَّا الثَّلَاثَةُ وَ السُّتُونَ فَإِنِّي
لَمْ أَفِرَّ مِنَ الزَّحْفِ قَطُّ وَ لَمْ يُبَارِزْنِي أَحَدٌ إِلَّا
سَقَيْتُ الْأَرْضَ مِنْ دَمِيهِ وَ أَمَّا الرَّابِعَةُ وَ
السُّتُونَ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ أَتَى بِطَيْرٍ مَشُويٍّ مِنْ
الْجَنَّةِ فَدَعَا اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ يَدْخُلَ عَلَيْهِ أَحَدٌ
خَلَقَهُ إِلَيْهِ فَوَفَّقَنِي اللَّهُ لِدُخُولِ عَلَيْهِ حَتَّى
أَكَلْتُ مَعَهُ مِنْ ذَلِكَ الطَّيْرِ وَ أَمَّا الْخَامِسَةُ وَ
السُّتُونَ فَإِنِّي كُنْتُ أَصَلَّى فِي الْمَسْجِدِ فَجَاءَ
سَائِلٌ فَسَأَلَ وَ أَنَا رَاكِعٌ فَتَأَوَّلْتُهُ خَاتَمِي مِنْ
إِصْبَعِي فَأَنْزَلَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى فِيَّ إِنَّمَا
وَلِيُّكُمْ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ
يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ
رَاكِعُونَ وَ أَمَّا السَّادِسَةُ وَ السُّتُونَ فَإِنَّ اللَّهَ
تَبَارَكَ وَ تَعَالَى رَدَّ عَلَيَّ الشَّمْسَ مَرَّتَيْنِ وَ لَمْ
يَرُدَّهَا عَلَيَّ أَحَدٍ مِنْ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ ﷺ غَيْرِي وَ
أَمَّا السَّابِعَةُ وَ السُّتُونَ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ أَمَرَ
أَنْ أُدْعَى بِإِمْرَةِ الْمُؤْمِنِينَ فِي حَيَاتِهِ وَ بَعْدَ
مَوْتِهِ وَ لَمْ يُطَلِّقْ ذَلِكَ لِأَحَدٍ غَيْرِي وَ أَمَّا
الثَّامِنَةُ وَ السُّتُونَ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ يَا
عَلِيُّ إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ نَادَى مُنَادٍ مِنْ
بُطْنَانِ الْعَرْشِ أَيْنَ سَيِّدُ الْأَنْبِيَاءِ فَأَقُومُ ثُمَّ
يُنَادِي أَيْنَ سَيِّدُ الْأَوْصِيَاءِ فَتَقُومُ وَ يَأْتِينِي
رِضْوَانٌ بِمَفَاتِيحِ الْجَنَّةِ وَ يَأْتِينِي مَالِكٌ
بِمَقَالِيدِ النَّارِ فَيَقُولَانِ إِنَّ اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ
أَمَرْنَا أَنْ نَدْفَعَهَا إِلَيْكَ وَ نَأْمُرَكَ أَنْ تَدْفَعَهَا
إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فَتَكُونُ يَا عَلِيُّ قَسِيمَ
الْجَنَّةِ وَ النَّارِ وَ أَمَّا التَّاسِعَةُ وَ السُّتُونَ
فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ لَوْلَاكَ مَا عُرِفَ
الْمُنَافِقُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ أَمَّا السَّبْعُونَ
فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ نَامَ وَ نَوْمِي وَ زَوْجَتِي
فَاطِمَةُ وَ ابْنِي الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ أَلْقَى
عَلَيْنَا عَبَاءَةً قَطْوَانِيَّةً فَأَنْزَلَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ

تَعَالَىٰ فِينَا إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ
 الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا وَقَالَ
 جَبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَا مِنْكُمْ يَا مُحَمَّدُ فَكَانَ سَادِسُنَا
 جَبْرَائِيلَ ع

۱ - مکحول گوید: امیر المؤمنین علی بن
 ابی طالب عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: از اصحاب پیغمبر
 آنان که مطالب را نیکو بخاطر میسپارند
 میدانند که در میان آنان کسی نیست که
 دارای منقبتی باشد مگر اینکه من شریک او
 بوده‌ام و بر او برتری داشتم ولی هفتاد
 منقبت مرا است که هیچ یک از آنان را در
 آن شرکتی نیست.

عرض کردم یا امیر المؤمنین مرا از آن
 منقبت‌ها آگاه گردان فرمود: نخستین منقبت
 که مرا است اینست که یک چشم بهم زدن
 برای خدا شریک نگرفتم و لات و عزا را
 نپرستیده‌ام.

دوم اینکه هرگز می‌نیاشامیده‌ام.
 سوم اینکه رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مرا در کودکی
 از دامن پدرم برگرفت و من شریک نان و
 آب آن حضرت و مونس و هم صحبتش بودم.

چهارم اینکه من نخستین کسی هستم که
 ایمان آوردم و اسلام قبول کردم.

پنجم اینکه رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به من فرمود
 یا علی تو از من بجای هارون هستی از
 موسی جز اینکه پس از من پیغمبری نیست.

ششم اینکه من آخرین کسی بودم که از
 رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جدا شدم و او را در میان
 قبر سرازیر کردم.

هفتم اینکه رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مرا در بستر
 خود خوابانید هنگامی که بغار تشریف برد
 و رو انداز خود را به من پیچید که چون
 مشرکان آمدند مرا محمد پنداشتند پس مرا
 از خواب بیدار کردند و بیکدیگر گفتند
 اگر گریخته بود این (علی) هم با او فرار
 می‌کرد.

و اما هشتم اینکه رسول خدا ﷺ مرا هزار باب از دانش پیاموخت که از هر بابی هزار باب گشوده می‌شد و به جز من کسی را چنین چیزی نیاموخت.

و اما نهم اینکه رسول خدا ﷺ به من فرمود یا علی چون خدای عز و جل اولین و آخرین را محشور کند منبری که بالاتر از منبرهای همه پیغمبران است برای من نصب کند و منبری دیگر که بالاتر از منبر همه اوصیا است برای تو نصب کند و تو بالای آن منبر روی.

و اما دهم اینکه شنیدم رسول خدا ﷺ فرمود یا علی در قیامت چیزی به من داده نمیشود مگر آنکه مانند آن را برای تو در خواست کرده ام.

یازدهم اینکه شنیدم رسول خدا ﷺ میفرمود یا علی تو برادر من هستی و من برادر تو هستم و دست تو میان دست من خواهد بود تا داخل بهشت شوی و اما دوازدهم اینکه شنیدم رسول خدا ﷺ میفرمود یا علی مثل تو در میان امت من کشتی نوح است که هر که سوار آن شد نجات یافت و هر کس از آن بازماند غرق شد. و اما سیزدهم اینکه رسول خدا ﷺ عمامه خودش را با دست خود بر سر من نهاد و دعاهای پیروزی بر دشمنان خدا را در باره من کرد پس من باذن خدا آنها را شکست دادم.

و اما چهاردهم اینکه رسول خدا ﷺ بمن دستور فرمود که دست خود را بیستان گوسفندی که خشک شده بود بکشم عرض کردم یا رسول خدا ﷺ شما دست بکشید فرمود یا علی کار تو کار من است پس من دست خود را بر آن کشیدم شیرش جوشیدن گرفت جرعه‌ای از آن برسول خدا ﷺ دادم سپس پیرزنی آمد که از تشنگی شکایت داشت او را از شیر

سیراب کردم پس رسول خدا ﷺ فرمود همانا من از خدای عز و جل خواستم دست تو را مبارک گرداند و خدا نیز چنین کرد. و اما پانزدهم اینکه رسول خدا ﷺ بمن وصیت کرد و فرمود یا علی جز تو کسی نباید مرا غسل دهد و جز تو دیگری نباید کفن بر من بپیچد که اگر کسی جز تو همه جای بدن مرا ببیند دیده‌هایش از کاسه سر بیرون خواهد آمد عرض کردم یا رسول الله من چگونه بدن شما را (به تنهایی) پشت و رو کنم فرمود: تو کمک داده خواهی شد پس بخدا قسم هر عضوی از اعضای پیغمبر را که خواستم بگردانم آن عضو برای من من گردانده شد.

و اما شانزدهم اینکه چون خواستم بدن پیغمبر را برهنه کنم ندائی شنیدم که ای وصی پیغمبر او را برهنه مکن و در همان حال که پیراهن به تن دارد غسلش بده بآن خدائی که او را بپیغمبری گرامی داشت و برسالت مخصوص نمود قسم یاد می‌کنم که من از نفاق تا آن حضرت را ندیدم و خداوند مرا به این شرافت از میان اصحاب پیغمبر مخصوص گردانید.

و اما هفدهم اینکه خداوند فاطمه را همسر من نمود با اینکه ابو بکر و عمر از او خواستگاری کرده

بودند ولی خداوند از بالای هفت آسمان‌هایش او را بمن تزویج کرد پس رسول خدا ﷺ فرمود یا علی گوارایت باد که خدای عز و جل فاطمه بانوی زنان اهل بهشت را که پاره تن من است همسر تو کرد عرض کردم یا رسول الله مگر من از تو نیستم فرمود یا علی تو از من هستی و من از تو همچون دست راست من نسبت بدست چپم و من از تو در دنیا و آخرت بی‌نیاز نیستم.

و اما هیجدهم اینکه رسول خدا ﷺ بمن فرمود یا علی تو در آخرت پرچم حمد را بدست خواهی گرفت و تو بروز قیامت از همه خلایق بمن نزدیکتر می‌نشینی فرشی برای من و فرشی برای تو گسترده می‌شود که من در گروه پیغمبران و تو در گروه وصیان خواهی بود و بر سر تو تاج نور و افسر کرامت گذاشته می‌شود و هفتاد هزار فرشته گرداگرد تو هستند تا خدای عز و جل از حساب خلایق فارغ شود.

و اما نوزدهم اینکه رسول خدا ﷺ فرمود بزودی با ناکثان و قاسطان و مارقان خواهی جنگید هر کس از آنان که با تو بجنگد بعوض هر یک مرد صد هزار نفر از شیعیان خود را شفاعت خواهی نمود عرض کردم یا رسول الله ناکثان کیانند؟ فرمود طلحة و زبیر که در حجاز تو را بیعت خواهند نمود و در عراق آن بیعت را خواهند شکست چون چنین کنند با آن دو نفر جنگ کن که جنگ با آن دو سبب پاک شدن مردم روی زمین است عرض کردم قاسطان کیانند؟ فرمود معاویه و یارانش عرض کردم مارقان کیانند؟ فرمود یاران ذو الثدیة که از دین بیرون می‌روند همچون تیری که از کمان بیرون رود آنان را بکش که کشتن آنان سبب گشایشی است برای اهل زمین و عذاب زودرسی است برای مارقان و ذخیره ایست برای تو نزد خدای عز و جل در روز قیامت.

و اما بیستم اینکه شنیدم رسول خدا ﷺ به من فرمود مثل تو در امت من مثل دروازه حطه است در بنی اسرائیل هر کس بولایت تو داخل شد از همان دری وارد شده است که خدای عز و جل دستور فرموده است. و اما بیست و یکم اینکه شنیدم رسول خدا ﷺ بمن فرمود که من شهر علمم علیم

در است و هرگز به شهری جز از دروازه اش داخل نتوان شد سپس فرمود یا علی در آینده نزدیکی تو آنچه را که بر ذمه من است رعایت خواهی نمود و بر سنت من جنگ خواهی کرد و امت من با تو مخالفت خواهند نمود.

و اما بیست و دوم اینکه شنیدم رسول خدا ﷺ می فرمود که خدای تبارک و تعالی دو فرزند من حسن و حسین را از نوری که به تو و بفاطمه عنایت فرمود آفرید و آنان همچون دو گوشواره ای که بر دو گوش باشند لرزانند و نور آنان هفتاد هزار بار بنور شهیدان افزونی دارد یا علی همانا خدای عز و جل بمن وعده فرموده که آن دو را آنچنان گرامی بدارد که بجز پیامبران و مرسلین هیچ کس را آنچنان گرامی نداشته باشد.

و اما بیست و سوم اینکه رسول خدا ﷺ در حیات خود در حضور همه یاران و عموی من عباس که افتخار حضور داشت انگشتر خود و زره و کمر بندش را بمن عطا فرمود و شمشیرش را بر میان من بست پس خدای عز و جل مرا باین شرافت مخصوص گردانید نه آنان را.

و اما بیست و چهارم اینکه خدای عز و جل پیغمبر خودش آیه نازل فرمود:
ای کسانی که ایمان آورده اید چون خواستید با رسول خدا ﷺ محرمانه سخن بگوئید پیش از سخن محرمانه گفتن صدقه بدهید و من يك دينار داشتم آن را به ده درهم فروختم و هر وقت خواستم با رسول خدا ﷺ صحبت خصوصی بکنم پیش از آن يك درهم صدقه دادم بخدا قسم این کار مرا يك نفر از اصحاب پیغمبر نکرد نه پیش از من و نه بعد از من تا خدای عز و جل این آیه را فرستاد (آیا ترسیدید که پیش از نجوای

خود صدقه بدهید؟ حال که نکردید و خداوند توبه شما را پذیرفت) آیا توبه بجز از گناهی که سر زده است می‌شود؟

اما بیست و پنجم اینکه شنیدم که رسول خدا ﷺ می‌فرمود. بهشت بر انبیاء حرام است تا من در آن داخل شوم و بهشت بر اوصیاء حرام است تا تو در آن داخل شوی. یا علی همانا خدای تبارک و تعالی بشارتی مرا داده است که آن بشارت را به هیچ پیغمبری پیش از من نداده است و آن اینکه تو سرور اوصیائی و دو فرزند تو حسن و حسین دو سرور جوانان اهل بهشت‌اند در روز قیامت.

و اما بیست و ششم اینکه جعفر برادر من با فرشتگان در بهشت پرواز می‌کند و با دو بال از در و یاقوت و زبرجد آراسته است. و اما بیست و هفتم اینکه عمویم حمزه در بهشت سرور شهیدان است.

و اما بیست و هشتم اینکه رسول خدا ﷺ فرمود که خدای تبارک و تعالی وعده تخلف ناپذیر بمن داد که مرا پیغمبر قرار داد و ترا جانشین و پس از من در آینده نزدیکی از امت من همان خواهی دید که موسی از فرعون دید.

پس شکیبا باش و بحساب خدا منظور بدار تا مرا ملاقات کنی پس من دوستدار آن کس بشوم که ترا دوست بدارد و دشمن کسی گردم که با تو دشمن گردد.

و اما بیست و نهم اینکه شنیدم رسول خدا ﷺ می‌فرمود یا علی تو صاحب حوضی و جز تو کسی مالک او نخواهد بود و زود است که قومی نزد تو بیایند و از تو آب بخواهند پس تو بآنان بگوئی نه و نه یک ذره پس با روی سیاه باز گردند و زود است که شیعه من و تو بر تو وارد بشوند بآنان

بگوئی سیراب شوید سیراب‌شدنی کامل پس آنها با رویهای سفید سیراب شوند.

و اما سیام اینکه شنیدم رسول خدا ﷺ میفرمود امت من روز قیامت با پنج پرچم محشور میشوند.

اولین پرچمی که بر من وارد می‌شود فرعون این امت است که معاویه میباشد.

دومی بدست سامری این امت است که عمرو بن عاص باشد.

سومی بدست جاثلیق این امت است که ابو موسی اشعری باشد.

چهارمی بدست ابو الاعور سلمی است.

و اما پنجمی با تو است یا علی که مؤمنان همه در زیر آن پرچمند و تو پیشوایشان میباشی سپس خدای تبارک و تعالی بآن چهار نفر میگوید بعقب‌های خودتان برگردید و نوری درخواست کنید پس دیواری میان آنان کشیده می‌شود که دری ندارد اندرون آن رحمت است و آنان شیعه من میباشند و هر که مرا دوست بدارد و بهمراه من با گروه ستمگر و با همان افرادی که از صراط سرنگون میگردند بجنگد و در رحمت و آنان شیعیان منند.

پس اینان فریاد کنند مگر ما با شما نبودیم؟ گویند آری ولی شما خود را فریب دادید و به انتظار نشستید و شك و تردید نمودید و آرزوها شما را فریب داد تا فرمان خدا (مرگ) رسید و شیطان فریبنده شما را نسبت به خدا فریب داد.

پس امروز نه از شما عوضی دریافت می‌شود و نه از آنان که کافر شده‌اند جایگاه شما آتش است و همان پناه شماست و بد سرانجامی است سپس امت من و شیعه من وارد میشوند و از حوض محمد ﷺ سیراب میگردند و در دست من عصائی است از چوب عوسج که دشمنان خود را با آن از کنار

حوض میرانم همان طور که شتر ناشناس رانده می‌شود.

و اما سی و یکم شنیدم از رسول خدا ﷺ میفرمود اگر نبود اینکه غالیان از امت من می‌گویند در باره تو آنچه را که نصاری در باره عیسی بن مریم گفتند هر آینه سخنی در باره تو میگفتم که بهیچ اجتماعی از مردم نگذری مگر آنکه خاک زیر پایت را گرفته و از آن شفا می‌طلبیدند.

و اما سی و دوم اینکه شنیدم از رسول خدا ﷺ میفرمود خدای تبارک و تعالی مرا با ترسی که در دل دشمن انداخت یاری کرد و از خداوند خواستم که ترا بمانند آن یاری کند و این ترس را از تو نیز در دل دشمن قرار داد مانند همان که از من قرار داده بود.

و اما سی و سوم اینکه رسول خدا ﷺ دهان بر گوش من گذاشت و آنچه واقع شده و تا روز قیامت واقع خواهد شد بمن بیاموخت و خداوند این علم را از برای من بزبان پیغمبرش جاری کرد.

و اما سی و چهارم اینکه نصاری مدعی شدند که کاری انجام بدهند خدای عز و جل در این باره آیه فرستاد که هر کس پس از آنچه از دانش برای تو آمده در دین اسلام با تو ستیزه کند بگو بیائید تا پسران ما و پسران شما و زنان ما و زنان شما و نفس‌های ما و نفس‌های شما را دعوت میکنیم سپس مباحله میکنیم و لعنت خدا را بر دروغ‌گویان قرار میدهیم در آن جریان نفس من نفس رسول خدا ﷺ بود و مقصود از زنان فاطمة و از پسران حسن و حسین بود.

سپس گروه نصاری پشیمان شدند و از رسول خدا ﷺ خواستند که صرف نظر کند و او هم از آنان صرف نظر کرد و بحق آن کسی که تورات را بر موسی و قرآن را بر محمد

نازل کرد سوگند اگر با ما مباحله
می‌کردند بصورت میمونها و خوکها مسخ
میشدند.

و اما سی و پنجم اینکه رسول خدا
ﷺ روز جنگ بدر مرا فرستاد و فرمود يك
مشت از ریگهائی که در يك جا جمع شده
بیاور من آن ریگها را برداشتم و سپس
بوئیدم و متوجه شدم که خوش بو است و بوی
مشك از آن بلند است من آن ریگها را بنزد
رسول خدا ﷺ آوردم آن حضرت آنها را
بصورت مشترکین پرتاب کرد و از آن سنگ
ریزه ها چهار عدد از فردوس بود و يك
سنگریزه از مشرق و یکی از مغرب و یکی از
زیر عرش با هر سنگریزه ای صد هزار فرشته
بود که یار و یاور ما بودند خداوند با
این فضیلت هیچ کس را گرامی نداشته نه
پیش از این و نه بعد از این.

و اما سی و ششم اینکه شنیدم از رسول
خدا ﷺ میفرمود وای به کشنده تو که از
ثمود و پی‌کننده شتر ثمود شقی‌تر است و
همانا عرش خدای رحمان برای کشته شدن تو
خواهد لرزید.

پس بشارت باد ترا یا علی که تو در
شمار صدیقان و شهیدان و شایستگان هستی.
و اما سی و هفتم خدای تبارك و تعالی
مرا از میان اصحاب محمد مخصوص کرد که
علم ناسخ و منسوخ محکم و متشابه و خاص و
عام را به من عطا کرد.

و این از چیزهائی است که خداوند بر من
و پیغمبرش با عطا فرمود آن منت گذاشته و
پیغمبر بمن فرمود یا علی خدای عز و جل
بمن دستور فرموده که ترا بخودم نزدیک
کنم و از خود دور نکنم و ترا بیاموزم و
با تو جفا نکنم و بر من لازم است که
پروردگار خود را اطاعت کنم و بر تو لازم
است که آنچه فرا میگیری حفظ کنی. و اما

سی و هشتم رسول خدا ﷺ مرا جایی فرستاد و دعاهایی برای من کرد و مرا بر آنچه پس از آن حضرت واقع خواهد شد آگاه ساخت. بعضی از یاران حضرت از این افتخاری که نصیب من گردید اندوهناک شد و گفت اگر محمد میتوانست پسر عموی خود را پیغمبر کند مسلماً همین کار را می‌کرد و خدای عز و جل شرافت آگاهی از این جریان را بوسیله زبان پیغمبرش به من عطا فرمود. و اما سی و نهم اینکه شنیدم رسول خدا ﷺ میفرمود دروغ میگوید کسی که گمان میکند مرا دوست میدارد و علی را دشمن بدارد که دوستی من و دوستی او بجز در دل مؤمن با هم جمع نمیشود.

خدای عز و جل اهل محبت من و محبت ترا یا علی در افرادی که پیش از همه به بهشت داخل میشوند قرار داده و اهل دشمنی با من و دشمنی با ترا پیشاپیش افراد گمراهی که از امت من بآتش می‌روند قرار داده.

و اما چهلم اینکه رسول خدا ﷺ در یکی از جنگها مرا بر سر چاهی فرستاد و در آن چاه آبی نبود من بازگشتم و جریان را بعرض رساندم بمن فرمود آیا در آن چاه گل بود؟ عرض کردم بلی فرمود از آن گل برای من بیار پس من از آن چاه مقداری گل آوردم حضرت کلامی در آن فرمود.

سپس فرمود این گل را در میان چاه بینداز و من انداختم که ناگاه آب جوشیدن گرفت تا اطراف چاه پر شد.

پس آمدم و خبرش را بحضرت دادم بمن فرمود: موفق باشی یا علی که جوشیدن آب از برکت تو بود و این منقبت مخصوص من گردید نه اصحاب پیغمبر. و اما چهلم و یکم اینکه شنیدم رسول خدا ﷺ فرمود یا علی مژدهات باد که جبرئیل نزد من آمد و گفت یا محمد

خدای تبارک و تعالی به یاران تو نظر فرمود. پس پسر عموی تو و شوهر دخترت فاطمه را بهترین یاران تو یافت از این نظر او را جانشین تو و کسی که از جانب تو اداء نماید قرار داد.

و اما چهل و دوم اینکه شنیدم رسول خدا ﷺ می‌فرمود که یا علی مژده‌ات باد که خانه تو در بهشت روبروی خانه من است و تو در آسایشگاه برین و با من در بالاترین مقامات خواهی بود.

عرض کردم یا رسول الله بالاترین مقامات چیست؟ فرمود گنبدی است از در سفید که هفتاد هزار در دارد و جایگاه مخصوص من و تو یا علی میباشد.

و اما چهل و سوم رسول خدا ﷺ فرمود خدای عز و جل دوستی مرا بر دلهای مؤمنین جایگزین نموده و هم چنین دوستی ترا یا علی در دلهای مؤمنین جایگزین نموده و دشمنی مرا و دشمنی ترا در دلهای منافقین جایگزین کرده.

پس ترا بجز مرد با ایمان پرهیزگار دوست نمیدارد و بجز منافق کافر دشمن نمیدارد.

و اما چهل و چهارم اینکه شنیدم رسول خدا ﷺ فرمود هرگز ترا از عرب بجز زنازاده و از عجم بجز شقی و از زنان بجز سلقیة دشمن نمیدارد.

و اما چهل و پنجم اینکه رسول خدا ﷺ مرا خواست و من چشم درد داشتم پس آب دهان بر چشم من انداخت و فرمود بار الها در سرما گرمش بکن و در گرما خنکش فرما پس بخدا قسم چشم من تا این ساعت هرگز بدرد نیامده است.

و اما چهل و ششم اینکه رسول خدا ﷺ اصحاب و عموهایش را دستور داد تا درها را (که بمیان مسجد باز میشد)

ببندند و بنا بدستور خدای عز و جل در خانه مرا باز گذاشت و این چنین افتخار که مرا است هیچ کس را نیست.

و اما چهل و هفتم اینکه رسول خدا ﷺ در ضمن وصیتش بمن دستور داد که وعده‌ها و قرض‌هایش را بپردازم عرض کردم یا رسول الله خودتان میدانید که مرا مالی نیست فرمود خداوند بهمین زودی ترا کمک خواهد نمود. پس هر يك از بدهکاری‌ها و وعده‌هایی را که آن حضرت داشت خواستم بپردازم خداوند بر من سهل فرمود تا اینکه همه بدهکاری‌ها و وعده‌های آن حضرت را پرداخت نمودم و چون همه را شماره کردم به هشتاد هزار رسید و مختصری باقی ماند که وصیت کردم به حسن رضی الله عنه تا آن را بپردازد.

و اما چهل و هشتم اینکه رسول خدا ﷺ بخانه ما تشریف آورد و سه روز بود که ما غذائی نخورده بودیم فرمود یا علی چیزی در نزد تو هست؟ عرض کردم بخدائی که ترا گرامی داشته و بی‌پنجه‌ری برگزیده خودم و همسرم و دو فرزندم سه روز است که چیزی نخورده‌ایم.

پس پیغمبر فرمود ای فاطمه بمیان اطاق برو و نگاه کن که چیزی می‌یابی؟

فاطمه عرض کرد الان از اطاق بیرون آمدم عرض کردم یا رسول الله من داخل شوم؟ فرمود بنام خدا داخل بشو پس من داخل شدم ناگاه طبقی دیدم که در آن خرمای تازه نهاده شده و کاسه‌ای آب‌گوشت بود.

پس من طبق را برداشتم و بنزد رسول خدا ﷺ آوردم فرمود یا علی فرستاده‌ای که این غذا را آورده بود دیدی؟ عرض کردم آری فرمود او را برای من توصیف کن عرض کردم:

رنگهای سرخ و سبز و زرد دیدم فرمود اینها خطهای پر جبرئیل بوده که با در و یاقوت جواهر نشان شده است پس ما از آن طعام خوردیم تا اینکه سیر شدیم و دستها و انگشتان ما هیچ آلودگی بغذا پیدا نکرد بطوری که تمام خطوط پوست دستها و انگشتانمان دیده میشد.

پس خداوند از میان اصحاب پیغمبر فقط مرا باین شرافت مخصوص فرمود.

و اما چهل و نهم اینکه خدای تبارک و تعالی پیغمبرش را بپیغمبری مخصوص فرمود و پیغمبر نیز مرا بجاننشینی مخصوص کرد پس کسی که مرا دوست بدارد او خوشبخت است و در گروه پیغمبران محشور خواهد شد.

و اما پنجاهم اینکه رسول خدا ﷺ سوره برائت را با ابی بکر فرستاد همین که او رفت جبرئیل آمد و عرض کرد یا محمد جز تو یا کسی که از تو باشد دیگری نمیتواند این سوره را برساند پس پیغمبر مرا که بر شتر مخصوص آن حضرت که عضباء نام داشت سوار بودم بسوی او فرستاد و من در ذوالحلیفة با او رسیدم و سوره را از او گرفتم پس خدای عز و جل فقط مرا باین فضیلت مخصوص کرد.

و اما پنجاه و یکم اینکه رسول خدا ﷺ در روز غدیر خم مرا در مقابل همه مردم بپا کرد و فرمود بهر که مولا منم علی است مولای او پس دوری از رحمت خدا و هلاکت شامل حال گروهی باد که ستمکار شدند.

و اما پنجاه و دوم اینکه رسول خدا ﷺ فرمود یا علی آیا کلماتی بتو نیاموزم که جبرئیل آنها را بمن آموخته؟ عرض کردم چرا فرمود بگو یا رازق المقلین و یا راحم المساکین و یا اسمع

السامعین و یا ابصر الناظرین و یا ارحم
الراحمین ارحمنی و ارزقنی.

(ای روزی دهنده بر همه تهی دستان و ای
دلسوز بر همه مسکینان ای شنواتر از همه
شنوندگان و ای بیناتر از همه نابینایان
و ای مهربانتر از همه مهربانان بمن رحم
کن و روزی مرا برسان).

و اما پنجاه و سوم اینکه خدای تبارک و
تعالی دنیا را از میان نمی‌برد تا اینکه
قائم ما خانواده قیام کند و دشمنان مرا
بکشد و جزیه نپذیرد و بتها را بشکند و
نتایج شوم جنگ پایان برسد و پایه دعوتش
برگرفتن مال باشد تا بطور مساوی تقسیم
کند و در میان رعیت بعدل و داد رفتار
نماید. و اما پنجاه و چهارم اینکه شنیدم
رسول خدا ﷺ میفرمود یا علی در آینده
نزدیکی بنی امیه ترا لعن خواهد کرد و
فرشته‌ای برای هر لعن هزار لعن بر خود
آنها برمیگرداند و چون حضرت قائم قیام
کند چهل سال لعن آنان را رواج دهد.

و اما پنجاه و پنجم اینکه رسول خدا
ﷺ بمن فرمود چند طایفه از امت در مورد
تو آزمایش خواهند شد خواهند گفت رسول
خدا ﷺ که چیزی بجا نگذاشته است علی ع
را برای چه کاری وصی خود کرده؟ مگر قرآن
پروردگار من پس از خدای عز و جل بهترین
چیزها نیست؟ بخدائی که مرا بر انگیخته
سوگند اگر تو قرآن را بطور اساسی جمع
آوری نکنی هرگز جمع نخواهد شد پس خدای
عز و جل مرا باین افتخار مخصوص کرد نه
دیگر اصحاب را.

و اما پنجاه و ششم اینکه خدای تبارک و
تعالی آنچه را که بدوستان خود و
فرمانبرانش مخصوص فرموده بود مرا نیز
بآن مخصوص کرد و مرا وارث محمد فرمود هر
که بد حالی او را می‌خواهد بخواهد و هر

که او را خوشحال میخواست بخواند و با دست بطرف مدینه اشاره فرمود. و اما پنجاه و هفتم اینکه رسول خدا ﷺ در یکی از جنگها بود که دچار بی‌آبی شد بمن فرمود یا علی برخیز و بسوی این سنگ برو و بگو من فرستاده رسول خدا ﷺ هستم از خود برای من آب بیرون بده پس قسم بخدائی که او را پیغمبری گرامی داشت من پیام را بآن سنگ رساندم و همچون پستان گاوی در آن پدید آمد و از هر سر پستانش آب روان شد چون این را دیدم بشتاب نزد پیغمبر آمدم و بحضرتش اطلاع دادم فرمود: یا علی برو از آن آب برگیر مردم هم آمدند و مشکها و ظرفهای خود را پر کردند و چهار پایانشان را سیراب نمودند و نوشیدند و وضو ساختند پس خدای عز و جل تنها مرا بدین فضیلت مخصوص کرد نه سایر اصحاب را.

و اما پنجاه و هشتم اینکه رسول خدا ﷺ در یکی از جنگها که آب تمام شده بود مرا دستور داد و فرمود: یا علی کاسه‌ای برای من بیاور من آوردم پس آن حضرت دست راست خود را با دست من بمیان آن کاسه گذاشت و فرمود بجوش پس آب از میان انگشتان ما جوشیدن گرفت.

و اما پنجاه و نهم اینکه رسول خدا ﷺ مرا بسوی خیبر فرستاد چون نزدیک شدم دیدم در خیبر بسته است آن را تکان سختی دادم و از جایش کندم و چهل گام بدور انداختم و داخل قلعه شدم مرحب بنزد من آمد او بمن حمله کرد و من با او و من زمین را از خون او سیراب کردم در صورتی که رسول خدا ﷺ دو نفر از اصحاب خود را پیش از من فرستاده بود و شکست خورده بازگشته بودند.

و اما شصتم اینکه من بودم که عمرو بن عبد ود را که با هزار مرد برابر بود کشتم.

و اما شصت و یکم اینکه شنیدم رسول خدا ﷺ میفرمود یا علی مثل تو در امت من مثل سوره قل هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ است پس هر کس تو را از دل دوست داشته باشد مانند این است که يك سوم قرآن را خوانده است و هر کس که تو را بدل دوست بدارد و بزبان یاری کند مانند این است که دو سوم قرآن را خوانده است و هر کس تو را بدلتش دوست بدارد و بزبانش تو را یاری کند و با دست تو را کمک نماید مانند این است که همه قرآن را خوانده است.

و اما شصت و دوم اینکه من در همه جا و همه جنگها بهمراه پیغمبر ﷺ بودم و پرچم آن حضرت بدست من بود.

و اما شصت و سوم اینکه من هرگز از میدان جنگ نگریختم و کسی با من نبرد نکرد مگر اینکه زمین را از خونس سیراب کردم.

و اما شصت و چهارم اینکه مرغی بریان از بهشت برای رسول خدا ﷺ آورده شد آن حضرت از خدای عز و جل خواست که دوست ترین خلق نزد او بنزد آن حضرت بیاید پس خداوند مرا توفیق داد که بنزد آن حضرت آمدم تا از آن مرغ بهمراه حضرت خوردم و اما شصت و پنجم اینکه من در مسجد نماز میخواندم که گدائی آمد و چیزی خواست و من در رکوع بودم انگشتر خود را از انگشتم در دست دسترس او قرار دادم خدای تبارک و تعالی این آیه را در باره من فرستاد (سوره مائده آیه ۵۵).

ولی شما فقط خدا است و پیغمبرش و آنان که ایمان آوردند و نماز میخوانند و در حال رکوع زکات میدهند).

و اما شصت و ششم اینکه خدای تبارک و تعالی دو بار آفتاب را برای من باز گردانید و بجز من برای هیچ کس از امت محمد آن را باز نگردانده است.

و اما شصت و هفتم اینکه رسول خدا ﷺ دستور فرمود که در حال حیاتش و بعد از وفاتش مرا بعنوان امیر المؤمنین بخوانند و هیچ کس را بجز من این نام داده نشد. و اما شصت و هشتم اینکه رسول خدا ﷺ فرمود: یا علی چون روز قیامت شود نداکننده ای از میان عرش ندا دهد: کجا است سید پیغمبران پس من برخیزم سپس ندا کند کجا است سید جانشینان پس تو برخیزی پس رضوان کلیدهای بهشت را نزد من آورد و مالک کلیدهای آتش را نزد من آورد و هر دو میگویند که خدای جل جلاله ما را دستور فرموده که این کلیدها را بتو بدهیم و بتو عرض کنیم که آنها را شما بعلی بن ابی طالب بدهی پس تو یا علی قسمتکننده بهشت و دوزخ خواهی شد.

و اما شصت و نهم اینکه شنیدم رسول خدا ﷺ میفرمود اگر تو نبودی منافقین از مؤمنین شناخته نمیشد.

و اما هفتادم اینکه رسول خدا ﷺ خود خوابید و مرا و همسرم فاطمه و دو فرزندم حسن و حسین را خوابانید و عبای قطوانی خود را بروی همگی کشید پس در باره ما این آیه نازل شد (سوره احزاب آیه ۳۳):

(همانا خداوند خواسته است که پلیدی را فقط از شما خاندان ببرد و شما را کاملاً پاک گرداند) جبرئیل عرض کرد یا محمد من هم از شما هستم پس نفر ششم ما جبرئیل گردید. ۲: مجاهد گوید هفتاد آیه در باره علی فرود آمد که هیچ کس در فضیلت آنها با او شریک نبود.

۲ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ
 الطَّالِقَانِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ
 الْعَزِيزِ بْنُ يَحْيَى الْجَلُودِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو
 حَامِدٍ الطَّالِقَانِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ الْعَزِيزِ بْنُ
 الْخَطَّابِ عَنْ تَلِيدِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ لَيْثِ عَنْ
 مُجَاهِدٍ قَالَ نَزَلَتْ فِي عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ سَبْعُونَ آيَةً مَا
 شَرِكُهُ فِي فَضْلِهَا أَحَدٌ
 ثواب من استغفر الله عز و جل فى الوتر
 سبعين مرة

ثواب کسی که در نماز وتر هفتاد بار استغفار کند

۳ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ يَحْيَى
 الْعَطَّارُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ
 مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَمْرِو
 بْنِ يَزِيدَ وَ لَا أَعْلَمُهُ إِلَّا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ
 قَالَ مَنْ قَالَ فِي وَتْرِهِ إِذَا أَوْتَرَ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ
 أَتُوبُ إِلَيْهِ سَبْعِينَ مَرَّةً وَ هُوَ قَائِمٌ فَوَاطِبَ
 عَلَى ذَلِكَ حَتَّى يَمْضِيَ لَهُ سَنَةٌ كَتَبَهُ اللَّهُ عِنْدَهُ مِنْ
 الْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ وَ وَجِبَتْ لَهُ الْمَغْفِرَةُ
 مِنْ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ

۳ - امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود کسی که به
 هنگام خواندن نماز وتر هفتاد مرتبه
 ایستاده بگوید استغفر الله و اتوب اليه و
 بر این کار مواظبت داشته باشد تا يك سال
 بگذرد در نزد خداوند از اشخاصی محسوب
 می‌شود که در سحرها استغفار کنند و از
 خداوند برای او آمرزش واجب گردد.

ثواب کسی که بعد از نماز صبح هفتاد مرتبه از خدای عز و جل آمرزش بطلبد

ثواب من استغفر الله عز و جل بعد صلاة الفجر سبعین مرة
٤ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوِيهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى بْنِ عِمْرَانَ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ السُّنْدِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ سَعِيدٍ عَنْ عَمْرٍو بْنِ سَهْلٍ عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ عَنْ جَابِرِ الْجُعْفِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ مَنْ اسْتَغْفَرَ اللَّهَ بَعْدَ صَلَاةِ الْفَجْرِ سَبْعِينَ مَرَّةً غَفَرَ اللَّهُ لَهُ وَ لَوْ عَمَلَ ذَلِكَ الْيَوْمَ سَبْعِينَ أَلْفَ ذَنْبٍ وَ مَنْ عَمَلَ أَكْثَرَ مِنْ سَبْعِينَ أَلْفَ ذَنْبٍ فَلَا خَيْرَ فِيهِ وَ فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى سَبْعُمِائَةَ ذَنْبٍ

٤ - امام باقر عليه السلام فرمود: کسی که بعد از نماز صبح هفتاد مرتبه استغفار کند خداوند او را بیامرزد اگر چه در آن روز هفتاد هزار گناه کرده باشد و کسی که از هفتاد هزار بیشتر گناه بکند خیری در او نیست و در روایتی دیگر هفتصد گناه است.

ثواب کسی که در هر روز از ماه شعبان هفتاد بار استغفار کند

ثواب من استغفر الله عز و جل كل يوم من شعبان سبعین مرة
٥ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي مُوسَى بْنُ جَعْفَرِ الْبَغْدَادِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جُمْهُورٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ مَنْ قَالَ فِي كُلِّ يَوْمٍ مِنْ شَعْبَانَ سَبْعِينَ مَرَّةً اسْتَغْفِرَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ كُتِبَ فِي الْأَفُقِ الْمُيِّنِ قَالَ قُلْتُ وَ مَا الْأَفُقُ

المُيِّنُ قَالَ قَاعٌ بَيْنَ يَدَيِ الْعَرْشِ فِيهَا
 أَنْهَارٌ تَطْرُدُ فِيهِ مِنَ الْقُدْحَانِ عَدَدَ النُّجُومِ
 ۵ - امام صادق عليه السلام فرمود: کسی که در هر
 روز از شعبان هفتاد بار بگوید استغفر
 الله الذي لا اله الا هو الرحمن الرحيم الحي
 القيوم و أتوب اليه در افق مبین نوشته
 می شود راوی گوید عرض کردم افق مبین
 چیست؟ فرمود: جلگه ای است است در مقابل
 عرش و در آن نهرهایی است که بعد
 ستارگان جام در آن ها ریخته شده است.

۶ - حَدَّثَنَا الْمُظْفَرُ بْنُ جَعْفَرِ بْنِ الْمُظْفَرِ
 الْعَلَوِيُّ السَّمَرْقَنْدِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ
 مُحَمَّدِ بْنِ مَسْعُودٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ
 الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ فَضَّالٍ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ
 الْوَلِيدِ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ هِلَالٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا
 الْحَسَنِ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرِّضَاءِ عليه السلام يَقُولُ مَنْ صَامَ
 مِنْ شَعْبَانَ يَوْمًا وَاحِدًا ابْتِغَاءً ثَوَابَ اللَّهِ دَخَلَ
 الْجَنَّةَ وَ مَنْ اسْتَغْفَرَ فِي كُلِّ يَوْمٍ مِنْ شَعْبَانَ
 سَبْعِينَ مَرَّةً حُسْرَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ فِي زُمْرَةِ رَسُولِ
 اللَّهِ صلى الله عليه وآله وسلم وَ وَجِبَتْ لَهُ مِنَ اللَّهِ الْكَرَامَةُ وَ مَنْ تَصَدَّقَ
 فِي شَعْبَانَ بِصَدَقَةٍ وَ لَوْ بِشِقِّ تَمْرَةٍ حَرَّمَ اللَّهُ
 جَسَدَهُ عَلَى النَّارِ وَ مَنْ صَامَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ مِنْ
 شَعْبَانَ وَ وَصَلَهَا مِنْ صِيَامِ شَهْرِ رَمَضَانَ كَتَبَ اللَّهُ
 لَهُ صَوْمَ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ

۶ - عباس بن هلال گوید: شنیدم از امام
 رضا که میفرمود کسی که يك روز از شعبان
 را بامید پاداش الهی روزه بدارد ببهشت
 داخل می شود و کسی که در هر روز از شعبان
 هفتاد مرتبه استغفار کند در روز قیامت
 در گروه رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم محشور می شود و از
 طرف خداوند بزرگداشت او واجب می گردد و
 کسی که در شعبان صدقه ای بدهد اگر چه
 نیمی از خرما باشد خداوند تن او را بر
 آتش حرام میکند و کسی که سه روز از
 شعبان را روزه بدارد و بماه رمضان پیوست

نماید خداوند برای او روزه دو ماه پی در پی مینویسد.

پرچم حمد هفتاد شقه دارد

لواء الحمد سبعون شقة

۷ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ أَحْمَدَ الْإِسْكِينِ الْقُمِّيَّ بِالرَّيِّ يَرْفَعُ الْحَدِيثَ إِلَيَّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ حَسَّانَ الْقَوْسِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ الْأَنْصَارِيُّ الْمَرْوَزِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عَبِيدُ اللَّهِ بْنُ عَبْدِ الْكَرِيمِ الرَّازِيُّ الْمَعْرُوفُ بِأَبِي زُرْعَةَ قَالَ حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ الْحَمِيدِ الْجَمَانِيُّ عَنْ لَيْثٍ عَنْ مُجَاهِدٍ

عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَتَانِي جِبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَهُوَ فَرِحٌ مُسْتَبْشِرٌ فَقُلْتُ حَيِّبِي جِبْرِئِيلُ مَعَ مَا أَنْتَ فِيهِ مِنَ الْفَرَحِ مَا مَنَزَلَهُ أَخِي وَابْنُ عَمِّي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عِنْدَ رَبِّهِ فَقَالَ وَالَّذِي بَعَثَكَ بِالنُّبُوَّةِ وَاصْطَفَاكَ بِالرَّسَالَةِ مَا هَبَطْتُ فِي وَقْتِي هَذَا إِلَّا لِهَذَا يَا مُحَمَّدُ اللَّهُ الْأَعْلَى يَقْرَأُ عَلَيْكُمَا السَّلَامَ وَ قَالَ مُحَمَّدُ نَبِيُّ رَحْمَتِي وَ عَلِيٌّ مُقِيمٌ حُجَّتِي لَا أَعْدَبُ مَنْ وَالَاهُ وَ إِنْ عَصَانِي وَ لَا أَرْحَمُ مَنْ عَادَاهُ وَ إِنْ أَطَاعَنِي قَالَ ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ يَأْتِينِي جِبْرِئِيلُ وَ مَعَهُ لَوَاءُ الْحَمْدِ وَ هُوَ سَبْعُونَ شِقَّةَ الشَّقَّةِ مِنْهُ أَوْسَعُ مِنَ الشَّمْسِ وَ الْقَمَرِ وَ أَنَا عَلِيٌّ كُرْسِيٌّ مِنْ كُرَاسِي الرِّضْوَانِ فَوْقَ مَنبَرٍ مِنْ مَنَابِرِ الْقُدْسِ فَآخُذْهُ وَ أَدْفَعْهُ إِلَيَّ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَوَثَبَ عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ كَيْفَ يُطِيقُ عَلِيُّ حَمْلَ اللِّوَاءِ وَ قَدْ ذَكَرْتَ أَنَّهُ سَبْعُونَ شِقَّةَ الشَّقَّةِ مِنْهُ أَوْسَعُ مِنَ الشَّمْسِ وَ الْقَمَرِ فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ يُعْطَى اللَّهُ عَلِيًّا مِنَ الْقُوَّةِ مِثْلَ قُوَّةِ جِبْرِئِيلَ وَ مِنَ النُّورِ مِثْلَ نُورِ آدَمَ وَ مِنَ الْجِلْمِ مِثْلَ جِلْمِ رِضْوَانَ وَ مِنَ الْجَمَالِ مِثْلَ

جَمَالٍ يُوسِفَ وَ مِنْ الصَّوْتِ مَا يُدَانِي صَوْتِ دَاوُدَ
 وَ لَوْ لَا أَنْ يَكُونَ دَاوُدَ حَاطِباً فِي الْجِنَانِ
 لِأَعْطِي مِثْلَ صَوْتِهِ وَ إِنْ عَلِيًّا أَوَّلُ مَنْ يَشْرَبُ مِنْ
 السَّلْسِيلِ وَ الزَّنَجِيلِ لَا يَجُوزُ لِعَلِيٍّ قَدَمٌ
 عَلَى الصَّرَاطِ إِلَّا وَ ثَبَّتَ لَهُ مَكَانَهَا أُخْرَى وَ
 إِنْ لِعَلِيٍّ وَ شَيْعَتِهِ مِنْ اللَّهِ مَكَاناً يَغِيظُهُ بِهِ
 الْأَوْلُونَ وَ الْأَحْزُونَ

۷ - رسول خدا ﷺ فرمود جبرئیل شادان و خندان نزد من آمد گفتم دوستم جبرئیل با اینکه این همه شاد هستی مقام برادرم و پسر عمم علی ابن ابی طالب در نزد پروردگارش چیست؟ گفت بآن خدائی که ترا پیغمبری برانگیخته و برسالت برگزیده در این وقت فرود نیامدم مگر برای همین مطلب ای محمد خداوند اعلا بشما دو نفر سلام میرساند و فرمود محمد پیغمبر رحمت من است و علی برپا دارنده حجت من کسی که او را دوست ندارد عذابش نکنم گرچه نافرمانی مرا بکند و کسی که او را دشمن ندارد گرچه فرمان مرا برد رحمش نکنم ابن عباس گوید سپس رسول خدا ﷺ فرمود چون روز قیامت شود جبرئیل نزد من آید و پرچم حمد با اوست و آن هفتاد شقه دارد که هر شقه اش از آفتاب و ماه پهنتر است و من بر یکی از کرسیهای رضوان بالای منبری از منبرهای قدس نشسته باشم پس من آن پرچم را گرفته و بعلی بن ابی طالب میسپارم.

عمر بن خطاب از جا بر جست و عرض کرد یا رسول الله شما فرمودید که آن پرچم هفتاد شقه دارد هر شقه اش از خورشید و ماه پهنتر است با این حال علی چگونه نیروی برداشتن آن پرچم را دارد؟ پیغمبر فرمود: چون روز قیامت شود خداوند بعلی نیروی جبرئیل را و نوری مانند نور آدم و حلمی هم چون بردباری رضوان و جمالی چون

زیبائی یوسف و صدائی نزدیک بصدای داود
 عطا می‌فرماید و اگر نه این بود که داود
 سخنگوی بهشت است مانند صدای داود را هم
 بعلی میداد و همانا علی نخستین کسی است
 که از نهر سلسبیل و زنجبیل می‌آشامد علی
 گامی بر صراط بر نمی‌دارد مگر اینکه بجای
 آن گام دیگرش پا برجا است و برآستی که
 برای علی و شیعیانش در نزد خداوند مقامی
 است که اولین و آخرین بر آن رشک برند.

ربا هفتاد جزء است

الربا سبعون جزءا

۸ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الشَّاهِ قَالَ
 حَدَّثَنَا أَبُو حَامِدٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو يَزِيدَ قَالَ
 حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ صَالِحِ التَّمِيمِيِّ عَنْ
 أَبِيهِ قَالَ حَدَّثَنَا أَنَسُ بْنُ مُحَمَّدٍ أَبُو مَالِكٍ عَنْ
 أَبِيهِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ
 عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ
 فِي وَصِيَّتِهِ لَهُ يَا عَلِيُّ الرَّبَا سَبْعُونَ جُزْءًا
 فَأَيْسَرُهَا مِثْلُ أَنْ يَنْكِحَ الرَّجُلُ أُمَّهُ فِي بَيْتِ اللَّهِ
 الْحَرَامِ يَا عَلِيُّ دَرَاهِمُ رَبًّا أَكْبَرُ مِنْ سَبْعِينَ
 زَنْيَةً كُلُّهَا بَدَأَتْ مَحْرَمٍ فِي بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ

۸ - رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در ضمن وصیتی بعلی بن
 ابی طالب فرمود یا علی ربا هفتاد جزء
 است آسانترین جزء اش مانند آن است که کسی
 با مادر خودش در خانه کعبه عمل جنسی
 انجام دهد یا علی یک درهم ربا از هفتاد
 زنا که شخص با محرم خود در بیت الله الحرام
 (خانه کعبه) بجا آورد بزرگتر است.

حدیث بنده‌ای که هفتاد خریف در آتش بماند

حدیث العبد الذی مکث فی النار سبعین
خریفا

۹ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ غَامِرٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ رِزْقٍ عَنْ يَحْيَى بْنِ أَبِي الْعَلَاءِ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ إِنَّ عَبْدًا مَكَثَ فِي النَّارِ سَبْعِينَ خَرِيفًا وَ الْخَرِيفُ سَبْعُونَ سَنَةً ثُمَّ إِنَّهُ سَأَلَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ إِلَّا رَحِمْتَنِي فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَى جِبْرِئِيلَ عليه السلام أَنَّهُ اهْبِطْ إِلَى عَبْدِي فَأَخْرِجْهُ قَالَ يَا رَبِّ وَ كَيْفَ لِي بِإِلْهَابِ فِي النَّارِ قَالَ إِنِّي قَدْ أَمَرْتُهَا أَنْ تَكُونَ عَلَيْكَ بَرْدًا وَ سَلَامًا قَالَ يَا رَبِّ فَمَا عَلِمِي بِمَوْضِعِهِ قَالَ إِنَّهُ فِي جُبٍّ مِنْ سَجِّينَ قَالَ فَهَبَّطَ فِي النَّارِ وَ هُوَ مَعْقُولٌ عَلَى وَجْهِهِ فَأَخْرَجَهُ فَقَالَ عَزَّ وَ جَلَّ يَا عَبْدِي كَمْ لَيْثَتْ تُنَاشِدُنِي فِي النَّارِ فَقَالَ مَا أَحْصَى يَا رَبِّ فَقَالَ أَمَا وَ عِزَّتِي لَوْ لَا مَا سَأَلْتَنِي بِهِ لِأَطَلْتُ هَوَانِكَ فِي النَّارِ وَ لَكِنَّهُ حَتَمٌ عَلَى نَفْسِي أَنْ لَا يَسْأَلَنِي عَبْدٌ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ إِلَّا غَفَرْتُ لَهُ مَا كَانَ بَيْنِي وَ بَيْنَهُ وَ قَدْ غَفَرْتُ لَكَ الْيَوْمَ

۹ - امام باقر عليه السلام فرمود: بنده‌ای هفتاد خریف در آتش بماند و هر خریف هفتاد سال است سپس از خدای عز و جل مسألت کرد که بحق محمد و خاندانش باو رحم کند پس خدای عز و جل بجبرئیل وحی فرمود که بنزد بنده من برو و او را بیرون بیاور عرض پروردگارا چگونه بمیان آتش بروم؟

فرمود. من بآتش دستور داده‌ام که بر تو سرد و سلامت باشد عرض کرد پروردگارا جای او را نمیدانم فرمود: او در چاهی از سجین است حضرت فرمود: جبرئیل بمیان آتش

رفت در حالی که روی خود راه بسته بود و او را بیرون آورد پس خدای عز و جل فرمود ای بنده من چه مدت در میان آتش ماندی و مرا سوگند میدادی؟ عرض کرد: پروردگارا شمارش نتوانم کرد فرمود بعزتم سوگند اگر بحق محمد و خاندانش مرا نخوانده بودی مدت عذاب و خواریت را در آتش طولانی تر میکردم ولی من بر خود لازم کرده ام که هیچ بنده ای مرا بحق محمد و خاندان او نخواند مگر اینکه هر گناهی که میان من و او است بیامرزم و من امروز گناه تو را آمرزیدم.

امت هفتاد دو فرقه خواهند شد

الامة تفترق على اثنتين و سبعين فرقة
 ۱۰ - حَدَّثَنَا أَبُو أَحْمَدَ مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ
 الْبُنْدَارِ الشَّافِعِيُّ بِفَرْغَانَةَ قَالَ حَدَّثَنَا
 مُجَاهِدُ بْنُ أَعْيَنَ بْنِ دَاوُدَ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ
 بْنُ الْفَضْلِ قَالَ حَدَّثَنَا ابْنُ لَهَيْعَةَ عَنْ سَعِيدِ
 بْنِ أَبِي هِلَالٍ عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ
 اللَّهِ ﷺ وَسَلَّمَ إِنَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ تَفَرَّقَتْ عَلَى عَيْسَى
 إِحْدَى وَ سَبْعِينَ فِرْقَةً فَهَلَكَ سَبْعُونَ فِرْقَةً وَ
 تَخَلَّصَ فِرْقَةً وَ إِنَّ أُمَّتِي سَتَفْتَرِقُ عَلَى اثْنَتَيْنِ
 وَ سَبْعِينَ فِرْقَةً يَهْلِكُ إِحْدَى وَ سَبْعُونَ وَ يَتَخَلَّصُ
 فِرْقَةً قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ مَنْ تِلْكَ الْفِرْقَةُ
 قَالَ الْجَمَاعَةُ الْجَمَاعَةُ الْجَمَاعَةُ

قَالَ مُصَنِّفُ هَذَا الْكِتَابِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ
 الْجَمَاعَةُ أَهْلُ الْحَقِّ وَ إِنَّ قَلُوبًا وَ قَدْ رُويَ عَنْ
 النَّبِيِّ ﷺ أَنَّهُ قَالَ قَالَ الْمُؤْمِنُ وَحْدَهُ حُجَّةٌ وَ
 الْمُؤْمِنُ وَحْدَهُ جَمَاعَةٌ

۱۰ - رسول خدا ﷺ فرمود: بنی اسرائیل بر دین عیسی هفتاد و یک فرقه شدند که هفتاد فرقه هلاک شدند و یک فرقه نجات یافت و برآستی که امت من بهمین زودی بهفتاد و دو فرقه متفرق خواهند شد که هفتاد و یک فرقه شان بهلاکت برسند و یک

فرقه‌شان به هلاکت برسند و يك فرقہ نجات يابد عرض کردند يا رسول الله آن يك فرقہ كيست؟ فرمود: جماعت، جماعت، جماعت (مصنف) اين كتاب رضی الله عنه گوید:

مقصود از جماعت اهل حق است هر چند اندك باشند كه از پيغمبر روايت شده است كه فرمود مؤمن بتنهائی حجت است و مؤمن بتنهائی جماعت است.

كسى كه روايت نموده كه امت هفتاد و سه فرقہ خواهد شد

من روى أن الأمة ستفترق على ثلاث و سبعين فرقة

١١ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ الْهَيْثَمِ الْعَجَلِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ أَحْمَدُ بْنُ يَحْيَى بْنِ زَكْرِيَّا الْقَطَّانُ قَالَ حَدَّثَنَا بَكْرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَبِيبٍ قَالَ حَدَّثَنَا تَمِيمُ بْنُ بُهْلُولٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو مُعَاوِيَةَ عَنِ سَلِيمَانَ بْنِ مَهْرَانَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وسلم يَقُولُ إِنَّ أُمَّةَ مُوسَى افْتَرَقَتْ بَعْدَهُ عَلَى إِحْدَى وَ سَبْعِينَ فِرْقَةً فِرْقَةٌ مِنْهَا نَاجِيَةٌ وَ سَبْعُونَ فِي النَّارِ وَ افْتَرَقَتْ أُمَّةَ عِيسَى عليه السلام بَعْدَهُ عَلَى اثْنَتَيْنِ وَ سَبْعِينَ فِرْقَةً فِرْقَةٌ مِنْهَا نَاجِيَةٌ وَ إِحْدَى وَ سَبْعُونَ فِي النَّارِ وَ عَلَى ثَلَاثٍ وَ سَبْعِينَ فِرْقَةً فِرْقَةٌ مِنْهَا نَاجِيَةٌ وَ اثْنَتَانِ وَ سَبْعُونَ فِي النَّارِ

١١ - امير المؤمنين عليه السلام فرمود: شنيدم رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم مي‌فرمود كه امت موسى پس از او هفتاد و يك فرقہ شد و يك فرقہ اش نجات يابنده و هفتاد فرقہ اش در آتشند و امت عيسى پس از او به هفتاد و دو دسته شده اند كه يك دسته نجات يابنده و هفتاد و يك دسته در آتشند و همانا امت من به

زودی پس از من هفتاد و سه گروه خواهند شد که يك گروه نجات یابنده و هفتاد و دو گروه در آتشند.

هفتاد و سه خصلت در آداب زنان و فرق میان احکام آنان و مردان

ثلاث و سبعون خصلة في آداب النساء و الفرق بين أحكامهن وأحكام الرجال
١٢ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْقَطَّانُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ زَكَرِيَّا الْبَصْرِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَمَّارَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ الْجُعْفِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ الْبَاقِرَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ لَيْسَ عَلَى النِّسَاءِ أَذَانٌ وَلَا إِقَامَةٌ وَلَا جُمُعَةٌ وَلَا جَمَاعَةٌ وَلَا عِيَادَةُ الْمَرِيضِ وَلَا اتِّبَاعُ الْجَنَائِزِ وَلَا إِجْهَارُ بِالتَّلْيِيَةِ وَلَا الْهَرَوَلَةُ بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ وَلَا اسْتِلَامُ الْحَجَرِ الْأَسْوَدِ وَلَا دُخُولُ الْكَعْبَةِ وَلَا الْحَلْقُ إِنَّمَا يُقَصِّرْنَ مِنْ شُعُورِهِنَّ وَلَا تَوَلَّى الْمَرْأَةُ الْقَضَاءَ وَلَا تَوَلَّى الْإِمَارَةَ وَلَا تُسْتَشَارُ وَلَا تَذْبَحُ إِلَّا مِنْ اضْطِرَارٍ وَتَبْدَأُ فِي الْوُضُوءِ بِبَاطِنِ الذَّرَاعِ وَالرَّجُلِ بِظَاهِرِهِ وَلَا تَمْسُحُ كَمَا يَمْسُحُ الرَّجَالُ بَلْ عَلَيْهَا أَنْ تُلْقِيَ الْخِمَارَ مِنْ مَوْضِعِ مَسْحِ رَأْسِهَا فِي صَلَاةِ الْعِدَاةِ وَالْمَغْرِبِ وَتَمْسُحَ عَلَيْهِ وَفِي سَائِرِ الصَّلَوَاتِ تُدْخِلُ إِصْبَعَهَا فَتَمْسُحُ عَلَى رَأْسِهَا مِنْ غَيْرِ أَنْ تُلْقِيَ عَنْهَا خِمَارَهَا فَإِذَا قَامَتْ فِي صَلَاتِهَا ضَمَّتْ رِجْلَيْهَا وَ

وَضَعَتْ يَدَيْهَا عَلَى صَدْرِهَا وَتَضَعُ يَدَيْهَا فِي رُكُوعِهَا عَلَى فَخْدَيْهَا وَتَجْلِسُ إِذَا أَرَادَتْ السُّجُودَ سَجَدَتْ لِاطْنَةِ بِالْأَرْضِ وَ إِذَا رَفَعَتْ رَأْسَهَا مِنَ السُّجُودِ جَلَسَتْ ثُمَّ نَهَضَتْ إِلَى الْقِيَامِ وَ إِذَا قَعَدَتْ لِلتَّشْهُدِ رَفَعَتْ رِجْلَيْهَا وَ ضَمَّتْ فَخْدَيْهَا وَ إِذَا سَبَّحَتْ عَقَدَتْ بِالْأَنَامِلِ لِأَنَّهُنَّ مَسْئُولَاتٌ وَ إِذَا كَانَتْ لَهَا إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ

حَلَّ حَاجَةً صَعِدَتْ فَوْقَ بَيْتِهَا وَ صَلَّى رَكَعَتَيْنِ وَ
 كَشَفَتْ رَأْسَهَا إِلَى السَّمَاءِ فَإِنَّهَا إِذَا فَعَلَتْ
 ذَلِكَ اسْتَجَابَ اللَّهُ لَهَا وَ لَمْ يُخَبِّهَا «يُخَبِّبُهَا وَ
 لَيْسَ عَلَيْهَا غُسْلُ الْجُمُعَةِ فِي السَّفَرِ وَ لَا يَجُوزُ
 لَهَا تَرْكُهُ فِي الْحَضَرِ وَ لَا يَجُوزُ شَهَادَةُ
 النِّسَاءِ فِي شَيْءٍ فِي الْخُدُودِ وَ لَا يَجُوزُ
 شَهَادَتُهُنَّ فِي الطَّلَاقِ وَ لَا فِي رُؤْيَةِ الْهَلَالِ وَ
 تَجُوزُ شَهَادَتُهُنَّ فِيمَا لَا يَحِلُّ لِلرَّجُلِ النَّظَرُ
 إِلَيْهِ وَ لَيْسَ لِلنِّسَاءِ مِنْ سَرَوَاتِ الطَّرِيقِ شَيْءٌ
 وَ لِهُنَّ جَنْبَتَاهُ وَ لَا يَجُوزُ لِهُنَّ نَزُولُ الْعُرْفِ وَ
 لَا تَعْلَمُ الْكِتَابَةَ وَ يُسْتَحَبُّ لِهِنَّ تَعْلَمُ الْمِغْزَلَ
 وَ سُورَةَ النُّورِ وَ يُكْرَهُ لِهِنَّ تَعْلَمُ سُورَةَ يُوسُفَ
 وَ إِذَا ارْتَدَّتِ الْمَرْأَةُ عَنِ الْإِسْلَامِ اسْتُثْبِتَتْ
 فَإِنْ تَابَتْ وَ إِلَّا خُلِدَتْ فِي السِّجْنِ وَ لَا تُقْتَلُ
 كَمَا يُقْتَلُ الرَّجُلُ إِذَا ارْتَدَّ وَ لَكِنَّهَا تُسْتَحْدَمُ
 خِدْمَةً شَدِيدَةً وَ تُمْنَعُ مِنَ الطَّعَامِ وَ الشَّرَابِ
 إِلَّا مَا تُمْسِكُ بِهِ نَفْسَهَا وَ لَا تُطْعَمُ إِلَّا جَشَبَ
 الطَّعَامِ وَ لَا تُكْسَى إِلَّا غَلِيظَ الثِّيَابِ وَ خَشِنَهَا
 وَ تُضْرَبُ عَلَى الصَّلَاةِ وَ الصِّيَامِ وَ لَا جِزْيَةَ عَلَى
 النِّسَاءِ وَ إِذَا حَضَرَ وِلَادَةُ الْمَرْأَةِ وَجَبَ إِخْرَاجُ
 مَنْ فِي الْبَيْتِ مِنَ النِّسَاءِ كَيْ لَا يَكُنْ أَوْلَ
 نَاطِرٍ إِلَى عَوْرَتِهَا وَ لَا يَجُوزُ لِلْمَرْأَةِ الْحَائِضِ
 وَ لَا الْجُنُبِ الْحُضُورُ عِنْدَ تَلْقِيَنِ الْمَيِّتِ لِأَنَّ
 الْمَلَائِكَةَ تَتَأَذَى بِهِمَا وَ لَا يَجُوزُ لَهُمَا إِدْخَالُ
 الْمَيِّتِ قَبْرَهُ وَ إِذَا قَامَتِ الْمَرْأَةُ مِنْ مَجْلِسِهَا
 فَلَا يَجُوزُ لِلرَّجُلِ أَنْ يَجْلِسَ فِيهِ حَتَّى يَبْرُدَ وَ
 جِهَادُ الْمَرْأَةِ حُسْنُ التَّبَعْلِ وَ أَعْظَمُ النَّاسِ
 حَقًّا عَلَيْهَا زَوْجُهَا وَ أَحَقُّ النَّاسِ بِالصَّلَاةِ
 عَلَيْهَا إِذَا مَاتَتْ زَوْجُهَا وَ لَا يَجُوزُ لِلْمَرْأَةِ
 أَنْ تَنْكُشَفَ بَيْنَ يَدَيِ الْيَهُودِيَّةِ وَ النَّصْرَانِيَّةِ
 لِأَنَّهُنَّ يَصِفْنَ ذَلِكَ لِأَزْوَاجِهِنَّ وَ لَا يَجُوزُ لَهَا أَنْ
 تَتَطَيَّبَ إِذَا خَرَجَتْ مِنْ بَيْتِهَا وَ لَا يَجُوزُ لَهَا
 أَنْ تَتَشَبَّهُ بِالرَّجَالِ لِأَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ لَعَنَ
 الْمُتَشَبِّهِينَ مِنَ الرِّجَالِ بِالنِّسَاءِ وَ لَعَنَ
 الْمُتَشَبِّهَاتِ مِنَ النِّسَاءِ بِالرِّجَالِ وَ لَا يَجُوزُ
 لِلْمَرْأَةِ أَنْ تُعْطَلَ نَفْسَهَا وَ لَوْ أَنْ تُعَلَّقَ فِي
 عُقْقِهَا خَيْطًا وَ لَا يَجُوزُ أَنْ تُرِيَ أَظْفِيرَهَا

بَيْضَاءَ وَ لَوْ أَنْ تَمَسَحَهَا بِالْجَنَاءِ مَسْحًا وَ لَا
تَخْضِبُ يَدَيْهَا فِي حَيْضِهَا لِأَنَّه يُخَافُ عَلَيْهَا
الشَّيْطَانُ وَ إِذَا أَرَادَتِ الْمَرْأَةُ الْحَاجَةَ وَ هِيَ
فِي صَلَاتِهَا صَفَقَتْ بِيَدَيْهَا وَ الرَّجُلُ يُومِي
بِرَأْسِهِ وَ هُوَ فِي صَلَاتِهِ وَ يُشِيرُ بِيَدِهِ وَ يُسَبِّحُ
وَ لَا يَجُوزُ لِلْمَرْأَةِ أَنْ تُصَلِّيَ بِغَيْرِ خِمَارٍ إِلَّا
أَنْ تَكُونَ أَمَةً فَإِنَّهَا تُصَلِّيَ بِغَيْرِ خِمَارٍ
مَكشُوفَةَ الرَّأْسِ وَ يَجُوزُ لِلْمَرْأَةِ لُبْسُ الدِّيَبَاجِ
وَ الْحَرِيرِ فِي غَيْرِ صَلَاةٍ وَ إِحْرَامٍ وَ حُرْمَ ذَلِكَ
عَلَى الرَّجَالِ إِلَّا فِي الْجِهَادِ وَ يَجُوزُ أَنْ
تَتَخْتَمَ بِالذَّهَبِ وَ تُصَلِّيَ فِيهِ وَ حُرْمَ ذَلِكَ عَلَى
الرَّجَالِ إِلَّا فِي الْجِهَادِ قَالَ النَّبِيُّ ﷺ يَا
عَلِيُّ لَا تَتَخْتَمَ بِالذَّهَبِ فَإِنَّهُ زِينَتُكَ فِي الْجَنَّةِ
وَ لَا تَلْبَسِ الْحَرِيرَ فَإِنَّهُ لِبَاسُكَ فِي الْجَنَّةِ وَ
لَا يَجُوزُ لِلْمَرْأَةِ فِي مَالِهَا عِتْقُ وَ لَا بَرٌّ إِلَّا
بِإِذْنِ زَوْجِهَا وَ لَا يَجُوزُ لَهَا أَنْ تَصُومَ تَطَوُّعًا
إِلَّا بِإِذْنِ زَوْجِهَا وَ لَا يَجُوزُ لِلْمَرْأَةِ أَنْ تُصَافِحَ
غَيْرَ ذِي مَحْرَمٍ إِلَّا مِنْ وَرَاءِ ثَوْبِهَا وَ لَا تُبَايِعَ
إِلَّا مِنْ وَرَاءِ ثَوْبِهَا وَ لَا يَجُوزُ أَنْ تَحُجَّ تَطَوُّعًا
إِلَّا بِإِذْنِ زَوْجِهَا وَ لَا يَجُوزُ لِلْمَرْأَةِ أَنْ تَدْخُلَ
الْحَمَّامَ فَإِنَّ ذَلِكَ مُحْرَمٌ عَلَيْهَا وَ لَا يَجُوزُ
لِلْمَرْأَةِ رُكُوبُ السَّرَجِ إِلَّا مِنْ ضَرُورَةٍ أَوْ فِي
سَفَرٍ وَ مِيرَاتُ الْمَرْأَةِ نِصْفُ مِيرَاتِ الرَّجُلِ وَ
دِيْنَتُهَا نِصْفُ دِيْنَةِ الرَّجُلِ وَ تُقَابِلُ الْمَرْأَةُ
الرَّجُلَ فِي الْجَرَاحَاتِ حَتَّى تَبْلُغَ ثَلَاثَ الدِّيَةِ
فَإِذَا زَادَتْ عَلَى الثَّلَاثِ ارْتَفَعَ الرَّجُلُ وَ سَفَلَتِ
الْمَرْأَةُ وَ إِذَا صَلَّتِ الْمَرْأَةُ وَحَدَّهَا مَعَ الرَّجُلِ
قَامَتْ خَلْفَهُ وَ لَمْ تَقُمْ بِجَنْبِهِ وَ إِذَا مَاتَتِ
الْمَرْأَةُ وَقَفَ الْمُصَلِّيُّ عَلَيْهَا عِنْدَ صَدْرِهَا وَ مِنْ
الرَّجُلِ إِذَا صَلَّى عَلَيْهِ عِنْدَ رَأْسِهِ وَ إِذَا
أَدْخَلَتِ الْمَرْأَةُ الْقَبْرَ وَقَفَ زَوْجُهَا فِي مَوْضِعٍ
يَتَنَاوَلُ وَرِكَهَاتِهَا وَ لَا شَفِيعَ لِلْمَرْأَةِ أَنْجَحُ عِنْدَ
رَبِّهَا مِنْ رِضَا زَوْجِهَا وَ لَمَّا مَاتَتْ فَاطِمَةُ عليها السلام
قَامَ عَلَيْهَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام وَ قَالَ اللَّهُمَّ
إِنِّي رَاضٍ عَنِ ابْنَةِ نَبِيِّكَ اللَّهُمَّ إِنَّهَا قَدْ
أَوْحِشَتْ فَآنِسْهَا اللَّهُمَّ إِنَّهَا قَدْ هُجِرَتْ فَصِلْهَا

اللَّهُمَّ إِنَّهَا قَدْ ظَلِمَتْ فَاحْكُمْ لَهَا وَ أَنْتَ خَيْرُ
الْحَاكِمِينَ

۱۲ - جابر بن یزید گوید: شنیدم امام باقر میفرمود: بر زنان نه اذان گفتن لازم است و نه اقامه و نه جمعه و نه جماعت و نه عیادت بیماران و نه دنبال جنازه ها رفتن و نه لبیک های احرام را بلند گفتن و نه در میان صفا و مروه دویدن و نه حجر الاسود را بوسیدن و نه میان خانه کعبه داخل شدن و نه سر تراشیدن بلکه از موهایشان میچینند و زن نباید متصدی قضاوت شود و متصدی فرمانداری نگردد و طرف مشورت قرار نگیرد و قربانی را سر نبرد مگر در حال ناچاری و زن هنگام وضوء گرفتن از باطن ذراع آغاز شستن میکند و مرد از ظاهرش و مانند مردان مسح نمیکشد بلکه بر او لازم است که در نماز صبح و مغرب چادر خود را از سرش که جای مسح است بردارد و مسح بکشد و در باقی نمازها انگشتش را بزیر چادر داخل کند و بدون آنکه چادر خود را بیفکند بر سر خود مسح بکشد و چون بر نماز بایستد هر دو پا را بهم چسبانده و بازوهای خود را بسینه اش میچسباند دستش را در حال رکوع بر دو ران خود می نههد و چون خواست بسجده رود می نشیند و در سجده خود را بزمین بچسباند و چون سر از سجده برداشت بنشیند و سپس از جا برخیزد و چون برای تشهد بنشیند دو پای خود را بلند کند و دو ران خود را بهم بچسباند و چون تسبیح بگوید انگشتان خود را بر بندد زیرا که از آنان سؤال خواهد شد و چون نیازی بخدای عز و جل داشته باشد بر بام خانه خود رفته و دو رکعت نماز بخواند و سر را برهنه نموده بسوی آسمان بلند کند که چون چنین کند خداوند دعای او را مستجاب فرموده و ناامیدش نگرداند و بر زن در سفر غسل

جمعه لازم نیست ولی در شهر خود نباید آن را ترك کند و زنان را گواهی دادن در هیچ يك از حدود روا نیست و گواهی آنان در باره طلاق روا نیست و نه در دیدن ماه نو و گواهی آنان در آنچه برای مرد نگاه کردن بآن جایز نیست روا است و زنها نباید از وسط جاده راه بروند بلکه از دو طرف آن عبور کنند و نباید در بالا خانه‌ها بنشینند و نه نویسندگی بیاموزند و مستحب است که نویسندگی و سوره نور را بیاموزند و مکروه است برای زنان آموختن سوره یوسف و چون زن از اسلام مرتد شود پیشنهاد توبه با او می‌گردد پس اگر توبه کرد که رها می‌شود و اگر نه بزندان ابد محکوم می‌گردد و زن را نکشند مانند مرد که اگر از دین برگردد باید کشته شود بلکه کارهای دشوار با او تحمیل می‌کنند و بجز از غذا و از خوراك ناگوار با او ندهند و بجز پوشاك زبر با او نپوشانند و او را بزندان تا نماز بخواند و روزه بگیرد و جزیه بر زنان نیست و چون هنگام زاییدن فرا رسد لازم است که هر که از زنان خارج در خانه است بیرون کنند تا نخست بر عورت او نگاه نکنند و زنی که در حال حیض است و یا جنب است نباید بهنگام تلقین در نزد مرده حاضر شود زیرا فرشتگان از زن حائض و جنب در آزارند و برای زن حائض و جنب روا نیست که مرده را در میان قبر بگذارند و چون زن از مجلسی برخاست برای مرد روا نیست که بجای او نشیند تا آنگاه که جایگاهش سرد شود و جهاد زن این است که نیکو شوهر داری کنند و حق شوهر بر زن از همه کس سزاوارتر است که بر او نماز گذارد و زن را روا نیست که در میان زنان یهودی و نصرانی برهنه شود زیرا آنان برای شوهران خود توصیف خواهند کرد و زن را روا نیست که چون از خانه بیرون رود

بر خود عطر بزند و او را روا نیست که خود را بمردان شبیه کند زیرا رسول خدا ﷺ مردانی را که خود را بزنان شبیه می‌کنند و زنانی را که خود را بمردان شبیه می‌کنند لعن فرموده و زن را روا نیست که خود را بی‌شوهر بگذارد اگر چه رشته‌ای بجای شوهر بگردن خود بیندازد و روا نیست که انگشتان او سفید دیده شود گرچه با اندکی حنا رنگین بسازد زیرا بیم آن میرود که شیطان باو آزار برساند و چون زن را در حال نماز نیازی پیش بیاید دستهای خود را به هم زند ولی مرد در حال نماز با سر و دست اشاره می‌کند و تسبیح را بلندتر می‌گوید و زن را روا نیست که بی‌چادر نماز بخواند مگر اینکه کنیز باشد که او بی‌چادر و سرباز نماز می‌خواند و برای زن جایز است که در غیر حال نماز و احرام جامه ابریشم و حریر بپوشد و بر مردان این چنین جامه حرام است مگر در حال جهاد و زن را روا است که انگشتر طلا بدست کرده و با آن نماز بخواند ولی این بر مردان حرام است مگر در حال جهاد که پیغمبر فرمود یا علی انگشتر طلا بدست نکن که آن زیور تست در بهشت و جامه حریر نپوش که آن جامه تست در بهشت و زن را روا نیست که از مال خود بنده‌ای آزاد کند و نه احسانی نماید مگر با اجازه شوهرش و او را روا نیست که روزه مستحبی بگیرد مگر با اجازه شوهرش و او را روا نیست که با نامحرم دست بدهد مگر از پشت جامه‌اش و روا نیست که بیعت کند مگر از پشت جامه‌اش و روا نیست که بحج مستحبی برود مگر با اجازه شوهرش و او را روا نیست که بحمام برود که این کار بر او حرام است و زن را روا نیست که سوار بر زین شود مگر در حال ناچاری یا در سفر و ارثی که زن می‌برد باندازه نصف ارث مرد است و دیه‌اش نصف

دیه مرد است و زن با مرد در دیه زخم‌ها مساوی است تا اینکه باندازه نصف ارث مرد است و دیه‌اش نصف دیه مرد است و زن با مرد در دیه زخم‌ها مساوی است تا اینکه باندازه يك سوم دیه کامل باشد و چون دیه زخم از يك سوم دیه کامل گذشت دیه مرد بالا می‌رود و دیه زن کم می‌گردد و چون زن بتنهائی با مرد نماز بخواند باید در پشت سر مرد بایستد و در کنار او نه ایستد و چون زن بمیرد آنکه بر او نماز می‌خواند در نزد سرش می‌ایستد و چون زن را در میان گور نهند شوهرش در جایی می‌ایستد که بتواند ران او را گرفته و بقبر بگذارد و برای زن در نزد پروردگارش هیچ شفاعت‌کننده‌ای از رضایت شوهرش بهتر نیست و چون فاطمه علیه‌السلام از دنیا رفت امیر المؤمنین کنار جنازه او ایستاد و عرض کرد بار الها من از او که دختر پیغمبر است راضی هستم بار الها او را وحشت گرفته تو آرام دلش باش بار الها او از ما دور شد تو با او بپیوند بار الها بر او ستم رفت تو بر سود او حکم فرما که تو بهترین حکم فرمایانی.

خدای عز و جل خرد را هفتاد و پنج لشکر عطا فرمود و

نادانی را هفتاد و پنج لشکر اعطی الله عز و جل العقل خمسة و سبعین جندا و اعطی الجهل خمسة و سبعین جندا

۱۳ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الْجَمِيرِيُّ قَالَا حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدِ الْبَرْقِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَدِيدٍ عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ قَالَ كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَ عِنْدَهُ جَمَاعَةٌ مِنْ مَوَالِيهِ فَجَرَى ذِكْرَ الْعَقْلِ وَ الْجَهْلِ فَقَالَ أَبُو

عَبْدُ اللَّهِ ﷺ اعْرِفُوا الْعَقْلَ وَ جُنْدَهُ وَ الْجَهْلَ وَ
جُنْدَهُ تَهْتَدُوا قَالَ سَمَاعَةُ فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ لَا
نَعْرِفُ إِلَّا مَا عَرَفْتَنَا فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ إِنْ
لِلَّهِ جَلٌّ ثَنَاؤُهُ خَلَقَ الْعَقْلَ وَ هُوَ أَوَّلُ خَلْقِ خَلْقِهِ
مِنَ الرُّوحَانِيِّينَ عَنِ يَمِينِ الْعَرْشِ مِنْ نُورِهِ
فَقَالَ لَهُ أَقْبِلْ فَأَقْبَلَ ثُمَّ قَالَ لَهُ أَذْبِرْ
فَأَذْبَرَ فَقَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى خَلَقْتُكَ خَلْقًا
عَظِيمًا وَ كَرَّمْتُكَ عَلَيَّ جَمِيعَ خَلْقِي قَالَ ثُمَّ خَلَقَ
الْجَهْلَ مِنَ الْبَحْرِ الْأَجَاجِ ظَلْمَانِيًّا فَقَالَ لَهُ
أَذْبِرْ فَأَذْبَرَ ثُمَّ قَالَ لَهُ أَقْبِلْ فَلَمْ يُقْبَلْ
فَقَالَ لَهُ اسْتَكْبَرْتَ فَلَعَنَهُ - ثُمَّ جَعَلَ لِلْعَقْلِ
خَمْسَةَ وَ سَبْعِينَ جُنْدًا فَلَمَّا رَأَى الْجَهْلُ مَا
أَكْرَمَ اللَّهُ بِهِ الْعَقْلَ وَ مَا أَعْطَاهُ أَضْمَرَ لَهُ
الْعَدَاوَةَ فَقَالَ الْجَهْلُ يَا رَبِّ هَذَا خَلْقٌ مِثْلِي
خَلَقْتَهُ وَ كَرَّمْتَهُ وَ قَوَّيْتَهُ وَ أَنَا ضِدُّهُ وَ لَا
قُوَّةَ لِي بِهِ فَأَعْطَنِي مِنَ الْجُنْدِ مِثْلَ مَا
أَعْطَيْتَهُ فَقَالَ نَعَمْ فَإِنْ عَصَيْتَ بَعْدَ ذَلِكَ
أَخْرَجْتُكَ وَ جُنْدَكَ مِنْ رَحْمَتِي قَالَ قَدْ رَضِيتُ
فَأَعْطَاهُ خَمْسَةَ وَ سَبْعِينَ جُنْدًا فَكَانَ مِمَّا أَعْطَى
الْعَقْلَ مِنَ الْخَمْسَةِ وَ السَّبْعِينَ الْجُنْدِ الْخَيْرُ
وَ هُوَ وَزِيرُ الْعَقْلِ وَ جَعَلَ ضِدَّهُ الشَّرَّ وَ هُوَ
وَزِيرُ الْجَهْلِ وَ الْإِيمَانُ وَ ضِدُّهُ الْكُفْرُ وَ
التَّصَدِيقُ وَ ضِدُّهُ الْجُحُودُ وَ الرَّجَاءُ وَ ضِدُّهُ
الْقُنُوطُ وَ الْعَدْلُ وَ ضِدُّهُ الْجَوْرُ وَ الرِّضَا وَ
ضِدُّهُ السُّخْطُ وَ الشُّكْرُ وَ ضِدُّهُ الْكُفْرُ وَ الطَّمَعُ
وَ ضِدُّهُ الْيَأْسُ وَ التَّوَكُّلُ وَ ضِدُّهُ الْجِرْمُ وَ
الرَّافَةُ وَ ضِدُّهَا الْغِرَّةُ وَ الرَّحْمَةُ وَ ضِدُّهَا
الْغَضَبُ وَ الْعِلْمُ وَ ضِدُّهُ الْجَهْلُ وَ الْفَهْمُ وَ
ضِدُّهُ الْحُمْقُ وَ الْعِفَّةُ وَ ضِدُّهَا التَّهْتُّكُ وَ
الرُّهْدُ وَ ضِدُّهُ الرَّغْبَةُ وَ الرِّفْقُ وَ ضِدُّهُ الْخَرْقُ
وَ الرَّهْبَةُ وَ ضِدُّهَا الْجُرْأَةُ وَ التَّوَاضُّعُ وَ ضِدُّهُ
التَّكْبَرُ وَ التُّؤَدَةُ وَ ضِدُّهَا التَّسْرَعُ وَ الْجِلْمُ
وَ ضِدُّهُ السَّفَةُ وَ الصَّمْتُ وَ ضِدُّهُ الْهَذَرُ وَ
الِاسْتِسْلَامُ وَ ضِدُّهُ الْإِسْتِكْبَارُ وَ التَّسْلِيمُ وَ ضِدُّهُ
التَّجْبُرُ وَ الْعَفْوُ وَ ضِدُّهُ الْحَقْدُ وَ الرِّقَّةُ وَ
ضِدُّهَا الْقَسْوَةُ وَ الْيَقِينُ وَ ضِدُّهَا الشُّكُّ وَ

الصَّبْرُ وَ ضِدُّهُ الْجَزَعُ وَ الصَّفْحُ وَ ضِدُّهُ
الْإِنْتِقَامَ وَ الْغِنَى وَ ضِدُّهُ الْفَقْرُ وَ التَّفَكُّرُ وَ
ضِدُّهُ السَّهْوُ وَ الْحِفْظُ وَ ضِدُّهُ النَّسْيَانُ وَ
التَّعَطُّفُ وَ ضِدُّهُ الْقَطِيعَةَ وَ الْقُنُوعُ وَ ضِدُّهُ
الْجِرْصُ وَ الْمُوَاسَاةُ وَ ضِدُّهَا الْمَنْعُ وَ الْمَوَدَّةُ
وَ ضِدُّهَا الْعَدَاوَةُ وَ الْوَفَاءُ وَ ضِدُّهُ الْعَدْرُ وَ
الطَّاعَةُ وَ ضِدُّهَا الْمَعْصِيَةُ وَ الْخُضُوعُ وَ ضِدُّهُ
التَّطَاوُلُ وَ السَّلَامَةُ وَ ضِدُّهَا الْبِلَاءُ وَ الْحُبُّ وَ
ضِدُّهُ الْبُغْضُ وَ الصِّدْقُ وَ ضِدُّهُ الْكَذِبُ وَ الْحَقُّ وَ
ضِدُّهُ الْبَاطِلُ وَ الْأَمَانَةُ وَ ضِدُّهَا الْخِيَانَةُ وَ
الْإِخْلَاصُ وَ ضِدُّهُ الشُّوبُ وَ الشَّهَامَةُ وَ ضِدُّهَا
الْبِلَادَةُ وَ الْفَهْمُ وَ ضِدُّهُ الْغَبَاوَةُ وَ الْمَعْرِفَةُ
وَ ضِدُّهَا الْإِنْكَارُ وَ الْمُدَارَاةُ وَ ضِدُّهَا
الْمُكَاشَفَةُ وَ سَلَامَةُ الْغَيْبِ وَ ضِدُّهَا الْمُمَاكِرَةُ
وَ الْكِتْمَانُ وَ ضِدُّهُ الْإِفْشَاءُ وَ الصَّلَاةُ وَ ضِدُّهَا
الْإِضَاعَةُ وَ الصَّوْمُ وَ ضِدُّهُ الْإِفْطَارُ وَ الْجِهَادُ وَ
ضِدُّهُ النُّكُولُ وَ الْحَجُّ وَ ضِدُّهُ نَبَذُ الْمِيثَاقِ وَ
صِدْقُ الْحَدِيثِ وَ ضِدُّهُ النَّمِيمَةُ وَ بِرُّ الْوَالِدَيْنِ
وَ ضِدُّهُ الْعُقُوقُ وَ الْحَقِيقَةُ وَ ضِدُّهَا الرِّيَاءُ وَ
الْمَعْرُوفُ وَ ضِدُّهُ الْمُنْكَرُ وَ السُّتْرُ وَ ضِدُّهُ
التَّبَرُّجُ وَ التَّقِيَّةُ وَ ضِدُّهَا الْإِذَاعَةُ وَ الْإِنْصَافُ
وَ ضِدُّهُ الْحَمِيَّةُ وَ التَّهْيِئَةُ وَ ضِدُّهَا الْبَغْيُ وَ
النِّظَافَةُ وَ ضِدُّهَا الْقَدْرُ وَ الْحَيَاءُ وَ ضِدُّهُ
الْخَلْعُ وَ الْقَصْدُ وَ ضِدُّهُ الْعُدْوَانُ وَ الرَّاحَةُ وَ
ضِدُّهَا التَّعَبُ وَ السُّهُولَةُ وَ ضِدُّهَا الصُّعُوبَةُ وَ
الْبَرَكََةُ وَ ضِدُّهَا الْمَحَقُّ وَ الْعَافِيَةُ
وَ ضِدُّهَا الْبِلَاءُ وَ الْقَوَامُ وَ ضِدُّهُ الْمُكَائِرَةُ
وَ الْحِكْمَةُ وَ ضِدُّهَا الْهَوَى وَ الْوَقَارُ وَ ضِدُّهُ
الْخِفَةُ وَ السَّعَادَةُ وَ ضِدُّهَا الشَّقَاءُ وَ التَّوْبَةُ
وَ ضِدُّهَا الْأَصْرَارُ وَ الْإِسْتِغْفَارُ وَ ضِدُّهُ الْإِغْتِرَارُ
وَ الْمُحَافَظَةُ وَ ضِدُّهَا التَّهَافُوتُ وَ الدُّعَاءُ وَ
ضِدُّهُ الْإِسْتِنْكَافُ وَ النِّشَاطُ وَ ضِدُّهُ الْكَسَلُ وَ
الْفَرَحُ وَ ضِدُّهُ الْحَزَنُ وَ الْأَلْفَةُ وَ ضِدُّهَا
الْفُرْقَةُ وَ السَّخَاءُ وَ ضِدُّهُ الْبُخْلُ فَلَا تَجْتَمِعُ
هَذِهِ الْخِصَالُ كُلُّهَا مِنْ أَجْنَادِ الْعَقْلِ إِلَّا فِي
نَبِيٍّ أَوْ وَصِيِّ نَبِيٍّ أَوْ مُؤْمِنٍ امْتَحَنَ اللَّهُ قَلْبَهُ
لِلْإِيمَانِ وَ أَمَا سَائِرُ ذَلِكَ مِنْ مَوَالِينَا فَإِنَّ

أَحَدُهُمْ لَا يَخْلُو مِنْ أَنْ يَكُونَ فِيهِ بَعْضُ هَذِهِ
الْجُنُودِ حَتَّى يَسْتَكْمَلَ وَ يَنْقَى مِنْ جُنُودِ الْجَهْلِ
فَعِنْدَ ذَلِكَ يَكُونُ فِي الدَّرَجَةِ الْعُلْيَا مَعَ
الْأَنْبِيَاءِ وَ الْأَوْصِيَاءِ عليه السلام وَ إِنَّمَا يُدْرِكُ الْفَوْزَ
بِمَعْرِفَةِ الْعَقْلِ وَ جُنُودِهِ وَ مُجَانِبَةِ الْجَهْلِ وَ
جُنُودِهِ وَفَقَّنَا اللهُ وَ إِيَّاكُمْ لِبَطَاعَتِهِ وَ مَرْضَاتِهِ

۱۳ - سماعة بن مهران گوید: در خدمت
امام صادق بودم و گروهی از دوستان هم در
محضرش بودند صحبت خرد و نادانی پیش آمد
امام صادق عليه السلام فرمود: خرد و لشکر او و
نادانی و لشکر او را بشناسید تا هدایت
شوید سماعة گوید عرض کردم قربانت شوم ما
جز آنچه تو بما معرفی کنی نمی‌شناسیم
امام صادق فرمود بدرستی که خدای بزرگوار
خرد را آفرید و او نخستین آفریده‌ای است
که خداوند او را از روحانیین آفرید که
از نور خود در سمت راست عرش بود پس باو
فرمود روی بمن آر پس او روی آورد سپس به
او فرمود روی از من بگردان پس او روی
بگردانید پس خدای تبارک و تعالی فرمود
من ترا آفریده بزرگی آفریدم و تو را بر
همه آفریدگانم گرامی داشتم حضرت فرمود
سپس نادانی را از دریای تلخ و تاریک
آفرید و باو فرمود روی از من بگردان او
روی بگردانید سپس باو فرمود روی بمن کن
پس او روی نکرد پس خداوند باو فرمود
گردن فرازی کردی پس او را لعنت کرد. سپس
برای عقل هفتاد و پنج لشکر قرار داد چون
جهل این بزرگداشتی را که خداوند از عقل
نمود و لشکری را که بدو داد دید کینه او
را بدل گرفت و عرض کرد پروردگارا این هم
آفریده ایست مانند من تو او را آفریدی و
گرامیش داشتی و نیرو باو دادی و من که
ضد او هستم نیروئی در برابر او ندارم
بمن هم لشکری مانند آنچه باو دادی عطا
فرما خدا فرمود آری میدهم ولی اگر پس از

این نافرمانی کردی تو را و لشکر تو را از رحمت بیرون میکنم عرض کرد موافقم پس خداوند باو هم هفتاد و پنج لشکر داد از هفتاد و پنج لشکری که بعقل عطا فرمود یکی خیر است که وزیر عقل میباشد و شر را ضد او قرار داد که وزیر جهل شد و دیگر ایمان است که ضدش کفر است و تصدیق است که ضدش انکار است و امید است که ضدش ستم است و خشنودی است که ضدش خشم است و سپاسگزاری است که ضدش ناسپاسی است و طمع است که ضدش ناامیدش است و توکل که ضدش حرص است و مهربانی است که ضدش غضب است و دانائی است که ضدش نادانی است و فهم است که ضدش نفهمی است و پاکدامنی است که ضدش پرده دری است و بی‌میلی از دنیا است که ضدش میل به آن است و مدارا کردن است که ضدش کج خلقی است و ترس از خدا است که ضدش جرات بر او است و فروتنی است که ضدش گردن فرازی است و آرامی است که ضدش شتابزدگی است و بردباری است که ضدش سفاهت است و خاموشی است که ضدش یاوه گویی است و بفرمان خدا سر نهادن است که ضدش گردن فرازی است و دستورات پیشوایان حق را گردن نهادن است که ضدش گردن کشی است. و گذشت است که ضدش کینه است و دلسوزی است که ضدش سنگدلی است و یقین است که ضدش شك است و صبر است که ضدش بیتابی است و چشم پوشی است که ضدش انتقام گرفتن است و بی‌نیازی است که ضدش نیازمندی است و فکر نمودن است که ضدش سهو کردن است و بیاد داشتن است که ضدش فراموشی است و اظهار میل نمودن است که ضدش بریدن است و قناعت است که ضدش حرص است و همراهی است که ضدش دریغ است و دوستی است که ضدش دشمنی است و وفا است که ضدش حيله‌گری است و فرمانبرداری است که ضدش نافرمانی است

و فروتنی است که ضدش گردن کشی است و
رهائی است که ضدش گرفتاری است و مهرورزی
است که ضدش کینه‌توزی است و راستی است که
ضدش دروغ گفتن است و حق است که ضدش باطل
است و امانت است که ضدش خیانت است و
اخلاص است که ضدش ناصافی است و شهامت است
که ضدش کندفهمی است و شناختن است که ضدش
افکارورزی است و خوش رفتاری است که ضدش
پرده دری است و حفظ غیب است که ضدش
حیله‌گری است و نهان داشتن است که ضدش
فاش کردن است و نماز است که ضدش بی‌نمازی
است و روزه است که ضدش روزه خوری است و
جهاد است که ضدش سرپیچی از آن است و حج
است که ضدش پیمان‌شکنی است و راست گویی
است که ضدش سخن چینی است و نیکویی بپدر
و مادر است که ضدش ناسپاسی است و حقیقت
است که ضدش ریا است و کار شایسته است که
ضدش کار ناشایست است و خود پوشی است که
ضدش بی‌پرده‌گی است و خودداری است که ضدش
فاش نمودن اسرار است و انصاف است که ضدش
طرفداری بر خلاف حقیقت است و سازش است که
ضدش ستمگری است و پاکیزگی است که ضدش
پلیدی است و حیا است که ضدش چشم‌دریدگی
است و میانه‌روی است که ضدش تجاوز کاری
است و آسایش است که ضدش ناراحتی است و
آسانی است که ضدش سختی است و برکت است
که ضدش نابودی است و عافیت است که ضدش
گرفتاری است و وسایل زندگی به قدر نیاز
فراهم کردن است که ضدش زیاده روی است و
حکمت است که ضدش هوا است و سنگینی است
که ضدش سبکی است و خوشبختی است که ضدش
بدبختی است و توبه است که ضدش اصرار
بگناه است و طلب آمرزش است که ضدش فریب
نفس خوردن است و محافظه کاری است که ضدش
سهل انگاری است و دعا کردن است که ضدش
خودداری از دعا است و نشاط است که ضدش
کسالت است و شادمانی است که ضدش اندوه

است و انس گرفتن است که ضدش جدائی است و سخاوت است که ضدش بخلورزی است پس همه این صفتها که لشکر عقلاند يك جا جمع نشوند مگر در پیغمبر یا جانشین او یا مؤمنی که خدا دل او را برای ایمان خالص کرده باشد و اما دوستان دیگر ما هیچ کدام خالی از این نیستند که پاره‌ای از این لشکر در وجود او باشد تا آنکه کامل گردیده و از لشکر جهل پاک شود و چون چنین شد در درجه بلندی با پیغمبران و جانشینان پیغمبران خواهد بود و همانا رسیدن باین مقام با شناختن عقل و لشکریانش و دوی از جهل و و لشکریانش می‌باشد خداوند ما و شما را بطاعت و کارهایی که رضایت او را فراهم کند موفق بدارد.

أبواب الثمانين و ما فوقه (بابهای هشتاد و بالاتر)

در باره امیر المؤمنین علی بن ابی طالب هشتاد آیه نازل شد که هیچ کس در آن شریک نبود نزلت فی امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام ثمانون آیه ما شرکه فیها أحد

۱ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ الطَّالِقَانِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ الْعَزِيزِ بْنُ يَحْيَى الْجَلُودِيُّ بِالْبَصْرَةِ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ أَبَانَ عَنْ يَحْيَى بْنِ سَلَمَةَ عَنْ زَيْدِ بْنِ الْحَارِثِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي لَيْلَى قَالَ نَزَلَتْ فِي عَلِيِّ عليه السلام ثَمَانُونَ آيَةً صَفْوًا فِي كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَا شَرَكُهُ فِيهَا أَحَدٌ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ

۱ - عبد الرحمن بن ابی لیلی گوید در باره علی هشتاد آیه خالص در قرآن نازل شده که هیچ کس از امت در آنها با علی شرکت نداشت.

پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم در مورد شرابخواری هشتاد تازیانه زد

ضرب النبی صلی الله علیه و آله و سلم فی الخمر ثمانین

۲ - حَدَّثَنَا أَبُو يُوسُفَ رَافِعُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ بِمَرَوْ الرُّوِّدِ قَالَ حَدَّثَنَا يُونُسُ بْنُ مُوسَى قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو زَكْرِيَّا يَحْيَى بْنُ عَثْمَانَ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي قَالَ حَدَّثَنَا ابْنُ لَهَيْعَةَ قَالَ حَدَّثَنِي خَالِدُ بْنُ يَزِيدَ الْجَمَّحِيُّ عَنْ سَعِيدِ بْنِ أَبِي هَلَالٍ اللَّيْثِيِّ عَنْ نَبِيهِ بْنِ وَهْبِ الْعَبْدَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَنْفِيَّةِ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم ضَرَبَ فِي الْخَمْرِ ثَمَانِينَ

۲ - امیر المؤمنین فرماید که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در مورد شرابخواری هشتاد تازیانه زد.

تکبیرهای نماز نود و پنج تکبیر است

تکبیرات الصلاة خمس و تسعون تکبیرة
۳ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ الْوَلِيدِ
رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى
الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى بْنِ
عِمْرَانَ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ مُوسَى بْنِ عُمَرَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ
بْنِ الْمُغِيرَةَ عَنِ الصَّبَّاحِ الْمُزْنِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ
اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام قَالَ قَالَ أَمِيرُ
الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام تَكْبِيرَاتُ الصَّلَاةِ خَمْسٌ وَ تِسْعُونَ
تَكْبِيرَةً فِي الْيَوْمِ وَ اللَّيْلَةِ مِنْهَا تَكْبِيرَةُ
الْقُنُوتِ

۳ - امیر المؤمنین عليه السلام فرمود تکبیرات
نمازها در شبانه روز نود و پنج تکبیر
است که تکبیر قنوت هم جزو آنهاست.

برای خدای تبارک و تعالی نود و نه نام است

لله تبارک و تعالی تسعة و تسعون اسما
۴ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْقَطَّانُ قَالَ
حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا الْقَطَّانُ قَالَ
حَدَّثَنَا بَكْرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَيِّبٍ قَالَ حَدَّثَنَا
تَمِيمُ بْنُ بَهْلُولٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ
الْعَبْدِيِّ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ مِهْرَانَ عَنِ الصَّادِقِ
جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ
عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ
أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ
اللَّهِ صلى الله عليه وآله وسلم إِنَّ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ تِسْعَةَ وَ تِسْعِينَ اسْمًا
مِائَةً إِلَّا وَاحِدَةً مَنْ أَحْصَاهَا دَخَلَ الْجَنَّةَ وَ هِيَ
اللَّهُ الْإِلَهُ الْوَاحِدُ الْأَحَدُ الصَّمَدُ الْأَوَّلُ الْآخِرُ
السَّمِيعُ الْبَصِيرُ الْقَدِيرُ الْقَاهِرُ الْعَلِيُّ
الْأَعْلَى الْبَاقِي الْبَدِيعُ الْبَارِئُ الْأَكْرَمُ
الظَّاهِرُ الْبَاطِنُ الْحَيُّ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ
الْحَلِيمُ الْحَفِيفُ الْحَقُّ الْحَسِيبُ الْحَمِيدُ الْحَفِيُّ
الرَّبُّ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ الذَّارِئُ الرَّزَّاقُ

الرَّقِيبُ الرَّءُوفُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيَّمِنُ
 الْعَزِيزُ
 الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ السَّيِّدُ السُّبُوخُ الشَّهِيدُ
 الصَّادِقُ الصَّانِعُ الطَّاهِرُ الْعَدْلُ الْعَفْوُ
 الْغَفُورُ الْغَنِيُّ الْغِيَاثُ الْفَاطِرُ الْفَرْدُ
 الْفَتْاحُ الْفَالِقُ الْقَدِيمُ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ
 الْقَوِيُّ الْقَرِيبُ الْقَيُّومُ الْقَابِضُ الْبَاسِطُ قَاضِي
 الْحَاجَاتِ الْمَجِيدُ الْمَوْلَى الْمَنَّانُ الْمُجِيطُ
 الْمُبِينُ الْمُقَيِّتُ الْمُصَوِّرُ الْكَرِيمُ الْكَبِيرُ
 الْكَافِي كَاشِفُ الضَّرِّ الْوَتْرُ النُّورُ الْوَهَّابُ
 النَّاصِرُ الْوَاسِعُ الْوَدُودُ الْهَادِي الْوَفِيُّ
 الْوَكِيلُ الْوَارِثُ الْبَرُّ الْبَاعِثُ التَّوَّابُ
 الْجَلِيلُ الْجَوَادُ الْخَيْرُ الْخَالِقُ خَيْرُ
 النَّاصِرِينَ الدَّيَّانُ الشُّكُورُ الْعَظِيمُ اللَّطِيفُ
 الشَّافِي

و قد أخرجت تفسير هذه الأسماء في كتاب
 التوحيد و قد رويت هذا الخبر من طرق
 مختلفة و ألفاظ مختلفة

٤ - رسول خدا ﷺ فرمود بدرستی که برای
 خدای عز و جل نود و نه نام است (از صد
 یکی کم) هر کس آنها را بشمارد به بهشت
 داخل می‌شود و آن نام‌ها عبارت‌اند از الله:
 ذاتی که صفات کمال در او جمع است
 الواحد: یکتا، الاحد: یگانه، الصمد: مهتر
 و آنکه آهنگ وی کنند در مهمات الاول
 نخستین الآخر: پایان السميع: شنوا،
 البصير: بینا، القدير: توانا، القاهر:
 چیره، العلی: والا، الاعلی: والاتر،
 الباقي:

پاینده، البديع: نوساز، الباری:
 آفریدگار، الاکرم: بزرگوارتر، الظاهر:
 آشکار، الباطن: پنهان، الحی: زنده،
 الحکیم: خداوند حکمت، العليم: دانشمند،
 الحلیم: بردبار، الحفیظ: نگهدار، الحق،
 خداوند حقیقت، الحسیب: حسابگر، الحمید:
 پسندیده، الحفی: مهربان، الرب: پروردگار
 الرحمن: بخشاینده، الرحیم: مهربان،

الذاری: آفریدگار، الرزاق: روزی دهنده،
الرقیب: پاسدار، الرؤف: مهربان، السلام:
آشتی‌کننده: المؤمن: ایمنی بخش، المهیمن:
فراگیرنده، العزیز:
ارجمند، الجبار: شکسته بند، المتکبر:
بزرگ منش: السید: آقا، السبوح: پاک و
منزه الشہید:
حاضر و گواه، الصادق: راستگو، الصانع:
سازنده، الطاهر: پاکیزه، العدل: دادگر،
العفو:
بخشنده، الغفور: آمرزنده: الغنی:
بی‌نیاز، الغیاث: فریادرس، الفاطر:
شکافنده نیستی، الفرد:
طاق، الفتاح: گشاینده، الفالق:
شکافنده تاریکی، القدیم: دیرینه، الملك:
پادشاه، القدوس: پاک و مبارک، القوی:
نیرومند، القریب: نزدیک، القیوم: بر پا
دارنده، القابض: گیرنده، الباسط:
گستراننده، قاضی الحاجات: بر آورنده
نیازمندیها، المجید: بزرگووار، المولی:
خداوند، المنان: منت گذارنده، المحیط:
احاطه‌کننده المبین: آشکارا، المقیت:
نگهبان، المصور: صورتگر، الکریم:
خداوند بخشش، الکریم: بزرگ، الکیفی:
بسنده، کاشف الضر: بر طرف‌کننده آزرده‌گی،
الوتر:
تنها، النور: روشن و روشنی بخش،
الوهاب: بسیار بخشش‌کننده، الناصر: یاری
دهنده، الواسع: وسعت بخش، الودود: بسیار
دوست دارنده، الہادی: راهنما، الوفی:
وفادار، الوکیل: آنکه کارها باو واگذار
شده، الوارث: ارث‌بر، البر: نیکوکار،
الباعث: فرستنده، التواب: توبه پذیر،
الجلیل:
بزرگ و آزموده کار، الجواد: صاحب جود
و بخشش، الخبیر: آگاه، الخالق:
آفریننده، خیر- الناصرین: بهترین یاری

دهندگان، الדיان: جزا دهنده، الشكور: سپاسگزار، العظيم: با عظمت، اللطيف: خداوند لطف و مدارا، الشافي: شفا بخش، و من تفسیر این نامها را در کتاب توحید نوشته ام و این روایت از راویان مختلف بمن رسیده است.

ثواب صد لا اله الا الله گفتن و ثواب صد بار استغفار کردن

. ثواب مائة تهليله و ثواب الاستغفار مائة مرة

۵ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ وَ أَبِي أَيُّوبَ الْخَزَّازِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ مَنْ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مِائَةَ مَرَّةٍ كَانَ أَفْضَلَ النَّاسِ ذَلِكَ الْيَوْمَ عَمَلًا إِلَّا مَنْ زَادَ

۵ - امام صادق عليه السلام فرمود: کسی که صد بار لا اله الا الله بگوید عمل آن روزش از همه مردم بهتر باشد مگر از کسی که بیشتر از صد بار گفته باشد.

۶ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ سَيْفٍ عَنْ سَيْفٍ عَنْ سَلَامِ بْنِ غَانِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ مَنْ قَالَ حِينَ يَأْوِي إِلَيَّ فِرَاشِهِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مِائَةَ مَرَّةٍ بَنَى اللَّهُ بَيْتًا لَهُ فِي الْجَنَّةِ وَ مَنْ اسْتَغْفَرَ اللَّهُ حِينَ يَأْوِي إِلَيَّ فِرَاشِهِ مِائَةَ مَرَّةٍ تَحَاتَّتْ ذُنُوبُهُ كَمَا يَسْقُطُ وَرَقُ الشَّجَرَةِ

۶- امام صادق عليه السلام فرمود: کسی که بهنگام رفتن بمیان بستر خوابش صد بار لا اله الا الله بگوید خداوند برای او خانه ای در بهشت بسازد و کسی که بهنگام رفتن بمیان بسترش صد بار استغفار کند گناهش میریزد هم چون برگ که از درخت فرو میریزد.

باب الواحد إلى المائة (باب يك تا صد)

پرسشهای یهود از ابی بکر

١ - حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُوسَى رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا الْقَطَّانُ قَالَ حَدَّثَنَا بَكْرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَبِيبٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّحِيمِ بْنُ عَلِيٍّ بْنُ سَعِيدٍ الْجَبَلِيُّ الصَّيْدَنَانِيُّ وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنُ الصَّلْتِ وَ اللَّفْظُ لَهُ قَالَا حَدَّثَنَا الْحَسَنُ «مُحَمَّدُ» بْنُ نَصْرِ الْخَزَّازِ قَالَ حَدَّثَنِي عَمْرُو بْنُ طَلْحَةَ بْنِ أَسْبَاطِ بْنِ نَصْرِ عَنْ عِكْرِمَةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَدِمَ يَهُودِيَّانِ أَخَوَانِ مِنْ رُؤَسَاءِ الْيَهُودِ بِالْمَدِينَةِ فَقَالَا يَا قَوْمِ إِنَّ نَبِيَّنَا حَدَّثَنَا عَنْهُ أَنَّهُ قَدْ ظَهَرَ نَبِيُّ بَيْتِهَامَا يُسْفَهُ أَحْلَامَ الْيَهُودِ وَ يَطْعُنُ فِي دِينِهِمْ وَ نَحْنُ نَخَافُ أَنْ يُزِيلَنَا عَمَّا كَانَ عَلَيْهِ آبَاؤُنَا فَأَيُّكُمْ هَذَا النَّبِيُّ فَإِنْ يَكُنِ الَّذِي بَشَّرَ بِهِ دَاوُدُ آمَنَّا بِهِ وَ اتَّبَعْنَاهُ وَ إِنْ لَمْ يَكُنْ يُورِدُ الْكَلَامَ عَلَيَّ ائْتَلَفِيهِ وَ يَقُولُ الشَّعْرَ وَ يَقَهْرُنَا بِلِسَانِهِ جَاهِدْنَا بِأَنْفُسِنَا وَ أَمْوَالِنَا فَأَيُّكُمْ هَذَا النَّبِيُّ فَقَالَ الْمُهَاجِرُونَ وَ الْأَنْصَارُ إِنَّ نَبِيَّنَا ﷺ قَدْ قَبِضَ فَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ فَأَيُّكُمْ وَصِيُّهُ فَمَا بَعَثَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ نَبِيًّا إِلَى قَوْمِ إِلَّا وَ لَهُ وَصِيٌّ يُؤَدِّي عَنْهُ مِنْ بَعْدِهِ وَ يَحْكِي عَنْهُ مَا أَمَرَهُ رَبُّهُ فَأَوْمَأَ الْمُهَاجِرُونَ وَ الْأَنْصَارُ إِلَى أَبِي بَكْرٍ فَقَالُوا هُوَ وَصِيُّهُ فَقَالَا لِأَبِي بَكْرٍ إِنَّا نُلْقِي عَلَيْكَ مِنَ الْمَسَائِلِ مَا يُلْقَى عَلَى الْأَوْصِيَاءِ وَ نَسْأَلُكَ عَمَّا تُسْأَلُ الْأَوْصِيَاءُ عَنْهُ فَقَالَ لَهُمَا أَبُو بَكْرٍ أَلْقِيَا مَا شِئْتُمَا أَخِيرَكُمَا بِجَوَابِهِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ فَقَالَ أَحَدُهُمَا مَا أَنَا وَ أَنْتَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ مَا نَفْسُ فِي نَفْسٍ لَيْسَ بَيْنَهُمَا رَحِمٌ وَ لَا قَرَابَةٌ وَ مَا قَبْرٌ سَارَ بِصَاحِبِهِ وَ مِنْ أَيْنَ تَطْلُعُ الشَّمْسُ وَ فِي أَيْنَ تَغْرُبُ وَ أَيْنَ طَلَعَتِ الشَّمْسُ ثُمَّ لَمْ تَطْلُعْ

فِيهِ بَعْدَ ذَلِكَ وَ أَيْنَ تَكُونُ الْجَنَّةُ وَ أَيْنَ
تَكُونُ النَّارُ وَ رَبُّكَ يَحْمِلُ أَوْ يُحْمَلُ وَ أَيْنَ
يَكُونُ وَجْهُ رَبِّكَ وَ مَا اثْنَانِ شَاهِدَانِ وَ مَا
اِثْنَانِ غَائِبَانِ وَ مَا اِثْنَانِ مُتَبَاغِضَانِ وَ مَا
الْوَاحِدُ وَ مَا الْاِثْنَانِ وَ مَا الثَّلَاثَةُ وَ مَا
الْأَرْبَعَةُ وَ مَا الْخَمْسَةُ وَ مَا السِّتَّةُ وَ مَا
السَّبْعَةُ وَ مَا الثَّمَانِيَّةُ وَ مَا التِّسْعَةُ وَ مَا
الْعَشْرَةُ وَ مَا الْاِحْدَ عَشْرَ وَ مَا الْاِثْنَا عَشْرَ وَ
مَا الْعِشْرُونَ وَ مَا الثَّلَاثُونَ وَ مَا الْاَرْبَعُونَ وَ
مَا الْخَمْسُونَ وَ مَا السِّتُونَ وَ مَا السَّبْعُونَ وَ
مَا الثَّمَانُونَ وَ مَا التِّسْعُونَ وَ مَا الْمِائَةُ
قَالَ فَبَقِيَ أَبُو بَكْرٍ لَا يَرُدُّ جَوَاباً وَ تَخَوَّفْنَا
أَنْ يَرْتَدَّ الْقَوْمُ عَنِ الْاِسْلَامِ فَاتَيْتُ مَنْزِلَ عَلِيِّ
بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقُلْتُ لَهُ يَا عَلِيُّ إِنَّ رُؤْسَاءَ
الْيَهُودِ قَدْ قَدِمُوا الْمَدِينَةَ وَ اَلْقُوا عَلِيَّ
أَبِي بَكْرٍ مَسَائِلَ فَبَقِيَ أَبُو بَكْرٍ لَا يَرُدُّ جَوَاباً
فَتَبَسَّمَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ ضَاحِكاً ثُمَّ قَالَ هُوَ الْيَوْمَ الَّذِي
وَعَدَنِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَأَقْبَلَ يَمْشِي أَمَامِي وَ مَا
أَخْطَأْتُ مَشِيئَتَهُ مِنْ مَشِيئَةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ شَيْئاً حَتَّى
قَعَدَ فِي الْمَوْضِعِ الَّذِي كَانَ يَقْعُدُ فِيهِ رَسُولُ
اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ثُمَّ اَلْتَفَتَ إِلَى الْيَهُودِيِّينَ فَقَالَ يَا
يَهُودِيَّانِ اذْنُوبَا مِئِّي وَ اَلْقِيَا عَلِيَّ مَا
اَلْقَيْتُمَاهُ عَلَى الشَّيْخِ فَقَالَ الْيَهُودِيَّانِ وَ مَنْ
أَنْتَ فَقَالَ لَهُمَا أَنَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ بْنُ
عَبْدِ الْمُطَّلِبِ أَخُو النَّبِيِّ وَ زَوْجُ ابْنَتِهِ فَاطِمَةَ
وَ أَبُو الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ وَصِيُّهُ فِي حَالَتِهِ
كُلُّهَا وَ صَاحِبُ كُلِّ مَنْقَبَةٍ وَ عَزٌّ وَ مَوْضِعُ سِرِّ
النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ لَهُ أَحَدُ الْيَهُودِيِّينَ مَا أَنَا
وَ أَنْتَ عِنْدَ اللَّهِ قَالَ أَنَا مُؤْمِنٌ مُنْذُ عَرَفْتُ نَفْسِي
وَ أَنْتَ كَافِرٌ مُنْذُ عَرَفْتُ نَفْسَكَ فَمَا أَدْرِي مَا
يُحَدِّثُ اللَّهُ فِيكَ يَا يَهُودِيٌّ بَعْدَ ذَلِكَ فَقَالَ
الْيَهُودِيُّ فَمَا نَفْسُ فِي نَفْسٍ لَيْسَ بَيْنَهُمَا رَحِمٌ
وَ لَا قَرَابَةٌ قَالَ ذَاكَ يُؤْنَسُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي بَطْنِ الْحَوْتِ
قَالَ فَمَا قَبْرٌ سَارَ بِصَاحِبِيهِ قَالَ يُؤْنَسُ حِينَ
طَافَ بِهِ الْحَوْتُ فِي سَبْعَةِ أَبْحُرٍ قَالَ لَهُ
فَالشَّمْسُ مِنْ أَيْنَ تَطْلُعُ قَالَ مِنْ بَيْنِ قَرْنَيْ

الشَّيْطَانِ قَالَ فَأَيْنَ تَغْرُبُ قَالَ فِي عَيْنِ حَامِيَةٍ
قَالَ لِي حَيِّي رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لَا تُصَلِّ فِي
إِقْبَالِهَا وَلَا فِي إِذْبَارِهَا حَتَّى تَصِيرَ مِقْدَارَ
رُمْحٍ أَوْ رُمْحَيْنِ قَالَ فَأَيْنَ طَلَعَتِ الشَّمْسُ ثُمَّ لَمْ
تَطْلُعْ فِي ذَلِكَ الْمَوْضِعِ قَالَ فِي الْبَحْرِ حِينَ
فَلَقَهُ اللَّهُ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ لِقَوْمِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لَهُ
فَرُبُّكَ يَحْمِلُ أَوْ يُحْمَلُ قَالَ إِنْ رَبِّي عَزَّ وَجَلَّ
يَحْمِلُ كُلَّ شَيْءٍ بِقُدْرَتِهِ وَلَا يَحْمِلُهُ شَيْءٌ قَالَ
فَكَيْفَ قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ وَ يَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ
يَوْمَئِذٍ ثَمَانِيَةَ قَالَ يَا يَهُودِي أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ
لِللَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَمَا
بَيْنَهُمَا وَمَا تَحْتَ الثَّرَى فَكُلُّ شَيْءٍ عَلَى
الثَّرَى وَ الثَّرَى عَلَى الْقُدْرَةِ وَ الْقُدْرَةُ تَحْمِلُ
كُلَّ شَيْءٍ قَالَ فَأَيْنَ تَكُونُ الْجَنَّةُ وَ أَيْنَ تَكُونُ
النَّارُ قَالَ أَمَا الْجَنَّةُ فَفِي السَّمَاءِ وَ أَمَا
النَّارُ فَفِي الْأَرْضِ قَالَ فَأَيْنَ يَكُونُ وَجْهُ رَبِّكَ
فَقَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِي يَا ابْنَ عَبَّاسٍ
انْتَبِ بِنَارٍ وَ حَطْبٍ فَأَتَيْتُهُ بِنَارٍ وَ حَطْبٍ
فَأُضْرَمَهَا ثُمَّ قَالَ يَا يَهُودِي أَيْنَ يَكُونُ وَجْهُ
هَذِهِ النَّارِ قَالَ لَا أَقِفُ لَهَا عَلَيَّ وَجْهٍ قَالَ
فَإِنْ رَبِّي عَزَّ وَجَلَّ عَنْ هَذَا الْمَثَلِ وَ لَهُ
الْمَشْرِقُ وَ الْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا ثَوَّلُوا فَثَمَّ وَجْهُ اللَّهِ
فَقَالَ لَهُ مَا اثْنَانِ شَاهِدَانِ قَالَ السَّمَاوَاتُ وَ
الْأَرْضُ لَا يَغِيبَانِ سَاعَةً قَالَ فَمَا اثْنَانِ
غَائِبَانِ قَالَ الْمَوْتُ وَ الْحَيَاةُ لَا يُوقَفُ
عَلَيْهِمَا قَالَ فَمَا اثْنَانِ مُتَبَاغِضَانِ قَالَ
اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ قَالَ فَمَا الْوَاحِدُ قَالَ اللَّهُ عَزَّ
وَ جَلَّ قَالَ فَمَا الْإِثْنَانِ قَالَ آدَمُ وَ حَوَاءُ قَالَ
فَمَا الثَّلَاثَةُ قَالَ كَذَّبَتِ النَّصَارَى عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ
جَلَّ فَقَالُوا ثَالِثُ ثَلَاثَةٍ وَ اللَّهُ لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً
وَ لَا وَلَدًا قَالَ فَمَا الْأَرْبَعَةُ قَالَ الْقُرْآنُ وَ
الرُّبُورُ وَ التَّوْرَاةُ وَ الْإِنْجِيلُ قَالَ فَمَا
الْخَمْسَةُ قَالَ خَمْسُ صَلَوَاتٍ مُفْتَرَضَاتٍ قَالَ فَمَا
السَّتَّةُ قَالَ خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ وَ مَا
بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ قَالَ فَمَا السَّبْعَةُ قَالَ
سَبْعَةُ أَبْوَابِ النَّارِ مُتَطَائِفَاتٍ قَالَ فَمَا

الْثَّمَانِيَةَ قَالَ ثَمَانِيَةَ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ قَالَ
فَمَا التُّسْعَةُ قَالَ تِسْعَةُ رَهْطٍ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ
وَلَا يُصْلِحُونَ قَالَ فَمَا الْعَشْرَةُ قَالَ عَشْرَةُ
أَيَّامِ الْعَشْرِ قَالَ فَمَا الْأَحَدُ عَشَرَ قَالَ قَوْلُ
يُوسُفَ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ
كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ
قَالَ فَمَا الْإِثْنَا عَشَرَ قَالَ شَهْرُ السَّنَةِ قَالَ
فَمَا الْعِشْرُونَ قَالَ بَيْعُ يُوسُفَ بَعِشْرِينَ دِرْهَمًا
قَالَ فَمَا الثَّلَاثُونَ قَالَ ثَلَاثُونَ يَوْمًا شَهْرُ
رَمَضَانَ صِيَامُهُ فَرَضٌ وَاجِبٌ عَلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ إِلَّا مَنْ
كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ قَالَ فَمَا الْأَرْبَعُونَ
قَالَ كَانَ مِيقَاتِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ ثَلَاثُونَ لَيْلَةً فَأَتَمَّهَا
اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِعَشْرِ فِتْمَ مِيقَاتِ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ
لَيْلَةً قَالَ فَمَا الْخَمْسُونَ قَالَ لَيْتَ نُوحٍ فِي
قَوْمِهِ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا قَالَ فَمَا
السُّتُونَ قَالَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي كَفَّارَةِ
الطَّهَارِ فَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فِإِطْعَامِ سِتِّينَ مِسْكِينًا
إِذَا لَمْ يَقْدِرْ عَلَى صِيَامِ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ
قَالَ فَمَا السَّبْعُونَ قَالَ اخْتَارَ مُوسَى قَوْمَهُ
سَبْعِينَ رَجُلًا لِمِيقَاتِ رَبِّهِ عَزَّ وَجَلَّ قَالَ فَمَا
الْثَّمَانُونَ قَالَ قَرْيَةً بِالْجَزِيرَةِ يُقَالُ لَهَا
ثَمَانُونَ مِنْهَا قَعَدَ نُوحٌ فِي السَّقِينَةِ وَاسْتَوَتْ
عَلَى الْجُودِيِّ وَ أَغْرَقَ اللَّهُ الْقَوْمَ قَالَ فَمَا
التَّسْعُونَ قَالَ الْفُلْكَ الْمَشْحُونُ اتَّخَذَ نُوحٌ عَلَيْهِ
فِيهِ تِسْعِينَ بَيْتًا لِلْبَهَائِمِ قَالَ فَمَا الْمِائَةُ
قَالَ كَانَ أَجَلُ دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ سِتِّينَ سَنَةً فَوَهَبَ لَهُ
آدَمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَرْبَعِينَ سَنَةً مِنْ عُمُرِهِ فَلَمَّا حَضَرَتْ آدَمَ
الْوَفَاةَ جَحَدَ فَجَحَدَتْ ذُرِّيَّتُهُ فَقَالَ لَهُ يَا شَابُّ
صِفْ لِي مُحَمَّدًا كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَيْهِ حَتَّى أَوْمِنَ بِهِ
السَّاعَةَ فَبَكَى أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ ثُمَّ قَالَ يَا
يَهُودِي هَيَّجَتْ أَحْزَانِي كَانَ حَيِّي يَرْسُولُ
اللَّهُ ﷻ صَلَّتْ الْجَبِينِ مَقْرُونَ الْحَاجِبِينَ أَدْعَجَ
الْعَيْنَيْنِ سَهْلَ الْخَدَيْنِ أَقْنَى الْأَنْفِ دَقِيقَ
الْمَسْرُبَةِ كَتَّ اللَّحِيَةَ بَرَّاقَ الثَّنَائِيَا كَأَنَّ
عُنُقَهُ ابْرِيْقُ فِضَّةٍ كَانَ لَهُ شَعِيرَاتٌ مِنْ لَبَّتِهِ
إِلَى سُرَّتِهِ مَلْفُوفَةٌ كَأَنَّهَا قَضِيبٌ كَافُورٍ لَمْ

يَكُنْ فِي بَدَنِهِ شُعَيْرَاتٌ غَيْرُهَا لَمْ يَكُنْ
 بِالطَّوِيلِ الدَّاهِبِ وَ لَا بِالْقَصِيرِ النَّزْرِ كَانَ
 إِذَا مَشَى مَعَ النَّاسِ عَمَرَهُمْ نُورُهُ وَ كَانَ إِذَا
 مَشَى كَأَنَّهُ يَتَقَلَّعُ مِنْ صَخْرٍ أَوْ يَنْحَدِرُ مِنْ صَبَبٍ
 كَانَ مُدَوَّرَ الْكَعْبَيْنِ لَطِيفَ الْقَدَمَيْنِ دَقِيقَ
 الْخَصْرِ عَمَامَتُهُ السَّحَابُ وَ سَيْفُهُ ذُو الْفَقَارِ وَ
 بَغْلَتُهُ دُلْدُلٌ وَ حِمَارُهُ الْيَعْفُورُ وَ نَاقَتُهُ
 الْعَضْبَاءُ وَ فَرَسُهُ لَزَّازٌ وَ قَضِيْبُهُ الْمَمَشُوقُ وَ
 كَانَ عَلَيْهِ أَشْفَقَ النَّاسِ عَلَى النَّاسِ وَ أَرَأَفَ
 النَّاسِ بِالنَّاسِ كَانَ بَيْنَ كَتِفَيْهِ خَاتَمُ النُّبُوَّةِ
 مَكْتُوبٌ عَلَى الْخَاتَمِ سَطْرَانٌ أَمَّا أَوَّلُ سَطْرِ فَلَا
 إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَمَّا الثَّانِي فَمُحَمَّدٌ رَسُوْلُ
 اللَّهِ ﷺ هَذِهِ صِفَتُهُ يَا يَهُودِيُّ فَقَالَ الْيَهُودِيَّانِ
 نَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُوْلُ
 اللَّهِ ﷺ وَ أَنَّكَ وَصِيُّ مُحَمَّدٍ حَقًّا فَأَسْلَمَا وَ حَسَنَ
 إِسْلَامُهُمَا وَ لَزِمَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَكَانَا
 مَعَهُ حَتَّى كَانَ مِنْ أَمْرِ الْجَمَلِ مَا كَانَ فَخَرَجَا
 مَعَهُ إِلَى الْبَصْرَةِ فَقَتِلَ أَحَدُهُمَا فِي وَقْعَةٍ
 الْجَمَلِ وَ بَقِيَ الْآخَرُ حَتَّى خَرَجَ مَعَهُ إِلَى صِفْيَيْنَ
 فَقَتِلَ بِصِفْيَيْنَ

۱ - عبد الله بن عباس گوید دو برادر
 یهودی که از رؤسای یهود بودند به مدینه
 آمدند و گفتند ای مردم از پیغمبر ما به
 ما رسیده است که در مکه پیغمبری پدید
 آید که افکار یهود را سفيهانه می‌شمارد و
 از دینشان انتقاد میکند و ما می‌ترسیم که
 آن پیغمبر ما را از دینی که پدران ما
 داشته‌اند برگرداند کدام از شما آن
 پیغمبر هستید؟ که اگر همان باشد که داود
 مژده آن را داده است باو ایمان آورده و
 پیروی خواهیم نمود و اگر او نیست و فقط
 سخنرانی منظم میکند و شعر می‌گوید و با
 نیروی زبان خود بر ما چیره می‌گردد با
 جان و مال خودمان با او مبارزه خواهیم
 کرد کدام يك از شما این پیغمبر است؟

مهاجرین و انصار گفتند پیغمبر ما از دنیا رفته است آن دو گفتند حمد خدا را، جانشین او کدام يك از شماست؟ زیرا خدای عز و جل پیغمبری را به قومی نفرستاده مگر اینکه او را جانشین بوده که پس از او انجام وظیفه کند و آنچه او از طرف پروردگار مأموریت داشته برای مردم بازگو کند پس مهاجرین و انصار به ابی بکر اشاره نموده و گفتند او وصی پیغمبر است آن دو بابی بکر گفتند ما سؤالاتی پیشنهاد خواهیم کرد که بر جانشینان پیغمبران پیشنهاد می‌شود و پرسش‌هایی از تو داریم که از اوصیاء پرسیده می‌شود ابی بکر به آنان گفت هر چه می‌خواهید پیشنهاد کنید که من پاسخ آن را به شما خواهم داد ان شاء الله یکی از آن دو گفت من و تو در نزد خدای عز و جل چه مقامی داریم و چه جاننداری بود که در جاندار دیگری جا داشت و میان آنها خویشی و پیوند نژادی نبود؟ و کدام قبری بود که صاحب خود را با خود میگردانید؟

و آفتاب از کجا سر می‌زند؟ و در کجا غروب میکند؟ و به کجا آفتاب تابید که پس از آن دیگر آنجا نتابید؟ و بهشت کجا؟ و دوزخ کجا است؟ و پروردگار تو حمل میکند یا حمل می‌شود؟ و روی پروردگار تو بکدام سمت است؟ و آن دو که حاضرند کدامند؟ و آن دو که غایبند کدامند؟ و آن دو که با هم دشمنند کدامند؟ و يك چیست؟ و دو چیست؟ و سه چیست؟ و چهار چیست؟ و پنج چیست؟ و شش چیست؟

و هفت چیست؟ و هشت چیست؟ و نه چیست؟ و ده چیست؟ و یازده چیست؟ و دوازده چیست؟ و بیست چیست؟ و سی چیست؟ و چهل چیست؟ و پنجاه چیست؟ و شصت چیست؟ و هفتاد چیست؟ و هشتاد چیست و نود چیست؟ و صد چیست؟

راوی گوید ابو بکر آن چنان فرو ماند
 که هیچ پاسخی نمیتوانست بدهد و ما
 ترسیدیم که مبادا مردم از دین اسلام
 برگردند پس من بخانه علی بن ابی طالب
 آمدم و باو عرض کردم یا علی بزرگان یهود
 بمدینه آمدند و پرسش‌هایی از ابی بکر
 کردند که ابی بکر فرومانده و پاسخ نداده
 پس علی ع لبخندی بروی من زد و سپس
 فرمود همان روزی است که رسول خدا
ص بمن وعده فرمود پس پیشاپیش من براه
 افتاد و راه رفتنش با راه رفتن پیغمبر
 هیچ تفاوتی نداشت آمد تا در همان جایی
 که رسول خدا ص می‌نشست بنشست سپس روی
 بآن دو یهودی کرد و فرمود هر دو نزدیک
 من آئید و سؤالاتی که از این پیرمرد
 داشتید از من بپرسید آن دو گفتند شما که
 هستید؟ فرمود من علی ابن ابی طالب فرزند
 عبد المطلب و برادر پیغمبر و شوهر دخترش
 فاطمه و پدر حسن و حسین و جانشین او
 هستم در تمام حالات و دارای همه منقبت‌ها
 و عزت‌ها و رازدار پیغمبرم پس یکی از آن
 دو یهودی گفت من و تو نزد خدا چه مقامی
 داریم فرمود من از روزی که خود را
 شناخته‌ام مؤمن بودم و تو از روزی که خود
 را شناختی کافر بودی و از این پس
 نمیدانم خدا با تو چه خواهد کرد یهودی
 گفت کدام جاننداری است که در میان
 جاننداری دیگر بوده و در میان آن دو
 خویشی و پیوند نژادی نبوده است؟ فرمود
 آن یونس بود که در شکم ماهی جا داشت گفت
 کدام قبری است که صاحب خود را
 میگردانید؟ فرمود یونس بود هنگامی که
 ماهی او را در هفت دریا گردانید عرض کرد
 آفتاب از کجا بر می‌آید؟ فرمود از میان
 دو شاخ شیطان عرض کرد کجا غروب میکند؟
 فرمود در چشمه‌ای گرم که دوست من رسول

خدا ﷺ فرمود که هنگام بر آمدن آفتاب و هنگام غروبش نماز نخوان تا آنکه باندازه يك نيزه و يا دو نيزه بشود عرض کرد کجا بود که آفتاب بر آنجا تابیده و دیگر بآنجا نتابید؟ فرمود در همان دریائی که خداوند برای بنی اسرائیل و قوم موسی شکافت عرض کرد پروردگار تو حمل میکند تا حمل می‌شود فرمود پروردگار من عز و جل با قدرت و نیروی خود همه چیز را حمل میکند و هیچ چیز نتواند او را حمل نماید عرض کرد پس معنی آیه که میفرماید عرش پروردگار تو را در این روز هشت تن حمل میکنند چیست؟ فرمود ای یهودی آیا ندانسته‌ای که آنچه در آسمانهاست و آنچه که در زمین است و آنچه که در میان آن دو است و آنچه که در زیر خاک است همه از آن خداست پس همه چیز بر روی خاک است و خاک بر قدرت استوار است و قدرت همه چیز را حمل میکند عرض کرد بهشت کجا است و دوزخ کجا؟ اما بهشت در آسمان است و اما دوزخ بر روی زمین عرض کرد روی پروردگار تو بچه سو است علی عليه السلام بمن فرمود ای پسر عباس آتشی و هیزمی برای من بیاور من آتش و هیزم به نزد او آوردم پس آن حضرت هیزم را آتش زد و گفت ای یهودی روی این آتش بکدام سو است یهودی گفت من روئی برای آن نمی‌بینم فرمود پروردگار من عز و جل بدین گونه است و مشرق و مغرب از آن اوست هر جا رو کنید همان جا مورد توجه خداست عرض کرد آن دو که شاه‌دند چیست؟ فرمود آسمانها و زمین که يك ساعت از نظر غایب میشوند گفت آن دو که غایبند چیست فرمود مرگ و زندگی که آن دو را نمیشود دید عرض کرد آن دو که با هم دشمنند چیست؟ فرمود شب و روز عرض کرد يك چیست؟ فرمود خدای عز و جل عرض کرد و چیست؟ فرمود آدم و

حوا عرض کرد سه چیست؟ فرمود دروغی که نصاری بر خدای عز و جل بستند و گفتند خدا سومین از سه تا است با اینکه خداوند همسر و فرزندی ندارد عرض کرد چهار چیست؟ فرمود قرآن و زبور و تورات و انجیل عرض کرد پنج چیست فرمود پنج نمازی که واجب شده است. عرض کرد شش چیست؟ فرمود خداوند آسمان‌ها و زمین را و آنچه که در میان آن است در شش روز آفرید عرض کرد هفت چیست؟ فرمود هفت در دوزخ که بر روی هم بسته می‌شود عرض کرد هشت چیست؟ فرمود هشت در بهشت عرض کرد نه چیست؟ فرمود نه خانواده (قوم صالح) در روی زمین که فساد میکردند و اصلاح نمی‌کردند. عرض کرد ده چیست؟ فرمود ده روز از ده عرض کرد یازده چیست؟ فرمود گفتار یوسف بپدرش که ای پدر یازده ستاره و آفتاب و ماه را دیدم که بر من سجده میکردند عرض کرد دوازده چیست؟ فرمود ماههای سال عرض کرد بیست چیست فرمود فروش یوسف به بیست درهم عرض کرد سی چیست؟ فرمود سی روز ماه رمضان که روزه اش واجب است بر هر مؤمنی مگر اینکه بیمار باشد یا مسافر عرض کرد چهل چیست؟ فرمود میقات موسی که سی شب بود که خداوند ده روز بآن افزود و چهل شب تمام شد عرض کرد پنجاه چیست؟ فرمود نوح در میان قومش هزار سال ماند بجز پنجاه سال عرض کرد شصت چیست؟ فرمود گفتار خدای عز و جل در کفاره ظهار که میفرماید هر کس نتواند پس باید بشصت مسکین طعام بدهد یعنی اگر دو ماه روزه پی در پی نتواند بگیرد عرض کرد هفتاد چیست؟ فرمود موسی از قوم خودش هفتاد نفر انتخاب کرد برای میقات خدای عز و جل عرض کرد هشتاد چیست؟ فرمود نام دهی است در جزیره که نوح از آنجا سوار کشتی شد و کشتی بر جودی نشست

و خداوند قوم نوح را برق نمود عرض کرد نود چیست فرمود همانا کشتی نوح است که پر بود و نوح در آن برای جانوران خانه نود ساخت عرض کرد صد چیست؟ فرمود عمر داود شصت سال بود و آدم چهل سال از عمر خود را به او بخشید و چون هنگام مرگ آدم فرا رسید بخشش خود را انکار کرد و نژاد او نیز انکار کردن را به ارث بردند پس یهودی عرض کرد ای جوان محمد را برای من توصیف کن همچنان که گویی بچشم می‌بینم تا هم اکنون با او ایمان بیاورم امیر المؤمنین گریه کرد سپس فرمود ای یهودی اندوهای مرا بر انگیختی دوست من رسول خدا ﷺ شخصی بود پیشانی بلند ابروان پیوسته سیاه چشم گونه‌های صورتش بدون برآمدگی بینیش کشیده نازک لب پر ریش دندانهای جلو درخشان گردنش هم چون تنگ نقره بود خط موئی از سینه تا ناف کشیده شده بود همچون شاخه کافور و جز آن در بدنش موئی نبود نه زیاد بلند بالا بود و نه کوتاه قد چون با مردم راه میرفت نورش آنان را فرا می‌گرفت و چون قدم بر میداشت گوئی پا از سنگ می‌کند و یا از شیبی سرازیر میگردد دو کعبش کرد بود و دو قدمش نازک بود میان باریک بود عامه‌اش صحاب نام داشت و شمشیر از ذو الفقار و استر سواریش دلدل و دراز گوشش رونده مانند آهو و شترش ماده شتر رام نشده و اسبش لزاز و تازیانه‌اش ممشوق و حضرتش از همه کس بمردم مهربان‌تر بود و از همه کس بمردم دلسوزتر میان دو شانه‌اش مهر نبوت بود که بر آن مهر دو سطر نوشته شده بود اما سطر اول لا اله الا الله و سطر دوم محمد رسول الله این بود صفت پیغمبر ای یهودی پس آن دو یهودی گفتند شهادت میدهیم ما که خدائی جز خدای یکتا نیست و اینکه محمد فرستاده اوست و تو جانشین بر حق محمد

هستی پس هر دو اسلام پذیرفتند و مسلمان خوبی شدند و ملازم خدمت امیر المؤمنین بودند و با آن حضرت بودند تا واقعه جمل پیش آمد در رکاب آن حضرت به بصره رفتند یکی از آن دو تن در جنگ جمل کشته شد و دیگری ماند تا در رکاب حضرت به صفین رفت و آنجا کشته شد.

اهل بهشت يك صد و بیست صنفند

۲ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَبِيهِ رَفَعَهُ إِلَى بَعْضِ الصَّادِقِينَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ جَاءَ رَجُلَانِ مِنْ يَهُودِ خَيْبَرَ وَمَعَهُمَا التَّوْرَةُ مَنْشُورَةٌ يُرِيدَانِ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَوَجَدَاهُ قَدْ قُبِضَ فَأَتِيَا أَبَا بَكْرٍ فَقَالَا إِنَّا قَدْ جِئْنَا نُرِيدُ النَّبِيَّ لِنَسْأَلَهُ عَنْ مَسْأَلَةٍ فَوَجَدْنَاهُ قَدْ قُبِضَ فَقَالَ وَمَا مَسَأَلْتُكُمَا قَالَا أَخْبِرْنَا عَنِ الْوَاحِدِ وَالْإِثْنَيْنِ وَالثَّلَاثِ وَالْأَرْبَعَةِ وَالْخَمْسَةِ وَالسَّتَّةِ وَالسَّبْعَةِ وَالْثَّمَانِيَةِ وَالتَّسْعَةَ وَالْعَشْرَةَ وَالْعِشْرِينَ وَالثَّلَاثِينَ وَالْأَرْبَعِينَ وَالْخَمْسِينَ وَالسَّتِينَ وَالسَّبْعِينَ وَالْثَّمَانِينَ وَالتَّسْعِينَ وَالْمِائَةَ فَقَالَ لَهُمَا أَبُو بَكْرٍ مَا عِنْدِي فِي هَذَا شَيْءٍ ائْتِيَا عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ قَالَ فَأَتِيَاهُ فَقَصَّا عَلَيْهِ الْقِصَّةَ مِنْ أَوْلِيهَا وَمَعَهُمَا التَّوْرَةُ مَنْشُورَةٌ فَقَالَ لَهُمَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّا أَخْبَرْتُكُمَا بِمَا تَجِدَانِهِ عِنْدَكُمَا تُسَلِّمَانِ قَالَا نَعَمْ قَالَ أَمَّا الْوَاحِدُ فَهُوَ اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَمَّا الْإِثْنَانِ فَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لَا تَتَّخِذُوا الْهَيْنِ ائْتَيْنِ إِنَّمَا هُوَ إِلَهُ وَاحِدٌ وَ أَمَّا الثَّلَاثَةُ وَالْأَرْبَعَةُ وَالْخَمْسَةُ وَالسَّتَّةُ وَالسَّبْعَةُ وَالْثَّمَانِيَةُ فَهُنَّ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ

فِي كِتَابِهِ فِي أَصْحَابِ الْكَهْفِ سَيَقُولُونَ ثَلَاثَةً
 رَابِعُهُمْ كَلْبُهُمْ وَ يَقُولُونَ خَمْسَةً سَادِسُهُمْ
 كَلْبُهُمْ رَجْمًا بِالْغَيْبِ وَ يَقُولُونَ سَبْعَةً وَ
 ثَامِنُهُمْ كَلْبُهُمْ وَ أَمَّا التَّسْعَةُ فَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ
 وَ جَلَّ فِي كِتَابِهِ وَ كَانَ فِي الْمَدِينَةِ تِسْعَةَ
 رَهْطٍ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَ لَا يُصْلِحُونَ وَ أَمَّا
 الْعَشْرَةُ فَقَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ تِلْكَ عَشْرَةٌ كَامِلَةٌ وَ
 أَمَّا الْعَشْرُونَ فَقَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فِي كِتَابِهِ إِنَّ
 يَكُنْ مِنْكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ وَ
 أَمَّا الثَّلَاثُونَ وَ الْأَرْبَعُونَ فَقَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ
 فِي كِتَابِهِ وَ وَاَعَدْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَ
 أَتَمَمْنَاهَا بِعَشْرِ فِتْمٍ مِيقَاتٍ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ
 لَيْلَةً

وَ أَمَّا الْخَمْسُونَ فَقَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فِي يَوْمِ
 كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ وَ أَمَّا السُّتُونَ
 فَقَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فِي كِتَابِهِ فَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ
 فَأَطْعَامُ سِتِّينَ مِسْكِينًا وَ أَمَّا السَّبْعُونَ فَقَوْلُ
 اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فِي كِتَابِهِ وَ اخْتَارَ مُوسَى قَوْمَهُ
 سَبْعِينَ رَجُلًا لِمِيقَاتِنَا وَ أَمَّا الثَّمَانُونَ فَقَوْلُ
 اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فِي كِتَابِهِ وَ الَّذِينَ يَزْمُونَ
 الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ
 فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً وَ أَمَّا التَّسْعُونَ
 فَقَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فِي كِتَابِهِ إِنَّ هَذَا أَخِي لَهُ
 تِسْعٌ وَ تِسْعُونَ نَعْجَةً وَ أَمَّا الْمِائَةُ فَقَوْلُ اللَّهِ
 عَزَّ وَ جَلَّ فِي كِتَابِهِ الزَّانِيَةُ وَ الزَّانِي
 فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ قَالَ
 فَأَسْلَمَ الْيَهُودِيَّانِ عَلَى يَدَيْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ

ع

۲ - یکی از صادقان آل محمد میفرماید
 دو تن از یهودیان خیبر که تورات را
 گشوده با خود داشتند بقصه ملاقات پیغمبر
 آمدند وقتی آمدند دیدند پیغمبر از دنیا
 رفته پس به نزد ابی بکر آمدند و گفتند
 ما آمده بودیم و مقصود ما دیدار پیغمبر
 بود تا از او سؤالی بکنیم اکنون می بینیم
 که او از دنیا رفته ابو بکر گفت سؤال
 شما چیست؟ گفتند ما را خبر ده از یکی و

دو سه و چهار و پنج و شش و هفت و هشت و نه و ده و بیست و سی و چهل و پنجاه و شصت و هفتاد و هشتاد و نود و صد ابو بکر گفت در این باره چیزی نزد من نیست بخدمت علی ابن ابی طالب برسید راوی گوید به نزد آن حضرت آمدند و جریان را از اول تا آخر عرض کردند و تورات را هم چنان گشاده به همراه داشته امیر المؤمنین به آنان فرمود اگر پاسخ این پرسش‌ها را آن چنان که خودتان میدانید بگویم اسلام را خواهید پذیرفت؟ عرض کردند آری اما يك او خدای یکتا است که شريك ندارد.

و اما دو فرموده خدای عز و جل است (سوره نحل آیه ۵۱) دو خدا برای خود نگیرید که خدا فقط یکی است.

و اما سه و چهار و پنج و شش و هفت و هشت فرموده خدای عز و جل است در قرآنش در باره اصحاب کهف (سوره کهف آیه ۲۲) گویند که اصحاب کهف سه نفر بودند که چهارمیشان سگ آنان است و گویند پنج نفرند ششمی آنان سگشان است و این گفتارشان سگ به تاریکی انداختن است و میگویند که هفت نفر بودند و هشتمی آنان سگشان است.

و اما نه فرمایش خدای عز و جل است در قرآن است (سوره نمل آیه ۴۸) نه طایفه در شهر بودند که در زمین فساد میکردند و اصلاح نمی‌نمودند).

و اما ده فرموده خدای عز و جل است (سوره بقره آیه ۱۹۶) این ده روز تمام و او بیست فرموده خدای عز و جل است (سوره انفال آیه ۶۵) اگر بیست نفر از شما پایدار باشد به دویست نفر پیروز خواهد شد) و او سی و چهل فرموده خدای عز و جل است در قرآن (سوره اعراف آیه ۱۴۲) ما بموسی سی شب وعده دادیم و باده شب دیگر

کاملش کردیم تا وعده پروردگارش چهل شب کامل گردید).

و اما پنجاه فرموده خدای عز و جل است در قرآنش (سوره معارج آیه ۴ در روزی که اندازه اش پنجاه هزار سال است).

و اما شصت فرموده خدای عز و جل است در قرآنش (سوره مجادله آیه ۴ کسی که نتواند شصت در مانده را طعام دهد).

و اما هفتاد فرمایش خدای عز و جل است در قرآنش (سوره اعراف آیه ۵۵ موسی از میان قوم خود هفتاد نفر برای وعده گاه ما برگزید).

و اما هشتاد فرموده خدای عز و جل است در قرآنش (سوره نور آیه ۴ آنان که زنان شوهر در را متهم بزنا میکنند و چهار نفر گواه بر گفتار خود ندارند هشتاد تازیانه به آنان بزنید).

و اما نود فرموده خدای عز و جل است در قرآنش (سوره صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ آیه ۲۳ این برادر من است که نود و نه گوسفند دارد).

و اما صد فرموده خدای عز و جل است در قرآنش (سوره نور آیه ۲ هر زن زناکار و مرد زنا کار را به هر يك صد تازیانه بزنید) راوی گوید هر دو یهودی بدست امیر المؤمنین اسلام پذیرفتند.

پیغمبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يك صد و بیست بار به آسمان بالا رفت

عرج النبی صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ إلى السماء مائة و عشرين مرة

۳ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ مَثِيلِ الدَّقَّاقِ قَالَ حَدَّثَنَا سَلَمَةُ بْنُ الْخَطَّابِ عَنْ مَنِيعِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ يُونُسَ عَنْ صَبَّاحِ الْمُزْنِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ عَرَجَ

النَّبِيِّ ﷺ مِائَةً وَ عَشْرِينَ مَرَّةً مَا مِنْ مَرَّةٍ إِلَّا
 وَ قَدْ أَوْصَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِيهَا النَّبِيَّ ﷺ
 بِالْوَلَايَةِ لِعَلِيٍّ وَ الْأَئِمَّةِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَكْثَرَ مِمَّا أَوْصَاهُ
 بِالْفَرَائِضِ

۳ - امام صادق عليه السلام فرموده پیغمبر يك صد
 و بیست بار معراج فرمود و هیچ باز نشد
 مگر اینکه خدای عز و جل او را به ولایت
 علی و امامان توصیه فرمود بیش از آنکه
 به واجبات توصیه می‌فرمود.

میوه يك صد و بیست نوع است

الفاكهة مائة و عشرون لونا
 ۴ - حَدَّثَنَا أَبِي وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ
 عَنْهُمَا قَالَا حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ وَ عَبْدُ اللَّهِ
 بْنُ جَعْفَرِ الْجَمِيرِيِّ جَمِيعاً عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ
 بْنِ عَيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَمَّنْ ذَكَرَهُ
 عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ لَمَّا أَهْبَطَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ
 آدَمَ ﷺ مِنَ الْجَنَّةِ أَهْبَطَ مَعَهُ عَشْرِينَ وَ مِائَةَ
 قَضِيبٍ مِنْهَا أَرْبَعُونَ مَا يُؤْكَلُ دَاخِلُهَا وَ
 خَارِجُهَا وَ أَرْبَعُونَ مِنْهَا مَا يُؤْكَلُ دَاخِلُهَا وَ
 يُرْمَى بِخَارِجِهَا وَ أَرْبَعُونَ مِنْهَا مَا يُؤْكَلُ
 خَارِجُهَا وَ يُرْمَى بِدَاخِلِهَا وَ غِرَارَةٌ فِيهَا بَزْرُ
 كُلِّ شَيْءٍ

۴ - امام صادق عليه السلام فرمود: چون خدای عز و
 جل آدم را از بهشت فرود آورد يك صد و
 بیست شاخه با او فرو فرستاد که چهل شاخه
 از آن میوه اش خوردنی است چه اندرونش و
 چه بیرونش و چهل شماره از آن میوه اش
 اندرونش خوردنی است ولی بیرونش دور
 انداخته می‌شود و چهل شماره از آن میوه
 ایست که بیرونش خوردنی است و اندرونش
 دور انداخته می‌شود و همراه آدم جوالی
 بود که تخم هر چیزی در آن بود.

اهل بهشت يك صد و بيست صنفند

اهل الجنة عشرون و مائة صنف
۵ حَدَّثَنَا أَبُو أَحْمَدَ مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ
الْبُنْدَارِ الشَّافِعِيُّ بِفَرْغَانَةَ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو
الْعَبَّاسِ الْحَمَّادِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا صَالِحُ بْنُ مُحَمَّدٍ
الْبَغْدَادِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عُبَيْدُ اللَّهِ بْنُ عَمْرٍو
الْقَوَارِيرِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُؤَمَّلُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ
قَالَ حَدَّثَنَا سُفْيَانُ الثَّوْرِيُّ عَنْ عَلْقَمَةَ بْنِ
مَرْثَدٍ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ بُرَيْدَةَ عَنْ أَبِيهِ قَالَ
قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَهْلُ الْجَنَّةِ عِشْرُونَ وَ مِائَةً
صِنْفٍ هَذِهِ الْأُمَّةُ مِنْهَا ثَمَانُونَ صِنْفًا
۵ - رسول خدا ﷺ فرمود: اهل بهشت يك
صد و بيست صنف ميباشند كه هشتاد صنف آن
از اين امت است.

هر كس قرآن را حفظ كند ساليانه دويست دينار از بيت المال حقوق دارد

من حفظ القرآن فله في كل سنة مائتا
دينار في بيت المال
۶ - حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ
الْحُسَيْنِ الْبَرَّازُ قَالَ أَخْبَرَنِي أَبُو حَامِدٍ أَحْمَدُ
بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ حَمَّوَيْهِ قَالَ أَخْبَرَنَا أَبُو جَعْفَرِ
مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ سَعِيدِ الرَّازِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا
الْعَبَّاسُ بْنُ حَمَزَةَ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ
إِبْرَاهِيمَ الدَّوْرَقِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا الرَّبِيعُ بْنُ
بَدْرِ عَنْ أَبِي الْأَشْهَبِ النَّخَعِيِّ قَالَ قَالَ عَلِيُّ بْنُ
أَبِي طَالِبٍ عليه السلام مَنْ دَخَلَ فِي الْإِسْلَامِ طَائِعًا وَ قَرَأَ
الْقُرْآنَ ظَاهِرًا فَلَهُ فِي كُلِّ سَنَةٍ مِائَتَا دِينَارٍ
فِي بَيْتِ مَالِ الْمُسْلِمِينَ إِنْ مُنِعَ فِي الدُّنْيَا
أَخَذَهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَافِيَةً أَحْوَجَ مَا يَكُونُ
إِلَيْهَا

۶ - امير المؤمنين عليه السلام فرمود: كسى كه
بمیل خودش دين اسلام را پذيرفت و قرآن
تلاوت كرد ساليانه دويست دينار از صندوق

دارائی مسلمانان حقوق دریافت میکنند و اگر در دنیا حقوقش پرداخت نشد روز قیامت که نیازمندتر است بآن حقوق خود را تماماً دریافت خواهد کرد.

سال سیصد و شصت روز است

السنة ثلاثمائة و ستون يوماً
 ۷ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ يَقْطِينٍ عَنْ بَكْرِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ عَنْ أَبِيهِ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ السَّنَةِ كَمْ يَوْمًا هِيَ قَالَ ثَلَاثِمِائَةٍ وَ سِتُونَ يَوْمًا مِنْهَا سِتَّةُ أَيَّامٍ خَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِيهَا الدُّنْيَا فَطَرَحَتْ مِنْ أَصْلِ السَّنَةِ فَصَارَتْ السَّنَةُ ثَلَاثِمِائَةٍ وَ أَرْبَعَةٌ وَ خَمْسِينَ يَوْمًا يُسْتَحَبُّ أَنْ يَطُوفَ الرَّجُلُ فِي مَقَامِهِ بِمَكَّةَ عَدَدَ أَيَّامِ السَّنَةِ ثَلَاثِمِائَةٍ وَ سِتِّينَ أُسْبُوعًا فَإِنْ لَمْ يَقْدِرْ عَلَى ذَلِكَ طَافَ ثَلَاثِمِائَةً وَ سِتِّينَ شَوْطًا

۷ - علی بن عبد العزیز گوید: از امام صادق سال را پرسیدم که چند روز است فرمود سیصد و شصت روز است در شش روز از آن خدای عز و جل دنیا را آفرید و آن شش روز از سال کم شد و سال سیصد پنجاه و چهار روز گردید که مستحب است کسی که مکه میرود در مدتی که در مکه است بشماره روزهای سال سیصد و شصت طواف نماید و اگر آن را نتوانست سیصد و شصت شوط طواف کند.

۸ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَبَانَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ يُسْتَحَبُّ أَنْ تَطُوفَ ثَلَاثِمِائَةً وَ سِتِّينَ أُسْبُوعًا عَدَدَ أَيَّامِ السَّنَةِ فَإِنْ لَمْ تَسْتَطِعْ فَمَا قَدَرْتَ عَلَيْهِ مِنَ الطَّوَافِ

۸ - امام صادق علیه السلام فرمود: مستحب است که سیصد و شصت طواف هفت شوطی بشماره روزهای سال بجا بیاوری و اگر نتوانستی هر چه میتوانی طواف کن.

خصال من شرائع الدين (خصلتهاى از قوانين دين)

٩ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْهَيْثَمِ
الْعَجَلِيُّ وَ أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْقَطَّانُ وَ مُحَمَّدُ
بْنُ أَحْمَدَ السَّنَانِيُّ وَ الْحُسَيْنُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ
أَحْمَدَ بْنِ هِشَامِ الْمُكْتَبِيِّ وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدِ
الصَّائِعِ وَ عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْوَرَّاقُ رَضِيَ اللَّهُ
عَنْهُمْ قَالُوا حَدَّثَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ أَحْمَدُ بْنُ
يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا الْقَطَّانُ قَالَ حَدَّثَنَا بَكْرُ بْنُ
عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَبِيبٍ قَالَ حَدَّثَنَا تَمِيمُ بْنُ بُهْلُولٍ
قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو مُعَاوِيَةَ عَنِ الْأَعْمَشِ عَنِ جَعْفَرِ
بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ هَذِهِ شَرَائِعُ الدِّينِ لِمَنْ أَرَادَ
أَنْ يَتَمَسَّكَ بِهَا وَ أَرَادَ اللَّهُ هُدَاهُ إِسْبَاحُ
الْوُضُوءِ كَمَا أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِي كِتَابِهِ
النَّاطِقِ غَسْلُ الْوَجْهِ وَ اليَدَيْنِ إِلَى الْمِرْفَقَيْنِ
وَ مَسْحُ الرَّأْسِ وَ الْقَدَمَيْنِ إِلَى الْكَعْبَيْنِ مَرَّةً
مَرَّةً وَ مَرَّتَانِ جَائِزٌ وَ لَا يَنْقُضُ الْوُضُوءَ إِلَّا
الْبَوْلُ وَ الرِّيحُ وَ النَّوْمُ وَ الْغَائِطُ وَ
الْجَنَابَةُ وَ مَنْ مَسَحَ عَلَى الْخُفَيْنِ فَقَدْ خَالَفَ اللَّهَ
وَ رَسُولَهُ وَ كِتَابَهُ وَ وَضُوؤُهُ لَمْ يَتِمَّ وَ صَلَاتُهُ
غَيْرُ مُجْزِيَةٍ وَ الْأَعْسَالُ مِنْهَا غُسْلُ الْجَنَابَةِ وَ
الْحَيْضِ وَ غُسْلُ الْمَيْتِ وَ غُسْلُ مَنْ مَسَّ الْمَيْتَ
بَعْدَ مَا يَبْرُدُ وَ غُسْلُ مَنْ غَسَلَ الْمَيْتَ وَ غُسْلُ
يَوْمِ الْجُمُعَةِ وَ غُسْلُ الْعِيدَيْنِ وَ غُسْلُ دُخُولِ
مَكَّةَ وَ غُسْلُ دُخُولِ الْمَدِينَةِ وَ غُسْلُ الزِّيَارَةِ وَ
غُسْلُ الْإِحْرَامِ وَ غُسْلُ يَوْمِ عَرَفَةَ وَ غُسْلُ لَيْلَةِ
سَبْعِ عَشْرَةَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَ غُسْلُ لَيْلَةِ تِسْعِ
عَشْرَةَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَ غُسْلُ لَيْلَةِ إِحْدَى وَ
عَشْرِينَ وَ لَيْلَةِ ثَلَاثِ وَ عَشْرِينَ مِنْهُ أَمَّا الْفَرَضُ
فَغُسْلُ الْجَنَابَةِ وَ غُسْلُ الْجَنَابَةِ وَ الْحَيْضِ
وَاحِدٌ وَ صَلَاةُ الْفَرِيضَةِ الظُّهْرِ أَرْبَعُ رَكَعَاتٍ وَ
العَصْرِ أَرْبَعُ رَكَعَاتٍ وَ الْمَغْرِبُ ثَلَاثُ رَكَعَاتٍ وَ
العِشَاءُ الأَخِيرَةُ أَرْبَعُ رَكَعَاتٍ وَ الْفَجْرُ رَكَعَتَانِ
فَجْمَلَةُ الصَّلَاةِ الْمَفْرُوضَةِ سَبْعُ عَشْرَةَ رَكَعَةً وَ
السُّنَّةُ أَرْبَعُ وَ ثَلَاثُونَ رَكَعَةً مِنْهَا أَرْبَعُ
رَكَعَاتٍ بَعْدَ الْمَغْرَبِ لَا تَقْصِرُ فِيهَا فِي السَّفَرِ

وَالْحَضْرِ وَرَكَعَتَانِ مِنْ جُلُوسٍ بَعْدَ الْعِشَاءِ
الْآخِرَةِ تُعَدَّانِ بِيَرْكَعَةٍ وَثَمَانُ رَكَعَاتٍ فِي
السَّحْرِ وَهِيَ صَلَاةُ اللَّيْلِ وَالشَّفْعُ رَكَعَتَانِ وَ
الْوَتْرُ رَكَعَةٌ وَرَكَعَتَا الْفَجْرِ بَعْدَ الْوَتْرِ وَ
ثَمَانُ رَكَعَاتٍ قَبْلَ الظُّهْرِ وَثَمَانُ رَكَعَاتٍ قَبْلَ
العَصْرِ وَ الصَّلَاةُ يُسْتَحَبُّ فِي أَوَّلِ الْأَوْقَاتِ وَ
فَضْلُ الْجَمَاعَةِ عَلَى الْفَرْدِ بِأَرْبَعَةٍ وَعِشْرِينَ وَ
لَا صَلَاةَ خَلْفَ الْفَاجِرِ وَ لَا يُقْتَدَى إِلَّا بِأَهْلِ
الْوَلَايَةِ وَ لَا يُصَلَّى فِي جُلُودِ الْمَيْتَةِ وَ إِنْ
دُبِعَتْ سَبْعِينَ مَرَّةً وَ لَا فِي جُلُودِ السَّبَاعِ وَ لَا
يُسَجَّدُ إِلَّا عَلَى الْأَرْضِ أَوْ مَا أَنْبَتَتِ الْأَرْضُ إِلَّا
الْمَأْكُولَ وَ الْقُطْنَ وَ الْكَثَانَ وَ يُقَالُ فِي
افْتِتَاحِ الصَّلَاةِ تَعَالَى عَرْشُكَ وَ لَا يُقَالُ تَعَالَى
جَدُّكَ وَ لَا يُقَالُ فِي التَّشْهِيدِ الْأَوَّلِ السَّلَامُ
عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ لِأَنَّ تَحْلِيلَ
الصَّلَاةِ هُوَ التَّسْلِيمُ وَ إِذَا قُلْتَ هَذَا فَقَدْ
سَلَّمْتَ وَ التَّقْصِيرُ فِي ثَمَانِيَةِ فَرَاسِخٍ وَ هُوَ
بَرِيدَانِ وَ إِذَا قَصَرْتَ أَفْطَرْتَ وَ مَنْ لَمْ يُقْصِرْ
فِي السَّفَرِ لَمْ تُجْزِئْ صَلَاتُهُ لِأَنَّهُ قَدْ زَادَ فِي
فَرِيضَةِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ الْقِنُوثُ فِي جَمِيعِ الصَّلَوَاتِ
سُنَّةٌ وَاجِبَةٌ فِي الرُّكْعَةِ الثَّانِيَةِ قَبْلَ الرُّكُوعِ
وَ بَعْدَ الْقِرَاءَةِ وَ الصَّلَاةُ عَلَى الْمَيْتِ خَمْسُ
تَكْبِيرَاتٍ فَمَنْ نَقَصَ مِنْهَا فَقَدْ خَالَفَ السُّنَّةَ وَ
الْمَيْتُ يُسَلُّ مِنْ قِبَلِ رَجُلَيْهِ سَلًّا وَ الْمَرْأَةُ
تُؤَخِّدُ بِالْعَرَضِ مِنْ قِبَلِ اللَّحْدِ وَ الْقُبُورُ تُرَبَّعُ
وَ لَا تُسَنَّمُ وَ الْأَجْهَارُ بِ بِيَسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ
الرَّحِيمِ فِي الصَّلَاةِ وَاجِبٌ وَ فَرَائِضُ الصَّلَاةِ سَبْعُ
الْوَقْتِ وَ الطُّهُورُ وَ التَّوَجُّهُ وَ الْقِبْلَةُ وَ
الرُّكُوعُ وَ السُّجُودُ وَ الدُّعَاءُ وَ الزَّكَاةُ
فَرِيضَةٌ وَاجِبَةٌ عَلَى كُلِّ مِائَتِي دِرْهَمٍ خَمْسَةٌ
دَرَاهِمَ وَ لَا تَجِبُ فِيمَا دُونَ ذَلِكَ مِنَ الْفِضَّةِ وَ
لَا تَجِبُ عَلَى مَالٍ زَكَاةٌ حَتَّى يَحُولَ عَلَيْهِ الْحَوْلُ
مِنْ يَوْمٍ مَلَكَهُ صَاحِبُهُ وَ لَا يَجِلُّ أَنْ تُدْفَعَ
الزَّكَاةُ إِلَّا إِلَى أَهْلِ الْوَلَايَةِ وَ الْمَعْرِفَةِ وَ
يَجِبُ عَلَى الدَّهَبِ الزَّكَاةُ إِذَا بَلَغَ عِشْرِينَ
مِثْقَالًا فَيَكُونُ فِيهِ نِصْفُ دِينَارٍ وَ تَجِبُ عَلَى
الْحِنْطَةِ وَ الشَّعِيرِ وَ التَّمْرِ وَ الزَّبْيَبِ إِذَا

بَلَغَ خَمْسَةَ أَوْسَاقِ الْعُشْرِ إِنْ كَانَ سُقْيَ سَيْحًا وَ
إِنْ سُقِيَ بِالِدِّ وَالِي فَعَلَيْهِ نِصْفُ الْعُشْرِ وَ
الْوَسْقُ سِتُّونَ صَاعًا وَ الصَّاعُ أَرْبَعَةُ أَمْدَادٍ وَ
تَجِبُ عَلَى الْغَنَمِ الزَّكَاةُ إِذَا بَلَغَتْ أَرْبَعِينَ
شَاةً وَ تَزِيدُ وَاحِدَةً فَتَكُونُ فِيهَا شَاةٌ إِلَى
عِشْرِينَ وَ مِائَةٌ فَإِنْ زَادَتْ وَاحِدَةً فَفِيهَا
شَاتَانِ إِلَى مِائَتَيْنِ فَإِنْ زَادَتْ وَاحِدَةً فَفِيهَا
ثَلَاثُ شِيَاهِ إِلَى ثَلَاثِمِائَةٍ وَ بَعْدَ ذَلِكَ يَكُونُ فِي
كُلِّ مِائَةِ شَاةٍ شَاةٌ وَ تَجِبُ عَلَى الْبَقَرِ الزَّكَاةُ
إِذَا بَلَغَتْ ثَلَاثِينَ بَقَرَةً تَبِيعَةً حَوْلِيَّةً فَيَكُونُ
فِيهَا تَبِيعٌ حَوْلِيٌّ إِلَى أَنْ تَبْلُغَ أَرْبَعِينَ بَقَرَةً
ثُمَّ يَكُونُ فِيهَا مُسِنَّةٌ إِلَى سِتِّينَ فَإِذَا بَلَغَتْ
سِتِّينَ فَفِيهَا تَبِيعَتَانِ إِلَى سَبْعِينَ ثُمَّ فِيهَا
تَبِيعَةٌ وَ مُسِنَّةٌ إِلَى ثَمَانِينَ وَ إِذَا بَلَغَتْ
ثَمَانِينَ فَتَكُونُ فِيهَا مُسِنَّتَانِ إِلَى تِسْعِينَ ثُمَّ
يَكُونُ فِيهَا ثَلَاثُ تَبَايِعٍ ثُمَّ بَعْدَ ذَلِكَ يَكُونُ فِي
كُلِّ ثَلَاثِينَ بَقَرَةً تَبِيعٌ وَ فِي كُلِّ أَرْبَعِينَ مُسِنَّةٌ
وَ تَجِبُ عَلَى الْإِبِلِ الزَّكَاةُ إِذَا بَلَغَتْ خَمْسًا
فَيَكُونُ فِيهَا شَاةٌ فَإِذَا بَلَغَتْ عَشْرَةَ فَشَاتَانِ
فَإِذَا بَلَغَتْ خَمْسَ عَشْرَةَ فَثَلَاثُ شِيَاهِ فَإِذَا بَلَغَتْ
عِشْرِينَ فَأَرْبَعُ شِيَاهِ فَإِذَا بَلَغَتْ خَمْسًا وَ
عِشْرِينَ فَخَمْسُ شِيَاهِ فَإِذَا زَادَتْ وَاحِدَةً فَفِيهَا
بِنْتُ مَخَاضٍ فَإِذَا بَلَغَتْ خَمْسًا وَ ثَلَاثِينَ وَ زَادَتْ
وَاحِدَةً فَفِيهَا ابْنَةٌ لَبُونٍ فَإِذَا بَلَغَتْ خَمْسًا وَ
أَرْبَعِينَ وَ زَادَتْ وَاحِدَةً فَفِيهَا حِقَّةٌ فَإِذَا
بَلَغَتْ سِتِّينَ وَ زَادَتْ وَاحِدَةً فَفِيهَا جَدَعَةٌ إِلَى
ثَمَانِينَ فَإِنْ زَادَتْ وَاحِدَةً فَفِيهَا ثَنِيٌّ إِلَى
تِسْعِينَ فَإِذَا بَلَغَتْ تِسْعِينَ فَفِيهَا ابْنَتَا لَبُونٍ
فَإِنْ زَادَتْ وَاحِدَةً إِلَى عِشْرِينَ وَ مِائَةٍ فَفِيهَا
حِقَّتَانِ طَرُوقَتَا الْفَحْلِ فَإِذَا كَثُرَتِ الْإِبِلُ فَفِي
كُلِّ أَرْبَعِينَ بِنْتُ لَبُونٍ وَ فِي كُلِّ خَمْسِينَ حِقَّةٌ وَ
يَسْقُطُ الْغَنَمُ بَعْدَ ذَلِكَ وَ يُرْجَعُ إِلَى أَسْنَانِ
الْإِبِلِ وَ زَكَاةُ الْفِطْرَةِ وَاجِبَةٌ عَلَى كُلِّ رَأْسِ
صَغِيرٍ أَوْ كَبِيرٍ حُرٍّ أَوْ عَبْدٍ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَى
أَرْبَعَةَ أَمْدَادٍ مِنَ الْجِنَّةِ وَ الشَّعِيرِ وَ التَّمْرِ
وَ الزَّبِيبِ وَ هُوَ صَاعٌ تَامٌ وَ لَا يَجُوزُ دَفْعُ ذَلِكَ
أَجْمَعَ إِلَّا إِلَى أَهْلِ الْوَلَايَةِ وَ الْمَعْرِفَةِ وَ

أَكْثَرُ أَيَّامِ الْحَيْضِ عَشْرَةُ أَيَّامٍ وَ أَقَلُّهَا ثَلَاثَةٌ
أَيَّامٌ وَ الْمُسْتَحَاضَةُ تَغْتَسِلُ وَ تَحْتَشِي وَ تُصَلِّي
وَ الْحَائِضُ تَتْرُكُ الصَّلَاةَ وَ لَا تَقْضِيهَا وَ تَتْرُكُ
الصَّوْمَ وَ تَقْضِيهِ وَ صِيَامُ شَهْرِ رَمَضَانَ فَرِيضَةٌ
يُصَامُ لِرُؤُوتِهِ وَ يُفْطَرُ لِرُؤُوتِهِ وَ لَا يُصَلِّي
التَّطَوُّعُ فِي جَمَاعَةٍ لِأَنَّ ذَلِكَ بَدْعَةٌ وَ كُلُّ بَدْعَةٍ
ضَلَالَةٌ وَ كُلُّ ضَلَالَةٍ فِي النَّارِ وَ صَوْمُ ثَلَاثَةِ
أَيَّامٍ فِي كُلِّ شَهْرٍ سُنَّةٌ وَ هُوَ صَوْمُ خَمِيسَيْنِ
بَيْنَهُمَا أَرْبَعَاءُ الْخَمِيسِ الْأَوَّلُ فِي الْعَشْرِ
الْأَوَّلِ وَ الْأَرْبَعَاءُ مِنَ الْعَشْرِ الْأَوْسَطِ وَ الْخَمِيسُ
مِنَ الْعَشْرِ الْأَخِيرِ وَ صَوْمُ شَعْبَانَ حَسَنٌ لِمَنْ
صَامَهُ لِأَنَّ الصَّالِحِينَ قَدْ صَامُوهُ أَوْ رَغَبُوا فِيهِ
وَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَصِلُ شَعْبَانَ بِشَهْرِ رَمَضَانَ وَ
الْفَائِثُ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ إِنْ قُضِيَ مُتَفَرِّقًا جَازٍ
وَ إِنْ قُضِيَ مُتَتَابِعًا فَهُوَ أَفْضَلُ وَ حِجُّ الْبَيْتِ
وَاجِبٌ لِمَنْ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَ هُوَ الزَّادُ
وَ الرَّاحِلَةُ مَعَ صِحَّةِ الْبَدَنِ وَ أَنْ يَكُونَ
لِلْإِنْسَانِ مَا يُخَلِّفُهُ عَلَى عِيَالِهِ وَ مَا يَرْجِعُ
إِلَيْهِ بَعْدَ حَجِّهِ وَ لَا يَجُوزُ الْحَجُّ إِلَّا تَمَتُّعًا وَ
لَا يَجُوزُ الْقِرَانُ وَ الْإِفْرَادُ إِلَّا لِمَنْ كَانَ أَهْلُهُ
حَاضِرِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ لَا يَجُوزُ الْإِحْرَامُ
قَبْلَ بُلُوغِ الْمَيْقَاتِ وَ لَا يَجُوزُ تَأْخِيرُهُ عَنِ
الْمَيْقَاتِ إِلَّا لِمَرَضٍ أَوْ تَقِيَّةٍ وَ قَدْ قَالَ اللَّهُ عَزَّ
وَ جَلَّ وَ اتَّمُوا الْحَجَّ وَ الْعُمْرَةَ لِلَّهِ وَ تَمَامُهَا
اجْتِنَابُ الرَّفَثِ وَ الْفُسُوقِ وَ الْجِدَالِ فِي الْحَجِّ
وَ لَا يُجْزئُ فِي النَّسْكِ الْخَصِيُّ لِأَنَّهُ نَاقِصٌ وَ
يَجُوزُ الْمَوْجُوءُ إِذَا لَمْ يُوْجَدْ غَيْرُهُ وَ فَرَائِضُ
الْحَجِّ الْإِحْرَامُ وَ التَّلْبِيَّةُ الْأَرْبَعُ وَ هِيَ لَبَّيْكَ
اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ إِنْ
الْحَمْدُ وَ النِّعْمَةُ لَكَ وَ الْمُلْكُ لَا شَرِيكَ لَكَ وَ
الطَّوَافُ بِالْبَيْتِ لِلْعُمْرَةِ فَرِيضَةٌ وَ رَكَعَتَاهُ
عِنْدَ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَرِيضَةٌ وَ السَّعْيُ بَيْنَ
الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ فَرِيضَةٌ وَ طَوَافُ الْحَجِّ فَرِيضَةٌ
وَ رَكَعَتَاهُ عِنْدَ الْمَقَامِ فَرِيضَةٌ وَ بَعْدَهُ السَّعْيُ
بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ فَرِيضَةٌ وَ طَوَافُ النِّسَاءِ

فَرِيضَةٌ وَ رَكْعَتَاهُ عِنْدَ الْمَقَامِ فَرِيضَةٌ وَ لَا يُسْعَى بَعْدَهُ
بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ وَ الْوُقُوفُ بِالْمَشْعَرِ
فَرِيضَةٌ وَ الْهَدْيُ لِلْمُتَمَتِّعِ فَرِيضَةٌ فَأَمَّا
الْوُقُوفُ بِعَرَفَةَ فَهُوَ وَاجِبٌ وَ الْحَلْقُ سُنَّةٌ وَ
رَمْيُ الْجِمَارِ سُنَّةٌ وَ الْجِهَادُ وَاجِبٌ مَعَ إِمَامٍ
عَادِلٍ وَ مَنْ قُتِلَ دُونَ مَا لِيهِ فَهُوَ شَهِيدٌ وَ لَا
يَحِلُّ قَتْلُ أَحَدٍ مِنَ الْكُفَّارِ وَ النَّصَابِ فِي دَارِ
التَّقِيَّةِ إِلَّا قَاتِلٍ أَوْ سَاعِي «سَاعٍ فِي فَسَادٍ وَ
ذَلِكَ إِذَا لَمْ تَخَفْ عَلَى نَفْسِكَ وَ لَا عَلَى أَصْحَابِكَ
وَ اسْتَعْمَالَ التَّقِيَّةِ فِي دَارِ التَّقِيَّةِ وَاجِبٌ وَ
لَا حِنْثٌ وَ لَا كَفَّارَةٌ عَلَى مَنْ حَلَفَ تَقِيَّةً يَدْفَعُ
بِذَلِكَ ظُلْمًا عَنِ نَفْسِهِ وَ الطَّلَاقُ لِسُنَّةٍ عَلَى مَا
ذَكَرَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِي كِتَابِهِ وَ سُنَّةُ
نَبِيِّهِ ﷺ وَ لَا يَجُوزُ طَلَاقٌ لِغَيْرِ السُّنَّةِ وَ كُلُّ
طَلَاقٍ يُخَالِفُ الْكِتَابَ فَلَيْسَ بِطَلَاقٍ كَمَا أَنَّ كُلَّ
نِكَاحٍ يُخَالِفُ الْكِتَابَ فَلَيْسَ بِنِكَاحٍ وَ لَا يُجْمَعُ
بَيْنَ أَكْثَرِ مِنْ أَرْبَعِ حَرَائِرَ وَ إِذَا طُلِّقَتِ
الْمَرْأَةُ لِبَعْدَةِ ثَلَاثِ مَرَّاتٍ لَمْ تَحِلَّ لِلزَّوْجِ حَتَّى
تَنْكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ وَ قَدْ قَالَ ﷺ اتَّقُوا تَزْوِيجَ
الْمُطَلَّقاتِ ثَلَاثًا فِي مَوْضِعٍ وَاحِدٍ فَإِنَّهُنَّ ذَوَاتُ
أَزْوَاجٍ وَ الصَّلَاةُ عَلَى النَّبِيِّ ﷺ وَاجِبَةٌ فِي كُلِّ
الْمَوَاطِنِ وَ عِنْدَ الْعُطَّاسِ وَ الرِّيَّاحِ وَ غَيْرِ
ذَلِكَ وَ حُبُّ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ وَ الْوَلَايَةُ لَهُمْ وَاجِبَةٌ وَ
الْبَرَاءَةُ مِنْ أَعْدَائِهِمْ وَاجِبَةٌ وَ مِنَ الَّذِينَ
ظَلَمُوا آلَ مُحَمَّدٍ ﷺ وَ هَتَكُوا حِجَابَهُ فَأَخَذُوا
مِنْ فَاطِمَةَ ﷺ فَذَكَ وَ مَنَعُوهَا مِيرَاثَهَا وَ
غَصَبُوهَا وَ زَوْجَهَا حُقُوقَهُمَا وَ هُمُوهَا بِإِحْرَاقِ
بَيْتِهَا وَ أَسَّسُوا الظُّلْمَ وَ غَيَّرُوا سُنَّةَ رَسُولِ اللَّهِ
وَ الْبَرَاءَةُ مِنَ النَّاكِثِينَ وَ الْقَاسِطِينَ وَ
الْمَارِقِينَ وَاجِبَةٌ وَ الْبَرَاءَةُ مِنَ الْأَنْصَابِ وَ
الْأَزْلَامِ أَيْمَةَ الضَّلَالِ وَ قَادَةَ الْجَوْرِ كُلِّهِمْ
أُولِهِمْ وَ آخِرِهِمْ وَاجِبَةٌ وَ الْبَرَاءَةُ مِنْ أَشْقَى
الْأُولِيِّينَ وَ الْآخِرِينَ شَقِيقِ عَاقِرِ نَاقَةٍ ثُمُودَ
قَاتِلِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ وَاجِبَةٌ وَ الْبَرَاءَةُ
مِنْ جَمِيعِ قَتْلَةِ أَهْلِ الْبَيْتِ ﷺ وَاجِبَةٌ وَ

الْوَلَايَةَ لِلْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ لَمْ يُغَيِّرُوا وَ لَمْ
يُبَدِّلُوا بَعْدَ نَبِيِّهِمْ ﷺ وَاجِبَةٌ مِثْلُ سَلْمَانَ
الْفَارِسِيِّ وَ أَبِي ذَرِّ الْعَفَّارِيِّ وَ الْمُقَدَّادِ بْنِ
الْأَسْوَدِ الْكِنْدِيِّ وَ عَمَّارِ بْنِ يَاسِرٍ وَ جَابِرِ بْنِ
عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ وَ حُدَيْفَةَ بْنِ الْيَمَانَ
وَ أَبِي الْهَيْثَمِ بْنِ التَّيْهَانِ وَ سَهْلِ بْنِ
حُنَيْفٍ وَ أَبِي أَيُّوبَ الْأَنْصَارِيِّ وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ
الصَّامِتِ وَ عَبَادَةَ بْنَ الصَّامِتِ وَ خُزَيْمَةَ بْنَ
ثَابِتِ ذِي الشَّهَادَتَيْنِ وَ أَبِي سَعِيدِ الْخُدْرِيِّ وَ
مَنْ نَحَا نَحْوَهُمْ وَ فَعَلَ مِثْلَ فِعْلِهِمْ وَ الْوَلَايَةَ
لِاتِّبَاعِهِمْ وَ الْمُقْتَدِينَ بِهِمْ وَ بِهِدَاهُمْ وَاجِبَةٌ
وَ بَرُّ الْوَالِدِينَ وَاجِبٌ فَإِنْ كَانَا مُشْرِكَيْنِ فَلَا
تُطْعَمُهُمَا وَ لَا غَيْرَهُمَا فِي الْمَعْصِيَةِ فَإِنَّهُ لَا
طَاعَةَ لِمَخْلُوقٍ فِي مَعْصِيَةِ الْخَالِقِ وَ الْأَنْبِيَاءِ
وَ الْأَوْصِيَاءِ لَا ذُنُوبَ لَهُمْ لِأَنَّهُمْ مَعْصُومُونَ
مُطَهَّرُونَ وَ تَخْلِيلُ الْمُتَعَتِّينِ وَاجِبٌ كَمَا
أَنْزَلَهُمَا اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِي كِتَابِهِ وَ سَنَّهُمَا
رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مُتَعَةَ الْحَجِّ وَ مُتَعَةَ النِّسَاءِ وَ
الْفَرَائِضِ عَلَى مَا أَنْزَلَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ
الْعَقِيْقَةَ لِلْوَلَدِ الذَّكَرِ وَ الْأُنْثَى يَوْمَ السَّابِعِ
وَ يُسَمَّى الْوَلَدُ يَوْمَ السَّابِعِ وَ يُخْلَقُ رَأْسُهُ وَ
يُصَدَّقُ بِوِزْنِ شَعْرِهِ ذَهَبًا أَوْ فِضَّةً وَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ
لَا يُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَ لَا يُكَلِّفُهَا فَوْقَ
طَاقَتِهَا وَ أَفْعَالُ الْعِبَادِ مَخْلُوقَةٌ خَلْقُ تَقْدِيرِ
لَا خَلْقُ تَكْوِينِ وَ اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَ لَا يَقُولُ
بِالْجَبْرِ وَ لَا بِالتَّفْوِيضِ وَ لَا يَأْخُذُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ
الْبَرِيءَ بِالسَّقِيمِ وَ لَا يُعَذِّبُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ
الْأَطْفَالَ بِذُنُوبِ الْأَبَاءِ فَإِنَّهُ قَالَ فِي مُحْكَمِ
كِتَابِهِ وَ لَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى وَ قَالَ عَزَّ
وَ جَلَّ وَ أَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى وَ أَنْ
سَعْيُهُ سَوْفَ يُرَى وَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ يَعْفُوَ وَ
يَتَّقِضَلَ وَ لَيْسَ لَهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ يَظْلِمَ وَ لَا
يَفْرُضُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَى عِبَادِهِ طَاعَةَ مَنْ يَعْلَمُ
أَنَّهُ يُغْوِيهِمْ وَ يُضِلُّهُمْ وَ لَا يَخْتَارُ لِرِسَالَتِهِ وَ
لَا يَصْطَفِي مِنْ عِبَادِهِ مَنْ يَعْلَمُ أَنَّهُ يَكْفُرُ بِهِ وَ
يَعْبُدُ الشَّيْطَانَ دُونَهُ وَ لَا يَتَّخِذُ عَلَى خَلْقِهِ

حُجَّةً إِلَّا مَعْصُومًا وَ الْإِسْلَامُ غَيْرُ الْإِيْمَانِ وَ كُلُّ
مُؤْمِنٍ مُسْلِمٌ وَ لَيْسَ كُلُّ مُسْلِمٍ مُؤْمِنٍ وَ لَا يَسْرِقُ
السَّارِقُ حِينَ يَسْرِقُ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ وَ لَا يَزْنِي
الزَّانِي حِينَ يَزْنِي وَ هُوَ مُؤْمِنٌ وَ أَصْحَابُ
الْحُدُودِ مُسْلِمُونَ لَا مُؤْمِنُونَ وَ لَا كَافِرُونَ فَإِنَّ
اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَا يُدْخِلُ النَّارَ مُؤْمِنًا وَ
قَدْ وَعَدَهُ الْجَنَّةَ وَ لَا يُخْرِجُ مِنَ النَّارِ كَافِرًا
وَ قَدْ أَوْعَدَهُ النَّارَ وَ الْخُلُودَ فِيهَا وَ يَغْفِرُ
مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَ أَصْحَابُ الْحُدُودِ
فُسَّاقٌ لَا مُؤْمِنُونَ وَ لَا كَافِرُونَ وَ لَا يَخْلُدُونَ فِي
النَّارِ وَ يَخْرُجُونَ مِنْهَا يَوْمًا وَ الشَّفَاعَةُ
جَائِزَةٌ لَهُمْ وَ لِيَلْمُسْتَضْعَفِينَ إِذَا ارْتَضَى اللَّهُ عَزَّ
وَ جَلَّ دِينَهُمْ وَ الْقُرْآنُ كَلَامُ اللَّهِ لَيْسَ بِخَالِقٍ وَ
لَا مَخْلُوقٍ وَ الدَّارُ الْيَوْمَ دَارُ تَقِيَّةٍ وَ هِيَ
دَارُ إِسْلَامٍ لَا دَارُ كُفْرٍ وَ لَا دَارُ إِيمَانٍ وَ
الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاجِبَانِ
عَلَى مَنْ أَمَكَتَهُ وَ لَمْ يَخَفْ عَلَى نَفْسِهِ وَ لَا عَلَى
أَصْحَابِهِ وَ الْإِيْمَانُ هُوَ أَدَاءُ الْفَرَائِضِ وَ
اجْتِنَابُ الْكِبَائِرِ وَ الْإِيْمَانُ هُوَ مَعْرِفَةُ
بِالْقَلْبِ وَ إِقْرَارٌ بِاللِّسَانِ وَ عَمَلٌ بِالْأَرْكَانِ وَ
الْإِقْرَارُ بِعَذَابِ الْقَبْرِ وَ مُنْكَرٍ وَ نَكِيرٍ وَ
الْبَعْثِ بَعْدَ الْمَوْتِ وَ الْجَسَابِ وَ الصَّرَاطِ وَ
الْمِيْزَانِ وَ لَا إِيمَانَ بِاللَّهِ إِلَّا بِالْبِرَاءَةِ مِنْ
أَعْدَائِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ التَّكْبِيرُ فِي الْعِيدَيْنِ
وَاجِبٌ أَمَّا فِي الْفِطْرِ فَبِي خَمْسِ صَلَوَاتٍ يُبْتَدَأُ
بِهِ مِنْ صَلَاةِ الْمَغْرِبِ لَيْلَةَ الْفِطْرِ إِلَى صَلَاةِ
الْعَصْرِ مِنْ يَوْمِ الْفِطْرِ وَ هُوَ أَنْ يُقَالَ اللَّهُ أَكْبَرُ
اللَّهُ أَكْبَرُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ وَ اللَّهُ الْحَمْدُ لِلَّهِ
أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا
أَبْلَانَا لِقَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لِيَتَكَمَّلُوا الْعِيْدَةَ وَ
لِيَتَكَبَّرُوا اللَّهُ عَلَى مَا هَدَاكُمْ وَ فِي الْأَضْحَى
بِالْأَمْصَارِ فِي دُبُرِ عَشْرِ صَلَوَاتٍ يُبْتَدَأُ بِهِ مِنْ
صَلَاةِ الظُّهْرِ يَوْمَ النَّحْرِ إِلَى صَلَاةِ الْغَدَاةِ يَوْمَ
الثَّلَاثِ وَ بِيَمْنَى فِي دُبُرِ خَمْسِ عَشْرَةَ صَلَاةً
يُبْتَدَأُ بِهِ مِنْ صَلَاةِ الظُّهْرِ يَوْمَ النَّحْرِ إِلَى
صَلَاةِ الْغَدَاةِ يَوْمَ الرَّابِعِ وَ يُزَادُ فِي هَذَا
التَّكْبِيرِ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا رَزَقْنَا مِنْ بَهِيْمَةٍ

الْأَنْعَامِ وَالنَّفْسَاءِ لَا تَقَعُدُ أَكْثَرَ مِنْ عِشْرِينَ
يَوْمًا إِلَّا أَنْ تَطْهَرَ قَبْلَ ذَلِكَ وَإِنْ لَمْ تَطْهَرَ
بَعْدَ الْعِشْرِينَ اغْتَسَلَتْ وَاحْتَشَتْ وَعَمِلَتْ عَمَلَ
الْمُسْتَحَاضَةِ وَالشَّرَابِ فَكُلُّ مَا أَسْكَرَ كَثِيرُهُ
فَقَلِيلُهُ وَكَثِيرُهُ حَرَامٌ وَكُلُّ ذِي نَابٍ مِنَ
السَّبَاعِ وَذِي مِخْلَبٍ مِنَ الطَّيْرِ فَأَكْلُهُ حَرَامٌ وَ
الطَّحَالُ حَرَامٌ لِأَنَّهُ دَمٌ وَالْجَرِيُّ وَالْمَارْمَاهِيُّ
وَالطَّافِيُّ وَالزَّمِيرُ حَرَامٌ وَكُلُّ سَمَكٍ لَا يَكُونُ
لَهُ فُلُوسٌ فَأَكْلُهُ حَرَامٌ وَ يُؤْكَلُ مِنَ الْبَيْضِ
مَا اخْتَلَفَ طَرَفَاهُ وَلَا يُؤْكَلُ مَا اسْتَوَى طَرَفَاهُ
وَيُؤْكَلُ مِنَ الْجَرَادِ مَا اسْتَقَلَّ بِالطَّيْرَانِ وَلَا
يُؤْكَلُ مِنْهُ الدَّبِيُّ لِأَنَّهُ لَا يَسْتَقِيلُ بِالطَّيْرَانِ وَ
ذِكَاةُ السَّمَكِ وَالْجَرَادِ أَخْذُهُ وَالْكَبَائِرُ
مُحَرَّمَةٌ وَهِيَ الشَّرْكُ بِإِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَقَتْلُ
النَّفْسِ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ وَعُقُوقُ الْوَالِدَيْنِ وَ
الْفِرَارُ مِنَ الرَّحْفِ وَ أَكْلُ مَالِ الْيَتِيمِ ظُلْمًا
وَ أَكْلُ الرِّبَا بَعْدَ الْبَيِّنَةِ وَقَذْفُ الْمُحْصَنَاتِ
وَ بَعْدَ ذَلِكَ الزُّنَا وَاللُّوَاطُ وَالسَّرِقَةُ وَ
أَكْلُ الْمَيْتَةِ وَالِدَمِّ وَ لَحْمِ الْخِنْزِيرِ وَ مَا
أَهْلٌ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ مِنْ غَيْرِ ضَرُورَةٍ وَ أَكْلُ السُّحْتِ
وَ الْبَخْسُ مِنَ الْمِكْيَالِ وَالْمِيزَانِ وَالْمَيْسِرُ
وَ شَهَادَةُ الزُّورِ وَالْيَأْسُ مِنْ رُوحِ اللَّهِ وَ الْأَمْنُ
مِنْ مَكْرِ اللَّهِ وَ الْقُنُوطُ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ وَ تَرْكُ
مُعَاوَنَةِ الْمَظْلُومِينَ وَ الرُّكُونُ إِلَى الظَّالِمِينَ
وَ الْيَمِينُ الْعَمُوسُ وَ حَبْسُ الْحُقُوقِ مِنْ غَيْرِ
عُسْرِ وَ اسْتِعْمَالُ الْكِبْرِ وَ التَّجْبُرُ وَ الْكَذِبُ وَ
الْإِسْرَافُ وَ التَّبْذِيرُ وَ الْخِيَانَةُ وَ الْإِسْتِخْفَافُ
بِالْحَجِّ وَ الْمُحَارَبَةُ لِأَوْلِيَاءِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ
الْمَلَاهِي الَّتِي تَصُدُّ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى
مَكْرُوهَةٌ كَالْغِنَاءِ وَ ضَرْبِ الْأَوْتَارِ وَ الْإِصْرَارُ
عَلَى صَعَائِرِ الذُّنُوبِ ثُمَّ قَالَ ﷺ إِنَّ فِي هَذَا
لَبَلَاغًا لِقَوْمٍ عَابِدِينَ

قال مصنف هذا الكتاب رضى الله عنه
الكبائر هي سبع و بعدها فكل ذنب كبير
بالإضافة إلى ما هو أصغر منه و صغير
بالإضافة إلى ما هو أكبر منه و هذا معنى

ما ذكره الصادق عليه السلام في هذا الحديث من ذكر
الكبائر الزائدة على السبع و لا قُوَّةَ إِلَّا
بِاللَّهِ

۹ - امام صادق عليه السلام فرمود: اینها دستورات
دین است برای کسی که بخواهد پایبند آنها
شده و خداوند هدایت او را خواسته باشد:
وضوء را آن طوری که خدای عز و جل در
کتاب گویای خود دستور فرموده است بطور
کامل بجای آورد شستن روی و هر دو دست تا
آرنج و مسح سر و دو پا را تا برآمدگی
استخوان پشت پا هر کدام يك بار و دو بار
نیز جایز است و وضوء را باطل نمیکند مگر
بول و بادی که از شخص بیرون می‌آید و
خواب و غائط و جنابت و کسی که از روی
کفش‌هایش مسح بکشد با خدا و رسول و قرآن
او مخالفت کرده است و وضو اش درست نیست و
نمازش کفایت نمی‌کند.

از جمله غسلها غسل جنابت است و غسل
حیض و غسل میت و غسل کسی که بدن میت را
پس از سرد شدن مس کند و غسل برای کسی که
میت را غسل می‌دهد و غسل روز جمعه و غسل
دو عید (فطر و قربان) و غسل داخل شدن
بمکه و غسل داخل شدن به مدینه و غسل
زیارت و غسل احرام بستن و غسل روز عرفه
و غسل شب هفدهم و شب نوزدهم و شب بیست و
یکم و غسل شب بیست و سوم ماه رمضان.

و اما غسل واجب همان غسل جنابت است و
غسل جنابت و غسل حیض در حکم یکی است و
نماز واجب عبارت است از ظهر چهار رکعت و
عصر چهار رکعت مغرب سه رکعت عشاء چهار
رکعت صبح دو رکعت پس همه نمازهای واجبین
هفده رکعت است و نماز مستحب سی و چهار
رکعت است که چهار رکعت آن پس از نماز
مغرب است که در سفر و حضر قصر نمی‌شود و
دو رکعت نشسته بعد از نماز عشاء است که
بجای يك رکعت حساب می‌شود و هشت رکعت که

به هنگام سحر است که همان نماز شب می باشد و نماز شفع دو رکعت است و نماز وتر یک رکعت است و دو رکعت نافله صبح پس از نماز وتر است و هشت رکعت قبل از نماز ظهر و هشت رکعت قبل از نماز عصر و مستحب است نماز در اول وقت خوانده شود و فضیلت خواندن نماز بجماعت برخوردارندش به تنهایی بیست و چهار مقابل است و پشت سر شخص فاجر (بدکار) نماز خواندن درست نیست و اقتداء نمودن جز بکسی که دارای ولایت است جایز نیست و در پوست میته گر چه هفتاد بار دباغی شده باشد نماز خواندن صحیح نیست و ندر پوست درندگان و سجده نمودن جایز نیست مگر بر زمین و یا آنچه از زمین میروید بغیر از خوردنی و پنبه و کتان و در اول شروع به نماز گفته شود تعالی عرشك و نباید تعالی جدك گفت و در تشهد اول نباید السلام علینا و علی عباد له الصالحین گفت زیرا بیرون آمدن از نماز با گفتن سلام است و چون این چنین بگویی سلام داده ای.

در هشت فرسخی که دو منزل راه است نماز غصب می شود و هر جا نماز غصب شد روزه هم افطار می شود و کسی که در سفر نماز را قصر نخواند نمازش درست نیست زیرا به آنچه خدا واجب فرموده افزوده است و قنوت گرفتن در همه نمازها سنتی است ثابت که در رکعت دوم قبل از رکوع و پس از قرائت انجام میگیرد و نماز بر میت پنج تکبیر دارد که هر کس کمتر بگوید بر خلاف سنت پیغمبر رفتار نموده است و جنازه مرد را از پا به آرامی وارد قبر کنند و جنازه زن را سر تا پا به پهنای بدن از سمت لحد داخل کنند و قبرها میبایست هموار ساخته شود نه پشت ماهی و بلند گفتن بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ در نماز لازم است واجبات نماز هفت است وقت و طهارت و نیت و قبله

و ركوع و سجود و دعا و ذكاة تكلیفی است واجب در هر دویست درهم پنج درهم و در نقره کمتر از دویست درهم زکاتی واجب نیست و ذكاة دادن بر مالی واجب نمیشود تا اینکه يك سال تمام از روزی که صاحبش آن را مالك شده بگذرد و ذكاة را به غیر اشخاصی که دوست اهل بیت، میباشند و در حق امامان معرفت دارند نمیتوان داد و بر طلا که به بیست مثقال رسید ذكاة واجب است که نیم دینار ذكاة آن است و واجب می‌شود ذكاة بر گندم و جو و خرما و مویز اگر به مقدار پنج وسق برسد و زکاتش ده يك است اگر با آب جاری آب یاری می‌شود و اگر از آب چاه آبیاری می‌شود بيست يك ذكاة دارد و وسق شصت صاع است و صاع چهار قد است (هر قدی يك صد و پنجاه چهار مثقال است تقریباً).

گوسفند چون به چهل عدد برسد يك گوسفند ذكاة او است چون یکی از چهل عدد زیادتیر شد تا يك صد و بيست يك گوسفند ذكاة دارد و اگر از يك صد و بيست زیادتیر شد تا دویست دو گوسفند زکاتش میباشد و اگر از دویست زیادتیر شد تا سیصد سه گوسفند ذكاة دارد و از سیصد به بالا هر صد گوسفند يك گوسفند ذكاة دارد و گاو چون به سی عدد گاوی که از يك سال کمتر نباشد رسید يك گوساله يك ساله ذكاة دارد تا به چهل عدد برسد و چون به چهل رسید يك گاو دو ساله زکاتش است تا به شصت برسد و چون به شصت رسید دو گاو دو ساله زکاتش است تا به نود برسد و در نود سه گوساله يك ساله ذكاة دارد و از نود به بالا در هر سی گاو يك گوساله يك ساله است و در هر چهل گاو يك گاو دو ساله و ذكاة شتر به پنج شتر که رسید يك گوسفند زکاتش است و چون شماره شتر به ده رسید دو گوسفند زکاتش است و چون شماره شتر به پانزده برسد سه

گوسفند و چون بیست شد چهار گوسفند و چون بیست و پنج شد پنج گوسفند و اگر از بیست و پنج یکی زیادتر شد يك بچه شتر زكاة دارد و چون به سی پنج رسید و یکی بیشتر شد يك شتر که دو سالش تمام شده و به سال سوم وارد شده باشد زکاتش میباشد و چون به چهل پنج رسید و یکی بیشتر شد يك شتری که به چهار سالگی وارد شده باشد زکاتش است و چون شماره شتر به شصت رسید و از شصت یکی زیادتر شد يك شتر که به پنج سال داخل شده باشد زکاتش میباشد تا به رسد به هشتاد و چون از هشتاد یکی افزود زكاة آن يك شتر است که به شش سال وارد شده باشد تا برسد بنود و چون بنود رسید دو شتر داخل در سه سالگی زکاتش است و اگر از نود یکی بیشتر تا صد و بیست که در آن دو شتر چهار ساله که شتر نر را به خود بپذیرد زكاة دارد و چون از این زیادتر شد در هر چهل شتر يك شتر داخل در سه سال زكاة دارد و در هر پنجاه شتر يك شتر داخل در چهار سال زكاة دارد و از این شماره به بعد گوسفند داده نمیشود و باید به سال شتران رجوع شود.

و زكاة فطریه واجب است برای هر نفری از كوچك و بزرگ آزاد و بنده مرد و زن چهار مد از گندم و جو و خرما و مویز که يك صاع تمام میشود و همه این زكاة را جز به اشخاصی که دوست اهل بیت بوده و معرفت در باره آنان دارند نمیتوان داده.

و روزهای حیض از ده روز بیشتر و از سه روز کمتر نمیشود و زنی که خون استحاضه میبیند غسل میکند و پنبه بخود میگیرد و نماز میخواند اما زنی که خون حیض به بیند نماز را ترك میکند و قضا ندارد و روزه را ترك میکند ولی قضای روزه را میگیرد.

و روزه ماه رمضان واجب است که با دیدن ماه روزه گرفته می‌شود و با دیدن ماه (شوال) روزه افطار می‌شود.

و نماز مستحبی را با جماعت خواندن جایز نیست که بدعت است که هر بدعت گمراهی است و هر گمراهی در آتش است.

و در هر ماه سه روز روزه گرفتن مستحب است و آن سه روز عبارت است از دو پنجشنبه با يك چهارشنبه در وسط پنجشنبه اول در ده اول و چهارشنبه در ده وسط و پنجشنبه در ده آخر ماه و روزه ماه شعبان برای کسی که بگیرد خوب است زیرا بندگان شایسته آن ماه را روزه می‌گرفته‌اند یا اظهار علاقه به روزه گرفتن مینمودند و رسول خدا ﷺ روزه شعبان را به روزه ماه رمضان می‌پیوست.

و کسی که روزه ماه رمضان از او فوت شده باشد اگر قضایش بطور پراکنده گرفته شود جایز است و افضل آن است که قضای روزه‌های ماه رمضان را پشت سر هم بگیرد و حج خانه خدا بر هر کسی که استطاعت رفتن داشته باشد واجب است و استطاعت آن است که توشه راه و مرکب سواری با تندرستی داشته و مخارج اهل عیال خود را تا هنگام بازگشت از مکه داشته باشد و بجز حج تمتع جایز نیست و نباید حج قران و افراد به جا آورد مگر کسی که اهل عیالش در مکه باشد و احرام قبل از میقات جایز نیست و تأخیر احرام از میقات جایز نیست مگر برای بیماری و یا تقيه و خدای عز و جل می‌فرماید حج عمره را برای خدا تمام به جا آورید و حج عمره تمام آن است که از عمل جنسی و دروغ و جدال در حج اجتناب شود و برای قربانی گوسفندی که تخم آن را کشیده باشند جایز نیست زیرا ناقص است و گوسفندی که تخم او را مالیده باشند در صورتی کافی است که غیر از آن گوسفندی جز

آن پیدا نشود و واجبات حتمی حج احرام بستن است و چهار لبیک گفتن بدین ترتیب لبیک اللهم لبیک لبیک لا شریک لك لبیک ان الحمد و النعمة لك و الملك لا شریك لك. و طواف خانه خدا از واجبات حتمی عمره است با دو رکعت نمازش که در مقام ابراهیم خوانده می‌شود و سعی بین صفا و مروه واجب حتمی است و طواف حج واجب حتمی است و دو رکعت نماز طواف در نزد مقام واجب حتمی است و پس از آن سعی بین صفا و مروه واجب حتمی است و طواف نساء واجب حتمی است و دو رکعت طواف در نزد مقام واجب حتمی است و بعد از طواف نساء سعی بین صفا و مروه نیست و ماندن در مشعر واجب حتمی است و قربانی برای کسی که حج تمتع به جا می‌آورد واجب حتمی است اما وقوف در عرفه واجب است و سر تراشیدن سنت است و رمی سنگ ریزه‌ها سنت است. و جهاد در رکاب پیشوای عادل واجب است و هر کس که در راه دفاع از مال خودش کشته شود شهید است و در کشوری که بایستی تقیه نمود کشتن هیچ يك از كفار و ناصبی‌ها حلال نیست مگر کسی که قاتل باشد یا در راه فساد (در روی زمین) قدم بردارد و این در صورتی است که نسبت به جان خودت و جان یارانت ترسی نداشته باشی و تقیه بکار بردن در کشور غیر شیعه واجب است و کسی که به منظور جلوگیری از ستمی که متوجه اوست از روی تقیه قسمی بخورد مخالف آن قسم جایز است و كفاره هم ندارد و طلاق شرعی باید مطابق باشد با آنچه خدای عز و جل در کتابش یاد فرموده و در سنت پیغمبر ثابت است و طلاقی که مطابق با سنت نباشد جایز نیست و هر طلاقی که مخالف با قرآن باشد حکم طلاق ندارد همان طور که هر عقد ازدواجی که مخالف قرآن باشد ازدواج شرعی نیست و بیش از

چهار زن آزاد نمیتوان به همسری گرفت و چون زنی سه بار طلاق عده دار گرفت برای شوهرش حلال نیست او را بهمسری خود بگیرد تا آنکه شوهر دیگری اختیار کند که فرمود از تزویج زنهایی که سه بار در يك جا طلاق داده شده اند بپرهیزید که آنان زنان شوهر دارند و درود فرستادن بر پیغمبر در همه جا لازم است مخصوصاً هنگام عطسه کردن و وزیدن بادهای و غیره و دوستی دوستان خدا و بستگی با آنان واجب است و بیزاری از دشمنانشان لازم و از آنانی که به خاندان پیغمبر ستم کرده اند و پرده احترام آنان را دریده اند و فدک را از فاطمه علیها السلام گرفتند و او را از میراث خود باز داشتند و حق او و همسرش را غصب نمودند خواستند خانه اش را آتش بزنند و پایه ستم را نهادند و سنت رسول خدا ﷺ را تغییر دادند و بیزاری از آنان که عهد خود را شکستند (اصحاب جمل) و از شاهراه حقیقت برگشتند (اصحاب صفین) و هم چون تیر که از کمان بدر رود از حق جدا شدند (اصحاب نهروان) واجب است و دوری از بتهای و قمارها که پیشوایان گمراهی و رهبران ستم بودند همگی از اول تا آخرشان واجب است و بیزاری از بدبختترین اولین و آخرین برادر آنکه شتر قوم ثمود را پی کرد یعنی قاتل امیر المؤمنین واجب است و بیزاری از همه کشندگان خاندان پیغمبر واجب است و دوستی با افراد با ایمانی که پس از پیغمبرشان تغییری نکردند و عوض نشدند واجب است مانند سلمان فارسی و ابی ذر غفاری و مقداد بن اسود کندی و عمار بن یاسر و جابر بن عبد الله انصاری و حذیفه بن یمان و ابی هیثم بن تیهان و سهل بن حنیف و ابی ایوب انصاری و عبد الله بن صامت و عباده بن صامت و خزیمه بن ثابت و ذی الشهادتین و ابی سعید خدری و هر کس که

رفتارش که هم چون رفتار آنان بوده و کردارش مانند کردار آنان باشد و دوستی پیروان آنان و افرادی که به آنان اقتداء کرده‌اند و براه آنها رفتند واجب است و نیکی به پدر و مادر واجب است و اگر مشرک باشند نه پدر و مادر را و نه دیگران را در گناه و نافرمانی خدا فرمان مبر زیرا برای اطاعت هیچ مخلوقی در معصیت خالق روا نیست و پیغمبران و جانشینان آنان را گناهی نباشد که آنان معصومند و پاک و دو متعه را حلال دانستن واجب است هم چنان که خدای عز و جل در قرآنش فرود فرستاده و رسول خدا ﷺ آن دو را سنت قرار داده متعه حج و متعه زنان و فرائض (شاید مقصود احکام ارث باشد) به همان نحوی است که خدای تبارک تعالی نازل فرموده و در روز هفتم نوزاد چه پسر و چه دختر باید عقیقه نمود و روز هفتم فرزند نام گذاشته می‌شود و موی سرش را تراشیده و به وزن آن مو طلا یا نقره صدقه میدهند و خدای عز و جل بهر کس باندازه توانائی او تکلیف میکند و بیش از توانائیش بار تکلیف بر دوشش نمیگذارد و کارهای بنده‌گان آفریده خدا است در مرحله تقدیر نه در عالم تکوین و خداوند آفریننده همه چیز است و نه جبر است و نه تفویض و خداوند عز و جل شخص بیگناه را به گناه دیگری مؤاخذه نمیکند و خدای عز و جل کودکان را بخاطر گناه پدران عذاب نمیکند زیرا خود در صریح قرآنش فرموده است که بار گناه کسی بر دوش دیگری گذاشته نمیشود و فرموده است برای انسان نیست جز آنچه بکوشد و نتیجه کوشش او در آینده روشن خواهد شد و بر خدای عز و جل روا است که گذشت فرماید و تفضل نماید ولی ستم کردن بر او عز و جل روا نیست و خدای عز و جل بر بنده‌گانش فرمانبری از کسی را که میداند مردم را

فریب داده و گمراه خواهد نمود واجب نمیفرماید و از میان بندگان کسی را که میداند بخدا کافر خواهد شد و شیطان را بجای خدا پرستش خواهد نمود برای پیغمبری اختیار نمیکند و برای این منصبش نمیگزینند و برای خلق خود جز فرد معصومی را حجت معین نمیکند و اسلام غیر از ایمان است و هر مؤمنی مسلمان است ولی هر مسلمان مؤمن نیست و دزد در حالی که دزدی میکند ایمان ندارد و زناکار بهنگامی که عمل زنا انجام میدهد مؤمن نیست و آنان که حد گناه بر آنان جاری شده مسلمانند نه مؤمن هستند و نه کافر زیرا خدای تبارک و تعالی مؤمن را به آتش نمیبرد و باو بهشت را وعده داده است و کافری را که وعده آتش باو داده و جاوید در دوزخ است از آتش بیرون نیاورد ولی غیر از کفر از هر کس که بخواهد گنااهش را میبخشد و آنان که حد گناه بگردن آنهاست فاسقاند نه مؤمنانند و نه کافران و در آتش هم جاوید نمیمانند و روزی از آن بیرون خواهند آمد و شفاعت برای آنان و برای اشخاصی که

ایمانشان ضعیف است روا است اگر خدای عز و جل از دینشان راضی باشد. و قرآن کلام خدا است نه خالق است و نه مخلوق و این کشور امروز کشور تقیه و کشور اسلامی است نه کشور کفر است و نه کشور ایمان. و امر بمعروف و نهی از منکر دو تکلیف واجب است بر هر کس که امکان انجام آن را داشته باشد و بر جان خود و یاراناش نترسد.

و ایمان عبارت است از اینکه واجبات را به جا آورده و از گناهان بزرگ دوری گزینند و ایمان آن است که آدمی دین حق را بدل بشناسد و بزبان اقرار کند و باعضای تن وظایف آن را انجام دهد و بعداب قبر و

منکر و نکیر و زنده شدن پس از مرگ و حساب و صراط و میزان اقرار داشته باشد و اگر بیزاری از دشمنان خدای عز و جل نباشد ایمانی وجود ندارد و تکبیر گفتن در دو عید (فطر و قربان) لازم است اما در فطر در پنج نماز که از نماز مغرب شب فطر شروع می‌شود تا نماز عصر روز فطر و تکبیر اینست که گفته شود **اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ وَ اللَّهُ الْحَمْدُ لِلَّهِ أَكْبَرُ عَلَيَّ مَا هَدَانَا وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَيَّ مَا ابْلَانَا** زیرا خدای عز و جل میفرماید تا شماره روزها را کامل کنید و بر هدایتی که خداوند شما را نموده خدا را تکبیر بگوئید و در عید قربان در شهرها پس از ده نماز گفته می‌شود که از نماز ظهر روز قربان شروع می‌شود تا نماز صبح روز سوم و در منی دنبال پانزده نماز گفته می‌شود که از نماز ظهر روز قربان شروع شده تا نماز صبح روز چهارم و در تکبیر عید قربان این جمله اضافه می‌شود **وَ اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَيَّ مَا رَزَقْنَا مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ**.

و زنی که خون نفاس ببیند حد اکثر تا بیست روز می‌نشیند (نماز و روزه را ترک می‌کند) مگر اینکه قبل از بیست روز پاک شود و چنانچه پس از بیست روز پاک شد غسل نموده و پنبه به خود می‌گیرد و عمل مستحاضه بجا می‌آورد.

و میخوارگی حرام است پس هر چیزی که زیاد او مستی آورد حرام است چه کم باشد چه زیاد.

و از درندگان آنچه دندان درنده جلو دارد و از پرندگان آنچه چنگال دارد گوشتشان حرام است و سپرز حرام است زیرا خون است و سگ‌ماهی و مارماهی و طافی و زمیر حرام است و هر ماهی که فلس نداشته باشد خوردنش حرام است و از تخم‌ها آنچه دو سر آن با هم اختلاف دارد خوردنش جایز

و آنچه دو سرش با هم برابر است حرام است و از ملخ‌ها آنچه بلند پرواز است حلال و ملخ‌های ریز حرام است زیرا بطور کامل نمیتواند پرواز کند و تذکیه ماهی و ملخ همان است که زنده گرفته شوند.

و گناهان کبیره حرام است و عبارتند از شریک قرار دادن برای خدای عز و جل و کشتن جاننداری که خداوند کشتنش را حرام کرده و ناراضی نمودن پدر و مادر و گریختن از میدان جنگ و خوردن مال یتیم از راه ستم و ربا خوردن پس از آنکه حرمت آن را بدانند و زنان پاکدامن را تهمت زنا زدن و بعد از اینها زنا و لواط و دزدی و خوردن مردار و خون گوشت خوک و گوشت هر حیوانی که بنام غیر خدا (از بت‌ها) سر بریده شده باشد بجز در جایی که ناچار از خوردن باشند و خوردن مال‌های حرام و کم فروشی و قمار و گواهی دروغ و نومییدی از رحمت خدا و ایمنی از مکر خدا و نومییدی از رحمت خدا و ترک یاری ستمدیدگان و اعتماد به ستمکاران و قسم دروغ و بدون تنگ دستی حقوق دیگران را نگه داشتن و گردن فrazی نمودن و زورگوئی و دروغ و اسراف و بیهوده خرج کردن و خیانت و سبک شمردن حج و با دوستان خدای عز و جل جنگ نمودن و اما بازی‌هایی که شخص را از یاد خدای تبارک و تعالی باز میدارد ناپسند است مانند غنا و تار زدن و اصرار کردن بر گناه کوچک سپس فرمود در این که گفتم برای مردمی که اهل عبادت باشند کفایت است.

مصنف این کتاب گوید گناهان کبیره هفت است و پس از آن هر گناهی نسبت بکوچک‌تر از خود بزرگ است و نسبت ببزرگ‌تر از خود کوچک و اینکه امام صادق در این روایت گناهان کبیره را از هفت بیشتر شمرده است

به این معنی است و نیروئی جز بوسیله خدا نیست.

امیر المؤمنین علیه السلام به یاران خود در یک مجلس

چهار صد باب از چیزهائی که کار دین و دنیای مسلمان را اصلاح میکند پیاموخت علم امیر المؤمنین علیه السلام أصحابه فی مجلس واحد أربعمائة باب مما يصلح للمسلم فی دینه و دنياه

۱۰ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَيْسَى بْنُ عَبْدِ الْيَقْطِينِي عَنْ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّي عَنْ

آبَائِهِ علیهم السلام أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام عَلَّمَ أَصْحَابَهُ فِي مَجْلِسٍ وَاحِدٍ أَرْبَعْمِائَةَ بَابٍ مِمَّا يُصْلِحُ لِلْمُسْلِمِ فِي دِينِهِ وَ دُنْيَاةُ قَالَ علیه السلام إِنَّ الْجَمَامَةَ تُصَحِّحُ الْبَدَنَ وَ تَشُدُّ الْعَقْلَ وَ الطَّيِّبَ فِي الشَّارِبِ مِنْ أَخْلَاقِ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله وَ كَرَامَةِ الْكَاتِبِينَ وَ السَّوَاكِ مِنْ مَرْضَاةِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ سُنَّةِ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله وَ مَطْيَبَةِ لِفْمٍ وَ الدُّهْنِ يُلَيِّنُ الْبَشْرَةَ وَ يَزِيدُ فِي الدِّمَاغِ وَ يُسَهِّلُ مَجَارِيَ الْمَاءِ وَ يَذْهَبُ بِالْقَشْفِ وَ يُسْفِرُ اللَّوْنَ وَ غَسَلَ الرَّأْسَ يَذْهَبُ بِالذَّرَنِ وَ يَنْفِي الْقَدَى وَ الْمَضْمَضَةَ وَ الْإِسْتِنْشَاقَ سُنَّةٌ وَ طَهُورُ لِفْمٍ وَ الْأَنْفِ وَ السَّعُوطَ مَصْحَةٌ لِلرَّأْسِ وَ تَنْقِيَةُ لِلْبَدَنِ وَ سَائِرِ أَوْجَاعِ الرَّأْسِ وَ النُّورَةَ نُشْرَةٌ وَ طَهُورُ لِلْجَسَدِ اسْتِجَادَةٌ الْجِذَاءِ وَ قَايَةُ لِلْبَدَنِ وَ عَوْنٌ عَلَى الطُّهُورِ وَ الصَّلَاةِ وَ تَقْلِيمُ الْأَظْفَارِ يَمْنَعُ

الدَّاءَ الْأَعْظَمَ وَ يُدِرُّ الرِّزْقَ وَ يُورِدُهُ وَ نَتْفُ الْأَبْطِ يَنْفِي الرَّائِحَةَ الْمُنْكَرَةَ وَ هُوَ طَهُورٌ وَ سُنَّةٌ مِمَّا أَمَرَ بِهِ الطَّيِّبُ علیه السلام غَسَلَ

الْيَدَيْنِ قَبْلَ الطَّعَامِ وَ بَعْدَهُ زِيَادَةٌ فِي
 الرِّزْقِ وَ إِمَاطَةٌ لِلْعَمْرِ عَنِ الثِّيَابِ وَ يَجْلُو
 الْبَصَرَ وَ قِيَامُ اللَّيْلِ مَصْحَةً لِلْبَدَنِ وَ مَرْضَاةٌ
 لِلرَّبِّ عَزَّ وَ جَلَّ وَ تَعَرُّضٌ لِلرَّحْمَةِ وَ تَمَسُّكٌ
 بِأَخْلَاقِ النَّبِيِّينَ أَكْلُ الثُّفَاحِ نَضُوحٌ لِلْمَعِدَةِ
 مَضْغُ اللَّبَانِ يَشُدُّ الْأَضْرَاسَ وَ يَنْفِي الْبَلْغَمَ وَ
 يَذْهَبُ بِرِيحِ الْفَمِ وَ الْجُلُوسُ فِي الْمَسْجِدِ بَعْدَ
 طُلُوعِ الْفَجْرِ إِلَى طُلُوعِ الشَّمْسِ أَسْرَعُ فِي طَلَبِ
 الرِّزْقِ مِنَ الضَّرْبِ فِي الْأَرْضِ وَ أَكْلُ السَّفَرَجَلِ
 قُوَّةٌ لِلْقَلْبِ الضَّعِيفِ وَ يُطَيِّبُ الْمَعِدَةَ وَ يَزِيدُ
 فِي قُوَّةِ الْفُؤَادِ وَ يُشَجِّعُ الْجَبَانَ وَ يُحَسِّنُ
 الْوَلَدَ أَكْلُ إِحْدَى وَ عَشْرِينَ زَبِيبَةً حَمْرَاءَ فِي
 كُلِّ يَوْمٍ عَلَى الرَّيْقِ يَدْفَعُ جَمِيعَ الْأَمْرَاضِ إِلَّا
 مَرَضَ الْمَوْتِ يُسْتَحَبُّ لِلْمُسْلِمِ أَنْ يَأْتِيَ أَهْلَهُ
 أَوَّلَ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ لِقَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ
 تَعَالَى أَحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصَّيَامِ الرَّفَثُ إِلَى
 نِسَائِكُمْ وَ الرَّفَثُ الْمُجَامَعَةُ لَا تَخْتُمُوا بِغَيْرِ
 الْفِضَّةِ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ مَا طَهَّرْتَ يَدًا
 فِيهَا خَاتَمٌ حَدِيدٍ وَ مَنْ نَقَشَ عَلَى خَاتَمِهِ اسْمَ
 اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَلْيُحَوِّلْهُ عَنِ الْيَدِ الَّتِي يَسْتَنْجِي
 بِهَا فِي الْمُتَوَضُّأِ إِذَا نَظَرَ أَحَدَكُمْ فِي الْمِرْآةِ
 فَلْيَقُلْ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَنِي فَأَحْسَنَ خَلْقِي وَ
 صَوَّرَنِي فَأَحْسَنَ صُورَتِي وَ زَانَ مِنِّي مَا شَانَ مِنْ
 غَيْرِي وَ أَكْرَمَنِي بِالْإِسْلَامِ وَ لِيَتَزَيَّنَ أَحَدُكُمْ
 لِأَخِيهِ الْمُسْلِمِ إِذَا أَتَاهُ كَمَا يَتَزَيَّنُ لِلْغَرِيبِ
 الَّذِي يُحِبُّ أَنْ يَرَاهُ فِي أَحْسَنِ الْهَيْئَةِ صَوْمٌ
 ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ مِنْ كُلِّ شَهْرٍ أَرْبَعَاءَ بَيْنَ خَمِيسَيْنِ
 وَ صَوْمٌ شَعْبَانَ يَذْهَبُ بِوَسْوَاسِ الصَّدرِ وَ بَلَابِلِ
 الْقَلْبِ وَ الْإِسْتِنْجَاءُ بِالْمَاءِ الْبَارِدِ يَقْطَعُ
 الْبَوَاسِيرَ عَسَلُ الثِّيَابِ يَذْهَبُ الْهَمُّ وَ الْحَزَنُ
 وَ هُوَ طَهُورٌ لِلصَّلَاةِ لَا تَنْتَفُوا الشَّيْبَ فَإِنَّهُ
 نُورُ الْمُسْلِمِ وَ مَنْ شَابَ شَيْبَةً فِي
 الْإِسْلَامِ كَانَ لَهُ نُورًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يَنَامُ
 الْمُسْلِمُ وَ هُوَ جُنُبٌ وَ لَا يَنَامُ إِلَّا عَلَى طَهُورٍ
 فَإِنْ لَمْ يَجِدِ الْمَاءَ فَلْيَتَيَمَّمْ بِالصَّعِيدِ فَإِنَّ
 رُوحَ الْمُؤْمِنِ تُرْفَعُ إِلَى اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى
 فَيَقْبَلُهَا وَ يُبَارِكُ عَلَيْهَا فَإِنْ كَانَ أَجْلُهَا قَدْ

حَضَرَ جَعَلَهَا فِي كُنُوزِ رَحْمَتِهِ وَ إِنْ لَمْ يَكُنْ
أَجْلَهَا قَدْ حَضَرَ بَعَثَ بِهَا مَعَ أَمْنَائِهِ مِنْ
مَلَائِكَتِهِ فَيَرُدُّونَهَا فِي جَسَدِهَا لَا يَتَّفِلُ الْمُؤْمِنُ
فِي الْقِبْلَةِ فَإِنْ فَعَلَ ذَلِكَ نَاسِيًا فَلَيْسَتْغْفِرَ اللَّهُ
عَزَّ وَ جَلَّ مِنْهُ لَا يَنْفُخُ الرَّجُلُ فِي مَوْضِعِ سُجُودِهِ
وَ لَا يَنْفُخُ فِي طَعَامِهِ وَ لَا فِي شَرَابِهِ وَ لَا فِي
تَعْوِيذِهِ لَا يَنَامُ الرَّجُلُ عَلَى الْمَحَجَّةِ وَ لَا
يَبُولُنَّ مِنْ سَطْحِ فِي الْهَوَاءِ وَ لَا يَبُولُنَّ فِي
مَاءٍ جَارٍ فَإِنْ فَعَلَ ذَلِكَ فَأَصَابَهُ شَيْءٌ فَلَا
يَلُومُنَّ إِلَّا نَفْسَهُ فَإِنَّ لِلْمَاءِ أَهْلًا وَ لِلْهَوَاءِ
أَهْلًا لَا يَنَامُ الرَّجُلُ عَلَى وَجْهِهِ وَ مَنْ رَأَيْتُمُوهُ
نَائِمًا عَلَى وَجْهِهِ فَأَنْبِهُوهُ وَ لَا تَدْعُوهُ وَ لَا
يَقُومُنَّ أَحَدَكُمْ فِي الصَّلَاةِ مُتَكَاسِلًا وَ لَا نَاعِسًا
وَ لَا يُفَكِّرَنَّ فِي نَفْسِهِ فَإِنَّهُ بَيْنَ يَدَي رَبِّهِ عَزَّ
وَ جَلَّ وَ إِنَّمَا لِلْعَبْدِ مِنْ صَلَاتِهِ مَا أَقْبَلَ عَلَيْهِ
مِنْهَا بِقَلْبِهِ كُلُّوا مَا يَسْقُطُ مِنَ الْخَوَانِ فَإِنَّهُ
شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ بِإِذْنِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ لِمَنْ أَرَادَ
أَنْ يَسْتَشْفِيَ بِهِ إِذَا أَكَلَ أَحَدَكُمْ طَعَامًا فَمَصَّ
أَصَابِعَهُ الَّتِي أَكَلَ بِهَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بَارَكَ
اللَّهُ فِيكَ الْبَسُوا ثِيَابَ الْقُطْنِ فَإِنَّهَا لِبَاسُ
رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ هُوَ لِبَاسُنَا وَ لَمْ نَكُنْ نَلْبَسُ
الشَّعْرَ وَ الصُّوفَ إِلَّا مِنْ عِلَّةٍ وَ قَالَ إِنْ اللَّهُ عَزَّ
وَ جَلَّ جَمِيلٌ يُجِبُّ الْجَمَالَ وَ يُجِبُّ أَنْ يَرَى أَثَرَ
نِعْمَتِهِ عَلَى عَبْدِهِ صَلُّوا أَرْحَامَكُمْ وَ لَوْ
بِالسَّلَامِ يَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ اتَّقُوا اللَّهَ
الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَ الْأَرْحَامَ إِنْ اللَّهُ كَانَ
عَلَيْكُمْ رَقِيبًا لَا تَقْطَعُوا نَهَارَكُمْ بِكُذَّاءٍ وَ كُذَّاءٍ
وَ فَعَلْنَا كُذَّاءً وَ كُذَّاءً فَإِنَّ مَعَكُمْ حَفِظَةً يَحْفَظُونَ
عَلَيْنَا وَ عَلَيْكُمْ اذْكُرُوا اللَّهَ فِي كُلِّ مَكَانٍ فَإِنَّهُ
مَعَكُمْ صَلُّوا عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ
وَ جَلَّ يَقْبَلُ دُعَاءَكُمْ عِنْدَ ذِكْرِ مُحَمَّدٍ وَ دُعَائِكُمْ
لَهُ وَ حِفْظِكُمْ إِيَّاهُ ﷺ أَقْرِؤا الْحَارَّ حَتَّى
يَبْرُدَ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَرَّبَ إِلَيْهِ طَعَامًا فَقَالَ
أَقْرِؤْهُ حَتَّى يَبْرُدَ وَ يُمَكِّنْ أَكْلَهُ مَا كَانَ اللَّهُ عَزَّ
وَ جَلَّ لِيُطْعِمَنَا النَّارَ وَ الْبَرَكَتُ فِي الْبَارِدِ

إِذَا بَالَ أَحَدُكُمْ فَلَا يُطَمَّحَنَّ بِبَوْلِهِ فِي
 الْهَوَاءِ وَلَا يَسْتَقْبِلُ الرِّيحَ عَلَّمُوا صِبْيَانَكُمْ
 مَا يَنْفَعُهُمْ اللَّهُ بِهِ لَا تَغْلِبْ عَلَيْهِمُ الْمُرْجِئَةَ
 بِرَأْيِهَا كُفُّوا أَلْسِنَتَكُمْ وَ سَلِّمُوا تَسْلِيمًا
 تَعْنَمُوا أَدُّوا الْأَمَانَةَ إِلَى مَنِ انْتَمَنَكُمْ وَ لَوْ
 إِلَى قَتْلِهِ أَوْلَادِ الْأَنْبِيَاءِ عليهم السلام أَكْثَرُوا ذَكَرَ اللَّهُ
 عَزَّ وَ جَلَّ إِذَا دَخَلْتُمُ الْأَسْوَاقَ عِنْدَ اشْتِغَالِ
 النَّاسِ فَإِنَّهُ كَفَّارَةٌ لِلذُّنُوبِ وَ زِيَادَةٌ فِي
 الْحَسَنَاتِ وَ لَا تُكْتَبُوا فِي الْغَافِلِينَ لَيْسَ
 لِلْعَبْدِ أَنْ يَخْرُجَ فِي سَفَرٍ إِذَا حَضَرَ شَهْرُ رَمَضَانَ
 لِقَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمْ الشَّهْرَ
 فَلْيَصُمْهُ لَيْسَ فِي شَرْبِ الْمُسْكِرِ وَ الْمَسْحِ عَلَى
 الْخَفَيْنِ تَقِيَّةٌ إِيَّاكُمْ وَ الْغُلُوفِ فِينَا قُولُوا
 إِنَّا عِبِيدُ مَرْبُوبُونَ وَ قُولُوا فِي فَضْلِنَا مَا
 شِئْتُمْ مَنْ أَحَبَّنَا فَلْيَعْمَلْ بِعَمَلِنَا وَ لَيْسَتْ عِنَ
 بِالْوَرَعِ فَإِنَّهُ أَفْضَلُ مَا يُسْتَعَانُ بِهِ فِي أَمْرِ
 الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ لَا تُجَالِسُوا لَنَا عَائِبًا وَ لَا
 تَمْتَدِّحُوا بِنَا عِنْدَ عَدُوِّنَا مُعْلِنِينَ بِإِظْهَارِ
 حُبِّنَا فَتَذَلُّوا أَنْفُسَكُمْ عِنْدَ سُلْطَانِكُمْ الزَّمُوا
 الصَّدَقَ فَإِنَّهُ مَنْجَاةٌ وَ ارْغَبُوا فِيَمَا عِنْدَ اللَّهِ
 عَزَّ وَ جَلَّ وَ اطْلُبُوا طَاعَتَهُ وَ اصْبِرُوا عَلَيْهَا
 فَمَا أَقْبَحَ بِالْمُؤْمِنِ أَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ وَ هُوَ
 مَهْتُوكُ السَّنَنِ لَا تُعْنُونَا فِي الطَّلَبِ وَ
 الشِّقَاةِ لَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيَمَا قَدَّمْتُمْ لَا
 تَفْضَحُوا أَنْفُسَكُمْ عِنْدَ عَدُوِّكُمْ فِي الْقِيَامَةِ وَ لَا
 تُكْذِبُوا أَنْفُسَكُمْ عِنْدَهُمْ فِي مَنْزِلَتِكُمْ عِنْدَ اللَّهِ
 بِالْحَقِيرِ مِنَ الدُّنْيَا تَمَسَّكُوا بِمَا أَمَرَ اللَّهُ
 بِهِ فَمَا بَيْنَ أَحَدِكُمْ وَ بَيْنَ أَنْ يُعْتَبَطَ وَ يَرَى
 مَا يُحِبُّ إِلَّا أَنْ يَحْضُرَهُ رَسُولُ اللَّهِ وَ مَا عِنْدَ اللَّهِ
 خَيْرٌ وَ أَبْقَى وَ تَأْتِيهِ الْبِشَارَةُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ
 جَلَّ فَتَقَرُّ عَيْنُهُ وَ يُحِبُّ لِقَاءَ اللَّهِ لَا تُحَقِّرُوا
 ضِعْفَاءَ إِخْوَانِكُمْ فَإِنَّهُ مَنْ احْتَقَرَ مُؤْمِنًا لَمْ
 يَجْمَعْ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بَيْنَهُمَا فِي الْجَنَّةِ إِلَّا أَنْ
 يَثُوبَ لَا يُكَلِّفُ الْمُؤْمِنُ أَحَاهُ الطَّلَبَ إِلَيْهِ إِذَا
 عَلِمَ حَاجَتَهُ تَوَازَرُوا وَ تَعَاطَفُوا وَ تَبَادَلُوا
 وَ لَا تَكُونُوا بِمَنْزِلَةِ الْمُنَافِقِ الَّذِي يَصِفُ مَا

لَا يَفْعَلُ تَزَوُّجُوا فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَثِيرًا مَا
كَانَ يَقُولُ مَنْ كَانَ يُحِبُّ أَنْ يَتَّبِعَ سُنَّتِي
فَلْيَتَزَوَّجْ فَإِنَّ مِنْ سُنَّتِي التَّزْوِيجَ وَ اطْلُبُوا
الْوَلَدَ فَإِنِّي أَكَاثِرُ بِكُمْ الْأُمَّمَ عَدَاً وَ تَوَقُّوا
عَلَى أَوْلَادِكُمْ لَبِنَ الْبَغِيِّ مِنَ النِّسَاءِ وَ
الْمَجْنُونَةِ فَإِنَّ اللَّبْنَ يُعْدَى تَنَزَّهُوا عَنِ أَكْلِ
الطَّيْرِ الَّذِي لَيْسَتْ لَهُ قَانِصَةٌ وَ لَا صَيْصِيَّةٌ وَ لَا
حَوْصَلَةٌ وَ اتَّقُوا كُلَّ ذِي نَابٍ مِنَ السَّبَاعِ وَ
مَخْلَبٍ مِنَ الطَّيْرِ وَ لَا تَأْكُلُوا الطَّحَالَ فَإِنَّهُ
بَيْتُ الدَّمِ الْفَاسِدِ لَا تَلْبَسُوا السَّوَادَ فَإِنَّهُ
لِبَاسُ فِرْعَوْنَ اتَّقُوا الْعُدَدَ مِنَ اللَّحْمِ فَإِنَّهُ
يُحَرِّكُ عِرْقَ الْجَذَامِ وَ لَا تَقْيِسُوا الْيَدَيْنِ فَإِنَّ
مِنَ الْيَدَيْنِ مَا لَا يَنْقَاسُ وَ سَيَاتِي أَقْوَامٌ
يَقْيِسُونَ وَ هُمْ أَعْدَاءُ الدِّينِ وَ أَوْلُ مَنْ قَاسَ
إِبْلِيسُ لَا تَحْتَذُوا الْمَلْسَ فَإِنَّهُ حِذَاءُ فِرْعَوْنَ وَ
هُوَ أَوْلُ مَنْ حَذَا الْمَلْسَ خَالِفُوا أَصْحَابَ
الْمُسْكِرِ وَ كُلُوا التَّمْرَ فَإِنَّ فِيهِ شِفَاءً مِنَ
الْأَدْوَاءِ اتَّبِعُوا قَوْلَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَإِنَّهُ قَالَ
مَنْ فَتَحَ عَلَيَّ نَفْسَهُ بَابَ مَسْأَلَةٍ فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْهِ
بَابَ فَقْرٍ أَكْثَرُوا الْإِسْتِغْفَارَ تَجَلَّبُوا الرِّزْقَ وَ
قَدِّمُوا مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ عَمَلِ الْخَيْرِ تَجِدُوهُ
عَدَاً إِيَّاكُمْ وَ الْجِدَالَ فَإِنَّهُ يُورِثُ الشُّكَّ مَنْ
كَانَتْ لَهُ إِلَى رَبِّهِ عَزٌّ وَ جَلٌّ حَاجَةٌ فَلْيَطْلُبْهَا
فِي ثَلَاثِ سَاعَاتٍ سَاعَةَ فِي الْجُمُعَةِ وَ سَاعَةَ
تَزُولُ الشَّمْسُ حِينَ تَهْبُ الرِّيَّاحُ وَ تُفْتَحُ أَبْوَابُ
السَّمَاءِ وَ تَنْزِلُ الرَّحْمَةُ وَ يَصُوتُ الطَّيْرُ وَ
سَاعَةَ فِي آخِرِ اللَّيْلِ عِنْدَ طُلُوعِ الْفَجْرِ فَإِنَّ
مَلَكَيْنِ يُنَادِيَانِ هَلْ مِنْ تَائِبٍ يُتَابُ عَلَيْهِ هَلْ
مِنْ سَائِلٍ يُعْطَى هَلْ مِنْ مُسْتَغْفِرٍ فَيُغْفَرُ لَهُ هَلْ
مِنْ طَالِبٍ حَاجَةٍ فَتُقْضَى لَهُ فَ أَجِيبُوا دَاعِيَ اللَّهِ
وَ اطْلُبُوا الرِّزْقَ فِيمَا بَيْنَ طُلُوعِ الْفَجْرِ إِلَى
طُلُوعِ الشَّمْسِ فَإِنَّهُ أَسْرَعُ فِي طَلْبِ الرِّزْقِ مِنْ
الضَّرْبِ فِي الْأَرْضِ وَ هِيَ السَّاعَةُ الَّتِي يَقْسِمُ اللَّهُ
فِيهَا الرِّزْقَ بَيْنَ عِبَادِهِ وَ انْتَظَرُوا الْفَرَجَ وَ
لَا تَيَأَسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ فَإِنَّ أَحَبَّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ
عَزٌّ وَ جَلٌّ انْتَظَرُوا الْفَرَجَ مَا دَامَ عَلَيْهِ الْعَبْدُ

الْمُؤْمِنُ تَوَكَّلُوا عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عِنْدَ رَكْعَتَيْ
 الْفَجْرِ إِذَا صَلَّى تَمُوتُهَا ففِيهَا تُعْطُوا الرِّغَائِبَ
 لَا تَخْرُجُوا بِالسُّيُوفِ إِلَى الْحَرَمِ وَ لَا يُصَلِّينَ
 أَحَدُكُمْ وَ بَيْنَ يَدَيْهِ سَيْفٌ فَإِنَّ الْقِبْلَةَ أَمْنٌ
 أَتَمُّوا بِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ حَجَّكُمْ إِذَا خَرَجْتُمْ إِلَى
 بَيْتِ اللَّهِ فَإِنَّ تَرْكَهُ جَفَاءٌ وَ بِذَلِكَ أَمِرْتُمْ وَ
 أَتَمُّوا بِالْقُبُورِ الَّتِي أَلَزَمَكُمْ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ
 حَقَّهَا وَ زِيَارَتَهَا وَ اطْلُبُوا الرِّزْقَ عِنْدَهَا وَ
 لَا تَسْتَصْغِرُوا قَلِيلَ الْأَثَامِ فَإِنَّ الصَّغِيرَ يُحْصَى
 وَ يَرْجِعُ إِلَى الْكَبِيرِ وَ أَطِيلُوا السُّجُودَ فَمَا
 مِنْ عَمَلٍ أَشَدَّ عَلَى إِبْلِيسَ مِنْ أَنْ يَرَى ابْنَ آدَمَ
 سَاجِدًا لِأَنَّهُ أَمَرَ بِالسُّجُودِ فَعَصَى وَ هَذَا أَمْرٌ
 بِالسُّجُودِ فَاطَّاعَ فَتَجَا أَكْثَرُوا ذَكَرَ الْمَوْتَ وَ
 يَوْمَ خُرُوجِكُمْ مِنَ الْقُبُورِ وَ قِيَامِكُمْ بَيْنَ يَدَيْ
 اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ تَهَوَّنْ عَلَيْكُمْ الْمَصَائِبُ إِذَا اشْتَكَى
 أَحَدُكُمْ عَيْنَيْهِ فَلْيَقْرَأْ آيَةَ الْكُرْسِيِّ وَ لِيُضْمِرْ
 فِي نَفْسِهِ أَنَّهَا تَبْرَأُ فَإِنَّهُ يُعَافَى إِنْ شَاءَ اللَّهُ
 تَوَقَّوا الذُّنُوبَ فَمَا مِنْ بَلِيَّةٍ وَ لَا نَقْصِ رِزْقٍ
 إِلَّا يَذْنِبُ حَتَّى الْخَدَشِ وَ الْكَبُوتِ وَ الْمُصِيبَةِ
 قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَ مَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ
 فِيمَا كَسَبْتُمْ أَيْدِيَكُمْ وَ يَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ
 أَكْثَرُوا ذَكَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى الطَّعَامِ وَ لَا
 تَطْعَمُوا فَإِنَّهَا نِعْمَةٌ مِنْ نِعَمِ اللَّهِ وَ رِزْقٍ مِنْ
 رِزْقِهِ يَجِبُ عَلَيْكُمْ فِيهِ شُكْرُهُ وَ حَمْدُهُ أَحْسِنُوا
 صُحْبَةَ النَّعَمِ قَبْلَ فَوَاتِهَا فَإِنَّهَا تَزُولُ وَ
 تَشْهَدُ عَلَى صَاحِبِهَا بِمَا عَمِلَ فِيهَا مِنْ رِزْقٍ عَنِ
 اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِالنَّيْسِرِ مِنَ الرِّزْقِ رَضِيَ اللَّهُ مِنْهُ
 بِالْقَلِيلِ مِنَ الْعَمَلِ إِيَّاكُمْ وَ التَّفْرِيطَ فَتَقَعِ
 الْحَسْرَةُ حِينَ لَا تَنْفَعُ الْحَسْرَةُ إِذَا لَقِيتُمْ
 عَدُوَّكُمْ فِي الْحَرْبِ فَأَقِلُوا الْكَلَامَ وَ أَكْثَرُوا
 ذَكَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَ لَا تَوَلَّوْهُمْ الْأَدْبَارَ
 فَتُسَخِّطُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ وَ تَسْتَوْجِبُوا غَضَبَهُ وَ إِذَا
 رَأَيْتُمْ مِنْ إِخْوَانِكُمْ فِي الْحَرْبِ الرَّجُلَ
 الْمَجْرُوحَ أَوْ مَنْ قَدْ نَكَّلَ بِهِ أَوْ مَنْ قَدْ طَمِعَ
 عَدُوَّكُمْ فِيهِ فَقُوْهُ بِأَنْفُسِكُمْ اصْطَبِعُوا
 الْمَعْرُوفَ بِمَا قَدَرْتُمْ عَلَى اصْطِنَاعِهِ فَإِنَّهُ يَقِي
 مَصَارِعَ السَّوْءِ مَنْ أَرَادَ مِنْكُمْ أَنْ يَعْلَمَ كَيْفَ

مَنْزِلَتُهُ عِنْدَ اللَّهِ فَلْيَنْظُرْ كَيْفَ مَنْزِلَتُهُ اللَّهُ مِنْهُ
عِنْدَ الذُّنُوبِ كَذَلِكَ تَكُونُ مَنْزِلَتُهُ عِنْدَ اللَّهِ
تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَفْضَلُ مَا يَتَّخِذُهُ الرَّجُلُ فِي
مَنْزِلِهِ لِعِيَالِهِ الشَّاهُ فَمَنْ كَانَتْ فِي مَنْزِلِهِ
شَاهٌ قَدَسَتْ عَلَيْهِ الْمَلَائِكَةُ فِي كُلِّ يَوْمٍ مَرَّةً وَ
مَنْ كَانَتْ عِنْدَهُ شَاتَانِ قَدَسَتْ عَلَيْهِ الْمَلَائِكَةُ
مَرَّتَيْنِ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَ كَذَلِكَ فِي الثَّلَاثِ تَقُولُ
بُورِكَ فِيكُمْ إِذَا ضَعُفَ الْمُسْلِمُ فَلْيَأْكُلِ اللَّحْمَ
وَ اللَّبَنَ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ جَعَلَ الْقُوَّةَ فِيهِمَا
إِذَا أَرَدْتُمْ الْحَجَّ فَتَقَدَّمُوا فِي شِرَى الْحَوَائِجِ
بِبَعْضِ مَا يُقْوِيكُمْ عَلَى السَّفَرِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ
يَقُولُ وَ لَوْ أَرَادُوا الْخُرُوجَ لِأَعَدُوا لَهُ عِدَّةً وَ
إِذَا جَلَسَ أَحَدُكُمْ فِي الشَّمْسِ فَلْيَسْتَدْبِرْهَا
بِظَهْرِهِ فَإِنَّهَا تُظْهِرُ الدَّاءَ الدَّفِينِ وَ إِذَا
خَرَجْتُمْ حُجَّاجًا إِلَى بَيْتِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَأَكْثِرُوا
النَّظَرَ إِلَى بَيْتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ مِائَةَ وَ
عِشْرِينَ رَحْمَةً عِنْدَ بَيْتِهِ الْحَرَامِ مِنْهَا سِتُونَ
لِلطَّائِفِينَ وَ أَرْبَعُونَ لِلْمُصَلِّينَ وَ عِشْرُونَ
لِلنَّاطِقِينَ أَقْرُوا عِنْدَ الْمُلتَزِمِ بِمَا حَفِظْتُمْ
مِنْ ذُنُوبِكُمْ وَ مَا لَمْ تَحْفَظُوا فَقُولُوا وَ مَا
حَفِظْتُمْ

عَلَيْنَا حَفِظْتُكَ وَ نَسِينَاهُ فَاعْفِرْهُ لَنَا فَإِنَّهُ
مَنْ أَقْرَ بِذَنْبِهِ فِي ذَلِكَ الْمَوْضِعِ وَ عَدَّهُ وَ
ذَكَرَهُ وَ اسْتَغْفَرَ اللَّهُ مِنْهُ كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ
جَلَّ أَنْ يَغْفِرَهُ لَهُ وَ تَقَدَّمُوا بِالِدُّعَاءِ قَبْلَ
نُزُولِ الْبَلَاءِ تُفْتَحُ لَكُمْ

أَبْوَابُ السَّمَاءِ فِي خَمْسِ مَوَاقِيتٍ عِنْدَ نُزُولِ
الْعَيْثِ وَ عِنْدَ الزَّحْفِ وَ عِنْدَ الْأَذَانِ وَ عِنْدَ
قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ وَ مَعَ زَوَالِ الشَّمْسِ وَ عِنْدَ
طُلُوعِ الْفَجْرِ مَنْ غَسَلَ مِنْكُمْ مِيْتًا فَلْيَغْتَسِلْ
بَعْدَ مَا يُلْبِسُهُ أَكْفَانَهُ لَا تُجَمَّرُوا الْأَكْفَانَ وَ
لَا تَمَسِّحُوا مَوْتَاكُمْ بِالطَّيْبِ إِلَّا الْكَافُورَ فَإِنَّ
الْمِيْتَةَ بِمَنْزِلَةِ الْمُحْرَمِ مُرُوا أَهَالِيَكُمْ
بِالْقَوْلِ الْحَسَنِ عِنْدَ مَوْتَاكُمْ فَإِنَّ فَاطِمَةَ بِنْتُ
مُحَمَّدٍ عَلَيْهَا السَّلَامُ لَمَّا قَبِضَ أَبُوهَا عَلَيْهِ السَّلَامُ سَاعَدَتْهَا جَمِيعُ
بَنَاتِ بَنِي هَاشِمٍ فَقَالَتْ دَعُّوا التَّعْدَادَ وَ
عَلَيْكُمْ بِالِدُّعَاءِ زُورُوا مَوْتَاكُمْ فَإِنَّهُمْ

يَفْرَحُونَ بِزِيَارَتِكُمْ وَ لِيَطْلُبِ الرَّجُلُ حَاجَتَهُ
عِنْدَ قَبْرِ أَبِيهِ وَ أُمِّهِ بَعْدَ مَا يَدْعُو لَهُمَا
الْمُسْلِمُ مِرَآةُ أَخِيهِ فَإِذَا رَأَيْتُمْ مِنْ أَحْيَكُمْ
هَفْوَةً فَلَا تَكُونُوا عَلَيْهِ وَ كُونُوا لَهُ كَنَفْسِهِ وَ
أَرْشُدُوهُ وَ انصَحُوهُ وَ تَرَفَّقُوا بِهِ إِيَّاكُمْ وَ
الْخِلَافَ فَتُمَرَّقُوا وَ عَلَيْكُمْ بِالْقَصْدِ ثَرَلْفُوا وَ
تُرَجُّوا مِنْ سَافِرٍ مِنْكُمْ بِدَابَّةٍ فَلْيَبْدَأْ حِينَ
يَنْزِلُ بِعَلْفِهَا وَ سَقِيهَا لَا تَضْرِبُوا الدَّوَابَّ
عَلَى وُجُوهِهَا فَإِنَّهَا تُسَبِّحُ رَبَّهَا وَ مَنْ ضَلَّ
مِنْكُمْ فِي سَفَرٍ أَوْ خَافَ عَلَى نَفْسِهِ فَلْيُنَادِ يَا
صَالِحُ أَغْنِنِي فَإِنَّ فِي إِخْوَانِكُمْ مِنَ الْجِنِّ جِنِّيًّا
يُسَمَّى صَالِحًا يَسِيخُ فِي الْبِلَادِ لِمَكَانِكُمْ
مُحْتَسِبًا نَفْسَهُ لَكُمْ فَإِذَا سَمِعَ الصَّوْتِ أَجَابَ وَ
أَرْشَدَ الضَّالَّ مِنْكُمْ وَ حَبَسَ عَلَيْهِ ذَابَّتَهُ مَنْ
خَافَ مِنْكُمْ مِنَ الْأَسَدِ عَلَى نَفْسِهِ «أ» وَ غَنَمَهُ
فَلْيَحْطَ عَلَيْهَا حِطَّةً وَ لِيَقُلِ اللَّهُمَّ رَبَّ دَانِيَالَ
وَ الْجُبَّ وَ رَبَّ كُلِّ أَسَدٍ مُسْتَأْسِدٍ احْفَظْنِي وَ
احْفَظْ غَنَمِي وَ مَنْ خَافَ مِنْكُمْ الْعَقْرَبَ فَلْيَقْرَأْ
هَذِهِ الْآيَاتِ سَلَامٌ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ إِنَّا
كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا
الْمُؤْمِنِينَ مَنْ خَافَ مِنْكُمْ الْعَرَقَ فَلْيَقْرَأْ بِسْمِ
اللَّهِ مَجْرَاهَا وَ مُرْسَاهَا إِنْ رَبِّي لَغَفُورٌ رَحِيمٌ
بِسْمِ اللَّهِ الْمَلِكِ الْحَقِّ مَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَ
الْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ
السَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى
عَمَّا يُشْرِكُونَ عَقُّوا عَنْ أَوْلَادِكُمْ يَوْمَ السَّابِعِ وَ
تَصَدَّقُوا إِذَا حَلَقْتُمُوهُمْ بِزِنَةِ شَعُورِهِمْ فِضَّةً
عَلَى مُسْلِمٍ كَذَلِكَ فَعَلَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بِالْحَسَنِ وَ
الْحُسَيْنِ وَ سَائِرِ وُلْدِهِ إِذَا نَآوَلْتُمْ السَّائِلَ
الشَّيْءَ فَاسْأَلُوهُ أَنْ يَدْعُوَ لَكُمْ فَإِنَّهُ يُجَابُ
فِيكُمْ وَ لَا يُجَابُ فِي نَفْسِهِ لِأَنَّهُمْ يَكْذِبُونَ وَ
لَيَرُدُّ الَّذِي يُنَاوِلُهُ يَدَهُ إِلَى فِيهِ فَلْيَقْبَلْهَا
فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَأْخُذُهَا قَبْلَ أَنْ تَقَعَ فِي يَدِ
السَّائِلِ كَمَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَلَمْ يَعْلَمُوا
أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَ يَأْخُذُ
الصَّدَقَاتِ تَصَدَّقُوا بِاللَّيْلِ فَإِنَّ الصَّدَقَةَ
بِاللَّيْلِ تُطْفِئُ غَضَبَ الرَّبِّ جَلَّ جَلَالُهُ احْسَبُوا

كَلَامِكُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ يَقِلُّ كَلَامُكُمْ إِلَّا فِي خَيْرٍ
أَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقَكُمْ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فَإِنَّ الْمُنْفِقَ
بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَمَنْ أَيْقَنَ
بِالْخَلْفِ جَادَ وَ سَخَتْ نَفْسُهُ بِالنَّفَقَةِ مَنْ كَانَ
عَلَى يَقِينٍ فَشَكَ فَلَيمُضْ عَلَى يَقِينِهِ فَإِنَّ الشُّكَّ
لَا يَنْقُضُ الْيَقِينَ لَا تَشْهَدُوا قَوْلَ الزُّورِ وَلَا
تَجْلِسُوا عَلَى مَائِدَةٍ يُشْرَبُ عَلَيْهَا الْخَمْرُ فَإِنَّ
الْعَبْدَ لَا يَدْرِي مَتَى يُؤْخَذُ إِذَا جَلَسَ أَحَدُكُمْ
عَلَى الطَّعَامِ فَلْيَجْلِسْ جِلْسَةَ الْعَبْدِ وَلَا يَضَعَنَّ
أَحَدُكُمْ إِحْدَى رِجْلَيْهِ عَلَى الْأُخْرَى وَلَا يَتَرَبَّعْ
فَإِنَّهَا جِلْسَةٌ يُبْغِضُهَا اللَّهُ وَ يَمَقُتُ صَاحِبَهَا عِشَاءُ
الْأَنْبِيَاءِ بَعْدَ الْعَتَمَةِ وَ لَا تَدْعُوا الْعِشَاءَ
فَإِنَّ تَرْكَ الْعِشَاءِ خَرَابُ الْبَدَنِ الْحُمَّى رَائِدُ
الْمَوْتِ وَ سِجْنُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ يَخِيسُ فِيهِ مَنْ يَشَاءُ
مِنْ عِبَادِهِ وَ هِيَ تَحْتُ الذُّنُوبِ كَمَا يَتَحَاتُّ
الْوَبْرُ مِنْ سَنَامِ الْبَعِيرِ لَيْسَ مِنْ دَاءٍ إِلَّا وَ
هُوَ مِنْ دَاخِلِ الْجَوْفِ إِلَّا الْجِرَاحَةَ وَ الْحُمَّى
فَإِنَّهُمَا يَرْدَانِ عَلَى الْجَسَدِ وَرُوداً اِكْسِرُوا حَرَّ
الْحُمَّى بِالْبِنْفَسِجِ وَ الْمَاءِ الْبَارِدِ فَإِنَّ حَرَّهَا
مِنْ فَيْحِ جَهَنَّمَ لَا يَتَدَاوَى الْمُسْلِمُ حَتَّى يَغْلِبَ
مَرَضُهُ صِحَّتَهُ الدُّعَاءُ يَرُدُّ الْقَضَاءَ الْمُبْرَمَ
فَاتَّخِذُوهُ عُدَّةً لِلْوُضُوءِ بَعْدَ الطَّهُورِ عَشْرُ
حَسَنَاتٍ فَتَطَهَّرُوا إِيَّاكُمْ وَ الْكَسَلُ فَإِنَّهُ مَنْ
كَسَلَ لَمْ يُؤَدِّ حَقَّ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ تَنْظَفُوا بِالْمَاءِ
مِنَ النَّثْنِ الرِّيْحِ الَّذِي يُتَأَذَى بِهِ تَعَهَّدُوا
أَنْفُسَكُمْ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُبْغِضُ مَنْ عِبَادِهِ
الْقَادُورَةَ الَّذِي يَتَأَنَّفُ بِهِ مَنْ جَلَسَ إِلَيْهِ لَا
يَعْبَثُ الرَّجُلُ فِي صَلَاتِهِ بِلِحِيَّتِهِ وَ لَا يَمَّا
يَشْغَلُهُ عَنْ صَلَاتِهِ بَادِرُوا بِعَمَلِ الْخَيْرِ قَبْلَ أَنْ
تُشْغَلُوا عَنْهُ بِغَيْرِهِ الْمُؤْمِنُ نَفْسُهُ مِنْهُ فِي
تَعَبٍ وَ النَّاسُ مِنْهُ فِي رَاحَةٍ وَ لِيَكُنْ جُلَّ
كَلَامِكُمْ ذَكَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ احذَرُوا الذُّنُوبَ فَإِنَّ
الْعَبْدَ لِيُذْنِبُ فَيَخِيسُ عَنْهُ الرِّزْقَ دَاوُوا
مَرْضَاكُمْ بِالصَّدَقَةِ حَصَّنُوا أَمْوَالَكُمْ بِالزَّكَاةِ
الصَّلَاةُ قُرْبَانٌ كُلُّ تَقِيٍّ الْحَجُّ جِهَادٌ كُلُّ ضَعِيفٍ
جِهَادُ الْمَرْأَةِ حُسْنُ التَّبَعْلِ الْفَقْرُ هُوَ الْمَوْتُ
الْأَكْبَرُ قِلَّةُ الْعِيَالِ أَحَدُ الْيَسَارِينِ التَّقْدِيرُ

نِصْفُ الْعَيْشِ الْهَمُّ نِصْفُ الْهَرَمِ مَا عَالَ امْرُؤٌ
اِقْتَصَدَ وَ مَا عَطَبَ امْرُؤٌ اسْتَشَارَ لَا تَصْلُحُ
الصَّنِيعَةُ إِلَّا عِنْدَ ذِي حَسَبٍ أَوْ دِينَ لِكُلِّ شَيْءٍ
ثَمَرَةٌ وَ ثَمَرَةُ الْمَعْرُوفِ تَعْجِيلُهُ مَنْ أَيْقَنَ
بِالْخَلْفِ جَادَ بِالْعَطِيَّةِ مَنْ ضَرَبَ يَدَيْهِ عَلَى
فَخْدَيْهِ عِنْدَ مُصِيبَةٍ حَبِطَ أَجْرُهُ أَفْضَلُ أَعْمَالِ
الْمَرْءِ انْتِظَارُ الْفَرَجِ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مَنْ
أَحْزَنَ وَ الْيَدِيهِ فَقَدْ عَقَّبَهُمَا اسْتَنْزَلُوا الرِّزْقَ
بِالصَّدَقَةِ ادْفَعُوا أَمْوَاجَ الْبَلَاءِ عَنْكُمْ
بِالدُّعَاءِ قَبْلَ وُرُودِ الْبَلَاءِ فَوَ الْيَدِي فَلَقَّ
الْحَبَّةَ وَ بَرَأَ النَّسَمَةَ لِلْبَلَاءِ أَسْرَعُ إِلَى
الْمُؤْمِنِ مِنَ انْحِدَارِ السَّيْلِ مِنَ أَعْلَى التُّلَعَةِ
إِلَى أَسْفَلِهَا وَ مِنْ رَكُضِ الْبَرَّادِينَ سَلُّوا اللَّهَ
الْعَافِيَةَ مِنْ جَهْدِ الْبَلَاءِ فَإِنْ جَهَدَ الْبَلَاءُ
ذَهَابَ الدِّينَ السَّعِيدُ مَنْ وُعِظَ بِغَيْرِهِ فَاتَّعَظَ
رُوضُوا أَنْفُسَكُمْ عَلَى الْأَخْلَاقِ الْحَسَنَةِ فَإِنَّ
الْعَبْدَ الْمُسْلِمَ يَبْلُغُ بِحُسْنِ خُلُقِهِ دَرَجَةَ
الصَّائِمِ الْقَائِمِ مَنْ شَرِبَ الْخَمْرَ وَ هُوَ يَعْلَمُ
أَنَّهَا حَرَامٌ سَقَاهُ اللَّهُ مِنْ طِينَةِ خَبَالٍ وَ إِنْ كَانَ
مَغْفُورًا لَهُ لَا نَذَرَ فِي مَعْصِيَةٍ وَ لَا يَمِينٍ فِي
قَطِيعَةٍ الدَّاعِي بِلَا عَمَلٍ كَالرَّامِي بِلَا وَتَرٍ
لِتَطْيِيبِ الْمَرْأَةِ الْمُسْلِمَةِ لِرُؤُوسِهَا الْمَقْتُولِ
دُونَ مَالِهِ شَهِيدُ الْمَغْبُوبِ غَيْرُ مَحْمُودٍ وَ لَا
مَاجُورٍ لَا يَمِينُ لِوَلَدٍ مَعَ وَالِدِهِ وَ لَا لِمَرْأَةٍ
مَعَ رُؤُوسِهَا لَا صَمْتٌ يَوْمًا إِلَى اللَّيْلِ إِلَّا بِذِكْرِ
اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ لَا تَعْرُبْ بَعْدَ الْهَجْرَةِ وَ لَا هَجْرَةَ
بَعْدَ الْفَتْحِ تَعَرَّضُوا لِلتَّجَارَةِ فَإِنَّ فِيهَا غَنَى
لَكُمْ عَمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ وَ إِنْ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ
يُحِبُّ الْعَبْدَ الْمُحْتَرِفَ الْأَمِينُ لَيْسَ عَمَلٌ أَحَبُّ
إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنَ الصَّلَاةِ فَلَا يَشْغَلَنَّكُمْ عَنْ
أَوْقَاتِهَا شَيْءٌ مِنْ أُمُورِ الدُّنْيَا فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ
جَلَّ ذَمَّ أَقْوَامًا فَقَالَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ
سَاهُونَ يَعْنِي أَنَّهُمْ غَافِلُونَ اسْتَهَانُوا
بِأَوْقَاتِهَا اعْلَمُوا أَنَّ صَالِحِي عَدُوِّكُمْ يُرَائِي
بِعَضُّهُمْ بَعْضًا وَ لَكِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَا يُؤَفِّقُهُمْ وَ
لَا يَقْبَلُ إِلَّا مَا كَانَ لَهُ خَالِصًا الْبِرُّ لَا يَبْلَى
وَ الذَّنْبُ لَا يُنْسَى وَ اللَّهُ الْجَلِيلُ مَعَ الَّذِينَ

اتَّقُوا وَ الَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ الْمُؤْمِنِينَ لَا يَغْشَى
 أَخَاهُ وَ لَا يَخُونُهُ وَ لَا يَخْدُلُهُ وَ لَا يَتَّهَمُهُ وَ لَا
 يَقُولُ لَهُ أَنَا مِنْكَ بِرِيءٌ اِطْلُبْ لِأَخِيكَ عُذْرًا
 فَإِنْ لَمْ تَجِدْ لَهُ عُذْرًا فَالْتَمِسْ لَهُ عُذْرًا
 مُزَاوَلَةً قَلَعَ الْجِبَالَ أَيَسَّرَ مِنْ مُزَاوَلَةٍ مُلْكٍ
 مُوَجَّلٍ وَ اسْتَعِينُوا بِاللهِ وَ اصْبِرُوا فَ إِنَّ الْأَرْضَ
 لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ الْعَاقِبَةُ
 لِلْمُتَّقِينَ لَا تُعَاجِلُوا الْأَمْرَ قَبْلَ بُلُوغِهِ
 فَتَنْدَمُوا وَ لَا يَطُولَنَّ عَلَيْكُمْ الْأَمَدُ فَتَقْسُوا
 قُلُوبَكُمْ اِرْحَمُوا ضِعْفَاءَكُمْ وَ اِطْلُبُوا الرَّحْمَةَ
 مِنْ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ بِالرَّحْمَةِ لَهُمْ إِيَّاكُمْ وَ غَيْبَةَ
 الْمُسْلِمِ فَإِنَّ الْمُسْلِمَ لَا يَغْتَابُ أَخَاهُ وَ قَدْ
 نَهَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَنْ ذَلِكَ فَقَالَ وَ لَا يَغْتَابُ
 بَعْضُكُمْ بَعْضًا أ يُجِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ
 أَخِيهِ مَيْتًا لَا يَجْمَعُ الْمُسْلِمُ يَدَيْهِ فِي صَلَاتِهِ وَ
 هُوَ قَائِمٌ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ يَتَشَبَّهُ بِأَهْلِ
 الْكُفْرِ يَعْنِي الْمَجُوسَ لِيَجْلِسَ أَحَدُكُمْ عَلَى
 طَعَامِهِ جِلْسَةَ الْعَبْدِ وَ لِيَأْكُلَ عَلَى الْأَرْضِ وَ لَا
 يَشْرَبَ قَائِمًا إِذَا أَصَابَ أَحَدُكُمْ الدَّابَّةُ وَ هُوَ
 فِي صَلَاتِهِ فَلْيَذْفِنْهَا وَ يَتْفَلْ عَلَيْهَا أَوْ
 يُصَيِّرُهَا فِي تَوْبِهِ حَتَّى يَنْصَرِفَ الْإِلْتِفَاتُ
 الْفَاحِشُ يَقْطَعُ الصَّلَاةَ وَ يَنْبَغِي لِمَنْ يَفْعَلُ ذَلِكَ
 أَنْ يَبْتَدِيءَ الصَّلَاةَ بِالْأَذَانِ وَ الْإِقَامَةِ وَ
 التَّكْبِيرِ مَنْ قَرَأَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ مِنْ قَبْلِ أَنْ
 تَطْلُعَ الشَّمْسُ إِحْدَى عَشْرَةَ مَرَّةً وَ مِثْلَهَا إِنَّا
 أَنْزَلْنَاهُ وَ مِثْلَهَا آيَةَ الْكُرْسِيِّ مَنْعَ مَالِهِ
 مِمَّا يَخَافُ مَنْ قَرَأَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَ إِنَّا
 أَنْزَلْنَاهُ قَبْلَ أَنْ تَطْلُعَ الشَّمْسُ لَمْ يُصِبْهُ فِي
 ذَلِكَ الْيَوْمِ ذَنْبٌ وَ إِنْ جَهَدَ إبْلِيسُ اسْتَعِيدُوا
 بِاللهِ مِنْ ضَلَعِ الدِّينِ وَ غَلْبَةِ الرَّجَالِ مَنْ تَخَلَّفَ
 عَنَّا هَلَكَ تَشْمِيرُ الثِّيَابِ طَهُورٌ لَهَا قَالَ اللَّهُ
 تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ ثِيَابَكَ فَطَهَّرْ أَيَّ فَشَمَّرَ لَعَقُ
 الْعَسَلِ شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ
 تَعَالَى يَخْرُجُ مِنْ بَطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ
 فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ وَ هُوَ مَعَ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ وَ
 مَضْغِ اللَّبَانِ يُذِيبُ الْبَلْعَمَ وَ ابْدَأْ بِالْمِلْحِ
 فِي أَوَّلِ طَعَامِكُمْ فَلَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي

الْمِلْحَ لِأَخْتَارُوهُ عَلَى التَّرْيَاقِ الْمُجَرَّبِ مَنْ
 ابْتَدَأَ طَعَامَهُ بِالْمِلْحِ ذَهَبَ عَنْهُ سَبْعُونَ ذَاً وَ
 مَا لَا يَعْلَمُهُ إِلَّا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ صُوبُوا عَلَى
 الْمَحْمُومِ الْمَاءَ الْبَارِدَ فِي الصَّيْفِ فَإِنَّهُ
 يُسَكِّنُ حَرَّهَا صُومُوا ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ فِي كُلِّ شَهْرٍ
 فَهِيَ تَعْدِلُ صَوْمَ الدَّهْرِ وَ نَحْنُ نَصُومُ خَمِيسِينَ
 بَيْنَهُمَا أَرْبِعَاءُ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَلَقَ جَهَنَّمَ
 يَوْمَ الْأَرْبِعَاءِ إِذَا أَرَادَ أَحَدُكُمْ حَاجَةً فَلْيُبَكِّرْ
 فِي طَلِبِهَا يَوْمَ الْخَمِيسِ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ
 اللَّهُمَّ بَارِكْ لِأُمَّتِي فِي بُكُورِهَا يَوْمَ الْخَمِيسِ وَ
 لِيَقْرَأَ إِذَا خَرَجَ مِنْ بَيْتِهِ الْآيَاتِ مِنْ آخِرِ آلِ
 عِمْرَانَ وَ آيَةَ الْكُرْسِيِّ وَ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ وَ أُمَّ
 الْكِتَابِ فَإِنَّ فِيهَا قِضَاءَ لِحَوَائِجِ الدُّنْيَا وَ
 الْآخِرَةِ عَلَيْكُمْ بِالصَّفِيقِ مِنَ الثِّيَابِ فَإِنَّهُ مَنْ
 رَقَّ ثَوْبُهُ رَقَّ دِينُهُ لَا يَقُومَنَّ أَحَدُكُمْ بَيْنَ يَدَيِ
 الرَّبِّ جَلَّ جَلَالُهُ وَ عَلَيْهِ ثَوْبٌ يَشْفُ ثَوْبُوا إِلَى
 اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ ادْخُلُوا فِي مَحَبَّتِهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ
 جَلَّ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَ يُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ وَ
 الْمُؤْمِنِينَ تَوَّابٌ إِذَا قَالَ الْمُؤْمِنُ لِأَخِيهِ أَفَّ
 انْقَطَعَ مَا بَيْنَهُمَا فَإِذَا قَالَ لَهُ أَنْتَ كَافِرٌ
 كَفَرَ أَحَدُهُمَا وَ إِذَا اتَّهَمَهُ انْمَاثَ الْإِسْلَامُ فِي
 قَلْبِهِ كَمَا يَنْمِثُ الْمِلْحُ فِي الْمَاءِ بَابُ
 التَّوْبَةِ مَفْتُوحٌ لِمَنْ أَرَادَهَا فَ تَوَّابُوا إِلَى
 اللَّهِ تَوْبَةً نَصُوحاً عَسَى رَبُّكُمْ أَنْ يُكَفِّرَ عَنْكُمْ
 سَيِّئَاتِكُمْ وَ أَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِذَا عَاهَدْتُمْ فَمَا
 زَالَتْ نِعْمَةٌ وَ لَا نَضَارَةٌ عَيْشٍ إِلَّا بِذُنُوبٍ
 اجْتَرَحُوا إِنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَامٍ لِّلْعَبِيدِ وَ لَوْ أَنَّهُمْ
 اسْتَقْبَلُوا ذَلِكَ بِالْأُذُنِ وَ الْإِنَابَةِ لَمْ تَزَلْ وَ
 لَوْ أَنَّهُمْ إِذَا نَزَلَتْ بِهِمُ النَّقْمُ وَ زَالَتْ عَنْهُمْ
 النِّعْمُ فَرَعُوا إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِصِدْقٍ مِنْ
 نِيَّاتِهِمْ وَ لَمْ يَهِنُوا وَ لَمْ يُسْرِفُوا لِأَصْلَحَ اللَّهُ
 لَهُمْ كُلُّ فَاسِدٍ وَ لَرَدَّ عَلَيْهِمْ كُلُّ صَالِحٍ وَ إِذَا
 ضَاقَ الْمُسْلِمُ فَلَا يَشْكُونَ رَبَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَ
 لَيْشْتَكِ إِلَى رَبِّهِ الَّذِي بِيَدِهِ مَقَالِيدُ الْأُمُورِ وَ
 تَذْيِيرُهَا فِي كُلِّ أَمْرٍ وَاحِدَةً مِنْ ثَلَاثِ الطَّيْرَةِ
 وَ الْكِبْرُ وَ التَّمَنَّى فَإِذَا تَطَيَّرَ أَحَدُكُمْ فَلْيَمِضْ
 عَلَى طَيْرَتِهِ وَ لِيَذْكُرِ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَ إِذَا خَشِيَ

الْكِبَرَ فَلْيَأْكُلْ مَعَ عَبْدِهِ وَ خَادِمِهِ وَ لِيَخْلِبِ
الشَّاةَ وَ إِذَا تَمَنَّى فَلْيَسْأَلِ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ وَ
يَبْتَهِلْ إِلَيْهِ وَ لَا يُنَازِعُهُ نَفْسَهُ إِلَى الْإِثْمِ
خَالِطُوا النَّاسَ بِمَا يَعْرِفُونَ وَ دَعُوهُمْ مِمَّا
يُنْكِرُونَ وَ لَا تَحْمِلُوهُمْ عَلَى أَنْفُسِكُمْ وَ عَلَيْنَا
إِنْ أَمَرْنَا صَعْبٌ مُسْتَصْعَبٌ لَا يَحْتَمِلُهُ إِلَّا مَلَكٌ
مُقَرَّبٌ أَوْ نَبِيٌّ مُرْسَلٌ أَوْ عَبْدٌ قَدِ امْتَحَنَ اللَّهَ
قَلْبَهُ لِلْإِيمَانِ إِذَا وَسَّسَ الشَّيْطَانُ إِلَى أَحَدِكُمْ
فَلْيَتَعَوَّذْ بِاللَّهِ وَ لِيَقُلْ آمَنْتُ بِاللَّهِ وَ بِرَسُولِهِ
مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ إِذَا كَسَا اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ مُؤْمِنًا
ثَوْبًا جَدِيدًا فَلْيَتَوَضَّأْ وَ لِيُصَلِّ رَكَعَتَيْنِ يَقْرَأُ
فِيهِمَا أُمَّ الْكِتَابِ وَ آيَةَ الْكُرْسِيِّ وَ قُلْ هُوَ اللَّهُ
أَحَدٌ وَ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ ثُمَّ
لِيَحْمَدِ اللَّهَ الَّذِي سَتَرَ عَوْرَتَهُ وَ زَيَّنَهُ فِي النَّاسِ
وَ لِيُكْثِرَ مِنْ قَوْلِ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ
الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ فَإِنَّهُ لَا يَعْصِي اللَّهَ فِيهِ وَ لَهُ
بِكُلِّ سَلَكٍ فِيهِ مَلَكٌ يُقَدِّسُ لَهُ وَ يَسْتَغْفِرُ لَهُ وَ
يَتَرَحَّمُ عَلَيْهِ اطْرَحُوا سُوءَ الظَّنِّ بَيْنَكُمْ فَإِنَّ اللَّهَ
عَزَّ وَ جَلَّ نَهَى عَنْ ذَلِكَ أَنَا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ
مَعِيَ عِثْرَتِي وَ سِبْطَايَ عَلَى الْحَوْضِ فَمَنْ أَرَادَنَا
فَلْيَأْخُذْ بِقَوْلِنَا وَ لِيَعْمَلْ عَمَلَنَا فَإِنَّ لِكُلِّ
أَهْلِ بَيْتٍ نَجِيبٍ «نَجِيبًا وَ لَنَا شَفَاعَةٌ وَ لِأَهْلِ
مَوَدَّتِنَا شَفَاعَةٌ فَتَنَافَسُوا فِي لِقَائِنَا عَلَى
الْحَوْضِ- فَإِنَّا نَدُودٌ عَنْهُ أَعْدَاءُنَا وَ نَسَقِي
مِنْهُ أَحِبَاءُنَا وَ أَوْلِيَاءُنَا وَ مَنْ شَرِبَ مِنْهُ
شَرِبَتْهُ لَمْ يَظْمَأْ بَعْدَهَا أَبَدًا حَوْضُنَا مُثْرَعٌ فِيهِ
مَثَعِبَانِ يَنْصَبَانِ مِنَ الْجَنَّةِ أَحَدُهُمَا مِنْ تَسْنِيمٍ
وَ الْآخَرُ مِنْ مَعِينٍ عَلَى حَافَتَيْهِ الزُّعْفَرَانُ وَ
حِصَاةُ اللُّؤْلُؤِ وَ الْيَاقُوتِ وَ هُوَ الْكَوْثَرُ إِنْ
الْأُمُورَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ لَيْسَتْ إِلَى الْعِبَادِ وَ
لَوْ كَانَتْ إِلَى الْعِبَادِ مَا كَانُوا لِيَخْتَارُوا
عَلَيْنَا أَحَدًا وَ لَكِنَّ اللَّهَ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ
فَاحْمَدُوا اللَّهَ عَلَى مَا اخْتَصَّكُمْ بِهِ مِنْ بَادِيِ
النِّعَمِ عَلَى طَيْبِ الْوِلَادَةِ كُلُّ عَيْنٍ يَوْمَ
الْقِيَامَةِ بَآكِيَةٌ وَ كُلُّ عَيْنٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ
سَاهِرَةٌ إِلَّا عَيْنٌ مِنْ اخْتَصَّهُ اللَّهُ بِكَرَامَتِهِ وَ بَكَى

عَلَى مَا يُنْتَهَكُ مِنَ الْحُسَيْنِ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ﷺ
 شِيعَتُنَا بِمَنْزِلَةِ النَّحْلِ لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا
 فِي أَجْوَافِهَا لَأَكَلُوهَا لَا تُعْجَلُوا الرَّجُلَ عِنْدَ
 طَعَامِهِ حَتَّى يَفْرُغَ وَ لَا عِنْدَ غَائِطِهِ حَتَّى يَأْتِيَ
 عَلَى حَاجَتِهِ إِذَا انْتَبَهَ أَحَدُكُمْ مِنْ نَوْمِهِ
 فَلْيَقُلْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ الْحَيُّ
 الْقَيُّومُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ سُبْحَانَ رَبِّ
 النَّبِيِّينَ وَ إِلَهِ الْمُرْسَلِينَ وَ سُبْحَانَ رَبِّ
 السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَ مَا فِيهِنَّ وَ رَبِّ الْأَرْضِينَ
 السَّبْعِ وَ مَا فِيهِنَّ وَ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَ
 الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ فَإِذَا جَلَسَ مِنْ نَوْمِهِ
 فَلْيَقُلْ قَبْلَ أَنْ يَقُومَ حَسْبِيَ اللَّهُ حَسْبِيَ الرَّبُّ مِنْ
 الْعِبَادِ حَسْبِيَ الَّذِي هُوَ حَسْبِي مُنْذُ كُنْتُ حَسْبِي
 اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ وَ إِذَا قَامَ أَحَدُكُمْ مِنَ
 اللَّيْلِ فَلْيَنْظُرْ إِلَى أَكْنَافِ السَّمَاءِ وَ لِيَقْرَأْ
 إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ إِلَى قَوْلِهِ إِنَّكَ
 لَا تُخَلِّفُ الْمِيعَادَ الْإِطْلَافُ فِي بَيْتِ زَمْرَمَ يُدْهَبُ
 الدَّاءُ فَاشْرَبُوا مِنْ مَائِهَا مِمَّا يَلِي الرُّكْنَ
 الَّذِي فِيهِ الْحَجَرُ الْأَسْوَدُ فَإِنَّ تَحْتَ الْحَجَرِ
 أَرْبَعَةَ أَنْهَارٍ مِنَ الْجَنَّةِ الْفُرَاتُ وَ النَّيْلُ وَ
 سَيْحَانَ وَ جَيْحَانَ هُمَا نَهْرَانِ لَا يَخْرُجُ الْمُسْلِمُ
 فِي الْجِهَادِ مَعَ مَنْ لَا يُؤْمِنُ عَلَى الْحُكْمِ وَ لَا
 يُنْفِذُ فِي الْفِيءِ أَمْرَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَإِنْ مَاتَ فِي
 ذَلِكَ كَانَ مُعِينًا لِعَدُونِنَا فِي حَبْسِ حُقُوقِنَا وَ
 الْأَشَاطَةِ بِدِمَائِنَا وَ مِيتَتِهِ مِيتَةٌ جَاهِلِيَّةٌ
 ذَكَرْنَا أَهْلَ الْبَيْتِ شَفَاءً مِنَ الْعَلَلِ وَ الْأَسْقَامِ
 وَ وَسْوَاسِ الرَّيْبِ وَ جِهَتِنَا رِضَا الرَّبِّ عَزَّ وَ جَلَّ
 وَ الْأَخْذُ بِأَمْرِنَا مَعَنَا غَدًا فِي حَظِيرَةِ الْقُدْسِ
 وَ الْمُنتَظَرُ لِأَمْرِنَا كَالْمُتَشَحِّطِ بِدَمِهِ فِي سَبِيلِ
 اللَّهِ مَنْ شَهِدَنَا فِي حَرْبِنَا أَوْ سَمِعَ وَاعِيَتَنَا فَلَمْ
 يَنْصُرْنَا أَكْبَهُ اللَّهُ عَلَى مَنْخَرِيهِ فِي النَّارِ
 وَ نَحْنُ بَابُ الْغَوْثِ إِذَا اتَّقَوْا وَ ضَاقَتْ
 عَلَيْهِمُ الْمَذَاهِبُ وَ نَحْنُ بَابُ حِطَّةٍ وَ هُوَ بَابُ
 السَّلَامِ مَنْ دَخَلَهُ نَجَا وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهُ هَوَى
 بِنَا يَفْتَحُ اللَّهُ وَ بِنَا يَخْتِمُ اللَّهُ وَ بِنَا يَمْحُو مَا
 يَشَاءُ وَ بِنَا يُثَبِّتُ وَ بِنَا يَدْفَعُ اللَّهُ الزَّمَانَ
 الْكَلْبَ وَ بِنَا يُنْزِلُ الْغَيْثَ فَ لَا يَغُرَّنْكُمْ بِإِلَّهِ

الغُرُورُ مَا أَنْزَلَتِ السَّمَاءُ مِنْ قَطْرَةٍ مِنْ مَاءٍ
مُنْذُ حَبَسَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَ لَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا
لَأَنْزَلَتِ السَّمَاءُ قَطْرَهَا وَ لَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ نَبَاتَهَا
وَ لَذَهَبَتِ الشَّخَنَاءُ مِنْ قُلُوبِ الْعِبَادِ وَ
اصْطَلَحَتِ السَّبَاعُ وَ الْبَهَائِمُ حَتَّى تَمْشِيَ
الْمَرَأَةُ بَيْنَ الْعِرَاقِ إِلَى الشَّامِ لَا تَضَعُ
قَدَمَيْهَا إِلَّا عَلَى النَّبَاتِ وَ عَلَى رَأْسِهَا
زِينَتُهَا لَا يُهَيِّجُهَا سَبْعٌ وَ لَا تَخَافُهُ لَوْ
تَعْلَمُونَ مَا لَكُمْ فِي مَقَامِكُمْ بَيْنَ عَدُوِّكُمْ وَ
صَبْرِكُمْ عَلَى مَا تَسْمَعُونَ مِنَ الْأَذَى لَقَرَّتْ
أَعْيُنُكُمْ وَ لَوْ فَقَدْتُمُونِي لَرَأَيْتُمْ مِنْ بَعْدِي
أُمُورًا يَتَمَنَّى أَحَدُكُمْ الْمَوْتَ مِمَّا يَرَى مِنْ أَهْلِ
الْجُحُودِ وَ الْعُدُوانِ مِنْ أَهْلِ الْأَثَرَةِ وَ
الِاسْتِخْفَافِ بِحَقِّ اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ وَ الْخَوْفِ عَلَى
نَفْسِهِ فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ فَ اغْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ
جَمِيعًا وَ لَا تَفَرَّقُوا وَ عَلَيْكُمْ بِالصَّبْرِ وَ
الصَّلَاةِ وَ التَّقِيَّةِ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ
تَعَالَى يُبْغِضُ مِنْ عِبَادِهِ الْمُتَمَلِّونَ فَلَا تَزُولُوا
عَنِ الْحَقِّ وَ وَايَةَ أَهْلِ الْحَقِّ فَإِنْ مَنْ اسْتَبَدَلَ
بَيْنَا هَلْكَ وَ فَاتَتْهُ الدُّنْيَا وَ خَرَجَ مِنْهَا
بِحَسْرَةٍ إِذَا دَخَلَ أَحَدُكُمْ مَنْزِلَهُ فَلْيُسَلِّمْ عَلَى
أَهْلِهِ يَقُولُ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ
أَهْلٌ فَلْيَقُلِ السَّلَامُ عَلَيْنَا مِنْ رَبَّنَا وَ لِيَقْرَأَ
قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ حِينَ يَدْخُلُ مَنْزِلَهُ فَإِنَّهُ يَنْفِي
الْفَقْرَ عَلَّمُوا صَبِيَانَكُمْ الصَّلَاةَ وَ خَذُوهُمْ بِهَا
إِذَا بَلَغُوا ثَمَانَ سِنِينَ تَنَزَّهُوا عَنِ قُرْبِ
الْكِلَابِ فَمَنْ أَصَابَ الْكَلْبَ وَ هُوَ رَطْبٌ فَلْيَغْسِلْهُ
وَ إِنْ كَانَ جَافًا فَلْيَنْضِخْ تَوْبَهُ بِالْمَاءِ - إِذَا
سَمِعْتُمْ مِنْ حَدِيثِنَا مَا لَا تَعْرِفُونَ فَارْدُوهُ
إِلَيْنَا وَ قِفُوا عِنْدَهُ وَ سَلِّمُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ
لَكُمْ الْحَقُّ وَ لَا تَكُونُوا مَذَايِيعَ عَجَلَى إِلَيْنَا
يَرْجِعُ الْعَالِي وَ بَيْنَا يَلْحَقُ الْمُقْصِرُ الَّذِي
يُقْصِرُ بِحَقِّنَا مَنْ تَمَسَّكَ بِنَا لِحَقِّ وَ مَنْ سَلَكَ
غَيْرَ طَرِيقَتِنَا غَرِقَ لِمُجِبِّينَا أَفْوَاجٍ مِنْ رَحْمَةِ
اللَّهِ وَ لِمُبْغِضِينَا أَفْوَاجٍ مِنْ غَضَبِ اللَّهِ وَ طَرِيقُنَا
الْقَصْدُ وَ فِي أَمْرِنَا الرُّشْدُ لَا يَكُونُ السَّهُوُ فِي
خَمْسٍ فِي الْوَثْرِ وَ الْجُمُعَةِ وَ الرُّكْعَتَيْنِ

الْأُولَيَيْنِ مِنْ كُلِّ صَلَاةٍ مَكْتُوبَةٍ وَ فِي الصُّبْحِ وَ
 فِي الْمَغْرِبِ وَ لَا يَقْرَأُ الْعَبْدُ الْقُرْآنَ إِذَا
 كَانَ عَلَى غَيْرِ طَهْوَرٍ حَتَّى يَتَطَهَّرَ أَعْطُوا كُلَّ
 سُورَةٍ حَظَّهَا مِنَ الرُّكُوعِ وَ السُّجُودِ إِذَا كُنْتُمْ
 فِي الصَّلَاةِ لَا يُصَلِّي الرَّجُلُ فِي قَمِيصٍ مُتَوَشَّحًا
 بِهِ فَإِنَّهُ مِنْ أَفْعَالِ قَوْمٍ لُوطٍ تُجْزَى الصَّلَاةُ
 لِلرَّجُلِ فِي ثَوْبٍ وَاحِدٍ يَعْقِدُ طَرْفَيْهِ عَلَى عُنُقِهِ
 وَ فِي الْقَمِيصِ الصَّفِيْقِ يَزُرُّهُ عَلَيْهِ لَا يَسْجُدُ
 الرَّجُلُ عَلَى صُورَةٍ وَ لَا عَلَى بَسَاطٍ فِيهِ صُورَةٌ وَ
 يَجُوزُ أَنْ تَكُونَ الصُّورَةُ تَحْتَ قَدَمَيْهِ أَوْ يَطْرَحَ
 عَلَيْهِ مَا يُوَارِيهَا لَا يَعْقِدُ الرَّجُلُ الدَّرَاهِمَ
 الَّتِي فِيهَا صُورَةٌ فِي ثَوْبِهِ وَ هُوَ يُصَلِّي وَ
 يَجُوزُ أَنْ يَكُونَ الدَّرَاهِمُ فِي هَمِيَانٍ أَوْ فِي
 ثَوْبٍ إِذَا خَافَ وَ يَجْعَلُهَا إِلَى ظَهْرِهِ لَا يَسْجُدُ
 الرَّجُلُ عَلَى كُدْسٍ حِنْطَةٍ وَ لَا عَلَى شَعِيرٍ وَ لَا
 عَلَى لَوْنٍ مِمَّا يُؤْكَلُ وَ لَا يَسْجُدُ عَلَى الْخُبْزِ وَ
 لَا يَتَوَضَّأُ الرَّجُلُ حَتَّى يُسَمِّي يَقُولُ قَبْلَ أَنْ يَمَسَّ
 الْمَاءَ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِإِلَهِ اللَّهِ الَّتِي اجْعَلْنِي مِنَ
 التَّوَابِينَ وَ اجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ فَإِذَا
 فَرَغَ مِنْ طَهْوَرِهِ قَالَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ
 وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ
 رَسُولُهُ ﷺ فَعِنْدَهَا يَسْتَحِقُّ الْمَغْفِرَةَ مَنْ أَتَى
 الصَّلَاةَ عَارِفًا بِحَقِّهَا غُفِرَ لَهُ لَا يُصَلِّي الرَّجُلُ
 نَافِلَةً فِي وَقْتِ فَرِيضَةٍ إِلَّا مِنْ عُذْرٍ وَ لَكِنْ
 يَقْضَى بَعْدَ ذَلِكَ إِذَا أُمِنَتْهُ الْقَضَاءُ قَالَ اللَّهُ
 تَبَارَكَ وَ تَعَالَى الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ
 دَائِمُونَ يَعْنِي الَّذِينَ يَقْضُونَ مَا فَاتَهُمْ مِنَ
 اللَّيْلِ بِالنَّهَارِ وَ مَا فَاتَهُمْ مِنَ النَّهَارِ
 بِاللَّيْلِ لَا تُقْضَى النَّافِلَةُ فِي وَقْتِ فَرِيضَةٍ
 ابْدَأْ بِالْفَرِيضَةِ ثُمَّ صَلِّ مَا بَدَأَ لَكَ الصَّلَاةُ فِي
 الْحَرَمَيْنِ تَعْدِلُ أَلْفَ صَلَاةٍ وَ نَفَقَةُ دِرْهَمٍ فِي
 الْحَجِّ تَعْدِلُ أَلْفَ دِرْهَمٍ لِيَخْشَعَ الرَّجُلُ فِي صَلَاتِهِ
 فَإِنَّهُ مَنْ خَشَعَ قَلْبُهُ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ خَشَعَتْ جَوَارِحُهُ
 فَلَا يَغِبُّ بِشَيْءٍ الْقِنُوتُ فِي صَلَاةِ الْجُمُعَةِ قَبْلَ
 الرُّكُوعِ الثَّانِيَةِ وَ يَقْرَأُ فِي الْأُولَى الْحَمْدَ وَ
 الْجُمُعَةَ وَ فِي الثَّانِيَةِ الْحَمْدَ وَ الْمُنَافِقِينَ
 اجْلِسُوا فِي الرُّكْعَتَيْنِ حَتَّى تَسْكُنَ جَوَارِحُكُمْ ثُمَّ

قَوْمُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ فَعَلِنَا إِذَا قَامَ أَحَدُكُمْ
بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ فَلْيَرْفَعْ يَدَهُ حِذَاءَ صَدْرِهِ
وَ إِذَا كَانَ أَحَدُكُمْ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ
فَلْيَتَجَرَّ بِصَدْرِهِ وَ لِيُقِمَّ صُلْبَهُ وَ لَا يَنْحِنِي إِذَا
فَرَعَ أَحَدُكُمْ مِنَ الصَّلَاةِ فَلْيَرْفَعْ يَدَيْهِ إِلَى
السَّمَاءِ وَ لِيَنْصَبَ فِي الدُّعَاءِ فَقَالَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ
سَبَا يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَلَيْسَ اللَّهُ فِي كُلِّ
مَكَانٍ قَالَ بَلَى قَالَ فَلِمَ يَرْفَعُ الْعَبْدُ يَدَيْهِ
إِلَى السَّمَاءِ قَالَ أَمَا تَقْرَأُ وَ فِي السَّمَاءِ
رِزْقُكُمْ وَ مَا تُوعَدُونَ فَمِنْ أَيْنَ يُطْلَبُ الرِّزْقُ
إِلَّا مِنْ مَوْضِعِهِ وَ مَوْضِعُ الرِّزْقِ وَ مَا وَعَدَ اللَّهُ عَزَّ
وَ جَلَّ السَّمَاءَ لَا يَنْفَتِلُ الْعَبْدُ مِنْ صَلَاتِهِ حَتَّى
يَسْأَلَ اللَّهَ الْجَنَّةَ وَ يَسْتَجِيرَ بِهِ مِنَ النَّارِ وَ
يَسْأَلُهُ أَنْ يُزَوِّجَهُ مِنَ الْحُورِ الْعِينِ إِذَا قَامَ
أَحَدُكُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَلْيُصَلِّ صَلَاةَ مُودَعٍ لَا يَقْطَعُ
الصَّلَاةَ التَّبَسُّمُ وَ تَقْطَعُهَا الْقَهْقَهَةُ إِذَا خَالَطَ
النُّومُ الْقَلْبَ وَجَبَ الْوُضُوءُ إِذَا غَلَبَتْكَ عَيْنُكَ
وَ أَنْتَ فِي الصَّلَاةِ فَاقْطَعِ الصَّلَاةَ وَ نَمْ فَإِنَّكَ لَا
تَدْرِي تَدْعُو لَكَ أَوْ عَلَى نَفْسِكَ لَعَلَّكَ أَنْ تَدْعُو
عَلَى نَفْسِكَ مِنْ أَحَبَّنَا بِقَلْبِهِ وَ أَعَانَنَا
بِلِسَانِهِ وَ قَاتَلَ مَعَنَا أَعْدَاءَنَا بِيَدِهِ فَهُوَ
مَعَنَا فِي الْجَنَّةِ فِي دَرَجَتِنَا وَ مَنْ أَحَبَّنَا
بِقَلْبِهِ وَ أَعَانَنَا بِلِسَانِهِ وَ لَمْ يُقَاتِلْ مَعَنَا
أَعْدَاءَنَا فَهُوَ أَسْفَلُ مِنْ ذَلِكَ بِدَرَجَتَيْنِ وَ مَنْ
أَحَبَّنَا بِقَلْبِهِ وَ لَمْ يُعِنَّا بِلِسَانِهِ وَ لَا بِيَدِهِ
فَهُوَ فِي الْجَنَّةِ وَ مَنْ أَبْغَضَنَا بِقَلْبِهِ وَ أَعَانَ
عَلَيْنَا بِلِسَانِهِ وَ يَدِهِ فَهُوَ مَعَ عَدُوِّنَا فِي
النَّارِ وَ مَنْ أَبْغَضَنَا بِقَلْبِهِ وَ أَعَانَ عَلَيْنَا
بِلِسَانِهِ فَهُوَ فِي النَّارِ وَ مَنْ أَبْغَضَنَا بِقَلْبِهِ
وَ لَمْ يُعِنْ عَلَيْنَا بِلِسَانِهِ وَ لَا بِيَدِهِ فَهُوَ فِي
النَّارِ إِنْ أَهْلَ الْجَنَّةِ لَيَنْظُرُونَ إِلَى مَنْزِلِ
شِيَعَتِنَا كَمَا يَنْظُرُ الْإِنْسَانُ إِلَى الْكَوَاكِبِ فِي
السَّمَاءِ إِذَا قَرَأْتُمْ مِنَ الْمُسَبِّحَاتِ الْأَخِيرَةِ
فَقُولُوا سُبْحَانَ اللَّهِ الْأَعْلَى وَ إِذَا قَرَأْتُمْ إِنَّ اللَّهَ
وَ مَلَائِكَتُهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ فَصَلُّوا عَلَيْهِ فِي
الصَّلَاةِ كُنْتُمْ أَوْ فِي غَيْرِهَا لَيْسَ فِي الْبَدَنِ
شَيْءٌ أَقَلَّ شُكْرًا مِنَ الْعَيْنِ فَلَا تُعْطُوهَا سُؤْلَهَا

فَتَشْغَلَكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِذَا قَرَأْتُمْ وَ
التَّيْنِ فَقُولُوا فِي آخِرِهَا وَ نَحْنُ عَلَيَّ ذَلِكَ مِنْ
الشَّاهِدِينَ إِذَا قَرَأْتُمْ قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ
فَقُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ حَتَّى تَبْلُغُوا إِلَى قَوْلِهِ
مُسْلِمُونَ إِذَا قَالَ الْعَبْدُ فِي التَّشْهُدِ فِي
الْأَخِيرَتَيْنِ وَ هُوَ جَالِسٌ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ
وَ حْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ
رَسُولُهُ وَ أَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَ أَنَّ
اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ ثُمَّ أَحَدَّثَ حَدَّثًا فَقَدْ
تَمَّتْ صَلَاتُهُ مَا عُبِدَ اللَّهُ بِشَيْءٍ أَشَدَّ مِنَ الْمَشْيِ
إِلَى بَيْتِهِ اطْلُبُوا الْخَيْرَ فِي أَخْفَافِ الْإِبِلِ وَ
أَعْنَاقِهَا صَادِرَةٌ وَ وَارِدَةٌ إِنَّمَا سُمِّيَ السَّقَايَةَ
لِأَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ أَمَرَ بِرِزْيَبٍ أَتَى بِهِ مِنْ
الطَّائِفِ أَنْ يُنْبَدَ وَ يُطْرَحَ فِي حَوْضٍ زَمَزَمَ لِأَنَّ
مَاءَهَا مُرٌّ فَأَرَادَ أَنْ يَكْسِرَ مَرَارَتَهُ فَلَا
تَشْرَبُوا إِذَا عَثِقَ إِذَا تَعَرَّى الرَّجُلُ نَظَرَ إِلَيْهِ
الشَّيْطَانُ فَطَمِعَ فِيهِ فَاسْتَبْرَأَ لَيْسَ لِلرَّجُلِ أَنْ
يَكْشِفَ ثِيَابَهُ عَن فَخْذِهِ وَ يَجْلِسَ بَيْنَ قَوْمٍ مَن
أَكَلَ شَيْئًا مِنَ الْمُؤْذِيَاتِ بِرِيحِهَا فَلَا يَقْرَبَنَّ
الْمَسْجِدَ لِيَرْفَعَ الرَّجُلُ السَّاجِدُ مُؤَخَّرَهُ فِي
الْفَرِيضَةِ إِذَا سَجَدَ إِذَا أَرَادَ أَحَدُكُمْ الْغُسْلَ
فَلْيَبْدَأْ بِذِرَاعَيْهِ فَلْيَغْسِلْهُمَا إِذَا صَلَّى
فَأَسْمِعْ نَفْسَكَ الْقِرَاءَةَ وَ التَّكْوِيرَ وَ التَّسْبِيحَ
إِذَا انْقَلَبْتَ مِنَ الصَّلَاةِ فَاَنْقَلِبْ عَن يَمِينِكَ
تَرُودُ مِنَ الدُّنْيَا فَإِنَّ خَيْرَ مَا تَرُودُ مِنْهَا
التَّقْوَى فَقَدْتَ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ أُمَّتَانِ وَاحِدَةٌ
فِي الْبَحْرِ وَ أُخْرَى فِي الْبَرِّ فَلَا تَأْكُلُوا إِلَّا
مَا عَرَفْتُمْ مَن كَتَمَ وَجَعًا أَصَابَهُ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ
مِنَ النَّاسِ وَ شَكَا إِلَى اللَّهِ كَانَ حَقًّا عَلَيَّ اللَّهُ أَنْ
يُعَافِيَهُ مِنْهُ أَبْعَدُ مَا كَانَ الْعَبْدُ مِنَ اللَّهِ إِذَا
كَانَ هُمُ بَطْنُهُ وَ فَرْجُهُ لَا يَخْرُجُ الرَّجُلُ فِي
سَفَرٍ يَخَافُ فِيهِ عَلَى دِينِهِ وَ صَلَاتِهِ أُعْطِيَ
السَّمْعَ أَرْبَعَةَ النَّبِيِّ ﷺ وَ الْجَنَّةَ وَ النَّارَ وَ
الْحُورَ الْعِينُ فَإِذَا فَرَغَ الْعَبْدُ مِنْ صَلَاتِهِ
فَلْيُصَلِّ عَلَى النَّبِيِّ ﷺ وَ يَسْأَلِ اللَّهَ الْجَنَّةَ وَ
يَسْتَجِيرُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ وَ يَسْأَلُهُ أَنْ يُزَوِّجَهُ

مِنَ الْخُورِ الْعَيْنِ فَإِنَّهُ مَنْ صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٍ
 النَّبِيِّ ﷺ سَمِعَهُ النَّبِيُّ وَرُفِعَتْ دَعْوَتُهُ وَمَنْ
 سَأَلَ اللَّهَ الْجَنَّةَ قَالَتْ الْجَنَّةُ يَا رَبِّ أَعْطِ عَبْدَكَ
 مَا سَأَلَهُ وَمَنْ اسْتَجَارَ مِنَ النَّارِ قَالَتْ
 النَّارُ يَا رَبِّ أَجِرْ عَبْدَكَ مِمَّا اسْتَجَارَكَ وَمَنْ
 سَأَلَ الْخُورَ الْعَيْنَ قُلْنَ اللَّهُمَّ أَعْطِ عَبْدَكَ مَا
 سَأَلَ الْغِنَاءُ نُوْحُ إِبْلِيسَ عَلَى الْجَنَّةِ إِذَا
 أَرَادَ أَحَدُكُمْ النَّوْمَ فَلْيَضَعْ يَدَهُ الْيُمْنَى تَحْتَ
 خَدِّهِ الْاَيْمَنِ وَ لِيَقُلْ بِسْمِ اللَّهِ وَضَعْتُ جَنِّيَ لِلَّهِ عَلَى
 مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ وَ دِينَ مُحَمَّدٍ وَ وَايَةَ مَنْ افْتَرَضَ
 اللَّهُ طَاعَتَهُ مَا شَاءَ اللَّهُ كَانَ وَ مَا لَمْ يَشَأْ لَمْ
 يَكُنْ فَمَنْ قَالَ ذَلِكَ عِنْدَ مَنَامِهِ حَفِظَ مِنَ اللَّصِّ
 وَ الْمُغِيرِ وَ الْهَدْمِ وَ اسْتَغْفِرَتْ لَهُ الْمَلَائِكَةُ
 مَنْ قَرَأَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ حِينَ يَأْخُذُ مَضْجَعَهُ وَكَلَّ
 اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِ خَمْسِينَ أَلْفَ مَلِكٍ يَحْرُسُونَهُ
 لَيْلَتَهُ وَ إِذَا أَرَادَ أَحَدُكُمْ النَّوْمَ فَلَا يَضَعَنَّ
 جَنْبَهُ عَلَى الْأَرْضِ حَتَّى يَقُولَ أُعِيدُ نَفْسِي وَ
 دِينِي وَ أَهْلِي وَ وُلْدِي وَ مَالِي وَ خَوَاتِيمَ
 عَمَلِي وَ مَا رَزَقَنِي رَبِّي وَ خَوَّلَنِي بِعِزَّةِ اللَّهِ وَ
 عَظَمَةِ اللَّهِ وَ جَبْرُوتِ اللَّهِ وَ سُلْطَانِ اللَّهِ وَ رَحْمَةِ اللَّهِ وَ
 رَأْفَةِ اللَّهِ وَ غُفْرَانِ اللَّهِ وَ قُوَّةِ اللَّهِ وَ قُدْرَةِ اللَّهِ وَ
 جَلَالِ اللَّهِ وَ بِصْنَعِ اللَّهِ وَ أَرْكَانِ اللَّهِ وَ بِجَمْعِ اللَّهِ وَ
 بِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ بِقُدْرَةِ اللَّهِ عَلَى مَا يَشَاءُ مِنْ شَرِّ
 السَّامَةِ وَ الْهَامَةِ وَ مِنْ شَرِّ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ وَ
 مِنْ شَرِّ مَا يَدْبُ فِي الْأَرْضِ وَ مَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَ
 مِنْ شَرِّ مَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَ مَا يَعْرُجُ فِيهَا
 وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ
 رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ
 قَدِيرٌ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ
 الْعَظِيمِ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ يُعَوِّذُ بِهَا
 الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ بِذَلِكَ أَمَرَنَا رَسُولُ
 اللَّهِ ﷺ وَ نَحْنُ الْخُرَّانُ لِدِينِ اللَّهِ وَ نَحْنُ مَصَابِيحُ
 الْعِلْمِ إِذَا مَضَى مِنَّا عِلْمٌ بَدَا عِلْمٌ لَا يَضِلُّ مَنْ
 اتَّبَعَنَا وَ لَا يَهْتَدِي مَنْ أَنْكَرَنَا وَ لَا يَنْجُو مَنْ
 أَعَانَ عَلَيْنَا عَدُونَا وَ لَا يُعَانُ مَنْ أَسْلَمْنَا فَلَا
 تَتَخَلَّفُوا عَنَّا لِيَطْمَعَ دُنْيَا وَ حُطَامٍ زَائِلٍ عَنكُمْ

وَأَنْتُمْ تَزُولُونَ عَنْهُ فَإِنَّ مِنْ آثَرِ الدُّنْيَا
عَلَى الْأَخِرَةِ وَ اخْتَارَهَا عَلَيْنَا عَظَمَتْ حَسْرَتُهُ
عَدَاً وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ تَقُولَ نَفْسُ يَا
حَسْرَتِي عَلَى مَا فَرَطْتُ فِي جَنبِ اللَّهِ وَ إِنْ كُنْتُ
لَمِنَ السَّاحِرِينَ اغْسِلُوا صَبِيَانَكُمْ مِنَ الْعَمْرِ
فَإِنَّ الشَّيَاطِينَ تَشْمُ الْعَمَرَ فَيَفْرَعُ الصَّبِيُّ فِي
رُقَادِهِ وَ يَتَأَذَى بِهِ الْكَاتِبَانِ لَكُمْ أَوَّلَ نَظْرَةٍ
إِلَى الْمَرْأَةِ فَلَا تُتْبِعُوهَا بِنَظْرَةٍ أُخْرَى وَ
أَحْذَرُوا الْفِتْنَةَ مُدْمِنُ الْخَمْرِ يَلْقَى اللَّهَ عَزَّ وَ
جَلَّ حِينَ يَلْقَاهُ كَعَابِدٍ وَثَنٍ فَقَالَ حُجْرُ بْنُ عَدِيٍّ
يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ مَا الْمُدْمِنُ قَالَ الَّذِي
إِذَا وَجَدَهَا شَرِبَهَا مِنْ شَرِبِ الْمُسْكَرِ لَمْ تُقْبَلْ
صَلَاتُهُ أَرْبَعِينَ يَوْمًا وَ لَيْلَةً مَنْ قَالَ لِمُسْلِمٍ
قَوْلًا يُرِيدُ بِهِ انْتِقَاصَ مُرُوءَتِهِ حَبَسَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ
جَلَّ فِي طِينَةِ خَبَالٍ حَتَّى يَأْتِيَ مِمَّا قَالَ بِمَخْرَجٍ
لَا يَنَامُ الرَّجُلُ مَعَ الرَّجُلِ فِي ثَوْبٍ وَاحِدٍ وَ لَا
الْمَرْأَةُ مَعَ الْمَرْأَةِ فِي ثَوْبٍ وَاحِدٍ فَمَنْ فَعَلَ
ذَلِكَ وَجَبَ عَلَيْهِ الْأَدَبُ وَ هُوَ التَّعْزِيرُ كُلُّوَا
الدُّبَاءَ فَإِنَّهُ يَزِيدُ فِي الدَّمَاعِ وَ كَانَ رَسُولُ
اللَّهِ ﷺ يُعْجِبُهُ الدُّبَاءُ كُلُّوَا الْأَثْرَجُ قَبْلَ
الطَّعَامِ وَ بَعْدَهُ فَإِنَّ آلَ مُحَمَّدٍ ﷺ يَفْعَلُونَ ذَلِكَ
الْكُمَثْرَى يَجْلُو الْقَلْبَ وَ يُسَكِّنُ أَوْجَاعَ الْجَوْفِ
إِذَا قَامَ الرَّجُلُ إِلَى الصَّلَاةِ أَقْبَلَ إِبْلِيسُ
يَنْظُرُ إِلَيْهِ حَسَدًا لِمَا يَرَى مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ الَّتِي
تَغْشَاهُ شَرُّ الْأُمُورِ مُحَدَّثَاتُهَا وَ خَيْرُ الْأُمُورِ مَا
كَانَ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ رَضِيَ مِنْ عَبْدِ الدُّنْيَا وَ
آثَرَهَا عَلَى الْأَخِرَةِ اسْتَوْخَمَ الْعَاقِبَةَ اتَّخَذُوا
الْمَاءَ طَيْبًا مِنْ رَضِيٍّ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ بِمَا قَسَمَ
لَهُ اسْتَرَاحَ بَدَنُهُ خَسِرَ مَنْ ذَهَبَتْ حَيَاتُهُ وَ
عُمُرُهُ فِيمَا يُبَاعِدُهُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ لَوْ يَعْلَمُ
الْمُصَلِّيُّ مَا يَغْشَاهُ مِنْ جَلَالِ اللَّهِ مَا سَرَّهُ أَنْ
يَرْفَعَ رَأْسَهُ مِنْ سُجُودِهِ إِيَّاكُمْ وَ تَسْوِيفَ الْعَمَلِ
بَادِرُوا إِذَا أَمَكَّنْكُمْ مَا كَانَ لَكُمْ مِنْ رِزْقٍ
فَسَيَاتِيكُمْ عَلَى ضَعْفِكُمْ وَ مَا كَانَ عَلَيْكُمْ فَلَنْ
تَقْدِرُوا أَنْ تَدْفَعُوهُ بِحِيلَةٍ مُرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ
انْهَوْا

عَنِ الْمُنْكَرِ وَ اضْيُرُوا عَلَى مَا أَصَابَكُمْ
 سِرَاجُ الْمُؤْمِنِ مَعْرِفَةُ حَقِّنَا أَشَدُّ الْعَمَى مَنْ
 عَمِيَ عَنِ فَضْلِنَا وَ نَاصِبِنَا الْعَدَاوَةَ بِلَا ذَنْبٍ
 سَبَقَ إِلَيْهِ مِنَّا إِلَّا أَنَا دَعَوْنَا إِلَى الْحَقِّ وَ
 دَعَاهُ مَنْ سِوَانَا إِلَى الْفِتْنَةِ وَ الدُّنْيَا
 فَآتَاهُمَا وَ نَصَبَ الْبِرَاءَةَ مِنَّا وَ الْعَدَاوَةَ
 لَنَا لَنَا رَايَةَ الْحَقِّ مَنْ اسْتَظَلَّ بِهَا كَنَّثَهُ وَ
 مَنْ سَبَقَ إِلَيْهَا فَازَ وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا هَلَكَ وَ
 مَنْ فَارَقَهَا هَوَى وَ مَنْ تَمَسَّكَ بِهَا نَجَا أَنَا
 يَغْسُوبُ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمَالَ يَغْسُوبُ الظُّلْمَةَ وَ
 اللَّهُ لَا يُحِبُّنِي إِلَّا مُؤْمِنٌ وَ لَا يُبْغِضُنِي إِلَّا مُنَافِقٌ
 إِذَا لَقَيْتُمْ إِخْوَانَكُمْ فَتَصَافَحُوا وَ أَظْهَرُوا
 لَهُمُ الْبَشَاشَةَ وَ الْبِشْرَ تَتَفَرَّقُوا وَ مَا عَلَيْكُمْ
 مِنَ الْأَوْزَارِ قَدْ ذَهَبَ إِذَا عَطَسَ أَحَدُكُمْ فَسَمِّئُوهُ
 قُولُوا يَرْحَمُكَ اللَّهُ وَ هُوَ يَقُولُ لَكُمْ يَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ
 وَ يَرْحَمُكُمْ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ إِذَا
 حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا
 صَافِحَ عَدُوِّكَ وَ إِنْ كَرِهَ فَإِنَّهُ مِمَّا أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَ
 جَلَّ بِهِ عِبَادَهُ يَقُولُ ادْفَعْ بِأَلَّتِي هِيَ أَحْسَنُ
 فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ
 حَمِيمٌ وَ مَا يُلْقَاهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَ مَا
 يُلْقَاهَا إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ مَا يُكَافِي عَدُوِّكَ
 بِشَيْءٍ أَشَدَّ عَلَيْهِ مِنْ أَنْ تُطِيعَ اللَّهُ فِيهِ وَ حَسْبُكَ
 أَنْ تَرَى عَدُوِّكَ يَعْمَلُ بِمَعَاصِيِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ
 الدُّنْيَا دَوْلٌ فَاطْلُبْ حَظَّكَ مِنْهَا بِأَجْمَلِ الطَّلَبِ
 حَتَّى تَأْتِيكَ دَوْلَتُكَ الْمُؤْمِنُ يَقْظَانُ مُتْرَقِبٌ
 خَائِفٌ يَنْتَظِرُ إِحْدَى الْحُسْنَيْنِ وَ يَخَافُ الْبَلَاءَ
 حَذْرًا مِنْ ذُنُوبِهِ يَرْجُو رَحْمَةَ رَبِّهِ عَزَّ وَ جَلَّ لَا
 يَعْزَى الْمُؤْمِنُ مِنْ خَوْفِهِ وَ رَجَائِهِ يَخَافُ مِمَّا
 قَدَّمَ وَ لَا يَسْهُو عَنْ طَلَبِ مَا وَعَدَهُ اللَّهُ وَ لَا يَأْمَنُ
 مِمَّا خَوَّفَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْتُمْ عُمَّارُ الْأَرْضِ
 الَّذِينَ اسْتَخْلَفَكُمْ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِيهَا لِيَنْظُرَ
 كَيْفَ تَعْمَلُونَ فَرَاقِبُوهُ فِيمَا يَرَى مِنْكُمْ عَلَيْكُمْ
 بِالْمَحَجَّةِ الْعُظْمَى فَاسْأَلُكُمُوهَا لَا تَسْتَبَدِّلُ بِكُمْ
 غَيْرَكُمْ مَنْ كَمَلَ عَقْلُهُ حَسُنَ عَمَلُهُ وَ نَظَرُهُ إِلَى
 دِينِهِ سَارِعُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَ جَنَّةٍ
 عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ

فَإِنَّكُمْ لَنْ تَنَالُوهَا إِلَّا بِالتَّقْوَى مَنِ صُدِّئَ
بِالْإِثْمِ عَشَا عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَنْ تَرَكَ الْأَخْذَ
عَنْ أَمْرِ اللَّهِ بِطَاعَتِهِ قَيْضُ اللَّهِ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ
قَرِينٌ مَا بَالُ مَنْ خَالَفَكُمْ أَشَدُّ بَصِيرَةً فِي
ضَلَالَتِهِمْ وَ أَبَدَلُ لِمَا فِي أَيْدِيهِمْ مِنْكُمْ مَا
ذَاكَ إِلَّا أَنْكُمْ رَكَنْتُمْ إِلَى الدُّنْيَا فَرَضِيئْتُمْ
بِالضَّمِيمِ وَ شَحَحْتُمْ عَلَى الحُطَامِ وَ فَرَطْتُمْ فِيمَا
فِيهِ عِزُّكُمْ وَ سَعَادَتُكُمْ وَ قُوَّتُكُمْ عَلَى مَنْ بَغَى
عَلَيْكُمْ لَا مِنْ رَبِّكُمْ تَسْتَحْيُونَ فِيمَا أَمَرَكُمْ بِهِ
وَ لَا لِأَنْفُسِكُمْ تَنْظُرُونَ وَ أَنْتُمْ فِي كُلِّ يَوْمٍ
تُضَامُونَ وَ لَا تَنْتَبِهُونَ مِنْ رَقَدَتِكُمْ وَ لَا يَنْقِضِي
فُتُورُكُمْ أ مَا تَرَوْنَ إِلَى بِلَادِكُمْ وَ دِينِكُمْ كُلَّ
يَوْمٍ يَبْلَى وَ أَنْتُمْ فِي غَفْلَةٍ الدُّنْيَا يَقُولُ اللَّهُ
عَزَّ وَجَلَّ لَكُمْ وَ لَا تَرْكَنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا
فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَ مَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ
أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصِرُونَ سَمُّوا أَوْلَادَكُمْ فَإِنْ لَمْ
تَدْرُوا أ ذَكَرُ هُمْ أَمْ أَنْتِي فَسَمُّوهُمْ بِالْأَسْمَاءِ
الَّتِي تَكُونُ لِلذَّكَرِ وَ الْأُنثَى فَإِنْ أَسْقَطَكُمْ
إِذَا لَقَوْكُمْ فِي الْقِيَامَةِ وَ لَمْ تُسَمُّوهُمْ يَقُولُ
السَّقَطُ لِأَبِيهِ أ لَا سَمَّيْتَنِي وَ قَدْ سَمَى رَسُولُ
اللَّهِ ﷺ مُحَسِّنًا قَبْلَ أَنْ يُوَلَّدَ إِيَّاكُمْ وَ شَرِبَ
الْمَاءَ مِنْ قِيَامِ عَلِيٍّ أَرْجَلِكُمْ فَإِنَّهُ يُورِثُ
الدَّاءَ الَّذِي لَا دَوَاءَ لَهُ أَوْ يُعَافِي اللَّهُ عَزَّ وَ
جَلَّ إِذَا رَكِبْتُمْ الدَّوَابَّ فَادْكُرُوا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ
وَ قُولُوا سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَ مَا
كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ وَ إِنَّا إِلَى رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ
إِذَا خَرَجَ أَحَدُكُمْ فِي سَفَرٍ فَلْيَقُلْ اللَّهُمَّ أَنْتَ
الصَّاحِبُ فِي السَّفَرِ وَ الحَامِلُ عَلَى الظَّهْرِ وَ
الْخَلِيفَةُ فِي الْأَهْلِ وَ الْمَالِ وَ الْوَالِدِ وَ إِذَا
نَزَلْتُمْ مَنْزِلًا فَقُولُوا اللَّهُمَّ أَنْزَلْنَا مِنْزِلًا
مُبَارَكًا وَ أَنْتَ خَيْرُ الْمُنزِلِينَ إِذَا اشْتَرَيْتُمْ
مَا تَحْتَاجُونَ إِلَيْهِ مِنَ السُّوقِ فَقُولُوا حِينَ
تَدْخُلُونَ الْأَسْوَاقَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ
لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ
رَسُولُهُ ﷺ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ صَفْقَةٍ
خَاسِرَةٍ وَ يَمِينٍ فَاجِرَةٍ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ بَوَارِ

الأيام المنتظر وقت الصلاة بعد الصلاة من
زوار الله عز وجل وحق على الله تعالى أن
يكرم زائره وأن يعطيه ما سأل الحاج و
المعتمر وفد الله وحبوه بالمغفرة من سقى
صبياً مسكراً وهو لا يعقل حبسه الله تعالى في
طينة الخبال حتى يأتي مما صنع بمخرج
الصدقة جنة عظيمة من النار للمؤمنين و
وقاية للكافرين من أن يثلف ماله تعجل له
الخلف و دفع عنه البلياء و ما له في
الأخرة من نصيب باللسان كذب أهل النار في
النار و باللسان أعطي أهل النور النور
فاحفظوا ألسنتكم و اشغلوها بذكر الله عز و
جل أخبث الأعمال ما ورث الضلال و خير ما
اكتسب أعمال الير إياكم و عمل الصور
فتسألوا عنها يوم القيامة إذا أخذت منك
قداة فقل أماط الله عنك ما تكره إذا قال لك
أخوك و قد خرجت من الحمام طاب حمامك و
حميمك فقل أنعم الله بآلك إذا قال لك أخوك
حياك الله بالسلم فقل و أنت فحياك الله بالسلم
و أحلك دار المقام لا تبلى على المحجة و لا
تتغوط عليها السؤال بعد المدح فامدحوا الله
عز و جل ثم اسألوا الحوائج أتئوا على الله
عز و جل و امدحوه قبل طلب الحوائج يا
صاحب الدعاء لا تسأل عما لا يكون و لا يجلب
إذا هنأتم الرجل عن مؤلود ذكر فقولوا
بارك الله لك في هبته و بلغه
أشده و رزقك يره إذا قدم أخوك من مكة
فقبل بين عينيه و فاه الذي قبل به الحجر
الأسود الذي قبله رسول الله ﷺ و العين التي
نظر بها إلى بيت الله عز و جل و قبل موضع
سجوده و وجهه و إذا هنأتموه فقولوا له
قبل الله نُسكك و رحم سعيك و أخلف عليك
نفقتك و لا جعله آخِر عهدك ببيته الحرام
احذروا السفلة فإن السفلة من لا يخاف الله
عز و جل فيهم قتل الأنبياء و فيهم
أعداؤنا إن الله تبارك و تعالى اطلع إلي
الأرض فاختارنا و اختار لنا شيعة

يَنْصُرُونَنَا وَ يَفْرَحُونَ لِفِرْحَانَا وَ يَحْزَنُونَ
لِحُزْنِنَا وَ يَبْذُلُونَ أَمْوَالَهُمْ وَ أَنْفُسَهُمْ فِينَا
أَوْلِيكَ مِنَّا وَ إِلَيْنَا مَا مِنَ الشَّيْعَةِ عَبْدٌ
يُقَارِفُ أَمْرًا نَهَيْنَاهُ عَنْهُ فَيَمُوتَ حَتَّى يُبْتَلَى
بِبَلِيَّةٍ ثُمَّ حَصُّ بِهَا ذُنُوبُهُ إِمَّا فِي مَالٍ وَ إِمَّا
فِي وَلَدٍ وَ إِمَّا فِي نَفْسِهِ حَتَّى يَلْقَى اللَّهَ عَزَّ وَ
جَلَّ وَ مَا لَهُ ذَنْبٌ وَ إِنَّهُ لَيَبْقَى عَلَيْهِ الشَّيْءُ
مِنْ ذُنُوبِهِ فَيَشْدُدُّ بِهِ عَلَيْهِ عِنْدَ مَوْتِهِ الْمَيْتُ
مِنْ شِيَعَتِنَا صَدِيقٌ شَهِيدٌ صَدَقَ بِأَمْرِنَا وَ أَحَبُّ
فِينَا وَ أَبْغَضُ فِينَا يُرِيدُ بِذَلِكَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ
مُؤْمِنٌ بِاللَّهِ وَ بِرَسُولِهِ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ
الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَ رُسُلِهِ أُولَئِكَ هُمُ
الصَّادِقُونَ وَ الشَّهَادَةُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ
وَ نُورُهُمْ افْتَرَقَتْ بَنُو إِسْرَائِيلَ عَلَيَّ اثْنَتَيْنِ
وَ سَبْعِينَ فِرْقَةً وَ سَتَفْتَرِقُ هَذِهِ الْأُمَّةُ عَلَيَّ ثَلَاثَ
وَ سَبْعِينَ فِرْقَةً وَاحِدَةٌ فِي الْجَنَّةِ مَنْ أَدَاعَ
سِرَّنَا أَذَاقَهُ اللَّهُ بَأْسَ الْحَدِيدِ اخْتَبَتُوا أَوْلَادَكُمْ
يَوْمَ السَّابِعِ لَا يَمْنَعُكُمْ حَرٌّ وَ لَا بَرْدٌ فَإِنَّهُ
طَهُورٌ لِلْجَسَدِ وَ إِنْ الْأَرْضَ لَتَضِجُ إِلَى اللَّهِ مِنْ بَوْلِ
الْأَغْلَفِ السُّكَّرِ أَرْبَعُ سُكَّرَاتٍ سُكَّرُ الشَّرَابِ وَ
سُكَّرُ الْمَالِ وَ سُكَّرُ النَّوْمِ وَ سُكَّرُ الْمُلْكِ إِذَا
أَرَادَ أَحَدُكُمْ النَّوْمَ فَلْيَضَعْ يَدَهُ الْيُمْنَى تَحْتَ
خَدِّهِ الْأَيْمَنِ وَ إِنَّهُ لَا يَدْرِي أَيْنَتِيهِ مِنْ
رَقَدَتِهِ أَمْ لَا أَحَبُّ لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يَطْلُبِي فِي كُلِّ
خَمْسَةِ عَشَرَ يَوْمًا مِنَ النُّورَةِ أَقْلُوا مِنْ أَكْلِ
الْحَيْتَانِ فَإِنَّهَا تُذِيبُ الْبَدَنَ وَ تُكْثِرُ الْبَلْعَمَ
وَ تُغْلِظُ النَّفْسَ حَسُو اللَّبَنَ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ
إِلَّا الْمَوْتَ كُلُّوا الرُّمَانَ بِشَحْمِهِ فَإِنَّهُ دِبَاعٌ
لِلْمَعِدَةِ وَ فِي كُلِّ حَبَّةٍ مِنَ الرُّمَانِ إِذَا
اسْتَقَرَّتْ فِي الْمَعِدَةِ حَيَاةٌ لِلْقَلْبِ وَ إِنْ أَرَادَ
لِلنَّفْسِ وَ تَمَرُّضُ وَسْوَاسِ الشَّيْطَانِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً
نِعْمَ الْإِدَامُ الْخَلُّ يَكْسِرُ الْمِرَّةَ وَ يُحْيِي الْقَلْبَ
كُلُّوا الْهِنْدَبَاءَ فَمَا مِنْ صَبَاحٍ إِلَّا وَ عَلَيْهِ
قَطْرَةٌ مِنْ قَطْرَاتِ الْجَنَّةِ اشْرَبُوا مَاءَ السَّمَاءِ
فَإِنَّهُ يُطَهِّرُ الْبَدَنَ وَ يَدْفَعُ الْأَسْقَامَ قَالَ اللَّهُ
تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ يُنَزِّلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ
مَاءً لِيُطَهَّرَكُمْ بِهِ وَ يُذْهِبَ عَنْكُمْ رَجْزَ الشَّيْطَانِ

وَلِيَزِيطَ عَلَى قُلُوبِكُمْ وَيُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ مَا
مِنْ دَاءٍ إِلَّا وَفِي الْحَبَّةِ السُّودَاءِ مِنْهُ شِفَاءٌ
إِلَّا السَّامُ لُحُومُ الْبَقَرِ دَاءٌ وَالْبَانُهَا دَوَاءٌ
وَ أَسْمَانُهَا شِفَاءٌ مَا تَأْكُلُ الْحَامِلُ مِنْ شَيْءٍ وَ
لَا تَتَدَاوَى بِهِ أَفْضَلُ مِنَ الرُّطْبِ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ
جَلَّ لِمَرْيَمَ عَلَيْهَا السَّلَامُ وَ هُزِّي إِلَيْكَ بِجِدْعِ النَّخْلَةِ
تَسَاقِطَ عَلَيْكَ رُطْبًا غَنِيًّا فَكُلِي وَ اشْرَبِي وَ
قَرِي عَيْنًا حَنُوكُوا أَوْلَادَكُمْ بِالتَّمْرِ فَهَكَذَا فَعَلَ
رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِالْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ إِذَا أَرَادَ
أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْتِيَ زَوْجَتَهُ فَلَا يُعَجِّلْهَا فَإِنَّ
لِلنِّسَاءِ حَوَائِجَ إِذَا رَأَى أَحَدُكُمْ امْرَأَةً تُعْجِبُهُ
فَلِيَاتِ أَهْلَهُ فَإِنَّ عِنْدَ أَهْلِهِ مِثْلَ مَا رَأَى وَ لَا
يَجْعَلَنَّ لِلشَّيْطَانِ إِلَى قَلْبِهِ سَبِيلًا وَ لِيَصْرِفْ
بَصَرَهُ عَنْهَا فَإِنَّ لَمْ تَكُنْ لَهُ زَوْجَةً فَلْيُصَلِّ
رَكَعَتَيْنِ وَ يَحْمَدِ اللَّهَ كَثِيرًا وَ يُصَلِّي عَلَى النَّبِيِّ
وَ آلِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ثُمَّ لِيَسْأَلَ اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ فَإِنَّهُ يُبِيحُ
لَهُ بَرَاقَتَهُ مَا يُغْنِيهِ إِذَا أَتَى أَحَدُكُمْ زَوْجَتَهُ
فَلْيُقِلِّ الْكَلَامَ فَإِنَّ الْكَلَامَ عِنْدَ ذَلِكَ يُورِثُ
الْخَرَسَ لَا يَنْظُرَنَّ أَحَدُكُمْ إِلَى بَاطِنِ فَرْجِ
امْرَأَتِهِ فَلَعَلَّهُ يَرَى مَا يَكْرَهُ وَ يُورِثُ الْعَمَى
إِذَا أَرَادَ أَحَدُكُمْ مُجَامَعَةَ زَوْجَتِهِ فَلْيُقِلِّ
اللَّهُمَّ إِنِّي اسْتَحَلَلْتُ فَرْجَهَا بِأَمْرِكَ وَ قَبِلْتُهَا
بِأَمَانَتِكَ فَإِنْ قَضَيْتَ لِي مِنْهَا وَلَدًا فَاجْعَلْهُ
ذَكَرًا سَوِيًّا وَ لَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِيهِ نَصِيبًا وَ
لَا شَرِيكَا الْحَقْنَةَ مِنَ الْأَرْبَعِ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
إِنَّ أَفْضَلَ مَا تَدَاوَيْتُمْ بِهِ الْحَقْنَةُ وَ هِيَ تُعْظَمُ
الْبَطْنَ وَ تُنْقَى دَاءُ الْجَوْفِ وَ تُقَوِّى الْبَدْنَ
اسْتَعِطُوا بِالْبَنْفَسِجِ وَ عَلَيْكُمْ بِالْحِجَامَةِ إِذَا
أَرَادَ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْتِيَ أَهْلَهُ فَلْيَتَوَقَّ أَوَّلَ
الْأَهْلَةِ وَ أَنْصَافَ الشُّهُورِ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ يَطْلُبُ
الْوَلَدَ فِي هَذَيْنِ الْوَقْتَيْنِ وَ الشَّيَاطِينُ
يَطْلُبُونَ الشَّرْكَ فِيهِمَا فَيَجِيئُونَ وَ يُحِيلُونَ
تَوَقَّوْا الْحِجَامَةَ وَ النُّورَةَ يَوْمَ الْأَرْبَعَاءِ فَإِنَّ
يَوْمَ الْأَرْبَعَاءِ يَوْمٌ نَحْسٌ مُسْتَمِرٌّ وَ فِيهِ خَلِقَتْ
جَهَنَّمَ وَ فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ سَاعَةٌ لَا يَحْتَجِمُ فِيهَا
أَحَدٌ إِلَّا مَاتَ

۱۰ - امام صادق از پدراناش نقل میفرماید که امیر المؤمنین علیه السلام بیاران خود در يك مجلس چهار صد باب از چیزهائی که دین و دنیای مسلمان را اصلاح میکند پیاموخت و فرمود:

حجامت کردن بدن را سلامت و پای عقل را محکم میکند.

بشارب عطر زدن از اخلاق پیغمبر ما و باعث احترام در نزد فرشتگان نویسنده اعمال است.

مسواک کردن از کارهائی است که باعث رضای خدای عز و جل و سنت پیغمبر است و دهن را پاکیزه میکند.

روغن مالیدن پوست بدن را نرم و مغز آدمی را زیاد نموده و مجاری آب را در بدن آسان میکند و خشکی پوست را از بین میبرد و رنگ را روشن میسازد.

شستن سر چرك را میبرد و شوره سر را میزداید.

آب در دهان گرداندن و در بینی کشیدن سنت است و پاککننده دهان و بینی است.

انفیه در بینی کردن سر را سلامت نموده و بدن را پاکیزه میکند و هر گونه درد را از سر بیرون مینماید.

نوره کشیدن نشاط آور و پاککننده تن است.

کفش نیکو پوشیدن بدن را نگه میدارد و بر پاکیزگی و نماز کمک است.

ناخنها را چیدن از درد بزرگ جلوگیری نموده و راه روزی را گشوده و آن را جلب میکند.

ستردن موی زیر بغل بوی بد آن را نابود میکند و پاککننده است و از سنتهائی است که پیغمبر پاک بآن دستور فرموده.

شستن هر دو دست پیش از غذا خوردن و پس از آن روزی را زیاد نموده و از چرب شدن

لباس جلوگیری میکنند و دیده را روشن میسازد.

شب زنده داری بدن را سالم و پروردگار عز و جل را خشنود ساخته و آدمی را در رهگذر نسیم رحمت حق قرار میدهد و پیروی از اخلاق پیغمبران است.

خوردن سیب ملین معده است.

جویدن کندر دندانها را محکم و بلغم را نابود و بوی بد دهان را از بین میبرد. نشستن در مسجد پس از سپیده دم تا بر آمدن آفتاب زودتر از کار و کوشش در زمین روزی را جلب میکند.

خوردن به قلب ضعیف را تقویت نموده و معده را پاکیزه میسازد و نیروی دل را زیاد میکند و آدم ترسو را پر دل میسازد و فرزند را زیبا میکند.

هر روز ناشتا بیست و یک دانه مویز سرخ خوردن همه بیماریها را بجز بیماری مرگ از میان میبرد.

مستحب است که مرد مسلمان در شب اول ماه مبارک رمضان با همسر خود هم بستر شود زیرا که خداوند فرموده است: هم بستر شدن با همسرهای خود در شب ماه روزه حلال است.

انگشتر غیر نقره در دست نکنید زیرا رسول خدا ﷺ فرموده است. دستی که در آن انگشتر آهن است پاکیزه نمیشود.

کسی که بر انگشترش نام خدا نقش شده است باید هنگام طهارت گرفتن آن را از دستی که خود را بدان می‌شوید در آورد. هر کس از شما چون در آئینه نگاه کند باید بگوید:

الحمد لله الذی خلقنی فاحسن خلقی و صوّرنی فأحسن صورتی و زان منی ما شان من غیری و اکرمنی بالاسلام

(یعنی) سپاس خداوندی را که مرا آفرید و نیکو آفرید و صورت مرا نقش کرد و نیکو

نقش کرد و آنچه که از دیگری نکوهیده بود از من بیاراست و مرا بدین اسلام در يك مجلس چهار صد باب از چیزهائی که کار دین و دنیای مسلمان را گرامی داشت. هر يك از شما چون برادر مسلمانش بدیدن او می‌آید خود را بیاراید همچنان که از برای بیگانه خود را می‌آراید و دوست دارد که بیگانه‌اش در بهترین قیافه به بیند. روزه سه روز از هر ماه. (يك چهارشنبه در میان دو پنجشنبه) و روزه ماه شعبان و سوسه دل را میزداید و پریشانی خاطر را میبرد.

(شرح:) مقصود پنجشنبه اول ماه و پنجشنبه آخر ماه و چهارشنبه وسط ماه است.

طهارت گرفتن بآب سرد بواسیر را قطع میکند.

شستن جامه غم و اندوه را برطرف میکند، و موجب پاکیزه‌گی برای نماز است. موهای سفید را نکنید که آن نور مسلمان است.

هر کس در اسلام موی خود را سپید کند بروز قیامت برای او نوری می‌شود. مسلمان نباید جنب بخوابد.

مسلمان نباید بخوابد مگر با وضو و اگر آب نیابد با خاك پاک تیمم نماید زیرا روح مؤمن بسوی خدای تبارك و تعالی بالا میرود و خدا آن را پذیرفته و مبارك‌اش میفرماید و اگر اجلش رسیده باشد آن را در خزانه رحمت خود قرار میدهد و اگر اجلش نرسیده باشد توسط فرشتگان امین خود آن را بسوی جسدش باز میگرداند.

مؤمن بسوی قبله آب دهان نیندازد و اگر از روی فراموشی این کار را کرده باشد باید از خدای عز و جل استغفار نماید مرد در جای سجده خود فوت نکند. خوردنی و

آشامیدنی خود را فوت نکند در تعویذ و دعائی که دارد ندمد.
مرد در وسط جای سجده خود فوت نکند.
خوردنی و آشامیدنی خود را فوت نکند در تعویذ و دعائی که دارد ندمد.
مرد در وسط جاده نخواستد. مرد از پشت بام در هوا بول نکند.
و در آب گرم بول نکند که اگر این کار کرد و آسیبی باو رسید بجز خود را ملامت نکند

زیرا که برای آب اهلست و برای هوا اهلی، مرد برو نخواستد و هر کس را دیدید برو خوابیده بیدارش کنید و بآن حالش نگذارید و هیچ کس از شما با حال کسالت و خواب آلود بنماز نایستد، و در نماز بفکر خود نباشد زیرا که در مقابل پروردگارش عز و جل میباشد، و برای بنده از نمازش همان مقداری که بدل متوجه خدا بوده است سهم میباشد.

و آنچه را از سفره میریزد بخورید که از هر دردی باذن خدای عز و جل شفا است برای کسی که از آن شفا بخواهد، هر کسی که از شما غذا بخورد و انگشتانی را که با آن غذا خورده بلیسد خدای عز و جلش میفرماید خدا ترا برکت دهد، جامه پنبه بپوشید که جامه رسول خدا ﷺ و جامه ما است و جامه پشمی و موئی را نمیپوشیم مگر آنکه علتی داشته باشیم و فرمود که خدای عز و جل زیبا است و زیبائی را دوست دارد و دوست دارد که اثر نعمت خود را در بندگان خود ببیند، و با خویشاوندان پیوند کنید گر چه با سلام کردن باشد.

خدای عز و جل میفرماید: از خدائی بپرهیزید که در باره آن و خویشاوندان مسئولیت دارید براستی که خدا مراقب شما است «سوره نساء آیه ۲».

و روز خود را باینکه چنین و چنان
گفتیم و چنین و چنان کردیم نگذرانید که
نگهبانانی با شماست که ما و شما را
نگهبانی میکنند و خدا را در همه جا بیاد
آورید که او به همراه شماست. و بر محمد
ﷺ و خاندانش درود بفرستید زیرا
هنگامی که شما محمد را یاد کنید و برای
او دعا کنید و احترام او را نگهدارید
خدای عز و جل دعای شما را می‌پذیرد. طعام
گرم را بگذارید تا سرد شود که طعامی
بنزد رسول خدا ﷺ آوردند فرمود
بگذاریدش تا خنک شود تا توان آن را خورد
خداوند عز و جل آتش را که خوراک ما
نفرموده و برکت در غذای سرد میباشد هر
گاه کسی از شما خواست بول کند رو ببالا و
روبروی بادی که میوزد ادرار نکند
بکودکانتان آنچه را که خداوند بواسطه آن
سودشان میدهد بیاموزید و طائفه مرجئه
عقیده خودشان را بر کودکان

تحمیل نکنند زبان‌هاتان را نگه دارید و
سلامی بکنید که برای شما غنیمتی را در بر
داشته باشد. امانت را بکسی که شما را
امین شمرده بازگردانید هر چند کشندگان
فرزندان پیغمبران باشند چون ببازار
رفتید آنجا که مردم سرگرم کارند شما
بسیار بیاد خدا باشید که کفاره گناهان
است و باعث افزونی حسنات و نامتان در
دفتر غافلان نوشته نمیشود.

چون ماه رمضان فرا رسد هیچ بنده خدائی
حق مسافرت ندارد زیرا خدای عز و جل
میفرماید هر کس از شما در ماه رمضان
حاضر باشد (نه مسافر) باید روزه بگیرد
در مورد آشامیدن مسکرات و مسح کشیدن بر
موزه تقیه‌ای نیست مبادا در باره ما بیش
از حد عقیده‌مند باشید با توجه و عقیده
باینکه ما بنده‌هائی هستیم پروریده خدا

آنچه در فضل ما میخواهید بگوئید هر کس دوستدار ما باشد باید رفتار ما را داشته و از پرهیزکاری یاری بجوید که ورع و پرهیزکاری بهترین چیزی است که بوسیله آن در کار دنیا و آخرت استعانت می‌شود با هر کس که از ما عیبجوئی میکند همنشین نباشید و در نزد دشمن ما خود را با انتساب بما پسندیده قلمداد نکنید و دوستی با ما را آشکار ننمائید که خود را در نزد حکومت وقت ذلیل خواهید نمود.

راستی را رها نکنید که باعث رستگاری است و بآنچه در نزد خدای عز و جل است رغبت داشته باشید و بدنبال فرمانبری او باشید و در فرمانبری پایدار باشید که چه زشت است از برای مؤمن اینکه با آبروی ریخته شده ببهشت برود.

برای شفاعت خودتان برای کارهائی که از پیش فرستاده‌اید ما را بزحمت نیندازید بروز قیامت خود را نزد دشمنان رسوا نکنید و بخاطر دنیای بی‌ارزش خود را در نزد آنها دروغگو قرار ندهید نسبت بمقامی که در پیشگاه الهی برای خود پنداشته بودید و بآنچه خدا دستور فرموده چنگ بزنید که میان شما و آنچه مورد غبطه واقع خواهد شد و آنچه دوست میدارد خواهد دید فاصله‌ای نیست جز اینکه قاصد خدا (مرگ)

بنزد او بیاید و آنچه در نزد خدا است بهتر است و باقی‌تر و مزده‌ای از جانب خدا باو خواهد رسید که باعث روشنی چشمش گردیده و دوستدار ملاقات خدا گردد.

ناتوانها از برادران خود را کوچک شمارید که هر کس مؤمنی را کوچک شمارد خداوند میان آن دو جمع نمیکند مگر آنکه توبه نماید مؤمن که نیازمندی برادر خود را دانست نباید فرصت بدهد که او مورد نیاز خود را مطالبه کند همدست يك ديگر

باشید و نسبت به هم مهربان باشید و در مورد هم بخشش کنید و همچون منافق نباشید که آنچه را که نکرده توصیف مینماید.

همسر اختیار کنید که رسول خدا ﷺ بسیار میفرمود کسی که دوست دارد از سنت من پیروی کند باید همسر بگیرد که همسر گرفتن از سنت من است.

خواستار فرزندی باشید که من فردای قیامت بزیادی شما بر امتهای دیگر افتخار خواهم نمود فرزندان خود را از خوردن شیر زنان زناکار و زن دیوانه نگهداری کنید زیرا شیر خصوصیات روانی مادر را بفرزند سرایت میدهد.

از خوردن گوشت پرنده ای که سنگدان و ناخن پشت پا و چینه دان ندارد خودداری کنید و از خوردن گوشت هر درنده نیش دار و پرنده چنگال دار بپرهیزید و سپرز را نخورید که جایگاه خون فاسد شده است.

سیاه نپوشید که جامه فرعون است از غده های گوشت بپرهیزید که رگ بیماری خوره را تحریک میکند در احکام دین بقیاس عمل نکنید که جمله ای باز احکام دین قیاس بردار نیست و جمعیت هائی خواهند آمد که قیاس بکنند آنان دشمنان دینند و نخستین کسی که قیاس کرد شیطان بود.

کفش بدون پاشنه نپوشید که فرعون نخستین کسی بود که کفش بدون پاشنه پوشید.

با میخواران مخالفت کنید و خرما بخورید که در آن شفای همه دردها است گفتار رسول خدا ﷺ را پیروی

کنید که فرمود هر کس در سؤالی بروی خود باز کند خداوند دری از فقر بروی او باز میکند زیاد استغفار کنید تا روزی را جلب کنید هر چند که بتوانید از کار خیر پیش فرستید که فردای قیامت آن را خواهید

یافت مبادا جدال کنید که باعث شك و تردید می‌شود هر کس که بی‌پروردگارش عز و جل حاجتی دارد در سه ساعت آن را بخواهد ساعتی در روز جمعه است و ساعتی هنگامی که ظهر می‌شود که باده‌ها می‌وزد و درهای آسمان باز می‌شود و رحمت نازل می‌شود و پرندگان صدا در می‌آیند و ساعتی در آخر شب هنگام سپیده‌دم که دو فرشته ندا میکنند.

آیا توبه‌کننده‌ای هست تا توبه‌اش پذیرفته شود؟

آیا سؤال‌کننده‌ای هست تا مورد سؤالش باو داده شود؟

آیا استغفارکننده‌ای هست تا آمرزیده شود؟

آیا حاجتمندی خواستار حاجتی هست تا حاجتش برآورده شود؟

پس شما این دعوت‌کننده خدا را اجابت کنید در فاصله سپیده‌دم تا سرزدن آفتاب روزی را از خدا بخواهید که آن در طلب روزی از سفر کردن در روی زمین مؤثرتر است و آن همان ساعتی است که خداوند در همان ساعت روزی را میان بندگانش تقسیم میکند منتظر فرج باشید و از رحمت خدا نومید نباشید که دوستترین اعمال نزد خدای عز و جل انتظار فرج است مادامی که بنده مؤمن بانتظار آن چشم دوخته است صبح چون دو رکعت نماز صبح را خواندید بخدای عز و جل توکل کنید که جایزه‌ها به هنگام خواندن نماز صبح داده می‌شود با شمشیر وارد حرم نشوید.

هیچ کس از شما در حالی که شمشیر در پیشرویش گذاشته شده باشد نماز نخواند که قبله امان است

در يك مجلس چهار صد باب از چیزهایی که کار دین و دنیای مسلمان را چون زیارت خانه خدا رفتید حج خود را با زیارت رسول

خدا ﷻ کامل کنید که ترك آن ستم است و دستور همین است و با زیارت قبرهای دیگر که خدای عز و جل حق آنها را و زیارتشان را برای شما لازم نموده حج خود را کامل کنید و در نزد آن قبرها از خداوند روزی بخواهید.

گناه کم را كوچك نشمارید که همان گناه كوچك بشمار می‌آید و در نتیجه بزرگ می‌گردد سجده‌ها را طولانی کنید که هیچ کاری بر شیطان دشوارتر از این نیست که فرزند آدم را در حال سجده ببیند زیرا او مأمور شد که سجده کند و نافرمانی کرد و این آدمیزاد مأمور بسجده شد و فرمان برد و نجات یافت.

بسیار بیاد مرگ باشید و بیاد روزی که از قبرهای خود بیرون میشوید و در پیشگاه خدای عز و جل می‌ایستید که یاد مرگ و قیامت مصیبت‌ها را بر شما آسان می‌سازد هر گاه چشم یکی از شما درد گرفت آیه الكرسي را به نیت بهبود چشم‌اش بخواند که ان شاء الله بهبودی مییابد.

از گناهان دوری جوئید که هر چه بلا و کمبود روزی هست از جهت گناه است حتی خراش جایی از بدن و بر زمین خوردن و مصیبت که خدای عز و جل میفرماید هر چه مصیبت بر شما میرسد نتیجه عمل کرد خودتان است و خداوند از بسیاری عفو میفرماید بر غذا خوردن که نشستید بسیار بیاد خدا باشید و سرکشی نکنید که یکی از نعمتهای خدا روزیهای او است که سپاسگزاری‌اش و ستایش‌اش بر شما واجب است پیش از اینکه نعمتی از دست شما برود با آن خوش رفتاری کنید که نعمت از دست رفته و در مورد عملی که صاحبش با او نموده علیه او گواهی میدهد هر کس که از خدای عز و جل بروزی اندک راضی گردید خداوند نیز از او بعمل کم راضی می‌شود مبادا

کوتاهی در کار کنید که حسرت خواهید برد
بهنگامی که حسرت سودی نداشته باشد.
در میدان جنگ که با دشمن روبرو شوید
کمتر سخن گوئید و یاد خدای عز و جل
بسیار کنید و پشت بدشمن ننمائید که
پروردگار خود را بخشم می‌آورد و سزاوار
غضب او خواهید بود چون دیدید از برادران
شما کسی در جنگ زخمی شده و یا وامانده
است و یا کسی را دیدید که دشمن شما طمع
در او بسته است با از خود گذشتگی با و
نیرو ببخشید. هر چه توانید کار نیک
انجام دهید که از مرگ‌های بد نگهداری
مینماید هر کس از شما اگر بخواهد بداند
که مقامش در نزد خداوند تا چه پایه است
به بیند مقام خداوند نزد او بهنگام گناه
چه قدر است که مقام او نیز نزد خداوند
چنین خواهد بود.

بهترین چیزی که شخص در خانه خود برای
عائله خود میگیرد گوسفند است که هر کس
یک گوسفند در خانه‌اش باشد فرشتگان هر
روز یک بار او را تقدیس میکنند و کسی که
دو گوسفند داشته باشد فرشتگان هر روزی
دو بار او را تقدیس میکنند و همچنین در
سه گوسفند و فرشته میگوید برکت بشما
داده شود چون مسلمان ناتوان گردید گوشت
با شیر بخورد که خدای عز و جل نیرو را
در آن دو قرار داده است.

چون قصد حج کردید در خرید حوائج
پاره‌ای از چیزهایی را که در سفر شما را
نیرومند خواهد ساخت پیش بیندازید که
خدای عز و جل میفرماید اگر قصد خروج
داشتند ساز و برگ آن را فراهم میکردند.
هر گاه یکی از شما در آفتاب بنشیند
پشت بدان نماید که آفتاب بیماری درونی
را آشکار میکند و چون بحج رفتید بخانه
خدای عز و جل زیاد نگاه کنید که خدای عز
و جل را یک صد و بیست رحمت در نزد خانه

محترم خویش هست که شصت رحمت از آنها مخصوص طوافکنندگان و چهل رحمت برای نمازگزاران و بیست رحمت از آن نگاهکنندگان است.

در نزد ملتزم (فاصله میان در خانه و رکن حجر الاسود) بآنچه از گناهانتان بیاد دارید اعتراف کنید و آنچه را که فراموش کردید بگوئید (آنچه نگهبانان تو بر ما حفظ کرده اند و ما آن را فراموش

کرده ایم بر ما بیامرز) که هر کس در این محل بگنااهش اعتراف کند و آنها را بشمارد و بیاد آورد و از خدا آمرزش بطلبد بر خدای عز و جل لازم است او را بیامرزد پیش از آنکه بلا برسد دعا کنید درهای آسمان در پنج وقت برای شما باز می شود هنگام نزول باران و هنگام جهاد و هنگام اذان و در وقت خواندن قرآن و بهنگام ظهر و سپیده دم هر کس از شما مرده ای را غسل داد پس از آنکه کفنه ای او را پوشانید خود غسل کند کفنها را با بخور معطر نکنید و خوشبو نسازید و به مرده های خود جز کافور عطر دیگری نزنید که مرده بمنزله کسی است که احرام بسته است.

کسان خود را وادار کنید که بر سر جنازه سخن نیکو بگویند که چون پدر فاطمه دختر محمد از دنیا رفت همه دختران بنی هاشم با او هم ناله شدند آن حضرت فرمود شمردن را کنار بگذارید و دعا کنید (شرح:) (شاید مقصود شمردن خصوصیات میت باشد که غالباً زنان بهنگام گریه کردن آنها را می شمارند که تو چنین و چنان بودی).

مرده هایتان را زیارت کنید که آنان بزیارت شما خوشحال میشوند و هر کس حاجت خود را در نزد قبر پدر و مادرش پس از آنکه برای آنان دعا کرد از خدا بخواهد

مسلمان آیینه برادر دینی خودش میباشد پس هر گاه از برادر خود لغزشی دیدید علیه او نباشید بلکه برای او مانند خود او باشید و او را راهنمایی کنید و پند و اندرز دهید و با او مدارا کنید مبادا اختلاف کنید که رشته اجتماع شما از هم گسیخته می‌شود.

اقتصاد را مراعات کنید تا پیش روید و امیدوار گردید هر کس از شما که با چهار پا سفر میکند چون بمنزل رسید نخست آب و علف آن حیوان را بدهد برخ چهارپایان نزنید زیرا تسبیح پروردگار

خود را میگوید هر کس از شما در سفری گمشد یا بر جان خود ترسید پس بآواز بلند بگوید

یا صالح اغثنی

که در میان برادران جن شما جنی هست بنام صالح که بخاطر شما شهرها را می‌گردد و خود را آماده خدمت برای شما ساخته است چون صدا را بشنود جواب میدهد و گمشده شما را راهنمایی نموده و چهار پائی را که فرار نموده است نگه میدارد.

و هر کس از شما بجان خود و گوسفندانش از حمله شیر بترسد خطی بدور آنها بکشد و بگوید

اللهم رب دانیال و الجب و رب کل اسد
مستأسد احفظنی و احفظ غنمی

: بار الها ای پروردگار دانیال و چاه و پروردگار هر شیر نیرومند مرا نگهداری فرما و گوسفندان مرا نگهداری فرما.

(شرح:) (دانیال یکی از پیغمبران بنی اسرائیل بود که در زمان بخت نصر در چاهی او را حبس نمودند.) و هر کس از شما که از عقب بترسد این آیات را بخواند سَلَامٌ عَلٰی نُوحٍ فِی الْعَالَمِیْنَ اِنَّا كَذَلِکَ نَجْزِی الْمُحْسِنِیْنَ اِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِیْنَ

(الصفات (۱۳ - ۱۳۳) و هر کس از شما از غرق شدن بترسد. بخواند
بسم الله مجرایها و مرساها ان ربی لغفور
رحیم بسم الله الملك الحق و ما قدروا الله حق
قدره و الارض جميعا قبضته يوم القيمة و
السموات مطويات بيمينه سبحانه و تعالی
عما يشركون

، برای فرزندان خود روز هفتم (گوسفند
قربانی کنید و چون سرشان را تراشیدید هم
وزن موی سرشان نقره بمسلمانی صدقه بدهید
که رسول خدا ﷺ نسبت بحسن و حسین و
دیگر فرزندان چنین رفتار فرمود چون
بدست سائل چیزی دادید از او بخواهید که
در حق شما دعا کند که دعایش در باره شما
مستجاب است ولی در باره خودش مستجاب
نیست زیرا دروغ میگویند و آنکه دستش
بدست سائل میرسد دست خود را بسوی دهانش
آورده و ببوسد که صدقه را پیش از آنکه
بدست

سائل برسد خدای عز و جل میگیرد هم
چنان که فرموده است: آیا نمیدانند که
همانا خود خداوند است که توبه را از
بندگان میپذیرد و صدقه‌ها را میگیرد
(التوبه: ۱۰۵) شب هنگام صدقه بدهید که
صدقه در شب آتش خشم پروردگار را خاموش
میسازد. سخن گفتن خود را از جمله اعمال
خود محسوب دارید تا سخن کمتر بگوئید مگر
در کار خیر از آنچه خدای عز و جل بشما
روزی فرموده است بذل و بخشش کنید که
انفاق‌کننده بمنزله کسی است که در راه
خدا جهاد نماید.

پس هر آن کس که یقین داشته باشد که هر
چه انفاق کند عوض دارد بخشش میکند و در
انفاق نمودن سخاوت میورزد.

هر کس که یقین داشته باشد و سپس شك
کند بدنبال یقین‌اش برود که شك یقین را
نمی‌شکند گواهی دروغ ندهید و بر سر

سفره‌ای که می‌بر آن نهاده باشند ننشینید که بنده خبر ندارد کی جان‌ش گرفته می‌شود چون یکی از شما بر غذا خوردن نشست هم چون غلامان نشینند و حتماً نباید يك پای خود را روی پای دیگر بیندازد و چهار زانو بنشینند که این چنین نشستن را خداوند دوست ندارد و صاحب آن را دشمن میدارد شام پیغمبران پس از نماز عشاء است و شام خوردن را ترك نکنید که ترك کردن آن باعث ویرانی تن است.

تب پیش آهنگ مرگ است و زندان خدا است در روی زمین از بندگانش هر کس را بخواهد در آن زندانی میکند و تب گناهان را میریزد همچنان که كرك از کوهان شتر فرو میریزد هر دردی از اندرون است مگر زخم و تب که این دو بتن از خارج وارد میشوند سوزش تب را با بنفشه و آب سرد بشکنید که سوزش آن از گرمای دوزخ است.

مسلمان تا آنگاه که بیماری بر سلامتی‌اش چیره نشود نباید بدرمان پردازد.

(شرح:) مقصود این است که بمحض عارض شدن جزئی کسالت نباید فوراً باستعمال دارو پرداخت زیرا نیروی بدن با بسیاری از بیماری‌های غیر مهم بدون دارو مبارزه میکند و بر آن چیره می‌شود).

دعا کردن قضای حتمی الهی را باز میگرداند آن را ساز و برگ دفاع خود قرار دهید برای وضو ساختن پس از طهارت ده حسنه است خود را پاکیزه نگه دارید مبادا تنبلی کنید که هر کس تنبلی کند حق خدای عز و جل را نمی‌پردازد از بوی بدی که آزار میدهد بوسیله آب خود را پاکیزه نمائید و خویشتن را بررسی کنید که خدای عز و جل از بندگان آن را که کثیف است و هر کس بنزدش می‌نشینند از کثافت او متنفر میگردد دشمن میدارد مرد در نماز نباید با ریش خود بازی کند و نه با چیزی که او

را از نماز خواندن مشغول کند. بکار خیر پیش از آنکه بکار دیگری سرگرم شوید پیش دستی کنید مؤمن خودش در ناراحتی بسر میبرد ولی مردم از او در آسایش‌اند بیشتر سخنان شما یاد خدای عز و جل باشد از گناهان بپرهیزید که بنده چون گناه کند روزیش دیرتر میرسد بیماران خود را با صدقه دادن درمان کنید و ثروت خود را با زکات دادن بیمه نمائید نماز برای هر فرد با تقوی باعث نزدیکی به پیشگاه الهی است بحج رفتن برای فرد ناتوان بجای جهاد است و جهاد زن این

در يك مجلس چهار صد باب از چیزهایی که کار دین و دنیای مسلمان را است که نیکو شوهرداری کند تهی دستی مرگ بزرگ است کم بودن اهل و عیال یکی از دو راه آسایش در زندگی است نیمی از کار زندگی در این است که هر کاری باندازه خود باشد اندوه نیمی از پیری را سبب است هر کس میانه روی پیشه کند فشار خرج عائله را احساس نکند و هر کس کار با مشورت انجام دهد بزحمت نیفتد کار نیک بجز در باره مردی شرافتمند و یا دیندار

شایسته نیست برای هر چیز میوه‌ای است و میوه کار نیک شتاب در انجام آن است کسی که یقین دارد که آنچه بخشش نماید عوض دارد در عطای خویش بخشنده می‌گردد کسی که بهنگام مصیبت دست به ران‌های خود زند پاداش او ناچیز گردد بهترین کارها برای مرد این است که در انتظار فرج از جانب خدای عز و جل باشد کسی که باعث غم و اندوه پدر و مادرش گردد عاق آنان شده است روزی را با صدقه دادن جلب کنید پیش از آنکه بلا بیاید موج‌های بلا را با دعا از خود دور سازید که سوگند بآن خدائی که دانه را شکافته و مردم را آفریده است بلا بمؤمن زودتر است از ریزش سیل از بالای

تپه بیائین و از دویدن استرها از خداوند عافیت از سختی بلا را بخواهید که بلاء سخت دین را میبرد نیک بخت آن کس که از دیگری پند پذیر گردد خود را باخلاق خوب پرورش دهید که بنده مسلمان بواسطه اخلاق نیک بدرجه کسی میرسد که روزها را روزه ندارد و شبها به عبادت بایستد کسی که میگساری کند و بداند که خوردن می حرام است خداوند باو از خبال فاسد: (چرك و خونی که از زنان زناکار می ریزد) بنوشاند اگر چه آمرزیده شود در مورد گناه نذر صحیح نیست. و در قطع رحم سوگند صحیح نیست آنکه بدون عمل دیگری را بکار خیر دعوت میکند بکسی ماند که بی‌زه تیر از گمان رها کند.

زن مسلمان باید برای شوهرش خود را خوشبو سازد کسی که در راه دفاع از مال خود کشته شود شهید است شخص مغبون نه قابل ستایش است و نه پاداشی دارد قسم فرزندان بدون اجازه پدرانشان صحیح نیست و نه قسم زن بدون اجازه شوهرش يك روز تا شب را نباید زبان از سخن فرو بست مگر آنکه بیاد خدای عز و جل مشغول باشد: پس از هجرت بشهر اسلامی نباید دوباره بیابان‌نشین شد و پس از فتح و پیروزی (اسلام) نباید مهاجرت نمود بازرگانی را پیشه کنید که بی‌نیازی شما از آنچه بدست مردم است در بازرگانی است و خداوند بنده پیشه‌ور و درستکار را دوست میدارد هیچ کاری نزد خدای عز و جل از نماز محبوب‌تر نیست. پس هیچ کاری از کارهای دنیا شما را از نماز گزاردن در وقتاش باز ندارد که خدای عز و جل جمعی را نکوهش کرده و فرموده است آنانی که از نماز خود سهوکنندگانند یعنی غفلت‌کنندگانند که اوقات نماز را سبک می‌شمارند.

بدانید که نیکوکار از دشمنان شما برای يك ديگر ریاکاری میکنند. ولی خدای عز و جل آنان را توفیق عمل خالص نمیدهد و جز عمل خالص را نمی‌پذیرد عمل نيك كهنه نگردد و گناه فراموش نشود و خدای بزرگوار با کسانی است که تقوا دارند و کسانی که احسان میکنند.

مؤمن برادر خود را فریب نمیدهد و باو خیانت نمیکند و یاری او را از دست ندهد و او را متهم نسازد و باو نمی‌گوید: من از تو بیزارم (نسبت بخطائی که از برادر دینی سرزده است) در پی یافتن عذر واقعی او باش و اگر عذر واقعی او را نیافتی عذری برای او بتراش.

کوه‌ها را از جای کردن آسان‌تر است از کردن قدرتی که هنوز وقتش باقی است از خدا یاری بجوئید و شکیبائی کنید زیرا زمین از آن خدا است بهر کس از بندگان خود که بخواهد میدهد و سرانجام نيك مخصوص افراد پرهیزکار است.

پیش از سر رسید کار شتابزدگی نکنید که پشیمان میشوید. و پایان کار و زندگی بنظرتان طولانی نباید که دلهای شما سخت میگردد بناتوانان خود رحم کنید و بواسطه دلسوزی بآنان رحمت را از خدا جویا باشید مبدا بدگویی مسلمانی بکنید که مسلمان از برادر خود بدگویی نمیکند با اینکه خدای عز و جل این کار را

نهی کرده و فرموده است برخی از شما برخی را بدگویی نکند آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر خود را در حالی که مردار است بخورد؟ (حجرات ۱۴).

مسلمان که در نماز است و در پیشگاه خدای عز و جل ایستاده است دستهای خود را روی هم نگذارد که باهل کفر خود را شبیه میسازد: یعنی مجوس هر يك از شما که بر سر غذا نشیند باید همچون بنده زر خرید

بنشینند و بر روی زمین غذا بخورد و ایستاده آب ننوشد چون یکی از شما در نماز بجانور گزنده برخورد نمود آن را زیر خاک کند و آب دهن بر او بیندازد و یا در گوشه‌ای از جامه خود بپیچد تا از نماز فارغ شود.

روی را بطور کامل از قبله برگردانیدن نماز را باطل میکند و آن کس را که چنین میکند شایسته است نماز را با اذان و اقامه و تکبیر از سر بگیرد کسی که یازده مرتبه پیش از سرزدن آفتاب سوره ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ﴾ و به همین شماره سوره ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ﴾ و بهمین قدر آیت الکرسی بخواند ثروتش از آنچه میترسد محفوظ میماند.

و کسی که ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَإِنَّا أَنْزَلْنَاهُ﴾ را پیش از سرزدن آفتاب بخواند آن روز گناهی از او سر نزند هر چند شیطان در باره او کوشش نماید.

بخدا پناه ببرید از کجروی در دین و از این که مردان بی‌دین بر شما پیروز شوند هر که از ما بازماند هلاک می‌شود جامه کوتاه دامن باعث پاکیزگی آن است که خدای تبارک و تعالی میفرماید جامه‌ات را پاکیزه کن (مدثر ۴۰) یعنی دامن‌ت را کوتاه کن.

انگشتی از عسل خوردن شفای هر دردی است که خدای تبارک و تعالی میفرماید از شکم زنبورها شرابی بیرون می‌آید که برای مردم در آن شفا است (نحل آیه ۷۱) و این شفا در وقتی است که به‌مراه خواندن قرآن باشد و جاویدن کندر بلغم را آب میکند، در آغاز غذا خوردن اول نمک بخورید که اگر مردم میدانستند چه خواصی در نمک است آن را بر داروئی که آزمایش

شده است مقدم میداشتند کسی که غذایش را با خوردن نمک شروع کند هفتاد درد از او می‌رود و آنچه جز خدای عز و جل نمیداند. در تابستان بر تبار آب خنك بریزید که سوزش تب را آرام میکند در هر ماه سه روز روزه بدارید که با روزه يك عمر برابر است.

و ما دو پنجشنبه را با يك چهارشنبه در میان آن دو روزه میداریم زیرا خدای عز و جل دوزخ را در روز چهارشنبه آفرید هر يك از شما که از پی حاجتی می‌رود بامداد روز پنجشنبه در پی آن باشد که رسول خدا ﷺ فرمود بامداد روز پنجشنبه برای امت من مبارك است و چون از خانه خود بیرون می‌آید آیه‌هایی را که در آخر سوره آل عمران است و آیت الکرسی و انا انزلناه و سوره حمد را بخواند که حاجت‌های دنیا و آخرتش روا خواهد شد.

جامه‌های ضخیم بپوشید زیرا هر کس جامه نازک بپوشد دینش هم نازک و ضعیف می‌شود هیچ يك از شما با جامه بدن نما در پیشگاه خدا جل جلاله نایستد بسوی خدای عز و جل توبه کنید و خود را در محبت او داخل سازید که خدای عز و جل توبه‌کنندگان را دوست میدارد و پاکیزگان را دوست میدارد و مؤمن همواره توبه میکند چون مؤمن برادر خود بگوید: اف، رشته برادری میان آن دو بریده می‌شود و چون با او بگوید تو کافر هستی یکی از آن دو کافر می‌شود.

(شرح:) اگر راست بگوید برادرش و اگر دروغ بگوید خودش کافر است).

چون مؤمن برادر خود تهمت زند هم چون نمکی که در میان آب حل می‌شود اسلام در دل او آب می‌شود در توبه برای کسی که بخواد توبه کند باز است.

پس توبه خالص بسوی خدا بکنید شاید پروردگار اثر گناهان را از شما ببرد و

چون عهد نمودید پیمان خود را بپایان برسانید که هیچ نعمتی و نشاط زندگانی زایل نشده مگر بواسطه گناهانی که مرتکب شده‌اند و برآستی که خداوند به بندگان ستم نمیکند و اگر آنان پیش وقت دعا و توبه می‌کردند نعمت و زندگی از دست آنها نمی‌رفت و اگر آنان هنگامی که خشم خداوند بر آنها فرود آمد و نعمتها از دستشان رفت با نیت پاک بسوی خدای عز و جل پناه می‌بردند و سستی نمی‌کردند و زیاده روی نمی‌نمودند هر آینه خداوند هر فسادی را برای آنان اصلاح میکرد و هر شایسته را بر آنان باز میگرداند و چون مسلمانی تنگی گرفت از پروردگار عز و جل شکایت نکند بلکه شکایت بنزد پروردگارش برد که کلیدهای گشایش کارها و تدبیر آنها بدست اوست در هر کس یکی از سه چیز هست:

فال بد زدن تکبر و آرزو چون یکی از شما فال بد زد بفال بد اعتناء نکند و دنبال کار خود را بگیرد و خدای عز و جل را بیاد آورد. و هر گاه از تکبر ترسید با غلام و نوکر خود هم غذا شود و گوسفند را خود بدوشد و چون آرزوی بیجا نمود از خدای عز و جل بخواهد و بدرگاه او زاری کند و نفسش او را بگناه نکشاند با مردم بآن مقدار که معرفت دارند معاشرت کنید و از آنچه انکارش میکنند وانهد و آنان را بروی خود و ما و اندارید که امر ما دشوار و مشقت بار است و بجز فرشته مقرب یا پیغمبر مرسل یا بنده‌ای که خداوند دل او را برای ایمان خالص نموده باشد کسی آن بار نتواند کشید چون شیطان در دل یکی از شماها وسوسه کرد بخدا پناه ببرد و بگوید آمنت بالله و برسوله مخلصا له الدین.

یعنی بخدا و رسولش از روی اخلاص ایمان آوردم چون خدای عز و جل بمؤمنی جامه نوی پوشاند وضوء بسازد و دو رکعت نماز

بخواند که در آن دو رکعت سوره حمد و آیت
الکرسی و ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَإِنَّا - أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ﴾
بخواند.

سپس ستایش کند خدائی را که عورت او را
پوشاند و او را میان مردم زینت داد و
بسیار بگوید

لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظيم
که اگر چنین کند خدا را در آن جامه
گناه نکند و به هر نخی که در آن جامه
است فرشته‌ای بر او گماشته می‌شود که از
برای او خدا را تقدیس میکند و طلب آمرزش
و رحمت برای او میکند.

بدگمانی را از میان خود بدور اندازید
که خدای عز و جل از این کار نهی فرموده
من در خدمت رسول خدا ﷺ و خاندانم با
من و دو فرزندم در کنار حوض هستیم هر کس
در يك مجلس چهار صد باب از چیزهایی که
کار دین و دنیای مسلمان را ما را بخواهد
باید گفتار ما را بگیرد و کردارش همچون
کردار ما باشد که هر خاندانی افراد نجیب
دارند و ما شفاعت خواهیم کرد و دوستان
ما نیز شفاعت خواهند نمود در ملاقات با
ما در کنار حوض بر يك دیگر سبقت جوئید
که ما دشمنان خود را از خود می‌رانیم و
دوستان و پیروان خود را از آن سیراب
می‌کنیم و هر کس شربتی از آن بنوشد پس از
آن هرگز تشنه نگردد حوض ما سرشار است و
در آن دو نهر آب است که از بهشت در آن
میریزد یکی از تسنیم و دیگری از معین و
در دو طرف آن زعفران است و سنگریزه اش از
لؤلؤ و یاقوت است و این همان حوض کوثر
است کارها بدست خدا است نه در دست
بندگان و اگر بدست بندگان بود هرگز
دیگری را بر ما اختیار نمی‌کردند ولی
خداوند رحمت خود را به هر کس که بخواهد
مخصوص میگرداند. پس خدا را حمد کنید بر

نعمتهای نخستین که شما را مخصوص کرده و حلال زاده شدید هر دیده‌ای روز قیامت گریان است و هر چشم بروز قیامت بیدار است مگر چشمی که خداوند او را مخصوص کرامت خود فرموده باشد و بر هتك احترامی که از حسین و خاندان پیغمبر شد گریه کرده باشد شیعه ما بمنزله زنبور است که اگر مردم میدانستند چه در باطن آنهاست آنان را میخوردند.

چون مردی مشغول غذا خوردن است او را شتابزده نکنید تا از غذا خوردن فارغ شود و نه آن کس را که بر قضای حاجت نشسته تا کار خود را تمام کند.

هر گاه یکی از شما از خواب بیدار شد بگوید لا اله الا الله الحليم الكريم الحى القيوم و هو على كل شيء قدير سبحان رب النبیین و اله المرسلین و سبحان رب السموات السبع و ما فیهن و رب الارضین السبع و ما فیهن و رب العرش العظيم و الحمد لله رب العالمین.

و هر گاه یکی از شما شب از خواب برخاست به اطراف آسمان نگاه کند و بخواند إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ تَأْيِيدًا لِّرَبِّكَ إِنَّكَ لَا تُخَلِّفُ الْمِيعَادَ.

بچاه زمزم سرکشیدن درد را میبرد پس از آب آن که در سمت رکن حجر الاسود است بیاشامید که در زیر حجر الاسود چهار نهر بهشتی است: فرات و نیل و دو نهر سیحان و جیحان مسلمان نباید در رکاب کسی که حکم خدا را باور نکرده و دستور خدای عز و جل را در مورد غنیمت جنگی اجراء نمیکند بجهاد برود که اگر در چنین جنگی کشته شد دشمن ما را در حبس حقوق ما و ریختن خون‌های ما یاری نموده است و مرگش مرگ دوران جاهلیت است یاد ما اهل بیت از دردها و بیماریها و وسوسه‌های شك آلود شفا است و بسوی ما آمدن سبب خوشنودی

پروردگار عز و جل است و کسی که بدستورات ما رفتار نماید در جایگاه قدس فردای قیامت با ما خواهد بود و کسی که به انتظار دولت ما باشد همچون کسی است که در راه خدا بخون خود غلتیده است کسی که جنگ ما را با دشمنان ببیند و یا ناله داد خواهی ما را بشنود و ما را یاری نکند خداوند برو در آتش بیفکند ما پناهگاه افراد پرهیزکار هستیم هنگامی که از هر سو راه‌ها بر آنان بسته شود و ما باب حطه (ریزش گناه) و باب سلامت هستیم هر کس از آن در داخل شود نجات بیابد و هر کس تخلف نماید هلاک شود خداوند بما آغاز رحمت میکند و بما بانجام میرساند و بما هر آنچه بخواهد محو میکند و بما اثبات مینماید و بواسطه ما شر دوران سخت را بر میگردداند و بخاطر ما باران میفرستد پس فریبنده شما را از خدا فریب ندهد از روزی که خدای عز و جل در رحمت آسمان را بروی این مردم بسته است يك قطره از آن فرود نیامده و روزی که قائم ما قیام بکند آسمان باران رحمت ببارد و زمین گیاه خود را برویاند و کینه‌ها از دل‌های بندگان زدوده شود و درندگان و چهار پایان با يك دیگر همزیستی مسالمت آمیز نمایند تا آنجا که زنی از عراق تا شام راه بیفتد و جز بر سبزه زار قدم نگذارد و زینت و آرایش خود را بر سر داشته باشد و هیچ درنده‌ئی او را نترساند و او نیز از هیچ نترسد اگر بدانید که زندگی شما در میان دشمن خود و بردباری بر آزاری که میشنوید چه پاداشی برای شما دارد هر آینه چشمهایتان روشن می‌شود و چون مرا از دست بدهید پس از من کارهائی خواهید دید که هر يك از شما از آنچه از کفار و دشمنان خود می‌بینند و آنان حق خدا را سبک می‌شمارند و از ترسی که هر يك از

شما بر جان خود دارد آرزوی مرگ می‌کند پس چون چنین روزی پیش آمد همگی ریسمان خدا را دستاویز خود کنید و پراکنده نشوید و بردباری و نماز و تقیه را داشته باشید و بدانید خدای تبارک و تعالی از بنده‌هایش آن را که هر لحظه برنگی است دشمن میدارد. پس از راه حق و دوستی اهل حق برکنار نشوید که اگر کسی بجای ما دیگری را گزیند هلاک می‌شود و دنیا از دست او بدر شود و با حسرت از دنیا می‌رود چون یکی از شما بخانه‌اش داخل شد باهل خانه سلام دهد و بگوید السلام علیکم و اگر کسی در خانه نباشد بگوید السلام علینا من ربنا و هنگام داخل شدن بمنزلش سوره قل هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ بخواند که تهی دستی را بر طرف سازد بکودکان خود نماز یاد دهید و چون هشت ساله شدند آنها را بنماز نخواندن مؤاخذه کنید از نزدیک شدن به سگها خود داری کنید کسی که بسگ برخورد کند و تر باشد خود را بشوید و اگر خشک باشد بر جامه‌اش آب بپاشد هر گاه از حدیث ما چیزی شنیدید که معنایش را درک نکردید آن را بخود ما بازگردانید و بخیال خود معنایش نکنید و تسلیم شوید تا حق بر شما روشن شود و سرفاش کن و کم حوصله نباشید تندروها در عقاید بایستی بتعلیمات ما بازگردند و باز مانده‌ها که در حق ما کوتاهی میکنند میبایست خود را بما برسانند هر کس دامن ما را بدست گیرد بمقصود میرسد و هر کس بجز در راه ما قدم بردارد غرق خواهد شد.

برای دوستان ما فوجهایی از رحمت خدا است و برای دشمنان ما فوجهایی از غضب خدا است و راه ما میانه روی است و بکار بستن دستورات ما راهیابی است در پنج مورد شك موجب بطلان است: نماز وتر و نماز جمعه و دو رکعت اول از نمازهای پنجگانه

روزانه و در صبح و مغرب و بنده خدا اگر وضو نداشته باشد قرآن نخواند تا وضو بسازد هر سوره را که در نماز میخوانید رکوع و سجود آن را بجای آورید.

(شرح:) حظ سوره را (و یا حق سوره چنانچه در بعضی از نسخه‌ها است) در مورد سجده ادا کردن شاید باین معنی باشد که اگر سوره از سوره عزائم است و آیه سجده واجب دارد سجده کنید و چون در نماز واجب خواندن چنین سوره جائز نیست ناچار باید حمل بر نماز نافله گردد.

و اما در مورد رکوع معنای صحیحی بنظر نرسید و ممکن است کلمه رکوع زیادی باشد و احتمال می‌رود مقصود توجه دادن باهمیت و موقعیت رکوع و سجود است که نماز گذار نباید توجهش فقط بقرائت باشد بلکه باید حق نماز را از رکوع و سجود نیز ادا کند که رسول خدا ﷺ در باره کسی که نماز خواند و رکوع و سجود آن را کامل بجای نیاورد فرمود: *نقر کنقر الخراب*. مرد در پیراهنی که حمایل وار پوشیده باشد نماز نخواند که این نحو لباس پوشیدن از کارهای قوم لوط بوده است.

برای مرد نماز خواندن در يك جامه کفایت میکند که دو طرف او را بگردنش گره بزند و در يك پیراهن ضخیم که دکمه‌هایش را بیندازد نیز کفایت میکند مرد نباید بر صورت و یا فرشی که در آن صورت باشد سجده نماید ولی اگر صورت در زیر پای او باشد و یا چیزی بر آن بیندازد که آن صورت را بپوشاند نماز خواندن جایز است.

مرد نباید درهم‌هایی را که بر آن نقش صورت است در حال نماز در جامه خود گره زند و جایز است که درهمها در کیسه‌ای و یا جامه دیگری باشد که اگر می‌ترسد بکمرش ببندد مرد نباید بر خرمن گندم و نه بر خرمن جو و نه بر هیچ نوع از خوردنیها

سجده کند و بر نان نیز سجده نکند مرد تا نام خدا را بر زبان نیاورده وضو نسازد پیش از آنکه دست بر آب زند بگوید:

بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ التَّوَابِينَ وَ اجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ (بنام خدا و بیاری خدایا بار الهامرا از توبه‌کنندگان و از تطهیرکنندگان قرار بده) و چون از وضو فارغ شد بگوید اَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ اَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ (گواهی می‌دهم که خدائی بجز خدای یکتای بی‌انباز نیست و اینکه محمد بنده و فرستاده او است) که اگر چنین کند استحقاق آمرزش خواهد داشت. کسی که نماز بخواند و معرفت آن را داشته باشد آمرزیده شود مرد نباید در وقت نماز واجب نماز نافله بخواند مگر عذری داشته باشد لکن اگر بتواند پس از خواندن نماز واجب نماز نافله را قضا نماید خدای تبارک و تعالی می‌فرماید آنان که دائم در نمازند یعنی آنان که در روز قضا میکنند هر آنچه را که شب از آنان فوت شده است و در شب قضا میکنند هر چه را که در روز از آنان فوت شده است و در وقت نماز واجب قضای نماز نافله را نخوان بلکه نخست نماز واجب را بخوان و سپس هر چه خواستی نماز دیگر بخوان نماز در مکه و مدینه برابر هزار نماز است و یک درهم در راه حج با هزار درهم برابر است.

مرد باید در نمازش خشوع داشته باشد که هر کس دلش برای خدای عز و جل خاشع شد اعضاء تنش نیز خاشع می‌شود و با چیزی بازی نمی‌کند قنوت در نماز جمعه پیش از رکوع رکعت دوم است و در رکعت اول سوره حمد و جمعه خوانده می‌شود و در رکعت دوم حمد و منافقین در هر دو رکعت نماز (پس از سجده) بنشینید تا اعضای تن شما آرام گیرد سپس برخیزید که ما چنین می‌کنیم

هنگامی که یکی از شما در پیشگاه خدای جل جلاله ایستاد دست خود تا بمقابل سینه بلند کند (ظاهراً مقصود قنوت است) و هنگامی که یکی از شما در پیشگاه خدای جل جلاله بود سینه‌اش را پیش و کمرش را راست نگهدارد و خم نشود و چون یکی از شماها از نماز فارغ شد هر دو دست خود بآسمان بلند کند و آنقدر دعا کند که خسته شود.

عبدالله بن سبا عرض کرد: یا امیر المؤمنین مگر خدا در همه جا نیست؟ فرمود: چرا عرض کرد پس بنده خدا چرا دستهای خود را بسوی آسمان بلند کند؟ فرمود مگر در قرآن نمیخوانی: که روزی شما و آنچه بدان وعده داده شده‌اید در آسمان است. (الذاریات: ۲۲).

پس مگر روزی بجز از جایی که برای آن تعیین شده است خواسته می‌شود؟ و جای تعیین‌شده روزی و هر چه که خدا وعده داده است آسمان است.

(شرح:)

کشی روایاتی در نکوهش عبدالله بن سبا آورده است و بعضی از دانشمندان عصر حاضر او را مردی افسانه‌ای دانسته و از مخترعات سیف بن عمر تمیمی شمرده است بکتاب عبدالله بن سبا تالیف سید مرتضی العسکری و ترجمه آن بقلم مترجم این کتاب مراجعه شود.

بنده‌ای از نمازش نباید برگردد تا آنکه از خدا بهشت را بخواهد و از آتش دوزخ باو پناه ببرد و از او بخواهد که از حور العین باو همسر بدهد چون یکی از شما بنماز ایستاد باید هم چون کسی که با نماز وداع میکند نماز بخواند لبخند نماز را قطع نمیکند ولی قاه‌قاه خندیدن آن را میبرد چون خواب بدل راه یافت وضوء ساختن واجب می‌شود اگر در نماز هستی و خواب بر چشمت چیره شده نماز را ببر و بخواب زیرا

نمیدانی که برای خود دعا میکنی یا نفرین که شاید بخود نفرین نمائی کسی که ما را بدلش دوست داشته باشد و بزبانش ما را یاری کند و در رکاب ما با دشمنان ما بدستش جنگ کند او در بهشت با ما همدرجه است و کسی که ما را بدلش دوست داشته باشد و بزبانش ما را یاری کند ولی در رکاب ما جنگ با دشمنان ما نصیبش نگردد او از کسی که گفتم دو درجه پائینتر است و کسی که ما را بدلش دوست داشته باشد ولی نه بزبانش ما را یاری کند و نه بدستش پس او در بهشت خواهد بود و کسی که ما را بدلش دشمن بدارد و با زبان و دستش بما زیان برساند پس او با دشمن ما در دوزخ است و کسی که ما را بدلش دشمن بدارد و با زبانش بما زیان برساند پس او در آتش است و کسی که ما را بدلش دشمن بدارد ولی با زبانش و دستش بما زیان نرساند او هم در آتش است.

همانا اهل بهشت بخانه‌های شیعیان ما چشم میدوزند همچنان که آدمی بستاره‌های آسمان چشم میدوزد هنگامی که از مسبحات (سوره‌هایی که اول آن با تسبیح شروع می‌شود) آخرین سوره را خواندید (سوره اعلی) بگوئید سبحان الله الاعلی و چون آیه **إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ** را خواندید بر پیغمبر درود بفرستید چه در نماز باشید و چه در غیر نماز در بدن چیزی که از چشم کمتر شکر خدا کند نیست. پس هر چه او میخواهد ندهیدش که شما را از یاد خدای عز و جل غافل میسازد چون سوره و التین را خواندید در پایانش بگوئید و نحن علی ذلك من الشاهدين (ما نیز بر این از گواهانیم) چون آیه **قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ** خواندید پس از آن بگوئید **آمَنَّا بِاللَّهِ**. تا: **مَسْلَمُونَ** (سوره بقره آیه ۳۱ مراجعه شود).

چون بنده در تشهد در دو رکعت آخر که نشسته است بگوید اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له و اشهد ان محمدا عبده و رسوله و ان الساعة آتية لا ريب فيها و ان الله يبعث من في القبور.

سپس اگر حدثی از او سرزد نمازش درست است خدا بچیزی که سختتر از پیاده رفتن بخانه او باشد پرسش نشده است خیر را از سم و گردن شتران بخواهید در حال رفتن و آمدنشان (شرح:) شاید مقصود مسافرت و بارکشی با شتر باشد که با پایش راه میپیماید و درازی گردنش در حمل بار و برخاستن از زمین هنگامی که بار دارد کمک او است.

سقایة از این جهت بدین نام نامیده شد که رسول خدا ﷺ دستور داد کشمشی را که از طایف برای آن حضرت آورده بودند خیسانده و در حوض زمزم بریزند که آبش تلخ بود و غرض آن حضرت این بود که تلخی آن بشکند پس اگر آب کشمش کهنه شد از آن نیاشامید مرد هنگامی که برهنه شود شیطان باو مینگرد و طمع باو میبندد پس خود را بپوشانید مرد نباید جامه خود را از رانش دور کرده و در میان جمعیتی بنشیند کسی که چیزی را که بویش آزار میدهد بخورد (مانند سیر و پیاز) نباید بمسجد نزدیک شود مرد در سجده نماز واجب باید قسمت اخیر بدن خود را بلند کند چون یکی از شماها بخواهد غسل کند از دو بازوی خود شروع نموده و آنها را بشوید هنگامی که نماز خواندی باید خودت صدای خواندن و تکبیر و تسبیح را بشنوی و چون پس از نماز رویت را برگرداندی بسمت راستت برگردان از دنیا توشه ای برگیر که بهترین توشه ای که از آن برداری تقوی است از بنی اسرائیل دو طایفه گم شدند یکی در دریا و

دیگری در بیابان پس بجز چیزی را که حلال
بودنش را می‌شناسید نخورید.
(شرح:)

(شاید مقصود مسخ شدن عده‌ای از بنی
اسرائیل باشد و اینکه ممکن است حیوان
دریائی و یا بیابانی که شناخته نشود از
حیوانات مسخ شده باشد) کسی که دردی را
که باو رسیده است سه روز از مردم پنهان
کند و شکایت بسوی خدا برد بر خدا لازم
است که او را از آن درد شفا بخشد
دورترین حال بنده از خدا هنگامیست که
همت‌ش را به تأمین شکم و شهوت جنسی‌اش
بندد مرد نباید بسفیری برود که می‌ترسد در
آن بدینش و یا نمازش صدمه‌ای برسد چهار
چیز است که گوش شنوا دارند پیغمبر و
بهشت و دوزخ و حور العین پس چون بنده از
نمازش فارغ شد باید به پیغمبر درود
بفرستد و از خداوند بهشت را بخواهد و
بخدا از آتش پناه ببرد و از او بخواهد
که از حور العین باو همسر بدهد.

هر کس بر پیغمبر خدا محمد ﷺ درود
بفرستد پیغمبر درود او را می‌شنود و
دعایش بآسمان بالا می‌رود و کسی که از
خداوند بهشت بخواهد بهشت می‌گوید
پروردگارا آنچه بنده‌ات خواست

باو عطا کن و کسی که از آتش پناه ببرد
آتش می‌گوید پروردگارا بنده‌ات را از آنچه
بتو پناه آورد پناه‌اش ده و کسی که حور
العین بخواهد آنان می‌گویند بار الها
آنچه بنده‌ات خواست باو عطا کن ساز و
آواز نوحه‌سرائی شیطان است از برای بهشت
چون یکی از شماها بخواهد بخوابد دست
راست را بزیر گونه راست بنهد و بگوید:

بسم الله وضعت جنبی لله علی ملة ابراهيم و
دين محمد و ولایت من افترض الله طاعته ما
شاء الله کان و لم یشاء لم یکن.

(بنام خدا و برای خدا و بر ملة ابراهيم و دين محمد و ولايت هر كس كه خداوند فرمانبرى او را واجب فرموده پهلوى خود را بر زمين نهادم آنچه خدا بخواهد همان مى‌شود و آنچه نخواهد نميشود) كه هر كس اين دعا را بهنگام خواب بخواند از دزد و حادثه هلاك‌كننده و خرابى منزل محفوظ ميمانند و فرشتگان براى او آمرزش مى‌طلبند.

كسى كه بهنگام رفتن بميان بستر خود سوره قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ را بخواند خدای عز و جل پنجاه هزار فرشته بر او بگمارد كه آن شب او را پاسدارى كنند و چون يكى از شما خواست بخوابد پهلو بر زمين نهد تا آنكه بگويد

اعين نفسى و دينى و اهلى و ولى و
مالى و خواتيم عملى و ما رزقنى ربى و
خولنى بعزة الله و عظمة الله و جبروت الله و
سلطان الله و رحمة الله و رافة الله و غفران الله و
قوة الله و قدرة الله و جلال الله و بصنع الله و
اركان الله و بجمع الله و برسول الله و بقدرة الله
على ما يشاء من شر السامة و الهامة و من
شر الجن و الانس و من شر ما يدب فى الارض
و ما يخرج منها و من شر ما ينزل من
السماء و ما يعرج فيها و من شر كل دابة
انت أخذ بناصيتها ان ربى على صراط
مستقيم و هو على كل شىء قدير و لا حول و
لا قوة الا بالله العلى العظيم

(جان خود و دين خود و زن و فرزند و ثروت و پايانهاى عمل خود و هر چه را كه پروردگار من بمن روزى فرموده و در دسترس من قرار داده است به پناه عزة خدا و توانائى خدا و جبروت خدا و سلطنت خدا و رحمت خدا و مهربانى خدا و بخشايش خدا و نيروى خدا و توانائى خدا و جلال خدا و رفتار خدا و ركنهاى خدا و گردآورى خدا و رسول خدا ﷺ و بتوانائى خدا بر هر چيز

که بخواهد سپردم از شر جانور زهردار و خزنده گزنده و از شر جن و آدمی و از شر هر چیزی که بر روی زمین می‌جنبند و شر آن چه که از زمین بیرون می‌آید و از شر آنچه که از آسمان فرو می‌آید و آنچه بر آسمان بالا می‌رود و از شر هر جنبنده‌ای که تو زمام او را بدست داری براسستی که پروردگار من بر صراط مستقیم است و او بر هر چیز توانا است و نیرو و توانائی نیست مگر بواسطه خدای بلند پایه و بزرگوار) که رسول خدا ﷺ با این دعا حسن و حسین را به پناه خدا می‌سپرد و بشما نیز همین دستور را داده است.

ما خزینه‌داران دین خدائیم و ما چراغهای فروزان دانشیم چون مهتری از ما درگذرد مهتر دیگری پدیدار گردد هر که از ما پیروی کند گمراه نگردد و هر آن کس که ما را انکار کند راه رستگاری نیابد و هر کس بیاری دشمن ما بر ما زیان رساند روی نجات نبیند و کسی که ما را بدست دشمن بسپارد یاری نشود پس بخاطر طمع دنیا و مال اندک آن که از دست شما خواهد رفت و شما از آن جدا خواهید شد از خدمت ما باز نایستید زیرا کسی که دنیا را بر آخرت مقدم داشت و بجای ما دنیا را برگزید فردا حسرت بزرگی باو دست خواهد داد و این است معنای آیه شریفه: (زمر ۵۶).

در يك مجلس چهار صد باب از چیزهایی که کار دین و دنیای مسلمان را (تا کسی بگوید آه از این حسرت که چرا در باره خداوند کوتاهی نمودم گرچه از مردمان خوار میباشم) کودکان خود را از چربی غذایی که خورده‌اند بشوئید و پاکیزه کنید که شیطان‌ها چربی مانده از غذا را می‌بویند و کودک در حال خواب می‌ترسد و دو فرشته نویسندگان اعمال از آن در آزارند نخستین نگاهی که بزن می‌افتد از آن شما

است ولی نگاه دیگری بدنبال نگاه اول نکنید و از گرفتاری کناره گیرید میگسار دائم خدای عز و جل را همچون بت پرست ملاقات میکند حجر بن عدی عرض کرد یا امیر المؤمنین میگسار دائم چه کسی است؟ فرمود: آنکه هر وقت می در دسترس داشته باشد بنوشد کسی که مستکننده ای بنوشد تا چهل شبانه روز نماز او پذیرفته نیست.

کسی که بمؤمنی حرفی بگوید که مقصودش کاهش قدر او باشد خدای عز و جل او را در میان چرك و خون دوزخیان زندانی میکند تا دلیلی برای خلاصی از گفتار خود بیاورد مرد نباید با مرد دیگر زیر يك رو انداز بخوابد و نه زن با زن دیگر در زیر يك رو انداز و کسی که چنین کند بایستی تادیب بشود تادیبش تعزیر است.

(شرح:) هر چند تازیانه که با نظر و تعیین حاکم شرع بمجرم بزنند تعزیرش گویند دباء: (نوعی کدو است) را بخورید که مغز را زیاد میکند و رسول خدا ﷺ از کدو خوشش می آمد پیش از طعام و پس از آن ترنج بخورید که آل محمد چنین میکردند میوه گلابی و امرود دل را جلوه دهد و دردهای درونی را آرام میکند چون مرد بنماز می ایستد ابلیس از روی حسد بر او نگاه میکند چون می بیند که رحمت خدا از سر تا پای نماز گذار را فرا گرفته است. بدترین کارها بدعتها و کارهای نوظهور است و بهترین کارها آن است که موجب رضای خداوند عز و جل باشد کسی که دنیا پرست باشد و آن را بر آخرت مقدم بدارد سرانجام ناگواری دارد آب را وسیله خوشبوئی خود سازید کسی که از خدای عز و جل بهمان که برایش قسمت فرموده است راضی باشد بدنش آسوده گردد آنکه زندگی و عمرش در انجام کاری که از خدای عز و جل دورش نماید بسر رفته باشد زیان کرده است.

اگر نماز گذار بداند که چه اندازه از جلال خداوندی سرپای او را فرا گرفته است خوش نمیدارد که سرش را از سجده خود بردارد مبادا در کار آخرت امروز و فردا کنید و هر چه ممکن است پیشدستی کنید هر چه روزی شما است هر اندازه ناتوان هم باشید بشما خواهد رسید و هر چه بزیان شما در انتظار شما است بهیچ راهی نتوانید آن را از خویشتن دور سازید بکارهای خوب دیگران را وابدارید و از کارهای بد باز بدارید و بآنچه بر شما میرسد شکیبائی کنید نور مؤمن این است که حق ما را بشناسد بدترین کوریها برای کسی است که از دیدن برتری ما بر دیگران کور باشد و با ما دشمنی کند بدون اینکه گناهی از ما نسبت باو سر زده باشد جز اینکه ما او را بحق دعوت کرده ایم و دیگرانش بآشوب و دنیا و آشوب را برگیرد و آشکارا از ما بیزاری جوید و دشمنی ورزد پرچم حق بدست ما است هر کس بسایه آن درآید سایه بر او بیفکند و هر کس هر چه زودتر خود را بزیر آن برساند کامیاب گردد و هر کس از آن جدا شود سرنگون گردد و هر کس بدان چنگ زند رستگار شود.

من رئیس مؤمنانم و مال رئیس ستمکاران است بخدا قسم که مرا بجز مؤمن دوست ندارد بجز منافق دشمنم ندارد.

چون برادران خود را ملاقات نمودید با هم دست بدهید و اظهار خوشروئی و خنده روئی کنید تا چون از یک دیگر جدا شوید آنچه بار گناه بر دوش شما است برداشته شده باشد چون یکی از شما عطسه کرد برای او دعا کنید و بگوئید یرحمک الله: خدا تو را رحمت کند و او بشما بگوید: یرحمک الله لکم و یرحمکم خداوند شما را بیامرزد و شما را رحمت کند که خدای

تبارك و تعالى ميفرمايد چون تحيتي بشما گفته شد شما بهتر از آن بگوئيد و يا همان تحيت را باز گردانيد (نساء: ۸۶).

با دشمن خود دست بده هر چند او را ناخوش آيد كه اين از دستورات خداي عز و جل بر بندگان خود ميباشد كه ميفرمايد با بهترين وجه دفاع كن تا كسي كه ميان تو و او عداوتي ميباشد گوئي دوستي صميمي است و اين دستور را فرا نميگيرد مگر كساني كه شكيبائي ميورزند و فرا نميگيرد مگر كسي كه نصيبش از خوشبختي بيشتر باشد.

دشمن تو مجازاتي سختتر از اين ندارد كه تو در باره او خدا را اطاعت كني و براي تو كافي است كه دشمنت را ببيني كه معصيت خداي عز و جل را ميكند، دنيا در گردش است بهره خود را از آن از راه نيكوترى برگير تا نوبه تو برسد، مؤمن بيدار است و مراقب و ترسان، و يكي از دو پيش آمد خوب را منتظر است «راحتي در دنيا يا سعادت در آخرتو ترسش از بلاء از اين جهت است كه مبادا مجازات گناهان او باشد برحمت پروردگارش عز و جل اميدوار است مؤمن از بيم و اميد خالي نميشود از آنچه پيش فرستاده ميترسد و از جستجوي آنچه كه خدا او را وعده فرموده غفلت نمي‌ورزد و از آنچه خداي عز و جل او را ترسانده آسوده خاطر ننشيند آبادكنندگان زمين شمائيد كه خداوند شما را در آن جاي داده تا ببيند چگونه رفتار مي‌كند خدا را در آنچه از شما مي‌بيند پائيد از شاهراه برويد تا ديگران بجاي شما از آن راه نروند آن كس كه عقلش كامل است نيكو رفتار كند و در دين خود نيكو بنگرد بشتابيد بسوي آمرزش پروردگار خود و بهشتي كه به پهنای آسمانها و زمين است و براي اهل تقوى آماده شده است كه شما بآن دست نيابيد مگر با تقوى.

کسی که زنگ گناه بگیرد از یاد خدای عز و جل نابینا گردد هر کس که دستور پیشوای الهی را ترك کند خداوند شیطانی بر او بگمارد که همنشین او گردد چرا کسانی که مخالف شما هستند در گمراهی خودشان از شما بیناتر و در صرف مالی که بدست آورده اند از شما بخشنده ترند؟ این نیست مگر از آن جهت که شما بدنیا اعتماد کردید و ستم کشیدن را راضی شدید و بمال اندک دنیا حرص ورزیدید و در باره آنچه وسیله عزت و خوشبختی شما بود و نیرو بخش شما بود بر کسانی که بشما ستم میکردند کوتاهی کردید نه در باره دستوری که پروردگار شما به شما داده است از او حیا میکنید و نه صلاح کار خویش را در نظر میگیرید و هر روز ستمی تازه بر شما میرود و شما از خوابتان بیدار نمی شوید و سستی شما بپایان نمیرسد مگر نمی بینید که شهرهای شما و دین شما هر روز پوسیده تر می شود و شما در غفلت دنیا بسر میبرید.

خدای عز و جل بشما میفرماید که بستمکاران اعتماد نوزید که آتش بجان شما می افتد و جز خدای برای شما دوستانی نباشد و یاری نشوید.

فرزندان خود را نامگذاری کنید و اگر ندانید که پسر است یا دختر نامهایی بر آنان بگذارید که بر مرد و زن هر دو گفته می شود زیرا فرزندان که سقط شده اند چون روز قیامت شما را ملاقات کنند و نام گذاری شان نکرده باشید فرزند سقط شده پیدرش میگوید چرا مرا نامگذاری نکردی؟ با اینکه رسول خدا ﷺ محسن را پیش از آنکه زائیده شود نام گذاشت.

مبادا در حالی که سر پا ایستاده اید آب بنوشید که بدرد بی درمانی دچار میسازد یا آنکه خداوند عافیت بدهد چون بچهار پایان

سوار شدید خدای عز و جل را بیاد آورید و بگوئید سُحَّانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ وَإِنَّا إِلَى رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ (زخرف آیه ۱۳) منزّه است خدائی که این حیوان را مسخر ما فرمود و ما توانائی آن نداشتیم و ما بسوی پروردگار خود بازگشت خواهیم نمود) چون یکی از شما بسفر رود بگوید:

اللهم انت انصاحب في السفر و الحامل على الظهر و الخليفة في الاهل و المال و الولد.

بار الها همراه در سفر و در باری که بر پشت کشیده می‌شود و جانشین در میان خانواده‌ها و مال‌ها و فرزندان تو می‌باشی) و چون در منزلی فرود آمدید بگوئید: اللهم انزلنا منزلا مباركا و انت خير المنزلين بار الها ما را بمنزل با برکتی فرود آر که بهترین فرود آرنندگان تو هستی).

چون چیزی از نیازمندیهای خود را از بازار خریدید هنگام وارد شدن ببازار بگوئید اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له و اشهد ان محمدا عبده و رسوله اللهم اني اعوذ بك من صفقة خاسرة و يمينا فاجرة و اعوذ بك من بوار الایم).

(گواهی میدهم که خدایی بجز خدای یکتای بی‌انباز نیست و گواهی میدهم که محمد بنده او و فرستاده او است بار الها من پناه بتو می‌برم از سودائی که زیان آورد و از سوگند دروغ و پناه می‌برم بتو از کساد و بی‌مشتی ماندن).

کسی که پس از نماز خواندن بانتظار فرا رسیدن نماز دیگر باشد از زیارت‌کنندگان خدای عز و جل محسوب می‌گردد و بر خدای تعالی لازم است که زائر خویش را بزرگ داشته و آنچه می‌خواهد عطایش فرماید.

کسی که حج و عمره بجا می‌آورد مهمان خدا است و خداوند آمرزش خود را بیدریغ باو ارزانی میدارد.

کسی که بکودك بی‌خرد نوشابه مستکننده‌ای بدهد خدای تعالی او را در میان چرك و خون زنان دوزخی زندانی میکند تا از کاری که کرده عذر موجهی بیاورد.

صدقه دادن از برای مؤمن سپر بزرگی است از دوزخ و از برای کافر وسیله‌ای است که مالش را از تلف شدن نگهدارد عوض صدقه‌اش هر چه زودتر باو داده می‌شود و بلاها از او برگردانده شود ولی در عالم آخرت بهره‌ای ندارد.

دوزخیان بوسیله زبانشان دوزخی شدند و نورانیان بوسیله زبان نورانی گشتند پس زبانهای خود را نگهدارید و بیاد خدایش عز و جل مشغول سازید.

پلیدترین کارها آن است که گمراهی بار آورد و بهترین کسبها کارهای خیر است مبادا صورت بسازید که روز قیامت از آن بازپرسی خواهید شد و چون خاشاکی عز و جل را دوازده هزار جهان است) از تو بوسیله کسی گرفته شد بگو خداوند آنچه را که خوش نداری از تو دور سازد هنگامی که از حمام بیرون آمدی و برادرت بتو گفت طاب حمامك و حميمك (خوش باد حمامت و آب گرمت) بگو! انعم الله بالك (خداوند خاطرت را خنك سازد) چون برادرت بتو بگوید! حياك الله بالسلام (خداوند سلام بر تو فرستد) بگو:

و انت و حياك الله و اهلك دار المقام (تو را نیز خداوند سلام بفرستد و در بهشت جاوید جایگزینت فرماید) در جاده عمومی بول ممکن و بقضای حاجت منشین.

در خواست کردن پس از ثناگوئی است پس نخست خدای را ثنا گوئید و سپس نیازمندیها را درخواست کنید پیش از آنکه

نیازمندیها را درخواست کنید خدای عز و جل را ثنا گوئید و مدح نمائید.
ای کسی که دعا میکنی چیز نشدنی و غیر حلال را درخواست مکن چون خواستید در باره نوزاد پسر بکسی مبارك باد بگوئید پس بگوئید خداوند این بخشش بی‌عوض را برای تو مبارك کند و او را بسر حد رشد و تکامل برساند و احسان خود را روزی او فرماید و چون برادرت از مکه باز آمد میان دو چشمش را ببوس و دهنش را ببوس که با آن حجر الاسودی را بوسیده که پیغمبر آن را بوسیده است و چشمش را ببوس که با آن چشم بخانه خدای عز و جل نگریسته و پیشانی و صورتش را ببوس و در مبارك بادش بگوئید خداوند اعمال حج تو را بپذیرد و کوششت را مورد مرحمت فرماید و خرجی را که کرده‌ای عوض دهد و این سفر را آخرین سفر مکه ات قرار ندهد.

از افراد پست دوری کنید که پست آن کسی است که از خدای عز و جل نمیترسد کشتندگان پیمبران در میان آنان است و دشمنان ما در میان آنان برآستی که خدای تبارک و تعالی بر زمین نظری افکند و ما را برگزید و برای ما شیعه‌ای برگزید که ما را یاری کنند و بشادی ما شاد باشند و بخاطر اندوه ما اندوهگین گردند و مال و جانشان را در راه ما از دست بدهند آنان از ما هستند و بسوی ما آیند از شیعیان بنده‌ای نیست که گناهی را مرتکب شود پس از آن بمیرد تا آنکه ببلائی دچار آید که گناهان او را پاک کند این بلا یا در مال و یا در اولاد و یا در جانش باشد تا آنکه خدا را در حالی ملاقات کند که گناهی نداشته باشد و چنانچه باقیمانده‌ای از گناهان داشته باشد بهنگام مرگش بر او سخت گیرند (و بدشواری بمیرد).

شیعه ما که بمیرد صدیق و شهید است زیرا امر ولایت ما را تصدیق نموده و برای خدای عز و جل در راه ما دوستی نموده و در راه ما دشمنی کرده است و مقصودش از این کار فقط رضای خدای عز و جل بوده است و بخدا و رسولش ایمان آورده است.

خدای عز و جل میفرماید کسانی که بخدا و رسولش ایمان آورده‌اند هم آنان در نزد پروردگارشان صدیقان و شهیدانند بمزدشان و نورشان خواهند رسید (الحدید: ۱۹) بنی اسرائیل هفتاد و دو فرقه شدند و بزودی این امت هفتاد و سه فرقه خواهند شد که یک فرقه در بهشت است.

کسی که راز ما را فاش کند خداوند، سختی آهن را باو بچشانند فرزندان خود را روز هفتم ختنه کنید و گرما و سرما شما را از این کار باز ندارد که باعث پاکیزگی بدن نوزاد است و همانا زمین از بول کسی که ختنه نشده باشد بخداوند مینالد.

مستی چهار نوع است مستی می و مستی مال و مستی خواب و مستی پادشاهی چون یکی از شما خواست که بخوابد دست راست خود را بزیر گونه راست خود بنهد زیرا نمیداند از خواب خود بیدار می‌شود یا نه دوست دارم که مؤمن هر پانزده روز یک بار نوره بکشد.

ماهی کمتر بخورید که گوشت بدن را آب میکند و بلغم میافزاید و نفس کشیدن را دشوار میسازد کم‌کم آشامیدن شیر از هر دردی شفاست بجز، مرگ انار را با پیه آن بخورید که معده را دباغی میکند و هر دانه‌ای از انار که در معده جایگیر می‌شود تا چهل شب دل را زنده میکند و جان را روشن میسازد و وسوسه شیطان را ناتوان میگرداند سرکه نان خورش خوبی است که صفا شکن است و دل را زنده میکند کاسنی

بخورید که هر صبح يك قطره از قطره‌های بهشتی بر آن است آب باران بنوشید که بدن را پاکیزه می‌سازد و از بیماریها جلوگیری میکند که خداوند تبارك و تعالی می‌فرماید و آبی از آسمان فرود می‌آورد تا شما را پاکیزه نموده و پلیدی شیطان را از شما بزداید و دل‌های شما را محکم سازد و پاهای شما را استوار نماید برای هر دردی در سیاه‌دانه درمانی است گوشت گاو درد است و شیرش درمان و روغنش شفا است برای زن باردار بهترین غذا و دوا خرما است. خدای عز و جل بمریم فرمود تنه درخت خرما را بجنبان تا خرما تازه برای تو بیفتد پس بخور و بیاشام و دیده خود را روشن ساز کام فرزندان خود را با خرما بردارید که رسول خدا ﷺ با حسن و حسین این چنین کرد.

چون یکی از شما خواست با همسر خود آمیزش جنسی نماید او را بشتاب بیندازد که زنها را نیازمندی‌هایی است چون یکی از شما زنی را دید که از آن زن خوشش آمد با همسر خود هم بستر شود که مانند همان که دیده در نزد همسر خودش نیز هست و حتما نگذارد شیطان بدلش راه یابد و چشم خود را از آن زن بیگانه بگرداند و اگر همسر ندارد دو رکعت نماز بگذارد و خدا را ستایش فراوان کند و بر پیغمبر و خاندانش درود بفرستد و سپس از فضل خداوندی درخواست کند که خداوند با مهربانی خود چیزی در دسترس او قرار می‌دهد که او را بی‌نیاز سازد. و چون یکی از شما با همسر خود در آمیخت کمتر حرف بزند که حرف زدن در چنین هنگام باعث لال شدن فرزند می‌شود هیچ کس از شما باندرون عضو جنسی همسر خود نگاه نکند که شاید چیزی بیند که خوشش نیاید و باعث کوری فرزند نیز گردد.

چون یکی از شما بخواهد با همسرش آمیزش جنسی نماید بگوید اللهم انی استحللت فرجها بامرک و قبلتها بامانتک فان قضیت لی منها ولدا فاجعله ذکرا سويا و لا تجعل للشیطان فیه نصیبا و لا شریکا (بار الها من بدستور تو عضو جنسی از این زن را بر خود حلال نمودم و بامانت از تو آن را پذیرفتم پس اگر فرزندی از او برای من مقدر فرموده ای آن فرزند را پسری کامل گردان و شیطان را در او بهره ای نباشد و شریک او نگردد حقنه یکی از چهار درمان است (یا در هر یک از چهار مورد باید حقنه نمود).

رسول خدا ﷺ فرمود بهترین دارویی که بآن درمان کرده اید حقنه است و آن شکم را فربه کند و درد را از درون پاک کند و بدن را نیرومند سازد و داروی بینی را از بنفشه تهیه کنید و بر حجامت مواظب باشید چون یکی از شما بخواهد با همسر خود هم بستر شود از آمیزش در اول ماه ها و نیمه های آن خودداری کند که شیطان در این دو هنگام فرزند میجوید و شیاطین در این دو وقت میخواهند که با فرزند شریک شوند پس می- آیند و در بسته شدن نطفه شرکت میجویند.

بروز چهارشنبه از حجامت گرفتن و نوره کشیدن خودداری کنید که روز چهارشنبه روز نحس پایداری است و دوزخ در آن روز آفریده شد و در روز جمعه ساعتی است که هر کس در آن ساعت حجامت کند میمیرد.

آنچه دو هزار سال پیش از آفرینش آسمانها و زمین به در بهشت نوشته شده است

ما کتب علی باب الجنة قبل خلق
السموات و الأرض بألفی عام
۱۱ - حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْفَضْلِ الْيَعْدَادِيُّ
الْمَعْرُوفُ بِأَبِي الْحَسَنِ الْخِطُوطِيُّ قَالَ أَخْبَرَنَا
أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو
جَعْفَرِ بْنِ غَالِبِ بْنِ حَزْبِ الضَّبِّيِّ التَّهَامِيُّ وَ
أَبُو جَعْفَرِ مُحَمَّدُ بْنُ عُثْمَانَ بْنِ أَبِي شَيْبَةَ قَالَا
حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ سَالِمِ بْنِ عُمَرَ وَ الْحُسَيْنُ بْنُ
صَالِحٍ وَ كَانَ يَفْضُلُ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ صَالِحٍ قَالَا
حَدَّثَنَا مِسْعَرٌ عَنْ عَطِيَّةَ عَنْ جَابِرٍ قَالَ قَالَ
رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَكْتُوبٌ عَلَى بَابِ الْجَنَّةِ لَا إِلَهَ إِلَّا
اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ عَلِيُّ أَخُو رَسُولِ اللَّهِ ﷺ قَبْلَ أَنْ
يَخْلُقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ بِأَلْفِي عامٍ

۱۱ - رسول خدا ﷺ فرمود: دو هزار سال
پیش از آنکه خداوند آسمانها و زمین را
بیافریند بدر بهشت نوشته شده است لا اله
الا الله محمد رسول الله علی اخو رسول الله (خدائی
بجز الله نیست و محمد فرستاده خدا است علی
برادر رسول خدا ﷺ است)

نماز چهار هزار باب دارد

الصلاة لها أربعة آلاف باب
۱۲ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ وَ أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ
جَمِيعاً عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى بْنِ عِمْرَانَ
الْأَشْعَرِيِّ قَالَ حَدَّثَنِي الْحُسَيْنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ
آدَمَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ زَكَرِيَّا بْنِ آدَمَ عَنْ
أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَاءِيِّ قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ الصَّلَاةُ
لَهَا أَرْبَعَةٌ أَلْفِ بَابٍ

۱۲ - زکریا بن آدم گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام میفرمود برای نماز چهار هزار باب است.

آنچه هفت هزار سال پیش از آفرینش آدم بر پایه عرش نوشته یافته شد

ما وجد علی ساق العرش مکتوبا قبل خلق آدم بسبعة آلاف سنة

۱۳ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ الْعَطَّارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ رَاشِدِ الْبَرْمَكِيِّ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَهْلِ الْأَسَدِيِّ عَنْ سُهَيْلِ بْنِ غَزْوَانَ الْبَصْرِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ إِنَّ امْرَأَةً مِنَ الْجِنِّ كَانَتْ يُقَالُ لَهَا عَفْرَاءٌ وَكَانَتْ تَأْتِي النَّبِيَّ صلى الله عليه وآله فَتَسْمَعُ مِنْ كَلَامِهِ فَتَأْتِي صَالِحِي الْجِنِّ فَيُسَلِّمُونَ عَلَى يَدَيْهَا وَ إِنَّهَا فَقَدَهَا النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله فَسَأَلَ عَنْهَا جَبْرَائِيلُ عليه السلام فَقَالَ إِنَّهَا زَادَتْ «زَارَتْ أُخْتًا لَهَا تُحِبُّهَا فِي اللَّهِ فَقَالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله طُوبَى لِمُتَحَابِّينَ فِي اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى خَلَقَ فِي الْجَنَّةِ عَمُودًا مِنْ يَاقُوتَةٍ حَمْرَاءَ عَلَيْهِ سَبْعُونَ أَلْفَ قَصْرٍ فِي كُلِّ قَصْرٍ سَبْعُونَ أَلْفَ غُرْفَةٍ خَلَقَهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِمُتَحَابِّينَ وَ الْمُتَزَاوِرِينَ يَا عَفْرَاءُ أَيُّ شَيْءٍ رَأَيْتِ قَالَتْ رَأَيْتُ عَجَائِبَ كَثِيرَةً قَالَ فَأَعْجَبُ مَا رَأَيْتِ قَالَتْ رَأَيْتُ إِبْلِيسَ فِي الْبَحْرِ الْأَخْضَرِ عَلَى صَخْرَةٍ بَيْضَاءَ مَادًّا يَدِيهِ إِلَى السَّمَاءِ وَ هُوَ يَقُولُ إِلَهِي إِذَا بَرَزْتَ قَسَمَكَ وَ أَدْخَلْتَنِي نَارَ جَهَنَّمَ فَاسْأَلْكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيِّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ إِلَّا خَلَّصْتَنِي مِنْهَا وَ حَشَرْتَنِي مَعَهُمْ فَقُلْتُ يَا حَارِثُ مَا هَذِهِ الْأَسْمَاءُ الَّتِي تَدْعُو بِهَا قَالَ لِي رَأَيْتَهَا عَلَى سَاقِ الْعَرْشِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَخْلُقَ اللَّهُ آدَمَ بِسَبْعَةِ آلَافِ سَنَةٍ فَعَلِمْتُ أَنَّهَا أَكْرَمُ الْخَلْقِ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَأَنَا أَسْأَلُهُ بِحَقِّهِمْ فَقَالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله وَ اللَّهُ لَوْ أَقْسَمَ أَهْلُ الْأَرْضِ بِهَذِهِ الْأَسْمَاءِ لَأَجَابَهُمْ

۱۳ - سهیل بن غزوان بصری گوید شنیدم امام صادق میفرمود: زنی از جنیان که عفراتش میگفتند بخدمت پیغمبر میرسید و سخن آن حضرت می‌شنید آنگاه بنزد نیکان جن می‌آمد و آنان بدست او مسلمان میشدند پیغمبر این زن را مدتی ندید از جبرئیل حالش را پرسید جبرئیل عرض کرد: خواهی که او را در راه خدا دوست میدارد بر خواهران دینی‌اش افزوده است پیغمبر فرمود: خوشا بحال آنان که در راه خدا يك دیگر را دوست میدارند همانا خدای تبارک و تعالی ستونی از یاقوت سرخ در بهشت آفریده است که هفتاد هزار کاخ بر آن ستون استوار است و در هر کاخی هفتاد هزار اطاق هست و خداوند این کاخها را ویژه کسانی آفریده است که در راه خدا دوستی میکنند و زیارت يك دیگر میروند ای عفرات چه دیدی؟ عرض کرد شگفتیهای فراوانی دیدم فرمود: از همه شگفت آورتر چه بود؟

عرض کرد: ابلیس را در دریای سبز بر روی سنگ سفیدی دیدم که هر دو دست خود بآسمان بلند کرده بود و میگفت: بار الها اگر بسوگند خود وفادار باشی و مرا بآتش دوزخ اندازی تو را بحق محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین قسم خواهم داد که مرا از آن آتش نجات بخشی و با آنان محشورم گردانی گفتم: ای حارث این نامهایی که خدا را بدانها میخوانی چیست؟ بمن گفت: این نامها را هفت هزار سال پیش از آنکه خداوند آدم را بیافریند بر پایه عرش نوشته دیدم پس دانستم که گرامی‌ترین آفریدگان نزد خداوند آنانند و اکنون از خدا بحق آنان درخواست میکنم پیغمبر فرمود: بخدا قسم اگر همه مردم روی زمین باین نامها قسم بدهند خداوند اجابت میفرماید.

کسی که روایت کرده است که خدای عز و جل را دوازده هزار جهان است

من روی آن لله عز و جل اثنی عشر ألف
عالم

۱۴ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي الْحُسَيْنُ بْنُ عَبْدِ
الصَّمَدِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي عَثْمَانَ قَالَ
حَدَّثَنَا الْعُبَادُ بْنُ عَبْدِ الْخَالِقِ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ
أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ إِنَّ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ اثْنَيْ عَشَرَ
أَلْفَ عَالَمٍ كُلُّ عَالَمٍ مِنْهُمْ أَكْبَرُ مِنْ سَبْعِ
سَمَاوَاتٍ وَ سَبْعِ أَرْضِينَ مَا تَرَى عَالَمٌ مِنْهُمْ أَنْ
لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَالَمًا غَيْرَهُمْ وَ أَنَا الْحُجَّةُ
عَلَيْهِمْ

۱۴ - امام صادق عليه السلام فرمود: برآستی که
خدای را عز و جل دوازده هزار جهان است
که هر جهانی از آنها بزرگتر از هفت
آسمان و هفت زمین است و هیچ جهانی از آن
جهانها نمیداند که خدای را عز و جل بجز
او جهان دیگری هم هست و من بر همه آن
جهانها حجت هستم.

اصحاب پیغمبر دوازده هزار مرد بودند

كان أصحاب رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم اثنی عشر ألف رجل
۱۵ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ زِيَادٍ بْنُ جَعْفَرِ
الْهَمْدَانِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ
إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي
عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام
قَالَ كَانَ أَصْحَابُ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وسلم اثْنَيْ عَشَرَ أَلْفًا
ثَمَانِيَةَ آلَافٍ مِنَ الْمَدِينَةِ وَ أَلْفَانٍ مِنَ مَكَّةَ وَ
أَلْفَانٍ مِنَ الطَّلَقَاءِ وَ لَمْ يُرَ فِيهِمْ قَدَرِيٌّ وَ لَا
مُرْجِيٌّ وَ لَا حَرْوَرِيٌّ وَ لَا مُعْتَزَلِيٌّ وَ لَا صَاحِبُ رَأْيٍ
كَانُوا يَبْكُونَ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ وَ يَقُولُونَ
اقْبِضْ أَرْوَاحَنَا مِنْ قَبْلِ أَنْ نَأْكُلَ خُبْزَ الْخَمِيرِ
۱۵ - امام صادق عليه السلام فرمود: اصحاب رسول
خدا صلى الله عليه وآله وسلم دوازده هزار مرد بودند هشت هزار

از مدینه و دو هزار از مکه و دو هزار از آزادشدگان و در میان همه آنان نه یکنفر جبری مذهب بود و نه مرجئی مذهب و نه حروری مذهب و نه معتزلی مذهب و نه کسی که به رأی و قیاس عمل کند شبانه روز گریه میکردند و (بخدا) عرض میکردند جان ما را بگیر پیش از آنکه نان شب مانده ای بخوریم .

(شرح :)

مقصود این است که این مذاهب باطله همگی پس از رسول خدا ﷺ پیدا شده است و مسلمانانی که در خدمت آن حضرت بودند از این بدعتها برکنار بودند و کارشان تضرع بدرگاه الهی بود و آنقدر در دنیا زاهد بودند که حاضر نبودند اندوخته ای داشته باشند و لو اینکه لقمه نانی از غذای شب باقی مانده باشد.

بیان نوری که پیش از آفرینش آدم در پیشگاه الهی بود

ذکر النور الذی کان بین یدی الله عز و جل قبل خلق آدم

۱۶ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ خَالِدِ الْهَاشِمِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ حَمَّادِ الْبَصْرِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي الْجَارُودِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ كُنْتُ أَنَا وَ عَلِيٌّ نُورًا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ آدَمَ بِأَرْبَعَةِ آلَافِ عَامٍ فَلَمَّا خَلَقَ اللَّهُ آدَمَ سَلَكَ ذَلِكَ النُّورَ فِي صُلْبِهِ فَلَمْ يَزَلِ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ يَنْقُلُهُ مِنْ صُلْبِ إِلَى صُلْبٍ حَتَّى أَقْرَهُ فِي صُلْبِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ ثُمَّ أَخْرَجَهُ مِنْ صُلْبِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ فَقَسَمَهُ قِسْمَيْنِ فَصَيَّرَ قِسْمٌ فِي صُلْبِ عَبْدِ اللَّهِ وَ قِسْمٌ فِي صُلْبِ أَبِي طَالِبٍ فَعَلِيَ مِنِّي وَ أَنَا مِنْ عَلِيٍّ لَحْمُهُ مِنْ لَحْمِي وَ دَمُهُ مِنْ

دَمِي فَمَنْ أَحَبَّنِي فَيَحْبُنِي أَحَبَّهُ وَ مَنْ أَبْغَضَهُ
فَيَبْغُضُنِي أَبْغَضَهُ

۱۶ - رسول خدا ﷺ فرمود: چهار هزار سال پیش از آنکه خداوند آدم را بیافریند من و علی یک نور بودیم در پیشگاه الهی جل جلاله و چون خداوند آدم را آفرید این نور در پشت آدم راه یافت و همواره خدای عز و جل این نور را از پشتی به پشت دیگر منتقل میکرد تا آنکه در پشت عبد المطلب المطلباش جای داد سپس از پشت عبد المطلب بیرونش آورد و بدو بخش تقسیم اش نمود یک بخش در پشت عبد الله و یک بخش در پشت ابی طالب نهاد پس علی از من است و من از علی هستم گوشت او از گوشت من است و خون او از خون من پس هر کس مرا دوست بدارد بدوستی من او را نیز دوست میدارد و هر کس مرا دشمن بدارد بدشمنی من او را نیز دشمن خواهد داشت.

بیان آنچه بیست و دو هزار سال پیش از آفرینش آدم

میان دو شانه محمود فرشته نوشته شده بود ذکر المکتوب بین کتفی محمود الملك قبل خلق آدم باثنین و عشرين ألف عام

۱ - حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ مَسْرُورٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَامِرٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ الْبَصْرِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ الْبَرْزَنْطِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ عليه السلام يَقُولُ بَيْنَمَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ جَالِسٌ إِذْ دَخَلَ عَلَيْهِ مَلَكٌ لَهُ أَرْبَعَةٌ وَعِشْرُونَ وَجْهًا فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ حَيِّي بِجَبْرَائِيلَ لَمْ أَرَكَ فِي مِثْلِ هَذِهِ الصُّورَةِ فَقَالَ الْمَلَكُ لَسْتُ بِجَبْرَائِيلَ أَنَا مَحْمُودٌ بَعَثَنِي اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ أَرْوِّجَ النُّورَ مِنَ النُّورِ قَالَ مَنْ مِنْ مَنْ قَالَ فَاطِمَةُ عليها السلام مِنْ عَلِيٍّ فَلَمَّا وَلَّى

الْمَلِكُ إِذَا بَيْنَ كَتَفَيْهِ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ عَلَيَّ
 وَصِيَّهُ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مُنْذُ كَمْ هَذَا بَيْنَ
 كَتَفَيْكَ فَقَالَ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَخْلُقَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ
 آدَمَ بِأَثْنَيْنِ وَ عَشْرِينَ أَلْفَ عَامٍ

۱۷ - علی بن جعفر گوید: شنیدم از موسی بن جعفر علیه السلام که میفرمود در آن میان که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نشسته بود فرشته ای که بیست و چهار رخ داشت بخدمتش رسید رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم باو فرمود: دوست من جبرئیل، تو را بچنین صورتی ندیده بودم فرشته عرض کرد: من جبرئیل نیستم من محمودم و خدای عز و جل مرا برای آنکه نوری را بنوری همسر قرار دهم برانگیخت فرمود: کدام نور با کدام؟ عرض کرد فاطمه را بعلی و همین که آن فرشته برگشت حضرت متوجه شد که میان دو شانه او نوشته شده است محمد فرستاده خدا است و علی جانشین او است پس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: از چه زمانی این نوشته میان دو شانه تو است؟ عرض کرد بیست و دو هزار سال پیش از آنکه خدای عز و جل آدم را بیافریند.

خدای عز و جل یک صد و بیست و چهار هزار پیغمبر آفرید و

خدای عز و جل یک صد و بیست و چهار هزار وصی آفرید خلق الله عز و جل مائة ألف نبی و أربعة و عشرين ألف نبی و خلق الله عز و جل مائة ألف وصی و أربعة و عشرين ألف وصی

۱۸ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ الْبَغْدَادِيُّ
 الْوَرَّاقُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ مَوْلَى
 الرَّشِيدِ قَالَ حَدَّثَنَا دَارِمُ بْنُ قَبِيصَةَ بْنُ نَهْشَلِ
 بْنِ مُجَمِّعِ السَّائِحِ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُوسَى
 الرَّضَا قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ عَنْ
 أَبِيهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ

عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ
 بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي
 طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ خَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ
 مِائَةَ أَلْفِ نَبِيٍِّّ وَ أَرْبَعَةَ وَ عَشْرِينَ أَلْفَ نَبِيٍِّّ
 أَنَا أَكْرَمُهُمْ عَلَى اللَّهِ وَ لَا فَخْرَ وَ خَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَ
 جَلَّ مِائَةَ أَلْفِ وَصِيٍّ وَ أَرْبَعَةَ وَ عَشْرِينَ أَلْفَ
 وَصِيٍّ فَعَلِيَ أَكْرَمُهُمْ عَلَى اللَّهِ وَ أَفْضَلُهُمْ

۱۸ - رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود خدای عز و جل
 يك صد و بيست و چهار هزار پيغمبر آفرید
 كه من نزد خداوند از همه آنان گرامیترم
 و این سخن نه از روی مباحثات میگویم و
 خداوند عز و جل يك صد و بیست و چهار
 هزار جانشین برای پیغمبران آفرید و علی
عَلَيْهِ السَّلَامُ از همه آنان نزد خداوند گرامیتر و با
 فضیلتتر است. و ترجمه روایت ۱۹ هم چنین
 است

۱۹ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ الْبَغْدَادِيُّ قَالَ
 حَدَّثَنِي عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمَانَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ
 بْنِ الْحَسَنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنِ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ
 عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَمِيرِ
 الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ
 قَالَ خَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِائَةَ أَلْفِ نَبِيٍِّّ وَ أَرْبَعَةَ
 وَ عَشْرِينَ أَلْفَ نَبِيٍِّّ وَ أَنَا أَكْرَمُهُمْ عَلَى اللَّهِ وَ لَا
 فَخْرَ وَ خَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِائَةَ أَلْفِ وَصِيٍّ وَ
 أَرْبَعَةَ وَ عَشْرِينَ أَلْفَ وَصِيٍّ فَعَلِيَ أَكْرَمُهُمْ عَلَى
 اللَّهِ وَ أَفْضَلُهُمْ

خدای تعالی یک صد و بیست و چهار هزار کلمه با موسی

مناجات کرد ناجی الله تعالی موسی عليه السلام بمائة
ألف كلمة و أربعة و عشرين ألف كلمة
٢٠ - حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ
عَلِيِّ بْنِ أَسَدِ الْأَسَدِيِّ الْمَعْرُوفُ بِإِبْنِ جَرَادَةَ
الْبَزْدَعِيِّ بِالرِّيِّ فِي رَجَبِ سَنَةِ سَبْعٍ وَ أَرْبَعِينَ
وَ ثَلَاثِمِائَةٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ
الْحَسَنِ الْعَامِرِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا هَارُونُ بْنُ سَعِيدِ
الْأَيْلِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ وَهْبٍ قَالَ حَدَّثَنَا
أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ جُوَيْرٍ عَنِ الضَّحَّاكِ عَنِ ابْنِ
عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ
نَجَى مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عليه السلام بِمِائَةِ أَلْفِ كَلِمَةٍ وَ
أَرْبَعَةٍ وَ عَشْرِينَ أَلْفَ كَلِمَةٍ فِي ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ وَ
لِيَالِيَهُنَّ مَا طَعِمَ فِيهَا مُوسَى وَ لَا شَرِبَ فِيهَا
فَلَمَّا انْصَرَفَ إِلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ وَ سَمِعَ كَلَامَهُمْ
مَقْتَهُمْ لِمَا كَانَ وَقَعَ فِي مَسَامِعِهِ مِنْ حَلَاوَةِ
كَلَامِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ

٢٠ - رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: همانا خدای
عز و جل با موسی بن عمران در سه روز و
سه شب یک صد و بیست و چهار هزار کلمه
مناجات کرد که در تمام این مدت موسی نه
غذائی خورد و نه چیزی آشامید و چون بسوی
بنی اسرائیل بازگشت و سخن گفتن آنان را
شنید بدش می آمد که هنوز شیرینی کلام خدای
عز و جل در گوش جان او بود.

رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به علی عليه السلام هزار باب آموخت

که از هر بابی هزار باب گشوده می شد
علم رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ علیا عليه السلام ألف باب يفتح كل
باب ألف باب
٢١ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ
عِيْسَى وَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ

خَالِدِ الْبَرْقِيِّ عَنِ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ سَيْفِ بْنِ
 عَمِيرَةَ عَنْ أَبِي بَكْرٍ الْخَضْرَمِيِّ عَنْ مَوْلَاهُ حَمَزَةَ
 بْنِ رَافِعٍ عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ زَوْجَةَ
 النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَتْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فِي
 مَرَضِهِ الَّذِي تُوفِّي فِيهِ ادْعُوا لِي خَلِيلِي
 فَأَرْسَلْتُ عَائِشَةَ إِلَى أَبِيهَا فَلَمَّا جَاءَ غَطَى
 رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَجْهَهُ وَقَالَ ادْعُوا لِي خَلِيلِي
 فَرَجَعَ أَبُو بَكْرٍ وَبَعَثْتُ حَفْصَةَ إِلَى أَبِيهَا
 فَلَمَّا جَاءَ غَطَى رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَجْهَهُ وَقَالَ
 ادْعُوا لِي خَلِيلِي فَرَجَعَ عُمَرُ وَارْسَلْتُ
 فَاطِمَةَ ؑ إِلَى عَلِيٍّ فَلَمَّا جَاءَ قَامَ رَسُولُ اللَّهِ
 فَدَخَلَ ثُمَّ جَلَسَ عَلَيًّا بِتَوْبِهِ قَالَ عَلِيُّ ؑ
 فَحَدَّثَنِي بِأَلْفِ حَدِيثٍ يَفْتَحُ كُلَّ حَدِيثٍ أَلْفَ حَدِيثٍ
 حَتَّى عَرِقْتُ وَعَرِقَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فَسَأَلَ عَلِيٌّ عَرَقَهُ
 وَ سَأَلَ عَلَيْهِ عَرَقِي

۲۱ - ام سلمه همسر رسول خدا ﷺ گوید:
 رسول خدا ﷺ در همان بیماری اش که جان
 سپرد فرمود دوست مرا نزد من بخوانید پس
 عایشه کس بنزد پدرش فرستاد و چون ابو
 بکر آمد رسول خدا ﷺ روی خود را
 پوشانید و فرمود دوست مرا نزد من
 بخوانید پس ابو بکر بازگشت و حفصه کس
 بنزد پدرش فرستاد و چون پدرش آمد رسول
 خدا ﷺ روی خود را پوشانید و فرمود
 دوست مرا نزد من بخوانید پس عمر بازگشت
 و فاطمه کس بنزد علی فرستاد چون علی
 ؑ تشریف آورد رسول خدا ﷺ با احترام از
 جا برخاست و علی ؑ داخل شد و سپس رسول
 خدا ﷺ را بزیر جامه خود کشید علی
 ؑ فرماید: رسول خدا ﷺ هزار حدیث بمن
 فرمود که هر حدیثی هزار حدیث دیگر را
 میگشود تا آنکه عرق بر من و رسول خدا
 ﷺ بنشست و عرق آن حضرت برخسار من روان
 شد و عرق من برخسار آن حضرت جاری گشت.

۲۲ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
 سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَيْسَى بْنِ

عَبِيدٌ وَ إِبْرَاهِيمُ بْنُ إِسْحَاقَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنِ
عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادِ الْأَنْصَارِيِّ عَنِ صَبَّاحِ الْمُزْنِيِّ
عَنِ الْحَارِثِ بْنِ حَصِيرَةَ عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ
عَنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ إِنَّ
رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَّمَنِي أَلْفَ بَابٍ مِنَ الْحَلَالِ وَالْ
الْحَرَامِ وَمِمَّا كَانَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ كُلُّ
بَابٍ مِنْهَا يَفْتَحُ أَلْفَ بَابٍ فَذَلِكَ أَلْفُ أَلْفِ بَابٍ
حَتَّى عَلِمْتُ عِلْمَ الْمَنَائِيَا وَالْبَلَايَا وَ فَصَّلَ
الْخَطَابِ

۲۲ - اصبغ بن نباته گوید: از امیر
المؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ شنیدم که میفرمود: همانا
رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هزار باب بمن از حلال و
حرام و آنچه شده است تا روز قیامت
بیاموخت که از هر بابش هزار باب گشوده
میشد (این هزار هزار باب) تا آن پایه که
دانش سررسید مرگها و بلاها و مطالب حق را
فرا گرفتم.

۲۳ - حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُوسَى رَضِيَ اللَّهُ
عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ الْهَسَنَجَانِيُّ
قَالَ حَدَّثَنَا سَعِيدُ بْنُ كَثِيرٍ بْنُ عُفَيْرٍ قَالَ
حَدَّثَنِي ابْنُ لَهَيْعَةَ وَ رَشْدِينَ بْنُ سَعْدٍ عَنْ حَرِيْزِ
بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْحَبَلِيِّ عَنْ
عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ «وَ» قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي
مَرَضِهِ الَّذِي تُوُفِّيَ فِيهِ اذْعُوا لِي أَخِي
فَارْسَلُوا إِلَيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَدَخَلَ فَوَلَّيَا وَجُوهَهُمَا
إِلَى الْحَائِطِ وَ رَدَّا عَلَيْهِمَا ثُوبًا فَأَسْرَ إِلَيْهِ
وَ النَّاسُ مُحْتَوِشُونَ وَرَاءَ الْبَابِ فَخَرَجَ عَلَيْهِ السَّلَامُ

فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ مِنَ النَّاسِ أَسْرَ إِلَيْكَ نَبِيُّ اللَّهِ
شَيْئًا قَالَ نَعَمْ أَسْرَ إِلَيَّ أَلْفَ بَابٍ فِي كُلِّ بَابٍ
أَلْفُ بَابٍ قَالَ وَعَيْتُهُ قَالَ نَعَمْ وَ عَقَلْتُهُ قَالَ
فَمَا السَّوَادُ الَّذِي فِي الْقَمَرِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ
جَلَّ قَالَ وَ جَعَلْنَا اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ آيَتَيْنِ
فَمَحَوْنَا آيَةَ اللَّيْلِ وَ جَعَلْنَا آيَةَ النَّهَارِ
مُبْصِرَةً قَالَ لَهُ الرَّجُلُ عَقَلْتَ يَا عَلِيُّ

۲۳ - عبد الله بن عمر گوید: رسول خدا
در همان بیماری که از دنیا رحلت کرد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

فرمود برادر مرا نزد من بخوانید کس نزد علی عَلَيْهِ السَّلَامُ فرستادند و آن حضرت تشریف آورد رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و علی هر دو صورتهای خود را بطرف دیوار نمودند و جامه ای برخسار خویش کشیدند رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ صحبتی محرمانه با علی کرد و مردم پشت در گرد هم ایستاده بودند پس علی عَلَيْهِ السَّلَامُ بیرون آمد از مردمان مردی بآن حضرت عرض کرد پیغمبر خدا صحبتی محرمانه با تو داشت؟ فرمود: آری هزار باب مرا محرمانه فرمود که هر باب هزار باب بود عرض کرد، همه را یاد گرفتی؟ فرمود: آری و کاملاً درک کردم عرض کرد: آن سیاهی که در ماه پیدا است چیست؟ فرمود خدای عز و جل فرموده است: ما شب و روز را دو نشانه قدرت قرار دادیم و نشانه شب را محو و تاریک نموده و نشانه روز را روشنی بخش گردانیدیم آن مرد عرض کرد ای علی خوب درک کرده ای.

(شرح:)

بعضی گفته اند که مقصود از سیاهی که در ماه مورد پرسش شده است زوال او است در نیمه آخر ماه تا اوقات قران ولی این احتمال بر خلاف ظاهر است و تطبیق آیه بر مورد سؤال مشکل است و با توجه باینکه بقیه روایات باب این ذیل را ندارد رفع اشکال آسان مینماید.

۲۴ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّقَّارُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانٍ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ الرَّجُلُ يُغْمَى عَلَيْهِ الْيَوْمَ وَالْيَوْمَيْنِ وَالثَّلَاثَةَ وَالْأَرْبَعَةَ وَ أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ كَمْ يَقْضَى مِنْ صَلَاتِهِ فَقَالَ أَلَا أَخْبِيرُكَ بِمَا يَجْمَعُ لَكَ هَذَا وَ أَشْبَاهَهُ كُلُّ مَا غَلَبَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَيْهِ مِنْ أَمْرِ وَ اللَّهُ أَعْدَرُ لِعَبْدِهِ وَ زَادَ فِيهِ غَيْرُهُ أَنْ أَبَا

عَبْدُ اللَّهِ قَالَ وَ هَذَا مِنَ الْأَبْوَابِ الَّتِي يَفْتَحُ كُلُّ
بَابٍ مِنْهَا أَلْفَ بَابٍ

۲۴ - موسی بن بکر گوید: بامام صادق علیه السلام عرض کردم: مردی که يك روز یا دو روز و سه روز و چهار روز و بیشتر غش میکند چقدر از نمازش را باید قضا نماید؟ فرمود: میخواهی چیزی بگویم که جواب این سؤال تو را و هر چه مانند آن است در برداشته باشد؟: هر چیزی که خداوند عز و جل در آن مورد بنده اش را ناچار فرموده است خداوند عذر بنده اش را بهتر می پذیرد و دیگری بیشتر از این روایت کرده است که امام صادق علیه السلام فرمود: و این از بابهای است که هر بابی از آن هزار باب باز میکند.

۲۵ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ الْبَرْزَنْطِيِّ عَنْ عُمَرَ بْنِ أَدِينَةَ عَنْ بُكَيْرِ بْنِ أَعِينٍ عَنْ سَالِمِ بْنِ أَبِي حَفْصَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام يَقُولُ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله عَلَّمَ عَلِيًّا علیه السلام أَلْفَ بَابٍ يَفْتَحُ كُلُّ بَابٍ أَلْفَ بَابٍ فَانْطَلَقَ أَصْحَابُنَا فَسَأَلُوا أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام عَنْ ذَلِكَ فَإِذَا سَالِمٌ قَدْ صَدَقَ قَالَ بُكَيْرٌ وَ حَدَّثَنِي مَنْ سَمِعَ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام يُحَدِّثُ بِهَذَا الْحَدِيثِ ثُمَّ قَالَ وَ لَمْ يَخْرُجْ إِلَيَّ النَّاسُ مِنْ تِلْكَ الْأَبْوَابِ غَيْرُ بَابٍ أَوْ اثْنَيْنِ وَ أَكْثَرَ عِلْمِي أَنَّهُ قَالَ بَابٌ وَاحِدٌ

۲۵ - بکیر بن ایمن گوید سالم بن ابی حفصه گفت: شنیدم امام باقر علیه السلام میفرمود: همانا رسول خدا صلی الله علیه و آله بعلی هزار باب پیاموخت که هر بابی هزار باب میگشود بگیر گوید اصحاب ما که این شنیدند رفتند و از امام باقر این موضوع را پرسیدند دیدند سالم راست گفته است و راوی گوید کسی که این حدیث را از امام باقر شنیده بود برای من حدیث کرد و سپس گفت از آن

بابها بجز يك باب و يا دو باب بدست مردم نرسیده است و

آنچه بیشتر یادم است گفت يك باب.
 ۲۶ - حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ مَسْرُورٍ رَضِيَ
 اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ عَامِرٍ
 عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ الْبَصْرِيِّ عَنْ بَسْطَامِ بْنِ مُرَّةَ
 عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ حَسَّانَ عَنِ الْهَيْثَمِ بْنِ وَاقِدٍ عَنْ
 عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ الْعَبْدِيِّ عَنْ سَعْدِ بْنِ طَرِيفٍ عَنِ
 الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ قَالَ أَمَرْنَا أَمِيرَ
 الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالْمَسِيرِ إِلَى الْمَدَائِنِ مِنَ
 الْكُوفَةِ فَسَرْنَا يَوْمَ الْأَحَدِ وَتَخَلَّفَ عَمْرُو بْنُ
 حُرَيْثٍ فِي سَبْعَةِ نَفَرٍ فَخَرَجُوا إِلَى مَكَانٍ
 بِالْحَيْرَةِ يُسَمَّى الْخَوَزَنْقَ فَقَالُوا نَتَنَزَّهُ فَإِذَا
 كَانَ يَوْمَ الْأَرْبَعَاءِ خَرَجْنَا فَلَحْنَا عَلَيْهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

قَبْلَ أَنْ يُجْمَعَ فَبَيْنَمَا هُمْ يَتَغَدُّونَ إِذْ خَرَجَ
 عَلَيْهِمْ ضُبٌّ فَصَادُوهُ فَأَخَذَهُ عَمْرُو بْنُ حُرَيْثٍ
 فَنَضَبَ كَفَّهُ وَقَالَ بَايَعُوا هَذَا أَمِيرَ
 الْمُؤْمِنِينَ فَبَايَعَهُ السَّبْعَةُ وَعَمَرُوا ثَامِنُهُمْ وَ
 ارْتَحَلُوا لَيْلَةَ الْأَرْبَعَاءِ فَقَدِمُوا الْمَدَائِنَ
 يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَخْطُبُ وَ لَمْ
 يُفَارِقْ بَعْضُهُمْ بَعْضًا وَ كَانُوا جَمِيعًا حَتَّى
 نَزَلُوا عَلَى بَابِ الْمَسْجِدِ فَلَمَّا دَخَلُوا نَظَرَ
 إِلَيْهِمْ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ يَا أَيُّهَا
 النَّاسُ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أَسَرَ إِلَيَّ أَلْفَ حَدِيثٍ فِي
 كُلِّ حَدِيثٍ أَلْفُ بَابٍ لِكُلِّ بَابٍ أَلْفُ مِفْتَاحٍ وَ
 إِنِّي سَمِعْتُ اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ يَقُولُ يَوْمَ نَدْعُوا كَلَّ
 أَنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ وَ إِنِّي أَقْسِمُ لَكُمْ بِاللَّهِ لَيُبْعَثَنَّ
 يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثَمَانِيَةَ نَفَرٍ يُدْعَوْنَ بِإِمَامِهِمْ وَ
 هُوَ ضُبٌّ وَ لَوْ شِئْتُ أَنْ أَسْمِيَهُمْ لَفَعَلْتُ قَالَ
 فَلَقَدْ رَأَيْتُ عَمْرُو بْنَ حُرَيْثٍ قَدْ سَقَطَ كَمَا تَسْقُطُ
 السَّعْفَةُ حَيَاءً وَ لَوْمًا

۲۶ - اصبغ بن نباته گوید: امیر
 المؤمنین بما دستور فرمود: تا از کوفه
 بمدائن برویم ما روز يك شنبه حرکت کردیم
 و عمرو بن حریش با هفت نفر با ما
 نیامدند و بجائی در حیره که نامش خوزنق

بود رفتند و گفتند در اینجا گردشی میکنیم و چون روز چهارشنبه فرا رسید کوچ میکنیم و پیش از آنکه علی علیه السلام نماز جمعه بخواند بعلی می‌پیوندیم در آن میان که آنان غذا می‌خوردند ناگاه سوسماری پیدا شد آن را شکار کردند عمرو بن حریث دست خود را پیش آورد و گفت باین سوسمار بیعت کنید که امیر المؤمنین همین است آن هفت نفر بیعت کردند و عمرو هشتمین نفر بود که بیعت نمود و شب چهارشنبه حرکت کردند و روز جمعه بمدائن رسیدند و امیر المؤمنین بخطبه نماز مشغول بود همگی آنان دسته جمعی بدر مسجد رسیدند و چون از در وارد شدند امیر المؤمنین نگاهی بآنان کرد و فرمود:

ای مردم همانا رسول خدا صلی الله علیه و آله هزار حدیث بطور محرمانه بمن فرمود که هر حدیثی هزار باب بود و برای بابی هزار کلید و من شنیدم که خداوند جل جلاله میفرماید: روزی که هر مردمی را که با پیشوایانشان میخوانیم (بنی اسرائیل: ۷۱).

و من برای شما بخدا سوگند یاد میکنم که بطور مسلم روز قیامت هشت نفر با پیشوایشان که سوسماری است بمحشر می‌آیند و اگر بخواهم نام آنان را بگویم میگویم راوی گوید: دیدم که عمرو بن حریث همچون شاخه درخت خرما از شرم و ملامت سر بزیر افکند

۲۷ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى بْنِ عُبَيْدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ حَمَزَةَ الْعَدَوِيِّ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ إِنْ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله عَلَّمَ عَلِيًّا عليه السلام بَاباً يَفْتَحُ أَلْفَ بَابٍ وَ يَفْتَحُ كُلُّ بَابٍ أَلْفَ بَابٍ

۲۷- امام باقر علیه السلام فرمود: همانا که رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام بابی بیاموخت که

هزار باب میگشود و هر بابی هزار باب
میگشود.

۲۸ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ
عَيْسَى وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنُ عَامِرِ بْنِ سَعْدِ عَنْ عَبْدِ
الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى
عَنْ بَشِيرِ الدَّهَّانِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ لَمَّا
مَرِضَ رَسُولُ اللَّهِ صلی اللہ علیہ وسلم مَرَضَهُ الَّذِي تُوْفِّي فِيهِ بَعَثَ
إِلَيَّ عَلِيُّ عليه السلام فَلَمَّا جَاءَ أَكَبَّ عَلَيَّ فَلَمْ يَزَلْ
يُحَدِّثُهُ وَ يُحَدِّثُهُ فَلَمَّا خَرَجَ لِقِيَاهُ وَ قَالَ لَهُ
بِمَا حَدَّثَكَ صَاحِبُكَ فَقَالَ حَدَّثَنِي بِبَابٍ يَفْتَحُ
أَلْفَ بَابٍ كُلِّ بَابٍ مِنْهَا يَفْتَحُ أَلْفَ بَابٍ

۲۸ - امام صادق عليه السلام فرمود: چون رسول
خدا صلی اللہ علیہ وسلم بیمار شد همان بیماری که در آن
رحلت فرمود کس بنزد علی عليه السلام فرستاد چون
علی عليه السلام آمد خود را بر روی پیغمبر
انداخت و مدتی این با او سخن میگفت و او
با این و چون بیرون شد آن دو نفر علی را
ملاقات کردند و باو گفتند رفیقت بتو چه
گفت؟ فرمود: بابی را بیان کرد که هزار
باب میگشود و هر باب آن هزار باب
میگشود.

۲۹ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا
سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي أَحْمَدُ وَ عَبْدِ اللَّهِ
ابْنَا مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَخْبُوبٍ عَنْ
هَاشِمِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي حَمْرَةَ التَّمَالِيِّ عَنْ
أَبِي إِسْحَاقَ السَّيِّعِيِّ قَالَ سَمِعْتُ بَعْضَ أَصْحَابِ
أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام مِمَّنْ يَثِقُ بِهِ قَالَ سَمِعْتُ
عَلِيًّا عليه السلام يَقُولُ إِنَّ فِي صَدْرِي هَذَا لَعِلْمًا جَمًّا
عَلَّمَنِيهِ رَسُولُ اللَّهِ صلی اللہ علیہ وسلم لَوْ أَجِدُ لَهُ حَفْظَةً يَرْعَوْنَهُ
حَقَّ رِعَايَتِهِ وَ يَرُؤُونَهُ كَمَا يَسْمَعُونَهُ مِثِّي إِذَا
لَاؤَدَعْتُهُمْ بَعْضَهُ فَعَلِمَ بِهِ كَثِيرًا مِنَ الْعِلْمِ إِنَّ
الْعِلْمَ مِفْتَاحُ كُلِّ بَابٍ وَ كُلُّ بَابٍ يَفْتَحُ أَلْفَ
بَابٍ

۲۹ - ابی اسحاق سبیعی گوید: از اصحاب
امیر المؤمنین که مورد اعتماد بود شنیدم

که گفت شنیدم علی علیه السلام میفرمود در این سینه من دانش انباشته ای هست که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آن را بمن آموخته است و اگر کسانی را می‌یافتم که حافظ آن باشند و چنانچه شاید آن را رعایت میکردند و بهمان نحو که از من میشوند باز گو میکردند برخی از آن دانش را بدست آنان می‌سپردم تا بسیاری از دانش با همان دانسته میشد همانا دانش کلید هر بابی است و هر بابی هزار باب میگشاید.

۳۰ - حَدَّثَنَا أَبِي وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَا حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ

عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَيْسَى بْنُ عُبَيْدٍ وَ إِبرَاهِيمُ بْنُ إِسْحَاقَ بْنِ إِبرَاهِيمَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَادِ الْأَنْصَارِيِّ عَنْ صَبَّاحِ الْمُزَنِيِّ عَنْ حَارِثِ بْنِ حَصِيرَةَ عَنْ الْأَصْبَغِ بْنِ نَبَاتَةَ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم عَلَّمَنِي أَلْفَ بَابٍ مِنَ الْحَلَالِ وَ الْحَرَامِ وَ مِمَّا كَانَ وَ مِمَّا يَكُونُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ كُلِّ بَابٍ مِنْهَا يَفْتَحُ أَلْفَ بَابٍ فَذَلِكَ أَلْفُ أَلْفِ بَابٍ حَتَّى عَلِمْتُ عِلْمَ الْمَنَائِيَا وَ الْبَلَايَا وَ فَضْلَ الْخَطَابِ

۳۰ - اصبح بن نباته گوید: شنیدم امیر المؤمنین علیه السلام میفرمود: همانا رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هزار باب از حلال و حرام و آنچه شده است و از آنچه تا روز قیامت خواهد شد بمن آموخت که از هر بابی از آن هزار باب گشوده میشد این هزار هزار باب شد تا آنجا که دانش سر رسید مرگها و بلاها و مطالب حق را فرا گرفتم.

(شرح:)

عین این روایت با همین سند در شماره ۲۲ - گفته شد با تفاوت در يك كلمه: از آنچه خواهد شد.

۳۱ - حَدَّثَنَا أَبِي وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ وَ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ

قَالُوا حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحَجَّالِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْحُسَيْنِ اللَّؤْلُؤِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ جَابِرٍ عَنِ عَبْدِ الْكَرِيمِ بْنِ عَمْرٍو عَنْ عَبْدِ الْحَمِيدِ بْنِ أَبِي الدَّيْلَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ أَوْصَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِلَى عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِأَلْفِ بَابٍ كُلِّ بَابٍ يَفْتَحُ أَلْفَ بَابٍ

۳۱ - امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به علی هزار باب وصیت فرمود که هر بابی هزار باب میگشود.

۳۲ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشِيرِ الْبَجَلِيِّ عَنْ أَبِي يَحْيَى مَعْمَرِ الْقَطَّانِ عَنْ بَشِيرِ الدَّهَّانِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي مَرَضِهِ الَّذِي تُوْفِّي فِيهِ اذْعُوا لِي خَلِيلِي فَأَرْسَلْنَا إِلَى أَبِيوَيْهَمَا فَلَمَّا نَظَرَ إِلَيْهِمَا أَغْرَضَ عَنْهُمَا بِوَجْهِهِ وَقَالَ اذْعُوا إِلَيَّ خَلِيلِي فَأَرْسَلَ إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَلَمَّا نَظَرَ إِلَيْهِ أَكَبَّ عَلَيْهِ يُحَدِّثُهُ فَلَمَّا خَرَجَ لَقِيَاهُ وَقَالَا مَا حَدَّثَكَ خَلِيلُكَ قَالَ حَدَّثَنِي أَلْفَ بَابٍ كُلِّ بَابٍ يَفْتَحُ أَلْفَ بَابٍ

۳۲ - امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در همان بیماری که از دنیا رفت فرمود دوست مرا برای من بخوانید آن دو زن (عایشه و حفصه) کس بنزد پدرانشان فرستادند چون چشم حضرت بآنان افتاد روی از آنان بگردانید و فرمود دوست مرا برای من بخوانید کس بنزد علی بن ابی طالب فرستاده شد و چون حضرت او را دید خود را بر روی او افکند و بسخن گفتن پرداخت و چون بیرون آمد آن دو نفر (ابو بکر و عمر) حضرت را ملاقات کردند و گفتند دوستت بتو چه گفت؟ فرمود: هزار باب مرا حدیث کرد که از هر بابی هزار باب میگشود.

۳۳ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوِيهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ يَحْيَى بْنِ عِمْرَانَ الْهَمْدَانِيِّ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَلَّغْنَا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَّمَ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ أَلْفَ بَابٍ يَفْتَحُ كُلُّ بَابٍ أَلْفَ بَابٍ قَالَ نَعَمْ فَقَالَ لِي بَلْ عَلَّمَهُ بَابًا وَاحِدًا فَتَحَ ذَلِكَ الْبَابُ أَلْفَ بَابٍ فَتَحَ كُلُّ بَابٍ أَلْفَ بَابٍ

۳۳ - عمر بن یزید گوید: بامام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ عرض کردم: بما چنین رسیده است که رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بعلی هزار باب بیاموخت که هر بابی هزار باب میگشود؟ فرمود: آری (پس فرمود بلکه یک باب باو بیاموخت که آن یک باب هزار باب گشود و هر بابی هزار باب).

۳۴ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ وَ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ أَبِي حَمْرَةَ الثَّمَالِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَّمَنِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَلْفَ بَابٍ يَفْتَحُ أَلْفَ بَابٍ

۳۴ - امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: علی عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مرا هزار باب بیاموخت که هزار باب میگشود.

۳۵ - حَدَّثَنَا أَبِي وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ وَ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ قَالُوا حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ فَضَالٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ فَضَالٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَقُولُ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَّمَ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ بَابًا يَفْتَحُ لَهُ أَلْفَ بَابٍ كُلُّ بَابٍ يَفْتَحُ لَهُ أَلْفَ بَابٍ

۳۵ - عبد الرحمن بن ابی عبد الله گوید: شنیدم امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ میفرمود: همانا

رسول خدا ﷺ به علی بابی پیاموخت که هزار باب میگشود و هر باب برای او هزار باب میگشود.

۳۶ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ الْحَجَّالِ عَنْ ثَعْلَبَةَ بْنِ مَيْمُونٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ هِلَالٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ عَلَّمَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَلِيًّا ﷺ بَاباً يَفْتَحُ أَلْفَ بَابٍ كُلُّ بَابٍ يَفْتَحُ أَلْفَ بَابٍ

۳۶ - امام صادق فرمود: رسول خدا ﷺ بعلی بابی پیاموخت که هزار باب میگشود و هر باب هزار باب میگشود.

۳۷ - حَدَّثَنَا أَبِي وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَا حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِيهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عُمَرَ الْخَلِيِّ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ فَقُلْتُ لَهُ إِنَّ الشَّيْعَةَ يَتَحَدَّثُونَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ عَلَّمَ عَلِيًّا ﷺ بَاباً يَفْتَحُ مِنْهُ أَلْفَ بَابٍ كُلُّ بَابٍ يَفْتَحُ أَلْفَ بَابٍ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ وَاللَّهِ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَلَّمَ عَلِيًّا ﷺ أَلْفَ بَابٍ يَفْتَحُ كُلُّ بَابٍ أَلْفَ بَابٍ فَقُلْتُ لَهُ وَاللَّهِ هَذَا لَعَلَّمُ قَالَ إِنَّهُ لَعَلَّمُ وَ لَيْسَ لِأَحَدٍ وَ لَيْسَ بِذَلِكَ

۳۷ - ابی بصیر گوید: بخدمت امام صادق ﷺ رسیدم و عرض کردم: جماعت شیعه حدیث میکنند که رسول خدا ﷺ علی را بابی پیاموخت که از آن یک باب هزار باب میگشود و هر بابی هزار باب میگشود پس امام صادق ﷺ فرمود.

ای ابا محمد بخدا قسم که رسول خدا ﷺ بعلی هزار باب پیاموخت که هر بابی هزار باب میگشود بحضرت عرض کردم بخدا که دانش (بمعنای واقعی) همین است فرمود: دانش این است و کسی را چنین علمی نیست و (دانش ما) فقط این نیست.

۳۸ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَ مُحَمَّدُ بْنُ
 الْحَسَنِ وَ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارُ
 رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ قَالُوا حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ
 سِنْدِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ الْبَزَّازِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى
 قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ بَشِيرٍ عَنْ أَبِيهِ بِشِيرِ
 الدَّهَّانِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ
 اللَّهِ صلى الله عليه وآله فِي مَرَضِهِ الَّذِي تُوْفِّي فِيهِ اذْعُوا لِي
 خَلِيلِي فَأَرْسَلْنَا إِلَى أَبَوَيْهِمَا فَلَمَّا رَأَهُمَا
 أَعْرَضَ بِيُوجْهِهِ عَنْهُمَا ثُمَّ قَالَ اذْعُوا لِي خَلِيلِي
 فَأَرْسَلْنَا إِلَى عَلِيِّ عليه السلام فَلَمَّا جَاءَ أَكْبَبَ عَلَيْهِ
 فَلَمْ يَزَلْ يُحَدِّثُهُ وَ يُحَدِّثُهُ فَلَمَّا خَرَجَ لِقِيَاهُ
 فَقَالَ لَهُ مَا حَدَّثَكَ قَالَ حَدَّثَنِي بِبَابٍ يَفْتَحُ
 أَلْفَ بَابٍ كُلُّ بَابٍ يَفْتَحُ أَلْفَ بَابٍ

۳۸ - امام صادق عليه السلام فرمود: رسول خدا
صلى الله عليه وآله در همان بیماری که در آن از دنیا
 رحلت کرد فرمود: دوست مرا برای من
 بخوانید آن دو زن (عایشه و حفصه) کس
 بنزد پدرانشان فرستادند چون پیغمبر آنان
 را دید روی از آنان برگردانید سپس نزد
 علی فرستادند چون علی تشریف آورد خود را
 بروی پیغمبر انداخت و پیوسته با او حدیث
 میکرد و او با علی حدیث میکرد و چون
 بیرون شد آن دو نفر (ابو بکر و عمر) علی
 را ملاقات کردند و گفتندش: چه گفت؟
 فرمود: بابی را بمن حدیث کرد که هزار
 باب میگشود و هر باب هزار باب میگشود.

۳۹ - حَدَّثَنَا أَبِي وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ وَ
 أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ
 قَالُوا حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ
 يَزِيدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُرَّازِمِ بْنِ
 حَكِيمِ الْأَزْدِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ عَلَّمَ رَسُولُ
 اللَّهِ صلى الله عليه وآله عَلِيًّا عليه السلام أَلْفَ بَابٍ يَفْتَحُ كُلُّ بَابٍ أَلْفَ بَابٍ
 ۳۹ - امام صادق عليه السلام فرمود رسول خدا
صلى الله عليه وآله بعلى هزار باب بیاموخت که هر بابی
 هزار باب میگشود.

٤٠ - حَدَّثَنَا أَبِي وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ وَ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ قَالُوا حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ فَضَالٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عُقْبَةَ عَنِ الْحَارِثِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

قَالَ جَاءَ أَبُو بَكْرٍ وَ عَمْرُ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ حِينَ دَفَنَ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ فِي حَدِيثٍ طَوِيلٍ قَالَ لَهُمَا فِيهِ أَمَا مَا ذَكَرْتُمَا أَنِّي لَمْ أَشْهَدْكُمَا أَمْرَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَإِنَّهُ قَالَ لَا يَرَى عَوْرَتِي أَحَدٌ غَيْرَكَ إِلَّا ذَهَبَ بَصْرُهُ فَلَمْ أَكُنْ لِأَذْنُوكُمَا لِذَلِكَ وَ أَمَا إِكْبَابِي عَلَيْهِ فَإِنَّهُ عَلَّمَنِي أَلْفَ حَرْفٍ الْحَرْفُ يَفْتَحُ أَلْفَ حَرْفٍ فَلَمْ أَكُنْ لِأَطْلِعْكُمْ عَلَى سِرِّ رَسُولِ اللَّهِ ص

٤٠ - امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: چون فاطمه بخاک سپرده شد ابو بکر و عمر بنزد امیر المؤمنین آمدند حضرت (ضمن حدیثی طولانی بآنان فرمود: اما آنچه گفتید که من نگذاشتم شما دو نفر شاهد کار تجهیز رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ شوید برای این بود که پیغمبر فرمود: عورت مرا بجز تو هر کس ببیند چشم اش کور می شود از این رو من نخواستم بشما اجازه حضور داده باشم و اما آنچه من خود را بروی پیغمبر انداختم برای این بود که پیغمبر هزار حرف بمن آموخت که هر حرفی هزار حرف میگشود و نمیبایست من شما را به راز رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ آگاه سازم.

٤١ - حَدَّثَنَا أَبِي وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ وَ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ قَالُوا حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ يَزِيدَ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ يُونُسَ عَنْ أَبِي بَكْرٍ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَضْرَمِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ عَلَّمَ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ أَلْفَ حَرْفٍ كُلُّ حَرْفٍ مِنْهَا يَفْتَحُ أَلْفَ حَرْفٍ وَ الْأَلْفُ حَرْفٍ كُلُّ حَرْفٍ مِنْهَا يَفْتَحُ أَلْفَ حَرْفٍ

۴۱ - امام باقر علیه السلام فرمود: همانا رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بعلى هزار حرف بیاموخت که از هر حرفی هزار حرف باز میشود و از هر حرف آن هزار حرف، هزار حرف دیگر باز میشود.

۴۲ - حَدَّثَنَا أَبِي وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ وَ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ قَالُوا حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ كَانَ فِي صَغِيرَةٍ فَقُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَيُّ شَيْءٍ كَانَ فِي تِلْكَ الصَّحِيفَةِ قَالَ هِيَ الْأَحْرُفُ الَّتِي يَفْتَحُ كُلُّ حَرْفٍ مِنْهَا أَلْفَ حَرْفٍ قَالَ أَبُو بَصِيرٍ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَمَا خَرَجَ مِنْهَا إِلَّا حَرْفَانِ حَتَّى السَّاعَةِ

۴۲ - ابی بصیر گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: در دسته شمشیر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم صحیفه کوچکی گذاشته شده بود عرض کردم در آن صحیفه چه بود؟ فرمود همان حرفهائی که از هر حرف آن هزار حرف گشوده میشود ابو بصیر گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: تا بامروز بجز دو حرف از آن حرفها بدیگران آموخته نشده است.

۴۳ - حَدَّثَنَا أَبِي وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ وَ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ قَالُوا حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ مُوسَى بْنِ سَعْدَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ الْحَضْرَمِيِّ عَنْ مَالِكِ بْنِ عَطِيَّةَ عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام سَيَأْتِي مَسْجِدَكُمْ هَذَا يَعْني مَكَّةَ ثَلَاثِمِائَةَ وَ ثَلَاثَةَ عَشَرَ يَعْلمُ أَهْلُ مَكَّةَ أَنَّهُمْ لَمْ يَلِدْهُمْ آبَاؤُهُمْ وَ لَا أَجْدَادُهُمْ عَلَيْهِمُ السُّيُوفُ مَكْتُوبٌ عَلَى كُلِّ سَيْفٍ كَلِمَةٌ تَفْتَحُ أَلْفَ كَلِمَةٍ تُبْعَثُ الرِّيحُ فَتُنَادِي بِكُلِّ وَادٍ هَذَا الْمَهْدِيُّ يَقْضِي بِقَضَاءِ آلِ دَاوُدَ لَا يَسْأَلُ عَلَيْهِ بَيِّنَةٌ

۴۳ - ابان بن تغلب گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: در آینده نزدیکی باین مسجد شما (یعنی مکه) سیزده نفر می آیند اهل مکه آنان را می شناسند که از پدران و نیاکان مکیان متولد نشده اند شمشیرهایی دارند که بهر شمشیری کلمه ای نوشته شده است که هزار کلمه از آن باز می شود. و بادی مأمور می شود که در همه بیابان آواز دهد: این است همان مهدی که با حکم خاندان داود حکم میکند و بر حکم خویش گواهی مطالبه نمی کند.

۴۴ - حَدَّثَنَا أَبِي وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ وَ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ قَالُوا حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى بْنِ عُبَيْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ جَابِرٍ وَ عَبْدِ الْكَرِيمِ بْنِ عَمْرٍو عَنْ عَبْدِ الْحَمِيدِ بْنِ أَبِي الدَّيْلَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ أَوْصَى رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله إِلَى عَلِيِّ عليه السلام أَلْفَ بَابٍ يَفْتَحُ كُلُّ كَلِمَةٍ وَ كُلُّ بَابٍ أَلْفَ كَلِمَةٍ وَ أَلْفَ بَابٍ

۴۴ - امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه وآله بعلی عليه السلام هزار باب وصیت فرمود که هر کلمه و هر بابی هزار کلمه و هزار باب میگشود.

۴۵ - حَدَّثَنَا أَبِي وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَا حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الْجَمِيرِيِّ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشِيرِ الْبَجَلِيِّ عَنْ ذَرِيحِ الْمُحَارِبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ جَلَّلَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله عَلِيًّا عليه السلام ثَوْبًا ثُمَّ عَلَّمَهُ أَلْفَ كَلِمَةٍ

۴۵ - امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه وآله جامه ای بر سر علی بینداخت و سپس هزار کلمه او را بیاموخت.

۴۶ - حَدَّثَنَا أَبِي وَ مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكَّلِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوِيهِ وَ أَحْمَدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ وَ حَمْرَةَ بْنِ

مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ الْعَلَوِيُّ وَ الْحُسَيْنُ بْنُ
 إِبْرَاهِيمَ بْنِ نَاتَانَةَ وَ الْحُسَيْنُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ
 هِشَامِ الْمُؤَدَّبِ وَ أَحْمَدُ بْنُ زِيَادِ بْنِ جَعْفَرِ
 الْهَمْدَانِيِّ رَضِيَ اللَّهُ تَعَالَى عَنْهُمْ قَالُوا حَدَّثَنَا
 عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ
 اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ
 الثَّانِي عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ سَمِعَهُ يَقُولُ عَلَّمَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ
 عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ أَلْفَ كَلِمَةٍ كُلُّ كَلِمَةٍ يَفْتَحُ أَلْفَ كَلِمَةٍ

٤٦ - عبد الله بن مغيرة گوید: شنیدم از
 امام جواد که میفرمود: رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ
عَلَيْهِ السَّلَامُ به علی عَلَيْهِ السَّلَامُ هزار کلمه بیاموخت که هر
 کلمه هزار کلمه میگشود.

٤٧ - حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ
 رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ
 عَيْسَى وَ عَلِيٍّ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ عَيْسَى وَ عَلِيٍّ بْنِ
 إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ
 عُيَيْدٍ اللَّهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَيْمُونِ الْقَدَّاحِ عَنْ
 جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ حَدَّثَ
 عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ أَلْفَ كَلِمَةٍ كُلُّ كَلِمَةٍ يَفْتَحُ أَلْفَ كَلِمَةٍ
 فَمَا يَذَرِي النَّاسُ مَا حَدَّثَهُ

٤٧ - امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ از پدرش نقل
 میفرماید: که پیغمبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ هزار کلمه
 به علی عَلَيْهِ السَّلَامُ حدیث فرمود که هر کلمه ای هزار
 کلمه میگشود پس مردم چه میدانند (یا
 نمیدانند) که پیغمبر چه حدیثی به علی
عَلَيْهِ السَّلَامُ فرموده است.

٤٨ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوِيهِ وَ
 مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكَّلِ وَ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ
 بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ قَالُوا حَدَّثَنَا
 مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ
 بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنِ النَّضْرِ بْنِ شُعَيْبٍ عَنِ خَالِدِ
 بْنِ مَادٍ الْقَلَانِسِيِّ عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدِ الْجَعْفَرِيِّ
 عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ
 جَاءَ رَجُلٌ إِلَى عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ هُوَ عَلَى مَنِيرِهِ فَقَالَ
 يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَ تَأْذَنُ لِي أَنْ أَتَكَلَّمَ
 بِمَا سَمِعْتُ عَنْ عَمَّارِ بْنِ يَاسِرٍ يَرْوِيهِ عَنْ رَسُولِ

اللَّهُ ﷻ فَقَالَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ لَا تَقُولُوا عَلَى عَمَّارٍ
 إِلَّا مَا قَالَهُ حَتَّى قَالَ ذَلِكَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ ثُمَّ قَالَ
 لَهُ تَكَلَّمْ قَالَ سَمِعْتُ عَمَّاراً يَقُولُ سَمِعْتُ رَسُولَ
 اللَّهِ ﷺ يَقُولُ أَنَا أَقَاتِلُ عَلَى التَّنْزِيلِ وَ عَلِيٌّ
 يُقَاتِلُ عَلَى التَّأْوِيلِ فَقَالَ ﷺ صَدَقَ عَمَّارٌ وَ رَبُّ
 الْكَعْبَةِ إِنَّ هَذِهِ عِنْدِي لَفِي أَلْفِ كَلِمَةٍ تَتَّبِعُ
 كُلَّ كَلِمَةٍ أَلْفُ كَلِمَةٍ

۴۸ - امام باقر ﷺ فرمود: علی ﷺ بر
 فراز منبرش بود که مردی بخدمتش رسید و
 عرض کرد یا امیر المؤمنین آیا اجازه بمن
 میدهی که روایتی را که عمار بن یاسر از
 رسول خدا ﷺ نقل کرد و من آن را از
 عمار شنیدم بگویم؟ فرمود از خداوند
 بپرهیزید و بر عمار بجز همان را که خود
 او گفته است نگوئید علی ﷺ این جمله را
 سه بار تکرار فرمود و سپس بآن مرد
 فرمود: اکنون حرف بزن، او گفت شنیدم که
 عمار میگفت: شنیدم از رسول خدا ﷺ
 میفرمود: من بر طبق تنزیل قرآن جنگ
 میکنم و علی ﷺ بر طبق تاویل آن جنگ
 خواهد نمود حضرت فرمود: بپروردگار کعبه
 سوگند که عمار راست گفت و این نزد من
 جزو همان هزار کلمه ای است که هر کلمه ای
 هزار کلمه بدنیاال دارد:

۴۹ - حَدَّثَنَا أَبِي وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ وَ
 أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ
 قَالُوا حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ
 مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى وَ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ
 الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ أَبِي الْمَغْرَاءِ
 حُمَيْدِ بْنِ الْمُثَنَّى الْعَجَلِيِّ عَنْ ذَرِيحِ بْنِ مُحَمَّدِ
 بْنِ يَزِيدِ الْمُحَارِبِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ﷺ
 يَقُولُ نَحْنُ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ ثُمَّ قَالَ جَلَّلَ رَسُولُ
 اللَّهِ ﷺ عَلَى عَلِيٍّ ﷺ ثَوْباً ثُمَّ عَلَّمَهُ أَلْفَ كَلِمَةٍ كُلُّ
 كَلِمَةٍ يَفْتَحُ أَلْفَ كَلِمَةٍ

۴۹ - محمد بن یزید محاربی گوید: شنیدم
 امام صادق ﷺ میفرمود ما وارثان

پیغمبرانیم سپس فرمود: رسول خدا ﷺ جامه‌ای بر سر علی علیه السلام کشید و سپس هزار کلمه او را بیاموخت که هر کلمه‌ای هزار کلمه میگشود.

۵۰ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ وَابْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ الثَّمَالِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليهما السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله عَلِيًّا عليه السلام أَلْفَ كَلِمَةٍ يَفْتَحُ كُلُّ كَلِمَةٍ مِنْهَا أَلْفَ كَلِمَةٍ وَ الْأَلْفُ الْكَلِمَةَ يَفْتَحُ كُلُّ كَلِمَةٍ أَلْفَ كَلِمَةٍ

۵۰ - امام زین العابدین فرمود: رسول خدا ﷺ به علی علیه السلام هزار کلمه بیاموخت که هر کلمه‌ای از آنها هزار کلمه میگشود (و هر یک از آن هزار کلمه هزار کلمه دیگر را میگشود).

۵۱ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ ذَكْوَانَ عَنْ سَعْدِ بْنِ طَرِيفٍ عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ قَالَ سَمِعْتُ عَلِيًّا عليه السلام يَقُولُ حَدَّثَنِي رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله بِأَلْفِ حَدِيثٍ لِكُلِّ حَدِيثٍ أَلْفُ بَابٍ

۵۱ - اصبغ بن نباته گوید: شنیدم علی علیه السلام میفرمود رسول خدا ﷺ هزار حدیث بمن بیان فرمود که برای هر حدیثی هزار باب است.

۵۲ - حَدَّثَنَا أَبِي وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ وَ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ قَالُوا حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشِيرِ الْبَجَلِيِّ وَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ فَضَالٍ عَنِ الْمُثَنَّى بْنِ الْوَلِيدِ الْخَنَاطِ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ عَنْ بَكْرِ بْنِ حَيَّيْبٍ عَنْ أَبِي

جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فِي مَرَضِهِ الَّذِي قُبِضَ فِيهِ ادْعُوا لِي خَلِيلِي فَأَرْسَلْتُ عَائِشَةَ وَ حَفْصَةَ إِلَى أَبِيهِمَا فَلَمَّا جَاءَا غَطَّى رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَجْهَهُ وَ رَأْسَهُ فَأَنْصَرَفَا فَكَشَفَ رَأْسَهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ ثُمَّ قَالَ ادْعُوا لِي خَلِيلِي فَأَرْسَلْتُ حَفْصَةَ إِلَى أَبِيهَا وَ عَائِشَةَ إِلَى أَبِيهَا فَلَمَّا جَاءَا غَطَّى رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَجْهَهُ فَأَنْطَلَقَا وَ قَالَا مَا نَرَى رَسُولَ اللَّهِ ﷺ أَرَادْنَا قَالَتَا أَجَلٌ إِنَّمَا قَالَ ادْعُوا لِي خَلِيلِي أَوْ قَالَ حَبِيبِي فَرَجَوْنَا أَنْ تَكُونَا أَنْثَمَا هُمَا فَجَاءَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ أَلْزَقَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ صَدْرَهُ بِصَدْرِهِ وَ أَوْمَأَ إِلَى أُذُنِهِ فَحَدَّثَهُ بِأَلْفِ حَدِيثٍ لِكُلِّ حَدِيثٍ أَلْفُ بَابٍ

۵۲ - امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: رسول خدا ﷺ در همان بیماری که قبض روح شد فرمود: دوست مرا برای من بخوانید عایشه و حفصه کس بنزد پدرانشان فرستادند همین که آمدند رسول خدا ﷺ صورت و سر خود را پوشانید و آن دو نفر که باز گشتند رسول خدا ﷺ جامه از سر خود برداشت و سپس فرمود: دوست مرا برای من بخوانید حفصه کسی بنزد پدرش فرستاد و عایشه کسی بنزد پدرش و چون هر دو آمدند رسول خدا ﷺ صورت خود را پوشانید و آن دو نفر راه خود گرفتند و گفتند بنظر ما رسول خدا ﷺ ما را نخواسته است عایشه و حفصه گفتند آری فقط فرمود: خلیل مرا یا فرمود حبیب مرا برای من بخوانید و ما امید این داشتیم که شما دو نفر حبیب یا خلیل آن حضرت باشید.

پس امیر المؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ تشریف آورد و رسول خدا ﷺ سینه خود را بسینه او چسبانید و سر بگوش او نهاد و هزار حدیث برای او بیان فرمود که هر حدیثی هزار باب داشت.

۵۳ - حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُوسَى وَ
 مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ السَّنَانِيُّ الْمُكْتَبُ وَ الْحُسَيْنُ
 بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ هِشَامِ الْمُؤَدَّبِ وَ
 عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْوَرَّاقُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ قَالُوا
 حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ يَحْيَى بْنُ زَكَرِيَّا الْقَطَّانُ عَنْ
 بَكْرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَبِيبٍ قَالَ حَدَّثَنَا تَمِيمُ بْنُ
 بُهْلُولٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو مُعَاوِيَةَ عَنْ سَلِيمَانَ
 بْنِ مِهْرَانَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ
 بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ
 الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي
 طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لَمَّا حَضَرَتْ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْوَفَاةَ
 دَعَانِي فَلَمَّا دَخَلْتُ عَلَيْهِ قَالَ لِي يَا عَلِيُّ أَنْتَ
 وَصِيِّي وَ خَلِيفَتِي عَلَى أَهْلِي وَ أُمَّتِي فِي حَيَاتِي
 وَ بَعْدَ مَوْتِي وَلِيكَ وَلِيِّي وَ وَلِيِّي وَلِيَّ اللَّهُ وَ
 عَدُوُّكَ عَدُوِّي وَ عَدُوِّي عَدُوُّ اللَّهِ يَا عَلِيُّ الْمُنْكَرُ
 لِوَلَايَتِكَ بَعْدِي كَالْمُنْكَرِ لِرِسَالَتِي فِي حَيَاتِي
 لِأَنَّكَ مِنِّي وَ أَنَا مِنْكَ ثُمَّ أَدْنَانِي فَأَسْرَ إِلَيَّ
 أَلْفَ بَابٍ مِنَ الْعِلْمِ كُلِّ بَابٍ يَفْتَحُ أَلْفَ بَابٍ

۵۳ - امير المؤمنين عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: چون
 هنگام وفات رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرا رسيد مرا
 خواست و چون بخدمتش رسيدم بمن فرمود: يا
 على تو جانشين منى و نماينده منى بر
 خاندانم و امتم در زندگى من و پس از مرگ
 من دوست تو دوست من است و دوست من دوست
 خدا است و دشمن تو دشمن من است و دشمن
 من دشمن خدا است يا على كسى كه پس از
 مرگ من ولايت تو را انكار كند مانند كسى
 است كه در زنده بودن من پيغمبرى مرا
 انكار نمايد زيرا تو از من هستى و من از
 تو سپس مرا بخودش نزديك كرد و هزار باب
 از دانش را با من براز گفت كه هر بابى
 هزار باب ميگشود.

خدای عز و جل هزار هزار عالم و هزار
 هزار آدم آفریده است خلق الله عز و جل ألف
 ألف عالم و ألف آدم

۵۴ - حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَيْسَى عَنْ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ شَمْرٍ عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَفَعَيَيْنَا بِالْخَلْقِ الْأَوَّلِ بَلْ هُمْ فِي لَبْسٍ مِنْ خَلْقٍ جَدِيدٍ فَقَالَ يَا جَابِرُ تَأْوِيلُ ذَلِكَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ إِذَا أَفْنَى هَذَا الْخَلْقَ وَ هَذَا الْعَالَمَ وَ أَسَكَنَ أَهْلَ الْجَنَّةِ الْجَنَّةَ وَ أَهْلَ النَّارِ النَّارَ جَدَّدَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَالَمًا غَيْرَ هَذَا الْعَالَمِ وَ جَدَّدَ عَالَمًا مِنْ غَيْرِ فُحُولَةٍ وَ لَا إِنَاثٍ يَعْْبُدُونَهُ وَ يُوحَدُونَهُ وَ خَلَقَ لَهُمْ أَرْضًا غَيْرَ هَذِهِ الْأَرْضِ تَحْمِلُهُمْ وَ سَمَاءً غَيْرَ هَذِهِ السَّمَاءِ تُظِلُّهُمْ لَعَلَّكَ تَرَى أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ إِنَّمَا خَلَقَ هَذَا الْعَالَمَ الْوَاحِدَ وَ تَرَى أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَمْ يَخْلُقْ بَشَرًا غَيْرَكُمْ بَلْ وَ اللَّهُ لَقَدْ خَلَقَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَلْفَ أَلْفِ عَالَمٍ وَ أَلْفَ أَلْفِ آدَمٍ أَنْتَ فِي آخِرِ تِلْكَ الْعَوَالِمِ وَ أَوْلَيْكَ الْأَدَمِيِّينَ

۵۴ - جابر بن یزید گوید: از امام باقر علیه السلام پرسیدم معنای اینکه خدای عز و جل میفرماید: آیا بآفرینش نخستین ما عاجز شدیم بلکه آنان از آفرینش تازه ای در اشتباهند (سوره ق آیه ۱۵) چیست؟ فرمود ای جابر تأویل این آیه چنین است که خدای عز و جل چون این آفریدگان و این جهان را فانی نمود و بهشتیان را در بهشت و دوزخیان را در دوزخ جای داد. خدای عز و جل جهانی از نو می آفریند که بجز این جهان باشد و جهانی که از نو بوجود می آورد نیازی بنر و ماده نخواهد داشت آنان خدای را پرستند و بیگانگی اش بشناسند و زمینی برای آنان بیافریند که بار سنگینی آنان را بکشد و بجز این زمین باشد و آسمانی برای آنان بیافریند که بر آنان سایه بیفکند و بجز این آسمان باشد. شاید تو را عقیده بر این است که فقط

همین يك جهان را آفریده است؟ و معتقدی
که خدای عز و جل بجز شما بشری را
نیافریده است؟ بلکه بخدا قسم همانا خدای
تبارك و تعالی هزار هزار جهان و هزار
هزار آدم آفریده است که تو در آخر آن
جهان‌ها و آن آدمیان میباشی
تم کتاب الخصال بحمد الله و توفیقه
با سپاس و توفیق خداوندی کتاب خصال
پایان یافت.

فهرست مطالب

2	مقدمة المؤلف
3	ترجمه مقدمه مؤلف
5	مقدمه مترجم
25	متن توقیع مبارک
27	ولادت صدوق شخصیت
30	محیط تربیتی صدوق شیخ <small>علیه السلام</small>
31	اساتید شیخ صدوق
32	مؤلفات شیخ صدوق <small>علیه السلام</small>
35	وفات و محل دفن شیخ
36	باب الواحد (باب «یک»)
36	معنای یکتائی خداوند
38	گذشت از یک کار بخاطر یک وعده
38	یک نوع ستم خصله من الجور
38	یک رشته از علاقه به دین
	پنج پاداش به یک کار خصله واحده به خمس
39	خصال
40	پاداشی بکاری خصله بخصله
40	یک خوی نجات بخش خصله منجیة
41	برترین قسمت دین خصله هی افضل الدین
	شایسته ترین پیوست میان خصلتی با خصلت
41	دیگر
42	شرافت دنیا و آخرت در یک خصلت است
	یک چیز حقیقت نیک بختی است و یک چیز
43	حقیقت بدبختی
43	پاداش و کیفر مردم در یک چیز است
44	برترین جهاد یک چیز است
	سخت ترین چیزی که خودداری از آن به یک
44	چیز است
	کاری که مؤمن را آبرو دهد و کاری که عزتش
45	بخشد
47	کلید همه بدیها یک خصلت است
47	نمونه ای از عدالت
	صاحب یک صفت لیاقت قضاوت در اجتماع را
47	دارد

48 کمترین حق مؤمن بر برادرش يك خصلت است.
 سخت ترین آزمایش خدا بندگان را با يك
 49 خصلت است.....
 49 میوه نهال نیکوکاری ثمره المعروف خصله.
 يك خو ایمان را استوار و خوی دیگر از دلش
 49 بیرون کند.....
 50 يك رفتار شکوه مؤمن را میبرد.....
 51 تضمین بی‌نیازی با انجام يك کار.....
 52 جوانمردی خاندان پیغمبر ﷺ.....
 52 نمونه‌ای از جوانمردی خصله من المروءة..
 53 کاری که از ثروتمند خوش آیند نیست.....
 53 کاری که خداوند آن را دوست میدارد و کاری
 که دشمنش میدارد.....
 هر کس دارای يك خصلت باشد سپاسگزاری
 54 نکرده است.....
 54 کسی که برای يك خصلت خشمگین نگردد از يك
 خصلت نیز سپاسگزار نخواهد بود.....
 55 نمونه‌ای از فروتنی.....
 55 صفتی که نزدیک به کفر است و صفتی که
 نزدیک است از تقدیر جلوگیری کند.....
 56 کاری که پیشینیان را نابود ساخت.....
 58 هدیه‌ای که خداوند فقط بر محمد.....
 60 روز قیامت شب وصال متقین است.....
 60 کاری که بزدش شبیه است خصله تشبه ضدها.
 بدترین مردم کسانی هستند که از ترس يك
 61 چیز به آنان احترام بشود.....
 زهد در دنیا يك چیز بیش نیست و سپاس هر
 62 نعمتی یکی بیش نه.....
 هیچ چیز از زبان سزاوارتر نیست که زندانش
 62 بطول انجامد.....
 63 هر کس آرزوی دراز کند بد کردار می‌شود..
 63 مرد مسلمان تا خاموش است نیکوکار نوشته
 می‌شود.....
 هر کس يك کار انجام دهد خداوند او را از
 63 وحشت روز قیامت در امان دارد.....
 64 يك چیز در پیکر عقل بجای سر او است.....
 64 پرهیزکارتر و عابدتر و زاهدتر و کوشاترین
 مردم.....
 65 توبه پشیمانی است و بس.....

آنکه بیش از خوراك خویش از دنیا برگیرد 65
 يك وصیت قابل توجه 65
 اثر منفی يك صفت و اثر مثبت صفت دیگر .. 66
 صفتی بر اهل دنیا سنگین است و صفت دیگر
 سبك 67
 شخصیت و بزرگواری و عمل و پرستش، هر يك
 بچیزی بستگی کامل دارد 67
 يك كار و چهار فائده 68
 کاری که شخص را مبتلا به بواسیر کند 69
 هر که پیش از سلام دادن شروع بسخن کند
 جوابش ندهید 69
 کاری که هر کس انجام دهد یا برایش انجام
 دهند از دین محمد بیرون است 70
 چون خدا در باره بنده اش نیکی بخواهد 71
 شکیبائی بر دشمنان نعمت 72
 پیغمبر و علی بن ابی طالب از میوه يك
 درختند 72
 يك سپاسگزاری برای هر نعمت 73
 دین یعنی محبت 73
 مایه حیات قلب 74
 کاری که دستورات حجت‌های الهی را احیاء
 میکند 74
 نه دهم دین در يك كار 75
 آنکه بقضای الهی خوشنود است و آنکه از آن
 دلتنگ است 77
 شتران سرخ موی را در برابر يك حال نباید
 دوست داشت 77
 يك كار روزی افزا 78
 گناه نابخشودنی 78
 کاری که خود نفاق آرد و دنباله اش تنگدستی
 79
 اولین تحفه مؤمن 79
 بنده ای که با نداشتن عمل صالح به يك كار
 آمرزیده شود 79
 سرآمد گناهان 80
 منظره زشت بنده ای که با رسوائی داخل بهشت
 می‌شود 81
 کاری که خیر و برکت خانه را افزایش دهد 82

در باره کسی که تندرستی‌اش نمایان‌تر است	
تا بیماری‌اش.....	83
مؤمن يك كار نکند.....	83
هیچ چیز مانند يك خوی ایمان را پایمال	
نکند.....	84
خوشبخت آنکه تا زنده است جانشین لایق پس	
از خود را ببیند.....	85
احترام مؤمن بیش از کعبه است.....	85
مؤمن را همین یاری خدا بس که به بیند	
دشمنش به گناه آلوده است.....	86
هدیه، کینه را از دل میزداید.....	86
خوشا بحال بنده گمنام.....	87
سرشناسان اهل بهشت يك صنفاند.....	87
بهترین خوی.....	88
پیغمبر دعای خود را به يك منظور ذخیره	
کرد.....	89
بهترین عبادت يك خصلت است.....	90
چیزی که خود، فراوان و عاملش کم است..	90
نیمی از دین.....	91
بهترین صفت مرد مسلمان.....	91
شایستگی بنده در شایستگی يك عضو از بدن	
او است.....	92
کسی که به دو فائده دلخوش دارد.....	93
رسول خدا ﷺ در نمازش يك سلام میداد ..	94
باب الاثنین (باب دوگانه)	95
دو غریب را نگهداری کنید.....	96
فقط آنچه از پس و پیش بیرون می‌آید وضو را	
میشکند.....	97
دو نعمت پنهان.....	98
وسیله آزمایش بیشتر مردم.....	98
فقط دو نفر را امر به معروف باید کرد..	99
دو بال کفر.....	100
خدای تعالی مردم روی زمین را به دو قسمت	
تقسیم فرموده است.....	100
صلاح و فساد امت وابسته بصلاح و فساد دو	
صنف است.....	101
در مورد دو ناتوان از خدا بپرهیزید.....	101
پاداش کسی که از دو دختر یا دو خواهر یا	
دو عمه یا دو خاله سرپرستی کند.....	102

- 102 دو نفر بوی بهشت را نمی‌یابند
- 103 در باره شخص دو رو
- مردم دو قسمند از یکی دیگران در راحت و
- 105 دیگری خود در استراحت است
- 106 دو صفت یکی موجب فراموشی گناه است
- 106 دو چیز امان از جذام است
- 107 گرفتاری دو کار بزرگ
- 108 دنیا دو کلمه است و دو درهم
- مرد تا دارای دو خصلت نباشد فقیه نگردد
- 109
- 109 خیر زندگی فقط دو نفر است
- 110 خیر دنیا را فقط دو کس دارد
- 111 دانش بر دو نوع است
- 111 دو کار شگفت آور
- امر بمعروف و نهی از منکر دو آفریده خدای
- 112 عزّ و جلّ هستند
- 113 بیشتر عبادت ابی ذر دو چیز بود
- 114 زنی که در دنیا دو شوهر دیده است
- 115 دو دشمن در باره خدا
- 116 بخشندگی به دو معنی است
- 117 پول طلا و نقره هر دو کشنده‌اند
- 118 پناهندگی از دو صفت
- 118 دو صفت شیعه
- 119 دو شادی از برای روزه دار است
- 120 در باره دو سوداگر راستگو و نیکوکار
- 122 دو معامله ناپسند
- 124 دو صفت علامت مؤمن واقعی است
- 125 دو وسیله تقرب التّقرّب إلی الله
- 126 دو قسم رفتار
- احسان فقط کسی را سزا است که صاحب دو
- 128 خصلت باشد
- 128 رفاقت برادرانه بر دو گونه است
- 130 مردم بر دو نوع‌اند
- مردم با دو چیز نمازشان را باطل میکنند
- 131
- 132 شیطان دو صفت را به نوح تذکر داد
- 135 از دو چیز جلوگیری شده است
- 136 دو قسم آب دعوت نوح را نپذیرفتند
- 136 ایمان گفتار است با کردار

- 137 دو گرسنه ای که سیر نمیشوند
- 138 دو چیز از آثار ایمان واقعی است
- 138 جوانمردی بر دو گونه است
- 139 دو خصلت از اقسام ستم است
- 139 دو چیز جلب روزی میکند
- 141 دو رفتار به عوض دو رفتار
- 141 حیاء بر دو قسم است
- 141 آنچه پدر را عاق فرزند میکند
- 141 در بیان فرمایش رسول خدا ﷺ که من فرزند
- 142 دو ذبیحم
- 150 دو چیز بر پا هستند و دو چیز روانند
- 152 پاداش آنکه دو مرتبه به حج برود
- 152 حق گوئی در دو حال
- 152 کشته شدن بر دو قسم است و جنگیدن بر دو
- 152 قسم
- 153 صاحب دو صفت را خداوند از آسمان و مردم
- 153 از زمین دوست دارند
- 154 رسول خدا ﷺ را دو انگشتر بود
- 154 تحفه روزه دار
- 155 صدقه بر سادات روا نبود جز در دو مورد
- 156 دو گناه یکی از دیگری سختتر
- 156 دندان را با سعد شستن دو اثر دارد
- 157 اشنان خوردن دو خاصیت دارد
- 157 دو طایفه از شفاعت پیغمبر ﷺ محروم اند
- 158 با دو چیز خلال کردن جذام می آورد
- 158 دنیا و آخرت مانند دو کفه ترازو است
- 158 دو دریا بهم برخوردند و بهم در نیامیختند
- 160 پیغمبر در میان امت دو چیز از خود به
- 161 یادگار گذاشت
- 165 حسن و حسین دو تعویذ داشتند
- 166 دو راه پیما اللیل و النهار
- 167 دو چیز مردم را گمراه کرد
- 167 فرمایش امیر المؤمنین: که پشت مرا دو نفر
- 167 شکست
- 168 شخص حریص از دو خصلت محروم است و بدو
- 168 خصلت پای بند
- 169 رسول خدا ﷺ دو نماز را ترك نکرد
- 171 دو صنف را از اسلام بهره ای نیست

با مردم دشمنی ورزیدن یکی از دو خصلت را	
در بر دارد.....	172
دو صفت است که هر يك دو اثر دارد.....	173
آدمیزاده دو صفت را خوش ندارد.....	174
رسول خدا.....	174
در هیچ مسلمانی دو خوی با هم جمع نشود	176
در دل هیچ بنده ای دو خوی با هم جمع نگردد	
.....	176
رشدگ در دو مورد.....	177
پیغمبر.....	177
دو چیز که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم را	
مسرور نمود.....	178
پیغمبر ﷺ به هر يك از حسن و حسین دو صفت	
به ارث بخشید.....	179
بجز دو کس نباید کسی پس از نماز عشا	
بیدار بماند.....	180
امت اسلامی به دو چیز بیشتر از هر چیز	
به آتش میروند و به دو چیز بیشتر به بهشت	
.....	180
خدای عز و جل دو ترس و دو آسودگی خاطر را	
به بنده اش يك جا ندهد.....	181
امت اسلامی را در اول دو چیز باعث صلاح بود	
و در آخر دو چیز موجب هلاکتش خواهد.....	181
باب الثلاثة (باب خصلتهای سه گانه) 183.....	
خداوند مؤمن را در مورد سه چیز بازخواست	
نمیکند.....	184
هر کس سه صفت و یا یکی از آن سه را داشته	
باشد در سایه عرش الهی خواهد بود.....	184
سه کس روز قیامت از همه کس به خدا	
نزدیکتراند.....	186
تا سه خصلت در کسی نباشد مؤمن نیست...	187
سه صفت در مؤمن دیده نمیشود.....	188
سه چیز موجب بالا رفتن درجه است.....	189
پاداش سه صفت همسری با حور العین است.	193
سه طایفه اند که اگر ستم بر آنان نکنی	
آنان بر تو ستم خواهند کرد.....	194
سه کس نمیتواند حق خود را از سه کس	
بستاند.....	195
بنده همواره با سه چیز روبرو است.....	195

196.....سه کس سزاوار دلسوزی هستند
 196...سه کس را خدای عز و جل دشمن میدارد
 در سه مورد دروغ گفتن زیبا است، و در سه
 مورد راست گفتن زشت است.....197
 سه چیز به پاداش سه چیز.....197
 سه چیز بسزای یکی.....198
 سه چیز نشانه پیری است.....198
 سه چیز مخصوص پیغمبران است و فرزندان و
 پیروانشان.....199
 دشمنی خدای تبارک و تعالی در سه چیز است
199
 هدیه بر سه قسم است.....200
 سه خصلت است که پیغمبر و کمتر از او از
 آن‌ها خالی نیست.....200
 ریشه‌های کفر سه چیز است.....202
 وام بر سه قسم است.....203
 اذن دخول سه بار است.....203
 بهترین مردم سه طایفه‌اند.....204
 سه چیز از روش پیغمبران است.....205
 سه چیز چشم را روشن میسازد.....206
 صفات نیکو سه است.....206
 زیاده روی در سه چیز است.....207
 سه کس را رسول خدا ﷺ لعن فرمود.....207
 مقامی در بهشت است که جز سه کس به آن
 نمیرسد.....208
 از سه کس قلم تکلیف برداشته شده است.....208
 داستان آن سه کس که به لات و عزی سوگند
 یاد کرده بودند.....209
 نیکی در حق برادران دینی و کوشش در انجام
 احتیاجات آنان سه نتیجه دارد.....215
 رو به آفتاب بودن سه خاصیت بد دارد.....216
 سه چیز نشان شخص اسراف کار است.....216
 روز قیامت بجز سه چشم همه دیده‌ها گریان
 است.....217
 بر پشت چهار پا نباید سه نفر ردیف سوار
 شوند.....218
 رفقای مسافر بیمار باید سه روز از حرکت
 خودداری کنند.....219

کفش سیاه سه اثر بد دارد و کفش زرد سه
 219 اثر پسندیده
 220 از کلاغ سه چیز را بیاموزید
 221 سه چیز با سه چیز همراه است
 221 فال بد در سه چیز است
 کسانی که تذکرات حق را فراموش کردند سه
 222 طایفه بودند
 224 مشورت با سه کس قدغن است
 225 خرد بر سه جزء تقسیم شده است
 در انتخاب یکی از سه خصلت به آدم اختیار
 225 داده شد
 226 میزان سنجش عقل مرد سه چیز است
 226 شیعه بر سه قسم است
 227 شیعه در سه چیز آزمایش می‌شود
 سه خصلت در هر کس باشد براستی ایمان خود
 228 را کامل کرده است
 مردم در سه جا از همه جاها بیشتر در
 235 وحشتند
 236 سه کس شریک ظلمند
 236 سخن چین سه نفر را قاتل است
 237 خدای را سه روز است
 237 سه کس در روز قیامت شکنجه خواهند شد
 238 سه کار تکبر را می‌زداید
 امر بمعروف و نهی از منکر وظیفه کسی است
 239 که سه صفت در او باشد
 239 سه کس نانجیب می‌شود
 این عیب برای مرد بس که سه صفت در او
 240 باشد
 241 محبوبترین کار نزد خداوند سه چیز است
 242 روز قیامت آتش با سه کس سخن می‌گوید
 243 سه چیز کمر شکن
 244 بجز در سه مورد شبزنده‌داری روا نیست
 اگر سه چیز در آدمیزاد نبود هیچ چیزاش
 245 سرافکنده نمی‌ساخت
 245 همه دستورات دین در سه چیز خلاصه می‌شود
 246 همه گرفتاریها در سه چیز است
 247 مرد مسلمان را سه دوست است
 251 مردان سه قسمند

پیشوائی را نشاید مگر کسی که سه صفت
 داشته باشد..... 252
 در باره کسی که سه بار حج رفته است... 254
 در باره کسی که سه نفر مؤمن را به حج
 ببرد..... 255
 پیراهن یوسف را سه آیت بود..... 255
 ستم بر سه گونه است..... 256
 هم بستری با زنان به سه راه حلال می... 257
 برای همه مسلمانان امید نجات است جز برای
 یکی از سه تن..... 257
 سخت ترین هنگام برای آدمی سه وقت است. 258
 آدمیزاد هرگز کاری انجام نمیدهد که در
 نزد خدا از سه کار بزرگتر باشد..... 259
 مرد سفر نکند مگر در سه مورد..... 260
 سه بستر لازم است..... 260
 علامت‌های سه‌گانه..... 261
 خدای عز و جل بنده را در سه حال مختلف
 آفرید..... 264
 مردم سه دسته‌اند..... 265
 در سه مورد هیچ کس معذور نیست..... 267
 هر کس دارای سه خصلت باشد تا سزای آنها
 را نبیند هرگز نخواهد مرد..... 267
 سه چیز باعث کامل شدن مسلمان است..... 269
 سفارش‌های سه‌گانه‌ای که پیغمبر به امیر
 المؤمنین فرموده است..... 269
 در دعا به سه کس باید لفظ جمع گفته شود
 273.....
 برای عطسه‌کننده تا سه بار باید دعا کرد
 274.....
 سه صفت را خدای عز و جل نه در منافقی جمع
 میکند و نه در فاسقی..... 274
 سه کس از مهمانان خداوند هستند و زائر او
 و در پناه او..... 275
 خریدار حیوان تا سه روز اختیار فسخ دارد
 276.....
 خدای عز و جل در سه چیز بهیچ کس رخصت
 مخالفت نداده است..... 276
 محرومیت از سه چیز شدیدترین گرفتاری مؤمن
 است..... 277

اگر سه طایفه نبودند خداوند عذاب سختی بر
 بندگان فرو میفرستاد. 278.....
 سه کس از رحمت خدا دورند. 278.....
 حکیمان و دانشمندان چون به یکدیگر نامه
 مینوشتند فقط سه جمله مینوشتند و چهارم
 نداشت. 279.....
 مؤمن با سه چیز خو نگیرد. 279.....
 هر کس چیزی از مال دنیای او از دستش برود
 سه پاداش دارد. 280.....
 سه خصلت در شیعه یافت نمیشود. 282.....
 سه کار از سختترین کارهای بندگان خدا است
 282.....
 گفتار شیطان به نوح عليه السلام که در سه هنگام
 بیاد من باش. 284.....
 گفتار شیطان خدا لعنتش کند. 285.....
 سه کار بر مردم طاقت فرسا است. 285.....
 کار نیک شایستگی ندارد مگر با سه شرط. 286.....
 سه دست هست. 286.....
 سه صفت دوست داشتنی. 287.....
 بخشنندگان سه اند. 288.....
 بجز در سه مورد سؤال شایسته نیست. 288.....
 خدای عز و جل به سه چیز بر آدمیزاد منت
 نهاده است. 291.....
 سه چیز به این امت از هر چیز کمتر داده
 شده است. 292.....
 آخرین درجه ابتلاء سه چیز است. 293.....
 سه چیز در این امت مشروع نیست. 293.....
 در خانه ای که سه چیز باشد فرشتگان به آن
 خانه در نیایند. 294.....
 سه نفر در امر بمعروف و نهی از منکر شریک
 هم اند. 295.....
 خدای عز و جل به مؤمن سه خصلت عنایت
 فرموده است. 296.....
 از سه کس بر دین باید ترسید. 296.....
 سه پرسش مرد ترسا. 298.....
 زمین به پروردگار خود ننالیده بمانند
 ناله اش از سه چیز. 300.....
 خداوند نگهبانی از سه کس را نمیپذیرد. 300.....

در روز قیامت سه کس از سایه عرش خدای عز
 و جل سایه بان دارند..... 301
 سه چیز شکایت به نزد خدای عز و جل برنند
 302.....
 دانشمندان علم قرآن سه قسمند..... 303
 بار سفر بستن جز برای سه مسجد جایز نیست
 305.....
 در فجل سه فایده هست..... 306
 سه چیز بی زیان است..... 306
 هر کس سه عمل را ترك کند بضمانت پیغمبر
 سه خانه در بهشت دارد..... 307
 امیر المؤمنین علیه السلام بجنگ با سه گروه مأمور
 بود..... 307
 هر کس سه چیز نداشته باشد نه با خدا
 ارتباطی دارد و نه با پیغمبرش..... 308
 سه چیز را باید برای خدا محترم شمرد.. 309
 آخرین درجه ایمان سه خصلت است..... 310
 آنکه عمل حج بجا می آورد بر سه وجه است 311
 از سه خصلت نهی شده است..... 312
 سیاه پوشی پسندیده نیست بجز در سه چیز 313
 کسی که قصد زیارت خانه خدا دارد اگر سه
 خصلت در او نباشد مورد اعتنا نمیشود.. 313
 پذیرائی از مهمان تا سه روز است..... 314
 مرد مسلمان در سه چیز خیانت بدل خود راه
 ندهد..... 314
 سه چیز است که مرد مسلمان در آن خیانت به
 دل خود راه ندهد..... 315
 گفتار پیغمبر: که بر حقانیت سه چیز سوگند
 یاد میکنم..... 316
 هیچ عملی پس از مرگ بدنبال شخص نمیرود
 مگر سه کار..... 316
 خدای عز و جل سه دسته از مردم را در
 بهشتش جای نخواهد داد..... 317
 پدران بر سه گونه اند..... 318
 مؤمن را سه خصلت داده شده است..... 319
 سه نفر از همه سزاوارترند که آرزوی سه
 چیز داشته باشند..... 320
 کارها بر سه گونه است..... 321
 دزدان بر سه گونه اند..... 321

322 فرشتگان بر سه طبقه اند
 322 جن بر سه گروه است و انسان بر سه گروه
 323 پشت سر سه کس نباید نماز جماعت خواند
 سه نخوردنی فربهی آورد و سه خوراکی لاغری
 324
 324 همه قضاوت‌های مسلمانان از سه مجرا است
 325 سه چیز قرین سه چیز است
 سه کس از خدای عز و جل خواهش میکنند و
 326 خداوند خواهش آنان رامی‌پذیرد
 نخستین کسانی که قرعه بنامشان زده شد سه
 326 نفراند
 328 در به سه خاصیت هست
 329 در پیاز سه خاصیت هست
 329 بجز در سه مورد نباید افسون کرد
 330 سه چیز از نشانه‌های فهم است
 330 سه چیز را نشاید دمید
 330 در هر کس سه صفت باشد جهنمی است
 هر کس از راه حرام مالی بدست بیاورد
 331 خداوند سه چیز بر او مسلط گرداند
 332 آسایش مؤمن در سه چیز است
 از اسباب خوشبختی مرد این است که دارای
 332 سه چیز باشد
 333 دعای سه نفر مستجاب نیست
 روزه رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هر ماهی
 334 سه روز بود
 335 سرگرمی مؤمن در سه چیز است
 هر کس سه خصلت دارا باشد مانند این است
 336 که همه خیر دنیا را دارا است
 رسول خدا ﷺ روز کندن خندق سه کلنگ زد و
 337 به هر کلنگی يك تكبير گفت
 محبوبترین کارها نزد خدای عز و جل سه چیز
 338 است
 ترسناک‌تر از هر چیز بر امت من سه چیز است
 339
 کسی که خدا و روز قیامت را باور دارد سه
 340 کار نکند
 340 بر این امت فقط از سه چیز باید ترسید
 341 پیغمبر از دنیا سه چیز را دوست داشت

- امام صادق هیچ گاه فارغ از یکی از سه کار
 نبود..... 343
 زائر حضرت رضا در سه مورد بهره‌مند می‌شود
 345.....
 345..... کارها بر سه حالتند.....
 امام باقر علیه السلام فرزندش امام صادق را سه
 دستور داد و از سه کار نهی فرمود..... 347
 فرمایش پیغمبر بسلمان که تو را بهنگام
 بیماری سه خصلت است..... 350
 گفتار ابی بکر..... 353
 گفتار عبد الله بن مسعود: دانشمندان روی
 زمین سه نفرند..... 357
 سه نفر حتی يك چشم بهم زدن به وحی الهی
 کافر نشدند..... 358
 پاداش کسی که سه دختر داشته باشد و بر
 آنان صبر کند..... 359
 روز قیامت سه چیز به پیشگاه الهی شکایت
 خواهند نمود..... 359
 از سه کس قلم تکلیف برداشته شده است.. 360
 بخل منشأ سه خصلت نکوهیده است..... 362
 آغاز کار پیغمبر از سه چیز شروع شد... 363
 هر کس سه کار انجام دهد در سود و زیان
 مسلمانان شریک است..... 364
 ایمان سه چیز است..... 365
 سه کس به بهشت میروند..... 367
 در باره کسی که سه فرزند از دست داده
 باشد..... 368
 ثواب سه کار: وضوی کامل گرفتن..... 369
 سه برادر بودند که هر يك با برادر بعدی
 ده سال فاصله داشت..... 370
 پس از سه پیش آمد مردم مسلمان خوار شدند
 370.....
 سؤال کردن سه اثر دارد و بدترین مردم سه
 گروه‌اند..... 372
 دوری بیش از سه روز روا نیست..... 374
 سه چیز اثر خوشبختی مسلمان است..... 375
 خدای عز و جل با سه کس سخن نگوید..... 376
 صدیقان سه کس‌اند..... 376
 یاران رقیم سه نفر بودند..... 377

- سه عمل نزد خداوند از هر کاری محبوبتر
است..... 379
- مردم سه دسته اند..... 380
- یاد، از نوری که سه بخش شد..... 383
- مردم خدای را از سه رو می‌پرستند..... 384
- امیر المؤمنین با میزبان خود سه شرط کرد
..... 385
- سه صفتی که در امیر المؤمنین علیه السلام بود... 386
- سه نفر به رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم
دروغ می‌بستند..... 389
- سه کس لعن شدند يك جلودار و يك راننده و
يك سوار..... 389
- سه کسانند که معلوم نیست گناه کدام يك
بزرگتر است..... 390
- دانشمندان سه دسته اند..... 395
- هر کس با سه کس ستیزه کند خوار گردد.. 397
- مردم در باره قضا و قدر سه نوع عقیده
دارند..... 397
- باب الأربعة (باب خصلت‌های چهارگانه) .. 399**
- کیفر کسی که در چهار چیز همسر خود را
اطاعت کند..... 400
- تیر دعای چهار کس به خطا نرود..... 402
- پایداری دین بوسیله چهار کس است..... 402
- خداوند کسی را که در چهار مورد سخت گیر
نبود..... 404
- خواسته مردم در دنیای فانی چهار چیز است
..... 404
- هیچ بنده ای ایمان نخواهد داشت تا آنکه به
چهار چیز عقیده‌مند باشد..... 405
- امیر المؤمنین را چهار انگشتر بود..... 406
- چهار سوره پیغمبر را پیر کرد..... 407
- پیغمبر چهار بار عمره بجا آورد..... 407
- امام با چهار خصلت شناخته می‌شود..... 408
- گفتار پیغمبر: با چهار چیز از پیغمبران
دیگر برترم..... 409
- بهترین یاران سفر چهار نفر..... 410
- آنکه از چهار چیز بهره‌مند است از چهار
چیز بی‌بهره نیست..... 411

به چهار چیز شنوائی از همه آفرینش داده
 شده است..... 411
 چهار کس را خداوند در روز قیامت نظر نکند
 412.....
 سواران روز رستاخیز چهارند..... 413
 چهار چیزی که پیره زال بنی اسرائیل از
 موسی خواست..... 417
 بهترین زنان بهشتی چهار کسند..... 419
 از چیزهای کمرشکن چهار چیز است..... 420
 خدای عز و جل از مقام الوهیت چهار بار به
 عالم پائین نگرست..... 421
 گفتار پیغمبر ﷺ به علی عليه السلام که من در چهار
 مورد نام تو را قرین نام خود دیدم..... 422
 بار حدیث اهل بیت را جز چهار کس نتواند
 کشید..... 423
 هر کس در معامله با مردم از سه خصلت دوری
 جوید..... 424
 چند بیت شعری که شیطان در پاسخ دو بیت
 شعر آدم سروده است..... 425
 خدای تبارک و تعالی چهار چیز را در چهار
 چیز پنهان نموده است..... 427
 گفتار پیغمبر که چهار چیز را ناخوش
 ندارید که چهار فائده دارند..... 428
 امیر المؤمنین را چهار منقبت بود که هیچ
 عربی نژاد پیش از او دارای آن منقبتها
 نبود..... 429
 چهار صفت منشأ همه گناهان است..... 439
 پاداش کسی که چهار بار حج بجا آورد... 441
 چهار چیز در چهار مورد پذیرفته نیست.. 442
 خوراکی که چهار خصلت را دارا باشد خوراک
 کامل است..... 442
 زنا زاده چهار نشانه دارد..... 443
 خدای عز و جل موسی را چهار سفارش فرمود
 444.....
 شگفت آور است کسی که از چهار چیز می‌هراسد
 چرا بچهار چیز پناهنده نمیشود..... 445
 آنچه موجب امان از چهار خصلت در دنیا است
 450.....
 چهار چیز از وسوسه است..... 453

453..... چهار چیز از چهار چیز سیر نشوند
هر کس چهار چیز را دارا باشد در بزرگترین
454..... نور الهی است
چهار خصلت هر که را باشد اسلامش کامل است
455.....
455..... چهار کلمه حکمت
456..... چهار خصلت به چهار خانه در بهشت
چهار خصلت در هر کس باشد خداوند خانه ای
457..... در بهشت برای او بسازد
هر که از چهار خصلت بر کنار باشد بهشت
457..... برای او است
چهار کس را خداوند روز رستاخیز مورد نظر
458..... قرار دهد
458..... شیعه به چهار خصلت گرفتار نگردد
چهار خصلت در هر کس باشد در پناه خدا است
459.....
خداوند از هر چیز چهارش را برگزیده است
460.....
461..... چهار خصلت غم انگیز
چهار خصلت همواره دامن گیر امت محمد است
462.....
462..... پی‌ریزی بدن بر چهار چیز است
پایداری انسان و بقایش به چهار چیز است و
463..... آتش چهار قسم است
چهار خصلت دل را تباه سازند و ریشه نفاق
465..... را در دل برویانند
رسول خدا ﷺ چهار قبیله را دوست میداشت و
465..... چهار قبیله را دشمن
466..... چهار خصلت دل را میمیراند
466..... زمین از چهار نفر مؤمن تهی نگردد
467..... به چهار خصلت از علم طب بی‌نیاز بودن
468..... مؤمن دارای چهار خصلت نگردد
خدای عز و جل از مؤمن به چهار چیز پیمان
468..... گرفته
469..... مؤمن از چهار خصلت جدا نگردد
469..... چهار چیز کیفر زودرس دارد
یکی از چهار چیز به هر خانه داخل شود
471..... ویرانش سازد

چیزهائی که هر يك بر چهار پایه استوار
است..... 471
نجده حروری نامه‌ای به ابن عباس نوشت و از
او چهار چیز پرسید..... 477
موی سپید پیری در چهار جا نشانه چهار چیز
است..... 479
مردم بر چهار قسم اند..... 480
چهار انگشت فاصله میان حق و باطل است بین
480.....
گنج دو یتیم چهار جمله پند بود..... 481
بر چهار کس نباید سلام کرد..... 482
چهار چیز که صورت آدمی را روشن سازد.. 482
محبوبترین هم سفر نزد خدا چهارند..... 483
به روز قیامت آتش بر چهار کس حرام است 483
چهار چیز است که اندکش نیز افزون است. 484
از چهار چیز هر چه زودتر باید بهره‌مند شد
پیش از چهار چیز..... 484
دانش همه مردم در چهار جمله است..... 485
در چهار مورد امت اسلام را حقی لازم آمده
است..... 486
چهار قسم جهاد..... 486
برای بنده چهار چشم است..... 488
چهار خصلت است که از هر چیز بهتر است. 488
زنان چهار قسمند..... 489
چهار چیز از روش پیغمبران مرسل است... 490
چهار کسانند که هیچ نمازی از آنان پذیرفته
نیست..... 490
چهار چیز که رواج یابد چهار چیز آشکار 491
چهار چیز نشانه بدبختی است..... 492
خدای عز و جل گفتار خود را برای آدم در
چهار کلمه خلاصه فرمود..... 493
چهار کس را نباید دوست گرفت و با آنان
برادری کرد..... 495
در راه دانش چهار کس پاداش دارند..... 495
در معامله چهار چیز نباید چکش کرد..... 496
تا يك سال، پیدایش چهار عیب در زر خرید
اختیار فسخ در معامله می‌آورد..... 497
بهترین ثروت چهار چیز است..... 497

چهار نماز است که در هر ساعت می‌توان
 خواند..... 500
 قاضیان چهار قسمند..... 500
 مرد باید هزینه چهار نفر را به حکم اجبار
 پرداخت نماید..... 501
 پیغمبرانی که پادشاهان روی زمین بودند
 چهار نفرند..... 502
 در آفتاب چهار خاصیت است..... 503
 درمان چهارگانه..... 504
 چهار چیز مزاج را معتدل می‌سازد..... 504
 تره را چهار خاصیت است..... 505
 نشانه زیادی خون چهار چیز است..... 505
 چهار نهر بهشتی است..... 506
 چهار کنیه غدقن شده است..... 506
 بهترین نامها چهار و بدترین نامها چهار
 است..... 507
 از چهار چیز و چهار ظرف نهی شده است..... 507
 دستور زیر خاک کردن چهار چیز..... 508
 چهار خصلت از اخلاق پیغمبران است..... 509
 بر چهار کس تمام خواندن نماز واجب است چه
 مسافر باشند چه حاضر..... 509
 از اسرار نهانی در گنجینه علم الهی نماز
 را در چهار جا تمام خواندن است..... 510
 عزایم: سوره‌هایی که سجده واجب در آنها
 است چهار سوره است..... 511
 روز رستاخیز هیچ بنده‌ای قدم از قدم
 بر ندارد تا از چهار چیز باز پرسى شود..... 511
 پیغمبر بدوستی چهار کس امر فرموده است 512
 نخستین گروه از چهار گروه که به بهشت
 می‌روند..... 513
 چهار خصلت است که در هر کسی باشد منافق
 است..... 514
 چهار نفر پادشاه همه روی زمین شدند دو
 مؤمن و دو کافر..... 514
 حدیث پیغمبر از چهار کس بدست مردم رسید
 که پنجمی ندارند..... 515
 مردم در ماه رمضان از چهار چیز بی‌نیاز
 نیستند..... 524
 حیوانات چهار چیز را تمیز میدهند..... 526

خدای عز و جل اسب را از چهار چیز آفریده	
است.....	527
بادهای چهارگانه.....	528
مردم چهار صنفاند.....	531
خواب بر چهار گونه است.....	532
شیطان چهار بار ناله کرد.....	533
چهار چیز به هدر میرود.....	533
گفتار خدای عز و جل به ابراهیم <small>ع</small>	536
چهار خصلت هر که را باشد خداوند دشمنش	
میدارد.....	540
باب الخمسة (باب خصلتهای پنجگانه) ... 541	
پنج چیز است که در میزان عمل چه قدر	
سنگیناند.....	541
در شانه زدن پنج خاصیت است.....	544
نشانه‌های ایمان پنج چیز است.....	545
پنج چیز از پنج کس نشدنی است.....	546
پنج بجای پنجاه.....	546
کلماتی که آدم از پروردگار دریافت نمود و	
خداوند توبه‌اش را پذیرفت پنج کلمه بود	
پنج خصلت که پیسی آورند.....	548
گفتار امام صادق: پنج چیز چنان است که من	
میگویم.....	548
روش پیغمبران نسبت به سر پنج بود و نسبت	
به بدن پنج.....	549
گفتار پیغمبر که پنج چیز را تا دم مرگ	
رها نکنم.....	550
شومی برای مسافر در پنج چیز است.....	551
پنج تن گریه فراوان داشتند.....	552
گناهان بزرگ پنج گناه است.....	554
پیغمبر با پنج شمشیر برانگیخته شد بعث	
دوستی پنج شرط دارد.....	560
مؤمن در میان پنج نور میغلطد.....	561
پایه‌های اساسی کاخ اسلام پنج است.....	562
مکه را پنج نام است.....	562
خدای عز و جل بر بندگان در شبانه روز پنج	
نماز واجب فرموده است.....	563
افرادی که پیغمبر را مسخره میکردند پنج	
نفر بودند.....	564
نماز بر جنازه را پنج تکبیر است.....	568

ترس از خدا بر پنج قسم است..... 569
 پنج خصلت را خدای عز و جل و رسولش دوست
 دارند..... 571
 ثروت اندوخته نشود مگر با پنج خصلت... 572
 پاداش کسی که پنج بار عمل حج بجا آورد 572
 خدای عز و جل روز رستاخیز بر پنج طائفه
 حجت تمام کند..... 573
 هر کس یکی از پنج خصلت را نداشته باشد
 بهره فراوانی نخواهد داشت..... 575
 نماز را نباید دوباره خواند مگر در صورتی
 که یکی از پنج چیز کم داشته باشد..... 576
 شیطان ملعون در پنج کس راه چاره‌ای ندارد
 577.....
 کسی که بازرگانی کند باید از پنج خصلت
 دوری کند..... 578
 پنج چیز روزه را باطل میکند..... 578
 پنج دسته با طبع آتشین آفریده شده‌اند. 579
 از پنج کس در هر حال باید اجتناب شود. 580
 دانش را پنج درجه است..... 580
 پنج کار و پیشه زشت و ناپسند است..... 581
 به پنج کس زکات نمیرسد..... 582
 نماز جماعت با کمتر از پنج نفر صحیح نیست
 582.....
 از میوه‌های بهشتی پنج میوه در دنیا است
 583.....
 رسول خدا ﷺ پنج چیز را غدقن فرموده است
 583.....
 پنج چیز است که خداوند هیچ کس از
 آفریدگان را بر آن آگاه نکرده است..... 584
 کامل بودن دین مسلمان از پنج خصلت شناخته
 می‌شود..... 585
 پنج چیز است که خمس در آنها واجب است. 585
 پنج رود روی زمین را جبرئیل با پای خود
 کند..... 587
 از جانب پنج نفر يك گاو قربانی بس است 588
 پیغمبر را پنج چیز عطا شده است که به هیچ
 کس پیش از او عطا نشده است..... 590
 خدای عز و جل به پیغمبرش پنج چیز عطا
 فرمود و به علی پنج چیز..... 590

خداوند به پیغمبرش در باره پنج کس اجازه
 شفاعت داده است..... 592
 فرمایش پیغمبر: هر کس برای من عهده دار
 پنج چیز شود..... 593
 فرمایش پیغمبر: در باره علی علیه السلام پنج چیز به
 من عطا شده است..... 594
 خوشا به حال کسی که پنج خصلت در او باشد
 595
 پیرو جعفر بن محمد علیه السلام کسی است که پنج خصلت
 در او باشد..... 595
 پنج کس به بی‌خوابی دچاراند..... 596
 در دوزخ آسیائی است که پنج کس را آرد
 میکند..... 597
 غدقن از کشتن پنج حیوان و دستور کشتن پنج
 حیوان دیگر..... 598
 پنج کس از رحمت خدا دورند..... 598
 روز عید قربان هیچ کاری بهتر از پنج کار
 نیست..... 599
 پنج خصلت در هر کس نباشد بهره فراوانی از
 او برده نشود..... 600
 در خروس سفید پنج خصلت است..... 600
 دعای پنج نفر مستجاب نگردد..... 601
 دستور اعتراف به بزرگواری خدای عز و جل
 در پنج جمله..... 602
 پیغمبران اولو العزم پنج‌اند..... 603
 پنج کس را تا تغییر حالت نداده‌اند نباید
 دفن کرد..... 603
 در کوفه پنج مسجد ملعون است و پنج مسجد
 فرخنده..... 604
 در پنج مسجد کوفه نباید نماز خواند..... 605
 پنج کس بایستی نماز را در سفر تمام
 بخوانند..... 606
 مرد میتواند به پنج عضو زن نامحرم نگاه
 کند..... 607
 بهشت شوق دیدار پنج کس را دارد الجنة..... 608
 پنج زن را در هر حال میتوان طلاق داد..... 608
 خروج امام قائم پنج علامت دارد..... 609
 کلماتی که خداوند ابراهیم را با آنها
 آزمود..... 611

امیر المؤمنین به فرمانداران حکومت خود	
پنج دستور کتبی داد.....	626
پنج کار مطابق فطرت است.....	626
پنج امتیاز که مخصوص امیر المؤمنین <small>علیه السلام</small> بود	
.....	627
در پنج مورد بر قاضی لازم است که بر طبق	
ظاهر حکم کند.....	629
پیش آهنگان پنج نفراند.....	630
عبد المطلب پنج رسم در زمان جاهلیت نهاد	
.....	630
ولیمه فقط در پنج مورد است.....	632
رسول خدا <small>صلی الله علیه و آله</small> از پروردگار خود در باره علی	
<small>علیه السلام</small> پنج چیز درخواست کرد.....	633
پنج موعظه است که اگر مردم در آن باره	
کوچ کنند مانند آنها را نیابند.....	635
در روز جمعه پنج خصلت است.....	637
همسری با پنج طائفه از زنان ناروا است	
.....	638
بهترین بندگان کسانی هستند که پنج خصلت	
بجای می آورند.....	639
گفتار نیک پنج نتیجه دارد.....	640
روز قیامت پنج کس از پنج کس میگریزد..	642
پنج تن از پیغمبران به زبان عربی سخن	
گفتند.....	643
پنج تن از بدترین خلق خدای عز و جلاند	
.....	644
باب الستة (باب خصلت‌های ششگانه) 645.....	
شش خصلت مخصوص این امت است.....	645
زنا شش نکبت به بار آورد.....	646
فرمایش پیغمبر: شما انجام شش عمل را برای	
من تعهد کنید تا من بهشت را برای شما	
متعهد شوم.....	647
هر کس شش عمل را انجام دهد به بهشت خواهد	
رفت.....	648
شش پیغمبر <small>صلی الله علیه و آله</small> هر کدام به دو نام.....	649
شش چیزاند که متولد شدند ولی نه از رحم	
مادر.....	650
مؤمن پس از مرگ هم از شش چیز بهره‌مند	
می‌شود.....	651
شش کلمه‌ای که بر در بهشت نوشته شده است	
.....	651

652..... شش خصلت از آثار جوانمردی است
 653..... خمس به شش قسمت میگردد
 654..... شش چیز است که از اختیار بیرون است
 خدای عز و جل شش طایفه را برای داشتن شش
 654..... خصلت عذاب خواهد فرمود
 655..... شش خصلت در مؤمن نباشد
 655..... شش کس را نباید سلام کرد
 656..... شش چیز عجیب
 656..... دستور نکشتن شش حیوان
 659..... خدای عز و جل شش خصلت را برای پیغمبر
 آئین آسان محمدی شش دستور اساسی دارد
 660..... شش طائفة نانجیباند
 661..... در شش صورت عزل روا است
 661..... احتکار در شش چیز است
 662..... پناه بردن به خدا از شش چیز است
 662..... شش چیز حرام است
 اولین بار که گناه در پیشگاه الهی انجام
 663..... گرفت بخاطر شش چیز بود
 چهار پایان شش حق بر ذمه صاحب خویش دارند
 664.....
 سلام دادن بر شش کس سزاوار نیست شش کس را
 665..... نشاید
 تفسیر کلماتی که الفبا را تشکیل میدهند
 666.....
 دیوانه کسی است که شش خصلت در او باشد
 669..... در شش نماز تکبیرات افتتاحیه و دعای توجه
 مستحب است
 670.....
 از تن شهید شش چیز باید کنده شود
 671.....
 671..... مردم شش گروه اند
 کسی که با کسی دوست است از انجام شش کار
 672..... در باره او باید دوری کند
 خدای عز و جل انگشتی به حضرت ابراهیم
 فرو فرستاد که شش حرف آن بر آن نوشته شده
 673..... بود
 676..... خدای عز و جل شیعه را از شش خصلت
 678..... شش دعای نامستجاب
 680..... شش طائفة گرفتار لعنت شده اند
 681..... شش چیز مایه کمال مرد است
 681..... طبقات ششگانه مردم

باب السبعه (باب خصلتهای هفتگانه) ... 683

به زیر خاک نمودن هفت چیز دستور داده شده

است..... 683

خوردن هفت عضو از گوسفند حرام است.... 684

به پیغمبر در باره علی هفت خصلت داده شد

..... 686

هفت خصلت تمام نیست شاید سقط از راوی و

یا از نسخه باشد..... 687

به روز قیامت هفت صنف در سایه عرش خدا

باشند..... 687

در کشمش هفت خاصیت است..... 688

هفت کوهی که در روز تجلی حق بر موسی

پراکنده شدند..... 690

نام آسمانهای هفتگانه و رنگشان..... 690

رسول خدا ﷺ به ابی ذر هفت چیز را سفارش

فرمود..... 692

هفت صفت در هر کس باشد ایمان حقیقی را به

سر حد کمال رسانده است..... 693

کسی که ماه رمضان را روزه بدارد هفت خصلت

برایش لازم می‌شود..... 694

عذاب هفت نفر به روز قیامت از همه مردم

سختتر است..... 695

تکبیرات اول نماز هفت است..... 696

دانشمندی به دنبال دانشمندی دیگر هفت صد

فرسخ راه پیمود..... 698

هفت کس کارکردهای خود را تباه میکند.. 699

سجده بر هفت استخوان واجب است..... 700

رسول خدا ﷺ هفت کس را لعن فرموده است..... 701

مؤمن را بر مؤمن هفت حق است..... 702

کافر با هفت روده میخورد..... 705

مؤمن کسی است که مجموعه هفت خصلت باشد

..... 706

مؤمن بر هفت درجه است..... 706

شیرینی ایمان به هفت دل راه ندارد... 707

هفت دسته از دانشمندان در آتشند..... 707

هفت چیز جاندار که خدا آنها را آفریده

ولی از شکم مادر بیرون نیامده‌اند..... 709

خداوند اسلام را به هفت سهم قرار داده است

..... 710

هفت خصلتی که خداوند به پیغمبرش عطا
 فرموده است..... 713
 يك گاو و يك شتر قربانی از هفت نفر کافی
 است..... 717
 خورشید هفت طبقه است و ماه نیز هفت طبقه
 717.....
 دنیا هفت کشور است..... 718
 هفت مورد دعای مخصوصی ندارد..... 719
 هفت کس نباید قرآن بخوانند..... 719
 قرآن بر هفت حرف نازل شده است..... 721
 از روزی که خداوند زمین را آفریده هفت
 عالم در روی زمین آفریده است..... 722
 در آسمانها و زمین چیزی وجود پیدا نمیکند
 مگر آنکه هفت سبب دارد..... 724
 نجاشی که مرد پیغمبر ﷺ هفت تکبیر بر او
 گفت..... 725
 چون خدا بر امتی خشم کند و عذاب بر آنان
 فرود نفرستد به هفت بلا مبتلاشان می‌کند. 726
 در زمان حیات پیغمبران در هفت مقام
 آزمایش فرمود..... 727
 آنچه از طریق سنیان رسیده که زمین برای
 هفت کس آفریده شده است..... 728
 دوزخ را هفت در است..... 729
 علی علیه السلام با هفت خصلت که داشت به روز قیامت
 بر مردم حجت می‌آورد..... 731
 خواهران بهشتی هفت نفراند..... 734
 خدای عز و جل جانشینان پیغمبران را در
 زمان حیات پیغمبران در هفت مقام آزمایش
 فرمود..... 738
 آنچه در باره روزهای هفته:..... 788
 آنچه در باره روز يك شنبه و روزهای پس از
 آن رسیده است..... 789
 آنچه در باره روز دوشنبه رسیده است..... 792
 آنچه در باره روز سه‌شنبه رسیده است..... 794
 آنچه در باره روز پنجشنبه رسیده است..... 802
 آنچه در باره روز شنبه رسیده است..... 811
 آدم و حواء در بهشت هفت ساعت بودند تا
 آنکه خداوند آنان را بیرون کرد..... 817
 در شیعه هفت خصلت هست..... 818

- رسول خدا ﷺ در هفت مورد ابا سفیان را
 لعن کرد 819
 صندوق‌های هفتگانه‌ای که در دوزخ است... 822
 فرشتگان بر هفت صنفند و حجاب‌ها هفتند. 826
 امیر المؤمنین علی علیه السلام هفت سال پیش از مردم
 نماز خواند 829
 شیطان بر هفت تن از غالیان فرود آید.. 830
 کسی که روایت کرده است که اهل بیته که
 آیه تطهیر 832
 هفت کس نباید نماز را شکسته بخوانند.. 833
 هر حق بر هفت عضو پخش شده است... 834
 رسول خدا ﷺ را هفت فرزند بود 835
باب الثمانیه (باب خصلت‌های هشتگانه) . 838
 شایسته است که هشت خصلت در مؤمن باشد. 838
 نماز هشت طایفه پذیرفته نمیشود 839
 حاملین عرش هشتند 840
 بهشت را هشت در است 841
 هشت طایفه است که از مردم نیستند 843
 کسی که به مسجدها رفت و آمد داشته باشد
 به یکی از هشت خصلت میرسد 844
 هشت طایفه‌اند که اگر توهین به آنان شد
 نباید بجز خود دیگری را ملامت کنند 846
 مسجدها را از هشت چیز باید دور داشت.. 847
 ایمان هشت خصلت است 847
 گناهان بزرگ هشت است 849
 برای علی علیه السلام هشت خصلت هست 851
باب التسعة (باب خصلت‌های نه‌گانه) 854
 به شیعیان و دوستان علی نه چیز داده شده
 است 855
 فاطمه علیها السلام را در نزد خداوند نه نام است 856
 به پیغمبر در باره علی نه چیز داده شد 858
 نه چیز است که هر يك آفتی دارد 860
 در خرماي برنی نه خاصیت است 861
 نه چیز از این امت برداشته شده است... 862
 از نه چیز نهی شده است 862
 به گناهکار نه ساعت مهلت داده می‌شود.. 863
 امامان از فرزندان حسین علیه السلام نه نفراند .. 864
 پیغمبر 865
 نه کلمه‌ای که امیر المؤمنین علیه السلام فرمود . 866

- 867..... اندازه بالغ شدن زن نه سال است.
- 868..... زنی که از شوهر خود نه بار طلاق عده دار گرفته باشد.
- 869..... زکات بر نه چیز است.
- 871..... حکم نماز جمعه از نه نفر برداشته شده.
- 872..... نه چیز فراموشی آورد.
- 873..... بیان نه معجزه‌ای که که خدای عز و جل به موسی عطا کرد.
- 874..... آنانی که در خدمت امام قائم خواهند بود.
- باب العشرة (باب دهگانه) 876.....**
- 879..... رفت و آمد به در خانه‌ها بخاطر ده چیز شایسته است.
- 883..... باید امام ده خصلت داشته باشد.
- 888..... مژده بر شیعیان و یاران علی به ده خصلت.
- 889..... ده خصلت از اخلاق ستوده.
- 891..... قیامت بر پا نشود تا ده نشانه بوجود آید.
- 892..... ده خصلت است که خداوند آنها را برای پیغمبرش ﷺ و خاندان او فراهم آورده.
- 893..... هر کس با ده خصلت خدا را ملاقات کند به بهشت داخل می‌شود.
- 894..... مؤمن خردمند نگردد تا ده خصلت در او نباشد.
- 895..... ده چیز از گوسفند را نباید خورد.
- 896..... ده چیز از مردار پاک است.
- 896..... طمع ده کس در ده خصلت بی‌جا است.
- 897..... ده جا نباید نماز خواند.
- 899..... ده کس به بهشت نمی‌روند.
- 901..... سلامتی ده جزء است.
- 901..... ده طائفه خود و دیگران را گرفتار می‌سازند.
- 902..... بی رغبتی به دنیا ده جزء دارد.
- 903..... ده قسم کنیز بر آقای خود حرام است.
- 904..... میل زناشوئی ده جزء است.
- 904..... حیاء ده جزء است.
- 905..... خوابگاه پسر بچه‌ها را در ده سالگی باید از زنان جدا کرد.

- 905 يك زن بردباری ده مرد را دارد
- 906 ده چیز است که یکی از دیگری سختتر است
- 914 در خربزه ده خاصیت فراهم آمده است
- 915 نشاط در ده چیز است
- 916 نماز بر ده قسم است
- 917 شیعه دارای ده خصلت است
- 917 رسول خدا ﷺ در باره می ده کس را لعن کرد
- 918 پاداش کسی که ده ماه رمضان روزه بگیرد
- 918 پاداش کسی که ده حج انجام دهد
- 919 برکت ده جزء است
- 920 نزدیک شدن رستاخیز را ده علامت است
- 921 سازمان اسلام بر ده بخش است
- 922 ایمان ده درجه است
- 924 پاداش کسی که ده سال برای رضای خدا اذان بگوید
- 925 نشانه های قیامت ده است
- 926 رسول خدا ﷺ در شبانه روزی ده طواف هفت شوطی بجا می آورد
- 927 در باره کسی که با زنی در يك روز ماه رمضان ده بار عمل جنسی انجام دهد
- 928 ده سخن پند آمیز
- 929 ده طایفه از این امت بخدای بزرگ کافر هستند
- 930 تیرهای قمار که مردم دوران جاهلیت با آنها تقسیم میکردند ده بود
- 933 پسران عبد المطلب ده تن بودند
- 936 .. أبواب الأحد عشر (بابهای یازده گانه)**
- 936 نامهای یازده ستاره ای که یوسف آنها را در خواب دید
- 938 نامهای زمزم یازده است
- 939 أبواب الاثنی عشر (بابهای دوازده گانه)**
- 939 باب یکم تا دوازدهم
- 944 بدترین خلق اولین و آخرین دوازده نفرند
- 952 راه شناختن نیم روز در هر ماه از ماههای دوازده گانه رومی
- 953 دوازده نفر بودند که نشستن ابی بکر را بر مسند خلافت

- خدای عز و جل از نسل بنی اسرائیل دوازده گروه بیرون آورد..... 966
- جانشینان و امام پس از پیغمبر دوازده نفر بودند..... 968
- در مسواک دوازده خاصیت است..... 997
- روایتی که حجابها دوازده است..... 999
- پرهیزکاران را دوازده نشانه است..... 1002
- به دوازده نفر نباید سلام کرد..... 1004
- جعفر بن ابی طالب که از حبشه بازگشت پیغمبر ﷺ دوازده گام به پیشواز او رفت..... 1005
- دوازده کس در تابوت ته دوزخ جا دارند..... 1006
- در سفره دوازده خاصیت است..... 1007
- ماهها دوازده ماه است..... 1008
- شب دوازده ساعت است و هم چنین روز ساعات..... 1014
- برجهای فلک دوازده است و بیابانها دوازده است..... 1015
- حدیث دوازده درهمی که برای رسول خدا ﷺ هدیه آورده شد..... 1020
- نقیبان دوازده نفراند..... 1023
- أبواب الثلاثة عشر (بابهای سیزده گانه)**
- 1026**.....
- سیزده صنف حیوان نخست به صورت انسان بوده اند..... 1026
- اندازه بالغ شدن پسر از سیزده سال است تا چهارده سال..... 1032
- سیزده خصلت از فضائل امیر المؤمنین ؑ..... 1033
- أبواب الأربعة عشر (بابهای چهارده گانه)**
- 1036**.....
- در حنا گذاشتن چهارده خاصیت است..... 1036
- در چهارده جا غسل کردن لازم است..... 1038
- یاران عقبه چهارده نفر بودند..... 1039
- أبواب الخمسة عشر (بابهای خصلتهای پانزده گانه)**
- 1041**.....
- هر گاه امت مسلمان پانزده خصلت را مرتکب شوند دچار بلا میشوند..... 1041
- پسر بچه را میان پانزده و..... 1043

- تکبیراتی که در منی روزهای تشریق گفته می‌شود پس از پانزده نماز است..... 1043
- پاداش کسی که پانزده روز از ماه رجب را روزه بدارد..... 1045
- دستور شرعی در نوره کشیدن هر پانزده روز يك بار است..... 1046
- أبواب الستة عشر (بابهای شانزده گانه)**
- 1048**.....
- از جمله حقوق دانشمندان شانزده خصلت است 1048.....
- شانزده خصلت است که تهی دستی آورد و. 1049
- شانزده خصلت از دانش و واقع بینی است 1052
- شانزده طایفه از امت محمدصلی الله علیه و آله وسلم خاندان او را دوست نمی‌دارند و. 1053
- باب السبعة عشر (باب هفده)**..... 1058
- غسل در هفده مورد است..... 1058
- باب الثمانية عشر (باب هیجده گانه)**.. 1060
- أبواب التسعة عشر (بابهای نوزده گانه)**
- 1061**.....
- نوزده جمله‌ای که هر کس آنها را بخواند از گرفتاری رهایی می‌یابد..... 1061
- نوزده تکلیف از زنان برداشته شده است 1063
- أبواب العشرين و ما فوقه (بابهای**
- خصلت‌های بیست‌گانه و بالاتر)**..... 1072
- در دوستی خاندان پیغمبر ﷺ بیست خصلت است 1072.....
- مؤمن را بر عهده خدای عز و جل بیست خصلت ثابت است..... 1073
- پاداش کسی که بیست بار به حج رفته باشد 1075.....
- بیان بیست و سه خصلت از خصلت‌های**
- پسندیده‌ای که امام زین العابدین علیه السلام 1076.**
- آنچه در باره شب بیست و یکم و بیست و سوم ماه رمضان رسیده است..... 1081
- از بیست و چهار خصلت نهی شده است..... 1083
- نماز را به جماعت خواندن بیست و پنج درجه از خواندن به تنهایی بهتر است..... 1085
- بیست و نه خصلت در نماز هست..... 1086

1087 بیست و نه خصلت در دانش است
خصلتهائی که ابو ذر آنها را از رسول خدا
1089 عَلَيْهِ السَّلَامُ پرسید

أبواب الثلاثين و ما فوقه (بابهای سی و بالاتر) 1096.....

1096 از برای امام علیه السلام سی نشانه هست ماه رمضان سی روز است و هرگز کمتر نمیشود
1101 خدای تبارك و تعالی از جمعه تا جمعه دیگر
سی و پنج نماز واجب کرده است..... 1107
1109 روزه بر چهل قسم است
در باره کسی که چهل تن از برادران خود را
پیش از خود دعا کند..... 1115
در باره کسی که پس از مردنش چهل تن از
مؤمنین به نیکی اش گواهی دهند..... 1116
در نهی از نستردن موی زهار بیش از چهل
روز..... 1117
زمین از ادرار شخص ختنه نشده تا چهل روز
نجس میماند..... 1117
خدای تعالی به فرعون میان دو جمله اش چهل
سال مهلت داد..... 1119
دو رحم تا چهل پشت به هم میرسد..... 1121
چون حضرت قائم قیام کند خدای عز و جل
نیروی هر يك مرد..... 1122
در باره کسی که چهل حدیث نگهداری کند 1122
حریم مسجد چهل ذراع است و..... 1128
در باره کسی که چهل سال و بیشتر از عمرش
بگذرد..... 1129
پاداش کسی که چهل بار عمل حج انجام دهد
1135.....
امیر المؤمنین چهل و سه دلیل علیه ابی
بکر اقامه کرد..... 1135
امیر المؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ به این گونه خصلتها در
روز شوری بر مردم احتجاج کرد..... 1149

أبواب الخمسين و ما فوقه (بابهای پنجاه و بالاتر) 1176.....

پنجاه حقی که حضرت علی بن الحسین سید
العابدین برای اصحاب خود نوشته است.. 1176
1195 پنجاه خصلت از صفات مؤمن است

- ثواب کسی که پنجاه بار عمل حج انجام داده باشد 1197
- أبواب السبعین و ما فوقه (بابهای هفتاد و بیشتر) 1198**.....
- هفتاد منقبت امیر المؤمنین علیه السلام داشت که 1198
- ثواب کسی که در نماز وتر هفتاد بار استغفار کند 1226
- ثواب کسی که بعد از نماز صبح هفتاد مرتبه از خدای عز و جل آمرزش بطلبد 1227
- ثواب کسی که در هر روز از ماه شعبان هفتاد بار استغفار کند 1227
- پرچم حمد هفتاد شقه دارد 1229
- ربا هفتاد جزء است 1231
- حدیث بنده ای که هفتاد خریف در آتش بماند 1232
- امت هفتاد دو فرقه خواهند شد 1233
- کسی که روایت نموده که امت هفتاد و سه فرقه خواهد شد 1234
- هفتاد و سه خصلت در آداب زنان و فرق میان احکام آنان و مردان 1235
- خدای عز و جل خرد را هفتاد و پنج لشکر عطا فرمود و 1241
- أبواب الثمانین و ما فوقه (بابهای هشتاد و بالاتر) 1248**.....
- پیغمبر صلی الله علیه و آله در مورد شرابخواری هشتاد تازیانه زد 1248
- تکبیرهای نماز نود و پنج تکبیر است .. 1249
- برای خدای تبارک و تعالی نود و نه نام است 1249
- ثواب صد لا اله الا الله گفتن و ثواب صد بار استغفار کردن 1252
- باب الواحد إلى المائة (باب يك تا صد) 1253**.....
- پرسشهای یهود از ابی بکر 1253
- اهل بهشت يك صد و بیست صنفند 1263
- پیغمبر صلی الله علیه و آله يك صد و بیست بار به آسمان بالا رفت 1266
- میوه يك صد و بیست نوع است 1267

- اهل بهشت يك صد و بيست صنفند 1268
هر كس قرآن را حفظ كند ساليانه دويست
دينار از بيت المال حقوق دارد 1268
سال سيصد و شصت روز است 1269
خصال من شرائع الدين (خصلتهائی از
قوانين دين) 1271
امير المؤمنين عليه السلام به ياران خود در يك
مجلس 1290
آنچه دو هزار سال پيش از آفرينش آسمانها
و زمين به در بهشت نوشته شده است 1357
نماز چهار هزار باب دارد 1357
آنچه هفت هزار سال پيش از آفرينش آدم بر
پايه عرش نوشته يافته شد 1358
كسى كه روايت كرده است كه خداى عز و جل
را دوازده هزار جهان است 1360
اصحاب پيغمبر دوازده هزار مرد بودند 1360
بيان نورى كه پيش از آفرينش آدم در
پيشگاه الهى بود 1361
بيان آنچه بيست و دو هزار سال پيش از
آفرينش آدم 1362
خداى عز و جل يك صد و بيست و چهار هزار
پيغمبر آفريد و 1363
خداى تعالى يك صد و بيست و چهار هزار
كلمه با موسى 1365
رسول خدا صلى الله عليه وآله به على عليه السلام هزار باب آموخت
..... 1365
۲۵ - بكير بن ايمن گويد سالم بن ابى حفصه
گفت: شنيدم امام باقر عليه السلام مي فرمود: همانا
رسول خدا صلى الله عليه وآله صلى الله عليه وآله بعلی هزار باب پیاموخت
كه هر بابى هزار باب ميگشود بگير گويد
اصحاب ما كه اين شنيدند رفتند و از امام
باقر اين موضوع را پرسيدند ديدند سالم
راست گفته است و راوى گويد كسى كه اين
حديث را از امام باقر شنيده بود براى من
حديث كرد و سپس گفت از آن بابها بجز يك
باب و يا دو باب بدست مردم نرسيده است و
..... 1369
فهرست مطالب 1388

